بهشت و دوزخ

از نگاه قرآن و حدیث

فارسی - عربی

جلد ۲-۱

محمد محمدی ری‌شهری

با همکاری: رسول موسوی

مترجم حمیدرضا شیخی

بهشت و دوزخ از نگاه قرآن و حدیث، فارسی - عربی

مشخصات کتاب

سرشناسه : محمدی ری شهری، محمد، 1325 -

عنوان قراردادی : الجنه والنار فی الکتاب والسنه. فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور : بهشت و دوزخ از نگاه قرآن و حدیث، فارسی - عربی / محمد محمدی ری شهری ، با همکاری رسول موسوی؛مترجم حمیدرضا شیخی.

مشخصات نشر : قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث،سازمان چاپ و نشر ، 1389 .

مشخصات ظاهری : 2 ج.

فروست : پژوهشکده علوم و معارف حدیث؛ 217.

شابک : 220000 ریال : دوره 978-964-493-536-7: ؛ ج.1 978-964-493-537-4: ؛ ج. 2: 978-964-493-538-1

یادداشت : ج. 2 (چاپ اول : 1389).

یادداشت : ج.2 (چاپ دوم: 1390).

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : بهشت (اسلام)

موضوع : بهشت (اسلام) -- احادیث

موضوع : بهشت (اسلام) -- جنبه های قرآنی

موضوع : دوزخ -- احادیث

موضوع : دوزخ -- جنبه های قرآنی

شناسه افزوده : موسوی، سیدرسول، 1340 -

شناسه افزوده : شیخی، حمیدرضا، 1337 -، مترجم

شناسه افزوده : دار الحدیث. مرکز چاپ و نشر

رده بندی کنگره : BP222/65/م28ج9041 1389

رده بندی دیویی : 297/44

شماره کتابشناسی ملی : 2566718

ص: 1

جلد 1

اشاره

ص: 2

ص: 3

ص: 4

ص: 5

ص: 6

پیش گفتار

اشاره

پیش گفتاربهشت و دوزخ ، بنیادی ترین مسئله در حوزه معارف مرتبط با جهان شناسی ، انسان شناسی و دین شناسی است . از نگاه قرآن ، حکمت غایی و هدف نهایی آفرینش انسان و جهان ، بازگشت به خداوند متعال است ، و اگر این هدف نباشد ، نه تنها آفرینش انسان ، بلکه آفرینش جهان ، باطل و بیهوده است . قرآن ، در تبیین هدفدار بودن خلقت انسان می فرماید : «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَکُمْ عَبَثًا وَأَنَّکُمْ إِلَیْنَا لَا تُرْجَعُونَ . (1) آیا گمان بُرده اید که ما شما را بیهوده آفریده ایم و به سوی ما باز نمی گردید؟ !» همچنین ، هدفدار بودن خلقت جهان را چنین تبیین می نماید : «وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَیْنَهُمَا بَطِلاً ذَ لِکَ ظَنُّ الَّذِینَ کَفَرُواْ فَوَیْلٌ لِّلَّذِینَ کَفَرُواْ مِنَ النَّارِ * أَمْ نَجْعَلُ الَّذِینَ ءَامَنُواْ وَ عَمِلُواْ الصَّالِحَتِ کَالْمُفْسِدِینَ فِی الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِینَ کَالْفُجَّارِ . (2) ما ، آسمان و زمین و میان آن دو را، پوچ نَیافریدیم. این ، گمان کسانی است که

.

1- .مؤمنون : آیه 115 .
2- .ص : آیه 27 28 .

کافر شدند. پس وای بر کسانی که کافر شدند از آتش جهنّم ! یا [گمان می برید]ما کسانی را که ایمان آوردند و کار نیک انجام دادند، همسانِ تباهکاران زمین قرار می دهیم و یا تقواپیشگان را همانند فاجران قرار می دهیم ؟ !» و نیز می فرماید : «أَمْ حَسِبَ الَّذِینَ اجْتَرَحُواْ السَّیِّئَاتِ أَن نَّجْعَلَهُمْ کَالَّذِینَ ءَامَنُواْ وَ عَمِلُواْ الصَّلِحَتِ سَوَآءً مَّحْیَاهُمْ وَ مَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا یَحْکُمُونَ * وَ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَ تِ وَ الْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ لِتُجْزَی کُلُّ نَفْسِ بِمَا کَسَبَتْ وَ هُمْ لَا یُظْلَمُونَ . (1) آیا کسانی که مرتکب کارهای بد شده اند ، پنداشته اند که آنان را مانند کسانی قرار می دهیم که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند ، که زندگی و مرگشان یکسان است ؟ ! چه بد ، داوری می کنند ! و خدا ، آسمان ها و زمین را به حق آفریده است و تا هر کس به [موجب] آنچه به دست آورده، پاداش یابد و به آنان ، ستم نخواهد شد» . با تأمّل در این آیات و آیات مشابه آنها معلوم می شود که مقصود از بازگشت به خداوند متعال ، رستاخیز انسان و حضور وی در صحنه قیامت و دیدن دستاورد کارهای نیک خویش به صورت درجات بهشت است ، و یا رو به رو شدن با حاصل کارهای ناروای خود در قالب دَرَکات دوزخ . بنا بر این ، همه آنچه در تبیین «حکمت آفرینش» در قرآن و حدیث آمده ، مقدّمه این هدف نهایی است . به سخن دیگر ، حکمت آفرینش انسان ، این است که وی با به کار گیری اندیشه و عقل ، با آفریدگار خود ، آشنا شود و با به کار بستن برنامه هایی که او از

.

1- .جاثیه : آیه 21 22 .

گزارشِ اجمالی کتاب

طریق پیامبران خود برای سعادت دنیا و آخرت انسان ، ارائه کرده ، به سوی رحمت مطلق خداوند ، ره سپار گردد و برای همیشه از بهترین زندگی ها برخوردار شود . البتّه انسان اگر فرمان عقل را نادیده گرفت و به جای پیروی از آن ، تسلیم هوس های حیوانی خود شد ، آینه دلش زنگار می گیرد ، خدا را فراموش می کند و بدین سان ، از رحمت گسترده او دور می گردد و بدترین گونه زندگی ابدی را برای خود ، رقم می زند .

گزارشِ اجمالی کتابکتابی که در برابر شماست ، جمع بندی معارف قرآن و احادیث اسلامی در باره جایگاه ابدی نیکوکاران و سرنوشت حتمی تبهکاران ، با نظمی نوین و تحلیل های مورد نیاز است که در دو بخش ، ارائه می شود : بخش یکم ، در باره بهشت و جایگاه ابدی نیکوکاران و مباحث مربوط به آن است . در فصل نخست این بخش ، کاربردهای کلمه «جنّت» در قرآن و حدیث ، ارائه می شود و در فصل های بعدی ، جنّتِ موعود در عالم آخرت ، بررسی می گردد . در فصل دوم ، پس از گزارش احادیث مربوط به آفرینش بهشت و دوزخ ، آرای مختلف در این باره ، نقد و بررسی می شوند . در فصل سوم ، به مشهورترین نام ها و اوصافی اشاره شده که در قرآن و احادیث ، برای بهشت موعود ، به کار رفته اند و سایر موارد (مانند : «غرفه» و

.

«روضه») ، ضمن مباحث بعدی مطرح می گردند . جاذبه های مادّی و معنوی بهشت ، موضوع فصل چهارم است . در این فصل ، جاذبه های دیداری ، خوردنی های لذیذ ، آشامیدنی های گوارا ، آوازهای خوش ، همسرانِ زیبا ، خدمتکارانِ مرواریدگون و مَرکب های راهوار بهشت ، به تفصیل ، گزارش شده اند و افزون بر این ، تأکید گردیده که در بهشت ، هر چه دل بخواهد و دیده از آن لذّت بَرَد ، وجود دارد ؛ امّا بالاترین لذّت در بهشت ، خشنودی خدا و محبّت و دیدار قلبی اوست . در فصل پنجم ، به آنچه در بهشت (مانند : خستگی ، ترس ، غم ، بیماری های جسمی و روحی ، خواب و پیری) وجود ندارد ، اشاره شده است . همه آیات و احادیثی که در باره بهشت وارد شده اند ، به گونه ای مخاطب را تشویق می کنند که همه تلاش خود را برای رسیدن به آن ، به کار گیرد ؛ ولی شماری از آنها به طور ویژه به این موضوع پرداخته اند ، مانند : آنچه ارزش غیر قابل تصوّر بهشت و آسان بودن دستیابی به آن را گزارش کرده است ، یا آنچه بر یاد کردنِ بهشت و اجتناب از غفلت از آن ، دلالت دارد . این آیات و احادیث ، در فصل ششم ، تنظیم گردیده اند . در فصل های هفتم تا سیزدهم نیز راه های رسیدن به بهشت و زمینه ها و عوامل تکوینی ، اعتقادی ، اخلاقی و عملی ورود به جایگاه نیکان در عالم آخرت ، ارائه می شوند . تنوّع بیان و تفاوت تعابیر احادیث در تبیین راه های ورود به بهشت ، موجب گردید که این موضوع ، در چند فصل ، تنظیم شود تا برای مخاطب ، جاذبه بیشتری داشته باشد ؛ امّا موانع اعتقادی ، اخلاقی و عملیِ ورود به بهشت ، تنها در یک فصل ، یعنی فصل چهاردهم ، جای گرفت .

.

در فصل پانزدهم ، شماری از نظام های حاکم بر بهشت ، گزارش شده اند ، مانند : اجازه نامه بهشت ، نخستین کسانی که وارد بهشت می شوند ، و آخرین پیامبران و مردمانی که وارد آن می گردند . بهشت ، درجات و مراتب مختلفی دارد که بر اساس معرفت و عمل ، میان بهشتیان ، تقسیم می شوند ؛ یعنی هر کس که از معرفت بیشتری برخوردار است و کارهای نیکوتری انجام داده است ، درجه بالاتری دارد و از لذایذ بیشتری بهره مند می گردد . فصل شانزدهم ، به گزارش هایی در این باره اختصاص دارد . در آخرین فصل از بخش نخستِ این مجموعه ، اهل بهشت بودن شماری از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان ایشان ، بیان شده و این ، بِدان معناست که آنها تا پایان زندگی ، از راه حق ، منحرف نخواهند شد . بخش دوم این کتاب ، سرنوشت حتمی و خطرناک تبهکاران را از منظر قرآن و احادیث اسلامی ، تبیین می نماید . در مقدّمه این بخش ، حکمت خلقت دوزخ و ماهیت کیفرهای اُخروی ، بررسی می شوند و در ادامه ، نام های دوزخ ، هشدارهای خداوند متعال و پیشوایان الهی در باره دوزخ ، تشویق به یادآوری این جایگاهِ وحشتناک و پناه بردن از آن به خدا ، ویژگی های دوزخ ، آزارهای روانی دوزخیان ، ویژگی های اهل دوزخ ، زندگی و حالات گوناگون آنان ، آنچه انسان را گرفتار چنین سرنوشت شومی می کند ، و آنچه مانع این گرفتاری می گردد ، در یازده فصل ، ارائه می گردند . در فصل دوازدهمِ این بخش ، نظام حاکم بر سرای ابدیِ تبهکاران ، با عنوان «نظام جهنم» مطرح می شود و در فصل پایانی به شماری از کسانی که در قرآن و

.

روش تدوین کتاب

احادیث اسلامی ، دوزخی بودن آنان پیشگویی شده ، اشاره می گردد .

روش تدوین کتابروش ما در بررسی و کاوش و مستندسازی مباحث در این مجموعه ، متّکی به عناصر زیر است : 1 . از دیدگاه ما ، احادیثی که از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده اند ، در واقع ، حدیث پیامبر خدایند ، همان گونه که امام رضا علیه السلام فرمود : إنّا عَنِ اللّهِ و عَن رَسولِهِ نُحَدِّثُ . (1) ما از طرف خدا و پیامبر او سخن می گوییم . نیز امام صادق علیه السلام می فرماید : حَدیثی حَدیثُ أبی ، و حَدیثُ أبی حَدیثُ جَدّی ، و حَدیثُ جَدّی حَدیثُ الحُسَینِ علیه السلام ، و حَدیثُ الحُسَینِ حَدیثُ الحَسَنِ علیه السلام ، و حَدیثُ الحَسَنِ حَدیثُ أمیرِ المُؤمِنینَ علیه السلام ، و حَدیثُ أمیرِ المُؤمِنینَ حَدیثُ رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله ، و حَدیثُ رَسولِ اللّهِ قَولُ اللّهِ عز و جل . (2) سخن من ، سخن پدرم است و سخن پدرم ، سخن جدّم است و سخن جدّم ، سخن حسین است و سخن حسین ، سخن حسن است و سخن حسن ، سخن امیر مؤمنان و سخن امیر مؤمنان ، سخن پیامبر خداست و سخن پیامبر خدا ، سخن خداوند عز و جل است . به همین دلیل ، در این کتاب ، از همه احادیثِ روایت شده از پیامبر صلی الله علیه و آله و

.

1- .رجال الکشّی : ج 2 ص 490 ح 401 ، بحار الأنوار : ج 2 ص 250 ح 62 .
2- .الکافی : ج 1 ص 53 ح 14 ، الإرشاد : ج 2 ص 186 ، بحار الأنوار : ج 2 ص 179 ح 28 . نیز ، ر . ک : اهل بیت علیهم السلام در قرآن و حدیث : ج 1 ص 261 (حدیث آنها همان حدیث پیامبر خداست) .

خاندان او ، یکسان بهره گرفته شده است . 2 . کوشیده ایم تا در حدّ توان ، همه احادیث مربوط به هر موضوع را از منابع گوناگون شیعه و اهل سنّت ، به طور مستقیم ، استخراج و گردآوری کنیم و با بهره گیری از نرم افزارهای رایانه ای ، آنها را روی برگه های مخصوص ، تنظیم نماییم تا زمینه گزینش کامل ترین ، موثّق ترین و کهن ترینِ آنها فراهم آید . در مورد استفاده از دعاها نیز جز در مواردی اندک ، تنها از ادعیه ای که مستند به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام هستند ، بهره گرفته ایم . 3 . سعی کرده ایم از آوردن احادیث تکراری پرهیز نماییم ، جز در این موارد : الف آن جا که نکته مهمّی در تفاوت واژه ها و اصطلاحات ، نهفته بوده است ؛ ب در مواردی که متن حدیث ، در متون شیعه و اهل سنّت ، تفاوت داشته است ؛ ج آن جا که متن حدیث ، بیش از یک سطر نبوده و مربوط به دو باب بوده است . 4 . در مواردی که متن های رسیده از پیامبر خدا و امامان علیهم السلام ، متعدّد بوده اند ، حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله در متن ، و نشانی احادیث ائمّه علیهم السلام با ذکر عنوان و منبع ، در پانوشت می آید ، مگر آن که حدیث آنان ، نکته تازه ای داشته باشد که در این صورت ، آن حدیث نیز در متن ، آورده می شود . 5 . در هر موضوع ، پس از ذکر آیات مربوط به آن ، احادیث پیشوایان ، به ترتیب زمانی (از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تا امام مهدی علیه السلام) آورده می شوند ، مگر آن که حدیثی در تفسیر آیاتِ یاد شده باشد (که در این صورت ، پیش از احادیث دیگر

.

می آید) ، یا آن که تناسب موضوعی احادیث ، ترتیب دیگری را ایجاب کند . 6 . در آغاز هر حدیث ، تنها نام پیامبر صلی الله علیه و آله یا امامی را آورده ایم که حدیث از او نقل شده است ، مگر آن که راوی ، فعل آنان را نقل کرده باشد ، یا سؤال و جوابی در میان باشد و یا راوی ، سخنی را در متن حدیث آورده باشد که کلام پیامبر صلی الله علیه و آله یا آن امام نیست . 7 . به دلیل تعدّد نام ها و لقب های پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام ، نام واحدی را برای هر یک از آنان برگزیده ایم که به صورت ثابت ، در اوّلِ روایت می آید و بر شخص مورد نظر ، دلالت می کند . 8 . در پانوشت ها ، منابع احادیث ، به ترتیب معتبرترین آنها تنظیم شده اند ؛ لیکن گاه به دلیلی که بر محقّقان پوشیده نیست (از جمله : پرهیز از تکرار ، اختلاف منابع یا راوی و یا شخصی که از او روایت شده) ، این ترتیب را پس از نخستین منبع ، مراعات نکرده ایم . 9 . هر گاه دسترس به منابع اوّلیه ممکن بوده ، حدیث ، مستقیما از آنها نقل گردیده است . آن گاه ، نشانیِ بحار الأنوار (در احادیث شیعه) و کنز العمّال (در احادیث اهل سنّت) به عنوان دو منبع اساسی و جامع حدیث شیعه و اهل سنّت ، افزوده شده است . 10 . پس از ذکر منابع ، گاه با نشانه «ر. ک : » ، به منابع دیگر ، ارجاع داده شده است ؛ چرا که در مواردی ، متن ارجاعی ، با متن نقل شده ، تفاوت بسیار دارد؛ ولی در عین حال ، با متن اصلی و موضوع بحث ، مرتبط است . 11 . ارجاع به ابواب دیگر این کتاب ، به جهت تناسب و اشتراک محتوایی میان احادیث آنهاست .

.

12 . هدف از «درآمد»هایی که برای فصل های کتاب ، نوشته شده اند و نیز توضیحات و استنتاج هایی که در پیِ احادیث آمده اند ، ارائه چشم انداز کلّی روایات آن بخش یا آن فصل است . گاه هم به توضیح و تبیین برخی از مفاهیم دشوار و پیچیده احادیث ، پرداخته شده است . 13 . مهم ترین نکته در این شیوه ، کوشش در حدّ توان برای تأیید اطمینان آور صدور احادیث هر باب از معصوم است که به کمک قرائن عقلی و نقلی برای اثبات محتوای احادیث ، صورت پذیرفته است . 14 . یکی از آداب مهمّ نقل حدیث، چگونگی نسبت دادن آن به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام است. کلینی در الکافی از امام علی علیه السلام روایت کرده است : إذا حَدَّثتُم بِحَدیثٍ فَأسنِدوهُ إلَی الَّذی حَدَّثَکُم ؛ فَإن کانَ حَقّا فَلَکُم و إن کانَ کَذِبا فَعَلَیهِ . (1) هنگامی که حدیثی را نقل می کنید ، آن را به کسی نسبت دهید که آن را روایت نموده است . در این صورت ، اگر [حدیث] درست باشد ، به سود شماست و اگر دروغ باشد ، بر عهده راوی است . بنا بر این ، برای رعایت احتیاط ، توصیه اکید داریم که کسانی که می خواهند از این کتاب یا سایر کتب روایی ، حدیثی برای دیگران نقل کنند ، آن را مستقیما به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نسبت ندهند ؛ بلکه حدیث را از طریق منبعی که آن را روایت کرده است ، به آنان منسوب نمایند . برای نمونه ، نگویند : «پیامبر صلی الله علیه و آله چنین فرمود» یا : «امام علیه السلام چنین فرمود» ؛ بلکه بگویند : «فلان کتاب، از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین روایت کرده است» و یا بگویند : «از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین روایت شده است» .

.

1- .الکافی : ج 1 ص 52 ح 7 ، بحار الأنوار : ج 2 ص 161 ح 15 .

قدردانی و سپاس

قدردانی و سپاسخداوند منّان را سپاس گزارم که به ما توفیق تدوین این مجموعه روشنگر را عنایت فرمود و از همه همکاران عزیز و بزرگوارم در «پژوهشکده علوم و معارف حدیث» که مرا در گردآوری ، تدوین ، ارزیابی ، تصحیح ، ویرایش و نشر آن مساعدت نمودند ، صمیمانه تشکّر می کنم ، بویژه از فاضل گران قدر ، جناب آقای سیّد رسول موسوی که با همکاری و تلاش ایشان ، این کتاب به ثمر رسید . همچنین از مترجم توانا ، جناب آقای حمیدرضا شیخی که با ترجمه دقیق ، روان و زیبای خود ، زمینه بهره مندی پارسی زبانان را از این کتابْ فراهم ساخت ، صمیمانه سپاس گزارم . از خداوند منّان برای همه آنان ، پاداشی در خور فضل حضرتش مسئلت دارم و از او عاجزانه می خواهم عاقبت همه ما را ختم به خیر فرماید وما را از آتش دوزخ ، رهایی بخشد و در بهشت جاوید ، در کنار اولیای خود ، بپذیرد . ربّنا ! تقبّل منّا إنّک أنت السمیع العلیم . محمّد محمّدی ری شهری 23 / 10 / 1388 27 محرّم الحرام 1431

.

بخش یکم : بهشت

اشاره

بخش یکم : بهشتفصل یکم : معانی بهشت در قرآنفصل دوم: آفرینش بهشتفصل سوم: نام های بهشتفصل چهارم: ویژگی های بهشتفصل پنجم: آنچه در بهشت نیستفصل ششم: تشویق به طلبیدن بهشتفصل هفتم: عوامل بهشتی شدنفصل هشتم: باغ های بهشتفصل نهم: نهال های بهشتفصل دهم: هزینه ساخت بهشتفصل یازدهم: گنج های بهشتفصل دوازدهم: کلیدهای بهشتفصل سیزدهم: کسانی که بهشت برایشان ضمانت شده استفصل چهاردهم: موانع ورود به بهشتفصل پانزدهم: نظام بهشتفصل شانزدهم: درجات بهشتفصل هفدهم: نوید داده شدگان به بهشت

.

ص: 18

..

درآمد

واژه شناسی «جنّت»

درآمدواژه شناسی «جنّت»واژه «جنّت» در لغت عرب ، از ریشه «جنن» به معنای «ستر (پوشیدگی و حفاظ داشتن)» ، همان باغ یا بستان است که زمین آن ، به سبب تراکم بسیار درختان یا گل ها ، از دیده پوشیده می ماند . ابن فارس در این باره می گوید : الجیم و النون أصل واحد وهو السترو التستر ... والجنه البستان وهو ذاک لأن الشجر بورقه یستر . (1) جیم و نون ، یک ریشه است و آن ، پوشش و پوشاندن است ... و جنّت ، بوستان است و چنین بودنش ، برای این است که درختان ، با برگ هایشان [زمینی را]می پوشانند . همچنین ، بستان و یا نخلستانی که پیرامون آن ، محصور شده و درون آن از نظر ، پنهان است ، «جنّت» نامیده می شود . (2) برخی از لغت شناسان بر این باورند که واژه «جنّت» در کلام عرب ، جز به باغی که در آن ، درخت های خرما و انگور باشند ، اطلاق نمی گردد و در غیر این صورت ، «حدیقه» گفته می شود . (3)

.

1- .معجم مقاییس اللغه : ج 1 ص 421 ، ذیل «جَنّ» .
2- .الزینه ، ابو حاتم رازی : ج 2 ص 196 197 (به نقل از : دانش نامه جهان اسلام : ج 11 ص 1 «مَدخل جنت») .
3- .ر . ک : لسان العرب : ج 13 ص 100 .

در مقابل ، خلیل بن احمد فراهیدی ، «جنّت» را به «حدیقه» تفسیر کرده است : الجنّه : الحدیقه ، وهی بستان ذات شجر ونزهه . (1) جنّت ، حدیقه است ، و حدیقه ، بوستان دارای درخت و تفرّجگاه است . برخی از لغت شناسان ، وجه نام گذاری جایگاه نیکوکاران در سرای جاوید به «جنّت» را کثرت درختان و سایه های آن می دانند (2) و برخی ، مستور بودن نعمت های آن در این جهان برای ما . (3) گفتنی است که وجه دوم ، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز در پاسخ یزید بن سلام که از علّت نام گذاری بهشت به «جنّت» از ایشان پرسید نقل شده است : لأنَّها جَنینَهٌ خیَرَهٌ نَقیَّهٌ و عندَ اللّهِ تَعالی ذکرُهُ ، مَرضیَّهٌ . (4) برای این که بهشت ، پوشیده ، اندوخته ، پاک و در نزد خدای بلندمرتبه ، مورد رضایت است . علّامه مجلسی در تبیین جمله «لأنَّها جَنینَه» می گوید : أی مستوره عن الخلق ولا یستر إلا ما کان خیره . (5) یعنی از خلق ، پوشیده است و جز اندوخته هم چیزی پوشیده نمی شود . راغب اصفهانی به هر دو وجه تسمیه اشاره کرده ، می گوید : والجنه کل بستان ذی شجر یستر بأشجاره الأرض ، قال عزوجل : «لَقَد کَانَ لِسَبَإٍ فِی مَسْکَنِهِم آیَهٌ جَنَّتانِ عَن یَمینٍ وَشِمالٍ» (6) «وَبَدَّلْناهُمْ بِجَنَّتَیْهِمْ جَنَّتَیْنِ» (7) «وَلَولاَ إذْ دَخَلْتَ جَنَّتَکَ» (8) قیل : وقد تسمی الاشجار الساتره جنه ، وعلی ذلک

.

1- .کتاب العین : ج 6 ص 22 .
2- .ر . ک : لسان العرب : ج 13 ص 100 ، النهایه : ج 1 ص 307 ، مجمع البحرین : ج 1 ص 326 .
3- .ر . ک : معجم مقاییس اللغه : ج 1 ص 426 .
4- .علل الشرائع : ص 472 ح 33 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 188 ح 157 .
5- .بحار الأنوار : ج 9 ص 307 .
6- .سبأ : آیه 15 .
7- .سبأ : آیه 16 .
8- .کهف : آیه 39 .

واژه «جنّت» در قرآن و حدیث

حمل قول الشاعر : * من النّواضح تَسقی جنّه سحقا * وسمیت الجنه إما تشبیها بالجنه فی الارض وإن کان بینهما بون ، وإما لستره نعمها عنّا المشار إلیها بقوله تعالی : «فَلا تَعلَمُ نَفسٌ ما أخفِیَ لَهُم مِن قُرَّهٍ أعیُنٍ» (1) . (2) جنّت ، هر بوستان دارای درختانی است که درختانش ، زمین آن را می پوشانند . خداوند عز و جل فرموده است : «برای سبائیان در محلّ سکونتشان ، دو باغ در سمت چپ و راست بود» ، «و دو باغشان را به دو باغی دیگر ، تبدیل کردیم» و «چرا وقتی تو به باغت وارد شدی» گفته شده که به درختان پوشاننده[ی زمین]«جنّت» گفته می شود و بر همین نظر ، این گفته شاعر حمل می شود : «از شتران آبکشی که باغ را به سختی ، آب می دهند» . بهشت ، «جنّت» نامیده شده ، یا به جهت شباهتی که میان باغ های زمین و بهشت وجود دارد، هرچند فاصله زیادی میان آنهاست ویا به خاطر پوشیده بودن نعمت های آن از ماست که در این گفته خدای بلندمرتبه ، به آن اشاره شده است : «و هیچ کس از آن مایه شادمانی که برای ایشان اندوخته شده ، خبر ندارد» . امّا به نظر «آرتورجِفْری»، ریشه واژه «جنّت»، آرامی یا سُریانی است که در این زبان ها تخصیص معنایی یافته و به معنای «پاداش نیکوکاران» به کار رفته است . هورو ویتس ، ریشه این واژه را از فرهنگ و دین یهود می داند و آن را با ترکیب «gan eden (بهشت آسمانی)» که در تورات (سِفْر پیدایش : 2 / 109) به کار رفته ، هم معنا می شمرد . (3)

واژه «جنّت» در قرآن و حدیثواژه «جنّت» و مشتقّات آن در قرآن ، 147 بار در چهار معنا به کار رفته است : 1 . بهشت آدم ابو البشر ، یعنی جایگاهی که وی و همسرش حوّا ، قبل از منتقل شدن به دنیا در آن جا زندگی می کردند و از آسایش کامل ، برخوردار

.

1- .سجده : آیه 17 .
2- .مفردات الفاظ القرآن : ص 118 .
3- .دانش نامه جهان اسلام : ج 11 ص 1 .

بودند . (1) 2 . بهشت دنیا ، یعنی باغ و بستان هایی که در جهانِ پیش از مرگ وجود دارد . 3 . بهشت برزخ ، یعنی جایگاه ارواح نیکوکارانِ در جهان پس از مرگ . 4 . بهشت موعود در عالم آخرت . (2) گفتنی است که در قرآن کریم ، واژه «جنّت» در معنای نخست ، شش بار ، (3) در معنای دوم ، 25 بار ، (4) در معنای سوم ، یک بار (5) و در معنای چهارم ، 117 بار (6) به

.

1- .ر . ک : طه : 117 119 . گفتنی است که در باره «بهشتِ آدم ابو البشر» ، سه قول وجود دارد : یک . همان بهشت دنیاست ، دو . همان بهشت موعود در آخرت است ، سه . همان بهشت در آسمان و جدا از بهشت موعود در آخرت است . به نظر می رسد که قول سوم ، به صواب ، نزدیک تر است و تقسیم بندی موجود در متن ، بر همین قول ، استوار است .

2- .در غالب ترجمه های فارسی قرآن از قرن چهارم تاکنون ، برای این معنای «جنّت» ، واژه «بهشت» را برابر نهاده اند ، که واژه ای است دینی و در متون بازمانده از فارسی میانه و اوستایی ، به معنای «بهترین زندگی» برای توصیف جهانی روحانی به کار رفته است . واژه «مینو» نیز اوستایی و هم معنا با جنّت و بهشت است . برای توضیح بیشتر ، ر . ک : دانش نامه جهان اسلام : ج 11 ص 1 و دائره المعارف بزرگ اسلامی : ج 13 ص 170 172 .

3- .ر . ک : بقره : آیه 35 ، اعراف : آیه 19 و 152 153 ، طه : آیه 117 و 121 .

4- .ر . ک : بقره : آیه 45 ، انعام : آیه 99 و 141 ، فرقان : آیه 8 ، کهف : آیه 32 ، 33 35 ، 39 و 40 ، سبأ : آیه 15 16 (دو بار)، رعد: آیه 4، مؤمنون: آیه 19، شعرا: آیه 54 ، 134 و 147 ، دخان : آیه 25 ، ق : آیه 9 ، نبأ : آیه 16.

5- .یس : آیه 26 .

6- .بقره : آیه 25 ، 82 ، 111 ، 214 و 221 ، آل عمران : آیه 15 ، 133 ، 136 ، 142 ، 185 ، 195 و 198 ، نساء : آیه 13 ، مائده : آیه 12 ، 65 ، 72 ، 85 و 119 ، اعراف : آیه 40 ، 42 46 و 49 50 ، توبه : آیه 21 ، 72 ، 82 ، 89 ، 100 و 111 ، یونس : آیه 9 و 26 ، هود : آیه 23 ، 108 ، رعد

: آیه 23 ، 35 ، ابراهیم : آیه 23 ، حجر : آیه 45 ، نحل : 31 32 ، کهف : آیه 31 و 107 ، مریم : آیه 60 61 و 63 ، طه : آیه 76 ، حج : آیه 14 ، 23 و 56 ، فرقان : آیه 15 و 24 ، شعرا : آیه 85 و 90 ، لقمان : آیه 8 ، سجده : آیه 19 ، فاطر : آیه 33 ، یس : آیه 55 ، صافّات : آیه 43 ، ص : آیه 50 ، زمر : آیه 73 74 ، غافر : آیه 8 و 40 ، فصّلت : آیه 30 ، شورا : آیه 7 و 22 ، زخرف : آیه 70 و 72 ، دخان : آیه 52 ، احقاف : آیه 14 و 16 ، محمّد : آیه 6 ، 12 و 15 ، فتح : آیه 5 و 17 ، ق : آیه 31 ، طور : آیه 17 ، نجم : آیه 15 ، قمر : آیه 54 ، الرحمن : آیه 46 و 62 ، واقعه : آیه 12 و 89 ، حدید : آیه 12 و 21 ، مجادله : آیه 22 ، حشر : آیه 20 (دو بار) ، صف : آیه 12 ، تغابن : آیه 9 ، طلاق : آیه 11 ، تحریم : آیه 8 و 11 ، قلم : آیه 34 ، حاقّه : آیه 22 ، معارج : آیه 35 و 38 ، مدّثّر : آیه 40 ، انسان : آیه 12 ، نازعات : آیه 41 ، تکویر : آیه 13 ، بروج : آیه 11 ، غاشیه : آیه 10 ، فجر : آیه 30 ، بیّنه : آیه 8 .

کار رفته است . البتّه در قرآن ، از بهشت موعود در عالم آخرت ، با نام های دیگری نیز یاد شده است ، مانند : «فردوس» ، «دار السلام» و «دار المُقامه» . (1) در مجموع ، در 337 آیه قرآن ، (2) با الفاظ گوناگون ، به جایگاه نیکوکاران در آخرت ، اشاره شده است . در احادیث اسلامی ، مفاهیم چهارگانه قرآنی «جنّت» ، تفسیر و تبیین گردیده است .

.

1- .ر. ک : فصل سوم : نام های بهشت .
2- .بقره : آیه 25 ، 82 ، 111 ، 214 و 221 ، آل عمران : آیه 15 ، 133 ، 136 ، 142 ، 185 ، 195 و 198 ، نساء : آیه 13 ، 31 ، 57 ، 122 و 124 ، مائده : آیه 12 ، 65 ، 72 ، 85 و 119 ، انعام : آیه 127 ، اعراف : آیه 40 ، 42 44 ، 46 ، 49 و 50 ، توبه : آیه 21 22 ، 72 ، 89 ، 100 و 111 ، یونس : آیه 9 10 و 25 26 ، هود : آیه 23 و 108 ، رعد : آیه 18 ، 22 24 ، 35 و 42 ، ابراهیم : آیه 23 ، حجر : آیه 45 48 ، نحل : آیه 30 32 و 62 ، کهف : آیه 2 3 ، 31 ، 88 و 107 108 ، مریم : آیه 60 63 ، طه : آیه 75 76 ، انبیا : آیه 102 ، حج : آیه 14 ، 23 ، 56 و 59 ، مؤمنون : آیه 11 ، فرقان : آیه 15 16 ، 24 و 75 76 ، شعرا : آیه 85 و 90 ، عنکبوت : آیه 58 ، روم : آیه 15 ، لقمان : آیه 8 9 ، سجده : آیه 19 ، سبأ : آیه 37 ، فاطر : آیه 32 35 ، یس : آیه 26 27 و 55 58 ، صافّات : آیه 41 54 و 56 62 ، ص : آیه 49 55 ، زمر : آیه 20 و 73 74 ، غافر : آیه 8 و 40 ، فصّلت : آیه 30 32 و 50 ، شورا : آیه 7 و 22 ، زخرف : آیه 70 73 ، دخان : آیه 51 57 ، احقاف : آیه 14 و 16 ، محمّد : آیه 6 ، 12 و 15 ، فتح : آیه 5 و 17 ، ق : آیه 31 32 و 34 35 ، ذاریات : آیه 15 16 ، طور : آیه 17 28 ، نجم : آیه 15 و 31 ، قمر : آیه 54 55 ، الرحمن : آیه 46 ، 48 ، 50 ، 52 ، 54 ، 56 ، 58 ، 62 ، 64 ، 66 ، 68 ، 70 ، 72 ، 74 و 76 ، واقعه : آیه 12 26 ، 28 40 و 89 ، حدید : آیه 10 ، 12 و 21 ، مجادله : آیه 22 ، حشر : آیه 20 ، صف : آیه 12 ، تغابن : آیه 9 ، طلاق : آیه 11 ، تحریم : آیه 8 ، 11 و 38 ، مدّثّر : آیه 40 ، انسان : آیه 5 6 و 11 22 ، مرسلات : آیه 41 44 ، نبأ : آیه 31 36 ، نازعات : آیه 41 ، تکویر : آیه 13 ، انفطار : آیه 13 ، مطفّفین : آیه 22 28 و 35 ، بروج : آیه 11 ، غاشیه : آیه 8 16 ، فجر : آیه 30 ، بیّنه : آیه 8 ، لیل : آیه 6 و 9 ، قارعه : آیه 7 .

معانى الجنّه فى القرآن1 / 1جَنَّهُ آدَمَالكتاب«وَ قُلْنَا يَادَمُ اسْكُنْ أَنتَ وَ زَوْجُکَ الْجَنَّهَ وَ کُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَهَ فَتَکُونَا مِنَ الظَّلِمِينَ» . (1)

«وَيَادَمُ اسْكُنْ أَنتَ وَزَوْجُکَ الْجَنَّهَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَهَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّلِمِينَ» . (2)

راجع : طه : 120 121 .

الحديث6472.عنه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :خَيرُ يَومٍ طَلَعَت عَلَيهِ الشَّمسُ يَومُ الجُمُعَهِ ؛ فيهِ خُلِقَ آدَمُ ، و فيهِ اُدخِلَ الجَنَّهَ ، و فيه اُخرِجَ مِنها . (3) .

1- .البقره : 35 .
2- .الأعراف : 19 .
3- .صحيح مسلم : ج 2 ص 585 ح 17 و 18 ، سنن الترمذى : ج 2 ص 359 ح 488، سنن النسائى: ج 3 ص 90 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 364 ح 9218 ، السنن الكبرى : ج 3 ص 356 ح 6004 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 7 ص 710 ح 21050 .

فصل یکم : معانی بهشت در قرآن

1 / 1 بهشتِ آدم

فصل یکم : معانی بهشت در قرآن1 / 1بهشتِ آدمقرآن« و گفتیم : ای آدم ! تو و همسرت در بهشت ، ساکن شوید و از هر کجای آن می خواهید ، فراوان بخورید ؛ ولی به این درخت ، نزدیک نشوید ، که از ستمکاران خواهید بود» .

« و ای آدم ! تو و همسرت در بهشت ، ساکن شوید و از هر جا که می خواهید ، بخورید ؛ ولی به این درخت ، نزدیک نشوید ، که از ستمکاران خواهید بود » .

ر . ک : طه : آیه 120 121 .

حدیث6463.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهترین روزی که خورشید در آن طلوع کرده ، روز جمعه است . در چنین روزی ، آدم آفریده شد ، در چنین روزی به بهشت در آورده شد و نیز در چنین روزی ، از آن بیرون رانده شد .

.

6468.مسند ابن حنبل عن عبد الرحمن بن شيبه :عنه صلى الله عليه و آله :إنَّما كانَ لَبثُ آدَمَ و حَوّاءَ فِيالجَنَّهِ حَتّى اُخرِجا مِنها سَبعَ ساعاتٍ مِن أيّامِ الدُّنيا ، حَتّى أهبَطَهُمَا اللّهُ مِن يَومِهما ذلِکَ . (1)6467.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام علىّ عليه السلام فى خُطبَهٍ لَهُ يَصِفُ فيها الأرضَ و دَحوَها عَلَى الماءِ : فَلَمّا مَهَّدَ أرضَهُ ، و أنفَذَ أمرَهُ ، اِختارَ آدَمَ عليه السلام خيرَهً مِن خَلقِهِ ، و جَعَلَهُ أوَّلَ جِبِلَّتِهِ (2) ، و أسكَنَهُ جَنَّتَهُ ، و أرغَدَ فيها اُكُلَهُ . (3)6466.عُدّه الداعى :عنه عليه السلام فى خُطبَهٍ لَهُ يَذكُرُ فيها ابتِداءَ خَلقِ السَّماءِ والأرضِ : ثُمَّ أسكَنَ سُبحانَهُ آدَمَ دارا أرغَدَ فيها عَيشَهُ ، و آمَنَ فيها مَحَلَّتَهُ ، و حَذَّرَهُ إبليسَ و عَداوَتَهُ، فَاغتَرَّهُ عَدُوُّهُ نَفاسَهً عَلَيهِ بِدارِ المُقامِ و مُرافَقَهِ الأبرارِ ، فَباعَ اليَقينَ بِشَکّهِ ، وَالعَزيمَهَ بِوَهنِهِ ، وَاستَبدَلَ بِالجَذَلِ (4) وَجَلاً (5) ، وَ بِالاِغتِرارِ نَدَما . ثُمَّ بَسَطَ اللّهُ سُبحانَهُ لَهُ فى تَوبَتِهِ ، و لَقّاهُ كَلِمَهَ رَحمَتِهِ ، و وَعَدَهُ المَرَدَّ إلى جَنَّتِهِ . (6)6465.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :رَنَّ (7) إبليسُ أربَعَ رَنّاتٍ : أوَّلُهُنَّ يَومَ لُعِنَ ، و حينَ اُهبِطَ إلَى الأرضِ ، وحينَ بُعِثَ مُحَمَّدٌ صلى الله عليه و آله عَلى حينِ فَترَهٍ مِنَ الرُّسُلِ ، وحينَ اُنزِلَت اُمُّ الكِتابِ .

ونَخَرَ (8) نَخرَتَينِ : حينَ أكَلَ آدَمُ مِنَ الشَّجَرَهِ ، وحينَ اُهبِطَ مِنَ الجَنَّهِ . (9) .

1- .الخصال : ص 397 ح 103 عن محمد بن إسحاق عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام ، تفسير العيّاشى : ج 1 ص 35 ح 21 عن عطاء عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحارالأنوار : ج 11 ص 142 ح 10 .
2- .جَبَلَهُ : أى خَلَقَهُ ، وَالجِبِلَّهُ والجِبلَهُ : الخِلقَهُ (لسان العرب : ج 11 ص 98 «جبل»).
3- .نهج البلاغه : الخطبه 91 عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحارالأنوار : ج 57 ص 112 ح 90 .
4- .الجَذَلُ : الفَرَحُ (لسان العرب : ج 11 ص 107 «جذل») .
5- .الوَجَلُ : الفَزَعُ والخَوفُ (لسان العرب : ج 11 ص 722 «وجل») .
6- .نهج البلاغه : الخطبه 1 ، بحارالأنوار : ج 11 ص 122 ح 56 .
7- .رَنَّ : صَوَّتَ (مجمع البحرين : ج 2 ص 737 «رنن») .
8- .نَخَرَ : النخيرُ صَوتُ الأنفِ (النهايه : ج 5 ص 32 «نخر») .
9- .الخصال : ص 263 ح 141 ، قصص الأنبياء للراوندى : ص 43 ح 7 عن هشام بن سالم ، بحارالأنوار : ج 11 ص 204 ح 1 .

6464.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مدّت درنگ آدم و حوّا در بهشت ، تا زمانی که از آن ، بیرون رانده شدند ، هفت ساعت از روزهای دنیا بود و در همان روز ، خداوند ، آن دو را [به زمین]فرستاد .6462.امام باقر علیه السلام :امام علی علیه السلام در سخنانی که در آن ، پیدایش زمین و گسترش یافتن آن بر روی آب را توصیف نمود : [خداوند]چون زمینش را آماده ساخت و فرمانش را اجرا کرد ، آدم علیه السلام را از میان آفریدگانش برگزید و او را نخستین آفریده خود [از نوع انسان]قرار داد و او را در بهشتش اسکان داد و در آن برای او ، [میوه ها و] خوراکی های فراوان و گوارا قرار داد .6461.امام صادق علیه السلام :امام علی علیه السلام در سخنانی که در آن ، آغاز آفرینش آسمان و زمین را توصیف نمود : سپس خداوندِ پاک ، آدم را در سرایی جای داد که زندگی اش را در آن ، پُر ناز و نعمت قرار داده بود ، و جایِ باشِ او را امن گردانید و او را از ابلیس و دشمنی اش [با آدم] بر حذر داشت ؛ امّا دشمن او که به زندگی آدم در سرای جاویدان و همنشینی اش با نیکان ، رشک می بُرد او را فریفت و در نتیجه ، آدم علیه السلام یقین را به شکّش ، و عزم [و نیرومندی] را به سستی اش فروخت و دل شادی[اش] را به دلهره بدل کرد و از فریب خوردن ، پشیمان شد . سپس خداوندِ پاک ، راه توبه را برای او گشود و کلمه رحمتش را به وی آموخت و بازگشت به بهشتش را به او وعده داد .6460.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام :ابلیس ، چهار بار فغان بر آوْرْد : اوّلین بار ، روزی که لعنت شد ؛ دوم ، زمانی که به زمین فرو فرستاده شد ؛ سوم ، زمانی که محمّد صلی الله علیه و آله پس از وقفه ای در ارسال پیامبران ، به پیامبری مبعوث شد ؛ و چهارم ، زمانی که اُمّ الکتاب (سوره فاتحه) فرو فرستاده شد .

نیز دو بار ، خُرّه کشید : یک بار ، زمانی که آدم از درخت خورد ، و بار دوم ، زمانی که از بهشت فرود آمد . .

6459.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الکافی عن الحسین بن میسر :سَألتُ أبا عَبدِاللّهِ علیه السلام عَن جَنَّهِ آدَمَ علیه السلام ؟ فَقالَ :

جَنَّهٌ مِن جِنانِ الدُّنیا ، تَطلع فیهَا الشَّمسُ وَالقَمَرُ ، و لَو کانَت مِن جِنانِ الآخِرَهِ ما خَرَجَ مِنها أبَدا . (1)1 / 2جَنَّهُ الدُّنیاالکتاب«وَهُوَ الَّذِی أنشَأَ جَنَّتٍ مَّعْرُوشَتٍ وَغَیْرَ مَعْرُوشَتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أُکُلُهُ وَالزَّیْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَبِهًا وَغَیْرَ مُتَشَبِهٍ کُلُواْ مِن ثَمَرِهِ إِذَآ أَثْمَرَ وَءَاتُواْ حَقَّهُ یَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُواْ إِنَّهُ لَا یُحِبُّ الْمُسْرِفِینَ» . (2)

«وَ فِی الْأَرْضِ قِطَعٌ مُّتَجَوِرَ ثٌ وَ جَنَّتٌ مِّنْ أَعْنَبٍ وَ زَرْعٌ وَ نَخِیلٌ صِنْوَانٌ وَ غَیْرُ صِنْوَانٍ یُسْقَی بِمَآءٍ وَ حِدٍ وَنُفَضِّلُ بَعْضَهَا عَلَی بَعْضٍ فِی الْأُکُلِ إِنَّ فِی ذَ لِکَ لَأَیَتٍ لِّقَوْمٍ یَعْقِلُونَ» . (3)

«فَأَنشَأْنَا لَکُم بِهِ جَنَّتٍ مِّن نَّخِیلٍ وَ أَعْنَبٍ لَّکُمْ فِیهَا فَوَ کِهُ کَثِیرَهٌ وَ مِنْهَا تَأْکُلُونَ» (4)

«وَ نَزَّلْنَا مِنَ السَّمَآءِ مَآءً مُّبَرَکًا فَأَنبَتْنَا بِهِ جَنَّتٍ وَ حَبَّ الْحَصِیدِ» . (5)

الحدیث6458.تفسیر القمّی عن الأصبغ بن نباته عن الإمام علیّ علتفسیر القمّی :قَولُهُ : «وَهُوَ الَّذِی أنشَأَ جَنَّتٍ مَّعْرُوشَتٍ وَغَیْرَ مَعْرُوشَتٍ» (6) قالَ : البَساتینُ . (7) .

1- .الکافی : ج 3 ص 247 ح 2 ، الاعتقادات للصدوق : ص 79 من دون إسناد إلی أحدِ أهل البیت علیهم السلام ، تفسیر القمّی : ج 1 ص 43 کلاهما نحوه ، بحارالأنوار : ج 6 ص 284 ح 2 .
2- .الأنعام : 141 .
3- .الرعد : 4 .
4- .المؤمنون : 19 .
5- .ق : 9 .
6- .الأنعام : 141 .
7- .تفسیر القمّی : ج 1 ص 218 من دون إسناد إلی أحدِ أهل البیت علیهم السلام .

1 / 2 بهشتِ دنیا

6457.عنه علیه السلام :الکافی به نقل از حسین بن میسر : از امام صادق علیه السلام در باره بهشتِ آدم علیه السلام پرسیدم . فرمود :«بهشتی از بهشت های دنیاست که در آن ، خورشید و ماه طلوع می کنند . اگر از بهشت های آخرت بود ، هرگز از آن بیرون نمی رفت» .1 / 2بهشتِ دنیاقرآن« و اوست که بهشت هایی با داربست و بدون داربست ، و خرمابُن و کشتزار با میوه های گوناگون آن و زیتون و انار را ، شبیه به هم و غیر شبیه ، پدید آورد . از میوه آن چون ثَمَر داد بخورید و حقّ [بینوایان از] آن را روز بهره برداری از آن ، بدهید ؛ ولی زیاده روی نکنید که او اسرافکاران را دوست ندارد » .

« و در زمین ، قطعاتی کنار هم اند و باغ هایی از انگور و کشتزارها و درختان خرما ، چه از یک ریشه و چه از غیر یک ریشه ، که با یک آب ، سیراب می گردند ؛ ولی برخی از آنها را در میوه [از حیث مزه و نوع کیفیت] بر برخی دیگر ، برتری می دهیم . بی گمان ، در این ، برای مردمی که تعقّل می کنند ، نشانه هایی است » .

« پس برای شما به وسیله آن (آب) ، باغ هایی از درختان خرما و انگور پدیدار کردیم که در آنها برای شما میوه های فراوان است و از آنها می خورید » .

« و از آسمان ، آبی پُر برکت فرود آوردیم . پس بِدان ، باغ ها و دانه های درو کردنی رویاندیم » .

حدیث6452.الإمام علیّ علیه السلام :تفسیر القمّی :سخن او : «و اوست کسی که بهشت هایی با داربست و بدون داربست ، پدید آورد» ، یعنی بوستان هایی [پدید آورد] .

.

6451.امام حسین علیه السلام :تفسیر القمّی عن أبی الجارود عن الإمام الباقر علیه السلام : «حَتَّی تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ یَنبُوعًا» (1) یَعنی عَینا «أَوْ تَکُونَ لَکَ جَنَّهٌ» یَعنی بُستانا مِن نَخیلٍ و عِنَبٍ «فَتُفَجِّرَ الْأَنْهَرَ خِلالَهَا تَفْجِیرًا» (2) مِن تِلکَ العُیونِ . (3)6450.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الصادق علیه السلام فی قَولِهِ تَعالی : «مَّثَلُ الَّذِینَ یُنفِقُونَ أَمْوَ لَهُمُ ابْتِغَآءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ ...» (4) : مَثَلُهُم «کَمَثَلِ جَنَّهٍ» أی بُستانٍ فی مَوضِعٍ مُرتَفِعٍ «أَصَابَهَا وَابِلٌ» أی مَطَرٌ «فَئَاتَتْ أُکُلَهَا ضِعْفَیْنِ» أی یَتَضاعَفُ ثَمَرُها کَما یَتَضاعَفُ أجرُ مَن أنفَقَ مالَهُ «ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» . (5)6449.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :تفسیر القمّی عن الإمام الصادق علیه السلام : «وَاللَّهُ یُضَعِفُ لِمَن یَشَاءُ» (6) لِمَن أنفَقَ مالَهُ ابتِغاءَ مَرضاهِ اللّهِ .

قالَ : فَمَن أنفَقَ مالَهُ ابتِغاءَ مَرضاهِ اللّهِ ثُمَّ امتَنَّ عَلی مَن تَصَدَّقَ عَلَیهِ ، کانَ کَما قالَ اللّهُ : «أَیَوَدُّ أَحَدُکُمْ أَن تَکُونَ لَهُ جَنَّهٌ مِّن نَّخِیلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَرُ لَهُ فِیهَا مِن کُلِّ الثَّمَرَ تِ وَأَصَابَهُ الْکِبَرُ وَلَهُ ذُرِّیَّهٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِیهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ» (7) قالَ : الإعصارُ : الرِّیاحُ ، فَمَنِ امتَنَّ عَلی مَن تَصَدَّقَ عَلَیهِ ، کَمَن کانَ لَهُ جَنَّهٌ کَثیرَهُ الثِّمارِ ، وهُوَ شَیخٌ ضَعیفٌ لَهُ أولادٌ صِغارٌ ضُعَفاءُ ، فَتَجیءُ ریحٌ أو نارٌ فَتُحرِقُ ما لَهُ کُلَّهُ . (8) .

1- .الإسراء : 90.
2- .الإسراء : 91 .
3- .تفسیر القمّی : ج 2 ص 27 ، بحارالأنوار : ج 18 ص 179 ح 9 .
4- .البقره : 265 .
5- .تفسیر القمّی : ج 1 ص 92 ، بحارالأنوار : ج 96 ص 142 ح 8 .
6- .البقره : 261 .
7- .البقره : 266 .
8- .تفسیر القمّی : ج 1 ص 92 ، بحارالأنوار : ج 96 ص 143 ح 8 .

6451.الإمام الحسين عليه السلام :تفسير القمّى به نقل از ابو جارود ، از امام باقر عليه السلام : «تا آن كه ينبوعى از زمين براى ما بجوشانى» ، [ينبوعى]يعنى چشمه اى . «يا براى تو بهشتى است» ، يعنى بوستانى از خرمابن و انگور است . « و از آنها جويبارها روان مى سازى» ، يعنى از آن چشمه ها .6450.عنه صلى الله عليه و آله :امام صادق عليه السلام در باره اين سخن خداى بلندمرتبه : «مَثَل كسانى كه اموال خود را براى طلب خشنودى خدا انفاق مى كنند ...» : مَثَل آنان ، «مَثَل بهشتى است» ، يعنى بوستانى قرار گرفته بر مكانى بلند كه «رگبارى بر آن مى رسد» ، يعنى بارانى تند . «پس ، دو چندان محصول بر مى آورد» ، يعنى ميوه هايش دو چندان مى شود ، همچنان كه مزد كسى كه دارايى اش را كه «براى طلب خشنودى خدا» انفاق مى كند ، دو چندان مى شود .6449.عنه صلى الله عليه و آله :تفسير القمّى به نقل از امام صادق عليه السلام : [آيه] «خدا براى هر كه بخواهد ، دو چندان مى كند» ، براى كسى است كه دارايى خود را به خاطر جلب خشنودى خدا انفاق كند .

هر كس دارايى خود را در راه جلب خشنودى خدا انفاق كند و سپس بر كسى كه به او كمك كرده است ، منّت گذارد ، چنان است كه خداوند فرموده است : «آيا كسى از شما دوست دارد كه باغى از درخت خرما و انگور داشته باشد كه در آن ، جوى ها روان اند و براى او در آن باغ ، هر گونه ميوه اى هست و در حالى كه به او ، پيرى رسيده و فرزندانى خردسال دارد ، [ناگهان] اِعصارى آتشين بر آن بيفتد و [باغ ، يكسر] بسوزد ؟» . اِعصار ، به معناى گردباد است .

پس ، هر كه بر كسى كه به او صدقه داده است ، منّت بگذارد ، همانند كسى است كه باغى پُر ميوه دارد و خود ، پيرى ناتوان است و فرزندانى خردسال و ناتوان دارد و ناگهان بادى يا آتشى مى آيد و مالش را به كلّى مى سوزاند . .

6448.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :تفسیر القمّی :قوله : «وَ اضْرِبْ لَهُم مَّثَلاً رَّجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَبٍ وَ حَفَفْنَهُمَا بِنَخْلٍ وَ جَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا» (1) قالَ : نَزَلَت فی رَجُلٍ کانَ لَهُ بُستانانِ کَبیرانِ عَظیمانِ کَثیرَا الثِّمارِ ، کَما حَکَی اللّهُ عز و جل ، وفیهما نَخلٌ و زَرعٌ ، و کانَ لَهُ جارٌ فَقیرٌ ، فَافتَخَرَ الغَنِیُ عَلی ذلِکَ الفَقیرِ ، وقالَ لَهُ : «أَنَا أَکْثَرُ مِنکَ مَالًا وَ أَعَزُّ نَفَرًا * وَ دَخَلَ جَنَّتَهُ» (2) أی بُستانَهُ ، وقالَ «مَا أَظُنُّ أَن تَبِیدَ هَذِهِ أَبَدًا * وَ مَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَ لَئِن رُّدِدتُّ إِلَی رَبِّی لَأَجِدَنَّ خَیْرًا مِّنْهَا مُنقَلَبًا» (3)

، فَقالَ لَهُ الفَقیرُ : «أَکَفَرْتَ بِالَّذِی خَلَقَکَ مِن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاکَ رَجُلاً * لَّکِنَّا۠ هُوَ اللّهُ رَبِّی وَ لَا أُشْرِکُ بِرَبِّی أَحَدًا» (4) ، ثُمَّ قالَ الفَقیرُ لِلغَنِیِّ : «وَ لَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَکَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّهِ إِن تَرَنِ أَنَا أَقَلَّ مِنکَ مَالًا وَ وَلَدًا» (5) ، ثُمَّ قالَ الفَقیرُ : «فَعَسَی رَبِّی أَن یُؤْتِیَنِ خَیْرًا مِّن جَنَّتِکَ وَ یُرْسِلَ عَلَیْهَا حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحَ صَعِیدًا زَلَقًا» (6) أی مُحتَرِقا «أَوْ یُصْبِحَ مَاؤُهَا غَوْرًا فَلَن تَسْتَطِیعَ لَهُ طَلَبًا» (7) ، فَوَقَعَ فیها ما قالَ الفَقیرُ فی تِلکَ اللَّیلَةِ ، وأصبَحَ الغَنِیُّ «یُقَلِّبُ کَفَّیْهِ عَلَی مَا أَنفَقَ فِیهَا وَهِیَ خَاوِیَةٌ عَلَی عُرُوشِهَا وَ یَقُولُ یَلَیْتَنِی لَمْ أُشْرِکْ بِرَبِّی أَحَدًا * وَ لَمْ تَکُن لَّهُ فِئَةٌ یَنصُرُونَهُ مِن دُونِ اللّهِ وَ مَا کَانَ مُنتَصِرًا» (8) فَهذِهِ عُقوبَةُ البَغیِ . (9) .

1- .الکهف : 32 .
2- .الکهف : 34 35.
3- .الکهف : 36 .
4- .الکهف : 37 38 .
5- .الکهف : 39 .
6- .الکهف : 40 .
7- .الکهف : 41 .
8- .الکهف : 42 43 .
9- .تفسیر القمّی : ج 2 ص 35 من دون إسناد إلی أحدٍ من أهل البیت علیهم السلام ، بحارالأنوار : ج 93 ص 185 ح 3 .

6447.الموطّأ (به نقل از یحیی بن سعید) تفسیر القمّی :در باره آیه : « و برای آنان ، آن دو مرد را مَثَل بزن که به یکی از آنها ، دو باغ انگور دادیم و پیرامون آن دو باغ را با درختان خرما پوشاندیم و میان آن دو را کشتزاری قرار دادیم » ، فرمود : «این آیه در باره مردی نازل شد که به فرموده خداوند ، دو باغ بزرگ پهناورِ پُر میوه داشت که در آنها درختان خرما و کاشتنی هایی بود و آن مرد ، همسایه ای فقیر داشت . آن توانگر بر آن تهی دست ، فخر فروخت و گفت : «من از تو مالدارتر و از جهت نفرات ، از تو نیرومندترم . و به بهشتش وارد شد» ، یعنی به باغش .

و گفت : «گمان نمی کنم که این نعمت ، هرگز زوال پذیرد و گمان نمی کنم که رستاخیز ، برپا شود و اگر هم به سوی پروردگارم باز گردانده شوم ، قطعا بهتر از این را در بازگشت ، خواهم یافت» .

مرد تهی دست گفت : «آیا به آن کسی که تو را از خاک و سپس از نطفه آفرید و آن گاه تو را صورت یک مرد در آورد ، کافر شدی ؟ امّا من [می گویم :] اوست خدا ، پروردگار من ، و هیچ کس را با پروردگارم شریک نمی سازم» .

سپس به مرد توانگر گفت : «چرا هنگامی که وارد باغت شدی ، نگفتی : نیرویی جز از جانب خدا نیست ؟ اگر مرا از حیث مال و فرزند ، کمتر از خود می بینی» و سپس ادامه داد : «امید است که پروردگارم ، بهتر از باغ تو به من عطا کند و بر آن [باغ تو] ، آفتی از آسمان بفرستد تا به زمین هموار و لغزنده ، تبدیل شود» ، [لغزنده]یعنی سوخته «یا آب آن ، فروکش کند تا هرگز نتوانی آن را به دست آوری» .

آنچه مرد تهی دست در آن شب گفت ، بر سر آن باغ آمد و صبح که شد ، مرد توانگر «برای از کف دادن آنچه در آن باغ هزینه کرده بود ، دست هایش را بر هم می زد در حالی که داربست های آن ، فرو ریخته بود و [به حسرت]می گفت : ای کاش هیچ کس را شریک پروردگارم نمی ساختم ! و او در برابر خدا گروهی نداشت تا یاری اش کنند ، و توانی نداشت که خود را یاری کند» .

این است کیفر سرکشی» . .

1 / 3جَنَّهُ البَرزَخِالكتاب«قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّهَ قَالَ يَلَيْتَ قَوْمِى يَعْلَمُونَ * بِمَا غَفَرَ لِى رَبِّى وَ جَعَلَنِى مِنَ الْمُكْرَمِينَ» . (1)

«وَ الَّذِينَ هَاجَرُواْ فِى سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُواْ أَوْ مَاتُواْ لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَ إِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّ زِقِينَ * لَيُدْخِلَنَّهُم مُّدْخَلاً يَرْضَوْنَهُ وَ إِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ» . (2)

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُواْ فِى سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَ تَا بَلْ أَحْيَاءٌ عِندَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» . (3)

الحديث6443.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :المعجم الأوسط عن أبى هريره :خَرَجنا مَعَ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله فى جَنازَهٍ ، فَجَلَسَ إلى قَبرٍ مِنها فَقالَ : ما يَأتى عَلى هذَا القَبرِ مِن يَومٍ إلّا وهُوَ يُنادى بِصَوتٍ طَلقٍ زَلقٍ (4) : يَابنَ آدَمَ ، كَيفَ نَسيتَنى ؟ أَلَم تَعلَم أنّى بَيتُ الوَحدَهِ ، وبَيتُ الغُربَهِ ، وبَيتُ الوَحشَهِ ، وبَيتُ الدّودِ ، وبَيتُ الضّيقِ ؟ إلّا مَن وَسَّعَنِى اللّهُ عَلَيهِ .

ثُمَّ قالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : القَبرُ رَوضَهٌ مِن رِياضِ الجَنَّهِ ، أو حُفرَهٌ مِن حُفَرِ النّارِ . (5)6442.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الباقر عليه السلام فى قَولِهِ : «فَالسَّبِقَتِ سَبْقًا» (6) : يَعنى أرواحَ المُؤمِنينَ ؛ تَسبِقُ أرواحُهُم إلَى الجَنَّهِ بِمِثلِ الدُّنيا ، وأرواحُ الكافِرينَ إلَى النّارِ بِمِثلِ ذلِكَ . (7) .

1- .يس : 26 27 .
2- .الحجّ : 58 59 .
3- .آل عمران : 169 .
4- .كذا فى المصدر ، والظاهر أنّه تصحيف «ذلق» ، وطلق ذلق : أى فصيح بليغ كما قال ابن الأثير فى النهايه ، وأضاف قائلاً : يقال : طَلِقٌ ذَلِقٌ ، وطليقٌ ذليق (النهايه : ج 2 ص 165 «ذلق») .
5- .المعجم الأوسط : ج 8 ص 273 ح 8613 .
6- .النازعات : 4 .
7- .تفسير القمّى : ج 2 ص 403 عن أبى الجارود ، بحار الأنوار : ج 6 ص 228 ح 30 .

1 / 3 بهشتِ برزخ

1 / 3بهشتِ برزخقرآن« گفته شد : به بهشت در آی . گفت : ای کاش قوم من می دانستند که چگونه پروردگارم مرا آمرزید و مرا در زمره عزیزان قرار داد ! » .

« و آنان که در راه خدا مهاجرت کرده اند و آن گاه کشته شده ، یا مرده اند ، قطعا خداوند به آنان روزی ای نیکو می بخشد ، و راستی ، خداست که بهترینِ روزی دهندگان است . آنان را به جایگاهی در خواهد آورد که آن را می پسندند ، و شک نیست که خدا ، دانایی بردبار است » .

« هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده اند ، مرده مپندار ؛ بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند » .

حدیث6439.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :المعجم الأوسط به نقل از ابو هریره : با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در تشییع جنازه ای شرکت کردیم . ایشان [در قبرستان]کنار قبر نشست و فرمود : «هیچ روزی بر این قبر نمی آید ، مگر آن که با صدایی گویا و رسا بانگ می زند : ای پسر آدم ! چگونه مرا فراموش کرده ای ؟ ! آیا نمی دانی که من خانه تنهایی و خانه غربت و خانه وحشت و خانه کِرم ها و خانه [فشار و] تنگی هستم ، مگر برای آن کسی که خداوند ، مرا بر او فراخ گرداند؟ ! » .

پیامبر صلی الله علیه و آله سپس فرمود : «قبر ، باغی از باغ های بهشت ، یا گودالی از گودال های آتش است» .6438.صحیح البخاری (به نقل از عبد اللّه بن مسعود) امام باقر علیه السلام در باره این سخن خداوند : «و آنان که پیشی می گیرند ، پیشی گرفتنی» : یعنی : جان های مؤمنان ، به سوی بهشت پیشی می گیرند ، چنان که در دنیا پیشی می گرفتند ، و جان های کافران ، به سوی آتش پیشی می گیرند ، چنان که در دنیا پیشی می گرفتند .

.

6437.صحيح مسلم (به نقل از ابو هريره) الكافى عن أبى ولّاد الحنّاط عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال :قُلتُ لَهُ : جُعِلتُ فِداکَ ، يَروونَ أنَّ أرواحَ المُؤمِنينَ فى حَواصِلِ طُيورٍ خُضرٍ حَولَ العَرشِ ؟

فَقالَ : لا ، المُؤمِنُ أكرَمُ عَلَى اللّهِ مِن أن يَجعَلَ روحَهُ فى حَوصَلَهِ طَيرٍ ، ولكِن فى أبدانٍ كَأبدانِهِم . (1)6436.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :نَزَلَت هاتانِ الآيَتانِ فى أهلِ وَلايَتِنا وأهلِ عَداوَتِنا : «فَأَمَّا إِن كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ * فَرَوْحٌ وَ رَيْحَانٌ» يَعنى فى قَبرِهِ «وَ جَنَّتُ نَعِيمٍ» (2) يَعنى فِى الآخِرَهِ «وَ أَمَّا إِن كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ * فَنُزُلٌ مِّنْ حَمِيمٍ» يَعنى فى قَبرِهِ «وَ تَصْلِيَهُ جَحِيمٍ» (3) يَعنى فِى الآخِرَهِ . (4)6439.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :عنه عليه السلام :إنَّ أرواحَ المُؤمِنينَ لَفى شَجَرَهٍ مِنَ الجَنَّهِ ، يَأكُلونَ مِن طَعامِها ويَشرَبونَ مِن شَرابِها ، ويَقولونَ : رَبَّنا أقِمِ السّاعَهَ لَنا ، وأنجِزلَنا ما وَعَدتَنا ، وألحِق آخِرَنا بِأوَّلِنا . (5)6438.صحيح البخارى عن عبد اللّه بن مسعود :عنه عليه السلام :إنَّ لِلقَبرِ كَلاما فى كُلِّ يَومٍ ، يَقولُ : أنا بَيتُ الغُربَهِ ، أنا بَيتُ الوَحشَهِ ، أنا بَيتُ الدّودِ ، أنَا القَبرُ ، أنا رَوضَهٌ مِن رِياضِ الجَنَّهِ ، أو حُفرَهٌ مِن حُفَرِ النّارِ . (6) .

1- .الكافى : ج 3 ص 244 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 6 ص 268 ح 119 .
2- .الواقعه : 88 89 .
3- .الواقعه : 92 94 .
4- .الأمالى للصدوق : ص 561 ح 753 عن عمرو بن أبى المقدام ، بشاره المصطفى : ص 200 عن أبى المقدام ، تفسير القمّى : ج 2 ص 350 عن أبى بصير نحوه ، روضه الواعظين : ص 300 ، بحار الأنوار : ج 6 ص 217 ح 11 .
5- .الكافى : ج 3 ص 244 ح 2 عن أبى بصير ، بحار الأنوار : ج 6 ص 268 ح 120 .
6- .الكافى : ج 3 ص 242 ح 2 عن بشير الدهّان ، الأمالى للمفيد : ص 265 ح 3 ، الأمالى للطوسى : ص 28 ح 31 كلاهما عن أبى اسحاق الهمدانى عن الإمام على عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 6 ص 267 ح 115 .

6437.صحیح مسلم عن أبی هریره :الکافی به نقل از ابو ولّاد حنّاط : به امام صادق علیه السلام گفتم : فدایت شوم ! روایت می کنند که ارواح مؤمنان [پس از مرگ] ، در چینه دان های پرندگان سبزرنگِ پیرامون عرش ، قرار می گیرند ؟

فرمود : «خیر . مؤمن در نزد خدا ، گرامی تر از آن است که روحش در چینه دان پرنده ای قرار داده شود ؛ بلکه در کالبدهایی همانند کالبدهای خودِ آنان قرار می گیرد» .6436.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام :این دو آیه در باره دوستان ما و دشمنان ما ، نازل شده است : «و امّا اگر از مقرّبان باشد ، در آسایش و راحت خواهد بود» ، یعنی در قبرش ، و «در بهشت پُر ناز و نعمت» ، یعنی در آخرت . «و امّا اگر از دروغ زنانِ گم راه باشد ، پس با آبی جوشان پذیرایی خواهد شد» ، یعنی در قبرش ، «و فرجامش ، افتادن در جهنّم است» ، یعنی در آخرت .6435.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام :ارواح مؤمنان [پس از مرگ] ، در درختی بهشتی جای می گیرند و از غذای آن می خورند و از نوشیدنیِ آن می نوشند و می گویند : «پروردگارا ! قیامت را برای ما بر پای دار و آنچه را به ما وعده داده ای ، تحقّق بخش و آخرین کسانِ ما را به اوّلین کسانِ ما [در بهشت] ملحق گردان» .6434.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام :قبر ، هر روز ، این سخنان را می گوید : من ، خانه غربتم . من ، خانه تنهایی ام . من ، خانه کِرم هایم . من ، گورم . من ، باغی از باغ های بهشت و یا گودالی از گودال های آتشم . .

6433.الدرّ المنثور (به نقل از ابو ادريس خولانى) تفسير القمّى :قوله : «وَ لَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَ عَشِيًّا» (1) يَعنى فى جِنانِ الدُّنيا الَّتى تَنتَقِلُ إلَيها أرواحُ المُؤمِنينَ . فَأمّا فى جَنّاتِ الخُلدِ فَلا يَكونُ غُدُوّا ولا عَشِيّا .

وقَولُهُ : «وَ مِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (2)

فَقالَ الصّادِقُ عليه السلام : البَرزَخُ : القَبرُ ، وهُوَ الثَّوابُ وَالعِقابُ بَينَ الدنُّيا وَالآخِرَهِ ، وَالدَّليلُ عَلى ذلِکَ أيضا قَولُ العالِمِ عليه السلام : وَاللّهِ ! ما يُخافُ عَلَيكُم إلَا البَرزَخُ .

وقَولُهُ عز و جل : «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُواْ فِى سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَ تا بَلْ أَحْيَاءٌ عِندَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ * فَرِحِينَ بِمَا ءَاتَاهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُواْ بِهِم مِّنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (3) ، وقالَ الصّادق عليه السلام : يَستَبشِرونَ وَاللّهِ فِى الجَنَّهِ بِمَن لَم يَلحَق بِهِم مِن خَلفِهِم مِنَ المُؤمِنينَ فِى الدُّنيا . (4)راجع : بحارالأنوار : ج 6 ص 202 باب 8 (احوال البرزخ والقبر) .

1 / 4جَنَّهُ الآخِرَهِالكتاب«وَ لِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ » . (5)

«وَ مِن دُونِهِمَا جَنَّتَانِ ». (6)

«إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ الصَّلِحَتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا * خَلِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا ». (7)

«يَأَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّهُ * ارْجِعِى إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَهً مَّرْضِيَّهً * فَادْخُلِى فِى عِبَدِى * وَ ادْخُلِى جَنَّتِى ». (8)

راجع : الصافّات : 41 43 ، النجم : 13 15 ، مريم : 61 ، الفرقان : 15 16 ، الروم : 15 .

.

1- .مريم : 62 .
2- .المؤمنون : 100 .

3- .آل عمران : 169 170 .
4- .تفسير القمّى : ج 1 ص 19 ، بحار الأنوار : ج 6 ص 218 ح 12 .
5- .الرحمن : 46.
6- .الرحمن : 62 .
7- .الكهف : 107 108.
8- .الفجر : 27 30.

1 / 4 بهشتِ آخرت

6431.بحارالأنوار عن المفضّل بن عمر (فی حَدیثٍ عَنِ الإمامِ الصّادِقِ علیه السلام ی) تفسیر القمّی :سخن خدا که : «و در آن جا هر صبح و شام ، روزی شان آماده است» ، یعنی در بهشت های دنیا که ارواح مؤمنان به آن جا منتقل می شوند . در بهشت های جاویدان ، صبح و شامی نیست .

[در باره] سخن خدا که : «فراپیش آنان ، برزخی است ، تا روزی که برانگیخته شوند» ، امام صادق علیه السلام فرمود : «برزخ ، همان قبر است و آن ، پاداش و کیفری است در فاصله میان دنیا و آخرت» . دلیل دیگر آن نیز این سخن امام کاظم علیه السلام است که : «به خدا سوگند ، تنها ترس و نگرانی برای شما ، از برزخ است» .

[در باره] سخن خدای عز و جل که : «هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده اند ، مرده مپندار ؛ بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند . به آنچه خدا از فضل خود به ایشان عطا کرده است ، شادمان اند و به کسانی که پیِ ایشان اند و هنوز به آنان نپیوسته اند ، مژده می دهند ، که نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین می شوند» ، امام صادق علیه السلام فرمود : «به خدا سوگند ، آنان در بهشت ، به مؤمنانی که در دنیایند و هنوز به ایشان نپیوسته اند ، مژده می دهند» .ر . ک : بحار الأنوار : ج 6 ص 202 باب 8 (احوال برزخ و قبر) .

1 / 4بهشتِ آخرتقرآن« و برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد ، دو بهشت است » .

« و پایین تر از آن دو [بهشت] ، دو بهشت [دیگر] است » .

« کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند ، بهشت های فردوس ، جایگاه پذیرایی از آنان است . جاودانه در آنها خواهند بود و درخواست انتقال از آنها نمی کنند » .

« ای نفْس آرام گرفته !خشنود و خداپسند به سوی پروردگارت ، باز گرد و در میان بندگان من ، در آی و در بهشت من ، داخل شو » .

ر . ک : صافات : آیه 41 43 ، نجم : آیه 13 15 ، مریم : آیه 61 ، فرقان : آیه 15 16 ، روم : آیه 15 .

.

الحديث6425.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :جِنانُ الفِردَوسِ أربَعٌ : ثِنتانِ مِن ذَهَبٍ حِليَتُها وآنِيَتُها وما فيهِما ، وثِنتانِ مِن فِضَّةٍ آنِيَتُهُما وَحِليَتُهُما وما فيهِما ، ولَيسَ بَينَ القَومِ وبَينَ أن يَنظُروا إلى رَبِّهِم عز و جلإلّا رِداءُ الكِبرِياءِ عَلى وَجهِهِ فى جَنَّةِ عَدنٍ ، وهذِهِ الأنهارُ تَشخَبُ (1) مِن جَنَّةِ عَدنٍ، ثُمَّ تَصَدَّعُ (2) بَعدَ ذلِكَ أنهارا . (3)6424.الإمام الصادق عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله فى قَولِهِ تَعالى : «وَ مِن دُونِهِمَا جَنَّتانِ » : جَنَّتانِ مِن فِضَّةٍ آنِيَتُها وما فيهِما ، وجَنَّتانِ مِن ذَهَبٍ آنِيَتُهُما وما فيهِما ، وما بَينَ القَومِ وبَينَ أن يَنظُروا إلى رَبِّهِم إلّا رِداءُ الكِبرِ عَلى وَجهِهِ فى جَنَّةِ عَدنٍ . (4)6423.عنه صلى الله عليه و آله :صحيح البخارى عن أنس :إنَّ أُمَّ الرُبَيِّعِ بِنتَ البراءِ وهِىَ أُمُّ حارِثَةَ بنِ سُراقَةَ أتَتِ النَّبِىَ صلى الله عليه و آله فَقالَت : يا نَبِىَ اللّهِ ، ألا تُحَدِّثُنِى عَن حارِثَةَ وكانَ قُتِلَ يَومَ بَدرٍ ، أصابَهُ سَهمٌ غَربٌ فَإن كانَ فِى الجَنَّةِ صَبَرتُ ، وإن كانَ غَيرَ ذلِكَ اجتَهَدتُ عَلَيهِ فِى البُكاءِ؟ ! قالَ صلى الله عليه و آله : يا أُمَّ حارِثَةَ ، إنَّها جِنانٌ فِى الجَنَّةِ ، وإنَّ ابنَكِ أصابَ الفِردَوسَ الأعلى . (5) .

1- .الشَخْبِ : السَيَلان (لسان العرب : ج 1 ص 485 «شخب»).
2- .تَصَدَّعَ : تَقَطّعَ وتَفَرّقَ (النهايه : ج 3 ص 16 «صدع»).
3- .مسند ابن حنبل : ج 7 ص 172 ح 19752 ، سنن الدارمى : ج 2 ص 790 ح 2718 ، مسند الطيالسى : ص 72 ح 529 كلاهما نحوه وكلّها عن عبد اللّه بن قيس ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 90 ح 156 عن أبى بكر بن عبد اللّه بن قيس وليس فيه ذيله من «فى جنّه عدن ...» ، كنز العمّال : ج 14 ص 454 ح 39234.
4- .صحيح البخارى : ج 4 ص 1848 ح 4597 ، صحيح مسلم : ج 1 ص 163 ح 296 ، سنن الترمذى : ج 4 ص 674 ح 2528 ، مسند ابن حنبل : ج 7 ص 162 ح 19702 ، صحيح ابن حبّان : ج 16 ص 394 ح 7386 كلّها عن عبد اللّه بن قيس ، كنز العمّال : ج 14 ص 453 ح 39228.
5- .صحيح البخارى : ج 3 ص 1034 ح 2654 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 518 ح 13743 ، السنن الكبرى : ج 9 ص 281 ح 18540 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 327 ح 3174 ، المستدرک على الصحيحين : ج 3 ص 230 ح 4930 كلاهما نحوه ، كنز العمّال : ج 10 ص 424 ح 30024 .

حدیث6422.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشت های فردوس ، چهار تا هستند : دو تا که زیورها و ظرف ها و آنچه در آنهاست ، از طلاست ، و دو تا که ظرف ها و زیورها و آنچه در آنهاست ، از نقره است . تنها مانع میان بهشتیان و دیدن پروردگارشان ، ردای کبریاست که بر چهره او در بهشتِ عدن ، کشیده شده است ، و این جویبارها از بهشتِ عَدْن (دست نخورده) ، سرچشمه می گیرند و سپس به جوی هایی منشعب می شوند .6421.امام صادق علیه السلام (به مُفَضَّل بن عمر) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خدای بلندمرتبه : «و پایین تر از آن دو [بهشت] ، دو بهشت [دیگر] است» : دو بهشت که ظرف هایشان و هر آنچه در آنهاست ، از نقره است ، و دو بهشت دیگر ، که ظرف هایشان و آنچه در آنهاست ، از طلاست ، و تنها مانع میان این بهشتیان و دیدن پروردگارشان ، ردای کبریاست که بر چهره او در بهشتِ عَدْن (دست نخورده) افکنده شده است .6420.امام صادق علیه السلام :صحیح البخاری به نقل از اَنَس : اُمّ رُبَیِّع دختر بَراء که همان مادر حارثه بن سُراقه است نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! آیا از حارثه که در روز بدر بر اثر اصابت تیری ناشناخته ، کشته شده بود برایم نمی گویی ، که اگر در بهشت است ، صبر پیش گیرم و در غیر این صورت ، بر او زار زار بگریم ؟ !

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «ای اُمّ حارثه ! در بهشت ، باغ هاست و پسر تو ، در فردوس برین است» . .

6421.عنه عليه السلام (للمُفَضَّلِ بنِ عُمَرَ) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الجَنَّةُ مِئَةُ دَرَجَةٍ ، كُلُّ دَرَجَةٍ مِنها ما بَينَ السَّماءِ وَالأَرضِ ، وَإِنَّ أعلاهَا الفِردَوسُ ، وإنَّ أوسَطَها الفِردَوسُ ، وإنَّ العَرشَ عَلَى الفِردَوسِ ، مِنها تُفَجَّرُ أنهارُ الجَنَّةِ . فَإِذا ما سَأَلتُمُ اللّهَ فَسَلوهُ الفِردَوسَ . (1)6420.عنه عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :عَدنٌ دارُ اللّهِ الَّتى لَم تَرَها عَينٌ ، ولَم تَخطُر عَلى قَلبِ بَشَرٍ ، لا يَسكُنُها غَيرُ ثَلاثَةٍ : النَّبِيّينَ ، وَالصّدّيقِينَ ، وَالشُّهَداءِ . يَقُولُ اللّهُ عز و جل : طوبى لِمَن دَخَلَكِ . (2)6419.امام صادق عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :خَلَقَ اللّهُ جَنَّةَ عَدنٍ ، وغَرَسَ أشجارَها بِيَدِهِ ، فَقالَ لَها : تَكَلَّمى ، فَقالَت : «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ » (3) .
6418.امام صادق عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :لَمّا خَلَقَ اللّهُ جَنَّةَ عَدنٍ خَلَقَ فيها ما لا عَينٌ رَأت ولا أُذُنٌ سَمِعَت وَلا خَطَرَ عَلى قَلبِ بَشَرٍ ، ثُمَّ قالَ لَها : تَكَلَّمى ، قالَت : «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» . (4) (5) .

1- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1448 ح 4331 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 254 ح 22148 نحوه وكلاهما عن معاذ بن جبل ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 153 ح 267 عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 14 ص 453 ح 39230 ؛ مجمع البيان : ج 6 ص 769 عن عباده بن الصامت ، بحار الأنوار : ج 8 ص 89 .
2- .مجمع البيان : ج 5 ص 77 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 85 ؛ تفسير الطبرى : ج 9 الجزء 15 ص 139 عن أبى الدرداء ، كنز العمّال : ج 2 ص 454 ح 4485.
3- .المؤمنون : 1.
4- .المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 426 ح 3480 ، تاريخ بغداد : ج 10 ص 118 كلاهما عن أنس ، كنز العمّال : ج 14 ص 454 ح 39235.
5- .المعجم الكبير : ج 11 ص 148 ح 11439 ، المعجم الأوسط : ج 1 ص 224 ح 738 ، تفسير الثعلبى : ج 7 ص 38 ، تفسير ابن كثير : ج 5 ص 455 ، تاريخ دمشق : ج 17 ص 37 ح 4031 نحوه وكلّها عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : ج 14 ص 454 ح 39236.

6417.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشت ، صد درجه (پلّه) دارد و فاصله هر درجه تا درجه دیگر ، به اندازه فاصله میان آسمان و زمین است . بالای آن ، فردوس (پَردیس) است و میانه آن ، فردوس است و عرش ، بر فردوس است و جویبارهای بهشت ، از آن جا سرچشمه می گیرند . پس هر گاه از خدا درخواست کردید ، فردوس را از او بخواهید .6416.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشتِ عَدْن (دست نخورده) ، سرای خداست که [تا کنون] هیچ چشمی ، آن را ندیده و بر قلب هیچ بشری خطور نکرده است و جز سه گروه ، کسی در آن ساکن نمی شود : پیامبران ، صدّیقان و شهیدان . خداوند عز و جلمی فرماید : «خوشا به حال کسی که وارد تو شود !» .6415.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند ، بهشتِ عَدْن (دست نخورده) را آفرید و درختان آن را با دست خودش نشاند و به آن فرمود : «سخن بگو» و آن گفت : «به راستی که مؤمنان ، رستگارند» .6419.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند ، چون بهشتِ عَدْن را آفرید ، در آن ، چیزهایی خلق کرد که نه هیچ چشمی دیده و نه هیچ گوشی شنیده و نه به ذهن بشری ، خطور کرده است . سپس به آن فرمود : «سخن بگو» و آن گفت : «به راستی که مؤمنان ، رستگارند» . .

6418.الإمام الصادق عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :لَيسَ مِن مُؤمِنٍ فِى الجَنَّهِ إلّا وَلَهُ جِنانٌ كَثِيرَهٌ ؛ مَعروشاتٌ (1) وَغَيرُ مَعروشاتٍ ، وأنهارٌ مِن خَمرٍ ، وأنهارٌ مِن ماءٍ ، وأنهارٌ مِن لَبَنٍ ، وأنهارٌ مِن عَسَلٍ ، فَإذا دَعا وَلِىُ اللّهِ بِغِذائِهِ ، أُتِىَ بِما تَشتَهى نَفسُهُ عِندَ طَلَبِهِ الغِذاءَ مِن غَيرِ أن يُسَمِّىَ شَهوَتَهُ . (2)6417.عنه عليه السلام :كتاب من لا يحضره الفقيه عن عبد اللّه بن علىّ :حَمَلتُ مَتاعِى مِنَ البَصرَهِ إلى مِصرَ ، فَقَدِمتُها، فَبَينَما أنا فى بَعضِ الطَّرِيقِ ، إذا أنا بِشَيخٍ طَويلٍ ، شَديدِ الأدمَهِ ، أبيَضِ الرَّأسِ وَاللِّحيَهِ ، عَلَيهِ طِمرانِ (3) ؛ أحَدُهُما أسوَدُ وَالآخَرُ أبيَضُ ، فَقُلتُ : مَن هَذا؟ فَقالوا : هذا بِلالٌ مَولَى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله .

فَأخَذتُ ألواحا فَأَتَيتُهُ فَسَلَّمتُ عَلَيهِ ، فَقُلتُ لَه : السَّلامُ عَلَيكَ أيُّهَا الشَّيخُ ، فَقالَ : وعَلَيكَ السَّلامُ ، قُلتُ : يَرحَمُكَ اللّهُ تَعالى ، حَدِّثنى بِما سَمِعتَ مِن رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ...

فَقالَ : أُكتُب بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحِيمِ ، سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ : إنَّ سورَ الجَنَّهِ لَبِنَهٌ مِن ذَهَبٍ وَلَبِنَهٌ مِن فِضَّهٍ . . . وإنَّ أبوابَها مُختَلِفَهٌ : بابُ الرَّحمَهِ مِن ياقوتَهٍ حَمراءَ . . . .

قُلتُ : يَرحَمُكَ اللّهُ ، فَإذا دَخَلُوا الجَنَّهَ فَماذا يَصنَعونَ؟

قالَ : يَسيرونَ عَلى نَهرَينِ فى ماءٍ صافٍ فى سُفُنِ الياقوتِ ، مَجاذيفُهَا اللُّؤلُؤُ ، فيها مَلائِكهٌ مِن نورٍ ، عَلَيهِم ثِيابٌ خُضرٌ شَدِيدَهٌ خُضرَتُها .

قُلتُ : يَرحَمُكَ اللّهُ ، هَل يَكونُ مِنَ النّورِ أَخضَرُ؟ قالَ : إنَّ الثِّيابَ هِىَ خُضرٌ ولكِن فيها نورٌ مِن نورِ رَبِّ العالَمِينَ جَلَّ جَلالُهُ لِيَسيروا عَلى حافَتَى ذلِكَ النَّهرِ .

قُلتُ : فَمَا اسمُ ذلِكَ النَّهرِ؟ قالَ : جَنَّهُ المَأوى ، قُلتُ : هَل وَسَطُها غَيرُها؟

قالَ : نَعَم ، جَنَّهُ عَدنٍ ، وهِىَ فى وَسَطِ الجِنانِ . وأمّا جَنَّهُ عَدنٍ فَسورُها ياقوتٌ أحمَرُ وحَصاها اللُّؤلُؤُ ، فَقُلتُ : وهَل فيها غَيرُها؟ قالَ : نَعَم جَنَّهُ الفِردَوسِ ، قُلتُ : فَكَيفَ سورُها؟ قالَ : وَيحَكَ كُفَّ عَنّى ، جَرَحتَ عَلَىَّ قَلبى . قُلتُ : بَل أنتَ الفاعِلُ بى ذلِكَ . قُلتُ : ما أنا بِكافٍّ عَنكَ حَتّى تُتِمَّ لِى الصِّفَهَ وَتُخبِرَنى عَن سورِها .

قالَ : سورُها نورٌ ، قُلتُ : ما الغُرَفُ الّتی فِیها؟ قالَ : هِیَ مِن نُورِ رَبِّ العالَمِینَ عز و جل . (4) .

1- .عَرَشْتُ : إذا جعلت له کهیئه سقف (مفردات ألفاظ القرآن : ص 558).
2- .الکافی : ج 8 ص 99 ح 69 ، تأویل الآیات الظاهره : ج 2 ص 747 ح 3 کلاهما عن محمّد بن إسحاق المدنی عن الإمام الباقر علیه السلام ، بحار الأنوار : ج 8 ص 160 ح 98.
3- .الطِّمْرُ : الثوبُ الخَلِقُ (النهایه : ج 3 ص 138 «طمر») .
4- .کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 1 ص 292 ح 905 ، الأمالی للصدوق : ص 282 ح 310 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 116 ح 1.

6416.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ مؤمنی در بهشت نیست ، مگر آن که باغ های بسیاری ، با داربست و بی داربست ، و جوی هایی از شراب ، و جوی هایی از آب ، و جوی هایی از شیر ، و جوی هایی از عسل دارد . پس هر گاه دوست خدا غذایی را بخواهد ، به محض خواستن غذا ، آنچه دلش بخواهد ، بدون آن که نام [غذای]دلخواهش را ببرد ، برایش آورده می شود .6415.الإمام علیّ علیه السلام :کتاب من لا یحضره الفقیه به نقل از عبد اللّه بن علی : از بصره به سوی مصر ، کالا بردم . چون وارد شهر شدم ، در یکی از گذرگاه ها به پیرمردی بلندقامت و سیه چهره که موهای سر و ریشش سفید بود و دو جامه ژنده ، یکی سیاه و دیگری سفید ، بر تن داشت ، بر خوردم . پرسیدم : این کیست؟ گفتند : بلال ، غلامِ آزاد شده پیامبر خدا .

الواحی چند برداشتم و نزد او رفتم و گفتم : سلام بر تو ، ای پیرمرد !

گفت : و علیک السلام !

گفتم : رحمت خدای بلندمرتبه ، بر تو باد ! حدیثی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برایم بگو ... .

گفت : بنویس : به نام خداوند بخشاینده مهربان . از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرماید : «دیوار بهشت ، یک خشتش از طلاست و یک خشتش از نقره ... و درهایی چند دارد : درِ رحمت ، از یاقوت سرخ است ...» .

گفتم : رحمت خدا بر تو باد ! چون وارد بهشت شدند ، چه می کنند ؟

گفت : بر کشتی هایی از یاقوت که پاروهای آنها از مروارید است و فرشتگانی از نور در آنهایند بر دو رودخانه در آبی زلال حرکت می کنند در حالی که جامه هایی با رنگ سبزِ تند ، بر تن دارند .

گفتم : رحمت خدا بر تو باد ! آیا نور سبز هم وجود دارد؟

گفت : جامه ها سبزند ؛ امّا در آن جامه ها ، نوری از نور پروردگار جهانیان است تا در دو کرانه آن رودخانه ، حرکت کنند .

گفتم : نام آن رودخانه چیست؟ گفت : بهشت مأوا . گفتم : آیا در وسط آن ، بهشت دیگری وجود دارد ؟

گفت : آری ، بهشتِ عدن ، که در وسط بهشت هاست . دیوار بهشت عدن ، از یاقوت سرخ است و ریگ هایش مرواریدند . گفتم : آیا بهشت دیگری هم در آن ، وجود دارد ؟ گفت : آری ، بهشت فردوس . گفتم : دیوار آن ، چگونه است ؟

گفت : وای بر تو ! بس کن که دلم را ریش کردی . گفتم : نه ! این ، تویی که با من چنین کردی . گفتم : دست از تو بر نمی دارم تا وصفش را برایم کامل کنی و از دیوارش برایم بگویی .

گفت : دیوارش ، نور است . گفتم : اتاق های آن ، چگونه است ؟ گفت : آنها از نور پروردگار جهانیان اند . .

6414.إحياء علوم الدين :الإمام الباقر عليه السلام :أمَّا الجِنانُ المَذكورَةُ فِى الكِتابِ ، فَإِنَّهُنَّ : جَنَّةُ عَدنٍ ، وجَنَّةُ الفِردَوسِ ، وَجَنَّةُ نَعيمٍ ، وَجَنَّةُ المَأوى . وإنَّ للّهِ عز و جلجِنانا مَحفوفَةً بِهذِهِ الجِنانِ ، وإنَّ المُؤمِنَ لَيَكونُ لَهُ مِنَ الجِنانِ ما أحَبَّ وَاشتَهى ، يَتَنَعَّمُ فِيهِنَّ كَيفَ يَشاءُ . (1)6413.إمام حسين عليه السلام :عنه عليه السلام :إنَّ الجِنانَ أربَعٌ ، وذلِكَ قَولُ اللّهِ : «وَ لِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ » ، وهُوَ أنَّ الرَّجُلَ يَهجُمُ عَلى شَهوَةٍ مِن شَهَواتِ الدَّنيا ، وَهِىَ مَعصِيَهٌ ، فَيَذكُرُ مَقامَ رَبِّهِ فَيَدَعُها مِن مَخافَتِهِ ، فَهذِهِ الآيَهُ فيهِ . فَهاتانِ جَنَّتانِ لِلمُؤمِنينَ وَالسّابِقينَ .

وأمّا قَولُهُ : «وَ مِن دُونِهِمَا جَنَّتَانِ » يَقولُ : مِن دُونِهِما فِى الفَضلِ ولَيسَ مِن دونِهِما فِى القُربِ ، وَهُما لِأَصحابِ اليَمينِ ، وَهِىَ جَنَّهُ النَّعيمِ وجَنَّهُ المَأوى .

وفى هذِهِ الجِنانِ الأَربَعِ فَواكِهُ فِى الكَثرَهِ كَوَرَقِ الشَّجَرِ وَالنُّجومِ . وَعَلى هذِهِ الجِنانِ الأَربَعِ حائِطٌ مُحيطٌ بِها، طولُهُ مَسيرَهُ خَمسِمِئَهِ عامٍ ، لَبِنَهٌ مِن فِضَّهٍ ، وَلَبِنَهٌ مِن ذَهَبٍ ، وَلَبِنَهُ دُرٍّ ، وَلَبِنَهُ ياقوتٍ ، وَمِلاطُهُ (2) المِسكُ وَالزَّعفَرانُ ، وَشُرَفُهُ نُورٌ يَتَلَألَأُ ، يَرَى الرَّجُلُ وَجهَهُ فِى الحائِطِ، وفِى الحائِطِ ثَمانِيَهُ أبوابٍ ، عَلى كُلِّ بابٍ مِصراعانِ عَرضُهُما كَحُضرِ (3) الفَرَسِ الجَوادِ سَنَهً . (4) .

1- .الكافى : ج 8 ص 100 ح 69 عن محمّد بن إسحاق المدنى ، بحار الأنوار : ج 8 ص 161 ح 98.
2- .المِلاط : الطين الذى يُجعل بين سافَى البناء (النهايه : ج 4 ص 357 «ملط»).
3- .الحُضْر : العَدْو (النهايه : ج 1 ص 398 «حضر»).
4- .الاختصاص : ص 356 عن جابر ، بحار الأنوار : ج 8 ص 218 ح 208.

6412.امام علی علیه السلام :امام باقر علیه السلام :بهشت های نام برده در قرآن ، عبارت اند از : بهشت عَدْن (دست نخورده) ، بهشت فردوس (پَردیس / باغ) ، بهشت نَعیم (ناز و نعمت) ، و بهشت مأوا (آسایش) . خداوند عز و جل ، بهشت های دیگری نیز دارد که با این بهشت ها در میان گرفته شده اند و از این بهشت ها ، هر بهشتی را که مؤمن دوست داشته باشد و دلش بخواهد ، به او می دهند ، و در آنها از هر گونه نعمتی که بخواهد ، برخوردار می شود .6411.امام علی علیه السلام :امام باقر علیه السلام :بهشت ها ، چهار تایند ؛ چرا که خداوند می فرماید : «و برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد ، دو بهشت است» . این ، در جایی است که شخص به طرف شهوتی از شهوات دنیا که گناه است ، هجوم می آورد و در همان حال ، به یاد مقام پروردگارش می افتد و از ترس او ، آن شهوت را رها می کند . این آیه در باره چنین کسی است . این دو بهشت ، برای مؤمنان و پیشتازان است .

و سخن او که : «و پایین تر از آن دو ، دو بهشت دیگر است» ، یعنی پایین تر از آنها در رتبه ، نه پایین تر از آنها در قُرب [و نزدیکی به خداوند] . این دو بهشت ، برای اصحاب یمین اند ، و عبارت اند از : بهشت نعیم (ناز و نعمت) و بهشت مَأوا (آسایش) .

در این چهار بهشت ، میوه ها از لحاظ فراوانی ، مانند برگ درختان و ستارگان اند . گرداگرد این چهار بهشت ، دیواری است که طول آن ، پانصد سال راه است . یک خشت آن ، از نقره است و یک خشتش از طلا و یک خشتش دُر و یک خشتش یاقوت است و ملاطش ، مشک و زعفران است و کنگره هایش نوری درخشان اند . انسان ، عکس خود را در این دیوار می بیند . این دیوار ، هشت دروازه دارد و هر دروازه اش ، دو لگنه دارد که پهنای آنها به اندازه یک سال دویدنِ اسبِ تیز تک است . .

ص: 48

. .

ص: 49

. .

الفصل الثانی : خَلقُ الجنّه2 / 1الجَنَّهُ وَالنّارُ مَخلوقَتانِالکتاب«وَ لَقَدْ رَءَاهُ نَزْلَهً أُخْرَی * عِندَ سِدْرَهِ الْمُنتَهَی * عِندَهَا جَنَّهُ الْمَأْوَی» . (1)

«سَابِقُواْ إِلَی مَغْفِرَهٍ مِّن رَّبِّکُمْ وَ جَنَّهٍ عَرْضُهَا کَعَرْضِ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِینَ ءَامَنُواْ بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ ذَ لِکَ فَضْلُ اللَّهِ یُؤْتِیهِ مَن یَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیمِ» . (2)

«وَسَارِعُواْ إِلَی مَغْفِرَهٍ مِّن رَّبِّکُمْ وَجَنَّهٍ عَرْضُهَا السَّمَوَ تُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِینَ» . (3)

«فَإِن لَّمْ تَفْعَلُواْ وَ لَن تَفْعَلُواْ فَاتَّقُواْ النَّارَ الَّتِی وَ قُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَهُ أُعِدَّتْ لِلْکَفِرِینَ» . (4)

«وَ أُزْلِفَتِ الْجَنَّهُ لِلْمُتَّقِینَ * وَ بُرِّزَتِ الْجَحِیمُ لِلْغَاوِینَ» . (5)

راجع : آل عمران : 131 ، العنکبوت : 54 ، الانفطار : 13 16 ، المعارج : 15 17 .

.

1- .النجم : 13 15 .
2- .الحدید : 21 .
3- .آل عمران : 133 .
4- .البقره : 24 .
5- .الشعراء : 90 91 .

فصل دوم: آفرینش بهشت

2 / 1 بهشت و دوزخ ، دو آفریده اند

فصل دوم: آفرینش بهشت2 / 1بهشت و دوزخ ، دو آفریده اندقرآن« و قطعا [پیامبر در معراج] بار دیگر هم او (جبرئیل) را دید ، نزدیک آخرین درخت سِدْر ، در همان جا که بهشتِ مأواست » .

« به سوی آمرزشی از پروردگارتان و بهشتی که پهنایش مانند پهنای آسمان و زمین است و برای کسانی آماده شده که به خدا و پیامبرش ایمان آورده اند ، بر یکدیگر سبقت بجویید . این ، فضل خداست که به هر کس بخواهد ، آن را می دهد و خدا دارای فضل بزرگ است » .

« و به سوی آمرزشی از پروردگارتان و بهشتی که پهنای آن ، آسمان ها و زمین است و برای پرهیزگاران ، آماده شده ، بر یکدیگر سبقت بجویید » .

« و اگر [آنچه را گفتیم ،] نکردید و هرگز نمی توانید کرد ، از آن آتشی که سوختِ آن ، مردمان و سنگ هایند و برای کافران ، آماده شده است ، بترسید » .

« و [در آن روز ،] بهشت برای پرهیزگاران ، نزدیک می گردد و دوزخ برای گم راهان ، نمودار می شود » .

ر . ک : آل عمران : آیه 131 ، عنکبوت : آیه 54 ، انفطار : آیه 13 16 ، معارج : آیه 15 17 .

.

الحديث6404.عنه عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام :لَيسَ مِن شِيعَتِنا مَن أَنكَرَ أَربَعَةَ أَشياءَ : المِعراجَ ، وَالمُساءَلَةَ فِى القَبرِ ، وَخَلقَ الجَنَّةِ وَالنّارِ ، وَالشَّفاعَةَ . (1)6403.عنه عليه السلام :الإمام الرضا عليه السلام :مَن أَقَرَّ بِتَوحِيدِ اللّهِ ... وَآمَنَ بِالمِعْراجِ ، وَالمُساءَلَةِ فِى القَبرِ ، وَالحَوضِ ، وَالشَّفاعَةِ ، وَخَلقِ الجَنَّةِ وَالنّارِ ، وَالصِّراطِ ، وَالمِيزانِ ، وَالبَعثِ ، وَالنُّشُورِ ، وَالجَزَاءِ ، وَالحِسابِ ، فَهُوَ مُؤْمِنٌ حَقّا، وَهُوَ مِنْ شِيعَتِنا أَهْلَ البَيْتِ . (2)6402.عنه عليه السلام :التوحيد عن عبد السلام بن صالح الهروى فِى مَسَائِلَ سَأَلَ عَنْهَا الإمامَ الرِّضا عليه السلام :يَابْنَ رَسُولِ اللّهِ ، فَأَخْبِرْنى عَنِ الجَنَّةِ وَالنَّارِ أَهُما اليَوْمَ مَخْلُوقَتَانِ؟ فَقَالَ : نَعَمْ ، وَإِنَّ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله قَدْ دَخَلَ الجَنَّةَ وَرَأَى النَّارَ لَمّا عُرِجَ بِهِ إِلَى السَّمَاءِ ، قَالَ : فَقُلْتُ لَهُ : إِنَّ قَوْما يَقُولُونَ : إِنَّهُما اليَوْمَ مُقَدَّرَتَانِ غَيْرُ مَخْلُوقَتَيْنِ . فَقَالَ عليه السلام : مَا أُولَئِكَ مِنَّا وَلَا نَحْنُ مِنْهُم ، مَنْ أَنْكَرَ خَلْقَ الجَنَّةِ وَالنّارِ فَقَدْ كَذَّبَ النَّبِىَ صلى الله عليه و آله وَكَذَّبَنا، وَلا مِنْ وِلايَتِنا عَلَى شَىْءٍ ، وَيَخْلُدُ فِى نارِ جَهَنَّمَ . (3)2 / 2خَلقُ الجَنَّةِ قَبلَ النّارِ6399.امام صادق عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :خَلَقَ اللّهُ الجَنَّةَ قَبلَ النّارِ ، وَلَو خَلَقَ النّارَ قَبلَ الجَنَّةِ لَخَلَقَ العَذَابَ قَبلَ الرَّحْمَةِ . (4) .

1- .صفات الشيعه : ص 129 ح 69 عن محمّد بن عماره عن أبيه ، بحار الأنوار : ج 8 ص 197 ح 186 .
2- .صفات الشيعه : ص 129 ح 71 عن الفضل بن شاذان ، بحار الأنوار : ج 8 ص 197 ح 187 .
3- .التوحيد : ص 118 ح 21 ، الأمالى للصدوق : ص 373 ح 7 ، الاحتجاج : ج 2 ص 381 ح 286 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 119 ح 6 .
4- .بحار الأنوار : ج 60 ص 257 نقلاً عن كتاب ذكر الأقاليم والبلدان والجبال والأنهار والأشجار عن ابن عبّاس .

2 / 2 آفرینش بهشت ، پیش از دوزخ

حدیث6398.صحیح البخاری (به نقل از حذیفه بن یمان) امام صادق علیه السلام :از شیعیان ما نیست کسی که چهار چیز را انکار کند : معراج را ، پرسش در قبر را ، آفریده شدن بهشت و دوزخ را ، و شفاعت را.6398.صحیح البخاری عن حذیفه بن الیمان :امام رضا علیه السلام :هر کس به یگانگی خدا اقرار کند ... و به معراج و پرسش در قبر و حوض [کوثر] و شفاعت و آفریده شدن بهشت و دوزخ ، و صراط و میزان و زنده شدن دوباره و رستاخیز و پاداش و حسابرسی ، ایمان داشته باشد ، مؤمنِ حقیقی و از شیعیان ما اهل بیت است.6397.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :التوحید به نقل از عبد السلام بن صالح هِرَوی ، در پرسش هایی که از امام رضا علیه السلام کرد : [گفتم :] ای فرزند پیامبر خدا ! مرا خبر ده که آیا بهشت و دوزخ ، هم اکنون آفریده شده اند؟

فرمود : «آری . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله زمانی که به آسمان برده شد ، به بهشت ، وارد شد و دوزخ را هم دید» .

گفتم : عدّه ای می گویند : این دو ، فعلاً مقدّرند و هنوز ، آفریده نشده اند .

فرمود : «آنها از ما نیستند و ما هم از آنها نیستیم . هر کس منکر آفریده شدن بهشت و دوزخ باشد ، در حقیقت ، پیامبر صلی الله علیه و آله و ما را تکذیب کرده است و پیرو ما نیست و در آتش دوزخ ، جاودان است» .2 / 2آفرینش بهشت ، پیش از دوزخ6396.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدا ، بهشت را پیش از آتش (دوزخ) آفرید . اگر آتش را پیش از بهشتْ آفریده بود ، در واقع ، عذاب را پیش از رحمت ، آفریده بود. (1)

.

1- .پس رحمت خدا بر عذاب و خشمش ، پیشی دارد .

6395.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الباقر علیه السلام :إِنَّ اللّهَ عز و جل خَلَقَ الجَنَّهَ قَبلَ أَن یَخلُقَ النَّارَ ، وَخَلَقَ الطَّاعَهَ قَبلَ أَن یَخلُقَ المَعصِیَهَ ، وَخَلَقَ الرَّحمَهَ قَبلَ الغَضَبِ ، وَخَلَقَ الخَیرَ قَبلَ الشَّرِّ ، وَخَلَقَ الأَرضَ قَبلَ السَّماءِ ، وَخَلَقَ الحَیاهَ قَبلَ المَوتِ ، وَخَلَقَ الشَّمسَ قَبلَ القَمَرِ ، وَخَلَقَ النُّورَ قَبلَ الظُّلمَهِ . (1) .

1- .الکافی : ج 8 ص 145 ح 116 عن سلام بن المستنیر ، بحار الأنوار : ج 57 ص 98 ح 83 .

6394.مسند ابن حنبل (به نقل از ابو سعید خُدری ، از پیامبر خدا) امام باقر علیه السلام :خداوند عز و جل پیش از آن که آتش را بیافریند ، بهشت را آفرید و پیش از آن که نافرمانی را بیافریند ، فرمانبری را آفرید و مهر را پیش از خشم آفرید و خوبی را پیش از بدی آفرید و زمین را پیش از آسمان آفرید و زندگی را پیش از مرگ آفرید و خورشید را پیش از ماه آفرید و روشنایی را پیش از تاریکی آفرید . .

ص: 56

..

پژوهشی در باره وجود کنونیِ بهشت و دوزخ

نظریّه نخست : بهشت و دوزخ ، آفریده شده اند

اشاره

پژوهشی در باره وجود کنونیِ بهشت و دوزخآیا خدای بلندمرتبه ، بهشت و دوزخ را آفریده و آنها بالفعل (هم اکنون) وجود دارند ؟ یا این که در آینده آفریده می شوند؟ در پاسخ این سؤال ، سه نظریّه قابل بررسی ، وجود دارد :

نظریّه نخست : بهشت و دوزخ ، آفریده شده انداکثر قریب به اتّفاق علمای اسلام ، بر این باورند که بهشت و دوزخ ، پیش از این ، آفریده شده اند و بالفعل وجود دارند . (1) شیخ صدوق رحمه الله در این باره می گوید : عقیده ما در باره بهشت و دوزخ ، این است که آنها آفریده شده اند و پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که به معراج رفت ، وارد بهشت شد و دوزخ را دید . (2) شیخ مفید نیز در این باره می گوید :

.

1- .ر . ک : أوائل المقالات : ص 124 ، المسلک فی اُصول الدین : ص 104 ، قواعد المرام فی علم الکلام : ص 167 ، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد : ص 576 ، زبده البیان : ص 328 ، الفصول المهمّه : ج 1 ص 361 ، مجمع البیان : ج 2 ص 837 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 205 ذیل ح 204 ، المواقف ، ایجی : ج 3 ص 485 ، شرح المقاصد فی علم الکلام : ج 2 ص 218 ، شرح المواقف ، جرجانی : ج 8 ص 301 ، شرح مسلم ، نووی : ج 2 ص 222 و ج 6 ص 207 ، عمده القاری : ج 5 ص 303 ، عون المعبود : ج 13 ص 54 ، شعار أصحاب الحدیث : ص 41 ، التمهید ، ابن عبد البر : ج 5 ص 108 و ج 19 ح 112 ، نظم المتآثر من الحدیث المتواتر : ص 231 .
2- .الاعتقادات ، صدوق : ص 79 .

ادله وجود فعلی بهشت و دوزخ

1 . آیاتی از سوره نجم

بهشت و دوزخ ، اکنون آفریده شده اند . برای این مطلب ، روایت ها رسیده است و پیروان شریعت و صاحبان آثار ، بر آن اتّفاق دارند . (1) این سخن ، نشان می دهد که مخالفان این نظریّه ، به قدری اندک اند که مخالفت آنها ، به ادّعای اجماع مسلمانان بر وجود داشتن کنونیِ بهشت و دوزخ ، ضرری نمی رساند . دلیل کسانی که معتقدند که بهشت و دوزخ ، بالفعل وجود دارند ، آیات و احادیثی هستند که بر وجود داشتن کنونیِ بهشت و دوزخ ، دلالت دارند که در این جا اجمالاً به آنها اشاره می کنیم :

ادله وجود فعلی بهشت و دوزخبسیاری از آیات قرآن ، ظهور در وجود داشتن کنونیِ بهشت و دوزخ دارند که به نمونه هایی از آنها اشاره می کنیم :

1 . آیاتی از سوره نجم «وَ لَقَدْ رَءَاهُ نَزْلَةً أُخْرَی * عِندَ سِدْرَهِ الْمُنتَهَی * عِندَهَا جَنَّهُ الْمَأْوَی * إِذْ یَغْشَی السِّدْرَهَ مَا یَغْشَی . (2) و قطعا [پیامبر] بار دیگر ، او (جبرئیل) را دید ، نزدیک آخرین درخت سِدر ، در همان جا که بهشت مأواست ، هنگامی که درخت سدر را آنچه می پوشاند ، احاطه کرده بود» . این آیه به روشنی دلالت دارد که «بهشت مأوا» وجود دارد و پیامبر صلی الله علیه و آله در معراج خود ، جبرئیل را در نزدیکی آن ، دیده است .

.

1- .أوائل المقالات : ص 124 .
2- .نجم : آیه 12 15 .

2 . آیه ای از سوره آل عمران

3 . آیه ای دیگر از سوره آل عمران

گفتنی است در باره این که بهشتِ مورد اشاره در این آیه ، بهشت برزخی است یا بهشت جاوید ، اختلاف نظر وجود دارد ؛ لیکن چنان که شماری از محقّقان گفته اند (1) و به قرینه سایر آیاتی که کلمه «جنّه المأوی» در آنها به کار رفته ، (2) ظاهرا مقصود از «جنّه المأوی» در این جا نیز بهشت جاوید است .

2 . آیه ای از سوره آل عمران «وَسَارِعُواْ إِلَی مَغْفِرَهٍ مِّن رَّبِّکُمْ وَجَنَّهٍ عَرْضُهَا السَّمَوَ تُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِینَ . (3) و به سوی آمرزشی از جانب پروردگارتان و بهشتی بشتابید که پهنای آن ، آسمان ها و زمین است و برای پرهیزگاران ، آماده شده است» . این آیه و آیه 31 سوره حدید ، بر آماده بودن بهشت برای پرهیزگاران ، دلالت دارند .

3 . آیه ای دیگر از سوره آل عمران «وَاتَّقُواْ النَّارَ الَّتِی أُعِدَّتْ لِلْکَفِرِینَ . (4) و از آتشی که برای کافران آماده شده است ، بپرهیزید» . این آیه و آیه 24 سوره بقره نیز بر آماده بودن دوزخ برای کیفر مجرمان ،

.

1- .مانند : شیخ طبرسی در مجمع البیان (ج 9 ص 265) و علّامه طباطبایی در المیزان فی تفسیر القرآن (ج 18 ص 375) .
2- .«أَمَّا الَّذِینَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ الصَّلِحَتِ فَلَهُمْ جَنَّتُ الْمَأْوَی نُزُلًا بِمَا کَانُواْ یَعْمَلُونَ» (سجده : آیه 19) «وَ أَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَی النَّفْسَ عَنِ الْهَوَی * فَإِنَّ الْجَنَّهَ هِیَ الْمَأْوَی» (نازعات : آیه 40 41) .
3- .آل عمران : آیه 133 .
4- .آل عمران : آیه 131 .

4 . احادیث دالّه بر وجود فعلی بهشت و دوزخ

نظریّه دوم : بهشت و دوزخ ، در آینده آفریده می شوند

اشاره

دلالت دارند . (1)

4 . احادیث دالّه بر وجود فعلی بهشت و دوزخافزون بر احادیث بسیاری که ظهور در وجود داشتن کنونیِ بهشت و دوزخ دارند و به دلیل تواتر معنوی ، صدور اجمالی آنها قطعی است ، در فصل دوم ، احادیثی آمده که به وجود داشتن کنونی آنها تصریح شده ، چنان که در حدیثی با سند صحیح از امام رضا علیه السلام نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله در معراج ، وارد بهشت گردیده و دوزخ را دیده است و نیز تأکید شده است که کسی که آفرینش بهشت و دوزخ را نپذیرد ، پیامبر را تکذیب کرده و بر ما دروغ بسته است . (2)

نظریّه دوم : بهشت و دوزخ ، در آینده آفریده می شونداین نظریّه که بهشت و دوزخ ، در آینده آفریده می شوند ، طرفداران فراوانی ندارد و گزارش شده که در میان اهل سنّت ، تنها معتزله و خوارج و گروهی از زیدیّه ، آن را پذیرفته اند . شیخ مفید رحمه الله ، پس از ادّعای اجماع بر نظریّه نخست ، می گوید : معتزله و خوارج و گروهی از زیدیّه با این نظر ، مخالفت کرده اند و بیشتر آنها ، گمان کرده اند که آنچه ما در باره آفرینش بهشت و دوزخ یادآور شدیم ، صرفا ممکن است ، نه لازم ، و در مورد احادیث رسیده ، سکوت کرده اند . بقیّه آنها نیز به محال بودن آفرینش بهشت و دوزخ ، نظر داده اند . (3)

.

1- .برای آگاهی از شماری از آیاتی که بر وجود داشتن کنونی بهشت و دوزخ ، دلالت دارند ، ر . ک : بحار الأنوار : ج 8 ص 206 ذیل ح 204 ، مستدرک سفینه البحار : ج 2 ص 109 ، تفسیر الآلوسی : ج 4 ص 57 ، تفسیر البیضاوی : ج 5 ص 302 .

2- .ر . ک : ح 32 .
3- .أوائل المقالات : ص 124 .

علّامه حلّی رحمه الله در باره ابو علی جُبّایی و ابو الحسین بَصری و ابو الحسن اشعری نقل کرده است که آنها بر این نظرند که بهشت و دوزخ ، اکنون آفریده شده اند و از ابو هاشم جُبّایی و قاضی عبد الجبّار بن احمد رازی ، خلاف آن را نقل کرده است . (1) در میان امامیه ، این نظریّه به سیّد رضی رحمه الله نسبت داده شده است . وی در کتاب حقائق التأویل آورده است : علما در این که بهشت و دوزخ ، آیا اکنون آفریده شده اند یا پس از مرگ بندگان ، آفریده می شوند ، اختلاف نظر دارند . گروهی از آنان می گویند : «آنها اکنون آفریده شده اند» و گروه دیگر می گویند : «فقط بهشت ، آفریده شده است» . نظر درست ، این است که آنها بعدا آفریده می شوند . (2) علّامه مجلسی رحمه الله در این باره می فرماید : بدان که ایمان به بهشت و دوزخ ، آن گونه که در آیات و احادیثْ وارد شده است ، بدون تأویل در آنها ، از ضروریات دین است و منکِران و تأویل کنندگان (از جمله فیلسوفان) ، خارج از دین اند . البته در مورد آفرینش بالفعل بهشت و دوزخ ، همه مسلمانان ، اتّفاق نظر دارند ، بجز گروهی از معتزله که می گویند در قیامت ، آفریده می شوند . این ، در حالی است که آیات و احادیث متواتر ، گفتار آنها را رد می کند و رأی آنها را ناچیز می شمارد . ظاهرا هیچ یک از امامیه ، این نظرِ سست را قبول ندارد ، جز آنچه به سیّد رضی ، نسبت داده شده است . (3)

.

1- .کشف المراد : ص 453 .
2- .ر . ک : حقائق التأویل : ص 245 248 .
3- .بحار الأنوار : ج 8 ص 205 ذیل ح 204 .

دلیل نظریّه دوم

1 . ناپایداری جهان

دلیل نظریّه دومکسانی که معتقدند بهشت و دوزخ ، هنوز آفریده نشده اند ، برای اثبات مدّعای خود ، به دو دلیل استدلال کرده اند :

1 . ناپایداری جهاندلیل نخست قائلان نظریّه دوم ، این است که بهشت و دوزخ اخروی ، همیشگی اند ، در صورتی که آنچه در این جهان است ، فانی و ناپایدار است . سید رضی رحمه الله در این باره می گوید : دیدگاه درست ، این است که آنها بعدا آفریده می شوند و از مواردی که بر آن استدلال می شود ، سخن خدای بلندمرتبه در باره بهشت است که : «أُكُلُهَا دَآئِمٌ وَ ظِلُّهَا ؛ (1) خوراکی ها و سایه اش ، پایدارند» . از طرفی نیز دلیل وجود دارد بر این که هر پدیده کنونی ، به ناچار ، نابود می شود . (2) وقتی این دو دلیل را در کنار هم بگذاریم ، نتیجه این می شود که بهشت و دوزخ ، آفریده نشده اند . (3) البته به این دلیل ، جواب های متعدّدی داده شده است که عبارت اند از : اوّلاً : میان دوام نعمت بهشت و وجود داشتن کنونیِ بهشت ، ملازمه عقلی وجود دارد ؛ زیرا می توان گفت که دوام نعمت بهشت ، پیش از ورود بهشتیان به بهشت را نیز شامل می شود . ثانیا : مقصود از فنای اشیای این جهان ، نابودی مطلق آنها نیست ؛ بلکه

.

1- .رعد : آیه 35 .
2- .اشاره است به آیه : «كُلُّ شَىْ ءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ ؛ هر چیزی جز ذات او ، از بین رفتنی است» (قصص : آیه 88) .
3- .حقائق التأویل : ص 246 .

2 . منافات داشتن فعلیت بهشت و دوزخ ، با حکمت

نظریّه سوم : بهشت و دوزخ ، هم آفریده شده اند و هم آفریده نشده اند

مقصود ، نابودی ذاتی آنهاست . ثالثا : می توان گفت که مقصود از آیه «کُلُّ شَیْ ءٍ هَالِکٌ إِلَّا وَجْهَهُ» ، انتقال همه موجودات این جهان در آینده به جهان دیگر است . بنا بر این ، بهشت و دوزخ اخروی ، تخصّصا از مدلول آیه یاد شده ، خارج اند .

2 . منافات داشتن فعلیت بهشت و دوزخ ، با حکمتاستدلال دیگر قائلان به نظریّه دوم ، این است که ایجاد بهشت و دوزخ ، پیش از قیامت ، کاری بیهوده و بر خلاف حکمت است ؛ زیرا پیش از روز جزا ، کسی وارد بهشت و دوزخ نمی شود . بنا بر این ، آفرینش بهشت ، پیش از فرا رسیدن آخرت ، درست مانند ساختن خانه یا زندان برای کسانی است که هزاران سال بعد ، به دنیا می آیند . از هشامیه نقل شده که گفته اند : بهشت و دوزخ ، آفریده نشده اند ؛ زیرا وقتی کسی نباشد که سود و زیان آنها را ببَرد ، بهره ای در وجود آنها نخواهد بود . (1) پاسخ این سخن ، آن است که : اوّلاً : عقل ، بدون احاطه به اسرار خلقت نمی تواند بیهوده بودن یا حکمت داشتن چیزی را کشف کند . از این رو ، خالی بودن بهشت و دوزخ پیش از قیامت ، نمی تواند دلیلی بر بیهوده بودن آفرینش آنها باشد . ثانیا : اگر بهشت و دوزخ را معلول عمل انسان بدانیم ، چون میان عمل و جزا، رابطه تکوینی برقرار است ، حکمت وجود داشتن آنها معلوم می گردد .

.

1- .ر . ک : الملل و النحل : ج 1 ص 72 .

نظریّه سوم : بهشت و دوزخ ، هم آفریده شده اند و هم آفریده نشده اندبر اساس این نظریّه ، بهشت و دوزخ ، اکنون ، به یک معنا وجود دارند و به یک معنا وجود ندارند : بهشت و دوزخ ، اکنون هستند ، از این جهت که زمینه پدید آمدن آنها در این جهان ، در وجود همه انسان ها بالفعل هست ، و اکنون نیستند ، از این جهت که علّت پدید آمدن بهشت و دوزخ ، کارهای نیک و بد انسان است که به تدریج در طول زندگی از او صادر می گردد . بنا بر این ، قبل از انجام شدن کار به وسیله انسان های مکلّف ، بهشت و دوزخی وجود ندارد . صدر المتألّهین در تبیین این نظریّه می گوید : مردم در این که دوزخ ، اکنون آفریده شده یا آفریده نشده است ، اختلاف نظر دارند و اختلافشان در مورد دوزخ ، مشهور است ، چنان که در باره بهشت ، چنین اختلافی هست . امّا دیدگاه ما ، پیروان کشف و عرفان ، این است که هر دو [از جهتی] آفریده شده اند و [از جهتی] آفریده نشده اند . این که می گوییم آفریده شده اند ، مانند مردی است که خانه ای بنا می کند و فقط دیوارهای اطراف آن را می سازد . فقط دیوار دارد ؛ ولی به آن خانه گفته می شود ، چنان که وقتی وارد آن می شوی ، چیزی جز دیوارهایی که در فضا و روی زمین برپا شده اند ، نمی بینی . بعد از آن ، طبق نیاز ساکنان آن ، اتاق ها و غرفه ها و پرده ها و راهروها و انبارها و آنچه نیاز است در آن باشد ، ایجاد می گردد . دوزخ ، خانه ای است که حرارت آن ، هوای سوزان است و سوخت آن ، جز انسان ها و سنگ هایی که خدا به حساب می آمدند ، نیست . و جن ، شعله آن است . خدای بلندمرتبه می فرماید : «هیزم آن ، مردم و سنگ است» (1) و

.

1- .بقره : آیه 24 .

می فرماید : «در واقع ، شما و آنچه غیر از خدا می پرستید ، هیمه دوزخید» (1) و می فرماید : «پس ، آنها و گم راهان ، در آن افکنده می شوند و [نیز] همه سپاهیان ابلیس» (2) و در آن ، وسایل و ابزارها با اعمال جِنّیان و انسان ها که داخل آن می شوند ، پدیدار می گردد . (3) گفتنی است که این نظریّه ، مبتنی بر این اساس است که بهشت و دوزخ ، وجود مستقلی از انسان ندارند ، چنان که صدر المتألّهین ، خود ، به این مطلب ، تصریح کرده است : و دانستی که بهشت مؤمن و دوزخ کافر ، امری خارج از نفْس [انسان] نیست . پس این که [بهشت و دوزخ ،] امروز آماده اند ، مربوط به نفْس انسان است ، گرچه انسان از آن ، در پرده است [و آن را درک نمی کند] . (4) گفتنی است که ظاهر و بلکه صریح آیات قرآن و احادیث اسلامی ، بر وجود بالفعل و مستقلّ بهشت و دوزخ و در عین حال ، مرتبط بودن آن با عمل انسان ، دلالت دارد (5) و در این گونه مسائل که عقل برای رسیدن به حقیقت ، راهی ندارد ، اعتقاد به آنچه قرآن و حدیث می گویند ، ضروری است .

.

1- .انبیا : آیه 98 .
2- .شُعرا : آیه 94 95 .
3- .الحکمه المتعالیه : ج 5 ص 365 366 .
4- .الحکمه المتعالیه : ج 9 ص 335 .
5- .ر . ک : ج 2 ص 11 (رابطه ظاهر و باطن یا تجسّم اعمال) .

2 / 3مَكانُ الجَنَّهالكتاب«وَ فِی السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ» . (1)

«وَ لَقَدْ رَءَاهُ نَزْلَةً أُخْرَی* عِندَ سِدْرَهِ الْمُنتَهَی * عِندَهَا جَنَّهُ الْمَأْوَی» . (2)

الحديث6377.الكافی (به نقل از صفوان جمّال) رسول اللّه صلی الله عليه و آله :إنَّ الجَنَّهَ فِی السَّماءِ ، وإنَّ النّارَ فِی الأرضِ . (3)6381.الإمام علیّ عليه السلام :عنه صلی الله عليه و آله :إنَّ أرواحَ المُؤمِنينَ فِی السَّماءِ السّابِعَهِ ، يَنظُرونَ إلی مَنازِلِهِم فِی الجَنَّهِ . (4)6380.الإمام علیّ عليه السلام :بحار الأنوار فی ذِكرِ مَسائِلِ عَبدِ اللّهِ بنِ سَلامٍ الَّتی سَأَلَ عَنها رَسولَ اللّهِ صلی الله عليه و آله : ... قالَ : فَأخبِرنی عَنِ الجَنَّهِ ، أينَ هِیَ ؟ قالَ [صلی الله عليه و آله] : فِی السَّماءِ السّابِعَهِ ، وَالنّارُ فی تُخومِ الأرضِ السُّفلی . قالَ : صَدَقتَ يا مُحَمَّدُ . (5)6379.الإمام علیّ عليه السلام :الإمام علیّ عليه السلام لَمّا قَدِمَ يَهودِيّانِ أخَوانِ وسَأَلاهُ : أينَ تَكونُ الجَنَّهُ ؟ وأينَ تَكونُ النّارُ ؟ : أمَّا الجَنَّهُ فَفِی السَّماءِ ، وأمَّا النّارُ فَفِی الأرضِ . (6) .

1- .الذاريات : 22 .
2- .النجم : 13 15 .
3- .المستدرک علی الصحيحين : ج 4 ص 613 ح 8698 عن عبد اللّه بن سلام ، كنز العمّال : ج 14 ص 459 ح 39260 نقلاً عن الديلمی ؛ التبيان فی تفسير القرآن : ج 8 ص 498 عن الحسن من دون إسناد إلی أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام .
4- .تاريخ أصبهان : ج 1 ص 203 الرقم 281 ، الفردوس : ج 1 ص 237 ح 913 كلاهما عن أبی هريره ، كنز العمّال : ج 15 ص 676 ح 42689 .
5- .بحار الأنوار : ج 60 ص 257 .
6- .الخصال : ص 597 ح 1 ، إرشاد القلوب : ص 317 كلاهما عن ابن عباس ، بحار الأنوار : ج 8 ص 286 ح 13 .

2 / 3 جایگاه بهشت

2 / 3جایگاه بهشتقرآن« و روزیِ شما و آنچه وعده داده شده اید ، در آسمان است » .

« و قطعا [پیامبر] بار دیگر ، او (جبرئیل) را دید ، نزدیک آخرین درخت سِدر ، در همان جا که بهشتِ مأواست » .

حدیث6372.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشت ، در آسمان است و دوزخ ، در زمین .6371.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ارواح مؤمنان در آسمان هفتم ، به منزل های خود در بهشت می نگرند .6370.امام علی علیه السلام :بحار الأنوار در بیان پرسش های عبد اللّه بن سلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : [عبد اللّه]گفت : به من بگو : بهشت در کجاست ؟

فرمود : «در آسمان هفتم ، و دوزخ در مرزهای زمینِ هفتم است» .

عبد اللّه گفت : درست گفتی ، ای محمّد !6369.امام علی علیه السلام :امام علی علیه السلام در پاسخ به دو برادر یهودی که نزد ایشان آمدند و پرسیدند : بهشت و دوزخ در کجا قرار دارند؟ : بهشت ، در آسمان است و دوزخ ، در زمین .

.

6368.امام على عليه السلام :عنه عليه السلام لِلجاثَليق (1) وقَد سَأَلَهُ عَنِ الجَنَّهِ أ فِى الدُّنيا هِىَ أم فِى الآخِرَهِ؟ وأينَ الآخِرَهُ مِنَ الدُّنيا ؟ : الدُّنيا فِى الآخِرَهِ وَالآخِرَهُ مُحيطَهٌ بِالدُّنيا ، إذ كانَتِ النُّقلَهُ مِنَ الحَياهِ إلَى المَوتِ ظاهِرَهً ، وكانَتِ الآخِرَهُ هِىَ دارُ الحَيَوانِ لَو كانوا يَعلَمونَ ؛ وذلِكَ أنَّ الدُّنيا نُقلَهٌ وَالآخِرَهَ حَياهٌ ومُقامٌ ، مَثَلُ ذلِكَ كَالنّائِمِ ؛ وذلِكَ أنَّ الجِسمَ يَنامُ ، وَالرّوحَ لا تَنامُ ، والبَدَنَ يَموتُ وَالرّوحَ لا تَموتُ (2) ، قالَ اللّهُ عز و جل : «وَ إِنَّ الدَّارَ الْاخِرَهَ لَهِىَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُواْ يَعْلَمُونَ» (3) .

وَالدُّنيا رَسمُ الآخِرَهِ وَالآخِرَهُ رَسمُ الدُّنيا (4) ، ولَيسَ الدُّنيا الآخِرَهَ ولَا الآخِرَهُ الدُّنيا . إذا فارَقَ الرُّوحُ الجِسمَ يَرجِعُ كُلُّ واحِدٍ مِنهُما إلى ما مِنهُ بَدَأَ وما مِنهُ خُلِقَ ، وكَذلِكَ الجَنَّهُ وَالنّارُ فِى الدُّنيا مَوجودَهٌ وفِى الآخِرَهِ ؛ لِأَنَّ العَبدَ إذا ماتَ صارَ فى دارٍ مِنَ الأَرضِ ؛ إمّا رَوضَهٍ مِن رِياضِ الجَنَّهِ ، وإمّا بُقعَهٍ مِن بِقاعِ النّارِ ، وروحُهُ إلى أحَدِ دارَينِ ؛ إمّا فى دارِ نَعيمٍ مُقيمٍ لا يَموتُ فيها ، وإمّا فى دارِ عَذابٍ أليمٍ لايَموتُ فيها ، وَالرَّسمُ لِمَن عَقَلَ مَوجودٌ واضِحٌ ، وقَد قالَ اللّهُ عز و جل : «كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينَ * لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ * ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ * ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (5) وعَنِ الكافِرينَ ، فَقالَ : إنَّهُم كانوا فى شُغُلٍ عَن ذِكرى ، وكانوا لا يَستَطيعونَ سَمعا (6) ، ولَو عَلِمَ الإِنسانُ ما هُوَ فيهِ ماتَ خَوفا مِنَ المَوتِ ، ومَن نَجا فَبِفَضلِ اليَقينِ . (7) .

1- .الجَاثَلِيق: رئيس النصارى فى بلاد الإسلام (مجمع البحرين : ج 1 ص 270 «الجاثليق») .
2- .فى المصدر : «يموت» ، والتصويب من بحار الأنوار .
3- .العنكبوت : 64 .
4- .الرسم : تمثيل الشىء يطلق على ما يقابل الحقيقه كقول الشاعر : «أرى ودّكم رسما وودّى حقيقه» والظاهر أنّ المراد أنّ الدنيا تمثيل الآخره والآخره تمثيل الدنيا ، فيكون مثل قوله سبحانه وتعالى : «وَ أُتُواْ بِهِ مُتَشَبِهًا» (البقره : 25) .
5- .التكاثر : 5 8 .
6- .إشاره إلى الآيه : 101 من سوره الكهف .
7- .إرشاد القلوب : ص 309 عن سلمان ، بحار الأنوار : ج 30 ص 72 ح 1 .

6376.الإمام علیّ علیه السلام :امام علی علیه السلام در پاسخ جاثلیق (1) که پرسید : آیا بهشت در همین دنیاست ، یا در آخرت است؟ و آخرت در کجای دنیاست؟ : دنیا در [دل]آخرت است و آخرت ، محیط بر دنیاست ؛ چرا که انتقال از زندگی به مرگ ، آشکار است و در واقع ، این آخرت است که سرای زندگانی است . ای کاش مردم می دانستند که دنیا گذرگاه است و آخرت ، زندگی و اقامتگاه ! حکایت آن ، حکایت شخص خفته است : جسم می خوابد ؛ امّا روح نمی خوابد . [همین طور]بدن می میرد ؛ امّا روح نمی میرد . خداوند عز و جل می فرماید : «و سرای آخرت ، سرای زندگانی است . ای کاش می دانستند !» .

دنیا نمادِ (مثالِ) آخرت است و آخرت ، نماد دنیاست . نه دنیا ، [خودِ]آخرت است و نه آخرت ، دنیاست . هر گاه روح از بدن جدا شود ، هر یک از آن دو ، به آن جایی که از آن شروع شده و آفریده شده است ، باز می گردد .

بهشت و دوزخ نیز ، هم در دنیا موجودند و هم در آخرت ؛ چرا که بنده ، هر گاه بمیرد ، به خانه ای در زمین می رود که یا باغی از باغ های بهشت است و یا سرزمینی از سرزمین های دوزخ ، و روحش به یکی از دو سرای می رود : یا به سرای پرنعمتِ مانا که در آن نمی میرد و یا به سرای عذابی دردناک که در آن [نیز]نمی میرد . تمثیل (تشابه میان دنیا و آخرت) ، برای کسی که خردمند است ، موجود و آشکار است . خداوند عز و جل می فرماید : «هرگز چنین نیست ! اگر علم الیقین دارید ، به یقین ، دوزخ را می بینید . سپس آن را قطعا به عین الیقین در می یابید . سپس در همان روز است که از نعمت[های زمین] پرسیده خواهید شد» .

و در باره کافران می فرماید : «آنان از یاد من غافل بودند و توانایی شنیدن [حق را] نداشتند». (2) اگر انسان می دانست که پس از مرگ ، چه خبر است ، از ترسِ مرگ می مُرد ، و هر کس نجات یابد ، به برکت یقین است . .

1- .رئیس مسیحیان در کشورهای اسلامی آن روزگار (مجمع البحرین : ج 1 ص 270) .
2- .اشاره است به آیه 101 از سوره کهف .

سخنی در باره مکان بهشت

مکان بهشت برزخی

سخنی در باره مکان بهشتپیش از هر گونه توضیح در باره مکان بهشت ، دو نکته قابل توجّه است : اوّل ، این که : بهشت مانند دوزخ بر اساس آنچه گذشت ، آفریده شده است . (1) دوم ، این که : وسعت بهشت ، به اندازه وسعت همه آسمان ها و زمین است . (2) اکنون این مسئله قابل طرح است که چنین چیزی که گستره و بزرگی آن با گستره آسمان ها و زمین برابری می کند و هم اکنون وجود دارد ، کجاست؟ و چنین موجود بزرگی ، اگر مادّی است ، چرا با ابزار علمی ، قابل رؤیت نیست؟

مکان بهشت برزخیدر پاسخ این سؤال می توان گفت که آنچه از ظاهر قرآن و احادیث در این باره استنباط می شود ، این است که بهشت برزخی ، در باطن همین جهان مادّه است. طبق احادیث ، ارواح نیکوکاران پس از مرگ ، در قالب مثالی در باغی از باغ های بهشت، متنعّم اند و ارواح تبهکاران در گودالی از گودال های دوزخ ،

.

1- .ر . ک : ص 57 (پژوهشی درباره وجود داشتن کنونیِ بهشت و دوزخ) .
2- .ر . ک : ص 105 (فصل چهارم : ویژگی های بهشت / گستردگی بهشت) .

سه نظریّه در باره مکان بهشت

1 . آسمان

معذّب اند . (1) اینگونه روایات به روشنی دلالت دارد که عالم برزخ (شامل بهشت ودوزخ برزخی) ، در باطن جهان مادّی ، و البتّه موقّتی و تا روز قیامت است.

سه نظریّه در باره مکان بهشتدر مورد مکان بهشت جاوید که جایگاه ابدی نیکوکاران است ، سه نظر وجود دارد :

1 . آسمانعدّه ای بر این باورند که بهشت جاوید ، در آسمان قرار دارد ؛ زیرا قرآن در گزارش معراج پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید : «وَ لَقَدْ رَءَاهُ نَزْلَةً أُخْرَى * عِندَ سِدْرَةِ الْمُنتَهَى * عِندَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى . (2) و قطعا [پیامبر] بار دیگر ، او (جبرئیل) را دید ، نزدیک آخرین درخت سدر ، در همان جا که بهشتِ مأواست» . یعنی بهشتِ مأوا ، همان بهشت جاوید است (3) که نزدیک آخرین درخت سِدر ، در بالاترین نقطه آسمان قرار دارد. همچنین در آیه ای دیگر است که : «وَ فِی السَّمَآءِ رِزْقُکُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ . (4)

.

1- .ر . ک : ص 35 (فصل یکم : معانی بهشت در قرآن / بهشت برزخ) .
2- .نجم : آیه 13 15 .
3- .گفتنی است که برخی ، بهشت مأوا را به بهشت برزخی یا بهشت آدم ، تفسیر کرده اند ؛ ولی با توجّه به آیه : «أَمَّا الَّذِینَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ الصَّلِحَتِ فَلَهُمْ جَنَّتُ الْمَأْوَى نُزُلَا بِمَا کَانُواْ یَعْمَلُونَ» (سجده : آیه 19) و آیه : «فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِیَ الْمَأْوَى» (نازعات : آیه 41) ، ظاهرا این آیه نیز به بهشت جاوید ، اشاره دارد . بسیاری از بزرگان اهل تفسیر ، همین نظریّه را پذیرفته اند (ر . ک : مجمع البیان : ج 9 ص 265 ، المیزان فی تفسیر القرآن : ج 18 ص 275) .
4- .ذاریات : آیه 22 .

2. بی نیازی بهشت از مکان

و روزیِ شما و آنچه به آن وعده داده می شوید ، در آسمان است» . بسیاری از مفسّران ، معتقدند که «ما توعدون» ، همان بهشت جاویدان است که خداوند ، آن را به انسان های شایسته وعده داده است . (1) همچنین در احادیثی ، تصریح شده است که بهشت ، در آسمان است (2) و بر این اساس ، عده ای به طور مطلق می گویند که بهشت ، در آسمان قرار دارد ؛ اما موقعیّت آن را در آسمان های هفتگانه مشخص نکرده اند . (3) از آن میان ، برخی معتقدند که بهشت در آسمان چهارم است ، (4) برخی می گویند در آسمان ششم است ، (5) و برخی بر این باورند که بهشت در آسمان هفتم (6) قرار گرفته است .

2. بی نیازی بهشت از مکانبرخی بر این باورند که اصولاً بهشت و دوزخی جدا از انسان ، وجود ندارد ؛ بلکه بهشت ، معلول ملکات فاضله و دوزخ ، پدید آمده از ملکات رذیله است . بنا بر این ، بهشت ، نه مادّی است و نه جدا از انسان و به همین جهت ، نیازی به مکان

.

1- .ر . ک : المیزان فی تفسیر القرآن : ج 8 ص 115 و ج 18 ص 375 ، الأقسام فی القرآن الکریم : ص 42 ، تفسیر البغوی : ج 1 ص 351 ، تفسیر فخر الرازی : ج 28 ص 208 ، تفسیر ابن کثیر : ج 4 ص 251 ، البرهان ، زرکشی : ج 4 ص 8 .
2- .ر. ک : ص 67 ح 35 و 37 38 .
3- .ر . ک : تفسیر مجاهد : ج 2 ص 618 ، شرح صحیح مسلم ، نووی : ج 2 ص 223 ، شرح نهج البلاغه ، ابن ابی الحدید : ج 10 ص 120 ، المیزان فی تفسیر القرآن : ج 1 ص 139 ، شرح اُصول الکافی ، ملّا صالح مازندرانی : ج 8 ص 124 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 164 ح 107 ، التبیان فی تفسیر القرآن : ج 4 ص 438 ، تفسیر البغوی : ج 1 ص 351 .
4- .ر . ک : فیض القدیر : ج 3 ص 476 ، التبیان فی تفسیر القرآن : ج 9 ص 385 ، زاد المسیر : ج 5 ص 168 .
5- .ر . ک : فیض القدیر : ج 3 ص 478 .

6- .ر . ک : فیض القدیر : ج 3 ص 476 ، بحار الأنوار : ج 57 ص 257 ، التخویف من النار : ص 67 ، زاد المسیر : ج 5 ص 168 ، تفسیر الفخر الرازی : ج 19 ص 235 .

مادّی مستقل ندارد. صدر المتألّهین در این باره می گوید : آگاه باش که هر خوش بختی از خوش بختان ، در عالم آخرت ، مملکتی بزرگ و پهناور دارد و جهانی فراتر و گسترده تر از هر چه در آسمان ها و زمین هاست . البتّه آن مملکت ، بیرون از ذات او نیست ؛ بلکه همه مملکت و داشته ها و خادمان و ملازمان و بوستان ها و درختان و حوریان و غلامانش ، جملگی قائم به اویند و او نگهدار آنها و ایجاد کننده آنها به فرمان خدای بلندمرتبه و به قدرت اوست . وجود اشیای اخروی ، هر چند مشابه صورت هایی است که انسان در خواب می بیند و یا در برخی رؤیاها دیده می شوند ، (1) امّا کاملاً و حقیقتا با آنها متفاوت است . جهت مشابهت آنها ، این است که هر یک از این صورت ها به گونه ای هستند که موضوع هیولا و مکان و جهات موادّ امور یاد شده نیستند و میان صورت های متعدّد آنها ، تزاحمی نیست و هیچ چیزی از آن دو نوع صورت ، در این عالم ، مزاحم زمان و مکان دیگری نیست . انسان خوابیده ، ای بسا افلاک عظیم و بیابان های وسیع دور دستی را می بیند ، همانند چیزی که شخص بیدار در این عالم می بیند . افلاک با این که در عالم خارج ، تغایر عددی دارند ، امّا عرصه را بر همدیگر تنگ نمی کنند و مزاحم یکدیگر نیستند . همین طور است آنچه انسان ، پس از مرگ و در عالم قبر می بیند که تزاحم و جا تنگ کردن برای یکدیگر میان او و آن اجسام نیست . مرده ، در قبر خود ، چیزهایی را می بیند که اگر آنها از اجرام دنیوی بودند ، قبر ، گنجایش آنها را نداشت . امّا تفاوت آنها ، به این است که صورت هایی که در نشئه آخرت هستند ،

.

1- .بخصوص به روش شیخ اشراق (شهروردی) که صورت های مرآتی را موجودات عالم مثال و صورت های اخروی را شبیه صورت مرآتی می داند ، به شرط این که قائم به ذات باشد و نه قائم به آینه ، و نیز به روح زنده متعلق باشد و نه به شبح بی روح .

3. باطن جهان

جوهر قوی ، وجود شدید و اثر دردمندانه یا لذّتبخش زیادی دارند . موجودات آن نشئه ، قوی تر ، شدیدتر و دارای وجودی برتر و توانمندتر از موجودات این عالم اند ، تا چه رسد به صورت های رؤیایی و مرآتی . نسبت نشئه آخرت به دنیا ، همانند نسبت نشئه بیداری به نشئه خواب است . چنان که در این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است : «مردم ، خواب اند و هنگامی که می میرند ، بیدار می شوند» . (1) این نظریّه ، بر خلاف ظاهر همه آیات و احادیثی است که بر معاد جسمانی و ثواب و عقاب مادّی ، دلالت دارند.

3. باطن جهاننظریّه سوم ، این است که بهشت و دوزخ ، مادّی و دارای حقیقتی مستقل از وجود انسان اند ، هم اکنون ، وجود خارجی دارند و مکان آنها در همین جهان است و به گستره آسمان ها و زمین اند ؛ ولی با چشم ظاهر ، قابل رؤیت نیستند . بیان این نظریّه ، چنین است : بهشت و دوزخ ، هر دو در درون و باطن همین جهان قرار دارد و حجابهای عالم دنیا مانع از مشاهده آنها می شود ولی اولیاء اللّه می توانند آن را ببینند ، و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز به هنگام معراج که از هیاهوی مردم این جهان دور بود با چشم ملکوتی خود توانست گوشه ای از بهشت را در جهان بالا مشاهده کند، حتی برای اولیاء خدا ممکن است در جذبه های خاص معنوی در روی زمین نیز گهگاه آن را ببینند ! تعبیر «وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةُ بِالْكَفِرِينَ ؛ (2) همانا دوزخ به کافران ، احاطه دارد» و

.

1- .الحکمه المتعالیه : ج 9 ص 176 .
2- .عنکبوت : آیه 54 .

«إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِی نَعِیمٍ * وَ إِنَّ الْفُجَّارَ لَفِی جَحِیمٍ؛ (1) به درستی که نیکان در بهشت اند و همانا بدکاران ، در دوزخ اند» و نیز «کَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْیَقِینَ * لَتَرَوُنَّ الْجَحِیمَ ؛ (2) هرگز چنین نیست ! اگر شما علم الیقین داشتید ، دوزخ را می دیدید» ، ممکن است اشاره به همین معنا باشد . از یک جهت می توان وجود بهشت را در باطن این جهان ، تشبیه به وجود گلاب در گُل کرد . درست است که هم گلاب ، مادّی است و هم گل ؛ ولی مانعی ندارد که یکی در دیگری پنهان باشد و با هیچ چشمی مشاهده نشود . تشبیهی دیگر نیز برای نزدیک ساختن این مطلب به ذهن می توان بیان کرد که پیش تر هم به آن ، اشاره ای داشتیم و آن ، این که : در همین جهان مادّه ، اشیای زیادی وجود دارند که در شرایط عادی ، برای ما قابل درک و احساس نیستند و بسیاری از آنها در باطن مادّی این جهان ، قرار دارند . مثلاً در زمان واحد ، امواج متعدّدی از فرستنده های رادیویی و تلویزیونی جهان ، در فضا پخش می شوند و گاه از طریق ماهواره ها به تمام دنیا می رسند . در هر خانه ای ، انواعی از این امواج وجود دارد ؛ ولی هیچ کس آنها را احساس نمی کند . بعضی از فرستنده ها ، صداهای دل نشین و روح پرور ، و بعضی دیگر ، آژیرهای خطر و صداهای هول انگیز و نفرت زا پخش می کنند . همچنین بعضی از فرستنده های تلویزیونی ، صحنه های زیبا و دل انگیز و مناظری روح پرور و نشاط آور نشان می دهند ، در حالی که امواج دیگر ، صحنه های جنگ و خونریزی و ویرانی و آتش سوزی و جنایت را پخش می کنند . تمام این صحنه ها و تصویرها و صداهای مختلف ، در همین دنیای مادّی و در همین فضای اطراف ما وجود دارند و در واقع ، بهشت و دوزخ کوچکی در درون این جهان ، ساخته اند .

.

1- .انفطار : آیه 13 14 .
2- .تکاثر : آیه 5 6 .

بعضی از مردم ، امواج دستگاه های گیرنده خود را صداهای زیبا و نغمه های دل پذیر و صحنه ها و منظره های جالب و روح پرور قرار می دهند ، در حالی که بعضی دیگر ، گیرنده های خود را اختیارا یا به حکم اجبار ، با صداها و صحنه های ضد آن منطبق می سازند . گروه اوّل ، در عالمی لذّت بخش ، و گروه دوم ، در جهانی شکنجه آور به سر می برند و اینها همه در حالی است که جهان ما ، جهانی است مادّی و این امور ، همه در دل این جهان مادّی ، نهفته شده است . اشتباه نشود ! هرگز نمی گوییم که بهشت و دوزخ ، عینا چنین اند ؛ بلکه تنها می گوییم : چه مانعی دارد که در عمق این جهان ، عالَم یا عوالم دیگری باشد ؛ ولی ما در شرایط کنونی به هیچ وجه نتوانیم از آن آگاه شویم (چون در میان ما و آن عالَم یا عوالم ، حجاب های متعدّدی قرار دارد ، هرچند کسانی که توانایی کنار زدن این حجاب ها را داشته باشند ، چه بسا در همین جهان نیز آن عوالم را ببینند) ؟ ! دقّت کنید . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفر آسمانی خود ، در آن جا که غوغای عالم مادّه ، کمتر و عوامل سرگرم کننده ، ضعیف تر و جلوه های جلال و جمال خدا بیشتر بود ، پرده ها را کنار زد و در همان جا گوشه هایی از این دو عالم (بهشت و دوزخ) را که در باطن و درون این جهان بود ، مشاهده کرد . البتّه این ، بِدان معنا نیست که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله یا سایر اولیاء اللّه نمی توانند در روی زمین ، بهشت یا دوزخ را ببینند ؛ بلکه چنان که از برخی احادیث بر می آید ، این مشاهده ، گاهی در زمین هم اتّفاق افتاده است . در حدیثی که راوندی در الخرائج آورده است ، می خوانیم : در آستانه عاشورا هنگامی که اصحاب و یاران حسین علیه السلام به ایشان ، اعلام وفاداری کامل نمودند و از ترک میدان کربلا و نقض بیعت ، سر باز زدند ، امام علیه السلام برای آنان دعای خیر کرد و پرده ها را از جلو چشمان آنها کنار زد و آنان ، آنچه را که خداوند از

.

نعمت های بهشتی به آنان بخشیده بود ، با چشم خویش دیدند و امام علیه السلام منازل و جایگاه هایشان را به آنها نشان داد (1) . (2) گفتنی است که حدیثی از امام علی علیه السلام در پاسخ جاثلیق ، نقل شده که مؤیّد این نظریّه است ، با این تفاوت که ایشان دنیا را در دل آخرت و آخرت را محیط بر دنیا معرّفی می نماید . روایت ، این گونه است که جاثلیق از امام علی علیه السلام در باره بهشت می پرسد : «آیا بهشت در همین دنیاست ، یا در آخرت است؟ » و ایشان می فرماید : الدُّنیا فی الآخِرَهِ وَ الآخِرَهُ مُحیطَهٌ بِالدُّنیا . (3) دنیا در [دل] آخرت است و آخرت ، محیط بر دنیاست . بنابر این ، هر چند دلیل قاطع و روشنی که مکان بهشت جاوید را به طور دقیق مشخّص کند ، در دست نیست ؛ ولی ظاهرا نظریّه سوم ، به واقع ، نزدیک تر است . بر اساس این نظریّه ، بهشت برزخی ، بخش کوچکی از بهشت جاوید است که در اختیار صالحان قرار می گیرد ؛ امّا پس از رستاخیز ، آنان به جایگاه اصلی و دائمی ، منتقل می گردند ، و همچنین است دوزخ برزخی . گفتنی است که این برداشت ، با احادیث ثواب و عقاب در برزخ ، کاملاً هماهنگ است .

.

1- .الخرائج و الجرائح : ج 2 ص 847 ح 62 ، بحار الأنوار : ج 44 ص 298 ح 3 .
2- .پیام قرآن: ج6 ص341 343.
3- .ر . ک : ص 68 ح 39 .

الفصل الثالث : أسماء الجنّه3 / 1الجَنَّهُالكتاب«إِنَّ الَّذِينَ قَالُواْ رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُواْ تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَهُ أَلَّا تَخَافُواْ وَ لَا تَحْزَنُواْ وَ أَبْشِرُواْ بِالْجَنَّهِ الَّتِى كُنتُمْ تُوعَدُونَ» . (1)

«كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَهُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَهِ فَمَن زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّهَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَوهُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَعُ الْغُرُورِ» . (2)

«تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَرُ خَلِدِينَ فِيهَا وَذَ لِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» . (3)

«إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَ عَمِلُواْ الصَّلِحَتِ وَأَخْبَتُواْ إِلَى رَبِّهِمْ أُوْلَائِكَ أَصْحَبُ الْجَنَّهِ هُمْ فِيهَا خَلِدُونَ» . (4)

«وَ أَمَّا الَّذِينَ سُعِدُواْ فَفِى الْجَنَّهِ خَلِدِينَ فِيهَا مَادَامَتِ السَّمَوَ تُ وَ الْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّکَ عَطَاءً غَيْرَ مَجْذُوذٍ» . (5)

«وَ أُزْلِفَتِ الْجَنَّهُ لِلْمُتَّقِينَ» . (6)

«مَنْ عَمِلَ سَيِّئَهً فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَ مَنْ عَمِلَ صَلِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُوْلَائِکَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّهَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ» . (7)

.

1- .فصّلت : 30 .
2- .آل عمران : 185 .
3- .النساء : 13 .
4- .هود : 23 .
5- .هود : 108 .
6- .الشعراء : 90 .
7- .غافر : 40 .

فصل سوم: نام های بهشت

3 / 1 بهشت

فصل سوم: نام های بهشت3 / 1بهشتقرآن« کسانی که گفتند : پروردگار ما ، خدای یکتاست ، سپس [بر آن ،] ایستادگی کردند ، فرشتگان بر ایشان فرود می آیند که : نترسید و اندوهگین مباشید و بشارتتان باد بهشتی که وعده داده می شدید ! » .

« هر جانداری ، چشنده مرگ است و همانا روز رستاخیز ، پاداش هایتان به طور کامل به شما داده می شود . پس هر که از آتش به دورش دارند و او را به بهشت در آورند ، قطعا کامیاب شده است ، و زندگی دنیا ، جز مایه فریب نیست » .

«اینها احکام خدا هستند و هر کس ، از خدا و پیامبر او اطاعت کند ، وی را به باغ هایی در می آورد که از زیر آنها ، نهرها روان اند و در آن ، جاودانه اند و این ، همان کامیابی بزرگ است» .

« کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند و در برابر پروردگارشان خضوع کردند ، ایشان اهل بهشت اند و در آن ، جاودانه خواهند بود » .

« و امّا کسانی که نیک بخت شده اند ، در بهشت اند و تا آسمان ها و زمین بر جایند ، در آن جاودانه اند ، مگر آنچه پروردگارت بخواهد ، که این بخششی است که بُریدنی نیست » .

« و بهشت برای پرهیزگاران ، نزدیک می گردد » .

« هر که بدی کند ، جز به مانندِ آن ، کیفر نمی یابد و هر که کار شایسته کند ، مرد باشد یا زن ، در حالی که ایمان داشته باشد ، آنان داخل بهشت می شوند و در آن جا ، بی حساب ، روزی داده می شوند » .

.

الحديث6357.عنه عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :توضَعُ المَوازينُ يَومَ القِيامَهِ ، فَتوزَنُ الحَسَناتُ وَالسَّيِّئاتُ ، فَمَن رَجَحَت حَسَناتُهُ عَلى سَيِّئاتِهِ مِثقالَ صُؤابَهٍ (1) دَخَلَ الجَنَّهَ ، ومَن رَجَحَت سَيِّئاتُهُ عَلى حَسَناتِهِ مِثقالَ صُؤابَهٍ دَخَلَ النّارَ . (2)6356.عنه عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ خَلَقَ الجَنَّهَ وخَلَقَ النّارَ ، فَخَلَقَ لِهذِهِ أهلاً ولِهذِهِ أهلاً .
(3)6355.عنه عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام :كَفى بِالجَنَّهِ ثَوابا ونَوالاً (4) ، وَكَفى بِالنّارِ عِقابا ووَبالاً (5) . (6) .

1- .الصؤابه : بيضه البرغوث والقمل ، والصواب من الذهب : الدقاق (المحيط فى اللغه : ج 8 ص 205 «صأب») .
2- .تفسير القرطبى : ج 7 ص 211 ، تاريخ دمشق : ج 14 ص 313 ح 3585 كلاهما عن جابر بن عبد اللّه ، فتح البارى : ج 13 ص 539 عن جابر من دون إسناد إليه صلى الله عليه و آله وفيه «حبّه» بدل «صؤابه» فى الموضعين ، كنز العمّال : ج 14 ص 383 ح 39025 .
3- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2050 ح 30 ، صحيح ابن حبّان : ج 1 ص 348 ح 138 ، المعجم الأوسط : ج 5 ص 6 ح 4515 كلّها عن عائشه ، كنز العمّال : ج 1 ص 114 ح 534 .
4- .النَّوال : العطاء (لسان العرب : ج 11 ص 683 «نول») .
5- .الوَبال : الشدّه والثقل (القاموس المحيط : ج 4 ص 63 «وبل») .
6- .نهج البلاغه : الخطبه 83 ، تحف العقول : ص 236 عن الإمام الحسن عليه السلام وليس فيه «ونوالاً» ، بحار الأنوار : ج 77 ص 427 ح 44 ؛ حليه الأولياء : ج 1 ص 79 عن ابن عجلان عن جعفر بن محمّد عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، تذكره الخواص : ص 132 وليس فيهما «ونوالاً» ، دستور معالم الحكم : ص 58 وفيه «ونكالاً» بدل «ووبالاً» .

حدیث6353.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روز رستاخیز ، ترازوها نصب می شوند و خوبی ها و بدی ها وزن می گردند . هر کس خوبی هایش به وزن رِشکی (تخم شپشی) از بدی هایش سنگین تر باشد ، به بهشت می رود و هر کس بدی هایش به وزن رِشکی ، از خوبی هایش سنگین تر باشد ، به دوزخ می رود .6352.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند ، بهشت و دوزخ را آفرید و برای هر یک از آن دو نیز اهلی آفرید .6351.الإمام علیّ علیه السلام :امام علی علیه السلام :بهترین پاداش و دهِش ، بهشت است و بدترین کیفر و رنج ، آتش . .

6350.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :عنه علیه السلام :الجَنَّهُ غایَهُ السّابِقینَ ، النّارُ غایَهُ المُفَرِّطینَ . (1)6349.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در نقل نکته ای که در صحیفه موسی علیه السلام بود) عنه علیه السلام :الجَنَّهُ جَزاءُ کُلِّ مُؤمِنٍ مُحسِنٍ . (2)6348.امام علی علیه السلام :عنه علیه السلام :إنَّ اللّهَ جَعَلَ مُحَمَّدا صلی الله علیه و آله عَلَما لِلسّاعَهِ ، ومُبَشِّرا بِالجَنَّهِ ، ومُنذِرا بِالعُقوبَهِ . (3)6347.امام علی علیه السلام :عنه علیه السلام :لَقَد حَمَلتُکُم عَلَی الطَّریقِ الواضِحِ الَّتی لا یَهلِکُ عَلَیها إلّا هالِکٌ ، مَنِ استَقامَ فَإلَی الجَنَّهِ ، ومَن زَلَّ فَإلَی النّارِ . (4)6346.امام علی علیه السلام :الإمام الحسین علیه السلام لَمّا رَمی عُمَرُ بنُ سَعدٍ مُعَسکَرَ الحُسَینِ علیه السلام بِالسِّهامِ : قوموا أیُّهَا الکِرامُ إلَی المَوتِ الَّذی لا بُدَّ مِنهُ ، فَإنَّ هذِهِ السِّهامَ رُسُلُ القَومِ إلَیکُم ، فَوَاللّهِ ما بَینَکُم وبَینَ الجَنَّهِ وَالنّارِ إلَا المَوتُ ، یُعبَرُ بِهؤُلاءِ إلی جِنانِهِم ، وبِهؤُلاءِ إلی نیرانِهِم . (5)6350.عنه صلی الله علیه و آله :الإمام زین العابدین علیه السلام فِی المُناجاهِ : أسألُکَ بِحَقِّکَ الواجِبِ عَلی جَمیعِ خَلقِکَ لَما طَهَّرتَنی مِنَ الآفاتِ ، وعافَیتَنی مِن اِقتِرافِ الآثامِ ، بِتَوبَهٍ مِنکَ عَلَیَّ ، ونَظرَهٍ مِنکَ إلَیَّ تَرضی بِها عَنّی ، وحُبابَتِکَ لی بِنِعمَهٍ مَوصولَهٍ ، بِکَرامَهٍ تَبلُغُ بی شُرَفَ الجَنَّهِ ، ومُرافَقَهَ مُحَمَّدٍ وأهلِ بَیتِهِ صَلَّی اللّهُ عَلَیهِ وعَلَیهِم ، آمینَ رَبَّ العالَمینَ . (6)6349.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (فی بَیانِ ما کانَ فی صَحیفَهِ موسی علیه السلام) عنه علیه السلام فِی الدُّعاءِ : اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وأفرِشنی مِهادَ کَرامَتِکَ ، وأورِدنی مَشارِعَ رَحمَتِکَ ، وأحلِلنی بُحبوحَهَ جَنَّتِکَ . (7) .

1- .نهج البلاغه : الخطبه 157 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 30 ح 492 و 493 .
2- .غرر الحکم : ح 1421 .
3- .نهج البلاغه : الخطبه 160 ، مکارم الأخلاق : ج 1 ص 38 من دون إسناد إلی أحدٍ من أهل البیت علیهم السلام ، بحار الأنوار : ج 16 ص 285 ح 136 .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 119 ، بحار الأنوار : ج 34 ص 97 ح 942 .
5- .صحیفه الحسین : ص 308 ح 21 .
6- .بحار الأنوار : ج 94 ص 133 ح 19 نقلاً عن الکتاب العتیق الغروی .
7- .الصحیفه السجّادیه : ص 155 الدعاء 41 .

6348.عنه علیه السلام :امام علی علیه السلام :بهشت ، هدفِ پیشتازان است و دوزخ ، خطّ پایان فروماندگان .6347.عنه علیه السلام :امام علی علیه السلام :بهشت ، پاداش هر مؤمن نیکوکاری است .6346.الإمام علیّ علیه السلام :امام علی علیه السلام :خداوند ، محمّد صلی الله علیه و آله را نشانه [قریب الوقوع بودن] قیامت ، و بشارت دهنده به بهشت و بیم دهنده از کیفر ، قرار داد .6345.مسند ابن حنبل (به نقل از ابو العلاء بن شخیر : یکی از بنی سُلیم) امام علی علیه السلام :من ، شما را به راه روشن بردم ؛ راهی که روندگانش نابود نمی شوند ، مگر آن که نابود شدنی باشد . هر کس [در این راه ،] پایداری ورزد ، به سوی بهشت می رود و هر کس بلغزد ، روانه آتش می شود .6344.مصباح الشریعه (در آنچه به امام صادق علیه السلام نسبت داده است) امام حسین علیه السلام آن گاه که عمر بن سعد به سوی اردوگاه امام علیه السلام تیراندازی کرد : ای بزرگواران ! پیش به سوی مرگی که از آن ، گریزی نیست و این تیرها فرستادگان آن جماعت به سوی شمایند . به خدا سوگند که میان شما و بهشت و دوزخ ، جز مرگ ، مانعی نیست . اینان به سوی بهشتشان بُرده می شوند و آنان به سوی دوزخشان .6343.امام علی علیه السلام :امام زین العابدین علیه السلام در مناجات : [بار خدایا !] به حقّی که بر گردن همه آفریدگانت داری ، از تو می خواهم که مرا از آفت ها پاک گردانی و از مرتکب شدن گناهان ، برکنارم داری ، با رویکردی از سوی تو به من ، و نگاهی از جانب تو بر من ، که با آن از من ، خشنود شوی و با نعمت های پیاپی ات ، مرا مورد محبّتت قرار دهی ، و چنان کرامتی ارزانی ام داری که مرا به افتخارِ بهشت و همنشینی با محمّد و خاندان او که درود خدا بر او و ایشان باد نایلَ گردانی ، آمین ، ای پروردگار جهانیان !6342.امام علی علیه السلام :امام زین العابدین علیه السلام در دعا : بار خدایا ! بر محمّد و دودمان او ، درود فرست و مرا بر فرش های کرامتت بنشان و به آبشخورهای رحمتت در آور و در وسط بهشتت جایم ده . .

6341.امام على عليه السلام :الأمالى للمفيد عن داوود بن فرقد :سَمِعتُ أبا عَبدِ اللّهِ جَعفَرَ بنَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهما يَقولُ : إنَّ العَمَلَ الصّالِحَ لَيَذهَبُ إلَى الجَنَّهِ فَيُمَهِّدُ لِصاحِبِهِ ، كَما يَبعَثُ الرَّجُلُ غُلامَهُ فَيَفرِشُ لَهُ . ثُمَّ قَرَأَ : «وأمّا الَّذين آمَنوا وعَمِلُوا الصّالِحاتِ فَلِأَنفُسِهِم يَمهَدونَ» (1)

. (2)3 / 2جَنَّهُ النَّعيمِالكتاب«وَ اجْعَلْنِى مِن وَرَثَهِ جَنَّهِ النَّعِيمِ * وَ اغْفِرْ لِأَبِى إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ ». (3)

«فَأَمَّا إِن كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ * فَرَوْحٌ وَ رَيْحَانٌ وَ جَنَّتُ نَعِيمٍ * وَ أَمَّا إِن كَانَ مِنْ أَصْحَبِ الْيَمِينِ * فَسَلَمٌ لَّکَ مِنْ أَصْحَبِ الْيَمِينِ ». (4)

«الْمُلْکُ يَوْمَئِذٍ لِّلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فَالَّذِينَ ءَامَنُواْ وَ عَمِلُواْ الصَّلِحَتِ فِى جَنَّتِ النَّعِيمِ * وَ الَّذِينَ كَفَرُواْ وَ كَذَّبُواْ بِئَايَتِنَا فَأُوْلَائِکَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ». (5)

«إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّتِ النَّعِيمِ ». (6)

«إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَ عَمِلُواْ الصَّلِحَتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُم بِإِيمَنِهِمْ تَجْرِى مِن تَحْتِهِمُ الْأَنْهَرُ فِى جَنَّتِ النَّعِيمِ ». (7)

«إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَ عَمِلُواْ الصَّلِحَتِ لَهُمْ جَنَّتُ النَّعِيمِ ». (8)

.

1- .هذا المضمون اقتبسه الإمام عليه السلام من الآيه 44 من سوره الروم .

2- .الأمالى للمفيد : ص 195 ح 26 ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 82 ح 47 وفيه «فيسهّل» بدل «فيمهّد» ، عدّه الداعى : ص 217 كلّها عن داوود بن فرقد ، المقنع : ص 300 من دون إسناد إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، مجمع البيان : ج 8 ص 481 عن منصور بن حازم والثلاثه الأخيره نحوه ، بحار الأنوار : ج 8 ص 197 ح 189 .

3- .الشعراء : 85 86 .

4- .الواقعه : 88 91.

5- .الحج : 56 57 .

6- .القلم : 34.

7- .يونس : 9.
8- .لقمان : 8 وراجع : المائده : 65 ؛ التوبه : 21 ؛ يونس : 9 ؛ الحجّ : 56 ؛ الشعراء : 85 ؛ لقمان : 8 ؛ الصافات : 43 ؛ الطور : 17 ؛ الواقعه : 12، 89 ؛ القلم : 34 ؛ المعارج : 38 ؛ الانفطار : 13 ؛ المطفّفين : 22 ؛ الإنسان : 20.

6339.الإمام علیّ علیه السلام :الأمالی ، مفید به نقل از داوود بن فرقد : از امام صادق که درودهای خدا بر او باد شنیدم که می فرماید : «کار نیک به بهشت می رود و [همه چیز را]برای صاحب خود ، آماده می کند ، همان طور که کسی غلامش را می فرستد و برایش فرش می گستراند» .

سپس امام علیه السلام خواند : « و امّا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند ، برای خودشان آماده می کنند » . (1)3 / 2بهشت پُر نعمتقرآن«و مرا از وارثان بهشتِ پُر نعمت گردان و پدرم را بیامرز که او از گم راهان بود».

«و امّا اگر از مقربّان باشد ، در آسایش و راحت و بهشتِ پُر نعمت خواهد بود ، و امّا اگر از صاحبان دستِ راست باشد ، پس از صاحبان دست راست ، بر تو سلام باد !».

«در آن روز ، پادشاهی ، از آنِ خداست . میان آنان ، داوری می کند و [در نتیجه]کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند ، در بهشت های پُر نعمت خواهند بود و کسانی که کفر ورزیده و آیات ما را دروغ شمرده اند ، برایشان عذابی خوار کننده خواهد بود».

«همانا برای پرهیزگاران در نزد پروردگارشان ، بهشت های پُر نعمت است».

«همانا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند ، پروردگارشان به سبب ایمانشان ، آنان را هدایت می کند و در بهشت های پُر نعمت که در آنها جویبارها روان اند ، خواهند بود».

«کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند ، برایشان بهشت های پُر ناز و نعمت است».

.

1- .مضمون آیه 44 از سوره روم .

الحديث6332.امام صادق عليه السلام :الإمام زين العابدين عليه السلام فِي الدُّعاءِ : يا ذَا العِزَّهِ وَالسُّلْطانِ ، وَالقُوَّهِ وَالبُرْهانِ ، أَجِرْنا مِنْ عَذابِکَ الأَلِيمِ ، وَاجْعَلْنا مِنْ سُکّانِ دارِ النَّعِيمِ ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ . (1)6331.امام علی علیه السلام :عنه علیه السلام فِی الدُّعاءِ : اَللّهُمَّ إِنَّکَ خَلَقْتَ جَنَّهً لِمَنْ أَطاعَکَ ، وَأَعْدَدْتَ فِيها مِنَ النَّعِيمِ المُقِيمِ ما لا يَخْطُرُ عَلَى القُلُوبِ ، وَوَصَفْتَها بِأَحْسَنِ الصِّفَهِ فِی کِتابِکَ ، وَشَوَّقْتَ إِلَيها عِبادَکَ ، وَأَمَرْتَ بِالمُسابَقَهِ إِلَيْها ، وَأَخْبَرْتَ عَنْ سُکّانِها وَما فِيها مِنْ حُورٍ عينٍ کَأَنَّهُنَّ بَيضٌ مَکْنُونٌ ، وَوِلْدانٍ کَاللُّؤْلُؤِ المَنْثُورِ ، وَفاکِهَهٍ وَنَخْلٍ وَرُمّانٍ ، وَجَنّاتٍ مِنْ أَعْنابٍ ، وَأَنْهارٍ مِنْ طَيِّبِ الشَّرابِ ، وَسُنْدُسٍ وَاسْتَبْرَقٍ ، وَسَلْسَبِيلٍ وَرَحِيقٍ مَخْتُومٍ ، وَأَسْوِرَهٍ مِنْ فِضَّهٍ ، وَشَرابٍ طَهُورٍ ، وَمُلْکٍ کَبِيرٍ ، وَقُلْتَ مِنْ بَعْدِ ذَلِکَ تَبارَکْتَ وَتَعالَيْتَ : «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِىَ لَهُم مِّن قُرَّهِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا کَانُواْ يَعْمَلُونَ » (2)

. (3)3 / 3الفِردَوسُالکتاب«أُوْلَائِکَ هُمُ الْوَ رِثُونَ * الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَلِدُونَ» . (4)

«إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ الصَّلِحَتِ کَانَتْ لَهُمْ جَنَّتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا * خَلِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا» . (5)

.

1- .البلد الأمين : ص 323 عن الزهری .
2- .السجده : 17.
3- .بحار الأنوار : ج 94 ص 135 ح 19 نقلاً عن الکتاب العتيق الغروی .
4- .المؤمنون : 10 11 .
5- .الکهف : 107 108 .

حدیث6317.امام صادق علیه السلام :امام زین العابدین علیه السلام در دعا : ای خداوند قدرت و سلطنت و نیرو و برهان ! ما را از عذاب دردناکت در پناه خویش بدار و از ساکنان سرای پُر نعمت ، قرارمان ده ، ای مهربان ترین مهربانان !6318.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام زین العابدین علیه السلام در دعا : بار خدایا ! تو برای کسی که فرمانت بَرَد ، بهشتی آفریدی و در آن ، چنان نعمت های ماندگاری فراهم آوردی که هیچ کس تصوّرش را هم نمی کند ، و آن بهشت را در کتابت به نیکوترین شکل ، وصف نمودی و بندگانت را به آن ، تشویق کردی و آنان را به پیشی گرفتن به سوی آن ، فرمان دادی و از ساکنان آن و آنچه در آن بهشت است ، خبر دادی ؛ از : سیه چشمانی که [از سیمین بَری] چونان تخم شترمرغ ، [زیر پَر]پنهان اند ، و پسرکانی که گویی مرواریدهای پراکنده اند ، و میوه ها و خرمابُنان و انار ، و باغ های انگور ، و جویبارانی از نوشیدنیِ پاک ، و جامه های ابریشمی و دیبای ستبر ، و [چشمه] سَلسَبیل و باده نابِ سر به مُهر ، و دستبندهای سیمین ، و شراب پاک ، و سلطنتی بزرگ ، و در پیِ این همه ای بلندمرتبه والا فرمودی : «هیچ کس نمی داند چه مایه های شادمانی ، به پاداش آنچه انجام می دادند ، برای آنان پنهان شده است» .3 / 3فردوسقرآن« آنان اند که خود ، وارثان اند ؛ همانان که فردوس را به ارث می برند و در آن ، جاودان می مانند » .

« و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند ، بهشت های فردوس ، جایگاه پذیرایی از آنان است . جاودانه در آنها خواهند بود و درخواست انتقال از آنها نمی کنند » .

.

الحديث6322.عنه عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :سَلُوا اللّهَ الفِردَوسَ ، فَإِنَّها سُرَّةُ الجَنَّهِ . (1)6323.عنه عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :الفِردَوسُ سَيِّدُ الجِنانِ . (2)6324.عنه عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :جَنَّهُ الفِردَوسِ هِىَ رَبوَهُ (3) الجَنَّهِ العُلیَا الَّتى هِىَ أوسَطُها وأحسَنُها . (4)6325.الإمام الصادق عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام :يَقولُ الرَّبُّ تَبارَکَ وَتَعالى لِمَلائِکَتِهِ : يا مَلائِکَتِى ، انظُروا إِلى عَبدى أحيا لَيلَهً ابتِغاءَ مَرضاتى ، أسکِنوهُ الفِردَوسَ ، ولَهُ فيها مِئَهُ ألفِ مَدينَهٍ ، فى کُلِّ مَدينَهٍ جَميعُ ما تَشتَهِى الأَنفُسُ وَتَلَذُّ الأَعيُنُ وَلم يَخطُر عَلى بالٍ ، سِوى ما أعدَدتُ لَهُ مِنَ الکَرامَهِ وَالمَزيدِ وَالقُربَهِ . (5)راجع : ص 38 (الفصل الأوّل : معانى الجنّه فى القرآن / جنّه الآخره) .

3 / 4دارُ السَّلامِالکتاب«وَ اللَّهُ يَدْعُواْ إِلَى دَارِ السَّلَمِ وَ يَهْدِى مَن يَشَاءُ إِلَى صِرَ طٍ مُّسْتَقِيمٍ ». (6)

«لَهُمْ دَارُ السَّلَمِ عِندَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُم بِمَا کَانُواْ يَعْمَلُونَ ». (7)

.

1- .المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 402 ح 3402 ، المعجم الکبير : ج 8 ص 246 ح 7966 ، الدرّ المنثور : ج 5 ص 467 نقلاً عن الطبرانى وابن مردويه وکلّها عن أبى اُمامه ، کنز العمّال : ج 2 ص 73 ح 3184.
2- .تأويل الآيات الظاهره : ج 2 ص 870 ح 7 عن سلمان الفارسى ، بحار الأنوار : ج 40 ص 54 ح 89 .
3- .الرَّبْوَه : بالفتح والضمّ ما ارتفع من الأرض (النهايه : ج 2 ص 192 «ربا»).
4- .المعجم الکبير : ج 7 ص 213 ح 6885 ، مسند الشاميّين : ج 4 ص 31 ح 2650 ، تفسير الطبرى : ج 9 الجزء 16 ص 38 ، تفسير ابن کثير : ج 5 ص 199 والثلاثه الأخيره نحوه وکلّها عن سمره بن جندب ، کنز العمّال : ج 14 ص 453 ح 39229.
5- .کتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 476 ح 1374 ، ثواب الأعمال : ص 67 ح 1 ، الأمالى للصدوق : ص 368 ح 459 کلّها عن جابر بن إسماعيل عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، روضه الواعظين : ص

351 عن الإمام الصادق عنه عليهماالسلام ، بحار الأنوار : ج 8 ص 186 ح 151 .
6- .يونس : 25.
7- .الأنعام : 127.

3 / 4 سرای سلامت

حدیث6326.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فردوس را از خدا بخواهید ؛ چرا که بهترین جای بهشت است
.6327.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله
:فردوس ، آقای بهشت هاست .6328.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله
:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشتِ فردوس ، در مرتفع ترین زمین
بهشت که بهترین و زیباترین جای بهشت است ، قرار دارد .6329.الإمام
علیّ علیه السلام :امام علی علیه السلام :خداوند بزرگ و والا ، به
فرشتگان می فرماید : «ای فرشتگان من ! ببینید که بنده ام یک شب را
برای جلب خشنودی من به بیداری و عبادت گذرانده است . او را در
فردوس ، اسکان دهید . در آن جا برای او صد هزار شهر است که در هر
شهری ، آنچه دل ها هوس می کنند و چشم ها از آن لذّت می برند و بر
هیچ ذهنی خطور نکرده است ، هست ، و اینها غیر از کرامت و افزونی و
مقام قُربی است که برایش آماده ساخته ام» .ر . ک : ص 39 (فصل یکم :
معانی بهشت در قرآن / بهشتِ آخرت) .

3 / 4سرای سلامتقرآن«و خداوند ، به سرای سلامت ، فرا می خوانَد و هر
که را بخواهد ، به راه راست ، هدایت می کند».

«برای آنان نزد پروردگارشان ، سرای سلامت است و به [پاداش] آنچه
انجام می دادند ، او یارشان خواهد بود».

.

الحديث6492.عنه صلى اللهِ عليه و آله :المستدرک على الصحيحين عن سعيد بن أبى هلال :سَمِعْتُ أبا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيِ بْنِ الحُسَيْنِ عليه السلام وَتَلا هَذِهِ الآيَةَ : «وَ اللَّهُ يَدْعُواْ إِلَى دَارِ السَّلَمِ وَ يَهْدِى مَن يَشَاءُ إِلَى صِرَطٍ مُّسْتَقِيمٍ » فَقالَ : حَدَّثَنِى جابِرُ بْنُ عَبْدِ اللّهِ قَالَ : خَرَجَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَوْما، فَقالَ : إِنِّى رَأَيْتُ فِى المَنامِ كَأَنَّ جِبْرِيلَ عِنْدَ رَأسِى وَمِيكائِيلَ عِنْدَ رِجْلِى ، يَقُولُ أَحَدُهُما لِصاحِبِهِ : اِضْرِبْ لَهُ مَثَلاً. فَقالَ : اِسْمَعْ سَمِعَتْ أُذُنُکَ وَاَعْقِلْ عَقَلَ قَلْبُکَ ! إِنَّما مَثَلُکَ وَمَثَلُ اُمَّتِکَ كَمَثَلِ مَلِکٍ اِتَّخَذَ دارا، ثُمَّ بَنى فيها بَيْتا، ثُمَّ جَعَلَ فِيها مَأْدُبَةً ، ثُمَّ بَعَثَ رَسُولاً يَدْعُو النّاسَ إِلى طَعامِهِمْ ، فَمِنْهُمْ مَنْ أَجابَ الرَّسُولَ وَمِنْهُم مَنْ تَرَکَ . فَاللّهُ هُوَ المَلِکُ ، وَالدّارُ الإِسْلامُ ، وَالبَيْتُ الجَنَّةُ ، وَأَنْتَ يا مُحَمَّدُ الرَّسُولُ ؛ مَنْ أَجابَکَ دَخَلَ الإِسْلامَ ، وَمَنْ دَخَلَ الإِسْلامَ دَخَلَ الجَنَّةَ ، وَمَنْ دَخَلَ الجَنَّةَ أَكَلَ مِنْها .
(1)6493.عنه صلى اللهِ عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا كانَ يَوْمُ القِيامَهِ حَشَرَ اللّهُ الخَلائِقَ ، نادى مُنادٍ : لِيقُمْ أَهْلُ الفَضْلِ ! فَيَقُومُ فِئامٌ (2) مِنَ النّاسِ، فَتَسْتَقْبِلُهُم المَلائِكَهُ يُبَشِّرُونَهُم بِالجَنَّهِ ، وَيَقُولُونَ : ما فَضْلُكُم هذَا الَّذِى تَدْخُلُونَ بِهِ الجَنَّةَ قَبْلَ الحِسابِ؟ فَيَقُولُونَ : كُنّا نَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَنا، وَنَصِلُ مَنْ قَطَعَنا ، وَنَحْلُمُ إِذا جُهِلَ عَلَيْنا . فَيُقالُ لَهُم : اُدْخُلُوا الجَنَّةَ ، فَنِعْمَ أَجْرُ العامِلِينَ .

ثُمَّ يُنادِى مُنادٍ : لِيَقُمْ أَهْلُ الصَّبْرِ ! فَيَقُومُ فِئامٌ مِنَ النّاسِ ، فَتَسْتَقْبِلُهُم المَلائِكَهُ يُبَشِّرُونَهُم بِالجَنَّهِ وَيَقُولُونَ : ما صَبْرُكُم هذَا الَّذِى تَدْخُلُونَ بِهِ الجَنَّةَ قَبْلَ الحِسابِ؟ فَيَقُولُونَ : كُنّا نُصبِّرُ أَنْفُسَنا عَلى طاعَهِ اللّهِ وَنَصْبِرُ عَنْ مَعاصِى اللّهِ . فَيُقالُ لَهُم : اُدْخُلُوا الجَنَّةَ فَنِعْمَ أَجْرُ العامِلِينَ .

ثُمَّ يُنادِى مُنادٍ : لِيَقُمْ جِيرانُ اللّهِ فِى دارِ السَّلامِ ! فَيَقُومُ فِئامٌ مِنَ النّاسِ ، فَتَسْتَقْبِلُهُم المَلائِكَهُ يُبَشِّرونَهُم بِالجَنَّهِ ، وَيَقُولُونَ : ما فَضْلُكُم هذَا الَّذِى جاوَرْتُمْ بِهِ اللّهَ فِى دارِ السَّلامِ؟ فَيَقُولُونَ : كُنّا نَتَحابُّ فِى اللّهِ ، وَنَتَزاوَرُ فِى اللّهِ ، وَنَتَواصَلُ فِى اللّهِ ، وَنَتَبادَلُ فِى اللّهِ . فَيُقالُ لَهُم : ادْخُلُوا الجَنَّةَ فَأَنتُم جِيرانُ اللّهِ فِى دارِ السَّلامِ . (3) .

1- .المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 369 ح 3299 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 145 ح 2860 عن سعيد بن أبى هلال عن جابر بن عبد اللّه وفيه «مائده» بدل «مأدبه» ، كنز العمّال : ج 1 ص 69 ح 264.

2- .الفِئام : الجماعه من الناس لا واحد له من لفظه (القاموس المحيط : ج 4 ص 158 «فأم»).
3- .دعائم الإسلام : ج 2 ص 325 ح 1226 عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، تاريخ اليعقوبى : ج 2 ص 303 ، كشف الغمّه : ج 2 ص 315 ؛ البدايه والنهايه : ج 9 ص 114 كلّها عن الإمام زين العابدين عليه السلام نحوه .

حدیث6492.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :المستدرک علی الصحیحین به نقل از سعید بن ابی هلال : از ابو جعفر امام باقر علیه السلام شنیدم که این آیه را تلاوت کرد : «و خداوند ، به سرای سلامت ، فرا می خواند و هر که را بخواهد ، به راه راست ، هدایت می کند» .

سپس فرمود : «جابر بن عبد اللّه برایم نقل کرد که : روزی پیامبر خدا بیرون آمد و فرمود : خواب دیدم که جبرئیل ، بالای سر من و میکائیل ، پایین پای من است و یکی از آن دو به دیگری می گوید : برایش مثالی بزن .

او گفت : بشنو . گوشت شنوا باد ! و در یاب ، دلت در یابنده باد ! حکایت تو و امّتت ، همچون حکایت پادشاهی است که سرایی را بگیرد و در آن سرا ، اتاقی بسازد و در آن اتاق ، خوانی بگسترد . سپس فرستاده ای بفرستد تا مردمان را به خوراکشان فرا خواند . پس شماری از ایشان ، دعوت فرستاده را می پذیرند و شماری نمی پذیرند . خداوند ، همان پادشاه است و آن سرا ، اسلام است و آن خانه ، بهشت و تو ای محمّد ، آن فرستاده ای . هر که دعوت تو را پاسخ دهد ، به اسلام در می آید ، و هر که به اسلام در آید ، به بهشت می رود ، و هر که به بهشت رود ، از [خوان] آن می خورد » .6493.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چون روز رستاخیز شود ، خداوند ، آفریدگان را گِرد می آورد و بانگ دهنده ای ندا می دهد که : بخشایشگران ، برخیزند !

پس ، گروهی از مردم ، بر می خیزند و فرشتگان ، به پیشوازشان می روند و آنان را به بهشت ، مژده می دهند و می گویند : این بخشایشگریِ شما چه بوده که به سبب آن ، پیش از حسابرسی ، به بهشت می روید؟

آنها می گویند : ما چنان بودیم که از هر که بر ما ستم می کرد ، گذشت می کردیم و به هر که از ما می بُرید ، می پیوستیم و با هر که به ما نادانی روا می داشت [و گستاخی می نمود] ، بردباری می ورزیدیم .

پس ، بدیشان گفته می شود : به بهشت در آیید ، که چه نیکوست مزد عمل کنندگا ن !

سپس ، ندا دهنده ای ندا می دهد که : اهل شکیبایی ، برخیزند ! پس ، گروهی از مردم ، بر می خیزند و فرشتگان ، به پیشوازشان می روند و آنان را به بهشت ، مژده می دهند و می گویند : این شکیبایی شما ، چه بوده که به سبب آن ، پیش از حسابرسی ، به بهشت می روید؟

آنها می گویند : خویشتن را بر طاعت خدا به شکیب وامی داشتیم و در ترک معاصی خدا ، شکیبایی می ورزیدیم .

پس بدیشان گفته می شود : به بهشت در آیید ، که چه نیکوست مزد عمل کنندگان !

سپس ، ندا دهنده ای ندا می دهد که : همسایگان خدا در سرای سلامت برخیزند ! پس ، گروهی از مردم بر می خیزند و فرشتگان ، به پیشوازشان می روند و آنها را به بهشت ، مژده می دهند و می گویند : این امتیاز شما ، چه بوده که به سبب آن ، در سرای سلامت ، همسایه خدا گشته اید؟

آنها می گویند : ما برای خدا یکدیگر را دوست می داشتیم و برای خدا به دیدار یکدیگر می رفتیم و برای خدا با یکدیگر رابطه داشتیم و برای خدا به یکدیگر بخشش می نمودیم .

پس ، بدیشان گفته می شود : به بهشت در آیید که شما ، همسایگان خدا در سرای سلامت هستید !.

6494.الترغيب والترهيب عن أنس عن رسول اللّه صلى الله علالإمام علىّ عليه السلام :اِعْمَلُوا رَحِمَكُم اللّهُ عَلى أعلامٍ بَيِّنَهٍ ، فَالطَّرِيقُ نَهجٌ (1) يَدعُو إلى دارِ السَّلامِ ، وأنتُم فِى دارِ مُستَعتَبٍ (2)

عَلى مَهَلٍ وَفَراغٍ . (3)6495.الإمام علىّ عليه السلام : (مِن وَصِيَّتِهِ لِلحَسَنَينِ عليهماالسلام بَعدَ) الإمام الباقر عليه السلام فِى قَولِ اللّهِ عز و جل : «وَ اللّهُ يَدْعُواْ إِلَى دَارِ السَّلَمِ» : إِنَّ السَّلامَ هُو اللّهُ عز و جل ، وَدارَهُ الَّتِى خَلَقَها لِأَولِيائِهِ الجَنَّهُ . (4)6496.قصص الأنبياء عن ابن عبّاس :الإمام الصادق عليه السلام فِى دُعاءِ يَومِ الجُمُعَهِ : اَللّهُمَّ أنتَ السَّلامُ ومِنكَ السَّلامُ ، أسأَلُكَ يا ذَا الجَلالِ والإكرامِ فَكاكَ رَقَبَتِى مِنَ النارِ ، وَأن تُسكِنَنِى دارَ السَّلامِ . (5)3 / 5دارُ المُتَّقينَاَلكتاب«وَ قِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْاْ مَاذَا أَنزَلَ رَبُّكُمْ قَالُواْ خَيْرًا لِّلَّذِينَ أَحْسَنُواْ فِى هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَهٌ وَ لَدَارُ الْاخِرَهِ خَيْرٌ وَ لَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ * جَنَّتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَرُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَ لِكَ يَجْزِى اللّهُ الْمُتَّقِينَ ». (6)

.

1- .النَهْج : الطريق الواضح (مجمع البحرين : ج 3 ص 1839 «نهج»).
2- .دار مُسْتَعْتب : دار جزاء لا دار عمل، واستعتب : طلب أن يُرضى عنه (النهايه : ج 3 ص 175 «عتب»).
3- .نهج البلاغه : الخطبه 94 ؛ بحار الأنوار : ج 71 ص 190 ح 56 .
4- .معانى الأخبار : ص 177 ح 2 عن العلاء بن عبد الكريم.
5- .مصباح المتهجّد : ص 335 ، الدروع الواقيه : ص 154 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 177.
6- .النحل : 30 31.

6497.الاحتجاج :امام علی علیه السلام :خدایتان رحمت کند ! با توجّه به نشانه های آشکار [حق] ، عمل کنید ؛ چرا که این راه (اسلام) ، راه روشنی است که به سرای سلامت می خوانَد و شما هم هنوز در سرایی هستید که فرصت و فراغت آن را دارید تا خشنودی پروردگارتان را به دست آورید.6498.الإمام علیّ علیه السلام :امام باقر علیه السلام در باره سخن خداوند عز و جل : «و خداوند ، به سرای سلام ، فرا می خوانَد» : سلام ، خداست و سرای او که آن را برای دوستانش آفریده ، بهشت است.6499.عنه علیه السلام :امام صادق علیه السلام در دعای روز جمعه : بار خدایا ! تویی سلام و از توست سلام . از تو می خواهم ای پروردگار صاحب شُکوه و ارجمندی که مرا از آتش بِرَهانی و در سرای سلامت ، اسکانم دهی .3 / 5سرای پرهیزگارانقرآن«و به کسانی که پرهیزگاری کردند ، گفته می شود : «پروردگارتان ، چه فرو فرستاد؟» . می گویند : خوبی . برای کسانی که در این دنیا نیکی کرده اند ، [پاداش]نیکویی است و قطعا سرای آخرت ، بهتر است و چه نیکوست سرای پرهیزگاران ! بهشت های دست نخورده که وارد آنها می شوند . در پای آن بهشت ها ، جویبارها روان اند . در آن جا ، هر چه بخواهند ، برای آنان [فراهم]است . خدا ، این چنین به پرهیزگاران ، پاداش می دهد» .

.

الحديث6503.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام علىّ عليه السلام :الدُّنيا دارُ الأشقِياءِ . الجَنَّةُ دارُ الأتقِياءِ . (1)3 / 6دارُ المُقامَةِالكتاب«وَ قَالُواْ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ * الَّذِى أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَهِ مِن فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ ». (2)

الحديث6505.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام علىّ عليه السلام :اِتَّقُوا اللّهَ تَقِيَّةَ مَن سَمِعَ فَخَشَعَ ! ... وَاستَظهَرَ (3) زادا لِيَومِ رَحِيلِهِ ، وَوَجهِ سَبِيلِهِ ، وَحالِ حاجَتِهِ ، وَمَوطِنِ فاقَتِهِ ، وَقَدَّمَ أمامَهُ لِدارِ مُقامِهِ .
6506.الإمام علىّ عليه السلام :الإمام زين العابدين عليه السلام :اَلحَمدُ للّهِ عَلى ما عَرَّفَنا مِن نَفسِهِ ، وَأَلهَمَنا مِن شُكرِهِ ... حَمدا نُعتَقُ بِهِ مِن أَلِيمِ نارِ اللّهِ إلى كَرِيمِ جِوارِ اللّهِ ، حَمدا نُزاحِمُ به مَلائِكَتَهُ المُقَرَّبِينَ ، ونُضامُّ (4) بِهِ أَنبِياءَهُ المُرسَلِينَ فى دارِ المُقامَهِ الَّتِى لا تَزُولُ ، ومَحَلِّ كَرامَتِهِ الَّتِى لا تَحُولُ . (5) .

1- .غرر الحكم : ح 437 و ح 438 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 33 ح 600 و 601 .
2- .فاطر : 34 35.
3- .اسْتَظْهَرَ : احتاط فى الأمر وبالغ فى حفظه وإصلاحه (مجمع البحرين : ج 2 ص 1149 «ظهر»).
4- .نهج البلاغه : الخطبه 83 ، تحف العقول : ص 210 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 438 ح 48 ؛ دستور معالم الحكم : ص 53 وليس فيها صدره .
5- .تَضامَّ القوم : إذا انضمّ بعضهم إلى بعض (لسان العرب : ج 12 ص 358 «ضمم»).
6- .الصحيفه السجّاديّه : ص 20 الدعاء 1 ؛ ينابيع المودّه : ج 3 ص 412 .

3 / 6 سرای ماندگاری

حدیث6508.عنه علیه السلام :امام علی علیه السلام :دنیا ، سرای شوربختان است و بهشت ، سرای پرهیزگاران.3 / 6سرای ماندگاریقرآن«و گفتند : ستایش ، خدایی را که اندوه را از ما بُرد ، که پروردگار ما ، آمرزگاری سپاس گزار است ؛ همو که ما را به لطف خویش در سرای ماندگاری ، جای داد ؛ سرایی که در آن ، نه رنجی به ما می رسد و نه درماندگی ای گریبانگیر ما می شود » ».

حدیث6508.امام علی علیه السلام :امام علی علیه السلام :از خدا پروا دارید ، همچون پرواداریِ کسی که [پند را] شنید و به جان خرید ... و برای روز کوچیدنش ، و راه سفرش ، و گاهِ نیازش ، و جای تنگ دستی اش ، کوله باری از توشه فراهم آورد و پیشاپیش ، برای سرای ماندگاری اش [کردار نیک]فرستاد.6509.امام علی علیه السلام (در بیان حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله) امام زین العابدین علیه السلام :ستایش ، خدای را که خویشتن را به ما شناسانْد و سپاس گزاری اش را به ما الهام فرمود ... ؛ ستایشی که به سبب آن ، از آتش دردناک او بِرَهیم و در پناه کریمانه خدا بیارمیم ؛ ستایشی که به سبب آن ، با فرشتگان مقرّب او همنشین شویم و در سرای ماندگاریِ جاویدان و جایگاه کرامت پایدار او با پیامبران فرستاده اش ، یک جا گِرد آییم.

.

6510.عنه عليه السلام :عنه عليه السلام فِی الدُّعاءِ : اَللّهمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاجعَلِنی وَجَمِیعَ إِخوانِی بِکَ مُؤمِنِینَ ، وَعلی الإِسلامِ ثابِتِینَ ... وَلِلجَنَّهِ طالِبِینَ ، وَلِلفِردَوسِ وارِثِینَ ، وَمِن ثِیابِ السُّندُسِ وَالاِستَبرَقِ لابِسِینَ ، وَعَلی الأَرائِکِ مُتَّکِئِینَ ، وَبِالتِّیجانِ المُکَلَّلَهِ بِالدُّرِّ وَالیَواقِیتِ وَالزَّبَرجَدِ مُتَوَّجِینَ ، وَلِلوِلدانِ المُخَلَّدِینَ مُستَخدَمِینَ ، وَبِأَکوابٍ وَأَبارِیقَ وَکَأسٍ مِن مَعِینٍ شارِبِینَ ، وَمِن الحُورِ العِینِ مُزَوَّجِینَ ، وَفِی نَعِیمِ الجَنَّهِ مُقِیمِینَ ، وَفِی دارِ المُقامَهِ خالِدِینَ ، لایَمَسُّهُم فِیها نَصَبٌ (1) وَما هُم مِنها بِمُخرَجِینَ . (2)3 / 7دارُ الأمنِالکتاب«إِنَّ الْمُتَّقِینَ فِی مَقَامٍ أَمِینٍ * فِی جَنَّتٍ وَ عُیُونٍ . . . یَدْعُونَ فِیهَا بِکُلِّ فَکِهَهٍ ءَامِنِینَ ». (3)

«إِنَّ الْمُتَّقِینَ فِی جَنَّتٍ وَعُیُونٍ * ادْخُلُوهَا بِسَلَمٍ ءَامِنِینَ * وَ نَزَعْنَا مَا فِی صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ إِخْوَ نًا عَلَی سُرُرٍ مُّتَقَبِلِینَ * لَا یَمَسُّهُمْ فِیهَا نَصَبٌ وَ مَا هُم مِّنْهَا بِمُخْرَجِینَ». (4)

الحدیث6512.امام علی علیه السلام :الإمام علیّ علیه السلام :کُونُوا مِن أَهلِ الحَقِّ تُعرَفُوا بِهِ وَتَتَعارَفُوا عَلَیهِ ، فَإِنَّ اللّهَ خَلَقَ الخَلقَ بِقُدرَتِهِ ... وَجَعَلَ ثَوابَ أَهلِ طاعَتِهِ النَّضرَهَ (5)

فِی وَجهِهِ ، فِی دارِ الأَمنِ وَالخُلدِ الَّذِی لا یَرُوعُ (6) أَهلُهُ . (7) .

1- .النَصَبُ : التَعَبْ (النهایه : ج 5 ص 62 «نصب»).
2- .بحار الأنوار : ج 94 ص 123 ح 19 نقلاً عن الکتاب العتیق الغروی .
3- .الدّخان : 51 و 52 و 55 .
4- .الحِجر : 45 48 .
5- .نَضَرَهُ ونَضَّره : من النضاره؛ وهی حُسن الوجه والبریق (النهایه : ج 5 ص 71 «نضر»).
6- .فی المصدر: «یورع» ، والتصویب من بحار الأنوار .
7- .کتاب سلیم بن قیس : ج 2 ص 716 ح 17 ، بحار الأنوار : ج 34 ص 263 ح 1006.

3 / 7 سرای امنیّت

6513.امام علی علیه السلام :امام زین العابدین علیه السلام در دعا: بار خدایا ! بر محمّد و دودمان محمّد ، درود فرست و مرا و همه برادرانم را باورمند به خودت ، قرار ده ، و پا بر جا در اسلام ... و جویای بهشت ، و وارث فردوس ؛ آنان که جامه های پرنیان نازک و دیبای سِتَبر می پوشند و بر تخت ها[ی بهشتی] تکیه می زنند ، و تاج های مروارید و یاقوت و زِبَرجد بر سر دارند ، و پسرکان جاویدان ، خدمتشان می کنند ، و با جام ها و اِبریق ها و پیاله ای از باده ناب می نوشند ، و با سیه چشمان ، ازدواج می کنند ، و در ناز و نعمت بهشت ، ماندگارند ، و در سرای ماندگاری جاویدان اند ، و در آن جا هیچ خستگی ای بدیشان نمی رسد ، و هرگز از آن جا بیرون برده نمی شوند.3 / 7سرای امنیّتقرآن«به راستی ، پرهیزگاران ، در جایگاهی امن و آسوده اند . در بوستان ها و کنار چشمه سارها ... . در آن جا هر میوه ای را [که بخواهند ،] آسوده خاطر می طلبند».

«به راستی که پرهیزگاران ، در بوستان ها و کنار چشمه سارهایند . به آنها در آیید ، با سلامت و امنیّت . و آنچه از کینه در سینه های آنان است ، بر می کَنیم . برادرانه ، بر تخت هایی ، رو به روی یکدیگرند . نه رنجی در آن جا به ایشان می رسد و نه از آن جا بیرون رانده می شوند ».

حدیث6520.عنه علیه السلام :امام علی علیه السلام :اهل حق باشید تا بِدان شناخته شوید و با آن ، یکدیگر را بشناسید ؛ زیرا خداوند ، آفریدگان رِا به قدرت خویش بیافرید ... و پاداش فرمان بُردارانش را خرّمی رویِ آنان قرار داد ، در سرای امنیّت و جاویدان که ساکنان آن ، هرگز نمی هراسند .

.

6521.عنه عليه السلام :عنه عليه السلام :الجَنَّةُ دارُ الأَمانِ . (1)6522.عنه عليه السلام :عنه عليه السلام :ما ضَرَّ إخوانَنا الَّذِينَ سُفِكَت دِماؤُهُم وَهُم بِصِفِّينَ أن لا يَكُونُوا اليَومَ أحياءً؟ يُسيغُونَ الغُصَصَ، وَيَشرَبُونَ الرَّنْقَ! (2) قَد وَاللّهِ لَقُوا اللّهَ فَوَفّاهُم اُجُورَهُم ، وَأَحَلَّهُم دارَ الأَمنِ بَعدَ خَوفِهِم .
6523.الإمام عليّ عليه السلام :عنه عليه السلام :إذا آمَنتَ بِاللّهِ وَاتَّقَيتَ مَحارِمَهُ أَحَلَّکَ دارَ الأَمانِ ، وَإذا أَرضَيتَهُ تَغَمَّدَکَ بِالرِّضوانِ . (3)6515.امام على عليه السلام :عنه عليه السلام : «وَ سِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا» (4) قَد أُمِنَ العِقابُ ، وَانقَطَعَ العِتابُ ، وَزُحزِحُوا عَن النّارِ ، وَاطمَأَنَّت بِهِم الدارُ ، وَرَضُوا المَثوَى وَالقَرارَ . (5)6516.امام على عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام إِنَّ الناسَ يَعبُدُونَ اللّهَ عز و جل عَلى ثَلاثَةِ أَوجُهٍ :فَطَبَقَةٌ يَعبُدُونَهُ رَغبةً فِى ثَوابِهِ فَتِلکَ عِبادَةُ الحُرَصاءِ ؛ وَهُوَ الطَّمَعُ ، وَآخَرُونَ يَعبُدُونَهُ خَوفا مِن النارِ فَتِلکَ عِبادَةُ العَبِيدِ ؛ وهِى رَهبَةٌ ، وَلكِنِّى أَعبُدُهُ حُبّا لَهُ عز و جل فَتِلکَ عِبادَةُ الكِرامِ ؛ وَهُوَ الأَمنُ ، لِقَولِهِ عز و جل : «وَ هُم مِّن فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ ءَامِنُونَ» (7) ، «قُلْ إِن كُنتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِى يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ» (8) ، فَمَن أَحَبَّ اللّهَ عز و جل أَحَبَّهُ اللّهُ ، وَمَن أَحَبَّهُ اللّهُ عز و جلكانَ مِن الآمِنِينَ . (9) .

1- .غرر الحكم : ح 397 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 18 ح 19.
2- .الرَّنْق : الكَدِر (لسان العرب : ج 10 ص 127 «رنق»).
3- .نهج البلاغه : الخطبه 182 ، بحار الأنوار : ج 34 ص 127 ح 953.
4- .غرر الحكم: ح 4146.
5- .الزمر : 73.
6- .عيون الحكم والمواعظ: ص 507 ح 9294.
7- .النمل : 89 .
8- .آل عمران : 31 .
9- .علل الشرائع : ص 12 ح 8 ، الخصال : ص 188 ح 259 ، الأمالى للصدوق : ص 91 ح 65 كلّها عن يونس بن ظبيان ، روضه الواعظين : ص 456 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 18 ح 9 .

6517.مصباح الشریعه (در آنچه به امام صادق علیه السلام نسبت داده است) امام علی علیه السلام :بهشت ، سرای امنیّت است.6518.امام علی علیه السلام :امام علی علیه السلام :برادران ما را که خون هایشان در صفّین ریخته شد ، چه گزند که امروز ، زنده نباشند ، که غصّه بخورند و آب های تیره بنوشند ؟ ! به خدا سوگند که آنان ، به دیدار خدا شتافتند و خداوند ، مزدشان را کامل عطایشان فرمود و آنان را که [در این دنیا] بیم داشتند ، در سرای امنیّت جای داد .6519.امام علی علیه السلام :امام علی علیه السلام :اگر به خدا ایمان آوری و از حرام هایش پرهیز کنی ، تو را در سرای امنیّت جای می دهد ، و اگر او را خشنود گردانی ، تو را غرق در خشنودی می گردانَد .6520.امام علی علیه السلام :امام علی علیه السلام : «و کسانی که از پروردگار خویش پروا کردند ، گروه گروه ، به سوی بهشت برده می شوند» ، در حالی که از کیفر ، در امان اند و سرزنش نمی شوند و از آتش ، دور داشته می شوند و در سرا[ی جاویدان] آرام می گیرند و از جایگاه و آرامگاه [همیشگی خود ،] خشنودند .6521.امام علی علیه السلام :امام صادق علیه السلام :مردم ، خداوند عز و جل را بر سه گونه می پرستند : گروهی ، او را برای پاداشش می پرستند که این ، پرستشِ آزمندان است و آزمندی است . گروهی دیگر ، او را از بیم آتش می پرستَند که این ، پرستشِ بندگان است و ترسیدن است ؛ لیکن من ، او را از سرِ عشق به او می پرستم که این ، پرستش جوان مردان است و امنیّت است ؛ چرا که او عز و جل می فرماید : «و آنان در آن روز ، از ترس در امان اند» . «بگو : اگر خدا را دوست می دارید ، از من پیروی کنید تا خدا نیز شما را دوست بدارد و گناهانتان را بیامرزد» . پس ، هر که خدای عز و جل را دوست بدارد ، خدا نیز او را دوست می دارد و هر که خدای عز و جلدوستش بدارد ، از آسوده خاطران خواهد بود . .

الحديث6528.عنه عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام :إِعلَمُوا أَنَّهُ مَن يَتَّقِ اللّهَ يَجعَل لَهُ مَخرَجا مِن الفِتَنِ وَنُورا مِن الظُّلَمِ ، ويُخَلِّدُهُ فِيما اشتَهَت نَفسُهُ ، وَيُنزِلُهُ مَنزِلَ الكَرامَهِ عِندَهُ ، فِی دارٍ اصطَنَعَها لِنَفسِهِ ؛ ظِلُّها عَرشُهُ ، وَنُورُها بَهجَتُهُ ، وَزُوّارُها مَلائِكَتُهُ ، وَرُفَقاؤُها رُسُلُهُ ... . (3)6529.عنه عليه السلام :الإمام زين العابدين عليه السلام فِی مُناجاهٍ لَهُ : اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاجعَلنا مِنَ الَّذِينَ ... ظَفِروا بِحَبلِ النَّجاهِ ، وَعُروَهِ السَّلامَهِ ، وَالمُقامِ فِی دارِ الكَرامَهِ . (4)6530.الإمام علىّ عليه السلام :الإمام الباقر عليه السلام :إِنَّ الرَّبَّ تَبارَكَ وَتَعالَى يَقُولُ : اُدخُلُوا الجَنَّهَ بِرَحمَتِی ، وَانجُوا مِن النارِ بِعَفوِی ، وَتَقَسَّمُوا الجَنَّهَ بِأَعمالِكُم ، فَوَعِزَّتِی لَأُنزِلَنَّكُم دارَ الخُلُودِ وَدارَ الكَرامَهِ . (5) .

1- .النساء : 31.
2- .المعارج : 35.
3- .نهج البلاغه : الخطبه 183 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 163 ح 105.
4- .بحار الأنوار : ج 94 ص 126 ح 19 نقلاً عن الكتاب العتيق الغروى.
5- .الاختصاص : ص 356 عن جابر بن يزيد الجعفى ، بحار الأنوار : ج 8 ص 218 ح 207.

3 / 8سرای کرامتقرآن«اگر از گناهان بزرگی که از آنها نهی شده اید ، دوری گزینید ، بدی های شما را از شما می زداییم و شما را در جایگاهی ارجمند ، در می آوریم».

«آنان اند که در بهشت هایی ، گرامی خواهند بود».

حدیث6530.امام علی علیه السلام :امام علی علیه السلام :بدانید که هر کس از خدا پروا بدارد ، خداوند برای او ، راه برونْ رفتی از فتنه ها و روشنایی در تاریکی ها قرار می دهد و او را در جایی که خواستِ اوست ، جاویدان می گرداند و او را در جایگاهی گرامی به نزد خویش جای می دهد ؛ در سرایی که آن را برای خویش برگزیده ، و سایه آن ، عرش اوست ، و روشنایی اش شادمانی او ، و دیدار کنندگانش فرشتگان او ، و رفیقانش پیامبران او ... .6531.عنه علیه السلام :امام زین العابدین علیه السلام در یکی از مناجاتهایش : بار خدایا ! بر محمّد و دودمان محمّد درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که ... به ریسمان نجات ، و دستگیره سلامت ، و اقامت در سرای کرامت (گرامیداشت) ، دست یافتند.6532.مصباح الشریعه (فیما نَسَبَهُ إلَی الإمامِ الصّادِقِ علیه السل) امام باقر علیه السلام :پروردگارِ بزرگ و والا می فرماید : «با رحمت من ، به بهشت در آیید و با گذشت من ، از آتش برَهید و با اعمالتان ، بهشت را قسمت کنید ، که به عزّتم سوگند ، قطعا شما را در سرای جاودانگی و سرای کرامت (گرامیداشت) ، جای خواهم داد .

.

6533.الإمام الصادق عليه السلام (لِمُحَمَّدِ بنِ النُّعمانِ) الإمام الصادق عليه السلام فِی الدُّعاءِ بَعدَ صَلاهِ الظُّهرِ : اَللَّهُمَّ إِنِّی أَسأَلُکَ الظَّفَرَ وَالسَّلامَهَ ، وَالحُلُولَ بِدارِ الکَرامَهِ . (1) .

1- .مصباح المتهجّد : ص 65 ح 101 ، المصباح للکفعمی : ص 46 ، فلاح السائل : ص 321 ح 215 کلّها عن معاویه بن عمّار ، بحار الأنوار : ج 86 ص 71 ح 5 .

6534.الإمام علىّ عليه السلام :امام صادق عليه السلام در دعای بعد از نماز ظهر : بار خدایا ! پیروزی و سلامت و اقامت در سرای کرامت (گرامیداشت) را از تو درخواست می کنم. .

الفصل الرابع : مواصفات الجنّه4 / 1سَعَهُ الجَنَّهالكتاب«سَابِقُواْ إِلَى مَغْفِرَهٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَ جَنَّهٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ ذَ لِکَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ». (1)

«وَسَارِعُواْ إِلَى مَغْفِرَهٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّهٍ عَرْضُهَا السَّمَوَ تُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ». (2)

«وَ إِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَ مُلْكًا كَبِيرًا ». (3)

الحديث6536.امام على عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :قُومُوا إِلى جَنَّهٍ عَرضُها السَّماواتُ وَالأَرضُ . (4) .

1- .الحديد : 21.
2- .آل عمران : 133.
3- .الإنسان : 20.
4- .صحيح مسلم : ج 3 ص 1510 ح 1901 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 275 ح 12401 ، المستدرک على الصحيحين : ج 3 ص 481 ح 5798 ، السنن الكبرى : ج 9 ص 75 ح 17915 ، دلائل النبوّه للبيهقى : ج 3 ص 69 كلّها عن أنس .

فصل چهارم: ویژگی های بهشت

4 / 1 گستردگی بهشت

فصل چهارم: ویژگی های بهشت4 / 1گستردگی بهشتقرآن«بر یکدیگر ، پیشی بجویید به سوی آمرزشی از جانب پروردگارتان و بهشتی که پهنایش ، چون پهنای آسمان و زمین است و برای کسانی آماده شده است که به خدا و پیامبرانش ، ایمان آورده اند . این ، فضل خداست . به هر کس که بخواهد ، آن را می دهد و خداوند ، صاحب فضل بزرگ است».

«بشتابید به سوی آمرزشی از جانب پروردگارتان و بهشتی که پهنایش ، آسمان ها و زمین است و برای پرهیزگاران ، آماده شده است».

«و چون بِدان جا بنگری ، [سرزمینی از] نعمت و پادشاهیِ بزرگ می بینی».

حدیث6539.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیش به سوی بهشتی که پهنه اش آسمان ها و زمین است.

.

6540.مصباح الشريعه (در آنچه به امام صادق عليه السلام نسبت داده است) عنه صلى الله عليه و آله :إذا اُدخِلَ المُؤمِنُ إلى مَنازِلِهِ فِى الجَنَّهِ وَوُضِعَ عَلى رَأسِهِ تاجُ المُلكِ وَالكَرامَهِ ، اُلبِسَ حُلَلَ الذَّهَبِ وَالفِضَّهِ وَالياقُوتِ وَالدُّرِّ المَنظُومِ فِى الإكلِيلِ تَحتَ التّاجِ ، قالَ : وَاُلبِسَ سَبعِينَ حُلَّهَ حَرِيرٍ بِألوانٍ مُختَلِفَهٍ وَصُرُوبٍ مُختَلِفَهٍ ، مَنسُوجَهً بِالذَّهَبِ وَالفِضَّهِ وَاللُّؤلُؤِ وَالياقُوتِ الأَحمَرِ ، فَذلِكَ قَولُهُ عز و جل : «يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ وَ لُؤْلُؤًا وَ لِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ» (1) فَإذا جَلَسَ المُؤمِنُ عَلى سَرِيرِهِ اهتَزَّ سَرِيرُهُ فَرَحا ، فَإذا استَقَرَّ لِوَلِيِّ اللّهِ جَلَّ وَعَزَّ مَنازِلُهُ فِى الجِنانِ استَأذَنَ عَلَيهِ المَلَكُ المُوَكَّلُ بِجِنانِهِ لِيُهَنِّئَهُ بِكَرامَهِ اللّهِ عز و جل إيّاهُ ، فَيَقُولُ لَهُ خُدّامُ المُؤمِنِ مِن الوُصَفاءِ وَالوَصائِفِ : مَكانَكَ ، فَإنَّ وَلِىَّ اللّهِ قَد اتَّكَأَ عَلى أَرِيكَتِهِ وَزَوجَتُهُ الحَوراءُ تَهَيَّأُ له فَاصبِر لِوَلِيِّ اللّهِ .

قالَ : فَتَخرُجُ عَلَيهِ زَوجَتُهُ الحَوراءُ مِن خَيمهٍ لها تَمشِى مُقبِلَهً وَحَولَها وَصائِفُها، وَعَلَيها سَبعُونَ حُلَّهً مَنسُوجَهً بِالياقُوتِ وَاللُّؤلُؤِ وَالزَّبَرجَدِ وَهِىَ مِن مِسكٍ وَعَنبَرٍ وَعَلَى رَأسِها تاجُ الكَرامَهِ ، وَعَلَيها نَعلانِ مِن ذَهَبٍ مُكَلَّلَتانِ بِالياقُوتِ وَاللُّؤلُؤِ شِراكُهُما (2) ياقُوتٌ أَحمَرُ ، فَإذا دَنَت مِن وَلِىِّ اللّهِ فَهَمَّ أَن يَقُومَ إلَيها شَوقا، فَتَقُولُ لَه : يا وَلِىَّ اللّهِ لَيسَ هَذا يَومَ تَعَبٍ وَلا نَصَبٍ فَلا تَقُم أَنا لَكَ وَأَنتَ لِى ، قالَ : فَيَعتَنِقانِ مِقدارَ خَمسِمِائَهِ عامٍ مِن أَعوامِ الدُّنيا لا يَمَلُّها وَلا تَمَلُّهُ .

قالَ : فَإذا فَتَرَ بَعضَ الفُتُورِ مِن غَيرِ مَلالَهٍ ، نَظَرَ إلى عُنُقِها فَإذا عَلَيها قَلائِدُ مِن قَصَبٍ مِن ياقُوتٍ أَحمَرَ وَسَطُها لَوحٌ صَفحَتُهُ دُرَّهٌ مَكتُوبٌ فِيها : أَنتَ يا وَلِىَّ اللّهِ حَبِيبِى وَأَنا الحَوراءُ حَبِيبَتُكَ ، إلَيكَ تَناهَت نَفسِى وَإلَىَّ تَناهَت نَفسُكَ .

ثُمَّ يَبعَثُ اللّهُ إلى أَلفِ مَلَكٍ يُهَنِّئُونَهُ بِالجَنَّهِ وَيُزَوِّجُونَهُ بِالحَوراءِ ، قالَ : فَيَنتَهُونَ إلى أَوَّلِ بابٍ مِن جِنانِهِ ، فَيَقُولُونَ لِلمَلَكِ المُوَكَّلِ بِأبوابِ جِنانِهِ : إستَأذِن لَنا عَلى وَلِىِّ اللّهِ فَإنَّ اللّهَ بَعَثَنا إلَيهِ نُهَنِّئُهُ ، فَيَقُولُ لَهُم المَلَكُ : حَتَّى أَقُولَ لِلحاجِبِ فَيُعلِمَهُ بِمَكانِكُم ، قالَ : فَيَدخُلُ المَلَكُ إلى الحاجِبِ وَبَينَهُ وَبَينَ الحاجِبِ ثَلاثُ جِنانٍ ، حَتَّى يَنتَهِىَ إلى أَوَّلِ بابٍ ، فَيَقُولُ لِلحاجِبِ : إنَّ عَلى بابِ العَرصَهِ أَلفَ مَلَكٍ أَرسَلَهُم رَبُّ العالَمِينَ تَبارَكَ وَتَعالى لِيُهَنِّئُوا وَلِىَّ اللّهِ قَد سَأَلُونِى أَن آذَنَ لَهُم عَلَيهِ.

فَيَقُولُ الحاجِبُ : إنَّهُ لَيَعظَمُ عَلَيَّ أن أستَأذِنَ لِأحَدٍ عَلى وَلِيِّ اللّهِ وَهُوَ مَعَ زَوجَتِهِ الحَوراءِ . قالَ : وَبَينَ الحاجِبِ وَبَينَ وَلِيِّ اللّهِ جَنَّتانِ ، قالَ: فَيَدخُلُ الحاجِبُ إلى القَيِّمِ فَيَقُولُ لَه : إنَّ عَلى بابِ العَرصَهِ (3) ألفَ مَلَكٍ أرسَلَهُم رَبُّ العِزَّهِ يُهَنِّئُونَ وَلِيَّ اللّهِ فَاستَأذِن لَهُم ؛ فَيَتَقَدَّمُ القَيِّمُ إلَى الخُدّامِ فَيَقُولُ لَهُم: إنَّ رُسُلَ الجَبّارِ عَلى بابِ العَرصَهِ وَهُم ألفُ مَلَكٍ أرسَلَهُم اللّهُ يُهَنِّئُونَ وَلِيَّ اللّهِ فَأعلَمُوهُ بِمَكانِهِم ، قالَ : فَيُعلِمُونَهُ فَيُؤذَنُ لِلمَلائِكَهِ فَيَدخُلُونَ عَلى وَلِيِّ اللّهِ وَهُوَ فِي الغُرفَهِ وَلَها ألفُ بابٍ ، وَعَلى كُلِّ بابٍ مِن أبوابِها مَلَكٌ مُوَكَّلٌ بِهِ ، فَإذا أذِنَ لِلمَلائِكَهِ بِالدُّخُولِ عَلى وَلِيِّ اللّهِ فَتَحَ كُلُّ مَلَكٍ بابَهُ المُوَكَّلَ بِهِ قالَ : فَيُدخِلُ القَيِّمُ كُلَّ مَلَكٍ مِن بابٍ مِن أبوابِ الغُرفَهِ ، قالَ : فَيُبَلِّغُونَهُ رِسالَهَ الجَبّارِ جَلَّ وَعَزَّ ، وَذلِكَ قَولُ اللّهِ تَعالى : «وَالْمَلَائِكَهُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِم مِّن كُلِّ بَابٍ» مِن أبوابِ الغُرفَهِ «سَلَمٌ عَلَيْكُم» (4) إلى آخِرِ الآيهِ .

قالَ : وذلِكَ قَولُهُ جَلَّ وَعَزَّ : «وَ إِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَ مُلْكًا كَبِيرًا» (5) يَعنِي بِذلِكَ وَلِيَّ اللّهِ وَما هُوَ فِيهِ مِن الكَرامَهِ وَالنَّعِيمِ وَالمُلكِ العَظِيمِ الكَبِيرِ ، إنَّ المَلائِكَهَ مِن رُسُلِ اللّهِ عَزَّ ذِكرُهُ يَستَأذِنُونَ [فِي الدُّخُولِ]عَلَيهِ فَلَا يَدخُلُونَ عَلَيهِ إلّا بِإذنِهِ ، فَلِذلِكَ المُلكُ العَظِيمُ الكَبِيرُ . (6) .

1- .الحجّ : 23 .
2- .الشِّراكُ : أحد سُيور النَّعلِ التى تكون على وجهها (النهايه : ج 2 ص 467 «شرک») .
3- .عَرَصَه: كلّ موضع واسع لا بناء فيه (النهايه: ج 3 ص 208 «عرص»).
4- .الرعد : 23 24 .
5- .الإنسان : 20 .
6- .الكافى : ج 8 ص 97 ح 69 ، تفسير القمّى : ج 2 ص 247 ، تأويل الآيات الظاهره : ج 2 ص 744 ح 3 كلّها عن محمّد بن إسحاق المدنى عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 8 ص 128 ح 29.

6541.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آن گاه که مؤمن را به جایگاه هایش در بهشت در می آورند و تاج شاهی و بزرگی بر سرش می گذارند ، جامه هایی از زر و سیم و یاقوت ، بر او می پوشانند و پایه تاجش به رشته های دُر و گوهر ، مزیّن است . نیز هفتاد جامه پرنیان ، با رنگ های گوناگون و انواع مختلف که به زر و سیم و مروارید و یاقوت سرخ ، بافته شده اند ، بر تن او می کنند . این ، همان سخن خدای عز و جل است که : «در آن جا با دستبندهایی از طلا و مروارید ، آراسته می شوند و لباس هایشان در آن جا ، از پرنیان است» .

و چون مؤمن بر تخت خویش بنشیند ، تختش از شادمانی می لرزد ، و چون ولیّ خداوند عز و جل در جایگاه های خود در بهشت ها ، استقرار یابد ، فرشته گماشته بر بهشت هایش ، اجازه ورود می خواهد تا این کرامتی را که خدای عز و جل به او بخشیده است ، به وی تبریک گوید ؛ امّا خدمت گزاران مؤمن ، از غلامان و کنیزان ، به او می گویند : بمان ؛ چرا که ولیّ خدا ، بر تخت خویش ، تکیه زده و همسرِ حوری او ، در حال آماده ساختن خویش برای اوست . منتظر ولیّ خدا بمان.

پس ، همسر حوری او ، از خرگاهش به سوی وی بیرون می آید ، در حالی که کنیزان خدمتکارش ، گِرداگرد وی را گرفته اند و لباسی بافته از یاقوت و مروارید و زِبَرجَد و مُشک و عنبر ، بر تن دارد و تاج کرامت ، بر سرِ اوست و کفش هایش از طلا و مزیّن به یاقوت و مروارید است و بندهای آنها از یاقوت سرخ . نزدیکِ ولیّ خدا که می رسد ، او از شوق می خواهد برایش بلند شود ؛ ولی حوری می گوید : ای ولیّ خدا ! امروز ، دیگر روز رنج و زحمت نیست . پس بر مخیز . من ، از آنِ تو هستم و تو ، از آنِ منی . آن گاه ، به اندازه پانصد سال از سال های دنیا ، یکدیگر را در آغوش می کِشند ، بی آن که از یکدیگر سیر و خسته شوند.

پس از آن که اندکی سست شد ، آن هم نه از سرِ سیری و خستگی ، نگاهش به گردن حوری می افتد . گردنبندهایی بر گردن او از یاقوت سرخ می بیند که در وسط آن ، لوحی است و صفحه آن لوح ، درّی است و بر آن ، نوشته شده است : تو ای ولیّ خدا معشوق منی و منِ حوری ، معشوق تو ام ، و من و تو به هم رسیدیم.

سپس ، خداوند به هزار فرشته ، پیغام می دهد که بهشت را به او تهنیت بگویند و آن حوری را به ازدواج او در آورند . آن فرشتگان ، به نخستین در از بهشت های او می رسند و به فرشته گماشته بر درهای بهشت هایش می گویند : از ولیّ خدا ، برای ما اجازه ورود بخواه ؛ زیرا خداوند ، ما را نزد او فرستاده است تا به وی ، شادباش بگوییم .

فرشته به آنان می گوید : باید به دربان بگویم تا آمدن شما را به اطّلاع او برساند .

پس ، آن فرشته به نزد دربان که از او تا دربان ، سه بهشت فاصله است ، می رود . چون به نخستین در رسید ، به دربان می گوید : بر درگاه ، هزار فرشته اند که پروردگار بزرگ و بلندمرتبه جهانیان ، آنان را برای شادباش گویی به ولیّ خدا ، فرستاده است . از من خواسته اند که برایشان ، اجازه ورود بخواهم.

دربان می گوید : مرا یارای آن نیست که وقتی ولیّ خدا با همسر حوریِ خویش است ، از او برای کسی اجازه ورود بطلبم .

میان دربان تا ولیّ خدا ، دو بهشت ، فاصله است . پس ، دربان به نزد پیشکار می رود و می گوید : به درگاه ، هزار فرشته اند که پروردگار عزّت ، آنان را برای شادباش گویی به ولیّ خدا ، فرستاده است . برای ایشان ، اجازه ورود بخواه .

پیشکار ، به نزد خدمتکاران می رود و می گوید : فرستادگان [خدای] جبّار ، بر درگاه اند . آنان ، هزار فرشته اند که خداوند ، آنان را برای شادباش گویی به ولیّ خدا ، فرستاده است . آمدنشان را به اطّلاع او برسانید .

آنان به اطّلاع او می رسانند . در این هنگام ، به فرشتگان ، اجازه ورود داده می شود و آنها بر ولیّ خدا که در بالاخانه است و هزار در دارد و بر هر دری از درهایش فرشته ای گماشته شده است ، وارد می شوند . چون اجازه ورود بر ولیّ خدا به فرشتگان داده می شود ، هر فرشته ای ، دری را که بر آن گماشته شده است ، می گشاید و پیشکار ، هر فرشته ای را از دری از درهای بالاخانه ، داخل می کند و آن فرشتگان ، پیام [خدای] جبّار عز و جل را به او ، ابلاغ می کنند . این ، همان سخن خدای بلندمرتبه است که : «و فرشتگان ، بر آنان ، وارد می شوند از هر دری» از درهای بالاخانه [و می گویند :] «درود بر شما ! » تا آخر آیه.

و نیز این سخن خدای عز و جل است که : «و چون بِدان جا بنگری ، [سرزمینی از] نعمت و پادشاهیِ بزرگ می بینی» . مقصود ، ولیّ خدا و احترام و نعمت و پادشاهیِ بزرگ و شکوهمندی است که او از آن برخوردار است . فرشتگانِ فرستاده خدای بزرگ ، از او اجازه ورود می طلبند و تا اجازه ندهد ، بر او وارد نمی شوند . این است آن پادشاهیِ بزرگ و شکوهمند. .

ص: 108

. .

ص: 109

. .

6542.امام علی علیه السلام :عنه صلی الله علیه و آله :إِنَّ أَدنَى أَهلِ الجَنَّهِ مَنزِلَهً الَّذِی یَرکَبُ فِی أَلفِ أَلفٍ مِن خَدَمَهٍ مِن الوِلدانِ المُخَلَّدِینَ ، عَلی خَیلٍ مِن یاقُوتٍ أَحمَرَ لَها أَجنِحَهٌ مِن ذَهَبٍ «وَ إِذَا رَأَیْتَ ثَمَّ رَأَیْتَ نَعِیمًا وَ مُلْکًا کَبِیرًا » . (1)6543.امام باقر علیه السلام :الدرّ المنثور عن عکرمه :دَخَلَ عُمَرُ بنُ الخَطّابِ عَلی رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله وَهُوَ راقِدٌ عَلی حَصِیرٍ مِن جَرِیدٍ قَد أَثَّرَ فِی جَنبِهِ ، فَبَکی عُمَرُ ، فَقالَ : ما یُبکِیکَ؟ فَقالَ : ذَکَرتُ کِسرَی وَمُلکَهُ ، وقَیصَرَ ومُلکَهُ ، وَصاحِبَ الحَبَشَهِ وَمُلکَهُ ، وَأَنتَ رَسُولُ اللّهِ عَلی حَصِیرٍ مِن جَرِیدٍ .

فَقالَ : أَما تَرضَی أَنَّ لَهُم الدُّنیا وَلَنا الآخِرَهَ ؛ فَأَنزَلَ اللّهُ : «وَ إِذَا رَأَیْتَ ثَمَّ رَأَیْتَ نَعِیمًا وَ مُلْکًا کَبِیرًا » . (2)6544.الإمام علیّ علیه السلام :المستدرک علی الصّحیحین عن أبی هریره :جاءَ رَجُلٌ إِلی النَّبِیِ صلی الله علیه و آله فَقالَ : یا مُحَمَّدُ ، أَرَأَیتَ جَنَّهً عَرضُها السَّمواتُ وَالأَرضُ ، فَأَینَ النارُ؟ قالَ : أَرَأَیتَ اللَّیلَ الَّذِی قَد أَلبَسَ کُلَّ شَیءٍ فَأَینَ جُعِلَ النَّهارُ؟ قالَ: اَللّهُ أَعلَمُ ، قالَ : کَذلِکَ اللّهُ یَفعَلُ ما یَشاءُ . (3)6545.الإمام علیّ علیه السلام :الإمام الباقر علیه السلام :قَدِمَ أُسقُفُ نَجرانَ عَلی عُمَرَ بنِ الخَطّابِ ، فَقالَ : یا أَمِیرَ المُؤمِنِینَ ، إِنَّ أَرضَنا بارِدَهٌ سَدِیدَهُ (4) المَؤُونَهِ لا تَحمِلُ الجیشَ ، وَأَنا ضامِنٌ لِخَراجِ أَرضِی أَحمِلُهُ إِلَیکَ فِی کُلِّ عامٍ کَمَلاً ، فَکانَ یقدمُ هُو بِالمالِ بِنَفسِهِ ، وَمَعَهُ أَعوانٌ لَهُ حَتَّی یُوفِیَهُ بَیتَ المالِ ، وَیَکتُبَ لَه عُمَرُ البَراءَهَ .

قالَ : فَقَدِمَ الأُسقُفُ ذاتَ عامٍ ، وَکانَ شَیخا جَمِیلاً فَدَعاهُ عُمَرُ إِلی اللّهِ ، وَإِلی دِینِ رَسُولِ اللّهِ صلی اللّه علیه و آله ، وَأَنشَأَ یَذکُرُ فَضلَ الإِسلامِ وَما یَصِیرُ إِلَیهِ المُسلِمُونَ مِن النَّعِیمِ وَالکَرامَهِ .

فَقالَ لَهُ الأُسقُفُ : یا عُمَرُ ، أَنتُم تَقرَؤُونَ فِی کِتابِکُم أَنَّ لِلّهِ جَنَّهً عَرضُها کَعَرضِ السَّماءِ وَالأَرضِ ، فَأَینَ تَکُونُ النارُ؟ قالَ : فَسَکَتَ عُمَرُ ، وَنَکَّسَ رَأسَهُ ، فَقالَ أَمِیرُ المُؤمِنِینَ علیه السلام ، وَکانَ حاضِرا : أَجِب هَذا النَّصرانِیَّ ، فَقالَ لَهُ عُمَرُ : بَل أَجِبهُ أَنتَ .

فَقالَ علیه السلام لَه : یا أُسقُفَ نَجرانَ أَنا أُجِیبُکَ ، أَرَأَیتَ إِذا جاءَ النَّهارُ أَینَ یَکُونُ اللَّیلُ ، وَإِذا جاءَ اللَّیلُ أَینَ یَکُونُ النَّهارُ؟

فَقالَ الأُسقُفُ : ما کُنتُ أَرَی أَنَّ أَحدا یُجِیبُنِی عَن هَذِهِ المَسأَلَهِ . (5) .

1- .الدرّ المنثور : ج 8 ص 376 نقلاً عن ابن وهب عن الحسن البصرى .
2- .الدرّ المنثور : ج 8 ص 377 نقلاً عن عبد بن حميد وابن المنذر وراجع : الطبقات الكبرى : ج 1 ص 466 .
3- .المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 92 ح 103 ،صحيح ابن حبّان : ج 1 ص 306 ح 103 ، مسند إسحاق بن راهويه : ج 1 ص 399 ح 437 ، تفسير ابن كثير : ج 2 ص 99 كلّها نحوه ، كنز العمّال : ج 10 ص 373 ح 29861 .
4- .يُسدّد : أى يقتصد فلا يغلو ولا يسرف (النهايه : ج 2 ص 352 «سدد») .
5- .خصائص الأئمّه : ص 90، الفضائل : ص 126 عن أنس نحوه ، بحار الأنوار : ج 10 ص 58 ح 3 .

6546.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دونْ پایه ترین فرد اهل بهشت ، هنگامی که می رود ، بر اسبی از یاقوت سرخ که بال هایی از طلا دارد ، می نشیند و هزار هزار خدمتکار ، از پسرکان جاویدان ، او را همراهی می کنند «و چون بِدان جا بنگری ، [سرزمینی از]نعمت و پادشاهیِ بزرگ می بینی» .6547.الإمام الرضا علیه السلام :الدُرّ المنثور به نقل اَز عِکرِمه : عمر بن خطّاب ، بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وارد شد . دید که ایشان ، بر بوریایی از برگ درخت خرما ، آرمیده و بوریا بر پهلوی ایشان ، رد انداخته است . عمر ، گریه اش گرفت . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «چرا گریه می کنی؟» .

عمر گفت : به یاد کسرا و قیصر و پادشاه حبشه و سلطنت آنها افتادم ، در حالی که تو ، پیامبر خدا هستی و بر بوریایی از برگ درخت خرما ، آرمیده ای !

فرمود : «آیا نمی پسندی که برای ایشان ، دنیا باشد و برای ما ، آخرت ؟».

پس خداوند ، این آیه را فرو فرستاد : «و چون بِدان جا بنگری ، [سرزمینی از]نعمت و پادشاهیِ بزرگ می بینی» .6548.الإمام علیّ علیه السلام :المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابو هُرَیره : مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای محمّد! اگر بهشت ، پهنایش آسمان ها و زمین است ، پس دوزخ کجاست؟

فرمود : «وقتی شب ، همه جا را فرو می پوشانَد ، روز در کجا قرار داده می شود؟ » .

مرد گفت : خداوند ، داناتر است .

فرمود : «این چنین ، خداوند ، آنچه را بخواهد ، انجام می دهد» .6549.عنه علیه السلام :امام باقر علیه السلام :اُسقف نجران ، به نزد عمر بن خطّاب آمد و گفت : ای امیر مؤمنان ! سرزمین ما ، سردسیر و پُر رنج و مشقّت است و سپاهیان ، در آن جا تاب نمی آورند و من ، خود ، خراجِ سرزمینم را ضمانت می کنم و هر ساله ، آن را به طور کامل ، برایت می آورم .

[از آن پس ،] او خود ، شخصا به همراه یارانش خراج را می آورد و تحویل بیت المال می داد و عمر ، به او رسید می داد.

یک سال اسقف که پیرمردی زیبا بود ، آمد . عمر ، او را به خدا و دین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرا خواند و از امتیازهای اسلام و نعمت و کرامتی که [در آخرت] در انتظار مسلمانان است ، برایش گفت.

اسقف به او گفت : ای عمر ! شما در کتابتان می خوانید که خداوند ، بهشتی دارد که پهنایش ، همچون پهنای آسمان و زمین است . پس دوزخ ، کجا جای دارد؟

عمر ، خاموش مانْد و سرش را پایین انداخت . امیر مؤمنان [علی] علیه السلام که در آن جا حاضر بود ، فرمود : «پاسخ این نصرانی را بده» .

عمر گفت : تو ، پاسخ او را بده.

امیر مؤمنان علیه السلام به او فرمود : «ای اسقف نجران ! من پاسخت را می دهم . به من بگو که هر گاه روز در می آید ، شب کجاست ؟ و چون شب می شود ، روز کجاست؟» .

اسقف گفت : فکر نمی کردم که کسی پاسخ این سؤال مرا بدهد. .

6550.الإمام علىّ عليه السلام :المناقب لابن شهر آشوب عن السدى :كُنتُ عِندَ عُمَرَ بنِ الخَطّابِ إذ أقبَلَ كَعبُ بنُ الأشرَفِ وَمالِکُ بنُ الصَّيفِىّ وَحَيىُّ بنُ أخطَبَ ، فَقالُوا : إنَّ فِى کِتابِکُم : «وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَوَ تُ وَالْأَرْضُ» إذا کانَ سَعَةُ جَنَّةٍ واحِدَةٍ کَسَبعِ سَماواتٍ وَسَبعِ أرَضِينَ ، فَالجِنانُ کُلُّها يَومَ القِيامَةِ أينَ تَکُونُ؟ فَقالَ عُمَرُ : لا أعلَمُ .

فَبَينَماهُم فِى ذلِکَ إذ دَخَلَ عَلِىٌ عليه السلام ، فَقالَ : فِى أىِ شَىءٍ أنتُم؟ فَالتَفَتَ اليَهُودِىُّ وَذَکَرَ المَسأَلَةَ ، فَقالَ عليه السلام لَهُم : خَبِّرُونِى أنَّ النَّهارَ إذا أقبَلَ اللَّيلُ أينَ يَکُونُ، وَاللَّيلَ إذا أقبَلَ النَّهارُ أينَ يَکُونُ؟

فَقالَ لَهُ : فِى عِلمِ اللّهِ يَکُونُ ، قالَ عَلِىٌ عليه السلام : کَذلِکَ الجِنانُ تَکُونُ فِى عِلمِ اللّهِ ، فَجاءَ عَلِىٌ عليه السلام إلَى النَّبِى صلى الله عليه و آله وَأخبَرَهُ بِذلِکَ ، فَنَزَلَ : «فَسْئَلُواْ أَهْلَ الذِّکْرِ إِن کُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ » (1) . (2) .

1- .النحل : 43 .
2- .المناقب لابن شهر آشوب : ج 2 ص 352 ، الصراط المستقيم : ج 2 ص 12 نحوه ، بحار الأنوار : ج 40 ص174 ح 55 .

6551.عنه علیه السلام :المناقب ، ابن شهرآشوب به نقل از سُدّی : نزد عمر بن خطّاب بودم که کعب بن اشرف و مالک بن صَیفی و حیّ بن اَخطب آمدند و گفتند : در کتاب شما آمده است : «و بهشتی که پهنای آن ، آسمان ها و زمین است» . اگر گستره یک بهشت ، به اندازه هفت آسمان و هفت زمین است ، پس تمام بهشت ها ، در روز رستاخیز ، کجایند؟

عمر گفت : نمی دانم.

در این هنگام ، علی علیه السلام وارد شد . فرمود : «شما در باره چه ، سخن می گویید؟ » .

مرد یهودی ، رو به امام علیه السلام کرد و سؤال را پرسید . ایشان فرمود : «به من بگویید که چون روز در می آید ، شب کجاست؟ و شب که می آید ، روز کجاست؟» .

مرد یهودی گفت : این ، در علم خداست .

علی علیه السلام فرمود : «بهشت ها نیز در علم خدایند» .

سپس علی علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و موضوع را به ایشان گفت . در این هنگام ، این آیه نازل شد : «پس اگر نمی دانید ، از اهل ذکر بپرسید» . .

6544.امام على علیه السلام :الإمام علىّ علیه السلام :إِن كُنتُم راغِبِينَ لا مَحالَةَ ، فَارغَبُوا فِى جَنَّةٍ عَرضُها السَّماواتُ والأَرضُ . (1)6545.امام علی علیه السلام :تفسیر العیّاشی عن الإمام الصادق علیه السلام فِى قَولِ اللّهِ عز و جل : «وَسَارِعُواْ إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَوَ ثُ وَالْأَرْضُ» (2) : إِذَا وَضَعُوها كَذا وَبَسَطَ يَدَيهِ إِحداهُما مَعَ الاُخرَى . (3)6546.امام علی علیه السلام :معانى الأخبار عن عبّاس بن یزید :قُلتُ لِأَبِى عَبدِ اللّهِ علیه السلام وَكُنتُ جالِسا عِندَهُ ذاتَ يَومٍ : أَخبِرنِى عَن قَولِ اللّهِ عز و جل : «وَ إِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَ مُلْكًا كَبِيرًا » ما هَذا المُلكُ الَّذِى كَبَّرَهُ اللّهُ حَتّى سَمّاهُ كَبِيرا؟

قالَ : فَقالَ لِى : إِذا أَدخَلَ اللّهُ أَهلَ الجَنَّةِ الجَنَّةَ أَرسَلَ رَسُولاً إِلى وَلِىٍ مِن أَولِيائِهِ فَيَجِدُ الحَجَبَةَ عَلى بابِهِ ، فَيَقُولُ لَه : قِف حَتَّى نَستَأذِنَ لَكَ ، فَما يَصِلُ إِلَيهِ رَسُولُ رَبِّهِ إِلّا بِإِذنٍ ، فَهُوَ قَولُهُ عز و جل : «وَ إِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَ مُلْكًا كَبِيرًا » (4) . (5) .

1- .غرر الحكم : ح 3736 ؛ عيون الحكم والمواعظ : ص 163 ح 3469.
2- .آل عمران : 133.
3- .تفسير العيّاشى : ج 1 ص 198 ح 142 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 139 ح 54 .
4- .الإنسان : 20 .
5- .معانى الأخبار : ص 210 ح 1 ، فضائل الشيعه : ص 77 ح 44 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 197 ح 188 ، وراجع : التبيان فى تفسير القرآن : ج 10 ص 215 و تفسير القمّى : ج 2 ص 248 .

6547.امام رضا علیه السلام :امام علی علیه السلام :اگر آرزومند هستید ، که حتما هستید ، بهشتی را آرزو کنید که پهنه آن ، آسمان ها و زمین است.6548.امام علی علیه السلام :تفسیر العیّاشی در باره این سخن خدای عز و جل : «و بشتابید به سوی آمرزشی از جانب پروردگارتان و بهشتی که پهنه آن ، آسمان ها و زمین است» : امام صادق علیه السلام فرمود : «آن گاه که آنها را این گونه قرار دهند» و دو دستش را با هم ، پهن کرد .6549.امام علی علیه السلام :معانی الأخبار به نقل از عبّاس بن یزید : یک روز که نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودم، به ایشان گفتم : مرا به این سخن خدای عز و جل آگاه کن که : «و چون بِدان جا بنگری ، [سرزمینی از] نعمت و پادشاهیِ بزرگ می بینی» . این پادشاهی ای که خداوند ، آن را وسیع قرار داده ، چندان که آن را بزرگ نامیده است ، چیست؟

امام علیه السلام به من فرمود : «آن گاه که خداوند ، بهشتیان را به بهشت در می آورد ، فرستاده ای به سوی دوستی از دوستانش می فرستد و او بر درگاهش دربانانی می بیند . به او می گویند : بمان ، تا برایت ، اجازه بگیریم . بدین سان ، فرستاده پروردگارش [هم] جز با اجازه وی به حضورش نمی رسد . این است سخن او عز و جلکه : «و چون بِدان جا بنگری ، نعمت و پادشاهیِ بزرگ می بینی» . .

4 / 2أَرضُ الجَنَّهِ6552.عنه عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أَرْضُ الْجنَّهِ بَيْضَاءُ ، عَرْصَتُهَا صُخُورُ الْكَافُورِ، وَقَدْ أَحَاطَ بِهِ المِسْكُ مِثْلَ كُسْبَانِ الرَّمْلِ أَنْهَارٌ مُطَّرِدَهٌ، فَيَجْتَمِعُ فِيهَا أَهْلُ الْجَنَّهِ أَدْنَاهُمْ وَآخِرُهُمْ فَيَتَعارَفُونَ، فَيَبْعَثُ اللّهُ رِيحَ الرّحمَهِ فَتَهِيجُ عَلَيْهِمْ رِيحُ المِسْكِ، فَيَرْجِعُ الرَّجُلُ إِلَى زَوْجَتِهِ وَقَدِ ازْدَادَ حُسْنا وَطِيبا، فَتَقُولُ لَهُ : لَقَدْ خَرَجْتَ مِنْ عِنْدى وَأَنَا بِكَ مُعْجِبَهٌ وَأَنَا بِكَ الآنَ أَشَدُّ إعْجَابا. (1)6553.الإمام الباقر عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ فِى الجَنَّهِ لَمَراغا (2) مِن مِسكٍ ، مِثلَ مَراغِ دَوابِّكُم فِى الدُّنيا . (3)6552.امام على عليه السلام :صحيح مسلم عن أبى سعيد :إِنَّ ابنَ صَيّادٍ سَأَلَ النَّبِىَ صلى الله عليه و آله عَن تُربَهِ الجَنَّهِ؟ فَقالَ : دَرمَكَهٌ (4) بَيضاءُ ، مِسكٌ خالِصٌ . (5)6553.امام باقر عليه السلام :الإمام الباقر عليه السلام :أَرضُ الجَنَّهِ رُخامُها (6) فِضَّهٌ ، وَتُرابُها الوَرسُ (7) وَالزَّعفَرانُ ، وكَنسُها المِسكُ ، ورَضراضُها (8) الدُّرُّ وَالياقُوتُ . (9) .

1- .الترغيب والترهيب : ج 4 ص 514 ح 34 ، الدرّ المنثور : ج 1 ص 92 نقلاً عن ابن أبى الدنيا وكلاهما عن أبى هريره.
2- .مَرَاغ : الموضع الذى يُتَمَرَّغ فيه، والتمرّغ : التَقلّب فى التراب (النهايه : ج 4 ص 320 «مرغ») .
3- .تاريخ أصبهان : ج 1 ص 152 الرقم 118 عن سهل بن سعد ، كنز العمّال : ج 14 ص 455 ح 39240.
4- .الدَّرْمَكه : التراب الرقيق (لسان العرب : ج 10 ص 423 «درمک»).
5- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2243 ح 93 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 86 ح 11389 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 67 ح 3 ، كنز العمّال : ج 14 ص 460 ح 39264 .
6- .الرُخام : حَجَر أبيض رِخْو (الصحاح : ج 5 ص 1930 «رخم»).
7- .الوَرْس : نبت أصفر يُصبغ به (النهايه : ج 5 ص 173 «ورس»).
8- .الرَضْرَاض : الحصى الصغار (النهايه : ج 2 ص 229 «رضرض»).
9- .الاختصاص : ص 357 عن جابر ، بحار الأنوار : ج 8 ص 218 ح 209.

4 / 2 زمین بهشت

4 / 2زمین بهشت6556.الإمام الصادق علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :زمین بهشت ، سفید است و عرصه اش ، صخره های کافور . مُشک ، به سان تپّه های شن ، آن را در میان گرفته است و جویبارهای بسیار در آن ، روان اند . بهشتیان ، از دور و نزدیک ، در آن جا گِرد هم می آیند و با یکدیگر ، آشنا می شوند . سپس خداوند ، بادِ رحمت را می وزاند و بوی مُشک ، در آنان می پیچد .

آن گاه ، مرد در حالی که بسی زیباتر و خوش بوتر گشته است ، به نزد همسر خویش باز می گردد و همسرش به او می گوید : از نزد من که رفتی ، برایم خواستنی بودی و اکنون ، بسی خواستنی تر شده ای.6557.الإمام الحسین علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در بهشت ، بستری از مُشک وجود دارد ، همانند غلْتگاه سُتوران شما در دنیا.6558.الإمام الصادق علیه السلام :صحیح مسلم به نقل از ابو سعید : ابن صیّاد ، از پیامبر صلی الله علیه و آله در باره خاک بهشت پرسید . ایشان فرمود : «خاکی نرم و سفید و مُشکی ناب است» .6554.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام :زمین بهشت ، سنگ های مرمرش ، نقره است و خاکش ، وَرس (اسپَرَک) و زعفران است و خاکروبه اش ، مُشک است و سنگ ریزه هایش ، دُر و یاقوت اند .

.

4 / 3بنايهُ الجَنَّهِ6557.امام حسين عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إِنَّ اللّهَ عز و جل أَحاطَ حَائِطَ الجَنَّهِ لَبِنَهً مِنْ ذَهَبٍ وَلَبِنَهً مِنْ فِضَّهٍ، ثُمَّ شَقَّقَ فِيهَا الأَنْهَارَ، وَغَرَسَ فِيهَا الأَشْجَارَ ، فَلَمَّا نَظَرَ المَلاَئِكَهُ إِلَى حُسْنِهَا وزَهرِها قَالَتْ : طُوبَاكِ فى مَنَازِلِ المُلوكِ . (1)6558.امام صادق عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ حائِطَ الجَنَّهِ لَبِنَهٌ مِن ذَهَبٍ وَلَبِنَهٌ مِن فِضَّهٍ ، وَقاعُ الجَنَّهِ ذَهَبٌ ، وَرُضاضُها (2) اللُّؤلُؤُ ، وَطِينُها مِسكٌ ، وَتُرابُها الزَّعفَرانُ ، وَخلالُ ذَلِکَ سِدرٌ مَخضُودٌ ، وَطَلحٌ مَنضُودٌ ، وَظِلٌّ مَمدُودٌ ، وَماءٌ مَسكُوبٌ . (3)6559.الإمام الباقر عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام لِلأَحنَفِ بنِ قَيسٍ : لَعَلَّکَ يا أَحنَفُ شَغَلَکَ نَظَرُکَ فِى وَجهِ واحِدَهٍ (4) ، تُبدِى الأَسقامَ بِغاضِرَهِ وَجهها ، وَدارٍ قَد أُشغِلتَ بِنَقشِ رَواقِها (5) ، وَسُتُورٍ قَد عَلَّقتَها، وَالرِّيحُ وَالآجامُ مُوَكَّلَهٌ بِثَمَرِها، وَلَيسَت دارُکَ هَذِهِ دارَ البَقاءِ ، فَأَحمَتکَ الدّارُ (6) الَّتِى خَلَقَها اللّهُ سُبحانَهُ مِن لُؤلُؤَهٍ بَيضَاءَ ، فَشَقَّقَ فِيها أَنهارَها، وَغَرَسَ فِيها أَشجارَها، وَأَظلَلَ عَلَيها بِالنَّضجِ مِن أَثمارِها، وَكَبَسَها بِالعَواتِقِ (7) مِن حُورِها، ثُمَّ أَسكَنَها أَولِياءَهُ وَأَهلَ طاعَتِهِ .

فَلَو رَأَيتَهُم يا أَحنَفُ وَقَد قَدِمُوا عَلى زِياداتِ رَبِّهِم سُبحانَهُ ، فَإِذا ضَرَبَت جَنائِبُهُم صَوَّتَت رَواحِلُهُم بِأَصواتٍ لَم يَسمَع السَّامِعُونَ بِأَحسَنَ مِنها، وَأَظَلَّتهُم غَمامَهٌ فَأَمطَرَت عَلَيهِمُ المِسکَ وَالرّادِنَ (8) ، وَصَهَلَت خُيُولُها بَينَ أَغراسِ تِلکَ الجِنانِ، وَتَخَلَّلَت بِهِم نُوقُهُم بَينَ كُثُبِ الزَّعفَرانِ ، وَيَتَطامَنُ تَحتَ أَقدامِهِمُ اللُّؤلُؤُ وَالمَرجانُ ، وَاستَقبَلَتهُم قَهارِمَتُها (9) بِمَنابِرِ الرَّيحانِ ، وَهاجَت لَهُم رِيحٌ مِن قِبَلِ العَرشِ فَنَثَرَت عَلَيهِم الياسَمِينَ وَالأُقحُوانَ ، وَذَهَبُوا إِلى بابِها فَيَفتَحُ لَهُمُ البابَ «رِضوانُ»، ثُمَّ يَسجُدُونَ للّهِ فِى فِناءِ الجِنانِ .

فَقالَ لَهُمُ الجَبَّارُ : اِرفَعُوا رُؤُوسَكم، فَإِنِّى قَد رَفَعتُ عَنكُم مَؤُونَهَ العِبادَهِ ، وَأَسكَنتُكُم جَنَّهَ الرِّضوانِ . (10) .

1- .البعث والنشور : ص 181 ح 261 ، الترغيب والترهيب : ج 4 ص 513 ح 32 ، الدرّ المنثور : ج 1 ص 92 نقلاً عن البزّار والطبرانى وابن مردويه وكلّها عن أبى سعيد الخدرى .
2- .رضاضُه : كِساره، قِطَعُه (لسان العرب : ج 7 ص 154 «رضض»).
3- .الدرّ المنثور : ج 8 ص 13 نقلاً عن ابن مردويه عن أبى هريره.
4- .فى وجه واحده : أى دار واحده دار الدنيا أو دار الآخره (بحار الأنوار : ج 68 ص 174) .

5- .الرِّواق : مُقدّم البيت (لسان العرب : ج 10 ص 133 «روق»).
6- .أحمتک الدار : أی منعتک دار الدنیا عن دار الآخره (بحار الأنوار : ج 68 ص 174) .
7- .العَواتِق : جمع عاتقه، وهی الشابّه أوّل ما تدرک (النهایه : ج 3 ص 178 «عتق»).
8- .الرّادِن : الزعفران (المحیط فی اللغه : ج 9 ص 287 «ردن»).
9- .القهرمان : الخازن والحافظ لما تحت یده (النهایه : ج 4 ص 129 «قهرم»).
10- .صفات الشیعه : ص 121 ح 63 عن محمّد بن الحنفیّه ، بحار الأنوار : ج 7 ص 220 ح 132 .

4 / 3 ساختمان بهشت

4 / 3ساختمان بهشت6562.الإمام علیّ علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدای عز و جل ، دیوار بهشت را با خشتی از طلا و خشتی از نقره ساخت . سپس جویبارهایی را از دل آن ، درآورد و درختکاری کرد . چون فرشتگان ، زیبایی و خرّمیِ آن را دیدند ، گفتند : خوشا به حالت در میان منزلگاه های پادشاهان !6563.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دیوار بهشت ، یک خشتش از طلاست و خشت دیگرش از نقره . دشت بهشت ، طلاست و خُرده سنگ هایش ، مروارید است و گِل آن ، مُشک و خاکش ، زعفران است و در آن ، درختان کُنار بی خار است و نیز درخت های موز با میوه های خوشه خوشه بر هم چیده ، و سایه ای گسترده و پایدار ، و آبی ریزان.6564.عنه علیه السلام :امام علی علیه السلام به اَحنَف بن قیس : ای اَحنَف ! شاید نگاهت به روی یکی (دنیا) که با وجود خرّمی چهره اش ، بیماری ها را پدیدار می سازد و سرایی که نقش و نگار ایوانش و پرده هایی که آویخته ای و باد و آفتاب ، بر میوه آن گماشته شده اند ، مشغولت کرده اند ، تو را سرگرم ساخته است ، در حالی که این سرای تو ، سرای ماندن نیست و تو را از سرایی باز داشته است که خداوند سبحان ، آن را از مروارید سپید آفرید و جویبارها در آن ، روان ساخت و درخت ها در آن کاشت و با میوه های رسیده اش ، بر آن سایه افکند و از دخترکان سیه چشم نورسیده ، آکنده اش داشت و سپس دوستان خود و اهل طاعتش را در آن ، جای داد.

پس ، اگر آنها را ببینی ای احنف ، بر دهِش های فزاینده پروردگار پاکشان وارد گشته اند و اسبانشان می تازند و شترهایشان ، آوازهایی سر می دهند که شنوندگان ، زیباتر از آن را نشنیده اند ، و ابری بر آنان سایه افکنده که مُشک و زعفران ، بر ایشان می بارد ، و اسب هایشان میان درختان آن بهشت ها ، شیهه می کِشند ، و شترهایشان در میان پشته های زعفران ، آنان را سِیر می دهند ، و بر روی مروارید و مرجان ، قدم بر می دارند ، و پیشکاران (/ خدمتکاران) بهشت ، با منبرهایی از گل های خوش بو به استقبالشان می آیند ، و از سوی عرش ، بادی بر ایشان می وزد و بر سر و روی آنان ، یاسمن و گل بابونه می افشانَد ، و چون به درِ بهشت می رسند ، رضوان (1) در را برایشان می گشاید . آن گاه ، در آستان باغ های بهشت برای خداوند ، به سجده می افتند.

[خدای] جبّار ، خطاب به ایشان می فرماید : «سرهایتان را بردارید ؛ چرا که [امروز ،] رنج و زحمتِ عبادت را از شما برداشتم و در بهشت رضوان ، سُکنایتان دادم ».

.

1- .رضوان : فرشته دربان بهشت .

4 / 4أَبوابُ الجَنَّهالكتاب«جَنَّتِ عَدْنٍ مُّفَتَّحَةً لَّهُمُ الْأَبْوَ بُ ». (1)

«وَ سِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْاْ رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّهِ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاءُوهَا وَ فُتِحَتْ أَبْوَ بُهَا وَ قَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَمٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَلِدِينَ ». (2)

.

1- .ص : 50 .
2- .الزمر : 73.

4 / 4 درهای بهشت

4 / 4درهای بهشتقرآن«بهشت های جاویدان که درهای آنها ، برایشان گشوده است».

«و کسانی که از پروردگارشان پروا داشتند ، گروه گروه ، به سوی بهشت ، سوق داده می شوند تا بِدان رسند و درهای آن ، گشوده گردد و نگهبانان آن به ایشان گویند : درود بر شما ! خوش آمدید ! در آن ، در آیید [و] جاودانه [بمانید] » .

.

الحديث6565.امام على عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لِلجَنَّهِ ثَمانِيهُ أبوابٍ . (1)6566.امام باقر عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ لَها [الجَنَّهِ] ثَمانِيَهَ أبوابٍ ، وَلِجَهَنَّمَ سَبعَهَ أبوابٍ ، وَبَعضُها أفضَلُ مِن بَعضٍ . (2)6567.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ الجَنَّهَ لَها ثَمانِيَهُ أبوابٍ ، ما مِنهُنَّ بابانِ إِلَا وَبَينَهُما مَسِيرَهُ الراكِبِ سَبعِينَ عاما. (3)6568.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :ما بَينَ مِصراعَينِ (4) مِن مَصارِيعِ الجَنَّهِ مَسِيرَهُ أربَعِينَ عاما.
(5)6569.امام باقر عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :بابُ اُمَّتِى الَّذِى يَدخُلُونَ مِنهُ الجَنَّهَ عَرضُهُ مَسِيرَهُ الراكِبِ الجَوادِ ثلاثا، ثُمَّ إِنَّهُم لَيُضغَطُونَ عَلَيهِ حَتّى تَكادُ مَناكِبُهُم تَزُولُ . (6) .

1- .سنن الدارمى : ج 2 ص 789 ح 2714 عن عبد اللّه ، صحيح البخارى : ج 3 ص 1188 ح 3084 وفيه «فى الجنّه ...» ، السنن الكبرى : ج 4 ص 502 ح 8512 كلاهما عن سهل بن سعد ، مسند ابن حنبل : ج 7 ص 112 ح 19454 عن عمر بن عنبسه ، كنز العمّال : ج 1 ص 300 ح 1433 نقلاً عن ابن مردويه ؛ الخصال : ص 408 ح 6 عن محمّد بن فضيل الرزقى عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام علىّ عليهم السلام ، ثواب الأعمال : ص 79 ح 4 عن أبى سعيد الخدرى ، الأمالى للصدوق : ص 123 ح 113 عن أنس ، بحار الأنوار : ج 8 ص 289 ح 27 .
2- .مسند ابن حنبل : ج 6 ص 205 ح 17673 ، السنن الكبرى : ج 9 ص 276 ح 8523 كلاهما عن عتبه بن عبد السلمى ، الطبقات الكبرى : ج 7 ص 430 عن عتبه بن عمرو السلمى نحوه ، كنز العمّال : ج 3 ص 758 ح 8273 .
3- .المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 607 ح 8683 ، المعجم الكبير : ج 19 ص 213 ح 477 كلاهما عن لقيط بن عامر .
4- .مصراعا الباب : بابان منصوبان ينضمّان جميعا، مدخلها فى الوسط من المصراعين (لسان العرب : ج 8 ص 199 «صرع»).
5- .مسند ابن حنبل : ج 7 ص 236 ح 20045 ، حليه الأولياء : ج 6 ص 205 وفيه «سبعين» بدل «أربعين» وكلاهما عن حكيم بن معاويه عن أبيه ، الزهد لابن المبارک : ص 535 ح 1528 عن الحسن نحوه .
6- .سنن الترمذى : ج 4 ص 684 ح 2548 ، مشكاه المصابيح : ج 3 ص 92 ح 5645 وفيه «المجوّد» بدل «الجواد» وكلاهما عن سالم بن عبد اللّه

عن أبيه ، كنز العمّال : ج 14 ص 472 ح 39311.

حدیث6571.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشت ، هشت در دارد.6572.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشت ، هشت در دارد و دوزخ ، هفت در . برخی از این درها[ی بهشت] بر برخی دیگر ، برتری دارند.6570.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشت ، هشت در دارد و فاصله هر در تا در دیگر ، هفتاد سال راه است که سواره می پیماید.6571.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فاصله میان دو لنگه یک در از درهای بهشت ، چهل سال راه است.6572.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دری که امّت من از آن وارد بهشت می شوند ، پهنایش به مسافت سه [روز یا سال] راهی است که شخص سوار بر اسبِ تیزتک بپیماید . سپس بر آن در ، چنان فشار داده می شوند که چیزی نمانده شانه هایشان کَنده شود. .

6573.عنه صلى الله عليه و آله :مَن أَنفَقَ زَوجَينِ فِی سَبِیلِ اللّهِ نُودِیَ مِن أَبوابِ الجَنَّهِ : یا عَبدَ اللّهِ هذا خَیرٌ، فَمَن کَانَ مِن أَهلِ الصَّلاهِ دُعِیَ مِن بابِ الصَّلاهِ ، وَمَن کانَ مِن أَهلِ الجِهادِ دُعِیَ مِن بابِ الجِهادِ ، وَمَن کانَ مِن أَهلِ الصِّیامِ دُعِیَ مِن بابِ الرَّیّانِ ، وَمَن کانَ مِن أَهلِ الصَّدَقَهِ دُعِیَ مِن بابِ الصَّدَقَهِ . (1)6574.عنه صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :لِلجَنَّهِ بابٌ یُقالُ لَها : الرَّیّانُ، لا یُفتَحُ ذَلِکَ إِلی یَومِ القِیامَهِ ، ثُمَّ یُفتَحُ لِلصّائِمِینَ وَالصّائِماتِ مِن اُمَّهِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله ، ثُمَّ یُنادِی رِضوانُ خازِنُ الجَنَّهِ : یا اُمَّهَ مُحَمَّدٍ ، هَلُمُّوا إِلَی الرَّیّانِ . فَتَدخُلُ اُمَّتِی فِی ذَلِکَ البابِ إِلی الجَنَّهِ . (2)6575.الإمام الصادق عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :لِلصّائِمِینَ بابٌ فِی الجَنَّهِ یُقالُ لَهُ : الرَّیّانُ، لا یَدخُلُ مِنهُ أَحَدٌ غَیرُهُم، فَإِذا دَخَلَ آخِرُهُم أُغلِقَ، فَمَن دَخَلَ مِنهُ شَرِبَ، وَمَن شَرِبَ لَم یَظْمَأ أَبَدا. (3)6576.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :لِکُلِّ أَهلِ عَمَلٍ بابٌ مِن أَبوابِ الجَنَّهِ یُدعَونَ بِذَلِکَ العَمَلِ ، وَلِأَهلِ الصِّیامِ بابٌ یُدعَونَ مِنهُ یُقالُ لَهُ : الرَّیّانُ. (4)6577.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ أَبوابَ الجَنَّهِ تَحتَ ظِلالِ السُّیُوفِ . (5)6573.پیامبر خدا صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :لِلجَنَّهِ بابٌ یُقالُ لَهُ: بابُ المُجاهِدِینَ ، یَمضُونَ إِلَیهِ، فَإِذا هُوَ مَفتُوحٌ وَهُم مُتَقَلِّدُونَ بِسُیُوفِهِم، وَالجَمعُ فِی المَوقِفِ، وَالمَلائِکَهُ تُرَحِّبُ بِهِم. (6) .

1- .صحیح البخاری : ج 2 ص 671 ح 1798 ، صحیح مسلم : ج 2 ص 711 ح 85 ، سنن الترمذی : ج 5 ص 614 ح 3674 ، سنن النسائی : ج 4 ص 169 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 93 ح 7637 کلّها عن أبی هریره نحوه.
2- .ثواب الأعمال : ص 96 ح 12 ، الأمالی للصدوق : ص 106 ح 79 کلاهما عن ابن عبّاس ، بحار الأنوار : ج 8 ص 185 ح 147 ؛ تاریخ أصبهان : ج 2 ص 239 الرقم 1560 ، کنز العمّال : ج 8 ص 458 ح 23650 نقلاً عن ابن النجّار وکلاهما عن ابن مسعود وفیهما «للجنّه باب یقال له الریّان، یدخله الصائمون».
3- .سنن النسائی : ج 4 ص 168 ، مسند أبی یعلی : ج 6 ص 496 ح 7491 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 435 ح 22905 نحوه وکلّها عن سهل بن سعد ، کنز العمّال : ج 8 ص 446 ح 23580.
4- .مسند ابن حنبل : ج 3 ص 461 ح 9807 ، المصنّف لابن أبی شیبه : ج 7 ص 477 ح 43 نحوه وکلاهما عن أبی هریره.

5- .صحيح مسلم : ج 3 ص 1511 ح 146 ، سنن الترمذى : ج 4 ص 186 ح 1659 ، مسند ابن حنبل : ج 7 ص 133 ح 19555 كلّها عن أبى موسى الأشعرى ، صحيح البخارى : ج 3 ص 1037 ح 2663 ، سنن أبى داوود : ج 3 ص 42 ح 2631 كلاهما عن عبد اللّه بن أبى أوفى وليس فيهما «أبواب».
6- .الكافى : ج 5 ص 2 ح 2 عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 123 ح 213 عن وهب عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام عنه صلى الله عليه و آله وفيه «تزجر» بدل «ترحّب بهم» ، ثواب الأعمال : ص 225 ح 2 ، الأمالى للصدوق : ص 673 ح 906 كلاهما عن وهب عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله نحوه ، بحار الأنوار : ج 8 ص 186 ح 153.

6574.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس یک جفت (1) در راه خدا انفاق کند ، از [همه] درهای بهشت به او ندا داده می شود که : «ای بنده خدا ! این در ، خوب است !»، در حالی که کسی که اهل نماز باشد ، از درِ نماز ، فرا خوانده می شود ، کسی که اهل جهاد باشد ، از درِ جهاد ، فرا خوانده می شود ، کسی که اهل روزه باشد ، از درِ سیراب ، فرا خوانده می شود ، و کسی که اهل صدقه باشد ، از درِ صدقه فرا خوانده می شود.6575.امام صادق علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشت ، دری دارد که به آن ، «سیراب» گفته می شود . این در ، تا روز قیامت ، باز نمی شود . سپس [در آن روز] به روی مردان و زنان امّت محمّد که اهل روزه داری بوده اند ، گشوده می گردد و رضوان ، نگهبان بهشت ، بانگ می زند : «ای امّت محمّد ! به سوی سیراب آیید» و امّت من ، از آن در ، داخل بهشت می شوند.6576.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در بهشت ، دری ویژه روزه داران است که به آن ، سیراب می گویند . از این در ، کسی جز آنها وارد نمی شود و آخرین نفرشان که وارد شد ، آن در ، بسته می شود . پس ، هر که از آن در بیاید ، می آشامد و هر که بیاشامید ، دیگر هرگز تشنه نمی شود .6577.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :برای اهل هر عملی ، دری ویژه در بهشت هست که با آن عمل ، خوانده می شوند . برای اهل روزه ، دری است که از آن در ، [به داخل بهشت] فرا خوانده می شوند و به آن ، «سیراب» گفته می شود.6578.المُوطّأ عن عطاء بن یسار :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :درهای بهشت ، زیر سایه های شمشیرهایند .6579.عیسی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشت ، دری دارد که به آن ، «درِ مجاهدان» می گویند . مجاهدان به جانب آن در ، روانه می شوند . ناگهان در باز می گردد و مجاهدان ، در حالی که شمشیرهایشان را حمایل کرده اند و جمعیت [هنوز] در توقّفگاه است ، وارد می شوند و فرشتگان به آنان خوشامد می گویند. .

1- .ظاهرا مقصود این است که در انفاق سخت گیری نکند اگر می تواند دو درهم دهد ، یک درهم ندهد ، اگر می تواند دو دینار دهد ، یکی ندهد ، اگر می تواند دو شتر بدهد ، یکی ندهد و از این قبیل .

6578.الموطّأ (به نقل از عطاء بن يسار) عنه صلى الله عليه و آله :جاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللّهِ ، فَإِنَّ الجِهادَ فِي سَبيلِ اللّهِ تَبارَکَ وَتَعالى بابٌ مِن أبوابِ الجَنَّهِ، يُنجِى اللّهُ تَبارَکَ وَتَعالَى بِهِ مِن الهَمِّ وَالغَمِّ. (1)6579.عيسى عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام :إِنَّ الجِهادَ بابٌ مِن أبوابِ الجَنَّهِ ، فَتَحَهُ اللّهُ لِخاصَّهِ أولِيائِهِ. (2)6580.الإمام علىّ عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لَمّا عُرِجَ بِى إِلَى السَّماءِ رَأَيتُ عَلى بابِ الجَنَّهِ مَكتُوبا : لا إله إِلَا اللّهُ ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّهِ ، عَلِىٌ حَبِيبُ اللّهِ ، اَلحَسَنُ وَالحُسَينُ صَفوَهُ اللّهِ ، فاطِمَهُ أَمَهُ اللّهِ ، عَلى باغِضِهِم لَعنَهُ اللّهِ . (3)6581.الإمام الباقر عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :مَكتُوبٌ عَلى بابِ الجَنَّهِ : لا إله إِلَا اللّهُ ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّهِ ، عَلِىٌ أَخُو رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، قَبلَ أَن يَخلُقَ اللّهُ السَّماواتِ وَالأَرضَ بِألفَى عامٍ . (4)6582.الإمام الكاظم عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :آتِى بابَ الجَنَّهِ يَومَ القِيامَهِ فَأَستَفتِحُ ، فَيَقُولُ الخازِنُ : مَن أنتَ؟ فَأَقُولُ :

مُحَمَّدٌ . فَيَقُولُ : بِکَ اُمِرتُ ، لا أَفتَحُ لِأَحَدٍ قَبلَکَ . (5) .

1- .مسند ابن حنبل : ج 8 ص 395 ح 22743 ، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 84 ح 2404 ، السنن الكبرى : ج 9 ص 176 ح 18219 كلّها عن عباده بن الصامت ، المعجم الأوسط : ج 8 ص 181 ح 8334 عن أبى أمامه وكلّها نحوه ؛ عوالى اللآلى : ج 1 ص 88 ح 20 عن عباده بن الصامت نحوه.
2- .الكافى : ج 5 ص 4 ح 6 عن أبى عبد الرحمن السلمى ، نهج البلاغه : الخطبه 27 ، معانى الأخبار : ص 309 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 100 ص 7 ح 2.
3- .الأمالى للطوسى : ص 355 ح 737 ، الطرائف : ص 64 ح 65 ، الفضائل : ص 71 نحوه ، إرشاد القلوب : ص 234 كلّها عن ابن عبّاس ، بحار الأنوار : ج 43 ص 303 ح 65 نقلاً عن كشف الغمّه.
4- .الخصال : ص 638 ح 11 ، الأمالى للصدوق : ص 134 ح 128 كلاهما عن جابر ، روضه الواعظين : ص 124 ، الثاقب فى المناقب : ص 118 ح 112 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 131 ح 34 ؛ فضائل الصحابه لابن حنبل : ج 2 ص 669 ح 1140 وليس فيه «لا إله إلّا اللّه » و «الأرض» ، حليه الأولياء : ج 7 ص 256 ، المناقب للخوارزمى : ص 144 ح 168 ، كنز العمّال : ج 11

ص 624 ح 33043 نقلاً عن الطبرانى فى الأوسط والخطيب البغدادى كلّها عن جابر .
5- .صحيح مسلم : ج 1 ص 188 ح 333 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 274 ح 12400 كلاهما عن أنس ، الزهد لابن المبارک (الملحقات) : ص 119 ح 400 عن ثابت ، كنز العمّال : ج 11 ص 405 ح 31890 ؛ الأمالى للطوسى : ص 395 ح 875 عن أنس ، بحار الأنوار : ج 8 ص 195 ح 179.

6580.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در راه خدا جهاد کنید ؛ چرا که جهاد در راه خدای بزرگ و والا ، دری از درهای بهشت است و خداوند بزرگ و والا ، به سبب آن از اندوه و غم ، رهایی می بخشد .6581.امام باقر علیه السلام :امام علی علیه السلام :جهاد ، دری از درهای بهشت است که خداوند ، آن را برای دوستان ویژه اش گشوده است.6582.امام کاظم علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :زمانی که به معراج برده شدم ، بر درِ بهشت دیدم که نوشته است : معبودی جز خدا نیست . محمّد ، فرستاده خداست . علی ، محبوب خداست . حسن و حسین ، برگزیده خدایند . فاطمه کنیز خداست . لعنت خدا بر دشمنان آنها !» .6583.الإمام علیّ علیه السلام (فی بَیانِ ثَمَراتِ العِلمِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دو هزار سال پیش از آن که خدا آسمان ها و زمین را بیافریند ، بر درِ بهشت ، نوشته شده بود : معبودی جز خدای یکتا نیست . محمّد ، فرستاده خداست . علی ، برادرِ فرستاده خداست» .6584.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در روز قیامت ، من بر درِ بهشت می روم و می گویم : «در را باز کنید» . نگهبان می گوید : تو کیستی؟ من می گویم : «محمّد» . پس ، نگهبان می گوید : فرمان دارم که برای تو بگشایم و پیش از تو ، [آن را] برای هیچ کس باز نمی کنم. .

6583.امام علی علیه السلام (در بیان فایده های دانش) عنه صلی الله علیه و آله :أَلا إنَّما الحُسَینُ بابٌ مِن أبوابِ الجَنَّهِ ، مَن عاداهُ حَرَّمَ اللّهُ عَلَیهِ رائِحَهَ الجَنَّهِ . (1)6584.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الکاظم علیه السلام :إنَّ عَلِیّا علیه السلام بابٌ مِن أبوابِ الجَنَّهِ ، فَمَن دَخَلَ بابَهُ کانَ مُؤمِنا، وَمَن خَرَجَ مِن بابِهِ کانَ کافِرا، وَمَن لَم یَدخُل فِیهِ وَلَم یَخرُج مِنهُ کانَ فِی الطَّبَقَهِ الَّتِی للّهِ فِیهِمُ المَشِیئَهُ . (2)6585.الإمام علیّ علیه السلام :سنن الترمذی عن قیس بن سعد بن عباده :مَرَّ بِیَ النَّبِیُ صلی الله علیه و آله وَقَد صَلَّیتُ ، فَضَرَبَنِی بِرِجلِهِ وَقالَ : أَلا أَدُلُّکَ عَلی بابٍ مِن أبوابِ الجَنَّهِ؟ قلتُ : بَلَی ! قالَ : لا حَولَ وَلا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ . (3)6586.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :لِلجَنَّهِ ثَمانِیهُ أبوابٍ ؛ سَبعَهٌ مُغلَقَهٌ ، وَبابٌ مَفتُوحٌ لِلتَّوبَهِ حَتَّی تَطلُعَ الشَّمسُ مِن نَحوِهِ .
(4)6587.الکافی عن علیّ بن سوید :عنه صلی الله علیه و آله :إنَّ لِلجَنَّهِ بابا یُقالُ لَهُ : بابُ المَعرُوفِ ، لا یَدخُلُهُ إلّا أهلُ المَعرُوفِ . (5) .

1- .مئه منقبه : ص 44 ح 4 عن عبد اللّه بن عمر ، بحار الأنوار : ج 35 ص 405 ح 28 ؛ مقتل الحسین للخوارزمی : ج 1 ص 145 عن عبد اللّه وفیه «عائده» بدل «عاداه».
2- .الکافی : ج 2 ص 389 ح 21 عن موسی بن بکیر ، بحار الأنوار : ج 32 ص 324 ح 300.
3- .سنن الترمذی : ج 5 ص 571 ح 3581 ، مسند ابن حنبل : ج 5 ص 274 ح 15480 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 4 ص 323 ح 7787 ، کنز العمّال : ج 1 ص 454 ح 1952.
4- .المستدرک علی الصحیحین : ج 4 ص 290 ح 7671 ، المعجم الکبیر : ج 10 ص 206 ح 10479 ، مسند أبی یعلی : ج 5 ص 24 ح 4991 کلّها عن عبد اللّه بن مسعود ، کنز العمّال : ج 4 ص 211 ح 10196.
5- .قرب الإسناد : ص 120 ح 420 عن الحسین بن علوان عن الإمام الصادق عن أبیه علیهماالسلام ، الکافی : ج 4 ص 30 ح 4 وزاد فی ذیله «وأهل المعروف فی الدنیا هم أهل المعروف فی الآخره» ، الزهد للحسین بن سعید : ص 32 ح 82 کلاهما عن إسحاق بن عمّار عن الإمام الصادق علیه السلام ، بحار الأنوار : ج 8 ص 197 ح 191.

6588.الإمام علیّ علیه السلام (فی وَصفِ المُتَّقینَ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آگاه باشید که حسین ، دری از درهای بهشت است . هر که با او دشمنی کند ، خداوند ، بوی بهشت را بر وی حرام می گرداند.6585.امام علی علیه السلام :امام کاظم علیه السلام :علی ، دری از درهای بهشت است . پس ، هر که از درِ او وارد شود ، مؤمن است و هر که از درِ او بیرون رود ، کافر است و هر که از آن ، نه وارد شود و نه بیرون رود ، در آن طبقه ای است که تصمیم در باره آنها ، با خداست.6586.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سنن الترمذی به نقل از قیس بن سعد بن عباده : من نمازم را خوانده بودم که پیامبر صلی الله علیه و آله بر من گذشت و با پایش به من زد و فرمود : «آیا تو را به دری از درهای بهشت ، راه نمایی نکنم؟»

گفتم : البتّه !

فرمود : «[ذکرِ] لا حَول و لا قوّه إلّا باللّه (هیچ اراده و قدرتی نیست ، مگر از جانب خداوند یکتا)» .6587.الکافی (به نقل از علی بن سوید) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشت ، هشت در دارد : هفت در ، بسته است و یک در (1) برای توبه باز است ، تا آن گاه که خورشید از جانب آن طلوع کند [و در این هنگام ، باب توبه بسته می شود].6588.امام علی علیه السلام (در وصف پرهیزگاران) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشت ، دری دارد که به آن «درِ نیکی» می گویند و تنها اهل نیکی کردن ، از آن [به بهشت] وارد می شوند . .

1- .در بسیاری از منابع ، «و یک در از جانب مغرب» آمده است .

6589.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ لِلجَنَّهِ بابا يُقالُ لَهُ : المَعرُوفُ ، لا يَدخُلُهُ إلّا مَن اصطَنَعَ المَعرُوفَ فِى الحَياهِ الدُّنيا . (1)6590.الإمام علىّ عليه السلام (فى وَصفِ المُتَّقينَ) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ الجَنَّهَ لَبِنَهٌ مِن ذَهَبٍ وَلَبِنَهٌ مِن فِضَّهٍ وَلَبِنَهٌ مِن ياقُوتٍ ، وَمِلاطُها المِسكُ الأَذفَرُ ، وَشُرَفُها الياقُوتُ الأَحمَرُ وَالأَخضَرُ وَالأَصفَرُ ، وَأَبوابُها مُختَلِفَهٌ ؛ بابُ الرَّحمَهِ مِن ياقُوتَهٍ حَمراءَ ... .

أَمّا الصَّبرُ ، فَبابٌ صَغِيرٌ مِصراعٌ واحِدٌ مِن ياقُوتَهٍ حَمراءَ لا حَلَقَ لَهُ .

وَأَمّا بابُ الشُّكرِ ، فَإِنَّهُ مِن ياقُوتَهٍ بَيضاءَ لَها مِصراعانِ مَسيرَهُ ما بَينَهُما خَمسُمِئَهِ عامٍ ، لَهُ ضَجِيجٌ وَحَنِينٌ ، يَقُولُ : اللّهُمَّ جِئنِى بِأَهلِى . يُنطِقُهُ ذُو الجَلالِ وَالإِكرامِ .

وَأَمّا بابُ البَلاءِ ، مِن ياقُوتَهٍ صَفراءَ لَهُ مِصراعٌ واحِدٌ ما أَقَلَّ مَن يَدخُلُ مِنهُ .

فَأَمّا البابُ الأَعظَمُ فَيَدخُلُ مِنهُ العِبادُ الصالِحُونَ ؛ وَهُم أَهلُ الزُّهدِ وَالوَرَعِ ، وَالراغِبُونَ إِلَى اللّهِ تَعالَى وَتَقَدَّسَ ، المُستَأنِسُونَ بِهِ ، فَإِذا دَخَلُوا الجَنَّهَ يَسِيرُونَ عَلَى نَهرَينِ فِى مَصافَّ (2) فِى سُفُنِ الياقُوتِ ، مَجادِيفُها اللُّؤلُؤُ ، فِيها مَلائِكَهٌ مِن نُورٍ ، عَلَيهِم ثِيابٌ شَدِيدَهٌ خُضرَتُها، يَسِيرُونَ عَلَى حافَتَى ذَلِكَ النَّهرِ ، وَاسمُ ذَلِكَ النَّهرِ : جَنَّهُ المَأوى ، وَجَنَّهُ عَدنٍ وَهِى وَسَطُ الجِنانِ ، وَسُورُها ياقُوتٌ أَحمَرُ ، وَحِصاؤُها اللُّؤلُؤُ . (3)6591.عنه عليه السلام (فى وَصفِ المُتَّقينَ) الإمام الحسين عليه السلام عن النزّال بن سبره عن الإمام علىٍّ عليه السلام :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إذا كانَ يَومُ القِيامَهِ وَفَرَغَ اللّهُ مِن حِسابِ الخَلائِقِ ، دَفَعَ الخالِقُ عز و جل مَفاتِيحَ الجَنَّهِ وَالنّارِ إِلَىَ، فَأَدفَعُها إِلَيكَ ، فَيَقُولُ لَكَ : اُحكُم .

قالَ عَلِىٌ عليه السلام : وَاللّهِ إِنَّ لِلجَنَّهِ إِحدَى وَسَبعِينَ بابا، يَدخُلُ مِن سَبعِينَ مِنها شِيعَتِى وَأَهلُ بَيتِى ، وَمِن بابٍ واحِدٍ سائِرُ النّاسِ ! (4) .

1- .الكافى : ج 2 ص 195 ح 10 عن أبى بصير ، بحار الأنوار : ج 74 ص 328 ح 99.

2- .فى كتاب من لا يحضره الفقيه : «ماءٍ صافٍ» بدل «مصافّ» .

3- .روضه الواعظين : ص 553 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 295 ح 905 ، الأمالى للصدوق : ص 281 ح 310 كلاهما عن بلال نحوه ، بحار الأنوار : ج 8 ص 116 ح 1.
4- .الأمالى للطوسى : ص 368 ح 784 عن علىّ بن علىّ بن رزين عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 2 ص 155 عن الإمام علىّ عليه السلام وفيه ذيله من «إنّ للجنّه ...» ، بحار الأنوار : ج 8 ص 139 ح 55 .

6592.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (فی جُملَهِ خَبرٍ طَویلٍ ومَسائِلَ کَثیرَهٍ سَأَ) امام صادق علیه السلام :بهشت ، دری دارد که به آن ، «نیکی» می گویند و جز کسی که در زندگی دنیا ، نیکی کرده باشد ، از آن در وارد نمی شود.6593.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (فی خَبرٍ طَویلٍ ومَسائِلَ کَثیرَهٍ سَأَلَهُ عَن) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشت ، یک خشتش از طلاست و خشتی از نقره و خشتی دیگر از یاقوت ، و ملاطش مشک تیزبوی است ، و کنگره هایش یاقوت سرخ و سبز و زرد ، و درهایش گوناگون اند :

درِ رحمت ، از یاقوت سرخ است ... .

درِ صبر ، درِ کوچکی است از یاقوت سرخ که یک لنگه دارد و حلقه ندارد.

درِ شُکر ، از یاقوت سفید است و دو لنگه دارد که فاصله میان آنها ، پانصد سال راه است . و آن ، فریاد و ناله دارد و می گوید : «بارخدایا ! اهل مرا برایم بیاور». [پروردگارِ] باشکوه و بزرگوار ، آن را به سخن می آورد.

درِ بلا ، از یاقوت زرد است و یک لنگه دارد . کسانی که از آن وارد می شوند ، بسیار اندک اند.

امّا بزرگ ترین در ، بندگان شایسته ، از این در وارد می شوند ؛ یعنی اهل زهد و پارسایی ، و مشتاقان خدای بلندمرتبه و پاک و انس گیرندگان با او . اینان چون به بهشت وارد می شوند ، سوار بر کشتی هایی از یاقوت که پاروهایشان مروارید است و فرشتگانی از نور در آنهایند ، دو رودخانه را صف در صف (1) می پیمایند و جامه هایی سبز پررنگ بر تن دارند و در دو کرانه آن رودخانه گردش می کنند . نام آن رودخانه ، «بهشت مأوا» است ، و بهشت عَدن ، در میان بهشت هاست و پارویش یاقوت سرخ و ریگ هایش مروارید است.6589.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام حسین علیه السلام به نقل از نزّال بن سبره ، از امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «چون روز قیامت شود و خدا از حسابرسی خلایق فارغ گردد ، آفریدگار توانا و بزرگ ، کلیدهای بهشت و دوزخ را به من می دهد و من آنها را به تو می دهم ، و خدا به تو می فرماید : حکم کن » .

علی علیه السلام فرمود : به خدا سوگند ، بهشت هفتاد و یک دارد که شیعیان من و خاندانم ، از هفتاد درِ آن و بقیّه مردم ، از یک در ، وارد می شوند . .

1- .در کتاب من لایحضره الفقیه ، به جای «مَصافّ (صف در صف)» ، «ماءٍ صافٍ (با آبی زلال)» آمده است .

6590.امام على عليه السلام (در وصف پرهيزگاران) الإمام علىّ عليه السلام :إِنَّ لِلجَنَّهِ ثَمانِيَهَ أبوابٍ : بابٌ يَدخُلُ مِنهُ النَبِيُّونَ وَالصِّدِّيقُونَ ، وَبابٌ يَدخُلُ مِنهُ الشُّهَداءُ وَالصّالِحُونَ ، وَخَمسَهُ أبوابٍ يَدخُلُ مِنها شِيعَتُنا وَمُحِبُّونا، فَلا أزالُ واقِفا عَلَى الصِّراطِ أدعُو وَأقُولُ : رَبِّ سَلِّم شِيعَتِى وَمُحِبِّىَّ وَأنصارِى وَمَن تَوَلّانِى فِى دارِ الدُّنيا .

فَإِذا النِّداءُ مِن بُطنانِ العَرشِ : قَد اُجِيبَت دَعوَتُکَ ، وَشُفِّعتَ فِى شِيعَتِکَ ، وَيَشفَعُ كُلُّ رَجُلٍ مِن شِيعَتِى وَمَن تَوَلّانِى وَنَصَرَنِى وَحارَبَ مَن حارَبَنِى بِفِعلٍ أو قَولٍ فِى سَبعِينَ أَلفا مِن جِيرانِهِ وَأقرِبائِهِ ، وَبابٌ يَدخُلُ مِنهُ سائِرُ المُسلِمِينَ مِمَّن شَهِدَ أن لا إله إلّا اللّهُ ، وَلَم يَكُن فِى قَلبِهِ مِقدارُ ذَرَّهٍ مِن بُغضِنا أهلَ البَيتِ . (1)6591.امام على عليه السلام (در وصف پرهيزگاران) الإمام الباقر عليه السلام :أحسِنُوا الظَّنَّ بِاللّهِ ، وَاعلَمُوا أنَّ لِلجَنَّهِ ثَمانِيَهَ أبوابٍ ، عَرضُ كُلِّ بابٍ مِنها مَسِيرَهُ أربَعِينَ سَنَهً . (2)6592.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (در حديثى طولانى و در ميان مسائل بسيارى كه شمعون) تنبيه الخواطر :رَوَى بَعضُهُم أنَّهُ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قالَ : أدِيمُوا قَرعَ بابِ الجَنَّهِ يُفتَح لَكُم . قُلتُ : وَكَيفَ نُدِيمُ قَرعَ بابِ الجَنَّهِ؟ قالَ : بِالجُوعِ وَالظَماءِ . (3) .

1- .الخصال : ص 408 ح 6 عن محمّد بن الفضيل الرزقى عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، نوادر الأخبار : ص 372 ح 3 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 39 ح 19.
2- .الخصال : ص 408 ح 7 عن جابر الجعفى ، المحجّه البيضاء : ج 8 ص 378 وفيه «أربعمئه» بدل «أربعين» ، بحار الأنوار : ج 8 ص 131 ح 32.
3- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 101 ، المحجّه البيضاء : ج 5 ص 149 ، عوالى اللآلى : ج 1 ص 325 ح 67 عن عائشه نحوه.

6593.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در حدیثی طولانی و در میان مسائل بسیاری که شمعون) امام علی علیه السلام :بهشت ، هشت در دارد : از یک در ، پیامبران و صدّیقان وارد می شوند و از یک در ، شهیدان و صالحان ، و از پنج در ، شیعیان و دوستداران ما ، و من پیوسته بر صراط ایستاده ام و دعا می کنم و می گویم : «پروردگارا ! شیعیان و دوستداران و طرفداران مرا و کسانی را که در سرای دنیا ولایت مرا داشتند ، به سلامت دار !» .

در این هنگام ، از اعماق عرش ندا می آید که : دعای تو ، اجابت و شفاعت تو در حقّ شیعیانت پذیرفته شد . پس ، هر مردی از شیعیان و پیروان و طرفداران من و هر کسی که با کردار یا گفتارش با دشمنان من جنگیده باشد ، برای هفتاد هزار نفر از همسایگان و نزدیکانش شفاعت می کند.

و از درِ هشتم ، دیگر مسلمانان که به یگانگی خدا گواهی داده و در دلشان به اندازه ذرّه ای بغض نسبت به ما خاندان وجود نداشته است ، وارد می شوند.6594.الإمام الصادق علیه السلام :امام باقر علیه السلام :به خدا گمان نیک برید و بدانید که بهشت ، هشت در دارد که پهنای هر درِ آن ، به اندازه چهل سال راه است.6595.الإمام علیّ علیه السلام :تنبیه الخواطر :یکی از اصحاب ، روایت کرد که : ایشان (پیامبر) که درودها و سلام خدا بر او و خاندانش باد فرمود : «درِ بهشت را پیوسته بکوبید تا [سرانجام] به رویتان باز شود» .

گفتم : چگونه درِ بهشت را پیوسته بکوبیم؟

فرمود : «با گرسنگی و تشنگی کشیدن (روزه گرفتن)» . .

4 / 5خِيامُ الجَنَّهالكتاب«حُورٌ مَّقْصُورَ تٌ فِى الْخِيَامِ ». (1)

الحديث6597.امام على عليه السلام :تفسير الطّبرى عن الضّحّاک :كانَ ابنُ مَسعُودٍ يُحَدِّثُ عَن نَبِىِّ اللّهِ صلى الله عليه و آله أنَّهُ قالَ : «هِى الدُّرُّ المُجَوَّفُ» ؛ يَعنِى الخِيامَ فِى قَولِهِ : «حُورٌ مَّقْصُورَ تٌ فِى الْخِيَامِ » .
6598.الكافى عن إبراهيم بن عبد الحميد :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :فِى الجَنَّهِ خَيمَهٌ مِن لُؤلُؤَهٍ مُجَوَّفَهٍ ، عَرضُها سِتُّونَ مِيلاً، فِى كُلِّ زاوِيَهٍ مِنها أهلٌ ، ما يَرَونَ الآخَرِينَ ، يَطُوفُ عَلَيهِمُ المُؤمِنُ . (2)6599.جامع الأخبار :الكافى عن الحلبىّ :سَأَلتُ أبا عبدِ اللّهِ عليه السلام عَن قَولِ اللّهِ عز و جل : «فِيهِنَّ خَيْرَ تٌ حِسَانٌ » (3) قالَ : هُنَّ صَوالِحُ المُؤمِناتِ العارِفاتِ ، قُلتُ : «حُورٌ مَّقْصُورَ تٌ فِى الْخِيَامِ » ؟ قالَ : الحُورُ : هُنَّ البِيضُ المَضمُوماتُ المُخَدَّراتُ فِى خِيامِ الدُّرِّ وَالياقُوتِ وَالمَرجانِ ، لِكُلِّ خَيمَهٍ أربَعَهُ أبوابٍ ، عَلى كُلِّ بابٍ سَبعُونَ كاعِبا (4) حُجّابا لَهُنَّ، وَيَأتِيهِنَّ فِى كُلِّ يَومٍ كَرامَهٌ مِنَ اللّهِ عَزَّ ذِكرُهُ (لِ) يُبَشِّرَ اللّهُ عز و جل بِهِنَّ المُؤمِنِينَ . (5) .

1- .الرحمن : 72.
2- .تفسير الطبرى : ج 13 الجزء 27 ص 162 ، تفسير ابن أبى حاتم : ج 10 ص 3328 ح 18762 .
3- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2182 ح 24 ، مسند ابن حنبل : ج 7 ص 162 ح 19701 ، صحيح البخارى : ج 4 ص 1849 ح 4598 وفيه «المؤمنون» بدل «المؤمن» ، سنن الدارمى : ج 2 ص 794 ح 2728 نحوه وكلّها عن عبد اللّه بن قيس ، كنز العمّال : ج 14 ص 458 ح 39257.
4- .الرحمن : 70.
5- .الكاعِب : المرأه حين يبدو ثديها لِلنهود (النهايه : ج 4 ص 179 «كعب»).
6- .الكافى : ج 8 ص 156 ح 147 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 161 ح 100.

4 / 5 سراپرده های بهشت

4 / 5سراپرده های بهشتقرآن«سیه چشمانی پرده نشین در سراپرده ها».

حدیث6602.عنه علیه السلام :تفسیر الطبری به نقل از ضحّاک : ابن مسعود از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله حدیث می کرد که ایشان در باره سراپرده ها در آیه : «سیه چشمانی پرده نشین در سراپرده ها» ، فرمود : «همان دُرهای میان تهی اند» .6603.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در بهشت ، سراپرده ای از مروارید میان تهی است که پهنای آن ، شصت میل است و در هر گوشه ای از آن ، کسانی [در اختیار مؤمن] هستند که گروه دیگر را نمی بینند ! و مؤمن بر گرداگرد آنان می چرخد . (1)6604.عنه علیه السلام :الکافی به نقل از حلبی : از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای عز و جل : «در آن جا [زنانی] نکوخوی و نکو رویند» پرسیدم .

فرمود : «آنان صالح و مؤمن و خداشناس اند» .

گفتم : «سیه چشمانی پرده نشین در سراپرده ها» [چیست؟]

فرمود : «سیه چشمان ، دخترکانِ سیمین برِ جمع شده و نگهداری شده در سراپرده هایی از دُر و یاقوت و مرجان اند . هر سراپرده ای ، چهار در دارد و بر هر دری ، هفتاد دخترک نورسیده نارپستان ، دربانی آنان می کنند و در هر روز ، کرامتی از جانب خدای عز و جل نزدشان می آید تا خداوند با آنان به مؤمنان ، مژده دهد .

.

1- .مقصود ، آمیزش است.

4 / 6غُرَفُ الجَنَّهالكتاب«وَ الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَ عَمِلُواْ الصَّلِحَتِ لَنُبَوِّئَنَّهُم مِّنَ الْجَنَّهِ غُرَفًا تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَرُ خَلِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَمِلِينَ ». (1)

«لَكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْاْ رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِّن فَوْقِهَا غُرَفٌ مَّبْنِيَّهٌ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَرُ وَعْدَ اللَّهِ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ ». (2)

الحديث6603.امام على عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إِنَّ أَهلَ الجَنَّهِ لَيَتَراءَونَ (3) الغُرَفَ فِى الجَنَّهِ ، كَما تَتَراءَونَ الكَوكَبَ فِى السَّماءِ . (4)6604.امام على عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ أَهلَ الجَنَّهِ لَيَتَراءَونَ أَهلَ الغُرَفِ مِن فَوقِهِم ، كَما تَتَراءَونَ الكَوكَبَ الدُّرِّىَ الغابِرَ فِى الاُفُقِ مِن المَشرِقِ أَو المَغرِبِ ، لِتَفاضُلِ ما بَينَهُم .
(5)6605.امام على عليه السلام :سنن الترمذى عن أبى هريره عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إِنَّ أَهلَ الجَنَّهِ لَيَتَراءَونَ فِى الغُرفَهِ كَما تَتَراءَونَ الكَوكَبَ الشَّرقِىَ أَو الكَوكَبَ الغَرِبىَ الغارِبَ فِى الاُفُقِ وَالطَّالِعَ فِى تَفاضُلِ الدَّرَجاتِ ، فَقالُوا : يا رَسُولَ اللّهِ ، أُولَئِکَ النَّبِيُّونَ؟ قالَ : بَلى، وَالَّذِى نَفسِى بِيَدِهِ ! وَأَقوامٌ آمَنُوا بِاللّهِ وَرَسُولِهِ ، وَصَدَّقُوا المُرسَلِينَ . (6) .

1- .العنكبوت : 58 .
2- .الزمر : 20.
3- .لَيَتَراءَون : أى يَنظُرون ويَرَوْن (النهايه : ج 2 ص 177 «رأى»).
4- .صحيح البخارى : ج 5 ص 2399 ح 6188 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2177 ح 10 ، سنن الدارمى : ج 2 ص 793 ح 2726 ، مسند أبى يعلى : ج 6 ص 496 ح 7490 كلّها عن سهل بن سعد نحوه ، كنز العمّال : ج 14 ص 475 ح 39322.
5- .صحيح البخارى : ج 3 ص 1188 ح 3083 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2177 ح 2831 كلاهما عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : ج 14 ص 475 ح 39323 ؛ المحجّه البيضاء : ج 8 ص 368 وليس فيه «الدرّى».
6- .سنن الترمذى : ج 4 ص 690 ح 2556 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 234 ح 8431 نحوه ، الزهد لابن المبارک (الملحقات) : ص 126 ح 418 وفيه «قال : لا ، بل والذى نفسى بيده أقوام . . .» بدل «قال : بلى ، والذى نفسى بيده ، وأقوام . . .» وكلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 14 ص 493 ح 39398.

4 / 6 بالاخانه های بهشت

4 / 6بالاخانه های بهشتقرآن«و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند ، قطعا آنان را در بالاخانه هایی از بهشت جای می دهیم که از زیر آنها ، جوی ها روان اند ، در حالی که در آنها جاودان خواهند بود . چه نیکوست پاداش عمل کنندگان !».

«لیکن کسانی که از پروردگارشان پروا داشتند ، برایشان بالاخانه هایی است که بالای آنها ، بالاخانه هایی [دیگر] ، بنا شده است . جوی ها از زیر آنها روان اند . وعده خداست . خدا خلف وعده نمی کند».

حدیث6612.الإمام الصادق علیه السلام عن آبائه علیهم السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اهل بهشت ، بالاخانه های بهشتی را می بینند چنان که شما ستاره را در آسمان می بینید.6613.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اهل بهشت ، ساکنان بالاخانه ها[ی بهشت] را بر فراز خود ، می بینند چنان که شما ، ستاره درخشانِ ایستاده در افق مشرق یا مغرب را می بینید ، به خاطر تفاوتی که میان آنان است.6609.امام علی علیه السلام :سنن الترمذی به نقل از ابو هُرَیره : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «اهل بهشت ، بالاخانه های بهشت را می بینند آن گونه که شما ، ستاره شرقی یا ستاره غربی را در حال غروب یا طلوع در افق می بینید ، به خاطر تفاوت درجاتی که میان آنان است» .

اصحاب گفتند : ای پیامبر خدا ! آنان (غرفه نشینان) ، پیامبران اند؟

فرمود : «آری . سوگند به آن که جانم در دست اوست ، آنها و نیز مردمانی که به خدا و پیامبرش ایمان آوردند و پیامبران را تصدیق کردند» .

.

6610.امام على عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام :قالَ رسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إنَّ فِى الجَنَّهِ لَغُرَفا يُرى ظُهُورُها مِن بُطُونِها ، وَبُطُونُها مِن ظُهُورِها . فَقامَ إلَيهِ أعرابِىٌ فَقالَ : لِمَن هِىَ يا رَسُولَ اللّهِ؟ قالَ : لِمَن أطابَ الكَلامَ ، وَأطعَمَ الطَّعامَ ، وَأدامَ الصِّيامَ ، وَصَلَّى للّهِ بِاللَّيلِ وَالنّاسُ نِيامٌ . (1)6611.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الصّادق عن آبائه عن الإمام علي عليهم السلام: قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إنَّ فِى الجَنَّهِ غُرَفا يُرى ظاهِرُها مِن باطِنِها ، وَباطِنُها مِن ظاهِرِها، يَسكُنُها مِن اُمَّتِى مَن أطابَ الكَلامَ ، وَأطعَمَ الطَّعامَ ، وَأفشَى السَّلامَ ، وَأدامَ الصِّيامَ ، وَصَلَّى بِاللَّيلِ وَالنّاسُ نِيامٌ .

فقالَ عَلِىٌ عليه السلام : يا رَسُولَ اللّهِ ، وَمَن يُطِيقُ هَذا مِن اُمَّتِكَ؟ فَقالَ صلى الله عليه و آله : يا عَلِىُ، أوَما تَدرى ما إطابَهُ الكَلامِ؟ مَن قالَ إذا أصبَحَ وَأمسَى : «سُبحانَ اللّهِ وَالحَمدُ للّهِ وَلا إلَه إلَا اللّهُ وَاللّهُ أكبَرُ» عَشرَ مَرّاتٍ .

وَإطعامُ الطَّعامِ نَفَقَهُ الرَّجُلِ عَلى عِيالِهِ .

وَأمّا إدامَهُ الصِّيامِ فَهُوَ أن يَصُومَ الرَّجُلُ شَهرَ رَمَضانَ وَثَلاثَهَ أيّامٍ فِى كُلِّ شَهرٍ يُكتَبُ لَهُ صَومَ الدَّهرِ .

وَأمّا الصَّلاهُ بِاللَّيلِ وَالنّاسُ نِيامٌ ، فَمَن صَلَّى المَغرِبَ وَصَلاهَ العِشاءِ الآخِرَهِ وَصَلاهَ الغَداهِ فِى المَسجِدِ فِى جَماعَهٍ فَكَأنَّما أحيَا اللَّيلَ كُلَّهُ .

وَإفشاءُ السَّلامِ أن لا يَبخَلَ بِالسَّلامِ عَلى أحَدٍ مِن المُسلِمِينَ . (2) .

1- .سنن الترمذى : ج 4 ص 673 ح 2527 عن النعمان بن سعد ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 449 ح 22968 عن أبى مالک الأشعرى عنه صلى الله عليه و آله نحوه ، كنز العمّال : ج 16 ص 240 ح 44306.
2- .معانى الأخبار : ص 251 ح 1 ، الأمالى للصدوق : ص 407 ح 524 وليس فيه «وأدام الصيام» و «أمّا إدامه الصيام» إلى «صوم الدهر» وكلاهما عن أبى بصير ، بحار الأنوار : ج 69 ص 369 ح 809 .

6612.امام صادق علیه السلام (به نقل از پدرانش علیهم السلام) امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «در بهشت ، بالاخانه هایی است که بیرون آنها از درونشان ، و درونشان از بیرونشان ، دیده می شود» .

بادیه نشینی برخاست و گفت : این بالاخانه ها ، از آنِ چه کسانی است ، ای پیامبر خدا ؟

فرمود : «از آنِ کسی که سخنِ خوش بگوید ، و اِطعام کند ، و پیوسته روزه بدارد ، و شب هنگام که مردمْ خفته اند ، او برای خدا نماز بگزارد
».6613.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانش ، از امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «در بهشت ، بالاخانه هایی است که بیرون آنها از درونشان ، و درونشان از بیرون آنها دیده می شود . کسانی از امّت من ، در این بالاخانه ها ساکن خواهند شد که سخنِ خوش بگویند و اِطعام کنند و به همگان ، سلام گویند و پیوسته روزه بدارند و شب هنگام که مردمْ خواب اند ، نماز بگزارند» .

گفتم : ای پیامبر خدا ! چه کس از امّت تو ، طاقت این کارها را دارد ؟

فرمود : «ای علی ! مگر نمی دانی که سخنِ خوش چیست؟ کسی که هر صبح و شام ، ده مرتبه بگوید : پاکا خدا ! ستایش ، خدای را . معبودی جز خدای یکتا نیست . خداوند ، بزرگ تر است .

و اِطعام کردن ، آن است که مرد ، خرجیِ خانواده اش را بدهد.

و پیوسته روزه گرفتن ، آن است که انسان ، ماه رمضان و سه روز از هر ماه را روزه بگیرد . اینها برایش [به مثابه]روزه مادام العمر ، نوشته می شود.

و امّا نماز گزاردن در شب ، هنگامی که مردمانْ خفته اند : کسی که نماز مغرب و نماز عشا و نماز صبح را در مسجد با جماعت بخواند ، چنان است که تمام شب را به عبادت ، گذرانده باشد .

سلام کردن بر همگان نیز آن است که از سلام کردن بر هیچ مسلمانی ، دریغ نورزد» . .

6614.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :حليه الأولياء عن جابر بن عبد اللّه :خَرَجَ عَلَينا رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ذاتَ يَومٍ فَقالَ : أَلا اُخبِرُكُم بِغُرَفِ أَهلِ الجَنَّهِ؟ قُلنا : بَلى بِأَبِينا وَأُمِّنا يا رَسُولَ اللّهِ .

قالَ : إنَّ فِى الجَنَّهِ غُرَفا مِن أَلوانِ الجَواهِرِ ، يُرى ظَاهِرُها مِن باطِنِها وَباطِنُها مِن ظاهِرِها، فِيها مِن النَّعِيمِ وَالثَّوابِ وَالكَرامَهِ ما لا اُذُنٌ سَمِعَت وَلا عَينٌ رَأَت.

فَقُلنا : بِأَبِينا أَنتَ وَأُمِّنا يا رَسُولَ اللّهِ ، لِمَن تِلكَ؟

فَقالَ : لِمَن أَفشَى السَّلامَ ، وَأَدامَ الصِّيامَ ، وَأَطعَمَ الطَّعامَ ، وَصَلَّى وَالنَّاسُ نِيامٌ .

فَقُلتُ : بِأَبِينا أَنتَ وَأُمِّنا يا رَسُولَ اللّهِ ، وَمَن يُطِيقَ ذَلِكَ؟

فَقالَ : مِن اُمَّتِى مَن يُطِيقُ ذَلِكَ ، وَسَأُخبِرُكُم عَمَّن يُطِيقُ ذَلِكَ : مَن لَقِىَ أَخاهُ المُسلِمَ فَسَلَّمَ عَلَيهِ فَرَدَّ عليه السلام فَقَد أَفشَى السَّلامَ ، وَمَن أَطعَمَ أَهلَهُ وَعِيالَهُ مِن الطَّعامِ حَتَّى يُشبِعَهُم فَقَد أَطعَمَ الطَّعامَ ، وَمَن صامَ رَمَضانَ وَمِن كُلِّ شَهرٍ ثَلاثَهَ أَيّامٍ فَقَد أَدامَ الصِّيامَ ، وَمَن صَلَّى العِشاءَ الآخِرَهَ وَالغَداهَ فِى جَماعَهٍ فَقَد صَلَّى وَالنَّاسُ نِيامٌ ؛ اليَهودُ (1) وَالنَّصارَى وَالمَجُوسُ . (2)4 / 7عُيُونُ الجَنَّهالكتاب«إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِن كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا * عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا ». (3)

«إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِى نَعِيمٍ * عَلَى الْأَرَائِكِ يَنظُرُونَ * تَعْرِفُ فِى وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ * يُسْقَوْنَ مِن رَّحِيقٍ مَّخْتُومٍ * خِتَمُهُ مِسْكٌ وَ فِى ذَ لِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَفِسُونَ * وَ مِزَاجُهُ مِن تَسْنِيمٍ * عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ ». (4)

«إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِى ظِلَلٍ وَ عُيُونٍ * وَ فَوَ كِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ * كُلُواْ وَ اشْرَبُواْ هَنِيئا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ * إِنَّا كَذَ لِكَ نَجْزِى الْمُحْسِنِينَ ». (5)

«عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلاً ». (6)

«فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَهٌ ». (7)

«إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِى جَنَّتٍ وَعُيُونٍ ». (8)

.

1- .فی إحیاء علوم الدین : «یعنی الیهود . . .» .
2- .حلیه الأولیاء : ج 2 ص 356 ، إحیاء علوم الدین : ج 4 ص 776 نحوه.
3- .الإنسان : 5 و 6 .
4- .المطفّفین : 22 28.
5- .المرسلات : 41 44.
6- .الإنسان : 18.
7- .الغاشیه : 12.
8- .الحجر : 45 ، الذاریات : 15 . وراجع : الدخان : 52 .

4 / 7 چشمه های بهشت

6617.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :حلیه الأولیاء به نقل از جابر بن عبد اللّه : روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به میان ما آمد و فرمود : «آیا شما را از بالاخانه های بهشتیان ، خبر ندهم؟» .

گفتیم : چرا . پدر و مادرمان به فدایت ، ای پیامبر خدا !

فرمود : «در بهشت ، بالاخانه هایی از گوهرهای رنگارنگ ، وجود دارد که بیرون آنها از درونشان ، و درونشان از بیرونشان ، دیده می شود و در آنها ، چنان نعمت و پاداش و کرامتی است که هیچ گوشی نشنیده و هیچ چشمی ندیده است» .

گفتیم : پدر و مادرمان به فدایت ، ای پیامبر خدا ! اینها برای چه کسانی است؟

فرمود : «برای کسی که سلام را انتشار دهد و پیوسته روزه بدارد و اِطعام کند و زمانی که مردم در خواب اند ، او به نماز بپردازد» .

گفتیم : پدر و مادرمان به فدایت ، ای پیامبر خدا ! چه کسی از پسِ این کارها بر می آید؟

فرمود : «در میان امّت من ، هستند کسانی که از پسِ این کارها بر می آیند ، و من به شما خبر می دهم که چه کسی توان آنها را دارد : کسی که به برادر مسلمانش بر خورَد و به او سلام کند و جواب سلامش را بدهد ، سلام را انتشار داده است ، و کسی که خانواده و عائله اش را غذا دهد تا جایی که آنها را سیر گردانَد ، اِطعام کرده است ، و کسی که رمضان را و سه روز از هر ماه را روزه بگیرد ، پیوسته روزه گرفته است ، و کسی که نماز عشا و صبح را با جماعت بخواند ، در زمانی که مردم ، [یعنی :] یهود و نصارا و مَجوس ، خوابیده اند ، نماز گزارده است» .4 / 7چشمه های بهشتقرآن«همانا نیکان ، از جامی می نوشند که آمیزه ای از کافور دارد ؛ چشمه ای که بندگان خدا از آن می نوشند و آن را [به دلخواه خویش]جاری می سازند».

«همانا نیکان ، در نعمت اند ، [و نشسته] بر تخت ها می نگرند . طراوت نعمت را در چهره هایشان می یابی . از باده ای مُهر شده ، نوشانیده می شوند که مُهرش مُشک است و در این [نعمت ها] مشتاقان ، باید بر یکدیگر پیشی بگیرند و آمیخته با [آب چشمه]تسنیم است ؛ چشمه ای که مقرّبان ، از آن می نوشند».

«همانا پرهیزگاران ، در سایه ساران و [کنارِ] چشمه ساران اند و میوه هایی از هر آنچه خواهند [، مهیاست] . به پاداش آنچه می کردید ، بخورید و بنوشید . گوارایتان باد ! ما این گونه ، نیکوکاران را پاداش می دهیم».

«چشمه ای در آن جا ، که سَلسَبیل نامیده می شود».

«در آن جا ، چشمه ای روان است».

«همانا پرهیزگاران ، در بهشت ها و [کنارِ] چشمه ساران اند».

.

الحديث6624.امام زين العابدين عليه السلام (در دعا) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أَربَعُ عُيُونٍ فِى الجَنَّهِ : عَينانِ تَجرِيانِ مِن تَحتِ العَرشِ ؛ إِحداهُما الَّتِى ذَكَرَ اللّهُ : «يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا » ، وَالاُخرَى الزَّنجَبِيلُ ، وَالاُخرَيانِ نَضَّاخَتانِ (1) مِن فَوقِ العَرشِ ؛ إِحداهُما الَّتِى ذَكَرَ اللّهُ : «عَينا فِيها تُسَمَّى سَلْسَبِيلاً » ، وَالاُخرَى «التَّسنِيمُ» (2) . (3)6625.عنه عليه السلام (فى دُعائِهِ يَومَ الخَمِيسِ) عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ فِى الفِردَوسِ لَعَينا أَحلَى مِنَ الشَّهدِ ، وَأَلْيَنَ مِن الزُّبدَ ، وَأَبرَدَ مِن الثَّلجِ ، وَأَطيَبَ مِنَ المِسكِ ، فِيها طِينَهٌ خَلَقَنا اللّهُ عز و جل مِنها وَخَلَقَ مِنها شِيعَتَنا ، فَمَن لَم يَكُن مِن تِلكَ الطِّينَهِ فَلَيسَ مِنّا وَلا مِن شِيعَتِنا ، وَهِىَ المِيثاقُ الَّذِى أَخَذَ اللّهُ عز و جل عَلَيهِ وَلايَهَ عَلِيِ بنِ أَبِى طالِبٍ عليه السلام . (4) .

1- .عَيْنٌ نَضّاخَه : أى كثيره الماء فوّاره (النهايه : ج 5 ص 71 «نضخ»).
2- .التسنيم : عين فى الجنّه، رفيعه القدر (مفردات ألفاظ القرآن : ص 429 «سنم»).
3- .تفسير القرطبى : ج 19 ص 127 ، الدرّ المنثور : ج 8 ص 375 كلاهما نقلاً عن الحكيم الترمذى فى نوادر الاُصول عن الحسن .
4- .الأمالى للطوسى : ص 308 ح 620 ، بشاره المصطفى : ص 207 كلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، أعلام الدين : ص 144 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 173 ح 117.

حدیث6627.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در بهشت ، چهار چشمه است : دو چشمه از زیر عرش ، جاری می شوند که یکی از آنها ، همان است که خدا فرموده : «و آن را [به دلخواه خویش]جاری می سازند» .

و دیگری ، «زَنجَبیل» است . دو چشمه دیگر نیز از فراز عرش می جوشند که یکی از آنها ، همان است که خداوند فرموده : «چشمه ای است در آن جا ، که سَلسَبیل نامیده می شود» و دیگری ، «تسنیم» است.6628.عنه علیه السلام (مِن دُعائِهِ فِی الصَّباحِ وَالمَساءِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در فردوس (پردیس) ، چشمه ای است شیرین تر از شهد ، نرم تر از خامه ، خُنَک تر از برف ، و خوش بوتر از مُشک . در آن ، گِلی است که خدای عز و جل ، ما و پیروان ما را از آن آفرید . بنا بر این ، هر که از آن گِل نباشد ، از ما و از پیروان ما نیست . آن ، همان پیمانی است که خدای عز و جل در باره ولایت علی بن ابی طالب ، گرفت. .

6629.عنه عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام فِي قَولِهِ تَعالى : «نَضْرَةَ النَّعِيمِ » : هِىَ عَينٌ فِى الجَنَّهِ ، يَتَوَضَّؤُونَ مِنها وَيَغتَسِلُونَ ، فَتَجرِى عَلَيهِم نَضرَةُ النَّعِيمِ . (1)6625.امام زين العابدين عليه السلام (در دعاى روز پنجشنبه) الزهد للحسن بن سعيد عن محمّد بن مسلم :سَأَلتُ أَبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام عَنِ الجَهَنَّمِيِّينَ ، فَقالَ : كانَ أَبُو جَعفَرٍ عليه السلام يَقُولُ : يَخرُجُونَ مِنها فَيُنتَهَى بِهِم إِلى عَينٍ عِندَ بابِ الجَنَّهِ تُسَمَّى : عَينَ الحَيَوانِ ، فَيُنضَحُ عَلَيهِم مِن مائِها، فَيَنبُتُونَ كَما يَنبُتُ الزَّرعُ لُحومُهُم وَجُلُودُهُم وَشُعُورُهُم. (2)6626.امام زين العابدين عليه السلام :الاختصاص عن عبد اللّه بن سنان :سَأَلتُ أَبا عبدِ اللّهِ عليهِ السلام عَنِ الحَوضِ ، فَقالَ لِى : هُوَ حَوضُ ما بَينَ بُصرى (3) إِلى صَنعاءَ ، أَتُحِبُّ أَن تَرَاهُ؟ فَقُلتُ لَهُ : نَعَم ، قالَ : فَأَخَذَ بِيَدِى وَأَخرَجَنِى إِلى ظَهرِ المَدِينَهِ ، ثُمَّ ضَرَبَ بِرِجلِهِ ، فَنَظَرتُ إِلى نَهرٍ يَجرِى مِن جانِبِهِ هذا ماءٌ أَبيَضُ مِنَ الثَّلجِ ، وَمِن جانِبِهِ هذا لَبَنٌ أَبيَضُ مِنَ الثَّلجِ ، وَفِى وَسَطِهِ خَمرٌ أَحسَنُ مِنَ الياقُوتِ ، فَما رَأَيتُ شَيئا أَحسَنَ مِن تِلكَ الخَمرِ بَينَ اللَّبَنِ وَالماءِ!

فَقُلتُ لَهُ : جُعِلتُ فِداكَ، مِن أَينَ يَخرُجُ هذا؟ وَمِن أَينَ مَجراهُ؟ فَقالَ : هذِهِ العُيُونُ الَّتِى ذَكَرَها اللّهُ فِى كِتابِهِ أَنهارٌ فِى الجَنَّهِ : عَينٌ مِن ماءٍ ، وَعَينٌ مِن لَبَنٍ ، وَعَينٌ مِن خَمرٍ ، يَجرِى فِى هَذا النَّهرِ .

وَرَأَيتُ حافَّتَيهِ عَلَيهِما شَجَرٌ فِيهِنَّ جَوارٍ مُعَلَّقاتٌ بِرُؤُوسِهِنَّ ، ما رَأَيتُ شَيئا أَحسَنَ مِنهُنَّ ، وَبِأَيدِيهِنَّ آنِيَهٌ ما رَأَيتُ أَحسَنَ مِنها لَيسَت مِن آنِيَهِ الدُّنيا . (4) .

1- .الدرّ المنثور : ج 8 ص 451 ، كنز العمّال : ج 2 ص 548 ح 4696 كلاهما نقلاً عن ابن المنذر .
2- .الزهد للحسين بن سعيد : ص 95 ح 256 عن محمّد بن مسلم ، بحار الأنوار : ج 8 ص 360 ح 29.
3- .بُصْرى : موضع بالشام من أعمال دمشق (معجم البلدان : ج 1 ص 441).
4- .الاختصاص : ص 321 ، بصائر الدرجات : ص 403 ح 3 نحوه ، بحار الأنوار : ج 25 ص 381 ح 35.

6627.امام زین العابدین علیه السلام :امام علی علیه السلام در باره این سخن خدای بلندمرتبه : «طراوت نعمت» : آن ، چشمه ای است در بهشت که از آن ، وضو می گیرند و غسل می کنند . پس طراوت نعمت ، بر آنان جاری می شود .6628.امام زین العابدین علیه السلام (از دعایش در صبح و شام) الزهد ، حسین بن سعید به نقل از محمّد بن مسلم : از امام صادق علیه السلام در باره دوزخیان پرسیدم . فرمود : «[پدرم]باقر علیه السلام می فرمود : از دوزخ ، بیرون می آیند و به کنار چشمه ای بر در بهشت ، به نام چشمه زندگانی ، بُرده می شوند و از آب آن ، بر آنان می پاشند و گوشت و پوست و موهایشان ، همچنان که کِشته می روید می روید» .6629.امام زین العابدین علیه السلام :الاختصاص به نقل از عبد اللّه بن سِنان : از امام صادق علیه السلام در باره حوض [کوثر]پرسیدم . به من فرمود : «حوضی است از بُصرا (1) تا صنعا . دوست داری آن را ببینی ؟» . گفتم : آری .

پس دستم را گرفت و مرا به پشت مدینه برد . سپس با پایش به زمین زد و من ، رودی را دیدم که از این کنارش ، آبی سفیدتر از برف ، روان بود و از آن کنارش ، شیری سفیدتر از برف ، و در وسطش ، باده ای خوش رنگ تر از یاقوت ، به طوری که هرگز ، چیزی خوش رنگ تر از آن باده در وسط شیر و آب ، ندیده بودم» .

به امام علیه السلام گفتم : قربانت گردم ! این نهر ، از کجا سرچشمه می گیرد و از کجا جاری می شود؟ فرمود : «این چشمه هایی که خداوند در کتابش از آنها یاد کرده ، نهرهایی در بهشت اند : چشمه ای از آب ، چشمه ای از شیر ، و چشمه ای از باده ، که در این نهر ، جریان می یابند» .

در دو کرانه نهر ، درختانی دیدم و بر آنها ، دخترکانی به سرهایشان آویزان بودند که زیباتر از آنها در عمرم ندیده بودم و در دست هایشان ، ظرف هایی بود در نهایتِ زیبایی که از نوع ظرف های دنیا نبودند . .

1- .جایی است در شام ، از توابع دمشق.

6630.عنه عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام فِى قولِهِ تَعالى: «وَ مِزَاجُه مِن تَسْنِيمٍ » : أشرَفُ شَرابِ أهلِ الجَنَّهِ يَأتِيهِم فِى عالِى تَسنِيمٍ ؛ وَهِىَ عَينٌ يَشرَبُ بِها المُقَرَّبُونَ ، وَالمُقَرَّبُونَ : آلُ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله . (1)6631.عنه عليه السلام :عنه عليه السلام فِى الدُّعاءِ : اَللَّهُمَّ بِرَحمَتِکَ فِى الصّالِحِينَ فَأدخِلنا ، وَفِى عِلِّيِّينَ فَارفَعنا ، وَبِکَأسٍ مِن مَعِينٍ مِن عَينِ سَلسَبِيلٍ فَاسقِنا ، وَمِنَ الحُورِ العِينِ بِرَحمَتِکَ فَزَوِّجنا . (2)4 / 8أنهارُ الجَنَّهالكتاب«مَّثَلُ الْجَنَّهِ الَّتِى وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَرٌ مِّن مَّاءٍ غَيْرِ ءَاسِنٍ وَ أَنْهَرٌ مِّن لَّبَنٍ لَّمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَ أَنْهَرٌ مِّنْ خَمْرٍ لَّذَّهٍ لِّلشَّرِبِينَ وَ أَنْهَرٌ مِّنْ عَسَلٍ مُّصَفًّى وَ لَهُمْ فِيهَا مِن كُلِّ الثَّمَرَ تِ وَ مَغْفِرَهٌ مِّن رَّبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَلِدٌ فِى النَّارِ وَ سُقُواْ مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ ». (3)

الحديث6633.امام زين العابدين عليه السلام :رسولُ اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ فِى الجَنَّهِ بَحرُ الماءِ ، وَبَحرُ العَسَلِ ، وَبَحرُ اللَّبَنِ ، وَبَحرُ الخَمرِ ، ثُمَّ تَشَقَّقُ الأنهارُ بَعدُ . (4) .

1- .تفسير القمّى : ج 2 ص 411 ، بحار الأنوار : ج 24 ص 6 ح 18.
2- .الإقبال : ج 1 ص 224 عن أبى بصير ، مصباح المتهجّد : ص 62 ح 71 وليس فيه «عين» ، بحار الأنوار : ج 98 ص 117 ح 3.
3- .محمّد : 15 وراجع : البقره : 25 ؛ آل عمران : 15، 136، 195، 198 ؛ النساء : 13، 57 ، 122 ؛ المائده : 12، 85 ، 119 ؛ الأعراف : 43 ؛ التوبه : 72، 89 ، 100 ؛ الرعد : 35 ؛ إبراهيم : 23 ؛ النحل : 31 ؛ طه : 76 ؛ الحجّ : 14، 23 ؛ الفرقان : 10 ؛ العنكبوت : 58 ؛ الزمر : 20 ؛ محمّد : 12 ؛ الفتح : 5 و 17 ؛ القمر : 54 ؛ الحديد : 12 ؛ المجادله : 22 ؛ الصفّ : 12 ؛ الطلاق : 11 ؛ التحريم : 8 ؛ البروج : 11 ؛ البيّنه : 8 .
4- .سنن الترمذى : ج 4 ص 699 ح 2571 ، مسند ابن حنبل : ج 7 ص 242 ح 20072 ، سنن الدارمى : ج 2 ص 794 ح 2731 وليس فيه «بحر الماء» ، المعجم الكبير : ج 19 ص 424 ح 1032 ، حليه الأولياء : ج 6 ص 205 كلّها عن حكيم بن معاويه عن أبيه نحوه ، كنز العمّال : ج 14 ص 455 ح 39239.

6634.عنه عليه السلام :امام صادق عليه السلام در باره اين سخن خدای بلندمرتبه : «و آميخته با تسنيم است» : بهترين نوشيدنيِ بهشتيان ، از بلندای تسنيم ، برايشان می آيد . تسنيم ، چشمه ای است كه مقرّبان ، از آن می نوشند ، و مقرّبان ، همان خاندان محمّد صلى الله عليه و آله هستند .6635.الإمام الباقر عليه السلام :امام صادق عليه السلام در دعا : بار خدايا ! به رحمت خود ، ما را در زمره شايستگان ، در آور و به درجات عالی ، بالا ببر و با پياله هايی از باده ناب از چشمه سَلسَبيل ، بر ما بنوشان ، و به رحمت خود ، از سيه چشمان بهشتی ، به همسری ما در آور» .4 / 8جويبارهای بهشتقرآن«مَثَل بهشتی كه به پرهيزگاران ، وعده داده شده ، [چونان باغی است كه] در آن ، جويبارهايی است از آبی كه [رنگ و بو و مزه اش] برنگشته است و جويبارهايی از شيری كه مزه اش دگرگون نمی شود ، و جويبارهايی از باده ای لذيذ برای نوشندگان ، و جويبارهايی از انگبين ناب ، و در آن جا ، از هر گونه ميوه ای برای آنان [فراهم]است و [از همه بالاتر]آمرزش پروردگار آنهاست . [آيا چنين كسی در چنين باغی دل انگيز] مانند كسی است كه جاودانه در آتش است و آبی جوشان به خوردشان داده می شود تا روده هايشان را از هم فرو پاشد ؟».

حديث6637.امام صادق عليه السلام :پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :در بهشت ، درياى آب و درياى انگبين و درياى شير و درياى باده هست . آن گاه ، نهرها جارى مى گردند.

.

6638.عنه عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله لَمّا سُئِلَ عَن أَنهارِ الجَنَّهِ : كَم عَرضُ كُلِّ نَهرٍ مِنها؟ : عَرضُ كُلِّ نَهرٍ مَسِيرَهُ خَمسِمِئَهِ عامٍ ، يَدُورُ تَحتَ القُصُورِ وَالحُجُبِ ، تَتَغَنّى أَمواجُهُ ، وَتُسَبِّحُ وَتَطرَبُ فِي الجَنَّهِ كَما يَطرَبُ النّاسُ فِي الدُّنيا. (1)6639.عنه عليه السلام :بحار الأنوار عن ابن عبّاس فِي خَبَرٍ طَوِيلٍ يَذكُرُ فِيهِ مَسائِلَ سَأَلَها عَبدُ اللّهِ بنُ سَلامٍ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله : فَأَخبِرنِي عَنِ أَنهارِ الجَنَّهِ ما هِيَ؟ قالَ : يَابنَ سَلامٍ ، لَبَنٌ لَم يَتَغَيَّر طَعمُهُ ، وَخَمرٌ ، وَعَسَلٌ مُصَفًّى ، وَماءٌ غَيرُ آسِنٍ .

قالَ : صَدَقتَ يا مُحَمَّدُ ، فَجامِدَهٌ هِيَ أَم جارِيَهٌ؟ قالَ : بَل جارِيَهٌ بَينَ أَشجارِها. قالَ : فَهَل تَنقُصُ أَم تَزِيدُ؟ قالَ : لا يَابنَ سَلامٍ ، قالَ : فَهَل لِذلِكَ مَثَلٌ فِي الدُّنيا؟ قالَ : نَعَم، قالَ : وَما هُوَ؟ قالَ : يَابنَ سَلامٍ ، اُنظُر إِلَى البِحارِ تُمطِرُ فِيها السَّماءُ وَتَمُدُّها الأَنهارُ مِنَ الأَرضِ فَلا تَزِيدُ وَلا تَنقُصُ .

قالَ : صِفْ لِي أَنهارَ الجَنَّهِ . قالَ : يَابنَ سَلامٍ ، فِي الجَنَّهِ نَهرٌ يُقالُ لَهُ : الكَوثَرُ ، رائِحَتُهُ أَطيَبُ مِن رائِحَهِ المِسكِ الأَذفَرِ (2) وَالعَنبَرِ ، حَصاهُ الدُّرُّ وَالياقُوتُ ، عَلَيهِ خِتامٌ مِن اللُّؤلُؤِ الأَبيَضِ ، وَهُوَ مَنزِلُ أَولِياءِ اَللّهِ تَعالَى . (3)6640.عنه عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أَنهارُ الجَنَّهِ تَخرُجُ مِن تَحتِ تِلالٍ أَو مِن تَحتِ جِبالِ مِسكٍ . (4) .

1- .جامع الأخبار : ص 348 ح 959 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 146 ح 71.
2- .الأذْفَر : طيّب الريح (النهايه : ج 2 ص 161 «ذفر»).
3- .بحار الأنوار : ج 60 ص 255 عن ابن عبّاس وراجع : مسند ابن حنبل : ج 5 ص 475 ح 16206 والمستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 607 ح 8683 .
4- .صحيح ابن حبّان : ج 16 ص 423 ح 7408 ، البعث والنشور : ص 183 ح 266 ، تفسير ابن أبى حاتم : ج 1 ص 65 ح 252 ، تفسير ابن كثير : ج 1 ص 90 ، تاريخ دمشق : ج 40 ص 413 ح 8134 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 14 ص 645 ح 39772.

6641.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ این سؤال از جویبارهای بهشت که : پهنای هر یک از جویبارهای آن ، چه قدر است؟ : پهنای هر جویباری ، پانصد سال راه است . هر نهر ، از میان کاخ ها و پرده ها (/ موانع) ، پیچ و تاب خوران می گذرد و امواجش ، نغمه سر می دهند و تسبیح می گویند و در بهشت ، سرخوشی می کنند ، چنان که مردم در دنیا ، سرخوشی می نمایند .6638.امام صادق علیه السلام :بحار الأنوار به نقل از ابن عبّاس ، در حدیثی طولانی که در آن از مسائلی که عبد اللّه بن سلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسید ، یاد می کند : مرا از جویبارهای بهشت ، خبر ده که آنها چیستند؟ فرمود : «ای پسر سلام ! شیری که مزه اش هرگز تغییر نمی کند ، و باده ای ، و انگبینی ناب ، و آبی که رنگ و مزه اش دگرگون نمی گردد» .

ابن سلام گفت : درست گفتی ، ای محمّد ! آیا این جویبارها ، جامدند یا روان؟ فرمود : «در میان درختان بهشت ، روان اند» . ابن سلام گفت : آیا این جویبارها ، کاستی و فزونی می یابند؟ فرمود : «نه ، ای پسر سلام !» . گفت : آیا برایشان ، نمونه ای در دنیا هست؟ فرمود : «آری» . گفت : چه چیز؟ فرمود : «ای پسر سلام ! به دریاها بنگر . در آنها از آسمان ، باران می بارد و از زمین نیز رودها به آنها می ریزند ؛ امّا آب دریاها ، کم و زیاد نمی شود» .

ابن سلام گفت : جویبارهای بهشت را برایم توصیف کن . فرمود : «ای پسر سلام ! در بهشت ، جویباری است که به آن ، کوثر می گویند . بویش خوش تر از بوی مُشک تیزبو و عنبر است ، ریگ هایش دُر و یاقوت اند ، و با مرواریدی سفید ، مُهر شده است . آن ، منزلگاه دوستان خدای بلندمرتبه است » .6639.امام صادق علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جویبارهای بهشت ، از زیر تپّه های (/ از زیر کوه های) مُشک ، بیرون می آیند . .

6640.امام صادق علیه السلام :عنه صلی الله علیه و آله :إِنَّ أَنهارَ الجَنَّهِ تَجرِی فِی غَیرِ اُخدُودٍ ، أَشَدَّ بَیاضا مِنَ الثَّلجِ ، وَأَحلَی مِنَ العَسَلِ ، وَأَلیَنُ مِنَ الزُّبدِ ، طِینُ النَّهرِ مِسکٌ أَذفَرُ ، وَحَصاهُ الدُّرُّ وَالیاقُوتُ ، تَجرِی فِی عُیُونِهِ وَأَنهارِهِ حَیثُ یَشتَهِی وَیُرِیدُ فِی جَنّاتِهِ وَلِیُّ اللّهِ ، فَلَو أَضافَ مَن فِی الدُّنیا مِنَ الجِنِّ وَالإِنسِ لَأَوسَعَهُم طَعاما وَشَرابا وَحَلالاً وَحُلِیّا، لا یَنقُصُهُ مِن ذَلِکَ شَیءٌ . (1)6641.امام صادق علیه السلام :حلیه الأولیاء عن أنس عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله :لَعَلَّکُم تَظُنُّونَ أَنَّ أَنهارَ الجَنَّهِ أُخدُودٌ فِی الأَرضِ ، لا وَاللّهِ إِنَّها لَسائِحَهٌ عَلَی وَجهِ الأَرضِ ، حافَتاها خِیامُ اللُّؤلُؤِ ، وَطِینُها المِسکُ الأَذفَرُ . قُلتُ : یا رَسُولَ اللّهِ ، وَما الأَذفَرُ؟ قالَ : الَّذِی لا خِلطَ مَعَهُ . (2)6642.الإمام الکاظم علیه السلام :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :إِنَّ فِی الجَنَّهِ نَهرا یُقالُ لَهُ : رَجَبٌ ، أَشَدُّ بَیاضا مِنَ اللَّبَنِ وَأَحلَی مِنَ العَسَلِ ، مَن صامَ مِن رَجَبٍ یَوما سَقاهُ اللّهُ مِن ذَلِکَ النَّهرِ . (3)6643.الإمام الرضا علیه السلام :الإمام الکاظم علیه السلام :رَجَبٌ نَهرٌ فِی الجَنَّهِ ، أَشَدُّ بَیاضا مِنَ اللَّبَنِ وَأَحلَی مِنَ العَسَلِ ، مَن صامَ یَوما مِن رَجَبٍ سَقاهُ اللّهُ مِن ذَلِکَ النَّهرِ . (4)6644.الإمام المهدیّ علیه السلام :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :الکَوثَرُ نَهرٌ فِی الجَنَّهِ ، حافَّتاهُ مِن ذَهَبٍ ، وَمَجراهُ عَلَی الدُّرِّ وَالیاقُوتِ ، تُربَتُهُ أَطیَبُ مِنَ المِسکِ ، وَماؤُهُ أَحلَی مِنَ العَسَلِ وَأَبیَضُ مِنَ الثَّلجِ . (5) .

1- .الاختصاص : ص 357 عن جابر عن الإمام الباقر علیه السلام ، بحار الأنوار : ج 8 ص 219 ح 211.
2- .حلیه الأولیاء : ج 6 ص 205 ، الدرّ المنثور : ج 1 ص 95 نقلاً عن ابن مردویه و أبی نعیم والضیاء المقدسی ، کنز العمّال : ج 14 ص 463 ح 39277.
3- .شعب الإیمان : ج 3 ص 367 ح 3800، الجامع الصغیر : ج 1 ص 355 ح 2326 نقلاً عن الشیرازی فی الألقاب وکلاهما عن أنس .
4- .تهذیب الأحکام : ج 4 ص 306 ح 924 ، کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 2 ص 92 ح 1821 ، المقنعه : ص 372 کلاهما عن الإمام الصادق علیه السلام نحوه ، ثواب الأعمال : ص 78 ح 2 عن المبارک بن زید ، بحار الأنوار : ج 8 ص 175 ح 126.
5- .سنن الترمذی : ج 5 ص 450 ح 3361 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1450 ح 4334 ، سنن الدارمی : ج 2 ص 795 ح 2732 ، مسند ابن حنبل

: ج 2 ص 547 ح 6486 كلّها عن ابن عمر والثلاثه الأخيره نحوه ، كنز العمّال : ج 14 ص 423 ح 39146.

6642.امام کاظم علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جویبارهای بهشت ، در شیارها جاری نیستند و از برف ، سفیدتر ، و از عسل ، شیرین تر ، و از خامه ، نرم ترند . گِل جویبار ، مُشکی ناب است و ریگ هایش ، دُر و یاقوت اند ، و در چشمه ها و جویبارهایش ، تا هر کجا که ولیّ خدا بخواهد و اراده کند ، روان می شوند . اگر اهل دنیا را ، از جن و انس ، میهمان کند ، می تواند به همه آنها ، خوراک و نوشیدنی بدهد و بر همه آنان ، جامه و زیور بپوشانَد ، بی آن که چیزی از او کم شود.6643.امام رضا علیه السلام :حلیه الأولیاء به نقل از اَنَس : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «شاید شما خیال می کنید که جویبارهای بهشت ، شکاف هایی در زمین هستند . نه ، به خدا ! آنها بر روی زمین روان اند ، دو کرانه آنها ، سراپرده های مرواریدند و گِل آنها ، مُشک اَذفَر است .

گفتم : ای پیامبر خدا ! اَذفَر چیست؟

فرمود : «ناب».6644.امام مهدی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در بهشت ، نهری است که به آن ، «رجب» می گویند و سفیدتر از شیر و شیرین تر از عسل است . هر کس یک روز از ماه رجب ، روزه بگیرد ، خداوند از آن نهر به او می نوشانَد.6645.الإمام علیّ علیه السلام :امام کاظم علیه السلام :رجب ، نهری است در بهشت که سفیدتر از شیر و شیرین تر از عسل است . هر کس یک روز از ماه رجب را روزه بگیرد ، خداوند از آن نهر به او می نوشانَد.6646.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کوثر ، نهری است در بهشت که دو کرانه آن از طلاست و بسترش دُر و یاقوت ، و خاکش خوش بوتر از مُشک ، و آبش شیرین تر از عسل و سفیدتر از برف است . .

6647.عنهِ عليه السلام (فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ) عنه صلى الله عليه و آله :بَينَما أنا أسِيرُ فِى الجَنَّهِ ، إذا أنا بِنَهرٍ ، حافَتاهُ قِبابُ الدُّرِّ المُجَوَّفِ ، قُلتُ : ما هَذا يا جبرِيلُ؟ قالَ : هَذا الكَوثَرُ الَّذِى أعطاكَ رَبُّكَ . فَإذا طِينُهُ أو طِيبُهُ (1) مِسكٌ أذفَرُ . (2)6645.امام على عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :أكبَرُ أنهارِ الجَنَّهِ الكَوثَرُ ، تَنبُتُ الكَواعِبُ الأتْرابُ (3) عَلَيهِ ، يَزُورُهُ أولِياءُ اللّهِ يَومَ القِيامَهِ . (4)6646.امام على عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :لَمّا اُسرِىَ بِى رَأيتُ فِى الجَنَّهِ نَهرا أبيَضَ مِنَ اللَّبَنِ ، وَأحلَى مِنَ العَسَلِ ، وَأشَدَّ استِقامهً مِنَ السَّهمِ ؛ فِيهِ أباريقُ عَدَدَ النُّجُومِ ، عَلَى شاطِئِهِ قِبابُ الياقُوتِ الأحمَرِ وَالدُّرِّ الأبيَضِ . (5)6647.امام على عليه السلام (در حكمت هاى منسوب به او) الإمام الصادق عليهِ السلام :إنَّ فِى الجَنَّهِ نَهرا حافَتاهُ حُورٌ نابِتاتٌ ، فَإذا مَرَّ المُؤمِنُ بِإحداهُنَّ فَأعجبَتهُ اقتَلَعَها، فَأنبَتَ اللّهُ عز و جلمَكانَها . (6) .

1- .التردید من هدبه بن خالد أحد رواه الحدیث.
2- .صحیح البخارى : ج 5 ص 2406 ح 6210 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 382 ح 12988 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 449 ح 3360 ، المستدرک على الصحیحین : ج 1 ص 152 ح 266 کلّها عن أنس والثلاثه الأخیره نحوه ، کنز العمّال : ج 14 ص 425 ح 39153.
3- .أتراب : أى لِدات تُنشَأن معا تشبیها فى التساوى والتماثل بالترائب التى هى ضلوع الصدر (مفردات ألفاظ القرآن : ص 165 «ترب»).
4- .جامع الأخبار : ص 348 ح 960 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 147 ح 72.
5- .المحاسن : ج 1 ص 288 ح 569 عن الحارث بن محمّد عمّن حدّثه عن الإمام الباقر والإمام الصادق علیهماالسلام ، تأویل الآیات الظاهره : ج 2 ص 441 عن الحارث بن محمّد عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر علیهماالسلام ، نوادر الأخبار : ص 382 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 138 ح 50 .
6- .الکافى : ج 8 ص 231 ح 299 ، تفسیر القمّى : ج 2 ص 82 نحوه وکلاهما عن أبى بصیر ، بحار الأنوار : ج 8 ص 162 ح 102.

6648.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همچنان که در بهشت می گشتم ، به نهری رسیدم که در دو کرانه اش ، سراپرده هایی از دُرّ میان تهی بود . گفتم : «این چیست ، جبرئیل؟ » .

گفت : این ، همان کوثر است که پروردگارت به تو عطا فرموده است .

دیدم گِل آن (/ بوی آن) ، (1) مُشک ناب است.6649.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بزرگ ترین نهر بهشت ، «کوثر» است . دخترکان نورسیده همسال ، بر آن می رویند . دوستان خدا ، در روز قیامت ، به دیدن آن می روند.6650.الإمام زین العابدین علیه السلام (فی الدعاء) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شبی که به معراج بُرده شدم ، در بهشت ، نهری دیدم که از شیر ، سفیدتر و از شَهْد ، شیرین تر و از تیر ، راست تر بود و در کنار آن ، آب دستانی به شمارِ ستارگان وجود داشت و بر ساحلش ، گنبدهایی از یاقوت سرخ و دُرّ سفید بود.6651.سعد السعود نقلاً عن الزبور :امام صادق علیه السلام :در بهشت ، نهری است که در دو کرانه آن ، حور العین روییده اند و هر گاه مؤمن بر یکی از آنها بگذرد و پسندش افتد ، او را بر می کند و خداوند عز و جلبه جایش یکی دیگر می رویاند. .

1- .تردید از هدبه بن خالد ، یکی از راویان این حدیث است.

4 / 9أَشجارُ الجَنَّهالكتاب«وَ أَصْحَبُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَبُ الْيَمِينِ * فِی سِدْرٍ مَّخْضُودٍ * وَ طَلْحٍ مَّنضُودٍ * وَ ظِلٍّ مَّمْدُودٍ * وَ مَاءٍ مَّسْكُوبٍ * وَ فَكِهَهٍ كَثِيرَهٍ * لَا مَقْطُوعَهٍ وَ لَا مَمْنُوعَهٍ ». (1)

الحديث6653.عنه عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما فِی الجَنَّهِ شَجَرَهٌ إِلَا وَساقُها مِن ذَهَبٍ . (2)6654.سعد السعود نقلاً عن الزبور :شرح الأخبار عن سلمان :وَرَدتُ عَلی رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله وَهُوَ عَلی رَأسِ رَكِیٍ (3) ، فَقالَ لِی :... یا سَلمانُ ، إِنَّهُ مَن سَبَّحَ اللّهَ تَسبِیحَهً ، أَو هَلَّلَهُ تَهلِیلَهً ، أَو كَبَّرَهُ تَكبِیرَهً ، أَو حَمَّدَهُ تَحمِیدَهً ، غَرَسَ اللّهُ عز و جل لَهُ بِها شَجَرَهً فِی الجَنَّهِ ؛ أَصلُها مِن ذَهَبٍ ، وَفَرعُها مِنَ اللُّؤلُؤِ ، مُكَلَّلَهً بِالیاقُوتِ ، ثَمَرُها كَثَدیِ الأَبكارِ ، أَحلَی مِنَ الشَّهدِ ، وَأَلیَنُ مِنَ الزُّبدِ ، كُلَّما جُنِیَ مِنها شَیءٌ عادَ مَكانَهُ مِثلُهُ . (4)6655.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إِنَّ نَخلَ الجَنَّهِ جُذُوعُها ذَهَبٌ أَحمَرُ ، وَكَرَبُها زَبَرجَدٌ أَخضَرُ ، وَشَماریخُها (5) دُرٌّ أَبیَضُ ، وَسَعَفُها حُلَلٌ خُضرٌ ، وَرُطَبُها أَشَدُّ بَیاضا مِنَ الفِضَّهِ ، وَأَحلَی مِنَ العَسَلِ ، وَأَلیَنُ مِنَ الزُّبدِ ، لَیسَ فِیهِ عَجَمٌ (6) ، طُولُ العَذقِ اِثنا عَشَرَ ذِراعا ، مَنضُودَهٌ مِن أَعلاهُ إِلی أَسفَلِهِ ، لا یُؤخَذُ مِنهُ شَیءٌ إِلّا أَعادَهُ اللّهُ كَما كانَ ، وَذَلِكَ قَولُ اللّهِ : «لَا مَقْطُوعَهٍ وَ لَا مَمْنُوعَهٍ » وَإِنَّ رُطَبَها لَأَمثالُ القِلالِ (7) ، وَمَوزَها وَرُمّانَها أَمثالُ الدُّلِیِّ (8) ، وَأَمشاطَهُم وَمَجامِرَهُم الدُّرُّ . (9) .

1- .الواقعه : 27 33.
2- .سنن الترمذی : ج 4 ص 671 ح 2525 عن أبی هریره ، كنز العمّال : ج 14 ص 456 ح 39247 ؛ روضه الواعظین : ص 554 .
3- .الرَكیّ : البئر ، وجمعها ركایا (النهایه : ج 2 ص 261 «ركا»).
4- .شرح الأخبار : ج 1 ص 178 ح 139 ، المعجم الكبیر : ج 6 ص 266 ح 6167 ، كنز العمّال : ج 1 ص 474 ح 2059 .
5- .الشِّمْراخ : كلّ غصن من أغصان العِذق، وهو الذی علیه البُسر (النهایه : ج 2 ص 500 «شمرخ»).
6- .العَجَمُ : النوی (النهایه : ج 3 ص 187 «عجم»).
7- .القُلَّه : الحُبّ العظیم [الجرَّه] والجمع قِلال (النهایه : ج 4 ص 104 «قلل»).
8- .الدَلْو : معروفه، التی یُستقی بها، والجمع : دِلاء ودُلّی (لسان العرب : ج 14 ص 264 «دلا»).

9- .الاختصاص : ص 357 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 8 ص 219 ح 212 وراجع : المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 517 ح 3776 و الفردوس : ج 4 ص 288 ح 6850 .

4 / 9 درخت های بهشت

4 / 9درخت های بهشتقرآن«و دست راستی ها ؛ دست راستی ها کدام اند؟ در [زیر] درختان کُنار بی خار ، و درخت های موز که میوهایشان خوشه خوشه روی هم چیده است ، و سایه ای گسترده ، و آبی ریزان ، و میوه ای فراوان ، نه بریده و نه ممنوع».

حدیث6655.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در بهشت ، هیچ درختی نیست ، مگر آن که تنه اش از طلاست.6656.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شرح الأخبار به نقل از سلمان : بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که بر سر چاهی بود ، وارد شدم . به من فرمود : « ... ای سلمان ! هر کس خدا را یک بار تسبیح گوید ، یا یک لا إله إلّا اللّه بگوید ، یا یک اللّه أکبر بگوید ، یا یک بار حمد او را بگوید ، خداوند عز و جل به ازای آن ، یک درخت در بهشت برایش می کارد که ریشه اش از طلاست و تنه اش از مروارید و مزیّن به یاقوت است و میوه اش مانند پستان دختران است و از شهد ، شیرین تر و از خامه نرم تر است . هر میوه ای که از آن چیده شود ، به جایش میوه ای دیگر در می آید» .6657.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نخل های بهشت ، تنه هایشان زر سرخ ، زیرشاخه هایشان زبرجد سبز ، سرشاخه هایشان دُرّ سفید ، شاخه هایشان حلّه های سبز ، و رطب هایشان سفیدتر از سیم و شیرین تر از انگبین و نرم تر از خامه است و هسته ندارد . طول خوشه ، دوازده گز است که از بالا به پایین چیده شده اند و هر خوشه ای که از آن برگرفته شود ، خداوند ، آن را به حال اوّلش باز می گرداند و این ، همان سخن خداست که : «نه بریده و نه ممنوع» . رطب هایش به اندازه خُمره است و موز و انارش ، به اندازه دَلْو و شانه ها و عودسوزهایش دُرند.

.

6658.عنه صلى الله عليه و آله :المستدرک على الصَّحيحين عن أبى امامه :أقبَلَ أعرابِيٌ يَوما فَقالَ : يا رَسُولَ اللّهِ ، لَقَد ذَكَرَ اللّهُ فِى القُرآنِ شَجَرَةً مُؤذِيَةً ، وَما كُنتُ أرى أنَّ فِى الجَنَّهِ شَجَرَةً تُؤذِى صاحِبَها .

فَقالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : وَما هِىَ؟

قالَ : السِّدرُ ، فَإِنَّ لَها شَوكا!

فَقالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : «فِى سِدْرٍ مَّخْضُودٍ » ؛ يَخضِدُ (1) اللّهُ شَوكَهُ ، فَيَجعَلُ مَكانَ كُلِّ شَوكَهٍ ثَمَرَةً ، فَإِنَّها تُنبِتُ ثَمَرا تُفتَقُ الثَّمَرَهُ مَعَها عَن اثنَينِ وَسَبعِينَ لَونا ، ما مِنها لَونٌ يُشبِهُ الآخَرَ . (2)4 / 10شَجَرَهُ طُوبى6661.عنه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :طُوبى شَجَرَهٌ تَخرُجُ مِن جَنَّهِ عَدنٍ ، غَرَسَها رَبُّنا بِيَدِهِ . (3) .

1- .خَضَدْتُ الشَجَرَ : قطعتُ شَوكه، فهو خَضِيد ومَخضود (لسان العرب : ج 3 ص 163 «خضد»).
2- .المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 518 ح 3778 ، البعث والنشور : ص 187 ح 276 ، الزهد لابن المبارک (الملحقات) : ص 74 ح 263 ، كنز العمّال : ج 2 ص 45 ح 3053 وراجع : المعجم الكبير : ج 17 ص 130 ح 318.
3- .الكافى : ج 2 ص 201 ح 3 ، المحاسن : ج 2 ص 152 ح 1408 ، تفسير العيّاشى : ج 2 ص 212 ح 47 كلّها عن أبى حمزه عن الإمام الباقر عليه السلام وفى الأخيرين من دون إسناد إلى النبىّ صلى الله عليه و آله ، ثواب الأعمال : ص 165 ح 1 عن علىّ بن أبى علىّ اللهبى عن الإمام الصادق عليه السلام وكلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 8 ص 143 ح 63 .

4 / 10 درخت طوبا

6658.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابو اُمامه : روزی بادیه نشینی آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! خداوند در قرآن از درختِ صدمه زننده ای یاد کرده است ، در حالی که من گمان نمی کنم در بهشت ، درختی باشد که به صاحبش آسیب برساند !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «چه درختی؟» .

گفت : کُنار ؛ زیرا خاردار است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : « «در [زیر] درختان کُنار بی خار» . خدا خارهای آن را قطع می کند و به جای هر خاری ، میوه ای می گذارد . این درخت ، میوه ای می دهد با هفتاد و دو رنگ که هیچ رنگی از آن ، شبیه دیگری نیست».4 / 10درخت طوبا6661.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :طوبا ، درختی است که از بهشت جاویدان می روید و آن را پروردگار ما با دست خود کاشته است.

.

6662.عنه صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ يَدْخُلُ الجَنَّةَ إلّا اُنْطُلِقَ بِهِ إلَى طُوبى، فَتُفْتَحُ لَهُ أكْمامُهَا، فَيَأخُذُ مِنْ أيِ ذلِكَ شَاءَ، إنْ شَاءَ أبْيَضَ وَإنْ شَاءَ أحْمَرَ وَإنْ شَاءَ أصْفَرَ وَإنْ شَاءَ أسْوَدَ، مِثْلَ شَقَائِقِ النُّعْمَانِ (1) وَأرَقَّ وَأحْسَنَ . (2)6663.عنه صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله فِى وَصفِ شَجَرَةِ طُوبى : هِىَ شَجَرَةٌ غَرَسَها اللّهُ عز و جل ، وَنَفَخَ فِيها مِن رُوحِهِ ، وإنّ أغصانَها لَتُرى مِن وَراءِ سُورِ الجَنَّةِ ، تَنبُتُ بِالحُلِىِ وَالحُلَلِ ، مُتَدَلِّيَةً عَلَى أفواهِهِم . (3)6664.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الباقر عليه السلام عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله فِى قَولِ اللّهِ تَبارَكَ وَتَعالَى : «طُوبَى لَهُمْ وَ حُسْنُ مَئابٍ » (4) : يَعنِى وَحُسنَ مَرجِعٍ ، فَأمّا طُوبى فَإنَّها شَجَرَةٌ فِى الجَنَّةِ ، ساقُها فِى دارِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله ، وَلَو أنَّ طَائِرا طارَ مِن ساقِها لَم يَبلُغ فَرعَها حَتَّى يَقتُلَهُ الهَرَمُ ، عَلى كُلِّ وَرَقَةٍ مِنها مَلَكٌ يَذكُرُ اللّهَ ، وَلَيسَ فِى الجَنَّةِ دارٌ إلّا وَفِيها غُصنٌ مِن أغصانِها ، وَإنَّ أغصانَها لَتُرى مِن وَراءِ سُورِ الجَنَّةِ ، تَحمِلُ لَهُم ما يَشتَهُونَ مِن حُلِيِّها وَحُلَلِها وَثِمارِها، لا يُؤخَذُ مِنها شَىءٌ إلّا أعادَهُ اللّهُ كَما كانَ ، بِأنَّهُم كَسَبُوا طَيِّبا وَأنفَقُوا قَصدا ، وَقَدَّمُوا فَضلاً فَقَد أفلَحُوا وَأنجَحُوا.
(5)6665.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام :سُئِلَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله عَن طُوبى ، فَقالَ : شَجَرَةٌ أصلُها فِى دارِى ، وَفَرعُها عَلى أهلِ الجَنَّةِ . ثُمَّ سُئِلَ عَنها مَرَّةً اُخرى ، فَقالَ : فِى دارِ عَلِيٍ عليه السلام ، فَقِيلَ فِى ذَلِكَ ، فَقالَ : إنَّ دارِى وَدارَ عَلِيٍ فِى الجَنَّةِ بِمكانٍ واحِدٍ . (6) .

1- .شَقائِقُ النُعْمان : نبت واحدتها شَقيقَه، سمّيت بذلک لحمرتها (لسان العرب : ج 10 ص 181 «شقق»).
2- .تفسير ابن كثير : ج 4 ص 378 عن أبى اُمامه ، الدرّ المنثور : ج 4 ص 644 نقلاً عن ابن أبى شيبه فى صفه الجنّه وابن أبى حاتم عن أبى اُمامه.
3- .التوحيد : ص 237 ح 2 عن الأصبغ بن نباته عن الإمام علىّ عليه السلام ، معانى الأخبار : ص 46 ح 2 ، الخصال : ص 332 ح 30 عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله بزياده «والثمار» بعد «والحُلل» ، العمده : ص 350 ح 673 عن معاويه بن قرّه عن أبيه نحوه ، بحار الأنوار : ج 8 ص 178 ح 132 ؛ تفسير الطبرى : ج 8 الجزء 13 ص 149 ، تفسير القرطبى : ج 9 ص 317 كلاهما عن معاويه بن قرّه عن أبيه نحوه ، كنز العمّال : ج 14 ص 457 ح 39252 نقلاً عن ابن مردويه عن ابن عبّاس .

4- .الرعد : 29.
5- .الاختصاص : ص 358 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 8 ص 219 ح 213.
6- .مجمع البيان : ج 6 ص 448 ، العمده : ص 351 ح 676 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، المناقب لابن شهرآشوب : ج 3 ص 234 كلاهما نحوه ، تفسير فرات : ص 209 ح 280 و ح 281 عن محمّد بن أحمد عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله نحوه ، بحار الأنوار : ج 36 ص 70 ح 17 نقلاً عن الطرائف .

6666.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ یک از شما نیست که وارد بهشت شود ، مگر آن که او را به نزد طوبا می برند و غلاف های شکوفه های آن برایش باز می شوند و او از هر کدام آنها که خواست ، بر می گیرد ، سفید بخواهد یا سرخ یا زرد یا سیاه ، مانند گل شقایق نعمان ؛ بلکه لطیف تر و زیباتر.6667.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در توصیف درخت طوبا : درختی است که خداوند عز و جل آن را کاشته و از جان خود در آن دمیده است و شاخه هایش از پشت دیوار بهشت ، دیده می شوند و زیور و حُلّه به بار می نشاند که در برابر دهان آنان (بهشتیان) آویزان اند.6668.عنه صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خدای بزرگ و والا : «طُوبَی لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ» فرمود : یعنی : خوش بازگشتگاهی است ! طوبا ، درختی است در بهشت که تنه آن ، در خانه محمّد صلی الله علیه و آله است و اگر پرنده ای از روی تنه آن به پرواز در آید ، به شاخه آن نمی رسد تا از پیری بمیرد . بر هر برگی از آن ، فرشته ای است که ذکر خدا می گوید . در بهشت ، سرایی نیست ، مگر این که شاخه ای از طوبا در آن است و شاخه هایش از پشت دیوار بهشت ، دیده می شوند . بر شاخه های طوبا ، هر زیور و جامه و میوه ای که بخواهند ، هست و هر چه از آنها برگرفته شود ، خداوند ، آن را به حال اوّلش باز می گرداند و این ، پاداش بهشتیان است ، از آن رو که حلال به دست آوردند و به اعتدال خرج کردند و اضافی آن را بخشیدند ، پس کامیاب و رستگار شدند.6669.عنه صلی الله علیه و آله :امام کاظم علیه السلام به نقل از پدرانش علیهم السلام : از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره طوبا سؤال شد . فرمود : «درختی است که ریشه آن ، ، در خانه من است و شاخه هایش بر سر بهشتیان» .

دوباره در باره آن از ایشان سؤال شد . فرمود : «در خانه علی است» .

علّت را جویا شدند . فرمود : «خانه من و خانه علی در بهشت ، در یک مکان است». .

6662.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام علیّ علیه السلام :طُوبی شَجَرَهٌ فِی الجَنَّهِ ، أَصلُها فِی دارِ النَّبِیِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله ، وَلَیسَ مِن مُؤمِنٍ إِلّا وَفِی دارِهِ غُصنٌ مِنها ، لا یَخطُرُ عَلی قَلبِهِ شَهوَهُ شَیءٍ إِلّا أَتاهُ بِهِ ذَلِکَ ، وَلَو أَنَّ راکِبا مُجِدّا سارَ فِی ظِلِّها مِئَهَ عامٍ ما خَرَجَ مِنهُ ، وَلَو طارَ مِن أَسفَلِها غُرابٌ ما بَلَغَ أَعلاها حَتّی یَسقُطَ هَرَما . أَلا فَفِی هَذا فَارغَبُوا .

(1)6663.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الصادق علیه السلام :طُوبی شَجَرَهٌ فِی الجَنَّهِ فِی دارِ أَمِیرِ المُؤمِنِینَ علیه السلام ، وَلَیسَ أَحَدٌ مِن شِیعَتِهِ إِلّا وَفِی دارِهِ غُصنٌ مِن أَغصانِها وَوَرَقَهٌ مِن أَوراقِها ، یَستَظِلُّ تَحتَها أُمَّهٌ مِنَ الأُمَمِ . (2)6664.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :عنه علیه السلام :کانَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله یُکثِرُ تَقبِیلَ فاطِمَهَ علیهاالسلام ، فَأَنکَرَت ذَلِکَ عائِشَهُ ، فَقالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : یا عائِشَهُ ، إِنِّی لَمّا أُسرِیَ بِی إِلَی السَّماءِ دَخَلتُ الجَنَّهَ فَأَدنانِی جَبرَئِیلُ مِن شَجَرَهِ طُوبی ، وَناوَلَنِی مِن ثِمارِها ، فَأَکَلتُ ، فَحَوَّلَ اللّهُ ذَلِکَ ماءً فِی ظَهرِی ، فَلَمّا هَبَطتُ إِلَی الأَرضِ واقَعتُ خَدِیجَهَ ، فَحَمَلَت بِفاطِمَهَ ، فَما قَبَّلتُها قَطُّ إِلّا وَجَدتُ رائِحَهَ شَجَرَهِ طُوبی مِنها . (3) .

1- .الکافی : ج 2 ص 239 ح 30 عن أبی بصیر عن الإمام الصادق علیه السلام ، الأمالی للصدوق : ص 290 ح 323 عن أبی بصیر عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علیّ علیهم السلام ، الخصال : ص 483 ح 56 ، تفسیر العیّاشی : ج 2 ص 213 ح 50 کلاهما عن أبی بصیر عن الإمام الباقر عن الإمام علیّ علیهماالسلام ، مشکاه الأنوار : ص 159 ح 402 کلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 8 ص 117 ح 2.

2- .تفسیر القمّی : ج 1 ص 365 عن أبی عبیده ، بحار الأنوار : ج 8 ص 120 ح 9.

3- .تفسیر القمّی : ج 1 ص 365 عن أبی عبیده ، تفسیر العیّاشی : ج 2 ص 212 ح 46 عن أبان بن تغلب نحوه ، بحار الأنوار : ج 8 ص 120 ح 10.

6665.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام :طوبا ، درختی است در بهشت که ریشه آن ، در خانه پیامبر ما محمّد صلی الله علیه و آله است و هیچ مؤمنی نیست ، مگر این که شاخه ای از آن درخت ، در خانه اوست و دلش هر چیزی را هوس کند ، آن درخت برایش می آورد و اگر سواری چابک ، صد سال در سایه آن راه بپیماید ، از آن خارج نمی شود و اگر از پایین آن ، کلاغی پرواز کند ، به بلندایش نمی رسد تا آن که از پیری به زیر افتد . هان ! پس برای این نعمت بکوشید.6666.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام :طوبا ، درختی است در بهشت در خانه امیر مؤمنان علیه السلام ، و در خانه هر یک از شیعیان او نیز شاخه ای از شاخه های این درخت و برگی از برگ های آن هست و در زیر آن ، یک امّت ، سایه می گیرد.6667.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، فاطمه علیهاالسلام را زیاد می بوسید . عایشه به این کار ، خرده گرفت . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «ای عایشه ! شبی که به آسمان بُرده شدم ، به بهشت وارد شدم . جبرئیل ، مرا به نزدیک درخت طوبا برد و از میوه های آن به من داد و من خوردم و خداوند ، آن را به نطفه ای در پشت من تبدیل کرد . چون به زمین فرود آمدم ، با خدیجه هم بستر شدم و او فاطمه را حامله شد . از این رو ، هر وقت فاطمه را می بوسم ، بوی درخت طوبا را از او استشمام می کنم» . .

6668.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الخصال عن عامر بن واثله :كُنتُ فِي البَيتِ يَومَ الشُّورى ، فَسَمِعتُ عَلِيّا عليه السلام وَهُوَ يَقُولُ : ... نَشَدتُّكُم بِاللّهِ هَل فِيكُم أَحَدٌ قالَ لَهُ رَسُولُ اللّهِ كَما قالَ لِي : «إِنَّ طُوبى شَجَرَةٌ فِي الجَنَّهِ ، أَصلُها فِي دارِ عَلِيٍ ، لَيسَ مِن مُؤمِنٍ إِلّا وَفِي مَنزِلِهِ غُصنٌ مِن أَغصانِها» غَيرِي؟ قالُوا : اَللّهُمَّ لا . (1)6669.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :كمال الدّين عن أبى بصير :قالَ الصّادِقُ عليه السلام : طُوبى لِمَن تَمَسَّكَ بِأَمرِنا فِي غَيبَهِ قائِمِنا ، فَلَم يَزِغْ قَلبُهُ بَعدَ الهِدايَهِ .

فَقُلتُ لَهُ : جُعِلتُ فِداكَ وَما طُوبى؟

قالَ : شَجَرَهٌ فِي الجَنَّهِ ، أَصلُها فِي دارِ عَلِي بنِ أَبِي طالِبٍ عليه السلام ، وَلَيسَ مِن مُؤمِنٍ إِلّا وَفِي دارِهِ غُصنٌ مِن أَغصانِها ، وَذَلِكَ قَولُ اللّهِ عز و جل : «طُوبَى لَهُمْ وَ حُسْنُ مَئابٍ » . (2)6670.الإمام علىّ عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام :إِنَّ المُؤمِنَ إِذا لَقِيَ أَخاهُ وَتَصافَحا (3) لَم تَزَل الذُّنُوبُ تَتَحاتُّ (4) عَنهُما ماداما مُتَصافِحَينِ كَتَحاتِّ الوَرَقِ عَنِ الشَّجَرِ ، فَإِذا افتَرَقا قالَ مَلَكاهُما : جَزاكُما اللّهُ خَيرا عَن أَنفُسِكُما ، فَإِنِ اَلتَزَمَ كُلُّ واحِدٍ مِنهُما صاحِبَهُ ناداهُما مُنادٍ : طُوبى لَكُما وَحُسنُ مَآبٍ . وَطُوبى شَجَرَهٌ فِي الجَنَّهِ ، أَصلُها فِي دارِ أَميرِ المُؤمِنِينَ ، وَفَرعُها فِي مَنازِلِ أَهلِ الجَنَّهِ ، فَإِذا افتَرَقا ناداهُما مَلَكانِ كَرِيمانِ : أَبشِرا يا وَلِيَّيِ اللّهِ بِكَرامَهِ اللّهِ وَالجَنَّهُ مِن وَرائِكُما. (5)6671.عنه عليه السلام :الدرّ المنثور عن فرقد السّبخي :أَوحَى اللّهُ إِلى عِيسَى بنِ مَريَمَ عليه السلام فِي الإِنجِيلِ : يا عِيسَى ، جِدَّ فِي أَمرِي وَلا تَهزُل ، وَاسمَع قَولِي وَأَطِع أَمرِي . يَابنَ البِكرِ البَتُولِ ، إِنِّي خَلَقتُكَ مِن غَيرِ فَحلٍ ، وَجَعَلتُكَ وَأُمَّكَ آيةً لِلعالَمِينَ ، فَإِيّايَ فَاعبُد ، وَعَلَيَ فَتَوَكَّل ، وَخُذِ الكِتابَ بِقُوَّهٍ .

قالَ عِيسى عليه السلام : أَي رَبِّ ، أَيَّ كِتابٍ آخُذُ بِقُوَّهٍ ؟ قالَ: خُذ كِتابَ الإِنجِيلِ بِقُوَّهٍ ، فَفَسِّرهُ لِأَهلِ السريانِيَّهِ ، وَأَخبِرهُم إِنِّي أَنا اللّهُ لا إِله إِلّا أَنَا ، الحَيُّ القَيُّومُ ، البَدِيعُ الدّائِمُ ، الَّذِي لا زَوالَ لَهُ ، فَآمِنُوا بِاللّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِ الَّذِي يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمانِ ، فَصَدِّقُوهُ وَاتَّبِعُوهُ ، صاحِبِ الجَمَلِ وَالمِدرَعَهِ وَالهِراوَهِ وَالتّاجِ ، الأَنجَلِ (6) العَينِ ، المَقرُونِ الحاجِبَينِ ، صاحِبِ الكِساءِ ، الَّذِي إِنَّما نَسلُهُ مِنَ المُبارَكَهِ يَعنِي خَدِيجَهَ .

يا عِيسَى ، لَها بَيتٌ مِن لُؤلُؤٍ مِن قَصَبٍ مُوصَلٍ بِالذَّهَبِ ، لا يُسمَعُ فِيهِ أَذًى وَلا نَصَبٌ ، لَها ابنَهٌ يَعنِي فاطِمَهَ وَلَها ابنانِ فَيُستَشهَدان يَعنِي الحَسَنَ وَالحُسَينَ

عليهماالسلام طَوبى لِمَن سَمِعَ كَلامَهُ َ ، وَأدرَکَ زَمانَهُ ، وَشَهِدَ أيّامَهُ .

قالَ عِيسَى عليه السلام : يا رَبِّ وَما طُوبى؟

قالَ : شَجَرَهٌ فِى الجَنَّهِ ، أَنا غَرَستُها بِيَدِى ، وَأَسكَنتُها مَلائِكَتِى ، أَصلُها مِن رِضوانَ ، وَماؤُها مِن تَسنِيمٍ . (7) .

1- .الخصال : ص 558 ح 31 ، بحار الأنوار : ج 31 ص 320 ح 1 .
2- .كمال الدين : ص 358 ح 55 ، معانى الأخبار : ص 112 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 52 ص 123 ح 6 .
3- .فى المصدر : «فصافحا» والتصويب من بحار الأنوار .
4- .تحاتَّت : أى تساقطت (النهايه : ج 1 ص 337 «حتَّ»).
5- .تفسير العيّاشى : ج 2 ص 212 ح 49 عن أبى بصير ، بحار الأنوار : ج 76 ص 41 ح 41.
6- .عَيْنٌ نَجْلاء : أى واسعه (النهايه : ج 5 ص 23 «نجل»).
7- .الدرّ المنثور : ج 4 ص 644 نقلاً عن ابن أبى حاتم ، البدايه والنهايه : ج 2 ص 78 و ص 79 عن أبى هريره نحوه ؛ كمال الدين : ج 1 ص 159 ح 18 عن حمّاد بن عبد اللّه بن سليمان ، الأمالى للصدوق : ص 345 ح 418 عن عبد اللّه بن سليمان ، إعلام الورى : ص 21 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 16 ص 144 ح 1.

6672.عنه علیه السلام :الخصال به نقل از عامر بن واثله : روز شورا ، من در خانه[ی خدا] بودم . صدای علی علیه السلام را شنیدم که می فرمود : «... شما را به خدا سوگند می دهم که آیا در میان شما کسی جز من هست که پیامبر خدا در باره او همچون من ، فرموده باشد : طوبا ، درختی است در بهشت که ریشه آن ، در خانه علی است و هیچ مؤمنی نیست ، مگر این که شاخه ای از شاخه های آن ، در خانه اوست ؟» .

گفتند : نه ، به خدا !6673.عنه علیه السلام :کمال الدین به نقل از ابو بصیر : امام صادق علیه السلام فرمود : «طوبا ، از آن کسی است که در غیبت قائم ما ، در راه ما استوار بماند و دلش پس از آن که هدایت گشته است ، به گم راهی نیفتد » .

گفتم : فدایت شوم ! طوبا چیست؟

فرمود : «درختی بهشتی است که ریشه اش در خانه علی بن ابی طالب علیه السلام است و در خانه هر مؤمنی نیز شاخه ای از آن وجود دارد و این ، همان سخن خدای عز و جلاست که : «طوبا برای ایشان است و چه خوش بازگشتگاهی است ! » .6674.عنه علیه السلام :امام صادق علیه السلام :مؤمن ، هر گاه به برادرش برسد و با هم دست دهند ، تا زمانی که دست در دست یکدیگر دارند ، گناهانشان همانند ریختن برگ درخت ، فرو می ریزد و آن گاه که از هم جدا شوند ، دو فرشته آنها می گویند : «خداوند به شما دو تن ، سزای نیک دهد !» . پس اگر یکدیگر را در آغوش کشند ، منادی ای ندا می دهد که : «طوبا برای شماست و چه خوش بازگشتگاهی است !» و طوبا ، درختی است در بهشت که ریشه اش در خانه امیر مؤمنان علیه السلام و شاخه هایش در منازل بهشتیان است و چون از هم جدا شوند ، دو فرشته گرامی به آنان ندا می دهند که : «مژده باد شما دو دوست خدا را به کرامت خدا ! بهشت ، پیش روی شماست ! ».6675.عنه علیه السلام :الدرّ المنثور به نقل از فرقد سبخی : خداوند در انجیل به عیسی بن مریم علیه السلام وحی فرمود که : «ای عیسی ! در کار من ، جدّی باش و آن را به شوخی مگیر و سخنم را بشنو و فرمانم را اطاعت کن . ای پسر آن باکره پاک دامن ! من تو را بدون پدر آفریدم و تو و مادرت را نشانه ای [از قدرت خویش] برای جهانیان قرار دادم . پس فقط مرا بندگی کن و بر من توکّل نمای و کتاب را با قدرت بگیر» .

عیسی علیه السلام گفت : ای پروردگار من ! کدام کتاب را با قدرت بگیرم ؟ فرمود : «کتاب انجیل را با نیرو بگیر و آن را برای سریانیان ، بیان کن و آنان را آگاه گردان که منم خدای یگانه و معبودی جز من نیست ، زنده پایدارم و نوآفرین و پاینده ای هستم که هرگز از میان نمی رود .

پس [به آنان بگو :] به خدا و فرستاده او ، پیامبری که در آخرزمان می آید ، ایمان آورید و او را تصدیق کنید و از او پیروی نمایید ؛ از همان صاحب اُشتر و زره و چوب دستی و تاج ، درشت چشمِ ابرو پیوسته ، صاحب کسا ؛ همو که نسلش از بانویی خجسته است» یعنی خدیجه .

[و افزود :] «ای عیسی ! برای او خانه ای است از مروارید آبدارِ پیوند خورده به طلا ، که در آن ، هیچ گزند و رنجی نمی رسد ، و یک دختر دارد» یعنی فاطمه علیهاالسلام«و برای آن دختر ، دو پسر است که هر دو به شهادت می رسند» یعنی حسن و حسین علیهماالسلام . «طوبا ، از آنِ کسی که سخن او را بشنود و زمانش را دریابد و در روزگار او به سر برد !» .

عیسی علیه السلام گفت : پروردگارا ! طوبا چیست؟

فرمود: «درختی است در بهشت که من با دستان خویش ، آن را کاشته ام و فرشتگانم را در آن ، سُکنا داده ام . ریشه اش از رضوان است و آبش از [چشمه]تسنیم» . .

4 / 11ظِلالُ الجَنَّهالكتاب«إِنَّ أَصْحَبَ الْجَنَّهِ الْيَوْمَ فِى شُغُلٍ فَكِهُونَ * هُمْ وَ أَزْوَ جُهُمْ فِى ظِلَلٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِئونَ * لَهُمْ فِيهَا فَكِهَهٌ وَ لَهُم مَّا يَدَّعُونَ * سَلَمٌ قَوْلًا مِّن رَّبٍّ رَّحِيمٍ ». (1)

«مَّتَّكِئينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَ لَا زَمْهَرِيرًا * وَ دَانِيَهً عَلَيْهِمْ ظِلَلُهَا وَ ذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلاً ». (2)

.

1- .يس : 55 58 وراجع : النساء : 57 ؛ الرعد : 35 ؛ المرسلات : 41 ؛ الواقعه : 30.
2- .الإنسان : 13 14.

4 / 11 سایه های بهشت

4 / 11سایه های بهشتقرآن«در آن روز [قیامت] ، اهل بهشت ، کار و باری خوش در پیش دارند . آنها با همسرانشان در زیر سایه ها بر تخت ها تکیه می زنند . در آن جا برای آنها [هر گونه] میوه و هر چه دلشان بخواهد ، است . از جانب پروردگاری مهربان ، [به آنان] سلام گفته می شود».

«در آن جا بر تخت ها تکیه می زنند . در آن جا نه آفتابی می بینند و نه سرمایی . و سایه های آنها (درختان) به آنان نزدیک است و میوه های آنها [برای چیدن] ، رام».

.

الحديث6678.امام على عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إِنَّ فِي الجَنَّهِ لَشَجَرَهً يَسِيرُ الرّاكِبُ فِى ظِلِّها مِائَهَ سَنَهٍ ، وَاقرَؤُوا إِن شِئتُم «وَ ظِلٍّ مَّمْدُودٍ » (1) . (2)6679.عنه صلى الله عليه و آله :عنه عليه السلام فِى وَصفِ سِدرَهِ المُنتَهى : يَسِيرُ الرّاكِبُ فِى الفَنَنِ (3) مِنها مِائَهَ سَنَهٍ ، يَستَظِلُّ بِالفَنَنِ مِنها مِئَهُ راكِبٍ ، فِيها فِراشٌ مِن ذَهَبٍ . (4)6680.عنه عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله فِى أحوالِ أهلِ الجَنَّهِ : يَتَنَعَّمُونَ فِى جَنّاتِهِم فِى ظِلٍّ مَمدُودٍ فِى مِثلِ ما بَينَ طُلُوعِ الفَجرِ إِلى طُلُوعِ الشَّمسِ . (5)6681.عنه عليه السلام :المناقب لابن شهر آشوب فِى خَبَرِ الرّاهِبِ الَّذِى سَأَلَ الإِمامَ الكاظِمَ عليه السلام عَن بَعضِ الأُمُورِ : قالَ [الرَّاهِبُ] : وَفِى الجَنَّهِ ظِلٌّ مَمدُودٌ؟

فَقالَ عليه السلام : الوَقتُ الَّذِي قَبلَ طُلُوعِ الشَّمسِ كُلُّها ظِلٌّ مَمدُودٌ ، قَولُهُ : «أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّکَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ» (6) . (7) .

1- .الواقعه : 30.
2- .صحيح البخارى : ج 3 ص 1187 ح 3080 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1450 ح 4335 ، سنن الدارمى : ج 2 ص 795 ح 2733 كلّها عن أبى هريره ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2176 ح 2827 عن سهل بن سعد وفيه صدره إلى «سنه» ، سنن الترمذى : ج 5 ص 400 ح 3293 عن أنس وراجع : الإقبال : ج 1 ص 345 .
3- .الفَنَن : الغُصنُ الغَضُّ الوَرَقِ (مفردات ألفاظ القرآن : ص 645 «فنن»).
4- .المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 510 ح 3748 ، سنن الترمذى : ج 4 ص 680 ح 2541 ، تفسير الطبرى : ج 13 الجزء 27 ص 54 كلاهما نحوه ، كنز العمّال : ج 14 ص 462 ح 39271.
5- .الكافى : ج 8 ص 99 ح 69 ، تأويل الآيات الظاهره : ج 2 ص 747 ح 3 كلاهما عن محمّد بن إسحاق المدنى عن الإمام الباقر عليه السلام وراجع : تفسير القمّى : ج 2 ص 115 .
6- .الفرقان : 45.
7- .المناقب لابن شهرآشوب : ج 4 ص 311 ، بحار الأنوار : ج 48 ص 105 ح 8 .

حدیث6683.الإمام الحسین علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در بهشت ، درختی است که سواره ، صد سال در سایه آن ، راه می پیماید . اگر خواستید آن را در قرآن بخوانید [، آن جاست که می گوید] : «و در سایه ای کشیده » .6684.الإمام زین العابدین علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در توصیف «سِدرهُ المُنتهی (آخرین درخت سدر)» : سواره ، صد سال در [سایه] شاخه آن ، راه می پیماید و صد سوار در سایه شاخه آن جای می گیرند و در آن ، فرشی از طلاست.6805.عنه علیه السلام (فی دُعائِهِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در احوال بهشتیان : در باغ های خویش ، در سایه ای که به اندازه طلوع سپیده تا طلوع آفتابْ کِشیده است ، خوش و خرّم می زیَند.6804.عنه علیه السلام (فی کِتابِهِ لِلأَشتَرِ حینَ وَلّاهُ عَلی مِصرَ) المناقب ، ابن شهرآشوب در گزارش از راهبی که در باره برخی چیزها از امام کاظم علیه السلام پرسید : راهب گفت : آیا سایه ای گسترده ، در بهشت است؟

فرمود : «زمان پیش از طلوع آفتاب ، همه اش سایه گسترده است . خداوند می فرماید : «آیا ندیده ای که پروردگارت چگونه سایه را گسترده است؟» » . .

4 / 12ثِمارُ الجَنَّهالكتاب«وَ بَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَ عَمِلُواْ الصَّلِحَتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَرُ كُلَّمَا رُزِقُواْ مِنْهَا مِن ثَمَرَةٍ رِّزْقًا قَالُواْ هَذَا الَّذِى رُزِقْنَا مِن قَبْلُ وَ أُتُواْ بِهِ مُتَشَبِهًا وَ لَهُمْ فِيهَا أَزْوَ جٌ مُّطَهَّرَهٌ وَ هُمْ فِيهَا خَلِدُونَ ». (1)

«فَأَمَّا مَنْ أُوتِىَ كِتَبَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَاؤُمُ اقْرَءُواْ كِتَبِيَهْ * إِنِّى ظَنَنتُ أَنِّى مُلَقٍ حِسَابِيَهْ * فَهُوَ فِى عِيشَهٍ رَّاضِيَهٍ * فِى جَنَّهٍ عَالِيَهٍ * قُطُوفُهَا دَانِيَهٌ * كُلُواْ وَ اشْرَبُواْ هَنِيئا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِى الْأَيَّامِ الْخَالِيَهِ ». (2)

الحديث6802.الإمام علىّ عليه السلام (فى خُطبَتِهِ) رسول اللّه صلى الله عليه و آله فِى وَصفِ ثِمارِ الجَنَّهِ : وَالَّذِى نَفسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ ! إِنَّ الحَبَّهَ يَعنِى الرُّمّانَ فِى الجَنَّهِ لَتَسقُطُ فَتَستُرُ الخادِمَ مِن المَخدُومِ عظما، وَالثِّمارُ كَثَدىِ الأبكارِ ، أَلْيَنُ مِنَ الزُّبدِ ، وَأَحلَى مِنَ الشَّهدِ . (3)6801.عنه صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله فِى ذِكرِ ما يَلقَاهُ المُؤمِنُ عِندَ دُخُولِهِ الجَنَّهَ : يَدخُلُ فَإِذا هُوَ بِسِماطَينِ مِن شَجَرٍ ، أَغصانُها اللُّؤلُؤُ ، وَفُرُوعُها الحُلِىُّ والحُلَلُ ، ثِمارُها مِثلُ ثَدىِ الجَوارِى الأبكارِ . (4) .

1- .البقره : 25.
2- .الحاقّه : 19 24 وراجع : المؤمنون : 19 ؛ يس : 57 ؛ الصافّات : 42 ؛ ص : 51 ؛ الزخرف : 73 ؛ الدّخان : 55 ؛ محمّد : 15 ؛ الطور : 22 ؛ الرحمن : 11، 52، 68 ؛ الواقعه : 20 ، 32 ؛ الإنسان : 14 ؛ المرسلات : 42.
3- .الفردوس : ج 4 ص 363 ح 7048 عن ابن عبّاس .
4- .الاختصاص : ص 350 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 212 ح 205.

4 / 12 میوه های بهشت

4 / 12میوه های بهشتقرآن«و کسانی را که ایمان آورده و کارهای درست انجام داده اند ، مژده ده که ایشان را باغ هایی است که در آنها جوی ها روان اند . هر گاه میوه ای از آنها روزیِ ایشان شود ، می گویند : «این ، همان است که پیش از این ، روزیِ ما بوده است» و مانند آن نعمت ها برای آنان آورده می شود و در آن جا همسرانی پاکیزه خواهند داشت و در آن جا جاودانه می مانند».

«امّا کسی که کارنامه اش به دست راستش داده شود ، می گوید : «بیایید و کتابم را بخوانید . من یقین داشتم که به حساب خود می رسم» . پس ، او در یک زندگیِ خوش است ؛ در بهشتی برین که میوه هایش در دسترس است . بخورید و بنوشید ، گوارایتان باد ، به پاداش آنچه در روزهای گذشته انجام دادید !».

حدیث6794.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در توصیف میوه های بهشت : سوگند به آن که جان محمّد در دست اوست ، دانه یعنی انار در بهشت [از درخت] می افتد و چندان درشت است که میان خدمتکار و آقایش حایل می گردد . میوه هایش [نیز]به بزرگی پستان دوشیزگان است و نرم تر از مَسکه و شیرین تر از انگبین.6793.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیان آنچه مؤمن هنگام ورودش به بهشت می یابد : داخل [بهشت] می شود و با دو ردیف درخت مواجه می گردد که ترکه هایشان مروارید است و شاخه هایشان جواهرات و حُلّه ، و میوه هایشان مانند پستا دختران باکره.

.

6798.عنه علیه السلام :المنتخب من مسند عبد بن حمیدٍ عن عمر بن الخطّاب :جاءَ أُناسٌ مِنَ اليَهُودِ إِلى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله فَقالُوا : يا مُحَمَّدُ ، أَفِى الجَنَّهِ فاكِهَهٌ؟ قالَ : نَعَم ، فِيها فاكِهَهٌ وَنَخلٌ وَرُمّانٌ . قالَ : أَفَيَأكُلُونَ كَما يَأكُلُونَ فِى الدُّنيا؟ قالَ : نَعَم وَأضعافٌ ، قالَ : أَفَيَقضُونَ الحَوائِجَ؟ قالَ : لا، وَلِكنَّهُم يَعرَقُونَ وَيَرشَحُونَ ، فَيَذهَبُ اللّهُ بِما فِى بُطُونِهِم مِن أَذًى . (1)6797.الإمام علىّ علیه السلام (فى خُطبَتِهِ) تفسير الطّبرى عن قتاده فِى قَولِهِ تَعالى : «وَ جَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ » (2) : ثِمارُهُم [أى أَهلِ الجَنَّهِ]دانِيَهٌ ، لا يَرُدُّ أيدِيَهُم عَنهُ بُعدٌ وَلا شَوكٌ ، ذكر لنا أَنَّ نَبِىَ اللّهِ صلى الله عليه و آله قالَ : وَالَّذِى نَفسِى بِيَدِهِ لا يَقطَعُ رَجُلٌ ثَمَرَهً مِنَ الجَنَّهِ فَتَصِلَ إِلى فِيهِ حَتَّى يُبَدِّلَ اللّهُ مَكانَها خَيرا مِنها . (3)6796.رسول اللّه صلى الله علیه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا يَنزِعُ رَجُلٌ مِن أَهلِ الجَنَّهِ مِن ثَمَرِها شَيئا إِلّا أَخلَفَ اللّهُ مَكانَها مِثلَها . (4)4 / 13فُرُشُ الجَنَّهِالكتاب«وَ فُرُشٍ مَّرْفُوعَهٍ ». (5)

«مُتَّكِئِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَ جَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ * فَبِأَىِّ ءَالَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ». (6)

.

1- .المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص 43 ح 35 ، الدرّ المنثور : ج 7 ص 716 نقلاً عن الحارث بن أبى أُسامه وابن مردويه ، كنز العمّال : ج 14 ص 647 ح 39775.
2- .الرحمن : 54 .
3- .تفسير الطبرى : ج 13 الجزء 27 ص 149 ، الدرّ المنثور : ج 7 ص 710 نقلاً عن عبد بن حميد.
4- .المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 497 ح 8390 ، تفسير الثعلبى : ج 8 ص 344 ، الدرّ المنثور : ج 1 ص 97 نقلاً عن البزّار وفيهما «مثلاها» بدل «مثلها» وكلّها عن ثوبان .
5- .الواقعه : 34.
6- .الرحمن : 54 55 .

4 / 13 فرش های بهشت

6790.امام علی علیه السلام :المنتخب من مسند عبد بن حمید به نقل از عمر بن خطّاب : جمعی از یهود ، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند : ای محمّد ! آیا در بهشت ، میوه هست ؟

فرمود : «آری . در آن جا میوه و خرمابن و انار هست » .

[یکی از آنان] گفت : آیا همچنان که در دنیا می خورند ، در آن جا هم می خورند ؟ فرمود : «آری ، و چندین برابر» .

گفت : آیا قضای حاجت هم می کنند ؟ فرمود : «نه ؛ بلکه بدنشان عرق و ترشّح می کند و از این طریق ، خداوند ، فضولات شکم آنها را دفع می کند» .6789.امام صادق علیه السلام :تفسیر الطبری به نقل از قتاده ، در باره این سخن خدای بلندمرتبه : « و چیدن میوه آن دو باغ ، در دسترس است» : میوه های اهل بهشت ، به آنها نزدیک است و هیچ فاصله و یا خاری ، مانع دست های آنان از آن میوه ها نمی شود . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «سوگند به آن که جانم در دست اوست ، هر میوه ای که کسی از بهشت می چیند ، هنوز به دهان او نرسیده ، خداوند ، بهتر از آن را جایگزینش می سازد» .6788.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ مردی از بهشتیان ، چیزی از میوه های آن را نمی چیند ، مگر آن که خداوند ، مانندش را جایگزین آن می کند.4 / 13فرش های بهشتقرآن«و فرش هایی گسترده » . (1)

«بر فرش هایی که آستر آنها از ابریشم ستبر است ، تکیه می زنند و چیدن [میوه]آن دو باغ ، در دسترس است . پس ، کدام یک از نعمت های پروردگارتان را منکرید؟».

.

1- .بعضی مترجمان قرآن کریم ، این آیه را چنین ترجمه کرده اند : «و همخوابگانی بلند بالا» . ادامه آیه چنین است : «ما آنان را پدید آورده ایم

پدید آوردنی ، و ایشان را دوشیزه گردانیدیم ، شوی دوستِ همسال ، برای یاران راست» .

الحديث6789.الإمام الصادق عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله فِی قَولِهِ تَعالی : «وَ فُرُشٍ مَّرْفُوعَهٍ » : اِرتِفاعُها لَکَما بَینَ السَّماءِ وَالأَرضِ مَسِیرَهُ خَمسِمِائَهِ سَنَهٍ . (1)6788.عنه علیه السلام :المعجم الکبیر عن أبی امامه :سُئِلَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله عَنِ الفُرُشِ المَرفُوعَهِ فَقالَ : لَو طُرِحَ فِراشٌ مِن أعلاها لَهَوَی إلی قَرارِها مِائَهَ خَرِیفٍ . (2)4 / 14سُرُرُ الجَنَّهِالکتاب«فِیهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَهٌ ». (3)

«هُمْ وَ أَزْوَ جُهُمْ فِی ظِلَلٍ عَلَی الْأَرَائِکِ مُتَّکِئونَ ». (4)

«وَ نَزَعْنَا مَا فِی صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ إِخْوَ نًا عَلَی سُرُرٍ مُّتَقَبِلِینَ ». (5)

الحدیث6780.لقمان (به پسرش) رسول اللّه صلی الله علیه و آله :السُّرُرُ المَرفُوعَهُ عَرضُها فَرسَخٌ فِی طُولِ مِیلٍ فِی السَّماءِ ، عَلَیهِ سَبعُونَ فِراشا کَقَدرِ سَبعِینَ غُرفَهً ، بَعضُها فَوقَ بَعضٍ . (6) .

1- .سنن الترمذی : ج 4 ص 679 ح 2540 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 151 ح 11719 ، صحیح ابن حبّان : ج 16 ص 418 ح 7405 ، تفسیر الطبری : ج 13 الجزء 27 ص 185 کلّها عن أبی سعید الخدری والثلاثه الأخیره نحوه ، کنز العمّال : ج 2 ص 44 ح 3051.
2- .المعجم الکبیر : ج 8 ص 243 ح 7947 ، الدرّ المنثور : ج 8 ص 15 نقلاً عن ابن مردویه ، کنز العمّال : ج 2 ص 45 ح 3052.
3- .الغاشیه : 13.
4- .یس : 56 .
5- .الحجر : 47.
6- .الفردوس : ج 2 ص 344 ح 3558 عن ابن عبّاس ، کنز العمّال : ج 14 ص 651 ح 39781 عن ابن مردویه عن الإمام علیّ علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله نحوه.

4 / 14 تخت های بهشت

حدیث6778.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خدای بلندمرتبه : «و فرش هایی گسترده » : گستردگی آنها به اندازه فاصله آسمان و زمین است ، به مسافت پانصد سال راه.6777.امام علی علیه السلام :المعجم الکبیر به نقل از ابو اُمامه :از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره «فرش های گسترده» سؤال شد . فرمود : «اگر یک فرش از سرِ آن انداخته شود ، بعد از صد پاییز (1) به انتهای آن می رسد ».4 / 14تخت های بهشتقرآن«در آن ، تخت هایی بلند است».

«آنان و همسرانشان در سایه ها بر تخت ها تکیه زده اند».

«و هر کینه ای را از دل هایشان بر می کنیم ؛ برادرانی که بر تخت هایی رو به روی هم اند».

حدیث6777.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :تخت های بلند ، عرضشان یک فرسخ است ، با بلندای یک میل در آسمان و بر روی هر تختی ، هفتاد فرش است به اندازه هفتاد اتاق که بعضی از آنها بر روی هم افتاده اند .

.

1- .کلمه «خریف» که در متن عربیِ حدیث آمده است ، یعنی : پاییز ، سال ، هفتاد سال ، چهل سال.

6776.امام على عليه السلام :الإمام الباقر عليه السلام فِى قَولِهِ تَعالى : «فِى ظِلَلٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِئونَ » : الأَرائِكُ : السُّرُرُ عَلَيها الحِجالُ (1) . (2)4 / 15أَوانِى الجَنَّهالكتاب«يُطَافُ عَلَيْهِم بِصِحَافٍ مِّن ذَهَبٍ وَ أَكْوَابٍ وَ فِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنفُسُ وَ تَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَ أَنتُمْ فِيهَا خَلِدُونَ». (3)

«وَ يُطَافُ عَلَيْهِم بِئانِيَهٍ مِّن فِضَّهٍ وَ أَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرَا * قَوَارِيرَاْ مِن فِضَّهٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا ». (4)

الحديث6773.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن شَرِبَ الخَمرَ فِى الدُّنيا لَم يَشرَبهُ فِى الآخِرَهِ ، وَمَن شَرِبَ فِى آنِيَهِ الذَّهَبِ وَالفِضَّهِ فِى الدُّنيا لَم يَشْرَب بِها فِى الآخِرَهِ . (5)6772.امام صادق عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام :يَنفُذُ البَصَرُ فِى فِضَّهِ الجَنَّهِ كَما يَنفُذُ فِى الزُّجاجِ . (6)راجع : ص 198 (حلىّ أهل الجنّه) .

.

1- .الحِجَال : واحدها الحَجَلَه ؛ بيت كالقبّه يُستر بالثياب وتكون له أزرار كبار (النهايه : ج 1 ص 346 «حجل»).
2- .تفسير القمّى : ج 2 ص 216 عن أبى الجارود ، الاختصاص : ص 357 نحوه ، بحار الأنوار : ج 8 ص 124 ح 21 ؛ تفسير الطبرى : ج 9 الجزء 15 ص 243 ، الزهد لهنّاد : ج 1 ص 79 ح 74 كلاهما عن مجاهد من دون إسناد إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام .
3- .الزخرف : 71.
4- .الإنسان : 15 و 16.
5- .المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 157 ح 7216 ، السنن الكبرى للنسائى : ج 4 ص 195 ح 6869 ، مسند الشاميّين : ج 2 ص 219 ح 1220 نحوه وكلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 15 ص 321 ح 41224.
6- .مجمع البيان : ج 10 ص 621 ، تفسير القمّى : ج 2 ص 399 من دون إسناد إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 8 ص 111.

4 / 15 ظرف های بهشت

6770.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام در باره این سخن خدای بلندمرتبه: «در سایه ها ، بر اریکه ها تکیه زده اند» : اریکه ها ، تخت هایی هستند که بر روی آنها ، حجله نصب شده است .4 / 15ظرف های بهشتقرآن«سینی هایی از طلا و جام هایی ، بر گرد آنان ، گردانده می شود و در آن جا ، آنچه دل ها هوس آن کنند ، و دیدگان را خوش آید [، هست] و شما در آن جاویدانید».

«و ظرف های سیمین و جام های بلورین ، بر گرد آنان ، گردانده می شود ؛ جام هایی از سیم که درست به اندازه ، آنها را از کار در آورده اند».

حدیث6768.الإمام علیّ علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در دنیا باده بنوشد ، در آخرت آن را نخواهد نوشید و هر کس در دنیا در ظرف های زرّین و سیمین بیاشامد ، در آخرت با آنها نخواهد آشامید.6767.امام علی علیه السلام :امام صادق علیه السلام :نگاه ، از [ظروف] نقره بهشت ، چنان عبور می کند که از شیشه عبور می کند .ر . ک : ص 199 (زیورهای بهشتیان) .

.

4 / 16خَدَمُ الجَنَّهالكتاب«وَ يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَ نٌ مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنثُورًا ». (1)

الحديث6765.عنه عليه السلام :مجمع البيان فِى ذَيلِ قَولِهِ تَعالى : «وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَّهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ » (2) : عَنِ الحَسَنِ أَنَّهُ قالَ : قِيلَ : يا رَسُولَ اللّهِ ، اَلخادِمُ كَاللُّؤلُؤِ فَكَيفَ المَخدُومُ؟ فَقالَ : وَالَّذِى نَفسِى بِيَدِهِ ! إِنَّ فَضلَ المَخدُومِ عَلَى الخادِمِ كَفَضلِ القَمَرِ لَيلَةَ البَدرِ عَلَى سائِرِ الكَواكِبِ . (3)6764.الإمام علىّ عليه السلام :الإمام علِىٌّ عليه السلام فِى قَولِهِ تَعالى : «وَ يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَ نٌ مُّخَلَّدُونَ» : إِنَّهُم أَولادُ أَهلِ الدُّنيا ، لَم يَكُن لَهُم حَسَناتٌ فَيُثابُوا عَلَيها ، وَلا سَيِّئاتٌ فَيُعاقَبُوا عَلَيها ، فَأُنزِلُوا هَذِهِ المَنزِلَةَ . (4)4 / 17مَركُوبُ الجَنَّهِ6761.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إِنَّ أَهلَ الجَنَّهِ يَتَزاوَرُونَ عَلَى النَّجائِبِ (5)، بيض كَأَنَّهُنَّ الياقُوتُ ، وَلَيسَ فِى الجَنَّهِ شَىءٌ مِنَ البَهائِمِ إِلّا الإِبِلُ وَالطَّيرُ . (6) .

1- .الإنسان : 19 وراجع : الطور : 24 و الواقعه : 17.
2- .الطور : 24.
3- .مجمع البيان : ج 9 ص 251 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 102 ؛ تفسير الطبرى : ج 13 الجزء 27 ص 29 عن قتاده.
4- .مجمع البيان : ج 9 ص 327 ، تأويل الآيات الظاهره : ج 2 ص 742 ، بحار الأنوار : ج 5 ص 291 ح 5 .
5- .النَجِيْبُ : الفاضل من كلّ حيوان (لسان العرب : ج 1 ص 748 «نجب»).
6- .المعجم الكبير : ج 4 ص 179 ح 4069 عن أبى أيّوب ، الزهد لابن المبارک : ص 551 ح 1579 عن عطاء نحوه ، كنز العمّال : ج 14 ص 475 ح 39324.

4 / 16 خدمتکاران بهشت

4 / 17 مَرکب بهشت

4 / 16خدمتکاران بهشتقرآن«و بر گِرد آنان ، پسرانی جاودانی می گردند . چون آنها را ببینی ، گویی که مرواریدهایی پراکنده اند».

حدیث6758.امام علی علیه السلام :مجمع البیان در ذیل این سخن خدای بلندمرتبه : «برای [خدمتکاری] آنان ، پسرانی اند که بر گِردشان می گردند . گویا مرواریدی اند که [در صدف]نهفته است» : از حسن (1) روایت شده است که : به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفته شد : ای پیامبر خدا ! وقتی خدمتکار به سانِ مروارید است ، پس مخدوم (ارباب) ، چگونه است؟

فرمود : «سوگند به آن که جانم در دست اوست ، برتری مخدوم بر خدمتکار ، همچون برتری ماه شب چهارده بر دیگر ستارگان است» .6757.امام علی علیه السلام :امام علی علیه السلام در باره این سخنِ خدای بلندمرتبه : «و بر گِرد آنان ، پسرانی جاودانه می گردند» : آنان ، فرزندان مردم دنیایند که نه کار نیکی داشته اند تا برای آن ، پاداش داده شوند و نه گناهی کرده اند تا برای آن ، مجازات شوند . از این رو ، این جایگاه به آنها داده شده است.4 / 17مَرکب بهشت6754.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشتیان ، یکدیگر را سوار بر ماده اُشتران نژادِه سفیدی که به یاقوت می مانند ، دیدار می کنند . در بهشت ، حیوانی جز اُشتر و پرنده نیست .

.

1- .منظور ، امام حسن علیه السلام یا حسن بَصْری است .

6759.عنه عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :يَتَزاوَرُ أَهلُ الجَنَّهِ عَلَى نُوقٍ عَلَيها الحَشايا ، فَيَزُورُ أَهلُ عِلِّيِّينَ مَن أَسفَلُ مِنهُم ، وَلا يَزُورُ مَن أَسفَلُ مِنهُم أَهلَ عِلِّيِّينَ إِلَا المُتَحابِّينَ فِى اللّهِ ، فَإِنَّهُم يَتَزاوَرُونَ مِنَ الجَنَّهِ حَيثُ شاؤُوا . (1)6758.الإمام علىّ عليه السلام :سنن الترمذى عن أبى أيّوب :أَتَى النَّبِىَ صلى الله عليه و آله أَعرابِىٌ، فَقالَ : يا رَسُولَ اللّهِ ، إِنِّى أُحِبُّ الخَيلَ، أَفِى الجَنَّهِ خَيلٌ؟ قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إِن أُدخِلتَ الجَنَّهَ أُتِيتَ بِفَرَسٍ مِن ياقُوتَهٍ ، لَهُ جَناحانِ ، فَحُمِلتَ عَلَيهِ ، ثُمَّ طارَ بِکَ حَيثُ شِئتَ . (2)6757.الإمام علىّ عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله لِعَلِىٍ عليه السلام فِى فَضلِ شِيعَتِهِ : إِنَّهُم لَيُخرَجُونَ يَومَ القِيامَهِ مِن قُبُورِهِم وَهُم يَقُولُونَ : لا إِله إِلّا اللّهُ ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّهِ ، عَلِىُ بنُ أَبِى طالِبٍ حُجَّهُ اللّهِ . فَيُؤتَونَ بِحُلَلٍ خُضرٍ مِنَ الجَنَّهِ ، وَأَكالِيلَ (3) مِنَ الجَنَّهِ ، وَتِيجانٍ مِنَ الجَنَّهِ ، وَنَجائِبَ مِنَ الجَنَّهِ ، فَيُبلس كُلَّ واحِدٍ مِنهُم حُلَّهً خَضراءَ ، وَيُوضَعُ عَلى رَأسِهِ تاجُ المُلکِ وَإِکلِيلُ الکَرامَهِ ، ثُمَّ يُرکَبُونَ النَّجائِبَ فَتَطِيرُ بِهِم إِلى الجَنَّهِ . (4)6756.عنه عليه السلام :مسند ابن حنبل عن النّعمان بن سعد :كُنّا جُلُوسا عِندَ عَلِىٍ عليه السلام ، فَقَرَأَ هَذِهِ الآيَهَ : «يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا » (5) قالَ : لا وَاللّهِ ، ما عَلى أَرجُلِهِم يُحشَرُونَ ! وَلا يُحشَرُ الوَفدُ عَلى أَرجُلِهِم ، وَلَكِن بِنُوقٍ لَم يَرَ الخَلائِقُ مِثلَها ، عَلَيها رَحائِلُ (6) مِن ذَهَبٍ ، فَيُرکَبُونَ عَلَيها حَتَّى يَضرِبُوا أَبوابَ الجَنَّهِ . (7) .

1- .المعجم الكبير : ج 8 ص 240 ح 7936 عن أبى اُمامه ، كنز العمّال : ج 9 ص 20 ح 24723.
2- .سنن الترمذى : ج 4 ص 682 ح 2544 ، تهذيب الكمال : ج 30 ص 404 الرقم 6663 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 17 ح 23043 عن بريده ، تفسير الطبرى : ج 13 الجزء 25 ص 97 عن ابن سابط وكلاهما نحوه ، كنز العمّال : ج 14 ص 470 ح 39299 ؛ الغارات : ج 1 ص 242 عن الإمام علىّ عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 33 ص 547 .
3- .الإكْلِيْل : شبه عصابه مُزيّنَه بالجواهر، ويسمّى التاج إكليلاً، والجمع أكاليل (لسان العرب : ج 11 ص 595 «كلل»).
4- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 412 ح 5896 عن زيد بن علىّ عن أبيه الإمام زين العابدين عن آبائه عليهم السلام ، تأويل الآيات الظاهره : ج 1 ص 142 ح 22 عن الإمام زين العابدين عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 68 ص 140 ح 82 .

5- .مريم : 85 .
6- .الرِحَالَهُ : سَرْجٌ من جلودٍ ليس فيه خشب، والجمع : الرحائل (الصحاح : ج 4 ص 1707 «رحل»).
7- .مسند ابن حنبل : ج 1 ص 326 ح 1332 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 609 ح 8688 نحوه ، تفسير ابن كثير : ج 5 ص 259 ، كنز العمّال : ج 2 ص 465 ح 4506 ؛ مجمع البيان : ج 6 ص 820 نحوه.

6755.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشتیان ، سوار بر ماده اُشترانی که بر پشت آنها تُشک نهاده شده است ، به دیدار یکدیگر می روند . بالانشینان بهشت ، به دیدن پایین تر از خود می روند ؛ ولی کسانی که پایین تر از آنهایند ، نمی توانند به دیدار بالانشینان بروند ، مگر آنان که به خاطر خدا ، یکدیگر را دوست می داشته اند . اینان در هر جای بهشت که بخواهند ، یکدیگر را دیدار می کنند.6754.عنه علیه السلام :سنن الترمذی به نقل از ابو ایّوب : بادیه نشینی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! من اسب ، دوست دارم . آیا در بهشت ، اسب هم هست ؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «اگر به بهشت بُرده شوی ، اسبی از یاقوت برایت می آورند که دو بال دارد و تو را بر آن سوار می کنند . آن اسب ، تو را به هر کجا که بخواهی ، پرواز می دهد» .6753.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام در باره مقام شیعیان او : آنان در روز رستاخیز ، در حالی که زبانشان به ذکر «لا إله إلّا اللّه ، محمّدٌ رسولُ اللّه ، علیٌّ بن أبی طالب حجّةُ اللّه » گویاست ، از گورهایشان بیرون می آیند . پس برایشان حلّه های سبز بهشتی و پیشانی بندهای جواهرنشان بهشتی و تاج های بهشتی ، و ماده اُشتران نژاده بهشتی آورده می شود . آن گاه بر تن هر یک از آنان ، حلّه ای سبز می پوشانند و تاج شاهی و پیشانی بندِ بزرگی بر سرش می نهند و سپس بر ماده اُشتران نژاده ، سوارشان می کنند و در بهشت به پرواز در می آیند.6752.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مسند ابن حنبل به نقل از نعمان بن سعد : نزد علی علیه السلام نشسته بودیم که این آیه را خواند : «روزی را [یاد کن]که پرهیزگاران را به سوی [خدای] رحمان ، گروه گروه ، محشور می کنیم» و فرمود : «نه ، به خدا ! آنان ، پیاده محشور نمی شوند . گروه ها پیاده محشور نمی شوند ؛ بلکه سوار بر ماده اُشتران که خلایق ، نظیر آنها را ندیده اند و بر پُشت آنها جهازهایی از طلاست ، محشور می شوند . پس بر اینها نشانده می شوند تا آن که درهای بهشت را می زنند» . .

6751.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الصادق علیه السلام فِی قَولِ اللّهِ تَعالَی : «یَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِینَ إِلَی الرَّحْمَنِ وَفْدًا » : یُحشَرُونَ عَلَی النَّجائِبِ . (1)4 / 18بَهائِمُ الجَنَّهِ6748.امام علی علیه السلام :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :اِستَفرِهوا (2) ضَحایاکُم ، فَإِنَّها مَطایاکُم عَلَی الصِّراطِ . (3)6753.الإمام علیّ علیه السلام :عنه صلی الله علیه و آله :اِستَوصوا بِالمِعزی خَیرا ؛ فَإِنَّها مالٌ رَقیقٌ ، وهُوَ فِی الجَنَّهِ . (4)6752.عنه صلی الله علیه و آله :عنه صلی الله علیه و آله :الشّاهُ مِن دَوابِّ الجَنَّهِ . (5) .

1- .المحاسن : ج 1 ص 287 ح 567 عن حمّاد بن عثمان وغیره ، بحار الأنوار : ج 7 ص 184 ح 34.
2- .استفرِهوا ضحایاکم : أی استکرموها (مجمع البحرین : ج 3 ص 1390 «فره») .
3- .کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 2 ص 213 ح 2190 ، علل الشرائع : ص 438 ح 1 عن موسی بن ابراهیم عن الإمام الکاظم علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله ، بحار الأنوار : ج 7 ص 276 ؛ تفسیر القرطبی : ج 15 ص 111 ، الکشّاف : ج 3 ص 307 وفیهما «استشرفوا» بدل «استفرهوا» ، الفردوس : ج 1 ص 85 ح 268 عن أبی هریره ، کنز العمّال : ج 5 ص 88 ح 12177 .
4- .المعجم الکبیر : ج 11 ص 90 ح 11201 ، تاریخ أصبهان : ج 2 ص 304 الرقم 1806 کلاهما عن ابن عباس ، کنز العمّال : ج 12 ص 326 ح 35235 ؛ عوالی اللآلی : ج 1 ص 64 ح 104 .
5- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 773 ح 2306 ، تفسیر القرطبی : ج 4 ص 35 کلاهما عن ابن عمر ، تاریخ بغداد : ج 7 ص 435 الرقم 4013 عن ابن عباس ، کنز العمّال : ج 12 ص 324 ح 35225 ؛ مکارم الأخلاق : ج 1 ص 280 ح 862 .

6751.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای بلندمرتبه : «روزی را [یاد کن] که پرهیزگاران را به سوی [خدای] رحمان ، گروه گروه ، محشور می کنیم» : سوار بر شترانی نژاده ، وارد محشر می شوند .4 / 18حیوانات بهشت6748.الإمام علیّ علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :قربانی های خود را چاق و چالاک انتخاب کنید ؛ چرا که آنها مرکب های شما برای گذر از صراط اند .6747.امام صادق علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :با بز ، خوش رفتار باشید ؛ چرا که حیوانی ظریف است و جایگاهش بهشت است .6746.امام صادق علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :گوسفند ، از حیوانات بهشت است .

.

6745.امام على عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :خُيولُ الغُزاهِ فِى الدُّنيا خُيولُهُم فِى الجَنَّهِ . (1)6744.امام على عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن بَعيرٍ يوقَفُ عَلَيهِ مَوقِفُ عَرَفَهَ سَبعَ حِجَجٍ ، إلّا جَعَلَهُ اللّهُ مِن نَعَمِ الجَنَّهِ ، وبارَکَ فى نَسلِهِ . (2)6743.امام على علَيه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :إنَّهُ لَيسَ مِن دابَّهٍ عُرِّفَ بِها خَمسَ وَقفاتٍ (3) ، إلّا كانَت مِن نَعَمِ الجَنَّهِ . (4)6742.امام على عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام :أىُّ بَعيرٍ حُجَّ عَلَيهِ ثَلاثَ سِنينَ ، يُجعَلُ مِن نَعَمِ الجَنَّهِ . (5) .

1- .الكافى : ج 5 ص 3 ح 3 عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، ثواب الأعمال : ص 225 ح 4 عن السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، الأمالى للصدوق : ص 673 ح 908 عن اسماعيل بن مسلم السكونى عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام عنه صلى الله عليه و آله ، النوادر للراوندى : ص 121 ح 134 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحارالأنوار : ج 100 ص 9 ح 8 .

2- .ثواب الأعمال : ص 74 ح 1 عن يونس بن يعقوب عن الإمام الصادق عن الإمام زين العابدين عليهماالسلام ، المحاسن : ج 2 ص 479 ح 2662 عن الإمام الصادق عن الإمام زين العابدين عليهماالسلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 46 ص 70 ح 46 .

3- .أى موقف عرفه .

4- .المحاسن : ج 2 ص 479 ح 2663 عن محمّد بن مرازم عن أبيه و ح 2664 عن أحمد بن محمّد بن خالد البرقى ، كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «روى بعضهم وقف بها ثلاث وقفات» بدل «عرف بها خمس وقفات» ، بحار الأنوار : ج 64 ص 207 ح 10 .

5- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 293 ح 2495 ، الخصال : ص 118 ح 102 عن عيسى بن حمزه ، بحار الأنوار : ج 7 ص 276 .

6741.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اسب های جنگجویان در دنیا ، اسب های آنها در بهشت اند .6747.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ شتری نیست که هفت حج در مَوقِف عَرَفه با آن وقوف شود ، مگر این که خداوند ، آن را از چارپایان بهشت می گرداند و به نسل آن ، برکت می دهد .6746.الإمام الصادق علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ چارپایی نیست که با آن ، پنج مرتبه در عرفه وقوف شود ، مگر آن که از چارپایان بهشت خواهد بود
.6745.عنه علیه السلام :امام صادق علیه السلام :هر شتری که سه سال با او به حج بروند ، از چارپایان بهشت قرار داده می شود . .

ص: 184

. .

توضیحی در باره شرط بهشتی شدن مَرکب حج گزار

توضیحی در باره شرط بهشتی شدن مَرکب حج گزاردر احادیثی که ملاحظه شد ، یکی می گوید : شتری که هفت بار با آن حج انجام شود ، در شمار حیوانات بهشتی خواهد بود ، دیگری می گوید : شتری که سه بار با آن حج انجام گردد ، از حیوانات بهشتی می گردد و در حدیث سوم ، هر حیوانی که پنج بار با آن حج شود ، از حیوانات بهشتی دانسته شده است . گفتنی است که از نظر سند ، تنها حدیث سوم ، صحیح است . از این رو ، حدیث اول و دوم نمی توانند معارض آن محسوب شوند ؛ ولی اگر فرض کنیم که هر سه حدیث از اهل بیت علیهم السلام صادر شده باشند ، برای جمع میان آنها ، این گونه می توان گفت که همه چارپایانی که پنج بار مَرکب حُجّاج واقع شوند ، بهشتی می گردند ؛ امّا شتر ، این خصوصیت را دارد که با سه بار مرکب شدن در سفر حج ، بهشتی می گردد و اگر شتری هفت بار در سفر حج ، مرکب قرار گیرد ، علاوه بر این که خودش بهشتی می گردد ، نسلش هم برکت می یابد . بررسی بنیادی در باره حشر حیوانات ، در مبحث معاد ، خواهد آمد ، إن شاء اللّه !

.

4 / 19أَسواقُ الجَنَّهِ6740.امام علی علیه السلام :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :إِنَّ فِی الجَنَّهِ لَسُوقا یَأتُونَها کُلَّ جُمُعَهٍ، فَتهُبُّ رِیحُ الشِّمالِ، فَتَحْثُو فِی وُجُوهِهِمْ وَثِیَابِهِمْ، فَیَزْدادُونَ حُسْنا وَجَمالاً، فَیَرْجِعُونَ إِلی أَهْلیهِمْ وَقَدِ ازْدَادُوا حُسْنا وَجَمالاً، فَیَقُولُ لَهُمْ أَهْلُوهُمْ : وَاللّهِ لَقَدِ ازْدَدْتُمْ بَعْدَنَا حُسْنا وَجَمالاً ! فَیَقُولُونَ : وَأَنْتُمْ وَاللّهِ لَقَدِ ازْدَدْتُمْ بَعْدَنا حُسْنا وَجَمالاً .

(1)6739.امام صادق علیه السلام :عنه صلی الله علیه و آله :إِنَّ فِی الجَنَّهِ سُوقا ما فِیها بَیعٌ وَلا شِراءٌ، إِلّا الصُّوَرُ مِن النِّساءِ وَالرِّجالِ ، فَإِذا اشتَهی الرَّجُلُ ، صُورَهً دَخَلَ فِیها، وَإِنَّ فِیها لَمَجْمَعا لِلحُورِ العِینِ ، یَرفَعنَ أَصواتا لَم یَرَ الخَلائِقُ مِثلَها، یَقُلنَ : «نَحنُ الخالِداتُ فَلا نَبِیدُ ، وَنَحْنُ الرّاضِیاتُ فَلا نَسخَطُ ، وَنَحنُ النّاعِماتُ فَلا نَبأَسُ ، فَطُوبی لِمَن کانَ لنا وَکُنّا لَهُ » .

(2)6738.فاطمه علیهاالسلام :عنه صلی الله علیه و آله :إِنَّ فِی الجَنَّهِ أَسواقا، لا شِراءَ فِیها وَلا بَیعَ ، یَجتَمِعُونَ فِیها حَلَقا حَلَقا ، یَتَذاکَرُونَ کَیفَ کانَتِ الدُّنیا ، وَکَیفَ کانَت عِبادَهُ الرَّبِّ ، وَکَیفَ کانَ فُقَراءُ الدُّنیا وَأَغنِیاؤُها ، وَکَیفَ کانَ المَوتُ ، وَکَیفَ صِرنا بَعدَ طُولِ البِلی (3) إِلَی الجَنَّهِ ! (4) .

1- .صحیح مسلم : ج 4 ص 2178 ح 13 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 567 ح 14037 ، تاریخ دمشق ج 41 ص 327 ح 8288 کلّها عن أنس ، کنز العمّال : ج 14 ص 478 ح 39336.

2- .مسند ابن حنبل : ج 1 ص 329 ح 1342 ، الزهد لابن المبارک : ص 523 ح 1487 کلاهما عن النعمان بن سعد ، الفردوس : ج 1 ص 219 ح 838 ولیس فیه ذیله ، «وإنّ فیها لمجمعا ...» وکلّها عن الإمام علیّ علیه السلام ، کنز العمّال : ج 16 ص 96 ح 44052 ؛ جامع الأخبار : ص 494 ح 1374 عن الإمام علیّ علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله ، بحار الأنوار : ج 8 ص 148 ح 76.

3- .البِلَی : بَلِیَ الشیء بِلیً وهو بالٍ، والبلاء لغه فی البِلی (المحیط فی اللغه : ج 10 ص 353 «بلی»).

4- .تنبیه الغافلین : ص 83 ح 70.

4 / 19بازارهای بهشت6739.الإمام الصادق علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در بهشت ، بازاری است که هر جمعه به آن جا می روند . آن گاه باد شمال ، وزیدن می گیرد و بر چهره ها و جامه های آنان می خورد و بر زیبایی و جمالشان افزوده می شود ، و چون زیباتر و قشنگ تر از گذشته به نزد خانواده های خویش باز می گردند ، خانواده شان به آنها می گویند : «به خدا که بعد از [رفتن از نزد]ما ، زیباتر و قشنگ تر شده اید ! » و آنها می گویند : به خدا که شما هم بعد از رفتن ما قشنگ تر و زیباتر شده اید !6738.فاطمه علیهاالسلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در بهشت ، بازاری است که در آن ، خرید و فروشی نیست ؛ بلکه تمثال هایی از زنان و مردان است و هر گاه مردْ تمثالی بخواهد ، به آن بازار می رود . در آن جا انجمنی از حور العین است که خلایق ، نظیر آنها را ندیده اند که فریاد می زنند و می گویند : «ما جاودانگانی هستیم که هرگز از بین نمی رویم . ما هماره خوش حالیم و هرگز ناراحت نمی شویم . ما نازپروردگانی هستیم که هرگز گرد بینوایی بر ما نمی نشیند . پس خوشا به حال کسی که از آنِ ما باشد و ما از آنِ او باشیم ! ».6737.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در بهشت ، بازارهایی است ، امّا نه برای خرید و فروش ؛ بلکه بهشتیان در آنها گروه گروه گرد هم می نشینند و با یکدیگر سخن می گویند ، از این که دنیا چگونه بود و چگونه پروردگار را عبادت می کردند و تهی دستان و توانگران دنیا ، چگونه بودند و مُردن چگونه بود و چگونه بعد از آن که مدّت ها بدنشان پوسیده شده بود ، به بهشت آمدند.

.

4 / 20طَعامُ أَهلِ الجَنَّهالكتاب«مَّثَلُ الْجَنَّهِ الَّتِى وُعِدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَرُ أُكُلُهَا دَائِمٌ وَ ظِلُّهَا تِلْکَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَواْ وَّ عُقْبَى الْكَفِرِينَ النَّارُ ». (1)

الحديث6734.الإمام الباقر والإمام الصادق عليهماالسلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إِنَّکَ لَتَنظُرُ إلى الطَّائِرِ فِى الجَنَّهِ فَتَشتَهِيهِ ، فَيَخِرُّ مَشوِيّا بَينَ يَدَيکَ . (2)6733.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ الرَّجُلَ لَيَشتَهِى الطَّيرَ فِى الجَنَّهِ فَيَجِىءُ مِثلَ البُختِىِ (3) حَتَّى يَقَعَ عَلَى خِوانِهِ ، لَم يُصِبهُ دُخانٌ ، وَلَم تَمَسَّهُ نارٌ ، فَيَأكُلُ مِنهُ حَتَّى يَشبَعَ ، ثُمَّ يَطِيرُ . (4)6732.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :أَمّا أَوَّلُ طَعامٍ يَأكُلُهُ أَهلُ الجَنَّهِ فَزِيادَهُ كَبِدِ الحُوتِ . (5)6731.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :صحيح مسلم عن جابر عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إِنَّ أَهلَ الجَنَّهِ يَأكُلُونَ فِيها وَيَشرَبُونَ ، وَلا يَتفِلُونَ (6)

وَلا يَبُولُونَ وَلا يَتَغَوَّطُونَ وَلا يَمتَخِطُونَ .

قالُوا : فَما بالُ الطَّعامِ؟ قالَ : جُشاءٌ (7) وَرَشحٌ كَرَشحِ المِسكِ ، يُلهَمُونَ التَّسبِيحَ وَالتَّحمِيدَ ، كَما تُلهَمُونَ النَّفَسَ . (8) .

1- .الرعد : 35.
2- .الزهد لابن المبارک : ص 510 ح 1452 ، البعث والنشور : ص 206 ح 318 ، مسند البزّار : ج 5 ص 401 ح 2032 وفيه «فيجىء» بدل «فيخرّ» ، الدرّ المنثور : ج 7 ص 391 نقلاً عن ابن أبى الدنيا وابن المنذر وكلّها عن ابن مسعود.
3- .البُخْتىّ : الذَّكَرُ من الجمال وهى طوال الأعناق (النهايه : ج 1 ص 101 «بخت»).
4- .الدرّ المنثور : ج 7 ص 391 نقلاً عن ابن أبى الدنيا عن ميمونه.
5- .صحيح البخارى : ج 3 ص 1433 ح 3723 ، مسند الطيالسى : ص 273 ح 2051 ، حليه الأولياء : ج 6 ص 252 كلّها عن أنس ، المعجم الكبير : ج 8 ص 322 ح 8208 عن طارق بن شهاب نحوه ، كنز العمّال : ج 14 ص 471 ح 39303 ؛ علل الشرائع : ص 95 ح 3 عن أنس ، الاحتجاج : ج 1 ص 114 عن ثوبان ، المناقب لابن شهرآشوب : ج 4 ص 355 عن أبى إسحاق

الموصلى عن الإمام الرضا عليه السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 9 ص 293 ح 4.
6- .تَفَلَ : بَصَقَ، والتَفْلُ والتُفال : البصاق (لسان العرب : ج 11 ص 77 «تفل»).
7- .التَجَشَّؤ : تنفّس المعده عند الامتلاء، تجشّأت : تنفّسَت، والاسم الجُشاء (لسان العرب : ج 1 ص 48 «جشأ»).
8- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2180 ح 2835 ، مسند ابن حنبل : ج 5 ص 55 ح 14408 ، سنن الدارمى : ج 2 ص 792 ح 2723 ، تاريخ بغداد : ج 13 ص 197 الرقم 7175 كلّها نحوه ، كنز العمّال : ج 14 ص 469 ح 39294 .

4 / 20خوراک بهشتیانقرآن«وصف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده ، [این است که] از زیر [درختان]آن نهرها روان اند [و] میوه و سایه اش پایدار است . این است فرجام کسانی که پرهیزگاری کرده اند و فرجام کافران ، آتش است».

حدیث6732.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در بهشت ، پرنده ای را می بینی و هوس آن می کنی . بلافاصله برشته شده در برابرت می افتد !6731.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :انسان در بهشت ، هوس [گوشت] پرنده ای می کند . آن پرنده به سرعتِ شتر خراسانی (1) می آید و بر سفره او می افتد ، بدون آن که دود و آتشی به آن رسیده باشد . او از آن می خورد و چون سیر شد ، دوباره آن پرنده پرواز می کند !6730.الأمالی للمفید عن سلمان الفارسی :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نخستین غذایی که بهشتیان می خورند ، زیاده جگر ماهی است.6729.عنه صلی الله علیه و آله (لِعَلِیٍّ علیه السلام) صحیح مسلم به نقل از جابر : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «بهشتیان ، در بهشت می خورند و می نوشند ؛ ولی نه آب دهان می اندازند ، نه ادرار و نه مدفوع می کنند و نه ترشّحات بینی دارند» .

گفتند : پس غذا چه می شود؟

فرمود : «آروغ می شود و تراوشی مانند تراوش مُشک . به آنها تسبیح و تحمید الهام می شود ، همان گونه که نفَس به آنها داده می شود» .

.

1- .شترانی نر با گردنی بلند و سرعت زیاد .

6728.عنه صلى الله عليه و آله (لِعَلِيٍّ عليه السلام) رسول اللّه صلى الله عليه و آله لَمّا سَأَلَهُ عبدُ اللّهِ بنُ سَلام : أخبِرنِى عَن أهلِ الجَنَّهِ يَأكُلُونَ وَيَشرَبُونَ وَلا يَتَغَوَّطُونَ وَلا يَبُولُونَ؟ : نَعَم يَابنَ سَلام ، مَثَلُهُم فِى الدُّنيا كَمَثَلِ الجَنِينِ فِى بَطنِ أُمِّهِ ، يَأكُلُ مِمّا تَأكُلُ أُمُّهُ ، وَيَشْرَبُ مِمّا تَشرَبُهُ ، وَلا يَبُولُ وَلا يَتَغَوَّطُ ، وَلَو راثَ فِى بَطنِها وَبالَ لَانشَقَّ بَطنُها . (1)6727.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام الباقر عليه السلام لَمّا سَأَلَهُ النَّصرانِىُ : أخبِرنِى عَن أهلِ الجَنَّهِ كَيفَ صارُوا يَأكُلُونَ وَلا يَتَغَوَّطُون ، أعطِنِى مَثَلَهُم فِى الدُّنيا؟ : هَذا الجَنِينُ فِى بَطنِ أُمِّهِ ، يَأكُلُ مِمّا تَأكُلُ أُمُّهُ وَلا يَتَغَوَّطُ ! (2)4 / 21شَرابُ أهلِ الجَنَّهِالكتاب«يُطَافُ عَلَيْهِم بِكَأسٍ مِّن مَّعِينٍ * بَيْضَاءَ لَذَّهٍ لِّلشَّرِبِينَ * لَا فِيهَا غَوْلٌ وَ لَا هُمْ عَنْهَا يُنزَفُونَ». (3)

«وَ يُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنجَبِيلاً». (4)

«وَ سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا». (5)

«إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِن كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا». (6)

.

1- .بحار الأنوار : ج 60 ص 255 نقلاً عن بعض الكتب القديمه عن ابن عبّاس .
2- .الكافى : ج 8 ص 123 ح 94 ، تفسير القمّى : ج 1 ص 99 كلاهما عن عمر بن عبد اللّه الثقفى ، بحار الأنوار : ج 60 ص 255 وراجع : الخرائج والجرائح : ج 1 ص 292 ح 25.
3- .الصافّات : 45 47.
4- .الإنسان : 17.
5- .الإنسان : 21.
6- .الإنسان : 5 .

6726.الإمام الصادق علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ این سؤال عبد اللّه بن سلام که : به من خبر دهید که اهل بهشت ، چگونه می خورند و می آشامند ؛ امّا مدفوع و ادرار ، دفع نمی کنند : آری ، ای پسر سلام ! نمونه آنها در دنیا ، جنین در شکم مادرش است که از آنچه مادرش می خورد و می آشامد ، او هم می خورد و می آشامد ؛ امّا ادرار و مدفوع نمی کند ، که اگر در شکم مادرش ادرار و مدفوع می کرد ، شکم مادرش پاره می شد.6725.عنه علیه السلام :امام باقر علیه السلام در پاسخ این پرسش نصرانی که گفت :به من بگو که چگونه اهل بهشت ، با آن که غذا می خورند ، چیزی دفع نمی کنند . نمونه آنها را در دنیا برایم باز گو : این جنینی که در شکم مادرش است . از غذایی که مادرش می خورد ، او هم می خورد ؛ امّا مدفوع نمی کند .4 / 21نوشیدنی بهشتیانقرآن«جامی از باده ناب ، بر گردشان گردانده می شود ؛ [باده ای]سخت سپید که به نوشندگان ، لذّتی [خاص] می دهد . نه در آن ، فساد عقل است و نه ایشان از آن به بدمستی می افتند».

«و در آن جا از جامی که آمیزه زنجبیل دارد ، به آنها می نوشانند».

«و پروردگارشان شرابی پاک کننده به آنان می نوشاند».

«همانا نیکان از جامی می نوشند که آمیزه ای از کافور دارد».

.

الحديث6716.امام صادق عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله فِى قَولِهِ تَعالَى : «وَ مِزَاجُهُو مِن تَسْنِيمٍ» (1) : هُوَ أَشرَفُ شَرابٍ فِى الجَنَّهِ يَشرَبُهُ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ ، وَهُمُ المُقَرَّبُونَ السَّابِقُونَ : رسولُ اللّهِ وَعَلِيُ بنُ أَبِى طالِبٍ وَالأَئِمَّهُ وَفاطِمَهُ وَخَدِيجَهُ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِم وَعَلى ذُرِّيَّتِهُمُ الَّذِين اتَّبَعُوهُم بِإِيمانٍ يَتَسَنَّمُ عَلَيهِم مِن أَعالِى دُورِهِم . (2)6715.امام على عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ عَلِيّا أَوَّلُ مَن يَشرَبُ مِنَ السَّلسَبِيلِ وَالزَّنجَبِيلِ ... وَإِنَّ لِعَلِيٍ وَشِيعَتِهِ مِنَ اللّهِ مَكانا يَغبِطُهُ بِهِ الأَوَّلُونَ وَالآخِرُونَ . (3)6714.امام على عليه السلام :علل الشرائع عن عبد اللّه بن مرّه عن ثوبان :إِنَّ يَهُودِيّا جاءَ إِلَى النَّبِى صلى الله عليه و آله فَقالَ لَهُ : يا مُحَمَّدُ ، أَسأَلُکَ فَتُخبِرُنِى ! فَرَكَزَهُ (4) ثَوبانُ بِرِجلِهِ وَقالَ لَهُ : قُل يا رَسُولَ اللّهِ ! فَقالَ : لا أَدعُوهُ إِلّا بِما سَمّاهُ أَهلُهُ . فَقالَ : أَرَأَيتَ قولَهُ عز و جل : «يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَ السَّمَوَ تُ» (5) أَينَ النّاسُ يَومَئِذٍ؟ قالَ : فِى الظُّلَمَهِ دُونَ المَحشَرِ ، قالَ : فَما أَوَّلُ ما يَأكُلُ أَهلُ الجَنَّهِ إِذا دَخَلُوها؟ قالَ : كَبِدُ الحُوتِ ، قالَ : فَما شَرابُهُم عَلى أَثَرِ ذَلِکَ؟ قالَ : السَّلسَبِيلُ . قالَ : صَدَقتَ . (6) .

1- .المطفّفين : 27.
2- .تأويل الآيات الظاهره : ج 2 ص 777 ح 10 عن أبى حمزه عن الإمام الباقر عن أبيه عليهماالسلام عن جابر ، بحار الأنوار : ج 8 ص 150 ح 85 وراجع : تفسير القمّى : ج 2 ص 411 .
3- .الخصال : ص 583 ح 7 ، الأمالى للصدوق : ص 756 ح 1019 وفيه «مقاما يغبطهم» بدل «مكانا يغبطه» وكلاهما عن ابن عبّاس ، المناقب لابن شهرآشوب : ج 3 ص 232 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 3 ح 2.
4- .كذا فى المصدر ، وفى الاحتجاج : «فركضه». وأصل الرَّكض : الضرب بالرجل والإصابه بها (النهايه : ج 2 ص 259 «ركض»).
5- .إبراهيم : 48.
6- .علل الشرائع : ص 96 ح 5 ، الاحتجاج : ج 1 ص 114 ح 30 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 173 ح 119.

حدیث6718.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خدای بلندمرتبه : «و آمیزه اش از تسنیم است» : آن ، بهترین نوشیدنی بهشت است و محمّد و خاندان محمّد ، آن را می آشامند و ایشان اند آن مقرّبانِ پیشتاز : پیامبر خدا و علی بن ابی طالب و امامان و فاطمه و خدیجه که درودهای خدا بر ایشان باد و بر فرزندان ایشان که با ایمان از آنان پیروی کردند این نوشیدنی ، از فراز خانه شان برایشان فرو می ریزد.6717.الإمام الکاظم علیه السلام (فی بَیانِ جُنودِ العَقلِ وَالجَهلِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :علی ، نخستین کسی است که از سلسبیل و زنجبیل می نوشد ... . علی و شیعیان او ، چنان مقامی در نزد خداوند دارند که همه جهانیان بر آن غبطه می خورند.6716.الإمام الصادق علیه السلام :علل الشرائع به نقل از عبد اللّه بن مُرّه : مردی یهودی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای محمّد ! پرسش هایی از تو دارم . پاسخ آنها را به من بگو .

ثوبان با پایش بر او زد و گفت : بگو : ای پیامبر خدا !

یهودی گفت : من او را جز با همان نامی که خانواده اش بر او نهاده اند ، نمی خوانم .

آن گاه گفت : خداوند عز و جل گفته است : «روزی که زمین به غیر این زمین ، و آسمان ها [به غیر این آسمان ها] تبدیل می شوند» ، در آن روز ، مردم کجایند ؟

فرمود : «در تاریکیِ پیش از محشر » .

گفت : نخستین چیزی که اهل بهشت پس از ورود به آن می خورند ، چیست؟

فرمود : «کبد ماهی » .

گفت : در پی آن ، چه می نوشند؟

فرمود : «سلسبیل » .

گفت : درست گفتی. .

6715.عنه عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :سَيِّدُ شَرابِ الجَنَّهِ الماءُ . (1)6714.الإمام علىّ عليه السلام :الإمام الباقر عليه السلام :تَسنِيمٌ أشرَفُ شَرابٍ فِي الجَنَّهِ ، يَشرَبُهُ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ صِرفا ، وَيُمزَجُ لِأصحابِ اليَمِينِ وَلِسائِرِ أهلِ الجَنَّهِ . (2)6713.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام فى تَفسِيرِ قَولِهِ تَعالى : «وَ سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا» : يُطَهِّرُهُم عَن كُلِّ شَىءٍ سِوىَ اللّهِ ، إذ لا طاهِرَ مِن تَدَنُّسٍ بِشَىءٍ مِنَ الأكوانِ إلّا اللّهُ . (3)4 / 22ثيابُ أهلِ الجَنَّهالكتاب«جَنَّتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ وَ لُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ». (4)

«عَلِيَهُمْ ثِيَابُ سُندُسٍ خُضْرٌ وَ إِسْتَبْرَقٌ وَ حُلُّواْ أَسَاوِرَ مِن فِضَّهٍ». (5)

«إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ الصَّلِحَتِ جَنَّتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَرُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ وَ لُؤْلُؤًا وَ لِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ». (6)

.

1- .الكافى : ج 6 ص 380 ح 4 ، المحاسن : ج 2 ص 395 ح 2378 كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 336 ح 1082 عن الإمام الصادق عليه السلام ، كامل الزيارات : ص 106 ح 99 عن عيسى بن عبد اللّه بن محمّد بن عمر بن علىّ بن أبى طالب عن أبيه عن جدّه عن الإمام علىّ عليه السلام وفيه «الماء سيّد شراب الدنيا والآخره» ، بحار الأنوار : ج 66 ص 454 ح 32.
2- .تأويل الآيات الظاهره : ج 2 ص 779 ح 12 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 150 ح 86 .
3- .مجمع البيان : ج 10 ص 623 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 113.
4- .فاطر : 33.
5- .الإنسان : 21.
6- .الحجّ : 23.

6710.الإمام الباقر علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهترین نوشیدنی بهشت ، آب است.6709.امام زین العابدین علیه السلام :امام باقر علیه السلام :تسنیم ، عالی ترین نوشیدنی بهشت است . محمّد و خاندان محمّد ، خالص آن را می آشامند و برای دست راستی ها و دیگر بهشتیان ، آمیخته می شود.6708.امام علی علیه السلام :امام صادق علیه السلام در تفسیر این سخن خدای بلندمرتبه : «و پروردگارشان به آنان نوشیدنیِ پاک کننده می نوشاند» : آنان را از هر چیزی جز خدا پاک [و خالص]می گرداند ؛ زیرا جز خدا هیچ موجودی نیست که از آلودگی به چیزی از طبایع ، پاک باشد.4 / 22جامه های بهشتیانقرآن«باغ هایی جاویدان که بهشتیان وارد آنها می شوند و در آن جا به دستبندهایی از طلا و مروارید ، آراسته می شوند و لباسشان در آن جا پرنیان است».

«بهشتیان را جامه های ابریشمیِ سبز و دیبای ستبر ، در بَر است و زیور آنان ، دستبندهای سیمین است».

«خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند ، در باغ هایی که در آنها جویبارها روان است ، در می آورد . در آن جا با دستبندهایی از طلا و مروارید ، آراسته می شوند و لباسشان در آن جا از پرنیان است».

.

الحديث6708.عنه عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن لَبِسَ الحَرِيرَ فِى الدُّنيا فَلَن يَلبَسهُ فِى الآخِرَهِ . (1)6707.عنه عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :لَو أَنَّ ثَوبا مِن ثِيابِ أَهلِ الجَنَّهِ نُشِرَ اليَومَ فِى الدُّنيا لَصَعِقَ مَن يَنظُرُ إِلَيهِ وَما حَمَلَتهُ أَبصارُهُم ! (2)6706.عنه عليه السلام :مسند ابن حنبل عن عبد اللّه بن عمرو بن العاص :قامَ رَجُلٌ فَقالَ : يا رَسُولَ اللّهِ ! أَرَأيتَ ثِيابَ أَهلِ الجَنَّهِ ، أَتُنسَجُ نَسجا أَم تَشَقَّقُ مِن ثَمَرِ الجَنَّهِ؟ قالَ : فَكَأَنَّ القَومَ تَعَجَّبُوا مِن مَسأَلَهِ الأَعرابِى ! فَقالَ : ما تَعجَبُونَ مِن جاهِلٍ يَسأَلُ عالِما ! قالَ : فَسَكَتَ هُنَيَّهً ، ثُمَّ قالَ : أَينَ السّائِلُ عَن ثِيابِ الجَنَّهِ؟ قالَ : أَنا. قالَ : لا ، بَل تَشَقَّقُ مِن ثَمَرِ الجَنَّهِ . (3)6705.عنه عليه السلام :المعجم الأوسط عن جابر :جاءَ أَعرابِىٌّ إِلى رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَقالَ : يا رَسُولَ اللّهِ ، ثِيابُنا فِى الجَنَّهِ نَنسَجُها بِأَيدِينا ؟ قالَ : فَضَحِكَ القَومُ ، فَقالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : بِمَ تَضحَكُونَ ؟ مِن جاهِلٍ يَسأَلُ عالِما ؟ لا يا أَعرابِىُّ ، وَلَكِنَّها تَشَقَّقُ عَنها ثَمَراتُ الجَنَّهِ . (4) .

1- .صحيح البخارى : ج 5 ص 2194 ح 5494 ، صحيح مسلم : ج 3 ص 1645 ح 21 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1187 ح 3588 ، صحيح ابن حبّان : ج 12 ص 252 ح 5435 كلّها عن أنس ، سنن الترمذى : ج 5 ص 122 ح 2817 عن عمر ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 157 ح 7216 عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 15 ص 321 ح 41224 .

2- .الأمالى للطوسى : ص 533 ح 1162 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 371 ح 2661 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 58 ، أعلام الدين : ص 196 كلّها عن أبى ذرّ ، عدّه الداعى : ص 99 نحوه ، بحار الأنوار : ج 8 ص 191 ح 168 .

3- .مسند ابن حنبل : ج 2 ص 647 ح 6907 ، السنن الكبرى للنسائى : ج 3 ص 441 ح 5872 ، التاريخ الكبير : ج 3 ص 112 ، تفسير القرطبى : ج 10 ص 397 كلّها نحوه ، كنز العمّال : ج 14 ص 492 ح 39390.

4- .المعجم الأوسط : ج 2 ص 354 ح 2213 ، المعجم الصغير : ج 1 ص 47 ، مسند أبى يعلى : ج 2 ص 398 ح 2042 ، الزهد لابن المبارک (الملحقات) : ص 75 ح 264 نحوه ، المطالب العاليه : ج 4 ص 402 ح 4682 .

حدیث6703.الإمام علیّ علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی که در دنیا پرنیان بپوشد ، در آخرت هرگز آن را نخواهد پوشید.6702.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر امروز جامه ای از جامه های بهشتیان در دنیا باز شود ، کسانی که آن را ببینند ، از هوش می روند و چشمانشان دیدن آن را تاب نمی آورد .6701.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (به علی علیه السلام) مسند ابن حنبل به نقل از عبد اللّه بن عمرو بن عاص : مردی برخاست و گفت : ای پیامبر خدا ! آیا جامه های اهل بهشت ، بافتنی اند یا از میوه های بهشت ، پدید می آیند ؟

گویا حاضران از سؤال مرد بادیه نشین تعجّب کردند . پس گفت : گویا از نادانی که سؤال عالمانه می کند ، تعجّب نمودید !

پیامبر صلی الله علیه و آله اندکی سکوت کرد و سپس فرمود : «کجاست آن که از جامه های بهشت پرسید؟» .

مرد گفت : منم .

فرمود : «نه ؛ بلکه از میوه های بهشت ، پدید می آیند» .6700.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :المعجم الأوسط به نقل از جابر : بادیه نشینی خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! جامه هایمان را در بهشت با دست خود می بافیم؟

حاضران خندیدند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «به چه می خندید؟ از نادانی که عالمانه می پرسد؟ نه ای اعرابی ؛ بلکه از آن جامه ها میوه های بهشت ، ساخته می شوند» . .

6699.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مسند ابن حنبل عن أبی سعید الخدری عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله :طُوبی لِمَن رَآنِی وَآمَنَ بِی ، ثُمَّ طُوبی ثُمَّ طُوبی ثُمَّ طُوبی لِمَن آمَنَ بِی وَلَم یَرَنِی . قِالَ لَهُ رَجُلٌ : وَما طُوبی؟ قالَ : شَجَرَهٌ فِی الجَنَّهِ مَسِیرَهَ مِئَهِ عامٍ ، ثِیابُ أَهلِ الجَنَّهِ تَخرُجُ مِن أَکمامِها . (1)6698.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الصادق علیه السلام فِی قَولِهِ تَعالَی : «عَلِیَهُمْ ثِیَابُ سُندُسٍ» : تَعلُوهُمُ الثِّیابُ فَیَلبَسُونَها . (2)4 / 23حُلیُّ أَهلِ الجَنَّهِالکتاب«أُوْلَائِکَ لَهُمْ جَنَّتُ عَدْنٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهِمُ الْأَنْهَرُ یُحَلَّوْنَ فِیهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ وَ یَلْبَسُونَ ثِیَابًا خُضْرًا مِّن سُندُسٍ وَ إِسْتَبْرَقٍ مُّتَّکِئِینَ فِیهَا عَلَی الْأَرَائِکِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا». (3)

الحدیث6686.الإمام الصادق علیه السلام :رسول اللّه صلی الله علیه و آله فِی وَصفِ أَهلِ الجَنَّهِ : إِنَّ عَلَیهِمُ التِّیجانَ ، إِنَّ أَدنَی لُؤلُؤَهٍ مِنها لَتُضِیءُ ما بَینَ المَشرِقِ وَالمَغرِبِ . (4) .

1- .مسند ابن حنبل : ج 4 ص 141 ح 11673 ، صحیح ابن حبّان : ج 16 ص 429 ح 7413 ، تفسیر الطبری : ج 8 الجزء 13 ص 149 ولیس فیهما صدره إلی «لم یرنی» ، مسند أبی یعلی : ج 2 ص 129 ح 1369 ، تاریخ بغداد : ج 4 ص 91 ، تفسیر ابن کثیر : ج 4 ص 377 ، کنز العمّال : ج 11 ص 535 ح 32500.
2- .مجمع البیان : ج 10 ص 623 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 113.
3- .الکهف : 31.
4- .سنن الترمذی : ج 4 ص 695 ح 2562 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 150 ح 11715 ، صحیح ابن حبّان : ج 16 ص 410 ح 7397 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 2 ص 462 ح 3594 ، مسند أبی یعلی : ج 2 ص 133 ح 1381 ، الزهد لابن المبارک (الملحقات) : ص 68 ح 236 ، تفسیر الطبری : ج 13 الجزء 26 ص 176 کلّها عن أبی سعید الخدری ، کنز العمّال : ج 14 ص 478 ح 39335.

6679.امام علی علیه السلام :مسند ابن حنبل به نقل از ابو سعید خُدری : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «طوبا ، از آنِ کسی باد که مرا دید و به من ایمان آورد ، و طوبا و طوبا و طوبا ، از آنِ کسی باد که مرا ندید و به من ایمان آورد !» .

مردی گفت : طوبا چیست؟

فرمود : «درختی است در بهشت به مسافت صد سال راه ، و جامه های بهشتیان از کاسه گُل های آن بیرون می آیند» .6680.امام علی علیه السلام :امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای بلندمرتبه : «جامه های ابریشمی در بر ایشان است» : این جامه ها بر فراز سر بهشتیان می آیند و بهشتیان ، آنها را می پوشند.4 / 23زیورهای بهشتیانقرآن«آنان اند که بهشت های جاویدان به ایشان اختصاص دارد که در آنها جویبارها روان است . آن جا با دستبندهایی از طلا آراسته می شوند و جامه هایی سبز از پرنیانِ نازک و ابریشمِ ستبر می پوشند . در آن جا بر تخت ها تکیه می زنند . چه خوش پاداشی و چه نیکو تکیه گاهی !».

حدیث6686.امام صادق علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در وصف بهشتیان : بر سر آنان ، تاج هایی است که [درخشش]پست ترین مرواریدِ آنها از مشرق تا مغرب را روشن می سازد.

.

6687.عنه عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :لَو أَنَّ مَا يُقِلُّ ظُفرٌ مِمّا فِى الجَنَّهِ بَدا لَتَزَخرَفَت لَهُ ما بَينَ خَوافِقِ (1) السَّماواتِ وَالأَرضِ ، وَلَو أَنَّ رَجُلاً مِن أَهلِ الجَنَّهِ اطَّلَعَ فَبَدا أَساوِرُهُ لَطَمَسَ ضَوءَ (2) الشَّمسِ كَما تَطمِسُ الشَّمسُ ضَوءَ النُّجُومِ . (3)6688.عنه عليه السلام :تفسير ابن كثير عن أبى امامه :إِنَّ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله حَدَّثَهُم وَذَكَرَ حُلِىَّ أَهلِ الجَنَّهِ ، فَقالَ : مُسَوَّرُونَ بِالذَّهَبِ وَالفِضَّهِ ، مُكَلَّلَهٌ بِالدُّرِّ ، وَعَلَيهِم أَكالِيلُ مِن دُرٍّ وَياقُوتٍ مُتواصِلَهٍ ، وَعَلَيهِم تاجٌ كَتاجِ المُلُوكِ ، شَبابٌ ، جُردٌ ، مُردٌ ، مُكَحَّلُونَ . (4)6689.عنه عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :تَبلُغُ حِلىَهُ أَهلِ الجَنَّهِ مَبلَغَ الوَضُوءِ . (5)6690.عنه عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام :إِنَّ المُؤمِنَ لَيَتَنَعَّمُ بِتَسبِيحِ الحُلِىِّ عَلَيهِ فِى الجَنَّهِ ، فِى كُلِّ مَفصِلٍ مِنَ المُؤمِنِ فِى الجَنَّهِ ثَلاثَهُ أَساوِرَ مِن ذَهَبٍ وَفِضَّهٍ وَلُؤلُؤٍ . (6)4 / 24أزواجُ أَهلِ الجَنَّهِالكتاب«وَ لَهُمْ فِيهَا أَزْوَ جٌ مُّطَهَّرَهٌ». (7)

«إِنَّا أَنشَأْنَهُنَّ إِنشَاءً * فَجَعَلْنَهُنَّ أَبْكَارًا * عُرُبًا أَتْرَابًا». (8)

«فِيهِنَّ قَصِرَ تُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنسٌ قَبْلَهُمْ وَ لَا جَانٌّ». (9)

.

1- .الخافقان : المشرق والمغرب، وقيل : طرفا السماء والأرض (لسان العرب : ج 10 ص 83 «خفق»).
2- .فى الزهد لابن المبارک : «لطمس ضوؤه ضوءَ الشمس» .
3- .سنن الترمذى : ج 4 ص 678 ح 2538 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 357 ح 1449 ، المعجم الأوسط : ج 8 ص 363 ح 8880 ، الزهد لابن المبارک (الملحقات) : ص 126 ح 416 كلّها عن سعد بن أبى وقّاص ، كنز العمّال : ج 14 ص 480 ح 39343.
4- .تفسير ابن كثير : ج 6 ص 537 ، الدرّ المنثور : ج 7 ص 26 كلاهما نقلاً عن ابن أبى حاتم.
5- .صحيح ابن حبّان : ج 3 ص 320 ح 1045 ، مسند أبى يعلى : ج 5 ص 444 ح 6174 ، صحيح مسلم : ج 1 ص 219 ح 40 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 1 ص 74 ح 4 كلاهما نحوه وكلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 14 ص 489 ح 39379.
6- .ربيع الأبرار : ج 4 ص 26 ، إحقاق الحقّ : ج 12 ص 273.

7- .البقره : 25.
8- .الواقعه : 35 37 وراجع : الصافّات : 48 و 49 ، الدّخان : 54 ، الطور : 20 ، الرحمن : 58، 70، 72، 76 ؛ الواقعه : 22 23.
9- .الرحمن : 56 .

6692.الإمام الكاظم عليه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر به اندازه سر ناخنی از آنچه در بهشت است ، [در دنیا]آشکار گردد ، کران تا کران [یا شرق تا غربِ] آسمان ها و زمین از آن مزّین می شود ، و اگر مردی از بهشتیان [به دنیا] سَرَک کشد و دستبندهایش نمایان گردد ، [روشنایی درخششِ آن ،] نور خورشید را محو می سازد ، چنان که خورشید ، نور ستارگان را محو می سازد.6693.الإمام الرضا عليه السلام :تفسیر ابن کثیر به نقل از ابو اُمامه : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای آنان سخن گفت و از زیورهای بهشتیان یاد کرد و فرمود : «دستبندهایشان از زر و سیم و مرواریدنشان است . بر سرهایشان حلقه هایی از دُر و یاقوتِ به هم پیوسته و تاج هایی چون تاج شاهان است . جوانانی هستند با رخسارها و بدن هایی صاف و عاری از مو ، و چشمانی سرمه کشیده» .6694.عنه علیه السلام (فِی الفِقهِ المَنسوبِ إلَیهِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :زیور بهشتیان [در دست هایشان] ، تا جایگاه وضویشان (آرنج) می رسد.6695.الإمام الصادق عليه السلام :امام صادق علیه السلام :مؤمن در بهشت ، از زیورهای تسبیحگو برخوردار است . در هر بندی از [بدن] مؤمن در بهشت ، سه دستبند طلا و نقره و مروارید قرار دارد.4 / 24همسران بهشتیانقرآن«و ایشان را در آن جا ، همسران پاک است».

«ما ایشان را پدید آوردیم پدید آوردنی . پس ایشان را دوشیزه قرار دادیم شوی دوست همسال».

«در آن [باغ ها ، دلبرانی] فروهشته نگاه اند که دست هیچ اِنس و جنّی پیش از ایشان به آنها نرسیده است».

.

الحديث6698.رسول اللّه صلى اللهِ عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله فِى قَولِهِ تَعالى : «وَ لَهُمْ فِيهَا أَزْوَ جٌ مُّطَهَّرَهٌ» قالَ : مِنَ الحَيضِ وَالغائِطِ وَالنُّخامَهِ (1) وَالبُزاقِ . (2)6806.الإمام الحسين عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :خُلِقَ الحُورُ العِينُ مِن تَسبِيحِ المَلائِكَهِ ، فَلَيسَ فِيهِنَّ أَذًى ، قالَ اللّهُ عز و جل : «إِنَّا أَنشَأنَهُنَّ إِنشَاءً * فَجَعَلْنَهُنَّ أَبْكَارًا * عُرُبًا» عَوَاشِقَ لِأَزواجِهِنَّ «أَتْرَابًا» . (3)6807.الإمام زين العابدين عليه السلام (فى دُعائِهِ) عنه صلى اللهِ عليه و آله فِى قَولِهِ تَعالى : «فِيهِنَّ خَيْرَ تٌ حِسَانٌ» (4) : خَيراتُ الأخلاقِ ، حِسانُ الوُجُوهِ . (5)6808.عنه عليه السلام (فى دُعائِهِ) عنه صلى اللهِ عليه و آله فِى قَولِهِ تَعالى : «إِنَّا أَنشَأنَهُنَّ إِنشَاءً» : إِنَّ مِن المُنشَآتِ الَّتِى كُنَّ فِى الدُّنيا عَجائِزَ عُمشا (6) رُمصا . (7) .

1- .النُخَامَه : البَزْقه التى تخرج من أقصى الحَلْق (النهايه : ج 5 ص 34 «نخم»).
2- .الدرّ المنثور : ج 1 ص 97 نقلاً عن الحاكم و ابن مردويه ، تفسير ابن كثير : ج 1 ص 92 وفيه «النخاعه» بدل «النخامه» وكلاهما عن أبى سعيد الخدرى وراجع : تفسير الطبرى : ج 1 ص 175 و 176 و بحار الأنوار : ج 8 ص 139 ح 52 .
3- .تفسير الثعلبى : ج 9 ص 211 ، الفردوس : ج 2 ص 192 ح 2955 كلاهما عن عائشه ، كنز العمّال : ج 14 ص 519 ح 39468.
4- .الرحمن : 70.
5- .المعجم الكبير : ج 23 ص 368 ح 870 ، المعجم الأوسط : ج 3 ص 278 ح 3141 ، تفسير الثعلبى : ج 9 ص 195 ، الفردوس : ج 3 ص 154 ح 4417 ، تفسير الطبرى : ج 13 الجزء 27 ص 158 كلّها عن اُمّ سلمه ، كنز العمّال : ج 2 ص 43 ح 3046 ؛ مجمع البيان : ج 9 ص 319 ، الاختصاص : ص 352 كلاهما عن اُمّ سلمه ، التبيان فى تفسير القرآن : ج 9 ص 484 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج8 ص106.
6- .العَمَش : أن لا تزال العين تسيل الدمع ولا يكاد الأعمش يبصر بها (لسان العرب : ج 6 ص 320 «عمش»).
7- .سنن الترمذى : ج 5 ص 402 ح 3296 ، الزهد لهنّاد : ج 1 ص 57 ح 21 ، تفسير الطبرى : ج 13 الجزء 27 ص 185 ، الدرّ المنثور : ج 8 ص 15

نقلاً عن الفريابىّ وابن المنذر وابن مردويه وكلّها عن أنس ، كنز العمّال : ج 2 ص 11 ح 2928.

حدیث6804.امام علی علیه السلام (در نامه اش به اَشتر نخعی، آن گاه که او را والی) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خدای بلندمرتبه : «و ایشان را در آن جا ، همسران پاک است» : [پاک] از حیض و مدفوع و خلط حلق و آب دهان.6805.امام علی علیه السلام (در دعایش) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :حور العین از تسبیح فرشتگان ، آفریده شده اند . بنا بر این ، در آنان ، اذیّتی وجود ندارد . خدای عز و جلفرموده است : «ما ایشان را پدید آوردیم پدید آوردنی . پس ، ایشان را دوشیزگانی شوهردوست » : عاشق شوهرانشان «و همسال قرار دادیم» .6806.امام حسین علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خدای بلندمرتبه که : «در آن جا زنانی خوب و نیکویند» : خوب در اخلاق ، نیکو در رخسار.6807.امام زین العابدین علیه السلام (در دعایش) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خدای بلندمرتبه : «ما ایشان را پدید آوردیم پدید آوردنی» : برخی از این دخترکانِ پدید آورده شده ، همان زنانی هستند که در دنیا پیر و فرتوت بوده اند و از چشمانشان همیشه چرک می آمده است. .

6808.امام زين العابدين عليه السلام (در دعايش) عنه صلى الله عليه و آله :الكَواعِبُ : الفَتَياتُ النَّواهِدُ ، أترابا : المُستَوِياتُ القَدُّ عَلى مِيلادٍ واحِدٍ وَسِنٍّ واحِدٍ . (1)6809.امام زين العابدين عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ أهلَ الجَنَّهِ إذا جامَعُوا نِساءَهُم عادُوا أبكارا. (2)6810.عنه عليه السلام (فى دُعائِهِ) عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ أزواجَ أهلِ الجَنَّهِ لَيُغَنِّينَ أزواجَهُنَّ بِأحسَنِ أصواتٍ «ما» سَمِعَها أحَدٌ قَطُّ . (3)6811.عنه عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ الحُورَ فِى الجَنَّهِ يَتَغَنَّينَ يَقُلْنَ :

نَحنُ الحُورُ الحِسانُهُدِينا لِأَزواجٍ كِرامٍ(4)6812.عنه عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ فِى الجَنَّهِ لَمُجتَمَعا لِلحُورِ العِينِ يَرفَعنَ بِأصواتٍ لَم يَسمَعِ الخَلائِقُ مِثلَها . قالَ : يَقُلنَ : «نَحنُ الخالِداتُ فَلا نَبِيدُ ، وَنَحنُ النّاعِماتُ فَلا نَبْأسُ ، وَنَحنُ الرّاضِياتُ فَلا نَسخَطُ ، طُوبى لِمَن كانَ لَنا وَكُنّا لَهُ» . (5) .

1- .الفردوس : ج 3 ص 311 ح 4936 عن اُمّ سلمه ؛ تفسير القمّى : ج 2 ص 402 عن أبى الجارود عن الإمام الباقر عليه السلام وليس فيه ذيله من «أترابا . . .» .
2- .المعجم الصغير : ج 1 ص 91 ، تاريخ بغداد : ج 6 ص 53 ح 3079 ، الفردوس : ج 1 ص 409 ح 1651 ، العظمه : ص 209 ح 585 كلّها عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : ج 14 ص 470 ح 39296.
3- .المعجم الأوسط : ج 5 ص 149 ح 4917 ، المعجم الصغير : ج 1 ص 260 كلاهما عن ابن عمر ، كنز العمّال : ج 14 ص 518 ح 39462.
4- .المعجم الأوسط : ج 6 ص 312 ح 6497 ، التاريخ الكبير : ج 7 ص 16 الرقم 70 ، تفسير ابن كثير : ج 8 ص 12 ، الدرّ المنثور : ج 7 ص 720 نقلاً عن ابن أبى شيبه وابن مردويه والثلاثه الأخيره نحوه وكلّها عن أنس ، كنز العمّال : ج 14 ص 518 ح 39460 .
5- .سنن الترمذى : ج 4 ص 696 ح 2564 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 329 ح 1342 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 69 ح 18 نحوه ، تفسير ابن كثير : ج 8 ص 12 وكلّها عن النعمان بن سعد عن الإمام علىّ عليه السلام ، كنز العمّال : ج 14 ص 518 ح 39461 ؛ جامع الأخبار : ص 495 ح 1374 عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 8 ص 148 ح 76.

6813.عنه علیه السلام (فی دُعائِهِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :«الکَواعب» یعنی : دخترکان نورسیده نارپستان . «أترابا» یعنی : هم قد و هم سال.6814.الإمام علیّ علیه السلام (فی دُعائِهِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اهل بهشت هر گاه با زنانشان نزدیکی کنند ، دوباره باکره می شوند.6815.الإمام الباقر علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همسران بهشتیان برای شوهرانشان با خوش ترین صداهایی که هیچ کس هرگز آنها را نشنیده است ، آواز می خوانند.6816.الإمام المهدیّ علیه السلام (فی دُعائِهِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :حوریان بهشتی ، آواز می خوانند و می گویند:

ما سیه چشمان خوب روی

به شوهرانی ارجمند ، هدیه گشته ایم .6810.امام زین العابدین علیه السلام (در دعایش) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در بهشت ، انجمنی از حور العین است که با آوازهایی که خلایق ، نظیر آنها را نشنیده اند ، می خوانند و می گویند : «ما جاودانگانیم و هرگز نابود نمی شویم . ما نازپروردگانیم و هرگز به درویشی نمی افتیم . ما همواره شادمانیم و هرگز ناشادمان نمی گردیم . خوشا به حال کسی که از آنِ ماست و ما از آنِ اوییم !» . .

6811.امام زين العابدين عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :لَو أَنَّ حُورا أَطلَعَت إِصبَعا مِن أَصابِعِها ، لَوَجَدَ رِيحَها كُلُّ ذِى رُوحٍ . (1)6812.امام زين العابدين عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :لَو أَنَّ امرَأَةً مِن أَهلِ الجَنَّهِ اطَّلَعَت إِلَى أَهلِ الأَرضِ لَأَضاءَت ما بَينَهُما، وَلَمَلَأَتهُ رِيحا، وَلَنَصِيفُها (2) عَلى رَأسِها خَيرٌ مِن الدُّنيا وَما فِيها. (3)6813.امام زين العابدين عليه السلام (در دعايش) عنه صلى الله عليه و آله :لَو أَنَّ امرَأَةً مِن نِساءِ أَهلِ الجَنَّهِ اطَّلَعَت مِن سَماءِ الدُّنيا فِى لَيلَهٍ ظَلماءَ لَأَضاءَت لَها الأَرضُ أَفضَلَ مِمَّا يُضِىءُ القَمَرُ لَيلَهَ البَدرِ ، وَلَوَجَدَ رِيحَ نَشرِها جَمِيعُ أَهلِ الأَرضِ . (4)6814.امام على عليه السلام (در دعايش) عنه صلى الله عليه و آله :لَو أَنَّ امرَأَةً مِن أَهلِ الجَنَّهِ أَشرَفَت إِلَى أَهلِ الأَرضِ لَمَلَأَتِ الأَرضَ رِيحَ مِسكٍ ، وَلَأَذهَبَت ضَوءَ الشَّمسِ وَالقَمَرِ . (5)6815.امام باقر عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :نِساءُ أَهلِ الجَنَّهِ يُرى مُخُّ سُوقِهِنَّ مِن وَراءِ اللَّحمِ . (6) .

1- .المعجم الكبير : ج 6 ص 59 ح 5511 ، حليه الأولياء : ج 1 ص 247 ، تاريخ دمشق : ج 21 ص 147 ح 4752 كلّها عن سعيد بن عامر ، كنز العمّال : ج 14 ص 519 ح 39469.

2- .النصيفُ : هو الخِمار، وقيل : المِعْجَر (النهايه : ج 5 ص 66 «نصف»).

3- .صحيح البخارى : ج 3 ص 1029 ح 2643 ، سنن الترمذى : ج 4 ص 182 ح 1651 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 283 ح 12439 ، صحيح ابن حبّان : ج 16 ص 413 ح 7399 ، مسند أبى يعلى : ج 4 ص 45 ح 3763 كلّها عن أنس والأربعه الأخيره نحوه ، كنز العمّال : ج 4 ص 304 ح 10616 .

4- .الأمالى للطوسى : ص 533 ح 1162 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 371 ح 2661 كلاهما عن أبى ذرّ ، بحار الأنوار : ج 77 ص 82 ح 3 .

5- .المعجم الكبير : ج 6 ص 59 ح 5512 ، الزهد لابن المبارک : ص 77 ح 226 ، تاريخ دمشق : ج 21 ص 145 كلّها عن سعيد بن عامر بن حذيم ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 79 ح 69 عن الحسن وليس فيه ذيله ، كنز العمّال : ج 14 ص 473 ح 39315.

6- .مسند ابن حنبل : ج 3 ص 402 ح 9443 ، الدرّ المنثور : ج 7 ص 713 نقلاً عن عبد بن حميد وكلاهما عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 14 ص 464 ح 39279.

6816.امام مهدی علیه السلام (در دعایش) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر حوری ، انگشتی از انگشتانش را نمایان سازد ، هر جانداری بوی خوش آن را حس خواهد کرد.6817.الإمام زین العابدین علیه السلام (فی دُعائِهِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر زنی از بهشتیان برای زمینیان نمایان گردد ، از آسمان تا زمین را روشن می کند و عالم را آکنده از بوی [خوش خود] می سازد . چارقد سر او از دنیا و هر آنچه در دنیاست ، بهتر است.6818.عنه علیه السلام (فی دُعائِهِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر زنی از زنان اهل بهشت ، در شبی تار در آسمان دنیا نمایان شود ، زمین از آن روشن می گردد ، بیشتر از روشن شدنش به وسیله ماه شب چهارده ، و همه اهل زمین ، بوی خوش او را حس می کنند.6819.عنه علیه السلام (فی دُعائِهِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر زنی از بهشتیان بر مردم زمین نمایان شود ، زمین را از بوی مشک می آکنَد و نور خورشید و ماه را محو می سازد.6820.الإمام الرضا علیه السلام (فی دُعائِهِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :زنان بهشتی ، مغز ساق هایشان از پشت گوشت ، دیده می شود. .

6821.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (فى مَكارِمِ الأَخلاقِ) عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ الرَّجُلَ لَيَتَّكِئُ فِى الجَنَّهِ سَبعِينَ سَنَهً قَبلَ أَن يَتَحَوَّلَ ، ثُمَّ تَأتِيهِ امرَأَهٌ فَتَضرِبُ عَلى مَنكِبَيهِ ، فَيَنظُرُ وَجهُهُ فِى خَدِّها أَصفى مِنَ المِرآهِ ، وَإِنَّ أَدْنى لُؤلُؤَهٍ عَلَيها تُضِىءُ ما بَينَ المَشرِقِ وَالمَغرِبِ ، فَتُسَلِّمُ عَلَيهِ فَيَرُدُّ السَّلامَ ، وَيَسأَلُها : مَن أَنتِ؟ وَتَقُولُ : أَنا مِن المَزِيدِ ، وَإِنَّهُ لَيَكُونُ عَلَيها سَبعُونَ ثَوبا أَدناها مِثلُ النُّعمانِ مِن طُوبى ، فَيَنفُذُها بَصَرُهُ ، حَتَّى يَرى مُخَّ ساقِها مِن وَراءِ ذَلِکَ ، وَإِنَّ عَلَيها مِنَ التِّيجانِ ، إِنَّ أَدنى لُؤلُؤَهٍ فِيها لَتُضِىءُ ما بَينَ المَشرِقِ وَالمَغرِبِ . (1)6817.امام زين العابدين عليه السلام (در دعايش) عنه صلى الله عليه و آله فِى قَولِهِ تَعالى : «كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ» (2) : يَنظُرُ إِلى وَجهِهِ فِى خَدِّها أَصفى مِنَ المِرآهِ ، وَإِنَّ أَدنى لُؤلُؤَهٍ عَلَيها لَتُضِىءُ ما بَينَ المَشرِقِ وَالمَغرِبِ ، وَإِنَّها يَكُونُ عَلَيها سَبعُونَ ثَوبا يَنفُذُها بَصَرُهُ حَتَّى يَرى مُخَّ ساقِها مِن وَراءِ ذَلِکَ . (3)6818.امام زين العابدين عليه السلام (در دعايش) عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ المَرأَهَ مِن نِساءِ أَهلِ الجَنَّهِ لَيُرى بَياضُ ساقِها مِن وَراءِ سَبعِينَ حُلَّهً حَتَّى يُرى مُخُّها ، وَذَلِکَ بِأَنَّ اللّهَ يَقُولُ : «كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ» فَأَمّا الياقُوتُ فَإِنَّهُ حَجَرٌ لَو أُدخِلَتَ فِيهِ سِلكا ثُمَّ استَصفَيتَهُ لَرَأَيتَهُ مِن وَرائِهِ . (4)6819.امام زين العابدين عليه السلام (در دعايش) سنن الترمذى عن أنس عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :يُعطَى المُؤمِنُ فِى الجَنَّهِ قُوَّهَ كَذا وَكَذا مِنَ الجِماعِ . قِيلَ : يا رَسولَ اللّهِ ، أَوَمَن يُطِيقُ ذَلِکَ؟ قالَ : يُعطَى قُوَّهَ مِائَهٍ . (5) .

1- .مسند ابن حنبل : ج 4 ص 150 ح 11715 ، مسند أبى يعلى : ج 2 ص 132 ح 1381 ، تفسير الطبرى : ج 13 الجزء 26 ص 176 ، تفسير ابن كثير : ج 7 ص 385 كلّها عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : ج 14 ص 483 ح 39356.

2- .الرحمن : 58 .

3- .المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 517 ح 3774 ، البعث والنشور : ص 215 ح 339 ، الدرّ المنثور : ج 7 ص 712 نقلاً عن أحمد وابن حبّان وكلّها عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : ج 2 ص 43 ح 3047.

4- .سنن الترمذى : ج 4 ص 676 ح 2533 ، صحيح ابن حبّان : ج 16 ص 408 ح 7396 نحوه ، تفسير الطبرى : ج 13 الجزء 27 ص 152 ، تفسير ابن كثير : ج 7 ص 479 ، العظمه : ص 209 ح 586 نحوه وكلّها عن عبد اللّه بن مسعود ، كنز العمّال : ج 14 ص 477 ح 39330.

5- .سنن الترمذى : ج 4 ص 677 ح 2536 ، صحيح ابن حبّان : ج 16 ص 413 ح 7400 ، موارد الظمآن : ص 655 ح 2635 كلاهما نحوه وراجع : مسند ابن حنبل : ج 7 ص 76 ح 19289 وسنن الدارمى : ج 2 ص 791 ح 2721 والمعجم الكبير : ج 5 ص 178 ح 5009 وكنز العمّال : ج 14 ص 484 ح 39361 والاختصاص : ص 358 و بحارالأنوار : ج 8 ص 102.

6820.امام رضا علیه السلام (در دعایش) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مرد ، در بهشت ، هفتاد سال تکیه می دهد ، بدون آن که صورتش را به طرفی برگرداند . سپس زنی نزد او می آید و به شانه اش می زند و او صورتش را به طرف چهره آن زن که از آینه صاف تر است و کوچک ترین مرواریدش از مشرق تا مغرب را روشن می سازد ، بر می گرداند . زن به او سلام می کند و او جواب سلامش را می دهد و می پرسد : تو کیستی؟

او می گوید : من از فزونی ام (1) .

بر تن آن زن ، هفتاد جامه از درخت طوبا پوشانده شده که کمترین آنها ، مانند شقایق نعمان است . پس نگاه مرد از آنها نفوذ می کند تا جایی که از پشت آنها مغز ساق او را می بیند . نیز تاج هایی بر سر دارد که کوچک ترین مروارید آنها ، از مشرق تا مغرب را روشن می کند .6821.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (درباره فضایل اخلاقی) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خدای بلندمرتبه : «گویا یاقوت و مرجان اند» : به گونه او (حوری) می نگرد که از آینه صاف تر است و پست ترین مرواریدی که بر اوست ، از مشرق تا مغرب را روشن می کند . نیز هفتاد جامه بر تن اوست که نگاهش از آنها عبور می کند ، به طوری که از پشت آنها مغز ساق او را می بیند.6822.عنه صلی الله علیه و آله (مِن وَصِیَّهٍ طَویلَهٍ أوصی بِها أبا ذَرٍّ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :زن بهشتی ، سپیدیِ ساقش از پس هفتاد جامه نمایان است ، به طوری که مغزِ [ساقِ پای] او دیده می شود . دلیلش این است که خداوند می فرماید : «گویا یاقوت و مرجان اند» . یاقوت ، سنگی است که اگر رشته نخی را داخل آن قرار دهی و سپس آن را صیقل دهی ، آن نخ دیده می شود.6823.الإمام علیّ علیه السلام :سنن الترمذی به نقل از اَنَس : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «در بهشت به مؤمن ، فلان و بهمان اندازه نیروی مجامعت داده می شود» .

یکی گفت : ای پیامبر خدا ! آیا کسی توان آن را دارد؟

فرمود : «نیروی صد [مرد] به او داده می شود» . .

1- .واژه «مَزید» در متن عربی ، اشاره است به این سخن خدای عز و جل که : «وَ لَدَیْنَا مَزِیدٌ» و «لِّلَّذِینَ أَحْسَنُواْ الْحُسْنَى وَ زِیَادَةٌ» ، یا اشاره است به روز جمعه که از آن به «یوم المزید» تعبیر شده است.

6824.الإمام علىّ عليه السلام :المعجم الكبير عن ام سلمه :قُلتُ : يا رَسُولَ اللّهِ ، أخبِرنِى عَن قَولِ اللّهِ : «وَ حُورٌ عِينٌ» (1) ؟ قالَ : حُورٌ بِيضٌ عِينٌ ضِخامُ العُيُونِ شُقرُ الجَرداء بِمَنزِلَهِ جَناحِ النَّسُورِ .

قُلتُ : يا رَسُولَ اللّهِ ، أَخبِرنِى عَن قَولِهِ : «كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ» (2) ؟ قالَ : صَفاؤُهُنَّ صَفاءُ الدُّرِّ فِى الأصدافِ الَّتِى لَم تَمَسَّهُ الأيدِى .

قُلتُ : يا رَسُولَ اللّهِ ، أَخبِرنِى عَن قَولِهِ : «فِيهِنَّ خَيْرَ ثٌ حِسَانٌ» ؟ قالَ : خَيراتُ الأخلاقِ ، حِسانُ الوُجُوهِ .

قُلتُ : يا رَسُولَ اللّهِ ، أَخبِرنِى عَن قَولِهِ : «كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَّكْنُونٌ» (3) ؟ قالَ : رِقَّتُهُنَّ كَرِقَّهِ الجِلدِ الَّذِى رَأَيتِ فِى داخِلِ البَيضَهِ مِمّا يَلِى القِشرَ وَهُوَ الغِرقِئُ .

قُلتُ : يا رَسُولَ اللّهِ ، أَخبِرنى عَن قَولِهِ : «عُرُبًا أَتْرَابًا» ؟ قالَ : هُنَّ اللَّواتِى قُبِضنَ فِى دارِ الدُّنيا عَجائِزَ ، رُمصَا (4) شُمطَا (5) ، خَلَقَهُنَّ اللّهُ بَعدَ الكِبَرِ فَجَعَلَهُنَّ عَذارى عُرُبا مُتَعَشَّقاتٍ مُحَبَّباتٍ ، أترابا عَلى مِيلادٍ واحِدٍ .

قُلتُ : يا رَسُولَ اللّهِ ، أَنِساءُ الدُّنيا أَفضَلُ أَمِ الحُورُ العِينُ؟ قالَ : بَل نِساءُ الدُّنيا أَفضَلُ مِنَ الحُورِ العِينِ كَفَضلِ الظِهارَهِ عَلَى البِطانَهِ .

قُلتُ : يا رَسُولَ اللّهِ ، وَبِما ذاكَ؟ قَالَ : بِصَلاتِهِنَّ وَصِيامِهِنَّ وَعِبادَتِهِنَّ اللّهَ ، أَلبَسَ اللّهُ وُجُوهَهُنَّ النُّورَ ، وَأَجسادَهُنَّ الحَرِيرَ ، بِيضَ الألوانِ ، خُضرَ الثِّيابِ ، صَفراءَ الحُلِىِّ ، مَجامِرُهُنَّ الدُّرُّ، وَأَمشاطُهُنَّ الذَّهَبُ ، يَقُلنَ : «أَلا نَحنُ الخالِداتُ فَلا نَمُوتُ أَبَدا ، وَنَحنُ النّاعِماتُ فَلا نَبْأَسُ أَبَدا ، وَنَحنُ المُقِيماتُ فَلا نَظعَنُ أَبَدا، أَلا وَنَحنُ الرّاضِياتُ فَلا نَسخَطُ أَبَدا ، طُوبى لِمَن كُنّا لَهُ وَكانَ لَنا» .

قُلتُ : يا رَسُولَ اللّهِ ، اَلمَرأَهُ مِنّا تَتَزَوَّجُ زَوجَينِ وَالثَّلاثَهَ وَالأَربَعَهَ ثُمَّ تَمُوتُ فَتَدخُلُ الجَنَّهَ وَيَدخُلُونَ مَعَها مَن يَكُونُ زَوجُها؟ قَالَ : يا أُمَّ سَلَمَهَ ، إِنَّها تَخَيَّرُ فَتَختارُ أَحسَنَهم خُلُقا ، فَتَقُولُ : أَى رَبِّ إِنَّ هَذا كانَ أَحسَنَهُم مَعِى خُلُقا فِى دارِ الدُّنيا فَزَوِّجنِيهِ . يا أُمَّ سَلَمَهَ ، ذَهَبَ حُسنُ الخُلُقِ بِخَيرِ الدُّنيا وَالآخِرَهِ . (6) .

1- .الواقعه : 22.
2- .الطور : 24 .
3- .الصافّات : 49.
4- .الرَّمَص : هو البياض الذى تقطعه العين ويجتمع فى زوايا الأجفان (لسان العرب : ج 7 ص 43 «رمص»).
5- .الشَّمَطْ : بياض شعر الرأس يخالط سواده (الصّحاح : ج 3 ص 1138 «شمط»).
6- .المعجم الكبير : ج 23 ص 367 ح 870 ، المعجم الأوسط : ج 3 ص 278 ح 3141 ، تفسير ابن كثير : ج 8 ص 10 ، الدرّ المنثور : ج 7 ص 720 نقلاً عن ابن جرير وابن مردويه نحوه ، كنز العمّال : ج 2 ص 43 ح 3046.

6822.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در وصیّتی طولانی به ابو ذر) المعجم الکبیر به نقل از اُمّ سلمه : گفتم : ای پیامبر خدا ! مرا از این سخن خداوند ، آگاه فرما : «وَ حُورٌ عِینٌ» .

فرمود : «سیه چشمانی هستند سیمین بر ، درشت چشم ، موبور مانند پر عقاب» .

گفتم : ای پیامبر خدا ! مرا از این سخن او آگاه فرما : «گویی مرواریدی نهفته اند» .

فرمود : «به شفافیّت دُر در صدف اند که هیچ دستی به آنها نرسیده است» .

گفتم : ای پیامبر خدا ! مرا از این سخن او آگاه فرما : «در آن جا زنانی خوب و نیکویند» .

فرمود : «خوب در اخلاق و نیکو در رخسارند» .

گفتم : ای پیامبر خدا ! مرا از این سخن او آگاه فرما : «گویی تخم مرغ زیر پَرند» .

فرمود : «نازکی آنها ، به نازکی پوستی است که در زیر پوسته تخم مرغ می بینی ؛ یعنی همان پوست نازکی که بر روی سفیده تخم مرغ کشیده شده است» .

گفتم : ای پیامبر خدا ! مرا از این سخن او آگاه فرما : «شوی دوستانی همسال» .

فرمود : «آنان ، همان زنانی هستند که وقتی از دنیا رفته اند ، پیر و فرتوت بوده اند و چشمانشان چرک می داده و موی سرشان به سفیدی می زده است . خداوند ، آنان را پس از پیری ، باز آفرید و آنان را دوشیزگانی شوی دوست و عاشق پیشه و دوست داشتنی و هم سن و سال ، قرار داد» .

گفتم : ای پیامبر خدا ! آیا زنان دنیا برترند ، یا حور العین؟

فرمود : «زنان دنیا برتر از حور العین اند ، همانند برتری رویه بر آستر» .

گفتم : ای پیامبر خدا ! این برتری ، به سبب چیست؟

فرمود : «به سبب نماز و روزه و عبادت خدا . خداوند بر چهره های آنان نور و بر تن هایشان پرنیان قرار داده است . بدن های سفید و جامه های سبز و زیورهای زرد دارند . موهایشان مروارید [گونه] است و شانه های سرشان طلاست و می گویند : هان ! ما جاودانگانیم و هرگز نمی میریم . ما نازپروردگانیم و هرگز گرد بینوایی بر ما نمی نشیند . ما ماندگارانیم و هرگز رخت بر نمی بندیم . هان ! ما هماره شادمانیم و هرگز ناراحتی نداریم . خوشا آن که ما از آنِ او باشیم و او از آنِ ما باشد ! » .

گفتم : ای پیامبر خدا ! از ما زنان ، کسانی هستند که دو ، سه و چهار بار ازدواج می کنند و سپس می میرند و به بهشت می روند و شوهرانشان نیز به بهشت می روند . کدام یک از آنها [در بهشت] ، شوهر او خواهد بود؟

فرمود : «ای اُمّ سلمه ! او را در انتخاب ، آزاد می گذارند و او خوش اخلاق ترین آنان را انتخاب می کند و می گوید : پروردگارا ! این یکی در دنیا با من خوش اخلاق تر بود . پس ، اکنون او را به همسری من در آور . اُمّ سلمه ! اخلاق خوش ، خیر دنیا و آخرت را به همراه دارد» . .

6823.امام علی علیه السلام :الإمام الصادق علیه السلام : أَو لَأَماتَت أَهلَ الدُّنیا (1) لَو أَنَّ حُورا مِن حُورِ الجَنَّهِ أَشرَفَت عَلی أَهلِ الدُّنیا وَأَبدَت ذُؤَابَهً مِن ذَوائِبِها لَأَمتَنَ (لَأفتَنَ) أَهلَ الدُّنیا وَإِنَّ المُصَلِّیَ لِیُصَلِّی ، فَإِذا لَم یَسأَل رَبَّهُ أَن یُزَوِّجَهُ مِن الحُورِ العِینِ قُلنَ : ما أَزهَدَ هذا فِینا ! (2)6824.امام علی علیه السلام :عنه علیه السلام :الخَیرَاتُ الحِسانُ مِن نِساءِ أَهلِ الدُّنیا ، وَهُنَّ أَجمَلُ مِنَ الحُورِ العِینِ . (3) .

1- .الظاهر أنّ الترديد من الراوی .
2- .الزهد للحسین بن سعید : ص 102 ح 280 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 199 ح 200.
3- .کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 3 ص 469 ح 4631 ، مکارم الأخلاق : ج 1 ص 438 ح 1501 ، مجمع البیان : ج 9 ص 319 من دون إسنادٍ إلی أحدٍ من أهل البیت علیهم السلام .

6825.عنه علیه السلام :امام صادق علیه السلام :اگر حوری از حوریان بهشتی بر اهل دنیا سَرَک کشد و زلفی از زلف های او نمایان گردد ، اهل دنیا قالب تهی می کنند (اهل دنیا را فریفته می سازد) . نمازگزار ، نماز می خواند و اگر [در نمازش] از پروردگارش درخواست نکند که از حوریان بهشتی به همسری اش در آورد ، حوریان می گویند : این چه قدر به ما بی اعتناست !6826.عنه علیه السلام :امام صادق علیه السلام :نیک خویان خوب روی [که در قرآن آمده] ، از زنان دنیا هستند . آنان از حورالعین ، زیباترند. .

6827.الإمام الصادق عليه السلام :الكافى عن جميل بن درّاج :قَالَ أَبُو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : ما تَلَذَّذَ النّاسُ فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ بِلَذَّهٍ أكثَرَ لَهُم مِن لَذَّهِ النِّساءِ ، وَهُوَ قَولُ اللّهِ عز و جل : «زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَ تِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ ...» (1) إِلى آخِرِ الآيَهِ .

ثُمَّ قَالَ : وَإِنَّ أَهلَ الجَنَّهِ ما يَتَلَذَّذُونَ بِشَىءٍ مِنَ الجَنَّهِ أَشهى عِندَهُم مِنَ النِّكاحِ ؛ لا طَعامٍ وَلا شَرابٍ . (2)6828.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مجمع البيان عن أبى بصير :قُلتُ لَهُ [أى لِلإمامِ الصّادِقِ عليه السلام] : جُعِلتُ فِداكَ ، أَخبِرنِى عَنِ الرَّجُلِ المُؤمِنِ تَكُونُ [لَهُ] (3) امرَأَهٌ مُؤمِنَهٌ يَدخُلانِ الجَنَّهَ يَتَزَوَّجُ أَحَدُهُما الآخَرَ؟ فَقالَ : يا أَبا مُحَمَّدٍ، إِنَّ اللّهَ حَكَمٌ عَدلٌ ، إِذا كانَ هُو أَفضَلَ مِنها خَيَّرَهُ ؛ فَإِن اختارَها كانَت مِن أَزواجِهِ ، وَإِن كانَت هِى خَيرا مِنهُ خَيَّرَها ؛ فَإِن اختارَتهُ كانَ زَوجا لَها . (4)4 / 25جَمالُ أَهلِ الجَنَّهِالكتاب«إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِى نَعِيمٍ * عَلَى الْأَرَائِكِ يَنظُرُونَ * تَعْرِفُ فِى وُجُوهِهِمْ نَضْرَهَ النَّعِيمِ * يُسْقَوْنَ مِن رَّحِيقٍ مَّخْتُومٍ * خِتَمُهُ مِسْكٌ وَ فِى ذَ لِکَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَفِسُونَ». (5)

«وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَهٌ * إِلَى رَبِّهَا نَاظِرَهٌ». (6)

«وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَهٌ * ضَاحِكَهٌ مُّسْتَبْشِرَهٌ * وَ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَهٌ * تَرْهَقُهَا قَتَرَهٌ * أُوْلَائِکَ هُمُ الْكَفَرَهُ الْفَجَرَهُ». (7)

«وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَهٌ * لِّسَعْيِهَا رَاضِيَهٌ * فِى جَنَّهٍ عَالِيَهٍ». (8)

.

1- .آل عمران : 14.
2- .الكافى : ج 5 ص 321 ح 10 ، تفسير العيّاشى : ج 1 ص 164 ح 10 كلاهما عن جميل بن درّاج ، بحار الأنوار : ج 8 ص 139 ح 53 .
3- .ما بين المعقوفين سقط من المصدر، وأثبتناه من بحار الأنوار.
4- .مجمع البيان : ج 9 ص 318 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 105 كلاهما نقلاً عن العيّاشى .
5- .المطفّفين : 22 26.
6- .القيامه : 22 23.

7- .عبس : 38 42.
8- .الغاشيه : 8 10.

6830.کامل الزیارات (به نقل از عبد اللّه بن میمون قدّاح) الکافی به نقل از جمیل بن دَرّاج : امام صادق علیه السلام فرمود : «مردم در دنیا و آخرت ، لذّتی بالاتر از لذّت زن نمی چشند و این ، همان سخن خدای عز و جل است که : «برای مردم آراسته شده است دوست داشتنِ خواستنی ها ، از زنان و پسران و ... » » تا آخر آیه .

سپس فرمود : «بهشتیان به اندازه ای که از نکاحْ لذّت می برند ، از هیچ چیزِ بهشت لذّت نمی برند ، نه از خوراکی هایش و نه از نوشیدنی هایش» .6831.الإمام علیّ علیه السلام :مجمع البیان به نقل از ابو بصیر : به ایشان (امام صادق علیه السلام) گفتم : فدایت شوم ! مرد مؤمن ، زنی مؤمن دارد و هر دو به بهشت می روند . آیا در آن جا نیز با هم ازدواج می کنند؟

فرمود : «ای ابو محمّد! خداوند ، داوری دادگر است . اگر آن مرد از همسرش بهتر بوده است ، او را مخیّر می کند و چنانچه آن مرد مؤمن ، همان همسرش را انتخاب کرد ، او نیز یکی از همسرانش می شود ، و اگر همسرش از او بهتر بوده ، او را مخیّر می سازد و اگر آن زن ، همان مرد را انتخاب کرد ، او شوهرش خواهد بود» .4 / 25زیبایی بهشتیانقرآن«به راستی که نیکوکاران ، در ناز و نعمت اند . بر تخت هایی ، نشسته می نگرند . از چهره هایشان طراوت نعمت را در می یابی . از باده ای مُهر شده نوشانیده می شوند . باده ای که مُهر آن ، مُشک است ، و در این نعمت ها ، مشتاقان باید بر یکدیگر پیشی بگیرند».

«در آن روز ، چهره هایی شاداب اند . به پروردگار خود ، می نگرند ».

«در آن روز ، چهره هایی درخشان و خندان و شاداب اند و در آن روز ، چهره هایی هستند که بر آنها غبار نشسته و آنها را تاریکی پوشانده است . آنان ، همان کافران بدکارند».

«در آن روز ، چهره هایی شاداب اند . از کوشش خود ، خشنودند . در بهشتی برین اند».

الحديث6836.الإمام الصادق عليه السلام (فى قَولِهِ : {Q} «فَأَندَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظّى) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :وَالَّذِى أَنزَلَ الكِتابَ عَلى مُحَمَّدٍ! إِنَّ أَهلَ الجَنَّهِ لَيَزدادُونَ جَمالاً وَحُسنا كَما يَزدادُونَ فِى الدُّنيا قَباحَةً وَهَرَما .

(1)6835.امام على عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :يُبعَثُ أَهلُ الجَنَّهِ عَلى صُورَهِ آدَمَ فِى مِيلادِ ثَلاثٍ وَثَلاثِينَ سَنَةً مُردا، مُكَحَّلِينَ ، ثُمَّ يُذهَبُ بِهِم إِلى شَجَرَهٍ فِى الجَنَّهِ فَيُكسَونَ مِنها ، لا تَبلَى ثِيابُهُم ، وَلا يَفنى شَبابُهُم .

(2)6836.امام صادق عليه السلام (درباره اين سخن خدا : {Q} «پس، شما را به آتشى كه) عنه صلى الله عليه و آله :مَن ماتَ مِن أَهلِ الجَنَّهِ مِن صَغِيرٍ أَو كَبِيرٍ دُونَ (3) أَبناءِ ثَلاثِينَ فِى الجَنَّهِ ، لا يَزِيدُونَ عَلَيها أَبَدا ، وَكَذلِكَ أَهلُ النّارِ . (4)6837.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :يَدخُلُ أَهلُ الجَنَّهِ الجَنَّهَ جُردا، مُردا، بِيضا، جِعادا (5) ، مُكَحَّلِينَ ، أَبناءَ ثَلاثٍ وَثلاثِينَ ، عَلى خَلقِ آدَمَ سِتُّونَ ذِراعا فِى عَرضِ سَبعِ أَذرُعٍ . (6) .

1- .روضه الواعظين : ص 554 ؛ المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 75 ح 52 عن أبى هريره من دون إسنادٍ إلى النبىّ صلى الله عليه و آله .
2- .حليه الأولياء : ج 3 ص 56 تفسير ابن كثير : ج 8 ص 14 كلاهما عن أنس ، كنز العمّال : ج 14 ص 490 ح 39383.
3- .كذا فى المصدر، وفى الزهد لابن المبارک : «يُردّون»، وهو الأنسب للسياق .
4- .سنن الترمذى : ج 4 ص 695 ح 2562 ، الزهد لابن المبارک (الملحقات) : ص 128 ح 422 كلاهما عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : ج 14 ص 480 ح 39344.
5- .الجَعْدُ إذا ذهب به مذهب المدح فله معنيان مستحبّان : أحدهما : أن يكون معصوب الجوارح، شديد الأسر والخلق، غير مسترخٍ ولا مضطرب. والثانى : أن يكون شعره جَعْدا غير سَبط (تاج العروس : ج 4 ص 391 «جعد»).
6- .مسند ابن حنبل : ج 3 ص 151 ح 7938 ، المعجم الأوسط : ج 5 ص 318 ح 5422 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 75 ح 53 ، تفسير الثعلبى : ج 9 ص 209 ح 193 ، تفسير ابن كثير : ج 8 ص 13 كلّها عن أبى هريره ، الطبقات الكبرى : ج 1 ص 32 عن سعيد بن المسيّب وليس فيه «بيضا» ، كنز العمّال : ج 14 ص 490 ح 39381.

حدیث6839.الإمام علیّ علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سوگند به آن که کتاب (قرآن) را بر محمّد فرو فرستاد ، اهل بهشت پیوسته بر حُسن و زیبایی شان افزوده می شود ، همچنان که در دنیا پیوسته زشت تر و پیرتر می شوند.6840.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اهل بهشت ، در حالی برانگیخته می شوند که به صورت آدمی سی و سه ساله اند ، صورت هایشان از مو پیراسته است و چشمانی سرمه کشیده دارند . سپس آنان را به نزد درختی در بهشت می برند و از آن درخت بر ایشان جامه می پوشانند . جامه هایشان هرگز کهنه نمی شود و جوانی شان هیچ گاه از بین نمی رود.6841.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس که بهشتی باشد و بمیرد ، کوچک باشد یا بزرگ ، در بهشت ، سی ساله خواهد بود و هرگز بر سنّ او افزوده نخواهد شد . اهل دوزخ نیز همین گونه اند .6842.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اهل بهشت ، در حالی به بهشت وارد می شوند که بدن ها و صورت هایی عاری از مو دارند ، سیمین بَرند ، موهای سرشان پُر چین و شکن است ، چشمانی سرمه کشیده دارند ، سی و سه ساله اند ، در هیئت آدمی هستند که شصت گز قامت و هفت گز پهنا دارد. .

6837.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :المناقب لابن شهر آشوب :قالَت عَجُوزٌ مِنَ الأنصارِ لِلنَّبِیِ صلی الله علیه و آله : اُدعُ لِی بِالجَنَّهِ ، فَقالَ : إنَّ الجَنَّهَ لا یَدخُلُها العُجُزُ . فَبَکَتِ المَرأهُ ، فَضَحِکَ النَّبِیُ صلی الله علیه و آله وَقالَ : أما سَمِعتِ قَولَ اللّهِ تَعالی : «إنَّا أنشَأنَهُنَّ إنشَاءً * فَجَعَلْنَهُنَّ أبْکَارًا» (1) ؟! (2)6838.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :إنَّ أهلَ الجَنَّهِ شُبّانٌ جُردٌ مُردٌ ، لَیسَ لَهُم شَعرٌ إلّا فِی الرَّأسِ وَالحاجِبَینِ وَأهدابِ العَینَینِ ، یَعنِی لَیسَ لَهُم شَعرُ عانَهٍ وَلا إبطٍ ، عَلی طُولِ آدَمَ ، سِتُّونَ ذِراعا، وَعَلی مَولِدِ عَیسَی بنِ مَریَمَ ثَلاثَهً وَثَلاثِینَ سَنَهً ، بِیضُ الألوانِ ، خُضرُ الثِّیابِ ، یَضَعُ أحَدُهُم مائِدَهً بَینَ یَدَیهِ ، فَیُقبِلُ طائِرٌ ، فَیَقُولُ : یا وَلِیَ اللّهِ ، أما إنِّی قَدِ شَرِبتُ مِن عَینِ السَّلسَبِیلِ ، وَرَعَیتُ مِن رِیاضِ الجَنَّهِ تَحتَ العَرشِ ، وَأکَلتُ مِن ثِمارِ کَذا، طَعمُ أحَدِ الجانِبَینِ مَطبُوخٌ ، وَطَعمُ الجانِبِ الآخَرِ مَشوِیٌّ ، فَیَأکُلُ مِنها ما شاءَ اللّهُ . وَعَلَی الوَلِیِ سَبعُونَ حُلَّهً ، لَیسَ فِیها حُلَّهٌ عَلی لَونِ آخَرَ ، فِی أصابِعِهِم عَشَرَهُ خَواتِیمَ ، مَکتُوبٌ عَلَی الأوَّلِ : «سَلَمٌ عَلَیْکُم بِمَا صَبَرْتُمْ» (3) ، وَمَکتُوبٌ فِی الثّانِی : «ادْخُلُوهَا بِسَلَمٍ ءَامِنِینَ» ، (4) وَفِی الثّالِثِ : «وَ تِلْکَ الْجَنَّهُ الَّتِی أُورِثْتُمُوهَا بِمَا کُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (5) ، وَفِی الرّابِعِ : رُفِعَت عَنکُمُ الأحزانُ وَالهُمُومُ ، وَفِی الخامِسِ : أَلبَسناکُمُ الحُلِیَّ وَالحُلَلَ ، وَفِی السّادِسِ : زَوَّجناکُمُ الحُورَ العِینَ ، وَفِی السّابِعِ : «وَ فِیهَا مَا تَشْتَهِیهِ الْأَنفُسُ وَ تَلَذُّ الْأَعْیُنُ وَ أَنتُمْ فِیهَا خَلِدُونَ» (6) ، وَفِی الثّامِنِ : رافَقتُمُ النَّبِیِّینَ وَالصِّدِّیقِینَ ، وَفِی التّاسِعِ : صِرتُم شُبّانا لا تهرمون، وَفِی العاشِرِ : سَکَنتُم فِی جِوارِ مَن لا یُؤذِی الجِیرانَ . (7) .

1- .الواقعه : 35 36.
2- .المناقب لابن شهرآشوب : ج 1 ص 148 ، بحار الأنوار : ج 16 ص 295 ح 1 ؛ المعجم الأوسط : ج 5 ص 357 ح 5545 ، تاریخ أصبهان : ج 2 ص 107 الرقم 1232 کلاهما عن عائشه ، تفسیر ابن کثیر : ج 8 ص 9 ، البدایه والنهایه : ج 6 ص 48 کلاهما عن الحسن وکلّها نحوه.
3- .الرعد : 24.
4- .الحِجْر : 46.
5- .الزخرف : 72.
6- .الزخرف : 71.
7- .تنبیه الغافلین : ص 80 ح 68 عن ابن عبّاس .

6839.امام علی علیه السلام :المناقب ، ابن شهرآشوب :پیرزنی از انصار به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت : برایم دعا کن که به بهشت بروم .

فرمود : «پیرزنان به بهشت نمی روند» .

پیرزن گریست . پیامبر صلی الله علیه و آله خندید و فرمود : «مگر نشنیده ای که خدای بلندمرتبه می فرماید : «ما ایشان را پدید آوردیم پدید آوردنی . پس آنان را دوشیزگان قرار دادیم» ؟» .6840.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشتیان ، جوانانی هستند با پیکرها و چهره هایی عاری از مو و تنها موی بدن آنها ، موی سر است و ابروان و مژگان ؛ یعنی در زهار و زیر بغل آنها ، مویی نیست . به قامت آدمی شصت گزند و به سنّ عیسی بن مریم ، سی و سه ساله . بدن هایی سپید دارند و جامه هایی سبز .

در برابر هر یک از آنان ، سفره ای پهن می شود و پرنده ای می آید و می گوید : ای ولیّ خدا ! من از چشمه سلسبیل نوشیده ام و در باغ های بهشت ، زیر عرش ، دانه بر چیده ام و از فلان میوه ها خورده ام . یک طرف [آن پرنده] ، طعم پخته دارد و طرف دیگر ، طعم بریانی . پس ، او از [گوشت] آن پرنده ، آنچه می خواهد ، تناول می کند .

بر ولیّ [خدا] ، هفتاد جامه پوشانده شده که رنگ هر یک از آنها متفاوت با دیگری است ، و در انگشتانشان ده انگشتری است که بر اوّلی نوشته شده است : «درود بر شما که شکیبایی کردید !» . بر دومی نوشته شده است : «با سلامت و ایمنی به آن جا در آیید» ، و بر سومی : «این است آن بهشتی که به پاداش کارهایی که می کردید ، میراث گرفتید» ، و بر چهارمی : «غم و اندوه ها از شما برداشته شده است» ، و بر پنجمی : «زیورها و جامه ها بر شما پوشاندیم» ، و بر ششمی : «سیه چشمان بهشتی را به همسری شما در آوردیم» ، و بر هفتمی : «و در آن جاست آنچه دل ها آن را بخواهند و دیدگان ، لذّت برند و شما در آن ، جاودانید» ، و بر هشتمی : «با پیامبران و صدّیقان ، همنشین گشته اید» ، و بر نُهمی : «جوانانی گشته اید که هرگز پیر نمی شوید» ، و بر دهمی : «در همسایگی کسی ساکن شده اید که همسایگان را نمی آزارد» . .

6841.امام على عليه السلام :الإمام الباقر عليه السلام :إِنَّ أَهلَ الجَنَّهِ جُردٌ ، مُردٌ ، مُكَحَّلِينَ ، مُكَلَّلِينَ ، مُطَوَّقِينَ ، مُسَوَّرِينَ ، مُخَنَّمِينَ ، ناعِمِينَ ، مَحبُورِينَ ، مُكرَمِينَ . (1)راجع : ص 564 (الفصل الخامس عشر : نظام الجنه / صفه أوّل زمره يدخلون الجنّه) .

4 / 26إلحاق ذُرِّيَّهِ أَهلِ الجَنَّهِ بِهِمالكتاب«وَ الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَ اتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَنٍ أَلحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ». (2)

«وَ الَّذِينَ صَبَرُواْ ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَ أَقَامُواْ الصَّلَوهَ وَ أَنفَقُواْ مِمَّا رَزَقْنَهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَهً وَ يَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَهِ السَّيِّئَهَ أُوْلَائِکَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ * جَنَّتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَ مَن صَلَحَ مِنْ ءَابَائِهِمْ وَ أَزْوَ جِهِمْ وَ ذُرِّيَّتِهِمْ وَالْمَلَائِکَهُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِم مِّن كُلِّ بَابٍ * سَلَمٌ عَلَيْكُم بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ». (3)

.

1- .الاختصاص : ص 358 عن جابر ، بحار الأنوار : ج 8 ص 220 ح 214.
2- .الطور : 21.
3- .الرعد : 22 24.

4 / 26 ملحق ساختن فرزندان اهل بهشت به آنان

6848.عنه علیه السلام :امام باقر علیه السلام :بهشتیان ، بدن ها و صورت هایشان عاری از موست ، چشمانی سرمه کشیده دارند ، تاج بر سر ، طوق بر گردن ، دستبند در دست ، و انگشتری در انگشتان خویش دارند . راحت اند ، شادان اند ، گرامی اند.ر . ک : ص 565 (فصل پانزدهم : نظام بهشت / ویژگی نخستین گروه وارد شونده به بهشت) .

4 / 26ملحق ساختن فرزندان اهل بهشت به آنانقرآن«و کسانی که ایمان آورده اند و فرزندانشان آنها را در ایمان پیروی کرده اند ، فرزندانشان را به آنان ملحق خواهیم کرد».

«و کسانی که برای طلب خشنودی پروردگارشان شکیبایی کردند و نماز برپا داشتند و از آنچه روزی شان دادیم ، نهان و آشکارا انفاق کردند و بدی را با نیکی دفع می کنند ، ایشان راست فرجام خوشِ سرای باقی ؛ همان بهشت های جاویدان که آنان با پدرانشان و همسرانشان و فرزندانشان که درستکارند ، در آن داخل می شوند و فرشتگان از هر دری بر آنان در می آیند [و به آنان می گویند :] «درود بر شما که شکیبایی کردید !» . به راستی ، چه نیکوست فرجام آن سرای !».

.

الحديث6849.امام صادق عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إِذا دَخَلَ الرَّجُلُ الجَنَّةَ سَأَلَ عَن أَبَوَيهِ وَزَوجَتِهِ وَوُلدِهِ ، فَيُقالُ لَهُ : إِنَّهُم لَم يَبلُغُوا دَرَجَتَکَ وَعَمَلَکَ ، فَيَقُولُ : يا رَبِّ قَد عَمِلتُ لِی وَلَهُم ! فَيُؤمَرُ بِإِلحاقِهِم . (1)6850.الإمام علیّ عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام :إِذا كانَ المُؤمِنُ يُحاسَبُ تَنتَظِرُهُ أَزواجُهُ عَلَى عَتَباتِ الأَبوابِ كَما يَنتَظِرُونَ أَزواجَهُنَّ فِی الدُّنيا مِن عِندِ العَتَبَهِ ، قالَ : فَيَجِیءُ الرَّسُولُ فَيُبَشِّرُهُنَّ ، فَيَقُولُ : قَد وَاللّهِ انقَلَبَ فُلانٌ مِنَ الحِسابِ ، قالَ : فَيَقُلنَ : بِاللّهِ؟ فَيَقُولُ : قَد وَاللّهِ لَقَد رَأَيتُهُ انقَلَبَ مِنَ الحِسابِ ، قالَ : فَإِذا جاءَهُنَّ قُلنَ : مَرحبا وَأَهلاً، ما أَهلَکَ الَّذِينَ كُنتَ عِندَهُم فِی الدُّنيا بِأَحَقَّ بِکَ مِنّا . (2)4 / 27الغِناءُ لِأَهلِ الجَنَّهِ6853.عنه عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إِنَّ الحُورَ العِينَ فِی الجَنَّهِ يُغَنِّينَ . (3)6854.عنه عليه السلام :الدرّ المنثور عن أبی هريره :قالَ رَجُلٌ : يا رَسُولَ اللّهِ ، إِنِّی رَجُلٌ حُبِّبَ إِلَیَ الصَّوتُ الحَسَنُ ، فَهَل فِی الجَنَّهِ صَوتٌ حَسَنٌ؟ فَقالَ : إِی وَالَّذِی نَفسِی بِيَدِهِ ! إِنَّ اللّهَ يُوحِی إِلی شَجَرَهٍ فِی الجَنَّهِ أَن أَسمِعِی عِبادِیَ الَّذِينَ اشتَغَلُوا بِعِبادَتِی وَذِكرِی عَن عَزفِ البَرابِطِ وَالمَزامِيرِ ، فَتَرفَعُ بِصَوتٍ لَم يَسمَعِ الخَلائِقُ بِمِثلِهِ مِن تَسبِيحِ الرَّبِّ وَتَقدِيسِهِ . (4) .

1- .المعجم الكبير : ج 11 ص 349 ح 12248 ، المعجم الصغير : ج 1 ص 229 ، تفسير الثعلبی : ج 9 ص 128 ح 107 ، تفسير ابن كثير : ج 7 ص 408 كلّها عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : ج 14 ص 478 ح 39333.
2- .الزهد للحسين بن سعيد : ص 91 ح 244 عن أبی بصير ، بحار الأنوار : ج 8 ص 197 ح 192.
3- .التاريخ الكبير : ج 7 ص 16 الرقم 70 ، المعجم الأوسط : ج 6 ص 312 ح 6497 ، تفسير ابن كثير : ج 8 ص 12 كلّها عن أنس .
4- .الدرّ المنثور : ج 6 ص 487 نقلاً عن الحكيم الترمذی فی نوادر الأُصول ، تفسير الثعلبی : ج 7 ص 296 ، كنز العمّال : ج 14 ص 489 ح 39377 ؛ مجمع البيان : ج 8 ص 467 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 196 ح 184.

حدیث6856.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :زمانی که مرد وارد بهشت می شود ، از پدر و مادرش و همسرش و فرزندانش پرس و جو می کند . به او گفته می شود : آنها به درجه و عمل تو نرسیدند .

می گوید : پروردگارا ! من برای خودم و برای آنها کار کرده ام !

پس ، دستور داده می شود که آنها را به او ملحق سازند.6857.الإمام علیّ علیه السلام :امام صادق علیه السلام :زمانی که مؤمن حسابرسی می شود ، همسرانِ [بهشتیِ] او بر آستان درها[ی بهشت] منتظر او هستند ، همچنان که در دنیا همسرانشان بر درگاه ، منتظر آنها می ایستند . پس پیغام رسان می آید و به آنان مژده می دهد و می گوید : «به خدا که فلانی از حسابرسی ، باز گشت ! » .

آنها می گویند : تو را به خدا؟

او می گوید : به خدا سوگند که خودم دیدم از حسابرسی بازگشت .

چون مؤمن نزد همسرانش می آید ، می گویند : خوش آمدی ! آن خانواده ای که در دنیا نزد ایشان بودی ، سزاوارتر از ما به تو نیستند.4 / 27آوازخوانی برای بهشتیان6851.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :حوریان ، در بهشت ، آوازمی خوانند.6852.امام علی علیه السلام :الدرّ المنثور به نقل از ابو هریره : مردی گفت : ای پیامبر خدا ! من مردی هستم که آواز خوش را دوست می دارم . آیا در بهشت ، آواز خوش هست؟

فرمود : «آری ، سوگند به آن که جانم در دست اوست . خداوند به درختی از درختان بهشت ، وحی می فرماید که : برای بندگانم که پرداختن به عبادت و ذکر من ، آنان را از نواختن عود و نی باز داشته بود ، آواز بخوان و آن درخت ، با چنان آوازی به تسبیح و تقدیس پروردگار می پردازد که خلایق ، مانند آن را نشنیده اند» .

.

6853.امام على عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما مِن عَبدٍ يَدخُلُ الجَنَّةَ إلّا وَيَجلِسُ عِندَ رَأسِهِ وَعِندَ رِجلَيهِ ثِنتانِ مِنَ الحُورِ العِينِ ، تُغَنِّيانِهِ بِأحسَنِ صَوتٍ سَمِعَهُ الإِنسُ وَالجِنُّ ، وَلَيسَ بِمِزمارِ الشَّيطانِ ، وَلَكِن بِتَمجِيدِ اللّهِ وَتَقدِيسِهِ . (1)6854.امام على عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ فِى الجَنَّهِ شَجَرَةً جُذُوعُها مِن ذَهَبٍ ، وَفُرُوعُها مِن زَبَرجَدٍ وَلُؤلُؤٍ ، فَتَهُبُّ لَها رِيحٌ فَتَصطَفِقُ ، فَما سَمِعَ السّامِعُونَ بِصَوتٍ شَىءٍ قَطُّ أَلَذَّ مِنْهُ. (2)6855.امام على عليه السلام :تفسير القمّى عن عاصم بن حميد عن الإمام الصّادق عليه السلام ، قال :... قُلتُ : جُعِلتُ فِداكَ ، هَل فِى الجَنَّهِ غِناءٌ؟ قالَ : إنَّ فِى الجَنَّهِ شَجَرَةً يُأمَرُ رِياحُها فَتَهُبُّ ، فَتَضرِبُ تِلكَ الشَّجَرَهُ بِأصواتٍ لَم يَسمَعِ الخَلائِقُ مِثلَها حُسنا ثُمَّ قالَ : هذا عِوَضٌ لِمَن تَرَكَ السَّماعَ لِلغِناءِ فِى الدُّنيا مِن مَخافَهِ اللّهِ . (3)6856.امام على عليه السلام :الإمام الرضا عليه السلام :مَن نَزَّهَ نَفسَهُ عَنِ الغِناءِ فَإنَّ فِى الجَنَّهِ شَجَرَةً يَأمُرُ اللّهُ عز و جلالرِّياحَ أن تُحَرِّكَها ، فَيَسمَعُ لَها صوتا لَم يَسمَع بِمِثلِهِ ، وَمَن لَم يَتَنَزَّه عَنهُ لَم يَسمَعهُ . (4)4 / 28فيها ما تَشتَهِيهِ الأَنفُسُ وَتَلَذُّ الأَعيُنُالكتاب«ادْخُلُواْ الْجَنَّةَ أَنتُمْ وَ أَزْوَ جُكُمْ تُحْبَرُونَ * يُطَافُ عَلَيْهِم بِصِحَافٍ مِّن ذَهَبٍ وَ أَكْوَابٍ وَ فِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنفُسُ وَ تَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَ أَنتُمْ فِيهَا خَلِدُونَ». (5)

«جَنَّتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَرُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَ لِکَ يَجْزِى اللَّهُ الْمُتَّقِينَ». (6)

«إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُم مِّنَّا الْحُسْنَى أُوْلَائِکَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ * لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَ هُمْ فِى مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَلِدُونَ». (7)

«هَذَا ذِكْرٌ وَ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَئَابٍ * جَنَّتِ عَدْنٍ مُّفَتَّحَةً لَّهُمُ الْأَبْوَ بُ * مُتَّكِئِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَكِهَهٍ كَثِيرَهٍ وَ شَرَابٍ * وَ عِندَهُمْ قَصِرَ تُ الطَّرْفِ أَتْرَابٌ * هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ * إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِن نَّفَادٍ». (8)

«إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِى مَقَامٍ أَمِينٍ * فِى جَنَّتٍ وَ عُيُونٍ * يَلْبَسُونَ مِن سُندُسٍ وَ إِسْتَبْرَقٍ مُّتَقَبِلِينَ * كَذَ لِکَ وَ زَوَّجْنَهُم بِحُورٍ عِينٍ * يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَكِهَهٍ ءَامِنِينَ * لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَى وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ * فَضْلاً مِّن رَّبِّکَ ذَ لِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ». (9)

«وَ السَّبِقُونَ السَّبِقُونَ * أُوْلَائِکَ الْمُقَرَّبُونَ * فِی جَنَّتِ النَّعِیمِ * ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِینَ * وَقَلِیلٌ مِّنَ الْاخِرِینَ * عَلَی سُرُرٍ مَّوْضُونَهٍ * مُّتَّکِئِینَ عَلَیْهَا مُتَقَبِلِینَ». (10)

«إِنَّ الْمُتَّقِینَ فِی جَنَّتٍ وَ نَعِیمٍ * فَکِهِینَ بِمَا ءَاتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَ وَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِیمِ * کُلُواْ وَ اشْرَبُواْ هَنِیئَا بِمَا کُنتُمْ تَعْمَلُونَ * مُتَّکِئِینَ عَلَی سُرُرٍ مَّصْفُوفَهٍ وَ زَوَّجْنَهُم بِحُورٍ عِینٍ * وَ الَّذِینَ ءَامَنُواْ وَ اتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّیَّتُهُم بِإِیمَنٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّیَّتَهُمْ وَ مَا أَلَتْنَهُم مِّنْ عَمَلِهِم مِّن شَیْ ءٍ کُلُّ امْرِیءٍ بِمَا کَسَبَ رَهِینٌ * وَ أَمْدَدْنَهُم بِفَکِهَهٍ وَ لَحْمٍ مِّمَّا یَشْتَهُونَ * یَتَنَزَعُونَ فِیهَا کَأْسًا لَا لَغْوٌ فِیهَا وَ لَا تَأْثِیمٌ * وَیَطُوفُ عَلَیْهِمْ غِلْمَانٌ لَّهُمْ کَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّکْنُونٌ». (11)

«وَ جَزَاهُم بِمَا صَبَرُواْ جَنَّهً وَ حَرِیرًا * مُّتَّکِئِینَ فِیهَا عَلَی الْأَرَائِکِ لَا یَرَوْنَ فِیهَا شَمْسًا وَ لَا زَمْهَرِیرًا * وَ دَانِیَهً عَلَیْهِمْ ظِلَلُهَا وَ ذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِیلاً * وَ یُطَافُ عَلَیْهِم بِئَانِیَهٍ مِّن فِضَّهٍ وَ أَکْوَابٍ کَانَتْ قَوَارِیرَا * قَوَارِیرَا مِن فِضَّهٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِیرًا * وَ یُسْقَوْنَ فِیهَا کَأْسًا کَانَ مِزَاجُهَا زَنجَبِیلاً * عَیْنًا فِیهَا تُسَمَّی سَلْسَبِیلاً * وَ یَطُوفُ عَلَیْهِمْ وِلْدَ نٌ مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَیْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنثُورًا * وَ إِذَا رَأَیْتَ ثَمَّ رَأَیْتَ نَعِیمًا وَ مُلْکًا کَبِیرًا * عَلِیَهُمْ ثِیَابُ سُندُسٍ خُضْرٌ وَ إِسْتَبْرَقٌ وَ حُلُّواْ أَسَاوِرَ مِن فِضَّهٍ وَ سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا * إِنَّ هَذَا کَانَ لَکُمْ جَزَاءً وَ کَانَ سَعْیُکُم مَّشْکُورًا». (12)

«وُجُوهٌ یَوْمَئِذٍ نَّاعِمَهٌ * لِّسَعْیِهَا رَاضِیَهٌ * فِی جَنَّهٍ عَالِیَهٍ * لَا تَسْمَعُ فِیهَا لَغِیَهً * فِیهَا عَیْنٌ جَارِیَهٌ * فِیهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَهٌ * وَ أَکْوَابٌ مَّوْضُوعَهٌ * وَ نَمَارِقُ مَصْفُوفَهٌ * وَ زَرَابِیُّ مَبْثُوثَهٌ». (13)

«فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَی بَعْضٍ یَتَسَاءَلُونَ * قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ إِنِّی کَانَ لِی قَرِینٌ * یَقُولُ أَءِنَّکَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِینَ * أَءِذَا مِتْنَا وَکُنَّا تُرَابًا وَ عِظَمًا أَءِنَّا لَمَدِینُونَ * قَالَ هَلْ أَنتُم مُّطَّلِعُونَ * فَاطَّلَعَ فَرَءَاهُ فِی سَوَاءِ الْجَحِیمِ * قَالَ تَاللَّهِ إِن کِدتَّ لَتُرْدِینِ * وَ لَوْلَا نِعْمَهُ رَبِّی لَکُنتُ مِنَ الْمُحْضَرِینَ * أَفَمَا نَحْنُ بِمَیِّتِینَ * إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَی وَ مَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِینَ * إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ * لِمِثْلِ هَذَا فَلْیَعْمَلِ الْعَمِلُونَ». (14)

.

1- .مجمع البیان : ج 8 ص 467 عن أبی اُمامه ، بحار الأنوار : ج 8 ص 195 ح 181 ، المعجم الکبیر : ج 8 ص 95 ح 7478 وفیه «نساء» بدل «ثنتان» ،

مسند الشاميّين : ج 2 ص 423 ح 1618 ، تاريخ دمشق : ج 16 ص 295 ح 3933 كلّها عن أبى أُمامه ، كنز العمّال : ج 14 ص 488 ح 39374.
2- .الترغيب والترهيب : ج 4 ص 523 ح 62 عن أبى هريره.
3- .تفسير القمّى : ج 2 ص 170 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 127 ح 27.
4- .الكافى : ج 6 ص 434 ح 19 عن ياسر الخادم.
5- .الزخرف : 70 71.
6- .النحل : 31.
7- .الأنبياء : 101 102.
8- .ص : 49 54 .
9- .الدّخان : 51 57 .
10- .الواقعه : 10 16.
11- .الطور : 17 24.
12- .الإنسان : 12 22.
13- .الغاشيه : 8 16.
14- .الصافّات : 50 61 .

4 / 28 هر آنچه دل بخواهد و دیده از آن لذّت ببَرَد ، در بهشت هست

6865.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر بنده ای که وارد بهشت شود ، بر بالین او و در پایین پایش ، دو حوری می نشینند و با خوش ترین صدا برایش آواز می خوانند ، چنان که جن و انس ، آن را می شنوند . آن ، ساز و آواز شیطان نیست ؛ بلکه تمجید و تقدیس خداست.6866.الإمام علیّ علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در بهشت ، درختی است که تنه اش از طلا و شاخه هایش از زبرجد و مروارید است . بر این درخت ، بادی وزیدن می گیرد و چنان صدایی از آن بر می خیزد که شنوندگان هرگز صدایی لذّت بخش تر از آن نشنیده اند.6864.امام علی علیه السلام :تفسیر القمّی به نقل از عاصم بن حمید : به امام صادق صلی الله علیه و آله گفتم : قربانت گردم ! آیا در بهشت ، آوازخوانی هست ؟

فرمود : «در بهشت ، درختی است که به بادها دستور داده می شود و وزیدن می گیرند . پس آن درخت ، آهنگی می زند که خلایق ، آهنگی به زیباییِ آن نشنیده اند» .

سپس فرمود : «این عوض برای کسی است که در دنیا از ترس خداوند ، گوش کردن به آوازخوانی را ترک کرده است» .6865.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام رضا علیه السلام :هر کس خود را از غنا دور کند ، در بهشت ، درختی هست که خداوند عز و جل دستور می دهد بادها آن را به حرکت در می آورند و آوازی از آن به گوش می رسد که تا کنون همانند آن را نشنیده است . هر که از غنا دوری نکند ، آن را نمی شنود.4 / 28هر آنچه دل بخواهد و دیده از آن لذّت ببَرَد ، در بهشت هستقرآن«شما با همسرانتان شادمان به بهشت وارد شوید . سینی هایی از زر و جام هایی در برابر آنان می گردانند و در آن جا ، آنچه دل ها آن را بخواهند و دیدگان را خوش آید ، هست و شما در آن ، جاویدانید».

«بهشت های دست نخورده ای که وارد آنها می شوند ، جوی ها در زیر آنها روان اند . در آنها آنچه بخواهند ، برایشان هست . این گونه ، خدا پرهیزگاران را پاداش می دهد» .

«بی گمان ، کسانی که پیش تر ، از جانب ما به آنان وعده نیکو داده شده است ، از آن (آتش) دور داشته خواهند شد . صدای آن را نمی شنوند ، و آنان در میان آنچه دل هایشان بخواهد ، جاودان اند».

«این ، یادکردی است ، و قطعا برای پرهیزگاران ، فرجامی نیک است : باغ های همیشگی ، در حالی که درهای آنها برایشان گشوده است . در آن جا تکیه می زنند و میوه های فراوان و نوشیدنی در آن جا طلب می کنند و نزدشان [دلبرانِ]فروهشته نگاه همسال اند . این است آنچه برای روز حساب به شما وعده داده می شد . [می گویند :] در حقیقت ، این ، روزیِ ماست و آن را پایانی نیست».

«همانا پرهیزگاران در جایگاهی امن و آسوده اند ، در بوستان ها و [کنار] چشمه سارها . پرنیان نازک و دیبای ستبر می پوشند و برابر هم نشسته اند . چنین [خواهد بود] و آنها را با حوریان درشت چشم ، همسر می گردانیم . در آن جا هر میوه ای را [که بخواهند ،]آسوده خاطر می طلبند . جز مرگِ نخستین در آن جا ، مرگ نخواهند چشید و خدا آنها را از عذاب دوزخ نگاه می دارد . این ، بخششی است از جانب پروردگار تو . این است همان کامیابی بزرگ».

«و پیشی گیرندگان ، پیشی گیرندگان ، آنان اند همان مقرّبان [خدا] ، در باغستان های پُر نعمت ؛ گروهی از پیشینیان و اندکی از آیندگان[اند] ، بر تخت هایی جواهرنشان که روبه روی هم بر آنها تکیه داده اند».

«پرهیزگاران در بهشت ها و در ناز و نعمت اند . به آنچه پروردگارشان به آنان داده ، دل شادند و پروردگارشان ، آنان را از عذاب دوزخ ، مصون داشته است . به پاداش آنچه به جای می آوردید ، بخورید و بنوشید . گوارایتان باد ! بر تخت هایی ردیف هم ، تکیه زده اند و حوریان درشت چشم را همسر آنان گردانیده ایم . و کسانی که گرویده اند و فرزندانشان آنها را در ایمان پیروی کرده اند ، فرزندانشان را به آنان ملحق خواهیم کرد و چیزی را از کارهایشان نمی کاهیم . هر کسی در گرو دستاورد خویش است . با [هر نوع]میوه و گوشتی که دلخواه آنهاست ، آنان را مدد می کنیم . در آن جا ، جامی از دست هم می ربایند که در آن ، نه زیاده گویی است و نه گناه . و برای [خدمتکاری]آنان ، پسرانی هستند که بر گردشان می گردند . گویا آنها مرواریدی اند که [در صدف ،] نهفته است».

«و [خداوند] به پاس آن که صبر کردند ، بهشت و پرنیان را به آنان پاداش داد . در آن [بهشت] ، بر تخت ها تکیه می زنند . در آن ، نه آفتابی می بینند و نه سرمایی ، و سایه ها به آنان نزدیک است و میوه هایش [برای چیدن] ، رام ، و ظروف سیمین و جام های بلورین ، بر گِرد آنان گردانده می شود ؛ جام هایی از سیم که آنها را درست به اندازه از کار در آورده اند . و در آن جا از جامی که آمیزه زنجبیل دارد ، به آنان می نوشانند ، از چشمه ای در آن جا که سلسبیل نامیده می شود . و بر گرد آنان ، پسرانی جاودانی می گردند . چون آنها را ببینی ، گویی که مرواریدهایی پراکنده اند و چون بِدان جا بنگری ، نعمتی و سلطنتی بزرگ می بینی . در بَر آنان (بهشتیان) ، جامه های ابریشمی سبز و دیبایی ستبر است و پیرایه آنان ، دستبندهای سیمین است و پروردگارشان باده ای پاک کننده به آنان می نوشاند . این [پاداش] ، برای شماست و کوشش شما مقبول افتاده است».

«در آن روز ، چهره هایی شاداب اند . از کوشش خود ، خشنودند . در بهشت برین اند . سخن بیهوده ای در آن جا نمی شنوند . در آن ، چشمه ای روان است . تخت هایی بلند در آن جاست ، و قدح هایی نهاده شده ، و بالش هایی پهلوی هم چیده ، و فرش هایی [زربفت]گسترده».

«پس برخی شان به برخی روی می کنند و از همدیگر پرس و جو می نمایند . گوینده ای از آنان ، می گوید : «راستی ، من [در دنیا]همنشینی داشتم که می گفت : آیا تو واقعا از باور دارندگانی؟ آیا وقتی مُردیم و خاک و [مشتی]استخوان شدیم ، آیا واقعا جزا می یابیم؟ می پرسد : «آیا شما اطّلاع دارید [کجاست]؟» . پس اطّلاع می یابد و او را در میان آتش می بیند و می گوید : «به خدا سوگند ، چیزی نمانده بود که تو مرا به هلاکت اندازی و اگر رحمت پروردگارم نبود ، هر آینه من نیز از احضار شدگان بودم . آیا دیگر روی مرگ را نمی بینیم ، جز همان مرگ نخستین خود؟ و ما هرگز عذاب نخواهیم شد؟ راستی که این ، همان کامیابی بزرگ است » . برای چنین پاداشی ، کوشندگان باید بکوشند».

.

ص: 226

. .

ص: 227

. .

الحديث6876.عنه عليه السلام :سنن الترمذى عن سليمان بن يزيد عن أبيه :إِنَّ رَجُلاً سَأَلَ النَّبِىَ صلى الله عليه و آله فَقالَ : يا رَسُولَ اللّهِ ، هَل فِى الجَنَّهِ مِن خَيلٍ؟ قالَ : إِنِ اللّهُ أَدخَلَکَ الجَنَّهَ ، فَلا تَشاءُ أَن تُحمَلَ فِيها عَلَى فَرَسٍ مِن ياقُوتَهٍ حَمراءَ ، يَطِيرُ بِکَ فِى الجَنَّهِ حَيثُ شِئتَ!

قالَ : وَسَأَلَهُ رَجُلٌ فَقالَ : يا رَسُولِ اللّهِ ، هَل فِى الجَنَّهِ مِن إِبِلٍ؟ قالَ : فَلَم يَقُل لَهُ مِثلَ ما قالَ لِصاحِبِهِ . قالَ : إِنْ يُدخِلکَ اللّهُ الجَنَّهَ يَکُن لَکَ فِيها ما اشتَهَت نَفسُکَ وَلَذَّت عَينُکَ . (1) .

1- .سنن الترمذى : ج 4 ص 681 ح 2543 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 17 ح 23043 عن بريده ، المعجم الأوسط : ج 5 ص 185 ح 5023 ، مسند الطيالسى : ص 108 ح 806 كلاهما عن سليمان بن بريده عن أبيه ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 72 ح 38 عن بريده وكلّها نحوه ، كنز العمّال : ج 14 ص 648 ح 39776 .

حدیث6871.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سنن الترمذی به نقل از سلیمان بن یزید ، از پدرش : مردی از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کرد و گفت : ای پیامبر خدا ! آیا در بهشت ، اسب هم هست ؟

فرمود : «اگر خدا تو را به بهشت وارد کند ، نمی خواهی که در آن جا بر اسبی از یاقوت سرخ سوارت کنند و با آن در بهشت ، هر جا که می خواهی ، پرواز کنی ؟» .

مرد دیگری پرسید : ای پیامبر خدا ! آیا در بهشت ، شتر هم هست؟

پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخی را که به اوّلی داده بود ، به او نداد ؛ بلکه فرمود : «اگر خدا تو را به بهشت وارد کند ، در آن جا آنچه دلت بخواهد و دیده لذّت می برد ، برایت خواهد بود» . .

6872.امام على عليه السلام (در نامه اش به مالک اَشتر، هنگامى كه او را والى) تفسير ابن كثير عن أبى هريره :إِنَّ أَبا أُمامَهَ حَدَّثَ أَنَّ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه وآله حَدَّثَهُم وَذَكَر الجَنَّهَ ، فَقالَ : وَالَّذِى نَفسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ ! لَيَأخُذَنَّ أَحَدُكُم اللُّقمَهَ فَيَجعَلُها فِى فِيهِ ، ثُمَّ يَخطُرُ عَلى بِالِهِ طَعامٌ آخَرُ ، فَيَتَحَوَّلُ الطَّعامُ الَّذِى فِي فِيهِ عَلَى الَّذِى اشتَهى . ثُمَّ قَرَأَ : «وَ فِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنفُسُ وَ تَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَ أَنتُمْ فِيهَا خَلِدُونَ » (1) . (2)6873.امام على عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إِذا اشتَهى المُؤمِنُ الوَلَدَ فِى الجَنَّهِ كانَ حَملُهُ وَوَضعُهُ وَسِنُّهُ فِى ساعَهٍ واحِدَهٍ كَما يَشتَهِى .
(3)6874.امام على عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :أَهلُ الجَنَّهِ رَشحُهُمُ المِسكُ ، وَوَقُودُهُمُ الأَلُوَّهُ (4) . (5) .

1- .الزخرف : 71.
2- .تفسير ابن كثير : ج 7 ص 225 ، الدرّ المنثور : ج 7 ص 391 نقلاً عن ابن أبى حاتم.
3- .مسند ابن حنبل : ج 4 ص 21 ح 11063 ، سنن الترمذى : ج 4 ص 695 ح 2563 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1452 ح 4338 وليس فيه «وسنّه» ، سنن الدارمى : ج 2 ص 794 ح 2729 ، صحيح ابن حبّان : ج 16 ص 417 ح 7404 وفيه «وشبابه» بدل «وسنّه» وكلّها عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : ج 14 ص 476 ح 39326 .
4- .عُوْدُ الأَلُوَّهِ : أجودُ ما يُتبَخَّر به (المحيط فى اللغه : ج 10 ص 373 «ألو»).
5- .مسند ابن حنبل : ج 3 ص 276 ح 8688 عن أبى هريره.

6875.امام علی علیه السلام :تفسیر ابن کثیر به نقل از ابو هریره : ابو اُمامه روایت کرد که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برایشان از بهشت یاد کرد و فرمود : «سوگند به آن که جان محمّد در دست اوست ، هر یک از شما لقمه را بر می دارد و در دهانش می گذارد و سپس آرزوی خوراک دیگری می کند . پس در دم ، همان لقمه ای که در دهان اوست ، به خوراکی که هوس کرده است ، تبدیل می شود» .

پیامبر صلی الله علیه و آله سپس این آیه را خواند : «و در آن جا ، آنچه دل ها آن را بخواهند و دیدگان را خوش آید ، هست و شما در آن ، جاویدانید» .6876.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه مؤمن در بهشتْ هوس فرزند کند ، در همان دم ، بارداری و زایمان فرزند دلخواهش ، در همان سنّی که او می خواهد ، صورت می پذیرد.6877.امام زین العابدین علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشتیان ، عرقشان مُشک است و سوختشان اَلاویه . (1) .

1- .اَلاویه : بهترین نوع چوب عود که با آن ، بخور می کنند.

6878.الإمام الصادق عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :مَن يَدخُل الجَنَّةَ يُنعَم لا يَبأسُ ، لا تَبلى ثِيابُهُ ، وَلا يَفنى شَبابُهُ . (1)6879.الإمام الرضا عليه السلام (فى دُعائِهِ) عنه صلى الله عليه و آله :إذا استَقَرَّ أهلُ الجَنَّهِ فِى الجَنَّهِ اشتاقَ الإخوانُ إلَى الإخوانِ ، فَيَسِيرُ سَرِيرُ ذا إلى سَرِيرِ ذا فَيَلتَقِيانِ ، فَيَتَحَدَّثانِ ما كانَ بَينَهُما فِى دارِ الدُّنيا ، ويَقولُ : يا أخِى ، تَذكُرُ يَومَ كَذا كُنّا فِى دارِ الدُّنيا فِى مَجلِسِ كَذا ، فَدَعَونا اللّهَ فَغَفَرَ لَنا .
(2)6880.تحف العقول (فى مُناجاهِ اللّهِ عز و جللِموسى عليه السلام) سنن الدّارمِىّ عن زيد بن أرقم :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إنَّ الرَّجُلَ مِن أهلِ الجَنَّهِ لَيُعطَى قُوَّهَ مِئَهِ رَجُلٍ ، فِى الأكلِ وَالشُّربِ وَالجِماعِ وَالشَّهوَهِ .

فَقالَ رَجُلٌ مِنَ اليَهُودِ : إنَّ الَّذِى يَأكُلُ وَيَشرَبُ تَكُونُ مِنهُ الحاجَهُ؟ فَقالَ : يُفِيضُ مِن جِلدِهِ عَرَقٌ ، فَإذا بَطنُهُ قَد ضَمَرَ . (3)6881.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مسند ابن حنبل عن زيد بن أرقم :أتى النَّبِىَ صلى الله عليه و آله رَجُلٌ مِنَ اليَهُودِ فَقالَ : يا أبا القاسِمِ ، ألَستَ تَزعَمُ أنَّ أهلَ الجَنَّهِ يَأكُلُونَ فِيها وَيَشرَبُونَ؟ وَقالَ لِأصحابِهِ : إن أقَرَّ لِى بِهَذِهِ خَصَمتُهُ .

قالَ : فَقالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : بَلى ، وَالَّذِى نَفسِى بِيَدِهِ ! إنَّ أحَدَهُم لَيُعطَى قُوَّهَ مِئَهِ رَجُلٍ فِى المَطعَمِ وَالمَشرَبِ وَالشَّهوَهِ وَالجِماعِ .

قالَ : فَقالَ لَهُ اليَهُودِىُ : فَإنَّ الَّذِى يَأكُلُ وَيَشرَبُ تَكُونُ لَهُ الحاجَهُ؟ قالَ : فَقالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : حاجَهُ أحَدِهِم عَرَقٌ يُفِيضُ مِن جُلُودِهِم مِثلَ رِيحِ المِسكِ ، فَإذا البَطنُ قَد ضَمَرَ . (4) .

1- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2181 ح 21 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 301 ح 8835 ، مسند أبى يعلى : ج 6 ص 52 ح 6397 ، مسند إسحاق بن راهويه : ج 1 ص 119 ح 36 ، المعجم الأوسط : ج 8 ص 258 ح 8566 كلّها عن أبى هريره ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 67 ح 2 عن ابن عمر وكلاهما نحوه ، كنز العمّال : ج 14 ص 474 ح 39318 ؛ بحار الأنوار : ج 8 ص 147 ح 74 نقلاً عن جامع الأخبار.
2- .حليه الأولياء : ج 8 ص 49 ، تاريخ دمشق : ج 21 ص 170 ح 4760 ، الدرّ المنثور : ج 7 ص 634 نقلاً عن البزّار نحوه وكلّها عن أنس ، كنز العمّال : ج 14 ص 467 ح 39285.

3- .سنن الدارمی : ج 2 ص 791 ح 2721 ، مسند ابن حنبل : ج 7 ص 84 ح 19333 ، المعجم الکبیر : ج 5 ص 178 ح 5006 ، المصنّف لابن أبی شیبه : ج 8 ص 73 ح 41 ، کنز العمّال : ج 14 ص 468 ح 39290 .
4- .مسند ابن حنبل : ج 7 ص 76 ح 19289 ، الزهد لابن المبارک : ص 512 ح 1459 ، المعجم الکبیر : ج 5 ص 178 ح 5008 نحوه ، کنز العمّال : ج 14 ص 484 ح 39359 ؛ تنبیه الخواطر : ج 1 ص 358 عن جابر ، بحار الأنوار : ج 8 ص 149 ح 82 .

6882.الإمام زين العابدين عليه السلام :پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :كسى كه به بهشت وارد شود ، همواره برخوردار است و هرگز بينوا نمى شود ، جامه هايش كهنه نمى شوند و جوانى اش از بين نمى رود.6883.الإمام الصادق عليه السلام :پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :چون بهشتيان در بهشت استقرار يابند ، برادرانْ مشتاق ديدار يكديگر مى شوند . پس ، تخت اين يكى به سوى تخت ديگرى حركت مى كند و آن دو با هم ديدار مى كنند و از آنچه در سراى دنيا ميانشان گذشته است ، سخن مى گويند و يكى مى گويد : برادرم ! يادت مى آيد كه فلان روز ، در سراى دنيا در فلان مجلس بوديم و دعا كرديم و خدا ما را آمرزيد ؟6878.امام صادق عليه السلام :سنن الدارمى به نقل از زيد بن ارقم : پيامبر خدا صلى الله عليه و آله فرمود : «در بهشت به مرد ، نيروى صد مرد در خوردن و آشاميدن و جِماع و شهوت داده مى شود» .

مردى از يهود گفت : كسى كه مى خورد و مى آشامد ، به قضاى حاجت نياز ندارد ؟

پيامبر صلى الله عليه و آله فرمود : «از پوست او عرق مى ريزد و شكمش خالى مى شود» .6879.امام رضا عليه السلام (در دعايش) مسند ابن حنبل به نقل از زيد بن ارقم : مردى از يهود ، نزد پيامبر صلى الله عليه و آله آمد و گفت : اى ابو القاسم ! آيا نه اين است كه مى گويى بهشتيان مى خورند و مى آشامند؟ و به دوستانش گفت : اگر به اين اقرار كند ، او را محكوم مى كنم.

پيامبر خدا صلى الله عليه و آله فرمود : «چرا ! سوگند به آن كه جانم در دست اوست ، به هر يک از آنان ، نيروى صد مرد در خوردن و آشاميدن و شهوت و جِماع داده مى شود» .

يهودى گفت : كسى كه مى خورد و مى آشامد ، قضاى حاجت نمى كند؟

پيامبر خدا صلى الله عليه و آله فرمود : «قضاى حاجت هر يک از آنها ، عرق مشک فشانى است كه از پوستش مى تراود و شكمش فرو مى نشيند». .

6880.تحف العقول (در نجواى خداوند با موسى عليه السلام) الإمام علىّ عليه السلام :قالَ رَجُلٌ : يا رَسُولَ اللّهِ ، إنّي أُحِبُّ الخَيلَ ؛ أفِى الجَنَّهِ خَيلٌ؟ قالَ : نَعَم ، وَالَّذِى نَفسِى بِيَدِهِ ! إنَّ فِيها خَيلاً مِن ياقُوتٍ أحمَرَ ، عَلَيها يُركَبُونَ فَتَدِفُّ (1) بِهِم خِلالَ وَرَقِ الجَنَّهِ .

قالَ رَجُلٌ : يا رَسُولَ اللّهِ ، إنّى يُعجِبُنِى الصَّوتُ الحَسَنُ ؛ أفِى الجَنَّهِ الصَّوتُ الحَسَنُ؟ قالَ : نَعَم، وَالَّذِى نَفسِى بِيَدِهِ ! إنَّ اللّهَ لَيَأمُرُ لِمَن أحَبَّ ذَلِكَ مِنهُم بِشَجَرٍ يُسمِعُهُ صَوتا بِالتَّسبِيحِ ، ما سَمِعَتِ الآذانُ بِأحسَنَ مِنهُ قَطُّ .

قالَ رَجُلٌ : يا رَسُولَ اللّهِ ، إنّى أُحِبُّ الإبِلَ ؛ أفِى الجَنَّهِ إبِلٌ؟ قالَ : نَعَم ، وَالَّذِى نَفسِى بِيَدِهِ ! إنَّ فِيها نَجائِبَ مِن ياقُوتٍ أحمَرَ ، عَلَيها رِحالُ الذَّهَبِ ، قَد أُلحِفَت بِنَمارِقِ الدِّيباجِ ، يُركَبُونَ فَتَزُفُّ (2) بِهِم خِلالَ وَرَقِ الجَنَّهِ .

وَإنَّ فِيها صُوَرَ رِجالٍ وَنِساءٍ يَركَبُونَ مَراكِبَ أهلِ الجَنَّهِ ، فَإذا أعجَبَ أحَدَهُمُ الصُّورَهُ قالَ : اِجعَل صُورَتِى مِثلَ هَذِهِ الصُّورَهِ ؛ فَيَجعَلُ صُورَتَهُ عَلَيها ، وَإذا أعجَبَتهُ صُورَهُ المَرأهِ قالَ : رَبِّ اجعَل صُورَهَ فُلانَهَ زَوجَتِهِ مِثلَ هَذِهِ الصُّورَهِ ؛ فَيَرجِعُ وَقَد صارَت صُورَهُ زَوجَتِهِ عَلَى مَا اشتَهى . (3)6881.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام زين العابدين عليه السلام :مَن طَلَبَ الغِنى وَالأموالَ وَالسَّعَهَ فِى الدُّنيا فَإنَّما يَطلُبُ ذَلِكَ لِلرّاحَهِ ، وَالرّاحَهُ لَم تُخلَق فِى الدُّنيا وَلا لِأهلِ الدُّنيا ، إنَّما خُلِقَتِ الرّاحَهُ فِى الجَنَّهِ وَلِأهلِ الجَنَّهِ . (4)راجع : ص 176 (مركوب الجنّه) .

.

1- .تَدِفّ : أى تسير سيرا ليّنا (النهايه : ج 2 ص 125 «دفف»).
2- .زَفّ القَوم : أسرعوا (لسان العرب : ج 9 ص 136 «زفف»).
3- .الغارات : ج 1 ص 242 ، بحار الأنوار : ج 33 ص 547 .
4- .الخصال : ص 64 ح 95 عن الزهرى ، بحار الأنوار : ج 73 ص 92 ح 69 .

6883.امام صادق علیه السلام :امام علی علیه السلام :مردی گفت : ای پیامبر خدا ! من به اسب علاقه دارم . آیا در بهشت هم اسب هست؟

فرمود : «آری ، سوگند به آن که جانم در دست اوست . در آن جا اسبانی از یاقوت سرخ هستند که [بهشتیان] بر آنها نشانده می شوند و آن اسب ها آنان را در میان برگ های بهشت ، به آرامی می گردانند» .

مرد دیگری گفت : ای پیامبر خدا ! من آواز خوش را دوست دارم . آیا در بهشت ، آواز خوش هم هست؟

فرمود : «آری ، سوگند به آن که جانم در دست اوست . خداوند برای هر یک از بهشتیان که آواز خوش را دوست دارد ، به درختی فرمان می دهد که آواز تسبیح برایش سر دهد ؛ آوازی که گوش ها هرگز خوش تر از آن را نشنیده اند» .

مرد دیگری گفت : ای پیامبر خدا ! من شتر دوست دارم . آیا در بهشت ، شتر هم هست ؟

فرمود : «آری ، سوگند به آن که جانم در دست اوست . در آن جا اشتران نژاده ای از یاقوت سرخ اند که جهاز طلا بر آنهاست و با بالشتک های دیبا پوشانده شده اند و بهشتیان بر آنها نشانده می شوند و در لا به لای برگ های بهشت می تازند.

در بهشت ، تصاویری از مردان و زنان هست که بر مرکب های بهشتی سوارند و چون یکی از بهشتیان از تصویری خوشش آید ، می گوید : خدایا ! صورت مرا مانند این صورت بگردان و خداوند ، صورتش را مانند آن می گرداند ، و چون تصویر زنی را بپسندد ، می گوید : پروردگارا ! صورت فلانی [یعنی همسرم]را مانند این صورت بگردان و چون [به منزل خود] بر می گردد ، می بیند که صورت همسرش به مانند همان صورت دلخواهش شده است» .6884.عنه علیه السلام :امام زین العابدین علیه السلام :کسی که در دنیا در پی توانگری و ثروت و رفاه است ، در حقیقت ، آنها را برای آسایش می جوید ، حال آن که آسایش ، در دنیا و برای اهل دنیا آفریده نشده است ؛ بلکه آسایش ، در بهشت است و برای بهشتیان ، خلق شده است.ر . ک : ص 177 (مرکب بهشت) .

4 / 29أَطيَبُ شَى ءٍ فِى الجَنَّهأ رِضوانُ اللّهِ سُبحانَهُالكتاب«وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَتِ جَنَّتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الأَنْهَرُ خَلِدِينَ فِيهَا وَمَسَكِنَ طَيِّبَةً فِى جَنَّتِ عَدْنٍ وَرِضْوَ نٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَ لِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ». (1)

الحديث6887.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لَنَعِيمُ أَهلِ الجَنَّهِ بِرِضوانِ اللّهِ عَنهُم أَفضَلُ مِن نَعِيمِهِم بِما فِى الجِنانِ . (2)6888.امام على عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :إِذا دَخَلَ أَهلُ الجَنَّهِ الجَنَّهَ يَقُولُ اللّهِ عز و جل : هَل تَشتَهُونَ شَيئا فَأَزِيدَكُم؟ فَيَقُولُونَ : رَبَّنا وَما فَوقَ مَا أَعطَيتَنَا؟ يَقُولُ : رِضوانِى أَكبَرُ . (3)6889.عنه عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ اللّهَ يَقُولُ لِأَهلِ الجَنَّهِ : يا أَهلَ الجَنَّهِ ! يَقُولُونَ : لَبَّيکَ رَبَّنا وَسَعدَيکَ ، فَيَقُولُ : هَل رَضِيتُم؟ فَيَقُولُونَ : وَما لَنا لَا نَرضى وَقَد أَعطَيتَنا ما لَم تُعطِ أَحَدا مِن خَلقِکَ ! فَيَقُولُ : أَنا أُعطِيکُم أَفضَلَ مِن ذَلِکَ ، قالُوا : يا رَبِّ ! وَأَىُ شَى ءٍ أَفضَلُ مِن ذَلِکَ؟ قالَ : أُحِلُّ عَلَيکُم رِضوانِى ، فَلا أَسخَطُ عَلَيکُم بَعدَهُ أَبَدا . (4) .

1- .التوبه : 72.
2- .الدرّ المنثور : ج 4 ص 238 نقلاً عن ابن أبى حاتم عن أبى عبد الملک الجهنى .
3- .المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 156 ح 276 المعجم الأوسط : ج 9 ص 26 ح 9025 نحوه ، تاريخ أصبهان : ج 1 ص 335 الرقم 606 ، تفسير ابن كثير : ج 4 ص 118 كلّها عن جابر ، كنز العمّال : ج 14 ص 478 ح 39332.
4- .صحيح البخارى : ج 5 ص 2398 ح 6183 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2176 ح 9 ، سنن الترمذى : ج 4 ص 689 ح 2555 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 175 ح 11835 كلّها عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : ج 14 ص 467 ح 39287.

4 / 29 بهترین چیز در بهشت

الف خشنودی خدای سبحان

4 / 29بهترین چیز در بهشتالف خشنودی خدای سبحانقرآن«خدا به مردان و زنان مؤمن ، بهشت هایی را وعده داده که در آنها جویبارها روان است و در آنها جاویدان اند ، و [نیز] سراهایی پاکیزه را در بهشت های جاودان ، و [البتّه] خشنودی خدا ، بزرگ تر است . این است همان کامیابی بزرگ».

حدیث6890.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نعمت خشنودی خداوند از اهل بهشت ، از تمام نعمت های بهشتی ، برتر است .6891.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه بهشتیان به بهشت وارد شوند ، خدای عز و جل می فرماید : «آیا چیزی می خواهید که برایتان اضافه کنم؟» .

بهشتیان می گویند : پروردگارا ! بالاتر از آنچه به ما عطا فرموده ای ، چیست؟

خداوند می فرماید : «خشنودی من ، بزرگ تر است» .6892.امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدا به اهل بهشت می فرماید : «ای اهل بهشت !» و آنها می گویند : گوش به فرمانیم ای پروردگار ما و در خدمتیم .

خدا می فرماید : «آیا خشنود شدید؟» .

بهشتیان می گویند : چرا خشنود نباشیم ، در حالی که به ما چیزی عطا کرده ای که به هیچ کدام از آفریدگانت نداده ای !

خدا می فرماید : «از این برتر به شما عطا می کنم ! » .

می گویند : پروردگارا ! از اینها برتر چیست؟

می فرماید : «خشنودی ام را بر شما فرود می آورم و از آن پس ، هرگز بر شما خشم نخواهم گرفت» .

6893.امام صادق علیه السلام :الغارات عن عبایه :كَتَبَ عَلِیٌ علیه السلام إلی مُحَمَّدِ [بنِ أبِی بَکرٍ]وَأهلِ مِصرَ : ... إنَّ أهلَ الجَنَّهِ یَزُورُونَ الجَبّارَ کُلَّ جُمُعَهٍ ، فَیَکُونُ أقرَبُهُم مِنهُ عَلَی مَنابِرَ مِن نُورٍ ، وَالَّذِینَ یَلُونَهُم عَلَی مَنابِرَ مِن یاقُوتٍ ، وَالَّذِینَ یَلُونَهُم عَلَی مَنابِرَ مِن زَبَرجَدٍ ، وَالَّذِینَ یَلُونَهُم عَلَی مَنابِرَ مِن مِسکٍ ، فَبَینا هُم کَذلِکَ یَنظُرُونَ إلی نُورِ اللّهِ جَلَّ جَلالُهُ وَیَنظُرُ اللّهُ فِی وُجُوهِهِم ، إذا أقبَلَت سَحابَهٌ تَغشاهُم فَتُمطِرُ عَلَیهِم مِنَ النِّعمَهِ وَاللَّذَّهِ وَالسُّرُورِ وَالبَهجَهِ ما لا یَعلَمُهُ إلّا اللّهُ سُبحانَهُ . ثُمَّ قالَ : بَلی إنَّ مَعَ هَذا ما هُوَ أفضَلُ مِنهُ ؛ رِضوانُ اللّهِ الأکبَرُ . (1)6894.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الصادق علیه السلام فِی قَولِهِ عز و جل : «رَبَّنَا ءَاتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَهً وَفِی الْاخِرَهِ حَسَنَهً » (2) : رِضوانُ اللّهِ وَالجَنَّهُ فِی الآخِرَهِ ، وَالمَعاشُ وَحُسنُ الخُلُقِ فِی الدُّنیا . (3)تنبیه الغافلین :رُوِیَ فِی خَبَرٍ أنَّ اللّهَ تَعالی یَقُولُ لِمَلائِکَتِهِ : أطعِمُوا أولِیائِی ، فَیُؤتی بِألوانِ الأطعِمَهِ ، فَیَجِدُونَ لِکُلِّ لُقمَهٍ لَذَّهً غَیرَ ما یَجِدُونَ لِلأُخری ، فَإذا فَرَغُوا مِنَ الطَّعامِ ، یَقُولُ لِلّهِ تَعالی : اِسقُوا عِبادِی ، فَیُؤتی بِأشرِبَهٍ ، فَیَجِدُونَ لِکُلِّ شَربَهٍ لَذَّهً بِخِلافِ الأُخری ، فَإذا فَرَغُوا یَقُولُ اللّهِ تَعالی لَهُم : أنَا رَبُّکُم ، قَد صَدَقتُکُم وَعدِی ، فَاسأَلُونِی أُعطِکُم ، قالُوا : رَبَّنا نَسأَلُکَ رِضوانَکَ مَرَّتَینِ أو ثَلاثا فَیَقُولُ تَعالی : رَضِیتُ عَنکُم ، وَلَدَیَ المَزِیدُ . الیَومَ أُکرِمُکُم بِکَرامَهٍ أعظَمَ مِن ذَلِکَ کُلِّهِ ، فَیُکشَفُ الحِجابُ ، فَیَنظُرُونَ إلَیهِ ما شاءَ اللّهُ ، فَیَخِرُّونَ لَهُ سُجَّدا ، فَکانُوا فِی السُّجُودِ ما شاءَ اللّهُ .

ثُمَّ یَقُولُ لَهُم : اِرفَعُوا رُؤُوسَکُم ، لَیسَ هَذا مَوضِعَ عِبادَهٍ ، فَیَنسَونَ کُلَّ نِعمَهٍ کانُوا فِیها ، وَیَکُونُ النَّظَرُ إلَیهِ أحَبَّ إلَیهِم مِن جَمِیعِ النِّعَمِ ، ثُمَّ یَرجِعُونَ ، فَتَهِیجُ رِیحٌ مِن تَحتِ العَرشِ ، عَلَی تَلٍّ مِن مِسکٍ أبیَضَ ، فَیَنثُرُ ذَلِکَ عَلَی رُؤُوسِهِم ، وَنَواصِی خُیُولِهِم ، فَإذا رَجَعُوا إلی أهلِیهِم تَراهم أزواجُهُم فِی الحُسنِ وَالبَهاءِ أفضَلَ مِمّا تَرَکُوهُنَّ ، فَیَقُولُ لَهُم أزواجُهُم : إنَّکُم قَد رَجَعتُم عَلَی أحسَنَ ما کُنتُم . (4) .

1- .الغارات : ج 1 ص 243 ، بحار الأنوار : ج 33 ص 547 ؛ شرح نهج البلاغه لابن أبی الحدید : ج 6 ص 70 نحوه .
2- .البقره : 201.
3- .الکافی : ج 5 ص 71 ح 2 ، تهذیب الأحکام : ج 6 ص 327 ح 900 ، کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 3 ص 156 ح 3566 ، معانی الأخبار : ص

‴

174 ح 1 وفيهما بزياده «والسعه فى الرزق» قبل «والمعاش ...» وكلّها عن جميل بن صالح ، بحار الأنوار : ج 71 ص 383 ح 18 .
4- .تنبيه الغافلين : ص 78 ح 65 .

الغارات به نقل از عبایه : علی علیه السلام به محمّد [بن ابی بکر] و مردم مصر نوشت : «... بهشتیان هر آدینه به دیدار پادشاه عالم می روند . آنان که به او نزدیک ترند ، بر منبرهایی از نور می نشینند و کسانی که در مرتبه بعد از آنها قرار دارند ، بر منبرهایی از یاقوت ، و کسان بعد از آنها بر منبرهایی از زبرجد ، و مرتبه پایین تر از اینها بر منبرهایی از مُشک می نشینند . در همان حال که نشسته اند و به نور خدای عز و جلمی نگرند و خداوند به چهره آنان می نگرد ، به ناگاه ، ابری می آید و بر فراز سرشان می ایستد و چندان نعمت و لذّت و شادمانی و سرخوشی بر آنان فرو می بارد که تنها خدای سبحان می داند و بس» .

سپس فرمود : «آری ، با این همه ، چیزی هست که از این هم برتر است : خشنودی بزرگِ خدا».امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای عز و جل : «پروردگارا ! در دنیا به ما نیکی دِه و در آخرت نیز نیکی دِه» : [یعنی]خشنودی خدا و بهشت در آخرت ، و معاش و اخلاق خوش در دنیا.تنبیه الغافلین :در خبری آمده است که خدای بلندمرتبه ، به فرشتگانش می فرماید : «از دوستانم پذیرایی کنید» .

پس خوراکی های رنگارنگ آورده می شود و دوستان خدا از هر لقمه ای لذّتی متفاوت با لقمه دیگر می برند و چون از خوردنْ دست می کشند ، خدای بلندمرتبه می فرماید : «به بندگانم بنوشانید» .

پس نوشیدنی هایی آورده می شود و آنان از هر نوشیدنی ، لذّتی متفاوت با دیگری می برند و چون از نوشیدنْ دست می کشند ، خدای بلندمرتبه به ایشان می فرماید : «منم پروردگار شما . به وعده ام با شما عمل کردم . پس اینک از من بخواهید تا به شما عطا کنم» .

دوستان خدا دو یا سه بار می گویند : پروردگارا ! خشنودی ات را از تو می خواهیم .

پس خدای بلندمرتبه می فرماید : «از شما خشنود شدم و افزون بر این هم دارم . امروز ، شما را به کرامتی بزرگ تر از همه اینها مفتخر می سازم» .

آن گاه پرده کنار زده می شود و آنان تا آن گاه که خدا بخواهد ، به او می نگرند . سپس برایش به خاک می افتند و تا آن گاه که خدا بخواهد ، همچنان در سجده خواهند بود .

سپس به آنان می فرماید : «سرهایتان را بلند کنید . این جا ، جای عبادت نیست» . پس هر نعمتی را که در آن به سر می بردند ، از یاد می برند و نگریستن به او ، برایشان از همه نعمت ها خوش تر است . سپس بر می گردند و از زیر عرش ، بادی بر تپّه ای از مشک سفید ، وزیدن می گیرد و آن را بر سر آنها و پیشانی اسبانشان می پاشد ، و چون به نزد کسان خویش باز گردند ، همسرانشان آنان را زیباتر و نورانی تر از زمانی می بینند که ترکشان کرده بودند . پس همسرانشان به آنان می گویند : زیباتر از آنچه بودید ، باز گشته اید !.

ب مَحَبَّهُ اللّهالإمام علىّ عليه السلام :إِنَّ أَطيَبَ شَى ءٍ فِى الجَنَّهِ وَأَلَذَّهُ حُبُّ اللّهِ ، وَالحُبُّ [فِى] اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ . قالَ اللّهُ عز و جل : «وَ ءَاخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِينَ » (1) وَذَلِکَ أَنَّهُم إِذا عايَنُوا ما فِى الجَنَّهِ مِن النَّعِيمِ هاجَتِ المَحَبَّهُ فِى قُلُوبِهِم ، فَيُنادُونَ عِندَ ذَلِکَ : أَنِ الحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمِينَ . (2)قال:تفسير العياشى عن ثوير عن الإمام زين العابدين عليه السلام :إِذا صارَ أهلُ الجَنَّهِ فِى الجَنَّهِ ، وَدَخَلَ وَلِىُّ اللّهِ إِلى جَنّاتِهِ وَمَساكِنِهِ ، وَاتَّكَأَ كُلُّ مُؤمِنٍ مِنهُم عَلى أَرِيكَتِهِ ، حَفَّتهُ خُدّامُهُ ، وَتَهَدَّلَت عَلَيهِ الثِّمارُ ، وَتَفَجَّرَت حَولَهُ العُيُونُ ، وَجَرَت مِن تَحتِهِ الأنهارُ ، وَبُسِطَت لَهُ الزَّرابِىُّ ، وَصُفَّفَت له النَّمارِقُ ، وَأَتَتهُ الخُدّامُ بِما شاءَت شَهوَتُهُ مِن قَبلِ أَن يَسأَلَهُم ذَلِکَ .

قالَ : وَيَخرُجُ عَلَيهِمُ الحُورُ العِينُ مِنَ الجِنانِ ، فَيَمكُثُونَ بِذَلِکَ ما شاءَ اللّهُ . ثُمَّ إِنَّ الجَبّارَ يُشرِفُ عَلَيهِم فَيَقُولُ لَهُم : أَولِيائِى وَأَهلَ طاعَتِى وَسُكّانَ جَنَّتِى فِى جِوارِى ، أَلا هَل أُنَبِّئُکُم بِخَيرٍ مِمّا أَنتُم فِيهِ؟ فَيَقُولُونَ : رَبَّنا وَأَىُ شَى ءٍ خَيرٌ مِمّا نَحنُ فِيهِ ! نَحنُ فِيما اشتَهَت أَنفُسُنا وَلَذَّت أَعيُنُنا مِنَ النَّعَمِ فِى جِوارِ الكَرِيمِ .

قالَ : فَيَعُودُ عَلَيهِمُ القَولُ ، فَيَقُولُونَ : رَبَّنا نَعَم ، فَأتِنا بِخَيرٍ مِمّا نَحنُ فِيهِ ، فَيَقُولُ لَهُم : تَبارَکَ وَتَعالى : رِضاىَ عَنکُم وَمَحَبَّتِى لَکُم خَيرٌ وَأَعظَمُ مِمّا أَنتُم فِيهِ ، قالَ : فَيَقُولُونَ : نَعَم يا رَبَّنا ، رِضاکَ عَنّا وَمَحَبَّتُکَ لَنا خَيرٌ لَنا وَأَطيَبُ لِأَنفُسِنا.

ثُمَّ قَرَأَ عَلِىُ بنُ الحُسَينِ عليه السلام هَذِهِ الآيَهَ : «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَتِ جَنَّتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الأَنْهَرُ خَلِدِينَ فِيهَا وَمَسَكِنَ طَيِّبَهً فِى جَنَّتِ عَدْنٍ وَرِضْوَ نٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَ لِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (3) . (4) .

1- .يونس : 10.
2- .مصباح الشريعه (طبعه مؤسّسه الأعلمى بيروت) : ص 195 ، بحار الأنوار : ج 69 ص 251 ح 30 .
3- .التوبه : 72.
4- .تفسير العيّاشى : ج 2 ص 96 ح 88 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 141 ح 57 .

ب محبّت خدا

ب محبّت خداو از آن جمله است، نیز حدیثی است که ثقه الاسلام -امام علی علیه السلام :بهترین و لذّتبخش ترین چیز در بهشت ، محبّت خدا و محبّت به خاطر خدا و ستایش خداست . خدای عز و جل فرموده است : «و واپسین دعایشان ، این است که : ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است» ؛ زیرا آن گاه که چشمشان به نعمت های بهشت می افتد ، عشق و محبّت در دل هایشان برانگیخته می شود و در این هنگام ، بانگ بر می آورند که : ستایش ، از آنِ خداست که پروردگار جهانیان است.تفسیر العیّاشی به نقل از ثویر : امام زین العابدین علیه السلام فرمود : «چون بهشتیان به بهشت داخل شود و دوست خدا به باغستان ها و سکونتگاه هایش وارد شود و هر مؤمنی بر تخت خویش تکیه زند ، خدمتکارانش او را در میان می گیرند و میوه ها به طرفش آویزان می شوند و چشمه سارها در پیرامونش جوشیدن می گیرند و جویبارها در زیر پایش روان می شوند و فرش های زربافت برایش گسترده می شوند و پشتی ها برایش چیده می شوند و خدمتکاران ، آنچه را هوس کند ، پیش از آن که از آنان بخواهد ، برای او می آورند .

و حوریان از بهشت ها به سوی او می آیند و مدّتی دراز در نزدش می مانند . سپس پادشاه عالم به آنان نزدیک می گردد و به آنان می فرماید : ای دوستان و فرمان برداران من و ای کسانی که در بهشت من ، در جوار من آرمیده اید ! آیا شما را به بهتر از این وضع که دارید ، خبر دهم؟ .

دوستان خدا می گویند : ای پروردگار ما ! بهتر از این وضع که داریم ، چیست ؟ ما از هر نعمتی که دلمان بخواهد و دیدگانمان از آن لذّت برد ، برخورداریم و در جوار پروردگار کریم ، به سر می بریم.

خداوند ، دوباره سخن خویش را تکرار می کند و آنها می گویند : آری ، ای پروردگار ! بهتر از این وضع که داریم ، به ما عطا فرما .

پس خدای بزرگ و والا ، به ایشان می فرماید : خشنودی من از شما و محبّتم به شما ، بهتر و بالاتر از این وضعی است که در آنید .

آنان می گویند : درست است ، ای پروردگار ! خشنودیِ تو از ما و محبّت به ما ، برای ما بهتر و خوش تر است» .

امام زین العابدین علیه السلام سپس این آیه را تلاوت نمود : «خدا به مردان و زنان مؤمن ، بهشت هایی را وعده داده که در آنها جویبارها روان است و در آنها جاویدان اند ، و [نیز]سراهایی پاکیزه را در بهشت های جاودان ، و [البتّه] خشنودی خدا ، بزرگ تر است . این است همان کامیابی بزرگ» .

.

ج لِقاءُ اللّهِالكتاب«لَهُم مَّا يَشَاءُونَ فِيهَا وَ لَدَيْنَا مَزِيدٌ». (1)

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله : «وَ لَدَيْنَا مَزِيدٌ» تَجَلَّى لَهُمُ الرَّبُّ عز و جل . (2)عنه صلى الله عليه و آله :إذا دَخَلَ أهلُ الجَنَّةِ الجَنَّةَ يَقُولُ اللّهُ تَبارَکَ وَتَعالى : تُرِيدُونَ شَيئا أزِيدُكُم؟ فَيَقُولُونَ : ألَم تُبَيِّض وُجُوهَنا؟ ألَم تُدخِلنَا الجَنَّةَ وَتُنَجِّنَا مِنَ النَّارِ؟ قَالَ : فَيُكشَفُ الحِجابُ ، فَما أُعطُوا شَيئا أحَبَّ إلَيهِم مِنَ النَّظَرِ إلى رَبِّهِم عز و جل . (3) .

1- .ق : 35.
2- .الفردوس : ج 4 ص 406 ح 7180 عن الإمام علىّ عليه السلام ، الدرّ المنثور : ج 7 ص 605 نقلاً عن البزّار وابن المنذر وابن أبى حاتم وابن مردويه واللالكائى فى السُنّه والبيهقى فى البعث والنشور عن أنس ، كنز العمّال : ج 2 ص 510 ح 4615.
3- .صحيح مسلم : ج 1 ص 163 ح 297 ، سنن الترمذى : ج 4 ص 687 ح 2552 ، سنن ابن ماجه : ج 1 ص 67 ح 187 ، مسند ابن حنبل : ج 6 ص 504 ح 18957 و ح 18958 كلّها عن صهيب ، تفسير الطبرى : ج 7 الجزء 11 ص 106 عن عبد الرحمن بن مهدى وكلّها نحوه ، كنز العمّال : ج 14 ص 447 ح 39204.

ج دیدار خدا

ج دیدار خداقرآن«هر چه بخواهند ، در آن جا دارند و پیش ما ، فزون تر [هم] هست».

حدیثو ایضاً در فقیه روایت کرده که حضرت صادق(ع) فرمود:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : «و پیش ما ، فزون تر [هم] هست» . آن ، تجلّی پروردگار عز و جل برای آنان است .پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چون بهشتیان به بهشت وارد شوند ، خدای بزرگ و والا می فرماید : «می خواهید که برایتان اضافه کنم؟» .

بهشتیان می گویند : آیا ما را روسپید نساختی؟ آیا ما را وارد بهشت ننمودی و از آتش ، نجاتمان ندادی؟

در این هنگام ، پرده کنار زده می شود . پس چیزی به آنان داده نشده که برایشان خوش تر و محبوب تر از نگریستن به پروردگار بزرگ و توانایشان باشد.

.

1.عن عبداللّه بن الفضل الهاشمى، قال: كنت عند الصادقعنه صلى الله عليه و آله فِى قَولِهِ تَعالى : «لِّلَّذِينَ أَحْسَنُواْ الْحُسْنَى وَ زِيَادَةٌ» (1) : الحُسنى : الجَنَّةُ ، وَالزِّيادَةُ : النَّظَرُ إلى وَجهِ اللّهِ . (2)2.عن زياد بن أبى الحلال، قال:عنه صلى الله عليه و آله فِى قَولِهِ تَعالى : «وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ * إِلَى رَبِّهَا نَاظِرَةٌ» (3) :يَنظُرُونَ إلى رَبِّهِم بِلا كَيفِيَّةٍ ، وَلا حَدٍّ مَحدُودٍ ، وَلا صِفَةٍ مَعلُومَةٍ . (4)3.عن أبى محمّد حسن بن على الثانى(ع)، قال:سنن ابن ماجه عن جابر بن عبد اللّه :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : بَينا أهلُ الجَنَّهِ فِى نَعِيمِهِم إذ سَطَعَ لَهُم نُورٌ فَرَفَعُوا رُؤُوسَهُم ، فَإذا الرَّبُّ قَد أشرَفَ عَلَيهِم مِن فَوقِهِم ، فَقالَ : اَلسَّلامُ عَلَيكُم يا أهلَ الجَنَّهِ . وَذَلِكَ قَولُ اللّهِ : «سَلَمٌ قَوْلاً مِّن رَّبٍّ رَّحِيمٍ » . (5)

قالَ : فَيَنظُرُ إلَيهِم وَيَنظُرُونَ إلَيهِ ، فَلا يَلتَفِتُونَ إلى شَىءٍ مِنَ النَّعِيمِ ما دامُوا يَنظُرُونَ إلَيهِ حَتّى يَحتَجِبَ عَنهُم وَيَبقى نُورُهُ وَبَرَكَتُهُ عَلَيهِم فِى دِيارِهِم . (6) .

1- .يونس : 26.
2- .حليه الأولياء : ج 5 ص 204 ، مسند الشاميّين : ج 3 ص 303 ح 2330 ، تاريخ أصبهان : ج 2 ص 295 الرقم 1780 ، تفسير ابن كثير : ج 4 ص 199 وليس فى الثلاثه الأخيره «الحسنى : الجنّه» وكلّها عن كعب بن عجره ، تاريخ بغداد : ج 9 ص 140 الرقم 4755 عن أنس ، تفسير الطبرى : ج 7 الجزء 11 ص 105 عن أبى موسى الأشعرى ، كنز العمّال : ج 2 ص 432 ح 4422 ؛ تفسير القمّى : ج 1 ص 311 عن أبى الجارود عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه.
3- .القيامه : 22 و 23.
4- .الدرّ المنثور : ج 8 ص 350 نقلاً عن ابن مردويه عن أنس .
5- .يس : 58 .
6- .سنن ابن ماجه : ج 1 ص 65 ح 184 ، الدرّ المنثور : ج 7 ص 65 نقلاً عن ابن أبى الدنيا فى صفه الجنّه والبزّار وابن أبى حاتم والآجرى فى الرؤيه وابن مردويه ، كنز العمّال : ج 2 ص 38 ح 3032 وراجع : حليه الأولياء : ج 6 ص 208.

4.عن زیاد بن أبی الحلال، قال:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خدای بلندمرتبه : «برای کسانی که نیکویی می کنند ، نیکی است و افزون تر» : «نیکویی» ، بهشت است و «افزون تر» ، دیدن روی خدا.5.عن أبی جمیله، عن جابر الجعفی، قال:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خدای بلندمرتبه : «چهره هایی در آن روز ، خرّم اند . به پروردگار خویش می نگرند» : به پروردگار خویش می نگرند ، بی آن که او را چگونگی باشد ، یا محدودیّتی ، و یا صفتی خاص .6.عن جابر بن یزید، قال:سنن ابن ماجه به نقل از جابر بن عبد اللّه : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «در حالی که بهشتیان ، غرق در نعمت خویش اند ، به ناگاه ، نوری برایشان درخشیدن می گیرد . سرهایشان را بلند می کنند و پروردگار را می بینند که از فراز سرشان بر آنان مشرف شده است و می فرماید : درود بر شما ، ای بهشتیان !. این ، همان سخن خداست که : «درودی که از جانب پروردگاری مهربان به آنان گفته می شود» » .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «پس خدا به آنان می نگرد و آنان به خدا می نگرند و تا زمانی که غرق در نگریستن به او هستند ، به چیزی از نعمت ها توجّه ندارند ، تا آن که از آنان پنهان می شود ؛ ولی نور و برکت او برای آنان در خانه هایشان باقی می ماند» . .

7.عن أبی جعفر(ع) ، قال:رسول اللّه صلی الله علیه و آله :إِنَّ أَفضَلَهُم یَعنِی أَهلَ الجَنَّهِ مَنزِلَهً لَیَنظُرُ فِی وَجهِ اللّهِ تَعالی کُلَّ یَومٍ مَرَّتَینِ . (1)قد روی شیخنا الصدوق بإسناده إلی إسماعیل بن مهران،عنه صلی الله علیه و آله :إِنَّ أَرفَعَ أَهلِ الجَنَّهِ دَرَجَهً : مَن یَنظُرُ إِلی وَجهِ رَبِّهِ غُدوَهً وَعَشِیّا.
(2)سنن الترمذی عن ابن عمر :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : إِنَّ أَدنَی أَهلِ الجَنَّهِ مَنزِلَهً لَمَن یَنظُرُ إِلی جِنانِهِ وَأَزواجِهِ وَخَدَمِهِ وَسُرُرِهِ مَسِیرَهَ أَلفِ سَنَهٍ ، وَأَکرَمَهُم عَلَی اللّهِ مَن یَنظُرُ إِلی وَجهِهِ غُدوَهً وَعَشِیّهً. ثُمَّ قَرَأَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : «وُجُوهٌ یَوْمَئِذٍ نَّاضِرَهٌ * إِلَی رَبِّهَا نَاظِرَهٌ» .
(3)کفایه الأثر عن هشام [بن الحکم] :کُنتُ عِندَ الصّادِقِ جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ علیه السلام إِذ دَخَلَ عَلَیهِ مُعاوِیَهُ بنُ وَهبٍ وَعَبدُ المَلِکِ بنُ أَعیَنَ ، فَقالَ لَهُ مُعاوِیَهُ بنُ وَهبٍ : یَابنَ رَسُولِ اللّهِ ، ما تَقُولُ فِی الخَبَرِ الَّذِی رُوِیَ أَنَّ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله رَأَی رَبَّهُ ، عَلَی أَیِ صُورَهٍ رَآهُ؟ وَعَنِ الحَدِیثِ الَّذِی رَوَوهُ أَنَّ المُؤمِنِینَ یَرَونَ رَبَّهُم فِی الجَنَّهِ عَلَی أَیِ صُورَهٍ یَرَونَهُ؟

فَتَبَسَّمَ علیه السلام ثُمَّ قالَ : یا مُعاوِیَهُ ، ما أَقبَحَ بِالرَّجُلِ یَأتِی عَلَیهِ سَبعُونَ سَنَهً أَو ثَمانُونَ سَنَهَ یَعِیشُ فِی مُلکِ اللّهِ وَیَأکُلُ مِن نِعَمِهِ لا یَعرِفُ اللّهَ حَقَّ مَعرِفَتِهِ؟ !

ثُمَّ قالَ علیه السلام : یا مُعاوِیَهُ ، إِنَّ مُحَمَّدا صلی الله علیه و آله لَم یَرَ رَبَّهُ تَبارَکَ وَتَعالی بِمُشاهَدَهِ العِیانِ ، وَإِنّ الرُّؤیَهَ عَلَی وَجهَینِ : رُؤیَهُ القَلبِ وَرُؤیَهُ البَصَرِ ، فَمَن عَنی بِرُؤیَهِ القَلبِ فَهُوَ مُصِیبٌ ، وَمَن عَنی بِرُؤیَهِ البَصَرِ فَقَد کَفَرَ بِاللّهِ وَبِآیاتِهِ ؛ لِقَولِ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله : مَن شَبَّهَ اللّهَ بِخَلقِهِ فَقَد کَفَرَ . (4) .

1- .مسند ابن حنبل : ج 2 ص 227 ح 4623 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 2 ص 553 ح 3880 ، تفسیر ابن کثیر : ج 8 ص 305 کلّها عن ابن عمر ، کنز العمّال : ج 14 ص 465 ح 39281.
2- .الفردوس : ج 1 ص 217 ح 833 عن ابن عمر.
3- .سنن الترمذی : ج 5 ص 431 ح 3330 ، کنز العمّال : ج 14 ص 493 ح 39397.
4- .کفایه الأثر : ص 256 ، بحار الأنوار : ج 4 ص 54 ح 34.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بامنزلت ترین آنان (اهل بهشت) ، روزی دو بار به روی خدای بلندمرتبه ، نظر می کنند.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بلندپایه ترینِ اهل بهشت ، کسی است که هر بام و شام ، به روی پروردگارش نظر می کند.سنن الترمذی به نقل از ابن عمر : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «دون پایه ترینِ اهل بهشت ، چنان است که باغستان ها و همسران و خدمتکاران و تخت های خود را از فاصله هزار سال می بیند ، و گرامی ترینِ آنان نزد خدا ، هر بام و شام ، به روی او (خدا) نظر می کند» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سپس این آیات را خواند : «چهره هایی در آن روز ، خرّم اند . به پروردگار خویش می نگرند» .کفایه الأثر به نقل از هشام [بن حکم] : در محضر امام صادق علیه السلام بودم که معاویه بن وَهْب و عبد الملک بن اَعیَن وارد شدند . معاویه بن وَهب به ایشان گفت : ای فرزند پیامبر خدا ! در باره این خبری که روایت شده است و می گوید که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پروردگارش را دید ، چه می فرمایید ؟ در چه صورتی ، او را دید؟ و نیز در باره حدیثی که روایت کرده اند که مؤمنان ، پروردگار خود را در بهشت می بینند ، او را در چه صورتی می بینند؟

ایشان لبخندی زد و سپس فرمود : «ای معاویه ! چه قدر زشت است برای مردی که هفتاد یا هشتاد سال از عمرش می گذرد و در مُلک خدا زندگی می کند و از نعمت هایش می خورد ؛ امّا او را چنان که باید ، نمی شناسد !» .

آن گاه افزود : «ای معاویه ! محمّد صلی الله علیه و آله ، پروردگار بزرگ و والایش را با چشم سر ندید . دیدن ، دو گونه است : دیدن با دل و دیدن با چشم . بنا بر این ، کسی که [آن را]دیدن با دل بداند ، او به راه صواب رفته ، و کسی که بگوید مقصود ، دیدن با چشم سر است ، به خدا و آیات او ، کافر گشته است ؛ زیرا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : هر کس خدا را به مخلوقش تشبیه کند ، کافر است » . .

الفصل الخامس: الأوصاف السلبيه فى الجنه5 / 1التَّكليفُالكتاب«الَّذِى أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَهِ مِن فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ» . (1)

«لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَ مَا هُم مِّنْهَا بِمُخْرَجِينَ » . (2)

«ادْخُلُواْ الْجَنَّهَ أَنتُمْ وَ أَزْوَ جُكُمْ تُحْبَرُونَ * يُطَافُ عَلَيْهِم بِصِحَافٍ مِّن ذَهَبٍ وَ أَكْوَابٍ وَ فِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنفُسُ وَ تَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَ أَنتُمْ فِيهَا خَلِدُونَ» . (3)

«جَنَّتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَرُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَ لِکَ يَجْزِى اللَّهُ الْمُتَّقِينَ» . (4)

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله :هذِهِ الدُّنيا قَدِ ارتَحَلَت مُدبِرَهً ، وهذِهِ الآخِرَهُ قَدِ ارتَحَلَت مُقبِلَهً ،ولِكُلٍّ واحِدَهٍ مِنهُما بَنونَ؛ فَإِنِ استَطَعتُم أَن تَكونوا مِن أَبناءِ الآخِرَهِ ولا تَكونوا مِن أَبناءِ الدُّنيا فَافعَلوا؛ فَإِنَّكُمُ اليَومَ فى دارِ عَمَلٍ ولا حِسابَ ، وأَنتُم غَدا فى دارِ حِسابٍ ولا عَمَلَ . (5) .

1- .فاطر : 35.
2- .الحِجْر : 48.
3- .الزخرف : 70 71.
4- .النحل : 31.
5- .الخصال : ص 51 ح 62 عن جابر بن عبداللّه ، الكافى: ج 8 ص 58 ح 21 عن سليم بن قيس عن الإمام علىّ عليه السلام ، الأمالى للمفيد : ص 93 ح 1 عن حبّه العرنى عن الإمام علىّ عليه السلام ، نهج البلاغه : الخطبه 42 عن الإمام علىّ عليه السلام كلّها نحوه ، بحار الأنوار: ج 77 ص 117 ح 13 ؛ المصنّف لابن أبى شيبه: ج 8 ص 155 ح 1 عن الإمام علىّ عليه السلام ، تاريخ دمشق: ج 42 ص 494 عن أبى عبد الرحمن السلمى عن الإمام علىّ عليه السلام ، شُعب الإيمان: ج 7 ص 370 ح 10616 عن جابر بن عبداللّه نحوه ، كنز العمّال: ج 3 ص 819 ح 8856 .

فصل پنجم: آنچه در بهشت نیست

5 / 1 تکلیف

فصل پنجم: آنچه در بهشت نیست5 / 1تکلیففقرآن« همان [خدایی] که به فضل خویش ، ما را در سرای ابدی ، جای داد . در این جا رنجی به ما نمی رسد و در این جا درماندگی ، به ما دست نمی دهد » .

« در آن جا ، نه رنجی به آنان می رسد و نه از آن جا بیرون رانده می شوند » .

« شما با همسرانتان ، شادمان به بهشت وارد شوید . سینی هایی از زر و جام هایی در برابر آنان می گردانند و در آن جا ، آنچه دل ها آن را بخواهند و دیدگان را خوش آید ، هست و شما در آن ، جاویدانید » .

« بهشت های دست نخورده ای که وارد آنها می شوند . جوی ها از زیر آنها روان اند . در آنها آنچه بخواهند ، برایشان هست . این گونه ، خدا پرهیزگاران را پاداش می دهد » .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :این دنیا ، پشت کرده است و می رود و این آخرت ، روی کُنان در حال آمدن است ، و برای هر یک از آن دو ، فرزندانی است . پس اگر توانستید که از فرزندان آخرت باشید و از فرزندان دنیا نباشید ، چنین کنید ؛ چرا که شما امروز در سرای عمل هستید و حسابرسی در کار نیست ، و فردا در سرای حسابرسی خواهید بود و عملی نخواهد بود .

.

عنه صلى الله عليه و آله :قالَ أخى عيسى عليه السلام : مَعاشِرَ الحَوارِيّينَ ، اِحذَرُوا الدُّنيا لا تَسحَركُم ، لَهِىَ وَاللّهِ أشَدُّ سِحرا مِن هاروتَ وماروتَ . وَاعلَموا أنَّ الدُّنيا مُدبِرَهٌ وَالآخِرَهَ مُقبِلَهٌ ، وإنَّ لِكُلٍّ واحِدٍ مِنهُما بَنينَ ، فَكونوا مِن أبناءِ الآخِرَهِ دونَ بَنِى الدُّنيا ؛ فَإنَّ اليَومَ عَمَلٌ ولا حِسابَ ، وغَدا الحِسابُ ولا عَمَلَ . (1)عنه صلى الله عليه و آله :ألا وإنَّكُم فى يَومِ عَملٍ ولا حِسابَ فيهِ ، ويوشَكُ أن تَكونوا فى يَومِ حِسابٍ لَيس فيهِ عَمَلٌ . (2)الإمام علىّ عليه السلام :فِى الآخِرَهِ حِسابٌ ولا عَمَلَ . (3)حديث الكافى اين گونه است:عنه عليه السلام :إنَّ اليَومَ عَمَلٌ ولا حِسابَ ، وإنَّ غَدا حِسابٌ ولا عَمَلَ . (4) .

1- .الدرّ المنثور : ج 1 ص 244 نقلاً عن الخطيب عن ابن عمر .
2- .أعلام الدين : ص 345 ح 39 عن أبى هريره ، مسكّن الفؤاد : ص 26 عن الإمام علىّ عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 77 ص 188 ح 39 ؛ قصر الأمل لابن أبى الدنيا : ص 27 ح 3 عن علىّ بن أبى حنظله عن أبيه عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، كنز العمّال : ج 16 ص 138 ح 44167 .
3- .غرر الحكم : ح 6495 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 354 ح 5977 .
4- .الكافى : ج 8 ص 58 ح 21 عن سليم بن قيس الهلالى ، نهج البلاغه : الخطبه 42 ، الإرشاد : ج 1 ص 236 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 296 ح 4 ؛ صحيح البخارى : ج 5 ص 2359 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 155 ح 1 ، تاريخ دمشق : ج 42 ص 494 عن أبى عبد الرحمن السلمى ، كنز العمّال : ج 3 ص 819 ح 8856 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :برادرم عیسی علیه السلام گفت : «ای گروه حواریان ! به هوش باشید که دنیا شما را افسون نکند . به خدا سوگند که دنیا افسونگرتر از هاروت و ماروت است . بدانید که دنیا رفتنی است و آخرت ، آمدنی ، و برای هر یک از آن دو ، فرزندانی است . پس شما ، از فرزندان آخرت باشید ، نه فرزندان دنیا ؛ زیرا امروز ، روز عمل است ، نه حسابرسی ، و فردا روز حسابرسی است ، نه عمل» .1.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آگاه باشید که شما در روز عمل هستید و حسابرسی ، در آن نیست و به زودی ، در روزی خواهید بود که در آن ، حسابرسی است و عمل ، در کار نیست .2.امام علی علیه السلام :در آخرت ، حسابرسی است و عمل ، در کار نیست .3.امام علی علیه السلام :امروز ، روز عمل است ، نه حسابرسی ، و فردا ، روز حسابرسی است ، نه عمل . .

الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ للّهِ كَرامَةً فى عِبادِهِ المُؤمِنينَ فى كُلِّ يَومِ جُمُعَهٍ ، فَإِذا كانَ يَومُ الجُمُعَهِ بَعَثَ اللّهُ إلَى المُؤمِنينَ مَلَكسٌ مَعَهُ حُلَّتانِ ، فَيَنتَهى إلَى بابِ الجَنَّهِ فَيَقولُ : استَأذِنوا لى عَلى فُلانٍ ، فَيُقالُ لَهُ : هذا رَسولُ رَبِّکَ عَلَى البابِ .

فَيَقولُ لِأَزواجِهِ : أىَّ شَىءٍ تَرَينَ عَلَىَّ أحسَنَ ؟ فَيَقُلنَ : يا سَيِّدَنا ، وَالَّذى أباحَکَ الجَنَّهَ ! ما رَأَينا عَلَيکَ شَيئا أحسَنَ مِن هذا ؛ قَد بَعَثَ إلَيکَ رَبُّکَ . فَيَتَّزِرُ بِواحِدَهٍ ويَتَعَطَّفُ بِالاُخرى . فَلا يَمُرُّ بِشَىءٍ إلّا أضاءَ لَهُ ، حَتّى يَنتَهِىَ إلَى المَوعِدِ ، فَإِذَا اجتَمَعوا تَجَلّى لَهُمُ الرَّبُّ تَبارَکَ وتَعالى ، فَإِذا نَظَروا إلَيهِ أى إلى رَحمَتِهِ خَرّوا سُجَّدا .

فَيَقولُ : عِبادى ، اِرفَعوا رُؤوسَکُم ! لَيسَ هذا يَومَ سُجودٍ ولا عِبادَهٍ ، قَد رَفَعتُ عَنکُمُ المُؤنَهَ . فَيَقولونَ : يا رَبِّ ، وأىُّ شَىءٍ أفضَلُ مِمّا أعطَيتَنا ؟ ! أعطَيتَنا الجَنَّهَ . فَيَقولُ :لَکُم مِثلُ ما فى أيديکُم سَبعينَ ضِعفا . (1)5 / 2النَّصَبُ والتَّعَبُالكتاب«الَّذِى أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَهِ مِن فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ ». (2)

«لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَ مَا هُم مِّنْهَا بِمُخْرَجِينَ ». (3)

الحديثالإمام علىّ عليه السلام :بادِرُوا بِأَعمالِكُم تَكُونُوا مَعَ جِيرانِ اللّهِ فِى دارِهِ ، رافَقَ بِهِم رُسُلَهُ ، وَأزارَهُم مَلائِكَتَهُ ، وَأكرَمَ أسماعَهُم أن تَسمَعَ حَسِيسَ نارٍ أبَدا ، وَصانَ أجسادَهُم أن تَلقى لُغُوبا (4) وَنَصَبا «ذَ لِکَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ » (5) . (6) .

1- .تفسير القمّى : ج 2 ص 169 عن عاصم بن حميد ، بحار الأنوار : ج 8 ص 126 ح 27 .
2- .فاطر : 35.
3- .الحِجْر : 48.
4- .اللُّغَبُ : التَعَبُ والإعْيَاءُ (النهايه : ج 4 ص 256 «لغب»).
5- .الحديد : 21.
6- .نهج البلاغه : الخطبه 183 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 163 ح 105.

5 / 2 رنج و خستگی

امام صادق علیه السلام :خداوند در هر روز جمعه به بندگان مؤمنش لطفی می کند . چون روز جمعه می شود ، خداوند ، فرشته ای را با دو جامه نزد مؤمنان می فرستد . آن فرشته به درِ بهشت می رسد و می گوید : از فلانی برایم اجازه ورود بگیرید .

به آن کس گفته می شود : فرستاده پروردگارت ، بر دَر است .

آن مؤمن به همسرانش می گوید : چه چیزی را برایم زیباتر می بینید؟

همسرانش می گویند : ای آقای ما ! سوگند به آن که بهشت را بر تو روا ساخت ، چیزی زیباتر از این که پروردگارت برای تو فرستاده است ، برایت نمی شناسیم .

پس ، یکی از آن دو جامه را به کمر خود می بندد و دیگری را بر دوش خویش می اندازد ، و بر هر چه می گذرد ، آن را روشن می سازد ، تا آن که به وعده گاه می رسد و چون جمع شدند ، پروردگار بزرگ و والا ، بر آنان تجلّی می یابد و همین که او را یعنی رحمت او را می بینند ، به سجده می افتند .

خداوند می فرماید : «ای بندگان من ! سرهایتان را بلند کنید . اینک ، روز سجده و عبادت نیست . رنج تکلیف را از شما برداشتم» .

مؤمنان می گویند : پروردگارا ! چه چیز ، برتر از آن چیزی است که به ما داده ای ، که بهشت را به ما عطا کرده ای ؟

خداوند نیز می فرماید : «هفتاد برابر آنچه دارید ، برایتان باد !» .5 / 2رنج و خستگیقرآن«همان خدایی که به فضل خویش ، ما را در سرای ابدی ، جای داد . در آن جا رنجی به ما نمی رسد و در آن جا خستگی به ما نمی رسد».

«در آن جا رنجی به ایشان نمی رسد و از آن جا بیرون برده نمی شوند».

حدیث1.الامام الصادق (ع):امام علی علیه السلام :در عمل خویش بکوشید تا با همسایگان خدا در سرای او باشید ، که خدا پیامبرانش را با آنان همنشین قرار داده و فرشتگانش را به زیارت آنان فرستاده و گوش هایشان را از این که صدای آتشی را بشنوند ، برکنار داشته و بدن هایشان را از این که خستگی و رنجی را احساس کنند ، مصون داشت است . «این ، فضل خداست که آن را به هر که بخواهد ، می دهد و خدا صاحب فضل بزرگ است» .

.

امام صادق(ع) فرمود:الإمام زين العابدين عليه السلام فِى الدُّعاءِ : اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاجعَلِنى وجَميعَ إِخوانى بِکَ مُؤمِنينَ ، وعَلَى الإِسلامِ ثابِتينَ ... ولِلجَنَّهِ طالِبينَ ، ولِلفِردَوسِ وارِثينَ ، ومِن ثِيابِ السُّندُسِ وَالاِستَبرَقِ لابِسينَ ، وعَلَى الأَرائِکِ مُتَّکِئينَ ، وبِالتّيجانِ المُکَلَّلَهِ بِالدُّرِّ وَاليَواقِيتِ وَالزَّبَرجَدِ مُتَوَّجينَ ، ولِلوِلدانِ المُخَلَّدينَ مُستَخدِمينَ ، وبِأَکوابٍ وأَبارِيقَ وکَأسٍ مِن مَعينٍ شارِبينَ ، ومِنَ الحورِ العينِ مُزَوَّجينَ ، وفى نَعيمِ الجَنَّهِ مُقيمينَ ، وفى دارِ المُقامَهِ خالِدينَ ، لايَمَسُّهُم فيها نَصَبٌ (1) وما هُم مِنها بِمُخرَجينَ . (2)2.الإمام الصادق (ع):الإمام العسكرىّ عليه السلام فِى التَّفسيرِ المَنسُوبِ إِلَيهِ ، فِى قَولِهِ تَعالى : «فَکُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا» (3) : واسِعا بِلا تَعَبٍ . (4)5 / 3الخَوفُ وَالحُزنُالكتاب«أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَهٍ ادْخُلُواْ الْجَنَّهَ لَاخَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنتُمْ تَحْزَنُونَ ». (5)

«وَ قَالُواْ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ ». (6)

«لَا يَحْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَ تَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَهُ هَذَا يَوْمُكُمُ الَّذِى كُنتُمْ تُوعَدُونَ ». (7)

.

1- .النَصَبُ : التَعَبْ (النهايه : ج 5 ص 62 «نصب»).
2- .بحار الأنوار : ج 94 ص 123 ح 19 نقلاً عن الكتاب العتيق الغروى .
3- .البقره : 58 .
4- .التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام : ص 260 ح 127 و ص 221 ح 103 نحوه ، تأويل الآيات الظاهره : ج 1 ص 45 ح 20 ، بحار الأنوار : ج 13 ص 183 ح 19.
5- .الأعراف : 49.
6- .فاطر : 34.
7- .الأنبياء : 103.

5 / 3 بیم و اندوه

امام زین العابدین علیه السلام در دعا : بار خدایا ! بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و مرا و همه برادرانم را مؤمن به خودت قرار ده ، و نیز پایدار بر اسلام ... و خواهان بهشت ، و از وارثان فردوس که جامه هایی از ابریشم نازک و ستبر ، بر تن می کنند و بر تخت ها تکیه می زنند و تاج های مزیّن به دُر و یاقوت و زبرجد ، بر سر می نهند و فرزندانی جاویدان به آنان خدمت می کنند و با جام ها و ابریق ها و پیاله ها ، از چشمه ای روان می نوشند و با سیه چشمان بهشتی ، ازدواج می کنند و در نعمت های بهشت ، غوطه ورند و در سرایِ ماندگاری ، جاویدان اند و در آن جا نه [خستگی و]رنجی احساس می کنند و نه از آن جا اخراج می شوند .6.امام عسکری علیه السلام در تفسیر منسوب به ایشان ، در باره این سخن خدای بزرگ : «از هر کجای آن که خواستید ، فراوان بخورید» : یعنی گسترده و بدون خستگی.5 / 3بیم و اندوهقرآن«آیا اینان ، همان کسانی نبودند که سوگند یاد می کردید خدا آنان را به رحمتی نخواهد رسانید؟ [اینک] به بهشت وارد شوید . نه بیمی بر شماست و نه اندوهگین می شوید».

«و گفتند : ستایش ، خدایی را که اندوه از ما بِبُرد . به راستی که پروردگار ما ، آمرزگار و قدردان است».

«آن هراس بزرگ ، آنان را اندوهگین نمی کند و فرشتگان از ایشان استقبال می کنند [و به آنان می گویند :]«این ، همان روزی است که به شما وعده می دادند » ».

.

الحديثاز امام صادق(ع) درباره آفرينش حوا سؤال شد و به آنالإمام الباقر عليه السلام فِي قَولِهِ تَبارَکَ وَتَعالى : «وَ قَالُواْ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ » : الحَزَنُ : ما أَصابَهُم فِى الدُّنيا مِنَ الخَوفِ وَالشِّدَّهِ . (1)عن عمرو بن ابى المقدام عن ابيه قال سألت ابا جعفر(رسول اللّه صلى الله عليه و آله :يَمحُو اللّهُ عز و جل مِن قُلُوبِ أَهلِ الجَنَّهِ ذِكرَ الآباءِ وَالأُمَّهاتِ وَالإِخوانِ وَالمَعارِفِ مِمَّن استَوجَبَ النّارَ ، فَلا يَذكُرُونَهُم أَبَدا . (2)5 / 4الأمراضُ الرّوحِيَّهُالكتاب«وَنَزَعْنَا مَا فِى صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ تَجْرِى مِن تَحْتِهِمُ الأَنْهَرُ وَقَالُواْ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِىَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُواْ أَن تِلْكُمُ الْجَنَّهُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» . (3)

«وَ نَزَعْنَا مَا فِى صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ إِخْوَ نًا عَلَى سُرُرٍ مُّتَقَبِلِينَ» . (4)

«فِى جَنَّهٍ عَالِيَهٍ * لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَغِيَهً» . (5)

.

1- .تأويل الآيات الظاهره : ج 2 ص 483 ح 10 عن أبى الجارود ، بحار الأنوار : ج 23 ص 220 ح 22 .
2- .الفردوس : ج 5 ص 261 ح 8125 عن ابن عبّاس .
3- .الاعراف : 43 .
4- .الحجر : 47 .
5- .الغاشيه : 10 11 .

5 / 4 بیماری های روحی

حدیث5.امام باقر علیه السلام در باره این سخن خدای بلندمرتبه : «و گفتند : ستایش ، خدایی را که اندوه از ما ببُرد . به راستی که پروردگار ما ، آمرزگار و قدردان است» : اندوه ، همان ترس و سختی هایی است که در دنیا به آنان می رسیده است.6.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند عز و جل ، یاد پدران و مادران و برادران و آشنایانی را که دوزخی شده اند ، از دل های بهشتیان می زداید و آنان دیگر هرگز به یاد آنها نمی افتند.5 / 4بیماری های روحیقرآن« و هر گونه کینه ای را از سینه هایشان می زداییم . از زیر [قصرهای] آنان ، نهرها جاری اند . و می گویند : «ستایش ، خدایی را که ما را بِدین ، هدایت نمود و اگر خدا ما را هدایت نمی کرد ، ما خود ، هدایت نمی یافتیم . در حقیقت ، فرستادگان پروردگار ما ، حق را آوردند» . و به آنان ، ندا داده می شود که : این ، همان بهشتی است که آن را به [پاداش]آنچه انجام می دادید ، میراث یافته اید » .

« آنچه کینه در سینه های آنان است ، بر می کَنیم . برادرانه بر تخت هایی ، رو به روی یکدیگر نشسته اند » .

« در بهشتی برین اند . سخنی بیهوده در آن نمی شنوند » .

.

الحديث14.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :يُحبَسُ أَهلُ الجَنَّهِ بَعدَما يَجوزونَ الصِّراطَ حَتّى يُؤخَذَ لِبَعضِهِم مِن بَعضٍ ظُلاماتُهُم فِى الدُّنيا ، ويَدخُلونَ الجَنَّهَ ولَيسَ فى قُلوبِ بَعضِهِم عَلى بَعضِهِم غِلٌّ . (1)15.عنه صلى الله عليه و آله فى حَديثٍ يَصِفُ فيهِ كَيفِيَّهَ حَشرِ المُتَّقينَ يَومَ القِيامَهِ : وإذا عِندَ بابِ الجَنَّهِ شَجَرَهٌ يَنبُعُ مِن أصلِها عَينانِ ، فَيَشرَبونَ مِن إحدَى العَينَينِ ، فَإذا بَلَغَ الشَّرابُ الصَّدرَ أخرَجَ اللّهُ ما فى صُدورِهِم مِن غِلٍّ أو حَسَدٍ أو بَغيٍ ، وذلِكَ قَولُ اللّهِ تَعالى : «وَ نَزَعْنَا مَا فِى صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ إِخْوَ نًا عَلَى سُرُرٍ مُّتَقَبِلِينَ » (2) ، فَلَمَّا انتَهَى الشَّرابُ إلَى البَطنِ طَهَّرَهُم مِن دَنَسِ الدُّنيا وَقَذَرِها، وَذلِكَ قَولُ اللّهِ تَعالَى : «وَ سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا » ، ثُمَّ اغتَسَلوا مِنَ الاُخرى فَجَرَت عَلَيهِم نَضرَهُ النَّعيمِ ، فَلا تَشعَثُ أبدانُهُم وَلا تَغَيَّرُ ألوانُهُم أبَدا . (3)16.عنه صلى الله عليه و آله :أوَّلُ زُمرَهٍ تَلِجُ الجَنَّهَ صورَتُهُم عَلى صورَهِ القَمَرِ لَيلَهَ البَدرِ ، لا يَبصُقونَ فيها ولا يَمتَخِطونَ ولا يَتَغَوَّطونَ ، آنِيَتُهُم فيهَا الذَّهَبُ ، أمشاطُهُم مِنَ الذَّهَبِ وَالفِضَّهِ ، ومَجامِرُهُمُ الأُلُوَّهُ (4) ، ورَشحُهُمُ المِسكُ ، ولِكُلِّ واحِدٍ مِنهُم زَوجَتانِ يُرى مُخُّ سوقِهِما مِن وَراءِ اللَّحمِ مِنَ الحُسنِ ، لَا اختِلافَ بَينَهُم ولا تَباغُضَ ، قُلوبُهُم قَلبُ رَجُلٍ واحِدٍ ، يُسَبِّحونَ اللّهَ بُكرَهً وَعَشِيّا . (5) .

1- .فتح البارى : ج 11 ص 399 ، الزهد لابن المبارک : ص 499 ح 1419 نحوه ، الدرّ المنثور : ج 5 ص 84 نقلاً عن ابن أبى حاتم عن الحسن .
2- .الحجر : 47.
3- .كنز العمّال : ج 14 ص 650 ح 39781 نقلاً عن ابن مردويه عن النزّال بن سبره عن الإمام علىّ عليه السلام .
4- .الألُوّه : هو العود الذى يُتبخّر به (النهايه : ج 1 ص 63 «ألى»).
5- .صحيح البخارى : ج 3 ص 1185 ح 3073 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2180 ح 17 ، سنن الترمذى : ج 4 ص 678 ح 2537 ، صحيح ابن حبّان : ج 16 ص 463 ح 7436 ، مسند الشاميّين : ج 1 ص 92 ح 132 نحوه وكلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 14 ص 487 ح 39371.

حدیث18.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشتیان را ، پس از گذشتن از صراط ، نگه می دارند تا تقاصِ ستم هایی که در دنیا به یکدیگر کرده اند ، از آنها گرفته شود و با دل هایی خالی از کینه نسبت به هم ، وارد بهشت شوند .19.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی که در آن ، چگونگی محشور شدن پرهیزگاران را در قیامت ، بیان می کند : بر درِ بهشت ، با درختی رو به رو می شوند که از پای آن ، دو چشمه می جوشد : از یک چشمه اش می نوشند و به محض آن که نوشیدنی به سینه شان رسید ، خداوند ، هر آنچه کینه و حسادت و بدخواهی در سینه های آنهاست ، همه را بیرون می برد . این است سخن خدای بلندمرتبه : «و آنچه کینه در سینه های آنان است ، بر می کَنیم . برادرانه بر تخت هایی ، رو به روی یکدیگر نشسته اند» .

و نوشیدنی چون به معده رسد ، آنان را از آلودگی ها و نجاست های دنیا پاک می گرداند . این است سخن خدای بلندمرتبه : « و پروردگارشان نوشیدنی ای پاک کننده به آنان نوشانید» .

سپس خود را در چشمه دیگر ، شستشو می دهند و خرّمی ، نعمت وجودشان را فرا می گیرد و دیگر ، نه بدن هایشان کثیف می شود و نه رنگشان هرگز تغییر می کند .پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نخستین گروهی که وارد بهشت می شوند ، صورت هایشان مانند ماه شب چهارده می درخشد . در بهشت ، نه آب دهان می اندازند و نه ترشّحات بینی و نه قضای حاجت دارند . ظرف هایشان در آن جا ، طلاست و شانه های سرشان ، از طلا و نقره و بخوردان هایشان ، عود و عرقشان مُشک است . هر یک از ایشان ، دو همسر دارد که از شدّت زیبایی ، مغز ساق آنها از پشت گوشت ، دیده می شود .

هیچ ناسازی و نفرتی میان ایشان (بهشتیان) نیست و همگی یک دل اند و بام و شام ، خداوند را به پاکی می ستایند . .

20.الإمام علىّ عليه السلام فى أحوالِ المُتَّقينَ : اِنتَحَوا (1) دارَ السَّلامِ الَّتى مَن دَخَلَها كانَ آمِنا مِنَ الرَّيبِ وَالأَحزانِ . (2)5 / 5الأَمراضُ الجِسمِيَّةُ23.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : «وَنُودُوا أَن تِلْكُمُ الْجَنَّةُ أُورِثْتُمُوهَا» (3) نودُوا أن صِحّوا فَلا تَسقَموا ، وَادخُلوا فَلا تَموتُوا، وَانعَمُوا فَلا تَبأَسوا . (4)24.عنه صلى الله عليه و آله :يُنادى مُنادٍ : إِنَّ لَكُم أَن تَحيَوا فَلا تَموتوا أَبَدا، وإِنَّ لَكُم أن تَصِحّوا فَلا تَسقَمُوا أَبَدا، وَإِنَّ لَكُم أن تَشِبّوا فَلا تَهرَموا أَبَدا، وَإِنَّ لَكُم أن تَنعَموا فَلا تَبأَسوا أَبَدا ، فَذلِكَ قَولُهُ تَعالى : «وَ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِى أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ » (5) . (6)25.عنه صلى الله عليه و آله فى ذِكرِ ما يَلقَى المُؤمِنُ عِندَ دُخولِهِ الجَنَّةَ : فَيَدخُلُ فَإِذا هُوَ بِشَجَرَةٍ ذاتِ ظِلٍّ مَمدودٍ ، وماءٍ مَسكوبٍ ، وثِمارٍ مُهدَلَهٍ تُسَمّى رِضوانَ ، يَخرُجُ مِن ساقِها عَينانِ تَجرِيانِ ، فَيَنطَلِقُ إِلى إِحداهُما وكُلَّما مَرَّ بِذَلِكَ فَيَغتَسِلُ مِنها، فَيَخرُجُ وعَلَيهِ نَضرَةُ النَّعيمِ ، ثُمَّ يَشرَبُ مِنَ الأُخرى ، فَلا تَكُن فى بَطنِهِ مَغصٌ وَلا مَرَضٌ وَلا داءٌ أَبَدا ، وَذلِكَ قَولُهُ تَعالى : «وَ سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا » (7) . (8) .

1- .انْتَحى : عرض له وقصده (النهايه : ج 5 ص 30 «نحا»).
2- .صفات الشيعه : ص 121 ح 63 عن محمّد بن الحنفيّه ، بحار الأنوار : ج 7 ص 220 ح 132.
3- .الأعراف : 43.
4- .الفردوس : ج 4 ص 414 ح 7205 عن أبى هريره ، سنن الدارمى : ج 2 ص 791 ح 2720 عن أبى سعيد الخدرى وأبى هريره نحوه ، كنز العمّال : ج 14 ص 17 ح 39456.
5- .الزخرف : 72.
6- .سنن الترمذى : ج 5 ص 374 ح 3346 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2182 ح 22 نحوه ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 190 ح 11905 ، تاريخ دمشق : ج 53 ص 109 ح 11190 كلّها عن أبى سعيد الخدرى وأبى هريره ، كنز العمّال : ج 14 ص 517 ح 39456.
7- .الإنسان : 21.
8- .الاختصاص : ص 350 عن عوف بن عبد اللّه الأزدى عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 8 ص 212 ح 205 وراجع : تفسير الطبرى : ج 5 الجزء 8 ص 183 والدرّ المنثور : ج 3 ص 457.

5 / 5 بیماری های جسمی

26.امام علی علیه السلام در احوال پرهیزگاران : آهنگ سرای سلامت کردند ؛ سرایی که هر کس به آن وارد شود ، از نگرانی و اندوه ها در امان است.5 / 5بیماری های جسمیعن ابی جعفر(ع) قال:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : «و به آنان ندا می رسد که : این است همان بهشتی که میراث یافته اید» . به آنان ندا می رسد که : «همواره تن درست باشید و بیمار نشوید . داخل شوید و هرگز نمیرید ، و همواره در ناز و نعمت باشید و بینوا نگردید» .پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آواز دهنده ای آواز می دهد که : «حقّ شماست که زنده بمانید و هرگز نمیرید . حقّ شماست که سالم باشید و هرگز بیمار نشوید . حقّ شماست که جوان باشید و هرگز پیر نشوید . و حقّ شماست که در ناز و نعمت باشید و هرگز به بینوایی نیفتید » . این ، سخن خدای بلندمرتبه است که : «و این است همان بهشتی که به پاداش کارهایی که می کردید ، میراث یافته اید» .پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیان آنچه مؤمن ، هنگام ورودش به بهشت می بیند : پس وارد می شود و ناگهان به درختی با سایه ای گسترده و آبی ریزان و میوه های آویزان ، به نام رضوان ، بر می خورد که از تنه آن ، دو چشمه جاری است .

به سوی یکی از آن دو چشمه می رود و خود را در آن ، می شوید و چون بیرون می آید ، سرشار از طراوت است . سپس از چشمه دیگر می نوشد و از آن پس ، هرگز قولنج و مرض و دردی در شکم او پدید نمی آید . این ، همان سخن خدای بلندمرتبه است که : «و پروردگارشان به آنان نوشیدنی ای پاک کننده نوشانید» .

.

المصنف لابن أبى شيبه عن عاصم بن ضمره :سَمِعتُ عَلِيّا يَقولُ : «وَ سِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّهِ زُمَرًا» (1) حَتّى إذَا انتَهَوا إلى بابٍ مِن أبوابِ الجَنَّهِ وَجَدوا عِندَ بابِها شَجَرَهً تَخرُجُ مِن تَحتِ ساقِها عَينانِ ، فَيَأتونَ إحداهُما كَأَنَّما اُمِروا بِها ، فَيَتَطَهَّرونَ فيها ، فَتَجرى عَلَيهِم نَضرَهُ النَّعيمِ .

قالَ: فَلاتَتَغَيَّرُ أبشارُهُم بَعدَها أبَدا، ولا تَشعَثُ شُعورُهُم بَعدَها أبَدا، كَأَنَّما دُهِنوا. قالَ: ثُمَّ يَعمِدون إلَى الاُخرى فَيَشرَبونَ مِنها، فَتُذهِبُ ما فى بُطونِهِم مِن أذىً وقَذىً. (2)الإمام علىّ عليه السلام :نَظَرَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إلَى امرَأهٍ رَمصاءَ العَينَينِ ، فَقالَ : أما إنَّهُ لا يَدخُلُ الجَنَّهَ رَمصاءُ العَينَينِ . فَبَكَت، وقالَت : يا رَسولَ اللّهِ ، وَإنّى لَفِى النّارِ؟ فَقالَ : لا ، ولكِن لا تَدخُلينَ الجَنَّهَ عَلى مِثلِ صورَتِكِ هذِهِ .

ثُمَّ قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : لا يَدخُلُ الجَنَّهَ الأَعوَرُ وَالأَعمى . عَلى هَذَا المَعنى . (3)5 / 6الحَرُّ وَالبَردُالكتاب«وَ جَزَاهُم بِمَا صَبَرُواْ جَنَّهً وَ حَرِيرًا * مُّتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَ لَا زَمْهَرِيرًا» . (4)

.

1- .الزمر : 73 .
2- .المصنف لإبن أبى شيبه : ج 8 ص 74 ح 51 ، تفسير ابن كثير : ج 7 ص 114 ، مسند ابن الجعد : ص 374 ح 2569 ، الدر المنثور : ج 7 ص 263 .
3- .النوادر للراوندى : ص 107 ح 84 ، الجعفريّات : ص 191 كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 16 ص 299 ح 4.
4- .الإنسان : 12 13 .

5 / 6 گرما و سرما

المصنّف ، ابن ابی شیبه به نقل از عاصم بن ضمره : از علی علیه السلام شنیدم که می فرماید : « «پرهیزگاران را گروه گروه به سوی بهشت سوق می دهند» ، تا این که به دری از درهای بهشت می رسند . در آن جا درختی را می یابند که از پایین آن ، دو چشمه می جوشد . به سوی یکی از آنها می روند و خود را در آن می شویند و طراوت بهشت ، آنها را فرا می گیرد . پس از آن ، هرگز پوست های آنها تغییر نمی کند و موهایشان ژولیده نمی شود ، گویا روغن زده اند .

سپس آهنگ چشمه دیگر می کنند و از آن می نوشند . آن گاه آنچه از نجاست و پلیدی در دل های آنهاست ، از بین می رود» .امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله زنی چرکین چشم را دید . فرمود : «زنانِ چرکین چشم ، به بهشت نمی روند» .

زن گریست و گفت : ای پیامبر خدا ! پس من به جهنّم می روم ؟

فرمود : «نه ؛ بلکه با چنین چهره ای که داری ، وارد بهشت نمی شوی» .

سپس فرمود : «یکْ چشم و کور نیز به بهشت نمی روند» ، به همین معنا [که گفته شد] .5 / 6گرما و سرماقرآن« و به پاس آن که صبر کردند ، بهشت و پرنیان را به آنان پاداش داد . در آن (بهشت) ، بر تخت ها تکیه می زنند . در آن جا نه آفتابی می بینند و نه سرمایی» .

.

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله فى صِفَهِ الجَنَّهِ : عَلى بابِ الجَنَّهِ شَجَرَهٌ ، إنَّ الوَرَقَهَ مِنها لَيَستَظِلُّ تَحتَها أَلفُ رَجُلٍ مِنَ النّاسِ ، وَعَن يَمينِ الشَّجَرَهِ عَينٌ مُطَهِّرَهٌ مُزَكِيَهٌ ، قالَ : فَيُسقَونَ مِنها شَربَهً ، فَيُطَهِّرُ اللّهُ بِها قُلوبَهُم مِنَ الحَسَدِ ، ويُسقِطُ عَن أبشارِهِمُ الشَّعرَ ، وَذلِكَ قَولُ اللّهِ عز و جل : «وَ سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا » مِن تِلكَ العَينِ المُطَهِّرَهِ .

قالَ : ثُمَّ يَنصَرِفونَ إلى عَينٍ أُخرى عَن يَسارِ الشَّجَرَهِ ، فَيَغتَسِلونَ فيها ، وهِيَ عَينُ الحَياهِ ، فَلا يَموتُونَ أبَدا .

قالَ : ثُمَّ يوقَفُ بِهِم قُدّامَ العَرشِ ، وقَد سَلِموا مِنَ الآفاتِ وَالأَسقامِ وَالحَرِّ وَالبَردِ أبَدا . (1)عنه صلى الله عليه و آله :الجَنَّهُ لَبِنَهٌ مِن ذَهَبٍ ولَبِنَهٌ مِن فِضَّهٍ ، حَصباؤُها الياقوتُ وَالزُّمُرُّدُ ، مِلاطُهَا (2) المِسكُ الأَذفَرُ ، تُرابُها الزَّعفَرانُ ، أنهارُها جارِيَهٌ ، ثِمارُها مُتَدَلِّيَهٌ ، وأطيارُها مُرِنَّهٌ ، لَيسَ فيها شَمسٌ ولا زَمهَريرٌ ، لِكُلِّ رَجُلٍ مِن أهلِها ألفُ حورٍ (3) ، يَمكُثُ مَعَ الحَوراءِ مِن حورِها أَلفَ عامٍ ، لا تَمَلُّهُ وَلا يَمَلُّها . (4) .

1- .الكافى : ج 8 ص 96 ح 69 عن محمّد بن إسحاق المدنى عن الإمام الباقر عليه السلام ، تفسير القمّى : ج 2 ص 54 وفيه «مئه ألف» بدل «ألف» ، بحار الأنوار : ج 8 ص 157 ح 98.
2- .المِلاطُ : الطِّين الذى يُجعَلُ بَينَ سافَى البِناء (النهايه : ج 4 ص 357 «ملط») .
3- .حُوْر : جمع أحْوَر وحَوْراء، والحَوَر : ظهور قليل من البياض فى العين من بين السواد، وذلک نهايه الحُسن من العين (مفردات ألفاظ القرآن : ص 262 «حور»).
4- .مسند زيد : ص 417 عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، تفسير فرات : ص 594 ح 760 عن سلمان عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله نحوه ؛ بحار الأنوار : ج 21 ص 86 ح 9.

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله در توصیف بهشت : بر درِ بهشت ، درختی است که در سایه هر برگ آن ، هزار نفر از مردم جا می گیرند . در سمت راست درخت ، چشمه ای پاک و پاک کننده قرار دارد . جرعه ای از آن را می نوشند و به واسطه آن ، خداوند ، دل هایشان را از حسد ، پاک می سازد و مو از پوست بدنشان می ریزد . این ، همان سخن خداوند عز و جل است که : « و پروردگارشان نوشیدنی ای پاک کننده به آنان نوشانید » از همان چشمه پاک .

سپس به سوی چشمه ای دیگر در سمت چپِ درخت می روند و خود را در آن می شویند . این چشمه ، چشمه زندگانی ِاست . بنا بر این ، دیگر هرگز نمی میرند .

سپس آنان را در پیش عرشْ نگه می دارند ، در حالی که برای همیشه از آفت ها و بیماری ها و گرما و سرما مصون شده اند .پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشت ، یک خشتش از طلاست و یک خشتش از نقره . ریگ هایش یاقوت و زمرّد است . ملاطش مشکِ تند و خاکش زعفران است . جوی هایش روان ، میوه هایش آویزان و مرغانش آوازخوان اند . در آن جا نه آفتابی هست و نه سرمای سوزناکی . برای هر مردی از اهالی بهشت ، هزار حوری است که با هر حوری ، هزار سال به سر می بَرد ، بی آن که از یکدیگر خسته و دل زده شوند . .

5 / 7النَّومُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :النَّومُ أَخُو المَوتِ ، وَلا يَمُوتُ أَهلُ الجَنَّهِ . (1)المعجم الأوسط عن جابر بن عبد اللّه :سُئِلَ نَبِىُ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَقِيلَ : يا رَسُولَ اللّهِ ، أَيَنامُ أَهلُ الجَنَّهِ؟ فَقالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : النَّومُ أَخُو المَوتِ ، وَأَهلُ الجَنَّهِ لا يَنامُونَ . (2)5 / 8البَولُ وَالغائِطُاميرالمومنين(ع) در وصف برخى از صحابه پيامبر(ص) ميرسول اللّه صلى الله عليه و آله :أَوَّلُ زُمرَهٍ تَدخُلُ الجَنَّهَ مِن أُمَّتِى عَلَى صُورَهِ القَمَرِ لَيلَهَ البَدرِ ، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُم عَلَى أَشَدِّ نَجمٍ فِى السَّماءِ إِضاءَهً ، ثُمَّ هُم بَعدَ ذَلِکَ مَنازِلَ . لا يَتَغَوَّطُونَ وَلا يَبُولُونَ وَلا يَمتَخِطُونَ وَلا يَبزُقُونَ ، أَمشاطُهُمُ الذَّهَبُ ، وَمَجامِرُهُمُ الأُلُوَّهُ ، وَرَشحُهُمُ المِسکُ . أَخلاقُهُم عَلى خُلُق رَجُلٍ واحِدٍ ، عَلى طُولِ أَبِيهِم آدَمَ سِتُّونَ ذِراعا. (3)راجع : ص 564 (الفصل الخامس عشر : نظام الجنه / صفه أوّل زمره تدخل الجنّه) .

.

1- .شعب الإيمان : ج 4 ص 183 ح 4745 ، البعث والنشور : ص 257 ح 442 ، المعجم الأوسط : ج 8 ص 342 ح 8816 ، تفسير القرطبى : ج 15 ص 261 كلاهما نحوه وكلّها عن جابر ، الزهد لابن حنبل : ص 15 عن محمّد بن المنكدر ، كنز العمّال : ج 14 ص 475 ح 39321.
2- .المعجم الأوسط : ج 1 ص 282 ح 919 ، تفسير ابن كثير : ج 7 ص 247 ، الدرّ المنثور : ج 7 ص 421 نقلاً عن البزّار وابن مردويه والبيهقى فى البعث.
3- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2179 ح 16 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 73 ح 43 ، صحيح البخارى : ج 3 ص 1210 ح 3149 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1449 ح 4333 ، صحيح ابن حبّان : ج 16 ص 465 ح 7437 والثلاثه الأخيره نحوه و كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 14 ص 477 ح 39331.

5 / 7 خواب

5 / 8 ادرار و مدفوع

5 / 7خوابپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خواب ، برادر مرگ است و اهل بهشت نمی میرند.المعجم الأوسط به نقل از جابر بن عبد اللّه : از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سؤال شد : ای پیامبر خدا ! آیا بهشتیان می خوابند؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «خواب ، برادر مرگ است . بهشتیان نمی خوابند» .5 / 8ادرار و مدفوعحمزه و محمد فرزندان حمران بن اعین گویند:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نخستین گروه از امّت من ، به صورت ماه شب چهارده ، وارد بهشت می شوند . گروه بعد از آنها به صورت درخشان ترین ستاره آسمان وارد می شوند و سپس هر گروهی ، به ترتیب منزلتی که دارند .

اهل بهشت ، نه مدفوع و ادرار می کنند و نه آب بینی و دهان می اندازند . شانه هایشان طلا و بُخورشان آلاویه (عود هندی) و عرقشان مُشک است . خُلق و خوهاشان یکسان است (1) و به قامت پدرشان آدم ، شصت گزند .ر . ک : ص 565 (فصل پانزدهم : نظام بهشت / ویژگی نخستین گروه وارد شونده به بهشت) .

.

1- .در دل هایشان هیچ کینه و دشمنی ای نسبت به یکدیگر نیست و همگی همدل اند.

5 / 9الهَرَمُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :أهلُ الجَنَّهِ جُردٌ (1) ، مُردٌ (2) ، كُحلٌ، لا يَفنى شَبابُهُم ، ولا تَبلى ثِيابُهم. (3)عنه صلى الله عليه و آله :يَدخُلُ أهلُ الجَنَّهِ الجَنَّهَ جُردا، مُردا، مُكَحَّلينَ ، أبناءَ ثَلاثينَ أو ثَلاثٍ وثَلاثينَ سَنَهً .
(4)سنن الترمذى عن أبى هريره :قُلنا [لِرَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله]: الجَنَّهُ ما بِناؤُها؟ قالَ صلى الله عليه و آله : لَبِنَهٌ مِن فِضَّهٍ ولَبِنَهٌ مِن ذَهَبٍ ، ومِلاطُهَا المِسكُ الأذفَرُ ، وَحَصباؤُهَا اللُّؤلُؤُ وَالياقوتُ ، وتُربَتُهَا الزَّعفَرانُ ، مَن دَخَلَها يُنَعَّمُ ولا يَيأسُ ، ويَخلُدُ وَلا يَموتُ ، لا تَبلى ثِيابُهُم ولا يَفنى شَبابُهُم .
(5)الإمام علىّ عليه السلام :أبصَرَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله امرَأَهً عَجوزَهً دَرداءَ (6) ، فَقالَ : أما إنَّهُ لا تَدخُلُ الجَنَّهَ عَجوزٌ دَرداءُ ، فَبَكَت . فَقالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : ما يُبكيكِ؟ فَقالَت : يا رَسولَ اللّهِ ، إنّى دَرداءُ! فَضَحِكَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَقالَ : لا تَدخُلينَ الجَنَّهَ عَلى حالِكِ . (7) .

1- .الأَجْرَدُ : الذى ليس على بدنه شعر (النهايه : ج 1 ص 256 «جرد»).
2- .الأَمْرَدُ : الشاب الذى بلغ خروج لحيته وطرّ شاربه ولم تَبدُ لحيته (لسان العرب : ج 3 ص 401 «مرد»).
3- .سنن الترمذى : ج 4 ص 679 ح 2539 ، سنن الدارمى : ج 2 ص 792 ح 2722 كلاهما عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 14 ص 471 ح 39301.
4- .سنن الترمذى : ج 4 ص 682 ح 2545 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 258 ح 22167 و ص 237 ح 22085 ، تفسير الطبرى : ج 12 الجزء 24 ص 32 والثلاثه الأخيره نحوه وكلّها عن معاذ بن جبل ، كنز العمّال : ج 14 ص 477 ح 39329.
5- .سنن الترمذى : ج 4 ص 672 ح 2526 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 171 ح 8049 ، سنن الدارمى : ج 2 ص 789 ح 2717 ، صحيح ابن حبّان : ج 16 ص 396 ح 7387 كلّها نحوه ، كنز العمّال : ج 14 ص 451 ح 39225 ؛ جامع الأخبار : ص 494 ح 1371 نحوه ، بحار الأنوار : ج 8 ص 147 ح 74.
6- .الدَرَدُ : سقوط الأسنان (النهايه : ج 2 ص 112 «درد»).
7- .النوادر للراوندى : ص 107 ح 83 ، الجعفريّات : ص 191 كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 16 ص 298 ح 3.

5 / 9 پیری

5 / 9پیریمعاویه بن عمّار گوید:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشتیان ، بدنی بی مو و صورتی بی مو و چشمانی سرمه کشیده دارند . جوانی شان از بین نمی رود و جامه هایشان فرسوده نمی شود .قال رسول اللّه(ص):پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشتیان در حالی وارد بهشت می شوند که بدن هایی بی مو و صورتی بی مو و چشمانی سرمه کشیده دارند و سنّ سی یا سی و سه سال دارند .پیامبر خدا سه بار فرمود:سنن الترمذی به نقل از ابو هریره : [به پیامبر خدا] گفتیم : بهشت از چه ساخته شده است؟

فرمود : «خشتی از نقره و خشتی از طلاست ، ملاطش مُشک تند است و ریگ هایش مروارید و یاقوت اند و خاکش زعفران است . هر که به آن وارد شود ، همواره برخوردار خواهد بود و روی بینوایی نمی بیند ، جاودانه خواهد بود و هرگز نمی میرد ، جامه هایش کهنه نمی شوند و جوانی اش از بین نمی رود» .امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پیرزنی بی دندان دید . فرمود : «بدان که هیچ پیرزن بی دندانی ، وارد بهشت نمی شود» .

پیرزن گریست . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «چرا گریه می کنی ؟» .

گفت : ای پیامبر خدا ! من هم دندان ندارم !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خندید و فرمود : «تو این گونه (پیر و بی دندان) ، وارد بهشت نمی شوی» .

.

5 / 10المَوتُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :يَدخُلُ أهلُ الجَنَّهِ الجَنَّهَ وأهلُ النّارِ النّارَ ، ثُمَّ يَقومُ مُؤَذِّنٌ بَينَهُم : يا أهلَ النّارِ ! لا مَوتَ ، ويا أهلَ الجَنَّهِ ! لا مَوتَ ، خُلودٌ . (1)عنه صلى الله عليه و آله :يُقالُ لِأهلِ الجَنَّهِ : يا أهلَ الجَنَّهِ ! خُلودٌ لا مَوتَ ، ولِأهلِ النّارِ : يا أهلَ النّارِ ! خُلودٌ لا مَوتَ . (2)عنه صلى الله عليه و آله :إذا صارَ أهلُ الجَنَّهِ إلَى الجَنَّهِ وأهلُ النّارِ إلَى النّارِ ، جيءَ بِالمَوتِ حَتّى يُجعَلَ بَينَ الجَنَّهِ وَالنّارِ ، ثُمَّ يُذبَحُ ، ثُمَّ يُنادى مُنادٍ : يا أهلَ الجَنَّهِ ! لا مَوتَ ، وَيا أهلَ النّارِ ! لا مَوتَ ؛ فَيَزدادُ أهلُ الجَنَّهِ فَرَحا إلى فَرَحِهِم ، ويَزدادُ أهلُ النّارِ حُزنا إلى حُزنِهِم . (3)صحيح البخاريّ عن أبي سعيد الخدريّ :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : يُؤتى بِالمَوتِ كَهَيئَهِ كَبشٍ أملَحَ ، فَيُنادى مُنادٍ : يا أهلَ الجَنَّهِ ! فَيَشرَئِبّونَ ويَنظُرُونَ ، فَيَقولُ : هَل تَعرِفونَ هذا؟ فَيَقولونَ : نَعَم ، هذَا المَوتُ ، وكُلُّهُم قَد رَآهُ . ثُمَّ يُنادى : يا أهلَ النّارِ ! فَيَشرَئِبّونَ ويَنظُرونَ ، فَيَقولُ : هَل تَعرِفونَ هذا؟ فَيَقولونَ : نَعَم هذَا المَوتُ ، وكُلُّهُم قَد رَآهُ ، فَيُذبَحُ . ثُمَّ يَقولُ : يا أهلَ الجَنَّهِ ! خُلودٌ فَلا مَوتَ ، ويا أهلَ النّارِ ! خُلودٌ فَلا مَوتَ . ثُمَّ قَرَأَ : «وَ أَنذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَهِ إِذْ قُضِىَ الْأَمْرُ وَ هُمْ فِى غَفْلَهٍ » (4) . (5) .

1- .صحيح البخارى : ج 5 ص 2396 ح 6178 عن ابن عمر ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2189 ح 42 عن عبد اللّه نحوه ، كنز العمّال : ج 14 ص 517 ح 39459 وراجع : سنن الترمذى : ج 4 ص 692 ح 2557 وسنن ابن ماجه : ج 2 ص 1447 ح 4327 .

2- .صحيح البخارى : ج 5 ص 2397 ح 6179 عن أبى هريره و ص 2396 ح 6178 عن ابن عمر نحوه ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2188 ح 40 عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : ج 14 ص 516 ح 39455 ؛ تفسير القمّى : ج 2 ص 50 عن أبى ولّاد الحنّاط عن الإمام الصادق عليه السلام ، مجمع البيان : ج 6 ص 795 عن أبى سعيد الخدرى .

3- .صحيح البخارى : ج 5 ص 2397 ح 6182 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2189 ح 43 ، مسند ابن حنبل : ج 2 ص 467 ح 6029 ، صحيح ابن حبّان : ج 16 ص 515 ح 7474 ، المعجم الكبير : ج 12 ص 275 ح 13337 ، مسند أبي يعلى : ج 5 ص 231 ح 5560 ، تاريخ دمشق : ج 45 ص 324 ح 9900 كلّها عن ابن عمر ، كنز العمّال : ج 14 ص 515 ح 39450 .

4- .مريم : 39.

5- .صحیح البخاری : ج 4 ص 1760 ح 4453 ، صحیح مسلم : ج 4 ص 2188 ح 40 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 21 ح 11066 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 156 ح 278 عن أبی هریره ، المعجم الکبیر : ج 12 ص 277 ح 13346 عن ابن عمر ، مسند أبی یعلی : ج 2 ص 60 ح 1170 کلّها نحوه ، کنز العمّال : ج 14 ص 517 ح 39475.

5 / 10مرگپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشتیان ، داخل بهشت و دوزخیان ، داخل دوزخ می شوند . سپس آواز دهنده ای در میان آنان بر می خیزد [و صدا می زند] که : «ای دوزخیان ! مرگی در کار نیست ، و ای بهشتیان ! مرگی در میان نیست ، جاودانگی است» .امام صادق(ع) درباره عبداللّه بن ابی یعفور فرمود:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به اهل بهشت گفته می شود : «ای اهل بهشت ! جاودانگی است و از مرگ ، خبری نیست» . به اهل دوزخ نیز گفته می شود : «ای اهل دوزخ ! جاودانگی است و از مرگ ، خبری نیست» .پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چون بهشتیان به بهشت و دوزخیان به دوزخ رفتند ، مرگ را می آورند و آن را در میان بهشت و دوزخ قرار می دهند و آن را ذبح می کنند . سپس آواز دهنده ای آواز می دهد : «هلا ای بهشتیان دیگر از مرگ ، خبری نیست ، و هان ای دوزخیان مرگی در کار نیست !» .

پس به شادیِ بهشتیان ، افزوده می شود و اندوه دوزخیان ، افزون می گردد .روی ابوتراب الرویانی قال:صحیح البخاری به نقل از ابو سعید خُدری : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «مرگ را در شکل قوچی سیاه و سفید می آورند و منادی ای ندا می دهد که : ای اهل بهشت !

بهشتیان ، همگی گردن می کشند و نگاه می کنند . منادی می گوید : آیا این را می شناسید ؟

می گویند : آری . این ، مرگ است . و همه آنها آن را دیده اند .

سپس ندا می دهد که : ای اهل دوزخ !

دوزخیان ، همگی گردن می کشند و نگاه می کنند . منادی می گوید : آیا این را می شناسید ؟

می گویند : آری . این ، مرگ است . و همه آنها آن را دیده اند .

در این هنگام ، آن قوچ را سر می برند . سپس منادی می گوید : ای اهل بهشت ! از این پس ، جاودانگی است و مرگی در کار نیست ، و ای اهل

دوزخ ! از این پس ، جاودانگی است و مرگی در کار نیست» .

پیامبر صلی الله علیه و آله سپس این آیه را خواند : «و آنان را از روز حسرت ، بیم ده ، آن گاه که داوری انجام می گیرد ، حال آن که آنها در غفلت اند» .

.

ابو حماد رازی گوید: در سرّ من رأی به خدمت امام هارسول اللّه صلی الله علیه و آله :یُجاءُ بِالمَوتِ یَومَ القِیامَهِ فی صورَهِ کَبشٍ أملَحَ ، فَیوقَفُ بَینَ الجَنَّهِ وَالنّارِ ، فَیَعرِفُهُ هؤُلاءِ ویَعرِفُهُ هؤُلاءِ ، فَیَقولُ أهلُ النّارِ : اللّهُمَّ سَلِّطهُ عَلَینا ؛ ویَقولُ أهلُ الجَنَّهِ : اللّهُمَّ إنَّکَ قَضَیتَ أن لا نَذوقَ فیهَا المَوتَ إلَا المَوتَهَ الأُولی ، فَیُذبَحُ بَینَهُما ، فَیَیأسُ أهلُ النّارِ مِنَ المَوتِ ، ویَأمَنُ أهلُ الجَنَّهِ مِنَ المَوتِ . (1)عنه صلی الله علیه و آله :إذا أدخَلَ اللّهُ تَعالی أهلَ الجَنَّهِ الجَنَّهَ وأهلَ النّارِ النّارَ ، أُتِیَ بِالمَوتِ مُلَبَّبا ، فَیوقَفُ عَلَی السّورِ الَّذی بَینَ أهلِ الجَنَّهِ وأهلِ النّارِ ، ثُمَّ یُقالُ : یا أهلَ الجَنَّهِ ! فَیَطَّلِعونَ خائِفینَ . ثُمَّ یُقالُ : یا أهلَ النّارِ ! فَیَطَّلِعونَ مُستَبشِرینَ یَرجونَ الشَّفاعَهَ . فَیُقالُ لِأهلِ الجَنَّهِ وأهلِ النّارِ : هَل تَعرِفونَ هذا؟ فَیَقولونَ هؤُلاءِ وهؤُلاءِ : قَد عَرَفناهُ ! هُوَ المَوتُ الَّذی وُکِّلَ بِنا . فَیُذبَحُ ذَبحا عَلَی السّورِ الَّذی بَینَ الجَنَّهِ وَالنّارِ ، ثُمَّ یُقالُ : یا أهلَ الجَنَّهِ خُلودٌ لا مَوتَ ، وَیا أهلَ النّارِ خُلودٌ لا مَوتَ . (2)بحار الأنوار عن ابن عبّاس عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله فی جَوابِ مَسائِلِ عَبدِ اللّهِ بنِ سَلامٍ لَمّا سَأَلَهُ : أخبِرنی ما یَصنَعُ اللّهُ بِالمَوتِ؟ : یَابنَ سَلامٍ ، إذَا استَوی أهلُ الجَنَّهِ فِی الجَنَّهِ وَأهلُ النّارِ فِی النّارِ ، أُتِیَ بِالمَوتِ کَأَنَّهُ کَبشٌ أملَحُ ، فَیوقَفُ بَینَ الجَنَّهِ وَالنّارِ ، فَیُقالُ لِأهلِ الجَنَّهِ : یا أولِیاءَ اللّهِ هذَا المَوتُ ، أتَعرِفونَهُ؟ فَیَقولونَ : نَعَم ، فَیَقولونَ لَهُم : نَذبَحُهُ؟ فَیَقولونَ : نَعَم یا مَلائِکَهَ رَبِّنَا ، اِذبَحوهُ حَتّی لا یَکونَ مَوتٌ أبَدا . فَیَقولونَ لِأهلِ النّارِ : یا أعداءَ اللّهِ ! هذَا المَوتُ هَل تَعرِفُونَهُ؟ فَیَقولونَ : نَعَم ، فَتَقولُ المَلائِکَهُ : نَذبَحُهُ؟ فَیَقولونَ : یا مَلائِکَهَ رَبِّنَا لا تَذبَحوهُ وَدَعوهُ لَعَلَّ اللّهَ یَقضی عَلَینا بِالمَوتِ فَنَستَریحَ .

قالَ النَّبِیُ صلی الله علیه و آله : وَیُذبَحُ المَوتُ بَینَ الجَنَّهِ وَالنّارِ ؛ فَیَیأَسُ أهلُ النّارِ مِنَ الخُروجِ مِنها ، وَتَطمَئِنُّ قُلوبُ أهلِ الجَنَّهِ لِلخُلودِ فیها . فَعِندی لَکَ أن تُسلِمَ ! قالَ : صَدَقتَ یا مُحَمَّدُ . (3) .

1- .الدرّ المنثور : ج 7 ص 421 نقلاً عن ابن مردویه عن أنس.
2- .سنن الترمذی : ج 4 ص 692 ح 2557 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 300 ح 8825 کلاهما عن أبی هریره ، کنز العمّال : ج 14 ص 445 ح 39200.
3- .بحار الأنوار : ج 60 ص 261 نقلاً عن بعض الکتب القدیمه.

عبدالعزیز بن المهتدی گوید:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روز قیامت ، مرگ را در شکل قوچی سیاه و سفید می آورند و میان بهشت و دوزخ نگاه می دارند . بهشتیان و دوزخیان ، آن را می شناسند . دوزخیان می گویند : «بار خدایا ! آن را بر ما مسلّط گردان» و بهشتیان می گویند : «بار خدایا ! تو حکم کردی که در این جا ، جز همان مُردن نخست ، مرگ را نچشیم» .

پس ، آن را میان بهشت و دوزخ ، ذبح می کنند . اهل دوزخ از مردن ، نومید می شوند و اهل بهشت از مردن ، ایمن می گردند .پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چون خدای بلندمرتبه ، بهشتیان را به بهشت و دوزخیان را به دوزخ داخل نمود ، مرگ را کشان کشان می آورند و آن را بر روی دیواری که میان اهل بهشت و اهل دوزخ است ، نگه می دارند . سپس گفته می شود : «ای اهل بهشت !» و بهشتیان ، هراسان گردن می کشند .

آن گاه گفته می شود : «ای اهل دوزخ !» و دوزخیان با خوش حالی و به امید شفاعت ، گردن می کشند .

پس به اهل بهشت و اهل دوزخ گفته می شود : «آیا این را می شناسید؟» .

هر دو گروه می گویند : آری ، او را می شناسیم . او ، همان مرگ است که بر ما گماشته شده بود.

در این هنگام ، آن را بر روی دیواری که میان بهشت و دوزخ است ، سر می بُرند . سپس گفته می شود : «ای بهشتیان ! [از این پس ،]جاودانگی است و مرگی در کار نیست ، و ای دوزخیان ! [از این پس ،] جاودانگی است و مرگی در کار نیست» .بحار الأنوار به نقل از ابن عبّاس ، در بیان پاسخ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به پرسش عبد اللّه بن سلام که پرسید : به من بگو که خداوند با مرگ ، چه می کند : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «ای پسر سلام ! آن گاه که بهشتیان در بهشت و دوزخیان در دوزخ ، مستقر می شوند ، مرگ را با صورت قوچی سیاه و سفید می آورند و آن را میان بهشت و دوزخ نگه می دارند . سپس [فرشتگان] به اهل بهشت می گویند : ای دوستان خدا ! این ، مرگ است . آیا آن را می شناسید ؟

می گویند : آری .

به آنان می گویند : آن را ذبح کنیم ؟

بهشتیان می گویند : آری ای فرشتگان پروردگار ما ذبحش کنید تا دیگر هرگز مرگی نباشد .

سپس به اهل دوزخ می گویند : ای دشمنان خدا ! این ، مرگ است . آیا آن را می شناسید ؟

می گویند : آری .

فرشتگان می گویند : آن را ذبح کنیم؟

دوزخیان می گویند : ای فرشتگان پروردگار ما ! ذبحش نکنید و رهایش سازید . شاید خداوند ، مرگ را بر ما حکم کند و آسوده شویم» .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «مرگ را در میان بهشت و دوزخ ، سر می بُرند . پس ، اهل دوزخ از خارج شدن از آن (دوزخ) ، قطع امید می کنند و دل های اهل بهشت به جاودانگی در آن (بهشت) ، مطمئن می شود . اینک ، به نظرم باید مسلمان شوی» .

عبد اللّه بن سلام گفت : راست گفتی ، ای محمّد ! .

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا كانَ يَومُ القِيامَهِ أُتِىَ بِالمَوتِ كَالكَبشِ الأَملَحِ ، فَيوقَفُ بَينَ الجَنَّهِ وَالنّارِ فَيُذبَحُ وَهُم يَنظُرونَ ، فَلَو أنَّ أحَدا ماتَ فَرَحا لَماتَ أهلُ الجَنَّهِ ، ولَو أنَّ أحَدا ماتَ حُزنا لَماتَ أهلُ النّارِ . (1)الزّهد للحسين بن سعيد عن أبى بصير لا أعلَمُهُ ذَكَرَهُ إلّا عَن أبى جَعفَرٍ عليه السلام : قالَ : إذا أدخَلَ اللّهُ أهلَ الجَنَّهِ الجَنَّهَ وأهلَ النّارِ النّارَ ، جىءَ بِالمَوتِ فى صورَهِ كَبشٍ حَتّى يوقَفَ بَينَ الجَنَّهِ وَالنّارِ ، قالَ : ثُمَّ يُنادى مُنادٍ يُسمِعُ أهلَ الدّارَينِ جَميعًا : يا أهلَ الجَنَّهِ يا أهلَ النّارِ ، فَإذا سَمِعُوا الصَّوتَ أقبَلوا ، قالَ : فَيُقالُ لَهُم : أتَدرونَ ما هذا؟ هذا هُوَ المَوتُ الَّذى كُنتُم تَخافونَ مِنهُ فِى الدُّنيا ، قالَ : فَيَقولُ أهلُ الجَنَّهِ : اللّهُمَّ لا تُدخِلِ المَوتَ عَلَينا ، قالَ : ويَقولُ أهلُ النّارِ : اللّهُمَّ أدخِلِ المَوتَ عَلَينا . قالَ : ثُمَّ يُذبَحُ كَما تُذبَحُ الشّاهُ .

قالَ : ثُمَّ يُنادى مُنادٍ : لا مَوتَ أبَدا ، أيقِنُوا بِالخُلودِ ، قالَ : فَيَفرَحُ أهلُ الجَنَّهِ فَرَحا لَو كانَ أحَدٌ يَومَئِذٍ يَموتُ مِن فَرَحٍ لَماتوا . قالَ : ثُمَّ قَرَأَ هذِهِ الآيَهَ : «أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ * إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَى وَ مَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ * إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ * لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَمِلُونَ » (2) ، قالَ : ويَشهَقُ أهلُ النّارِ شَهقَهً لَو كانَ أحَدٌ يَموتُ مِن شَهيقٍ لَماتوا ، وهُوَ قَولُ اللّهِ عز و جل : «وَ أَنذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَهِ إِذْ قُضِىَ الْأَمْرُ» (3) . (4) .

1- .سنن الترمذى : ج 4 ص 693 ح 2558 ، حليه الأولياء : ج 8 ص 184 ، مسند ابن المبارک : ص 16 ح 132 كلاهما نحوه وكلّها عن أبى سعيد ، كنز العمّال : ج 14 ص 515 ح 39451 .
2- .الصافّات : 58 61 .
3- .مريم : 39 .
4- .الزهد للحسين بن سعيد: ص 100 ح 273 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 345 ح 2 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چون روز قیامت شود ، مرگ را در شکل قوچی سیاه و سفید می آورند و آن را میان بهشت و دوزخ ، نگاه می دارند و آن را در برابر چشم اهل بهشت و دوزخ ، سر می بُرند . اگر قرار بود [در آن روز ،] کسی از شادی بمیرد ، قطعا بهشتیان می مُردند و اگر قرار بود کسی از اندوه بمیرد ، حتما دوزخیان می مُردند .الزهد ، حسین بن سعید :یادم نمی آید که ابو بصیر ، آن را جز از امام باقر علیه السلام نقل کرده باشد که فرمود : «آن گاه که خداوند ، بهشتیان را به بهشت و دوزخیان را به دوزخ می برد ، مرگ را به صورت قوچی می آورند و آن را میان بهشت و دوزخ ، نگاه می دارند . سپس آواز دهنده ای با صدایی که همه اهل بهشت و اهل جهنّم بشنوند ، بانگ می زند : ای اهل بهشت و ای اهل دوزخ !

با شنیدن صدا ، همه به طرف آن ، رو می کنند . پس به آنها گفته می شود : آیا می دانید که این چیست؟ این ، همان مرگی است که در دنیا از آن می ترسیدید .

اهل بهشت می گویند : بار خدایا ! مرگ را نزد ما میاور .

اهل دوزخ نیز می گویند : بار خدایا ! مرگ را نزد ما بیاور .

در این هنگام ، آن (مرگ) را مانند گوسفند ، سر می بُرند .

سپس آواز دهنده ای آواز می دهد که : دیگر ، مرگی نیست . به جاودانگی ، یقین کنید .

پس بهشتیان ، چنان خوش حال می شوند که اگر قرار بود کسی در آن روز از خوش حالی بمیرد ، قطعا آنان می مُردند» .

سپس این آیه را تلاوت کرد : «آیا دیگر روی مرگ را نمی بینیم ، جز همان مرگ نخستین خود را ؟! و ما هرگز عذاب نخواهیم شد؟! به راستی که این ، همان کامیابی بزرگ است . برای چنین [پاداشی] باید کوشندگان بکوشند» و [فرمود:] «دوزخیان ، چنان ناله ای سر می دهند که اگر قرار بود کسی از ناله بمیرد ، قطعا آنان می مُردند . این است [معنای]سخن

خداوند عز و جلکه : «آنان را از روز حسرت ، بیم ده ، آن گاه که کار ، تمام می شود» ». .

در روایت دیگری از حضرت عبدالعظیم(ع) از امام هادی(تفسیر القمّی عن أبی ولّاد الحنّاط عن الإمام الصّادق علیه السلام ، قال :سُئِلَ عَن قَولِهِ : «وَ أَنذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ» قالَ : يُنادی مُنادٍ مِن عِندِ اللّهِ وذلِکَ بَعدَما صارَ أهلُ الجَنَّهِ فِی الجَنَّهِ وَأهلُ النّارِ فِی النّارِ : يا أهلَ الجَنَّهِ ويا أهلَ النّارِ ! هَل تَعرِفونَ المَوتَ فی صورَهٍ مِنَ الصُّوَرِ؟ فَيَقولونَ : لا، فَيُؤتی بِالمَوتِ فی صورَهِ كَبشٍ أملَحَ ، فَيوقَفُ بَينَ الجَنَّهِ وَالنّارِ ، ثُمَّ يُنادَونَ جَميعا : أشرِفوا وَانظُروا إلَی المَوتِ ، فَيُشرِفونَ ، ثُمَّ يَأمُرُ اللّهُ بِهِ فَيُذبَحُ، ثُمَّ يُقالُ : يا أهلَ الجَنَّهِ ! خُلودٌ فَلا مَوتَ أبَدا ، ويا أهلَ النّارِ ! خُلودٌ فَلا مَوتَ أبَدا . (1)معانی الأخبار عن ابن عبّاس :دارُ السَّلامِ الجَنَّهُ ، وأهلُها لَهُمُ السَّلامَهُ مِن جَميعِ الآفاتِ وَالعاهاتِ وَالأمراضِ وَالأسقامِ ، وَلَهُمُ السَّلامَهُ مِنَ الهَرَمِ وَالمَوتِ وَتَغَيُّرِ الأحوالِ عَلَيهِم ، وهُمُ المُكرَمونَ الَّذينَ لا يُهانونَ أبَدا ، وَهُمُ الأعِزّاءُ الَّذينَ لا يَذِلّونَ أبدا ، وهُمُ الأغنِياءُ الَّذينَ لا يَفتَقِرونَ أبَدا، وهُمُ السُّعَداءُ الَّذينَ لا يَشقَونَ أبَدا ، وهُمُ الفَرِحونَ المُستَبشِرونَ الَّذينَ لا يَغتَمّونَ ولا يَهتَمّونَ أبَدا ، وهُمُ الأحياءُ الَّذينَ لا يَموتونَ أبَدا، فَهُم فی قُصورِ الدُّرِّ وَالمَرجانِ ، أبوابُها مُشرَعَهٌ إلی عَرشِ الرَّحمنِ ، «وَالمَلائِكَهُ يَدخُلونَ عَلَيهِم مِن كُلِّ بابٍ ؛ سَلامٌ عَلَيكُم بِما صَبَرتُم فَنِعمَ عُقبَی الدّارِ» (2) . (3) .

1- .تفسیر القمّی : ج 2 ص 50 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 346 ح 4 .
2- .عُقْبی الدار : العاقبه المحموده (مجمع البحرین : ج 2 ص 1240 «عقب»).
3- .معانی الأخبار : ص 176 ح 1.

تفسیر القمّی به نقل از ابو ولّاد حنّاط : از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند : «آنان را از روز حسرت ، بیم ده» سؤال شد . فرمود : «پس از آن که بهشتیان به بهشت و دوزخیان به دوزخ رفتند ، ندا دهنده ای از جانب خداوند ، ندا می دهد که : ای اهل بهشت و ای اهل دوزخ ! آیا مرگ را در چهره ای از چهره ها می شناسید ؟

آنها می گویند : نه .

پس ، مرگ را در چهره قوچی سیاه و سفید می آورند و آن را میان بهشت و دوزخ ، نگاه می دارند . سپس به همه آنها ندا می شود که : اینک بالا بیایید و مرگ را تماشا کنید .

آنان ، بالا می آیند . سپس خداوند دستور می دهد که آن را ذبح کنند . آن گاه گفته می شود : ای بهشتیان ! [از این پس ،] جاودانگی است و هرگز مرگی نیست ، و ای دوزخیان ! [از این پس ،] جاودانگی است و هرگز مرگی نیست» .به همان سند از داوود بن فرقد، از عبدالأعلی مولی آمعانی الأخبار به نقل از ابن عبّاس : سرای سلامت ، بهشت است . اهل آن ، از همه آفت ها و گزندها و بیماری ها و ناخوشی ها مصون اند . آنان از پیری و مرگ و دگرگونیِ حالات ، در امان اند و همواره گرامی اند و هرگز اهانت نمی بینند ، پیوسته عزیزند و هرگز خوار نمی شوند ، همیشه توانگرند و هیچ گاه فقیر نمی شوند ، همواره خوش بخت اند و هرگز روی بدبختی را نمی بینند ، پیوسته شاد و خوش حال اند و هرگز غمگین و اندوهناک نمی شوند ، و همارە زنده اند و هرگز نمی میرند . در کاخ هایی از دُر و مرجان اند که درهای آنها رو به عرش خدای رحمان است «و فرشتگان از هر دری بر آنها وارد می شوند [و می گویند :]«درود بر شما که شکیبایی کردید ! پس چه نیکوست فرجام این سرای !» » . .

5 / 11تِلكَ الأَوصافُالإمامِ علىّ عليه السلام فى كِتابِهِ إلى أهلِ مِصرَ ، بَعدَ ذِكرِهِ لِلنّارِ وأوصافِها : اِعلَموا يا عِبادَ اللّهِ ، أنَّ مَعَ هذا رَحمَةَ اللّهِ الَّتى لا تَعجِزُ عَنِ العِبادِ ، «جَنَّةٌ عَرضُها كَعَرضِ السَّماءِ والأَرضِ» ، «أُعِدَّت لِلمُتَّقينَ» ، خَيرٌ لا يَكونُ مَعَها شَرٌّ أبَدا ، لَذّاتُها لا تُمَلُّ، وَمُجتَمَعُها لا يَتَفَرَّقُ ، سُكّانُها قَد جاوَرُوا الرَّحمنَ ، وقامَ بَينَ أيديهِمُ الغِلمانُ ، بِصِحافٍ مِنَ الذَّهَبِ فيهَا الفاكِهَةُ وَالرَّيحانُ . (1)عنه عليه السلام :أمّا أهلُ الطّاعَةِ فَأَثابَهُم بِجِوارِهِ ، وَخَلَّدَهُم فى دارِهِ ، حَيثُ لا يَظعَنُ النُّزّالُ ، ولا تَتَغَيَّرُ بِهِمُ الحالُ ، ولا تَنوبُهُمُ الأفزاعُ ، ولا تَنالُهُمُ الأسقامُ ، ولا تَعرِضُ لَهُمُ الأخطارُ ، ولا تُشخِصُهُمُ الأسفارُ . (2)عنه عليه السلام فى صِفَةِ الجَنَّةِ : دَرَجاتٌ مُتفاضِلاتٌ ، ومَنازِلُ مُتَفاوِتاتٌ ، لا يَنقَطِعُ نَعيمُها ، ولا يَظعَنُ (3) مُقيمُها ، وَلا يَهرَمُ خالِدُها ، وَلا يَبأَسُ (4) ساكِنُها . (5)عنه عليه السلام :الجَنَّةُ الَّتى أعَدَّهَا اللّهُ تَعالى لِلمُؤمِنينَ خَطّافَةٌ لِأَبصارِ النّاظِرينَ ، فيها دَرَجاتٌ مُتفاضِلاتٌ ، ومَنازِلُ مُتَعالِياتٌ ، لا يَبيدُ نَعيمُها، ولا يَضمَحِلُّ حُبورُها (6) ، ولا

يَنقَطِعُ سُرورُها ، ولا يَظعَنُ مُقيمُها ، ولا يَهرَمُ خالِدُها ، ولا يَبأَسُ ساكِنُها .

أمِنَ سُكّانُها مِنَ المَوتِ فَلا يَخافونَ ، صَفا لَهُمُ العَيشُ ، ودامَت لَهُمُ النِّعمَةُ ، فى أنهارٍ مِن ماءٍ غَيرِ آسِنٍ (7) وأنهارٍ مِن لَبَنٍ لَم يَتَغَيَّر طَعمُهُ ، وأنهارٍ مِن خَمرٍ لَذَّةٍ لِلشّارِبينَ ، وأنهارٍ مِن عَسَلٍ مُصَفّىً ، ولَهُم فيها مِن كُلِّ الثَّمَراتِ ، ومَغفِرَةٌ مِن رَبِّهِم ، عَلى فُرُشٍ مَنضودَةٍ ، وأزواجٌ مُطَهَّرَةٌ ، وحورٌ عينٌ كَأَنَّهُنَّ اللُّؤلُؤُ المَكنونُ ، وفاكِهَةٌ كَثيرَةٌ لا مَقطوعَةٌ ولا مَمنوعَةٌ ، والمَلائِكَةُ يَدخلونَ عَلَيهِم مِن كُلِّ بابٍ ، سَلامٌ عَلَيكُم بِما صَبَرتُم فَنِعمَ عُقبَى الدّارِ . (8) .

1- .الأمالى للمفيد : ص 266 ح 3 ، الأمالى للطوسى : ص 29 ح 31 كلاهما عن أبى إسحاق الهمدانى ، بحار الأنوار : ج 33 ص 547 .
2- .نهج البلاغه : الخطبه 109 ، بحار الأنوار : ج 7 ص 114 ح 49.
3- .ظَعَن : ذهبَ وسار (لسان العرب : ج 13 ص 270 «ظعن»).
4- .بئِسَ يَبأسُ : افتقر واشتدّت حاجته (النهايه : ج 1 ص 89 «بأس») .
5- .نهج البلاغه : الخطبه 85 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 162 ح 103.
6- .الحُبور : النِعمه وَسِعه العيش والسرور (النهايه : ج 1 ص 327 «حبر»).
7- .ماءٌ آسِن : إذا تغيّر ريحه تغيّرا مُنكرا (مفردات ألفاظ القرآن : ص 76 «أسن»).
8- .مطالب السؤول : ص 55 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 30 ح 97.

5 / 11 و این چند چیز

5 / 11و این چند چیزامام علی علیه السلام در نامه اش به مردم مصر ، بعد از بیان دوزخ و اوصاف آن : بدانید ای بندگان خدا که در کنار این [عذاب ها] ، رحمت خدا قرار دارد که گنجایش همه بندگان را دارد : «بهشتی که پهنه آن ، مانند پهنه آسمان و زمین است» و «برای پرهیزگاران ، آماده شده است» . سراسر ، خوبی است و هرگز بدی ای با آن نیست و لذّت هایش ملال آور نیستند و جمع آن ، به جدایی نمی انجامد . ساکنانش همسایه خدای مهربان اند و پسرکان ، با سینی های زرّینِ پر از میوه و ریحان ، در برابر آنان به خدمت ایستاده اند .حضرت رضا(ع) خطاب به عبدالعظیم:امام علی علیه السلام :فرمان برداران را با جای دادن در جوار خویش ، پاداش داد و آنان را در سرای خود ، جاویدان ساخت ؛ سرایی که رخت افکنان در آن ، هرگز نمی کوچند و حالاتشان دگرگون نمی گردد ، و وحشت ها به سراغشان نمی آید و بیماری ها به آنان نمی رسد و دست خوش خطرها نمی شوند و بار سفر از جایی به جایی بر نمی بندند .قال الامام الرضا(ع):امام علی علیه السلام در توصیف بهشت : بهشت ، درجات مختلف و منزل های متفاوتی دارد ، نعمت هایش قطع نمی شوند و اقامت کننده در آن ، هیچ گاه نمی کوچد و جاویدان در آن ، هرگز پیر نمی شود و ساکنِ آن ، به بینوایی نمی افتد .از امام سجاد(ع) نقل است:امام علی علیه السلام :بهشتی که خداوند بزرگ ، برای مؤمنانْ آماده ساخته است ، چشم بینندگان را خیره می سازد . در آن ، درجاتی است یکی برتر از دیگری و منزل هایی است یکی بالاتر از دیگری . نعمت هایش از بین نمی رود ، خوشی هایش به سر نمی آید ، شادی هایش قطع نمی شود ، اقامت کننده در آن نمی کوچد ، جاویدان در آن ، پیر نمی شود و ساکنِ آن ، دچار بینوایی نمی گردد .

ساکنان آن ، از مرگ ، در امان اند . بنا بر این ، نمی ترسند . زندگی به کام آنهاست و نعمت برایشان پایدار است : جویبارهایی از آبی تغییرناپذیر ؛ جویبارهایی از شیر که طعم آن ، دگرگون نمی شود ؛ جویبارهایی از باده که نوشندگان از آن ، لذّت می برند ؛ و جویبارهایی از انگبین ناب «و در آن جا از هر گونه میوه ای ، برای آنان هست و [از همه بالاتر] آمرزش پروردگارشان است » . بر فرش های ردیف شده اند «و همسرانی پاک دارند» ؛ «حوریانی چشم درشت» چون مروارید نهان در صدف ، و میوه

های فراوان که نه بُریده می شوند و نه ممنوع اند . «فرشتگان از هر دری بر آنان وارد می شوند [و می گویند :] «درود بر شما که شکیبایی کردید ! پس چه نیکوست فرجام آن سرای !» » .

.

قال امیرالمؤمنین(ع):الإمام الباقر علیه السلام :إنَّ أهلَ الجَنَّهِ یَحیَونَ فَلا یَموتونَ أبَدا، ویَستَیقِظونَ فَلا یَنامونَ أبَدا ، ویَستَغنونَ فَلا یَفتَقِرونَ أبَدا ، ویَفرَحونَ فَلا یَحزَنونَ أبَدا ، ویَضحَکونَ ولا یَبکونَ أبَدا ، ویُکرَمونَ فَلا یُهانونَ أبَدا ، ویَفکَهونَ ولا یَقطِبونَ أبَدا ، ویُحبَرونَ وَیُسَرّونَ أبَدا ، ویَأکُلونَ فَلا یَجوعونَ أبَدا ، ویَروَونَ فَلا یَظمَؤونَ أبَدا، وَیُکسَونَ فَلا یَعرَونَ أبَدا، وَیَرکَبونَ وَیَتَزاوَرونَ أبَدا ، یُسَلِّمُ عَلَیهِمُ الوِلدانُ المُخَلَّدونَ أبَدا، بِأیدیهِم أبارِیقُ الفِضَّهِ وآنِیَهُ الذَّهَبِ أبَدا ، مُتَّکِئینَ عَلی سُرُرٍ أبَدا، عَلَی الأرائِکِ یَنظُرونَ أبَدا ، تَأتیهِمُ التَّحِیَّهُ وَالتَّسلیمُ مِنَ اللّهِ أبَدا ، نَسألُ اللّهَ الجَنَّهَ بِرَحمَتِهِ ، إنَّهُ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدِیرٌ . (1)از قول امام علی(ع) فرمود:الإمام المهدیّ علیه السلام لَمّا سُئِلَ عَنِ التَّوالُدِ فِی الجَنَّهِ: إنَّ الجَنَّهَ لا حَملَ فیها لِلنِّساءِ وَلا وِلادَهَ ، ولا طَمثَ وَلا نِفاسَ ، وَلا شَقاءَ بِالطُّفُولِیَّهِ ، وفیها ما تَشتَهِی الأنفُسُ وَتَلَذُّ الأعیُنُ ، کَما قالَ سُبحانَهُ . فَإذَا اشتَهَی المُؤمِنُ وَلَدا خَلَقَهُ اللّهُ بِغَیرِ حَملٍ وَلا وِلادَهٍ عَلَی الصّورَهِ الَّتی یُرِیدُ ، کَما خَلَقَ آدَمَ عِبرَهً . (2) .

1- .الاختصاص : ص 358 عن جابر ، بحار الأنوار : ج 8 ص 220 ح 215.
2- .الاحتجاج : ج 2 ص 580 ح 357 عن محمّد بن عبد اللّه الحمیری ، بحار الأنوار : ج 53 ص 163 ح 4.

امام باقر علیه السلام :اهل بهشت ، هماره زنده اند و هرگز نمی میرند ، هماره بیدارند و هرگز نمی خوابند ، هماره توانگرند و هرگز نادار نمی شوند ، هماره شادند و هرگز اندوهگین نمی شوند ، هماره خندان اند و هرگز نمی گریند ، هماره ارجمندند و هرگز اهانت نمی بینند ، هماره گشاده رویند و هرگز اخم نمی کنند ، هماره خوش حال و مسرورند ، می خورند و هرگز گرسنه نمی شوند ، می نوشند و هرگز تشنه نمی شوند ، هماره جامه بر تن دارند و هرگز برهنه نیستند ، هماره سوار می شوند و به دیدار هم می روند ، هماره پسرانی جاودانه که در دستشان هماره ابریق هایی از نقره و ظرف هایی از طلاست برایشان درود می فرستند ، هماره بر تخت ها نشسته و بر اریکه ها تکیه زده اند و به یکدیگر می نگرند ، و هماره از جانب خداوند ، بر ایشان درود و سلام فرستاده می شود .

از خداوند ، بهشت را درخواست می کنیم ، به حقّ رحمتش ، که او بر هر چیزی تواناست .حضرت عبدالعظیم از حضرت امام جواد(ع) درخواست حدیثامام مهدی علیه السلام در پاسخ سؤال از زاد و ولد در بهشت : در بهشت ، زنان ، نه باردار می شوند ، نه می زایند ، نه حیض می بینند ، نه نِفاس می شوند و نه زحمت بچّه داری را تحمّل می کنند ؛ بلکه در آن جا همان گونه که خداوند سبحان فرموده ، آنچه دل ها هوس می کنند و چشم ها [از دیدنش] لذّت می برند ، هست . پس هر گاه مؤمن ، هوس فرزندی کند ، خداوند ، آن را ، بدون آن که بارداری یا زایمانی در کار باشد ، به همان شکلی که می خواهد ، می آفریند ، چنان که آدم را ، نمونه آفرید . .

الفصل السادس: الحثّ على طلب الجنّه6 / 1قيمَهُ الجَنَّهالكتاب«فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِىَ لَهُم مِّن قُرَّهِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ». (1)

«أَصْحَبُ الْجَنَّهِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقَرًّا وَ أَحْسَنُ مَقِيلاً ». (2)

«وَسَارِعُواْ إِلَى مَغْفِرَهٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّهٍ عَرْضُهَا السَّمَوَ تُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ» . (3)

: آل عمران : 198 ، المائده : 119 ، التوبه : 72 ، الرعد : 35 ، النحل : 32 ، الكهف : 107 ، مريم : 63 ، الفرقان : 15 ، الزمر : 73 ، غافر : 40 ، الحديد : 21 ، القمر : 54 55 ، الانسان : 20 .

الحديثنيز حضرت رسول(ص) می فرمايد:رسول اللّه صلى الله عليه و آله :قالَ اللّهُ تَعالى : أَعدَدتُ لِعِبادِىَ الصّالِحِينَ : ما لا عَينٌ رَأَت ، وَلا أُذُنٌ سَمِعَت ، وَلا خَطَرَ عَلى قَلبِ بَشَرٍ . (4) .

1- .السجده : 17.
2- .الفرقان : 24.
3- .آل عمران : 133 .
4- .صحيح البخارى : ج 3 ص 1185 ح 3072 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2174 ح 2 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 400 ح3292 وج5 ص346 ح3197، سنن ابن ماجه: ج2 ص1447 ح 4328، سنن الدارمى: ج2 ص792 ح2724، صحيح ابن حبّان : ج 2 ص 91 ح 369 ، السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 317 ح 11085 ، مسند أبى يعلى : ج 5 ص 471 ح 6247 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 15 ص 778 ح 43069 ؛ عدّه الداعى : ص 99 ، عوالى اللآلى : ج 4 ص 101 ح 148 كلاهما من دون إسنادٍ إلى النبىّ صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 8 ص 191 ح 168 وزاد فى آخر بعضها «مِصداقُ ذَلِكَ فِي كِتابِ اللّهِ : «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِىَ لَهُم مِّن قُرَّهِ أَعْيُنٍ جَزَاءَ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» » .

فصل ششم: تشویق به طلبیدن بهشت

6 / 1 ارزش بهشت

فصل ششم: تشویق به طلبیدن بهشت6 / 1ارزش بهشتقرآن«پس هیچ کس نمی داند چه چیزهایی از آنچه روشنی بخش دیدگان است ، به پاداش آنچه انجام می داده اند ، برای آنان پنهان شده است».

«در آن روز ، جایگاه اهل بهشت ، بهتر و استراحتگاهشان نیکوتر است».

«بشتابید به سوی آمرزشی که از جانب پروردگارتان است و بهشتی که پهنای آن ، آسمان ها و زمین است و برای پرهیزگاران ، آماده گردیده است» .

ر . ک : آل عمران : آیه 198 ، مائده : آیه 119 ، توبه : آیه 72 ، رعد : آیه 35 ، نحل : آیه 32 ، کهف : آیه 107 ، مریم : آیه 63 ، فرقان : آیه 15 ، زمر : آیه 73 ، غافر : آیه 40 ، حدید : آیه 211 ، قمر : آیه 54 55 انسان : آیه 20 .

حدیث2.عن أبیه، عن سعد، عن ابن أبی الخطّاب، عن محمّد بنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدای بلندمرتبه فرمود : «برای بندگان شایسته ام ، چیزهایی آماده کرده ام که نه هیچ چشمی دیده ، و نه هیچ گوشی شنیده ، و نه بر دل بشری گذر کرده است » . (1)

.

1- .در برخی مصادر ، در پایان این حدیث ، جمله زیر نیز وجود دارد : «شاهدش هم در کتاب خدا این است : «پس هیچ کس نمی داند که چه چیزهایی از آنچه روشنی بخش دیدگان است ، به پاداش آنچه انجام می داده اند ، برای آنان پنهان شده است» » .

3.عن جعفر بن أحمد بن أيّوب، عن صفوان، عن عمرو بن حرعنه صلى الله عليه و آله :يَقُولُ اللّهِ تَعالى : أَعدَدتُ لِعِبادِىَ الصّالِحِينَ : ما لاعَينٌ رَأَت ، وَلا أُذُنٌ سَمِعَت ، وَلا خَطَرَ عَلى قَلبِ بَشَرٍ ، ذُخرا (1) ، بَلْهَ (2) ما أُطلِعتُم عَلَيهِ . (3)4.عن جعفر بن أحمد، عن جعفر بن بشير، عن أبى سلمه الجعنه صلى الله عليه و آله :مَن دَخَلَ الجَنَّهَ يَنعَمُ لا يَبؤَسُ ، لا تَبلى ثِيابُهُ ، وَلا يَفنى شَبابُهُ ، وَلَهُ فِى الجَنَّهِ ما لاعَينٌ رَأَت ، وَلا أُذُنٌ سَمِعَت ، وَلا خَطَرَ عَلى قَلبِ بَشَرٍ . (4)5.عن جعفر بن أحمد بن الحسين، عن داود، عن يوسف قال:صحيح مسلم عن سهل بن سعد السّاعدى :شَهِدَتُ مِن رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله مَجلِسا وَصَفَ فِيهِ الجَنَّهَ حَتّى اِنتَهى ، ثُمَّ قالَ صلى الله عليه و آله فِى آخِرِ حَدِيثِهِ : فِيها ما لا عَينٌ رَأَت ، وَلا أُذُنٌ سَمِعَت ، وَلا خَطَرَ عَلى قَلبِ بَشَرٍ . ثُمَّ اقتَرَأَ هذِهِ الآيَهَ : «تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَ طَمَعًا وَ مِمَّا رَزَقْنَهُمْ يُنفِقُونَ * فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِىَ لَهُم مِّن قُرَّهِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ » (5) . (6) .

1- .ذَخرتُ الشىء أذخره ذخرا : ادَّخرتُه (الصحاح : ج 2 ص 662 «ذخر») .
2- .بَلْهَ ما اطّلعتُم عليه : دع ما اطّلعتم عليه من نعيم الجنّه وعرفتموه من لذّاتها (النهايه : ج 1 ص 155 «بله») .
3- .صحيح البخارى : ج 4 ص 1794 ح 4502 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2174 ح 3 و 4 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 496 ح 10024 ، تفسير ابن كثير : ج 6 ص 367 كلّها عن أبى هريره ؛ مجمع البيان : ج 8 ص 518 وليس فيه «ذخرا» ، بحار الأنوار : ج 8 ص 92 .
4- .سنن الدارمى : ج 2 ص 789 ح 2715 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 301 ح 8835 ، مسند أبى يعلى : ج 6 ص 52 ح 6397 ، الزهد لابن المبارک : ص 512 ح 1456 ، مسند إسحاق بن راهويه : ج 1 ص 119 ح 36 كلّها عن أبى هريره والأربعه الأخيره نحوه.
5- .السجده : 16 و 17.
6- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2175 ح 5 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 432 ح 22889 ، رياض الصالحين : ص 694 .

6.عن جعفر و فضاله، عن أبان، عن الحسن بن زیاد العطّاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدای بلندمرتبه می فرماید : «برای بندگان شایسته ام ، چیزهایی آماده کرده ام که نه چشمی دیده ، و نه گوشی شنیده ، و نه بر دل بشری گذشته است . اینها اندوخته اند و بجز آن چیزهایی هستند که از آنها آگاه شده اید» .7.عن أبی الجارود قال:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی که وارد بهشت شود ، همواره در ناز و نعمت خواهد بود و هرگز دچار بینوایی نمی شود ، جامه هایش کهنه نمی گردند ، جوانی اش از بین نمی رود و برایش در بهشت ، چیزهایی است که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بر قلب بشری گذر نکرده است.ابن موسی و الورّاق معاً، عن الصوفیّ، عن الرّویاصحیح مسلم به نقل از سهل بن سعد ساعدی : در یکی از مجلس های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله حاضر بودم و ایشان در آن مجلس از اوصاف بهشت می گفت تا آن که توصیفش به پایان رسید . سپس در پایان سخنش فرمود : «در آن جا چیزهایی هست که نه هیچ چشمی دیده ، و نه هیچ گوشی شنیده ، و نه بر دل بشری گذر کرده است» .

پیامبر صلی الله علیه و آله آن گاه ، این آیه را خواند : «پهلوهایشان از بسترها فاصله گرفته ، پروردگارشان را به بیم و امید می خوانند و از آنچه روزی شان کرده ایم ، انفاق می کنند . پس هیچ کس نمی داند که چه چیزهایی از آنچه روشنی بخش دیدگان است ، به پاداش کارهایی که انجام می داده اند ، برایشان اندوخته شده است» . .

عبدالعظیم حسنی فرمود:رسول اللّه صلی الله علیه و آله :سَأَلَ مُوسی رَبَّهُ : ما أدنی أهلِ الجَنَّهِ مَنزِلهً؟ قالَ : ... .

قالَ : رَبِّ ! فَأعلاهُم مَنزِلَهً؟ قالَ: أُولَئِکَ الَّذِینَ أَرَدتُ ، غَرَستُ کَرامَتَهُم بِیَدِی ، وَخَتَمتُ عَلَیها ، فَلَم تَرَ عَینٌ ، وَلَم تَسمَع أُذُنٌ ، وَلم یَخطُر عَلی قَلبِ بَشَرٍ . قالَ : وَمِصداقهُ فِی کِتابِ اللّهِ عز و جل : «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِیَ لَهُم مِّن قُرَّهِ أَعْیُنٍ » . (1)1.عنه صلی الله علیه و آله :لَیسَ فِی الجَنَّهِ شَیءٌ مِمّا فِی الدُّنیا إلّا الأَسماءُ . (2)2.عنه صلی الله علیه و آله :لَقابُ قَوسِ (3) أَحَدِکُم فِی الجَنَّهِ خَیرٌ مِمّا طَلَعَت عَلَیهِ الشَّمسُ أو تَغرُبُ . (4)3.صحیح البخاری عن أنس عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله :لَقابُ قَوسِ أَحَدِکُم مِنَ الجَنَّهِ أو مَوضِعُ قِیدٍ یَعنِی سَوطَهُ خَیرٌ مِنَ الدُّنیا وَما فِیها . (5)4.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :لَقِیدُ سَوطِ أَحَدِکُم مِنَ الجَنَّهِ خَیرٌ مِمّا بَینَ السَّماءِ وَالأَرضِ . (6) .

1- .صحیح مسلم : ج 1 ص 176 ح 312 ، صحیح ابن حبّان : ج 14 ص 99 ح 6216 ، مسند الحمیدی : ج 2 ص 336 ح 761 ، حلیه الأولیاء : ج 7 ص 311 تفسیر الطبری : ج 11 الجزء 21 ص 104 کلّها عن المغیره بن شعبه والأربعه الأخیره نحوه ، کنز العمّال : ج 14 ص 505 ح 39423 .
2- .کنز العمّال : ج14 ص454 ح39237 نقلاً عن الضیاء عن ابن عبّاس ، تفسیر الطبری : ج 1 الجزء 1 ص174 ، تفسیر ابن کثیر : ج 1 ص 91 کلاهما عن ابن عبّاس من دون إسنادٍ إلی أحدٍ من أهل البیت علیهم السلام نحوه .
3- .قابُ قَوسٍ : أی مقداره (النهایه : ج 4 ص 118 «قوب»).
4- .صحیح البخاری : ج 3 ص 1187 ح 3080 و ص 1029 ح 2640 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 530 ح 10264 بزیاده «أو سوطِ» بعد «قوس» ، ریاض الصالحین : ص 694 ولیس فی الثلاثه الأخیره «أحدکم» وکلّها عن أبی هریره ، کنز العمّال : ج 4 ص 304 ح 10615 .
5- .صحیح البخاری : ج 3 ص 1029 ح 2643 ، سنن الترمذی : ج 4 ص 181 ح 1651 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 283 ح 12439 ، صحیح ابن حبّان : ج 16 ص 411 ح 7398 کلّها عن أنس نحوه ، کنز العمّال : ج 4 ص 304 ح 10616 ؛ تنبیه الخواطر : ج 2 ص 275 عن زیاد بن حارثه بن مسلمه نحوه.

6- .مسند ابن حنبل : ج 3 ص 192 ح 8173 ، صحيح ابن حبّان : ج 14 ص 28 ح 6158 ، مسند أبى يعلى : ج 6 ص 15 ح 6286 ، المصنّف لعبد الرزّاق : ج 11 ص 420 ح 20885 ، المعجم الأوسط : ج 8 ص 85 ح 8042 نحوه وكلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 14 ص 456 ح 39244.

5.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :موسی از پروردگارش پرسید : دون پایه ترینِ بهشتیان کیست؟

فرمود : ... .

گفت : پروردگارا ! بلندپایه ترینِ آنان ، چه کسی است؟

فرمود : «کسانی که من خواسته ام [و آنان را برگزیده ام] . کرامتشان (بهشت) را با دست خود کاشتم و بر آن ، مُهر نهادم . پس ، [آن را] هیچ چشمی ندیده ، و هیچ گوشی نشنیده ، و بر دل هیچ بشری گذر نکرده است» .

شاهدش هم در کتاب خدای عز و جل ، این آیه است : «پس هیچ کس نمی داند که چه چیزهایی از آنچه روشنی بخش دیدگان است ، برای آنان ، پنهان شده است» .6.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در بهشت ، چیزی از آنچه در دنیاست ، وجود ندارد مگر نام ها . (1)حدّثنا علی بن عبداللّه الورّاق قال:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مقدار طول یک کمان از جایی (سهمی) که هر یک از شما در بهشت دارد ، بهتر از همه چیزهایی است که خورشید بر آنها طلوع یا غروب می کند.عبدالعظیم حسنی از حضرت رضا و او از پدران گرامی اشصحیح البخاری به نقل از اَنَس : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «به یقین ، مقدار یک طول کمان یا یک تازیانه از جایی (سهمی) که هر یک از شما در بهشت دارد ، ارزشش بیشتر است از دنیا و هر آنچه در دنیاست».عن أحمد بن أبی عبداللّه البرقی، عن عبدالعظیم بن عپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :[حتّی] بند تازیانه هر یک از شما در بهشت ، برتر است از آنچه مابین آسمان و زمین است. .

1- .یعنی نعمت های خدا در دنیا با نعمت های او در بهشت ، تنها در نام ، شباهت و اشتراک دارند و مصادیق آنها قابل قیاس با یکدیگر نیستند .

عمر بن يزيد گويد: حضرت صادق (ع) فرمود:عنه صلى الله عليه و آله :مَوضِعُ سَوطٍ فِى الجَنَّهِ خَيرٌ مِنَ الدُّنيا وَما فِيها . (1)محمّد بن يعقوب، عن محمّد بن يحيى، عن أحمد بن محمّعنه صلى الله عليه و آله :لَشِبرٌ فِى الجَنَّهِ خَيرٌ مِنَ الأَرضِ وَما عَلَيها (الدُّنيا وَما فِيها) . (2)ابو بصير گويد:عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ العَبدَ لَيُعطى عَلى بابِ الجَنَّهِ ما يَكادُ فُؤادُهُ يَطِيرُ لَولا أَنَّ اللّهَ بَعَثَ مَلَكا لِيَشُدَّ فُؤادَهُ . (3)حدثنا عبداللّه، حدثنى ابى، حدثنا محمّد بن جعفر، حعنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ مِن نَعِيمِ أَهلِ الجَنَّهِ أَنَّهُم يَتَزاوَرُونَ عَلى المَطايا وَالنُّجُبِ ، وَإِنَّهُم يُؤتَونَ فِى يَومِ الجُمُعَهِ بِخَيلٍ مُسَوَّمَهٍ مُلجَمَهٍ لا تَرُوثُ وَلا تَبُولُ ، فَيَركَبُونَها حَتّى يَنتَهُوا حَيثُ شاءَ اللّهُ ، فَيَأتِيهِم مِثلَ السَّحابَهِ فِيها ما لا عَينٌ رَأَت وَلا أُذُنٌ سَمِعَت ، فَيَقُولُونَ : أَمطِرِى عَلَينا ، فَما تَزالُ تُمطِرُ عَلَيهِم حَتّى يَنتَهِىَ ذَلِکَ فَوقَ أَمانِيِّهِم .

ثُمَّ يَبعَثُ اللّهُ رِيحا غَيرَ مُؤذِيَهٍ فَتَنسِفُ كُثبانا مِن مِسكٍ عَلى أَيمانِهِم وَعَلى شَمائِلِهِم ، فَيَأخُذُ ذَلِکَ المِسکُ فِى نَواصِى خُيُولِهِم ، وَفِى مَعارِفِها (4) ، وَفِى رُؤُوسِها ، وَلِكُلِّ رَجلٍ مِنهم جُمَّهٌ (5) عَلى ما اشتَهَت نَفسُهُ ، فَيَتَعَلَّقُ ذَلِکَ المِسکُ فِى تِلکَ الجِمامِ وَفِى الخَيلِ وَفِيما سِوى ذَلِکَ مِنَ الثِّيابِ .

ثُمَّ يُقبِلُونَ حَتّى يَنتَهُوا إِلى ما شاءَ اللّهُ ، فَإِذا المَرأَهُ تُنادِى بَعضَ أُولَئِکَ : يا عَبدَ اللّهِ ! أَما لَکَ فِينا حاجَهٌ؟ فَيَقُولُ : مَا أَنتِ ، وَمَن أَنتِ؟ فَتَقُولُ : أَنا زَوجَتُکَ . فَيَقُولُ : ما كُنتُ عَلِمتُ مَكانَکِ ! فَتَقُولُ المَرأَهُ : أَوَ ما تَعلَمُ أَنَّ اللّهَ قالَ : «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِىَ لَهُم مِّن قُرَّهِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ » فَيَقُولُ : بَلى وَرَبِّى . فَلَعَلَّهُ يَشغَلُ عَنها بَعدَ ذلِکَ المَوقِفِ مِقدارَ أَربَعِينَ خَرِيفا ، لا يَلتَفِتُ وَلا يَعُودُ ، ما يَشغَلُهُ عَنها إِلّا ما هُوَ فِيهِ مِنَ النَّعِيمِ وَالكَرامَهِ . (6) .

1- .صحيح البخارى : ج 3 ص 1187 ح 3078 ، سنن الترمذى : ج 4 ص 180 ح 1648 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1448 ح 4330 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 425 ح 22861 كلّها عن سهل بن سعد الساعدى ، سنن الدارمى : ج 2 ص 789 ح 2716 عن أبى هريره وزاد فيه «أحدكم» بعد «سوط» ، كنز العمّال : ج 14 ص 456 ح 39245.

2- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1448 ح 4329 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 79 ح 70 ، الزهد لهنّاد : ج 1 ص 50 ح 5 كلّها عن أبى سعيد الخدرى ، حليه الأولياء : ج 4 ص 108 عن ابن مسعود ، كنز العمّال : ج 14 ص 456

ح 39243 ؛ مجمع البيان : ج 5 ص 412 عن أبى سعيد الخدرى ، جامع الأخبار : ص 495 ح 1375 نحوه ، بحار الأنوار : ج 8 ص 148 ح 77 .
3- .كنز العمّال : ج 14 ص 486 ح 39365 نقلاً عن الديلمى عن أنس.
4- .المَعرَفَه : مَنبِت عُرف الفَرس (لسان العرب : ج 9 ص 241 «عرف»).
5- .الجُمّه من شعر الرأس : ما سقط على المنكبين (النهايه : ج 1 ص 300 «جمم»).
6- .الزهد لابن المبارک (الملحقات) : ص 69 ح 239 ، الترغيب والترهيب : ج 4 ص 542 ح 114 نحوه وكلاهما عن شفى بن ماتع .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :[حتّی] جایگاه یک تازیانه در بهشت ، از دنیا و هر آنچه در دنیاست ، بهتر است.1.و روی الفضیل عن أبی عبداللّه(ع) قال:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :یک وجب از بهشت ، از زمین و آنچه بر روی آن است (از دنیا و آنچه در آن است) ، بهتر است.فضیل گوید:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا به بنده در [همان] درِ بهشت ، چیزی داده می شود که نزدیک است دلش از جا کنده شود ، اگر خداوند ، فرشته ای را نفرستد تا دل او را قوی گرداند .2.و باسناده (الصدوق) عن عمار الساباطی، عن ابی عبدالپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :یکی از نعمت های اهل بهشت ، این است که سوار بر مرکب ها و اشتران نژاده ، به دیدار یکدیگر می روند ، و هر آدینه روز ، اسب های نشان دارِ لگام زده که نه سرگین دارند و نه پیشاب ، آورده می شوند و بر آنها می نشینند و هر جا که بخواهند ، می روند . آن گاه ابرمانندی بر فرازشان آشکار می شود که نه چشمی مانند آن را دیده و نه گوشی شنیده است . به آن می گویند : «بر ما ببار» و آن ابرمانند ، پیوسته بر ایشان می بارد تا جایی که از آرزوهایشان فراتر می رود.

سپس خداوند ، بادی بی آزار بر می انگیزد و تپّه هایی از مُشک را در سمت راست و سمت چپ آنان افشان می سازد و آن مُشک ، در کاکُل و یال ها و سرهای اسبانشان جای می گیرد ، و نیز برای هر مردی از آنان که گیسوانی دارد ، آن سان که او می خواهد . و آن مُشک در آن گیسوان و در آن اسب ها و در جامه ها می پیچد .

سپس می آیند تا به آن جا می رسند که خدا می خواهد . در این هنگام ، زنی یکی از ایشان را صدا می زند که : ای بنده خدا! آیا تو را با ما کاری نیست؟

او می گوید : چیستی تو ؟ کیستی تو؟

زن می گوید : من ، همسر تو هستم .

مرد می گوید : از وجود تو آگاه نبودم !

زن می گوید : آیا نمی دانی که خدا فرموده است : «هیچ کس نمی داند که چه چیزهایی از آنچه روشنی بخش دیدگان است ، به پاداش کارهایی که

می کرده اند ، برای آنان پنهان شده است» ؟

می گوید : چرا ، به پروردگارم سوگند .

و شاید بعد از آن نیز به اندازه چهل سال از آن زن ، غافل بماند و نه به طرف او نگاه کند و نه برگردد ، و آنچه او را از وی غافل می گرداند ، غرق شدنش در نعمت ها و کرامت ها[ی خداوند] است. .

امام صادق(ع) فرمود:سنن ابن ماجه عن اسامه بن زيد :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ذاتَ يَومٍ لِأَصحابِهِ : أَلا مُشَمِّرٌ (1) لِلجَنَّهِ؟ فَإِنَّ الجَنَّهَ لا خَطَرَ لَها ، هِىَ وَرَبِّ الكَعبَهِ نُورٌ يَتَلَأْلَأُ ، وَرَيحانَهٌ تَهتَزُّ ، وَقَصرٌ مَشِيدٌ ، وَنَهرٌ مُطَّرِدٌ (2) ، وَفاكِهَهٌ كَثِيرَهٌ نَضِيجَهٌ ، وَزَوجَهٌ حَسناءُ جَمِيلَهٌ ، وَحُلَلٌ كَثِيرَهٌ ، فِى مَقامٍ أَبَدا، فِى حَبرهٍ (3) وَنَضرَهٍ ، فِى دُورٍ عالِيَهٍ ، سَلِيمَهٍ بَهِيَّهٍ .

قالُوا : نَحنُ المُشَمِّرُونَ لَها يا رَسُولَ اللّهِ ، قالَ : قُولُوا : إِن شاءَ اللّهُ . ثُمَّ ذَكَرَ الجِهادَ وَحَضَّ عَلَيهِ . (4)1.حدثنا أبو يوسف محمّد بن احمد الرقى، حدثنا محمّد برسول اللّه صلى الله عليه و آله فِى صِفَهِ الجَنَّهِ : لا شِبهَ لَها ، هِىَ وَرَبِّ الكَعبَهِ رَيحانَهٌ تَهتَزُّ ، وَنُورٌ يَتَلَأْلَأُ ، وَنَهرٌ مُطَّرِدٌ ، وَزَوجَهٌ لا تَمُوتُ ، فِى خُلُودٍ وَنَعمَهٍ ، فِى مَقامٍ أَمِينٍ . (5)معاويه بن جاهمه گويد:الإمام علىّ عليه السلام :اَلجَنَّهُ أَفضَلُ غَايَهٍ . (6) .

1- .تَشَمّر : تهيّأ، والتَشْمير : هو الجدّ فيه والاجتهاد (لسان العرب : ج 4 ص 428 «شمر»).
2- .يَطَّرِد : يجرى (النهايه : ج 3 ص 117 «طرد»).
3- .الحَبْره : النعمه وسعه العيش (النهايه : ج 1 ص 327 «حبر»).
4- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1448 ح 4332 ، صحيح ابن حبّان : ج 16 ص 389 ح 7381 ، مسند الشاميّين : ج 2 ص 322 ح 1421 ، الفردوس : ج 1 ص 139 ح 493 كلّها عن اُسامه بن زيد ، كنز العمّال : ج 14 ص 452 ح 39227.
5- .تاريخ بغداد : ج 4 ص 252 الرقم 1982 عن ابن عبّاس .
6- .غرر الحكم : ح 1024.

2.سنن ابن ماجه به نقل از اُسامه بن زید : یک روز ، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به یارانش فرمود : «آیا کسی هست که برای بهشت ، کمر همّت بر بندد ؛ چرا که بهشت ، بدیل و نظیر ندارد ؟ به خداوند کعبه سوگند که بهشت ، یک پارچه نور است و می درخشد و گلزاری است که پیچ و تاب می خورد ، و کاخ هایی افراشته است ، و جویبارهایی روان ، و میوه هایی فراوان و رسیده ، و همسرانی نیکو و زیبا ، و جامه های بسیار ، در جایگاهی جاویدان ، همراه با ناز و نعمت و خرّمی ، در خانه هایی بلندجایگاه ، امن و باشُکوه » .

یاران گفتند : ما برای آن ، دامن همّت به کمر می زنیم ، ای پیامبر خدا !

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «بگویید : اگر خدا بخواهد» و سپس از جهاد گفت و بِدان برانگیخت.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در توصیف بهشت : مانند ندارد . به خداوند کعبه سوگند که بهشت ، گلزاری است در پیچ و تاب ، و نوری است درخشان ، و جویباری است روان ، و همسری که هرگز نمی میرد و سرای جاودانگی و نعمت و آسایش و امنیت است.3.عن انس عن النبی(ص):امام علی علیه السلام :بهشت ، برترین هدف است. .

عنه عليه السلام :اَلجَنَّهُ خَيرُ مَآلٍ ، وَالنّارُ شَرُّ مَقِيلٍ . (1)راجع : ص 298 (الشوق إلى الجنّه) .

6 / 2دُخولُ الجَنَّهِ رَخيصٌعمر گويد:الإمام علىّ عليه السلام :دُخُولُ الجَنَّهِ رَخِيصٌ ، وَدُخُولُ النّارِ غالٍ. (2)6.الإمام الرضا عليه السلام :إنَّ سِلعَهَ اللّهِ رَخِيصَهٌ ، فَاشتَرُوها قَبلَ أن تَغلُوَ . (3)عيسى عليه السلام :اَلنَّومُ عَلَى الحَصِيرِ وَأكلُ خُبزِ الشَّعِيرِ ، فِى طَلَبِ الفِردَوسِ يَسِيرٌ . (4)6 / 3ذِكرُ الجَنَّهِ8.عن ابن عباس، عن النبى(ص):رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا تَنسَوُا العَظِيمَينِ : اَلجَنَّهَ وَالنّارَ . (5)پيامبر فرمود:الإمام زين العابدين عليه السلام :إنَّ الحَسَنَ بنَ عَلِيِ بنِ أبِى طالِبٍ عليه السلام . . . كانَ إذا قامَ فِى صَلاتِهِ تَرتَعِدُ فَرائِصُهُ (6) بَينَ يَدَى رَبِّهِ عز و جل، وَكانَ إذا ذَكَرَ الجَنَّهَ وَالنّارَ اِضطَرَبَ اضطِرابَ السَّلِيمِ (7) ، وَسَأَلَ اللّهَ تَعالى الجَنَّهَ ، وَتَعَوَّذَ بِهِ مِنَ النّارِ . (8) .

1- .غرر الحكم : ح 1765 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 53 ح 1371.
2- .كنز الفوائد : ج 1 ص 279 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 90 ح 95.
3- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 116 ح 111 و ص 55 ح 33.
4- .تنبيه الخواطر : ج 2 ص 230 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 330 ح 64 ؛ تاريخ دمشق : ج 47 ص 444 ، البدايه والنهايه : ج 2 ص 90 كلاهما عن مالک بن دينار عن عيسى عليه السلام نحوه .
5- .التاريخ الكبير : ج 1 ص 417 الرقم 1334 ، المطالب العاليه : ج 3 ص 219 ح 3309 نحوه وكلاهما عن عبداللّه بن عمر.
6- .الفَريصَه : عَصَب الرقبه وعروقها، أى ترجف من الخوف ، والجمع : فَريص و فرائِص (النهايه : ج 3 ص 431 «فرص»).
7- .السَليمْ : اللديغ، إنّما سمّى سليما تفاؤلاً بالسلامه (النهايه : ج 2 ص 396 «سلم»).
8- .الأمالى للصدوق : ص 244 ح 262 ، عدّه الداعى : ص 139 كلاهما عن المفضّل بن عمر عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، بحار الأنوار : ج 43 ص 331 ح 1.

6 / 2 ورود به بهشت ، ارزان است

6 / 3 به یاد بهشت بودن

1.امام علی علیه السلام :بهشت ، بهترین فرجام است و دوزخ ، بدترین توقّفگاه.ر . ک : ص 299 (شوق به بهشت) .

6 / 2ورود به بهشت ، ارزان است3.امام علی علیه السلام :ورود به بهشت ، ارزان است و ورود به دوزخ ، گران .امام رضا علیه السلام :کالای خدا ارزان است . پس ، پیش از آن که گران شود ، آن را بخرید.1.عن علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن ابن أبی عمیر، عن هعیسی علیه السلام :خفتن بر بوریا و خوردن نان جوین ، برای طلبیدن بهشت ، آسان است.6 / 3به یاد بهشت بودنرسول خدا فرمود:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دو امر بزرگ را از یاد نبرید : بهشت و دوزخ را.1.محمّد بن علی بن الحسین فی الأمالی، عن محمّد بن الامام زین العابدین علیه السلام :حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام ... هر گاه به نماز می ایستاد ، بدنش در پیشگاه پروردگارش به لرزه می افتاد و هر گاه از بهشت و دوزخ یاد می کرد ، مانند مارگزیده به خود می لرزید و از خدای بزرگ ، بهشت می طلبید و از آتش به او پناه می برد.

.

2.فی حدیث الحولاء العطاره بالسند المتقدم فی أبواب االإمام الباقر علیه السلام :اُذکُرُوا مِن عَظَمَهِ اللّهِ ما شِئتُم ، وَلا تَذکُرُونَ مِنهُ شَیئا إلّا وَهِیَ أعظَمُ مِنهُ . وَاذکُرُوا مِنَ النّارِ ما شِئتُم ، وَلا تَذکُرُونَ مِنها شَیئا إلّا وَهِیَ أشَدُّ مِنهُ . وَاذکُرُوا مِنَ الجَنَّهِ ما شِئتُم ، وَلا تَذکُرُونَ مِنها شَیئا إلّا وَهِیَ أفضَلُ . (1)رسول خدا فرمود:الإمام الصادق علیه السلام :حَقُّ التِّلاوَهِ الوُقُوفُ عِندَ ذِکرِ الجَنَّهِ وَالنّارِ ، یَسأَلُ فِی الأُولی ، وَیَستَجِیرُ مِنَ الأُخری. (2)3.و عن سعید بن جبیر عن ابن عمر احسبه رفعه، عن النبیسعد السعود :أوحَی اللّهُ عز و جل إلی داوودَ علیه السلام : یا أیُّها الغَفُولُ ! ما تَصنَعُ بِدُنیا یَدخُلُها الرَّجُلُ صَحِیحا وَیَرجِعُ سَقِیما وَیَخرُجُ فَیَحیا حَیاتَهُ فَیُکَبَّلُ بِالحَدِیدِ وَالأَغلالِ وَیَخرُجُ الرَّجُلُ صَحِیحا فَیُرَدُّ قَتِیلاً .

وَیْحَکُم ! لَو رَأَیتُمُ الجَنَّهَ وَما أَعدَدتُ فِیها لِأَولِیائِی مِنَ النَّعِیمِ لَما ذُقتُم دَواءَها لِشَهوَهٍ (3) .

أَینَ المُشتاقُونَ إلی لَذِیدِ (4) الطَّعامِ وَالشَّرابِ؟ أَینَ الَّذِینَ جَعَلُوا مَعَ الضِّحکِ بُکاءً؟ أَینَ الَّذِینَ هَجَمُوا عَلی مَساجِدِی فِی الصَّیفِ وَالشِّتاءِ؟ (5) .

1- .سیر أعلام النبلاء : ج 4 ص 406 تاریخ دمشق : ج 54 ص 282 نحوه وکلاهما عن المنهال بن عمرو.
2- .التبیان فی تفسیر القرآن : ج 1 ص 442 ، تفسیر العیّاشی : ج 1 ص 57 ح 84 عن أبی بصیر ولیس فیه ذیله من «یسأل ...» ، مجمع البیان : ج 1 ص 375 وفیه «یستعیذ» بدل «یستجیر» ، تفسیر جوامع الجامع : ج 1 ص 76 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 214 ح 12.
3- .هکذا فی الطبعه المعتمده ، والظاهر أنّ الصواب : «لَماذقتم ذوقا بشهوه» ، کما فی بعض النسخ (راجع : هامش بحار الأنوار : ج 14 ص 45) .
4- .فی المصدر : «إلی أزید» ، والتصویب من بحار الأنوار .
5- .سعد السعود : ص 48 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 45.

رسول خدا فرمود:امام باقر علیه السلام :از بزرگی خدا ، هر چه خواستید ، یاد کنید ؛ امّا هر چه از آن یاد کنید ، باز بزرگی خدا ، بزرگ تر از آن است ، و از آتش دوزخ ، هر چه خواستید ، بگویید ؛ ولی هر چه از آن بگویید ، باز آتش دوزخ ، سخت تر از آن است ، و از بهشت ، هر چه خواستید ، بگویید ؛ امّا هر چه از آن بگویید ، باز بهشت ، برتر از آن است.4.امام صادق علیه السلام :حقّ تلاوت [قرآن] ، آن است که هنگام یاد شدن از بهشت و دوزخ ، درنگ شود . اوّلی را طلب کند و از دومی به خدا پناه برَد.سعد السعود :خدای عز و جل به داوود علیه السلام وحی فرمود که : «ای بی خبر! از دنیا چه می خواهی که آدمی ، تن درست به آن وارد می شود و بیمار باز می گردد و بیرون می رود و به زندگی خود ادامه می دهد و به کُنده و زنجیر بسته می شود ، و آدمی سالم [از خانه]بیرون می رود و کشته باز می گردد؟

وای بر شما! اگر بهشت و نعمت هایی را که در آن برای دوستانم آماده ساخته ام ، دیده بودید ، هرگز طعم شهوتی را نمی چشیدید.

کجایند مشتاقانِ خوردنی ها و نوشیدنی های لذید؟ کجایند آنان که در کنار خنده ، گریه کردند؟ کجایند آنان که در تابستان و زمستان ، به مسجدهای من هجوم آوردند؟» . .

و روى عبدالعظيم بن عبداللّه الحسنى عن سهل بن سعد،مصباح الشَّريعه فِيما نَسَبَهُ إِلى الإِمامِ الصّادِقِ عليه السلام رُوِىَ أَنَّ يَحيَى بنِ زَكَرِيّا عليه السلام كانَ يُفَكِّرُ فِى طُولِ اللَّيلِ فِى أَمرِ الجَنَّهِ وَالنّارِ ، فَيَسهَرُ لَيلَتَهُ وَلا يَأخُذُهُ النَّومُ ، ثُمَّ يَقُولُ عِندَ الصَّباحِ : اَللّهُمَّ أينَ المَفَرُّ ، وَأينَ المُستَقَرُّ؟ اَللّهُمَّ إِلَيکَ . (1)6 / 4الغَفلَهُ عَن الجَنَّهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما رَأيتُ مِثلَ النّارِ نامَ هارِبُها ، وَلا مِثلَ الجَنَّهِ نامَ طالِبُها . (2)عنه صلى الله عليه و آله :لا تَخدَعَنَّكُم زَخارِفُ دُنيا دَنِيَّهٍ ، عن مَراتِبِ جَنّاتٍ عَلِيَّهٍ . (3)عنه صلى الله عليه و آله :مَن خافَ أدلَجَ (4) ، وَمَن أدلَجَ بَلَغَ المَنزِلَ ، أَلا إِنَّ سِلعَهَ اللّهِ غالِيَهٌ ، أَلا إِنَّ سِلعَهَ اللّهِ الجَنَّهُ . (5)عنه صلى الله عليه و آله :إِذا صَلَّى العَبدُ وَلَم يَسأَلِ اللّهَ تَعالى الجَنَّهَ وَلَم يَستَعِذهُ مِنَ النّارِ ، قالَتِ المَلائِکَهُ : أغفَلَ العَظِيمَتَينِ الجَنَّهَ وَالنّارَ . (6)پيامبر(ص) درباره امام حسين می فرمايد:الإمام عَلىّ عليه السلام :أَلا وَإِنّى لَم أَرَ کَالجَنَّهِ نامَ طالِبُها ، وَلا کَالنّارِ نامَ هارِبُها . أَلا وَإِنَّهُ مَن لا يَنفَعُهُ الحَقُّ يَضُرُّهُ الباطِلُ . (7) .

1- .مصباح الشريعه : ص 462 ح 84 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 266 ح 8 .
2- .سنن الترمذى : ج 14 ص 715 ح 2601 ، الزهد لابن المبارک : ص 9 ح 27 ، مسند الشهاب : ج 2 ص 14 ح 791 كلّها عن أبى هريره ، المعجم الأوسط : ج 2 ص 177 ح 1638 عن أنس ، كنز العمّال : ج 15 ص 773 ح 43039 ؛ الأمالى للطوسى : ص 526 ح 1162 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 52 كلاهما عن أبى ذرّ.
3- .أعلام الدين : ص 340 عن أبى أيّوب الأنصارى ، بحار الأنوار : ج 77 ص 183 ح 10.
4- .أَدْلَجَ القَوم: إذا ساروا الّليل كلّه (لسان العرب : ج 2 ص 272 «دلج»).
5- .سنن الترمذى : ج 4 ص 633 ح 2450 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 343 ح 7851 وفيه «الغاليه» بدل «الجنّه» ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص 425 ح 1460 ، مشكاه المصابيح : ج 2 ص 690 ح 5348 ، تفسير ابن كثير : ج 7 ص 481 كلّها عن أبى هريره ، حليه الأولياء : ج 8 ص 377 عن أبىّ بن كعب ، كنز العمّال : ج 3 ص 142 ح 5885 ؛ تنبيه الخواطر : ج 1 ص 279 .
6- .الجعفريّات : ص 42 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، مستدرک الوسائل : ج 5 ص 65 ح 5370 .

7- .نهج البلاغه : الخطبه 28 ، الإرشاد : ج 1 ص 236 وفيه «اليقين» بدل «الحقّ» و«الشكّ» بدل «الباطل» ، تحف العقول : ص 152 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 293.

6 / 4 غفلت از بهشت

مصباح الشریعه در آنچه به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است : روایت شده است که یحیی بن زکریّا علیه السلام در طول شب ، در باره بهشت و دوزخ می اندیشید و به خاطر این دو ، شب هایش را بیدار می ماند و خوابش نمی گرفت ، و چون صبح می شد ، می گفت : بار خدایا ! به کجا می توان گریخت؟ و در کجا آرام می توان گرفت؟ بار خدایا ! به تو.6 / 4غفلت از بهشتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ندیدم چیزی چون دوزخ که گریزانِ از آن ، خفته باشد ، و نه چون بهشت که جوینده اش در خواب ، فرو رفته باشد !پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مبادا زرق و برق فریبنده دنیا ، شما را از درجات بهشت های بلندجایگاه ، غافل کند !پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آن که ترسید ، همه شب ، ره پویید و آن که همه شب ره پویید ، به منزل مقصود رسید . آگاه باشید که کالای خدا گران است . آگاه باشید که کالای خدا بهشت است.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه بنده نماز بخواند و از خدای بلندمرتبه ، بهشت را نخواهد و از آتش دوزخ به او پناه نبرد ، فرشتگان می گویند : «دو چیز بزرگ ، بهشت و دوزخ را از یاد برد ! » .امام علی علیه السلام :هان ! من ندیده ام چیزی را که چون بهشت ، جوینده اش خفته باشد ، و نه چون دوزخ که گریزانِ از آن ، در خواب ، فرو رفته باشد . بدانید که هر که حق ، سودش نرساند ، باطل ، زیانش می رساند.

.

و در روایت دیگر از حضرت صادق(ع) روایت کرده که رسوعنه علیه السلام :اَلمَغبُونُ مَن باعَ جَنَّةً عَلِيَّةً بِمَعصِيَهٍ دَنِيَّهٍ . (1)و باز کلینی به سند صحیح روایت کرده است از ابراهیمعنه علیه السلام :إِنَّ مَن باعَ نَفسَهُ بِغَيرِ الجَنَّهِ فَقَد عَظُمَت عَلَيهِ المِحنَهُ . (2)عنه علیه السلام :مَن باعَ نَفسَهُ بِغَيرِ نَعِيمِ الجَنَّهِ فَقَد ظَلَمَها . (3)الإمام الکاظم علیه السلام :أَما إِنَّ أَبدانَكُم لَيسَ لَها ثَمَنٌ إِلّا الجَنَّهُ ، فَلا تَبيعُوها بِغَيرِها ! (4)6 / 5الشَّوقُ إِلَى الجَنَّهِ2.تفسیر ابن کثیر عن ابن زید :إِنَّ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله قَرَأَ هذِهِ السُّورَهَ : «هَلْ أَتَى عَلَى الْاِءنسَنِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ» (5) وَقَد أُنزِلَت عَلَيهِ وَعِندَهُ رَجُلٌ أَسوَدُ ، فَلَمّا بَلَغَ صِفَهَ الجِنانِ زفر زفرهً ، فَخَرَجَت نَفسُهُ ، فَقالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : أَخرَجَ نَفسَ صاحِبِكُم أَو قالَ : أَخِيكُم الشَّوقُ إِلَى الجَنَّهِ . (6)3.المعجم الکبیر عن عبد اللّه بن عمر :جاءَ رَجُلٌ مِنَ الحَبَشَهِ إِلى رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله يَسأَلُهُ ، فَقالَ النَّبِىُ صلی الله علیه و آله : «سَلْ وَاستَفهِم» فَقالَ : يا رَسُولَ اللّهِ ، فُضِّلتُم عَلَينا بِالصُّوَرِ وَالأَلوانِ وَالنُّبُوَّهِ ، أَفَرَأَيتَ إِن آمَنتُ بِمِثلِ ما آمَنتَ بِهِ ، وَعَمِلتُ مِثلَ ما عَمِلتَ بِهِ ، إِنِّى لَكائِنٌ مَعَكَ فِى الجَنَّهِ؟

قالَ : نَعَم .

ثُمَّ قالَ النَّبِىُ صلی الله علیه و آله : وَالَّذِى نَفسِى بِيَدِهِ ! إِنَّه لَيُرى بَياضُ الأَسوَدِ فِى الجَنَّهِ مِن مَسِيرَهِ أَلفِ عامٍ .

ثُمَّ قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : مَن قالَ : «لا إِلهَ إِلَا اللّهُ» كانَ لَهُ بِها عَهدٌ عِندَ اللّهِ ، وَمَن قالَ : «سُبحانَ اللّهِ وَبِحَمدِهِ» ، كُتِبَت لَهُ مِئَهُ أَلفِ حَسَنَهٍ وَأَربَعَهٌ وَعِشرُونَ أَلفَ حَسَنَهٍ . فَقالَ رَجُلٌ : كَيفَ يهلكُ بَعدَ هَذا يا رَسُولَ اللّهِ؟ فَقالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : إِنَّ الرَّجُلَ لَيَأتِى يَومَ القِيامَهِ بِالعَمَلِ ، وَلَو وُضِعَ عَلَى جَبَلٍ لا ثُقِلَّهُ ، فَتَقُومُ النِّعمَهُ مِن نِعَمِ اللّهِ فَيَكادُ أَن يَستَنفِدَ ذَلِكَ كُلَّهُ إِلّا أَن يَتَطاوَلَ اللّهُ بِرَحمَتِهِ ، وَنَزَلَت هَذِهِ السُّورَهُ : «هَلْ أَتَى عَلَى الْاِءنسَنِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُن شَيْئا مَّذْكُورًا » إِلى قَولِهِ : «وَ مُلْكًا كَبِيرًا » . (7)

قالَ الحَبَشِىُ : وَإِنَّ عَينَىَ لَتَرَيانِ ماتَرى عَيناكَ فِى الجَنَّهِ؟ فَقالَ النَّبِىُ صلی الله علیه و آله : نَعَم ، فَاستَبكى حَتَّى فاضَت نَفسُهُ . قالَ ابنُ عُمَرَ : لَقَد رَأَيتُ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله يُدلِيهِ فِى حُفرَتِهِ بِيَدِهِ . (8) .

1- .غرر الحكم: ح 1352 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 98 ح 2268 نحوه.
2- .غرر الحكم : ح 3474 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 150 ح 3309.
3- .غرر الحكم : ح 9164 .
4- .الكافى : ج 1 ص 19 ح 12 ، تحف العقول : ص 389 كلاهما عن هشام بن الحكم ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص65 عن محمّد بن الحنفيّه من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 78 ص 303 ح 1 .
5- .الإنسان : 1.
6- .تفسير ابن كثير : ج 8 ص 310 ، الدرّ المنثور : ج 8 ص 366 نقلاً عن ابن وهب .
7- .الإنسان : 1 20.
8- .المعجم الكبير : ج 12 ص 333 ح 13595 ، حليه الأولياء : ج 3 ص 319 ، تفسير ابن كثير : ج 8 ص 318 ، المعجم الأوسط : ج 2 ص 162 ح 1581 ، تفسير القرطبى : ج 19 ص 148 ، سير أعلام النبلاء : ج 7 ص 320 عن ابن عبّاس والثلاثه الأخيره نحوه .

6 / 5 شوق به بهشت

4.امام علی علیه السلام :زیان دیده ، کسی است که بهشت برینی را به گناهی پست بفروشد.امام علی علیه السلام :کسی که خویشتن را به غیر بهشت بفروشد ، به رنج بزرگ در می افتد.5.امام علی علیه السلام :کسی که خود را به غیر از ناز و نعمت بهشت بفروشد ، به خویشتن ستم کرده است.6.امام کاظم علیه السلام :بدانید که این پیکرهای شما ، بهایی جز بهشت ندارند . پس ، آنها را به جز بهشت نفروشید.6 / 5شوق به بهشت9.تفسیر ابن کثیر به نقل از ابن زید : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سوره دهر را که بر او نازل شد ، خواند . در نزد ایشان ، مردی سیاه بود . چون به وصف بهشت رسید ، آن مرد ، ناله ای کرد و جان داد . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «شوق بهشت ، جان یارتان را گرفت» یا فرمود : «جان برادرتان را» .10.المعجم الکبیر به نقل از عبد اللّه بن عمر : مردی از حبشه به خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد تا پرسش هایی کند . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «بپرس و جویا شو» .

مرد گفت : ای پیامبر خدا ! شما در صورت ها و رنگ ها و نبوّت ، بر ما امتیاز دارید . آیا اگر من به آنچه تو بِدان ایمان آورده ای ، ایمان آورم و مانند کارهایی که تو می کنی ، انجام دهم ، در بهشت با تو خواهم بود؟

فرمود : «آری» .

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله ادامه داد : «سوگند به آن که جانم در دست اوست ، سفیدیِ سیاه پوست در بهشت ، از مسافت هزار سال راه ، دیده می شود» .

سپس فرمود : «هر کس بگوید : معبودی جز خدای یکتا نیست ، به واسطه آن برایش در نزد خداوند ، پیمانی است ، و هر کس بگوید : پاکا خدا و ستایش ، او را ! ، برایش صد و بیست و چهار هزار ثواب نوشته می شود» .

مردی گفت : ای پیامبر خدا ! با چنین وضعی ، دیگر چگونه هلاک شود ؟ !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «آدمی ، روز قیامت ، آن قدر عمل می آورد که اگر بر کوهی نهاده شود ، کوهْ آن را بر نمی تابد . پس یک نعمت از نعمت های خدا بر می خیزد و نزدیک است که همه آن اعمال را از بین ببرد ؛ امّا خداوند به رحمت خود ، به دادِ آنها می رسد» .

و این سوره نازل شد : «آیا برهه ای از روزگار بر انسان گذشت که چیزی در خورِ یاد شدن نبود ؟» تا «و سلطنتی بزرگ» .

مرد حبشی گفت : چشمان من ، آنچه را که چشمان تو در بهشت می بیند ، می بیند ؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «آری» .

در این هنگام ، مرد حبشی چندان گریست که جان به جان آفرین تسلیم کرد . من خود دیدم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با دست خویش او را در قبرش نهاد.

.

11.الإمام علىّ عليه السلام :شَوِّقُوا أَنفُسَكُم إِلى نَعِيمِ الجَنَّهِ ، تُحِبُّوا المَوتَ وَتَمقُتُوا الحَياهَ . (1)12.عنه عليه السلام فِى صِفَهِ الجَنَّهِ : فَلَو رَمَيتَ بِبَصَرِ قَلبِکَ نَحوَ ما يُوصَفُ لَکَ مِنها لَعَزَفَت (2) نَفسُکَ عَن بَدائِعِ ما أُخرِجَ إِلَى الدُّنيا مِن شَهَواتِها وَلَذَّاتِها ، وَزَخارِفِ مَناظِرِها ، وَلَذَهِلَت بِالفِکرِ فِى اصطِفاقِ أَشجارٍ غُيِّبَت عُرُوقُها فِى كُثبانِ المِسکِ عَلى سَواحِلِ أَنهارِها ، وَفِى تَعلِيقِ كَبائِسِ اللُّؤلُؤِ الرَّطبِ فِى عَسالِيجِها (3) وَأَفنانِها ، وَطُلُوعِ تِلکَ الثِّمارِ مُختَلِفَهً فِى غُلُفِ أَكمامِها (4) ، تُجنى مِن غَيرِ تَكَلُّفٍ فَتَأتِى عَلى مُنيَهِ مُجتَنِيها، وَيُطافُ عَلى نُزّالِها فِى أَفنِيَهِ قُصُورِها بِالأَعسالِ المُصَفَّقَهِ ، وَالخُمُورِ المُرَوَّقَهِ .

قَومٌ لَم تَزَلِ الكَرامَهُ تَتَمادى بِهِم حَتّى حَلُّوا دارَ القَرارِ ، وَأَمِنُوا نُقلَهَ الأَسفارِ ، فَلَو شَغَلتَ قَلبَکَ أَيُّها المُستَمِعُ بِالوُصُولِ إِلى ما يَهجُمُ عَلَيکَ مِن تِلکَ المَناظِرِ المُونِقَهِ (5) ، لَزَهَقَت نَفسُکَ شَوقاً إِلَيها ، وَلَتَحَمَّلتَ مِن مَجلِسِى هَذا إِلى مُجاوَرَهِ أَهلِ القُبُورِ استِعجالاً بِها ، جَعَلَنا اللّهُ وَإِيّاكُم مِمَّن سَعى بِقَلبِهِ إِلى مَنازِلِ الأَبرارِ بِرَحمَتِهِ ! (6) .

1- .غرر الحكم : ح 5779 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 297 ح 5304 .
2- .عَزَفَت نفسى عن الدنيا: أى عافتها وكرهتها (النهايه : ج 3 ص 230 «عزف»).
3- .عساليجها : أغصانها (النهايه : ج 3 ص 238 «عسلج»).
4- .أكْمام : جمع كِمْ وهو غلاف الثمر والحبّ قبل أن يظهر (النهايه : ج 4 ص 200 «كمم») .
5- .الأَنَقَ : حُسْن المنظر وإعجابه إيّاک (لسان العرب : ج 10 ص 10 «أنق»).
6- .نهج البلاغه : الخطبه 165 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 68 وليس فيه ذيله من «فلو شغلت قلبک ...» ، بحار الأنوار : ج 8 ص 162 ح 104.

13.امام علی علیه السلام :جان هایتان را به نعمت های بهشت ، مشتاق سازید تا این که مرگ را دوست بدارید و از زندگی بیزار باشید.14.امام علی علیه السلام در وصف بهشت : اگر به آنچه از بهشت برای تو وصف می شود ، با چشم دلت نظر افکنی ، بی گمان ، نفْس تو از خواهش ها و خوشی های دل انگیزی که در دنیا پدید آورده شده ، و زیبایی های مناظر آن ، روی گردان خواهد شد ، و اندیشه ات در صدای بر هم خوردن شاخسار درختانی متحیّر خواهد شد که در کنار جویبارهای بهشت در تپّه هایی از مُشک ، ریشه دوانیده اند و در خوشه های مروارید تر و تازه ای که بر شاخه های نازک و ستبر ، آویزان اند ، و در بر آمدن آن میوه های گوناگون رنگارنگ از غلاف های شکوفه هایشان که بی رنج ، چیده می شوند و هر سان که چیننده اش آرزو کند ، در دسترسش قرار می گیرند . و برای بهشتیان در آستان کاخ هایشان ، عسل های مصفّا و باده های ناب ، گردانده می شود.

بهشتیان ، مردمانی هستند که کرامت [خداوند] ، پیوسته آنان را در بر می گیرد تا آن که در سرای ماندگاری فرود آیند و از نقل و انتقال سفرها آسوده گردند . پس تو ای شنونده ، اگر دل خویش را در رسیدن به آن مناظر زیبا و شگفت انگیز که ناگهان بر تو هجوم می آورند ، مشغول داری ، از شوق آنها قالب تهی خواهی کرد و از همین مجلس من ، به همسایگیِ خفتگان در گورها ، رخت بر خواهی بست تا هر چه زودتر به آن مناظر ، دست یابی . خداوند به رحمت خویش ، ما و شما را از کسانی قرار دهد که با دل خویش برای رسیدن به منزل های نیکوکاران می کوشند. .

15.عنه علیه السلام :سُبحانَکَ خالِقا وَمَعبُودا بِحُسنِ بَلائِکَ عِندَ خَلقِکَ . خَلَقتَ دارا وَجَعَلتَ فِیها مَأدُبهً : مَشرَبا وَمَطعَما وَأزواجا وَخَدَما وَقُصُورا وَأنهارا وَزُرُوعا وَثِمارا. ثُمَّ أرسَلتَ داعِیا یَدعُو إِلَیها . فَلا الدّاعِیَ أجابُوا ، وَلا فِیما رَغَّبتَ رَغِبُوا ، وَلا إِلی ما شَوَّقتَ إِلَیهِ اشتاقُوا . (1)...عن رسول اللّه(ص):عنه علیه السلام فِی صِفَهِ المُتَّقِینَ : لَولا الأَجَلُ الَّذِی کَتَبَ اللّهُ عَلَیهِم لَم تَستَقِرَّ أرواحُهُم فِی أجسادِهِم طَرفَهَ عَینٍ ، شَوقا إِلَی الثَّوابِ ، وَخَوفا مِنَ العِقابِ . (2) .

1- .نهج البلاغه : الخطبه 109.
2- .نهج البلاغه : الخطبه 193 ، صفات الشیعه : ص 97 ح 35 ، الأمالی للصدوق : ص 667 ح 897 کلاهما عن عبد الرحمن بن کثیر الهاشمی عن الإمام الصادق عن أبیه عن الإمام علی علیهم السلام ، التمحیص : ص 71 ح 170 ، روضه الواعظین : ص 480 ، بحار الأنوار : ج 67 ص 315 ح 50 .

امام علی علیه السلام :زِهی ، آفریدگار و معبودی که به آفریدگان خویش ، نیکی ها کرده ای ! سرایی را آفریدی و در آن ، سفره ای از نوشیدنی و خوردنی و زنان و خدمتکاران و کاخ ها و جویبارها و کشت ها و میوه ها گستردی . سپس دعوتگری را فرستادی تا به سوی آن بخواند ؛ امّا مردمان ، دعوت او را نپذیرفتند و به نعمت هایی که ترغیبشان نمودی ، رغبت نشان ندادند و به آنچه تشویقشان کردی ، مشتاق نگشتند.امام علی علیه السلام در توصیف پرهیزگاران : اگر نبود اَجَلی که خداوند برای آنان نوشته است ، از شوق پاداش و ترس از کیفر ، جان هایشان چشم بر هم زدنی در کالبدهایشان نمی مانْد . .

الإمام الباقر عليه السلام :سُئِلَ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عليه السلام عَنِ الإِيمانِ ، فَقالَ: إِنَّ اللّهَ عز و جل جَعَلَ الإِيمانَ عَلى أَربَعِ دَعائِمَ : عَلَى الصَّبرِ وَالیَقِینِ وَالعَدلِ وَالجِهادِ ، فَالصَّبرُ مِن ذَلِکَ عَلى أَربَعِ شُعَبٍ : عَلَى الشَّوقِ وَالإِشفاقِ وَالزُّهدِ وَالتَّرَقُّبِ ، فَمَنِ اشتاقَ إِلَى الجَنَّهِ سَلا (1) عَنِ الشَّهواتِ ، وَمَن أَشفَقَ مِنَ النّارِ رَجَعَ عَنِ المُحَرَّماتِ ، وَمَن زَهِدَ فِی الدُّنیا هانَت عَلَیهِ المُصِیباتُ ، وَمَن راقَبَ المَوتَ سارَعَ إِلَى الخَیراتِ . (2)الکافی عنهم علیهم السلام :فِیما وَعَظَ اللّهُ عز و جل بِهِ عِیسی علیه السلام : ... یَابنَ مَریَمَ ، لَو رَأَت عَینُکَ ما أَعدَدتُ لِأَولِیائِیَ الصّالِحِینَ ، ذابَ قَلبُکَ وَزَهَقَت نَفسُکَ شَوقا إِلَیهِ ، فَلَیسَ کَدارِ الآخِرَهِ دارٌ تَجاوَرَ فِیها الطَّیِّبُونَ ، وَیَدخُلُ عَلَیهِم فِیها المَلائِکَهُ المُقَرَّبُونَ ، وَهُم مِمّا یَأتِی یَومَ القِیامَهِ مِن أَهوالِها آمِنُونَ ، دارٌ لا یَتَغَیَّرُ فِیها النَّعِیمُ وَلا یَزُولُ عَن أَهلِها .

یَابنَ مَریَمَ ، نافِسْ فِیها مَعَ المُتَنافِسِینَ ، فَإِنَّها أُمنِیَّهُ المُتَمَنِّیَنَ ، حَسَنَهُ المَنظَرِ . طُوبی لَکَ یَابنَ مَریَمَ إِن کُنتَ لَها مِنَ العامِلِینَ ، مَعَ آبائِکَ آدَمَ وَإِبراهِیمَ ، فِی جَنّاتٍ وَنَعِیمٍ ، لا تَبغِی بِها بَدَلاً وَلا تَحوِیلاً ، کَذلِکَ أَفعَلُ بِالمُتَّقِینَ . (3)6 / 6تَمَثُّلُ الجَنَّهِصحیح البخاری عن أنس :صَلّی لَنا النَّبِیُ صلی الله علیه و آله ثُمَّ رَقِیَ المِنبَرَ ، فَأَشارَ بِیَدَیهِ قِبَلَ قِبلَهِ المَسجِدِ ، ثُمَّ قالَ : لَقَد رَأَیتُ الآنَ مُنذُ صَلَّیتُ لَکُم الصَّلاهَ الجَنَّهَ وَالنّارَ ، مُمَثَّلَتَینِ فِی قِبلَهِ هَذا الجِدارِ ، فَلَم أَرَ کَالیَومِ فِی الخَیرِ وَالشَّرِّ ثَلاثا . (4) .

1- .سلوتُ عنه : صَبَرتُ عنه (مجمع البحرین : ج 2 ص 874 «سلا») .
2- .الکافی : ج 2 ص 50 ح 1 عن جابر ، نهج البلاغه : الحکمه 31 ، الأمالی للمفید : ص 277 ح 3 عن قبیصه بن جابر الأسدی ، الخصال: ص 231 ح 74 عن الأصبغ بن نباته ، تحف العقول : ص 164 کلّها من دون إسنادٍ إلی الإمام الباقر علیه السلام ، بحار الأنوار : ج 68 ص 348 ح 17 .
3- .الکافی : ج 8 ص 131 135 ح 103 عن علیّ بن أسباط ، تحف العقول : ص 497 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 293.
4- .صحیح البخاری : ج 1 ص 261 ح 716 و ج 5 ص 2374 ح 6103 نحوه ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 515 ح 13720 ، کنز العمّال : ج 11 ص 410 ح 31918 .

6 / 6 مجسّم شدن بهشت

امام باقر علیه السلام :از امیر مؤمنان علیه السلام در باره ایمان پرسیدند . فرمود : «خدای عز و جل ، ایمان را بر چهارپایه نهاد : بر شکیب و یقین و داد و جهاد . شکیب نیز بر چهار شاخه است : شوق و ترس و زهد و انتظار . کسی که مشتاق بهشت باشد ، در برابر شهوت ها شکیبایی می کند . کسی که از آتش بترسد ، از حرام ها دست می دارد . کسی که به دنیا زهد ورزد ، [سختی ها و] مصیبت ها بر او آسان می شوند ، و کسی که منتظر مرگ باشد ، در کارهای نیک می کوشد» .الکافی به نقل از اهل بیت علیهم السلام : از اندرزهای خدای عز و جل به عیسی علیه السلام این بود که : «... ای پسر مریم ! اگر دیدگانت آنچه را که برای دوستان شایسته ام آماده ساخته ام ، می دید ، از شوق ، دلت آب می شد و جانت به لب می آمد . هیچ سرایی ، چون سرای آخرت نیست . در آن جا همه پاکان جمع اند و فرشتگان مقرّب ، بر آنان وارد می شوند و از هراس های قیامت ، در امان اند . سرایی است که در آن ، نعمت ها به غیر نعمت ، بدل نمی شوند و از اهل آن سرای ، زوال نمی یابند .

ای پسر مریم ! برای چنین سرایی ، با دیگر کوشندگان ، به شوقْ در کوش ، که آن ، آرزوی آرزومندان است و خوش منظر است . خوشا به حال تو ای پسر مریم ، اگر از عمل کنندگان برای آن باشی ، همراه با پدرانت ، آدم و ابراهیم ، در بهشت ها و نعمت هایی که هرگز جایگزین و تغییری برای آنها نخواهی خواست ! من با پرهیزگاران ، چنین می کنم» .6 / 6مجسّم شدن بهشتصحیح البخاری به نقل از اَنَس : با پیامبر صلی الله علیه و آله نماز جماعت خواندیم . سپس ایشان بر منبر رفت و با دستانش به سوی قبله مسجد اشاره کرد و آن گاه فرمود : «از آن گاه که با شما نماز خواندم ، تاکنون ، بهشت و دوزخ را می بینم که در پهنه این دیوار ، مجسّم شده اند . تا کنون روزی چنین ، در نیکی و بدی ، ندیده ام» و این را سه بار فرمود .

.

صحیح مسلم عن أنس :بَلَغَ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله عَن أَصحابِهِ شَیءٌ ، فَخَطَبَ فَقالَ : عُرِضَت عَلَیَ الجَنَّهُ وَالنّارُ ، فَلَم أَرَ کَالیَومِ فِی الخَیرِ وَالشَّرِّ ، وَلَو تَعلَمُونَ ما أَعلَمُ لَضَحِکتُم قَلِیلاً وَلَبَکَیتُم کَثِیرا .

قالَ : فَما أَتی عَلی أَصحابِ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله یَومٌ أَشَدُّ مِنهُ . قالَ : غَطّوا رُؤُوسَهُم وَلَهُم خَنِینٌ (1) . (2) .

1- .الخَنِیْن : ضَرْب من البکاء دون الانتحاب (النهایه : ج 2 ص 85 «خنن») .
2- .صحیح مسلم : ج 4 ص 1832 ح 134 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 325 ح 12659 نحوه ، السنن الکبری للنسائی : ج 6 ص 338 ح 11154 ، فتح الباری : ج 8 ص 281 ، کنز العمّال : ج 11 ص 421 ح 31975 .

صحیح مسلم به نقل از اَنَس : به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از یارانش چیزی رسید . پس به خطبه ایستاد و فرمود : «بهشت و دوزخ بر من نمایان شدند . روزی چنین در نیک و بد ، ندیده بودم . اگر آنچه را من می دانم ، شما می دانستید ، هر آینه کمتر می خندیدید و بیشتر می گریستید» .

بر یاران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، روزی سخت تر از آن روز نگذشت . آنان سرهایشان را پوشاندند و هق هق کنان گریستند. .

الفصل السابع: مبادئ دخول الجنّه7 / 1رَحمَهُ اللّهِالكتاب«وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِى رَحْمَهِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَلِدُونَ». (1)

«يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُم بِرَحْمَهٍ مِّنْهُ وَرِضْوَ نٍ وَجَنَّتٍ لَّهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ * خَلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِندَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ». (2)

«وَ لَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ فِى الدُّنْيَا وَالْأَخِرَهِ لَمَسَّكُمْ فِى مَآ أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ». (3)

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا يَدخُلُ الجَنَّهَ رَجُلٌ إِلّا بِرَحمَهِ اللّهِ عز و جل . (4) .

1- .آل عمران : 107 .
2- .التوبه : 21 .
3- .النور : 14 .
4- .الاعتقادات : ص 69 ، بحار الأنوار : ج 7 ص 251 ح 9 ؛ صحيح البخارى : ج 5 ص 2373 ح 6102 عن عائشه ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 104 ح 11486 ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص 281 ح 892 ، مسند ابن الجعد : ص 295 ح 2003 والثلاثه الأخير عن أبى سعيد الخدرى وكلّها نحوه ، كنز العمّال : ج 4 ص 254 ح 10407 .

فصل هفتم: عوامل بهشتی شدن

7 / 1 رحمت خدا

فصل هفتم: عوامل بهشتی شدن7 / 1رحمت خداقرآن«و امّا آنان که رخسارهایشان سپید است ، در رحمت خدایند و در آن ، جاویدان اند ».

«پروردگارشان ، آنان را به رحمتی از جانب خویش ، و خشنودی و باغ هایی که در آنها نعمت هایی پایدار دارند ، مژده می دهد . در آنها جاودانه و همیشگی خواهند بود . خداست که نزد او ، پاداشی بزرگ است».

«و اگر فضل خدا و رحمت او در دنیا و آخرت بر شما نبود ، قطعا به عنوان آنچه در آن به دخالت پرداختید ، به شما عذابی بزرگ می رسید».

حدیثامام صادق(ع) فرمود:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ کس به بهشت نمی رود ، مگر با رحمت خدای عز و جل .

.

صحيح مسلم عن أبى هريره :إِنَّ النَّبِىَ صلى الله عليه و آله قالَ : ما مِن أَحَدٍ يُدخِلُهُ عَمَلُهُ الجَنَّةَ . فَقِيلَ : وَلا أَنتَ ، يا رَسُولَ اللّهِ ؟ قالَ : وَلا أَنَا ، إِلَا أَن يَتَغَمَّدَنِى رَبِّى بِرَحمَةٍ . (1)رسول اللّه صلى الله عليه و آله :قالَ اللّهُ تَبارَکَ وَتَعالى : لا يَتَّكِلُ العامِلُونَ عَلَى أَعمالِهِمُ الَّتِى يَعمَلُونَها لِثَوابِى ، فَإِنَّهُم لَو اجتَهَدُوا وَأَتعَبُوا أَنفُسَهُم (أَعمارَهُم) فِى عِبادَتِى ، كانُوا مُقَصِّرِينَ غَيرَ بالِغِينَ فِى عِبادَتِهِم كُنهَ عِبادَتِى فِيما يَطلُبُونَ عِندِى مِن كَرامَتِى ، وَالنَّعِيمِ فِى جَنّاتِى ، وَرَفِيعِ الدَّرَجاتِ العُلى فِى جِوارِى ، وَلَكِن بِرَحمَتِى فَليَثِقُوا، وَفَضلِى فَليَرجُوا، وَإِلَى حُسنِ الظَّنِّ بِى فَليَطمَئِنُّوا ، فَإِنَّ رَحمَتِى عِندَ ذَلِکَ تُدرِكُهُم ، وَمَنِّى يُبَلِّغُهُم رِضوانِى ، وَمَغفِرَتِى تُلبِسُهُم عَفوِى ، فَإِنِّى أَنا اللّهُ الرَّحمنُ الرَّحِيمُ وَبِذَلِکَ تَسَمَّيتُ . (2)عنه صلى الله عليه و آله :تَحاجَّتِ الجَنَّةُ وَالنّارُ ، فَقالَتِ النّارُ : أُوثِرتُ بِالمُتَكَبِّرِينَ وَالمُتَجَبِّرِينَ . وَقالَتِ الجَنَّةُ : ما لِى لا يَدخُلُنِى إِلّا ضُعَفاءُ النّاسِ وَسَقَطُهُم (3) ؟! قالَ اللّهُ تَبارَکَ وَتَعالى لِلجَنَّةِ : أَنتِ رَحمَتِى ؛ أَرحَمُ بِکِ مَن أَشاءُ مِن عِبادِى ، وَقالَ لِلنّارِ : إِنَّما أَنتِ عَذابِى ؛ أُعَذِّبُ بِکِ مَن أَشاءُ مِن عِبادِى ، وَلِكُلِّ واحِدَةٍ مِنهُما مَلَؤُها . (4)عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ اللّهَ تَعالى خَلَقَ الرَّحمَةَ يَومَ خَلَقَها مِئَةَ رَحمَةٍ ، فَأَمسَکَ عِندَهُ تِسعا وَتِسعِينَ رَحمَةً وَأَرسَلَ فِى خَلقِهِ كُلِّهِم رَحمَةً واحِدَةً ، فَلَو يَعلَمُ الكافِرُ بِكُلِّ الَّذِى عِندَ اللّهِ مِنَ الرَّحمَةِ لَم يَيأَس مِنَ الجَنَّةِ ، وَلَو يَعلَمُ المُؤمِنُ بِكُلِّ الَّذِى عِندَ اللّهِ مِنَ العَذابِ لَم يَأمَن مِنَ النّارِ . (5) .

1- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2169 ح 72 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 217 ح 8338 ، المعجم الكبير : ج 7 ص 309 ح 7221 عن شريک بن طارق ، كنز العمّال : ج 1 ص 253 ح 1277 ؛ الأمالى للسيّد المرتضى : ج 2 ص 20 ، بحار الأنوار : ج 7 ص 11 .

2- .الكافى : ج 2 ص 71 ح 1 ، الأمالى للطوسى : ص 212 ح 368 ، كنز الفوائد : ج 1 ص 223 ، التمحيص : ص 57 ح 115 كلّها عن أبى عبيده الحذّاء عن الإمام الباقر عليه السلام ، عدّه الداعى : ص 223 ، مشكاه الأنوار : ص 540 ح 1813 كلاهما عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله وكلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 70 ص 385 ح 45.

3- .سَقَطُهُم : أراذِلُهم وأَدْوانُهم (النهايه : ج 2 ص 378 «سقط»).

4- .صحيح البخارى : ج 4 ص 1836 ح 4569 و ج 6 ص 2711 ح 7011 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2186 ح 34 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 110 ح

7722 ، الأدب المفرد : ص 168 ح 554 كلّها عن أبى هريره والأربعه الأخيره نحوه وراجع : سنن الترمذى : ج 4 ص 694 ح 2561.
5- .صحيح البخارى : ج 5 ص 2374 ح 6104 ، المعجم الأوسط : ج 5 ص 74 ح 4711 كلاهما عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 4 ص 251 ح 10392 .

صحیح مسلم به نقل از ابو هریره : پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «هیچ کس نیست که کردارش او را به بهشت برد» .

گفته شد : حتّی شما ، ای پیامبر خدا؟

فرمود : «حتّی من ، مگر آن که رحمت پروردگارم مرا در بر گیرد» .1.قال الرضا(ع):پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدای بزرگ و والا فرمود : «آنان که برای پاداش من کار می کنند ، نباید به کردارهای خویش تکیه کنند ؛ زیرا اگر همه عمرشان را در عبادت من بکوشند و خویشتن را به زحمت اندازند ، باز تقصیر کرده اند و در عبادتشان به عمق بندگی من ، و کرامت من و نعمت های باغ های بهشتم و درجات بلند در جوارم که از من می طلبند ، نمی رسند ؛ بلکه تنها به رحمت من باید اعتماد کنند و به فضل من ، امید داشته باشند و به گمان نیک داشتن به من ، دل ببندند . در این صورت است که رحمتم به ایشان می رسد ، و لطفم ، آنان را به خشنودی ام می رساند ، و آمرزشم جامه گذشتم را بر ایشان می پوشاند ؛ چرا که من خدای مهرگستر مهربانم و بدین نامیده شده ام» .2.عن الباقر(ع) قال:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشت و دوزخ با یکدیگر به گفتگو پرداختند . دوزخ گفت : من به بزرگان و پادشاهان ، اختصاص داده شده ام .

بهشت گفت : من چه ، که جز مردمان بینوا و فرودست ، واردم نمی شوند؟ !

خدای بزرگ و والا ، به بهشت فرمود : «تو رحمت من هستی . با تو بر هر کس از بندگانم که بخواهم ، رحم می آورم» و به دوزخ فرمود : «تو عذاب من هستی . با تو هر یک از بندگانم را که بخواهم ، عذاب می کنم» .

هر دوی آنها پُر می شوند .3.قلت لأبی جعفر(ع):پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدای بلندمرتبه ، روزی که رحمت را آفرید ، آن را صد رحمت آفرید . پس نود و نُه رحمت را نزد خود نگه داشت و یک رحمت را برای همه مخلوقاتش فرستاد . بنا بر این ، اگر کافر از همه رحمتی که نزد خداست ، آگاه بود ، از بهشتْ نومید نمی شد و اگر مؤمن از همه عذابی که نزد خداست ، آگاه بود ، خود را از آتشْ در امان نمی پنداشت . .

عنه صلى الله عليه و آله :سُبحانَ الَّذِي فِى الجَنَّهِ رَحمَتُهُ . (1)الإمام علىّ عليه السلام :تَاللّهِ لَو انماثَت (2) قُلُوبُكُمُ انمِياثا ، وَسالَت مِن رَهبَهِ اللّهِ عُيُونُكُم دَما ، ثُمَّ عُمِّرتُم عُمُرَ الدُّنيا عَلَى أفضَلِ اجتِهادٍ وَعَمَلٍ ، ما جَزَت أعمالُكُم حَقَّ نِعمَهِ اللّهِ عَلَيكُم ، وَلا استَحقَقتُمُ الجَنَّهَ بِسِوى رَحمَهِ اللّهِ وَمَنِّهِ عَلَيكُم . (3)الإمام زين العابدين عليه السلام مِن دُعائِهِ فِى الشُّكرِ : فَسُبحانَكَ ! ما أبْيَنَ كَرَمَكَ فِي مُعامَلَهِ مَن أطاعَكَ أو عَصاكَ ... وَلَو كافَأتَ المُطِيعَ عَلى ما أنتَ تَوَلَّيتَهُ لَأوشَكَ أن يَفقِدَ ثَوابَكَ ، وَأن تَزُولَ عَنهُ نِعمَتُكَ ، وَلَكِنَّكَ بِكَرَمِكَ جازَيتَهُ عَلَى المُدَّهِ القَصِيرَهِ الفانِيَهِ بِالمُدَّهِ الطَّوِيلَهِ الخالِدَهِ ، وَعَلَى الغايَهِ القَرِيبَهِ الزّائِلَهِ بِالغايَهِ المَدِيدَهِ الباقِيَهِ . (4)الإمام الباقر عليه السلام :إنَّ الرَّبَّ تَبارَكَ وَتَعالَى يَقُولُ : أُدخُلُوا الجَنَّهَ بِرَحمَتِى ، وَانجُوا مِنَ النّارِ بِعَفوِى ، وَتَقَسَّمُوا الجَنَّهَ بِأعمالِكُم ، فَوَعِزَّتِى لَأنزِلَنَّكُم دارَ الخُلُودِ وَدارَ الكَرامَهِ .

فَإذا دَخَلُوها صارُوا عَلى طُولِ آدَمَ سِتِّينَ ذِراعا ، وَعَلى مَلَدِ (5) عِيسَى ثَلاثا وَثَلاثِينَ سَنَهً ، وَعَلى لِسانِ مُحَمَّدٍ العَرَبِيِّ ، وَعَلى صُورَهِ يُوسُفَ فِى الحُسنِ ، ثُمَّ يَعلُو وُجُوهَهُمُ النُّورُ ، وَعَلى قَلبِ أيُّوبَ فِى السَّلامَهِ مِن الغِلِّ . (6) .

1- .الإقبال : ج 2 ص 56 عن ابن مسعود ، المصباح للكفعمى : ص 876 ، الدروع الواقيه : ص 112 عن الإمام الصادق عليه السلام ، البلد الأمين : ص 61 عن الإمام العسكرى عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 86 ص 176 ح 45 ؛ الدعاء للطبرانى : ص 274 ح 876 ، المعجم الكبير :ج 10 ص 228 ح 10554 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 7 ص 133 ح 1 كلّها عن ابن مسعود ، كنز العمّال : ج 5 ص 75 ح 12111.
2- .مَاثَ المِلحَ فى الماء : أذَابَهُ ، وكذلک الطين، وَقَد انْمَاثَ (لسان العرب : ج 2 ص 192 «ميث») .
3- .مصباح المتهجّد : ص 664 ح 730 عن عبد اللّه بن جندب عن أبيه ، فتح الأبواب : ص 169 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 100 ح 4 وراجع : كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 520 ح 1484.
4- .الصحيفه السجّاديّه : ص 144 الدعاء 37 ، المصباح للكفعمى : ص 545 .
5- .المَلَدْ : الشَبابُ ونَعْمَتُه (لسان العرب : ج 3 ص 410 «ملد»).
6- .الاختصاص : ص 356 عن جابر ، بحار الأنوار : ج 8 ص 218 ح 207.

... ثم قال لی رسول اللّه(ص):پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پاکا خدایی که رحمتش در بهشت است !... فامّا ما اقلت:امام علی علیه السلام :به خدا سوگند که اگر دل هایتان یکسره آب شود و از ترس خدا چشمانتان خون ببارد ، سپس به اندازه عمر دنیا عمر کنید و در همه عمر ، برترین کار و کوشش را به جای آورید ، کارهای شما حقّ نعمت هایی را که خدا به شما ارزانی داشته ، ادا نمی کند و سزاوار بهشت نمی شوید ، جز با رحمت خدا و نعمتش بر شما .امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در شکرگزاری : پاکا تو! وه که چه آشکار است بزرگواری تو در رفتار با آن که فرمانت می برد یا نافرمانی ات می کند ... ! اگر فرمان بردار را به مقتضای کردارش که تو خود ، عهده دار آن بوده ای پاداش می دادی ، دیری نمی پایید که پاداش تو را از دست می داد و نعمت تو از او زایل می گشت ؛ لیکن تو به بزرگواری خویش ، در برابر عمری کوتاه و فانی [که عبادتت کرد] ، عمری دراز و جاویدان ، و به ازای مقصدی نزدیک و به سرآمدنی ، مقصدی گسترده و ماندگار ، پاداشش دادی.1.عبد الواحد آمُدی در غرر الحکم از امام علی حدیثی آامام باقر علیه السلام :پروردگار بزرگ و والا ، می فرماید : «با رحمت من ، به بهشت وارد شوید و با بخشایش من ، از آتش برهید و با کردارهایتان ، بهشت را قسمت کنید . به عزّتم سوگند که شما را در سرای جاودانگی و خانه کرامت ، جای می دهم» .

و آن گاه که به بهشت وارد می شوند ، به قامتِ آدمی شصت گزند و چونان عیسی ، سی و سه ساله اند و به زبان محمّد ، عربی ، سخن می گویند و به زیباییِ یوسف اند . آن گاه نور ، چهره هایشان را فرو می گیرد ، در حالی که دل هایشان چونان دل ایّوب ، از کینه صاف است . .

7 / 2العَقلُ3.سليمان بن ابراهيم قندوزى حنفى(م 1220ق) پس از نقلرسول اللّه صلى الله عليه و آله فِى وَصِيَّتِهِ لِعَلِيٍ عليه السلام : اَلعَقلُ مَا اكتُسِبَت بِهِ الجَنَّةُ ، وطُلِبَ بِهِ رِضَى الرَّحمنِ . (1)4.مستدرک سفينه البحار و إحقاق الحقّ از ابن عبّاس ازعنه صلى الله عليه و آله :كَم مِن عاقِلٍ عَقَلَ عَنِ اللّهِ أَمرَهُ ، وهُوَ حَقيرٌ عِندَ النّاسِ ذَميمُ المَنظَرِ يَنجُو غَدا ! وكَم مِن ظَرِيفِ اللِّسانِ جَميلِ المَنظَرِ عِندَ النّاسِ يَهلِكُ غَدا فِى القِيامَهِ ! (2)امام على(ع) شبى دستم را گرفت و به سوى بقيع برد، فربيع الأبرار عن أنس :قِيلَ : يا رَسُولَ اللّهِ، الرَّجُلُ يَكُونُ حَسَنَ العَقلِ كَثِيرَ الذُّنُوبِ؟ قالَ : ما مِن آدَمِيٍ إلّا ولَهُ ذُنُوبٌ وَخَطايا يَقتَرِفُها، فَمَن كانَت سَجِيَّتُهُ العَقلَ وغَرِيزَتُهُ اليَقينَ لَم تَضُرَّهُ ذُنوبُهُ. قيلَ : كَيفَ ذلِكَ يا رَسُولَ اللّهِ؟ قالَ : لِأَنَّهُ كُلَّما أخطَأَ لَم يَلبَث أن تَدارَكَ ذلِكَ بِتَوبَهٍ وَنَدامَهٍ عَلى ما كانَ مِنهُ، فَيَمحُو ذُنُوبَهُ، ويَبقى لَهُ فَضلٌ يَدخُلُ بِهِ الجَنَّه. (3) .

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 369 ح 5762 عن حمّاد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه جميعا عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 332 ح 2656 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 1 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 59 ح 3.

2- .الأمالى للطوسى : ص 393 ح 868 عن ابن عمر ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 172 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 290 ح 26 ؛ ذيل تاريخ بغداد : ج 5 ص 45 الرقم 1156 ، كنز العمّال : ج 3 ص 154 ح 5940 نقلاً عن شعب الإيمان و كلاهما عن ابن عمر .

3- .ربيع الأبرار : ج 3 ص 137 ، شرح نهج البلاغه لابن أبى الحديد : ج 20 ص 40 ؛ تنبيه الخواطر : ج 1 ص 62 وليس فيه ذيله .

7 / 2خِرَد7.سلیمان بن ابراهیم حنفی از امام حسین(ع):پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش هایش به امام علی علیه السلام : خِرَد ، آن چیزی است که با آن ، بهشت به دست می آید و به آن ، خشنودی خدای مهربان ، طلب می شود.8.سلیمان بن ابراهیم حنفی می گوید:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای بسا خردمندِ خداشناسی که در نزد مردم ، خُرد و زشت روی است ؛ امّا فردا[ی قیامت] نجات می یابد ! و ای بسا شیرین گفتار خوب روی در نزد مردم که فردای قیامت ، هلاک می شود !1.ربیع الأبرار به نقل از اَنَس : گفته شد : ای پیامبر خدا ! آیا می شود که مردی خوش خِرَد ، امّا پرگناه باشد؟

فرمود : «هیچ آدمی نیست ، مگر آن که مرتکب گناه و خطا می شود . پس ، آن که سرشتی با خِرَد و نهادی توأم با یقین داشته باشد ، گناهانش به او گزندی نمی رسانند» .

گفته شد : چگونه ، ای پیامبر خدا؟

فرمود : «زیرا هر بار که گناهی کند ، بی درنگ ، با توبه و پشیمانی از کردارش ، آن را جبران می کند . پس گناهش پاک می شود و برایش فضیلتی می ماند که به سبب آن به بهشت می رود» .

.

1.الإمام علىّ عليه السلام :لَقَد سَبَقَ إلى جَنّاتِ عَدنٍ أَقوامٌ ما كانُوا أَكثَرَ النّاسِ لا صَوما ولا صَلاةً ولا حَجّا وَلا اعتِمارا، وَلكِنَّهُم عَقَلوا عَنِ اللّهِ مَواعِظَهُ.

(1)1.بخشى از خطبه اول امام على(ع) موسوم به «فى اخلاص االإمام الصادق عليه السلام :مَن كانَ عاقِلاً خُتِمَ لَهُ بِالجَنَّهِ إن شاءَ اللّهُ.

(2)2.بخشى از سخنان امام صادق(ع) تحت عنوان «صفه الخروجالكافى عن محمّد بن عبد الجبّار عن بعض أصحابنا رفعه إلى الإمام الصّادق عليه السلام :قُلتُ لَهُ : مَا العَقلُ؟ قالَ : ما عُبِدَ بِهِ الرَّحمنُ وَاكتُسِبَ بِهِ الجِنانُ. قالَ : قُلتُ : فَالَّذى كانَ فِى مُعاوِيَهَ؟ فَقالَ : تِلكَ النَّكراءُ، تِلكَ الشَّيطَنَهُ، وَهِىَ شَبيهَهٌ بِالعَقلِ وَلَيسَت بِالعَقلِ. (3)7 / 3العِلمُ وَالحِكمَهُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن أَحَبَّ العِلمَ وَجَبَت لَهُ الجَنَّهُ. (4)1.امام على(ع) در عهدنامه مالک اشتر:عنه صلى الله عليه و آله :إذا كانَ يَومُ القِيامَهِ جَمَعَ اللّهُ العُلَماءَ فَقالَ : إنِّى لَم أستَودِع حِكمَتِى قُلُوبَكُم وَأنا أُرِيدُ أن أُعَذِّبَكُم ، اُدخُلُوا الجَنَّهَ . (5)عنه صلى الله عليه و آله :مَن سَلَکَ طَرِيقا يَطلُبُ فِيهِ عِلما سَلَکَ اللّهُ بِهِ طَرِيقا إلى الجَنَّهِ . (6) .

1- .تنبيه الخواطر : ج 2 ص 213 ؛ الفردوس : ج 4 ص 360 ح 7035 ، كنز العمّال : ج 3 ص 149 ح 5916 .
2- .ثواب الأعمال : ص 29 ح 1 عن الفضل بن عثمان ، بحار الأنوار : ج 1 ص 91 ح 19.
3- .الكافى : ج 1 ص 11 ح 3 ، معانى الأخبار : ص 239 ح 1 ، المحاسن : ج 1 ص 310 ح 613 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 116 ح 8 .
4- .جامع الأخبار : ص 110 ح 195 عن الإمام علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 1 ص 178 ح 60 .
5- .كنز العمّال : ج 10 ص 172 ح 28894 نقلاً عن تاريخ ابن عساكر عن أبى اُمامه وواثله ، تفسير الآلوسى : ج 28 ص 29 عن ابن مسعود نحوه .
6- .الكافى : ج 1 ص 34 ح 1 عن القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام ، الأمالى للصدوق : ص 116 ح 99 عن عبد اللّه بن ميمون عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 1 ص 164 ح 2 ؛ سنن ابى داوود : ج 3 ص 317 ح 3641 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 167 ح 21774 كلاهما عن أبى الدرداء ، كنز العمّال : ج 10 ص 146 ح 28746.

7 / 3 دانش و فرزانگی

امام علی علیه السلام :کسانی به سوی بهشت های جاویدان شتافتند که نه در روزه و نه در نماز و نه در حج و نه در عمره ، بالاترینِ مردم نبودند ؛ بلکه اندرزهای خدا را به گوش خِرَد نیوشیدند .2.سخنان امام صادق(ع) در «صفه الخروج من الایمان»:امام صادق علیه السلام :کسی که خردمند باشد ، به خواست خدا ، عاقبت به بهشت می رود .الکافی به نقل از محمّد بن عبد الجبّار ، از یکی از شیعیان ، در حدیثی که سند آن را به امام صادق علیه السلام رسانده است : به امام صادق علیه السلام گفتم : خِرَد چیست؟

فرمود : «آن چیزی که خدای مهربان ، بِدان عبادت و بهشت به دست آورده می شود» .

گفتم : پس آنچه در معاویه بود [، چه بود]؟

فرمود : «آن ، خباثت است . آن ، شیطنت است . آن ، شبیه خِرَد است ؛ امّا خِرَد نیست» .7 / 3دانش و فرزانگیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس دوستدار دانش باشد ، بهشت بر او واجب می شود.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چون روز قیامت شود ، خداوند ، دانشمندان را گرد می آورد و می فرماید : «من حکمت (فرزانگی) خویش را در دل های شما ننهادم که بخواهم عذابتان کنم . به بهشت وارد شوید» .4.سخنان امام صادق(ع)، نثر الدرر:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس برای طلب دانشی گام در راهی نهد ، خداوند ، او را به بهشت می برد .

.

عنه صلى الله عليه و آله :مَن سَلَکَ طَرِيقا يَلتَمِسُ فِيهِ عِلما سَهَّلَ اللّهُ لَهُ بِهِ طَرِيقا إِلى الجَنَّهِ . (1)عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن رَجلٍ يَعلَمُ كَلِمَهً أَو كَلِمَتَينِ أَو ثَلاثا أَو أَربعا أَو خَمسا ، مِمّا فَرَضَ اللّهُ عز و جلفَيَتَعَلَّمُهُنَّ وَيُعَلِّمُهُنَّ إِلّا دَخَلَ الجَنَّهَ . (2)5.سخنان امام حسن عسكرى(ع)، قصار 2:عنه صلى الله عليه و آله :مَن حَفِظَ عَلى أُمَّتِى أَربَعِينَ حَدِيثا يَنفَعُهُمُ اللّهُ عز و جلبِها ، قِيلَ لَهُ : أُدخُل مِن أَى أَبوابِ الجَنَّهِ شِئتَ . (3)عنه صلى الله عليه و آله :مَن أَدّى إِلى أُمَّتِى حَدِيثا يُقامُ بِهِ سُنَّهٌ أَو يُثلَمُ بِهِ بِدعَهٌ ، فَلَهُ الجَنَّهُ . (4)عنه صلى الله عليه و آله :تَعَلَّمُوا العِلمَ فَإِنَّ تَعَلُّمَهُ حَسَنَهٌ، وَمُدارَسَتَهُ تَسبِيحٌ، وَالبَحثُ عَنهُ جِهادٌ، وتَعلِيمَهُ مَن لا يَعلَمُهُ صَدَقَهٌ، وَبَذلَهُ لِأَهلِهِ قُربَهٌ، لِأَنَّهُ مَعَالِمُ الحَلالِ وَالحَرامِ، وَسالِکٌ بِطالِبِهِ سَبِيلَ الجَنَّهِ، وَهوَ أَنِيسٌ فِى الوَحشَهِ، وصاحِبٌ فِى الوَحدَهِ، وَدَلِيلٌ عَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ، وَسِلاحٌ عَلَى الأَعدَاءِ، وَزَينٌ لِلأَخِلّاءِ، يَرفَعُ اللّهُ بِهِ أقواما يَجَعلُهُم فِى الخَيرِ أَئِمَّهً يُقتَدى بِهِم، تُرمَقُ أعمالُهُم، وتُقتَبَسُ آثارُهُم، وَتَرغَبُ المَلائِکَهُ فِى خُلَّتِهِم، يَمسَحونَهُم فى صَلاتِهِم بِأَجنِحَتِهِم، وَيَستَغفِرُ لَهُم کُلُّ شَىءٍ حَتَّى حِيتَانُ البُحُورِ وَهَوامُّها، وَسِباعُ البَرِّ وَأَنعامُها، لِأَنَّ العِلمَ حَياهُ القُلوبِ، وَنُورُ الأَبصارِ مِنَ العَمى، وَقُوَّهُ الأَبدَانِ مِنَ الضَّعفِ، يُنزِلُ اللّهُ حامِلَهُ مَنازِلَ الأَخيارِ، وَيَمنَحُهُ مَجالِسَ الأَبرارِ فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ، بِالعِلمِ يُطاعُ اللّهُ وَيُعبَدُ، وَبِالعِلمِ يُعرَفُ اللّهُ ويُؤخَذُ، وَبِالعِلمِ تُوصَلُ الأَرحَامُ، وبِهِ يُعرَفُ الحَلالُ وَالحَرامُ، وَالعِلمُ إِمامُ العَمَلِ وَالعَمَلُ تابِعُهُ، يُلهِمُهُ اللّهُ السُّعَداءَ وَيَحرِمُهُ الأَشقِياءَ. (5) .

1- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2074 ح 38 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 28 ح 2646 ، سنن الدارمى : ج 1 ص 105 ح 350 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 165 ح 300 ، سنن ابى داوود : ج 3 ص 317 ح 3643 كلّها عن أبى هريره ، سنن ابن ماجه : ج 1 ص 81 ح 223 عن أبى الدرداء وكلاهما نحوه ، كنز العمّال : ج 10 ص 139 ح 28699 ؛ منيه المريد : ص 104.
2- .حليه الأولياء : ج 2 ص 159 ، فتح البارى : ج 1 ص 215 ، تاريخ دمشق : ج 67 ص 329 ح 13611 ، كنز العمّال : ج 10 ص 166 ح 28861 نقلاً عن ابن النجّار وكلّها عن أبى هريره.
3- .حليه الأولياء : ج 4 ص 189 عن عبد اللّه بن مسعود ، كنز العمّال : ج 10 ص 225 ح 29186.
4- .منيه المريد : ص 371 ، جامع الأخبار : ص 511 ح 1430 نحوه ، بحار الأنوار : ج 2 ص 152 ح 43 ؛ حليه الأولياء : ج 10 ص 44 عن ابن عبّاس ،

كنز العمّال : ج 10 ص 158 ح 28815.
5- .الخصال : ص 522 ح 12 عن الإمام علىّ عليه السلام ، تحف العقول : ص 28 ، الأمالى للصدوق : ص 713 ح 982 عن الأصبغ بن نباته عن الإمام علىّ عليه السلام ، روضه الواعظين : ص 13 عن الإمام علىّ عليه السلام وكلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 1 ص 166 ح 7 .

حدثنا محمد بن موسی بن المتوکل - رحمه اللّه - قال:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس برای جستجوی دانشی گام در راهی نهد ، خداوند بِدان وسیله راه بهشت را برایش هموار می کند .یونس بن ظبیان گوید که حضرت صادق(ع) فرمودپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ مردی نیست که یک کلمه یا دو کلمه یا سه یا چهار و یا پنج کلمه از آنچه خدای عز و جلواجب کرده است ، بداند و آنها را بیاموزد و به دیگران آموزش دهد ، مگر آن که به بهشت می رود .پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس چهل حدیث برای امّت من نگهداری کند که خداوند به واسطه آنها امّتم را سود رساند ، به او گفته می شود : از هر درِ بهشت که می خواهی ، وارد شو.این حدیث با سند صحیح در تفسیر علی بن ابراهیم آمدهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس به امّتم حدیثی برساند که با آن ، سنّتی برپا شود یا بدعتی در هم شکسته شود ، جایش بهشت است .پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دانش بیاموزید ؛ چرا که آموختن دانش ، کار نیک است و مباحثه اش ، تسبیح [خدا] و جستجو کردن آن ، جهاد و آموختنش به کسی که آن را نمی داند ، صدقه و بخشیدنش به اهل آن ، مایه نزدیکی [به خدا] ؛ زیرا دانش ، وسیله شناخت حلال و حرام است و جوینده خود را به راه بهشت می برد و همدم بی کسی و یار تنهایی و راه نما در خوشی و ناخوشی ، و حربه ای در برابر دشمنان ، و زیور دوستان است .

خداوند به سبب دانش ، مردمانی را بالا می برد و آنان را در خوبی ها پیشوا قرار می دهد و دیگران به آنان اقتدا می کنند و به کارهای آنان می نگرند و از رفتارشان الگو می گیرند و فرشتگان به دوستی با آنان مشتاق می شوند و در نمازشان بال های خود را بر سر ایشان می کشند و همه موجودات ، حتّی ماهیان و خزندگان دریاها و درندگان و چرندگان بیابان ، برایشان آمرزش می طلبند ؛ چرا که دانش ، مایه حیات دل ها ، و روشنایی دیدگان در برابر کوری ، و نیروی بدن ها در برابر ناتوانی است . خداوند ، دارنده دانش را در دنیا و آخرت در جایگاه خوبان جای می دهد و مجالست با نیکان را ارزانی اش می دارد .

در سایه دانش است که خدا فرمانبری و بندگی می شود و با دانش است که خدا شناخته و دریافت می شود . با دانش است که صله ارحام می شود . با دانش است که حلال و حرام ، شناخته می شوند . دانش ، راهبر کردار

است و کردار ، پیرو آن است . خداوند ، دانش را به نیک بختان عطا کند و شوربختان را از آن ، محروم سازد !.

عنه صلى الله عليه و آله :طَلَبُ العِلمِ فَرِيضَةٌ عَلى كُلِّ مُسلِمٍ، فَاطلُبُوا العِلمَ فى مَظَانِّهِ (1) ، وَاقتَبِسُوهُ مِن أهلِهِ، فَإنَّ تَعَلُّمَهُ للّهِ حَسَنَةٌ، وطَلَبَهُ عِبادَةٌ، والمُذاكَرَةَ فِيهِ تَسبيحٌ، وَالعَمَلَ بِهِ جِهادٌ، وتَعلِيمَهُ مَن لا يَعلَمُهُ صَدَقَةٌ، وبَذَلَهُ لِأهلِهِ قُربَةٌ إلَى اللّهِ تَعالى، لِأنَّهُ مَعالِمُ الحَلالِ وَالحَرامِ، وَمَنارُ سُبُلِ الجَنَّهِ، والمُؤنِسُ فِى الوَحشَهِ، وَالصَّاحِبُ فِى الغُربَهِ وَالوَحدَهِ، وَالمُحَدِّثُ فِى الخَلوَهِ، وَالدَّلِيلُ فِى السَّرّاءِ وَالضَّرّاءِ، والسِّلاحُ عَلَى الأعدَاءِ، وَالزَّينُ عِندَ الأخِلَاءِ.

يَرفَعُ إلَيهِ أقوَاما فَيَجعَلُهُم فِى الخَيرِ قادَهً تُقتبَسُ آثارُهُم، ويُهتَدى بِفِعالِهِم، وَيُنتَهى إلى آرائِهِم، تَرغَبُ المَلائِكَهُ فى خُلَّتِهِم، وَبِأجنِحَتِها تَمَسُّهُم، وَفى صَلاتِها تُبارِكُ عَلَيهِم، يَستَغفِرُ لَهُم كُلُّ رَطبٍ ويابِسٍ ، حَتّى حِيتَانُ البَحرِ وَهَوامُّهُ، وَسِباعُ البَرِّ وَأنعَامُهُ.

إنَّ العِلمَ حَياهُ القُلُوبِ مِنَ الجَهلِ، وَضِياءُ الأبصارِ مِنَ الظُّلَمِهِ، وَقُوَّهُ الأبدانِ مِنَ الضَّعفِ، يَبلُغُ بِالعَبدِ مَنازِلَ الأخيارِ، ومَجالِسَ الأبرارِ، وَالدَّرَجاتِ العُلى فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ، اَلذِّكرُ فِيهِ يَعدِلُ بِالصِّيامِ، وَمُدارَسَتُهُ بِالقِيامِ، بِهِ يُطاعُ الرَّبُّ ويُعبَدُ، وبِهِ تُوصَلُ الأرحامُ، ويُعرَفُ الحَلالُ مِنَ الحَرامِ، اَلعِلمُ إمامُ العَمَلِ وَالعَمَلُ تابِعُهُ، يُلهَمُ بِهِ السُّعَداءُ ، وَيُحرَمُهُ الأشقِياءُ، فَطُوبى لِمَن لَم يَحرِمهُ اللّهُ مِنهُ حَظَّهُ. (2) .

1- .المَظانُّ : جمع مَظِنّه ، وهى موضعُ الشىء ومَعدِنُه (النهايه : ج 3 ص 164 «ظنن») .
2- .الأمالى للطوسى : ص 488 ح 1069 ، عدّه الداعى : ص 63 كلاهما عن محمّد بن علىّ بن الحسين بن زيد عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، منيه المريد : ص 108 عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 1 ص 171 ح 24.

1.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فراگیری دانش ، وظیفه هر مسلمانی است . پس دانش را در جایگاه های آن بجویید و آن را از اهلش فرا گیرید ؛ چرا که آموختن دانش برای خدا ، کار نیک است و کوشش [برای فراگیریِ] آن ، عبادت و گفتگو در باره آن ، تسبیح و به کار بستنش ، جهاد و آموختنش به کسی که آن را نمی داند ، صدقه و بخشیدن آن به اهلش ، مایه نزدیکی به خدای بزرگ ؛ زیرا دانش ، وسیله شناخت حلال و حرام است و مناره های راه های بهشت ، و مونس در بی کسی ، و یار در غربت و تنهایی ، و هم سخن در خلوت ، و راه نما در خوشی و ناخوشی ، و سلاح در برابر دشمنان و مایه آراستگی در نزد دوستان.

خداوند ، مردمانی را به سبب دانش ، بالا می برد و آنان را در خوبی ها پیشوا قرار می دهد ، به طوری که آثارشان اقتباس می شود و از کردارشان تقلید می گردد و به آرایشان مراجعه می شود . فرشتگان به دوستی آنان ، راغب می شوند و با بال هایشان آنها را نوازش می دهند و در نمازشان برایشان طلب برکت می کنند . هر تر و خشکی برای آنها آمرزش می طلبد ، حتّی ماهیان و خزندگان دریا و درندگان و چرندگان بیابان.

دانش ، مایه حیات دل ها در برابر نادانی ، و روشنایی دیدگان در برابر تاریکی ، و نیروی بدن ها در برابر ناتوانی است و بنده را به جایگاه خوبان و مجالس نیکان و درجات بلند در دنیا و آخرت می رساند . سخن گفتن در باره آن ، همسنگ روزه گرفتن است و مباحثه آن ، برابر با شب زنده داری . با دانش است که پروردگار ، فرمان برداری و بندگی می شود و با دانش است که صله ارحام به جا آورده می شود و حلال از حرام شناخته می شود . دانش ، پیشوای کردار است و کردار ، پیرو آن . به نیک بختان عطا می شود و تیره بختان ، از آن ، محروم می شوند . پس خوشا به حال کسی که خداوند ، او را از بهره اش از دانش محروم نسازد !.

الإمام علىّ عليه السلام :مَنْ جُمِعَ فيهِ سِتَّ خِصالٍ ما يَدَعُ لِلجَنَّهِ مَطلَبا، ولا عَنِ النَّارِ مَهرَبا : مَنْ عَرَفَ اللّهُ فَأطاعَهُ، وعَرَفَ الشَّيطانَ فَعَصاهُ، وعَرَفَ الحَقَّ فَاتَّبَعَهُ، وَعَرَفَ الباطِلَ فَاتَّقاهُ، وعَرَفَ الدُّنيا فَرَفَضَها، وَعَرَفَ الآخِرَهَ فَطَلَبَها. (1)7 / 4كَلِمَهُ التَّوحِيدِ مَعَ شُرُوطِهاأ التوحيد ثمن الجنّهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :اَلتَّوحِيدُ ثَمَنُ الجَنَّهِ. (2)4.عنه صلى الله عليه و آله :ثَمَنُ الجَنَّهِ : لا إِلهَ إِلّا اللّهُ . (3)الإمام الصادق عليه السلام :ثَمَنُ الجَنَّهِ : لا إِلهَ إِلّا اللّهُ وَاللّهُ أَكبَرُ . (4)5.عنه عليه السلام :قَولُ «لا إِلهَ إِلّا اللّهُ» ثَمَنُ اَلجَنَّهِ . (5) .

1- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 135 ، جامع الأخبار : ص 296 ح 806 ؛ إحياء علوم الدين : ج 3 ص 304 ، شرح نهج البلاغه لابن أبى الحديد : ج 20 ص 264 ح 88 .
2- .الأمالى للطوسى : ص 570 ح 1178 ، الأمالى للشجرى : ج 1 ص 41 كلاهما عن محمّد بن علىّ بن الحسين بن زيد عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 3 ص 3 ح 3 ؛ الفردوس : ج 2 ص 74 ح 2415 عن أنس .
3- .ثواب الأعمال : ص 16 ح 4 ، أعلام الدين : ص 356 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 201 ح 33 ؛ تاريخ بغداد : ج 70 ص 87 الرقم 3523 عن الحسن من دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه و آله ، الفردوس : ج 2 ص 103 ح 2548 عن أنس .
4- .الكافى : ج 2 ص 517 ح 1 عن يعقوب القمّى ، المحجّه البيضاء : ج 2 ص 273.
5- .التوحيد : ص 21 ح 13 ، ثواب الأعمال : ص 18 ح 12 كلاهما عن عبيده بن زراره ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 83 ح 2215 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 196 ح 15.

7 / 4 شعارِ توحید ، با شروط آن

الف توحید ، بهای بهشت است

امام علی علیه السلام :هر کس شش ویژگی در او جمع شده باشد ، تمام راه های رسیدن به بهشت و گریز از آتش را به دست آورده است : کسی که خدا را بشناسد و از او فرمان بَرَد ، و شیطان را بشناسد و نافرمانی اش کند ، و حق را بشناسد و از آن پیروی کند، و باطل را بشناسد و از آن دوری کند ، و دنیا را بشناسد و به دورش افکند ، و آخرت را بشناسد و در طلب آن بر آید.7 / 4شعارِ توحید ، با شروط آنالف توحید ، بهای بهشت استپیامبر خدا صلی الله علَیه و آله :توحید ، بهای بهشت است.8.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهای بهشت ، «لا إله إلّا اللّه » است.امام صادق علیه السلام :بهای بهشت ، «لا إله إلّا اللّه » و «اللّه أکبر» است .9.امام صادق علیه السلام :گفتارِ «لا إله إلّا اللّه » ، بهای بهشت است.

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما جَزاءُ مَن أَنعَمَ اللّهُ عز و جل عَلَيهِ بِالتَّوحِيدِ إلّا الجَنَّةُ . (1)10.الإمام علىّ عليه السلام فِى قَولِ اللّهِ عَزَّوَجَلَّ : «هَلْ جَزَاءُ الْاِءحْسَنِ إِلَّا الْاِءحْسَنُ » (2) : سَمِعتُ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقُولُ : إِنَّ اللّهَ عز و جل قالَ : ما جَزاءُ مَن أنعَمتُ عَلَيهِ بِالتَّوحِيدِ إلَا الجَنَّةُ . (3)رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن ماتَ وَهُوَ يَعلَمُ أَنَّه لا إِلَهَ إلّا اللّهُ دَخَلَ الجَنَّةَ . (4)11.عنه صلى الله عليه و آله :مَن خُتِمَ لَهُ بِلا إِلهَ إلّا اللّهُ ، وَجَبَت لَهُ الجَنَّةُ . (5)عنه صلى الله عليه و آله :يَقُولُ اللّهُ جَلَّ جَلالُهُ : «لا إِلهَ إلّا اللّهُ» حِصنِى ، فَمَن دَخَلَهُ أَمِنَ مِن عَذابِى . (6)12.عنه صلى الله عليه و آله :حَدَّثَنِى جَبرَئِيلُ سَيِّدُ المَلائِكَهِ قالَ : قالَ اللّهُ سَيِّدُ السّاداتِ عز و جل : إِنِّى أَنا اللّهُ لا إِلهَ إلّا أَنَا ، فَمَن أَقَرَّ لِى بِالتَّوحِيدِ دَخَلَ حِصنِى ، وَمَن دَخَلَ حِصنِى أَمِنَ مِن عَذابِى . (7) .

1- .التوحيد : ص 22 ح 17 ، مشكاه الأنوار : ص 37 ح 2 كلاهما عن أحمد بن عبد اللّه الجويبارى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، جامع الأخبار : ص 39 ح 30 ، بحار الأنوار : ج 3 ص 5 ح 12 ؛ كنز العمّال : ج 1 ص 301 ح 1437 نقلاً عن ابن النجّار عن أنس .
2- .الرحمن : 60 .
3- .التوحيد : ص 28 ح 29 ، الأمالى للطوسى : ص 429 ح 960 ، الأمالى للصدوق : ص 470 ح 628 ، الجعفريّات : ص 176 كلّها عن إسماعيل عن أبيه الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 8 ص 105 ؛ شعب الإيمان : ج 1 ص 372 ح 427 عن ابن عمر عنه صلى الله عليه و آله ، تاريخ أصبهان : ج 1 ص 280 الرقم 468 عن أنس عنه صلى الله عليه و آله وكلاهما نحوه ، كنز العمّال : ج 2 ص 43 ح 3048 .
4- .صحيح مسلم : ج 1 ص 55 ح 43 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 150 ح 498 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 144 ح 242 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 3 ص 126 ح 12 ، موارد الظمآن : ص 31 ح 6 ، الأسماء والصفات : ج 1 ص 242 ح 174 كلّها عن عثمان ، كنز العمّال : ج 1 ص 46 ح 123.
5- .مستدرک الوسائل : ج 5 ص 365 ح 6098 نقلاً عن لبّ اللباب .
6- .التوحيد : ص 24 ح 21 عن أحمد بن عبّاس الطائى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، عيون أخبار الرضا : ج 2 ص 134 ح 2 ، الأمالى للطوسى : ص 279 ح 536 كلاهما عن أحمد بن عامر الطائى عن الإمام

الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، جامع الأحاديث للقمّى : ص 131 عن علىّ بن صدقه الرقّى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 3 ص 6 ح 14 ؛ تاريخ دمشق : ج 5 ص 462 عن القاسم الطائى عن أبيه عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، كنز العمّال : ج 1 ص 52 ح 158.

7- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 135 ح 3 عن أحمد بن محمّد بن إبراهيم بن هاشم عن الإمام العسكرى عن آبائه عليهم السلام ، كشف الغمّه : ج 3 ص 194 عن البلاذرى عن الإمام العسكرى عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، جامع الأحاديث للقمّى : ص 272 عن أحمد بن محمّد بن إبراهيم بن هاشم عن الإمام المهدى عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 3 ص 10 ح 22 ؛ كنز العمّال : ج 1 ص 47 ح 127 نقلاً عن الشيرازى عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پاداش کسی که خداوند عز و جل نعمت توحید را به او ارزانی داشته است ، چیزی جز بهشت نیست.13.امام علی علیه السلام در باره این سخن خدای عز و جل : «آیا سزای نیکی ، جز نیکی است؟» : از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرماید : «خدای عز و جل فرمود : پاداش کسی که نعمت توحید را به او داده ام ، جز بهشت نیست» .پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی که بمیرد و بداند معبودی جز خدای یکتا نیست ، به بهشت می رود.14.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس پایان زندگی اش به «لا إله إلّا اللّه » ختم شود ، بهشت بر او واجب می شود .پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند عز و جل می فرماید : «لا إله إلّا اللّه ، دژ من است . پس هر که به آن وارد شود ، از عذاب من ایمن است» .15.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مهتر فرشتگان ، جبرئیل ، برایم حدیث کرد و گفت : مهترِ مهتران ، خدای عز و جل ، فرمود : «منم من ، خدا . معبودی جز من نیست . پس هر که به یگانگی من اقرار کند ، به دژ من وارد شده است و هر کس به دژ من وارد شود ، از عذابم در امان است» . .

عنه صلى الله عليه و آله :وَالَّذِى بَعَثَنِى بِالحَقِّ بَشِيرا ! لا يُعَذِّبُ اللّهُ بِالنّارِ مُوحِّدا أبَدا ، وَإِنَّ أهلَ التَّوحِيدِ لَيَشفَعُونَ فَيُشَفَّعُونَ . (1)16.عنه صلى الله عليه و آله :مَن ماتَ وَهُوَ يَعلَمُ أنَّ اللّهَ حَقٌّ دَخَلَ الجَنَّةَ . (2)عنه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ «لا إلهَ إلّا اللّهُ» مُوقِنا بِها دَخَلَ الجَنَّةَ . (3)17.عنه صلى الله عليه و آله :مَن كانَ آخِرُ كَلامِهِ «لا إلهَ إلّا اللّهُ» دَخَلَ الجَنَّةَ . (4)عنه صلى الله عليه و آله :لَقِّنُوا مَوتاكُم «لا إلهَ إلّا اللّهُ» فَإنَّ مَن كانَ آخِرُ كَلامِهِ «لا إله إلّا اللّهُ» دَخَلَ الجَنَّةَ . (5)18.عنه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ «لا إله إلّا اللّهُ» غُرِسَت لَهُ شَجَرَةٌ فِى الجَنَّهِ مِن ياقوتَهٍ حَمراءَ ، مَنبتُها فى مِسكٍ أبيَضَ ، أحلى مِنَ العَسَلِ ، وأشَدُّ بَياضا مِنَ الثَّلجِ ، وأطيَبُ ريحا مِنَ المِسكِ ، فيها ثِمارٌ أمثالُ ثَدىِ الأبكارِ ، تَعلو عَن سَبعينَ حُلَّةً . (6) .

1- .التوحيد : ص 29 ح 31 ، الأمالى للصدوق : ص 372 ح 469 كلاهما عن ابن عبّاس ، روضه الواعظين : ص 51 ، بحار الأنوار : ج 3 ص 1 ح 1.
2- .التوحيد : ص 29 ح 30 عن عثمان ، بحار الأنوار : ج 3 ص 10 ح 20 ؛ كنز العمّال : ج 1 ص 83 ح 347 نقلاً عن أبى يعلى عن عثمان.
3- .تاريخ بغداد : ج 4 ص 22 الرقم 1619 ، المعجم الأوسط : ج 1 ص 238 ح 778 ، مسند أبى يعلى : ج 5 ص 452 ح 6194 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 1 ص 62 ح 218 نقلاً عن المعجم الكبير عن معاذ.
4- .سنن ابى داوود : ج 3 ص 190 ح 3116 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 503 ح 1299 ، المعجم الكبير : ج 20 ص112 ح 221 ، شعب الإيمان : ج 1 ص 108 ح 94 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 266 ح 22188 وفيه «وجبت له» بدل «دخل» وكلّها عن معاذ بن جبل ، كنز العمّال : ج 1 ص 418 ح 1780.
5- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 132 ح 345 ، ثواب الأعمال : ص 232 ح 1 ، الأمالى للصدوق : ص 633 ح 848 كلاهما عن إسحاق بن عمّار عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، الدعوات : ص 250 ح 703 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 199 ح 26 ؛ صحيح ابن حبّان : ج 7 ص 272 ح 3004 عن أبى هريره ، المعجم الكبير : ج 12 ص 197 ح 13024 عن ابن عبّاس وكلاهما نحوه ، كنز العمّال : ج 15 ص 558 ح 42164.
6- .الكافى : ج 2 ص 517 ح 2 ، ثواب الأعمال : ص 16 ح 5 ، المحاسن : ج 1 ص 98 ح 67 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 201 ح 34 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سوگند به آن که مرا به حق ، نوید دهنده فرستاد ، خداوند ، هیچ یکتاپرستی را هرگز (/ برای ابد) با آتش ، عذاب نمی کند . اهل یکتاپرستی ، شفاعت می کنند و شفاعتشان پذیرفته می شود.19.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در حالی بمیرد که معتقد باشد خدا حقیقت دارد ، به بهشت می رود.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس «لا إله إلّا اللّه » بگوید و به آن یقین داشته باشد ، به بهشت می رود.20.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی که آخرین سخنش ، «لا إله إلّا اللّه » باشد ، به بهشت می رود.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :[گفتنِ] «لا إله إلّا اللّه » را به مردگانتان [به هنگام جان دادن] ، تلقین کنید ؛ زیرا کسی که آخرین گفته اش «لا إله إلّا اللّه » باشد ، به بهشت می رود.21.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس «لا إله إلّا اللّه » بگوید ، برایش درختی از یاقوت سرخ در بهشت کاشته می شود که ریشه اش در مشک سفیدی است ، شیرین تر از عسل و سفیدتر از برف و خوش بوتر از مشک . میوه هایی همانند پستان های دخترکانِ باکره دارد که از هفتاد حلّه برترند . .

الدعوات عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لَقِّنوا مَوتاكُم «لا إلهَ إلَا اللّهُ» ، فَإِنَّ مَن كانَ آخِرُ كلامِهِ «لا إلهَ إلَا اللّهُ» دَخَلَ الجَنَّةَ .

قيلَ : يا رَسولَ اللّهِ ، إنَّ شَدائِدَ المَوتِ وسَكَراتِهِ تَشغَلُنا عَن ذلِكَ .

فَنَزَلَ فِى الحالِ جَبرَئيلُ عليه السلام وقالَ : يا مُحَمَّدُ ، قُل لَهُم حَتّى يَقولُوا الآنَ فِى الصِّحَّةِ «لا إله إلّاَ اللّهُ» ، عُدَّةً لِذلِكَ الوَقتِ . (1)22.رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى قَولِ اللّهِ عَزَّ وجَلَّ «وَ مَا كُنتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا» : كَتَبَ اللّهُ عَزَّ وجَلَّ كِتابا ... ثُمَّ نادى : يا اُمَّةَ مُحَمَّدٍ! إنَّ رَحمَتى سَبَقَت غَضَبى ، أعطَيتُكُم قَبلَ أن تَسألُونى ، وغَفَرتُ لَكُم قَبلَ أن تَستَغفِرونى ، فَمَن لَقِيَنى مِنكُم يَشهَدُ أن لا إلهَ إلّا أنا ، وأنَّ مُحَمَّدا عَبدى ورَسولِى ، أدخَلتُهُ الجَنَّةَ بِرَحمَتى . (2)عنه صلى الله عليه و آله :مَن ماتَ يَشهَدُ أن لا إلهَ إلّا اللّهُ وَحدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ دَخَلَ الجَنَّةَ . (3) .

1- .الدعوات : ص 250 ح 703 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 132 ح 345 ، ثواب الأعمال : ص 232 ح 1 ، الأمالى للصدوق : ص 633 ح 848 كلاهما عن إسحاق بن عمّار عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام وليس فى الثلاثه الأخيره ذيله من «قيل ...» ، بحار الأنوار : ج 81 ص 241 ح 26 .

2- .ثواب الأعمال : ص 25 ح 2 ، أعلام الدين : ص 358 كلاهما عن سهل بن سعد الأنصارى ، بحار الأنوار : ج 3 ص 12 ح 24 ، تفسير الثعلبى : ج 7 ص 252 ح 132 عن سهل بن سعد الأنصارى .

3- .التوحيد : ص 20 ح 8 ، ثواب الأعمال : ص 15 ح 2 ، جامع الأخبار : ص 134 ح 274 وليس فيهما «وحده لا شريک له» وكلّها عن جابر بن عبد اللّه الأنصارى ، بحار الأنوار : ج 3 ص 5 ح 10 ؛ مسند ابن حنبل : ج 4 ص 263 ح 12334 ، المعجم الصغير : ج 1 ص 259 ، حليه الأولياء : ج 7 ص 174 كلاهما نحوه وكلّها عن أنس ، المعجم الكبير : ج 4 ص 170 ح 4041 عن أبى أيّوب الأنصارى وليس فيها «وحده لا شريک له» ، كنز العمّال : ج 1 ص 55 ح 172 .

23.الدعوات :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «به مردگانتان [به هنگام مُردنشان] لا إله إلّا اللّه تلقین کنید ، که هر کس آخرین حرفش لا إله إلّا اللّه باشد ، وارد بهشت می شود» .

گفته شد : ای پیامبر خدا ! سختی و فشار مرگ ، ما را از ذکر «لا إله إلّا اللّه » باز می دارد .

همان جا جبرئیل فرود آمد و گفت : ای محمّد ! به ایشان بگو که از همین حالا و در تن درستی ، «لا إله إلّا اللّه » بگویند برای آماده شدن برای آن لحظه .پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خدای عز و جل : «و تو در کنار طور نبودی که ما ندا در دادیم» : خداوند عز و جلنامه ای را نوشت و آن گاه ندا در داد که : «ای امّت محمّد ! رحمت من بر خشمم پیشی دارد . پیش از آن که بخواهید ، به شما دادم و پیش از آن که آمرزش بطلبید ، شما را آمرزیدم . هر کس از شما مرا ملاقات کند و گواهی بدهد که معبودی جز من نیست و محمّد ، بنده و فرستاده من است ، به رحمت خودم ، او را وارد بهشت می کنم» .24.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس بمیرد ، در حالی که شهادت می دهد معبودی جز خدای یگانه بی نیاز نیست ، به بهشت می رود. .

عنه صلى الله عليه و آله :أَتانِى جِبرِيلُ فَبَشَّرَنِى أَنَّهُ مَن ماتَ لا يُشرِكُ بِاللّهِ شَيئا دَخَلَ الجَنَّةَ . (1)25.عنه صلى الله عليه و آله :أشهَدُ أن لا إلهَ إلّا اللّهُ ، وأنَّ مُحَمَّدا عَبدُهُ ورَسولُهُ ، وَالَّذى نَفسى بِيَدِهِ لا يَقولُها أحَدٌ إلّا حَرَّمَهُ اللّهُ عَلَى النّارِ . (2)مستدرک الوسائل عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن كانَ آخِرُ كَلامِهِ «لا إلهَ إلّا اللّهُ» دَخَلَ الجَنَّةَ . قيلَ : فَإن قالَها فى حَياتِهِ ؟ قالَ : تِلكَ أوجَبُ وأوجَبُ . (3)26.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :رَأيتُ البارِحَةَ عَجَبا ! رَأيتُ رَجُلاً مِن اُمَّتِى انتَهى إلى أبوابِ الجَنَّةِ ، فَغُلِّقَتِ الأبوابُ دونَهُ ، فَجاءَتهُ شَهادَهُ أن لا إلهَ إلّا اللّهُ فَفُتِحَت لَهُ الأبوابُ وأُدخِلَ الجَنَّةَ . (4)عنه صلى الله عليه و آله :مَن كانَ آخِرُ كَلامِهِ الشَّهادَتَينِ دَخَلَ الجَنَّةَ . (5)27.التوحيد عن أبى حرب بن زيد بن خالد الجهنى :أشهَدُ عَلى أبى زَيدِ بنِ خالِدٍ لَسَمِعتُهُ يَقولُ : أرسَلَنى رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَقالَ لى : بَشِّرِ النّاسَ أنَّهُ مَن قالَ : «لا إلهَ إلّا اللّهُ وَحدَهُ لا شَريكَ لَهُ» فَلَهُ الجَنَّةُ . (6)الكافى عن أبان بن تغلب عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال :يا أبانُ ، إذا قَدِمتَ الكوفَةَ فَارِوِ هذَا الحَديثَ : «مَن شَهِدَ أن لا إلهَ إلّا اللّهُ مُخلِصا ، وَجَبَت لَهُ الجَنَّةُ» .

قالَ : قُلتُ لَهُ : إنَّهُ يَأتينى مِن كُلِّ صِنفٍ مِنَ الأَصنافِ ، أفَأَروى لَهُم هذَا الحَديثَ ؟ ! قالَ : نَعَم ، يا أبانُ ، إنَّهُ إذا كانَ يَومُ القِيامَهِ ، وجَمَعَ اللّهُ الأَوَّلينَ وَالآخِرينَ ، فَتُسلَبُ «لا إلهَ إلّا اللّهُ» مِنهُم ، إلّا مَن كانَ عَلى هذَا الأمرِ . (7) .

1- .صحيح البخارى : ج 6 ص 2721 ح 7049 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 27 ح 2644 ، صحيح مسلم : ج 1 ص 94 ح 153 بزياده «من اُمّتک» بعد «مات» ، السنن الكبرى : ج 10 ص 320 ح 20771 كلّها عن أبى ذرّ ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 158 ح 11751 عن أبى سعيد الخدرى وليس فيهما صدره ، كنز العمّال : ج 1 ص 68 ح 259 ؛ التوحيد : ص 26 ح 24 ، مشكاه الأنوار : ص 38 ح 3 كلاهما عن أبى ذرّ ، منيه المريد : ص 366 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله وليس فيها صدره ، بحار الأنوار : ج 8 ص 371.
2- .الأمالى للطوسى : ص 260 ح 471 عن عبد الرحمن بن أبى عمره ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 1 ص 102 نحوه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 199 ح 28 ؛ صحيح البخارى : ج 1 ص 60 ح 128 عن أنس نحوه ، كنز العمّال : ج 1 ص 46 ح 125 .
3- .مستدرک الوسائل : ج 5 ص 365 ح 6098 نقلاً عن لبّ اللباب .

4- .مستدرک الوسائل : ج 5 ص 365 ح 6098 نقلاً عن لبّ اللباب .
5- .أبو طالب حامی الرسول وناصره : ص 172 .
6- .التوحید : ص 22 ح 15 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 196 ح 17 .
7- .الکافی : ج 2 ص 520 ح 1 ، المحاسن : ج 1 ص 101 ح 74 وص 289 ح 571 ، بحار الأنوار : ج 3 ص 12 ح 25 .

28.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جبرئیل نزد من آمد و مژده ام داد که : هر کس بمیرد ، در حالی که چیزی را شریک خدا قرار نداده باشد ، به بهشت می رود.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :[جمله] «گواهی می دهم که هیچ معبودی جز خدای یکتا نیست و محمّد ، بنده و فرستاده اوست» سوگند به آن که جانم در دست اوست ، کسی آن را نمی گوید ، مگر این که خداوند ، آتش را بر او حرام می کند .29.مستدرک الوسائل :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «هر که آخرین سخنش لا إله إلّا اللّه باشد ، وارد بهشت می شود» .

گفته شد : اگر کسی آن را در زمان زنده بودنش بگوید [، چه] ؟

فرمود : «این ، لازم تر و لازم تر است» .پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :صبحگاهان ، چیز شگفتی دیدم . مردی از امّتم را دیدم که به درهای بهشت رسید و درها به رویش بسته شدند . گواهی به «لا إله إلّا اللّه » آمد . پس درها به رویش باز شدند و او را وارد بهشت کردند .30.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس آخرین سخنش ، دو شهادت (شهادت به یگانگی خدا و رسالت من) باشد ، وارد بهشت می شود .التوحید به نقل از ابو حرب بن زید بن خالد جهنی : پیش پدرم ، زید بن خالد بودم که شنیدم می گفت : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مرا فرستاد و به من فرمود : «به مردم مژده بده که هر کس لا إله إلّا اللّهُ وَحدهُ لا شریک له ؛ معبودی جز خدا نیست ، تنها و بی انباز است بگوید ، پاداشش بهشت است ».31.الکافی به نقل از ابان بن تَغلِب : امام صادق علیه السلام فرمود : «ای ابان ! هر گاه به کوفه رفتی ، این حدیث را روایت کن : هر کس خالصانه گواهی دهد که معبودی جز خدای یکتا نیست ، بهشت برای او قطعی است » .

به ایشان گفتم : از هر گروه و صنفی پیش من می آیند . آیا برای همه آنها این حدیث را روایت کنم ؟

فرمود : «آری . ای ابان ! هر گاه قیامت شود و خدا پیشینیان و پسینیان را گرد آورد ، لا إله إلّا اللّه از آنها گرفته می شود ، مگر از کسانی که معتقد به این امر (ولایت) باشند» . .

المحاسن عن أبان بن تغلب عن الإمام الصادق عليه السلام :إذا كانَ يَومُ القِيامَهِ نادى مُنادٍ : مَن شَهِدَ أن لا إلهَ إلّا اللّهُ ، فَليَدخُلِ الجَنَّهِ . قالَ : قُلتُ : فَعَلامَ تَخاصُمُ النّاسِ إذا كانَ مَن شَهِدَ أن لا إلهَ إلّا اللّهُ دَخَلَ الجَنَّهَ ؟! فَقالَ : إنَّهُ إذا كانَ يَومُ القِيامَهِ نَسوها . (1)راجع : ص 490 (الفصل الثانى عشر : مفاتيح الجنّه / التوحيد) .

ب شرطيه الصدق33.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن ماتَ وَهُوَ يَشهَدُ أن لا إلهَ إلّا اللّهُ ، وَأنَّ مُحَمَّدا رَسُولُ اللّهِ ، صادِقا مِن قَلبِهِ دَخَلَ الجَنَّهَ . (2)عنه صلى الله عليه و آله :مَن شَهِدَ أن لا إلهَ إلّا اللّهُ يُصَدِّقُ قَلبُهُ لِسانَهُ ، دَخَلَ مِن أيِ أبوابِ الجَنَّهِ شاءَ . (3)34.عنه صلى الله عليه و آله :أشهَدُ عِندَ اللّهِ لا يَمُوتُ عَبدٌ شَهِدَ أن لا إلهَ إلّا اللّهُ ، وَأنَّ مُحَمَّدا رَسُولُ اللّهِ ، صادِقا مِن قَلبِهِ ، ثُمَّ يُسَدِّدُ إلّا سَلَكَ فِى الجَنَّهِ . (4) .

1- .المحاسن : ج 1 ص 289 ح 570 ، بحار الأنوار : ج 3 ص 12 ح 26 .
2- .مسند ابن حنبل : ج 8 ص 233 ح 22064 عن معاذ ، كنز العمّال : ج 1 ص 62 ح 217.
3- .مسند أبى يعلى : ج 1 ص 68 ح 67 ، المطالب العاليه : ج 3 ص 48 ح 2843 كلاهما عن أبى بكر ، كنز العمّال : ج 1 ص 60 ح 200.
4- .مسند ابن حنبل : ج 5 ص 408 ح 16218 ، المعجم الكبير : ج 5 ص 51 ح 4558 كلاهما عن رفاعه الجهنى ، حليه الأولياء : ج 6 ص 286 عن رفاعه عن أبيه (عرابه) الجهنى ، كنز العمّال : ج 1 ص 49 ح 141.

ب شرط صداقت

المحاسن به نقل از ابان بن تغلب : امام صادق علیه السلام فرمود : «هر گاه قیامت شود ، ندا دهنده ای ندا در می دهد : هر کس گواهی دهد که معبودی جز خدای یکتا نیست ، وارد بهشت می شود» .

گفتم : وقتی چنین است که هر کس گواهی دهد که معبودی جز خدا نیست ، وارد بهشت می شود ، پس ستیز مردم با یکدیگر بر سر چیست ؟

فرمود : «وقتی قیامت شود ، آن را فراموش می کنند» .ر . ک : ص 491 (فصل دوازدهم : کلیدهای بهشت / یکتاپرستی) .

ب شرط صداقت36.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در حالی بمیرد که صادقانه و از قلبش گواهی دهد که معبوی جز خدای یکتا نیست و محمّد ، فرستاده خداست ، به بهشت می رود .پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس شهادت دهد که معبودی جز خدای یکتا نیست و دلش هم زبان او را تصدیق کند (به آنچه می گوید ، قلبا باور داشته باشد) ، از هر در بهشت که بخواهد ، وارد می شود.37.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در نزد خدا گواهی می دهم که هر بنده ای از صمیم دل گواهی دهد که «معبودی جز خدا نیست و محمّد ، فرستاده خداست» و سپس در مسیر درست [و اعتدال] حرکت کند ، بی گمان به بهشت می رود.

.

مسند ابن حنبل عن أبى موسى :أَتَيتُ النَّبِىَ صلى الله عليه و آله وَمَعِى نَفَرٌ مِن قَومِى ، فَقالَ : أَبشِرُوا وَبَشِّرُوا مَنْ وَراءَكُم أَنَّهُ مَن شَهِدَ أَن لا إِلهَ إِلّا اللّهُ صادقا بِها دَخَلَ الجَنَّةَ . (1)38.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :«لَا إِلهَ إِلّا اللّهُ» تَمنَعُ العَبدَ مِن سَخَطِ اللّهِ ما لَم يُؤثِرُوا مَنفَعَةَ دُنياهُم عَلى دِينِهِم ، فَإِذا فَعَلُوا ذلِكَ ثُمَّ قالَ : «لا إِلهَ إِلّا اللّهُ» قالَ اللّهُ : كَذَبتُم . (2)ج شرطيه الإخلاص39.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إِنّى لَأَرجُو أَن لا يَمُوتَ أَحَدٌ يَشهَدُ أَن لا إِلهَ إِلّا اللّهُ مُخلِصا مِن قَلبِهِ ، فَيُعَذِّبَهُ اللّهُ عز و جل . (3)عنه صلى الله عليه و آله عن جبريل عليه السلام :قالَ اللّهُ عز و جل : إِنّى أَنا اللّهُ لا إِلهَ إِلّا أَنَا فَاعبُدُونِى ، مَن جاءَنى مِنكُم بِشَهادَةِ أَن لا إِلهَ إِلّا اللّهُ بِالإِخلاصِ دَخَلَ فِى حِصنِى ، وَمَن دَخَلَ فِى حِصنِى أَمِنَ مِن عَذابِى .
(4)40.التوحيد عن عبد السَّلام بن صالح أبى الصَّلت الهروىّ :كُنتُ مَعَ عَلِىِ بنِ مُوسَى الرِّضا عليه السلام حِينَ رَحَلَ مِن نَيسابُورَ وَهُوَ راكِبٌ بَغلَةً شَهباءَ ، فَإِذا مُحَمَّدُ بنُ رافِعٍ وَأَحمَدُ بنُ حَربٍ وَيَحيَى بنُ يَحيى وَإِسحاقُ بنُ راهَوَيهِ وَعِدَّةٌ مِن أَهلِ العِلمِ قَد تَعَلَّقُوا بِلِجامِ بَغلَتِهِ فِى المَربَعَةِ (5) ، فَقالُوا : بِحَقِّ آبائِكَ المُطَهَّرِينَ ، حَدِّثنا بِحَدِيثٍ قَد سَمِعتَهُ مِن أَبِيكَ ، فَأَخرَجَ رَأسَهُ مِنَ العَمَّارِيَّهِ (6) وَعَلَيهِ مِطرَفُ (7) خَزٍّ ذُو وَجهَينِ وَقالَ : حَدَّثَنِى أَبِى العَبدُ الصّالِحُ مُوسَى بنُ جَعفَرٍ ، قالَ : حَدَّثَنِى أَبِى الصّادِقُ جَعفَرُ بنُ مُحَمَّدٍ ، قالَ : حَدَّثَنِى أَبِى أَبُو جَعفَرٍ مُحَمَّدُ بُن عَلِىٍ باقِرُ عِلمِ الأَنبِياءِ ، قالَ : حَدَّثَنِى أَبِى عَلِىُ بنُ الحُسَينِ سَيِّدُ العابِدِينَ ، قالَ : حَدَّثَنِى أَبِى سَيِّدُ شَبابِ أَهلِ الجَنَّةِ الحُسَينُ ، قالَ : حَدَّثَنِى أَبِى عَلِىُ بنُ أَبِى طالِبٍ عليهم السلام ، قالَ : سَمِعتُ النَّبِىُ صلى الله عليه و آله يَقُولُ : قالَ اللّهُ جَلَّ جَلالُهُ : إِنّى أَنا اللّهُ لا إِلهَ إِلّا أَنَا فَاعبُدُونِى ، مَن جاءَ مِنكُم بِشَهادَةِ أَن لا إِلهَ إِلّا اللّهُ بِالإِخلاصِ دَخَلَ فِى حِصنِى ، وَمَن دَخَلَ فِى حِصنِى أَمِنَ مِن عَذابِى . (8) .

1- .مسند ابن حنبل : ج 7 ص 144 ح 19614 و ص 163 ح 19709 نحوه ، كنز العمّال : ج 1 ص 47 ح 131.
2- .مسند أبى يعلى : ج 4 ص 124 ح 4021 ، المطالب العاليه : ج 3 ص 208 ح 3274 وليس فيه «منفعه» ، شعب الإيمان : ج 7 ص 337 ح 10497 كلّها عن أنس ، نوادر الأُصول : ج 2 ص 73 كلاهما نحوه ، كنز العمّال : ج 1 ص 62 ح 221.
3- .تاريخ بغداد : ج 5 ص 250 الرقم 2736 عن عبد اللّه بن عمر ، كنز العمّال : ج 1 ص 51 ح 154.

4- .حليه الأولياء : ج 3 ص 192 ، كنز العمّال : ج 1 ص 296 ح 1422 نقلاً عن ابن عساكر ؛ كشف الغمّه : ج 2 ص 347 كلّها عن أبى الصلت الهروى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام .
5- .المَرْبَع : مَنْزِلُ القوم فى الربيع خاصّه (الصحاح : ج 3 ص 1212 «ربع») .
6- .العمّاريّه : الكجاوه كأنّه نسبه إلى الاسم (المصباح المنير : ص 429 «عمر»).
7- .المِطْرَفُ : الثوب الذى فى طرفيه عَلَمان (النهايه : ج 3 ص 121 «طرف»).
8- .التوحيد : ص 24 ح 22 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 134 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 3 ص 6 ح 15 ؛ تاريخ دمشق : ج 48 ص 366 ح 10457 نحوه .

ج شرط اخلاص

مسند ابن حنبل به نقل از ابو موسی : با عدّه ای از قوم خود به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفتیم که فرمود : «بشارت باد شما را و بشارت دهید دیگر مردمانتان را که هر کس صادقانه شهادت دهد که معبودی جز خدای یکتا نیست ، به بهشت می رود !» .41.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :«لا إله إلّا اللّه » ، بنده را از خشم خدا در امان می دارد ، تا زمانی که منفعت دنیایشان را بر دینشان ترجیح ندهند ؛ ولی اگر چنین کردند و سپس گفتند : «لا إله إلّا اللّه » ، خداوند می فرماید : دروغ می گویید.ج شرط اخلاص42.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس بمیرد ، در حالی که با خلوص دل ، گواهی دهد که معبودی جز خدای یکتا نیست ، امیدوارم که خداوند عز و جل او را عذاب نکند.43.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به نقل از جبرئیل علیه السلام : خدای عز و جل فرمود : «منم من ، خدا . معبودی جز من نیست . پس مرا بندگی کنید . هر یک از شما که با گواهیِ خالصانه به این که معبودی جز خدای یکتا نیست ، نزد من آید ، به دژ من وارد شده است و هر کس به دژ من وارد شود ، از عذابم در امان است» .التوحید به نقل از عبد السلام بن صالح ، ابو صَلت هَرَوی : زمانی که امام رضا علیه السلام از نیشابور کوچ کرد ، من همراه ایشان بودم و بر ماده استری خاکستری سوار بود . دیدم که محمّد بن رافع و احمد بن حرب و یحیی بن یحیی و اسحاق بن راهویه و عدّه ای از عالمان ، در بهارْ محلّه ، لگام استر ایشان را گرفتند و گفتند : تو را به حقّ پدران پاکت ، حدیثی از پدر بزرگوارت برای ما باز گوی .

امام علیه السلام سرش را از کجاوه برون آورد . ردای دورویی از جنس خز با حاشیه های نگارین بر تن داشت . فرمود : «پدرم ، آن بنده نیک ، موسی بن جعفر ، برایم حدیث کرد و گفت : پدرم جعفر بن محمّدِ صادق برایم حدیث کرد و گفت : پدرم ابو جعفر ، محمّد بن علی ، شکافنده دانش پیامبران ، برایم حدیث کرد و گفت : پدرم علی بن الحسین ، سالار عبادت پیشگان ، برایم حدیث کرد و گفت : پدرم حسین ، آقای جوانان بهشتی ، برایم حدیث کرد و گفت : پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام برایم حدیث کرد و گفت : از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرماید : خدای عز و جل فرمود : منم من ، خدا . معبودی جز من نیست . پس مرا بندگی کنید . هر یک از شما خالصانه گواهی دهد که معبودی جز خدای یکتا

نیست ، به دژ من وارد شده است و هر کس به دژ من وارد شود ، از عذابم ایمن خواهد بود » .

.

44.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إِنّ «لا إِلهَ إِلّا اللّهُ» كَلِمَهٌ عَظِيمَهٌ كَرِيمَهٌ عَلَى اللّهِ عز و جل ، مَن قالَها مُخلِصا اَستَوجَبَ الجَنَّهَ ، وَمَن قالَها كاذِبا عَصَمَت مالَهُ وَدَمهُ ، وَكانَ مَصِيرُهُ إِلى النّارِ . (1)د علامه الإخلاص اجتناب المحارم45.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ «لا إِلهَ إِلّا اللّهُ» مُخلِصا دَخَلَ الجَنَّهَ ، وَإِخلاصُهُ أن تَحجُزَهُ «لا إِلهَ إِلّا اللّه » عَمّا حَرَّمَ اللّهُ عز و جل . (2) .

1- .التوحيد : ص 23 ح 18 عن أحمد بن عبد اللّه الجويبارى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 3 ص 5 ح 13 ؛ كنز العمّال : ج 1 ص 62 ح 220 نقلاً عن ابن النجّار عن أنس وفيه «مسيره» بدل «مصيره» وراجع : الأمالى للشجرى : ج 1 ص 25.
2- .التوحيد : ص 28 ح 27 ، معانى الأخبار : ص 370 ح 2 ، ثواب الأعمال : ص 20 ح 3 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 83 ح 2218 كلّها عن زيد بن أرقم ، فلاح السائل : ص 224 ح 125 عن محمّد بن أبى عمير عن الإمام الصادق عليه السلام ؛ المعجم الكبير : ج 5 ص 197 ح 5074 ، حليه الأولياء : ج 9 ص 254 كلاهما عن زيد بن أرقم ، تاريخ بغداد : ج 12 ص 64 الرقم 6455 عن أنس ، كنز العمّال : ج 1 ص 61 ح 205.

د نشانه اخلاص ، دوری کردن از حرام هاست

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :«لا إله إلّا اللّه » ، شعارِ بزرگ و ارجمندی در نزد خدای عز و جل است . هر که آن را از سرِ اخلاص بگوید ، سزاوار بهشت می شود و هر که به دروغ [و بدون اعتقاد ،] آن را بگوید ، مال و جانش را مصون می دارد ؛ امّا سرانجامش آتش خواهد بود .د نشانه اخلاص ، دوری کردن از حرام هاستپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس با اخلاص «لا إله إلّا اللّه » بگوید ، به بهشت می رود ، و اخلاصش این است که «لا إله إلّا اللّه » ، او را از ارتکاب آنچه خدای عز و جل حرام کرده است ، باز دارد.

.

47.ثواب الأعمال عن أبی هریره و عبد اللّه بن عبّاس :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : یا أیُّها النّاسُ ، إنَّهُ مَن لَقِیَ اللّهَ عز و جلیَشهَدُ أن لا إلهَ إلّا اللّهُ مُخلِصا لَم یَخلِط مَعَها غَیرَها ، دَخَلَ الجَنَّهَ ، فَقامَ عَلِیُ بنُ أبی طالِبٍ علیه السلام فَقالَ : یا رَسُولَ اللّهِ بِأبی أنتَ وَأُمّی ، کَیفَ یَقُولُها مُخلِصا لا یَخلِط مَعَها غَیرَها؟ فَسِّرْ لَنا هذا حَتّی نَعرِفَهُ .

فَقالَ : نَعَم ؛ حِرصا عَلَی الدُّنیا ، وَجَمعا لَها مِن غَیرِ حِلِّها ، وَرِضیً بِها ، وَأقوامٌ یَقُولُونَ أقاوِیلَ الأخیارِ وَیَعمَلُونَ عَمَلَ الجَبابِرَهِ وَالفُجّارِ . فَمَن لَقِیَ اللّهَ عز و جلوَلَیسَ فِیهِ شَیءٌ مِن هذِهِ الخِصالِ وَهُوَ یَقُولُ : «لا إلهَ إلّا اللّهُ» فَلَهُ الجَنَّهُ ، فَإن أخَذَ الدُّنیا وَتَرَکَ الآخِرَهَ فَلَهُ النّارُ . (1)رسول اللّه صلی الله علیه و آله :ما قالَ عَبدٌ «لا إلهَ إلّا اللّهُ» قَطّ مُخلِصا إلّا فُتِحَت لَهُ أبوابُ السَّماءِ ، حَتّی تُفضِیَ (2) إلَی العَرشِ ما اجتَنَبَ الکَبائِرَ . (3)48.عنه صلی الله علیه و آله :مَن قالَ : «لا إلهَ إلّا اللّهُ» لا یَتَّخِذُها جُنَّهً (4) لِشَیءٍ مِنَ الکَبائِرِ یَرتَکِبُهُ فَهُوَ مِن أهلِ الجَنَّهِ جَزما. (5)سنن سعید بن منصور عن مجاهد :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله حِینَ خَرَجَ إلی تَبُوکَ : لا یَخرُج مَعَنا إلّا مُقَوٍّ (6) . فَخَرَجَ رَجُلٌ عَلی بَکرٍ لَهُ صَعبٍ ، فَوَقَصَ (7) بِهِ فَماتَ ، فَقالَ النّاسُ : اَلشَّهِیدُ الشَّهِیدُ ! فَأمَرَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله بِلالاً یُنادِی : أَلا لا تَدخُلُ الجَنَّهَ إلّا نَفسٌ مُؤمِنَهٌ ، وَلا یَدخُلُها عاصٍ . (8) .

1- .ثواب الأعمال : ص 331 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 360 ح 30 وراجع : نوادر الأصول : ج 1 ص 47 وشعب الإیمان : ج 7 ص 338 ح 499 وکنز العمّال : ج 1 ص 50 ح 146.
2- .أفْضی : أی وصل إلیه (لسان العرب : ج 15 ص 157 «فضا»).
3- .سنن الترمذی : ج 5 ص 575 ح 3590 ، مشکاه المصابیح : ج 1 ص 711 ح 2314 ، الدرّ المنثور : ج 7 ص 493 نقلاً عن ابن مردویه ولیس فیه «ما اجتنب الکبائر» وکلّها عن أبی هریره ، کنز العمّال : ج 1 ص 423 ح 1815.
4- .الجُنَّهُ : الوِقَایَهُ (النهایه : ج 1 ص 308 «جنن»).
5- .معجم السفر : ص 448 ح 1531 .
6- .مُقَوٍ : أی ذو دابّهٍ قویّه (النهایه : ج 4 ص 127 «قوا»).
7- .وَقَصَتْ به : رَمَت به فَدَقّت عُنُقَه (المصباح المنیر : ص 668 «وقص»).
8- .سنن سعید بن منصور : ج 2 ص 194 ح 2494 ، المصنّف لعبد الرزّاق : ج 5 ص 177 ح 9294 و ص 270 ح 9573 کلاهما نحوه ، الدرّ المنثور : ج

6 ص 232.

49.ثواب الأعمال به نقل از ابو هریره و عبد اللّه بن عبّاس : پیامبر خدا فرمود : «ای مردم ! هر کس خدای عز و جلرا در حالی دیدار کند که از سرِ اخلاص ، گواهی دهد که معبودی جز خدای یکتا نیست و این اخلاصش را آمیخته به چیزی نگرداند ، به بهشت می رود» .

علی بن ابی طالب برخاست و گفت : ای پیامبر خدا ! پدر و مادرم به فدایت ! چگونه آن را با اخلاص بگوید و چیزی با آن نیامیزد؟ این را برایمان بیان نما تا بدانیم.

فرمود : «باشد . آزمندی به دنیا ، و گرد آوردن آن از ناروا ، و خرسندی نسبت به آن . مردمانی هستند که سخنان نیکان را می گویند ؛ امّا چون ستمگران و تباهکاران ، رفتار می کنند . پس هر که خدای عز و جل را دیدار کند و چیزی از این خصلت ها در او نباشد و بگوید : لا إله إلّا اللّه ، به بهشت می رود ، و اگر دنیا را گرفت و آخرت را رها کرد ، دوزخی خواهد بود» .پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ بنده ای هرگز از روی اخلاص ، «لا إله إلّا اللّه » نمی گوید ، مگر آن که درهای آسمان به رویش باز می شوند تا آن که این کلمه به عرش رسد ، البتّه تا آن گاه که از گناهان بزرگ ، دوری کرده باشد.50.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس بگوید : «لا إله إلّا اللّه » و آن را سپری برای ارتکاب چیزی از گناهان بزرگ قرار ندهد ، قطعا اهل بهشت است.سنن سعید بن منصور به نقل از مجاهد : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله زمانی که ره سپار تبوک شد ، فرمود : «فقط کسی با ما بیاید که مرکبی نیرومند دارد» .

مردی سوار بر اشتری جوان و سرکش ، ره سپار شد . اشتر ، او را زمین زد و گردنش شکست و مُرد . مردم گفتند : شهید ! شهید !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به بلال فرمود که بانگ زند : «بدانید که تنها انسان مؤمن ، به بهشت می رود و نافرمان ، وارد آن نمی شود». .

ه علامه الإخلاص طاعه اللّه ورسوله وولايه أهل البيت عليهم السلامالأمالى للطوسى عن جابر بن عبد اللّه الأنصارى :جاءَ أعرابِىٌ إِلَى النَّبِىِ صلى الله عليه و آله فَقالَ : يا رَسُولَ اللّهِ ، هَل لِلجَنَّهِ مِن ثَمَنٍ؟ قالَ : نَعَم. قالَ : ما ثَمَنُها؟ قالَ : «لا إِلَهَ إِلّا اللّهُ» يَقُولُها العَبدُ الصّالِحُ مُخلِصا بِها . قالَ : وَما إِخلاصُها؟ قال : اَلعَمَلُ بِما بُعِثتُ بِهِ فِى حَقِّهِ وَحُبُّ أَهلِ بَيتِى. قالَ : وَحُبُّ أَهلِ بَيتِكِ لَمِن حَقِّها؟ قالَ : أَجَل إِنَّ حُبَّهُم لَأعظَمُ حَقِّها . (1)52.التوحيد عن إسحاق بن راهويه :لَمّا وافَى أَبُو الحَسَنِ الرِّضا عليه السلام بِنَيسابُورَ وَأَرادَ أَن يَخرُجَ مِنها إِلى المَأمُونِ ، اجتَمَعَ إِلَيهِ أَصحابُ الحَدِيثِ فَقالُوا لَهُ : يَابنَ رَسُولِ اللّهِ ، تَرحَلُ عَنّا وَلا نُحَدِّثُنا بِحَدِيثٍ فَنَستَفِيدَهُ مِنکَ؟ وَكانَ قَد قَعَدَ فِى العَمّارِيَّهِ فَأَطلَعَ رَأسَهُ ، وَقالَ : سَمِعتُ أَبِى مُوسَى بنَ جَعفرٍ يَقُولُ : سَمِعتُ أَبِى جَعفَر بنَ مُحَمَّدٍ يَقُولُ : سَمِعتُ أَبِى مُحَمَّدَ بنَ عَلِيٍ يَقُولُ : سَمِعتُ أَبِى عَلِىَ بنَ الحُسَينِ يَقُولُ : سَمِعتُ أَبِى الحُسَينَ بنَ عَلِيِ بنِ أَبِى طالِبٍ يَقُولُ : سَمِعتُ أَبِى أَمِيرَ المُؤمِنِينَ عَلِىَّ بنَ أَبِى طالِبٍ عليهم السلام يَقُولُ : سَمِعتُ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقُولُ : سَمِعتُ جَبرَئِيلَ عليه السلام يَقُولُ : سَمِعتُ اللّهَ جَلَّ جَلالُهُ يَقُولُ : «لا إِلهَ إِلّا اللّهُ» حِصنِى ، فَمَن دَخَلَ حِصنِى أَمِنَ مِن عَذابِى .

قالَ : فَلَمّا مَرَّتِ الرّاحِلَهُ نادانا : بِشُرُوطِها وَأَنا مِن شُرُوطِها . (2) .

1- .الأمالى للطوسى : ص 583 ح 1207 ، بحار الأنوار : ج 27 ص 133 ح 129.

2- .التوحيد : ص 25 ح 23 ، معانى الأخبار : ص 371 ح 1 ، ثواب الأعمال : ص 21 ح 1 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 135 ، الأمالى للصدوق : ص 306 ح 349 ، بشاره المصطفى : ص 269 ، بحار الأنوار : ج 3 ص 7 ح 16.

ه نشانه اخلاص ، فرمانبری از خدا و پیامبر او و ولایت اهل بیت علیهم السلام است

ه نشانه اخلاص ، فرمانبری از خدا و پیامبر او و ولایت اهل بیت علیهم السلام است53.الأمالی ، طوسی به نقل از جابر بن عبد اللّه انصاری : بادیه نشینی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! آیا بهشت ، بهایی دارد [که باید آن را پرداخت] ؟

فرمود : «آری» .

گفت : بهایش چیست؟

فرمود : « ذکر لا إله إلّا اللّه که بنده درستکار ، از سرِ اخلاص بگوید» .

گفت : اخلاصش چیست؟

فرمود : «به کار بستن آنچه من برایش فرستاده شده ام با شرایطش ، و دوست داشتن اهل بیت من» .

بادیه نشین گفت : دوست داشتن اهل بیت تو ، از شرایط آن است؟

فرمود : «آری ؛ دوست داشتن آنان ، بزرگ ترین شرط آن است» .التوحید به نقل از اسحاق بن راهویه : چون امام رضا علیه السلام به نیشابور رسید و خواست از آن جا به سوی مأمون روانه شود ، اهل حدیث ، نزد ایشان گرد آمدند و گفتند : ای فرزند پیامبر خدا ! از نزد ما می روید و حدیثی برایمان نمی گویید که از شما بهره مند شویم؟

امام علیه السلام که در کجاوه نشسته بود ، سرش را بیرون آورد و فرمود : «از پدرم موسی بن جعفر شنیدم که می فرماید : از پدرم جعفر بن محمّد شنیدم که می فرماید : از پدرم محمّد بن علی شنیدم که می فرماید : از پدرم علی بن الحسین شنیدم که می فرماید : از پدرم حسین بن علی بن ابی طالب شنیدم که می فرماید : از پدرم امیر مؤمنان علی بن ابی طالب شنیدم که می فرماید : از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرماید : از جبرئیل شنیدم که می فرماید : از خداوند عز و جلشنیدم

که می فرماید : لا إله إلّا اللّه ، دژ من است . پس هر که به دژ من وارد شود ، از عذابم در امان خواهد بود » .

چون اُشتر حرکت کرد ، امام علیه السلام صدا زد : «البتّه با شرط هایش ، و من ، یکی از شرط های آن هستم».

.

54.الأمالى للطوسى عن أبى الصّلت الهروىّ عن الإمام الرّضا عن آبائه عليهم السلامعن رسول اللّه صلى الله عليه و آله : أَخبَرَنِى جَبرَئِيلُ الرُّوحُ الأَمِينُ عَنِ اللّهِ تَقَدَّسَت أَسماؤُهُ وَجَلَّ وَجهُهُ قالَ : إِنِّى أَنَا اللّهُ لا إِلهَ إِلّا أَنا وَحدِى ، عِبادِى فَاعبُدُونِى ، وَليَعلَم مَن لَقِيَنِى مِنكُم بِشَهادَهِ أَن لا إِلَهَ إِلّا اللّهُ مُخلِصا بِها ، إِنَّه قَد دَخَلَ حِصنِى ، وَمَن دَخَلَ حِصنِى أَمِنَ عَذابِى .

قالُوا : يَابنَ رَسُولِ اللّهِ ، وَما إِخلاصُ الشَّهادَهِ للّهِ؟ قالَ : طَاعَهُ اللّهِ وَرَسُولِهِ وَوَلايَهُ أَهلِ بَيتِهِ عليهم السلام . (1)عوالى اللآلى :رُوِىَ أَنَّ الرِّضا عليه السلام لَمّا تَوَجَّهَ مِن خُراسانَ مُنصَرِفا إِلَى الحِجازِ فِى قَدمَتِهِ الأُولى حَضَرَهُ جَماعَهُ العُلَماءِ وَالفُضَلاءِ مِن أَهلِ خُراسانَ وَغَيرِهِم وَكانَ قَد رَكِبَ فِى العَمّارِيَّهِ ، فَاحتَوَلُوهُ وَقالُوا : يَابنَ رَسُولِ اللّهِ أَتُفارِقُنا وَلا تُفِيدُنا مِن عِلمِكَ شَيئا؟ أَلا تُحَدِّثُنا بِحَدِيثٍ نَنتَفِعُ بِهِ فِى دِينِنا؟ فَأَطلَعَ عليه السلام رَأسَهُ مِنَ العَمّارِيَّهِ حَتّى أَشرَفَ عَلَيهِم ، وَقالَ : حَدَّثَنى أَبِى عَن أَبِيهِ عَن جَدِّهِ رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله أَنَّهُ قالَ : إِنَّ اللّهَ عز و جليَقُولُ : الإِيمانُ حِصنِى ، وَمَن دَخَلَ حِصنِى أَمِنَ مِن عَذابِى . وَمَن قالَ : «لا إِلهَ إِلّا اللّهُ» مُخلِصا دَخَلَ الجَنَّهَ .

ثُمَّ ضَرَبَ راحِلَتَهُ وَسارَ قَلِيلاً وَالنّاسُ خَلفَهُ ، ثُمَّ التَفَتَ إِلَيهِم ، ثُمَّ قالَ : بِشَرطِها وَشُرُوطِها وَأَنا مِن شُرُوطِها . (2)7 / 5الإِيمانُ وَالعَمَلُ الصّالِحُالكتاب«وَمَن يَعْمَلْ مِنَ الصَّلِحَتِ مِن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُوْلَائِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّهَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا ». (3)

.

1- .الأمالى للطوسى : ص 589 ح 1220 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 75 ، أعلام الدين : ص 214 ، بحار الأنوار : ج 3 ص 14 ح 39.
2- .عوالى اللآلى : ج 4 ص 94 ح 134.
3- .النساء : 124.

7 / 5 ایمان و کردار نیک

57.الأمالی ، طوسی به نقل از ابو صَلت هَرَوی ، از امام رضا ، از پدرانش علیهم السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «جبرئیل ، روح الأمین ، از جانب خداوند که نام هایش پاک و رویش بِشکوه است به من خبر داد که فرمود : منم خدا . معبودی جز منِ یگانه نیست . بندگانم ! پس مرا بندگی کنید . هر یک از شما بداند که چنانچه مرا با شهادت خالصانه لا إله إلّا اللّه ، دیدار کند ، به دژ من وارد شده است و هر که به دژ من وارد شود ، از عذابم در امان خواهد بود » .

گفتند : ای فرزند پیامبر خدا ! نشانه اخلاص در شهادت دادن به یگانگی خدا چیست؟

فرمود : «فرمان بردن از خدا و پیامبر او و ولایت اهل بیتش » .عوالی اللآلی : روایت شده است که امام رضا علیه السلام چون در سفر نخستش ، (1) عازم بازگشت از خراسان به حجاز شد ، جماعت علما و فضلای خراسان و غیر خراسان ، نزد ایشان که در کجاوه سوار بود رفتند و ایشان را در میان گرفتند و گفتند : ای فرزند پیامبر خدا ! آیا ما را ترک می گویی و از دانش خود ، بهره ای به ما نمی رسانی؟ آیا حدیثی برای ما نمی گویی که در دین خویش ، از آن سود بریم؟

امام علیه السلام سرش را از کجاوه بیرون آورد ، چندان که بر آنان مشرف شد و فرمود : «پدرم از پدرش از جدّش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برایم حدیث کرد که فرمود : خدای عز و جلمی فرماید : ایمان ، دژ من است و هر کس وارد دژ من شود ، از عذابم ایمن خواهد بود ، و هر کس با اخلاص ، لا إله إلّا اللّه بگوید ، به بهشت می رود » .

آن گاه امام علیه السلام اشترش را هی زد و اندکی حرکت نمود و مردم ، پشت سر او حرکت می کردند . سپس رو به آنان کرد و فرمود : «البتّه با شرط و شروط آن ، و من از شرط های آن هستم» .7 / 5ایمان و کردار نیکقرآن«و هر کس ، از مرد یا زن ، کارهای نیک کند و مؤمن هم باشد ، آنان به بهشت می روند و به قدر گودی پشتِ هسته خرمایی هم به آنان ستم نخواهد شد».

.

1- .از روایت ، چنین پیداست که امام رضا علیه السلام دو سفر به خراسان داشته و چندین بار از نیشابور ، عبور کرده است.

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله :بَخٍ بَخٍ لِخَمسٍ ! مَن لَقِىَ اللّهَ مُستَيقِنا بِهِنَّ دَخَلَ الجَنَّةَ : يُؤمِنُ بِاللّهِ ، وَاليَومِ الآخِرِ ، وَبِالجَنَّةِ وَالنّارِ ، وَالبَعثِ بَعدَ المَوتِ ، وَالحِسابِ . (1)61.عنه صلى الله عليه و آله :وَالَّذِى نَفسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ ! مامِن عَبدٍ يُؤمِنُ بِاللّهِ وَاليَومِ الآخِرِ ثُمَّ يُسَدِّدُ (2) إلّا سَلَكَ فِى الجَنَّةِ . (3)عنه صلى الله عليه و آله لِعَبدِ اللّهِ بنِ سَلامٍ لَمّا قالَ لَهُ : أخبِرنِى عَن أهلِ الجَنَّةِ يَدخُلُونَ فِيها بِالإِسلامِ أو بِالإِيمانِ أو بِالعَمَلِ؟ : مِنهُم مَن يَدخُلُ بِالثَّلاثَةِ ؛ يَكُونُ مُسلِما مُؤمِنا عامِلاً فَيَدخُلُ الجَنَّةَ بِثَلاثَةِ أعمالٍ .

أَو يَكُونُ نَصرانِيّا أَو يَهُودِيّا أَو مَجُوسِيّا فَيُسلِمُ بَينَ الصَّلاتَينِ ، وَيُؤمِنُ بِاللّهِ ، وَيَخلَعُ الكُفرَ مِن قَلبِهِ ، فَيَمُوتُ عَلى مَكانِهِ وَلَم يُخَلِّف مِنَ الأعمالِ شَيئا فَيَكُونُ مِن أهلِ الجَنَّةِ ، فَذَلِكَ إِيمانٌ بِلا عَمَلٍ .

وَيَكُونُ يَهُودِيّا أَو نَصرانِيّا يَتَصَدَّقُ وَيُنفِقُ فِى غَيرِ ذاتِ اللّهِ ، فَهُوَ عَلَى الكُفرِ وَالضَّلالَةِ ، يَعبُدُ المَخلُوقَ مِن دُونِ الخالِقِ ، فَإِذا ماتَ عَلى دِينِهِ كانَ فَوقَ عَمَلِهِ فِى النّارِ يَومَ القِيامَةِ ، لِأَنَّ اللّهَ لا يَتَقَبَّلُ إِلّا مِنَ المُتَّقِينَ . (4) .

1- .مسند ابن حنبل : ج 5 ص 320 ح 15662 و ج 6 ص 311 ح 18098 ، تفسير ابن كثير : ج 5 ص 159 ، كنز العمّال : ج 15 ص 886 ح 43510.
2- .يُسَدِّد : أى يَقتصِد، فلا يَغلو ولا يُسرف (النهايه : ج 2 ص 352 «سدد»).
3- .مسند ابن حنبل : ج 5 ص 479 ح 16216 ، صحيح ابن حبّان : ج 1 ص 445 ح 212 وليس فيه «واليوم الآخر» وكلاهما عن أبى بكر ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1432 ح 4285 ، المعجم الكبير : ج 5 ص 50 ح 4557 كلاهما عن رفاعه الجهنى نحوه ، كنز العمّال : ج 10 ص 477 ح 30147.
4- .الاختصاص : ص 43 ، بحار الأنوار : ج 9 ص 337 ح 20 .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بَه بَه از پنج چیز که هر کس با یقین به آنها خداوند را دیدار کند ، به بهشت می رود : ایمان به خدا و روز قیامت ، و بهشت و دوزخ ، و زنده شدن پس از مرگ ، و حسابرسی.63.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سوگند به آن که جان محمّد در دست اوست ، هر بنده ای که به خدا و آخرت ، ایمان بیاورد و سپس راه درست را در پیش گیرد ، بی گمان به بهشت می رود.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ به عبد اللّه بن سلام که گفت : مرا از اهل بهشت خبر دهید که آیا با اسلام ، به بهشت می روند ، یا با ایمان ، یا با عمل : از آنان ، یکی به واسطه هر سه اینها به بهشت می رود : هم مسلمان است ، هم مؤمن و هم اهل عمل . پس با سه کار ، به بهشت می رود.

یا این که نصرانی یا یهودی و یا مجوسی است و مابین دو نماز ، مسلمان می شود و به خدا ایمان می آورد و کفر را از دلش می کَند و در همان جا می میرد ، در حالی که چیزی از اعمال را به جا نیاورده است . چنین کسی اهل بهشت است ، و این ، ایمان بدون عمل است.

دیگری ، یهودی یا نصرانی است که صدقه می دهد و انفاق می کند ؛ امّا نه برای خدا . چنین کسی در کفر و گم راهی است . او مخلوق را به جای خالق می پرستد . چنین کسی اگر بر همان دینش بمیرد ، روز قیامت بر فراز عملش در آتش خواهد بود ؛ چرا که خداوند ، [اعمال را] تنها از پرهیزگاران می پذیرد. .

64.عنه صلى الله عليه و آله :يُوضَعُ المِيزانُ يَومَ القِيامَهِ ، فَتُوزَنُ الحَسَناتُ وَالسَّيِّئاتُ ، فَمَن رَجَحَت حَسَناتُهُ مِثقالَ صُؤَابَهٍ (1) دَخَلَ الجَنَّهَ ، وَمَن رَجَحَت سَيِّئاتُهُ عَلى حَسَناتِهِ مِثقالَ صُؤَابَهٍ دَخَلَ النّارَ . (2)عنه صلى الله عليه و آله :يَقُولُ اللّهُ : يا آدَمُ ! قَد جَعَلتُکَ حَکَما بَينِى وَبَينَ ذُرِّيَّتِکَ ، قُم عِندَ المِيزانِ فَانظُر ما يُرفَعُ إِلَيکَ مِن أَعمالِهِم ، فَمَن رَجَحَ مِنهُم خَيرُهُ عَلى شَرِّهِ مِثقالَ ذَرَّهٍ فَلَهُ الجَنَّهُ ، حَتَّى تَعلَمَ أَنِّى لا أُدخِلُ مِنهُمُ النّارَ إِلّا ظالِما . (3)65.الإمام علىّ عليه السلام :عَلَيکُم بِإِخلاصِ الإِيمانِ ، فَإِنَّهُ السَّبِيلُ إِلَى الجَنَّهِ ، وَالنَّجاهُ مِنَ النّارِ . (4)عنه عليه السلام :ثَمَنُ الجَنَّهِ العَمَلُ الصّالِحُ . (5)66.عنه عليه السلام :عَلَيکَ بِصالِحِ العَمَلِ ، فَإِنَّهُ الزّادُ إِلَى الجَنَّهِ . (6)عنه عليه السلام :بِالعَمَلِ تَحصُلُ الجَنَّهُ لا بِالأَمَلِ . (7)67.عنه عليه السلام :لَن يَفُوزَ بِالجَنَّهِ إِلّا السّاعِى لَها . (8) .

1- .الصؤابه : بيضه البرغوث والقمل ، والصؤاب من الذهب : الدقاق (المحيط فى اللغه : ج 8 ص 205 «صأب») .
2- .تاريخ دمشق : ج 14 ص 313 ح 3585 ، تفسير القرطبى : ج 7 ص 211 ، فتح البارى : ج 13 ص 539 وفيه «مثقال حبّه خردل» فى كلا الموضعين ، كنز العمّال : ج 14 ص 383 ح 39025 نقلاً عن ابن عساكر ، الدرّ المنثور : ج 3 ص 419 نقلاً عن أبى الشيخ وليس فيه «مثقال صؤابه» فى كلا الموضعين وكلّها عن جابر بن عبد اللّه الأنصارىّ .
3- .المعجم الصغير : ج 2 ص 31 ، نوادر الأُصول : ج 2 ص 7 ، تاريخ دمشق : ج 7 ص 454 ح 2052 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 14 ص 644 ح 39768 .
4- .غرر الحكم : ح 6167 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 342 ح 5845 .
5- .غرر الحكم : ح 4698 .
6- .غرر الحكم : ح 6107 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 335 ح 5732 .
7- .غرر الحكم : ح 4297 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 189 ح 3889 وفيه «بحُسن العمل ...» .
8- .غرر الحكم : ح 7403 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 407 ح 6887 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روز قیامت ، ترازو[ی اعمال] را نصب و خوبی ها و بدی ها را وزن می کنند . پس هر که خوبی هایش به اندازه تخم شپشی [از بدی هایش]سنگین تر باشد ، به بهشت می رود و هر کس بدی هایش به اندازه تخم شپشی از خوبی هایش سنگین تر باشد ، به دوزخ می رود .68.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدا می فرماید : «ای آدم! من تو را میان خودم و فرزندانت داور قرار می دهم . کنار ترازو بایست و بنگر که کدام کفه اعمال آنها ، به طرف تو بالا می آید . هر یک از آنها که خوبی هایش به وزن ذرّه ای بر بدی هایش سنگینی کرد ، بهشتی است ؛ تا بدانی که من ، تنها آن کس از ایشان را به آتش می برم که [به خودش] ستم کرده است» .امام علی علیه السلام :ایمان را خالص گردانید ، که این ، راه رسیدن به بهشت و رهیدن از آتش است .69.امام علی علیه السلام :بهای بهشت ، کردار نیک است.امام علی علیه السلام :بر تو باد کردار نیک ؛ چرا که ره توشه بهشت است.70.امام علی علیه السلام :بهشت ، با تلاش به دست می آید ، نه با آرزو.امام علی علیه السلام :هرگز به بهشت دست نمی یابد ، مگر آن که برایش بکوشد. .

71.عنه علیه السلام :لا تَحصُلُ الجَنَّهُ بِالتَّمَنِّی . (1)عنه علیه السلام :طَلَبُ الجَنَّهِ بِلا عَمَلٍ حُمقٌ . (2)72.عنه علیه السلام :اِعمَلُوا لِلجَنَّهِ عَمَلَها ؛ فَإِنَّ الدُّنیا لَم تُخلَق لَکُم دارَ مُقامٍ بَل خُلِقَت لَکُم مَجازا (3) ، لِتَزَوَّدُوا مِنها الأَعمالَ إِلی دارِ قَرارٍ . (4)عنه علیه السلام :مَن أَقرَبُ إِلَی الجَنَّهِ مِن عامِلِها ؟ وَمَن أَقرَبُ إِلَی النّارِ مِن عامِلِها ؟ (5)73.عنه علیه السلام :اَلجَنَّهُ جَزاءُ المُطِیعِ . (6)الأمالی للمفید عن داوود بن فرقد :سَمِعتُ أَبا عبدِ اللّهِ جَعفَرَ بنَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُ اللّهِ عَلَیهِما یَقُولُ :

إِنَّ العَمَلَ الصّالِحَ لَیَذهَبُ إِلَی الجَنَّهِ فَیُمَهِّدُ لِصاحِبِهِ کَما یَبعَثُ الرَّجُلُ غُلامَهُ فَیَفرُشُ لَهُ . ثُمَّ قَرَأَ : «وَأَمَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ فَلِأَنفُسِهِم یَمهَدُونَ» (7) . (8)74.الإمام الصادق علیه السلام :یَأتِی یَومَ القِیامَهِ شَیءٌ مِثلَ الکُبَّهِ (9) فَیَدفَعُ فِی ظَهرِ المُؤمِنِ ، فَیُدخِلُهُ الجَنَّهَ . فَیُقالُ : هَذا البَرُّ . (10) .

1- .غرر الحکم : ح 10566 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 533 ح 9733 .
2- .غرر الحکم : ح 5991 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 317 ح 5531 .
3- .مَجَازا : أی طَریقا ومسلکا (الصحاح : ج 3 ص 871 «جوز») .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 132 .
5- .نهج البلاغه : الکتاب 27 ، الأمالی للمفید : ص 263 ح 3 ، معانی الأخبار : ص 263 ح 3 ، الأمالی للطوسی : ص 27 ح 31 والثلاثه الأخیره عن أبی إسحاق الهمدانی ، الغارات : ج 1 ص 237 عن عبایه ، تحف العقول : ص 178 وفیه «أهلها» بدل «عاملها» فی الموضع الثانی ، بحار الأنوار : ج 33 ص 581 ح 726 .
6- .غرر الحکم : ح 417 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 33 ح 607 .
7- .هذا المضمون اقتبسه الإمام علیه السلام من الآیه 44 من سوره الروم .
8- .الأمالی للمفید : ص 195 ح 26 ، الزهد للحسین بن سعید : ص 21 ح 46 وفیه «فیسهّل» بدل «فیمهّد» ، عدّه الداعی : ص 217 کلّها عن داوود بن فرقد ، مجمع البیان : ج 8 ص 481 عن منصور بن حازم وکلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 8 ص 197 ح 189 .
9- .مثل الکُبّه : أی الدَّفْعه والصدمه ، أو مثل کُبّه الغزل فی الصغر أو مثل البعیر فی الکبر (بحار الأنوار : ج 74 ص 44) .

10- .الكافى : ج 2 ص 158 ح 3 عن سيف ، بحار الأنوار : ج 74 ص 44 ح 4 .

امام علی علیه السلام :بهشت با آرزو به دست نمی آید.75.امام علی علیه السلام :طلبیدن بهشت بدون عمل ، حماقت است.امام علی علیه السلام :برای بهشت ، کار کنید ؛ چرا که دنیا برای اقامت دائمیِ شما آفریده نشده است ؛ بلکه برایتان گذرگاهی آفریده شده تا از آن برای اقامتگاهتان توشه عمل بردارید.76.امام علی علیه السلام :چه کسی به بهشت ، نزدیک تر از عمل کننده برای آن است؟ و چه کسی به دوزخ ، نزدیک تر از عمل کننده برای آن است ؟امام علی علیه السلام :بهشت ، پاداشِ فرمان برداران است.77.الأمالی ، مفید به نقل از داوود بن فرقد : از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرماید: «کردار نیک ، [پیشاپیش]به بهشت می رود و برای صاحب خود ، تدارک می بیند ، چنان که شخص ، غلام خود را جلوتر می فرستد و او برایش فرش می گستراند» .

ایشان ، سپس خواند : «و کسانی که ایمان آورده و کارهای نیک کرده اند ، برای خودشان آماده می کنند» . (1)امام صادق علیه السلام :در روز قیامت ، چیزی شبیه گلوله نخ می آید و به پشت مؤمن می زند و او را داخل بهشت می کند . پس گفته می شود : «این ، همان نیکی (2) است». .

1- .این عبارت ، اقتباس امام علیه السلام از آیه 44 سوره روم است .
2- .ظاهرا مراد ، نیکی کردن به والدین و اطاعت کردن از آنهاست.

7 / 6وَلايَهُ أَهلِ البَيتِ عليهم السلامرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن كانَ آخِرُ كَلامِهِ الصَّلاهَ عَلَىَّ وعَلى عَلِىٍّ دَخَلَ الجَنَّهَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :اَلحَسَنُ وَالحُسَينُ اِبناىَ ، مَن أَحَبَّهُما أَحَبَّنى ، وَمَن أَحَبَّنى أَحَبَّهُ اللّهُ ، وَمَن أَحَبَّهُ اللّهُ أَدخَلَهُ الجَنَّهَ ، وَمَن أَبغَضَهُما أَبغَضَنِى ، وَمَن أَبغَضَنى أَبغَضَهُ اللّهُ ، وَمَن أَبغَضَهُ اللّهُ أَدخَلَهُ النّارَ . (2)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :اِلزَمُوا مَوَدَّتَنا أَهلَ البَيتِ ، فَإِنَّهُ مَن لَقِىَ اللّهَ عز و جل وَهُوَ يُحِبُّنا دَخَلَ الجَنَّهَ بِشَفاعَتِنا ، وَالَّذِى نَفسِى بِيَدِهِ ! لا يَنتَفِعُ عَبدٌ بِعَمَلِهِ إِلّا بِمَعرِفَتِهِ بِحَقِّنا . (3)

الإمام علىّ عليه السلام :إِنَّما الأَئِمَّهُ قُوّامُ اللّهِ عَلى خَلقِهِ ، وَعُرَفاؤُهُ عَلى عِبادِهِ ، وَلا يَدخُلُ الجَنَّهَ إِلّا مَن عَرَفَهُم وَعَرَفُوهُ ، وَلا يَدخُلُ النّارَ إِلّا مَن أَنكَرَهُم وَأَنكَرُوهُ . (4)

الإمام الباقر عليه السلام :نَحنُ السِّراجُ لِمَنِ استَضاءَ بِنا ، وَنَحنُ السَّبِيلُ لِمَنِ اقتَدى بِنا ، وَنَحنُ الهُداهُ إِلَى الجَنَّهِ ، وَنَحنُ عُرى الإِسلامِ ، وَنَحنُ الجُسُورُ وَالقَناطِرُ ، مَن مَضى عَلَيها لَم يُسبَق وَمَن تَخَلَّفَ عَنها مُحِقَ (5) . (6)

.

1- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 64 ح 273 عن الحسن بن عبد اللّه بن محمّد الرازى التميمى ، وسائل الشيعه : ج 4 ص 1216 ح 9110 .
2- .المستدرک على الصحيحين : ج 3 ص 181 ح 4776 عن سلمان ، كنز العمّال : ج 12 ص 120 ح 34286 ؛ إعلام الورى : ج 1 ص 432 عن سلمان .
3- .الأمالى للمفيد : ص 13 ح 1 ، المحاسن : ج 1 ص 135 ح 169 كلاهما عن ابن أبى ليلى عن الإمام الحسين عليه السلام ، الأمالى للطوسى : ص 187 ح 314 ، المناقب للكوفى : ج 2 ص 100 ح 587 كلاهما عن أبى ليلى عن الإمام الحسين عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، شرح الأخبار : ج 1 ص 445 ح 120 عن الإمام الحسن عليه السلام عنه صلى الله

عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 27 ص 101 ح 63 ؛ المعجم الأوسط : ج 2 ص 360 ح 2230 عن الإمام الحسن عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 152 ، غرر الحكم : ح 3911 ، تفسير نور الثقلين : ج 2 ص 33 ح 129 نقلاً عن كشف المحجّه نحوه ، بحار الأنوار : ج 24 ص 255 ح 20.
5- .المَحْقُ : النقص والمحو والإبطال (النهايه : ج 4 ص 303 «محق») .
6- .كمال الدين : ص 206 ح 20 ، الأمالى للطوسى : ص 654 ح 1354 ، بصائر الدرجات : ص 63 ح 10 ، المناقب لابن شهرآشوب : ج 4 ص 207 كلّها عن خيثمه الجعفى ، بحار الأنوار : ج 26 ص 248 ح 18.

7 / 6 ولایت اهل بیت علیهم السلام

7 / 6ولایت اهل بیت علیهم السلامپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس آخرین سخنش ، صلوات بر من و بر علی باشد ، وارد بهشت می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :حسن و حسین ، فرزندان من اند . هر که آن دو را دوست بدارد ، مرا دوست داشته است و هر که مرا دوست بدارد ، خدا او را دوست می دارد و هر که خدا دوستش بدارد ، او را به بهشت می برد ، و هر که آن دو را دشمن بدارد ، مرا دشمن داشته است و هر که مرا دشمن بدارد ، خدا او را دشمن می دارد و هر که خدا دشمنش بدارد ، او را به دوزخ می برد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به دوستی با ما خاندان ، چنگ زنید ؛ زیرا هر کس خدای عز و جل را در حالی دیدار کند که ما را دوست دارد ، با شفاعت ما به بهشت می رود . سوگند به آن که جانم در دست اوست ، هیچ بنده ای از کردار خود بهره مند نمی شود ، مگر با اعتقاد داشتن به حقّانیت ما.

امام علی علیه السلام :امامان ، در حقیقت ، سرپرستان خدا بر خلق او ، و پیشکاران او در میان بندگانش هستند . به بهشت نمی رود ، مگر کسی که آنها را بشناسد و آنان او را بشناسند ، و به دوزخ نمی رود ، مگر کسی که ایشان را انکار کند و ایشان او را انکار کنند.

امام باقر علیه السلام :ما برای کسی که از ما روشنی بجوید ، چراغیم . ما برای آن که از ما پیروی کند ، راهیم . ما راه نمایان به سوی بهشتیم . ما دستگیره های اسلامیم . ما پُل و گذرگاهیم ، که هر کس بر آن بگذرد ، عقب نمی ماند و هر کس بر آن نگذرد ، نابود می شود.

.

الإمام الصادق عليه السلام فِی وَصِیَّتِهِ لِعَبدِ اللّهِ بنِ جُندَبٍ : یَابنَ جُندَبٍ ، لا تَقُل فِی المُذنِبِینَ مِن أَهلِ دَعوَتِکُم إِلّا خَیرا ، وَاستَکِینُوا إِلَی اللّهِ فِی تَوفِیقِهِم ، وَسَلُوا التَّوبَهَ لَهُم ، فَکُلُّ مَن قَصَدَنا وَوالانا وَلَم یُوالِ عَدُوَّنا وَقالَ ما یَعلَمُ ، وَسَکَتَ عَمّا لا یَعلَمُ أو أشکَلَ عَلَیهِ ، فَهُوَ فِی الجَنَّهِ . (1)

عنه علیه السلام :مَن أَقامَ فَرائِضَ اللّهِ ، وَاجتَنَبَ مَحارِمَ اللّهِ ، وَأَحسَنَ الوَلایَهَ لِأَهلِ بَیتِ نَبِیِ اللّهِ ، وَتَبَرَّأَ مِن أَعداءِ اللّهِ عز و جل ، فَلیَدخُل مِن أَیِّ أَبوابِ الجَنَّهِ الثَّمانِیَهِ شاءَ . (2)

عنه علیه السلام :بَینا رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله فِی سَفَرٍ إِذ نَزَلَ فَسَجَدَ خَمسَ سَجَداتٍ ، فَلَمّا رَکِبَ قالَ لَهُ بَعضُ أَصحابِهِ : رَأَیناکَ یا رَسُولَ اللّهِ صَنَعتَ ما لَم تَکُن تَصنَعُهُ؟ قالَ : نَعَم ، أَتانِی جَبرَئِیلُ علیه السلام فَبَشَّرَنِی أَنَّ عَلِیّا فِی الجَنَّهِ ، فَسَجَدتُ شُکرا لِلّهِ تَعالی ، فَلَمّا رَفَعتُ رَأسِی قالَ : وَفاطِمَهُ فِی الجَنَّهِ ، فَسَجَدتُ شُکرا لِلّهِ تَعالی ، فَلَمّا رَفَعتُ رَأسِی قالَ : وَالحَسَنُ وَالحُسَینُ سَیِّدا شَبابِ أَهلِ الجَنَّهِ ، فَسَجَدتُ شُکرا لِلّهِ تَعالی ، فَلَمّا رَفَعتُ رَأسِی قالَ : وَمَن یُحِبُّهُم فِی الجَنَّهِ ، فَسَجَدتُ لِلّهِ تَعالی شُکرا، فَلَمّا رَفَعتُ رَأسِی قالَ : وَمَن یُحِبُّ مَن یُحِبُّهُم فِی الجَنَّهِ ، فَسَجَدتُ شُکرا لِلّهِ تَعالی. (3)

.

1- .تحف العقول : ص 302 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 280 ح 1.
2- .الأمالی للصدوق : ص 561 ح 752 ، بشاره المصطفی : ص 176 کلاهما عن أبی بصیر ، بحار الأنوار : ج 27 ص 88 ح 37.
3- .الأمالی للمفید : ص 21 ح 2 عن أبی عبد الرحمن ، بحار الأنوار : ج 68 ص 111 ح 24 وراجع : الکافی : ج 2 ص 98 ح 24 .

امام صادق علیه السلام در سفارش به عبد اللّه بن جُندَب : ای پسر جُندَب ! در باره گنهکاران همکیشتان ، جز خوب مگو ، و از خدا برای آنان ، تقاضای توفیق کنید و درخواست توبه نمایید ؛ زیرا هر که به سوی ما بیاید و دوست ما باشد و دوستدار دشمن ما نباشد و چیزی را بگوید که می داند و از آنچه نمی داند یا فهمیدنش برای او مشکل است ، دم فرو بندد ، در بهشت است.

امام صادق علیه السلام :هر کس واجبات خدا را به جا آورَد و از حرام های خدا دوری کند و ولایت اهل بیت پیامبر خدا را به خوبی داشته باشد و از دشمنان خدا برائت جوید ، از هر دری از هشت درِ بهشت که بخواهد ، وارد می شود.

امام صادق علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در یکی از سفرهایش ، ناگاه از مرکب خود ، پایین آمد و پنج بار سجده کرد . چون سوار شد ، یکی از یارانش گفت : ای پیامبر خدا ! ما کاری از شما دیدیم که پیش تر چنان نکرده بودید؟ فرمود : «آری . جبرئیل علیه السلام نزدم آمد و مرا مژده داد که علی ، اهل بهشت است . من هم برای خدای بزرگ ، سجده شکر به جا آوردم . چون سرم را از سجده برداشتم ، جبرئیل گفت : فاطمه هم اهل بهشت است . پس دوباره برای خدای بزرگ ، سجده شکر به جا آوردم . چون سرم را برداشتم ، گفت : حسن و حسین هم سَرور جوانان اهل بهشت اند . باز برای خدای بزرگ ، سجده شکر به جا آوردم . چون سرم را برداشتم ، گفت : هر کس هم که ایشان را دوست داشته باشد ، اهل بهشت است . من باز برای خدای بزرگ ، سجده شکر به جا آوردم ، و چون سرم را برداشتم ، گفت : هر کس دوستدار آنان را دوست بدارد نیز اهل بهشت است . پس برای خدای بزرگ ، سجده شکر دیگری به جا آوردم» .

.

الكافى عن صباح بن سيّابه عن الإمام الصّادق عليه السلام :إِنَّ الرَّجُلَ لَيُحِبُّكُم وَما يَدرِى ما تَقُولُونَ فَيُدخِلُهُ اللّهُ عز و جل الجَنَّةَ ، وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيُبغِضُكُم وَما يَدرِى ما تَقُولُونَ فَيُدخِلُهُ اللّهُ عز و جل النّارَ ، وَإِنَّ الرَّجُلَ مِنكُم لَتُملَأُ صَحِيفَتُهُ مِن غَيرِ عَمَلٍ ، قُلتُ : وَكَيف يَكُونُ ذَلِکَ؟ قالَ : يَمُرُّ بِالقَومِ يَنالُونَ مِنّا ، فَإِذا رَأوهُ قالَ بَعضُهُم لِبَعضٍ : كُفُّوا ، فَإِنَّ هَذا الرَّجُلَ مِن شِيعَتِهِم ، وَيَمُرُّ بِهِمُ الرَّجُلُ مِن شِيعَتِنا فَيَهمِزُونَهُ وَيَقُولُونَ فِيهِ ، فَيَكتُبُ اللّهُ لَهُ بِذلِکَ حَسَناتٍ حَتّى يَملَأَ صَحِيفَتَهُ مِن غَيرِ عَمَلٍ . (1)

ع : أهل البيت عليهم السلام فى الكتاب والسنّه : (القسم الثامن : حقوق أهل البيت عليهم السلام) و(القسم التاسع : حبّ أهل البيت عليهم السلام) .

7 / 7أَداءُ الفَرائِضِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :سِتٌّ مَن عَمِلَ بِواحِدَهٍ مِنهُنَّ جادَلَت عَنهُ يَومَ القِيامَهِ حَتّى تُدخِلَهُ الجَنَّةَ ؛ تَقُولُ : أَى رَبِّ قَد كانَ يَعمَلُ بِى فِى الدُّنيا : اَلصَّلاهُ ، وَالزَّكاهُ ، وَالحَجُّ ، وَالصِّيامُ ، وَأَداءُ الأَمانَهِ ، وَصِلَهُ الرَّحِمِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :أَيُّها النّاسُ ! إِنَّهُ لا نَبِىَ بَعدِى ، وَلا أُمَّهَ بَعدَكُم ، أَلا فَاعبُدُوا رَبَّكُم ، وَصَلُّوا خَمسَكُم ، وَصُومُوا شَهرَكُم ، وَحُجُّوا بَيتَ رَبِّكُم ، وَأَدُّوا زَكاهَ أَموالِكُم طَيِّبَهً بِها أَنفُسُكُم ، وَأَطِيعُوا وَلاهَ أَمرِكُم ، تَدخُلُوا جَنَّهَ رَبِّكُم . (3)

.

1- .الكافى : ج 8 ص 315 ح 495 ، معانى الأخبار : ص 392 ح 40 وفيه «فينهزونه» بدل «فيهمزونه» ، فضائل الشيعه : ص 75 ح 39 وليس فيه «كفّوا» وفيه «فيرمونه» بدل «فيهمزونه» ، بحار الأنوار : ج 27 ص 136 ح 136.

2- .الأمالى للمفيد : ص 227 ح 5 ، الأمالى للطوسى : ص 10 ح 11 كلاهما عن أبى اُمامه ، بحار الأنوار : ج 68 ص 378 ح 26.

3- .الخصال : ص 322 ح 6 عن أبى اُمامه ، بحار الأنوار : ج 82 ص 206 ح 11 ؛ المعجم الكبير : ج 8 ص 115 ح 7535 ، مسند الشاميّين : ج 1 ص 310 ح 543 ، السنّه لابن أبى عاصم : ص 491 ح 1061 ، تاريخ دمشق :

ج 24 ص 51 ح 5156 كلّها عن أبى اَمامه نحوه ، كنز العمّال : ج 5 ص 294 ح 12922 و 12923 .

7 / 7 به جا آوردن واجبات

الکافی به نقل از صباح بن سیّابه : امام صادق علیه السلام فرمود : «شخصی شما [شیعیان] را دوست دارد ، بدون آن که بداند شما چه می گویید [و چه اعتقاداتی دارید] . خداوند عز و جل چنین شخصی را به بهشت می برد . شخصی شما را دشمن می دارد ، بدون آن که بداند شما چه می گویید . خداوند عز و جل ، چنین شخصی را به دوزخ می برد . نیز شخصی از شما نامه اعمالش پُر است ، بدون آن که عملی انجام داده باشد» . گفتم : چگونه چنین می شود؟ فرمود : «بر عدّه ای می گذرد که از ما بدگویی می کنند ؛ امّا همین که او را می بینند ، به یکدیگر می گویند : ساکت شوید ؛ زیرا این مرد ، از شیعیان آنهاست . یا شخصی از شیعیان ما ، بر آنها می گذرد و آنها به او پوزخند می زنند و در باره اش حرف می زنند و خداوند در برابر آن ، برای او آن قدر ثواب می نویسد که کارنامه اش پر می شود ، بدون آن که عملی انجام داده باشد».

ر . ک : اهل البیت علیهم السلام در قرآن و حدیث : (بخش هشتم : حقوق اهل بیت علیهم السلام) و (بخش نهم : دوستی اهل بیت علیهم السلام) .

7 / 7به جا آوردن واجباتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شش چیز است که هر کس به یکی از آنها عمل کند ، آن چیز در روز قیامت از او دفاع می کند تا آن که او را وارد بهشت کند . آن چیز [در دفاع از او]می گوید : «ای پروردگار من ! این شخص در دنیا به من عمل می کرد» . [آن شش چیز ، عبارت اند از :] نماز ، زکات ، حج ، روزه ، امانتداری و صله رحم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای مردم ! پس از من ، پیامبری نیست و پس از شما ، امّتی نیست . هان ! پروردگارتان را بندگی کنید و نمازهای پنجگانه خود را به جا آورید و ماه رمضان را روزه بگیرید و حجّ خانه خدایتان را بگزارید و زکات اموالتان را با رضایت خاطر بپردازید و از زمامدارانتان فرمان برید تا به بهشت پروردگارتان وارد شوید.

.

عنه صلى الله عليه و آله :إِتَّقُوا اللّهَ رَبَّكُم، وَصَلُّوا خَمسَكُم ، وَصُومُوا شَهرَكُم ، وَأَدُّوا زَكاةَ أَموالِكُم ، وَأَطِيعُوا ذا أَمرِكُم ، تَدخُلُوا جَنَّةَ رَبِّكُم . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :خَمسٌ مَن جاءَ بِهِنَّ مَعَ إِيمانٍ دَخَلَ الجَنَّةَ : مَن حافَظَ عَلَى الصَّلَواتِ الخَمسِ ؛ عَلى وُضُوئِهِنَّ وَرُكُوعِهِنَّ وَسُجُودِهِنَّ وَمَواقِيتِهِنَّ ، وَصامَ رَمَضانَ ، وَحَجَّ البَيتَ إِنِ استَطاعَ إِلَيهِ سَبِيلاً ، وَأَعطَى الزَّكاةَ طَيِّبَةً بِها نَفسُهُ ، وَأَدَّى الأَمانَةَ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ رَبَّكُم عز و جل يَقُولُ : مَن صَلَّى الصَّلاةَ لِوَقتِها وَحافَظَ عَلَيها وَلَم يُضَيِّعها استِخفافا بِحَقِّها ، فَلَهُ عَلَىَ عَهدٌ أَنْ أُدخِلَهُ الجَنَّةَ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :إِذا صَلَّتِ المَرأَةُ خَمسَها، وَصامَت شَهرَها ، وَحَفِظَت فَرجَها ، وَأَطاعَت زَوجَها ، قِيلَ لَها : اُدخُلِى الجَنَّةَ مِن أَيِ أَبوابِ الجَنَّهِ شِئتِ . (4)

.

1- .سنن الترمذى : ج 2 ص 516 ح 616 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 274 ح 22223 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 52 ح 19 وفيهما «اعبدوا» بدل «اتّقوا اللّه » ، صحيح ابن حبّان : ج 10 ص 426 ح 4563 ، تاريخ دمشق : ج 48 ص 256 ح 10421 كلاهما نحوه وكلّها عن أبى اُمامه ، كنز العمّال : ج 1 ص 33 ح 46.
2- .سنن ابى داوود : ج 1 ص 116 ح 429 ، المعجم الصغير : ج 2 ص 5 ، تفسير الطبرى : ج 12 الجزء 22 ص 55 ، تفسير ابن كثير : ج 6 ص 479 كلّها عن أبى الدرداء والثلاثه الأخيره نحوه ، كنز العمّال : ج 15 ص 887 ح 43513 ؛ عوالى اللآلى : ج 1 ص 84 ح 9 عن أبى الدرداء .
3- .مسند ابن حنبل : ج 6 ص 325 ح 18155 ، المعجم الكبير : ج 19 ص 142 ح 311 و ح 314 نحوه ، المعجم الأوسط : ج 5 ص 92 ح 4764 وكلّها عن كعب بن عجره ، كنز العمّال : ج 7 ص 311 ح 19031.
4- .مسند ابن حنبل : ج 1 ص 406 ح 1661 عن عبد الرحمن بن عوف ، صحيح ابن حبّان : ج 9 ص 471 ح 4163 ، المعجم الأوسط : ج 5 ص 34 ح

4598 كلاهما عن أبى هريره ، حليه الأولياء : ج 6 ص 308 عن أنس وكلّها نحوه ، كنز العمّال : ج 16 ص 406 ح 45126.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از خداوند ، پروردگارتان ، پروا دارید و نمازهای پنجگانه تان را به جا آورید و ماه رمضان را روزه بگیرید و زکات اموالتان را بپردازید و از فرمان روایتان فرمان برید تا به بهشت پروردگارتان وارد شوید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پنج چیز است که هر کس آنها را با ایمان به جا آورد ، به بهشت می رود : کسی که نمازهای پنجگانه را با وضو و رکوع و سجود و در اوقاتشان ، به جا آورد و ماه رمضان را روزه بگیرد و در صورت استطاعت ، حجّ خانه خدا بگزارد و با رضایت خاطر ، زکات بپردازد و امانت را به صاحبش بازگرداند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پروردگارتان عز و جل می فرماید : «هر کس نماز را در وقتش بخواند و از نماز ، مراقبت نماید و از سرِ بی اعتنایی در حقّ آن ، فروگذارش نکند ، به او پیمان می دهم که او را به بهشت ببرم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه زن ، نمازهای پنجگانه اش را بخواند و رمضان را روزه بگیرد و دامنش را پاک نگه بدارد و از شوهرش اطاعت کند ، به او گفته می شود : «از هر درِ بهشت که خواستی ، وارد بهشت شو».

.

صحيح البخارى عن أبى هريره :إِنَّ أَعرابِيّا أَتَى النَّبِىَ صلى الله عليه و آله فَقالَ : دُلَّنِى عَلى عَمَلٍ إِذا عَمِلتُهُ دَخَلتُ الجَنَّةَ . قالَ : تَعبُدُ اللّهَ لا تُشرِكُ بِهِ شَيئا ، وَتُقِيمُ الصَّلاةَ المَكتُوبَةَ ، وَتُؤَدِّى الزَّكاةَ المَفرُوضَةَ ، وَتَصُومُ رَمَضانَ . قالَ : وَالَّذِى نَفسِى بِيَدِهِ ! لا أَزِيدُ عَلى هَذا . فَلَمّا وَلَّى ، قالَ النَّبِىُ صلى الله عليه و آله : مَن سَرَّهُ أَن يَنظُرَ إِلى رَجُلٍ مِن أَهلِ الجَنَّةِ فَليَنظُر إِلى هَذا . (1)

مسند ابن حنبل عن المغيره بن عبد اللّه عن أبيه :قُلتُ : يا رَسُولَ اللّهِ ، حَدِّثنى أَو خَبِّرنى بِعَمَلٍ يُقَرِّبُنِى إِلَى الجَنَّهِ وَيُباعِدُنِى مِنَ النّارِ ، قالَ : أَوَ ذَلِكَ أَعمَلَكَ أَو أَنصَبَكَ ؟ قالَ : قُلتُ : نَعَم، قالَ : فَاعقِل إِذا أَو افهَم : تَعبُدُ اللّهَ لا تُشرِكُ بِهِ شَيئا ، وَتُقِيمُ الصَّلاةَ ، وَتُؤتِى الزَّكاةَ ، وَتَصُومُ رَمَضانَ ، وَتَحُجُّ البَيتَ ، وَتَأتِى إِلَى النّاسِ ما تُحِبُّ أَن يُؤتى إِلَيكَ ، وَتَكرَهُ لِلنّاسِ ما تَكرَهُ أَن يُؤتى إِلَيكَ . خَلِّ زِمامَ الناقَهِ أَو خِطامَها . (2)

سنن الترمذى عن معاذ بن جبل :كُنتُ مَعَ النَّبِى صلى الله عليه و آله فِى سَفَرٍ فَأَصبَحتُ يَوما قَرِيبا مِنهُ وَنَحنُ نَسِيرُ ، فَقُلتُ : يا رَسُولَ اللّهِ ، أَخبِرنِى بِعَمَلٍ يُدخِلُنِى الجَنَّهَ وَيُباعِدُنِى مِنَ النّارِ ، قالَ : لَقَد سَأَلتَنى عَن عَظِيمٍ ، وَإِنَّهُ لَيَسِيرٌ عَلى مَن يَسَّرَهُ اللّهُ عَلَيهِ ، تَعبُدُ اللّهَ وَ لا تُشرِكُ بِهِ شَيئا، وَتُقِيمُ الصَّلاةَ ، وَتُؤتِى الزَّكاةَ ، وَتَصُومُ رَمَضَانَ ، وَتَحُجُّ البَيتَ . (3)

.

1- .صحيح البخارى : ج 2 ص 506 ح 1333 ، صحيح مسلم : ج 1 ص 44 ح 15 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 248 ح 8523 ، السنن الكبرى : ج 4 ص 141 ح 7237 ، صحيح ابن خزيمه : ج 4 ص 12 كلاهما نحوه ، كنز العمّال : ج 15 ص 944 ح 43629 .

2- .مسند ابن حنبل : ج 9 ص 55 ح 23224 و ج 5 ص 606 ح 16705 عن المغيره بن سعد عن أبيه أو عمّه ، الطبقات الكبرى : ج 6 ص 56 كلاهما نحوه وراجع : المعجم الكبير : ج 6 ص 49 ح 5478 و اُسد الغابه : ج 2 ص 417 الرقم 1962 .

3- .سنن الترمذى : ج 5 ص 11 ح 2616 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1314 ح 3973 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 235 ح 22077 ، المعجم الكبير : ج

20 ص 131 ح 266 ، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 447 ح 3548 ، حليه الأولياء : ج 4 ص 376 كلاهما نحوه.

صحیح البخاری به نقل از ابو هریره : عربی بادیه نشین نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : مرا به عملی راه نمایی کن که وقتی آن را به جا آوردم ، به بهشت روم . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «خدا را می پرستی و چیزی را شریکش نمی گردانی و نماز واجب را می خوانی و زکات واجب را می پردازی و رمضان را روزه می گیری» . بادیه نشین گفت : سوگند به آن که جانم در دست اوست ، بیش از اینها کاری نمی کنم . و چون باز می گشت ، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «هر که دوست دارد مردی از اهل بهشت را ببیند ، به این مرد بنگرد » .

مسند ابن حنبل به نقل از مغیره بن عبد اللّه ، از پدرش : گفتم : ای پیامبر خدا ! به من از عملی بگو یا خبر ده که به بهشت ، نزدیکم سازد و از آتش ، دورم گرداند . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «آیا به آن ، عمل می کنی؟» . گفتم : آری . فرمود : «پس ، گوش کن : خدا را می پرستی و هیچ چیز را شریک او نمی گردانی ، نماز را بر پا می داری ، زکات می پردازی ، رمضان را روزه می گیری ، حجّ خانه خدا را به جا می آوری ، با مردم ، چنان رفتار می کنی که دوست داری با تو رفتار شود و با مردم ، چنان نمی کنی که دوست نداری با تو شود . حال ، زمام یا مهار ناقه را رها کن [و بگذار شترم برود] » .

سنن الترمذی به نقل از معاذ بن جبل : در سفری با پیامبر صلی الله علیه و آله بودم . روزی به ایشان نزدیک شدم و در کنار هم حرکت می کردیم . من گفتم : ای پیامبر خدا ! مرا از عملی خبر ده که مرا به بهشت بَرَد و از آتش ، دورم گردانَد . فرمود : «در باره مطلب بزرگی پرسیدی و این ، برای کسی که خدا آن را بر او آسان گرداند ، آسان خواهد بود : خدا را می پرستی و چیزی را شریکش قرار نمی دهی ، نماز را بر پا می داری ، زکات می پردازی ، رمضان را روزه می گیری و حجّ خانه خدا را به جا می آوری» .

.

مسند ابن حنبل عن ابن عبّاس :إِنَّ ضَمامَ بنَ ثَعلَبَةَ أَخا بَنِی سَعدِ بنِ بکرٍ لَمّا أَسلَمَ سَأَلَ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله عَن فَرائِضِ الإِسلامِ مِنَ الصَّلاهِ وَغَیرِها ، فَعَدَّ عَلَیهِ الصَّلَواتِ الخَمسَ لَم یَزِد عَلَیهِنَّ ، ثُمَّ الزَّکاهَ ، ثُمَّ صِیامَ رَمَضانَ ، ثُمَّ حَجَّ البَیتِ ، ثُمَّ أَعلَمَهُ ما حَرَّمَ اللّهُ عَلَیهِ . فَلَمّا فَرَغَ قالَ : أَشهَدُ أَن لا إِله إِلّا اللّهُ ، وَأَشهَدُ أَنَّکَ رَسُولُ اللّهِ ، وَسَأَفعَلُ ما أَمَرتَنی بِهِ ، لا أَزِیدُ وَلا أَنقُصُ ، قالَ : ثُمَّ وَلّی . فَقالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : إِن یَصدُق ذُو العَقِیصَتَینِ یَدخُلِ الجَنَّهَ . (1)

صحیح مسلم عن أَبی أَیُّوب :جاءَ رَجُلٌ إِلی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فَقالَ : دُلَّنی عَلی عَمَلٍ أَعمَلُهُ یُدنِینِی مِنَ الجَنَّهِ وَیُباعِدُنِی مِنَ النّارِ . قالَ : تَعبُدُ اللّهَ لا تُشرِکُ بِهِ شَیئا ، وَتُقِیمُ الصَّلاهَ ، وَتُؤتِی الزَّکاهَ ، وَتَصِلُ ذا رَحِمِکَ . فَلَمّا أَدبَرَ قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : إِن تَمَسَّکَ بِما أُمِرَ بِهِ دَخَلَ الجَنَّهَ . (2)

مسند الطیالسی عن عباده بن الصامت :أَشهَدُ أَنّی سَمِعتُ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله یَقُولُ : أَتانِی جَبرَئِیلُ صَلَّی اللّهُ عَلَیهِ وَسَلَّمَ مِن عِندِ اللّهِ تَبارَکَ وَتَعالی فَقالَ : یا مُحَمَّدُ ، إِنَّ اللّهَ عز و جل قالَ لَکَ : إِنِّی قَد فَرَضتُ عَلی أُمَّتِکَ خَمسَ صَلَواتٍ ، مَن وافاهُنَّ عَلی وُضُوئِهِنَّ وَمَواقِیتِهِنَّ وَسُجُودِهِنَّ فَإِنَّ لَهُ عِندَکَ بِهِنَّ عَهدَ أَن أُدخِلَهُ بِهِنَّ الجَنَّهَ ، وَمَن لَقِیَنی قَد أَنقَصَ مِن ذَلِکَ شَیئا أَو کَلِمهَ نَسِیتُها (3) فَلَیسَ لَهُ عِندَکَ عَهدٌ ، إِن شِئتُ عَذَّبتُهُ وَإِن شِئتُ رَحِمتُهُ . (4)

.

1- .مسند ابن حنبل : ج 1 ص 539 ح 2254 ، سنن الدارمی : ج 1 ص 175 ح 657 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 3 ص 55 ح 4380 ، المعجم الکبیر : ج 8 ص 305 ح 8149 ، الاستیعاب : ج 2 ص 305 الرقم 1270 کلّها نحوه ، البدایه والنهایه : ج 5 ص 61 .
2- .صحیح مسلم : ج 1 ص 43 ح 14 ، سنن النسائی : ج 1 ص 234 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 139 ح 23597 کلاهما نحوه ، حلیه الأولیاء : ج 4 ص 374 ، کنز العمّال : ج 3 ص 766 ح 8695 .
3- .ما بین الشارحتین من کلام الراوی .

4- .مسند الطيالسى : ص 78 ح 573 ، حليه الأولياء : ج 5 ص 126 نحوه ، كنز العمّال : ج 7 ص 281 ح 18880.

مسند ابن حنبل به نقل از ابن عبّاس : ضَمام بن ثعلبه از قبیله بنی سعد بن بکر ، زمانی که اسلام آورد ، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره فریضه های اسلام چون نماز و جز آن ، پرسید . ایشان نمازهای پنجگانه را برایش بر شمرد و بر آنها چیزی نیفزود . سپس از زکات نام برد و سپس از روزه رمضان و سپس از حجّ خانه خدا . آن گاه چیزهایی را که خداوند بر او حرام ساخته است ، به آگاهی اش رساند . سخنان ایشان که تمام شد ، ضَمام گفت : گواهی می دهم که معبودی جز خدای یکتا نیست و گواهی می دهم که تو فرستاده خدا هستی . آنچه را به من فرمودی ، انجام خواهم داد ، نه بیشتر و نه کمتر . و رفت. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «اگر دو گیسدار (ضَمام) راست بگوید ، وارد بهشت می شود» .

صحیح مسلم به نقل از ابو ایّوب : مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : مرا به عملی راه نمایی فرما که آن را به جا آورم و مرا به بهشت ، نزدیک و از دوزخ ، دور گرداند . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «خدا را می پرستی و چیزی را شریک او نمی گردانی ، نماز را برپا می داری ، زکات می پردازی و صله رحم به جا می آوری» . چون آن مرد رفت ، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «اگر آنچه را که به او دستور داده شد ، به جا آورَد ، به بهشت می رود» .

مسند الطیالسی به نقل از عباده بن صامت : گواهی می دهم که شنیدم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید : «جبرئیل که درود و سلام خدا بر او باد از نزد خدای بزرگ و والا ، نزد من آمد و گفت : ای محمّد! خداوند عز و جل به تو فرمود : من بر امّت تو ، پنج نماز ، واجب نمودم . هر که آنها را با وضوی آنها و در اوقاتشان و با سجودشان به جا آورد ، به او تعهّد بده که من به واسطه آنها او را به بهشت می برم ، و اگر به دیدارم آمد ، در حالی که چیزی (1) از اینها را کاسته بود ، تو هیچ تعهّدی نسبت به او نداری . اگر خواستم ، عذابش می کنم و اگر خواستم ، او را می بخشم ».

.

1- .راوی حدیث (عباده بن صامت) ، در این جا می گوید : یا شاید کلمه دیگری [به همین معنا]فرمود که من فراموش کرده ام .

سنن النِّسائى عن أبى أيُّوب الأنصارىِّ :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : مَن جاءَ يَعبُدُ اللّهَ وَلا يُشرِكُ بِهِ شَيئا، وَيُقِيمُ الصَّلاةَ ، وَيُؤتِى الزَّكاةَ ، وَيَجتَنِبُ الكَبائِرَ ، كانَ لَهُ الجَنَّةُ . فَسَأَلُوهُ عَنِ الكَبائِرِ ، فَقالَ : الإِشراكُ بِاللّهِ ، وَقَتلُ النَّفسِ المُسلِمَهِ ، وَالفِرارُ يَومَ الزَّحفِ . (1)

الإمام الباقر عليه السلام :أَما تَرضَونَ أَن تُقِيمُوا الصَّلاةَ ، وَتُؤتُوا الزَّكاةَ ، وَتَكُفُّوا أَلسِنَتَكُم ، وَتَدخُلُوا الجَنَّةَ . (2)

عنه عليه السلام :عَشرٌ مَن لَقِىَ اللّهَ عز و جل بِهِنَّ دَخَلَ الجَنَّةَ : شَهادَةُ أَن لا إِله إِلّا اللّهُ ، وَأَنَّ مُحَمَّدا رَسُولُ اللّهِ ، وَالإِقرارُ بِما جاءَ مِن عِندِ اللّهِ عز و جل ، وَإِقامُ الصَّلاهِ ، وَإِيتاءُ الزَّكاهِ ، وَصَومُ شَهرِ رَمَضانَ ، وَحِجُّ البَيتِ ، وَالوَلايَهُ لِأَولِياءِ اللّهِ ، وَالبَرآءَهُ مِن أَعداءِ اللّهِ ، وَاجتِنابُ كُلِّ مُسكِرٍ . (3)

كتاب من لا يحضره الفقيه :قالَ سُلَيمانُ بنُ خالِدٍ لِلصّادِقِ عليه السلام : جُعِلتُ فِداكَ ، أَخبِرنِى عَنِ الفَرائِضِ الَّتِى فَرَضَ اللّهُ عز و جل عَلَى العِبادِ ما هِىَ؟ قالَ : شَهادَةُ أَن لا إِلَهَ إِلّا اللّهُ ، وَأَنَّ مُحَمَّدا رَسُولُ اللّهِ ، وَإِقامُ الصَّلَواتِ الخَمسِ ، وَإِيتاءُ الزَّكاهِ ، وَحَجُّ البَيتِ ، وَصِيامُ شَهرِ رَمَضانَ ، وَالوَلايَهُ ، فَمَن أَقامَهُنَّ وَسَدَّدَ وَقارَبَ ، وَاجتَنَبَ كُلَّ مُنكَرٍ دَخَلَ الجَنَّةَ . (4)

.

1- .سنن النسائى : ج 7 ص 88 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 131 ح 23561 بزياده «ويصوم رمضان» بعد «الزكاه» ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 74 ح 60 نحوه ، كنز العمّال : ج 3 ص 543 ح 7816.
2- .الكافى : ج 8 ص 289 ح 434 عن الفضيل ، تأويل الآيات الظاهره : ج 2 ص 703 ح 3 عن الفضيل عن الإمام الصادق عليه السلام ، المحاسن : ج 1 ص 268 ح 519 ، أعلام الدين : ص 234 كلاهما عن مالک بن أعين الجهنى عن الإمام الصادق عليه السلام ، شرح الأخبار : ج 3 ص 438 ح 1296 عن حمّاد بن أعين الجهنى عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 71 ص 283 ح 37.
3- .الخصال : ص 432 ح 15 ، ثواب الأعمال : ص 30 ح 1 ، المحاسن : ج 1 ص 77 ح 38 ، بشاره المصطفى : ص 269 كلّها عن الفضيل بن يسار ، بحار الأنوار : ج 68 ص 377 ح 24.

4- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 204 ح 612 ، المحاسن : ج 1 ص 452 ح 1041 ، بحار الأنوار : ج 68 ص 386 ح 36.

سنن النسائی به نقل از ابو ایّوب انصاری : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «هر کس خدا را بپرستد و چیزی را شریک او قرار ندهد و نماز را به جا آورد و زکات بپردازد و از گناهان بزرگ دوری کند ، بهشتی خواهد بود» . از ایشان در باره گناهان بزرگ پرسیدند . فرمود : «شرک آوردن به خدا ، کشتن انسان مسلمان و گریختن از جهاد» .

امام باقر علیه السلام :آیا خشنود نیستید که نماز بخوانید و زکات بدهید و زبان هایتان را نگه دارید و [در عوض ،] به بهشت بروید ؟

امام باقر علیه السلام :ده چیز است که هر کس با آنها خدای عز و جل را دیدار کند ، به بهشت می رود : گواهی دادن به این که معبودی جز خدای یکتا نیست و این که محمّد ، فرستاده خداست ، و اقرار کردن به آنچه او از نزد خدای عز و جل آورده است ، و به جا آوردن نماز ، و پرداخت زکات ، و گرفتن روزه ماه رمضان ، و حجّ خانه خدا ، و دوستی با دوستان خدا ، و بیزاری از دشمنان خدا ، و دوری کردن از هر مستی آوری.

کتاب من لایحضره الفقیه :سلیمان بن خالد به امام صادق علیه السلام گفت : فدایت شوم ! فرایضی که خداوند عز و جل بر عهده بندگان نهاده است ، چیستند ؟ فرمود : «گواهی دادن به این که معبودی جز خدای یکتا نیست و محمّد ، پیامبر خداست ، و به جا آوردن نمازهای پنجگانه و دادن زکات و حجّ خانه خدا و روزه ماه رمضان و ولایت . پس ، هر کس این فرایض را به جا آورد و راه راست و درست را در پیش گیرد و از هر منکَری دوری کند ، به بهشت می رود» .

.

الإمام الصادق عليه السلام :إذا صَلَّتِ المَرأَةُ خَمسا، وَصامَت شَهرا، وَأَطاعَت زَوجَها ، وَعَرَفَت حَقَّ عَلِيٍ عليه السلام ، فَلتَدخُل مِن أَيِ أَبوابِ الجَنَّهِ شاءَت . (1)

راجع : ص 340 (الفصل السابع / كلمه التوحيد مع شروطها / علامه الاخلاص ، طاعه اللّه و رسوله وولايه أهل البيت عليهم السلام) .

7 / 8اِجتِنابُ المَحارِمِالكتاب«تِلْکَ الْجَنَّهُ الَّتِی نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَن کَانَ تَقِیًّا ». (2)

«إِنَّ الْمُتَّقِینَ فِی جَنَّتٍ وَ نَهَرٍ * فِی مَقْعَدِ صِدْقٍ عِندَ مَلِیکٍ مُّقْتَدِرٍ ». (3)

«لَکِنِ الَّذِینَ اتَّقَوْاْ رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّتٌ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَرُ خَلِدِینَ فِیهَا نُزُلًا مِّنْ عِندِ اللَّهِ وَمَا عِندَ اللَّهِ خَیْرٌ لِّلْأَبْرَارِ ». (4)

«وَ أُزْلِفَتِ الْجَنَّهُ لِلْمُتَّقِینَ ». (5)

.

1- .الكافى : ج 5 ص 555 ح 3 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 441 ح 4531 كلاهما عن أبى الصباح الكنانى وراجع : الأمالى للصدوق : ص 575 ح 787 وبشاره المصطفى : ص 178 .
2- .مريم : 63 .
3- .القمر : 54 و 55 .
4- .آل عمران : 198.
5- .الشعراء : 90.

7 / 8 دوری از حرام ها

امام صادق علیه السلام :هر گاه زن ، نمازهای پنجگانه را بخواند و یک ماه [رمضان] را روزه بگیرد و از شوهرش اطاعت کند و حقّ علی علیه السلام را بشناسد ، از هر درِ بهشت که بخواهد ، وارد می شود.

ر . ک : ص 341 (فصل هفتم / شعار توحید ، با شروط آن / نشانه اخلاص ، فرمانبری از خدا و پیامبر او و ولایت اهل بیت علیهم السلام است) .

7 / 8دوری از حرام هاقرآن«این ، همان بهشتی است که به هر یک از بندگان ما که پرهیزگار باشند ، به میراث می دهیم».

«به راستی که پرهیزگاران ، در میان باغ ها و نهرها در قرارگاه صدق ، نزد پادشاهی توانایند».

«ولی کسانی که پروای پروردگارشان را پیشه ساخته اند ، باغ هایی خواهند داشت که در آنها جویبارها روان است ، [و] در آن ، جاودانه می مانند . [این ،] پذیرایی از جانب خداست و آنچه نزد خداست ، برای نیکان ، بهتر است».

«و [آن روز ،] بهشت برای پرهیزگاران ، نزدیک می گردد».

.

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله :أَكثَرُ ما تَلِجُ بِهِ أُمَّتِى الجَنَّةَ تَقوَى اللّهِ وَحُسنُ الخُلُقِ . (1)

سنن الترمذى عن أبى هريره :سُئِلَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله عَن أكثَرِ ما يُدْخِلُ النّاسَ الجَنَّةَ ، فَقالَ : تَقوَى اللّهِ وَحُسنُ الخُلْقِ . (2)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن اجتَنَبَ مِن الرِّجالِ أَربعا فُتِحَت أَبوابُ الجَنَّهِ يَدخُلُ مِن أَيِّها شاءَ : الدِّماءَ وَالأَموالَ وَالفُرُوجَ وَالأَشرِبَة . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :أَيُّما امرَأَةٍ اتَّقَت رَبَّها ، وَحَفِظَت فَرجَها ، وَأَطاعَت زَوجَها ، فُتِحَ لَها ثَمانِيهُ أَبوابٍ مِنَ الجَنَّهِ فَقِيلَ لَها : ادخُلى مِن حَيثُ شِئتِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن وُقِىَ شَرَّ لَقْلَقِهِ (5) وَقَبْقَبِهِ (6) وَذَبْذَبِهِ (7) فَقَد وَجَبَ لَهُ الجَنَّهُ . (8)

.

1- .الكافى : ج 2 ص 100 ح 6 عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، مشكاه الأنوار : ص 392 ح 1285 عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، الجعفريّات : ص 150 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، الاختصاص : ص 228 ، الخصال : ص 78 ح 126 عن أبى هريره نحوه ، بحار الأنوار : ج 70 ص 288 ح 20 ؛ مسند ابن حنبل : ج 3 ص 347 ح 9107 عن أبى هريره وفيه «الإنسان» بدل «أُمّتى» ، كنز العمّال : ج 16 ص 103 ح 44071.

2- .سنن الترمذى : ج 4 ص 363 ح 2004 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1418 ح 4246 ، الأدب المفرد : ص 96 ح 294 ، صحيح ابن حبّان : ج 2 ص 224 ح 476 ، كنز العمّال : ج 3 ص 698 ح 8498 ؛ صحيفه الإمام الرضا عليه السلام : ص 230 ح 123 عن أحمد بن عامر الطائى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 71 ص 273 ح 20.

3- .تاريخ جرجان : ص 369 الرقم 604 ، كنز العمّال : ج 15 ص 860 ح 43424 نقلاً عن مسند البزّار نحوه وكلاهما عن أنس .

4- .المعجم الأوسط : ج 5 ص 76 ح 4715 عن أبى هريره ، الدرّ المنثور : ج 7 ص 266.
5- .اللَّقْلَقُ : اللِّسان (النهايه : ج 4 ص 265 «لقلق») .
6- .القَبْقَبُ : البَطن (النهايه : ج 4 ص 7 «قبقب») .
7- .الذَبْذَبُ : يعنى الذَّكَرُ، سُمّى لِتَذَبْذُبه : أى حركته (النهايه : ج 2 ص 154 «ذبذب») .
8- .الفردوس : ج 3 ص 632 ح 5978 ، شعب الإيمان : ج 4 ص 361 ح 5409 وفيه «فقد وقى الشرّ كلّه» بدل «فقد وجب له الجنّه» وكلاهما عن أنس ، كنز العمّال : ج 3 ص 553 ح 7872 ؛ شرح على مئه كلمه : ص 147 وفيه «ضمنت» بدل «وجب» ، بحار الأنوار : ج 66 ص 315 ح 7.

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بیشترین چیزی که امّتم به سبب آن به بهشت می روند ، پروامندی از خدا و اخلاق خوش است.

سنن الترمذی به نقل از ابو هریره : از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره بیشترین چیزی که مردم را به بهشت می برد ، سؤال شد . فرمود : «پروامندی از خدا و خوش اخلاقی» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر مردی که از چهار چیز دوری کند ، درهای بهشت ، باز می شوند و او از هر دری که خواست ، وارد می شود : جان و مال و ناموس [مردم]و مشروبات [الکلی].

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر زنی که از پروردگارش بترسد و دامن خود را حفظ کند و از شوهرش فرمان بَرد ، هشت درِ بهشت برایش گشوده می گردند و به او گفته می شود : از هر دری که خواستی ، داخل شو .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس از گزند زبان و شکم و شهوتش محفوظ بماند ، بهشت بر او واجب می گردد.

.

عنه صلى الله عليه و آله :مَنِ اتَّقى مِن مَؤُونَهِ لَقلَقِهِ وَقَبقَبِهِ وَذَبذَبِهِ دَخَلَ الجَنَّهَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن حَفِظَ ما بَينَ فُقمَيهِ (2) وَرِجلَيهِ دَخَلَ الجَنَّهَ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :يا شَبابَ قُرَيشٍ ، لا تَزنُوا ! أَلا مَن حَفِظَ فَرْجَهُ فَلَهُ الجَنَّهَ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن حَفِظَ ما بَينَ لَحيَيهِ (5) وَرِجلَيهِ دَخَلَ الجَنَّهَ . (6)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن وَقاهُ اللّهُ شَرَّ ما بَينَ لَحيَيهِ ، وَشَرَّ ما بَينَ رِجلَيهِ ، دَخَلَ الجَنَّهَ . (7)

الموطَّأ عن عطاء بن يسار :إِنَّ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله قالَ : مَنِ وَقاهُ اللّهُ شَرَّ اثنَينِ وَلَجَ الجَنَّهَ . فَقالَ رَجُلٌ : يا رَسُولَ اللّهِ لا تُخبِرُنا؟ فَسَكَتَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله . ثُمَّ عادَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَقالَ مِثلَ مَقالَتِهِ الأُولى . فَقالَ لَهُ الرَّجُلُ : لا تُخبِرُنا يا رَسُولَ اللّهِ؟ فَسَكَتَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله . ثُمَّ قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله مِثلَ ذَلِكَ أيضا . فَقالَ الرَّجُلُ : لا تُخبِرُنا يا رَسُولَ اللّهِ؟ ثُمَّ قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله مِثلَ ذَلِكَ أيضا . ثُمَّ ذَهَبَ الرَّجُلُ يَقُولُ مِثلَ مَقالَتِهِ الأُولى فَأَسكَتَهُ رَجُلٌ إلى جَنبِهِ ، فَقالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : مَن وَقاهُ اللّهُ شَرَّ اثنَينِ وَلَجَ الجَنَّهَ : ما بَينَ لِحيَيهِ وَما بَينَ رِجلَيهِ ، ما بَينَ لِحيَيهِ وَما بَينَ رِجلَيهِ ، ما بَينَ لِحيَيهِ وَما بَينَ رِجلَيهِ . (8)

.

1- .جامع الأخبار : ص 248 ح 639 و ح 640 نحوه ، بحار الأنوار : ج 71 ص 287 ح 42.
2- .الفُقْم بالضمّ والفتح اللَّحى، يريد من حفظ لسانه وفرجه (النهايه : ج 3 ص 465 «فقم») .

3- .المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 399 ح 8063 ، التاريخ الكبير : ج 7 ص 54 الرقم 243 ، مسند ابن حنبل : ج 7 ص 137 ح 19576 نحوه وكلّها عن أبى موسى الأشعرى ، المعجم الكبير : ج 1 ص 311 ح 919 عن أبى رافع و ج 6 ص 190 ح 5960 عن سهل بن سعد وكلاهما نحوه ، كنز العمّال : ج 3 ص 553 ح 7869 .
4- .المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 399 ح 8062 ، المعجم الكبير : ج 12 ص 128 ح 12776 ، المعجم الأوسط : ج 7 ص 61 ح 6850 السنّه لابن أبى عاصم : ص 626 ح 1543 كلاهما نحوه وكلّها عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : ج 5 ص 318 ح 13019 .
5- .اللَّحْيَان : حائطا الفَم، وهما العظمان اللذان فيهما الأسنان من داخل الفم من كلّ ذى لَحْى (لسان العرب : ج 15 ص 243 «لحا») .
6- .المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 397 ح 8058 عن أبى هريره ، حليه الأولياء : ج 3 ص 252 ، المعجم الكبير : ج 6 ص 190 ح 5960 نحوه وكلاهما عن سهل بن سعد ، كنز العمّال : ج 15 ص 806 ح 43203 ؛ الأمالى للطوسى : ص 536 ح 1162 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 378 ح 2661 كلاهما عن أبى ذرّ نحوه ، بحار الأنوار : ج 77 ص 88 ح 3.
7- .سنن الترمذى : ج 4 ص 606 ح 2409 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 398 ح 8059 ، الأذكار المنتخبه : ص 293 ، صحيح ابن حبّان : ج 13 ص 9 ح 5703 وفيه «وقى» بدل «وقاه اللّه » وكلّها عن أبى هريره ، تفسير القرطبى : ج 9 ص 327 نحوه ، كنز العمّال : ج 3 ص 553 ح 7871.
8- .الموطّأ : ج 2 ص 987 ح 11 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 35 ح 23127 نحوه ، كنز العمّال : ج 16 ص 23 ح 43769 ؛ درر الأحاديث النبويّه : ص 40.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس خود را از زبان و شکم و شهوتش نگه دارد ، به بهشت می رود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس آنچه را میان دو فکّ او و دو پای اوست (1) حفظ کند ، به بهشت می رود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای جوانان قریش ! زنا نکنید . بدانید که هر کس شهوت خود را نگه دارد ، بهشتی است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس آنچه را میان دو آرواره او و میان دو پای اوست ، نگه دارد ، به بهشت می رود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی که خداوند ، او را از شرّ آنچه میان دو آرواره او و از شرّ آنچه میان دو پای اوست ، حفظ کند ، به بهشت می رود.

الموطّأ به نقل از عطاء بن یسار : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «هر که خدا او را از شرّ دو چیز نگه دارد ، به بهشت وارد می شود » . مردی گفت : ای پیامبر خدا ! به ما [از آن دو چیز ،] خبر نمی دهی ؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چیزی نفرمود و دوباره همان سخنش را تکرار فرمود . آن مرد ، دوباره گفت : به ما خبر نمی دهی ، ای پیامبر خدا؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله باز سکوت کرد و همان سخنش را باز گفت . آن مرد ، بار دیگر گفت : به ما خبر نمی دهی ، ای پیامبر خدا؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله باز همان سخنش را تکرار فرمود و مرد ، باز همان سؤال را پرسید . مردی که در کنارش بود ، او را به سکوت خواند . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «هر که خدا او را از شرّ دو چیز نگه دارد ، به بهشت وارد می شود : آنچه میان دو آرواره اوست و آنچه میان دو پای اوست . آنچه میان دو آرواره اوست و آنچه میان دو پای اوست . آنچه میان دو آرواره اوست و آنچه میان دو پای اوست» .

.

1- .مقصود ، گفتار و شهوت جنسی است .

الإمام على عليه السلام :عِبادَ اللّهِ ! أُوصِيكُم بِتَقوَى اللّهِ ... إِنَّ التَّقوى فِى اليَومِ الحِرزُ وَالجُنَّةُ ، وَفِى غَدٍ الطَّرِيقُ إِلَى الجَنَّهِ . (1)

عنه عليه السلام :عَلَيكُم بِلُزُومِ اليَقِينِ وَالتَّقوى ، فَإِنَّهُما يُبَلِّغانِكُم جَنَّةَ المَأوى . (2)

عنه عليه السلام :نالَ الجَنَّةَ مَنِ اتَّقى عَنِ المَحارِمِ . (3)

عنه عليه السلام :نَيلُ الجَنَّهِ بِالتَّنَزُّهِ عَنِ المَآثِمِ . (4)

عنه عليه السلام :إِنَّكَ لَن تَلِجَ الجَنَّةَ حَتّى تَزدَجِرَ (5) عَن غَيِّكَ ، وَتَنتَهِىَ وَتَرتَدِعَ عَن مَعاصِيكَ وَتَرعَوِىَ . (6)

الإمام الصادق عليه السلام :مَن تَرَكَ مُسكِرا مَخافَةً مِنَ اللّهِ عز و جل أَدخَلَهُ اللّهُ الجَنَّةَ ، وَسَقاهُ مِنَ الرَّحِيقِ المَختُومِ . (7)

تنبيه الخواطر :قالَ رَجُلٌ لِعِيسَى بنِ مَريَمَ عليه السلام : يا مُعَلِّمَ الخَيرِ ، دُلَّنِى عَلَى عَمَلٍ أَنالُ بِهِ الجَنَّةَ ، فَقالَ : اِتَّقِ اللّهَ فِى سِرِّكِ وَعَلانِيَتِكَ ، وَبَرِّ والِدَيكَ . (8)

راجع : ص 336 (كلمه التوحيد مع شروطها / علامه الإخلاص اجتناب المحارم) .

.

1- .نهج البلاغه : الخطبه 191 ، غرر الحكم : ح 3622 وليس فيه صدره .
2- .غرر الحكم : ح 6163 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 341 ح 5814 .
3- .غرر الحكم : ح 9954 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 497 ح 9162.
4- .غرر الحكم : ح 9953.
5- .اِزْدَجَرَهُ : مَنَعَهُ وَنَهاهُ (القاموس المحيط : ج 2 ص 37 «زجر»).
6- .غرر الحكم : ح 3795 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 171 ح 3576.
7- .الكافى : ج 6 ص 404 ح 1 عن عجلان أبى صالح ، وسائل الشيعه : ج 17 ص 254 ح 31985 .

8- .تنبيه الخواطر : ج 2 ص 248 ، مستدرک الوسائل : ج 15 ص 175 ح 17911 نقلاً عن کتاب الأخلاق لأبی القاسم الکوفی .

ص: 371

امام علی علیه السلام :ای بندگان خدا! شما را به پروا از خدا سفارش می کنم ... . پروامندی ، در امروز ، نگه دارنده و سپر است و در فردا راه به سوی بهشت.

امام علی علیه السلام :به یقین و پرهیزگاری ، چنگ زنید ؛ چرا که این دو ، شما را به بهشتِ مَأوا می رسانند .

امام علی علیه السلام :آن که از حرام ها پرهیز کرد ، به بهشت رسید .

امام علی علیه السلام :رسیدن به بهشت ، در گرو دوری گزیدن از گناهان است.

امام علی علیه السلام :تو هرگز به بهشت وارد نمی شوی ، تا آن که از گم راهی ات دست برداری و از گناهانت خودداری کنی و باز ایستی.

امام صادق علیه السلام :هر کس مست کننده ای را از ترس خدا ترک کند ، خداوند ، او را به بهشت می بَرد و از باده نابِ سر به مُهر [بهشتی] ، به او می نوشاند .

تنبیه الخواطر :مردی به عیسی بن مریم علیه السلام گفت : ای آموزگار خوبی! مرا به کاری راه نمایی فرما که با آن به بهشت برسم . عیسی علیه السلام فرمود : «در نهان و آشکارت از خدا بترس و به پدر و مادرت نیکی کن» .

ر . ک : ص 337 (شعارِ توحید ، با شروط آن / نشانه اخلاص ، دوری کردن از حرام هاست) .

.

7 / 9تَجَشُّمُ المَكارِهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :حُفَّتِ 1 الجَنَّةُ بِالمَكارِهِ ، وَحُفَّتِ النّارُ بِالشَّهَواتِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :حُجِبَتِ النّارُ بِالشَّهَواتِ ، وَحُجِبَتِ الجَنَّةُ بِالمَكارِهِ . (2)

.

1- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2174 ح 1 ، سنن الترمذى : ج 4 ص 693 ح 2559 ، سنن الدارمى : ج 2 ص 796 ح 2737 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 308 ح 12560 كلّها عن أنس ، كنز العمّال : ج 3 ص 332 ح 6805 ؛ نهج البلاغه : الخطبه 176 نحوه ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 190 ، روضه الواعظين : ص 461 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 78 ح 12 .
2- .صحيح البخارى : ج 5 ص 2380 ح 6122 ، مشكاه المصابيح : ج 2 ص 649 ح 5160 ، فتح البارى : ج 11 ص 320 ح 6487 كلّها عن أبى هريره ، شرح نهج البلاغه لابن أبى الحديد : ج 10 ص 17 ، كنز العمّال : ج 3 ص 331 ح 6804 .

7 / 9 تحمّل ناملايمات

7 / 9تحمّل ناملايماتپيامبر خدا صلى الله عليه و آله :بهشت ، با ناملايمات ، احاطه شده است و دوزخ با شهوات ، در ميان گرفته شده است . 1

پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :آتش [دوزخ] با پرده شهوات ، پوشانده شده است و بهشت ، با پرده ناملايمات.

.

عنه صلى الله عليه و آله :أَلا إِنَّ عَمَلَ الجَنَّهِ حَزنٌ بِرَبوَهٍ ، أَلا إِنَّ عَمَلَ النّارِ سَهلٌ بِسَهوَهٍ (1) . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ الجَنَّهَ حُزِنَهٌ حُفَّت بِالمَكارِهِ ، وَإِنَّ النّارَ حُفَّت بِالهَوى . أَلا وَمَن كُشِفَ لَهُ بابُ كَربٍ أَشفى (3) عَلَى الجَنَّهِ ، وَمَن كُشِفَ لَهُ بابُ هَوًى أَشفَى عَلَى النّارِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :يا قَومِ اطلُبُوا الجَنَّهَ جَهدَكُم ، وَاهرَبُوا مِنَ النّارِ جَهدَكُم ! فَإِنَّ الجَنَّهَ لا يَنامُ طالِبُها وَإِنَّ النّارَ لا يَنامُ هارِبُها . أَلا إِنَّ الآخِرَهَ اليَومَ مُحَفَّفَهٌ بِالمَكارِهِ . أَلا وَإِنَّ الدُّنيا مُحَفَّفَهٌ بِالشَّهَواتِ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :لَمّا خَلَقَ اللّهُ الجَنَّهَ وَالنّارَ أَرسَلَ جِبرِيلَ إِلَى الجَنَّهِ فَقالَ : اُنظُر إِلَيها وَإِلى ما أَعدَدتُ لِأَهلِها فِيها . قالَ : فَجاءَها وَنَظَرَ إِلَيها وَإِلى ما أَعَدَّ اللّهُ لِأَهلِها فِيها ، قالَ : فَرَجَعَ إِلَيهِ ، قالَ : فَوَعِزَّتِکَ لا يَسمَعُ بِها أَحَدٌ إِلّا دَخَلَها ! فَأَمَرَ بِها فَحُفَّت بِالمَكارِهِ ، فَقالَ : ارجِع إِلَيها فَانظُر إِلى ما أَعدَدتُ لِأَهلِها فِيها، قالَ : فَرَجَعَ إِلَيها فَإِذا هِيَ قَد حُفَّت بِالمَكارِهِ ، فَرَجَعَ إِلَيهِ فَقالَ : وَعِزَّتِکَ لَقَد خِفتُ أَلّا يَدخُلَها أَحَدٌ ! قالَ : اذهَب إِلى النّارِ فَانظُر إِلَيها وَإِلى ما أَعدَدتُ لِأَهلِها فِيها، فَإِذا هِيَ يَرکَبُ بَعضُها بَعضا، فَرَجَعَ إِلَيهِ فَقالَ : وَعِزَّتِکَ لا يَسمَعُ بِها أَحَدٌ فَيَدخُلَها ! فَأَمَرَ بِها فَحُفَّت بِالشَّهَواتِ ، فَقالَ : ارجِع إِلَيها ، فَرَجَعَ إِلَيها فَقالَ : وَعِزَّتِکَ لَقَد خَشِيتُ أَلّا يَنجُوَ مِنها أَحَدٌ إِلّا دَخَلَها . (6)

.

1- .قال الشريف الرضىّ رحمه اللّه عليه فى المجازات النبويّه بعد أن ذكر الحديث : ... فجعل عليه الصلاه والسلام عمل الجنّه كالحزن من الأرض ؛ وهو ما غلظ منها، لأنّه يصعب تجشّمه ، فكذلک عمل الجنّه يشقّ تكلّفه، وزاد عليه الصلاه والسلام الكلام إيضاحا بقوله : حزن بربوه، فلم يرضَ بأن جعله حزنا حتّى جعله بربوه ؛ وهى الأكمه العاليه، ليكون تجشّمه أشقّ، وتكلّفه أصعب، ولم يرضَ عليه الصلاه والسلام بأن جعل عمل النار سهلاً وهو ضدّ الحزن، حتّى جعله بسهوه ليكون أخفّ على فاعله وأهون على عامله .

2- .المجازات النبويّه : ص 364 ح 282 ؛ مسند ابن حنبل : ج 1 ص 700 ح 3017 عن ابن عبّاس بزياده «ثلاثا» بعد «بربوه» ، شعب الإيمان : ج 2 ص

170 ح 461 ، الطبقات الكبرى : ج 7 ص 423 وفيه «بشقوه» بدل «بسهوه» وكلاهما عن أبى البجير ، كنز العمّال : ج 15 ص 883 ح 43502.
3- .أُشْفى : أى أشْرَفَ (النهايه : ج 2 ص 489 «شفا») .
4- .أُسد الغابه : ج 6 ص 404 الرقم 6580 ، تاريخ دمشق : ج 32 ص 13 عن إسحاق بن بشر القرشى نحوه .
5- .المعجم الكبير : ج 19 ص 200 ح 499 ، المعجم الأوسط : ج 4 ص 73 ح 3643 وليس فيه ذيله من «ألا إن الآخره . . .» وكلاهما عن كليب بن حزن ، أُسد الغابه : ج 4 ص 470 الرقم 4498 عن كليب بن جزئ ، كنز العمّال : ج 15 ص 931 ح 43597 .
6- .سنن الترمذى : ج 4 ص 693 ح 2560 ، سنن النسائى : ج 7 ص 3 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 229 ح 8406 ، مسند أبى يعلى : ج 5 ص 356 ح 5914 وكلّها عن أبى هريره والثلاثه الأخيره نحوه.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آگاه باشید که کارِ بهشت [همچون] زمین درشت و ناهموار است . آگاه باشید که کارِ دوزخ [همچون]زمین نرم و هموار است. (1)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشت ، کوه درشتی است که با ناملایمات ، در میان گرفته شده است و دوزخ را هوس ها احاطه کرده اند . آگاه باشید که هر کس درِ رنجی برایش باز شود ، به بهشتْ نزدیک شده است و هر کس درِ هوسی برایش گشوده شود ، به دوزخْ نزدیک شده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای قوم من ! تا می توانید در طلب بهشت بر آیید و با تمام توان ، از آتش بگریزید ، که جوینده بهشت و گریزنده از آتش ، خواب ندارند . بدانید که آخرت ، امروز ، پوشیده در ناملایمات است . بدانید که دنیا احاطه شده در شهوات است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چون خدا بهشت و دوزخ را آفرید ، جبرئیل را به سوی بهشت فرستاد و فرمود : «به آن و آنچه در آن برای اهلش آماده ساخته ام ، بنگر» . جبرئیل به بهشت آمد و به آن و آنچه خدا در آن برای اهلش آماده ساخته بود ، نگریست . پس باز گشت و گفت : به عزّتت سوگند که هر کس آوازه آن را بشنود ، وارد آن می شود ! خداوند ، دستور داد و ناملایمات ، بهشت را در میان گرفتند . پس فرمود : «حال باز گرد و آنچه را در آن جا برای اهلش آماده ساخته ام ، تماشا کن» . جبرئیل به سوی بهشت باز گشت و دید که پوشیده از ناملایمات شده است . نزد خداوند باز آمد و گفت : به عزّتت سوگند که می ترسم هیچ کس وارد آن نشود ! خداوند به او فرمود : «به دوزخ برو و به آن و آنچه در آن برای اهلش آماده ساخته ام ، بنگر» . [جبرئیل آمد و دید که] آن ، طبقات مختلفی دارد . به نزد خدا باز گشت و گفت : به عزّتت سوگند که هر کس وصف آن را بشنود ، وارد آن نخواهد شد ! پس خداوند ، دستور داد و شهوت ها آن را در میان گرفتند . آن گاه به جبرئیل فرمود : «حال به سوی دوزخ باز گرد» . جبرئیل باز گشت و گفت : به عزّتت سوگند که می ترسم هیچ کس از آن نَرَهد ؛ بلکه همگان دوزخی شوند !

.

1- .سیّد رضی رحمه الله در المجازات النبویّه ، پس از ذکر حدیث ، نوشته است : ... این که پیامبر صلی الله علیه و آله ، کار بهشت را همانند زمین حَزن یعنی سخت و ناملایم معرّفی کرده ، از این روست که همان گونه که زمین ناملایم ، سخت است ، کار برای بهشت هم سخت و دشوار است . و ایشان که درود و سلام بر او باد برای توضیح ، افزوده : «حَزنٌ بِرَبوَهٍ (ناملایم ناهموار) » و به ناملایم تنها اکتفا نکرده و ناهموار را هم افزوده است و ناهموار ، تپّه بلند است . و از این روست که تحمّل آن ، سخت تر است و پیمودنش دشوارتر . در مقابل ، در کار جهنّم نیز به «سَهل (آسانی) » اکتفا نکرده و «سَهوَه (هموار) » را هم اضافه کرده تا روشن کند که راه آن ، آسان است و برای انجام دهنده آن سبُک .

الإمام علىٌ عليه السلام :بِالمَكارِهِ تُنالُ الجَنَّهُ . (1)

عنه عليه السلام مِن كَلامٍ لَهُ خاطَبَ بِهِ أَهلَ البَصرَهِ : فَمَنِ استَطاعَ عِندَ ذَلِکَ أَن يَعتَقِلَ نَفسَهُ عَلَى اللّهِ عز و جل فَلَيَفعَل، فَإِن أَطَعتُمُونِى فَإِنِّى حامِلُكُم إِن شاءَ اللّهُ عَلى سَبِيلِ الجَنَّهِ ، وَإِن كانَ ذا مَشَقَّهٍ شَدِيدَهٍ وَمَذاقَهٍ (2) مَرِيرَهٍ . (3)

عنه عليه السلام مِن خُطبَهٍ لَهُ يُبَيِّنُ فِيها فَضلَ القُرآنِ : اِنتَفِعُوا بِبَيانِ اللّهِ ، وَاتَّعِظُوا بِمَواعِظِ اللّهِ ، وَاقبَلُوا نَصِيحَهَ اللّهِ ، فَإِنَّ اللّهَ قَد أَعذَرَ إِلَيكُم بِالجَلِيَّهِ ، وَاتَّخَذَ عَلَيكُمُ الحُجَّهَ ، وَبَيَّنَ لَكُم مَحابَّهُ مِنَ الأَعمالِ ، وَمَكارِهَهُ مِنها ، لِتَتَّبِعُوا هذِهِ ، وَتَجتَنِبُوا هذِهِ ، فَإِنَّ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله كانَ يَقُولُ : «إِنَّ الجَنَّهَ حُفَّت بِالمَكارِهِ ، وَإِنَّ النّارَ حُفَّت بِالشَّهَواتِ» . وَاعلَمُوا أَنَّهُ ما مِن طاعَهِ اللّهِ شَىءٌ إِلّا يَأتِى فَى كُرهٍ ، وَما مِن مَعصِيَهِ اللّهِ شَىءٌ إِلّا يَأتِى فِى شَهوَهٍ . فَرَحِمَ اللّهُ امرَءا نَزَعَ عَن شَهوَتِهِ ، وَقَمَعَ هَوى نَفسِهِ ، فَإِنَّ هذِهِ النَّفسَ أَبعَدُ شَىءٍ مَنزَعا، وَإِنَّها لا تَزالُ تَنزِعُ إِلى مَعصِيَهٍ فِى هَوىً. (4)

الإمام الباقر عليه السلام :اَلجَنَّهُ مَحفُوفَهٌ بِالمَكارِهِ وَالصَّبرِ ، فَمَن صَبَرَ عَلَى المَكارِهِ فِى الدُّنيا دَخَلَ الجَنَّهَ . وَجَهَنَّمُ مَحفُوفَهٌ بِاللَّذّاتِ وَالشَّهَواتِ ، فَمَن أَعطَى نَفسَهُ لَذَّتَها وَشَهوَتَها دَخَلَ النّارَ . (5)

.

1- .غرر الحكم : ح 4204 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 187 ح 3822.
2- .المَذاق : طعمُ الشىء (لسان العرب : ج 10 ص 111 «ذوق») .
3- .نهج البلاغه : الخطبه 156 ، بحار الأنوار : ج 32 ص 240 ح 191 .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 176 ، أعلام الدين : ص 105 ، بحار الأنوار : ج 2 ص 180 ح 1 .
5- .الكافى : ج 2 ص 89 ح 7 عن حمزه بن حمران ، مسكّن الفؤاد : ص 51 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 72 ح 4.

امام علی علیه السلام :با ناملایمات است که بهشت به دست می آید.

امام علی علیه السلام از سخنان ایشان به مردم بصره : پس در آن هنگام (وقوع فتنه ها) ، هر کس که می تواند خویشتن را بر طاعت خدای عز و جل بِدارد ، چنان کند . اگر شما از من فرمان برید ، هر آینه من ، شما را به خواست خدا ، به راه بهشت می برم ، هر چند که راهی سراسر دشواری و تلخکامی است.

امام علی علیه السلام از سخنرانی ایشان در بیان ارزش قرآن : از گفتار خدا سود برید ، و اندرزهای خدا را به گوش گیرید ، و پند خدا را پذیرا شوید ؛ زیرا خداوند با دلایل آشکار ، حجّت را بر شما تمام کرده و هر گونه بهانه ای را از شما گرفته و کارهایی را که خوشایند و ناخوشایند اوست ، برایتان بیان کرده است تا از آنها پیروی کنید و از اینها دوری ورزید ؛ چرا که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرمود : «بهشت را ناخوشایندها در میان گرفته اند و دوزخ را خوشایندها احاطه کرده اند». بدانید که چیزی از طاعت خدا نیست ، مگر آن که با بی میلی انجام می پذیرد ، و چیزی از معصیت خدا نیست ، مگر آن که با میل صورت می پذیرد . پس ، خدای رحمت کند آن کسی را که از امیال خویش دست بردارد و هوای نفْس خود را سرکوب کند ؛ زیرا این نفْس ، به سختی ، دست بر می دارد و پیوسته به نافرمانی و هوس ، شوق دارد.

امام باقر علیه السلام :بهشت ، پیچیده در ناملایمات و شکیبایی [بر آنها] است . پس هر که در دنیا بر ناملایمات بشکیبد ، به بهشت می رود ؛ و دوزخ ، پیچیده در خوشی ها و خواهش هاست . پس هر که خوشی و خواهش نفس را برآورده کند ، به دوزخ می رود.

.

7 / 10مكارم الأخلاق ومحاسن الأعمالأ الصَّبرالكتاب«أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تَدْخُلُواْ الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأتِكُم مَّثَلُ الَّذِينَ خَلَوْاْ مِن قَبْلِكُم مَّسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزِلُواْ حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ ». (1)

«وَ الَّذِينَ صَبَرُواْ ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَ أَقَامُواْ الصَّلَوةَ وَ أَنفَقُواْ مِمَّا رَزَقْنَهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً وَ يَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَهِ السَّيِّئَةَ أُوْلَائِکَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ * جَنَّتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَ مَن صَلَحَ مِنْ ءَابَائِهِمْ وَ أَزْوَ جِهِمْ وَ ذُرِّيَّتِهِمْ وَالْمَلَائِکَهُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِم مِّن كُلِّ بَابٍ * سَلَمٌ عَلَيْكُم بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ ». (2)

الحديثالإمام الباقر عليه السلام فِى قَولِهِ تَعالى : «أُوْلَائِکَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَهَ بِمَا صَبَرُواْ» (3) : اَلغُرفَهُ : الجَنَّهُ ، بِما صَبَرُوا عَلَى الفَقرِ فِى دارِ الدُّنيا. (4)

.

1- .البقره : 214.
2- .الرعد : 22 24.
3- .الفرقان : 75.
4- .كشف الغمّه : ج 2 ص 344 عن ثابت ، بحار الأنوار : ج 78 ص 186 ح 19 ؛ البدايه والنهايه : ج 9 ص 310 عن ثابت.

7 / 10 خوی های والا و کردارهای نیکو

الف شکیبایی

7 / 10خوی های والا و کردارهای نیکوالف شکیباییقرآن«آیا پنداشتید که به بهشت می روید ، در حالی که آنچه بر پیشینیان شما آمد ، هنوز بر شما نیامده است؟ به آنان ، سختی و زیان رسید و به تکان در آمدند ، تا جایی که پیامبر و کسانی که با وی ایمان آورده بودند ، گفتند : یاری خدا ، کِی خواهد بود؟ ! هان ! یاری خدا نزدیک است».

«و کسانی که برای طلب خشنودی پروردگارشان شکیبایی کردند و نماز گزاردند و از آنچه روزی شان نمودیم ، نهان و آشکارا انفاق کردند و بدی را با نیکی دور می کنند ، ایشان اند که فرجامِ خوشِ آن سرای ، از آنِ ایشان خواهد بود ؛ همان بهشت های جاودانیَ که آنان با پدرانشان و همسرانشان و فرزندانشان که درستکارند ، به آنها وارد می شوند و فرشتگان از هر دری بر آنان وارد می شوند [و به آنان می گویند :] «درود بر شما که شکیبایی کردید !» . راستی چه نیکوست فرجام آن سرای ! ».

حدیثامام باقر علیه السلام در باره این سخن خدای بلندمرتبه : «اینان اند که به پاس آن که شکیبایی کردند ، غرفه پاداش خواهند یافت» : «غرفه» یعنی بهشت ، که به پاس آن که در دنیا در برابر فقر ، شکیبایی ورزیدند ، پاداش خواهند گرفت .

.

عنه عليه السلام :اَلجَنَّةُ مَحفُوفَةٌ بِالمَكارِهِ وَالصَّبرِ ، فَمَن صَبَرَ عَلَى المَكارِهِ فِى الدُّنيا دَخَلَ الجَنَّةَ ، وَجَهَنَّمُ مَحفُوفَةٌ بِاللَّذّاتِ وَالشَّهَواتِ ، فَمَن أعطى نَفسَهُ لَذَّتَها وَشَهوَتَها دَخَلَ النّارَ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ طائِفَةً مِنَ المَلائِكَهِ عابُوا وُلدَ آدَمَ فِى اللَّذّاتِ وَالشَّهَواتِ ، أعنِى لَكُمُ الحَلالَ لَيسَ الحَرامَ ، قالَ : فَأنِفَ اللّهُ لِلمُؤمِنِينَ مِن وُلدِ آدَمَ مِن تَعيِيرِ المَلائِكَهِ لَهُم ، قالَ : فَألقَى اللّهُ فِى هِمَمِ أُولَئِکَ المَلائِكَهِ اللَّذّاتِ وَالشَّهَواتِ كَى لا يَعِيبُوا المُؤمِنِينَ . قالَ : فَلَمّا أحَسُّوا ذَلِکَ مِن هِمَمِهِم عَجُّوا إلَى اللّهِ مِن ذَلِکَ ، فَقالُوا : رَبَّنا عَفوَکَ عَفوَکَ ، رُدَّنا إلى ما خَلَقتَنا لَهُ ، وَأجبَرتَنا عَلَيهِ ، فَإنّا نَخافُ أن نَصِيرَ فِى أمرٍ مَرِيجٍ . (2) قالَ : فَنَزَعَ اللّهُ ذَلِکَ مِن هِمَمِهِم ، قالَ : فَإذا كانَ يَومُ القِيامَهِ وَصارَ أهلُ الجَنَّهِ فِى الجَنَّهِ ، استَأذَنَ أُولَئِکَ المَلائِكَهُ عَلَى أهلِ الجَنَّهِ ، فَيُؤذَنُ لَهُم ، فَيَدخُلُونَ عَلَيهِم فَيُسَلِّمُونَ عَلَيهِم، وَيَقُولُونَ لَهُم : «سَلَمٌ عَلَيْكُم بِمَا صَبَرْتُمْ» فِى الدُّنيا عَنِ اللَّذّاتِ وَالشَّهَواتِ الحَلالِ . (3)

تاريخ اليعقوبى فِى ذِكرِ المَأثُورِ عَنِ الإمامِ الصّادِقِ عليه السلام : قالَ : خَلَّتانِ مَن لَزِمَهُما دَخَلَ الجَنَّهَ ، فَقِيلَ : وَما هُما؟ قالَ : اِحتِمالُ ماتَكرَهُ إذا أحَبَّهُ اللّهُ ، وَتَركُ ما تُحِبُّ إذا كَرِهَهُ اللّهُ . فَقِيلَ لَهُ : مَن يُطِيقُ ذَلِکَ؟ فَقالَ : مَن هَرَبَ مِنَ النّارِ إلَى الجَنَّهِ . (4)

الإمام الرضا عليه السلام :مَن سَأَلَ اللّهَ الجَنَّهَ وَلَم يَصبِر عَلَى الشَّدائِدِ ، فَقَدِ استَهزَأ بِنَفسِهِ . (5)

.

1- .الكافى : ج 2 ص 89 ح 7 عن حمزه بن حمران ، مسكّن الفؤاد : ص 51 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 72 ح 4.
2- .المَرِيْج : المُلتوى الأعْوَج، الملتبس عليهم (لسان العرب : ج 2 ص 365 «مرج»).
3- .تفسير العيّاشى : ج 2 ص 211 ح 42 عن أبى ولّاد ، بحار الأنوار : ج 8 ص 141 ح 59 .
4- .تاريخ اليعقوبى : ج 2 ص 382.

5- .كنز الفوائد : ج 1 ص 330 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 110 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 356 ح 11.

امام باقر علیه السلام :بهشت ، پیچیده در ناملایمات و شکیبایی است . پس هر که در دنیا بر ناملایمات بشکیبد ، به بهشت می رود . دوزخ نیز پیچیده در خوشی ها و خواهش های نفسانی است . پس هر که خوشی و خواهش نفْس را برآورده سازد ، به دوزخ می رود.

امام صادق علیه السلام :گروهی از فرشتگان بر فرزندان آدم به خاطر کامجویی ها و خواهش های نفسانی ، خرده گرفتند . مقصودم حلال آنهاست ، نه حرامشان . خداوند را از نکوهش فرشتگان نسبت به فرزندان مؤمن آدم ، عار آمد . پس در دل های آن فرشتگان ، کامجویی ها و خواهش های نفْسانی افکند تا دیگر بر مؤمنان ، خرده نگیرند. فرشتگان ، چون چنین چیزی را در وجود خود احساس کردند ، از آن به درگاه خدا نالیدند و گفتند : خداوندا ! ما را ببخش . ما را ببخش و ما را به همان چیزی که برای آن آفریدی و بر آن مجبورمان ساختی ، باز گردان ؛ چرا که می ترسیم به کج راهه در اُفتیم. پس خداوند ، کامجویی و خواهش را از دل هایشان بر کند . چون روز قیامت شود و بهشتیان به بهشت روند ، آن فرشتگان از بهشتیان اجازه ورود می خواهند و به آنها اجازه داده می شود . پس بر ایشان وارد می شوند و سلام می دهند و به ایشان می گویند : «سلام بر شما که شکیبایی کردید» در دنیا در برابر خوشی ها و خواهش های نفسانی حلال !

تاریخ الیعقوبی :امام صادق علیه السلام فرمود : «دو خصلت است که هر کس به آنها چنگ زند ، به بهشت می رود» . پرسیدند : آن دو چیست؟ فرمود : «تحمّل آنچه تو خوش نداری ؛ امّا خداوند ، آن را خوش می دارد ، و ترک آنچه تو خوش می داری ؛ امّا خداوند ، آن را خوش نمی دارد» . به ایشان گفته شد : چه کسی طاقت این کار را دارد؟ فرمود : «کسی که از دوزخ به بهشت می گریزد» .

امام رضا علیه السلام :کسی که از خدا بهشت بخواهد ، ولی بر سختی ها نشکیبد ، خود را ریشخند کرده است.

.

ب مُخالَفَهُ الهَوىالكتاب«وَ أَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى * فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِىَ الْمَأْوَى» . (1)

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَنِ اشتاقَ إِلَى الجَنَّهِ سَلا (2) عَنِ الشَّهَواتِ ، وَمَن أَشفَقَ مِنَ النّارِ رَجَعَ عَنِ المُحَرَّماتِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :أَنتُمُ اليَومَ فِى المِضمارِ (4) ، وَغَدا فِى السِّباقِ . فَالسَّبَقُ الجَنَّهُ ، وَالغايَهُ النّارُ . (5)

الإمام علىّ عليه السلام :أَلا وَإِنَّ المِضمارَ اليَومَ ، وَالسِّباقَ غَدا . أَلا وَإِنَّ السُّبقَهَ الجَنَّهُ ، وَالغايَهَ النّارُ . (6)

.

1- .النازعات : 40 و 41 .
2- .سَلَيْتُ فلانا : أى أبغَضْتُه وتركته (لسان العرب : ج 14 ص 395 «سلا») .
3- .حليه الأولياء : ج 1 ص 74 عن خلاس بن عمرو عن الإمام علىّ عليه السلام ، المناقب للخوارزمى : ص 372 ح 390 عن العلاء بن عبد الرحمن عن الإمام علىّ عليه السلام ، كنز العمّال : ج 1 ص 286 ح 1389 ؛ الكافى : ج 2 ص 132 ح 15 عن أبى حمزه عن الإمام الباقر عن الإمام زين العابدين عليهماالسلام ، نهج البلاغه : الحكمه 31 عن الإمام على عليه السلام ، الخصال : ص 231 ح 74 عن الأصبغ بن نباته عن الإمام على عليه السلام ، الأمالى للمفيد : ص 277 ح 3 ، الأمالى للطوسى : ص 37 ح 40 كلاهما عن قبيصه بن جابر الأسدى عن الإمام علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 72 ص 89 ح 1 .
4- .فى المصدر : «المضار» ، وما أثبتناه هو الصحيح . والمِضْمار : الموضع الذى تضمّر فيه الخيل ، وهو أن يُظاهَر عليها بالعلف حتّى تسمن ، ثم لا تعلف إلّا قوتا لتخفّ (النهايه : ج 3 ص 99 «ضمر») .
5- .كنز العمّال : ج 15 ص 794 ح 43153 نقلاً عن ابن لآل فى مكارم الأخلاق عن جابر وراجع : المعجم الأوسط : ج 3 ص 307 ح 3241 .
6- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 516 ح 1482 ، نهج البلاغه : الخطبه 28 ، الإرشاد : ج 1 ص 235 ، خصائص الأئمّه عليهم السلام : ص

96 نحوه ، مصباح المتهجّد : ص 661 ح 728 عن جندب بن عبد اللّه الأزدى عن أبيه ، بحار الأنوار : ج 77 ص 294 ح 2 ؛ المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 651 ح 8800 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 200 ح 1 كلاهما عن أبى عبد الرحمن السلمى من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، تاريخ دمشق : ج 42 ص 497 عن أوفى بن دلهم والثلاثه الأخيره نحوه ، مطالب السؤول : ص 51 ، كنز العمّال : ج 16 ص 203 ح 44225 .

ب مخالفت با هوس

ب مخالفت با هوسقرآن«و امّا آن که از مقام پروردگارش بترسد و نفس را از هوس باز دارد ، بهشت ، جایگاه اوست».

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی که مشتاق بهشت است ، از خواهش های نفسانی دست بر می دارد و کسی که از دوزخ بترسد ، از حرام ها روی می گرداند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شما امروز در آمادگاهید (1) و فردا در مسابقه . جایزه ، بهشت است و خطّ پایان ، آتش.

امام علی علیه السلام :آگاه باشید که امروز ، گاهِ آماده شدن است و فردا ، گاهِ مسابقه . آگاه باشید که جایزه ، بهشت است و خطّ پایان ، دوزخ.

.

1- .در متن عربی ، واژه «مِضمار» آمده که جایی است که در آن ، اسب را برای مسابقه آماده می کنند.

عنه عليه السلام :جِهادُ النَّفسِ ثَمَنُ الجَنَّهِ ، فَمَن جاهَدَها مَلَكَها ، وَهِىَ أَكرَمُ ثَوابِ اللّهِ لِمَن عَرَفَها . (1)

عنه عليه السلام :لَن يَحُوزَ الجَنَّهَ إِلّا مَن جاهَدَ نَفسَهُ . (2)

عنه عليه السلام :ظَفِرَ بِجَنَّهِ المَأوى مَن غَلَبَ الهَوى . (3)

عنه عليه السلام :ظَفِرَ بِجَنَّهِ المَأوى مَن أَعرَضَ عَن شَهَواتِ الدُّنيا . (4)

الإمام الصادق عليه السلام :ما كانَ عَبدٌ لِيَحبِسَ نَفسَهُ عَلَى اللّهِ إِلّا أَدخَلَهُ الجَنَّهَ . (5)

ج الجِهادُ بِالمالِ وَالنَّفسِالكتاب«يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَرَهٍ تُنجِيكُم مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ * تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَتُجَهِدُونَ فِى سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَ لِكُمْ وَ أَنفُسِكُمْ ذَ لِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ * يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ يُدْخِلْكُمْ جَنَّتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَرُ وَ مَسَكِنَ طَيِّبَهً فِى جَنَّتِ عَدْنٍ ذَ لِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» . (6)

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَ أَمْوَ لَهُم بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّهَ يُقَتِلُونَ فِى سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِى التَّوْرَاهِ وَ الْاءِنجِيلِ وَ الْقُرْءَانِ وَ مَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُواْ بِبَيْعِكُمُ الَّذِى بَايَعْتُم بِهِ وَ ذَ لِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» . (7)

«أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تَدْخُلُواْ الْجَنَّهَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَهَدُواْ مِنكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّبِرِينَ» . (8)

.

1- .غرر الحكم : ح 4763 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 107 ح 2369 و ص 223 ح 4336 .
2- .غرر الحكم : ح 7421 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 407 ح 6885 .
3- .غرر الحكم : ح 6053 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 324 ح 5607 .
4- .غرر الحكم : ح 6065 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 323 ح 5573 وفيه «زخارف» بدل «شهوات» .

5- .الأمالى للمفيد : ص 350 ح 5 ، الأمالى للطوسى : ص 122 ح 189 كلاهما عن أبى الحسن العبدى ، مشكاه الأنوار : ص 449 ح 1507 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 71 ح 19 .
6- .الصفّ : 10 12 .
7- .التوبه : 111 .
8- .آل عمران : 142 .

ج جهاد مالی و جانی

امام علی علیه السلام :جهاد با نفْس ، بهای بهشت است . پس هر که با آن (نفْس) جهاد کند ، بهشت را مالک می شود و این ، ارجمندترین پاداش خداست برای کسی که [قدر و قیمت] آن را بشناسد.

امام علی علیه السلام :هرگز مالک بهشت نمی شود ، مگر کسی که با نفسش مبارزه کند.

امام علی علیه السلام :بهشت جاویدان را آن کس به دست آوْرْد که بر هوس ، چیره آمد.

امام علی علیه السلام :بهشت جاویدان را کسی به دست آوْرْد که از خواهش های دنیوی روی گرداند.

امام صادق علیه السلام :هیچ بنده ای نیست که خویشتن را وقف خدا کند ، مگر این که خداوند او را به بهشت درمی آورد.

ج جهاد مالی و جانیقرآن«ای کسانی که ایمان آورده اید ! آیا شما را به تجارتی راه بنمایم که شما را از عذابی دردناک می رهاند؟ به خدا و فرستاده او می گروید و در راه خدا با مال و جانتان جهاد می کنید . این ، برای شما بهتر است ، اگر بدانید . [اگر چنین کنید ، خداوند] گناهانتان را بر شما می بخشاید و شما را در بهشت هایی که در آنها جویبارها روان است و در سراهایی خوش ، در بهشت های همیشگی در می آورد . این است کامیابی بزرگ».

«به درستی که خدا از مؤمنان ، جان و مالشان را خریده است ، به ازای این که بهشت برای آنان باشد ؛ همان کسانی که در راه خدا می جنگند و می کُشند و کشته می شوند ، [و این] به عنوان وعده حقّی در تورات و انجیل و قرآن ، بر عهده اوست ، و چه کسی از خدا به عهد خویش ، وفادارتر است ؟ ! پس به این معامله ای که با او کرده اید ، شادمان باشید و این ، همان کامیابی بزرگ است».

«آیا پنداشتید که به بهشت می روید ، بی آن که خداوند ، مجاهدان و شکیبایانِ شما را معلوم بدارد؟».

.

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن قاتَلَ فِی سَبِیلِ اللّهِ مِن رَجُلٍ مُسلِمٍ فُواقَ (1) ناقَهٍ وَجَبَت لَهُ الجَنَّهُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن آتاهُ اللّهُ جَمالاً وَمالاً ، فَعَفَّ فِی جَمالِهِ وَبَذَلَ مِن مالِهِ دَخَلَ الجَنَّهَ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :اَلخَیرُ کُلُّهُ فِی السَّیفِ وَتَحتَ ظِلِّ السَّیفِ ، وَلا یُقِیمُ النّاسَ إِلّا السَّیفُ ، وَالسُّیُوفُ مَقالِیدُ الجَنَّهِ وَالنّارِ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام :اَلجَنَّهُ تَحتَ أَطرافِ العَوالِی . (5)

د الزُّهدُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن عُرِضَت لَهُ الدُّنیا وَالآخِرَهُ فَأَخَذَ الآخِرَهَ وَتَرَکَ الدُّنیا فَلَهُ الجَنَّهُ ، وَإِن أَخَذَ الدُّنیا وَتَرَکَ الآخِرَهَ فَلَهُ النّارُ . (6)

.

1- .فُواق ناقه : هو ما بین الحَلْبتین من الراحه (النهایه : ج 3 ص 479 «فوق») .
2- .سنن الترمذی : ج 4 ص 185 ح 1657 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 933 ح 2792 ، سنن النسائی : ج 6 ص 25 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 2 ص 87 ح 2410 ، سنن ابی داوود : ج 3 ص 21 ح 2541 ، سنن الدارمی : ج 2 ص 646 ح 2305 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 243 ح 22111 ولیس فی الثلاثه الأخیره «من رجلٍ مسلم» وکلّها عن معاذ بن جبل ، کنز العمّال : ج 4 ص 293 ح 10556 .
3- .مشکاه الأنوار : ص 298 ح 916 .
4- .الکافی : ج 5 ص 2 ح 1 ، تهذیب الأحکام : ج 6 ص 122 ح 211 ، ثواب الأعمال : ص 225 ح 5 کلّها عن عمر بن أبان عن الإمام الصادق علیه السلام ، الأمالی للصدوق : ص 674 ح 909 عن عمر بن أبان عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، مشکاه الأنوار : ص 269 ح 802 عن الإمام الصادق علیه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 100 ص 9 ح 10 .
5- .نهج البلاغه : الخطبه 124 ، الاختصاص : ص 13 عن عمّار بن یاسر من دون إسنادٍ الیه علیه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 100 ص 41 ح 46 ؛

الطبقات الكبرى : ج 3 ص 258 ، تاريخ دمشق : ج 43 ص 465 كلاهما عن عمّار بن ياسر من دون إسنادٍ إليه عليه السلام .
6- .تاريخ دمشق : ج 65 ص 323 ح 13289 عن أبى هريره وابن عبّاس ، كنز العمّال : ج 3 ص 227 ح 6276 .

د زهدورزی

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر مرد مسلمانی که به اندازه فاصله دو بار دوشیدن شتر (1) در راه خدا بجنگد ، بهشت بر او واجب می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس که خداوند به او زیبایی و ثروتی دهد و او در زیبایی اش پاک دامنی ورزد و از ثروتش ببخشد ، به بهشت می رود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خوبی ، سراسر در شمشیر و زیر سایه شمشیر است و مردم را چیزی جز شمشیر ، راست نمی کند . شمشیرها کلیدهای بهشت و دوزخ اند.

امام علی علیه السلام :بهشت ، زیر نوک نیزه هاست.

د زهدورزیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس دنیا و آخرت برایش پیش آید و او آخرت را بگیرد و دنیا را بگذارد ، بهشتی است و اگر دنیا را بگیرد و آخرت را بگذارد ، دوزخی است .

.

1- .کنایه از زمان اندک است.

الإمام علىّ عليه السلام :ثَمَنُ الجَنَّهِ الزُّهدُ فِى الدُّنيا. (1)

عنه عليه السلام :طَلاقُ الدُّنيا مَهرُ الجَنَّهِ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :لا يَجمَعُ اللّهُ لِمُؤمِنٍ الوَرَعَ وَالزُّهدَ فِى الدُّنيا إِلّا رَجَوتُ لَهُ الجَنَّهَ . (3)

ه السَّماحَهُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :دَخَلَ رَجُلٌ الجَنَّهَ بِسَماحَتِهِ قاضِيا وَمُتَقاضِيا. (4)

و حُسنُ السَّرِيرَهِالإمام علىّ عليه السلام :لا يَفُوزُ بِالجَنَّهِ إِلّا مَن حَسُنَت سَرِيرَتُهُ ، وَخَلُصَت نِيَّتُهُ . (5)

عنه عليه السلام :إِنَّ اللّهَ سُبحانَهُ يُدخِلُ بِصِدقِ النِّيَّهِ وَالسَّرِيرَهِ الصّالِحَهِ مَن يَشاءُ مِن عِبادِهِ الجَنَّهَ . (6)

.

1- .غرر الحكم : ح 4700 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 218 ح 4272.
2- .غرر الحكم : ح 5989 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 317 ح 5532 .
3- .الأمالى للمفيد : ص 149 ح 7 ، ثواب الأعمال : ص 163 ح 1 كلاهما عن إبراهيم الكرخى ، أعلام الدين : ص 390 نحوه ، بحار الأنوار : ج 70 ص 307 ح 32.
4- .مسند ابن حنبل : ج 2 ص 662 ح 6981 ، مجمع الزوائد : ج 4 ص 130 ح 6311 كلاهما عن عبد اللّه بن عمرو.
5- .غرر الحكم : ح 10868 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 535 ح 9806.
6- .نهج البلاغه : الحكمه 42 ، وقعه صفّين : ص 529 عن عبد الرحمن بن جندب وليس فيه «من يشاء» ، الأمالى للطوسى : ص 602 ح 1245 عن عبد العظيم بن عبد اللّه الحسنى عن الإمام الجواد عن آبائه عنه عليهم السلام نحوه ، تفسير العيّاشى : ج 2 ص 104 ح 99 عن عبد الرحمن بن حرب ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 174 ح 2436 وفيهما «جمّا» بدل «من يشاء» ، بحار الأنوار : ج 71 ص 367 ح 16 ؛ تاريخ الطبرى : ج 5 ص 60 عن عبد الرحمن بن جندب عن أبيه وفيه «عالما جمّا» بدل «من يشاء».

ه گذشت

و نیکویی نهاد

امام علی علیه السلام :بهای بهشت ، پشت کردن به دنیاست.

امام علی علیه السلام :طلاق دادن دنیا ، کابین بهشت است.

امام صادق علیه السلام :خداوند ، پارسایی و زهدورزی در دنیا را در هیچ مؤمنی گرد نمی آورد ، مگر آن که برایش امید بهشت دارم.

ه گذشتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مردی به سبب آن که در قرض دادن و پس گرفتن قرض ، گذشت داشت ، به بهشت رفت.

و نیکویی نهادامام علی علیه السلام :به بهشت دست نمی یابد ، مگر آن که نیکو نهاد (خوش قلب) و پاک نیّت باشد.

امام علی علیه السلام :خداوندِ منزّه ، به سبب درستیِ نیّت و نهاد پاک ، هر یک از بندگانش را که بخواهد ، به بهشت می برد.

.

ز حُسنُ الخُلُقِرسول اللّه صلى الله عليه و آله لَمّا سُئِلَ عَن أَكثَرِ ما يَلِجُ النّاسُ بِهِ الجَنَّةَ ، قالَ : حُسنُ الخُلُقِ . (1)

الكافى عن فضيل :قالَ (2) : صَنائِعُ المَعرُوفِ وَحُسنُ البِشرِ يُكسِبانِ المَحَبَّةَ وَيُدخِلانِ الجَنَّةَ ، وَالبُخلُ وَعُبُوسُ الوَجهِ يُبعِدانِ مِنَ اللّهِ وَيُدخِلانِ النّارَ . (3)

ح كَظمُ الغَيظِالمعجم الأوسط عن أبى الدَّرداء :قُلتُ : يا رَسُولَ اللّهِ ، دُلَّنِى عَلى عَمَلٍ يُدخِلُنِى الجَنَّةَ ، قالَ : لا تَغضَب وَلَكَ الجَنَّةُ . (4)

السُّنن الكبرى عن أبى سعيد الخدرى :جاءَ رَجُلٌ إلَى النَّبِيِ صلى الله عليه و آله فَقالَ : يا رَسُولَ اللّهِ ، عَلِّمنِى عَمَلاً أَدخُلُ بِهِ الجَنَّةَ وَأَقلِل، لَعَلِّى أَعقِل ! قالَ : لا تَغضَب . (5)

ط سَترُ العَيبِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا يَرَى امرُؤٌ مِن أَخِيهِ عَورَةً فَيَستُرُها إلّا سَتَرَهُ اللّهُ وَأَدخَلَهُ الجَنَّةَ . (6)

.

1- .مسند ابن حنبل : ج 3 ص 143 ح 7912 ، مسند الطيالسى : ص 324 ح 2474 وفيه «تقوى اللّه وحسن الخلق» وكلاهما عن أبى هريره .
2- .الظاهر أنّه مضمر، والضمير فى «قال» راجع إلى الباقر أو الصادق عليهماالسلام ، وكأنّه سقط من النسّاخ أو الرواه. وصنايع المعروف : الإحسان إلى الغير بما يعرف حسنه شرعا وعقلاً، وكأنّ الإضافه للبيان (مرآه العقول : ج 8 ص 179).
3- .الكافى : ج 2 ص 103 ح 5 ، مستدرک الوسائل : ج 12 ص 344 ح 22 نقلاً عن كتاب الأخلاق لأبى القاسم الكوفى نحوه ، بحار الأنوار : ج 74 ص 172 ح 40.
4- .المعجم الأوسط : ج 3 ص 25 ح 2353 ، تاريخ أصبهان : ج 1 ص 154 الرقم 121 عن عبد الرحمن بن دلهم ، كنز العمّال : ج 3 ص 521 ح 7710.
5- .السنن الكبرى : ج 10 ص 181 ح 20280 ؛ منيه المريد : ص 320 عن أبى الدرداء وليس فيه «وأقلل لعلىّ أعقل» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 264

ح 8 .
6- .المعجم الكبير : ج 17 ص 288 ح 795 عن عتبه بن عامر ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص 279 ح 885 ، المطالب العاليه : ج 2 ص 396 ح 2563 كلاهما عن أبى سعيد الخدرى وليس فيهما «ستره اللّه » ، كنز العمّال : ج 3 ص 251 ح 6397 .

ز نیکویی اخلاق

ح فرو خوردن خشم

ط عیبپوشی

ز نیکویی اخلاقپیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ این سؤال که : بیشترین چیزی که مردم به سبب آن به بهشت می روند ، چیست؟ : نیکویی اخلاق .

الکافی به نقل از فضیل : فرمود (1) : «نیکوکاری و خوش رویی ، محبّت می آورند و به بهشت می برند ، و بخل و ترش رویی ، از خدا دور می گردانند و به دوزخ می برند» .

ح فرو خوردن خشمالمعجم الأوسط به نقل از ابو دَرداء : گفتم : ای پیامبر خدا ! مرا به کاری راه نمایی فرما که مرا به بهشت ببرد . فرمود : «خشم مگیر . بهشت ، از آنِ تو خواهد بود» .

السنن الکبری به نقل از ابو سعید خُدری : مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! به من عملی را بیاموز که با آن به بهشت روم . مختصر باشد تا بفهمم ! فرمود : «خشم مگیر» .

ط عیبپوشیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس از برادرش عیبی ببیند و آن را بپوشاند ، بی گمان ، خداوند نیز برای او پرده پوشی می کند و او را به بهشت می برد .

.

1- .مقصود ، امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام است.

ی ذِکرُ القَبرِرسول اللّه صلی الله علیه و آله :ذِکرُ القَبرِ یُقَرِّبُکُم مِنَ الجَنَّهِ . (1)

ک حُسنُ الظَّنِّ بِاللّهِرسول اللّه صلی الله علیه و آله :لا یَمُوتَنَّ أَحَدُکُم حَتّی یُحسِنَ ظَنَّهُ بِاللّهِ عز و جل، فَإِنَّ حُسنَ الظَّنِّ بِاللّهِ ثَمَنُ الجَنَّهِ . (2)

الإمام علیّ علیه السلام :مَن حَسُنَ ظَنُّهُ بِاللّهِ فازَ بِالجَنَّهِ . (3)

الإمام الصادِق علیه السلام :یُؤتی بِعَبدٍ یَومَ القِیامَهِ ظالِمٍ لِنَفسِهِ ، فَیَقُولُ اللّهُ تَعالی لَهُ : أَلَم آمُرکَ بِطاعَتِی؟ أَلَم أَنهَکَ عَن مَعصِیَتِی ؟ فَیَقُولُ : بَلی یا رَبِّ ، وَلَکِن غَلَبَت عَلَیَ شَهوَتِی ، فَإِن تُعَذِّبْنی فَبِذَنبِی ، لَم تَظلِمنِی . فَیَأمُرُ اللّهُ بِهِ إِلَی النّارِ ، فَیَقُولُ : ما کانَ هذا ظَنّی بِکَ ، فَیَقُولُ : ما کانَ ظَنُّکَ بِی؟ قالَ : کانَ ظَنّی بِکَ أَحسَنَ الظَّنِّ . فَیَأمُرُ اللّهُ بِهِ إِلَی الجَنَّهِ . فَیَقُولُ اللّهُ تَبارَکَ وَتَعالی : لَقَد نَفَعَکَ حُسنُ ظَنِّکَ بِیَ السَّاعَهَ . (4)

عنه علیه السلام :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : إِنَّ آخِرَ عَبدٍ یُؤمَرُ بِهِ إِلَی النّارِ ، فَإِذا أُمِرَ بِهِ التَفَتَ ، فَیَقُولُ الجَبّارُ : رُدُّوهُ ، فَیَرُدُّونَهُ ، فَیَقُولُ لَهُ : لِمَ التَفَتَّ إِلَیَ؟ فَیَقُولُ : یا رَبِّ ، لَم یَکُن ظَنّی بِکَ هَذا ! فَیَقُولُ : وَما کانَ ظَنُّکَ بِی؟ فَیَقُولُ : یا رَبِّ کانَ ظَنّی بِکَ أَن تَغفِرَ لِی خَطِیئَتِی، وَتُسکِنَنِی جَنَّتَکَ . قالَ : فَیَقُولُ الجَبّارُ : یا مَلائِکَتِی، لا وَعِزَّتِی وَجَلالِی وَآلائِی وَعُلُوِّی وَارتِفاعِ مَکانِی ! ما ظَنَّ بِی عَبدِی ساعَهً مِن خَیرٍ قَطُّ ، وَلَو ظَنَّ بِی ساعَهً مِن خَیرٍ ما رَوَّعتُهُ بِالنّارِ . أَجِیزُوا لَهُ کَذِبَهُ ، فَأَدخِلُوهُ الجَنَّهَ . ثُمَّ قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : لَیسَ مِن عَبدٍ یَظُنُّ بِاللّهِ خَیرا إِلّا کانَ عِندَ ظَنِّهِ بِهِ ، وَذَلِکَ قَولُهُ : «وَ ذَ لِکُمْ ظَنُّکُمُ الَّذِی ظَنَنتُم بِرَبِّکُمْ أَرْدَاکُمْ فَأَصْبَحْتُم مِّنَ الْخَسِرِینَ » (5) . (6)

.

1- .کنز العمّال : ج 15 ص 864 ح 43438 و ص 918 ح 43584 کلاهما نقلاً عن الدیلمی عن معاذ.
2- .الأمالی للطوسی : ص 379 ح 814 عن أنس ، مشکاه الأنوار : ص 78 ح 152 ، جامع الأخبار : ص 264 ح 715 ، روضه الواعظین : ص 551 کلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 70 ص 385 ح 46 ؛ تاریخ بغداد : ج 1 ص 396 ،

تاريخ دمشق : ج 13 ص 408 ح 3337 كلاهما عن أنس ، كنز العمّال : ج 3 ص 137 ح 5861 .
3- .غرر الحكم : ح 8840 و ح 8457 وليس فيه «باللّه » ، عيون الحكم والمواعظ : ص 435 ح 7527 وفيه «أحسن» بدل «حَسن».
4- .المحاسن : ج 1 ص 94 ح 55 عن عليّ بن رئاب ، نوادر الأخبار : ص 350 ح 3 وفيه «منعک» بدل «نفعک» ، بحار الأنوار : ج 7 ص 288 ح 4.
5- .فصّلت : 23.
6- .تفسير القمّى : ج 2 ص 264 ، ثواب الأعمال : ص 206 ح 1 من دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه و آله ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 97 ح 262 كلاهما نحوه وكلّها عن عبد الرحمن بن الحجّاج ، بحار الأنوار : ج 70 ص 384 ح 42 وراجع : الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام : ص 361.

ی یاد کردن گور

ک گمان نیک داشتن به خدا

ی یاد کردن گورپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :یاد کردن گور ، شما را به بهشت ، نزدیک می گرداند.

ک گمان نیک داشتن به خداپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر یک از شما بکوشد تا با گمان نیک به خدای عز و جل ، از دنیا برود ؛ چرا که گمان نیک داشتن به خداوند ، بهای بهشت است.

امام علی علیه السلام :هر کس به خدا گمان نیک داشته باشد ، به بهشت دست می یابد.

امام صادق علیه السلام :روز قیامت ، بنده ای را که به خویشتن ستم کرده است ، می آورند و خدای بلندمرتبه به او می فرماید : «آیا فرمانت ندادم که از من اطاعت کنی؟ آیا تو را از نافرمانی ام نهی نکردم؟» . او می گوید : چرا ، ای پروردگار من ؛ امّا شهوتم بر من چیره آمد . پس اگر مرا عذاب کنی ، به سبب گناه خود من است و تو به من ستم نکرده ای . خداوند ، دستور دهد که او را به دوزخ برند . بنده می گوید : گمان من به تو ، این نبود ! خداوند می فرماید : «گمان تو به من ، چه بود؟» بنده می گوید : نیکوترین گمان را به تو داشتم . پس خداوند ، دستور می دهد که او را به بهشت ببرند و می فرماید : «گمان نیک تو به من ، اکنون به دادت رسید».

امام صادق علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «آخرین بنده ای را که دستور داده می شود به دوزخ ببرند ، صورتش را به طرف خدا بر می گرداند . پادشاه عالم می فرماید : او را برگردانید . او را بر می گردانند . به او می فرماید : چرا صورتت را به سوی من گرداندی؟ می گوید : خداوندا ! گمانم به تو ، چنین نبود ! خداوند می فرماید : گمانت به من ، چه بود؟ می گوید : خداوندا ! گمانم به تو ، این بود که گناهم را می آمرزی و مرا در بهشت جای می دهی . پادشاه عالم می فرماید : ای فرشتگان من ! نه ! به عزّت و جلالم و به نعمت هایم و به والاییِ مقام و بلندیِ جایگاهم سوگند که این بنده ام هرگز لحظه ای به من گمان نیک

نداشته است و اگر لحظه ای گمان نیک می داشت ، او را به آتش نمی ترساندم . دروغش را راست پندارید و او را به بهشت ببرید» . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سپس فرمود : «هیچ بنده ای نیست که به خدا گمان نیک بَرَد ، مگر آن که مطابق گمانش به او ، با وی رفتار می شود . این ، سخن خود اوست که : «و همین گمانتان که در باره پروردگارتان بردید ، شما را هلاک کرد و از زیانکاران شدید» ».

.

ل الإنصافُ فِی مُعاشَرَهِ النّاسِالکافی عن أبی البلاد رفعه :جاءَ أَعرابِیٌّ إِلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله وَهُوَ یُرِیدُ بَعضَ غَزَواتِهِ ، فَأَخَذَ بِغَرزِ راحِلَتِهِ ، فقَالَ : یا رَسُولَ اللّهِ ، عَلِّمنِی عَمَلاً أَدخُلُ بِهِ الجَنَّهَ . فَقالَ : ما أَحبَبتَ أَن یَأتِیَهُ النّاسُ إِلَیکَ فَأتِهِ إِلَیهِم ، وَما کَرِهتَ أَن یَأتِیَهُ النّاسُ إِلَیکَ فَلاتَأتِهِ إِلَیهِم . خَلِّ سَبِیلَ الرَّاحِلَهِ . (1)

مسند ابن حنبل عن خالد بن عبد اللّه القسریِّ :حَدَّثَنِی أَبِی عَن جَدِّی أَنَّهُ قالَ : قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : أَتُحِبُّ الجَنَّهَ ؟ قالَ : قُلتُ : نَعَم ، قالَ : فَأَحِبَّ لِأَخِیکَ ما تُحِبُّ لِنَفسِکَ . (2)

رسول اللّه صلی الله علیه و آله :مَن سَرَّهُ أَن یُزحزَحَ عَنِ النّارِ وَیَدخُلَ الجَنَّهَ ، فَلتُدرِکهُ مَوتَتُهُ وَهُو یُؤمِنُ بِاللّهِ وَالیَومِ الآخِرِ ، وَلیَأتِ إِلَی النّاسِ الَّذِی یُحِبُّ أَن یَأتُوا إِلَیهِ . (3)

.

1- .الکافی : ج 2 ص 146 ح 10 ، الزهد للحسین بن سعید : ص 21 ح 45 ، مستطرفات السرائر : ص 152 ح 3 ، مشکاه الأنوار : ص 319 ح 1009 ، بحار الأنوار : ج 75 ص 36 ح 31 .
2- .مسند ابن حنبل : ج 5 ص 594 ح 16655 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 4 ص 186 ح 7313 وزاد فیه «المسلم» بعد «لأخیک» ، تاریخ دمشق : ج 16 ص 136 ح 3870 وفیه «لأحد المسلمین» بدل «أخیک» وج 33 ص 372 ح 6898 ، کنز العمّال : ج 15 ص 793 ح 43147 .
3- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1307 ح 3956 ، صحیح مسلم : ج 3 ص 1473 ح 46 ، سنن النسائی : ج 7 ص 153 ، السنن الکبری : ج 8 ص 292 ح 16692 ، مسند ابن حنبل : ج 2 ص 556 ح 6513 کلّها عن عبد اللّه بن عمرو بن العاص والأربعه الأخیره نحوه ، کنز العمّال : ج 6 ص 53 ح 14813 .

ل انصاف داشتن در معاشرت با مردم

ل انصاف داشتن در معاشرت با مردمالکافی به نقل از ابو البلاد ، در حدیثی که سند آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله رسانده است : پیامبر صلی الله علیه و آله آماده رفتن به یکی از جنگ ها بود که بادیه نشینی آمد و رکاب اشتر ایشان را گرفت و گفت : ای پیامبر خدا ! به من کاری بیاموز که با انجام دادن آن به بهشت بروم . فرمود : «هر رفتاری که دوست داری مردم با تو بکنند ، تو با آنان همان کن و هر رفتاری که خوش نداری مردم با تو انجام دهند ، تو نیز با آنان چنان مکن . راه را بر شتر بگشای» .

مسند ابن حنبل به نقل از خالد بن عبد اللّه قسری : پدرم از جدّم برایم حدیث کرد که : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «آیا بهشت را دوست داری؟» . گفتم : آری . فرمود : «پس آنچه را برای خود دوست داری ، برای برادرت نیز دوست بدار» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس خوش دارد که از آتشْ دور داشته شود و به بهشت وارد شود ، باید مرگ در حالی به سراغش بیاید که به خدا و روز قیامت ایمان دارد و با مردم نیز آن گونه رفتار کند که دوست دارد آنان با او رفتار کنند.

.

عنه صلى الله عليه و آله :مَن سَرَّهُ أَن يُزَحزَحَ عَنِ النّارِ وَيَدخُلَ الجَنَّةَ فَلتَأتِهِ مَنِيَّتُهُ وَهُوَ يَشهَدُ أن لا إِلهَ إِلّا اللّهُ ، وَأَنَّ مُحَمَّدا عَبدُهُ وَرَسُولُهُ ، وَيَأتِى إِلَى النّاسِ ما يُحِبُّ أَن يُؤتى إِلَيهِ . (1)

م خِدمَةُ العِيالِرسول اللّه صلى الله عليه و آله لِعَلِيٍّ عليه السلام : يا عَلِيُّ ، مَن لَم يَأنَف مِن خِدمَةِ العِيالِ دَخَلَ الجَنَّةَ بِغَيرِ حِسابٍ . يا عَلِيُّ ، خِدمَةُ العِيالِ كَفّارَةٌ لِلكَبائِرِ ، وَتُطفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ ، وَمُهُورُ الحُورِ العِينِ ، وَتَزِيدُ فِى الحَسَناتِ وَالدَّرَجاتِ . يا عَلِيُّ ، لا يَخدُمُ العِيالَ إِلّا صِدّيقٌ أو شَهِيدٌ أو رَجُلٌ يُرِيدُ اللّهُ بِهِ خَيرَ الدُّنيا وَالآخِرَهِ . (2)

ن الإِحسانُ إِلَى البَناتِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن عالَ ثَلاثَ بَناتٍ ، فَأَدَّبَهُنَّ وَزَوَّجَهُنَّ وَأَحسَنَ إِلَيهِنَّ ، فَلَهُ الجَنَّةُ . (3)

.

1- .المعجم الأوسط : ج 5 ص 84 ح 4741 ، مسند الشاميّين : ج 1 ص 354 ح 613 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 590 ح 1 ، تاريخ أصبهان : ج 2 ص 23 الرقم 976 ، حليه الأولياء : ج 4 ص 122 كلّها عن عبد اللّه بن عمرو والأربعه الأخيره نحوه ، كنز العمّال : ج 1 ص 58 ح 188 ؛ مجمع البيان : ج 3 ص 21 وفيه «يحبّ أن يأتى» بدل «يأتى» .
2- .جامع الأخبار : ص 275 ح 751 عن الإمام علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 104 ص 132 ح 1 .
3- .سنن ابى داوود : ج 4 ص 338 ح 5147 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 193 ح 11924 كلاهما عن أبى سعيد الخدرى وفيه «رحمهنّ» بدل «زوّجهنّ» ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 6 ص 103 ح 1 عن جابر بن عبد اللّه نحوه ، كنز العمّال : ج 16 ص 449 ح 45373 .

م خدمت به خانواده

ن نیکی کردن به دختران

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس خوش دارد که از آتش دوزخ به دور داشته شود و به بهشت برود ، باید در حالی مرگ ، او را در رسد که گواهی می دهد معبودی جز خدای یگانه نیست و محمّد ، بنده و فرستاده اوست ، و نیز با مردم آن کند که دوست دارد با او چنان شود.

م خدمت به خانوادهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام : ای علی! کسی که از خدمت کردن به خانواده عارش نیاید ، بدون حسابرسی به بهشت وارد می شود . ای علی! خدمت به خانواده ، زداینده گناهان بزرگ است ، خشم پروردگار را فرو می نشاند ، کابین سیه چشمان بهشتی است و بر حَسَنات و درجات می افزاید . ای علی! به خانواده خدمت نمی کند ، مگر صدّیق یا شهید یا مردی که خدا برایش خیر دنیا و آخرت را می خواهد.

ن نیکی کردن به دخترانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس سه دختر داشته باشد و آنها را تربیت کند و شوهر دهد و به ایشان نیکی کند ، بهشتی است .

.

س تَكَفُّلُ الأَيتامِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن كَفى يَتِيما فِى نَفَقَتِهِ بِمالِهِ حَتَّى يَستَغنِىَ ، وَجَبَت لَهُ الجَنَّهُ اَلبَتَّهَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ اليَتِيمَ إِذا بَكى إِهتَزَّ لَهُ العَرشُ ، فَيَقُولُ الرَّبُّ تَبارَكَ وَتَعالى : مَن هَذا الَّذِى أَبكى عَبدِى ! اَلَّذِى سَلَبتُهُ أَبَوَيهِ فِى صِغَرِهِ ؟ ! فَوَعِزَّتِى وَجَلالِى لا يُسكِتُهُ أَحَدٌ إِلّا أوجَبتُ لَهُ الجَنَّهَ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن ضَمَّ يَتِيما بَينَ المُسلِمِينَ فِى طَعامِهِ وَشَرابِهِ حَتَّى يَستَغنِىَ عَنهُ وَجَبَت لَهُ الجَنَّهُ اَلبَتَّهَ ، وَمَن أَدرَكَ والِدَيهِ أَو أَحَدَهُما ثُمَّ لَم يَبَرَّهُما ثُمَّ دَخَلَ النّارَ فَأَبعَدَهُ اللّهُ ، وَأَيُّما مُسلِمٍ أَعتَقَ رَقَبهً مُسلِمَهً كانَت فَكاكَهُ مِنَ النّارِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن ضَمَّ يَتِيما لَهُ أَو لِغَيرِهِ حَتّى يُغنِيَهُ اللّهُ عَنهُ وَجَبَت لَهُ الجَنَّهُ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن ضَمَّ يَتِيما بَينَ أَبَوَينِ مُسلِمَينِ إِلى طَعامِهِ وَشَرابِهِ حَتّى يَستَغنِىَ عَنهُ وَجَبَت لَهُ الجَنَّهُ اَلبَتَّهَ ، وَمَن أَعتَقَ اَمْرأً مُسلِما كانَ فَكاكَهُ مِنَ النّارِ ؛ يُجزى بِكُلِّ عُضوٍ مِنهُ عُضوا مِنهُ مِنَ النّارِ . (5)

.

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 372 ح 5762 ، مستطرفات السرائر : ص 119 ح 1 كلاهما عن حمّاد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 335 ح 2656 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، تهذيب الأحكام : ج 9 ص 177 ح 714 عن سليم بن قيس عن الإمام علىّ عليه السلام ، تحف العقول : ص 198 عن الإمام علىّ عليه السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 77 ص 58 ح 3 .
2- .ثواب الأعمال : ص 237 ح 1 عن أبى مريم الأنصارى ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 188 ح 573 ، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام : ص 172 عن العالم عليه السلام ، مجمع البيان : ج 10 ص 767 عن عمر نحوه ، بحار الأنوار : ج 82 ص 80 ح 16 .

3- .مسند أبى يعلى : ج 1 ص 433 ح 922 ، مسند الطيالسى : ص 187 ح 1322 ، تاريخ دمشق : ج 41 ص 486 ح 8341 كلّها عن أبى مالک أو ابن مالک ، مسند ابن حنبل : ج 7 ص 28 ح 19052 عن مالک بن عمرو القشيرى نحوه ، كنز العمّال : ج 15 ص 854 ح 43397 .
4- .المعجم الأوسط : ج 5 ص 290 ح 5345 عن عدىّ بن حاتم ، كنز العمّال : ج 3 ص 169 ح 6000 ؛ مشكاه الأنوار : ص 291 ح 882 وفيه «بين أبوين مسلمين» بدل «له أو لغيره» .
5- .مسند ابن حنبل : ج 7 ص 27 ح 19047 ، تفسير ابن كثير : ج 5 ص 62 كلاهما عن مالک بن الحارث ، المعجم الكبير : ج 19 ص 300 ح 670 عن مالک بن عمرو .

س سرپرستی یتیمان

س سرپرستی یتیمانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس مخارج یتیمی را از مال خود به عهده گیرد تا او بی نیاز شود ، البتّه بهشت بر او واجب می گردد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه یتیم بگرید ، عرش از گریه او به لرزه در می آید و پروردگار بزرگ و والا می فرماید : «کیست آن که بنده مرا که در خُردی ، پدر و مادرش را از او گرفتم ، گریاند؟ به عزّت و جلالم سوگند که هر کس او را ساکت کند ، بهشت را بر وی واجب می گردانم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس یتیم مسلمانی را آب و غذا دهد تا آن گاه که او از وی بی نیاز شود ، البتّه بهشت برایش واجب می گردد . هر کس پدر و مادر خود یا یکی از آن دو را در یابد و به آنها نیکی نکند و به دوزخ رود ، خدا او را [از رحمتش]دور می کند . هر مسلمانی بنده ای مسلمان را آزاد کند ، این ، مایه آزادی او از آتش دوزخ می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس یتیمی از خود یا دیگران را سرپرستی کند تا خداوند ، آن یتیم را از او بی نیاز گرداند ، بهشت برایش واجب می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس یتیمی را که پدر و مادرش مسلمان بوده اند ، آب و غذا دهد تا آن گاه که وی از او بی نیاز گردد ، البتّه بهشت برایش واجب می شود و هر کس مرد مسلمانی را آزاد کند ، این ، سبب آزادی او از آتش دوزخ می شود و به ازای هر عضوی از آن شخص [که آزاد می شود] ، عضوی از او از آتش می رهد.

.

عنه صلى الله عليه و آله :مَن ضَمَّ يَتِيما بَينَ أَبَوَيهِ فَلَهُ الجَنَّهُ اَلبَتَّهَ . (1)

ع إِطعامُ المَساكِينَرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن أَطعَمَ مِسكِينا للّهِ عز و جل دَخَلَ الجَنَّهَ . (2)

الإمام الباقر عليه السلام :لَمّا كَلَّمَ اللّهُ مُوسَى بنَ عِمرانَ عليه السلام ، قالَ مُوسى : ... إلهِى ، ما جَزاءُ مَن أَطعَمَ مِسكِينا ابتِغاءَ وَجهِکَ ؟ قالَ : يا مُوسى ، آمُرُ مُنادِيا يُنادِى يَومَ القِيامَهِ عَلى رُؤُوسِ الخَلائِقِ : فُلانُ بنُ فُلانٍ مِن عُتَقاءِ اللّهِ مِنَ النّارِ . (3)

المحاسن عن معمَّر بن خلّاد :كانَ أَبُو الحَسَنِ الرِّضا عليه السلام إِذا أَكَلَ أُتِيَ بِصَحفَهٍ ، فَتُوضَعُ قُربَ مائِدَتِهِ ، فَيَعمِدُ إِلَى أَطيَبِ الطَّعامِ مِمّا يُؤتى بِهِ ، فَيَأخُذُ مِن كُلِّ شَىءٍ شَيئا ، فَيُوضَعُ فِى تِلکَ الصَّحفَهِ ، ثُمَّ يَأمُرُ بِها لِلمَساكِينِ ، ثُمَّ يَتلُو هَذِهِ الآيَهَ : «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَهَ» (4) ، ثُمَّ يَقُولُ : عَلِمَ اللّهُ عز و جل أَن لَيسَ كُلُّ إِنسانٍ يَقدِرُ عَلى عِتقِ رَقَبَهٍ ، فَجَعَلَ لَهُم سَبِيلاً إِلَى الجَنَّهِ بِإِطعامِ الطَّعامِ . (5)

.

1- .مسند ابن حنبل : ج 7 ص 28 ح 19048 عن عمرو بن مالک أو مالک بن عمرو ، المعجم الكبير : ج 19 ص 300 ح 669 عن مالک بن عمرو نحوه ، كنز العمّال : ج 10 ص 317 ح 29583 وراجع : الدرّ المنثور : ج 2 ص 528 و 529 .
2- .تاريخ دمشق : ج 43 ص 567 ح 9414 عن حذيفه بن اليمان ، كنز العمّال : ج 16 ص 228 ح 44266 .
3- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 88 ح 68 عن زياد بن المنذر ، الأمالى للصدوق : ص 276 ح 307 عن عبد العظيم بن عبد اللّه الحسنى عن الإمام الهادى عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 69 ص 383 ح 46 .
4- .البلد : 11 .
5- .المحاسن : ج 2 ص 151 ح 1404 ، الكافى : ج 4 ص 52 ح 12 وليس فيه «بإطعام الطعام» ، بحار الأنوار : ج 49 ص 97 ح 11 .

ع اِطعام مستمندان

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس یتیمی را که پدر و مادرش را از دست داده ، سرپرستی کند ، قطعا اهل بهشت خواهد بود .

ع اِطعام مستمندانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس مستمندی را به خاطر خداوند عز و جل غذا دهد ، به بهشت می رود .

امام باقر علیه السلام :آن گاه که خدا با موسی بن عمران علیه السلام سخن گفت ، موسی گفت : ... بار خدایا ! پاداش کسی که به خاطر تو مستمندی را غذا دهد ، چیست؟ فرمود : «ای موسی ! در روز رستاخیز به آوازگری فرمان می دهم که در برابر همگان آواز سردهد : که فلان پسر فلان ، از آزادشدگان خدا از آتش است» .

المحاسن به نقل از معمّر بن خلّاد : امام رضا علیه السلام هر گاه غذا می خورد ، سینی ای می آوردند و کنار سفره اش می نهادند . ایشان به طرف لذیذترین غذاهایی که آورده شده بود ، دست می برد و از هر چیزی مقداری بر می داشت و در آن سینی می گذاشت و سپس دستور می داد که آنها را به مستمندان بدهند و آن گاه ، این آیه را می خواند : « و نخواست از گردنه بالا رود» . سپس می فرمود : «خداوند عز و جلمی دانست که هر انسانی قادر نیست برده ای آزاد کند . از این رو با [امر به] اطعام کردن ، راهی به سوی بهشت برای آنان قرار داد» .

.

فِ إِطعامُ المُؤمِنِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن أَطعَمَ مَرِيضا شَهوَتَهُ أَطعَمَهُ اللّهُ عز و جل مِن ثِمارِ الجَنَّهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن أَطعَمَ مِسكِينا فِى يَوم سَغَب (2) حَتّى يُشبِعَهُ ، أَدخَلَهُ اللّهُ عز و جلِيَومَ القِيامَهِ مِن بابٍ مِن أَبوابِ اَلجَنَّهِ لاَ يَدخُلُ فِيها إِلّا مَن عَمِلَ مِثلَ ما عَمِلَهُ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن أَطعَمَ كَبِدا جائِعا ، أَطعَمَهُ اللّهُ مِن أَطيَبِ طَعامِ الجَنَّهِ يَومَ القِيامَهِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن أَطعَمَ مُؤمِنا حَتّى يُشبِعَهُ مِن سَغَبٍ ، أَدخَلَهُ اللّهُ بابا مِن أبوابِ الجَنَّهِ لا يَدخُلُهُ إِلّا مَن كانَ مِثلَهُ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن أَطعَمَ مُؤمِنا مِن جُوعٍ أَطعَمَهُ اللّهُ تَعالى مِن ثِمارِ الجَنَّهِ ، وَمَن سَقاهُ مِن ظَمَا?سَقاهُ اللّهُ مِنَ الرَّحِيقِ المَختُومِ . (6)

الإمام الصادق عليه السلام :ما أَرى شَيئا يَعدِلُ زِيارَهَ المُؤمِنِ إِلّا إِطعامَهُ ، وَحَقٌّ عَلَى اللّهِ أَن يُطعِمَ مَن أَطعَمَ مُؤمِنا مِن طَعامِ الجَنَّهِ . (7)

.

1- .المعجم الكبير : ج 6 ص 241 ح 6107 عن سلمان ، كنز العمّال : ج 15 ص 791 ح 43131 نقلاً عن أبى الشيخ وحليه الأولياء عن أبى سعيد الخدرى ؛ الدعوات : ص 230 ح 639 ، بحار الأنوار : ج 81 ص 224 ح 32 .

2- .سَغِبَ سَغَبا : جاعَ ، والمسغَبَه : المجاعه . وقيل : لا يكون السَّغب إلّا الجوع مع التعب (المصباح المنير : ص 278 «سغب») .

3- .الفردوس : ج 3 ص 577 ح 5808 عن جابر .

4- .تاريخ دمشق : ج 27 ص 241 ح 5798 ، كنز العمّال : ج 6 ص 424 ح 16375 نقلاً عن الديلمى وكلاهما عن عبد اللّه .

5- .المعجم الكبير : ج 20 ص 85 ح 162 ، مسند الشاميّين : ج 3 ص 259 ح 2208 كلاهما عن معاذ بن جبل ، كنز العمّال : ج 6 ص 424 ح 16374 .

6- .مصادقه الإخوان : ص 145 ح 1 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، الكافى : ج 2 ص 201 ح 5 ، الأمالى للمفيد : ص 9 ح 5 ، ثواب الأعمال : ص 164 ح 2 كلّها عن أبى حمزه عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، المؤمن : ص 63 ح 161 عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، قرب الإسناد : ص 120 ح 422 عن الحسين بن علوان عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 69 ص 382 ح 44 .

7- .الكافى : ج 2 ص 203 ح 17 عن أبى شبل ، بحار الأنوار : ج 74 ص 378 ح 79 .

ف اطعام مؤمن

ف اطعام مؤمنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس به بیماری ، آنچه را که او دلش هوس کرده است بخوراند ، خداوند عز و جل از میوه های بهشت به او خواهد خوراند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در روزگار قحطی ، مستمندی را سیر کند ، خداوند عز و جلدر روز قیامت ، او را از دری وارد بهشت می کند که تنها کسی از آن در وارد می شود که کاری همانند او کرده باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس جگر گرسنه ای را غذا دهد ، خداوند در روز قیامت ، از بهترین غذاهای بهشت به او می خوراند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس مؤمنی را غذا دهد تا آن که از گرسنگی سیرش کند ، خداوند ، او را از آن دری وارد بهشت می کند که تنها امثال او از آن در وارد می شوند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس مؤمن گرسنه ای را غذا دهد ، خدای بلندمرتبه از میوه های بهشت به او می خوراند و هر کس مؤمن تشنه ای را آب دهد ، خداوند از شراب ناب و سر به مُهر [بهشتی] ، به او می نوشاند.

امام صادق علیه السلام :من کاری را که با دیدار با مؤمن برابری کند ، نمی شناسم ، مگر اطعام کردن او را ، و بر خداست که به کسی که مؤمنی را اطعام کند ، از خوراک بهشت بخوراند.

.

المحاسن عن ابن القدّاح عن الإمام الصّادق عليه السلام :مِن مُوجِباتِ الجَنَّهِ وَالمَغفِرَهِ إِطعامُ الطَّعامِ اَلسَّغبانَ . ثُمَّ تَلا قَولَ اللّهِ عز و جل : «أَوْ إِطْعَمٌ فِی یَوْمٍ ذِی مَسْغَبَهٍ * یَتِیمًا ذَا مَقْرَبَهٍ * أَوْ مِسْکِینًا ذَا مَتْرَبَهٍ * ثُمَّ کَانَ مِنَ الَّذِینَ ءَامَنُواْ» (1) . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :مَن أَطعَمَ عَشَرَهً مِنَ المُسلِمِینَ ، أَوجَبَ اللّهُ لَهُ الجَنَّهَ . (3)

عنه عليه السلام :ما مِن مُؤمِنٍ یُطعِمُ مُؤمِنا شُبعهً مِن طَعامٍ إِلّا أَطعَمَهُ اللّهُ مِن طَعامِ الجَنَّهِ ، وَلا سَقاهُ رَیَّهً إِلّا سَقاهُ اللّهُ مِنَ الرَّحِیقِ المَختُومِ . (4)

ص قَضاءُ حاجَهِ المُسلِمِ وَإِدخالُ السُّرُورِ عَلَیهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن عالَ بَیتا مِنَ المُسلِمِینَ فَلَهُ الجَنَّهُ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن مَشی مَعَ أَخِیهِ فِی حاجَهٍ فَناصَحَهُ فِیها ، جَعَلَ اللّهُ بَینَهُ وَبَینَ النّارِ یَومَ القِیامَهِ سَبعَهَ (6) خَنادِقَ ، بَینَ الخَندَقِ وَالخَندَقِ کَما بَینَ السَّماءِ وَالأَرضِ . (7)

عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ لِلّهِ عِبادا یَفزَعُ إِلَیهِمُ النّاسُ فِی حَوائِجِهِم ، أُولَئِکَ هُمُ الآمِنُونَ مِن عَذابِ اللّهِ یَومَ القِیامَهِ . (8)

.

1- .البلد : 14 17 .
2- .المحاسن : ج 2 ص 145 ح 1381 ، الکافی : ج 2 ص 201 ح 6 ، ثواب الأعمال : ص 165 ح 1 کلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 74 ص 361 ح 11 .
3- .المحاسن : ج 2 ص 157 ح 1427 عن حسین بن علیّ ، بحار الأنوار : ج 74 ص 367 ح 50 .
4- .المحاسن : ج 2 ص 152 ح 1407 عن أبی حمزه الثمالی ، بحار الأنوار : ج 74 ص 366 ح 43 .
5- .عوالی اللآلی : ج 3 ص 283 ح 16 .
6- .فی المصدر : «سبع» ، والصواب ما أثبتناه .

7- .قضاء الحوائج لابن أبى الدنيا : ص 46 ح 35 ، حليه الأولياء : ج 8 ص 200 كلاهما عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : ج 6 ص 446 ح 16473 ؛ عوالى اللآلى : ج 1 ص 375 ح 94 .
8- .تحف العقول : ص 52 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 157 ح 134 ؛ المعجم الكبير : ج 12 ص 274 ح 13334 ، مسند الشهاب : ج 2 ص 118 ح 1007 ، حليه الأولياء : ج 3 ص 225 كلّها عن ابن عمر نحوه ، كنز العمّال : ج 6 ص 350 ح 16007 .

ص بر آوردن نیاز مؤمن و شاد کردن او

المحاسن به نقل از ابن قدّاح : امام صادق علیه السلام فرمود : «از چیزهایی که موجب بهشت و آمرزش می شود ، سیر کردن گرسنه است» و سپس این سخن خدای عز و جلرا تلاوت کرد : «یا در روز گرسنگی ، طعام دادن به یتیمی خویشاوند یا مستمندی خاک نشین است . علاوه بر این ، از زمره کسانی است که گرویده اند» .

امام صادق علیه السلام :هر کس ده مسلمان را اطعام کند ، خداوند ، بهشت را برایش واجب می گرداند.

امام صادق علیه السلام :هر مؤمنی که یک مؤمن گرسنه را غذا دهد ، خداوند از خوراک بهشت به او می خوراند ، و هر گاه به مؤمن تشنه ای آب دهد ، خداوند از شراب ناب و سر به مُهر [بهشتی] ، به او می نوشاند.

ص بر آوردن نیاز مؤمن و شاد کردن اوپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس خانواده مسلمانی را سرپرستی کند ، بهشتی است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس برای حاجت برادرش او را همراهی کند و صادقانه در رفع حاجت او بکوشد ، خداوند در روز قیامت ، میان وی و آتش دوزخ ، هفت خندق قرار می دهد که فاصله هر خندق با دیگری به فاصله آسمان تا زمین است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند ، بندگانی دارد که مردم در حاجت هایشان به آنها پناه می برند . اینان در روز قیامت ، از عذاب خدا ایمن اند .

.

عنه صلى الله عليه و آله :مَن شَفَعَ لِأَخِيهِ شَفاعَةً طَلَبَها إِلَيهِ ، نَظَرَ اللّهُ عز و جل إِلَيهِ ، وَكانَ حَقّا عَلَى اللّهِ أَلّا يُعَذِّبَهُ أَبَدا . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن أَدخَلَ عَلى مُؤمِنٍ سُرُورا فَقَد سَرَّنِى ، وَمَن سَرَّنِى فَقَدِ اتَّخَذَ عِندَ اللّهِ عَهدا ، وَمَنِ اتَّخَذَ عِندَ اللّهِ عَهدا فَلَن تَمَسَّهُ النّارُ أَبَدا . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن أَدخَلَ عَلى أَهلِ بَيتٍ مِنَ المُسلِمِينَ سُرُورا ، لَم يَرضَ اللّهُ لَهُ ثَوابا دُونَ الجَنَّهِ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام :إِنَّ الجَنَّهَ لَتُساقُ (4) إِلى مَن سَعى لِأَخِيهِ المُؤمِنِ فِى قَضاءِ حَوائِجِهِ لِيُصلِحَ شَأنَهُ عَلى يَدَيهِ ، فَاستَبِقُوا النِّعَمَ بِذَلِکَ ، فَإِنَّ اللّهَ الكَرِيمَ يَسأَلُ الرَّجُلَ عَن جاهِهِ وَما بَذَلَهُ كَما يَسأَلُهُ عَن مالِهِ فِيمَ أَنفَقَهُ . (5)

الإمام الباقر عليه السلام :إِنَّ المُؤمِنَ لَتَرِدُ عَلَيهِ الحاجَهُ لِأَخِيهِ فَلا تَكُونُ عِندَهُ فَيَهتَمُّ بِها قَلبُهُ ، فَيُدخِلُهُ اللّهُ تَبارَکَ وَتَعالى بِهَمِّهِ الجَنَّهَ . (6)

.

1- .ثواب الأعمال : ص 344 ح 1 عن أبى هريره وعبد اللّه بن عبّاس ، بحار الأنوار : ج 76 ص 371 ح 30 .
2- .سير أعلام النبلاء : ج 8 ص 543 ، الدرّ المنثور : ج 5 ص 542 نقلاً عن ابن مردويه ، كنز العمّال : ج 6 ص 431 ح 16411 نقلاً عن الدارقطنى فى الإفراد وأبى الشيخ فى كتاب الثواب وكلّها عن ابن عبّاس .
3- .المعجم الأوسط : ج 7 ص 289 ح 7519 ، المعجم الصغير : ج 2 ص 51 ، تاريخ أصبهان : ج 1 ص 164 الرقم 148 كلّها عن عائشه .
4- .فى كنز العمّال : «تشتاق» .
5- .تاريخ بغداد : ج 3 ص 117 الرقم 1134 عن الحسن بن سعد عن أبيه ، كنز العمّال : ج 3 ص 781 ح 8737 .
6- .الكافى : ج 2 ص 196 ح 14 عن عبد اللّه بن محمّد الجعفى ، بحار الأنوار : ج 74 ص 331 ح 104 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس برای برادرش وساطتی کند که آن را از او خواسته است ، خداوند عز و جل به او نظر می کند و بر خداست که هرگز عذابش نکند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس مؤمنی را شاد کند ، مرا شاد کرده است و هر کس مرا شاد کند ، از خدا پیمانی ستانده است و هر کس از خدا پیمانی بستاند ، هرگز آتش دوزخ به او نمی رسد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس به خانواده ای از مسلمانان شادی ای رساند ، خداوند برای او به پاداشی کمتر از بهشت ، رضایت نمی دهد.

امام علی علیه السلام :کسی که برای بر آوردن نیازهای برادر مؤمنش بکوشد تا با دست خود ، گرفتاری او را برطرف کند ، بهشت به سویش سوق داده می شود . پس با این کار به سوی نعمت ها بشتابید ؛ زیرا خداوند کریم ، همان گونه که از شخص در باره دارایی اش می پرسد که آن را در چه راهی خرج کرده ، در باره منزلت اجتماعیِ او و دیگر چیزهایی که به او بخشیده است نیز می پرسد .

امام باقر علیه السلام :مؤمن ، حاجتی از برادرش به نزدش آورده می شود و او چیزی ندارد تا آن را برآورده سازد ؛ ولی دلش بِدان اهتمام می ورزد . خدای بزرگ و والا ، به خاطر همین اهتمامش ، او را به بهشت می برد.

.

الإمام الصادق علیه السلام :مَن سَعی لِأَخِیهِ المُؤمِنِ فِی حاجَهٍ مِن حَوائِجِ الدُّنیا ، قَضَی اللّهُ عز و جللَهُ بِها سَبعِینَ حاجَهً مِن حَوائِجِ الآخِرَهِ ، أَیسَرُها أَن یُزَحزِحَهُ عَنِ النّارِ . (1)

عنه علیه السلام :ما مِن مُؤمِنٍ بَذَلَ جاهَهُ لِأَخِیهِ المُؤمِنِ إِلّا حَرَّمَ اللّهُ وَجهَهُ عَلَی النّارِ ، وَلَم یَمَسَّهُ قَتَرٌ وَلا ذِلَّهٌ یَومَ القِیامَهِ . (2)

رجال النجاشی عن محمّد بن إسماعیل بن بزیع عن الإمام الرضا علیه السلام :إنَّ للّهِ تَعالی بِأَبوابِ الظّالِمینَ مَن نَوَّرَ اللّهُ لَهُ البُرهانَ ، ومَکَّنَ لَهُ فِی البِلادِ ، لِیَدفَعَ بِهِم عَن أَولِیائِهِ ، ویُصلِحَ اللّهُ بِهِم اُمورَ المُسلِمینَ ، إلَیهِم مَلجأُ المُؤمِنِ مِن الضَّرِّ ، وإلَیهِم یَفزَعُ ذُوالحاجَهِ مِن شیعَتِنا ، وبِهِم یُؤَمِّنُ اللّهُ رَوعَهَ المُؤمِنِ فی دارِ الظُّلَمَهِ ، اُولِئکَ المُؤمِنونَ حَقّا ، اُولِئکَ اُمَناءُ اللّهِ فی أَرضِهِ ، اُولِئکَ نورٌ فی رَعِیَّتِهِم یَومَ القِیامَهِ ، ویَزهَرُ نورُهُم لِ?هلِ السَّماواتِ کَما تَزهَرُ الکَواکِبُ الدُّرِّیَّهُ لِأَهلِ الأَرضِ ، اولئِکَ مِن نورِهِم یَومَ القِیامَهِ تُضیءُ مِنهُمُ القِیامَهُ ، خُلِقوا وَاللّهِ لِلجَنَّهِ ، وخُلِقَتِ الجَنَّهُ لَهُم ، فَهَنیئا لَهُم ، ما عَلی أَحَدِکُم أَن لَو شاءَ لَنالَ هذا کُلَّهُ . قالَ : قُلتُ : بِماذا جَعَلَنِیَ اللّهُ فِداکَ؟ قالَ علیه السلام : یَکونُ مَعَهُم فَیَسُرُّنا بِإِدخالِ السُّرورِ عَلَی المُؤمِنینَ مِن شیعَتِنا ، فَکُن مِنهُم یا مُحَمَّدُ . (3)

ق زِیارَهُ الإِخوانِرسول اللّه صلی الله علیه و آله :مَن زارَ أَخاهُ فِی اللّهِ کانَ حَقّا عَلَی اللّهِ إِکرامُهُ ، وَإِذا أَکرَمَ اللّهُ تَعالی عَبدا أَدخَلَهُ الجَنَّهَ . (4)

.

1- .مستدرک الوسائل : ج 12 ص 409 ح 14451 نقلاً عن المفید فی الروضه .
2- .الأمالی للطوسی : ص 670 ح 1411 عن الحسین بن أبی غندر ، بحار الأنوار : ج 74 ص 317 ح 78 .
3- .رجال النجاشی : ج 2 ص 215 الرقم 894 .
4- .مستدرک الوسائل : ج 10 ص 379 ح 12217 نقلاً عن الأربعین لابن زهره عن عائشه .

ق دیدار برادران

امام صادق علیه السلام :هر کس برای بر آورده شدن حاجتی از حاجت های دنیوی برادر مؤمنش بکوشد ، خداوند عز و جلبه ازای آن ، هفتاد حاجت از حاجت های اخروی را برایش برآورده می سازد که کمترین آنها ، دور داشتن او از آتش دوزخ است.

امام صادق علیه السلام :هیچ مؤمنی نیست که از موقعیت خود برای [حلّ مشکل] برادر مؤمنش استفاده کند ، مگر آن که خداوند ، روی او را بر آتش حرام می گرداند و در روز قیامت ، گرد خواری بر او نمی نشیند .

رجال النجاشی به نقل از محمّد بن اسماعیل بن بزیع : امام رضا علیه السلام فرمود : «خدای بلندمرتبه ، در دستگاه ستمگران ، کسانی را دارد که برهانش را برای آنها روشن کرده و در شهرها برایشان جایگاهی فراهم کرده تا به وسیله آنها از دوستانش دفاع کند و امور مسلمانان را به وسیله آنها اصلاح نماید . پناهگاه مؤمن در هر سختی ، آنهایند و رویکرد شیعیان نیازمند ما ، به سمت آنهاست . خداوند در خانه ستمگران ، به وسیله آنان ، وحشت مؤمن را برطرف می کند . آنان حقیقتا مؤمن اند و امینان خدا در زمینش هستند . آنان ، در قیامت ، نوری در میان مردمشان اند و نورشان برای آسمانیان می درخشد ، همان گونه که ستارگان درخشان برای زمینیان می درخشند . روز قیامت ، از نور آنان ، قیامت روشن می شود . به خدا ، آنها برای بهشت آفریده شدند و بهشت برای آنان آفریده شد . گوارایشان باد ! هر یک از شما می تواند ، اگر بخواهد ، همه این [ثوابها] را به دست آورد » . گفتم : چگونه ، فدایت گردم ؟ فرمود : «با آنها [ستمگران] باشد و [در عین حال] ما را با خوش حال کردن شیعیان مؤمن ، خوش حال کند . پس از آنان باش ، ای محمّد !» .

ق دیدار برادرانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس به خاطر خدا به دیدن برادر خود رود ، بر خداست که او را گرامی بدارد و خدای بلندمرتبه ، هر بنده ای را که گرامی بدارد ، به بهشت می برد.

.

عنه صلى الله عليه و آله :إِذا زارَ أَحَدُكُم أَخاهُ فَأَلقى لَهُ شَيئا يَقِيهِ مِنَ التُّرابِ ، وَقاهُ اللّهُ عَذابَ النّارِ . (1)

الإمام الباقر والإمام الصّادق عليهماالسلام :أَيُّما مُؤمِنٍ خَرَجَ إِلى أَخِيهِ يَزُورُهُ عارِفا بِحَقِّهِ ، كَتَبَ اللّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطوَةٍ حَسَنَةً ، وَمُحِيَت عَنهُ سَيِّئَةٌ ، وَرُفِعَت لَهُ دَرَجَةٌ ، وَإِذا طَرَقَ البابَ فُتِحَت لَهُ أَبوابُ السَّماءِ ، فَإِذا التَقَيا وَتَصافَحا وَتَعانَقا أَقبَلَ اللّهُ عَلَيهِما بِوَجهِهِ ، ثُمَّ باهى بِهِما المَلائِكَةَ ، فَيَقُولُ : انظُرُوا إِلى عَبدَيَّ تَزاوَرا وَتَحابّا فِيَّ ! حَقٌّ عَلَيَّ أَلّا أُعَذِّبَهُما بِالنّارِ بَعدَ هَذا المَوقِفِ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :مَن زارَ أَخاهُ فِى اللّهِ قالَ اللّهُ عز و جل : إِيّاىَ زُرتَ وَثَوابُکَ عَلَيَّ ، وَلَستُ أَرضى لَکَ ثَوابا دُونَ الجَنَّةِ . (3)

ر قِيامُ اللَّيلِرسول اللّه صلى الله عليه و آله فِى وَصِيَّتِهِ لِأَبِى ذَرٍّ :يا أَبا ذَرٍّ ، اِحفَظ وَصِيَّةَ نَبِيِّکَ : مَن خُتِمَ لَهُ بِقِيامِ اللَّيلِ ثُمَّ ماتَ فَلَهُ الجَنَّةُ . (4)

بِش الصِّيامُ تَطَوُّعارسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن صامَ يَوما تَطَوُّعا أَدخَلَهُ اللّهُ عز و جل الجَنَّةَ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن صامَ يَوما تَطَوُّعا لَم يَطَّلِع عَلَيهِ أَحَدٌ ، لَم يَرضَ اللّهُ لَهُ بِثَوابٍ دُونَ الجَنَّةِ . (6)

.

1- .المعجم الكبير : ج 6 ص 271 ح 6188 عن سلمان الفارسىّ ، كنز العمّال : ج 9 ص 26 ح 24757 .
2- .الكافى : ج 2 ص 184 ح 1 عن عبد اللّه بن محمّد الجعفىّ ، بحار الأنوار : ج 76 ص 34 ح 32 .
3- .الكافى : ج 2 ص 176 ح 4 عن الحصين ، بحار الأنوار : ج 74 ص 345 ح 4 .
4- .تهذيب الأحكام : ج 2 ص 122 ح 465 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 474 ح 1373 .

5- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 86 ح 1801 عن الإمام علىّ عليه السلام ، ثواب الأعمال : ص 77 ح 1 عن طلحه بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 96 ص 253 ح 23 .
6- .تاريخ بغداد : ج 1 ص 278 الرقم 118 عن سهل بن سعد ، كنز العمّال : ج 8 ص 449 ح 23601 .

ر شب زنده داری

ش روزه مستحبّی

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه یکی از شما برادرش را دیدار کرد و بر او چیزی افکند که از گرد و خاکْ نگاهش بدارد ، خداوند ، او را از عذاب آتش ، نگاه می دارد.

امام باقر و امام صادق علیهماالسلام :هر مؤمنی که برای دیدار برادرش بیرون رود ، در حالی که حقّ او را می شناسد ، خداوند در برابر هر قدمی ، یک ثواب برایش می نویسد و یک گناه از او می زداید ، و چون درِ خانه اش را بکوبد ، درهای آسمان برایش باز می شوند ، و چون به هم رسند و دست دهند و معانقه کنند ، خداوند به آنها روی می آورد . سپس به آن دو ، بر فرشتگان می بالد و می فرماید : «دو بنده مرا که به خاطر من با یکدیگر دیدار و مهربانی کردند ، تماشا کنید ! بر من است که پس از این صحنه ، آن دو را به آتش ، عذاب نکنم».

امام صادق علیه السلام :هر کس برای خدا از برادرش دیدار کند ، خدای عز و جل می فرماید : «تو از من دیدار کردی و پاداش تو بر عهده من است ، و من به پاداش کمتر از بهشت ، برایت رضایت نمی دهم» .

ر شب زنده داریپیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به ابو ذر : ای ابو ذر ! سفارش پیامبرت را نگه دار : کسی که عمرش به شب زنده داری ختم شود و بمیرد ، بهشتی است.

ش روزه مستحبّیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس یک روز ، داوطلبانه روزه بگیرد ، خداوند عز و جل او را به بهشت می برد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس یک روز داوطلبانه روزه بگیرد و کسی از آن با خبر نشود ، خداوند برایش به پاداشی کمتر از بهشت ، رضایت نمی دهد .

.

ت قِيادَهُ الأَعميرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن قادَ أَعمى أَربَعِينَ خُطوَةً وَجَبَت لَهُ الجَنَّةُ . (1)

ث إِماطَهُ الأَذى عَنِ الطَّرِيقِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن أَماطَ أَذىً عَن طَرِيقِ المُسلِمِينَ كُتِبَ لَهُ حَسَنَهٌ ، وَمَن تُقُبِّلَت لَهُ حَسَنَهٌ دَخَلَ الجَنَّةَ . (2)

خ رَدُّ عادِيهِ ماءٍ أَو نارٍرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن رَدَّ عَن قَومٍ مِنَ المُسلِمِينَ عادِيَهَ (3) ماءٍ أو نارا ، وَجَبَت لَهُ الجَنَّةُ . (4)

ذ بِناءُ المَسجِدِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن بَنى للّهِ مَسجِدا ، أُدخِلَ الجَنَّةَ . (5)

.

1- .المعجم الكبير : ج 12 ص 271 ح 13322 ، شعب الإيمان : ج 6 ص 109 ح 7628 ، مسند أبي يعلى : ج 5 ص 243 ح 5587 ، تاريخ دمشق : ج 43 ص 90 ح 9106 كلّها عن ابن عمر ، كنز العمّال : ج 15 ص 775 ح 43048 .

2- .الأدب المفرد : ص 180 ح 593 ، المعجم الكبير : ج 20 ص 217 ح 502 ، تهذيب الكمال : ج 8 ص 334 الرقم 1726 كلّها عن معقل بن يسار (المزنى) ، مسند ابن حنبل : ج 10 ص 416 ح 27549 ، المعجم الأوسط : ج 1 ص 14 ح 32 كلاهما عن أبى الدرداء نحوه ، كنز العمّال : ج 15 ص 782 ح 43090 .

3- .عاديهُ فُلان : أى ظُلمه وشرَّه (الصحاح : ج 6 ص 2422 «عدا») .

4- .الكافى : ج 2 ص 164 ح 8 عن عمر بن علىّ بن الحسين عن أبيه الإمام زين العابدين عليه السلام و ج 5 ص 55 ح 3 عن فطر بن خليفه عن الإمام الباقر عن أبيه عن الإمام علىّ عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، مشكاه الأنوار : ص 319 ح 1012 ، بحار الأنوار : ج 74 ص 340 ح 123 .

5- .كنز العمّال : ج 7 ص 654 ح 20760 نقلاً عن المعجم الكبير عن عمرو بن عبسه .

ت دستگیری از نابینا

ث کنار زدن شی ء مزاحم از راه

خ دفع گزند آب یا آتش

ذ ساختن مسجد

ت دستگیری از نابیناپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس نابینایی را چهل قدم راه بَرَد ، بهشت بر او واجب می شود.

ث کنار زدن شی ء مزاحم از راهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس شی ء مزاحمی (1) را از راه مسلمانان کنار زند ، یک حسنه برایش نوشته می شود و هر کس یک حسنه از او پذیرفته شود ، به بهشت می رود.

خ دفع گزند آب یا آتشپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس گزند آب یا آتشی را از عدّه ای مسلمان دور سازد ، بهشت بر او واجب می شود.

ذ ساختن مسجدپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس برای خدا مسجدی بسازد ، به بهشت برده می شود.

.

1- .از قبیل : سنگ ، نجاست و یا هر چیزی که به مسلمانی آسیب برساند.

عنه صلى الله عليه و آله :مَن بَنى مَسجِدا للّهِ كَمَفحَصِ قَطاهٍ (1) أَو أَصغَرَ ، بَنَى اللّهُ لَهُ بَيتا فِى الجَنَّهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن بَنى للّهِ مَسجِدا ، فَإِنَّ اللّهَ يَبنِى لَهُ بَيتا أَوسَعَ مِنهُ فِى الجَنَّهِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن بَنى للّهِ مَسجِدا لِيُذكَرَ اللّهُ عز و جل فِيهِ ، بَنَى اللّهُ لَهُ بَيتا فِى الجَنَّهِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن بَنى للّهِ مَسجِدا صَغِيرا كانَ أَو كَبِيرا ، بَنَى اللّهُ لَهُ بَيتا فِى الجَنَّهِ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن بَنى للّهِ مَسجِدا ، بَنَى اللّهُ لَهُ مِثلَهُ فِى الجَنَّهِ . (6)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن بَنى للّهِ مَسجِدا ، بَنَى اللّهُ لَهُ قَصرا فِى الجَنَّهِ مِن دُرٍّ وَياقُوتٍ وَزَبَرجَدٍ . (7)

.

1- .المفحَص : مفعَل من الفَحص ، كالأُفحوص ، وأُفحوص القطاه : موضِعُها الذى تجثم فيه وتبيض ، كأنّها تفحَص عنه التراب ؛ أى تكشفه ، والفحص : البحث والكشف (النهايه : ج 3 ص 415 «فحص») .
2- .سنن ابن ماجه : ج 1 ص 244 ح 738 عن جابر بن عبد اللّه ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 519 ح 2157 عن ابن عبّاس ، صحيح ابن حبّان : ج 4 ص 490 ح 1610 المعجم الصغير : ج 2 ص 120 كلاهما عن أبى ذرّ وكلّها نحوه ، كنز العمّال : ج 7 ص 650 ح 20732 ؛ كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 235 ح 703 عن الإمام الباقر عليه السلام ، الأمالى للطوسى : ص 183 ح 306 عن أبى قلابه ، عوالى اللآلى : ج 2 ص 30 ح 75 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 77 ص 120 ح 20 .
3- .مسند ابن حنبل : ج 10 ص 445 ح 27683 عن أسماء بنت يزيد ، المعجم الكبير : ج 8 ص 225 ح 7889 عن أبى اُمامه و ج 22 ص 89 عن

واثله بن الأسقع وفيه «أفضل منه» بدل «أوسع منه» ، كنز العمّال : ج 7 ص 650 ح 20734 .
4- .مسند ابن حنبل : ج 7 ص 113 ح 19457 ، السنن الكبرى للنسائى : ج 1 ص 255 ح 767 ، مسند الشاميّين : ج 2 ص 188 ح 1162 ، تفسير ابن كثير : ج 8 ص 429 كلّها عن عمرو بن عبسه ، سنن ابن ماجه : ج 1 ص 243 ح 735 عن عمر بن الخطّاب نحوه .
5- .سنن الترمذى : ج 2 ص 135 ح 319 ، مسند أبى يعلى : ج 7 ص 277 ح 4298 ، التاريخ الكبير : ج 5 ص 330 ح 1047 كلّها عن أنس ، كنز العمّال : ج 7 ص 650 ح 20733 .
6- .سنن الترمذى : ج 2 ص 134 ح 318 ، سنن الدارمى : ج 1 ص 344 ح 1364 ، سنن ابن ماجه : ج 1 ص 243 ح 736 كلّها عن عثمان ، مسند ابن حنبل : ج 10 ص 445 ح 27683 عن أسماء بنت يزيد نحوه ، كنز العمّال : ج 7 ص 649 ح 20728 ؛ مسند زيد : ص 154 عن الإمام زين العابدين عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله وفيه «بيتا» بدل «مثله» .
7- .كنز العمّال : ج 7 ص 654 ح 20755 نقلاً عن ابن النجّار عن أنس .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس برای خدا مسجدی [حتّی] به اندازه آشیانه یک مرغ سنگخواره یا کوچک تر بسازد ، خداوند در بهشت برای او خانه ای می سازد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس برای خدا مسجدی بنا کند ، خداوند برای او در بهشت ، خانه ای وسیع تر از آن مسجد بنا می کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس برای خدا مسجدی بسازد که در آن ، یاد خدای عز و جل شود ، خداوند در بهشت ، خانه ای برای او می سازد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که برای خدا مسجدی بسازد ، کوچک باشد یا بزرگ ، خداوند در بهشت برای او خانه ای می سازد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که برای خدا مسجدی بسازد ، خداوند همانند آن را در بهشت برای او می سازد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که برای خدا مسجدی بسازد ، خداوند برایش در بهشت ، قصری از مروارید و یاقوت و زبرجد می سازد.

.

ض التَّأذِينُعنه صلى الله عليه و آله :مَن أَذَّنَ فِی مِصرٍ مِن أَمصارِ المُسلِمِینَ سَنَةً ، وَجَبَت لَهُ الجَنَّةُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :یُعجَبُ رَبُّکُم مِن راعِی غَنَمٍ فِی رَأسِ شَظِیَّهٍ (2) بِجَبَلٍ یُؤَذِّنُ بِالصَّلاهِ وَیُصَلِّی ، فَیَقُولُ اللّهُ عز و جل : اُنظُرُوا إِلی عَبدِی هَذا یُؤَذِّنُ وَیُقِیمُ الصَّلاهَ ، یَخافُ مِنِّی ، فَقَد غَفَرتُ لِعَبدِی وَأَدخَلتُهُ الجَنَّهَ . (3)

ظ الاِستِرجاعُ عِندَ المُصیبَهالإمام الصادق علیه السلام :مَن أُلهِمَ الاِستِرجاعَ عِندَ المُصیبَهِ ، وَجَبَت لَهُ الجَنَّهُ . (4)

غ زِیارَهُ قُبُورِ أَهلِ البَیتِ علیهم السلامرسول اللّه صلی الله علیه و آله :مَن أَتانِی زائِرا وَجَبَت لَهُ شَفاعَتِی ، وَمَن وَجَبَت لَهُ شَفاعَتِی وَجَبَت لَهُ الجَنَّهُ . (5)

الإمام الصادق علیه السلام :بَینا الحَسَنُ بنُ عَلِیٍّ علیه السلام ذاتَ یَومٍ فِی حَجرِ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله إِذ رَفَعَ رَأسَهُ فَقالَ : یا أَبَه ، ما لِمَن زارَکَ بَعدَ مَوتِکَ ؟ قالَ : یا بُنَیَّ ، مَن أَتانِی زائِرا بَعدَ مَوتِی فَلَهُ الجَنَّهُ ، وَمَن أَتی أَباکَ زائِرا بَعدَ مَوتِهِ فَلَهُ الجَنَّهُ ، وَمَن أَتی أَخاکَ زائِرا بَعدَ مَوتِهِ فَلَهُ الجَنَّهُ ، وَمَن أَتاکَ زائِرا بَعدَ مَوتِکَ فَلَهُ الجَنَّهُ . (6)

.

1- .تهذیب الأحکام : ج 2 ص 283 ح 1126 ، ثواب الأعمال : ص 52 ح 1 کلاهما عن معاویه بن وهب عن الإمام الصادق علیه السلام ، کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 1 ص 285 ح 881 ، بحار الأنوار : ج 84 ص 147 ح 40 .

2- .الشَظِیَّهُ : قِطعَهٌ مُرتَفِعَهٌ فی رَأسِ الجَبَل (النهایه : ج 2 ص 476 «شظی») .

3- .سنن ابی داوود : ج 2 ص 4 ح 1203 ، سنن النسائی : ج 2 ص 20 ، مسند ابن حنبل : ج 6 ص 147 ح 17447 ، السنن الکبری : ج 1 ص 596 ح 1905 نحوه ، تفسیر القرطبی : ج 10 ص 362 کلّها عن عقبه بن عامر ، کنز العمّال : ج 7 ص 294 ح 18948 .

4- .ثواب الأعمال : ص 235 ح 2 عن سيف بن عميره ، بحار الأنوار : ج 82 ص 128 ح 2 .
5- .الكافى : ج 4 ص 548 ح 5 عن أبى حجر الأسلمى عن الإمام الصادق عليه السلام ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 4 ح 5 ، المزار الكبير : ص 33 ح 5 كلاهما عن أبى يحيى الأسلمى عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 565 ح 3157 ، علل الشرائع : ص 460 ح 7 كلاهما عن إبراهيم بن أبى حجر الأسلمى عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 100 ص 140 ح 5 .
6- .تهذيب الأحكام : ج 6 ص 20 ح 44 عن عبد اللّه بن سنان ، المقنعه : ص 465 ح 10 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، كامل الزيارات : ص 39 ح 1 عن عبد اللّه بن سنان وفيه «الحسين بن علىّ عليه السلام » بدل «الحسن بن علىّ عليه السلام » ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 46 وليس فيه «ومن أتى أخاک زائرا بعد موته فله الجنّه» ، روضه الواعظين : ص 186 ، بحار الأنوار : ج 100 ص 142 ح 16 .

ض اذان گفتن

ظ اِنّا للّه گفتن به هنگام مصیبت

غ زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام

ض اذان گفتنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در شهری از شهرهای مسلمانان ، یک سال اذان بگوید ، بهشت بر او واجب می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پروردگار شما را خوش می آید از آن گوسپندچرانی که بر قلّه کوهی اذان می گوید و نماز می گزارد . پس خداوند عز و جل می فرماید : «این بنده ام را که اذان می گوید و نماز می گزارد ، تماشا کنید . او از من می ترسد . بنده ام را آمرزیدم و او را به بهشت وارد ساختم» .

ظ اِنّا للّه گفتن به هنگام مصیبتامام صادق علیه السلام :هر که در هنگام مصیبت ، گفتن استرجاع (إ نّا للّه و إنّا إلیه راجعون) به او الهام شود ، بهشت بر او واجب می گردد .

غ زیارت قبور اهل بیت علیهم السلامپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس به زیارت من بیاید ، سزاوار شفاعتم می شود و کسی که سزاوار شفاعت من شود ، سزاوار بهشت می گردد.

امام صادق علیه السلام :روزی حسن بن علی علیهماالسلام بر زانوی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نشسته بود که سرش را بلند کرد و گفت : پدر جان ! پاداش کسی که پس از وفات شما به زیارتتان بیاید ، چیست؟ فرمود : «پسرم ! هر کس پس از وفاتم به زیارت من بیاید ، پاداشش بهشت است ، و هر کس پدر تو را پس از وفاتش زیارت کند ، پاداشش بهشت است ، و هر کس برادرت را پس از وفاتش زیارت کند ، پاداشش بهشت است ، و هر کس تو را پس از وفاتت زیارت کند ، پاداشش بهشت است» .

.

يا اَلحِرصُ عَلَى الجَنَّهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا يَدخُلُ الجَنَّهَ إِلّا حَرِيصٌ عَلَيها. (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن بَكى عَلَى الجَنَّهِ دَخَلَ الجَنَّهَ ، وَمَن بَكى عَلَى الدُّنيا دَخَلَ النّارَ . (2)

يب طَلَبُ الجَنَّهِالكتاب«وَ اجْعَل لِّى لِسَانَ صِدْقٍ فِى الْاخِرِينَ * وَ اجْعَلْنِى مِن وَرَثَهِ جَنَّهِ النَّعِيمِ» . (3)

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله :يَقُولُ اللّهُ تَعالى : اُنظُرُوا فِى دِيوانِ عَبدِى ، فَمَن رَأَيتُمُوهُ سَأَلَنِىَ الجَنَّهَ أَعطَيتُهُ ، وَمَنِ استَعاذَنِى مِنَ النّارِ أَعَذتُهُ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام فِى مُناجاتِهِ : إلهى أَنتَ دَلَلتَنِى عَلى سُؤالِ الجَنَّهِ قَبلَ مَعرِفَتِها ، فَأَقبَلَتِ النَّفسُ بَعدَ العِرفانِ عَلى مَسأَلَتِها . أَفَتَدُلُّ عَلى خَيرِكَ السُّؤّالَ ثُمَّ تَمنَعُهُم النَّوالَ (5) ، وَأَنتَ الكَرِيمُ المَحمُودُ فِى كُلِّ ما تَصنَعُهُ ، يا ذَاالجَلالِ وَالإِكرامِ . (6)

.

1- .الفردوس : ج 5 ص 106 ح 7617 عن أنس .
2- .النوادر للراوندى : ص 107 ح 85 ، الجعفريّات : ص 192 وفيه «فعل على النار» بدل «بكى على الدنيا» وكلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 333 ح 23.
3- .الشعراء : 84 و 85 .
4- .حليه الأولياء : ج 6 ص 175 ، الفردوس : ج 5 ص 245 ح 8085 كلاهما عن أنس ، كنز العمّال : ج 2 ص 69 ح 3164 .
5- .النَّوال : العَطَاء (لسان العرب : ج 11 ص 683 «نول») .
6- .البلد الأمين : ص 315 ، المصباح للكفعمى : ص 492 كلاهما عن الإمام العسكرى عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 94 ص 105 ح 14 .

یا آزمندی به بهشت

یب جویای بهشت بودن

یا آزمندی به بهشتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به بهشت نمی رود ، مگر کسی که آزمند به آن باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس برای بهشت بگرید ، به بهشت می رود و هر که برای دنیا بگرید ، به دوزخ می رود.

یب جویای بهشت بودنقرآن«و برایم در میان آیندگان ، نامی نیک قرار ده و مرا از وارثان بهشتِ پرنعمت گردان».

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدای بلندمرتبه می فرماید : «به دیوان بنده ام بنگرید . هر که را دیدید که از من بهشت خواسته است ، به او می دهم و هر که از آتش به من پناه برده ، او را پناه می دهم» .

امام علی علیه السلام در مناجاتش : معبود من ! تو مرا پیش از آن که بهشت را بشناسم ، به درخواست کردن آن راه نمایی کردی و نفْس ، پس از شناخت ، به درخواستِ آن روی آورد . پس آیا می شود تو درخواست کنندگان را به خیر و نعمت ، راه نمایی کنی و سپس آنان را از دَهِش ، محروم سازی؟ در حالی که تو کریمی و همه کارهایت پسندیده و نیکوست ، ای صاحب شُکوه و کرامت !

.

عنه علیه السلام فِی دُعاءِ یَومِ الخَمِیسِ : اللَّهُمَّ ... أَدرِجنِی دَرَجَ مَن أَوجَبتَ لَهُ حُلُولَ دارِ کَرامَتِکَ مَعَ أَصفِیائِکَ وَأَهلِ اختِصاصِکَ بِجَزِیلِ مَواهِبِکَ ، فِی دَرَجاتِ جَنّاتِکَ ، مَعَ الَّذِینَ أَنعَمتَ عَلَیهِم مِنَ النَّبِیِّینَ وَالصِّدِّیقِینَ وَالشُّهَداءِ وَالصّالِحِینَ ، وَحَسُنَ أُولَئِکَ رَفِیقا . (1)

الکافی عن زراره :قالَ أَبُو جَعفَرٍ علیه السلام : لا تَنسَوا المُوجِبَتَینِ أَو قالَ : عَلَیکُم بِالمُوجِبَتَینِ فِی دُبُرِ کُلِّ صَلاهٍ ، قُلتُ : وَما المُوجِبَتانِ ؟ قالَ : تَسأَلُ اللّهَ الجَنَّهَ ، وَتَعَوَّذُ بِاللّهِ مِن النّارِ . (2)

الإمام الصادق علیه السلام فِی الدُّعاءِ : یا ذَا الجَلالِ وَالإِکرامِ ، أَوجِب لِیَ الجَنَّهَ الَّتِی حَشوُها رَحمَتُکَ ، وَسُکّانُها مَلائِکَتُکَ . (3)

یج تلک الخصالالکتاب«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِینَ هُمْ فِی صَلَاتِهِمْ خَشِعُونَ * وَ الَّذِینَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ * وَ الَّذِینَ هُمْ لِلزَّکَوهِ فَعِلُونَ * وَ الَّذِینَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَفِظُونَ * إِلَّا عَلَی أَزْوَ جِهِمْ أَوْ مَا مَلَکَتْ أَیْمَنُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَیْرُ مَلُومِینَ * فَمَنِ ابْتَغَی وَرَاءَ ذَ لِکَ فَأُوْلَائِکَ هُمُ الْعَادُونَ * وَ الَّذِینَ هُمْ لِأَمَنَتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ رَ عُونَ * وَ الَّذِینَ هُمْ عَلَی صَلَوَ تِهِمْ یُحَافِظُونَ * أُوْلَائِکَ هُمُ الْوَ رِثُونَ * الَّذِینَ یَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِیهَا خَلِدُونَ». (4)

.

1- .البلد الأمین : ص 137 ، جمال الأُسبوع : ص 83 من دون إسنادٍ إلی أحدٍ من أهل البیت علیهم السلام ، بحار الأنوار : ج 90 ص 208 ح 35 .
2- .الکافی : ج 3 ص 343 ح 19 ، تهذیب الأحکام : ج 2 ص 108 ح 408 ، معانی الأخبار : ص 183 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 26 ح 28 .
3- .مُهج الدعوات : ص 264 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 382 .
4- .المؤمنون : 1 11.

یج و این چند عامل

امام علی علیه السلام در دعای روز پنجشنبه : بار خدایا !... مرا به سانِ کسی که اقامت در کرامت خانه ات را برایش واجب ساختی ، در درجات بهشت هایت جای ده ، همراه با برگزیدگانت و کسانی که به بخشش های فراوانت اختصاصشان داده ای ، و همراه با کسانی که به آنان نعمت داده ای ، یعنی پیامبران و صدّیقان و شهیدان و صالحان ، که نیکو همنشینانی هستند .

الکافی به نقل از زراره : امام باقر علیه السلام فرمود : «دو موجِب را در پی هر نماز ، فراموش نکنید» یا فرمود : «بر شما باد دو موجِب» . گفتم : دو موجِب چیست؟ فرمود : «درخواست بهشت از خدا و پناه بردن به خدا از آتش ».

امام صادق علیه السلام در دعا : ای پروردگار بِشْکوه و گرامی ! بهشت را که درونش رحمت توست و ساکنانش فرشتگانت اند ، برایم واجب گردان.

یج و این چند عاملقرآن«به راستی که مؤمنان ، رستگار شدند ؛ همانان که در نمازشان خاشع اند ، و آنان که از بیهوده ، روی گردان اند ، و آنان که زکات می پردازند ، و کسانی که دامن خویش نگه می دارند ، مگر از همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده اند ، که در این صورت ، بر آنان نکوهشی نیست پس هر که فراتر از این بجوید ، آنان از حد درگذرندگان اند ، و آنان که امانت ها و پیمان خود را رعایت می کنند ، و آنان که بر نمازهایشان مواظبت می نمایند . آنان وارثان اند ؛ همانان که بهشت را به ارث می برند و در آن جاویدان اند».

.

الحديثسنن الترمذى عن عمر :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أُنزِلَ عَلَىَ عَشرُ آياتٍ ، مَن أقامَهُنَّ دَخَلَ الجَنَّةَ ، ثُمَّ قَرَأَ : «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» حَتّى خَتَمَ عَشرَ آياتٍ. (1)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أَلا أَدُلُّكُم عَلى أَهلِ الجَنَّهِ؟ كُلُّ ضَعِيفٍ مُتَضَعَّفٍ (2) ، لَو أَقسَمَ عَلَى اللّهِ لَأَبَرَّهُ ! وَأَهلُ النّارِ كُلُّ جَوّاظٍ (3) عُتُلٍّ (4) مُستَكبِرٍ . (5)

الأمالى عن أبى ذرٍّ :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : يا أَبا ذَرٍّ ، أَلا أُخبِرُكَ بِأَهلِ الجَنَّهِ؟ قُلتُ : بَلى يا رَسُولَ اللّهِ ، قالَ : كُلُّ أَشعَثَ أَغبَرَ ذِى طِمرَينِ لا يُؤبَهُ بِهِ ، لَو أَقسَمَ عَلَى اللّهِ لَأَبَرَّهُ . (6)

.

1- .سنن الترمذى : ج 5 ص 326 ح 3173 ، السنن الكبرى للنسائى : ج 1 ص 450 ح 1439 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 81 ح 223 ، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 426 ح 3479 ، المصنّف لعبد الرزّاق : ج 3 ص 383 ح 6038 ، كنز العمّال : ج 2 ص 306 ح 4070 .
2- .المتضعّف : الذى يتضعَّفُه الناس ويتجبّرون عليه فى الدنيا للفقر (النهايه : ج 3 ص 88 «ضعف»).
3- .الجوّاظ : المتكبّر الجافى (لسان العرب : ج 7 ص 439 «جوظ»).
4- .العُتُلّ : الشديد الجافى والفظّ الغليظ من الناس (النهايه : ج 3 ص 180 «عتل»).
5- .صحيح البخارى : ج 6 ص 2452 ح 6281 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2190 ح 46 ، سنن الترمذى : ج 4 ص 717 ح 2605 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1378 ح 4116 كلّها عن حارثه بن وهب والثلاثه الأخيره نحوه ، كنز العمّال : ج 3 ص 153 ح 5934 ؛ تنبيه الخواطر : ج 1 ص 182 وفيه «متعفّف» بدل «متضعّف» وليس فيه «عتلّ».
6- .الأمالى للطوسى : ص 539 ح 1162 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 381 ح 2661 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 66 ، أعلام الدين : ص 204 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 91 ح 3.

حدیثسنن الترمذی به نقل از عمر : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «ده آیه بر من نازل شده که هر کس آنها را به کار بندد ، به بهشت می رود» و سپس خواند : «به راستی که مؤمنان ، رستگار شدند» تا پایان ده آیه.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آیا شما را به اهل بهشت راه نمایی نکنم؟ هر ناتوان مستضعفی که اگر خدا را سوگند دهد ، خداوند ، دعایش را مستجاب می کند . و اهل دوزخ ، عبارت اند از هر گردن فراز درشت خوی مستکبری.

الأمالی ، طوسی به نقل از ابو ذر : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «ای ابو ذر! آیا تو را از اهل بهشت خبر ندهم؟» . گفتم : چرا ، ای پیامبر خدا ! فرمود : «هر ژولیده گرد گرفته ژنده پوشی که کسی به او بها نمی دهد ؛ امّا اگر خدا را سوگند دهد ، خداوند ، دعایش را مستجاب می کند» .

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إِنَّ أَهلَ الجَنَّهِ كُلُّ أَشعَثَ أَغبَرَ ذِى طِمرَينِ لا يُؤبَهُ لَهُ ، الَّذِينَ إِذا استَأذَنُوا عَلَى الأُمَراءِ لَم يُؤذَن لَهُم ، وَإِذا خَطَبُوا النِّساءَ لَم يُنكَحُوا ، وَإِذا قَالُوا لَم يُنصَت لَهُم ، حَوائِجُ أَحَدِهِم يَتَجَلجَلُ (1) فِى صَدرِهِ ، لَو قُسِّمَ نُورُهُ يَومَ القِيامَهِ عَلَى النَّاسِ لَوَسِعَهُم . (2)

تاريخ بغداد عن أنس :قالَ رَجُلٌ : يا رَسُولَ اللّهِ ، مَن أَهلُ الجَنَّهِ؟ قالَ : كُلُّ هَيِّنٍ لَيِّنٍ سَهلٍ قَرِيبٍ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام :إِنَّ أَهلَ الجَنَّهِ كُلُّ مُؤمِنٍ هَيِّنٍ لَيِّنٍ . (4)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أَلا أُخبِرُكُم بِمَن يَحرُمُ عَلَى النّارِ ، أَو بِمَن تَحرُمُ عَلَيهِ النّارُ؟ عَلى كُلِّ قَرِيبٍ هَيِّنٍ سَهلٍ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :حُرِّمَ عَلَى النّارِ كُلُّ هَيِّنٍ لَيِّنٍ سَهلٍ ، قَرِيبٍ مِنَ النّاسِ . (6)

المنتخب من مسند عبد بن حميد عن أبى هريره :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : وَالَّذِى نَفسِى بِيَدِهِ ! لا يَدخُلُ الجَنَّهَ إِلّا رَحِيمٌ . قُلنا : كُلُّنا رَحِيمٌ يا رَسُولَ اللّهِ . قالَ : لَيسَتِ الرَّحمَهُ أَن يَرحَمَ أَحَدُكُم خاصَّتَهُ حَتّى يَرحَمَ العامَّهَ وَيَتَوَجَّعَ لِلعامَّهِ . (7)

.

1- .يَتَجَلْجَلُ : يَتَحَرّكُ، والجلجله : الحركه مع الصوت (لسان العرب : ج 11 ص 121 «جلل»).
2- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 182 ، إحياء علوم الدين : ج 3 ص 406 عن أبى هريره نحوه وراجع : أعلام الدين : ص 276.
3- .تاريخ بغداد : ج 4 ص 175 الرقم 1857 ، المعجم الصغير : ج 1 ص 36 عن جابر بن عبد اللّه نحوه ، كنز العمّال : ج 15 ص 849 ح 43375.
4- .غرر الحكم : ح 3400 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 149 ح 3273.
5- .سنن الترمذى : ج 4 ص 654 ح 2488 ، المعجم الكبير : ج 10 ص 231 ح 10562 وليس فيه «أو بمن تحرم عليه النار» ، مشكاه المصابيح :

ج 2 ص 630 ح 5084 كلّها عن عبد اللّه بن مسعود ، كنز العمّال : ج 3 ص 16 ح 5221 .
6- .مسند ابن حنبل : ج 2 ص 90 ح 3938 عن ابن مسعود ، المعجم الكبير : ج 20 ص 352 ح 832 عن محمّد بن معيقيب عن أبيه نحوه ، كنز العمّال : ج 3 ص 12 ح 5195 .
7- .المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص 424 ح 1454 ، مجمع الزوائد : ج 8 ص 283 ح 13477 نقلاً عن مسند البزّار عن ابن عمر نحوه .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اهل بهشت ، هر ژولیده گرد گرفته ژنده پوشی است که کسی به او اهمّیت نمی دهد ؛ همان کسانی که هر گاه از فرمان روایان اجازه[ی ورود]بخواهند ، به آنان اجازه نمی دهند و هر گاه از زنی خواستگاری کنند ، جواب رد می شنوند و هر گاه سخن بگویند ، کسی به سخنشان گوش نمی دهد . نیازهایشان در سینه هایشان بی قراری می کند . اگر در روز رستاخیز ، نور یکی از آنها در میان مردم تقسیم شود ، به همه آنها می رسد .

تاریخ بغداد به نقل از اَنَس : مردی گفت : ای پیامبر خدا ! چه کسی اهل بهشت است؟ فرمود : «هر شخص ساده و نرم و آرام و خون گرم (خودمانی)» .

امام علی علیه السلام :همانا اهل بهشت ، هر مؤمن نرم و ملایمی است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آیا شما را از کسی آگاه کنم که بر آتش حرام است ، یا کسی که آتش بر او حرام است؟ بر هر شخص خون گرم ساده و ملایمی .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر شخص ساده و نرم و ملایم و خون گرم با مردم ، بر آتش ، حرام شده است .

المنتخب من مسند عبد بن حُمَید به نقل از ابو هریره : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «سوگند به آن که جانم در دست اوست ، به بهشت نمی رود ، مگر مهربان» . گفتیم : همه ما مهربانیم ، ای پیامبر خدا ! فرمود : «مهربانی ، این نیست که فردی از شما با نزدیکانش مهربان باشد ؛ [بلکه] آن است که با همه مهربان باشد و با همگان همدردی کند» .

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن أَصبَحَ صائِما، مَن عادَ مَرِيضا، مَن شَيَّعَ جَنازَةً ، مَن جَمَعَهُنَّ فِى يَومٍ دَخَلَ الجَنَّةَ . (1)

تاريخ بغداد عن أبى مسلم عن رَجُلٍ مِن أَصحابِ رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله :قُلتُ : يا رَسُولَ اللّهِ ، عَلِّمنِى عَمَلاً أَدخُل بِهِ الجَنَّةَ . قالَ : أَحَيَّهُ والِدَتُکَ؟ فَبَرَّها فَتَکونَ قَرِيبا مِنَ الجَنَّهِ . قُلتُ : لَيسَ لِى والِدَهٌ! قالَ : فَأَطعِمِ الطَّعامَ ، وَأَطِبِ الکَلامَ . (2)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :يُمَکِّنُکُم مِنَ الجَنَّهِ طِيبُ الکَلام ، وَإِطعامُ الطَّعامِ ، وَقَد قالَ اللّهُ تَعالى : «وَ قُولُواْ لِلنَّاسِ حُسْنًا» (3) . (4)

سنن الترمذى عن أبى سعيد الخدرىّ :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : مَن أَکَلَ طَيِّبا، وَعَمِلَ فِى سُنَّهٍ ، وَأَمِنَ النّاسُ بَوائِقَهُ (5) ، دَخَلَ الجَنَّهَ . فَقالَ رَجُلٌ : يا رَسُولَ اللّهِ ، إِنَّ هَذا اليَومَ فِى النّاسِ لَکَثِيرٌ! قالَ : وَسَيَکُونُ فِى قُرُونٍ بَعدِى . (6)

.

1- .المعجم الكبير : ج 11 ص 116 ح 11300 عن ابن عبّاس ، تاريخ دمشق : ج 30 ص 97 ح 6099 عن أنس نحوه ، كنز العمّال : ج 15 ص 845 ح 43362 .
2- .تاريخ بغداد : ج 4 ص 55 الرقم 1665 ، أُسد الغابه : ج 6 ص 284 الرقم 6255 ، كنز العمّال : ج 16 ص 472 ح 45503.
3- .البقره : 83 .
4- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 110 ؛ إحياء علوم الدين : ج 3 ص 179 ، المعجم الأوسط : ج 5 ص 284 ح 5325 عن جابر وليس فيه ذيله .
5- .بَوَائِقُه : أى غَوَائِلُه وشُرُورُه (النهايه : ج 1 ص 162 «بوق»).
6- .سنن الترمذى : ج 4 ص 669 ح 2520 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 117 ح 7073 ، المعجم الأوسط : ج 4 ص 25 ح 3520 ، شعب الإيمان : ج 5 ص 54 ح 5752 ، كنز العمّال : ج 15 ص 846 ح 43365 ؛ تنبيه الخواطر : ج 1 ص 8 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی که روزه بگیرد ، کسی که از بیماری عیادت کند ، کسی که جنازه ای را تشییع کند ، کسی که همه اینها را در یک روز انجام دهد ، به بهشت می رود.

تاریخ بغداد به نقل از ابو مسلم ، از مردی از اصحاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : گفتم : ای پیامبر خدا ! به من عملی بیاموز که به سبب آن ، به بهشت روم. فرمود : «آیا مادرت زنده است؟ به او نیکی کن تا به بهشت نزدیک باشی» . گفتم : من مادر ندارم. فرمود : «پس اطعام کن و سخن نیکو بگو» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :گفتار خوش و اطعام کردن ، [دسترس به] بهشت را برای شما میسّر می سازد . خدای بلندمرتبه فرموده است : «و با مردم ، نیکو سخن بگویید» .

سنن الترمذی به نقل از ابو سعید خُدری : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «هر که حلال بخورد و به سنّت ، عمل کند و مردم از شرّ او در امان باشند ، به بهشت می رود» . مردی گفت : ای پیامبر خدا ! این ، امروز در مردم ، بسیار است ! فرمود : «در نسل های پس از من هم خواهد بود».

.

الزهد لابن المبارک عن الحسن :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : کُلُّکُم یُحِبُّ أن یَدخُلَ الجَنَّةَ؟ قالُوا : نَعَم یا رَسُولَ اللّهِ ، قالَ : فَاقصُرُوا مِنَ الأَمَلِ ، وَثَبِّتُوا آجالَکُم بَینَ أبصارِکُم ، وَاستَحیُوا مِنَ اللّهِ حَقَّ الحَیاءِ . قالُوا : یا رَسُولَ اللّهِ ، کُلُّنا نَستَحِی مِنَ اللّهِ ! قالَ : لَیسَ کَذلِکَ الحَیاءُ مِن اللّهِ ، وَلَکِنَّ الحَیاءَ مِنَ اللّهِ أن لا تَنسَوُا المَقابِرَ وَالبِلی ، وَأن لا تَنسَوُا الجَوفَ وَما وَعی ، وَأن لا تَنسَوُا الرَّأسَ وَما احتَوی ، وَمَن یَشتَهِی کَرامَةَ الآخِرَهِ یَدَع زِینَةَ الدُّنیا ، هُنالِکَ استَحیی العَبدُ مِنَ اللّهِ ، وَهُنالِکَ أصابَ وَلایَةَ اللّهِ عز و جل . (1)

الأمالی للطوسی عن أبی ذرٍّ :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : یا أَبا ذَرٍّ ، أتُحِبُّ أن تَدخُلَ الجَنَّةَ؟ قُلتُ : نَعَم ، فِداکَ أبِی . قالَ صلی الله علیه و آله : فَاقصُر مِنَ الأَمَلِ ، وَاجعَلِ المَوتَ نُصبَ عَینَیکَ ، وَاستَحِ مِنَ اللّهِ حَقَّ الحَیاءِ . قالَ : قُلتُ : یا رَسُولَ اللّهِ ، کُلُّنا نَستَحِی مِنَ اللّهِ ! قالَ : لَیسَ کَذلِکَ الحَیاء ، وَلَکِنَّ الحیاءَ مِنَ اللّهِ أن لا تَنسَی المَقابِرَ وَالبِلی ، وَالجَوفَ وَما وَعی ، وَالرَّأسَ وَما حَوی. (2)

.

1- .الزهد لابن المبارک : ص 107 ح 317 ، حلیه الأولیاء : ج 8 ص 185 نحوه ، إحیاء علوم الدین : ج 4 ص 660 وفیه صدره إلی «حقّ الحیاء» ، کنز العمّال : ج 15 ص 938 ح 43611 ؛ تنبیه الخواطر : ج 1 ص 272 وفیه صدره إلی «حقّ الحیاء».
2- .الأمالی للطوسی : ص 534 ح 1162 ، مکارم الأخلاق : ج 2 ص 372 ح 2661 ، تنبیه الخواطر : ج 2 ص 59 ، أعلام الدین : ص 197 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 83 ح 3.

الزهد ، ابن مبارک به نقل از حسن : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «همه شما دوست دارید که به بهشت بروید؟» . گفتند : آری ، ای پیامبر خدا ! فرمود : «پس آرزو را کوتاه کنید و مرگتان را در برابر دیدگان خود قرار دهید و از خدا ، چنان که باید ، شرم بدارید». گفتند : ای پیامبر خدا ! همه ما از خدا شرم داریم . فرمود : «شرم داشتن از خدا ، نه چنین است ؛ بلکه شرم از خدا ، آن است که گورها و پوسیده شدن را از یاد نبرید و نه شکم و آنچه را در آن جای می دهید ، و نه سر و آنچه را در آن است ، از یاد نبرید . (1) کسی که نعمت آخرت را می خواهد ، زینت دنیا را وا می نهد . این جاست که به راستی ، بنده از خدا شرم کرده است و این جاست که به ولایت خداوند عز و جل دست یافته است» .

الأمالی ، طوسی به نقل از ابو ذر : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «ای ابو ذر! آیا دوست داری به بهشت بروی؟» . گفتم : آری ، پدرم به فدایت ! فرمود : «پس ، آرزو کوتاه کن و مرگ را فرا چشم خود بدار و از خدا چنان که باید ، شرم کن». گفتم : ای پیامبر خدا ! همه ما از خدا شرم داریم . فرمود : «نه این شرم ؛ بلکه شرم از خدا ، آن است که گورستان و پوسیده شدن را ، و شکم و آنچه را در خود جای می دهد ، و سر و آنچه را در بر می گیرد ، از یاد نبری» .

.

1- .یعنی : مراقب خوراک و فکر و نیّت خود باشید . حلال بخورید و پاک بیندیشید.

دعائم الإسلام عن أبی ذرٍّ :کُنتُ عِندَ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله فِی مَرَضِهِ الَّذِی قُبِضَ فِیهِ ، فَقالَ : اُدنُ مِنّی یا أباذَرٍّ أستَنِد إلَیکَ ، فَدَنَوتُ فَاستَنَدَ إلی صَدرِی إلی أن دَخَلَ عَلِیٌ، فَقالَ لِی : قُم یا أباذَرٍّ ؛ فَإنَّ عَلِیّا أَحَقُّ بِهَذا مِنکَ . فَجَلَسَ عَلِیٌ فَأسنَدَهُ إلی صَدرِهِ ، ثُمَّ قالَ لِی : ها هُنا بَینَ یَدَیَ ، فَجَلَستُ بَینَ یَدَیهِ ، فَقالَ لِی : اِعقِدْ بِیَدِکَ ؛ مَن خُتِمَ لَهُ بِشَهادَهِ أن لا إلهَ إلّا اللّهُ دَخَلَ الجَنَّهَ ، وَمَن خُتِمَ لَهُ بِإطعامِ مِسکِینٍ دَخَلَ الجَنَّهَ ، وَمَن خُتِمَ لَهُ بِحَجَّهٍ دَخَلَ الجَنَّهَ ، وَمَن خُتِمَ لَهُ بِعُمرَهٍ دَخَلَ الجَنَّهَ ، وَمَن خُتِمَ لَهُ بِجِهادٍ فِی سَبِیلِ اللّهِ وَلَو قَدرَ فُواقِ ناقَهٍ دَخَلَ الجَنَّهَ . (1)

رسول اللّه صلی الله علیه و آله :مَن خَتَمَ اللّهُ (بِهِ) بِصَومِ یَومٍ أَرادَ بِهِ اللّهَ تَعالَی أَدخَلَهُ اللّهُ الجَنَّهَ ، وَمَن أَطعَمَ جائِعا أَرادَ بِهِ اللّهَ تَعالَی أَدخَلَهُ اللّهُ الجَنَّهَ ، وَمَن کَسا عارِیا أَرادَ بِهِ اللّهَ أَدخَلَهُ اللّهُ الجَنَّهَ . (2)

عنه صلی الله علیه و آله :یا حُذَیفَهُ ، مَن خُتِمَ لَهُ بِشَهادَهِ أَن لا إلهَ إلّا اللّهُ صادِقا دَخَلَ الجَنَّهَ . یا حُذَیفَهُ ، وَمَن خُتِمَ لَهُ بِصَومِ یَومٍ یَبتَغِی بِهِ وَجهَ اللّهِ دَخَلَ الجَنَّهَ . یا حُذَیفَهُ ، مَن خُتِمَ لَهُ عِندَ المَوتِ بِإِطعامِ مِسکِینٍ یَبتَغِی بِهِ وَجهَ اللّهِ دَخَلَ الجَنَّهَ . (3)

عنه صلی الله علیه و آله :یا أَیُّها النّاسُ ! أَفشُوا السَّلامَ ، وَأَطعِمُوا الطَّعامَ ، وَصِلُوا الأَرحامَ ، وَصَلُّوا بِاللَّیلِ وَالنّاسُ نِیامٌ ، تَدخُلُوا الجَنَّهَ بِسَلامٍ . (4)

.

1- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 219 ، الجعفریّات : ص 212 نحوه ، بحار الأنوار : ج 82 ص 167 ح 2.
2- .تاریخ دمشق : ج 12 ص 270 ح 2943 عن حذیفه ، کنز العمّال : ج 16 ص 233 ح 42279.
3- .الأسماء والصفات : ج 2 ص 86 ح 652 عن حذیفه ، الدرّ المنثور : ج 7 ص 494.
4- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1083 ح 3251 ، سنن الدارمی : ج 1 ص 363 ح 1432 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 3 ص 14 ح 4283 ، السنن الکبری : ج 2 ص 706 ح 4647 کلّها عن عبد اللّه بن سلام ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 151 ح 7937 نحوه .

دعائم الإسلام به نقل از ابو ذر : در بیماری ای که به فوت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله انجامید ، در محضر ایشان بودم . فرمود : «نزدیک من بیا ای ابو ذر تا به تو تکیه دهم» . من نزدیک رفتم . پیامبر صلی الله علیه و آله بر سینه ام تکیه داد تا آن که علی علیه السلام وارد شد . پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود : «برخیز ای ابو ذر ؛ چرا که علی به این کار از تو سزاوارتر است» . پس ، علی علیه السلام نشست و پیامبر صلی الله علیه و آله را به سینه خود ، تکیه داد . آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود : «این جا ، رو به روی من [بنشین]» ، و من ، رو به روی ایشان نشستم . ایشان به من فرمود : «با دستت بشمار . هر که عمرش (دیوان عملش) به شهادت لا إله إلّا اللّه ختم شود ، به بهشت می رود . هر که عمرش به غذا دادن به مستمندی ختم شود ، به بهشت می رود . هر که عمرش به حج ختم شود ، به بهشت می رود . هر که عمرش به عُمره ختم شود ، به بهشت می رود . هر که عمرش به جهاد در راه خدا اگرچه به اندازه فاصله دو دوشیدن شتر باشد ، ختم شود ، به بهشت می رود» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس خداوند ، عمر (دیوان عمل) او را با روزه ای که نیّتش از آنِ خدای بلندمرتبه باشد ، ختم کند ، او را به بهشت می برد ، و هر کس گرسنه ای را سیر کند و نیّتش از آنِ خدای بلندمرتبه باشد ، خداوند ، او را به بهشت می برد ، و هر کس برهنه ای را بپوشاند و نیّتش از آنِ خدا باشد ، خداوند ، او را به بهشت می برد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای حذیفه ! هر کس عمرش با شهادت راستین «لا إله إلّا اللّه » پایان پذیرد ، به بهشت می رود . ای حذیفه ! هر کس عمرش به روزه ای که برای جلب توجّه خدا گرفته باشد ، پایان پذیرد ، به بهشت می رود . ای حذیفه ! هر کس عمرش با غذا دادن به مستمندی برای رضای خداوند ختم شود ، به بهشت می رود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای مردم ! سلام کردن را رواج دهید و مردم را اطعام کنید و صله ارحام به جا آورید و شب ، هنگامی که مردم غنوده اند ، نماز بخوانید تا به سلامت ، وارد بهشت شوید.

.

عنه صلى الله عليه و آله :اُعبُدُوا الرَّحمنَ ، وَأَطعِمُوا الطَّعامَ ، وَأَفشُوا السَّلامَ ، تَدخُلُوا الجَنَّةَ بِسَلامٍ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :صاحِبِ الحُكَماءَ ، وَجالِسِ الحُلَماءَ ، وَأَعرِض عَنِ الدُّنيا ، تَسكُن جَنَّةَ المَأوى . (2)

عنه عليه السلام :لا تَغضَبُوا وَلا تُغضِبُوا ، أَفشُوا السَّلامَ ، وَأَطِيبُوا الكَلامَ ، وَصَلُّوا بِاللَّيلِ وَالنّاسُ نِيامٌ ، تَدخُلُوا الجَنَّةَ بِسَلامٍ . (3)

الإمام زين العابدين عليه السلام :إذا كانَ يَومُ القِيامَهِ جَمَعَ اللّهُ تَبارَکَ وَتَعالى الأَوَّلِينَ وَالآخِرِينَ فِى صَعِيدٍ واحِدٍ ، ثُمَّ يُنادِى مُنادٍ : أَينَ أَهلُ الفَضلِ؟ قالَ : فَيَقُومُ عُنُقٌ (4) مِنَ النّاسِ ، فَتَلَقَّاهُمُ المَلائِکَهُ ، فَيَقُولُونَ : وَما كانَ فَضلُكُم؟ فَيَقُولُونَ : كُنَّا نَصِلُ مَن قَطَعَنا، وَنُعطِى مَن حَرَمَنا ، وَنَعفُو عَمَّن ظَلَمَنا . قالَ : فَيُقالُ لَهُم : صَدَقتُم اُدخُلُوا الجَنَّةَ . (5)

الإمام الصادق عليه السلام :جَمَعَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله بَنِى عَبدِ المُطَّلِب، فَقالَ : يا بَنِى عَبدِ المُطَّلِب، أفشُوا السَّلامَ ، وَصِلُوا الأَرحامَ ، وَتَهَجَّدُوا وَالنّاسُ نِيامٌ ، وَأَطعِمُوا الطَّعامَ ، وَأَطِيبُوا الكَلامَ ، تَدخُلُوا الجَنَّةَ بِسلامٍ . (6)

.

1- .سنن الترمذى : ج 4 ص 287 ح 1855 ، الأدب المفرد : ص 291 ح 981 سنن الدارمى : ج 1 ص 542 ح 2008 ، مسند ابن حنبل : ج 2 ص 577 ح 6598 ، صحيح ابن حبّان : ج 2 ص 242 ح 489 كلّها عن عبد اللّه بن عمرو وفى الأربعه الأخيره «الجنان» بدل «الجنّه بسلام» ، كنز العمّال : ج 15 ص 826 ح 43285 .
2- .غرر الحكم : ح 5838 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 301 ح 5345 .
3- .الكافى : ج 2 ص 645 ح 7 عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام ، مشكاه الأنوار : ص 345 ح 1105 عن الإمام الباقر عليه السلام وفيه «كان علىّ عليه السلام يقول : . . .» ، تحف العقول : ص 204 وليس فيه ذيله من «وصلّوا . . .» .
4- .عُنُقٌ : جَمَاعَه (النهايه : ج 3 ص 310 «عنق»).

5- .الكافى : ج 2 ص 107 ح 4 ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 93 ح 250 كلاهما عن أبى حمزه الثمالى ، بحار الأنوار : ج 71 ص 400 ح 4.
6- .المحاسن : ج 2 ص 142 ح 1367 عن سماعه بن مهران ، تاريخ اليعقوبى : ج 2 ص 92 ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 211 نحوه ، بحار الأنوار : ج 74 ص 360 ح 5 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدای مهربان را بپرستید ، اطعام کنید و سلام کردن را رواج دهید تا به سلامت به بهشت وارد شوید .

امام علی علیه السلام :با دانایان ، یار شو و با بردباران (/ خردمندان) همنشینی کن و از دنیا روی بگردان تا در بهشت مَأوا ، سُکنا گزینی.

امام علی علیه السلام :خشمگین نشوید و خشمگین مسازید ، سلام کردن را رواج دهید ، سخن خوش بگویید و شب ، هنگامی که مردم خفته اند ، نماز بخوانید تا به سلامت به بهشت وارد شوید .

امام زین العابدین علیه السلام :چون روز قیامت شود ، خدای بزرگ و والا ، اوّلین و آخرین انسان ها را در یک بیابان ، گرد می آورد . سپس آواز دهنده ای آواز می دهد که : اهل بخشش کجایند؟ پس ، گروهی از مردم بر می خیزند . فرشتگان به استقبالشان می روند و می گویند : بخشش شما ، چه بوده است ؟ می گویند : ما با کسی که از ما می بُرید ، پیوند برقرار می کردیم و به کسی که از ما دریغ می ورزید ، عطا می کردیم و از کسی که به ما ستم می کرد ، گذشت می کردیم . پس به ایشان گفته می شود : راست گفتید . به بهشت وارد شوید .

امام صادق علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، فرزندان عبد المطّلب را جمع کرد و سپس فرمود : «ای فرزندان عبد المطّلب ! سلام کردن را رواج دهید و صله رحم به جا آورید و شب که مردم خفته اند ، به عبادت بپردازید و اطعام کنید و سخن خوش بگویید تا به سلامت ، وارد بهشت شوید» .

.

عنه عليه السلام :مَن لَم يَغتَب فَلَهُ الجَنَّهُ ، وَمَن لَم يَغضَب فَلَهُ الجَنَّهُ ، وَمَن لَم يَحسُد فَلَهُ الجَنَّهُ . (1)

كنز العمّال عن عبد الرحمن بن عبد اللّه بن عتبه بن مسعود :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إِنَّ مِنَ الصَّدَقَهِ أَن تُعتِقَ النَّسَمَهَ ، وَتَفُكَّ الرَّقَبَهَ . قالَ قائِلٌ : أَوَلَيسَتا واحِدَهً؟ قالَ : لا، عِتقُها أَن تُعتِقَها، وَفَكاكُها أَن تُعِينَ فِى ثَمَنِها. قالَ : أَفَرَأَيتَ إِن لَم أَستَطِع ذَلِكَ؟ قالَ : تُطعِمُ جائِعا، أَو تَسقِى ظَمآنا. قالَ : فَإِن لَم أَستَطِع؟ قالَ : تَأمُرُ بِالمَعرُوفِ وَتَنهى عَنِ المُنكَرِ . قالَ : فَإِن لَم أَستَطِع؟ قالَ : مِنحَهٌ (2) وَكُوفٌ، (3) وَعَطفَهٌ عَلى ذِى رَحِمٍ . قالَ : فَإِن لَم أَستَطِع؟ قالَ : تَكُفُّ عَنِ النّاسِ أَذاكَ . (4)

مسند ابن حنبل عن البراء بن عازب :جاءَ أَعرابِىٌ إِلَى النَّبِىِ صلى الله عليه و آله فَقالَ : يا رَسُولَ اللّهِ ، عَلِّمنِى عَمَلاً يُدخِلُنِى الجَنَّهَ ، فَقالَ : لَئِن كُنتَ أَقصَرتَ الخُطبَهَ لَقَد أَعرَضتَ المَسأَلَهَ ؛ أَعتِقِ النَّسَمَهَ وَفُكَّ الرَّقَبَهَ . فَقالَ : يا رَسُولَ اللّهِ ، أَوَلَيسَتا بِواحِدَهٍ ؟ قالَ : لا، إِنَّ عِتقَ النَّسَمَهِ أَن تَفَرَّدَ بِعِتقِها، وَفَكَّ الرَّقَبَهِ أَن تُعِينَ فِى عِتقِها. وَالمِنحَهُ الوَكُوفُ ، وَالفَىءُ عَلى ذِى الرَّحِمِ الظّالِمِ ، فَإِن لَم تُطِق ذَلِكَ فَأَطعِمِ الجائِعَ ، وَاسقِ الظَّمآنَ ، وَأْمُر بِالمَعرُوفِ ، وَانهَ عَنِ المُنكَرِ ، فَإِن لَم تُطِق ذَلِكَ ، فَكُفَّ لِسانَكَ إِلّا مِنَ الخَيرِ . (5)

.

1- .جامع الأخبار : ص 453 ح 1276 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 265 ح 15.
2- .المِنْحَه هنا : أن يعطيه ناقهً أو شاهً ينتفع بلبنها ويُعيدها (النهايه : ج 4 ص 364 «منح»).
3- .الوكوف : غزيره اللبن (النهايه : ج 5 ص 220 «وكف»).
4- .كنز العمّال : ج 6 ص 437 ح 16430 نقلاً عن مكارم الأخلاق للخرائطى .
5- .مسند ابن حنبل : ج 6 ص 436 ح 18670 ، الأدب المفرد : ص 34 ح 69 ، صحيح ابن حبّان : ج 2 ص 98 ح 374 ، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 236 ح 2861 ، السنن الكبرى : ج 10 ص 461 ح 21313 كلّها نحوه ، كنز العمّال : ج 6 ص 438 ح 16431 ؛ مجمع البيان : ج 10 ص 750 وراجع : تنبيه الخواطر : ج 1 ص 105.

امام صادق علیه السلام :کسی که غیبت نکند ، به بهشت می رود . کسی که خشم نگیرد ، به بهشت می رود و کسی که حسادت نورزد ، به بهشت می رود.

کنز العمّال به نقل از عبد الرحمان بن عبد اللّه بن عتبه بن مسعود : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «از صدقه ، آن است که جان ، آزاد کنی و گردن ، باز کنی» . گوینده ای گفت : آیا این دو ، یکی نیستند؟ فرمود : «نه . اوّلی ، آزاد کردن بنده است و دومی ، کمک کردن در پرداخت بهای [آزاد کردن] اوست» . گوینده گفت : اگر نتوانستم این کارها را انجام دهم ، چه کنم ؟ فرمود : «گرسنه ای را سیر می کنی ، یا تشنه ای را آب می دهی» . گوینده گفت : اگر نتوانستم؟ فرمود : «امر به معروف و نهی از منکر می کنی» . گفت : اگر نتوانستم؟ فرمود : «عاریت دادن حیوانی پرشیر (1) و مهرورزی با یک خویشاوند [، صدقه توست]». گفت : اگر باز هم نتوانستم؟ فرمود : «آزار خویش را از مردم باز می داری» . (2)

مسند ابن حنبل به نقل از براء بن عازب : بادیه نشینی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! کاری به من بیاموز که مرا به بهشت بَرَد . فرمود : «سؤالی کوتاه ، ولی مهم پرسیدی . جان ، آزاد کن و گردن بگشای» . بادیه نشین گفت : ای پیامبر خدا ! مگر این دو ، یکی نیستند ؟ فرمود : «نه . آزاد کردن جان ، آن است که خودت به تنهایی ، بنده ای را آزاد کنی و گشودن گردن ، آن است که در آزاد کردن بنده ، کمک [مالی]نمایی. نیز حیوانی پرشیر را عاریت بده و به خویشاوند ستمگر ، نیکی کن . اگر توان اینها را نداشتی ، گرسنه ای را غذا و تشنه ای را آب بده و امر به معروف و نهی از منکر کن و اگر توان این کارها را هم نداشتی ، زبانت را جز از خوبی فرو بند » .

.

1- .یعنی شتری یا گوسفندی پرشیر را در اختیار فقیری گذاری تا از شیر آن استفاده کند و در پایان ، خودِ حیوان را برگرداند .
2- .یعنی اگر هیچ کار خیری از این قبیل از تو بر نمی آید ، پس لااقل شرّی به کسی مرسان !

صحيح مسلم عن جابر :أَتَى النَّبِىَ صلى الله عليه و آله النُّعمانُ بنُ قَوقَلٍ فَقالَ : يا رَسُولَ اللّهِ ، أَرَأَيتَ إذ صَلَّيتُ المَكتُوبَةَ ، وَحَرَّمتُ الحَرامَ ، وَأَحلَلتُ الحَلالَ ، أَأَدخُلُ الجَنَّةَ؟ فَقالَ النَّبِىُ صلى الله عليه و آله : نَعَم. (1)

تاريخ دمشق عن أبى هريره :سَمِعتُ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقُولُ : أَلا نُحَدِّثُكُم بِما يُدخِلُكُمُ الجَنَّةَ؟ قالُوا : بَلى ، قالَ : ضَربٌ بِالسَّيفِ ، وَطَعامُ الضَّيفِ ، وَاهتِمامٌ بِمَواقِيتِ الصَّلاهِ ، وَإِسباغُ الطُّهُورِ فِى اللَّيلَهِ القَرَّهِ (2) ، وَإِطعامُ الطَّعامِ عَلى حُبِّهِ . (3)

المعجم الكبير عن كعب بن عجره :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أَلا أُخبِرُكُم بِرِجالِكُم مِن أَهلِ الجَنَّهِ؟ قالُوا : بَلى يا رَسُولَ اللّهِ ، قالَ : النَّبِىُ فِى الجَنَّهِ ، وَالشَّهِيدُ فِى الجَنَّهِ ، وَالصِّدِّيقُ فِى الجَنَّهِ ، وَالمَولُودُ فِى الجَنَّهِ ، وَالرَّجُلُ يَزُورُ أَخاهُ فِى جانِبِ المِصرِ فِى الجَنَّهِ . أَلا أُخبِرُكُم بِنِسائِكُم مِن أَهلِ الجَنَّهِ؟ قالُوا : بَلى يا رَسُولَ اللّهِ ، قالَ : الوَدُودُ الوَلُودُ ، الَّتِى إِن ظَلَمَت أَو ظُلِمَت قالَت : هَذِهِ ناصِيَتِى بِيَدِكَ ، لا أَذُوقُ غَمضا (4) حَتّى تَرضى . (5)

.

1- .صحيح مسلم : ج 1 ص 44 ح 16 ، السنن الكبرى : ج 10 ص 15 ح 19705 ، مسند أبى يعلى : ج 2 ص 367 ح 1936 ، مسند ابن حنبل : ج 5 ص 118 ح 14753 ، المعجم الأوسط : ج 8 ص 28 ح 7860 كلاهما نحوه.
2- .لَيلَهٌ قَرَّه : أى بارده (النهايه : ج 4 ص 38 «قرر»).
3- .تاريخ دمشق : ج 37 ص 291 ح 7497 ، كنز العمّال : ج 15 ص 884 ح 43504 .
4- .يقال : مَا اكْتَحَلْتُ غُمْضَا : أى ما نُمت، وما اغتَمَضَتْ عيناى (الصحاح : ج 3 ص 1096 «غمض»).
5- .المعجم الكبير : ج 19 ص 140 ح 307 ، المعجم الأوسط : ج 6 ص 11 ح 5648 ، تاريخ دمشق : ج 5 ص 361 ح 1290 عن ابن عبّاس وكلاهما نحوه ، كنز العمّال : ج 15 ص 884 ح 43505.

صحیح مسلم به نقل از جابر : نعمان بن قَوقَل نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! آیا اگر نمازهای واجب را بخوانم و حرام و حلال را رعایت کنم ، به بهشت می روم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «آری» .

تاریخ دمشق به نقل از ابو هریره : از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرماید : «آیا از آنچه شما را به بهشت می برد ، برایتان نگویم؟» . یاران گفتند : چرا . فرمود : «شمشیر زدن [در راه خدا] ، پذیرایی از میهمان ، اهتمام ورزیدن به اوقات نماز ، وضوی کامل گرفتن در شب سرد و اطعام کردن به عشق خدا» .

المعجم الکبیر به نقل از کعب بن عُجره : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «آیا شما را از مردان بهشتی تان خبر ندهم؟» . گفتند : چرا ، ای پیامبر خدا ! فرمود : «پیامبر در بهشت است ، شهید در بهشت است ، صدّیق (راستْ دین) در بهشت است ، نوزاد در بهشت است ، و مردی که در گوشه شهر به دیدار برادرش می رود ، در بهشت است. آیا شما را از زنان بهشتی تان خبر ندهم؟» . گفتند : چرا ، ای پیامبر خدا ! فرمود : «زن مهربان زایایی که هر گاه ستم کند ، یا به او ستم شود ، [به شوهرش] می گوید : اختیارم در کف توست ، مزه خواب را نمی چشم تا از من راضی شوی» .

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :يَكفِيكُم مِنَ العِظَهِ ذِكرُ المَوتِ ، وَيَكفِيكُم مِنَ التَّفَكُّرِ ذِكرُ الآخِرَهِ ، وَيَكفِيكُم مِنَ العِبادَهِ الوَرَعُ ، وَيَكفِيكُم مِنَ الاستِغفارِ تَركُ الذُّنُوبِ ، وَيَكفِيكُم مِنَ الدُّعاءِ النَّصِيحَهُ . مَن كانَ فِيهِ مِن هَذِهِ الخِصالِ واحِدَهٌ دَخَلَ الجَنَّهَ مَعَ أَوَّلِ زُمرَهٍ مِنَ الأَنبِياءِ . (1)

السّنن الكبرى عن كدير الضبىّ :إِنَّ رَجُلاً أَعرابِيّا أَتَى رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَقالَ : أَخبِرنِى بِعَمَلٍ يُقَرِّبُنِى مِن طاعَتِهِ وَيُباعِدُنِى مِنَ النّارِ ، قالَ : أَوَهُما أعمَلَتاكَ (2) ؟ قالَ : نَعَم، قالَ : تَقُولُ العَدلَ ، وَتُعطِى الفَضلَ . قالَ : وَاللّهِ ما أَستَطِيعُ أَن أَقُولَ العَدْلَ كُلَّ ساعَهٍ ، وَما أَستَطِيعُ أَن أُعطِىَ فَضلَ مالِى ! قالَ : فَتُطعِمُ الطَّعامَ ، وَتُفشِى السَّلامَ . قالَ : هَذِهِ أيضا شَدِيدَهٌ ! قالَ : فَهَل لَكَ إِبِلٌ؟ قالَ : نَعَم ، قالَ : فَانظُر بَعِيرا مِن إِبِلِكَ وَسِقاءً ثُمَّ اعمِد إِلى أَهلِ أَبياتٍ لا يَشرَبُونَ الماءَ إِلّا غِبّا (3) فَاسقِهِم ، فَلَعَلَّكَ أَن لا يَهلِكَ بَعِيرُكَ ، وَلا يَنخَرِقَ سقاؤُكَ حَتّى تَجِبَ لَكَ الجَنَّهُ . قالَ : فَانطَلَقَ الأَعرابِىُ يُكَبِّرُ . قالَ : فَما انخَرَقَ سقاؤُهُ ، وَلا هَلَكَ بَعِيرُهُ حَتَّى قُتِلَ شَهِيدا. (4)

الإمام الصادق عليه السلام :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله لِرَجُلٍ أَتاهُ : أَلا أَدُلُّكَ عَلى أَمرٍ يُدخِلُكَ اللّهُ بِهِ الجَنَّهَ؟ قالَ : بَلى يا رَسُولَ اللّهِ . قالَ : أَنِل مِمّا أَنالَكَ اللّهُ . قالَ : فَإِن كُنتُ أَحوَجَ مِمَّن أَنِيلُهُ؟ قالَ : فَانصُرِ المَظلُومَ . قالَ : وَإِن كُنتُ أَضعَفَ مِمَّن أَنصُرُهُ؟ قالَ : فَاصنَع لِلأَخرَقِ (5) يَعنِى أَشِر عَلَيهِ . قالَ : فَإِن كُنتُ أَخرَقَ مِمَّن أَصنَعُ لَهُ؟ قالَ : فاصمت لِسانَكَ إِلّا مِن خَيرٍ ؛ أَما يَسُرُّكَ أَن تَكُونَ فِيكَ خَصلَهٌ مِن هَذِهِ الخِصالِ تَجُرّكَ إِلَى الجَنَّهِ؟ (6)

.

1- .جامع الأخبار : ص 359 ح 1000 ؛ الفردوس : ج 5 ص 543 ح 9038 عن أسماء وفيه «النفل» بدل «التفكّر».
2- .أعمَلَ ذِهنَهُ : إذا دبَّرَهُ بِفَهمِه (تاج العروس : ج 15 ص 522 «عمل») .
3- .الغِبُّ : من أوراد الإبل ، أن تَرِدَ الماء يوما وتَدَعَهُ يوما (النهايه : ج 3 ص 336 «غبب») .
4- .السنن الكبرى : ج 4 ص 312 ح 7809 ، المعجم الكبير : ج 19 ص 188 ح 422 ، المصنّف لعبد الرزّاق : ج 10 ص 456 ح 19691 ، حليه

الأولياء : ج 4 ص 346 عن كريز الضبّى .
5- .الأخرق : الجاهل بما يجب أن يعمله ولم يكن فى يديه صنعه يكتسب بها (النهايه : ج 2 ص 26 «خرق»).
6- .الكافى : ج 2 ص 113 ح 5 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 189 كلاهما عن هشام بن سالم ، بحار الأنوار : ج 71 ص 296 ح 69 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهترین اندرز برایتان یاد مرگ است . بهترین تفکّر برایتان به یاد آخرت بودن است . بهترین عبادت برایتان پارسایی است . بهترین استغفار برایتان ترک گناه است و بهترین دعا برایتان خیرخواهی است . کسی که از این خصلت ها در او باشد ، با نخستین گروه از پیامبران به بهشت وارد خواهد شد .

السنن الکبری به نقل از کدیر ضَبّی : مردی بیابان نشین نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت : مرا از کاری خبر ده که به طاعت خدا نزدیکم کند و از آتش ، دورم گرداند . فرمود : «آیا این دو ، ذهنت را به خود مشغول ساخته اند ؟» . بادیه نشین گفت : آری . فرمود : «حق را بگو و افزون [دارایی ات] را ببخش» . مرد گفت : به خدا سوگند که نمی توانم هر لحظه حق بگویم و نمی توانم فزونیِ دارایی ام را ببخشم ! فرمود : «پس ، اطعام کن و به همگان سلام ده» . مرد گفت : اینها نیز دشوارند . فرمود : «آیا شتر داری؟» . مرد گفت : آری . فرمود : «شتری از شترهایت را با مَشکی بردار و به میان چادرنشینانی برو که یک روز در میان ، آب می نوشند و به آنها آب بنوشان . امید که شترت نمیرد و مَشکت پاره نشود تا این که بهشت بر تو واجب گردد». مرد بیابان نشین ، تکبیرگویان رفت. مَشک او پاره نشد و شترش نمُرد تا آن که به شهادت رسید.

امام صادق علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مردی که نزد ایشان آمد ، فرمود : «آیا تو را به کاری راه نمایی نکنم که خداوند به سبب آن ، تو را به بهشت بَرَد؟» . مرد گفت : چرا ، ای پیامبر خدا ! فرمود : «از آنچه خدا به تو بخشیده است ، ببخش» . مرد گفت : اگر خودم از کسی که به او می بخشم ، محتاج تر بودم؟ فرمود : «ستم دیده ای را یاری رسان» . گفت : اگر خودم از کسی که یاری اش می رسانم ، ناتوان تر بودم؟ فرمود : «به آن که حرفه ای نمی داند ، مهارتی بیاموز ؛ یعنی کاری یادش بده [که بتواند نان در بیاورد]» . گفت : اگر خودم از او ناآشناتر بودم؟ فرمود : «زبانت را جز از خوبی فرو بند . آیا دوست نداری که یکی از این خصلت ها در تو باشد و تو را به بهشت بکشاند؟» .

.

السّنن الكبرى عن شعبه :أَتى رَجُلٌ النَّبِىَ صلى الله عليه و آله فَقالَ : يا رَسُولَ اللّهِ ، أخبِرنِى بِعَمَلٍ يُدخِلُنِى الجَنَّةَ . قالَ : قُلِ العَدلَ وَأعطِ الفَضلَ . قالَ : فَإن لَم أُطِق ذَاکَ؟ قالَ : فَأطعِمِ الطَّعامَ وَأفشِ السَّلامَ . قالَ : فإن لَم أُطِق ذَاکَ أو أستَطِع ذَاکَ ؟ قالَ : فَهَل لَکَ مِن إبِلٍ؟ قالَ : نَعَم ، [قالَ :] (1) فَانظُر بَعِيرا مِن إبِلِکَ وَسِقاءً وَانظُر أهلَ بَيتٍ لَا يَشرَبُونَ الماءَ إلّا غِبّا فَاسقِهِم، فَإنَّکَ لَعَلَّکَ أن لا يَنفُقَ (2) بَعِيرُکَ وَلا يَنخَرِقَ سِقاؤُکَ حَتّى تَجِبَ لَکَ الجَنَّةُ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام :مَن أَرادَ أَن يُدخِلَهُ اللّهُ عز و جل فِى رَحمَتِهِ ، وَيُسكِنَهُ جَنَّتَهُ ، فَليُحَسِّن خُلُقَهُ ، وَليُعطِ النَّصَفَةَ مِن نَفسِهِ ، وَليَرحَمِ اليَتِيمَ ، وَليُعِنِ الضَّعِيفَ ، وَليَتَواضَع للّهِ الَّذِى خَلَقَهُ . (4)

.

1- .ما بين المعقوفين إضافه منّا يقتضيها السياق وقد سقطت من المصدر.
2- .نَفَقَ : ماتَ (لسان العرب : ج 10 ص 357 «نفق»).
3- .السنن الكبرى : ج 10 ص 267 ح 20593 ، مسند الطيالسى : ص 194 ح 1361 ، أسد الغابه : ج 4 ص 438 الرقم 4439 ، تاريخ بغداد : ج 13 ص 456 الرقم 7303 كلّها عن كدير الضبّى .
4- .الأمالى للصدوق : ص 473 ح 636 ، الأمالى للطوسى : ص 432 ح 968 نحوه وكلاهما عن علىّ بن ميمون الصائغ، روضه الواعظين : ص 413 ، بحار الأنوار : ج 69 ص 370 ح 12.

السنن الکبری به نقل از شعبه : مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! مرا از کاری خبر ده که مرا به بهشت بَرد . فرمود : «حق را بگو و زیادی [مال خود] را ببخش» . مرد گفت : اگر از عهده این کارها بر نیامدم؟ فرمود : «خوراک بخوران و به همگان سلام کن» . گفت : اگر نتوانستم؟ فرمود : «آیا شتر داری؟» . گفت : آری . فرمود : «شترت را با مَشکی بردار و ببین چه خانواده ای ، یک روز در میان ، آب دارند . به آنها آب بده . در این صورت ، امید است که شترت نمیرد و مَشکت پاره نشود تا آن که بهشت بر تو واجب شود» .

امام صادق علیه السلام :هر که می خواهد خداوند عز و جل او را در رحمت خویش وارد کند و در بهشت خود ، جای دهد ، باید اخلاقش را نیکو گرداند و انصاف ، پیشه کند و بر یتیم ، رحم آورد و به ناتوان ، یاری رساند و در برابر خدایی که او را آفریده است ، فروتن باشد .

.

عنه عليه السلام :لا تَجتَمِعُ الرَّغبَهُ وَالرَّهبَهُ فِی قَلبٍ إِلَا وَجَبَت لَهُ الجَنَّهُ ، فَإِذا صَلَّیتَ فَأَقبِل بِقَلبِکَ عَلَی اللّهِ عز و جل ، فَإِنَّهُ لَیسَ مِن عَبدٍ مُؤمِنٍ یُقبِلُ بِقَلبِهِ عَلَی اللّهِ عز و جلفِی صَلاتِهِ وَدُعائِهِ إِلَّا أَقبَلَ اللّهُ عز و جلعَلَیهِ بِقُلُوبِ المُؤمِنِینَ إِلَیهِ ، وَأَیَّدَهُ مَعَ مَوَدَّتِهِم إِیّاهُ بِالجَنَّهِ . (1)

عنه علیه السلام :إِیّاکُم وَالکَسَلَ ! إِنَّ رَبَّکُم رَحِیمٌ ، یَشکُرُ القَلِیلَ ، إِنَّ الرَّجُلَ لَیُصَلِّی الرَّکعَتَینِ تَطَوُّعا یُرِیدُ بِهِما وَجهَ اللّهِ فَیُدخِلُهُ اللّهُ بِهِما الجَنَّهَ ، وَإِنَّهُ لَیَتَصَدَّقُ بِالدِّرهَمِ تَطَوُّعا یُرِیدُ بِهِ وَجهَ اللّهِ فَیُدخِلُهُ اللّهُ بِهِ الجَنَّهَ ، وَإِنَّهُ لَیَصُومُ الیَومَ تَطَوُّعا یُرِیدُ بِهِ وَجهَ اللّهِ فَیُدخِلُهُ اللّهُ بِهِ الجَنَّهَ . (2)

معدن الجواهر :قالَ الصّادِقُ علیه السلام لِسُفیانَ الثَّورِیِ : یا سُفیانُ ، خَصلَتانِ مَن لَزِمَهُما دَخَلَ الجَنَّهَ ، قالَ : وَما هُما یَابنَ رَسُولِ اللّهِ؟ قالَ : اجتِمالُ ما یَکرَهُ إِذا أَحَبَّهُ اللّهُ ، وَتَرکُ ما یُحِبُّ إِذا أَبغَضَهُ اللّهُ ، فَاعمَل بِهِما وَأَنا شَرِیکُکَ . (3)

الإمام علیّ علیه السلام :قالَ رَجُلٌ لِلنَّبِی صلی الله علیه و آله : یا رَسُولَ اللّهِ ، عَلِّمنِی عَمَلاً لا یُحالُ بَینَهُ وَبَینَ الجَنَّهِ . قالَ : لا تَغضَب وَلا تَسأَلِ النّاسَ شَیئا ، وَارضَ لِلنّاسِ ما تَرضی لِنَفسِکَ . فقالَ : یا رَسُولَ اللّهِ زِدنِی . قالَ : إِذا صَلَّیتَ العَصرَ فَاستَغفِرِ اللّهَ سَبعا وَسَبعِینَ مَرَّهً ، یَحُطُّ عَنکَ عَمَلَ سَبعٍ وَسَبعِینَ سَنَهً . قالَ : ما لِی سَبعٌ وَسَبعُونَ سَنَهً ! فَقالَ لَهُ رَسُولُ اللّهِ : اِعمَلها لَکَ وَلِأَبِیکَ . قالَ : ما لِی وَلِأَبِی سَبعٌ وَسَبعُونَ سَنَهً ! فَقالَ لَهُ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : اِجعَلها لَکَ وَلِأَبِیکَ وَلِأُمِّکَ وَلِقَرابَتِکَ . (4)

.

1- .کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 1 ص 209 ح 632 ، بحار الأنوار : ج 84 ص 260 ح 59 نقلاً عن أسرار الصلاه للشهید الثانی .
2- .تهذیب الأحکام : ج 2 ص 238 ح 941 ، ثواب الأعمال : ص 62 ح 1 کلاهما عن إسماعیل بن یسار ، کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 1 ص 209 ح 631 ، بحار الأنوار : ج 82 ص 216 ح 31.
3- .معدن الجواهر : ص 27 ، تنبیه الخواطر : ج 2 ص 109.
4- .الأمالی للطوسی : ص 507 ح 1110 عن محمّد بن فضیل الصیرفی عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام ، بحار الأنوار : ج 77 ص 123 ح

.26

امام صادق علیه السلام :امید و بیم ، در هیچ دلی جمع نمی شوند ، مگر آن که بهشت برایش واجب می گردد . هر گاه نماز می خوانی ، با دلت به خدای عز و جل رو کن ؛ زیرا هیچ بنده مؤمنی نیست که در نماز و دعای خود ، با دلش به خداوند عز و جلرو کند ، مگر آن که خداوند ، دل های مؤمنان را متوجّه او می سازد و علاوه بر محبّت آنان نسبت به او ، بهشت را نیز پشتوانه اش می گرداند .

امام صادق علیه السلام :از تنبلی بپرهیزید ! پروردگار شما ، مهربان است و از اندک ، سپاس گزاری می کند . آدمی ، دو رکعت نماز مستحبّی برای رضای خدا می خواند و خداوند به واسطه همان دو رکعت ، او را به بهشت می برد . یک درهم صدقه مستحبّی برای رضای خدا می دهد و خداوند به سبب همان یک درهم ، او را به بهشت می برد . یک روز روزه مستحبّی برای رضای خدا می گیرد و خداوند به خاطر همان یک روز ، او را به بهشت می برد.

معدن الجواهر :امام صادق علیه السلام به سفیان ثوری فرمود : «ای سفیان ! دو کار است که هر کس رعایت کند ، به بهشت می رود » . گفت : آن دو چیست ، ای فرزند پیامبر خدا؟ فرمود : «به جا آوردن آنچه خوش ندارد ؛ ولی خدا آن را دوست می دارد ، و ترک آنچه دوست دارد ؛ امّا خدا آن را خوش نمی دارد . این دو کار را بکن و من هم شریک تو هستم» .

امام علی علیه السلام :مردی به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت : ای پیامبر خدا ! به من عملی بیاموز که میان آن و بهشت ، چیزی مانع نشود . فرمود : «خشم مگیر و از مردم ، چیزی مخواه و برای مردم ، چیزی را پسند که برای خودت می پسندی» . مرد گفت : بیشتر بفرمایید ، ای پیامبر خدا ! فرمود : «چون نماز عصر را گزاردی ، هفتاد و هفت مرتبه از خدا طلب آمرزش کن ، که گناه هفتاد و هفت سال از تو می ریزد » . مرد گفت : من ، هفتاد و هفت سال گناه ندارم ! پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : « [آن استغفارها را]برای خودت و پدرت قرار ده» . مرد گفت : من و پدرم نیز هفتاد و هفت سال گناه نداریم ! پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «آنها را برای خودت و پدر و مادرت و خویشاوندانت قرار بده ».

.

رسول اللّهِ صلى الله عليه و آله :ثَلاثٌ مَن لَقِىَ اللّهَ عز و جل بِهِنَّ دَخَلَ الجَنَّهَ مِن أىِ بابٍ شاءَ : مَن حَسُنَ خُلقُهُ ، وَخَشِىَ اللّهَ فِى المَغِيبِ وَالمَحضَرِ ، وَتَرَکَ المِراءَ (1) وَإِن کانَ مُحِقّا. (2)

المستدرک على الصحيحين عن أبى هريره :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : ثَلاثٌ مَن کُنَّ فِيهِ حاسَبَهُ اللّهُ حِسابا يَسِيرا وَ أدخَلَهُ الجَنَّهَ بِرَحمَتِهِ . قالُوا : لمَن يا رَسُولَ اللّهِ؟ قالَ : تُعطِى مَن حَرَمَکَ ، وَتَعفُو عَمَّن ظَلَمَکَ ، وَتَصِلُ مَن قَطَعَکَ . قالَ : فَإِذا فَعَلتُ ذَلِکَ فَما لِى يا رَسُولَ اللّهِ؟ قالَ : أن تُحاسَبَ حِسابا يَسِيرا، وَيُدخِلَکَ اللّهُ الجَنَّهَ بِرَحمَتِهِ . (3)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ثَلاثٌ مَن کُنَّ فِيهِ سَتَرَ اللّهُ عَلَيهِ کَنَفَهُ (4) ، وَأدخَلَهُ جَنَّتَهُ : رِفقٌ بِالضَّعِيفِ ، وَشَفَقَهٌ عَلَى الوالِدَينِ ، وَإِحسانٌ إِلَى المَملُوکِ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :أَهلُ الجَنَّهِ ثَلاثَهٌ : ذُو سُلطانٍ مُقسِطٌ مُتَصَدِّقٌ مُوَفَّقٌ ، وَرَجُلٌ رَحِيمٌ رَقِيق القَلبِ لِکُلِّ ذِى قُربى وَمُسلِمٍ ، وَعَفِيفٌ مُتَعَفِّفٌ ذُو عِيالٍ . (6)

.

1- .المِراء : الجِدال (النهايه : ج 4 ص 322 «مرا») .
2- .الکافى : ج 2 ص 300 ح 2 عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عليه السلام ، منيه المريد : ص 316 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 399 ح 5 .
3- .المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 563 ح 3912 ، السنن الکبرى : ج 10 ص 399 ح 21092 ، المعجم الأوسط : ج 5 ص 196 ح 5064 نحوه ، کنز العمّال : ج 15 ص 808 ح 43215.
4- .الکَنَفُ : الجَانِبُ والنَاحِيَهُ، أى يرحمه ويلطف عليه (النهايه : ج 4 ص 205 «کنف»).
5- .سنن الترمذى : ج 4 ص 656 ح 2494 عن جابر ، کنز العمّال : ج 15 ص 808 ح 43213.
6- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2198 ح 63 ، مسند ابن حنبل : ج 6 ص 157 ح 17491 وفيه «متصدّق» بدل «متعفّف» ، حليه الأولياء : ج 2 ص 16 الرقم 109 کلّها عن عياض بن حمار ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص

99 ح 7005 عن عياض بن حماد وفيها «فقير» بدل «ذو عيال» وليس فيه «متعفّف» ، كنز العمّال : ج 16 ص 101 ح 44061.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سه چیز است که هر کس با آنها خداوند عز و جل را دیدار کند ، از هر درِ بهشت که می خواهد ، وارد می شود : کسی که اخلاقش نیکو باشد ، و در نهان و آشکار از خدا بترسد ، و بگو مگو کردن [در بحث] را رها کند ، اگرچه حق با او باشد.

المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابو هریره : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «سه خصلت است که در هر که باشد ، خداوند از او حسابرسیِ آسانی به عمل می آورد و به رحمت خویش ، او را به بهشت می بَرد» . گفتند : آنها چیستند ، ای پیامبر خدا؟ فرمود : «به کسی که از تو دریغ کرده است ، عطا کنی ، از کسی که به تو ستم کرده است ، در گذری و با کسی که از تو بریده است ، پیوند برقرار کنی» . گفت[م] : اگر این کارها را انجام دهم ، چه پاداشی دارم ، ای پیامبر خدا؟ فرمود : «این که حسابرسیِ آسانی از تو می شود و خداوند به رحمت خویش ، تو را به بهشت می بَرَد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سه خصلت است که هر کس آنها را داشته باشد ، خداوند ، او را در پناه خود می گیرد و او را به بهشت می بَرَد : مدارا با ناتوان ، مهربانی به پدر و مادر ، و نیکی کردن به غلام.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اهل بهشت ، سه دسته اند : فرمان روای دادگرِ صدقه دهنده توفیق یافته ، مرد مهربان دلْ رحْم نسبت به هر خویشاوند و مسلمانی ، و عیالوارِ خویشتندار آبرودار. (1)

.

1- .مقصود ، شخصی است که عیالوار و نیازمند است ؛ امّا آبروداری و مناعت (بلند طبعی) به خرج می دهد و از دست دراز کردن پیش این و آن ، خودداری می ورزد .

الإمام الصادق عليه السلام :ثَلاثٌ مَن أَتى اللّهَ بِواحِدَهٍ مِنهُنَّ أَوجَبَ اللّهُ لَهُ الجَنَّهَ : الإِنفاقُ مِن إِقتارٍ (1) ، وَالبِشرُ لِجَمِيعِ العالَمِ ، وَالإِنصافُ مِن نَفسِهِ . (2)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أَربَعٌ مَن جَمَعَهُنَّ فِى يَومٍ دَخَلَ الجَنَّهَ : مَن أَصبَحَ صائِما ، وَأعطى سائِلاً ، وَعادَ مَرِيضا ، وَشَيَّعَ جَنازَهً . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن سَلِمَ مِن أُمَّتِى مِن أَربَعِ خِصالٍ فَلَهُ الجَنَّهُ : مِنَ الدُّخُولِ فِى الدُّنيا ، وَاتِّباعِ الهَوى ، وَشَهوَهِ البَطنِ ، وَشَهوَهِ الفَرجِ . وَمَن سَلِمَ مِن نِساءِ أُمَّتِى مِن أَربَعِ خِصالٍ فَلَها الجَنَّهُ : إِذا حَفِظَت (مَا) بَينَ رِجلَيها ، وَأَطاعَت زَوجَها، وَصَلَّت خَمسَها، وَصامَت شَهرَها. (4)

عنه صلى الله عليه و آله :أَربَعٌ مَن كُنَّ فِيهِ نَشَرَ اللّهُ عَلَيهِ كنفه، وَأَدخَلَهُ الجَنَّهَ فِى رَحمَتِهِ : حُسنُ الخُلُقِ يَعِيشُ بِهِ فِى النّاسِ ، وَرِفقٌ بِالمَكرُوبِ ، وَشَفَقَهٌ عَلَى الوالِدَينِ ، وَإِحسانٌ إِلَى المَملُوكِ . (5)

.

1- .الإِقْتار : التَضْيِيق على الإنسان فى الرزق (النهايه : ج 4 ص 12 «قتر»).
2- .الكافى : ج 2 ص 103 ح 2 عن سماعه بن مهران ، مشكاه الأنوار : ص 315 ح 992 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 188 ، دعائم الإسلام : ج 2 ص 329 ح 1242 نحوه ، بحار الأنوار : ج 74 ص 169 ح 37.
3- .نثر الدر : ج 1 ص 250.
4- .الخصال : ص 223 ح 54 عن الحسين بن زيد بن علىّ عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 104 ص 107 ح 2.
5- .الخصال : ص 225 ح 57 عن عبد اللّه بن ميمون عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، بحار الأنوار : ج 74 ص 71 ح 51 .

امام صادق علیه السلام :سه کار است که هر کس یکی از آنها را انجام دهد ، خداوند ، بهشت را بر او واجب می کند : انفاق کردن در تنگ دستی ، خوش رویی با همه عالم و انصاف داشتن.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چهار کار است که هر کس همه آنها را در یک روز انجام دهد ، به بهشت می رود : کسی که صبح خود را با روزه داری آغاز کند و به نیازمند ، عطا کند و از بیماری عیادت نماید و جنازه ای را تشییع کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر یک از [مَردان] امّت من که از چهار چیز به سلامت ماند ، بهشت دارد : وارد شدن به دنیا ، پیروی از هوس ، شهوت شکم و شهوت جنسی . و هر یک از زنان امّت من که از چهار چیز به سلامت ماند ، بهشت دارد : هر گاه دامن خود را حفظ کند ، از شوهرش فرمان بَرَد ، نمازهای پنجگانه اش را بخواند و ماهش را روزه بگیرد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چهار چیز است که در هر کس وجود داشته باشد ، خداوند ، سایه حمایت خود را بر او می گستراند و به رحمت خود ، او را به بهشت می بَرَد : اخلاق خوش که با آن در میان مردم زندگی کند ، ملاطفت با غم دیده ، مهربانی با پدر و مادر ، و نیکی کردن به غلام.

.

عنه صلى الله عليه و آله :أَربَعٌ مَن كُنَّ فِيهِ نَشَرَ اللّهُ تَعالى عَلَيهِ رَحمَتَهُ ، وَأَدخَلَهُ الجَنَّهَ : مَن آوى مِسكِينا ، وَرَحِمَ الضَّعِيفَ ، وَرفق بِالمَملُوكِ ، وَأَنفَقَ عَلَى الوالِدَينِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :أَربَعٌ مَن كُنَّ فِيهِ كَتَبَهُ اللّهُ مِن أَهلِ الجَنَّهِ : مَن كانَ عِصمَتُهُ شَهادَهَ أَن لا إِله إِلّا اللّهُ وَأَنِّى مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّهِ ، وَمَن إِذا أَنعَمَ اللّهُ عَلَيهِ بِنِعمَهٍ قالَ : الحَمدُ لِلّهِ ، وَمَن إِذا أَصابَ ذَنبا قالَ : أَستَغفِرُ اللّهَ ، وَمَن إِذا أَصابَتهُ مُصِيبَهٌ قالَ : إِنّا لِلّهِ وَإِنّا إِلَيهِ راجِعُونَ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام فِى ذِكرِ حَدِيثِ مِعراجِ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله : قالَ اللّهُ تَعالى : ... يا أَحمَدُ ، وَعِزَّتِى وَجَلالِى ! ما مِن عَبدٍ ضَمِنَ لِى بِأَربَعِ خِصالٍ إِلّا أَدخَلتُهُ الجَنَّهَ : يَطوِى لِسانَهُ فَلا يَفتَحُهُ إِلّا بِما يَعنِيهِ ، وَيَحفَظُ قَلبَهُ مِنَ الوَسواسِ ، وَيَحفَظُ عِلمِى وَنَظَرِى إِلَيهِ ، وَيَكُونُ قُرَّهُ عَينَيهِ الجُوعَ . (3)

عنه عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسُوبَهِ إِلَيهِ : أَربَعَهٌ تَدعُو إِلَى الجَنَّهِ : كِتمانُ المُصِيبَهِ ، وَكِتمانُ الصَّدَقَهِ ، وَبِرُّ الوالِدَينِ ، وَالإِكثارُ مِن قَولِ لا إِلَهَ إِلّا اللّهُ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام :مَن يَضمَنُ أَربَعَهً بِأَربَعَهِ أَبياتٍ فِى الجَنَّهِ؟ أَنفِق وَلا تَخَفَ فَقرا، وَأَنصِفِ النّاسَ مِن نَفسِكَ، وَأَفشِ السَّلامَ فِى العالَمِ ، وَاترُكِ المِراءَ وَإِن كُنتَ مُحِقّا. (5)

.

1- .كنز العمّال : ج 15 ص 858 ح 43415 نقلاً عن الحكيم الترمذى فى نوادر الأُصول : ج 2 ص 303 و فى الطبعه التى بأيدينا «أدخله فى محبّته» بدل «أدخله الجنّه» عن أبى هريره.
2- .الأمالى للمفيد : ص 76 ح 1 عن علىّ بن جعفر عن أخيه الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، تفسير العيّاشى : ج 1 ص 69 ح 127 عن السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 76 ح 2188 ، جامع الأخبار : ص 134 ح 272 كلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و

آله ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 223 وليس فيها «وإنّى محمّد رسول اللّه » ، بحار الأنوار : ج 69 ص 396 ح 82 .
3- .إرشاد القلوب : ص 199 200 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 22 ح 6 .
4- .شرح نهج البلاغه لابن أبى الحديد : ج 20 ص 276 ح 192.
5- .الكافى : ج 4 ص 44 ح 10 و ج 2 ص 144 ح 2 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 62 ح 1711 ، الخصال : ص 223 ح 52 ، المحاسن : ج 1 ص 70 ح 22 كلّها عن معاويه بن وهب ، بحار الأنوار : ج 76 ص 4 ح 9.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چهار چیز است که هر کس آنها را دارا باشد ، خدای بلندمرتبه ، رحمت خود را بر او می گستراند و او را به بهشت وارد می کند : کسی که مستمندی را سرپناه دهد و بر ناتوان رحم آورد و با غلام ، ملاطفت ورزد و به پدر و مادر ، انفاق کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چهار چیز است که در هر کس باشد ، خداوند ، او را از بهشتیان می نویسد : آن کس که [ذکرِ] محافظش شهادت دادن به این باشد که معبودی جز خدای یکتا نیست و من محمّد ، فرستاده خدا هستم ، و آن کس که هر گاه خداوند ، نعمتی به او می بخشد ، «الحمد للّه » بگوید ، و آن کس که هر گاه گناهی می کند ، «أستغفر اللّه » بگوید ، و آن کس که هر گاه مصیبتی به او می رسد ، «إنّا للّه و إنّا إلیه راجعون» بگوید .

امام علی علیه السلام در یاد کرد از حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله : خدای بلندمرتبه فرمود : « ... ای احمد! به عزّت و جلالم سوگند ، هیچ بنده ای نیست که انجام چهار کار را برایم ضمانت کند ، مگر آن که او را به بهشت درمی آورم : زبان در کام پیچد و آن را جز به سخنان سودمند نگشاید ، دلش را از وسوسه نگه دارد ، مراقب آگاهی و نگاه من به خود باشد ، و نور چشمش گرسنگی کشیدن (روزه داری) باشد» .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : چهار کارند که به بهشت می برند : پنهان داشتن مصیبت ، پنهانی دادن صدقه ، خوش رفتاری با پدر و مادر ، و بسیار گفتن جمله «لا إله إلّا اللّه » .

امام صادق علیه السلام :کیست که چهار کار را به ازای چهار خانه در بهشت ، متعهّد شود ؟ انفاق کن و از فقر نترس ، با مردم انصاف داشته باش ، به همه سلام کن ، و مجادله کردن را رها کن هر چند حق با تو باشد.

.

عنه علیه السلام :إِنَّ لِأَهلِ الجَنَّهِ أَربَعَ عَلاماتٍ : وَجهٌ مُنبَسِطٌ ، وَلِسانٌ لَطِیفٌ ، وَقَلبٌ رَحِیمٌ ، وَیَدٌ مُعطِیَهٌ. (1)

عنه علیه السلام :مَن رُزِقَ مِن أَربَعَهٍ خِصالٍ واحِدَهً دَخَلَ الجَنَّهَ : بِرُّ الوالِدَینِ ، أَو صِلَهُ الرَّحِمِ ، أَو حُسنُ الجِوارِ ، أَو حُسنُ الخُلُقِ . (2)

رسول اللّه صلی الله علیه و آله :خَمسٌ لا یَجتَمِعنَ إِلّا فِی مُؤمِنٍ حَقّا یُوجِبُ اللّهُ لَهُ بِهِنَّ الجَنَّهَ : النُّورُ فِی القَلبِ ، وَالفِقهُ فِی الإِسلامِ ، وَالوَرَعُ فِی الدِّینِ ، وَالمَوَدَّهُ فِی النّاسِ ، وَحُسْنُ السَّمتِ (3) فِی الوَجهِ . (4)

عنه صلی الله علیه و آله :خَمسٌ مَن عَمِلَهُنَّ فِی یَومٍ کَتَبَهُ اللّهُ مِن أَهلِ الجَنَّهِ : مَن عادَ مَرِیضا، وَشَهِدَ جَنازهً، وَصامَ یَوما، وَراحَ یَومَ (5) الجُمُعَهِ ، وَأَعتَقَ رَقَبَهً . (6)

عنه صلی الله علیه و آله :خَمسٌ مَن أَتَی اللّهَ عز و جل بِهِنَّ أَو بِواحِدَهٍ مِنهُنَّ أَوجَبَ لَهُ الجَنَّهَ : مَن سَقی هامهً صادِیَهً (7) ، أَو أَطعَمَ کَبِدا هافِیَهً (8) ، أَو کَسا جِلدَهً عارِیهً ، أَو حَمَلَ قَدَما حافِیَهً ، أَو أَعتَقَ رَقَبَهً عانِیَهً (9) . (10)

.

1- .تنبیه الخواطر : ج 2 ص 91 عن عبد اللّه بن سنان ، إرشاد القلوب : ص 173 بزیاده «فصیح» بعد «لسان» ، الاختصاص : ص 335 عن بعض الحکماء من دون إسنادٍ إلی أحدٍ من أهل البیت علیهم السلام .
2- .جامع الأخبار : ص 287 ح 773.
3- .السَّمْتُ : أی الهیئه الحَسنه (النهایه : ج 2 ص 397 «سمت»).
4- .کنز الفوائد : ج 2 ص 10 ، أعلام الدین : ص 144 ، معدن الجواهر : ص 49 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 219 ح 49.
5- .فی مسند أبی یعلی وکنز العمّال : «إلی» بدل «یوم».
6- .صحیح ابن حبّان : ج 7 ص 6 ح 2771 ، مسند أبی یعلی : ج 2 ص 14 ح 1040 نحوه وکلاهما عن أبی سعید الخدری ، کنز العمّال : ج 15 ص 887 ح 43514.
7- .الصَّدَی : شِدّهُ العَطَش (لسان العرب : ج 14 ص 453 «صدا»).

8- .الهَفُو : الجُوع، ورجل هافٍ : جائع (لسان العرب : ج 15 ص 363 «هفا»).
9- .العَانِى : الأسير (النهايه : ج 3 ص 314 «عنا»).
10- .نثر الدر : ج 1 ص 159 ، نزهه الناظر : ص 13 ح 18 ، أعلام الدين : ص 294 ، تاريخ اليعقوبى : ج 2 ص 92 وفيه «أربع» بدل «خمس» وليس فيه «أو حمل قدما حافيه» ، المحاسن : ج 1 ص 458 ح 1060 عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 74 ص 369 ح 59 ؛ شرح نهج البلاغه لابن أبى الحديد : ج 16 ص 86 .

امام صادق علیه السلام :اهل بهشت ، چهار نشانه دارند : روی گشاده ، زبان خوش ، دل مهربان و دستِ دهنده.

امام صادق علیه السلام :کسی که یکی از این چهار کار روزی اش شود ، به بهشت می رود : نیکی کردن به پدر و مادر ، یا صله رحم ، یا خوش رفتاری با همسایه و یا اخلاق خوش.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پنج چیزند که جز در مؤمن حقیقی جمع نمی شوند و خداوند به سبب آنها بهشت را بر او واجب می گرداند : نورانیت دل ، فهم اسلام ، پارسایی در دین ، دوستی با مردم ، و سیمای خوش.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پنج کار است که هر کس آنها را در یک روز انجام دهد ، خداوند ، او را در زمره بهشتیان می نویسد : کسی که بیماری را عیادت کند و جنازه ای را تشییع نماید و آن روز را روزه بگیرد و در نماز جمعه حضور یابد و بنده ای را آزاد کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پنج کار است که هر کس همه آنها یا یکی از آنها را به نزد خداوند عز و جلبَرَد ، خداوند ، بهشت را بر او واجب می گرداند : کسی که تن تشنه ای را سیراب کند ، یا شکم گرسنه ای را غذا دهد ، یا پوست برهنه ای را بپوشاند ، یا پای برهنه ای را سوار کند ، یا گردن اسیری را آزاد کند.

.

عنه صلى الله عليه و آله :عَلامَةُ أَهلِ الجَنَّهِ فِی سَبعِ خِصالٍ :یَعفُو عَمَّن ظَلَمَهُ ، وَیُحسِنُ إِلی مَن أَساءَ إِلَیهِ ، وَیُعطِی لِمَن حَرَمَهُ ، إِن أُعطِیَ شَکَرَ ، وَإِن ابتُلِیَ صَبَرَ ، وَإِن قالَ صَدَقَ ، فَهُوَ یَمشِی بَینَ النّاسِ کَحَیٍ بَینَ الأَمواتِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :أَربَعُونَ خَصلَهً ؛ أَعلاهُنَّ مَنِیحَهُ (2) العَنزِ ، ما من عامِلٍ یَعمَلُ بِخَصلَهٍ مِنها رَجاءَ ثَوابِها وَتَصدِیقَ مَوعُودِها إِلّا أَدخَلَهُ اللّهُ بِها الجَنَّهَ . (3)

.

1- .الفردوس : ج 3 ص 54 ح 4143 عن البراء بن عازب.
2- .المَنِیحَهُ : مِنْحَهُ اللبن، کالناقه أو الشاه، تعطیها غیرک یحتلبها ثمّ یردّها علیک (الصحاح : ج 1 ص 408 «منح»).
3- .صحیح البخاری : ج 2 ص 927 ح 2488 ، سنن ابی داوود : ج 2 ص 130 ح 1683 ، مسند ابن حنبل : ج 2 ص 634 ح 6869 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 4 ص 262 ح 7578 ، السنن الکبری : ج 4 ص 309 ح 7799 کلّها عن عبد اللّه بن عمرو ، کنز العمّال : ج 6 ص 416 ح 16331.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نشانه بهشتیان ، هفت چیز است : کسی را که به او ستم می کند ، می بخشد ؛ به کسی که به او بدی می کند ، نیکی می نماید ؛ به کسی که از او مضایقه می کند ، عطا می نماید ؛ اگر به او [از جانب خداوند] چیزی داده شود ، شکر می گزارد ؛ اگر گرفتار شود ، شکیبایی می ورزد ؛ و هر گاه سخن بگوید ، راست می گوید . او در میان مردم ، به سانِ زنده ای در میان مردگان ، راه می رود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چهل کارند که بالاترینِ آنها ، عاریت دادن بز [به نیازمند برای استفاده موقّت از شیر آن]است . هر کس به امید ثواب آنها و از سر تصدیق وعده پاداش آنها ، به یکی از آنها عمل کند ، بی گمان ، خداوند به سبب آن ، او را به بهشت می بَرَد.

.

الفصل الثامن : رياض الجنّه8 / 1مَجالِسُ العِلمِالمعجم الكبير عن ابن عبّاس :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إذا مَرَرتُم بِرِياضِ الجَنَّهِ فَارتَعُوا ، قِيلَ : يا رَسُولَ اللّهِ وَما رِياضُ الجَنَّهِ؟ قالَ : مَجالِسُ العِلمِ . (1)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أَلا فَاغتَنِمُوا مَجلِسَ العُلَماءِ ؛ فَإِنَّها رَوضَهٌ مِن رِياضِ الجَنَّهِ . (2)

8 / 2مَجالِسُ الذِّكرِكتاب من لا يحضره الفقيه :قالَ نَبِىُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : بادِرُوا إلى رِياضِ الجَنَّهِ . قالُوا : يا رَسُولَ اللّهِ ، وَما رِياضُ الجَنَّهِ؟ قالَ : حَلَقُ الذِّكرِ . (3)

.

1- .المعجم الكبير : ج 11 ص 78 ح 11158 ، كنز العمّال : ج 10 ص 138 ح 28695 ، الأمالى للشجرى : ج 1 ص 61 .
2- .جامع الأخبار : ص 111 ح 196 عن أبى هريره.
3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 409 ح 5888 ، معانى الأخبار : ص 321 ح 1 عن علىّ بن الحسن عن أبيه الإمام الحسن عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، الأمالى للصدوق : ص 444 ح 592 عن الحسين بن علىّ عن علىّ بن الحسين عن الإمام الحسين عن الإمام علىّ عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 85 ح 2229 عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 93 ص 156 ح 20.

فصل هشتم: باغ های بهشت

8 / 1 مجالس علم

8 / 2 مجالس ذکر خدا

فصل هشتم: باغ های بهشت8 / 1مجالس علمالمعجم الکبیر به نقل از ابن عبّاس : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «هر گاه بر باغ های بهشت گذشتید ، بچرید» . گفته شد : ای پیامبر خدا ! باغ های بهشت چیستند ؟ فرمود : «مجالس علم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هان ! مجلس های دانشمندان را مغتنم شمارید ؛ چرا که باغی از باغ های بهشت اند.

8 / 2مجالس ذکر خداکتاب من لایحضره الفقیه :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «به سوی باغ های بهشت بشتابید» . گفتند : باغ های بهشت چیستند ، ای پیامبر خدا؟ فرمود : «حلقه های ذکر».

.

سنن الترمذى عن أنس بن مالک عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إِذا مَرَرتُم بِرِياضِ الجَنَّهِ فَارتَعُوا. قالَ : وَما رِياضُ الجَنَّهِ؟ قالَ : حَلَقُ الذِّكرِ . (1)

المستدرک على الصحيحين عن جابر بن عبد اللّه :خَرَجَ عَلَينا النَّبِيُ صلى الله عليه و آله فَقالَ : يا أيُّها النّاسُ ! إنَّ للّهِ سَرايا (2) مِنَ المَلائِكَهِ ، تحلّ وَتَقِفُ عَلى مَجالِسِ الذِّكرِ فِى الأرض ، فَارتَعُوا فِى رِياضِ الجَنَّهِ . قالُوا : وَأينَ رِياضُ الجَنَّهِ؟ قالَ : مَجالِسُ الذِّكرِ ، فَاغدُوا وَرُوحُوا فِى ذِكرِ اللّهِ وَذَكِّرُوهُ أنفُسَكُم . (3)

8 / 3المَساجِدُسنن الترمذى عن أبى هريره :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إذا مَرَرتُم بِرِياضِ الجَنَّهِ فَارتَعُوا. قُلتُ : يا رَسُولَ اللّهِ ، وَما رِياضُ الجَنَّهِ؟ قالَ : المَساجِدُ، قِيلَ : وَما الرَّتعُ يا رَسُولَ اللّهِ؟ قالَ : سُبحانَ اللّهِ وَالحَمدُ للّهِ وَلا إلهَ إلّا اللّهُ ، وَاللّهُ أكبَرُ . (4)

8 / 4ما بَينَ مِنبَر النَّبِيِّ وَبَيتِهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما بَينَ مِنبَرِى وَبُيُوتِى رَوضَهٌ مِن رِياضِ الجَنَّهِ ، وَمِنبَرِى عَلى تُرعَهٍ (5) مِن تُرَعِ الجَنَّهِ . (6)

.

1- .سنن الترمذى : ج 5 ص 532 ح 3510 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 302 ح 12525 ، شعب الإيمان : ج 1 ص 398 ح 529 ، كنز العمّال : ج 1 ص 437 ح 1885 ؛ منيه المريد : ص 106 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 234 وفيه «مجالس» بدل «حَلَق» ، بحار الأنوار : ج 1 ص 205 ح 34.
2- .السَّرَايا : جمع سَرِيَّه ؛ وهى طائفه من الجيش يبلغ أقصاها أربعمئه (النهايه : ج 2 ص 363 «سرى»).
3- .المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 672 ح 1820 ، مسند أبى يعلى : ج 2 ص 345 ح 1860 ، شعب الإيمان : ج 1 ص 398 ح 528 ، كنز العمّال : ج 1 ص 437 ح 1882 ؛ عدّه الداعى : ص 238 ، أعلام الدين : ص 275 ، إرشاد القلوب : ص 60 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 163 ح 42.
4- .سنن الترمذى : ج 5 ص 532 ح 3509 ، مشكاه المصابيح : ج 1 ص 227 ح 729 ، كنز العمّال : ج 7 ص 651 ح 20739.

5- .التَّرعه : الباب، كأنّه قال : منبرى على باب من أبواب الجنّه. وقيل : التُّرعه فى الحديث : الدَّرَجه. وقيل : الرَّوضه (لسان العرب : ج 8 ص 33 «ترع»).
6- .الكافى : ج 4 ص 556 ح 10 ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 7 ح 13 وفيه «بيتى» بدل «بيوتى» وكلاهما عن جميل بن درّاج عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 100 ص 146 ح 4 ؛ مسند ابن حنبل : ج 5 ص 200 ح 15189 عن جابر بن عبد اللّه وفيه «إلى حجرتى» بدل «وبيوتى» ، مسند أبى يعلى : ج 1 ص 91 ح 113 عن أبى بكر وفيه «بيتى» بدل «بيوتى» ، كنز العمّال : ج 12 ص 261 ح 34955.

8 / 3 مسجدها

8 / 4 میان منبر و خانه پیامبر صلی الله علیه و آله

سنن الترمذی به نقل از اَنَس بن مالک : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «هر گاه بر باغ های بهشت گذر کردید ، به چَرا بپردازید ». گفت[م] باغ های بهشت چیستند ؟ فرمود : «انجمن های ذکر» .

المستدرک علی الصحیحین به نقل از جابر بن عبد اللّه : پیامبر صلی الله علیه و آله به میان ما آمد و فرمود : «ای مردم! خداوند ، گردان هایی از فرشتگان دارد که در مجالس ذکر زمینیان ، فرود می آیند و می مانند . پس در باغ های بهشت بچرید» . گفتند : باغ های بهشت ، کدام اند؟ فرمود : «مجالس ذکر . پس ، صبح و شام ، به یاد خدا بپردازید و آن را به خویشتن یادآوری کنید».

8 / 3مسجدهاسنن الترمذی به نقل از ابو هریره : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «هر گاه به باغ های بهشت برخوردید ، بچرید» . گفتم : ای پیامبر خدا ! باغ های بهشت چیستند؟ فرمود : «مسجدها» . گفته شد : چریدن در آنها چیست ، ای پیامبر خدا؟ فرمود : «[ذکرِ] سبحان اللّه و الحمد للّه و لا إله إلّا اللّه و اللّه أکبر».

8 / 4میان منبر و خانه پیامبر صلی الله علیه و آلهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :میان منبرم و خانه هایم، (1) باغی از باغ های بهشت است و منبرم بر روی دریچه ای از دریچه های بهشت ، قرار دارد.

.

1- .مقصود، فاصله میان منبر پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد النبی و خانه ایشان در گوشه مسجد است. گفتنی است خانه پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان حیات ایشان، دارای چند اتاق مستقل بود که چند تن از همسران ایشان ، در آنها زندگی می کردند.

الكافى عن أبى بكر الحضرمىّ :قالَ أَبُو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : ما بَينَ بَيتِى وَمِنبَرِى رَوضَةٌ مِن رِياضِ الجَنَّهِ ، وَمِنبَرِى عَلى تُرعَهٍ مِن تُرَعِ الجَنَّهِ ، وَقَوائِمُ مِنبَرِى رُبَّت (1) فِى الجَنَّهِ . قالَ : قُلتُ : هِى رَوضَهٌ اليَومَ؟ قالَ : نَعَم، إِنَّهُ لَو كُشِفَ الغِطاءُ لَرَأَيْتُمْ. (2)

كتاب من لا يحضره الفقيه :قالَ [رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله] : مَا بَينَ قَبرِى وَمِنبَرِى رَوضَهٌ مِن رِياضِ الجَنَّهِ ، وَإِنَّ مِنبَرِى عَلى تُرعَهٍ مِن تُرَعِ الجَنَّهِ قَوائِمُ المِنبَرِ رُبَّت فِى الجَنَّهِ . وَالتُّرعَهُ : هِىَ البابُ الصَّغِيرُ . (3)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما بَينَ بَيتِى وَمِنبَرِى رَوضَهٌ مِن رِياضِ الجَنَّهِ ، وَمِنبَرِى على حَوضِى . (4)

.

1- .قال العلّامه المجلسى قدس سره : ربّت بالتشديد : من التربيه على بناء المفعول، أو بالتخفيف من الربو ؛ بمعنى النموّ والارتفاع، والأوّل أظهر (مرآه العقول : ج 18 ص 266) . وفى بعض النسخ : «رتب».
2- .الكافى : ج 4 ص 554 ح 3 ، بحار الأنوار : ج 100 ص 146 ح 1.
3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 568 ح 3158 ، كامل الزيارات : ص 51 ح 28 عن معاويه بن عمّار عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله وفيه «رتب» بدل «ربّت» ، معانى الأخبار : ص 267 ح 1 عن ابن أبى عمير عن بعض أصحابنا عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، مصباح المتهجّد : ص 710 ح 790 وليس فيهما ذيله من «قوائم المنبر...» ، بحار الأنوار : ج 100 ص 151 ح 19 ؛ تاريخ بغداد : ج 11 ص 228 الرقم 5961 عن جابر وليس فيه ذيله من «وإنّ منبرى ...».
4- .صحيح البخارى : ج 2 ص 667 ح 1789 ، صحيح مسلم : ج 2 ص 1011 ح 502 كلاهما عن أبى هريره ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 9 ح 11003 عن أبى هريره و أبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : ج 12 ص 259 ح 34944.

الکافی به نقل از ابوبکر حضرمی : امام صادق علیه السلام فرمود : «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : میان خانه ام و منبرم، باغی از باغ های بهشت است و منبرم بر روی دریچه ای از دریچه های بهشت است و پایه های منبرم، در بهشت جای دارند». گفتم : آن باغ، هم اینک وجود دارد؟ فرمود : «آری . اگر پرده کنار رود، آن را می بینید».

کتاب من لایحضره الفقیه :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «میان قبر من و منبرم، باغی از باغ های بهشت است و منبرم بر روی تُرعه ای (1) از تُرعه های بهشت، جای دارد و پایه های منبر، در بهشت قرار گرفته است» . تُرعه ، به معنای دَریچه است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :میان خانه ام و منبرم، باغی از باغ های بهشت است و منبرم بر روی حوضم قرار گرفته است.

.

1- .در عربی ، واژه «تُرعه» به این معانی آمده است : تنگه، دریچه، دریچه ای که از کف بنا به جویبار یا آب راهه ای باز می شود، درِ خانه ، بوستان در زمین بلند ، آب راهه ، راه رسیدن آب به باغ. همه این معانی، در این حدیث نبوی، محتمل اند؛ ولی مترجم، معنای دوم و سوم را ترجیح داده است .

عنه صلى الله عليه و آله :ما بَينَ حُجرَتِی إلی مِنبَرِی رَوضَهٌ مِن رِياضِ الجَنَّهِ ، وَحَوضِی عَلی تُرعَهٍ مِن تُرَعِ الجَنَّهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن سَرَّهُ أَن يُصَلِّیَ فِی رَوضَهٍ مِن رِياضِ الجَنَّهِ فَليُصَلِّ بَينَ قَبرِی وَمِنبَرِی. (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ قَوائِمَ مِنبَرِی هذا رَواتِبُ فِی الجَنَّهِ. (3)

8 / 5مَوضِعُ قَبرِ الإمام الحُسَينِ عليه السلامالإمام الصادق عليه السلام :مَوضِعُ قَبرِ الحُسَينِ عليه السلام مُنذُ يَومٍ دُفِنَ فِيهِ رَوضَهٌ مِن رِياضِ الجَنَّهِ . (4)

عنه عليه السلام :مَوضِعُ قَبرِ الحُسَينِ عليه السلام تُرعَهٌ مِن تُرَعِ الجَنَّهِ . (5)

8 / 6الكُوفَهُالإمام علیّ عليه السلام :اُدخُل إِلی جامِعِ الكُوفَهِ مِن البابِ الأَعظَمِ ، فَإِنَّهُ رَوضَهٌ مِن رِياضِ الجَنَّهِ . (6)

.

1- .تاريخ بغداد : ج 3 ص 360 الرقم 1471 عن جابر.
2- .الفردوس : ج 3 ص 538 ح 5676 عن عبد اللّه بن لبيد ، كنز العمّال : ج 12 ص 260 ح 34950.
3- .سنن النسائی : ج 2 ص 36 ، مسند ابن حنبل : ج 10 ص 171 ح 26538 ، السنن الكبری : ج 5 ص 407 ح 10290 ، حليه الأولياء : ج 7 ص 248 كلّها عن اُمّ سلمه ، المستدرک علی الصحيحين : ج 3 ص 612 ح 6268 عن أبی واقد الليثی ، كنز العمّال : ج 12 ص 506 ح 35652.
4- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 600 ح 3207 ، ثواب الأعمال : ص 120 ح 43 ، كامل الزيارات : ص 456 ح 691 كلّها عن إسحاق بن عمّار ، بحار الأنوار : ج 101 ص 111 ح 23.
5- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 600 ح 3208 ، ثواب الأعمال : ص 120 ح 43 ، كامل الزيارات : ص 456 ح 1 كلاهما عن إسحاق بن عمّار ، بحار الأنوار : ج 101 ص 111 ح 23.

6- .المزار للشهيد الأوّل : ص 229 ، المزار للمشهدى : ص 161 ، بحار الأنوار : ج 100 ص 409 ح 67 .

8 / 5 جایگاه قبر امام حسین علیه السلام

8 / 6 کوفه

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :میان اتاقم و منبرم، باغی از باغ های بهشت است و حوضم بالای دریچه ای از دریچه های بهشت، جای دارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که خوش دارد در باغی از باغ های بهشتْ نماز بگزارد ، میان قبر و منبر من نماز بخواند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پایه های این منبر من ، ریشه در بهشت دارند.

8 / 5جایگاه قبر امام حسین علیه السلامامام صادق علیه السلام :جایگاه قبر حسین علیه السلام از زمانی که در آن به خاک سپرده شد ، به باغی از باغ های بهشت تبدیل شد.

امام صادق علیه السلام :جایگاه قبر حسین علیه السلام ، دریچه ای از دریچه های بهشت است.

8 / 6کوفهامام علی علیه السلام :به مسجد کوفه از درِ بزرگ وارد شو ؛ چرا که این مسجد، باغی از باغ های بهشت است.

.

الإمام الباقر عليه السلام :مَسجِدُ كُوفانَ رَوضَةٌ مِن رِياضِ الجَنَّهِ. (1)

الإمام الصادق عليه السلام :نِعْمَ المَسجِدُ مَسجِدُ الكُوفَهِ ، صَلَّى فِيهِ أَلفُ نَبِيٍّ، وَأَلفُ وَصِيٍ، وَمِنهُ فارَ التَّنُّورُ ، وَفِيهِ نُجِرَتِ السَّفِينَهُ ، مَيمَنَتُهُ رِضوانُ اللّهِ ، وَوَسَطُهُ رَوضَهٌ مِن رِياضِ الجَنَّهِ ، وَمَيسَرَتُهُ مَكرٌ (2) . (3)

عنه عليه السلام :الكُوفَهُ رَوضَهٌ مِن رِياضِ الجَنَّهِ ، فِيها قَبرُ نُوحٍ وَإِبراهِيمَ عليهماالسلام ، وَقُبُورُ ثَلاثِمِئَهِ نَبِيٍ وَسَبعِينَ نَبِيّا، وَسِتِّمِئَهِ وَصِيٍ، وَقَبرُ سَيِّدِ الأَوصِياءِ أَمِيرِ المُؤمِنِينَ عليه السلام . (4)

الكافى عن هارون بن خارجه :قالَ لِى أَبُو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : يا هارُونَ بنَ خارِجَهَ ، كَم بَينَکَ وَبَينَ مَسجِدِ الكُوفَهِ ، يَكُونُ مِيلاً؟ قُلتُ : لا، قالَ : فَتُصَلِّى فِيهِ الصَّلَواتِ كُلَّها؟ قُلتُ : لا، فَقالَ : أَما لَو كُنتُ بِحَضرَتِهِ لَرَجَوتُ أَن لا تَفُوتَنِى فِيهِ صَلاهٌ ، وَتَدرِى ما فَضلُ ذَلِکَ المَوضِعِ؟ ما مِن عَبدٍ صالِحٍ وَلا نَبِيٍ إِلّا وَقَد صَلَّى فِى مَسجِدِ كُوفانَ ، حَتَّى إِنَّ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله لَمّا أُسرِىَ اللّهُ بِهِ قالَ لَهُ جَبرَئِيلُ عليه السلام : تَدرِى أَينَ أَنتَ يا رَسُولَ اللّهِ السّاعَهَ؟ أَنتَ مُقابِلُ مَسجِدِ كُوفانَ . قالَ : فَاستَأذِن لِى رَبِّى حَتَّى آتِيَهُ فَأُصَلِّىَ فِيهِ رَكعَتَينِ ، فَاستَأذَنَ اللّهَ عز و جل فَأَذِنَ لَهُ . وَإِنَّ مَيمَنَتَهُ لَرَوضَهٌ مِن رِياضِ الجَنَّهِ ، وَإِنَّ وَسَطَهُ لَرَوضَهٌ مِن رِياضِ الجَنَّهِ ، وَإِنَّ مُؤَخَّرَهُ لَرَوضَهٌ مِن رِياضِ الجَنَّهِ ، وَإِنَّ الصَّلاهَ المَكتُوبَهَ فِيهِ لَتَعدِلُ أَلفَ صَلاهٍ ، وَإِنَّ النّافِلَهَ فِيهِ لَتَعدِلُ خَمسَمِئَهِ صَلاهٍ ، وَإِنَّ الجُلُوسَ فِيهِ بِغَيرِ تلاوَهٍ وَلا ذِكرٍ لَعِبادَهٌ ، وَلَو عَلِمَ النّاسُ ما فِيهِ لَأَتَوهُ وَلَو حَبْوا (5) . (6)

.

1- .الكافى : ج 3 ص 493 ح 9 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 252 ح 691 ، المزار للمشهدى : ص 125 ح 6 كلّها عن أبى عبيده ، روضه الواعظين : ص 450 ، بحار الأنوار : ج 100 ص 389 ح 13.
2- .ميسرته مَكْر : قيل كانت السوق إلى جانبه الأيسر، وفيها يقع المكر والخداع (النهايه : ج 4 ص 349 «مكر»).
3- .الكافى : ج 3 ص 492 ح 3 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 231 ح 693 ، ثواب الأعمال : ص 50 ح 1 كلّها عن أبى بصير ، بحار الأنوار : ج 100 ص 397 ح 37.

4- .فرحه الغرى : ص 69 عن أبى اَسامه ، بحار الأنوار : ج 100 ص 405 ح 61 .
5- .الحَبْو : أن يمشى على يديه وركبتيه أو اُسْته (النهايه : ج 1 ص 336 «حبا»).
6- .الكافى : ج 3 ص 490 ح 1 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 250 ح 688 ، كامل الزيارات : ص 72 ح 63 ، المحاسن : ج 1 ص 128 ح 149 وليس فيه ذيله من «وإنّ الجلوس ...» ، بحار الأنوار : ج 100 ص 398 ح 39.

امام باقر علیه السلام :مسجد کوفان (کوفه)، باغی از باغ های بهشت است.

امام صادق علیه السلام :نیکو مسجدی است مسجد کوفه ! هزار پیامبر و هزار وصی، در آن ، نماز خوانده اند، تنور [زمان توفان نوح] در محلّ آن جوشید و کشتی [نوح]در آن جا ساخته شد . سمت راست آن، رضوان خداست ، وسطش باغی از باغ های بهشت است و سمت چپش فریب است . (1)

امام صادق علیه السلام :کوفه، باغی از باغ های بهشت است . قبر نوح و ابراهیم و قبر سیصد و هفتاد پیامبر و ششصد وصی ، و قبر سالار اوصیا ، امیر مؤمنان علیه السلام ، در آن است .

الکافی به نقل از هارون بن خارجه : امام صادق علیه السلام به من فرمود : «ای هارون بن خارجه ! تا مسجد کوفه، چه قدر فاصله داری ؟ یک میل می شود؟». گفتم : خیر . فرمود : «پس همه نمازها را در آن می خوانی؟». گفتم : خیر . فرمود : «بدان که اگر من در کنار آن بودم، امید داشتم که حتّی یک نمازم از آن مسجد فوت نشود . آیا می دانی آن جا چه فضیلتی دارد؟ هیچ بنده شایسته و هیچ پیامبری نبوده، مگر این که در مسجد کوفه نماز خوانده است . حتّی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در شبی که خداوند، او را به معراج برد ، جبرئیل به او گفت : می دانی تو اکنون کجا هستی، ای پیامبر خدا؟ تو در برابر مسجد کوفه ای ! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : پس، از پروردگارم برایم اجازه بگیر که به آن بروم و در آن جا دو رکعت نماز بخوانم . و جبرئیل از خداوند، اجازه گرفت و خدا هم به او اجازه داد. سمت راست آن، باغی از باغ های بهشت است ، وسطش باغی از باغ های بهشت است و عقب آن نیز باغی از باغ های بهشت است . یک نماز واجب در آن، با هزار نماز ، برابری می کند و یک نماز مستحبّی در آن، با پانصد نماز، همسنگ است . نشستن در آن [حتّی] بدون تلاوت [قرآن] و گفتن ذکر، خود ، عبادت است . اگر مردم می دانستند که چه ثواب هایی در این مسجد است، خود را به آن می رساندند، حتّی با خزیدن» .

.

1- .گفته می شود که بازار کوفه در سمت چپ این مسجد بوده است و فریب هم در بازار ، صورت می گیرد.

8 / 7الحَوامِيمُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :اَلحَوامِيمُ رَوضَةٌ مِن رِياضِ الجَنَّهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :لِكُلِّ شَجَرَهٍ ثَمَرا، وَإِنَّ ثَمَراتِ القُرآنِ ذَواتُ «حم» مِن رَوضاتٍ مُخصِباتٍ مُعشِباتٍ مُتجاوِراتٍ، فَمَن أَحَبَّ أَن يَرتَعَ فِى رِياضِ الجَنَّهِ فَليَقرَأ الحَوامِيمَ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن أَحَبَّ أَن يَرتَعَ فِى رِياضِ الجَنَّهِ ، فَليَقرَأ الحَوَامِيمَ فِى صَلاهِ اللَّيلِ . (3)

8 / 8مَرَضُ المُؤمِنِالإمام علىّ عليه السلام :وُعِكَ (4) أَبُو ذَرٍّ ، فَأَتَيتُ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَقُلتُ : يا رَسُولَ اللّهِ ، إِنَّ أَبا ذَرٍّ قَد وُعِكَ ، فَقالَ : اِمضِ بِنا إِلَيهِ نَعُودُهُ ، فَمَضَينا إِلَيهِ جَمِيعا، فَلَمّا جَلَسنا قالَ لَهُ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : كَيفَ أَصبَحتَ يا أَبا ذَرٍّ؟ قالَ : أَصبَحتُ وَعِكا يا رَسُولَ اللّهِ ، فَقالَ : أَصبَحتَ فِى رَوضَهٍ مِن رِياضِ الجَنَّهِ، قَدِ انغَمَستَ فِى ماءِ الحَيَوانِ ، وَقَد غَفَرَ اللّهُ لَكَ ما تَقَدَّمَ مِن ذَنبِكَ ، فَأَبشِر يا أَباذَرٍّ . (5)

راجع : ص 486 (الفصل الحادى عشر : كنوز الجنّه / تلك الخصال) .

.

1- .الفردوس : ج 2 ص 160 ح 2816 ، الدرّ المنثور : ج 7 ص 269 ، كنز العمّال : ج 1 ص 580 ح 2623 كلاهما نقلاً عن ابن مردويه وكلّها عن سمره بن جندب ؛ بحار الأنوار : ج 92 ص 302 ح 2 .
2- .الدرّ المنثور : ج 7 ص 269 نقلاً عن ابن الضريس عن إسحاق بن عبد اللّه ؛ بحار الأنوار : ج 92 ص 302 ح 2 .
3- .مجمع البيان : ج 8 ص 797 عن أبى بريده الأسلمى ، كنز العمّال : ج 1 ص 592 ح 2696 نقلاً عن أبى نعيم عن ابن عبّاس نحوه .
4- .الوَعْك : الحُمّى وقيل : أَلَمُها (لسان العرب : ج 10 ص 514 «وعك»).
5- .الدعوات : ص 167 ح 467 ، بحار الأنوار : ج 22 ص 434 ح 48.

8 / 7 «حا میم» ها

8 / 8 بیماری مؤمن

8 / 7«حا میم»هاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :«حا میم»ها ، (1) باغ هایی از باغ های بهشت اند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر درختی میوه ای دارد و میوه های قرآن، سوره های «حا میم»دار هستند که باغ هایی سرسبز و پُر گل و گیاه و به هم چسبیده اند . پس هر که دوست دارد در باغ های بهشتْ خوش بگذراند ، «حا میم»ها را بخواند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس دوست دارد در باغ های بهشت به گردش بپردازد ، «حا میم»ها را در نماز شب بخواند.

8 / 8بیماری مؤمنامام علی علیه السلام :ابو ذر ، ناخوش احوال شد . من نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفتم و گفتم : ای پیامبر خدا ! ابو ذر، ناخوش شده است . فرمود : «ما را نزد او ببر تا عیادتش کنیم» . همگی نزد ابو ذر رفتیم . چون نشستیم ، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود : «حالت چگونه است، ای ابو ذر؟». گفت: ناخوش احوالم، ای پیامبر خدا ! فرمود : «در باغی از باغ های بهشت، قرار گرفته ای و در آب زندگانی، فرو رفته ای و خداوند، گناهان گذشته تو را آمرزیده است . پس خوش باش، ای ابو ذر!» .

ر . ک : ص 487 (فصل یازدهم : گنج های بهشت / و این چند خصلت) .

.

1- .مقصود، سوره هایی از قرآن هستند که با «حم» آغاز می شوند.

8 / 9زِيارَةُ الإِخوانِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن زارَ أَخاهُ المُؤمِنَ خاضَ فِى رِياضِ الجَنَّهِ حَتَّى يَرجِعَ . (1)

.

1- .المعجم الكبير : ج 8 ص 67 ح 7389 عن صفوان بن عسّال .

8 / 9 دیدار برادران

8 / 9دیدار برادرانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس به دیدن برادرش برود ، در باغ های بهشت، قدم نهاده است تا آن گاه که برگردد.

.

الفصل التاسع : غراس الجنّه9 / 1التَّهلِيلُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ : «لا إِلهَ إِلّا اللّهُ» غُرِسَت لَهُ شَجَرَهٌ فِى الجَنَّهِ ، مِن ياقُوتَهٍ حَمراءَ ، مَنبتها فِى مِسكٍ أَبيَضَ ، أَحلَى مِنَ العَسَلِ ، وَأَشَدُّ بَياضا مِنَ الثَّلجِ ، وَأَطيَبُ رِيحا مِنَ المِسكِ ، فِيها أَمثالُ ثَدىِ الأَبكارِ ، تَعلُو عَن سَبعِينَ حُلَّهً . (1)

9 / 2التَّسبِيحُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :الجَنَّهُ قِيعانٌ (2) ، وغِراسُها : سُبحانَ رَبِّىَ العَظِيمِ وَبِحَمدِهِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ : «سُبحانَ اللّهِ العَظِيمِ» نَبَتَ لَهُ غَرسٌ فِى الجَنَّهِ . (4)

.

1- .الكافى : ج 2 ص 517 ح 2 ، ثواب الأعمال : ص 16 ح 5 بزياده «ثمار» بعد «فيها» ، المحاسن : ج 1 ص 98 ح 67 وفيهما «تفلق» بدل «تعلو» ، بحار الأنوار : ج 8 ص 183 ح 146.
2- .القاع : أرض واسعه سهله مطمئنّه ، لا حزونه فيها ولا ارتفاع (لسان العرب : ج 8 ص 304 «قوع»).
3- .عوالى اللآلى : ج 4 ص 8 ح 10.
4- .مسند ابن حنبل : ج 5 ص 314 ح 15645 عن سهل عن أبيه ، المعجم الكبير : ج 20 ص 198 ح 445 عن معاذ بن أنس وفيه «بنى» بدل «نبت» ، كنز العمّال : ج 1 ص 474 ح 2060.

فصل نهم: نهال های بهشت

9 / 1 لا إله إلّا اللّه

9 / 2 سبحان اللّه

فصل نهم: نهال های بهشت9 / 1لا إله إلّا اللّهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس «لا إله إلّا اللّه » بگوید ، درختی از یاقوت سرخ در بهشت برایش نشانده می شود که ریشه اش در مُشک سفید است و [میوه اش]از شهد، شیرین تر و از برف ، سفیدتر و از مُشک ، خوش بوتر است ، و در آن، مانند نارپستان های دوشیزگان است که از زیر هفتاد پیراهن، بر آمده اند.

9 / 2سبحان اللّهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشت ، سراسر ، دشت است و نهال های آن ، «سبحان ربّی العظیم و بحمده» است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس «سبحان اللّه العظیم» بگوید، برایش یک نهال در بهشت می روید.

.

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن مُؤمِنٍ وَلا مُؤمِنَهٍ إلَا وَلَهُ وَكِيلٌ فِى الجَنَّهِ ، إن قَرَأ القُرآنَ بَنى لَهُ القُصُورَ ، وَإن سَبَّحَ غَرَسَ لَهُ الأشجارَ ، وَإن كَفَّ كَفَّ . (1)

3 / 9التَّسبِيحاتُ الأَربَعَهُالإمام الباقر عليه السلام :مَرَّ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله بِرَجُلٍ يَغرِسُ غَرسا فِى حائِطٍ (2) لَهُ، فَوَقَفَ لَهُ وَقالَ : أَلا أَدُلُّكَ عَلى غَرسٍ أثبَتَ أصلاً ، وَأسرَعَ إيناعا ، وَأطيَبَ ثَمَرا وَأبقى؟ قالَ : بَلى فَدُلَّنِى يا رَسُولَ اللّهِ ! فَقالَ : إذا أصبَحتَ وَأمسَيتَ ، فَقُلِ : «سُبحانَ اللّهِ وَالحَمدُ للّهِ وَلا إلهَ إلَّا اللّهُ وَاللّهُ أكبَرُ» فَإنَّ لَكَ إن قُلتَهُ بِكُلِّ تَسبِيحَهٍ عَشرَ شَجَراتٍ فِى الجَنَّهِ مِن أنواعِ الفاكِهَهِ ، وَهُنَّ مِنَ الباقِياتِ الصّالِحاتِ . فَقالَ الرَّجُلُ : فَإنِّى أُشهِدُكَ يا رَسُولَ اللّهِ أنَّ حائِطِى هذا صَدَقَهٌ مَقبُوضَهٌ عَلى فُقَراءِ المُسلِمِينَ أهلِ الصَّدَقَهِ . فَأنزَلَ اللّهُ عز و جل آياتٍ مِنَ القُرآنِ «فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَ اتَّقَى * وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَى * فَسَنُيَسِّرُه لِلْيُسْرَى» (3) . (4)

.

1- .الفردوس : ج 4 ص 27 ح 6080 عن أنس ، كنز العمّال : ج 1 ص 549 ح 2458.
2- .الحَائِط : البستان من النخيل إذا كان عليه حائط (النهايه : ج 1 ص 462 «حوط»).
3- .الليل : 5 7.
4- .الكافى : ج 2 ص 506 ح 4 ، المحاسن : ج 1 ص 107 ح 92 كلاهما عن ضريس الكناسى ، الأمالى للصدوق : ص 270 ح 298 عن ضريس الكناسى عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 167 ح 2.

9 / 3 تسبیحات چهارگانه

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ مرد یا زن مؤمنی نیست، مگر آن که در بهشت، کارگزاری دارد . اگر قرآن بخواند، آن کارگزار برایش کاخ می سازد و اگر تسبیح بگوید، برایش درخت می کارد و اگر باز ایستد، او نیز باز می ایستد.

9 / 3تسبیحات چهارگانهامام باقر علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر مردی گذر کرد که در باغش نهال می کاشت . نزد او ایستاد و فرمود : «آیا تو را به نهال هایی راه نمایی نکنم که ریشه هایشان استوارترند و زودتر به بار می نشینند و میوه هایشان لذیذتر و ماندگارترند؟». گفت : چرا ، راه نمایی ام کنید، ای پیامبر خدا ! فرمود : «هر بام و شام بگو : سبحان اللّه و الحمد للّه و لا إله إلّا اللّه و اللّه أکبر؛ زیرا به ازای هر تسبیحی که بگویی، ده درخت از انواع میوه ها در بهشت برایت خواهد بود ، و اینهایند ماندگاران نیک». مرد گفت : پس من، شما را گواه می گیرم ای پیامبر خدا که این باغم را وقف مسلمانان تهی دست که مستحقّ صدقه اند، قرار دادم. در این هنگام ، خداوند عز و جل آیاتی از قرآن را فرو فرستاد : «امّا آن که بخشید و پرهیزگاری کرد و [پاداش] نیکوتر را تصدیق نمود ، زودا که او را به سوی گشایش، ره نمون شویم» .

.

عنه عليه السلام :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : مَن قالَ : «سُبحانَ اللّهِ» غَرَسَ اللّهُ لَهُ بِها شَجَرَةً فِى الجَنَّهِ ، وَمَن قالَ «اَلحَمدُ للّهِ» غَرَسَ اللّهُ لَهُ بِها شَجَرَةً فِى الجَنَّهِ ، وَمَن قالَ : «لا إلهَ إلّا اللّهُ» غَرَسَ اللّهُ لَهُ بِها شَجَرَةً فِى الجَنَّهِ ، وَمَن قالَ : «اَللّهُ أكبَرُ» غَرَسَ اللّهُ لَهُ بِها شَجَرَةً فِى الجَنَّهِ .
فَقالَ رَجُلٌ مِن قُرَيشٍ : يا رَسُولَ اللّهِ ، إنَّ شَجَرَنا فِى الجَنَّهِ لَكَثِيرٌ! قالَ : نَعَم، وَلَكِن إيّاكُم أن تُرسِلُوا عَلَيها نِيرانا فَتُحرِقُوها، وَذَلِكَ أنَّ اللّهَ عز و جل يَقُولُ : «يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ أَطِيعُواْ اللَّهَ وَ أَطِيعُواْ الرَّسُولَ وَ لَا تُبْطِلُواْ أَعْمَلَكُمْ» (1) . (2)

تنبيه الخواطر عن أبى هريره :مَرَّ عَلَىَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله وَمَعِى أغراسٌ ، فَقالَ : هَل أدُلُّكُم عَلى أغراسٍ أفضَلَ مِنها؟ قُلْ : «سُبحانَ اللّهِ وَالحَمدُ للّهِ وَلا إلهَ إلّا اللّهُ وَاللّهُ أكبَرُ» فَلَيسَ مِنها كَلِمَهٌ تَقُولُها إلّا غَرَسَ اللّهُ لَكَ بِها شَجَرَةً فِى الجَنَّهِ . (3)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ : «سُبحانَ اللّهِ وَالحَمدُ للّهِ وَلا إلهَ إلّا اللّهُ وَاللّهُ أكبَرُ» غَرَسَ اللّهُ لَهُ بِكُلِّ واحِدَهٍ مِنهُنَّ شَجَرَةً فِى الجَنَّهِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :لَقِيتُ إبراهِيمَ لَيلَهَ أُسرِىَ بِى فَقالَ : يا مُحَمَّدُ ، أقرِئ أُمَّتَكَ مِنّى السَّلامَ وَأخبِرهُم أنَّ الجَنَّهَ طَيِّبَهُ التُربَهِ ، عَذبَهُ الماءِ ، وَأنَّها قِيعانٌ ، وَأنَّ غِراسَها : «سُبحانَ اللّهِ وَالحَمدُ للّهِ وَلا إلهَ إلّا اللّهُ وَاللّهُ أكبَرُ» . (5)

راجع : ص 476 (الفصل العاشر : نفقه بناء الجنّه / التسبيحات الأربعه) .

.

1- .محمّد : 33.
2- .ثواب الأعمال : ص 26 ح 3 عن أبى الجارود ، الأمالى للصدوق : ص 705 ح 968 عن أبى الجارود عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، عدّه الداعى : ص 248 عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 8 ص 186 ح 154.
3- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 68 .

4- .المعجم الأوسط : ج 8 ص 226 ح 8475 ، التاريخ الكبير : ج 6 ص 427 ح 2876 كلاهما عن ابن عبّاس .
5- .سنن الترمذى : ج 5 ص 510 ح 3462 ، مشكاه المصابيح : ج 1 ص 711 ح 2315 ، الأذكار المنتخبه : ص 25 ، تاريخ بغداد : ج 2 ص 292 الرقم 776 بزياده «ولا حول ولا قوّه إلّا باللّه » فى آخره وكلّها عن ابن مسعود ، كنز العمّال : ج 1 ص 460 ح 1989.

امام باقر علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «هر کس سبحان اللّه بگوید، خداوند در برابر آن، یک درخت در بهشت برایش می کارد ، و هر کس الحمد للّه بگوید، خداوند به ازای آن، یک درخت در بهشت برایش می کارد ، و هر کس لا إله إلّا اللّه بگوید، خداوند به ازای آن، یک درخت در بهشت برایش می کارد ، و هر کس اللّه أکبر بگوید، خداوند به ازای آن، یک درخت در بهشت برایش می کارد». مردی قریشی گفت : ای پیامبر خدا ! درخت های ما در بهشت، فراوان اند! فرمود : «آری ؛ امّا مواظب باشید که آتشی نفرستید و همه آنها را بسوزانید ؛ چرا که خدای عز و جل می فرماید : «ای کسانی که ایمان آورده اید ! از خدا و از پیامبر، فرمان برید و اعمالتان را از بین نبرید» .

تنبیه الخواطر به نقل از ابو هریره : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من بر خورد و من چند نهال با خود داشتم . فرمود : «آیا شما را به نهال هایی بهتر از اینها راه نمایی نکنم؟ بگو : سبحان اللّه و الحمد للّه و لا إله إلّا اللّه و اللّه أکبر ؛ زیرا هر کلمه ای از اینها را که بگویی، خداوند به ازای آن، درختی در بهشت برایت می نشاند».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس «سبحان اللّه و الحمد للّه و لا إله إلّا اللّه و اللّه أکبر» بگوید، خداوند به ازای هر یک از آنها، برایش یک درخت در بهشت می کارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شبی که به معراج برده شدم ، به ابراهیم علیه السلام بر خوردم . گفت : ای محمّد ! سلام مرا به امّتت برسان و به ایشان بگو که بهشت، خاکی خوش و آبی شیرین دارد و سراسر، دشت است و درخت هایش ، «سبحان اللّه و الحمد للّه و لا إله إلّا اللّه و اللّه أکبر» است.

ر . ک : ص 477 (فصل دهم : هزنیه ساخت بهشت / تسبیحات چهارگانه) .

.

9 / 4اَلحَوقَلَهُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :أَكثِرُوا مِن غَرسِ الجَنَّهِ ، فَإِنَّهُ عَذبٌ ماؤُها، طَيِّبٌ تُرابُها ، فَأَكثِرُوا مِن غِراسِها : «لا حَولَ وَلا قُوَّهَ إِلّا بِاللّهِ» . (1)

راجع : ص 480 (الفصل الحادى عشر : كنوز الجنّه / الحوقله) .

.

1- .المعجم الكبير : ج 12 ص 279 ح 13354 ، كتاب الدعاء : ص 474 ح 1658 كلاهما عن ابن عمر ، كنز العمّال : ج 1 ص 454 ح 1959.

9 / 4 لا حَولَ و لا قُوّةَ إلّا باللّه

9 / 4لا حَولَ و لا قُوّةَ إلّا باللّهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در بهشت، نهال بسیار بکارید ؛ زیرا آبش شیرین و خاکش حاصلخیز است . پس ، نهال «لا حَولَ و لا قُوّةَ إلّا باللّه » را در آن، زیاد بکارید.

ر . ک : ص 481 (فصل یازدهم : گنج های بهشت / لا حول ولا قوّه إلّا باللّه) .

.

الفصل العاشر : نفقه بناء الجنّه10 / 1التَّسبِيحاتُ الأَربَعَهُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :لَمّا أُسرِىَ بِى إِلَى السَّماءِ دَخَلتُ الجَنَّهُ ، فَرَأَيتُ فِيها قِيعانا يَقَقا (1) مِن مِسكٍ ، وَرَأَيتُ فِيها مَلائِكَهً يَبنُونَ لَبِنَهً مِن ذَهَبٍ وَلَبِنَهً مِن فِضَّهٍ، وَرُبَّما أَمسَكُوا ، فَقُلتُ لَهُم : ما لَكُم رُبَّما بَنَيتُم وَرُبَّما أَمسَكتُم؟ قالُوا : حَتَّى تَأتِيَنا النَّفَقَهُ. قُلتُ : وَما نَفَقَتُكُم؟ قالُوا : قَولُ المُؤمِنِ : «سُبحانَ [اللّهِ] (2) وَالحَمدُ للّهِ وَلا إِلهَ إِلّا اللّهُ وَاللّهُ أَكبَرُ»، فَإِذا قالَهُنَّ بَنَينا، وَإِذا سَكَتَ وَأَمسَكَ أَمسَكنا . (3)

10 / 2مُلازَمَهُ المَسجِدِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن كانَ القُرآنُ حَدِيثَهُ وَالمَسجِدُ بَيتَهُ ، بَنَى اللّهُ لَهُ بَيتا فِى الجَنَّهِ . (4)

راجع : ص 412 (الفصل السابع: مكارم الأخلاق و محاسن الأعمال / بناء المسجد) .

.

1- .اليَقَقُ : شَديدُ البَياض، ناصِعُه (لسان العرب : ج 10 ص 387 «يقق»).
2- .سقط ما بين المعقوفين من المصدر.
3- .الأمالى للطوسى : ص 474 ح 1035 ، عدّه الداعى : ص 249 كلاهما عن حمّاد بن عثمان عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تفسير القمّى : ج 2 ص 53 عن جميل عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله وفيه «يَقَق» بدل «يققا من مسك» ، بحار الأنوار : ج 8 ص 123 ح 19.
4- .تهذيب الأحكام : ج 3 ص 255 ح 707 عن السكونى عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، ثواب الأعمال : ص 47 ح 1 ، الأمالى للصدوق : ص 591 ح 819 كلاهما عن السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 148 ، بحار الأنوار : ج 83 ص 385 ح 62 .

فصل دهم: هزینه ساخت بهشت

10 / 1 تسبیحات چهارگانه

10 / 2 رفیق مسجد بودن

فصل دهم: هزینه ساخت بهشت10 / 1تسبیحات چهارگانهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شبی که به آسمان برده شدم ، به بهشت وارد شدم . در آن جا سرزمینی مُشکین دیدم و در آن جا دیدم که فرشتگانی، خشتی از زر و خشتی از سیم بر هم می گذارند و گاه، دست از کار می کشند . به آنان گفتم : چرا گاهی می سازید و گاهی باز می ایستید؟ گفتند : تا خرجی به ما برسد . گفتم : «خرجی تان چیست؟ گفتند : این سخن مؤمن : «سبحان اللّه و الحمد للّه و لا إله إلّا اللّه و اللّه أکبر» . هر گاه این را بگوید، ما شروع به ساختن می کنیم و هر گاه ساکت شود و نگوید، ما نیز دست نگه می داریم.

10 / 2رفیق مسجد بودنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی که قرآن، سخن او و مسجد، خانه اش باشد ، خداوند برایش خانه ای در بهشت می سازد .

ر . ک : ص 413 (فصل هفتم / خوی های والا و کردارهای نیکو / ساختن مسجد) .

.

10 / 3اَلإِخاءُ فِی اللّهِرسول اللّه صلی الله علیه و آله :مَن جَدَّدَ أَخا فِی الإِسلامِ بَنَی اللّهُ لَهُ بُرجا فِی الجَنَّهِ مِن جَوهَرَهٍ . (1)

الإمام الرضا علیه السلام :مَن استَفادَ أَخا فِی اللّهِ فَقَدِ استَفادَ بَیتا فِی الجَنَّهِ . (2)

10 / 4إِنشاءُ الشِّعرِ فِی أَهلِ البَیتِ علیهم السلامالإمام الصادق علیه السلام :مَن قالَ فِینا بَیتَ شِعرٍ بَنَی اللّهُ تَعالَی لَهُ بَیتا فِی الجَنَّهِ . (3)

10 / 5أَربَعُ خِصالٍرسول اللّه صلی الله علیه و آله فِی وَصِیَّتِهِ لِعَلِیٍ علیه السلام : أَربَعٌ مَن کُنَّ فِیهِ بَنَی اللّهُ تَعالَی لَهُ بَیتا فِی الجَنَّهِ : مَن آوَی الیَتِیمَ ، وَرَحِمَ الضَّعِیفَ ، وَأَشفَقَ عَلی والِدَیهِ ، ورَفَقَ بِمَملُوکِهِ . (4)

.

1- .الاختصاص : ص 228 ، بحار الأنوار : ج 75 ص 260 ح 56 .
2- .الأمالی للمفید : ص 316 ح 8 ، الأمالی للطوسی : ص 84 ح 124 کلاهما عن داوود بن سلیمان الغازی ، ثواب الأعمال : ص 182 ح 1 عن محمّد بن زید ، بحار الأنوار : ج 74 ص 276 ح 4.
3- .عیون أخبار الرضا علیه السلام : ج 1 ص 7 ح 1 ، بشاره المصطفی : ص 208 کلاهما عن عبد اللّه بن الفضل الهاشمی ، بحار الأنوار : ج 26 ص 231 ح 3.
4- .کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 4 ص 358 ح 5762 عن حمّاد بن عمرو و أنس بن محمّد عن أبیه جمیعا عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام ، الخصال : ص 223 ح 53 ، ثواب الأعمال : ص 161 ح 1 کلاهما عن أبی حمزه الثمالی عن الإمام الباقر علیه السلام ، بحار الأنوار : ج 74 ص 71 ح 51 وراجع : الأمالی للمفید : ص 167 ح 1.

10 / 3 برادری کردن برای خدا

10 / 4 شعرسرایی در باره اهل بیت علیهم السلام

10 / 5 و این چهار خصلت

10 / 3برادری کردن برای خداپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس برادری جدید در اسلام بگیرد، خداوند برایش در بهشت، برجی از جواهر بنا می کند.

امام رضا علیه السلام :هر کس برای خدا برادری بگیرد ، خانه ای در بهشت گرفته است.

10 / 4شعرسرایی در باره اهل بیت علیهم السلامامام صادق علیه السلام :هر کس در باره ما یک بیت شعر بگوید، خدای بلندمرتبه برایش یک خانه در بهشت می سازد.

10 / 5و این چهار خصلتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به امام علی علیه السلام : چهار خصلت است که در هر کس باشد، خدای بلندمرتبه برایش خانه ای در بهشت می سازد : کسی که یتیم را پناه دهد ، و به ناتوان رحم آورد ، و با پدر و مادرش مهربان باشد و با غلامش نرمی کند.

.

الفصل الحادی عشر : کنوز الجنّه11 / 1الحوقلهسنن ابن ماجه عن أبی ذرّ :قالَ لِی رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : أَلا أَدُلُّکَ عَلی کَنزٍ مِن کُنُوزِ الجَنَّهِ؟ قُلتُ : بَلی یا رَسُولَ اللّهِ ، قالَ : لا حَولَ وَلا قُوَّهَ إِلّا بِاللّهِ . (1)

رسول اللّه صلی الله علیه و آله لِأَبِی مُوسَی الأَشعَرِی : یا عَبدَ اللّهِ بنَ قَیسٍ ، أَلا أُعَلِّمُکَ کَلِمَهً هِی مِن کُنُوزِ الجَنَّهِ؟ لا حَولَ وَلا قُوَّهَ إِلّا بِاللّهِ . (2)

عنه صلی الله علیه و آله :أَکْثِرْ مِنْ قَولِ «لَا حَولَ وَلا قُوَّهَ إِلّا بِاللّهِ» فَإِنَّها کَنزٌ مِن کُنُوزِ الجَنَّهِ . (3)

.

1- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1256 ح 3825 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 67 ح 21356 ، حلیه الأولیاء : ج 3 ص 66 ، الزهد لابن المبارک : ص 396 ح 1122 عن أبی موسی الأشعری ، کنز العمّال : ج 1 ص 455 ح 1964.
2- .صحیح البخاری : ج 6 ص 2437 ح 6236 ، صحیح مسلم : ج 4 ص 2077 ح 45 ، سنن ابی داوود : ج 2 ص 87 ح 1526 ، سنن الترمذی : ج 5 ص 457 ح 3374 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1256 ح 3824 کلّها عن أبی موسی الأشعری ، کنز العمّال : ج 1 ص 456 ح 1966.
3- .سنن الترمذی : ج 5 ص 580 ح 3601 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 231 ح 8414 کلاهما عن أبی هریره ، المعجم الکبیر : ج 4 ص 133 ح 3900 عن أبی أیّوب ، کنز العمّال : ج 1 ص 454 ح 1957 ؛ المحاسن : ج 1 ص 75 ح 34 بزیاده «العلیّ العظیم» بعد «إلّا باللّه » ، بشاره المصطفی : ص 222 کلاهما عن سلمان ، بحار الأنوار : ج 77 ص 129 ح 35.

فصل یازدهم: گنج های بهشت

11 / 1 لا حَولَ و لا قُوّهَ إلّا باللّه

فصل یازدهم: گنج های بهشت11 / 1لا حَولَ و لا قُوّهَ إلّا باللّهسنن ابن ماجه به نقل از ابو ذر : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود : «آیا تو را به گنجی از گنج های بهشت، راه نمایی نکنم؟». گفتم : چرا ، ای پیامبر خدا ! فرمود : «لا حَولَ و لا قُوّهَ إلّا باللّه ؛ هیچ نیرو و توانی جز از سوی خداوند نیست» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به ابو موسی اشعری : ای عبد اللّه بن قیس ! آیا جمله ای را به تو نیاموزم که از گنج های بهشت است؟ لا حَولَ و لا قُوّهَ إلّا باللّه .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جمله «لا حَولَ و لا قُوّهَ إلّا باللّه » را زیاد بگو ؛ چرا که از گنج های بهشت است.

.

مسند ابن حنبل عن أبی هریره :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : أَلا أَدُلُّکَ عَلی کَنزٍ مِنْ کُنُوزِ الجَنَّهِ؟ قُلتُ : بَلی ، قَالَ : «لا حَولَ ولا قُوَّهَ إِلّا بِاللّهِ» قالَ : أَحْسَبُه قَالَ : یَقُولُ اللّهُ عز و جل : أَسْلَمَ عَبْدی وَاسْتَسْلَمَ . (1)

رسول اللّه صلی الله علیه و آله :مَن تَظاهَرَتْ عَلَیهِ النِّعَمُ فَلْیَقُلْ : «اَلحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ العالَمین»، ومَن أَلَحَّ عَلَیهِ الفَقرُ فَلْیُکثِرْ مِن قَولِ : «لا حَولَ وَلا قُوَّهَ إِلّا بِاللّهِ العَلِیِ العَظِیمِ» فَإِنَّه کَنزٌ مِن کُنُوزِ الجَنَّهِ ، وَفِیهِ شِفاءٌ مِن إِثنَینِ وَسَبعِینَ داءً أَدناها الهَمُّ . (2)

عنه صلی الله علیه و آله :قَولُ «لا حَولَ وَلا قُوَّهَ إِلاّ بِاللّهِ العَلِیِ العَظِیمِ» کَنزٌ مِن کُنُوزِ الجَنَّهِ ، وَهِیَ شِفاءٌ مِن تِسعَهٍ وَتِسعِینَ داءً أَدناهُ الهَمُّ . (3)

المحاسن عن الحسن البصریّ :کُنتُ مَعَ أَبِی جَعفَرٍ علیه السلام بِمِنی وَقَد ماتَ رَجُلٌ مِن قُرَیش، فَقالَ : یا أَبا سَعیدٍ ، قُم بِنا إِلی جِنازَتِهِ ، فَلَمّا دَخَلنا المَقابِرَ قالَ : أَلا أُخبِرُکُم بِخَمسِ خِصالٍ هِیَ مِن البِرِّ ، وَالبِرُّ یَدعُو إِلَی الجَنَّهِ؟ قُلتُ : بَلی ، قالَ : إِخفاءُ المُصِیبَهِ وَکِتمانُها، وَالصَّدَقَهُ تُعطِیها بِیَمِینِکَ لا تَعلَمُ بِها شِمالُکَ ، وَبِرُّ الوالِدَینِ ؛ فَإِنَّ بِرَّهُما لِلّهِ رِضا، وَالإِکثارُ مِن قَوْلِ : «لا حَولَ وَلا قُوَّهَ إِلّا بِاللّهِ العَلِیِ العَظِیمِ» فَإِنَّه مِن کُنُوزِ الجَنَّهِ ، وَالحُبُّ لِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّهُ عَلَیهِ وَ عَلَیهِم أَجمَعِینَ . (4)

.

1- .مسند ابن حنبل : ج 3 ص 606 ح 10741 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 71 ح 54 نحوه ، مسند إسحاق بن راهویه : ج 1 ص 280 ح 252 ، کنز العمّال : ج 1 ص 453 ح 1951.
2- .الأمالی للصدوق : ص 651 ح 885 عن محمّد بن جعفر عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام ، روضه الواعظین : ص 519 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 186 ح 6 .
3- .الجعفریّات : ص 188 ، النوادر للراوندی : ص 94 ح 38 کلاهما عن الإمام الکاظم عن آبائه علیهم السلام ، دعائم الإسلام : ج 2 ص 331 ح 1249 ولیس فیه «العلیّ العظیم» وفیه «أوّلها» بدل «أدناه» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 274 ح 1 ؛ المعجم الأوسط : ج 1 ص 289 ح 943 ، کنز

العمّال : ج 1 ص 456 ح 1970 نقلاً عن میسره بن علیّ فی مشیخته نحوه وکلاهما عن بهز بن حکیم عن أبیه عن جدّه.
4- .المحاسن : ج 1 ص 72 ح 27 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 188 ح 17.

مسند ابن حنبل به نقل از ابو هریره : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «آیا تو را به گنجی از گنج های بهشت، راه نمایی نکنم؟». گفتم : چرا . فرمود : «لا حَولَ و لا قُوّهَ إلّا باللّه ». گمان می کنم که فرمود : «خداوند عز و جل می فرماید : بنده ام گردن نهاد و تسلیم شد».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس پیاپی به او نعمت رسید ، «الحمدُ للّهِ رَبِّ العالمین؛ ستایش، از آن خداوند جهانیان است» بگوید و هر کس فقر بر او فشار آورد ، جمله «لا حَولَ و لا قُوّهَ إلّا باللّه العلیّ العظیم» را زیاد بگوید ؛ چرا که گنجی از گنج های بهشت است و هفتاد و دو درد را شفا می بخشد که کمترین آنها، نگرانی است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جمله «لا حَولَ و لا قُوّهَ إلّا باللّه العلیّ العظیم»، گنجی از گنج های بهشت است و نود و نُه درد را شفا می بخشد که کمترین آنها، اندوه است .

المحاسن به نقل از حسن بصری : با امام باقر علیه السلام در مِنا بودم که مردی از قریش در گذشت . فرمود : «ای ابو سعید! برخیز که نزد جنازه او برویم» . چون به گورستان وارد شدیم ، فرمود : «آیا شما را به پنج کاری خبر ندهم که از شمار طاعت اند و طاعت ، به بهشت می کشاند ؟». من گفتم : چرا . فرمود : «پنهان داشتن و کتمان مصیبت ؛ صدقه دادن با دست راست، چنان که دست چپت از آن آگاه نشود ؛ اطاعت از پدر و مادر ، که اطاعت از آنان، مورد پسند خداوند است ؛ بسیار گفتن جمله «لا حَولَ و لا قُوّهَ إلّا باللّه العلیّ العظیم» ؛ چرا که [این جمله] از گنج های بهشت است ؛ و دوست داشتن محمّد و خاندان محمّد که درود خدا بر او و بر ایشان ، همگی ، باد ».

.

11 / 2التَّسبيحاترسول اللّه صلى الله عليه و آله :قُلْ : «سُبحانَ اللّهِ ، وَالحَمدُ للّهِ ، وَلا إلهَ إلّا اللّهُ ، وَاللّهُ أكبَرُ ، وَلا حَولَ وَلا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ» ؛ فَإنَّهُنَّ الباقِياتُ الصّالِحاتُ ، وَهُنَّ يَحطُطنَ الخَطايا كَما تَحُطُّ الشَّجَرَةُ وَرَقَها ، وَهِيَ مِن كُنُوزِ الجَنَّهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :أَلا اُعَلِّمُكُم خَمسَ كَلِماتٍ؟ خَفِيفاتٍ عَلَى اللِّسانِ ، ثَقِيلاتٍ فِى المِيزانِ ، يُرضِينَ الرَّحْمنَ ، وَيَطْرُدنَ الشَّيطانَ ، وَهُنَّ مِن كُنُوزِ الجَنَّهِ ، وَمِن تَحتِ العَرشِ ، وَهُنَّ الباقِياتُ الصّالِحاتُ؟ قالُوا : بَلى يا رَسُولَ اللّهِ ! فَقالَ صلى الله عليه و آله : قُولُوا : سُبحانَ اللّهِ وَالحَمدُ للّهِ وَلا إلهَ إلّا اللّهُ واللّهُ أكبَرُ ، وَلا حَولَ وَلا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ العَلىِ العَظيمِ . (2)

11 / 3فاتِحَهُ الكِتابِتفسير العياشىّ عن محمّد بن مسلم :سَأَلتُ أَبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام عَن قَولِ اللّهِ عز و جل : «وَ لَقَدْ ءَاتَيْنَکَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِى وَ الْقُرْءَانَ الْعَظِيمَ» (3) فَقالَ : فاتِحَهُ الكِتابِ ؛ يُثَنّى فِيهَا القَولُ . قالَ : قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ مَنَّ عَلَىَ بِفاتِحَهِ الكِتابِ مِن كَنزِ الجَنَّهِ . (4)

.

1- .كنز العمّال : ج 15 ص 954 ح 43665 نقلاً عن المعجم الكبير وابن مردويه عن أبى الدرداء وراجع : تفسير الطبرى : ج 9 الجزء 16 ص 120 وتاريخ دمشق : ج 47 ص 150 وتفسير القرطبى : ج 10 ص 415 .
2- .عدّه الداعى : ص 247 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 175 ح 22.
3- .الحجر : 87 .
4- .تفسير العيّاشى : ج 1 ص 22 ح 17 ، مجمع البيان : ج 1 ص 109 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 238 ح 40.

11 / 2 تسبیحات

11 / 3 فاتحه الکتاب

11 / 2تسبیحاتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بگو : «سبحان اللّه و الحمد للّه و لا إله إلّا اللّه و اللّه أکبر و لا حَولَ و لا قُوّهَ إلّا باللّه ؛ پاک است خدا . ستایش، از آنِ خداست . معبودی جز خدا نیست . خدا، بزرگ ترین است، و هیچ توان و نیرویی جز از سوی خدا نیست»؛ چرا که اینها باقیات صالحات اند ، گناهان را همچون برگ درخت می ریزند و از گنج های بهشت اند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آیا پنج کلمه به شما نیاموزم که بر زبان، سبُک ، ولی در ترازو[ی اعمال] سنگین اند و خدای مهربان را خشنود می سازند و شیطان را می رانند و از گنج های بهشت اند و در زیر عرش اند و باقیات الصالحات اند؟». گفتند : چرا ، ای پیامبر خدا ! فرمود : «بگویید : سبحان اللّه و الحمد للّه و لا إله إلّا اللّه و اللّه أکبر و لا حَولَ و لا قُوّهَ إلّا باللّه العلیّ العظیم».

11 / 3فاتحه الکتابتفسیر العیّاشی به نقل از محمّد بن مسلم : از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای عز و جل : «و ما به تو هفت دوگان و قرآن بزرگ را دادیم» پرسیدم . فرمود : «[مقصود،]فاتحه الکتاب است که در آن ، گفته ها دو به دو اند». پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «خداوند با فاتحه الکتاب که از گنج بهشت است بر من منّت نهاد».

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :فاتِحَهُ الكِتابِ اُنزِلَت مِن كَنزٍ تَحتَ العَرشِ . (1)

11 / 4اِنتِظارُ الصَّلاهِ بَعدَ الصَّلاهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :اِنتِظارُ الصَّلاهِ بَعدَ الصَّلاهِ كَنزٌ مِن كُنوزِ الجَنَّهِ . (2)

راجع : ص 490 (الفصل الثانى عشر : مفاتيح الجنه / الصلاه) .

11 / 5الصَّبرُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :الصَّبرُ كَنزٌ مِن كُنُوزِ الجَنِّهِ . (3)

راجِع : ص 490 (الفصل الثانى عشر : مفاتيح الجنه / الصبر) .

11 / 6تِلكَ الخِصالُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :أَربَعَهٌ مِن كَنزِ الجَنَّهِ : إِخفاءُ الصَّدَقَهِ ، وَكِتمانُ المُصِيبَهِ ، وَصِلَهُ الرَّحِمِ ، وَقَولُ : لا حَولَ وَلا قُوَّهَ إِلّا بِاللّهِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :أَربَعٌ مِن كُنُوزِ الجَنَّهِ : كِتمانُ الفاقَهِ ، وَكِتمانُ الصَّدَقَهِ ، وَكِتمانُ المُصِيبَهِ ، وَكِتمانُ الوَجَعِ . (5)

.

1- .كنز العمّال : ج 1 ص 557 ح 2501 نقلاً عن ابن راهويه عن الإمام علىّ عليه السلام ، المعجم الكبير : ج 20 ص 226 ح 525 عن معقل بن يسار ، الفردوس : ج 4 ص 277 ح 6816 ، أسباب نزول القرآن : ص 22 ح 20 كلاهما عن الإمام علىّ عليه السلام وكلّها نحوه.
2- .تهذيب الأحكام : ج 2 ص 237 ح 937 عن عبد اللّه الهاشمى عن أبيه عن الإمام علىّ عليه السلام .
3- .مسكّن الفؤاد : ص 47 عن جابر ، بحار الأنوار : ج 82 ص 137 ح 22 ، إحياء علوم الدين : ج 4 ص 91.
4- .تاريخ بغداد : ج 3 ص 186 الرقم 1225 عن الحارث بن علىّ ، كنز العمّال : ج 15 ص 859 ح 43420.
5- .الدعوات : ص 164 ح 452 ، بحار الأنوار : ج 81 ص 208 ح 23.

11 / 4 انتظار کشیدن برای نماز، پس از هر نماز

11 / 5 شکیبایی

11 / 6 و این چند خصلت

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فاتحه الکتاب، از گنجی در زیر عرش، نازل شد.

11 / 4انتظار کشیدن برای نماز، پس از هر نمازپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :انتظار کشیدن برای نماز [بعدی] پس از هر نماز ، گنجی از گنج های بهشت است.

ر . ک : ص 491 (فصل دوازدهم : کلیدهای بهشت / نماز) .

11 / 5شکیباییپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شکیبایی ، گنجی از گنج های بهشت است.

ر . ک : ص 491 (فصل دوازدهم : کلیدهای بهشت / شکیبایی) .

11 / 6و این چند خصلتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چهار چیز، از گنج های بهشت اند : پنهانی دادن صدقه ، پنهان داشتن مصیبت ، صله رحم و ذکر «لا حَولَ و لا قُوّهَ إلّا باللّه ».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چهار چیز، از گنج های بهشت اند : نهان داشتن ناداری ، نهانی دادن صدقه ، نهان داشتن مصیبت و نهان داشتن بیماری .

.

الإمام علىّ عليه السلام :مِن كُنُوزِ الجَنَّهِ : البِرُّ ، وَإِخفاءُ العَمَلِ ، وَالصَّبرُ عَلَى الرَّزايا ، وَكِتمانُ المَصائِبِ . (1)

عنه عليه السلام :ثَلاثٌ مِن كُنُوزِ الجَنَّهِ : كِتمانُ الصَّدَقَهِ، وَكِتمانُ المُصِيبَهِ ، وَكِتمانُ المَرَضِ . (2)

.

1- .تحف العقول : ص 200 ، التمحيص : ص 66 ح 153 عن جابر ، بحار الأنوار : ج 71 ص 95 ح 59 .
2- .الإرشاد : ج 1 ص 303 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 421 ح 40.

ص: 489

امام علی علیه السلام :نیکوکاری ، پنهان کردن عمل ، شکیبایی در برابر مصیبت ها و پوشیده داشتن گرفتاری ها، از گنج های بهشت اند.

امام علی علیه السلام :سه چیز، از گنج های بهشت اند : پنهانی دادن صدقه ، پنهان داشتن مصیبت و پنهان داشتن بیماری.

.

الفصل الثانى عشر : مفاتيح الجنّه12 / 1التّوحيدُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَفاتِيحُ الجَنَّهِ شَهادَهُ أن لا إِلهَ إِلّا اللّهُ . (1)

12 / 2الصَّبْرُالإمام علىّ عليه السلام :مِفتاحُ الجَنَّهِ الصَّبرُ . (2)

12 / 3الصَّلاهُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مِفتاحُ الجَنَّهِ الصَّلاهُ ، وَمِفتاحُ الصَّلاهِ الوُضُوءُ . (3)

.

1- .مسند ابن حنبل: ج 8 ص257 ح 22163، مشكاه المصابيح: ج 1 ص19 ح 40، تفسير ابن كثير: ج 7 ص 112 نحوه وكلّها عن معاذ بن جبل ، كنز العمّال : ج 1 ص 425 ح 1825 ؛ المجازات النبويّه : ص 227 ح 182 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 312 عن الإمام الكاظم عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 48 ص 105 ح 8 .
2- .مطالب السؤول : ص 55 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 9 ح 65 .
3- .سنن الترمذى : ج 1 ص 10 ح 4 ، المعجم الأوسط : ج 4 ص 336 ح 4364 كلاهما عن جابر ، عوالى اللآلى : ج 1 ص 322 ح 56 وليس فيه ذيله ، كنز العمّال : ج 2 ص 62 ح 3116.

فصل دوازدهم: کلیدهای بهشت

12 / 1 یکتاپرستی

12 / 2 شکیبایی

12 / 3 نماز

فصل دوازدهم: کلیدهای بهشت12 / 1یکتاپرستیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کلیدهای بهشت ، گواهی دادن به یگانگی خدا هستند .

12 / 2شکیباییامام علی علیه السلام :کلید بهشت ، شکیبایی است.

12 / 3نمازپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کلید بهشت، نماز است و کلید نماز، وضوست.

.

12 / 4الجِهادُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :السُّيُوفُ مَفاتِيحُ الجَنَّهِ . (1)

.

1- .المستدرک على الصحيحين : ج 3 ص 564 ح 6086 ، تاريخ دمشق : ج 65 ص 220 ، الفردوس : ج 2 ص 344 ح 3556 كلّها عن يزيد بن شجره ، كنز العمّال : ج 4 ص 298 ح 10580 ؛ مستدرک الوسائل : ج 11 ص 13 ح 12293 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .

ص: 493

12 / 4 جهاد

12 / 4جهادپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شمشیرها ، کلیدهای بهشت اند.

.

الفصل الثالث عشر : من ضمنت له الجنّه13 / 1مَن ضَمِنَ اللّهُ لَهُ الجَنَّهَالكتاب«تِلْکَ الْجَنَّهُ الَّتِی نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَن کَانَ تَقِیًّا» . (1)

«وَمَن یَعْمَلْ مِنَ الصَّلِحَتِ مِن ذَکَرٍ أَوْ أُنثَی وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُوْلَائِکَ یَدْخُلُونَ الْجَنَّهَ وَلَا یُظْلَمُونَ نَقِیرًا» . (2)

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَی مِنَ الْمُؤْمِنِینَ أَنفُسَهُمْ وَ أَمْوَ لَهُم بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّهَ یُقَتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَیَقْتُلُونَ وَ یُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَیْهِ حَقًّا فِی التَّوْرَاهِ وَ الْاءِنجِیلِ وَ الْقُرْءَانِ وَ مَنْ أَوْفَی بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُواْ بِبَیْعِکُمُ الَّذِی بَایَعْتُم بِهِ وَ ذَ لِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ» . (3)

الحديثالإمام علىّ عليه السلام فى ذِكرِ حَديثِ مِعراجِ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله : قالَ اللّهُ تَعالى : ... يا أحمَدُ ، وعِزَّتى وجَلالى ، ما مِن عَبدٍ ضَمِنَ لى بِأربَعِ خِصالٍ إلّا أدخَلتُهُ الجَنَّهَ : يَطوى لِسانَهُ فَلا يَفتَحُهُ إلّا بِما يُعينُهُ ، ويَحفَظُ قَلبَهُ مِنَ الوَسواسِ ، ويَحفَظُ عِلمى ونَظَرى إلَيهِ ، ويَكونُ قُرَّهُ عَينَيهِ الجوع . يا أحمَدُ ، لَو ذُقتَ حَلاوَهَ الجوعِ وَالصَّمتِ وَالخَلوهِ ، وما وَرِثوا مِنها ! قالَ : يا رَبِّ ، ما ميراثُ الجوعِ؟ قالَ : الحِكمَهُ ، وحِفظُ القَلبِ ، وَالتَّقَرُّبُ إلَىَّ، وَالحُزنُ الدّائِمُ ، وخِفَّهُ المَؤونَهِ بَينَ النّاسِ ، وقَولُ الحَقِّ ، ولا يُبالى عاشَ بِيُسرٍ أو بِعُسرٍ . يا أحمَدُ ، هَل تَدرى بِأىِّ وَقتٍ يَتَقَرَّبُ العَبدُ إلَىَّ؟ [قالَ : لا يا رَبِّ] (4) ، قالَ : إذا كانَ جائِعا ، أو ساجِدا ... . يا أحمَدُ ، إنَّ العَبدَ إذا جاعَ بَطنُهُ وحَفِظَ لِسانَهُ ، عَلَّمتُهُ الحِكمَهَ ، وإن كانَ كافِرا تَكونُ حِكمَتُهُ حُجَّهً عَلَيهِ ووَبالاً . (5)

.

1- .مريم : 63 .
2- .النساء : 124 .
3- .التوبه : 111 .
4- .ما بين المعقوفين سقط من المصدر ، وأثبتناه من بحارالأنوار .
5- .إرشاد القلوب : ص 199 205 ، بحارالأنوار : ج 77 ص 22 ح 6 .

فصل سیزدهم: کسانی که بهشت برایشان ضمانت شده است13 / 1کسانی که خدا بهشت را برایشان ضمانت کرده استقرآن«این، همان بهشتی است که به هر یک از بندگان ما که پرهیزگار باشند، به میراث می دهیم».

«و هر کس ، از مرد یا زن ، کار نیک کند و مؤمن هم باشد ، اینان به بهشت می روند و به قدر ارزنی ستم نمی بینند».

«خدا از مؤمنان ، جان و مالشان را خریده است، به بهای این که بهشت برای آنان باشد؛ همان کسانی که در راه خدا می جنگند و می کُشند و کشته می شوند . این به عنوان وعده حقّی در تورات و انجیل و قرآن، بر عهده اوست و چه کسی از خدا به عهد خویش، وفادارتر است؟ پس به این معامله ای که با او کرده اید، شادمان باشید و این، همان کامیابی بزرگ است».

حدیثامام علی علیه السلام در یادکرد از حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله : خدای بلندمرتبه فرمود : «ای احمد ! به عزّت و جلالم سوگند، هیچ بنده ای نیست که چهار کار را به من تعهّد دهد، مگر آن که او را به بهشت می برم : زبانش را فرو بندد و آن را جز به آنچه برایش سودمند است، نگشاید ؛ دلش را از وسوسه نگه دارد ؛ مراقب کردار خود و نگاه من به خود باشد ؛ و نور چشمش ، گرسنگی کشیدن (روزه داری) باشد . ای احمد ! اگر شیرینیِ گرسنگی و خاموشی و تنهایی و آنچه را از اینها به ارث برده اند، می چشیدی !». پیامبر صلی الله علیه و آله گفت : پروردگارا ! میراث گرسنگی چیست؟ فرمود : «فرزانگی و نگهداشت دل و نزدیک شدن به من و اندوه همیشگی و سبُکبار بودن در میان مردم و گفتن حق و باکی نداشته باشد که در آسانی به سر بَرد، یا در دشواری . ای احمد ! آیا می دانی که چه هنگام، بنده به من نزدیک می شود؟». پیامبر صلی الله علیه و آله گفت : نه، ای پروردگار ! فرمود : «آن گاه که گرسنه باشد ، یا در سجده باشد ... . ای احمد ! بنده، هر گاه شکمش گرسنه باشد و زبانش

را نگه دارد ، به او حکمت می آموزم و اگر کافر بود ، حکمتش حجّت بر ضدّ او و وبالش خواهد بود».

.

13 / 2مَن ضَمِنَ لَهُ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله الجَنَّهَرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن يَضْمَنُ لى ما بَينَ لَحْيَيْهِ وَما بَينَ رِجْلَيْه أضْمَنُ لَه الجَنَّهَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن تَوَكَّلَ لِى ما بَينَ رِجلَيهِ وَما بَينَ لَحْيَيْهِ تَوَكَّلتُ لَهُ بِالجَنَّهِ . (2)

.

1- .صحيح البخارى : ج 5 ص 2376 ح 6109 ، السنن الكبرى : ج 8 ص 287 ح 16671 ، مشكاه المصابيح : ج 2 ص 577 ح 4812 كلّها عن سهل بن سعد ، شعب الإيمان : ج 4 ص 236 ح 4915 عن جابر ، كنز العمّال : ج 15 ص 806 ح 43205 ؛ معانى الأخبار : ص 411 ح 99 عن أبى هريره وفيه «ضمنت» بدل «أضمن» ، بحار الأنوار : ج 71 ص 272 ح 18.
2- .صحيح البخارى : ج 6 ص 2497 ح 6422 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 431 ح 22886 ، صحيح ابن حبّان : ج 13 ص 8 ح 5701 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 399 ح 8065 ، سنن الترمذى : ج 4 ص 606 ح 2408 نحوه وكلّها عن سهل بن سعد ، كنز العمّال : ج 15 ص 806 ح 43202.

13 / 2 کسانی که پیامبر صلی الله علیه و آله بهشت را برایشان ضمانت کرده است

13 / 2کسانی که پیامبر صلی الله علیه و آله بهشت را برایشان ضمانت کرده استپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس به من تضمین دهد که زبان و دامنش را نگه می دارد، من بهشت را برایش ضمانت می کنم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس حفظ دامن و زبانش را به من تضمین دهد، من بهشت را برایش ضمانت می کنم.

.

حليه الأولياء عن عبد اللّه بن مسعود :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : مَن ضَبَطَ هذا وَأشارَ إلى لِسانِهِ وَهذا وَأشارَ إلى بَطنِهِ ضَمِنتُ لَهُ الجَنَّةَ . (1)

سنن ابن ماجه عن عبد الرّحمن بن يزيد :قالَ ثَوبانُ : قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى اللهِ عليه و آله : مَن يَتَقَبَّلُ لِى بِواحِدَةٍ وَأَتَقَبَّلُ لَهُ بِالجَنَّةِ؟ قُلتُ : أنَا ، قالَ : لا تَسأَلِ النّاسَ شَيئا . قالَ [عَبدُ الرَّحمنِ] : فَكانَ ثَوبانُ يَقَعُ سَوطُهُ وَهُوَ راكِبٌ ، فَلا يَقُولُ لِأَحَدٍ : ناوِلنِيهِ ، حَتّى يَنزِلَ فَيَأخُذَهُ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :جاءَت فَخِذٌ مِن الأَنصارِ إلى رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَسَلَّمُوا عَلَيهِ ، فَرَدَّ عَلَيهِمُ السَّلامَ ، فَقالُوا : يا رَسُولَ اللّهِ ، لَنا إلَيكَ حاجَةٌ ، فَقالَ : هاتُوا حاجَتَكُم ، قالُوا : إنَّها حاجَةٌ عَظِيمَةٌ ، فَقالَ : هاتُوها ما هِيَ؟ قالُوا : تَضَمَّن لَنا عَلَى رَبِّكَ الجَنَّةَ ! قالَ : فَنَكَسَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله رَأسَهُ ثُمَّ نَكَتَ فِى الأَرضِ ، ثُمَّ رَفَعَ رَأسَهُ فَقالَ : أفعَلُ ذلِكَ بِكُم عَلى أن لا تَسْأَلُوا أحَدا شَيئا. (3)

عنه عليه السلام :إنَّ قَوما أَتَوا رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَقالُوا : يا رَسُولَ اللّهِ ، اِضمَن لَنا عَلى رَبِّكَ الجَنَّةَ ! قالَ : فَقالَ : عَلى أن تُعِينُونِى بِطُولِ السُّجُودِ ، قالُوا : نَعَم يا رَسُولَ اللّهِ . فَضَمِنَ لَهُمُ الجَنَّةَ . قالَ : فَبَلَغَ ذلِكَ قَوما مِنَ الأَنصارِ ، فَأَتَوهُ فَقالُوا : يا رَسُولَ اللّهِ ، اِضمَن لَنَا الجَنَّةَ ! قالَ : عَلى أن لا تَسأَلُوا أحَدا شيئا، قالُوا : نَعَم يا رَسُولَ اللّهِ . قالَ : فَضَمِنَ لَهُمُ الجَنَّةَ . فَكانَ الرَّجُلُ مِنهُم يَسْقُطُ سَوطُهُ وَهُوَ عَلى دابَّتِهِ ، فَيَنزِلُ حَتّى يَتَناوَلَهُ ، كَراهِيَةَ أن يَسأَلَ أحَدا شيئا، وَإن كانَ الرَجُلُ لَيَنَقَطعُ شِسعُهُ (4) فَيَكرَهُ أن يَطلُبَ مِن أحَدٍ شِسعا. (5)

.

1- .حليه الأولياء : ج 9 ص 325 ، تاريخ دمشق : ج 58 ص 281 ح 12115 ، كنز العمّال : ج 3 ص 557 ح 7894.
2- .سنن ابن ماجه : ج 1 ص 588 ح 1837 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 324 ح 22448 ، السنن الكبرى : ج 4 ص 330 ح 7875 ، حليه الأولياء : ج 1 ص 181 ، كنز العمّال : ج 6 ص 496 ح 16696 وراجع : سنن ابى داوود : ج 2 ص 121 ح 1643 و تنبيه الخواطر : ج 1 ص 45 .

3- .الكافى : ج 4 ص 21 ح 5 عن أبى بصير ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 71 ح 1758 من دون إسنادٍ إلى الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 22 ص 129 ح 104.
4- .الشِّسْع : أحد سيور النعل ؛ وهو الذى يدخل بين الإصبعين (لسان العرب : ج 8 ص 180 «شسع»).
5- .الأمالى للطوسى : ص 664 ح 1389 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 79 كلاهما عن هشام، بحار الأنوار : ج 96 ص 157 ح 34.

حلیه الأولیاء به نقل از عبد اللّه بن مسعود : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «هر کس این (به زبانش اشاره فرمود) و این را (به شکمش اشاره فرمود) نگه دارد، بهشت را برایش ضمانت می کنم».

سنن ابن ماجه به نقل از عبد الرحمان بن یزید : ثوبان گفت : پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «کیست که یک چیز را برای من متعهّد شود و من، بهشت را برایش تعهّد کنم؟». گفتم : من . فرمود : «از مردم چیزی مخواه» . از آن پس، ثوبان اگر سواره بود و تازیانه اش می افتاد، به هیچ کس نمی گفت : تازیانه ام را بده . بلکه خودش پیاده می شد و آن را بر می داشت.

امام صادق علیه السلام :طایفه ای از انصار، نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمدند و بر ایشان سلام گفتند و ایشان پاسخ سلامشان را داد . آنها گفتند : ای پیامبر خدا ! با شما حاجتی داریم . فرمود : «حاجتتان را بگویید» . گفتند : حاجت بزرگی است ! فرمود : «آن را بگویید . آن چیست؟». گفتند : بهشت را نزد پروردگارت برای ما ضمانت کن. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سرش را پایین انداخت و لختی [متفکّرانه] به زمین، خیره شد . سپس سرش را بلند کرد و فرمود : «این کار را برایتان می کنم، به شرط آن که شما نیز از هیچ کس چیزی نخواهید».

امام صادق علیه السلام :گروهی نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند : «ای پیامبر خدا ! بهشت را برایمان نزد پروردگارت ضمانت کن». فرمود : «به شرط آن که شما نیز با سجده طولانی، مرا کمک کنید» . گفتند : قبول است، ای پیامبر خدا ! پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بهشت را برایشان ضمانت کرد. این خبر به گوش گروهی از انصار رسید . آنها نیز نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند : ای پیامبر خدا ! بهشت را برای ما ضمانت کن. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «به شرط آن که از کسی چیزی نخواهید» . گفتند : قبول است، ای پیامبر خدا ! آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله بهشت را برایشان ضمانت کرد . از آن پس ، هر گاه مردی از آنان بر چارپایش سوار بود و شلّاقش می افتاد، خودش پیاده می شد و آن را بر می داشت ؛ چون دوست نداشت از کسی چیزی بخواهد ، و اگر بند کفش یکی از آنان پاره می شد، دوست نداشت از کسی، بند کفشی بخواهد.

كنز الفوائد فى ذِكرِ غَزوَهِ الخَندَقِ : رُوِىَ فِى الحَديثِ أَنَّهُ لَمّا أتَتِ الأَحزابُ وحاصَرَتِ المَدينَهَ بِضعا وعِشرينَ لَيلَهً ، طافَ المُشرِكونَ بِالخَندَقِ فَلَم يَكُن مِنهُم مَن يَقدَمُ عَلَيهِ غَيرَ عَمرِو بنِ عَبدِ وَدٍّ ، فَإِنَّهُ ضَرَبَ فَرَسَهُ فَعَبَرَ بِهِ عَرضَهُ ، و حَصَلَ فى حَيِّزِ المَدينَهِ ، فَأَخَذَ يَرتَجِزُ فى مَمَرِّهِ ومَجيئِهِ عَلَى رَسولِ اللّهِ صلى الله علَيه و آله ويُنادى بِالبِرازِ ، ولا يُجيبُهُ أَحَدٌ! فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله لِأَصحابِهِ وهُم مُطيفونَ بِهِ : أَيُّكُم يَبرُزُ إلى عَمرٍو ، أَضمَنُ لَهُ عَلَى اللّهِ الجَنَّهَ؟ فَلَم يُجِبهُ مِنهُم أَحَدٌ ؛ هَيبَهً لِعَمروٍ وَ استعظاما لأَمرِهِ . فَقامَ عَلِيٌّ بنُ أَبى طالِبٍ عليه السلام ، فَقالَ لَهُ : اِجلِس . ونادى أَصحابَهُ دَفعَهً أُخرى ، فَلَم يَقُم مِنهُم أَحَدٌ ، وَالقَومُ ناكِسوا رُؤوسِهِم . فَقامَ عَلِيٌّ بنُ أبى طالِبٍ عليه السلام ، فَأَمَرَهُ بِالجُلوسِ . ونادى الثّالِثَهَ ، فَلَمّا لَم يُجِبهُ أَحَدٌ سِواهُ ، استَدناهُ و عَمَّمَهُ بِيَدِهِ ، وأَمَرَهُ بِالبُروزِ إلى عَدُوِّهِ . فَتَقَدَّمَ إلَيهِ ، ورَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ : بَرَزَ الإيمانُ كُلُّهُ إلى الشِّركِ كُلِّهِ . (1)

عوالى اللآلى :رُوِىَ عَنهُ صلى الله عليه و آله : مَن أَقامَ الصَّلَواتِ الخَمسَ وَاجتَنَبَ الكَبائِرَ السَّبعَ ، نُودِىَ يَومَ القِيامَهِ يَدخُلُ الجَنَّهَ مِن أَيِ بابٍ شاءَ . فَقالَ رَجُلٌ لِلرّاوِى : الكَبائِرُ السَبعُ سَمِعتَهُنَّ مِن رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ؟ قالَ : نَعَم؛ الشِركُ بِاللّهِ ، وَعُقُوقُ الوالِدَينِ ، وَقَذفُ المُحصَناتِ ، وَالقَتلُ ، وَالفِرارُ مِنَ الزَّحفِ ، وَأَكلُ مالِ اليَتِيمِ ، وَالزِّنا . (2)

.

1- .كنز الفوائد : ج 1 ص 297 .
2- .عوالى اللآلى : ج 3 ص 561 ح 58 ؛ تفسير ابن كثير : ج 2 ص 238 عن عبد اللّه عمرو ، كنز العمّال : ج 3 ص 544 ح 7817 نقلاً عن المعجم الكبير عن عبد اللّه بن عمر وكلاهما نحوه.

کنز الفوائد :در جنگ خندق ، مشرکان، بیست شب ، خندق را در میان گرفته بودند و کسی از آنان از خندق عبور نکرد، بجز عمرو بن عبدِ وَد که اسبش را هی زد و از خندق گذشت و در طرف مدینه قرار گرفت. او به سوی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می رفت و می آمد و رجز می خواند و مبارز می طلبید؛ امّا کسی جوابش را نمی داد . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به یارانش که گرداگردش را گرفته بودند ، فرمود : «کدام یک از شما به جنگ عمرو می رود و من در نزد خداوند، بهشت را برایش ضمانت می کنم؟» . هیچ یک از آنان از ترس عمرو ، جواب پیامبر صلی الله علیه و آله را نداد . علی بن ابی طالب علیه السلام برخاست . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «بنشین» . پیامبر صلی الله علیه و آله بار دیگر از یارانش خواست ؛ امّا این بار نیز کسی بر نخاست و همگی سرهایشان را به زیر انداخته بودند . دوباره علی بن ابی طالب علیه السلام برخاست و باز پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود که بنشیند . پیامبر صلی الله علیه و آله بار سوم به یارانش فرمود و این بار نیز جز علی علیه السلام ، کسی اجابت نکرد . پس ، پیامبر صلی الله علیه و آله او را به نزدیک خود، فرا خواند و با دست خویش، دستار بر سرش نهاد و فرمود که به جنگ دشمنش برود و علی علیه السلام به سوی او رفت ، و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله [همیشه ، در نقل آن واقعه] می فرمود : «همه ایمان به مبارزه با همه شرک رفت».

عوالی اللآلی :از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که : «هر کس نمازهای پنجگانه را به جا آورد و از گناهان هفتگانه دوری کند ، روز قیامت به او گفته می شود که از هر درِ بهشت که می خواهد، وارد آن شود». مردی به راوی گفت : آن گناهانِ هفتگانه را از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدی که چیستند؟ راوی گفت : آری ؛ شرک به خدا ، آزردن پدر و مادر ، تهمت زدن به زنان پاک دامن ، قتل ، فرار از میدان جهاد ، خوردن مال یتیم و زنا.

.

تاريخ دمشق عن أبى هريره :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : مَن صامَ يوما مِن رَمَضانَ فَسَلِمَ مِن ثَلاثٍ ضَمِنتُ لَهُ الجَنَّةَ . فَقالَ أَبُو عُبَيْدَةَ بنُ الجَرّاحِ : يا رَسُولَ اللّهِ ، أَعَلى ما فِيهِ سِوَى الثَّلاثَةِ؟ قالَ : عَلى ما فِيهِ سِوَى الثَّلاثَةِ : لِسانِه، وَبَطنِهِ ، وَفَرْجِهِ . (1)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :اِبنَ آدَمَ ! أُكفُل لِى بِثَلاثٍ ، أَكفُلُ لَكَ بِالجَنَّةِ : إِن قَنِعتَ بِما رَزَقَكَ اللّهُ فَأَنتَ أَغنَى النّاسِ ، وَإِن انتَهَيتَ عَمّا حَرَّمَ اللّهُ فَأَنتَ أَربَحُ النّاسِ ، وَإِن عَمِلتَ بِما فَرَضَ اللّهُ عَلَيكَ فَأَنتَ أَوفَرُ النّاسِ . (2)

الخصال عن تميم الدّارى :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : مَن يَضمَنُ لِى خَمسا أَضمَنُ لَهُ الجَنَّةَ ، قِيلَ : وَما هِىَ يا رَسُولَ اللّهِ؟ قالَ : النَّصِيحَةُ للّهِ عز و جل ، وَالنَّصِيحَةُ لِرَسُولِهِ ، وَالنَّصِيحَةُ لِكِتابِ اللّهِ ، وَالنَّصِيحَةُ لِدِينِ اللّهِ ، وَالنَّصِيحَةُ لِجَماعَةِ المُسلِمِينَ . (3)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :اِضمَنُوا لِى سِتَّةً أَضمَن لَكُمُ الجَنَّةَ : لا تَظلِمُوا عِندَ قِسمَةِ مَوارِيثِكُم ، وَلا تَغلُوا غَنائِمَكُم ، وَلا تَجتَنِبُوا عَنِ قِتالِ عَدُوِّكُم ، وَامنَعُوا ظالِمَكُم مِن مَظلُومِكُم ، وَأَنصِفُوا النّاسَ مِن أَنفُسِكُم ، وَلا تَحمِلُوا عَلَى اللّهِ ذُنُوبَكُم . (4)

.

1- .تاريخ دمشق : ج 54 ص 166 ح 11423 ، كنز العمّال : ج 8 ص 585 ح 24279 .
2- .تيسير المطالب : ص 376 عن الأصبغ بن نباته عن الإمام الحسن عليه السلام .
3- .الخصال : ص 294 ح 60 ، مشكاه الأنوار : ص 533 ح 1786 ، روضه الواعظين : ص 464 وليس فيهما «قيل : وما هى يا رسول اللّه ؟» ، بحار الأنوار : ج 75 ص 65 ح 1.
4- .تيسير المطالب : ص 395 ، المعجم الكبير : ج 8 ص 282 ح 8082 نحوه وكلاهما عن أبى أُمامه ، كنز العمّال : ج 15 ص 893 ح 43533.

تاریخ دمشق به نقل از ابو هریره : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «هر کس یک روز از رمضان را روزه بگیرد و از سه چیز به سلامت ماند ، بهشت را برایش ضمانت می کنم». ابو عبیده جرّاح گفت : ای پیامبر خدا ! اگرچه هر عیب دیگری داشته باشد؟ فرمود : «اگر چه هر عیب دیگری داشته باشد . آن سه عبارت اند از : زبان و شکم و شهوت».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای پسر آدم ! سه چیز را برایم بر عهده گیر تا بهشت را برایت بر عهده بگیرم : اگر به آنچه خدا روزیِ تو کرده است، خرسند باشی ، تو بی نیازترینِ مردمانی . اگر از آنچه خدا حرام کرده است، خودداری ورزی ، تو بَرَنده ترین مردمانی و اگر به آنچه خدا بر تو واجب گردانیده است، عمل کنی، تو دارآترینِ مردمانی.

الخصال به نقل از تمیم داری : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «هر کس پنج چیز را برایم ضمانت کند، من بهشت را برایش ضمانت می کنم» . گفته شد : ای پیامبر خدا ! آن پنج چیز ، کدام اند؟ فرمود : «یک دلی با خداوند عز و جل ، یک دلی با پیامبر او ، یک دلی با کتاب خدا ، یک دلی با دین خدا و یک دلی با جامعه مسلمانان».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شش کار را برایم تعهّد کنید، من بهشت را برایتان متعهّد می شوم : در هنگام تقسیم میراثتان ، ستم روا مدارید ، به غنایمتان دستبرد نزنید ، از جنگیدن با دشمنتان دوری نکنید ، ستمگرتان را از ستم دیده تان باز دارید ، با مردم، انصاف بورزید و گناهانتان را به گردن خدا نیندازید.

.

المعجم الأوسط عن أبى هريره عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أَنَّه قالَ لِمَن حَولَهُ مِن اُمَّتِهِ : اُكفُلُوا لِى بِستٍّ خِصالٍ وَأكفُلُ لَكُم بِالجَنَّهِ . قُلتُ : ما هِىَ يا رَسُولَ اللّهِ؟ قالَ : الصَّلاهُ ، وَالزَّكاهُ ، وَالأمانَهُ ، وَالفَرْجُ ، وَالبَطنُ وَاللِّسانُ . (1)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :اِضمَنُوا لِى سِتّا مِن أَنفُسِكُم أَضمَن لَكُمُ الجَنَّهَ : اُصدُقُوا إِذا حَدَّثتُم ، وَأَوفُوا إِذا وَعَدتُم ، وَأَدُّوا إِذا ائتُمِنتُم ، وَاحفَظُوا فُرُوجَكُم ، وَغُضُّوا أبصارَكُم ، وَكُفُّوا أَيدِيَكُم . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :تَقَبَّلُوا لِى سِتّا أَتَقَبَّلْ لَكُمُ الجَنَّهَ : إِذا حَدَّثتُم فَلا تَكذِبُوا ، وَإِذا وَعَدتُم فَلا تُخلِفُوا ، وَإِذا ائتُمِنتُم فَلا تَخُونُوا ، وَغُضُّوا أبصارَكُم ، وَاحفَظُوا فُرُوجَكُم ، وَكُفُّوا أَيدِيَكُم وَأَرجُلَكُم عَن الحَرامِ ، تَدخُلُوا جَنَّهَ رَبِّكُم . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :أَنَا زَعِيمٌ بِبَيتٍ فِى رَبَضِ الجَنَّهِ (4) لِمَن تَرَكَ المِراءَ (5) وَإِن كانَ مُحِقّا ، وَبِبَيتٍ فِى وَسَطِ الجَنَّهِ لِمَن تَرَكَ الكِذْبَ وَإِن كانَ مازِحا ، وَبِبَيتٍ فِى أعلى الجَنَّهِ لِمَن حَسُن خُلقُه . (6)

.

1- .المعجم الأوسط : ج 5 ص 154 ح 4925 و ج 8 ص 268 ح 8599 ، كنز العمّال : ج 15 ص 893 ح 43530.
2- .مسند ابن حنبل : ج 8 ص 412 ح 22821 ، صحيح ابن حبّان : ج 1 ص 506 ح 271 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 399 ح 8066 كلّها عن عباده بن الصامت ، كنز العمّال : ج 15 ص 893 ح 43531 .
3- .تنبيه الغافلين : ص 471 ح 733 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 400 ح 8067 ، شعب الإيمان : ج 4 ص 78 ح 4355 كلاهما نحوه ؛ الخصال : ص 321 ح 5 كلّها عن أنس، مشكاه الأنوار : ص 301 ح 933 روضه الواعظين : ص 513 وفى الثلاثه الأخيره «وألسنتكم» بدل «وأرجلكم عن الحرام، تدخلوا جنّه ربّكم» .
4- .رَبَضُ الجَنَّه : ما حولها خارجا عنها، تشبيها بالأبنيه التى تكون حول المدن (النهايه : ج 2 ص 185 «ربض»).
5- .المِراء : الجدال (النهايه : ج 4 ص 322 «مرا»).

6- .سنن ابی داوود : ج 4 ص 253 ح 4800 ، السنن الکبری : ج 10 ص 420 ح 21176 کلاهما عن أبی اُمامه ، کنز العمّال : ج 3 ص 642 ح 8299 ؛ الخصال : ص 144 ح 170 عن جبله الإفریقی نحوه ، بحار الأنوار : ج 71 ص 388 ح 39 وراجع : سنن الترمذی : ج 4 ص 358 ح 1993 وسنن ابن ماجه : ج 1 ص 19 ح 51 .

المعجم الأوسط به نقل از ابو هریره : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به کسانی از امّتش که پیرامون او بودند ، فرمود : «[نگهداری از]شش چیز را برای من متعهّد شوید ، من بهشت را برایتان متعهّد می شوم» . من گفتم : آنها چیستند، ای پیامبر خدا؟ فرمود : «نماز ، زکات ، امانت ، دامن ، شکم و زبان».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شش کار را برایم ضمانت دهید ، من بهشت را برایتان ضمانت می کنم : هر گاه سخن گفتید ، راست بگویید ؛ هر گاه وعده دادید، وفا کنید ؛ هر گاه امانتی به شما سپرده شد، آن را به صاحبش باز گردانید ؛ دامن خود را پاک نگه دارید ؛ چشمانتان را [از حرام] فرو بندید ؛ و دست هایتان را [از حرام و ستم] باز دارید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شش چیز را برای من تقبّل کنید، من بهشت را برای شما تقبّل می کنم : هر گاه سخن گفتید، دروغ نگویید ؛ هر گاه وعده دادید، خُلف وعده نکنید ؛ هر گاه امانتی به شما سپرده شد، خیانت نکنید ؛ چشمانتان را [از حرام]فرو بندید ؛ دامن خویش را حفظ کنید ؛ و دست و پای خود را از حرام نگه دارید تا به بهشت پروردگارتان وارد شوید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :من برای کسی که از مجادله دست بردارد، اگرچه حق با او باشد ، خانه ای را در حومه (پایین) بهشت ، ضمانت می کنم ، و برای کسی که از دروغ گفتن، حتّی به شوخی، خودداری کند، خانه ای را در وسط بهشت ، ضمانت می کنم ، و برای کسی که خوش اخلاق باشد، خانه ای را در بالای بهشت ، ضمانت می کنم .

.

عنه صلى الله عليه و آله :أَنَا زَعِيمٌ وَالزَّعِيمُ الحَمِيلُ (1) لِمَن آمَنَ بِى وَأَسلَمَ وَهاجَرَ ، بِبَيتٍ فِى رَبَضِ الجَنَّهِ وَبِبَيتٍ فِى وَسَطِ الجَنَّهِ . وَأَنَا زَعِيمٌ لِمَن آمَنَ بِى وَأَسلَمَ وَجاهَدَ فِي سَبِيلِ اللّهِ، بِبَيتٍ فِى رَبَضِ الجَنَّهِ وَبِبَيتٍ فِى وَسَطِ الجَنَّهِ وَبِبَيتٍ فِى أعلى غُرَفِ الجَنَّهِ . مَن فَعَلَ ذلِکَ فَلَم يَدَع لِلخَيرِ مَطلَبا وَلا مِنَ الشَّرِّ مَهرَبا يَمُوتُ حَيثُ شاءَ أن يَمُوتَ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن يَضمَنُ لِى أَربَعا بِأربَعَهِ أَبياتٍ فِى الجَنَّهِ؟ أَنفِقْ وَلا تَخَف فَقرا، وَأَنصِفِ النّاسَ مِن نَفسِکَ ، وَأَفشِ السَّلامَ فِى العالَم ، وَاترُکِ المِراءَ وَإِن کُنتَ مُحِقّا. (3)

13 / 3مَن ضَمِنَ لَهُ الإمامُ عَلِىٌّ عليه السلام الجَنَّهَالإمام علىّ عليه السلام :ضَمِنتُ لِسِتَّهٍ الجَنَّهَ : رَجُلٌ خَرَجَ بِصَدَقَهٍ فَماتَ فَلَهُ الجَنَّهُ ، وَرَجُلٌ خَرَجَ يَعُودُ مَرِيضا فَماتَ فَلَهُ الجَنَّهُ، وَرَجُلٌ خَرَجَ مُجاهِدا فِى سَبِيلِ اللّهِ فَماتَ فَلَهُ الجَنَّهُ ، وَرَجُلٌ خَرَجَ حاجّا فَماتَ فَلَهُ الجَنَّهُ ، وَرَجُلٌ خَرَجَ إِلَى الجُمُعَهِ فَماتَ فَلَهُ الجَنَّهُ ، وَرَجُلٌ خَرَجَ فِى جِنازَهِ رَجُلٍ مُسلِمٍ فَماتَ فَلَهُ الجَنَّهُ . (4)

.

1- .الحَمِيْل : الکَفِيل (النهايه : ج 1 ص 442 «حمل»). قال ابن حبّان : الزعيم لغه أهل المدينه، والحميل لغه أهل المصر، والكفيل لغه أهل العراق ويشبه أن يكون قوله «والزعيم الحميل» من قول ابن وهب [أحد رواه الخبر]أُدرج فى الخبر (هامش المصدر).
2- .سنن النسائى : ج 6 ص 21 ، صحيح ابن حبّان : ج 10 ص 480 ح 4619 ، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 81 ح 2391 ، السنن الكبرى : ج 6 ص 119 ح 11394 كلاهما نحوه وكلّها عن فضاله بن عبيد ، كنز العمّال : ج 1 ص 70 ح 274.
3- .الزهد للحسين بن سعيد : ص 4 ح 3 عن معاويه بن وهب عن الإمام الصادق عليه السلام ، الكافى : ج 2 ص 144 ح 2 ، الخصال : ص 223 ح 52 ، المحاسن : ج 1 ص 70 ح 22 والثلاثه الأخيره عن معاويه بن وهب عن الإمام الصادق عليه السلام من دون إسنادٍ إلى النبىّ صلى الله عليه و آله ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 62 ح 1711 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 69 ص 390 ح 61 .
4- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 140 ح 384.

13 / 3 کسانی که امام علی علیه السلام بهشت را برایشان ضمانت کرده است

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :من برای کسی که به من ایمان آورد و مسلمان شود و هجرت کند، خانه ای را در حومه (پایین) بهشت و خانه ای را در وسط بهشت ، ضمانت می کنم ، و برای کسی که به من ایمان آورد و مسلمان شود و در راه خدا جهاد کند، خانه ای را در حومه بهشت و خانه ای را در وسط بهشت و خانه ای را در بالاترین بالاخانه های بهشت، ضمانت می کنم . کسی که چنین کند ، جایی برای طلب خوبی ها و گریز از بدی ها فرو نگذاشته است . بمیرد، هر جا که خواست بمیرد . (1)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کیست که چهار کار را به من ضمانت دهد تا در برابر آنها، من چهار خانه در بهشت برایش ضمانت کنم؟ انفاق کن و از دچار شدن به فقر، بیم مدار ؛ با مردم به انصاف، رفتار کن ؛ سلام گفتن را در عالم، رواج بده ؛ و مجادله را وا گذار، اگرچه تو بر حق باشی.

13 / 3کسانی که امام علی علیه السلام بهشت را برایشان ضمانت کرده استامام علی علیه السلام :من بهشت را برای شش کس ضمانت می کنم : مردی که برای دادن صدقه ای [واجب یا مستحبّی] بیرون رود [تا آنان را به اهلش برساند] و [در راه]بمیرد، بهشتی است ؛ مردی که برای عیادت بیماری بیرون رود و بمیرد، بهشتی است ؛ مردی که برای جهاد در راه خدا بیرون رود و بمیرد ، بهشتی است؛ مردی که برای حج بیرون رود و بمیرد ، بهشتی است ؛ مردی که برای شرکت در نماز جمعه بیرون رود و بمیرد، بهشتی است ؛ و مردی که برای تشییع جنازه مرد مسلمانی بیرون رود و بمیرد، بهشتی است.

.

1- .ظاهرا مراد، این است که چنین شخصی هر آنچه خوبی است، به دست آورده و از هر آنچه بدی است، رهیده است و دیگر مهم نیست که در چه جایی بمیرد ؛ در هجرت یا در میدان جهاد.

13 / 4مَن ضَمِنَ لَهُ الإمامُ الباقِرُ عليه السلام الجَنَّهَالخرائج والجرائح عن أبى بصير :حَدَّثَنى عَلِىُّ بنُ دَرّاجٍ عِندَ المَوتِ أنَّهُ دَخَلَ عَلى أبى جَعفَرٍ عليه السلام وقالَ : إنَّ المُختارَ استَعمَلَنى عَلى بَعضِ أعمالِهِ وأصَبتُ مالاً فَذَهَبَ بَعضُهُ وأكَلتُ وأعطَيتُ بَعضا ، فَأنا اُحِبُّ أن تَجعَلَنى فى حِلٍّ مِن ذلِكَ . قالَ : أنتَ مِنهُ فى حِلٍّ . فَقُلتُ : وإنَّ فُلانا حَدَّثَنى أنَّهُ سَألَ الحَسَنَ بنَ عَلِىٍّ عليه السلام أن يُقطِعَنا أرضا فِى الرَّجعَهِ ، فَقالَ لَهُ الحَسَنُ عليه السلام : أنا أصنَعُ بِكَ ما هُوَ خَيرٌ مِن ذلِكَ : أضمَنُ لَكَ الجَنَّهَ عَلَىَّ وعَلى آبائى . فَهَل كانَ هذا؟ قالَ : نَعَم . فَقُلتُ لِأبى جَعفَرٍ عليه السلام عِندَ ذلِكَ : اِضمَن لِىَ الجَنَّهَ عَلَيكَ وعَلى آبائِكَ السَّلامُ كَما ضَمِنَ الحَسَنُ عليه السلام لِفُلانٍ؟ قالَ : نَعَم . قالَ أبو بَصيرٍ : حَدَّثَنى هُوَ بِهذا ثُمَّ ماتَ ، وما حَدَّثتُ بِهذا أحَدا . ثُمَّ خَرَجتُ ودَخَلتُ المَدينَهَ ، فَدَخَلتُ عَلى أبى جَعفَرٍ عليه السلام ، فَلَمّا نَظَرَ إلَىَّ قالَ : ماتَ عَلِىٌّ ؟ قُلتُ : نَعَم ورَحِمَهُ اللّهُ . فَقالَ : حَدَّثَكَ كَذا وكَذا ، فَلَم يَدَع شَيئا مِمّا حَدَّثَنى عَلِيا إلّا حَدَّثَنى بِهِ . فَقُلتُ : وَاللّهِ ما كانَ عِندى حينَ حَدَّثَنى هُوَ بِهذا أحَدٌ ولا خَرَجَ مِنّى إلى أحَدٍ ، فَمِن أينَ عَلِمتَ هذا؟! فَغَمَزَ فَخِذى بِيَدِهِ فَقالَ هيه ، هيه ! اُسكُتِ الآنَ . (1)

13 / 5مَن ضَمِنَ لَهُ الإمامُ الصّادِقُ عليه السلام الجَنَّهَالإمام الصادق عليه السلام :مَن يَضمَن لى أربَعَهً بِأربَعَهِ أبياتٍ فِى الجَنَّهِ؟ أنفِق ولا تَخَف فَقراً، وأفشِ السَّلامَ فِى العالَمِ، وَاترُكِ المِراءَ وإن كُنتَ مُحِقّا، وأنصِفِ النّاسَ مِن نَفسِكَ . (2)

.

1- .الخرائج والجرائح : ج 2 ص 729 ح 3 وراجع : بصائر الدرجات : ص 248 ح 14 .
2- .الكافى : ج2 ص144 ح2 و ج 4 ص 44 ح 10 ، الخصال : ص223 ح52 ، المحاسن : ج 1 ص 70 ح 22 كلّها عن معاويه بن وهب ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 62 ح 1711 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 120 ح 21 .

13 / 4 کسانی که امام باقر علیه السلام بهشت را برایشان ضمانت کرده است

13 / 5 کسانی که امام صادق علیه السلام بهشت را برایشان ضمانت کرده است

13 / 4کسانی که امام باقر علیه السلام بهشت را برایشان ضمانت کرده استالخرائج و الجرائح به نقل از ابو بصیر : علی بن دَرّاج در حال احتضار برایم نقل کرد که بر امام باقر علیه السلام وارد شده و گفته : مختار، مرا برای انجام دادن برخی کارهایش گماشت و من مالی را به دست آوردم . مقداری از آن از دست رفت ، مقداری را خودم برداشتم و مصرف کردم و مقداری را هم بخشیدم . مایلم که آن را برایم حلال کنید . فرمود : «حلالت باشد» . [ابن درّاج گفت:] گفتم : فلانی برایم روایت کرد که از امام حسن علیه السلام خواسته که زمینی را در رَجعه به ما واگذار نماید و امام حسن علیه السلام به او فرموده : «من برایت بهتر از این را انجام می دهم . بهشت را برایت ضمانت می کنم . بر عهده من و پدرانم باشد !» . آیا چنین چیزی بوده ؟ فرمود : «آری» . این جا بود که به امام باقر علیه السلام گفتم: آیا شما هم برای من، بهشت را تضمین می کنی سلام بر تو و بر پدرانت ، همان طور که امام حسن علیه السلام برای فلانی تضمین کرد ؟ فرمود : «آری» . علی بن درّاج این را به من گفت و مُرد و من هم این خبر را به کسی نگفتم . سپس رفتم و وارد مدینه شدم و خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم. وقتی به من نگاه انداخت، فرمود: «علی مُرد ؟». گفتم : آری . خدا رحمتش کند ! فرمود : «فلان و بهمان مطلب را به تو گفت» و از آنچه علی بن درّاج به من گفته بود ، چیزی را فروگذار نکرد، مگر این که به من فرمود . گفتم : به خدا سوگند ، آن هنگام که علی این حرف ها را به من گفت، هیچ کس نزد من نبود و از ناحیه من هم به کسی گفته نشده است. پس شما از کجا اینها را فهمیدی ؟». ایشان ران مرا با دستش فشار داد و فرمود : «خاموش ، خاموش ! اکنون ساکت باش» .

13 / 5کسانی که امام صادق علیه السلام بهشت را برایشان ضمانت کرده استامام صادق علیه السلام :چه کسی چهار چیز را به من تضمین می دهد تا من چهار خانه در بهشت را برای او تضمین کنم؟ انفاق کن و از تنگ دستی مترس ؛ به همه در هر کجا سلام کن ؛ مجادله کردن را رها کن، اگر چه حق به جانب تو باشد ؛ و با مردم، انصاف داشته باش.

مشكاه الأنوار عن عبد الملک النوفلی :دَخَلتُ عَلی أبی عَبدِ اللّهِ علیه السلام قالَ: أبلِغ مَوالِیَّ عَنّی السَّلامَ وأخبِرهُم أنّی أضمَنُ لَهُمُ الجَنَّهَ ما خلا سَبعا: مُدمِنُ خَمرٍ أو مَیسِرٍ، أو رادٌّ عَلی مُؤمِنٍ ، أو مُستَکبِرٌ عَلی مُؤمِنٍ، أو مَنَعَ مُؤمِنا مِن حاجَهٍ، أو مَن أتاهُ مُؤمِنٌ فی حاجَهٍ فَلَم یَقضِها لَهُ، أو مَن خَطَبَ إلَیهِ مُؤمِنٌ فَلَم یُزَوِّجهُ . قالَ: قُلتُ: لا وَاللّهِ، لا یَرِدُ عَلَیَّ أحَدٌ مِمَّن وَحَّدَ اللّهَ بِکَمالِهِ کائِنا مَن کانَ فَأخلی بَینَهُ وبَینَ مالی، فَقالَ : صَدَقتَ، إنَّکَ صِدّیقٌ قَدِ امتَحَنَ اللّهُ قَلبَکَ لِلتَّسلیمِ وَالإیمانِ . (1)

فضائل الشیعه عن محمّد بن حمران عن الإمام الصّادق علیه السلام ، قالَ [محمّد] :خَرَجتُ أنا وأبی ذاتَ یَومٍ إلَی المَسجِدِ ، فَإذا هُوَ بِأُناسٍ مِن أصحابِهِ بَینَ القَبرِ وَالمِنبَرِ ، قالَ : فَدَنا مِنهُم وسَلَّمَ عَلَیهِم وقالَ : إنّی وَاللّهِ لَأُحِبُّ ریحَکُم وأرواحَکُم فَأعینونا عَلی ذلِکَ بِوَرَعٍ وَاجتِهادٍ. وَاعلَموا أنَّ وَلایَتَنا لاتُنالُ اِلّا بِالوَرَعِ وَالاِجتِهادِ مَن ائتَمَّ مِنکُم بِقَومٍ فَلیَعمَل بِعَمَلِهِم . أنتُم شیعَهُ اللّهِ وأنتُم أنصارُ اللّهِ ، وأنتُمُ السّابقونَ الأوَّلونَ ، وَالسّابِقونَ الآخِرونَ ، وَالسّابِقونَ فِی الدُّنیا إلی مَحَبَّتِنا ، وَالسّابِقونَ فِی الآخِرَهِ إلَی الجَنَّهِ : ضَمِنتُ لَکُمُ الجَنَّهَ بِضَمانِ اللّهِ عَزَّوجَلَّ وضَمانِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله وأنتُمُ الطَّیِّبونَ ونِساؤُکُمُ الطَّیِّباتُ ، کُلُّ مُؤمِنَهٍ حَوراءُ ، وکُلُّ مُؤمِنٍ صِدّیقٌ . (2)

.

1- .مشکاه الأنوار : ص 182 ح 468 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 200 ح 8 .
2- .فضائل الشیعه : ص 51 ح 8 ، الأمالی للصدوق : ص 725 ح 992 عن أبی بصیر ، مشکاه الأنوار : ص 169 ح 437 عن علیّ بن حمران عن أبیه ، روضه الواعظین : ص 322 نحوه ، بحار الأنوار : ج 68 ص 65 ح 118 .

مشکاه الأنوار به نقل از عبد الملک نَوفَلی : خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم . به من فرمود : «از من به دوستدارانم سلام برسان و به ایشان بگو که: من بهشت را برایشان ضمانت می کنم، مگر برای هفت نفر : شرابخوار ، یا قمارباز ، یا آن که مؤمنی را رد کند ، یا آن که بر مؤمنی بزرگی فروشد ، یا آن که مؤمنی را از حاجتی محروم سازد ، یا آن که مؤمنی حاجتی نزد او آورَد و او حاجتش را برآورده نسازد ، یا آن که مؤمنی دخترش را از او خواستگاری کند و او موافقت نکند» . من گفتم : به خدا سوگند ، هر مؤمنی که موحّد کامل باشد و [برای حاجتی] نزد من آید ، هر کس که باشد ، دست او را در اموالم کاملاً باز می گذارم . فرمود : «درست می گویی . تو، مؤمن راستینی هستی که خداوند، دلت را برای تسلیم و ایمان، خالص گردانیده است».

فضائل الشیعه به نقل از محمّد بن حمران : روزی، من و پدرم به مسجد رفتیم . گروهی از یاران امام صادق علیه السلام را دیدیم که میان قبر و منبر [پیامبر صلی الله علیه و آله] ، گرد آمده اند . امام علیه السلام به نزدیک ایشان رفت و سلام گفت. و فرمود : «به خدا سوگند که من بوی شما و جان های شما را دوست می دارم . پس با پارسایی و کوشایی، ما را در [ادامه]این امر، کمک رسانید و بدانید که ولایت ما، جز با پارسایی و کوشایی [در طاعت و عبادت] به دست نمی آید . هر یک از شما به قومی اقتدا کند ، باید به کردار آنها عمل نماید . شما شیعه خدا هستید . شما یاران خدا هستید . شما اوّلین پیشتازان و آخرین پیشتازان هستید . در دنیا به سوی محبّت ما و در آخرت به سوی بهشت، پیشی گرفته اید . من با ضمانت خداوند عز و جل و ضمانت پیامبر صلی الله علیه و آله ، بهشت را برای شما ضمانت می کنم . (1) شما پاک هستید و زنانتان نیز پاک اند . هر زن مؤمنی، یک حور العین است و هر مرد مؤمنی، صدّیق (2) است».

.

1- .یعنی : به سبب آن که خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله بهشت را برای شما ضمانت کرده اند ، یا از جانب خدا و به فرمان او بهشت را برایتان ضمانت می کنم . احتمال هم دارد که «با» در متن عربی حدیث به معنای «مَعَ» باشد ، یعنی: همراه با ضمانت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله ، من نیز برایتان ضمانت می کنم.

2- .صدّیق : موحّد راستین . کسی که کردارش، گفتارش را تصدیق می کند و کسی که در همه کارهایش، ظاهر و باطنش یکسان است.

الفصل الرابع عشر : موانع دخول الجنّهالكتاب«لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُواْ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَبَنِى إِسْرَ ءِيلَ اعْبُدُواْ اللَّهَ رَبِّى وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّلِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ ». (1)

«إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُواْ بِئايَتِنَا وَاسْتَكْبَرُواْ عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَ بُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِى سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَ لِكَ نَجْزِى الْمُجْرِمِينَ ». (2)

الحديثرسول اللّه صلى الله عليهِ و آله :أَلا كُلُّكُم يَدخُلُ الجَنَّةَ ! إِلّا مَن شَرَدَ عَلَى اللّهِ شِرادَ البَعِيرِ (3) عَلَى أَهلِهِ . (4)

صحيح البخارى عن أبى هريره عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :كُلُّ أُمَّتِى يَدخُلُونَ الجَنَّةَ إِلَا مَن أَبى، قالُوا: يا رَسُولَ اللّهِ ، وَمَن يَأبى؟ ! قالَ : مَن أَطاعَنِى دَخَلَ الجَنَّةَ ، وَمَن عَصانِى فَقَد أَبى . (5)

.

1- .المائده : 72.
2- .الأعراف : 40.
3- .شَرَد البعير شِرادا : إذا نَفَر وذهب فى الأرض (النهايه : ج 2 ص 457 «شرد»).
4- .مسند ابن حنبل : ج 8 ص 288 ح 22289 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 123 ح 184 ، المعجم الأوسط : ج 3 ص 281 ح 3149 ، أُسد الغابه : ج 2 ص 146 الرقم 1405 ، تاريخ دمشق : ج 16 ص 303 ح 3937 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 191 ح 2 نحوه وكلّها عن أبى أُمامه الباهلى ، كنز العمّال : ج 4 ص 215 ح 10221 ؛ المجازات النبويّه : ص 425 ح 343.
5- .صحيح البخارى : ج 6 ص 2655 ح 6851 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 275 ح 7626 ، صحيح ابن حبّان : ج 1 ص 196 ح 17 عن أبى سعيد الخدرى نحوه ، تاريخ دمشق : ج 49 ص 152 ح 10513 ، كنز العمّال : ج 4 ص 215 ح 10219 وراجع : مسند إسحاق بن راهويه : ج 1 ص 380 ح 404 .

فصل چهاردهم: موانع ورود به بهشت

فصل چهاردهم: موانع ورود به بهشتقرآن«کسانی که گفتند : «خدا همان مسیح پسر مریم است» ، قطعا کافر شدند ، حال آن که مسیح ، خود ، می گفت : ای بنی اسرائیل ! خدا را که پروردگار من و شماست ، بندگی کنید ، که هر کس به خدا شرک آورد ، قطعا خدا بهشت را بر او حرام ساخته و جایگاهش آتش است ، و ستمکاران ، یاورانی ندارند ».

«کسانی که آیات ما را دروغ شمردند و در [پذیرفتن] آنها تکبّر ورزیدند ، درهای آسمان را برایشان نمی گشایند و در بهشت وارد نمی شوند ، مگر آن که شتر (1) در سوراخ سوزنْ داخل شود ، و بدین سان ، بزهکاران را سزا می دهیم».

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هان ! همه شما به بهشت می روید ، بجز کسی که از خدا فراری باشد ، آن سان که اشتر از صاحبش فراری می گردد.

صحیح البخاری به نقل از ابو هریره : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «همه امّتم به بهشت می روند ، مگر کسی که خود ، سر باز زند» . گفتند : ای پیامبر خدا ! کیست که [از رفتن به بهشت] سر باز زند؟ ! فرمود : «کسی که از من فرمان بَرَد ، به بهشت می رود و کسی که از من نافرمانی کند ، در واقع ، سر باز زده است» .

.

1- .«جَمَل» که در اصل عربیِ آیه به کار رفته ، هم به معنای شتر و هم به معنای طنابِ کِشتی است . و در هر صورت ، اشاره به این است که کسانی که آیات الهی را تکذیب می کنند و از پذیرفتن ایمان کبر می ورزند ، امکان ندارد به بهشت داخل شوند .

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لَن يَدخُلَ الجَنَّةَ عَبدٌ فِى قَلبِهِ مِثقالُ حَبَّةٍ مِن خَردَلٍ مِن كِبرٍ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :لا يَدخُلُ الجَنَّةَ جَسَدٌ غُذِّىَ بِحَرامٍ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :اَلجَنَّةُ حَرامٌ عَلى كُلِّ فاحِشٍ أَن يَدخُلَها . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ اللّهَ حَرَّمَ الجَنَّةَ عَلى كُلِّ فَحّاشٍ بَذِيٍّ ، قَلِيلِ الحَياءِ ، لا يُبالِى ما قالَ وَلا ما قِيلَ لَهُ ، فَإِنَّکَ إِن فَتَّشتَهُ لَم تَجِدهُ إِلّا لِغَيَّةٍ (4) أو شِركِ شَيطانٍ . (5)

.

1- .معانى الأخبار : ص 241 ح 1 عن عبد اللّه بن طلحه عن الإمام الصادق عليه السلام و ح 2 عن محمّد بن مسلم عن أحدهما عليهماالسلام ، الكافى : ج 2 ص 310 ح 6 عن زراره عن الإمام الباقر والإمام الصادق عليهماالسلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 73 ص 235 ح 38 ؛ سنن الترمذى : ج 4 ص 360 ح 1998 ، سنن ابى داوود: ج 4 ص 59 ح 4091 ، سنن ابن ماجه : ج 1 ص 22 ح 59 كلّها عن عبد اللّه ، المستدرک على الصحيحين : ج 3 ص 470 ح 5757 عن عبد اللّه بن سلام ، كنز العمّال : ج 3 ص 534 ح 7774.
2- .مسند أبى يعلى : ج 1 ص 75 ح 78 و 79 ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص 30 ح 83 نحوه ، المعجم الأوسط : ج 6 ص 113 ح 5961 ، مشكاه المصابيح : ج 2 ص 79 ح 2787 تاريخ دمشق : ج 37 ص 216 ح 7461 كلّها عن أبى بكر ، كنز العمّال : ج 4 ص 16 ح 9276.
3- .الصمت و حفظ اللسان لابن أبى الدنيا : ص 179 ح 322 ، إحياء علوم الدين : ج 3 ص 181 ، الفردوس : ج 2 ص 115 ح 2606 كلاهما عن عبد اللّه بن عمرو ، كنز العمّال : ج 3 ص 598 ح 8085 .
4- .أى مُلغىً، والظاهر المراد به المخلوق من الزنا (مجمع البحرين : ج 3 ص 1637 «لغا»).
5- .الكافى : ج 2 ص 323 ح 3 ، تفسير العيّاشى : ج 2 ص 299 ح 105 كتاب سُليم بن قيس : ج 2 ص 956 ح 89 كلّها عن سليم بن قيس عن الإمام علىّ عليه السلام ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 7 ح 12 عن

سليمان بن قيس عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، تحف العقول: ص 44 نحوه ، بحار الأنوار: ج 79 ص 112 ح 10.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بنده ای که در دلش به وزن یک دانه خردل تکبّر باشد ، هرگز وارد بهشت نخواهد شد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بدنی که با حرام تغذیه شده باشد ، به بهشت نمی رود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :وارد شدن افراد بدزبانِ زشتگو به بهشت ، ممنوع است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند ، بهشت را بر هر زشتگوی بدزبانِ بی حیایی که باکی ندارد چه می گوید و چه به او گفته می شود ، حرام [و ممنوع] کرده است ؛ زیرا اگر در باره چنین کسی بررسی کنی ، خواهی دید که یا سرِ راهی [با نطفه حرام] است و یا شیطان در نطفه اش شریک شده است.

.

عنه صلى الله عليه و آله :يا كَعبَ بنَ عُجرَةَ ! إِنَّهُ لَن يَدخُلَ الجَنَّةَ لَحمٌ نَبَتَ مِن سُحتٍ (1) . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنِ ادَّعى إِلى غَيرِ أَبِيهِ وَهُوَ يَعلَمُ أَنَّهُ غَيرُ أَبِيهِ فَالجَنَّةُ عَلَيهِ حَرامٌ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام :حُرِّمَتِ الجَنَّةُ عَلى الدَّيُّوثِ (4) . (5)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا يَدخُلُ الجَنَّةَ قاطِعٌ . (6)

عنه صلى الله عليه و آله :اَلجَنَّةُ حَرامٌ عَلى عاقٍّ والِدَيهِ . (7)

.

1- .السُحْتُ : الحَرامُ الذى لا يَحلُّ كَسبُه (النهايه : ج 2 ص 345 «سحت»).
2- .سنن الدارمى : ج 2 ص 774 ح 2674 ، مسند ابن حنبل : ج 5 ص 64 ح 14448 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 469 ح 8302 كلّها عن جابر بن عبد اللّه ، صحيح ابن حبّان : ج 12 ص 378 ح 5567 وفى الثلاثه الأخيره بزياده «النار أولى به» فى آخره ، المعجم الكبير : ج 19 ص 106 ح 212 نحوه وكلاهما عن كعب بن عجره ، كنز العمّال : ج 6 ص 72 ح 14893 .
3- .صحيح البخارى : ج 6 ص 2485 ح 6385 عن سعد و ج 4 ص 1572 ح 4071 نحوه ، صحيح مسلم : ج 1 ص 80 ح 115 ، سنن ابى داوود : ج 4 ص 330 ح 5113 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 870 ح 2610 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 368 ح 1497 كلّها عن سعد وأبى بكره وح 1499 عن سعد بن مالک نحوه ، كنز العمّال : ج 6 ص 191 ح 15304.
4- .الدّيّوثُ : وهو القوّادُ على أهله ، والذى لا يَغارُ على أهله (تاج العروس : ج 3 ص 213 «ديث») .
5- .الكافى : ج 5 ص 537 ح 8 عن عبد اللّه بن ميمون القدّاح ، ثواب الأعمال : ص 262 ح 3 ، مسائل علىّ بن جعفر : ص 349 ح 863 كلاهما عن علىّ بن جعفر عن الإمام الكاظم عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 79 ص 114 ح 4.

6- .صحيح البخارى : ج 5 ص 2231 ح 5638 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 1981 ح 19 ، سنن ابى داوود : ج 2 ص 133 ح 1696 وفيهما «قاطع رَحِم» ، مسند ابن حنبل : ج 5 ص 615 ح 16732 ، السنن الكبرى : ج 7 ص 42 ح 13218 ، المعجم الكبير : ج 2 ص 118 ح 1511 كلّها عن جبير بن مطعم ، كنز العمّال : ج 3 ص 369 ح 6988 ؛ جامع الأحاديث للقمّى : ص 283 عن جبير بن مطعم.
7- .تنبيه الخواطر : ج 2 ص 118 ، الخصال : ص 436 ح 23 ، عوالى اللآلى : ج 1 ص 184 ح 253 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 5 ص 11 ح 16 ؛ السنن الكبرى للنسائى : ج 3 ص 175 ح 4916 ، مسند ابن حنبل : ج 2 ص 644 ح 6899 كلاهما عن عبد اللّه بن عمرو نحوه ، الدرّ المنثور : ج 5 ص 266 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای کعب بن عُجره! گوشتی که از حرام روییده باشد ، هرگز وارد بهشت نمی شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس خود را به غیر پدرش نسبت دهد ، با آن که می داند او پدرش نیست ، بهشت بر او حرام می گردد .

امام صادق علیه السلام :بهشت بر شخص بی غیرت ، حرام است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بُرنده[ی پیوند خویشاوندی] به بهشت نمی رود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشت بر کسی که از پدر و مادرش نافرمانی کند ، حرام است.

.

عنه صلى الله عليه و آله :لا يَدخُلُ الجَنَّةَ قَتّاتٌ (1) . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :لا يَدخُلُ الجَنَّةَ ... الظَّلُومُ لِلنّاسِ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام :إيّاكَ وَالجَورَ ! فَإِنَّ الجائِرَ لا يَرِيحُ (4) رائِحَةَ الجَنَّةِ . (5)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا خَلَصَ المُؤمِنُونَ مِن النّارِ حُبِسُوا بِقَنطَرَةٍ بَينَ الجَنَّةِ وَالنّارِ ، فَيَتَقاصُّونَ مَظالِمَ كانَت بَينَهُم فِى الدُّنيا حَتّى إِذا نُقُّوا وَهُذِّبُوا أُذِنَ لَهُم بِدُخُولِ الجَنَّةِ . فَوَالَّذِى نَفسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ ! لَأَحَدُهُم بِمَسكَنِهِ فِى الجَنَّةِ أَدَلُّ بِمَنزِلِهِ كانَ فِى الدُّنيا . (6)

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن عَبدٍ يَستَرعِيهِ اللّهُ رَعِيَّةً، فَلَم يُحِطها بِنُصحِهِ، إِلّا لَم يَجِد رائِحَةَ الجَنَّةِ. (7)

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن عَبدٍ يَستَرعِيهِ اللّهُ رَعِيَّةً يَمُوتُ يَومَ يَمُوتُ وَهُوَ غاشٌّ لِرَعِيَّتِهِ ، إِلَا حَرَّمَ اللّهُ عَلَيهِ الجَنَّةَ . (8)

.

1- .هو النمّام، وقيل: النمّام: الذى يكون مع القوم يتحدّثون فيَنُمّ عليهم، والقَتّات: الذى يتسمّع على القوم وهم لا يعلمون ثمّ يَنِمّ (النهايه : ج 4 ص 11 «قتت»).
2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 7 ح 4968 عن حسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، الأمالى للطوسى : ص 383 ح 825 عن حذيفه ، بحار الأنوار : ج 75 ص 265 ح 8 ؛ صحيح البخارى : ج 5 ص 2250 ح 5709 ، صحيح مسلم : ج 1 ص 101 ح 169 ، سنن ابى داوود : ج 4 ص 268 ح 4871 ، سنن الترمذى : ج 4 ص 375 ح 2026 كلّها عن حذيفه ، كنز العمّال : ج 3 ص 655 ح 8350 .
3- .كنز العمّال : ج 16 ص 17 ح 43744 نقلاً عن مسند ابن حنبل عن عبد الرحمن بن غنم .
4- .لم يَرَحْ رائِحَةَ الجَنّه: أى لم يشمّ ريحها (النهايه: ج 2 ص 272 «روح»).

5- .غرر الحكم : ح 2670 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 95 ح 2195 وفيه «يشمّ» بدل «يريح».
6- .صحيح البخارى : ج 2 ص 861 ح 2308 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 28 ح 11095 نحوه ، صحيح ابن حبّان : ج 16 ص 461 ح 7434 ، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 385 ح 3349 ، مسند أبى يعلى : ج 2 ص 64 ح 1181 كلّها عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : ج 14 ص 370 ح 38978.
7- .صحيح البخارى : ج 6 ص 2614 ح 6731 عن معقل بن يسار ، مسند الشهاب : ج 2 ص 21 ح 804 ، كنز العمّال : ج 6 ص 33 ح 14726 نقلاً عن ابن عساكر وكلاهما عن عبد الرحمن بن سمره نحوه.
8- .صحيح مسلم : ج 1 ص 125 ح 227 ، سنن الدارمى : ج 2 ص 780 ح 2693 ، السنن الكبرى : ج 9 ص 71 ح 17902 ، شعب الإيمان : ج 6 ص 13 ح 7362 كلّها عن معقل بن يسار ، كنز العمّال : ج 6 ص 25 ح 14685 ، تاريخ دمشق : ج 37 ص 449 ح 7562 ، مسند ابن الجعد : ص 458 ح 3140 ، مسند ابن حنبل : ج 7 ص 284 ح 20313 ، المعجم الكبير : ج 20 ص 207 ح 474 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خبرچین ، به بهشت نمی رود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی که به مردم ستم کند ، به بهشت نمی رود.

امام علی علیه السلام :از ستم کردن بپرهیز ؛ زیرا ستمکار ، بوی بهشت را استشمام نمی کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چون مؤمنان از آتش بِرَهَند ، آنان را بر روی پُلی میان بهشت و دوزخ ، نگاه می دارند و آنان برای ستم هایی که در دنیا به یکدیگر کرده اند ، از هم تقاص می کشند و آن گاه که [از آلودگی ستم خویش] پاک و پیراسته شدند ، اجازه می یابند که به بهشت وارد شوند . سوگند به آن که جان محمّد در دست اوست ، هر یک از آنان ، راه خانه خود را در بهشت ، بهتر از راه خانه ای که در دنیا داشته است ، می شناسد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر بنده ای که خداوند ، او را سرپرست عدّه ای قرار دهد ، امّا او نسبت به آنان خیرخواهی نکند ، قطعا بوی بهشت به مشامش نخواهد خورد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر بنده ای که خداوند ، او را سرپرست عدّه ای قرار دهد و او در روزی که می میرد ، در حالی بمیرد که نسبت به زیردستانش ناخالصی کرده باشد ، قطعا خداوند ، بهشت را بر او حرام می گرداند .

.

عنه صلى الله عليه و آله :لا يَدخُلُ الجَنَّةَ مَن لا يَأمَنُ جارُهُ بَوائِقَهُ (1) . (2)

عنه صلى اللهِ عليه و آله فِى ذِكرِ ما خَصَّ اللّهُ تَعالى بِهِ أَهلَ البَيتِ عليهم السلام : لَمّا أُسرِىَ بِى إِلَى السَّماءِ أَوحى إِلَىَّ رَبِّى جَلَّ جَلالُهُ فَقالَ : ... يا مُحَمَّدُ ، لَو أَنَّ عَبدا عَبَدَنِى حَتّى يَنقَطِعَ وَيَصِيرَ كَالشَّنِّ (3) البالِى ، ثُمَّ أَتانِى جاحِدا لِوَلايَتِهِم، فَما أَسكَنتُهُ جَنَّتِى، وَلا أَظلَلتُهُ تَحتَ عَرشِى . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :حُرِّمَتِ الجَنَّةُ عَلى مَن ظَلَمَ أَهلَ بَيتِى ، وَعَلى مَن قاتَلَهُم ، وَعَلَى المُعِينِ عَلَيهِم ، وَعَلَى مَن سَبَّهُم «أُوْلَائِکَ لَا خَلَقَ لَهُمْ فِى الْأَخِرَهِ وَلَا يُکَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَهِ وَلَا يُزَکِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ » (5) . (6)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن صَلَّى عَلَىَ وَلَم يُصَلِّ عَلى آلِى لَم يَجِد رِيحَ الجَنَّهِ ، وَإِنَّ رِيحَها لَيُوجَدُ مِن مَسِيرَهِ خَمسِمِئَهِ عامٍ . (7)

.

1- .بَوائِقُه: أى غوائله وشروره (النهايه: ج 1 ص 162 «بوق»).
2- .صحيح مسلم : ج 1 ص 68 ح 73 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 307 ح 8864 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 54 ح 21 ، الفردوس : ج 5 ص 108 ح 7623 كلّها عن أبى هريره ، المعجم الكبير : ج 10 ص 227 ح 10553 عن عبد اللّه ، كنز العمّال : ج 9 ص 54 ح 24908 ؛ جامع الأحاديث للقمّى : ص 281 عن عبد الرحمن بن صخر وراجع : الأمالى للصدوق : ص 514 ح 707.
3- .الشَّنَان: الأسقِيَه الخَلِقَه ، واحدها شَنّ (النهايه: ج 2 ص 506 «شنن»).
4- .كمال الدين : ص 252 ح 2 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 58 ح 27 كلاهما عن المفضّل بن عمر عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 36 ص 245 ح 58 وراجع : مئه منقبه : ص 63 و تفسير فرات : ص 74 ح 47.
5- .آل عمران : 77.
6- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 34 ح 65 ، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام : ص 99 ح 39 عن أحمد بن عامر الطائى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، الأمالى للطوسى : ص 164 ح 272 عن

داوود بن سليمان عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، كشف الغمّه : ج 2 ص 15 عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، جامع الأخبار : ص 456 ح 1284 ، روضه الواعظين : ص 300 ، بحار الأنوار : ج 27 ص 222 ح 10.
7- .الأمالى للصدوق : ص 267 ح 291 عن أبان بن تغلب عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام و ص 462 ح 616 ، الأمالى للطوسى : ص 424 ح 948 كلاهما عن عبد اللّه بن الحسن عن أبيه عن جدّه عنه صلى الله عليه و آله ، روضه الواعظين : ص 354 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 186 ح 150.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی که همسایه اش (/ پناهنده اش) از گزند او در امان نباشد ، به بهشت نمی رود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیان امتیازاتی که خدای بلندمرتبه به اهل بیت علیهم السلام اختصاص داده است : شبی که به آسمان (معراج) برده شدم ، پروردگارم عز و جل به من وحی کرد و فرمود : « ... ای محمّد ! اگر بنده ای ، چندان مرا عبادت کند که از هم بگسلد و مانند مَشک پوسیده شود، امّا با انکار ولایت ایشان (اهل بیت) نزد من آید، هرگز او را در بهشتم جای نمی دهم و در زیر سایه عرشم در نمی آورم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشت ، حرام شده است بر کسی که به اهل بیتم ستم کند ، یا کسی که با آنان بجنگد ، یا بر ضدّ آنان کمک رساند و یا کسی که به ایشان ناسزا گوید . «چنین کسانی را در آخرت ، بهره ای نیست و خدا روز قیامت با آنان سخن نمی گوید و به ایشان نمی نگرد و پاکشان نمی گرداند ، و عذابی دردناک خواهند داشت» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که بر من صلوات فرستد و بر خاندان من صلوات نفرستد ، بوی بهشت را نخواهد یافت ، در حالی که بوی آن از فاصله پانصد سال [راه] ، احساس می شود.

.

عنه صلى الله عليه و آله :لا يَدخُلُ الجَنَّهَ صاحِبُ مَكسٍ (1) . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن قَتَلَ مُعاهِدا لَم يَرَح رائِحَهَ الجَنَّهِ ، وَإِنَّ رِيحَها تُوجَدُ مِن مَسِيرَهِ أَربَعِينَ عاما. (3)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن قَتَلَ مُعاهِدا فِى غَيرِ كُنهِهِ (4) حَرَّمَ اللّهُ عَلَيهِ الجَنَّهَ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :لا يَدخُلُ الجَنَّهَ سَيِءُ المَلَكَهِ . (6)

عنه صلى الله عليه و آله :خَلَقَ اللّهُ جَنَّهِ عَدنٍ بِيَدِهِ ، وَدَلّى فِيها ثِمارَها، وَشَقَّ فِيها أَنهارَها. ثُمَّ نَظَرَ إِلَيها فَقالَ : «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» (7) قالَ : وَعِزَّتِى لا يُجاوِرُنِى فِيكِ بَخِيلٌ . (8)

عنه صلى الله عليه و آله :أَقسَمَ اللّهُ تَعالى بِعِزَّتِهِ وَعَظَمَتِهِ وَجَلالِهِ ! لا يُدخِلُ الجَنَّهَ بَخِيلاً وَلا شَحِيحا (9) . (10)

.

1- .المَكس: الضريبه التى يأخذها الماكِس ؛ وهو العشّار (النهايه: ج 4 ص 349 «مكس»).
2- .سنن ابى داوود : ج 3 ص 132 ح 2937 ، سنن الدارمى : ج 1 ص 421 ح 1620 ، مسند ابن حنبل : ج 6 ص 118 ح 17295 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 562 ح 1469 كلّها عن عقبه بن عامر ، الفردوس : ج 5 ص 108 ح 7626 عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 3 ص 504 ح 7632 .
3- .صحيح البخارى : ج 3 ص 1155 ح 2995 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 896 ح 2686 ، سنن النسائى : ج 8 ص25 ، السنن الكبرى : ج 8 ص 229 ح 16482 كلّها عن عبد اللّه بن عمرو ، صحيح ابن حبّان : ج 16 ص 392 ح 7383 عن أبى بكره وفيه «خمسمئه» بدل «أربعين» ، كنز العمّال : ج 4 ص 362 ح 10914 .
4- .يعنى مَن قتلَهُ فى غير وقته أو غايه أمره الذى يجوز فيه قتله (النهايه: ج 4 ص 206 «كنه»).

5- .سنن ابى داوود : ج 3 ص 83 ح 2760 ، سنن الدارمى : ج 2 ص 685 ح 2409 ، سنن النسائى : ج 8 ص 24 ، مسند ابن حنبل : ج 7 ص 305 ح 20399 ، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 155 ح 2631 ، السنن الكبرى : ج 9 ص 386 ح 18849 كلّها عن أبى بكره ، كنز العمّال : ج 4 ص 363 ح 10915.
6- .سنن الترمذى : ج 4 ص 334 ح 1946 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1217 ح 3691 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 26 ح 31 ، المعجم الأوسط : ج 9 ص 124 ح 9312 ، مسند أبى يعلى : ج 1 ص 82 ح 91 كلّها عن أبى بكر ، المصنّف لعبد الرزّاق : ج 11 ص 456 ح 20993 عن مره الطيّب ، كنز العمّال : ج 9 ص 196 ح 25645 ؛ عوالى اللآلى : ج 1 ص 271 ح 86 .
7- .المؤمنون : 1.
8- .المعجم الكبير : ج 12 ص 114 ح 12723 المعجم الأوسط : ج 5 ص 349 ح 5518 ، تفسير ابن كثير : ج 5 ص 455 كلّها عن ابن عبّاس ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 102 ح 277 من دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه و آله نحوه ، بحارالأنوار : ج 8 ص 198 ح 197.
9- .الشُحُّ: أشدُّ البُخل، وهو أبلغ فى المنع من البخل، وقيل : هو البخل مع الحرص (النهايه : ج 2 ص 448 «شحح»).
10- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 172 ؛ البخلاء : ص 55 عن أبى شجره نحوه ، كنز العمّال : ج 3 ص 452 ح 7407 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :باجگیر ، به بهشت نمی رود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : که از فاصله چهل سال راه ، به مشام می رسد کسی که مُعاهِدی (1) را بکشد ، بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس مُعاهدی را بی جهت (2) بکشد ، خدا بهشت را بر او حرام می گرداند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بدمَنِش ، به بهشت نمی رود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند ، بهشت عَدْن (دست نخورده) را با دست خود آفرید و میوه هایش را آویزان کرد و جویبارهایش را روان ساخت . سپس به آن ، نگاه کرد و فرمود : « « به راستی که مؤمنان ، رستگار شدند» » و فرمود : «به عزّتم سوگند که هیچ بخیلی ، همسایه من در تو نخواهد شد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدای بلندمرتبه ، به عزّت و عظمت و جلالش سوگند خورده است که هیچ بخیل و آزمندی را وارد بهشت نکند .

.

1- .مُعاهِد به کافری گفته می شود که در عوض پرداخت جزیه ، در پناه حکومت اسلامی قرار گرفته است ؛ کافر ذِمّی .
2- .یعنی در غیر وقتش ، یا پیش از آن که کارش به جایی برسد که کشتنش جایز شود.

عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ الجَنَّةَ تَكَلَّمَت وَقالَت : إِنِّی حَرامٌ عَلی کُلِّ بَخِیلٍ وَمُراءٍ. (1)

عنه صلى الله عليه و آله :أَلا أُخبِرُکُم بِشَیءٍ أَمَرَ بِهِ نُوحٌ علیه السلام اِبنَهُ؟ إِنَّ نُوحا قالَ لِابنِهِ : ... یا بُنَیَّ وَأَنهاکَ عَن أَمرَینِ : لا تُشرِک بِاللّهِ ! فَإِنَّهُ مَن أَشرَکَ بِاللّهِ فَقَد حَرَّمَ اللّهُ عَلَیهِ الجَنَّةَ ، وَأَنهاکَ عَنِ الکِبرِ ! فَإِنَّ أَحَداً لا یَدخُلُ الجَنَّةَ وَفِی قَلبِهِ مِثقالُ حَبَّةٍ مِن خَردَلٍ مِن کِبرٍ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ اللّهَ تَبارَکَ وَتَعالی یَنَی الفِردَوسَ بِیَدِهِ ، وَحَظَرَهُ عَلی کُلِّ مُشرِکٍ ، وَکُلِّ مُدمِنِ الخَمرِ سِکِیرٍ . (3)

کتاب من لا یحضره الفقیه :قال [رسول اللّه] صلى الله عليه و آله : إِنَّ الجَنَّةَ لَتُوجَدُ رِیحُها مِن مَسِیرَهِ خَمسِمِئَهِ عامٍ ، وَلا یَجِدُها عاقٌّ وَلا دَیُّوثٌ . قِیلَ : یا رَسُولَ اللّهِ ، وَما الدَّیُّوثُ؟ قالَ : الَّذِی تَزَنِی امرَأَتُهُ وَهُوَ یَعلَمُ بِها . (4)

سنن أبی داوود عن حارثه بن وهب :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : لا یَدخُلُ الجَنَّةَ الجَوّاظُ ، وَلا الجَعظَرِیُ . قالَ : وَالجَوّاظُ : الغَلِیظُ الفَظُّ . (5)

.

1- .بحار الأنوار : ج 72 ص 305 ح 52 نقلاً عن کتاب أسرار الصلاه .
2- .جامع الأحادیث للقمّی : ص 285 عن جابر بن عبد اللّه ، مستدرک الوسائل : ج 12 ص 34 ح 13443 ؛ المنتخب من مسند عبد بن حمید : ص 348 ح 1151 ، تاریخ دمشق : ج 62 ص 283 ح 12820 کلاهما عن جابر بن عبد اللّه ، کنز العمّال : ج 16 ص 106 ح 44077 .
3- .شعب الإیمان : ج 5 ص 11 ح 5590 ، حلیه الأولیاء : ج 3 ص 95 ، تاریخ دمشق : ج 53 ص 306 ح 11261 ، الفردوس : ج 1 ص 164 ح 603 کلّها عن أنس ، کنز العمّال : ج 5 ص 349 ح 13185 ؛ جامع الأحادیث للقمّی : ص 286 عن أنس .
4- .کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 3 ص 444 ح 4542 ، الخصال : ص 37 ح 15 عن جابر عن الإمام الباقر علیه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، روضه الواعظین : ص 401 عن الإمام الباقر علیه السلام عنه صلى الله

عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 79 ص 114 ح 1 وراجع : مسند ابن حنبل : ج 2 ص 351 ح 5372 .
5- .سنن ابى داوود : ج 4 ص 253 ح 4801 ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص 174 ح 480 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 6 ص 89 ح 9 ، مسند أبى يعلى : ج 2 ص 172 ح 1472 ، كنز العمّال : ج 3 ص 442 ح 7358 ؛ مجمع البيان : ج 10 ص 502 عن شدّاد بن أوس نحوه .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشت به سخن در آمد و گفت : من بر هر بخیل و ریاکاری ، ممنوعم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آیا شما را خبر ندهم از چیزی که نوح ، پسرش را بِدان فرمان داد؟ نوح به پسرش گفت : « ... پسرم ! تو را از دو کار ، نهی می کنم : به خدا شرک مَوَرز ؛ زیرا کسی که به خدا شرک ورزد ، خداوند ، بهشت را بر او حرام می گرداند . و تو را از تکبّر ، نهی می کنم ؛ زیرا کسی که به اندازه یک دانه خردل ، در دلش تکبّر باشد ، وارد بهشت نمی شود» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدای بزرگ و والا ، فردوس را با دست خود ساخت و آن را بر هر مشرک و هر شرابخوار دائم الخمری قدغن کرد.

کتاب من لایحضره الفقیه :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «بوی بهشت ، از مسافت پانصد سال راه ، به مشام می رسد ؛ امّا چنین بویی را نافرمان بردار از پدر و مادر و دَیّوث ، استشمام نمی کنند» . گفته شد : ای پیامبر خدا ! دیّوث کیست؟ فرمود : «مردی است که همسرش زنا می دهد و او از آن آگاه است [و اهمّیت نمی دهد] » .

سنن أبی داوود به نقل از حارثه بن وهب : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «درشت خوی بداخلاق ، به بهشت نمی رود» .

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا يَدخُلُ الجَنَّةَ جَبّارٌ ، وَلا بَخِيلٌ ، وَلا سَيِءُ المَلَكَهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :يَقُولُ اللّهُ عز و جل : حُرِّمَتِ الجَنَّهُ عَلَى المَنّانِ ، وَالبَخِيلِ ، وَالقَتّاتِ وَهُوَ النَّمّامُ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :لا يَدخُلُ الجَنَّهَ سافِكُ الدَّمِ ، وَلا شارِبُ الخَمرِ ، وَلا مَشّاءٌ بِنَمِيمٍ . (3)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن ماتَ وَهُوَ بَرِىءٌ مِن ثَلاثٍ : الكِبْرِ ، وَالغُلُولِ (4) ، وَالدَّينِ ، دَخَلَ الجَنَّهَ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :اَلجَنَّهُ طَيِّبَهٌ ، طَيَّبَها اللّهُ وَطَيَّبَ رِيحَها ، يُوجَدُ رِيحُها مِن مَسِيرَهِ أَلفَى عامٍ ، وَلا يَجِدُ رِيحَ الجَنَّهِ عاقٌّ ، وَلا قاطِعُ رَحِمٍ ، وَلا مُرخِى الإِزارِ خُيَلاءَ (6) . (7)

.

1- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 198 ؛ إحياء علوم الدين : ج 3 ص 491 ، كنز العمّال : ج 16 ص 64 ح 43955 .
2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 17 ح 4968 ، الأمالى للصدوق : ص 517 ح 707 كلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 317 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 301 ح 6 .
3- .الكافى : ج 7 ص 273 ح 11 ، الخصال : ص 180 ح 244 ، ثواب الأعمال : ص 262 ح 1 ، روضه الواعظين : ص 508 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 75 ص 265 ح 11.
4- .الغُلُول : الخِيانه فى المَغنم والسِرقَه من الغنيمه قبل القِسمه (النهايه : ج 3 ص 380 «غلل»).
5- .سنن الترمذى : ج 4 ص 138 ح 1572 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 806 ح 2412 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 322 ح 22432 ، سنن الدارمى : ج 2 ص 714 ح 2494 وفيها «فارق الروح والجسد» بدل «مات» ، المستدرک

على الصحيحين : ج 2 ص 31 ح 2218 كلّها عن ثوبان ، كنز العمّال : ج 15 ص 821 ح 43261.
6- .الخُيَلاء بالضمّ والكسر : الكِبْر والعُجْب (لسان العرب : ج 11 ص 228 «خيل»).
7- .الكافى : ج 6 ص 50 ح 6 ، تهذيب الأحكام : ج 8 ص 113 ح 390 ، مستطرفات السرائر : ص 85 ح 30 كلّها عن يونس بن رباط عن الإمام الصادق عليه السلام .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ متکبّر و بخیل و بدسیرتی ، به بهشت نمی رود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدای عز و جل می فرماید : «بهشت بر شخص منّت گذار و بخیل و خبرچین ، حرام شده است».

امام صادق علیه السلام :خونریز و شرابخوار و سخن چین ، به بهشت نمی روند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس بمیرد و از سه چیز : تکبّر و دست بردن در غنایم و بدهکاری پاک باشد ، به بهشت می رود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشت ، خوش جایی است ! خداوند ، آن را خوش و خوش بو قرار داده است و بویش از مسافت دو هزار سال راه ، به مشام می رسد ؛ امّا کسی که از پدر و مادرش نافرمانی کند و کسی که با خویشاوندش قطع رابطه کند و کسی که از روی تکبّر ، دامن کشان راه رود ، بوی بهشت را استشمام نمی کنند.

.

عنه صلى الله عليه و آله :لا يَدخُلُ الجَنَّةَ خَبٌّ (1) ، وَلا مَنّانٌ ، وَلا بَخِيلٌ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :لا يَدخُلُ الجَنَّةَ عاقٌّ ، وَلا مُدمِنُ خَمرٍ ، وَلا مُكَذِّبٌ بِقَدَرٍ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :لا يَدخُلُ الجَنَّةَ مَنّانٌ ، وَلا عاقٌّ، وَلا مُدمِنُ خَمرٍ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :لا يَدخُلُ الجَنَّةَ مِسكِينٌ مُستَكبِرٌ ، وَلا شَيخٌ زانٍ ، وَلا مَنّانٌ عَلَى اللّهِ بِعَمَلِهِ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :لا يَدخُلُ الجَنَّةَ الجَوّاظُ ، وَالجَعظَرِيُ ، وَالعُتُلُّ الزَّنِيمُ . (6)

مجمع البيان عن شدّاد بن أوس :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : لا يَدخُلُ الجَنَّةَ جَوّاظٌ ، وَلا جَعظَرِيٌ، وَلا عُتُلٌّ زَنِيمٌ . قُلتُ : فَما الجَوّاظُ؟ قالَ : كُلُّ جَمّاعٍ مَنّاعٍ . قُلتُ : فَما الجَعظَرِيُ؟ قالَ : الفَظُّ الغَلِيظُ . قُلتُ : فَما العُتُلُّ الزَّنِيمُ؟ قالَ : كُلُّ رَحِيبِ الجَوفِ ، سَيِءِ الخُلُقِ ، أَكُولٌ ، شَرُوبٌ ، غَشُومٌ ، ظَلُومٌ ، زَنِيمٌ . (7)

.

1- .الخَبّ : الخدّاع، وهو الذى يسعى بين الناس بالفساد (النهايه : ج 2 ص 4 «خبب»).
2- .سنن الترمذى : ج 4 ص 343 ح 1963 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 27 ح 32 ، مسند أبى يعلى : ج 1 ص 81 ح 90 وفيهما بزياده «ولا سيّء الملكه» وكلّها عن أبى بكر ، كنز العمّال : ج 3 ص 546 ح 7826 .
3- .مسند ابن حنبل : ج 10 ص 416 ح 27554 ، مسند الشاميّين : ج 3 ص 261 ح 2212 ، تفسير ابن كثير : ج 1 ص 470 وفيهما بزياده «ولا منّان» بعد «عاقّ» ، السنّه لابن أبى عاصم : ص 141 ح 321 ، تاريخ دمشق : ج 56 ص 135 ح 11805 بزياده «ولا مؤمن بسحر» بعد «عاقّ» وكلّها عن أبى الدرداء ، مسند الطيالسى : ص 154 ح 1131 عن أبى أمامه وفيه «ولا منّان» بدل «ولا مدمن خمر» ، كنز العمّال : ج 16 ص 54 ح 43909.

4- .سنن النسائی : ج 8 ص 318 ، سنن الدارمی : ج 1 ص 547 ح 2019 صحیح ابن حبّان : ج 8 ص 176 ح 3383 ، المعجم الأوسط : ج 3 ص 19 ح 2335 کلّها عن عبد اللّه بن عمرو ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 88 ح 11398 عن أبی سعید الخدری ولیس فیه «خمر» ، کنز العمّال : ج 16 ص 40 ح 43845 ؛ جامع الأحادیث للقمّی : ص 283 عن أبی سعید الخدری .
5- .التاریخ الکبیر : ج 8 ص 82 الرقم 2255 ، تاریخ دمشق : ج 4 ص 285 ح 1050 ، اُسد الغابه : ج 5 ص 286 الرقم 5178 ، الفردوس : ج 5 ص 106 ح 7618 ، کنز العمّال : ج 16 ص 54 ح 43906 نقلاً عن الطبرانی وابن منده وکلّها عن نافع مولی رسول اللّه صلی الله علیه و آله .
6- .مسند ابن حنبل : ج 6 ص 290 ح 18015 عن عبدالرحمن بن غنم ، الفردوس : ج 5 ص 106 ح 7616 عن ابن عبّاس بزیاده «الأثیم» بعد «العتلّ» ، کنز العمّال : ج 16 ص 17 ح 43744.
7- .مجمع البیان : ج 10 ص 502 ؛ تفسیر ابن کثیر : ج 8 ص 219 عن عبد الرحمن بن غنم ، تفسیر القرطبی : ج 18 ص 233 عن ابن مسعود وکلاهما نحوه .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :حیله گر و منّت گذار و بخیل ، به بهشت نمی روند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نافرمان از پدر و مادر و دائم الخمر و بی اعتقاد به تقدیر ، به بهشت نمی روند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :منّت گذار و نافرمان از پدر و مادر و باده گسار ، به بهشت نمی روند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مسکینِ متکبّر و پیرِ زناکار ، و کسی که با عمل خود ، بر خدا منّت می گذارد ، به بهشت نمی روند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :متکبّر و بداخلاق و درشت خوی فرومایه ، به بهشت نمی روند.

مجمع البیان به نقل از شدّاد بن اوس : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «جَوّاظ و جَعظَری و عُتُلّ زَنیم ، به بهشت نمی روند» . پرسیدم : جَوّاظ ، چه کسی است؟ فرمود : «هر مالدار بسیار خسیس» . پرسیدم : جَعظَری ، چه کسی است؟ فرمود : «درشت خوی بی رحم» . پرسیدم : عُتُلّ زَنیم ، چه کسی است ؟ فرمود : «هر شکم فراخِ بدخوی پرخور پرنوش بی رحم ستمگر ناکس».

.

الدّرّ المنثور عن عبد الرّحمن بن غنم :إِنَّ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله قالَ : لا يَدخُلُ الجَنَّةَ جَوّاظٌ ، وَلا جَعظَرِىٌ ، وَلا العُتُلُّ الزَّنِيمُ . فَقالَ لَهُ رَجُلٌ مِنَ المُسلِمِينَ : ما الجَوّاظُ وَالجَعظَرِىُ وَالعُتُلُّ الزَّنِيمُ؟ فَقالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أَمّا الجَوّاظُ : فَالَّذِى يُجَمِّعَ وَمَنَعَ ، تَدعُوهُ لَظى (1) ، نَزّاعَةً لِلشَّوى (2) . وَأَمّا الجَعظَرِىُ : فَالفَظُّ الغَلِيظُ ، قالَ اللّهُ : «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللّهِ لِنتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّواْ مِنْ حَوْلِكَ» . (3) وَأَمّا العُتُلُّ الزَّنِيمُ : فَشَدِيدُ الخُلُقِ ، رَحِيبُ الجَوفِ ، مُصَحَّحٌ شَرُوبٌ ، واجِدٌ لِلطَّعامِ وَالشَّرابِ ، ظَلُومٌ لِلنّاسِ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام :أَوصانِى رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله حِينَ زَوَّجَنِى فاطِمَةَ، فَقالَ : إِيّاكَ وَالكَذِبَ ! إِلى أَن قالَ : وَاحذَرِ الغِيبَةَ وَالنَّمِيمَةَ ! فَإِنَّ الغِيبَةَ تُفَطِّرُ الصّائِمَ ، وَالنَّمِيمَةَ تُوجِبُ عَذابَ القَبرِ ، وَالمُغتاب هُوَ المَحجُوبُ عَنِ الجَنَّهِ . (5)

الإمام الباقر عليه السلام :مُحَرَّمَةٌ الجَنَّةُ عَلَى القَتّاتِينَ المَشّائِينَ بِالنَّمِيمَهِ. (6)

.

1- .لَظى : اسم من أسماء النار (النهايه : ج 4 ص 252 «لظا») . وراجع : القسم الثانى : أسماء جهنّم / لظى .
2- .الشَّوى : جِلد الرأس، وقيل : أطراف البدن كالرأس واليد والرجل (النهايه : ج 2 ص 511 «شوى»).
3- .آل عمران : 159.
4- .الدرّ المنثور : ج 8 ص 247 نقلاً عن أحمد و عبد بن حميد وابن أبى حاتم وابن مردويه وابن عساكر ، تفسير القرطبى : ج 18 ص 233 عن ابن مسعود نحوه .
5- .مستدرک الوسائل : ج 9 ص 125 ح 10434 نقلاً عن لبّ اللباب ، بحار الأنوار : ج 77 ص 67 ح 6 نقلاً عن تحف العقول .
6- .الكافى : ج 2 ص 369 ح 2 عن محمّد بن قيس ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 209 وفيه «الفتّانين» بدل «القتّاتين» ، بحار الأنوار : ج 75 ص 267 ح 18.

الدرّ المنثور به نقل از عبد الرحمان بن غنم : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «جَوّاظ و جَعظَری و عُتُلّ زنیم ، به بهشت نمی روند» . مردی از مسلمانان گفت : جَوّاظ و جَعظَری و عُتُلّ زنیم چیستند؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «جَوّاظ ، کسی است که گرد می آورد و دریغ می ورزد . زبانه آتش ، او را فرا می خواند ؛ همان آتشی که پوست از سر می کَنَد . جَعظَری ، تندخوی سخت دل است . خدا فرمود : «پس به رحمتی از جانب خدا بود که با آنان نرم خو شدی ، و اگر تندخو و سخت دل بودی ، قطعا از پیرامونت پراکنده می شدند» . و عُتُلّ زنیم ، یعنی درشت خوی شکم فراخ تن درست پرآشامِ برخوردار از خوراک و نوشاک ، و ستمگر به مردم» .

امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله زمانی که فاطمه را به همسری ام در آورد ، به من سفارش کرد و فرمود : «از دروغ بپرهیز» تا آن که فرمود : «و از غیبت و سخن چینی ، دوری کن ؛ زیرا غیبت ، روزه را باطل می کند و سخن چینی ، سبب عذاب قبر می شود ، و غیبت کننده ، از بهشت ، محروم است».

امام باقر علیه السلام :بهشت بر خبرکشان (1) و سخن چینان ، حرام شده است.

.

1- .واژه «قَتّات» در متن عربی ، به معنای سخن چین یا کسی است که دزدکی به صحبت های مردم گوش می دهد ، خواه آن را به دیگران منتقل کند یا نکند و یا کسی است که سخنان مردم را گوش می کند و آن را به دشمنشان اطّلاع می دهد (لسان العرب).

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا يَدخُلُ الجَنَّةَ بَخِيلٌ ، وَلا خَبٌّ ، وَلا خائِنٌ ، وَلا سَيِءُ المَلَكَةِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :لا تَحِلُّ الدَّرَجاتُ العُلى لِلعاقِّ ، وَلا لِلزّانِى ، وَلا لِلبَخِيلِ ، وَلا لِلحَسُودِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :لا يَدخُلُ الجَنَّةَ مُدمِنُ خَمرٍ ، وَلا قاطِعُ رَحِمٍ ، وَلا وَلَدُ زِنَيهِ ، وَلا عاقٌّ والِدَيهِ ، وَلا مَن أتى ذاتَ مَحرَمٍ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :إيّاكُم وَعُقُوقَ الوالِدَينِ ؛ فَإِنَّ رِيحَ الجَنَّهِ تُوجَدُ مِن مَسِيرَهِ أَلفِ عامٍ ، وَلا يَجِدُهَا عاقٌّ ، وَلا قاطِعُ رَحِمٍ ، وَلا شَيخٌ زانٍ ، وَلا جارٌّ إِزارَهُ خُيَلاءَ ، إِنَّماَ الكِبرِياءُ لِلّهِ رَبِّ العالَمِينَ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :لا يَدخُلُ الجَنَّةَ بَخِيلٌ ، وَلا خَبٌّ ، وَلا خائِنٌ ، وَلا سَيِءُ المَلَكَةِ ، وَلا خَبّالٌ (5) ، وَلا مَنّانٌ . (6)

عنه صلى الله عليه و آله :أَلا وَإِنَّ اللّهَ عز و جل حَرَّمَ عَلَى المَنّانِ ، وَالمُختالِ ، وَالقَتّاتِ ، وَمُدمِنِ الخَمرِ ، وَالجَوّاظِ ، وَالجَعظَرِيِ ، وَالعُتُلِّ الزَّنِيمِ ، الجَنَّة . (7)

.

1- .مسند ابن حنبل : ج 1 ص 20 ح 13 ، تاريخ دمشق : ج 14 ص 265 ح 3551 كلاهما عن أبى بكر، كنز العمّال : ج 16 ص 64 ح 43955 .
2- .الفردوس : ج 5 ص 114 ح 7650 عن معاذ بن جبل.
3- .شعب الإيمان : ج 6 ص 192 ح 7876 ، السنن الكبرى للنسائى : ج 3 ص 175 ح 4916 نحوه وكلاهما عن عبد اللّه بن عمرو، المصنّف لعبد الرزّاق : ج 7 ص 199 ح 12771 عن مجاهد ، حليه الأولياء : ج 4 ص 72 عن ابن عبّاس وكلاهما نحوه ، كنز العمّال : ج 5 ص 319 ح 13024 ؛ جامع الأحاديث للقمّى : ص 283 عن أبى سعيد الخدرى نحوه .
4- .الكافى : ج 2 ص 349 ح 6 عن محمّد بن فرات عن الإمام الباقر عليه السلام ، مشكاه الأنوار : ج 281 ح 844 عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله جامع الأحاديث للقمّى : ص 283 عن جابر بن عبد اللّه

، بحار الأنوار : ج 74 ص 62 ح 27 ؛ المعجم الأوسط : ج 6 ص 18 ح 5664 عن جابر بن عبد اللّه ، تاريخ دمشق : ج 18 ص 81 ح 4191 عن الحارث عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، كنز العمّال : ج 16 ص 77 ح 44000 .

5- .كذا فى المصدر، وفى هامشه : فى بعض النسخ «ختّار»، و فى بعضها «جبّار».

6- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 171 ، إحياء علوم الدين : ج 3 ص 372 وفيه «ولا جبّار» بدل «ولا خبّال» .

7- .ثواب الأعمال : ص 342 ح 1 عن عبد اللّه بن عبّاس وأبى هريره ، أعلام الدين : ص 422 عن عبد اللّه بن عباس وفيه «الحريص» بدل «الجوّاظ» ، بحار الأنوار : ج 76 ص 369 ح 30.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بخیل و حیله گر و خیانتکار و بدسرشت ، به بهشت نمی روند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :درجات بالا[ی بهشت] بر فرزند ناخلف و بر زناکار و بخیل و حسود ، روا نیست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :باده گسار و کسی که با خویشاوند ، قطع رابطه کند و زنازاده و فرزندی که با پدر و مادرش بدرفتاری کند و کسی که با مَحرم ، زنا کند ، به بهشت نمی روند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : که از هزار سال راه به مشام می رسد از نافرمانی پدر و مادر بپرهیزید ؛ زیرا فرزند نافرمان از پدر و مادر ، و کسی که از خویشاوندان ببُرد ، و پیرمرد زناکار ، و کسی که متکبّرانه راه رود ، بوی بهشت را ، استشمام نمی کنند . کبریا تنها از آنِ خداست که پروردگار جهانیان است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بخیل و فریبکار و خیانتکار و بدسیرت و متکبّر و منّت گذار ، به بهشت نمی روند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آگاه باشید که خداوند عز و جل ، بهشت را بر منّت گذار و متکبّر و سخن چین و باده گسار و ددمنش و درشت خو ، و سنگ دل فرومایه ، حرام کرده است.

.

عنه صلى الله عليه و آله :قالَ اللّهُ جَلَّ جَلالُهُ : وَعِزَّتِی وَجَلالِی ! لا یَدخُلُها [الجَنَّهَ] مُدمِنُ خَمرٍ ، وَلا نَمّامٌ ، وَلا دَیُّوثٌ ، وَلا شُرطِیٌ ، وَلا مُخَنَّثٌ ، وَلا نَبّاشٌ ، وَلا عَشّارٌ ، وَلا قاطِعُ رَحِمٍ ، وَلا قَدَرِیٌ . (1)

معانی الأخبار عن جابر عن الإمام الباقر علیه السلام :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : «أخبَرَنِی جَبرَئِیلُ علیه السلام أَنَّ رِیحَ الجَنَّهِ یُوجَدُ مِن مَسِیرَهِ أَلفِ عامٍ ، ما یَجِدُها عاقٌّ ، وَلا قاطِعُ رَحِمٍ ، وَلا شَیخٌ زانٍ ، وَلا جارٌّ إزارَهُ خُیَلاءَ ، وَلا فَتّانٌ ، وَلا مَنّانٌ ، وَلا جَعظَرِیٌّ» . قالَ : قُلتُ : فَما الجَعظَرِیُ؟ قالَ : الَّذِی لا یَشبَعُ مِنَ الدُّنیا . (2)

الإمام الصّادق عن آبائه علیهم السلام: قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : لَمّا خَلَقَ اللّهُ جَنَّهَ عَدنٍ خَلَقَ لَبِنَهاً مِن ذَهَبٍ یَتَلَألَأُ ، وَمِسکٍ مَدُوفٍ (3) ، ثُمَّ أَمَرَها فَاهتَزَّت وَنَطَقَت ، فَقالَت : أَنتَ اللّهُ لا إِلهَ إِلّا أَنتَ الحَیُ القَیُّومُ ، فَطُوبی لِمَن قُدِّرَ لَهُ دُخُولِی ! قالَ اللّهُ تَعالی : وَعِزَّتِی وَجَلالِی وَارتِفاعِ مَکانِی ! لا یَدخُلُکِ مُدمِنُ خَمرٍ ، وَلا مُصِرٌّ عَلی رِبا ، وَلا فَتّانٌ ؛ وَهُوَ النَّمّامُ ، وَلا دَیُّوثٌ ؛ وَهُوَ الَّذِی لا یَغارُ وَیُجتَمَعُ فِی بَیتِهِ عَلَی الفُجُورِ ، وَلا قَلّاعٌ ؛ وَهُوَ الَّذِی یَسعی بِالنّاسِ عِندَ السُّلطانِ لِیُهلِکَهُم ، وَلا جَیُّوفٌ ؛ وَهُوَ النَّبّاشُ ، وَلا خَتّارٌ ؛ وَهُوَ الَّذِی لا یُوفِی بِالعَهدِ . (4)

.

1- .کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 4 ص 356 ح 5762 عن أنس بن محمّد عن أبیه وحمّاد بن عمر جمیعا عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام ، مکارم الأخلاق : ج 2 ص 322 ح 2656 عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله ، جامع الأخبار : ص 426 ح 1188 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 49 ح 3.
2- .معانی الأخبار : ص 330 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 193 ح 174.
3- .مَدُوف : أی مخلوط وممزوج (مجمع البحرین : ج 1 ص 620 «دوف»).
4- .النوادر للراوندی : ص 129 ح 158 عن الإمام الکاظم علیه السلام ، دعائم الإسلام : ج 2 ص 94 عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله نحوه ، بحار الأنوار : ج 8 ص 199 ح 201.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند عز و جل فرمود : «به عِزّت و جلالم سوگند که هیچ باده گسار و سخن چین و دیّوث و گزمه و اُبنه ای و کفن دزد و باجگیر و بُرنده از خویشاوند و قَدَری مذهبی ، به بهشت نمی رود» .

معانی الأخبار به نقل از جابر ، از امام باقر علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «جبرئیل علیه السلام به من خبر داد که بوی بهشت از فاصله هزار سال راه به مشام می رسد ؛ ولی فرزندِ ناخلف و کسی که از خویشاوند بِبُرد و پیرمرد زناکار و کسی که متکبّرانه راه رود و فتنه انگیز و منّت گذار و جَعظَری ، آن را نمی یابند» . من گفتم : جَعظَری چیست؟ فرمود : «کسی که از دنیا سیر نمی شود».

امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانش علیهم السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «چون خداوند ، بهشت عدن را آفرید ، خشت آن را از طلای درخشان و مُشک آمیخته خلق کرد . سپس به آن فرمان داد و بهشت عدن ، تکان خورد و به سخن آمد و گفت : تویی خدا . معبودی نیست جز تو زنده جاویدان . خوشا به حال کسی که وارد شدن به من برایش مقدّر شده باشد! . خدای بلندمرتبه فرمود : به عزّت و جلالم و بلندی جایگاهم ، سوگند که باده گسار و رباخوار و فتنه انگیز یعنی سخن چین و دیّوث یعنی کسی که در خانه اش زنا می شود و او غیرت به خرج نمی دهد و قَلّاع یعنی کسی که نزد سلطان از مردم ، سعایت می کند تا آنها را از بین ببرد و جَیّوف یعنی کفن دزد و خَتّار یعنی کسی که به پیمان ، وفا نمی کند ، به تو قدم نخواهند گذاشت» .

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا يَدخُلُ الجَنَّةَ مُدمِنُ خَمرٍ ، وَلا سِكّيرٌ ، وَلا عاقٌّ ، وَلا شَدِيدُ السَّوادِ (1) ، وَلا دَيُّوثٌ ، وَلا قَلّاعٌ ؛ وَهُوَ الشُّرطِيُ ، وَلا زَنُّوقٌ ؛ وَهُو الخُنثى ، وَلا خَيُّوفٌ ؛ وَهُوَ النَّبّاشُ ، وَلا عَشّارٌ ، وَلا قاطِعُ رَحِمٍ ، وَلا قَدَرِيٌ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ اللّهَ عز و جل لَمّا خَلَقَ الجَنَّةَ ... فَقَالَ لَها : تَكَلَّمِى ! فَقالَت : لا إِلهَ إِلّا أَنتَ الحَىُّ القَيُّومُ قَد سَعِدَ مَن يَدخُلُنِى . فَقالَ عز و جل : بِعِزَّتِى وَعَظَمَتِى وَجَلالِى وَارتِفاعِى ! لا يَدخُلُها مُدمِنُ خَمرٍ ، وَلا سِكّيرٌ ، وَلا قَتّاتٌ ؛ وَهُو النَّمّامُ ، وَلا دَيُّوثٌ ؛ وَهُوَ القَلطَبانُ ، وَلا قَلّاعٌ ؛ وَهُوَ الشُّرطِيُّ، وَلا زَنُّوقٌ ؛ وَهُوَ الخُنثى، وَلا خَيُّوفٌ ؛ وَهُوَ النَّبّاشُ ، وَلا عَشّارٌ ، وَلا قاطِعُ رَحِمٍ ، وَلا قَدَرِيٌ (3) . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :تَحرُمُ الجَنَّةُ عَلى ثَلاثَةٍ : عَلَى المَنّانِ ، وَعَلَى المُغتابِ ، وَعَلى مُدمِنِ الخَمرِ . (5)

الإمام علىّ عليه السلام :تَحرُمُ الجَنَّةُ عَلى ثَلاثَةٍ : اَلنَّمّامِ ، وَالقَتّالِ (6) ، وَعَلى مُدمِنِ الخَمرِ. (7)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ثَلاثَةٌ لا يَدخُلُونَ الجَنَّةَ : اَلعاقُّ بِوالِدَيهِ ، وَالدَّيُّوثُ ، وَرَجِلَةُ (8) النِّساءِ . (9)

.

1- .قال الصدوق : يعنى بشديد السواد الذى لا يبيّض شىء من شعر رأسه ولا من شعر لحيته مع كبر السن ، ويسمّى الغربيب.
2- .الخصال : ص 436 ح 23 ، بحار الأنوار : ج 5 ص 10 ح 16.
3- .فى الحديث ذكر القَدَريّه ، وهم المنسوبون إلى القَدَر، ويزعمون أنّ كلّ عبدٍ خالقُ فعله. و فى الحديث «لا يدخل الجنّه قَدَرىّ» وهو الذى يقول : لا يكون ما شاء اللّه ، ويكون ما شاء الشيطان (مجمع البحرين : ج 3 ص 1448 «قدر»).
4- .الخصال : ص 436 ح 22 عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 8 ص 132 ح 36.

5- .الزهد للحسين بن سعيد : ص 9 ح 17 عن زيد بن علىّ عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 75 ص 260 ح 61 .
6- .كذا، والظاهر كما فى سائر الأحاديث «القتّات»، وهو هنا بمعنى الكذّاب أو الساعى إلى السلطان (هامش المصدر).
7- .ثواب الأعمال : ص 262 ح 2 عن زيد بن علىّ عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 79 ص 138 ح 38 .
8- .الرَّجِلَه من النساء : المترجّله، والمترجّلات : اللّاتى يتشبّهن بالرِّجال فى زيّهم وهيأتهم (النهايه : ج 2 ص 203 «رجل»).
9- .المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 144 ح 244 ، السنن الكبرى : ج 10 ص 382 ح 21025 كلاهما عن عبد اللّه بن عمر ، الفردوس : ج 5 ص 107 ح 7621 عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : ج 16 ص 32 ح 43807 وراجع : مسند ابن حنبل : ج 2 ص 496 ح 6188 و شعب الإيمان : ج 6 ص 192 ح 7877.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شرابخوار و دائم الخَمر و نافرمان از پدر و مادر و پیر مومشکی (1) و دیّوث و قلّاع یا همان گزمه ، و زَنّوق یا همان اُبنه ای ، و خَیّوف یا همان کفن دزد ، و باجگیر و خویشاوندگسَل و قَدَری مذهب ، به بهشت نمی روند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند عز و جل چون بهشت را آفرید ... ، به آن فرمود : «سخن بگو» و بهشت گفت : معبودی جز تو زنده جاویدان نیست . خوش بخت ، کسی که به من وارد شود !خداوند عز و جل فرمود : «به عزّت و عظمت و جلالم و بلندی جایگاهم ، سوگند که شرابخوار و دائم الخمر و قَتّات یا همان سخن چین ، و دیّوث یا همان قَلتَبان ، و قَلّاع یا همان گزمه ، و زَنّوق یا همان اُبنه ای ، و خَیّوف یا همان کفن دزد ، و باجگیر و کسی که پیوند خویشی می بُرد ، و قَدَری مذهب ، به بهشت در نمی روند» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشت بر سه کس ، حرام است : بر منّت گذار و بر غیبت کننده و بر می گسار.

امام علی علیه السلام :بهشت بر سه کس ، حرام است : سخن چین و قاتل و بر می گسار.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سه کس اند که وارد بهشت نمی شوند : بدرفتار با پدر و مادر ، دیّوث و زن مردنما.

.

1- .کسی که با وجود پیری و سال خوردگی ، موی سر و ریشش را سیاه رنگ می کند .

عنه صلى الله عليه و آله :ثَلاثَةٌ لا يَدخُلُونَ الجَنَّةَ : اَلعاقُّ لِوالِدَيهِ ، وَالمُدمِنُ عَلَى الخَمرِ ، وَالمَنّانُ بِما أعطَى. (1)

عنه صلى الله عليه و آله :ثَلاثَةٌ لا يَدخُلُونَ الجَنَّةَ : مُدمِنُ خَمرٍ ، وَقاطِعُ رَحِمٍ ، وَمُصَدِّقٌ بِالسِّحرِ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :حُرِّمَتِ الجَنَّةُ عَلى ثَلاثَةٍ : مُدمِنِ الخَمرِ ، وَعابِدِ وَثَنٍ ، وَعَدُوِّ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَمَن شَرِبَ الخَمرَ فَماتَ بَعدَما شَرِبَها بِأربَعِينَ يَوما لَقِيَ اللّهَ عز و جلكَعابِدِ وَثَنٍ . (3)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ثَلاثَةٌ لا يَرِيحُونَ رائِحَةَ الجَنَّهِ : رَجُلٌ ادَّعى إلى غَيرِ أبِيهِ ، وَرُجُلٌ كَذَبَ عَلَىَ، وَرَجُلٌ كَذَبَ عَلى عَينَيهِ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ اللّهَ تَبارَکَ وَتَعالى آلى عَلى نَفسِهِ أَن لا يُسكِنَ جَنَّتَهُ أصنافا ثَلاثَةً : رادٌّ عَلَى اللّهِ عز و جل ، أو رادٌّ عَلى إمامٍ هُدىً ، أو مَن حَبَسَ حَقَّ امرِئٍ مُؤمِنٍ . (5)

.

1- .سنن النسائى : ج 5 ص 80 و ص 81 عن سالم بن عبد اللّه عن أبيه ، سنن الدارمى : ج 1 ص 547 ح 2019 عن عبد اللّه بن عمرو نحوه ، كنز العمّال : ج 16 ص 34 ح 43819 ؛ قرب الإسناد : ص 82 ح 267 عن مسعده بن زياد عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 74 ص 74 ح 63 ، وراجع : عوالى اللآلى : ج 1 ص 184 ح 253.
2- .مسند ابن حنبل : ج 7 ص 139 ح 19586 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 163 ح 7234 ، صحيح ابن حبّان : ج 12 ص 165 ح 5346 كلّها عن أبى موسى الأشعرى ، كنز العمّال : ج 16 ص 31 ح 43806 ؛ معانى الأخبار : ص 330 ح 1 عن أبى موسى الأشعرى وفيه «مدمن سحر» بدل «مصدّق بالسحر».
3- .دعائم الإسلام : ج 2 ص 131 ح 460 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 494 ح 41.
4- .تاريخ دمشق : ج 8 ص 265 ح 2197 ، الفردوس : ج 2 ص 95 ح 2507 ، كنز العمّال : ج 16 ص 32 ح 43809 نقلاً عن الخطيب وكلّها عن

.

أبى هريره وراجع : المعجم الكبير : ج 1 ص 217 ح 591 .
5- .الخصال : ص 151 ح 185 عن أبى هارون المكفوف ، بحار الأنوار : ج 8 ص 357 ح 16.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سه کس اند که وارد بهشت نمی شوند : بدرفتار با پدر و مادر ، دائم الخمر و کسی که برای آنچه می دهد ، منّت می گذارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سه کس به بهشت نمی روند : می گسار و کسی که پیوند خویشی ببُرد و تصدیق کننده جادو .

امام صادق علیه السلام :بهشت بر سه کس ، حرام شده است : دائم الخمر و بت پرست و دشمن خاندان محمّد صلی الله علیه و آله . کسی که شراب بنوشد و چهل روز پس از نوشیدن آن بمیرد ، همچون بت پرست ، خدای عز و جل را دیدار می کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سه کس ، بوی بهشت را نمی شنوند : مردی که خودش را به غیر پدرش نسبت دهد ، مردی که بر من دروغ بندد و مردی که به چشمانش دروغ بگوید .

امام صادق علیه السلام :خدای بزرگ و والا ، با خویش عهد کرده است که سه گروه را در بهشت خود ، جای ندهد : انکار کننده خدا ، انکار کننده پیشوای هدایت ، و کسی که حقّ انسان مؤمنی را از وی باز دارد .

.

عنه علیه السلام :أَربَعَهٌ لا یَدخُلُونَ الجَنَّهَ : اَلکاهِنُ (1) ، وَالمُنافِقُ ، وَمُدمِنُ الخَمرِ ، وَالقَتّاتُ ؛ وَهُوَ النَّمّامُ . (2)

رسول اللّه صلی الله علیه و آله :أَربَعَهٌ حَقَّ عَلَی اللّهِ أَن لا یُدخِلَهُمُ الجَنَّهَ وَلا یُذِیقَهُم نَعِیمَها : مُدمِنُ الخَمرِ ، وَآکِلُ الرِّبا ، وَآکِلُ مالِ الیَتِیمِ بِغَیرِ حَقٍّ ، وَالعاقُّ لِوالِدَیهِ . (3)

عنه صلی الله علیه و آله :لَمّا خَلَقَ اللّهُ تَعالی الجَنَّهَ ، قالَ لَها : تَکَلَّمِی، قالَت : سَعِدَ مَن دَخَلَنِی، فَقالَ الجَبّارُ جَلَّ وَعَلا : وَعِزَّتِی وَجَلالِی ! لا یَسکُنُ فِیکَ ثَمانِیَهُ نَفَرٍ مِنَ النّاسِ : مُدمِنُ خَمرٍ ، وَلا مُصِرٌّ عَلَی الزِّنا، وَلا نَمّامٌ ، وَلا دَیُّوثٌ ، وَهُوَ القَرطَبانُ ، وَلا الشُّرطِیُّ ، وَلا المُخَنَّثُ ، وَلا قاطِعُ الرَّحِمِ ، وَلا الَّذِی یَقُولُ : عَلَیَ عَهدُ اللّهِ إِن لَم أَفعَل کَذا وَکَذا ثُمَّ لَم یَفِ بِهِ . 4

.

1- .الکَاهِن : الذی یتعاطی الخبر عن الکائِنات فی مستقبل الزمان، ویدّعی معرفه الأسرار (النهایه : ج 4 ص 214 «کهن»).
2- .الأمالی للصدوق : ص 489 ح 663 عن أبی سعید هاشم، بحار الأنوار : ج 8 ص 357 ح 15.
3- .المستدرک علی الصحیحین : ج 2 ص 43 ح 2260 ، شعب الإیمان : ج 4 ص 397 ح 5530 کلاهما عن أبی هریره ، کنز العمّال : ج 16 ص 67 ح 43966.

امام صادق علیه السلام :چهار کس اند که به بهشت نمی روند : کاهن ، منافق ، باده گسار و سخن چین.(1)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چهار کس اند که بر خداست آنان را به بهشت ، داخل نگرداند و نعمت های آن را به آنان نچشاند : باده گسار ، رباخوار ، به ناحق خورنده مال یتیم ، و نافرمان بردار از پدر و مادر خویش.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدای بلندمرتبه ، چون بهشت را آفرید ، به آن فرمود : «سخن بگو» . بهشت گفت : خوش بخت ، کسی است که وارد من شود . پادشاهِ بزرگ و بلندمرتبه[ی عالم] فرمود : «به عزّت و جلالم ، سوگند که هشت دسته از مردم ، ساکن [آن] نمی شوند : باده گسار ، کسی که بر زنا مداومت ورزد ، سخن چین ، دیّوث ، گزمه ، مرد اُبنه ، کسی که پیوند خویشاوندی بِبُرد ، و کسی که بگوید : مدیون خدا باشم ، اگر چنین و چنان نکنم و به عهدش وفا نکند» .

.

1- .کاهن ، کسی است که از آنچه در آینده اتّفاق می افتد ، خبر دهد و ادّعا کند که نسبت به اسرار و رموز آفرینش ، آگاهی دارد .

الفصل الخامس عشر : نِظامُ الجَنَّهِ15 / 1جَوازُ الجَنَّهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا يَدخُلُ الجَنَّةَ أَحَدٌ إلّا بِجَوازٍ : بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحِيمِ ، هَذا كِتابٌ مِنَ اللّهِ لِفُلانِ بنِ فُلانٍ ، أدخِلُوهُ جَنَّةً عالِيَةً ، قُطُوفُها دانِيَةٌ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله فِى أَحوالِ المُؤمِنِ يَومَ القِيامَهِ : فَإذا انتَهى إلى بابِ الجَنَّهِ قِيلَ لَهُ : هاتِ الجَوازَ ، قالَ : هَذا جَوازِى مَكتُوبٌ فِيهِ : بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحِيمِ ، هذا جَوازُ جائِزٍ مِنَ اللّهِ العَزِيزِ الحَكِيمِ لِفُلانِ بنِ فُلانٍ مِن رَبِّ العالَمِينَ . فَيُنادِى مُنادٍ يُسمِعُ أهلَ الجَمعِ كُلَّهُم : ألا إنَّ فُلانَ بنَ فُلانٍ قَد سَعِدَ سَعادَةً لا يَشقى بَعدَها أبَدا. (2)

عنه صلى الله عليه و آله :عَلِىٌ يَومَ القِيامَهِ عَلَى الحَوضِ ، لا يَدخُلُ الجَنَّةَ إلّا مَن جاءَ بِجَوازٍ مِن عَلِىِ بنِ أبِى طالِبٍ عليه السلام . (3)

.

1- .المعجم الكبير : ج 6 ص 272 ح 6191 ، المعجم الأوسط : ج 3 ص 224 ح 2987 ، تاريخ بغداد : ج 7 ص 95 الرقم 3533 ، تفسير ابن كثير : ج 8 ص 242 كلّها عن سلمان ، كنز العمّال : ج 14 ص 482 ح 39353 ؛ مجمع البيان : ج 10 ص 521 ، أعلام الدين : ص 148 كلاهما عن سلمان ، بحار الأنوار : ج 7 ص 83 .
2- .الاختصاص : ص 350 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 8 ص 212 ح 205.
3- .المناقب لابن المغازلى : ص 119 ح 156 ، كشف اليقين : ص 320 ح 378 ، العمده : ص 373 ح 734 و ص 300 ح 502 كلّها عن ابن عبّاس ، الصراط المستقيم : ج 1 ص 200 ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام : ص 441 نحوه ، بحار الأنوار : ج 27 ص 142 ح 152.

فصل پانزدهم: نظام بهشت

15 / 1 پروانه ورود به بهشت

فصل پانزدهم: نظام بهشت15 / 1پروانه ورود به بهشتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ کس وارد بهشت نمی شود ، مگر با این پروانه (مجوّز) عبور : «به نام خدای مهرگستر مهربان . این ، نامه ای است از خدا برای فلان ، پسر فلان . او را وارد بهشتی برین کنید که میوه هایش در دسترس است» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در احوال مؤمن در روز رستاخیز : چون بر درِ بهشت رسد ، به او گفته می شود : پروانه ات (جَواز ورودت) را نشان بده . او می گوید : این ، پروانه ام است . و در آن ، نوشته است : «به نام خدای مهرگستر مهربان . این ، پروانه ای تأیید شده از سوی خداوند توانا و داناست ، برای فلان پسر فلان ، از جانب پروردگار جهانیان» . پس آواز دهنده ای ، چنان که همه جمعیت بشنوند ، آواز می دهد که : بدانید فلان پسر فلان ، به چنان سعادتی دست یافته که از این پس ، هرگز دچار نگون بختی نمی شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در روز قیامت ، علی ، نگهبان حوض است و کسی وارد بهشت نمی شود ، مگر این که پروانه عبوری از جانب علی بن ابی طالب بیاورد.

.

15 / 2تَحِيَّهُ الجَنَّهِالكتاب«تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَمٌ وَ أَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا ». (1)

«وَ أُدْخِلَ الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَ عَمِلُواْ الصَّلِحَتِ جَنَّتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَرُ خَلِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَمٌ ». (2)

«ادْخُلُوهَا بِسَلَمٍ ءَامِنِينَ ». (3)

«وَ قَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَمٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَلِدِينَ ». (4)

«إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَ عَمِلُواْ الصَّلِحَتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُم بِإِيمَنِهِمْ تَجْرِى مِن تَحْتِهِمُ الْأَنْهَرُ فِى جَنَّتِ النَّعِيمِ * دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَنَكَ اللَّهُمَّ وَ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَمٌ وَ ءَاخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِينَ ». (5)

«وَنَزَعْنَا مَا فِى صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ تَجْرِى مِن تَحْتِهِمُ الأَنْهَرُ وَقَالُواْ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِىَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُواْ أَن تِلْكُمُ الْجَنَّهُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ». (6)

«إِنَّ أَصْحَبَ الْجَنَّهِ الْيَوْمَ فِى شُغُلٍ فَكِهُونَ * هُمْ وَ أَزْوَ جُهُمْ فِى ظِلَلٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِئُونَ * لَهُمْ فِيهَا فَكِهَهٌ وَ لَهُم مَّا يَدَّعُونَ * سَلَمٌ قَوْلًا مِّن رَّبٍّ رَّحِيمٍ ». (7)

.

1- .الأحزاب : 44.
2- .إبراهيم : 23.
3- .الحِجْر : 46.
4- .الزمر : 73.
5- .يونس : 9 10.
6- .الأعراف : 43.
7- .يس : 55 58 .

15 / 2 درود بهشت

15 / 2درود بهشتقرآن«درودشان ، در روزی که دیدارش می کنند ، سلام است ، و برای آنان ، پاداشی نیکو آماده کرده است».

«و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند ، وارد بهشت هایی گردیده می شوند که در آنها جویبارها روان است که به اذن پروردگارشان در آن جا جاودانه به سر می برند و درودشان در آن جا سلام است».

«با سلامت و ایمنی ، به آن جا وارد شوید».

«و نگهبانان آن ، به ایشان می گویند : سلام بر شما ! خوش آمدید ! به آن ، جاودانه وارد شوید ».

«کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند ، پروردگارشان به پاس ایمانشان ، آنان را به باغ های پر نعمت که در آنها نهرها روان اند ، هدایت می کند . دعایشان در آن جا «منزّهی تو ، ای خدا !» ، و درودشان در آن جا سلام است و پایان دعایشان ، این است که : «ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است !» ».

«و هر گونه کینه ای را از دل هایشان می زداییم . از زیر پاهایشان ، نهرهایی جاری است و می گویند : «ستایش ، خدایی را که ما را بدین ، ره نمون شد و اگر خدا ما را راه نمایی نمی کرد ، ما خود ، هدایت نمی یافتیم . در حقیقت ، فرستادگان پروردگار ما ، حق را آوردند» . و به آنان ندا داده می شود که : این ، همان بهشتی است که آن را به پاداش آنچه انجام می دادید ، میراث یافته اید».

«در این روز ، اهل بهشت ، کار و باری خوش در پیش دارند . آنها با همسرانشان در زیر سایه ها بر تخت ها تکیه می زنند . در آن جا برای آنها هر گونه میوه و هر چه دلشان بخواهد ، هست . از جانب پروردگاری مهربان ، [به آنان] سلام گفته می شود».

.

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إِذا قالَ العَبدُ : «سُبحانَ اللّهِ» سَبَّحَ مَعَهُ ما دُونَ العَرشِ ، فَيُعطى قائِلُها عَشرَ أمثالِها . وَإِذا قالَ : «الحَمدُ للّهِ» أنعَمَ اللّهُ عَلَيهِ بِنِعَمِ الدُّنيا مَوصُولاً بِنِعَمِ الآخِرَهِ ، وَهِىَ الكَلِمَهُ الَّتِى يَقُولُها أهلُ الجَنَّهِ إِذا دَخَلُوها، وَيَنقَطِعُ الكَلامُ الَّذِى يَقُولُونَهُ فِى الدُّنيا ما خَلا «اَلحَمدُ للّهِ» ، وَذَلِکَ قَولُهُ تَعالى : «دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَنَکَ اللَّهُمَّ وَ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَمٌ وَ ءَاخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِينَ » . (1)

المعجم الكبير عن محمّد بن جعفر بن الزبير:بَينا عُمَرُ بنُ الخَطَّابِ بِالمَدِينَهِ فِى نَفَرٍ مِنَ المُسلِمِينَ يَتَذاكَرُونَ يَومَ بَدرٍ وَما أكرَمَهُمُ اللّهُ بِهِ وَما أراهُم مِن عَدُوِّهِم ، إِذ نَظَرَ إِلى عُمَيرِ بنِ وَهبٍ قَد أناخَ بِبابِ المَسجِدِ مُتَوَشِّحَ السَّيفِ ، فَقالَ : هذا الكَلبُ عَدُوُّ اللّهِ عُمَيرُ بنُ وَهبٍ ما جاءَ إِلّا لِشَرٍّ ، هذا الَّذِى حَرَّشَ بَينَنا وَ حَرَّرَنا (2) لِلقَومِ يَومَ بَدرٍ . ثُمَّ دَخَلَ عُمَرَ عَلى رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَقالَ : يا رَسُولَ اللّهِ ، هذا عَدُوُّ اللّهِ عُمَيرُ بنُ وَهبٍ ، قَد جاءَ مُتَوَشِّحَ السَّيفِ ، قالَ : فَأدخِلهُ فَأقبَلَ عُمَرَ حَتّى أخَذَ بِحمالَهِ سَيفِهِ فِى عُنُقِهِ فَلَبَّبَهُ بِها (3) ، وَقالَ عُمَرُ لِرِجالٍ مِمَّن كانَ مَعَهُ مِنَ الأنصارِ : اُدخُلُوا عَلى رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَاجلِسُوا عِندَهُ ، وَاحذَرُوا هَذا الكَلبَ عَلَيهِ ، فَإِنَّهُ غَيرُ مَأمُونٍ . ثُمَّ دَخَلَ بِهِ عَلى رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله وَعُمَرُ آخِذٌ بِحِمالَهِ سَيفِهِ . فَقالَ : أرسِلهُ يا عُمَرُ . اُدنُ يا عُمَيرُ ، فَدَنا فَقالَ : أنعِمُوا صَباحا وَكانَت تَحِيَّهَ أهلِ الجاهِلِيَّهِ بَينَهُم فَقالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : قَد أكرَمَنا اللّهُ بِتَحِيَّهٍ خَيرٍ مِن تَحِيَّتِکَ يا عُمَيرُ ، اَلسَّلامُ تَحِيَّهُ أهلِ الجَنَّهِ . (4)

.

1- .علل الشرائع : ص 251 ح 8 عن الحسن بن عبد اللّه عن آبائه عن الإمام الحسن عليه السلام ، الأمالى للصدوق : ص 255 ح 279 عن الحسن بن عبد اللّه عن أبيه عن الإمام الحسن عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، الاختصاص : ص 34 عن الحسين بن عبد اللّه عن أبيه عن جدّه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 9 ص 295 ح 5 .
2- .الحَرْرُ : التقدير والخَرصُ ، حَرَرتُ الشىء : قَدَّرتُه (مجمع البحرين : ج 1 ص 396 «حزر») .

3- .لَبَبْتَ الرَّجُلَ: إذا جَعَلْتَ فى عنقه ثوبا أو غيره وجررته به (النهايه : ج 4 ص 223 «لبب»).
4- .المعجم الكبير : ج 17 ص 58 ح 118 ، السيره النبويّه لابن هشام : ج 2 ص 317 ، تاريخ الطبرى : ج 2 ص 473 ، أُسد الغابه : ج 4 ص 288 الرقم 4096 ، شرح نهج البلاغه لابن أبى الحديد : ج 14 ص 154 كلّها نحوه ، كنز العمّال : ج 13 ص 564 ح 37455 ؛ بحار الأنوار : ج 19 ص 326 ح 82 نقلاً عن الكازرونى فى المنتقى وفيه ذيله من «أنعموا صباحا ...».

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه بنده «سبحان اللّه » بگوید ، هر آنچه زیر عرش است ، هم صدا با او تسبیح می گوید و به گوینده اش ، ده برابر پاداش داده می شود ؛ و هر گاه «الحمد للّه » بگوید ، خداوند ، نعمت های دنیا را به او ارزانی می دارد و آنها را به نعمت های آخرت وصل می کند . «الحمد للّه » ، گفته ای است که اهل بهشت ، هر گاه وارد آن شدند ، می گویند و هر گونه سخنی که در دنیا می گویند ، قطع می شود ، بجز «الحمد للّه » و این ، همان سخن خدای بلندمرتبه است که : «دعایشان در آن جا «منزّهی تو ، ای خدا !» ، و درودشان در آن جا سلام است و پایان دعایشان ، این است که : «ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است » .

المعجم الکبیر به نقل از محمّد بن جعفر بن زبیر : عمر بن خطّاب ، در مدینه با گروهی از مسلمانان در باره جنگ بدر و لطف و عنایاتی که خداوند در آن روز به آنان نمود و بلایی که بر سر دشمنشان آورد ، سخن می گفتند که دید عُمَیر بن وَهْب ، در حالی که شمشیری را حمایل بسته است ، شترش را جلوی در مسجد ، خوابانید . عمر بن خطّاب گفت : این سگ ، دشمن خدا ، عمیر بن وهب ، جز برای شر نیامده است ! او همان کسی است که میان ما آشوب افکنْد و در روز بدر ، شمار ما را برای دشمن تخمین زد . عمر ، سپس نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفت و گفت : ای پیامبر خدا ! آن دشمن خدا ، عمیر بن وهب ، با شمشیر حمایل کرده بر گردن ، آمده است . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «او را به داخل بیاور» . عمر رفت و دَوال شمشیر او را از گردنش گرفت و کشان کشان برد و به مردانی از انصار که همراهش بودند ، گفت : شما نزد پیامبر خدا بروید و کنارش بنشینید و مواظب ایشان در برابر این سگ باشید ؛ زیرا به او ، اطمینانی نیست ! آن گاه او را در حالی که دوال شمشیرش را همچنان گرفته بود ، نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برد . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «رهایش کن ، ای عمر ! نزدیک بیا ، عُمَیر !» . عُمَیر ، نزدیک رفت و گفت : روز ، خوش ! (این ، درود مردم جاهلیت به یکدیگر بود) . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «ای عمیر ! خداوند به ما درودی بهتر از این درود تو ، ارزانی داشته است . سلام ، درود بهشتیان است» .

.

تفسير القمّى:كانَ أَصحابُ رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَأتُونَ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَيَسأَلُونَهُ أَن يَسأَلَ اللّهَ لَهُم ، وَكانُوا يَسأَلُونَهُ ما لا يَحِلُّ لَهُم ، فَأَنزَلَ اللّهُ : «وَ يَتَنَجَوْنَ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَ نِ وَ مَعْصِيَتِ الرَّسُولِ» . وَقَولُهُم لَهُ إِذا أَتَوهُ : أَنعِم صَباحا وَأَنعِم مَساءً ؛ وَهِىَ تَحِيَّهُ أَهلِ الجاهِلِيَّهِ ، فَأَنزَلَ اللّهُ : «وَ إِذَا جَاءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ » (1) فَقالَ لَهُم رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : وَقَد أَبدَلَنا اللّهُ بِخَيرٍ مِن ذَلِكَ تَحِيَّهِ أَهلِ الجَنَّهِ : «السَّلامُ عَلَيكُم». (2)

الإمام الباقر عليه السلام :خَطَبَ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عليه السلام فَقالَ : ... جَعَلَ اللّهُ العاقِبَهَ لِلتَّقوى ، وَالجَنَّهَ لِأَهلِها مَأوىً ، دُعاؤُهُم فِيها أَحسَنُ الدُّعاءِ : «سُبحانَكَ اللَّهُمَّ» ، دَعاهُمُ المَولى عَلى ما آتاهُم «وَ ءَاخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِينَ » . (3)

الإمام علىّ عليه السلام فِى ذِكرِ أَحوالِ أَهلِ الجَنَّهِ : يَجِيؤُونَ فَيَدخُلُونَ ، فَإِذا أَساسُ (4) بُيُوتِهِم مِن جَندَلِ (5) اللُّؤلُؤِ ، وَسُرُرٍ مَرفُوعَهٍ وَأَكوابٍ مَوضُوعَهٍ وَنَمارِقَ مَصفُوفَهٍ وَزَرابِىَ مَبثُوثَهٍ ، وَلَولا أَنَّ اللّهَ تَعالى قَدَّرَها لَهُم لَالتَمَعَت أَبصارُهُم بِما يَرَونَ ، وَيُعانِقُونَ الأَزواجَ ، وَيَعقدون عَلَى السُّرُرِ وَيَقُولُونَ : «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى هَدَانَا لِهَذَا» (6) . (7)

.

1- .المجادله : 8 .
2- .تفسير القمّى : ج 2 ص 355 ، بحار الأنوار : ج 17 ص 28 ح 4.
3- .الكافى : ج 8 ص 173 ح 193 عن جابر ، بحار الأنوار : ج 77 ص 350 ح 30.
4- .فى المصدر: «أسلس»، والتصويب من بحار الأنوار .
5- .الجَنْدَل : الحجاره (لسان العرب : ج 11 ص 128 «جندل»).
6- .الأعراف : 43.
7- .مجمع البيان : ج 10 ص 727 عن عاصم بن ضمره ، بحار الأنوار : ج 7 ص 170 ؛ المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 75 ح 51 ، مسند ابن الجعد : ص 374 ح 2569 كلاهما عن عاصم بن ضمره ، تفسير الطبرى : ج 12 الجزء 24 ص 35 عن الحارث وكلّها نحوه ، كنز العمّال : ج 14 ص 646 ح 39774 .

57.المناقب للخوارزمی عن محمّد بن حبیب البغدادی صاحب (فی بَیانِ صِفاتِهِ علیه السلام) تفسیر القمّی :یاران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می آمدند و از ایشان می خواستند که از خداوند برایشان بخواهد و چیزهایی می خواستند که برایشان روا نبود . پس خداوند ، این آیه را فرو فرستاد : «و با همدیگر به گناه و تعدّی و سرپیچی از پیامبر ، محرمانه گفتگو می کنند» .

درود آنان در هنگام ورود بر پیامبر صلی الله علیه و آله ، این بود : روز ، خوش ! شب ، خوش ! و این ، درود اهل جاهلیت بود . پس خداوند ، نازل کرد : «و چون به نزد تو می آیند ، تو را بدانچه خدا به آن [شیوه] درود نگفته ، درود می گویند» . پس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به ایشان فرمود : «خداوند به جای این درود ، درودی بهتر به ما ارزانی داشته است ؛ همان درود اهل بهشت را : سلامٌ علیکم ».56.وقعه صفّین :امام باقر علیه السلام :امیر مؤمنان علیه السلام به سخنرانی پرداخت و فرمود : «... خدا فرجام را از آنِ پرهیزگاری قرار داد و بهشت را خانه پرهیزگاران . دعایشان در آن جا بهترین دعاست : «منزّهی تو ، ای خدا !» . دعایشان در پیشگاه مولاست ، برای آنچه [از نعمت بهشت] به ایشان داده است : «و پایان دعایشان ، این است که : ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است !» » .55.الطبقات الکبری عن رزام بن سعد الضبّی :امام علی علیه السلام در بیان احوال بهشتیان : می آیند و وارد [بهشت] می شوند و خانه های خود را می بینند که پایه های آنها از سنگ مروارید است ، و تخت هایی برپا شده ، و جام هایی نهاده و بالش هایی در کنار هم چیده ، و فرش هایی گسترده شده . [چنان باشُکوه و خیره کننده اند که] اگر نبود این که خداوند بلندمرتبه ، آنها را برایشان مقدّر کرده است ، چشمانشان از آنچه می دیدند ، کور می شد . با همسران معانقه می کنند و بر تخت ها می نشینند و می گویند : «ستایش ، خدای را که ما را به اینها ره نمون شد» . .

54.مقاتل الطالبيّين عن داوود بن عبد الجبّار عن أبى إالإمام عِلىّ عليه السلام :ألا وَ إنَّ التَّقوى مَطايا ذُلُلٍ حُمِلَ عَلَيها أهلُها ، وَأعطُوا أزِمَّتَها ، فَأوردَتهُمُ الجَنَّةَ ، وَفَتَحَت لَهُم أبوابَها ، وَوَجَدُوا رِيحَها وَطِيبَها ، وَقِيلَ لَهُم : اُدخُلُوها بِسَلامٍ آمِنِينَ . (1)53.فضائل الصحابه عن أبى إسحاق :تفسير العيّاشى عن زيد الشّحّام عن الإمام الصّادق عليه السلام ، قال :سَأَلتُهُ عَنِ التَّسبيحِ ، فَقالَ : هُوَ اسمٌ مِن أسماءِ اللّهِ ، وَدَعوى أهلِ الجَنَّهِ . (2)15 / 3أوَّلُ مَن يَدخُلُ الجَنَّهَأ مُحَمَّدٌ وَأهلُ بَيتِهِ عليهم السلام49.الغارات عن قدامه بن عنّاب :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الجَنَّهُ مُحَرَّمَهٌ عَلَى الأنبياءِ حَتَّى أدخُلَها ، وَمُحَرَّمَهٌ عَلَى الأُمَمِ كُلِّها حَتّى تَدخُلَها شِيعَتُنا أهلَ البَيتِ . (3) .

1- .الكافى : ج 8 ص 67 ح 23 ، نهج البلاغه : الخطبه 16 ، خصائص الأئمّه عليهم السلام : ص 114 وفيهما صدره إلى «فأوردتهم الجنّه» ، شرح الأخبار: ج 1 ص 372 ح 316 نحوه ، بحار الأنوار : ج 8 ص 183 ح 145 وراجع : مطالب السؤول : ص 28.
2- .تفسير العيّاشى : ج 2 ص 120 ح 9 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 183 ح 22.
3- .الأمالى للمفيد: ص 74 ح 8 ، الاختصاص : ص 356 كلاهما عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام ، الخصال : ص 574 ح 1 عن مكحول عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، المناقب لابن شهرآشوب : ج 3 ص 229 عن جابر بن عبد اللّه وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 8 ص 143 ح 65 ؛ المعجم الأوسط : ج 1 ص 289 ح 942 عن عمر بن الخطاب نحوه ، كنز العمّال : ج 11 ص 416 ح 31953 .

15 / 3 نخستین کسانی که به بهشت ، وارد می شوند

الف محمّد صلی الله علیه و آله و خاندانش

48.الطبقات الکبری عن إسحاق بن عبد اللّه بن أبی فروهامام علی علیه السلام :بدانید که پرهیزگاری ، [همچون] مرکبی رام است که پرهیزگاران را بر آن نشانده اند و افسارش را به دست آنان داده اند و این مرکب ، آنها را به بهشت می رساند و درهای بهشت را برایشان می گشاید و باد و بوی خوش بهشت ، به مشامشان می خورد و به آنان گفته می شود : به سلامت و ایمنی ، وارد شوید.47.تاج العروس :تفسیر العیّاشی به نقل از زید شحّام : از امام صادق علیه السلام در باره ذکر «تسبیح» پرسیدم . فرمود : «آن ، نامی از نام های خدا ، و دعای اهل بهشت است» .15 / 3نخستین کسانی که به بهشت ، وارد می شوندالف محمّد صلی الله علیه و آله و خاندانش43.الکافی عن علیّ بن أبی حمزه :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشت بر پیامبران ، حرام است تا آن که نخست ، من داخل شوم ، و نیز بر همه امّت ها حرام است تا آن که نخست ، پیروان ما خاندان ، به آن داخل شوند.

.

42.تاريخ دمشق عن أنس بن مالک :عنه صلى الله عليه و آله :إِنِّی لَأَوَّلُ النّاسِ تَنشَقُّ الأَرضُ عَن جُمجُمَتِی یَومَ القِیامَهِ وَلا فَخرَ ، وَأُعطی لِواءَ الحَمدِ وَلا فَخرِ ، وَأَنا سَیِّدُ النّاسِ یَومَ القِیامَهِ وَلا فَخرَ ، وَأَنا أَوَّلُ مَن یَدخُلُ الجَنَّهَ یَومَ القِیامَهِ وَلا فَخرَ . (1)41.تذکره الخواصّ :الإمام علیّ علیه السلام :أَخبَرَنِی رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله أَنَّ أَوَّلَ مَن یَدخُلُ الجَنَّهَ أَنا وَفاطِمَهُ وَالحَسَنُ وَالحُسَینُ . قُلتُ : یا رَسُولَ اللّهِ ، فَمُحِبُّونا؟ قالَ : مِن وَرائِکُم . (2)40.علل الشرائع عن ابن عمر :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :یا عَلِیُ ، إِنَّ أَوَّلَ أَربَعَهٍ یَدخُلُونَ الجَنَّهَ : أَنا وَأَنتَ وَالحَسَنُ وَالحُسَینُ ، وَذُرِّیَّتُنا خَلفَ ظُهُورِنا، وَأَحِبّاؤُنا خَلفَ ذُرِّیَّتِنا ، وَأَشیاعُنا عَن أَیمانِنا وَشَمائِلِنا . (3)39.صحیح البخاری عن أبی حازم :شرح الأخبار عن سلمان :لَمّا انصَرَفَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله مِن غَزوَهِ بَنِی المُصطَلَقِ تَقَدَّمَ فِی مُقَدِّمَهِ النّاسِ ... ثُمَّ قالَ : یَأتِیکُمُ السّاعَهَ مِن هَذِهِ الشِّعبَهِ وَأَشارَ بِیَدِهِ إِلی بَعضِ الشِّعابِ رَجُلٌ أَشبَهُ النّاسِ بِالمَسِیحِ ، وَهُوَ أَفضَلُ النّاسِ بَعدِی یَومَ القِیامَهِ ، وَأَوَّلُ مَن یَدخُلُ الجَنَّهَ . فَجَعَلنا نَنظُرُ إِلی الشِّعبِ ، فَکانَ أَوَّلُ مَن طَلَعَ مِنهُ عَلِیُ بنُ أَبِی طالِبٍ علیه السلام . (4) .

1- .سنن الدارمی : ج 1 ص 31 ح 52 ، مسند أبی یعلی : ج 4 ص 223 ح 4289 ، السنن الکبری للنسائی : ج 4 ص 401 ح 7690 کلاهما نحوه وکلّها عن أنس ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 289 ح 12471 عن عمرو بن أنس ، کنز العمّال : ج 14 ص 404 ح 39089.

2- .المستدرک علی الصحیحین : ج 3 ص 164 ح 4723 عن عاصم بن ضمره ، ذخائر العقبی : ص 214 ، کنز العمّال : ج 12 ص 98 ح 34166 ؛ بشاره المصطفی : ص 46 عن عاصم بن ضمره وفیه «أنا وأنت وفاطمه ...» ، بحار الأنوار : ج 68 ص 127 ح 56 .

3- .الإرشاد : ج 1 ص 43 ، الخصال : ص 254 ح 128 نحوه ، العمده : ص 50 کلّها عن زید بن علیّ عن آبائه عن الإمام علیّ علیهم السلام ، شرح الأخبار: ج 3 ص 450 ح 1319 عن أبی رافع عنه صلى الله عليه و آله ، روضه الواعظین : ص 175 عن الإمام علیّ علیه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 68 ص 32 ح 67 ؛ المعجم الکبیر : ج 1 ص 319 ح 950 وفیه «أزواجنا» بدل «أحبّاؤنا» ، کنز العمّال : ج 12 ص 104 ح 34205 نقلاً عن ابن عساکر وکلاهما عن أبی رافع وراجع : بشاره المصطفی: ص 243.

4- .شرح الأخبار : ج 2 ص 466 ح 819 .

38.صحیح مسلم عن أبی حازم عن سهل بن سعد :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فخرفروشی نباشد ! من ، نخستین انسانی هستم که در روز رستاخیز ، زمین از روی جمجمه ام کنار می رود . فخرفروشی نباشد ! پرچم ستایش (لواءُ الحمد) به من داده می شود . فخرفروشی نباشد ! من ، آقای مردمان در روز رستاخیز هستم . فخرفروشی نباشد ! من ، نخستین کسی هستم که در روز رستاخیز ، وارد بهشت می شوم.37.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (أَنَّهُ کانَ یَقولُ) امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من خبر داد که نخستین کسانی که وارد بهشت می شوند ، من هستم و فاطمه و حسن و حسین .

گفتم : پس دوستداران ما چه ، ای پیامبر خدا؟

فرمود : «پشت سر شما [وارد می شوند] » .36.المعجم الأوسط عن أبی الطفیل :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای علی ! نخستین چهار نفری که وارد بهشت می شوند ، من هستم و تو و حسن و حسین ، و فرزندان ما در پی ما و دوستدارانمان در پی فرزندان ما ، و شیعیانمان از سمت راست و چپ ما [وارد می شوند].35.مسند ابن حنبل عن عمّار بن یاسر :شرح الأخبار به نقل از سلمان : چون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از غزوه بنی مصطلق باز گشت ، پیشاپیشِ پیش قراولان حرکت کرد ... . سپس با دستش یکی از درّه ها را نشان داد و فرمود : «هم اینک از این درّه مردی پیدا می شود که مانندترین مردمان به مسیح است و در روز قیامت ، برترینِ مردمان پس از من است و نخستین کسی است که وارد بهشت می شود» .

ما شروع به نگاه کردن به سوی آن درّه کردیم و نخستین کسی که از آن نمایان شد ، علی بن ابی طالب علیه السلام بود. .

34.الطبقات الكبرى (فى ذِكرِ غَزوَةِ ذِى العُشَيرَةِ) رسول اللّه صلى الله عليه و آله لِعَلِيٍ عليه السلام : أَنتَ أَوَّلُ مَن يَدخُلُ الجَنَّةَ ، وَبِيَدِكَ لِوائِى وَهُوَ لِواءُ الحَمدِ ، وَهُوَ سَبعُونَ شِقَّةً ، الشِّقَّةُ مِنهُ أَوسَعُ مِنَ الشَّمسِ وَالقَمَرِ .

(1)33.عنه عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ عَلِىَ بنَ أَبِى طَالِبٍ لَصاحِبُ لِوائِى فِى الآخِرَةِ كَما كانَ صاحِبَ لِوائِى فِى الدُّنيا ، وَإِنَّهُ أَوَّلُ مَن يَدخُلُ الجَنَّةَ لِأَنَّهُ يَقدُمُنِى وَبِيَدِهِ لِوائِى ، تَحتَهُ آدَمُ وَمَن دُونَهُ مِنَ الأَنبِياءِ .

(2)32.الإمام علىّ عليه السلام :مئه منقبه عن جابر بن عبد اللّه الأنصارىّ :سَمِعتُ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقُولُ : أَوَّلُ مَن يَدخُلُ الجَنَّةَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ عَلِىُ بنُ أَبِيطالِبٍ .

فَقامَ إِلَيهِ أَبُو دُجانَةَ وَقالَ : يا رَسُولَ اللّهِ ، أَلَم تُخبِرنا عَنِ اللّهِ تَعالى أَنَّهُ أَخبَرَكَ أَنَّ الجَنَّةَ مُحَرَّمَةٌ عَلَى الأَنبِياءِ حَتّى تَدخُلَها أَنتَ ، وَعَلَى الأُمَمِ حَتّى تَدخُلَها أُمَّتُكَ ؟ قالَ : بَلى ، وَلَكِن أَما عَلِمتَ أَنَّ حامِلَ لِواءِ القَومِ أَمامَهُم ، وَعَلِىَ بنَ أَبِى طالِبٍ حامِلُ لِواءِ الحَمدِ يَومَ القِيامَهِ بَينَ يَدَىَ ، وَهُوَ صاحِبُ رايَتِى ، فَيَدخُلُ الجَنَّةَ قَبلِى ، فَإِنَّ العَلَمَ مَعَهُ وَأَنا عَلى أَثَرِهِ . (3)31.شرح نهج البلاغه :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أَوَّلُ شَخصٍ يَدخُلُ الجَنَّةَ فاطِمَهُ . (4) .

1- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 304 ح 63 عن إبراهيم بن أبى محمود عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بشاره المصطفى : ص 126 عن إسماعيل بن رزين ابن أخى دعبل الخزاعى عن أبيه عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 8 ص 4 ح 4 وراجع : الخصال : ص 583 ح 7 والأمالى للصدوق : ص 756 ح 1019 و روضه الواعظين : ص 123 .

2- .الأمالى للصدوق : ص 354 ح 432 عن المفضّل بن عمر عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، علل الشرائع : ص 173 ح 1 عن الحسين بن علىّ عن أبيه الإمام زين العابدين عن آبائه عليهم السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 38 ص 99 ح 18.

3- .مئه منقبه : ص 104 ، شرح الأخبار : ج 2 ص 472 ح 829 عن ابن عبّاس ، المناقب لابن شهر آشوب: ج 3 ص 229 ، تفسير فرات : ص 456 ح 597 ، كشف الغمّه : ج 1 ص 321 ، تأويل الآيات الظاهره : ج 2 ص 629 ح 2 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 39 ص 214 ح 5 ؛ المناقب للخوارزمى : ص 317 ح 319 نحوه .

4- .المناقب لابن شهرآشوب : ج 3 ص 329 عن أبى هريره ، بحار الأنوار : ج 37 ص 70 ، الفردوس : ج 1 ص 38 ح 81 بزياده «عَلِىّ» بعد «يدخل» ، الفصول المهمّه : ص 143 كلاهما عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 12 ص 110 ح 34234 نقلاً عن ابن ميمون فى كتاب فضائل علىّ عليه السلام والرافعى عن أبى يزيد المدنى .

30.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام : تو نخستین کسی هستی که وارد بهشت می شود ، در حالی که پرچم من ، یعنی پرچم حمد ، در دست توست . آن پرچم ، هفتاد تکّه دارد و هر تکّه آن بزرگ تر از خورشید و ماه است.29.الإمام علیّ علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :علی بن ابی طالب ، پرچمدار من در آخرت است ، چنان که پرچمدار من در دنیا بوده است . او نخستین کسی است که وارد بهشت می شود ؛ چون پیش قراول و پرچمدار من است و آدم و دیگر پیامبران ، در زیر پرچم او هستند.28.الإمام زین العابدین علیه السلام :مئه منقبه به نقل از جابر بن عبد اللّه انصاری : از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرماید : «نخستین کسی از پیامبران و صدّیقان که وارد بهشت می شود ، علی بن ابی طالب است» .

ابو دُجانه برخاست و گفت : ای پیامبر خدا ! مگر شما از جانب خدای بلندمرتبه ، به ما خبر ندادید که او به شما خبر داد : بهشت بر پیامبران ، حرام است تا آن که نخست ، شما وارد آن شوید ، و بر امّت ها نیز حرام است تا آن که نخست ، امّت شما وارد شوند؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «چرا ؛ امّا مگر نمی دانی که پرچمدار یک گروه ، پیشاپیش آنان است ؟ علی بن ابی طالب ، در روز قیامت ، حمل کننده پرچم حمد در پیشاپیش من است . او علمدار من است . بنا بر این ، پیش از من ، وارد بهشت می شود ؛ زیرا عَلَم با اوست و من در پی او خواهم بود» .27.ینابیع المودّه عن العبّاس بن عبد المطّلب :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نخستین شخصی که وارد بهشت می شود ، فاطمه است. .

26.علل الشرائع عن فاطمه بنت أسد :عنه صلى الله عليه و آله :أَوَّلُ شَخصٍ يَدخُلُ عَلَىَّ الجَنَّهَ فاطِمَهُ بِنتُ مُحَمَّدٍ ، وَمَثَلُها فِى هذِهِ الأُمَّهِ مَثَلُ مَريَمَ فِى بَنِى إِسرائِيلَ . (1)25.ديوان السيّد الحميرى (مِن قَصيدَهٍ لَهُ فى وِلادَهِ أَميرِ المُؤمِنينَ) الإمام الصادق عليه السلام :اللّهُمَّ اجعَل مُحَمَّدا أَوَّلَ قارِعٍ لِبابِ الجَنَّهِ ، وَأَوَّلَ داخِلٍ ، وَأَوَّلَ شافِعٍ ، وَأَوَّلَ مُشَفَّعٍ . (2)ب الحَمَّادُونَ23.الإمام الباقر عن الإمام زين العابدين عليهماالسلامرسول اللّه صلى الله عليه و آله :أَوَّلَ مَن يُدعى إِلَى الجَنَّهِ الحَمّادُونَ ؛ الَّذِينَ يَحمَدُونَ اللّهَ عَلَى السَّرّاءِ وَالضَّرّاءِ . (3)ج اَلشُّهَداءُ21.الإرشاد :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :عَرَضَ عَلَىَ أَوَّلُ ثَلاثَهٍ يَدخُلُونَ الجَنَّهَ : شَهِيدٌ ، وَعَفِيفٌ مُتَعَفِّفٌ ، وَعَبدٌ أَحسَنَ عِبادَهَ اللّهِ وَنَصَحَ لِمَوالِيهِ . (4) .

1- .دلائل النبوّه لأبى نعيم : ص 66 ح 27 ، الفردوس : ج 1 ص 38 ح 81 كلاهما عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 12 ص 110 ح 34234 نقلاً عن أحمد بن ميمون فى كتاب فضائل علىّ عليه السلام والرافعى عن أبى يزيد المدنى ؛ بحار الأنوار : ج 37 ص 70 .

2- .مصباح المتهجّد : ص 393 ح 517 ، جمال الأُسبوع : ص 294 عن مهران ، المصباح للكفعمى : ص 571 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 87 ح 3.

3- .المعجم الكبير : ج 12 ص 15 ح 12345 ، المعجم الأوسط : ج 3 ص 240 ح 3033 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 681 ح 1851 ، شعب الإيمان : ج 4 ص 115 ح 4483 وليس فيهما «الحمّادون» ، حليه الأولياء : ج 5 ص 69 كلّها عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : ج 3 ص 254 ح 6410 ؛ مكارم الأخلاق : ج 2 ص 77 ح 2193 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 215 ح 18.

4- .سنن الترمذى : ج 4 ص 176 ح 1642 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 412 ح 9497 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 544 ح 1429 ، صحيح ابن حبّان : ج 10 ص 151 ح 4312 كلّها عن أبى هريره والثلاثه الأخيره نحوه ، كنز العمّال : ج 15 ص 820 ح 43260 ؛ صحيفه الإمام الرضا عليه السلام : ص 83 ح 8 نحوه ، بحار الأنوار : ج 69 ص 393 ح 75 .

ب ستایشگران

ج شهیدان

20.روضه الواعظین عن جابر بن عبد اللّه الأنصاری :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نخستین شخصی که در بهشت بر من وارد می شود ، فاطمه دخت محمّد است . حکایت او در این امّت ، حکایت مریم در میان بنی اسرائیل است.19.المستدرک علی الصحیحین :امام صادق علیه السلام :بار خدایا ! محمّد را نخستین کوبنده درِ بهشت ، و نخستین داخل شونده ، و نخستین شفاعت کننده ، و نخستین شفاعت شده قرار بده .ب ستایشگران17.الإمام علیّ علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نخستین کسانی که به بهشت فرا خوانده می شوند ، ستایشگران اند ؛ همانان که خداوند را در خوشی و ناخوشی ، ستایش می گویند.ج شهیدان15.المناقب لابن شهر آشوب :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نخستین سه نفری که وارد بهشت می شوند ، به من نمایانده شدند : شهید ، پاک دامن خویشتندار ، و بنده ای که [هم] خداوند را نیکو عبادت کرده و [هم] برای صاحبان خود ، خیرخواه بوده است.

.

د أَهلُ المَعرُوفِ13.إيمان أبى طالب عن الحسن بن جمهور العمى يرفعه :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أَوَّلُ مَن يَدخُلُ الجَنَّةَ المَعرُوفُ وَأَهلُهُ ، وَأَوَّلُ مَن يَرِدُ عَلَىَ الحَوضَ . (1)ه الفُقَراءُ المُهاجِرُونَ11.الفصول المختاره (فى ذِكرِ ما جَرى فى شِعبِ أبى طالِبٍ) صحيح مسلم عن ثوبان مولى النّبىّ صلى الله عليه و آله :كُنتُ قائِما عِندَ رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَجاءَ حِبرٌ (2) مِن أحبارِ اليَهُودِ ... فَقالَ : جِئتُ أسأَلُکَ ! ... فَقالَ : سَل، فَقالَ اليَهُودِىُ : أينَ يَكُونُ النّاسُ يَومَ تُبَدَّلُ الأَرضُ غَيرَ الأَرضِ وَالسَّماواتُ؟ فَقالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : هُم فِى الظُّلمَةِ دُونَ الجِسرِ . قالَ : فَمَن أَوَّلُ النّاسِ إجازَةً؟ قالَ : فُقَراءُ المُهاجِرِينَ . (3)10.إيمان أبى طالب عن ضوء بن صلصال :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ أَوَّلَ ثُلَّةٍ تَدخُلُ الجَنَّةَ الفُقَراءُ المُهاجِرُونَ ، الَّذِينَ تُتَّقى بِهِمُ المَكارِهُ . إذا أُمِرُوا سَمِعُوا وَأَطاعُوا، وَإن كانَت لِرَجُلٍ مِنهُم حاجَةٌ إلَى السُّلطانِ لَم تُقضَ لَهُ حَتّى يَمُوتَ وَهِىَ فِى صَدرِهِ ، وَإنَّ اللّهَ تَعالى يَدعُو يَومَ القِيامَةِ الجَنَّةَ فَتَأتِى بِزُخرُفِها وَرِيِّها فَيَقُولُ : أينَ عِبادِىَ الَّذِينَ قاتَلُوا فِى سَبِيلِ اللّهِ ، وَقُتِلُوا وَأُوذُوا فِى سَبِيلِى ، وَجاهَدُوا فِى سَبِيلِى؟ ! اُدخُلُوا الجَنَّةَ . فَيَدخُلُونَها بِغَيرِ حِسابٍ وَلا عَذابٍ ، فَتَأتِى المَلائِكَةُ فَيَقُولُونَ : رَبَّنا نَحنُ نُسَبِّحُ لَکَ اللَّيلَ وَالنَّهارُ وَنُقَدِّسُ لَکَ ، مَن هَؤُلاءِ الَّذِينَ آثَرتَهُم عَلَينا؟ فَيَقُولُ الرَّبُّ تَبارَکَ وَتَعالى : هؤُلاءِ الَّذِينَ قاتَلُوا فِى سَبِيلِى ، وَأُوذُوا فِى سَبِيلِى .

فَتَدخُلُ عَلَيهِمُ المَلائِكَةُ مِن كُلِّ بابٍ «سَلَمٌ عَلَيْكُم بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ » (4) . (5) .

1- .الكافى : ج 4 ص 28 ح 11 عن عبد اللّه بن الوليد عن الإمام الباقر عليه السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 54 ح 1680 ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 294 ح 913 ، الجعفريّات : ص 152 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله وليس فيه ذيله ، عوالى اللآلى : ج 1 ص 377 ح 110 ؛ كنز العمّال : ج 6 ص 439 ح 16442 نقلاً عن أبى الشيخ فى الثواب نحوه .
2- .حِبْر و حَبْر: العَالِم (لسان العرب : ج 4 ص 157 «حبر»).
3- .صحيح مسلم : ج 1 ص 252 ح 315 ، صحيح ابن حبّان : ج 16 ص 440 ح 7422 ، صحيح ابن خزيمه : ج 1 ص 116 ح 232 ، السنن الكبرى : ج 1 ص 261 ح 798 ، المعجم الكبير : ج 2 ص 93 ح 1414 ، حليه الأولياء : ج 1 ص 351 .

4- .الرعد : 24.
5- .المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 81 ح 2393 ، شعب الإيمان : ج 4 ص 28 ح 4259 ، تفسير الطبرى : ج 3 الجزء 4 ص 216 ، تفسير ابن كثير : ج 4 ص 373 وفى الثلاثه الأخيره «وزينتها» بدل «وريّها» ، الفردوس : ج 1 ص 37 ح 73 وفيه صدره إلى «وهى فى صدره» وكلّها عن عبد اللّه بن عمرو ، كنز العمّال : ج 6 ص 480 ح 16635.

د اهل نیکی

ه تهی دستان مهاجر

د اهل نیکی8.شرح نهج البلاغه :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نخستین کسی که وارد بهشت می شود ، نیکی و اهل آن است و آن ، نخستین کسی است که در کنار حوض بر من وارد می شود .ه تهی دستان مهاجر105.به نقل از معمر بن خلاّد و جماعتی گفتند :صحیح مسلم به نقل از ثوبان ، غلام آزاد شده پیامبر صلی الله علیه و آله : نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ایستاده بودم که یکی از علمای یهود آمد ... و گفت : آمده ام که از تو سؤال کنم ... !

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «سؤال کن» .

یهودی گفت : روزی که زمین و آسمان به زمین و آسمانی دیگر مبدّل می شوند ، مردم در کجایند؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «آنان در تاریکیِ زیر پل [صراط] هستند» .

یهودی گفت : نخستین مردمانی که عبور می کنند ، کیان اند؟

فرمود : «مهاجران تهی دست» .105.حدّثنا علی بن أحمد بن محمّد بن عمران الدقاق رضی اپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نخستین گروهی که وارد بهشت می شوند ، تهی دستانِ مهاجرند ؛ همانان که سپر بلاهایند و هر گاه فرمان داده شوند ، می شنوند و اطاعت می کنند ، و اگر فردی از آنان را به سلطان نیازی افتد ، نیازش برآورده نمی شود تا آن که بمیرد و آن نیاز ، همچنان در سینه او باشد .

در روز قیامت ، خدای بلندمرتبه بهشت را فرا می خواند و بهشت با زیورها و نعمت هایش می آید . خداوند می فرماید : «کجایند آن بندگان من که در راه خدا جنگیدند و در راه من ، کشته شدند و رنج کشیدند ، و در راه من ، جهاد کردند؟ ! به بهشت وارد شوید» و آنان بدون حسابرسی و چشیدن عذابی ، وارد آن می شوند .

پس فرشتگان می آیند و می گویند : پروردگارا ! ما شب و روز ، تو را تسبیح و تقدیس می گوییم . اینان کیستند که بر ما ترجیحشان دادی؟

خداوندِ بزرگ و والا می فرماید : «اینان ، کسانی هستند که در راه من جنگیدند و در راه من ، رنج و آزار دیدند» .

پس ، فرشتگان از هر دری بر ایشان وارد می شوند [و می گویند :] «سلام بر شما که شکیبایی کردید ! پس چه نیکوست فرجام [این] سرای !» .

.

104... . از امام عسكرى عليه السلام شنيدم كه مى فرمودمسند ابن حنبل عن عبد اللّه بن عمرو بن العاصى عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله أَنَّهُ قالَ : هَل تَدرُونَ أَوَّلَ مَن يَدخُلُ الجَنَّةَ مِن خَلقِ اللّهِ؟ قالُوا : اللّهُ وَرَسُولِهِ أَعلَمُ ، قالَ : أَوَّلُ مَن يَدخُلُ الجَنَّةَ مِن خَلقِ اللّهِ الفُقَراءُ وَالمُهاجِرُونَ ، الَّذِينَ تُسَدُّ بِهِمُ الثُّغُورُ ، وَيُتَّقى بِهِمُ المَكارِهُ ، وَيَمُوتُ أَحَدُهُم وَحاجَتُهُ فِى صَدرِهِ لا يَستَطِيعُ لَها قَضاءً. فَيَقُولُ اللّهُ عز و جللِمَن يَشاءُ مِن مَلائِكَتِهِ : اِيتُوهُم فَحَيُّوهُم ، فَتَقُولُ المَلائِكَةُ : نَحنُ سُكّانُ سَمائِكَ وَخِيَرَتُكَ مِن خَلقِكَ ، أَفَتَأمُرُنا أَن نَأتِىَ هؤُلاءِ فَنُسَلِّمَ عَلَيهِم؟ قالَ : إِنَّهُم كانُوا عِبادا يَعبُدُونِّى لا يُشرِكُونَ بِى شَيئا ، وَتُسَدُّ بِهِمُ الثُّغُورُ ، وَيُتَّقى بِهِمُ المَكارِهُ ، وَيَمُوتُ أَحَدُهُم وَحاجَتُهُ فِى صَدرِهِ لا يَستَطِيعُ لَها قَضاءً .

قالَ : فَتَأتِيهِمُ المَلائِكَةُ عِندَ ذلِكَ فَيَدخُلُونَ عَلَيهِم مِن كُلِّ بابٍ : «سَلَمٌ عَلَيْكُم بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ » . (1)و الفُقَراءُ الرّاضُونَ104.حدّثنا على بن أحمد بن محمّد رضى الله عنه قال :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أَوَّلُ مَن يَقرَعُ بابَ الجَنَّةِ مِن أُمَّتِى فُقَراؤُهُم ، وَأَكثَرُ أَهلِ الجَنَّةِ ضُعَفاؤُهُم ، وَأَوَّلُ مَن يُساقُ إِلَى النّارِ مِن أُمَّتِى يَومَ القِيامَةِ : (الأقماعُ) (2) الَّذِينَ إِذا أَكَلُوا لَم يَشبَعُوا ، وَإِذا جَمَعُوا استَغنَوا، إِنَّما هِمَّتُهُمُ الدُّنيا . (3) .

1- .مسند ابن حنبل : ج 2 ص 572 ح 6581 ، صحيح ابن حبّان : ج 16 ص 438 ح 7421 وفيه «سماواتک» بدل «سمائک» ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص 138 ح 352 ، حليه الأولياء : ج 1 ص 347 نحوه ، تفسير ابن كثير : ج 4 ص 373 ، كنز العمّال : ج 6 ص 481 ح 16636.
2- .الأقماع : جمع قِمَع ؛ وهو الإناء الذى يُترک فى رؤوس الظروف لِتُملأ بالمائعات من الأشربه والأدهان. أى كأنّ ما يأكلونه ويجمعونه يمرّ بهم مجتازا غير ثابت فيهم ولا باقٍ عندهم (النهايه : ج 4 ص 109 «قمع»).
3- .الفردوس : ج 1 ص 25 ح 34 عن أنس.

و تهی دستان قانع

94.حدّثنا صالح بن عیسی بن أحمد بن محمّد العجلی قال :مسند ابن حنبل به نقل از عبد اللّه بن عمرو بن عاصی : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «آیا می دانید نخستین کسانی که از خلق خدا وارد بهشت می شوند ، کیستند؟» .

گفتند : خدا و پیامبرش داناترند .

فرمود : «نخستین کسانی که از خلق خدا که وارد بهشت می شوند ، تهی دستان و مهاجران اند ؛ همانان که به واسطه ایشان ، مرزها حمایت ، و بلاها و ناملایمات ، دفع می شوند ، و هر یک از آنها می میرد و حاجتش در سینه اش می ماند و نمی تواند آن را برآورده سازد .

پس ، خدای عز و جل به هر شمار از فرشتگانش که می خواهد ، می فرماید : نزد ایشان بروید و درودشان بگویید .

فرشتگان می گویند : ما ساکنان آسمان تو و برگزیدگان تو از میان آفریدگانت هستیم . آیا به ما دستور می دهی که نزد آنان برویم و سلامشان کنیم؟

خداوند می فرماید : آنان ، بندگانی بودند که مرا می پرستیدند و هیچ چیزی را شریک من نمی گردانیدند . به واسطه آنها مرزها نگهداری ، و بلاها و ناملایمات ، دفع می شدند ، و هر یک از آنها می مُرد و حاجتش را همچنان در سینه اش داشت و نمی توانست آن را برآورده سازد .

در این هنگام ، فرشتگان ، نزد ایشان می روند و از هر دری بر آنان وارد می شوند [و می گویند :] «سلام بر شما که شکیبایی کردید ! پس چه نیکوست فرجام [این]سرای !» .و تهی دستان قانع93.حدّثنا علی بن أحمد بن موسی الدقّاق رضی الله عنه قپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نخستین گروه از امّتم که درِ بهشت را می زنند ، تهی دستانِ آنان اند و بیشترین اهل بهشت را مستضعفان آنان ، تشکیل می دهند ، و نخستین گروه از امّت من که در روز قیامت به سوی دوزخ رانده می شوند ، قیف

صفتان اند ؛ (1) همانان که هر چه می خورند ، سیر نمی شوند و هر چه گرد می آورند ، بی نیاز نمی شوند . تمام همّ و غم ایشان ، دنیاست.

.

1- .یعنی مانند قیف اند و چیزی را در خود نگه نمی دارند ؛ بلکه به داخل ظرف ، رد می کنند . اینان هر چه می خورند و جمع می کنند ، گویی از آنها عبور می کند و در آنان نمی ماند و اشباعشان نمی کند .

92.ابو خالد كابلى گويد :الزّهد لابن المبارک عن سعيد بن المسيّب :جاءَ رَجُلٌ إلَى رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَقالَ : ... مَن أوَّلُ النّاسِ يَدخُلُ الجَنَّةَ؟ قالَ : الفُقَراءُ يَسبِقُونَ النّاسَ إلَى الجَنَّةِ ، فَيَخرُجُ إلَيهِم مِنها مَلائِكَةٌ فَيَقُولُونَ : اِرجِعُوا إلَى الحِسابِ ، فَيَقُولُونَ : عَلى ما نُحاسَبُ؟ ! وَاللّهِ ما أُفِيضَت عَلَينا مِنَ الأَموالِ فِى الدُّنيا فَنَقبِضَ فِيها وَنَبسُطَ ، وَما كُنّا أُمَراءَ نَعدِلُ وَنَجُورُ . (1)92.حدّثنا على بن عبدالله الورّاق قال :تنبيه الخواطر :فِى الوَحيِ القَدِيمِ : هَل تَدرُونَ أوَّلَ مَن يَدخُلُ الجَنَّةَ؟ اَلفُقَراءُ الرّاضُونَ . (2)ز المُؤَذِّنُونَ90.عبدالعظيم حسنى از حضرت جواد عليه السلام و او از آأخبار مكّه للفاكهى عن جابر بن عبد اللّه :سُئِلَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : مَن أوَّلُ مَن يَدخُلُ الجَنَّةَ؟ قالَ صلى الله عليه و آله : الأَنبِياءُ ، وَالشُّهَداءُ ، وَالمُؤَذِّنُونَ ؛ مُؤَذِّنُو الكَعبَةِ ، وَمُؤَذِّنُو بَيتِ المَقدِسِ ، وَمُؤَذِّنُو مَسجِدِى ، ثُمَّ سائِرُ النّاسِ عَلى قَدرِ أعمالِهِم. (3)ح التّاجِرُ الصَّدُوقُ90.حدّثنا محمّد بن أحمد الشيبانى رضى الله عنه قال :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أوَّلُ مَن يَدخُلُ الجَنَّةَ التّاجِرُ الصَّدُوقُ . (4) .

1- .الزهد لابن المبارک (الملحقات): ص 80 ح 283 ، حليه الأولياء : ج 8 ص 143 وراجع : مكارم الأخلاق : ج 2 ص 369 ح 2661 وعدّه الداعى : ص 105 وأعلام الدين : ص 195 .
2- .تنبيه الخواطر : ج 2 ص 115.
3- .أخبار مكّه للفاكهى : ج 2 ص 134 ح 1305 ، شعب الإيمان : ج 3 ص 121 ح 3064 نحوه ، كنز العمّال : ج 7 ص 689 ح 20937 .
4- .المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 361 ح 311 عن أبى ذرّ ، كنز العمّال : ج 4 ص 11 ح 9245.

ز مؤذّنان

ح بازرگان راستگو

89.علی بن هاشم از پدرش از حضرت باقر علیه السلام روایالزهد ، ابن مبارک به نقل از سعید بن مسیّب : مردی نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ... نخستین مردمانی که به بهشت وارد می شوند ، چه کسانی هستند؟

فرمود : «تهی دستان ، از دیگر مردمان ، به سوی بهشت ، سبقت می گیرند . پس فرشتگان از بهشت ، بیرون می آیند و می گویند : برای حسابرسی برگردید .

آنان می گویند : برای چه چیزی ، حسابرسی شویم؟! به خدا سوگند که از مال دنیا چیزی به ما داده نشد تا جمع و خرج کنیم و فرمان روا هم نبودیم تا دادگری و بیدادگری کرده باشیم » .88.سلیمان بن حفص مروزی گوید :تنبیه الخواطر :در وحی دیرین ، آمده است که : آیا می دانید نخستین کسانی که وارد بهشت می شوند ، کیان اند؟ تهی دستان راضی.ز مؤذّنان89.الحسین بن علی العلوی ، عن سهل بن جمهور ، عن عبدالأخبار مکّه ، فاکهی به نقل از جابر بن عبد اللّه : از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسیده شد : چه کسی پیش از همه ، وارد بهشت می شود؟

فرمود : «پیامبران ، شهیدان ، مؤذّنان : مؤذّنان کعبه ، مؤذّنان بیت المقدّس و مؤذّنان مسجد من . سپس دیگر مردمان بر حسب اعمالشان» .ح بازرگان راستگو87.عن عبدالعظیم ابن عبداللّه قال :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نخستین کسی که وارد بهشت می شود ، بازرگان راستگوست.

.

ط العَبدُ الأَسوَدُ85.عبدالعظيم حسنى از حضرت جواد عليه السلام روايت كردرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إِنَّ أَوَّلَ النّاسِ يَدخُلُ الجَنَّةَ يَومَ القِيامَهِ العَبدُ الأَسوَدُ . (1)15 / 4صِفَهُ أَوَّلِ زُمرَهٍ يَدخُلُونَ الجَنَّهَ72.محمد بن يعقوب كلينى از برخى كسان از عبدالعظيم بنرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إِنَّ أَوَّلَ زُمرَهٍ يَدخُلُونَ الجَنَّهَ يَومَ القِيامَهِ عَلى مِثلِ ضَوءِ القَمَرِ لَيلَهَ البَدرِ ، وَالزُّمرَهُ الثّانِيهُ عَلى مِثلِ أَحسَنِ كَوكَبٍ دُرِّيٍ فِى السَّماءِ ، لِكُلِّ رَجُلٍ مِنهُم زَوجَتانِ ، عَلى كُلِّ زَوجَهٍ سَبعُونَ حُلَّهً ، يُرى مُخُّ ساقِها مِن وَرائِها . (2)71.عبدالعظيم حسنى گويد :سنن الدارمى عن أبى هريره :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إِنَّ أَوَّلَ زُمرَهٍ يَدخُلُونَ الجَنَّهَ مِن أُمَّتِى عَلى صُورَهِ القَمَرِ لَيلَهَ البَدرِ ، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُم عَلى أَحسَنِ كَوكَبٍ إِضاءَهً فِى السَّماءِ .

فَقامَ عُكاشَهُ فَقالَ : يا رَسُولَ اللّهِ ، اُدعُ اللّهَ أَن يَجعَلَنِى مِنهُم . فَقالَ : اَللَّهُمَّ اجعَلهُ مِنهُم . ثُمَّ قامَ رَجُلٌ آخَرُ فَقالَ : يا رَسُولَ اللّهِ ، اُدعُ اللّهَ أَن يَجعَلَنِى مِنهُم . فَقالَ : سَبَقَکَ بِها عُكاشَهُ . (3) .

1- .تفسير الطبرى : ج 11 الجزء 19 ص 14 ، تفسير ابن كثير : ج 6 ص 120 ، البدايه والنهايه : ج 1 ص 228 ، الدرّ المنثور : ج 6 ص 257 نقلاً عن ابن إسحاق وكلّها عن محمّد بن كعب القرظى .
2- .سنن الترمذى : ج 4 ص 677 ح 2535 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 78 ح 64 كلاهما عن أبى سعيد الخدرى ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 8 ح 7155 ، صحيح ابن حبّان : ج 16 ص 436 ح 7420 كلاهما عن أبى هريره نحوه ، كنز العمّال : ج 14 ص 471 ح 39302 وراجع : صحيح البخارى : ج 3 ص 1186 ح 3074 و سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1449 ح 4333 .
3- .سنن الدارمى : ج 2 ص 790 ح 2719 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 570 ح 10529 ، المستدرک على الصحيحين : ج 3 ص 253 ح 5010 ، كنز العمّال : ج 14 ص 487 ح 39370.

ط برده سیاه

15 / 4 ویژگی نخستین گروه وارد شونده به بهشت

ط برده سیاه72.حدّثنا محمّد بن یعقوب الکلینی ، عن بعض رجاله ، عنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نخستین انسانی که در روز قیامت وارد بهشت می شود ، برده سیاه است .15 / 4ویژگی نخستین گروه وارد شونده به بهشت70.حدّثنا علی بن أحمد بن عمران الدقّاق رضی الله عنهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نخستین گروهی که در روز قیامت ، وارد بهشت می شوند ، نور چهره هایشان همچون نور ماه شب چهارده است ، و گروه دوم ، مانند زیباترین ستاره درخشان در آسمان اند . هر مردی از ایشان دو همسر دارد و بر هر همسری ، هفتاد جامه پوشیده است که مغز ساق او از پشت آنها دیده می شود.69.عبدالعظیم حسنی گفت :سنن الدارمی به نقل از ابو هریره : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «نخستین گروه از امّت من که وارد بهشت می شوند ، مانند ماه شب چهارده می درخشند ، و کسانی که پس از آنان وارد می شوند ، چونان درخشان ترین اختر آسمان اند» .

عُکاشه برخاست و گفت : ای پیامبر خدا ! دعا کن که خداوند ، مرا از ایشان قرار دهد .

فرمود : «بار خدایا ! او را از ایشان قرار ده» .

مرد دیگری برخاست و گفت : ای پیامبر ! دعا کن که خداوند ، مرا نیز از ایشان قرار دهد .

فرمود : «عُکاشه در آن ، از تو سبقت گرفت» .

.

15 / 5مَن يَدخُلُ الجَنَّةَ بِغَيرِ حِسابٍ51.جابر از حضرت صادق عليه السلام روايت كرده كه آن جنرسولَ اللّه صلى الله عليه و آله :إذا كانَ يَومُ القِيامَهِ جَمَعَ اللّهُ الخَلائِقَ فِي صَعِيدٍ (1) واحِدٍ، وَيُنادِى مُنادٍ مِن عِندِ اللّهِ ، يُسمِعُ آخِرَهُم كَما يُسمِعُ أَوَّلَهم ، يَقُولُ : أَينَ أَهلُ الصَّبرِ؟ فَيَقُومُ عُنُقٌ مِنَ النّاسِ ، فَتَستَقبِلُهُم زُمرَهٌ مِنَ المَلائِكَهِ ، فَيَقُولُونَ لَهُم : ما كانَ صَبرُكُم هذا الَّذِى صَبَرتُم؟ فَيَقُولُونَ : صَبَّرنا أَنفُسَنا عَلى طاعَهِ اللّهِ ، وَصَبَّرناها عَن مَعصِيَهِ اللّهِ . قالَ : فَيُنادِى مُنادٍ مِن عِندِ اللّهِ : صَدَقَ عِبادِى ، خَلُّوا سَبِيلَهُم لِيَدخُلُوا الجَنَّهَ بِغَيرِ حِسابٍ .

قالَ : ثُمَّ يُنادِى مُنادٍ آخَرَ ، يُسمِعُ آخِرَهُم كَما يُسمِعُ أَوَّلَهُم ، فَيَقُولُ : أَينَ أَهلُ الفَضلِ؟ فَيَقُومُ عُنُقٌ مِنَ النّاسِ ، فَتَستَقبِلُهُم زُمرَهٌ مِنَ المَلائِكَهِ ، فَيَقُولُونَ : ما فَضلُكُم هذا الَّذِى نُودِيتُم بِهِ؟ فَيَقُولُونَ : كُنّا يُجهَلُ عَلَينا فِى الدُّنيا فَنَحتَمِلُ، وَيُسِاءُ إِلَينا فَنَعفُو. قالَ : فَيُنادِى مُنادٍ مِن عِندِ اللّهِ تَعالى : صَدَقَ عِبادِى ، خَلُّوا سَبِيلَهُم لِيَدخُلُوا الجَنَّهَ بِغَيرِ حِسابٍ .

قالَ : ثُمَّ يُنادِى مُنادٍ مِن عِندِ اللّهِ عز و جل ، يُسمِعُ آخِرَهُم كَما يُسمِعُ أَوَّلَهُم ، فَيَقُولُ : أَينَ جِيرانُ اللّهِ جَلَّ جَلالُهُ فِى دارِهِ؟ فَيَقُومُ عُنُقٌ مِنَ النّاسِ ، فَتَستَقبِلُهُم زُمرَهٌ مِنَ المَلائِكَهِ ، فَيَقُولُونَ لَهُم : ماذا كانَ عَمَلُكُم فِى دارِ الدُّنيا فَصِرتُم بِهِ اليَومَ جِيرانَ اللّهِ تَعالى فِى دارِهِ؟ فَيَقُولُونَ : كُنّا نَتَحابُّ فِى اللّهِ عز و جل وَنَتَبالَذُ فِى اللّهِ ، وَنَتَوازَرُ فِى اللّهِ ، فَيُنادِى مُنادٍ مِن عِندِ اللّهِ : صَدَقَ عِبادِى ، خَلُّوا سَبِيلَهُم لِيَنطَلِقُوا إِلى جِوارِ اللّهِ فِى الجَنَّهِ بِغَيرِ حِسابٍ . قالَ: فَيَنطَلِقُونَ إِلَى الجَنَّهِ بِغَيرِ حِسابٍ . (2)راجع : ص 594 (الفصل السادس عشر : درجات الجنّه / اصناف درجات الجنه) .

.

1- .الصَّعِيدُ : المَوضِعُ العريض الواسع (لسان العرب : ج 3 ص 255 «صعد»).

2- .الأمالى للطوسى : ص 103 ح 158 عن أبى حمزه الثمالى عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج 74 ص 393 ح 14 و راجع : دعائم الإسلام : ج 2 ص 325 والبدايه والنهايه : ج 9 ص 114.

15 / 5 کسانی که بدون حسابرسی ، به بهشت می روند

15 / 5کسانی که بدون حسابرسی ، به بهشت می روند38.ابراهیم بن ابی محمود گوید :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چون روز قیامت شود ، خداوند ، خلایق را در فلاتی پهناور گرد می آورد و آواز دهنده ای از جانب خدا با صدایی که همگان ، یکسان آن را می شنوند ، بانگ می زند که : اهل شکیبایی ، کجایند؟

پس ، شماری از مردم بر می خیزند . گروهی از فرشتگان ، جلو آنان را می گیرند و می گویند : این ، شکیبایی ای که شما نشان داده اید ، چه بوده است؟

آنان می گویند : ما خویشتن را بر طاعت خدا و خودداری از معصیت او ، به شکیبایی وا داشتیم .

در این هنگام ، آواز دهنده ای از جانب خدا بانگ می زند که : «بندگانم ، راست می گویند . راه را بر آنان بگشایید تا بدون حسابرسی ، وارد بهشت شوند».

سپس آواز دهنده دیگری از جانب خدا با صدایی که همگان ، یکسان آن را می شنوند ، بانگ می زند که : اهل بزرگواری ، کجایند ؟

پس ، شماری از مردم بر می خیزند . گروهی از فرشتگان ، راه را بر ایشان می گیرند و می گویند : این بزرگواریِ شما که در باره آن بانگ زده شدید ، چه بوده است؟

می گویند : ما در دنیا چنان بودیم که هر گاه به ما نادانی و اهانتی می شد ، تحمّل می کردیم و هر گاه به ما بدی می شد ، گذشت می کردیم .

در این هنگام ، آواز دهنده ای از جانب خدای بلندمرتبه ، بانگ می زند که : «بندگانم راست می گویند . راه را بر آنان بگشایید تا بدون حسابرسی ، وارد بهشت شوند» .

باز ، آواز دهنده ای از جانب خدای عز و جل با صدایی که همگان آن را یکسان می شنوند ، بانگ می زند که : همسایگان خانه خداوند بزرگ ، کجایند ؟

پس ، شماری از مردم بر می خیزند . گروهی از فرشتگان ، راه را بر ایشان می گیرند و می گویند : عمل شما در سرای دنیا چه بوده که به سبب آن ، امروز ، همسایگان خانه خدای بلندمرتبه شده اید؟

آنان می گویند : ما برای خداوند عز و جل ، یکدیگر را دوست می داشتیم ، برای خدا به یکدیگر بخشش می کردیم ، و برای خدا به همدیگر کمک می نمودیم .

در این هنگام ، آواز دهنده ای از جانب خدا بانگ می زند که : «بندگانم راست می گویند . راه را بر آنان بگشایید تا بدون حسابرسی ، به همسایگی خدا در بهشت روند» و آنان بدون حسابرسی ، به بهشت می روند.ر . ک : ص 595 (فصل شانزدهم : درجات بهشت / انواع درجات بهشت) .

.

15 / 6مَن يَدخُلُ الجَنَّةَ سِرّا21.امام باقر عليه السلام درباره قول خداى عزّ وجل :الإمام الصادق عليه السلام :إذا كانَ يَومُ القِيامَهِ نَظَرَ رِضوانُ خازِنُ الجِنانِ إلى قَومٍ لَم يَمُرُّوا بِهِ ، فَيَقُولُ : مَن أنتُم؟ وَمِن أينَ دَخَلتُم؟ يَقُولُونَ : إيّاكَ عَنّا ، فَإنّا قَومٌ عَبَدَنا اللّهَ سِرّا فَأدخَلَنا اللّهُ الجَنَّهَ سِرّا. (1)15 / 7آخِرُ مَن يَدخُلُ الجَنَّهَ مِنَ الأنبِياءِ18.حضرت باقر عليه السلام درباره آيه شريفه {Q} « وَأرسول اللّه صلى اللّه عليه و آله :يَدخُلُ سُلَيمانُ الجَنَّهَ بَعدَ دُخُولِ الأنبِياءِ بِأربَعِينَ عاما ؛ لِلسَّبَبِ الَّذِي أعطاهُ اللّهُ عز و جل . (2)21.أحمد بن مهران ، عن عبدالعظيم ابن عبداللّه الحسنيالإمام الصادق عليه السلام :آخِرُ مَن يَدخُلُ الجَنَّهَ مِنَ النَّبِيِّينَ سُلَيمانُ بنُ داوُودَ عليه السلام ؛ وَذَلِكَ لِما أُعطِيَ فِي الدُّنيا . (3)15 / 8ما رُوىَ فى آخِرِ مَن يَدخُلُ الجَنَّهَ مِنَ النَّاسِ (4)17.يحيى بن سالم از حضرت صادق عليه السلام روايت كردهصحيح مسلم عن عبد اللّه بن مسعود :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إنِّى لَأعلَمُ آخِرَ أهلِ النّارِ خُرُوجا مِنها ، وَآخِرَ أهلِ الجَنَّهِ دُخُولاً الجَنَّهَ ؛ رَجُلٌ يَخرُجُ مِنِ النّارِ حَبوا (5) ، فَيَقُولُ اللّهُ تَبارَكَ وَتَعالَى لَهُ : اِذهَب فَادخُلِ الجَنَّهَ ، فَيَأتِيها فَيُخَيَّلُ إلَيهِ أنَّها مَلأى ، فَيَرجِعُ فَيَقُولُ : يا رَبِّ وَجَدتُها مَلأى ! فَيَقُولُ اللّهُ تَبارَكَ وَتَعالَى لَهُ : اِذهَب فَادخُلِ الجَنَّهِ . قالَ : فَيَأتِيها فَيُخَيَّلُ إلَيهِ أنَّها مَلأى . فَيَرجِعُ فَيَقُولُ : يا رَبِّ وَجَدتُها مَلأى ! فَيَقُولُ اللّهُ لَهُ : اذهَب فَادخُلِ الجَنَّهَ ، فَإنَّ لَكَ مِثلَ الدُّنيا وَعَشرَهَ أمثالِها أو : إنَّ لَكَ عَشرَهَ أمثالِ الدُّنيا قالَ : فَيَقُولُ : أتَسخَرُ بِى (أو : أتَضحَكُ بِى) 6 وَأنتَ المَلِكُ؟

قالَ : لَقَد رَأَيتُ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله ضَحِكَ حَتّى بَدَت نَواجِذُهُ . (6) .

1- .فلاح السائل : ص 92 ح 27 عن صفوان الجمّال ، بحار الأنوار : ج 75 ص 411 ح 60 .
2- .الفردوس : ج 5 ص 507 ح 8908 و ص 508 ح 8914 كلاهما عن أنس.
3- .مستطرفات السرائر : ص 41 ح 7 عن زراره ، التمحيص : ص 49 ح 80 عن عبد اللّه بن سنان ، بحار الأنوار : ج 14 ص 74 ح 16.
4- .جدير بالذكر أن هذه الروايات و ان وردت فى المصادر المعتبره لأهل السنه إلّا أنّها فى نظرنا ضعيفه سندا و متنا و تستحق التأمل .
5- .الحَبْو : أن يمشى على يديه وركبتيه أو استه (النهايه : ج 1 ص 336 «حبا»).

6- .صحيح مسلم : ج 1 ص 173 ح 308 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1452 ح 4339 ، مسند ابن حنبل : ج 2 ص 185 ح 4391 نحوه ، صحيح ابن حبّان : ج 16 ص 517 ح 7475 ، مسند أبى يعلى : ج 5 ص 75 ح 5117 ، كنز العمّال : ج 14 ص 504 ح 39422 وراجع : صحيح البخارى : ج 6 ص 2728 ح 7073 والمعجم الكبير : ج 10 ص 165 ح 10339 والمصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 78 ح 63 .

15 / 6 کسانی که پنهانی ، وارد بهشت می شوند

15 / 7 آخرین پیامبری که وارد بهشت می شود

15 / 8 احادیثی در باره آخرین کس از مردم که وارد بهشت می شود

15 / 6کسانی که پنهانی ، وارد بهشت می شوند18.أحمد بن مهران ، عن عبدالعظیم ابن عبداللّه الحسنیامام صادق علیه السلام :چون روز قیامت شود ، رضوان ، نگهبان باغ های بهشت ، شماری را می بیند که از برابر او نگذشته اند . می گوید : شما کیستید؟ و از کجا آمده اید؟

می گویند : با ما کاری نداشته باش . ما گروهی هستیم که خدا را نهانی عبادت کردیم و خدا هم ما را نهانی به بهشت در آوْرد .15 / 7آخرین پیامبری که وارد بهشت می شود15.وبهذا الإسناد عن عبدالعظیم ابن عبداللّه الحسنی قاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سلیمان ، چهل سال بعد از ورود پیامبران ، وارد بهشت می شود و این به سبب سلطنتی است که خداوند عز و جل [در دنیا] به او عطا کرد.14.ابراهیم بن ابی محمود گوید :امام صادق علیه السلام :آخرین کس از پیامبران که وارد بهشت می شود ، سلیمان بن داوود است و این ، به سبب چیزی است که در دنیا به او داده شد.15 / 8احادیثی در باره آخرین کس از مردم که وارد بهشت می شود (1)14.حدّثنا محمّد بن أحمد السنانی قال :صحیح مسلم به نقل از عبد اللّه بن مسعود : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «من می دانم آخرین دوزخی ای که از دوزخ ، بیرون می آید و آخرین بهشتی ای که وارد بهشت می شود ، چه کسی است : مردی که چهار دست و پا از آتش بیرون می رود . پس خدای بزرگ و والا ، به او می فرماید : برو و وارد بهشت شو .

او خود را به بهشت می رساند ؛ امّا به نظرش می رسد که پُر است . از این رو ، باز می گردد و می گوید : پروردگارا ! بهشت ، پُر بود !

خدای بزرگ و والا ، به او می فرماید : برو و وارد بهشت شو .

او می رود و باز بهشت به نظرش پُر می آید . دوباره بر می گردد و می گوید : پروردگارا ! بهشت ، پُر بود !

خدا به او می فرماید : برو و وارد بهشت شو . برای تو به اندازه دنیا و بلکه ده برابر آن ، جا هست یا : برای تو ده برابر دنیا ، جا هست .

او می گوید : مرا دست می اندازی یا مرا ریشخند می کنی ، در حالی که تو پادشاهی؟ !» .

دیدم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چنان خندید که دندان های آسیایش نمایان شد .

.

1- .گفتنی است این احادیث ، در مصادر اهل سنّت آمده اند ، ولی از نظر ما سند و متن آنها بسیار ضعیف و قابل تأمّل است .

13.حدّثنا محمّد بن أحمد الشيبانى رضى الله عنه قال :صحيح مسلم عن أبى ذرّ :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إِنّى لَأعلَمُ آخِرَ أهلِ الجَنَّهِ دُخُولاً الجَنَّهَ وَآخِرَ أهلِ النّارِ خُرُوجا مِنها ؛ رَجُلٌ يُؤتى بِهِ يَومَ القِيامَهِ فَيُقالُ : اعرِضُوا عَلَيهِ صِغارَ ذُنُوبِهِ وَارفَعُوا عَنهُ كِبارَها ، فَتُعرَضُ عَلَيهِ صِغارُ ذُنُوبِهِ ، فَيُقالُ : عَمِلتَ يَومَ كَذا وَكَذا ، كَذا وَكَذا ، وَعَمِلتَ يَومَ كَذا وَكَذا ، كَذا وَكَذا .

فَيَقُولُ : نَعَم . لا يَستَطِيعُ أَن يُنكِرَ ، وَهُوَ مُشفِقٌ مِن كِبارِ ذُنُوبِهِ أَن تُعرَضَ عَلَيهِ .

فَيُقالُ لَهُ : فَإِنَّ لَکَ مَکانَ کُلِّ سَيِّئَهٍ حَسَنَهً .

فَيَقُولُ : رَبِّ ! قَد عَمِلتُ أَشياءَ لا أَراها ها هُنا !!

فَلَقَد رَأَيتُ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله ضَحِکَ حَتّى بَدَت نَواجِذُهُ . (1) .

1- .صحيح مسلم : ج 1 ص 177 ح 314 ، سنن الترمذى : ج 4 ص 713 ح 2596 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 115 ح 21548 ، صحيح ابن حبّان : ج 16 ص 375 ح 7375 كلّها نحوه ، السنن الكبرى : ج 10 ص 320 ح 20772 وراجع : عوالى اللآلى : ج 1 ص 124 ح 56 .

12.أحمد بن مهران ، عن عبدالعظيم ابن عبداللّه ، عن محصحيح مسلم به نقل از ابو ذر : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «من آخرین بهشتی ای را که وارد بهشت می شود و آخرین دوزخی ای را که از دوزخ خارج می شود ، می دانم کیست ؟ مردی است که در روز قیامت ، او را می آورند و گفته می شود : گناهان کوچکش را به او نشان دهید و گناهان بزرگش را از وی پنهان دارید .

پس گناهان کوچکش به او نشان داده می شوند و گفته می شود : تو در روز فلان و بهمان ، چنین و چنان کردی و در روز فلان و بهمان ، چنین و چنان کردی .

او می گوید : بله . و نمی تواند انکار کند. او بیمناک است که گناهان بزرگش بر او عرضه شوند ؛ امّا به او گفته می شود : اینک به جای هر یک گناه ، یک ثواب داده می شوی.

او می گوید : پروردگارا ! من کارهایی [زشت] کرده ام که آنها را در این جا نمی بینم !» .

دیدم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چنان خندید که دندان های آسیایش نمایان شد . .

11.مالک جهنی گفت :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :آخِرُ مَن یَدخُلُ الجَنَّهَ رَجُلٌ ، فَهُوَ یَمشِی مَرَّهً وَیَکبُو مَرَّهً وَتَسفَعُهُ (1) النّارُ مَرَّهً ، فَإذا ما جاوَزَها التَفَتَ إلَیها ، فَقالَ : تَبارَکَ الَّذِی نَجّانِی مِنکِ ، لَقَد أعطانِیَ اللّهُ شَیئا ما أعطاهُ أحدا مِنَ الأوَّلِینَ وَالآخِرِینَ .فَتُرفَعُ لَهُ شَجَرَهٌ ، فَیَقُولُ : أی رَبِّ ! أدنِنِی مِن هذِهِ الشَّجَرَهِ فَلِأستَظِلَّ بِظِلِّها وَأشرَبَ مِن مائِها ، فَیَقُولُ اللّهُ عز و جل : یابنَ آدَمَ !لَعَلّی إن أعطَیتُکَها سَألتَنِی غَیرَها؟ فَیَقُولُ : لا یا رَبِّ ! وَیُعاهِدُهُ أن لا یَسألَهُ غَیرَها ، وَرَبُّهُ یُعذِرُهُ لِأنَّهُ یَری ما لا صَبرَ لَهُ عَلَیهِ ، فَیُدنِیهِ مِنها، فَیَستَظِلُّ بِظِلِّها وَیَشرَبُ مِن مائِها .

ثُمَّ تُرفَعُ لَهُ شَجَرَهٌ هِیَ أحسَنُ مِنَ الأُولی ، فَیَقُولُ : أی رَبِّ ! أدنِنِی مِن هذِهِ لِأشرَبَ مِن مائِها وَأستَظِلَّ بِظِلِّها، لا أسألُکَ غَیرَها ، فَیَقُولُ : یَابنَ آدَمَ ! أَلَم تُعاهِدنِی أن لا تَسألَنِی غَیرَها؟ فَیَقُولُ : لَعَلّی إن أدنَیتُکَ مِنها تَسألُنِی غَیرَها؟ فَیُعاهِدُهُ أن لا یَسألَهُ غَیرَها ، وَرَبُّهُ یُعذِرُهُ لِأنَّهُ یَری ما لا صَبرَ لَهُ عَلَیهِ ، فَیُدنِیهِ مِنها ، فَیَستَظِلُّ بِظِلِّها وَیَشرَبُ مِن مائِها .

ثُمَّ تُرفَعُ لَهُ شَجَرَهٌ عِندَ بابِ الجَنَّهِ هِیَ أحسَنُ مِنَ الأُولَیَینِ ، فَیَقُولُ : أی رَبِّ ! أدنِنِی مِن هذِهِ لِأستَظِلَّ بِظِلِّها وَأشرَبَ مِن مائِها ، لا أسألُکَ غَیرَها ، فَیَقُولُ : یَابنَ آدَمَ ! أَلَم تُعاهِدنِی أن لا تَسألِنی غَیرَها؟ قالَ : بَلی یا رَبِّ ! هذِهِ لا أسألُکَ غَیرَها ، وَرَبُّهُ یُعذِرُهُ لِأنَّهُ یَری ما لا صَبرَ لَهُ عَلَیها ، فَیُدنِیهِ مِنها .

فَإذا أدناهُ مِنها، فَیَسمَعُ أصواتَ أهلِ الجَنَّهِ ، فَیَقُولُ : أی رَبِّ ! أدخِلنِیها ، فَیَقُولُ : یَابنَ آدَمَ ! ما یَصرِینِی مِنکَ (2) ؟ أیُرضِیکَ أن أعطِیَکَ الدُّنیا وَمِثلَها مَعَها؟ قالَ : یا رَبِّ ! أتَستَهزِئُ مِنّی وَأنتَ رَبُّ العالَمِینَ؟ ! (3) .

1- .سَفَعَتْه النار : لَفَحته لفحا یسیرا فغیّرت لون بشرته وسوّدته (لسان العرب : ج 8 ص 157 «سفع»).
2- .ما یَصرینی منک : أی ما یَقطعُ مَسْألَتک ویمنعک من سؤالی (النهایه : ج 3 ص 27 «صرا»).
3- .صحیح مسلم : ج 1 ص 174 ح 310 ، مسند ابن حنبل : ج 2 ص 81 ح 3899 ، المعجم الکبیر : ج 15 ص 9 ح 9775 کلاهما نحوه وکلّها عن عبد اللّه بن مسعود ، کنز العمّال : ج 14 ص 500 ح 39418.

10.ابو بصیر گوید :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آخرین کسی که وارد بهشت می شود ، مردی است که افتان و خیزان می رود و گاه ، آتش بر چهره او می زند و آن را سیاه می کند ، و چون از آن گذشت ، به طرف آن ، نگاهی می اندازد و می گوید : بزرگ است آن که مرا از تو (آتش دوزخ) رهانید ! خدا چیزی به من داد که به هیچ یک از اوّلین و آخرینِ انسان ها نداده است .

در این هنگام ، درختی در نظرش ظاهر می شود . می گوید : پروردگارا ! مرا به آن درخت ، نزدیک گردان تا در سایه آن ، آرام گیرم و از آبش بنوشم.

خداوند عز و جل می فرماید : «ای پسر آدم ! اگر خواسته ات را بر آورم ، چیز دیگری از من درخواست نمی کنی؟» .

می گوید : نه ، ای پروردگار ! و قول می دهد که درخواست دیگری از او نکند ؛ امّا پروردگارش او را معذور می دارد ؛ چون چیز دیگری را می بیند که [دلش آن را می خواهد و]در برابرش یارای شکیبایی ندارد . پس خداوند ، او را به آن درخت ، نزدیک می گرداند و او در سایه اش می آرمد و از آبش می نوشد.

در این هنگام ، درختی زیباتر از درخت اوّلی در نظرش ظاهر می شود . او می گوید : پروردگارا ! مرا به این درخت ، نزدیک گردان تا از آب آن بنوشم و در سایه اش بیارمم . جز این هم چیز دیگری از تو نخواهم خواست .

خداوند می فرماید : «ای پسر آدم ! مگر به من قول ندادی که درخواست دیگری از من ننمایی؟» و سپس می فرماید : «اگر تو را نزدیکش بردم ، درخواست دیگری از من نخواهی کرد؟» .

او عهد می بندد که درخواست دیگری نکند ؛ امّا باز پروردگارش او را معذور می دارد ؛ زیرا چیزی را می بیند که در برابرش طاقت شکیبایی ندارد . پس خداوند ، او را به آن درخت ، نزدیک می گرداند و او در سایه اش می آرمد و از آبش می نوشد .

دیگر بار ، درختی زیباتر از آن دو درخت قبلی ، جلو درِ بهشت در نظرش ظاهر می شود و او می گوید : پروردگارا ! مرا به این درخت نزدیک گردان تا در سایه اش بیارمم و از آب آن بنوشم . جز این هم چیز دیگری از تو نخواهم خواست .

خدا می فرماید : «ای پسر آدم ! مگر به من وعده ندادی که چیز دیگری از من نخواهی؟».

می گوید : آری ، پروردگارا ! این [را می خواهم] و جز این، درخواستی نخواهم کرد .

پروردگارش او را معذور می دارد ؛ زیرا وی چیزی را می بیند که در برابرش ، توان

شکیبایی ندارد . پس خداوند ، او را به آن درخت ، نزدیک می گرداند . پس چون او را به آن نزدیک ساخت ، وی صدای بهشتیان را می شنود . او می گوید : پروردگارا ! مرا داخل آن (بهشت) گردان .

خدا می فرماید : «ای پسر آدم ! چه چیزی خواسته تو را از من تمام می کند؟ دنیا و مانند آن را به تو بدهم ، راضی ات می کند؟» .

او می گوید : پروردگارا ! مرا مسخره می کنی ، در حالی که تو پروردگار جهانیانی؟ ! .

9.مالک جهنی گوید :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :حَدَّثَنِی جَبرَئِیلُ وَهُوَ یَتَبَسَّمُ ، قالَ : آخِرُ مَن یَدخُلُ الجَنَّهَ یُقالُ لَهُ : مُرَّ عَلَی الصِّراطِ، فَتَزِلُّ قَدَمُهُ وَیَتَعَلَّقُ بِالأُخری ، وَتَزِلُّ رُکبَتُهُ وَیَتَعَلَّقُ بِالأُخری ، وَتَزِلُّ یَدُهُ وَیَتَعَلَّقُ بِالأُخری ، وَالنّارُ تَرمِیهِ بِشَرَرِها وَتَلدَغُهُ بِلَهَبِها ، کُلَّما أصابَهُ شَیءٌ مِنها ضَرَبَ بِیَدَیهِ عَلَیهِ وَقالَ : اخسَأ، حَتّی یَخرُجَ مِنها بِرَحمَهِ اللّهِ عز و جل . (1)11.أحمد ، عن عبدالعظیم ، عن ابن اُذینه ، عن مالک الجعنه صلی الله علیه و آله :آخِرُ مَن یَدخُلُ الجَنَّهَ رَجُلٌ مِن جُهَینَهَ ، فَیَقُولُ أهلُ الجَنَّهِ : عِندَ جُهَینَهَ الخَبَرُ الیَقِینُ ، سَلُوهُ ، هَل بَقِیَ مِنَ الخَلائِقِ أحَدٌ یُعَذَّبُ؟ فَیَقُولُ : لا. (2)10.أحمد بن مهران ، عن عبدالعظیم الحسنی ، عن علی بن أتنبیه الغافلین عن عبد اللّه بن مسعود :یَمُرُّ رَجُلٌ، وَهُوَ آخِرُ أهلِ الجَنَّهِ دُخُولاً ، فَإذا جازَ الصِّراطَ رُفِعَ لَه بابٌ مِنَ الجَنَّهِ ، فَلا یَدرِی أیَهُ فِی الجَنَّهِ مَقعَدٌ! فَإذا نَظَرَ إلَیها قالَ : رَبِّ أنزِلنِی هاهُنا ، فَیَقُولُ لَهُ : فَلَعَلَّکَ إن أنزَلتُکَ هُنا تَسأَلُنِی غَیرَهُ؟ فَیَقُولُ : لا وَعِزَّتِکَ ! فَیُنزِلُهُ .

ثُمَّ یُرفَعُ لَهُ فِی الجَنَّهِ مَنازِلُ ، فَیَتَحاقَرُ إلَیهِ ما أُعطِیَ مِمّا یَری ، فَیَقُولُ : رَبِّ أنزِلنِی هُناکَ ، فَیَقُولُ : فَلَعَلَّکَ إن أنزَلتُکَ هاهُنا أن تَسأَلَنِی غَیرَهُ؟ فَیَقُولُ : لا وَعِزَّتِکَ ! فَیُنزِلُهُ .

ثُمَّ یُرفَعُ لَهُ فِی الجَنَّهِ حَتّی الرّابِعَهِ ، فَإذا کانَتِ الرّابِعَهُ ، رُفِعَ لَهُ ، فَیَتَحاقَرُ إلَیهِ کُلَّ شَیءٍ أعطِیَ ، فَیَسکُتُ ، فَلا یَسأَلُ شَیئا، فَیَقُولُ لَهُ : ألا تَسأَلُ؟ فَیَقُولُ : سَألتُ حَتّی استَحیَیتُ ! فَیَقُولُ اللّهُ تَعالی : لَکَ مِثلُ الدُّنیا وَعَشرَهُ أمثالِها . فَهذا أوضَعُ أهلِ الجَنَّهِ مَنزِلاً .

قالَ عَبدُ اللّهِ بنُ مَسعُودٍ : کانَ النَّبِیُ صلی الله علیه و آله لا یَتَحَدَّثُ بِذَلِکَ إلّا ضَحِکَ حَتّی بَدَت نَواجِذُهُ . (3) .

1- .جامع الأحادیث للقمّی : ص 254 عن أنس.
2- .کنز العمّال : ج 14 ص 509 ح 39433 و ص 507 ح 39430 کلاهما نقلاً عن الخطیب ، فتح الباری : ج 11 ص 459 کلّها عن ابن عمرو وفی الأخیرین صدره إلی «الخبر الیقین» .
3- .تنبیه الغافلین : ص 83 ح 71.

8.امام باقر علیه السلام فرمود :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جبرئیل ، تبسّم کنان به من گفت : به آخرین کسی که وارد بهشت می شود ، گفته می شود : از صراط بگذر . پس ، یک پایش می لغزد و به پای دیگرش می آویزد . یک زانویش می لغزد و به زانوی دیگرش می آویزد ، و یک دستش می لغزد و به دست دیگرش می آویزد ، و آتش با شراره های خود بر او می زند و با شعله هایش او را می گزد . هر گاه چیزی از آتش به او می خورد ، با دستش بر آن می زند و می گوید : «دور شو» تا آن که به لطف و رحمت خداوند عز و جل ، از آن بیرون می رود.7.عبدالعظیم حسنی از امام جواد علیه السلام نقل می کنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آخرین کسی که وارد بهشت می شود ، مردی از جُهَینه است . پس اهل بهشت می گویند : «خبر یقینی ، نزد جُهَینه است . از او بپرسید که : آیا از خلایق ، کسی مانده است که عذاب شود؟» و او می گوید : نه.6.زید شحّام گوید :تنبیه الغافلین به نقل از عبد اللّه بن مسعود : [پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود :]مردی که آخرین وارد شونده به بهشت است ، عبور می کند . از صراط که گذشت ، دری از بهشت برای او بالا می رود ، و او نمی داند که آیا در بهشت برایش جای نشستن هست یا نه ! چشمش که به بهشت می افتد ، می گوید : پروردگارا ! مرا در همین جا منزل ده . خدا به او می فرماید : «اگر تو را در این جا جای دهم ، شاید جز آن را از من بخواهی !» . او می گوید : نه ، به عزّتت سوگند !

پس خداوند ، او را در آن بهشت ، منزل می دهد. آن گاه ، منزل های دیگر در بهشت برایش نمایان می شود ، و آنچه به او داده شده است ، در برابر آنچه می بیند ، به نظرش حقیر می آید . می گوید : پروردگارا ! مرا در آن جا منزل ده .

خدا می فرماید : «اگر تو را در آن جا منزل دهم ، شاید که جز آنها را از من درخواست کنی !» . او می گوید : نه ، به عزّتت سوگند !

و خداوند ، او را در آن جا منزل می دهد. سپس منزل های دیگری در بهشت برایش نمایان می شوند ، تا مرتبه چهارم . در مرتبه چهارم که برایش نمایان می شوند ، همه آنچه به او داده شده است ، در نظرش حقیر می آید ؛ امّا سکوت می کند و چیزی درخواست نمی کند . خداوند به او می فرماید : «چرا درخواست نمی کنی؟» .

می گوید : چندان درخواست کردم که دیگر خجالت می کشم !

خداوند بزرگ می فرماید : «به اندازه دنیا و ده برابر آن ، از آنِ تو باد» .

این است وضع دون پایه ترینِ اهل بهشت.

پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه این مطلب را می فرمود ، می خندید ، چندان که دندان های آسیایش نمایان می شد . .

9.أحمد بن مهران ، عن عبدالعظيم ابن عبداللّه الحسنيعنه صلى الله عليه و آله :إِذا خلصَ المُؤمِنُونَ مِنَ النّارِ ، حُبِسُوا بِقَنطَرَةٍ بَينَ الجَنَّةِ وَالنّارِ ، فَيُتَقاصُّونَ مَظالِمَ كانَت بَينَهُم فِى الدُّنيا ، حَتّى إِذا نُقّوا وَهُذِّبُوا ، أُذِنَ لَهُم بِدُخُولِ الجَنَّةِ ، فَوَالَّذِى نَفسُ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله بِيَدِهِ ، لَأَحَدُهُم بِمَسكَنِهِ فِى الجَنَّةِ أَدَلُّ بِمَنزِلِهِ كانَ فِى الدُّنيا . (1)8.أحمد بن مهران، عن عبدالعظيم ، عن بكار ، عن جابر ،المعجم الكبير عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إِنَّ آخِرَ رَجُلٍ يَدخُلُ الجَنَّةَ رَجُلٌ يَتَقَلَّبُ عَلَى الصِّراطِ ظَهرا لِبَطنٍ ، كَالغُلامِ يَضرِبُهُ أَبُوهُ وَهُوَ يَفِرُّ مِنهُ يَعجِزُ عَنهُ عَمَلُهُ أَن يَسعى ، فَيَقُولُ : يا رَبِّ بَلِّغ بِىَ الجَنَّةَ وَنَجِّنِى مِنَ النّارِ !

فَيُوحِى اللّهُ تَعالَى إِلَيهِ : عَبدِى ، إِن أَنا نَجَّيتُکَ مِنَ النّارِ وَأَدخَلتُکَ الجَنَّةَ أَتَعتَرِفُ لِى بِذُنُوبِکَ وَخَطاياکَ؟ فَيَقُولُ العَبدُ : نَعَم يا رَبِّ ، وَعِزَّتِکَ وَجَلالِکَ لَئِن نَجَّيتَنِى مِنَ النّارِ لَأَعتَرِفَنَّ لَکَ بِذُنُوبِى وَخَطايايَ ! فَيَجُوزُ الجِسرَ ، وَيَقُولُ العَبدُ فِيما بَينَهُ وَبَينَ نَفسِهِ : لَئِن اعتَرَفتُ لَهُ بِذُنُوبِى وَخَطايايَ لَيَرُدَّنِى إِلَى النّارِ .

فَيُوحِى اللّهُ إِلَيهِ : عَبدِى اِعتَرِف لِى بِذُنُوبِکَ وَخَطاياکَ أَغفِرْها لَکَ وَأُدخِلْکَ الجَنَّةَ ، فَيَقُولُ العَبدُ : لا وَعِزَّتِکَ ، ما أَذنَبتُ ذَنبا قَطُّ وَلا أَخطَأتُ خَطِيئةً قَطُّ !

فَيُوحِى اللّهُ إِلَيهِ : عَبدِى إِنَّ لِى عَلَيکَ بَيِّنَةً، فَيَلتَفِتُ العَبدُ يَمِينا وَشِمالاً فَلا يَرى أَحَدا، فَيَقُولُ : يا رَبِّ أَرِنِى بَيِّنَتَکَ؟ فَيَستَنطِقُ اللّهُ جِلدَهُ بِالمُحَقَّراتِ ، فَإِذا رَأَى ذَلِکَ العَبدُ يَقُولُ : يا رَبِّ عِندِى وَعِزَّتِکَ العَظائِمُ المُضمَراتُ .

فَيُوحِى اللّهُ عز و جل إِلَيهِ : عَبدِى أَنا أَعرَفُ بِها مِنکَ ، اعتَرِف لِى بِها أَغفِرْها لَکَ وَأُدخِلْکَ الجَنَّةَ ، فَيَعتَرِفُ العَبدُ بِذُنُوبِهِ فَيَدخُلُ الجَنَّةَ . ثمَّ ضَحِکَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله حَتّى بَدَت نَواجِذُهُ ، يَقُولُ : «هذا أَدنى أَهلِ الجَنَّةِ مَنزِلَةً ، فَکَيفَ بِالَّذِى فَوقَهُ؟ !». (2) .

1- .صحيح البخارى : ج 2 ص 861 ح 2308 ، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 385 ح 3349 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 126 ح 11603 نحوه وكلّها عن أبى سعيد الخدرى .
2- .المعجم الكبير : ج 8 ص 158 ح 7669 عن أبى أُمامه ، كنز العمّال : ج 14 ص 507 ح 39431.

7.حدّثنا محمّد بن موسی قال :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آن گاه که مؤمنان از دوزخ خلاص می شوند ، آنان را بر پلی میان بهشت و دوزخ نگه می دارند و تقاص ستم هایی را که به یکدیگر کرده اند ، از هم می ستانند و چون پاک و پیراسته شدند ، به آنان اجازه ورود به بهشت داده می شود . سوگند به آن که جان محمّد در دست اوست ، هر یک از آنان به منزلی که در بهشت دارد ، بیش از منزلی که در دنیا داشته است ، می نازد.5.حسین بن میاح از کسی نقل می کند که گفت :المعجم الکبیر :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «آخرین مردی که وارد بهشت می شود ، مردی است که بر صراط به پشت و رو غلْت می خورد ، همانند پسربچّه ای که پدرش او را می زند و او از وی می گریزد ، و اعمالش نمی گذارد که بدَوَد . پس می گوید : پروردگارا ! مرا به بهشت برسان و از آتش ، نجاتم بخش !

خدای بلندمرتبه به او وحی می کند که : ای بنده ام ! اگر تو را از آتش برَهانم و وارد بهشت نمایم ، در برابرم به گناهان و لغزش هایت اعتراف می کنی ؟

بنده می گوید : بله ، ای خداوند ! به عزّت و جلالت ، سوگند که اگر مرا از آتش برَهانی ، در برابرت به گناهان و لغزش هایم اعتراف می کنم .

پس ، از پل می گذرد . او با خودش می گوید : اگر به گناهان و لغزش هایم اعتراف کنم ، مرا به آتش باز می گرداند.

پس خداوند به او وحی می کند که : بنده ام ! به گناهان و خطاهایت اعتراف کن تا آنها را بر تو ببخشایم و تو را وارد بهشت نمایم .

بنده می گوید : نه ، به عزّتت سوگند ! من هرگز گناهی نکرده ام و هیچ خطایی از من سر نزده است .

خداوند به او وحی می فرماید که : بنده من ! من بر ضدّ تو شاهد دارم .

بنده به راست و چپش می نگرد و کسی را نمی بیند . می گوید : پروردگارا ! شاهدت را به من نشان بده .

خداوند ، پوست او را به سخن در می آورد و پوستش از گناهان کوچک او می گوید . بنده چون این را می بیند ، می گوید : ای پروردگار ! به عزّتت سوگند که گناهان بزرگِ پوشیده ای دارم !

خداوند عز و جل به او وحی می فرماید که : بنده ام ! من از خودت به آنها آگاه ترم . به آنها اعتراف کن تا آنها را بر تو ببخشایم و تو را به بهشت ببرم .

پس ، بنده به گناهانش اعتراف می کند و وارد بهشت می شود» .

در این هنگام ، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خندید ، چنان که دندان های آسیایش نمایان شد و فرمود : «این است وضع کم منزلت ترین فرد اهل بهشت . حال ، چگونه است وضع آن که بالاتر از او است؟ !» . .

15 / 9خُلُودُ أَهلِ الجَنَّهالكتاب«وَ سِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْاْ رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّهِ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاءُوهَا وَ فُتِحَتْ أَبْوَبُهَا وَ قَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَمٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَلِدِينَ * وَ قَالُواْ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَ أَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّهِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَمِلِينَ ». (1)

«إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ الصَّلِحَتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا * خَلِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا ». (2)

«يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُم بِرَحْمَهٍ مِّنْهُ وَرِضْوَ نٍ وَجَنَّتٍ لَّهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ * خَلِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِندَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ». (3)

الحديث2.أحمد بن مهران ، عن عبدالعظيم بن عبداللّه الحسنى ،رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لَو قِيلَ لِأَهلِ النّارِ : إِنَّكُم ماكِثُونَ فِى النّارِ عَدَدَ كُلِّ حَصاهٍ فِى الدُّنيا لَفَرِحُوا بِها ، وَلَو قِيلَ لِأَهلِ الجَنَّهِ : إِنَّكُم ماكِثُونَ فِى الجَنَّهِ عَدَدَ كُلِّ حَصاهٍ فِى الدُّنيا لَحَزِنُوا ، وَلَكِن جُعِلَ لَهُم الأَبَدُ . (4) .

1- .الزمر : 73 74.
2- .الكهف : 107 108.
3- .التوبه : 21 22.
4- .المعجم الكبير : ج 10 ص 180 ح 10384 ، حليه الأولياء : ج 4 ص 168 كلاهما عن عبد اللّه بن مسعود ، كنز العمّال : ج 14 ص 532 ح 39530 ؛ الأمالى للشجرى : ج 2 ص 307 عن عبد اللّه بن مسعود.

15 / 9 جاودانگی بهشتیان

15 / 9جاودانگی بهشتیانقرآن«و کسانی که از پروردگارشان پروا داشته اند، گروه گروه به سوی بهشت ، سوق داده می شوند ، تا بِدان رسند و درهای آن ، گشوده گردد و نگهبانان آن ، به ایشان سلام گویند : «سلام بر شما ! خوش آمدید ! به آن ، جاودانه وارد شوید» و [ایشان]گویند : ستایش ، خدایی را که وعده اش را بر ما راست گردانید و سرزمین [بهشت] را به ما میراث داد . از هر جای آن باغ که بخواهیم ، جای بر می گزینیم . چه نیک است پاداش عمل کنندگان ! ».

«کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند ، باغ های فردوس ، جایگاه پذیرایی آنان است . جاودانه در آن خواهند بود و در آن جا درخواست انتقال نمی کنند».

«پروردگارشان آنان را از جانب خود ، به رحمت و خشنودی و باغ هایی که در آنها نعمت هایی پایدار دارند ، مژده می دهد . جاودانه در آنها خواهند بود . در حقیقت ، خداست که نزد او پاداشی بزرگ است».

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر به اهل دوزخ گفته شود : شما به شمار ریگ های دنیا در آتش خواهید ماند ، از آن خوش حال می شوند ، و اگر به اهل بهشت گفته شود : شما به شمار ریگ های دنیا در بهشت ، ماندگار خواهید بود ، اندوهگین می شوند ؛ امّا جاودانگی برای آنها رقم خورده است.

.

عنه صلى الله عليه و آله :إِذا دَخَلَ أَهلُ الجَنَّهِ الجَنَّهَ وَأَهلُ النّارِ النّارَ ، قالَ اللّهُ تَعالى : يا أَهلَ الجَنَّهِ ، كَم لَبِثتُم فِى الأَرضِ عَدَدَ سِنِينَ؟ قالُوا : لَبِثنا يَوما أَو بَعضَ يَومٍ . قالَ : نِعْمَ ما اتَّجَرتُم فِى يَومٍ أَو بَعضِ يَومٍ ، رَحمَتِى وَرِضوانِى وَجَنَّتِى ، اُمكُثُوا فِيها خالِدِينَ مُخَلَّدِينَ . ثُمَّ يَقُولُ لِأَهلِ النّارِ : كَم لَبِثتُم فِى الأَرضِ عَدَدَ سِنِينَ؟ قالُوا : لَبِثنا يَوما أَو بَعضَ يَومٍ . فَيَقُولُ : بِئسَ ما اتَّجَرتُم فِى يَومٍ أَو بَعضِ يَومٍ سَخَطِى وَمَعصِيَتِى وَنارِى اُمكُثُوا فِيها خالِدِينَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :كُلُّ نَعِيمٍ زائِلٌ إِلّا نَعِيمَ أَهلِ الجَنَّهِ ، وَكُلُّ هَمٍّ مُنقَطِعٌ إِلّا هُمَّ أَهلِ النّارِ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام :لِكُلِّ شَىءٍ مِنَ الآخِرَهِ خُلُودٌ وَبَقاءٌ . (3)

عنه عليه السلام :اَلدُّنيا أَمَدٌ (4) ، الآخِرَهُ أَبَدٌ . (5)

.

1- .حليه الأولياء : ج 5 ص 132 الرقم 312 ، تفسير ابن كثير: ج 5 ص 493 ، اُسد الغابه : ج 1 ص 344 الرقم 350 كلّها عن أيفع بن عبد الكلاعى ، كنز العمّال : ج 14 ص 485 ح 39363.
2- .كنز العمّال : ج 14 ص 473 ح 39314 نقلاً عن ابن لآل و ج 15 ص 799 ح 43170 نقلاً عن ابن أبى الدنيا وابن عساكر كلاهما عن أنس و ج 6 ص 597 ح 17047 نقلاً عن النرسى فى قضاء الحوائج عن ابن عمر عن الإمام علىّ عليه السلام .
3- .غرر الحكم: ح 7298 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 402 ح 6783 .
4- .الأَمَدُ : نهايه البُلوغِ (مجمع البحرين : ج 1 ص 68 «أمد») .
5- .غرر الحكم : ح 4.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آن گاه که بهشتیان به بهشت و دوزخیان به دوزخ وارد می شوند ، خدای متعال می فرماید : «ای اهل بهشت ! شما در زمین [دنیا] ، چند سال درنگ داشتید؟» . می گویند : یک روز یا پاره ای از روز ، درنگ داشتیم. خدا می فرماید : «چه خوب تجارتی کردید در یک روز یا پاره ای از روز ! رحمت و خشنودی و بهشت را کسب کردید . جاویدان و ابدی ، در آن بمانید» . سپس به اهل دوزخ می فرماید : «شما چند سال در زمین ، درنگ کردید؟» . می گویند : یک روز یا پاره ای از روز ، درنگ داشتیم. خدا می فرماید : «چه بد تجارتی کردید در یک روز یا پاره ای از روز ! خشم و نافرمانی و آتش مرا کسب کردید . جاودانه در آن بمانید» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر نعمتی زایل شدنی است ، مگر نعمت اهل بهشت ، و هر اندوهی به سر آمدنی است ، جز اندوه اهل دوزخ.

امام علی علیه السلام :هر چیز آخرت ، جاویدان و ماندنی است.

امام علی علیه السلام :دنیا موقّت است . آخرت ، ابدی است.

.

عنه عليه السلام :وَفدُ الجَنَّهِ أَبَدا مُنَعَّمونَ . (1)

عنه عليه السلام :وارِدُ الجَنَّهِ مُخَلَّدُ النَّعماءِ . (2)

عنه عليه السلام فِى قَولِهِ تَعالى : «وَ سِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْاْ رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّهِ زُمَرًا» (3) : قَد أُمِنَ العَذابُ ، وَانقَطَعَ العِتابُ ، وَزُحزِحُوا عَنِ النّارِ ، وَاطمَأَنَّت بِهِمُ الدّارُ ، وَرَضُوا المَثوى وَالقَرارَ . الَّذِينَ كانَت أَعمالُهُم فِى الدُّنيا زاكِيَهً ، وَأَعيُنُهُم باكِيَهً ، وَكانَ لَيلُهُم فِى دُنياهُم نَهارا ؛ تَخَشُّعا وَاستِغفارا، وَكانَ نَهارُهُم لَيلاً ؛ تَوَحُّشا وَانقِطاعا، فَجَعَلَ اللّهُ لَهُمُ الجَنَّهَ مَآبا ، وَالجَزاءَ ثَوابا، وَكانُوا أَحَقَّ بِها وَأَهلَها ، فِى مُلكٍ دائِمٍ ، وَنَعِيمٍ قائِمٍ . (4)

عنه عليه السلام فى وَصف أهل الجَنَّه : ثُمَّ انتَهَوا إلى خَزَنَهِ الجَنَّهِ ، فَقالُوا : «سَلَمٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَلِدِينَ » (5) . ثُمَّ تَلَقَّاهُمُ الوِلْدانُ يَطُوفُونَ بِهِم كَما يُطِيفُ أَهل الدُّنيا بِالحَمِيمِ (6) ، فَيَقُولُونَ : أَبشِر بِما أَعَدَّ اللّهُ لَکَ مِنَ الكَرامَهِ . ثُمَّ يَنطِقُ غُلامٌ مِن أُولئِکَ الوِلدانِ إلى بَعضِ أَزواجِهِ مِنَ الحُورِ العِينِ ، فَيَقُولُ : قَد جاءَ فُلانٌ بِاسمِهِ الَّذِى يُدعى بِهِ فِى الدُّنيا فَتَقُولُ : أَنتَ رَأَيتَهُ؟ فَيَقُولُ : أَنَا رَأَيتُهُ ، فَيَستَخِفُّها الفَرَحُ حَتّى تَقُومَ عَلى أَسكُفَّهِ (7) بابِها . فَإِذا انتَهى إلى مَنزِلِهِ نَظَرَ شَيئا مِن أَساسِ بُنيانِهِ فَإِذا جَندَلُ اللُّؤلُوَ?فَوقَهُ أَخضَرُ وَأَصفَرُ وَأَحمَرُ مِن كُلِّ لَونٍ . ثُمَّ رَفَعَ رَأسَهُ فَنَظَرَ إلى سَقفِهِ فَإِذا مِثلُ البَرقِ ، وَلَولا أَنَّ اللّهَ تَعالى قَدَّرَ أَنَّهُ لا أَلَمَ لَذَهَبَ بِبَصَرِهِ . ثُمَّ طَأطَأَ بِرَأسِهِ فَنَظَرَ إلى أَزواجِهِ «وَ أَكْوَابٌ مَّوْضُوعَهٌ * وَ نَمَارِقُ مَصْفُوفَهٌ * وَ زَرَابِىُّ مَبْثُوثَهٌ » (8) ، فَنَظَرَ إلى تِلکَ النِّعمَهِ ، ثُمَّ اتَّکَأَ عَلى أَرِيکَهٍ مِن أَرِيکَتِهِ ، ثُمَّ قالَ : «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِىَ لَوْلَآ أَنْ هَدَانَا اللَّهُ ...» . (9) ثُمَّ يُنادِى مُنادٍ : تَحيَونَ وَلا تَمُوتُونَ أَبَدا ، وَتُقِيمُونَ فَلا تَظعَنُونَ أَبَدا ، وَتَصِحُّونَ فَلا تَمرَضُونَ أَبَدا . (10)

.

1- .غرر الحكم : ح 10113 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 505 ح 9268.
2- .غرر الحكم : ح 10115 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 505 ح 9270.
3- .الزمر: 73.
4- .نهج البلاغه : الخطبه 190 ، بحار الأنوار : ج 7 ص 207 ح 95.
5- .الزمر : 73.

6- .الحَمِيْم : القَريب المُشْفِق (مفردات ألفاظ القرآن : ص 255 «حمم»).
7- .الاسكفه : عَتَبَةُ الباب التى يُوطأ عليها (لسان العرب : ج 9 ص 156 «سكف»).
8- .الغاشيه : 14 16.
9- .الأعراف : 43.
10- .الدرّ المنثور : ج 7 ص 263 نقلاً عن ابن المبارک فى الزهد وعبد الرزّاق وابن أبى شيبه وابن راهويه وعبد بن حميد وابن أبى الدنيا فى صفه الجنّه والبيهقى فى البعث والضياء فى المختاره ، تفسير ابن كثير : ج 7 ص 114 ، تفسير ابن أبى حاتم : ج 10 ص 3262 ح 18413 كلاهما عن عاصم بن ضمره نحوه .

امام علی علیه السلام :وارد شوندگان به بهشت ، تا ابد در نعمت اند.

امام علی علیه السلام :وارد شونده به بهشت ، از نعمت های جاویدان ، برخوردار است.

امام علی علیه السلام در باره این سخن خدای متعال : «و کسانی که از پروردگارشان پروا داشته اند ، گروه گروه به سوی بهشت ، سوق داده می شوند» : نه عذابی در کار است و نه عتابی . از آتش ، دور داشته شده اند و در سرای بهشت ، آرام گرفته اند و به این خانه و کاشانه خرسندند . اینان ، کسانی هستند که کردارهایشان در دنیا ، پاک و چشمانشان گریان بوده و شب هایشان از خاکساری نمودن و آمرزشی خواهی [در پیشگاه خدا] ، روز بوده و روزهایشان از تنهایی و بریدن [از خلق] ، شب بوده است . از این روی ، خداوند ، بهشت را کاشانه آنان و جزای اعمالشان را پاداش [خود] ، قرار داد و بدینها سزاوارترین بودند و شایسته آن بودند ، در مُلکی مانا ، و نعمتی پایا .

امام علی علیه السلام در توصیف اهل بهشت : آن گاه به جانب نگهبانان بهشت می روند و آنان می گویند : «سلام بر شما !خوش آمدید !به بهشت ، جاودانه وارد شوید» . سپس فرزندان به دیدارشان می آیند و بر گِردشان می چرخند ، آن گونه که مردم دنیا بر گرد عزیزی می چرخند . فرزندان می گویند : «بشارت باد تو را به کرامتی که خدا برایت آماده ساخته است !» . آن گاه پسرکی از میان آن فرزندان ، به حوری ای از همسرانِ او می گوید : «فلانی آمده است» و نام او را که در دنیا به آن خوانده می شده است ، می برد . آن حوری می گوید : تو خود ، او را دیدی؟ می گوید : آری ، خودم دیدمش . حوری ، شادی کنان می دود و بر درگاه بهشت می ایستد. چون [آن بهشتی] به منزل خود می رسد ، چشمش به قسمتی از پی ساختمانش می افتد . سنگ هایی از مروارید را می بیند که روی آن ، مرواریدهای سبز و زرد و سرخ ، از هر رنگ ، قرار گرفته است . سپس سرش را بلند می کند و سقف آن را می بیند که چون برق می درخشد ، و اگر نبود که خدای متعال ، مقدّر کرده است که [در بهشت ،] درد و رنجی نباشد ، [از برق آن ،] کور می شد . آن گاه پایین را می نگرد و همسرانش «وقدح هایی نهاده و بالش هایی پهلوی هم چیده و فرش هایی زربفت گسترده» را می بیند . به آن نعمت ها می نگرد و

سپس بر تختی از تخت هایش تکیه می زند و می گوید : «ستایش ، خدایی را که ما را به این ، ره نمون شد و اگر خدا ره نمونمان نمی شد ، ما خود ، هدایت نمی شدیم ...» . در این هنگام ، منادی ای ندا می دهد که : [از این پس] زندگی می کنید و هرگز نخواهید مُرد . ماندگارید و هرگز نخواهید کوچید ، و تن درست خواهید بود و هرگز بیمار نخواهید شد.

.

الإمام الصادق عليه السلام فِی قَولِهِ تَعالی : «خَلِدِینَ فِیهَا لَا یَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا » (1) : «خَلِدِینَ فِیهَا» : لا یَخرُجُونَ مِنها، وَ «لَا یَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا » : قالَ : لا یُرِیدُونَ بِها بَدَلاً . (2)

الکافی عن أبی هاشم عن الإمام الصّادق علیه السلام :إِنَّما خُلِّدَ أَهلُ النّارِ فِی النّارِ لِأَنَّ نِیّاتِهِم کانَت فِی الدُّنیا أَن لَو خُلِّدُوا فِیها أَن یَعصُوا اللّهَ أَبَدا ، وَإِنَّما خُلِّدَ أَهلُ الجَنَّهِ فِی الجَنَّهِ لِأَنَّ نِیّاتِهِم کانَت فِی الدُّنیا أَن لَو بَقُوا فِیها أَن یُطِیعُوا اللّهَ أَبَدا ، فَبِالنِّیّاتِ خُلِّدَ هَؤُلاءِ ، وَهؤُلاءِ . ثُمَّ تَلا قَولَهُ تَعالی : «قُلْ کُلٌّ یَعْمَلُ عَلَی شَاکِلَتِهِ » (3) ، قالَ : عَلی نِیَّتِهِ . (4)

.

1- .الکهف : 108.
2- .تفسیر القمّی : ج 2 ص 46 عن أبی بصیر ، بحار الأنوار : ج 8 ص 123 ح 18.
3- .الإسراء : 84 .
4- .الکافی : ج 2 ص 85 ح 5 ، علل الشرائع: ص 523 ح 1 ، المحاسن : ج 2 ص 56 ح 1165 ، تفسیر العیّاشی: ج 2 ص 316 ح 158 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 347 ح 5 .

امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای متعال : «جاودانه در آن خواهند بود . از آن جا درخواست انتقال نمی کنند» : «جاودانه در آن خواهند بود» ، یعنی هیچ گاه از بهشت ، خارج نمی شوند و «از آن جا درخواست انتقال نمی کنند» ، یعنی عوض آن ، چیزی نمی خواهند .

الکافی به نقل از ابو هاشم : امام صادق علیه السلام فرمود : «دوزخیان از آن روی در دوزخ ، جاویدان اند که در دنیا نیّتشان آن بود که اگر در دنیا جاویدان بمانند ، تا ابد ، خدا را نافرمانی کنند و بهشتیان نیز از آن روی در بهشت ، جاویدان اند که در دنیا نیّتشان آن بود که اگر در دنیا جاویدان بمانند ، تا ابد ، خدا را فرمان برند . پس به سبب نیّت هاست که آنان و اینان جاویدان اند» . ایشان سپس این سخن خدای متعال را تلاوت نمود : «بگو : هر کس بر حسب شاکله خویش عمل می کند» و فرمود : «یعنی بر حسب نیّت خویش» .

.

15 / 10وِراثَهُ أَهلِ الجَنَّهالكتاب«وَ تِلْکَ الْجَنَّهُ الَّتِی أُورِثْتُمُوهَا بِمَا کُنتُمْ تَعْمَلُونَ ». (1)

راجع : مريم : 63 ، الأعراف : 43 ، المؤمنون : 10 و 11 ، الشعراء : 85 ، الزمر : 74 .

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله فِی ذِکرِ أَحوالِ أَهلِ الجَنَّهِ : يُنادِی مُنادٍ: إِنَّ لَکُم أَن تَصِحُّوا فَلا تَسقَمُوا أَبَدا ، وَإِنَّ لَکُم أَن تَحيَوا فَلا تَمُوتُوا أَبَدا ، وَإِنَّ لَکُم أَن تَشُبُّوا فَلا تَهرَمُوا أَبَدا ، وَإِنَّ لَکُم أَن تَنعَمُوا فَلا تَبأَسُوا أَبَدا ، فَذلِکَ قَولُهُ عز و جل : «وَنُودُواْ أَن تِلْکُمُ الْجَنَّهُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا کُنتُمْ تَعْمَلُونَ » (2) . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِنکُم مِن أَحَدٍ إِلّا لَهُ مَنزِلانِ : مَنزِلٌ فِی الجَنَّهِ وَمَنزِلٌ فِی النّارِ . فَإِذا ماتَ فَدَخَلَ النّارَ وَرِثَ أَهلُ الجَنَّهِ مَنزِلَهُ ، فَذلِکَ قَولُهُ تَعالى : «أُوْلَائِکَ هُمُ الْوَ رِثُونَ » (4) . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن أَحَدٍ إِلَا وَلَهُ مَنزِلٌ فِی الجَنَّهِ وَمَنزِلٌ فِی النّارِ . فَالکافِرُ يَرِثُ المُؤمِنَ مَنزِلَهُ مِن النّارِ ، وَالمُؤمِنُ يَرِثُ الکافِرَ مَنزِلَهُ مِنَ الجَنَّهِ . وَذلِکَ قَولُهُ تَعالى : «وَ تِلْکَ الْجَنَّهُ الَّتِی أُورِثْتُمُوهَا بِمَا کُنتُمْ تَعْمَلُونَ » . (6)

.

1- .الزخرف : 72 .
2- .الأعراف : 43.
3- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2182 ح 22 ، سنن الترمذی : ج 5 ص 374 ح 3246 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 203 ح 8265 ، المعجم الصغير : ج 1 ص 79 ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص 293 ح 942 ، تاريخ دمشق : ج 53 ص 109 ح 11190 كلّها عن أبی هريره وأبی سعيد الخدری ، كنز العمّال : ج 14 ص 492 ح 39394 .
4- .المؤمنون : 10.
5- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1453 ح 4341 ، تفسير الطبری : ج 10 الجزء 18 ص 6 ، تفسير ابن كثير : ج 5 ص 459 كلّها عن أبی هريره ، كنز

العمّال : ج 2 ص 8 ح 2913 ؛ التبيان فى تفسير القرآن : ج 7 ص 351 ، مجمع البيان : ج 7 ص 159 وليس فيه ذيله ، بحار الأنوار : ج 8 ص 91.
6- .تفسير ابن كثير : ج 7 ص 226 ، الدرّ المنثور : ج 7 ص 394 نقلاً عن ابن أبى حاتم وابن مردويه وكلاهما عن أبى هريره.

15 / 10 وراثت بهشتیان

15 / 10وراثت بهشتیانقرآن«و این است همان بهشتی که به [پاداش] آنچه عمل می کردید ، میراث یافته اید ».

ر . ک : مریم : آیه 63 ، اعراف : آیه 43 ، مؤمنون : آیه 10 11 ، شعرا : آیه 85 ، زمر : آیه 74 .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیان احوال بهشتیان : منادی ای ندا می دهد : حقّ شماست که تن درست بمانید و هرگز بیمار نشوید ، و حقّ شماست که زنده بمانید و هرگز نمیرید ، و حقّ شماست که همواره جوان باشید و هرگز پیر نشوید ، و حقّ شماست که همواره برخوردار باشید و هرگز فقیر نشوید . این همان سخن خدا عز و جل است که : «و به ایشان ندا داده می شود که : این ، همان بهشتی است که آن را به پاداش آنچه انجام می دادید ، میراث یافته اید» .

198.الإمام علیّ علیه السلام (فی فَتحِ خَیبَرَ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ یک از شما نیست ، مگر آن کَه دو منزل دارد : منزلی در بهشت و منزلی در دوزخ . پس هر گاه بمیرد و [چنانچه] به دوزخ رود ، بهشتیان ، وارث منزل [بهشتیِ]او می شوند . این ، همان سخن خدای متعال است که : «ایشان اند همان وارثان» .197.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (فی یَومِ فَتحِ خَیبَرَ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ کس نیست ، مگر آن که منزلی در بهشت دارد و منزلی در دوزخ . کافر ، وارث منزل دوزخیِ مؤمن می شود و مؤمن ، وارث منزل بهشتیِ کافر . این، همان سخن خدای متعال است که : «و این ، همان بهشتی است که به [پاداش] آنچه انجام می دادید ، میراث یافته اید» .

.

196.الإمام علىّ عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما مِن عَبدٍ إلّا وَلَهُ بَيتانِ : بَيتٌ فِى الجَنَّهِ وَبَيتٌ فِى النّارِ . فَأمّا المُؤمِنُ فَيُبنى لَهُ بَيتُهُ فِى الجَنَّهِ وَيُهدَمُ بَيتُهُ فِى النّارِ ، وَأمّا الكافِرُ فَيُهدَمُ بَيتُهُ فِى الجَنَّهِ وَيُبنى بَيتُهُ فِى النّارِ . (1)195.صحيح البخارى عن البراء بن عازب :الإمام زين العابدين فِى الدُّعاءِ : اَللّهُمَّ ... اجعَلنا مِن عِبادِكَ الصّالِحِينَ ، «الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَلِدُونَ» (2) . (3)194.الإرشاد عن فايد مولى عبد اللّه بن سالم :الإمام الباقر عليه السلام فِى قَولِهِ تَعالى : «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى صَدَقَنَا وَعْدَه وَ أَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّهِ حَيْثُ نَشَاءُ» (4)

: يَعنِى أَرضَ الجَنَّهِ . (5)193.شرح نهج البلاغه عن أبى بكر بن عيّاش :الإمام الصادق عليه السلام :ما خَلَقَ اللّهُ خَلقا إلّا جَعَلَ لَهُ فِى الجَنَّهِ مَنزِلاً وَفِى النّارِ مَنزِلاً ، فَإذا سَكَنَ أهلُ الجَنَّهِ الجَنَّهَ وَأهلُ النّارِ النّارَ نادَى مُنادٍ : يا أهلَ الجَنَّهِ أشرِفُوا ، فَيُشرِفُونَ عَلَى النّارِ ، وَتُرفَعُ لَهُم مَنازِلُهُم فِى النّارِ ، ثُمَّ يُقالُ لَهُم : هذِهِ مَنازِلُكُمُ الَّتِى لَو عَصَيتُم رَبَّكُم دَخَلتُمُوها . فَلَو أنَّ أحَدا ماتَ فَرَحا لَماتَ أهلُ الجَنَّهِ ذلِكَ اليَومَ فَرَحا بِما صُرِفَ عَنهُم مِنَ العَذابِ . ثُمَّ يُنادَونَ : يا مَعاشِرَ أهلِ النّارِ ! ارفَعُوا رُؤُوسَكُم فَانظُرُوا إلى مَنازِلِكُم فِى الجَنَّهِ ، فَيَرفَعُونَ رُؤُوسَهُم فَيَنظُرُونَ إلى مَنازِلِهِم فِى الجَنَّهِ وَما فِيها مِنَ النَّعِيمِ ، فَيُقالُ لَهُم : هذِهِ مَنازِلُكُمُ الَّتِى لَو أطَعتُم رَبَّكُم دَخَلتُمُوها. قالَ : فَلَو أنَّ أحَدا ماتَ حُزْنا لَماتَ أهلُ النّارِ ذَلِكَ اليَومَ حُزْنا، فَيُورَثُ هؤُلاءِ مَنازِلَ هؤُلاءِ ، وَهؤُلاءِ مَنازِلَ هؤُلاءِ ، وَذَلِكَ قولُ اللّهُ تَعالى : «أُوْلَائِكَ هُمُ الْوَ رِثُونَ * الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَلِدُونَ » (6) . (7) .

1- .الفردوس : ج 4 ص 13 ح 6037 عن أبى سعيد الخدرى ، تفسير الطبرى : ج 10 الجزء 18 ص 6 ، تفسير ابن كثير : ج 5 ص 459 كلاهما عن مجاهد نحوه ، كنز العمّال: ج 14 ص 496 ح 39405.
2- .المؤمنون : 11 .
3- .الصحيفه السجّاديه : ص 169 الدعاء 44 ، مصباح المتهجّد : ص 610 ح 695 ، المصباح للكفعمى : ص 810 .
4- .الزمر : 74.
5- .تفسير القمّى : ج 2 ص 254 عن أبى الجارود ، مجمع البيان : ج 8 ص 796 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 125 ح 25.
6- .المؤمنون : 10 11.

7- .ثواب الأعمال : ص 307 ح 1 ، تفسير القمّى : ج 2 ص 89 عن أبى بصير ، بحار الأنوار : ج 8 ص 287 ح 19.

192.المستدرک علی الصحیحین :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ بنده ای نیست ، مگر آن که دو خانه دارد : خانه ای در بهشت و خانه ای در دوزخ . مؤمن ، خانه اش در بهشت ، ساخته می شود و خانه دوزخش ویران می گردد و کافر ، خانه اش در بهشت ، ویران می گردد و خانه دوزخش ساخته می شود.191.عنه صلی الله علیه و آله :امام زین العابدین علیه السلام در دعا : بار خدایا ! ... ما را از بندگان شایسته ات قرار ده ؛ «همانان که فردوس را به ارث می برند و در آن ، جاویدان اند» .190.عنه صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام در باره این سخن خدای متعال : « ستایش ، خدایی را که وعده اش به ما را تحقّق بخشید و سرزمین را به ما میراث داد . در هر جای بهشت که بخواهیم ، جای می گزینیم» : مقصود [از سرزمین] ، سرزمین بهشت است.189.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (عِندَ مُبارَزَهِ الإمامِ عَلِیٍّ علیه السلام ع) امام صادق علیه السلام :خداوند ، هیچ مخلوقی نیافرید ، مگر آن که برای او منزلی در بهشت و منزلی در دوزخ قرار داد . پس چون اهل بهشت در بهشت و اهل دوزخ در دوزخ جای گیرند ، منادی ای بانگ می زند که : «ای اهل بهشت ! بنگرید» . بهشتیان به دوزخ می نگرند و منزل هایشان در دوزخ برایشان بالا آورده می شود . سپس به ایشان گفته می شود : «اینها منزل های شما بود که اگر پروردگارتان را نافرمانی می کردید ، به آنها وارد می شدید» . پس اگر بنا بود کسی از خوش حالی بمیرد ، بهشتیان در آن روز از خوش حالیِ این که عذاب از ایشان برطرف شده است ، می مُردند .

آن گاه [به دوزخیان] ندا می شود که : «ای گروه های دوزخی ! سرهایتان را بلند کنید و به منزل های خود در بهشت بنگرید » . دوزخیان ، سرهای خود را بلند می کنند و منزل های خود در بهشت و نعمت های آن را می بینند . پس به ایشان گفته می شود : «اینها منزل های شما بود که اگر پروردگارتان را فرمان می بردید ، به آنها وارد می شدید» . پس اگر بنا بود کسی از اندوه بمیرد ، دوزخیان در آن روز از اندوه می مُردند .

آن گاه بهشتیان ، منزل های [بهشتیِ] دوزخیان را و دوزخیان ، منزل های [دوزخیِ]بهشتیان را به ارث می برند . این ، همان سخن خدای متعال است که : «ایشان اند وارثان ؛ همانان که فردوس را به ارث می برند و در آن ، جاویدان اند» . .

ص: 590

. .

ص: 591

..

الفصل السادس عشر : درجات الجنّه16 / 1تَفاضُلُ دَرَجاتِ الجَنَّهالكتاب«وَ مَن يَأتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّلِحَتِ فَأُوْلَائِکَ لَهُمُ الدَّرَجَتُ الْعُلَى * جَنَّتُ عَدْنٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَرُ خَلِدِينَ فِيهَا وَ ذَ لِکَ جَزَاءُ مَن تَزَكَّى ». (1)

«انظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ لَلْاخِرَهُ أَكْبَرُ دَرَجَتٍ وَ أَكْبَرُ تَفْضِيلاً ». (2)

الحديث181.السيره النبويّه (فى ذِكرِ نُزولِ بَنى قُرَيظَهَ عَلى حُكمِ سَعدِ) رسول اللّه صلى اللّه عليه و آله :فِى الجَنَّهِ مِئَهُ دَرَجَهٍ ، ما بَينَ كُلِّ دَرَجَتَينِ كَما بَينَ السَّماءِ وَالأَرضِ ، وَالفِردَوسُ أعلاها دَرَجَهً ، وَمِنها تُفَجَّرُ أنهارُ الجَنَّهِ الأَربَعَهُ ، وَمِن فَوقِها يَكُونُ العَرشُ ، فَإِذا سَأَلتُمُ اللّهَ فَسَلُوهُ الفِردَوسَ . (3) .

1- .طه : 75 76.
2- .الإسراء : 21.
3- .سنن الترمذى : ج 4 ص 675 ح 2531 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 408 ح 22802 و ص 398 ح 22758 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 153 ح 269 ، تفسير الطبرى : ج 9 الجزء 16 ص 37 وليس فيهما «ومن فوقها يكون العرش» وكلّها عن عباده بن الصامت ، كنز العمّال : ج 14 ص 453 ح 39230 وراجع : شرح الأخبار : ج 1 ص 327 ح 299 .

فصل شانزدهم: درجات بهشت

16 / 1 تفاوت درجات بهشت

فصل شانزدهم : درجات بهشت16 / 1تفاوت درجات بهشتقرآن« و هر که با ایمان به نزد او رود ، در حالی که کارهای شایسته انجام داده باشد ، برای آنان درجات بالا خواهد بود ؛ بهشت هایی جاویدان که در آنها جویبارها روان اند . جاودانه در آن می مانند و این ، پاداش کسی است که به پاکی گراید» .

« بنگر که چگونه ما برخی از ایشان را بر برخی دیگر ، برتری دادیم ، و قطعا درجات آخرت و برتری آن ، بزرگ تر است».

حدیث173.الإرشاد عن سعید بن المسیّب :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در بهشت ، صد درجه است که فاصله هر درجه با دیگری ، به اندازه فاصله آسمان و زمین است ، و فردوس ، بالاترینِ آنهاست که چهار نهر بهشت ، از آن جا سرچشمه می گیرد و بالای آن ، عرش است . پس هر گاه از خدا درخواستی کردید ، فردوس را از او بخواهید.

.

172.المغازى عن الإمام علىّ عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :فِى الجَنَّهِ مِئَهُ دَرَجَهٍ ، ما بَينَ كُلِّ دَرَجَتَينِ مِئَهُ عام . (1)171.الإمام علىّ عليه السلام (حينَما رَجَعَ مِن غَزوَهِ اُحُدٍ وأعطى فاطِمَهَ) عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ بَينَ أعلى أهلِ الجَنَّهِ وَأسفَلِهِم دَرَجَهً كَالنَّجمِ يُرى فِى مَشارِقِ الأرضِ وَمَغارِبِها . (2)170.الإرشاد :عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ فِى الجَنَّهِ مِئَهَ دَرَجَهٍ ، لَو أنَّ العالَمِينَ اجتَمَعُوا فِى إحداهُنَّ لَوَسِعَتهُم . (3)169.تاريخ الطبرى :عنه صلى الله عليه و آلِهِ :إنَّ الرَّجُلَ مِن أهلِ عِلِّيِّينَ لَيُشرِفُ عَلى أهلِ الجَنَّهِ فَتُضِىءُ الجَنَّهُ لِوَجهِهِ كَأنَّها كَوكَبٌ دُرِّىٌ. (4)168.المناقب للخوارزمى عن أبى ذرّ عن الإمام علىّ عليه (لِلمُهاجِرينَ وَالأنصارِ بَعدَ حُصولِ البَيعَه) مجمع البيان :رُوِىَ أنَّ ما بَينَ أعلَى دَرجاتِ الجَنَّهِ وَأسفَلِها ما بَينَ السَّماءِ وَالأرضِ . (5)16 / 2أصنافُ دَرَجاتِ الجَنَّهِالكتاب«وَ السَّبِقُونَ السَّبِقُونَ * أُوْلَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ * فِى جَنَّتِ النَّعِيمِ * ثُلَّهٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ * وَقَلِيلٌ مِّنَ الْأخِرِينَ * عَلَى سُرُرٍ مَّوْضُونَهٍ * مُّتَّكِئِينَ عَلَيْهَا مُتَقَبِلِينَ * يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَ نٌ مُّخَلَّدُونَ * بِأَكْوَابٍ وَ أَبَارِيقَ وَ كَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ * لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنزِفُونَ * وَ فَكِهَهٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ * وَ لَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ * وَ حُورٌ عِينٌ * كَأَمْثَلِ اللُّؤْلُوءِ الْمَكْنُونِ * جَزَاءً بِمَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ * لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا * إِلَّا قِيلاً سَلَمًا سَلَمًا * وَ أَصْحَبُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَبُ الْيَمِينِ * فِى سِدْرٍ مَّخْضُودٍ * وَ طَلْحٍ مَّنضُودٍ * وَ ظِلٍّ مَّمْدُودٍ * وَ مَاءٍ مَّسْكُوبٍ * وَ فَكِهَهٍ كَثِيرَهٍ * لَا مَقْطُوعَهٍ وَ لَا مَمْنُوعَهٍ * وَ فُرُشٍ مَّرْفُوعَهٍ * إِنَّا أَنشَأْنَهُنَّ إِنشَاءً * فَجَعَلْنَهُنَّ أَبْكَارًا * عُرُبًا أَتْرَابًا * لِّأَصْحَبِ الْيَمِينِ * ثُلَّهٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ * وَ ثُلَّهٌ مِّنَ الْأخِرِينَ ». (6)

«فَأَمَّا إِن كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ * فَرَوْحٌ وَ رَيْحَانٌ وَ جَنَّتُ نَعِيمٍ * وَ أَمَّا إِن كَانَ مِنْ أَصْحَبِ الْيَمِينِ * فَسَلَمٌ لَّكَ مِنْ أَصْحَبِ الْيَمِينِ ». (7)

«إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِى نَعِيمٍ * عَلَى الْأَرَائِكِ يَنظُرُونَ * تَعْرِفُ فِى وُجُوهِهِمْ نَضْرَهَ النَّعِيمِ * يُسْقَوْنَ مِن رَّحِيقٍ مَّخْتُومٍ * خِتَمُهُ مِسْكٌ وَ فِى ذَ لِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَفِسُونَ * وَ مِزَاجُهُ مِن تَسْنِيمٍ * عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ ». (8)

«ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَبَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَ مِنْهُم مُّقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سَابِقُ بِالْخَيْرَ تِ بِإِذْنِ اللَّهِ ذَ لِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ * جَنَّتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ وَ لُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ *

وَ قَالَوا الْحَمْدُ لِلّهِ الّذِی أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَکُورٌ * الّذِی أَحَلّنَا دَارَ الْمُقَامَهِ مِن فَضْلِهِ لَا یَمَسُّنَا فِیهَا نَصَبٌ وَ لَا یَمَسُّنَا فِیهَا لُغُوبٌ ». (9)

.

1- .سنن الترمذی : ج 4 ص 674 ح 2529 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 146 ح 7928 ، المعجم الأوسط : ج 6 ص 52 ح 5765 وفیه «مسیره خمسمئه عام» وکلّها عن أبی هریره ، کنز العمّال : ج 14 ص 458 ح 39254.
2- .تفسیر الطبری : ج 9 الجزء 15 ص 61 ، الدرّ المنثور : ج 5 ص 256 ، کنز العمّال : ج 14 ص 494 ح 39400 کلاهما عن ابن جریر وابن أبی حاتم وکلّها عن قتاده.
3- .سنن الترمذی : ج 4 ص 676 ح 2532 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 58 ح 11236 ، مسند أبی یعلی : ج 2 ص 137 ح 1394 کلّها عن أبی سعید الخدری ، کنز العمّال : ج 14 ص 451 ح 39222.
4- .سنن ابی داوود : ج 4 ص 34 ح 3987 ، المعجم الأوسط : ج 2 ص 217 ح 1778 نحوه وکلاهما عن أبی سعید الخدری ، کنز العمّال : ج 14 ص 468 ح 39289.
5- .مجمع البیان : ج 6 ص 628 ، بحار الأنوار : ج 69 ص 155.
6- .الواقعه : 10 40.
7- .الواقعه : 88 91.
8- .المطفّفین : 22 28.
9- .فاطر : 32 35.

16 / 2 انواع درجات بهشت

160.تاریخ الطبری عن أبی رافع :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در بهشت ، صد درجه است و فاصله میان هر دو درجه ، صد سال راه است.159.المعجم الکبیر عن أبی رافع :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فاصله میان بلندپایه ترین بهشتیان و دون پایه ترین آنها ، به مانند ستاره ای است که در مشرق و مغرب زمین دیده می شود.158.المناقب لابن شهر آشوب عن زید بن علیّ عن آبائه علیهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در بهشت ، صد درجه است که اگر همه جهانیان در یکی از آنها جمع شوند ، گنجایش آنان را دارد.157.السیره النبویّه عن مسلمه بن علقمه المازنی :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فردی از اهل عِلّیّین به اهل بهشت می نگرد . پس بهشت از [نور]چهره او ، مانند ستاره ای درخشان ، روشن می شود.156.الإرشاد عن ابن إسحاق :مجمع البیان :روایت شده است که فاصله بالاترین درجه بهشت تا پایین ترین درجه آن ، به فاصله آسمان تا زمین است.16 / 2انواع درجات بهشتقرآن«و پیشی گیرندگانِ پیش گام ، ایشان اند مقرّبان [خدا] ، در بهشت های پُر ناز و نعمت . گروهی از پیشینیان و اندکی از پسینیان[اند] . بر تخت هایی جواهرنشان که رو به روی هم ، بر آنها تکیه داده اند . بر گِردشان ، پسرانی جاویدان [به خدمت] می گردند ، با جام ها و آبریزها و پیاله هایی از باده ناب روان که نه از آن ، سردرد می گیرند و نه بی خرد می گردند و میوه ، از هر چه اختیار کنند و از گوشت پرنده ، هر چه بخواهند . و حوریان چشم درشت ، مِثل لؤلؤ نهان شده [در میان صدف]اند . پاداشی است برای آنچه به جای می آوردند . در آن جا نه بیهوده ای می شنوند و نه [سخنی]گناه آلود . سخنی جز سلام و درود نیست . و یارانِ راست ، چه یاران راستی ! در [زیر]درختان کُنار بی خار ، و درختان موز که میوه شان خوشه خوشه چیده شده اند ، و سایه ای کشیده و آبی ریزان و میوه ای فراوان که نه تمام شدنی است و نه قدغن ، و [با] همخوابگانی بلندبالا . ما آنان را پدید آورده ایم ، چه پدید آوردنی ! و ایشان را دوشیزگانی قرار دادیم شوی دوستِ همسال ، برای یارانِ راست ، که گروهی از پیشینیان اند و گروهی از پسینیان».

«و امّا اگر از مقرّبان باشد ، [در] آسایش و راحت و بهشتِ پر نعمت است . و امّا اگر از یاران راست باشد ، از یاران راست ، بر تو سلام باد !».

«به راستی که نیکان ، در ناز و نعمت اند . بر تخت ها [نشسته و] می نگرند . در چهره هایشان طراوت نعمت را در می یابی . از باده ای مهر شده ، نوشانیده می شوند که مُهر آن ، مُشک است و در این [نعمت ها] ، رقابت کنندگان باید بر یکدیگر پیشی بگیرند و ترکیبش از [چشمه]تسنیم است ؛ چشمه ای که مقرّبان ، از آن می نوشند».

«سپس این کتاب را به آن بندگان خود که برگزیده بودیم ، به میراث دادیم . پس برخی از ایشان بر خود ، ستمکارند و برخی از ایشان ، میانه روند و برخی از آنان ، در کارهای نیک ، به خواست خدا پیش گام اند و این است فضل بزرگ . بهشت های عَدْنی (دست نخورده ای) که به آنها وارد خواهند شد ، در آن جا با دستبندهایی از زر و مروارید ، زیور می یابند و در آن جا جامه شان پرنیان است ، و می گویند : « ستایش ، خدایی را که اندوه را از ما بزدود . به راستی که پروردگار ما ، آمرزگار و حق شناس است ؛ همان خدایی که به فضل خویش ، ما را در سرایی ابدی جای داد که در آن ، رنجی به ما نمی رسد و در آن ، درماندگی ای به ما دست نمی دهد » » .

.

الحديث147.الإرشاد عن الزهري :رسول اللّه صلى الله عليه و آله : فِي قَولِهِ تَعالى : «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَبَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَ مِنْهُم مُّقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَ تِ» قالَ : هؤُلاءِ كُلُّهُم بِمَنزِلهٍ واحِدَهٍ ، وَكُلُّهُم فِى الجَنَّهِ . (1) .

1- .سنن الترمذى : ج 5 ص 363 ح 3225 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 157 ح 11745 ، مسند الطيالسى : ص 296 ح 2236 ، كلّها عن أبى سعيد ، تاريخ بغداد : ج 12 ص 371 الرقم 6812 عن اُسامه بن زيد ، تحف العقول : ص 425 عن الإمام الرضا عليه السلام ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 23 و ليس فى الخمسه الأخيره «هؤلاء كلّهم بمنزلهٍ واحده» .

حدیث145.الإرشاد :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خدای متعال : «سپس این کتاب را به آن بندگان خود که برگزیده بودیم ، به میراث دادیم . پس برخی از ایشان بر خود ، ستمکارند و برخی از ایشان ، میانه روند و برخی از ایشان ، در کارهای نیک ، پیش گام اند » : همه ایشان ، یک منزلت دارند و همگی شان در بهشت اند . .

144.الإمام عليّ عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله : فى قَولِهِ عز و جل : «فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُم مُّقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَ تِ» قالَ : اَلسّابِقُ وَالمُقتَصِدُ يَدخُلانِ الجَنَّةَ بِغَيرِ حِسابٍ ، وَالظّالِمُ لِنَفسِهِ يُحاسَبُ حِسابا يَسِيرا ثُمَّ يَدخُلُ الجَنَّةَ . (1)143.المناقب لابن شهر آشوب :عنه صلى الله عليه و آله :يُبعَثُ النّاسُ ثَلاثَةَ أصنافٍ ، وَذَلِكَ قَولُهُ تَعالى : «فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَ مِنْهُم مُّقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَ تِ» ، فَالسّابِقُ بِالخَيراتِ يَدخُلُ الجَنَّةَ بِغَيرِ حِسابٍ ، وَالمُقتَصِدُ يُحاسَبُ حِسابا يَسِيرا ، وَالظّالِمُ لِنَفسِهِ يَدخُلُ الجَنَّةَ بِرَحمَةِ اللّهِ عز و جل . (2)142.السيره النبويّه عن ابن إسحاق (فى ذِكرِ أحداثِ مَعرَكَهِ بَدرٍ) مسند ابن حنبل عن أبى الدَّرداء :سَمِعتُ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقُولُ : قالَ اللّهُ عز و جل : «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَبَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَ مِنْهُم مُّقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَ تِ بِإِذْنِ اللّهِ » ، فَأَمّا الَّذِينَ سَبَقُوا بِالخَيراتِ فَأُولئِكَ الَّذِينَ يَدخُلُونَ الجَنَّةَ بِغَيرِ حِسابٍ ، وَأَمّا الَّذِينَ اقتَصَدُوا فَأُولئكَ يُحاسَبُونَ حِسابا يَسِيرا ، وَأَمّا الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنفُسَهُم فَأُولئكَ الَّذِينَ يُحبَسُونَ فِي طُولِ المَحشَرِ ، ثُمَّ هُمُ الَّذِينَ تَلافاهُمُ اللّهُ بِرَحمَتِهِ ، فَهُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ : «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ » (3) . (4) .

1- .المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 462 ح 3592 ، البعث والنشور : ص 83 ح 58 كلاهما عن أبى الدرداء ، كنز العمّال : ج 2 ص 487 ح 4567 .

2- .الفردوس : ج 5 ص 466 ح 8774 عن حذيفه ، كنز العمّال : ج 2 ص 486 ح 4566.

3- .فاطر : 34.

4- .مسند ابن حنبل : ج 8 ص 170 ح 21786 ، تفسير ابن كثير : ج 6 ص 533 ، كنز العمّال : ج 2 ص 38 ح 3031 ؛ مجمع البيان : ج 8 ص 638 نحوه ، بحار الأنوار : ج 23 ص 213.

141.الإمام زين العابدين عليه السلام :پيامبر خدا صلى الله عليه و آله در باره اين سخن خداى عز و جل : «پس برخى از ايشان بر خود ، ستمكارند و برخى از ايشان ، ميانه رو و برخى از ايشان ، در كارهاى نيك ، پيش گام اند » : پيش گام و ميانه رو ، بدون حسابرسى به بهشت مى روند ؛ ولى ستمكار بر خويش ، مختصرى حسابرسى مى شود و سپس به بهشت مى رود.140.الإمام علىّ عليه السلام :پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :مردم در سه گروه ، برانگيخته مى شوند و اين ، سخن خداى متعال است ، آن جا كه مى فرمايد : «پس برخى از ايشان بر خود ، ستمكارند و برخى از ايشان ، ميانه رو و برخى از ايشان ، در كارهاى نيك ، پيش گام اند» . پيش گام در كارهاى نيك ، بدون حسابرسى به بهشت مى رود . ميانه رو ، مختصرى حسابرسى مى شود و ستمكار بر خويش ، با لطف خداى عز و جل به بهشت مى رود.139.المناقب لابن شهر آشوب عن محمّد ابن الحنفيّه :مسند ابن حنبل به نقل از ابو درداء : از پيامبر خدا صلى الله عليه و آله شنيدم كه مى فرمايد : «خداى عز و جل فرموده است : « سپس اين كتاب را به آن بندگان خود كه برگزيده بوديم ، به ميراث داديم . پس برخى از ايشان بر خود ، ستمكارند و برخى از ايشان ، ميانه روند و برخى از ايشان ، در كارهاى نيك ، به خواست خدا پيش گام اند» . كسانى كه در كارهاى نيك پيشى گرفته اند ، بدون حسابرسى وارد بهشت مى شوند . كسانى كه ميانه رو بوده اند ، مختصرى حسابرسى مى شوند و كسانى كه به خود ستم كرده اند ، در تمام مدّت محشر ، نگه داشته مى شوند و سپس خداوند به لطف خويش با آنان رفتار مى كند [و آنان را به بهشت مى برد] . اينان هستند كه مى گويند : «ستايش ، خدايى را كه اندوه از ما زدود . به راستى كه پروردگار ما ، آمرزگار و حق شناس است» . .

138.فضائل الصحابه عن الحارث عن الإمام علىّ عليه السلاتفسير فرات عن أبى الدّرداء :سَمِعتُ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله تَلا هذِهِ الآيَةَ : «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَبَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَ مِنْهُم مُّقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَ تِ بِإِذْنِ اللَّهِ ذَ لِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ * جَنَّتُ عَدْنٍ» فَقالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : اَلسّابِقُ يَدخُلُ الجَنَّةَ بغَيرِ حِسابٍ ، وَالمُقتَصِدُ يُحاسَبُ حِسابا يَسِيرا ، وَالظّالِمُ لِنَفسِهِ يُحبَسُ فِى يَومٍ مِقدارُهُ خَمسِينَ أَلفَ سَنَةٍ ، حَتّى يَدخُلَ الحُزنُ فِى جَوفِهِ ، ثُمَّ يَرحَمُهُ فَيُدخِلُهُ الجَنَّةَ. (1)16 / 3ما يُوجِبُ تَفاضُلَ الدَّرَجاتِأَ المَعرِفَهُ134.الطبقات الكبرى عن قتاده :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إِنَّما يَرتَفِعُ العِبادُ غَدا فِى الدَّرَجاتِ ، وَيُنالُونَ الزُّلفى (2) مِن رَبِّهِم عَلى قَدرِ عُقُولِهِم . (3)ب العَمَلُ132.الأمالى للطوسى عن اُمّ هانئ بنت أبى طالب :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إِنَّ رَجُلاً أُدْخِلَ الجَنَّةَ فَرَأى عَبدَهُ فَوقَ دَرَجَتِهِ ، فَقالَ : يا رَبِّ ، هذا عَبدِى فَوقَ دَرَجَتِى فِى الجَنَّهِ فَقالَ لَهُ : نَعَم ، جَزَيتُهُ بِعَمَلِهِ وَجَزَيتُکَ بِعَمَلِکَ . (4)131.الطبقات الكبرى عن محمّد بن عماره بن خزيمه بن ثابتعنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ الدَّرَجَهَ فِى الجَنَّهِ فَوقَ الدَّرَجَهِ كَما بَينَ السَّماءِ وَالأَرضِ ، وَإِنَّ العَبدَ لَيَرفَعُ بَصَرَهُ فَيَلمَعُ لَهُ بَرقٌ يَكادُ يَخطَفُ بَصَرَهُ ، فَيَفزَعُ لِذلِکَ فَيَقُولُ : ما هذا؟ فَيُقالُ لَهُ : هذا نُورُ أَخِيکَ فُلانٍ ، فَيَقُولُ : أَخِى فُلانٍ ! كُنّا نَعمَلُ فِى الدُّنيا جَمِيعا وَقَد فُضِّلَ عَلَىَ هكَذا ! قالَ : فَيُقالُ لَهُ : إِنَّهُ كانَ أَفضَلَ مِنکَ عَمَلاً ، ثُمَّ يُجعَلُ فِى قَلبِهِ الرِّضى حَتّى يَرضى . (5) .

1- .تفسير فرات : ص 350 ح 477 ، بحار الأنوار : ج 7 ص 199 ح 75 .
2- .الزُّلْفى : الحَظْوَه (مفردات ألفاظ القرآن : ص 382 «زلف»).
3- .تحف العقول : ص 54 ، تفسير نور الثقلين : ج 3 ص 147 ح 125 عن أنس ، بحار الأنوار : ج 77 ص 158 ح 144.
4- .المعجم الأوسط : ج 7 ص 231 ح 7356 ، تاريخ بغداد : ج 7 ص 129 الرقم 3567 كلاهما عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 9 ص 89 ح 25111.
5- .الزهد لابن المبارک : ص 33 ح 100 عن أبى المتوكّل الناجى ؛ الأمالى للطوسى : ص 529 ح 1162 وفيه «فيفرح» بدل «فيفزع» ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 366 ح 2661 كلاهما عن أبى ذرّ ، بحار الأنوار : ج 77 ص 78 ح 3.

16 / 3 آنچه موجب تفاوت درجات می شود

الف شناخت

ب کردار

130.الأمالی للطوسی عن مجاهد :تفسیر فرات به نقل از ابو درداء : از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که این آیه را تلاوت کرد : «سپس این کتاب را به آن بندگان خود که برگزیده بودیم ، به میراث دادیم . پس برخی از ایشان بر خود ، ستمکارند و برخی از ایشان ، میانه روند و برخی از ایشان ، در کارهای نیک ، به خواست خدا پیش گام اند . این است فضل بزرگ . بهشت های عدن » و آن گاه فرمود : «پیش گام ، بدون حسابرسی به بهشت می رود . از میانه رو ، اندکی حسابرسی می شود و ستمکار بر خویش را یک روز که مقدارش پنجاه هزار سال است نگه می دارند ، تا جایی که اندوه ، وجودش را فرا می گیرد . سپس خداوند بر او رحم می آورد و او را به بهشت می برد» .16 / 3آنچه موجب تفاوت درجات می شودالف شناخت126.تاریخ الطبری:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فردای قیامت ، بندگان بر حسب اندازه خردهایشان ، به درجات دست می یابند و به مقام قرب پروردگارشان نایل می شوند.ب کردار124.المستدرک علی الصحیحین عن ابن عبّاس :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مردی را به بهشت آوردند . بنده اش را دید که درجه اش از او بالاتر است . گفت : پروردگارا ! این بنده من ، درجه اش در بهشت ، از من بالاتر است !

خداوند به او فرمود : «آری . او را به کردارش پاداش داده ام و تو را هم به کردارت پاداش داده ام» .123.الطبقات الکبری عن عائشه وابن عبّاس وعائشه بنت قدا (دَخَلَ حَدیثُ بَعضِهِم فی حَدیثِ بَعض) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فاصله یک درجه در بهشت با درجه دیگر آن ، به اندازه فاصله میان آسمان و زمین است . بنده نگاهش را به بالا می دوزد و برقی برای او می درخشد که نزدیک است چشمش را کور کند . از آن ، وحشت زده می شود و می گوید : این چیست؟

به او گفته می شود : «این ، نور برادرت فلانی است» .

می گوید : برادرم فلانی ! ما هر دو در دنیا عمل [نیک] می کردیم ؛ ولی اینک این چنین بر من برتری داده شده است !

به او گفته می شود : «او در عمل ، از تو برتر بود» . و آن گاه در دلش احساس رضایت نهاده می شود تا خشنود گردد.

.

122.الإمام علىّ عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :يا أَبا ذَرٍّ ، إِنَّ اللّهَ جَلَّ ثَناؤُهُ لَيُدخِلُ قَوما الجَنَّهَ فَيُعطِيهِم حَتّى تَنتَهِىَ أَمانِيُّهُم ، وَفَوقَهُم قَومٌ فِى الدَّرَجاتِ العُلى ، فَإِذا نَظَرُوا إِلَيهِم عَرَفُوهُم ، فَيَقُولُونَ : رَبَّنا إِخوانُنا كُنّا مَعَهُم فِى الدُّنيا ، فَبِمَ فَضَّلتَهُم عَلَينا؟ ! فَيُقالُ : هَيهاتَ ! إِنَّهُم كانُوا يَجُوعُونَ حِينَ تَشبَعُونَ، وَيَظمَؤُونَ حِينَ تَروَونَ،وَيَقُومُونَ حِينَ تَنامُونَ،وَيَشخَصُونَ (1) حِينَ تَخفِضُونَ (2) . (3)121.مسند ابن حنبل عن ابن عبّاس (فيقَولِهِ تَعالى: {Q} «وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الّ) عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ فِى الجَنَّهِ لَشَجَرَهً تُخرَجُ مِن أَعلاهَا الحُلَلُ ، وَمِن أَسفَلِها خَيلٌ بَلَقٌ (4) مِن ذَهَبٍ مُسَرَّجَهً ، مُلجَمهً بِالدُّرِّ وَالياقُوتِ ، لا تَرُوثُ وَلا تَبُولُ ، ذَواتُ أَجنِحَهٍ ، فَيَجلِسُ عَلَيها أَولِياءُ اللّهِ ، فَتَطِيرُ بِهِم حَيثُ شاؤُوا .

فَيَقُولُ الَّذِينَ أَسفَلَ مِنهُم : يا أَهلَ الجَنَّهِ ، ناصِفُونا. يا رَبِّ ما بَلَغَ بِهؤلاءِ هذِهِ الكَرامَهَ؟ فَقالَ اللّهُ تَعالى : إِنَّهُم كانُوا يَصُومُونَ وَكُنتُم تُفطِرُونَ ، وَكانُوا يَقُومُونَ اللَّيلَ وَكُنتُم تَنامُونَ، وَكانُوا يُنفِقُونَ وَكُنتُم تَبخَلُونَ ، وَكانُوا يُجاهِدُونَ العَدُوَّ وَكُنتُم تَجبُنُونَ. (5) .

1- .الشُّخوص : السير من بلدٍ إلى بلد ، وشُخِصَ به : أتى إليه أمرٌ يُقلقه (لسان العرب : ج 7 ص 46 «شخص»).
2- .الخَفْض : الدِّعَه والسُّكونَ (النهايه : ج 2 ص 54 «خفض»).
3- .الأمالى للطوسى : ص 528 ح 1162 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 365 ح 2661 وفيه «حتى يملّوا» بدل «حتى تنتهى أمانيهم» و كلاهما عن أبى ذرّ ، بحار الأنوار : ج 77 ص 77 ح 3 ؛ حليه الأولياء : ج 4 ص 247 عن عون بن عبد اللّه نحوه.
4- .البَلَقُ : سواد وبياض (الصحاح : ج 4 ص 1451 «بلق»).
5- .تاريخ بغداد : ج 1 ص 266 الرقم 100 عن زيد بن علىّ عن أبيه عن الإمام علىّ عليهماالسلام ، كنز العمّال : ج 15 ص 870 ح 43461 نقلاً عن أبى الشيخ فى العظمه ؛ الأمالى للصدوق : ص 366 ح 457 ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 101 ح 274 كلاهما عن زيد بن علىّ عن أبيه عن الإمام علىّ عليهم السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 8 ص 118 ح 4 .

120.الأمالی للطوسی عن ابن عبّاس :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای ابو ذر! خداوند عز و جل گروهی را وارد بهشت می کند و به آنان چندان عطا می فرماید که آرزوهایشان تمام می شود . بالاتر از آنها نیز گروهی دیگر در درجاتی عالی به سر می برند . این گروه ، چون آن گروه را می بینند ، ایشان را می شناسند . پس می گویند : پروردگارا ! اینان ، همان برادران ما هستند که در دنیا با هم بودیم . پس به چه سبب ، ایشان را بر ما برتری داده ای؟

گفته می شود : هیهات! زمانی که شما سیر بودید ، آنان گرسنه بودند . زمانی که شما سیراب بودید ، آنان تشنه بودند . زمانی که شما می خوابیدید ، آنان به عبادت می پرداختند ، و زمانی که شما در آسایش به سر می برید ، آنان در سختی بودند.119.مجمع البیان (فی ذِکرِ مَبیتِ عَلِیٍّ علیه السلام عَلی فِراشِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در بهشت ، درختی است که از بالای آن ، جامه ها می رویند و از پایینش ، اسب های ابلق با زین زرّین و لگام هایی از مروارید و یاقوت ، که نه سرگین می کنند و نه ادرار . بال دارند و دوستان خدا بر آنها سوار می شوند و در هر جای بهشت که آنان بخواهند ، به پرواز در می آیند.

در این هنگام ، کسانی که پایین تر از ایشان اند ، می گویند : ای بهشتیان! به ما هم سهمی دهید . پروردگارا ! چه چیز ، ایشان را به این منزلت رسانید؟

خدای متعال می فرماید : «آنان روزه می گرفتند و شما نمی گرفتید . آنان شب را بیدار می ماندند و شما می خوابیدید . آنان انفاق می کردند و شما بخل می ورزیدید . آنان با دشمن ، جهاد می کردند و شما می ترسیدید» . .

118.تاريخ اليعقوبى :الإمام الصادق عليه السلام :لا نَقُولُ دَرَجَهٌ واحِدَهٌ ، إِنَّ اللّهَ يَقُولُ : «دَرَجاتٌ بَعضُها فَوقَ بَعضٍ» (1) إِنَّما تَفاضُلُ القَومِ بِالأَعمالِ . (2)117.الأمالى للطوسى عن أنس :مجمع البيان عن أبى بصير :قالَ الصّادِقُ عليه السلام : لا تَقُولَنَّ : اَلجَنَّهُ واحِدَهٌ ، إِنَّ اللّهَ يَقُولُ : «وَ مِن دُونِهِمَا جَنَّتَانِ» (3) ، وَلا تَقُولَنَّ : دَرَجَهٌ واحِدَهٌ ، إِنَّ اللّهَ يَقُولُ : «دَرَجاتٌ بَعضُها فَوقَ بَعضٍ»، إِنَّما تَفاضُلُ القَومِ بِالأَعمالِ .

قالَ : وَقُلتُ لَهُ : إِنَّ المُؤمِنَينِ يَدخُلانِ الجَنَّهَ ، فَيَكُونُ أَحَدُهُما أَرفَعَ مَكانا مِنَ الآخَرِ ، فَيَشتَهِي أَن يَلقى صاحِبَهُ ! قالَ : مَن كانَ فَوقَهُ فَلَهُ أَن يَهبِطَ ، وَمَن كانَ تَحتَهُ لَم يَكُن لَهُ أَن يَصعَدَ ، لِأَنَّهُ لا يَبلُغُ ذَلِکَ المَکانَ ، وَلکِنَّهُم إِذا أَحَبُّوا ذَلِکَ وَاشتَهَوهُ اِلتَقَوا عَلَى الأَسِرَّهِ . (4)16 / 4دَرَجَهُ أَهلِ القَولِ وَدَرَجَهُ أَهلِ الفِعلِ114.الإمام علىّ عليه السلام :الإمام الباقر عليه السلام :إِنَّ الجَنَّهَ دَرَجاتٌ : فَدَرَجَهُ أَهلِ الفِعلِ ؛ لا يُدرِكُها أَحَدٌ مِن أَهلِ القَولِ ، وَدَرَجَهُ أَهلِ القَولِ ؛ لا يُدرِكُها غَيرُهُم . (5)16 / 5سادَهُ أَهلِ الجَنَّهِ111.عنه عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :نَحنُ بَنُو عَبدِ المُطَّلِبِ سادَهُ أَهلِ الجَنّهِ : رَسُولُ اللّهِ ، وَحَمزَهُ سَيِّدُ الشُّهَداءِ ، وَجَعفَرٌ ذُو الجَناحَينِ ، وَعَلِىٌ وَفاطِمَهُ وَالحَسَنُ وَالحُسَينُ وَالمَهدِىُ . (6) .

1- .إشاره إلى الآيه 165 من سوره الأنعام.
2- .تفسير العيّاشى : ج 1 ص 388 ح 147 عن أبى بصير ، مجمع البيان : ج 9 ص 318 ، بحار الأنوار : ج 69 ص 172 ح 15 وراجع : الزهد للحسين بن سعيد : ص 99 ح 270.
3- .الرحمن : 62 .
4- .مجمع البيان : ج 9 ص 318 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 106.
5- .الكافى : ج 8 ص 228 ح 289 عن أبى مريم.
6- .الأمالى للصدوق : ص 562 ح 757 ، روضه الواعظين : ص 294 ، العمده : ص 281 ح 455 ، بشاره المصطفى : ص 212 وليس فيهما «والمهدىّ» وكلّها عن أنس ، بحار الأنوار : ج 22 ص 149 ح 142 نقلاً عن كتاب سليم بن قيس .

16 / 4 درجه اهل گفتار و درجه اهل کردار

16 / 5 سَروران اهل بهشت

110.الإمام علیّ علیه السلام :امام صادق علیه السلام :ما نمی گوییم که [بهشت] فقط یک درجه دارد . خدا می فرماید : «درجاتی دارد ، یکی بالای دیگری» . (1) تفاوت [درجات] بهشتیان ، به سبب اعمال آنهاست.109.مقاتل الطالبیّین عن الضحّاک المشرقی :مجمع البیان به نقل از ابو بصیر :امام صادق علیه السلام فرمود : «هرگز نگویید : بهشت ، یکی است . خدا می فرماید : « و پایین تر از آن دو ، دو بهشت دیگر است» و هرگز نگویید : یک درجه است . خدا می فرماید که درجاتی دارد ، یکی بالای دیگری . تفاوت بهشتیان ، در واقع ، به سبب اعمال آنهاست» .

به ایشان گفتم : دو مؤمن ، وارد بهشت می شوند و یکی از آنها ، جایگاهی بالاتر از دیگری دارد و او می خواهد این دیگری را دیدار کند ! [دیدارشان ، چگونه انجام می شود ؟] .

فرمود : «آن که بالاتر است ، می تواند پایین بیاید ؛ امّا آن که پایین تر است ، نمی تواند بالا برود ؛ زیرا به آن مکان نمی رسد . البتّه اگر دوست داشتند و خواستند همدیگر را ملاقات کنند ، روی تخت ها دیدار می کنند» .16 / 4درجه اهل گفتار و درجه اهل کردار106.الإمام الصادق علیه السلام :امام باقر علیه السلام :بهشت ، درجاتی دارد . هیچ یک از اهل گفتار ، به درجه اهل کردار نمی رسد و دیگران به درجه اهل گفتار نیز نمی رسند.16 / 5سَروران اهل بهشت103.شرح نهج البلاغه :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ما فرزندان عبد المطّلب ، سَروران اهل بهشتیم : [منِ] پیامبر خدا و حمزه سیّد الشهدا و جعفرِ صاحبِ دو بال و علی و فاطمه و حسن و حسین و مهدی .

.

1- .اشاره است به آیه 165 از سوره انعام .

102.ربيع الأبرار :عنه صلى الله عليه و آله :نَحنُ وُلدُ عَبدِ المُطَّلِبِ سادَهُ أهلِ الجَنَّهِ : أنا وَحمزَهُ وَعَلِىٌ وَجعفَرٌ وَالحَسَنُ وَالحُسَينُ وَالمَهدِىُ .
(1)101.نثر الدرّ :عنه صلى الله عليه و آله :اَلحَسَنُ وَالحُسَينُ سَيِّدا شَبابِ أهلِ الجَنَّهِ . (2)100.تاريخ دمشق عن الزهرى :الإمام علىّ عليه السلام :سادَهُ أهلِ الجَنَّهِ الأَسخِياءُ وَالمُتَّقُونَ . (3)99.أُسد الغابه (فى تَرجَمَهِ زَينَبَ عليهاالسلام) عنه عليه السلام :سادَهُ أهلِ الجَنَّهِ الأَتقِياءُ الأبرارُ .
(4)98.تهذيب الكمال :عنه عليه السلام :سادَهُ أهلِ الجَنَّهِ المُخلِصُونَ .
(5)97.صحيح البخارى عن أبى موسى :عنه عليه السلام :مُلُوكُ الجَنَّهِ الأَتقِياءُ وَالمُخلِصُونَ. (6)96.تهذيب الكمال (فى تَرجَمَهِ أسماءَ بِنتِ عُمَيسٍ) الإمام الصادق عليه السلام :إِنَّ اللّهَ تَبارَکَ وَتَعالى کَفَّلَ إبراهِيمَ وَسارَهَ أطفالَ المُؤمِنِينَ ، يَغذُوانِهِم بِشَجَرَهٍ فِى الجَنَّهِ ، لَها أخلافٌ (7) کَأخلافِ البَقَرِ ، فِى قُصرٍ مِن دُرَّهٍ ، فَإذا کانَ يَومُ القِيامَهِ أُلبِسُوا وَطُيِّبُوا وَأُهدُوا إِلى آبائِهِم ، فَهُم مُلُوکٌ فِى الجَنَّهِ مَعَ آبائِهِم ، وَهُوَ قَولُ اللّهِ عز و جل : «وَ الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَ اتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَنٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ» (8) . (9) .

1- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1368 ح 4087 ، المستدرک على الصحيحين : ج 3 ص 233 ح 4940 کلاهما عن أنس ، کنز العمّال : ج 12 ص 97 ح 34162 ؛ الغيبه للطوسى : ص 183 ح 142 ، العمده : ص 52 ح 48 کلاهما عن أنس ، بحار الأنوار : ج 26 ص 261 ح 40.
2- .سنن الترمذى : ج 5 ص 656 ح 3768 ، الفردوس : ج 2 ص 158 ح 2801 کلاهما عن أبى سعيد الخدرى ، سنن ابن ماجه : ج 1 ص 44 ح 118 عن ابن عمر ؛ الأمالى للطوسى : ص 312 ح 634 عن الحارث عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 43 ص 316.
3- .غرر الحکم : ح 5584 ، عيون الحکم والمواعظ : ص 283 ح 5101 .
4- .غرر الحکم : ح 5599 .
5- .غرر الحکم : ح 5591 ، عيون الحکم والمواعظ : ص 284 ح 5112 .
6- .غرر الحکم : ح 9817 ، عيون الحکم والمواعظ : ص 487 ح 9001.
7- .الأخلاف : جمع خِلْف بالکسر : وهو الضَّرْع لکلّ ذات خُفٍّ وظِلف (النهايه : ج 2 ص 68 «خلف»).
8- .الطور : 21.
9- .کتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 490 ح 4732 ، التوحيد : ص 393 ح 6 وليس فيه ذيله ، عوالى اللآلى : ج 3 ص 287 ح 33 کلّها عن الحلبى ،

بحار الأنوار : ج 5 ص 293 ح 18.

95.أُسد الغابه (فی تَرجَمَهِ اُمامَهِ بِنتِ أبِی العاصِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ما فرزندان عبد المطّلب ، سَروران اهل بهشتیم : من و حمزه و علی و جعفر و حسن و حسین و مهدی.94.المناقب لابن شهر آشوب :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :حسن و حسین ، سَرور جوانان اهل بهشت اند .93.الإمام الباقر علیه السلام :امام علی علیه السلام :سَروران اهل بهشت ، سخاوتمندان و پرهیزگاران اند .92.الإمام علیّ علیه السلام (فی ذِکرِ زَواجِهِ مِن فاطِمَهَ علیهاالسلام) امام علی علیه السلام :سَروران اهل بهشت ، پرهیزگاران نیکوکارند .91.کتاب من لا یحضره الفقیه عن جابر بن عبد اللّه الأن (فی ذِکرِ زَواجِ فاطِمَهَ علیهاالسلام) امام علی علیه السلام :سَروران اهل بهشت ، مردمان با اخلاص اند .90.المصنّف عن ابن عبّاس :امام علی علیه السلام :شهریاران بهشت ، پرهیزگاران و اخلاصمندان اند .89.الإمام علیّ علیه السلام :امام صادق علیه السلام :خداوند بزرگ و والا ، ابراهیم و ساره را سرپرست کودکان اهل ایمان ، قرار داده است و آن دو ، آنها را با درختی در بهشت که پستان هایی مانند پستان گاو دارد ، در قصری از دُر ، تغذیه می کنند و چون روز قیامت شود ، بر آنان لباس می پوشانند و خوش بویشان می سازند و آنان را به پدرانشان هدیه می کنند . اینان در بهشت با پدرانشان پادشاهی می کنند . این ، سخن خدای عز و جل است ، آن جا که می فرماید : «و کسانی که ایمان آورده اند و فرزندانشان آنان را در ایمانْ پیروی کرده اند ، فرزندانشان را به ایشان ملحق خواهیم کرد» . .

16 / 6عُرَفاءُ أَهلِ الجَنَّهِ86.المعجم الأوسط عن جابر بن عبد اللّه :رسول اللّه صلى الله علَيه و آله :حَمَلَهُ القُرآنِ عُرَفاءُ أَهلِ الجَنَّهِ . (1)85.الأمالى للطوسى :عنه صلى الله عليه و آله :حَمَلَهُ القُرآنِ عُرَفاءُ أَهلِ الجَنَّهِ ، وَالمُجتَهِدُونَ قُوّادُ أَهلِ الجَنَّهِ ، وَالرُّسُلُ سادَهُ أَهلِ الجَنَّهِ . (2)84.تاريخ اليعقوبى (فى ذِكرِ زَواجِ فاطِمَهَ عليهاالسلام) عنه صلى الله عليه و آله :اَلنَّبِيُّونَ وَالمُرسَلُونَ سادَهُ أَهلِ الجَنَّهِ ، وَالشُّهَداءُ قُوّادُ أَهلِ الجَنَّهِ ، وَحَمَلَهُ القُرآنِ عُرَفاءُ أَهلِ الجَنَّهِ . (3)16 / 7زِينَهُ الجَنَّهِ81.السنن الكبرى عن مجاهد عن الإمام علىّ عليه السلامرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إِنَّ الحَسَنَ وَالحُسَينَ شَنفا (4) العَرشِ ، وَإِنَّ الجَنَّهَ قالَت : يا رَبِّ ، أَسكِنَتَنِى الضُّعَفاءَ وَالمَساكِينَ ! فَقالَ اللّهُ لَها : أَلا تَرضَينَ أَنِّى زَيَّنتُ أَركانَک بِالحَسَنِ وَالحُسَينِ؟ ! قالَ : فَماسَت (5)

كَما تَمِيسُ العَرُوسُ فَرَحا . (6) .

1- .معانيالأخبار: ص323 ح1، الخصال: ص28 ح 100 ، مجمع البيان : ج 1 ص 85 وزاد فى آخره «يوم القيامه» وكلّها عن أبى سعيد الخدرى ، بحار الأنوار : ج 92 ص 177 ح 3 ؛ المعجم الكبير : ج 3 ص 132 ح 2899 عن سكينه عن أبيها الإمام الحسين عليه السلام وزاد فى آخره «يوم القيامه»، كنز العمّال: ج 1 ص514 ح 2289.
2- .الكافى : ج 2 ص 606 ح 11 عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، النوادر للراوندى : ص 137 ح 180 ، الجعفريّات : ص 76 كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 343 وفيها «والمجاهدون فى سبيل اللّه » بدل «والمجتهدون» ، بحار الأنوار : ج 8 ص 199 ح 202 ؛ كنز العمّال : ج 1 ص 550 ح 2464 نقلاً عن ابن النجّار عن أبى هريره.
3- .حليه الأولياء : ج 6 ص 65 ، تاريخ أصبهان : ج 2 ص 297 الرقم 1785 نحوه وكلاهما عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 14 ص 474 ح 39320 .
4- .الشَّنَفْ : الذى يُلبس فى أعلى الأُذن، والذى فى أسفلها القِرْط (لسان العرب : ج 9 ص 183 «شنف»).
5- .يَمِيْسُ : إذا تبختر فى مشيه وتثنّى (النهايه : ج 4 ص 380 «ميس»).
6- .الإرشاد : ج 2 ص 127 ، إعلام الورى : ج 1 ص 432 ، بحار الأنوار : ج 43 ص 275 ح 44.

16 / 6 سردارانِ اهل بهشت

16 / 7 زیور بهشت

16 / 6سردارانِ اهل بهشت78.الإمام الصادق علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :حاملان قرآن ، سرداران (1) اهل بهشت اند.77.عنه صلی الله علیه و آله (لِفاطِمَهَ علیهاالسلام) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :حاملان قرآن ، سرداران اهل بهشت اند و کوشندگان ، (2)

هدایتگران اهل بهشت اند و پیامبران ، سَروران اهل بهشت اند.76.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبران و فرستادگان ، سَروران اهل بهشت اند و شهیدان ، هدایتگران اهل بهشت اند و حاملان قرآن ، سرداران اهل بهشت اند.16 / 7زیور بهشت73.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :حسن و حسین ، گوشواره های عرش اند . بهشت گفت : پروردگارا ! ناتوانان و مستمندان را در من سکنا دادی !

خداوند به او فرمود : «آیا خرسند نیستی که ارکان تو را با حسن و حسین ، زینت بخشیدم؟ !» .

بهشت [با شنیدن این سخن] از شادی چون عروس ، نازید و خرامید.

.

1- .در متن عربی ، «عُرَفا» آمده که جمع «عَریف» به معنای پایین تر از رئیس در قبیله ، کارگزار قوم ، نقیب ، سردار ، سالار ، خلیفه یا مُبصر در مکتب خانه و مدرسه است . از ابن عبّاس در باره معنای «عرفاء» در همین حدیث پرسیدند . گفت : یعنی آنان رؤسای اهل بهشت اند (النهایه : ج 3 ص 218) .
2- .یعنی کوشندگان در راه قرآن ، یا کوشندگان در عمل صالح و اطاعت از خداوند .

72.الطبقات الكبرى عن عطاء :عنه صلى الله عليه و آله :لَمّا استَقَرَّ أَهلُ الجَنَّهِ فِى الجَنَّهِ قالَتِ الجَنَّهُ : يا رَبِّ ! أَلَيسَ وَعَدتَنِى أَن تُزَيِّنَنِى بِرُكنَينِ مِن أَركانِکَ؟ قالَ : أَلَم أُزَيِّنکِ بِالحَسَنِ وَالحُسَينِ؟ قالَ : فَماسَتِ الجَنَّهُ مَيسا كَما تَمِيسُ العَرُوسَ . (1)16 / 8دَرَجَهُ النَّبِيِ وَأَهلِ بَيتِهِ عليهم السلام69.شرح نهج البلاغه عن الفضل بن عبّاس :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :اَلوَسِيلَهُ دَرَجَهٌ عِندَ اللّهِ لَيسَ فَوقَها دَرَجَهٌ ، فَسَلُوا اللّهَ أَن يُؤتِيَنِى الوَسِيلَهَ . (2)68.السيره النبويّه عن ابن إسحاق :الإمام علىّ عليه السلام :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : فِى الجَنَّهِ دَرَجَهٌ تُدعى الوَسِيلَهَ ، فَإِذا سَأَلتُمُ اللّهَ فَسَلُوا لِى الوَسِيلَهَ . قالُوا : يا رَسُولَ اللّهِ ، مَن يَسكُنُ مَعَکَ؟ قالَ : عَلِىٌ وَفاطِمَهُ وَالحَسَنُ وَالحُسَينُ . (3)67.الإمام علىّ عليه السلام (فِى خُطبَتِهِ المُسَمّاهِ بِالقاصِعَهِ) إحقاق الحقّ عن عائشه :ما رَأَيتُ رَجُلاً قَطُّ أَحَبَّ إِلَى رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله مِن عَلِىٍ وَمِن فاطِمَهَ عليهماالسلام . قالَت فاطِمَهُ يَوما وَأَنا حاضِرَهٌ : فَدَتکَ نَفسِى يا رَسُولَ اللّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيکَ ، أَىَ شَىءٍ رَأَيتَ لِى؟ فَقالَ : يا فاطِمَهُ ، أَنتِ خَيرُ النِّساءِ فِى البَرِيَّهِ ، وَأَنتِ أَهلُ الجَنَّهِ وأَهلُها (4) . قالَت :يا رسولَ اللّهِ ، فَما لِابنِ عَمِّکَ عَلِىٍ عليه السلام ؟ فَقالَ لَها : لا يُقاسُ بِهِ أَحَدٌ مِمَّن خَلَقَ اللّهُ . قالَت : وَالحَسَنُ وَالحُسَينُ؟ قالَ : هُما وَلَدایَ وَسِبطایَ وَرَيحانَتایَ أَيّامَ حَياتِى وَبَعدَ مَماتِى.

قالَت : فَبَينَما هُما فِى الحَدِيثِ إِذ أَتى عَلِىٌ عليه السلام فَقالَ لَهُ : فِداکَ أَبِى وَأُمِّى يا رَسُولَ اللّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيکَ ، أَىَ شَىءٍ رَأَيتَ لِى؟ فَقالَ : يا عَلِىُ ! أَنا وَأَنتَ وَفاطِمَهُ وَالحَسَنُ وَالحُسَينُ فِى غُرفَهٍ مِن دُرَّهٍ ، أَساسُها مِن رَحمَهِ ، وَأَطرافُها مِن رِضوانٍ ، وَهِىَ تَحتَ عَرشِ اللّهِ . يا عَلِىُ ، بَينَکُم وَبَينَ نُورِ اللّهِ بابٌ ، فَتَنظُرُ إِلَيهِ وَيَنظُرُ إِلَيکَ ، وَعَلى رَأسِکَ تاجٌ مِن نُورٍ قَد أَضاءَ ما بَينَ المَشرِقِ وَالمَغرِبِ ، وَأَنتَ تَرفُلُ (5) فِى حُلَّهٍ مِن حُلَلِ حُمرٍ وَردِيَّهٍ ، وَخُلِقتَ وَخَلَقَنِى رَبِّى وَخَلَقَ مُحِبِّينا مِن طِينَهٍ تَحتَ العَرشِ ، وَخَلَقَ مُبغِضِينا مِن طِينَهِ الخَبالِ (6) . (7) .

1- .تاريخ بغداد : ج 2 ص 238 الرقم 697 ، تاريخ دمشق : ج 13 ص 228 ح 3236 ، المعجم الأوسط : ج 1 ص 108 ح 337 نحوه وكلّها عن عقبه بن عامر ، كنز العمّال : ج 12 ص 121 ح 34290.
2- .مسند ابن حنبل : ج 4 ص 165 ح 11783 ، كنز العمّال : ج 7 ص 698 ح 20984 نقلاً عن ابن مردويه وكلاهما عن أبى سعيد الخدرى .

3- .تفسير ابن كثير : ج 3 ص 98 عن الحارث ، كنز العمّال : ج 12 ص 103 ح 34195 نقلاً عن ابن مردويه ؛ بشاره المصطفى : ص 270 عن الحارث نحوه .
4- .كذا فى المصدر.
5- .رَفَلَ يَرفُل رَفْلاً : جرّ ذَيله وتَبَختر (لسان العرب : ج 11 ص 292 «رفل»).
6- .طينه الخَبَال : ما سال من جلود أهل النار (لسان العرب : ج 11 ص 198 «خبل»).
7- .إحقاق الحقّ : ج 5 ص 90 ح 95 وراجع : الفضائل : ص 142 و بحار الأنوار : ج 37 ص 78 ح 47.

16 / 8 درجه پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت او

66.المستدرک علی الصحیحین عن مجاهد بن جبر أبی الحجّاجپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چون بهشتیان در بهشت جای گیرند ، بهشت می گوید : پروردگارا ! مگر وعده ام ندادی که مرا به دو رکن از ارکانت زینت بخشی؟

خداوند می فرماید : «مگر تو را به حسن و حسین ، زینت نبخشیدم؟» .

پس ، بهشت ، همچون عروس ، می نازد و می خرامد.16 / 8درجه پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت او63.أنساب الأشراف :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :وسیله ، درجه ای است در نزد خدا که بالاتر از آن ، درجه ای نیست . پس ، از خدا بخواهید که وسیله را به من عطا فرماید.62.شرح نهج البلاغه عن الحسین بن زید بن علیّ بن الحسیامام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «در بهشت ، درجه ای است که وسیله خوانده می شود . پس هر گاه از خدا درخواست کردید ، وسیله را برای من درخواست کنید» .

گفتند : ای پیامبر خدا ! چه کسی با تو ساکن می شود؟

فرمود : «علی و فاطمه و حسن و حسین».61.کشف الیقین عن یزید بن قعنب :إحقاق الحقّ به نقل از عایشه :هرگز کسی را در نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، محبوب تر از علی و فاطمه ندیدم . روزی فاطمه در حضور من ، به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت : جانم به فدایت ، ای پیامبر خدا ! درود خدا بر تو ! نظرتان در باره من چیست؟

فرمود : «ای فاطمه ! تو بهترین زن عالم هستی . تو اهل بهشت و سزاوارِ آن هستی» .

فاطمه گفت : ای پیامبر خدا ! در باره پسرعمویت علی ، چه؟

فرمود : «هیچ یک از خلق خدا با او قابل قیاس نیست» .

فاطمه گفت : و حسن و حسین؟

فرمود : «آن دو ، در زندگی ام و پس از مرگم ، فرزندان و نوادگان من و دسته گل های من اند» .

در همین حال که آن دو با هم سخن می گفتند ، علی آمد و به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت : پدرم و مادرم به فدایت ، ای پیامبر خدا ! درود خدا بر تو باد ! نظرتان در باره من چیست؟

فرمود : «ای علی ! من و تو و فاطمه و حسن و حسین ، در غرفه ای از دُر هستیم که پایه اش از رحمت است و دیوارهایش از رضوان ، و آن غرفه در زیر عرش جای دارد .

ای علی ! میان شما و نور خدا ، دَری است که تو [از آن] به او (خداوند) می نگری و او [از آن] به تو می نگرد ، و بر سَرت ، تاجی از نور است که از مشرق تا مغرب را روشن می کند ، و تو در جامه ای از جامه های سرخِ گل رنگ می خرامی . پروردگارم ، تو و مرا و دوستان ما را از گِلی در زیر عرش آفریده و دشمنان ما را از چرکابه پوست دوزخیان ، خلق کرده است» .

.

60.المناقب لابن شهر آشوب عن ابن إسحاق وابن شهاب :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إِذا كانَ يَومُ القِيامَهِ يَقعُدُ علىُ بنُ أَبى طالِبٍ عَلَى الفِردَوسِ ؛ وَهُوَ جَبَلٌ قَد عَلا عَلَى الجَنَّهِ ، وَفَوقَهُ عَرشُ رَبِّ العالَمِينَ ، وَمِن سَفحِهِ تَتَفَجَّرُ أَنهارُ الجَنَّهِ ، وَتَتَفَرَّقُ فِى الجِنانِ ، وَهُوَ جالِسٌ عَلى كُرسِىٍ مِن نُورٍ ، يَجرِى بَينَ يَدَيهِ نَهرٌ مِنَ التَّسنِيمِ (1) ، لاَ يَجُوزُ أَحَدٌ عَلَى الصِّراطِ إِلَّا وَمَعَهُ بَراَءَهٌ بِوَلايَتِهِ وَوَلايَهِ أَهلِ بَيتِهِ ، وَهُو مُشرِفٌ عَلَى الجَنَّهِ فَيَدخُلُها مُحِبُّوهُ ، وَمُشرِفٌ عَلَى النّارِ فَيَدخُلُها مُبغِضُوهُ . (2) .

1- .التَّسنيم : قيل هو عين فى الجنّه رفيعه القدر (مفردات ألفاظ القرآن : ص 429 «سنم»).

2- .مئه منقبه : ص 107 ، كشف الغمّه : ج 1 ص 103 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 2 ص 156 وليس فيه صدره إلى «الجنان» وكلّها عن عبد اللّه بن مسعود ، بحار الأنوار : ج 27 ص 116 ح 93 ؛ المناقب للخوارزمى : ص 71 ح 48 ، فرائد السمطين : ج 1 ص 292 ح 230 كلاهما عن عبد اللّه بن مسعود.

59.نثر الدرّ :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چون روز قیامت شود ، علی بن ابی طالب بر فراز فردوس می نشیند . فردوس ، کوهی است بر بلندای بهشت که بالای آن ، عرش پروردگار جهانیان قرار دارد و از دامنه آن ، جویبارهای بهشت ، سرچشمه می گیرند و در باغ های بهشت ، پراکنده می شوند . او بر تختی از نور می نشیند و نهری از تسنیم (1) در برابرش جاری است ، و هیچ کس از صراط نمی گذرد ، مگر آن که جواز عبوری از ولایت او و ولایت اهل بیتش داشته باشد . او مُشْرف بر بهشت است و دوستانش وارد آن می شوند . نیز بر آتش ، مُشرف است و دشمنانش وارد آن می شوند. .

1- .تسنیم ، چشمه ای در بهشت است .

58.تاريخ دمشق عن مُدرِك :الإمام علىّ عليه السلام :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إِسأَلُوا اللّهَ تَعالى لِى الدَّرَجَةَ الوَسِيلَةَ مِن الجَنَّهِ . قِيلَ : يا رَسُولَ اللّهِ ، وَما الدَّرَجَةُ الوَسِيلَةُ مِنَ الجَنَّهِ؟ قالَ : هِى أعلى دَرَجَهٍ فِى الجَنَّهِ ، لا يَنالُها إِلّا نَبِىٌّ ، أرجُو أن أكُونَ أنا هُوَ . (1)199.مجمع الزوائد عن ابن عبّاس :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :بَينَما أنا أسِيرُ فِى الجَنَّهِ ، إِذا أنا بِنَهَرٍ، حافَتاهُ قُبابُ الدُّرِّ المُجَوَّفِ، قُلتُ : ما هذا يا جَبرَئِيلُ؟ قالَ : هذا الكَوثَرُ الَّذِى أعطاكَ رَبُّكَ ، فَإِذا طِينُهُ أو طِيبُهُ (2) مِسكٌ أذفَرُ (3) .
200(4).مسند ابن حنبل عن أبى سعيد الخدرىّ :عنه صلى الله عليه و آله :لَيسَ فِى جَنَّهِ عَدنٍ مَنزِلٌ أشرَفَ وَلا أفضَلَ وَلا أقرَبَ إِلى عَرشِ رَبِّى مِن مَنزِلِى ، نَحنُ فِيهِ أربَعَهَ عَشَرَ إِنسانا، أنا، وَأخِى عَلِىٌ وَهُوَ خَيرُهُم وَأحَبُّهُم إِلَىَ ، وَفاطِمَهُ وَهِىَ سَيِّدَهُ نِساءِ أهلِ الجَنَّهِ ، وَالحَسَنُ وَالحُسَينُ ، وَتِسعَهُ أئِمَّهٍ مِن وُلدِ الحُسَينِ . فَنَحنُ فِيهِ أربَعَهَ عَشَرَ إِنسانا فِى مَنزِلٍ واحِدٍ ، أذهَبَ اللّهُ عَنّا الرِّجسَ وَطَهَّرَنا تَطهِيرا ، هُداهً مَهدِيِّينَ . (5)201.الطبقات الكبرى :سنن الترمذى عن أبى هريره :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : سَلُوا اللّهَ لِى الوَسِيلَهَ ، قالُوا : يا رَسُولَ اللّهِ وَما الوَسِيلَهُ؟ قالَ : أعلى دَرَجَهٍ فِى الجَنَّهِ ، لا يَنالُها إِلّا رَجُلٌ واحِدٌ ، أرجُو أن أكُونَ أنَا هُوَ . (6) .

1- .مسند زيد : ص 156 عن الإمام زين العابدين عن آبائه عليهم السلام ، جامع الأخبار : ص 157 ح 370 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 65 ح 52 .
2- .الشكّ من هُدبه ، أحد رواه الحديث.
3- .الأَذْفَر : أى طَيِّب الريح (النهايه : ج 2 ص 161 «ذفر»).
4- .صحيح البخارى : ج 5 ص 2406 ح 6210 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 382 ح 12988 وليس فيه «أو طيبه» ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 152 ح 266 نحوه وكلّها عن أنس وراجع : سنن الترمذى : ج 5 ص 449 ح 3360 و ح 3359.
5- .كتاب سليم بن قيس : ج 2 ص 840 ح 42 عن عبد اللّه بن جعفر بن أبى طالب ، بحار الأنوار : ج 33 ص 267 ح 534 .
6- .سنن الترمذى : ج 5 ص 586 ح 3612 عن أبى هريره و ح 3614 عن عبد اللّه بن عمر نحوه ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 292 ح 8778 بزياده «صلّوا علىَ فإنّها زكاه لكم» فى صدره و ص 86 ح 7601 كلاهما عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 2 ص 79 ح 3227.

202.المغازی عن یعقوب بن عتبه :امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «از خداوند متعال برای من ، درجه وسیله را در بهشت بخواهید» .

گفته شد : ای پیامبر خدا ! درجه وسیله در بهشت چیست؟

فرمود : «بالاترین درجه بهشت است و تنها یک پیامبر به آن دست می یابد ، که امیدوارم من ، آن پیامبر باشم» .203.المستدرک علی الصحیحین عن جابر بن عبد اللّه :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در بهشت می گشتم که به نهری رسیدم که در دو کرانه آن ، گنبدخانه هایی از دُرّ میان تهی بود . گفتم : این چیست ، ای جبرئیل؟

گفت : این ، همان کوثر است که پروردگارت به تو عطا فرمود .

گِل آن نهر یا عطر آن (1) مشک تندبوی بود.204.السیره النبویّه لابن هشام عَن سُفیانَ بنِ فَروَهَپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در بهشت عَدن ، هیچ منزلی بهتر و برتر و به عرش پروردگار ، نزدیک تر از منزل من نیست . در آن منزل ، چهارده نفر هستیم : من و برادرم علی که بهترین و محبوب ترینِ آنان در نزد من است ، و فاطمه که بانوی زنان بهشتی است ، و حسن و حسین و نُه امام از نسل حسین . پس ما چهارده انسان هستیم در آن یک منزل ، که خداوند ، پلیدی را از ما زدوده و پاکِ پاکمان گردانیده است ، و همگی هدایتگرانی هدایت شده ایم.205.الکامل فی التاریخ عن بریده الأسلمی :سنن الترمذی به نقل از ابو هریره :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «از خدا برای من ، وسیله را بخواهید» .

گفتند : وسیله چیست ، ای پیامبر خدا؟

فرمود : «بالاترین درجه بهشت است و جز یک نفر به آن دست نمی یابد . امیدوارم که من ، آن یک نفر باشم» . .

1- .تردید ، از هُدبه (یکی از راویان حدیث) است .

206.صحيح البخارى عن سهل بن سعد :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :خَطِيبُ أَهلِ الجَنَّهِ أنَا مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّهِ . (1)207.صحيح مسلم عن أبى هريره :الإمام علىّ عليه السلام :لِكُلِّ شَىءٍ ذِروَهٌ (2) ، وَذِروَهُ الجَنَّهِ الفِردَوسُ ، وَهِىَ لِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِ وَعَلَيهِم.
208.صحيح البخارى عن سلمه :عنه عليه السلام :إِنَّ لِهذِهِ الأُمَّهِ اِثنَى عَشَرَ إِمامَ هُدًى مِن ذُرِيَّهِ نَبِيِّها ، وَهُم مِنِّى . وَأَمّا مَنزِلُ نَبِيِّنا فِى الجَنَّهِ فَفِى أَفضَلِها وَأَشرَفِها ؛ جَنَّهِ عَدنٍ ، وَأَمّا مَن مَعَهُ فِى مَنزِلِهِ فِيها فَهؤُلاءِ الاثنا عَشَرَ مِن ذُرِّيَّتِهِ ، وَأُمَّهُم وَجَدَّتُهُم وَأُمُّ أُمِّهِم وَذَراريُّهُم ؛ لا يَشرَكُهُم فِيها أَحَدٌ. (3)
209.صحيح مسلم عن سلمه :الإمام الصادق عليه السلام فِى خَبَرِ اليَهُودِيِ الَّذِى سَأَلَ أَمِيرَ المُؤمِنِينَ عليه السلام عَن بَعضِ المَسائِلِ : قالَ [اليَهُودِىُ] : وَأَينَ يَسكُنُ نَبِيُّكُم مِنَ الجَنَّهِ؟ قالَ [عليه السلام] : فِى أَعلاها دَرَجَهً ، وَأَشرَفِها مَكانا ؛ فِى جَنّاتِ عَدنٍ. قالَ : صَدَقتَ وَاللّهِ ! إِنَّهُ لَبِخَطِّ هارُونَ وَإِملاءِ مُوسى عليهماالسلام . (4)210.الاستيعاب :الإمام علىّ عليه السلام فِى جَوابِهِ لِليَهُودِيِ لَمّا سَأَلَهُ عَن مَنزِلِ النَّبِيِ صلى الله عليه و آله أَينَ هُوَ مِنَ الجَنَّهِ؟ : أَمّا مَنزِلُ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله مِنَ الجَنَّهِ فِى جَنَّهِ عَدنٍ ، وَهِىَ وَسَطُ الجِنانِ ، وَأَقرَبُها مِن عَرشِ الرَّحمنِ جَلَّ جَلالُهُ ... وَالَّذِينَ يَسكُنُونَ مَعَهُ فِى الجَنَّهِ هؤُلاءِ الأَئِمَّهُ الاِثنا عَشَرَ. (5) .

1- .جامع الأخبار : ص 348 ح 961 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 147 ح 72.
2- .ذِرْوَهُ كلّ شىء : أعلاه (النهايه : ج 2 ص 159 «ذرا»).
3- .تأويل الآيات الظاهره : ج 1 ص 298 ح 11 عن الحارث ، بحار الأنوار : ج 24 ص 269 ح 41 ؛ كنز العمّال : ج 10 ص 261 ح 29387 نقلاً عن المرهبى و ص 309 ح 29546 نقلاً عن الجوهرى وليس فيهما «وآل محمّد صلى الله عليه و آله ».
4- .الكافى : ج 1 ص 532 ح 8 ، الغيبه للطوسى : ص 153 ح 113 ، إعلام الورى : ج 2 ص 168 ، المناقب لابن شهرآشوب : ج 1 ص 298 وليس فيه ذيله من «وأُمّهم وجدّتهم ...» وكلّها عن أبى سعيد الخدرى ، بحار الأنوار : ج 36 ص 381 ح 8 .
5- .كمال الدين : ص 301 ح 8 ، الخصال : ص 477 ح 40 ، الاحتجاج : ج 1 ص 539 ح 128 كلّها عن صالح بن عقبه عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 8 ص 195 ح 177.

6- .كمال الدين : ص 296 ح 3 عن أبى الطفيل عامر بن واثله ، بحار الأنوار : ج 8 ص 189 ح 161 .

211.الإرشاد عن عبد الملک بن هشام ومحمّد بن إسحاق وغیرپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خطیب بهشتیان ، من ، محمّد پیامبر خدا ، هستم.212.المغازی :امام علی علیه السلام :هر چیزی را چکادی است و چکاد بهشت ، پردیس است و آن ، از آنِ محمّد و خاندان محمّد است . درودهای خدا بر او و بر ایشان باد !213.المغازی :امام علی علیه السلام :این امّت را دوازده راهبر از نسل پیامبرشان است و آنان از نژاد من اند . و منزل پیامبرِ ما در بهشت ، در بهترین و برترین جای آن ، یعنی بهشت عَدْن ، است و همراهان او در آن منزل نیز همین دوازده امام از نسل او هستند ، به علاوه مادرشان و مادربزرگشان و مادر مادرشان و فرزندانشان . هیچ کس دیگر در آن منزل با ایشان همراه نیست .214.الإرشاد :امام صادق علیه السلام در داستانِ آن مرد یهودی که از امیر مؤمنان علیه السلام سؤالاتی کرد :یهودی گفت : پیامبرِ شما در کجای بهشت ، ساکن می شود؟

فرمود : «در بالاترین درجه و ارجمندترین مکان آن ، در بهشت های عَدن» .

یهودی گفت : به خدا سوگند که درست گفتی! این مطلب با خطّ هارون و املای موسی علیه السلام آمده است .215.المصنّف عن جابر بن عبد اللّه :امام علی علیه السلام در پاسخش به آن مرد یهودی که در باره منزل پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید که :در کجای بهشت است؟ : منزل محمّد در بهشت ، در بهشتِ عدن است ، که وسط (/ بهترین جای) بهشت ها و نزدیک ترینِ آنها به عرش خدای رحمان عز و جلاست ... و کسانی که با او در بهشتْ ساکن اند ، همین امامان دوازده گانه اند. .

216.مسند ابن حنبل عن أبى رافع مولى رسول اللّه صلى الل (فى مَعرَكَهِ خَيبَرَ) عنه عليه السلام فِى خُطبَهِ لَهُ : يا أَيُّها النَّاسُ ! إِنَّ فِى الجَنَّهِ لُؤلُؤَتَينِ : إِحداهُما بَيضاءُ وَالأُخرى صَفراءُ ، أَمّا الصَّفراءُ فَإِنَّها إِلى بُطنانِ العَرشِ وَالمَقامُ المَحمُودُ مِن اللُّؤلُؤَهِ البَيضاءِ سَبعُونَ أَلفَ غُرفَهٍ ، كُلُّ بَيتٍ مِنها ثَلاثَهُ أَميالٍ ، وَغُرَفُها وَأَبوابُها وَأَسِرَّتُها وَكَأَنَّها مِن عِرقٍ واحِدٍ ، وَاسمُها الوَسِيلَهُ ، هِىَ لِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله وَأَهلِ بَيتِهِ . (1)217.الأمالى للصدوق عن عبد اللّه بن عمرو بن العاص :عنه عليه السلام فِى خُطبَهِ الوَسِيلَهِ : أَيُّها النّاسُ ، إِنَّ اللّهَ تَعالى وَعَدَ نَبِيَّهُ مُحَمَّدا صلى الله عليه و آله الوَسِيلَهَ ، وَوُعدُهُ الحَقُّ وَلَن يُخلِفَ اللّهُ وَعدَهُ . أَلا وَإِنَّ الوَسِيلَهَ عَلى دَرَجِ الجَنَّهِ ، وَذِروَهِ ذَوائِبِ الزُّلفَهِ ، وَنِهايَهِ غايَهِ الأُمنِيَّهِ ... قَد أَنافَت عَلى كُلِّ الجِنانِ ، وَرَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَومَئِذٍ قاعِدٌ عَلَيها، مُرتَدٍ بِرَيطَتَينِ (2) : رَيطَهٍ مِن رحمَهِ اللّهِ ، وَرَيطَهٍ مِن نُورِ اللّهِ ، عَلَيهِ تاجُ النُّبُوَّهِ وَإِكلِيلُ (3) الرِّسالَهِ ، قَد أَشرَقَ بِنُورِهِ المَوقِفُ ، وَأَنا يَومَئِذٍ عَلَى الدَّرَجَهِ الرَّفِيعَهِ ، وَهِى دُونَ دَرَجَتِهِ. (4)218.الإرشاد عن أبى عبد اللّه الجدلى :عنه عليه السلام :كانَ لِى عَشِرٌ مِن رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله لَم يُعطَهُنَّ أَحَدٌ قَبلِى ، وَلا يُعطاهُنَّ أَحَدٌ بَعدِى ، قالَ لِى : يا عَلِىُ ، أَنتَ أَخِى فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، وَأَنتَ أَقرَبُ النّاسِ مِنّى مَوقِفا يَومَ القِيامَهِ ، وَمَنزِلِى وَمَنزِلُكَ فِى الجَنَّهِ مُتَواجِهَينِ كَمَنزِلِ الأَخَوَينِ . . . . (5)219.الإمام علىّ عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام فِى الدُّعاءِ عِندَ زِيارَهِ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله : اَللّهُمَّ فَاجعَل صَلَواتِكَ وَصَلَواتِ مَلائِكَتِكَ المُقَرَّبِينَ ، وَعِبادِكَ الصّالِحِينَ وَأَنبِيائِكَ المُرسَلِينَ ، وَأَهلِ السَّماوَاتِ وَالأَرَضِينَ ، وَمَن سَبَّحَ لَكَ يا رَبَّ العالَمِينَ مِن الأَوَّلِينَ وَالآخِرِينَ ، عَلى مُحَمَّدٍ عَبدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَنَجِيبِكَ وَحَبِيبِكَ وَصَفِيِّكَ وَخاصَّتِكَ وَصَفوَتِكَ وَخِيَرَتِكَ مِن خَلقِكَ ، اَللّهُمَّ أَعطِهِ الدَّرَجَهَ وَالوَسِيلَهَ مِنَ الجَنَّهِ ، وَابعَثهُ مَقاما مَحمُودا، يَغبِطُهُ بِهِ الأَوَّلُونَ وَالآخِرُونَ . (6) .

1- .تفسير ابن كثير : ج 3 ص 98 عن علىّ بن الحسين الأزدى مولى سالم بن ثوبان ، إحقاق الحقّ : ج 9 ص 522 وراجع : شرح الأخبار : ج 2 ص 482 ح 846 .
2- .الرِّيطَه : كُلّ ثوب رقيق ليّن (النهايه : ج 2 ص 289 «ريط»).
3- .الإكليل : شِبْه عِصابهٍ مُزَيّنه بالجوهر (النهايه : ج 4 ص 197 «كلل»).

4- .الكافى : ج 8 ص 24 ح 4 عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام .
5- .الخصال : ص 429 ح 7 ، الأمالى للطوسى : ص 137 ح 222 ، الأمالى للصدوق : ص 136 ح 135 ، شرح الأخبار : ج 2 ص 541 ح 528 ، بشاره المصطفى : ص 128 كلّها عن زيد بن علىّ بن الحسين عن أبيه عن جدّه عليهماالسلام ، بحار الأنوار : ج 8 ص 185 ح 148 وراجع : المناقب لابن شهر آشوب : ج 2 ص 154.
6- .الكافى : ج 4 ص 551 ح 1 ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 5 ح 8 نحوه وكلاهما عن معاويه بن عمّار ، بحار الأنوار : ج 100 ص 161 ح 41 .

220.عنه علیه السلام (فی رِسالَتِهِ إلی سَهلِ بنِ حُنَیفٍ) امام علی علیه السلام در یکی از سخنرانی هایش :ای مردم ! در بهشت ، دو مروارید است : یکی از آنها سفید است و دیگری زرد . مروارید زرد ، تا دل عرش ، کشیده شده است ، و آن جایگاه ستودنی (مَقام محمود) ، در مروارید سفید است که هفتاد هزار غرفه دارد و هر خانه ای از آن ، سه میل است و غرفه ها و درها و تخت هایش گویی از یک جنس اند . نام آن [جایگاه ستودنی] ، وسیله است و متعلّق به محمّد صلی الله علیه و آله و خاندان اوست .221.مشارق أنوار الیقین :امام علی علیه السلام در خطبه وسیله :ای مردم ! خدای متعال به پیامبرش محمّد صلی الله علیه و آله ، وسیله را وعده داده است و وعده او راست است و خدا هرگز خلف وعده نمی کند . بدانید که وسیله ، بالاترین درجه بهشت و نوک کاکُل قرب به خدا و نقطه نهایی آرزوست ... و بالاتر از همه بهشت هاست .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در آن روز ، در آن می نشیند ، در حالی که دو جامه نرم و نازک بر تن دارد : جامه ای از رحمت خدا و جامه ای از نور خدا . تاج پیامبری و پیشانی بند جواهرنشان رسالت ، بر سر اوست و نورش محشر را روشن کرده است . در آن روز ، من نیز بر درجه بلندی هستم ؛ ولی از درجه او پایین تر است.222.تفسیر الفخر الرازی :امام علی علیه السلام :من ده چیز از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دارم که پیش از من به هیچ کس داده نشده اند و پس از من نیز به هیچ کس داده نخواهند شد . به من فرمود : «ای علی ! تو در دنیا و آخرت ، برادر من هستی . تو در روز قیامت ، نزدیک ترین جایگاه را به من داری و منزل من و منزل تو در بهشت ، رو به روی هم است . همانند منزل دو برادر ... » .223.الإرشاد :امام صادق علیه السلام در دعا به هنگام زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله :بار خدایا ! درودهایت را و درودهای فرشتگان مقرّبت و بندگان شایسته ات و پیامبران مُرسَلت و اهل آسمان ها و زمین را و درودهای همه کسانی را که تو را ای پروردگار جهانیان تسبیح گفته اند ، از اوّلین و آخرین مخلوقات ، بر محمّد ، بنده ات و فرستاده ات و پیامبرت و امینت و گزیده ات و محبوبت و دوست خالصت و بنده ویژه ات و منتخبت و برگزیده ات از میان آفریدگانت ، قرار ده . بار خدایا ! درجه و وسیله بهشت را به او عطا فرما و او را به چنان مقام پسندیده ای برسان که اوّلین و آخرین (همه جهانیان) بر او غبطه خورند . .

224.تذكره الخواصّ :عنه عليه السلام :كانَ فِيما وَعَظَ اللّهُ عز و جل بِهِ عِيسَى بنَ مَريَمَ عليه السلام : ... ثُمَّ إِنِّى أوصِيکَ يَابنَ مَريَمَ البِكرِ البَتُولِ بِسَيِّدِ المُرسَلِينَ وَحَبِيبِى مِنهُم ، أحمَدُ ، صاحِبُ الجَمَلِ الأحمَرِ ، وَالوَجهِ الأقمَرِ ... لَهُ الكَوثَرُ وَالمَقامُ الأكبَرُ مِن جَنّاتِ عَدنٍ ، يَعِيشُ أكرَمَ مَعاشٍ ، وَيُقبَضُ شَهِيدا ، لَهُ حَوضٌ أبعَدُ مِن مَكَّةَ إلى مَطلَعِ الشَّمسِ ، مِن رَحِيقٍ مَختُومٍ ، فِيهِ آنِيَهٌ مِثلُ نُجُومِ السَّماءِ ، ماؤُهُ عَذبٌ ، فِيهِ مِن كُلِّ شَرابٍ وَطَعمُ كُلِّ ثِمارٍ فِى الجَنَّهِ ، مَن شَرِبَ مِنهُ شَربةً لَم يَظمَأ بَعدَها أبَدا . (1)راجع : ص 146 (الفصل الرابع : مواصفات الجنه / أنهار الجنّه) و ص 154 (أشجار الجنّه) و ص 190 (شراب أهل الجنّه) و ص 550 (الفصل الخامس عشر : نظام الجنه / أوّل من يدخل الجنّه) .

16 / 9أَقرَبُ النَّاسِ دَرَجَةً إلى النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله شِيعَهُ أَهلِ البَيتِ عليهم السلام229.تاريخ اليعقوبى :الإمام علىّ عليه السلام :إِنَّ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله أَخَذَ بِيَدِ حَسَنٍ وَحُسَينٍ فَقالَ : مَن أَحَبَّنِى وَأَحَبَّ هذَينِ وَأباهُما وَأُمَّهُما كانَ مَعِى فِى دَرَجَتِى يَومَ القِيامَهِ . (2) .

1- .الأمالى للصدوق : ص 610 ص 612 ح 842 عن أبى بصير ، الكافى : ج 8 ص 131 ص 139 ح 103 عن علىّ بن أسباط ، عنهم عليهم السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 14 ص 297 ح 14.

2- .سنن الترمذى : ج 5 ص 641 ح 3733 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 168 ح 576 ، فضائل الصحابه لابن حنبل : ج 2 ص 694 ح 1185 كلّها عن علىّ بن جعفر عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، كنز العمّال : ج 12 ص 97 ح 34161 ؛ العمده : ص 274 ح 436 عن علىّ بن جعفر عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 43 ص 280 ح 48 .

16 / 9 نزدیک ترین مردم به پیامبر صلی الله علیه و آله از نظر درجه

الف شیعیان اهل بیت علیهم السلام

230.تاریخ الإسلام عن الواقدیّ :امام صادق علیه السلام :از اندرزهای خدای عز و جل به عیسی بن مریم علیه السلام این بود که : « ... و نیز تو را ای پسر مریم باکره پارسا سفارش می کنم در باره سَرور پیامبران و محبوبم از میان آنان ، یعنی احمد ؛ همان صاحب آن اُشتر سرخ موی و چهره نورانی ... که کوثر و بزرگ ترین جایگاه را در بهشت های عدن دارد و در کمال ارجمندی زندگی می کند و شهید از دنیا می رود . حوضی دارد که وسیع تر از مکّه تا طلوعگاه خورشید است . آب آن ، از باده سر به مُهر است و در آن ، ظرف هایی بلورین همانند ستارگان آسمان است . آبش شیرین و گواراست و در آن ، از هر نوشیدنی و مزه هر میوه بهشتی هست . هر کس جرعه ای از آن بنوشد ، تا ابد تشنه نمی گردد.ر . ک : ص 147 (فصل چهارم : ویژگی های بهشت / نهرهای بهشت) و ص 155 (درختهای بهشت) و ص 190 (نوشیدنی بهشتیان) و ص 551 (فصل پانزدهم : نظام بهشت / نخستین کسانی که به بهشت ، وارد می شوند) .

16 / 9نزدیک ترین مردم به پیامبر صلی الله علیه و آله از نظر درجهالف شیعیان اهل بیت علیهم السلام235.مسند أبی یعلی عن أنس :امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دست حسن و حسین را گرفت و فرمود : «هر کس مرا و این دو را و پدر و مادر این دو را دوست داشته باشد ، روز قیامت با من در یک درجه خواهد بود» .

.

236.الإمام الصادق عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن أَحَبَّ عَلِيّا وَأَطاعَهُ فِی دارِ الدُّنیا وَرَدَ عَلَیَّ حَوضِی غَدا، وَکانَ مَعِی فِی دَرَجَتِی فِی الجَنَّهِ . وَمَن أَبغَضَ عَلِیّا فِی دارِ الدُّنیا وَعَصاهُ لَم أَرَهُ وَلَم یَرَنِی یَومَ القِیامَهِ ، وَاختُلِجَ (1) دُونِی، وَأُخِذَ بِهِ ذاتَ الشِّمالِ إِلَی النّارِ .
237.(2)الإرشاد (فی ذِکرِ وقایِعِ ما بَعدَ غَزوَهِ حُنَینٍ) عنه صلی الله علیه و آله :فِی الجَنَّهِ ثَلاثُ دَرَجاتٍ ، وَفِی النّارِ ثَلاثُ دَرَکاتٍ : فَأَعلی دَرَجاتِ الجَنَّهِ لِمَن أَحَبَّنا بِقَلبِهِ وَنَصَرَنا بِلِسانِهِ وَیَدِهِ ، وَفِی الدَّرَجَهِ الثّانِیَهِ مَن أَحَبَّنا بِقَلبِهِ وَنَصَرَنا بِلِسانِهِ ، وَفِی الدَّرَجَهِ الثّالِثَهِ مَن أَحَبَّنا بِقَلبِهِ . وَفِی أَسفَلِ دَرْکٍ مِنَ النّارِ مَن أَبغَضَنا بِقَلبِهِ وَأَعانَ عَلَینا بِلِسانِهِ وَیَدِهِ ، وَفِی الدَّرْکِ الثّانِیَهِ مِنَ النّارِ مَن أَبغَضَنا بِقَلبِهِ وَأَعانَ عَلَینا بِلِسانِهِ ، وَفِی الدَّرکِ الثّالِثَهِ مِنَ النّارِ مَن أَبغَضَنا بِقَلبِهِ .
238.(3)الطبقات الکبری عن البراء بن عازب وزید بن أرقم :الإمام علیّ علیه السلام :مَن أَحَبَّنا بِقَلبِهِ ، وَکانَ مَعَنا بِلِسانِهِ ، وَقاتَلَ عَدُوَّنا بِسَیفِهِ ، فَهُوَ مَعَنا فِی الجَنَّهِ فِی دَرَجَتِنا .
239.(4)تاریخ الطبری عن ابن إسحاق (فی خُروجِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله إلی غَ) عنه علیه السلام :مَن أَحَبَّنا بِقَلبِهِ ، وَأَعانَنا بِلِسانِهِ ، وَلَم یُقاتِل مَعَنا بِیَدِهِ ، فَهُو مَعَنا فِی الجَنَّهِ دُونَ دَرَجَتِنا . (5) .

1- .اخْتَلَجَهُ : جَذَبَهُ وانتَزَعَهُ (الصحاح : ج 1 ص 311 «خلج»).
2- .الأمالی للصدوق : ص 374 ح 471 ، بشاره المصطفی : ص 34 کلاهما عن ابن عبّاس ، بحار الأنوار : ج 8 ص 22 ح 15.
3- .المحاسن : ج 1 ص 251 ح 472 عن أبی حمزه الثمالی عن الإمام زین العابدین علیه السلام ، بحار الأنوار : ج 27 ص 93 ح 53 و راجع : شرح الأخبار : ج 3 ص 448 ح 1313.
4- .غرر الحکم : ح 8146 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 443 ح 7743 وفیه «وأعاننا» بدل «وکان معنا» .
5- .غرر الحکم : ح 8147 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 443 ح 7744 نحوه .

240.الإرشاد (فی غَزوَهِ تَبوکَ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس علی را در سرای دنیا دوست بدارد و از او اطاعت کند ، فردا در کنار حوضِ من بر من وارد می شود و در بهشت ، هم درجه من است ، و هر کس علی را در سرای دنیا دشمن بدارد و نافرمانی اش کند ، در روز قیامت ، نه من او را می بینم و نه او مرا می بیند . او از برابر من ربوده می شود و او را از سمت چپ به دوزخ می برند .241.الإرشاد (فی ذِکرِ وقایع ما بَعدَ غَزوَهِ حُنَینٍ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در بهشت ، سه درجه است و در دوزخ ، سه دَرَک . بالاترین درجه بهشت ، برای کسی است که ما را قلبا دوست بدارد و با زبان و دستش یاری مان رساند . در درجه دوم ، کسی است که قلبا ما را دوست بدارد و با زبانش یاری مان رساند و در درجه سوم ، کسی جای دارد که قلبا ما را دوست بدارد .

در پایین ترین دَرَک دوزخ نیز کسی جای دارد که قلبا ما را دشمن بدارد و با زبان و دستش بر ضدّ ما کمک کند . در دَرَک دوم دوزخ ، کسی است که قلبا ما را دشمن بدارد و با زبانش بر ضدّ ما کمک کند و در دَرَک سوم دوزخ ، کسی است که قلبا ما را دشمن بدارد.242.الإمام الباقر علیه السلام :امام علی علیه السلام :هر کس قلبا ما را دوست بدارد و با زبانش با ما باشد و با شمشیرش با دشمن ما بجنگد ، در بهشت با ما هم درجه است.243.الطبقات الکبری :امام علی علیه السلام :هر که قلبا ما را دوست بدارد و با زبانش یاری مان رساند ، امّا با دستش همراه ما نجنگد ، در بهشت با ماست ؛ امّا پایین تر از درجه ما . .

244.الإمام علىّ عليه السلام :الإمام الحسن عليه السلام :مَن أَحَبَّنا بِقَلبِهِ وَنَصَرَنا بِيَدِهِ وَلِسانِهِ فَهُوَ مَعَنا فِى الغُرفَهِ الَّتِى نَحنُ فِيها ، وَمَن أَحَبَّنا بِقَلبِهِ وَنَصَرَنا بِلِسانِهِ فَهُو دُونَ ذَلِکَ بِدَرَجَهٍ ، وَمَن أَحَبَّنا بِقَلبِهِ وَکَفَّ بِيَدِهِ وَلِسانِهِ فَهُوَ فِى الجَنَّهِ . (1)245.مسند ابن حنبل عن أنس بن مالک :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن سَرَّهُ أَن يَحيا حَياتِى وَيَمُوتَ مِيتَتِى وَيَدخُلَ جَنَّهَ عَدنٍ الَّتِى غَرَسَها رَبِّى عز و جل بِيَدِهِ ، فَليَتَوَلَّ عَلِىَ بنَ أَبِى طالِبٍ وَأَوصِياءَهُ ، فَهُمُ الأَولِياءُ وَالأَئِمَّهُ مِن بَعدِى ، أَعطاهُمُ اللّهُ عِلمِى وَفَهمِى ، وَهُم عِترَتِى مِن لَحمِى وَدَمِى ، إِلَى اللّهِ عز و جلأَشکُو مِن ظالِمِهِم مِن أُمَّتِى ، وَاللّهِ لَتَقتُلَنَّهُم أُمَّتِى ! لا أَنالَهُم اللّهُ عز و جلشَفاعَتِى . (2)246.فضائل الصحابه عن أنس بن مالک :عنه صلى الله عليه و آله :مَن سَرَّهُ أَن يَحيا حَياتِى وَيَمُوتَ مِيتَتى، وَيَدخُلَ الجَنَّهَ الَّتِى وَعَدَنِيها رَبِّى ، وَيَتَمَسَّکَ بِقَضِيبٍ غَرَسَهُ رَبِّى بِيَدِهِ ، فَليَتَوَلَّ عَلِىَ بنَ أَبِى طالِبٍ وَأَوصِياءَهُ مِن بَعدِهِ ، فَإِنَّهُم لا يُدخِلُونَکُم فِى بابِ ضَلالٍ ، وَلا يُخرِجُونَکُم مِن بابِ هُدًى ، فَلا تُعَلِّمُوهُم فَإِنَّهُم أَعلَمُ مِنکُم . (3)247.خصائص أمير المؤمنين عن زيد بن يثيع عن الإمام عليّعنه صلى الله عليه و آله :مَن يُرِيدُ أَن يَحيا حَياتِى وَيَمُوتَ مَوتِى ، وَيَسکُنَ جَنَّهَ الخُلدِ الَّتِى وَعَدَنِى رَبِّى، فَليَتَوَلَّ عَلِىَ بنَ أَبِى طالِبٍ، فَإِنَّهُ لَن يُخرِجَکُم مِن هُدًى وَلَن يُدخِلَکُم فِى ضَلالَهٍ . (4) .

1- .الأمالى للمفيد : ص 33 ح 8 عن أبى المقدام ، بحار الأنوار : ج 27 ص 101 ح 64 و راجع : الخصال : ص 629 ح 10 و تحف العقول : ص 119.
2- .الأمالى للشجرى : ج 1 ص 136 عن ابن عبّاس ، الكافى : ج 1 ص 209 ح 5 عن أبان بن تغلب عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بصائر الدرجات : ص 48 ح 1 عن سعد بن طريف عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بشاره المصطفى : ص 191 ؛ حليه الأولياء : ج 1 ص 86 كلاهما عن ابن عبّاس وكلّها نحوه.
3- .الكافى : ج 1 ص 209 ح 6 ، بصائر الدرجات : ص 49 ح 6 كلاهما عن جابر الجعفى عن الإمام الباقر عليه السلام ، الخصال: ص558 ح 31 عن عامر بن واثله عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله نحوه، بحار الأنوار: ج23 ص138 ح 84 .
4- .المستدرک على الصحيحين : ج 3 ص 139 ح 4642 عن زيد بن أرقم ، كنز العمّال : ج 11 ص 611 ح 32959 ؛ بشاره المصطفى : ص 53 عن

زيد بن مطرف بزياده «وذرّيّته» بعد «علىّ بن أبى طالب عليه السلام » ، بحار الأنوار : ج 27 ص 106 ح 76.

248.مسند ابن حنبل عن زید بن یثیع عن أبی بکر :امام حسن علیه السلام :هر که ما را قلبا دوست بدارد و با دست و زبانش یاری مان رساند ، [در بهشت] با ما در یک غرفه است و هر که ما را قلبا دوست بدارد و [تنها] با زبانش یاری مان رساند ، یک درجه پایین تر از آن خواهد بود و هر که ما را قلبا دوست بدارد و دست و زبانش را از ما دریغ بدارد ، در بهشت خواهد بود .249.المستدرک علی الصحیحین عن جمیع بن عمیر اللیثی :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که دوست دارد مانند من زندگی کند و مانند من بمیرد و به بهشت عدن که پروردگارم عز و جلبا دست خود ، درخت های آن را کاشته است وارد شود ، باید ولایت علی بن ابی طالب و جانشینان او را بپذیرد ؛ زیرا آنان ، اولیا و پیشوایانِ پس از من هستند و خداوند ، دانش و فهم مرا به ایشان عطا فرموده است ، و آنان ، خانواده من و از گوشت و خون من هستند و به خدا شکایت می کنم از آن کسان امّتم که بر ایشان ستم می کنند . به خدا سوگند که امّتم ، آنان را می کشند ! خدا شفاعتم را به آنها نرساند !250.الإرشاد :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که خوش دارد که چون من زندگی کند و چون من بمیرد و در بهشتی که پروردگارم آن را به من وعده داده است ، وارد شود و به شاخه ای که پروردگارم آن را با دستِ خود کاشته است ، چنگ زند ، باید ولایت علی بن ابی طالب و جانشینان او را بپذیرد ؛ چرا که آنان هیچ گاه شما را به گم راهی نمی کشانند و از راه راست ، بیرون نمی برند . شما به ایشان یاد ندهید ؛ چرا که آنها از شما داناترند.251.تاریخ دمشق عن ابن عبّاس :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که می خواهد چون زندگی من زندگی کند و مانند مردن من بمیرد و در بهشت جاویدانی که پروردگارم به من وعده داده است ، سکنا گزیند ، ولایت علی بن ابی طالب را بپذیرد ؛ چرا که او هرگز شما را از راه به در نمی برد و هیچ گاه شما را در گم راهی نمی افکند. .

252.تاريخ الطبرى عن أبى إسحاق عن البراء بن عازب :عنه صلى الله عليه و آله :مَن أحَبَّ أن يَحيا حَياتِى وَيَمُوتَ مَوتَتِى ، وَيَسكُنَ جَنَّةَ الخُلدِ الَّتِى وَعَدَنِى رَبِّى ، فَإِنَّ رَبِّى عز و جل غَرَسَ قَصَباتِها بِيَدِهِ ، فَلْيَتَوَلَّ عَلِىَ بنَ أَبِى طالِبٍ ؛ فَإِنَّهُ لَن يُخرِجَكُم مِن هَدىٍ وَلَن يُدخِلَكُم فِى ضَلالَةٍ .

(1)253.الطبقات الكبرى :عنه صلى الله عليه و آله :ما نَظَرَ اللّهُ عز و جل إلى وَلِيٍ لَهُ يُجهِدُ نَفسَهُ بِالطّاعَةِ لِإِمامِهِ وَالنَّصِيحَةِ إلّا كانَ مَعَنا فِى الرَّفِيقِ الأعلى .

(2)254.الإمام علىّ عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله لِعَلِيٍ عليه السلام : يا عَلِىُ، مَن زارَنِى فِى حَياتِى أو بَعدَ مَوتِى ، أو زارَكَ فِى حَياتِكَ أو بَعدَ مَوتِكَ ، أو زارَ ابنَيكَ فِى حَياتِهِما أو بَعدَ مَوتِهِما ، ضَمِنتُ لَهُ يَومَ القِيامَةِ أن أُخَلِّصَهُ مِن أهوالِها وَشَدائِدِها حَتّى أُصَيِّرَهُ مَعِى فِى دَرَجَتِى .

(3)255.عنه عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام :إنَّ أهلَ الجَنَّةِ لَيَنظُرُونَ إلى مَنازِلِ شِيعَتِنا كَما يَنظُرُ الإنسانُ إلَى الكَواكِبِ فِى السَّماءِ .

(4)256.السيره النبويّه عن أبى عمرو المدنى :عنه عليه السلام :إنَّ اللّهَ تَعالى اطَّلَعَ إلَى الأرضِ فَاختارَنا ، وَاختارَ لَنا شِيعَةً يَنصُرُونَنا ، وَيَفرَحُونَ لِفَرَحِنا ، وَيَحزَنُونَ لِحُزنِنا ، وَيَبذُلُونَ أنفُسَهم وَأموالَهُم فِينا ، فَأُولَئِکَ مِنّا وَإلَينا ، وَهُم مَعَنا فِى الجِنانِ . (5) .

1- .المعجم الكبير : ج 5 ص 194 ح 5067 عن زيد بن أرقم ، كنز العمّال : ج 11 ص 611 ح 32960 نقلاً عن مطيّر والبارودى وابن شاهين وابن منده وفيه «فليتولّ عليّا وذرّيّته ...» ؛ بشاره المصطفى : ص 188 ، المناقب للكوفى : ج 1 ص 426 ح 332 كلاهما عن زيد بن أرقم ، بصائر الدرجات : ص 51 ح 11 عن الأصبغ بن نباته عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله و ح 13 عن زياد بن مطرّف ، المناقب لابن شهرآشوب : ج 1 ص 291 عن الإمام الحسين عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله وكلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 23 ص 137 ح 80 .

2- .الكافى : ج 1 ص 404 ح 3 عن بريد بن معاويه عن الإمام الباقر عليه السلام ، تهذيب الأحكام : ج 4 ص 97 ح 274 عن بريد بن معاويه عن الإمام الصادق عن الإمام علىّ عليهماالسلام عنه صلى الله عليه و آله ، الغارات : ج 1 ص 130 عن عبد الرحمن بن سليمان عن الإمام الصادق عن الإمام علىّ عليهماالسلام عنه صلى الله عليه و آله نحوه ، بحار الأنوار : ج 27 ص 72 ح 7.

3- .الكافى : ج 4 ص 579 ح 2 ، كامل الزيارات : ص 40 ح 3 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 578 ح 3164 ، بحار الأنوار : ج 100 ص 123 ح 30 وراجع : عوالى اللآلى : ج 4 ص 83 ح 92.
4- .الخصال : ص 629 ح 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 119 ، جامع الأخبار : ص 495 ح 1377 وليس فيه «فى السماء» ، غرر الحكم : ح 3514 نحوه ، بحار الأنوار : ج 8 ص 148 ح 78.
5- .غرر الحكم : ح 3554 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 152 ح 3340.

257.الإرشاد :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که دوست دارد چون من زندگی کند و چون من بمیرد و در بهشت جاویدانی که پروردگارم به من وعده داده و نهال های آن را با دست خودش نشانده است ، سکنا گزیند ، پیرو ولایت علی بن ابی طالب باشد ؛ چرا که او هرگز شما را از راه من ، بیرون نمی برد و هرگز شما را به گم راهی نمی کشاند .258.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند عز و جل ، هر یک از دوستان خود را ببیند که در اطاعت از امامش و یک دلی با او می کوشد ، قطعا آن شخص در جایگاه برین[بهشتی]با ما خواهد بود.259.الإمام الباقر علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام :ای علی! هر که مرا در زندگی ام یا پس از مرگم زیارت کند ، یا تو را در زندگی ات یا پس از مرگت زیارت کند ، یا دو پسرت را در زمان حیاتشان یا پس از مرگشان زیارت کند ، برایش ضمانت می کنم که در روز قیامت ، او را از هراس ها و سختی های آن ، نجات دهم و با خودم هم درجه اش گردانم.260.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام :اهل بهشت ، به جایگاه های شیعیان ما ، آن گونه می نگرند که انسان به ستارگان آسمان می نگرد .261.الإمام علیّ علیه السلام :امام علی علیه السلام :خداوند متعال به زمین نگریست و ما را برگزید ، و برای ما شیعیانی برگزید که ما را یاری می رسانند و با شادی ما ، شاد می شوند و با اندوه ما ، اندوهناک می گردند و جان و مالشان را برای ما نثار می کنند . آنان از ما هستند و به ما مراجعه می کنند و در بهشت با مایند . .

ب كافِلُ اليَتِيمِ263.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :صحيح البخارى عن سهل بن سعد :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أنا وَكافِلُ اليَتِيمِ فِى الجَنَّهِ هَكَذا . وَأشارَ بِالسَّبّابَهِ وَالوُسطى ، وَفَرَّجَ بَينَهُما شَيئا . (1)ج مَن لَهُ هذِهِ الخِصالُ265.الإرشاد :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن قَلَّ مالُهُ ، وَكَثُرَ عِيالُهُ ، وَحَسُنَت صَلاتُهُ ، وَلَم يَغتَبِ المُسلِمِينَ ؛ جاءَ يَومَ القِيامَهِ وَهُوَ مَعِى كَهاتَينِ . (2)266.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :اَلكَبائِرُ تِسعٌ : أعظَمُهُنَّ إشراكٌ بِاللّهِ ، وَقَتلُ نَفسِ مُؤمِنٍ ، وَأكلُ الرِّبا ، وَأكلُ مالِ اليَتِيمِ ، وَقَذفُ المُحصَنَهِ ، وَالفِرارُ مِن الزَّحفِ ، وَعُقُوقُ الوالِدَينِ ، وَالسِّحرُ ، وَاستِحلالُ البَيتِ الحَرامِ . مَن لَقِىَ اللّهَ وَهُوَ بَرِىءٌ مِنهُنَّ كانَ مَعِى فِى جَنَّهٍ مَصارِيعُها مِن ذَهَبٍ . (3)267.عنه صلى الله عليه و آله :المستدرک على الصَّحيحين عن عبيد بن عمير ، عن أبيه :إنَّ رَجُلاً سَأَلَهُ [أى رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله]فَقالَ : يا رَسُولَ اللّهِ ، ما الكَبائِرُ؟ فَقالَ : هِيَ تِسعٌ : اَلشِّركُ بِاللّهِ ، وَقَتلُ نَفسِ المُؤمِنِ بِغَيرِ حَقٍّ ، وَفِرارُ يَومِ الزَّحفِ ، وَأكلُ مالِ اليَتِيمِ ، وَأكلُ الرِّبا ، وَقَذفُ المُحصَنَهِ ، وَعُقُوقُ الوالِدَينِ المُسلِمَينِ ، وَاستِحلالُ البَيتِ الحَرامِ قِبلَتِكُم أحياءً وَأمواتا.

ثُمَّ قالَ : لا يَمُوتُ رَجُلٌ لَم يَعمَل هذِهِ الكَبائِرَ ، وَيُقِيمُ الصَّلاهَ وَيُؤتِى الزَّكاهَ إلّا كانَ مَعَ النَّبِيِ صلى الله عليه و آله فِى دارٍ أبوابُها مَصارِيعُ مِن ذَهَبٍ . (4) .

1- .صحيح البخارى : ج 5 ص 2032 ح 4998 ، سنن ابى داوود : ج 4 ص 338 ح 5150 ، سنن الترمذى : ج 4 ص 321 ح 1918 كلاهما نحوه ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 430 ح 22883 ، صحيح ابن حبّان : ج 2 ص 207 ح 460 وليس فيه ذيله ، كنز العمّال : ج 3 ص 175 ح 6025 .
2- .مسند أبى يعلى : ج 1 ص 463 ح 986 ، المطالب العاليه : ج 3 ص 167 ح 3155 ، تاريخ بغداد : ج 11 ص 259 الرقم 6017 كلّها عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : ج 3 ص 400 ح 7142.
3- .السنن الكبرى : ج 10 ص 314 ح 20752 عن عمير ؛ كنز الفوائد : ج 2 ص 11 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 170 ح 7.
4- .المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 288 ح 7666 ، السنن الكبرى : ج 3 ص 573 ح 6723 ، المعجم الكبير : ج 17 ص 47 ح 101 نحوه.

ب سرپرست یتیم

ج دارنده این ویژگی ها

ب سرپرست یتیم269.عنه صلی الله علیه و آله :صحیح البخاری به نقل از سهل بن سعد :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «من و سرپرست یتیم ، در بهشت ، این گونه هستیم» و انگشت نشانه و میانه اش را نشان داد و آن دو را اندکی از هم باز نگه داشت.ج دارنده این ویژگی ها271.عنه صلی الله علیه و آله (فی حَجَّهِ الوَداعِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که دارایی اش اندک و نانخورش بسیار و نمازش نیکو باشد و از مسلمانان ، غیبت نکند ، روز قیامت با من ، همانند این دو [انگشت در کنار هم]است .272.تاریخ دمشق عن عمرو ذو مرّ وسعید بن وهب وعن زید بنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :گناهان بزرگ ، نُه تایند : بزرگ ترینِ آنها شرک آوردن به خداست ، و کشتن انسان مؤمن ، و رباخواری ، و خوردن مال یتیم ، و تهمت زدن به زنان پاک دامن ، و گریختن از میدان جنگ ، و نافرمانی از پدر و مادر ، و جادوگری ، و شکستن حرمت خانه خدا . هر کس خداوند را پاک از این گناهان ، دیدار کند ، با من در بهشتی خواهد بود که لنگه های درِ آن ، از طلاست.273.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :المستدرک علی الصحیحین به نقل از عُبَید بن عُمَیر ، از پدرش :مردی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسید و گفت : ای پیامبر خدا ! گناهان بزرگ کدام اند؟

فرمود : «تعداد آنها نُه تاست : شرک به خدا ، به ناحق کشتن انسان مؤمن ، گریختن از میدان جنگ ، خوردن مال یتیم ، رباخواری ، تهمت زدن به زن پاک دامن ، نافرمانی از پدر و مادر مسلمان ، شکستن حرمت بیت الحرام که قبله زنده و مرده شماست» .

سپس فرمود : «هر کس در حالی از دنیا برود که این گناهان بزرگ را مرتکب نشده باشد و نماز را به جا آورده و زکات را پرداخته باشد ، قطعا با پیامبر ، در سرایی خواهد بود که درهای آن ، لنگه هایش از طلاست» .

.

274.عنه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن وَلِىَ شَيئا مِن أُمُورِ أُمَّتِي فَحَسُنَت سَرِيرَتُهُ لَهُم، رَزَقَهُ اللّهُ تَعالى الهَيبَةَ فِي قُلُوبِهِم، وَمَن بَسَطَ كَفَّهُ لَهُم بِالمَعرُوفِ رُزِقَ المَحَبَّةَ مِنهُم ، وَمَن كَفَّ يَدَهُ عَن أَموالِهِم وَقَى اللّهُ عز و جل مالَهُ ، وَمَن أَخَذَ لِلمَظلُومِ مِنَ الظّالِمِ كانَ مَعِى فِى الجَنَّهِ مُصاحِبا ، وَمَن كَثُرَ عَفوُهُ مُدَّ فِى عُمُرِهِ ، وَمَن عَمَّ عَدلُهُ نُصِرَ عَلى عَدُوِّهِ ، وَمَن خَرَجَ مِن ذُلِّ المَعصِيَهِ إِلى عِزِّ الطّاعَهِ ، آنَسَهُ اللّهُ عز و جل بِغَيرِ أَنِيسٍ ، وَأَعانَهُ بِغَيرِ مالٍ . (1)275.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (فى عَلِيٍّ عليه السلام) الإمام علىّ عليه السلام :جاءَ رَجُلٌ مِنَ الأَنصارِ إِلَى النَّبِي صلى الله عليه و آله فَقالَ : يا رَسُولَ اللّهِ ، ما أَستَطِيعُ فِراقَكَ وَإِنِّى لَأَدخُلُ مَنزِلِى فَأَذكُرُكَ فَأَترُكُ ضَيعَتِى ، وَأُقبِلُ حَتَّى أَنظُرَ إِلَيكَ حُبّا لَكَ ، فَذَكَرتُ إِذا كانَ يَومُ القِيامَهِ وَأُدخِلتَ الجَنَّهَ فَرُفِعتَ فِى أَعلى عِلِّيِّينَ ، فَكَيفَ لِى بِكَ يا نَبِىَ اللّهِ؟ !

فَنَزَلَت : «وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُوْلَائِکَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّلِحِينَ وَحَسُنَ أُوْلَائِکَ رَفِيقًا » (2) ، فَدَعا النَّبِىُ صلى الله عليه و آله الرَّجُلَ ، فَقَرَأَها عَلَيهِ وَبَشَّرَهُ بِذلِکَ . (3) .

1- .كنز الفوائد : ج 1 ص 135 ، أعلام الدين : ص 315 عن الإمام العسكرى عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله نحوه ، بحار الأنوار : ج 75 ص 359 ح 74.
2- .النساء : 69 .
3- .الأمالى للطوسى : ص 621 ح 1280 عن عبد اللّه بن حسن عن أبيه وخاله علىّ بن الحسين عن الإمام الحسن والإمام الحسين عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 8 ص 188 ح 159 وراجع : المعجم الأوسط : ج 1 ص 153 ح 477.

276.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس عهده دار امری از امور امّت من شود و باطنش نسبت به آنان نیکو باشد ، خداوند متعال ، هیبت او را در دل هایشان قرار می دهد ، و هر کس دست نیکی به سوی آنان بگشاید ، محبّت آنان [به او] ، روزی اش می شود ، و هر کس از تعدّی به اموال آنان ، دست نگه دارد ، خداوند عز و جل اموال او را نگه می دارد ، و هر کس دادِ ستم دیده را از ستمگر بستاند ، در بهشت ، هم نشین من خواهد بود ، و کسی که گذشتش زیاد باشد ، عمرش دراز می شود ، و هر کس دادگری اش فراگیر باشد ، بر دشمنش یاری داده شود ، و هر کس از خواری گناه به عزّت طاعت در آید ، خداوند عز و جل او را بی هیچ انیسی ، اُنس می دهد و بی هیچ مالی کمک می کند .277.عنه صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام :مردی از انصار ، خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! من تاب جدایی از شما را ندارم ، چنان که وقتی به منزلم می روم ، به یاد شما می افتم و خانه ام را رها می کنم و می آیم تا شما را ببینم ؛ چون دوستتان دارم . با خود گفتم : آن گاه که روز قیامت شود و مرا به بهشت برند و شما را به اعلی علّیّین بالا برند ، چگونه با شما باشم ، ای پیامبر خدا !

پس ، این آیه نازل شد : «و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند ، با کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرامی داشته ؛ یعنی پیامبران و صدّیقان و شهیدان و شایستگان ، و آنان ، چه نیکو همدمانی اند !» .

پیامبر صلی الله علیه و آله آن مرد را فرا خواند و این آیه را برایش خواند و بِدان نویدش داد. .

278.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :إِن كُنتُم تُرِيدُونَ أَن تَكُونُوا مَعَنا يَومَ القِيامَهِ ، لا يَلعَنُ بَعضٌ بَعضا، فَاتَّقُوا اللّهَ وَأَطِيعُوا ! فَإِنَّ اللّهَ يَقُولُ : «يَوْمَ نَدْعُواْ كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَمِهِمْ» (1)

. (2)279.المعجم الكبير عن ابن عبّاس :الأمالى للطوسى عن إبراهيم المخارقى :وَصَفتُ لِأَبى عَبدِ اللّهِ جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام دِينِى ، فَقُلتُ : أَشهَدُ أَن لا إِلهَ إِلَا اللّهُ وَحدَهُ لا شَرِيکَ لَهُ ، وَأَنَّ مُحَمَّدا صلى الله عليه و آله رَسُولُ اللّهِ ، وَأَنَّ عَلِيّا إِمامُ عَدلٍ بَعدَهُ ، ثُمَّ الحَسَنُ وَالحُسَينُ ، ثُمَّ عَلِىُ بنُ الحُسَينِ ، ثُمَّ مُحَمَّدُ بنُ عَلِىٍ ، ثُمَّ أَنتَ .

فَقالَ : رَحِمَکَ اللّهُ . ثُمَّ قالَ : اِتَّقُوا اللّهَ ، اِتَّقُوا اللّهَ، اِتَّقُوا اللّهَ ! عَلَيكُم بِالوَرَعِ ، وَصِدقِ الحَدِيثِ ، وَأَداءِ الأَمانَهِ ، وَعِفَّهِ البَطنِ وَالفَرْجِ ، تَكُونُوا مَعَنا بِالرَّفِيقِ الأَعلى . (3)280.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (فى عَلِىٍّ عليه السلام يَومَ غَديرِ خُمٍّ) الإمام الرضا عليه السلام :مَن تَذَكَّرَ مُصابَنا، وَبَكى لِما ارتُكِبَ مِنّا ، كانَ مَعَنا فِى دَرَجَتِنا يَومَ القِيامَهِ . (4)281.تاريخ دمشق عن أبى ذرّ :عنه عليه السلام للرّيّان بن شبيب : يَابنَ شَبِيبٍ ! إِن سَرَّکَ أَن تَكُونَ مَعَنا فِى الدَّرَجاتِ العُلى مِنَ الجِنانِ ، فَاحزَن لِحُزنِنا وَافرَح لِفَرَحِنا ، وَعَلَيکَ بِوَلايَتِنا ؛ فَلَو أَنَّ رَجُلاً أَحَبَّ حَجَراً لَحَشَرَهُ اللّهُ عز و جل مَعَهُ يَومَ القِيامَهِ . (5) .

1- .الإسراء : 71.
2- .تفسير العيّاشى : ج 2 ص 305 ح 126 عن محمّد بن حمران ، بحار الأنوار : ج 8 ص 14 ح 18.
3- .الأمالى للطوسى : ص 222 ح 384 ، بشاره المصطفى : ص 109 ، بحار الأنوار : ج 69 ص 3 ح 3.
4- .الأمالى للصدوق : ص 131 ح 119 عن علىّ بن فضّال عن أبيه ، بحار الأنوار : ج 44 ص 278 ح 1.
5- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 300 ح 58 ، الأمالى للصدوق : ص 193 ح 202 وفيه «تولّى» بدل «أحبّ» وكلاهما عن الريّان بن شبيب ، بحار الأنوار : ج 44 ص 286 ح 23.

22.وبهذا الإسناد ، عن عبدالعظيم ابن عبداللّه الحسنيامام صادق عليه السلام :اگر می خواهید که در روز رستاخیز با ما باشید ، یکدیگر را لعنت نکنید و از خدا بترسید و [او را]اطاعت کنید ؛ چرا که خداوند می فرماید : «روزی که هر مردمی را با پیشوایشان فرا می خوانیم» .23.أحمد ، عن عبدالعظيم ، عن محمّد بن الفضيل ، عن أبيالأمالى ، طوسى به نقل از ابراهيم مخارقى :دينم را براى امام صادق عليه السلام بيان داشتم و چنين گفتم : گواهى مى دهم كه معبودى جز خداى يكتا نيست و يگانه و بى انباز است ، و گواهى مى دهم كه محمّد صلى الله عليه و آله ، فرستاده خداست و على ، پيشواى عادلِ پس از اوست و سپس حسن و حسين ، و سپس على بن الحسين و سپس محمّد بن على و سپس شما [پيشواى حقّيد].

فرمود : «رحمت خدا بر تو باد !» و سپس فرمود : «از خدا بترسید ، از خدا بترسید ، از خدا بترسید ! پارسایی و راستگویی و امانتداری و پاکی شکم و دامن را پیشه کنید ، تا در جایگاه برین ، با ما باشید» .24.أحمد ، عن عبدالعظيم ، عن هشام بن الحكم ، عن أبى عامام رضا عليه السلام :هر كس ياد مصيبت ما كند و براى آنچه بر سر ما آمده است ، بگريد ، روز قيامت با ما هم درجه خواهد بود .22.امام باقر عليه السلام فرمود :امام رضا عليه السلام به ريّان بن شبيب :اى پسر شبيب ! اگر اين ، تو را خوش حال مى كند كه در درجات بالاى بهشت با ما باشى ، پس با اندوه ما ، اندوهگين شو و با شادى مان شاد شو و دست از ولايت ما بر مدار ؛ زيرا اگر مردى [حتّى]سنگى را دوست داشته باشد ، خداوند در روز قيامت ، او را با آن سنگ ، محشور مى نمايد. .

16 / 10مَن لَهُ دَرَجَهٌ خاصَّهٌ فِي الجَنَّهأ المُجاهِدُ25.عبدالعظيم حسنى گفت :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :اَلجَنَّهُ مِئَهُ دَرَجَهٍ ، أَعَدَّها اللّهُ لِلمُجاهِدِينَ . (1)26.حدّثنا محمّد بن موسى بن المتوكّل قال :عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ فِى الجَنَّهِ مِئَهَ دَرَجَهٍ ، أَعَدَّها اللّهُ لِلمُجاهِدِينَ فِى سَبِيلِ اللّهِ ، ما بَينَ الدَّرَجَتَينِ كَما بَينَ السَّماءِ وَالأَرضِ . فَإِذا سَأَلتُمُ اللّهَ فَاسأَلُوهُ الفِردَوسَ ، فَإِنَّه أَوسَطُ الجَنَّهِ ، وَأَعلَى الجَنَّهِ أُراهُ فَوقَهُ عَرشُ الرَّحمنِ ، وَمِنهُ تَفَجَّرُ أَنهارُ الجَنَّهِ . (2)27.عن عبدالعظيم الحسنى رضى الله عنه قال :المنتخب من مسند عبد بن حميد عن أبى سعيد الخدرىّ :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : مِئَهُ دَرَجَهٍ فِى الجَنَّهِ ، ما بَينَ كُلِّ دَرَجَتَينِ كَما بَينَ السَّماءِ وَالأَرضِ أَو أَبعَدَ . قُلتُ : بِأَبِى أَنتَ وَأُمِّى لِمَن؟ قالَ : لِلمُجاهِدِينَ فِى سَبِيلِ اللّهِ عز و جل . (3)26.عبدالعظيم حسنى گويد :صحيح مسلم عن أبى عبد الرحمن الحبلّى عن أبى سعيد الخدرىّ:أَنَّ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله قالَ : يا أَبا سَعِيدٍ! مَن رَضِىَ بِاللّهِ رَبّا، وَبِالإِسلامِ دِينا ، وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيّا، وَجَبَت لَهُ الجَنَّهُ .

فَعَجِبَ لَها أَبُو سَعِيدٍ ، فَقالَ : أَعِدها عَلَىَ يا رَسُولَ اللّهِ!

فَفَعَلَ ، ثُمَّ قالَ : وَأُخرى يُرفَعُ بِها العَبدُ مِئَهَ دَرَجَهٍ فِى الجَنَّهِ ، ما بَينَ كُلِّ دَرَجَتَينِ كَما بَينَ السَّماءِ وَالأَرضِ .

قالَ : وَما هِىَ يا رَسُولَ اللّهِ؟

قالَ : اَلجِهادُ فِى سَبِيلِ اللّهِ ، اَلجِهادُ فِى سَبِيلِ اللّهِ . (4) .

1- .التاريخ الكبير : ج 1 ص 203 ح 632 ، تاريخ دمشق : ج 55 ص 66 ح 11611 كلاهما عن أبى الدرداء ، كنز العمّال : ج 4 ص 310 ح 10645 .
2- .صحيح البخارى : ج 3 ص 1028 ح 2637 و ج 6 ص 2700 ح 6987 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 233 ح 8427 ، السنن الكبرى : ج 9 ص 27 ح 17766 ، الزهد لابن المبارک : ص 537 ح 1536 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 4 ص 288 ح 10535.
3- .المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص 288 ح 922 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 242 ح 8482 عن أبى هريره نحوه ، كنز العمّال : ج 1 ص 305 ح 1449 نقلاً عن مسند أبى الدرداء.

4- .صحیح مسلم : ج 3 ص 1501 ح 116 ، سنن النسائی : ج 6 ص 19 ، السنن الکبری : ج 9 ص 266 ح 18493 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 2 ص 102 ح 2461 نحوه.

16 / 10 کسانی که در بهشت ، درجه ویژه دارند

الف مجاهد

16 / 10کسانی که در بهشت ، درجه ویژه دارندالف مجاهد29.حدّثنا المظفّر بن جعفر بن المظفّر العلوی قال :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشت ، صد درجه دارد که خداوند ، آنها را برای مجاهدان ، آماده کرده است.29.معاویه بن عمّار روایت کرده که حضرت صادق علیه السلپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در بهشت ، صد درجه است که خداوند ، آنها را برای مجاهدان در راه خدا ، آماده ساخته است ، و فاصله هر درجه با دیگری ، به اندازه آسمان تا زمین است . پس هر گاه از خدا درخواست کردید ، فردوس را از او بخواهید ؛ چرا که آن ، میان بهشت و بالاترین نقطه بهشت است . [تنها] عرش خدای مهربان را بالاتر از آن می بینم و نهرهای بهشت از آن جا سرچشمه می گیرند .30.وعنه قال :المنتخب من مسند عبد بن حمید به نقل از ابو سعید خُدری :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «صد درجه در بهشت هست که فاصله میان هر دو درجه ای ، به اندازه فاصله میان آسمان و زمین یا بیشتر است» .

گفتم : پدر و مادرم به فدایت ! اینها برای چه کسانی اند؟

فرمود : «برای مجاهدان در راه خدا».31.حدّثنا محمّد بن أحمد الشیبانی رضی الله عنه قال :صحیح مسلم به نقل از ابو عبد الرحمان حُبُلّی :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «ای ابو سعید! هر که خدا را پروردگار خود و اسلام را دین خود و محمّد را پیامبر خود بگیرد ، بهشت بر او واجب می گردد» .

ابو سعید [از این سخن] به شگفت آمد و گفت : آن را برایم تکرار کنید ، ای پیامبر خدا!

پیامبر صلی الله علیه و آله آن را تکرار کرد و سپس فرمود : «و یک چیز دیگر ، که به سبب آن ، بنده صد درجه در بهشت ، بالا برده می شود ، که فاصله میان هر دو درجه ، به اندازه آسمان تا زمین است» .

ابو سعید گفت : آن چیست ، ای پیامبر خدا؟

فرمود : «جهاد در راه خدا ! جهاد در راه خدا !»

.

32.أخبرنا محمّد بن محمّد قال :التاريخ الكبير عن عبد الرحمن بن غنم الأشعريّ عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن أقامَ الصَّلاةَ وَآتَى الزَّكاةَ ، وَماتَ لا يُشرِكُ بِاللّهِ شَيئا، فَإِنَّ حَقّا عَلَى اللّهِ عز و جليَغفِرُ لَهُ إِن هاجَرَ أو ماتَ فِى مَولِدِهِ .

قالُوا : يا رَسُولَ اللّهِ ، أَلا نُبَشِّرُ بِها أَصحابَکَ؟

قالَ : دَعُوا النّاسَ فَلِيَعمَلُوا! فَإِنَّ فِى الجَنَّهِ مِئَهَ دَرَجَهٍ ، ما بَينَ كُلِّ دَرَجَتَينِ كَما بَينَ السَّماءِ وَالأَرضِ ، أَعَدَّها اللّهُ لِلمُجاهِدِينَ فِى سَبِيلِهِ . (1)ب
الشَّهِيدُ31.عبدالعظيم حسنى گفت :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :اَلشُّهَداءُ عَلى بارِقِ نَهرٍ بِبابِ الجَنَّهِ فِى قُبَّهٍ خَضرَاءَ ، يَخرُجُ عَلَيهِم رِزقُهُم مِن الجَنَّهِ بُكرهً وَعَشِيّا. (2)ج اَلمُتَحابُّونَ فِى اللّهِ33.محمّد بن على بن الحسين قال :كتاب الإخوان عن أبى هريره :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إِنَّ فِى الجَنَّهِ عَمُودا مِن ذَهَبٍ ، عَلَيهِ مَدائِنُ مِن زَبَرجَدٍ ، تُضِىءُ لِأَهلِ الجَنَّهِ كَما يُضِىءُ الكَوكَبُ الدُّرِّىُّ فِى جَوِّ السَّماءِ .

قُلنا : يا رَسُولَ اللّهِ لِمَن هذا ؟

قالَ : لِلمُتَحابِّينَ فِى اللّهِ عز و جل . (3) .

1- .التاريخ الكبير : ج 7 ص 12 ح 53 ، السنن الكبرى للنسائى : ج 3 ص 15 ح 4340 ، مسند الشاميّين : ج 2 ص 209 ح 1200 ، تاريخ دمشق : ج 52 ص 135 كلّها عن أبى الدرداء نحوه .
2- .مسند ابن حنبل : ج 1 ص 571 ح 2390 ، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 84 ح 2403 ، صحيح ابن حبّان : ج 10 ص 515 ح 4658 ، المعجم الكبير : ج 10 ص 333 ح 10825 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 4 ص 563 ح 19 كلّها عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : ج 4 ص 397 ح 11099.
3- .الإخوان لابن أبى الدنيا : ص 97 ح 11 ، كنز العمّال : ج 9 ص 16 ح 24708 نقلاً عن أبى الشيخ وكلاهما عن أبى هريره ؛ الاختصاص : ص 365 .

ب شهید

ج دوستی ورزان در راه خدا

33.عبداللّه بن محمّد بن جعفر از پدرش و او از جدش رواالتاریخ الکبیر به نقل از عبد الرحمان بن غنم اشعری :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «هر کس نماز بگزارد و زکات بپردازد و بدون شرک ورزی به خدا ، از دنیا برود ، بر خدای عز و جل است که او را بیامرزد ، خواه هجرت کرده باشد یا در زادگاهش بمیرد».

گفتند : ای پیامبر خدا ! آیا این خبر خوش را به یارانتان بدهیم؟

فرمود : «بگذارید مردم ، عمل کنند ؛ چرا که در بهشت ، صد درجه است و میان هر دو درجه ، به اندازه آسمان تا زمین ، فاصله است . خداوند ، اینها را برای مجاهدان در راهش ، آماده کرده است».ب شهید35.محمّد بن الحسن الطوسی قال :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شهیدان ، در کرانه نهری بر در بهشت ، در برج و بارویی سبزرنگ به سر می برند و روزی آنان ، هر بام و شام ، از بهشت برایشان بیرون می آید.ج دوستی ورزان در راه خدا35.عبدالعظیم حسنی روایت می کند که امام جواد علیه السکتاب الإخوان به نقل از ابو هریره :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «در بهشت ، ستونی از طلاست و بر روی آن ، شهرهایی از زبرجد بنا شده است که برای اهل بهشت ، چنان می درخشند که ستاره تابناک در وسط آسمان می درخشد» .

گفتیم : ای پیامبر خدا ! اینها برای چه کسی است؟

فرمود : «برای آنان که برای خدا ، یکدیگر را دوست می دارند» .

.

36.أخبرنا جماعه ، عن أبي المفضّل قال :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إِنَّ فِی الجَنَّهِ غُرَفا یُرى ظَواهِرُها مِن بَواطِنِها ، وَبَواطِنُها مِن ظَواهِرِها ، أَعَدَّها اللّهُ لِلمُتَحابِّینَ فِیهِ ، وَالمُتَزاوِرِینَ فِیهِ ، وَالمُتَباذِلِینَ فِیهِ .

36(1).حضرت رسول صلى الله عليه و آله فرمود :شعب الإيمان عن أبى هريره :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إِنَّ فِی الجَنَّهِ لَغُمُدا مِن یاقوتٍ ، عَلَیها غُرَفٌ مِن زَبَرجَدٍ ، لَها أَبوابٌ مُفَتَّحَهٌ ، تُضِیءُ کَما یُضِیءُ الکَوکَبُ الدُّرِّیُّ .

قالُوا : یا رَسُولَ اللّهِ ، مَن یَسکُنُها؟

قالَ : اَلمُتَحابُّونَ فِی اللّهِ ، وَالمُتَجالِسُونَ فِی اللّهِ ، وَالمُتلاقُونَ فِی اللّهِ .

(2)د أَصحابُ البَلایا وَالهُمُومِ وَالأَسقامِ282.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (فى عَلِیٍّ علیه السلام) الدُّرُّ المنثور عن أنس :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إِنَّ فِی الجَنَّهِ لَغُرَفا ، لَیسَ فِیها مَغالِیقُ مِن فَوقِها ، وَلا عِمادٌ مِن تَحتِها . قِیلَ : یا رَسُولَ اللّهِ ، وَکَیفَ یَدخُلُها أَهلُها؟ قالَ : یَدخُلُونَها أَشباهَ الطَّیرِ . قِیلَ : یا رَسُولَ اللّهِ ، لِمَن هِیَ؟ قالَ : لِأَهلِ الأَسقامِ وَالأَوجاعِ وَالبَلوی . (3)283.الإمام علىّ علیه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إِنَّ فِی الجَنَّهِ دَرَجهً لا یَنالُها إِلّا أَربابُ الهُمُومِ . (4) .

1- .المعجم الأوسط : ج 3 ص 193 ح 2903 ، حليه الأولياء : ج 6 ص 205 كلاهما عن عبد اللّه بن بريده عن أبيه .
2- .شعب الإيمان : ج 6 ص 487 ح 9002 ، مشكاه المصابيح : ج 2 ص 619 ح 5026 ، المطالب العاليه : ج 3 ص 11 ح 2736 وفيه «المتباذلون» بدل «المتلاقون» ، كنز العمّال : ج 9 ص 5 ح 24651 نقلاً عن الإخوان لابن أبى الدنيا ؛ مستدرک الوسائل : ج 12 ص 222 ح 13936 نقلاً عن الأربعين للسيّد محيى الدين ابن أخى ابن زهره وليس فيه «والمتجالسون فى اللّه ».
3- .الدرّ المنثور : ج 6 ص 286 نقلاً عن زاهر بن طاهر الشحامى .
4- .الفردوس : ج 1 ص 219 ح 840 عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 6 ص 482 ح 16639.

د غم دیدگان و گرفتاران و بیماران

284.سنن ابن ماجه عن عبد الرحمن بن أبی لیلی :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در بهشت ، غرفه هایی است که بیرون آنها از درونشان و درونشان از بیرونشان دیده می شود . خداوند ، این غرفه ها را برای کسانی که برای او با یکدیگر دوستی می ورزند و کسانی که با یکدیگر دید و بازدید می کنند و کسانی که به یکدیگر بخشش می نمایند ، آماده کرده است.285.مسند البزّار عن أبی لیلی :شعب الإیمان به نقل از ابو هریره :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «در بهشت ، ستون هایی از یاقوت است که غرفه هایی از زبرجد بر روی آنها بنا شده است . این غرفه ها درهایی گشوده دارند که همچون ستاره درخشان می تابند».

یاران گفتند : ای پیامبر خدا ! چه کسانی در این غرفه ها سکونت می کنند؟

فرمود : «کسانی که برای خدا با هم دوستی می کنند و کسانی که برای خدا همنشینی می کنند و کسانی که برای خدا دید و بازدید می کنند».د غم دیدگان و گرفتاران و بیماران40.مجالس الصدوق:الدرّ المنثور به نقل از آنَس :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «در بهشت ، غرفه هایی است که نه در بالای آنها چفت و بستی ، قرار داده شده و نه در زیرشان ، ستونی است» .

گفته شد : ای پیامبر خدا ! چگونه صاحبانشان به آنها داخل می شوند؟

فرمود : «مانند پرندگان ، داخل می شوند» .

گفته شد : ای پیامبر خدا ! این غرفه ها برای چه کسانی است؟

فرمود : «برای بیماران و دردمندان و گرفتاران».41.مجالس الصدوق:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در بهشت ، درجه ای است که جز گرفتاران ، کسی به آن دست نمی یابد.

.

42.لى:عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ المُؤمِنَ إِذا قارَفَ الذُّنُوبَ وَابتُلِىَ بِها ، ابتُلِىَ بِالفَقرِ ، فَإِن كانَ فِى ذَلِکَ كَفَّارَهٌ لِذُنُوبِهِ وَإِلّا ابتُلِىَ بِالمَرَضِ ، فَإِن كانَ فِى ذَلِکَ كَفّارَهٌ لِذُنُوبِهِ وَإِلّا ابتُلِىَ بِالخَوفِ مِنَ السُّلطانِ يَطلُبُهُ ، فَإِن كانَ فِى ذَلِکَ كَفّارَهٌ لِذُنُوبِهِ وَإِلّا ضُيِّقَ عَلَيهِ عِندَ خُرُوجِ نَفسِهِ ، حَتّى يَلقاهُ وَما لَهُ مِن ذَنبٍ يَدَّعِيهِ عَلَيهِ ، فَيَأمُرُ بِهِ إِلَى الجَنَّهِ . (1)43.لى:عنه صلى الله عليه و آله :قالَ اللّهُ تَعالى : ما مِن عَبدٍ (للّهِ) (2) أُرِيدُ أن أُدخِلَهُ الجَنَّهَ إِلّا ابتَلَيتُهُ فِى جَسَدِهِ ، فَإِن كانَ ذَلِکَ كَفّارَهٌ لِذُنُوبِهِ وَإِلّا سَلَّطتُ عَلَيهِ سُلطاناً، فَإِن كانَ ذَلِکَ كَفّارَهً لِذُنُوبِه وَإِلّا ضَيَّقتُ عَلَيهِ فِى رِزقِهِ ، فَإِن كانَ ذَلِکَ كَفّارَهً لِذُنُوبِهِ وَإِلّا شَدَّدتُ عَلَيهِ عِندَ المَوتِ ، حَتّى يَأتِيَنِى وَلا ذَنبَ لَهُ ، ثُمَّ أُدخِلُهُ الجَنَّهَ .
(3)44.لى:الإمام الباقر عليه السلام :دَخَلَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله عَلى خَدِيجَهَ حِينَ ماتَ القاسِمُ ابنُها وَهِىَ تَبكِى ، فَقالَ لَها : ما يُبكِيكِ ؟ فَقالَت : دَرَّت دُرَيرَهٌ فَبَكَيتُ ، فَقالَ : يا خَدِيجَهُ ، أما تَرضَيْنَ إِذا كانَ يَومُ القِيامَهِ أن تَجِيئِى إِلى بابِ الجَنَّهِ وَهُو قائِمٌ ، فَيَأخُذَ بِيَدِكِ فَيُدخِلَكِ الجَنَّهَ وَيُنزِلَكِ أفضَلَها ، وَذَلِکَ لِكُلِّ مُؤمِنٍ ، إِنَّ اللّهَ عز و جلأحكَمُ وَأكرَمُ أن يَسلُبَ المُؤمِنَ ثَمَرَهَ فُؤادِهِ ، ثُمَّ يُعَذِّبَهُ بَعدَها أبَدا . (4) .

1- .مشكاه الأنوار : ص 175 ح 452 ، جامع الأخبار : ص 314 ح 873 كلاهما عن أبى الجارود عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 67 ص 237 ح 54 .
2- .هكذا فى المصدر، ولعلّها تصحيف «لى»، أو كونها زائده ؛ إذ لا توجد فى المصادر الأُخرى .
3- .التمحيص : ص 38 ح 36 عن منصور بن معاويه عن الإمام الصادق عليه السلام ، الكافى : ج 2 ص 446 ح 10 عن معاويه بن وهب عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله وليس فيه من «وإلّا سلّطت على» إلى «كفّاره لذنوبه» فى الموضع الثالث ، مشكاه الأنوار : ص 504 ح 1689 عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، جامع الأخبار : ص 311 ح 862 وليس فيهما من «وإلّا سلّطت عليه» إلى «كفّاره لذنوبه» فى الموضع الثانى ، بحار الأنوار : ج 6 ص 172 ح 49.
4- .الكافى : ج 3 ص 218 ح 2 ، مشكاه الأنوار : ص 59 ح 73 نحوه وكلاهما عن جابر ، بحار الأنوار : ج 16 ص 15 ح 14.

40.امام هادی علیه السلام فرمود:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مؤمن ، هر گاه به گناهان دست یازد و بدانها دچار شود ، به فقر دچار می گردد و اگر این ، کفّاره گناهانش نشد ، به بیماری دچار می گردد و اگر این هم کفّاره گناهانش نشد ، به ترس و تعقیب از جانب حکومت دچار می گردد و اگر این نیز کفّاره گناهانش نشد ، هنگام جان دادن ، بر او سخت گرفته خواهد شد تا در حالی خدای را دیدار کند که گناهی نداشته باشد تا به خاطر آن ، بازخواست شود . آن گاه [خدا] دستور می دهد که او را به بهشت برند.41.امام هادی علیه السلام فرمود:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدای متعال فرمود : «هیچ بنده خدایی (1) نیست که بخواهم او را به بهشت ببرم ، مگر آن که او را دچار رنج و گرفتاری جسمی می کنم . اگر این ، کفّاره گناهانش شد که شد ، و گر نه حکمران را بر او مسلّط می گردانم و اگر این ، کفّاره گناهانش نشد ، در روزی اش بر او تنگ می گیرم و اگر این هم کفّاره گناهانش نشد ، هنگام مُردن بر او سخت می گیرم تا آن که بدون گناه ، نزد من آید . سپس او را به بهشت می برم»
.42.حضرت هادی علیه السلام فرمود:امام باقر علیه السلام :چون قاسم پسر خدیجه از دنیا رفت ، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به نزد خدیجه رفت و دید او گریه می کند . فرمود : «چرا گریه می کنی؟» .

خدیجه گفت : اشکم بی اختیار ، جاری شد و گریه ام گرفت .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «ای خدیجه ! آیا حاضر نیستی که چون روز قیامت شود ، به درِ بهشت بیایی و او آن جا ایستاده باشد و دستت را بگیرد و تو را به بهشت بَرَد و تو را در بهترین مکان آن جای دهد ؟ این ، برای هر مؤمنی هست . خدای عز و جل ، حکیم تر و کریم تر از آن است که از مؤمن ، میوه دلش را بگیرد و سپس با این حال ، او را برای همیشه عذاب کند» . .

1- .. در مأخذ ، «للّه » آمده است ؛ امّا شاید تصحیف شده « لی (برای من) » و یا زائد باشد ؛ چرا که در منابع دیگر ، وجود ندارد.

43.حضرت هادى عليه السلام فرمود:عنه عليه السلام :خَرَجَ مُوَسى عليه السلام فَمَرَّ بِرَجُلٍ مِن بَنِى إِسرائِيلَ ، فَذَهَبَ بِهِ حَتّى خَرَجَ إِلَى الطُّورِ ، فَقالَ لَهُ : اجلِس حَتّى أَجِيئَكَ ، وَخَطَّ عَلَيهِ خَطَّةً ، ثُمَّ رَفَعَ رَأسَهُ إِلَى السَّماءِ ، فَقالَ : اِستَودَعتُكَ صاحِبِى وَأَنتَ خَيرُ مُستَودَعٍ . ثُمَّ مَضى ، فَناجاهُ اللّهُ بِما أَحَبَّ أَن يُناجِيَهُ ، ثُمَّ انصَرَفَ نَحوَ صاحِبِهِ ، فَإِذا أَسَدٌ قَد وَثَبَ عَلَيهِ فَشَقَّ بَطنَهُ ، وَفَرَتَ لَحمَهُ ، وَشَرِبَ دَمَهُ ... .

فَرَفَعَ مُوسى رَأسَهُ فَقالَ : يا رَبِّ ، اِستَودَعتُكَهُ وَأَنتَ خَيرُ مُستَودَعٍ، فَسَلَّطتَ عَلَيهِ شَرَّ كِلابِكَ فَشَقَّ بَطنَهُ ، وَفَرَتَ لَحمَهُ ، وَشَرِبَ دَمَهُ !!

فَقِيلَ : يا مُوسى، إِنَّ صاحِبَكَ كانَت لَهُ مَنزِلَةٌ فِى الجَنَّهِ ، لَم يَكُن يَبلُغُها إِلّا بِما صَنَعتُ بِهِ . يا مُوسى اُنظُر وَكَشَفَ لَهُ الغِطاءَ فَنَظَرَ مُوسى ، فَإِذا بِمَنزِلٍ شَرِيفٍ ، فَقالَ : رَبِّ رَضِيتُ . (1)44.حضرت هادى عليه السلام فرمود:الإمام الصادق عليه السلام :إِنَّ فِى الجَنَّهِ مَنزِلَةً ، لا يَبلُغُها عَبدٌ إِلّا بِالاِبتِلاءِ فِى جَسَدِهِ . (2)45.لى:عنه عليه السلام :إِنَّ وَلِيَّنا لَيَرتَكِبُ ذُنُوبا يَستَحِقُّ (بِها) مِنَ اللّهِ العَذَابَ ، فَيَبتَلِيهِ اللّهُ فِى بَدَنِهِ بِالسَّقَمِ حَتّى يُمَحِّصَ عَنهُ الذُّنُوبَ ، فَإِن عافاهُ فِى بَدَنِهِ ابتَلاهُ فِى مالِهِ ، فَإِن عافاهُ فِى مالِهِ اِبتَلاهُ فِى وُلدِهِ ، فَإِن عافاهُ فِى وُلدِهِ ابتَلاهُ فِى أَهلِهِ ، فَإِن عافاهُ فِى أَهلِهِ ابتَلاهُ بِجارِ سَوءٍ يُؤذِيهِ ، فَإِن عافاهُ مِن بَوائِقِ (3) الدُّهُورِ شَدَّدَ عَلَيهِ خُرُوجَ نَفسِهِ ، حَتّى يَلقَى اللّهَ حِينَ يَلقاهُ وَهُو عَنهُ راضٍ قَد أَوجَبَ لَهُ الجَنَّهَ .
(4)46.لى:الخرائج والجرائح عن شعيبٍ :دَخَلتُ عَلَيهِ [أى عَلَى الصّادِقِ عليه السلام] فَقالَ لِى : مَن كانَ زَمِيلُكَ؟ قُلتُ : الخَيِّرُ الفاضِلُ أَبُو مُوسَى النَّبّالُ . قالَ : اِستَوصِ بِهِ خَيرا، فَإِنَّ لَهُ عَلَيكَ حُقُوقا كَثِيرَةً : فَأَمّا أَوَّلُهُنَّ فَما أَنتَ عَلَيهِ مِن دِينِ اللّهِ ، وَحَقِّ الصُّحبَهِ . قُلتُ : لَو استَطَعتُ ما مَشى عَلَى الأَرضِ . قالَ : اِستَوصِ بِهِ خَيرا. قُلتُ : دُونَ هذا أَكتَفِى بِهِ مِنكَ .

قالَ : فَخَرَجنا حَتّى نَزَلنا مَنزِلاً فِى الطَّرِيقِ يُقالُ لَهُ : «ونقر» فَنَزَلناهُ ، وَأَمَرتُ الغِلمانَ أَن تُلقِىَ لِلإِبِلِ العَلَفَ ، وتَصنَع طَعاما، فَفَعَلُوا . وَنَظَرتُ إِلى أَبِى مُوسى وَمَعَهُ كُوزٌ مِن ماءٍ ، وَأَخَذَ طَرِيقَهُ لِلوُضُوءِ وَأَنا أَنظُرُ إِلَيهِ ، حَتّى هَبَطَ فِى وَهدَهٍ مِنَ الأَرضِ .

وأَدرَكَ الطَّعامُ ، فَقالَ لِى الغِلمانُ : قَد أَدرَكَ الطَّعامُ ، تَتَغَدَّونَ؟ قُلتُ لَهُم : اُطلُبوا أَبا مُوسى ، فَإِنَّهُ أَخَذَ فِى هذَا الوَجهِ يَتَوَضَّأُ . فَطَلَبَهُ الغِلمانُ ، فَلَم يُصِيبُوهُ . فَقُلتُ لَهُم : اُطلُبُوا أَبا مُوسى ، وَأَعطَيتُ اللّهَ عَهدا أَن لا أَبرَحَ مِن

مَوضِعِی الّذِی أنا فِیهِ ثَلاثَهَ أیّامٍ أطلَبُهُ ، حَتّی أبلِیَ إلَی اللّهِ عُذرا. فَاکتَرَیتُ الأعرابَ فِی طَلَبِهِ ، وَجَعَلتُ لِمَن جاءَ بِهِ عَشَرَهَ آلافِ دِرهَمٍ وَهِیَ دِیَتُهُ فَانطَلَقَ الأعرابُ فِی طَلَبِهِ ثَلاثَهَ أیّامٍ ، فَلَمّا کانَ الیَومُ الرّابِعُ أتانِیَ القَومُ آیِسُونَ مِنهُ ، فَقالُوا لِی : یا عَبدَ اللّهِ ، ما نَری صاحِبَکَ إلّا وَقَدِ اُختُطِفَ ، إنَّ هذِهِ بِلادٌ مَحضُورَهٌ فُقِدَ فِیها غَیرُ واحِدٍ ، وَنَحنُ نَری لَکَ أن تَرتَحِلَ مِنها !

فَلَمّا قالُوا لِی هذِهِ المَقالَهَ ارتَحَلتُ ، حَتّی قَدِمنا الکُوفَهَ ، وَأَخبَرتُ أَهلَهُ بِقِصَّتِهِ .

وَخَرَجتُ مِن قابِلٍ ، حَتّی دَخَلتُ عَلی أَبِی عَبدِ اللّهِ علیه السلام . فَقالَ لِی : یا شُعَیبُ ، أَلَم آمُرکَ أن تَستَوصِیَ بِأَبِی مُوسَی النَّبّالِ خَیرا؟ ! قُلتُ : بَلی ، وَلکِن لَم أذهَب حَیثُ ذَهَبَ .

فَقالَ : رَحِمَ اللّهُ أَبا مُوسی ، لَو رَأَیتَ مَنازِلَ أَبِی مُوسی فِی الجَنَّهِ لأَقَرَّ اللّهُ عَینَکَ . ثُمَّ قالَ : کانَت لِأَبِی مُوسی دَرَجَهٌ عِندَ اللّهِ ، لَم یَکُن یَنالُها إلَا بِالَّذِی اُبتُلِیَ بِهِ . (5) .

1- .مشکاه الأنوار : ص 508 ح 1706 ، جامع الأخبار : ص 312 ح 867 ، بحار الأنوار : ج 67 ص 237 ح 54 .
2- .الکافی : ج 2 ص 255 ح 14 عن فضیل بن عثمان ، جامع الأخبار : ص 312 ح 866 ، بحار الأنوار : ج 67 ص 212 ح 16.
3- .بَوائِقُهُ : أی غوائله وشروره (النهایه : ج 1 ص 162 «بوق») .
4- .التمحیص : ص 39 ح 38 عن عمر صاحب السابری ، بحار الأنوار : ج 68 ص 200 ح 6 .
5- .الخرائج والجرائح : ج 2 ص 633 ح 34 ، بحار الأنوار : ج 47 ص 105 ح 133.

47.حدّثنا علی بن أحمد رحمه الله قال :امام باقر علیه السلام :موسی علیه السلام بیرون رفت . در راه به مردی از بنی اسرائیل بر خورد و او را نیز با خود بُرد تا آن که به جانب طور رفت . به آن مرد فرمود : «بنشین تا برگردم» و گرداگرد او خطّی کشید . سپس سرش را به سوی آسمان بر داشت و گفت : «رفیقم را به تو سپردم و تو ، بهترین نگهداری» و آن گاه رفت .

خداوند ، چندان که خواست ، با موسی به نجوا پرداخت و پس از آن ، موسی به سوی رفیق خود باز گشت ؛ ولی دید شیری به او حمله برده و شکمش را دریده و گوشتش را خورده و خونش را آشامیده است ... .

موسی سر به آسمان بر داشت و گفت : «پروردگارا ! من او را به تو که بهترین امانتداری ، سپردم ؛ ولی تو بدترین درنده ات را بر او مسلّط ساختی و شکمش را درید و گوشتش را خورد و خونش را آشامید !» .

گفته شد : ای موسی ! رفیق تو را در بهشت ، منزلتی بود که جز با کاری که با او کردم ، به آن منزلت دست نمی یافت . ای موسی ! بنگر .

پرده برای موسی کنار رفت . موسی نگاه کرد و جایگاهی والا دید . آن گاه گفت : «پروردگارا ! راضی شدم».45.حضرت هادی علیه السلام فرمود:امام صادق علیه السلام :در بهشت ، منزلتی است که هیچ بنده ای به آن نمی رسد ، مگر با رنجوری در جسمش.46.حضرت هادی علیه السلام فرمودند:امام صادق علیه السلام :دوستدار ما ، مرتکب گناهانی می شود که به سبب آنها ، سزاوار عذاب خداوند می گردد ؛ امّا خداوند ، او را به بیماری در بدنش دچار می سازد تا گناهانش را از او بزداید و اگر بدنش را به سلامت داشت ، در دارایی اش برای او گرفتاری پیش می آورد و اگر در دارایی اش او را بی گزند داشت ، در فرزندش برای او گرفتاری پیش می آورد و اگر در فرزندش او را بی گزند داشت ، نسبت به همسرش برای او گرفتاری پیش می آورد و اگر نسبت به همسرش او را بی گزند داشت ، به همسایه بد گرفتارش می سازد تا به او آزار و اذیّت رساند و اگر او را از رنج و گزندهای روزگار به سلامت داشت ، جان کندنش را بر او سخت می گرداند تا وقتی خدا را دیدار می کند ، خداوند از او راضی باشد و بهشت را بر او واجب کرده باشد.47.سهل بن سعد گوید :الخرائج و الجرائح به نقل از شعیب :بر امام صادق علیه السلام وارد شدم . به من

فرمود : «همسفرت کیست؟» . گفتم : نیک مرد فاضل ، ابو موسی نَبّال . فرمود : «هوای او را داشته باش ؛ زیرا حقوق بسیاری بر تو دارد و نخستینِ آنها ، این است که همکیش توست و حقّ همراهی دارد» . گفتم : اگر توانستم ، نخواهم گذاشت حتّی پیاده راه برود . (1)

ایشان دوباره فرمود : «هوای او را داشته باش» . من گفتم : همان یک بار سفارش ، برایم کافی بود. ما راهی شدیم تا آن که در راه ، در منزلگاهی به نام «ونقر» فرود آمدیم . به غلامان ، دستور دادم که برای اُشتران ، علوفه بریزند و غذایی آماده کنند و چنین کردند . دیدم ابو موسی ، کوزه ای آب با خود بر داشت و برای وضو گرفتن ، دور شد و من همچنان به او می نگریستم تا آن که به مکانی پست رفت. غذا آماده شد و غلامان به من گفتند : غذا آماده است . می خورید؟ گفتم : در پی ابو موسی بروید . او از آن سوی رفت تا وضو بگیرد .

غلامان در پی او رفتند ؛ امّا پیدایش نکردند . به آنها گفتم : ابو موسی را بیابید .

آن گاه با خدا عهد بستم که تا سه روز در آن جا بمانم و دنبال او بگردم تا نزد خداوند ، معذور باشم . پس برای جستجوی او ، بادیه نشینان را اجیر کردم و گفتم : هر کس او را بیاورد ، ده هزار درهم که دیه او بود پاداش دارد . بادیه نشینان ، سه روز در جستجوی ابو موسی بودند .

روز چهارم ، در حالی که از یافتن او نومید شده بودند ، نزد من آمدند و به من گفتند : ای بنده خدا ! به نظر ما ، رفیقت ربوده شده است . این جا سرزمین اجنّه و شیاطین است و تا کنون چندین نفر ناپدید گشته اند . به نظر ما تو نیز باید از این مکان بروی !

چون این سخن را گفتند ، من به راه افتادم تا به کوفه رسیدم و داستان او را به خانواده اش گفتم . سال بعد ، عازم سفر شدم و خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم . به من فرمود : «ای شعیب ! مگر به تو نگفتم که هوای ابو موسی نبّال را داشته باش؟ !» .

گفتم : چرا ؛ امّا فکر نمی کردم این بلا بر سرش بیاید.

فرمود : «خدا رحمت کند ابو موسی را ! اگر جایگاه ابو موسی را در بهشت می دیدی ، قطعا شادمان می شدی» و سپس فرمود : «ابو موسی

نزد خدا درجه ای داشت که جز با بلایی که سرش آمد ، به آن ، نایل نمی شد» . .

1- .یعنی او را بر مرکب خود یا حتّی بر دوش خود ، سوار خواهم کرد و نخواهم گذاشت کمترین رنجی در این سفر به او برسد.

ص: 644

. .

ص: 645

. .

ه أَهلُ الوَرَعِ49.حدّثنا على بن أحمد بن محمّد بن عمران الدقّاق ومحمالإمام الصّادق عليه السلام :فِيما ناجَى اللّهُ عز و جل بِهِ مُوسى عليه السلام : يا مُوسى، ما تَقَرَّبَ إِلَىَ المُتَقَرِّبُونَ بِمِثلِ الوَرَعِ عَن مَحارِمِى، فَإِنِّى أُبِيحُهُم جَنّاتِ عَدنٍ ، لا أُشرِكُ مَعَهم أَحَدا. (1)و مُعَلِّمُ القُرآن48.مفضل بن عمر گويد :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن تَعَلَّمَ القُرآنَ ، وَتَواضَعَ فِى العِلمِ ، وَعَلَّمَ عِبادَ اللّهِ وَهُوَ يُرِيدُ ما عِندَ اللّهِ ، لَم يَكُن فِى الجَنَّهِ أَحَدٌ أَعظَمَ ثَوابا مِنهُ وَلا أَعظَمَ مَنزِلَةً مِنهُ ، وَلَم يَكُن فِى الجَنَّهِ مَنزِلٌ وَلا دَرَجَهٌ رَفِيعَهٌ وَلا نَفِيسَهٌ إِلّا كانَ لَهُ فِيها أَوفَرُ النَّصِيبِ ، أَو أَشرَفُ المَنازِلِ . (2)ز قارِئُ القُرآنِ50.عبدالعظيم حسنى از حضرت رضا عليه السلام روايت كردهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إِنَّ عَدَدَ دَرَجِ الجَنَّهِ عَدَدُ آىِ القُرآنِ ، فَمَن دَخَلَ الجَنَّهَ مِمَّن قَرَأَ القُرآنَ لَم يَكُن فَوقَهُ أَحَدٌ. (3)51.ابن المتوكل عن السعدآبادى عن البرقى عن عبدالعظيمعنه صلى الله عليه و آله :عَدَدُ دَرَجِ الجَنَّهِ عَدَدُ آىِ القُرآنِ ، فَإِذا دَخَلَ صاحِبُ القُرآنِ الجَنَّهَ قِيلَ لَهُ : اِرقَأ وَاقرَأ (4) لِكُلِّ آيَهٍ دَرَجَهٌ ، فَلا تَكُونُ فَوقَ حافِظِ القُرآنِ دَرَجَهٌ .
(5)286.الغارات عن أبى إسحاق السبيعى :سنن الدّارمى عن بريده :كُنتُ جالِسا عِندَ النَّبِىِ صلى الله عليه و آله فَسَمِعتُهُ يَقُولُ : ... إِنَّ القُرآنَ يَلقى صاحِبَهُ يَومَ القِيامَهِ حِينَ يَنشَقُّ عَنهُ القَبرُ كَالرَّجُلِ الشّاحِبِ ، فَيَقُولُ لَهُ : هَل تَعرِفُنِى؟ فَيَقُولُ : ما أَعرِفُكَ ! فَيَقُولُ : أَنا صاحِبُكَ القُرآنُ ، الَّذِى أَظمَأتُكَ فِى الهَواجِرِ ، وَأَسهَرتُ لَيلَكَ ، وَإِنَّ كُلَّ تاجِرٍ مِن وَراءِ تِجارَتِهِ ، وَإِنَّكَ اليَومَ مِن وَراءِ كُلِّ تِجارَهٍ . فَيُعطَى المُلكَ بِيَمِينِهِ وَالخُلدَ بِشِمالِهِ ، وَيُوضَعُ عَلى رَأسِهِ تاجُ الوَقارِ ، وَيُكسى وَالِداهُ حُلَّتَينِ لا يَقُومُ لَهُما الدُّنيا . فَيَقُولانِ : بِمَ كُسِينا هذا؟ وَيُقالُ لَهُما : بِأَخذِ وَلَدِكُما القُرآنَ .

ثُمَّ يُقالُ لَهُ : اِقرَأ وَاصعَد فِى دَرَجِ الجَنَّهِ وَغُرَفِها ، فَهُوَ فِى صُعُودٍ ما دامَ يَقرَأُ ، هَذّا (6) كانَ أَو تَرتِيلاً. (7) .

1- .الكافى : ج 2 ص 80 ح 3 عن يونس عمّن ذكره ، مشكاه الأنوار : ص 95 ح 208 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 204 ح 8 .
2- .ثواب الأعمال : ص 346 ح 1 عن ابن عبّاس ، بحار الأنوار : ج 76 ص 373 ح 30.
3- .كنز العمّال : ج 1 ص 512 ح 2272 نقلاً عن ابن مردويه و ح 2273 نقلاً عن البيهقى وكلاهما عن عائشه.
4- .لعلّ الصواب : «اقرأ وارقأ» كما فى الدرّ المنثور .

5- .بحار الأنوار : ج 92 ص 22 ح 22 نقلاً عن الإمامه والتبصره عن موسى بن إسماعيل عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، الدرّ المنثور : ج 8 ص 450 نقلاً عن ابن الضريس عن أُمّ الدرداء من دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه و آله نحوه .
6- .الهَذّ : الإسراع فى القطع وفى القراءه (الصحاح : ج 2 ص 577 «هذذ»).
7- .سنن الدارمى : ج 2 ص 907 ح 3268 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 9 ح 23011 وفيه «أهل الدنيا» بدل «الدنيا» ، كنز العمّال : ج 1 ص 571 ح 2578.

ه پارسایان

و آموزگار قرآن

ز قاری قرآن

ه پارسایان288.عنه علیه السلام :امام صادق علیه السلام :از جمله نجواهای خداوند عز و جل با موسی علیه السلام ، این بود که : «ای موسی ! تقرّب جویان به من ، به چیزی چون پرهیز از حرام هایم ، به من نزدیک نشده اند . من ، بهشت های ماندگار خود را بر آنان روا می دارم و هیچ کس را شریکشان قرار نمی دهم».و آموزگار قرآن52.عبدالعظیم حسنی برای حضرت جواد علیه السلام نامه ایپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس قرآن را بیاموزد و در [آموختن] علم ، فروتنی کند و برای رسیدن به پاداش الهی ، به بندگان خدا بیاموزد ، در بهشت ، هیچ کس ثوابش از او بیشتر و منزلتش از او والاتر نخواهد بود و هیچ منزلت و درجه بالا و پُر ارجی در بهشت نیست ، مگر این که او از آن ، بیشترین بهره یا ارجمندترین منزلت را دارد .ز قاری قرآن54.سلیمان بن جعفر جعفری گوید :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شمار درجه های بهشت ، به شمار آیات قرآن است . پس هر قاریِ قرآن که وارد بهشت شود ، هیچ کس بالاتر از او نخواهد بود .55.حدّثنی أبی رحمه الله ، عن سعد بن عبداللّه وعبداللپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شمار درجه های بهشت ، به شمار آیه های قرآن است . پس هر گاه هم نشین قرآن به بهشت وارد شود ، به او گفته می شود : «بخوان و به ازای هر آیه ، یک درجه بالا برو» و بالاتر از حافظ قرآن ، درجه ای نیست .56.عدّه من أصحابنا ، عن أحمد بن محمّد بن خالد ، عن عسنن الدارمی به نقل از بُرَیده :نزد پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بودم که شنیدم فرمود : « ... در روز قیامت ، هنگامی که قاری قرآن ، همچون انسان رنگ پریده ای ، از قبر بیرون می آید ، قرآن نزد او می رود و به او می گوید : آیا مرا می شناسی؟

او می گوید : تو را نمی شناسم !

قرآن می گوید : من دوست تو ، قرآن ، هستم ؛ همان که باعث شدم در روزهای داغ ، تشنگی بکشی و شب ها را به عبادت بگذرانی . هر تاجری به

دنبال [سود]تجارت خویش است و تو امروز ، جلودار هر تجارتی هستی [و بیشترین سود را می بری] .

آن گاه ، پادشاهی را به دست راست او و جاودانگی را به دست چپش می دهند و تاج وقار بر سرش می نهند و بر پدر و مادرش نیز دو جامه[ی بهشتی]می پوشانند که دنیا با آن ، برابری نمی کند . آن دو می گویند : به چه سبب ، این دو جامه بر ما پوشانیده شد؟

گفته می شود : به سبب پیروی فرزندتان از قرآن.

سپس به او گفته می شود : بخوان و از درجات و غرفه های بهشت ، بالا برو .

او تا زمانی که بخواند ، پیوسته بالا می رود ، خواه تند تند بخواند یا [آهسته و]با ترتیل» .

.

ح أَصحابُ هذِهِ الخِصال56.عبدالعظيم حسنى گويد :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إِنَّ فِى الجَنَّهِ دَرَجَهً ، لا يَنالُها إِلّا إِمامٌ عادِلٌ ، أَو ذُو رَحِمٍ وَصُولٌ ، أَو ذُو عِيالٍ صَبُورٌ . (1)57.حدّثنا محمّد بن موسى المتوكّل رحمه اللّه قال :عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ فِى الجَنَّهِ دَرَجَهً لا يَبلُغُها إِلّا ثَلاثَهٌ : إِمامٌ عادِلٌ ، أَو ذُو رَحِمٍ وَصُولٌ ، أَو ذُو عِيالٍ صَبُورٌ ؛ لا يَمُنُّ عَلى أَهلِهِ بِما يُنفِقُ عَلَيهِم . (2)58.وبهذَا الإسناد ، عن عبداللّه الحسنيعنه صلى الله عليه و آله :مَن تَرَكَ الكَذِبَ وَهُوَ باطِلٌ بُنِىَ لَهُ قَصرٌ فِى رَبَضِ (3) الجَنَّهِ ، وَمَن تَرَكَ المِراءَ وَهُوَ مُحِقٌّ بُنِىَ لَهُ فِى وَسَطِها ، وَمَن حَسُنَ خُلُقُهُ بُنِىَ لَهُ فِى أَعلاها . (4) .

1- .الخصال : ص 93 ح 39 عن أبى بصير عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 74 ص 90 ح 9.
2- .الفردوس : ج 1 ص 219 ح 842 عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 15 ص 834 ح 43314.
3- .رَبَض الجَنّه : ما حولها خارجا عنها تشبيها بالأبنيه التى تكون حول المدن وتحت القِلاع (النهايه : ج 2 ص 185 «ربض»).
4- .سنن ابن ماجه : ج 1 ص 19 ح 51 ، سنن الترمذى : ج 4 ص 358 ح 1993 وليس فيه «قصر» وكلاهما عن أنس ، كنز العمّال : ج 3 ص 642 ح 8300 .

ح صاحبان این صفات

ح صاحبان این صفات57.عمر بن یزید گوید :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در بهشت ، درجه ای است که به آن دست نمی یابد ، مگر پیشوای دادگر یا خویشاوندی که صله رحم به جا آورد ، و یا عیالوار شکیبا .58.ذریح گوید :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در بهشت ، درجه ای است که به آن دست نمی یابد ، مگر سه کس : پیشوای دادگر ، یا خویشاوندی که صله رحم به جا آورد ، یا عیالوار شکیبا که برای آنچه خرج خانواده اش می کند ، بر آنان منّت نگذارد.59.یعقوب بن شعیب گوید :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس دروغ باطل را ترک کند ، برایش قصری در حومه (/ پایین) بهشت بنا می شود ، و هر کس مجادله را گرچه حق با او باشد ترک کند ، برایش قصری در وسط بهشت بنا می شود ، و هر کس اخلاقش نیکو باشد ، برایش قصری در بالای بهشت بنا می شود.

.

60.ابن المتوكل عن السعدآبادى عن البرقى عن عبدالعظيمعنه صلى الله عليه و آله :مَن تَرَکَ المِراءَ وَهُوَ مُحِقٌّ بُنِیَ لَهُ بَیتٌ فِی أعلَی الجَنَّهِ ، وَمَن تَرَکَ المِراءَ وَهُوَ مُبطِلٌ بُنِیَ لَهُ بَیتٌ فِی رَبَضِ الجَنَّهِ . (1)61.حدّثنا محمّد بن موسی ، عن علی بن الحسن السعدآباديعنه صلی الله علیه و آله :أربَعَهٌ فِی حَدِیقَهٍ قُدسِیَّهٍ فِی الجَنَّهِ : اَلمُعتَصِمُ بِلا إلهَ إلّا اللّهُ لا یَشُکُّ فِیها، وَمَن إذا عَمِلَ حَسَنَهٌ سَرَّتهُ وَحَمِدَ اللّهَ عَلَیها، وَمَن إذا عَمِلَ سَیِّئَهً ساءَتهُ وَاستَغفَرَ اللّهَ مِنها، وَإذا أصابَتهُ مُصِیبَهٌ قالَ : إنّا للّهِ وَإنّا إلَیهِ راجِعُونَ . (2)62.عدّه من أصحابنا ، عن أحمد بن محمّد بن خالد ، عن اعنه صلی الله علیه و آله :أربَعٌ مَن عَجِلَ لَهُنَّ (3) إذا أصبَحَ ، أجرَی اللّهُ لَه نَهرا فِی الجَنَّهِ : مَن أصبَحَ صائِما ، وَعادَ مَرِیضا، وَشَیَّعَ جِنازَهً ، وَتَصَدَّقَ عَلی مِسکِینٍ . (4)60.حضرت باقر به محمّد بن مسلم فرمود :عنه صلی الله علیه و آله :مَن أطعَمَ ثَلاثَهَ نَفَرٍ مِنَ المُسلِمِینَ أطعَمَهُ اللّهُ مِن ثَلاثِ جِنانٍ فِی مَلَکُوتِ السَّماواتِ : الفِردَوسِ ، وَجَنَّهِ عَدنٍ ، وَطُوبی (وَ) شَجَرَهٍ تَخرُجُ مِن جَنَّهِ عَدنٍ غَرَسَها رَبُّنا بِیَدِهِ (5) . (6)61.عبدالعظیم حسنی از حضرت جواد از پدرش و او از جدّشالإمام الصّادق عن آبائه علیهم السلامعن الإمام علیّ علیه السلام : قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : لَمّا أسرِیَ بِی إلَی السَّماءِ دَخَلتُ الجَنَّهَ ، فَرَأیتُ فِیها قَصرا مِن یاقُوتٍ أحمَرَ ، یُری باطِنُهُ مِن ظاهِرِهِ لِضِیائِهِ وَنُورِهِ ، وَفِیهِ قُبَّتانِ مِن دُرٍّ وَزَبَرجَدٍ ، فَقُلتُ : یا جَبرَئِیلُ ، لِمَن هذَا القَصرُ؟ قالَ : هذا لِمَن أطابَ الکَلامَ ، وَأدامَ الصِّیامَ ، وَأطعَمَ الطَّعامَ ، وَتَهَجَّدَ بِاللَّیلِ وَالنّاسُ نِیامٌ .

قالَ عَلِیٌ علیه السلام : فَقُلتُ : یا رَسُولَ اللّهِ ، وَفِی أُمَّتِکَ مَن یُطِیقَ هذا؟

قالَ : أتَدرِی ما إطابَهُ الکَلامِ؟ فَقُلتُ : اَللّهُ وَرَسُولُهُ أعلَمُ . قالَ : مَن قالَ : «سُبحانَ اَللّهِ وَالحَمدُ للّهِ وَلاَ إلهَ إلّا اللّهُ وَاللّهُ أکبَرُ» .

أتَدرِی ما إدامَهُ الصِّیامِ؟ قُلتُ : اَللّهُ وَرَسُولُهُ أعلَمُ . قالَ : مَن صامَ شَهرَ رَمَضانَ وَلَم یُفطِر مِنهُ یَوما .

أتَدرِی ما إطعامُ الطَّعامِ؟ قُلتُ : اَللّهُ وَرَسُولُهُ أعلَمُ . قالَ : مَن طَلَبَ لِعِیالِهِ ما یَکُفُّ بِهِ وُجُوهَهُم عَنِ النّاسِ .

أتَدرِی ما التَّهَجُّدُ بِاللَّیلِ وَالنّاسُ نِیامٌ؟ قُلتُ : اَللّهُ وَرَسُولُهُ أعلَمُ . قالَ : مَن لَم یَنَم حَتّی یُصَلِّیَ العِشاءَ الآخِرَهَ وَالنّاسُ مِنَ الیَهُودِ وَالنَّصاری وَغَیرِهِم مِنَ المُشرِکِینَ نِیامٌ بَینَهُما. (7) .

1- .منیه المرید : ص 170 ، تنبیه الخواطر : ج 1 ص 108 ، بحار الأنوار : ج 2 ص 138 ح 51 ؛ إحیاء علوم الدین : ج 3 ص 1753.
2- .شعب الإیمان : ج 5 ص 372 ح 6995 ، الدرّ المنثور : ج 2 ص 327 کلاهما عن أبی هریره.
3- .جاء هنا فی هامش المصدر هکذا : «فی هامش النسخه : من عمل بهنّ ظ» .
4- .معدن الجواهر : ص 39 ، تنبیه الخواطر : ج 2 ص 109.
5- .قال الفیض الکاشانی قدس سره : عدّ طوبی من الجنان لأنّ فیه من أنواع الثمار، «وشجره» عطف علی «ثلاث» ؛ یعنی : أطعمه اللّه من ثلاث جنان ومن شجره فی إحداها غرسها اللّه بیده (الوافی : ج 5 ص 673).
6- .الکافی : ج 2 ص 200 ح 3 عن أبی حمزه عن الإمام الباقر علیه السلام ، ثواب الأعمال : ص 165 ح 1 عن علیّ بن أبی علیّ اللهبی عن الإمام الصادق علیه السلام ، المحاسن : ج 2 ص 152 ح 1408 عن أبی حمزه عن الإمام الباقر علیه السلام وکلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 74 ص 371 ح 65 .
7- .الأمالی للطوسی : ص 458 ح 1024 عن حمّاد بن عثمان عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام ، تفسیر القمّی : ج 1 ص 21 عن حمّاد بن عثمان عن الإمام الصادق علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله نحوه ، بحار الأنوار : ج 8 ص 190 ح 164.

62.عبدالعظیم حسنی مرفوعاً روایت می کند که امام علیهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس مجادله را در حالی که حق با اوست ، رها کند ، خانه ای در بالای بهشت برایش بنا می شود ، و هر کس مجادله را در حالی که حق با او نیست ، رها کند ، خانه ای در حومه بهشت برایش بنا می شود .63.الحسن بن علی العلوی ، عن سهل بن جمهور ، عن عبدالعپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چهار نفرند که در باغی قدسی در بهشت ، جای دارند : کسی که به «لا إله إلّا اللّه » چنگ زند و در آن شک نکند ، کسی که هر گاه کار نیکی کند ، شادمانش می سازد و خدا را بر آن سپاس می گوید ، کسی که هر گاه کار بدی انجام دهد ، او را ناراحت می کند و از آن آمرزش می خواهد ، و کسی که هر گاه مصیبتی به او رسد ، می گوید : « ما از آنِ خداییم و به سوی او باز می گردیم » .64.عدّه من أصحابنا ، عن أحمد بن أبی عبداللّه ، عن عبپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چهار کار است که هر کس چون صبح کند در آنها بشتابد ، خداوند ، نهری در بهشت برایش روان می سازد : کسی که صبح را با روزه آغاز نماید ، و بیماری را عیادت کند و جنازه ای را تشییع کند و به فقیری صدقه دهد.65.وعنه قال :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که سه نفر مسلمان را غذا دهد، خداوند ، او را از سه بهشت در ملکوت آسمان ها غذا می دهد : فردوس (پردیس) ، بهشت عَدْن ، و طوبا ؛ و نیز از درختی که در بهشت عَدن می روید و پروردگارمان آن را با دست خود نشانده است . (1)63.عمرو بن جمیع گوید :امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانش ، از امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «شبی که به آسمان (معراج) برده شدم ، وارد بهشت گردیدم . در آن جا کاخی از یاقوت سرخ دیدم که از فرط روشنایی و نورانیتش ، درون آن از بیرونش دیده می شد و در آن ، دو سراپرده از دُر و زبرجد بود . گفتم : ای جبرئیل ! این کاخ برای کیست؟

گفت : این برای کسی است که سخن خوش بگوید و پیوسته روزه بدارد و اطعام کند و شب که مردم خفته اند ، به عبادت بپردازد» .

گفتم : ای پیامبر خدا ! در میان امّتت کیست که از عهده این کارها بر آید؟

فرمود : «آیا می دانی سخن خوش چیست؟» .

گفتم : خدا و پیامبرش داناترند .

فرمود : «گفتنِ سبحان اللّه و الحمد للّه و لا إله إلّا اللّه و اللّه أکبر . آیا می دانی پیوسته روزه داشتن چیست؟» .

گفتم : خدا و پیامبرش داناترند .

فرمود : «کسی که ماه رمضان را روزه بگیرد و [حتّی] یک روز از آن را نخورد . آیا می دانی اطعام چیست؟» .

گفتم : خدا و پیامبرش داناترند .

فرمود : «کسی که برای خانواده اش روزی کسب کند تا مانع رو انداختن آنان به مردم شود. آیا می دانی عبادت در شب ، آن گاه که مردم خفته اند ، چیست؟» .

گفتم : خدا و پیامبرش داناترند .

فرمود : «کسی که نخوابد تا آن که وقتی مردمان یعنی یهود و نصارا و مشرکان می خوابند ، او نماز خفتن را بخواند». .

1- .فیض کاشانی رحمه الله می گوید : طوبا ، از جمله بهشت ها شمرده شده است ؛ چون در آن ، انواع میوه هاست .

64.بعضی از اصحاب از حضرت صادق علیه السلام روایت کردهالإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام: قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : إِنَّ فِی الجَنَّهِ غُرَفا یُرى ظاهِرُها مِن باطِنِها وَباطِنُها مِن ظاهِرِها ، یَسکُنُها مِن أُمَّتِی مَن أَطابَ الکَلامَ ، وَأَطعَمَ الطَّعامَ ، وَأَفشَى السَّلامَ ، وَأَدامَ الصِّیامَ ، وَصَلَّى بِاللَّیلِ وَالنّاسُ نِیامٌ .

فَقالَ عَلِیٌ علیه السلام : یا رَسُولَ اللّهِ ، وَمَن یُطِیقُ هذا مِن أُمَّتِکَ؟ !

فقال صلی الله علیه و آله : یا عَلِیُ، أَوَما تَدرِی ما إِطابَهُ الکَلامِ؟ مَن قالَ إِذا أَصبَحَ وَأَمسى : «سُبحانَ اللّهِ وَالحَمدُ للّهِ وَلا إِلهَ إِلّا اللّهُ وَاللّهُ أَکبَرُ» عَشرَ مَرّاتٍ . وَإِطعامُ الطَّعامِ : نَفَقَهُ الرَّجُلِ عَلى عِیالِهِ . وَأَمّا إِدامَهُ الصِّیامِ : فَهُوَ أَن یَصُومَ الرَّجُلُ شَهرَ رَمَضانَ وَثَلاثَهَ أَیّامٍ فِی کُلِّ شَهرٍ یُکتَبُ لَه صَومُ الدَّهرِ . وَأَمّا الصَّلاهُ بِاللَّیلِ وَالنّاسُ نِیامٌ : فَمَن صَلّى المَغرِبَ وَصَلاهَ العِشاءِ الآخِرَهِ وَصَلاهَ الغَداهِ فِی المَسجِدِ فِی جَماعَهٍ فَکَأَنَّما أَحیا اللَّیلَ کُلَّهُ . وَإِفشاءُ السَّلامِ : أَلّا یَبخَلَ بِالسَّلامِ عَلى أَحَدٍ مِنَ المُسلِمِینَ . (1) .

1- .معانی الأخبار : ص 251 ح 1 ، الأمالی للصدوق : ص 407 ح 525 کلاهما عن أبی بصیر ، روضه الواعظین : ص 406 ولیس فیهما مِن «وأمّا إدامه الصیام» إلی «صوم الدهر» ، بحار الأنوار : ج 8 ص 119 ح 5 .

65.حضرت امام حسین از پدر بزرگوارش امیرالمؤمنین علیهمامام صادق علیه السلام به نقل از پدرانش علیهم السلام، از امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «در بهشت ، غرفه هایی هستند که بیرون آنها از درونشان و درون آنها از بیرونشان دیده می شود . در این غرفه ها آن کس از امّتم ساکن می شود که سخن خوش بگوید و اطعام کند و سلام را رواج دهد و پیوسته روزه بدارد و شب که مردم خوابند ، نماز بخواند» .

گفتم : ای پیامبر خدا ! در میان امّتت کیست که از عهده این کارها بر آید ؟

فرمود : «ای علی ! آیا می دانی سخن خوش چیست؟ کسی که هر صبح و عصر ، ده مرتبه بگوید : سبحان اللّه و الحمد للّه و لا إله الّا اللّه و اللّه أکبر . اطعام کردن نیز خرجی دادن مرد به عائله اش است ، و پیوسته روزه داشتن ، این است که انسان ، ماه رمضان و سه روز از هر ماه را روزه بگیرد که برایش روزه مادام العمر نوشته می شود ، و نماز خواندن در شب در حالی که مردم خفته اند ، این است که کسی نماز مغرب و نماز عشا و نماز صبح را در مسجد با جماعت بخواند و در این صورت ، چنان است که سرتاسر شب را به عبادت گذرانده است ، و رواج دادن سلام ، این است که از سلام کردن بر هیچ مسلمانی بخل نورزد». .

66.حدّثنا على بن عبداللّه الورّاق رضى الله عنه قال :الإمام الباقر عليه السلام :قالَ مُوسَى بنُ عِمرانَ : ... إلهِى ، فَمَن يَنزِلُ دارَ القُدسِ عِندَکَ؟ قالَ : الَّذِينَ لا يَنظُرُ أعيُنُهُم إلَى الدُّنيا ، وَلا يُذِيعُونَ أسرارَهُم فِى الدِّينِ ، وَلا يَأخُذُونَ عَلَى الحُكُومَهِ الرِّشا . اَلحَقُّ فِى قُلُوبِهِم ، وَالصِّدقُ عَلَى ألسِنَتِهِم ، فَأُولئِکَ فِى سَترِى فِى الدُّنيا، وَفِى دارِ القُدسِ عِندِى فِى الآخِرَهِ .
(1)66.عبدالعظيم حسنى از حضرت رضا و او از آباء گرامش ازالإمام الباقر عليه السلام :إنَّ للّهِ عز و جل جَنَّهً لا يَدخُلُها إلّا ثَلاثَهٌ : رَجُلٌ حَكَمَ عَلى نَفسِهِ بِالحَقِّ ، وَرَجُلٌ زارَ أخاهُ المُؤمِنَ فِى اللّهِ ، وَرَجُلٌ آثَرَ أخاهُ المُؤمِنَ فِى اللّهِ . (2)16 / 11ما رُوى فى أدنَى أهلِ الجَنَّهِ دَرَجَهً (3)67.ابراهيم بن ابى محمود گويد :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :وَالَّذِى نَفسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ ! إنَّ أسفَلَ أهلِ الجَنَّهِ وَأخَسَّهم نَصِيبا لَيُعطى مِثلَ الدُّنيا وَعَشرَهَ أمثالِها .
(4)290.الإمام علىّ عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :يُعطى كُلُّ مُؤمِنٍ يَومَ القِيامَهِ مِنَ الجَنَّهِ مِثلَ الدُّنيا سَبعَ مَرّاتٍ . (5)291.اُسد الغابه عن أبى رافع (فى هِجرَهِ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله) مسند ابن حنبل عن ابن مسعود عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :يَكُونُ قَومٌ فِى النّارِ ما شاءَ اللّهُ أن يَكُونُوا ، ثُمَّ يَرحَمُهُمُ اللّهُ فَيُخرِجُهُم مِنها، فَيَكُونُونَ فِى أدنَى الجَنَّهِ ، فَيَغتَسِلُونَ فِى نَهرٍ يُقالُ لَهُ : الحَيَوانُ ، يُسَمِّيهِم أهلُ الجَنَّهِ : الجَهَنَّمِيُّونَ ، لَو ضافَ (6) أحَدُهُم أهلَ الدُّنيا لَفَرَشَهُم وَأطعَمَهُم وَسَقاهُم وَلَحَفَهُم. وَلا أظُنُّهُ إلّا قالَ : وَلَزَوَّجَهُم . (7) .

1- .الأمالى للمفيد : ص 85 ح 1 عن أبى حمزه الثمالى ، بحار الأنوار : ج 69 ص 278 ح 13.
2- .الكافى : ج 2 ص 178 ح 11 ، الخصال : ص 131 ح 136 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 198 كلّها عن محمّد بن قيس ، مشكاه الأنوار : ص 364 ح 1191 ، بحار الأنوار : ج 74 ص 348 ح 11.
3- .جدير بالذكر أن أكثر روايات هذا الباب وردت فى مصادر أهل السنّه وفى نظرنا ضعيفه سندا ومتنا وتستحقّ التأمّل .
4- .الفردوس : ج 4 ص 363 ح 7047 عن ابن عبّاس.
5- .عوالى اللآلى : ج 4 ص 101 ح 146.
6- .فى المصدر : «ضاعف» ، والصواب ما أثبتناه كما فى مسند أبى يعلى وكنز العمّال، وهو الذى يقتضيه السياق .

7- .مسند ابن حنبل : ج 2 ص 172 ح 4337 ، مسند أبی یعلی : ج 5 ص 10 ح 4958 نحوه ، کنز العمّال : ج 14 ص 514 ح 39448 وراجع : صحیح ابن حبّان : ج 16 ص 460 ح 7433 والزهد للحسین بن سعید : ص 96 ح 260 و بحار الأنوار : ج 8 ص 361 ح 33.

16 / 11 احادیثی در باره دون پایه ترین بهشتیان

292.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (یَومَ الأَحزابِ) امام باقر علیه السلام :موسی بن عمران گفت : ... بار خدایا! چه کسی در دار القدس تو ، ساکن خواهد شد؟

فرمود : «کسانی که به دنیا چشم ندوخته اند و اسرار دینی خود را فاش نمی سازند و در داوری ، رشوه نمی ستانند . حق در دل هایشان است و راستگویی بر زبان هایشان . اینان در دنیا ، در پناه من اند و در آخرت ، در دار القدس من» .293.شرح نهج البلاغه :امام باقر علیه السلام :خداوند عز و جل بهشتی دارد که به آن ، جز سه کس وارد نمی شود : مردی که به ضرر خود ، حق را بگوید ، مردی که برای خدا به دیدار برادر مؤمن خود برود و مردی که برای خدا برادر مؤمنش را بر خود ترجیح دهد.16 / 11احادیثی در باره دون پایه ترین بهشتیان (1)296.الإمام علیّ علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سوگند به آن که جان محمّد در دست اوست ، به پایین ترین فرد اهل بهشت و کم بهره ترین آنها ، به اندازه دنیا و ده برابر دنیا عطا می شود.297.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در روز قیامت ، به هر مؤمنی ، از بهشت به اندازه هفت برابر دنیا داده می شود.298.عنه علیه السلام :مسند ابن حنبل به نقل از ابن مسعود :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «گروهی ، تا هر مدّت که خدا بخواهد ، در دوزخ می مانند . سپس خدا بر ایشان رحم می کند و از آن جا بیرونشان می آورد و در پایین ترین جای بهشت ، جای می گیرند و خود را در نهری به نام زندگانی ، شستشو می دهند . اهل بهشت ، به آنان دوزخیان می گویند . هر یک از این افراد اگر همه مردم دنیا را میهمان کند ، می تواند برای آنان فرش بگستراند و به آنان غذا بدهد و به آنان بنوشاند و برای آنها رواندازفراهم کند» و به گمانم فرمود : «و به آنان زن دهد».

.

1- .گفتنی است بسیاری از روایات این باب در منابع اهل سنّت آمده اند و از نظر ما سند و متن آنها ضعیف و قابل تأمّل است .

299.تاريخ دمشق عن عبد اللّه بن الحارث :سنن الدارمى عن أبى هريره :قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إنَّ أدنَى أهلِ الجَنَّهِ مَنزِلاً مَن يَتَمَنَّى عَلَى اللّهِ ، فَيُقالُ لَهُ : لَكَ ذَلِكَ وَمِثلُهُ مَعَهُ ، إلّا أنَّهُ يُلَقَّى (1) : سَل كَذا وَكَذا، فَيُقالُ لَهُ : ذَلِكَ لَكَ وَمِثلُهُ مَعَهُ .

قالَ أبُو سَعِيدٍ الخُدرِىُ : قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : فَيُقالُ لَهُ : ذَلِكَ لَكَ وَعَشرَهُ أمثَالِهِ . (2)7.3سليمان بن عبداللّه هاشمى گويد :رسول اللّه صلى الله عليه وآله :إنَّ أدنَى أهلِ الجَنَّهِ مَنزِلَهً مَن يُنادِى الخادِمَ مِن خَدَمِهِ فَيُجِيبُهُ ألفٌ ، كُلُّهُم : «لَبَّيکَ ، لَبَّيکَ» . (3)7.4أحمد بن مهران ، عن عبدالعظيم بن عبداللّه الحسنى ،سنن الترمذى عن عبد اللّه بن عمر عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ أدنى أهلِ الجَنَّهِ مَنزِلَهً لَمَن يَنظُرُ إلى جِنانِهِ وَأزواجِهِ وَنَعِيمِهِ وَخَدَمِهِ وَسُرُرِه مَسِيرَهَ ألفِ سَنَهٍ ، وَأكرَمَهُم عَلَى اللّهِ مَن يَنظُرُ إلى وَجهِهِ غُدوَهً وَعَشِيّهً. ثُمَّ قَرَأ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : «وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَهٌ * إلَى رَبِّهَا نَاظِرَهٌ » (4) . (5)7.5حدّثنا محمّد بن على ماجيلويه رضى الله عنه قال :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أدنَى أهلِ الجَنَّهِ الَّذِى لَهُ ثَمانُونَ ألفَ خادِمٍ ، وَاثنَتانِ وَسَبعُونَ زَوجَهً ، وَتُنصَبُ لَهُ قُبَّهٌ مِن لُؤلُؤٍ وَزَبَرجَدٍ وَياقُوتٍ ، كَما بَينَ الجابِيَهِ (6) إلى صَنعاءَ . (7) .

1- .وفى نسخه : «إلى أن يلقى» ، وفى بعض الأُصول : «إلّا أن يلقّن فيقول» ، والمعنى قريب ؛ أى يقال ويملى عليه ذلک ليقوله ويسأله (هامش المصدر).
2- .سنن الدارمى : ج 2 ص 792 ح 2725 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 463 ح 9822 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 74 ح 46 وفيهما «يُلقَّن» بدل «يُلقَّى» .
3- .تفسير القرطبى : ج 17 ص 69 ، الفردوس : ج 1 ص 217 ح 831 كلاهما عن عائشه.
4- .القيامه : 22 و 23.
5- .سنن الترمذى : ج 4 ص 688 ح 2553 ، مسند أبى يعلى : ج 5 ص 276 ح 5686 ، كنز العمّال : ج 14 ص 493 ح 39397 وراجع : مسند ابن حنبل : ج 2 ص 227 ح 4623 والمستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 553 ح 3880 وحليه الأولياء : ج 5 ص 87 .
6- .الجابيه : قريه من أعمال دمشق من ناحيه الجولان (معجم البلدان : ج 2 ص 91).

7- .سنن الترمذى : ج 4 ص 695 ح 2562 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 151 ح 11723 ، صحيح ابن حبّان : ج 16 ص 414 ح 7401 ، مسند أبى يعلى : ج 2 ص 138 ح 1400 كلّها عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : ج 14 ص 476 ح 39327.

76.حدّثنی أبی رحمه الله ، عن سعد بن عبداللّه وعبداللسنن الدارمی به نقل از ابو هریره :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : « [حتّی] دون پایه ترینِ بهشتیان ، هر چه از خدا آرزو کند ، به او گفته می شود : آنچه خواستی و دو برابر آن ، از آنِ تو . حتّی به او القا می شود که : فلان و بهمان چیز را هم بخواه . و [پس از درخواستش] به او گفته می شود : آن نیز و دو برابرش ، از آنِ تو» .

ابو سعید خُدری گفت : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «به او گفته می شود : آن و ده برابر آن ، از آنِ تو» .74.ابو خالد کابلی گفت :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فروپایه ترینِ اهل بهشت ، کسی است که وقتی یکی از خدمتکارانش را فرا می خوانَد ، هزار نفر جوابش را می دهند و همگی می گویند : «بله قربان ! بله قربان !» .75.عبدالعظیم حسنی از حضرت جواد روایت کرده که آن جنابسنن الترمذی به نقل از عبد اللّه بن عمر :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : « [حتّی]آن که در بهشت ، کمترین منزلت را دارد ، به باغستان ها و همسران و نعمت ها و خدمتکاران و تخت هایش تا مسافت هزار سال راه می نگرد ، و آن که نزد خدا از همه گرامی تر است ، کسی است که هر بام و شام به چهره او (خداوند) می نگرد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سپس این آیات را خواند : « در آن روز ، چهره هایی خرّم اند . به پروردگارشان می نگرند » .77.حدّثنا أحمد بن محمّد الشیبانی رضی الله عنه قال :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پست ترین فرد اهل بهشت ، هشتاد هزار خدمتکار و هفتاد و دو همسر دارد و برایش برج و بارو از مروارید و زبرجد و یاقوت ، به اندازه از جابیه (1) تا صنعا برپا می شود. .

1- .جابیه ، روستایی است از توابع دمشق در ناحیه جولان.

78.عن محمّد بن يعقوب عن الحسن بن على العلوى ، عن سهلعنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ أَدنى أَهلِ الجَنَّهِ مَنزِلَهً لَرَجُلٌ لَهُ دارٌ مِن لُؤلُؤَهٍ واحِدَه ، مِنها غُرَفُها وَأَبوابُها . (1)79.وحدّثني أبى رحمه الله ، عن سعد بن عبداللّه ، عن أعنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ أَسفَلَ أَهلِ الجَنَّهِ أَجمَعِينَ دَرَجَهً لَمَن يَقُومُ عَلى رَأسِهِ عَشرَهُ آلافِ خادِمٍ ، بِيَدِ كُلِّ واحِدٍ مِنهُم صَحفَتانِ (2) ، واحِدَهٌ مِن ذَهَبٍ وَالأُخرَى مِن فِضَّهٍ ، فِي كُلِّ واحِدَهٍ لَونٌ لَيسَ فِي الأُخرى مِثلُهُ ، يَأكُلُ مِن آخِرِها مِثلَ ما يَأكُلُ مِن أَوَّلِها ، يَجِدُ لِآخِرِها مِنَ الطِّيبِ وَاللَّذّهِ مِثلَ الَّذِى يَجِدُ لِأَوَّلِها، ثُمَّ يَكُونُ ذَلِکَ کَرِيحِ المِسکِ الأَذفَرِ ، لا يَبُولُونَ ، وَلا يَتَغَوَّطُونَ ، وَلا يَمتَخِطُونَ ، إِخوانا عَلى سُرُرٍ مُتَقابِلِينَ . (3)80.حدّثنا محمّد بن موسى بن المتوكّل رضى الله عنه قالعنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ أَدنَى أَهلِ الجَنَّهِ مَنزِلَهً لَمَن يُغدى عَلَيهِ وَيُراحُ بِعَشرَهِ آلافِ صَحفَهٍ ، فِى كُلِّ صَحفَهٍ (4) لَونٌ مِنَ الطَّعامِ لَهُ رائِحَهٌ وَطَعمٌ لَيسَ لِلآخَرِ .

وَإِنَّ الرَّجُلَ مِن أَهلِ الجَنَّهِ لَيَمُرُّ بِهِ الطَّائِرُ فَيَشتَهِيهِ فَيَخِرُّ بَينَ يَدَيهِ إِمّا طَبِيخا وَإِمّا مَشوِيّا، ما خَطَرَ بِبالِهِ مِن الشَّهوَهِ .

وَإِنَّ الرَّجُلَ مِن أَهلِ الجَنَّهِ لَيَكُونُ فِى جَنَّهٍ مِن جِنانِهِ بَينَ أَنواعِ الشَّجَرِ إِذ يَشتَهِى ثَمَرَهً مِن تِلکَ الثِّمارِ ، فَتَدَلَّى إِلَيهِ ، فَيَأكُلُ مِنها ما أَرادَ .

وَلَو أَنَّ حُورِيّا مِن حُورِهِم بَرَزَت لِأَهلِ الأَرضِ لَأَعشَت ضَوءَ الشَّمسِ ، وَلَافتَتَنَ بِها أَهلُ الأَرضِ . (5) .

1- .المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 73 ح 44 ، الزهد لهنّاد : ج 1 ص 104 ح 126 ، حليه الأولياء : ج 3 ص 274 كلّها عن عبيد بن عمير ، كنز العمّال : ج 14 ص 469 ح 39293.
2- .الصَحْفَه : إناء كالقَصْعَه المبسوطه ونحوها (النهايه : ج 3 ص 13 «صحف»).
3- .المعجم الأوسط : ج 7 ص 342 ح 7674 ، الزهد لابن المبارک : ص 536 ح 1530 ، حليه الأولياء : ج 6 ص 175 وليس فيهما ذيله وكلّها عن أنس ، كنز العمّال : ج 14 ص 482 ح 39354.
4- .فى المصدر : «صفحه» فى الموردين ، والصواب ما أثبتناه .
5- .مسند زيد : ص 417 عن الإمام زين العابدين عن آبائه عليهم السلام .

76.سدیر صیرفی گوید :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دون پایه ترین مرد اهل بهشت ، خانه ای دارد که از مرواریدِ یک پارچه ساخته شده و غرفه ها و درهایش نیز از همان مروارید است.77.عبدالعظیم حسنی گفت :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :حتّی کسی که درجه اش در بهشت از همه بهشتیان پایین تر است ، ده هزار خدمتکار در پیشگاهش می ایستند و در دست هر یک از آنان ، دو سینی است : یکی از طلا و دیگری از نقره ، و در هر یک ، رنگی (خوراکی ای) است متفاوت با دیگری . آنچه از آخرین ظرف می خورد ، همانند چیزی است که از اوّلینِ آنها می خورد و از آخرین آن ، همان طعم و لذّتی را می چشد که از اوّلینِ آنها چشیده است و سپس به بویی چونان بوی مشک تیز تبدیل می شوند . نه ادرار می کنند ، نه مدفوع ، و نه آب بینی می اندازند . برادروار بر تخت هایی رو در روی هم می نشینند.78.غیاث بن ابراهیم از حضرت صادق علیه السلام روایت کرپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :حتّی برای دون پایه ترینِ اهل بهشت ، هر بام و شام ، ده هزار سینی می آورند و در هر سینی ، رنگی از غذاست که بو و طعمی متفاوت با دیگری دارد.

شخص در بهشت ، چنان است که پرنده ای بر او می گذرد و او هوس آن را می کند . در دَم ، آن پرنده به صورت پخته یا بریان شده ، به هر صورتی که دل او خواسته باشد ، در برابرش می افتد.

و شخص در بهشت ، چنان است که در باغی از باغ های خود ، میان درختان گوناگون ، گردش می کند و دلش هوس میوه ای از آن میوه ها را می کند . بلافاصله آن میوه به او نزدیک می شود و او هر چه می خواهد ، از آن می خورد .

اگر حوری از حوریان بهشتی ، برای اهل زمین آشکار شود ، نور خورشید را تار می کند و زمینیان ، مفتون او می شوند. .

79.ابو سلمه گويد :عنه صلى الله عليه و آله :لَو أَنَّ أَدنَى أَهلِ الجَنَّهِ حِليَهً عَدَلَت حِليَتُهُ بِحِليَهِ أَهلِ الدُّنيا جَمِيعا ، لَكَانَ ما يُحَلِّيهِ اللّهُ بِهِ فِى الآخِرَهِ أَفضَلَ مِن حِليَهِ أَهلِ الدُّنيا جَمِيعا. (1)81.حدّثنى أبى رحمه الله ، عن سعد بن عبدالله وعبداللعنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ أَدنَى أَهلِ الجَنَّهِ مَنزِلَهً ، الَّذِى يَركَبُ فِى أَلفِ أَلفٍ مِن خَدَمِهِ مِنَ الوِلْدانِ المُخَلَّدِينَ ، عَلى خَيلٍ مِن ياقُوتٍ أَحمَرَ ، لَها أَجنِحَهٌ مِن ذَهَبٍ «إِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَ مُلْكًا كَبِيرًا » (2) . (3)82.حدّثنا محمّد بن موسى بن المتوكّل رحمه الله قال :عنه صلى الله عليه و آله : وَلا أَعلَمُهُ إِلّا قالَ : مِن ذَهَبٍ إِنَّ أَدنَى أَهلِ الجَنَّهِ مَنزِلَهً (4) ، إِنَّ لَهُ لَسَبعَ دَرَجاتٍ ، وَهُوَ عَلى السّادِسَهِ وَفَوقَهُ السّابِعَهُ ، وَإِنَّ لَهُ لَثَلاثَمِئَهِ خادِمٍ ، وَيُغدى عَلَيهِ وَيُراحُ كُلَّ يَومٍ ثَلاثُمِئَهِ صَحفَهٍ فِى كُلِّ صَحفَهٍ لَونٌ لَيسَ فِى الأُخرى ، وَإِنَّهُ لَيَلَذُّ أَوَّلَهُ كَما يَلَذُّ آخِرُهُ ، وَإِنَّهُ لَيَقُولُ : يا رَبِّ ! لَو أَذِنتَ لِى لَأَطعَمتُ أَهلَ الجَنَّهِ وَسَقَيتُهُم ، لَم يَنقُص مِمّا عِندِى شَىءٌ ... .
(5)80.عبدالعظيم حسنى از حضرت جواد و او از پدرش روايت نمالزهد لِابن المبارك عن المغيره بن شعبه :قالَ مُوسى عليه السلام لِرَبِّهِ : يا رَبِّ أَىُ عِبادِكَ أَدنى عِندَكَ فِى الجَنَّهِ مَنزِلَهً؟

قالَ : عَبدٌ يَبقى فِى الدِّمنَهِ (6) بَعدَما يَدخُلُ أَهلُ الجَنَّهِ الجَنَّهَ ، وَأَهلُ النّارِ النّارَ ، فَيَقُولُ لَهُ رَبُّهُ : اُنظُر أَربَعَهَ مُلُوكٍ مِن مُلُوكِ الدُّنيا فَسَمِّ مِن مُلكِهِم ما اشتَهَت نَفسُكَ ، فَيَقُولُ : يا رَبِّ أَشتَهى كَذا ، وَأَشتَهى كَذا ، وَأَشتَهى كَذا ، قالَ : فَسَمِّ مِن مُلكِهِم ما لَذَّت عَينُكَ ، فَيَقُول : يَلَذُّ عَينِى كَذا ، يَلَذُّ عَينِى كَذا ، قالَ : أَرَضِيتَ؟ قالَ : نَعَم ، قالَ : وَهُوَ لَكَ وَعَشرَهُ أَمثالِهِ .

قالَ مُوسى عليه السلام : رَبِّ هذا لِأَدنى مَن فِى الجَنَّهِ ، فَما لِ?هلِ صَفوَتِكَ؟

قالَ : هذِهِ الَّتِى أَرَدتُ ، يا مُوسى ! خَلَقتُ كَرامَتَهُم بِيَدِى ، وَعَمِلتُها وَخَتَمتُ عَلى خَزائِنِها ، وَفِيها ما لَم تَرَ عَينٌ وَلَم يَسمَع أُذُنٌ ، وَلَم يَخطُر عَلى قَلبِ أَحَدٍ مِن الخَلقِ . (7) .

1- .المعجم الأوسط : ج 8 ص 362 ح 8878 ، البعث والنشور : ص 198 ح 302 ، تاريخ دمشق : ج 40 ص 413 ح 8134 ، كنز العمّال : ج 5 ص 357 ح 13220 وكلّها عن أبى هريره.
2- .الإنسان : 20.

3- .الدرّ المنثور : ج 8 ص 376 نقلاً عن ابن وهب عن الحسن البصرى.
4- .يوجد هنا بياض فى الأصل (هامش المصدر).
5- .مسند ابن حنبل : ج 3 ص 640 ح 10932 ، تفسير ابن كثير : ج 7 ص 226 كلاهما عن أبى هريره.
6- .الدِمْنَه : الموضع الذى يلتبد فيه السرقين، وكذلک ما اختلط من البعر والطين (لسان العرب : ج 13 ص 158 «دمن»).
7- .الزهد لابن المبارک (الملحقات) : ص 66 ح 227.

81.کثیر بن شهاب حارثی گوید :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر کم زیورترین اهل بهشت ، زیورش با زیور همه اهل دنیا مقایسه شود ، زیوری که خدا او را با آن در آخرتْ آراسته می سازد ، از زیور همه اهل دنیا برتر خواهد آمد.82.حسن بن عبداللّه گوید :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :حتّی دون پایه ترین اهل بهشت ، چنان است که در میان هزار هزار خدمتکار ، از پسرکان جاویدان ، بر اسبانی از یاقوت سرخ که بال هایی از طلا دارند ، می نشیند . « هر گاه بنگری ، آن جا نعمت می بینی و سلطنتی باشُکوه را » .83.حدّثنا علی بن أحمد بن موسی الدقّاق رضی الله عنه وپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کم منزلت ترینِ اهل بهشت ، دارای هفت درجه (/رتبه / پله) است و او بر درجه ششم است و درجه هفتم ، بالاتر از اوست . سیصد خدمتکار دارد و هر بام و شام ، سیصد سینی طلا به حضورش آورده می شود که در هر سینی ، رنگی (خوراکی ای) متفاوت با دیگری است ، و از اوّلین آنها ، همان اندازه لذّت می برد که از آخرینشان لذّت می برد ، و می گوید : پروردگارا ! اگر اجازه ام می دادی ، همه اهل بهشت را خوراکی و نوشیدنی می دادم ، بی آن که از آنچه دارم ، چیزی کاسته شود ... .83.عبدالعظیم حسنی فرمود :الزهد ، ابن مبارک به نقل از مغیره بن شُعبه :موسی علیه السلام به پروردگارش گفت : پروردگارا ! کدام بنده ات در بهشت به نزد تو ، کم منزلت ترین است؟

فرمود : «بنده ای که وقتی بهشتیان به بهشت و دوزخیان به دوزخ وارد می شوند ، در میان خرابه (دِمْنه) (1) می ماند . پس ، پروردگارش به او می گوید : چهار پادشاه از پادشاهان دنیا را در نظر بیاور و از پادشاهیِ آنان ، آنچه دلت می خواهد ، نام ببر . او می گوید : پروردگارا ! فلان چیز و فلان چیز و فلان چیز را می خواهم . خدا می گوید : از پادشاهی آنان ، آنچه را دیده ات از آن لذّت می بَرَد ، نام ببر . او می گوید : دیده ام از فلان چیز و بهمان چیز ، لذّت می برد . خدا می گوید : راضی شدی ؟ می گوید : آری . خدا می گوید : اینها و ده برابرشان ، از آنِ تو باد» .

موسی علیه السلام گفت : پروردگارا ! این برای کم منزلت ترین فرد بهشتی است . پس برای برگزیدگانت چیست؟

فرمود : «برای آنان ، چیزهایی اراده کرده ام. (2) ای موسی ! کرامت های آنان را من با دست خودم آفریده ام و آنها (کرامت ها) را به عمل آورده

ام و بر خزانه های آنها مُهر زده ام . در آن خزانه ها چیزهایی است که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بر دل هیچ کدام از مخلوقات ، گذر نکرده است» . .

1- .دِمنه : مکانی که در آن ، سرگین ، انباشته شده باشد . مخلوطی از پهن و گل ؛ سرگینگاه (لسان العرب : ج 13 ص 158 « دمن ») .
2- .نه این که به خواست و اراده آنان واگذارم که چه می خواهند.

84.حدّثنا محمّد بن أحمد السنانى رضى اللهِ عنه قال :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :سَأَلَ مُوسى رَبَّهُ : ما أدنى أهلِ الجَنَّهِ مَنزلَهً؟ قالَ : هُوَ رَجُلٌ يَجِىءُ بَعدَما أُدخِلَ أهلُ الجَنَّهِ الجَنَّهَ ، فَيُقالُ لَه : اُدخِلُ الجَنَّهَ ، فَيَقُولُ : أىْ رَبِّ! كَيفَ وَقَد نَزَلَ النّاسُ مَنازِلَهُم وَأَخَذُوا أخذاتِهِم؟ فَيُقالُ لَهُ : أتَرضى أن يَكُونَ لَكَ مِثلُ مُلكِ مَلِكٍ مِن مُلُوكِ الدُّنيا؟ فَيَقُولُ : رَضِيتُ ، رَبِّ! فَيَقُولُ : لَكَ ذَلِكَ وَمِثلُهُ وَمِثلُهُ وَمِثلُهُ وَمِثلُهُ . فَقالَ فِى الخامِسَهِ : رَضِيتُ ، رَبِّ! فَيَقُولُ : هذا لَكَ وَعَشرَهُ أمثالِهِ ، وَلَكَ مَا اشتَهَت نَفسُكَ وَلَذَّت عَينُكَ . فَيَقُولُ : رَضِيتُ ، رَبِّ!

قالَ : رَبِّ! فَأَعلاهُم مَنزِلَهً؟ قالَ : أُولَئِكَ الَّذِينَ أَرَدتُ ، غَرَستُ كَرَامَتَهُم بِيَدِى ، وَخَتَمتُ عَلَيها ، فَلَم تَرَ عَينٌ وَلَم تَسمَع أُذُنٌ وَلَم يَخطُر عَلى قَلبِ بَشَرٍ. (1)84.عبدالعظيم حسنى گويد :عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ أدنى مَقعَدِ أحَدِكُم مِنَ الجَنَّهِ أن يَقُولَ لَهُ : تَمَنَّ ! فَيَتَمَنّى وَيَتَمَنّى ، فَيَقُولُ لَهُ : هَل تَمَنَّيتَ؟ فَيَقُولُ : نَعَم، فَيَقُولُ لَهُ : فَإِنَّ لَكَ ما تَمَنَّيتَ وَمِثلَهُ مَعَهُ . (2) .

1- .صحيح مسلم : ج 1 ص 176 ح 312 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 347 ح 3198 ، صحيح ابن حبّان : ج 16 ص 446 ح 7426 وفيهما صدره إلى «ولذّت عينک» ، مسند الحميدى : ج 2 ص 335 ح 761 ، تفسير الطبرى : ج 11 الجزء 21 ص 104 كلّها عن المغيره بن شعبه ، كنز العمّال : ج 14 ص 504 ح 39423.

2- .صحيح مسلم : ج 1 ص 167 ح 301 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 192 ح 8174 كلاهما عن أبى هريره.

300.کتاب سلیم بن قیس عن المقداد :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :موسی از پروردگارش پرسید : کم منزلت ترینِ اهل بهشت کیست؟ پروردگارش فرمود : «مردی که پس از آن که همه بهشتیان به بهشت برده شدند ، می آید و به او گفته می شود : وارد بهشت شو . او می گوید : ای پروردگار! چگونه وارد شوم ، در حالی که مردم در منزل های خود فرود آمده اند و همه جا را گرفته اند؟ به او گفته می شود : آیا راضی هستی که همانند قلمرو پادشاهی از پادشاهان دنیا داشته باشی؟ او می گوید : راضی ام ، پروردگارا !خدا می گوید : آن اندازه و مانند آن و مانند آن و مانند آن و مانند آن به تو دادم . و او در بار پنجم ، می گوید : راضی شدم ، ای پروردگار !خدا می گوید : این همه و ده برابر آن ، برای تو باشد . اصلاً هر چه دلت می خواهد و دیده ات لذّت می برد ، برای تو باشد . و او می گوید : راضی شدم ، پروردگارا !» .

موسی علیه السلام گفت : پروردگارا !پس بامنزلت ترینِ آنان چگونه است؟ خداوند فرمود : «برای آنان من خود ، اراده کرده ام! بهشتِ آنان را با دست خود کاشته ام و بر آن مُهر زده ام . نه چشمی آن را دیده ونه گوشی شنیده و نه بر دل بشری ، گذر کرده است» .301.الإمام الصادق علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :[حتّی] آن یک از شما که پایین ترین جایگاه را در بهشت دارد ، چنان است که [خداوند] به او می فرماید : «آرزو کن!» و او آرزو می کند و آرزو می کند . پس به او می فرماید : «آرزو کردی؟» . می گوید : آری .

به او می فرماید : «آنچه آرزو کردی و مانند آن ، از آنِ تو باد» . .

302.تاريخ دمشق عن ابن عبّاس :عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ أَدنى أَهلِ الجَنَّهِ مَنزِلَهً ، رَجُلٌ صَرَفَ اللّهُ وَجهَهُ عَنِ النّارِ قِبَلَ الجَنَّهِ ، وَمَثَّلَ لَهُ شَجَرَهً ذاتَ ظِلٍّ ، فَقالَ : أَىْ رَبِّ ، قَدِّمْنِى إِلى هِذِهِ الشَّجَرَهِ فَأَكُونَ فِى ظَلِّها ! فَقالَ اللّهُ : هَل عَسَيتَ إِن فَعَلتُ أَن تَسأَلَنِى غَيرَها؟ قالَ : لا وَعِزَّتِکَ ! فَقَدَّمَهُ اللّهُ إِلَيها.

وَمَثَّلَ لَهُ شَجَرَهً ذاتَ ظِلٍّ وَثَمَرٍ ، فَقال : أَى رَبِّ ، قَدَّمَنِى إِلَى هِذِهِ الشَّجَرَهِ أَكُونُ فِى ظِلِّها وَآكُلُ مِن ثَمَرِها ! فَقالَ اللّهُ لَهُ : هَل عَسَيتَ إِن أَعطَيتُکَ ذلِکَ أَن تَسأَلَنِى غَيرَهُ؟ فَيَقُولُ : لا وَعِزَّتِکَ ! فَيُقَدِّمُهُ اللّهُ إِلَيها.

فَتُمَثَّلُ لَهُ شَجَرَهٌ أُخرى ذاتُ ظِلٍّ وَثَمَرٍ وَماءٍ ، فَيَقُولُ : أَى رَبِّ ، قَدِّمنِى إِلى هذِهِ الشَّجَرَهِ أَكُونُ فِى ظِلِّها وَآكُلُ مِن ثَمَرِها وَأَشرَبُ مِن مائِها ! فَيَقُولُ لَهُ : هَل عَسَيتَ إِن فَعَلتُ أَن تَسأَلَنِى غَيرَهُ؟ فَيَقُولُ : لا ، وَعِزَّتِکَ لا أَسأَلُکَ غَيرَهُ ! فَيُقَدِّمُهُ اللّهُ إِلَيها .

فَيَبرُزُ لَهُ بابُ الجَنَّهِ ، فَيَقُولُ : أَى رَبِّ ، قَدِّمنِى إِلى بابِ الجَنَّهِ فَأَكُونَ تَحتَ نِجافِ (1) الجَنَّهِ ، وَأَنظُرَ إِلى أَهلِها ! فَيُقَدِّمُهُ اللّهُ إِلَيها فَيَرى أَهلَ الجَنَّهِ وَما فِيها، فَيَقُولُ : أَى رَبِّ ، أَدخِلنِى الجَنَّهَ ! قال : فَيُدخِلُهُ اللّهُ الجَنَّهَ .

قالَ : فَإِذا أُدخِلَ الجَنَّهَ ، قالَ : هذا لِى ، قالَ : فَيَقُولُ اللّهُ عز و جلَّ لَهُ : تَمَنَّ، فَيَتَمَنّى ، وُيَذكِّرُهُ اللّهُ : سَل مِن كَذا وَكَذا ، حَتّى إِذا انقَطَعَت بِهِ الأَمانِىُّ قالَ اللّهُ عز و جل : هُوَ لَکَ وَعَشرَهُ أَمثالِهِ .

قالَ : ثُمَّ يَدخُلُ الجَنَّهَ ، يَدخُلُ عَلَيهِ زَوجَتاهُ مِنَ الحُورِ العِينِ ، فَيَقُولانِ لَهُ : اَلحَمدُ للّهِ الَّذِى أَحياکَ لَنا وَأَحيانا لَکَ . فَيَقُولُ : ما أُعطِىَ أَحَدٌ مِثلَ ما أُعطِيتُ . (2) .

1- .النِّجاف : العَتَبه وهى اُسْكُفَّه الباب (الصحاح : ج 4 ص 1429 «نجف»).
2- .مسند ابن حنبل : ج 4 ص 55 ح 11216 ، صحيح مسلم : ج 1 ص 175 ح 311 نحوه وكلاهما عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : ج 14 ص 502 ح 39419.

303.الإرشاد :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دون پایه ترین اهل بهشت ، کسی است که خداوند ، روی او را از آتش به جانب بهشت گردانیده و درختی سایه دار برایش رویانیده است . پس می گوید : ای پروردگار ! مرا به نزد این درخت ببر تا در سایه اش باشم . خدا می فرماید : «اگر چنین کنم ، ممکن است چیز دیگری از من بخواهی» . می گوید : به عزّتت سوگند که نمی خواهم .

پس خداوند ، او را نزد آن درخت می بَرَد و [سپس] درخت دیگری با سایه و میوه برایش مجسّم می گردد . او می گوید : ای پروردگار ! مرا به نزد این درخت ببر تا در سایه اش بیارَمَم و از میوه اش بخورم . خداوند می فرماید : «اگر آن را به تو بدهم ، ممکن است چیز دیگری از من بخواهی !» . می گوید : به عزّتت سوگند که نمی خواهم . پس خداوند ، او را به نزد آن درخت می برد. باز درخت دیگری با سایه و میوه و آب برایش نمایان می شود . او می گوید : ای پروردگار ! مرا به نزد آن درخت ببر تا در سایه اش باشم و از میوه اش بخورم و از آبش بنوشم .

خداوند می فرماید : «اگر چنین کنم ، شاید چیز دیگری از من بخواهی !» .

می گوید : نه ، به عزّتت سوگند که چیز دیگری از تو نمی خواهم .

پس خداوند ، او را به نزد آن می برد. در این هنگام ، درِ بهشت برای او نمایان می شود . می گوید : ای پروردگار! مرا به درِ بهشت ببر تا زیر سر درِ بهشت باشم و به اهل آن بنگرم .

خداوند ، او را به آن جا می برد و او اهل بهشت و آنچه را در آن است ، می بیند و می گوید : ای پروردگار ! مرا وارد بهشت گردان .

خداوند ، او را وارد بهشت می کند.

چون وارد بهشت شد ، می گوید : این ، مال من !

خداوند عز و جل به او می فرماید : «آرزو کن» و خود ، به او یادآوری می کند که : «از فلان چیز و فلان چیز بخواه» ، تا این که چون آرزوهایش تمام شد ، خدای عز و جلمی فرماید : «اینها و ده برابر اینها ، مالِ تو باشد» .

سپس وارد بهشت می شود و دو همسرش از حور العین به نزدش می روند و به او می گویند : ستایش ، خدای را که تو را برای ما و ما را برای تو ، زنده نگه داشت .

او می گوید : نعمتی که به من داده شده ، به هیچ کس داده نشده است. .

الفصل السابع عشر : المبشّرون بالجنّه17 / 1أَهلُ بَيتِ النَّبِي عليهم السلام307.الإرشاد :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :وَسَطُ الجَنَّهِ لِی وَلِأَهلِ بَيتِی . (1)308.الإمام علىّ عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ فَاطِمَهَ وَعَلِيّا وَالحَسَنَ وَالحُسَينَ فِی حَظِيرَهِ القُدسِ ، فِی قُبَّهٍ بَيضَاءَ ، سَقفُها عَرشُ الرَّحمنِ . (2)راجع : ص 550 (الفصل الخامس عشر : نظام الجنه / اول من يدخل الجنه) و ص 610 (الفصل السادس عشر : درجات الجنه / درجه النبى صلى الله عليه و آله واهل بيته) .

.

1- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 68 ح 314 عن الحسن بن عبد اللّه التميمى عن أبيه عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 8 ص 178 ح 131.
2- .تاريخ دمشق : ج 13 ص 229 ح 3239 ، المناقب للخوارزمى : ص 303 ح 298 كلاهما عن عمر بن الخطّاب ، كنز العمّال : ج 12 ص 98 ح 34167 ؛ بشاره المصطفى : ص 48 نحوه ، كشف الغمّه : ج 2 ص 152 عن عمر ، بحار الأنوار : ج 43 ص 303 .

فصل هفدهم: نوید داده شدگان به بهشت

17 / 1 اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله

فصل هفدهم: نوید داده شدگان به بهشت17 / 1اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله313.الطبقات الکبری عن عمر بن علیّ بن أبی طالب :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :وسط بهشت ، از آنِ من و اهل بیت من است.314.تاریخ الطبری عن ابن إسحاق :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فاطمه و علی و حسن و حسین ، [در بهشت ،] در پَرچینِ پاکی ، در سراپرده ای سپید که سقف آن ، عرش خدای مهربان است ، جای دارند.ر . ک : ص 551 (فصل پانزدهم : نظام بهشت / نخستین کسانی که به بهشت ، وارد می شوند) و ص 611 (فصل شانزدهم : درجات بهشت / درجه پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت او) .

.

17 / 2عِدَّهٌ مِن أَصحابِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله1 . أَبُو الدَّحداحِ (1)94.عاصم بن بهدله گوید :تفسیر القرطبی عن زید بن أسلم :لَمّا نَزَلَ : «مَّن ذَا الَّذِی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا» (2) قال أبُوالدَّحداحِ : فِداکَ أبی وأُمّی یا رَسولَ اللّهِ ! إنَّ اللّهَ یَستَقرِضُنا وهُوَ غَنِیٌّ عَنِ القَرضِ؟ !

قالَ : نَعم ، یُریدُ أن یُدخِلَکُمُ الجَنَّهَ بِهِ . قالَ : فَإنّی إن أقرَضتُ رَبّی قَرضا یَضمَن لی بِهِ ولِصَبِیَّتِی الدَّحداحَهَ (3) مَعِیَ الجَنَّهَ؟ قالَ : نَعَم .

قالَ : فَناوِلنی یَدَکَ ، فَناوَلَهُ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله یَدَهُ . فَقالَ : إنَّ لی حَدیقَتَینِ ؛ إحداهُما بِالسّافِلَهِ وَالأُخری بِالعالِیَهِ ، وَاللّهِ ! لا أملِکُ غَیرَهُما ، قَد جَعَلتُهُما قَرضا للّهِ تَعالی .

قالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : اِجعَل إحداهُما للّهِ ، وَالأُخری دَعها مَعیشَهً لَکَ ولِعِیالِکَ .

قالَ : فَأُشهِدُکَ یا رَسولَ اللّهِ ، أنّی قَد جَعَلتُ خَیرَهُما للّهِ تَعالی ، وهُوَ حائِطٌ فیهِ سِتُّمِئَهِ نَخلَهٍ .

قالَ : إذا یَجزیکَ اللّهُ بِهِ الجَنَّهَ .

فَانطَلَقَ أبُو الدَّحداحِ حَتّی جاءَ أُمَّ الدَّحداحِ ، وهِیَ مَعَ صِبیانِها فِی الحَدیقَهِ تَدورُ تَحتَ النَّخلِ ، فَأنشَأ یَقولُ :

هَداکِ رَبّی سُبُلَ الرَّشادإلی سَبیلِ الخَیرِ وَالسَّدادِ بِینی مِنَ الحائِطِ بِالودادِفَقَد مَضی قَرضا إلَی التَّنادِ(4) أقرَضتُهُ اللّهَ عَلَی اعتِمادیبِالطَّوعِ لا مَنٍّ ولَا ارتِدادِ إلّا رَجاءَ الضِّعفِ فِی المَعادِفَارتَحِلی بِالنَّفسِ وَالأَولادِ وَالبِرّ لَا شَکَّ فَخَیرُ زادِقَدَّمَهُ المَرءُ إلَی المَعادِ

قالَت أُمُّ الدَّحداحِ : رَبِحَ بَیعُکَ ! بارَکَ اللّهُ لَکَ فیمَا اشتَرَیتَ .

ثُمَّ أجابَتهُ أُمُّ الدَّحداحِ وأنشَأَت تَقولُ :

بَشَّرَکَ اللّهُ بِخَیرٍ وفَرَحمِثلُکَ أدّی ما لَدَیهِ ونَصَح قَد مَتَّعَ اللّهُ عِیالی ومَنَحبِالعَجوَهِ (5) السَّوداءِ وَالزَّهوِ البَلَح وَالعَبدُ یَسعی ولَهُ ما قَد کَدَحطولَ اللَّیالی وعَلَیهِ مَا اجتَرَح

ثُمَّ أقبَلَت اَمُّ الدَّحداحِ عَلى صِبيانِها ، تُخرِجُ ما فى أفواهِهِم وتَنفُضُ ما فى أكمامِهِم ، حَتّى أفضَت إلَى الحائِطِ الآخَرِ .

فَقالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : كَم مِن عَذقٍ رداحٍ (6) ، ودارٍ فَيّاحٍ ، لِأَبِى الدَّحداحِ . (7) .

1- .أبو الدَّحداحِ ، ويُقالُ : أبوالدَّحداحَهِ ، فُلانُ بنُ الدَّحداحَهِ مَذكورٌ فِى الصَّحابَهِ ، لا أقِفُ عَلى اسمٍ ولا نَسَبٍ أكثَرَ مِن أنَّهُ مِنَ الأنصارِ ؛ حَليفٌ لَهُم . وقَد قيلَ : إنَّ أبا الدَّحداحِ هذا اسمُهُ ثابِتُ بنُ الدَّحداحِ ... (الاستيعاب : ج 4 ص 210 الرقم 2969 وراجع : اُسد الغابه : ج 5 ص 185 ، الإصابه : ج 7 ص 101) .
2- .البقره : 245 .
3- .كذا فى المصدر ، وجاء فى تفسير الثعلبى كما يلى : «قالَ : فَزَوجِى اُمُّ الدَّحدَاحِ مَعِى؟ قالَ : نَعَم . قال : الدَّحداحُ مَعِى؟ قالَ : نَعَم» ، وهو الأصحّ .
4- .يَومُ التَّناد : يوم القيامه (مجمع البحرين : ج 3 ص 1765 «ندا») .
5- .العَجوَهُ : نوع من تمر المدينه (النهايه : ج 3 ص 188 «عجا») .
6- .رداح : أى ثقيل (النهايه : ج 2 ص 213 «ردح») .
7- .تفسير القرطبى : ج 3 ص 238 ، شعب الايمان : ج 3 ص 250 ح 3452 ، تفسير ابن كثير : ج 8 ص 40 كلاهما عن عبداللّه بن مسعود ، تفسير الطبرى : ج 2 الجزء الثانى ص 593 ، تفسير الثعلبى : ج 2 ص 207 كلّها نحوه ، كنزالعمّال : ج 2 ص 354 ح 4224 .

17 / 2 شماری از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله

1 . ابو دحداح

17 / 2شماری از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله1 . ابو دحداح
97.الشریف أبو جعفر محمّد بن أحمد [بن] عیسی العلویجتفسیر (1)القرطبی به نقل از زید بن اسلم :چون آیه «کیست که به خدا قرضی نیکو دهد» نازل شد ، ابو دحداح گفت : پدر و مادرم به فدایت ، ای پیامبر خدا ! خدا از ما تقاضای قرض می کند ، در صورتی که او از قرض کردن ، بی نیاز است ؟

فرمود : «آری . می خواهد از این طریق . شما را به بهشت ببرد» .

ابو دحداح گفت : پس اگر من به پروردگارم قرض بدهم ، در ازای آن ، بهشت را برای من و دخترم دحداحه ، ضمانت می کند ؟

فرمود : «آری» .

ابو دحداح گفت : پس دستت را به من بده .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دست خود را به او داد . ابو دحداح گفت : من دو باغ دارم : یکی در سافله (پایین دست مدینه) و دیگری در عالیه (بالا دست مدینه) و به خدا سوگند که جز این دو ، چیزی ندارم . اینها را هم به خداوند متعال ، قرض دادم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «یکی را برای خدا قرار بده و دیگری را برای گذرانِ زندگی خودت و عائله ات بگذار» .

ابو دحداح گفت : پس گواه باش ای پیامبر خدا که من بهترینِ آن دو را برای خداوند متعال قرار دادم ، که باغی است با ششصد خرمابُن .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «خدا نیز به پاداش آن ، بهشت را به تو عطا می فرماید» .

ابو دحداح به راه افتاد و نزد اَمّ دحداح که با کودکانش در باغ ، زیر درختان خرما می گشت رفت و شروع به خواندن این اشعار کرد :

پروردگارم ، تو را به راه راست ، هدایت کند

به راه خیر و درستی !

باغ را با عشق ، ترک کن ؛

چرا که به قرضِ روزِ قیامت رفت .

آن را با اطمینان ، به خدا قرض دادم

داوطلبانه ، نه با منّت و نه باز گرفتنی

و فقط به امید دستگیری در معاد .

پس ، خود با فرزندانت ، آن را ترک کن .

نیکی ، بی گمان ، بهترین توشه است

که آدمی به سوی معاد می فرستد .

اُمّ دحداح گفت : سودایَت سودمند باد ! خدا برای آنچه معامله کردی ، به تو برکت دهد !

آن گاه اُمّ دحداح ، در پاسخ ، این ابیات را خواند :

خدا تو را به خیر و شادمانی ، بشارت دهد !

چونان تو ، آنچه را که دارد ، خالصانه می بخشد .

خدا خانواده مرا بهره مند ساخته و

خرمای سیاهِ عجوه و خرمای سبز کال بخشیده است .

بنده می کوشد و برای اوست نتیجه کوشش های او

در طول شب ها ، و نیز هر گناهی که مرتکب شود ، بر گردن اوست .

او این ابیات را گفت . آن گاه به طرف کودکانش رفت و آنچه را در دهان هایشان بود ، بیرون آورد و آنچه را در آستین هایشان بود ، بر زمین ریخت و به باغ دیگر رفتند .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «بسا خرمابُنان [پُربار و] سنگین و [نیز] سرایی وسیع که [در بهشت] برای ابو دحداح است» .

.

1- .گفته می شود : ابو دحداحه ، فلان بن دحداحه ، نامش جزء صحابه آمده ؛ ولی اطّلاعاتی بیش از این که او از انصار یا هم پیمان آنها بوده ، نیافتیم . گفته شده که نام ابو دحداح ، ثابت بن دحداح است (الاستیعاب : ج 4 ص 210) .

ص: 670

..

..

2 . أَبُو ذَرٍّ الغِفارِیُّ 197.نافع غلام عائشه گوید :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :ما أَظَلَّتِ الخَضراءُ وَلا أَقَلَّتِ الغَبراءُ (1) عَلی ذِی لَهجَهٍ أَصدَقَ مِن أَبِی ذَرٍّ ، یَعِیشُ وَحدَهُ ، وَیَمُوتُ وَحدَهُ ، وَیُبعَثُ وَحدَهُ ، وَیَدخُلُ الجَنَّهَ وَحدَهُ . (2)3 . أَبُو طالِبٍ 499.ومنها {Q} « فَأَبَی أَکْثَرُ النَّاسِ إِلاَّ کُفُإیمانِ أبی طالب عن عبد الرحمن بن کثیر :قُلتُ لِأَبِی عَبدِ اللّهِ علیه السلام إِنَّ النَّاسَ یَزعُمُونَ أَنَّ أَبا طالِبٍ فِی ضَحضاحٍ (3) مِن نارٍ! فَقالَ : کَذَبُوا ، ما بِهذا نَزَلَ جَبرَئِیلُ عَلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله ؛

قُلتُ : وَ بِما نَزَلَ ؟ قالَ : أَتی جَبرَئِیلُ فِی بَعضِ ما کانَ عَلَیهِ فَقالَ : یا مُحَمَّدُ ، إِنَّ رَبَّکَ یُقرِؤُکَ السَّلامَ وَ یَقُولُ لَکَ : إِنَّ أَصحابَ الکَهفِ أَسَرُّوا الإِیمانَ وَأَظهَرُوا الشِّرکَ ، فَآتاهُمُ اللّهُ أَجرَهُم مَرَّتَینِ ، وَإِنَّ أبا طالِبٍ أَسَرَّ الإِیمانَ وَأَظهَرَ الشِّرکَ ، فَآتاهُ اللّهُ أَجرَهُ مَرَّتَینِ ، وَ ما خَرَجَ مِن الدُّنیا حَتّی أَتَتهُ البِشارَهُ مِنَ اللّهِ تَعالی بِالجَنَّهِ .

ثُمَّ قالَ علیه السلام : کَیفَ یَصِفُونَهُ بِهذا المَلاعِینُ وَقَد نَزَلَ جَبرَئِیلُ لَیلَهَ ماتَ أَبُو طالِبٍ فَقالَ : یا مُحَمَّدُ ، اُخرُج مِن مَکَّهَ فَمالَکَ بِها ناصِرٌ بَعدَ أَبِی طالِبٍ . (4) .

1- .الغَبْراءُ : الأرضُ ، والخضراءُ : السماءُ ؛ لِلَونِهما (النهایه : ج 3 ص 337 «غبر») .
2- .رجال الکشیّ : ج 1 ص 98 ح 48 ، روضه الواعظین : ص 311 ، بحار الأنوار : ج 22 ص 398 ح 4 .
3- .الضَّحْضَاح فی الأصل : ما رَقّ من الماء علی وجه الأرض ما یبلغ الکعبین ، فاستعاره للنار (النهایه : ج 3 ص 75 «ضحضح») .
4- .إیمان أبی طالب : ص 83 ، بحار الأنوار : ج 35 ص 111 ح 43 و راجع : الکافی : ج 1 ص 448 ح 28 و معانی الأخبار : ص 285 ح 1 والأمالی للصدوق : ص 712 ح 981 .

2 . ابو ذر غِفاری

3 . ابو طالب

2 . ابو ذر غِفاری 199.عبدالعظیم با سند خود از امام باقر علیه السلام نقلپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آسمان ، بر گوینده ای راستگوتر از ابو ذر ، سایه نیفکنده و زمین ، راستگوتر از او را بر پشت خود ، حمل نکرده است . او ، تنها زندگی می کند و تنها می میرد و تنها برانگیخته می شود و تنها وارد بهشت می شود.3 . ابو طالب 2101.حدّثنی جعفر بن أحمد بن سعید الرازی ، عن بکر بن صاإیمان أبی طالب به نقل از عبد الرحمان بن کثیر :به امام صادق علیه السلام گفتم : مردم ، مدّعی اند که ابو طالب در برکه ای از آتش است .

فرمود : «دروغ می گویند ! جبرئیل ، چنین چیزی را بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل نکرده است» .

گفتم : پس چه نازل کرده است؟

فرمود : «جبرئیل در یکی از نازل شدن هایش بر پیامبر صلی الله علیه و آله ، گفت : ای محمّد ! پروردگارت به تو سلام می رساند و می فرماید : اصحاب کهف ، ایمان را نهان می داشتند و به ظاهر ، شرک می ورزیدند . پس خداوند به آنان دو بار مزد داد . ابو طالب نیز در باطن ، مؤمن بود و به ظاهر ، مشرک ، و خداوند به او هم دو بار مزد داد . او از دنیا نرفت تا آن که از جانب خدای متعال برایش بشارت بهشت آمد».

سپس فرمود : «چگونه این ملعون ها در باره او چنین می گویند ، حال آن که در شب وفات ابو طالب ، جبرئیل نازل شد و گفت : محمّد ! از مکّه برو ؛ زیرا بعد از ابو طالب ، دیگر در این جا یاوری نداری ؟ !» .

.

4 . بِلالٌ (1)100.ابى عبداللّه عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :اِشتاقَتِ الجَنَّهُ إِلى ثَلاثَهٍ : إِلى عَلِيٍّ وَعَمّارٍ وَبِلالٍ . (2)101... . به ابى عبداللّه عرض كردم :صحيح البخارى عن أبى هريره :إِنَّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله قَالَ لِبِلالٍ عِندَ صَلاهِ الفَجرِ : يا بِلالُ ، حَدِّثنِى بِأرجى عَمَلٍ عَمِلتَهُ فِى الإِسلامِ ، فَإنّى سَمِعتُ دَفَّ نَعلَيکَ بَينَ يَدَىَّ فِى الجَنَّهِ .

قَالَ : ما عَمِلتُ عَمَلاً أرجى عِندى : إِنّى لَم أَتَطَهَّر طُهُورا فِى ساعَهِ لَيلٍ أو نَهارٍ ، إلّا صَلَّيتُ بِذلِکَ الطُّهُورِ ما كُتِبَ لِى أن أصَلّىَ . (3) .

1- .هُوَ بِلالُ بنُ رَباحٍ مَولَى أَبِى بَكرٍ وَ يُكَنّى أَبا عَبدِ اللّهِ ، وَكانَ مِن مُوَلَّدِى السُّراهِ ، وَاسمُ أُمِّهِ حَمامَهُ . هُوَ مِن الأوائِلِ الذينَ دَخَلُوا فى الإسلامِ فَعَذَّبَهُ قَومُهُ فَأَمَرَ النَّبىُّ بِشِرائِهِ وأعتَقَهُ ، وعُرِفَ بِمُؤَذِّنِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله . شَهِدَ حُروبَ صَدرِ الإسلامِ ، وسافَرَ فى عَهدِ عُمَرَ إلى الشّامِ وتُوُفِّىَ فيها سَنَهَ 20 ه عَن عُمُرَ يُناهِز ال 63 عامَا .
2- .تاريخ دمشق : ج 10 ص 451 ح 2636 ، سير أعلام النبلاء : ج 1 ص 355 ، تهذيب الكمال : ج 33 ص 307 الرقم 7356 ، شرح نهج البلاغه لابن أبى الحديد : ج 10 ص 104 كلّها عن أنس ، بحار الأنوار : ج 31 ص 202 .
3- .صحيح البخارى : ج 1 ص 386 ح 1098 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 230 ح 8411 ، صحيح ابن حبّان : ج 15 ص 560 ح 7085 ، صحيح ابن خزيمه : ج 2 ص 213 ح 1208 ، مسند إسحاق بن راهويه : ج 1 ص 218 ح 174 نحوه ، كنز العمّال : ج 11 ص 657 ح 33175 .

4 . بِلال

4 . بِلال (1)103.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشت به سه کس ، مشتاق است ؛ به علی و عمّار و بِلال .319.عنه صلی الله علیه و آله :صحیح البخاری به نقل از ابو هریره :پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام نماز صبح ، به بلال فرمود : «ای بلال ! برایم بگو که به کدام عملی که در مسلمانی ات کرده ای ، امیدوارتری ؛ زیرا من در بهشت ، صدای کفش های تو را خیلی نزدیک به خودم در بهشت شنیدم» .

گفت : امیدبخش ترین عملی که از نظر خودم انجام داده ام ، این است که در هیچ ساعتی از شب یا روز ، وضو نساختم ، مگر این که با آن وضو ، نمازی را که بر من واجب شده بود ، خواندم.

.

1- .بلال بن رَباح ، غلام آزاد شده ابو بکر ، با کنیه ابو عبد اللّه ، و متولّد سُرات است . نام مادرش حَمامه بود . از نخستین کسانی بود که به اسلام گروید ؛ ولی قومش او را شکنجه می دادند . پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد او را خریدند و آزاد شد . معروف به مؤذّن پیامبر صلی الله علیه و آله است . وی در جنگ های صدر اسلام ، شرکت داشت و در زمان عمر ، به شام رفت و در همان جا در سال بیست هجری در 63 سالگی ، از دنیا رفت و به خاک سپرده شد .

320.عنه صلى الله عليه و آله :مسند ابن حنبل عن ابن عبّاس :لَيلَةَ أُسرِىَ بِنَبِيِّ اللّهِ صلى الله عليه و آله وَدَخَلَ الجَنَّةَ ، فَسَمِعَ مِن جانِبِها وَجسا (1) ، قالَ : يا جِبرِيلُ ، ما هذا؟ قالَ : بِلالٌ المُؤَذِّنُ . (2)321.إثبات الوصيّه (فى خَبرِ دَعوَهِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله) تهذيب الأحكام عن سليمان بن جعفر عن أبيه :دَخَلَ رَجُلٌ مِن أهلِ الشّامِ عَلى أبِى عَبدِ اللّهِ عليه السلام ، فَقالَ لَهُ ، إنَّ أوَّلَ مَن سَبَقَ إلَى الجَنَّهِ بِلالٌ . قالَ : وَ لِمَ ؟ قالَ : لِأَنَّهُ أوَّلُ مَن أذَّنَ . (3)5 . جَعفَرُ بنُ أبِى طالِبٍ الطَّيّارُ (4)323.الإمام الصادق عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله لَمّا استُشهِدَ جَعفُر بنُ أبِى طالِبٍ وَقُطِعَت يَداهُ فِى غَزوَهِ مُؤتَهَ : إنَّ اللّهَ عز و جلأبدَلَهُ بِيَدَيهِ جَناحَينِ يَطِيرُ بِهِما فِى الجَنَّهِ حَيثُ شاءَ . (5)راجع : ص 682 (زيد بن حارثه) .

.

1- .الوَجْسُ : الصوتُ الخفىّ ، وتَوَجّس بالشىء : أحسّ به فتسمّع له (النهايه : ج 5 ص 156 «وجس») .
2- .مسند ابن حنبل : ج 1 ص 553 ح 2324 ، تاريخ دمشق : ج 10 ص 457 ح 2651 ، كنز العمّال : ج 11 ص 653 ح 33163 .
3- .تهذيب الأحكام : ج 2 ص 284 ح 1133 ، بحار الأنوار : ج 22 ص 142 ح 128 .
4- .هُوَ جَعفَرُ بنُ أبى طالِبٍ عَمُّ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله أخُو الإمام عَلِيِّ عليه السلام . كُنيَتُهُ أبو عَبدِ اللّهِ . آمَنَ بِالنَّبِيِّ صلى الله عليه و آله قَبلَ أن يُعلِنَ دَعوَتَهُ فى دارِ الأرقَمِ ، وعِندَما تَحَمَّلَ المُسلِمونَ العَناءَ والأذىَ فى مَكَّهَ هاجَرَ بَعضُهُم إلَى الحَبَشَهِ بِأمرِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله وهاجَرَ مَعَهُم جَعفَرُ وتَوَلّى قِيادَتَهُم . وبَعدَما فَتَحَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله خَيبَرَ وهاجَرَ إلَى المَدينَهِ رَجَعَ جَعفَرُ مِنَ الحَبَشهِ . نَصَبَهُ النَّبِيُّ قائِدَا لِلجَيشِ فى وَقعَهِ مُؤتَهَ بَعدَ استشهادِ زَيدِ بنِ الحارِثَهِ ، فاستُشهِدَ هُوَ أيضَا وكانَ لَهُ مِنَ العُمُرِ 40 عَامَا (راجع : الإصابه : ج 1 ص 592 الرقم 1169 والطبقات الكبرى : ج 4 ص 34 و سير أعلام النبلاء : ج 1 ص 206 الرقم 34) .
5- .الاستيعاب : ج 1 ص 313 الرقم 331 ، ذخائر العقبى : ص 360 كلاهما عن الزبير ، الأنساب : ج 4 ص 91 ؛ بحار الأنوار : ج 22 ص 276 ح 25 .

5 . جعفر بن ابی طالب (جعفر طیّار)

107.عبدالعظیم الحسنی عن الصادق علیه السلام فی خبر :مسند ابن حنبل به نقل از ابن عبّاس :شبی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را به معراج بردند و ایشان وارد بهشت شد ، از گوشه آن زمزمه ای شنید . فرمود : ای جبرئیل ! این چیست؟» .

جبرئیل گفت : [صدای] بلال مؤذّن است .106.ابراهیم علوی گوید :تهذیب الأحکام به نقل از سلَیمان بن جعفر ، از پدرش :مردی از اهالی شام بر امام صادق علیه السلام وارد شد و ایشان به او فرمود : «نخستین کسی که به سوی بهشتْ پیشی گرفت ، بلال بود» .

مرد شامی پرسید : چرا ؟

فرمود : «زیرا او نخستین کسی بود که اذان گفت» .5 . جعفر بن ابی طالب (جعفر طیّار) (1)108.عن سهل بن زیاد، عن عبدالعظیم الحسنی، عن اسحاق النپیامبر خدا صلی الله علیه و آله پس از به شهادت رسیدن جعفر بن ابی طالب و قطع شدن دو دست او در جنگ موته :خداوند عز و جلبه جای دو دستش ، دو بال به او عطا فرمود که با آنها در بهشت ، هر کجا که بخواهد ، پرواز می کند .ر . ک : ص 683 (زید بن حارثه) .

.

1- .جعفر ، فرزند ابو طالب ، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و برادر گرامی امام علی علیه السلام است و کنیه اش ابو عبد اللّه است . وی قبل از آن که پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت خود را در خانه ارقم آشکار نماید ، اسلام آورد و هنگامی که زندگی برای مسلمانان در مکّه سخت شد و گروهی از مسلمانان به فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله به حبشه هجرت کردند ، رهبری آنها را به عهده داشت . او پس از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله از مکّه به مدینه ، هنگام فتح خیبر ، از حبشه باز گشت . پیامبر صلی الله علیه و آله او را در جنگ موته به عنوان فرمانده دوم جنگ (بعد از شهادت زید بن حارثه) تعیین کردند که در آن جنگ به شهادت رسید و هنگام شهادت ، چهل سال داشت .

6 . حارِثَةُ بنُ سُراقَة (1)109... . به نقل از ابراهيم بن ابى محمود ، گفت: رسول اللّه صلى الله عليه و آله لِأُمِّ حارِثَةَ وَقَد أُصِيبَ ابنُها يَومَ بَدرٍ : يا أُمَّ حارِثَةَ ! إنَّها جَنَّةٌ فِي جَنَّةٍ ، وَإنَّ ابنَكِ أصابَ الفِردَوسَ الأعلى ، وَالفِردَوسُ رَبوَةُ الجَنَّةِ وَأوسَطُها وَأفضَلُها . (2)110.و فى كتاب النبوه بالإسناد عن عبدالعظيم بن عبداللّشرح نهج البلاغه عن الواقدىّ :أَصابَ حارِثَةَ بنَ سُراقَةَ وَهُو يَكرَعُ (3) فِي الحَوضِ سَهمٌ غَرَبٍ (4) مِنَ المُشرِكِينَ فَوَقَعَ فِى نَحرِهِ فَماتَ . . . فَلَمّا قَدِمَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله مِن بَدرٍ جاءَت أُمُّهُ إلَيهِ ، فَقالَت : يا رَسُولَ اللّهِ ! قَد عَرَفتَ مَوضِعَ حارِثَةَ فِى قَلبِى ، فَأَرَدتُ أَن أَبكِيَ عَلَيهِ ، ثُمَّ قُلتُ : لا أَفعَلُ حَتّى أَسأَلَ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله عَنهُ ؛ فَإِن كانَ فِى الجَنَّهِ لَم أَبكِهِ ، وَإِن كانَ فِى النّارِ بَكَيتُهُ فَأَعوَلتُهُ .

فَقالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : هَبِلتِ ، أَجَنَّةٌ واحِدَةٌ ! إنَّها جِنانٌ كَثِيرَةٌ ، وَالَّذِى نَفسِى بِيَدِهِ إنَّهُ لَفِى الفِردَوسِ الأعلى .

قالَت : فَلا أَبكِى عَلَيهِ أَبَدا . (5) .

1- .هُوَ حارِثَةُ بنُ سُراقَةَ بنِ الحارِثِ بنِ عَدِىِّ بنِ مالِكٍ ، وَأُمُّهُ أُمُّ حارِثَةَ اسمُها الرَّبِيعُ بِنتُ النَّضرِ ، وَهِىَ عَمَّةُ أَنَسِ بنِ مالِكِ بنِ النَّضرِ خادِمِ رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، شَهِدَ بَدرا مَعَ رَسُولِ اللّهِ وَقُتِلَ يَومَئِذٍ شَهِيدا ، وَكانَ أَوَّلَ فارِسٍ استُشهِدَ (راجع : الطبقات الكبرى : ج 3 ص 510 و أُسد الغابه : ج 1 ص 650 الرقم 993 و موسوعه حياه الصحابه : ج 2 ص 595 الرقم 1404)
2- .سنن الترمذى : ج 5 ص 327 ح 3174 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 518 ح 13743 ، السنن الكبرى : ج 9 ص 281 ح 18540 ، صحيح البخارى : ج 3 ص 1034 ح 2654 ، المعجم الكبير : ج 24 ص 263 ح 665 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 481 ح 61 وليس فى الثلاثه الأخيره ذيله من «والفردوس ربوه الجنّه . . .» وكلّها عن أنس ، كنز العمّال : ج 11 ص 670 ح 33241 .
3- .يَكْرَعُ المَاءَ : إذا تَنَاوَلَهُ بِفيهِ من موضعه من غير أن يشرب بكفّيه ولا بإناء (الصحاح : ج 3 ص 1275 «كرع») .
4- .أصابَهُ سَهمُ غَرْبٍ وغَرَبٍ : إذا كان لا يدرى مَن رماه (لسان العرب : ج 1 ص 641 «غرب») .

5- .شرح نهج البلاغه لابن أبى الحديد : ج 14 ص 147 ؛ بحار الأنوار : ج 19 ص 341 .

6 . حارثه بن سُراقه

6 . حارثه بن سُراقه (1)112.و فی الحسن بل الصحیح عن عبدالعظیم الحسنی، عن أبیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مادر حارثه ، آن گاه که فرزندش در جنگ بدر ، به شهادت رسید :ای اُمّ حارثه ! در بهشت ، بهشتی دیگر است و فرزند تو ، در فردوس برین ، جای گرفت و فردوس ، بلندای بهشت و وسط آن و بهترین جای آن است.110.در کتاب النبوّه به سند عبدالعظیم الحسنی :شرح نهج البلاغه به نقل از واقدی :حارثه بن سُراقه مشغول آب خوردن با دهانش از آبگیر بود که تیری از سوی مشرکان آمد و بر گلویش نشست و جان داد ... . چون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از بدر باز گشت ، مادر حارثه نزد ایشان آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! شما از جایگاه حارثه در قلبم آگاهی . من خواستم بر او گریه کنم ؛ ولی با خود گفتم : گریه نکنم تا از پیامبر خدا در باره اش بپرسم . اگر در بهشت بود ، بر او نگِریم و اگر در آتش بود ، بر او بگریم و ناله و فغان سر دهم .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «ای داغ دیده ! مگر یک بهشت هست ؟! بهشت های بسیار وجود دارد و سوگند به آن که جانم در دست اوست ، فرزند تو در فردوس برین است» .

مادرش گفت : پس هرگز بر او نخواهم گریست .

.

1- .حارثه بن سُراقه بن حارث بن عَدی بن مالک ، مادرش اُمّ حارثه ربیع دختر نضر ، همان عمّه اَنَس بن مالک بن نضر ، خدمتکار پیامبر خداست . حارثه در جنگ بدر با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بود و در همان جنگ ، به شهادت رسید . او نخستین سوار اسلام بود که شهید شد .

7 . حَمزَهُ بنُ عَبدِ المُطَّلِبِ 1112... . به نقل از امام كاظم عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :دَخَلتُ الجَنَّهَ البارِحَهَ ، فَنَظَرتُ فِيها فَإِذا جَعفَرٌ يَطِيرُ مَعَ المَلائِكَهِ ، وَإِذا حَمزَهُ مُتَّكِئٌ عَلى سَرِيرٍ . (1)113.كتاب المسلسلات:عنه صلى الله عليه و آله :ما فِى القِيامَهِ راكِبٌ غَيرُنا ، ونَحنُ أربَعَهٌ ... وعَمّى حَمزَهُ بنُ عَبدِ المُطَّلِبِ أسَدُ اللّهِ وأسَدُ رَسولِهِ سَيِّدُ الشُّهَداءِ ، عَلى ناقَتِىَ العَضباءَ . (2)114.و أخبرنى عبدالحميد بن عبداللّه ، عن عمر بن الحسينالإمام الرضا عن آبائه عليهم السلامعن رسول اللّه صلى الله عليه و آله : يا عَلِىُّ ، لَيسَ فِى القِيامَهِ راكِبٌ غَيرَنا ونَحنُ أربَعهً ، فَقامَ إلَيهِ رَجُلٌ مِنَ الأنصارِ فَقالَ : فِداكَ أبى وأمّى ، ومَن هُم؟

قالَ : أنا عَلى دابَّهِ اللّهِ البُراق ، وأخى صالِحُ عَلى ناقَهِ اللّهِ الَّتى عُقِرَت ، وعَمّى حَمزَهُ عَلى ناقَتى العَضبا ، وأخى عَلِىٌّ عَلى ناقَهِ مِن نوقِ الجَنَّهِ . (3) .

1- .المستدرک على الصحيحين : ج 3 ص 217 ح 4890 و ص 231 ح 4933 ، تهذيب الكمال : ج 5 ص 61 الرقم 944 كلّها عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : ج 11 ص 661 ح 33192 .
2- .الخصال : ص 203 ح 19 ، الأمالى للطوسى : ص 258 ح 466 ، اليقين : ص 149 كلاهما نحوه وكلّها عن ابن عباس ، بحارالأنوار : ج 7 ص 233 ح 4 ؛ تاريخ بغداد : ج 13 ص 123 الرقم 7106 ، تاريخ دمشق : ج 42 ص 326 ح 8887 كلاهما عن ابن عباس نحوه ، كنزالعمّال : ج 13 ص 153 ح 36478 .
3- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 48 ح 189 ، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام : ص 247 ح 159 كلاهما عن أحمد بن عامر الطائى ، كفايه الأثر : ص 100 عن زيد بن أرقم عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 3 ص 231 ، بحارالأنوار : ج 36 ص 319 ح 171 .

7 . حمزه بن عبد المطّلب

7 . حمزه بن عبد المطّلب (1)113.از کتاب المسلسلات :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دیشب ، وارد بهشت شدم و در آن نگریستم . جعفر را دیدم که با فرشتگان در پرواز است و حمزه را دیدم که بر تختی تکیه زده بود .114... . محمّد بن علی بن بابویه با سند خود نقل می کندپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در قیامت ، سواره ای جز ما چهار نفر نیست : ... و عمویم حمزه بن عبد المطّلب ، شیر خدا و شیر پیامبر او و سالار شهیدان ، که بر ناقه ام عَضبا ، سوار است .116.المتهجد:امام رضا به نقل از پدرانش ، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای علی ! در قیامت ، سواره ای جز ما نیست و ما چهار نفریم» .

مردی از انصار برخاست و گفت : پدر و مادرم فدای تو ! آنان کیان اند؟

فرمود : «من بر مَرکب خدا [یعنی] بُراق ، برادرم صالح بر شترِ پی شده خدا ، عمویم حمزه بر شتر تندرو من [یعنی]عَضبا ، و برادرم علی بر شتری از شتران بهشت» .

.

1- .حمزه ، شیر خدا و شیر پیامبر خدا ، و عمو و برادر رضاعی ایشان است . مادرش هاله دختر اُهَیب و کنیه اش ابو عُماره و ابو یَعلی بود. او در همان ابتدای بعثت ، ایمان آورد و از پیامبر صلی الله علیه و آله در مقابل رؤسای مشرک قریش ، حمایت کرد . در جنگ بدر ، پرچمدار بود و در جنگ اُحُد تا آخرین لحظه از پیامبر صلی الله علیه و آله دفاع کرد تا این که به دست غلام حبشی در 59 سالگی به شهادت رسید .

8 . حَنظَلَهُ 1116... . امام جواد عليه السلام اين استعاذه را براى فررسول اللّه صلى الله عليه و آله :رَأَيتُ المَلائِكَةَ بَينَ السَّماءِ وَالأَرضِ تُغَسِّلُ حَنظَلَةَ بِماءِ المُزْنِ (1) فِى صِحافٍ مِن فِضَّهٍ . (2)9 . زَيدُ بنُ حارِثَةَ 4118.عن عبدالعظيم بن عبداللّه الحسنى قال:المغازى عن عاصم بن عمر بن قتاده وعبد الجبّار بن عماره :لَمّا التَقَى النّاسُ

بِمُؤتَةَ جَلَسَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله عَلَى المِنبَرِ وَكُشِفَ لَهُ ما بَينَهُ وَبَينَ الشّام ، فَهُوَ يَنظُرُ إِلى مُعتَرَكِهِم ، فَقالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أَخَذَ الرّايَةَ زَيدُ بنُ حارِثَةَ ، فَجاءَهُ الشَّيطانُ فَحَبَّبَ إِلَيهِ الحَياةَ وَكَرَّهَ إِلَيهِ المَوتَ وَحَبَّبَ إِلَيهِ الدُّنيا ! فَقالَ : اَلآنَ حِينَ استَحكَمَ الإِيمانُ فِي قُلُوبِ المُؤمِنِينَ تُحَبِّبُ إِلَىَّ الدُّنيا؟ ! فَمَضى قُدُما حَتَّى استُشهِدَ . فَصَلّى عَلَيهِ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، وَقالَ : استَغفِرُوا لَهُ فَقَد دَخَلَ الجَنَّةَ وَهُوَ يَسعى .

ثُمَّ أَخَذَ الرّايَةَ جَعفَرُ بنُ أَبِى طالِبٍ ، فَجاءَهُ الشَّيطانُ فَمَنّاهُ الحَياةَ وَكَرَّهَ إِلَيهِ المَوتَ وَمَنّاهُ الدُّنيا ! فَقالَ : الآنَ حِينَ استَحكَمَ الإِيمانُ فِي قُلُوبِ المُؤمِنِينَ تُمَنِّينِى الدُّنيا ؟ ! ثُمَّ مَضى قُدُما حَتَّى استُشهِدَ . فَصَلّى عَلَيهِ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله وَدَعا لَهُ ، ثُمَّ قالَ : استَغفِرُوا لِأَخِيكُم فَإِنَّهُ شَهِيدٌ ، دَخَلَ الجَنَّةَ فَهُوَ يَطِيرُ فِى الجَنَّهِ بِجَناحَينِ مِن ياقُوتٍ حَيثُ يَشاءُ مِنَ الجَنَّهِ .

ثُمَّ أَخَذَ الرّايَةَ بَعدَهُ عَبدُ اللّهِ بنُ رَواحَهَ ، فَاستُشهِدَ وَدَخَلَ الجَنَّهَ مُعتَرِضا . فَشَقَّ ذلِكَ عَلَى الأَنصارِ ، فَقالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أَصابَهُ الجِراحُ . قِيلَ : يا رَسُولَ اللّهِ ما اعتِراضُهُ ؟ قالَ : لَمَّا أَصابَتهُ الجِراحُ نَكَلَ (3) ، فَعاتَبَ نَفسَهُ فَشَجُعَ ، فَاستُشهِدَ فَدَخَلَ الجَنَّهَ . فَسُرِّىَ عَن قَومِهِ . (4) .

1- .المُزنَه : المَطْرَهُ ، والمُزن : السحاب عامّه ، وقيل : السحاب ذو الماء واحدته مُزنه (لسان العرب : ج 13 ص 406 «مزن») .
2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 159 ح 445 ، تفسير القمّى : ج 1 ص 118 وفيه «ذهب» بدل «فضّه» و ج 2 ص 110 ، بحار الأنوار : ج 20 ص 47 ح 2 ؛ شرح نهج البلاغه لابن أبى الحديد : ج 14 ص 271 عن الواقدى ، تاريخ دمشق : ج 27 ص 424 و ليس فيه ذيله من «بماء المُزن» .

. .» ، كنز العمّال : ج 11 ص 674 ح 33257 نقلاً عن ابن سعد عن خزيمه بن ثابت .
3- .نَكَلَ : امتَنَعَ ، وترک الإقدام (النهايه : ج 5 ص 116 «نكل») .
4- .المغازى : ج 2 ص 761 ، البدايه والنهايه : ج 4 ص 246 ؛ الثاقب فى المناقب : ص 101 ح 94 عن ابن شهاب ، الدرجات الرفيعه : ص 75 وراجع : الخرائج والجرائح : ج 1 ص 166 ح 256 .

8 . حنظله

9 . زید بن حارثه

8 . حنظله [(1)]118.عبدالعظیم حسنی از امام صادق علیه السلام نقل می کنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فرشتگان را در میان آسمان و زمین دیدم که حنظله را با آب ابرها در تشت هایی سیمین ، غسل می دهند.9 . زید بن حارثه 22.شرح نهج البلاغه :المغازی به نقل از عاصم بن عمر بن قتاده و عبد الجبّار بن عماره :چون سپاهیان [اسلام و کفر] در موته رو به رو شدند ، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر منبر نشست و موانع میان او و شام ، کنار زده شدند و ایشان به آوردگاه می نگریست . آن گاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «اکنون ، زید بن حارثه پرچم را بر گرفت و شیطان به سراغش آمد و کوشید که زندگی را محبوب او و مرگ را منفورش گرداند و دنیا را نزدش دوست داشتنی سازد ! زید گفت : اینک که ایمان در دل های مؤمنان ، استوار گشته ، می کوشی تا دنیا را در نزدم محبوب گردانی؟ ! و پیش رفت تا به شهادت رسید» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر او نماز خواند و فرمود : «برایش آمرزش بخواهید که او دوان دوان به بهشت وارد شد» .

سپس جعفر بن ابی طالب پرچم را بر گرفت و شیطان به سراغش رفت و کوشید او را به زندگی آرزومند سازد و مرگ را در نظرش منفور گرداند و به دنیا نیز آرزومندش کند ؛ امّا او گفت : اینک که ایمان در دل های مؤمنان ، استوار گشته است ، می خواهی آرزوی دنیا را در دلم افکنی؟ ! و آن گاه پیش رفت ، تا آن که به شهادت رسید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر او نماز خواند و برایش دعا کرد و سپس فرمود : «برای برادرتان آمرزش بخواهید ، که او شهید شد و به بهشت رفت و در بهشت با دو بال از یاقوت ، به هر جای بهشت که بخواهد ، پرواز می کند» .

در پی او ، عبد اللّه بن رواحه پرچم را بر گرفت و او نیز به شهادت رسید ؛ ولی با ترس و تردید ، به بهشت رفت . این امر بر انصار ، دشوار آمد . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «به او جراحت رسید» .

گفته شد : ای پیامبر خدا ! چرا با ترس و تردید؟

فرمود : «وقتی به او جراحت رسید ، از پیشروی باز ایستاد ؛ امّا سپس خویشتن را سرزنش کرد و قوّت قلب گرفت تا آن که شهید شد و به بهشت وارد گشت» .

[با این سخنِ پیامبر صلی الله علیه و آله] قوم او خوش حال شدند.

.

1- .پدر او ، ابو عامر معروف به راهب بود . وی از انصار قبیله اوس است که بر خلاف پدرش اسلام آورد . در جنگ اُحُد شرکت کرد و به شهادت رسید . و چون جُنُب بود ، پیامبر صلی الله علیه و آله در باره او فرمود : «ملائکه او را غسل می دهند» . از این رو ، به «غسیل الملائکه» معروف شد .

. .

ص: 685

..

10 . سَلمانُ الفارِسیُّ 14.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :إِنَّ الجَنَّةَ لَتَشتاقُ إِلی ثَلاثَةٍ : عَلِیٍّ وَعَمّارٍ وَسَلمانَ . (1)5.کمال الدین عن الأصبغ بن نباته : سَمِعتُ أَمیرَ المالإمام علیّ علیه السلام لِرَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله : یا رَسُولَ اللّهِ إِنَّکَ قُلتَ : إِنَّ الجَنَّةَ لَتَشتاقُ إِلی ثَلاثَةٍ ، فَمَن هؤُلاءِ الثَّلاثَةُ ؟

قالَ : أَنتَ مِنهُم وَأَنتَ أَوَّلُهُم . وَسَلمانُ الفارِسِیُّ فَإِنَّهُ قَلِیلُ الکِبْرِ ، وَ هُوَ لَکَ ناصِحٌ فَاتَّخِذهُ لِنَفسِکَ . وَعَمّارُ بنُ یاسِرٍ شَهِدَ مَعَکَ مَشاهِدَ غَیرَ واحِدَهٍ ، لَیسَ مِنها إِلّا وَهُوَ فِیها ، کَثِیرٌ خَیرُهُ ، ضَوِیٌّ نُورُهُ ، عَظِیمٌ أَجرُهُ . (2)6.الإمام الصادق علیه السلام :الإمام الحسین علیه السلام :أَتی جَبرَئِیلُ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله فَقالَ : . . . یا مُحَمَّدُ إِنَّ الجَنَّةَ لَتَشتاقُ إِلَی ثَلاثَةٍ مِن أَصحابِکَ . . . فَقالَ لَهُ عَلِیٌّ علیه السلام : . . . فَمَن هُم یا نَبِیَّ اللّهِ ؟ قالَ : أَنتَ مِنهُم یا عَلِیُّ ، وَعَمّارُ بنُ یاسِرٍ وَ سَیَشهَدُ مَعَکَ مَشاهِدَ بَیِّنٌ فَضلُها عَظِیمٌ خَیرُها ، وَسَلمانُ وَهُوَ مِنّا أَهلَ البَیتِ وَهُوَ ناصِحٌ فَاتَّخِذهُ لِنَفسِکَ . (3) .

1- .سنن الترمذی : ج 5 ص 667 ح 3797 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 3 ص 148 ح 4666 ، مسند أبی یعلی : ج 3 ص 186 ح 2772 کلّها عن أنس ، کنز العمّال : ج 11 ص 639 ح 33112 ؛ وقعه صفّین : ص 323 عن الحسن ، شرح الأخبار : ج 2 ص 465 ح 816 عن أنس ، بحار الأنوار : ج 33 ص 25 ح 380 .
2- .رجال الکشیّ : ج 1 ص 137 ح 58 عن بریده الأسلمی ، روضه الواعظین : ص 314 .
3- .مسند أبی یعلی : ج 6 ص 177 ح 6739 ، تاریخ دمشق : ج 21 ص 412 ح 4839 کلاهما عن سعد الاسکاف عن الإمام الباقر عن أبیه علیهماالسلام ، کنز العمّال : ج 11 ص 754 ح 33671 ؛ المناقب للکوفی : ج 1 ص 482 ح 389 عن أنس نحوه .

10 . سلمان فارسی

10 . سلمان فارسی (1)325.الإمام الباقر علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشت به سه کس ، مشتاق است : علی و عمّار و سلمان.326.عنه علیه السلام :امام علی علیه السلام :به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفتم : ای پیامبر خدا ! شما فرمودی : بهشت به سه کس ، مشتاق است . این سه کس کیان اند؟

فرمود : «تو یکی از آنان و اوّلینِ آنانی . و سلمان فارسی ؛ چرا که او کم تکبّر است . او با تو یک دل است . پس او را برای خویش برگزین . و عمّار بن یاسر که در صحنه های بسیاری ، تو را همراهی می کند و هیچ کارزاری نیست ، مگر این که در آن با تو خواهد بود . خیرش بسیار و نورش تابان و پاداشش بزرگ است» .327.الإمام الصادق علیه السلام :امام حسین علیه السلام :جبرئیل نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ... ای محمّد ! بهشت به سه تن از یاران تو ، مشتاق است ... .

علی علیه السلام فرمود : ... آنان کیان اند ، ای پیامبر خدا؟

فرمود : «تو یکی از آنان هستی ای علی و عمّار بن یاسر که به زودی در جنگ هایی ، تو را همراهی خواهد کرد که ارزش آنها آشکار و خیرشان بسیار است ، و سلمان که از ما خاندان است و با تو یک دل است . او را برای خودت برگزین» .

.

1- .ابو عبد اللّه ، سلمان فارسی ، یا سلمان محمّدی ، ایرانی بود . در رامهرمز (شهری مشهور در ناحیه خوزستان) به دنیا آمد ؛ امّا اصالتا اصفهانی بود . او از صحابه جلیل القدر پیامبر صلی الله علیه و آله بود . زمانی که پیامبر خدا به مدینه آمد ، به خدمت ایشان رسید و اسلام آورد . او در جنگ خندق شرکت داشت و مسلمانان را با ارائه فنون جنگ ، یاری رساند . همو بود که پیشنهاد حفر خندق را داد . سلمان در نهایت زهد می زیست و از شیفتگان امام علی و اهل بیت علیهم السلام بود . عمر ، او را

بر مداین گماشت و نزدیک به دویست و پنجاه سال زندگی کرد و در روزگار حکومت عمر یا عثمان ، در مداین در گذشت .

328.الكامل فى التاريخ :رسول اللّه صلى الله عليه و آله لِعَلِيٍّ عليه السلام اَلجَنَّةُ تَشتاقُ إِلَيکَ وَإِلى عَمّارٍ وَإِلى سَلمانَ وَأَبِى ذَرٍّ وَالمِقدادِ .

329.تاريخ الطبرى :الاختصاص عَن عيسى بن حمزه :قُلتُ لِأَبِى عَبدِ اللّهِ عليه السلام : اَلحَدِيثُ الَّذِى جاءَ فِى الأَربَعَهِ ؟ قالَ : وَما هُوَ ؟ قُلتُ : اَلأَربَعَهُ الَّتِى اشتاقَت إِلَيهِمُ الجَنَّهُ . قالَ : نَعَم ، مِنهُم سَلمانُ وَأَبُوذَرٍّ وَالمِقدادُ وَعَمّارٌ . قُلتُ : فَأَيُّهُم أَفضَلُ ؟ قالَ : سَلمانُ .

ثُمَّ أَطرَقَ ، ثُمَّ قالَ : عَلِمَ سَلمانُ عِلما لَو عَلِمَهُ أَبُوذَرٍّ كَفَرَ . (2)11 . عَبدُ اللّهِ بنُ رَوَاحَهَ (3)331.الإمام الباقر عليه السلام :السيره النبويَّه لابن هشام عن ابن إسحاق : فِيما بَلَغَنِى لَمّا أُصِيبَ القَومُ قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أَخَذَ الرّايَهَ زَيدُ بنُ حارِثَهَ فَقاتَلَ بِها حَتّى قُتِلَ شَهِيدا ، ثُمَّ أَخَذَها جَعفَرٌ فَقاتَلَ بِها حَتّى قُتِلَ شَهِيدا ، ثُمَّ صَمَتَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله حَتّى تَغَيَّرَت وُجُوهُ الأَنصارِ وَظَنُّوا أَنَّهُ قَد كانَ فِى عَبدِ اللّهِ بنِ رَواحَهَ بَعضُ ما يَكرَهُونَ ، ثُمَّ قالَ : ثُمَّ أَخَذَها عَبدُ اللّهِ بنُ رَواحَهَ فَقاتَلَ حَتّى قُتِلَ شَهِيدا ، ثُمَّ قالَ : لَقَد رُفِعُوا إِلَىَّ فِى الجَنَّهِ فِيما يَرَى النّائِمُ عَلَى سُرُرٍ مِن ذَهَبٍ ، فَرَأَيتُ فِى سَرِيرِ عَبدِ اللّهِ بنِ رَواحَهَ ازْورارا عَن سَرِيرَىْ صاحِبَيهِ ، فَقُلتُ : عَمَّ هذا؟ فَقِيلَ لَى : مَضَيا وَتَرَدَّدَ عَبدُ اللّهِ بَعضَ التَّرَدُّدِ ثُمَّ مَضى . (4) .

1- .الخصال : ص 303 ح 80 ، عيون أخبار الرضا : ج 2 ص 67 ح 306 كلاهما عن عبد اللّه بن محمّد بن علىّ بن العبّاس الرازى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، روضه الواعظين : ص 307 ، بحار الأنوار : ج 22 ص 325 ح 22 ؛ شرح نهج البلاغه لابن أبى الحديد : ج 10 ص 104 عن أنس .

2- .الاختصاص : ص 12 ، بحار الأنوار : ج 22 ص 346 ح 60 .

3- .هُو عَبدُ اللّهِ بنُ رَواحَهَ بنِ امرِئِ?القَيسِ الأَنصارِىّ ، وَأُمُّهُ كَبشهُ بِنتُ واقِدِ بنِ عَمرٍو ، وَكانَ يُكَنّى أَبا مُحَمَّدٍ وَيُقالُ أَبا رَواحَهَ ، أَحَدُ أَجِلاّءِ الصَّحابَهِ ، وَمِن شُعَراءِ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله شَهِدَ غَزَواتِ النَّبِىِّ ، وَاستُشهِدَ يَومَ مُؤتَهَ سَنَهَ سَبعٍ (راجع : تاريخ دمشق : ج 28 ص 80 الرقم 2293) .

4- .السيره النبويّه لابن هشام : ج 4 ص 24 ، تاريخ الإسلام للذهبى : ج 2 ص 486 ، أُسد الغابه : ج 3 ص 238 الرقم 2943 نحوه و ج 1 ص 543 الرقم 759 ، تاريخ دمشق : ج 28 ص 120 ح 5887 ، كنز العمّال : ج 10 ص 386 ح 29916 .

11 . عبد اللّه بن رَواحه

332.الإمام الصادق علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام :بهشت به تو و به عمّار و به سلمان و ابو ذر و مقداد ، مشتاق است .333.الإمام الباقر علیه السلام :الاختصاص به نقل از عیسی بن حمزه :به امام صادق علیه السلام گفتم : حدیثی که در باره چهار نفر آمده است [تا چه حد ، صحّت دارد] ؟

فرمود : «چه حدیثی؟» .

گفتم : چهار نفری که بهشت ، مشتاق آنهاست .

فرمود : «درست است . از ایشان اند سلمان و ابو ذر و مقداد و عمّار» .

گفتم : کدام یک از آنان ، برتر است؟

فرمود : «سلمان» .

ایشان سپس مدّتی سرش را [به تفکّر] پایین انداخت و آن گاه فرمود : «سلمان ، دانشی را می دانست که اگر ابو ذر آن را می دانست ، کافر می شد» .11 . عبد اللّه بن رَواحه (1)335.عنه علیه السلام (فی خَبَرِ وَفاهِ موسی علیه السلام) السیره النبویّه ، ابن هشام به نقل از ابو اسحاق :چون آن عدّه به شهادت رسیدند ، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تا آن جا که به من رسیده است فرمود : «زید بن حارثه پرچم را بر گرفت و جنگید ، تا آن که به شهادت رسید . سپس جعفر آن را بر گرفت و او نیز جنگید تا به شهادت رسید » .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سپس خاموش شد تا جایی که رنگ از چهره انصار بر گشت و گمان بردند که برای عبد اللّه بن رواحه مسئله ناخوشایندی پیش آمده است . در این هنگام ، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «سپس عبد اللّه بن رواحه پرچم را بر گرفت و جنگید تا به شهادت رسید» .

آن گاه فرمود : «آنان را در بهشت ، به من ، آن گونه که شخص در خواب می بیند ، بر تخت هایی از طلا نشان دادند . در تخت عبد اللّه بن رواحه نسبت به تخت های دو همرزمش انحرافی دیدم . پرسیدم : سببش چیست؟ به من گفته شد : آن دو [بی تردید ، به جنگ]رفتند ؛ ولی عبد اللّه ، نخست اندکی دچار تردید شد و سپس ادامه داد» .

.

1- .عبد اللّه بن رواحه بن امرئ القیس انصاری که مادرش کبشه دختر واقد بن عمرو و کنیه اش ابو محمّد و به قولی ابو رواحه بود ، یکی از صحابه جلیل القدر و از شاعران پیامبر صلی الله علیه و آله است . وی در غزوات پیامبر صلی الله علیه و آله حضور داشت و در سال هفتم هجرت ، در جنگ موته به شهادت رسید .

12 . عَمّارُ بنُ یاسِرٍ 1337.تاریخ الیعقوبی :وقعه صفّین عن حبیب بن أبی ثابت :لَمّا بُنِیَ المَسجِدُ جَعَلَ عَمّارٌ یَحمِلُ حَجَرَینِ ، فَقالَ لَهُ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : «یا أبا الیَقظانِ ، لا تَشقُقْ عَلی نَفسِکَ» . قالَ : یا رَسُولَ اللّهِ ، إِنِّی أُحِبُّ أن أعمَلَ فِی هذا المَسجِدِ .

قالَ : ثُمَّ مَسَحَ ظَهرَهُ ثُمَّ قالَ : إِنَّکَ مِن أَهلِ الجَنَّهِ ، تَقتُلُکَ الفِئَهُ الباغِیَهُ . (1)338.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :المستدرک علی الصّحیحین عن ابن إسحاق :کانَ عَمّارُ بنُ یاسِرٍ وَأَبُوهُ وَأُمُّهُ أَهلَ بَیتِ إِسلامٍ ، وَکانَ بَنُو مَخزُومٍ یُعَذِّبُونَهُم .

فَقالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : صَبرا یا آلَ یاسِرٍ ، فَإِنَّ مَوعِدَکُمُ الجَنَّهُ . (2)339.عنه صلی الله علیه و آله :المستدرک علی الصّحیحین عن جابر :إِنَّ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله مَرَّ بِعَمّارٍ وَأَهلِهِ وَهُم یُعَذَّبُونَ . فَقالَ : أبشِرُوا آلَ عَمّارٍ وَآلَ یاسِرٍ ، فَإِنَّ مَوعِدَکُمُ الجَنَّهُ . (3) .

1- .وقعه صفّین : ص 324 ، بحار الأنوار : ج 33 ص 25 ح 380 .
2- .المستدرک علی الصحیحین : ج 3 ص 432 ح 5646 ، المعجم الکبیر : ج 24 ص 303 ح 769 عن عثمان بن عفّان ، أُسد الغابه : ج 7 ص 152 الرقم : 7021 ، الإصابه : ج 8 ص 190 الرقم 11342 وکلّها نحوه ، کنز العمّال : ج 11 ص 728 ح 33566 ؛ رجال الکشیّ : ج 1 ص 127 الرقم 57 عن عمار بن یاسر ولیس فیه صدره إلی «یعذبونهم» .
3- .المستدرک علی الصحیحین : ج 3 ص 438 ح 5666 ، المعجم الأوسط : ج 2 ص 141 ح 1508 ولیس فیه «آل عمار» ، دلائل النبوّه للبیهقی : ج 2 ص 282 ، تاریخ بغداد : ج 1 ص 150 الرقم 6 ، تاریخ دمشق : ج 43 ص 360 ح 9221 کلاهما نحوه ، کنز العمّال : ج 13 ص 529 ح 37371 ؛ إعلام الوری : ج 1 ص 122 ، بحار الأنوار : ج 18 ص 210 ح 38 .

12 . عمّار بن یاسر

12 . عمّار بن یاسر (1)341.إثبات الوصیّه :وقعه صفّین به نقل از حبیب بن ابی ثابت :چون ساختن مسجد [پیامبر صلی الله علیه و آله]شروع شد ، عمّار دو تا دو تا ، سنگ حمل می کرد . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود : «ای ابو یَقظان ! خودت را اذیت مکن» .

گفت : ای پیامبر خدا ! دوست دارم که در این مسجد کار کنم !

پیامبر صلی الله علیه و آله ، دستی به پشت او کشید و فرمود : «تو اهل بهشتی . تو را گروه متجاوز ، می کشند» .342.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابن اسحاق :عمّار بن یاسر و پدر و مادرش ، یک خانواده مسلمان بودند و بنی مخزوم ، آنان را شکنجه می کردند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «شکیبا باشید ای خاندان یاسر ؛ چرا که وعده گاه شما ، بهشت است» .343.المعجم الکبیر عن سلمان :المستدرک علی الصحیحین به نقل از جابر :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر عمّار و خانواده اش که شکنجه می شدند ، گذشت . فرمود : «بشارت باد شما را ای خاندان عمّار و ای خاندان یاسر ؛ چرا که وعده گاه شما ، بهشت است » .

.

1- .ابو یَقظان ، عمّار بن یاسر بن عامر مذحجی ، از پیش گامان در ایمان و هجرت بود و از همان نخستین روزهای طلوع خورشید اسلام ، همراه با پدر و مادرش از سوی مشرکان ، شکنجه های بسیاری را تحمّل کرد . از ملازمان امیر مؤمنان امام علی علیه السلام بود . در روزگار عمر ، مدّتی والی کوفه شد . او از مخالفان عثمان بود و به دلیل صراحت لهجه اش به فرمان وی تازیانه خورد . در جنگ جمل ، فرماندهی سواره نظام و در جنگ صفّین ، فرماندهی پیاده نظام را داشت و در همین جنگ ، در حالی که نود و سه سال از عمرش می گذشت ، به شهادت رسید .

13 . المِقدادُ بنُ الأَسوَدِ (1)345.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام علىّ عليه السلام :قالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : اَلجَنَّةُ تَشتاقُ إِلَيکَ ، وَإِلَى عَمّارٍ ، وَ(إِلى) سَلمانَ وَأَبِى ذَرٍّ وَالمِقدادِ . (2)346.كفايه الأثر عن حذيفه بن اليمان :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إِنَّ الجَنَّةَ تَشتاقُ إِلى أَربَعَهٍ : عَلِىٍّ بنِ أَبِى طالِبٍ وَعَمّارِ بنِ ياسِرٍ ، وَسَلمانَ الفارِسىِّ ، وَالمِقدادِ بنِ الأَسوَدِ . (3)14 . يَزيدُ بنُ نُوَيرَةَ (4)348.عنه عليه السلام :رجال الطوسى :يَزِيدُ بنُ نُوَيرَةَ ، قُتِلَ يَومَ النَّهرَوانِ ، وَهُوَ الَّذِى قالَ لَهُ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : مَن جاوَزَ هذا التَّلَّ فَلَهُ الجَنَّةُ . فَقالَ لِرَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله : ما بَينِى وَ بَينَ الجَنَّهِ إِلَا التَّلُّ؟

فَقالَ لَهُ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : نَعَم ، فَضَرَبَ بِسَيفِهِ حَتّى جاوَزَهُ .

ثُمَّ قالَ ابنُ عَمٍّ لَهُ : إِن أَنا جاوَزتُ فَلِى مِثلُ ما لِابنِ عَمِّى؟

فَقالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : نَعَم ؛ فَمَضى حَتّى جاوَزَهُ ، ثُمَّ أَقبَلا يَختَصِمانِ فِى قَتِيلٍ قَتَلاهُ .

فَقالَ لَهُما رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أَبشِرا فَكِلا كُما قَدِ استَوجَبا الجَنَّهَ . (5) .

1- .هُو المِقدادُ بنُ عَمرِو بنِ ثَعلَبَهَ البَهراوِىُّ الكِندِىُّ، المَعرُوفُ بِالمِقدادِ بنِ الأَسوَدِ ، كانَ مِن أَبطالِ الصَّحابَهِ ، شَهِدَ المَشاهِدَ كُلَّها ، وَهُوَ أَحَدُ الأَركانِ الأَربَعَهِ وَ كانَ مِنَ الأَصحابِ الخاصِّينَ لِلإمامِ عَلِىٍّ عليه السلام ، وَخالَفَ حُكُومَهَ عُثمانَ ، وَتُوُفِّىَ سَنَهَ 32 ه وَهُو فِى السَّبعِينَ مِن عُمُرِهِ (راجع : موسوعه الإمام علىّ بن أبى طالب عليه السلام : ج 12 ص 311 إلى 314 و الإصابه : ج 6 ص 159 الرقم 8201 و حليه الأولياء : ج 1 ص 172 الرقم 28 و الخصال : ص 463 ح 4 و الكامل فى التاريخ : ج 2 ص 223 و الطبقات الكبرى : ج 3 ص 163) .
2- .الخصال : ص 303 ح 80 ، عيون أخبار الرضا : ج 2 ، ص 67 ح 306 كلاهما عن عبد اللّه بن محمّد بن علىّ بن العباس الرازى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، روضه الواعظين : ص 307 ، بحار الأنوار : ج 22

ص 325 ح 22 ؛ شرح نهج البلاغه لابن أبى الحديد : ج 10 ص 104 عن أنس .
3- .المعجم الكبير : ج 6 ص 215 ح 6045 ، تاريخ أصبهان : ج 1 ص 75 الرقم 3 ، تاريخ دمشق : ج 60 ص 176 ح 12428 كلّها عن أنس ، شرح نهج البلاغه لابن أبى الحديد : ج 7 ص 296 ، كنز العمّال : ج 11 ص 754 ح 33673 .
4- .هُو يَزِيدُ بنُ نُوَيرَةَ بنِ الحارِثِ بنِ عَدِيٍّ الأَنصارِيُّ ، شَهِدَ أُحُدا وَقاتَلَ يَومَ النَّهرَوانِ ، وَكانَ أَوَّلَ قَتِيلٍ قُتِلَ مِن أَصحابِ عَلِيٍّ يَومَ النَّهرَوانِ (راجع : الإصابه : ج 6 ص 530 الرقم 9341 وموسوعه حياه الصحابه : ج 7 ص 3870 الرقم 8294)
5- .رجال الطوسى : ص 85 الرقم 859 ، خلاصه الأقوال : ص 295 ، تاريخ بغداد : ج 1 ص 204 الرقم 44 ، الإصابه : ج 6 ص 531 الرقم 9341 كلاهما نحوه .

13 . مقداد بن اسود

14 . یزید بن نُوَیره

13 . مقداد بن اسود (1)350.عنه علیه السلام :امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «بهشت به تو و به عمّار و به سلمان و ابو ذر و مقداد ، مشتاق است» .351.عنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشت به چهار تن ، مشتاق است : علی بن ابی طالب ، عمّار بن یاسر ، سلمان فارسی و مقداد بن اسود .14 . یزید بن نُوَیره (2)353.عنه علیه السلام :رجال الطوسی :یزید بن نویره ، در جنگ نهروان کشته شد . او همان کسی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به وی فرمود : «هر کس از این پُشته بگذرد ، بهشتی است» .

او به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفت : پس میان من و بهشت ، جز این پشته نیست ؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود : «بله» .

او شمشیر زد تا از آن پشته گذشت. آن گاه پسرعمویش گفت : من نیز اگر بگذرم ، آیا همچون پسرعمویم به بهشت می روم ؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «بله» . او نیز رفت تا از پشته گذشت . سپس آن دو آمدند و در باره کسانی که کشته بودند ، با یکدیگر ستیزه می کردند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به آن دو فرمود : «دل خوش دارید ، که هر دوی شما سزاوار بهشتید» .

.

1- .مقداد بن عمرو بن ثعلبه بَهراوی کِندی معروف به مقداد بن اسود ، از پهلوانان صحابه بود و در همه جنگ های اسلام شرکت داشت . او یکی از ارکان چهارگانه و از یاران خاصّ امام علی علیه السلام بود و با حکومت

عثمان مخالفت ورزید . وی در سال 32 ق ، در هفتاد سالگی ، از دنیا رفت .

2- .یزید بن نویره بن حارث بن عَدیّ انصاری ، در جنگ اُحُد شرکت داشت . او در جنگ نهروان نیز جنگید و نخستین کس از یاران امام علی علیه السلام بود که در این جنگ ، به شهادت رسید .

17 / 3عِدَّهٌ مِن أَصحابِ الإِمامِ عَلِيٍّ علیه السلام1 . اُوَيسٌ القَرَنِيُّ (1)357.مروج الذهب عن محمّد بن أبی بكر (فی كِتابِهِ إلی مُعاوِيَةَ) رسول اللّه صلی الله علیه و آله :يَدخُلُ الجَنَّهِ بِشَفاعَهِ اُوَيسٍ مِثلُ رَبِيعَهَ وَمُضَرَ . (2)2 . جُندَبٌ الخَيرُ الأَزدِيُّ (3)359.الفتوح عن مالك الأشتر :الإمام الباقر علیه السلام :شَهِدَ مَعَ عَلِيٍّ بنِ أَبِی طالِبٍ علیه السلام مِنَ التّابِعِينَ ثَلاثَهُ نَفَرٍ بِصِفِّينَ ، شَهِدَ لَهُم رسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله بِالجَنَّهِ وَلَم يَرَهُم : اُوَيسٌ القَرَنِيُّ ، وَزَيدُ بنُ صُوحانَ العَبدِيُّ ،

وَجُندَبٌ الخَيرُ الأَزدِيُّ ، رَحمَهُ اللّهِ عَلَيهِم . (4) .

1- .هُو اُوَيسُ بنُ عامِرِ بنِ جَزءٍ المُرادِيُّ القَرَنِيُّ ، أَسلَمَ عَلی عَهدِ النَّبِيِّ لكِنَّهُ ما رَآه ، وَكانَ فِی عِدادِ الزُّهّادِ المَشهُورِينَ ، وَكانَ نَصِبا فِی العِبادَهِ ، شَهِدَ مَعَ الإِمامِ أَمِيرِ المُؤمِنِينَ الجَمَلَ وَصِفِّينَ وَعاهَدَهُ عَلَی الشَّهادَهِ فِی صِفِّينَ ، وَفِيها نالَ ذَلِكَ الوِسامَ بِوَجهٍ مُدمی ، وَدُفِنَ هُناكَ (راجع : موسوعه الإمام علیّ بن أبی طالب علیه السلام : ج 7 ص 267) .
2- .سير أعلام النبلاء : ج 4 ص 31 عن عمر ، المستدرک علی الصحيحين : ج 3 ص 458 ح 5721 ، المصنّف لابن أبی شيبه : ج 7 ص 539 ح 1 كلاهما عن الحسن و فيهما «رجل من اُمّتی» بدل «اُويس» ولكنْ اُشير إليه فی ذيل الحديث ، تاريخ دمشق : ج 9 ص 438 ح 2455 عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : ج 12 ص 76 ح 34065 ؛ الفضائل : ص 91 ، الإرشاد : ج 1 ص 316 عن ابن عبّاس عن الإمام علیّ علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله ، رجال الكشّی : ج 1 ص 316 ح 156 عن الأصبغ بن نباته عن الإمام علیّ علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله وليس فيهما «الجنّه» .
3- .هُو جُندَبُ بنُ كَعبِ بنِ عَبدِ اللّهِ الأَزدِيُّ الغامِدِيُّ وَهُوَ جُندَبٌ الخَيرُ ، مِن أَصحابِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله ، وَعَدَّهُ الطُّوسِيُّ فِی رِجالِهِ مِن أَصحابِ الإِمامِ عَلِيٍّ علیه السلام ، نَفاهُ عُثمانُ إِلَی الشَّامِ لِأَنَّهُ كانَ يَذكُرُ مَساوِئَ عُثمانَ ؛ شَهِدَ حُرُوبَ أَمِيرِ المُؤمِنِينَ كُلَّها (راجع : موسوعه الإمام علیّ بن أبی طالب علیه السلام : ج 7 ص 279) .
4- .الاختصاص : ص 81 عن جابر الجعفی ، بحار الأنوار : ج 32 ص 618 ح 484 ؛ تاريخ دمشق : ج 19 ص 442 عن جابر .

17 / 3 شماری از یاران امام علی علیه السلام

1 . اُوَیس قَرَنی

2 . جُندَب الخیر ازدی

17 / 3شماری از یاران امام علی علیه السلام1 . اُوَیس قَرَنی
363(1).الإمام الصادق علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :با شفاعت اویس ، به اندازه [دو قبیله] ربیعه و مُضَر ، به بهشت می روند
2 . جُندَب الخیر ازدی 365(2).رسول اللّه صلی الله علیه و آله (لَمّا أنزَلَ اللّهُ تَبارَکَ وتَعالی {Q} «وَ أ) امام باقر علیه السلام :از تابعیان ، سه کس با علی بن ابی طالب علیه السلام در صفّین حاضر بودند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، به بهشتی بودنشان شهادت داد ، در حالی که آنان را ندیده بود : اویس قَرَنی ، زید بن صوحان عبدی و جُندَب الخیر ازدی .
رحمت خدا بر ایشان باد !

.

1- .اویس بن عامر بن جَزء مرادی قَرَنی ، در روزگار پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام آورد ؛ امّا موفّق به دیدار ایشان نشد . او در شمار زاهدان نامدار و در عبادت ، سختکوش بود . با امیر مؤمنان امام علی علیه السلام در جنگ جمل و صفّین حاضر بود و در صفّین بر سر پیمان خود با آن امام علیه السلام ، با رخساری خونین به شهادت رسید و در همان جا به خاک سپرده شد .
2- .جُندَب بن کعب بن عبد اللّه ازدی غامدی ، معروف به جُندَب الخیر ، از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله بود . شیخ طوسی ، در کتاب رجال خود ، او را از یاران امام علی علیه السلام بر شمرده است . عثمان ، او را به شام تبعید کرد ؛ زیرا از کجروی های وی یاد می کرد . جندب ، در همه جنگ های امیر مؤمنان علیه السلام حاضر بود .

3 . رُشَيدٌ الهَجَرىُّ (1)367.عنه صلى الله عليه و آله :رجال الكشى عن أبى حيّان البجلى عن قنواء بنت رشيد الهجرى :قُلتُ لَها : أخبِرينِى بِما سَمِعتِ مِن أبِيكِ؟ قالَت : سَمِعتُ أبِى يَقُولُ : أخبَرَنِى أمِيرُ المُؤمِنِينَ علَيه السلام فَقالَ : يا رُشَيدُ ، كَيفَ صَبرُكَ إذا أُرسَلَ إلَيكَ دَعِىُّ بَنِى أُمَيَّةَ فَقَطَعَ يَدَيكَ وَرِجلَيكَ وَلِسانَكَ؟ قُلتُ : يا أمِيرَ المُؤمِنِينَ ، آخِرُ ذَلِكَ إلى الجَنَّهِ؟ فَقالَ : يا رُشَيدُ ، أنتَ مَعِى فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ . (2)4 . زَيدُ بنُ صُوحانَ (3)369.الإمام علىّ عليه السلام (فِى احتِجاجِهِ مَعَ الخَوارِجِ) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن سَرَّهُ أن يَنظُرَ إلى رَجُلٍ يَسبِقُهُ بَعضُ أعضائِهِ إلَى الجَنَّهِ فَليَنظُر إلى زَيدِ بنِ صُوحانَ . (4)راجع : ص 694 (جندب الخير الأزدىّ) .

.

1- .مِن أصحابِ أَمِيرِ المُؤمِنِينَ الواعِينَ الرّاسِخِينَ ، كانَ الإمامُ يُسَمِّيهِ «رُشَيدَ البَلايا» وَاختَرَقَت نَظرَتُهُ الثّاقِبَهُ النّافِذَهُ ما وَراءَ عالَمِ الشَّهادَهِ ، فَعُرِفَ بِ «عالِمِ البَلايا وَالمَنايا» (راجع : موسوعه الإمام علىّ بن أبى طالب عليه السلام : ج 7 ص 309) .
2- .رجال الكشّى : ج 1 ص 290 ح 131 ، الأمالى للطوسى : ص 165 ح 276 ، الاختصاص : 77 ، بشاره المصطفى : ص 93 كلّها عن أبى حسّان العجلى ، بحار الأنوار : ج 75 ص 433 ح 95 .
3- .هُوَ زَيدُ بنُ صُوحانَ بنِ حُجرٍ العَبدِىُّ ، كانَ خَطِيبا شُجاعا ثابِتَ الخُطى ، وَكانَ مِنَ العُظَماءِ وَالزُّهّادِ وَالأبدالِ وَمِن أصحابِ أمِيرِ المُؤمِنِينَ الأوفِياءِ ، أسلَمَ فِى عَهدِ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله فَعُدَّ مِنَ الصَّحابَهِ ، وَلَهُ وفادهٌ عَلَى النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله ، كانَ لَهُ لِسانٌ ناطِقٌ بِالحَقِّ فَلَم يُطِق عُثمانُ وُجُودَهُ بِالكُوفَهِ فَنَفاهُ إلَى الشّامِ ، اشتَرَكَ فِى حَربِ الجَمَلِ ، وَأخبِرَ بِشَهادَتِهِ (راجع : موسوعه الإمام علىّ بن أبى طالب عليه السلام : ج 7 ص 332) .
4- .مسند أبى يعلى : ج 1 ص 267 ح 507 ، دلائل النبوّه للبيهقى : ج 6 ص 417 ، تاريخ بغداد : ج 8 ص 440 الرقم 4549 ، تاريخ دمشق : ج 19 ص 434 ح 4541 كلّها عن عبد الرحمن بن مسعود العبدى عن الإمام علىّ عليه السلام ، كنز العمّال : ج 11 ص 685 ح 33309 .

3 . رُشید هَجَری

4 . زید بن صوحان

3 . رُشید هَجَری (1)372.عنه صلی الله علیه و آله (لِفاطِمَهَ علیهاالسلام) رجال الکشّی به نقل از ابو حیّان بَجَلی :به قنواء (دختر رُشَید هَجَری) گفتم : سخنی را که از پدرت شنیده ای ، برایم باز گو .

گفت : از پدرم شنیدم که می گوید : امیر مؤمنان علیه السلام به من خبر داد و فرمود : «ای رُشَید ! شکیبایی تو چگونه خواهد بود ، آن گاه که حرام زاده بنی امیّه تو را احضار کند و دست ها و پاها و زبانت را بِبُرد؟» .

گفتم : ای امیر مؤمنان ! آیا پایانش بهشت است ؟

فرمود : «ای رُشَید ! تو در دنیا و آخرت ، با من هستی» .4 . زید بن صوحان (2)374.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که دوست دارد مردی را ببیند که پاره ای از اندام های او پیش از خودش به بهشت می روند ، به زید بن صوحان بنگرد .ر . ک : ص 695 (جندب الخیر ازدی) .

.

1- .رُشَید هَجَری ، از یاران آگاه و استوار امیر مؤمنان علیه السلام بود و امام علیه السلام وی را «رشید البلایا» می نامید . نگاه روشن بین و نافذ او از عالَم مادّه ، گذشته بود . از این رو به «عالِم بلایا و منایا» معروف شده بود.
2- .زید بن صوحان بن حُجر عبدی ، خطیبی شجاع و ثابت قدم و از بزرگان و زاهدان و اَبدال و از یاران وفادار امیر مؤمنان علیه السلام بود . وی در عهد پیامبر صلی الله علیه و آله ، اسلام آورد و یک بار هم خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید . از این رو ، در شمار صحابه شمرده شده است . او زبانی حقگو داشت . از این رو ، عثمان ، بودن او را در کوفه تحمّل نکرد و وی را به شام ، تبعید کرد . او در جنگ جمل ، شرکت کرد و امام علی علیه السلام خبر شهادتش را به او داد .

5 . مُحَمَّدُ بنُ أَبِی بَکرٍ (1)377.عنه علیه السلام :الإمام علیّ علیه السلام فِی کِتابِهِ إِلی أَهلِ مِصرَ وَمَحَمَّدِ بنِ أَبِی بَکرٍ : أَحسِنُوا أَهلَ مِصرَ مُؤازَرَةَ مُحَمَّدٍ أَمِیرِکُم ، وَاتبُتُوا عَلی طاعَتِهِ ، تَرِدُوا حَوضَ نَبِیِّکُم . (2)6 . مَیثَمٌ التَّمّارُ (3)379.عنه علیه السلام :رجال الکشی عن میثم النهروانی :دَعانِی أَمِیرُ المُؤمِنِینَ علیه السلام وَقال : کَیفَ أَنتَ یا مَیثمُ إِذا دَعاکَ دَعِیُّ بَنِی أُمَیَّهَ ابنُ دَعِیِّها عُبَیدُ اللّهِ بنُ زِیادٍ إِلَی البَراءَهِ مِنِّی ؟ فَقالَ : یا أَمِیرَ المُؤمِنِینَ ، أَنا وَاللّهِ لا أَبرَأُ مِنکَ ، قالَ : إِذا وَاللّهِ یَقتُلُکَ وَیَصلِبُکَ ، قُلتُ : أَصبِرُ فَذاکَ فِی اللّهِ قَلِیلٌ ، فَقالَ : یا مَیثمُ ، إِذا تَکُونَ مَعِی فِی دَرَجَتِی . (4) .

1- .هُوَ مُحَمَّدُ بنُ عَبدِ اللّهِ بنِ عُثمانَ وَهُوَ مُحَمَّدُ بنُ أَبِی بَکرِ بنِ أَبِی قُحافَهَ ، وَأُمُّهُ أَسماءُ بِنتُ عُمَیسٍ ، تَزَوَّجَها الإِمامُ أَمِیرُ المُؤمِنِینَ بَعدَ مَوتِ أَبِی بَکرٍ ، فَانتَقَلَت إِلَی بَیتِهِ مَعَ أَولادِها وَفِیهِم مُحَمَّدٌ ، وَنَشَأَ فِی حِجرِ الإِمامِ وَامتَزَجَت رُوحُهُ بِمَعرِفَهِ أَهلِ البَیتِ علیهم السلام . کانَ مُحمَّدٌ فِی مِصرَ أَیامَ حُکُومَهِ عُثمانَ ، وَکانَ إِلی جانِبِ الإِمامِ بَعدَ تَصَدِّیهِ لِلخِلافَهِ ، وَکانَ عَلَی الرَّجّالَهِ فِی حَربِ الجَمَلِ . وَوَلاّهُ الإِمامُ عَلَی مِصرَ سَنَهَ 36 ه ، وَلَمّا تَخاذَلَ أَصحابُ الإِمامِ عَن نُصرَتِهِ اغتَنَمَ مُعاوِیَهُ هذِهِ الفُرصَهَ وَاغتالَهُ ، وَاستَطاعَ أَن یُسَخِّرَ مِصرَ تَحتَ قُدرَتِهِ (راجع : موسوعه الإمام علیّ بن أبی طالب علیه السلام : ج 7 ص 482) .
2- .الأمالی للمفید : ص 269 ح 3 ، الأمالی للطوسی : ص 31 ح 31 کلاهما عن أبی إسحاق الهمدانی ، الغارات : ج 1 ص 250 ، بحار الأنوار : ج 80 ص 391 ح 11 .
3- .هُو مَیثَمُ بنُ یَحیَی التَّمّارُ الأَسَدِیُّ أَبُو سالِمٍ ، مِن أَجِلّاءِ أَصحابِ أَمِیرِ المُؤمِنِینَ علیه السلام ، کانَ عَبدا لِامرَأَهٍ فَاشتَراهُ عَلِیٌّ علیه السلام وَأَعتَقَهُ ، نالَ مَنزِلَهً رَفِیعَهً مِنَ العِلمِ ، کانَ راسِخا عَلی طَرِیقِ الحَقِّ وَثابِتا فِی الدِّفاعِ عَنِ الوَلایَهِ ، قَتَلَهُ عُبَیدُ اللّهِ بنُ زِیادٍ قَبلَ استِشهادِ الإِمامِ الحُسَینِ بِأَیّامٍ (راجع : موسوعه الإمام علیّ بن أبی طالب علیه السلام : ج 7 ص 506) .
4- .رجال الکشّی : ج 1 ص 295 ح 139 ، رجال ابن داوود : ص 356 الرقم 1693 ، خصائص الأئمه علیهم السلام : ص 54 ولیس فیه من «فقال : یا أمیر المؤمنین» إلی «ویصلبک» ، الخرائج والجرائح : ج 1 ص 229 ح 73 ، بحار الأنوار : ج 42 ص 130 ح 13 .

5 . محمّد بن ابی بکر

6 . میثم تمّار

5 . محمّد بن ابی بکر (1)381.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام در نامه اش به مردم مصر و محمّد بن ابی بکر :ای اهل مصر ! به محمّد ، امیرتان ، خوب کمک کنید و در فرمانبری از او ثابت قدم باشید تا بر حوض پیامبرتان وارد شوید .6 . میثم تمّار (2)383.عنه صلی الله علیه و آله :رجال الکشّی به نقل از میثم نهروانی :امیر مؤمنان علیه السلام مرا صدا زد و فرمود : «ای میثم ! چه خواهی کرد ، آن گاه که دَعیّ (3) بنی امیّه ، فرزند دَعیّ آنها ، عبید اللّه بن زیاد ، از تو بخواهد که از من بیزاری بجویی؟» .

گفت[م] : ای امیر مؤمنان ! به خدا سوگند که از تو بیزاری نخواهم جست .

فرمود : «در این صورت ، به خدا سوگند که تو را می کشد و به دار می آویزد !» .

گفتم : شکیبایی می کنم ؛ چرا که این ، در راه خدا ناچیز است .

فرمود : «در این صورت ، تو با من ، در درجه من ، خواهی بود» .

.

1- .محمّد بن عبد اللّه بن عثمان یا همان محمّد بن ابی بکر بن ابی قُحافه ، مادرش اسماء بنت عمیس است . پس از مرگ ابو بکر ، امام علی امیر مؤمنان علیه السلام با اسماء ازدواج کرد و اسماء همراه با فرزندانش از جمله محمّد ، به خانه امام علیه السلام منتقل شد . از این رو ، محمّد در دامن امام علیه السلام پرورش یافت و معرفت اهل بیت علیهم السلام با جان او در آمیخت . محمّد در زمان حکومت عثمان در مصر بود و پس از آن که امام علی علیه السلام به خلافت رسید ، جانب ایشان را گرفت و در جنگ جمل ، فرمانده پیاده نظام بود . در سال 36 ق ، از جانب امام علیه السلام به حکومت مصر گماشته شد و پس از آن که یاران امام علیه

السلام از یاری او دست کشیدند ، معاویه با سوء استفاده از این فرصت ، وی را ناجوان مردانه به شهادت رساند و توانست مصر را تحت قدرت خود در آورد .
2- .ابو سالم ، میثم بن یحیی تمّار اسدی ، از بزرگان اصحاب امیر مؤمنان علیه السلام بود . او غلام یک زن بود که امام علی علیه السلام وی را خرید و آزاد نمود . میثم به مرتبه بلندی از دانش ، دست یافت . در راه حق ، استوار و در دفاع از ولایت ، ثابت قدم بود. وی چند روز پیش از شهادت امام حسین علیه السلام ، به دست عبید اللّه بن زیاد ، کشته شد .
3- .دَعی : بی اصل و نَسَب ، آن که نسبتش به پدرش قطعی نیست .

17 / 4عِدَّهٌ مِن أَصحابِ الإمامِ الحُسَينِ عليه السلام(شُهَداءُ كَربَلاءَ)387.عنه عليه السلام :الإرشاد عن جويريه بن مسهر العبديِّ :لَمّا تَوَجَّهنا مَعَ أَمِيرِ المُؤمِنِينَ عَلِيِّ بنِ أَبِى طالِبٍ عليه السلام إِلى صِفِّينَ ، فَبَلَغنا طُفُوفَ كَربَلاءَ ، وَقَفَ عليه السلام ناحِيهً مِنَ العَسكَرِ ، ثُمَّ نَظَرَ يَمِينا وَشِمالاً وَاستَعبَرَ ثُمَّ قالَ : هذا وَاللّهِ مُناخُ رِكابِهِم وَمَوضِعُ مَنِيَّتِهِم .

فَقِيلَ لَهُ : يا أَمِيرَ المُؤمِنِينَ ، ما هذا المَوضِعُ ؟

قالَ : هذا كَربَلاءُ ، يُقتَلُ فِيهِ قَومٌ يَدخُلُونَ الجَنَّهَ بِغَيرِ حِسابٍ . ثُمَّ سارَ (1) .388.الخصال عن محمّد ابن الحنفيّه :الطَّبقاتِ الكبرى (الطبقه الخامسه من الصحابه) عن أبى عبيد الضبى :دَخَلنا عَلى أَبِى هَرثَمِ الصَّيِّتِيِّ حِينَ أَقبَلَ مِن صِفِّينَ وَهُوَ مَعَ عَلِيٍّ وَهُوَ جالِسٌ عَلى دُكّانٍ (2) ، وَلَهُ امرَأَهٌ يُقالُ لَها : جِرداءُ ، وَهِىَ أَشَدُّ حُبّا لِعَلِيٍّ وَأَشَدُّ لِقَولِهِ تَصدِيقا . فَجاءَت شاهٌ فَبَعَرَت ، فَقالَ : لَقَد ذَكَّرَنِى بَعرُ هذِهِ الشّاهِ حَدِيثا لِعَلِيٍّ .

قالُوا : وَما عِلمُ عَلِيٍّ عليه السلام بِهذا ؟

قالَ : أَقبَلنا مَرجِعَنا مِن صِفِّينَ فَنَزَلنا كَربَلاءَ ، فَصَلّى بِنا عَلِيٌّ عليه السلام صَلاهَ الفَجرِ بَينَ شَجَراتٍ وَدَوحاتٍ حَرْمَلٍ ، ثُمَّ أَخَذَ كَفّا مِن بَعرِ الغِزلانِ فَشَمَّهُ ، ثُمَّ قالَ : أَوْهِ ، أَوْهِ ، يُقتَلُ بِهذا الغائِطِ (3) قَومٌ يَدخُلُونَ الجَنَّهَ بِغَيرِ حِسابٍ .

قالَ : قالَت جرداءُ : وَما تُنكِرُ مِن هذا ؟! هُوَ أَعلَمُ بِما قالَ مِنكَ ، نادَت بِذَلِكَ

وَهِىَ فِى جَوفِ البَيتِ (4) . .

1- .الإرشاد : ج 1 ص 332 وراجع : خصائص الأئمّه عليهم السلام : ص 47 وقرب الإسناد : ص 26 ح 87 ووقعه صفّين : ص 142 وكامل الزيارات : ص 453 ح 685 وذخائر العقبى : ص 174 .
2- .الدُّكّان : الدكّه المبنيّه للجلوس عليها (لسان العرب : ج 13 ص 157) .
3- .الغائط : المتّسع من الأرض مع طمأنينه (لسان العرب : ج 7 ص 364) .

4- .الطبقات الكبرى (الطبقه الخامسه من الصحابه) : ج 1 ص 432 ح 420 ، تاريخ دمشق : ج 14 ص 198 عن أبى عبد اللّه الضبّى ؛ شرح الأخبار : ج 3 ص 136 ح 1077 ، المناقب للكوفى : ج 2 ص 26 ح 514 كلاهما نحوه وراجع : تهذيب التهذيب : ج 1 ص 590 الرقم 1577 ومقتل الحسين عليه السلام للخوارزمى : ج 1 ص 165 .

17 / 4 شماری از یاران امام حسین علیه السلام

شهیدان کربلا

17 / 4شماری از یاران امام حسین علیه السلامشهیدان کربلا392.المعجم الأوسط عن أبی الطفیل :الاءرشاد به نقل از جُوَیریه بن مسهر عبدی :چون با امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام ره سپار صفّین شدیم و به تپّه های کربلا رسیدیم ، ایشان در کنار لشکر ایستاد . سپس به راست و چپ ، نگاهی کرد و اشک ریخت و آن گاه فرمود : «این جا به خدا سوگند ، خُسبگاه اشتران آنان و قتلگاه ایشان است» .

یکی گفت : ای امیر مؤمنان ! این جا کجاست؟

فرمود : «این جا کربلاست . در این سرزمین ، جماعتی کشته خواهند شد که بدون حسابرسی به بهشت می روند» . این را فرمود و حرکت کرد .393.تاریخ الیعقوبی (فی ذِکرِ خِلافَهِ أمیرِ المُؤمِنینَ عَلِیِّ بنِ) الطبقات الکبری (الطبقه الخامسه من الصحابه) به نقل از ابو عُبَید ضَبّی :ما بر ابو هَرثَم ضَبّی ، پس از بازگشتش از صفّین که با علی علیه السلام رفته بود وارد شدیم و او بر دکّانچه ای نشسته بود . او زنی به نام جرداء داشت که سخت ، دوستدار علی علیه السلام بود و به سخنانش اعتقاد بسیار داشت . در همین حین ، گوسفندی آمد و پشکل انداخت . ابو هرثم گفت : پشکل این گوسفند ، مرا به یاد سخنی از علی انداخت.

حاضران گفتند : علی علیه السلام این را از کجا می داند؟

گفت : در بازگشت از صفّین ، در کربلا فرود آمدیم . علی علیه السلام نماز صبح را در درختزار حَرمَل با ما به جماعت خواند و سپس مُشتی پشکل آهو برداشت و آن را بو کرد و آن گاه فرمود : «آه ! آه ! در این دشت ، مردمانی کشته خواهند شد که بدون حسابرسی به بهشت می روند».

جرداء از درون خانه داد زد که : کجای این سخن را انکار می کنی؟ ! او به آنچه فرموده ، از تو داناتر است.

.

394.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :تاريخ دمشق عن هرثمه بن سلمى :خَرَجنا مَعَ عَلِيٍّ عليه السلام فِى بَعضِ غَزوِهِ ، فَسارَ حَتّى انتَهى إلى كَربَلاءَ ، فَنَزَلَ إلى شَجَرَهٍ فَصَلّى إلَيها ، فَأَخَذَ تُربَهً مِنَ الأَرضِ فَشَمَّها ، ثُمَّ قالَ : واها لَكِ تُربَهً ! لَيُقتَلَنَّ بِكِ قَومٌ يَدخُلُونَ الجَنَّهَ بِغَيرِ حِسابٍ .

قالَ : فَقَفَلنا من غَزَواتِنا ، وَقُتِلَ عَلِىٌّ عليه السلام ، وَنَسِيتُ الحَدِيثَ .

قالَ : وَكُنتُ فِى الجَيشِ الَّذِينَ سارُوا إلَى الحُسَينِ ، فَلَمَّا انتَهَيتُ إلَيهِ نَظَرتُ إلَى الشَّجَرَهِ فَذَكَرتُ الحَدِيثَ ، فَتَقَدَّمتُ عَلى فَرَسٍ لِى فَقُلتُ : أُبَشِّرُكَ ابنَ بِنتِ رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، وَحَدَّثتُهُ الحَدِيثَ .

قالَ : مَعَنا أَو عَلَينا ؟

قُلتُ : لا مَعَكَ وَلا عَلَيكَ ، تَرَكتُ عِيالاً ، وَتَرَكتُ .

قالَ : إمّا لا فَوَلِّ فِى الأَرضِ ، فَوَالَّذِى نَفسُ حُسَينٍ بِيَدِهِ لا يَشهَدُ قَتلَنا اليَومَ رَجُلٌ إلَا دَخَلَ جَهَنَّمَ .

395.عنه صلى الله عليه و آله :وقعه صفّين عن أبى عبيده عن هرثمه بن سليم (1) قالَ : فَانطَلَقتُ هارِبا مُوَلِّيا فِى الأَرضِ حَتّى خَفِىَ عَلَىَّ مَقتَلُهُ .
:غَزَونا مَعَ عَلِىِّ بنِ أَبِى طالِبٍ غَزوَهَ صِفِّينَ ، فَلَمّا نَزَلنا بِكَربَلاءَ صَلّى بِنا صَلاهً ، فَلَمّا سَلَّمَ رَفَعَ إلَيهِ مِن تُربَتِها فَشَمَّها ، ثُمَّ قالَ :

واها لَكِ أَيَّتُها التُّربَهُ ، لِيُحشَرَنَّ مِنكِ قَومٌ يَدخُلُونَ الجَنَّهَ بِغَيرِ حِسابٍ .

فَلَمّا رَجَعَ هَرثَمَهُ مِن غَزوَتِهِ إلَى امرَأَتِهِ وَهِى جرداءُ بِنتُ سميرٍ ، وَكانَت شِيعهً لِعَلِىٍّ فَقالَ لَها زَوجُها هَرثَمَهَ : أَلا أُعَجِّبُكِ مِن صَدِيقِكِ أَبِى الحَسَنِ ؟ لَمّا نَزَلنا كَربَلاءَ رَفَعَ إلَيهِ مِن تُربَتِها فَشَمَّها وَقالَ : وَاها لَكِ يا تُربَهُ ، لَيُحشَرَنَّ مِنكِ قَومٌ يَدخُلُونَ الجَنَّهَ بِغَيرِ حِسابٍ ! وَما عِلمُهُ بِالغَيبِ ؟

فَقالَت : دَعنا مِنكَ أَيُّها الرَّجُلُ ، فَإِنَّ أَمِيرَ المُؤمِنِينَ لَم يَقُل إلّا حقّا .

فَلَمّا بَعَثَ عُبَيدُ اللّهِ بنُ زِيادٍ البَعثَ الَّذِى بَعَثَهُ إلَى الحُسَينِ بنِ عَلِىٍّ وَأَصحابِهِ ، قالَ : كُنتُ فِيهِم فِى الخَيلِ الَّتِى بَعَثَ إلَيهِم ، فَلَمّا انتَهَيتُ إلَى القَومِ وَحُسَين وَأَصحابِهِ عَرَفتُ المَنزِلَ الَّذِى نَزَلَ بِنا عَلِىٌّ فِيهِ ، وَالبُقعَهَ الَّتِى رَفَعَ

إِلَيهِ مِنَ تُرابِها ، وَالقَولَ الّذِی قالَهُ ، فَکَرِهتُ مَسِیرِی ، فَأقبَلتُ عَلی فَرَسِی حَتّی وَقَفتُ عَلَی الحُسَینِ ، فَسَلَّمتُ عَلَیهِ ، وَحَدَّثتُهُ بِالَّذِی سَمِعتُ مِن أَبِیهِ فِی هذا المَنزِلِ .

فَقالَ الحُسَینُ : مَعَنا أَنتَ أَو عَلَینا ؟

فَقُلتُ : یَابنَ رَسُولِ اللّهِ ، لا مَعَکَ وَلا عَلَیکَ ، تَرَکتُ أَهلِی وَولدِی أَخافُ عَلَیهِم مِنِ ابنِ زِیادٍ .

فَقالَ الحُسَینُ : فَوَلِّ هَربا حَتّی لا تَرِی لَنا مَقتَلاً ، فَوَالَّذِی نَفسُ مُحَمَّدٍ بِیَدِهِ لا یَری مَقتَلَنا الیَومَ رَجُلٌ وَلا یُغِیثُنا إِلَا أَدخَلَهُ اللّهُ النّارَ .

قالَ : فَأَقبَلتُ فِی الأَرضِ هارِبا حَتّی خَفِیَ عَلَیَّ مَقتَلُهُ (2) . .

1- .تاریخ دمشق : ج 14 ص 222 ؛ الملاحم والفتن : ص 335 ح 488 نحوه .

2- .وقعه صفّین : ص 140 ، الأمالی للصدوق : ص 199 ح 213 عن هرثمه بن أبی مسلم ، شرح الأخبار : ج 3 ص 141 ح 1083 عن هزیمه بن سلمه وکلاهما نحوه .

396.الإمام الباقر علیه السلام ، عن جابر بن عبداللّه اتاریخ دمشق به نقل از هرثمه بن سَلمی :با علی علیه السلام در یکی از جنگ هایش بیرون رفتیم . رفت و رفت تا به کربلا رسید . در زیر درختی پیاده شد و نماز خواند . سپس قدری خاک از زمین برداشت و آن را بویید و آن گاه فرمود : «خوشا تو ، ای خاک ! مردمانی در تو کشته خواهند شد که بدون حسابرسی وارد بهشت می شوند» .

از جنگ باز گشتیم و علی علیه السلام کشته شد و این حدیث را فراموش کردم.

بعدها ، در سپاهی که برای جنگ با حسین علیه السلام می رفت ، شرکت کردم . چون به آن سرزمین رسیدم ، چشمم به آن درخت افتاد و به یاد حدیث افتادم . سوار بر اسبم به سوی حسین تاختم و گفتم : «تو را بشارت می دهم ، ای فرزند دخت پیامبر خدا !» و آن سخن [پدرش] را برایش گفتم .

حسین علیه السلام فرمود : «با ما هستی ، یا بر ضدّ ما؟» .

گفتم : نه با تو هستم و نه بر ضدّ تو . من خانواده را رها کرده ام . من [چه و چه خود را] رها کرده ام .

حسین علیه السلام فرمود : «اگر با ما نیستی ، از این سرزمین برو ؛ زیرا سوگند به آن که جان حسین در دست اوست ، هر مردی که امروز ، شاهد کشته شدن ما باشد ، قطعا به دوزخ می رود» .

من از آن سرزمین ، گریزان رفتم تا آن که قتلگاه او از نظرم ناپدید شد
397.تاریخ الیعقوبی عن حسّان بن ثابت (فِی وَصفِ الإِمامِ عَلِیٍّ علیه السلام فی أوائِ) وقعه صفّین به نقل از ابو عبیده :هرثمه بن سلیم گفت: با علی بن ابی طالب علیه السلام به جنگ صفّین رفتیم . چون در کربلا فرود آمدیم ، نماز را به جماعت با ما خواند . سلام که داد ، قدری از خاک آن جا را برداشت و بویید و سپس فرمود: «زهی تو ، ای خاک ! مردمانی از تو محشور خواهند شد که بی حسابرسی به بهشت می روند» .

چون هرثمه از جنگ به نزد همسرش جرداء دختر سمیر که شیعه علی علیه السلام بود باز گشت ، به او گفت : آیا تو را از دوستت ابو الحسن شگفت زده نکنم؟ در کربلا که فرود آمدیم ، قدری از خاک آن جا را برداشت و بویید و گفت : «زهی تو ، ای خاک ! مردمانی از تو محشور خواهند شد که بی حسابرسی به بهشت می روند» . مگر او علم غیب دارد؟

همسرش گفت : دست بردار ، ای مرد ! امیر مؤمنان ، جز حق نگفته است.

[هرثمه گفت :] زمانی که عبید اللّه بن زیاد ، لشکری به سوی حسین بن علی و یارانش فرستاد ، من نیز در جمع سوارانی بودم که او گسیل داشت . چون به آن مردمان و حسین و یارانش رسیدیم ، منزلگاهی را که علی علیه السلام ما را در آن جا فرود آورد و زمینی را که از خاک آن برداشت ، شناختم و آن سخنی را که گفته بود ، به یاد آوردم . پس ، از آمدنم ناراحت شدم و سوار بر اسبم نزد حسین رفتم و بر او سلام کردم و آنچه را از پدرش در این منزلگاه شنیده بودم ، برایش باز گفتم.

حسین علیه السلام گفت : «تو با ما هستی ، یا بر ضدّ ما؟» .

گفتم : ای فرزند پیامبر خدا ! نه با تو هستم و نه بر ضدّ تو . زن و فرزندانم را رها کرده ام و آمده ام و از ابن زیاد بر آنان می ترسم.

حسین علیه السلام گفت : «پس بگریز و برو تا شاهد کشته شدن ما نباشی ؛ زیرا سوگند به آن که جان من در دست اوست ، هر مردی که امروز ، شاهد کشته شدن ما باشد و یاری مان نرساند ، خداوند ، او را در آتش می افکند ».

هرثمه گفت : من از آن سرزمین گریختم تا جایی که محلّ کشته شدن او از نظرم ناپدید شد. .

398.تاريخ الطبرى عن الفضل بن عبّاس :علل الشرائع عن ميثم التمّار :يا جَبَلهُ ، اِعلَمِى أَنَّ الحُسَينَ بنَ عَلِيٍّ عليه السلام سَيِّدُ الشُّهَداءِ يَومَ القِيامَهِ ، وَلِأصحابِهِ عَلى سائِرِ الشُّهداءِ دَرَجَهٌ . (1) .

1- .علل الشرائع : ص 228 ح 3 ، الأمالى للصدوق : ص 190 ح 198 ، بحار الأنوار : ج 45 ص 203 ح 4 .

ص: 705

399.شرح نهج البلاغه :علل الشرائع به نقل از میثم تمّار :ای جَبَله ! بدان که حسین بن علی ، سالار شهیدان در روز قیامت است و یاران او نیز بر دیگر شهیدان ، برتری دارند. .

400.الإمام علىّ عليه السلام (قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله) الأمالى للصدوق عن كعب الأحبار :إِنَّ فِى كِتابِنا : أَنَّ رَجُلاً مِن وُلدِ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله يُقتَلُ ، وَلا يَجِفُّ عَرَقُ دَوابِّ أَصحابِهِ حَتّى يَدخُلُوا الجَنَّةَ ، فَيُعانِقُوا الحُورَ العِينَ . (1)401.تفسير العيّاشى عن جابر الجعفى :الإمام زين العابدين عليه السلام :كُنتُ مَعَ أَبِى اللَّيلَةَ الَّتِى قُتِلَ صَبِيحَتَها ، فَقالَ لِأَصحابِهِ : هذا اللَّيلَ فاتَّخِذُوهُ جَمَلاً فَإِنَّ القَومَ إِنَّما يُرِيدُونَنِى ، وَلَو قَتَلُونِى لَم يَلتَفِتُوا إِلَيكُم وَأَنتُم فِى حِلٍّ وَسَعَةٍ ، فَقالُوا : لا وَاللّهِ لا يَكُونُ هذا أَبَدا .

قالَ : إِنَّكُم تُقتَلُونَ غَدا كَذلِكَ لا يُفلَتُ مِنكُم رَجُلٌ .

قالُوا : اَلحَمدُ لِلّهِ الَّذِى شَرَّفَنا بِالقَتلِ مَعَكَ . ثُمَّ دَعا وَقالَ لَهُم : اِرفَعُوا رُؤُوسَكُم وَانظُرُوا .

فَجَعَلُوا يَنظُرُونَ إِلى مَواضِعِهِم وَمَنازِلِهِم مِنَ الجَنَّةِ ، وَهُوَ يَقُولُ لَهُم :

هذا مَنزِلُكَ يَا فُلانُ ، وَهذا قَصرُكَ يا فُلانُ وَهذِهِ دَرَجَتُكَ يا فُلانُ ، فَكانَ الرَّجُلُ يَستَقبِلُ الرِّماحَ وَالسُّيُوفَ بِصَدرِهِ وَوَجهِهِ ، لِيَصِلَ إِلى مَنزِلِهِ مِنَ الجَنَّةِ . (2)402.الإمام الصادق عليه السلام :عنه عليه السلام :لَمّا اشتَدَّ الأَمرُ بِالحُسَينِ بنِ عَلِىِّ بنِ أَبِى طالِبٍ عليهماالسلام ، نَظَرَ إِلَيهِ مَن كانَ مَعَهُ فَإِذا هُوَ بِخِلافِهِم ، لِأَنَّهُم كُلَّما اشتَدَّ الأَمرُ تَغَيَّرَت أَلوانُهُم ، وَارتَعَدَت فَرائِصُهُم (3) ، وَوَجَبَت (4) قُلُوبُهُم ، وَكانَ الحُسَينُ عليه السلام وَبَعضُ مَن مَعَهُ مِن خَصائِصِهِ تُشرِقُ أَلوانُهُم وَتَهدَأُ جَوارِحُهُم ، وَتَسكُنُ نُفُوسُهُم . فَقالَ بَعضُهُم لِبَعضٍ : اُنظُرُوا لا يُبالِى بِالمَوتِ .

فَقالَ لَهُمُ الحُسَينُ عليه السلام : صَبرا بَنِى الكِرامِ ، فَما المَوتُ إِلّا قَنطَرَةٌ تَعبُرُ بِكُم عَنِ

البُؤسِ وَالضَّرّاءِ إِلَى الجِنانِ الواسِعَةِ وَالنَّعِيمِ الدّائِمَةِ ، فَأَيُّكُم يَكرَهُ أَن يَنتَقِلَ مِن سِجنٍ إِلى قَصرٍ ، وَما هُوَ لِأَعدائِكُم إِلَا كَمَن يَنتَقِلُ مِن قَصرٍ إِلى سِجنٍ وَعَذابٍ .

إِنَّ أَبِى حَدَّثَنِى ، عَن رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أَنَّ الدُّنيا سِجنُ المُؤمِنِ وَجَنَّةُ الكافِرِ ، وَالمَوتَ جِسرُ هؤُلاءِ إِلى جِنانِهِم ، وَجِسرُ هؤُلاءِ إِلى

جَحِيمِهِم ، ما كَذَبتُ وَلا كُذِّبتُ . (5) .

1- .الأمالى للصدوق : ص 203 ح 220 ، بحار الأنوار : ج 44 ص 224 ح 2 .
2- .الخرائج والجرائح : ج 2 ص 847 ح 62 عن أبى حمزه الثمالى ، بحار الأنوار : ج 44 ص 298 ح 3 .
3- .الفرائص : عَصَبُ الرقبه وعروقها لأنّها تثور عند الغضب (النهايه : ج 3 ص 431 «فرص») .
4- .وَجَبَ القَلبُ : إذا خفق (النهايه : ج 5 ص 154 «وجب») .
5- .معانى الأخبار : ص 288 ح 3 ، الاعتقادات : ص 52 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 44 ص 297 ح 2 .

403.الكافى عن الحسين بن أبى العلاء :الأمالى ، صدوق به نقل از كعب الأحبار :در كتاب هاى ما آمده است كه مردى از فرزندان محمّد ، پيامبر خدا ، كشته مى شود و عرق مركب هاى ياران او هنوز خشك نشده ، وارد بهشت مى شوند و حور العين را در آغوش مى كشند.404.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (لِعَلِيٍّ عليه السلام) امام زين العابدين عليه السلام :شبى كه پدرم در فردای آن ، كشته شد ، من با او بودم . به يارانش فرمود : «از تاريكى شب ، استفاده كنيد و برويد ؛ چرا كه اين جماعت ، تنها مرا مى خواهند و اگر مرا بكشند ، به شما كارى نخواهند داشت . شما آزاديد كه برويد» .

ياران گفتند : نه ، به خدا سوگند . اين كار هرگز چنين اتّفاق نخواهد افتاد .

[پدرم به آنان] فرمود : «فردا شما نيز كشته خواهيد شد و يك نفر هم از شما جان به در نخواهد برد» .

گفتند : ستايش ، خدای را كه افتخار كشته شدن در ركاب تو را به ما ارزانى داشته است !

پدرم دعا كرد و به ايشان فرمود : «سرهايتان را بلند كنيد و بنگريد».

آنان شروع به نگريستن به جايگاه و منازل خويش در بهشت كردند ، و پدرم به ايشان مى فرمود: «فلانى ! اين ، منزل توست . فلانى ! اين ، قصر توست . فلانى ! اين ، درجه توست» .

پس ، هر يك از ايشان ، سينه و چهره خويش را به استقبال نيزه ها و شمشيرها مى برد تا به جايگاه خويش در بهشت برسد.405.عنه صلى الله عليه و آله :امام زين العابدين عليه السلام :چون كار بر حسين بن على عليه السلام سخت شد ، يكى از كسانى كه با ايشان بود ، به او نگريست ، ديد كه برخلاف آنان است ؛ زيرا هر چه كار بر آنان سخت تر مى شد ، رنگ از رخسارشان بر مى گشت ، و بدن هايشان به لرزه و قلب هايشان به تپش مى افتاد ، در حالى كه حسين عليه السلام و برخى از ياران خاصّش ، رنگشان روشن و اندام هايشان آرام مى شد و دل هايشان قرار بيشترى مى يافت . آنان به يكديگر مى گفتند : بنگريد كه از مرگ ، باكى ندارد !

حسین علیه السلام به ایشان فرمود : «شکیبا باشید ، ای بزرگ زادگان ؛ چرا که مرگ ، چیزی نیست ، جز پلی که شما را از بدبختی و رنج به بهشت های پهناور و نعمت های جاویدان ، می رسانَد . کدام یک از شما خوش ندارد که از زندان به کاخ رود ؟ ! برای دشمنانتان هم مرگ نیست ، مگر همچون کسی که از کاخی به زندان و شکنجه گاهی رود . پدرم از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برایم نقل کرد که : دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است ، و مرگ برای آنان ، پلی به سوی بهشت هایشان است و برای اینان ، پلی به سوی دوزخشان . من ، هرگز دروغ نگفته ام و به دروغگویی هم متّهم نشده ام» . .

406.عنه صلى الله عليه و آله :الأمالى للصدوق عن ثابت بن أبى صفيّه :نَظَرَ سَيِّدُ العابِدِينَ عَلِيُّ بنُ الحُسَينِ عليه السلام إلى عُبَيدِ اللّهِ بنِ العَبّاسِ بنِ عَلِيِّ بنِ أبِي طالِبٍ عليه السلام ، فَاستَعبَرَ ثُمَّ قالَ : ما مِن يَومٍ أشَدَّ عَلَى رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله مِن يَومِ أُحُدٍ ، قُتِلَ فِيهِ عَمُّهُ حَمزَةُ بنُ عَبدِ المُطَّلِبِ أسَدُ اللّهِ وَأسَدُ رَسُولِهِ ، وَبَعدَهُ يَومُ مُؤتَةَ ، قُتِلَ فِيهِ ابنُ عَمِّهِ جَعفَرُ بنُ أبِي طالِبٍ .

ثُمَّ قالَ عليه السلام : وَلا يَومَ كَيَومِ الحُسَينِ عليه السلام ازدَلَفَ إلَيهِ ثَلاثُونَ ألفَ رَجُلٍ يَزعُمُونَ أنَّهُم مِن هذِهِ الاُمَّةِ ، كُلٌّ يَتَقَرَّبُ إلَى اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِدَمِهِ ، وَهُوَ بِاللّهِ يُذَكِّرُهُم فَلا يَتَّعِظُونَ ، حَتّى قَتَلُوهُ بَغيا وَظُلما وَعُدوانا .

ثُمَّ قالَ عليه السلام : رَحِمَ اللّهُ العَبّاسَ ! فَلَقَد آثَرَ وَأبلى وَفَدى أخاهُ بِنَفسِهِ حَتّى قُطِعَت يَداهُ ، فَأبدَلَهُ اللّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِما جَناحَينِ يَطِيرُ بِهِما مَعَ المَلائِكَةِ فِي الجَنَّةِ كَما جَعَلَ لِجَعفَرِ بنِ أبِي طالِبٍ ، وَإنَّ لِلعَبّاسِ عِندَ اللّهِ تَبارَكَ وَتَعالى مَنزِلَةً يَغبِطُهُ بِها جَمِيعُ الشُّهَداءِ يَومَ القِيامَةِ . (1)407.عنه صلى الله عليه و آله :علل الشّرائع عن محمّد بن عماره عن الإمام الصّادق عليه السلام :قُلتُ لَهُ : أخبِرنِي عَن أصحابِ

الحُسَينِ عليه السلام وَإقدامِهِم عَلَى المَوتِ .

فَقالَ : إنَّهُم كُشِفَ لَهُم الغِطاءُ حَتّى رَأوا مَنازِلَهُم مِنَ الجَنَّةِ ، فَكانَ الرَّجُلُ مِنهُم يُقدِمُ عَلَى القَتلِ لِيُبادِرَ إلَى حَوراءَ يُعانِقُها ، وَإلى مَكانِهِ مِنَ الجَنَّةِ . (2) .

1- .الأمالى للصدوق : ص 547 ح 731 ، الخصال : ص 68 ح 101 وفيه ذيله من «رحم اللّه العبّاس» ، بحار الأنوار : ج 44 ص 298 ح 4 .
2- .علل الشرائع : ص 229 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 44 ص 297 ح 1 .

408.الأمالی للطوسی عن أنس :الأمالی ، صدوق به نقل از ثابت بن ابی صفیّه :سیّد العابدین ، علی بن الحسین علیه السلام ، به عبید اللّه بن عبّاس بن علی بن ابی طالب علیه السلام نگریست و اشک ریخت . سپس فرمود : «هیچ روزی برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سخت تر از روز اُحُد نبود . در آن روز ، عمویش حمزه بن عبد المطّلب ، آن شیر خدا و شیر رسول او ، کشته شد . پس از آن روز ، روز موته است که در آن ، پسر عموی ایشان ، جعفر بن ابی طالب ، کشته شد.

سپس فرمود : «و هیچ روزی چون روز حسین علیه السلام نیست . سی هزار مردک که مدّعی بودند از این امّت اند ، به سوی او آمدند و هر یک از آنان به قصد تقرّب به خداوند عز و جل می خواست خون او را بریزد ، به طوری که هر چه او از خدا برایشان می گفت ، در گوش آنان فرو نمی رفت و سرانجام ، او را از روی سرکشی و ستم و تجاوز کشتند» .

امام علیه السلام سپس فرمود : «خدا عبّاس را رحمت کند ! او ایثار کرد و جانبازی نمود و جان خویش را فدای برادرش کرد ، تا آن که هر دو دستش قطع شد و خداوند عز و جلدر عوض آنها ، دو بال به او داد که با آنها همراه با فرشتگان ، در بهشت پرواز می کند ، همچنان که به جعفر بن ابی طالب داد . عبّاس در نزد خداوندِ بزرگ و والا ، چنان منزلتی دارد که در روز قیامت ، همه شهیدان به او غبطه می خورند» .409.إرشاد القلوب عن حذیفه :علل الشرائع به نقل از محمّد بن عماره :به امام صادق علیه السلام گفتم : مرا از یاران حسین علیه السلام و جانبازی های آنان ، خبر دهید.

فرمود : «پرده برای آنان کنار زده شد ، به طوری که جایگاه های خویش در بهشت را دیدند . از این رو ، هر یک از ایشان به سوی کشته شدن می شتافت تا هر چه زودتر حوریان بهشتی را در آغوش کشد و به جایگاه خود در بهشت نایل آید» . .

17 / 5عِدَّهٌ مِن أَصحابِ الإِمامِ الباقِرِ علیه السلام1 . أَبُو بَصِيرٍ المُرادىُ 1413.خصائص أمير المؤمنين عن أبى إسحاق :الإمام الصادق عليه السلام :ما أَجِدُ أَحَدا أَحيا ذِكرَنا وَأَحادِيثَ أَبِى علیه السلام إِلّا زُرارَهُ ، وَأَبُو بَصِيرٍ المُرادِىُّ ، وَمُحَمَّدُ بنُ مُسلِمٍ ، وَبُرَيدُ بنُ مُعاوِيَهَ وَلَولَا هؤُلاءِ ما كانَ أَحَدٌيَستَنبِطُ هُدًى ، هؤُلاءِ حُفّاظُ الدِّينِ ، وَأُمَناءُ أَبِى علیه السلام عَلى حَلالِ اللّهِ وَحَرامِهِ ، وَهُمُ السّابِقُونَ إِلَينا فِى الدُّنيا وَفِى الآخِرَهِ . (1) .

1- .رجال الكشّى : ج 1 ص 348 ح 219 ، الاختصاص : ص 66 كلاهما عن سليمان بن خالد الأقطع ، روضه الواعظين : ص 318 ، وفيه «هذا» بدل «هدى» ، بحار الأنوار : ج 47 ص 390 ح 112 .

17 / 5 شماری از یاران امام باقر علیه السلام

1 . ابو بصیر مرادی

17 / 5شماری از یاران امام باقر علیه السلام1 . ابو بصیر مرادی
1417.عنه علیه السلام :امام صادق علیه السلام :من کسی را نمی شناسم که نام و یاد ما را و احادیث پدرم را زنده نگه داشته باشد ، مگر زُراره و ابو بصیر مُرادی و محمّد بن مسلم و بُرَید بن معاویه . اگر اینها نبودند ، هیچ کس حکم درستی را استنباط نمی کرد . اینان ، نگهبانان دین و امینان پدر من بر حلال و حرام خدا هستند و پیشی گیرندگان به سوی ما در دنیا و آخرت اند .

.

2 . أَبو بَصيرٍ المَكفُوفُ (1)419.الإمام الباقر عليه السلام :الكافى عن أبى بصير :دَخَلتُ عَلى أبِى جَعفَرٍ عليه السلام فَقُلتُ لَهُ : . . . تَقدِرُونَ عَلى أن تُحيُوا المَوتى وَتُبرِؤُوا الأكمَهَ وَالأبرَصَ ؟ قالَ : نَعَم بِإذنِ اللّهِ ، ثُمَّ قالَ لِى : اُدنُ مِنّى يا أبا مُحَمَّدٍ ، فَدَنَوتُ مِنهُ فَمَسَحَ عَلى وَجهِى وَعَلى عَينِى ، فَأبصَرتُ الشَّمسَ وَالسَّماءَ وَالأرضَ وَالبُيُوتَ ، وَكُلَّ شَىءٍ فِى البَلَدِ ! ثُمَّ قالَ لِى : أتُحِبُّ أن تَكُونَ هكَذا وَلَكَ ما لِلنّاسِ وَعَلَيكَ ما عَلَيهِم يَومَ القِيامَهِ ، أم تَعُودُ كَما كُنتَ وَلَكَ الجَنَّهُ خالِصا ؟ قُلتُ : أعُودُ كَما كُنتُ ، فَمَسَحَ عَلى عَينِى فَعُدتُ كَما كُنتُ . (2)3 . بُرَيدُ بنُ مُعاوِيَهَ (3)421.المعجم الكبير عن عبد اللّه بن مسعود :الإمام الصادق عليه السلام :بَشِّرِ المُخبِتِينَ بِالجَنَّهِ : بُرَيدُ بنُ مُعاوِيَهَ العِجلِىُّ ، وَأبُو بَصِيرٍ لَيثُ بنُ البختَرِىِّ (4) المُرادِىُّ ، وَمُحَمَّدُ بنُ مُسلِمٍ ، وَزُرارَهُ ، أربَعَهٌ نُجَبَاءُ أُمَناءُ اللّهِ عَلى حَلالِهِ وَحَرامِهِ ، لَولا هؤُلاءِ انقَطَعَت آثارُ النُّبُوَّهِ وَاندَرَسَت . (5) .

1- .أَبو بَصِيرٍ الأَسَدِىُّ ، وَقِيلَ أَبو مُحَمَّدٍ ، ثِقَهٌ وَجِيهٌ ، رَوى عَن أَبِى جَعفَرٍ وَ أَبِى عَبدِ اللّهِ عليهماالسلام ، ماتَ سَنَهَ خَمسِينَ وَمِئَهٍ (رجال النجاشى : ج 2 ص 411 الرقم 1188) .
2- .الكافى : ج 1 ص 470 ح 3 ، دلائل الإمامه : ص 226 ح 153 ، بصائر الدرجات : ص 269 ح 1 بزياده «دخلت على أبى عبد اللّه وأبى جعفر عليهماالسلام» فى صدره ، الخرائج والجرائح : ج 1 ص 274 ح 5 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 184 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 81 ص 201 ح 59 .
3- .أَبُو القاسِمِ العِجلِىُّ ، عَرَبِىٌّ يَروِى عَن أَبِى عَبدِ اللّهِ وَأَبِى جَعفَرٍ ، وَماتَ فِى حَياهِ أَبِى عَبدِ اللّهِ عليه السلام وَقِيلَ ماتَ فِى سَنَهِ مِئَهٍ وَخَمسِينَ ، وَجهٌ مِن وُجُوهِ أصحابِنا وَفَقِيهٌ أيضا ، لَهُ مَحَلٌّ عِندَ الأئِمَّهِ عليهم السلام (راجع : رجال النجاشى : ج 1 ص 281 الرقم 285 وخلاصه الأقوال : ص 81 الرقم 164) .
4- .فى المصدر : «وأبو بصير بن ليث البخترى» وهو تصحيف ، راجع : معجم رجال الحديث : ج 14 ص 141 .
5- .رجال الكشّى : ج 1 ص 398 ح 286 ، خلاصه الأقوال : ص 82 نحوه ، نقد الرجال : ص 54 ، التحرير الطاووسى : ص 230 الرقم 348 وكلّها عن جميل بن درّاج .

2 . ابو بصیر مکفوف

3 . بُرَید بن معاویه

2 . ابو بصیر مکفوف (1)423.السنّه عن عبد اللّه بن مسعود :الکافی به نقل از ابو بصیر :خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم و گفتم : ... شما قادرید که مرده را زنده کنید و کور مادرزاد و پیس را شفا دهید؟

فرمود : «آری ، به خواست خدا» و سپس به من فرمود : «نزدیک من بیا ، ای ابو محمّد !» .

من نزدیک رفتم . ایشان دستی به چهره و چشمم کشید و من آفتاب و آسمان و زمین و خانه ها و هر چه را در شهر بود ، دیدم . سپس فرمود : «آیا دوست داری چنین باشی و در روز قیامت ، مانند بقیّه مردم با تو رفتار شود ، یا آن که [دوست داری] به حال نخست باز گردی و یکسره به بهشت روی؟» .

گفتم : به حال سابقم باز گردم .

ایشان دوباره دست به چشمم کشید و من به حال سابقم باز گشتم.3 . بُرَید بن معاویه (2)425.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام :فروتنان را مژده بهشت بده : بُرَید بن معاویه عِجلی و ابو بصیر لیث بن بختری مرادی و محمّد بن مسلم و زراره ؛ چهار انسان برگزیده و امینان خدا بر حلال و حرام او را . اگر اینان نبودند ، آثار نبوّت قطع می شد و از بین می رفت .

.

1- .ابو بصیر اسدی و به قولی ابو محمّد ، راوی ای ثقه و معتبر است . وی از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام روایت کرده است . او در سال یکصد و پنجاه هجری ، در گذشت.
2- .ابو القاسم عِجلی ، عرب بود و از امام صادق علیه السلام و امام باقر علیه السلام روایت کرده است . او در زمان حیات امام صادق علیه السلام

و به قولی در سال یکصد و پنجاه ، وفات یافت . از سرشناسان شیعه و فقیه بود و در نزد ائمّه علیهم السلام منزلت داشت .

4 . زُرارَهُ (1)427.الإمام علىّ عليه السلام :رجال الكشى عن زراره :قال لى أبو عبد اللّه عليه السلام : يا زُرارَهُ ، إِنَّ اسمَكَ فِى أَسامِى أَهلِ الجَنَّهِ بِغَيرِ أَلِفٍ ، قُلتُ نَعَم جُعِلتُ فِداک اسمى عَبْد رَبَّه لكنّى لُقِّبتُ بِزُرارَه.
(2)428.رسول اللّه صلى اللّه عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :إِنَّ أَصحابَ أَبِى كانُوا زَينا أَحياءً وَأَمواتا ؛ أَعنِى زُرارَهَ ، وَمُحَمَّدَ بنَ مُسلِمٍ ، وَمِنهُم لَيثٌ المُرادِىُّ ، وَبُرَيدٌ العِجلِىُّ ، وَهؤُلاءِ القَوّامُونَ بِالقِسطِ ، وَهؤُلاءِ «السَّبِقُونَ السَّبِقُونَ * أُوْلَائِکَ الْمُقَرَّبُونَ» (3)5 . مُحَمَّدُ بنُ مُسلِمٍ (4)راجع : ص 710 (ابو بصير المرادى) وص 712 (بريد بن معاويه) .

17 / 6عِدَّهٌ مِن أَصحابِ الإِمامِ الصّادِقِ عليه السلام1 . حُمرانُ بنُ أَعيَنَ (5)434.عنه صلى اللّه عليه و آله (فى عَلِىٍّ عليه السلام) الإمام الصادق عليه السلام فِى حُمرانَ بنِ أَعيَنَ : إِنَّهُ رَجُلٌ مِن أَهلِ الجَنَّهِ . (6) .

1- .هُو زُرارَهُ بنُ أَعيَنَ بنِ سَنسَنٍ مَولًى لِبَنِى عَبدِ اللّهِ بنِ عَمرٍو ، شَيخٌ مِن أَصحابِنا فِى زَمانِهِ وَمُتَقَدِّمُهُم ، وَكانَ قارِئا فَقِيها مُتَكَلِّما شاعِرا أَدِيبا قَد اجتَمَعَت فِيهِ خِلالُ الفَضلِ وَالدِّينِ ، صادِقا فِيما يَروِيهِ . ماتَ سَنَهَ خَمسِينَ وَمِئَهٍ (راجع : رجال النجاشى : ج 1 ص 397 الرقم 461 و خلاصه الأقوال : ص 152 الرقم 441 و نقد الرجال : ص 136 و معجم رجال الحديث : ج 7 ص 218 الرقم 4662) .
2- .رجال الكشّى : ج 1 ص 345 ح 208 عن زراره . 3 . الواقعه : 10 و 11 .
3- . . رجال الكشّى : ج 1 ص 399 ح 287 عن داوود بن سرحان ، روضه الواعظين : ص 318 نحوه ، وسائل الشيعه : ج 18 ص 106 ح 33425 .
4- .وَجهُ أَصحابِنا بِالكُوفَهِ، فَقِيهٌ وَرِعٌ، صَحِبَ أَبا جَعفَرٍ وَأَبا عَبدِاللّهِ عليهماالسلاموَرَوى عَنهُما، وَكانَ مِن أَوثَقِ النّاسِ. ماتَ سَنَهَ خَمسِينَ وَمِئَهٍ (راجع: رجال النجاشى: ج 2 ص199 الرقم 883 و خلاصه الأقوال : ص 251 الرقم 858).
5- .أَبُو الحَسَنِ الشَّيبانِىُّ بِالولاءِ الكُوفِىّ ، مِن ثِقاتِ مُحَدِّثِى الإِمامِيَّهِ ، كانَ مِمَّن تَشَرَّفَ بِلِقاءِ الإِمامِ السَّجّادِ عليه السلام ، وَقَرَأَ وَأَتقَنَ القُرآنَ عَلَى الإِمامِ الباقِرِ وَصارَ مِن كُبّارِ قُرّاءِ وَقتِهِ ، مَعَ تَبَحُّرِهِ فِى عُلُومِ النَّحوِ وَاللُّغَهِ وَالأَدَبِ ، وَكانَ شاعِرا بارِعا ، رَوى عَنِ الباقِرِ وَالصّادِقِ عَلَيهِما السَّلامُ ، وَتُوُفِّىَ سَنَهَ 148 ه ، وقِيلَ حُدودَ سَنَهِ 130 ه (راجع: اصحاب الإمام الصادق عليه السلام : ج 1 ص 476 و خلاصه الأقوال : ص 134 الرقم 361) .

6- .رجال الكشّى : ج 1 ص 412 الرقم 304 ، الاختصاص : ص 196 ، نقد الرجال : ص 118 كلّها عن زياد بن مروان القندى ، بحار الأنوار : ج 47 ص 352 ح 58 .

4 . زُراره

5 . محمّد بن مسلم

17 / 6 شماری از یاران امام صادق علیه السلام

1 . حُمران بن اَعیَن

4 . زُراره (1)436.عنها علیهاالسلام :رجال الکشّی به نقل از زراره :امام صادق علیه السلام به من فرمود : «ای زراره ! نام تو در [فهرستِ] نام های بهشتیان ، بدون الف آمده است» .

گفتم : بله ، فدایت گردم ! نام من «عبد ربّه» است ؛ ولی زراره لقبم داده اند .437.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام :اصحاب پدرم ، زنده و مرده شان ، زینت بودند . مقصودم ، زراره و محمّدبن مسلم اندولیث مرادی وبُرَید عِجلی نیز از جمله ایشان اند. اینان برپا دارنده عدل بودند . اینان ، «پیشی گیرندگان نخست اند . ایشان ، مقرّبان [درگاه الهی]اند » .5 . محمّد بن مسلم (2)ر . ک : ص 711 (ابو بصیر مرادی) و ص 713 (برید بن معاویه) .

17 / 6شماری از یاران امام صادق علیه السلام1 . حُمران بن اَعیَن (3)443.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام در باره حمران بن اَعیَن :او مردی از اهل بهشت است.

.

1- .زراره بن اَعیَن بن سَنسَن ، وابسته بنی عبد اللّه بن عمرو ، از بزرگان و جلوداران شیعه در زمان خود ، و مردی قاری ، فقیه ، متکلّم ، ادیب و شاعر بود . مجموعه ای از فضایل و دینداری بوده و در آنچه روایت کرده ، راستگوست . او در سال یکصد و پنجاه ، در گذشت.
2- .محمّد بن مسلم ، بزرگ شیعه در کوفه و فقیهی پارسا بود . از اصحاب امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام بوده و از هر دوی آن بزرگواران ، روایت کرده است . از موثّق ترین افراد به شمار می رفت و در سال یکصد و پنجاه ، در گذشت.

3- .ابو الحسن کوفی وابسته شیبانی ، از محدّثان موثّق شیعه امامیّه است . از کسانی بود که به افتخار ملاقات با امام زین العابدین علیه السلام نایل آمد و قرآن را نزد امام باقر علیه السلام خواند و آن را نیک آموخت و از بزرگان قُرّاء زمان خود شد . علاوه بر این ، در علوم نحو و لغت و ادب نیز تبحّر داشت . او شاعری چیره دست بود و از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام روایت کرده است . حمران در سال 148 ق ، و به قولی ، حدود سال 130 ق ، در گذشت .

444.عنه صلى الله عليه و آله (فى حِجَّهِ الوَداعِ) رجال الكشّى عن هشام بن الحكم عن الإمام الصّادق عليه السلام :سَمِعتُهُ يَقُولُ : حُمرانُ مُؤمِنٌ ، لا يَرتَدُّ أَبَدا .

ثُمَّ قال : نِعْمَ الشَّفِيعُ أَنا وَآبائِى لِحُمرانَ بنِ أَعيَنَ يَومَ القِيامَهِ ، نَأخُذُ بِيَدِهِ وَلا نُزايِلُهُ حَتّى نَدخُلَ الجَنَّهَ جَمِيعا . (1)445.عنه صلى الله عليه و آله (يَومَ الغَدِيرِ) رجال الكشّى عن بكير بن أعين :حَجَجتُ أَوَّلَ حِجَّهٍ فَصِرتُ إِلى مِنى ، فَسَأَلتُ عَن فُسطاطِ أَبِى عَبدِ اللّهِ عليه السلام ، فَدَخَلتُ عَلَيهِ ، فَرَأَيتُ فِى الفُسطاطِ جَماعَهً ، فَأَقبَلتُ أَنظُرُ فِى وُجُوهِهِم ، فَلَم أَرَهُ فِيهِم ، وَكانَ فِى ناحِيَهِ الفُسطاطِ يَحتَجِمُ .

فَقالَ : هَلُمَّ إِلَىَّ ! ثُمَّ قالَ : يا غُلامُ ، أَمِن بَنِى أَعيَنَ أَنتَ ؟ قُلتُ : نَعَم جَعَلَنِىَ اللّهُ فِداکَ . قالَ : أَيُّهُم أَنتَ ؟ قُلتُ : أَنا بُكَيرُ بنُ أَعيَنَ ، قالَ لِى : ما فَعَلَ حُمرانُ ؟ قُلتُ : لَم يَحُجَّ العامَ عَلى شَوقٍ شَدِيدٍ مِنهُ إِلَيکَ ، وَهُوَ يَقرَأُ عَلَيکَ السَّلامَ ، فَقالَ : عَلَيکَ وَعَلَيهِ السَّلامُ ، حُمرانُ مُؤمِنٌ مِن أَهلِ الجَنَّهِ ، لا يَرتابُ أَبَدا ، لا وَاللّهِ لا وَاللّهِ ، لا تُخبِرهُ . (2)2 . زَيدٌ الشَّحّامُ (3)447.الإمام علىّ عليه السلام :رجال الكشّى عن زيد الشَحّام :دَخَلتُ عَلى أبى عَبدِاللّهِ عليه السلام فَقالَ لى : يا زَيدُ ، جَدِّدِ التَّوبَهَ ، وأحدِث عِبادَهً .

قالَ : قُلتُ : نُعِيَت إلَىَّ نَفسى؟

قالَ : فَقالَ لى : يا زَيدُ ، ما عِندَنا لَکَ خَيرٌ ، وأنتَ مِن شيعَتِنا ، إلَينَا الصِّراطُ ، وإلَينَا الميزانُ ، وإلَينا حِسابُ شيعَتِنا ، وَاللّهِ لَأَنا لَكُم أرحَمُ مِن أحَدِكُم بِنَفسِهِ . يا زَيدُ ، كَأَنّى أنظُرُ إلَيکَ فى دَرَجَتِکَ مِنَ الجَنَّهِ ورَفيقُکَ فيهَا الحارِثُ بنُ المُغيرَهِ النَّصرِىُّ . (4) .

1- .رجال الكشّى : ج 2 ص 418 الرقم 314 ، الاختصاص : ص 196 وليس فيه «مؤمن لا يرتدّ أبدا» ، بحار الأنوار : ج 47 ص 352 ح 57 .
2- .رجال الكشّى : ج 1 ص 416 ح 312 .
3- .قال النجاشى : زَيدُ بنُ يُونُسَ ، وقيلَ ابنُ موسى أبو أُسامَهَ الشَّحّامُ مَولى شَديدِ بنِ عَبدِالرَّحمنِ بنِ نَعيمٍ الأَزدِى الغامِدِى ، كُوفِيٌّ ، رَوى عَن أبى عَبدِاللّهِ وأبى الحَسَنِ عليهماالسلام ، وقالَ الشيخُ : زَيدُ الشَّحّامُ يُكَنّى أبا أُسامَهَ ، ثِقَهٌ ، وعَدَّهُ المُفيدُ مِن الأعلامِ الرُّؤَساء المَأخُوذِ عَنهُمُ الحَلالُ

والحَرامُ والفُتيا والأحكامُ ، الّذينَ لامَطعَنَ عَلَيهِم ولا طَريقَ إلى ذَمِّ واحِدٍ مِنهُم (راجع : معجم رجال الحديث : ج 8 ص 376) .
4- .رجال الكشى : ج 2 ص 1628 ح 619 ، بحارالأنوار : ج 68 ص 114 ح 30 .

2 . زید شحّام

448.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :رجال الکشّی به نقل از هشام بن حکم :شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرماید : «حمران ، مؤمن است و هرگز از ایمانش بر نمی گردد».

سپس فرمود : «من و پدرم ، شفیعان خوبی برای حمران بن اَعیَن در روز قیامت خواهیم بود . دستش را می گیریم و او را رها نمی کنیم تا با هم وارد بهشت شویم ».449.عنه صلی الله علیه و آله :رجال الکشّی به نقل از بُکَیر بن اَعیَن :برای نخستین بار به حج رفتم . ره سپار مِنا شدم و سراغ خیمه امام صادق علیه السلام را گرفتم و وارد خیمه شدم . جماعتی در خیمه حضور داشتند . به چهره هایشان نگریستم . امام علیه السلام را در میانشان ندیدم . متوجّه شدم که در گوشه چادر ، حجامت می کند . فرمود : «نزد من بیا» و سپس فرمود : «ای جوان ! تو از فرزندان اَعیَن هستی؟» .

گفتم : بله ، خدا مرا فدایت کناد !

فرمود : «کدام یکی شان؟» . گفتم : بکیر بن اعین هستم . فرمود : «حُمران چه می کند؟» . گفتم : با آن که بسیار مایل به دیدار شما بود ، امسال به حج نیامد ، و به شما سلام رساند . فرمود : «سلام بر هر دوی شما ! حمران ، مؤمنی اهل بهشت است . هرگز شک نمی کند . نه ، به خدا ! نه ، به خدا ! [این را] به خودش مگو» .2 . زید شحّام
1451.الأمالی للصدوق عن ابن عبّاس :رجال الکشّی به نقل از زید شَحّام :بر امام صادق علیه السلام وارد شدم . به من فرمود : «ای زید ! توبه ای دیگر نما و عبادتی را به جا بیاور» .

گفتم : آیا خبر مرگم را می دهی؟

فرمود : «ای زید ! آنچه در نزد ماست ، برای تو بهتر است و تو از شیعیان ما هستی . راه [آخرت] ، به سوی ماست و میزان و حساب [اعمالِ] شیعیان ما ، بر عهده ماست . به خدا سوگند ، من به شما مهربان تر از شما به خودتان هستم . ای زید ! گویا من به تو می نگرم که در جایگاه

بهشتی ات به همراه حارث بن مغیره نصری ، قرار گرفته ای» .3 . عِلباء (1)

.

1- .علباء بن دَرّاع اسدی ، از اصحاب امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام و شیعه ای جلیل القدر و ممدوح است . در روزگار امام صادق علیه السلام ، والی بنی امیّه در بحرین بود و در همان ایّام در گذشت.

3 . عِلباءُ (1)454.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (لِعَلِيٍّ عليه السلام) رجال الكشّى عن أبى بصير :إنَّ عِلباءَ الأَسَدِيَّ وُلِّىَ البَحرَينَ فَأفادَ سَبعَمِئَةِ أَلفِ دينارٍ ودَوابَّ ورَقيقا ، قالَ : فَحَمَلَ ذلِكَ كُلَّهُ حَتّى وَضَعَهُ بَينَ يَدَى أبى عَبدِاللّهِ عليه السلام ، ثُمَّ قالَ : إنّى وُلّيتُ البَحرَينَ لِبَنى اُمَيَّةَ ، وأفَدتُ كَذا وكَذا ، وقَد حَمَلتُهُ كُلَّهُ إلَيكَ ، وعَلِمتُ أنَّ اللّهَ عز و جل لَم يَجعَل لَهُم مِن ذلِكَ شَيئا ، وأنَّهُ كُلَّهُ لَكَ .

فَقالَ لَهُ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : هاتِهِ ! فَوَضَعَ بَينَ يَدَيهِ ، فَقالَ لَهُ : قَد قَبِلنا مِنكَ ، ووَهَبناهُ لَكَ ، وأحلَلناكَ مِنهُ ، وضَمِنّا لَكَ عَلَى اللّهِ الجَنَّةَ .
(2)455.صحيح مسلم عن سعيد بن المسيّب عن عامر بن سعد بن أبرجال الكشّى عن أبى بصير :دَخَلتُ عَلى أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام فَقالَ لى : حَضَرتَ عِلباءَ عِندَ مَوتِهِ ؟ قالَ : قُلتُ : نَعَم ، وأخبَرَنى أنّكَ ضَمِنتَ لَهُ الجَنَّةَ وَسَأَلَنِى أن أُذكِّرَكَ ذَلِكَ ، قالَ : صَدَقَ . قالَ : فَبَكَيتُ ثُمَّ قُلتُ : جُعِلتُ فِداكَ ، فَما لِى ! أَلَستُ كَبيرَ السِّنِّ الضَّعيفَ الضَّريرَ البَصيرَ المُنقَطِعَ إلَيكُم ؟ فَاضمَنها لى . قالَ : قَد فَعَلتُ . قالَ : قُلتُ : اِضمَنها عَلى آبائِكَ وسَمَّيتُهُم واحدا واحدا قالَ : قَد فَعَلتُ . قُلتُ : فَاضمَنها لى عَلى رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله . قالَ : قَد فَعَلتُ . قالَ : قُلتُ : فَاضمَنها لى عَلَى اللّهِ تَعالى . قالَ :

فَأَطرَقَ ، ثُمَّ قالَ : قَد فَعَلتُ . (3) .

1- .عِلباءُ بنُ دَرّاعٍ الأَسَدِيُّ مِن أَصحابِ الإمامِ الباقِرِ وَالإمامِ الصّادِقِ عليهماالسلام إمامِيٌّ جَلِيلُ القَدرِ مَمدُوحٌ ، كانَ والِياً عَلَى البَحرَينِ لِبَنِى أُمَيَّةَ فِى عَهدِ الإمامِ الصّادِقِ عليه السلام ، وَماتَ فِى أَيّامِهِ (راجع : معجم رجال الحديث : ج 11 ص 179 الرقم 7791 و ج 2 ص 389 الرقم 2190) .
2- .رجال الكشى : ج 2 ص 453 ح 352 ، بحارالأنوار : ج 96 ص 194 ح 19 .
3- .رجال الكشّى : ج 1 ص 400 ح 289 و ج 2 ص 453 ح 351 ، نقد الرجال : ص 223 فيهما «أبا جعفر عليه السلام » بدل «أبى عبد اللّه عليه السلام » .

3 . عِلباء

456.تاریخ دمشق عن عامر بن سعد :رجال الکشّی به نقل از ابو بصیر :عِلباء اسدی، والی بحرین شد و مبلغ هفتصد هزار دینار و تعدادی چارپا و برده به دست آورد . همه اینها را بُرد و در برابر امام صادق علیه السلام گذاشت و گفت : من از سوی بنی امیّه ، والی بحرین شدم و فلان مقدار، ثروت به دست آورده ام و همه اش را خدمت شما آورده ام و می دانم که خداوند عز و جلهیچ مبلغی از آن را برای آنان روا ندانسته و همه اش برای شماست . امام صادق علیه السلام به او فرمود : «آنها را بیاور» .

او آنها را آورد و در برابر ایشان قرار داد. امام علیه السلام به او فرمود : «از تو پذیرفتیم و به تو بخشیدیم و برایت حلال کردیم و بهشت را از جانب خدا برایت ضامن شدیم» .457.تاریخ بغداد عن جابر :رجال الکشّی به نقل از ابو بصیر :خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم . به من فرمود : «هنگام درگذشت عِلباء ، تو حضور داشتی؟». گفتم : آری . او به من گفت که شما بهشت را برایش ضمانت کرده اید و از من خواست که این مطلب را به شما بگویم . امام علیه السلام فرمود : «راست گفته است». من گریستم و گفتم : فدایت شوم ! پس منِ سال خورده ناتوانِ کورِ ارادتمند شما، چه؟ برای من هم ضمانت فرما . فرمود : «ضمانت کردم» . گفتم : به حقّ پدرانت ، آن را برایم ضمانت کن . آن گاه ، نام یکایک آن بزرگواران را بردم . فرمود : «ضمانت کردم» . گفتم : به حقّ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آن را برایم ضمانت کن . فرمود : «ضمانت کردم» . گفتم : به حقّ خدای متعال، آن را برایم ضمانت کن .

آن گاه، امام علیه السلام مدّتی سرش را پایین انداخت و سپس فرمود : «ضمانت کردم».

.

458.تاريخ بغداد عن سويد بن غفله عن عمر بن الخطّاب :الاصول السته عشر عن أبى بصير :دَخَلتُ عَلى عِلباءَ (هُوَ ابنُ دَرّاعٍ الأَسَدِىُّ) وهُوَ مَريضٌ ، فَقالَ : يا أبا بَصيرٍ ! شَعَرتُ أنَّ أبا جَعفَرٍ عليه السلام (1) قَد ضَمِنَ لِىَ الجَنَّةَ . قُلتُ : ضَمِنَ لَکَ الجَنَّةَ؟ قالَ : إى وَاللّهِ . فَانطَلَقتُ أنا بَعدَ ذلِکَ حَتّى دَخَلتُ عَلى أبى جَعفَرٍ عليه السلام ، فَقالَ لى أوَّلَ ما رَآنى : وهَلَکَ عِلباءُ ؟ قالَ : قُلتُ : إى وَاللّهِ ، قالَ : فَما قالَ لَکَ ؟ قالَ : قُلتُ : أخبَرَنى أنَّکَ ضَمِنتَ لَهُ الجَنَّةَ ، قالَ : صَدَقَ وَاللّهِ . (2)459.تاريخ بغداد عن المهدىّ العبّاسى :تهذيب الأحكام عن الحسين بن سعيد ، عن محمد بن أبى عمير عن الحكم بن علباء الأسدى :وُلِّيتُ البَحرينَ فَأَصَبتُ بِها مالاً كَثيرا ، فَأَنفَقتُ وَاشتَرَيتُ ضِياعا كَثيرَةً ، وَاشتَرَيتُ رَقيقا وَاُمَّهاتِ أولادٍ ، ووُلِدَ لى ، ثُمَّ خَرَجتُ إلى مَكَّةَ فَحَمَلتُ عِيالى واُمَّهاتِ أولادى ونِسائى ، وحَمَلتُ خُمسَ ذلِکَ المالِ ، فَدَخَلتُ عَلى أبى جَعفَرٍ عليه السلام فَقُلتُ لَهُ : إنّى وُلِّيتُ البَحرَينَ فَأَصَبتُ بِها مالاً كَثيرا ، وَاشتَرَيتُ مَتاعا ، وَاشتَرَيتُ رَقيقا ، وَاشتَرَيتُ اُمَّهاتِ أولادٍ ، ووُلِدَ لى وأنفَقتُ ، وهذا خُمسُ ذلِکَ المالِ ، وهؤُلاءِ اُمَّهاتُ أولادى ونِسائى قَد أتَيتُکَ بِهِ .

فَقالَ : أما إنَّهُ كُلَّهُ لَنا ، وقَد قَبِلتُ ما جِئتَ بِهِ ، وقَد حَلَّلتُکَ مِن اُمَّهاتِ أولادِکَ

ونِسائِکَ وما أنفَقتَ ، وضَمِنتُ لَکَ عَلَىَّ وعَلى أبِىَ الجَنَّةَ . (3) .

1- .الأحاديث المرويه عن علباء ورد بعضها عن الإمام الصادق عليه السلام و بعضها عن الإمام الباقر عليه السلام و بعضها عن الحكم بن علباء عن الإمام الباقر عليه السلام وقد توفى علباء فى زمن الإمام الصادق عليه السلام كما فى كتب الرجال، وهذه الحادثه تتعلّق باحتضار علباء و عليه فروايتها عن الإمام الباقر عليه السلام خطأ والصحيح كونها عن الإمام الصادق عليه السلام كما أشار الى ذلک فى معجم رجال الحديث ، كما ان ما ورد فى الروايات عن الحكم بن علباء كالخبر الآتى هو تصحيف أيضا و صحيحه «الحكم عن علباء» كما صرح بذلک السيد الداماد. و عليه فتكرر الحادثه لعلباء أو لعلباء تاره ولابنه اخرى بعيد (راجع : معجم رجال الحديث : ج 11 ص 180 181) .

2- .الاُصول السته عشر : ص 248 ح 315 .

3- .تهذيب الأحكام : ج 4 ص 137 ح 385 ، الاستبصار : ج 2 ص 58 ح 190 ، وسائل الشيعه : ج 4 ص 368 ح 12640 .

460.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :الاُصول الستّه عشر به نقل از ابو بصیر :بر عِلباء (فرزند دَرّاع اسدی) وارد شدم، در حالی که بیمار بود . گفت : ای ابو بصیر ! احساس کردم که امام باقر علیه السلام (1) بهشت را برایم تضمین نمود .

گفتم : برایت بهشت را تضمین نمود ؟ گفت : آری ، به خدا .

پس از آن ماجرا رفتم تا به خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم . اوّلین چیزی که پس از دیدن من فرمود، پرسید : «عِلباء مُرد؟».

گفتم : آری، به خدا . فرمود : «به تو چه گفت ؟».

گفتم : به من گفت که شما بهشت را برایش تضمین کرده اید .

فرمود : «به خدا سوگند ، راست گفته است» .461.عنه صلی الله علیه و آله (مُشیرا إلی عَلِیٍّ علیه السلام) تهذیب الأحکام به نقل از حسین بن سعید ، از محمّد بن ابی عمیر ، از حکم بن عِلباء اسدی :والی بحرین شدم و مال فراوانی به دست آوردم . مقداری را انفاق کردم و املاک بسیاری خریدم و نیز تعدادی غلام و کنیز خریدم . یکی از کنیزانم برایم بچّه ای آورد . آن گاه به مکّه رفتم و عائله و کنیزان و زن هایم را هم با خود بردم و یک پنجمِ مالم را هم با خود بردم . خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم و به ایشان گفتم : من والی بحرین شدم و مال فراوانی به دست آوردم . اجناسی خریدم و غلام و کنیز خریدم و یکی از کنیزانم برایم بچّه ای آورد . مقداری را نیز انفاق کردم و این هم یک پنجمِ مالم است و اینان، کنیزان و زنانم هستند که خدمت شما آورده ام .

فرمود : «همه آنها مال ماست . هر چه آورده ای، می پذیرم و کنیزان و زنانت و هر چه را بخشیده ای، حلال می کنم . خودم و پدرم ، عهده دار می شویم که بهشت را برایت تضمین کنیم» .4 . عیسی بن ابی منصور (2) .

1- .در نقل های گوناگون این حدیث ، برخی امام صادق علیه السلام ، برخی امام باقر علیه السلام و برخی دیگر ، حکم بن علباء از امام باقر علیه السلام نقل کرده اند . بر اساس کتاب های رجال ، علباء ، در زمان امام

صادق علیه السلام از دنیا رفته است و از آن جا که این قضیّه مربوط به حال احتضار علباء است ، نقل از امام باقر علیه السلام ، اشتباه است و باید از امام صادق علیه السلام باشد ، چنان که در معجم رجال الحدیث (ج 11 ص 180 181) به این مطلب اشاره شده است . نیز آنچه در نقل ، «حکم بن علباء» آمده ، تصحیف «حکم عن علباء» است ، چنان که میر داماد به آن تصریح کرده است . بنا بر این ، تکرار این واقعه برای علباء و یا اتّفاق آن ، هم برای خود علباء و هم برای فرزندش بعید است .

2- .عیسی بن ابی منصور ، ابو صالح ، از موالی ، اهل کوفه ، از اصحاب امام صادق علیه السلام ، معروف به شَلَقان ، و از فضلا و نیکان بود . در مدح او ، احادیثی از امام صادق علیه السلام رسیده است .

4 . عِيسَى بنُ أَبِى مَنصُورٍ (1)464.الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلامرجال الكشّى عن إبراهيم بن علىّ :كانَ أبُو عَبدِ اللّهِ علِيه السلام إذا رَأى عِيسَى بنِ أَبِى مَنصُورٍ قالَ : مَن أَحَبَّ أَن يَرى رَجُلاً مِن أَهلِ الجَنَّهِ فَليَنظُر إِلى هذا . (2)5 . فَتَىً مِن كُتّابِ بَنى أُمَيَّة466.فضائل الصحابه عن محدوج بن زيد :الكافى عن علىّ بن أبى حمزه :كانَ لى صَديقٌ مِن كُتّابِ بَنى أُمَيَّهَ ، فَقالَ لى : إستَأذِن لى عَلى أبى عَبدِ اللّهِ علیه السلام ، فَاستَأذَنتُ لَهُ عَلَيهِ ، فَأَذِنَ لَهُ ، فَلَمّا أن دَخَلَ سَلَّمَ وجَلَسَ ، ثُمَّ قالَ: جُعِلتُ فِداکَ إنّى كُنتُ فى ديوانِ هؤُلاءِ القَومِ فَأَصَبتُ مِن دُنياهُم مالاً كَثيرا وأغمَضتُ فى مَطالِبِهِ؟

فَقالَ أبو عَبدِ اللّهِ علیه السلام : لَو لا أنَّ بَنى أُمَيَّهَ وَجَدوا مَن يَكتُبُ لَهُم ويَجبى لَهُمُ الفَيءَ ويُقاتِلُ عَنهُم ويَشهَدُ جَماعَتَهُم لَمّا سَلَبونا حَقَّنا . ولَو تَرَكَهُمُ النّاسُ وما فى أيديهِم ما وَجَدوا شَيئا إلّا ما وَقَعَ فى أيديهِم .

قالَ: فَقالَ الفَتى: جُعِلتُ فِداکَ ، فَهَل لى مَخرجٌ مِنهُ؟ قالَ: إن قُلتُ لَکَ تَفعَلُ؟ قالَ: أفعَلُ، قالَ لَهُ: فَاخرُج مِن جَميعِ مَا اكتَسَبَت فى ديوانِهِم فَمَن عَرَفتَ مِنهُم رَدَدتَ

عَلَيهِ مالَهُ ، ومَن لَم تَعرِف تَصَدَّقتَ بِهِ وأنَا أضمَنُ لَکَ عَلَى اللّهِ عَزَّوجَلَّ الجَنَّهَ .

قالَ: فَأَطرَقَ الفَتى رَأسَهُ طَويلاً ثُمَّ قالَ: قَد فَعَلتُ جُعِلتُ فِداکَ .

قالَ ابنُ أبى حَمزَهَ: فَرَجَعَ الفَتى مَعَنا إلَى الكوفَهِ فَما تَرَکَ شَيئا عَلى وَجهِ الأَرضِ الّا خَرَجَ مِنهُ حَتّى ثِيابَهُ الَّتى كانَت عَلى بَدَنِهِ . قالَ: فَقَسَّمتُ لَهُ قِسمَهً وَاشتَرَينا لَهُ ثِيابا وبَعَثنا إلَيهِ بِنَفَقَهٍ . قالَ: فَما أتى عَلَيهِ الّا أشهُرٌ قَلائِلُ حَتّى مَرِضَ ، فَكُنّا نَعودُهُ .

قالَ: فَدَخَلتُ عَلَيهِ يَوما وهُوَ فِى السّوقِ ، قالَ: فَفَتَحَ عَينَيهِ ثُمَّ قالَ لى: يا عَلِيُّ وَفى لى وَاللّهِ صاحِبُکَ . قالَ : ثُمَّ ماتَ ، فَتَوَلَّينا أمرَهُ ، فَخَرَجتُ حَتّى دَخَلتُ عَلى أبى عَبدِ اللّهِ علیه السلام ، فَلَمّا نَظَرَ إلَىَّ قالَ: يا عَلِيُّ وَفَينا وَاللّهِ لِصاحِبِکَ ! قالَ: فَقُلتُ: صَدَقتَ جُعِلتُ فِداکَ ، هکَذا وَاللّهِ قالَ لى عِندَ مَوتِهِ. (3) .

1- .عِيسَى بنُ أبِى مَنصُورٍ أبُو صالِحٍ مَولَى كُوفِىٍّ مِن أصحابِ الصّادِقِ عليه السلام ، المَعرُوفُ بِشَلَقانَ ، مِن الفُضَلاءِ وَالأخيارِ ، وَرَدَ فِى مَدحِهِ رِواياتٌ عَنِ الإمامِ الصّادِقِ عليه السلام (راجع : رجال الكَشّى : ج 2 ص 622 و رجال الطوسى : ص 258 الرقم 556 و خلاصه الأقوال : ص 215 الرقم 706 و التحرير الطاووسى : ص 200 الرقم 297 و معجم رجال الحديث : ج 13 ص 176 الرقم 9151 و ص 210 الرقم 9233) .
2- .رجال الكشّى : ج 2 ص 621 ح 599 ، رجال ابن داوود : ص 148 الرقم 1162 ، التحرير الطاووسى : ص 200 الرقم 297 ، نقد الرجال : ص 260 .
3- .الكافى : ج 5 ص 106 ح 4 ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 331 ح 920 ، المناقب لابن شهرآشوب : ج 4 ص 240 ، بحار الأنوار : ج 47 ص 383 ح 105 .

4 . عیسی بن ابی منصور

5 . جوانی از کاتبان بنی امیّه

467.الإمام علیّ علیه السلام :رجال الکشّی به نقل از ابراهیم بن علی :امام صادق علیه السلام هر گاه عیسی بن ابی منصور را می دید ، می فرمود : «هر که دوست دارد مردی از اهل بهشت را ببیند ، به این بنگرد » .5 . جوانی از کاتبان بنی امیّه469.تاریخ دمشق عن جابر بن عبد اللّه الأنصاری :الکافی به نقل از علی بن ابی حمزه :دوستی داشتم که از کاتبان بنی امیّه بود . به من گفت : از امام صادق علیه السلام برایم اجازه ملاقات بگیر .

من از امام علیه السلام اجازه خواستم و ایشان اجازه داد . چون به حضور ایشان رسید ، سلام کرد و نشست و سپس گفت : قربانت گردم ! من در دیوان این جماعت، کار می کردم و از دنیای آنان، به مال و منال فراوانی رسیده ام و برای به دست آوردن آن، چشم بر هم نهادم (به حلال و حرام توجّهی ننمودم) .

امام صادق علیه السلام فرمود : «اگر بنی امیّه کسی را نمی یافتند که برایشان دبیری کند و مالیات بگیرد و برای آنان بجنگد و در [نماز] جماعتشان حاضر شود، هرگز نمی توانستند حقّ ما را غصب کنند ! اگر مردم، آنها را با آنچه در دستشان است، تنها می گذاشتند، چیزی جز همانچه در دستشان افتاده بود، نمی یافتند» .

آن مرد جوان گفت : قربانت گردم ! آیا راهی برای بیرون آمدن از این [وضع]برایم هست؟

فرمود : «اگر برایت بگویم، انجام می دهی؟».

گفت : انجام می دهم .

فرمود : «خودت را از تمام آنچه در دیوانِ آنها به دست آورده ای، خلاص کن . کسانی را که می شناسی، مالشان را به آنها باز گردان و کسانی را

که نمی شناسی، از طرفشان صدقه بده . در این صورت ، من از طرف خداوند عز و جل ، بهشت را برایت ضمانت می کنم» .

مرد جوان، مدّتی طولانی سرش را پایین انداخت [و به تأمّل پرداخت] . سپس گفت : قربانت گردم ! چنین می کنم .

آن جوان با ما به کوفه باز گشت و خودش را از هر چه در عالم داشت، خلاص کرد ، حتّی از جامه ای که بر تن داشت . من قسمتی برایش تعیین کردم (1) و جامه هایی برایش خریدیم و با قدری خرجی، نزد او فرستادیم . چند ماهی نگذشت که او بیمار شد . ما به عیادتش می رفتیم . روزی که در حال جان کندن بود، من تنها در کنارش بودم . چشمانش را باز کرد و گفت : ای علی ! به خدا سوگند که آقایت به تعهّدش وفا کرد ! این را گفت و مُرد و ما او را به خاک سپردیم .

من آمدم تا بر امام صادق علیه السلام وارد شدم . همین که مرا دید، فرمود : «ای علی ! به خدا سوگند که در باره دوستت به تعهّدمان وفا کردیم» .

من گفتم : درست است، فدایت شوم ! به خدا سوگند که او نیز هنگام مرگش، همین را گفت.

.

1- .یعنی: برایش پولی جمع کردم .

6 . الفُضَيلُ بنُ يَسارٍ (1)471.تاريخ دمشق عن عبد اللّه بن جعفر :رجال الكشّى عن إبراهيم بن عبد اللّه :كانَ أَبُو عَبدِ اللّهِ عليهِ السلام إِذا رَأى الفُضَيلَ بنَ يَسارٍ قالَ : بَشِّرِ المُخبِتِينَ (2) ، مَن أَحَبَّ أَن يَنظُرَ رَجُلاً مِن أَهلِ الجَنَّهِ فَليَنظُر إِلى هذا . (3) .

1- .الفُضَيلُ بنُ يَسارٍ النَّهدِيُّ أَبُو القاسِمِ عَرَبِىٌّ بَصرِىٌّ صَمِيمٌ ثِقَهٌ ، رَوى عَن أَبِى جَعفَرٍ وَأَبِى عَبدِ اللّهِ عليهماالسلامو‌َماتَ فِى أَيَّامِهِ . وَهُوَ مِنَ الفُقَهاءِ الأَعلامِ وَالرُّؤَساءِ المَأخُوذِ مِنهُمُ الحَلالُ وَالحَرامُ وَالفُتيا وَالأَحكامُ . (راجع : معجم رجال الحديث : ج 13 ص 335 الرقم 9436) .
2- .المُخْبِتين : أى المُتَوَاضِعين (مفردات ألفاظ القرآن : ص 272) .
3- .رجال الكشّى : ج 2 ص 472 ح 377 .

6 . فُضَیل بن یسار

6 . فُضَیل بن یسار (1)473.تاریخ دمشق عن جابر :رجال الکشّی به نقل از ابراهیم بن عبد اللّه :امام صادق علیه السلام هر گاه فضیل بن یسار را می دید ، می فرمود : «فروتنان را بشارت باد ! هر که دوست دارد مردی از اهل بهشت را ببیند ، به این بنگرد» .

.

1- .ابو القاسم ، فُضَیل بن یسار نَهدی ، عرب و اصالتا بصری و ثقه بود و در زمان امام صادق علیه السلام در گذشت . او از فقهای برجسته و بزرگانی بود که احکام حلال و حرام و فتوا از آنان گرفته می شد . وی از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام ، روایت کرده است .

7 . مُعَلَّى بنُ خُنَيسٍ 1475.الطبقات الكبرى عن البراء بن عازب وزيد بن أرقم :رجال الكشّى عن إسماعيل بن جابر :دَخَلتُ عَلى أَبِى عَبدِ اللّهِ عليه السلام فَقالَ لِى : يا إِسماعِيلُ ، قُتِلَ المُعَلّى ؟ قُلتُ : نَعَم ، قالَ : أَما وَاللّهِ لَقَد دَخَلَ الجَنَّةَ . (1)17 / 7عِدَّهٌ مِن أَصحابِ الإِمامِ الكاظِمِ عليه السلام1 . عَلِيُّ بنُ يَقطِينٍ 3479.رسول اللّه صلى اللّه عليه و آله (لِأُمِّ سَلَمَةَ) رجال الكشّى عن عبد اللّه بن يحيى الكاهلىّ :كُنتُ عِندَ أَبِى إِبراهِيمَ عليه السلام إِذ أَقبَلَ عَلِيُّ بنُ يَقطِينٍ فَالتَفَتَ أَبُو الحَسَنِ عليه السلام إِلى أَصحابِهِ ، فَقالَ : مَن سَرَّهُ أَن يَرى رَجُلاً مِن أَصحابِ رَسُولِ اللّهِ صلى اللّه عليه و آله فَلْيَنظُر إِلى هذا المُقبِلِ ، فَقالَ لَهُ رَجُلٌ مِنَ القَومِ : هُو إِذا مِن أَهلِ الجَنَّهِ ؟ فَقالَ أَبُو الحَسَنِ عليه السلام : أَمّا أَنا فَأَشهَدُ أَنَّهُ مِن أَهلِ الجَنَّهِ . (2) .

1- .رجال الكشّى : ج 2 ص 679 الرقم 714 و ص 675 الرقم 707 ، التحرير الطاووسى : ص 281 الرقم 422 نحوه .
2- .رجال الكشّى : ج 2 ص 730 الرقم 810 ، معجم رجال الحديث : ج 12 ص 229 الرقم 6 .

7 . مُعَلّی بن خُنَیس

17 / 7 شماری از یاران امام کاظم علیه السلام

1 . علی بن یقطین

7 . مُعَلّی بن خُنَیس (1)481.عنه صلی الله علیه و آله (لِاُمِّ سَلَمَهَ) رجال الکشّی به نقل از اسماعیل بن جابر :به حضور امام صادق علیه السلام رسیدم . به من فرمود : «ای اسماعیل ! مُعَلّی کشته شد؟» .

گفتم : آری .

فرمود : «به خدا سوگند که وارد بهشت شد » .17 / 7شماری از یاران امام کاظم علیه السلام1 . علی بن یقطین (2)485.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (فی حَجَّهِ الوَداعِ) رجال الکشّی به نقل از عبد اللّه بن یحیی کاهلی :نزد امام کاظم علیه السلام بودم که علی بن یقطین از دور پیدا شد . امام کاظم علیه السلام رو به یارانش نمود و فرمود : «هر که خوش دارد مردی از یاران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را ببیند ، به این که می آید ، بنگرد» .

مردی از حاضران گفت : او اهل بهشت است ؟

امام کاظم علیه السلام فرمود : «من که گواهی می دهم از اهل بهشت است » .

.

1- .معلّی بن خنیس ، ابو عبد اللّه ، وابسته امام صادق علیه السلام و قبل از آن ، وابسته بنی اسد بود . وی اهل کوفه و بزّاز بود . در معجم رجال الحدیث (ج 13 ص 335) آمده است : او مردی بزرگوار و از شیعیان خالص امام صادق علیه السلام بود . احادیث فراوانی در مدح او آمده که برخی از آنها صحیح اند و در آنها تصریح شده که او اهل بهشت است . منشأ سخنانی که در تضعیف او گفته شده ، شهرت یافتنِ نسبت غلو به اوست .

2- .ابو الحسن علی بن یقطین بن موسی بغدادی ، به سال 124 ق ، در کوفه متولّد شد و وابسته بنی اسد بود و در بغداد ، ساکن شد . او نزد امام کاظم علیه السلام منزلت بسیاری داشت . در دستگاه حکومت ستمگر (عبّاسیان) کار می کرد ؛ امّا معتقد به امامت بود . او به سال 182 ق ، در روزگار امام کاظم علیه السلام در بغداد ، در گذشت.

486.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (فى مَعنى أُولِى الأَمرِ) رجال الكشّىّ عن زياد القندىّ عن على بن يقطين :أَنَّ أبا الحَسَنِ عليه السلام قَد ضَمِنَ لَهُ الجَنَّةَ . (1)487.كمال الدين عن جابر بن عبد اللّه الأنصارى :رجال الكشّى عن عبد الرحمن بن الحجّاج :قُلتُ لِأَبِى الحَسَنِ عليه السلام : إِنَّ عَلِيَّ بنَ يَقطِينٍ أَرسَلَنِى إِلَيكَ بِرِسالَةٍ أَسأَلُكَ الدُّعاءَ لَهُ ، فَقالَ فِى أَمرِ الآخِرَةِ ؟ قُلتُ : نَعَم ، قالَ : فَوَضَعَ يَدَهُ عَلى صَدرِهِ ، ثُمَّ قالَ : ضَمِنتُ لِعَلِيِّ بنِ يَقطِينٍ أَلّا تَمَسَّهُ النّارُ أَبَدا . (2)2 . هِشامُ بنُ الحَكَمِ (3)489.الكافى عن سليم بن قيس :رجال الكشّى عن أسد بن أبى العلاء :كَتَبَ أَبُو الحَسَنِ الأَوَّلِ عليه السلام إِلى مَن وافَى المَوسِمَ مِن شِيعَتِهِ فِى بَعضِ السِّنِينَ فِى حاجَةٍ لَهُ ، فَما قامَ بِها غَيرُ هِشامِ بنِ الحَكَمِ . قالَ : فَإِذا هُوَ قَد كَتَبَ عليه السلام : جَعَلَ اللّهُ ثَوابَكَ الجَنَّةَ يَعنِى هِشامَ بنَ الحَكَمِ . (4)17 / 8عِدَّهٌ مِن أَصحابِ الإِمامِ الرِّضا عليه السلام1 . صَفوانُ بنُ يَحيى (5)493.الإمام الصادق عليه السلام :رجال الكشّى عن معمّر بن خلّاد :رَفَعتُ [إِلى الرِّضا عليه السلام] ما خَرَجَ مِن غَلَّهِ إِسماعِيلَ بنِ

الخَطّابِ بِما أَوصى بِهِ إِلى صَفوانَ بنِ يَحيى ، فَقالَ : رَحِمَ اللّهُ إِسماعِيلَ بنِ الخَطّابِ بِما أَوصى بِهِ إِلى صَفوانَ بنِ يَحيى وَرَحِمَ صَفوانَ فَإِنَّهُما مِن حِزبِ آبائِى عليهم السلام ، وَمَن كانَ مِن حِزبِنا أَدخَلَهُ اللّهُ الجَنَّةَ . (6) .

1- .رجال الكشّى : ج 2 ص 729 الرقم 806 .
2- .رجال الكشّى : ج 2 ص 729 ح 807 ، معجم رجال الحديث : ج 12 ص 229 الرقم 3 .
3- .هِشامُ بنُ الحَكَمِ أَبُو مُحَمَّدٍ مَولى كِندَةَ ، مَولِدُه بِالكُوفَهِ وَمَنشَؤُهُ بِواسِطٍ وَتِجارَتُهُ بِبَغدادَ ، مِن أَصحابِ الصّادِقِ وَمِن خَواصِّ الكاظِمِ عليهماالسلام ، كانَ مِمَّن فَتَقَ الكَلامَ فِى الإِمامَهِ وَهَذَّبَ المَذهَبَ بِالنَّظَرِ ، وَكانَ حاذِقا بِصناعَهِ الكَلامِ وَكانَت لَهُ مُباحِثاتٌ كَثِيرَهٌ مَعَ المُخالِفِينَ فِى الأُصُولِ وَغَيرِها ، وَلَهُ مُصَنَّفاتٌ كَثِيرَهٌ ذَكَرَها أَصحابُ الرِّجالِ وَالتَّراجِمِ فِى كُتُبِهِم (راجع : رجال الكشّى : ج 2 ص 526 الرقم 475 ورجال النجاشى : ج 2 ص 397 الرقم 1165 وخلاصه الأقوال : ص 288 الرقم 1061 ونقد الرجال : ص 368 ومعجم رجال الحديث : ج 19 ص 271 الرقم 13329) .
4- .رجال الكشّى : ج 2 ص 548 الرقم 487 .
5- .صَفوانُ بنُ يَحيى أَبُو مُحَمَّدٍ البَجَلِىُّ بَيّاعُ السّابُرِىِّ (السابرىّ : من أجود الثياب ، والسابرىّ : ضرب من التمر . لسان العرب : ج 4 ص 342 «سبر»)

، كُوفِيٌّ ثِقهٌ ثِقهٌ عَينٌ ، رَوى عَنِ الرِّضا وَكانَت لَه عِندَهُ مَنزِلَهٌ شَرِيفَهٌ ، كانَ مِن الوَرَعِ وَالعِبادَهِ عَلى ما لَم يَكُن عَلَيهِ أَحَدٌ مِن طَبَقَتِهِ ، ماتَ سَنَهَ عَشرٍ وَمِئَتَينِ (راجع : رجال النجاشى : ج 1 ص 439 الرقم 522 والفهرست : ص 145 الرقم 356 ورجال ابن داوود : ص 111 الرقم 782 وخلاصه الأقوال : ص 170 الرقم 500 ونقد الرجال : ص 173) .
6- .رجال الكشّى : ج 2 ص 792 الرقم 961 .

2 . هشام بن حَكَم

17 / 8 شماری از یاران امام رضا علیه السلام

1 . صفوان بن یحیی

494.تفسیر العیّاشی عن عمرو بن سعید :رجال الکشّی به نقل از زیاد قندی، در باره علی بن یقطین :امام کاظم علیه السلام بهشت را برایش ضمانت کرد .495.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (فی وَصفِ عَلِیٍّ علیه السلام) رجال الکشّی به نقل از عبد الرحمان بن حَجّاج :به امام کاظم علیه السلام گفتم : علی بن یقطین توسّط من، نامه ای فرستاد و تقاضا کرد که برایش دعا کنید . فرمود : «برای آخرتش؟». گفتم : آری . ایشان دستش را بر سینه اش نهاد و سپس فرمود : «برای علی بن یقطین ضمانت می کنم که هرگز آتش به او نرسد».2 . هشام بن حَکَم (1)497.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :رجال الکشّی به نقل از اسد بن ابی العلاء :امام کاظم علیه السلام در یکی از سال ها به گروهی از شیعیانش که به موسم حج رفته بودند ، نامه ای نوشت که برای ایشان کاری انجام دهند و آن کار را کسی غیر از هشام بن حکم انجام نداد . امام علیه السلام نوشت : «خداوند ، پاداش تو را بهشت قرار دهد !» و منظورش هشام بن حکم بود .17 / 8شماری از یاران امام رضا علیه السلام1 . صفوان بن یحیی (2)501.عنه صلی الله علیه و آله :رجال الکشّی به نقل از مُعمَّر بن خلّاد :آن مقدار از عایدی غلّه اسماعیل بن خطّاب را که برای صفوان بن یحیی وصیّت کرده بود ، خدمت امام رضا علیه السلام بردم . فرمود : «خدا رحمت کند اسماعیل بن خطّاب را با این وصیّتی که برای صفوان بن یحیی کرده و نیز رحمت کند صفوان را ! هر دو ، شیعه پدران من بودند و هر که شیعه ما باشد ، خداوند ، او را به بهشت می برد» .

.

1- .ابو محمّد هشام بن حکم ، وابسته کِنده ، در کوفه به دنیا آمد ، در واسط ، نشو و نما یافت و در بغداد ، به تجارت مشغول گشت . از اصحاب امام صادق علیه السلام و از یاران خاصّ امام کاظم علیه السلام بود . از

جمله کسانی بود که باب گفتار در امامت را گشود و با مباحث نظری ، این مذهب را مهذّب ساخت . در علم کلام ، چیره دست بود و مباحثات فراوانی در باره عقاید و جز آن ، با مخالفان داشت . مصنّفات بسیاری دارد که صاحبان کتب رجالی و تراجم ، از آنها در کتاب های خود ، یاد کرده اند .
2- .ابو محمّد صفوان بن یحیی بَجَلی سابُری فروش (سابُری یا شاپوری ، از مرغوب ترین پارچه ها و نیز نوعی خرماست) ، کوفی ، کاملاً موثّق و معتبر بوده است . از امام رضا علیه السلام روایت کرده و نزد ایشان منزلت والایی داشته است . در ورع و عبادت ، هیچ یک از افرادِ هم طبقه اش به پای او نمی رسند . او در سال دویست و ده از دنیا رفت .

2 . عَبدُ الرَّحمنِ بنِ الحَجّاجِ (1)503.عنه صلى الله عليه و آله :رجال الكشّى عن أبى القاسم نصر بن الصباح :عَبدُ الرَّحمنِ بنُ الحَجّاجِ شَهِدَ لَهُ أَبُو الحَسَنِ عليه السلام بِالجَنَّهِ ، وَكانَ أَبُو عَبدِ اللّهِ عَلَيه السلام يَقُولُ لِعَبدِ الرَّحمنِ : يا عَبدَ الرَّحمنِ ، كَلِّم أَهلَ المَدِينَهِ ، فَإِنِّى أُحِبُّ أَن يُرى فِى رِجالِ الشّيعَهِ مِثلُكَ . (2)3 . عَلِىُّ بنُ عُبَيدِ اللّهِ بنِ الحُسينِ بنِ عَلِىِّ بنِ الحُسَينِ عليهماالسلام (3)505.عنه صلى الله عليه و آله :رجال الكشّىّ عن علىّ بن الحكم عن سليمان بن جعفر :قالَ لِى عَلِىُّ بنُ عُبَيدِ اللّهِ بنِ الحُسَينِ بنِ عَلِىِّ بنِ الحُسَينِ بنِ عَلِىِّ بنِ أَبِى طالِبٍ عليهم السلام : أَشتَهِى أَن أَدخُلَ عَلى أَبِى الحَسَنِ الرِّضا عليه السلام أُسَلِّمُ عَلَيهِ ، قُلتُ : فَما يَمنَعُكَ مِن ذلِكَ ؟ قالَ : الإِجلالُ وَالهَيبَهُ لَهُ ، وَأَتَّقِى عَلَيهِ .

قالَ : فَاعتَلَّ أَبُو الحَسَنِ عليه السلام عِلَّهً خَفِيفَهً وَقَد عادَهُ النّاسُ ، فَلَقِيتُ عَلِىَّ بنَ عُبَيدِ اللّهِ ،

فَقُلتُ : قَد جاءَكَ ما تُرِيدُ ، قَدِ اعتَلَّ أَبُو الحَسَنِ عليه السلام عِلَّهً خَفِيفَهً وَقَد عادَهُ النّاسُ ، فَإِن أَرَدتَ الدُّخُولَ عَلَيهِ فَاليَومَ .

قالَ : فَجاءَ إِلى أَبِى الحَسَنِ عليه السلام عائِدا ، فَلَقِيَهُ أَبُو الحَسَنِ عليه السلام بِكُلِّ ما يُحِبُّ مِن التَّكرِمَهِ وَالتَّعظِيمِ ، فَفَرِحَ بِذلِكَ عَلِىُّ بنُ عُبَيدِ اللّهِ فَرَحا شَدِيدا .

ثُمَّ مَرِضَ عَلِىُّ بنُ عُبَيدِ اللّهِ فَعادَهُ أَبُو الحَسَنِ عليه السلام وَأَنا مَعَهُ ، فَجَلَسَ حَتّى خَرَجَ مَن كانَ فِى البَيتِ . فَلَمّا خَرَجنا أَخبَرَتنِى مَولاهُ لَنا أَنَّ أُمَّ سَلَمَهَ امرَأَهَ عَلِىِّ بنِ عُبَيدِ اللّهِ كانَت مِن وَراءِ السِّترِ ، تَنظُرُ إِلَيهِ [عليه السلام] ، فَلَمّا خَرَجَ خَرَجَت وَانكَبَّت عَلى المَوضِعِ الَّذِى كانَ أَبُو الحَسَنِ عليه السلام فِيهِ جالِسا تُقَبِّلُهُ وَتَتَمَسَّحُ بِهِ .

قالَ سُلَيمانُ : ثُمَّ دَخَلتُ عَلى عَلِىِّ بنِ عُبَيدِ اللّهِ ، فَأَخبَرَنِى بِما فَعَلَت أُمُّ سَلَمَهَ ، فَخَبَّرتُ بِهِ أَبا الحَسَنِ عليه السلام ، فَقالَ : يا سُلَيمانُ ، إِنَّ عَلِىَّ بنَ عُبَيدِ اللّهِ وَامرَأَتَهُ وَوُلدَهُ مِن أَهلِ الجَنَّهِ .

يا سُلَيمانَ ، إِنَّ وُلدَ عَلِىٍّ وَفاطِمَهَ عليهماالسلام إِذا عَرَّفَهُمُ اللّهُ هذا الأَمرَ لَم يَكُونُوا كَالنّاسِ . (4) .

1- .عَبدُ الرَّحمنِ بنِ الحَجّاجِ البَجَلِیُّ مَولاهُم کُوفِیٌّ ، بَیّاعُ السّابُرِیِّ ، سَکَنَ بَغدادَ کانَ ثِقةً ثَقةً ثَبتا وَجها ، کانَ وَکِیلاً لِأَبِی عَبدِ اللّهِ ، وَماتَ فِی عَصرِ الإِمامِ الرِّضا علیهماالسلام عَلی وَلایَتِهِ (راجع : رجال النجاشی : ج 2 ص 49 الرقم 628 و خلاصه الأقوال : ص 204 الرقم 650 و رجال ابن داوود : ص 128 الرقم 949 و نقد الرجال : ص 184) .
2- .رجال الکشّی : ج 2 ص 741 الرقم 830 ، نقد الرجال : ص 185 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 405 ، وراجع : التحریر الطاووسی : ص 193 الرقم 281 .
3- .کانَ مِن خَواصِّ الإِمامَینِ الکاظِمِ وَالرِّضا علیهماالسلام ، وَعادَهُ الإِمامُ الرِّضا علیه السلام حِینَ مَرَضِهِ ، وَفِیهِ حَدِیثٌ یَدُلُّ عَلی جَلالَتِهِ وَإِخلاصِهِ وَتَشَیُّعِهِ. کانَ أَزهَدَ آلِ أَبِی طالِبٍ وَأَعبَدَهم فِی زَمانِهِ ، وَلَهُ کِتابٌ فِی الحَجِّ یَروِیهِ کُلَّهُ عَنِ الإِمامِ مُوسَی بنِ جَعفَرٍ علیهماالسلام (راجع : رجال النجاشی : ج 2 ص 80 الرقم 669 والتحریر الطاووسی : ص 181 الرقم 250 و نقد الرجال : ص 239 و معجم رجال الحدیث : ج 12 ص 87 الرقم 8301) .
4- .رجال الکشّی : ج 2 ص 856 الرقم 1109، الاختصاص: ص 89 ولیس فیه ذیله من «فلمّا خرجنا...»، خلاصه الأقوال : ص 183 الرقم 543 ، التحریر الطاووسی : ص 181 الرقم 250 ، بحار الأنوار : ج 49 ص 222 ح 15 .

2 . عبد الرحمان بن حَجّاج

3 . علی بن عبید اللّه بن حسین بن علی بن الحسین علیه السلام

2 . عبد الرحمان بن حَجّاج (1)507.عنه صلی الله علیه و آله :رجال الکشّی به نقل از ابو القاسم نصر بن صباح :امام رضا علیه السلام به بهشتی بودن عبد الرحمان بن حَجّاج ، گواهی داد و امام صادق علیه السلام به عبد الرحمان می فرمود : «ای عبد الرحمان ! برای مردم مدینه ، سخن بگو ؛ زیرا من دوست دارم که امثال تو در میان مردان شیعه دیده شوند» .3 . علی بن عبید اللّه بن حسین بن علی بن الحسین علیه السلام
(2)509.الإمام علیّ علیه السلام :رجال الکشّی به نقل از علی بن حکم ، از سلیمان بن جعفر :علی بن عبید اللّه بن حسین بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام به من گفت : دلم می خواهد برای عرض سلام ، خدمت امام الرضا علیه السلام برسم . من گفتم : پس چه چیز ، مانع تو از این کار می شود؟ گفت : شُکوه و هیبت ایشان . از ایشان می ترسم.

یک بار که امام رضا علیه السلام به بیماری خفیفی دچار شد و مردم به عیادتش می آمدند ، به علی بن عبید اللّه بر خوردم . به او گفتم : اکنون زمان آن چیزی که می خواهی ، رسیده است . امام رضا علیه السلام به اندک ناخوشی ای گرفتار شده است و مردم به عیادتش می آیند . اگر می خواهی به خدمتش برسی ، امروز وقت آن است.

علی بن عبید اللّه به عیادت امام رضا علیه السلام آمد . ایشان با او برخوردی در نهایت احترام و تکریم کرد و علی بن عبید اللّه از این برخورد امام علیه السلام ، بسیار شادمان شد.

بعدها علی بن عبید اللّه بیمار شد و امام رضا علیه السلام به عیادتش رفت و من نیز با ایشان بودم . امام علیه السلام آن قدر نشست که همه کسانی که در اتاق بودند ، رفتند . چون ما هم رفتیم ، خانمی که خدمتکار ما بود ، به ما گفت که اُمّ سلمه ، همسر علی بن عبید اللّه ، از پشت پرده به امام علیه السلام نگاه می کرد و امام علیه السلام که بیرون رفت ، از پشت پرده در آمد و خود را بر جایی که ایشان نشسته بود ، انداخت و شروع به بوسیدن آن و دست کشیدن بر آن کرد.

من بعد نزد على بن عبيد اللّه رفتم و او كارى را كه اَمّ سلمه كرده بود ، برايم گفت . من آن را براى امام رضا عليه السلام تعريف كردم . فرمود : «اى سليمان ! على بن عبيد اللّه و همسر و فرزندانش ، اهل بهشت اند .

اى سليمان ! فرزندان على و فاطمه ، هر گاه خداوند ، اين امر [امامت و ولايت] را به آنان بشناساند ، مانند ديگر مردمان نيستند» . (3)

.

1- .عبد الرحمان بن حَجّاج بَجَلى ، وابسته بَجَليان ، اهل كوفه و سابُرى فروش بود و در بغداد سكنا گزيد . كاملاً ثقه و مطمئن و موجّه بود و وكيل امام صادق عليه السلام بود . در روزگار امام رضا عليه السلام و با ولايت ايشان ، از دنيا رفت .
2- .از ياران خاصّ امام كاظم عليه السلام و امام رضا عليه السلام بود ، به طورى كه وقتى بيمار شد ، امام رضا عليه السلام شخصا به عيادتش رفت . حديثى در باره اش رسيده كه نشانگر مقام شامخ و اخلاص و تشيّع اوست . او زاهدترين و عابدترين فرد خاندان ابو طالب در روزگار خود بود . در باره حج ، كتابى دارد كه همه آن را از امام كاظم عليه السلام روايت كرده است .
3- .يعنى اگر به امامت و ولايت ما اعتقاد پيدا كنند ، با تمام وجود به آن عشق مى ورزند .

4 . يُونُسُ بنُ عَبدِ الرحمنِ 1511.عنه صلى الله عليه و آله (فى يَومِ بَنِى النَّضيرِ) رجال الكشّى عن محمّد بن الحسن الواسطىّ وجعفر بن عيسى ومحمّد بن يونس :إِنَّ الرِّضا عليه السلام ضَمِنَ لِيُونُسَ الجَنَّةَ ثَلاثَ مَرّاتٍ . (1) .

1- .رجال الكشّى : ج 2 ص 779 ح 911 ، خلاصه الأقوال : ص 297 الرقم 1103 ، التحرير الطاووسى : ص 316 الرقم 462 ، نقد الرجال : ص 382 .

4 . يونس بن عبد الرحمان

4 . يونس بن عبد الرحمان 1513.الأمالى للطوسى عن حذيفه بن اليمان رجال الكشّى به نقل از محمّد بن حسن واسطى و جعفر بن عيسى و محمّد بن يونس :امام رضا عليه السلام سه مرتبه بهشت را براى يونس ضمانت نمود .

.

514.الإمام الصادق عليه السلام (فى ذِكرِ مَن أنكَرَ عَلى أبى بَكرٍ فِعلَهُ وجُل) رجال الكشّى عن جعفر بن عيسى اليقطينىّ ومحمّد بن الحسن :إِنَّ أَبا جَعفَرٍ عليه السلام ضَمِنَ لِيُونُسَ بنِ عَبدِ الرَّحمنِ الجَنَّةَ عَلى نَفسِهِ وَآبآئِهِ عليهم السلام . (1)515.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :رجال الكشّىّ عن يونس بن عبد الرحمن :إِنَّ أَبا الحَسَنِ عليه السلام ضَمِنَ لِىَ الجَنَّةَ مِنَ النّارِ . (2)17 / 9عِدَّهٌ مِن أصحابِ الإمامِ الجَوادِ عليه السلام1 . إبراهيمُ بنُ أَبِى مَحمُودٍ (3)519.عنه صلى الله عليه و آله :رجال الكشّى عن إبراهيم بن أبى محمود :دَخَلتُ عَلى أَبِى جَعفَرٍ عليه السلام وَمَعِىَ كُتُبٌ إِلَيهِ مِن أَبِيهِ ، فَجَعَلَ يَقرَؤُها وَيَضَعُ كِتابا كَثِيرا عَلى عَينَيهِ ، وَيَقُولُ : خَطُّ أَبِى وَاللّهِ ! وَيَبكِى حَتّى سالَت دُمُوعُهُ عَلى خَدَّيهِ .

فَقُلتُ لَهُ : جُعِلتُ فِداكَ ، قَد كانَ أَبُوكَ رُبَّما قالَ لِى فِى المَجلِسِ الواحِدِ مَرّاتٍ : أَسكَنَكَ اللّهُ الجَنَّةَ ، أَدخَلَكَ اللّهُ الجَنَّةَ . قالَ : فَقالَ : وَأَنا أَقُولُ : أَدخَلَكَ اللّهُ الجَنَّةَ ، فَقُلتُ : جُعِلتُ فِداكَ ، تَضمَنُ لِى عَلى رَبِّكَ أَن يُدخِلَنِى الجَنَّةَ ؟ قالَ : نَعَم ، قالَ : فَأَخَذتُ رِجلَهُ فَقَبَّلتُها . (4) .

1- .رجال الكشّى : ج 2 ص 779 ح 912 .
2- .رجال الكشّى : ج 2 ص 784 ح 936 .
3- .إبراهِيمُ بنُ أَبِى مَحمُودٍ الخُراسانىُّ ، ثِقَهٌ مَولى . رَوى عَنِ الرِّضا عليه السلام وَعاشَ بَعدَهُ ، وَقَعَ إِبراهيمُ بنُ أَبِى مَحمُودٍ فِى إسنادِ عِدَّهٍ مِن الرِّواياتِ تَبلُغُ اثنَينِ وَثَلاثِينَ مَوردا (راجع : رجال النجاشى : ج 1 ص 107 ح 42 ورجال الطوسى : ص 351 الرقم 5204 وخلاصه الأقوال : ص 47 الرقم 3 والتحرير الطاووسى : ص 33 الرقم 10 ومعجم رجال الحديث : ج 1 ص 198 الرقم 90) .
4- .رجال الكشّى : ج 2 ص 838 ح 1073 .

17 / 9 شماری از یاران امام جواد علیه السلام

1 . ابراهیم بن ابی محمود

520.الإمام الحسین عن الإمام علیّ علیهماالسلام :رجال الکشّی به نقل از جعفر بن عیسی یقطینی و محمّد بن حسن :امام جواد علیه السلام از جانب خود و پدرانش علیهم السلام ، بهشت را برای یونس بن عبد الرحمان ضمانت کرد.521.الکافی عن جابر :رجال الکشّی به نقل از یونس بن عبد الرحمان :امام رضا علیه السلام رفتن به بهشت و نجات از آتش را برایم ضمانت کرد.17 / 9شماری از یاران امام جواد علیه السلام1 . ابراهیم بن ابی محمود (1)525.عنه صلی الله علیه و آله :رجال الکشّی به نقل از ابراهیم بن ابی محمود :خدمت امام جواد علیه السلام رسیدم و با خود ، نامه هایی از پدرش برای ایشان داشتم . ایشان شروع به خواندن آنها کرد و هر نامه ای را بسیار بر دیده اش می نهاد و می فرمود : «به خدا که خطّ پدرم است» و گریه می کرد ، تا جایی که اشک بر گونه هایش جاری می شد.

من گفتم : فدایت شوم ! گاهی پدرتان در یک مجلس ، چندین بار [به من]می فرمود : «خدا تو را در بهشت جای دهد ! خدا تو را به بهشت ببرد !» .

امام جواد علیه السلام فرمود : «من هم می گویم : خدا تو را به بهشت ببرد !» .

گفتم : فدایت شوم ! برایم ضمانت می کنی که خدا مرا به بهشت ببرد؟

فرمود : «آری» .

من پای ایشان را گرفتم و بوسیدم.

.

1- .ابراهیم بن ابی محمود خراسانی ، راوی ای ثقه ، و از موالی بود . وی از امام رضا علیه السلام روایت کرده و پس از ایشان زنده بوده است .

ابراهیم بن ابی محمود در اسناد شماری از احادیث جای دارد که به 32 مورد می رسد .

2 . عَلِیُّ بنُ مَهزِیارَ (1)527.عنه صلی الله علیه و آله :الإمام الجواد علیه السلام فِی رِسالَتِهِ لِعَلِیِّ بنِ مَهزِیارَ : بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحِیمِ ، یا عَلِیُّ أحسَنَ اللّهُ جَزاکَ ، وَأسکَنَکَ جَنَّتَهُ ، وَمَنَعَکَ مِنَ الخِزیِ فِی الدُّنیا وَالآخِرَهِ ، وَحَشَرَکَ اللّهُ مَعَنا .

یا عَلِیُّ ، قَد بَلَوتُکَ وَخَبَّرتُکَ فِی النَّصیحَهِ وَالطّاعَهِ وَالخِدمَهِ ، وَالتَّوقِیرِ وَالقِیامِ بِما یَجِبُ عَلَیکَ ، فَلَو قُلتُ إنِّی لَم أرَ مِثلَکَ لَرَجَوتُ أن أکُونَ صادِقا . فَجَزاکَ اللّهُ جَنّاتِ الفِردَوسِ نُزُلاً ، فَما خَفِیَ عَلَیَّ مَقامَکَ وَلا خِدمَتَکَ فِی الحَرِّ وَالبَردِ ، فِی اللَّیلِ وَالنَّهارِ، فَأسألُ اللّهَ إذا جَمَعَ الخَلائِقَ لِلقِیامَهِ أن یَحبُوَکَ (2)

بِرَحمَهٍ تَغتَبِطُ بِها، إنَّهُ سَمِیعُ الدُّعاءِ. (3)17 / 10عِدَّهٌ مِن أصحابِ الإمامِ الهادی علیه السلام1 . أیُّوبُ بنُ نُوحٍ (4)531.رسولِ اللّه صلی الله علیه و آله :الغیبه للطّوسی عن عمرو بن سعید المدائنی :کُنتُ عِندَ أبِی الحَسَنِ [الهادی]

العَسکَرِیّ علیه السلام بِصِریا (5) ، إذ دَخَلَ أیُّوبُ بنُ نُوحٍ وَوَقَفَ قُدّامَهُ ، فَأمَرَهُ بِشَیءٍ ، ثُمَّ انصَرَفَ ، وَالتَفَتَ إلَیَّ أبُو الحَسَنِ علیهِ السلام وَقالَ : یا عَمرُو ، إن أحبَبتَ أن تَنظُرَ إلی رَجُلٍ مِن أهلِ الجَنَّهِ فَانظُر إلی هذا . (6) .

1- .عَلِیُّ بنُ مَهزِیارَ الأَهوازِیُّ دَورَقِیُّ الأَصلِ ، کانَ أَبُوهُ نَصرانِیّا فَأَسلَمَ ، وَقَد قِیلَ : إنَّ عَلِیّا أیضا کانَ نَصرانیا وَأَسلَمَ وَهُوَ صَغِیرٌ ، وَمَنَّ اللّهُ عَلَیهِ بِمَعرِفَهِ هذا الأَمرِ وَتَفَقُّهٍ ، وَرَوی عَن الإمامَینِ الرِّضا وَأَبِی جَعفَرٍ علیهماالسلام ، وَاختُصَّ بِأَبِی جَعفَرٍ الثّانِی . کانَ ثِقهً فِی رِوایَتِهِ لا یُطعَنُ عَلَیهِ ، صَحِیحا فِی اعتِقادِهِ (راجع : رجال النجاشی : ج 2 ص 74 الرقم 662 ورجال ابن داوود : ص 142 الرقم 1091 وخلاصه الأقوال : ص 175 الرقم 517 ونقد الرجال : ص244) .
2- .حَبَاهُ : أعْطاهُ ، والحِبَاء : العَطِیّه (النهایه : ج 1 ص 336 «حبا») .
3- .الغیبه للطوسی : ص 349 ح 306 عن الحسن بن شمّون ، بحار الأنوار : ج 50 ص 105 ح 22 .
4- .أَیُّوبُ بنُ نُوحِ بنِ دَرّاجٍ النَّخَعِیُّ أَبُو الحُسَینِ ، کانَ وَکِیلاً لِأَبِی الحَسَنِ [الهادی]العَسکَرِیِّ وَأَبِی مُحَمَّدٍ علیهماالسلام ، عَظِیمَ المَنزِلَهِ ، عِندَهُما مَأمُونا ، وَکانَ شَدِیدَ الوَرَعِ کَثِیرَ العِبادَهِ ، ثِقَهً فِی رِواياتِهِ (راجع : رجال

النجاشى : ج 1 ص 255 الرقم 252 ورجال ابن داوود : ص 54 الرقم 224 وخلاصه الأقوال : ص 59 الرقم 58 ونقد الرجال : ص 52) .
5- .صِرْيا : قال ابن شهرآشوب فى المناقب : ج 4 ص 382 : هى قريه أسّسها موسى بن جعفر عليهماالسلام على ثلاثه أميال من المدينه .
6- .الغيبه للطوسى : ص 349 ح 307 ، طرائف المقال : ج 2 ص 331 ، بحار الأنوار : ج 50 ص 220 ح 7 .

2 . علی بن مهزیار

17 / 10 شماری از یاران امام هادی علیه السلام

1 . ایّوب بن نوح

2 . علی بن مهزیار (1)533.الإمام الصادق علیه السلام (وسُئِلَ عَنِ القائِمِ علیه السلام یُسَلِّمُ عَل) امام جواد علیه السلام در نامه اش به علی بن مهزیار :به نام خداوند بخشاینده مهربان . ای علی! خداوند به تو پاداش نیک عطا کند و تو را در بهشتش جای دهد و در دنیا و آخرت ، از خواری ، نگاهت دارد و با ما محشورت فرماید !

ای علی! من تو را در وفاداری و فرمان برداری و خدمت گزاری و احترام گذاشتن [به ما] و انجام وظیفه امتحان و آزمایش کردم و اگر بگویم مانند تو را ندیده ام ، امیدوارم که راست گفته باشم . پس خداوند ، پذیرایی از تو را در باغ های فردوس قرار دهد ! جایگاه تو و خدمت گزاری ات در گرما و سرما و در شب و روز ، بر ما پوشیده نیست . از خدا می خواهم که چون خلایق را در قیامت گرد آورد ، چنان رحمتی به تو بخشد که بِدان شادمان شوی ، که او شنونده [و اجابت کننده]ی دعاست.17 / 10شماری از یاران امام هادی علیه السلام1 . ایّوب بن نوح (2)537.عنه صلی الله علیه و آله :الغیبه ، طوسی به نقل از عمرو بن سعید مدائنی :در صِریا (3) نزد امام هادی علیه السلام بودم که ایّوب بن نوح وارد شد و در برابر ایشان ایستاد . امام علیه السلام به او دستوری داد و او رفت . ابو الحسن علیه السلام رو به من کرد و فرمود : «ای عمرو ! اگر دوست داری به مردی از اهل بهشت بنگری ، به این بنگر » .

.

1- .علی بن مهزیار اهوازی دَورَقی الأصل ، پدرش مسیحی بود و اسلام آورد . گفته شده که خود علی نیز مسیحی بود و در کودکی ، مسلمان شد و به لطف خدا به مذهب امامیه گروید و فقیه شد . از امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام روایت کرده و از یاران خاصّ امام جواد

علیه السلام به شمار می آید . در روایتش موثّق است و خرده ای بر او گرفته نمی شود . او از اعتقاد درستی برخوردار بوده است .
2- .ابو الحسین ایّوب بن نوح دَرّاج نخعی ، وکیل امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام بود و در نزد آن دو بزرگوار ، منزلتی والا داشت و امین به شمار می رفت . مردی سخت پارسا و پرعبادت بود و در روایاتش ثقه است .
3- .به گفته ابن شهرآشوب در المناقب (ج 4 ص 382) ، قریه ای است که امام کاظم علیه السلام آن را در سه میلی مدینه ، تأسیس کرد.

2 . جُنَيدٌ (1)539.عنه صلى الله عليه و آله (فى عَلِيٍّ عليه السلام) رجال الكشّى عن محمّد بن عيسى بن عبيد :إنَّ أبا الحَسَنِ [الهادى]العَسكَرِيَّ عليه السلام أَمَرَ بِقَتلِ فارِسِ بنِ حاتِمٍ القَزوِينِيِّ ، وَضَمِنَ لِمَن قَتَلَهُ الجَنَّةَ ، فَقَتَلَهُ جُنَيدٌ . (2)17 / 11رِجالٌ مِن أهلِ الجَنَّهِ542.الإمام الباقر عليه السلام :الدرّ المنثور عن عبد العزيز بن أبى رواد :بَلَغَنا أنَّ رَجُلاً صَلّى مَعَ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله ، فَلَمّا انصَرَفَ قالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله : هذا الرَّجُلُ مِن أهلِ الجَنَّهِ .

قالَ عَبدُ اللّهِ بنُ عَمرٍو : فَأَتَيتُهُ فَقُلتُ : يا عَمّاه الضيافَهَ ! قالَ : نَعَم ، فَإِذا لَهُ خَيمَهٌ وَشاهٌ وَنَخلٌ ، فَلَمّا أمسى خَرَجَ مِن خَيمَتِهِ ، فَاحتَلَبَ العَنزَ ، وَاجتَنى لِى رُطَبا ثُمَّ وَضَعَهُ ، فَأَكَلتُ مَعَهُ ، فَباتَ نائِما وَبتُّ قائِما ، وَأَصبَحَ مُفطِرا وَأَصبَحتُ صائِما ، فَفَعَلَ ذَلِكَ ثَلاثَ لَيالٍ .

فَقُلتُ لَهُ : إنَّ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله قالَ فِيكَ : إنَّكَ مِن أَهلِ الجَنَّهِ ، فَأَخبِرنِى ما عَمَلُكَ؟ !

قالَ : فَائتِ الَّذِى أَخبَرَكَ حَتّى يُخبِرَكَ بِعَمَلِى .

فَأَتَيتُ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَقالَ : ائتِهِ فَمُرهُ أَن يُخبِرَكَ . فَقُلتُ : إنَّ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَأمُرُكَ أَن تُخبِرَنِى ، قالَ : أَمّا الآنَ فَنَعَم ، فَقالَ : لَو كانَتِ الدُّنيا لِى فَأُخِذَتْ مِنّى لَم أَحزَن عَلَيها ، وَلَو أُعطِيتُها لَم أَفرَح بِها ، وَأَبَيتُ وَلَيسَ فِى قَلبِى غِلٌّ عَلى أَحَدٍ .

قالَ عَبدُ اللّهِ : لَكِنّى وَاللّهِ أَقُومُ اللَّيلَ وَأَصُومُ النَّهارَ ، وَلَو وُهِبَت لِى شاهٌ لَفَرِحتُ بِها ، وَلَو ذَهَبَت لَحَزِنتُ عَلَيها ، وَاللّهِ لَقَد فَضَّلَكَ اللّهُ عَلَينا فَضلاً بَيِّنا . (3) .

1- .جُنَيدٌ قاتِلُ فارِسِ بنِ حاتِمٍ القَزوِينىِّ ، مِن أَصحابِ الهادى عليه السلام ، أُرسِلَ إلَيهِ الإمامُ يَأمُرُهُ بِقَتلِ هذا الرَّجُلِ ، لِأَنَّهُ كانَ فَتّانا وَيَدعُو إلَى البِدعَهِ (راجع : رجال الكشّى : ج 2 ص 807 الرقم 1006 و المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 417 و معجم رجال الحديث : ج 4 ص 173 الرقم 2402) .

2- .رجال الكشّى : ج 2 ص 807 ح 1006 وراجع : التحرير الطاووسى (طبعه قم) : ص 471 الرقم 341 .
3- .الدرّ المنثور : ج 8 ص 114 نقلاً عن الحكيم الترمذى .

2 . جُنَید

17 / 11 مردانی بهشتی

2 . جُنَید (1)544.حلیه الأولیاء عن أنس بن مالک :رجال الکشّی به نقل از محمّد بن عیسی بن عبید :امام هادی علیه السلام ، فرمان قتل فارس بن حاتم قزوینی را داد و برای کسی که او را بکشد ، ضمانت بهشت کرد و جُنَید ، او را کشت.17 / 11مردانی بهشتی547.عنه صلی الله علیه و آله :الدرّ المنثور به نقل از عبد العزیز بن ابی رواد :شنیدیم که مردی با پیامبر صلی الله علیه و آله نماز خواند و چون رفت ، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «این مرد ، بهشتی است» .

عبد اللّه بن عمرو گفت : من نزد آن مرد رفتم و گفتم : عمو جان ! میهمان نمی خواهی؟ گفت : بفرما . او خیمه ای داشت و گوسفندی و خرمایی . غروب که شد ، از خیمه اش خارج شد و بز را دوشید و خرمایی برایم چید و آنها را آورد و با هم خوردیم . آن گاه او خوابید و من به نماز ایستادم . صبح که شد ، او روزه نداشت و من روزه داشتم . سه شب به همین منوال گذشت . من به او گفتم : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره تو فرموده است که تو اهل بهشتی . به من بگو که چه عملی انجام می دهی [که اهل بهشت شده ای] . گفت : نزد همان کسی که به تو خبر داده است ، برو تا از عمل من نیز به تو خبر دهد.

من نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمدم ؛ امّا به من فرمود : «نزد او برو و بگو که خودش به تو بگوید» .

من آمدم و به او گفتم : پیامبر خدا می فرماید که تو خودت به من بگویی .

گفت : حالا می گویم . آن گاه گفت : اگر همه دنیا مال من باشد و از من گرفته شود ، برایش اندوهگین نمی شوم و نیز اگر همه دنیا به من داده شود ، شادمان نمی شوم ، و شب که می خوابم ، کینه هیچ کس در دلم نیست.

عبد اللّه گفت : امّا من ، به خدا سوگند که شب را عبادت می کنم و روز را روزه می گیرم ؛ ولی اگر یک گوسفند به من داده شود ، خوش حال می

گردیم و اگر از دستم برود ، اندوهگین می شوم . به خدا سوگند که خداوند ، تو را بر ما برتریِ نمایانی داده است !

.

1- .جُنَید ، از یاران امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام بود . او به فرمان امام هادی علیه السلام فارس بن حاتم قزوینی را کشت ؛ زیرا موجب فریب مردم شده بود و مردم را به بدعت فرا می خواند .

548.عنه صلى الله عليه و آله :مسند ابن حنبل عن أنس :كُنّا جُلُوسا مَعَ رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَقالَ : «يَطلُعُ عَلَيكُم الآنَ رَجُلٌ مِن أهلِ الجَنَّهِ» فَطَلَعَ رَجُلٌ مِنَ الأنصارِ ، تَنطُفُ (1) لِحيَتُهُ مِن وَضُوئِهِ ، قَد تَعَلَّقَ نَعلَيهِ فِى يَدِهِ الشِّمالِ . فَلَمّا كانَ الغَدُ قالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله مِثلَ ذَلِكَ ، فَطَلَعَ ذَلِكَ الرَّجُلُ مِثلَ المَرَّهِ الأُولى . فَلَمّا كانَ اليَومُ الثّالِثُ قالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله مِثلَ مَقالَتِهِ أيضا ، فَطَلَعَ ذَلكَ الرَّجُلُ عَلى مِثلِ حالِهِ الأُولى .

فَلَمّا قامَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله تَبِعَهُ عَبدُ اللّهِ بنُ عَمرِو بنِ العاصِ ، فَقالَ : إنِّى لاحَيتُ (2) أبِى فَأقسَمتُ أن لا أدخُلَ عَلَيهِ ثَلاثا ، فَإن رَأيتَ أن تُؤوِيَنِى إلَيكَ حَتّى تَمضِيَ فَعَلتَ ، قالَ : نَعَم . . . وَكانَ عَبدُاللّهِ يُحَدِّثُ أنَّهُ باتَ مَعَهُ تِلكَ اللَّيالِىَ الثَّلاثَ ، فَلَم يَرَهُ يَقُومُ مِنَ اللَّيلِ شَيئا غَيرَ أنَّهُ إذا تَعارَّ (3) وَتَقَلَّبَ عَلى فِراشِهِ ، ذَكَرَ اللّهَ عَزَّوَجَلَّ وَكَبَّرَ حَتّى يَقُومَ لِصلاهِ الفَجرِ . قالَ عَبدُ اللّهِ : غَيرَ أنّى لَم أسمَعهُ يَقُولُ إلّا خَيرا .

فَلَمّا مَضَتِ الثَّلاثُ لَيالٍ ، وَكِدتُ أن أحتَقِرَ عَمَلَهُ ، قُلتُ : يا عَبدَ اللّهِ ، إنِّى لَم يَكُن

بَينِى وَبَينَ أبِى غَضَبٌ وَلا هُجرٌ ثَمَّ ، وَلكِن سَمِعتُ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقُولُ لَكَ ثَلاثَ مِرارٍ : يَطلُعُ عَلَيكُم الآنَ رَجُلٌ مِن أهلِ الجَنَّهِ ، فَطَلَعتَ أنتَ الثَّلاثَ مِرارٍ ، فَأرَدتُ أن آوِىَ إلَيكَ ، لِأنظُرَ ما عَمَلُكَ فَأقتَدِىَ بِهِ ، فَلَم أرَكَ تَعمَلُ كَثِيرَ عَمَلٍ ، فَما الَّذِى بَلَغَ بِكَ ما قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ؟ فَقالَ : ما هُوَ إلّا ما رَأيتَ . قالَ : فَلَمّا وَلَيتُ دَعانِى فَقالَ : ما هُوَ إلّا ما رَأيتَ غَيرَ أنّى لا أجِدُ فِى نَفسِى لِأحَدٍ مِنَ المُسلِمِينَ غِشّا ، وَلا أحسُدُ أحَدا عَلى خَيرٍ أعطاهُ اللّهُ إيّاهُ . فَقالَ عَبدُ اللّهِ : هذِهِ الَّتِى بَلَغَت بِكَ ، وَهِىَ الَّتِى لا تُطِيقُ . (4) .

1- .تَنْطُفُ : تَقْطُرُ (النهايه : ج 5 ص 75 «نطف») .
2- .لَاحَيْتُ : نازَعْتُ (النهايه : ج 4 ص 243 «لحا») .
3- .تَعَارَّ : اسْتَيْقَظَ ، وقيل : تمطّى وأنَّ (النهايه : ج 3 ص 204 «عرر») .
4- .مسند ابن حنبل : ج 4 ص 332 ح 12697 ، السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 215 ح 10699 ، الزهد لابن المبارک : ص 241 ح 694 ، المصنّف

لعبد الرزّاق : ج 11 ص 287 ح 20559 ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص 351 ح 1159 كلّها نحوه ؛ تنبيه الخواطر : ج 1 ص 126 .

549.عنه صلی الله علیه و آله :مسند ابن حنبل به نقل از اَنَس :با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودیم که فرمود : «اینک ، مردی از اهل بهشت بر شما نمایان می شود» . پس ، مردی از انصار نمایان شد ، در حالی که آب وضو از ریشش می چکید و کفش هایش در دست چپش آویزان بود .

فردای آن روز نیز پیامبر صلی الله علیه و آله همین را فرمود و دوباره ، همان مرد با همان وضع ، وارد شد . روز سوم باز پیامبر صلی الله علیه و آله همین را فرمود و دیگر بار ، همان مرد با همان حالت وارد شد.

چون پیامبر صلی الله علیه و آله برخاست ، عبد اللّه بن عمرو بن عاص ، به دنبال آن مرد رفت و گفت : من با پدرم دعوا کرده ام و سوگند خورده ام که سه روز ، نزد او نروم . اگر ممکن است ، مرا نزد خود ، پناه ده تا این سه روز بگذرد .

مرد گفت : باشد ... .

عبد اللّه می گفت که آن سه شب را نزد او به سر برده ؛ امّا ندیده که در این مدّت ، شبی برای عبادت برخیزد ؛ بلکه تنها کاری که از او دیده ، این بوده که وقتی بیدار می شد و در بسترش می غلتید ، خدای عز و جل را یاد می کرد و تکبیر می گفت ، تا آن که برای نماز صبح بر می خاست . عبد اللّه گفت : البته از زبان او ، جز سخن خیر نشنیدم.

[عبد اللّه گفت :] چون سه شب گذشت و تقریبا عمل در خور توجّهی از او ندیدم ، گفتم : ای بنده خدا ! میان من و پدرم ، نه هیچ گونه دعوا و ناراحتی ای بود و نه قهری وجود داشت ؛ بلکه چون از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که سه بار در باره تو فرمود : «اینک ، مردی بهشتی بر شما نمایان می شود» و هر سه بار ، تو پیدا شدی ، خواستم نزد تو باشم تا ببینم که چه عملی انجام می دهی تا در آن به تو اقتدا کنم ؛ ولی ندیدم عمل [عبادی]زیادی انجام دهی . به من بگو که چه چیزی تو را به مقامی رسانده که پیامبر خدا فرمود؟ مرد گفت : چیزی نیست ، جز همان که دیدی .

عبد اللّه گفت : چون از نزد او رفتم ، مرا صدا زد و گفت : چیزی نبود ، جز همانچه دیدی ، منتها من در دلم ، هیچ گونه بدخواهی نسبت به هیچ مسلمانی نیست و نیز به هیچ کس در باره نعمتی که خداوند به او داده است ، حسادت نمی ورزم .

عبد اللّه گفت : همین ، تو را به آن مرتبه رسانیده است ! این ، چیزی است که ما از عهده اش بر نمی آییم. .

550.عنه صلى الله عليه و آله :المستدرک على الصّحيحين عن أنس :إِنَّ رَجُلاً أسوَدَ أَتَى النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله فَقالَ : يا رَسُولَ اللّهِ ، إِنِّى رَجُلٌ أسوَدُ ، مُنتِنُ الرِّيحِ ، قَبِيحُ الوَجهِ ، لا مالَ لِى ، فَإِن أنا قاتَلتُ هؤُلاءِ حَتّى أُقتَلَ فَأينَ أنا ؟ قالَ : فِى الجَنَّهِ . فَقاتَلَ حَتّى قُتِلَ ، فَأَتاهُ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله فَقالَ :

قَد بَيَّضَ اللّهُ وَجهَکَ ، وَطَيَّبَ رِيحَکَ ، وَأَكثَرَ مالَکَ . وَقالَ لِهذا أَو لِغَيرِهِ : لَقَد رَأَيتُ زَوجَتَهُ مِنَ الحُورِالعِينِ نازَعَتهُ جُبَّهً لَهُ مِن صُوفٍ تَدخُلُ بَينَهُ وَبَينَ جُبَّتِهِ .

551.عنه صلى الله عليه و آله :حليه الأولياء عن أبى هريره :إِنَّهُ كانَ مَعَ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله رَجُلانِ : أَحَدُهما لا يَكادُ يُفارِقُهُ وَلا يعرَفُ لَهُ كَبِيرُ عَمَلٍ ، وَكانَ الآخَرُ لا يَكادُ يُرى وَلا يُعرَفُ لَهُ كَبِيرُ عَمَلٍ .

فَقالَ الَّذِى لا يَكادُ يُفارِقُهُ : يا رَسُولَ اللّهِ ، بِأَبِى وَأُمِّى ذَهَبَ المُصَلُّونَ بِالأَجرِ بِأجرِ الصَّلاهِ وَالصّائِمُونَ بِأجرِ الصِّيامِ ، فَذَكَرَ أعمالَ الخَيرِ . فَقالَ : وَيحَکَ ! ماذا عِندَکَ ؟ قالَ : لا وَالَّذِى بَعَثَکَ بِالحَقِّ إِلّا حُبُّ اللّهِ وَرَسُولِهِ . قالَ : لَکَ ما احتَسَبتَ ، وَأنتَ مَعَ مَن أحبَبتَ . قالَ : وَأَمّا الآخَرُ فَماتَ .

فَقالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله وَهُوَ فِى أَصحابِهِ : هَل عَلِمتُم أَنَّ اللّهَ قَد أدخَلَ فُلانا الجَنَّهَ ؟ فَعَجِبَ القَومُ أَنَّهُ كانَ لا يَكادُ يُرى ، فَقامَ بَعضُهُم إِلى أَهلِهِ فَسَأَلَ امرَأَتَهُ عَن عَمَلِهِ ، قالَت : ما كانَ لَهُ كَبِيرُ عَمَلٍ إِلّا ما قَد رَأَيتُم ، غَيرَ أَنَّهُ قَد كانَت لَهُ خَصلَهٌ . قالُوا : وَما هِىَ ؟ قالَت : ما كانَ يَسمَعُ المُؤَذِّنَ مِن لَيلٍ وَلا نَهارٍ وَلا عَلى أَىِّ حالٍ إِلّا كانَ يَقُولُ : أَشهَدُ أَن لا إِلهَ إِلّا اللّهُ ، مِثلَ قَولِهِ : أُقِرُّ بِها وأُكَفِّرُ مَن أباها ، قالَت : فَإِذا قالَ :أَشهَدُ أَنَّ مُحَمَّدا رَسُولُ اللّهِ ، قالَ : أَشهَدُ أَنَّ مُحَمَّدا رَسُولُ اللّهِ أُقِرُّ بِها وَأُكَفِّرُ مَن أبى .

قالَ الرَّجُلُ : دَخَلَ الجَنَّهَ ، فَأَقبَلَ حَتّى إِذا كانَ مِنَ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله ، وَهُوَ فِى أَصحابِهِ حَيثُ يُسمِعُهُ الصَّوتَ ، نادى النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله بِأعلى صَوتِهِ : أَتَيتُ أَهلَ فُلانٍ فَسَأَلتُهُم عَن عَمَلِهِ فَأَخبَرُونِى بِكَذا وَكَذا ، قالَ الرَّجُلُ : أَشهَدُ أَنَّکَ رَسُولُ اللّهِ . قالَ : وَأنا أَشهَدُ أَنِّى رَسُولُ اللّهِ . (2) .

1- .المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 103 ح 2463 .
2- .حليه الأولياء : ج 10 ص 28 ، تاريخ دمشق : ج 40 ص 412 نحوه ، كنز العمّال : ج 8 ص 360 ح 23267 .

552.تفسير القمّى (فى قَولِهِ تَعالى : {Q} «فَأَوْحَى إِلَى عَبْدِ) المستدرک على الصحيحين به نقل از اَنَس :مرد سياه پوستى نزد پيامبر صلى الله عليه و آله آمد و گفت : اى پيامبر خدا ! من مردى سياه ، بدبو ، زشت رو و نادار هستم . اگر با اينان بجنگم تا كشته شوم ، جايگاهم كجاست؟

فرمود : «بهشت» . آن مرد جنگيد تا كشته شد . پيامبر صلى الله عليه و آله به بالينش آمد و فرمود : «خدا روى تو را سفيد ، و بويت را خوش گردانيد و دارايى بسيار به تو داد !» و در باره او يا ديگرى فرمود : «همسر حور العينِ او را ديدم كه ردای پشمىِ او را در آورد و ميان او و ردايش وارد شد » .553.الإمام الرضا عليه السلام :حليه الأولياء به نقل از ابو هريره :دو مرد با پيامبر صلى الله عليه و آله بودند : يكى از آنان تقريبا از پيامبر صلى الله عليه و آله جدا نمى گشت و اعمال بزرگى هم از او مشاهده نمى شد ، و ديگرى تقريبا [با پيامبر صلى الله عليه و آله]ديده نمى شد و از او هم اعمال بزرگى مشاهده نمى گرديد.

آن كه همواره با پيامبر صلى الله عليه و آله بود ، گفت : اى پيامبر خدا ! پدر و مادرم به فدايت باد ! نمازگزاران ، مزد يعنى مزد نماز را و روزه گيران ، مزد روزه را از آنِ خود كردند . و كارهاى نيک را يكى يكى نام برد .

پيامبر صلى الله عليه و آله فرمود : «واى بر تو ! تو چه دارى؟» .

گفت : سوگند به آن كه تو را به حق برانگيخت ، جز محبّت به خدا و پيامبر او ، چيزى ندارم .

فرمود : «تو نيز پاداشى بر حسب نيّتت دارى و با كسى هستى كه دوستش مى دارى» .

آن ديگرى از دنيا رفت. پيامبر صلى الله عليه و آله در جمع يارانش فرمود : «آيا مى دانيد كه خداوند ، فلانى را به بهشت برد؟» . اصحاب ، تعجّب كردند ؛ زيرا آن مرد تقريبا در جمع صحابه ، ديده نمى شد . پس ، يكى از آنان به نزد كسان او رفت و از همسرش در باره عمل او پرسيد .
همسرش گفت : او اعمال زيادى انجام نمى داد ، مگر همان اندازه كه خود ، شاهد بوديد ، منتها يک خصلت در او وجود داشت . [حاضران] گفتند : چه خصلتى؟

گفت : در هر وقت شب یا روز و در هر حال که بانگ مؤذّن را می شنید ، مانند او می گفت : أشهد أن لا إله إلّا اللّه . بدان اقرار دارم و آن که را به آن اقرار نکند ، کافر می شمارم . و چون مؤذّن می گفت : «أشهد أنّ محمّدا رسول اللّه » ، او نیز می گفت : أشهد أنّ محمّدا رسول اللّه . بِدان اقرار دارم و آن را که به آن اقرار نکند ، کافر می شمارم.

مرد [به همسر وی] گفت : او به بهشت رفت . سپس آمد و نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله که در میان یارانش نشسته بود رسید ، به طوری که پیامبر صلی الله علیه و آله صدایش را بشنود . آن گاه با صدای بلند به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت : نزد خانواده فلانی رفتم و از آنها در باره عمل او پرسیدم . به من چنین و چنان گفتند .

سپس مرد گفت : شهادت می دهم که تو پیامبر خدایی .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «و من خود نیز شهادت می دهم که پیامبر خدا هستم» . .

554.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام الصّادق عليه السلام :إِنَّ داوُودَ النَّبِيَّ عليه السلام قالَ : يا رَبِّ أَخبِرنِى بِقَرِينِى فِى الجَنَّهِ وَنَظِيرِى فِى مَنازِلِى ، فَأَوحَى اللّهُ تَبارَکَ وَتَعالى إِلَيهِ أَنَّ ذلِکَ مَتّى أَبا يُونُسَ ، قالَ : فَاستَأذَنَ اللّهَ فِى زِيارَتِهِ فَأَذِنَ لَهُ ، فَخَرَجَ هُوَ وَسُلَيمانُ ابنُهُ حَتّى أَتَيا مَوضِعَهُ ، فَإِذا هُما بِبَيتٍ مِن سَعَفٍ ، فَقِيلَ لَهُما : هُوَ فِى السُّوقِ ، فَسَأَلا عَنهُ ، فَقِيلَ لَهُما : اُطلُباهُ فِى الحَطّابِينَ ، فَسَأَلا عَنهُ ، فَقالَ لَهُما جَماعَهٌ مِنَ النّاسِ : نَنتَظِرُهُ الآنَ حَتّى يَجِىءَ ، فَجَلَسا يَنتَظِرانِهِ إِذ أَقبَلَ وَعَلى رَأسِهِ وِقرٌ (1) مِن حَطَبٍ ، فَقامَ إِلَيهِ النّاسُ فَألقى عَنهُ الحَطَبَ ، فَحَمِدَ اللّهَ وَقالَ : مَن يَشتَرِى طَيِّبا بِطَيِّبٍ ، فَساوَمَهُ واحِدٌ وَزادَهُ آخَرُ حَتّى باعَهُ مِن بَعضِهِم .

قالَ : فَسَلَّما عَلَيهِ ، فَقالَ : اِنطَلِقا بِنا إِلى المَنزِلِ وَاشتَرى طَعاما بِما كانَ مَعَهُ ، ثُمَّ

طَحَنَهُ وَعَجَنَهُ فِى نَقِيرٍ (2) لَهُ ، ثُمَّ أَجَّجَ نارا وَأَوقَدَها ، ثُمَّ جَعَلَ العَجِينَ فِى تِلکَ النّارِ وَجَلَسَ مَعَهُما يَتَحَدَّثُ .

ثُمَّ قالَ وَقَد نَضِجَت خَبِيزَتُهُ فَوَضَعَها فِى النَّقِيرِ فَلَفَّها وَذَرَّ عَلَيها مِلحا ووَضَعَ إِلى جَنبِهِ مِطهَرَهَ مَلِئٍ ماءً ، وَجَلَسَ عَلى رُكبَتَيهِ فَأَخَذَ لُقمَهً ، فَلَمّا رَفَعَها إِلى فِيهِ قالَ : بِسمِ اللّهِ ، فَلَمّا ازدَرَدَها (3) قالَ : الحَمدُ للّهِ ، ثُمَّ فَعَلَ ذلِکَ بِأُخرى وَأُخرى ، ثُمَّ أَخَذَ الماءَ فَشَرِبَ مِنهُ ، فَذَكَرَ اسمَ اللّهِ ، فَلَمّا وَضَعَهُ قالَ : الحَمدُ للّهِ يا رَبِّ ، مَن ذَا الَّذِى أَنعَمتَ عَلَيهِ وَأَولَيتَهُ مِثلَ ما أَولَيتَنِى ، قَد صَحَّحتَ بَصَرِى وَسَمعِى وَبَدَنِى وَقَوَّيتَنِى حَتّى ذَهَبتُ إِلى شَجَرٍ لَم أَغرِسهُ وَلَم أَهتَمَّ لِحِفظِهِ ، جَعَلتَهُ لِى رِزقا ، وَسُقتَ لِى مَن اشتَراهُ مِنّى ، فَاشتَرَيتُ بِثَمَنِهِ طَعاما لَم أَزرَعْهُ ، وَسَخَّرتَ لِىَ النّارَ فَأَنضَجتَهُ ، وَجَعَلتَنِى آكِلَهُ بِشَهوَهٍ أَقوى بِها عَلى طاعَتِکَ ؛ فَلَکَ الحَمدُ ، قالَ : ثُمَّ بَکى ، فَقالَ داوودُ لِسُلَيمانَ : يا بُنَىَّ قُم فَانصَرِف بِنا ، فَإِنّى لَم أَرَ عَبدا قَطُّ أَشکَرَ للّهِ مِن هذا . صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وَعَلَيهِما . (4) .

1- .الوِقْر : الحِمْل (النهايه : ج 5 ص 213 «وقر») .
2- .النَّقِيْرُ : أصلُ النَخْلهِ يُنقر وسطه (لسان العرب : ج 5 ص 228 «نقر») .
3- .ازْدَرَدَهُ : ابتَلَعَهُ (لسان العرب : ج 3 ص 194 «زرد») .
4- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 18 ، إرشاد القلوب : ص 119 نحوه ، بحار الأنوار : ج 14 ص 402 ح 16 .

555.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام :داوودِ پیامبر علیه السلام گفت : پروردگارا ! مرا از همنشینم در بهشت و همتایم در جایگاه های بهشتی ام آگاه فرما .

خدای بزرگ و والا ، به او وحی فرمود که : او منّی پدر یونس است .

پس داوود از خداوند ، اجازه خواست که به دیدن او برود و خدا به او اجازه داد . داوود همراه پسرش سلیمان رفت تا به محلّ منّی رسیدند . خانه ای دیدند که از برگ درخت خرما ساخته شده بود . به آن دو گفته شد که منّی در بازار است . در بازار ، سراغش را گرفتند . گفتند : او را در بازار هیزم فروشان بجویید .

در آن جا سراغش را گرفتند . گروهی از مردم به آن دو گفتند : اینک منتظریم تا بیاید . داوود و سلیمان نیز به انتظار او نشستند .

ناگاه منّی که باری هیزم بر دوش داشت ، آمد . مردم برایش برخاستند و او بار هیزم را زمین نهاد و خدای را شکر کرد و گفت : «کیست که بار حلالی را به بهایی حلال بخرد؟» . یکی چانه زد و دیگری قیمتی بالاتر گفت تا سرانجام ، بار هیزمش را به یکی از مشتریان فروخت.

داوود و سلیمان بر او سلام گفتند . منّی گفت : «به منزل برویم» و با پولی که داشت ، قدری گندم خرید . سپس آن را آرد کرد و در ناوه ای (ظرفی) که از تنه درخت خرما ساخته بود ، خمیر کرد و آتشی برافروخت و خمیر را روی آن گذاشت . آن گاه با آن دو ، به سخن گفتن نشست .

نانش که آماده شد ، آن را در همان تغار نهاد و نمک بر آن پاشید و ابریق آبی در کنارش نهاد و دوزانو نشست و لقمه ای برداشت . چون آن را به طرف دهانش برد ، گفت : «به نام خدا» و چون آن را بلعید ، گفت : «ستایش ، خدای را» و با هر لقمه ای که بر می داشت ، همین کار را می کرد .

سپس آب را برداشت و از آن نوشید و نام خدا را برد و چون ابریق را گذاشت ، گفت : «ستایش ، خدا را . پروردگارا ! کیست که به او نعمتی چون من داده باشی و به او چنین لطفی کرده باشی ؟ چشم و گوش و بدنم

را سالم داشتی و نیرویم بخشیدی ، تا آن که به نزدیکی درختی رفتم که خود ، آن را نکاشته بودم و در نگهداری اش نکوشیده بودم و تو آن را روزیِ من قرار دادی و مشتریِ آن را برایم فرستادی . پس با پول آن ، گندمی خریدم که خودم نکاشته بودم ، و آتشی را برایم مهار ساختی و من از آن گندم ، نانی پختم و اشتهای خوردنش را در من نهادی تا با خوردنش بر طاعت تو توانا شوم . پس ستایش ، تو را» و سپس گریست .

داوود به سلیمان گفت : پسرم ! برخیز تا برویم ، که من هرگز بنده ای سپاس گزارتر از این ندیده ام .

درود خدا بر او و بر آن دو باد ! .

556.عنه صلى الله عليه و آله (لِعَلِيٍّ عليه السلام) الكافى عن الحكم بن عتيبه :بَينا أنا مَعَ أَبِى جَعفَرٍ عليه السلام وَالبَيتُ غاصٌّ بِأَهلِهِ ، إِذ أَقبَلَ شَيخٌ يَتَوَكَّأُ عَلى عَنَزَهٍ (1) لَهُ حَتّى وَقَفَ عَلى بابِ البَيتِ ، فَقالَ : اَلسَّلامُ عَلَيکَ يابنَ رَسُولِ اللّهِ وَرَحمَهُ اللّهِ وَبَرَکاتُهُ ، ثُمَّ سَکَتَ ، فَقالَ أَبُو جَعفَرٍ عليه السلام : وَعَلَيکَ السَّلامُ وَرَحمَهُ اللّهِ وَبَرَکاتُهُ ، ثُمَّ أَقبَلَ الشَّيخُ بِوَجهِهِ عَلى أَهلِ البَيتِ وَ قالَ : السَّلامُ عَلَيکُم ، ثُمَّ سَکَتَ ، حَتّى أَجابَهُ القَومُ جَمِيعا وَرَدُّوا عَلَيهِ السَّلامَ ، ثُمَّ أَقبَلَ بِوَجهِهِ عَلى أَبِى جَعفَرٍ عليه السلام ، ثُمَّ قالَ :

يابنَ رَسُولِ اللّهِ ، أَدنِنِى مِنکَ جَعَلَنِىَ اللّهُ فِداکَ ، فَوَ اللّهِ إِنِّى لَأُحِبُّکُم وَأُحِبُّ مَن يُحِبُّکُم ! وَوَاللّهِ ما أُحِبُّکُم وَأُحِبُّ مَن يُحِبُّکُم لِطَمَعٍ فِى دُنيا ! وَ(اللّهِ) إِنِّى لَأُبغِضُ عَدُوَّکُم وَأَبرَأُ مِنهُ ، وَوَاللّهِ ما أُبغِضُهُ وَأَبرَأُ مِنهُ لِوِترٍ کانَ بَينِى وَبَينَهُ ، وَاللّهِ إِنِّى لَأُحِلُّ حَلالَکُم وَأُحَرِّمُ حَرامَکُم ، وَأَنتَظِرُ أَمرَکُم ، فَهَل تَرجُو لِى جَعَلَنِىَ اللّهُ فِداکَ ؟

فَقالَ أَبُو جَعفَرٍ عليه السلام : إِلَىَّ إِلَىَّ ، حَتّى أَقعَدَهُ إِلى جَنبِهِ ، ثُمَّ قالَ : أَيُّها الشَّيخُ ، إِنَّ أَبِى عَلِىَّ بنَ الحُسَينِ عليهماالسلام أَتاهُ رَجُلٌ فَسَأَلَهُ عَن مِثلِ الَّذِى سَأَلتَنِى عَنهُ ، فَقالَ لَهُ أَبِى عليه السلام : إِن تَمُتْ تَرِدْ عَلى رَسُولِ اللّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَعَلى عَلِىٍّ وَالحَسَنِ وَالحُسَينِ وَعَلِىِّ بنِ الحُسَينِ ، وَيَثلَج قَلبُکَ ، وَيَبرُد فُؤادُکَ ، وَتَقَرَّ عَينُکَ ، وَتُستَقبَل بِالرَّوحِ وَالرَّيحانِ مَعَ الکِرامِ الکاتِبِينَ لَو قَد بَلَغَت نَفسُکَ هاهُنا وَأَهوى بِيَدِهِ إِلى حَلقِهِ وَإِن تَعِش تَرى ما يُقِرُّ اللّهُ بِهِ عَينَکَ ، وَتَکُونُ مَعَنا فِى السَّنامِ الأَعلى .

فَقالَ الشَّيخُ : کَيفَ قُلتَ يا أَبا جَعفَرٍ ؟ فَأَعادَ عَلَيهِ الکَلامَ ، فَقالَ الشَّيخُ : اَللّهُ أَکبَرُ يا أَبا جَعفَرٍ ، إِن أَنا مِتُّ أَرِدُ عَلى رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله وَعَلى عَلِىٍّ وَالحَسَنِ وَالحُسَينِ وَعَلِىِّ بنِ الحُسَينِ عليهم السلام ، وَتَقَرُّ عَينِى ، وَيَثلَجُ قَلبِى ، وَيَبرُدُ فُؤادِى ، وَأُستَقبَلُ بِالرَّوحِ وَالرَّيحانِ مَعَ الکِرامِ الکاتِبِينَ لَو قَد بَلَغَت نَفسِى إِلى هاهُنا وَإِن أَعِش أَرَ ما يُقِرُّ اللّهُ بِهِ عَينِى ، فَأَکُونُ مَعَکُم فِى السَّنامِ الأَعلى ؟ !

ثُمَّ أَقبَلَ الشَّيخُ يَنتَحِبُ ، يَنشُجُ (2) هاهاها ، حَتّى لَصِقَ بِالأَرضِ ، وَأَقبَلَ أَهلُ البَيتِ يَنتَحِبُونَ وَيَنشُجُونَ لِما يَرَونَ مِن حالِ الشَّيخِ . وَأَقبَلَ أَبُو جَعفَرٍ عليه السلام يَمسَحُ بِإِصبَعِهِ الدُّمُوعَ مِن حَمالِيقِ (3) عَينَيهِ وَيَنفُضُها ، ثُمَّ رَفَعَ الشَّيخُ رَأسَهُ ، فَقالَ لِأَبِى جَعفَرٍ عليه السلام : يَابنَ رَسُولِ اللّهِ ، ناوِلنِى يَدَيکَ جَعَلَنِىَ اللّهُ فِداکَ ، فَناوَلَهُ يَدَهُ ، فَقَبَّلَها وَوَضَعَها عَلى عَينَيهِ

وَخَدِّهِ ، ثُمَّ حَسَرَ عَن بَطنِهِ وَصَدرِهِ فَوَضَعَ يَدَهُ عَلى بَطنِهِ وَصَدرِهِ ، ثُمَّ قامَ فَقالَ : اَلسَّلامُ عَلَيكُم .

وَأَقبَلَ أَبُو جَعفَرٍ عليه السلام يَنظُرُ فِى قَفاهُ وَهُوَ مُدبِرٌ ، ثُمَّ أَقبَلَ بِوَجهِهِ عَلى القَومِ ، فَقالَ : مَن أَحَبَّ أَن يَنظُرَ إِلى رَجُلٍ مِن أَهلِ الجَنَّهِ فَليَنظُر إِلى هذا .

فَقالَ الحَكَمُ بنُ عُتَيبَهَ : لَم أَرَ مَأتما قَطُّ يُشبِهُ ذلِكَ المَجلِسَ . (4) .

1- .العَنَزَهُ : عصا فى قدر نصف الرمح أو أكثر فيها سنان مثل سنان الرمح (لسان العرب : ج 5 ص 384 «عنز») .
2- .يَنْشُجُ : إذا غصّ بالبكاء فى حلقه عند الفزعه (لسان العرب : ج 2 ص 378 «نشج») .
3- .الحَمَالِيق : هو ما غطّته الأجفان من بياض المقله (الصحاح : ج 4 ص 1465 «حملق») .
4- .الكافى : ج 8 ص 76 ح 30 ، بحار الأنوار : ج 46 ص 361 ح 3 .

557.عنه صلی الله علیه و آله (بَعدَ انصِرافِهِ مِن حِجَّهِ الوَداعِ) الکافی به نقل از حکم بن عتیبه :در خدمت امام باقر علیه السلام بودیم و اتاق ، پر از جمعیت بود که ناگاه مردی عصازنان (1) آمد و بر درِ اتاق ایستاد و گفت : سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ، ای پسر پیامبر خدا ! و سپس خاموش ماند .

امام باقر علیه السلام فرمود : «و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد !» .

پیرمرد ، آن گاه رو به حاضران در اتاق کرد و گفت : سلام بر شما ! و خاموش ماند ، تا آن که اهل خانه همگی جواب سلام او را دادند .

پیرمرد ، سپس رو به امام باقر علیه السلام کرد و گفت : ای پسر پیامبر خدا ! خدا مرا فدایت گرداند ! مرا نزدیک خودت بنشان ؛ زیرا به خدا سوگند من شما و دوستدار شما را دوست دارم . به خدا سوگند که علاقه من به شما و دوستدارانتان ، برای چشمداشتی دنیوی نیست . به خدا سوگند که من ، دشمن شما را دشمن می دارم و از او بیزارم ، و به خدا سوگند که این نفرت و بیزاری من از او ، به خاطر این نیست که میان من و او ، خونخواهی (پدرکشتگی) است . به خدا سوگند که من ، حلال شما را حلال و حرام شما را حرام می شمارم و منتظرِ کارِ [حکومت] شما هستم . پس آیا برایم امیدوار [به رستگاری و بهشت]هستید فدایتان شوم ؟

امام باقر علیه السلام فرمود : «نزدیک بیا . نزدیک بیا» ، تا این که او را در کنار خود نشانید و سپس فرمود : «ای پیر ! مردی نزد پدرم علی بن الحسین علیه السلام آمد و مانند همین سؤالی که تو از من کردی ، از ایشان پرسید . پدرم به او فرمود : اگر [با چنین حالتی] بمیری ، بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و بر علی و حسن و حسین و علی بن الحسین وارد خواهی شد و دلت شاد و جانت آرام و دیده ات روشن می گردد ، و آن گاه که جانت به این جا رسد» و با دستش به گلویش اشاره کرد [و افزود :] «فرشتگان نویسنده[ی اعمال] با شادی و گُل به استقبالت می آیند و اگر زنده بمانی ، آن می بینی که خداوند ، بِدان ، دیده ات را روشن می گرداند و با ما در بلندترین جایگاه خواهی بود» .

پیرمرد گفت : چه فرمودی ، ای ابو جعفر ؟

امام علیه السلام سخنش را تکرار کرد .

پیرمرد گفت : اللّه اکبر ، ای ابو جعفر ! اگر بمیرم ، بر پیامبر خدا و بر علی و حسن و حسین و علی بن الحسین وارد می شوم و دیده ام روشن و دلم شاد می گردد و جانم آرام می گیرد و آن گاه که جانم به این جا (گلویم) رسد ، فرشتگان نویسنده[ی اعمال] با شادی و گُل به استقبالم می آیند و اگر زنده ماندم ، آن می بینم که خداوند ، بِدان ، دیده ام را روشن می گرداند و با شما در بلندترین جایگاه خواهم بود ؟ !

آن گاه ، پیرمرد گریه اش گرفت و های های گریست ، چندان که به زمین چسبید . حاضران در اتاق نیز از حالت پیرمرد به گریه افتادند و شیون کردند . امام باقر علیه السلام با انگشتش اشک از چشمان او می گرفت و به زمین می ریخت . پیرمرد ، سپس سرش را بلند کرد و به امام باقر علیه السلام گفت : ای پسر پیامبر خدا ! فدایت شوم ! دستت را به من بده .

امام علیه السلام دستش را به او داد و پیرمرد ، آن را بوسید و بر دیده و گونه اش نهاد و سپس شکم و سینه خود را برهنه ساخت و دست امام علیه السلام را بر شکم و سینه اش کشید . آن گاه برخاست و خداحافظی کرد و رفت.

امام باقر علیه السلام به پیرمرد که باز می گشت نگریست . سپس رو به جمعیت کرد و فرمود : «هر کس دوست دارد که به مردی از اهل بهشت بنگرد ، به این پیرمرد بنگرد» .

هرگز مجلس اندوهی شبیه آن مجلس ندیدم . .

1- .واژه «عَنزه» در متن عربی ، عصایی به اندازه نصف نیزه یا اندکی بزرگ تر است و سری نیزه ای همانند خنجر دارد.

ص: 748

. .

ص: 749

. .

558.عنه صلى الله عليه و آله :الكافى عن أبى بصير :كانَ لِى جارٌ يَتبَعُ السُّلطانَ فَأصابَ مالاً ، فَأعَدَّ قِيانا (1) وَكانَ يَجمَعُ الجَمِيعَ إلَيهِ وَيَشرَبُ المُسكِرَ وَيُؤذِينِى فَشَكَوتُهُ إلى نَفسِهِ غَيرَ مَرَّةٍ ، فَلَم يَنتَهِ ، فَلَمّا أن ألحَحتُ عَلَيهِ فَقالَ لِى : يا هذا ، أنا رَجُلٌ مُبتَلىً وَأنتَ رَجُلٌ مُعافًى ، فَلَو عَرَضتَنِى لِصاحِبِکَ رَجَوتُ اَ؟ يُنقِذَنِىَ اللّهُ بِکَ ، فَوَقَعَ ذَلِکَ لَهُ فِى قَلبِى ، فَلَمّا صِرتُ إلى أبِى عَبدِ اللّهِ عليه السلام ذَكَرتُ لَهُ حالَهُ ، فَقالَ لِى : إذا رَجَعتَ إلَى الكُوفَهِ سَيَأتِيکَ ، فَقُل لَهُ : يَقُولُ لَکَ جَعفَرُ بنُ مُحَمَّدٍ : دَع ما أنتَ عَلَيهِ وَأضمَنُ لَکَ عَلَى اللّهِ الجَنَّهَ .

فَلَمّا رَجَعتُ إلى الكُوفَهِ أتانِى فِيمَن أتى ، فَاحتَبَستُهُ عِندِى حَتّى خَلا مَنزِلِى ، ثُمَّ قُلتُ لَهُ يا هذا ، إنِّى ، ذَكَرتُکَ لِأبِى عَبدِ اللّهِ جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ الصّادِقِ عليهماالسلام فَقالَ لِى : إذا رَجَعتَ إلَى الكُوفَهِ سَيَأتِيکَ فَقُل لَهُ : يَقُولُ لَکَ جَعفَرُ بنُ مُحَمَّدٍ : دَع ما أنتَ عَلَيهِ وَأضمَنُ لَکَ عَلى اللّهِ الجَنَّهِ .

قال : فَبَكى ثُمَّ قالَ لِى : اللّهَ لَقَد قالَ لَکَ أبُو عَبدِ اللّهِ هذا ؟ قالَ : فَحَلَفتُ لَهُ أنَّهُ قَد قالَ لِى ما قُلتُ ، فَقالَ لِى : حَسبُکَ ، وَمَضى .

فَلَمّا كانَ بَعدَ أيّامٍ بَعَثَ إلَىَّ فَدَعانِى ، وَإذا هُو خَلفَ دارِهِ عُريانٌ ، فَقالَ لِى : يا أبا بَصِيرٍ ، لا وَاللّهِ ما بَقِىَ فِى مَنزِلِى شَىءٌ إلّا وَقَد أخرَجتُهُ وَأنا كَما تَرى . قالَ : فَمَضَيتُ

إلى إخوانِنا فَجَمَعتُ لَهُ ما كَسَوتُهُ بِهِ ، ثُمَّ لَم تَأتِ عَلَيهِ أيّامٌ يَسِيرَهٌ حَتّى بَعَثَ إلَىَّ أنِّى عَلِيلٌ فَأتِنِى فَجَعلَتُ أختَلِفُ إلَيهِ وَأعالِجُهُ حَتّى نَزَلَ بِهِ المَوتُ ، فَكُنتُ عِندَهُ جالِسا وَهُوَ يَجُودُ بِنَفسِهِ ، فَغُشِىَ عَلَيهِ غَشيهً ثُمَّ أفاقَ فَقالَ لِى يا أبا بَصِيرٍ ، قَد وَفَى صاحِبُکَ لَنا ، ثُمَ قُبِضَ رَحمَهُ اللّهِ عَلَيهِ .

فَلَمّا حَجَجتُ أتَيتُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام فَاستَأذَنتُ عَلَيهِ ، فَلَمّا دَخَلتُ قالَ لِى ابتِداءً مِن داخِلِ البَيتِ وَإحدى رِجلَىَّ فِى الصَّحنِ وَالأُخرى فِى دِهلِيزِ دارِهِ : يا أبا بَصِيرٍ ، قَد وَفَينا لِصاحِبِکَ . (2) .

1- .القَيْنَه : الأَمَه المُغَنِّيه ، والجمع قِيان (لسان العرب : ج 13 ص 351 «قين») .

2- .الكافى : ج 1 ص 474 ح 5 ، كشف الغمّه : ج 2 ص 406 ، بحار الأنوار : ج 47 ص 145 ح 199 .

559.الخصال عن سهل بن حنيف :الكافى به نقل از ابو بصير :همسايه ای داشتم كه در دستگاه حكومت ، كار می كرد و از اين طريق ، ثروتی به دست آورده و كنيزكانی آوازه خوان خريده بود . همه را نزد خود جمع می كرد و شراب می خورد و باعث آزار و اذيّت من می شد . بارها به خودِ او شكايت كردم ؛ امّا دست بر نداشت ، و چون اصرار كردم كه دست از كارهايش بردارد ، به من گفت : فلانی ! من آدمی هستم كه [در بند حكومت ،] گرفتار آمده ام و تو از اين گرفتاری ، بر كنار و آسوده ای . اگر وضع مرا به آقايت بگويی ، اميدوارم كه خداوند به واسطه تو ، مرا هم نجات بخشد .

اين سخن او ، در دلم اثر كرد و چون به خدمت امام صادق عليه السلام رسيدم ، ماجرای او را به ايشان گفتم . فرمود : «چون به كوفه باز گشتی ، او نزد تو خواهد آمد . به او بگو : جعفر بن محمّد به تو می گويد : كاری را كه داری ، رها كن . من نيز از جانب خدا بهشت را برايت ضمانت می كنم » .

چون به كوفه باز گشتم ، او از جمله كسانی بود كه به ديدارم آمد . او را نزد خود نگه داشتم تا اين كه منزلم خلوت شد . سپس به او گفتم : فلانی ! من حال تو را به امام صادق عليه السلام گفتم . ايشان به من فرمود : «چون به كوفه باز گشتی ، او نزد تو خواهد آمد . به او بگو : جعفر بن محمّد به تو می گويد : كاری را كه داری ، رها كن . من نيز از جانب خداوند ، بهشت را برايت ضمانت می كنم » .

او گريست و گفت : عجب ! امام صادق به تو چنين گفت؟

من برايش سوگند ياد كردم كه آنچه را گفتم ، ايشان به من فرموده است . او گفت : بس است . و رفت .

چند روز بعد ، در پی من فرستاد و مرا خواست . چون رفتم ، ديدم كه پشت خانه اش برهنه نشسته است . به من گفت : ای ابو بصير ! به خدا سوگند ، هر چه در منزل داشتم ، [به صاحبانش و يا در راه خدا] بدادم و اكنون چنانم كه می بينی .

من نزد دوستانم رفتم و پوشاکی برایش جمع کردم و بر او پوشاندم . چند روز ، بیشتر نگذشته بود که برایم پیغام فرستاد که : من بیمارم . نزد من بیا .

من پیش او می رفتم و به او رسیدگی می کردم تا آن که زمان مرگش فرا رسید . من در کنارش نشسته بودم و او در حال جان دادن بود . از هوش رفت و دوباره به هوش آمد و گفت : ای ابو بصیر! آقایت به وعده خود با ما وفا کرد . این را گفت و به رحمت خدا پیوست .

به حج که رفتم ، خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و اجازه شرفیابی خواستم . وارد که شدم ، هنوز یک پایم در صحن خانه و پای دیگرم در دالان آن بود که امام علیه السلام از داخل اتاق فرمود : «ای ابو بصیر ! ما به وعده خود به رفیقت وفا کردیم » . .

17 / 12نِساءٌ مِن أَهلِ الجَنَّهِ562.عنه صلى الله عليه و آله (لِعَلِيٍّ عليه السلام) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أفضَلُ نِساءِ أَهلِ الجَنَّهِ أَربَعٌ : خَدِيجَهُ بِنتُ خُوَيلِدٍ ، وَفاطِمَهُ بِنتُ مُحَمَّدٍ ، وَمَريَمُ بِنتُ عِمرانَ ، وَآسِيَهُ بِنتُ مُزاحِمٍ امرَأَهُ فِرعَونَ . (1)563.عنه صلى الله عليه و آله :صحيح مسلم عن أبى هريره :أَتَى جِبرِيلُ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله ، فَقالَ : يا رَسُولَ اللّهِ ! هذِهِ خَدِيجَهُ قَد أَتَتكَ . . . وَبَشِّرها بِبَيتٍ فِى الجَنَّهِ مِن قَصَبٍ (2) لا صَخَبَ فِيهِ وَلا نَصَبَ . (3) .

1- .الخصال : ص 206 ح 22 عن ابن عبّاس ، بحار الأنوار : ج 8 ص 178 ح 133 ؛ مسند ابن حنبل : ج 1 ص 628 ح 2668 ، السنن الكبرى للنسائى : ج 5 ص 93 ح 8355 ، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 650 ح 4160 ، صحيح ابن حبّان : ج 15 ص 470 ح 7010 كلّها عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : ج 12 ص 143 ح 34402 .
2- .القصب فى هذا الحديث : لؤلؤ مجوّف واسع كالقصر المنيف ، والقصب من الجوهر : ما استطال منه فى تجويف (النهايه : ج 4 ص 67 «قصب») .
3- .صحيح مسلم : ج 4 ص 1887 ح 71 ، صحيح البخارى : ج 2 ص 636 ح 1699 والثلاثه الأخيره عن عبد اللّه بن أبى أوفى ، مسند ابن حنبل : ج 7 ص 50 ح 19150 و ص 53 ح 19164 والثلاثه الأخيره ، سنن الترمذى : ج 5 ص 702 ح 3876 عن عائشه وكلّها نحوه ، كنز العمّال : ج 13 ص 692 ح 37768 ؛ شرح الأخبار : ج 3 ص 17 ح 947 ، العمده : ص 394 ح 790 عن عبد اللّه بن أبى أوفى نحوه ، بحار الأنوار : ج 16 ص 7 ح 12 .

17 / 12زنانی بهشتی566.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :برترین زنان اهل بهشت ، چهار نفرند : خدیجه دُخت خُوَیلِد و فاطمه دُخت محمّد و مریم دُخت عمران و آسیه دخت مُزاحم ، همسر فرعون .567.عنه صلی الله علیه و آله :صحیح مسلم به نقل از ابو هریره :جبرئیل ، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! خدیجه دارد نزد تو می آید ... . او را به خانه ای در بهشت که از مروارید ، ساخته شده و در آن ، سر و صدا و رنجی نیست ، بشارت ده .

.

568.عنه صلى الله عليه و آله :الخصال عن أبى بصير عن الإمام الباقر عليه السلام :سَمِعتُهُ يَقُولُ : رَحِمَ اللّهُ الأَخَواتِ مِن أَهلِ الجَنَّهِ ، فَسَمّاهُنَّ : أَسماءَ بِنتَ عُمَيسٍ الخَثعَمِيَّهَ وَكانَت تَحتَ جَعفَرِ بنِ أَبِى طالِبٍ عليه السلام ، وَسَلمى بِنتَ عُمَيسٍ الخَثعَمِيَّهَ وَكانَت تَحتَ حَمزَهَ ، وَخَمسٌ مِن بَنِى هِلالٍ : مَيمُونَهُ بِنتُ الحارِثِ كانَت تَحتَ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله ، وَأُمُّ الفَضلِ عِندَ العَبّاسِ اسمُها هِندٌ ، وَالغُمَيصاءُ أُمُّ خالِدِ بنِ الوَلِيدِ ، وَعَزَّهُ كانَت فِى ثَقِيفٍ عِندَ الحَجّاجِ بنِ غلّاظٍ ، وَحميدَهُ وَلَم يَكُن لَها عَقِبٌ . (1)569.عنه صلى الله عليه و آله :رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله :مَن سَرَّهُ أَن يَتَزَوَّجَ امرَأَهً مِن أَهلِ الجَنَّهِ فَليَتَزَوَّج أُمَّ أَيمَنَ . (2)570.عنه صلى الله عليه و آله :صحيح البخارى عن عطاء بن أبى رباح :قالَ لِى ابنُ عَبّاسٍ : أَلا أُرِيكَ امرَأَهً مِن أَهلِ الجَنَّهِ ؟ قُلتُ : بَلى ، قالَ : هذِهِ المَرأَهُ السَّوداءُ أَتَتِ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله فَقالَت : إِنِّى أُصرَعُ وَإِنِّى أَتَكَشَّفُ ، فَادعُ اللّهَ لِى ، قالَ : إِن شِئتِ صَبَرتِ وَلَكِ الجَنَّهُ ، وَإِن شِئتِ دَعَوتُ اللّهَ أَن يُعافِيَكِ . فَقالَت : أَصبِرُ ، فَقالَت : إِنِّى أَتَكَشَّفُ فادعُ اللّهَ أَن لا أَتَكَشَّفَ فَدَعا لَها . (3)571.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام علىّ عليه السلام :كانَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله إِذا سُئِلَ شَيئا فَإِذا أَرادَ أَن يَفعَلَهُ قالَ : نَعَم ، وَإِذا أَرادَ أَن لا يَفعَلَ سَكَتَ ، وَكانَ لا يَقُولُ لِشَىءٍ لا ، فَأَتاهُ أَعرابِىٌّ فَسَأَلَهُ فَسَكَتَ ، ثُمَّ سَأَلَهُ فَسَكَتَ ، ثُمَّ سَأَلَهُ فَسَكَتَ .

فَقالَ صلى الله عليه و آله كَهَيئَهِ المُستَرسِلِ : ما شِئتَ (يا أَعرابِىُّ) .

فَغَبَطناهُ وَقُلنا : الآنَ يَسأَلُ الجَنَّهَ !

فَقالَ الأَعرابِىُّ : أَسأَلُكَ راحِلَهً (وَ) رَحلَها وَزادا . قالَ صلى الله عليه و آله : لَكَ ذلِكَ . ثُمَّ قالَ صلى الله عليه و آله : كَم بَينَ مَسأَلَهِ الأَعرابِىِّ وَعَجُوزِ بَنِى إِسرائِيلَ ! ثُمَّ قالَ : إِنَّ مُوسى عليه السلام لَمّا أُمِرَ أَن يَقطَعَ البَحرَ فَانتَهى إِلَيهِ وَضُرِبَت وُجُوهُ الدَّوابِّ فَرَجَعَت ، فَقالَ مُوسى : يا رَبِّ ما لِى ؟ قالَ : يا مُوسى ، إِنَّكَ عِندَ قَبرِ يُوسُفَ فَاحمِل عِظامَهُ ، وَقَدِ استَوى القَبرُ بِالأَرضِ ، فَسَأَلَ مُوسَى قَومَهُ : هَل يَدرِى أَحَدٌ مِنكُم أَينَ هُوَ ؟ قالُوا : عَجُوزُ بَنِى إِسرائِيلَ لَعَلَّها تَعلَمُ .

فَقالَ لَها : هَل تَعلَمِينَ ؟ قالَت : نَعَم ، قالَ : فَدُلِّينا عَلَيهِ ، قالَت : لا وَاللّهِ حَتّى تُعطِيَنِى ما أَسأَلُكَ .

قالَ : ذلِکَ (لَکِ) ، قالَت : فَإنِّی أسألَکَ أن أکُونَ مَعَکَ فِی الدَّرَجَهِ (الّتِی تَکُونُ فِی) الجَنَّهِ ، (قالَ : سَلِی الجَنَّهَ) قالَت : لا وَاللّهِ إلَا أن أکُونَ مَعَکَ ، فَجَعَلَ مُوسی (یُرادُّها) (4) فَأوحَی اللّهُ (إلَیهِ) : أن أعطِها ذَلِکَ فَإنَّهُ لا یَنقُصُکَ ، فَأعطاها ، وَدَلَّتهُ عَلَی القَبرِ ، فَأخرَجَ العِظامَ وَجاوَزَ البَحرَ . (5) .

1- .الخصال : ص 363 ح 55 عن أبی بصیر ، بحار الأنوار : ج 22 ص 291 ح 63 .
2- .الطبقات الکبری : ج 8 ص 224 ، سیر أعلام النبلاء : ج 2 ص 224 ، تاریخ دمشق : ج 4 ص 303 ح 1072 ، الإصابه : ج 8 ص 359 الرقم 11902 کلّها عن سفیان بن عینیه ، کنز العمّال : ج 12 ص 146 ح 33416 .
3- .صحیح البخاری : ج 5 ص 2140 ح 5328 ، صحیح مسلم : ج 4 ص 1994 ح 54 ، السنن الکبری للنسائی : ج 4 ص 353 ح 7490 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 742 ح 3240 ، الأدب المفرد : ص 154 ح 505 ، حلیه الأولیاء : ج 6 ص 180 .
4- .الرَّدّ : صَرْفُ الشیء ورَجعُه (لسان العرب : ج 3 ص 172 «ردد») .
5- .الدعوات : ص 40 ح 100 ، بحار الأنوار : ج 22 ص 294 ح 5 ؛ المعجم الأوسط : ج 7 ص 375 ح 7767 عن حبّه العَرنیّ نحوه ، کنز العمّال : ج 2 ص 616 ح 4895 .

572.عنه صلی الله علیه و آله :الخصال به نقل از ابو بصیر :از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرماید : «رحمت خدا بر خواهران بهشتی !» و آنان را چنین نام برد : اسماء خَثعَمیّه دختر عُمَیس که همسر جعفر بن ابی طالب بود ؛ سلمی خَثعَمیّه دختر عُمَیس که همسر حمزه بود ؛ و پنج زن از بنی هِلال : میمونه دختر حارث که همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بود ، اُمّ فضل که همسر عبّاس و نامش هند بود ، عُمَیصاء مادر خالد بن ولید ، عَزّه که در ثقیف و همسر حَجّاج بن غلّاظ بود ، و حَمیده که فرزندی نداشت .573.الإمام علیّ علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که دوست دارد با زنی از اهل بهشت ازدواج کند ، با اُمّ اَیمَن ازدواج نماید .574.عنه علیه السلام :صحیح البخاری به نقل از عطاء بن ابی رباح :ابن عبّاس به من گفت : آیا زنی از اهل بهشت را به تو نشان ندهم؟

گفتم : چرا .

گفت : همین زن سیاهی که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد . او [به پیامبر صلی الله علیه و آله] گفت : من غش می کنم و [در هنگام غش کردن و افتادن ،]بدنم نمایان می شود . برایم دعا کن .

فرمود : «کدام را می خواهی؟ این وضع را تحمّل کنی و در عوض ، بهشت از آنِ تو باشد ، یا برایت دعا کنم و خدا شفایت بخشد ؟» .

گفت : تحمّل می کنم . سپس گفت : بدنم نمایان می شود . پس دعا کن که بدنم نمایان نشود .

پیامبر صلی الله علیه و آله برایش دعا کرد .575.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام :عادت پیامبر صلی الله علیه و آله این بود که هر گاه از او چیزی خواسته می شد ، چنانچه می خواست آن را انجام دهد ، می فرمود : «باشد» ، و چنانچه نمی خواست انجام دهد ، سکوت می کرد ، و به هیچ خواهشی ، «نه» نمی گفت .

یک روز ، بادیه نشینی نزد ایشان آمد و درخواستی کرد . ایشان سکوت کرد . دوباره خواست . ایشان باز سکوت کرد . سه باره خواست و پیامبر صلی الله علیه و آله باز هم سکوت کرد . پیامبر صلی الله علیه و آله سپس با حالتی خودمانی فرمود : «هر چه تو بخواهی ، ای بادیه نشین !» .

ما به حال او غبطه خوردیم و گفتیم : الآن ، بهشت را درخواست می کند !

بادیه نشین گفت : شتری با جهازش و مقداری توشه می خواهم .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «به تو دادم» و سپس فرمود : «چه قدر فاصله است میان درخواست این بادیه نشین و درخواست آن پیرزن بنی اسرائیل !» و در ادامه فرمود : «موسی علیه السلام چون فرمان یافت که از دریا[ی نیل] بگذرد ، به کنار دریا رسید ؛ ولی مرکب ها از پیشروی خودداری کردند و بر می گشتند . موسی گفت : خدایا ! چه شده است؟

خداوند فرمود : ای موسی ! تو در محلّ قبر یوسف هستی . استخوان های او را با خودت ببر . قبر با خاک ، یکسان شده بود [و برای همین ، موسی جای آن را نمی دانست] . موسی از قومش پرسید : آیا کسی از شما جای قبر او را می داند؟

گفتند : پیرزنی بنی اسرائیلی هست که شاید بداند . موسی به او گفت : تو می دانی؟

گفت : آری . موسی گفت : پس آن را نشانمان بده .

پیرزن گفت : نه به خدا ، مگر این که آنچه را از تو خواستم ، به من بدهی . موسی گفت : می دهم . پیرزن گفت : از تو می خواهم که در بهشت با تو در همان درجه ای باشم که تو خواهی بود . موسی گفت : [تنها] بهشت را بخواه .

پیرزن گفت : نه به خدا ! [می خواهم] فقط با تو باشم .

موسی کوشید که او را از خواسته اش منصرف سازد ؛ امّا خدا به او وحی فرمود که : قبول کن ؛ زیرا چیزی از تو کم نمی شود .

موسی قبول کرد و پیرزن ، او را به قبر ، راه نمایی کرد . موسی استخوان ها را در آورد و از دریا گذشت » . .

576.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الباقر عليه السلام :إِنَّ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله كانَ نَزَلَ عَلى رَجُلٍ بِالطائِفِ قَبلَ الإِسلامِ ، فَأَكرَمَهُ ، فَلَمّا أَن بَعَثَ اللّهُ مُحَمَّدا صلى الله عليه و آله إِلَى النّاسِ قِيلَ لِلرَّجُلِ : أَتَدرِى مَنِ الَّذِى أَرسَلَهُ اللّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلى النّاسِ ؟ قالَ : لا ، قالُوا لَهُ : هُوَ مُحَمَّدُ بنُ عَبدِ اللّهِ يَتِيمُ أَبِى طالِبٍ ، وَهُوَ الَّذِى كانَ نَزَلَ بِكَ بِالطائِفِ يَومَ كَذا وَكَذا فَأَكرَمتَهُ ، قالَ : فَقَدِمَ الرَّجُلُ عَلى رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَسَلَّمَ عَلَيهِ وَأَسلَمَ ، ثُمَّ قالَ لَهُ : أَتَعرِفُنِى يا رَسُولَ اللّهِ ؟ قالَ : وَمَن أَنتَ ؟ قالَ : أَنا رَبُّ المَنزِلِ الَّذِى نَزَلتَ بِهِ بِالطائِفِ فِى الجاهِلِيَّهِ يَومَ كَذا وَكَذا فَأَكرَمتُكَ ، فَقالَ لَهُ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : مَرحبا بِكَ سَل حاجَتَكَ ، فَقالَ : أَسأَلُكَ مِائَتَى شاهٍ بِرُعاتِها . فَأَمَرَ لَهُ

رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله بِما سَأَلَ . ثُمَّ قالَ لِأَصحابِهِ : ما كانَ عَلى هذا الرَّجُلِ أَن يَسأَلَنِى سُؤالَ عَجُوزِ بَنِى إِسرائِيلَ لِمُوسى عليه السلام ! فَقالُوا : وَما سَأَلَت عَجُوزُ بَنِى إِسرائِيلَ لِمُوسى ؟ فَقالَ :

إِنَّ اللّهَ عَزَّ ذِكرُهُ أَوحَى إِلى مُوسى أَنِ احمِلِ عِظامَ يُوسُفَ مِن مِصرَ قَبلَ أَن تَخرُجَ مِنها إِلى الأَرضِ المُقَدَّسَهِ بِالشّامِ ، فَسَأَلَ مُوسى عَن قَبرِ يُوسُفَ عليه السلام ، فَجاءَهُ شَيخٌ فَقالَ : إِن كانَ أَحَدٌ يَعرِفُ قَبرَهُ فَفُلانَهُ ، فَأَرسَلَ مُوسى عليه السلام إِلَيها ، فَلَمّا جاءَتهُ قالَ : تَعلَمِينَ مَوضِعَ قَبرِ يُوسُفَ عليه السلام ؟ قالَت : نَعَم ، قالَ : فَدُلِّينِى عَلَيهِ وَلَكِ ما سَأَلتِ ، قالَت لا أَدُلُّكَ عَلَيهِ إِلّا بِحُكمِى ، قالَ : فَلَكِ الجَنَّهُ ، قالَت : لا إِلاّ بِحُكمِى عَلَيكَ ، فَأَوحَى اللّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلى مُوسى : لا يَكبُرُ عَلَيكَ أَن تَجعَلَ لَها حُكمَها ، فَقالَ لَها مُوسى : فَلَكِ حُكمُكِ ، قالَت : فَإِنَّ حُكمِى أَن أَكُونَ مَعَكَ فِى دَرَجَتِكَ الَّتِى تَكُونُ فِيها يَومَ القِيامَهِ فِى الجَنَّهِ . فَقالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : ما كانَ عَلى هذا لَو سَأَلَنِى ما سَأَلَت عَجُوزُ بَنِى إِسرائِيلَ . (1) .

1- .الكافى : ج 8 ص 155 ح 144 عن يزيد الكناسى ، قرب الإسناد : ص 58 ح 188 عن صفوان الجمّال عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 22 ص 292 ح 1 ؛ المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 439 ح 3523 و ص 624 ح 4088 كلاهما عن أبى موسى الأشعرى نحوه .

577.عنه صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، پیش از اسلام ، میهمان مردی شد و او از ایشان با احترام ، پذیرایی کرد . پس از آن که خداوند ، محمّد صلی الله علیه و آله را به سوی مردم فرستاد ، به آن مرد گفته شد : آیا می دانی آن کسی که خداوند عز و جل به سوی مردم فرستاده است ، کیست؟

گفت : نه .

گفتند : او محمّد بن عبد اللّه ، یتیم ابو طالب و همان کسی است که در فلان و بهمان روز ، میهمان تو شد و تو گرامی اش داشتی .

آن مرد ، نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و سلام کرد و مسلمان شد و سپس گفت : مرا می شناسی ، ای پیامبر خدا؟ فرمود : «تو کیستی؟» .

گفت : من صاحب همان منزلی هستم که در جاهلیت ، در فلان و بهمان روز ، وقتی به طائف آمدی ، وارد آن شدی و من با احترام ، از شما پذیرایی کردم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «خوش آمدی ! حاجتت را بخواه ».

گفت : دویست گوسفند با چوپانان آنها می خواهم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دستور داد آنچه را می خواهد ، به او بدهند . آن گاه به یارانش فرمود : «این مرد ، بینش آن را نداشت که از من همان چیزی را بخواهد که پیرزن بنی اسرائیلی از موسی علیه السلام خواست !» . یاران گفتند : پیرزن بنی اسرائیل از موسی چه خواست؟

فرمود : «خداوند عز و جل به موسی وحی فرمود که : چون خواستی مصر را به سوی سرزمین مقدّس در شام ترک گویی ، استخوان های یوسف را هم از مصر با خود ببر .

موسی از قبر یوسف ، جویا شد .

پیرمردی آمد و گفت : اگر کسی جای قبرش را بداند ، آن کس فلان پیرزن است .

موسی در پی او فرستاد . چون پیرزن آمد ، موسی به او گفت : تو جای قبر یوسف را می دانی؟ گفت : آری .

موسی گفت : آن را به من نشان بده . هر چه بخواهی ، به تو می دهم .

پیرزن گفت : آن را نشانت نمی دهم ، مگر این که هر چه را من می گویم ، همان را به من بدهی .

موسی گفت : بهشت ، از آنِ تو باشد .

پیرزن گفت : نه ! من تعیین می کنم .

خداوند عز و جل به موسی وحی فرمود که : نگران مباش ! بگذار او تعیین کند .

موسی به پیرزن گفت : هر چه تو حکم کنی .

پیرزن گفت : حکم من ، این است که روز قیامت ، با تو در همان درجه ای باشم که تو هستی» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «این مرد ، بینش آن را نداشت که از من ، همان چیزی را بخواهد که آن پیرزن بنی اسرائیلی خواست !» . .

578.عنه صلى الله عليه و آله (فى عَلِيٍّ عليه السلام) الإمام الصادق عليه السلام :إِنَّ اللّهَ تَبارَکَ وَتَعالى أَوحى إِلى مُوسَى بنِ عِمرانَ عليه السلام أَن أَخرِج عِظَامَ يُوسُفَ عليه السلام مِن مِصرَ وَ وَعَدَهُ طُلُوعَ القَمَرِ ، فَأَبطَأَ طُلُوعُ القَمَرِ عَلَيهِ ، فَسَأَلَ عَمَّن يَعلَمُ مَوضِعَهُ ، فَقِيلَ لَهُ : هاهُنا عَجُوزٌ تَعلَمُ عِلمَهُ ، فَبَعَثَ إِلَيها فَأُتِى بِعَجُوزٍ مُقعِدَهٍ عَمياءَ .

فَقالَ : تَعرِفِينَ قَبرَ يُوسُفَ عليه السلام ؟ قالَت نَعَم ، قالَ : فَأَخبِرِينِى بِمَوضِعِهِ . قالَت : لا أَفعَلُ حَتّى تُعطِيَنى خِصالاً : تُطلِقُ رِجلِى ، وَتُعِيدُ إِلَىَّ بَصَرِى ، وَتَرُدُّ إِلَىَّ شَبابِى ،

وَتَجعَلُنِى مَعَکَ فِى الجَنَّهِ .

فَكَبُرَ ذلِکَ عَلى مُوسى ، فَأَوحَى اللّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيهِ : أَنَّما تُعطِى عَلَىَّ ، فَأَعطِها ما سَأَلَت .

فَفَعَلَ فَدَلَّتهُ عَلى قَبرِ يُوسُفَ عليه السلام ، فَاستَخرَجَهُ من شاطِئِ النَّيلِ فِى صُندُوقٍ مَرمَرٍ ، فَلَمّا أَخرَجَهُ طَلَعَ القَمَرُ فَحَمَلَهُ إِلَى الشّامِ . فَلِذلِکَ يَحمِلُ أَهلُ الكِتابِ مَوتاهُم إِلَى الشّامِ . (1) .

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 193 ح 594 ، الخصال : ص 205 ح 21 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 259 ح 18 ، علل الشرائع : ص 296 ح 1 كلّها عن الحسن بن علىّ بن فضال عن أبى الحسن عليه السلام .

579.عنه صلی الله علیه و آله (فی عَلِیٍّ علیه السلام) امام صادق علیه السلام :خداوندِ بزرگ و والا ، به موسی بن عمران علیه السلام وحی فرمود که : «استخوان های یوسف علیه السلام را از مصر با خود ببر» و موعد آن را طلوع ماه ، تعیین نمود .

موسی طاقت نیاورد که تا طلوع ماه ، صبر کند و در جستجوی کسی بر آمد که محلّ قبر را بداند . به او گفته شد : پیرزنی هست که جایش را می داند .

موسی در پی او فرستاد و پیرزنی زمینگیر و نابینا را آوردند . موسی گفت : قبر یوسف را بلدی؟ گفت : آری . موسی گفت : پس ، جای آن را به من بگو .

پیرزن گفت : نمی گویم ، تا این که چند چیز را به من بدهی : پایم را خوب کنی ، بینایی ام را به من باز گردانی ، جوانی ام را دوباره به من بدهی و مرا در بهشت ، با خودت قرار دهی .

اینها بر موسی گران آمد . خداوند عز و جل بر او وحی فرمود که : «آنچه می دهی ، بر عهده من . پس هر چه خواست ، به او بده» .

موسی چنین کرد و پیرزن ، قبر یوسف علیه السلام را به او نشان داد . موسی ، جسد یوسف را که در صندوقی مرمرین در ساحل نیل بود ، بیرون آورد . بیرون که آورد ، ماه طلوع کرد و موسی آن را به شام ، انتقال داد . به همین دلیل ، اهل کتاب ، مردگان خود را به شام می برند . .

580.عنه صلى الله عليه و آله (لِعَلِيٍّ عليه السلام) الإمام الصادق عليه السلام :أَوحَى اللّهُ تَعالى إِلى داوُودَ عليه السلام أَنَّ خلادَةَ بِنتَ أَوسٍ بَشِّرها بِالجَنَّهِ وَأَعلِمها أَنَّها قَرِينَتُکَ فِى الجَنَّهِ .

فَانطَلَقَ إِلَيها فَقَرَعَ البابَ عَلَيها ، فَخَرَجَت وَقالَت : هَل نَزَلَ فِىَّ شَىءٌ ؟ قالَ : نَعَم ، قالَت : وَما هُوَ ؟ قالَ : إِنَّ اللّهَ تَعالى أَوحى إِلَىَّ وَأخبَرَنِى أَنَّکِ قَرِينَتِى فِى الجَنَّهِ ، وَأَن أُبَشِّرَکِ بِالجَنَّهِ ، قالَت :أَوَ يَکُونُ اسمٌ وافَقَ اسمِى ؟ قالَ : إِنَّکِ لَأَنتِ هِىَ ، قالَت : يا نَبِىَّ اللّهِ ، ما أُکَذِّبُکَ وَلا وَاللّهِ ما أَعرِفُ مِن نَفسِى ما وَصَفتَنِى بِهِ !

قالَ داوُودُ : أَخبِرِينِى عَن ضَمِيرِکِ وَسَرِيرَتِکِ، هُوَ ؟ قالَت : أَمّا هذا فَسَأُخبِرُکَ بِهِ ؛ أُخبِرُکَ أَنَّهُ لَم يُصِبنِى وَجَعٌ قَطُّ نَزَلَ بِى کائِنا ما کانَ ، وَلا نَزَلَ بِى ضُرٌّ وَحاجَهٌ وَجُوعٌ کائِنا ما کانَ إِلّا صَبَرتُ عَلَيهِ ، وَلَم أَسأَلِ اللّهَ کَشفَهُ عَنِّى حَتّى يُحَوِّلَهُ اللّهُ عَنِّى إِلَى العافِيَهِ وَالسَّعَهِ ، وَلَم أَطلُب بَدَلاً وَشَکَرتُ اللّهَ عَلَيها وَحَمِدتُهُ .

فَقالَ داوُودُ عليه السلام : فَبِهذا بَلَغتِ ما بَلَغتِ .

ثُمَّ قالَ أَبُو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : وَهذا دِينُ اللّهِ الَّذِى ارتَضاهُ لِلصّالِحِينَ . (1) .

1- .قصص الأنبياء للراوندى : ص 206 ح 268 ، مشكاه الأنوار : ص 60 ح 75 نحوه وكلاهما عن الحلبى ، بحار الأنوار : ج 71 ص 89 ح 42 .

581.کمال الدین عن عبد الرحمن بن سمره :امام صادق علیه السلام :خدای متعال به داوود علیه السلام وحی فرمود که : به خَلاده دختر اوس ، مژده بهشت بده و به آگاهی اش برسان که او در بهشت ، همسر تو خواهد بود .

داوود به سوی او رفت و درِ خانه اش را کوبید . خلاده بیرون آمد و گفت : آیا چیزی در باره ام نازل شده است؟

داوود گفت : «خداوند بلندمرتبه ، به من وحی فرمود و به من خبر داد که تو همنشین من در بهشت خواهی بود و فرمود که تو را به بهشت ، مژده دهم» .

خلاده گفت : شاید تشابه اسمی میان من و کسی دیگر ، رخ داده است !

داوود گفت : «خودِ تو هستی» .

خلاده گفت : ای پیامبر خدا ! من تو را دروغگو نمی شمارم ؛ امّا به خدا سوگند ، در خود ، چنین سزامندی ای نمی یابم !

داوود گفت : «مرا از باطن و درونت خبر ده که در آن ، چه می گذرد» .

خلاده گفت : این را به تو خبر می دهم . من هرگز به هیچ دردی از هیچ نوعی ، مبتلا نشدم و هیچ گونه نیاز و گرسنگی ای ، از هیچ گونه به من نرسید ، مگر این که در برابرش شکیبایی کردم و از خداوند نخواستم که آن را از من برطرف سازد تا آن که او خود از من دورش گردانَد و عافیت و گشایش دهد ، و به جای آن ، چیزی از خدا نخواستم و خدا را بر آن شکر گزاردم و ستایش نمودم .

داوود علیه السلام گفت : «پس با این خصلت ، به آن مقام رسیده ای» .

این ، همان دین خداست که برای نیکان ، برگزیده و پسندیده است . .

17 / 13رَجُلٌ مِن أَهلِ الجَنَّهِ لَم يُصَلِّ قَطُّ !584.عنه صلى الله عليه و آله :السّيره النّبويّه لابن هِشام :قالَ ابنُ إِسحاقَ : وَكانَ مِن حَدِيثِ الأَسوَدِ الرّاعِى فِيما بَلَغَنِى : أَنَّهُ أَتى رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله وَهُو مُحاصِرٌ لِبَعضِ حُصُونِ خَيبَر ، وَمَعَهُ غَنَمٌ له كانَ فِيها أَجِيرا لِرَجُلٍ مِن يَهُودَ ، فَقالَ : يا رَسُولَ اللّهِ ، اِعرِض عَلَىَّ الإِسلامَ ، فَعَرَضَهُ عَلَيهِ ، فَأَسلَمَ .

وَكانَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله لا يُحَقِّرُ أَحَدا أَن يَدعُوَهُ إِلَى الإِسلامِ ، وَيَعرِضَهُ عَلَيهِ فَلمّا أَسلَمَ قالَ : يا رَسُولَ اللّهِ ، إِنّى كُنتُ أَجِيرا لِصاحِبِ هذِهِ الغَنَمِ ، وَهِىَ أَمانَهٌ عِندِى ، فَكَيفَ أَصنَعُ بِها ؟

قال : اِضرِب فِى وُجوهِها ، فَإِنَّها سَتَرجِعُ إِلى رَبِّها أَو كَما قالَ فَقامَ الأَسوَدُ ، فَأَخَذَ حَفنَهً مِنَ الحَصى ، فَرَمى بِها فِى وُجُوهِها وَقالَ : ارجِعِى إِلى صاحِبِكِ فَوَ اللّهِ لا أَصحَبُكِ أَبَدا ، فَخَرَجَت مُجتَمِعَهً كَأَنَّ سائِقا يَسُوقُها ، حَتّى دَخَلَتِ الحِصنَ .

ثُمَّ تَقَدَّمَ إِلى ذَلِكَ الحِصنِ لِيُقاتِلَ مَعَ المُسلِمِينَ ، فَأَصابَهُ حَجَرٌ فَقَتَلَهُ ، وَما صَلّى لِلّهِ صَلاهً قَطُّ ، فَأُتِىَ بِهِ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَوُضِعَ خَلفَهُ ، وَسُجِّىَ بِشَملَهٍ كانَت عَلَيهِ ، فَالتَفَتَ إِلَيهِ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله وَمَعَهُ نَفَرٌ مِن أَصحابِهِ ، ثُمَّ أَعرَضَ عَنهُ ، فَقالُوا : يا رَسُولَ اللّهِ ، لِمَ أَعرَضتَ عَنهُ ؟

قالَ : إِنَّ مَعَهُ الآنَ زَوْجَتَيهِ مِنَ الحُورِ العِينِ . (1)585.عنه صلى الله عليه و آله :مسند ابن حنبل عن أَبى هريره كانَ يَقُولُ :حَدِّثُونِى عَن رَجُلٍ دَخَلَ الجَنَّهَ لَم يُصَلِّ

قَطُّ ، فَإِذا لَم يَعرِفهُ النّاسُ سَأَلُوهُ : مَن هُوَ ؟ فَيَقُولُ : أُصَيْرِمُ بَنِى عَبدِ الأَشهَلِ عَمرُو بنُ ثابِتِ بنِ وَقْشٍ .

قالَ الحُصَينُ : فَقُلتُ لِمَحمُودِ بنِ لُبَيدٍ : كَيفَ كانَ شَأنُ الأُصَيرِمِ ؟

قالَ : كانَ يَأبَى الإِسلامَ عَلى قَومِهِ ، فَلَمّا كانَ يَومُ أُحُدٍ وَخَرَجَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إِلى أُحُدٍ بَدا لَهُ الإِسلامُ فَأَسلَمَ ، فَأَخَذَ سَيفَهُ فَغَدا حَتّى أَتَى القَومَ فَدَخَلَ فِى عُرضِ النّاسِ ، فَقَاتَلَ حَتّى أَثبَتَتهُ الجِراحَهُ .

قالَ فَبَينَما رِجالُ بَنِى عَبدِ الأشهَلِ يَلتَمِسُونَ قَتلاهُم فِى المَعرَكَهِ إِذا هُم بِهِ ، فَقالُوا : وَاللّهِ إِنَّ هذِهِ لَلأُصَيرِمُ ، وَما جاءَ لَقَد تَرَكناهُ ، وَإِنَّهُ لَمُنكِرٌ هذا الحَدِيثَ! فَسَأَلُوهُ : ما جاءَ بِهِ ؟ قالُوا : ما جاءَ بِکَ يا عَمرُو ، أَحَدَبا (2) عَلى قَومِکَ ، أَو رَغبَهً فِى الإِسلامِ ؟ قالَ : بَل رَغبَهً فِى الإِسلامِ ؛ آمَنتُ بِاللّهِ وَرَسُولِهِ وَأَسلَمتُ ، ثُمَّ أَخَذتُ سَيفِى فَغَدَوتُ مَعَ رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَقاتَلتُ حَتّى أَصابَنِى ما أَصابَنِى .

قالَ ثُمَّ لَم يَلبَث أَن ماتَ فِى أَيدِيهِم ، فَذَكَرُوهُ لِرَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَقالَ : إِنَّهُ لَمِن أَهلِ الجَنَّهِ . (3) .

1- .السيره النبويّه لابن هشام : ج 3 ص 358 ، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 148 ح 2609 ، السنن الكبرى : ج 9 ص 241 ح 18424 كلاهما عن جابر بن عبد اللّه نحوه ، أُسد الغابه : ج 1 ص 213 الرقم 115 عن إسحاق بن يسار .
2- .حَدَبَ عليه : تَعَطّف عليه (الصحاح : ج 1 ص 108 «حدب») .
3- .مسند ابن حنبل : ج 9 ص 161 ح 23696 ، السيره النبويّه لابن هشام : ج 3 ص 95 ، الإصابه : ج 4 ص 501 الرقم 5801 ، أُسد الغابه : ج 4 ص 190 الرقم 3881 نحوه ، كنز العمّال : ج 13 ص 285 ح 36826 .

17 / 13 مردی از اهل بهشت که هرگز نماز نخواند !

17 / 13مردی از اهل بهشت که هرگز نماز نخواند !588.تفسیر العیّاشی عن بشیر الدهّان عن الإمام الصادق عالسیره النبویّه ، ابن هشام :ابن اسحاق می گوید : داستان اَسوَد چوپان ، تا آن جا که به من رسیده ، این است که وقتی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله یکی از قلعه های خیبر را در محاصره داشت ، او با گوسفندانش که از آنِ مردی یهودی بود و او اجیر وی بود ، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! اسلام را بر من عرضه کن .

پیامبر صلی الله علیه و آله آن را به او عرضه کرد و اَسوَد ، مسلمان شد . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هیچ کس را کوچک تر از آن نمی شمرد که به اسلام دعوتش کند و اسلام را بر او عرضه نماید .

اَسوَد چون اسلام آورد ، گفت : ای پیامبر خدا ! من ، اجیر صاحب این گوسفندها هستم و اینها نزد من ، امانت اند . با اینها چه کنم؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «رویشان را برگردان . خودشان نزد صاحبشان خواهند رفت» و یا جمله ای شبیه این .

اَسوَد برخاست و مشتی ریگ برداشت و به صورت گوسفندها پرتاب کرد و گفت : نزد صاحبتان باز گردید ؛ چون به خدا سوگند که دیگر با شما نخواهم آمد .

گوسفندها همگی با هم برگشتند ، چنان که گویی کسی آنها را می راند ، و وارد قلعه شدند .

اَسوَد سپس به سوی آن قلعه پیش رفت تا همراه مسلمانان بجنگد ، که سنگی به او اصابت کرد و کشته شد . او حتّی یک نماز هم نخواند . پیکرش را نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آوردند و پشت سر ایشان نهادند و او را در همان ردایی که بر تن داشت ، پیچیدند . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که با گروهی از یارانش بود ، به او نگاه کرد ؛ امّا صورتش را از او برگرداند . یاران گفتند : ای پیامبر خدا ! چرا از او روی گرداندید؟

فرمود : «اینک ، دو همسر حور العینش با او بودند» .589.الإمام علیّ علیه السلام :مسند ابن حنبل :ابو هریره ، [این جا و آن جا ، به مردم] می گفت : به من بگویید آن ، کدام مرد است که هرگز نمازی نخوانْد؛ امّا به بهشت رفت . اگر مردم ، آن مرد را نمی شناختند ، می گفتند : او کیست؟ و ابو هریره می گفت : بینوای بنی عبد الأشهَل ، عمرو بن ثابت بن وَقْش .

حُصَین گفت : به محمود بن لُبَید گفتم : داستان آن بینوا چه بوده است؟

گفت : او بر خلاف قومش از پذیرفتن اسلام ، خودداری می کرد . چون جنگ اُحُد شد و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به اُحُد رفت ، علاقه به اسلام در دلش افتاد و مسلمان شد و شمشیرش را برداشت و رفت تا به مسلمانان رسید و به میان جمعیت رفت و جنگید تا آن که بر اثر جراحات از پا افتاد .

زمانی که مردان بنی عبد الأشهَل در میدان جنگ به دنبال کشتگان خود می گشتند ، ناگهان به او برخوردند . گفتند : به خدا سوگند که این ، همان بینواست . او که با ما نیامده بود !؟ اصلاً به این سخن (قرآن و اسلام) ، اعتقاد نداشت !؟ پس علّت آمدنش را از خودِ او پرسیدند و گفتند : چه باعث شد که به این جا بیایی ، ای عمرو ؟ دلسوزی برای قومت ، یا گرایش به اسلام ؟

گفت : گرایش به اسلام . من به خدا و پیامبر او ایمان آوردم و مسلمان شدم . سپس شمشیرم را برداشتم و با پیامبر خدا آمدم و جنگیدم تا به این روز افتادم .

او لحظاتی بعد ، در دستان آنها جان داد . ماجرا را به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفتند . فرمود : «او اهل بهشت است ».

.

590.الدرّ المنثور عن أبى رافع :مسند ابن حنبل عن جرير بن عبد اللّه :خَرَجنا مَعَ رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَلَمّا بَرَزنا مِنَ المَدِينَهِ إذا راكِبٌ يُوضِعُ (1) نَحوَنا . فَقالَ رَسُولُ اللّهِ صلى اللهِ عليه و آله : كَأَنَّ هذا الراكِبَ إيّاكُم يُرِيدُ ، قالَ : فَانتَهى الرَّجُلُ إلَينا ، فَسَلَّمَ فَرَدَدنا عَلَيهِ . فَقالَ لَهُ النَّبِىُّ صلَى الله عليهِ و آله : مِن أينَ أقبَلتَ ؟ قالَ : مِن أهلِى وَوُلدِى وَعَشِيرَتِى ، قالَ : فَأينَ تُرِيدُ ؟ قالَ : أُرِيدُ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله . قالَ : فَقَد

أَصَبتَهُ ، قالَ : يا رَسُولَ اللّهِ ، عَلِّمنِى ما الإيمانُ ؟ قالَ : تَشهَدُ أَن لا إلهَ إلّا اللّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدا رَسُولُ اللّهِ ، وَتُقِيمُ الصَّلاةَ ، وَتَأتِى الزَّكاةَ ، وَتَصُومُ رَمَضانَ ، وَتَحُجُّ البَيتَ . قالَ : قَد أقرَرتُ .

قالَ : ثُمَّ إنَّ بَعِيرَهُدَخَلت يَدُهُ فِى شَبَكَهِ حِرذانٍ ، فَهَوى بَعِيرُهُ وَهَوَى الرَّجُلُ فَوَقَعَ عَلى هامَتِهِ فَماتَ . فَقالَ رَسُولُ اللّهِ صلَى اللهِ عليه و آله : عَلَىَّ بِالرَّجُلِ ، قالَ : فَوَثَبَ إلَيهِ عَمّارُ بنُ ياسِرٍ وَحُذَيفَهُ فَأقعَداهُ ، فَقالا : يا رَسُولَ اللّهِ قُبِضَ الرَّجُلُ ، قالَ : فَأعرَضَ عَنهُما رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، ثُمَّ قالَ لَهُما رَسُولُ اللّهِ : أما رَأيتُما إعراضِى عَنِ الرَّجُلَينِ ؟ فَإنِّى رَأيتُ مَلَكَينِ يَدُسّانِ فِى فِيهِ مِن ثِمارِ الجَنَّهِ ، فَعَلِمتُ أنَّهُ ماتَ جائِعا .

ثُمَّ قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : هذا وَاللّهِ مِنَ الَّذِينَ قالَ اللّهُ عَزَّ وَجَلَّ : «الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَلَمْ يَلْبِسُواْ إِيمَنَهُم بِظُلْمٍ أُوْلَائِکَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُم مُّهْتَدُونَ» (2) .

قالَ : ثُمَّ قالَ : دُونَكُم أَخاكُم ، قالَ : فَاحتَمَلناهُ إلَى الماءِ فَغَسَّلناهُ وَحَنَّطناهُ وَكَفَّنّاهُ وَحَمَلناهُ إلَى القَبرِ ، قالَ : فَجاءَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله حَتّى جَلَسَ عَلَى شَفِيرِ القَبرِ . قالَ : فَقالَ : اِلحَدُوا وَلا تَشُقُّوا ، فَإنَّ اللَّحدَ لَنا وَالشَّقَّ لِغَيرِنا . (3) .

1- .يَضَعُ البَعيرَ : إذا حمله على سرعه السير (النهايه : ج 5 ص 196 «وضع») .
2- .الأنعام : 82 .
3- .مسند ابن حنبل : ج 7 ص 59 ح 19197 ، حليه الأولياء : ج 4 ص 203 ، كنز العمّال : ج 3 ص 49 ح 5430 .

591.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :مسند ابن حنبل به نقل از جریر بن عبد اللّه :با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ره سپار شدیم و چون از مدینه بیرون رفتیم ، سواری را دیدیم که به سوی ما می تازد . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «گویا این سوار با شما کار دارد» . آن مرد سوار ، به ما رسید و سلام کرد . جواب سلامش را دادیم . پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود : «از کجا می آیی؟» .

گفت : از نزد زن و فرزند و عشیره ام . فرمود : «کجا می روی؟» . گفت : نزد پیامبر خدا . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «درست آمده ای» .

مرد گفت : ای پیامبر خدا ! به من بیاموز که ایمان چیست؟ فرمود : «گواهی می دهی که خدایی جز خدای یکتا نیست و محمّد ، فرستاده خداست و نماز می خوانی و زکات می دهی و رمضان را روزه می گیری و حج می گزاری» .

مرد گفت : اقرار کردم .

لختی بعد ، دست اُشترش در سوراخ موش صحرایی رفت و به سر به زمین افتاد و او نیز با سر به زمین خورد و مُرد . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «او را نزد من بیاورید» .

عمّار بن یاسر و حذیفه دویدند و او را بلند کردند . گفتند : ای پیامبر خدا ! مرده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روی خود را از آن دو برگرداند و سپس به آن دو فرمود : «ندیدید که من از آن دو مرد ، روی گرداندم ؟ این ، به خاطر آن بود که دیدم دو فرشته ، از میوه های بهشت در دهانش می گذارند . پس دانستم که او با شکم گرسنه مرده است ».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سپس فرمود : «به خدا سوگند ، او از کسانی است که خدای عز و جلفرموده است : « کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده اند ، آنان راست ایمنی و ایشان راه یافتگان اند » » .

آن گاه فرمود : «برادرتان را جمع کنید» .

ما جنازه او را نزدیک آب بردیم و غسلش دادیم و او را حنوط و کفن کردیم و به سوی قبر بردیم . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و کنار قبر نشست و فرمود : «لحد بِکنید و شکاف نزنید ؛ زیرا لحد ، مال ماست و شکاف ، مال غیر ما» . (1) .

1- .شکاف (شَق) ، شیاری است که در زیر دیواره جانب قبر ، کنده می شود و میّت در آن جا گذاشته می شود و لَحَد حفره ای است نهرمانند که در وسط قبر کنده می شود با دو سکّومانند در دو جانب قبر که پس از گذاشتن میّت در داخل آن ، سنگ و امثال آن ، بر روی سکّوها گذاشته می شود .

17 / 14أَكثَرُ أَهلِ الجَنَّهالف النِّساءُ595.أنساب الأشراف عن ابن عبّاس :الإمام الصادق عليه السلام :أَكثَرُ أَهلِ الجَنَّهِ مِنَ المُستَضعَفِينَ النِّساءُ ، عَلِمَ اللّهُ عَزَّ وَجَلَّ ضَعفَهُنَّ فَرَحِمَهُنَّ . (1) .

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 468 ح 4628 عن عمّار الساباطى ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 503 ح 1737 ، وسائل الشيعه : ج 14 ص 119 ح 25326 .

17 / 14 بیشتر اهل بهشت

الف زنان

17 / 14بیشتر اهل بهشتالف زنان599.تذکره الخواصّ عن أبی ذرّ الغفاری :امام صادق علیه السلام :بیشترِ اهل بهشت از مستضعفان (در دنیا) ، زنان هستند . خداوند عز و جل می دانست که آنها ناتوان اند و بر ایشان رحم آورد .

.

ب الفُقَراءُ601.الإمام الباقر عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :اِطَّلَعتُ فِی الجَنَّهِ فَرَأَیتُ أکثَرَ أهلِها الفُقَراءُ . (1)602.عنه عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :دَخَلتُ الجَنَّهَ فَوَجَدتُ أکثَرَ أهلِها وَسُکّانِها المَساکِینَ . (2)603.الإمام الصادق عليه السلام (فی قَولِهِ تَعالی : {Q} «إِنَّمَا وَلِیُّکُمُ ا) عیسی علیه السلام :بِحَقٍّ أقُولُ لَکُم ، إِنَّ أکنافَ السَّماءِ لَخالِیَهٌ مِنَ الأغنِیاءِ ، وَلَدُخُولُ جَمَلٍ فِی سَمِّ (3) الخِیاطِ أیسَرُ مِن دُخُولِ غَنِیٍّ فِی الجَنَّهِ . (4)ج المُتَغافِلُونَ عَنِ الشَّرِّ605.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :دَخَلتُ الجَنَّهَ فَإذا أکثَرُ أهلِها البُلْهُ . (5)606.عنه صلی الله علیه و آله :عنه صلی الله علیه و آله :أکثَرُ أهلِ الجَنَّهِ البُلْهُ ، وَأهلُ عِلِیِّینَ ذَوُو الألبابِ . (6)607.عنه صلی الله علیه و آله :معانی الأخبار عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصّادق عن آبائه علیهم السلام: قالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله :

دَخَلتُ الجَنَّهَ فَرَأَیتُ أَکثَرَ أَهلِها البُلْهَ ، قالَ : قُلتُ : ما البُلْهُ ؟ فَقالَ : اَلعامِلُ (7) فِی الخَیرِ ، اَلغافِلُ عَنِ الشَّرِّ ، الَّذِی یَصُومُ فِی کُلِّ شَهرٍ ثَلاثَهَ أیّامٍ . (8) .

1- .صحیح البخاری : ج 3 ص 1184 ح 3069 عن عمران بن حصین ، صحیح مسلم : ج 4 ص 2096 ح 94 ، سنن الترمذی : ج 4 ص 715 ح 2602 کلاهما عن ابن عبّاس ، مسند ابن حنبل : ج 2 ص 582 ح 6622 عن عبد اللّه بن عمرو ، کنز العمّال : ج 6 ص 469 ح 16584 ؛ عدّه الداعی : ص 113 ، بحار الأنوار : ج 72 ص 55 ح 85 .
2- .مسند الشامیّین : ج 3 ص 319 ح 2397 ، مسند إسحاق بن راهویه : ج 1 ص 426 ح 490 کلاهما عن أبی هریره ، السنن الکبری للنسائی : ج 5 ص 399 ح 9262 عن ابن عبّاس ، صحیح ابن حبّان : ج 16 ص 494 ح 7456 عن اُسامه بن زید وکلاهما نحوه .
3- .السَّمُّ والسُّمُّ : کلّ ثقب ضیّق کخرق الاُبره وثقب الاُذن والأنف (مفردات ألفاظ القرآن : ص 434 «سمم») .
4- .عدّه الداعی : ص 113 ، بحار الأنوار : ج 72 ص 55 ح 85 ؛ الدرّ المنثور : ج 2 ص 203 نقلاً عن ابن حنبل عن وهب بن منبّه .
5- .تاریخ دمشق : ج 43 ص 533 ح 9392 عن جابر بن عبد اللّه ، تهذیب الکمال : ج 26 ص 118 عن عمر بن عبد العزیز نحوه ، کنز العمّال : ج 14

ص 473 ح 39313 ، حقائق التأويل : ص 247 ، العمده : ص 159 ، عوالى اللآلى : ج 1 ص 71 ح 131 كلاهما نحوه .
6- .تاريخ اليعقوبى : ج 2 ص 102 .
7- .فى بعض النسخ : العاقل فى الخير (هامش المصدر) .
8- .معانى الأخبار : ص 203 ح 1 ، قرب الإسناد : ص 75 ح 243 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 9 ح 3 .

ب تهی دستان

ج ساده دلان

ب تهی دستان609.الأمالی للطوسی عن جابر بن عبد اللّه الأنصاری :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به بهشت ، نگاهی افکندم و دیدم بیشتر جمعیت آن ، تهی دستان اند .610.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به بهشت ، وارد شدم و بیشتر جمعیت و ساکنان آن را مستمندان یافتم .611.الخصال عن عامر بن واثله عن الإمام علیّ علیه السلاعیسی علیه السلام :به حق به شما می گویم : کرانه های آسمان از ثروتمندان ، تهی است . وارد شدن طناب در سوراخ سوزن ، آسان تر از وارد شدن یک ثروتمند به بهشت است .ج ساده دلان613.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به بهشت ، وارد شدم و دیدم بیشتر اهل آن ، ساده دلان اند .614.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بیشترِ اهل بهشت را ساده دلان تشکیل می دهند ، و اهل بهشت های برین ، خردمندان اند .615.عنه صلی الله علیه و آله :معانی الأخبار به نقل از مسعده بن صدقه ، از امام صادق ، از پدرانش علیهم السلام : پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «به بهشت ، وارد شدم و بیشترِ اهل آن را ساده دل دیدم» .

گفتم : ساده دل کیست؟

فرمود : «کسی که در خوبی ، خردمند است و از بدی ، بی خبر . کسی که در هر ماه ، سه روز را روزه می گیرد» .

.

ص: 770

. .

ص: 771

..

ص: 772

. .

پژوهشی در باره حدیث «عَشَره مُبَشَّره»

اشاره

پژوهشی در باره حدیث «عَشَره مُبَشَّره» (1)بر پایه احادیث این فصل که در منابع معتبر شیعه و اهل سنّت آمده اند ، پیامبر خدا و اهل بیت آن بزرگوار ، به شماری از پیروان خود ، مژده بهشت داده اند . در ارزیابی اجمالیِ این احادیث می توان گفت که شماری از آنها از خاندان رسالت ، صادر شده اند ؛ امّا برای اظهار نظر قطعی در مورد هر یک از آنها و به طور کلّی ، احادیثی که بهشتی بودن فرد یا افرادی را پیشگویی کرده اند ، دو نکته باید مورد توجّه قرار گیرد : نکته اوّل : ارزیابی سند و صحّت سندی احادیث ، به تنهایی ، آنها را از نظر صدور از معصوم ، قطعی نمی کند . خبرِ واحدِ صحیح السَّنَد ، تنها در صورتی می تواند مورد اعتماد قرار گیرد که شواهد و قرائنی دال بر مخالفت محتوای آن با ضروریات و بدیهیات ، در کار نباشد . به عبارت دیگر ، صحّت اسناد حدیث ، عامل انحصاری ارزیابی حدیث در همه ابعاد نیست ؛ بلکه ارزیابی حدیث باید به گونه ای جامع انجام پذیرد تا نوعی وثوق به صدور آن ، فراهم آید . نکته دوم : ارزیابی عملکرد افرادی که بهشتی بودن آنان ، روایت شده ، خود ، معیاری است که بیش از ارزیابی سند روایت ، می تواند ما را بر صحّت آن روایت و سرنوشت نیکوی آن افراد ، راه نمایی نماید ، بدین معنا که اگر عملکرد کسی که بهشتی معرّفی شده ، هماهنگ با کتاب خدا و سنّت بود ، قرینه روشنی بر صحّت گزارش و سرنوشت نیکوی اوست ؛ امّا اگر عملکرد وی بویژه در بخش پایانی عمر ، بر خلاف کتاب خدا و سنّت بود ، گواه قاطع و روشنی بر نادرست بودن گزارشی است که او را بهشتی توصیف کرده است. با توجّه به این دو نکته، در این جا ارزیابی فشرده ای از حدیثی که در شماری از منابع اهل سنّت در باره پیشگویی پیامبر صلی الله علیه و آله از بهشتی بودن ده نفر آمده و به حدیث «عَشَره مُبَشَّره» معروف گردیده ، ارائه می کنیم . گفتنی است که حدیثِ یاد شده ، تنها از دو تن از همین ده نفر ، نقل شده است : یکی عبد الرحمان بن عوف و دیگری سعید بن زید .

.

1- .گفتنی است که این پژوهش با همکاری فاضل ارجمند جناب آقای محمد کاظم رحمان ستایش تهیه گردید .

متن حدیث به روایت عبد الرحمان بن عوف

متن حدیث به روایت عبد الرحمان بن عوفاحمد بن حنبل در مسند خود ، از قتیبه بن سعید ، از عبد العزیز بن محمّد دراوردی ، از عبد الرحمان بن حمید ، از پدرش ، از عبد الرحمان بن عوف صحابی ، گزارش کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : ابو بکر و عمر و عثمان و علی و طلحه و زبیر و عبد الرحمان بن عوف و سعد بن ابی وقّاص و سعید بن زید و ابو عبیده جرّاح ، در بهشت اند . (1)

.

1- .مسند ابن حنبل : ج 1 ص 410 ح 1675 .

متن حدیث به روایت سعید بن زید

نکاتی در نقد حدیث «عشره مبشَّره»

1 . نقل نشدن آن به وسیله بخاری و مسلم

متن حدیث به روایت سعید بن زیدابو داوود ، از حفص بن عمر نمری ، از شعبه ، از حُرّ بن صیاح ، از عبد الرحمان بن اَخنَس ، نقل کرد که : سعید بن زید صحابی ، گفت : از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که ده نفر ، در بهشت اند : پیامبر صلی الله علیه و آله ، ابو بکر ، عمر ، عثمان ، علی ، طلحه ، زبیر بن عَوّام ، سعد بن مالک و عبد الرحمان بن عوف . و اگر می خواستم ، دهم را نام می بردم . از وی پرسیدند : چه کسی است؟ ساکت شد و چون دوباره پرسیدند ، گفت : سعید بن زید . (1)

نکاتی در نقد حدیث «عشره مبشَّره»در نقد و ارزیابی این حدیث ، به نکاتی می رسیم که نشان می دهند این حدیث حتی بر پایه معیارهای حدیث شناسیِ اهل سنت ، فاقد اعتبار است . این نکات ، عبارت اند از :

1 . نقل نشدن آن به وسیله بخاری و مسلمنخستین نکته قابل تأمّل در مورد حدیث «عشره مبشَّره» ، این است که این حدیث در مهم ترین کتب حدیثیِ اهل سنّت ، یعنی : صحیح البخاری و صحیح مسلم ، نقل نشده است . با توجّه به اهمّیت این حدیث و موضوع آن ، اگر این حدیث از اعتبار لازم برخوردار بود ، قطعا مورد توجّه بخاری و مسلم قرار می گرفت و در کتاب هایشان نقل می شد . این موضوع ، نشان می دهد که آنان اعتمادی به این گزارش نداشته اند .

.

1- .سنن أبی داوود : ج 4 ص 212 ح 4649 .

2 . اشکال سندی در روایت عبد الرحمان بن عوف

2 . اشکال سندی در روایت عبد الرحمان بن عوفعلاوه بر مسند ابن حنبل ، منابع دیگری از اهل سنّت ، مانند : سنن الترمذی ، (1) مسند أبی یعلی ، (2) صحیح ابن حبّان ، (3) السنن الکبری (4) و الآحاد و المثانی (5) به اسناد خود ، حدیثِ یاد شده را از عبد الرحمان بن عوف ، نقل کرده اند ؛ ولی هیچ یک از سندها صحیح نیست . (6) افزون بر این ، در این اسانید ، حدیثِ یاد شده ، از حمید فرزند عبد الرحمان بن عوف ، نقل شده که ولادتش سال 32 هجری بوده ، (7) در صورتی که وفات پدرش در یکی از سال های 31، 32 و 33 گزارش شده است . (8) بنا بر این ، او پدرش را یا درک نکرده و یا در سنّ یک سالگی درک کرده است و بدیهی است که در این سن ، امکان دریافت حدیث وجود ندارد ، چنان که روایت کودکی با این سن ، به اتّفاقِ همه علما ، قابل قبول نیست . (9)

.

1- .سنن الترمذی : ج 5 ص 647 ح 3747 .
2- .مسند أبی یعلی : ج 2 ص 382 ح 831 .
3- .صحیح ابن حبّان : ج 15 ص 463 ح 7002 .
4- .السنن الکبری : ج 5 ص 56 ح 8194 .
5- .الآحاد و المثانی : ج 1 ص 182 ح 232 .
6- .در سند روایت ، نام او ، «عبد العزیز بن محمّد بن عبید الدراوردی» آمده است . در کتب رجالی اهل سنّت ، در باره او چنین آمده است : «عبد العزیز بن محمّد بن عبید الدراوردی أبو محمّد المدنی ، کان ثقه کثیر الحدیث یغلط» (الطبقات الکبری : ج 5 ص 424 ، تهذیب الکمال : ج 18 ص 187 الرقم 3470) . ابن حجر گفته است : «صدوق ، کان یحدّث من کتب غیره فیخطی» (تقریب التهذیب : ص 615) . نسایی گفته است : «لیس بقوی و قال أبو زرعه : سیئ الحفظ» (تهذیب التهذیب : ج 3 ص 448 الرقم 4825) .ابو حاتم نیز گفته است : «لا یحتجّ به» (میزان الاعتدال : ج 2 ص 634 الرقم 5125) .
7- .ر . ک : الغدیر : ج 10 ص 122 .
8- .الاستیعاب : ج 2 ص 390 الرقم 1455 ، تهذیب الکمال : ج 17 ص 328 الرقم 3923 .

9- .ر . ک : تدریب الراوی : ص 265 .

3 . اشکالِ سندی در روایت سعید بن زید

3 . اشکالِ سندی در روایت سعید بن زیدحدیث «عشره مبشَّره» ، از دو راوی ، نقلَ شده که یکی از آن دو ، سعید بن زید است که خودش را در شمارِ ده بهشتیِ بشارت داده شده به بهشت ، آورده است . این روایت به طرقِ مختلفِ زیر ، از سعید بن زید ، نقل شده است : طریق اوّل : از عبد الرحمان بن اَخنس (1) . (2) طریق دوم : از رِیاح بن حارث (3) . (4) طریق سوم : از زیاد بن علاقه (5) . (6) طریق چهارم : از عبد الرحمان بن حمید (7) . (8) طریق پنجم : از عبد اللّه بن ظالم (9) . (10) طریق ششم : از ابو الطفیل (11) . (12) چنین سندی با ویژگی های ذکر شده ، حدیث را از حدّ واحد بودن و تردید در صدور آن ، خارج نمی کند .

.

1- .سنن أبی داوود : ج 4 ص 212 ح 4649 .
2- .او خود در کتب جرح و تعدیل ، مستورِ شمرده شده و راوی از او یعنی محمّد بن طلحه هم توسّط ابن معین و دیگران ، تضعیف شده است (ر . ک : فتح المغیث : ص 135 145 ، تهذیب التهذیب : ج 5 ص 144) .
3- .مسند ابن حنبل : ج 1 ص 397 ح 1629 .
4- .این روایت ، از متفرّداتی است که نوه او از وی نقل کرده است و مضمون آن به صورت مضطرب ، نقل شده است .
5- .المعجم الأوسط : ج 4 ص 339 ح 4374 .
6- .طریق این روایت ، واحد است و زیاد بن علاقه هم منحرف از اهل بیت علیهم السلام بوده است (ر . ک : تهذیب التهذیب : ج 2 ص 227 الرقم 2446) . همچنین حسن بن صالح ، ذم های بسیار دارد (ر . ک : تهذیب التهذیب : ج 1 ص 554 556) .
7- .سنن الترمذی : ج 5 ص 647 ح 3747 .
8- .وی به تصریح نسایی ضعیف شمرده شده است (ر . ک : الضعفاء و المتروکون : ص 236) .
9- .سنن أبی داوود : ج 4 ص 211 ح 4648 .
10- .«روی عن البخاری و صرّح النسائی و الدارقطنی بعدم صحّه الطریق» (الضعفاء الکبیر : ج 2 ص 267 . نیز ، ر . ک : فضائل الصحابه ، نسایی : ص 28 ، العلل ، دارقطنی : ج 4 ص 409) .

11- .المعجم الأوسط : ج 2 ص 289 ح 2009 .
12- .«هذا الطريق من منفردات رواته» (المعجم الأوسط : ج 2 ص 289 290) و «محمّد بن بكير الحضرمى صاحب الغرائب» (تهذيب التهذيب : ج 5 ص 50 الرقم 6794) .

4 . نقل نشدن آن به وسیله سایر افرادی که بهشتی نامیده شده اند

5 . عدم قبول شهادت متّهم

6 . اضطراب در متن حدیث

4 . نقل نشدن آن به وسیله سایر افرادی که بهشتی نامیده شده اندنکته دیگری که موجب تضعیف حدیث «عشره مبشَّره» می شود ، این است که بجز عبد الرحمان بن عوف و سعید بن زید ، سایر افرادی که در این حدیث ، بهشتی معرّفی شده اند ، آن را از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل نکرده اند . همچنین این سؤال ، مطرح است که : چرا پیش از این که سعید بن زید ، این حدیث را در زمان عثمان از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کند ، هیچ یک از آن نُه نفر ، به نفع خود به آن استناد نکرده است ؟ و چرا در جنگ جمل ، زبیر در احتجاج با امام علی علیه السلام آن را از سعید بن زید نقل کرده (1) ، نه از پیامبر؟

5 . عدم قبول شهادت متّهمبا عنایت به این که سند حدیث «عشره مبشَّره» ، به عبد الرحمان بن عوف و سعید بن زید می رسد و این دو ، خود ، در شمار بشارت داده شدگان به بهشت در این حدیث اند ، شهادت آنها بر خوبیِ خود هر چند در کنار دیگران به اتّفاق علما ، قابل قبول نیست (2) .

6 . اضطراب در متن حدیثافزون بر ضعف اسناد حدیث «عشره مبشَّره» ، اضطراب شدید متن آن ، قرینه ای دیگر بر عدم صدور حدیثِ یاد شده است ؛ زیرا در برخی از گزارش ها نام پیامبر صلی الله علیه و آله در شمار بهشتیان آمده (3) و در برخی دیگر نیامده است . (4) همچنین در برخی گزارش ها به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله ، نام ده نفر ، ذکر شده (5) و در برخی ، نام افراد به وسیله سعید بن زید و پس از طرح کلّیِ موضوع ، ذکر شده است . (6) نیز در برخی از گزارش ها نام ابو عبیده جرّاح آمده (7) و در برخی نیامده است ؛ (8) بلکه در برخی گزارش ها ، تنها نام شش نفر ذکر شده است . 9

.

1- .ر . ک : الإفصاح : ص 71 ، تلخیص الشافی : ج 3 ص 241 .
2- .ر . ک : تدریب الراوی : ص 265 . گفتنی است که علما ، تمام شرایط شاهد را برای راوی هم معتبر شمرده اند و متّهم بودن راوی به تعریف از خودش ، یکی از موانع پذیرش روایت ، دانسته شده است . اجماع فقها در این موضوع ، ثابت است (ر . ک : الفقه الإسلامی و أدلّته : ج 8 ص 6041) .
3- .سنن أبی داوود : ج 4 ص 212 ح 4649 .
4- .سنن الترمذی : ج 5 ص 647 ح 3747 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 410 ح 1675 .
5- .مسند ابن حنبل : ج 1 ص 398 ح 1631 .
6- .المعجم الأوسط : ج 1 ص 267 ح 869 و ج 2 ص 289 ح 2009 .
7- .سنن أبی داوود : ج 4 ص 212 ح 4669 .
8- .الآحاد و المثانی : ج 1 ص 182 ح 232 ، جزء ابن عاصم : ص 80 .

7 . تعارض با برخی از احادیثِ مورد قبول اهل سنّت

7 . تعارض با برخی از احادیثِ مورد قبول اهل سنّتبر پایه دیدگاه اهل سنّت ، حدیث «عشره مبشَّره» با احادیث دیگری که مورد قبول آنهاست ، معارض است ، مانند : آنچه صحیح البخاری و دیگر کتب ستّه و غیر آنها از سعد بن ابی وقّاص که خود ، یکی از ده بهشتیِ بشارت داده شده به بهشت است نقل می کنند که وی می گوید : نشنیدم پیامبر صلی الله علیه و آله برای کسی که روی زمین راه می رود ، بگوید از اهل بهشت است ، مگر برای عبد اللّه بن سلام . (1) به همین جهت ، بزرگان اهل سنّت ، در صدد توجیه این تعارض بر آمده اند . (2)

.

1- .صحیح البخاری : ج 3 ص 1387 ح 3601 ، صحیح مسلم : ج 4 ص 1930 ح 147 ، فضائل الصحابه ، نسایی : ص 45 ح 148 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 358 ح 1453 ، السنن الکبری : ج 5 ص 70 ح 8252 .
2- .از جمله : «إنّ سعدا کره تزکیه نفسه لأنّه أحد العشره» (فتح الباری : ج 7 ص 129) ، «إنّ نفی سماعه ذلک ، لا یدلّ علی نفی البشاره لغیره» (شرح صحیح مسلم ، نووی : ج 6 ص 164) ، «أی البشاره وقعت حینما کان یمشی عبد اللّه بن سلام بخلاف بشارات غیره» (مرقاه المفاتیح : ج 5 ص 622) و «إنّ سعدا قال ذلک بعد موت المبشَّرین و لم یتأخّر إلّا سعدا و سعیدا» (فتح الباری : ج 7 ص 130) .

8 . برخی شواهد تاریخی بر نادرستی حدیث

9 . توجّه به عملکرد افراد بشارت داده شده

8 . برخی شواهد تاریخی بر نادرستی حدیثیکی از نکات بسیار مهم در ارزیابی حدیث «عشره مبشَّره» ، این است که بسیار بعید است که سعید بن زید در دوران حیات پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، این حدیث را از ایشان شنیده ، ولی آن را در دوران خلیفه اوّل و دوم و سوم ، بازگو نکرده باشد . شاهد این مطلب ، آن است که خلیفه اوّل در جریان سقیفه به آن استناد نکرد ، در صورتی که به اموری کم اهمّیت تر از این موضوع ، استناد نمود . همچنین اگر این حدیث ، صحّت داشت و در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده بود ، هنگامی که عثمان در محاصره قرار گرفت ، به آن استناد می کرد و بسیاری از بزرگان مهاجر و انصار ، از جمله طلحه و زبیر که طبق این حدیث ، خود ، جزو ده بهشتیِ بشارت داده شده به بهشت اند اقدام به محاصره و قتل او نمی کردند ، و یا برای پیشگیری از قتل وی ، به آن استناد می شد ، در حالی که در هیچ یک از مصادر تاریخی ، به چنین مواردی اشاره نشده است .

9 . توجّه به عملکرد افراد بشارت داده شدهمان طور که در آغاز این گفتار گفتیم ، ارزیابی عملکرد افرادی که بهشتی بودن آنها گزارش شده ، روشن ترین قرینه صحّت یا بطلان گزارش است . بر این اساس ، با توجّه به عملکرد شماری از کسانی که در این حدیث ، بهشتی معرّفی شده اند ، قطعا نمی توان صحّت آن را تأیید کرد .

.

10 . تکذیب حدیث به وسیله امام علی علیه السلام

10 . تکذیب حدیث به وسیله امام علی علیه السلامنکات یاد شده ، هنگامی که در کنار گزارش امام علی علیه السلام در جریان جنگ جمل که به شدّت ، حدیث «عشره مبشَّره» را تکذیب فرمود قرار می گیرد ، هر پژوهشگر منطقی ای را به یقین می رساند که حدیث «عشره مبشَّره» نادرست است . متن گزارش ، چنین است که سُلَیم بن قیس می گوید : هنگامی که امیر مؤمنان علیه السلام در جنگ جمل با اهل بصره برخورد کرد ، زبیر را صدا زد که : «به سوی من بیا» . زبیر به همراه طلحه بیرون آمد . علی علیه السلام به آنها فرمود : «شما دو تن و همه صاحبان دانش از خاندان محمّد ، و عایشه دختر ابو بکر ، می دانید که همه اهل جمل ، بر زبان پیامبر صلی الله علیه و آله نفرین شده اند و ناکام ، کسی است که دروغ بندد» . آن دو گفتند : چگونه نفرین شده ایم ، در حالی که ما بدری و بهشتی هستیم؟ ! علی علیه السلام فرمود : «اگر یقین داشتم که شما بهشتی هستید ، هرگز جنگیدن با شما را روا نمی دانستم» . زبیر گفت : آیا خبر سعید بن عمرو را نشنیده ای که از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده که می فرمود : «ده نفر از قریش ، در بهشت اند»؟ علی علیه السلام فرمود : «این را شنیدم که عثمان در زمان خلافتش حدیث می کرد» . زبیر گفت : آیا آن را دروغ بستن بر پیامبر صلی الله علیه و آله می دانی؟ علی علیه السلام فرمود : «تو را از چیزی خبردار نمی کنم ، مگر آن که نام آنها را ببری» . زبیر گفت : ابو بکر ، عمر ، عثمان ، طلحه ، زبیر ، عبد الرحمان بن عوف ، سعد بن ابی وقّاص ، ابو عبیده بن جرّاح و سعید بن عمرو بن نفیل . علی علیه السلام فرمود : «نُه نفر شمردی . پس دهمی کیست؟» . گفت : تو . علی علیه السلام فرمود : «اقرار کردی که من از اهل بهشتم ؛ ولی آنچه را در باره خود و یارانت ادّعا کردی ، من نمی پذیرم و منکِر آن هستم» . زبیر گفت : آیا آن را دروغ بستن بر پیامبر صلی الله علیه و آله می پنداری؟ فرمود : «دروغ نمی پندارم ؛ بلکه سوگند به خدا ، یقین دارم» و سپس فرمود : «سوگند به خدا ، برخی از افرادی را که نام بردی ، در تابوتی در قسمتی از یک گودال در پایین ترین جای جهنّم هستند . بر این گودال ، سنگی است که وقتی خدا می خواهد آتش جهنّم را فروزان کند، این سنگ را بر می دارد . من ، این را از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم. [اگر نمی پذیری ،]خدا تو را بر من پیروز کند و خونم را به دست تو بریزد ، وگرنه خدا مرا بر تو و یارانت پیروز کند و خون شما را به دست

من بریزد و روح شما را زودتر به آتش برساند !» . آن گاه زبیر باز گشت ، در حالی که اشک می ریخت . (1)

.

1- .الاحتجاج : ج 1 ص 376 ح 70 ، بحار الأنوار : ج 32 ص 216 ذیل ح 171 .

حدیث «عشره مبشَّره» از نگاه علّامه امینی

حدیث «عشره مبشَّره» از نگاه علّامه امینیعلّامه عبد الحسین امینی رحمه الله در بخشی از نقد خود بر حدیث «عشره مبشَّره» ، در باره سند این حدیث و انگیزه سعید بن زید از جعل آن ، می نویسد : امّا سند روایت ، همان طور که می بینی ، به عبد الرحمان بن عوف و سعید بن زید ، منتهی می شود و غیر از این دو ، کسی آن را روایت نکرده است و طریق عبد الرحمان ، منحصر است به عبد الرحمان بن حمید بن عبد الرحمان زُهْری ، از پدرش [حمید بن عبد الرحمان بن عوف] که گاهی از عبد الرحمان بن عوف نقل می کند و گاهی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و این سند با توجّه به تاریخ درگذشت حمید بن عبد الرحمان [بن عوف] ، باطل و نادرست است . او صحابی نبوده ؛ بلکه تابعی بوده است و عبد الرحمان بن عوف را درک نکرده است؛ زیرا او در سال 105 در هفتاد و سه سالگی از دنیا رفته است . پس او متولّد سال 32 است که مصادف با درگذشت [پدرش]عبد الرحمان ، یا سالِ بعد از آن است و به همین جهت ، ابن حجر ، روایت

.

حمید از عمر و عثمان را با قاطعیت ، منقطع می داند و عثمان ، بعد از عبد الرحمان بن عوف از دنیا رفته است . پس این اِسناد ، صحیح نیست . بنا بر این ، تنها ، طریق سعید بن زید می ماند که خودش جزئی از آن ده نفر است و چنان که از آغاز حدیث پیداست ، این حدیث را در زمان معاویه در کوفه نقل کرده است و تا آن زمان که دورانی آشفته بوده است ، این حدیث از او شنیده و روایت نشده بود . پس [این سؤال ، مطرح می شود که :] رمز تأخیر این صحابی در روایتِ این حدیث تا عصر معاویه و یاد نکردنش از آن در سال های متمادیِ دوران خلفای راشد ، چیست؟ این ، در حالی است که او و دیگر صحابه ، بیشتر [از هر کس دیگری] ، به مانند این روایت برای تثبیت موقعیت خود و پاسداشت خون ها و حفظ حقوق در آن ایّامی که با پراکندگی و اختلاف ، سیاه شده بود ، نیاز داشتند . پس گویا این روایت فقط به سعید بن زید ، زمانی که معاویه به سلطنت [بر عالم اسلام]نشست ، الهام شد! من حدس قوی دارم که سعید بن زید ، بعد از آن که نتوانست دشنام های کینه توزان را به امیر مؤمنان علی علیه السلام تحمّل کند و در برابر آنها ایستادگی کرد و در برابر کسانی که معاویه در کوفه گماشته بود ، موضع گرفت و از بیعت یزید ، زمانی که پدرش او را به ولایت عهدی گمارد ، سرپیچی کرد ، بر جان خود از تصمیمات ناگوار معاویه ترسید [که متّهم به طرفداری از علی علیه السلام گردد] . از این رو ، این روایت را ساخت تا سپری باشد در برابر اتّهام دوستی با علی علیه السلام . در آن زمان ، به کسی که به طرفداری از علی علیه السلام متّهم می شد ، به گونه های مختلف آزار می رساندند ، به زندانش می انداختند ، شکنجه اش می کردند و او را به قتل می رساندند . بنا بر این ، وی با ارمغان دادن بهشت به مخالفان علی علیه السلام و بیعت شکنندگان با ایشان و قیام کنندگان بر ضدّ ایشان ، خلیفه وقت را خشنود کرد . او [در این حدیث ،] سران را در یک ردیف قرار داد و هیچ کس را در زمره آنها قرار نداد ، به گونه ای که گویی بهشت ، تنها برای آنها آفریده شده است . وی هیچ کس از

.

دوستان و پیروان علی علیه السلام را با آنها نام نبرد ، در حالی که در میان آنها بزرگانی از اهل بهشت مانند : سلمان ، ابو ذر ، عمّار و مقداد ، وجود دارند و به این طریق ، مورد رضایت خلیفه قرار گرفت . (1)

1- .الغدیر : ج 10 ص 122 123 .

ص: 2

ص: 3

ص: 4

ص: 5

ص: 6

حکمت خلقت دوزخ

درآمددوزخ ، کانون خشم خداوند ، زندان ابد ، و جایگاه همیشگی متکبّران و جنایت پیشگان است . در این زندان ، کیفرهایی سخت پیش بینی شده که فوق تصوّر انسان اند . با نگاهی اجمالی به ویژگی های این زندان و شکنجه های جسمی و روحی آن ، مهم ترین پرسشی که به ذهن می رسد ، این است که : حکمت خلقت دوزخ چیست؟

حکمت خلقت دوزخنخستین پرسش ، این است که : حکمت خلقت زندان وحشتناکی به نام «دوزخ» با ویژگی هایی که برای آن ذکر شده ، چیست؟ آیا بهتر نبود که خداوند مهربان که مهربان ترینِ مهربانان است ، چنین زندانی را نمی آفرید و همه مجرمان را می بخشید ، یا در همین جهان با انواع مشکلات ، مجازات می کرد و یا در کیفر آنان به محروم کردنشان از نعمت های بهشت جاوید ، اکتفا می نمود؟ وانگهی چه تناسبی میان جرم دنیایی و آن جزا وجود دارد ؛ چرا که جرم محدود ، هر قدر هم سنگین باشد ، تناسبی با کیفر نامحدود در آن زندان وحشتناک ندارد؟ و سرانجام ، آفریدن چنین زندان مخوفی ، آیا با حکمت و رحمت آفریدگار ، بلکه با عدل الهی ، سازگار است؟

.

انواع کیفرها

1 . کیفرهای قانونی (قراردادی)

2 . کیفرهای تکوینی دنیوی

انواع کیفرهابرای پاسخ به این پرسش ها ، شناخت انواع کیفرها و ماهیت دوزخ ، ضروری است . به طور کلّی ، کیفر کارهای ناشایست را به سه دسته می توان تقسیم کرد :

1 . کیفرهای قانونی (قراردادی)خاستگاه این نوع از کیفرها ، قوانین و مقرّراتی است که به وسیله قانون گذار با هدف ایجاد نظم ، پیشگیری از جرم ، تربیت مجرم و حمایت از ستم دیده ، وضع گردیده است . بدیهی است که در این نوع کیفرها برای رعایت عدالت ، تناسب میان جرم و جزا ، ضروری است .

2 . کیفرهای تکوینی دنیویخاستگاه این نوع از کیفرها ، قانون و مقرّرات نیست تا گفته شود : باید عدل و تناسب جرم و مجازات رعایت شود ؛ بلکه این نوع از کیفرها اثر طبیعی و ذاتی جرم و جنایت است . اثر طبیعی خوردن سم ، مرگ است . نمی توان گفت که «بین این جرم که در مدّت زمان بسیار کوتاه انجام می گیرد و محروم شدن همیشگی از نعمت زندگی ، چه تناسبی وجود دارد ؟ !» ؛ زیرا رابطه جرم و کیفر ، قراردادی نیست . در احادیث اسلامی ، به این گونه کیفرها که «مکافات عمل» یا اثر «وضعی گناه» نیز نامیده می شوند مکرّر اشاره شده است . (1)

.

1- .. ر . ک : میزان الحکمه : ج 10 ص 166 (کما تدین تدان) .

3 . کیفرهای تکوینی اخروی

یک . رابطه کشت و درو

3 . کیفرهای تکوینی اخرویمی توان گفت خاستگاه کیفرهای جهان آخرت نیز مانند کیفرهای تکوینی دنیوی ، اعتباری و قراردادی نیست ؛ اما رابطه تکوینی آنها با اعمال زشت و کردارهای ناپسند ، قوی تر از رابطه کیفرهای تکوینی دنیوی است ، بدین معنا که رابطه تکوینی کیفرهای دنیوی ، رابطه علّت و معلول است ؛ ولی رابطه کیفرهای تکوینی اخروی ، رابطه اتّحاد ظاهر و باطن است . گفتنی است که در نصوص اسلامی ، رابطه عمل و جزای اخروی ، به دو گونه تصویر شده است :

یک . رابطه کشت و درودر شماری از احادیث ، رابطه عمل و جزای اخروی ، رابطه درخت و میوه آن، معرّفی گردیده است ، مانند آنچه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که می فرماید : الدُّنیا مَزرَعَهُ الآخِرَهِ . (1) دنیا، کشتزار آخرت است. مَن یَزرَع خَیرا یوشِکُ أن یَحصُدَ رَغبَهً ، و مَن یَزرَع شَرّا یوشِکُ أن یَحصُدَ نَدامَهً ، و لِکُلِّ زارِعٍ ما زَرَعَ . (2) هر که خوبی بکارد ، زودا که منفعت بِدرَوَد و هر که بدی بکارَد ، به زودی پشیمانی می دِرَود. [آری !] هر کشتگر ، آن درود که کاشت.

.

1- .. تنبیه الخواطر : ج 1 ص 183 ، عوالی اللآلی : ج 1 ص 267 ح 66 ؛ إحیاء علوم الدین : ج 4 ص 31 .
2- .. الأمالی ، طوسی : ص 527 ح 1162 ، مکارم الأخلاق : ج 2 ص 365 ح 2661 ، تنبیه الخواطر : ج 2 ص 53 ، أعلام الدین : ص 190 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 176 ح 15 .

كَما لا يُجتَنى مِنَ الشَّوكِ العِنَبُ كَذلكَ لا يَنزِلُ الفُجّارُ مَنازِلَ الأبرارِ ، و هُما طَريقانِ ، فَأيَّهُما أخَذتُم أدرَكتُم إلَيهِ . (1) همان گونه كه از بوته خار، انگور چيده نمى شود، بدكاران نيز در منازل نيكوكاران ، فرود نمى آيند. دو راه اند. هر كدام را در پيش گيريد ، به همان مى رسيد. و نيز از امام على عليه السلام روايت شده است كه : ثَمَرَةُ العَمَلِ الصّالِحِ كَأصلِهِ . (2) ميوه كار نيك، همانند ريشه آن است. ثَمَرَةُ العَمَلِ السَّيِّئِ كَأصلِهِ . (3) ميوه كار بد، همانند ريشه آن است. بر پايه اين گونه احاديث ، هر كار نيك يا بد انسان ، همانند درختى است كه ميوه آن ، پس از مرگ و در عالم آخرت ظاهر مى شود . بهشت ، ميوه خوبى ها ، و دوزخ ، ميوه بدى هاست . بنا بر اين، باغ دلگشاى بهشت و زندان مخوف دوزخ ، حاصل عمل خود انسان است ، نه چيز ديگر ، و همان طور كه حاصل درخت تيغ و حنظل ، تيغ و حنظل است ، نه ميوه انگور ، محصول كفر و كارهاى زشت نيز زندان دوزخ است ، نه باغ بهشت : «مَن كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَ مَنْ عَمِلَ صَلِحًا فَلِأَنفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ. (4)هر كه كفر ورزد ، كفرش به زيان اوست و كسانى كه كار شايسته كنند، [فرجام نيك را] به سود خودشان آماده مى كنند» . بر اين اساس ، كيفرهاى تكوينى اخروى ، همانند كيفرهاى تكوينى دنيوى ، محصول و معلول كارهاى ناشايستند ، با اين تفاوت كه برخى از اعمال ، ميوه شان زودرس است و در همين جهان آثار تكوينى آنها ظاهر مى گردد ؛ ولى برخى ديگر ، ميوه شان پس از مرگ و در عالم آخرت آشكار مى شود .

.

1- .. ميزان الحكمه : ج 8 ص 144 ح 14397 .
2- .. ميزان الحكمه : ج 8 ص 145 ح 14399 .
3- .. ميزان الحكمه : ج 8 ص 145 ح 14400 .
4- .. روم : آيه 44 .

دو . رابطه ظاهر و باطن یا تجسّم اعمال

الف پیش فرستادن و پس گرفتن عمل

دو . رابطه ظاهر و باطن یا تجسّم اعمالبا تأمّل در شماری از آیات و احادیث می توان گفت که رابطه تکوینی عمل و جزای اخروی ، بیش از رابطه علّت و معلول است . قرآن کریم و احادیث اسلامی ، تعبیرهای دقیق و لطیفی در مورد پاداش و کیفر اخروی دارند که از آنها استفاده می شود که بهشت و دوزخ ، تجسّم کارهای نیک و بد انسان در دنیا هستند :

الف پیش فرستادن و پس گرفتن عملقرآن با قاطعیت تمام ، عمل نیک و بد انسان را پیش فرستاده خود او برای زندگی پس از مرگ ، می داند : ط «یَأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ اتَّقُواْ اللَّهَ وَلْتَنظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ. (1) ای کسانی که ایمان آورده اید ! از خدا پروا کنید ، و هر کس باید بنگرد تا برای فردایش چه چیز از پیش فرستاده است» . این آیه نشان می دهد که انسان در جهان آخرت عینا کارهایی را که پیش فرستاده ، تحویل می گیرد ، چنان که در آیه دیگر می خوانیم : «وَاتَّقُواْ یَوْمًا تُرْجَعُونَ فِیهِ إِلَی اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّی کُلُّ نَفْسٍ مَّا کَسَبَتْ وَهُمْ لَا یُظْلَمُونَ . (2) و از روزی بترسید که در آن روز ، شما را به سوی خدا باز می گردانند . سپس به هر کس ، آنچه انجام داده ، به طور کامل باز پس داده می شود و به آنها ستم نخواهد شد» .

.

1- .. حشر : آیه 18 .
2- .. بقره : آیه 281 .

ب حاضر یافتن عمل

ب حاضر یافتن عملشماری از آیات به روشنی دلالت دارند که انسان ، عمل نیک و بد خود را در قیامت ، حاضر می یابد : «یَوْمَ تَجِدُ کُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَیْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِن سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَیْنَهَا وَبَیْنَهُ أَمَدَماً بَعِیدًا. (1) روزی که هر کس آنچه را از کار نیک انجام داده ، حاضر می بیند و آرزو می کند میان او و آنچه از اعمال بد انجام داده ، فاصله زمانی زیادی باشد» . «وَ وَجَدُواْ مَا عَمِلُواْ حَاضِرًا وَلَا یَظْلِمُ رَبُّکَ أَحَدًا. (2) و همه اعمال خود را حاضر می بینند و پروردگارت به هیچ کس ستم نمی کند» .

.

1- .. آل عمران : آیه 30 .
2- .. کهف : آیه 49 .

ج دیدن عمل

د جزا ، چیزی جز عمل نیست

ج دیدن عملدر سوره زلزال می خوانیم که انسان ها حتّی کوچک ترین کار نیک و بد خود را مشاهده می کنند : «فَمَن یَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّهٍ خَیْرًا یَرَهُو * وَ مَن یَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّهٍ شَرًّا یَرَهُو. (1) پس هر کس هموزن ذرّه ای کار خیر انجام دهد ، آن را می بیند و هر کس هموزن ذرّه ای کار بد انجام دهد ، آن را می بیند» .

د جزا ، چیزی جز عمل نیستدر بسیاری از موارد ، هنگامی که قرآن موضوع عذاب وحشتناک دوزخ را مطرح می نماید ، برای دفع شبهه ظلم و عدم تناسب جرم و جزا ، تصریح می کند که این جزا ، چیزی جز همان عمل دوزخیان نیست . در برخی از آیات ، این معنا به صورت سؤال ، مطرح شده است ، مانند : «وَ مَن جَآءَ بِالسَّیِّئَهِ فَکُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِی النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَا مَا کُنتُمْ تَعْمَلُونَ. (2) و آنها که اعمال بدی انجام دهند ، به صورت ، در آتش افکنده می شوند . آیا جزایی جز آنچه عمل می کردید ، خواهید داشت ؟ !» . «هَلْ یُجْزَوْنَ إِلَا مَا کَانُواْ یَعْمَلُونَ. (3) آیا جز آنچه را عمل می کردند ، پاداش داده می شوند ؟ !» .همچنین در برخی آیات ، تصریح شده که آنچه تبهکاران می بینند ، همانا جزای عمل آنهاست ، مانند :

.

1- .. زلزله : آیه 7 و 8 .
2- .. نمل : آیه 90 .
3- .. اعراف : آیه 147 ، سبأ : آیه 33 .

ه همراهی همیشگی عمل

«اصْلَوْهَا فَاصْبِرُواْ أَوْ لَا تَصْبِرُواْ سَوَآءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ. (1) در آن (آتش) وارد شوید . صبر کنید یا نکنید ، برای شما یکسان است ؛ چرا که تنها به اعمالتان جزا داده می شوید» .و برخی آیات ، تصریح می کنند که دوزخیان به چیزی جز عمل ، جزا داده نمی شوند : «وَ مَا تُجْزَوْنَ إِلَا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ . (2) و جز به آنچه انجام می دادید ، کیفر نمی شوید» .در حدیثی نیز آمده که جبرئیل به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد : یا مُحَمَّدُ ! عِشْ ما شِئتَ فَإنَّکَ مَیِّتٌ ، و أحبِبْ مَن أحبَبتَ فإنَّکَ مُفارِقُهُ ، وَ اعمَلْ ما شِئتَ فإنَّکَ مُلاقیهِ . (3) ای محمّد ! هر چه می خواهی ، زندگی کن، سرانجام می میری. هر کس را می خواهی دوست بدار، سرانجام از او جدا می شوی. و هر کاری که می خواهی بکن ؛ امّا بدان که آن را دیدار خواهی کرد.

ه همراهی همیشگی عملاز قیس بن عاصم ، یکی از اصحاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، روایت شده که می گوید : روزی با گروهی از بنی تمیم به حضور آن حضرت رسیدیم ، من عرض کردم : ای پیامبر خدا ! ما را نصیحتی کن که از آن بهره مند گردیم ؛ چرا که ما گروهی هستیم که در صحرا در گردش هستیم . پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ من ضمن مطالبی فرمود : إنَّهُ لا بُدَّ لَکَ یا قَیسُ مِن قَرینٍ یُدفَنُ مَعَکَ وهُوَ حَیٌّ ، و تُدفَنُ مَعَهُ و أنتَ مَیِّتٌ ، فإن کانَ کَریما أکرَمَکَ ،و إن کانَ لَئیما أسلَمَکَ ، ثُمَّ لا یُحشَرُ إلّا مَعَکَ ، و لا تُبعَثُ إلّا مَعَهُ ، و لا تُسأَلُ إلّا عَنهُ ، و لا تَجعَلْهُ إلّا صالِحا ، فإنَّهُ إن صَلُحَ أنِستَ بِه ، و إن فَسَدَ لا تَستَوحِشُ إلّا مِنهُ ، و هُوَ فِعلُکَ . (4) ای قیس ! ناچار تو را همدمی است که با تو دفن می شود و او زنده است و تو با او دفن می شوی ، در حالی که تو مرده ای. اگر کریم و بزرگوار باشد ، تو را گرامی می دارد و اگر پست و فرومایه باشد، تو را به زانو درمی آورد . سپس آن همدم جز با تو محشور نمی شود و تو جز با آن برانگیخته نمی شوی و جز در باره او از تو بازخواست نمی شود . پس آن را جز شایسته و صالح قرار مده؛ زیرا اگر خوب باشد، با وی انس می گیری و اگر بد باشد، جز از او وحشت نمی کنی. آن همدم، کردار توست. از امام علی علیه السلام نیز روایت شده که فرمود : أعمالُ العِبادِ فی عاجِلِهم ، نُصبُ أعیُنِهِم فی آجالِهِم . (5) کردار بندگان در دنیای آنان ، پیش دیده هاشان در آخرت ایشان است . این گونه آیات و احادیث را که به

روشنی بر تجسّم اعمال دلالت دارند ، می توان چنین تفسیر کرد که در قیامت ، کارهای نیک ، زیبا مجسّم می شوند و نیکوکاران در کنار سایر نعمت های بهشت ، از همراهی آنها نیز بهره مند می گردند . شماری از محقّقان نیز بر این باورند که این آیات و احادیث ، نشان می دهند که رابطه تکوینی عمل و جزا ، رابطه وحدت ظاهر و باطن است و بهشت ، تجسّم کارهای نیک و دوزخ ، تجسّم کارهای زشت است و در جهان آخرت ، اعمال انسان ها به صورت بهشت و دوزخ به آنها باز گردانده می شوند ، چنان که در حدیثی ، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمده است : إنَّما هِیَ أعمالُکُم تُرَدُّ إلَیکُم . (6) جز این نیست که آنها (نعمت ها و عذاب های قیامت) کردار شماست که به سوی شما باز می گردد . بنا بر این باور ، جزای آخرت ، در واقع ، عین کردار دنیاست و چیزی جدا از عمل نیست : متّهم کن نفس خود را ای فتی !متّهم کم کن جزای عدل را توبه کن مردانه سر آور به رهکه فمن یعمل بمثقالٍ یره فعل تو که زاید از جان و تنتهمچو فرزندت ، بگیرد دامنت این جهان ، کوه است و فعل ما نداسوی ما آید نداها را صدا زانچه می بافی همه روزه ، بپوشزانچه می کاری همه روزه ، بنوش گر ز خاری خسته ای ، خود کِشته ایور حریر و قَزدَری ، (7) خود رشته ای

.

1- .. طور : آیه 16 .
2- .. صافّات : آیه 39 .
3- .. میزان الحکمه : ج 8 ص 183 ح 14519 .
4- .. میزان الحکمه : ج 8 ص 184 ح 14520 .
5- .. نهج البلاغه : حکمت 7 .
6- .. بحار الأنوار : ج 3 ص 90 .
7- .قَزدَر : دیبا ؛ پارچه لطیف .

چون ز دستت زخم بر مظلوم رُستآن درختی گشت از او زقّوم رُست این سخن های چو مار و کژدُمتمار و کژدم می شود ، گیرد دُمت .بر این اساس ، می توان گفت که بی تردید ، بخشی از کیفرهای اخروی، تکوینی و نتیجه کردار زشت انسان و یا تجسّم آن اند . از این رو ، طرح شبهه تناسبِ جرم و جزا در مورد کیفرهای اخروی ، همانند کیفرهای تکوینی دنیوی ، بی معناست ؛ امّا باید دید آیا همه کیفرهای اخروی ، تکوینی اند، یا ممکن است بخشی از آنها قراردادی باشند ، که به نظر می رسد دلیل قاطعی برای نفی کیفرهای قراردادی در آخرت ، وجود ندارد . حکمت این نوع کیفر (کیفر قراردادی) ، آثار تربیتی آن در دنیاست ؛ زیرا اعتقاد به وجود مجازات شدید اخروی در مقابل کارهای ناشایست و پاداش بهشت جاوید در برابر کارهای شایسته یا حتّی احتمال مجازات و پاداش اخروی ، انسان را به نیکوکاری و دادورزی در دنیا ، وادار می نماید . در روایتی آمده است که : خَلَقَ اللّهُ تَعالی جَهَنَّمَ مِن فَضلِ رَحمَتِهِ سَوطا یَسوقُ اللّهُ بِهِ عِبادَهُ إلی الجَنَّهِ . (1) خدای بزرگ ، دوزخ را از فزونیِ رحمت خویش ، به سان تازیانه ای آفرید که با آن ، بندگانش را به سوی بهشت براند . گفتنی است که با توجّه به عدل الهی در کیفر مجرمان ، تناسب جرم و جزا (مجازات) در موضوع کیفرهای قراردادی اخروی ، همانند کیفرهای تکوینی ، نه تنها منع عقلی ندارد ، بلکه قطعی و غیر قابل تردید است . نکته بسیار مهم و قابل توجّه درباره تناسب معصیت الهی و کیفرهای اخروی ، این است که از منظر عقل ، نافرمانی کسی که نعمت هایش به انسان ، نامتناهی است ، بی نهایت قبیح است و نافرمان از او (گنهکار) ، مستحقّ سخت ترین کیفرهاست ، چنان که از امام زین العابدین علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند متعال ، عرضه می دارد : یا إلهی ! لَو بَکَیتُ إلَیکَ حَتّی تَسقُطَ أشفارُ عَینَیَّ ، وَ انتَحَبتُ حَتّی یَنقَطِعَ صَوتی و قُمتُ لَکَ حَتّی تَنتَشِرَ قَدَمایَ و رَکَعتُ لَکَ حَتّی یَنخَلِعَ صُلبی و سَجَدتُ لَکَ حَتّی تَتَفَقَّأَ حَدَقَتایَ ، و أکَلتُ تُرابَ الأَرضِ طولَ عُمُری و شَرِبتُ ماءَ الرَّمادِ آخِرَ دَهری ، و ذَکَرتُکَ فی خِلالِ ذلِکَ حَتّی یَکِلَّ لِسانی ، ثُمَّ لَم أرفَع طَرفی إلی آفاقِ السَّماءِ استِحیاءً مِنکَ مَا استَوجَبتُ بِذلِکَ مَحوَ سَیِّئَهٍ واحِدَهٍ مِن سَیِّئاتی و إن کُنتَ تَغفِرُ لی حینَ أستَوجِبُ مَغفِرَتَکَ ، و تَعفو عَنّی حین أستِحَقُّ عَفوَکَ فَإنَّ ذلِکَ غَیرُ واجِبٍ لی بِاستِحقاقٍ وَ لا أنَا أهلٌ لَهُ بِاستیجابٍ ، إذ کانَ جَزائی مِنکَ فی أوّلِ ما عَصَیتُکَ النّارَ ، فَإن تُعَذِّبنی فَأنتَ غَیرُ ظالِمٍ لی. (2) خداوندا ! اگر به درگاهت ، چندان بنالم که پلک های چشمانم بیفتند و چندان زار بزنم که صدایم بریده شود و چندان در برابرت بِایستم که پاهایم ورم کنند و چندان

برایت رکوع کنم که استخوان پشتم از هم بگسلد و چندان برایت سجده کنم که تخم چشمانم از کاسه در اید و در همه عمر ، خاک زمین بخورم و تا پایان زندگی ام آب تیره بنوشم و در این میان چندان به یاد تو گویا باشم که زبانم از کار بیفتد و آن گاه از شرم تو ، گوشه چشمم را به اطراف آسمان نیندازم ، با این همه ، سزاوار آن نیستم که گناهی از گناهان من ، پاک شود . حال اگر مستوجب آمرزش تو شوم و تو مرا بیامرزی ، و مستحقّ بخشش تو شوم و تو مرا ببخشایی ، این آمرزش و بخشایش ، به سبب استحقاق من و سزاوار بودن من نیست ؛ زیرا کیفرم از همان آغاز نافرمانی ام، آتش [دوزخ] بود . پس اگر عذابم کنی ، به من ستم نکرده ای.

.

1- .ر . ک : ص 66 ح 31 .
2- .الصحیفه السجّادیه : ص 88 دعای 16 ، المزار الکبیر : ص 159 .

ص: 16

..

ص: 17

..

ص: 18

..

ص: 19

..

الفصل الأوّل: أسماء جهنّم1 / 1النّارُالكتاب«وَاتَّقُواْ النَّارَ الَّتِی أُعِدَّتْ لِلْکَافِرِینَ» . (1)

«فَاتَّقُواْ النَّارَ الَّتِی وَ قُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَهُ أُعِدَّتْ لِلْکَافِرِینَ» . (2)

«فَمَن زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّهَ فَقَدْ فَازَ» . (3)

الحديث710.الإمام علىّ عليه السلام بَعدَ أن بَيَّنَ مَعن رسول اللّه صلى الله عليه و آله : اِعلَموا عِبادَ اللّهِ أنَّ العَبدَ يُبعَثُ يَومَ القِيامَهِ عَلى ما ماتَ ، وقَد خَلَقَ اللّهُ عز و جل الجَنَّهَ وَالنّارَ ، فَمَنِ اختارَ النّارَ عَلَى الجَنَّهِ انقَلَبَ بِالخَيبَهِ ، ومَنِ اختارَ الجَنَّهَ فَقَد فازَ وَانقَلَبَ بِالفَوزِ ؛ لِقَولِ اللّهِ عَزَّوجَلَّ : «فَمَن زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّهَ فَقَدْ فَازَ» . (4) .

1- .آل عمران : 131 .
2- .البقره : 24 .
3- .آل عمران : 185 .
4- .ثواب الأعمال : ص 346 ح 1 عن أبى هريره و ابن عبّاس ، بحار الأنوار : ج 76 ص 373 ح 30 .

فصل یکم : نام های دوزخ

1 / 1 آتش

فصل یکم : نام های دوزخ1 / 1آتشقرآن«و بترسید از آتش که برای کافران ، آماده گردیده است».

«پس بترسید از آتش که سوخت آن ، مردمان و سنگ هایند و برای کافران ، آماده شده است» .

«پس هر که را از آتش به دور دارند و به بهشت در آورند ، قطعا کامیاب شده است» .

حدیث701.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بدانید ای بندگان خدا که بنده در روز قیامت ، بر همان حال که مرده است ، بر انگیخته می شود. خداوند عز و جل بهشت و آتش را آفرید. پس هر آن که آتش را بر بهشت بر گزیند ، ناکام می شود، و هر آن که بهشت را بر گزیند ، کامیاب می شود و به کامیابی می رسد، به دلیل این سخن خداوند عز و جل : «پس هر که را از آتش به دور دارند و در بهشت در آورند ، قطعا کامیاب شده است» .

.

700.الإمام الصادق عليه السلام : الإمام علىّ عليه السلام لِعَبدِ اللّهِ بنِ عَبّاسٍ عِندَ استِخلافِهِ عَلَى البَصرَهِ : اِعلَم أنَّ ما قَرَّبَکَ مِنَ اللّهِ يُباعِدُکَ مِنَ النّارِ ، وما باعَدَکَ مِنَ اللّهِ يُقَرِّبُکَ مِنَ النّارِ . (1)699.عنه صلى الله عليه و آله فى بَيانِ آدابِ كِتاب حليه الأولياء عن الفضيل : أشرَفتُ لَيلةً عَلى عَلِيٍّ عليه السلام وَهُوَ فى صَحنِ الدّارِ ، وَهُوَ يَقُولُ : النّارُ ، ومَتَى الخَلاصُ مِنَ النّارِ ؟! (2)698.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : تهذيب الكمال عَن أبى نوحٍ الأنصارِىِّ : وَقَعَ حَرِيقٌ فى بَيتٍ فيهِ عَلِيُّ بنُ الحُسَينِ عليه السلام وَهُوَ ساجِدٌ ، فَجَعَلوا يَقُولونَ لَهُ : يا بنَ رَسولِ اللّهِ ، النّارَ ! يَابنَ رَسُولِ اللّهِ ، النّارَ ! فَما رَفَعَ رَأسَهُ حَتّى طَفِئَت .

فَقيلَ لَهُ : مَا الَّذى ألهاکَ عَنها ؟ قالَ : ألهَتنى عَنهَا النّارُ الأُخرى . (3)1 / 2جَهَنَّمُالكتاب«وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّهُ بِالْاءِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ» . (4)

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُواْ نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّواْ قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ * جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ * وَ جَعَلُواْ لِلَّهِ أَندَادًا لِّيُضِلُّواْ عَن سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعُواْ فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ» . (5)

الحديث691.عيون أخبار الرضا عليه السلام عن رجاء بن أبى الضحّ الإمام زين العابدين عليه السلام فِى الدُّعاءِ : إلهى ! لَيتَنى لَم أسمَع بِذِكرِ جَهَنَّمَ وسَلاسِلِها وتَثقيلِ أغلالِها . إلهى ! لَيتَنى كُنتُ طائِرا فَأطيرَ فى الهَواءِ مِن خَوفِکَ . إلهى ! اَلوَيلُ لى ثُمَّ الوَيلُ لى إن كانَ إلى جَهَنَّمَ مَحشَرى . إلهى ! الوَيلُ لى ثُمَّ الوَيلُ لى إن كانَ فِى النّارِ مَجلِسى . إلهى ! الوَيلُ لى ثُمَّ الوَيلُ لى إن كانَ الزَّقّومُ فيها طَعامى . إلهى ! الوَيلُ لى ثُمَّ الوَيلُ لى إن كانَ الحَميمُ فيها شَرابى . إلهى ! الوَيلُ لى ثُمَّ الوَيلُ لى إن كانَ الشَّيطانُ وَالكُفّارُ فيها أقرانى . (6) .

1- .نهج البلاغه : الكتاب 76 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 35 ، بحار الأنوار : ج 33 ص 498 ص 704 .
2- .حليه الأولياء : ج 8 ص 297 الرقم 430 ، تهذيب الكمال : ج 21 ص 100 الرقم 4121 ، سير أعلام النبلاء : ج 8 ص 444 الرقم 115 .
3- .تهذيب الكمال : ج 20 ص 389 الرقم 4050 ، سير أعلام النبلاء : ج 4 ص 391 ، التخويف من النار : ص 39 .

4- .البقره : 206 .
5- .ابراهيم : 28 30 .
6- .بحار الأنوار : ج 94 ص 122 ح 19 نقلاً عن الكتاب العتيق الغروى .

690.الإمام الرضا علیه السلام : امام علی علیه السلام به عبد اللّه بن عبّاس ، هنگامی که او را به استانداری بصره گمارد : بدان که آنچه تو را به خدا نزدیک کند ، از آتش دور می کند ، و آنچه تو را از خدا دور کند ، به آتش نزدیک می کند .689.قرب الإسناد عن حنّان بن سدیر : حلیه الأولیاء به نقل از فضیل : شبی در حالی که علی علیه السلام در حیاط خانه اش بود ، بر او سرک کشیدم و دیدم که می گوید: «آتش ! کِی می توان از آتش ، رهایی یافت ؟ !» .688.الأمالی عن أبی حفص الصائغ : تهذیب الکمال به نقل از ابو نوح انصاری : در اتاقی که در آن ، امام زین العابدین علیه السلام در حال سجده بود ، آتش سوزی شد . اهل خانه شروع به داد و فریاد کردند و می گفتند: «ای پسر پیامبر خدا ، آتش! ای پسر پیامبر خدا ، آتش!» ؛ ولی ایشان سرش را [از سجده] بر نداشت ، تا آن که آتش خاموش شد. آن گاه ، به ایشان گفتند: چه چیزی شما را از آتش غافل ساخت؟

فرمود: «آتش دیگرِ (آتش آخرت) ، مرا از آن غافل ساخت» .1 / 2جهنّمقرآن«و هر گاه به او گفته شود: «از خدا بترس» ، نخوت ، وی را به گناه کشانَد. پس جهنّم برای او بس است، و چه بدبستری است !».

«آیا به کسانی که در برابر نعمت خدا ناسپاسی کردند و قوم خود را به سرای هلاکت کشاندند ، نمی نگری؟ [قوم خود را] به جهنّم [کشاندند] که وارد آن می شوند و چه بد قرارگاهی است! و برای خدا مانندهایی قرار دادند تا از راه او گم راه کنند. بگو: [از نعمت های دنیا]برخوردار شوید که قطعا بازگشت شما به سوی آتش است».

حدیث681.الإمام الصادق علیه السلام : امام زین العابدین علیه السلام در دعا : خداوندا! کاش خبر جهنّم و زنجیرها و سنگینیِ

غُل هایش را نشنیده بودم . خداوندا! کاش پرنده ای بودم که از بیم تو ، در هوا پرواز می کردم . خداوندا! وای بر من ، وای بر من ، اگر جهنّم ، محشر من باشد! خداوندا! وای بر من ، وای بر من ، اگر جای نشستنم جهنّم باشد ! خداوندا! وای بر من ، وای بر من ، اگر غذایم در جهنّم ، زقّوم باشد!

خداوندا ! وای بر من ، وای بر من ، اگر آب جوش جهنّم ، آشامیدنی ام باشد ! خداوندا ! وای بر من ، وای بر من ، اگر شیطان و کافران ، همنشینان من در جهنّم باشند !

.

680.سنن الدارقطنى عن الحكم بن عمير : الإمام العسكرىّ عليه السلام فى دُعاءِ الصَّباحِ : يا مَن فى جَهَنَّمَ سَخَطُهُ ، يا مَن فِى الجَنَّهِ رَحمَتُهُ . (1)1 / 3الجَحيمُالكتاب«ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ» . (2)

«وَ إِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ» . (3)

الحديث673.الإمام الباقر عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى دُعاءٌ عَلَّمَهُ إيّاهُ جَبرَئيلُ عليه السلام : اللّهُمَّ إنّي أسألُکَ بِاسمِکَ الَّذى إذا ذُكِرتَ بِهِ تَزَعزَعَت مِنهُ السَّماواتُ وَانشَقَّت مِنهُ الأَرَضونَ . . . وبِالاِسمِ الَّذى وُضِعَ عَلَى الجَنَّهِ فَاُزلِفَت ، وعَلَى الجَحيمِ فَسُعِّرَت ، وعَلَى النّارِ فَتَوَقَّدَت . (4) .

1- .البلد الأمين : ص 60 ، مصباح المتهجّد : ص 229 ح 337 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 86 ص 176 ح 45 .
2- .المطفّفين : 16 .
3- .التكوير : 12 .
4- .بحار الأنوار : ج 95 ص 369 ح 23 .

1 / 3 جَحیم (آتش فروخته)

672.المستدرک عن أبی هریره : امام عسکری علیه السلام در دعای صباح : ای آن که خشم[واقعی]اش در جهنّم است ! ای آن که رحمت[حقیقی]اش در بهشت است !1 / 3جَحیم (آتش فروخته) (1)قرآن«آن گاه به یقین، آنان به جَحیم در می آیند».

«و آن گاه که جحیم ، برافروخته شود».

حدیث665.الإمام علیّ علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعایی که جبرئیل علیه السلام به او آموخت : بار خدایا ! از تو درخواست می کنم به آن نامت که هر گاه با آن یاد شوی ، از [عظمتِ] آن ، آسمان ها به لرزه می افتند و زمین ها از هم می شکافند ... ، و به آن نامی که بر بهشت ، نهاده شد و بهشت ، نزدیک آورده [و خرّم] شد، و بر دوزخ نهاده شد و دوزخ ، بر افروخته گشت، و بر آتش ، نهاده شد و آتش ، شعله ور گردید.

.

1- .واژه «جحیم» در متن عربی و در آیات قرآنی ، به معنای مغاک (گودال) پر از آتش است و یا آتش تو بر تو، آتش بزرگ و مهیب، آتش سخت سوزان.

664.عنه صلى الله عليه و آله : الإمام علىّ عليه السلام : بِالمَوتِ تُختَمُ الدُّنيا ، وبِالدُّنيا تُحرَزُ الآخِرَةُ ، وبِالقِيامَهِ تُزلَفُ (1) الجَنَّهُ [لِلمُتَّقينَ] (2) ، وتُبَرَّزُ الجَحيمُ لِلغاوينَ . (3)663.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : عنه عليه السلام فِى الخُطبَهِ المونِقَهِ : ذو لُطفٍ خَفِىٍّ ، وبَطشٍ قَوِىٍّ ، ورَحمَهٍ موسِعَهٍ ، وعُقوبَهٍ موجِعَهٍ ، رَحمَتُهُ جَنَّهٌ عَريضَهٌ مونِقَهٌ ، وعُقوبَتُهُ جَحيمٌ موصَدَهٌ مويقَهٌ (4) . (5)1 / 4السَّعيرُالكتاب«وَ قَالُواْ لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِى أَصْحَابِ السَّعِيرِ * فَاعْتَرَفُواْ بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِّأَصْحَبِ السَّعِيرِ » . (6)

«وَ مَن يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَ مَن يُضْلِلْ فَلَن تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِهِ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَهِ عَلَى وُجُوهِهِمْ عُمْيًا وَ بُكْمًا وَ صُمًّا مَّأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا» . (7)

راجع : النساء : 10 ، 55 ، الحج : 4 ، الفرقان : 11 ، لقمان : 21 ، سبأ : 12 ، الاحزاب : 64 ، فاطر : 6 ، الشورى : 7 ، الفتح : 13 ، الملک : 5 ، الانسان : 4 ، الانشقاق : 12 .

.

1- .الزُلفَهُ والزُلفى : القُربَهُ . أزلفَهُ : قَرَّبَهُ (المصباح المنير : ص 254 «زلف») .
2- .ما بين المعقوفين أثبتناه من المصادر الاُخرى .
3- .نهج البلاغه : الخطبه 156 ، الأمالى للمفيد : ص 277 ح 3 ، الأمالى للطوسى : ص 37 ح 40 كلاهما عن قبيصه بن جابر نحوه ، بحار الأنوار : ج 67 ص 67 ح 26 .
4- .المَوبِقُ : المُهلِكُ (النهايه : ج 5 ص 146 «وبق») .
5- .المصباح للكفعمى : ص 968 ، أعلام الدين : ص 72 وفيه «ممدوده» بدل «موصده» ، بحار الأنوار : ج 77 ص 340 ح 28 ؛ شرح نهج البلاغه لابن أبى الحديد : ج 19 ص 141 ، مطالب السؤول : ص 60 وفيهما «ممدوده» بدل «موصده» ، كنز العمّال : ج 16 ص 210 ح 44234 عن أبى صالح .
6- .الملک : 10 و 11 .
7- .الإسراء : 97 .

1 / 4 سعیر (آتش پرشراره)

656.الإمام الصادق علیه السلام : امام علی علیه السلام : با مردن ، دنیا به پایان می رسد، و با دنیا آخرت به دست می آید . با فرا رسیدن قیامت ، بهشت [برای پرهیزگاران] نزدیک می شود، و دوزخ برای گم راهان ، آشکار می گردد.655.المصنّف عن أبیهریره : امام علی علیه السلام در خطبه مونقه : [خداوند] عز و جل دارای لطفی پنهان و ضربتی نیرومند و رحمتی گسترده و کیفری دردآور است . رحمتش بهشتی است پهناور و زیبا، و کیفرش مغاک آتشینی است فراگیر و نابودگر.1 / 4سعیر (آتش پرشراره)قرآن«و گویند: «اگر شنیده بودیم یا تعقّل کرده بودیم ، در میان اهلِ آتشِ پرشراره نبودیم» . پس به گناه خود ، اعتراف کنند ، مرگ باد بر اهلِ آتشِ فروزان !».

«و هر که خدا هدایتش کند ، او ره یافته است و هر که را گم راه سازد ، در برابر او برای آنان هرگز حامیانی نیابی، و روز قیامت ، آنان را کور و لال و کر، به چهره شان در افتاده، بر خواهیم انگیخت . جایگاهشان جهنّم است که هر بار که آتشِ آن فرو نشیند، آتشی پرشراره بر ایشان بیفزاییم».

.

الحديث648.الإمام العسكرى عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : الصَّومُ يُذيبُ اللَّحمَ ، ويُبعِدُ مِن حَرِّ السَّعيرِ . (1)647.عنه عليه السلام : الإمام زين العابدين عليه السلام : إنَّ فى جَهَنَّمَ لَوادِيا يُقالُ لَهُ : سَعيرٌ ؛ إذا خَبَت جَهَنَّمُ فُتِحَ بِسَعيرِها ، وهُوَ قَولُ اللّهِ : «كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا» . (2)646.الإمام زين العابدين عليه السلام : عنه عليه السلام فِى الدُّعاءِ : اللّهُمَّ ... وأعِذنا مِن عَذابِ السَّعيرِ . (3)1 / 5الحُطَمَهُالكتاب«وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ * الَّذِى جَمَعَ مَالاً وَ عَدَّدَهُ * يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ * كَلَّا لَيُنبَذَنَّ فِى الْحُطَمَةِ * وَ مَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ * نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ * الَّتِى تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئدَةِ * إِنَّهَا عَلَيْهِم مُّؤْصَدَةٌ * فِى عَمَدٍ مُّمَدَّدَةِ» . (4)

الحديث640.الإمام علىّ عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : تُعرَضُ لِلنّاسِ جَهَنَّمُ كَأَنَّها سَرابٌ ، يَحطِمُ بَعضُها بَعضا . (5)639.الإمام الصادق عليه السلام : تفسيرالقمى فى قوله تعالى : «كَلَّا لَيُنبَذَنَّ فِى الْحُطَمَةِ » : وَالحُطَمَةُ النّارُ الَّتى تُحَطِّمُ كُلَّ شَىءٍ ، ثُمَّ قالَ : «وَ مَا أَدْرَاكَ» يا مُحَمَّدُ «مَا الْحُطَمَةُ * نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ *

الَّتِى تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ » قال : تَلتَهِبُ عَلَى الفُؤادِ . (6) .

1- .المعجم الأوسط : ج 9 ص 170 ح 9443 عن أنس ، كنزالعمّال : ج 8 ص 452 ح 23620 .
2- .. تفسير العيّاشى : ج 2 ص 318 ح 169 ، تفسير القمّى : ج 2 ص 29 ، بحارالأنوار : ج 8 ص 291 ح 29 .
3- .الصحيفه السجّاديه : ص 107 الدعاء 25 ، المصباح للكفعمى : ص 221 .
4- .الهمزه : 1 9 .
5- .المجازات النبويّه : ص 109 ح 70 ؛ المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 626 ح 8736 ، تفسير الطبرى : ج 14 الجزء 29 ص 41 ، السنّه لابن أبى عاصم : ص 285 ح 635 كلّها عن أبى سعيد الخدرىّ .
6- .تفسيرالقمى : ج 2 ص 441 ؛ تفسير الثعلبى : ج 10 ص 287 ، تفسير ابن كثير : ج 8 ص 501 كلاهما نحوه .

1 / 5 حُطَمَه (آتشِ متلاشی کننده)

حدیث637.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : روزه، گوشت را آب می کند و [در عوض ،] از گرمای آتش پرشراره ، دور می گرداند.636.الإمام الصادق علیه السلام : امام زین العابدین علیه السلام : در جهنّم ، درّه ای است که به آن ، «سعیر» می گویند و هر گاه آتش دوزخ فرو نشیند، درِ سعیر آن ، باز می شود و این ، معنای سخن خداوند است که : «و هر بار که آتش آن فرو نشیند ، شراره ای [تازه] بر ایشان می افزاییم» .635.عنه صلی الله علیه و آله لِرَجُلٍ مِنَ الأنصا امام زین العابدین علیه السلام در دعا : بار خدایا ! ... و ما را از عذاب آتشِ پرشراره ، در پناه خویش بدار.1 / 5حُطَمَه (آتش متلاشی کننده)قرآن«وای بر هر بدگوی عیبجویی که مالی گرد آوْرْد و آن را بر شمرد . می پندارد که مالش او را جاوید کرده ؛ ولی نه ! قطعا در آتشِ متلاشی کننده ، فرو افکنده خواهد شد ؛ آن هم چه آتشِ متلاشی کننده ای ، آتشِ افروخته خدا که بر دل ها می رسد ؛ آتشی که آنان را در میان می گیرد ، با ستون هایی دراز» .

حدیث629.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : جهنّم چونان سرابی که شعله های آن بر یکدیگر می کوبند، بر مردم نمایان می شود.628.مکارم الأخلاق : تفسیر القمّی در مورد فرمایش خداوند : «هرگز ! حتماً در حُطَمه ، پرتاب خواهد شد» : حُطَمه ، آتشی است که همه چیز را می بلعد . آن گاه فرمود : و تو ای محمّد «و تو چه می دانی حُطَمه چیست؟ آتش بر افروخته خداوند است که به دل ها

می رسد» . فرمود : [یعنی] بر دل ها شعله می کشد .

.

1 / 6سَقَرُالكتاب«إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِی ضَلَالٍ وَ سُعُرٍ * یَوْمَ یُسْحَبُونَ فِی النَّارِ عَلَی وُجُوهِهِمْ ذُوقُواْ مَسَّ سَقَرَ» . (1)

«سَأُصْلِیهِ سَقَرَ * وَ مَا أَدْرَاکَ مَا سَقَرُ * لَا تُبْقِی وَ لَا تَذَرُ * لَوَّاحَةٌ لِّلْبَشَرِ * عَلَیْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ» . (2)

«فِی جَنَّاتٍ یَتَسَاءَلُونَ * عَنِ الْمُجْرِمِینَ * مَا سَلَکَکُمْ فِی سَقَرَ * قَالُواْ لَمْ نَکُ مِنَ الْمُصَلِّینَ * وَ لَمْ نَکُ نُطْعِمُ الْمِسْکِینَ * وَ کُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِینَ * وَ کُنَّا نُکَذِّبُ بِیَوْمِ الدِّینِ» . (3)

الحدیث620.الإمام الباقر علیه السلام حینَ سُئِلَ عَنِ ال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : إنَّ هذِهِ الآیَةَ نَزَلَت فِی القَدَرِیَّهِ : «إِنَّ الْمُجْرِمِینَ فِی ضَلَالٍ وَ سُعُرٍ * یَوْمَ یُسْحَبُونَ فِی النَّارِ عَلَی وُجُوهِهِمْ ذُوقُواْ مَسَّ سَقَرَ ... » .
619.الإمام الباقر علیه السلام : الإمام الباقر علیه السلام : إنَّ فی جَهَنَّمَ لَجَبَلاً یُقالُ لَهُ : الصَّعدی ، وإنَّ فِی الصَّعدی لَوادِیا یُقالُ لَهُ : سَقَرُ ، وإنَّ فی سَقَرَ لَجُبّا یُقالُ لَهُ : هَبْهَبٌ ؛ کُلَّما کُشِفَ غِطاءُ ذلِکَ الجُبِّ ضَجَّ أهلُ النّارِ مِن حَرِّهِ ، وذلِکَ مَنازِلُ الجَبّارینَ . (4) (5) .

1- .القمر : 47 و 48 .
2- .المدثر : 26 30 .
3- .المدثر : 40 46 .
4- .أسباب نزول القرآن : ص 420 ح 776 عن أبی اُمامه الباهلی ، المعجم الکبیر : ج 11 ص 80 ح 11163 عن ابن عبّاس من دون اسنادٍ إلی أحدٍ من أهل البیت علیهم السلام ؛ ثواب الأعمال : ص 253 ح 5 عن زراره بن أعین ومحمد بن مسلم عن الإمام الباقر علیه السلام ، مسند زید : ص 409 عن زید بن علیّ عن أبیه عن جدّه عن الإمام علیّ علیه السلام ، بحارالأنوار : ج 5 ص 118 ح 54 .
5- .. ثواب الأعمال: ص 324 ح 1، المحاسن: ج 1 ص 214 ح 390 کلاهما عن میسر، روضه الواعظین: ص 418 وفیه «سعر» بدل «سقر» فی الموضعین وفیهما «صعود» بدل «الصعدی»، بحارالأنوار: ج 8 ص 297 ح 49.

1 / 6 سَقَر

1 / 6سَقَر (1)قرآن«قطعا بزهکاران در گم راهی و جنون اند ؛ روزی که در آتش به صورت ، کشیده می شوند [و به آنان گفته می شود :] بچشید [طعم]سَقَر را» .

«زود است که او را به سَقَر در آورم ؛ آن هم چه سَقَری ! نه باقی می گذارد و نه رها می کند. پوست ها را سیاه می کند. بر آن ، نوزده [نگهبان]است» .

«در میان باغ ها از یکدیگر در باره مجرمان می پرسند که : «چه چیزی شما را به سَقَر کشاند؟» . گویند: «از نمازگزاران نبودیم وبه بینوایان غذا نمی دادیم. با هرزه درایان ، هرزه درایی می کردیم و روز جزا را دروغ می شمردیم»».

حدیث611.الإمام علیّ علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : این آیه در باره قَدَریان فرود آمد: «همانا بزهکاران در گم راهی و جنون اند. روزی که در آتش ، به صورت ، کشیده می شوند [و به آنان گفته می شود:]بچشید [طعم] سقر را» .610.عنه صلی الله علیه و آله : امام باقر علیه السلام : در جهنّم ، کوهی است که به آن ، «صَعدی» می گویند و در صعدی ، پرتگاهی است که به آن ، «سَقَر» می گویند و در سقر ، چاهی است که به آن ، «هَبهَب» می گویند و هر بار که در آن چاه برداشته شود ، دوزخیان از حرارت آن ، فریاد بر می آورند . این چاه ، جایگاه متکبّران است .

.

1- .واژه «سَقَر» که در آیات و احادیث به کار رفته ، نامی است عربی، و عَلَم برای آتش آخرت. بعضی گفته اند: عرب ها می گویند: «سَقَرتْهُ الشمسُ ؛ یعنی آفتاب ، او را آب کرد» و آتش را از آن جهت ، سقر نامیده اند که بدن ها و ارواح را ذوب می کند (لسان العرب : ذیل همین مادّه).

609.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : عنه عليه السلام فى بَيانِ صِفَهِ عَذابِ الكافِرينَ يَومَ القِيامَهِ : ويَغضَبُ الحَىُّ القَيّومُ ، فَيَقولُ : يا مالِكُ ! قُل لَهُم : ذوقوا فَلَن نَزيدَكُم إلّا عَذاباً (1) ، يا مالِكُ ، سَعِّر سَعِّر ! قَدِ اشتَدَّ غَضَبى عَلى مَن شَتَمَنى عَلى عَرشى ، وَاستَخَفَّ بِحَقّى ، وأنَا المَلِكُ الجَبّارُ .

فَيُنادى مالِكٌ : يا أهلَ الضَّلالِ وَالاِستِكبارِ وَالنِّعمَهِ فى دارِ الدُّنيا ، كَيفَ تَجِدونَ مَسَّ سَقَرَ؟

قالَ : فَيَقولونَ : قَد أنضَجَت قُلوبَنا ، وأكَلَت لُحومَنا ، وحَطَمَت عِظامَنا ، فَلَيسَ لَنا مُستَغيثٌ ، ولا لَنا مُعينٌ . (2)608.رسول اللّه صلى الله عليه و آله مِن وَصاياهُ لِ الإمام الصادق عليه السلام : إنَّ فى جَهَنَّمَ لَوادِيا لِلمُتَكَبِّرينَ ، يُقالُ لَهُ : سَقَرُ ؛ شَكا إلَى اللّهِ عَزَّوَجَلَّ شِدَّهَ حَرِّهِ ، وسَأَلَهُ أن يَأذَنَ لَهُ أن يَتَنَفَّسَ ، فَتَنَفَّسُ فَأحرَقَ جَهَنَّمَ (3)607.الإمام علىّ عليه السلام : الإمام الكاظم عليه السلام : إنَّ فِى النّارِ لَوادِيا يُقالُ لَهُ : سَقَرٌ ، لَم يَتَنَفَّس مُنذُ خَلَقَهُ اللّهُ ، لَو أذِنَ اللّهُ عز و جل لَهُ فِى التَّنَفُّسِ بِقَدرِ مِخيَطٍ لَأحرَقَ ما عَلى وَجهِ الأَرضِ ، وإنَّ أهلَ النّارِ لَيَتَعَوَّذونَ مِن حَرِّ ذلِكَ الوادى ونَتنِهِ وقَذَرِهِ وما أعَدَّ اللّهُ فيهِ لِأهلِهِ . وإنَّ فى ذلِكَ الوادى لَجَبَلاً ؛ يَتَعَوَّذُ جَميعُ أهلِ ذلِكَ الوادى مِن حَرِّ ذلِكَ الجَبَلِ ونَتنِهِ وقَذَرِهِ وما أعَدَّ اللّهُ فيهِ لِأهلِهِ . وإنَّ فى ذلِكَ الجَبَلِ لَشِعباً (4) ؛ يَتَعَوَّذُ جَميعُ أهلِ ذلِكَ الجَبَلِ مِن حَرِّ ذلِكَ الشِّعبِ ونَتنِهِ وقَذَرِهِ وما أعَدَّ اللّهُ فيهِ لِأهلِهِ . وإنَّ فى ذلِكَ الشِّعبِ لَقَليباً (5) ؛ يَتَعَوَّذُ [جَميعُ] (6) أهلِ ذلِكَ الشِّعبِ مِن حَرِّ ذلِكَ القَليبِ و نَتنِهِ وقَذَرِهِ وما أعَدَّ اللّهُ فيهِ لِأهلِهِ . وإنَّ فى ذلِكَ القَليبِ لَحَيَّهً ؛ يَتَعَوَّذُ جَميعُ أهلِ ذلِكَ القَليبِ مِن خُبثِ تِلكَ الحَيَّهِ ونَتنِها وقَذَرِها وماأعَدَّ اللّهُ فى أنيابِها مِنَ السَّمِّ لِأهلِها . (7) .

1- .النباء : 30 ، وفى المتن سقط فاءمن فذوقوا .
2- .الاختصاص : ص 364 عن جابربن يزيد الجعفى ، بحارالأنوار : ج 8 ص 322 ح 99 .
3- .. الكافى: ج 2 ص 310 ح 10، ثواب الأعمال: ص 265 ح 7، الزهد للحسين بن سعيد: ص 103 ح 281، المحاسن : ج1 ص214 ح389، تفسير القمّى : ج2 ص251 كلّها عن ابن بكير، بحارالأنوار : ج8 ص294 ح38 .
4- .الشِّعبُ بالكسر : الطريقُ فى الجَبلِ (الصحاح : ج 1 ص 156 «شعب») .

5- .القَليبُ : البِئرُ التى لم تُطوَ (النهايه : ج 4 ص 98 «قلب») .
6- .ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار .
7- .الخصال : ص 398 ح 106 ، جامع الأخبار : ص 402 ح 1107 كلاهما عن إسحاق بن عمّار ، روضه الواعظين : ص 556 ، بحارالأنوار : ج 12 ص 37 ح 20 .

606.تهذیب الأحکام عن سماعه : امام باقر علیه السلام در بیان چگونگیِ عذاب کافران در روز رستاخیز : و [خداوندِ]زنده بیدار ، به خشم می آید و [به فرشته گماشته بر دوزخ] می فرماید: «ای مالک ! به آنها بگو: بچشید که شما را جز عذاب نمی افزاییم . ای مالک ! بر افروز، [آتش جهنّم را] بر افروز؛ که خشم من ، بر آن کس که منِ عرش نشین را دشنام داده و با آن که منم پادشاه پرتوان حق و مقام مرا سبک شمرده، بالا گرفته است».

مالک ندا می دهد که: ای گم راهان و مستکبران و ای کسانی که در سرای دنیا برخوردار بوده اید ! مزه سَقَر را چگونه یافتید؟

می گویند: دل های ما را پخت، گوشت هایمان را خورد و استخوان هایمان را خُرد کرد . نه فریادمان به جایی می رسد و نه یاوری داریم.605.الإمام علیّ علیه السلام کانَ إذا دَخَلَ المَس امام صادق علیه السلام : در جهنّم ، درّه ای است مخصوص متکبّران که به آن ، «سَقَر» می گویند. آن از گرمای زیاد خود به خداوند عز و جل شکایت کرد و از او درخواست نمود تا اجازه اش دهد نفس بکشد، و نفس کشید و جهنّم را سوزاند !604.جامع الأخبار : امام کاظم علیه السلام : در آتش ، وادی ای هست که به آن «سَقَر» گویند و این وادی ، از زمانی که خداوند آن را آفریده ، نفس نکشیده است. اگر خداوند عز و جل به او اجازه دهد تا به اندازه سوزنی نفس بکشد ، هر آنچه را بر روی زمین است ، می سوزاند. دوزخیان از گرمای آن وادی و بوی گند و کثافتش و از آنچه خداوند در آن وادی برای اهلش آماده ساخته است ، به خدا پناه می برند.

در آن وادی ، کوهی است که باز همه اهل آن وادی ، از گرمای آن و از بوی گند و کثافتش و از آنچه خداوند در آن کوه برای اهلش آماده ساخته است ، به خدا پناه می برند. در آن کوه ، درّه ای است که باز همه اهل آن کوه ، از گرمای آن درّه و از بوی تعفّن و کثافت آن و از آنچه خداوند در آن درّه برای اهلش آماده ساخته است ، به خدا پناه می برند. در آن درّه، چاهی است که باز همه اهل آن درّه ، از گرمای آن و کثافتش و از آنچه خداوند در آن چاه برای اهلش آماده ساخته است ،

به خدا پناه می برند . در آن چاه نیز ماری است که همه اهل آن چاه ، از پلیدی آن مار و از بوی تعفّن و کثافت آن و از زهری که خداوند در نیش های آن مار برای اهلش فراهم آورده است ، به خدا پناه می برند. .

1 / 7لَظیالکتاب«کَلَّا إِنَّهَا لَظَی * نَزَّاعَةً لِّلشَّوَی * تَدْعُواْ مَنْ أَدْبَرَ وَ تَوَلَّی * وَ جَمَعَ فَأَوْعَی» . (1)

الحدیث598.الإمام علیّ علیه السلام : الإمام علیّ علیه السلام فی وَصِیَّتِهِ لِکُمَیلِ بنِ زِیادٍ : یا کُمَیلُ ، کُلُّ مَصدورٍ یَنفِثُ (2) ، فَمَن نَفَثَ إلَیکَ مِنّا بِأمرٍ أمَرَکَ بِسِترِهِ فَإیّاکَ أن تُبدِیَهُ ، ولَیسَ لَکَ مِن إبدائِهِ تَوبَهٌ ، وإذا لَم یَکُن تَوبَهٌ فَالمَصیرُ إلی لَظَی . (3)597.الإمام الباقر علیه السلام : عنه علیه السلام یَذکُرُ أخاهُ عقیلاً حینَ طَلَبَ مِنهُ علیه السلام صاعا مِن بُرٍّ مِن بَیتِ المالِ یَسُدُّ بِهِ جَوعَةَ صِبیَهٍ لَهُ : ... فَأحمَیتُ لَهُ حَدیدَهً ، ثُمَّ أدنَیتُها مِن جِسمِهِ لِیَعتَبِرَ بِها ، فَضَجَّ ضَجیجَ ذی دَنَفٍ (4) مِن أَلَمِها ، وکادَ أن یَحتَرِقَ مِن میسَمِها (5) ، فَقُلتُ لَهُ : ثَکِلَتکَ (6) الثَّواکِلُ یا عَقیلُ ، أتَئِنُّ مِن حَدیدَهٍ أحماها إنسانُها لِلَعِبِهِ ، وتَجُرُّنی إلی نارٍ سَجَّرَها جَبّارُها لِغَضَبِهِ؟ ! أتَئِنُّ مِنَ الأذی ، ولا أئِنُّ مِن لَظی؟ ! (7) .

1- .المعارج : 15 18 .
2- .نَفَثَ : أوحی وألقی (النهایه : ج 5 ص 88 «نفث») .
3- .تحف العقول : ص 173 ، بشاره المصطفی : ص 26 کلاهما عن کمیل بن زیاد ، بحارالأنوار : ج 77 ص 270 ح 1 .
4- .الدَّنَف : المرض الملازم . وقد دنف المریض : أی ثقل . وأدنَفَهُ المَرَض (الصحاح : ج 4 ص 1360 «دنف») .
5- .المیسَم : الحدیده التی یُکوی بها (النهایه : ج 5 ص 186 «وسم») .
6- .ثَکلَتکَ : أی فَقَدَتکَ (النهایه : ج 1 ص 217 «ثکل») .
7- .نهج البلاغه : الخطبه 224 .

1 / 7 لَظی (آتشِ زبانه کِش)

1 / 7لَظی (آتشِ زبانه کِش)قرآن«نه چنین است . آتشِ زبانه کش است ! بر کَنَنده پوست سر و اندام است . هر که را پشت کرده و روی بر تافته و [مال حرام] گرد آورده و انباشته ، فرا می خوانَد».

حدیث591.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام در سفارش به کمیل بن زیاد : ای کمیل ! هر کس که دردی در سینه دارد ، آن را بیرون می افکند . پس اگر یکی از ما سرّی به تو گفت [و با تو درددلی کرد] و به پوشیده داشتن آن ، فرمانت داد، مبادا آشکارش سازی ؛ چرا که اگر آشکارش کنی ، جای توبه برایت نخواهد و هر گاه توبه ای نباشد، فرجام[کار] ، آتش زبانه کش خواهد بود .590.عنه علیه السلام : امام علی علیه السلام در باره برادرش عقیل که از ایشان پیمانه ای از گندمِ بیت المال خواست تا با آن ، شکم دخترش را سیر کند : ... آهنی را تفتهَ کردم و سپس آن را به بدن او نزدیک ساختم تا از آن عبرت گیرد . او از حرارتِ آن ، مانند بیمارِ مُشرِف به مرگ ، فریاد بر آورد و نزدیک بود از داغیِ آن بسوزد. به او گفتم: مادرانِ فرزندمرده، بر تو بگریند ، ای عقیل ! آیا خود از آهنی می نالی که انسانی از سرِ شوخی ، تفته اش کرده است و با این حال ، می خواهی مرا به سوی آتشی

بکشانی که پروردگار بزرگش ، آن را با خشم خود ، افروخته است؟ ! تو از گزندی می نالی و من از آتشِ زبانه کش ننالم؟ !

.

589.عنه علیه السلام : عنه علیه السلام : إلهی ! قَلبٌ حَشَوتَهُ مِن مَحَبَّتِکَ فی دارِ الدُّنیا ، کَیفَ تَطَّلِعُ عَلَیهِ نارٌ مُحرِقَهٌ فی لَظی؟ إلهی ! نَفسٌ أعزَزتَها بِتَأییدِ إیمانِکَ ، کَیفَ تُذِلُّها بَینَ أطباقِ نیرانِکَ؟ إلهی ! لِسانٌ کَسَوتَهُ مِن تَماجیدِکَ أنیقَ أثوابِها ، کَیفَ تُهوی إلَیهِ مِنَ النّارِ مُشتَعَلاتِ التِهابِها؟ ! (1)1 / 8الهاوِیَهُالکتاب«وَ أَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَ زِینُهُ * فَأُمُّهُ هَاوِیَهٌ * وَ مَا أَدْرَاکَ مَاهِیَهْ * نَارٌ حَامِیَهُ» . (2)

الحدیث583.تحف العقول عن داوود الصرمی : تفسیر الطبری عن عبداللّه بن مسعود عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله : القَتلُ فی سَبیلِ اللّهِ یُکَفِّرُ الذُّنوبَ کُلَّها أو قالَ : یُکَفِّرُ کُلَّ شَیءٍ إلَا الأَمانَهَ ؛ یُؤتی بِصاحِبِ الأَمانَهِ فَیُقالُ لَهُ : أدِّ أمانَتَکَ ، فَیَقولُ : أی رَبِّ ، وقَد ذَهَبَتِ الدُّنیا ثَلاثا ! فَیُقالُ : اِذهَبوا بِهِ إلیَ الهاوِیَهِ .

فیُذهَبُ بِهِ إلَیها ، فَیَهوی فیها حَتّی یَنتَهی إلی قَعرِها ، فَیَجِدُها هُناکَ کَهَیئَتِها ، فَیَحمِلُها فَیَضَعُها عَلی عاتِقِهِ ، فَیَصعَدُ بِها إلی شَفیرِ جَهَنَّمَ ، حَتّی إذا رَأی أنَّهُ قَد خَرَجَ زَلَّت فَهَوی فی أثَرِها أبَدَ الآبِدینَ .

قالوا : وَالأَمانَهُ فِی الصَّلاهِ ، وَالأَمانَهُ فِی الصَّومِ ، وَالأَمانَهُ فِی الحَدیثِ ، وأشَدُّ ذلِکَ الوَدائِعُ . (3) .

1- .المصباح للکفعمی : ص 487 ، البلد الأمین : ص 313 کلاهما عن الإمام العسکری عن آبائه علیهم السلام ، بحارالأنوار : ج 94 ص 101 ح 14 .
2- .القارعه : 8 11 .
3- .تفسیر الطبری : ج 12 الجزء 22 ص 56 ، تفسیر ابن کثیر : ج 6 ص 479 کلاهما عن عبداللّه بن مسعود ، عوالی اللآلی : ج 1 ص 121 ح 50 عن عبداللّه بن عمر نحوه .

1 / 8 هاویه (سیاه چال)

582.المراسیل عن أبی مالک : امام علی علیه السلام : معبود من ! دلی که در سرای دنیا آن را از محبّتت آکنده ساخته ای ، چگونه ممکن است که آتش سوزنده دوزخ بر آن زبانه کشد؟ ! معبود من ! جانی را که با نیروی ایمان به خودت ، عزّت بخشیده ای ، چگونه در میان لایه های آتشت خوار می کنی؟ ! معبود من ! زبانی که از تمجیدهایت ، زیباترین جامه ها را بر آن پوشانده ای ، چگونه شعله های افروخته آتش را به سویش می کشانی؟ !1 / 8هاویه (سیاه چال)قرآن«و امّا هر که سنجیده هایش سبک بر آید، پس جایش هاویه است و تو چه می دانی که آن چیست؟ ! آتشی است سوزنده».

حدیث576.سنن الدار قطنی عن عبد خیر : تفسیر الطبری به نقل از عبد اللّه بن مسعود : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «کشته شدن در راه خدا ، همه گناهان را پاک می کند» یا فرمود: «هر چیزی را پاک می کند ، بجز امانت را. [روز قیامت] شخصی را که امانتی نزدش بوده [و آن را ادا نکرده است]، می آورند و به او گفته می شود: "امانتت را ادا کن" .

می گوید: پروردگارا ! دنیا سپری شده است .

سه مرتبه [این سخنان ، ردّ و بدل می شود] و سپس گفته می شود: "او را به سیاه چال ببرید" .

او را به آن جا می بَرَند و در آن فرو می افتد و چون به قعرش رسید ، آن امانت را عینا در آن جا می یابد . پس آن را بر می دارد و بر دوش خود می نهد و تا لبه جهنّم بالا می آورد؛ ولی همین که دید بیرون آمده است ، دو باره آن امانت در جهنّم فرو می لغزد و او نیز در پیِ آن پایین می رود ، و این وضع تا ابد تکرار می شود» .

گفته اند که این امانت ، شامل امانت در نماز، امانت در روزه و امانت در گفتار می شود و از همه مهم تر ، سپرده ها[ی امانیِ مردم نزد یکدیگر] است.

.

575.الإمام الحسين عليه السلام : الإمامِ علىّ عليه السلام : ألا وإنَّ الدُّنيا دارٌ غَرّارَهٌ خَدّاعَهٌ ، تَنكِحُ فى كُلِّ يَومٍ بَعلاً ، وتَقتُلُ فى كُلِّ لَيلَهٍ أهلاً ، وتُفَرِّقُ فى كُلِّ ساعَهٍ شَملاً ، فَكَم مِن مُنافِسٍ فيها وراكِنٍ إلَيها مِنَ الاُمَمِ السّالِفَهِ ، قَد قَذَفَتهُم فِى الهاوِيَهِ ، ودَمَّرَتهُم تَدميرا ، وتَبَّرَتهُم (1) تَتبيرا .

574(2).الإمام علىّ عليه السلام : الإمام زين العابدين عليه السلام فِى الدُّعاءِ : سَيِّدى ! عَلَيكَ مُعتَمَدى ومُعَوَّلى ورَجائى وتَوَكُّلى ، وبِرَحمَتِكَ تَعَلُّقى ، وبِفِنائِكَ أحُطُّ رَحلى ، ولِجودِكَ أقصِدُ طَلِبَتى ، وبِكَرَمِكَ أى رَبِّ أستَفتِحُ دُعائى ، ولَدَيكَ أرجو غِنى فاقَتى ، وبِغِناكَ أجبُرُ عَيلَتى (3) ، وتَحتَ ظِلِّ عَفوِكَ قِيامى ، وإلى جودِكَ وكَرَمِكَ أرفَعُ بَصَرى ، وإلى مَعروفِكَ اُديمُ نَظَرى ، فَلا تُحرِقنى بِالنّارِ وأنتَ مَوضِعُ أمَلى ، ولا تُسكِنّى الهاوِيَهَ فَإنَّكَ قُرَّهُ عَينى . (4)1 / 9الأثامُالكتاب«وَ الَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِى حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَا يَزْنُونَ وَمَن يَفْعَلْ ذَ لِكَ يَلْقَ أَثَامًا * يُضَعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَمَهِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا» . (5)

.

1- .تَبَّرَهُ تَتبيرا : أى كَسَّرَهُ وأهلَكهُ (النهايه : ج 1 ص 179 «تبر») .
2- .الأمالى للطوسى : ص 685 ح 1456 عن ابن عبّاس ، بحارالأنوار : ج 77 ص 374 ح 36 .
3- .العَيلَهُ : الفاقَهُ والفقر (مجمع البحرين : ج 2 ص 1299 «عيل») .
4- .مصباح المتهجّد : ص592 ح 691 ، المصباح للكفعمى : ص 792 ، الإقبال : ج 1 ص 169 كلّها عن أبى حمزه الثمالى ، بحارالأنوار : ج 98 ص 90 ح 2 .
5- .الفرقان : 68 69 .

1 / 9 آثام (کیفرگاه)

569.عنه صلی الله علیه و آله کانَ یَقولُ : امام علی علیه السلام : آگاه باشید که دنیا ، سرایی فریبنده و حیله گر است . هر ، روز شویی می کند و هر شب ، همسری را می کُشد و هر ساعتی ، جمعی را از هم می پراکند. چه بسیارند امّت هایی که در گذشته ، برای این دنیا سخت کوشیدند و به آن روی آوردند ؛ ولی دنیا آنان را در سیاه چال دوزخ پرتاب نمود و به کلّی تباه و نابودشان کرد .568.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : امام زین العابدین علیه السلام در دعا : آقای من ! اعتماد و تکیه و امید و توکّل من ، به توست . به رحمت تو چنگ در زده ام و به آستان تو بار می افکنم . بخشایش تو را می طلبم و به امید کَرَم تو ای پروردگار من دعایم را آغاز می کنم . رفع درویشی ام را از تو امید دارم و با توانگریِ تو ، فقر خویش را جبران می کنم . زیر سایه عفو تو ایستاده ام، به بخشندگی و بزرگواریِ تو می نگرم و به احسان تو چشم می دوزم . پس مرا به آتش مسوزان ، که تو نقطه امید و آرزویِ منی، و مرا در سیاه چال دوزخ ، جای مده ؛ که تو [مایه دل شادی و] نور دیده منی .1 / 9آثام (کیفرگاه)قرآن«[بندگان خدا] کسانی اند که با خداوند ، معبود دیگری را نمی خوانند، و جانی را که خدا [کشتنش را] حرام کرده ، جز به حق نمی کُشند و زنا نمی کنند ، و هر که اینها را انجام دهد ، به آثام در خواهد آمد . در روز قیامت ، عذابش دوچندان می گردد و در آن ، خوار [و ذلیل] ، ماندگار می شود» .

.

الحديث562.أسباب نزول القرآن عن عبد اللّه بن مسعود : المعجم الكبير عن لقمان بن عامر : جِئتُ أبا أُمامَةَ الباهِلىَّ فَقُلتُ : حَدِّثنا ما سَمِعتَ مِن رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله . فَقالَ :

قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : لَو أَنَّ صَخرَةً وُزِنَت عَشرَ خَلِفاتٍ ، قُذِفَ بِها مِن شَفيرِ جَهَنَّمَ ما بَلَغَت قَعرَها سَبعينَ خَريفا ، حَتّى يَنتَهِىَ إِلى غَىٍّ وَأَثامٍ . قيلَ : وَما غَىٌّ وَأَثامٌ ؟

قالَ : بِئرانِ فى أَسفَلِ جَهَنَّمَ يَسيلُ مِنهُما صَديدُ أهلِ النّارِ ، وَهُما اللَّذانِ ذَكَرَهُما اللّهُ فى كِتابِهِ : «أَضاعُوا الصَّلَوةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهَوَ تِ فَسَوفَ يَلقَونَ غَيًّا» (1) ، «وَمَن يَفعَل ذَ لِکَ يَلقَ أَثَامًا» . (2)561.المستدرک على الصحيحين عن ابن عبّاس : تفسير القمّى فى قَولِهِ تَعالى : «وَ الَّذِينَ لَا يَدعُونَ مَعَ اللّهِ إِلاهاً ءَاخَرَ وَلَا يَقتُلُونَ النَّفسَ الَّتِى حَرَّمَ اللّهُ إِلَّا بِالحَقِّ وَ لَا يَزنُونَ وَمَن يَفعَل ذَ لِکَ يَلقَ أَثَامًا » : أَثامٌ وادٍ مِن أَودِيَهِ جَهَنَّمَ مِن صُفرٍ مُذابٍ ، قُدّامَها خُدَّهٌ فى جَهَنَّمَ يَكونُ فيهِ مِن عَبَدَ غَيرَ اللّهِ ، وَمَن قَتَلَ النَّفسَ الَّتِى حَرَّمَ اللّهُ ، وَيَكونُ فيهِ الزُّناهُ . (3)1 / 10سِجّينٌالكتاب«كَلَّا إِنَّ كِتَبَ الْفُجَّارِ لَفِى سِجِّينٍ * وَ مَا أَدْرَاکَ مَا سِجِّينٌ» . (4)

.

1- .. مريم : 59 .
2- .. المعجم الكبير : ج 8 ص 175 ح 7731 ، مسند الشاميّين : ج 2 ص 405 ح 1589 ، البعث والنشور : ص 274 ح 474 وفيه «نهران» بدل «بئران» ، تفسير الطبرى : ج 9 الجزء 16 ص 100 ، تفسير ابن كثير : ج 5 ص 240 ، تفسير الثعلبى : ج 7 ص 148 ، كنز العمّال : ج 14 ص 524 ح 39492 .
3- .. تفسير القمّى : ج 2 ص 116 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 289 ح 26 .
4- .المطففين : 7 ، 8 .

حدیث555.تفسیر العیّاشی عن سلیمان الجعفری : المعجم الکبیر به نقل از لقمان بن عامر : نزد ابو امامه باهلی رفتم و گفتم : برایمان حدیثی که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیده ای ، بگو .

گفت : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «اگر تخته سنگی به وزن ده شتر حامله از لبه جهنّم [به درون آن]پرتاب شود ، هفتاد [سال و] خزان ، طول می کشد تا به غَی و اَثام ، در قعر جهنم برسد» . گفته شد : غَی و اَثام چیست؟ فرمود : «دو چاه اند در ته جهنّم که چرکابه دوزخیان از آنها جاری می شود ، و این دو ، همان است که خداوند متعال در کتابش فرموده است : «نماز را تباه ساخته و از هوس ها پیروی کردند . پس به زودی به غَی خواهند رسید» ، «و هر کس این کارها را انجام دهد ، به اَثام می رسد» .554.الدرّ المنثور عن ابن عبّاس : تفسیر القمّی در باره آیه شریف : «و کسانی که با خدا ، معبودی دیگر نمی خوانند و جانی را که خدا [کشتنش را]حرام کرده است ، جز به حق نمی کشند و زنا نمی کنند ، و هر که اینها را انجام دهد ، به اثام در خواهد آمد» : اَثام ، درّه ای از درّه های جهنم است که در آن مس گداخته جاری است ، و جلوی آن ، گودالی است در جهنّم و در آن کسانی هستند که غیر خدا را پرستش کرده اند و کسانی که قتل نفس کرده اند و زناکاران نیز در آن جا هستند .1 / 10سجّین (زندان ابدی)قرآن«نه چنین است [که می پندارند]! کارنامه بدکاران در «سجّین» است و تو چه می دانی که «سجّین» چیست؟ !» .

.

الحديث548.الإمام الرضا عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إِنَّ المَلَکَ لَيَصعَدُ بِعَمَلِ العَبدِ مُبتَهِجا بِهِ ، فَإِذا صَعِدَ بِحَسَناتِهِ يَقُولُ اللّهُ عز و جل : اِجعَلوها فى سِجِّينٍ ؛ إِنَّهُ لَيسَ إِيّاى أَرادَ بِها . (1)547.مُهج الدعوات عن معاويه بن عمّار عن الإمام الصادق الإمام علىّ عليه السلام : وَصاحِبُ البُخلِ يَقِف حَزينُتَهوى بِهِ النّارُ إِلى سِجّينٍ . (2)زاجع : ص 120 (الفصل الخامس : مواصفات جهنّم / أبواب جهنّم وطبقاتها) ، و ص 348 (الفصل العاشر : عوامل دخول النار / إيثار الدنيا على الآخره) .

.

1- .. الكافى : ج 2 ص 295 ح 7 عن السّكونى ، منيه المريد : ص 318 كلاهما عن الإمام الصّادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 72 ص 287 ح 7 ؛ تاريخ بغداد : ج 7 ص 71 الرقم 3517 عن حسّان بن عطيه من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام .
2- .. الأمالى للصدوق : ص 330 ح 390 عن سلمه بن خالد عن الإمام الصّادق عن أبيه عليهماالسلام ، المناقب للكوفى : ج 1 ص 179 ح 103 عن ابن عبّاس ، روضه الواعظين : ص 178 عن الإمام الباقر عنه عليهماالسلام ، بحار الأنوار : ج 35 ص 238 ح 1 .

حدیث544.الإمام الباقر علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : فرشته با خوش حالی ، عمل بنده را [به درگاه خدا] بالا می برد و چون کارهای نیک او را بالا برد ، خداوند می فرماید : آنها را در سجّین بگذارید . او این کارها را برای من انجام نداده است .543.المستدرک علی الصحیحین عن ابن عبّاس : امام علی علیه السلام : مرد بخیل ، اندوهناک می ایستدو آتش ، او را به سجّین فرو می افکند .ر . ک : ص 121 (فصل پنجم : ویژگی های جهنّم / درهای جهنّم و طبقه های آن) ، و ص 349 (فصل دهم : آنچه به دخول دوزخ می انجامد / برگزیدن دنیا بر آخرت) .

.

ص: 44

. .

توضیحی در باره نام های دوزخ

1 . جهنّم

واژه شناسی «جهنّم»

توضیحی در باره نام های دوزخاز نگاه قرآن ، تبهکارانی که از فرمان عقل و ره نمودهای فرستادگان الهی سرپیچی کرده اند و فساد و تباهی ، سراسر زندگی آنها را فرا گرفته ، در رستاخیز ، پس از محاسبه و رسیدگی دقیق به پرونده اعمالشان ، در جایگاهی که انواع عذاب های غیر قابل تصوّر وجود دارد ، مجازات خواهند شد . قرآن ، از این جایگاه با تعبیرهای مختلفی یاد کرده است ، مانند :

1 . جهنّمجهنّم ، معروف ترین نام جایگاه مجازات مجرمان در قیامت است .

واژه شناسی «جهنّم»واژه شناسان در باره ریشه واژه «جهنّم» اختلاف نظر دارند . برخی بر این باورند که این واژه ، عبرانی است و اصل آن ، «کِهِنّام» بوده و با تعریب ، «جهنّم» شده است . (1) برخی ، ریشه عبرانی آن را «جهینوم» یا «جحینوم» دانسته اند ، که محلّی در چهار کیلومتری قدس بوده و زباله های شهر و لاشه های حیوانات را در آن جا می ریختند و می سوزاندند . (2) برخی این کلمه را فارسی معرّب می دانند . (3) به تونل زیر حمّام که حرارت در آن می دمند تا زمین حمّام را گرم کند نیز جهنّم می گویند . (4) شاید به دلیل مشکوک بودن عربیت این واژه ، ابن فارس ، آن را در مقاییس اللغه آن را نیاورده ؛ اما ابن منظور در وجه تسمیه آن می گوید : الجهنام : القعر البعید ، و بئر جهنّم و جهنام ، بکسر الجیم و الهاء : بعیده القعر ، و به سمّیت جهنّم لبعد قعرها . (5) جهنام : عمق زیاد . چاه جَهْنَم و جِهْنام ، چاهی که ژرف باشد . جهنّم را به خاطر عمقش به این نام نامیده اند .

.

1- .. ر . ک : تاج العروس : ج 16 ص 126 و لسان العرب : ج 12 ص 112 و النهایه : ج 1 ص 323 و الإتقان فی علوم القرآن : ج 1 ص 398 و تفسیر الآلوسی : ج 2 ص 96 .
2- .. المفصّل فی تاریخ العرب : ج 6 ص 679 .
3- .. ر . ک : الصحاح : ج 5 ص 1892 (مادّه «جهنّم») .
4- .. ر . ک : لغت نامه دهخدا : ج 5 ص 6966 (واژه «جهنّم») .
5- .. لسان العرب : ج 12 ص 112 (ماده «جهنم») .

واژه «جهنّم» در قرآن و حدیث

واژه «جهنّم» در قرآن و حدیثواژه «جهنّم» ، هر ریشه ای که داشته باشد ، در قرآن و حدیث ، برای تبیین جایگاه مجازات تبهکاران به کار رفته و به نظر می رسد که عرب پیش از اسلام نیز با این واژه آشنا بوده است . گفتنی است که واژه «جهنّم» در قرآن ، 77 بار تکرار شده و در نُه مورد ، مضافٌ إلیه «نار» قرار گرفته است و در همه این موارد ، مقصود از آن جایگاه مجازات تبهکاران در قیامت است ؛ امّا واژه «نار» در قرآن ، کاربردهای مختلفی دارد که توضیح خواهیم داد . تکرار اضافه «نار» به «جهنّم» در قرآن ، بیانگر آن است که «جهنّم» عین «نار» نیست و این اضافه به اصطلاح ، اضافه بیانیه نیست . از سوی دیگر ، جهنّم دارای معنایی متناسب با «نار» است . از این رو معنای «بئر بعیده القعر» که لسان العرب برای آن ذکر می کند ، تقویت می یابد ، چنان که احادیثی با تعابیری از قبیل : «حُفَر النیران» مؤیّد دیگری برای این تفسیراند .

.

2 . جحیم

واژه شناسی «جحیم»

2 . جحیمدومین نام دوزخ ، «جحیم» است که لفظا و معنا مشابه نام نخست آن است .

واژه شناسی «جحیم»کلمه «جحیم» در لغت ، به معنای آتشی است که به شدّت برافروخته شده باشد . خلیل بن احمد در این باره می گوید : الجحیم : النار الشدید التأجّج و الالتهاب . و جاحم الحرب : شدّه القتل فی معرکتها . (1) جحیم ، آتش تند ، شعله ور و سرکش است . حاحم الحرب ، به معنای کشتار هولناک در جنگ است . اما جوهری در تبیین واژه «جحیم» آورده : الجحیم : اسم من اسماء النار وکلّ نار عظیمه فی مهواه فهی جحیم ، من قوله تعالی : «قَالُواْ ابْنُواْ لَهُ بُنْیَانًا فَأَلْقُوهُ فِی الْجَحِیمِ» (2) . و الجاحم : المکان الشدید الحرّ . (3) جحیم ، از نام های آتش است ، وهر آتش زیاد داخل گودال را جحیم گویند که برگرفته از این سخن خداوند است : گفتند : «برای او خانه ای بسازید و او را در آتشی بزرگ بیندازید» . جاحم ، جای بسیار داغ است . به نظر می رسد همان طور که بسیاری از واژه شناسان گفته اند ، (4) اصل در معنای «جحیم» ، همان معنای اوّل یعنی آتشی است که به شدت برافروخته شده و آنچه جوهری در معنای آن آورده ، یکی از مصادیق آن است .

.

1- .. العین : ج 3 ص 87 .
2- .. صافّات : آیه 97 .
3- .. الصحاح : ج 5 ص 1883 .
4- .. ر . ک : العین : ج 3 ص 87 و النهایه : ج 1 ص 241 و لسان العرب : ج 12 ص 84 و القاموس المحیط : ج 4 ص 87 .

واژه «جحیم» در قرآن و حدیث

3 . نار

واژه شناسی «نار»

واژه «جحیم» در قرآن و حدیثدر قرآن کریم ، واژه «جحیم» ، 26 بار تکرار شده که 25 بار ، در آتش دوزخ و یک بار در آتشی که نمرودیان افروختند و حضرت ابراهیم علیه السلام را در آن افکندند ، به کار رفته است . در احادیث نیز این واژه، مکرّر در معنای آتش دوزخ ، به کار رفته است . بنا بر این ، قرآن و حدیث ، این واژه را در معنای لغوی آن به کار برده اند .

3 . نارسومین نام دوزخ ، «نار» است .

واژه شناسی «نار»کلمه «نار» و «نور» از نگاه برخی از واژه شناسان عرب ، به یک ریشه می رسند . ابن فارس در این باره می گوید : النون و الواو و الراء أصل صحیح یدلّ علی إضاءه و اضطراب و قلّه ثبات . منه النور و النار ، سمّیا بذلک من طریقه الإضاءه ، و لأنّ ذلک یکون مضطربا سریع الحرکه . (1) ن و ر ، یک ریشه صحیح است که بر روشنی و موج و کم ثباتی دلالت می کند . از همین ریشه اند نار و نور ، و نامیده شدنشان به این نام ، از این روست که نورافشان اند ، و این از آن جهت است که موّاج و شتابان اند . برخی از پژوهشگران در تبیین رابطه «نار» و «نور» گفته اند : إنّ الضوء و الحراره متلازمان ؛ فإنّهما یتحصّلان من التموّج و الاهتزاز الشدید فی ذرّات الشی ء و داخله. فإذا کان النظر إلی جهه الضوء یقال : إنّه نور و یطلق علیه النور ، و إذا لوحظ النظر إلی جهه الحراره یطلق علیه النار و یناسبها وجود الألف الدالّ علی التشعشع و الارتفاع و التلألؤ . (2) روشنی و حرارت ، همراه همیشگی اند ، که از موج و حرکت تند در ذرّات و داخل یک شی ء به دست می آیند . وقتی به حیث نور آن نگریسته شود ، به آن نور گفته می شود ، و بر آن ، «نور» اطلاق می گردد ، و وقتی که به حیث گرمایش آن نگریسته شود ، به آن «نار» گفته می شود . و وجود الف د رنار ، که دلالت بر شعاع و رفعت و برافروختگی دارد ، با آن مناسبت دارد .

.

1- .. معجم مقاييس اللغه : ج 5 ص 368 .
2- .. التحقيق فى كلمات القرآن الكريم : ج 12 ص 279 .

واژه «نار» در قرآن و حدیث

واژه «نار» در قرآن و حدیثدر قرآن ، کلمه «نار (بدون الف و لام)» و «النار (با الف و لام)» در مجموع ، 145 بار تکرار شده است که در 118 مورد ، آتش جهنّم ، دو مورد ، آتش برزخ و 25 مورد ، معانی مختلف آتش دنیا ، مراد است . کاربردهای آتش در قرآن را بدین سان می توان خلاصه کرد : 1 . آتش ، به عنوان یکی از نشانه های توحید، (1) 2 . آتش ، مبدأ آفرینش جن و شیطان، (2) 3 . آتش ، مبدأ مشاهدات موسی علیه السلام در آغاز نبوّت، (3) 4 . آتشی که ابراهیم علیه السلام در آن افکنده شد ، (4) 5 . مَثَل زدن به آتش، (5) 6 . آتش جنگ، (6) 7 . آتش گرفتاری ها و سختی های دنیا، (7) 8 . آتش گناه، (8) 9 . آتش برزخ، (9) 10 . آتش دوزخ. (10) گفتنی است که در قرآن ، کلمه «نار» ، هنگامی که برای آتش دوزخ به کار رفته ، با کلمه «جهنّم» ترکیب گردیده است . در احادیث نیز کلمه «نار» مکرّر در آتش دوزخ به کار رفته است .

.

1- .. یس : آیه 80 ، واقعه : آیه 71 .
2- .. اعراف : آیه 12 ، ص : آیه 76 ، الرحمن : آیه 15 ، حجر : آیه 27 .
3- .. قصص : آیه 29 ، طه : آیه 10 ، نمل : آیه 7 8 .
4- .. انبیا : آیه 69 ، عنکبوت : آیه 24 .
5- .. بقره : آیه 17 ، 266 .
6- .. مائده : آیه 64 .
7- .. آل عمران : آیه 183 .
8- .. بقره : آیه 174 ، نساء : آیه 10 .
9- .. غافر : آیه 46 ، الرحمن : آیه 35 .
10- .. بقره : آیه 126 و 167 و 175 و 217 و 221 و 257 و 275 و ... .

ص: 50

. .

4 . سَقَر

واژه شناسی «سَقَر»

واژه «سقر» در قرآن و حدیث

4 . سَقَرچهارمین نام دوزخ ، «سَقَر» است .

واژه شناسی «سَقَر»واژه «سقر» در اصل به معنای سوختن و دگرگون شدن به وسیله آتش است . ابن فارِس می گوید : السین و القاف و الراء أصل یدلّ علی إحراق أو تلویح بنار ، یقال : سقرتْهُ الشمس ، إذا لوّحته . (1) س ق ر ، ریشه ای است که بر سوزاندن یا داغ کردن با آتش ، دلالت دارد . گفته می شود . «سقرته الشمس»، یعنی آفتاب ، او را داغ کرد . بعضی این واژه را عربی می دانند و بر این باورند که وجه تسمیه آتش دوزخ به «سقر» ، این است که جسم را ذوب می نماید؛ (2) ولی برخی دیگر معتقدند که این نام ، عجمی است . (3)

واژه «سقر» در قرآن و حدیثدر قرآن ، چهار بار کلمه «سقر» به کار رفته (4) و در همه موارد ، مقصود از آن ، آتش دوزخ است . در یکی از این موارد ، «سقر» چنین تعریف شده است : «وَ مَآ أَدْرَلکَ مَا سَقَرُ * لَا تُبْقِی وَ لَا تَذَرُ * لَوَّاحَهٌ لِّلْبَشَرِ . (5) و تو نمی دانی «سقر» چیست ؟ [آتشی است که] نه چیزی را باقی می گذارد و نه چیزی را رها می سازد» .این تعریف ، نشان می دهد که در نام گذاری دوزخ به «سقر» ، ریشه لغوی آن مورد توجّه بوده است . با عنایت به این که آیات یاد شده ، بیانگر جایگاه یکی از سران شرک و کفر یعنی ولید بن مغیره است ، می توان گفت : «سقر» در دوزخ ، نام جایگاهی است که عذاب آن ، بیش از سایر مکان های دوزخ است . به این معنا در شماری از احادیث ، تصریح شده است . (6)

.

1- .. معجم مقاییس اللغه : ج 3 ص 86 .
2- .. ر . ک : النهایه : ج 2 ص 377 ، لسان العرب : ج 4 ص 372 .
3- .. ر . ک : الصحاح : ج 2 ص 687 .

4- .. قمر : آیه 48 ، مدّثر : آیه 26 و 27 و 42 .
5- .. مدّثر : آیه 27 29 .
6- .. ر . ک : ص 31 (فصل یکم : نام های دوزخ / سقر) .

5 . سعیر

واژه شناسی «سعیر»

5 . سعیرپنجمین نام دوزخ ، «سعیر» است .

واژه شناسی «سعیر»این واژه در اصل به معنای افروخته شدن چیزی و بالا آمدن آن است . بدین جهت به آتشی که زبانه می کشد و بالا می آید ، «سعیر» گفته می شود . ابن فارس می گوید : السین و العین و الراء أصل واحد یدلّ علی اشتعال الشی ء و ارتّقاده و ارتفاعه . من ذلک السعیر سعیر النار . (1) س ع ر ، ریشه ای است که بر شعله کشیدن ، آتش زدن و بالا رفتن دلالت دارد . از همین واژه است سعیر النار (شعله آتش) .

.

1- .. معجم مقاییس اللغه : ج 3 ص 75 (مادّه «سعر») .

واژه «سعیر» در قرآن و حدیث

6 . حُطَمه

اشاره

واژه «سعیر» در قرآن و حدیثدر قرآن ، واژه «سعیر» ، شانزده بار (1) و واژه «سُعِّرتْ» ، یک بار آمده است . در قرآن ، واژه «سعیر» گاهی در توصیف آتش دوزخ ، به کار رفته است مانند : «مَّأْوَلهُمْ جَهَنَّمُ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَهُمْ سَعِيرًا . (2) جایگاهشان دوزخ است . هر زمان آتش آن فرو نشیند ، شعله تازه ای بر آنان می افزاییم !» .ولی قرار گرفتن این واژه در برابر «جنّت (بهشت)» مانند : «فَرِيقٌ فِى الْجَنَّهِ وَ فَرِيقٌ فِى السَّعِيرِ . (3) گروهی در بهشت و گروهی در آتش سوزان اند» .و تعبیر «أصحاب السعیر» (4) در چند آیه دیگر ، قرینه اند که «سعیر» علاوه بر معنای وصفی ، یکی از نام های دوزخ نیز هست . در احادیث نیز از دوزخ با عنوان «سعیر» یاد شده است ، مانند : «حرّ السعیر» و «عذاب السعیر» . (5)

6 . حُطَمهششمین نام دوزخ «حُطَمه» است .

.

1- .. با مشتقات آن ، نوزده مرتبه می شود : سُعُر ، دو مرتبه و سُعّرت یک مرتبه و سعیر ، شانزده مرتبه .
2- .. اسرا : آیه 97 .
3- .. شورا : آیه 7 .
4- .. فاطر : آیه 6 ، ملک : 10 11 .
5- .. ر . ک : ص 27 (فصل یکم : نام های دوزخ / سعیر «آتش پرشراره»)
.

واژه شناسی «حُطَمه»

واژه «حُطَمه» در قرآن و حدیث

واژه شناسی «حُطَمه»حطمه ، صیغه مبالغه است از مادّه «حطم» به معنای در هم شکستن . از این رو به سال های قحطی ، «حُطْمه (بر وزن لقمه)» گفته می شود ؛ زیرا همه چیز را در هم می شکند . نیز به محلّی از اطراف کعبه که میان حجر الأسود و درِ خانه واقع شده ، «حطیم» گفته می شود ؛ زیرا در اثر ازدحام و فشار مردم ، گویا استخوان ها در هم می شکند . ابن فارس در این باره آورده است : الحاء و الطاء و المیم أصل واحد ، و هو کسر الشیء . یقال : حطمت الشیء حطما : کسرته ... و الحطمه : السنه الشدیده ، لأنّها تحطم کلّ شی ء . (1) ح ط م ، یک ریشه است و آن ، شکستن چیزی است . گفته می شود : «حطمتُ الشی ء حطما» ، یعنی : آن را شکستم . حُطمه ، به معنای قحطی شدید است ؛ چون همه چیز را در هم ، می شکند . بنا بر این ، نام گذاری دوزخ به «حُطمه» بدین جهت است که آتش دوزخ ، همه چیز را در هم می شکند و متلاشی می سازد .

واژه «حُطَمه» در قرآن و حدیثواژه «حطمه» دو بار در سوره هُمَزه، تکرار شده است . قرآن در توضیح این نام ، اوّلاً برای تصویر مبالغه و بیان عظمت آن ، «نار (آتش)» را به «اللّه» اضافه می کند و ثانیا از ویژگی های آن می گوید که : آتشی است که نه تنها ظاهر جسم ، بلکه جان و دل را هم می سوزاند : «وَ مَآ أَدْرَلکَ مَا الْحُطَمَهُ * نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَهُ * الَّتِی تَطَّلِعُ عَلَی الْأَفْ?دَهِ . (2) و تو چه می دانی «حطمه» چیست ؟ ! آتش برافروخته خداوند است . که به دل ها می رسد» .این بیان ، مؤیّد آن است که در کاربرد واژه «حطمه» برای دوزخ معنای لغوی آن ، مورد توجّه بوده ؛ چرا که آتش دوزخ تا اعماق جان انسانِ تبهکار نفوذ می کند و آن را در هم می شکند . در حدیثی آمده است که آتش دوزخ ، علاوه بر این که دوزخیان را به شدّت در هم می شکند و خرد می کند ، خودِ پاره ها و توده های آتش نیز یکدیگر را در هم می شکنند . متن حدیث چنین است : تُعرَضُ لِلنّاسِ جَهَنَّمُ کَأَنَّها سَرابٌ یَحطِمُ بَعضُها بَعضا . (3) دوزخ ، چونان سرابی که شعله های آن بر یکدیگر فرو می کوبند ، بر مردم نمایان می شود . سیّد رضی در توضیح این حدیث می گوید : این گفته، مَجاز است ؛ زیرا منظور پیامبر خدا که درود و سلام بر او باد شدّت شعله و در هم پیچیدن زبانه اش است،

چنان که گویی بخش هایی از آن، بخش های دیگر را در هم می کوبد ؛ یعنی خرد می کند و می شکند. «حَطْم» به معنای شکستن است. احتمال هم دارد که مراد ، این باشد که جهنّم، تن عذاب شوندگان را در هم می شکند و آنها را جزئی از جهنّم قرار می دهد ؛ زیرا آنان مدام در آن ماندگارند و از آن بیرون نمی آیند. (4)

.

1- .. معجم مقاییس اللغه : ج 2 ص 78 (ماده «حطم») .
2- .. همزه : آیه 5 7 .
3- .. ر . ک : ص 29 ح 13 .
4- .. المجازات النبویّه : ص 109 ح 70 .

ص: 55

..

7 . هاویه

واژه شناسی «هاویه»

واژه «هاویه» در قرآن و حدیث

7 . هاویههفتمین نام دوزخ ، «هاویه» است .

واژه شناسی «هاویه»این واژه در اصل ، از مادّه «هوی» به معنای افتادن به پایین و سقوط کردن از بلندی است . ابن فارس می گوید : الهاء و الواو و الیاء : أصل صحیح یدلّ علی خلوّ و سقوط ... و یقال : هوی الشیء یهوی : سقط . و هاویه : جهنّم ، لأنّ الکافر یهوی فیها . و الهاویه : کلّ مهواه ، و الهوّه : الوهده العمیقه . (1) ه و ی ، ریشه صحیحی است که بر رها شدن و فرو افتادن ، دلالت می کند . گفته می شود : «هوی الشی ء یهوی» ، یعنی : سقوط کرد . هاویه جهنّم ، برای این است که کافر در آن ، سقوط می کند . هاویه ، به هر گودالی گفته می شود . هوّه ، گودال عمیق است . بنا بر این ، نامیده شدن جهنّم به «هاویه» ، بِدان جهت است که تبهکاران در چنین جایگاه عمیق و خطرناکی سقوط می کنند .

واژه «هاویه» در قرآن و حدیثواژه «هاویه» تنها یک بار در قرآن آمده است : «وَ أَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَ زِینُهُ * فَأُمُّهُ هَاوِیَهٌ * وَ مَآ أَدْرَلکَ مَاهِیَهْ * نَارٌ حَامِیَهُ . (2) و امّا کسی که ترازوهایش سبُک است ، پناهگاهش «هاویه» است ! و تو چه می دانی «هاویه» چیست ؟ ! آتشی است سوزان !» .کلمه «اُمّ» در این آیه ، به معنای جایگاه و قرارگاه است. (3) بنا بر این ، معنای آیه ، این است که جایگاه کسانی که اعمال نیک آنان وزن و ارزشی ندارد ، پرتگاه سوزان و عمیق دوزخ است. گفتنی است که از برخی احادیث نیز استفاده می شود که در نام گذاری جهنّم به «هاویه» ، عمیق بودن دوزخ و سقوط دوزخیان در آن ، مورد عنایت بوده است . (4)

.

1- .. معجم مقاییس اللغه : ج 6 ص 15 .
2- .. قارعه ، آیه 8 11 .

3- .. ر . ک : الصحاح : ج 6 ص 2539 .
4- .. ر . ک : ص 37 (فصل یکم : نام های دوزخ / هاویه «سیاه چال») .

8 . لَظی

واژه شناسی «لظی»

8 . لَظیهشتمین نام دوزخ ، «لَظی» است .

واژه شناسی «لظی»برخی از واژه شناسان ، این واژه را به زبانه و شعله خالص آتش ، تفسیر کرده اند و برخی از آنان ، آن را به معنای آتش می دانند . خلیل بن احمد فراهیدی می گوید : لظی : هو اللهب الخالص . (1) لظی ، شعله ناب (بدون دود) است . امّا ابن منظور می گوید : اللظی : النار ، و قیل : اللهب الخالص ... و لظی : اسم جهنّم ، نعوذ باللّه منها ، غیر مصروف ، و هی معرفه لا تنوّن و لا تنصرف للعلمیّه و التأنیث ، و سمّیت بذلک لأنّها أشدّ النیران . (2) لظی ، آتش است و گفته شده شعله خالص است . لظی ، نام جهنّم است که از آن به خدا پناه می بریم . این کلمه ، غیر منصرف است و تنوین نمی گیرد . غیر منصرف بودنش به خاطر علم بودن و مؤنّث بودن است . نامیده شدن دوزخ به «لظی» ، به سبب سخت ترین آتش بودن آن است . بنا بر این ، از نظر واژه شناسی ، کلمه «لظی» اگر با تنوین بیاید ، صفت آتش است ؛ ولی اگر بدون تنوین بیاید ، نام عام و یا نام خاصّ آن است . البته از بعضی احادیث استفاده می شود که لظی ، نام یکی از درکات جهنّم است . (3)

.

1- .. العین : ج 8 ص 169 (مادّه «لظی») .
2- .. لسان العرب : ج 15 ص 248 (مادّه «لظی»).
3- .. ر . ک : ص 37 ح 22 .

واژه «لظی» در قرآن و حدیث

واژه «لظی» در قرآن و حدیثواژه «لظی» ، تنها یک بار در قرآن آمده است : «كَلَا إِنَّهَا لَظَى * نَزَّاعَةً لِّلشَّوَى . (1) نه چنین است ! آن ، شعله های سوزان آتش است . بر کَننده پوست سر و اندام است» .مرجع ضمیر «إنّها» در این آیه ، اگر «نار» (2) باشد ، «لظی» معنای وصفی آن را در بر دارد و دیگر ، نام دوزخ نخواهد بود ، مانند : «فَأَنذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى . (3) و من شما را از آتشی که زبانه می کشد ، بیم می دهم» .امّا اگر ضمیر «إنّها» ضمیر مبهم و یا ضمیر قصّه باشد چنان که بسیاری از واژه شناسان (4) و مفسّران (5) گفته اند ، «لظی» نامی از نام های دوزخ است . گفتنی است که برخی از احادیث نیز این معنا را تأیید می نماید . (6)

.

1- .. معارج : آیه 15 16 .
2- .. در تفسیر الکشّاف ، در باره مرجع این ضمیر آمده : «و الضمیر للنار و لم یجرلها ذکر ، لأنّ ذکر العذاب دلّ علیها . ویجوز أن یکون ضمیرا مبهما ترجم عنه الخبر ، أو ضمیر القصه» مرجع ضمیر ، نار است . این که از نار ، اسم برده نشده ، برای این است که عذاب ذکر شده ، بر آن ، دلالت می کند . این هم درست است که گفته شود : ضمیر مبهم است و خبر ، حکایتگر آن است . نیز ممکن است ضمیر قصّه باشد (الکشّاف : ج 6 ص 207) .
3- .. لیل : آیه 14 .
4- .. ر . ک : العین : ج 8 ص 169 و الصحاح : ج 6 ص 2482 و النهایه : ج 4 ص 254 و لسان العرب : ج 15 ص 248 و القاموس المحیط : ج 4 ص 386 و مجمع البحرین : ج 4 ص 122 (مادّه «لظی») .
5- .. ر . ک : التبیان فی تفسیر القرآن : ج 10 ص 117 و تفسیر غریب القرآن : ص 65 و تفسیر الطبری : ج 14 الجزء 29 ص 74 و تفسیر السمرقندی : ص 472 .
6- .. ر . ک : ص 35 (فصل یکم : نام های دوزخ / لظی «آتشِ زبانه کِش») .

9 . اَثام

واژه شناسی «اَثام»

9 . اَثامنهمین نام دوزخ ، «اَثام» است .

واژه شناسی «اَثام»این واژه از ریشه «إثم» به معنای گناه است و «اَثام» ، به معنای کیفر گناه است . خلیل بن احمد می گوید : و الأثام فی جمله التفسیر : عقوبه الإثم . (1) اثام در تفاسیر ، کیفر گناه ، معنا شده است . همچنین ابن منظور می نویسد : و الأثام جزاء الإثم . (2) اَثام ، کیفر گناه است . از این رو ، دوزخ را می توان «اَثام» نامید ؛ زیرا جایگاه کیفر گنهکاران است .

.

1- .. العین : ج 8 ص 250 (مادّه «أثم») .
2- .. لسان العرب : ج 12 ص 6 (مادّه «أثم») .

واژه «آثام» در قرآن و حدیث

واژه «آثام» در قرآن و حدیثدر قرآن ، یک بار کلمه «اثام» آمده است : «وَ الَّذِینَ لَا یَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ وَلَا یَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِی حَرَّمَ اللَّهُ إِلَا بِالْحَقِّ وَ لَا یَزْنُونَ وَمَن یَفْعَلْ ذَ لِکَ یَلْقَ أَثَامًا . (1) و کسانی که معبود دیگری را با خداوند نمی خوانند و انسانی را که خداوند خونش را حرام شمرده ، جز به حق نمی کُشند و زنا نمی کنند ، و هر کس چنین کند ، مجازات سختی خواهد دید !» .مفسّران غالبا همانند واژه شناسان ، «أثام» را به کیفر گناه ، تفسیر کرده اند؛ (2) امّا یکی از آنان این واژه را به وادی ای در جهنّم تفسیر کرده است ، (3) این معنا از ابن عمر ، قتاده ، مجاهد ، عکرمه و سعید بن جبیر نیز گزارش گردیده است. (4) برخی نیز این واژه را نامی از نام های دوزخ دانسته اند . (5)

.

1- .. فرقان : آیه 68 .
2- .. ر . ک : التبیان فی تفسیر القرآن : ج 7 ص 508 و مجمع البیان : ج 6 ص 432 و ج 7 ص 308 و تفسیر الطبری : ج 11 الجزء 19 ص 40 و تفسیر ابن کثیر : ج 3 ص 339 .
3- .. تفسیر القمّی : ج 2 ص 116 117 .
4- .. ر . ک : بحار الأنوار : ج 8 ص 255 و تفسیر ابن أبی حاتم : ج 8 ص 2730 .
5- .. ر . ک : تفسیر البحر المحیط : ج 6 ص 472 .

10 . سجّین

واژه شناسی «سجّین»

واژه «سجّین» در قرآن و حدیث

10 . سجّیندهمین نام دوزخ ، «سجّین» است .

واژه شناسی «سجّین»این واژه ، صیغه مبالغه از مادّه «سجن» به معنای زندان است . بنا بر این ، «سجّین» جایگاه ابدی تبهکاران است که به دلیل وجود انواع عذاب ها در آن که قابل مقایسه با سخت ترین زندان های دنیوی نیست ، چنین نامیده شده است . ابن منظور می گوید : سجّین : فِعّیل من السجن ، و السجّین : السجن . و سجّین : وادٍ فی جهنّم ، نعوذ باللّه منها ، مشتقٌّ من ذلک . (1) سجّین ، صیغه مبالغه از «سجن» است . سجّین ، همان سجن (زندان) است . سجّین ، وادی ای در جهنّم که از آن به خدا پناه می بریم ، از همین ریشه مشتق شده است . راغب اصفهانی نیز این واژه را چنین معنا کرده است : و السجّین : اسم لجهنّم بإزاء عِلّیّین ، و زید لفظه تنبیها علی زیاده معناه . (2) سجّین ، نامی است برای جهنّم در برابر علّیّین . بر اصل آن، برای توجّه به زیادت معنایش [حروفی] افزوده شده است .

واژه «سجّین» در قرآن و حدیثدر قرآن ، این واژه دو بار به کار رفته است : «کَلَا إِنَّ کِتَبَ الْفُجَّارِ لَفِی سِجِّینٍ * وَ مَآ أَدْرَلکَ مَا سِجِّینٌ . (3) نه چنین است [که آنها می پندارند]! به یقین ، نامه اعمال بدکاران ، در «سجّین» است ، و تو چه می دانی که «سجّین» چیست ؟!» .کلمه «کتاب» در این آیه ، به معنای مکتوب است . البتّه نه به معنای نوشته چیزی با قلم در کاغذ ؛ بلکه به معنای قضای حتمی الهی است ، بدین معنا که سرنوشت قطعی تبهکاران ، زندانی ابدی است که به دلیل وجود انواع سختی ها در آن ، قابل توصیف نیست . بنا بر این ، آیه «وَ مَآ أَدْرَلکَ مَا سِجِّینٌ» ، تأکید بر این است که عذاب های زندان دوزخ ، فوق ادراک و توصیف اند . (4) برخی از روایات نیز به همین معنا اشاره دارند . (5)

.

1- .. لسان العرب : ج 13 ص 203 (مادّه «سجن») .
2- .. مفردات ألفاظ القرآن : ص 399 (مادّه «سجن») .
3- .. مطفّفین : آیه 7 8 .
4- .. ر . ک : المیزان فی تفسیر القرآن : ج 20 ص 231 232 .
5- .. ر . ک : ص 121 (فصل پنجم : ویژگی های جهنّم) .

چند نظریّه در باره نام های دوزخ

1 . اشاره به ویژگی های دوزخ

چند نظریّه در باره نام های دوزخدر تبیین و تحلیل نام های دوزخ ، چند نظریّه و یا احتمال وجود دارد :

1 . اشاره به ویژگی های دوزخبسیاری از واژه شناسان و مفسّران ، هر یک از نام های دوزخ را اشاره به بُعدی از ابعاد و ویژگی ای از ویژگی های دوزخ می دانند . مثلاً دوزخ ، «جهنّم» نامیده می شود ؛ چون آتش آن به سختی بر انسان حمله می کند ، یا این که از عمق زیادی برخوردار است، (1) یا «جحیم» نامیده می شود ؛ چون به شدّت، افروخته است، (2) یا «لظی» نامیده می شود ؛ چون زبانه می کشد، (3) یا «سقر» نامیده می شود ؛ چون چهره را دگرگون می نماید، (4) یا «حطمه» نامیده می شود؛ چون همه چیز را در هم می شکند و در عمق جان نفوذ می کند، (5) یا «هاویه» نامیده می شود؛ چون تبهکاران در عمق آن سقوط می نمایند (6) و یا ... .

.

1- .. ر . ک : القاموس الفقهی : ص 72 و مجمع البیان : ج 2 ص 248 و عمده القاری : ج 5 ص 20 و تفسیر السمعانی : ج 6 ص 9 و النهایه : ج 1 ص 323 و تاج العروس : ج 16 ص 126 و لسان العرب : ج 12 ص 112.
2- .. ر . ک : مفردات الفاظ القرآن : ص 88 و المیزان فی تفسیر القرآن : ج 5 ص 238 و رسائل الشریف المرتضی : ج 4 ص 134 و معجم لغه الفقهاء : ص 160 و تفسیر البیضاوی : ج 5 ص 19 .
3- .. ر . ک : شرح اُصول الکافی : ج 2 ص 166 و الصحاح : ج 6 ص 2482 و تفسیر الفخر الرازی : ج 31 ص 203 و العین : ج 8 ص 169 .
4- .. ر . ک : التبیان فی تفسیر القرآن : ج 10 ص 180 و 186 و الأمثل فی کتاب اللّه المنزل : ج 17 ص 345 و مفردات ألفاظ القرآن : ص 235 .
5- .. ر . ک : فتح الباری : ج 8 ص 561 و تفسیر الطبری : ج 5 الجزء 30 ص 294 و تفسیر الرازی : ج 32 ص 94 و الصحاح : ج 5 ص 1901 و

مجمع البيان : ج 8 ص 392 .
6- .. ر . ک : تفسير الطبرى : ج 15 الجزء 30 ص 282 و تفسير السمرقندى : ج 30 ص 586 و الصحاح : ج 6 ص 2539 و معجم مقاييس اللغه : ج 6 ص 15 .

2 . اشاره به طبقات دوزخ

2 . اشاره به طبقات دوزخنظریّه دیگر ، این است که شماری از نام های یاد شده ، به طبقات دوزخ اشاره دارند، (1) چنان که در حدیثی از امام علی علیه السلام آمده است : إنَّ جَهَنَّمَ لَها سَبَعَهُ أبوابٍ أطباقٍ بَعضُها فَوقَ بَعضٍ و وَضَعَ إحدی یَدَیهِ عَلی الاُخری ، فَقالَ : هَکَذا و إنَّ اللّه ِ وَضَعَ الجِنانَ عَلی العَرضِ ، و وَضَعَ النِّیرانَ بَعضَها فَوقَ بَعضٍ ، فأسفَلُها جَهَنَّمُ ، و فَوقُها لَظی ، و فَوقُها الحُطَمَهُ ، و فَوقُها سَقَرُ ، و فَوقُها الجَحِیمُ ، و فَوقُها السَّعِیرُ ، و فَوقُ ها الهاوِیَهُ . (2) آن حضرت دستانش را بر روی هم گذاشت و فرمود : این گونه خداوند باغ های بهشت را در کنار هم قرار داد ، ولی عذاب های آتش را بر روی هم . طبقه زیرین آن ، جهنّم است . بالای آن ، لظی است . بالایش حطمه و بر بالای آن ، جحیم و بر روی آن ، سعیر و بالای آن ، هاویه است . بنا بر این روایت ، درهای دوزخ هماهنگ با طبقات آن است ، بدین معنا که برای هر طبقه ، درب ویژه ای است . این معنا در احادیث دیگر (3) نیز آمده است . البتّه طولی بودن طبقات جهنّم و عرضی بودن طبقات بهشت در این حدیث ، مؤیّدی ندارد و با توجّه به ضعف سند آن ، چیزی را نمی تواند اثبات کند .

.

1- .. ر . ک : مجمع البیان : ج 10 ص 181 .
2- .. مجمع البیان : ج 6 ص 519 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 245 .
3- .. ر . ک : ص 121 (فصل پنجم : ویژگی ها جهنّم / درهای جهنّم و طبقه های آن) .

3 . اشاره به درهای دوزخ

4 . اشاره به مکان های خاصّی در دوزخ

3 . اشاره به درهای دوزخاحتمال سوم ، این است که نام های یاد شده به درهای دوزخ اشاره دارند ، بدین معنا که درهای هفتگانه دوزخ که در قرآن آمده، (1) به این نام ها ، نامیده شده اند . (2)

4 . اشاره به مکان های خاصّی در دوزخشماری از احادیث ، دلالت دارند که برخی از نام های یاد شده ، مانند «سعیر» (3) و «سقر» (4) ، نام درّه های خاصّی در دوزخ اند . با توجّه به این احادیث ، می توان گفت برخی از نام هایی که توضیح داده شدند، نام همه دوزخ و برخی از نام ها ، نام نقاط خاصّی از آن هستند ، چنان که در دوزخ ، نقاط دیگری نیز به نام های «حصینه» ، (5) «هبهب»، (6) «غسّاق»، (7) «صعدی» 8 و ... وجود دارد . گفتنی است که موارد یاد شده ، احتمالاتی هستند که نمی توانند چیزی را اثبات کنند . بنا بر این ، اظهار نظر قطعی در مورد چگونگی نام های دوزخ ، ممکن نیست . آنچه به ذهن نزدیک تر می رسد ، این است که شماری از نام های یاد شده ، نام دوزخ و شماری ، اوصاف آن اند ، چنان که نامیده شدن بخش هایی از دوزخ به نام هایی که بدانها اشاره شد ، بعید نیست .

.

1- .. حجر : آیه 44 .
2- .. ر . ک : فیض القدیر : ج 2 ص 639 و التبیان فی تفسیر القرآن : ج 9 ص 460 و مجمع البیان : ج 9 ص 324 و تفسیر مقاتل بن سلیمان : ج 3 ص 418 .
3- .. ر . ک : ص 27 (فصل یکم : نام های دوزخ / سعیر «آتش پرشراره») .
4- .. ر . ک : ص 577 ح 868 .
5- .. ر . ک : ص 577 ح 869 .
6- .. ر . ک : ص 577 ح 870 .
7- .. ر . ک : ص 573 ح 860 .

ص: 65

..

الفَصلُ الثّانی: خلقه نار جهنم2 / 1حِكمَةُ خَلقِ جَهَنَّمَ466.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : رسول اللّه صلی الله علیه و آله : إنَّ اللّهَ خَلَقَ الجَنَّةَ ثَوابا لِأَولیائِهِ ، فَحَفَّها بِالجودِ وَالكَرَمِ ، وخَلَقَ النّارَ عِقابا لِأَعدائِهِ ، فَحَفَّها بِاللُّؤمِ وَالبُخلِ . (1)465.عدّه الداعی : إحیاء علوم الدین : فِی الخَبَرِ : خَلَقَ اللّهُ تَعالی جَهَنَّمَ مِن فَضلِ رَحمَتِهِ سَوطا یَسوقُ اللّهُ بِهِ عِبادَهُ إلی الجَنَّةِ . (2)2 / 2مَخلُوقِیَّةُ جَهَنَّمَ الآنَالكتاب«یَسْتَعْجِلُونَکَ بِالْعَذَابِ وَ إِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِیطَةُ بِالْكَافِرِینَ» . (3)

«وَمِنْهُم مَّن یَقُولُ ائْذَن لِّی وَلَا تَفْتِنِّی أَلَا فِی الْفِتْنَهِ سَقَطُواْ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِیطَةُ بِالْكَافِرِینَ» . (4)

«وَ بُرِّزَتِ الْجَحِیمُ لِمَن یَرَی» . (5)

.

1- .مستدرک الوسائل : ج 15 ص 259 ح 18177 نقلاً عن كتاب الأخلاق .
2- .احیاء علوم الدین : ج 4 ص 220 ؛ المحجّه البیضاء : ج 7 ص 262 .
3- .العنكبوت : 54 .
4- .التوبه : 49 .
5- .النازعات : 36 .

فصل دوم : آفرینش آتش جهنّم

2 / 1 حکمت آفرینش جهنّم

2 / 2 جهنّم ، هم اکنون آفریده شده است

فصل دوم : آفرینش آتش جهنّم2 / 1حکمت آفرینش جهنّم455.الإمام علیّ علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، بهشت را پاداشی برای دوستانش قرار داد و آن را در میان بخشندگی و آقایی نهاد ، و دوزخ را کیفری برای دشمنانش قرار داد و آن را در میان پستی و بخل قرار داد .454.الإمام علیّ علیه السلام : إحیاء علوم الدین: در خبر است که: «خدای بزرگ ، جهنّم را از فزونیِ رحمت خویش ، به سان تازیانه ای آفرید که با آن ، بندگانش را سوی بهشت براند».2 / 2جهنّم ، هم اکنون آفریده شده استقرآن«و شتاب زده از تو عذاب می خواهند ، حال آن که جهنّم ، کافران را در میان گرفته است».

«و از آنان کسی است که می گوید: «مرا اجازه[ی ماندن] ده و به فتنه ام مینداز» . هان! آنان خود به فتنه افتاده اند و بی تردید ، دوزخ ، کافران را در میان دارد».

«و دوزخ بر هر که ببیند ، آشکار می گردد».

.

الحديث446.عنه صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : الجَنَّةُ أقرَبُ إلى أحَدِكُم مِن شِراكِ نَعلِهِ ، وَالنّارُ مِثلُ ذلِکَ . (1)445.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : اِعلَموا أنَّ الجَنَّةَ وَالنّارَ أقرَبُ إلى أحَدِكُم مِن شِراكِ نَعلِهِ ؛ مَن يَعمَل مِثقالَ ذَرَّةٍ خَيرا يَرَهُ ، ومَن يَعمَل مِثقالَ ذَرَّةٍ شَرّا يَرَهُ . (2)444.عنه عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : جَهَنَّمُ تُحيطُ بِالدُّنيا ، وَالجَنَّةُ مِن وَرائِها ؛ فَلِذلِکَ صارَ الصِّراطُ عَلى جَهَنَّمَ طَريقا إلَى الجَنَّةِ . (3)ع : ج 1 ص 50 (القسم الأوّل : الجنّه / الفصل الثانى : خلقه الجنه) .

2 / 3يَومُ خَلقِ جَهَنَّمَ440.عنه عليه السلام : الإمام علىّ عليه السلام : إنَّ اللّهَ عز و جل خَلَقَ النّارَ يَومَ الأَربِعاءِ ، فَأَوجَبَ صَومَهُ لِيُتَعَوَّذَ بِهِ مِنَ النّارِ . (4)439.الإمام علىّ عليه السلام : عنه عليه السلام : تَوَقَّوُا الحِجامَةَ يَومَ الأَربِعاءِ ، وَالنّورَةَ ؛ فَإِنَّ يَومَ الأَربِعاءِ يَومُ نَحسٍ مُستَمِرٍّ ، وفيهِ خُلِقَت جَهَنَّمُ . (5) .

1- .صحيح البخارى : ج 5 ص 2380 ح 6123 ، مسند ابن حنبل : ج 2 ص 32 ح 3667 و ص 87 ح 3923 و ص 147 ح 4216 ، صحيح ابن حبّان : ج 2 ص 436 ح 661 ، السنن الكبرى : ج 3 ص 514 ح 6504 ، تاريخ دمشق : ج 8 ص 392 ح 2249 ، الفردوس : ج 2 ص 116 ح 2613 كلّها عن ابن مسعود ، كنزالعمّال : ج 15 ص 776 ح 43055 .
2- .الدرّ المنثور : ج 8 ص 597 نقلاً عن ابن مردويه ، كنزالعمّال : ج 15 ص 936 ح 43607 نقلاً عن الثقفى فى الأربعين وأبى القاسم بن بشران فى أماليه وكلاهما عن ابن عبّاس .
3- .تاريخ بغداد : ج 2 ص 291 الرقم 774 ، الفردوس : ج 2 ص 114 ح 2600 كلاهما عن ابن عمر ، كنزالعمّال : ج 14 ص 385 ح 39028 .
4- .الكافى : ج 4 ص 93 ح 10 ، ثواب الأعمال : ص 105 ح 5 كلاهما عن حريز عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحارالأنوار : ج 97 ص 101 ح 26 .
5- .الخصال : ص 387 ح 76 عن أبى بصير عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام و ص 637 ح 10 عن أبى بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 125 وفيه «ويوم الجمعه» بدل «والنوره» ، بحارالأنوار : ج 10 ص 116 ح 1 .

2 / 3 روز آفرینش جهنّم

حدیث437.الإمام علیّ علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بهشت به هر یک از شما ، از بند کفشش نزدیک تر است . آتش نیز چنین است.436.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بدانید که بهشت و دوزخ ، به هر یک از شما از بند کفشش نزدیک تر است. هر کس به وزن ذرّه ای نیکی کند ، آن را می بیند و هر کس به وزن ذرّه ای بدی کند ، آن را می بیند .435.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : جهنّم ، دنیا را در میان گرفته و بهشت در پسِ آن است . از همین رو ، [پل] صراط بر روی دوزخ نهاده شده تا راهی به سوی بهشت باشد .ر . ک : ج 1 ص 51 (فصل دوم : آفرینش بهشت) .

2 / 3روز آفرینش جهنّم431.عنه علیه السلام : امام علی علیه السلام : خدای عز و جل ، آتش [دوزخ] را در روز چهارشنبه آفرید . پس روزه گرفتن در این روز را واجب فرمود تا از آتش ، بدان پناه آورند .430.عنه علیه السلام : امام علی علیه السلام : در روز چهارشنبه ، از حجامت کردن و نوره کشیدن خودداری کنید؛ زیرا روز چهارشنبه ، روزی است که پیوسته شوم است و دوزخ نیز

در این روز آفریده شده است.

.

429.الإمام علىّ علیه السلام : الإمام الصادق علیه السلام : إنَّ رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله سُئِلَ عَن صَومِ خَميسَينِ بَينَهُما أربِعاءٌ ، فَقالَ : أمَّا الخَميسُ فَيَومٌ تُعرَضُ فيهِ الأعمالُ ، وأمَّا الأربِعاءُ فَيَومٌ خُلِقَت فيهِ النّارُ ، وأمَّا الصَّومُ فَجُنَّةٌ مِنَ النّارِ . (1)396.عنه صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : خُلِقَتِ يَومَ الثَّلاثاءِ النّارُ ، وذلِكَ قَولُهُ تَعالى : «انطَلِقُواْ إِلَى مَا كُنتُم بِهِ تُكَذِّبُونَ * انطَلِقُواْ إِلَى ظِلٍّ ذِى ثَلَاثِ شُعَبٍ * لَا ظَلِيلٍ وَ لَا يُغْنِى مِنَ اللَّهَبِ» (2) . (3) .

1- .الكافى : ج 4 ص 94 ح 11 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 83 ح 1790 كلاهما عن عبداللّه بن سنان ، الخصال : ص 390 ح 81 عن الأحول ، الدروع الواقيه : ص 58 وليس فيها «النار» ، ثواب الأعمال : ص 105 ح 4 ، بحارالأنوار : ج 59 ص 45 ح 11 .
2- .المرسلات : 29 31 .
3- .الخصال : ص 383 ح 61 ، بحارالأنوار : ج 8 ص 307 ح 69 .

397.الإمام علیّ علیه السلام : امام صادق علیه السلام : از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره روزه دو پنج شنبه و چهارشنبه میان آنها (1) سؤال شد . فرمود: «پنج شنبه روزی است که در آن ، اعمال عرضه می شوند. (2) چهارشنبه روزی است که در آن روز ، دوزخ آفریده شد . روزه هم یک سپر [در برابر آتش]است» .398.عنه علیه السلام : امام صادق علیه السلام : دوزخ در روز سه شنبه آفریده شده است ؛ همان چیزی که خدای عز و جل درباره اش می فرماید: «بروید به سوی آنچه دروغش می شمردید. بروید به سوی آن دود سه شاخه . نه سایه دار است و نه از شعله[ی آتش] حفاظت می کند» . .

1- .مقصود ، پنج شنبه اوّل و آخر ماه و چهارشنبه وسط ماه است .
2- .به محضر خدا و پیامبر خدا و ائمّه علیهم السلام .

الفَصلُ الثّالث: اَلتَّحذيرُ مِن جَهَنَّمَ3 / 1تَحذيرُ اللّهِ الكتاب«قُلْ إِنَّ الْخَسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُواْ أَنفُسَهُمْ وَ أَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَهِ أَلَا ذَ لِکَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ * لَهُم مِّن فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِّنَ النَّارِ وَ مِن تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَ لِکَ يُخَوِّفُ اللَّهُ بِهِ عِبَادَهُ يَعِبَادِ فَاتَّقُونِ » . (1)

«وَاتَّقُواْ النَّارَ الَّتِى أُعِدَّتْ لِلْكَفِرِينَ » . (2)

«فَأَنذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى * لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى * الَّذِى كَذَّبَ وَ تَوَلَّى * وَ سَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى » . (3)

«أَفَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوَ نَ اللَّهِ كَمَن بَاءَ بِسَخَطٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ » . (4)

«وَ إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ ءَايَتُنَا بَيِّنَتٍ تَعْرِفُ فِى وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُواْ الْمُنكَرَيَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ ءَايَتِنَا قُلْ أَفَأُنَبِّئُكُم بِشَرٍّ مِّن ذَ لِكُمُ النَّارُ وَعَدَهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُواْ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ » . (5)

«فَإِن لَّمْ تَفْعَلُواْ وَ لَن تَفْعَلُواْ فَاتَّقُواْ النَّارَ الَّتِى وَ قُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَهُ أُعِدَّتْ لِلْكَفِرِينَ » . (6)

.

1- .الزمر : 15 و 16 .
2- .آل عمران : 131 .
3- .الليل : 14 17 .
4- .آل عمران : 162 .
5- .الحج : 72 .
6- .البقره : 24 .

فصل سوم : هشدار در باره جهنّم

3 / 1 هشدار خدا

فصل سوم : هشدار در باره جهنّم3 / 1هشدار خداقرآن«بگو: زیانکاران، در حقیقت ، همان کسانی هستند که به خود و کسانشان در روز قیامت زیان رسانده اند. آری، این همان زیان آشکار است. آنان از بالای سرشان چترهایی از آتش خواهند داشت و از زیر پایشان نیز طبق هایی [آتشین] . این ، همان [کیفری] است که خدا بندگانش را به آن بیم می دهد. ای بندگان من ! از من بترسید».

«و بترسید از آتشی که برای کافران آماده شده است».

«پس، شما را به آتشی که زبانه می کشد ، هشدار دادم. جز نگون بخت ترین [مردم ، کسی]در آن در نمی آید ؛ همان که تکذیب کرد و رُخ بر تافت. و پرهیزگارترین [مردم] ، از آن دور داشته خواهد شد».

«آیا کسی که خشنودیِ خدا را پیروی می کند ، همانند کسی است که به ناخشنودیِ خدا دچار گردیده و جایگاهش دوزخ است؟ ! و چه بد بازگشتگاهی است !».

«و هر گاه آیات روشن ما بر آنان خوانده می شود، در چهره کسانی که کفر ورزیده اند ، انکار را در می یابی . چیزی نمانده که بر کسانی که آیات ما را بر ایشان تلاوت می کنند ، حمله ور شوند. بگو: آیا شما را به بدتر از این خبر دهم؟ همان آتشی که خدا آن را به کسانی که کفر ورزیده اند ، وعده داده است، و چه بدسرانجامی است !».

«پس اگر نکردید و هرگز نمی توانید کرد ، از آتشی بترسید که سوختش مردمان و سنگ ها هستند و برای کافران ، آماده شده است».

.

الحديث420.عنه صلى الله عليه و آله في وَصِيَّتِهِ لِأَبى الكافى عن علىّ بن أسباط عنهم عليهم السلام : فيما وَعَظَ اللّهُ عز و جل بِهِ عيسى عليه السلام : . . . يا عيسى اهرُب إلَىَّ مَعَ مَن يَهرُبُ ، مِن نارٍ ذاتِ لَهَبٍ ، ونارٍ ذاتِ أغلالٍ وأنكالٍ ، لا يَدخُلُها رَوحٌ ، ولا يَخرُجُ مِنها غَمٌّ أبَدا ، قِطَعٌ كَقِطَعِ اللَّيلِ المُظلِمِ ، مَن يَنجُ مِنها يَفُز ، ولَن يَنجُوَ مِنها مَن كانَ مِنَ الهالِكينَ . هِىَ دارُ الجَبّارينَ وَالعُتاةِ الظّالِمينَ ، وكُلِّ فَظٍّ غَليظٍ ، وكُلِّ مُختالٍ فَخورٍ .

يا عيسى بِئسَتِ الدّارُ لِمَن رَكَنَ إلَيها ! وبِئسَ القَرارُ دارُ الظّالِمينَ ، إنّى أُحَذِّرُكَ نَفسَكَ فَكُن بى خَبيرا . (1)3 / 2تَحذيرُ النَّبِىِّ صلّى الله عليه و آله423.عنه عليه السلام : المصنّف لابن أبى شيبه عن النعمان بن بشير : سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله وهُوَ عَلَى المِنبَرِ يَقولُ : أنذِرُكُمُ النّارَ ! حَتّى سَقَطَ إحدى عِطفَى رِدائِهِ عَن مِنكَبَيهِ . (2)424.الإمام زين العابدين عليه السلام فى دُعاءِ أبى سنن الدارمى عن النّعمان بن بشير : سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَخطُبُ فَقالَ : أنذَرتُكُمُ النّارَ ، أنذَرتُكُمُ النّارَ ، أنذَرتُكُمُ النّارَ ! فَمازالَ يَقولُها حَتّى لَو كانَ فى مَقامى هذا

لَسَمِعَهُ أهلُ السّوقِ ، وحَتّى سَقَطَت خَميصَهٌ (3) كانَت عَلَيهِ عِندَ رِجلَيهِ . (4) .

1- .الكافى : ج 8 ص 136 ح 103 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 142 ، أعلام الدين : ص 230 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، تحف العقول : ص 498 وليس فيه «ولن ينجو منها من كان من الهالكين» و«وكلّ مختال فخور» ، بحار الأنوار : ج 14 ص 293 ح 14 .
2- .المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 94 ح 20 ، الزهد لهناد : ج 1 ص 168 ح 239 .
3- .الخَمِيصَه : ثوب خزّ أو صوف مُعلم ، وكانت من لباس الناس قديما (النهايه : ج 2 ص 81 «خمص») .
4- .سنن الدارمى : ج 2 ص 786 ح 2708 ، مسند ابن حنبل : ج 6 ص 383 ح 18426 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 424 ح 1058 وفيهما «كانت على عاتقه» بدل «كانت عليه» ، السنن الكبرى : ج 3 ص 293 ح 5756 نحوه ، كنز العمّال : ج 16 ص 12 ح 43715 .

3 / 2 هشدار پیامبر صلی الله علیه و آله

حدیث426.الإمام المهدی علیه السلام : الکافی به نقل از علی بن اسباط : از پیامبر صلی الله علیه و آله یا اهل بیت علیهم السلام روایت شده که در اندرزهای خداوند عز و جلبه عیسی علیه السلام آمده است : «... ای عیسی ! همراه با آنان که از آتشِ شعله ور و آتشِ پر از غُل و زنجیر می گریزند، به سوی من بگریز ؛ آتشی که هرگز هیچ شادی ای وارد آن نمی شود و هیچ اندوهی از آن خارج نمی گردد ؛ آتشی که پاره هایش همچون پاره های شبِ تار است. هر که از این آتش بِرَهَد ، کامیاب است و آن که از هلاکْ شوندگان باشد ، هرگز از این آتش نخواهد رَست . این آتش، سرای متکبّران و سرکشانِ ستمگر و هر سنگ دل درشت خوی و هر مغرور خودستایی است .

ای عیسی ! چه بد سرایی است [این سرای آتش] برای آن که بدان اعتماد کرده، و چه بد جایگاهی است سرای ستمگران ! من هشدارت می دهم که مراقب خویش باشی . پس حواست به من باشد» .3 / 2هشدار پیامبر9746.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : المصنّف ، ابن ابی شیبه به نقل از نعمان بن بشیر : از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حالی که بر منبر بود شنیدم که می فرماید: «شما را از آتش ، زنهار می دهم !» . [چندان این جمله را با شور و حرارت فرمود که]یکی از گوشه های ردایش از دوشش افتاد.747.عنه صلی الله علیه و آله : سنن الدارمی به نقل از نعمان بن بشیر : از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که مشغول سخنرانی بود، شنیدم که فرمود: «بترسید از آتش ، بترسید از آتش، بترسید از آتش !» و پیوسته این جمله را می فرمود ، چندان که اگر در جای من می بود ، مردم بازار آن

را می شنیدند، و چندان که پیراهن سیاه نقش داری که بر تن داشت، جلو پاهایش افتاد.

.

748.عنه صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : يا مَعشَرَ المُسلِمينَ ، اِرغَبوا فيما رَغَّبَكُمُ اللّهُ فيهِ ، وَاحذَروا مِمّا حَذَّرَكُمُ اللّهُ مِنهُ ، وخافوا مِمّا خَوَّفَكُمُ اللّهُ بِهِ مِن عَذابِهِ وعِقابِهِ ، ومِن جَهَنَّمَ ! فَإِنَّها لَو كانَت قَطرَةٌ مِنَ الجَنَّهِ مَعَكُم فى دُنياكُمُ الَّتى أنتُم فيها حَلَّتها لَكُم ، ولَو كانَت قَطرَةٌ مِنَ النّارِ مَعَكُم فى دُنياكُمُ الَّتى أنتُم فيها خَبَّتتها عَلَيكُم . (1)749.عنه صلى الله عليه و آله : صحيح مسلم عن أنس : صَلّى بِنا رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ذاتَ يَومٍ ، فَلَمّا قَضَى الصَّلاةَ أقبَلَ عَلَينا بِوَجهِهِ ، فَقالَ : أيُّهَا النّاسُ ! إنّى إمامُكُم ؛ فَلا تُسبِقونى بِالرُّكوعِ ولا بِالسُّجودِ ، ولا بِالقِيامِ ولا بِالاِنصِرافِ . فَإِنّى أراكُم أمامى ومِن خَلفى .

ثُمَّ قالَ : وَالَّذى نَفسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ ! لَو رَأَيتُم ما رَأَيتُ لَضَحِكتُم قَليلاً ولَبَكَيتُم كَثيرا . قالوا : وما رَأَيتَ يا رَسولَ اللّهِ ؟ قالَ : رَأَيتُ الجَنَّهَ وَالنّارَ .
(2)750.المستدرک عن أبى طلحه الأنصارى : مسند البزّار عن عبداللّه بن الزُّبير : إنَّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله مَرَّ بِقَومٍ يَضحَكونَ ، فَقالَ : أتَضحَكونَ وذِكرُ الجَنَّهِ وَالنّارِ بَينَ أظهُرِكُم ؟ !

قالَ : فَما رُئِىَ أحَدٌ مِنهُم ضاحِكا حَتّى ماتَ . قالَ : ونَزَلَت فيهِم : «نَبِّئْ عِبَادِى أَنِّى أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ * وَأَنَّ عَذَابِى هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ» (3) . (4) .

1- .البعث والنشور : ص 303 ح 546 عن أنس .
2- .صحيح مسلم : ج 1 ص 320 ح 12 ، سنن النسائى : ج 3 ص 83 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 206 ح 11997 و ص 309 ح 12570 كلّها نحوه ، السنن الكبرى : ج 2 ص 131 ح 2592 ، كنز العمّال : ج 7 ص 607 ح 20482 .
3- .الحجر : 49 و 50 .
4- .مسند البزّار : ج 6 ص 174 ح 2216 ، الدرّ المنثور : ج 5 ص 86 نقلاً عن الطبرانى وابن مردويه وفيه «أيديكم» بدل «أظهركم» وليس فيه «فما رئى أحد منهم ضاحكا حتّى مات» .

751.مسند ابن حنبل عن ربیعه بن کعب : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ای گروه مسلمانان ! رغبت کنید به چیزی که خداوند ، شما را بدان ترغیب کرده است، و حذر کنید از آنچه خداوند ، شما را از آن بر حذر داشته است. از عذاب و کیفر خدا و از دوزخ که شما را از آن ترسانده است بترسید؛ زیرا در دنیایی که در آن به سر می برید ، اگر قطره ای از بهشت همراه شما باشد ، دنیا را برای شما روا و [گوارا] می گردانَد، و در دنیایی که در آن به سر می برید، اگر قطره ای از آتش با شما باشد ، دنیا را بر شما [تلخ و] ناپاک می سازد.752.صحیح مسلم عن أبی ذرّ : صحیح مسلم به نقل از اَنَس : روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای ما نماز خواند و چون نماز را تمام کرد، رو به ما نمود و فرمود: «ای مردم ! من امامِ [جماعتِ] شما هستم . پس در رکوع و سجود و قیام و تمام کردن نماز ، بر من پیشی نگیرید؛ زیرا من از پیشِ رو و از پشت سرم [نیز] ، شما را می بینم» .

سپس فرمود: «سوگند به آن که جان محمّد در دست اوست، اگر آنچه من دیده ام ، شما هم می دیدید ، کمتر می خندیدید و بیشتر می گریستید» .

[اصحاب] گفتند : مگر شما چه دیده اید ، ای پیامبر خدا ؟ !

فرمود: «بهشت و دوزخ را دیده ام» .753.سنن الترمذی عن أبی ذرّ أَنَّهُ قالَ لِ رَسولِ مُسند البزّار به نقل از عبد اللّه بن زبیر : پیامبر صلی الله علیه و آله بر گروهی گذشت که می خندیدند . فرمود: «با آن که یاد بهشت و دوزخ ، در میان شماست، می خندید؟ !» .

از آن پس، هیچ یک از آنها تا زنده بود ، خندان دیده نشد . نیز این آیات ، در باره آنان نازل گشت: «به بندگانم خبر ده که منم آمرزنده مهربان و عذابم ، عذابی دردناک است» . .

754.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : صحيح مسلم عن أبى هريره : لَمّا أُنزِلَت هذِهِ الآيَهُ : «وَ أَنذِرْ عَشِيرَتَکَ الْأَقْرَبِينَ » (1) دَعا رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله قُرَيشا ، فَاجتَمَعوا . فَعَمَّ وخَصَّ ، فَقالَ :

يا بَنى كَعبِ بنِ لُؤَىٍّ ! أنقِذوا أنفُسَكُم مِنَ النّارِ . يا بَنى مُرَّهَ بنِ كَعبٍ ! أنقِذوا أنفُسَكُم مِنَ النّارِ . يا بَنى عَبدِ شَمسٍ ! أنقِذوا أنفُسَكُم مِنَ النّارِ . يا بَنى عَبدِ مَنافٍ ! أنقِذوا أنفُسَكُم مِنَ النّارِ . يا بَنى هاشِمٍ ! أنقِذوا أنفُسَكُم مِنَ النّارِ . يا بَنى عَبدِ المُطّلِبِ ! أنقِذوا أنفُسَكُم مِنَ النّارِ . يا فاطِمَهُ ! أنقِذى نَفسَكِ مِنَ النّارِ ؛ فَإِنّى لا أملِكُ لَكُم مِنَ اللّهِ شَيئا ، غَيرَ أنَّ لَكُم رَحِما سأبُلُّها بِبَلالِها (2) . (3)755.عنه صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : ما رَأيتُ مِثلَ النّارِ نامَ هارِبُها ! ولا مِثلَ الجَنَّهِ نامَ طالِبُها ! (4)756.عنه صلى الله عليه و آله : مسند ابن حنبل عن أنس عن رسول اللّه صلى اللهُ عليه و آله : أنَّهُ قالَ لِجبرَئيلِ عليه السلام : ما لى لَم أرَ ميكائيلَ ضاحِكا قَطُّ ؟ ! قالَ : ما ضَحِکَ ميكائيلُ مُنذُ خُلِقَتِ النّارُ . (5)757.الإمام زين العابدين عليه السلام : صحيح البخارى عن ابن عبّاس : اِنخَسَفَتِ (6) الشَّمسُ فَصَلّى رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، ثُمَّ قالَ :

أُريتُ النّارَ ، فَلَم أرَ مَنظَرا كَاليَومِ قَطُّ أفظَعَ ! (7) .

1- .الشعراء : 214 .
2- .البَلال : جمع بلَلَ ؛ وهو كلّ ما بلّ الحلق من ماء أو لبن أو غيره (النهايه : ج 1 ص 153 «بلل») .
3- .صحيح مسلم : ج 1 ص 192 ح 348 ، دلائل النبوّه للبيهقى : ج 2 ص 177 ، ذخائر العقبى : ص 32 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 338 ح 3185 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 284 ح 8734 و ص 230 ح 8410 ، سنن النسائى : ج 6 ص 248 والأربعه الأخيره نحوه ، كنز العمال : ج 16 ص 10 ح 43702 .
4- .سنن الترمذى : ج 4 ص 715 ح 2601 ، الزهد لابن المبارک : ص 9 ح 27 ، مسند الشهاب : ج 2 ص 14 ح 791 ، حليه الأولياء : ج 8 ص 178 كلّها عن أبى هريره ، المعجم الأوسط : ج 2 ص 177 ح 1638 ، المعجم الكبير : ج 19 ص 200 ح 449 عن كليب بن حزن نحوه ، كنز العمّال : ج 15 ص 773 ح 43039 ؛ نهج البلاغه : الخطبه 28 ، الإرشاد: ج 1 ص236،

تحف العقول: ص152 كلّها عن الإمام على عليه السلام ، بحار الأنوار: ج 77 ص333 ح 21.
5- .مسند ابن حنبل : ج 4 ص 447 ح 13342 ، الزهد لابن حنبل : ص 88 ، فتح البارى : ج 6 ص 307 ، الفردوس : ج 3 ص 225 ح 4661 ، الدرّ المنثور : ج 1 ص 229 نقلاً عن أبى الشيخ ، كنز العمّال : ج 6 ص 140 ح 15170 ؛ بحار الأنوار : ج 59 ص 260 ح 32 .
6- .قد ورد الخسوف فى الحديث كثيرا للشمس ، والمعروف لها فى اللغه الكسوف لا الخسوف (النهايه : ج 2 ص 31 «خسف») .
7- .صحيح البخارى : ج 1 ص 166 ح 421 و ص 358 ح 1004 ، صحيح مسلم : ج 2 ص 626 ح 907 ، سنن النسائى : ج 3 ص 147 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 639 ح 2711 ، صحيح ابن حبّان : ج 7 ص 73 ح 2832 وليس فى الأربعه الأخيره «أفظع» ، الموطّأ : ج 1 ص 187 ح 2 ، السنن الكبرى : ج 3 ص 448 ح 6302 ، كنز العمّال : ج 7 ص 828 ح 21576 .

758.الإمام الصادق علیه السلام : صحیح مسلم به نقل از ابو هریره : چون آیه «و خویشان نزدیکت را هشدار ده» نازل شد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله قریش را فرا خواند . چون آنان گرد آمدند ، پیامبر صلی الله علیه و آله ایشان را گروهی و تک تک ، مخاطب ساخت و فرمود: «ای فرزندان کعب بن لُؤَی ! خویشتن را از آتش ، نجات دهید. ای فرزندان مُرّه بن کعب ! خویشتن را از آتش ، نجات دهید. ای فرزندان عبد شمس ! خویشتن را از آتش ، نجات دهید. ای فرزندان عبد مناف ! خویشتن را از آتش ، نجات دهید. ای بنی هاشم ! خویشتن را از آتش ، نجات دهید. ای بنی عبد المطّلب ! خویشتن را از آتش، نجات دهید. ای فاطمه ! خویشتن را از آتش ، نجات ده ؛ زیرا در برابر خدا ، از من برای شما کاری ساخته نیست، جز آن که شما [با من] رشته خویشاوندی دارید و من به سبب آن [و برای پذیرایی] ، کام شما را تر خواهم کرد» . (1)759.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : چیزی را چون آتش[جهنّم] ندیده ام که گریزان از آن ، خفته باشد ! و نه چونان بهشت که جوینده آن ، خفته باشد !760.الإمام الباقر علیه السلام : مسند ابن حنبل به نقل از اَنَس : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به جبرئیل علیه السلام فرمود: «از چه روست که میکائیل را هرگز خندان ندیده ام؟» .

جبرئیل علیه السلام گفت: از زمانی که آتش آفریده شد ، میکائیل علیه السلام دیگر نخندید .761.سنن أبی داوود عن العرباض بن ساریه : صحیح البخاری به نقل از ابن عبّاس : یک بار که خورشید گرفتگی رخ داد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نماز خواند و سپس فرمود: «آتش[دوزخ] به من نمایانده شد و

من هرگز منظره ای وحشتناک تر از [منظره]امروز ندیده ام» . .

1- .یعنی : به خاطر این پیوند خویشاوندی، در دنیا با شما صله رحم به جا می آورم ؛ امّا در برابر خداوند ، کاری از من برای شما ساخته نیست.

762.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : كُلُّ نَعيمٍ دونَ الجَنَّهِ صَغيرٌ ، وكُلُّ بَلاءٍ دونَ النّارِ يَسيرٌ . (1)763.عنه صلى الله عليه و آله : معانى الأخبار عن أبى ذر : قُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ! فَما كانَت صُحُفُ موسى عليه السلام ؟ قالَ : كانَت عِبَرا كُلُّها : عَجِبتُ لِمَن أيقَنَ بِالمَوتِ لِمَ يَفرَحُ ؟ ! ولِمَن أيقَنَ بِالنّارِ لِمَ يَضحَكُ ؟ ! (2)764.الإمام الصادق عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى قَولِ اللّهِ تَعالى : «وَ كَانَ تَحْتَهُ كَنزٌ لَّهُمَا» (3) : كانَ تَحتَهُ لَوحٌ مِن ذَهَبٍ مَكتوبٌ فيهِ خَمسَهُ أسطُرٍ ؛ أوَّلُها : عَجِبتُ لِمَن أيقَنَ بِالمَوتِ كَيفَ يَفرَحُ ؟ وعَجِبتُ لِمَن أيقَنَ بِالنّارِ كَيفَ يَضحَكُ ؟ وعَجِبتُ لِمَن أيقَنَ بِالقَدَرِ كَيفَ يَحزَنُ ؟ وعَجِبتُ لِمَن أيقَنَ بِزَوالِ الدُّنيا وتَقَلُّبِها بِأهلِها كَيفَ يَطمَئِنُّ إلَيها ؟ وفِى الخامِسِ : لا إلهَ إلّا اللّهُ ، مُحَمَّدٌ رَسولُ اللّهِ . (4)765.عنه عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : عَجِبتُ لِمَن يَحتَمى مِنَ الطَّعامِ مَخافَهَ الدّاءِ ، كَيفَ لا يَحتَمى مِنَ الذُّنوبِ مَخافَهَ النّارِ ؟ ! (5) .

1- .جامع الأخبار : ص 317 ح 891 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 93 ح 46 .
2- .معانى الأخبار : ص 334 ح 1 ، الأمالى للطوسى : ص 540 ح 1163 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 383 ح 2661 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 12 ص 71 ح 14 ؛ صحيح ابن حبّان : ج 2 ص 78 ح 361 ، موارد الظمآن : ص 53 ح 94 ، حليه الأولياء : ج 1 ص 167 ، كنز العمّال : ج 16 ص 131 ح 44158 .
3- .الكهف : 82.
4- .تنبيه الغافلين : ص 200 ح 253 ، شُعب الإيمان : ج 1 ص 223 ح 213 ، عن النزال بن سبره عن الإمام علىّ عليه السلام نحوه ، كنز العمّال : ج 2 ص 455 ح 4489 ؛ معانى الأخبار : ص 200 ح 1 عن الإمام علىّ عليه السلام ، الخصال : ص 236 ح 79 عن محمّد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام وفيه «بالحساب» بدل «بالنار» وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 71 ص 141 ح 34 .
5- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 359 ح 4272 ، الأمالى للصدوق : ص 247 ح 265 عن إسماعيل بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 315 ح 1006 ، الدعوات : ص 81 ح 203 عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 73 ص 347 ح 34 .

766.الإمام علیّ علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر نعمتی در برابر بهشت ، خُرد است و هر رنج و بلایی در برابر آتش [جهنّم] ، اندک .767.الإمام الصادق علیه السلام : معانی الأخبار به نقل از ابو ذر : گفتم : ای پیامبر خدا ! نبشته های موسی علیه السلام چه بوده است؟

فرمود: «سراسر اندرز بوده است[، از جمله این که] : "در شگفتم چرا کسی که به مردن یقین دارد ، شادی می کند ؟ ! و چرا کسی که به آتش یقین دارد ، می خندد ؟ !"» .768.الإمام الصادق علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خدای متعال: «و در زیر آن [دیوار] ، گنجی بود متعلّق به آن دو [یتیم]» : در زیر آن دیوار ، لوحی زرین قرار داشت که در آن ، پنج سطر نوشته شده بود: اوّل این که : «در شگفتم از کسی که به مرگ یقین دارد ، چگونه شادمانی می کند ؟ ! [دوم:] در شگفتم از کسی که به آتش یقین دارد ، چگونه می خندد؟ ! [سوم:]در شگفتم از کسی که به سرنوشت یقین دارد ، چگونه غم می خورَد ؟ ! [چهارم:]در شگفتم از کسی که به ناپایداریِ دنیا و فراز و نشیب آن نسبت به اهلش یقین دارد، چگونه به آن اعتماد می کند ؟ !» و در سطر پنجم آمده بود: «معبودی جز خدا نیست . محمّد ، فرستاده خداست» .769.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در شگفتم از کسی که از بیم بیماری ، از غذا پرهیز می کند،

چگونه از بیم آتش ، از گناهان پرهیز نمی کند؟ ! .

770.عنه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله فى ذِكرِ المِعراجِ : صَعِدَ جَبرَئيلُ وصَعِدتُ مَعَهُ إلى سَماءِ الدُّنيا ، وعَلَيها مَلَكٌ يُقالُ لَهُ : «إسماعيلُ» وهُوَ صاحِبُ الخَطفَةِ الَّتى قالَ اللّهُ عز و جل «إلّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ» وتَحتَهُ سَبعونَ ألفَ مَلَكٍ ، تَحتَ كُلِّ مَلَكٍ سَبعونَ ألفَ مَلَكٍ ، فَقالَ : يا جَبرَئيلُ ، مَن هذا مَعَكَ ؟ فَقالَ : مُحَمَّدٌ صلى اللهِ عليه و آله . قالَ : أوَقَد بُعِثَ ؟ قالَ : نَعَم . فَفَتَحَ البابَ ، فَسَلَّمتُ عَلَيهِ وسَلَّمَ عَلَىَّ ، وَاستَغفَرتُ لَهُ وَاستَغفَرَ لى ، وقالَ : مَرحَبا بِالأَخِ النّاصِحِ ، وَالنَّبِىِّ الصّالِحِ .

وتَلَقَّتنى المَلائِكَةُ حَتّى دَخَلتُ سَماءَ الدُّنيا ، فَما لَقِيَنى مَلَكٌ إلّا ضاحِكا مُستَبشِرا ، حَتّى لَقِيَنى مَلَكٌ مِنَ المَلائِكَهِ لَم أرَ أعظَمَ خَلقا مِنهُ ، كَريهُ المَنظَرِ ، ظاهِرُ الغَضَبِ ، فَقالَ لى مِثلَ ما قالوا مِنَ الدُّعاءِ ، إلّا أنَّهُ لَم يَضحَك ولَم أرَ فيهِ مِنَ الاِستِبشارِ وما رَأيتُ مِمَّن ضَحِكَ مِنَ المَلائِكَهِ ، فَقُلتُ : مَن هذا يا جَبرَئيلُ ، فَإنّى قَد فَزِعتُ ؟

فَقالَ : يَجوزُ أن تَفزَعَ مِنهُ وكُلُّنا نَفزَعُ مِنهُ ، هذا مالِكٌ خازِنُ النّارِ ؛ لَم يَضحَك قَطُّ ولَم يَزَل مُنذُ وَلّاهُ اللّهُ جَهَنَّمَ يَزدادُ كُلَّ يَومٍ غَضَباً وغَيظا عَلى أعداءِ اللّهِ وأهلِ مَعصِيَتِهِ ، فَيَنتَقِمُ اللّهُ بِهِ مِنهُم ، ولَو ضَحِكَ إلى أحَدٍ قَبلَكَ أو كانَ ضاحِكا لِأَحَدٍ بَعدَكَ لَضَحِكَ إلَيكَ ، ولكِنَّهُ لا يَضحَكُ . (1)771.عنه صلى الله عليه و آله : الإمام الباقر عليه السلام : إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله حَيثُ اُسرىَ بِهِ إلَى السَّماءِ لَم يَمُرَّ بِخَلقٍ مِن خَلقِ اللّهِ إلّا رَأى مِنهُ ما يُحِبُّ مِنَ البِشرِ وَاللُّطفِ وَالسُّرورِ بِهِ ، حَتّى مَرَّ بِخَلقٍ مِن خَلقِ اللّهِ ،

فَلَم يَلتَفِت إلَيهِ ولَم يَقُل لَهُ شَيئا ، فَوَجَدَهُ قاطِبا عابِسا ، فَقالَ صلى الله عليه و آله : يا جَبرَئيلُ ، ما مَرَرتُ بِخَلقٍ مِن خَلقِ اللّهِ إلّا رَأيتُ البِشرَ وَاللُّطفَ وَالسُّرورَ مِنهُ إلّا هذا ، فَمَن هذا ؟!

قالَ : هذا مالِكٌ خازِنُ ، النّارِ وهكَذا خَلَقَهُ رَبُّهُ .

قالَ : فَإنّى اُحِبُّ أن تَطلُبَ إلَيهِ أن يُرِيَنى النّارَ .

فَقالَ لَهُ جَبرَئيلُ : إنَّ هذا مُحَمَّدٌ (2) رَسولُ اللّهِ ، وقَد سَأَلَنى أن أطلُبَ إلَيكَ أن تَرِيَهُ النّارَ .

قالَ : فَأخرَجَ لَهُ عُنُقاً مِنها ، فَرَآها ، فَما افتَرَّ ضاحِكا حَتّى قَبَضَهُ اللّهُ عز و جل . (3) .

1- .تفسير القمّى : ج 2 ص 4 ، بحار الأنوار : ج 18 ص 321 ح 34 .
2- .فى المصدر : «محمّدا» بالنصب ، والصواب ما أثبتناه كما فى بحار الأنوار وروضه الواعظين .
3- .الأمالى للصدوق : ص 696 ح 952 عن زراره ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 99 عن ابن بكير عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، روضه الواعظين : ص 557 ، بحار الأنوار : ج 18 ص 341 ح 48 .

772.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در خبر معراج : جبرئیل بالا رفت و من همراه او تا آسمان دنیا بالا رفتم. بر آن آسمان ، فرشته ای گماشته شده که به او اسماعیل می گویند و او مأمور[پیگیری] همان استراق سمع است که خدای عز و جلفرموده است: «مگر کسی که [از سخن عالم بالا] یک باره استراق سمع کند ، که [در این صورت]شهابی شکافنده ، از پیِ او می تازد» . هفتاد هزار فرشته تحت[فرمان] او بودند که تحت [فرمان] هر یک از آنان نیز هفتاد هزار فرشته بود . آن فرشته گفت: ای جبرئیل ! این همراه تو کیست ؟

جبرئیل گفت: محمّد . گفت: آیا مبعوث گشته است؟ جبرئیل گفت: آری.

پس [اسماعیل] در[آسمان دنیا] را گشود و من بر او سلام گفتم و او جواب سلامم را داد. من برایش آمرزش طلبیدم و او نیز برایم آمرزش طلبید و گفت: خوش آمدی ، ای برادر یک دل و پیامبر شایسته !

فرشتگان دیگر نیز به استقبال من آمدند تا آن که وارد آسمان دنیا شدم. هر فرشته ای به من می رسید ، خندان و شادان بود تا آن که یکی از فرشتگان به من رسید که مخلوقی تنومندتر از او ندیده ام. ظاهری زمخت و خشم آلود داشت. او نیز همچون دیگر فرشتگان ، برایم دعا کرد ؛ امّا خنده بر لب نداشت و آن شادی ای که در چهره دیگر فرشتگان دیده بودم ، در چهره او ندیدم. گفتم: «این کیست ، ای جبرئیل ؟ ! من از او ترسیدم» .

جبرئیل گفت: حق داری که از او بترسی. همه ما از او می ترسیم. او مالک [نام دارد و] دوزخبان است. او هرگز نخندیده است و از زمانی که خداوند ، وی را بر دوزخ گماشته ، روز به روز خشم و کین او بر دشمنان خدا و گنهکاران ، افزوده می شود . خداوند به واسطه او ، از ایشان انتقام می گیرد. اگر بنا بود پیش از تو یا پس از تو ، به روی کسی لبخند بزند ، قطعا بر روی تو نیز لبخند می زد ؛ لیکن او [هرگز] نمی خندد.773.رسول اللّه صلی الله علیه و آله فی مَوعِظَتِهِ امام باقر علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شبی که به آسمان برده شد، بر هر یک از مخلوقات خدا که گذشت ، او را نسبت به خود ، خوش رو و مهربان و خندان یافت ، تا آن که

بر یکی از مخلوقات خدا گذشت که نه به ایشان نگریست و نه به ایشان چیزی گفت، و چهره ای در هم و عبوس داشت. پیامبر صلی الله علیه و آله

فرمود : «ای جبرئیل ! من بر هر یک از مخلوقات خدا که گذشتم ، او را خوش رو و مهربان و شادمان دیدم ، مگر این یکی. او کیست؟» .

جبرئیل گفت: او مالک [نام دارد و] دوزخبان است . پروردگارش او را همین گونه آفریده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: دوست دارم که از او بخواهی آتش[دوزخ] را به من نشان دهد.

جبرئیل به مالک گفت: این ، محمّد پیامبر خداست. از من خواست تا از تو تقاضا کنم که آتش را به او بنمایانی.

مالک ، عدّه ای را از دوزخ بیرون آورد و پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را دید و با دیدن آنها تا زمانی که خداوند عز و جل جانش را ستاند ، دیگر نخندید. .

774.عنه صلى الله عليه و آله : الإمام علىّ عليه السلام : كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا تَبَسَّمَ يَرُدُّ يَدَهُ عَلى فيهِ ويَقولُ : سَمِعتُ جَبرَئيلَ عليه السلام يَقولُ : ما ضَحِكتُ مُنذُ خُلِقَت جَهَنَّمُ .

فَما رَأَيتُ نَواجِذَ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله مِن ضَحِكٍ بَعدَ ذلِكَ حَتّى قَبَضَهُ اللّهَ عز و جل . (1)راجع : ص 134 (الفصل الخامس : مواصفات جهنم / سواد جهنم) .

3 / 3تَحذيرُ الإمامِ عَلِيٍّ عليه السّلام778.عنه صلى الله عليه و آله : الإمام علىّ عليه السلام : ما شَرٌّ بِشَرٍّ بَعدَهُ الجَنَّةُ ، وما خَيرٌ بِخَيرٍ بَعدَهُ النّارُ . وكُلُّ نَعيمٍ دونَ الجَنَّةِ مَحقورٌ ، وكُلُّ بَلاءٍ دونَ النّارِ عافيَةٌ . (2) .

1- .الكامل فى ضعفاء الرجال : ج 5 ص 1781 عن سويد بن غفله ، سبل الهدى والرشاد : ج 7 ص 124 راجع : بحار الأنوار : ج 59 ص 260 ، الدر المنثور : ج 1 ص 93 ، كنز العمّال : ج 3 ص 145 ح 5896 .
2- .الكافى : ج 8 ص 24 ح 4 عن جابر بن يزيد الجعفى عن الإمام الباقر عليه السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 392 ح 5734 ، نهج البلاغه : الحكمه 387 ، التوحيد : ص 74 ح 27 ، الأمالى للصدوق : ص 400 ح 515 كلاهما عن جابر بن يزيد الجعفى عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 8 ص 199 ح 203 .

3 / 3 هشدار امام علی علیه السلام

779.عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه تبسّم می کرد، دستش را بر دهانش می نهاد و می فرمود: «از جبرئیل شنیدم که می گوید: از زمانی که دوزخ آفریده شد ، من نخندیده ام» .

من نیز از آن پس ، تا وقتی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله زنده بود ، ندیدم طوری بخندد که دندان های آسیایش دیده شوند .ر . ک : ص 135 (فصل پنجم : ویژگی های جهنّم / سیاهیِ جهنّم) .

3 / 3هشدار امام علی علیه السّلام783.الخصال عن إسماعیل بن الفضل : امام علی علیه السلام : شرّی که بهشت را در پی داشته باشد ، شر نیست، و خیری که در پی اش آتش باشد ، خیر نیست . هر نعمتی در قیاس با بهشت ، ناچیز است، و هر بلا و رنجی در برابر دوزخ ، عافیت است.

.

784.الإمام الصادق عليه السلام (لَمّا سُئِلَ عَن قَولِهِ تَعالى : {Q} «وَ سَبِّ) عنه عليه السلام : اِعلَموا أنَّهُ لَيسَ لِهذَا الجِلدِ الرَّقيقِ صَبرٌ عَلَى النّارِ ، فَارحَموا نُفوسَكُم ! فَإِنَّكُم قَد جَرَّبتُموها فى مَصائِبِ الدُّنيا .

أفَرَأَيتُم جَزَعَ أحَدِكُم مِنَ الشَّوكَةِ تُصيبُهُ ، وَالعَثرَةِ تُدميهِ ، وَالرَّمضاءِ تُحرِقُهُ؟ ! فَكَيفَ إذا كانَ بَينَ طابِقَينِ مِن نارٍ ، ضَجيعَ حَجَرٍ ، وقَرينَ شَيطانٍ ! أعَلِمتُم أنَّ مالِكا إذا غَضِبَ عَلَى النّارِ حَطَمَ بَعضُها بَعضا لِغَضَبِهِ ، وإذا زَجَرَها تَوَثَّبَت بَينَ أبوابِها جَزَعا مِن زَجرَتِهِ؟ !

أيُّها اليَفَنُ (1) الكَبيرُ ، الَّذى قَد لَهَزَهُ القَتِيرُ (2) ! كَيفَ أنتَ إذَا التَحَمَت أطواقُ النّارِ بِعِظامِ الأعناقِ ! ونَشَبَتِ الجَوامِعُ حَتّى أكَلَت لُحومَ السَّواعِدِ؟ ! (3)785.عنه عليه السلام (فى قَولِ اللّهِ عز و جل : {Q} «وَ مِنَ الَّيْل) عنه عليه السلام : كَفى بِالنّارِ عِقابا ووَبالاً . (4)786.مجمع البيان (فى قَولِهِ تَعالى : {Q} «وَ سَبِّحْهُ لَيْلاً ط) عنه عليه السلام : كَفى بِجَهَنَّمَ نَكالاً (5) . (6)787.بحار الأنوار : عنه عليه السلام : لا خَيرَ فى لَذَّةٍ بَعدَهَا النّارُ . (7)788.الإمام الصادق عليه السلام (فى قَولِهِ تَعالى : {Q} « وَ مِنَ الَّيْلِ فَسبِّحْهُ وَصِيَّتِهِ لِأَصحابِهِ : ألا وإنَّهُ لا فَقرَ بَعدَ الجَنَّةِ ، ألا وإنَّهُ لا غِنى بَعدَ النّارِ ؛ لايُفَكُّ أسيرُها ، ولا يَبرَأُ ضَريرُها . (8) .

1- .اليَفَنُ : الشيخ الكبير : (النهايه : ج 5 ص 299 «يفن») .
2- .لَهزَهُ القَتِير : خالطه الشيب (مجمع البحرين : ج 3 ص 1651 «لهز») .
3- .نهج البلاغه : الخطبه 183 ، الدروع الواقيه : ص 271 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 67 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 306 ح 68 .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 83 ، تحف العقول : ص 211 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 427 ح 44 .
5- .النَّكال : العقوبه (مجمع البحرين : ج 3 ص 1834 «نكل») .
6- .غرر الحكم : ح 7018 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 385 ح 6503 .
7- .كتاب من لايحضره الفقيه : ج 4 ص 392 ح 5834 ، الأمالى للصدوق : ص 587 ح 809 عن محمّد بن قيس عن الإمام الباقر عنه عليهماالسلام ، بحار الأنوار : ج 41 ص 104 ح 5 .
8- .الكافى : ج 2 ص 216 ح 2 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 202 كلاهما عن أبى جميله عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 68 ص 212 ح 2 .

789.عنه علیه السلام (فی قَولِهِ تَعالی : {Q} «وَ مِنَ الَّیْلِ فَسَب) امام علی علیه السلام : بدانید که این پوستِ نازک ، تاب آتش ندارد . پس بر خویشتن رحم کنید ، که شما خود را در رنج و سختی های دنیا آزموده اید [و می دانید که یارای تحمّل کوچک ترین سختی های آن را ندارید ؛ چه رسد به آتش آخرت] .

آیا دیده اید که هر یک از شما ، از خاری که در بدن او می خَلَد یا از لغزیدنی که خونینش می کند یا از دیگی داغ که پایش را می سوزاند ، چه سان بی تابی می کند؟ پس چگونه است آن گاه که میان دو لایه از آتش قرار گیرد ، و هم بسترِ سنگ باشد و همدم شیطان؟ ! آیا می دانید که مالک (فرشته دوزخیان) آن گاه که بر آتش ، خشم گیرد ، از خشم او آتش به تلاطم در می آید، و آن گاه که بر آن نهیب بزند، از نهیب او، بی تابانه میان درهایش در هم می جهد؟ !

ای پیر سال خورده، که موی سپید [و ناتوانیِ پیری] وجودت را فرا گرفته است ! چه حالی خواهی داشت آن گاه که طوق های آتش به استخوان های گردن فرو چسبد، و کُنده ها[ی آتشین] چنان فرو گیرند که گوشت ساعدها را بخورند؟ !790.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : آتش، خود، برای کیفر و مجازات ، کافی است .791.الإمام علیّ علیه السلام : امام علی علیه السلام : برای گوشمالی دادن، دوزخ، خود، کافی است .792.تهذیب الأحکام عن عقبه بن عامر الجهنی : امام علی علیه السلام : در لذّتی که از پی اش آتش باشد ، خیری نیست .793.الدعاء للطبرانی عن حذیفه : امام علی علیه السلام در سفارش به یارانش : آگاه باشید که پس از [دستیابی به]بهشت ، فقری نیست . آگاه باشید که پس از [گرفتار شدن به] دوزخ ، توانگری ای نیست . اسیر دوزخ ، آزاد نمی گردد و نابینایش بهبود نمی یابد . .

794.صحيح مسلم عن عائشه : عنه عليه السلام : عِبادَ اللّهِ ! . . . اِرغَبوا فى ثَوابِ اللّهِ ، وَارهَبوا عَذابَهُ . (1)795.سنن أبى داوود عن عوف بن مالک الأشجعى : عنه عليه السلام : اِتَّقُوا اللّهَ حَقَّ تُقاتِهِ ، وَاسعَوا فى مَرضاتِهِ ، وَاحذَروا ما حَذَّرَكُم مِن أليمِ عَذابِهِ . (2)796.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : عنه عليه السلام : اِجعَل كُلَّ هَمِّکَ وسَعيکَ لِلخَلاصِ مِن مَحَلِّ الشَّقاءِ وَالعِقابِ ، وَالنَّجاهِ مِن مَقامِ البَلاءِ وَالعَذابِ . (3)797.الإمام الصادق عليه السلام : عنه عليه السلام : احذَروا نارا لَجَبُها عَتيدٌ ، ولَهَبُها شَديدٌ ، وعَذابُها أبَداً جَديدٌ . (4)798.الكافى عن أبان بن تغلب : عنه عليه السلام : احذَروا نارا قَعرُها بَعيدٌ ، وحَرُّها شَديدٌ ، وعَذابُها جَديدٌ! دارٌ لَيسَ فيها رَحمَهٌ ، ولا تُسمَعُ فيها دَعوَهٌ ، ولا تُفَرَّجُ فيها كُربَهٌ . (5)799.الكافى عن أبى بكر الحضرمى : عنه عليه السلام : اِتَّقوا نارَا حَرُّها شَديدٌ ، وقَعرُها بَعيدٌ ، وحِليَتُها حَديدٌ ، وشَرابُها صَديدٌ . (6)800.الإمام علىّ عليه السلام (لَمّا سُئِلَ عَن قَولِ اللّهِ عز و جل : {Q} «و) عنه عليه السلام : لِعُثمانَ بنِ حُنَيفٍ : اِتَّقِ اللّهِ يَا بنَ حُنَيفٍ ، وَلتَكفُف (7) أقراصُکَ لِيَكونَ مِنَ النّارِ خَلاصُکَ . (8)801.سنن أبى داوود عن أبى برزه الأسلمى : عنه عليه السلام : كَيفَ مَن عَصى (9) بِالسَّمعِ وَالبَصَرِ وَاللِّسانِ وَاليَدِ وَالرِّجلِ وَالفَرْجِ وَالبَطنِ إن لَم يَغفِرِ اللّهُ لَهُ ويَرحَمهُ مِن ذلِکَ اليَومِ ؟! لِأَنَّهُ يُقضى ويَصيرُ إلى غَيرِهِ ، إلى نارٍ قَعرُها

بَعيدٌ ، وحَرُّها شَديدٌ ، وشَرابُها صَديدٌ ، وعَذابُها جَديدٌ ، ومَقامِعُها حَديدٌ ، لا يَفتُرُ (10) عَذابُها ، ولا يَموتُ سُكّانُها ، دارٌ ليس فيها رَحمَهٌ ، ولا يُسمَعُ لِأَهلِها دَعوَهٌ . (11) .

1- .تحف العقول : ص 153 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 294 ح 2 ؛ الإمامه والسياسه : ج 1 ص 70 .
2- .غرر الحكم : ح 2521 .
3- .غرر الحكم : ح 2438 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 76 ح 1849 .
4- .غرر الحكم : ح 2620 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 104 ح 2338 نحوه .
5- .نهج البلاغه : الكتاب 27 ، غرر الحكم : ح 2619 وفيه إلى «حرّها شديد» ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 11 ، أعلام الدين : ص 248 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 324 ح 101 .
6- .نهج البلاغه : الخطبه 120 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 306 ح 67 .

7- .فی بحار الأنوار : «وَلتکفِکَ» .
8- .نهج البلاغه : الکتاب 45 ، بحار الأنوار : ج 33 ص 476 ح 686 .
9- .کذا فی النسخ ، والظاهر أنّ الصواب : «کیف بمن عصی» (هامش المصدر) .
10- .لا یفتر : لا یسکن ولا ینقطع عنهم العذاب (مجمع البحرین : ج 3 ص 1358 «فتر») .
11- .الأمالی للمفید : ص 266 ح 3 ، الأمالی للطوسی : ص 29 ح 31 کلاهما عن أبی إسحاق الهمدانی ، الغارات : ج 1 ص 241 عن عبایه نحوه ، بحار الأنوار : ج 77 ص 389 ح 11 .

802.المستدرک عن عائشه : امام علی علیه السلام : بندگان خدا !... به پاداش خدا راغب باشید و از عذابش بهراسید.803.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : از خدا، چنان که سزاوار پرواداری است، پروا بدارید و در کسب خشنودیِ او بکوشید، و از عذاب دردناکش که شما را از آن بر حذر داشته است بپرهیزید .804.عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : تمام همّت و تلاش خویش را برای رهایی از محلّ رنج و کیفر ، و نجات از جایگاه بلا و عذاب ، به کار بگمار .805.عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : بترسید از آتشی که بس پر جوش و خروش است، زبانه هایش سخت، و عذابش هماره نو.806.الإمام الباقر علیه السلام : امام علی علیه السلام : بترسید از آتشی که ژرفایش ناپیدا ، گرمایش سخت و عذابش تازه است ! سرایی است که در آن ، هیچ رحمی نیست ، هیچ دعا و فریادی شنیده نمی شود، و هیچ اندوهی گشاده نمی گردد.807.الإمام الصادق علیه السلام : امام علی علیه السلام : بترسید از آتشی که گرمایش سخت است، و ژرفایش دور، زیورش آهن[تفته] است و نوشیدنی اش چرکابه .808.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام به عثمان بن حُنیف : ای پسر حُنیف ! از خدا بترس و به چند قُرص نانت بسنده کن تا از آتش ، رهایی یابی.809.الإمام الصادق علیه السلام : امام علی علیه السلام : چه آید بر سرِ کسی که با گوش و چشم و زبان و دست و پا و فرج و شکم ، گناه نموده است، اگر خداوند ، او را نیامرزد و از [شدایدِ] آن روز ، بر وی رحم نیاورد؟ ! زیرا چنین کسی [از سختی های آن روز] می گذرد و ره سپار مرحله ای دیگر می شود : ره سپار آتشی که ژرفایش دور است و گرمایش سخت .

نوشیدنی اش چرکابه ، عذابش نو به نو و گرزهایش آهنین است . عذابش فروکش نمی کند، و ساکنانش هرگز نمی میرند. سرایی که در آن ، هیچ رحمتی نیست و دعای اهل آن ، هرگز شنیده [و اجابت] نمی شود. .

810.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : عنه عليه السلام : فى خُطبَهٍ يَذكُرُ فيها جَزاءَ المُذنِبينَ يَومَ القِيامَهِ : أمّا أهلُ المَعصِيَهِ فَأنزَلَهُم شَرَّ دارٍ ، وغَلَّ الأيدِيَ إلَى الأعناقِ ، وقَرَنَ النَّواصِيَ بِالأقدامِ ، وألبَسَهُم سَرابيلَ القَطِرانِ ومُقَطَّعاتِ النّيرانِ ، فى عَذابٍ قَدِ اشتَدَّ حَرُّهُ ، وبابٍ قَد اُطبِقَ عَلى أهلِهِ ، فى نارٍ لَها كَلَبٌ (1) ولَجَبٌ (2) ، ولَهَبٌ ساطِعٌ ، وقَصيفٌ (3) هائِلٌ ، لا يَظعَنُ مُقيمُها ، ولا يُفادى أسيرُها ، ولا تُفصَمُ (4) كُبولُها (5) ، لا مُدَّهَ لِلدّارِ فَتَفنى ، ولا أجَلَ لِلقَومِ فَيُقضى . (6)811.الإمام علىّ عليه السلام كانَ إذا سَمِعَ الرَّ عنه عليه السلام : فى صِفَهِ نارِ جَهَنَّمَ : فَاللّهَ اللّهَ عِبادَ اللّهِ ! فَإنَّ الدُّنيا ماضِيَهٌ بِكُم عَلى سَنَنٍ (7) ، وأنتُم وَالسّاعَهُ فى قَرَنٍ وكَأنَّها قَد جاءَت بِأشراطِها ، وأزِفَت بِأفراطِها (8) ، ووَقَفَت بِكُم عَلى صِراطِها . وكَأنَّها قَد أشرَفَت بِزَلازِلِها ، وأناخَت بِكَلاكِلِها (9) ، وَانصَرَمَتِ الدُّنيا بِأهلِها ، وأخرَجَتهُم مِن حِضنِها ، فَكانَت كَيَومٍ مَضى ، أو شَهرٍ انقَضى ، وصارَ

جَديدُها رَثّا ، وسَمينُها غَثّا ، فى مَوقِفٍ ضَنكِ المَقامِ ، وأُمورٍ مُشتَبِهَهٍ عِظامٍ ، ونارٍ شَديدٍ كَلَبُها ، عالٍ لَجَبُها ، ساطِعٍ لَهَبُها ، مُتَغَيِّظٍ زَفيرُها ، مُتَأجِّجٍ سَعيرُها ، بَعيدٍ خُمودُها ، ذاكٍ (10) وَقودُها ، مَخوفٍ وَعيدُها ، عَمٍ (11) قَرارُها ، مُظلِمَهٍ أقطارُها ، حامِيَهٍ قُدورُها ، فَظيعَهٍ أُمورُها . (12) .

1- .كَلِبَ : أى اشتدّ ، يقال : كَلَب الدهرُ على أهله ؛ إذا ألحّ عليهم واشتدّ (النهايه : ج 4 ص 195 «كلب») .
2- .اللَّجَبْ : الصوت والصياح (لسان العرب : ج 1 ص 735 «لجب») .
3- .القَصيف : صوت هائل يشبه صوت الرعد (النهايه : ج 4 ص 74 «قصف») .
4- .الفَصْم : أن ينصدع الشىء فلا يبين ، ويروى بالقاف وهو قريب منه (النهايه : ج 3 ص 452 «فصم») .
5- .الكَبْل : قيد ضخم (النهايه : ج 4 ص 144 «كبل») .
6- .نهج البلاغه : الخطبه 109 ، بحار الأنوار : ج 7 ص 114 ح 49 .
7- .السّنن : الطريقه ، وسننُ الطريق : محجّته (لسان العرب : ج 13 ص 226 «سنن») . والمراد إنّ الدنيا تفعل بكم فعلها بمن سبقكم (صبحى الصالح) .
8- .الفَرط : العَلَم المستقيم يُهتدى به ، والفَرَط : الذى يتقدّم (مجمع البحرين : ج 3 ص 1384 «فرط») .

9- .الكَلْكَل : الصّدر من كلّ شىء ، وقيل : هو ما بين التّرقُوَتين (لسان العرب : ج 11 ص 596 «كلل») .
10- .ذَكتَ النار : اشتدّ لهبها واشتعلت (لسان العرب : ج 14 ص 287 «ذكا») .
11- .من التعميه والاخفاء والتلبيس (النهايه : ج 3 ص 304 «عما») .
12- .نهج البلاغه : الخطبه 190 ، بحار الأنوار : ج 7 ص 207 ح 95 .

812.شرح الأخبار عن عیسی بن عبد اللّه بن عمر : امام علی علیه السلام در خطبه ای که در آن ، از مجازات گنهکاران در روز رستاخیز ، یاد می کند : گنهکاران را در بدترین سرای ، جای می دهد، دست ها را با کُند و زنجیر به گردن ها می بندد، زلف ها را به پاها گره می زند و جامه هایی از قطران و تکّه های آتش ، بر ایشان می پوشاند ؛ در دوزخی که گرمایش سخت و سوزان است و دری که بر روی اهل دوزخ فرو بسته شده است ؛ در آتشی دیوانه وار و پرخروش، با شعله هایی سرکش، که فریادی رعدآسا و هولناک دارد ؛ ساکنانش از آن جا رخت بر نمی بندند، اسیرانش با هیچ بهایی آزاد نمی شوند و زنجیرهایش از هم نمی گسلد ؛ آن سرای را عمری نیست که به سر آید و ساکنانش را اجلی نیست که به پایان رسد [تا خلاص شوند].813.تفسیر العیّاشی عن یونس بن عبد الرحمن عن داوود : امام علی علیه السلام در وصف آتش دوزخ : خدا را خدا را ای بندگان خدا که دنیا همه شما را بر یک راه می برد [همان راه منتهی به آخرت که گذشتگان نیز رفتند] ، و شما و [زمانِ] قیامت ، به یک ریسمان بسته شده اید (1) و تو گویی قیامت [هم اینک] نشانه های خود را آورده، پرچم هایش را نزدیک ساخته و شما را بر گذرگاه صراط ، نگه داشته است، و گویا [هم اکنون] زلزله هایش را پیش آورده و [چونان اشتری] سینه خویش را بر زمین نهاده [و تحقّق یافته]است. دنیا از اهل خود ، بریده و آنان را از آغوش خویش بیرون افکنده است. گویا روزی بود که گذشت، یا ماهی بود که به پایان رسید . تازه آن ، کهنه گردیده و فربه آن ، لاغر گشته است ؛ در جایگاهی تنگ ، با کارهایی در هم و بزرگ و آتشی سخت گزنده

که هیاهویش بلند است و زبانه اش سرکش و خروشش خشم آلود، شعله اش فروزان است و فسرده شدنش دور و دیر ، هیمه اش پرشعله است و تهدیدش خوف انگیز ، ژرفای آن ناپیدا و کران تا کرانش غرقه در تاریکی است، ریگ هایش جوشان، و کارهایش وحشتناک است. .

1- .همچون دو شتر ، که به یک ریسمان بسته شده باشند .

814.كتاب من لا يحضره الفقيه : عنه عليه السلام : لِلأَحنَفِ بنِ قَيسٍ بَعدَ أن ذَكَرَ لَهُ نَعيمَ الجَنَّهِ : إن فاتَکَ يا أحنَفُ ما ذَکَرتُ لَکَ فی صَدرِ کَلامی لَتُترَکَنَّ فی سَرابيلِ القَطِرانِ ، ولَتَطوفَنَّ بَينَها وبَينَ حَميمٍ آنٍ ، ولَتُسقيَنَّ شَرابا حارَّ الغَلَيانِ فی إنضاجِهِ ، فَکَم يَومَئِذٍ فِی النّارِ مِن صُلبٍ مَحطومٍ ، ووَجهٍ مَهشومٍ ، ومُشَوَّهٍ مَضروبٍ عَلی الخُرطومِ ، قَد أکَلَتِ الجامِعَهُ کَفَّهُ ، وَالتَحَمَ الطَّوقُ بِعُنُقِهِ .

فَلَو رَأَيتَهُم يا أحنَفُ يَنحَدِرونَ فی أودِيَتِها ، ويَصعَدونَ جِبالَها ، و قَد اُلبِسُوا المُقَطَّعاتِ مِنَ القَطِرانِ ، وَاُقرِنوا مَعَ فُجّارِها وشَياطينِها ، فَإِذَا استَغاثوا بِأسوَاَ?أخذٍ (1) مِن حَريقٍ ، شَدَّت عَلَيهِم عَقارِبُها و حَيّاتُها .

ولَو رَأَيتَ مُنادِيا يُنادی و هُوَ يَقولُ : يا أهلَ الجَنَّهِ ونَعيمِها ! ويا أهلَ خُلِيِّها وحُلَلِها ! خُلودٌ فَلا مَوتَ ! فَعِندَها يَنقَطِعُ رَجاؤُهُم ، وتُغلَقُ الأبوابُ ، وتَنقَطِعُ بِهِمُ الأسبابُ . فَکَم يَومَئِذٍ مِن شَيخٍ يُنادی : وا شَيبَتاه ! وکَم مِن شَبابٍ (2) يُنادی : وا شَباباه ! وکَم مِن امرَأهٍ تُنادی : وا فَضيحَتاه ! هُتِکَت عَنهُمُ السُّتورُ ، فَکَم يَومَئِذٍ مِن مَغموسٍ بَينَ أطباقِها مَحبوسٌ ، يا لَکَ غَمسَهٌ ألبَسَتکَ بَعدَ لِباسِ الکَتّانِ ، وَالماءِ المُبَرَّدِ عَلَی

الجُدرانِ ، وأکلِ الطَّعامِ ألوانا بَعدَ ألوانٍ ؛ لِباسا لَم يَدَع لَکَ شَعرا ناعِما کُنتَ مُطعَمَهُ (3) إلّا بَيَّضَهُ ، ولا عَينا کُنتَ تُبصِرُ بِها إلی حَبيبٍ إلّا فَقَأَها . هذا ما أعَدَّ اللّهُ لِلمُجرِمينَ ! (4) .

1- .لا توجد عباره : «بأسوأ أخذٍ» فی بحار الأنوار : ج 7 ص 220 وهو الأنسب للسياق .
2- .فی بحار الأنوار : «من شابٍّ» .
3- .کذا ، وليست عباره : «کنت مطعمه» فی ج 7 من بحار الأنوار .
4- .صفات الشيعه : ص 123 ح 63 عن محمّد بن الحنفيّه ، بحار الأنوار : ج 7 ص 220 ح 32 و ج 68 ص 172 ح 31 .

815.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام پس از بیان نعمت های بهشت برای احنف بن قیس : ای احنف ! اگر آنچه را [از این نعمت ها]که در آغاز سخنم برایت گفتم ، از دست دادی، آن گاه است که بی گمان، در جامه هایی از قَطران خواهی بود، و میان آن [آتش] و میان آبی جوشان ، سرگردان می شوی، و از نوشیدنی ای داغ و جوشان و پَزان ، نوشانده خواهی شد. در آن روز، چه کمرهای خُرد شده و چهره های متلاشی شده و بدْریخت و بینی های در هم شکسته که در آتش خواهند بود ؛ انسان هایی که کند و زنجیر ، دست های آنها را خورده و طوق ها در گردنشان فرو رفته است.

ای احنف ! کاش آنان را ببینی که در دره های دوزخ ، پایین و از کوه های آن ، بالا می روند ، در حالی که جامه هایی از قَطران بر ایشان پوشانیده اند و با تبهکاران و اهریمنانِ آن جا همدم گشته اند. هر گاه از بدترین مجازات آتش ، فریاد کمک سر دهند ، کژدم ها و مارهای دوزخ ، سخت بر آنان یورش می آورند.

کاش آواز دهنده ای را ببینی که می گوید: «ای بهشتیانِ غوطه ور در نعمت های آن ، و ای برخورداران از جامه ها و زیورهای آن ! جاودانه بمانید که مرگی در کار نیست» . در این هنگام، امید آن [دوزخی]ها قطع می گردد، درها [به رویشان]بسته می شود و رشته ها[ی روابط] میانشان بریده می شود . در آن روز، چه پیرها که فریاد می زنند: ای داد از پیری ! و چه جوان ها که فریاد بر می آورند: ای داد از جوانی ! و چه زن ها که فریاد می زنند: ای داد از رسوایی ! پرده ها از ایشان دریده می گردد [و رسوا می شوند].

در آن روز، چه بسیار کسانی که در میان طبقات دوزخ ، غوطه ور و محبوس اند. خدا به داد تو رسد [ای احنف] از آن غوطه ور شدنی که بعد از پوشیدن جامه های کتانی[نرم و لطیف] و [نوشیدن] آبِ خنک شده در کنار دیوارها، و خوردن غذاهای رنگارنگ [در دنیا] جامه ای بر تو می پوشاند که هر

موی نرم و

لطیفی را که به تو ارزانی شده باشد ، سفید می گرداند و چشمانی را که با آن ، عزیزی را می دیده ای ، از کاسه به در می آورد. این است آنچه

خداوند برای گنهکاران ، آماده ساخته است. .

816.المعجم الكبير عن عمران بن الحصين : عنه عليه السلام : فى خُطبَةٍ لَهُ طَويلَةٍ : فَتَصيرُ يا ذَا الدّلالِ وَالهَيئَةِ وَالجَمالِ إلى مَنزِلَةٍ شَعثاءَ ، ومَحَلَّةٍ غَبَراءَ ، فَتُنَوَّمُ عَلى خَدِّکَ فى لَحدِکَ ، فى مَنزِلِ قَلَّ زُوّارُهُ ، ومَلَّ عُمّالُهُ ، حَتّى تُشَقَّ عَنِ القُبورِ ، وتُبعَثَ إلَى النُّشورِ ، فَإن خُتِمَ لَکَ بِالسَّعادَةِ صِرتَ إلَى الحُبورِ (1) ، وأنتَ مَلِکٌ مُطاعٌ، وآمِنٌ لا يُراعُ، يَطوفُ عَلَيكُم ولدانٌ كَأَنَّهُمُ الجُمانُ بِكَأسٍ مِن مَعينٍ بَيضاءَ لَذَّةٍ لِلشّارِبينَ . أهلُ الجَنَّةِ فيها يَتَنَعَّمونَ، وأهلُ النّارِ فيها يُعَذَّبونَ، هؤُلاءِ فِى السُّندُسِ وَالحَريرِ يَتَبَختَرونَ، وهؤُلاءِ فِى الجَحيمِ وَالسَّعيرِ يَتَقَلَّبونَ، هؤُلاءِ تُحشى جَماجِمُهُم بِمِسكِ الجِنانِ، وهؤُلاءِ يُضرَبونَ بِمَقامِعِ النّيرانِ، هؤُلاءِ يُعانِقونَ الحورَ فى الحِجالِ، وهؤُلاءِ يُطَوَّقونَ أطواقا فِى النّارِ بِالأَغلالِ، فى قَلبِهِ فَزَعٌ قَد أعيَا الأَطِبّاءَ ، وبِهِ داءٌ لا يَقبَلُ الدَّواءَ . (2) .

1- .الحُبُور : السرور (الصحاح : ج 2 ص 620 «حبر») .
2- .الأمالى للطوسى : ص 652 ح 1353 عن شريح القاضى ، بحار الأنوار : ج 77 ص 371 ح 35 .

817.مکارم الأخلاق عن عبد اللّه بن مسعود عن رسول اللّه امام علی علیه السلام در خطبه ای بلند : تو با آن همه ناز و کرشمه و خوش سیمایی و جمالت، به منزلی آشفته و ویرانه و جایگاهی پر از خاک و غبار [یعنی گور]می روی، و در لحد خویش ، بر گونه ات خوابانده می شوی ، در منزلی که دیدار کنندگانش اندک اند و کارگرانش خسته و دل تنگ ، تا آن گاه که از گور ، سر بر آوری و به صحرای محشر روانه شوی. در آن هنگام، اگر مُهر سعادت بر تو خورده باشد، ره سپار [سرای] شادمانی می شوی، و پادشاهی مُطاع و آسوده خاطری بی هراس خواهی بود . پسرکانی مرواریدسان ، با جامی از باده ناب و سپید که نوشندگان را لذّتی خاص می دهد، بر گرد شما به گردش در می آیند. بهشتیان در بهشت ، در ناز و نعمت به سر می برند و دوزخیان در دوزخ ، عذاب می کشند. آنان در جامه هایی از پرنیان نرم و حریر می خرامند و اینان در دوزخ و آتشِ سوزان ، دست و پا می زنند . آنان جمجمه هایشان از مُشک بهشتی پر شده است، و بر سر اینان گرزهای آتشین ، فرو کوفته می شود. آنان با سیه چشمان بهشتی ، در حجله ها هم آغوش می شوند، و بر گردن اینان طوق ها و غل و زنجیرهایی از آتش ، بسته می شود . [اهل دوزخ ،] در دلش وحشتی است که طبیبان را [از درمانش]ناتوان ساخته، و در او ، دردی است که درمان نمی پذیرد. .

الفَصلُ الرّابع: الحث على ذكر جهنم والاستعاذه منها4 / 1ذِكرُ جَهَنَّمَ821.الإمام الصادق عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : اُذكُروا مِنَ النّارِ ما شِئتُم ، فَلا تَذكُرونَ مِنها شَيئا إلّا وهِيَ أشَدُّ مِنهُ .
(1)822.عيون أخبار الرضا عليه السلام عن رجاء بن أبى الضحّ المطالب العاليه عن عبد اللّه بن عمر : سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ : لا تَنسَوُا العَظيمَينِ . قُلنا : ومَا العَظيمانِ ؟ قالَ : اَلجَنَّهُ وَالنّارُ .

فَذَكَرَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ما ذَكَرَ ثُمَّ بَكى حَتّى جَرى أو بَلَّ الدَّمعُ جانِبَى لِحيَتِهِ ، ثُمَّ قالَ : وَالَّذى نَفسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ ! لَو تَعلَمونَ مِنَ الأَمرِ ما أعلَمُ لَمَشَيتُم إلى الصَّعيدِ فَحَثَيتُم عَلى رُؤوسِكُمُ التُّرابَ . (2)823.الإمام العسكرىّ عليه السلام : المستدرک على الصحيحين عن سَهل بن سعد : إنَّ فَتىً مِنَ الأَنصارِ دَخَلَتهُ خَشيَهٌ مِنَ النّارِ فَكانَ يَبكى عِندَ ذِكرِ النّارِ حَتّى حَبَسَهُ ذلِکَ فِى البَيتِ ، فَذُكِرَ ذلِکَ لِلنَّبِىِّ صلى الله عليه و آله فَجاءَهُ فى البَيتِ ، فَلَمّا دَخَلَ عَلَيهِ اعتَنَقَهُ الفَتى وخَرَّ مَيِّتا ، فَقالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : جَهِّزوا

صاحِبَكم ؛ فَإِنَّ الفَرَقَ (3) فَلَّذَ (4) كَبِدَهُ . (5) .

1- .تنبيه الغافلين : ص 70 ح 58 ، سير أعلام النبلاء : ج 4 ص 406 عن محمّد بن على من دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه و آله .
2- .المطالب العاليه : ج 3 ص 219 ح 3309 ، الرّقه والبكاء لابن أبى الدنيا : ص 109 ح 102 نحوه ، صفه النار لابن أبى الدنيا : ص 15 ح 2 ، التاريخ الكبير : ج 1 ص 417 الرقم 1334 وفيه إلى «الجنّه والنار» ، الترغيب والترهيب : ج 4 ص 457 ح 14 نقلاً عن أبى يعلى .
3- .الفَرَقْ : الخوف والفزع (النهايه : ج 3 ص 438 «فرق») .
4- .يقال : فَلّذتُ اللحم تفليذا ؛ إذا قطّعته (لسان العرب : ج3 ص 503 «فلذ») .
5- .المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 536 ح 3828 ، شعب الإيمان : ج 1 ص 530 ح 936 ، الزهد لابن المبارک (الملحقات) : ص 92 ح 320 نحوه ، كنز العمّال : ج 3 ص 146 ح 5900 .

فصل چهارم : تشویق به یاد کردن از جهنّم و پناه بردن از آن به خدا

4 / 1 یاد جهنّم

فصل چهارم : تشویق به یاد کردن از جهنّم و پناه بردن از آن به خدا4 / 1یاد جهنّم827.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در باره آتش هر چه خواستید، بگویید؛ زیرا هر چه از آن بگویید ، بازهم بدتر و سخت تر از آن وجود دارد. (1)828.عنه صلی الله علیه و آله : المطالب العالیه به نقل از عبد اللّه بن عمر : از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرماید: «دو بزرگ را فراموش نکنید» .

گفتیم: دو بزرگ چیست؟

فرمود: «بهشت و آتش» .

آن گاه ، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله [از دوزخ] گفت و گفت . سپس چندان گریست که اشک از دو گوشه محاسنش جاری شد یا آنها را تر کرد . آن گاه فرمود: «سوگند به آن که جان محمّد در دست اوست، اگر آنچه من در این باره می دانم ، شما نیز می دانستید ، سر به صحرا می گذاشتید و خاک بر سر خود می ریختید» .829.عنه صلی الله علیه و آله : المستدرک علی الصحیحین به نقل از سهل بن سعد : ترس از آتش[دوزخ] ، وجود جوانی از انصار را فرا گرفت و هنگام یادکرد از دوزخ ، می گریست . سرانجام ، این حالت ، او را خانه نشین کرد. ماجرا را به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند و ایشان به خانه اش نزد او رفت. چون وارد خانه شد، آن جوان ایشان را در آغوش گرفت

و افتاد و مُرد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «برادرتان را آماده دفن کنید ، که ترس و وحشت ، جگر او را پاره پاره کرد» .

.

1- .یعنی : از سختی ها و رنج های دوزخ ، هر چه بگویید ، باز کم گفته اید .

830.عنه صلى الله عليه و آله : الإمام علىّ عليه السلام : أكثِر ذِكرَ الآخِرَهِ وما فيها مِنَ النَّعيمِ وَالعَذابِ الأَليمِ ؛ فَإِنَّ ذلِکَ يُزَهِّدُکَ فِى الدُّنيا ويُصَغِّرُها عِندَکَ . (1)831.عنه صلى الله عليه و آله : عنه عليه السلام : الجَنَّهُ حَسرَهُ أَهلِ النّارِ ، وَالنّارُ مَوعِظَهُ المُتَّقينَ . (2)832.عنه صلى الله عليه و آله : عنه عليه السلام : فى وَصفِ المُتَّقينَ : هُم وَالجَنَّهُ كَمَن قَد رَآها ؛ فَهُم فيها مُنَعَّمونَ ، وهُم وَالنّارُ كَمَن قَد رَآها ؛ فَهُم فيها مُعَذَّبونَ . . . أمَّا اللَّيلَ فَصافّونَ أقدامَهُم ، تالينَ لِأَجزاءِ القُرآنِ ، يُرَتِّلونَها تَرتيلاً ، يُحَزِّنونَ بِهِ أنفُسَهُم ، ويَستَثيرونَ بِهِ دَواءَ دائِهِم ؛ فَإِذا مَرّوا بِآيَهٍ فيها تَشويقٌ رَكَنوا إلَيها طَمَعا ، وتَطَلَّعَت نُفوسُهُم إلَيها شَوقا ، وظَنّوا أنَّها نُصبُ أعيُنِهِم ، وإذا مَرّوا بِآيَهٍ فيها تَخويفٌ أصغَوا إلَيها مَسامِعَ قُلوبِهِم ، وظَنّوا أنَّ زَفيرَ جَهَنَّمَ وشَهيقَها فى أُصولِ آذانِهِم ، فَهُم حانونَ عَلى أوساطِهِم ، مُفتَرِشونَ لِجِباهِهِم وأكُفِّهِم ورُكَبِهِم وأطرافِ أقدامِهِم يَطلُبونَ إلَى اللّهِ تَعالَى فى فَكاکِ رِقابِهِم . (3)833.عنه صلى الله عليه و آله : الإمام زين العابدين عليه السلام : ألا ومَنِ اشتاقَ إلَى الجَنَّهِ سَلا (4) عَنِ الشَّهَواتِ ، ومَن أشفَقَ مِنَ النّارِ رَجَعَ عَنِ المُحَرَّماتِ ، ومَن زَهِدَ فِى الدُّنيا هانَت عَلَيهِ المَصائِبُ .

ألا إنَّ للّهِ عِبادا كَمَن رَأى أهلَ الجَنَّهِ فِى الجَنَّهِ مُخَلَّدينَ ، وكَمَن رأى أهلَ النّارِ فِى النّارِ مُعَذَّبينَ ، شُرورُهُم مَأمونَهٌ ، وقُلوبُهُم مَحزونَهٌ ، أنفُسُهُم عَفيفَهٌ ، وحَوائِجُهُم خَفيفَهٌ ، صَبَروا أيّاما قَليلَهً ، فَصاروا بِعُقبى راحَهٍ طَويلَهٍ ، أمَّا اللَّيلَ فَصافّونَ أقدامَهُم ، تَجرى دُموعُهُم عَلى خُدودِهِم وهُم يَجأرونَ إلى رَبِّهِم ، يَسعَونَ فى فَكاکَ رِقابِهِم ، وأمَّا النَّهارَ فَحُلَماءُ ، عُلماءُ ، بَرَرَهٌ ، أتقِياءُ ، كَأنَّهُمُ القِداحُ ، قَد بَراهُمُ الخَوفُ مِنَ العِبادَهِ ، يَنظُرُ إلَيهِمُ النّاظِرِ فَيَقولُ : مَرضى وما بِالقَومِ مِن مَرَضٍ أم خولِطوا ! فَقَد خالَطَ القَومَ أمرٌ عَظيمٌ ؛ مِن ذِكرِ النّارِ وما فيها . (5) .

1- .تحف العقول : ص 76 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 205 ح 1 .
2- .الكافى : ج 2 ص 50 ح 1 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام عن الأصبغ بن نباته ، تحف العقول : ص 164 ، بحار الأنوار : ج 68 ص 350 ح 18 .
3- .نهج البلاغه : الخطبه 193 ، تحف العقول : ص 159 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 391 ح 2663 ، التمحيص : ص 70 ح 170 كلّها عن همام ، الأمالى للصدوق : ص 667 ح 897 ، صفات الشيعه : ص 97 ح 35 كلاهما عن عبد

الرحمن بن كثير الهاشمى عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، بحار الأنوار : ج 67 ص 315 ح 50 .
4- .سَلَوتُ : أى صَبَرتُ (مجمع البحرين : ج 2 ص 875 «سلا») .
5- .الكافى : ج 2 ص 132 ح 15 عن أبيحمزه عن الإمام الباقر عليه السلام ، تحف العقول : ص 281 ، كنز الفوائد : ج 1 ص 90 عن نوف البكالى عن الإمام علىّ عليه السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 73 ص 43 ح 18 ؛ عيون الأخبار لابن قتيبه : ج 2 ص 353 ، البدايه والنهايه : ج 8 ص 6 وزاد فيه «ومن طلب الجنّه سارع إلى الطاعات» بعد «المحرّمات» وليس فيهما «قد براهم الخوف من العباده» و«من ذِكر النار وما فيها» ، كنز العمّال : ج 3 ص 719 ح 8565 وراجع : مختصر تاريخ دمشق : ج 26 ص 222 .

834.الإمام الحسن علیه السلام فی ذِکرِ أسئِلَهِ ال امام علی علیه السلام : از آخرت و نعمت ها و عذاب دردناک آن ، بسیار یاد کن؛ زیرا این کار ، تو را به دنیا بی رغبت می سازد و آن را در نزد تو ، خوار و بی مقدار می گرداند .835.علل الشرایع : امام علی علیه السلام : بهشت ، مایه دریغِ دوزخیان است و دوزخ ، مایه پند گرفتن پرهیزگاران .836.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام در وصف پرهیزگاران : آنان به بهشت چنان باور دارند که گویی آن را می بینند ؛ پس ، [از هم اکنون]از نعمت هایش برخوردارند، و آتش را چنان باور دارند که گویا آن را مشاهده می کنند ؛ پس ، [از هم اینک] در آن ، عذاب می کشند ... . شب هنگام ، برپا می خیزند و آیات قرآن را شمرده و با درنگ ، تلاوت می کنند . با آن ، جان های خویش را اندوهناک می سازند و داروی درد خود را در آن می جویند. پس، هر گاه به آیه ای تشویق آمیز برخورند ، به آن امید می بندند و جان هایشان مشتاق آن می شود و آن [نعمت] را در برابر دیدگان خویش می پندارند و هر گاه به آیه ای تهدیدآمیز رسند ، گوش دل به آن می سپارند و چنان می پندارند که خروشِ دم و بازدمِ دوزخ ، در بیخ گوش هایشان است. پس، کمرهای خویش را [به رکوع] خم می کنند، و پیشانی و دست و زانوان و سرانگشتان پاهای خود را بر زمین می زنند و از خداوند ، آزادیِ خویش را [از دوزخ] می طلبند .837.عنه صلی الله علیه و آله : امام زین العابدین علیه السلام : بدانید که هر کس مشتاق بهشت باشد ، از هوس های خویش غافل می شود و آن که از آتش بهراسد ، از حرام ها روی می گرداند و آن که به دنیا بی رغبت باشد ، مصیبت ها بر او آسان می گردند .

بدانید که خداوند ، بندگانی دارد که [در دنیا] چونان کسی هستند که بهشتیان را در بهشت ، جاویدان می بیند، و نیز چونان کسی هستند که دوزخیان را در دوزخ ، معذّب می بیند. گزندشان به کس نمی رسد و دل هایشان اندوهناک است، جان هایشان خویشتندار و نیازهایشان اندک. چند روزه اندک[دنیا]را تحمّل کرده اند و در نتیجه ، به فرجامی آسوده و بی پایان ، دست یافته اند. شب هنگام ، برپا می خیزند و اشک هایشان بر گونه هایشان روان می شود و به پروردگار خویش پناه می برند، و برای آزادیِ خود [از عذاب دوزخ] می کوشند.

ولی روز هنگام ، مردمانی هستند بردبار، دانا، نیکوکار و پرهیزگار. [از لاغری و نحیفی ،] گویی تیرهایی تراش خورده اند. ترس از عبادت ، آنان را تراش داده است. دیگران که او را می بینند ، یا می گویند: «بیمار است» در حالی که این طایفه را هیچ بیماری ای نیست و یا [می گویند:] «قاطی کرده اند !» ، در صورتی که پدیده ای بزرگ یعنی یاد دوزخ و عذاب های آن ، با وجود آنان در آمیخته است [و آنان را این گونه ، پریشان و در هم ساخته است]. .

838.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : عنه عليه السلام : اللّهُمَّ وخَلَقتَ نارا لِمَن عَصاكَ، وأعدَدتَ لِأَهلِها مِن أنواعِ العَذابِ فيها ، ووَصَفتَهُ وَصَنَّفتَهُ مِنَ الحَميمِ ، وَالغَسّاقِ ، وَالمُهلِ ، وَالصَّريعِ ، وَالصَّديدِ ، وَالغِسلينِ ، وَالزَّقّومِ ، وَالسَّلاسِلِ وَالأغلالِ ، ومَقامِعِ الحَديدِ ، وَالعَذابِ الغَليظِ ، وَالعَذابِ الشَّديدِ ، وَالعَذابِ المُهينِ ، وَالعَذابِ المُقيمِ ، وعَذابِ الحَريقِ ، وعَذابِ السَّمومِ ، وظِلٍّ مِن يَحمومٍ ، وسَرابيلِ القَطِرانِ ، وسُرادِقاتِ النّارِ ، وَالنُّحاسِ ، وَالزَّقّومِ ، وَالحُطَمَةِ ، وَالهاوِيَةِ ، ولَظى ، وَالنّارِ الحامِيَةِ ، وَالنّارِ الموقَدَةِ ، الَّتى تَطَّلِعُ عَلَى الأفئِدَةِ ، وَالنّارِ المُؤصَدَةِ ذاتِ العَمَدِ المُمَدَّدَةِ ، وَالسَّعيرِ، وَالحَميمِ ، وَالنّارِ الَّتى لا تُطفَأُ ، وَالنّارِ الَّتى تَكادُ تَمَيَّزُ مِنَ الغَيظِ ، وَالنّارِ الَّتى وَقودُهَا النّاسُ وَالحِجارَةُ ، وَالنّارِ الَّتى يُقالُ لَها : هَلِ امتَلَأتِ؟ فَتَقولُ : هَل مِن مَزيدٍ! وَالدَّركِ الأسفَلِ مِنَ النّارِ . (1) .

1- .بحارالأنوار : ج 94 ص 135 ح 19 نقلاً عن الكتاب العتيق الغروى .

839.عنه صلی الله علیه و آله : امام زین العابدین علیه السلام : بار خدایا ! برای کسی که نافرمانی تو کند ، آتشی آفریدی و در آن برای اهلش انواع عذاب را آماده ساختی و آن عذاب ها را با تعابیر گونه گون ، وصف و طبقه بندی کردی: جوشاب، زردآبِ دوزخیان، مسِ گداخته، خارِ تَر، خونابه ، چرکابه، دوزخبان، زنجیرها، کُندها، گرزهای آهنین، شکنجه درشت، شکنجه سخت، شکنجه خوار کننده، شکنجه پایدار، شکنجه سوزان، شکنجه مرگبار، سایه ای از دود تار، تن پوش های قطران، سراپرده های آتش و مس، دوزخبان، آتشِ خرد کننده، سیاه چال ، زبانه آتش، آتش سوزان، آتشِ افروخته که بر دل ها می رسد، وآتش احاطه کننده با ستون های بلند و کشیده، شعله، آب داغ، آتش خاموش ناشدنی، آتشی که نزدیک است از خشمْ شکافته شود، آتشی که سوختش مردم و سنگ هایند، آتشی که به او گفته می شود: «آیا سیر شدی؟» و او [که سیری ناپذیر است ،] می گوید: «آیا باز هم هست؟ !» و پایین ترین طبقه آتش . .

840.شعب الإيمان عن أنس : الإمام الباقر عليه السلام : بَكى أبو ذَرٍّ رحمه الله مِن خَشيَةِ اللّهِ عز و جل حَتّى اشتَكى بَصَرَهُ ، فَقيلَ لَهُ : يا أبا ذَرٍّ ، لَو دَعَوتَ اللّهَ أن يَشفِيَ بَصَرَكَ ! فَقالَ : إنّى عَنهُ لَمَشغولٌ ، وما هُوَ مِن أكبَرِ هَمّى . قالوا : وما يَشغَلُكَ عَنهُ ؟ قالَ : العَظيمَتانِ : اَلجَنَّةُ وَالنّارُ . (1)4 / 2الإِستِعاذَهُ مِنَ النّارِالكتاب«الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِى خَلْقِ السَّمَوَ تِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطِلاً سُبْحَنَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ * رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّلِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ» . (2)

«وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا» . (3)

«وَمِنْهُم مَّن يَقُولُ رَبَّنَا ءَاتِنَا فِى الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِى الْاخِرَهِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» . (4)

«الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا ءَامَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» . (5)

الحديث849.عنه عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : عوذوا بِاللّهِ مِن عَذابِ القَبرِ ومِن عَذابِ جَهَنَّمَ . (6)850.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ يَعجَبُ مِن سائِلٍ يَسأَلُ غَيرَ الجَنَّهِ ، ومِن مُعطٍ يُعطى لِغَيرِ اللّهِ ، ومِن

مُتَعَوِّذٍ يَتَعَوَّذُ مِن غَيرِ النّارِ . (7) .

1- .الخصال : ص 40 ح 25 عن إسماعيل بن أبى زياد عن الإمام الصادق عليه السلام ، الأمالى للطوسى : ص 702 ح 1500 عن موسى بن بكر عن العبد الصالح عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 22 ص 431 ح 40 .
2- .آل عمران : 191 و 192 .
3- .الفرقان : 65 .
4- .البقره : 201 .
5- .آل عمران : 16 .
6- .السنن الكبرى للنسائى : ج 4 ص 462 ح 7946 عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 1 ص 484 ح 2119 .

7- .تاريخ بغداد : ج 9 ص 267 الرقم 4832 عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جدّه ، كنز العمّال : ج 2 ص 85 ح 3260 .

4 / 2 پناه جستن به خدا از آتش

851.عنه صلی الله علیه و آله : امام باقر علیه السلام : ابو ذر که خدایش رحمت کناد از ترس خدای عز و جل چندان گریست که دیده اش آسیب دید. به او گفته شد: ای ابو ذر! خوب است دعا کنی که خداوند دیده ات را شفا بخشد.

ابو ذر گفت: «من از آن غافلم، و دیده ام بزرگ ترین غم و اندوه من نیست» .

گفتند: چه چیزی تو را از آن غافل ساخته است؟

گفت: «آن دو امر بزرگ: بهشت و دوزخ» .4 / 2پناه جستن به خدا از آتشقرآن«آنان که ایستاده و نشسته و به پهلو خفته ، خدا را یاد می کنند و در آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند [، می گویند] : ای پروردگار ما ! اینها را بیهوده نیافریده ای، که تو [از بیهوده کاری] منزّهی . پس ما را از عذاب آتش ، نگه بدار. ای پروردگار ما ! تو هر که را در آتش ببری، بی گمان ، خوارش ساخته ای، و ستمکاران را هیچ یاوری نیست».

«و کسانی که می گویند: ای پروردگار ما ! عذاب دوزخ را از ما بگردان که به راستی ، عذابش سخت و دائمی است».

«و برخی از آنان می گویند: ای پروردگار ما ! در این دنیا به ما نیکی و در آخرت نیز نیکی عطا کن، و ما را از عذاب آتش ، نگه دار» .

«کسانی که می گویند: ای پروردگار ما ! ما ایمان آوردیم . پس گناهانمان را بیامرز و از عذاب آتش ، نگاهمان بدار».

حدیث860.السنن الکبری عن ربیعه بن کعب الأسلمی : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از عذاب قبر و از عذاب دوزخ ، به خدا پناه ببرید.861.البلد الأمین عن الإمام الباقر عن الإمام علیّ علیه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، تعجّب می کند از درخواستْ کننده ای که غیر بهشت را درخواست می کند، و از عطا کننده ای که برای غیر خدا عطا می کند، و از پناه

برنده ای که از غیر آتش ، [به خدا] پناه می برد.

.

862.حلیه الأولیاء عن عبد الرحمن بن قرط : عنه صلی الله علیه و آله : أعوذُ بِاللّهِ مِن حالِ أهلِ النّارِ . (1)863.ثواب الأعمال عن أبی سعید الخدری عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله : أعوذُ بِاللّهِ مِنَ النّارِ ، وَیلٌ لِأهلِ النّارِ . (2)864.سنن أبی داوود عن سعد بن أبی وقّاص عن رسول اللّه ص عنه صلی الله علیه و آله : اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِنَ الفَقرِ ، ومِن وَسواسِ الصَّدرِ ، ومِن شَتاتِ الأمرِ ، ومِن عَذابِ النّارِ . (3)865.السنن الکبری عن محمّد بن سعد بن زراره عن أبی أما عنه صلی الله علیه و آله : ما مِن عَبدٍ یَقولُ کُلَّ یَومٍ سَبعَ مَرّاتٍ : «أسألُ اللّهَ الجَنَّهَ ، وأعوذُ بِهِ مِنَ النّارِ» إلّا قالَتِ النّارُ : یا رَبِّ أعِذهُ مِنّی . (4)866.سنن النسائی عن ابن عبّاس عن جویریّه بنت الحارث : صحیح البخاری عن أنس : کانَ النَّبِی صلی الله علیه و آله یَقولُ : اللّهُمَّ رَبَّنا ! آتِنا فِی الدُّنیا حَسَنَهً ، وفِی الآخِرَهِ حَسَنَهً ، وقِنا عَذابَ النّارِ . (5) .

1- .سنن الترمذی : ج 5 ص 578 ح 3599 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1250 ح 3804 ، مشکاه المصابیح : ج 1 ص 763 ح 2493 کلّها عن أبی هریره ، کنز العمّال : ج 2 ص 181 ح 3638 .
2- .سنن أبی داود : ج 1 ص 233 ح 881 ، سنن ابن ماجه : ج 1 ص 430 ح 1352 ، مسند ابن حنبل : ج 7 ص 35 ح 19077 ، السنن الکبری : ج 2 ص 440 ح 3690 ، المعجم الکبیر : ج 7 ص 79 ح 6427 ، المصنّف لابن أبی شیبه : ج 2 ص 115 ح 1 ، کلّها عن عبد الرحمن بن أبی لیلی عن أبیه ، کنز العمّال : ج 1 ص 487 ح 2135 .
3- .کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 2 ص 543 ح 3135 عن معاویه بن عمار عن الإمام الصادق علیه السلام ، الإقبال : ج 2 ص 180 من دون إسنادٍ إلی أحدٍ من أهل البیت علیهم السلام ، بحار الأنوار : ج 98 ص 285 .
4- .الدعوات : ص 39 ح 96 عن ربیعه ، الأمالی للصدوق : ص 158 ح 153 عن زید الشحام عن الإمام الصادق علیه السلام ، روضه الواعظین : ص 357 عن الإمام الصادق علیه السلام ، بحار الأنوار : ج 94 ص 197 ح 5 .
5- .صحیح البخاری : ج 4 ص 1644 ح 4250 و ج 5 ص 2347 ح 6026 ، صحیح مسلم : ج 4 ص 2071 ح 26 ، سنن أبی داود : ج 2 ص 85 ح 1519 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 203 ح 11981 و ص 414 ح 13162 و ص 418 ح 13185 ، سنن الترمذی : ج 5 ص 522 ح 3487 کلّها عن أنس ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 985 ح 2957 عن أبی هریره ، المستدرک علی

الصحيحين : ج 1 ص 625 ح 1673 ، السنن الكبرى : ج 5 ص 137 ح 9290 كلاهما عن عبد اللّه بن السائب وفيهما «سمعت رسول اللّه صلى الله عليه و آله يقول بين الركنين» ، كنز العمّال : ج 2 ص 694 ح 5107 ؛ الاحتجاج : ج 1 ص 530 ح 127 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، الدعوات : ص 115 ح 262 ، بحار الأنوار : ج 10 ص 45 ح 1 .

867.کنز العمّال عن أنس عن رسول اللّه صلی الله علیه و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : به خدا پناه می برم از حال و روز دوزخیان.868.مُهج الدعوات عن إبراهیم بن أبی یحیی عن الإمام الص پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : به خدا پناه می برم از آتش. وای بر اهل آتش !869.کنز العمّال عن الإمام علیّ علیه السلام عن رسول ال پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بار خدایا ! من از ناداری و از وسوسه سینه و از پراکندگی کار و از عذاب آتش ، به تو پناه می برم.870.الکافی عن أحمد بن الحسن المیثمی رفعه ، قال : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ بنده ای نیست که روزی هفت مرتبه بگوید: «از خدا بهشت را درخواست می کنم و از آتش به او پناه می برم» ، مگر آن که آتش می گوید: ای پروردگار من ! او را از من ، در پناه خود بگیر.871.فلاح السائل عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله صحیح البخاری به نقل از اَنَس : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فراوان می فرمود : خدایا، ای پروردگار ما ! در دنیا به ما نیکی و در آخرت نیز نیکی عطا فرما، و ما را از عذاب آتش ، نگاه دار . .

872.البلد الأمين عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله صحيح البخارى عن أبى هريره: كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَدعو : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِن عَذابِ القَبرِ، ومِن عَذابِ النّارِ، ومِن فِتنَهِ المَحيا وَالمَماتِ ، ومِن فِتنَهِ المَسيحِ الدَّجّالِ. (1)873.سنن الترمذى عن ابن عبّاس عن رسول اللّه صلى الله ع فاطمه عليهاالسلام فى دُعائِها : رَبِّ أستَجيرُکَ مِنَ النّارِ فَأجِرنى ، رَبِّ أعوذُ بِکَ مِنَ النّارِ فَأعِذنى . (2)874.المعجم الكبير عن عبد اللّه بن مسعود عن رسول اللّه الإمام علىّ عليه السلام : مَن استَجارَ مِنَ النّارِ قالَتِ النّارُ : يا رَبِّ أجِر عَبدَکَ مِمَّا استَجارَکَ . (3)875.المصباح عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى عنه عليه السلام فى أحوال الآخِرَهِ : وأعظَمُ ما هُنالِکَ بَلِيَّهً نُزولُ الحَميمِ ، وتَصليَهُ الجَحيمِ ، وفَوراتُ السَّعيرِ ، وسَوراتُ الزَّفيرِ . لا فَترَهٌ مُريحَهٌ ، ولا دَعَهٌ مُزيحَهٌ ، ولا قُوَّهٌ حاجِزَهٌ ، ولا مَوتَهٌ ناجِزَهٌ ، ولا سِنَهٌ مُسَلِّيَهٌ ، بَينَ أطوارِ المَوتاتِ ، وعَذابِ السّاعاتِ ، إنّا بِاللّهِ عائِذونَ . (4)876.المصباح عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله فِى عنه عليه السلام مِمّا كانَ يَدعو بِهِ فى قُنوتِ صَلاهِ الوَترِ : يا مَن كَرَّمَنى وشَرَّفَنى ونَعَّمَنى ، أعوذُ بِکَ مِنَ الزَّقّومِ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الحَميمِ ، وأعوذُ بِکَ مِن مَقيلٍ فِى النّارِ ، بَينَ أطباقِ النّارِ ، فى ظِلالِ النّارِ ، يَومَ النّارِ ، يا رَبَّ النّارِ .

اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ مَقيلاً فِى الجَنَّهِ بَينَ أنهارِها وأشجارِها وثِمارِها ورَيحانِها وخَدَمِها وأزواجِها .

اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ خَيرَ الخَيرِ : رِضوانَکَ وَالجَنَّهَ ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّ الشَّرِّ : سَخَطِکَ وَالنّارِ . هذا مَقامُ العائِذِ بِکَ مِنَ النّارِ . (5) .

1- .صحيح البخارى : ج 1 ص 463 ح 1311 ، صحيح مسلم : ج 1 ص 413 ح 128 كلاهما عن أبى هريره ، سنن أبى داود : ج 2 ص 91 ح 1542 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1262 ح 3840 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 525 ح 3494 كلّها عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : ج 2 ص 190 ح 3695 ؛ بحار الأنوار : ج 91 ص 75 ح 3 نقلاً عن الإقبال .
2- .فلاح السائل : ص 422 ح 290 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 104 ح 8 .
3- .الخصال : ص 631 ح 10 عن أبى بصير و محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 120 ، بحار الأنوار : ج

86 ص 19 ح 17 .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 83 ، بحار الأنوار : ج 6 ص 244 ح 69 .
5- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 492 ح 1412 ، بحار الأنوار : ج 87 ص 270 ح 67 .

877.البلد الأمين : صحيح البخارى به نقل از ابو هريره : پيامبر خدا صلى الله عليه و آله اين دعا را فراوان مى خواند : بار خدايا ! به تو پناه مى برم از عذاب قبر، و از عذاب آتش، و از فتنه زندگى و مرگ، و از فتنه مسيح دجّال. (1)878.مُهَج الدعوات عن الإمام علىّ عليه السلام عن رسول فاطمه عليهاالسلام در دعايش : پروردگارا ! در برابر آتش ، از تو حمايت مى طلبم، پس مرا حمايت فرما . پروردگارا ! از آتش ، به تو پناه مى برم، پس مرا پناه ده .879.رجال الكشّى عن سعيد بن المسيّب : امام على عليه السلام : هر كه در برابر آتش ، از خداوند حمايت بطلبد ، آتش مى گويد: «پروردگارا ! بنده ات را در برابر آنچه از تو حمايت طلبيد، حمايت كن» .880.مستدرک الوسائل عن النوفلى بإسناده عن رسول اللّه ص امام على عليه السلام در احوال آخرت : بزرگ ترين بلاى آن جا ، پذيرايى شدن با آب جوشان است و در افتادن در دوزخ فروزان و فَوَران هاى آتش سوزان، و غليان هاى شعله هاى خروشان. نه دَمى آتش فروكش مى كند تا آسايشى بيايد و نه رها شدنى در كار است تا رنج بزدايد، و نه نيرويى كه [عذاب را] باز دارد، و نه مرگى يک باره، و نه اندک خوابى كه آرامش بخشد ؛ بلكه با انواع مرگ ها [و شكنجه هاى مرگ آور] و عذاب هاى پياپى ، سپرى مى شود . ما به خدا پناه مى بريم !881.وقعه صفّين عن عبد الرحمن بن عبيد بن أبى الكنود عن امام على عليه السلام در دعايى كه در قنوت نماز وَتْر مى خواند : اى آن كه مرا گرامى داشتى و شرافت بخشيدى و نعمتم دادى ! از زَقّوم ، به تو پناه مى برم و از آب جوشان ، به تو پناه مى برم و اى پروردگار آتش ! از خفتن در آتش در ميان طبقات آتش ، در سايه هاى آتش ، در روز آتش ، به تو پناه مى برم .

بار خدايا ! آسودن در بهشت را در ميان جويباران و درختان و ميوه ها و گل ها و خدمتكاران و همسران بهشتى ، از تو مى خواهم .

بار خدايا ! بهترينِ بهترين ها را كه همان خشنودى ات و بهشت است ، از تو مى خواهم و از بدترينِ بدها كه همان ، خشم تو و آتشت است ، به تو پناه

مى برم. اينک در پيشگاه تو ، كسى ايستاده است كه از آتش به تو پناه آورده است. .

1- .او را به این خاطر «مسیح» گفته اند که در سراسر کره خاک ، بجز مکّه و مدینه ، سفر (مسح / سیاحت) و در همه جا فتنه و اضلال می کند و «دجّال» نیز به معنای فریبکار و دروغ پرداز است .

882.نهج البلاغه عن الإمام علىّ عليه السلام : الإمام الحسين عليه السلام : اللّهُمَّ ... أسألُکَ فَکاکَ رَقَبَتی مِنَ النّارِ . (1)883.إثبات الوصيّه عن الإمام علىّ عليه السلام : الإمام زين العابدين عليه السلام : اللّهُمَّ إنّی أسألُکَ فَکاکَ رَقَبَتی مِنَ النّارِ . (2)884.الأمالی للطوسی عن زيد بن علىّ عن الإمام زين العاب عنه عليه السلام مِن دُعائِهِ فی صَلاهِ اللّيلِ : اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِن نارٍ تَغَلَّظْتَ بِها عَلی مَن عَصاکَ ، وتَوَعَّدْتَ بِها مَن صَدَفَ (3) عَن رِضاکَ ، ومِن نارٍ نورُها ظُلمَهٌ ، وهَيِّنُها أليمٌ ، وبَعيدُها قَريبٌ ، ومِن نارٍ يَأكُلُ بَعضَها بَعضٌ ، ويَصولُ بَعضُها عَلی بَعضٍ ، ومِن نارٍ تَذَرُ العِظامَ رَميماً ، وتَسقی أهلَها حَميما ، ومِن نارٍ لا تُبقی عَلی مَن تَضَرَّعَ إلَيها ، ولا تَرحَمُ مَنِ استَعطَفَها ، ولا تَقدِرُ عَلَی التَّخفيفِ عَمَّن خَشَعَ لَها وَاستَسلَمَ إلَيها ، تَلقی سُکّانَها بِأحَرِّ ما لَدَيها مِن أليمِ النَّکالِ وشَديدِ الوَبالِ .

وأعوذُ بِکَ مِن عَقارِبِهَا الفاغِرَهِ أفواهَها ، وحَيّاتِهَا الصّالِقَهِ بِأَنيابِها ، وشَرابِهَا الّذی يَقطَعُ أمعاءَ وأفئِدَهَ سُکّانِها ، ويَنزِعُ قُلوبَهُم ! و أستَهديکَ لِما باعَدَ مِنها وأخَّرَ عَنها . (4)885.کنز الفوائد عن الإمام علىّ عليه السلام : الإمام الباقر عليه السلام : اللّهُمَّ إنّی أسألُکَ بِکِتابِکَ المُنزَلِ وما فيهِ ، وفيهِ اسمُکَ الأعظَمُ الأکبَرُ وأسماؤُکَ الحُسنی وما يُخافُ ويُرجی ؛ أن تَجعَلَنی مِن عُتَقائِکَ مِنَ النّارِ . (5)886.نهج البلاغه عن الإمام علىّ عليه السلام : عنه عليه السلام : اللّهُمَّ إنّی أسألُکَ عافِيَتَکَ فی أُمورِی کُلِّها ، وأعوذُ بِکَ مِن خِزيِ الدُّنيا وعَذابِ الآخِرَهِ . (6) .

1- .الإقبال : ج 2 ص 87 ، البلد الأمين : ص 258 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 225 ح 3 .
2- .المزار للمفيد : ص 160 ، الإقبال : ج 2 ص 108 ، البلد الأمين : ص 249 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 232 ح 4 .
3- .صَدَف عنه : عَدَل ، وأعرَضَ (لسان العرب : ج 9 ص 187 «صدف») .
4- .الصحيفه السجّاديه: ص133 الدعاء 32. مصباح المتهجّد: ص191 ح 272 ، بحار الأنوار: ج 8 ص324 ح100.
5- .الكافی : ج 2 ص 629 ح 9 عن زراره ، الإقبال : ج 1 ص 346 عن حريز بن عبد اللّه السجستانی ، عدّه الداعی : ص 55 ، الدعوات : ص 206 ح 560 عن زراره عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 92 ص 114 ح 3 .

6- .الكافى : ج 3 ص 343 ح 16 ، تهذيب الأحكام : ج 2 ص 108 ح 407 كلاهما عن زراره ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 323 ح 948 ، معانى الأخبار : ص 394 ح 46 كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 86 ص 33 ح 37 .

887.العقد الفريد عن الإمام علىّ عليه السلام : امام حسين عليه السلام : بار خدايا ! ... از تو درخواست می کنم که مرا از آتش بِرَهانی.888.نهج البلاغه عن الإمام علىّ عليه السلام : امام زين العابدين عليه السلام : بار خدايا ! آزادی ام را از آتش ، از تو درخواست می کنم.889.مُهج الدعوات عن الإمام علىّ عليه السلام : امام زين العابدين عليه السلام در دعای نماز شب : بار الها ! به تو پناه می برم از آتشی که هر که نافرمانی تو کند ، با آن ، به سختی مجازاتش می کنی و هر که از خشنودی تو دوری گزيند ، بِدان تهديدش کرده ای ؛ از آتشی که روشنايی اش تاريکی ، اندکش دردناک و دورش نزديک است ؛ از آتشی که شعله هايش يکديگر را فرو می بلعند و بر يکديگر تازيانه می کوبند ؛ از آتشی که استخوان ها را می پوساند و ساکنانش را آب جوشان می نوشاند ؛ از آتشی که نه بر جان کسی که به پايش زاری کند ، دلسوزی می کند، و نه بر کسی که از او خواهش و التماس کند ، رحم می آورد، و نه قادر است که بر کسی که در برابرش خاکساری می کند و سر تسليم فرود می آورد ، سبک گيرد ؛ بلکه با ساکنان خويش ، با دردناک ترين شکنجه و سخت ترين کيفر برخورد می کند .

و به تو پناه می برم از کژدم های آن [آتش] ، که دهان هايشان را گشوده می دارند ، و از مارهای آن ، که نيش هايشان را به هم می سايند ، و از نوشاک آن ، که دل و روده ساکنانش را تکه تکه می کند و قلبشان را از بيخ بر می کَند ! از تو می خواهم که مرا به چيزی ره نمون شوی که از چنين آتشی دور گردانَد و آن را به تأخير اندازد .890.التوحيد عن الحصين بن عبد الرحمن عن أبيه عن الإمام امام باقر عليه السلام : بار خدايا ! به حقّ کتاب آسمانی ات و آنچه در آن است از جمله : شکوهمندترين و بزرگ ترين نامت و ديگر نام های نيکويت و مايه های بيم و اميد ، از تو درخواست می کنم که مرا در شمار آزاد شدگانت از آتش قرار دهی.891.نهج البلاغه عن الإمام علىّ عليه السلام مِن خُ امام باقر عليه السلام : بار خدايا ! عافيت تو را در همه کارهايم ، از تو می خواهم و از خواری در دنيا و عذاب آخرت ، به تو پناه می برم. .

892.شرح نهج البلاغه عن الإمام علىّ علیه السلام فِ عنه علیه السلام : اللّهُمَّ ارفَع ظَنّی صاعِدا ، ولا تُطمِع فِیَّ عَدُوّا ولا حاسِدا ، وَاحفَظنی قائِما وقاعِدا ویَقظانا وراقِدا ، اللّهُمَّ اغفِر لی وَارحَمنی وَاهدِنی سَبیلَکَ الأَقوَمَ ، وقِنی حَرَّ جَهَنَّمَ . (1)893.شرح نهج البلاغه عن الإمام علىّ علیه السلام أی الإمام الصادق علیه السلام : اللّهُمَّ فُکَّنی مِنَ النّارِ . (2)894.نهج البلاغه عن الإمام علىّ علیه السلام : عنه علیه السلام : اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ بِعَزائِمِ مَغفِرَتِکَ ، وَبِواجِبِ رَحمَتِکَ ، السَّلامَةَ مِن کُلِّ إثمٍ ، وَالغَنیمَةَ مِن کُلِّ بِرٍّ ، وَالفَوزَ بِالجَنَّهِ ، وَالنَّجاةَ مِنَ النّارِ . (3)895.مصباح المتهجّد عن الإمام الصادق علیه السلام ف عنه علیه السلام : اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِنَ النِّسیانِ وَالکَسَلِ وَالتَّوانی فی طاعَتِکَ ، ومِن عِقابِکَ الأَدنی وعَذابِکَ الأَکبَرِ . (4)896.کامل الزیارات عن أبی سعید المدائنی : عنه علیه السلام : إنَّ القُرآنَ لا یُقرَأُ هَذرَمَةً (5) ، ولکِن یُرَتَّلُ تَرتیلاً ، فَإذا مَرَرتَ بِآیَهٍ فیها ذِکرُ الجَنَّهِ فَقِف عِندَها وسَلِ اللّهَ عز و جل الجَنَّهَ ، وإذا مَرَرتَ بِآیَهٍ فیها ذِکرُ النّارِ فَقِف عِندَها وتَعَوَّذ بِاللّهِ مِنَ النّارِ . (6)897.فلاح السائل عن الإمام علىّ علیه السلام مِن دُ عنه علیه السلام : تَدعو فی أعقابِ الصَّلَواتِ الفَرائِضِ بِهذِهِ الأَدعِیَهِ : اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ بَراءَهً مِنَ النّارِ فَاکتُب لَنا بَراءَتَنا ، وفی جَهَنَّمَ فَلا تَجعَلنا ، وفی عَذابِکَ

وهوانِکَ فَلا تَبتَلِنا ، ومِنَ الضَّریعِ وَالزَّقّومِ فَلا تُطعِمنا ، ومَعَ الشَّیاطینِ فِی النّارِ فَلا تَجمَعنا ، وعَلی وُجوهِنا فَلا تَکبُبنا ، ومِن ثِیابِ النّارِ وسَرابیلِ القَطِرانِ فَلا تُلبِسنا ، ومِن کُلِّ سوءٍ لا إلهَ إلّا أنتَ یَومَ القِیامَهِ فَنَجِّنا . (7) .

1- .الکافی : ج 2 ص 585 ح 21 ، مصباح المتهجّد : ص 271 ح 381 من دون إسنادٍ إلی أحدٍ من أهل البیت علیهم السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 89 ص 297 ح 8 .
2- .کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 2 ص 542 ح 3134 عن أبی بصیر ، المزار الکبیر : ص 236 من دون إسنادٍ إلی أحدٍ من أهل البیت علیهم السلام ، بحار الأنوار : ج 100 ص 221 ح 18 .
3- .تهذیب الأحکام : ج 3 ص 74 ح 233 ، الإقبال : ج 1 ص 101 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 374 ح 1 .
4- .الإقبال : ج 2 ص 146 ، مصباح المتهجّد : ص 477 ، البلد الأمین : ص 131 کلاهما من دون إسنادٍ إلی أحدٍ من أهل البیت علیهم السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 98 ص 260 ح 3 .

5- .الهَذْرَمَه : السرعه فى القراءه (مجمع البحرين : ج 3 ص 1869 «هذرم») .
6- .الكافى : ج 2 ص 617 ح 2 و ص 618 ح 5 وليس فيه «فإذا مررت بآيه فيها ذكر الجنّه فقف عندها وسل اللّه عز و جل الجنّه» وكلاهما عن علىّ بن أبى حمزه ، مجمع البيان : ج 10 ص 569 نحوه ، بحار الأنوار : ج 92 ص 216 ح 20 .
7- .فلاح السائل : ص 316 ح 213 عن أبى بصير ، مصباح المتهجّد : ص 62 ح 98 ، الإقبال : ج 1 ص 224 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 86 ص 12 ح 10 .

898.البلد الأمين عن الإمام علىّ عليه السلام : امام باقر عليه السلام : بار خدايا ! گمان مرا بالا بِبَر ، (1) طمع هيچ دشمنى و حسودى را بر من مَيَنگيز و مرا ، ايستاده باشم يا نشسته، بيدار باشم يا خفته ، [در همه حال]محافظت فرما. بار خدايا ! مرا بيامرز و بر من رحم آور، به درست ترين راهت راه نمايى ام كن، و از گرماى جهنّم نگاهم دار.899.جمال الأُسبوع عن عبد اللّه بن عطاء عن الإمام البا امام صادق عليه السلام : بار خدايا ! مرا از آتش بِرَهان.900.فلاح السائل عن فاطمه عليهاالسلام مِن دُعائِها امام صادق عليه السلام : بار خدايا ! به حقّ موجبات آمرزشت و به رحمت واجب گشته ات [بر خويش] ، از تو مى خواهم كه مرا از هر گناهى به سلامت دارى، از هر نيكى [و طاعتى]بهره مند سازى ، به بهشت نائل گردانى و از آتش برهانى .901.فلاح السائل عن فاطمه عليهاالسلام مِن دُعائِها امام صادق عليه السلام : بار خدايا ! از فراموشى و تنبلى و سستى در طاعتت ، و از كيفر نزديكت و از عذاب بزرگ ترت ، به تو پناه مى برم .902.كامل الزيارات عن أبى سعيد المدائنى : امام صادق عليه السلام : قرآن را نبايد تند تند خواند ؛ بلكه بايد شمرده و با درنگ ، تلاوت كرد . هر گاه به آيه اى رسيدى كه در آن از بهشت ياد شده است ، لختى [از تلاوت]دست نگه دار و از خداوند عز و جل بهشت را بخواه، و هر گاه به آيه اى رسيدى كه در آن از دوزخ ياد شده است ، لختى دست نگه دار و از آتش به خدا پناه ببر .903.الإقبال عن الإمام الحسين عليه السلام مِن دُعا امام صادق عليه السلام : در تعقيبات نمازهاى واجب ، اين دعا را مى خوانى: «بار خدايا ! به حقّ محمّد و خاندان محمّد ، خلاصى از آتش را از تو مى خواهم . پس خلاصيِ ما را برايمان بنويس، در دوزخ قرارمان مده، به عذاب و تحقيرت

گرفتارمان مساز، از [خوراک دوزخيان ، يعنى] خارِ تر و زقّوم به ما مخوران، ما را در آتش با اهريمنان گرد مياور، در آتش سرنگونمان مكن، از جامه هاى آتش و پوشش هاى قَطرانى بر ما مپوشان، و از هر گونه گزند و بدى اى در روز قيامت اى كه معبودى جز تو نيست نجاتمان بخش» . .

1- .يعنى : حسن ظنّى را كه به تو و رحمت و آمرزش تو دارم ، به درگاهت بالا ببر و آن را بپذير.

904.تحف العقول عن الإمام زين العابدين عليه السلام : الإمام الكاظم عليه السلام : اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَارحَمنا وأعتِقنا مِنَ النّارِ .

905.الصحيفه السجّاديّه عن الإمام زين العابدين عليه ال عنه عليه السلام : اَللّهُمَّ . . . و أستَجيرُ بِکَ مِن جَميعِ عَذابِکَ فَأَجِرنى . (1)

906.الصحيفه السجّاديّه عن الإمام زين العابدين عليه ال الكافى عن زياد بن مروان : كانَ أبُو الحَسَنِ عليه السلام يَقولُ فى سُجودِهِ : أعوذُ بِکَ مِن نارٍ حَرُّها لا يُطفَأُ ، وأعوذُ بِکَ مِن نارٍ جَديدُها لا يُبلى ، وأعوذُ بِکَ مِن نارٍ عَطشانُها لا يُروى ، وأعوذُ بِکَ مِن نارٍ مَسلوبُها لا يُكسى . (2)

907.الكافى عن أبى حمزه الثمالى عن الإمام الباقر عليه الإمام الرضا عليه السلام : اللّهُمَّ أجِرنى مِن عَذابِکَ ومِن سَخَطِکَ . (3)

908.فلاح السائل عن الإمام الباقر عليه السلام مِمّ عنه عليه السلام : مَن تَعَوَّذَ بِاللّهِ مِنَ النّارِ ولَم يَترُکِ الشَّهَواتِ فَقَدِ استَهزَأَ بِنَفسِهِ . (4)

4 / 3الاِستِغاثَهُ مِنَ النّارِالكتاب«قُلْ إِنِّى أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّى عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ» . (5) (6)

.

1- .مهج الدعوات : ص 290 ، البلد الأمين : ص 393 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 450 ح 1 نقلاً عن الكتاب العتيق الغروى .
2- .مصباح المتهجّد : ص 508 ح 587 ، المصباح للكفعمى : ص 164 ، البلد الأمين : ص 124 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 188 ح 26 .
3- .الكافى : ج 3 ص 328 ح 22 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 238 ح 60 .
4- .مستدرک الوسائل : ج 9 ص 365 ح 11091 نقلاً عن بعض نسخ الرضوى .
5- .كنز الفوائد : ج 1 ص 330 عن أيّوب بن نوح ، معدن الجواهر : ص 59 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 110 وفيه «شهوات الدنيا» بدل «الشهوات» ، بحار الأنوار : ج 78 ص 356 ح 11 .
6- .الأنعام : 15 ، يونس : 15 .

913.جمال الأُسبوع عن أبان عن الإمام الصادق علیه السلا امام کاظم علیه السلام : بار خدایا ! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و بر ما رحمت آور و از آتش ، آزادمان گردان .914.الدروع الواقیه عن الإمام الصادق علیه السلام ف امام کاظم علیه السلام : بار خدایا !... از همه عذاب هایت به تو پناه می آورم ، پس پناهم ده.915.بحار الأنوار عن الإمام الصادق علیه السلام : الکافی به نقل از زیاد بن مروان : امام کاظم علیه السلام در سجودش می فرمود : از آتشی که حرارتش فروکش نمی کند ، به تو پناه می برم . از آتشی که دمادم تازه است و کهنه نمی شود ، به تو پناه می برم . از آتشی که تشنه اش هرگز سیراب نمی شود ، به تو پناه می برم . و از آتشی که برهنه اش پوشانده نمی شود ، به تو پناه می برم.916.الإقبال عن أبی بصیر عن الإمام الصادق علیه السلام امام رضا علیه السلام : بار خدایا ! مرا از عذابت و از ناخشنودی ات ، در پناه خویش بدار .917.الکافی عن هلقام بن أبی هلقام : امام رضا علیه السلام : کسی که از آتش به خدا پناه بَرَد ، ولی از هوس ها دست بر ندارد ، در واقع ، خود را مسخره کرده است.4 / 3فریادخواهی از آتشقرآن«بگو: اگر پروردگارم را نافرمانی کنم ، از عذاب روزی بزرگ می ترسم».

.

الحديث923.الدعوات : الإمام علىّ عليه السلام : إلهى ! إن أخَذتَنى بِجُرمى أخَذتُکَ بِعَفوکَ ، وإن أخَذتَنى بِذُنوبى أخَذتُکَ بِمَغفِرَتِکَ ، وإن أدخَلتَنِى النّارَ أعلَمتُ أهلَها أنّى اُحِبُّکَ . (1)924.المصباح عن ابن عبّاس يرفعه : عنه عليه السلام : آهٍ مِن نارٍ تُنضِجُ الأكبادَ وَالكُلى ! آهٍ مِن نارٍ نَزّاعَةٍ لِلشَّوى ! آهٍ مِن غَمرَةٍ مِن مُلهَباتٍ لَظى ! (2)925.المصباح : عنه عليه السلام فِى الدّعاءِ المَعروفِ بِدُعاءِ كُمَيلٍ : أفَتُراکَ سُبحانَکَ يا إلهى وبِحَمدِکَ ، تَسمَعُ فيها صَوتَ عَبدٍ مُسلِمٍ سُجِنَ فيها بِمُخالَفَتِهِ ، وذاقَ طَعمَ عَذابِها بِمَعصِيَتِهِ ، وحُبِسَ بَينَ أطباقِها بِجُرمِهِ وجَريرَتِهِ ، وهُوَ يَضِجُّ إلَيکَ ضَجيجَ مُؤَمِّلٍ لِرَحمَتِکَ ، ويُناديکَ بِلِسانِ أهلِ تَوحيدِکَ ، ويَتَوَسَّلُ إلَيکَ بِرُبوبِيَّتِکَ ، يا مَولاىَ ! فَكَيفَ يَبقى فِى العَذابِ وهُوَ يَرجو ما سَلَفَ مِن حِلمِکَ ؟ ! أم كَيفَ تُؤلِمُهُ النّارُ وهُوَ يَأمُلُ فَضلَکَ ورَحمَتَکَ ؟ ! أم كَيفَ يُحرِقُهُ لَهيبُها وأنتَ تَسمَعُ صَوتَهُ وتَرى مَكانَهُ ؟ ! أم كَيفَ يَشتَمِلُ عَلَيهِ زَفيرُها وأنتَ تَعلَمُ ضَعفَهُ ؟ ! أم كَيفَ يَتَغَلغَلُ بَينَ أطباقِها وأنتَ تَعلَمُ صِدقَهُ ؟ ! أم كَيفَ تَزجُرُهُ زَبانِيَتُها وهُوَ يُناديکَ يا رَبَّهُ ؟ ! أم كَيفَ تُنزِلُهُ فيها وهُوَ يَرجو فَضلَکَ فى عِتقِهِ مِنها فَتَترُكُهُ ؟ ! هَيهاتَ ، ما ذلِکَ الظَّنُّ بِکَ ، ولَا المَعروفُ مِن فَضلِکَ ، ولا مُشبِهٌ لِما عامَلتَ بِهِ المُوَحِّدينَ مِن بِرِّکَ وإحسانِکَ . (3)926.كنز العمّال عن أنس عن رسول اللّه صلى الله عليه و عنه عليه السلام أيضا : يا كَريمُ يا رَبِّ ، وأنتَ تَعلَمُ ضَعفى عَن قَليلٍ مِن بَلاءِ الدُّنيا وعُقوباتِها ، وما يَجرى فيها مِنَ المَكارِهِ عَلى أهلِها ! عَلى أنَّ ذلِکَ بَلاءٌ ومَكروهٌ قَليلٌ

مَكثُهُ ، يَسيرٌ بَقاؤُهُ ، قَصيرٌ مُدَّتُهُ ، فَكَيفَ احتِمالى لِبَلاءِ الآخِرَهِ وجَليلِ وُقوعِ المَكارِهِ فيها ! وهُوَ بَلاءٌ تَطولُ مُدَّتُهُ ، وَيَدومُ مَقامُهُ ، ولا يُخَفَّفُ عَن أهلِهِ ؛ لِأَنَّهُ لا يَكونُ إلّا عَن غَضَبِکَ وَانتِقامِکَ وَسَخَطِکَ . (4) .

1- .الإقبال : ج 3 ص 297 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 98 ح 13 .
2- .الأمالى للصدوق : ص 138 ح 136 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 157 ، روضه الواعظين : ص 126 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 2 ص 124 كلّها عن أبى الدرداء ، بحار الأنوار : ج 87 ص 196 ح 2 .
3- .مصباح المتهجّد : ص 848 ح 910 ، الإقبال : ج 3 ص 335 كلاهما عن كميل بن زياد ، المصباح للكفعمى : ص 741 ، البلد الأمين : ص 190 .
4- .مصباح المتهجّد : ص 847 ح 910 ، الإقبال : ج 3 ص 334 كلاهما عن كميل بن زياد ، المصباح للكفعمى : ص 740 ، البلد الأمين : ص 189 .

حدیث928.الکافی عن محمّد بن عیسی بإسناده عن الصالحین علیهم (فی ذِکرِ أعمالِ العَشرِ الأواخِرِ مِن شَهرِ رَ) امام علی علیه السلام : خداوندا ! اگر تو مرا در باره جرمم به پرسش گیری، من درباره گذشتت تو را به پرسش می گیرم و اگر تو مرا در باره گناهانم به پرسش گیری، من در باره آمرزشت ، تو را به پرسش می گیرم و اگر وارد آتشم کنی ، به اهل آتش اعلام می کنم که دوستت دارم .929.الإمام الباقر علیه السلام : امام علی علیه السلام : آه از آتشی که جگرها و کلیه ها را می پزد ! آه از آتشی که پوست سر و اندام را بر می کَنَد ! آه از فرو رفتن در شعله های سرکش !930.الإمام الصادق علیه السلام لِأبی هارونَ المَک امام علی علیه السلام در دعای معروف به دعای کمیل : آیا به راستی ، به تو چنین گمانی می رود ای معبود پاک و ستودنیِ من که در دوزخ ، صدای بنده مسلمانی را بشنوی که بر اثر مخالفتش ، در آن جا زندانی شده و به سبب نافرمانی اش ، طعم عذاب را چشیده و به واسطه جرم و جنایتش ، در میان طبقات آن محبوس گشته و با ضجّه امیدوار به رحمت تو، به درگاهت ضجّه می زند و به زبان آنان که تو را به یکتایی پرستیده اند ، تو را می خواند و به ربوبیّتت به تو توسّل می جوید؟ ! آقای من ! [چنین کسی] چگونه در عذاب بماند ، در حالی که به بردباریِ ازلی تو امید دارد ؟ ! یا چگونه آتش ، او را به درد آورَد ، در حالی که به بخشایش و مهر تو آرزومند است ؟ ! یا چگونه زبانه های آتش ، بسوزانندش ، در حالی که تو بانگ او را می شنوی و جایش را می بینی ؟ ! یا چگونه شعله سرکش آتش ، او را فرا گیرد ، در حالی که تو خود می دانی که او ناتوان است ؟ ! یا چگونه در میان طبقات دوزخ غوطه ور شود ، در حالی که از راستگوییِ او آگاهی ؟ ! یا چگونه دوزخبانان بر او نهیب زنند ، در حالی که او تو را با فریاد «یا ربّ !» می خواند ؟ ! یا چگونه او را در آتش جای دهی و او امید دارد که به فضل و بخشایش خود ، از آن برهانی اش ؛ ولی تو در آن رهایش سازی؟ !

هرگز ! چنین گمانی به تو نمی رود و این گونه رفتاری ، با لطف و بخشایش شناخته شده ات نمی سازد و به نیکی و احسانی که هماره با یکتاپرستان کرده ای ، نمی ماند !931.عنه علیه السلام : امام علی علیه السلام در دعای کمیل : کریما ! پروردگارا ! تو خود می دانی که در برابر اندکْ بلای دنیا و کیفرهای دنیایی و ناملایماتی که بر اهل آن می گذرد ، چه سان

ناتوانم . این ، در حالی است که این بلا و ناملایمات ، درنگش اندک و ماندگاری اش ناچیز و مدّتش کوتاه است . پس چگونه بتوانم بلای آخرت و ناملایمات بزرگ آن را تاب آورم ، در حالی که آن بلا مدّتش طولانی و ماندگاری اش دیرپاست و با اهل آن ، مدارا نمی شود ؛ چرا که آن بلا ، جز از خشم و انتقام و ناخشنودی تو بر نمی خیزد؟ ! .

932.عنه علیه السلام : الإمام زین العابدین علیه السلام فِی الدُّعاءِ أَسأَلُکَ اللّهُمَّ بِالمَخزونِ مِن أسمائِکَ ، وبِما وارَتهُ الحُجُبُ مِن بَهائِکَ ، إلّا رَحِمتَ هذِهِ النَّفسَ الجَزوعَةَ ، وهذِهِ الرُّمَّةَ الهَلوعَةَ ، الَّتی لا تَستَطیعُ حَرَّ شَمسِکَ ، فَکَیفَ تَستَطیعُ حَرَّ نارِکَ ؟ ! وَالَّتی لا تَستَطیعُ صَوتَ رَعدِکَ ، فَکَیفَ تَستَطیعُ صَوتَ غَضَبِکَ ؟ ! (1)933.تأویل الآیات الظاهره عن إسماعیل بن عمّار : عنه علیه السلام : إلهی وسَیِّدی ! وعِزَّتِکَ وجَلالِکَ ، لَئِن طالَبتَنی بِذُنوبی لَاُطالِبَنَّکَ بِعَفوِکَ ، ولَئِن طالَبتَنی بِلُؤمی لَاُطالِبَنَّکَ بِکَرَمِکَ ، ولَئِن أدخَلتَنِی النّارَ لَاُخبِرَنَّ أهلَ النّارِ بِحُبّی لَکَ .

إلهی وسَیِّدی ! إن کُنتَ لا تَغفِرُ إلّا لِأَولِیائِکَ وأهلِ طاعَتِکَ ، فَإلی مَن یَفزَعُ المُذنِبونَ ؟ ! وإن کُنتَ لا تُکرِمُ إلّا أهلَ الوَفاءِ بِکَ ، فَبِمَن یَستَغیثُ المُسیؤونَ ؟ !

إلهی ! إن أدخَلتَنِی النّارَ فَفی ذلِکَ سُرورُ عَدُوِّکَ ، وإن أدخَلتَنِی الجَنَّةَ فَفی ذلِکَ سُرورُ نَبِیِّکَ ، وأنا وَاللّهِ أعلَمُ أنَّ سُرورَ نَبِیِّکَ أحَبُّ إلَیکَ مِن سُرورِ عَدُوِّکَ . (2)934.الإمام الصادق علیه السلام : عنه علیه السلام فی مُناجاهٍ لَهُ : سَیِّدی ! أ لِضَربِ المَقامِعِ خَلَقتَ أعضائی ؟ ! أم لِشُربِ الحَمیمِ خَلَقتَ أمعائی ! (3)935.عنه علیه السلام : عنه علیه السلام : إلهی ! أتُحرِقُ بِالنّارِ وَجهی وکانَ لَکَ مُصَلّیً ؟ إلهی ! أتُحرِقُ بِالنّارِ عَینی وکانَت مِن خَوفِکَ باکِیَةً ؟ إلهی ! أتُحرِقُ بِالنّارِ لِسانی وکانَ لِلقُرآنِ تالِیا ؟ إلهی ! أتُحرِقُ بِالنّارِ قَلبی وکانَ لَکَ مُحِبّا ؟ إلهی ! أتُحرِقُ بِالنّارِ جِسمی وکانَ لَکَ خاشِعا ؟ إلهی ! أتُحرِقُ بِالنّارِ أرکانی وکانَت لَکَ رُکَّعا سُجَّدا ؟ ! (4) .

1- .الصحیفه السجّادیّه : ص 216 الدعاء 50 ، بحار الأنوار : ج 87 ص 229 ح 42 نقلاً عن المحاسن .
2- .مصباح المتهجد : ص 596 ح 691 ، الإقبال : ج 1 ص 172 ، المصباح للکفعمی : ص 795 کلّها عن أبی حمزه الثمالی ، بحار الأنوار : ج 98 ص 92 ح 2 .
3- .الأمالی للصدوق : ص 288 ح 321 ، المزار للشهید الأوّل : ص 267 ، روضه الواعظین : ص 219 کلّها عن طاووس الیمانی ، بحار الأنوار : ج 78 ص 146 ح 7 .
4- .بحار الأنوار : ج 94 ص 140 نقلاً عن بعض الکتب .

936.عنه علیه السلام : امام زین العابدین علیه السلام در دعا : بار الها ! به حقّ آن نامِ نهانت، و به آن شکوه و روشنایی ات که پرده ها آن را فرو پوشانده اند ، از تو درخواست می کنم که بر این جانِ بی تاب و بر این پیکر ناشکیبا رحم آوری که حتّی تاب گرمای آفتاب تو را ندارد . پس چه سان بتواند گرمای آتش تو را تاب آورد ؟ ! پیکری که تحمّل بانگ آذرخش تو را ندارد، چگونه تحمّل بانگ خشم تو را داشته باشد ؟ !937.عنه علیه السلام : امام زین العابدین علیه السلام : خداوندا و سَرورا ! به عزّت و جلالت سوگند ، اگر تو در پیِ گناه من باشی ، من در پیِ گذشت تو خواهم بود و اگر تو در پیِ سرزنش من باشی ، من در پیِ کَرَم تو خواهم بود و اگر مرا وارد آتش کنی ، علاقه ام را به تو ، به اهل آتش اعلام می کنم .

خداوندا و سَرورا ! اگر تو جز دوستان و اهل طاعتت را نیامرزی ، گناهکاران ، فریادشان را پیش چه کسی ببرند؟ و اگر تو جز وفاداران را گرامی نداری ، بدکاران به چه کسی پناه ببرند؟

خداوندا ! اگر مرا وارد آتش کنی ، این ، [مایه] خوش حالی دشمنت خواهد شد ، و اگر مرا وارد بهشت کنی ، [مایه] خوش حالی پیامبرت خواهد شد . به خدا سوگند ، من می دانم که خوش حالی پیامبرت ، برایت دوست داشتنی تر از خوش حالیِ دشمنت است .938.مشکاه الأنوار : امام زین العابدین علیه السلام در یکی از مناجات هایش : سَرورم ! آیا اندام های مرا برای کوبیدن با گرزها آفریده ای ؟ ! یا معده و روده هایم را برای نوشیدن آب جوشان خلق کرده ای ؟ !939.الإمام علیّ علیه السلام لِرَجُلٍ مِن بَنی سَع امام زین العابدین علیه السلام : معبود من ! آیا رخسار مرا که برای تو نماز گزارده است ،

در آتش می سوزانی؟ ! معبود من ! آیا چشم مرا که از ترس تو گریان بوده است ، با آتش می سوزانی؟ ! معبود من ! آیا زبان مرا که قرآن تلاوت کرده است ، با آتش می سوزانی؟ ! معبود من ! آیا قلب مرا که عاشق و دوستدار تو بوده است ، با آتش می سوزانی؟ ! معبود من ! آیا جسم مرا که در برابر تو خاکسار بوده است ، در آتش می سوزنی؟ ! معبود من ! آیا اعضای بدن مرا که در پیشگاه تو رکوع و سجود می کرده است ، با آتش می سوزانی؟ ! .

940.عنه علیه السلام : عنه علیه السلام مِن دُعائِهِ فِی الصَّلاهِ عَلی حَمَلَهِ العَرشِ : اللّهُمَّ ... فَصَلِّ عَلَیهِم وعَلَی المَلائِکَهِ الَّذینَ مِن دونِهِم ؛ مِن سُکّانِ سَماواتِکَ ، وأهلِ الأَمانَهِ عَلی رِسالاتِکَ ، وَالَّذینَ لا تَدخُلُهُم سَأمَهٌ مِن دُؤوبٍ ، ولا إعیاءٌ مِن لُغوبٍ ، ولا فُتورٌ ، ولا تَشغَلُهُم عَن تَسبیحِکَ الشَّهَواتُ ، ولا یَقطَعُهُم عَن تَعظیمِکَ سَهوُ الغَفَلاتِ ، الخُشَّعُ الأَبصارِ فَلا یَرومونَ النَّظَرَ إلَیکَ ، النَّواکِسُ الأَذقانِ (1) الَّذینَ قَد طالَت رَغبَتُهُم فیما لَدَیکَ ، المُستَهتَرونَ بِذِکرِ آلائِکَ ، وَالمُتَواضِعونَ دونَ عَظَمَتِکَ وجَلالِ کِبریائِکَ ، وَالّذینَ یَقولونَ إذا نَظَروا إلی جَهَنَّمَ تَزفِرُ عَلی أهلِ مَعصِیَتِکَ : سُبحانَکَ ! ما عَبَدناکَ حَقَّ عِبادَتِکَ . (2) .

1- .فی بحار الأنوار : «الأعناق» بدل «الأذقان» .
2- .الصحیفه السجّادیّه : ص 27 الدعاء 3 ، بحار الأنوار : ج 59 ص 217 ح 85 .

941.الکافی عن محمّد بن عذافر : امام زین العابدین علیه السلام در دعا برای درود فرستادن بر فرشتگان حامل عرش الهی : بار خدایا ! درود فرست بر آنان و بر فرشتگانی که فروتر از آنان اند و در آسمان های تو جای دارند و امانتداران پیام های تو اند ؛ همانان که هر چه بکوشند ، بیزاری به آنان راه نمی یابد و هر اندازه رنج برند ، خستگی و سستی نمی گیرند . نه خواهشی دارند که آنها را از ذکر تسبیح تو باز دارد، و نه سهو و غفلتی که از بزرگداشت تو مانعشان شود. [از هیبت تو ،] دیدگانْ فرو هشته اند و به تو نمی نگرند، و چانه ها فرو داشته اند [و سر به زیرند] ؛ همانان که آنچه را از نزد تو باشد ، بسی خواهان اند، به یاد کردن از نعمت های تو آزمندند، و در برابر بزرگیِ تو و شکوه کبریای تو خاکسارند ؛ همانان که هر گاه به جهنّم می نگرند که بر نافرمانان از تو نهیب می زند ، می گویند: «پاکا تو! ما تو را چنان که شایسته بندگیِ توست ، بندگی نکردیم» .
.

الفصل الخامِسُ: مُواصَفاتِ جَهَنَّمَ5 / 1أبوابُ جَهَنَّمَ وطَبَقاتُهاالكتاب«وَ إِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ * لَهَا سَبْعَهُ أَبْوَ بٍ لِّكُلِّ بَابٍ مِّنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ» . (1)

«وَ سِيقَ الَّذِينَ كَفَرُواْ إِلَى جَهَنَّمَ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاءُوهَا فُتِحَتْ أَبْوَ بُهَاوَ قَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ ءَايَاتِ رَبِّكُمْ وَ يُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُواْ بَلَى وَ لَكِنْ حَقَّتْ كَلِمَهُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ * قِيلَ ادْخُلُواْ أَبْوَ بَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ» . (2)

الحديث949.الإمام علىّ عليه السلام لِنَوفٍ البِكالِىِّ رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ لِلنّارِ سَبعَهَ أبوابٍ . (3) .

1- .الحجر : 43 و 44 .
2- .الزمر : 71 و 72 وراجع : غافر : 76 ، النحل : 29 .
3- .المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 607 ح 8683 عن لقيط بن عامر ، الفردوس : ج 3 ص 328 ح 4981 عن عقبه بن عبدالسلمى ، كنز العمّال : ج 3 ص 758 ح 8673 ؛ الخصال : ص 361 ح 51 عن محمد بن الفضل الزرقى عن الإمام الصادق عليه السلام ، الأمالى للصدوق : ص 123 ح 113 عن أنس بن مالک ، مسكّن الفؤاد : ص 20 ، بحارالأنوار : ج 8 ص 170 ح 112 .

فصل پنجم : ویژگی های جهنّم

5 / 1 درهای جهنّم و طبقه های آن

فصل پنجم : ویژگی های جهنّم5 / 1درهای جهنّم و طبقه های آنقرآن«و قطعا وعده گاه همه آنان ، جهنّم است که هفت در دارد و از هر دری ، بخشی معیّن از آنان [وارد می شوند]» .

«و کسانی که کافر شده اند، گروه گروه به سوی جهنّم رانده می شوند تا این که بِدان می رسند ، درهای آن گشوده می گردد و نگهبانانش به آنان می گویند: «مگر فرستادگانی از خودتان بر شما نیامدند که آیات پروردگارتان را بر شما بخوانند و شما را به دیدار چنین روزی هشدار دهند؟». می گویند: «چرا»؛ ولی فرمان عذاب ، بر کافران ، واجب آمد. و گفته می شود: «از درهای دوزخ وارد شوید . جاودانه در آن بمانید». وه ، که چه بد جایی است جای سرکشان !» .

حدیث957.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آتش، هفت در دارد.

.

958.الإمام الصادق عليه السلام لَمّا سُئِلَ عَنِ ا البعث والنشور عن الخليل بن مرّه : إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله كانَ لا يَنامُ حَتّى يَقرَأَ «تَبارَكَ» و«حم» السَّجدَةَ ، وقالَ : الحَواميمُ سَبعٌ، وأبوابُ جَهَنَّمَ سَبعٌ : جَهَنَّمُ ، وَالحُطَمَةُ ، ولَظى، وسَعيرٌ، وسَقَرُ ، وَالهاوِيَةُ ، وَالجَحيمُ . قالَ : يَجىءُ كُلُّ «حم» مِنها يَومَ القِيامَهِ أحسَبُهُ قالَ : تَقِفُ عَلى بابٍ مِن هذِهِ الأَبوابِ فَتَقولُ : «اللّهُمَّ لا يَدخُلُ هذا البابَ مَن كانَ يُؤمِنُ بى ويَقرَؤُنى» . (1)959.كمال الدين عن داوود بن فرقد : الخصال عن ابن عبّاس عن الإمام علىّ عليه السلام حينَ سَأَلَهُ اليَهودىُّ : فَمَا السَّبعَهُ؟ قالَ : سَبعَهُ أبوابِ النّارِ مُتَطابِقاتٌ . قالَ : فَمَا الثَّمانِيَهُ ؟ قالَ : ثَمانِيَهُ أبوابِ الجَنَّهِ . (2)960.رسول اللّه صلى اللهِ عليه و آله : الإمام علىّ عليه السلام : أبوابُ النّارِ بَعضُها فَوقَ بَعضٍ، يُبدَأُ بِالأَسفَلِ فَيُملَأُ فَهُوَ أسفَلُ سافِلينَ ، ثُمَّ الَّذى يَليهِ، ثُمَّ الَّذى يَليهِ ، حَتّى يُملَأَ النّارُ . (3)961.عنه صلى الله عليه و آله : الزهد لابن حنبل عن حطان بن عبداللّه : قالَ عَلِىٌّ عليه السلام : أتَدرونَ كَيفَ أبوابُ جَهَنَّمَ؟ قالَ : قُلنا : كَنَحوِ هذِهِ الأَبوابِ . قالَ : لا، ولكِنَّها هكَذا ووَضَعَ يَدَهُ فَوقَ ، وبَسَطَ أبو عَمرٍو (4) يَدَهُ عَلى يَدِهِ . (5)962.عنه صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : لِجَهَنَّمَ سَبعَهُ أبوابٍ ؛ بابٌ مِنها لِمَن سَلَّ السَّيفَ عَلى أُمَّتى . (6) .

1- .البعث والنشور : ص 268 ح 461 ، شعب الإيمان : ج 2 ص 486 ح 2479 وليس فيه أسماء أبواب جهنّم ، كنزالعمّال : ج 1 ص 579 ح 2621 ؛ مستدرک الوسائل : ج 4 ص 218 ح 4535 نقلاً عن تفسير أبى الفتوح الرازى وفيه «لا تدع قارئها ممّن آمن باللّه أن يذهب به إلى النار» بدل «فتقول : اللّهمّ ...» .
2- .الخصال : ص 597 ح 1 ، إرشاد القلوب : ص 318 كلاهما عن عبداللّه بن عبّاس ، بحارالأنوار : ج 8 ص 128 ح 28 .
3- .المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 92 ح 10 ، تفسير الطبرى : ج 8 الجزء 14 ص 35 ، الزهد لهنّاد : ج 1 ص 173 ح 247 كلاهما نحوه وكلّها عن هبيره ، كنزالعمّال : ج 14 ص 657 ح 39788 .
4- .أبو عمرو الأزدى نصر بن علىّ ممّن وقع فى سلسله سند هذا الحديث.
5- .الزهد لابن حنبل : ص 163 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 92 ح 11 ، الزهد لابن المبارک (الملحقات) : ص 85 ح 294 ، تفسير الطبرى : ج

8 الجزء 14 ص 35 ، البعث والنشور : ص 268 ح 460 نحوه ، كنزالعمّال : ج 14 ص 657 ح 39789 .
6- .سنن الترمذى : ج 5 ص 297 ح 3123 ، مسند ابن حنبل : ج 2 ص 408 ح 5693 كلاهما عن ابن عمر .

963.الدرّ المنثور عن عائشه عن رسول اللّه صلی الله علی البعث و النشور به نقل از خلیل بن مُرّه : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نمی خوابید ، مگر آن که [سوره های] ملک و سجده را می خواند. ایشان فرمود : «حامیم ها ، هفت تا هستند و درهای جهنّم نیز هفت تا: جهنّم، آتشِ خرد کننده، آتش زبانه زننده، آتش فروزان، دوزخ، سیاه چال، مغاک آتشین» .

نیز فرمود: «در روز رستاخیز ، هر یک از این حامیم ها می آید» و به گمانم فرمود : «و جلوی یکی از این درها می ایستد و می گوید: بار خدایا ! کسی که به من ایمان داشته و مرا تلاوت می کرده است ، از این در وارد نشود» .964.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : الخصال به نقل از ابن عبّاس ، در بیان گفتگوی امام علی علیه السلام با مرد یهودی : پرسید : آن هفت تا ، کدام اند؟

فرمود: «هفت درِ آتش که روی هم نهاده شده اند» .

پرسید: آن هشت چیست؟

فرمود: «هشت درِ بهشت» .965.الإمام الصادق علیه السلام : امام علی علیه السلام : درهای دوزخ ، یکی بر روی دیگری است که از پایین ترین که همان اسفلُ السافلین است آغاز می شود و پر می گردد . سپس نوبت دیگری می رسد و سپس دیگری ، تا آن که دوزخ [از دوزخیان] پر می شود .966.عنه علیه السلام : الزهد ، ابن حنبل به نقل از حطان بن عبد اللّه : علی علیه السلام فرمود: «آیا می دانید درهای جهنّم چگونه است؟» .

گفتیم : مانند همین درها.

فرمود: «نه ؛ بلکه آنها چنین اند» و دستش را بالا گرفت و ابو عمرو دستش را بالای دست ایشان قرار داد [یعنی بر روی هم اند] .967.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : جهنّم ، هفت در دارد که یکی از آنها برای [ورود] کسی است که بر روی امّت من ، شمشیر بکشد. .

968.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : لِلنّارِ بابٌ لا يَدخُلُ مِنهُ إلّا مَن شَفى غَيظَهُ بِسَخَطِ اللّهِ عز و جل . (1)969.عنه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : لَمّا اُسرِىَ بى إلَى السَّماءِ قالَ لى جَبرَئيلُ عليه السلام : قَد اُمِرتُ بِعَرضِ الجَنَّهِ وَالنّارِ عَلَيكَ . قالَ : فَرَأيتُ الجَنَّهَ وما فيها مِنَ النَّعيمِ ، ورَأيتُ النّارَ وما فيها مِن عَذابٍ أليمٍ ...

ثُمَّ رَأَيتُ أبوابَ جَهَنَّمَ ، فَإذا عَلَى البابِ الأَوَّلِ مِنها مَكتوبٌ ثَلاثُ كَلِماتٍ ، وهِىَ : مَن رَجا اللّهَ تَعالى سَعِدَ ، ومَن خافَ اللّهَ تَعالى أمِنَ ، وَالهالِكُ المَغرورُ مَن رَجا غَيرَ اللّهِ وخافَ سِواهُ .

وعَلَى البابِ الثّانى مَكتوبٌ ثَلاثُ كَلِماتٍ : مَن أرادَ أن لا يَكونَ عُريانا يَومَ القِيامَهِ فَليَكسُ الجُلودَ العارِيَهَ فِى الدُّنيا ، ومَن أرادَ أن لا يَكونَ عَطشانا يَومَ العَطَشِ فَليَسقِ العَطشانَ فِى الدُّنيا ، ومَن أرادَ أن لا يَكونَ جائِعا فِى القِيامَهِ فَليُطعِمِ البُطونَ الجائِعَهَ فِى الدُّنيا .

وعَلَى البابِ الثالِثِ مَكتوبٌ ثَلاثُ كَلِماتٍ : لَعَنَ اللّهُ الكاذِبينَ ، لَعَنَ اللّهُ الباخِلينَ ، لَعَنَ اللّهُ الظّالِمينَ .

وعَلَى البابِ الرّابِعِ مَكتوبٌ ثَلاثُ كَلِماتٍ : أذَلَّ اللّهُ مَن أهانَ الإسلامَ ، أذَلَّ اللّهُ مَن أهانَ أهلَ بَيتِ النَّبِىِّ ، لَعَنَ اللّهُ مَن أعانَ الظّالِمينَ عَلَى ظُلمِ المَخلوقينَ .

وعَلَى البابِ الخامِسِ مَكتوبٌ ثَلاثُ كَلِماتٍ : لا تَتَّبِعِ الهَوى فَإنَّ الهَوى مُجانِبُ الإيمانِ ، ولا تُكثِر مَنطِقَكَ فيما لا يَعنيكَ فَتَقنُطُ مِن رَحمَهِ اللّهِ تَعالى ، ولا تَكُن عَونا لِلظّالِمينَ .

وعَلَى البابِ السّادِسِ مَكتوبٌ : أنَا حَرامٌ عَلى المُتَهَجِّدينَ ، أنَا حَرامٌ عَلَى المُتَصَدِّقينَ ، أنَا حَرامٌ عَلَى الصّائِمينَ .

وعَلَى البابِ السّابِعِ مَكتوبٌ ثَلاثُ كَلِماتٍ : حاسِبوا أنفُسَكُم قَبلَ أن تُحاسَبوا ، وَبِّخوا أنفُسَكُم قَبلَ أن تُوَبَّخوا ، اُدعُوا اللّهَ عز و جل قَبلَ أن تَرِدوا عَلَيهِ ولا تَقدِرونَ عَلى ذلِكَ . (2) .

1- .شعب الإيمان : ج 6 ص 320 ح 8331 ، نوادر الاُصول : ج 1 ص 188 ، الفردوس : ج 1 ص 205 ح 784 وفيه «فى معصيته» بدل «بسخط» ، كنزالعمّال : ج 3 ص 520 ح 7699 نقلاً عن ابن أبى الدنيا فى ذمّ الغصب وفيه «بمعصيه» بدل «بسخط» وكلّها عن ابن عبّاس ؛ تنبيه الخواطر : ج 2 ص 119 .
2- .الفضائل : ص 128 عن ابن مسعود ، بحارالأنوار : ج 8 ص 144 ح 7 .

970.فاطمه علیهاالسلام فی الدُّعاءِ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آتش ، دری دارد که از آن وارد نمی شود ، مگر کسی که دقّ دل خود را به قیمتِ به خشم آوردن خداوند، خالی کند .971.الإمام علیّ علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : شبی که مرا به آسمان بردند، جبرئیل علیه السلام به من گفت: «من مأمورم که بهشت و آتش را به تو نشان دهم» .

پس من بهشت و نعمت های آن را و آتش و عذاب دردناکی را که در آن بود، مشاهده کردم... . سپس درهای جهنّم را دیدم. بر نخستین درِ آن ، سه جمله نوشته شده بود، چنین: «آن که به خدای بزرگ امیدوار باشد ، به سعادت می رسد . آن که از خدای بزرگ بترسد ، در امان است . تباه شده فریب خورده ، کسی است که به غیر خدا امیدوار باشد و از غیر او بترسد» .

بر درِ دوم نیز این سه جمله نوشته شده بود: «هر که می خواهد در روز رستاخیز برهنه نباشد ، بر بدن های برهنه در دنیا جامه بپوشاند. هر که می خواهد در روز تشنگی تشنه نباشد ، در دنیا تشنه را سیراب کند . هر که می خواهد در روز رستاخیز گرسنه نباشد ، در دنیا شکم های گرسنه را غذا دهد» .

بر درِ سوم ، این سه جمله نوشته شده بود: «لعنت خدا بر دروغگویان ! لعنت خدا بر بخل ورزان ! لعنت خدا بر ستمکاران !» .

بر درِ چهارم ، این سه جمله نوشته شده بود: «خدا خوار گردانَد کسی را که اسلام را خوار می کند ! خدا خوار گردانَد کسی را که اهل بیت پیامبر را خوار می کند ! خدا لعنت کند کسی را که به ستمگران ، در ستم کردن به مخلوقان ، یاری می رسانَد !» .

بر درِ پنجم ، این سه جمله نوشته شده بود: «پیروی هوس مکن ؛ زیرا هوس ، از ایمان به دور است . بیهوده بسیار سخن مگو ؛ چرا که از رحمت خدای بزرگ نومید می گردی . و یاور ستمگران مباش» .

بر درِ ششم ، این [سه جمله] نوشته شده بود: «من بر شب زنده داران ، حرام هستم . من بر صدقه دهندگان ، حرام هستم . من بر روزه گیران ،

حرام هستم» .

بر درِ هفتم ، این سه جمله نوشته شده بود: «به حساب خود برسید ، پیش از آن که به حساب شما رسیده شود . خویشتن را سرزنش کنید ، پیش از آن که مورد سرزنش شوید . خدای عز و جل را بخوانید ، پیش از آن که نزد او بیایید و دیگر توان این کار (خواندن خداوند) را نداشته باشید» . .

972.الإمام الصادق عليه السلام فِى الدَّوابِّ الإمام زين العابدين عليه السلام : لِلنّارِ سَبعَةُ أبوابٍ : بابٌ يَدخُلُ مِنهُ فِرعونُ وهامانُ وقارونُ، وبابٌ يَدخُلُ مِنهُ المُشرِكونَ وَالكُفّارُ مِمَّن لَم يُؤمِن بِاللّهِ طَرفَةَ عَينٍ، وبابٌ يَدخُلُ مِنهُ بَنو أُمَيَّةَ ؛ هُوَ لَهُم خاصَّةً لا يُزاحِمُهُم فيهِ أحَدٌ وهُوَ بابُ لَظى، وهُوَ بابُ سَقَرَ، وهُوَ بابُ الهاوِيَهِ تَهوى سَبعينَ خَريفا، وكُلَّما هَوى بِهِم سَبعينَ خَريفا فارَ بِهِم فَورَةً قَذَفَ بِهِم فى أعلاها سَبعينَ خَريفا، ثُمَّ تَهوى بِهِم كَذلِكَ سَبعينَ خَريفاً، فَلا يَزالونَ هكَذا أبَدا خالِدينَ مُخَلَّدينَ، وبابٌ يَدخُلُ مِنهُ مُبغِضونا ومُحارِبونا وخاذِلونا ، وإنَّهُ لَأعظَمُ الأبوابِ وأشَدُّها حَرّا . (1)973.عنه عليه السلام : الكافى عن محمّد بن مسلم : كُنتُ قاعِدا عِندَ أبى جَعفَرٍ عليه السلام عَلى بابِ دارِهِ بِالمَدينَهِ، فَنَظَرَ إلَى النّاسِ يَمُرّونَ أفواجا ، فَقالَ لِبَعضِ مَن عِندَهُ : حَدَثَ بِالمَدينَهِ أمَرٌ ؟ فَقالَ : جُعِلتُ فِداكَ ، وَلِىَ المَدينَهَ والٍ فَغَدَا النّاسُ يُهَنِّؤونَهُ . فَقالَ : إنَّ الرَّجُلَ لِيُغدى عَلَيهِ بِالأمرِ تَهَنَّأ بِهِ (2) ، وإنَّهُ لَبابٌ مِن أبوابِ النّارِ . (3)راجع : ص 20 (الفصل الأوّل : أسماء جهنّم) .

.

1- .الخصال : ص 361 ح 51 عن محمّد بن الفضيل الزرقى عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، بحارالأنوار : ج 8 ص 285 ح 11 .
2- .فى وسائل الشيعه : «يُهَنّى بِهِ» بدل «تَهَنّأ بِهِ» .
3- .الكافى : ج 5 ص 107 ح 6 ، وسائل الشيعه : ج 12 ص 135 ح 22313 .

975.الإمام الصادق علیه السلام : امام زین العابدین علیه السلام : آتش ، هفت در دارد که از یک درِ آن ، فرعون و هامان و قارون وارد می شوند . از یک درش مشرکان و کافرانی داخل می شوند که چشم بر هم زدنی به خدا ایمان نیاورده اند . از یک درش بنی امیّه داخل می شوند و مختصّ آنان است و کسی دیگر با آنان از آن در ، وارد نمی شود .

و [دو در دیگر] درِ آتشِ زبانه زننده است و درِ دوزخ، و [ششمی] درِ سیاه چال که تا عمق آن ، هفتاد سال راه است و هر بار که پس از هفتاد سال در آن فروافتند ، چنان فَوَرانی می کند که آنان را دو باره به بالای آن پرتاب می کند و این نیز هفتاد سال طول می کشد [تا به بالای سیاه چال برسند] . سپس بار دیگر در آن فرو می افتند و باز هفتاد سال طول می کشد تا به قعر آن برسند، و پیوسته و همیشه چنین خواهند بود و [در این حالت ،] جاویدان و ابدی می مانند.

از یک درِ دیگر [که درِ هفتم است] ، دشمنان ما و کسانی که با ما می جنگند و [کسانی که] تنهایمان می گذارند ، داخل می شوند . این ، بزرگ ترین و سوزان ترین درِ جهنّم است . (1)976.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : الکافی به نقل از محمّد بن مسلم : نزد امام باقر علیه السلام بر درِ خانه ایشان در مدینه نشسته بودم که دید مردم ، گروه گروه می گذرند. به یکی از کسانی که نزد ایشان بود، فرمود: «در مدینه اتّفاقی افتاده است؟» .

او گفت: فدایت شوم ! حکمرانی برای مدینه آمده است و مردم برای شادباشگویی نزدش می روند.

فرمود: «چه بسا سِمَتی به کسی واگذار می شود و به وی شادباش گفته می شود ، در حالی که آن سِمَت ، دری از درهای آتش است» .ر . ک : ص 21 (فصل یکم : نام های دوزخ) .

.

1- .شاید مراد از «ابواب» در این جا ، طبقات یا به تعبیر درست تر، دَرَکات جهنّم باشد .

2 / 5وَقودُ جَهَنَّمَالكتاب«فَإِن لَّمْ تَفْعَلُواْ وَ لَن تَفْعَلُواْ فَاتَّقُواْ النَّارَ الَّتِى وَ قُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ» . (1)

«وَ أَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُواْ لِجَهَنَّمَ حَطَبًا» . (2)

«وَ اقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِىَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُواْ يَاوَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِى غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ * إِنَّكُمْ وَ مَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنتُمْ لَهَا وَ رِدُونَ * لَوْ كَانَ هَؤُلَاءِ ءَالِهَةً مَّا وَرَدُوهَا وَ كُلٌّ فِيهَا خَالِدُونَ * لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَ هُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ» . (3)

الحديث985.الإمام زين العابدين عليه السلام فِى المُناجاه الرقّه والبكاء لابن قدامه عن محمّد بن هاشم : لَمّا نَزَلَت هذِهِ الآيَهُ : «وَ قُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَهُ» قَرَأَهَا النَّبىُّ صلى الله عليه و آله فَسَمِعَها شابٌّ إلى جَنبِهِ فَصَعِقَ ، فَجَعَلَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله رَأسَهُ فى حِجرِهِ رَحمَهً لَهُ ، فَمَكَثَ ما شاءَ اللّهُ أن يَمكُثَ ثُمَّ فَتَحَ عَينَيهِ ، فَإِذا رَأسُهُ فى حِجرِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَقالَ : بِأَبى أنتَ وأُمّى مِثلُ أىِّ شَىءٍ الحَجَرُ ؟ فَقالَ : أما يَكفيكَ ما أَصابَكَ؟ ! عَلى أنَّ الحَجَرَ مِنها لَو وُضِعَ عَلى جِبالِ الدُّنيا لَذابَت مِنهُ ، وإنَّ مَعَ كُلِّ إنسانٍ مِنهُم حَجَرا وشَيطانا . (4)986.الإمام الصادق عليه السلام فِى الدُّعاءِ : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ ... الغُلولَ (5) مِن جَمرِ جَهَنَّمَ ، وَالسُّكرَ جَمرُ النّارِ . (6) .

1- .البقره : 24 .
2- .الجنّ : 15 .
3- .الأنبياء : 97 100 .
4- .الرّقه والبكاء لابن قدامه : ص 167 ح 144 ، الدرّ المنثور : ج 8 ص 226 نقلاً عن ابن أبى الدنيا .
5- .الغُلُول : هو الخيانه فى المغنم ، والسرقه من الغنيمه قبل القسمه (النهايه : ج 3 ص 380 «غلل») .
6- .تفسير القمّى : ج 1 ص 291 ، الاختصاص : ص 343 ، كنزالفوائد : ج 1 ص 216 ، بحارالأنوار : ج 21 ص 211 ح 2 ؛ مسند الشهاب : ج 1 ص 66 وليس فيه ذيله .

5 / 2 سوخت جهنّم

5 / 2سوخت جهنّمقرآن«پس اگر این کار (آورده یک سوره مانند قرآن) را نکنید که نمی توانید کرد ، پس بترسید از آتشی که سوخت آن ، مردمان و سنگ هایند و برای کافران ، آماده گشته است».

«و امّا کجروان ، هیزم جهنّم خواهند بود».

«و وعده حق نزدیک می گردد . ناگهان دیدگان کسانی که کفر ورزیده اند ، خیره می شود [و می گویند] که : «ای وای بر ما که از این روز در غفلت بودیم ! بلکه ما ستمگر بودیم» . در حقیقت، شما و آنچه غیر از خدا می پرستید ، هیمه جهنّم هستید . شما وارد آن خواهید شد. اگر اینها خدایانی [واقعی] بودند ، وارد آن نمی شدند و حال آن که جملگی در آن ، ماندگارند . آنان در آن جا ، ناله ای زار دارند و در آن جا [چیزی]نمی شنوند».

حدیث994.طبّ الأئمّه عن الحارث بن المغیره : الرقّه و البکاء ، ابن قدامه به نقل از محمّد بن هاشم : چون آیه «و سوخت آن ، مردمان و سنگ هایند» فرود آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله آن را خواند. جوانی که در کنار وی بود ، آن را شنید و از هوش رفت. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر او ترحّم فرمود و سرش را در دامن خویش نهاد. مدّتی که گذشت، آن جوان چشمانش را گشود و دید سرش در دامن پیامبر خداست. گفت : پدر و مادرم به فدایت ! آن سنگ ها مانند چه چیزند؟

فرمود: «آنچه بر سرت آمد ، برایت کافی نیست؟ ! هر سنگ آن [چنان است که]اگر بر کوه های دنیا نهاده شود ، کوه ها از حرارت آن ، آب می شوند . و با هر انسانی از ایشان (دوزخیان) ، یک سنگ و یک شیطان همراه است» .995.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (فی فَضلِ التَّمرِ البَرنِیِّ {-1- }) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دستبرد به غنایم ، از اخگر جهنّم است، و مستی نیز اخگر آتش است.

.

996.الإمام زين العابدين عليه السلام فى مُناجاتِهِ الإمام علىّ عليه السلام : وَقودُ النّارِ يَومَ القِيامَهِ كُلُّ غَنِىٍّ بَخِلَ بِمالِهِ عَلَى الفُقَراءِ ، وكُلُّ عالِمٍ باعَ الدّينَ بِالدُّنيا . (1)997.رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى دُعاءِ الأَ شرح نهج البلاغه لابن أبى الحديد عن أبى الحسن المدائنى : كانَ الحَسَنُ عليه السلام ... تَزَوَّجَ ... امرأَةً مِن بَنى شَيبانَ مِن آلِ هَمّامِ بنِ مُرَّةَ ، فَقيلَ لَهُ : إنَّها تَرى رَأىَ الخَوارِجِ ، فَطَلَّقَها ، وقالَ : إنّى أكرَهُ أن أضُمَّ إلى نَحرى جَمرَةً مِن جَمرِ جَهَنَّمَ . (2)998.تفسير القمّى : الكافى عن عثمان بن عيسى عن رجل عن الإمام الباقر عليه السلام : إنَّهُ كانَت عِندَهُ امرَأَهٌ تُعجِبُهُ ، وكانَ لَها مُحِبّا، فَأصبَحَ يَوما وقَد طَلَّقَها وَاغتَمَّ لِذلِكَ ، فَقالَ لَهُ بَعضُ مَواليهِ : جُعِلتُ فِداكَ ، لِمَ طَلَّقتَها ؟ فَقالَ : إنّى ذَكَرتُ عَلِيّا عليه السلام فَتَنَقَّصَتْهُ ، فَكَرِهتُ أن اُلصِقَ جَمرَةً مِن جَمرِ جَهَنَّمَ بِجِلدى . (3)5 / 3حَرارَهُ جَهَنَّمَالكتاب«فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُواْ أَن يُجَاهِدُواْ بِأَمْوَلِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِى سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُواْ لَا تَنفِرُواْ فِى الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَّوْ كَانُواْ يَفْقَهُونَ * فَلْيَضْحَكُواْ قَلِيلاً وَلْيَبْكُواْ كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُواْ يَكْسِبُونَ» . (4)

الحديث1004.عنه صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : نارُكُم هذِهِ جُزءٌ مِن سَبعينَ جُزءا مِن نارِ جَهَنَّمَ ، لِكُلِّ جُزءٍ مِنها حَرُّها . (5) .

1- .غرر الحكم : ح 10126 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 503 ح 9227 .
2- .شرح نهج البلاغه لابن أبى الحديد : ص 16 ح 21 ؛ بحارالأنوار : ج 44 ص 173 ح 9 .
3- .الكافى : ج 6 ص 55 ح 1 ، وسائل الشيعه : ج 15 ص 269 ح 27885 .
4- .التوبه : 81 و 82 .
5- .سنن الترمذى : ج 4 ص 710 ح 2590 عن أبى سعيد ، سنن الدارمى : ج 2 ص 797 ح 2740 ، تنبيه الغافلين : ص 357 ح 533 كلاهما عن أبى هريره وليس فيها ذيله ، البعث والنشور : ص 284 ح 497 عن المغيره نحوه ، كنزالعمّال : ج 14 ص 521 ح 39477 .

5 / 3 گرمای جهنّم

1005.الإمام زين العابدين عليه السلام : امام على عليه السلام : سوخت آتش روز قيامت، هر توانگرى است كه از بخشيدن مال خويش به تهى دستان ، بخل ورزد، و نيز هر عالمى كه دين را به دنيا بفروشد.1006.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : شرح نهج البلاغه ، ابن ابى الحديد به نقل از ابو الحسن مدائنى : حسن عليه السلام ... با زنى از بنى شيبان، از خاندان همّام بن مُرّه، ازدواج كرده بود . به ايشان گفته شد كه او هم عقيده خوارج است.

ايشان ، وى را طلاق داد و فرمود: «من خوش ندارم كه اخگرى از اخگرهاى جهنّم را به سينه ام بچسبانم» .1007.الإمام الحسن عليه السلام : الكافى به نقل از عثمان بن عيسى ، از مردى ديگر : امام باقر عليه السلام به يكى از همسران خود ، علاقه شديدى داشت . روزى او را طلاق داد و از طلاق دادنش غمگين بود. يكى از خدمتكاران ايشان گفت : فدايت شوم ! چرا طلاقش داديد؟

فرمود: «من از على عليه السلام ياد كردم و او از ايشان ، بد گفت. بنا بر اين، خوش نداشتم كه اخگرى از اخگرهاى جهنّم را به پوستم بچسبانم» .5 / 3گرمای جهنّمقرآن«بر جاى ماندگان، به [در خانه] نشستنِ خود پس از پيامبر خدا [و همراه نشدن با او]، شادمان شدند و از اين كه با مال و جان خود در راه خدا جهاد كنند ، كراهت داشتند و [به ديگر مسلمانان نيز] گفتند: «در اين گرما بيرون نرويد» . بگو: «اگر در يابيد ، آتش جهنّم گرم تر است». از اين پس ، كم بخندند و به [جزاى]آنچه به دست مى آورند، بسيار بگريند».

حديث1013.بحار الأنوار عن محمّد بن علىّ بن إبراهيم فى كتاب پيامبر خدا صلى الله عليه و آله : اين آتشِ [دنيايىِ] شما ، يكى از هفتاد جزء آتش جهنّم است كه هر جزئى از آن ، گرماى خود را دارد. (1)

.

1- .یعنی : حرارت آتش جهنّم ، هفتاد برابر بیشتر از آتش متعارف دنیوی است .

1014.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : صحيح البخارى عن أبى هريره : إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله قالَ : نارُكُم جُزءٌ مِن سَبعينَ جُزءا مِن نارِ جَهَنَّمَ . قيلَ : يا رَسولَ اللّهِ ، إن كانَت لَكافِيَةً ! قالَ : فُضِّلَت عَلَيهِنَّ بِتِسعَهٍ وسِتّينَ جُزءا ، كُلُّهُنَّ مِثلُ حَرِّها . (1)1015.الأمالى عن أنس : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ نارَكُم هذِهِ جُزءٌ مِن سَبعينَ جُزءا مِن نارِ جَهَنَّمَ ، ولَولا أنَّها أُطفِئَت بِالماءِ مَرَّتَينِ مَا انتَفَعتُم بِها ، وإنَّها لَتَدعُو اللّهَ عز و جل أَلّا يُعيدَها فيها . (2)1016.الإمام الصادق عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ نارَكُم هذِه لَجُزءٌ مِن سَبعينَ جُزءا مِن نارِ جَهَنَّمَ ، ولَقَد أُطفِئَت سَبعينَ مَرَّةً بِالماءِ ثُمَّ التَهَبَت ، ولَولا ذلِكَ لَمَا استَطاعَ آدَمِيٌّ أن يُطفِئَها إذَا التَهَبَت ، وإنَّهُ لَيُؤتى بِها يَومَ القِيامَهِ حَتّى توضَعَ عَلَى النّارِ فَتَصرُخُ صَرخَهً ما يَبقى مَلَكٌ مُقَرَّبٌ ولا نَبِىٌّ مُرسَلٌ إلّا جَثا عَلَى رُكبَتَيهِ فَزَعا مِن صَرخَتِها . (3)1017.الإمام الكاظم عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : لَو كانَ فِى المَسجِدِ مِئَهُ ألفٍ أو يَزيدونَ ، فَتَنَفَّسَ رَجُلٌ مِن أهلِ النّارِ فَأصابَهُم نَفَسُهُ لَأحرَقَ المَسجِدَ ومَن فيهِ . (4) .

1- .صحيح البخارى : ج 3 ص 1191 ح 3092 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2184 ح 2843 ، سنن الترمذى : ج 4 ص 709 ح 2589 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 188 ح 8132 ، الموطّأ : ج 2 ص 994 ح 1 ، صحيح ابن حبّان : ج 16 ص 503 ح 7462 مسند إسحاق بن راهويه : ج 1 ص 289 ح 263 وفيه «ضعّفت» بدل «فضّلت» وليس فى الثلاثه الأخيره «كلّهنّ مثل حرّها» ، البعث والنشور : ص 285 ح 498 ، الزهد لابن المبارک (الملحقات) : ص 88 ح 308 ، كنزالعمّال : ج 14 ص 520 ح 39474 .
2- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1444 ح 4318 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 635 ح 8753 كلاهما عن أنس ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 39 ح 7331 ، صحيح ابن حبّان : ج 16 ص 504 ح 7463 ، البعث والنشور : ص 285 ح 500 كلّها عن أبى هريره نحوه ، كنزالعمّال : ج 14 ص 521 ح 39476 .
3- .الزهد للحسين بن سعيد : ص 183 ح 278 عن زيد بن علىّ عن آبائه عليهم السلام ، تفسير القمىّ : ج 1 ص 366 عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «يطفيها» بدل «يطيقها» ، بحارالأنوار : ج 8 ص 288 ح 21 .
4- .البعث والنشور : ص 330 ح 603 ، مسند أبى يعلى : ج 6 ص 131 ح 6640 ، حليه الأولياء : ج 4 ص 307 ، المطالب العاليه : ج 4 ص 397 ح

4667 كلّها عن أبى هريره ، كنزالعمّال : ج 14 ص 534 ح 39540 ؛ روضه الواعظين : ص 557 .

1018.عنه علیه السلام : صحیح البخاری به نقل از ابو هریره : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آتشِ شما، یکی از هفتاد جزء آتش جهنّم است».

گفته شد: ای پیامبر خدا ! به راستی که [برای سوزاندن مجرمان ،] کافی است !

فرمود: «شصت و نه جزء بیشتر از این آتش دارد که همه آنها همانند آن ، داغ اند».1019.الإمام الصادق علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : این آتش شما ، یک جزء از هفتاد جزء آتش جهنّم است، در حالی که اگر نبود که [همین آتش معمولی]دو بار با آب خاموش شود ، شما نمی توانستید از آن استفاده کنید، و این آتش به درگاه خداوند عز و جل دعا می کند که آن را به آن (آتش جهنّم) باز نگردانَد.1020.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : این آتش شما ، جزئی از هفتاد جزء آتش جهنّم است که هفتاد بار با آب ، خاموش شد و آن گاه شعله ور گشت، و اگر این [سرد شدن ها]نبود ، هیچ انسانی نمی توانست آن را هنگام شعله ور شدنش تحمّل کند. در روز قیامت ، همین آتش را می آورند و بر آتش[دوزخ] می نهند . پس چنان فریادی می زند که تمام فرشتگان مقرّب و پیامبران مُرسَل ، از وحشت فریاد آن ، به زانو در می آیند.1021.الحاوی : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اگر در [این] مسجد ، صد هزار نفر یا بیشتر باشند و مردی از اهل دوزخ نفسی بکشد و نفس او به آنان برسد ، مسجد و همه کسانی را که در آن اند ، می سوزاند. .

1022.البدايه والنهايه : الإمام عليّ عليه السلام : نارُكُم هذِهِ جُزءٌ مِن سَبعينَ جُزءا مِن نارِ جَهَنَّمَ ، ولَولا أنَّها غُسِلتُ بِسَبعينَ ماءً ما أطاقَ آدَمِيٌّ أن يُسعِرَها ، وإنَّ لَها يَومَ القِيامَهِ لَصَرخَهً لا يَبقى مَلَکٌ مُقَرَّبٌ ولا نَبِيٌّ مُرسَلٌ إلّا جَثا عَلى رُکبَتَيهِ مِن صَرخَتِها ، ولَو أنَّ رَجُلاً مِن أهلِ النّارِ عُلِّقَ بِالمَشرِقِ لَاحتَرَقَ أهلُ المَغرِبِ مِن حَرِّهِ . (1)5 / 4سَوادُ جَهَنَّمَ1025.الإمام الصادق عليه السلام : رسولُ اللّه صلى الله عليه و آله : تَحسَبونَ أنَّ نارَ جَهَنَّمَ مِثلُ نارِکُم هذِهِ؟ هِيَ أشَدُّ سَوادا مِنَ القارِ، هِيَ جُزءٌ مِن بِضعَهٍ وسِتّينَ جُزءا مِنها ، أو نَيِّفٍ وأربَعينَ جُزءا . (2)1026.عنه عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : اُوقِدَ عَلَى النّارِ ألفَ سَنَهٍ حَتَّى احمَرَّت ، ثُمَّ اُوقِدَ عَلَيها ألفَ سَنَهٍ حَتَّى ابيَضَّت ، ثُمَّ اُوقِدَ عَلَيها ألفَ سَنَهٍ حَتَّى اسوَدَّت ، فَهِيَ سَوداءُ مُظلِمَهٌ . (3)1027.عنه عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : يُنشِئُ اللّهُ سَحابَهً لِأهلِ النّارِ سَوداءَ مُظلِمَهً، فَيُقالُ : يا أهلَ النّارِ، أىَّ شَىءٍ تَطلُبونَ؟ فَيَذکُرونَ بِها سَحابَهَ الدُّنيا، فَيَقولونَ : يا رَبَّنَا الشَّرابُ ! فَيُمطِرُهُم أغلالاً تَزيدُ فى أغلالِهِم ، وسَلاسِلَ تَزيدُ فى سَلاسِلِهِم ، وجَمرا تَلتَهِبُ عَلَيهِم . (4)1028.عنه عليه السلام وقَد سُئِلَ عَنِ استِعمالِ ال تفسير القمىّ عن أبى بصير عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال : قُلتُ لَهُ : يَابنَ رَسولِ اللّهِ خَوِّفنى ؛ فَإِنَّ قَلبى قَد قَسا .

فَقالَ عليه السلام : يا أبا مُحَمَّدٍ ، استَعِدَّ لِلحَياهِ الطَّويلَهِ ؛ فَإِنَّ جَبرَئيلَ جاءَ إلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله وهُوَ قاطِبٌ وقَد کانَ قَبلَ ذلِکَ يَجىءُ وهُوَ مُبتَسِمٌ ، فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : يا جَبرَئيلَ ، جِئتَنِى اليَومَ قاطِباً ؟ فَقالَ : يا مُحَمَّدُ ، قَد وُضِعَت مَنافِخُ النّارِ . فَقالَ : وما مَنافِخُ النّارِ يا جَبرَئيلَ ؟

فَقالَ : يا مُحَمَّدُ ، إنَّ اللّهَ عز و جل أمَرَ بِالنّارِ فَنُفِخَ عَلَيها ألفَ عامٍ حَتَّى ابيَضَّت ، ونُفِخَ عَلَيها ألفَ عامٍ حَتَّى احمَرَّت ، ثُمَّ نُفِخَ عَلَيها ألفَ عامٍ حَتَّى اسوَدَّت ، فَهِيَ سَوداءُ مُظلِمَهٌ . لَو أنَّ قَطرَهً مِنَ الضَّريعِ قَطَرَت فى شَرابِ أهلِ الدُّنيا لَماتَ أهلُها مِن نَتنِها . ولَو أنَّ حَلقَهً مِنَ السِّلسِلَهِ الَّتى طولُها سَبعونَ ذِراعا وُضِعَت عَلَى الدُّنيا لَذابَت الدُّنيا مِن حَرِّها . ولَو أنَّ سِربالاً مِن سَرابيلِ أهلِ النّارِ عُلِّقَ بَينَ السَّماءِ وَالأَرضِ لَماتَ أهلُ الأَرضِ مِن ريحِهِ ووَهَجِهِ !

فَبَكى رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله وبَكى جَبرَئيلُ ، فَبَعَثَ اللّهُ إلَيهِما مَلَكاً ، فَقالَ لَهُما : إنَّ رَبَّكُما يُقرِئُكُمَا السَّلامَ ويَقولُ : قَد آمَنتُكُما أن تُذنِبا ذَنباً اُعَذِّبُكُما عَلَيهِ .

فَقالَ أبو عَبدِاللّهِ عليه السلام : فَما رَأى رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله جَبرَئيلَ مُبتَسِماً بَعدَ ذلِكَ .

ثُمَّ قالَ : إنَّ أهلَ النّارِ يُعَظِّمونَ النّارَ ، وإنَّ أهلَ الجَنَّهِ يُعَظِّمونَ الجَنَّهَ وَالنَّعيمَ . وإنَّ أهلَ جَهَنَّمَ إذا دَخَلوها هَوَوا فيها مَسيرَهَ سَبعينَ عاماً ، فَإذا بَلَغوا أعلاها قُمِعوا بِمَقامِعِ الحَديدِ واُعيدوا فى دَرَكِها . هذِهِ حالُهُم ، وهُوَ قَولُ اللّهِ عز و جل : «كُلَّمَا أَرَادُواْ أَن يَخْرُجُواْ مِنْهَا» اِلَخ ، ثُمَّ تُبَدَّلُ جُلودُهُم جُلوداً غَيرَ الجُلودِ الَّتى كانَت عَلَيهِم .

فَقالَ أبو عبدِاللّهِ عليه السلام : حَسبُكَ يا أبا مُحَمَّدٍ ؟ قُلتُ : حَسبى ، حَسبى . (5) .

1- .مسند زيد : ص 416 عن الإمام زين العابدين عن أبيه عليهماالسلام .
2- .البعث والنشور : ص 286 ح 501 عن أبى هريره .
3- .سنن الترمذى : ج 4 ص 710 ح 2591 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1445 ح 4320 وزاد فيه «كالليل المظلم» وكلاهما عن أبى هريره ، المعجم الأوسط : ج 3 ص 90 ح 2583 عن عمر وزاد فى آخره «لا يضىء شررها ، ولا يطفأ لهبها» ، شعب الإيمان : ج 1 ص 489 ح 799 عن أنس وزاد فى آخره «لا يطفأ لهبها» ، كنزالعمّال : ج 14 ص 522 ح 39483 ؛ تفسير القمّى : ج 2 ص 81 عن أبى بصير ، روضه الواعظين : ص 556 كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام عن جبرئيل عليه السلام نحوه ، بحارالأنوار : ج 8 ص 280 ح 1 وراجع : الدروع الواقيه : ص 272 .
4- .المعجم الأوسط : ج 4 ص 247 ح 4103 .
5- .تفسير القمىّ : ج 2 ص 81 ، بحارالأنوار : ج 8 ص 280 ح 1 .

1029.تهذيب الأحكام عن محمّد بن عبد اللّه بن جعفر الحمى امام على عليه السلام : اين آتش شما ، جزئى از هفتاد جزء آتش جهنّم است، در حالى كه [همين آتش نيز] اگر با هفتاد آب شسته نشده بود ، هيچ آدمى طاقت نداشت كه آن را بر افروزد. همين آتش در روز قيامت ، [از داغيِ آتش دوزخ]چنان فريادى مى كشد كه تمام فرشتگان مقرّب و پيامبران مرسل ، از فرياد آن به زانو در مى آيند. اگر مردى از اهل آتش دوزخ ، در مشرق آويزان شود ، اهالى مغرب از گرماى آن مى سوزند.5 / 4سياهيِ جهنّم1032.الاحتجاج فى ذِكرِ مَسائِلِ الحِمَيرِىِّ لِلإِ پيامبر خدا صلى الله عليه و آله : مى پنداريد كه آتش جهنّم ، همانند اين آتش شماست؟ [نه،]آتش جهنّم، از قير هم سياه تر است. اين آتش دنيا ، جزئى است از شصت و اندى جزء آن، يا چهل و اندى جزء آن .1033.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : پيامبر خدا صلى الله عليه و آله : هزار سال در آتش [جهنّم] دميده شد تا سرخ گرديد . سپس هزار سال ديگر در آن دميده شد تا سفيد گشت . سپس هزار سال در آن دميده شد تا سياه گرديد. بنا بر اين، آتش جهنّم سياه و تاريک است.1034.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : پيامبر خدا صلى الله عليه و آله : خداوند ، ابر سياه تاريكى را براى اهل آتش پديد مى آورد و گفته مى شود: «اى اهل آتش! چه مى خواهيد؟» .

دوزخيان با ديدن آن ، به ياد ابرهاى دنيا مى افتند و مى گويند: پروردگارا ! نوشيدنى !

پس خداوند بر آنان كُند و زنجيرهايى فرو مى باراَند كه بر كُند و زنجيرهايشان مى افزايد، و اخگرهايى مى باراَند كه بر آنان شعله ور مى شوند .1035.عنه صلى الله عليه و آله : تفسير القمّى به نقل از ابو بصير : به امام صادق عليه السلام گفتم : اى پسر پيامبر خدا ! در من خوف ايجاد كن كه دلم سخت گشته است.

فرمود: «اى ابو محمّد! براى زندگيِ طولانى آماده شو؛ چرا كه جبرئيل با چهره اى گرفته ، نزد پيامبر خدا صلى الله عليه و آله آمد، در حالى كه پيش از آن ، تبسّم كنان مى آمد. پيامبر خدا صلى الله عليه و آله فرمود: "اى جبرئيل ! [چرا] امروز با چهره اى گرفته ، نزد من آمده اى؟".

جبرئیل گفت: ای محمّد ! دَمه های آتش نصب شد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: "دمه های آتش چیست، ای جبرئیل؟" .

گفت: ای محمّد ! به دستور خداوند عز و جل ، هزار سال در آتش دمیده شد تا سفید گردید، و هزار سال دیگر در آن دمیده شد تا سرخ گشت . دیگر بار ، هزار سال در آن دمیده شد تا سیاه گردید. بنا بر این، آتش دوزخ ، سیاه و تاریک است. اگر قطره ای از خارِ سمّ در نوشیدنیِ اهل دنیا بچکد ، همه آنها از بوی تعفّن آن می میرند و اگر حلقه ای از زنجیرِ هفتاد گزی آن ، بر اهل دنیا نهاده شود، همه آنان از حرارتش آب می شوند و اگر جامه ای از جامه های اهل آتش ، میان آسمان و زمین آویزان گردد ، همه اهل زمین از بوی آن و از برافروختگی اش می میرند.

در این هنگام، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و جبرئیل گریستند. پس خداوند ، فرشته ای را به سوی آن دو فرستاد که به ایشان گفت: پروردگارتان به شما سلام می رساند و می فرماید : شما را از این که گناهی کنید تا به سبب آن عذابتان کنم، مصون داشتم .

از آن زمان به بعد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دیگر جبرئیل را متبسّم ندید».

امام صادق علیه السلام فرمود : «اهل آتش، آتش را بزرگ می شمارند و اهل بهشت نیز بهشت و نعمت های آن را بزرگ می شمارند . اهل جهنّم چون وارد آن شوند ، بعد از هفتاد سال در قعرش فرو می افتند و چون [دو باره] به بالای آن رسند ، با گرزهای آهنی بر سرشان کوفته می شود و به قعر آن باز می گردند، و پیوسته بر این حال اند. این ، همان سخن خدای عز و جل است که : «هر گاه بخواهند از آن خارج شوند ، ...» . سپس پوست هایشان به پوستی دیگر تبدیل می شود».

امام صادق علیه السلام فرمود: «کافی است ، ای ابو محمّد؟ !» .

گفتم : کافی است، کافی است .

.

ص: 136

. .

ص: 137

. .

5 / 5سُرادِقُ جَهَنَّمَالكتاب«وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ فَمَن شَاءَ فَلْيُؤْمِن وَ مَن شَاءَ فَلْيَكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَ إِن يَسْتَغِيثُواْ يُغَاثُواْ بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِى الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَ سَاءَتْ مُرْتَفَقًا» . (1)

الحديث1041.عنه صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : لِسُرادِقِ النّارِ أربَعَهُ جُدُرٍ، كَثفُ كُلِّ جِدارٍ مِثلُ مَسيرَهِ أربَعينَ سَنَهً .
1042(2).الإمام علىّ عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوب الإمام الباقر عليه السلام كانَ يَقولُ : إذا كانَ يَومُ القِيامَهِ جُعِلَ سُرادِقُ مِن نارٍ، وجُعِلَ فيهِ أعوانُ الظّالِمينَ ، وتُجعَلُ لَهُم أظافيرُ مِن حَديدٍ يَحُكّونَ بِها أبدانَهُم ، حَتّى تَبدُوَ أفئِدَتُهُم ، ويَقولونَ : رَبَّنا ألَم نَعبُدكَ ؟ فَيُقالُ : بَلى ، ولكِنَّكُم كُنتُم أعوانا لِلظّالِمينَ . (3)
1043.عنه عليه السلام فى كِتابِهِ إلى مَلِكِ الرّوم الكافى عن ابن أبى يعفور : كُنتُ عِندَ أبى عَبدِاللّهِ عليه السلام إذ دَخَلَ عَلَيهِ رَجُلٌ مِن أصحابِنا فَقالَ لَهُ : أصلَحَكَ اللّهُ ، إنَّهُ رُبَّما أصابَ الرَّجُلَ مِنَّا الضِّيقُ أو الشِّدَهُ ، فَيُدعى إلَى البِناءِ يَبنيهِ أو النَّهرِ يَكريهِ ، أوِ المُسَنّاهِ يُصلِحُها ، فَما تَقولُ فى ذلِكَ؟ فَقالَ أبو عَبدِاللّهِ عليه السلام : ما اُحِبُّ أنّى عَقَدتُ لَهُم (4) عُقدَهً أو وَكَيتُ لَهُم وِكاءً وإنَّ لى ما بَينَ لابَتَيها (5) ، لا ولا مَدَّهً

بِقَلَمٍ ! إنَّ أعوانَ الظَّلَمَهِ يَومَ القيامَهِ فى سُرادِقٍ مِن نارٍ حَتّى يَحكُمَ اللّهُ بَينَ العِبادِ . (6) .

1- .الكهف : 29 .
2- .سنن الترمذى : ج 4 ص 706 ح 2584 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 58 ح 11234 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 643 ح 8775 وليس فيه «كثف» وكلّها عن أبى سعيد الخدرى ، كنزالعمّال : ج 14 ص 520 ح 39472 .
3- .درر الأحاديث النبويّه : ص 36 .
4- .أى للحكّام الظلمه .
5- .اللّوبَهُ : الحَرَّهُ ، وبين لابتى المدينه : هما حَرَّتان تكتنفانها ، (تاج العروس : ج 2 ص 409 «لوب») . وهى للدلاله على الكثره والوسعه .
6- .الكافى : ج 5 ص 107 ح 7 ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 331 ح 919 ، وسائل الشيعه : ج 12 ص 129 ح 6 .

5 / 5 سراپرده جهنّم

5 / 5سراپرده جهنّمقرآن«و بگو: حق ، از پروردگارتان [رسیده] است . پس هر که خواست ، بگرود و هر که خواست ، انکار کند . ما برای ستمگران ، آتشی آماده کرده ایم که سراپرده اش آنان را در بر می گیرد و اگر فریادرسی جویند ، به آبی چون مسِ گداخته که چهره هایشان را بریان می کند ، یاری می شوند. وه ، چه بد شَرابی و چه زشت جایگاهی است !».

حدیث1049.مکارم الأخلاق : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سراپرده دوزخ ، چهار دیوار دارد که ضخامت هر دیواری ، به اندازه چهل سال راه است.1050.الکافی عن حمّاد بن عثمان : امام باقر علیه السلام همواره می فرمود : چون روز قیامت شود ، سراپرده ای از آتش برپا می گردد و دستیاران ستمگران را در آن ، جای می دهند و ناخن هایی از آهن برایشان قرار می دهند که با آنها بدن هایشان را می خارانند ، چندان که قلب هایشان نمایان می شود و می گویند: پروردگارا ! مگر ما تو را عبادت نکردیم؟

گفته می شود: «چرا ؛ لیکن شما یارِ ستمگران بودید» .1051.الکافی عن أبی بصیر : الکافی به نقل از عبد اللّه بن ابی یعفور : در محضر امام صادق علیه السلام بودم که مردی از یارانمان وارد شد و گفت : خداوند ، شما را به سلامت بدارد ! ممکن است مردی از ما ، دچار مضیقه و فشار گردد و از او خواسته شود که [برای دولت و حکومت جور] بنایی را بسازد یا نهری حفر کند یا آب بندی درست کند . در این باره چه می فرمایید؟

امام صادق علیه السلام فرمود: «من دوست نمی دارم که برای آنان [حتّی] گرهی بزنم یا بند کیسه ای را ببندم ، اگرچه از شرق تا غرب مدینه را به من بدهند . نه چنین می کنم و نه حتّی حاضرم قلمی را به مرکّب ، آغشته کنم. کسانی که به ستمگران

کمک کنند ، در روز رستاخیز ، در خیمه هایی از آتش اند تا آن گاه که خدا میان بندگان ، داوری کند» .

.

1052.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : الكافى عن زياد ابن أبى سلمه : دَخَلتُ عَلى أبِى الحَسَنِ موسى عليه السلام فَقالَ لى : يا زِيادُ ، إنَّكَ لَتَعمَلُ عَمَلَ السُّلطانِ ؟ قالَ : قُلتُ : أجَل ، قالَ لى : ولِمَ؟ قُلتُ : أنَا رَجُلٌ لى مُرُوَّهٌ وعَلَىَّ عِيالٌ ولَيسَ وَراءَ ظَهرى شَىءٌ .

فَقالَ لى : يا زِيادُ ، لَئِن أسقُطَ مِن جالِقٍ (1) فَأَتَقَطَّعُ قِطعَةً قِطعَةً أحَبُّ إلَىَّ مِن أن أتَوَلّى لِأَحَدٍ مِنهُم عَمَلاً ، أو أطَأ بِساطَ أحَدِهِم إلّا لِماذا ؟ قُلتُ : لا أدرى جُعِلتُ فِداکَ ! فَقالَ : إلّا لِتَفريجِ كُربَةٍ عَن مُؤمِنٍ ، أو فَكِّ أسرِهِ ، أو قَضاءِ دَينِهِ .

يا زيادُ ، إنَّ أهوَنَ ما يَصنَعُ اللّهُ بِمَن تَوَلّى لَهُم عَمَلاً أن يَضرِبَ عَلَيهِ سُرادِقٌ مِن نارٍ إلى أن يَفرُغَ اللّهُ مِن حِسابِ الخَلائِقِ . (2)5 / 6سَمومُ
جَهَنَّمَالكتاب«وَ أَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ * فِى سَمُومٍ وَ حَمِيمٍ * وَ ظِلٍّ مِّن يَحْمُومٍ * لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ * إِنَّهُمْ كَانُواْ قَبْلَ ذَ لِكَ مُتْرَفِينَ * وَ كَانُواْ يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ * وَ كَانُواْ يَقُولُونَ أَئِذَا مِتْنَا وَ كُنَّا تُرَابًا وَ عِظَامًا أَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ * أَوَ ءَابَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ * قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْاخِرِينَ * لَمَجْمُوعُونَ إِلَى مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ» . (3)

الحديث1058.عنه عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : لَو فَتَحَ اللّهُ مِن عَذابِ السَّمومِ عَلى أهلِ الأرضِ مِثلَ الأنمُلَهِ أحرَقَتِ

الأَرضَ ومَن عَلَيها . (4) .

1- .الجالق : الجبل المرتفع (مرآه العقول : ج 19 ص67) . ولعلّ الصحيح : «حالِق» كما فى تهذيب الأحكام .
2- .الكافى : ج 5 ص 109 ح 1 ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 333 ح 924 ، بحارالأنوار : ج 48 ص 172 ح 13 .
3- .الواقعه : 41 50 .
4- .الدرّ المنثور : ج 7 ص 634 نقلاً عن ابن مردويه عن عائشه .

5 / 6 باد سوزان جهنّم

1059.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : الکافی به نقل از زیاد بن ابی سلمه : خدمت امام کاظم علیه السلام رسیدم. به من فرمود: «ای زیاد ! تو برای حکومت ، کار می کنی؟» .

گفتم : بله .

فرمود: «چرا؟» .

گفتم : من مردی آبرومند و عیالوارم و پشتوانه ای [مالی] هم ندارم.

فرمود: «ای زیاد ! اگر از فراز کوهی بلند فرو افتم و تکّه تکّه شوم، برایم خوش تر از آن است که برای یکی از اینها (ظلمه و حکّام جور) عهده دار کاری شوم، یا بر فرش یکی از آنان قدم بگذارم، مگر برای چه؟» .

گفتم : نمی دانم، قربانت گردم !

فرمود: «مگر برای غم گساردن از مؤمنی، یا آزاد کردن او از بند، یا ادای دَینش . ای زیاد ! هر کس برای اینان عهده دار کاری شود، کمترین کاری که خدا با او می کند ، این است که خیمه ای از آتش بر او می زند تا آن گاه که خداوند از حسابرسیِ خلایق ، آسوده گردد» .5 / 6باد سوزان جهنّمقرآن«و یاران دست چپ ؛ چه یاران دست چپی ! در میان بادِ سوزان و آب جوشاننده و در سایه ای از دود تار ؛ نه خنک و نه خوش. ایشان بودند که پیش از این ، نازپروردگان بودند و بر گناه بزرگ ، پافشاری می کردند و می گفتند: «آیا چون مُردیم و خاک و استخوان شدیم، واقعا [باز]زنده می گردیم؟ و آیا پدران گذشته ما [نیز زنده می شوند]؟» . بگو: در حقیقت، اوّلین و آخرین[آدمیان] ، قطعا همه در وعده گاه روزی معلوم ، گرد آورده می شوند».

حدیث1065.رسول اللّه صلی الله علیه و آله فی جَوابِ الیَ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اگر خداوند از عذاب بادِ سوزان ، به اندازه سرِ انگشتی بر اهل زمین

بفرستد ، زمین و زمینیان را می سوزاند.

.

5 / 7مَقامِعُ جَهَنَّمَالكتاب«هَذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُواْ فِى رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُواْ قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِّن نَّارٍ يُصَبُّ مِن فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ * يُصْهَرُ بِهِ مَا فِى بُطُونِهِمْ وَ الْجُلُودُ * وَ لَهُم مَّقَامِعُ مِنْ حَدِيدٍ * كُلَّمَا أَرَادُواْ أَن يَخْرُجُواْ مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُواْ فِيهَا وَذُوقُواْ عَذَابَ الْحَرِيقِ» . (1)

الحديث1071.عنه صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : لَو ضُرِبَ مِقمَعٌ مِن حَديدِ جَهَنَّمَ الجَبَلَ لَتَفَتَّتَ كَما يُضرَبُ بِهِ أهلُ النّارِ فَصارَ رَمادا . (2)1072.عنه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : لَو أنَّ مِقمَعا مِن حَديدٍ وُضِعَ فِى الأَرضِ، فَاجتَمَعُ لَهُ الثَّقَلانِ ما أقَلّوهُ مِنَ الأَرضِ . (3)1073.عنه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : وَالَّذى نَفسى بِيَدِهِ ! لَو أنَّ مِقماعا واحِدا مِمّا ذَكَرَهُ اللّهُ فى كِتابِهِ وُضِعَ عَلى جِبالِ الأَرضِ لَساخَت إلى أسفَلِ سَبعِ أرَضينَ ، ولَما أطاقَتهُ ، فَكَيفَ بِمَن يُقمَعُ بِهِ يَومَ القِيامَهِ فِى النّارِ . (4) .

1- .الحجّ : 19 22 .
2- .المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 644 ح 8777 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 166 ح 11786 ، مسند أبى يعلى : ج 2 ص 130 ح 1372 ، الفردوس : ج 3 ص 367 ح 5116 كلّها عن أبى سعيد الخدرى نحوه ، كنزالعمّال : ج 14 ص 523 ح 39490 ؛ تنبيه الخواطر : ج 1 ص 301 عن أبى سعيد الخدرى نحوه .
3- .مسند ابن حنبل : ج 4 ص 58 ح 11233 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 642 ح 8773 ، مسند أبى يعلى : ج 2 ص 134 ح 1384 ، البعث والنشور : ص 299 ح 537 كلّها عن أبى سعيد الخدرى ، كنزالعمّال : ج 14 ص 523 ح 39490 ؛ مجمع البيان : ج 7 ص 124 عن أبى سعيد الخدرى ، بحارالأنوار : ج 8 ص 252 .
4- .الدروع الواقيه : ص 274 عن زيد بن علىّ عن أبيه عن جدّه عن الإمام علىّ عليهم السلام ، بحارالأنوار : ج 8 ص 302 ح 61 .

5 / 7 گرزهای جهنّم

5 / 7گرزهای جهنّمقرآن«این دو گروه ، دشمنان یکدیگرند که در باره پروردگارشان با هم ستیزه می کنند، و کسانی که کفر ورزیدند ، جامه هایی از آتش برایشان بریده شده و از بالای سرشان ، آب جوشان ریخته می شود تا آنچه در شکم های آنهاست با پوستشان ، بدان گداخته گردد. و برای آنان گرزهایی آهنین است. هر بار که بخواهند از اندوه آن بیرون آیند ، به درون آن باز گردانیده می شوند، و [به آنها گفته می شود :] بچشید آتش سوزان را».

حدیث1079.الإمام الرضا علیه السلام فی خُطبَهٍ لَهُ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اگر یکی از گرزهای آهنین جهنّم بر کوه کوبیده شود ، از هم می پاشد، چنان که با آن بر اهل دوزخ کوبیده می شود و خاکستر می گردند.1080.الإمام علیّ علیه السلام فی خُطبَهٍ لَهُ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اگر یکی از گرزهای آهنین[جهنّم] در زمین نهاده شود و جنّ و انس جمع شوند ، نمی توانند آن را از زمین بلند کنند.1081.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سوگند به آن که جانم در دست اوست ، اگر یک گرز از گرزهایی که خداوند در کتابش از آنها یاد کرده، بر کوه های زمین نهاده شود ، کوه ها به قعر زمین هفتم فرو می روند و آن را تحمّل نتوانند کرد ، چه رسد به کسی که در روز

قیامت ، با آن گرزها در آتش بر او بکوبند.

.

1082.عنه صلى الله عليه و آله : الإمام الصادق عليه السلام : مَرَّ سَلمانُ رضى الله عنه عَلَى الحَدّادينَ بِالكوفَهِ ، فَرَأى شابّا صَعِقَ وَالنّاسُ قَدِ اجتَمَعوا حَولَهُ ، فَقالوا لَهُ : يا أبا عَبدِاللّهِ ، هذَا الشابُّ قَد صُرِعَ ، فَلَو قَرَأتَ فى اُذُنِهِ . قالَ : فَدَنا مِنهُ سَلمانُ ، فَلَمّا رَآهُ الشابُّ أفاقَ، وقالَ : يا أبا عَبدِاللّهِ ؛ لَيسَ بى ما يَقولُ هؤُلاءِ القَومُ ، ولكِنّى مَرَرتُ بِهؤُلاءِ الحَدّادينَ وهُم يَضرِبونَ بِالمِرزَباتِ ، فَذَكَرتُ قَولَهُ تَعالى : «وَ لَهُم مَّقَامِعُ مِنْ حَدِيدٍ» (1) فَذَهَبَ عَقلى خَوفا مِن عِقابِ اللّهِ تَعالى .

فَاتَّخَذَهُ سَلمانُ أخا ، ودَخَلَ قَلبَهُ حَلاوَهُ مَحَبَّتِهِ فِى اللّهِ تَعالى ، فَلَم يَزَل مَعَهُ حَتّى مَرِضَ الشابُّ ، فَجاءَهُ سَلمانُ فَجَلَسَ عِندَ رَأسِهِ وهُوَ يَجودُ بِنَفسِهِ ، فَقالَ : يا مَلَكَ المَوتِ اُرفُق بِأخى ، فَقالَ : يا أبا عَبدِاللّهِ ، إنّى بِكُلِّ مُؤمِنٍ رَفيقٌ . (2)5 / 8سَلاسِلُ جَهَنَّمَالكتاب«إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَاْ وَ أَغْلَالاً وَ سَعِيرًا» . (3)

«خُذُوهُ فَغُلُّوهُ * ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ * ثُمَّ فِى سِلْسِلَهٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ» . (4)

«الَّذِينَ كَذَّبُواْ بِالْكِتَابِ وَ بِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ * إِذِ الْأَغْلَالُ فِى أَعْنَاقِهِمْ وَ السَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ * فِى الْحَمِيمِ ثُمَّ فِى النَّارِ يُسْجَرُونَ» . (5)

.

1- .الحجّ : 21 .
2- .الأمالى للمفيد : ص 136 ح 4 ، رجال الكشى : ج 1 ص 72 ح 3 كلاهما عن عمر بن يزيد ، بحارالأنوار : ج 22 ص 385 ح 26 .
3- .الدهر : 4 .
4- .الحاقّه : 30 32 .
5- .غافر : 70 72 .

5 / 8 زنجیرهای جهنّم

1089.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : سلمان رضی الله عنه در کوفه از بازار آهنگران ، گذر کرد . جوانی را دید که از هوش رفته و مردم ، پیرامون او گرد آمده اند. به سلمان گفتند: ای ابو عبد اللّه ! این جوان غش کرده است. خوب است دعایی در گوش او بخوانی.

سلمان نزدیک او رفت . چشم جوان که به او افتاد ، به هوش آمد و گفت: ای ابو عبد اللّه ! من آن طور که این جماعت می گویند ، [صرعی] نیستم ؛ بلکه چون گذرم بر این آهنگران افتاد و دیدم که با پتک می کوبند، به یاد این سخن خداوند متعال افتادم که: «برای آنان گُرزهایی آهنین است» . پس ، از ترس کیفر خدای متعال ، هوش از سرم رفت.

پس از آن ، سلمان ، او را به برادری گرفت و شیرینیِ عشق او به خداوند متعال ، در دل سلمان افتاد و همیشه با او بود ، تا این که آن جوان بیمار شد. سلمان نزد او آمد و او در حال جان دادن بود . بر بالینش نشست و گفت: «ای فرشته مرگ ! با برادرم مدارا کن» .

فرشته مرگ گفت: ای ابو عبد اللّه ! من با هر مؤمنی مدارا می کنم.5 / 8زنجیرهای جهنّمقرآن«ما برای کافران ، زنجیرها و کُندها و شراره آتش ، آماده ساخته ایم».

«او را بگیرید و به کند و زنجیرش کشید. سپس او را به آتش افروخته در افکنید . آن گاه به زنجیری که هفتاد گز درازای آن است، بکِشید».

«کسانی که کتاب را و آنچه فرستادگانمان را با آن فرستادیم ، تکذیب کردند ، به زودی خواهند دانست ، آن گاه که کُندها در گردن هایشان [افتد]و با زنجیرها کشانیده شوند، در میان جوشاب . سپس در آتش ، برافروخته شوند».

.

الحديث1097.عنه صلى الله عليه و آله : الإمام الحسن عليه السلام : إنَّ اللّه َ تَعالى لَم يَجعَلِ الأَغلالَ فى أعناقِ أهلِ النّارِ لِأَنَّهُم أعجَزوهُ ، ولكِن إذا أُطفِئَ بِهِمُ اللَّهَبُ أرسَبَهُم فى قَعرِها ثُمَّ غُشىَ عَلَيهِ ، فَلَمّا أفاقَ مِن غَشوَتِهِ قالَ : يَابنَ آدَمَ ، نَفسَكَ نَفسَكَ ! فَإِنَّما هِىَ نَفسٌ واحِدَهٌ ؛ إن نَجَت نَجَوتَ ، وإن هَلَكَت لَم يَنفَعكَ نَجاهٌ مِن نَجاهٍ . (1)1098.الإمام علىّ عليه السلام : الإمام الصادق عليه السلام : إنَّ جَبرَئيلَ جاءَ إلى رَسولِ اللّه ِ صلى الله عليه و آله وهُوَ قاطِبٌ ... فَقالَ : ... لَو أنَّ حَلقَهً مِنَ السِّلسِلَهِ الَّتيطولُها سَبعونَ ذِراعا وُضِعَت عَلَى الدُّنيا لَذابَتِ الدُّنيا مِن حَرِّها. (2)5 / 9حَيّاتُ جَهَنَّمَ1101.الإمام علىّ عليه السلام (فى جَوابِ حِبرٍ {-1-} مِن أحبارِ اليَهودِ لَمّا) رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ فِى النّارِ حَيّاتٍ كَأَمثالِ أعناقِ البُختِ (3) ، تَلسَعُ إحداهُنَّ اللَّسعَهَ ، فَيَجِدُ حُمُوَّتَها أربَعينَ خَريفا . وإنَّ فِى النّارِ عَقارِبَ كَأَمثالِ البِغالِ المُؤكَفَهِ (4) ، تَلسَعُ إحداهُنَّ اللَّسعَهَ فَيَجِدُ حُمُوَّتَها أربَعينَ سَنَهً . (5) .

1- .إرشاد القلوب : ص 36 ؛ الدرّ المنثور : ج 4 ص 606 نقلاً عن ابن أبى شيبه والخطيب نحوه .
2- .تفسير القمّى : ج 2 ص 81 عن أبى بصير ، روضه الواعظين : ص 556 ، الدروع الواقيه : ص 273 عن الحسن نحوه ، بحارالأنوار : ج 8 ص 280 ح 1 .
3- .البُخت : جمالٌ طوال الأعناق (النهايه : ج 1 ص 101 «بخت») .
4- .إكافُ الحِمارِ : بُردَعتُهُ ، وهى فى المراكب شبه الرحال والأقتاب (تاج العروس : ج 12 ص 87 «أكف») .
5- .مسند ابن حنبل : ج 6 ص 217 ح 17729 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 635 ح 8754 ، صحيح ابن حبّان : ج 16 ص 512 ح 7471 وفيهما صدره إلى «خريفا» ، البعث والنشور : ص 311 ح 561 ، تاريخ دمشق : ج 17 ص 219 ح 4116 كلّها عن عبداللّه بن الحارث بن جزء ، كنزالعمّال : ج 14 ص 526 ح 39503 وراجع : الزهد لهنّاد : ج 1 ص 178 ح 259 .

5 / 9 مارهای جهنّم

حدیث1103.وقعه صفّین عن حبّه العرنی عَن کِتابٍ کَتَبَهُ امام حسن علیه السلام : این که خدای متعال ، گردن دوزخیان را در کُند و زنجیر می کند ، به این دلیل نیست که از عهده مهار آنان بر نمی آید ؛ بلکه هر گاه شعله آتش خاموش گردد ، آنان را به قعر دوزخ می فرستد، سپس از هوش می روند و چون به هوش می آیند، می فرماید: «ای پسر آدم ! جان خویش را در یاب، جان خویش را در یاب ! که یک جان بیش نیست ؛ اگر به سلامت رست ، نجات می یابی و اگر تباه شد، هیچ چیز در نجات تو سود نخواهد بخشید» .1104.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : جبرئیل با چهره ای در هم ، نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد... و گفت: «... اگر یک حلقه از آن زنجیر هفتاد گزی ، در دنیا نهاده شود، از حرارتش دنیا ذوب می گردد» .5 / 9مارهای جهنّم1107.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در آتش ، مارهایی هستند چونان گردن بُختی ، (1) و هر یک از آنها چنان نیشی می زند که [دوزخی]سوزش آن را تا چهل سال احساس می کند . (2) [نیز] در آتش ، کژدم هایی هستند به سان قاطر پالان شده، و هر یک از آنها چنان نیشی می زند که [دوزخی] سوزش آن را تا چهل سال احساس می کند.

.

1- .بُختی یا شتر خراسانی که گردنی دراز دارد.
2- .یا: از فاصله چهل سال راه ، احساس می کند .

5 / 10كِلابُ جَهَنَّمَ1110.عنه عليه السلام فى خُطبَةٍ لَهُ : رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى مَوعِظَتِهِ لِمُعاذِ بنِ جَبَلٍ : لا تُمَزِّقِ النّاسَ فَيُمَزِّقَكَ كِلابُ أهلِ النّارِ، قالَ اللّهُ : «وَ النَّاشِطَاتِ نَشْطاً» (1) أتَدرى مَا النّاشِطاتُ ؟ كِلابُ أهلِ النّارِ، تَنشِطُ اللَّحمَ وَالعَظمَ . (2)1111.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : صفه النار لابن أبى الدنيا عن حذيفه بن اليمان : أسَرَّ إلَىَّ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله حَديثا فِى النّارِ ، فَقالَ : يا حُذَيفَهُ ، إنَّ فى جَهَنَّمَ لَسِباعا مِن نارٍ، وكِلابا مِن نارٍ ، وكَلاليبَ مِن نارٍ ، وسُيوفا مِن نارٍ ، وإنَّهُ يُبعَثُ مَلائِكَهٌ يُعَلِّقونَ أهلَ النّارِ بِتِلكَ الكَلاليبِ بِأحناكِهِم ، ويُقَطِّعونَهُم بِتِلكَ السُّيوفِ عُضوا عُضوا ، ويُلقونَهُم إلى تِلكَ السِّباعِ وَالكِلابِ ، كُلَّما قَطَعوا عُضوا عادَ مَكانَهُ غَضّا جَديدا . (3)1112.الإمام علىّ عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : لا تُجالِسوا مَعَ شارِبِ الخَمرِ ، ولا تَعودوا مَرضاهُم ، ولا تُشَيِّعوا جَنائِزَهُم ، ولا تُصَلّوا عَلى أمواتِهِم ؛ فَإنَّهُم كِلابُ أهلِ النّارِ ، كَما قالَ اللّهُ عز و جل : «قَالَ اخْسَئُواْ فِيهَا وَ لَا تُكَلِّمُونِ» (4) . (5)1113.كتاب الدعاء المأثور : عنه صلى الله عليه و آله : الخَوارِجُ كِلابُ النّارِ . (6) .

1- .النازعات : 2 .
2- .فلاح السائل : ص 231 ح 128 ، عدّه الداعى : ص 229 كلاهما عن معاذ ، بحارالأنوار : ج 70 ص 248 ح 20 ؛ الدرّ المنثور : ج 8 ص 405 نقلاً عن ابن مردويه عن معاذ .
3- .صفه النار لابن أبى الدنيا : ص 86 ح 121 ، الدر المنثور : ج 2 ص 569 .
4- .المؤمنون : 108 .
5- .جامع الأخبار : ص 424 ح 1181 ، بحارالأنوار : ج 79 ص 148 ح 64 .
6- .سنن ابن ماجه : ج 1 ص 61 ح 173 ، مسند ابن حنبل : ج 7 ص 51 ح 19152 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 730 ح 4 كلّها عن ابن أبى أوفى ، المعجم الكبير : ج 8 ص 270 ح 8042 عن أبى أمامه ، كنزالعمّال : ج 11 ص 207 ح 31254 ؛ الأمالى للطوسى : ص 487 ح 1068 عن عبداللّه بن أبى أوفى ، الملاحم والفتن : ص 331 ح 480 مرسلاً ، بحارالأنوار : ج 33 ص 326 ح 571 .

5 / 10 سگ های جهنّم

5 / 10سگ های جهنّم1116.الإمام الباقر علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در اندرز به معاذ بن جبل : مردم را از هم مَدَر که [اگر چنین کنی ،]سگ های اهل دوزخ نیز تو را از هم می درند. خداوند فرموده است: «وَ النَّشِطَتِ نَشْطاً» . آیا می دانی «ناشطات» چیست؟ سگ های اهل دوزخ که گوشت و استخوان را به دندان می گزند .1117.الإمام الصادق علیه السلام : صفه النار ، ابن ابی الدنیا به نقل از حُذَیفه بن یمان : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره آتش، حدیثی را نهانی با من در میان نهاد و فرمود: «ای حذیفه ! در جهنّم ، درندگان و سگ ها و چنگک ها و شمشیرهایی از آتش وجود دارد. فرشتگانی فرستاده می شوند و دوزخیان را از کمرهایشان به آن چنگک ها آویزان می کنند و با آن شمشیرها اعضایشان را می بُرند و جلوی آن درندگان و سگ ها می اندازند، و هر عضوی را که قطع کنند ، عضو جدیدی به جای آن می روید» .1118.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : با شرابخواران ، هم نشینی نکنید و اگر بیمار شدند ، به عیادتشان نروید و در تشییع جنازه هایشان شرکت ننمایید و بر مرده شان نماز نخوانید؛ زیرا آنها سگ های اهل آتش اند و خدای عز و جل[در باره آنان] فرموده است: «می فرماید: در آن [آتش] گم شوید (1) و با من سخن مگویید» .1119.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خوارج، سگ های دوزخ اند .

.

1- .در آیه قرآن ، واژه «اخسأ» آمده که بیشتر برای راندن حیوانات و از جمله سگ ، به کار می رود ؛ چِخ .

5 / 11شُواظُ جَهَنَّمَالكتاب«يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّن نَّارٍ وَ نُحَاسٌ فَلَا تَنتَصِرَانِ * فَبِأَىِّ ءَالَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» . (1)

الحديث1125.عنه صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَعاشِرَ النّاسِ ! لا تَمُنّوا عَلَىَّ بِإسلامِكُم ، بَل لا تَمُنّوا عَلَى اللّهِ فَيُحبِطَ عَمَلَكُم ، ويَسخَطَ عَلَيكُم ، ويَبتَلِيَكُم بِشُواظٍ (2) .

قالَ : وهَل كانَتِ العَرَبُ تَعرِفُ ذلِکَ قَبلَ أن يَنزِلَ الكِتابُ عَلى مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله ؟ قالَ : نَعَم ، أما سَمِعتَ قَولَ أُمَيَّةَ بنِ أبِى الصَّلتِ :...

يَمانِيّا يَظَلَّ يَشُبُّ كيراويَنفُخُ دائِبا لَهَبَ الشُّواظِ .(3) مِن نارٍ و نُحاسٌ ، إنَّ رَبَّكُم لَبِالمِرصادِ . (4)5 / 12شَرَرُ جَهَنَّمَالكتاب«إِنَّهَا تَرْمِى بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ * كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ» . (5)

.

1- .الرحمن : 35 و 36 .
2- .عن الضحاک بن مزاحم الهلالى فى ذِكرِ احتِجاجِ جَرى بَينَ نافِعِ بنِ الأزرَقِ وعَبدِ اللّهِ بنِ عَبّاسٍ : قالَ لَهُ نافِعُ بنُ الأزرَقُ : أخبِرنى عَن قَولِ اللّه ِ عَزَّ وجَلَّ : «يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّن نَّارٍ» مَا الشُّواظُ ؟ قالَ : اللَّهَبُ الَّذى لا دُخانَ فيهِ
3- .المعجم الكبير : ج 10 ص 248 ح 10597 ، تفسير ابن كثير : ج 7 ص 472 .
4- .اليقين : ص 354 ، الاحتجاج : ج 1 ص 150 كلاهما عن علقمه بن محمد الحضرمى ، روضه الواعظين : ص 108 كلّها عن الإمام الباقر عليه السلام ، العدد القويّه : ص 176 ح 8 عن زيد بن أرقم كلّها عنه صلى الله عليه و آله نحوه ، بحارالأنوار : ج 37 ص 211 ح 86 .
5- .المرسلات : 32 و 33 .

5 / 11 زبانه جهنّم

5 / 12 شراره جهنّم

5 / 11زبانه جهنّم (1)قرآن«پس، بر سرِ شما از آتش و مس ، فرو فرستاده خواهد شد و [از کسی] یاری نتوانید طلبید. پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را منکرید ؟ !».

حدیث1135.الکافی عن علیّ بن الحکم عن دعبل بن علیّ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ای مردم ! برای اسلام آوردنتان ، بر من منّت مگذارید، و بلکه بر خدا هم منّت منهید که [در این صورت ،] عمل شما را بی حاصل می گرداند، بر شما خشم می گیرد و به شراره هایی از آتش و مس[گداخته] ، گرفتارتان می سازد . به راستی که پروردگار شما در کمین [گنه کاران] است.5 / 12شراره جهنّمقرآن«[دوزخ] چون کاخی [بلند] ، شراره می افکند ؛ [شراره هایی که] گویی شتران زردرنگ اند» .

.

1- .یا: شعله بی دود.

الحديث1141.الإمام علىّ عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : ولَو أنَّ شَرَرَةً مِن شَرَرِ جَهَنَّمَ بِالمَشرِقِ ، لَوَجَدَ حَرَّها مَن بِالمَغرِبِ . (1)5 / 13أشجارُ جَهَنَّمَالكتاب«أَذَ لِکَ خَيْرٌ نُّزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ * إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِّلظَّالِمِينَ * إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِى أَصْلِ الْجَحِيمِ * طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ * فَإِنَّهُمْ لَأَكِلُونَ مِنْهَا فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ * ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ * ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ» . (2)

الحديث1147.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : الإمام علىّ عليه السلام : رُبَّما خَوَّفَنا رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَيَقولُ : والَّذى نَفسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ ! لَو أنَّ قَطرَةً مِنَ الزَّقّومِ (3) قَطَرَت عَلى جِبالِ الأرضِ لَساخَت أسفَلَ سَبعِ أرَضينَ ولَما أطاقَتهُ ، فَكَيفَ بِمَن هُوَ طَعامُهُ ؟ ! (4)1148.عنه صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : البُخلُ شَجَرَةٌ مِن أشجارِ النّارِ ، لَها أغصانٌ مُتَدَلِّيَةٌ فِى الدُّنيا ، فَمَن كانَ بَخيلاً تَعَلَّقَ بِغُصنٍ مِن أغصانِها ، فَساقَهُ ذلِکَ الغُصنُ إلَى النّارِ . (5)ع : ص 198 (الفصل الثامن : معيشه أهل النار / طعامهم) .

.

1- .المعجم الأوسط : ج 4 ص 88 ح 3681 ، كنزالعمّال : ج 14 ص 523 ح 39487 وص 526 ح 39501 كلاهما نقلاً عن ابن مردويه وكلّها عن أنس .
2- .الصافّات : 62 68 .
3- .الزَقُّوم : شجره مُرّه كريهه الطعم والرائحه ، يُكره أهل النار على تناولها (مجمع البحرين : ج 2 ص 775 «زقم») .
4- .الدروع الواقيه : ص 273 ، جامع الأحاديث للقمّى : ص 341 وفيه «شرابه» بدل «طعامه» وكلاهما عن زيد بن علىّ عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، بحارالأنوار : ج 8 ص 302 ح 61 .
5- .الأمالى للطوسى : ص 475 ح 1036 عن سعيد بن مسلمه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، قرب الإسناد : ص 117 ح 409 عن الحسين بن علوان عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام عنه صلى الله عليه و آله ، الاختصاص : ص 253 عن العالم عليه السلام وكلاهما نحوه ، بحارالأنوار : ج 8 ص 171 ح 114 ؛ شعب الأيمان : ج 7 ص 435 ح 10875 عن سعيد بن مسلمه الأموى عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه

عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، حليه الأولياء : ج 7 ص 92 ، كنزالعمّال : ج 6 ص 337 ح 15927 .

5 / 13 درختان جهنّم

حدیث1151.الإمام الصادق علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اگر زبانه ای از شعله های دوزخ در مشرق باشد ، گرمایش را کسی که در مغرب است ، حس می کند .5 / 13درختان جهنّمقرآن«آیا برای پذیرایی ، این بهتر است یا درخت زقّوم؟ ! ما آن را عذابی برای ستمکاران گردانیدیم . آن، درختی است که از قعر جَحیم می روید. میوه اش گویی چون کلّه های دیوان است. پس دوزخیان از آن می خورند و شکم ها را از آن پر می کنند. سپس بر سر آن ، معجونی از آب جوشان برای آنان است. آن گاه ، بازگشت آنان بی گمان ، به سوی جحیم است».

حدیث1157.الإمام الباقر علیه السلام : امام علی علیه السلام : گاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ما را بیم می داد و می فرمود: «سوگند به آن که جان محمّد در دست اوست، اگر یک قطره از زقّوم بر کوه های زمین بچکد ، کوه ها به زیر زمین هفتم فرو می روند و در برابر آن قطره ، تاب نمی آورند . پس چگونه خواهد بود کسی که زقّوم ، خوراک اوست ؟»
.1158.الکافی عن أبی حمزه : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بُخل، درختی از درختان جهنّم است که شاخه هایی از آن در دنیا آویزان شده اند. پس هر که بخیل است ، [در واقع ،] به شاخه ای از شاخه های آن درخت ، آویخته است و آن شاخه او را به سوی آتش می کشد.ر . ک : ص 199 (فصل هشتم : زندگی اهل آتش / خوراک آنان) .

.

5 / 14أظلالُ جَهَنَّمَالكتاب«انطَلِقُواْ إِلَى مَا كُنتُم بِهِ تُكَذِّبُونَ * انطَلِقُواْ إِلَى ظِلٍّ ذِى ثَلَاثِ شُعَبٍ * لَا ظَلِيلٍ وَ لَا يُغْنِى مِنَ اللَّهَبِ» . (1)

الحديث1165.الإمام الصادق عليه السلام : الإمام الباقر عليه السلام : إذا إستَوى أهلُ النّارِ إلَى النّارِ لِيُنطَلَقَ بِهِم قَبلَ أن يَدخُلُوا النّارَ ، فَيُقالُ لَهُم : اُدخُلوا إلى ظِلٍّ ذى ثَلاثِ شُعَبٍ مِن دُخانِ النّارِ ، فَيَحسَبونَ أنَّهَا الجَنَّةُ ، ثُمَّ يُدخَلونَ النّارَ أفواجا أفواجا ، وذلِكَ نِصفَ النَّهارِ . (2)5 / 15قَعرُ جَهَنَّمَ1168.مصباح المتهجّد عن معاويه بن عمّار {-1-} : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : وَالَّذى نَفسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ ! إنَّ قَدرَ ما بَينَ شَفيرِ النّارِ وقَعرِها كَصَخرَةٍ زِنَتُها سَبعُ خَلِفاتٍ (3) بِشُحومِهِنَّ ولُحومِهِنَّ وأولادِهِنَّ ، تَهوى فيما بَينَ شَفيرِ النَّارِ وقَعرِها إلى أن تَقَعَ قَعرَها سَبعينَ خَريفا . (4) .

1- .المرسلات : 29 31 وراجع : الزمر : 16 ، الواقعه : 43 .
2- .تفسير القمىّ : ج 2 ص 113 عن أبى الجارود ، بحارالأنوار : ج 8 ص 124 ح 22 .
3- .خَلِفَه : الحامل من النوق ، تجمع على خَلِفَات وخَلائِف (النهايه : ج 2 ص 68 «خلف») .
4- .المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 639 ح 8767 عن أبى هريره ، المعجم الكبير : ج 20 ص 169 ح 361 ، الزهد لابن المبارک (الملحقات) : ص 86 ح 301 وفيه «شفه» بدل «شفير» وكلاهما عن معاذ بن جبل ، كنزالعمّال : ج 14 ص 524 ح 39495 .

5 / 14 سایه های جهنّم

5 / 15 قعر جهنّم

5 / 14سایه های جهنّمقرآن«بروید به سوی همان چیزی که تکذیبش می کردید . بروید به سوی آن سایه سه شاخه که نه سایه می کند و نه از شعله[ی آتش]نگه می دارد».

حدیث1174.عنه صلی الله علیه و آله : امام باقر علیه السلام : آن گاه که اهل آتش به سوی آتش صف می کشند تا ایشان را ببرند، پیش از آن که وارد آتش شوند ، به آنان می گویند: «به سایه ای سه شاخه از دود آتش بروید» . آنان می پندارند که آن بهشت است . پس گروه گروه وارد آتش می شوند . و آن ، هنگام نیم روز است.5 / 15قعر جهنّم1177.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سوگند به آن که جان محمّد در دست اوست، از لب دوزخ تا قعر آن ، به اندازه ای است که اگر تخته سنگی به وزن هفت ناقه باردار با چربی ها و گوشت ها و بچّه های آنها، در آن بیفتد ، هفتاد پاییز (1) طول می کشد تا به قعر آن برسد.

.

1- .واژه «خریف» که در متن عربی آمده ، افزون بر معنای پاییز ، به معنای یک سال، هفتاد سال ، و چهل سال نیز آمده است (مجمع البحرین : ذیل همین مادّه) .

1178.عنه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : لَو أنَّ حَجَرا يُقذَفُ بِهِ فى جَهَنَّمَ ، هَوى سَبعينَ خَريفا قَبلَ أن يَبلُغَ قَعرَها . (1)1179.عنه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : لَو أُخِذَ سَبعُ خَلِفاتٍ بِشُحومِهِنَّ فَيُلقَينَ مِن شَفيرِ جَهَنَّمَ ، مَا انتَهَينَ إلى آخِرِها سَبعينَ عاما . (2)1180.الإقبال : عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ الصَّخرَةَ العَظيمَةَ لَتُلقى مِن شَفيرِ جَهَنَّمَ ، فَتَهوى فيها سَبعينَ عاما وما تُفضى إلى قَرارِها . (3)1181.سنن الترمذى عن أبى أُمامه : المعجم الأوسط عن أبى سعيد الخدرى : سَمِعَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله صَوتا هالَهُ ، فَأتاهُ جِبريلُ عليه السلام ، فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : ما هذَا الصَّوتُ يا جِبريلُ؟ ! فَقالَ : هذِهِ صَخرَةٌ هَوَت مِن شَفيرِ جَهَنَّمَ مِن سَبعينَ عاما ، فَهذا حينَ بَلَغَت قَعرَها ؛ فَأَحَبَّ اللّهُ أن يُسمِعَكَ صَوتَها .

فَما رُؤِىَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله بَعدَ ذلِكَ اليَومِ ضاحِكا مِل ءَ فيهِ حَتّى قَبَضَهُ اللّهُ . (4)1182.سنن أبى داوود عن أبى سعيد الخدرى : صحيح مسلم عن أبى هريره : كُنّا مَعَ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذ سَمِعَ وَجبَةً (5) فَقالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : تَدرونَ ما هذا ؟ قالَ : قُلنا : اَللّهُ ورَسولُهُ أعلَمُ ! قالَ : هذا حَجَرٌ رُمِىَ بِهِ فِى النّارِ مُنذُ سَبعينَ خَريفا ، فَهُوَ يَهوى فِى النّارِ الآنَ حَتّى انتَهى إلى قَعرِها . (6) .

1- .صحيح ابن حبّان : ج 16 ص 509 ح 7468 ، مسند أبى يعلى : ج 6 ص 387 ح 7207 ، الزهد لهنّاد : ج 1 ص 175 ح 251 ، صفه النار لابن أبى الدنيا : ص 22 ح 12 ، البعث والنشور : ص 279 ح 483 ، الفردوس : ج 3 ص 367 ح 5115 كلّها عن أبى موسى الأشعرى ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 96 ح 31 عن أنس نحوه ، كنزالعمّال : ج 14 ص 524 ح 39493 ؛ عوالى اللآلى : ج 1 ص 125 ح 60 .
2- .المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 648 ح 8792 عن أبى هريره ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 96 ح 31 ، مسند أبى يعلى : ج 4 ص 146 ح 4089 ، الزهد لهنّاد : ج 1 ص 175 ح 252 ، صفه النار لابن أبى الدنيا : ص 24 ح 14 كلّها عن أنس نحوه ، كنزالعمّال : ج 14 ص 523 ح 39485 .
3- .سنن الترمذى : ج 4 ص 702 ح 2575 عن عتبه بن غزوان ، كنزالعمّال : ج 14 ص 520 ح 39471 .

4- .المعجم الأوسط : ج 1 ص 249 ح 815 ، تاريخ بغداد : ج 4 ص 270 الرقم 2016 .
5- .الوَجبَةُ : الهَدَّةُ وصَوتُ السقوطِ (مجمع البحرين : ج 3 ص 1907 «وجب») .
6- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2184 ح 31 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 305 ح 8848 ، صحيح ابن حبان : ج 16 ص 510 ح 7469 ، كنزالعمّال : ج 14 ص 521 ح 33478 ؛ كشف الغمّه : ج 2 ص 261 ، عوالى اللآلى : ج 1 ص 280 ح 116 كلاهما نحوه .

1183.صحیح البخاری عن أبی اُمامه : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اگر سنگی در جهنّم انداخته شود ، هفتاد پاییز طول می کشد تا به تَهِ آن برسد.1184.مسند ابن حنبل عن نعیم بن سلامه عن رجل من بنی سلیم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اگر هفت ناقه باردار با پیه و چربی هایشان گرفته و از لبه جهنّم [به پایین آن] انداخته شوند ، تا هفتاد سال هم به قعر آن نمی رسند.1185.مکارم الأخلاق : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : تخته سنگ غول پیکری از لبه جهنّم انداخته می شود و تا هفتاد سال همچنان پایین می رود ؛ ولی به کف آن نمی رسد.1186.سنن أبی داوود عن أبی أیّوب الأنصاری : المعجم الأوسط به نقل از ابو سعید خُدری : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله صدایی شنید که او را به وحشت انداخت. جبرئیل علیه السلام نزدش آمد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسید: «این ، چه صدایی بود ، ای جبرئیل؟» .

گفت: تخته سنگی بود که هفتاد سال پیش ، از لبه دوزخ فرو افتاده بود و اکنون به قعر آن رسید . خدا دوست داشت که صدای آن را به گوش تو برساند.

از آن روز به بعد ، تا وقتی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله زنده بود ، دیده نشد که دهانش را کاملاً به خنده بگشاید .1187.الشکر عن أنس : صحیح مسلم به نقل از ابو هریره : ما با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بودیم که صدای سقوط چیزی را شنید . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «می دانید که این ، چه صدایی بود؟» .

گفتیم: خدا و پیامبر او بهتر می دانند.

فرمود: «این سنگی بود که هفتاد سال پیش ، در آتش پرتاب شد و تا کنون در حال سقوط بود و اینک به قعر دوزخ رسید» . .

1188.الإمام الباقر عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : لَو أنَّ رُضَاضَةً مِثلُ هذِهِ وأشارَ إلى مِثلِ الجُمجُمَهِ أُرسِلَت مِنَ السَّماءِ إلَى الأرضِ، وهِىَ مَسيرَهُ خَمسِمِئَهِ سَنَهٍ لَبَلَغَتِ الأرضَ قَبلَ اللَّيلِ ، ولَو أنَّها أُرسِلَت مِن رَأسِ السِّلسِلَهِ لَصارَت (1) أربَعينَ خَريفا اللَّيلَ وَالنَّهارَ قَبلَ أن تَبلُغَ أصلَها أو قَعرَها . (2)5 / 16ريحُ جَهَنَّمَ1191.المحاسن عن أبى بصير : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : لَو أنَّ غَربا (3) مِن جَهَنَّمَ جُعِلَ وَسَطَ الأرضِ ، لَاذى نَتنُ ريحِهِ وشِدَّهُ حَرِّهِ ما بَينَ المَشرِقِ وَالمَغرِبِ . (4)1192.الإمامَ الصادق عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : لَو اُخرِجَ رَجُلٌ مِن أهلِ النّارِ ثُمَّ اُقيمَ بِالمَشرِقِ ، واُقيمَ رَجُلٌ بِالمَغرِبِ ؛ لَماتَ ذلِكَ الرَّجُلُ مِن نَتنِ ذلِكَ الرَّجُلِ . (5)5 / 17مَجِىءُ جَهَنَّمَالكتاب«وَ جِاْىءَ يَوْمَئِذِ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذِ يَتَذَكَّرُ الْاِنسَانُ وَ أَنَّى لَهُ الذِّكْرَى * يَقُولُ يَالَيْتَنِى قَدَّمْتُ لِحَيَاتِى * فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ * وَ لَا يُوثِقُ وَ ثَاقَهُ أَحَدٌ» . (6)

.

1- .كذا فى المصدر ، وفى المصادر الاُخرى : «لسارت» ، والظاهر أنّها الصواب .
2- .سنن الترمذى : ج 4 ص 709 ح 2588 ، مسند ابن حنبل : ج 2 ص 635 ح 6873 ، الزهد لابن حنبل : ص 26 ، الزهد لابن المبارک (الملحقات) : ص 84 ح 290 وفيها «رضاصه» بدل «رضاضه» و «لسارت» بدل «لصارت» ، البعث والنشور : ص 296 ح 529 ، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 476 ح 3640 وليس فيهما «ولو أنّها اُرسلت ...» وكلّها عن عبداللّه بن عمرو ، كنزالعمّال : ج 14 ص 520 ح 39473 .
3- .الغَرْب : الدلو العظيمه التى تتّخذ من جلد ثور (النهايه : ج 3 ص 348 «غرب») .
4- .المعجم الأوسط : ج 4 ص 88 ح 3681 ، كنزالعمّال : ج 14 ص 523 ح 39487 وص 526 ح 39501 كلاهما نقلاً عن ابن مردويه وكلّها عن أنس .
5- .الفردوس : ج 3 ص 378 ح 5151 عن أبى سعيد ، كنزالعمّال : ج 14 ص 534 ح 39539 .
6- .الفجر : 23 26 .

5 / 16 بوی جهنّم

5 / 17 آمدن جهنّم

1197.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با اشاره به چیزی مانند کاسه سر : اگر قطعه سربی به اندازه این ، از آسمان به زمین رها شود که فاصله اش پنجاه سال است، پیش از شب به زمین می رسد ، در حالی که اگر همین قطعه از بالای زنجیر (1) رها شود و شب و روز حرکت کند، چهل سال طول می کشد تا به تَهِ آن زنجیر برسد.5 / 16بوی جهنّم1200.الإمام الباقر علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اگر به مقدار دلو بزرگی از آتش جهنّم در وسط زمین گذاشته شود، بوی بد آن و شدّت گرمای آن ، تمام زمینیان را آزار می دهد .1201.کتاب من لا یحضره الفقیه عن أبی عبیده الحذّاء عن ا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اگر مردی از اهل آتش را بیرون آورند و در مشرق بگذارند و مرد دیگری در مغرب باشد ، آن مرد از بوی تعفّن او می میرد.5 / 17آمدن جهنّمقرآن«و جهنّم را در آن روز بیاورند . آن روز است که انسان پند می گیرد ؛ ولی کجا او را جای پند گرفتن است ؟! می گوید: «کاش برای زندگانیِ خود ، چیزی پیش فرستاده بودم» . پس در آن روز ، هیچ کس چون عذاب کردن او، عذاب نمی کند و هیچ کس چون در بند کشیدن او، در بند نمی کشد» .

.

1- .مراد ایشان ، زنجیری است که در آیه 32 از سوره حاقّه آمده که طول آن ، هفتاد گز است .

الحديث1207.عنه صلى الله عليه و آله : رسولِ اللّه صلى الله عليه و آله : يُؤتى بِجَهَنَّمَ يَومَئِذٍ لَها سَبعونَ ألفَ زِمامٍ ، مَعَ كُلِّ زِمامٍ سَبعونَ ألفَ مَلَكٍ يَجُرّونَها . (1)1208.عنه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : أخبَرَنِى الرّوحُ الأَمينُ أنَّ اللّهَ لا إلهَ غَيرُهُ إذا وَقَفَ الخَلائِقَ وجَمَعَ الأَوَّلينَ وَالآخِرينَ ، اُتِىَ بِجَهَنَّمَ تُقادُ بِألفِ زِمامٍ ، أخَذَ بِكُلِّ زِمامٍ مِئَةُ ألفِ مَلَكٍ مِنَ الغِلاظِ الشِّدادِ ، ولَها هَدَّةٌ وتَحَطُّمٌ وزَفيرٌ وشَهيقٌ ، وإنَّها لَتَزفِرُ الزَّفرَةَ فَلَولا أنَّ اللّهَ عز و جلأخَّرَها إلَى الحِسابِ لَأَهلَكَتِ الجَميعَ . ثُمَّ يَخرُجُ مِنها عُنُقٌ يُحيطُ بِالخَلائِقِ ؛ البِرِّ مِنهُم وَالفاجِرِ ، فَما خَلَقَ اللّهُ عَبدا مِن عِبادِهِ مَلَكٍ ولا نَبِيٍّ إلّا ويُنادى : يا رَبِّ ، نَفسى نَفسى !! وأنتَ تَقولُ : يا رَبِّ ، اُمَّتى اُمَّتى !! (2)1209.مسند ابن حنبل عن عبد اللّه بن جعفر : عنه صلى الله عليه و آله : هَل تَدرونَ ما تَفسيرُ هذِهِ الآيَةِ : «كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا» ؟ قالَ : إذا كانَ يَومُ القيامَةِ تُقادُ جَهَنَّمُ بِسَبعينَ ألفَ زِمامٍ بِيَدِ سَبعينَ ألفَ مَلَكٍ ، فَتَشرُدُ شَردَةً ، لَولا أنَّ اللّهَ تَعالى حَبَسَها لَأَحرَقتِ السَّماواتِ وَالأَرضَ . (3) .

1- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2184 ح 29 ، سنن الترمذى : ج 4 ص 701 ح 2573 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 637 ح 8758 ، المعجم الكبير : ج 10 ص 192 ح 10428 كلّها عن عبداللّه بن مسعود ، كنزالعمّال : ج 14 ص 522 ح 39480 .

2- .الكافى : ج 8 ص 312 ح 486 ، الأمالى للصدوق : ص 241 ح 256 وفيه «تغيظ» بدل «تخطّم» وليس فيه «وقف الخلائق» وكلاهما عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، تفسير القمّى : ج 2 ص 421 عن عمرو بن عثمان عن الإمام الباقر عليه السلام وفيه «غضب» بدل «تحطّم» ، بحارالأنوار : ج 7 ص 125 ح 1 .

3- .الأمالى للطوسى : ص 337 ح 684 عن داود بن سليمان عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام : ص 153 ح 94 ، بحارالأنوار : ج 7 ص 126 ح 2 ؛ كنزالعمّال : ج 2 ص 551 ح 4704 نقلاً عن ابن مردويه عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله .

حدیث1211.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در آن روز ، جهنّم را در حالی می آورند که هفتاد هزار افسار بر اوست و هر افسارش را هفتاد هزار فرشته می کشند.1212.مسند ابن حنبل عن أبی هریره : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : روح الأمین علیه السلام به من خبر داد که خداوند یگانه و یکتا، هر گاه خلایق را به موقف آورَد و همه مردمان را، از اوّلین تا آخرین نفر، جمع کند ، جهنّم را در حالی می آورند که هزار افسار بر اوست و هر افساری را صد هزار فرشته دژخیم و درشت خوی می کشند و او نیز لگد می کوبد و هر چیزی را در هم می شکند و می غرّد و می خروشد و آه و ناله سر می دهد، و اگر نبود که خداوند عز و جل آن را تا پس از حسابرسی مهلت داده است ، همگان را نابود می کرد .

سپس گردنی از آن بیرون می زند که خلایق را، از نیک و بد، در میان می گیرد . خداوند ، هیچ بنده ای از بندگانش را نیافریده است، از فرشته و پیامبر، مگر آن که [در این هنگام] فریاد خواهد زد : «پروردگارا ! به دادم برس، به دادم برس» ؛ ولی تو می گویی: «پروردگارا ! امّتم را در یاب، امّتم را در یاب».1213.الإمام الصادق علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آیا می دانید که تفسیر این آیه چیست: «نه چنان است، آن گاه که زمین سخت در هم کوبیده شود» ؟ چون روز قیامت شود ، جهنّم را در حالی که هفتاد هزار افسار دارد و هفتاد هزار فرشته آن را می کشند، می آورند و جهنّم چنان می گریزد که اگر خداوند آن را نگه ندارد ، آسمان ها و زمین را می سوزاند. .

1214.عنه عليه السلام : مجمع البيان عن أبى سعيد الخدرىّ : لَمّا نَزَلَت «وَ جِی ءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ» (1)

تَغَيَّرَ وَجهُ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، وعُرِفَ فى وَجهِهِ حَتَّى اشتَدَّ عَلى أصحابِهِ ما رَأوا مِن حالِهِ ، وَانطَلَقَ بَعضُهُم إلَى عَلِىِّ بنِ أبى طالِبٍ عليه السلام فَقالوا : يا عَلِىُّ ، لَقَد حَدَثَ أمرٌ قَد رَأيناهُ فى نَبِىِّ اللّهِ صلى الله عليه و آله .

فَجاءَ عَلِىٌّ عليه السلام فَاحتَضَنَهُ مِن خَلفِهِ وقَبَّلَ بَينَ عاتِقَيهِ ، ثُمَّ قالَ : يا نَبِىَّ اللّهِ ، بِأبى أنتَ وأُمّى ، ما الَّذى حَدَثَ اليَومَ؟ قالَ : جاءَ جَبرَئيلُ عليه السلام فَأقرَأنى «وَ جِی ءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ» .

قالَ : فَقُلتُ : كَيفَ يُجاءُ بِها ؟ قالَ : يَجیءُ بِها سَبعونَ ألفَ مَلَكٍ يَقودونَها بِسَبعينَ ألفَ زِمامٍ ، فَتَشرُدُ شَرَدَةً لَو تُرِكَت لَأحرَقَت أهلَ الجَمعِ ، ثُمَّ أتَعَرَّضُ لِجَهَنَّمَ فَتَقولُ : ما لى ولَكَ يا مُحَمَّدُ ؟ فَقَد حَرَّمَ اللّهُ لَحمَكَ عَلَىَّ ! فَلا يَبقى أحَدٌ إلّا قالَ : نَفسى نَفسى ! وإنَّ مُحَمَّدا يَقولُ : رَبِّ ، اُمَّتى اُمَّتى ! (2)5 / 18شُعورُ جَهَنَّمَالكتاب«وَ أعْتَدْنَا لِمَن كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا * إِذَا رَأتْهُم مِّن مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُواْ لَهَا تَغَيُّظًا وَ زَفِيرًا» . (3)

«يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأْتِ وَ تَقُولُ هَلْ مِن مَّزِيدٍ» . (4)

«كَلَّا إِنَّهَا لَظَى * نَزَّاعَةً لِّلشَّوَى * تَدْعُواْ مَنْ أَدْبَرَ وَ تَوَلَّى» . (5)

.

1- .الفجر : 23 .
2- .مجمع البيان : ج 10 ص 741 ، تأويل الآيات الظاهره : ج 2 ص 794 ح 4 ، بحارالأنوار : ج 7 ص 124 وراجع : الأمالى للطوسى : ص 499 ح 685 وصحيفه الإمام الرضا عليه السلام : ص 152 ح 92 وكنزالعمّال : ج 2 ص 551 ح 4704 .
3- .الفرقان : 11 و 12 .
4- .ق : 30 .
5- .المعارج : 15 17 .

5 / 18 آگاهی جهنّم

1221.الإمام علیّ علیه السلام : مجمع البیان به نقل از ابو سعید خُدری : چون آیه «و در آن روز ، جهنّم را بیاورند» نازل شد، رخسار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دگرگون شد و چنان منقلب گشت که یارانش از دیدن حال او نگران شدند. عدّه ای از آنان نزد علی بن ابی طالب علیه السلام رفتند و گفتند: ای علی ! برای پیامبر خدا ، اتّفاقی افتاده است.

علی علیه السلام آمد و پیامبر را از پشت سرش در آغوش گرفت و میان دو شانه اش را بوسید و گفت: پدر و مادرم به فدایت ، ای پیامبر خدا ! امروز چه رخ داده است؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «جبرئیل علیه السلام نزدم آمد و برایم [این آیه را] خواند: «و آن روز ، جهنّم را بیاورند» » .

علی علیه السلام گفت : گفتم : چگونه آن را می آورند؟

فرمود: هفتاد هزار فرشته آن را می آورند و با هفتاد هزار افسار ، آن را می کِشند و آن ، چنان می گریزد که اگر رها شود ، همه اهل محشر را می سوزاند. من معترض جهنّم می شوم و او می گوید: مرا با تو کاری نیست ای محمّد ؛ زیرا خداوند ، گوشت تو را بر من حرام ساخته است» .

پس در آن روز ، هر کسی به فکر نجات خویش است ؛ ولی [تنها] محمّد می گوید: "پروردگارا ! امّتم، امّتم !"» .5 / 18آگاهی جهنّمقرآن«برای کسی که قیامت را تکذیب کند ، آتشی پرشراره مهیّا کردیم . هر گاه که آنها را از جایی دور ببیند ، خشم و خروش آن را می شنوند» .

«روزی که به جهنّم می گوییم : «آیا پُر شدی ؟»، می گوید : آیا باز هم هست؟ !» .

«نه چنین است . آتشِ زبانه کش است . بر کَنَنده پوستِ سر و اندام است . هر که را پشت کرده و روی بر تافته ، فرا می خواند» .

.

الحديث1229.كنزالعمّال عن عائشه : مجمع البيان : رُوِىَ عَنِ النَّبِىِّ صلى اللهِ عليه و آله أَنَّهُ سُئِلَ عَن مَعنَى الآيَهِ : «ثُمَّ نُنَجِّى الَّذِينَ اتَّقَواْ وَّ نَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا» (1) فَقالَ : إنَّ اللّهَ تَعالى يَجعَلُ النّارَ كَالسَّمنِ الجامِدِ، ويَجمَعُ عَلَيهَا الخَلقَ ، ثُمَّ يُنادى المُنادى : أن خُذى أصحابَكِ وذَرى أصحابى ، قالَ صلى الله عليه و آله : فَوَالَّذى نَفسى بِيَدِهِ لَهِىَ أعرَفُ بِأصحابِها مِنَ الوالِدَهِ بِوَلَدِها . (2)1230.الأمالى عن على بن ربيعه الأسدى : التخويف من النار : خَرَّجَ ابنُ أبى حاتِمٍ مِن حَديثِ خالِدِ بنِ دُرَيكٍ ، عَن رَجُلٍ مِنَ الصَّحابَهِ ، قالَ : قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : مَن تَقَوَّلَ عَلَىَّ ما لَم أقُل ، فَليَتَبَوَّأ بَينَ عَينَى جَهَنَّمَ مَقعَدا .

قيلَ : يا رَسولَ اللّهِ ! وهَل لَها عَينانِ ؟

قالَ : نَعَم ، أوَ لَم تَسمَع قَولَ اللّهِ عز و جل : «إذَا رَأَتْهُم مِّن مَّكَانِ بَعِيدٍ سَمِعُواْ لَهَا تَغَيُّظًا وَ زَفِيرًا » (3) ؟ (4)5 / 19كَلامُ جَهَنَّمَالكتاب«يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأْتِ وَ تَقُولُ هَلْ مِن مَّزِيدٍ» . (5)

.

1- .مريم : 72 .
2- .مجمع البيان : ج 6 ص 812 ، بحارالأنوار : ج 8 ص 250 .
3- .الفرقان : 12 .
4- .التخويف من النار : ص 109 ، تفسير القرطبى : ج 13 ص 7 نحوه .
5- .ق : 30 .

5 / 19 سخن گفتن جهنّم

حدیث1236.الإمام الصادق علیه السلام : مجمع البیان: روایت شده است که از پیامبر صلی الله علیه و آله در باره معنای آیه «سپس کسانی را که پروا داشته اند ، نجات می دهیم و ستمگران را در آتش ، به زانو در افتاده ، رها می سازیم» سؤال شد . فرمود: «خدای متعال ، آتش را مانند روغن جامد می گرداند، و آفریدگان را بر روی آن گرد می آورد . آن گاه ، جارچی بانگ می زند که: "یارانت را بگیر و یاران مرا رها کن"» .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «سوگند به آن که جانم در دست اوست، جهنّم یاران خود را بهتر می شناسد تا مادر ، فرزندش را»
.1237.الإمام الصادق علیه السلام : التخویف من النّار : ابن ابی حاتم از حدیث خالد بن دُرَیکْ تخریج کرده ، از مردی صحابی که گفت : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «هر کس چیزی به من نسبت دهد که نگفته ام ، در برابر دو چشم جهنّم ، جایگاه خود را فراهم می کند» .

گفته شد : ای پیامبر خدا ! آیا جهنّم ، دو چشم دارد؟

فرمود : «آری . آیا این سخن خدای عز و جل را نشنیده ای : «هر گاه آنها را از فاصله ای دور ببیند ، خشم و خروش آن را می شنوند» .5 / 19سخن گفتن جهنّمقرآن«روزی که به جهنّم می گوییم: «آیا پر شدی؟» ، می گوید: آیا باز هم هست؟ !».

.

الحديث1243.عنه صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : تُكَلِّمُ النّارُ يَومَ القِيامَهِ ثَلاثَهً : أميرا ، وقارِئا ، وذا ثَروَهٍ مِنَ المالِ . فَتَقولُ لِلأَميرِ : يا مَن وَهَبَ اللّهُ لَهُ سُلطانا فَلَم يَعدِل ! فَتَزدَرِدُهُ (1) كَما يَزدَرِدُ الطَّيرُ حَبَّ السِّمسِمِ . وتَقولُ لِلقارِئِ ?: يا مَن تَزَيَّنَ لِلنّاسِ وبارَزَ اللّهَ بِالمَعاصى ! فَتَزدَرِدُهُ . وتَقولُ لِلغَنِيِّ : يا مَن وَهَبَ اللّهُ لَه دُنيا كَثيرَهً واسِعَهً فَيضا ، وسَأَلَهُ الفَقيرُ اليَسيرَ قَرضا، فَأبى إلّا بُخلاً ! فَتَزدَرِدُهُ .

(2)1244.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : ما يَسأَلُ رَجُلٌ مُسلِمٌ اللّهَ الجَنَّهَ ثَلاثا إلّا قالَتِ الجَنَّهُ : اللّهُمَّ أدخِلهُ . ولا استَجارَ رَجُلٌ مُسلِمٌ اللّهَ مِنَ النّارِ ثَلاثا إلّا قالَتِ النّارُ : اللّهُمَّ أجِرهُ .

(3)1245.الاحتجاج عن ابن عبّاس فى خَبرِ احتِجاجِ النَّ عنه صلى الله عليه و آله : مَن سَأَلَ اللّهَ الجَنَّهَ ثَلاثَ مَرّاتٍ قالَتِ الجَنَّهُ : اللّهُمَّ أدخِلهُ الجَنَّهَ . ومَنِ استَجارَ مِنَ النّارِ ثَلاثَ مَرّاتٍ قالَتِ النّارُ : اللّهُمَّ أجِرهُ مِنَ النّارِ .

(4)1246.رسول اللّهِ صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : إذا صَلّى العَبدُ ، فَلَم يَسأَلِ اللّهَ الجَنَّهَ ، قالَتِ الجَنَّهُ : يا وَيحَ هذا ، أما كانَ يَنبَغى لَهُ أن يَسأَلَ رَبَّهُ الجَنَّهَ ؟ ! فَإذا لَم يَتَعَوَّذ بِاللّهِ مِنَ النّارِ ، قالَتِ النّارُ : يا وَيحَ هذا ، ما كانَ يَنبَغى لَهُ أن يَتَعَوَّذَ بِاللّهِ مِنّى ؟ !

(5)1247.رسول اللّه صلى الله عليه و آله فِى الدُّعاءِ الإمام علىّ عليه السلام : مَن سَأَلَ اللّهَ الجَنَّهَ قالَتِ الجَنَّهُ : يا رَبِّ ! أعطِ عَبدَكَ ما سَأَلَهُ . ومَنِ استَجارَ مِنَ النّارِ قالَتِ النّارُ : يا رَبِّ ! أجِر عَبدَكَ مِمَّا استَجارَكَ . (6) .

1- .الازدراد : الابتلاع (لسان العرب : ج 3 ص 194 «زرد») .
2- .الخصال : ص 111 ح 84 عن السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحارالأنوار : ج 8 ص 285 ح 12 .
3- .مسند ابن حنبل : ج 4 ص 284 ح 12442 و ص 521 ح 13757 ، صحيح ابن حبان : ج 3 ص 239 ح 1014 كلّها عن أنس ، كنزالعمّال : ج 2 ص 195 ح 3720 .
4- .سنن الترمذى : ج 4 ص 700 ح 2572 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1453 ح 4340 ، سنن النسائى : ج 8 ص 279 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 236 ح 12171 نحوه ، صحيح ابن حبّان : ج 3 ص 308 ح 1034 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 717 ح 1960 كلّها عن أنس ، كنزالعمّال : ج 2 ص 78 ح 3219 .

5- .الفردوس : ج 1 ص 290 ح 1141 ، كنزالعمّال : ج 2 ص 136 ح 3484 .
6- .الخصال : ص 631 ح 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 120 ، عدّه الداعى : ص 152 ، بحارالأنوار : ج 10 ص 109 ح 1 .

حدیث1249.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : جهنّم در روز رستاخیز، با سه کس سخن می گوید: فرمان روا، قاری قرآن، و توانگر مالدار. به فرمان روا می گوید: «ای کسی که خدا قدرتش بخشید و دادگری نکرد !» . سپس او را فرو می بلعد ، چنان که مرغ دانه کنجد را می بلعد .

به قاری می گوید: «ای کسی که در ظاهر ، خود را برای مردم آراست ؛ ولی [در باطن] با گناهان به مبارزه با خدا بر خاست !» و او را نیز فرو می بلعد .

و به توانگر می گوید: «ای کسی که خداوند ، دنیای بسیار و سرشار به او بخشید و نادار ، اندکی وام از او خواست ؛ ولی او بخل ورزید !» و او را هم فرو می بلعد.1250.الإمام الصادق علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ مرد مسلمانی سه بار از خداوند ، بهشت را درخواست نمی کند ، مگر آن که بهشت می گوید: «خدایا ! او را داخل گردان» و هیچ مرد مسلمانی سه بار از آتش به خدا پناه نمی برد ، مگر آن که آتش می گوید: «خدایا ! پناهش ده» .1251.عمل الیوم واللیله عن أنس : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس از خداوند ، بهشت را سه بار درخواست کند، بهشت می گوید: «بار خدایا ! او را به بهشت در آور» و هر کس از آتش سه بار به خدا پناه برد، آتش می گوید: «بار خدایا ! او را از آتش پناه ده».1252.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه بنده نماز بگزارد و بهشت را از خدا نخواهد، بهشت می گوید: «بیچاره او ! آیا سزاوارش نبود که از پروردگارش بهشت بخواهد؟ !» و اگر از آتش به خدا پناه نبرد ، آتش می گوید: «ای بیچاره او ! آیا سزاوارش نبود که از من به خدا پناه ببرد؟ !» .1253.البلد الأمین : امام علی علیه السلام : هر کس از خدا بهشت را درخواست کند، بهشت می گوید: «پروردگارا ! آنچه بنده ات خواست ، به او عطا فرما» و هر کس از آتش به خدا پناه برد، آتش

می گوید: «پروردگارا ! بنده ات را از آنچه از تو زنهار خواست، زنهار ده» . .

1254.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : عنه عليه السلام : إذا حُمِلَ أهلُ وَلايَتِنا عَلى صِراطِ يَومِ القِيامَهِ نادى مُنادٍ : يا نارُ اخمُدى . فَتَقولُ النّارُ : عَجِّلوا جُوزونى ، فَقَد أطفَأ نورُكُم لَهَبى ! (1)راجع : ص 102 (الفصل الرابع : الحث على ذكر جهنم والاستعاذه منها / الاستعاذه من النار) .

5 / 20زَفيرُ جَهَنَّمَالكتاب«إِذَا رَأَتْهُم مِّن مَّكَانِ بَعِيدٍ سَمِعُواْ لَهَا تَغَيُّظًا وَ زَفِيرًا» . (2)

«وَ لِلَّذِينَ كَفَرُواْ بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ * إِذَا أُلْقُواْ فِيهَا سَمِعُواْ لَهَا شَهِيقًا وَ هِىَ تَفُورُ» . (3)

الحديث1262.عنه صلى الله عليه و آله : الإمام علىّ عليه السلام فى أحوالِ الآخِرَهِ : وأعظَمُ ما هُنالِکَ بَلِيَّةً نُزولُ الحَميمِ ، وتَصليَهُ الجَحيمِ ، وفَوراتُ السَّعيرِ ، وسَوراتُ الزَّفيرِ . (4)1263.عنه صلى الله عليه و آله : الإمام الباقر عليه السلام فى بَيانِ صِفَهِ عَذابِ الكافِرينَ يَومَ القِيامَهِ : فَمِن ضيقِ مَنازِلِهِم عَلَيهِم ، ومِن ريحِها وشِدَّهِ سَوادِها ، وزَفيرِها وشَهيقِها وتَغَيُّظِها ونَتنِهَا ، اسودَّ

وُجوهُهُم وعَظُمَت ديدانُهُم . (5)راجع : ص 158 (مجىء جهنم) وص 112 (الفصل الرابع : ذكر جهنم / الإستغاثه من النار) .

.

1- .قرب الإسناد : ص 102 ح 343 عن ابن علوان عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحارالأنوار : ج 68 ص 16 ح 19 .
2- .الفرقان : 12 .
3- .الملک : 7 و 8 .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 83 ، بحار الأنوار : ج 6 ص 244 ح 69 .
5- .الاختصاص : ص 362 عن جابر بن يزيد الجعفى ، بحارالأنوار : ج 8 ص 321 ح 99 .

5 / 20 خروش جهنّم

1265.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : امام على عليه السلام : هر گاه ولايتمدارانِ ما بر صراط روز قيامت بگذرند، منادى اى بانگ مى زند كه: اى آتش! فرو نشين.

و آتش مى گويد: زود از من بگذريد، كه نور شما شعله مرا خاموش كرد !ر . ك : ص 103 (فصل چهارم : تشويق به ياد كردن از جهنّم و پناه بردن از آن به خدا / پناه جستن از آن به خدا)

5 / 20خروش جهنّمقرآن«هر گاه آنها را از فاصله دور ببيند ، خشم و خروش آن را مى شنوند» .

«سزاى كسانى كه به پروردگارشان كافر شدند ، عذاب جهنّم است ، و بد جايگاهى است جهنّم ! آن گاه كه در آن ، افكنده شوند ، خروشى از آن مى شنوند ، در حالى كه مى جوشد» .

حديث1273.عنه صلى الله عليه و آله : امام على عليه السلام در احوال آخرت : بزرگ ترين بلاى آن جا ، پذيرايى شدن با آب جوشان است و در افتادن در دوزخ افروخته و فَوَران هاى شراره آتش ، و غليان هاى شعله هاى خروشان.1274.عنه صلى الله عليه و آله : امام باقر عليه السلام در بيان چگونگى عذاب كافران در روز رستاخيز : از تنگىِ جايگاه هايشان ، از بوى [تعفّن] آن جا ، از شدّت سياهى اش ، و از فرياد و خروش و خشم سختگيرانه و بوى گند آن جايگاه ها ، چهره هايشان سياه مى گردد

و كِرم هايشان [كه در قبر يا در جهنّم ، او را مى خورند] بزرگ مى شود .

ر . ك : ص 159 (آمدن جنّهم) و ص 113 (فصل چهارم : ياد جهنّم / فرياد خواهى از آتش) .

.

5 / 21تَسبيحُ جَهَنَّمَ1277.عنه عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله فِى الدُّعاءِ المَعروفِ بِالأَسماءِ الحُسنى : يا اللّهُ وأسأَلُکَ بِاسمِکَ الَّذى أثبَتَّ بِهِ البَردَهَ مُطبِقَةً (1) عَلَى النّارِ بِقُدرَتِکَ ، فَهِىَ مُسَبِّحَهٌ لَکَ بِذلِکَ الاِسمِ ، لا تَفتُرُ مِنَ التَّسبيحِ وَالتَّقديسِ خَشيَهَ أن تَذوبَ مِن وَهَجِ النّارِ الکُبرى .

يا اللّهُ وأسأَلُکَ بِاسمِکَ الَّذى أثبَتَّ بِهِ جَهَنَّمَ بِجَميعِ ما خَلَقتَ فيها عَلَى مَتنِ الرّيحِ فَاستَقَرَّت عَلَيهِ بِقُدرَتِکَ ، فَهِىَ مُسَبِّحَهٌ لَکَ بِذلِکَ الاِسمِ ، لا تَفتُرُ مِنَ التَّسبيحِ وَالتَّقديسِ لِئَلّا تَختَرِقَ بِهَا الرّيحُ فَتَذرِيَها . (2) .

1- .فى بحار الأنوار : «مُطيفَةً» بدل «مطبقه» .
2- .البلد الأمين : ص 413 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 257 ح 1 .

5 / 21 تسبیح جهنّم

5 / 21تسبیح جهنّم1280.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعای معروف به «أسماءُ الحُسنی» : ای خداوند یکتا! درخواست می کنم ، به نام تو که با آن با قدرت خود ، برف را بر روی آتش ، مستقر کردی و آن برف ، به خاطر آن نام ، تسبیحگوی توست و از تسبیح و تقدیس تو ، کوتاهی نمی کند ، از ترس این که مبادا از زبانه های آتش بزرگ ، ذوب شود .

ای خداوند یکتا! درخواست می کنم به نام تو که با آن ، جهنّم را در میان باد ، مستقر کردی و با قدرت تو در آن قرار گرفت و جهنّم به خاطر آن نام ، تسبیحگوی توست و از تسبیح و تقدیس ، کوتاهی نمی کند ، تا مبادا آن باد ، توفانی شود و جهنّم را بپراکَنَد .

.

الفَصلُ السّادِسُ: الآم النفسیه فی النار6 / 1شِدَّهُ الخِزیِالکتاب«رَبَّنَا إِنَّکَ مَن تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَیْتَهُ وَمَا لِلظَّلِمِینَ مِنْ أَنصَارٍ» . (1)

«وَ لَعَذَابُ الْاخِرَهِ أَخْزَی وَ هُمْ لَا یُنصَرُونَ» . (2)

الحدیث1288.عنه علیه السلام : رسول اللّه صلی الله علیه و آله : إنَّ العارَ لَیَلزَمُ المَرءَ یَومَ القِیامَهِ حَتّی یَقولَ : یا رَبِّ ! لَاءِرسالُکَ بی إلَی النّارِ أیسَرُ عَلَیَّ مِمّا ألقی . وإنَّهُ لَیَعلَمُ ما فیها مِن شِدَّهِ العَذابِ ! (3)1289.عنه علیه السلام : الإقبال عن أمیرالمؤمنین والأئمّه من ولده علیهم السلام فی مُناجاهٍ کانوا یَدعونَ بِها فی شَهرِ شَعبانَ : ... إلهی ! قَد سَتَرتَ عَلَیَّ ذُنوبا فِی الدُّنیا وأنَا أحوَجُ إلی سَترِها عَلَیَّ مِنکَ فِی الاُخری ، إلهی ! قَد أحسَنتَ إلَیَّ إذ لَم تُظهِرها لِأَحَدٍ مِن عِبادِکَ الصّالِحینَ ، فَلا

تَفضَحنی یَومَ القِیامَهِ عَلی رُؤوسِ الأَشهادِ . (4) .

1- .آل عمران : 192 .
2- .فصلت : 16 .
3- .المستدرک علی الصحیحین : ج 4 ص 620 ح 8720 عن جابر بن عبداللّه، کنزالعمّال : ج 3 ص 512 ح 7666 .
4- .الإقبال : ج 3 ص 297 ، المصباح للکفعمی : ص 494 ، البلد الأمین : ص 316 کلاهما عن الإمام العسکری عن آبائه عن الإمام علیّ علیه السلام نحوه ، بحارالأنوار : ج 94 ص 97 ح 13 نقلاً عن الکتاب العتیق الغروی وکلاهما عن ابن خالویه .

فصل ششم : دردهای روحی در آتش

6 / 1 خواری بسیار

فصل ششم : دردهای روحی در آتش6 / 1خواری بسیارقرآن«پروردگارا ! هر که را وارد آتش [دوزخ] کردی ، به راستی که خوارش کردی ، و ستمکاران ، هیچ یاوری ندارند» .

«عذاب آخرت ، خوار کننده تر است و به آنها ، کمکی نمی شود» .

حدیث1297.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ننگ در روز قیامت ، آدمی را رها نمی کند، چندان که می گوید: «پروردگارا ! مرا به آتش بفرستی ، برایم آسان تر است از این حالی که دارم»، با آن که از سختیِ عذاب آن آگاه است.1298.عنه علیه السلام : الإقبال - به نقل از امیر مؤمنان و امامان از نسل او علیهم السلام ، در مناجاتی که در ماه شعبان داشتند : ... خداوندا ! در دنیا گناهان بسیاری را از من پوشاندی که من به پوشاندن آنها در آخرت ، نیازمندترم .

خداوندا ! به من فراوانْ احسان کردی ، به گونه ای که برای هیچ یک از بندگان

خوبت ، آنها را بر ملا نکردی . پس در روز قیامت ، در ملأ عام ، رسوایم مکن .

.

1299.عنه عليه السلام : الإمام زين العابدين عليه السلام فى دُعاءٍ مَنسوبٍ إلَيهِ : يا غَفّارُ يا سَتّارُ ! نَجِّنى بِرَحمَتِكَ مِن عَذابِ النّارِ وفَضيحَهِ العارِ ، إذَا امتازَ الأَخيارُ مِنَ الأَشرارِ ، وحالَتِ الأَهوالُ ، وقَرُبَ المُحسِنونَ وبَعُدَ المُسيؤونَ ، ووُفِّيَت كُلُّ نَفسٍ ما كَسَبَت وهُم لا يُظلَمونَ . (1)6 / 2شِدَّهُ التَّحقيرِالكتاب«تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَ هُمْ فِيهَا كَلِحُونَ * أَلَمْ تَكُنْ ءَايَتِى تُتْلَى عَلَيْكُمْ فَكُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ * قَالُواْ رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَ كُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ * رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَلِمُونَ * قَالَ اخْسَئواْ فِيهَا وَ لَا تُكَلِّمُونِ» . (2)

الحديث1305.عنه عليه السلام : صحيح مسلم عن أنس بن مالک : إنَّ رَجُلاً قالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، كَيفَ يُحشَرُ الكافِرُ عَلى وَجهِهِ يَومَ القِيامَهِ ؟ قال : أَلَيسَ الَّذى أَمشاهُ عَلى رِجلَيهِ فى الدُّنيا قادِرا عَلى أن يُمشِيَهُ عَلى وَجهِهِ يَومَ القِيامَهِ ؟ (3) .

1- .بحارالأنوار : ج 94 ص 144 .
2- .المؤمنون : 104 108 .
3- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2161 ح 54 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 456 ح 13391 ، صحيح ابن حبّان : ج 16 ص 315 ح 7323 ، كنز العمّال : ج 14 ص 666 ح 39798 ؛ مجمع البيان : ج 6 ص 682 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 255 .

6 / 2 تحقیرِ بسیار

1306.عنه علیه السلام : امام زین العابدین علیه السلام در دعای منسوب به ایشان : ای بخشنده و ای پوشاننده ! به رحمت خودت ، مرا از عذاب جهنّم و رسوایی ننگین ، نجات ده ، در آن روز که صف خوبان ، از بدان ، جدا می شود و وحشت ها ، برانگیخته می شوند و خوبانْ نزدیک و بَدانْ دور می شوند و به هر کسی هر چه به دست آورده ، کاملاً داده می شود ، بی آن که ستمی بر آنها روا داشته شود .6 / 2تحقیرِ بسیارقرآن«آتش ، چهره آنها را می سوزانَد و آنها در آن ، ترش رویند . آیَا آیات من بر شما خوانده نشد و شما ، آنها را تکذیب کردید؟ می گویند : پروردگارا ! شقاوت ما ، بر ما چیره شد و ما ، گروهی گم راه بودیم . پروردگارا ! ما را از جهنّم ، بیرون ببر ، و اگر به همان کارها باز گشتیم ، ستم پیشه کرده ایم . خداوند می گوید : «[بروید و] در آن ، گم شوید و با من ، سخن مگویید»» .

حدیث1312.عنه علیه السلام : صحیح مسلم به نقل از انس بن مالک : مردی گفت : ای پیامبر خدا ! چگونه کافر در روز قیامت ، واژگونه به محشر می آید؟

فرمود : «آیا کسی که او را در دنیا روی دو پایش راه می برد ، قادر نیست که در روز قیامت وی را سرنگون راه ببرد؟» .

.

1313.عنه عليه السلام : الإمام علىّ عليه السلام : يا كُمَيلُ ، مَن لا يُسكَنُ الجَنَّةَ فَبَشِّرهُ بِعَذابٍ أليمٍ وخِزيٍ مُقيمٍ ، وأكبالٍ ومَقامِعَ وسَلاسِلَ طُوالٍ ومُقَطَّعاتِ النِّيرانِ ... يا كُمَيلُ ، ثُمَّ يُنادونَ اللّه ُ تَقَدَّسَت أسماؤُهُ بَعدَ أن يَمكُثُوا أحقابَا : اِجْعَلْنا عَلَى الرَّخاءِ (1) ، فَيُجيبُهُم : «اخْسَئوا فِيهَا وَ لَا تُكَلِّمُونِ» . (2)1314.عنه عليه السلام : تفسير القمّى : قُولُهُ تعالى : «تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَ هُمْ فِيهَا كَلِحُونَ» قال : أى تَلهَبُ عَلَيهِم فَتُحْرِقُهُم «وَ هُمْ فِيهَا كَلِحُونَ» أى مَفتُوحى الفَمِ ، مُتَرَبِّدى الوجُوهِ . (3)راجع : ص 184 (الفصل السابع : خصائص أهل النار / قبح الوجوه) .

6 / 3دَوامُ الحُزنِالكتاب«كُلَّمَا أَرَادُواْ أَن يَخْرُجُواْ مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُواْ فِيهَا وَذُوقُواْ عَذَابَ الْحَرِيقِ» . (4)

الحديث1321.عنه عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : كُلُّ هَمٍّ مُنقَطِعٌ ، إلّا هَمُّ أهلِ النّارِ . (5)1322.عنه عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : ما مِن هَمٍّ إلّا ولَهُ فَرَجٌ ، إلّا هَمُّ أهلِ النّارِ . (6)1323.عنه عليه السلام : سنن الترمذى عن أبى هريره : قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : تَعَوَّذوا بِاللّهِ مِن جُبِّ الحُزنِ . قالوا : يا

رسولَ اللّهِ ، وما جُبُّ الحُزنِ ؟ قالَ : وادٍ فى جَهَنَّمَ تَتَعَوَّذُ مِنهُ جَهَنَّمُ كُلَّ يَومٍ مِئَةَ مَرَّةٍ . قُلنا : يا رَسولَ اللّهِ ، ومَن يَدخُلُهُ ؟ قالَ : اَلقُرّاءُ المُراؤونَ بِأعمالِهِم . (7) .

1- .. فى المصدر : «الرجا» ، والتصويب من بحارالأنوار .
2- .بشاره المصطفى : ص 30 عن كميل بن زياد ، بحار الأنوار : ج 77 ص 276 .
3- .تفسير القمّى : ج 2 ص 94 ، بحار الأنوار : ج 7 ص 239 ح 4 .
4- .الحجّ : 22 .
5- .الفردوس : ج 3 ص 254 ح 4753 عن ابن عمر ، كنزالعمّال : ج 14 ص 473 ح 39314 .
6- .تفسير القمّى : ج 1 ص 364 عن أبى بصير عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحارالأنوار : ج 71 ص 242 ح 2 .
7- .سنن الترمذى : ج 4 ص 593 ح 2383 ، سنن ابن ماجه : ج 1 ص 94 ح 256 ، المعجم الأوسط : ج 6 ص 202 ح 6189 وفيه «الغرّارون» بدل

«القرّاء» ، وفيهما «أربعمئه» بدل «مئه» ، تفسير القرطبى : ج 1 ص 19 ، البعث والنشور : ص 277 ح 481 عن الإمام علىّ عليه السلام نحوه ، كنزالعمّال : ج 3 ص 472 ح 7480 .

6 / 3 اندوه پایدار

1324.عنه علیه السلام : امام علی علیه السلام : ای کمیل ! کسی را که در بهشت ساکن نمی شود ، به عذابی دردناک و خواری پایدار و گرزها و زنجیرهای ضخیم و بلند و پاره های آتش ، بشارت ده ... . سپس پس از آن که دوران هایی چند را در آن می مانند ، خداوندِ پاک نام را ندا می دهند که : «ما را در کرانه (1) [ی جهنّم] قرار ده» و خدا پاسخشان می دهد که : «در آن گم شوید و با من سخن مگویید» .1325.عنه علیه السلام : تفسیر القمّی : سخن خداوند : «آتش ، چهره آنان را می سوزاند» یعنی بر آنان شعله می کشد و آنها را می سوزاند «و آنان در آن جا چهره در هم کشیده اند» یعنی دهانشان باز است و رو ترش کرده اند . ر . ک : ص 185 (فصل هفتم : ویژگی های اهل آتش / زشتی چهره) . 6 / 3اندوه پایدارقرآن«هر زمان که بخواهند از اندوهی از آن بیرون آیند ، دو باره به آن باز گردانیده می شوند و [گفته می شود:]بچشید عذاب سوزان را».

حدیث1331.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر اندوهی به پایان می رسد، بجز اندوه اهل آتش .1332.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ اندوهی نیست ، مگر آن که [سرانجام ،] گشایشی دارد ، جز اندوه اهل آتش .1333.عنه علیه السلام : سنن الترمذی به نقل از ابو هریره : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «از چاه غم ، به خدا پناه

ببرید» .

[اصحاب] گفتند : ای پیامبر خدا ! چاه غم چیست؟

فرمود: «منطقه ای است در جهنّم که خود جهنّم ، روزی صد بار از آن به خدا پناه می برد» .

گفتیم : ای پیامبر خدا ! چه کسی وارد آن می شود؟

فرمود: «قاریان ریاکار» .

.

1- .در بحار الأنوار ، «الرخاء» آمده است ، به معنای آسایش و رفاه .

1334.عنه عليه السلام : الإمام علىّ عليه السلام : مَن يَبتَغِ غَيرَ الإِسلامِ دِينا تَتَحَقَّقُ شِقوَتُهُ ، وتَنفَصِمُ عُروَتُهُ ، وتَعظُمُ كَبوَتُهُ ، ويَكُن مَآبَهُ إلَى الحُزنِ الطَّويلِ وَالعَذابِ الوَبيلِ . (1)6 / 4شِدَّةُ الحَسرَهِالكتاب«أن تَقُولَ نَفْسٌ يَحَسْرَتَى عَلَى مَا فَرَّطتُ فِى جَنبِ اللَّهِ وَ إِن كُنتُ لَمِنَ السَّخِرِينَ» . (2)

«كَذَ لِکَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَلَهُمْ حَسَرَ تٍ عَلَيْهِمْ وَ مَا هُم بِخَرِجِينَ مِنَ النَّارِ» . (3)

«يَقُولُ يَلَيْتَنِى قَدَّمْتُ لِحَيَاتِى * فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ» . (4)

«وَ يَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَلَيْتَنِى اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلاً» . (5)

الحديث1343.عنه عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : لا يَدخُلُ أحَدٌ الجَنَّةَ إلّا اُرِىَ مَقعَدَهُ مِنَ النّارِ لَو أساءَ ؛ لِيَزدادَ شُكرا . ولا يَدخُلُ النّارَ أحَدٌ إلّا اُرِىَ مَقعَدَهُ مِنَ الجَنَّهِ لَو أحسَنَ ؛ لِيَكونَ عَلَيهِ حَسرَهً . (6) .

1- .نهج البلاغه : الخطبه 161 .
2- .الزمر : 56 .
3- .البقره : 167.
4- .الفجر : 24 و 25 .
5- .الفرقان : 27 .
6- .صحيح البخارى : ج 5 ص 2402 ح 6200 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 650 ح 10980 ، الفردوس : ج 5 ص 109 ح 7627 كلّها عن أبى هريره ، كنزالعمّال : ج 14 ص 481 ح 39346 ؛ مجمع البيان : ج 10 ص 450 ، جامع الأخبار : ص 515 ح 1451 كلاهما نحوه .

6 / 4 افسوس بسیار

1344.عنه علیه السلام فی ذَمِّ العاصینَ مِن أصحابِه امام علی علیه السلام : هر کس دینی غیر از اسلام بجوید، بدبختی اش محقّق می شود و دستگیره اش می گسلد و فرو افتادنش سخت و فرجامش اندوهِ دور و دراز و عذاب دل خراش خواهد بود .6 / 4افسوس بسیارقرآن«تا آن که [مبادا] کسی بگوید: «دریغا بر آنچه در حضور خدا کوتاهی ورزیدم . بی تردید ، من از ریشخند کنندگان بودم»» .

«کارهایشان را که بر آنان مایه حسرت هاست به ایشان می نمایاند و از آتش بیرون آمدنی نیستند» .

«گوید: «کاش برای زندگانی خود، [چیزی] پیش فرستاده بودم» . پس در آن روز ، هیچ کس چون عذاب کردن او، عذاب نمی کند» .

«و روزی است که ستمکار ، دست های خود را می گَزد [و] می گوید: «ای کاش با پیامبر ، راهی بر می گرفتم !»» .

حدیث1353.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ کس نیست که وارد بهشت شود ، مگر آن که جایگاهش در آتش که اگر بدی می کرد ، به آن جا می رفت به او نشان داده می شود تا سپاس گزاری اش افزون شود، و هیچ کس نیست که وارد آتش شود ، مگر آن که جایگاهش در بهشت که اگر کار نیک می کرد ، به آن جا می رفت به او نمایانده می شود تا مایه [افزایش] دریغ و افسوس او گردد.

.

1354.عنه عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : كُلُّ أهلِ النّارِ يَرى مَقعَدَهُ مِنَ الجَنَّهِ ، فَيَقولُ : لَو أنَّ اللّهَ هَدانى . فَيَكونُ عَلَيهِم حَسرَةً ... وكُلُّ أهلِ الجَنَّهِ يَرى مَقعَدَهُ مِنَ النّارِ ، فَيَقولُ : لَولا أنَّ اللّهَ هَدانى . قالَ : فَيَكونُ لَهُ شُكرا . (1)1355.عنه عليه السلام : الإمام علىّ عليه السلام فى صِفَهِ جَهَنَّمَ : يا كُمَيلُ ، فَعِندَها يَيأَسونَ مِنَ الكَرَّهِ ، واشتَدَّتِ الحَسْرَهُ ، وأيقَنوا بِالهَلَكَهِ والمَكْثِ جَزاءً بِما كَسَبُوا وعُذِّبُوا . (2)راجع : ج 1 ص 586 (القسم الأوّل : الجنّه / الفصل الخامس عشر : نظام الجنّه / وراثه أهل الجنّه) .

6 / 5نارُ الفُرقَهِالكتاب«كَلَّا إِنَّهُمْ عَن رَّبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّمَحْجُوبُونَ» . (3)

الحديث1362.فاطمه عليهاالسلام : الإمام علىّ عليه السلام : نارُ الفُرقَهِ أحَرُّ مِن نارِ جَهَنَّمَ . (4)1363.عنها عليهاالسلام : عنه عليه السلام فِى الدُّعاءِ المَعروفِ بِدُعاءِ كُمَيلٍ : يا إلهى ورَبّى وسَيِّدى ومَولاىَ ! لِأَىِّ الأُمورِ إلَيكَ أشكو ، ولِما مِنها أضِجُّ وأبكى ؟ أ لِأَليمِ العَذابِ وشِدَّتِهِ ، أم لِطولِ البَلاءِ ومُدَّتِهِ ؟ فَلَئِن صَيَّرتَنى لِلعُقوباتِ مَعَ أعدائِكَ ، وجَمَعتَ بَينى وبَينَ أهلِ بَلائِكَ ، وفَرَّقتَ بَينى وبَينَ أحِبّائِكَ وأولِيائِكَ ، فَهَبنى يا إلهى وسَيِّدى ومَولاىَ ورَبّى صَبَرتُ عَلى عَذابِكَ ، فَكَيفَ أصبِرُ عَلى فِراقِكَ ؟ ! وهَبنى صَبَرتُ عَلى حَرِّ نارِكَ ، فَكَيفَ أصبِرُ عَنِ النَّظَرِ إلَى كَرامَتِكَ ؟ ! أم كَيفَ أسكُنُ فِى النّارِ ورَجائى عَفوُكَ؟ ! (5)راجع : ص 216 (الفصل التاسع : أحوال أهل النار) .

.

1- .مسند ابن حنبل : ج 3 ص 591 ح 10657 ، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 473 ح 3629 كلاهما عن أبى هريره ، كنزالعمّال : ج 14 ص 473 ح 39312 .
2- .بشاره المصطفى : ص 30 عن كميل بن زياد ، بحار الأنوار : ج 77 ص 276 .
3- .المطففين : 15 .
4- .المواعظ العدديّه : ص 61 .
5- .مصباح المتهجّد : ص 847 ح 910 ، الإقبال : ج 3 ص 335 كلاهما عن كميل ، المصباح للكفعمى : ص 740 ، البلد الأمين : ص 190 .

1365.عنها علیهاالسلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : به هر اهل آتشی، جایگاهش در بهشت ، نشان داده می شود و او می گوید: «کاش خدا هدایتم کرده بود !» و افسوس می خورند... و به هر اهل بهشتی نیز جایگاهش در آتش نشان داده می شود و او می گوید: «اگر خدا هدایتم نکرده بود[، سرنوشتم جز این بود] !» . و این ، شکرگزاری او شمرده می شود.1366.الإمام الحسن علیه السلام : امام علی علیه السلام : ای کمیل ! در این هنگام ، از باز گشت ، مأیوس می شوند و دچار حسرت شدید می گردند ، و به هلاکت خویش و ماندگاری در آتش ، یقین می کنند ، به سزای اعمالی که کرده اند ، و عذاب و شکنجه می شوند .

ر . ک : ج 1 ص 587 (بخش یکم : بهشت / فصل پانزدهم : نظام بهشت / وراثت بهشتیان) . 6 / 5آتش جداییقرآن«نه ! آنان در آن روز ، از پروردگارشان پوشیده اند» .

حدیث1372.عنه علیه السلام فی خُطبَتِهِ بَعدَ وَفاهِ أبی امام علی علیه السلام : آتشِ جدایی ، سوزان تر از آتشِ جهنّم است.1373.التوحید عن محمّد بن أحمد بن یحیی عن بعض أصحابنا ر امام علی علیه السلام در دعای معروف به دعای کمیل : ای معبود و پروردگار من و ای آقا و سَرور من ! از کدامین کار به تو شکوه کنم ، و برای کدام یک از آنها بنالم و بگریم؟ برای دردناکی و سختیِ عذاب یا برای درازناکی گرفتاری و بلا؟ که اگر مرا با دشمنانت هم کیفر گردانی و مرا با سزامندانِ گرفتاری و بلایت در یک جا گرد آوری، و بین من و دوستان و اولیایت جدایی افکنی، گیرم که ای معبود

و پروردگار من و ای آقا و سَرورم بر عذابت شکیب ورزیدم ؛ امّا چگونه بر جدایی از تو شکیبایی کنم؟ ! گیرم که بر سوز آتش تو شکیب ورزیدم ؛ امّا چگونه بر محروم ماندن از دیدن کرامت تو شکیبایی کنم؟ ! یا چگونه در آتش جای گیرم ، در حالی که به بخشایش تو امید بسته ام؟ !ر . ک : ص 217 (فصل نهم : احوال دوزخیان) .

.

ص: 182

. .

ص: 183

. .

الفَصلُ السّابِعُ: خَصائِصُ أهلِ النّارِ7 / 1قُبحُ الوُجوهِالكتاب«وَ مَنْ خَفَّتْ مَوَ زِينُهُ فَأُوْلَائِکَ الَّذِينَ خَسِرُواْ أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ * تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَ هُمْ فِيهَا كَالِحُونَ * أَلَمْ تَكُنْ ءَايَاتِى تُتْلَى عَلَيْكُمْ فَكُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ * قَالُواْ رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَ كُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ * رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ * قَالَ اخْسَئواْ فِيهَا وَ لَا تُكَلِّمُونِ» . (1)

الحديث1381.الإمام زين العابدين عليه السلام فِى الدُّعاءِ رسول اللّه صلى اللهِ عليه و آله فى قَولِهِ تَعالى : «وَ هُمْ فِيهَا كَالِحُونَ» : تَشويهُ النّارُ ؛ فَتُقَلِّصُ شَفَتَهُ العُليا حَتّى تَبلُغُ وَسَطَ رَأسِهِ ، وتَستَرخى شَفَتَهُ السُفلى حَتّى تَضرِبَ سُرَّتَهُ . (2) .

1- .المؤمنون : 103 108 .
2- .سنن الترمذى : ج 4 ص 708 ح 2587 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 175 ح 11836 ، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 270 ح 2971 ، مسند أبى يعلى : ج 2 ص 127 ح 1362 ، الزهد لابن المبارک (الملحقات) : ص 84 ح 292 ، صفه النار لابن أبى الدنيا : ص 80 ح 109 ، البعث والنشور : ص 288 ح 507 ، وفيه «فتفلق» بدل «فتقلّص» كلّها عن أبى سعيد ، كنزالعمّال : ج 14 ص 657 ح 39790 .

فصل هفتم : ویژگی های اهل آتش

7 / 1 زشتی چهره

فصل هفتم : ویژگی های اهل آتش7 / 1زشتی چهرهقرآن«و کسانی که کفه میزان [اعمال] شان سبک باشد، آنان به خویشتن زیان زده اند و همیشه در جهنّم می مانند. آتش ، چهره های آنان را می سوزاند و آنان در آن جا ترش رویند. آیا آیات من بر شما خوانده نمی شد و آن را مورد تکذیب قرار نمی دادید؟ ! می گویند: «پروردگارا ! شقاوت ما ، بر ما چیره شد و ما مردمی گم راه بودیم. پروردگارا ! ما را از این جا بیرون بر . پس اگر باز هم [به بدی] بر گشتیم ، در آن صورت ، ستمگر خواهیم بود» . می فرماید: در آن ، گم شوید و با من سخن مگویید» .

حدیث1388.عنه علیه السلام أیضا : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خدای متعال : «و آنان در آن جا ترش رویند» : آتش او را از ریخت می اندازد و لب زبرین او را به طوری بالا می برد که به وسط سرش می رسد، و لب زیرینش را چنان وارفته و دراز می گرداند که به ناف او می خورد.

.

1389.عنه عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله فى قَولِهِ تَعالى : «تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ» : تَلفَحُهُم لَفحَةً فَتُسيلُ لُحومَهُم عَلى أعقابِهِم .
1390(1).عنه عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّه َ إذا قالَ لأهلِ النّارِ : «اخْسَئواْ فِيهَا وَ لَا تُكَلِّمُونِ» عادَت وُجوهُهُم قِطَعَ لَحمٍ لَيسَ فيها أفواهٌ ولا مُناخِرُ ، يَتَرَدَّدُ النَّفَسُ فى أجوافِهِم . (2)7 / 2سَوادُ الوُجوهِالكتاب«وَ الَّذِينَ كَسَبُواْ السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَّا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطَعًا مِّنَ الَّيْلِ مُظلِمًا أُوْلَائِکَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» . (3)

الحديث1396.الإمام الباقر عليه السلام : الإمام الصادق عليه السلام فى قَولِ اللّه ِ عز و جل «كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطَعًا مِّنَ الَّيْلِ مُظْلِمًا» : أماتَرَى البَيتَ إذا كانَ اللَّيلُ كانَ أشَدَّ سَوادا مِن خارِجٍ ، فَلِذلِکَ هُم يَزدادونَ سَوادا . (4)1397.عنه عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : يَبعَثُ اللّه ُ المُقَنِّطينَ (5) يَومَ القِيامَهِ مُغَلَّبَةً وُجوهُهُم يَعنى غَلَبَهَ السَّوادِ عَلَى البَياضِ فَيُقالُ لَهُم : هؤُلاءِ المُقَنِّطونَ مِن رَحمَهِ اللّه ِ تَعالى . (6) .

1- .تفسير ابن كثير : ج 5 ص 491 ، الدرّ المنثور : ج 6 ص 117 نقلاً عن ابن مردويه والضياء فى صفه النار وكلاهما عن أبى الدرداء .
2- .صفه النار لابن أبى الدنيا : ص 73 ح 96 عن حذيفه ، الدرّ المنثور : ج 6 ص 121 .
3- .يونس : 27 .
4- .الكافى : ج 8 ص 253 ح 355 ، تفسير العيّاشى : ج 2 ص 122 ح 17 كلاهما عن أبى بصير ، بحارالأنوار : ج 59 ص 18 ح 12 .
5- .القُنوطُ : هو أشدُّ اليأس من الشىء (النهايه : ج 4 ص 113 «قنط») .
6- .النوادر للراوندى : ص 131 ح 163 ، جامع الأحاديث للقمّى : ص 140 وفيه «مغلّسه» بدل «مغلّبه» ، بحارالأنوار : ج 72 ص 338 ح 3 .

7 / 2 سیاهی چهره

1398.عنه علیه السلام : (فی بَیانِ الحَمدِ الَّذی یَکفی عَن کُلِّ حَمدٍ؟) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خدای متعال: «آتش ، چهره های آنان را می گدازد» : چنان آنان را می گدازد که گوشتشان بر رگ و پیِ آنها جاری می شود.1399.الإمام الباقر علیه السلام : پیامبر خدا صلی اللهَ علیه و آله : آن گاه که خداوند به دوزخیان بگوید: «در آن گم شوید و با من سخن مگویید» ، صورت هایشان به قطعه ای گوشت تبدیل می شود ، آن سان که در آن ، نه دهانی باشد و نه حفره بینی ای، و نَفَس در درونشان به شماره می افتد.7 / 2سیاهی چهرهقرآن«و کسانی که مرتکب بدی ها شده اند، جزای بدی ، چیزی مانند آن است ، و خواری ، آنان را فرو می گیرد. آنان در مقابل خدا، هیچ حمایتگری ندارند . گویی چهره هایشان با پاره هایی از شب تار ، پوشیده شده است. آنان همدم آتش اند و در آن جاودانه خواهند بود».

حدیث1405.عنه علیه السلام : امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای عز و جل : «گویی چهره هایشان با پاره هایی از شب تار ، پوشیده شده است» : نمی بینی اتاق را که چون شب می شود، از فضای بیرون ، سیاه تر و تاریک تر است؟ به همین سان، آنان سیاه تر و تاریک تر می شوند .1406.الکافی عن علیّ بن حسّان عن بعض أصحابه : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در روز رستاخیز، خداوند ، نومید کنندگان[مردم از رحمت حق] را در حالی بر می انگیزد که سیاهیِ روی آنان بر سفیدی آن ، غالب است و گفته می شود: «اینان ، نومید کنندگان از رحمت خدای متعال هستند» .

.

1407.الإمام الصادق عليه السلام : الإمام علىّ عليه السلام : يا أهلَ الاِنحِرافِ وَالصُّدودِ عَنِ اللّهِ عَزَّ ذِكرُهُ ورَسولِهِ وصِراطِهِ وأعلامِ الأَزمِنَهِ ! أيقِنوا بِسَوادِ وُجوهِكُم وغَضَبِ رَبِّكُم ؛ جَزاءً بِما كُنتُم تَعمَلونَ . (1)7 / 3تَبَدَّلُ الجُلودِالكتاب«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُواْ بِأيَاتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُم بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُواْ الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا» . (2)

الحديث1413.مصباح المتهجّد عن المفضّل بن عمر : المعجم الأوسط عن ابن عمر : قُرِئَ عِندَ عُمَرَ «كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُم بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا» فَقالَ عُمَرُ : أعِدْها ، فَأعادَها . فَقالَ مَعاذُ بنُ جَبَلٍ : عِندى تَفسيرُها : تُبَدَّلُ فى ساعَهٍ مِئهَ مَرَّهٍ . فَقالَ عُمَرُ : هكَذا سَمِعتُ مِن رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله . (3)1414.الإمام الصادق عليه السلام فى دُعاءِ وَداعِ شَ تفسير القمّى فى قَولِهِ تَعالى : «كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُم بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا» : قيلَ لِأبى عَبدِاللّهِ عليه السلام : كَيفَ تُبَدَّلُ جُلودٌ غَيرَها؟ قالَ : أرَأيتَ لَو أخَذتَ لَبِنَهً فَكَسَرتَها وصَيَّرتَها تُرابا ، ثُمَّ ضَرَبتَها فِى القالَبِ ، أهِىَ الَّتى كانَت؟ إنَّما هىَ ذلِکَ ، وحَدَثَ تَفسيرا (4) آخَرَ وَالأصلُ واحِدٌ . (5) .

1- .الكافى : ج 8 ص 25 ح 4 عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام ، المحتضر : ص 283 عن الإمام الباقر عنه عليهماالسلام ، تفسير نور الثقلين : ج 1 ص 626 ح 175 .
2- .النساء : 56 .
3- .المعجم الأوسط : ج 5 ص 7 ح 4517 ، تفسير ابن كثير : ج 2 ص 296 ، الدرّ المنثور : ج 2 ص 568 .
4- .كذا فى المصدر، وفى البحار نقلاً عنه : «تغيير»، والظاهر أنّه الصّواب .
5- .تفسير القمّى : ج 1 ص 141 ، بحارالأنوار : ج 8 ص 288 ح 20 .

1415.عنه علیه السلام : امام علی علیه السلام : ای کجروان و ای کسانی که [مردم را] از خدای بلندنام و از پیامبر او و از راه خدا و نشانه های زمان ها (1) باز می دارید ! یقین بدارید که به سزای کارهایی که می کنید، روسیاهی و خشم پروردگارتان را برای خود می خرید.7 / 3پوست انداختنقرآن«به زودی ، کسانی را که به آیات ما کفر ورزیده اند، در آتش درمی آوریم که هر چه پوستشان بسوزد ، پوست های دیگری بر جایش می نهیم تا عذاب را بچشند . آری ! خداوند ، توانای حکیم است».

حدیث1421.قرب الإسناد عن علیّ بن جعفر علیه السلام : المعجم الأوسط به نقل از ابن عمر : در نزد عمر ، این آیه خوانده شد: «هر چه پوستشان بسوزد ، پوست های دیگری بر جایش می نهیم» . عمر گفت: دو باره بخوان.

[آن قاری] آیه را دوباره خواند. معاذ بن جبل گفت: تفسیر آن نزد من است ؛ در یک ساعت ، صد بار پوست جای گزین می شود.

عمر گفت: من هم از پیامبر خدا چنین شنیدم .1422.الإمام الکاظم علیه السلام : تفسیر القمّی در باره این سخن خدای متعال : «هر چه پوستشان بسوزد ، پوست های دیگری بر جایش می نهیم تا عذاب را بچشند. آری ! خداوند ، توانای حکیم است» : به امام صادق علیه السلام گفته شد : چگونه پوست های دیگری جای گزین آن می شود؟

فرمود: «به من بگو که اگر خشتی برداری و آن را خُرد کنی و خاکش گردانی، سپس آن را [دوباره]قالب بزنی، آیا این خشت ، همان خشت اوّل است؟ بی گمان ، همان خشت اوّل است ؛ امّا تغییری دیگر رخ داده است، لیکن مادّه یکی است».

.

1- .یا: بزرگانِ روزگاران ؛ یعنی نشانه ها و حجّت های خداوند در طول روزگاران، که همان اوصیا و ائمّه علیهم السلام هستند .

7 / 4العَمْیُ والبَکَمُ والصَّمُّالکتاب«وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ کَثِیرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالإِْنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَایَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْیُنٌ لَایُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ ءَاذَانٌ لَایَسْمَعُونَ بِهَا أُوْلَائِکَ کَالأَْنْعَمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُوْلَائِکَ هُمُ الْغَفِلُونَ» . (1)

«وَنَحْشُرُهُمْ یَوْمَ الْقِیَمَهِ عَلَی وُجُوهِهِمْ عُمْیًا وَ بُکْمًا وَ صُمًّا مَّأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ کُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَهُمْ سَعِیرًا» . (2)

«وَ نَحْشُرُهُ یَوْمَ الْقِیَمَهِ أَعْمَی» . (3)

الحدیث1430.الإمام الهادی علیه السلام : رسول اللّه صلی الله علیه و آله : یَا بنَ مَسعودٍ ، یَأتی عَلَی النّاسِ زَمانٌ ، الصّابِرُ فیهِ عَلی دینِهِ مِثلُ القابِضِ عَلی الجَمرَهِ بِکَفِّهِ . یَقولُ لِذلِکَ الزَّمانِ: إن کانَ ذلکَ الزَّمانُ ذِئبا وإلّا أکَلَتهُ الذِّئابُ . (4)

یا بنَ مَسعودٍ ، عُلَماؤُهُم وفُقَهاؤُهُم خَونَهٌ فَجَرَهٌ ، ألا إنَّهُم أشرارُ خَلقِ اللّهِ ، وکذلکَ أتباعُهُم ومَن یَأتِیهِم ویَأخُذُ مِنهُم ویُحِبُّهُم ویُجالِسُهُم ویُشاوِرُهُم أشرارُ خَلقِ اللّهِ ، یُدخِلُهُم نارَ جَهَنَّمَ: «صُمٌّ بُکْمٌ عُمْیٌ فَهُمْ لَا یَرْجِعُونَ» ،
«وَنَحْشُرُهُمْ یَوْمَ الْقِیَمَهِ عَلَی وُجُوهِهِمْ عُمْیًا وَ بُکْمًا وَ صُمًّا مَّأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ کُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَهُمْ سَعِیرًا» ، «کُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُم بَدَّلْنَهُمْ جُلُودًا غَیْرَهَا لِیَذُوقُواْ الْعَذَابَ» ، «إِذَا أُلْقُواْ فِیهَا سَمِعُواْ لَهَا شَهِیقًا وَ هِیَ تَفُورُ * تَکَادُ تَمَیَّزُ مِنَ الْغَیْظِ» ، «کُلَّمَا أَرَادُواْ أَن یَخْرُجُواْ مِنْهَا مِنْ غَمٍّ

أُعِیدُواْ فِیهَا وَ ذُوقُواْ عَذَابَ الْحَرِیقِ» ، «لَهُمْ فِیهَا زَفِیرٌ وَ هُمْ فِیهَا لَا یَسْمَعُونَ» یَدَّعونَ أنَّهُم عَلی دینی وسُنَّتی ومِنهاجِی وشَرائِعی ، إنَّهُم مِنّی بَراءٌ وأنَا مِنهُم بَریءٌ . (5) .

1- .الاعراف : 179 .
2- .الاسراء : 97 .
3- .طه : 124 .
4- .هکذا جاءت العباره فی الطبعه المعتمده للمصدر . وفی طبعهٍ اُخری وبعض نسخ مستدرک الوسائل : «فإن کان فی ذلک الزمان ذئبا وإلّا أکلته الذئاب» بدل «یقول لذلک .. الذئاب» ، والظاهر أنّه الصواب .

5- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 346 عن عبد اللّه بن مسعود ، مستدرک الوسائل : ج 12 ص 330 ح 14215 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 98 ح 1 .

7 / 4 کوری و گنگی و کری

7 / 4کوری و گنگی و کریقرآن«ما بسیاری از جنّیان و انسان ها را برای جهنّم آفریدیم . آنان ، دل هایی دارند که با آن نمی اندیشند ، و چشمانی دارند که با آن نمی بینند ، و گوش هایی دارند که با آن نمی شنوند . آنان ، همانند چارپایان اند ؛ بلکه بدتر . آنان ، همان غافلان اند» .

«روز قیامت ، آنها را کور و لال و کَر ، محشور می کنیم . جایگاهشان ، جهنّم است . هر گاه شعله اش آرام شود ، آن را شعله ور می کنیم» .

«او را در قیامت ، کور محشور می کنیم» .

حدیث1438.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ای پسر مسعود ! زمانی بر مردم می آید که شکیبا بر دین خود ، مانند کسی است که اخگری را در کف خویش گرفته باشد . به آن زمان می گوید : در آن زمان ایشان باید گرگ باشد ، و گرنه گرگ ها او را می خورند .

ای پسر مسعود ! عالمان و فقیهان آنان ، خیانتکار و نابکارند . آنان بدترین خلق خدا هستند . همچنین پیروان آنها و کسانی که نزد آنها می روند و از ایشان چیز می گیرند و دوستشان می دارند و با آنان همنشینی و مشورت می کنند ، بدترین خلق خدایند . خداوند ، همه آنان را به آتش جهنّم می برد : «کرند ، لال اند ، کورند . پس باز نمی گردند» ، «و روز قیامت ، آنان را کور و لال و کر ، به روی چهره شان در افتاده ، محشور می کنیم .
جایگاهشان دوزخ است . هر بار که آتشِ آن فرو نشیند ، شراره ای [تازه]بر ایشان می افزاییم» «هر چه پوستشان بسوزد ، پوست های دیگری بر جایش می نهیم تا عذاب را بچشند» «چون در آن جا افکنده شوند ، از آن خروشی می شنوند ، در حالی که می جوشد . نزدیک است که از خشم ، شکافته شود» «هر بار بخواهند از شدّت غم ، از آن بیرون آیند ، در آن باز گردانیده می شوند و [به آنان گفته می شود :]بچشید

عذاب آتش سوزان را» . «برای آنها در آن جا ناله ای زار است و در آن جا چیزی نمی شنوند» . ادّعا می کنند که بر دین و سنّت و روش و احکام من هستند ، در حالی که آنان از من بیزارند و من از آنها بیزارم .

1439.الإقبال عن أبى عمرو محمّد بن محمّد بن نصر السكونى الإمام الباقر عليه السلام لِعَمرِو بنِ ثابِتٍ : إنَّ أهلَ النّارِ يَتَعاوَونَ فيها كَما يَتَعاوَى الكِلابُ وَالذِّئابُ مِمّا يَلقَونَ مِن أَلَمِ العَذابِ ، ما ظَنُّكَ يا عَمرُو بِقَومٍ «لَا يُقْضَى عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُواْ وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُم مِّنْ عَذَابِهَا» ، عِطاشٍ فيها جِياعٍ ، كَليلَهِ أبصارُهُم ، صُمٍّ بُكمٍ عُمىٍ ، مُسوَدَّهٍ وُجوهُهُم ، خاسِئينَ فيها نادِمينَ ، مَغضوبٍ عَلَيهِم فَلا يُرحَمونَ ، ومِنَ العَذابِ لا يُخَفَّفُ عَنهُم ، وفِى النّارِ يُسجَرونَ (1) ، ومِنَ الحَميمِ يَشرَبونَ ، ومِنَ الزَّقّومِ يَأكُلونَ ، وبِكَلاليبِ النّارِ يُخطَمونَ (2) ، وبِالمَقامِعِ يُضرَبونَ ، وَالمَلائِكَهُ الغِلاظُ الشِّدادُ لايَرحَمونَ ، فَهُم فِى النّارِ يُسحَبونَ عَلَى وُجوهِهِم ، ومَعَ الشَّياطينِ يُقرَنونَ ، وفِى الأنكالِ وَالأغلالِ يُصفَدونَ ، إن دَعَوا لَم يُستَجَب لَهُم ، وإن سَأَلوا حاجَهً لَم تُقضَ لَهُم !! هذِهِ حالُ مَن دَخَلَ النّارَ . (3)1440.الإمام الرضا عليه السلام : الإمام الصادق عليه السلام : فَاتَّقُوا اللّهَ وكُفُّوا ألسِنَتَكُم إلّا مِن خَيرٍ ، وإيّاكُم أن تُزلِقُوا ألسِنَتَكُم بِقَولِ الزُّورِ والبُهتانِ والإثمِ والعُدوانِ ، فَإنَّكُم إن كَفَفتُم ألسِنَتَكُم عَمّا يَكرَهُهُ اللّهُ مِمّا نَهاكُم عَنهُ ، كانَ خَيرا لَكُم عِندَ رَبِّكُم مِن أن تُزلِقُوا ألسِنَتَكُم بِهِ ، فَإنَّ زَلَقَ اللِّسانِ فيما يَكرَهُ اللّهُ وما يَنهى عَنهُ مَرداهٌ لِلعَبدِ عِندَ اللّهِ ، ومَقتٌ مِنَ اللّهِ وصَمٌّ وعَمىٌ وبَكَمٌ يُورِثُهُ اللّهُ إيّاهُ يَومَ القِيامَهِ ، فَتَصيروا كَما قالَ اللّهُ : «صُمٌّ بُكْمٌ عُمْىٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ» (4) يعنى لا يَنطِقونَ «وَ لَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ» (5) . (6) .

1- .يُسجَرُون : أى يُقذفون فيها ويوقد عليهم (مجمع البحرين : ج 2 ص 820 «سجر») .
2- .الخِطَام : هو الحَبْل الذى يُقاد به البعير (النهايه : ج 2 ص 51 «خطم») .
3- .الأمالى للصدوق : ص 651 ح 886 عن عمرو بن ثابت ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 557 ، بحارالأنوار : ج 8 ص 281 ح 3 .
4- .. البقره : 18 .
5- .. المرسلات : 36 .
6- .الكافى : ج 8 ص 3 ح 1 عن إسماعيل بن مخلّد السرّاج ، بحار الأنوار : ج 78 ص 211 ح 93 .

1441.مسند ابن حنبل عن أبی هریره : امام باقر علیه السلام به عمرو بن ثابت : اهل آتش، از درد عذابی که می کشند، در دوزخ مانند سگ ها و گرگ ها زوزه می کشند. چه می پنداری ای عمرو در باره گروهی که «نه فرمان مرگشان می رسد تا بمیرند و نه از عذابشان در آتش کاسته می شود» ؟! در آن ، تشنه و گرسنه اند . چشمانشان ناتوان گشته است . کر و لال و کورند . سیه رویند . در آن جا مطرود و زبون و پشیمان اند. مورد خشم اند و هیچ رحمی به آنان نمی شود . در عذابشان دمی تخفیف داده نمی شود ؛ [بلکه] آتش آنان، بی وقفه شعله می کشد . از آب جوشان می نوشند و از زقّوم می خورند . با چنگک های آتشین مهار می شوند و با گرز کوفته می شوند . فرشتگان دژخیم درشت خوی ، به آنان رحم نمی کنند و در آتش ، آنان را به رو در افتاده ، می کشند . با شیطان ها به یک بند کشیده می شوند و آنان را به کُند و زنجیر می بندند. اگر دعا کنند، دعایشان پذیرفته نمی شود و اگر چیزی بخواهند ، درخواستشان برآورده نمی گردد . این است حال و روز کسی که وارد آتش دوزخ گردد

1442.الإمام الرضا علیه السلام فی بَیانِ حِکمَهِ جُ امام صادق علیه السلام : از خدا بترسید و زبان هایتان را جز از خیر ، نگه دارید . مبادا زبان هایتان را به سخن دروغ و بهتان و گناه و تجاوز بلغزانید ؛ زیرا اگر زبان هایتان را از آنچه خدا ناخوش می دارد و شما را از آن نهی کرده است ، نگه دارید ، این از نظر پروردگارتان برای شما بهتر است از این که زبان هایتان را به آن چیز بلغزانید ؛ چرا که حرکت دادن زبان به آنچه خداوند آن را ناخوش می دارد و

شما را از آن نهی می کند ، از نظر خداوند ، موجب هلاکت بنده و مایه خشم خداست ، و خداوند در روز قیامت ، آن بنده را کر و کور و لال می گرداند و چنان می شوید که خداوند فرموده است : «کرند ، لال اند ، کورند . پس نمی فهمند» یعنی سخن نمی گویند «و رخصت نمی یابند تا پوزش بخواهند» . .

ص: 194

. .

ص: 195

. .

الفَصلُ الثّامِنُ: مَعيشَةُ أهلِ النّارِ8 / 1لِباسُهُمالكتاب«سَرَابِيلُهُم مِّن قَطِرَانٍ وَ تَغْشَى وُجُوهَهُمُ النَّارُ». (1)

الحديث1563.الإمام الصادق عليه السلام : الإمام الباقر عليه السلام فى قَولِهِ تَعالى : «سَرَابِيلُهُم مِّن قَطِرَانٍ» : هُوَ الصُّفرُ الحارُّ الذائِبُ ، يَقولُ : اِنتَهى حَرُّهُ (2) ، يَقولُ اللّهُ : «وَ تَغْشَى وُجُوهَهُمُ النَّارُ» سُربَلوا ذلِكَ الصُّفرَ فَتَغشَى وُجوهَهُمُ النّارُ. (3)1562.عنه عليه السلام : الكافى عن حذيفه بن منصور : كُنتُ عِندَ أبى عَبدِاللّهِ عليه السلام بِالحيرَهِ ، فَأتاهُ رَسولُ أبى جَعفَرٍ الخَليفَهِ يَدعوهُ . فَدَعا بِمِمطَرٍ أحَدُ وَجهَيهِ أسوَدُ وَالآخَرُ أبيَضُ فَلَبِسَهُ ، ثُمَّ قالَ

أبو عَبدِاللّهِ عليه السلام : أما إنّى ألبَسُهُ وأنَا أعلَمُ أنَّهُ لِباسُ أهلِ النّارِ (4) . (5) .

1- .إبراهيم : 50.
2- .انتهى الأمر : بلغ نهايته وهى أقصى ما يمكن أن يبلغه (مجمع البحرين : ج 3 ص 1842 «نهى»).
3- .تفسير القمّى : ج 1 ص 372 عن أبى الجارود ، بحارالأنوار : ج 8 ص 288 ح 23.
4- .الكافى : ج 6 ص 449 ح 2 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 252 ح 771 ، علل الشّرائع : ص 347 ح 4 وفيهما «أبى العبّاس» بدل «أبى جعفر» ، بحارالأنوار : ج 47 ص 45 ح 61 .
5- .فى مصباح الفقيه : ج 2 ق 1 ص 162 «ظاهرٌ أنَّ ذلِكَ مِن حَيثُ السَّوادِ لا خُصوصِيَّهِ المِمطَرِ كَما يُؤَيِّدُ ذلِكَ سائِرُ الأخبارِ ، وسَوقُ التَّعبيرِ يَشهَدُ بِكَونِ لُبسِهِ مِن بابِ الضَّرورَهِ» .

فصل هشتم : زندگی اهل آتش

8 / 1 پوشاک آنان

فصل هشتم : زندگی اهل آتش8 / 1پوشاک آنانقرآن«جامه هایشان از قَطران است ، و آتش ، چهره هایشان را فرا می گیرد».

حدیث1555.الإمام الحسین علیه السلام : امام باقر علیه السلام در باره این سخن خدای متعال که: «جامه هایشان از قطران است» : آن (قَطران) ، مسِ داغِ ذوب شده است که به نهایت درجه داغی رسیده است. خداوند می فرمایَد: «و چهره هایشان را آتش فرا می گیرد» . آن مس را بر تن پوشیده اند و آتش[آن] ، چهره هایشان را فرا می گیرد.1554.الإمام الحسن علیه السلام : الکافی به نقل از حذیفه بن منصور : در حیره، خدمت امام صادق علیه السلام بودم که فرستاده خلیفه ابو جعفر [منصور دوانیقی] آمد و ایشان را [به نزد منصور]فرا خواند . امام علیه السلام [آماده سفر شد و] فرمود تا برایش بارانی ای آوردند که یک روی آن ، سیاه بود و روی دیگرش سفید. آن را پوشید و سپس فرمود: «این را

می پوشم ، با آن که می دانم جامه اهل آتش است» . (1)

.

1- .در مصباح الفقیه (ج 2 ق 1 ص 162) آمده است: این سخن امام علیه السلام ، ظاهرا به جهت سیاه بودن آن بارانی بوده و نه ویژگیِ بارانی بودنش . مؤیّد این سخن، دیگر احادیث است. نحوه بیان امام علیه السلام نیز گواه آن است که پوشیدن آن بارانی ، از باب ضرورت بوده است .

1553.عنها عليهاالسلام : الكافى عن محسن بن أحمد عمّن ذكره عن الإمام الصّادق عليه السلام ، قال : قُلتُ لَهُ : أُصَلّى فِى القَلَنسُوَهِ السَّوداءِ؟ فَقالَ : لا تُصَلِّ فيها ؛ فَإِنَّها لِباسُ أهلِ النّارِ. (1)1552.فاطمه عليهاالسلام : الإمام الصّادق عليه السلام فِى الرَّجُلِ يُصَلّى وعَلَيهِ خاتَمُ حَديدٍ : لا ، ولا يَتَخَتَّمُ بِهِ الرَّجُلُ؛ فَإِنَّهُ مِن لِباسِ أهلِ النّارِ. (2)8 / 2طَعامُهُمالكتاب«هَلْ أَتاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَهِ * وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَهٌ * عَامِلَهٌ نَّاصِبَهٌ * تَصْلَى نَارًا حَامِيَهً * تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ ءَانِيَهٍ * لَّيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِن ضَرِيعٍ * لَا يُسْمِنُ وَ لَا يُغْنِى مِن جُوعٍ». (3)

«فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَهُنَا حَمِيمٌ * وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ» . (4)

«إِنَّ شَجَرَهَ الزَّقُّومِ * طَعَامُ الْأَثِيمِ * كَالْمُهْلِ يَغْلِى فِى الْبُطُونِ * كَغَلْىِ الْحَمِيمِ * خُذُوهُ فَاعْتِلُوهُ إِلَى سَوَاءِ الْجَحِيمِ * ثُمَّ صُبُّواْ فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ * ذُقْ إِنَّكَ أَنتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ * إِنَّ هَذَا مَا كُنتُم بِهِ تَمْتَرُونَ». (5)

«أَذَ لِكَ خَيْرٌ نُّزُلاً أَمْ شَجَرَهُ الزَّقُّومِ * إِنَّا جَعَلْنَهَا فِتْنَهً لِّلظَّلِمِينَ * إِنَّهَا شَجَرَهٌ تَخْرُجُ فِى أَصْلِ الْجَحِيمِ * طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَطِينِ * فَإِنَّهُمْ لَأَكِلُونَ مِنْهَا فَمَالِئونَ مِنْهَا الْبُطُونَ» . (6)

«ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ * لَاكِلُونَ مِن شَجَرٍ مِّن زَقُّومٍ * فَمَالِئونَ مِنْهَا الْبُطُونَ * فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ * فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ * هَذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ». (7)

«إِنَّ لَدَيْنَا أَنكَالاً وَجَحِيمًا * وَ طَعَامًا ذَا غُصَّهٍ وَ عَذَابًا أَلِيمًا». (8)

.

1- .الكافى : ج 3 ص 403 ح 30 ، تهذيب الأحكام : ج 2 ص 213 ح 836 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 251 ح 766 ، علل الشّرائع : ص 346 ح 1 ، بحارالأنوار : ج 8 ص 312 ح 81 .
2- .تهذيب الأحكام : ج 2 ص 372 ح 1548 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 253 ح 774 ، علل الشّرائع : ص 348 ح 1 كلّها عن عمّار بن موسى الساباطى ، بحارالأنوار : ج 83 ص 250 ح 15.

3- .الغاشيه : 1 7.
4- .الحاقه : 35 و 36 .
5- .الدّخان : 43 50.
6- .الصافات : 62 66 .
7- .الواقعه : 51 56.
8- .المزّمّل : 12 و 13.

1542.عنه صلی الله علیه و آله مِن دُعائِهِ یَومَ ال الکافی به نقل از محسن بن احمد ، از کسی که نام او را برده است ، از امام صادق علیه السلام : از ایشان پرسیدم : آیا با عرقچین سیاه ، نماز بخوانم؟ فرمود : با آن نماز مگزار ؛ زیرا جامه اهل آتش است .1541.عنه صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام در این باره که آیا جایز است مرد با انگشتری آهنی نماز بخواند : نه، و نباید مرد ، چنین انگشتری را به دست کند ، زیرا آن (آهن) ، پوشش اهل آتش است .8 / 2خوراک آنانقرآن«آیا خبر «غاشیه» به تو رسیده است؟ در آن روز ، چهره هایی زبون اند که تلاش کرده و رنج برده اند. [ناچار] در آتشی سوزان در آیند. از چشمه ای داغ نوشانیده می شوند. خوراکی جز خار خشک ندارند که نه فربه می کند و نه گرسنگی را باز می دارد».

«در آن روز ، آن جا ، برایش دوستی صمیمی نیست ، و غذایی جز چرک و خون نیست» .

«آری، درخت زقّوم، خوراک گناه پیشه است. چون مس گداخته ، در شکم ها می گدازد ، همانند جوشش آب جوشان . او را بگیرید و به میان دوزخش کشانید. آن گاه ، از عذاب آب جوشان بر سرش فرو ریزید. [به او بگویید :] بچش که تو همان ارجمند بزرگواری ! این است همان چیزی که در باره آن تردید می کردید».

«آیا از نظر پذیرایی ، این بهتر است یا درخت زقّوم؟ ! در حقیقت، ما آن را برای ستمگران [مایه آزمایش و]عذابی گردانیدیم. آن، درختی است که از قعر آتش سوزان می روید . میوه اش گویی چون کلّه های شیاطین است . پس [دوزخیان]حتماً از آن می خورند و شکم ها را از آن پر می کنند» .

«آن گاه شما ای گم راهان دروغ پرداز قطعا از درختی از زقّوم خواهید خورد و از آن ، شکم هایتان را خواهید آکند و روی آن از آب جوش می نوشید ، مانند نوشیدن اشتران تشنه. این است پذیرایی آنان در روز جزا».

«در حقیقت، پیش ما زنجیرها و دوزخ است ، و غذایی گلوگیر و عذابی پردرد».

.

الحديث1530.البلد الأمين : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : الضَّريعُ شَیءٌ يَكونُ فِی النّارِ شِبهُ الشَّوكِ ، أمَرُّ مِنَ الصَّبِرِ ، أنتَنُ مِنَ الجيفَهِ ، و أشَدُّ حَرّا مِنَ النّارِ ، سَمّاهُ اللّهُ الضَّريعَ. إذا طَعِمَهُ صاحِبُهُ لا يَدخُلُ البَطنَ ولا يَرتَفِعُ إلَی الفَمِ ، فَيَبقی بَينَ ذلِکَ ، ولا يُغنی مِن جوعٍ. (1)1529.عنه صلی الله عليه و آله : سنن التّرمذی عن ابن عبّاس : إنَّ رَسولَ اللّهِ صلی الله عليه و آله قَرَأ هذِهِ : «اِتَّقُواْ اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إلَّا وَأنتُم مُّسْلِمُونَ» ، قالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله عليه و آله : لو أنَّ قَطرَةً مِنَ الزَّقّومِ قُطِرَت فی دارِ الدُّنيا لَأفسَدَت عَلی أهلِ الدُّنيا مَعايِشَهُم ، فَكَيفَ بِمَن يَكونُ طَعامُهُ؟ ! . (2)

1- .الفردوس : ج 2 ص 434 ح 3905 ، تفسير القرطبی : ج 20 ص 30 ؛ مجمع البيان : ج 10 ص 726 وليس فيها ذيله منّ «إذا طعمه صاحبه...» وكلّها عن ابن عبّاس ، بحارالأنوار : ج 7 ص 169.

2- .سنن التّرمذی : ج 4 ص 706 ح 2585 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1446 ح 4325 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 644 ح 2735 ، صحيح ابن حبّان : ج 16 ص 511 ح 7470 ، المستدرک علی الصحيحين : ج 2 ص 490 ح 3686 ، البعث والنّشور : ص 302 ح 543 ، المعجم الكبير : ج 11 ص 57 ح 11068 ، مسند الطيالسی : ص 344 ح 2643 ، كنز العمّال : ج 14 ص 523 ح 39488.

حدیث1527.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ضریع، (1) چیزی است در آتش ، که شبیه خار است و از صبر زرد، تلخ تر و از مردار ، متعفّن تر و از آتش ، داغ تر است. خداوند ، آن را ضریع نامیده است. چیزی است که هر گاه شخصی آن را بخورد ، نه به شکم فرو می رود و نه به دهانْ بالا می آید ؛ بلکه در بین آن دو می ماند و گرسنگی را برطرف نمی کند.1526.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : سنن التِّرمِذی به نقل از ابن عبّاس : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله این آیه را خواند: «از خدا چنان که سزامند پرواست ، پروا بدارید و جز مسلمان نمیرید» و فرمود: «اگر قطره ای از زقّوم در دنیا بچکد ، زندگیِ مردم دنیا را بر آنان تباه می گرداند . پس چگونه است حال کسی که خوراکش زقّوم باشد؟ !» . .

1- .خارِ سُمّ، یا شبرق .

1525.المحاسن عن سعيد بن المسيّب عن رسول اللّه صلى الله رسول اللّه صلى الله عليه و آله : لَو أنَّ دَلوا صُبَّ مِن غِسْلينٍ (1) فى مَطلَعِ الشَّمسِ ، لَغَلَت مِنهُ جَماجِمُ مَن فى مَغرِبِها. (2)1524.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : لَو أنَّ دَلوا مِن غَسّاقٍ (3) يُهراقُ فِى الدُّنيا لَأَنتَنَ أهلَ الدُّنيا. (4)1523.الإمام الباقر عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : لَو أنَّ دَلوا مِنَ الغَسّاقِ يُهراقُ فِى الدُّنيا ما أقَلَّهُ الثَّقَلانِ. (5)راجع : ص 152 (الفصل الخامس : مواصفات جهنّم / أشجار جهنم) .

8 / 3شَرابُهُمالكتاب«وَ الَّذِينَ كَفَرُواْ لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَ عَذَابٌ أَلِيم بِمَا كَانُواْ يَكْفُرُونَ». (6)

«وَ سُقُواْ مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَآءَهُمْ». (7)

«وَ اسْتَفْتَحُواْ وَ خَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ * مِّن وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَى مِن مَّاءٍ صَدِيدٍ * يَتَجَرَّعُهُ وَ لَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَ يَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِن كُلِّ مَكَانٍ وَ مَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَ مِن وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ». (8)

«وَ أَمَّا إِن كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ * فَنُزُلٌ مِّنْ حَمِيمٍ * وَ تَصْلِيَةُ جَحِيمٍ». (9)

راجع : الأنعام : 70 ؛ الكهف : 19 ؛ الصافات : 67 ؛ ص : 56 ، 57 ؛ الواقعه : 42 ، 54 ، 55 ؛ النبأ : 21 25 ؛ الغاشيه : 4 ، 5 .

.

1- .الغِسلين : ما يَسيل من جلود أهل النار ؛ كالقَيح وغيره ، وقيل : ما انغَسَلَ من لحوم أهل النّار ودمائهم . وقال الكلبى : هو ما أنضجَت النار من لحومهم وسقط أكلوه . وقال الضحاک : الغِسلينِ والضريع شجرٌ فى النار (لسان العرب : ج 11 ص 495 «غسل») .
2- .الأمالى للطوسى : ص 533 ح 1162 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 370 ح 2661 كلاهما عن أبى ذرّ ، بحارالأنوار : ج 77 ص 82 ح 3 .

3- .غَسّاق : ما يَغْسَقُ من صديد أهل النّار ، أى يسيل (مجمع البحرين : ج 2 ص 1319 «غسق») .
4- .سنن الترمذى : ج 4 ص 706 ح 2584 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 58 ح 11230 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 644 ح 8779 ، مسند أبى يعلى : ج 2 ص 131 ح 1376 ، الزّهد لابن المبارک (الملحقات) : ص 90 ح 316 ، تفسير الطّبرى : ج 12 الجزء 23 ص 178 ، كلّها عن أبى سعيد ، كنز العمّال : ج 14 ص 523 ح 39486 .
5- .الفردوس : ج 3 ص 367 ح 5116 عن أبى سعيد الخدرى.
6- .يونس : 4.
7- .محمّد : 15.
8- .إبراهيم : 15 17.
9- .الواقعه : 92 94.

1513.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اگر یک سطل از چرکاب دوزخیان در مشرق زمین ریخته شود ، کاسه سر کسانی که در مغرب زمین هستند، از آن به جوش می آید .1512.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اگر یک سطل از زردآب بدن دوزخیان در دنیا ریخته شود، همه مردم دنیا را متعفّن می سازد.1511.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اگر سطلی از زردآب بدن دوزخیان در دنیا ریخته شود ، جنّ و انس نمی توانند آن را بر دارند.

ر . ک : ص 153 (فصل پنجم : ویژگی های جهنّم / درختان جهنّم) . 8 / 3نوشیدنی آنانقرآن«و کسانی که کافر شدند، به سزای کفرشان، شربتی از آب جوشان و عذابی پردرد خواهند داشت».

«آبی جوشان نوشانده می شوند که روده هایشان را از هم فرو پاشد».

«و [پیامبران از خدا] گشایش خواستند و [سرانجام] هر زورگوی لجوجی نومید شد. دوزخ پیش روی اوست و به او آبی از خونِ آمیخته به چرک نوشانده می شود. آن را جرعه جرعه می نوشد و نمی تواند آن را فرو بَرَد و مرگ از هر سویی به جانبش می آید ؛ ولی نمی میرد و عذاب سخت به دنبال دارد».

«و امّا اگر از دروغزنان گم راه باشد ، پس با آبی جوشان پذیرایی خواهد شد و [با] افتادن در آتش افروخته» .

ر . ک : انعام : آیه 70 ؛ کهف : آیه 19 ؛ صافّات : آیه 67 ؛ ص : آیه 56 و 57 ؛ واقعه : آیه 43 و 54 و 58 ؛ نبأ : آیه 21 - 25 ؛ غاشیه : آیه 4 و 5 .

.

الحديث1501.عنه صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى قَولِهِ تَعالى : «وَيُسْقَى مِن مَّاءٍ صَدِيدٍ يَتَجَرَّعُهُ» : يُقَرَّبُ إلى فيهِ فَيَكرَهُهُ ، فَإذا أُدنِىَ مِنهُ شَوى وَجهَهُ وَوَقَعَت فَروَةُ رَأسِهِ ، فَإذا شَرِبَهُ قَطَّعَ أمعاءَهُ حَتّى تَخرُجُ مِن دُبُرِهِ ، يَقولُ اللّهُ : «وَ سُقُواْ مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ» ويقول : «وَ إِن يَسْتَغِيثُواْ يُغَاثُواْ بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِى الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ» . (1)1500.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله فى قَولِهِ تَعالى : «كَالْمُهْلِ» : كَعَكَرِ (2) الزَّيتِ ، فَإذا قَرَّبَهُ إلى وَجهِهِ سَقَطَت فَروَةُ وَجهِهِ فيهِ . (3)1499.الإمام الباقر عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ الحَميمَ (4) لَيُصَبُّ عَلى رُؤوسِهِم فَيَنفُذُ الحَميمُ حَتّى يَخلُصَ إلى جَوفِهِ ،

فَيَسلُتُ ما فى جَوفِهِ حَتّى يَمرُقَ مِن قَدَمَيهِ وهُوَ الصَّهرُ ، ثُمَّ يُعادُ كَما كانَ . (5) .

1- .سنن الترمذى : ج 4 ص 705 ح 2583 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 300 ح 22348 ، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 382 ح 3339 ، المعجم الكبير : ج 8 ص 90 ح 7460 ، مسند الشاميّين : ج 2 ص 63 ح 924 ، الزهد لابن المبارک (الملحقات) : ص 89 ح 314 ، كلّها عن أبى أُمامه ، كنز العمّال : ج 2 ص 28 ح 3002 ؛ التبيان فى تفسير القرآن : ج 6 ص 284 ، مجمع البيان : ج 6 ص 474 عن أبى أُمامه ، بحارالأنوار : ج 8 ص 244.

2- .العَكَر : دُرْدِىّ الزيت ودُرْدِىّ النبيذ ونحوه مما خَثَرَ ورسب (مجمع البحرين : ج 2 ص 1252 «عكر») .

3- .سنن الترمذى : ج 4 ص 704 ح 2581 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 141 ح 11672 ، صحيح ابن حبّان : ج 16 ص 514 ح 7473 ، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 544 ح 3850 ، مسند أبى يعلى : ج 2 ص 129 ح 1370 ، الزّهد لابن المبارک (الملحقات) : ص 90 ح 316 ، كلّها عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : ج 14 ص 525 ح 39500 .

4- .الحَمِيمْ : الماء الحار الشديد الحراره يُسقى منه أهل النار ، أو يُصبّ على أبدانهم (مجمع البحرين : ج 1 ص 460 «حمم») .

5- .سنن الترمذى : ج 4 ص 705 ح 2582 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 309 ح 8873 وفيه إلى «قدميه» ، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 420 ح 3458 ، الزّهد لابن حنبل : 27 وفيها «الجمجمه» بدل «الحميم» ،

الزّهد لابن المبارک (الملحقات) : ص 89 ح 313 کلّها عن أبی هریره ، کنز العمّال : ج 14 ص 529 ح 39515 .

حدیث1497.المعجم الأوسط عن زید بن أرقم : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خدای بزرگ : «و به او آبی از خونِ آمیخته به چرک نوشانده می شود. آن را جرعه جرعه می نوشد» : [آن نوشیدنی،] نزدیک دهانش برده می شود و او آن را ناخوش می دارد . چون به نزدیکش برده شد ، چهره اش را بریان می کند و پوست سرش می افتد، و همین که آن را نوشید ، روده هایش را از هم فرو می پاشد ، به گونه ای که از مخرجش بیرون می آید. خداوند می فرماید: «و آبی جوشان نوشانده می شوند و روده هایشان را از هم فرو می پاشد» و می فرماید: «و اگر فریادرسی جویند ، با آبی چون مسِ گداخته یاری می شوند که چهره ها را بریان می کند ؛ چه بد نوشیدنی ای است !» .1496.الإمام الباقر أو الإمام الصادق علیهماالسلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خدای متعال : «چون مُهل» : [مُهل،] چیزی است مانند دُردیِ روغن زیتون و هر گاه آن را به صورتش نزدیک کند ، پوست صورتش در آن [ظرف پر از مُهل] می افتد.1495.رسول اللّه صلی الله علیه و آله فی مَوعِظَتِهِ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : جوشاب بر سر آنان ریخته می شود و آن جوشاب در سرشان فرو می رود تا به شکمشان می رسد و آنچه را درون آن است ، ذوب می کند و از

پاهایش خارج می شود و این ، همان «صَهَر (موادّ مذاب)» است و دوباره از نو آغاز می شود. .

1494.الإمام الباقر عليه السلام عن جابر بن عبد اللّه ال عنه صلى الله عليه و آله : لَعَنَ اللّهُ الخَمرَ وغارِسَها وعاصِرَها وشارِبَها... مَن شَرِبَها لَم يَقبَلِ اللّهُ لَهُ صَلاةً أربَعينَ يَوما ، فَإِن ماتَ وفى بَطنِهِ شَىءٌ مِن ذلِكَ كانَ حَقّا عَلَى اللّهِ عز و جل أن يَسقِيَهُ مِن طينَهِ خَبالٍ ؛ وهِىَ صَديدُ أهلِ النّارِ وما يَخرُجُ مِن فُروجِ الزُّناهِ ، فَيَجتَمِعُ ذلِكَ فى قُدورِ جَهَنَّمَ فَيَشرَبُهُ أهلُ النّارِ ، فَيُصهَرُ بِهِ ما فى بُطونِهِم وَالجُلودُ. (1)1493.الأمالى عن أبى الصلت الهروى : الخصال عن أبى موسى الأشعرى : قالَ رسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : ثَلاثَةٌ لا يَدخُلونَ الجَنَّةَ : مُدمِنُ خَمرٍ ، ومُدمِنُ سِحرٍ ، وقاطِعُ رَحِمٍ . ومَن ماتَ مُدمِنَ خَمرٍ سَقاهُ اللّهُ عز و جل مِن نَهرِ الغُوطَهِ .

قيلَ : وما نَهرُ الغُوطَهِ؟

قالَ صلى الله عليه و آله : نَهرٌ يَجرى مِن فُروجِ المومِساتِ ، يُؤذى أهلَ النّارِ ريحُهُنَّ . (2)1492.التوحيد عن إسحاق بن راهويه : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : وَالَّذى بَعَثَنى بِالحَقِّ! إنَّ شارِبَ الخَمرِ يَموتُ عَطشانا ، وفِى القَبرِ عَطشانٌ ، ويُبعَثُ يَومَ القِيامَهِ وهُوَ عَطشانٌ ، ويُنادى : «واعَطَشاهُ» ألفَ سَنَهٍ ، فُيُؤتى بِماءٍ كَالمُهلِ يَشوِى الوُجوهَ بِئسَ الشَّرابُ ، فَيَنضَجُ وَجهُهُ وتَتَناثَرُ أسنانُهُ وعَيناهُ فى ذلِكَ الإِناءِ ، فَلَيسَ لَهُ بُدٌّ مِن أن يَشرَبَ فَيُصهَرَ ما فى بَطنِهِ . (3) .

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 8 ح 4968 ، الأمالى للصّدوق : ص 511 ح 707 ، مجمع البيان : ج 6 ص 474 نحوه وكلّها عن الحسين بن زيد عن الإمام الصّادق عن آبائه عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 309 ح 2655 عن الإمام الصّادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحارالأنوار : ج 79 ص 126 ح 5.
2- .الخصال : ص 179 ح 243 ، معانى الأخبار : ص 330 ح 1 ، بحارالأنوار : ج 79 ص 129 ح 15؛ مسند ابن حنبل : ج 7 ص 139 ح 19586 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 163 ح 7234 وفيهما «مصدّق بالسحر» بدل «مدمن سحر» ، كنز العمّال : ج 16 ص 31 ح 43806.
3- .جامع الأخبار : ص 422 ح 1170 ، بحارالأنوار : ج 79 ص 147 ح 64.

1491.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خدا لعنت کند شراب را و کِشت کننده [درخت] آن را و افشرنده شراب را و نوشنده اش را... ! کسی که آن را بنوشد ، خداوند تا چهل روز نمازش را نمی پذیرد و اگر بمیرد و قطره ای از آن در شکمش باشد ، بر خداوند عز و جل است که از «طینت خبال» به او بنوشاند و آن ، زردابه بدن دوزخیان و چرکابه ای است که از فرج زنان زناکار ، خارج می شود. اینها در دیگ های جهنّم جمع می شود و اهل آتش آن را می نوشند، و معده و روده های آنها و پوستشان را ذوب می کند.1490.عنه صلی الله علیه و آله : الخصال به نقل از ابو موسی اشعری : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سه کس به بهشت نمی روند: باده گسار، جادوگر و بُرنده پیوند خویشاوندی. کسی که باده گسار بمیرد ، خداوند عز و جل از نهر غوطه به او می نوشاند».

گفته شد: نهر غوطه چیست؟

فرمود: «نهری است که از چِرکابه فرج های زنان روسپی جاری می شود و بوی آن ، دوزخیان را آزار می دهد».1489.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سوگند به آن که مرا به حق بر انگیخت ، شرابخوار، تشنه می میرد و در قبر ، تشنه است . روز قیامت نیز تشنه بر انگیخته می شود و فریاد می زند: وای که هزار سال است تشنه ام !

پس آبی چون مسِ گداخته که چهره را بریان می کند و بد نوشیدنی ای است به او داده می شود و بر اثر آن ، چهره اش می پزد و دندان ها و چشمانش در آن ظرف می ریزد . او چاره ای از نوشیدن آن ندارد [و می نوشد] و هر چه در شکم اوست ، ذوب می شود . .

1488.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : الإمام علىّ عليه السلام فِى الحِكَم المَنسوبَهِ إلَيهِ كَم مِن مُبَرَّدٍ لَهُ الماءُ وَالحَميمُ يُغلى لَهُ !

1487.الإمام زين العابدين عليه السلام (لِرَجُلٍ قالَ : لا إلهَ إلَا اللّهُ) (1) الإمام الصّادق عليه السلام : قالَ اللّهُ عز و جل : مَن شَرِبَ مُسكِرا ، أو سَقاهُ صَبِيّا لا يَعقِلُ ، سَقَيتُهُ مِن ماءِ الحَميمِ ، مُعَذَّبا أو مَغفورا لَهُ. (2) 8 / 4مَكانُهُمالكتاب«وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا * إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مُقَامًا». (3)

«وَ إِذَا أُلْقُواْ مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُّقَرَّنِينَ دَعَوْاْ هُنَالِکَ ثُبُورًا». (4)

الحديث1449.عنه صلى الله عليه و آله : رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله فى قَولِهِ تَعالى : «وَ إِذَا أُلْقُواْ مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا» : وَالَّذى نَفسى بِيَدِهِ ! إنَّهُم لَيُستَكرَهونَ فِى النّارِ كَما يُستَكرَهُ الوَتَدُ فِى الحائِطِ. (5) راجع : ص 168 (الفصل الخامس : مواصفات جهنم / زفير جهنّم) .

8 / 5قَرينُهُمالكتاب«وَ مَن يَعْشُ عَن ذِكْرِ الرَّحْمنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ * وَ إِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ * حَتَّى إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَالَيْتَ بَيْنِى وَ بَيْنَکَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ * وَ لَن يَنفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذ ظَّلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِى الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ». (6)

«أَلْقِيَا فِى جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ * مَّنَّاعٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ * الَّذِى جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِى الْعَذَابِ الشَّدِيدِ * قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَآ أَطْغَيْتُهُ وَ لَكِن كَانَ فِى ضَلَالٍ بَعِيدٍ * قَالَ لَا تَخْتَصِمُواْ لَدَىَّ وَ قَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُم بِالْوَعِيدِ * مَا يُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَىَّ وَ مَا أَنَا بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ». (7)

.

1- .شرح نهج البلاغه : ج 20 ص 313 ح 597.
2- .الكافى : ج 6 ص 397 ح 7 عن عجلان أبى صالح ، وسائل الشيعه : ج 17 ص 246 ح 31959.
3- .الفرقان : 65 و 66.
4- .الفرقان : 13.

5- .الدّر المنثور : ج 6 ص 240 نقلاً عن ابن أبى حاتم عن يحيى بن أبى أُسيد ؛ مجمع البيان : ج 7 ص 257 ، بحارالأنوار : ج 8 ص 255 .
6- .الزخرف : 36 39.
7- .ق : 24 29.

8 / 4 جایگاه آنان

8 / 5 هم بند آنان

1456.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : امام على عليه السلام در حكمت هاى منسوب به ايشان : بسا نوشنده آب خنكى [در دنيا] كه جوشاب[جهنّم] برايش مى جوشد !1457.الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام امام صادق عليه السلام : خداوند عز و جل فرمود: «هر كس نوشيدنيِ مست كننده اى بنوشد و يا آن را به طفلى نادان بنوشاند ، از آب جوشانِ[دوزخ] به او مى نوشانم ، چه اهل عذاب باشد و چه آمرزيده» .8 / 4جايگاه آنانقرآن«و كسانى كه مى گويند: پروردگارا ! عذاب جهنّم را از ما باز گردان ، كه عذابش دائمى است. در حقيقت، بد قرارگاه و جايگاهى است».

«و چون آنان را در تنگنايى از آن به زنجير كشيده بيندازند، آن جاست كه مرگ را مى خواهند».

حديث1464.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : پيامبر خدا صلى الله عليه و آله در باره اين سخن خداى متعال : «و چون آنان را در تنگنايى بيندازند» : سوگند به آن كه جانم در دست اوست ، آنان را به زور در آتش مى افكنند، چنان كه ميخ را به زور در ديوار مى كوبند.

ر . ك : ص 169 (فصل پنجم : ويژگى هاى جهنّم / خروش جهنّم) . 8 / 5هم بند آنانقرآن«و هر كه از ياد خداى مهربان دل بگرداند ، شيطانى بر او مى گماريم تا هم بندى براى وى باشد. و مسلّما آنها ايشان را از راه باز مى دارند و آنها مى پندارند كه راه يافتگان اند. تا آن گاه كه او [با هم بندش] به حضور ما مى آيد ، [خطاب به شيطان] مى گويد: «اى كاش ميان من و تو ، فاصله خاور تا باختر بود، كه چه بد هم بندى هستى» . و امروز هرگز [پشيمانى] براى شما سود نمى بخشد ؛ چون ستم كرديد . در حقيقت ، شما در عذاب ، مشترک خواهيد بود».

«[به آن دو فرشته خطاب مى شود:] هر كافر سرسختى را در جهنّم فرو افكنيد ؛ هر باز دارنده از خيرى، هر متجاوز شكّاكى را كه با خداوند ، خدايى ديگر قرار داد . او را در عذاب شديد فرو افكنيد. [شيطانِ]هم

بندش می گوید: «پروردگارا! من او را به عصیان وا نداشتم ؛ بلکه خودش در گم راهیِ دور و درازی بود». [خدا]می فرماید: «در پیشگاه من ، با یکدیگر مستیزید که از پیش ، به شما هشدار داده بودم. پیش من ، حکم ، دگرگون نمی شود و من نسبت به بندگانم ستمکار نیستم» .

.

الحديث1471.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَن سَرَدَ اسمَهُ مَعَ إمامٍ جائِرٍ كانَ قَرينَهُ فِى النّارِ . (1)1472.عنه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : مَن خَفَّ لِسُلطانٍ جائرٍ فى حاجَهٍ كانَ قَرينَهُ فِى النّارِ . (2)1473.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : الإمام علىّ عليه السلام : مَن لا يَسكُنُ الجَنَّهَ فَبَشِّرهُ بِعَذابٍ أليمٍ ، وخِزيٍ مُقيمٍ ، وأكبالٍ ومَقامِعَ ، وسَلاسِلَ طِوالٍ ، ومُقَطَّعاتِ النّيرانِ ، ومُقارَنَهِ كُلِّ شَيطانٍ . (3)1474.عنه صلى الله عليه و آله : عنه عليه السلام : أفَرَأيتُم جَزَعَ أحَدِكُم مِنَ الشَّوكَهِ تُصيبُهُ ، وَالعَثرَهِ تُدميهِ ، وَالرَّمضاءِ تُحرِقُهُ؟ فَكَيفَ إذا كانَ بَينَ طابِقَينِ مِن نارٍ ، ضَجيعَ حَجَرٍ ، وقَرينَ شَيطانٍ؟ !
(4)1475.الإمام الكاظم عليه السلام : تفسير القمّى : فى رِوايَهِ أبى الجارودِ عَن أبى جَعفَرٍ [الباقر] عليه السلام فى قَولِهِ : «وَ إِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ» (5) قالَ : أمّا أهلُ الجَنَّهِ فَزُوِّجُوا الخَيراتِ الحِسانِ ، وأمّا أهلُ النّارِ فَمَعَ كُلِّ

إنسانٍ مِنهُم شَيطانٌ . يَعنى قُرِنَت نُفوسُ الكافِرينَ وَالمُنافِقينَ بِالشَّياطينِ فَهُم قُرَناؤُهُم . (6)راجع : ص 288 (الفصل العاشر : عوامل دخول النار / الرّكون إلى الظّالم) .

.

1- .الفردوس : ج 3 ص 526 ح 5642 عن ابن مسعود .
2- .ثواب الأعمال : ص 331 ح 1 عن أبى هريره و عبد اللّه بن عبّاس ، أعلام الدين : ص 411 عن عبد اللّه بن عبّاس ، عوالى اللآلى : ج 1 ص 365 ح 58 .
3- .بشاره المصطفى : ص 30 عن كميل ، بحارالأنوار : ج 77 ص 276 ح 1 .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 183 ، الدروع الواقيه : ص 271 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 67 ، بحارالأنوار : ج 8 ص 306 ح 68 .
5- .التكوير : 7 .
6- .تفسير القمّى : ج 2 ص 407 ، بحارالأنوار : ج 8 ص 313 ح 86 .

حدیث1478.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس نام خود را در کنار پیشوای ستمگر بیاورد، در آتش با او هم بند خواهد بود .1479.الإمام الصادق علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس برای فرمان روای ستمگری در کاری بشتابد، هم بند او در آتش خواهد بود .1480.عنه علیه السلام : امام علی علیه السلام : به کسی که در بهشت ساکن نمی شود، نوید ده به عذاب دردناک و خوارِی پایدار، و به کُندها و گرزها و زنجیرهای دراز، و به تکّه های آتش و هم بندی با هر شیطانی .1564.عنه علیه السلام : امام علی علیه السلام : آیا دیده اید که هر یک از شما وقتی خاری به او می خَلَد، یا پایش به جایی می خورد و خونی می شود، یا داغی می سوزاندش، چگونه بی تابی می کند؟ حال، چگونه خواهد بود آن گاه که در میان دو طبقه از آتش باشد و هم بستر سنگی و هم بند شیطانی؟ !1565.عنه علیه السلام : تفسیر القمّی به نقل از ابو الجارود ، از امام باقر علیه السلام در باره این سخن خدای بزرگ: «و آن گاه که جان ها جفت گردانیده شوند» : بهشتیان با زنان نکوخوی زیبا ، جفت گردانیده می شوند، و دوزخیان ، با هر نفرشان یک اهریمن هم بند می شود . یعنی

جان های کافران و منافقان ، با اهریمنان به یک بند ، بسته می شود . پس، آنها هم بند ایشان اند .

ر . ک : ص 289 (فصل دهم : آنچه به دخول دوزخ می انجامد / گرایش به ستمگر) . .

8 / 6حَياتُهُمالكتاب«فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَى * سَيَذَّكَّرُ مَن يَخْشَى * وَ يَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى * الَّذِى يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى * ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَ لَا يَحْيَى» . (1)

«إِنَّهُ مَن يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى» . (2)

«مِن وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَى مِن مَّاءٍ صَدِيدٍ * يَتَجَرَّعُهُ وَ لَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَ يَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِن كُلِّ مَكَانٍ وَ مَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَ مِن وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ» . (3)

الحديث1573.الإمام علىّ عليه السلام فى صِفَهِ القائِمِ عل صحيح مسلم عن أبى سعيد الخدرى عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله : ... أمّا أهلُ النّارِ الّذينَ هُم أهلُها فَإِنَّهُم لا يَموتونَ فيها ولا يَحيَونَ ، ولكِن ناسٌ أصابَتهُمُ النّارُ بِذُنوبِهِم أو قالَ : بِخَطاياهُم فَأماتَهُم إماتَةً ، حَتّى إذا كانوا فَحما ، اُذِنَ بِالشَّفاعَهِ ، فَجىءَ بِهِم ضَبائِرَ ضَبائِرَ ، فَبُثّوا عَلى أنهارِ الجَنَّهِ ، ثُمَّ قيلَ : يا أهلَ الجَنَّهِ أفيضوا عَلَيهِم ، فَيَنبُتونَ نَباتَ

الحَبَّهِ تَكونُ فى حَميلِ السَّيلِ (4) . (5) .

1- .الأعلى : 9 13 .
2- .طه : 74 .
3- .إبراهيم : 16 و 17 .
4- .حَمِيلُ السَيْل : وهو ما يجىء به السَيل من طين أو غثاء وغيره (النهايه : ج 1 ص 442 «حمل») .
5- .صحيح مسلم : ج 1 ص 172 ح 306 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1441 ح 4309 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 24 ح 11077 ، تفسير ابن كثير : ج 5 ص 299 ، سنن الدارمى : ج 2 ص 788 ح 2713 نحوه ، كنزالعمّال : ج 14 ص 532 ح 39529 .

8 / 6 زندگی آنان

8 / 6زندگی آنانقرآن«پس پند ده، اگر پند سود می بخشد. آن کس که بترسد ، به زودی عبرت می گیرد. و نگون بخت، خود را از آن ، دور می دارد ؛ همان کس که در آتش بزرگ درمی آید. آن گاه ، نه در آن می میرد و نه زندگانی می یابد».

«هر که به نزد پروردگارش، گنهکار رود ، جهنّم برای اوست که نه در آن می میرد و نه زندگانی می یابد».

«[آن کس که] دوزخ پیش روی اوست و به او از آبی آمیخته به خون و چرک نوشانده می شود، آن را جرعه جرعه می نوشد . نمی تواند آن را فرو بَرَد، و مرگ از هر طرف به سویش می آید ؛ ولی نمی میرد و عذابی سنگین به دنبال دارد».

حدیث1581.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : صحیح مسلم به نقل از ابو سعید خدری از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ... امّا اهل آتش که ساکن آن اند، در آن ، نه می میرند و نه زنده اند ؛ لیکن آتش ، عدّه ای را، به سبب گناهانشان یا فرمود: خطاهایشان فرو می گیرد و آنها را می میراند و هنگامی که چون زغال شدند، اجازه شفاعت [در حقّ آنان] داده می شود . پس آنان را بسته بسته می آورند و بر [کناره] نهرهای بهشت می پاشند . آن گاه گفته می شود: «ای اهل بهشت! بر آنان [آبِ زندگی] بپاشید» و آن [بدن های زغال شده دوزخی]ها ،

چون دانه که در گل و لای سیلاب می رُوید، خواهند رویید .

.

1582.عنه صلى الله عليه و آله : الإمام علىّ عليه السلام : إنَّ أهلَ النّارِ لَمّا غَلَى الزَّقّومُ وَالضَّريعُ فى بُطونِهم كَغَلىِ الحَميمِ،سَأَلُوا الشَّرابَ ، فَأُتُوا بِشَرابٍ غَسّاقٍ وصَديدٍ «يَتَجَرَّعُه وَ لَا يَكَادُ يُسِيغُه وَ يَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِن كُلِّ مَكَانٍ وَ مَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَ مِن وَرَآئِه عَذَابٌ غَلِيظٌ » (1) ، وحَميمٌ يَغلى بِهِ جَهَنَّمُ مُنذُ خُلِقَت ، «كَالْمُهْلِ يَشْوِى الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَ سَآءَتْ مُرْتَفَقًا » (2) . (3) .

1- .إبراهيم : 17.
2- .الكهف : 29.
3- .تفسير العيّاشى : ج 2 ص 223 ح 7 عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحارالأنوار : ج 8 ص 302 ح 58 .

1583.عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : دوزخیان، چون زقّوم و خارِ خشک ، در شکم هایشان مانند آب جوش، به غلغل آمد، آب درخواست می کنند . پس نوشیدنی ای از زردآب و چرکاب برایشان آورده می شود که « [هر یک از آنان] آن را جرعه جرعه می نوشد ؛ ولی نمی تواند آن را فرو ببرد . مرگ از هر طرف به سویش می آید ؛ ولی نمی میرد و عذابی سخت به دنبال دارد» و نیز آبی جوشان که از زمانی که جهنّم آفریده شده است، «همچنان در آن جا همانند مس گداخته می جوشد و چهره ها را بریان می کند . چه بد نوشیدنی ای است آن ، و چه بد رامشگاهی است دوزخ!» . .

الفَصلُ التّاسِعُ: أحوالُ أهلِ النَّار9 / 1احتِجاجُ اللّهِ عَلى أهلِ النّارِالكتاب«وَالَّذِينَ كَفَرُواْ لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَى عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُواْ وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُم مِّنْ عَذَابِهَا كَذَ لِكَ نَجْزِى كُلَّ كَفُورٍ * وَ هُمْ يَصْطَرِخُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَلِحًا غَيْرَ الَّذِى كُنَّا نَعْمَلُ أَوَ لَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ وَ جَاءَكُمُ النَّذِيرُ فَذُوقُواْ فَمَا لِلظَّلِمِينَ مِن نَّصِيرٍ» . (1)

«وَ امْتَزُواْ الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ * أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَبَنِى ءَادَمَ أَن لَا تَعْبُدُواْ الشَّيْطَنَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ * وَ أَنِ اعْبُدُونِى هَذَا صِرَ طٌ مُّسْتَقِيمٌ * وَ لَقَدْ أَضَلَّ مِنكُمْ جِبِلاًّ كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُواْ تَعْقِلُونَ * هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِى كُنتُمْ تُوعَدُونَ» . (2)

الحديث1591.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : يُؤمَرُ يَومَ القيامَهِ بِناسٍ مِنَ النّاسِ إلَى الجَنَّهِ ، حَتّى إذا دَنَوا مِنها وَاستَنشَقوا رائِحَتَها ونَظَروا إلَى قُصورِها وإلى ما أعَدَّ اللّهُ لِأَهلِها فيها نودوا أنِ اصرِفوهُم عَنها ، لا نَصيبَ لَهُم فيها !

فَيَرجِعونَ بِحَسرَهٍ ما رَجَعَ الأَوَّلونَ بِمِثلِها ، فَيَقولونَ : يا رَبَّنا ! لَو أدخَلتَنَا النّارَ قَبلَ أن تُرِيَنا ما أرَيتَنا مِن ثَوابِکَ وما أعدَدتَ فيها لِأُولئِکَ كانَ أهوَنَ عَلَينا .

قالَ : ذاکَ أرَدتُ بِكُم ، كُنتُم إذا خَلَوتُم بارَزتُمونى بِالعَظيمِ ، وإذا لَقيتُمُ النّاسَ لَقيتُموهُم مُخبِتينَ ، تُراؤونَ النّاسَ بِخِلافِ ما تُعطونى بِقُلوبِكُم ، هِبتُمُ النّاسَ ولَم تَهابونى ، وأجلَلتُمُ النّاسَ ولَم تُجِلّونى ، وتَرَكتُم لِلنّاسِ ولَم تَترُكوا لى ، فَاليَومَ اُذيقُكُمُ العَذابَ الأَليمَ ما حَرَمتُكُم مِنَ الثَّوابِ . (3)راجع : ص 380 و 388 (الفصل العاشر : عوامل دخول النار / الرياء ، الكفران) ، وص 534 (الفصل الثانى عشر : نظام جهنم / أوّل من يدخل النار) .

.

1- .فاطر : 36 و 37 .
2- .يس : 59 63 .
3- .البعث والنشور : ص 328 ح 599 ، المعجم الكبير : ج 17 ص 86 ح 199 ، المعجم الأوسط : ج 5 ص 336 ح 5478 ، حليه الأولياء : ج 4 ص 125 كلّها عن عديّ بن حاتم ، كنزالعمّال : ج 3 ص 484 ح 7537 .

فصل نهم : احوال دوزخیان

9 / 1 احتجاج خدا بر دوزخیان

فصل نهم : احوال دوزخیان9 / 1احتجاج خدا بر دوزخیانقرآن«و[لی] کسانی که کافر شده اند، آتش جهنّم برای آنان خواهد بود. [حکم مرگ] بر ایشان [جاری] نمی شود تا بمیرند، و نه عذابِ آن از ایشان کاسته شود. [آری،] هر ناسپاسی را چنین کیفر می دهیم . و آنان در آن جا فریاد بر می آورند: «پروردگارا ! ما را بیرون بیاور، تا غیر از آنچه می کردیم، کار شایسته کنیم» . مگر شما را [آن قدر] عمر دراز ندادیم که هر کس که باید در آن عبرت گیرد، عبرت می گرفت؛ و [آیا] برای شما هشدار دهنده نیامد؟ پس بچشید که برای ستمگران ، یاوری نیست» .

«و ای گناهکاران ! امروز [از بی گناهان] جدا شوید . ای فرزندان آدم ! مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را مپرستید که وی دشمن آشکار شماست و اینکه مرا بپرستید؟ این است راه راست ! و [او] گروهی انبوه از میان شما را سخت گم راه کرد . آیا تعقّل نمی کردید؟ این است جهنّمی که به شما وعده داده می شد !» .

حدیث1600.الإمام الرضا علیه السلام (فیما رَواهُ عَنهُ الفَضلُ بنُ شاذانَ مِن عِلَلِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در روز قیامت، امر می شود که گروهی از مردم را به سوی بهشت ببرند . هنگامی که نزدیک آن می رسند و بوی بهشت را استشمام می کنند و چشمشان به کوشک های آن و دیگر چیزهایی می افتد که خداوند برای بهشتیان آماده کرده است ، ندا می آید که : «آنان را بر گردانید که بهره ای در آن ندارند» .

پس با چنان حسرت و افسوسی باز می گردند که هیچ کس با چنان حسرتی باز نگشته است . می گویند: پروردگارا ! اگر پیش از آن که به ما نشان دهی آنچه را نشانمان دادی، از پاداشت و نعمت هایی که در بهشت آماده کرده ای، ما را به آتش می بردی ، برایمان آسان تر بود .

خداوند می فرماید : «این کار را عمدا با شما کردم ؛ چرا که شما در خلوت خود ، با ارتکاب گناهان به جنگ با من بر می خاستید ؛ ولی هر گاه با مردم رو به رو می شدید ، فروتنانه برخورد می کردید . به وارونه آنچه در

دل هایتان با من بودید ، به مردم وانمود می کردید . از مردم می ترسیدید و از من نمی ترسیدید . مردم را بزرگ می داشتید و مرا بزرگ نمی داشتید . به خاطر مردم [گناه و خلاف را] ترک می کردید و به خاطر من ترک نمی کردید. پس، امروز با محروم کردنتان از پاداش، عذاب دردناک را به شما می چشانم» .

ر . ک : ص 381 و 389 (فصل دهم : آنچه به دخول دوزخ می انجامد / ریا و ناسپاسی) و ص 535 (فصل دوازدهم : نظام دوزخ / نخستین کسی که وارد آتش می شود) .

.

احتِجاجُ خَزَنَهِ جَهَنَّمَ عَلی أهلِ النّارِ الکتاب«وَ سِیقَ الَّذِینَ کَفَرُواْ إِلَی جَهَنَّمَ زُمَرًا حَتَّی إِذَا جَاءُوهَا فُتِحَتْ أَبْوَ بُهَا وَ قَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ یَأْتِکُمْ رُسُلٌ مِّنکُمْ یَتْلُونَ عَلَیْکُمْ ءَایَتِ رَبِّکُمْ وَ یُنذِرُونَکُمْ لِقَاءَ یَوْمِکُمْ هَذَا قَالُواْ بَلَی وَ لَکِنْ حَقَّتْ کَلِمَهُ الْعَذَابِ عَلَی الْکَفِرِینَ» . (1)

«وَ لِلَّذِینَ کَفَرُواْ بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَ بِئْسَ الْمَصِیرُ * إِذَا أُلْقُواْ فِیهَا سَمِعُواْ لَهَا شَهِیقًا وَ هِیَ تَفُورُ * تَکَادُ تَمَیَّزُ مِنَ الْغَیْظِ کُلَّمَا أُلْقِیَ فِیهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَآ أَلَمْ یَأْتِکُمْ نَذِیرٌ * قَالُواْ بَلَی قَدْ جَاءَنَا نَذِیرٌ فَکَذَّبْنَا وَ قُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَیْ ءٍ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا فِی ضَلَلٍ کَبِیرٍ» . (2)

.

1- .الزمر : 71 .
2- .الملک : 6 9 .

9 / 2 احتجاج نگهبانان جهنّم بر دوزخیان

9 / 2احتجاج نگهبانان جهنّم بر دوزخیانقرآن«و کسانی که کافر شده اند، گروه گروه به سوی جهنّم رانده شوند، تا چون بدان رسند، درهای آن [به رویشان] گشوده می گردد و نگهبانانش به آنان می گویند: «مگر فرستادگانی از خودتان بر شما نیامدند که آیات پروردگارتان را بر شما بخوانند و به دیدار چنین روزی شما را هشدار دهند؟» . می گویند: «چرا»؛ ولی فرمان عذاب بر کافران ، واجب آمد» .

«و کسانی که پروردگارشان را انکار کردند ، عذاب آتش جهنّم خواهند داشت و چه بد سرانجامی است! چون در آن جا افکنده شوند، از آن خروشی می شنوند ، در حالی که می جوشد . نزدیک است که از خشم ، شکافته شود. هر بار که گروهی در آن افکنده شوند، نگاهبانان آن از ایشان می پرسند: «مگر شما را هشدار دهنده ای نیامد؟» . می گویند: «چرا؛ هشدار دهنده ای به سوی ما آمد ؛ امّا ما تکذیب کردیم و گفتیم: خدا چیزی فرو نفرستاده است . شما جز در گم راهی بزرگ نیستید»» .

.

الحديث1611.عنه صلى الله عليه و آله : الإمام الباقر عليه السلام : وأنزَلَ في سُورَهِ تَبارَک : «كُلَّمَا أُلْقِىَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ * قَالُواْ بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَ قُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَىْ ءٍ» فهؤلاء مشركون . (1)1612.سنن ابن ماجه عن سعد المؤذّن : الإمام الصّادق عليه السلام لَمّا سَأَلَهُ رَجُلٌ فَقالَ : لِأَىِّ شَىءٍ بَعَثَ اللّهُ الْأَنْبِياءَ وَالرُّسُلَ إِلَى النّاسِ ؟ : لِئَلّا يَكونَ لِلنّاسِ عَلَى اللّهِ حُجَّهٌ بَعدَ الرُّسُلِ ، وَلِئَلّا يَقُولُوا ما جاءَنا مِن بَشيرٍ وَلا نَذيرٍ ، وَلِيَكُونَ حُجَّهُ اللّهِ عَلَيهِم ، أَلا تَسمَعُ اللّهَ عز و جل يَقُولُ حِكايَهً عَن خَزَنَهِ جَهَنَّمَ وَاحتِجاجِهِم عَلى أَهلِ النّارِ بِالأَنبِياءِ وَالرُّسُلِ : «أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ * قَالُواْ بَلَى قَد جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبنَا وَ قُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَى ءٍ إِن أَنتُم إِلَّا فِى ضَلَلٍ كَبِيرٍ » (2) ؟ (3)راجع : ص 234 (طلب الطعام والشراب) .

9 / 3شَهادَهُ أعضاءِ أهلِ النّارِ عَلَيهمالكتاب«وَ يَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ * حَتَّى إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَ أَبْصَرُهُمْ وَ جُلُودُهُم بِمَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ» . (4)

«الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَ هِهِمْ وَ تُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَ تَشْهَدُ أَرْجُلُهُم بِمَا كَانُواْ يَكْسِبُونَ» . (5)

.

1- .. الكافى : ج 2 ص 30 ح 1 عن محمّد بن سالم ، بحار الأنوار : ج 69 ص 87 ح 30 .
2- .. الملک : 8 و 9 .
3- .. علل الشرائع : ص 121 ح 4 عن أبى بصير ، بحار الأنوار : ج 11 ص 39 ح 37 .
4- .فصلت : 19 و 20 .
5- .يس : 65 .

9 / 3 گواهی عضوهای بدن اهل آتش بر ضدّ آنها

حدیث1620.عنه صلی الله علیه و آله (كانَ إذا رَأَى الهِلالَ قالَ) امام باقر علیه السلام : و در سوره تبارک نازل فرمود : «هر گاه گروهی در دوزخ افکنده شوند ، دوزخبانان از آنها می پرسند : آیا بیم دهنده ای سوی شما نیامده بود؟ می گویند : چرا ، بیم دهنده ای آمد ؛ امّا ما تکذیب کردیم و گفتیم : خدا چیزی فرو نفرستاده است» . اینها مشرکان اند .1621.الإمام علیّ علیه السلام (أیضا) امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال مردی که از ایشان پرسید : برای چه خداوند، پیامبران و رسولان را به سوی مردم فرستاده است؟ : برای این که با آمدن پیامبران ، دیگر مردم را بر خداوند ، حجّتی نباشد . نگویند : نوید دهنده و بیم دهنده ای نزد ما نیامد ، و خدا بر آنها حجّت داشته باشد . آیا نشنیده ای که خداوند عز و جل از زبان دوزخبانان که به وجود پیامبران و رسولان بر اهل دوزخ احتجاج می کنند ، می فرماید : «آیا هشدار دهنده ای برای شما نیامد ؟ می گویند : «چرا ، هشدار دهنده ای برایمان آمد ؛ امّا ما تکذیب کردیم و گفتیم : خدا چیزی نازل نکرده است . شما نیستید مگر در گم راهی بزرگ»» .

ر . ک : ص 235 (درخواست آب و غذا) . 9 / 3گواهی عضوهای بدن اهل آتش بر ضدّ آنهاقرآن«و [یاد کن] روزی را که دشمنان خدا به سوی آتش گردآورده و بازداشت [و دسته دسته تقسیم] می شوند ، تا چون بدان رسند، گوششان و دیدگانشان و پوستشان به آنچه می کرده اند، بر ضدّشان گواهی دهند» .

«امروز بر دهان های آنان مُهر می نهیم، و دست هایشان با ما سخن می گویند و پاهایشان بدانچه فراهم می ساختند ، گواهی می دهند» .

.

الحديث1628.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : تَجيئُونَ يَومَ القِيامَهِ عَلى أفواهِكُمُ الفِدامُ (1) ، وَإِنَّ أَوَّلَ ما يَتَكَلَّمُ مِنَ الْاَدَمِيِّ فَخِذُهُ وَكَفُّهُ . (2)1629.عنه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ أَوَّلَ عَظمٍ مِنَ الْاِءنْسانِ يَتَكَلَّمُ يَوْمَ يُخْتَمُ عَلَى الْأَفْواهِ فَخِذُهُ مِنَ الرِّجْلِ الشِّمالِ . (3)1630.الكافى عن يعقوب بن شعيب : عنه صلى الله عليه و آله : ما لى أُمسِكُ بِحُجزِكُم عَنِ النّارِ ! أَلا إِنَّ ربّى عز و جل داعِيَّ وإِنَّهُ سائِلى : هَل بَلَّغتُ عِبادَه ؟ وَإِنّى قائِلٌ : رَبِّ إِنّى قَد بَلَّغتُهُم . فَلْيُبَلِّغِ الشّاهِدُ مِنكُم الغائِبَ ، ثُمَّ إِنَّكُم مَدعُوُّونَ مُفَدَّمَهً أَفواهُكُم بِالفِدامِ ، ثُمَّ إِنَّ أَوَّلَ ما يُبَيِّنُ عَن أَحَدِكُم لَفَخِذُهُ وَكَفُّهُ . (4)1631.الإمام الصادق عليه السلام : المستدرک على الصّحيحين عن أنس بن مالک : ضَحِکَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ذاتَ يَومٍ أو تَبَسَّمَ ، فَقالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أَلا تَسأَلونى مِن أَىِّ شَىءٍ ضَحِکتُ ؟ فَقالَ : عَجِبتُ مِن مُجادَلَهِ العَبدِ رَبَّهُ يَومَ القِيامَهِ ، يَقُولُ : يا رَبِّ ! أَلَيسَ وَعَدتَنى أَن لا تَظلِمَنى ؟ قالَ : بَلى ، قالَ : فَإِنّى لا أَقبَلُ عَلَىَّ شَهادَهَ شاهِدٍ إِلّا مِن نَفسى ، فَيَقولُ : أَوَ لَيسَ کَفى بى شَهيدا وَبِالمَلائِکَهِ الکِرامِ الکاتِبينَ ؟

قالَ : فَيُرَدِّدُ هذا الکَلامَ مَرّاتٍ فَيَختِمُ عَلى فيهِ وَتَکَلَّمُ أَرکانُهُ بِما کانَ يَعمَلُ ،

فَيَقُولُ : بُعدا لَکُم وَسُحقا ، عَنکُم کُنتُ أُجادِلُ . (5) .

1- .. الفِدامُ : ما يُشَدُّ على فم الإبريق والكوز لتصفيه الشراب الذى فيه (النهايه : ج 3 ص 421 «فدم») .
2- .مسند ابن حنبل : ج 7 ص 336 ح 20046 ، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 477 ح 3645 ، المعجم الأوسط : ج 6 ص 220 ح 6239 ، تفسير الطّبرى : ج 12 الجزء 24 ص 107 كلّها عن معاويه بن حيده ، كنز العمّال : ج 14 ص 375 ح 38997 .
3- .مسند ابن حنبل : ج 6 ص 134 ح 17379 ، المعجم الكبير : ج 17 ص 333 ح 921 ، تفسير الطبرى : ج 12 الجزء 24 ص 107 ، تفسير القرطبى : ج 15 ص 49 ، تفسير ابن كثير : ج 6 ص 573 ، تفسير الثعلبى : ج 8 ص 134 كلّها عن عقبه بن عامر ، كنز العمّال : ج 14 ص 375 ح 38994 .
4- .مسند ابن حنبل : ج 7 ص 241 ح 20063 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 643 ح 8774 ، المعجم الكبير : ج 19 ص 407 ح 969 ، المصنّف لعبد الرزّاق : ج 11 ص 130 ح 20115 ، تفسير الطّبرى : ج 12

الجزء 24 ص 107 كلّها عن معاويه بن حيده ، كنز العمّال : ج 1 ص 96 ح 427 .
5- .المستدرک على الصّحيحين : ج 4 ص 644 ح 8778 ، مسند أبى يعلى : ج 4 ص 105 ح 3962 ، تفسير الطّبرى : ج 12 الجزء 24 ص 107 ، جامع بيان العلم : ج 2 ص 100 ، تفسير ابن كثير : ج 6 ص 571 ، تفسير الثّعلبى : ج 8 ص 91 كلّها نحوه ، كنز العمّال : ج 14 ص 375 ح 38993 .

حدیث1633.الإمام علیّ علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : روز قیامت ، در حالی می آیید که بردهان هایتان پوزه بند زده شده است ، و نخستین چیزی که از آدمی سخن می گوید ، ران و دست اوست .1634.صحیح البخاری عن مالک عن محمّد بن أبی بکر الثقفی : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نخستین استخوان انسان که در آن روزی که دهان ها مُهر می شوند ، سخن می گوید ، استخوان پای چپ اوست .1635.کنز العمّال عن عبیده : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : من نمی توانم مانع رفتن شما به آتش شوم . پروردگارم عز و جل مرا می خواند و از من می پرسد که آیا [پیام او را] به بندگانش ابلاغ کرده ام و من می گویم : پروردگارا ! ابلاغ کردم . بنا بر این ، حاضرانِ شما به غایبان ابلاغ کنید . وانگهی شما را در حالی که پوزه بند بر دهانِ هایتان زده شده است ، فرا می خوانند . آن گاه نخستین عضوی که از هر یک از شما به سخن می آید ، ران و دست اوست .1636.مستطرفات السرائر عن محمّد بن مسلم عن الإمام الباق المستدرک علی الصحیحین به نقل از اَنَس بن مالک : یک روز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خندید یا تبسّم کرد و سپس فرمود : «آیا نمی پرسید که از چه چیز می خندم؟». فرمود : «از مجادله بنده با پروردگارش در روز قیامت تعجّب کردم . بنده می گوید : پروردگارا ! مگر تو مرا وعده ندادی که به من ستم نکنی؟ خداوند می فرماید : چرا . بنده می گوید : پس ، من هم شهادت هیچ گواهی را نمی پذیرم ، مگر این که آن گواه از خودم باشد . خداوند می فرماید : آیا گواهیِ خود من و فرشتگان بزرگوار نویسنده اعمال ، کافی نیست؟ و این سخن را چند بار تکرار می کند . سپس دهان او را مُهر می کنند و اندام هایش از آنچه انجام داده اند ، سخن

می گویند بنده به آنها می گوید : گم شوید ، مرگتان باد ! من از شما دفاع می کردم» . .

1637.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : الإمام علىّ عليه السلام فى خُطبَةٍ بَليغَةٍ خالِيَةٍ مِنَ الأَلِفِ فى أحوالِ الإنسانِ يَومَ القيامَةِ : يُلجِمُهُ (1) عَرَقُهُ ، ويَحفِزُهُ (2) قَلَقُهُ ، عَبرَتُهُ غَيرُ مَرحومَةٍ ، وصَرخَتُهُ غَيرُ مَسموعَةٍ ، وحُجَّتُهُ غَيرُ مَقبولَةٍ ، وتَؤولُ (3) صَحيفَتُهُ ، وتُبَيَّنُ جَريرَتُهُ ، ونَطَقَ كُلُّ عُضوٍ مِنهُ بِسوءِ عَمَلِهِ ، فَشَهِدَت عَينُهُ بِنَظَرِهِ ، ويَدُهُ بِبَطشِهِ ، ورِجلُهُ بِخَطوِهِ ، وجِلدُهُ بِمَسِّهِ ، وفَرجُهُ بِلَمسِهِ ، ويُهَدِّدُهُ مُنكَرٌ ونَكيرٌ ، وكَشَفَ عَنهُ بَصيرٌ ، فسُلسِلَ جِيدُهُ (4) ، وغُلَّت يَدُهُ ، وسيقَ يُسحَبُ وَحدَهُ ، فَوَرَدَ جَهَنَّمَ بِكَربٍ شَديدٍ ، وظَلَّ يُعَذَّبُ فى جَحيمٍ ، ويُسقى شَربَةً مِن حَميمٍ ، تَشوى وَجهَهُ ، وتَسلَخُ جِلدَهُ ، يَضرِبُهُ زَبنيَتُهُ (5) بِمِقمَعٍ مِن حَديدٍ ، يَعودُ جِلدُهُ بَعدَ نُضجِهِ بِجِلدٍ جَديدٍ ، يَستَغيثُ فَيُعرِضُ عَنهُ خَزَنَةُ جَهَنَّمَ ، ويَستَصرِخُ فَيَلبَثُ حُقُبَهُ (6) بِنَدَمٍ ، نَعوذُ بِرَبٍّ قَديرٍ مِن شَرِّ كُلِّ مَصيرٍ . (7)1638.الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : تفسير العيّاشى عن أبى معمّر السّعدىّ : أَتى عَلِيّا عليه السلام رَجُلٌ فَقالَ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، إنّى شَكَكتُ فى كِتابِ اللّهِ المُنزَلِ ، فَقالَ لَهُ عَلِىٌّ عليه السلام : ثَكِلَتكَ أُمُّكَ ، وَكَيفَ شَكَكتَ فى كِتابِ اللّهِ المُنزَلِ ؟ فَقالَ لَهُ الرَّجُلُ : لِأَنّى وَجَدتُ الكِتابَ يُكَذِّبُ بَعضُهُ بَعضا وَيَنقُضُ بَعضُهُ بَعضا ! قالَ : فَهاتِ الَّذى شَكَكتَ فيهِ ، فَقالَ : لِأَنَّ اللّهَ يَقُولُ : «يَومَ يَقُومُ الرُّوحُ وَ المَلَائِكَهُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إلَّا مَن أَذِنَ لَهُ الرَّحمَنُ وَ قَالَ صَوَابًا» (8) ، وَيَقُولُ حَيثُ استُنطِقُوا ، قالَ اللّهُ : «وَاللّهِ رَبِّنَا مَا كُنَّا مُشرِكِينَ» ، ويقول : «يَومَ القِيَمَهِ يَكفُرُ بَعضُكُم بِبَعضٍ وَيَلعَنُ بَعضُكُم بَعضًا» ، وَيَقُولُ : «إِنَّ ذَ لِکَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهلِ النَّارِ» ، وَيَقُولُ «لَا تَختَصِمُوا لَدَىَّ» ، وَيَقُولُ : «اليَومَ نَختِمُ عَلَى أَفوَهِهِم وَ تُكَلِّمُنَا أَيدِيهِم وَ تَشهَدُ أَرجُلُهُم بِمَا كَانُوا يَكسِبُونَ» ، فَمَرَّةً يَتَكَلَّمونَ ، وَمَرَّةً لا يَتَكَلَّمُونَ ، وَمَرَّةً يُنطِقُ الجُلودَ وَالْأَيْدِىَ وَالْأَرْجُلَ ، وَمَرَّةً لا يَتَكَلَّمُونَ إلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمنُ وَقالَ صَواباً ، فَأَنّى ذلِکَ يا أَميرَ المُؤمِنينَ ؟

فَقالَ لَهُ عليه السلام : إنَّ ذلِکَ لَيسَ فى مَوطِنٍ واحِدٍ ، وهِىَ فى مَواطِنَ فى ذلِکَ اليَومِ الَّذى مِقدارُهُ خَمسونَ أَلفَ سَنَهٍ ، فَجَمَعَ اللّهُ الخَلائِقَ فى ذلِکَ اليَومِ فى مَوطِنٍ يَتَعارَفونَ فيهِ ، فَيُكَلِّمُ بَعضُهُم بَعضا وَيَستَغفِرُ بَعضُهُم لِبَعضٍ ، أُولئِکَ الَّذينَ بَدَت مِنهُمُ الطّاعَهُ مِنَ الرُّسُلِ وَالْأَتْباعِ ، وَتَعاوَنوا عَلَى البِرِّ وَالتَّقْوى فى دارِ الدُّنْيا . وَيَلعَنُ أَهْلُ المَعاصى_ '20بَعضُهُم بَعضا مِنَ الَّذينَ بَدَت مِنهُمُ المَعاصى فى دارِ الدُّنيا ، وَتَعاوَنوا عَلَى الظُّلمِ وَ العُدوانِ فى دارِ الدُّنيا ، وَالمُستَكبِرُونَ مِنهُم ، وَالمُستَضعَفُونَ يَلعَنُ بَعضُهُم بَعضا وَ يُكَفِّرُ بَعضُهُم بَعضا .

ثُمَّ يُجمَعُونَ فى مَوطِنٍ يَفِرُّ بَعضُهُم مِن بَعضٍ ، وَذلِکَ قَولَهُ «يَومَ يَفِرُّ المَرءُ مِن أَخِيهِ * وَ أُمِّهِ وَ أَبِيهِ * وَ صَحِبَتِهِ وَ بَنِيهِ» إِذا تَعاوَنوا عَلَى الظُّلمِ وَالعُدوانِ فى دارِ الدُّنيا «لِكُلِّ امرِئٍ مِّنهُم يَومَئِذٍ شَأنٌ يُغنِيهِ» .

ثُمَّ يُجمَعونَ فى مَوطِنٍ يَبكُونَ فيهِ ، فَلَو أَنَّ تِلکَ الْأَصْواتَ بَدَتْ لِأَهْلِ الدُّنيا لَأَذْهَلَتْ جَميعَ الْخَلائِقِ عَنْ مَعايِشِهِمْ ، وَصَدَعَتِ الْجِبالَ إلَّا ما شاءَ اللّهُ ، فَلا يَزالونَ يَبكونَ حَتّى يَبکونَ الدَّمَ .

ثُمَّ يَجتَمِعونَ فى مَوطِنٍ يُستَنطَقُونَ فيهِ ، فَيَقُولونَ : «وَاللَّهِ رَبِّنَا مَا كُنَّا مُشرِكِينَ» ولا يُقِرّونَ بِما عَمِلوا ، فَيُختَمُ عَلى أَفواهِهِم وَيُستَنطَقُ الا?يدِى وَالا?رجُلُ وَالجُلُودُ ، فَتَنطِقُ ، فَتَشهَدُ بِكُلِّ مَعصِيَةٍ بَدَت مِنهُم ، ثُمَّ يُرفَعُ الخاتَمُ عَن أَلسِنَتِهِم فَيَقولونَ لِجُلودِهِم وَأَيديهِم وَأَرجُلِهِم : لِمَ شَهِدتُم عَلَينا ؟ فَتَقولُ : أَنطَقَنا اللّهُ الَّذى أَنطَقَ كُلَّ شَىءٍ !

ثُمَّ يَجْتَمِعونَ فى مَوطِنٍ يُستَنطَقُ فيهِ جَميعُ الخَلائِقِ ، فَلا يَتَكَلَّمُ أَحَدٌ « إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَ قَالَ صَوَابًا » . وَيَجتَمِعونَ فى مَوطِنٍ يَختَصِمونَ فيهِ ، وَيُدانُ لِبَعضِ الخَلائِقِ مِن بَعضٍ ، وَهُوَ القَولُ ، وَذلِکَ كُلُّهُ قَبلَ الحِسابِ . فَإِذا أُخِذَ بِالحِسابِ شُغِلَ كُلُّ اِمرِئٍ بِما لَدَيهِ ، نَسأَلُ اللّهَ بَرَكَةَ ذلِکَ اليَومِ . (9) .

1- .يُلجِمُهم : يصل إلى أفواههم فيصير لهم بمنزله اللجام يمنعهم من الكلام (النهايه : ج 4 ص 234 «لجم») .
2- .الحَفَز : الحَثّ والإعجال (النهايه : ج 1 ص 407 «حفز») .
3- .آل يَؤُول : أى رجع وصار إليه (النهايه : ج 1 ص 80 «أول») .
4- .الجيد : العُنُق (النهايه : ج 1 ص 324) .
5- .الزَّبَانِيَه : الغلاظ الشداد واحدهم زبنيّه (تاج العروس : ج 18 ص 255 «زبن») .
6- .الحُقُب : ثمانون سنه من سنين الآخره ، جمعها أحقاب (مجمع البحرين : ج 1 ص 431 «حقب») .
7- .المصباح للكفعمى : ص 970 ، أعلام الدين : ص 73 نحوه ، بحارالأنوار : ج 77 ص 342 ح 28 ، شرح نهج البلاغه : ج 19 ص 142 ، كفايه الطالب : ص 396 عن أبى صالح وكلاهما نحوه ، كنزالعمّال : ج 16 ص 212 ح 44234 .
8- .. النبأ : 38 .
9- .تفسير العيّاشى : ج 1 ص 357 ح 16 ، التّوحيد : ص 255 ح 5 عن أبى المعمر السّعدانى ، الاحتجاج : ج 1 ص 561 ح 137 كلاهما نحوه ، بحار

الأنوار : ج 7 ص 313 ح 7 .

1639.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام در خطبه ای رسا و خالی از حرف الف ، در باره احوال انسان در روز رستاخیز : عرقش بر گوشه های دهانش سرازیر می شود . تشویش و بی قراری ، طاقت از کف او می رباید ؛ امّا نه بر اشک او رحمی آورده می شود، نه فریادش شنیده می شود و نه حجّتش پذیرفته می گردد . کارنامه اش به دست او داده می شود و جرم و گناهانش بر او آشکار می گردد . هر عضوی از او به کارهای بدش گویا می شود ؛ چشمش به نگاه های [نامشروع] خویش گواهی می دهد، دستش به ضربه ای که زده، پایش به گامی که برداشته، پوستش به تماسی که برقرار کرده و شرمگاهش به آمیزشی که کرده است . منکر و نکیر ، تهدیدش می کنند و پرده از دیدش کنار می رود . (1) به گردنش زنجیر می کشند و بر دستانش کُند می زنند . تک و تنها او را می کِشند و با غم و اندوهی سخت ، وارد جهنّم می گردد . پس در آتشِ افروخته (جحیم) ، پیوسته عذاب و شکنجه می شود و از جوشاب ، چنان شربتی به او می نوشانند که چهره اش بریان و پوستش کنده می شود . دوزخبانان با گرز آهنین ، بر او می کوبند . پوست سوخته او دوباره از نو می روید . فریاد کمک سر می دهد ؛ امّا نگهبانان جهنّم به او اعتنایی نمی کنند و [او باز] فریاد می زند . پس روزگاری دراز ، با پشیمانی درنگ می کند. پناه می بریم به پروردگار توانا از شرّ هر فرجامی !1640.کتاب من لا یحضره الفقیه عن کامل بن العلاء : تفسیر العیّاشی به نقل از ابو معمّر سعدی : مردی نزد علی علیه السلام آمد و گفت : ای امیر مؤمنان ! من در کتاب آسمانی خدا ، دچار شک شده ام .

علی علیه السلام به او فرمود : «مادرت در سوگت بنشنید ! چگونه در کتاب آسمانی خدا ، دچار شک شده ای؟».

مرد گفت: چون ملاحظه کرده ام که آیات قرآن، یکدیگر را نفی ونقض می کنند.

فرمود : «بگو آنچه را که در آن شک کرده ای» .

مرد گفت : خداوند می فرماید : «روزی که روح و فرشتگان ، به صف می ایستند ، هیچ کس سخن نمی گوید ، مگر کسی که خدای مهربان به او اجازه دهد ، و او حقیقت را می گوید» ، و در جایی دیگر از قول آنها می فرماید : «به پروردگارمان خدا سوگند که ما مشرک نبودیم» و می فرماید

: «روز قیامت ، بعضی از شما بعضی دیگر را انکار و برخی از شما برخی دیگر را لعنت می کنند» و می فرماید : «این مجادله اهل آتش ، قطعا راست است» و می فرماید : «در حضور من مجادله مکنید» و می فرماید : «امروز بر دهان های آنان مُهر می نهیم و دست هایشان با ما سخن می گویند و پاهایشان بدانچه فراهم می آوردند ، گواهی می دهند» . یک بار [می فرماید که] سخن می گویند ، یک بار سخن نمی گویند . یک بار پوست ها و دست ها و پاها سخن می گویند ، یک بار سخن نمی گویند ، مگر آن که خدای مهربان اجازه دهد و حقیقت را بگویند . اینها چگونه است ای امیر مؤمنان؟

فرمود : «اینها در یک جا نیست ؛ بلکه هر کدام مربوط به موطنی از آن روزی می شود که پنجاه هزار سال طول می کشد . در آن روز ، خداوند ، خلایق را در موطنی گرد می آورد ، و در آن جا خلایق با یکدیگر آشنا می شوند و با هم سخن می گویند و هر یک برای دیگری طلب آمرزش می کند . اینان کسانی هستند که در سرای دنیا از پیامبران و پیروان آنها فرمان برداری کرده اند و در کارهای نیک و پرهیزگاری ، همدیگر را کمک رسانده اند ؛ امّا گنهکاران ، یکدیگر را لعنت می کنند و اینان کسانی هستند که در سرای دنیا از آنان گناه سر زده و در ستم و تجاوز به یکدیگر کمک کرده اند ، اعم از مستکبران و مستضعفان . آنان یکدیگر را لعنت می کنند و برخی شان برخی دیگر را انکار می نمایند . سپس در موطنی دیگر گرد می آیند که در آن جا از یکدیگر می گریزند ، و این است سخن خدا که : «روزی که آدمی از برادر و مادر و پدر و همسر و فرزندان خود می گریزد» ؛ زیرا در سرای دنیا بر ستم و تجاوز همکاری کرده اند ، «در آن روز ، هر کسی از آنان را کاری است که او را به خود مشغول می دارد» . سپس در موطنی دیگر گرد می آیند که در آن جا می گریند ، به طوری که اگر آن صداها برای مردم دنیا آشکار شود ، همه خلایق

را از را از زندگی شان باز می دارد و کوه ها از هم می شکافند ، مگر آنچه خدا بخواهد . پس پیوسته می گریند تا جایی که خون گریه می کنند . سپس در موطنی دیگر گرد می آیند و در آن جا از آنها می خواهند که سخن بگویند . پس می گویند : «به پروردگارمان خدا سوگند که ما مشرک نبوده ایم» و به کارهایی که می کرده اند ، اقرار نمی کنند . از این رو ، لذا خداوند بر دهان هایشان مُهر می زند و از دست ها و پاها و پوست ها می خواهد که سخن بگویند ، و آنها به سخن می آیند و به هر گناهی که از ایشان سر زده است ، گواهی می دهند . آن گاه مهر از زبان هایشان برداشته می شود و به پوست ها و دست ها و پاهای خود می گویند : چرا علیه ما گواهی دادید؟

و آنها می گویند : ما را همان خدایی به سخن آورد که هر چیزی را به سخن آورده است .

سپس در موطنی دیگر گرد می آیند و از همه خلایق خواسته می شود که سخن گویند و هیچ کس زبان به سخن نمی گشاید ، «مگر کسی که خدای مهربان به او اجازه دهد و حقیقت را می گوید» . سپس در موطنی دیگر گرد می آیند و در آن جا با یکدیگر مجادله می کنند و برخی خلایق ، برخی دیگر را محکوم می کنند و این همان گفتن [حقیقت در سخن خداوند است] . همه اینها پیش از حسابرسی است ، و چون کار حسابرسی شروع شود ، هر فردی به کار خود مشغول می گردد . از خداوند ، برکت آن روز را می خواهیم . .

1- .در بیشتر منابع این حدیث، به جای «کشف عنه بصیر» ، جمله : «کشف له حیث یصیر» یا «کشف له عن حیث یصیر» آمده که معنایش این است: «آن جا که به سویش روان است [یعنی جایگاهش در دوزخ] ، برایش مکشوف می شود»، و ظاهرا این ضبط جمله ، درست تر است ، و اللّه أعلم .

ص: 226

. .

ص: 227

. .

1641.الإمام الباقر عليه السلام : الإمام الباقر عليه السلام : لَيسَت تَشهَدُ الجَوارِحُ عَلى مُؤمِنٍ ، إنَّما تَشهَدُ عَلى مَن حَقَّت عَلَيهِ كَلِمَةُ العَذابِ ، فَأمّا المُؤمِنُ فَيُعطى كِتابَهُ بِيَمينِهِ ، قالَ اللّهُ عز و جل : «فَمَن أُوتِىَ كِتَبَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَائکَ يَقرَءُونَ كِتَبَهُم وَ لَا يُظلَمُونَ فَتِيلاً» . (1)9 / 4مُكالَمَةُ أهلِ الجَنَّةِ والنّارِ الكتاب«وَنَادَى أَصْحَبُ الْجَنَّةِ أَصْحَبَ النَّارِ أَن قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدتُّم مَّا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُواْ نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَن لَّعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّلِمِينَ» . (2)

.

1- .الكافى : ج 2 ص 32 ح 1 عن محمّد بن سالم ، بحار الأنوار : ج 7 ص 318 ح 14 .
2- .الأعراف : 44 .

9 / 4 گفتگوی بهشتیان و دوزخیان

1889.الإمام علیّ علیه السلام : امام باقر علیه السلام : اعضای بدن ، علیه مؤمن شهادت نمی دهند ؛ بلکه علیه کسی شهادت می دهند که سزاوار عذاب است ؛ امّا مؤمن، کارنامه اش به دست راست او داده می شود . خداوند عز و جل فرموده است : «امّا کسی که کارنامه او به دست راستش داده شود ، اینان کارنامه خویش را می خوانند و به قدر نَخَک هسته خرمایی به آنها ستم نمی شود» .9 / 4گفتگوی بهشتیان و دوزخیانقرآن«و بهشتیان، دوزخیان را آواز می دهند که: «ما آنچه را پروردگارمان به ما وعده داده بود، درست یافتیم . آیا شما [نیز] آنچه را پروردگارتان وعده کرده بود ، راست و درست یافتید؟» . می گویند: آری . پس آواز دهنده ای میان آنان آواز در می دهد که: «لعنت خدا بر ستمکاران باد !»» .

.

«وَنَادَى أَصْحَبُ النَّارِ أَصْحَبَ الْجَنَّهِ أَنْ أَفِيضُواْ عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُواْ إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكَفِرِينَ» . (1)

الحديث1882.موسى عليه السلام (لَمّا وَقَفَ عَلى فِرعَونَ) الدّروع الواقيه : فِي الحَديثِ عَنِ النَّبىِّ صلى الله عليه و آله : أَنَّهم يَعرِفونَ أَنَّ أَهلَ الجَنَّهِ فى نَعيمٍ عَظيمٍ فَيُؤَمِّلونَ أَن يُطعِموهُم أَو يَسقوهُم لِيَخِفَّ عَنهُم بَعضُ العَذابِ الأَليمِ ، كَما قالَ جَلَّ جَلالُهُ : «وَنَادَى أَصحَبُ النَّارِ أَصحَبَ الجَنَّهِ أَن أَفِيضُوا عَلَينَا مِنَ المَاءِ أَو مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ » (2) قالَ : فَيُحبَسُ عَنهُمُ الجَوابُ أَربَعينَ سَنَهً ، ثُمَّ يُجيبونَهُم بِلِسانِ الاحتِقارِ وَالتَّهَوُّنِ : «إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الكَفِرِينَ » (3) ! فَيَرَونَ أَنَّ الخَزَنَهَ عِندَهُم يُشاهِدونَ ما قَد نَزَلَ بِهِم مِنَ المَصائِبِ ، فَيُؤَمِّلونَ أَن يَجِدُوا عِندَهُم فَرَجا بِسَبَبٍ مِنَ الأَسبابِ ، فَقالَ اللّهُ جَلَّ جَلالُهُ : «وَ قَالَ الَّذِينَ فِى النَّارِ لِخَزَنَهِ جَهَنَّمَ ادعُوا رَبَّكُم يُخَفِّف عَنَّا يَومًا مِّنَ العَذَابِ » (4) . (5)9 / 5مَلامَهُ أصحابِ الأعرافِ أصحابَ النّارِالكتاب«وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَرُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَبِ النَّارِ قَالُواْ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّلِمِينَ * وَنَادَى أَصْحَبُ الأَعْرَافِ رِجَالاً يَعْرِفُونَهُم بِسِيمَاهُمْ قَالُواْ مَا أَغْنَى عَنكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ * أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَهٍ ادْخُلُواْ الْجَنَّهَ لَاخَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنتُمْ تَحْزَنُونَ» . 6

.

1- .الأعراف : 50 .
2- .. الأعراف : 50 .
3- .. غافر : 49 .
4- .. الدّروع الواقيه : ص 277 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 304 ح 63 .
5- .الأعراف : 47 49 .

«و دوزخیان، بهشتیان را آواز می دهند که: «از آن آب یا از آنچه خدا روزیِ شما کرده، بر ما فرو ریزید» . می گویند: خدا آنها را بر کافران ، حرام کرده است» .

حدیث1875.عنه صلی الله علیه و آله : الدروع الواقیه : در حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است که آنان (دوزخیان) می دانند که بهشتیان در ناز و نعمتی عظیم به سر می برند . پس آرزو می کنند که بهشتیان به آنها غذایی یا آبی دهند تا عذاب دردناک آنان ، اندکی تخفیف یابد . خداوند عز و جل در این باره فرموده است : «و دوزخیان ، بهشتیان را آواز می دهند که : از آن آب یا از آنچه خدا روزیِ شما کرده ، بر ما فرو ریزید» ؛ امّا چهل سال پاسخی نمی شنوند . سپس با زبان تحقیر و خفّت به آنها جواب می دهند : «خدا آنها را بر کافران ، حرام کرده است» . پس چشمشان به دوزخبانان می افتد که شاهد بلاها و عذاب هایی هستند که بر سرشان آمده است . آرزو می کنند به سببی از اسباب ، نزد ایشان به گشایشی دست یابند . خداوند عز و جل در این باره نیز فرموده است : «و کسانی که در آتش اند ، به نگهبانان دوزخ می گویند : پروردگارتان را بخوانید تا یک روز از این عذاب را به ما تخفیف دهد» .9 / 5سرزنش یاران اعراف ، یاران آتش راقرآن«و چون چشمانشان به سوی دوزخیان گردانیده شود، می گویند: «پروردگارا! ما را در زمره گروه ستمکاران قرار مده» . و اهل اَعراف، مردانی را که آنان را از سیمایشان می شناسند، ندا می دهند [و] می گویند: «جمعیت شما و آن [همه] گردنکشی که می کردید، به حال شما سودی نداشت.» * «آیا اینان همان کسان نبودند که سوگند یاد می کردید که خدا آنان را به رحمتی نخواهد رسانید؟» «[اینک] به بهشت درآیید. نه بیمی بر شماست و نه اندوهگین می شوید»» .

.

الحديث1869.عنه عليه السلام (مِمّا كانَ يَدعو بِهِ بَعدَ الفَراغِ مِنَ الاِس) مجمع البيان عن ابن عبّاس : «وَنَادَى» أى وسَيُنادِى «أَصحَبُ الأَعْرَافِ رِجَالًا» من أصحابِ النّارِ «يَعْرِفُونَهُم بِسِيمَاهُمْ » أى بِصِفاتِهِمْ ؛ يَدْعونَهُم بِأَساميهِم وَكُناهُم ، وَيُسَمّونَ رُؤَساءَ المُشرِكينَ . (1)9 / 6طَلَبُ التَّخفيفِالكتاب«وَ قَالَ الَّذِينَ فِى النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُواْ رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِّنَ الْعَذَابِ * قَالُواْ أَوَ لَمْ تَكُ تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُم بِالْبَيِّنَاتِ قَالُواْ بَلَى قَالُواْ فَادْعُواْ وَ مَا دُعَؤُاْ الْكَفِرِينَ إِلَّا فِى ضَلَلٍ * إِنَّا لَنَنصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ ءَامَنُواْ فِى الْحَيَوةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ * يَوْمَ لَا يَنفَعُ الظَّالِمِينَ مَعْذِرَتُهُمْ وَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ» . (2)

الحديث1863.الإمام علىّ عليه السلام : الدر المنثور عن ابن جريج : بَلَغَنا أنَّ أهلَ النّارِ نادَوا خَزَنَةَ جَهَنَّمَ أن «ادْعُواْ رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِّنَ الْعَذَابِ» فَلَم يُجيبوهُم ما شاءَ اللّهُ ، فَلَمّا أجابوهُم بَعدَ حينٍ قالوا لَهُم : «فَادْعُواْ وَ مَا دُعَؤُاْ الْكَفِرِينَ إِلّا فِى ضَلَالٍ» (3) ، ثُمَّ نادَوا «يَمَلِكُ» لِخازِنِ النّارِ

«لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ» ، فَسَكَتَ عَنهُم مالِكٌ مِقدارَ أربَعينَ سَنَةً ، ثُمَّ أجابَهُم فَقالَ : «إِنَّكُم مَّاكِثُونَ» (4) ، ثُمَّ نادَى الأَشقِياءُ رَبَّهُم فَقالوا : «رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ» فسكَتَ عَنهُم ... مِقدارَ الدُّنيا ، ثُمَّ أجابَهُم بَعدَ ذلِكَ : «اخْسَئواْ فِيهَا وَ لَا تُكَلِّمُونِ» (5) . (6) .

1- .. مجمع البيان : ج 4 ص 654 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 333 .
2- .غافر : 49 52 .
3- .غافر : 50 .
4- .الزخرف : 77 .
5- .المؤمنون : 107 و 108 .
6- .الدرّ المنثور : ج 6 ص 120 نقلاً عن ابن جرير وابن المنذر .

حدیث1861.عنه صلی الله علیه و آله : مجمع البیان به نقل از ابن عبّاس ، در باره آیه : «و اهل اعراف ، مردانی را که آنها را از سیمایشان می شناسند ، ندا می دهند» : یعنی با خصوصیاتشان آنها را می شناسند و با نام و کنیه صدایشان می زنند و سرانِ مشرکان را نام می برند .9 / 6درخواست تخفیفقرآن«و کسانی که در آتش اند، به نگهبانان جهنّم می گویند: «پروردگارتان را بخوانید تا یک روز از این عذاب را به ما تخفیف دهد». می گویند: «مگر پیامبرانتان دلایل روشن به سوی شما نیاوردند؟» . می گویند: «چرا». می گویند: «پس بخوانید ؛ ولی دعای کافران جز در بیراهه نیست» . در حقیقت، ما فرستادگان خود را و [نیز] کسانی را که گرویده اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان بر پای می ایستند ، یاری می کنیم ؛ همان روزی که ستمگران را پوزش خواهی شان سود نمی بخشد و برای آنان لعنت است و برایشان بدفرجامیِ آن سرای است».

حدیث1855.الإمام الکاظم علیه السلام (فی قُنوتِهِ) الدرّ المنثور به نقل از ابن جَریج : روایت شده است که دوزخیان به نگهبانان جهنّم می گویند : «پروردگارتان را بخوانید تا یک روز از این عذاب را به ما تخفیف دهد» ؛ ولی آنان تا مدّتی که خدا بخواهد ، پاسخ دوزخیان را نمی دهند و پس از مدّتی که پاسخشان را می دهند، می گویند: «پس بخوانید ؛ ولی دعای کافران جز در بیراهه نیست» . دوباره به نگهبان دوزخ می گویند که : «ای مالک ! پروردگارت [را بخوان تا]

جان ما را بستاند» ؛ ولی مالک نیز تا چهل سال ، پاسخ ایشان را نمی دهد و سپس در پاسخشان می گوید: «شما ماندگارید» .

آن گاه ، تیره بختان ، پروردگارشان را می خوانند و می گویند: «پروردگارا ! ما را از این جا (آتش) بیرون بیاور. اگر دو باره [به بدی] بازگشتیم، در آن صورت ، ستمگر خواهیم بود» و خدا به اندازه [عمرِ] دنیا در پاسخ آنان سکوت می کند و آن گاه ، پاسخشان می دهد که: «در آن ، گم شوید و با من سخن مگویید» .

.

9 / 7طَلَبُ الشَّفيعِ والصَّديقِالكتاب«فَمَا لَنَا مِن شَافِعِينَ * وَ لَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ» . (1)

الحديث1849.الإمام زين العابدين عليه السلام : الإمام الصادق عليه السلام : لَقَد عَظُمَت مَنزِلَةُ الصَّديقِ ! حتّى إنَّ أهلَ النّارِ لَيَستَغيثونَ بِهِ ، ويَدعونَهُ فِى النّارِ قَبلَ القَريبِ وَالحَميمِ ؛ قالَ اللّه ُ عز و جل مُخبِرا عَنهُم : «فَمَا لَنَا مِن شَافِعِينَ * وَ لَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ» . (2)9 / 8طَلَبُ الطَّعامِ وَالشَّرابِالكتاب«وَنَادَى أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّهِ أَنْ أَفِيضُواْ عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُواْ إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ» . . (3)

«وَ إِن يَسْتَغِيثُواْ يُغَاثُواْ بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِى الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَ سَاءَتْ مُرْتَفَقًا» . (4)

.

1- .الشعراء : 100 و 101 .
2- .الأمالى للطوسى : ص 517 ح 1133 و ص 609 ح 1259 كلاهما عن الحسن بن صالح بن حىّ ، بحارالأنوار : ج 74 ص 176 ح 11 .
3- .الأعراف : 50 .
4- .الكهف : 29 .

9 / 7 درخواست شفیع و دوست

9 / 8 درخواست آب و غذا

9 / 7درخواست شفیع و دوستقرآن«پس ما نه شفاعت کنندگانی داریم و نه دوستی دلسوز» .

حدیث1838.الإمام زین العابدین علیه السلام (فی مُناجاهِ المُعتَصِمینَ) امام صادق علیه السلام : به راستی که دوست ، چنان جایگاه والایی دارد که حتّی دوزخیان نیز از او فریادخواهی می کنند و قبل از خویشاوندان و نزدیکان ، او را به کمک می خوانند. خداوند عز و جل به نقل از آنان می فرماید: «ما نه شفاعت کنندگانی داریم و نه دوستی دلسوز» .9 / 8درخواست آب و غذاقرآن«و دوزخیان، بهشتیان را آواز می دهند که: «از آن آب یا از آنچه خدا روزی تان کرده است ، بر ما فرو ریزید». [در پاسخ]می گویند: «خدا اینها را بر کافران ، حرام کرده است»».

«و اگر فریادرسی جویند، به آبی چون مسِ گداخته که چهره ها را بریان می کند ، یاری می شوند. وه ! چه بد شرابی است و چه زشت جایگاهی».

.

الحديث1831.الإمام الهادى عليه السلام (فى دُعاءٍ لَهُ) رسول اللّه صلى الله عليه و آله : يُلقى عَلى أهلِ النّارِ الجوعُ ، فَيَعدِلُ ما هُم فيهِ مِنَ العَذابِ ، فَيَستَغيثونَ ، فَيُغاثونَ بِطَعامٍ مِن ضَريعٍ لا يُسمِنُ ولا يُغنى مِن جوعٍ ، فَيَستَغيثونَ بِالطَّعامِ ، فَيُغاثونَ بِطَعامٍ ذى غُصَّةٍ ، فَيَذكُرونَ أنَّهُم كانوا يُجيزونَ الغُصَصَ فِى الدُّنيا بِالشَّرابِ ، فَيَستَغيثونَ بِالشَّرابِ ، فَيُرفَعُ إلَيهِمُ الحَميمُ بِكَلاليبِ الحَديدِ ، فَإذا دَنَت مِن وُجوهِهِم شَوَت وُجوهَهُم ، فَإذا دَخَلَت بُطونَهُم قَطَعَت ما فى بُطونِهِم .

فَيَقولونَ : اُدعوا خَزَنَةَ جَهَنَّمَ ، فَيَقولونَ : «أَوَ لَمْ تَكُ تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُم بِالْبَيِّنَاتِ قَالُواْ بَلَى قَالُواْ فَادْعُواْ وَ مَا دُعَؤُاْ الْكَفِرِينَ إِلَّا فِى ضَلَالٍ» فَيَقولونَ : اُدعوا مالِكا ، فَيَقولونَ : «يَامَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ» ! فَيُجيبُهُم : «إِنَّكُم مَّاكِثُونَ» . (1)1830.عنه عليه السلام (فى دُعاءٍ كانَ يَدعو بِهِ بَعدَ الثَّمانى رَكَع) الكافى عن زراره : سَأَلتُ أبا جَعفَرٍ عليه السلام عَن قَولِ اللّهِ عز و جل : «يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ» (2)

؟ قالَ : تُبَدَّلُ خُبزَةً نَقِيَّةً يَأكُلُ مِنهَا النّاسُ حَتّى يَفرُغوا مِنَ الحِسابِ . فَقالَ لَهُ قائِلٌ : إنَّهُم لَفى شُغُلٍ يَومَئِذٍ عَنِ الأكلِ وَالشُّربِ ! فَقالَ : إنَّ اللّهَ عز و جلخَلَقَ ابنَ آدَمَ أجوَفَ ، ولا بُدَّ لَهُ مِنَ الطَّعامِ وَالشَّرابِ ، أهُم أشَدُّ شُغلاً يَومَئِذٍ أم مَن فِى النّارِ ؟ فَقَدِ

استَغاثوا ، وَاللّهُ عز و جل يَقولُ : «وَ إِن يَسْتَغِيثُواْ يُغَاثُواْ بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِى الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ» . (3) .

1- .سنن الترمذى : ج 4 ص 707 ح 2586 ، صفه النار لابن أبى الدنيا : ص 65 ح 84 ، البعث والنشور : ص 303 ح 547 كلّها عن أبى الدرداء ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 93 ح 13 عن أبى الدرداء من دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه و آله ، كنزالعمّال : ج 14 ص 531 ح 39527 وراجع : إرشاد القلوب : ص 36 .

2- .إبراهيم : 48 .

3- .الكافى : ج 6 ص 287 ح 4 ، المحاسن : ج 2 ص 159 ح 1434 ، تفسير العيّاشى : ج 2 ص 327 ح 30 ، بحارالأنوار : ج 7 ص 109 ح 36 .

حدیث1828.عنه علیه السلام (فی دُعاءِ الجَوشَنِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در دوزخیان، چنان گرسنگی ای افکنده می شود که با عذابی که در آن به سر می برند ، برابری می کند. پس فریاد کمک خواهی بر می دارند ؛ ولی با خوراکی از خارِ خشک که نه فربه می سازد و نه گرسنگی را می زداید به فریادشان رسیده می شود. دوباره فریاد بر می آورند که گرسنه ایم . این بار ، خوراکی گلوگیر به آنان خورانده می شود. به یاد می آورند که در دنیا اگر لقمه ای در گلویشان گیر می کرد ، آن را با نوشیدن آب فرو می بردند. پس آب می طلبند، و با چنگک های آهنی، ظرف های آب جوشان به طرفشان برده می شود. همین که به نزدیک صورت آنان می رسد، چهره هایشان را بریان می کند . و چون وارد معده هایشان شود ، امعا و احشای آنها را تکّه تکّه می کند .

در این هنگام، می گویند: نگهبانان جهنّم را بخوانید . و آنها به ایشان می گویند: «مگر پیامبرانتان دلایل روشن به سوی شما نیاوردند ؟! می گویند: «چرا». می گویند: پس بخوانید ؛ ولی دعای کافران جز در بیراهه نیست» .

دوزخیان می گویند: مالک [دوزخ]را بخوانید [و از او خواهش کنید]، پس می گویند: «ای مالک ! پروردگارت [را بخوان تا] جان ما را بستاند» و او پاسخشان می دهد که: «شما ماندگارید» .1827.عنه علیه السلام : الکافی به نقل از زراره : از امام باقر علیه السلام در باره این سخن خدای عز و جل پرسیدم: «روزی که زمین به زمینی دیگر بَدَل می شود» .

فرمود: «به گِرده نانی خالص تبدیل می شود و مردم از آن می خورند تا آن گاه که از حسابرسی فارغ شوند» .

کسی گفت : در آن روز، آنان چندان گرفتارند که به خوردن و آشامیدن نمی رسند!

فرمود: «خداوند عز و جل آدمی زاده را میانْ تهی آفریده است و ناگزیر از خوردن و آشامیدن است . آیا در آن روز ، آنان گرفتارترند یا کسانی که در آتش اند؟ [حتّی]

کسانی هم که در آتش اند ، آب [و غذا]می طلبند، و خداوند عز و جل می فرماید: «و اگر آب بطلبند، با آبی چون مسِ گداخته به دادشان رسیده می

شود که چهره ها را بریان می کند، و چه بد نوشیدنی است آن !» » . .

1826.الإمام الكاظم عليه السلام (فى حِجابِهِ) الإمام الباقر أو الإمام الصّادق عليهماالسلام : إِنَّ أَهلَ النّارِ يَموتُونَ عِطاشا ، وَ يَدخُلونَ قُبورَهُم عِطاشا ، وَيُحشَرُونَ عِطاشا ، وَيَدخُلونَ جَهَنَّمَ عِطاشا ، فَيُرفَعُ لَهُم قَراباتُهُم مِنَ الجَنَّهِ فَيَقولونَ : «أَفِيضُوا عَلَينَا مِنَ المَاءِ أَو مِمَّا رَزَقَكُمُ اللّهُ » .

1825(1).الإمام الصادق عليه السلام (مِن دُعاءٍ لَهُ) الإمام الصّادق عليه السلام : «يَومَ التَّنَادِ» (2) يَومٌ يُنادى أَهلُ النّارِ أَهلَ الجَنَّهِ : «أَن أَفِيضُوا عَلَينَا مِنَ المَاءِ أَو مِمَّا رَزَقَكُمُ اللّهُ» . (3)9 / 9شِدَّهُ التَّخاصُمِالكتاب«هَذَا وَ إِنَّ لِلطَّاغِينَ لَشَرَّ مَئَابٍ * جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ * هَذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَ غَسَّاقٌ * وَ ءَاخَرُ مِن شَكْلِهِ أَزْوَ جٌ * هَذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ لَا مَرْحَبَا بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارِ * قَالُوا بَلْ أَنتُمْ لَا مَرْحَبَا بِكُمْ أَنتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا فَبِئْسَ الْقَرَارُ * قَالُوا رَبَّنَا مَن قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَزِدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ * وَ قَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُم مِّنَ الْأَشْرَارِ * أَتَّخَذْنَاهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمُ الْأَبْصَارُ * إِنَّ ذَ لِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ» . (4)

«احْشُرُواْ الَّذِينَ ظَلَمُواْ وَ أَزْوَ جَهُمْ وَ مَا كَانُواْ يَعْبُدُونَ * مِن دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَى صِرَ طِ الْجَحِيمِ * وَقِفُوهُمْ إِنَّهُم مَّسْئولُونَ * مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ * بَلْ هُمُ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ * وَ أَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ * قَالُواْ إِنَّكُمْ كُنتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ * قَالُواْ بَل لَّمْ تَكُونُواْ مُؤْمِنِينَ * وَ مَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُم مِّن سُلْطَانٍ بَلْ كُنتُمْ قَوْمًا طَاغِينَ * فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَذَائِقُونَ * فَأَغْوَيْنَاكُمْ إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ * فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِى الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ * إِنَّا كَذَ لِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ * إِنَّهُمْ كَانُواْ إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ * وَ يَقُولُونَ أَئِنَّا لَتَارِكُواْ ءَالِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ * بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَ صَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ * إِنَّكُمْ لَذَائِقُواْ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ * وَ مَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» . (5)

«وَ إِذْ يَتَحَاجُّونَ فِى النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَؤُاْ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُواْ إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنتُم مُّغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِّنَ النَّارِ * قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُواْ إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ» . (6)

«وَ بُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ * وَ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنتُمْ تَعْبُدُونَ * مِن دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنصُرُونَكُمْ أَوْ يَنتَصِرُونَ * فَكُبْكِبُواْ فِيهَا هُمْ وَ الْغَاوُنَ * وَ جُنُودُ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ * قَالُواْ وَ هُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ * تَاللَّهِ إِن كُنَّا لَفِى ضَلَالٍ مُّبِينٍ * إِذْ نُسَوِّيكُم بِرَبِّ الْعَالَمِينَ * وَ مَا أَضَلَّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ * فَمَا لَنَا مِن شَافِعِينَ * وَ

لَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ * فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ * إِنَّ فِى ذَ لِکَ لَأيَةً وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ» . (7)

«قَالَ ادْخُلُواْ فِى أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُم مِّنَ الْجِنِّ وَ الإِنسِ فِى النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَّعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا ادَّارَكُواْ فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لأُولَاهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَئَتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ قَالَ لِكُلٍّ ضِعْفٌ وَلَكِن لَا تَعْلَمُونَ * وَقَالَتْ أُولَاهُمْ لأُخْرَاهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ فَذُوقُواْ الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ» . (8)

.

1- .تفسير العيّاشى : ج 2 ص 19 ح 49 عن إبراهيم بن عبد الحميد ، بحار الأنوار : ج 8 ص 338 ح 17 وراجع : تفسير الطّبرى : ج 9 الجزء 16 ص 127 .
2- .. غافر : 32 .
3- .معانى الأخبار : ص 156 عن حفص بن غياث ، تفسير العيّاشى : ج 2 ص 19 ح 50 عن الزهرى ، تفسير القمّى : ج 2 ص 256 من دون إسناد إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 7 ص 59 ح 5 .
4- .ص : 55 64 .
5- .الصافّات : 22 39 .
6- .غافر : 47 و 48 .
7- .الشعراء : 91 103 .
8- .الأعراف : 38 و 39 .

9 / 9 ستیزه گری شدید

1816.الإمام علیّ علیه السلام : امام باقر یا امام صادق علیهماالسلام : اهل آتش ، تشنه می میرند و تشنه وارد قبرهایشان می شوند و تشنه به حشر می آیند و تشنه داخل دوزخ می شوند . پس ، خویشاوندانشان را از دور در بهشت می بینند و به آنها می گویند : «از آن آب یا از آنچه خدا روزی تان کرده است ، بر ما فرو ریزید» .1815.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : «روزِ ندا دادن به یکدیگر» روزی است که دوزخیان به بهشتیان ندا می دهند که : «از آن آب یا از آنچه خدا روزی تان کرده است ، بر ما فرو ریزید» .9 / 9ستیزه گری شدیدقرآن«این است [حال بهشتیان] و [امّا] برای طغیانگران ، به راستی که بد فرجامی است ؛ به جهنّم می روند که چه بد آرامگاهی است ! این ، جوشاب و چرکاب است . باید آن را بچشند ، و از همین گونه، انواع دیگر [عذاب ها]. اینها گروهی هستند که با شما به اجبار وارد [آتش]می شوند . بدا به حال آنها ؛ زیرا آنان داخل آتش می شوند. [به رؤسای خود]می گویند: «بلکه بر خود شما خوش مباد ! این عذاب را شما خود برای ما از پیش فراهم آوردید، و چه بد قرارگاهی است». می گویند: «پروردگارا ! هر کس این عذاب را از پیش برای ما فراهم آورده، عذاب او را در آتش ، دو چندان کن» و می گویند: «ما را چه شده است که مردانی را که ما آنان را از اشرار می شمردیم ، یا آنان را [در دنیا]به ریشخند می گرفتیم ، نمی بینیم؟ یا چشمان [ما]بر آنها نمی افتد؟» . این ستیزه اهل آتش ، قطعا راست است».

«کسانی را که ستم کرده اند ، با هم ردیفانشان و آنچه غیر از خدا می پرستیده اند، گرد آورید و به سوی آتش افروخته ، رهبری شان کنید و آنان را باز دارید که آنها مسئول اند. شما را چه شده است که همدیگر را یاری نمی کنید؟ ! [نه !] بلکه امروز ، آنان از دَرِ تسلیم درآمدگان اند. و بعضی به بعضی دیگر روی می آورند و از یکدیگر می پرسند. می گویند: «شما [ظاهرا] از درِ راستی با ما در می آمدید» . [متّهمان] می گویند: «[نه !]بلکه شما با ایمان نبودید و ما هیچ تسلّطی بر شما نداشتیم ؛ بلکه خودتان سرکش بودید. پس فرمان پروردگارمان بر ما سزاوار آمد که ما واقعا باید [عذاب را] بچشیم. و شما را گم راه کردیم؛ زیرا خودمان گم راه بودیم» . پس آنان در آن روز ، در عذاب ، شریک یکدیگرند. آری، ما با مجرمان چنین

رفتار می کنیم ؛ چرا که آنان بودند که وقتی به ایشان گفته می شد: «خدایی جز خدای یگانه نیست»، تکبّر می ورزیدند و می گفتند: «آیا ما برای شاعری دیوانه ، دست از خدایانمان بر داریم؟ !» ؛ ولی نه ! [او] حقیقت را آورده و فرستادگان را تصدیق کرده است . در واقع ، شما عذاب پردرد را خواهید چشید و جز آنچه می کردید ، جزا نمی یابید».

«و آن گاه که در آتش ، شروع به آوردن حجّت می کنند، زیردستان به کسانی که گردنکش بودند، می گویند: «ما پیرو شما بودیم . پس آیا می توانید پاره ای از این آتش را از ما دفع کنید؟» . کسانی که گردنکشی می کردند، می گویند: «اکنون همه ما در آن هستیم . خداست که میان بندگان ، داوری کرده است»».

«و آتشِ افروخته ، برای گم راهان ، نمودار می گردد و به آنان گفته می شود: «کجایند آن چیزهایی که به جای خدا می پرستیدید ؟ ! آیا یاری تان می کنند ، یا خود را یاری می دهند؟» . پس آنها و همه گم راهان و نیز همه سپاهیان ابلیس ، در آن افکنده می شوند . آنها در آن جا با یکدیگر ستیزه می کنند و می گویند: «سوگند به خدا که ما در گم راهیِ آشکاری بودیم ، آن گاه که شما را با پروردگار جهانیان ، برابر می کردیم ، و جز تبهکاران ما را گم راه نکردند. در نتیجه، نه شفاعتگرانی داریم و نه دوستی نزدیک. و ای کاش بازگشتی داشتیم تا از مؤمنان می شدیم». به راستی که در این، عبرتی است ؛ ولی بیشترشان مؤمن نبودند».

«می فرماید: «به میان امّت هایی از پری و آدمی بروید که پیش از شما وارد آتش شدند» و هر بار که امّتی وارد [آتش] شود ، همتایش را لعنت می کند ، تا آن که چون همگی در آن به هم پیوندند ، پیروانشان در باره پیشوایانشان می گویند: «پروردگارا ! اینان ما را گم راه کردند. پس عذاب آتشی دو برابر به آنان بده» . خدا می فرماید: «برای هر کدام ، دو چندان است ؛ ولی شما نمی دانید» و پیشوایانشان به پیروانشان می گویند: «شما بر ما امتیازی ندارید . پس به سزای آنچه به دست می آوردید، عذاب را بچشید»».

.

ص: 240

. .

ص: 241

. .

الحديث1805.الدرّ المنثور عن ابن عبّاس : الإمام الباقر عليه السلام فى قَولِهِ تَعالى : «كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَّعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا ادَّارَكُواْ فِيهَا جَمِيعًا» (1) : بَرِئَ بَعضُهُم مِن بَعضٍ ولَعَنَ بَعضُهُم بَعضا ، يُرِيدُ بَعضُهُم أن يَحُجَّ بَعضا رَجاءَ الفَلَجِ فَيُفلِتوا مِن عَظيمِ ما نَزَلَ بِهِم ، ولَيسَ بِأوانِ بَلوى ، ولاَ اختِبارٍ ولا قَبولِ مَعذِرَةٍ ، ولاتَ حينَ نَجاةٍ ! (2)1804.الإمام الصادق عليه السلام : الإمام الصادق عليه السلام لأصحابه : إذَا استَقَرَّ أهلُ النّارِ فِى النّارِ يَفقِدونَكُم فَلا يَرَونَ مِنكُم أحَدا ، فَيَقولُ بَعضُهُم لِبَعضٍ : «مَا لَنَا لَا نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُم مِّنَ الْأَشْرَارِ * أَتَّخَذْنَاهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمُ الْأَبْصَارُ» قالَ : وذلِكَ قَولُ اللّهِ عز و جل : «إِنَّ ذَ لِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ» (3) يَتَخاصَمونَ فيكُم فيما كانوا يَقولونَ فِى الدُّنيا . (4)9 / 10رَهَقُ الذِّلَّةِالكتاب«وَ الَّذِينَ كَسَبُواْ السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَّا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطَعًا مِّنَ الَّيْلِ مُظْلِمًا أُوْلَائِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» . (5)

.

1- .الأعراف : 38 .
2- .الكافى : ج 2 ص 31 ح 1 عن محمّد بن سالم ، تفسير نور الثقلين : ج 2 ص 29 ح 108 ، بحارالأنوار : ج 69 ص 88 ح 30 .
3- .ص : 62 64 .
4- .الكافى : ج 8 ص 141 ح 104 عن عنبسه ، بحارالأنوار : ج 8 ص 354 ح 5 .
5- .يونس : 27 .

حدیث1798.السنن الکبری عن ابن عبّاس : امام باقر علیه السلام در باره این سخن خدای متعال که: «هر بار که امّتی وارد [آتش] گردد ، همتایش را لعنت می کند ، تا آن که چون همگی در آن به هم پیوستند» : این عدّه از آن عدّه بیزاری می جویند و آن عدّه این عدّه را لعنت می کنند . عدّه ای با عدّه ای دیگر احتجاج می کنند ، بدان امید که [در این ستیزه گری] چیره شوند و از بلای بزرگی که بر آنان فرود آمده است، بِرَهَند ، غافل از این که آن هنگام ، نه موقع امتحان است، نه هنگام پذیرش پوزش، و نه هنگام رهایی.1797.عنه علیه السلام (فی قَولِ اللّه ِ عز و جل : {Q} «وَ لَقَدْ عَهِد) امام صادق علیه السلام : به یارانش : آن گاه که دوزخیان در آتش قرار گیرند ، شما [مؤمنان]را گم می کنند و هیچ یک از شما را نمی بینند. در این هنگام ، به یکدیگر می گویند: «ما را چه شده است که مردانی را که ما آنان را از بَدان می شمردیم ، یا آنان را [در دنیا] به ریشخند می گرفتیم ، نمی بینیم؟ یا چشم ها[ی ما] بر آنها نمی افتد؟» .

این ، سخن خدای عز و جل است که: «این ستیزه اهل آتش ، قطعا راست است» . آنان در باره شما، راجع به آنچه در دنیا می گفتند، با یکدیگر ستیزه (بگو مگو) می کنند .9 / 10تنگنای خواریقرآن«و کسانی که مرتکب بدی ها شده اند، جزای هر بدی ای ، مانند آن است و خواری ، آنان را فرو می گیرد . آنان در مقابل خدا، هیچ حمایتگری ندارند . گویی چهره هایشان با پاره هایی از شبِ تار ، پوشانده شده است . آنان همدم آتش اند و در آن ، جاودانه خواهند بود».

.

الحديث1791.الإمام الباقر عليه السلام : التوحيد عن محمّد بن عليّ الحلبى عن الإمام الصادق عليه السلام فى قَوله عز و جل : «يَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ» (1) : تَبارَكَ الجَبّارُ (2) ، ثُمَّ أشارَ إلى ساقِهِ فَكَشَفَ عَنهَا الإزارَ . قالَ : «وَ يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ» (3) ، قالَ : اُفحِمَ (4) القَومُ ودَخَلتَهُمُ الهَيبَةُ ، وشَخَصَتِ الأَبصارُ ، وبَلَغَتِ القُلوبُ الحَناجِرَ «خَشِعَةً أَبْصَرُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَ قَدْ كَانُواْ يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَ هُمْ سَلِمُونَ» (5) . (6)1790.سنن ابن ماجه عن اُسامه بن زيد : الإمام الباقر عليه السلام فى قَولِهِ تَعالى : «وَ الَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَّا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ» (7) : هؤُلاءِ أَهلُ البِدَعِ وَالشُّبَهاتِ وَالشَّهَواتِ ، يُسَوِّدُ اللّهُ وُجوهَهُم ثُمَّ يَلقونَهُ ... ويُلبِسُهُمُ الذُّلَّ وَالصَّغارَ . (8)9 / 11تَمَنّى الرُّجوعِ إِلَى الدُّنيَاالكتاب«إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتُّبِعُواْ مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُواْ وَ رَأَوُاْ الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ * وَ قَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُواْ لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُواْ مِنَّا كَذَ لِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَلَهُمْ حَسَرَ تٍ عَلَيْهِمْ وَ مَا هُم بِخَرِجِينَ مِنَ النَّارِ» . (9)

«وَلَوْ تَرَى إِذْ وُقِفُواْ عَلَى النَّارِ فَقَالُواْ يَلَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبَ بِايَتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» . (10)

«فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» . 11

راجع : الأحزاب : 66 ، الفرقان : 27 ، الزمر : 58 60 ، الفجر : 23 و 24 .

.

1- .القلم : 42 .
2- .قال الشيخ الصدوق قدس سره فى ذيل الحديث معلِّقا : قوله عليه السلام «تبارك الجبّار ، وأشار إلى ساقه فكشف عن الإزار» يعنى به : تبارك الجبّار أن يوصف بالساق الذى هذا صفته .
3- .أفحَمتُ الخَصمَ : إذا أسكَتُّهُ بالحُجّهِ (المصباح المنير : ص 464 «فحم») .
4- .القلم : 43 .
5- .التوحيد : ص 154 ح 2 ، بحارالأنوار : ج 4 ص 7 ح 15 .
6- .يونس : 27 .

7- .تفسير القمّى : ج 1 ص 311 عن أبى الجارود ، بحار الأنوار : ج 2 ص 298 ح 20 .
8- .البقره : 166 و 167 .
9- .الأنعام : 27 .
10- .الشعراء : 102 .

حدیث1781.الکافی عن ابن الطیّار : التوحید به نقل از محمّد بن علی حلبی : از امام صادق علیه السلام در باره آیه «روزی که ساق ، آشکار شود» پرسیدم . فرمود: «بلندمرتبه است خدای بزرگ!» سپس با اشاره به ساق پای خود ، دامان آن را بالا زد . (1)

امام علیه السلام این آیه را خواند : «و به سجده فرا خوانده می شوند ؛ ولی نمی توانند [سجده کنند]» و فرمود: «[یعنی] مردم ، مُجاب می شوند و هیبت ، وجودشان را فرا می گیرد، چشم ها خیره می گردند و [از ترس ،] قلب ها به حلق ها می رسند ، «دیدگانشان به زیر افتاده است و خواری ، آنان را فرا می گیرد ، در حالی که [پیش از این ،]به سجده فرا خوانده می شدند و تن درست بودند» .1780.سنن أبی داوود عن عائشه بنت سعد بن أبی وقّاص عن أب امام باقر علیه السلام در باره این سخن خدای متعال : «و کسانی که مرتکب بدی ها شده اند، [بدانند که] جزای بدی ، بدی ای مانند آن است ، و خواری ، آنان را فرا می گیرد. در مقابل خدا ، هیچ حمایتگری ندارند» : اینان همان بدعت گذاران و شبهه افکنان و پیروان خواهش های نفسانی هستند. خدا روی آنها را سیاه می کند، سپس [با روسیاهی]به دیدار او می روند... و جامه خواری و خفّت را بر ایشان می پوشاند.9 / 11آرزوی بازگشت به دنیاقرآن«آنگاه که پیشوایان از پیروان بیزاری جویند و عذاب را مشاهده کنند و میانشان پیوندها بریده گردد . و پیروان می گویند: «کاش برای ما بازگشتی بود تا همان گونه که [آنان] از ما بیزاری جستند، [ما نیز] از آنان بیزاری می جستیم». این گونه خداوند، کارهایشان را که برای آنان ، مایه حسرت هاست- به ایشان می نمایاند، و از آتش ، بیرون آمدنی نیستند» .

«و ای کاش [منکران را] هنگامی که بر آتش عرضه می شوند، می دیدی که می گویند: کاش باز گردانده می شدیم و [دیگر] آیات پروردگارمان را تکذیب نمی کردیم و از مؤمنان می شدیم !» .

«ای کاش که بازگشتی برای ما بود و از مؤمنان می شدیم !» .

ر . ک : احزاب : آیه 66 ، فرقان : آیه 27 ، زمر : آیات 58 60 ، فجر : آیات 23 و 24 .

.

1- .شیخ صدوق رحمه الله در ذیل این حدیث ، در باره جمله : «تبارک الجبّار، و أشار إلی ساقه فکشف عن الإزار» می گوید : یعنی : خداوند ، والاتر و منزّه تر از آن است که به دانستن ساق پایی از این قبیل ، وصف شود .

الحديث1771.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ النّاسَ يَمُرُّونَ يَومَ القِيامَهِ عَلَى الصِّراطِ ، وَالصِّراطُ دَحضٌ (1) مَزَلَّهٌ يَتَكَفَّأُ بِأَهلِهِ ، وَالنّارُ تَأخُذُ مِنهُم ، وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَتَنطِفُ (2) عَلَيهِم مِثلَ الثَّلجِ إِذا وَقَعَ ، لَهَا زَفيرٌ وَشَهيقٌ .

فَبَينَما هُم كَذلِكَ إِذ جاءَهُم نِداءٌ مِنَ الرَّحمنِ : عِبادى مَن كُنتُم تَعبُدونَ فى دارِ الدُّنيا؟ فَيَقولُونَ : رَبِّ ! أنتَ تَعلَمُ أَنّا إِيَّاكَ كُنّا نَعبُدُ . فَيُجيبُهُم بِصَوتٍ لَم يَسمَع الخَلائِقُ مِثلَهُ قَطُّ : عِبادى ! حَقٌّ عَلَىَّ أَلّا أُكِلَكُمُ اليَومَ إِلى أَحَدٍ غَيرى ، فَقَدعَفَو تُ عَنكُم وَرَضيتُ عَنكُم .

فَتَقومُ المَلائِكَهُ عِندَ ذلِكَ بِالشَّفاعَهِ ، فَيُنَحَّونَ مِن ذلِكَ المَكانِ ، فَيَقولُ الَّذينَ تَحتُهُم فِى النّارِ : «فَمَا لَنَا مِن شَفِعِينَ * وَ لَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ * فَلَو أَنَّ لَنَا كَرَّهً فَنَكُونَ مِنَ المُؤمِنِينَ » . قالَ اللّهُ : «فَكُبكِبُوا فِيهَا هُم وَ الغَاوُنَ» . (3) .

1- .. الدحضُ : الزلَقُ (لسان العرب : ج 7 ص 148 «دحض») .
2- .. نَطَفَ : سالَ (مجمع البحرين : ج 3 ص 1798 «نطف») .
3- .الدر المنثور : ج 6 ص 309 نقلاً عن ابن مردويه عن جابر .

حدیث1769.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در روز قیامت ، مردم از صراط می گذرند . صراط ، لیز و لغزنده است ، به طوری که عبور کنندگان از خود را واژگون می کند و آتش ، قسمتی از بدن آنان را می گیرد ، و جهنّم مانند برفی که می بارد، [شراره های خود را]بر آنان فرو می ریزد ، و جوش و خروشی دارد . در همین حال از جانب خدای مهربان ، ندا می آید که : «ای بندگان من ! شما در سرای دنیا چه کسی را می پرستیدید؟» .

می گویند : پروردگارا ! تو خود می دانی که ما فقط تو را می پرستیدیم .

و خداوند با صدایی که خلایق هرگز مانند آن را نشنیده اند ، پاسخشان می دهد : «بر من است که امروز شما را به هیچ کسی غیر از خودم واگذار نکنم . پس شما را بخشیدم و از شما خشنود گشتم» .

در این هنگام ، فرشتگان به شفاعت بر می خیزند و آنان را از آن مکان دور می سازند . پس ، کسانی که زیر پای آنها در آتش هستند ، می گویند : «برای ما نه شفاعت کنندگانی است و نه دوستی مهربان . کاش [به دنیا] باز می گشتیم تا از مؤمنان باشیم» . خداوند فرموده است : «پس آنها و همه گم راهان ، در آتش افکنده می شوند» . .

1768.الإمام الصادق عليه السلام : الإمام الصادق عليه السلام : إذا ماتَ الكافِرُ شَيَّعَهُ سَبعونَ ألفاً مِنَ الزَّبانِيَهِ إلى قَبرِهِ ، وإنَّهُ لَيُناشِدُ حامِليهِ بِصَوتٍ يَسمَعُهُ كُلُّ شَىءٍ إلّا الثَّقَلانِ و يَقولُ : لَو أنَّ لى كَرَّةً فَأكونَ مِنَ المُؤمِنينَ ! ويَقولُ : اِرجِعونى لَعَلّى أعمَلُ صالِحاً فيما تَرَكتُ ! فَتُجيبُهُ الزَّبانِيَّهُ : كَلّا إنَّها كَلِمَهٌ أنتَ قائِلُها ! ويُناديهِم مَلَكٌ : لَو رُدَّ لَعادَ لِما نُهىَ عَنهُ .

فَإذا اُدخِلَ قَبرَهُ و فارَقَهُ النّاسُ ، أتاهُ مُنكَرٌ ونَكيرٌ فى أهوَلِ صورَهٍ ، فَيَقيمانِهِ ثُمَّ يَقولانِ لَهُ : مَن رَبُّكَ ، وما دينُكَ ، ومَن نَبِيُّكَ ؟ فَيَتَلَجلَجُ لِسانُهُ ولا يَقدِرُ عَلَى الجَوابِ ، فَيَضرِبانِهِ ضَربَهً مِن عَذابِ اللّهِ يَذعَرُ لَها كُلُّ شَىءٍ . ثُمَّ يَقولانِ لَهُ : مَن رَبُّكَ ، وما دينُكَ ، ومَن نَبِيُّكَ ؟ فَيَقولُ : لا أدرى ! فَيَقولانِ لَهُ : لا دَرَيتَ ولا هُديتَ ولا أفلَحتَ .

ثُمَّ يَفتَحانِ لَهُ باباً إلَى النّارِ ، ويُنزِلانِ إلَيهِ الحَميمَ مِن جَهَنَّمَ ؛ وذلِكَ قَولُ اللّهِ عز و جل : «وَأَمّا إنْ كانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضّالّينَ * فَنُزُلٌ مِنْ حَمِيمٍ» يَعنى فِى القَبرِ «وَ تَصْلِيَةُ جَحِيمٍ» يَعنى فِى الآخِرَهِ . (1)1767.الإمام الرضا عليه السلام : تفسير القمّى عن أبى اُسامه عن أبى عبد اللّه وأبى جعفر عليهماالسلام : وَاللّهِ لَتَشفَعَنَّ فِى المُذنِبينَ مِن شيعَتِنا حَتّى تَقولَ (2) أعداؤُنا إذا رَأوا ذلِكَ : «فَمَا لَنَا مِن شَفِعِينَ * وَ لَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ * فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» قالَ : مِنَ المُهتَدينَ ، قالَ : لِأَنَّ الإيمانَ قَد لَزِمَهُم بِالإقرارِ . (3)1766.الإمام زين العابدين عليه السلام : الإمام الصّادق عليه السلام : إنَّ المَيِّتَ إذا كانَ مِن أهلِ الجَنَّهِ نادى : عَجِّلوا بى ، وَإن كانَ مِن أهلِ النّارِ نادى : رُدّونى . (4) .

1- .الأمالى للصدوق : ص 365 ح 455 عن سليمان بن مقبل المدينى عن الإمام الكاظم عليه السلام ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 167 عن الإمام علىّ عليه السلام ، روضه الواعظين : ص 325 ، جامع الأخبار : ص 478 ح 1339 ، بحار الأنوار : ج 6 ص 222 ح 22 .
2- .فى المصدر : «يقولوا» ، والأصح ما أثبتناه كما فى بحار الأنوار نقلاً عنه .
3- .تفسير القمّى : ج 2 ص 123 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 37 ح 15 .
4- .ذكرى الشيعه : ج 1 ص 394 ، بحار الأنوار : ج 81 ص 260 ح 9 .

1765.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : هر گاه کافر بمیرد ، هفتاد هزار دوزخبان ، او را به سوی قبرش تشییع می کنند و او با صدایی که جز پریان و آدمیان، همه موجودات آن را می شنوند، حاملان تابوتش را سوگند می دهد و می گوید: کاش مرا بازگشتی [دوباره به دنیا]بود تا از مؤمنان می شدم ! و می گوید: مرا بر گردانید تا شاید در آنچه وا نهاده ام ، کار نیکی انجام دهم .

امّا دوزخبانان پاسخش می دهند: «هرگز ! این ، سخنی است که تو می گویی» .

و فرشته ای به آنان ندا می دهد که: «اگر هم باز گردانیده شود ، باز همان کارهایی را می کند که از آن نهی شده بود» .

چون او را در گورش نهند و مردم پراکنده شوند ، نکیر و منکر در هولناک ترین چهره به نزدش می آیند و او را می شناسند . سپس به وی می گویند: «پروردگارت کیست ؟ دینت چیست ؟ پیامبرت چه کسی است؟» .

او زبانش بند می آید و نمی تواند پاسخ دهد. پس منکر و نکیر ، چنان ضربتی از عذاب خدا بر او می کوبند که همه موجودات ، از آن به وحشت می افتند. دوباره به او می گویند: «پروردگارت کیست ؟ دینت چیست ؟ پیامبرت چه کسی است؟» .

او می گوید: نمی دانم.

نکیر و منکر به او می گویند : «نه دانستی و نه راه یافتی و نه رستگار شدی» .

سپس دری به سوی آتش برایش می گشایند و از جوشاب جهنّم برایش فرود می آورند. این است سخن خدای عز و جل که: «و امّا اگر از دروغزنانِ گم راه باشد، پس با آب جوشان پذیرایی می شود» ؛ یعنی در قبر «و در آتش افروخته جای می گیرد» ؛ یعنی در آخرت.1764.مهج الدعوات عن صفوان بن مهران الجمّال : تفسیر القمّی به نقل از ابو اُسامه ، از امام صادق و امام باقر علیهماالسلام : به خدا سوگند ، ما در حقّ شیعیان گنهکارمان شفاعت می کنیم ، تا جایی که دشمنان ما با دیدن آن

می گویند : «ما را نه شفاعت کنندگانی است و نه دوستی مهربان . پس ، کاش ما را بازگشتی بود تا از مؤمنان می بودیم !» ؛ یعنی از ره یافتگان ؛ چون لازمه ایمان ، اقرار کردن آنها [به ولایت ما] است .1763.الإمام الصادق علیه السلام (فی دُعاءِ الاِستِخارَهِ) امام صادق علیه السلام : میّت اگر از اهل بهشت باشد ، [به حاملانِ خود] صدا می زند : زودتر مرا ببرید . و اگر از اهل آتش باشد ، صدا می زند : مرا بر گردانید . .

9 / 12كَثرَةُ البُكاءِ1760.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (فى حِرزٍ استَخرَجَهُ مِن كِتابِ اللّهِ العَزيز) رسول اللّه صلى الله عليه و آله : يا أيُّهَا النّاسُ ! اِبكوا ، فَإِن لَم تَبكوا فَتَباكَوا ؛ فَإِنَّ أهلَ النّارِ يَبكونَ حَتّى تَسيلَ دُموعُهُم فى وُجوهِهِم كَأَنَّها جَداوِلُ ، حَتّى تَنقَطِعَ الدُّموعُ فَتَسيلَ الدِّماءُ فَتَقرَحَ العُيونَ ، فَلَو أنَّ سُفُنا اُجرِيَت فيها لَجَرَت . (1)1759.الكافى عن سعد بن زيد عن أبى الحسن عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ أهلَ النّارِ لَيَبكونَ حَتّى لَو اُجرِيَتِ السُّفُنُ فى دُموعِهِم لَجَرَت ، وإنَّهُم لَيَبكونَ الدَّمَ . (2)1758.عنه عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : يُرسَلُ البُكاءُ عَلى أهلِ النّارِ ، فَيَبكونَ حَتّى يَنقَطِعَ الدُّموعُ ، ثُمَّ يَبكونَ الدَّمَ حَتّى يَصيرَ فى وُجوهِهِم كَهَيئَةِ الأُخدودِ (3) ؛ لَو اُرسِلَتَ فيهِ السُّفُنُ لَجَرَت . (4)9 / 13تَمَنّى الجَهْلِ بِحِسابِ أعمالِهِمالكتاب«وَ أَمَّا مَنْ أُوتِىَ كِتَبَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَلَيْتَنِى لَمْ أُوتَ كِتَبِيَهْ * وَ لَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيَهْ» . (5)

.

1- .الزهد لابن المبارک (الملحقات) : ص 85 ح 295 ، مسند أبى يعلى : ج 4 ص 158 ح 4120 ، صفه النار لابن أبى الدنيا : ص 132 ح 210 نحوه وكلّها عن أنس وراجع : تفسير القمّى : ج 1 ص 368 .
2- .المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 648 ح 8791 عن عبداللّه بن قيس ، كنزالعمّال : ج 14 ص 532 ح 39258 .
3- .الأُخدُود : شقّ فى الأرض مستطيل (لسان العرب : ج 3 ص 161 «خدد») .
4- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1446 ح 4324 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 93 ح 14 ، صفه النار لابن أبى الدنيا : ص 131 ح 208 ، البعث والنشور : ص 325 ح 593 و 594 كلّها عن أنس ، كنزالعمّال : ج 14 ص 531 ح 39526 .
5- .الحاقه : 25 و 26 .

9 / 12 گریه بسیار

9 / 13 آرزوی ناآگاهی از رسیدگی به کارهایشان

9 / 12گریه بسیار1751.الإمام علیّ علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ای مردم ! گریه کنید و اگر گریه تان نیامد ، تظاهر به گریه کنید؛ زیرا اهل آتش چنان گریه می کنند که اشک هایشان مانند جوی ، بر گونه هایشان روان می گردد ، تا آن که اشک ها می خشکد و خون جاری می شود و چشم ها زخم می شوند، و اگر چندین کشتی در آنها به حرکت در آورده شوند، حرکت می کنند.1750.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اهل آتش چندان گریه می کنند که اگر چندین کشتی در اشک هایشان به حرکت در آورده شوند، حرکت می کنند . آنان خون می گریند .1749.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اهل آتش را گریه فرا می گیرد و چندان می گریند که اشک ها [می خشکد و] قطع می شود . آن گاه ، چندان خون می گریند که چهره هایشان مانند گودال می شود ، به طوری که اگر چندین کشتی در آنها به حرکت در آورده شوند، حرکت می کنند .9 / 13آرزوی ناآگاهی از رسیدگی به کارهایشانقرآن«امّا آن کسی که نامه اش به دست چپش داده می شود ، می گوید : «ای کاش نامه ام به من داده نشده بود و از حسابم ، خبردار نمی شدم !»» .

.

الحديث1743.الإمام علىّ عليه السلام (فى وَصِيَّتِهِ لِكُمَيلِ بنِ زِيادٍ) الإمام الباقر عليه السلام : وَأُنزِلَ فِى الحاقَّهِ : «وَ أَمَّا مَن أُوتِىَ كِتَبَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَلَيتَنِى لَم أُوتَ كِتَبِيَه * وَ لَم أَدرِ مَا حِسَابِيَه * يَلَيتَهَا كَانَتِ القَاضِيَهَ * مَا أَغنَى عَنِّى مَالِيَه إلى قَولِهِ إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤمِنُ بِاللَّهِ العَظِيم» (1) فَهذا مُشرِكٌ . (2)9 / 14تَمَنِّى النَّجاهِ ولَو بِفِداءِ ما فِى الأَرضِ وأعَزِّ النّاسِالكتاب«قَالُواْ رَبَّنَا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَ أَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِّن سَبِيلٍ» . (3)

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُواْ لَوْ أَنَّ لَهُم مَّا فِى الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لِيَفْتَدُواْ بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَهِ مَا تُقُبِّلَ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ * يُرِيدُونَ أَن يَخْرُجُواْ مِنَ النَّارِ وَمَا هُم بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ» . (4)

«يُبَصَّرُونَهُمْ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِى مِنْ عَذَابِ يَوْمَئِذِ بِبَنِيهِ * وَ صَاحِبَتِهِ وَ أَخِيهِ * وَ فَصِيلَتِهِ الَّتِى تُئوِيهِ * وَ مَن فِى الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنجِيهِ * كَلَّا إِنَّهَا لَظَى * نَزَّاعَهً لِّلشَّوَى» . (5)

«لِلَّذِينَ اسْتَجَابُواْ لِرَبِّهِمُ الْحُسْنَى وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُواْ لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُم مَّا فِى الْأَرْضِ جَمِيعًا وَ مِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْاْ بِهِ أُوْلَائِکَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمِهَادُ» . (6)

.

1- .الحاقّه : 25 33 .
2- .الكافى : ج 2 ص 30 ح 1 عن محمّد بن سالم ، بحارالأنوار : ج 69 ص 88 ح 30 .
3- .غافر : 11 .
4- .المائده : 36 و 37 وراجع : آل عمران : 91 ، يونس : 54 ، الزمر : 47 .
5- .المعارج : 11 16 .
6- .الرعد : 18 .

9 / 14 آرزوی رهایی ، هر چند به قیمت فدا شدن آنچه در روی زمین است

حدیث1734.عنه صلی الله علیه و آله : امام باقر علیه السلام : در سوره حاقّه نازل شده است : «امّا آن کسی که نامه عملش به دست چپش داده می شود ، می گوید : «ای کاش نامه ام به من داده نشده بود و از حسابم ، خبردار نمی شدم ! ای کاش [مرگ ، آن را] تمام کرده بود . مالم سودی برایم نداشت»» تا این جا که : «او به خدای بزرگ ، ایمان نیاورده است» . این شخص ، همان مشرک است .9 / 14آرزوی رهایی ، هر چند به قیمت فدا شدن آنچه در روی زمین است و عزیزترین کسانقرآن«می گویند: «پروردگارا ! دو بار ما را به مرگ رسانیدی و دو بار ما را زنده گردانیدی. به گناهانمان اعتراف کردیم؛ پس آیا راه بیرون شدنی [از آتش] هست؟»» .

«کسانی که کفر ورزیدند، اگر تمام آنچه در زمین است ، برای آنان باشد و مانند آن را [نیز] با آن [داشته باشند] تا به وسیله آن ، خود را از عذاب روز قیامت باز خرند، از ایشان پذیرفته نمی شود و عذابی پردرد خواهند داشت. می خواهند که از آتش بیرون آیند ، در حالی که از آن ، بیرون آمدنی نیستند و برایشان عذابی پایدار خواهد بود».

«آنان را به ایشان نشان می دهند. گنهکار ، آرزو می کند که کاش برای رهایی از عذاب آن روز ، می توانست پسران خود را به عوض دهد و نیز همسر و برادرش را و قبیله اش را که به او پناه می دهند ، و هر کس را که در روی زمین است و همه را [عوض می داد] و آن گاه خود را می رهانید. هرگز ! آن ، آتش زبانه کش است ؛ [آتشی که] بر کَنَنده پوست سر و اندام است».

«برای کسانی که پروردگارشان را اجابت کرده اند ، پاداشی بس نیکوست ؛ ولی کسانی که وی را اجابت نکرده اند، اگر سراسر آنچه در زمین است و مانند آن را با آن داشته باشند، قطعا آن را برای بازخرید خود خواهند داد ؛ امّا آنان به سختی بازخواست می شوند و جایشان در دوزخ است و چه بد جایگاهی است !».

.

الحديث1725.عنه صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : يَقولُ اللّهُ تَعالى لِأَهوَنِ أهلِ النّارِ عَذابا يَومَ القِيامَهِ : لَو أنَّ لَکَ ما فِی الأَرضِ مِن شَیءٍ أَکُنتَ تَفتَدی بِهِ؟ فَیَقولُ : نَعَم . فَیَقولُ : أَرَدتُ مِنکَ أهوَنَ مِن هذا وأنتَ فی صُلبِ آدَمَ أَلّا تُشرِکَ بی شَیئا ، فَأَبیتَ إلّا أن تُشرِکَ بی ! (1)1724.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (مِن وَصِیَّهٍ لَهُ أوصی بِها عَلِیّا علیه السلا) عنه صلى الله عليه و آله کانَ یَقولُ : یُجاءُ بِالکافِرِ یَومَ القِیامَهِ فَیُقالُ لَهُ : أَرَأَیتَ لَو کانَ لَکَ مِل ءُ الأَرضِ ذَهَبا ، أکُنتَ تَفتَدی بِهِ ؟ فَیَقولُ : نَعَم . فَیُقالُ لَهُ : قَد کُنتَ سُئِلتَ ما هُوَ أیسَرُ مِن ذلِکَ ! (2)1723.الإمام الصادق علیه السلام (لِسُفیانَ الثَّورِیِّ) عنه صلى الله عليه و آله : یُؤتی بِرَجُلٍ مِن أهلِ النّارِ فَیَقولُ لَهُ : یَابنَ آدَمَ ، کَیفَ وَجَدتَ مَنزِلَکَ؟ فَیَقولُ : أی رَبِّ ! شَرُّ مَنزِلٍ . فَیَقولُ : أتَفتَدی مِنهُ بِطِلاعِ الأَرضِ ذَهَبا ؟ فَیَقولُ : نَعَم أی رَبِّ . فَیَقولُ : کَذَبتَ ! قَد سَأَلتُکَ ما هُوَ أقَلُّ مِن ذلِکَ فَلَم تَفعَل . فَیُرَدُّ إلَی النّارِ . (3)راجع : ص 566 (الفصل الثانی عشر : نظام جهنّم / أهون الناس عذابا) .

9 / 15تَمَنِّی المَوتِالکتاب«وَ نَادَوْاْ یَمَلِکُ لِیَقْضِ عَلَیْنَا رَبُّکَ قَالَ إِنَّکُم مَّکِثُونَ» . (4)

«وَ أَمَّا مَنْ أُوتِیَ کِتَبَهُ بِشِمَالِهِ فَیَقُولُ یَلَیْتَنِی لَمْ أُوتَ کِتَبِیَهْ * وَ لَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِیَهْ * یَلَیْتَهَا کَانَتِ الْقَاضِیَهَ» . (5)

.

1- .صحیح البخاری : ج 5 ص 2399 ح 6189 ، صحیح مسلم : ج 4 ص 2160 ح 51 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 256 ح 12291 کلّها عن أنس ، کنزالعمّال : ج 1 ص 72 ح 285 .
2- .صحیح البخاری : ج 5 ص 2395 ح 6173 ، تفسیر الطبری : ج 3 الجزء 3 ص 346 ، البعث والنشور : ص 97 ح 91 ، المنتخب من مسند عبد بن حمید : ص 355 ح 1179 کلّها عن أنس ، کنزالعمّال : ج 1 ص 73 ح 286 .
3- .مسند ابن حنبل : ج 4 ص 477 ح 13511 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 2 ص 85 ح 2405 ولیس فیه «فیردّ إلی النار» ، البعث والنشور : ص 328 ح 600 کلّها عن أنس ، کنزالعمّال : ج 4 ص 406 ح 11135 .
4- .الزخرف : 77 .

5- .الحاقّه : 25 27 .

9 / 15 آرزوی مرگ

حدیث1662.کنزالعمّال عن عبد اللّه بن یسار : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوندِ بلندمرتبه در روز قیامت ، به آن کس از اهل دوزخ که عذابش از همه سبک تر است، می فرماید: «اگر هر آنچه در زمین است از آنِ تو بود ، آیا حاضر بودی آن را فدیه خود دهی؟» . او می گوید: آری.

می فرماید : «من از تو کمتر از این را خواستم ، در حالی که تو در پشت آدم بودی ، [خواستم] که چیزی را شریک من قرار ندهی ؛ امّا تو نخواستی ، جز این که به من شرک بورزی» .1661.الإمام علیّ علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله همواره می فرمود : کافر در روز قیامت آورده می شود و به او گفته می شود: «اگر همه آنچه در زمین است طلا بود، حاضر بودی آن را فدیه خود بدهی؟» .

می گوید: آری .

به او گفته می شود: «آنچه [در دنیا] از تو خواسته شده بود، سبک تر از این بود» .1660.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مردی از اهل آتش را می آورند و خداوند به او می فرماید: «ای پسر آدم! منزل خود را چگونه یافتی؟» .

می گوید : پروردگارا ! بدترین منزل است.

خداوند می فرماید: «آیا حاضری به اندازه زمین ، طلا بدهی تا خود را از این منزل آزاد گردانی؟» .

می گوید : آری ، ای پروردگار من !

خداوند می فرماید : «دروغ می گویی! کمتر از این را از تو خواستم و تو ندادی» . آن گاه ، به سوی آتش بر گردانده می شود . ر . ک : ص 567 (فصل دوازدهم : نظام دوزخ / کم عذاب ترین مردم) . 9 / 15آرزوی مرگقرآن«و فریاد می کشند: «ای مالک! [بگو:] پروردگارت جان ما را بستاند» پاسخ می دهد «شما ماندگارید» .

«و امّا کسی که کارنامه اش به دست چپش داده می شود، می گوید: ای کاش کتابم را دریافت نکرده بودم و از حساب خود ، خبردار نشده بودم ! ای کاش آن (مرگ) کار را تمام می کرد !» .

.

الحديث1653.علل الشرايع عن المفضّل بن عمر : الإمام علىّ عليه السلام : مَن لا يَسكُنُ الجَنَّةَ فَبَشِّرهُ بِعَذابٍ أليمٍ ، وخِزيٍ مُقيمٍ ، وأكبالٍ ومَقامِعَ ، وسَلاسِلَ طِوالٍ ، ومُقَطَّعاتِ النّيرانِ ، ومُقارِنَهِ كُلِّ شَيطانٍ . الشَّرابُ صَديدٌ ، وَاللِّباسُ حَديدٌ ، والخَزَنَهُ فَظظَهٌ ، وَالنّارُ مُلَتَهِبَهٌ ، وَالأبوابُ موثَقَهٌ مُطبَقَهٌ ، يُنادَونَ فَلا يُجابونَ ، ويَستَغيثونَ فَلا يُرحَمونَ ، نِداؤُهُم : «يَمَلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُم مَّكِثُونَ * لَقَدْ جِئْنَكُم بِالْحَقِّ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَرِهُونَ» (1) . (2)1652.سنن الترمذى عن أبى هريره : تفسير القمّى : «إِنَّ المُجرِمِينَ فِى عَذَابِ جَهَنَّمَ خَلِدُونَ * لَا يُفَتَّرُ عَنهُم وَ هُم فِيهِ مُبلِسُونَ» أى آيِسُونَ مِنَ الخَيرِ ، فَذلِكَ قَولُ أميرِ المُؤمِنينَ عليه السلام : وَأمّا أهلُ المَعصِيَهِ فَخَلَدُوا فِى النّارِ ، وَأُوثِقَ مِنهُم الأقدامُ ، وَغُلَّ مِنهُمُ الأيدى إِلَى الأعناقِ ، وَأُلبِسَ أجسادُهُم سَرابيلَ القَطِرانِ ، وَقُطِّعَت لَهُم مُقَطَّعاتٌ مِنَ النّارِ ، هُم فى عَذابٍ قَد اِشتَدَّ حَرُّهُ ، وَنارٍ قَد أُطبِقَ عَلى أهلِها ، فَلا يُفَتَّحُ عَنهُم أبَدا ، وَلا يَدخُلُ عَلَيهِم ريحٌ أبدا ، وَلا يَنقَضى مِنهُم الغَمُّ أبَدا ، وَالعَذابُ أبَدا شَديدٌ ، وَالعِقابُ أبَدا جَديدٌ ، لَا الدّارُ زائِلَهٌ فَتَفنى ، وَلا آجالُ القَومِ تُقضى .

ثُمَّ حَكى نِداءَ أهلِ النّارِ فَقالَ : «وَ نَادَوا يَمَلِكُ لِيَقضِ عَلَينَا رَبُّكَ» قالَ : أى نَموتُ ، فَيَقولُ مالِكٌ : «إِنَّكُم مَّكِثُونَ» . (3) .

1- .الزخرف : 77 و 78 .
2- .بشاره المصطفى : ص 30 عن كميل ، بحارالأنوار : ج 77 ص 276 ح 1 .
3- .تفسير القمّى : ج 2 ص 289 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 292 ح 34 .

حدیث1650.سنن ابن ماجه عن أبی حُمَید الساعدی : امام علی علیه السلام : کسی که در بهشت ساکن نشد، پس نویدش ده به عذاب پردرد و خواریِ ماندگار، دستبندها و گُرزها، زنجیرهای دراز و پاره های آتش، هم بندی با شیطان ها، نوشیدن خون آمیخته به چرک ، جامه آهنی ، نگهبانان دژخیم ، آتش شعله کشان و درهای سخت بسته و محکم . صدا می زنند ؛ امّا پاسخ داده نمی شوند . فریادخواهی می کنند ؛ ولی به آنان رحم نمی شود. فریادشان این است که : «ای مالک [دوزخ] ! [بگو :] پروردگارت ما را بمیراند. و او می گوید: «شما ماندگارید . ما حق را برای شما آوردیم ؛ لیک بیشترشان حق را ناخوش داشتند»» .1649.الإمام علیّ علیه السلام : تفسیر القمّی : «همانا مجرمان در عذاب جهنّم ماندگارند . عذاب از آنان تخفیف نمی یابد و آنها در آن جا نومیدند» یعنی از خیر نومیدند ، و این ، سخن فرموده امیر مؤمنان علیه السلام است که می فرماید : «و امّا گنهکاران در آتش جاویدان اند ، و پاهایشان را می بندند ، و دست هایشان به گردن هایشان به کند و زنجیر بسته می شود ، و جامه هایی از قطران بر تن آنان می پوشانند ، و تکّه هایی از آتش برایشان می بُرند ، و در عذابی سخت داغ و در آتشی هستند که اهل خود را فرو می پوشاند و هرگز دَرَش به روی آنان باز نمی شود ، و هرگز بادی بر آنان نمی وزد ، و هرگز غم و اندوهشان پایان نمی پذیرد ، و عذاب همواره سخت و شدید است ، و هر دم کیفری نو می بینند . نه خانه از بین می رود ، و نه عمر آنان به سر می آید . سپس خداوند ، فریاد اهل آتش را بازگو کرده ، می فرماید : «و فریاد می کشند : ای مالک ! [بگو :]پروردگارت بر ما حکم کند» . یعنی بمیریم ، و مالک می گوید : «شما ماندگارید» » . .

الفَصلُ العاشِرُ: ما يؤدّى إلى دخول النّار10 / 1الغَفلَهُالكتاب«وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالإِنس لَهُمْ قُلُوبٌ لَايَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَايُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ ءَاذَانٌ لَايَسْمَعُونَ بِهَا أُوْلَائِکَ کَالأَنْعَمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُوْلَائِکَ هُمُ الْغَفِلُونَ» . (1)

«إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَ رَضُواْ بِالْحَيَوهِ الدُّنْيَا وَ اطْمَأَنُّواْ بِهَا وَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ ءَايَتِنَا غَفِلُونَ * أُوْلَائِکَ مَأْوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُواْ يَکْسِبُونَ» . (2)

«قُتِلَ الْخَرَّ صُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِى غَمْرَهٍ سَاهُونَ * يَسْئلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ * يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ * ذُوقُواْ فِتْنَتَکُمْ هَذَا الَّذِى كُنتُم بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ» . (3)

«وَ تَرَکْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِى بَعْضٍ وَ نُفِخَ فِى الصُّورِ فَجَمَعْنَهُمْ جَمْعًا * وَ عَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِّلْكَفِرِينَ عَرْضًا * الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِى غِطَاءٍ عَن ذِكْرِى وَ كَانُواْ لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا» . (4)

.

1- .الأعراف : 179 .
2- .يونس : 7 و 8 .
3- .الذاريات : 10 14 .
4- .الكهف : 99 101 .

فصل دهم : آنچه به دخول دوزخ می انجامد

10 / 1 غفلت

فصل دهم : آنچه به دخول دوزخ می انجامد10 / 1غفلتقرآن«و در حقیقت، بسیاری از پریان و آدمیان را برای دوزخ آفریده ایم ؛ [چرا که] دل هایی دارند که با آن دریافت نمی کنند و چشمانی دارند که با آنها نمی بینند و گوش هایی دارند که با آنها نمی شنوند. آنان همانند چارپایان اند ؛ بلکه گم راه ترند. آنان همان غافلان اند».

«کسانی که امیدی به دیدار ما ندارند و به زندگیِ دنیا دل خوش کرده و بدان اطمینان یافته اند و کسانی که از آیات ما غافل اند، آنان به کیفر آنچه به دست می آورند، جایگاهشان آتش است».

«مرگ بر دروغ پردازان ؛ همانان که در ورطه نادانی ، بی خبرند . می پرسند: «روز پاداش ، کی است؟» . همان روز که آنان به آتش ، عقوبت می شوند . [به آنان گفته می شود :] بچشید این عذابتان را که با شتاب ، خواستار آن بودید».

«و در آن روز ، آنان را رها می کنیم تا موج آسا بعضی با برخی در آمیزند و [همین که] در صور دمیده می شود، همه آنها را گرد خواهیم آورد. و آن روز، جهنّم را آشکارا به کافران بنمایانیم ، به همان کسانی که چشمان آنها از یاد من در پرده بود و تواناییِ شنیدن [حق را]نداشتند».

.

الحديث2002.سنن النسائى عن اُمِّ سلمه : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : ألا رُبَّ مَسرورٍ ومَغبونٍ وهُوَ لا يَشعُرُ ، يَأكُلُ ويَشرَبُ ويَضحَكُ ، وحَقٌّ لَهُ مِنَ اللّهِ أن يَصلَى السَّعيرَ . (1)2001.الأدب المفرد عن ابن عبّاس : الإمام عليّ عليه السلام : لا تَكُن غافِلاً عَن دينِكَ ، حَريصا عَلى دُنياكَ ، مُستَكثِرا مِمّا لا يَبقى عَلَيكَ ، مُستَقِلاًّ مِمّا يَبقى لَكَ ، فَيورِدُكَ ذلِكَ العَذابَ الشَّديدَ . (2)2000.الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : عنه عليه السلام : ما بالُ مَن خالَفَكُم أشَدُّ بَصيرَةً فى ضَلالَتِهِم ، وأبذَلُ لِما فى أيدِيهِم مِنكُم ؟! ما ذاكَ إلّا أنَّكُم رَكَنتُم إلَى الدُّنيا ؛ فَرَضيتُم بِالضَّيمِ ، وشَحَحتُم عَلَى الحُطامِ ، وفَرَّطتُم فيما فيه عِزُّكُم وسَعادَتُكُم وقُوَّتُكُم عَلَى مَن بَغى عَلَيكُم ، لا مِن رَبِّكُم تَستَحيونَ فيما أمرَكُم بِهِ ، ولا لِأنفُسِكُم تَنظُرونَ ، وأنتُم فى كُلِّ يَومٍ تُضامونَ ، ولا تَنتَهونَ مِن رَقدَتِكُم ، ولا يَنقَضى فُتورُكُم ، أما تَرونَ إلى بِلادِكُم ودينِكُم كُلَّ يَومٍ يَبلى وأنتُم فى غَفلَةِ الدُّنيا ، يَقولُ اللّهُ عز و جل : «وَ لَا تَرْكَنُواْ إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُواْ فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَ مَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ» . (3)10 / 2الاِستِكبارُ الكتاب«فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ الصَّلِحَتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنكَفُواْ وَاسْتَكْبَرُواْ فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا» . (4)

«وَالَّذِينَ كَذَّبُواْ بِأيَتِنَا وَاسْتَكْبَرُواْ عَنْهَا أُوْلَائِكَ أَصْحَبُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَلِدُونَ» . (5)

«إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُواْ بِأيَتِنَا وَاسْتَكْبَرُواْ عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَ بُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِى سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَ لِكَ نَجْزِى الْمُجْرِمِينَ» . (6)

«أَن تَقُولَ نَفْسٌ يَحَسْرَتَى عَلَى مَا فَرَّطتُ فِى جَنبِ اللَّهِ وَ إِن كُنتُ لَمِنَ السَّخِرِينَ * أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِى لَكُنتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ * أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِى كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ * بَلَى قَدْ جَاءَتْكَ ءَايَتِى فَكَذَّبْتَ بِهَا وَ اسْتَكْبَرْتَ وَ كُنتَ مِنَ الْكَفِرِينَ» . (7)

«فَادْخُلُواْ أَبْوَ بَ جَهَنَّمَ خَلِدِينَ فِيهَا فَلَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ» . (8)

«النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَ عَشِيًّا وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُواْ ءَالَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ * وَ إِذْ يَتَحَاجُّونَ فِى النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَؤُاْ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُواْ إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنتُم مُّغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِّنَ النَّارِ» . (9)

.

1- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 221 ، بحار الأنوار : ج 82 ص 168 ح 3 .
2- .غرر الحكم : ح 10407 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 527 ح 9598 .
3- .الخصال : ص 634 ح 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تفسير فرات : ص 368 نحوه ، بحار الأنوار : ج 10 ص 112 ح 1 .
4- .النساء : 173 .
5- .الأعراف : 36 .
6- .الأعراف : 40 .
7- .الزمر : 56 59 .
8- .النحل : 29 .
9- .غافر : 46 و 47 .

حدیث1989.الإمام علیّ علیه السلام (مِن دُعائِهِ بَعدَ نافِلَهِ الفَجرِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ای بسا شادمانی که زیانکار است و خود نمی داند، در حالی می خورد و می نوشد و می خندد که سزاوار است خداوند ، او را در آتش فروزان درافکند .1988.تنبیه الغافلین عن أبی ذرّ عن رسول اللّه صلی الله امام علی علیه السلام : از دین خود غافل و به دنیایت آزمند مباش تا [مبادا] از آنچه برایت نمی ماند ، بسیار گرد آوری و از آنچه برایت می ماند ، اندک داشته باشی و در نتیجه، تو را به آن عذاب سخت در آورد .1987.مسند ابن حنبل عن أبی اُمامه (فی ذِکرِ حَدیثِ أبی ذَرٍّ مَعَ النَّبِیِّ صلی ا) امام علی علیه السلام : چه شده است که مخالفان شما، در گم راهی شان بینش دارتر از شما هستند و در بذل و بخشش آنچه دارند ، گشاده دست تر از شمایند ؟! این نیست مگر از آن روی که شما به دنیا دل بسته اید و به ستم و خواری رضایت داده اید، به حطام دنیا حریص گشته اید و در آنچه مایه عزّت و سعادت شما و موجب قدرت شما در برابر کسی است که بر شما سرکشی و تعدّی کرده ، کوتاهی ورزیده اید. نه از پروردگارتان در آنچه به شما فرمان داده است [و آن را به جا نمی آورید] ، شرم می دارید و نه به فکر خویشتنید. هر روز با شما بدرفتاری و ستم می شود ؛ ولی شما از خواب [غفلت] خود بیدار نمی شوید و سستی تان به سر نمی آید. آیا به سرزمینتان و دینتان نمی نگرید که هر روز کهنه می شود و شما همچنان در غفلت دنیازدگی به سر می برید ؟! خداوند عز و جل می فرماید: «و به کسانی که ستم کرده اند ، متمایل مشوید که آتش به شما می رسد و در برابر خدا برای شما دوستانی نخواهد بود و سرانجام ، یاری نخواهید شد» .10 / 2تکبّرقرآن«امّا کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند ، پاداششان را به تمام خواهد داد و از فضل خود ، به ایشان افزون تر می بخشد ، و امّا کسانی که [از پذیرش حق] خودداری ورزیده اند و بزرگی [تکبّر] فروخته اند، آنان را به عذابی دردناک دچار می سازد و در برابر خدا ، برای خود ، یار و یاوری نخواهند یافت».

«و کسانی که آیات ما را دروغ انگاشتند و از پذیرش آنها تکبّر ورزیدند ، آنان همدم آتش اند و در آن جاویدان اند».

«کسانی که آیات ما را دروغ انگاشتند و از [پذیرفتن] آنها تکبّر ورزیدند، درهای آسمان برایشان گشوده نمی گردد و وارد بهشت نمی شوند ، مگر شتر در سوراخ سوزن داخل شود، (1) و بزهکاران را این چنین کیفر می دهیم».

«تا آن که [مبادا] کسی بگوید: «دریغا بر آنچه در حضور خدا کوتاهی نمودم ! بی تردید ، من از ریشخندکنندگان بودم» ، یا بگوید: «اگر خدا هدایتم می کرد، مسلّما از پرهیزگاران بودم» ، یا چون عذاب را ببیند، بگوید: «کاش مرا برگشتی بود تا از نیکوکاران می شدم !» . آری، نشانه های من بر تو آمد ؛ ولی آنها را تکذیب کردی و تکبّر ورزیدی و از کافران شدی».

«پس، از درهای جهنّم وارد شوید و در آن ، جاودانه بمانید . و حقّا که چه بد است جایگاه متکبّران !».

«هر بام و شام ، بر آتش عرضه می شوند، و روزی که رستاخیز برپا شود ، [فریاد می رسد که:] فرعونیان را در سخت ترین عذاب در آورید، و آن گاه که در آتش شروع به آوردن حجّت می کنند، زیردستان به کسانی که مستکبر بودند ، می گویند: «ما پیرو شما بودیم . پس آیا می توانید پاره ای از این آتش را از ما دفع کنید ؟»».

.

1- .واژه «جمل» که در آیه آمده ، هم به معنای شتر است و هم به طناب کشتی گفته می شود. از این رو، ترجمه آیه را چنین نیز گفته اند: مگر طناب کشتی ، از سوراخ سوزن بگذرد .

الحديث1976.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : يُحشَرُ المُتَكَبِّرونَ يَومَ القِيامَهِ أمثالَ الذَّرِّ فى صُوَرِ الرِّجالِ ، يَغشاهُمُ الذُّلُّ مِن كُلِّ مَكانٍ ، فَيُساقونَ إلى سِجنٍ فى جَهَنَّمَ يُسَمّى «بُولَسَ» تَعلوهُم نارُ الأنيارِ ، يُسقَونَ مِن عُصارَهِ أهلِ النّارِ طينَهَ الخَبالِ (1) . (2) .

1- .طينهُ الخَبال : الخَبالُ عُصارهُ أهلِ النار ، والخَبالُ فى الأصل : الفَسادُ (النهايه : ج 2 ص 8 «خبل») .
2- .سنن الترمذى : ج 4 ص 655 ح 2492 ، الأدب المفرد : ص 169 ح 557 ، مسند ابن حنبل : ج 2 ص 596 ح 6689 ، مسند الحميرى : ج 2 ص 272 ح 598 كلاهما نحوه وكلّها عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جدّه ، كنز العمّال : ج 3 ص 528 ح 7750 .

حدیث1974.سنن أبی داوود عن أبی سعید الخدری : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : متکبّران، در روز رستاخیز ، چونان موران ِ انسان نما محشور می شوند و خواری ، از هر سو آنان را فرا می گیرد، و به سوی زندانی در جهنّم، به نام «بَوْلَس» (1) رانده می شوند و آتش ِ آتش ها (2) آنها را فرو می پوشاند و از عصاره دوزخیان، به نام «طینه الْخَبال»، به آنان می نوشانند. .

1- .یا: بُولَس.
2- .اضافه «نار» به «انیار (آتش ها)» در متن حدیث ، برای مبالغه است . گویا این آتش از ِ فرط سوزندگی و شدّت گرمایش ، با دیگر ِ آتش ها چنان می کند که آن آتش ها با دیگر ِ اشیا می کنند. یا: چون این آتش ، اصل همه آتش های عالم است ، آن را آتش ِ آتش ها گفته اند. شاید هم اشاره باشد به «النَّارَ الْکُبْرَی» که در قرآن کریم (اعلی : آیه 12) آمده است.

1973.عنه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : مَن كانَ فى قَلبِهِ مِثقالُ حَبَّةٍ مِن خَردَلٍ مِن كِبرٍ أكَبَّهُ اللّهُ عَلى وَجهِهِ فِى النّارِ .

1972(1).رسول اللّه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : يَقولُ اللّهُ عز و جل : لِىَ العَظَمَةُ وَالكِبرِياءُ وَالفَخرُ ، وَالقَدَرُ سِرّى ، فَمَن نازَعَنى فى واحِدَةٍ مِنهُنَّ كَبَبتُهُ فِى النّارِ .

1971(2).تفسير القمّى (فى قَولِهِ تَعالى : {Q} «وَ قُل رَّبِّ أَعُوذُ) عنه صلى الله عليه و آله : قالَ اللّهُ عز و جل : الكِبرِياءُ رِدائى وَالعَظَمَةُ إزارى ، فَمَن نازَعَنى واحِدا مِنهُما قَذَفتُهُ فِى النّارِ .

1970(3).عنه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : مَن تَكَبَّرَ عَلَى اللّهِ دَرَجَةً وَضَعَهُ اللّهُ دَرَجَةً حَتّى يَجعَلَهُ فى أسفَلِ السّافِلينَ .

1969(4).رسول اللّه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ أهلَ النّارِ كُلُّ جَعظَرِىٍّ (5) ، جَوّاظٍ (6) ، مُستَكبِرٍ ، جَمّاعٍ ، مَنّاعٍ . وأهلُ الجَنَّةِ الضُّعَفاءُ المَغلوبونَ .

1968(7).الإمام الباقر عليه السلام : المعجم الأوسط عن أبى هريره : قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : ألا أُنَبِّئُكُم بِأهلِ النّارِ؟ قُلنا : بَلى

يا رَسولَ اللّهِ ، قالَ : كُلُّ جَظٍّ جَعظٍ مُستَكبِرٍ ، قُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ، مَا الجَظُّ؟ قالَ : الضَّخمُ (8) ، قُلتُ : فَمَا الجَعظُ؟ قالَ : اَلعَظيمُ فى نَفسِهِ . (9) .

1- .مسند ابن حنبل : ج 2 ص 673 ح 7035 ، مسند الشاميّين : ج 1 ص 60 ح 62 ، شعب الإيمان : ج 6 ص 280 ح 8154 ، كنز العمّال : ج 3 ص 534 ح 7773 نقلاً عن الدارقطنى فى الإفراد وابن النّجار وكلّها عن عبد اللّه بن عمرو .

2- .كنز العمّال : ج 3 ص 535 ح 7780 ، نوادر الأُصول : ج 1 ص 34 عن أنس .

3- .سنن أبى داود : ج 4 ص 59 ح 4090 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1397 ح 4174 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 315 ح 8903 كلّها عن أبى هريره ، صحيح ابن حبّان : ج 12 ص 486 ح 5672 عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : ج 3 ص 526 ح 7740 .

4- .مسند ابن حنبل : ج 4 ص 152 ح 11724 ، مسند أبى يعلى : ج 2 ص 38 ح 1104 ، موارد الضمآن : ص 478 ح 1942 كلّها عن أبى سعيد الخدرى .

5- .الجَعْظَرِىّ : اَلفظّ الغليظ المُتكبّر (النهايه : ج 1 ص 276 «جعظر») .

6- .الجَوّاظ : الجموع المنوع . وقيل : الكثير اللّحم المختال فى مشيته (النهايه : ج 1 ص 316 «جوظ») .
7- .مسند ابن حنبل : ج 2 ص 672 ح 7030 و ص 575 ح 6591 وليس فيه «وأهل الجنّه . . .» ، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 542 ح 3844 وليس فيه «منّاع» وكلّها عن عبد اللّه بن عمرو ، المعجم الأوسط : ج 3 ص 283 ح 3157 ، عن سراقه بن مالک وليس فيه «جمّاع منّاع» ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1378 ح 4116 ، المعجم الكبير : ج 3 ص 236 ح 3257 كلاهما عن حارثه بن وهب نحوه ، كنز العمّال : ج 16 ص 102 ح 44064 .
8- .الضَخِم : الغليظ من كلّ شىء (مجمع البحرين : ج 2 ص 1070 «ضخم») .
9- .المعجم الأوسط : ج 4 ص 302 ح 4263 ، مسند أبى يعلى : ج 5 ص 415 ح 6101 ، شعب الإيمان : ج 6 ص 286 ح 8176 .

1967.عدّه الداعی : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس به اندازه دانه خردلی تکبّر در دلش باشد ، خداوند ، او را به رو ، در آتش می افکند.1966.المعجم الأوسط عن عمرو بن شعیب عن أبیه عن جدّه : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل می فرماید: «بزرگی و والایی (کبریا) و نازش ، از آنِ من است و تقدیر ، راز من است . پس هر که بر سر یکی از آینها با من بستیزد ، او را در آتش فرو می افکنم» .1965.طبُّ الأئمّه عن الحلبی : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل فرمود: «والایی ، ردای من است و بزرگی ، پاىْ جامه ام . پس هر که بر سر یکی از این دو با من بستیزد ، او را در آتش می افکنم» .1964.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس در برابر خدا یک درجه بزرگی نماید ، خداوند ، او را یک درجه پست و پایین می آورد ، [و این ادامه دارد] تا جایی که وی را در اسفل السافلین قرار دهد.1963.المعجم الأوسط عن خالد بن الولید : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اهل آتش، هر درشت خویِ ددمنش (1) متکبّر مال اندوزِ بخیل است و اهل بهشت، مستضعفان بی پناه اند.1962.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : المعجم الأوسط به نقل از ابو هُریره : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا شما را از اهل آتش خبر ندهم؟» .

گفتیم : چرا، ای پیامبر خدا !

فرمود: «هر جَظّ جَعظ مستکبری» .

گفتم : ای پیامبر خدا ! جَظ یعنی چه؟

فرمود: «تنومند گوشتالو» .

گفتم : جَعظ یعنی چه؟

فرمود: «خودبزرگ بین». .

1- .یا: هر خودْبزرگ بین تنومند گوشتالو... .

1961.عنه علیه السلام : رسول اللّه صلی الله علیه و آله : یقول اللّه تعالی : ... ما مِن عَبدٍ مِن عَبیدی تَکَبَّرَ عِندَ حَقّی إلّا وأنَا اُدخِلُهُ ناری.

1960(1).الإمام الباقر علیه السلام : الإمام علیّ علیه السلام : کُلُّ مَن کانَ فِی الدُّنیا شاکّا أو جَبّارا أدخَلَهُ النّارَ . 1959(2).الإمام الصادق علیه السلام : عنه علیه السلام : مَن لَبِسَ الثِّیابَ الفاخِرَةَ فَلا بُدَّ لَهُ مِنَ الکِبرِ ، ولا بُدَّ لِصاحِبِ الکِبرِ مِنَ النّارِ . 1958(3).الإمام علیّ علیه السلام : عنه علیه السلام : مَن لَبِسَ المُرتَفِعَ مِنَ الثِّیابِ فَلا بُدَّ لَهُ مِنَ التَّکَبُّرِ ، ولابُدَّ لِلمُتَکَبِّرِ مِنَ النّارِ . 1957(4).صحیح مسلم عن أبی هریره : عنه علیه السلام : إنَّ اللّهَ عز و جل یَستَجیبُ لِکُلِّ مَن دَعاهُ ، ویورِدُ النّارَ مَن عَصاهُ وکُلَّ مُستَکبِرٍ عَن عِبادَتِهِ ، قالَ اللّهُ عز و جل : «ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ إِنَّ الَّذِینَ یَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِی سَیَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِینَ» . 1956(5).عنه صلی الله علیه و آله : الإمام الباقر علیه السلام : الکِبرُ مَطایَا النّارِ . 1955(6).عنه صلی الله علیه و آله (لِعَلِیٍّ علیه السلام) عنه علیه السلام : العِزُّ رِداءُ اللّهِ ، وَالکِبرُ إزارُهُ ، فَمَن تَناوَلَ شَیئا مِنهُ أکَبَّهُ اللّهُ فی جَهَنَّمَ . 1954(7).عنه صلی الله علیه و آله : الإمام الصادق علیه السلام : الکِبرُ رِداءُ اللّهِ ، فَمَن نازَعَ اللّهُ شَیئا مِن ذلِکَ أکَبَّهُ اللّهُ فِی النّارِ . (8) .

1- .تاریخ دمشق : ج 57 ص 4 ح 11903 عن أنس ، کنز العمال : ج 3 ص 701 ح 8507 .
2- .إرشاد القلوب : ص 366 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 259 ح 53 .
3- .إرشاد القلوب : ص 194 ، مستدرک الوسائل : ج 12 ص 30 ح 13428 .
4- .مستدرک الوسائل : ج 3 ص 257 ح 3526 نقلاً عن القطب الراوندی فی لبّ اللباب .
5- .کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 1 ص 431 ح 1263 ، وسائل الشیعه : ج 5 ص 65 ح 9632 .
6- .ثواب الأعمال : ص 265 ح 6 عن سعد بن طریف ، وسائل الشیعه : ج 11 ص 301 ح 20794 .
7- .الکافی : ج 2 ص 309 ح 3 ، ثواب الأعمال : ص 264 ح 1 و کلاهما عن العلاء بن الفضیل ، عن الإمام الصادق علیه السلام ، عوالی اللآلی : ج 1 ص 359 ح 32 وفیه «جادل» بدل «تناول» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 213 ح 3 .

8- .الكافى : ج 2 ص 310 ح 5 عن ليث المرادى ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 62 ح 164 عن إسحاق بن عمّار ، مشكاه الأنوار : ص 401 ح 1328 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 215 ح 5 .

1953.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند متعال می فرماید : «هر بنده ای از بندگانم که در برابر حقّ من گردن فرازی کند ، بی گمان ، او را وارد آتش خویش می کنم»
.1952.طبّ الأئمّه عن خالد العبسی : امام علی علیه السلام : هر کسی که در دنیا اهل شک یا گردن فرازی بوده ، [خداوند ،] او را به آتش می برد.1951.طبّ الأئمّه عن داوود الرقّی عن الإمام الکاظم علیه امام علی علیه السلام : هر کسی جامه های فاخر بپوشد ، ناچار دچار تکبّر می شود و شخص متکبّر هم ناچار در آتش است.1950.الکافی عن إبراهیم بن عبد الحمید عن رجل : امام علی علیه السلام : کسی که جامه های مجلّل بپوشد ، حتما دچار تکبّر می شود، و شخص متکبّر هم قطعا در آتش است.1949.طبّ الأئمّه عن حریز عن الإمام الصادق عن آبائه علی امام علی علیه السلام : خداوند عز و جل به هر کسی که او را بخواند ، پاسخ می دهد، و هر که را نافرمانی اش کند و از عبادتش تکبّر ورزد ، به آتش می برد. خدای عز و جل فرموده است: «مرا بخوانید تا پاسختان دهم . همانا کسانی که از عبادت من تکبّر می ورزند ، زود است که با خواری ، وارد جهنّم شوند» .1948.طبّ الأئمّه عن یونس بن ظبیان عن الإمام الصادق علی امام باقر علیه السلام : تکبّر، مَرکَبِ آتش است.1947.الإمام الباقر علیه السلام : امام باقر علیه السلام : عزّت و عظمت ، ردای خدا و والایی (کبریا) پایْ جامه اوست . پس هر که چیزی از آن را [برای خود]بر گیرد ، خداوند ، او را در جهنّم سرنگون می سازد .1946.طبّ الأئمّه عن الحارث الأعور : امام صادق علیه السلام : کبر و بزرگی ، ردای خداست . بنا بر این، هر کس در چیزی از آن با خداوند بستیزد ، خداوند ، او را در آتش سرنگون می سازد . .

10 / 3الكُفرُالكتاب«أَفَمَن كَانَ عَلَى بَيِّنَهٍ مِّن رَّبِّهِ وَ يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَ مِن قَبْلِهِ كِتَبُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً أُوْلَائِکَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ من يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ» . (1)

«وَالَّذِينَ كَفَرُواْ وَ كَذَّبُواْ بِأيَتِنَا أُوْلَائِکَ أَصْحَبُ النَّارِ خَلِدِينَ فِيهَا وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ» . (2)

«وَ الَّذِينَ كَفَرُواْ وَ كَذَّبُواْ بِأيَتِنَا أُوْلَائِکَ أَصْحَبُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَلِدُونَ» . (3)

«وَ الَّذِينَ كَفَرُواْ بِأيَتِنَا هُمْ أَصْحَبُ الْمَشئمَهِ * عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤْصَدَهُ (4) » . (5)

«وَكَذَ لِکَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّکَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُواْ أَنَّهُمْ أَصْحَبُ النَّارِ» . (6)

«وَالَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِأيَتِنَا أُوْلَائِکَ أَصْحَبُ الْجَحِيمِ» . (7)

«لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُواْ حِينَ لَا يَكُفُّونَ عَن وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَ لَا عَن ظُهُورِهِمْ وَ لَا هُمْ يُنصَرُونَ * بَلْ تَأْتِيهِم بَغْتَهً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَ لَا هُمْ يُنظَرُونَ» . (8)

الحديث1934.سنن الترمذى عن معاذ بن جبل : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ الكافِرَ إذا حَضَرَ بُشِّرَ بِعَذابِ اللّهِ وعُقوبَتِهِ . (9) .

1- .هود : 17 .
2- .التغابن : 10 .
3- .البقره : 39 .
4- .مؤصده : مطبقه ، أوصدت الباب : أطبقته وأحكمته (مفردات ألفاظ القرآن : ص 872) .
5- .البلد : 19 و 20 .
6- .غافر : 6 .
7- .المائده : 10 و 86 ، الحديد : 19 .
8- .الأنبياء : 39 و 40 .
9- .صحيح البخارى : ج 5 ص 2386 ح 6142 ، سنن الدارمى : ج 2 ص 768 ح 2654 ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص 94 ح 184 كلّها عن

عباده بن الصامت ، المعجم الأوسط : ج 4 ص 338 ح 4370 عن عائشه ، كنز العمّال : ج 15 ص 566 ح 42196 ؛ بحار الأنوار : ج 81 ص 267 .

10 / 3 کفر

10 / 3کفرقرآن«آیا کسی که از جانب پروردگارش بر حجّتی روشن است و شاهدی از [خویشان] او، پیرو آن است [، دروغ می بافد] ، در حالی که پیش از وی نیز کتاب موسی راهبر و مایه رحمت بوده است ؟! آنان [که در جستجوی حقیقت اند]به آن می گروند، و هر کس از گروه ها[ی مخالف]به آن کفر ورزد ، آتش ، وعده گاه اوست» .

«و کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را تکذیب کردند ، ایشان اهل آتش اند و در آن جاویدان اند، و چه بد فرجامی است !».

«و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند ، آنان اهل آتش اند و در آن جاویدان اند».

«و کسانی که به آیات ما کفر ورزیدند ، ایشان اند ناخجستگان شوم. بر آنان ، آتشی سرپوشیده احاطه دارد».

«و بدین سان ، فرمان پروردگارت در باره کسانی که کفر ورزیدند ، به حقیقت پیوست که ایشان اهل آتش اند».

«و کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را دروغ شمردند ، ایشان سزاوار آتشِ افروخته اند».

«کاش آنان که کافر شده اند ، می دانستند که آن هنگام ، آتش را نه از چهره های خود و نه از پشتشان باز نمی توانند داشت و خود ، مورد حمایت قرار نمی گیرند ؛ بلکه آتش به طور ناگهانی به آنان می رسد و ایشان را بهت زده می کند ، به گونه ای که نه می توانند آن را بر گردانند و نه به آنان ، مهلت داده می شود».

حدیث1922.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کافر، چون مرگش فرا رسد، به عذاب خدا و کیفر او بشارت داده می شود.

.

1921.عنه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : الكافِرُ لَيُلجِمُهُ العَرَقُ يَومَ القِيامَهِ فَيَقولُ : أرحِنى ولَو إلَى النّارِ . (1)1920.عنه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : الدُّنيا جَنَّهُ الكافِرِ وَالقَبرُ سِجنُهُ وَالنّارُ مَأواهُ . (2)10 / 4الشِّركُالكتاب«سَنُلْقِى فِى قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُواْ الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُواْ بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَنًا وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّلِمِينَ» . (3)

«لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُواْ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَبَنِى إِسْرَءِيلَ اعْبُدُواْ اللَّهَ رَبِّى وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّلِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ» . (4)

«ذَ لِكَ مِمَّا أَوْحَى إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَهِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ فَتُلْقَى فِى جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا» . (5)

الحديث1912.الإمام علىّ عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ عز و جل يُحاسِبُ كُلَّ خَلقٍ إلّا مَن أشرَكَ بِاللّهِ ؛ فَإِنَّهُ لا يُحاسَبُ يَومَ

القِيامَهِ ويُؤمَرُ بِهِ إلَى النّارِ . (6) .

1- .صحيح ابن حبّان : ج 16 ص 330 ح 7335 ، موارد الظمآن : ص 639 ح 2582 ، مسند أبى يعلى : ج 5 ص 12 ح 4961 ، المعجم الكبير : ج 10 ص 107 ح 10112 نحوه ، تاريخ بغداد : ج 12 ص 27 الرقم 6392 كلّها عن عبد اللّه ، كنز العمّال : ج 14 ص 357 ح 38925 .
2- .الجعفريات : ص 204 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، الخصال : ص 108 ح 74 عن إبراهيم بن عبد الحميد عن الإمام الكاظم عن أبيه عليهم السلام ، تصحيح الإعتقاد : ص 96 عن آل محمّد عليهم السلام ، تحف العقول : ص 363 عن الإمام الصادق عليه السلام ، الدعوات : ص 280 عن الإمام العسكرى عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 78 ص 246 ح 66 .
3- .آل عمران : 151 .
4- .المائده : 72 .
5- .الإسراء : 39 .

6- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 34 ح 66 ، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام : ص 100 ح 40 كلاهما عن أحمد بن عامر الطائى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، جامع الأخبار : ص 500 ح 1386 ، بحار الأنوار : ج 7 ص 260 ح 7 .

10 / 4 شرک

1911.عنه علیه السلام (فی قُنوتِهِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در روز رستاخیز ، کافر در حالی که عرق از سر و صورت او سرازیر است ، می گوید: [پروردگارا !]مرا [از دشواریِ موقف]بیاسای ، اگرچه با فرستادنم به آتش .1910.الإمام الهادی علیه السلام (فی قُنوتِهِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دنیا، بهشت کافر است ، گور زندان او و آتش ، سرای او .10 / 4شرکقرآن«به زودی در دل های کسانی که کفر ورزیده اند ، وحشت خواهیم افکند ؛ زیرا چیزی را با خدا شریک گردانیده اند که [خدا] بر [حقّانیت]آن ، دلیلی نازل نکرده است و جایگاهشان آتش است . و جایگاه ستمگران ، چه بد است !».

«هر آینه کافر گشتند آنان که گفتند: «خدا همان مسیح پسر مریم است» ، در حالی که مسیح، خود گفت: «ای بنی اسرائیل ! خداوند را بپرستید که پروردگار من و پروردگار شماست . هر که به خدا شرک ورزد، هر آینه خدا بهشت را بر او حرام می گرداند و جایگاهش آتش است، و ستمکاران یاورانی ندارند»».

«این [سفارش ها] از حکمت هایی است که پروردگارت به تو وحی کرده است . و با خدای یگانه ، معبودی دیگر قرار مده و گر نه ، نکوهیده و مطرود در جهنّم افکنده خواهی شد».

حدیث1902.عنه علیه السلام (مِن دُعاءٍ لَهُ علیه السلام عِندَ الشَّدائِدِ و) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل از هر مخلوقی حسابرسی می کند ، مگر از کسی که به خدا شرک ورزد . چنین کسی در روز قیامت حسابرسی نمی شود و دستور می رسد که

او را [یکراست] به آتش برند.

.

1901.عنه عليه السلام (فى حِجابِهِ عليه السلام) عنه صلى الله عليه و آله : مَن ماتَ يُشرِكُ بِاللّهِ شَيئا ، دَخَلَ النّارَ . (1)1900.عنه عليه السلام (فى حِرزِ لَهُ) عنه صلى الله عليه و آله : مَن ماتَ يَجعَلُ للّهِ نِدّا (2) ، اُدخِلَ النّارَ . (3)1899.عنه عليه السلام : الدّرّ المنثور عن جابر : سُئِلَ رَسولُ اللّه ِ صلى الله عليه و آله عَنِ الموجِبَتَينِ ، قالَ : «مَن جَاءَ بِالحَسَنَهِ فَلَهُ خَيرٌ مِّنهَا وَ هُم مِّن فَزَعٍ يَومَئِذٍ ءَامِنُونَ * وَ مَن جَاءَ بِالسَّيِّئَهِ فَكُبَّت وُجُوهُهُم فِى النَّارِ هَل تُجزَونَ إِلَّا مَا كُنتُم تَعمَلُونَ» قالَ : مَن لَقِىَ اللّهَ لا يُشرِكُ بِهِ شَيئاً دَخَلَ الجَنَّهَ ، وَمَن لَقِىَ اللّهَ يُشرِكُ بِهِ دَخَلَ النّارَ . (4)1898.الإمام علىّ عليه السلام (مِن دُعاءٍ كانَ يَدعو بِهِ بَعدَ الفَجرِ وفِى ا) الدّرّ المنثور عن صفوان بن عسّال : قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إذا كانَ يَومُ القِيامَهِ جاءَ الإيمانُ وَالشِّركُ يَجثُوانِ بَينَ يَدَيِ الرَّبِّ ، فَيَقولُ اللّهُ لِلإيمانِ : اِنطَلِق أَنتَ وَأَهلُكَ إِلَى الجَنَّهِ ، وَيَقولُ لِلشِّركِ : اِنطَلِق أَنتَ وَأَهلُكَ إِلَى النّارِ .

ثُمَّ تَلا رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : «مَن جَاءَ بِالحَسَنَهِ فَلَهُ خَيرٌ مِّنهَا» يَعنى قَولَ : لا إِلهَ إِلَّا اللّهُ «مَن جَاءَ بِالسَّيِّئَهِ » يَعنِى الشِّركَ «فَكُبَّت وُجُوهُهُم فِى النَّارِ» . (5) .

1- .صحيح مسلم : ج 1 ص 94 ح 151 عن جابر ، مسند ابن حنبل : ج 2 ص 112 ح 4043 عن عبد اللّه ، صحيح ابن حبّان : ج 14 ص 45 ح 6171 عن خريم بن فاتک الأسدىّ ، كنز العمّال : ج 1 ص 71 ح 279 ؛ التوحيد : ص 20 ح 8 ، ثواب الأعمال : ص 16 ح 2 كلاهما عن جابر بن عبد اللّه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 203 ح 41 .
2- .النِدُّ : هو المِثلُ والنظيرُ (مجمع البحرين : ج 3 ص 1763 «ندد») .
3- .صحيح البخارى : ج 6 ص 2460 ح 6305 ، مسند ابن حنبل : ج 2 ص 6 ح 3552 ، السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 294 ح 11011 ، المعجم الكبير : ج 10 ص 187 ح 10410 ، المعجم الأوسط : ج 2 ص 354 ح 2211 كلّها عن ابن مسعود ، كنزالعمّال : ج 1 ص 84 ح 350 .
4- .الدرّ المنثور : ج 6 ص 385 نقلاً عن ابن مردويه .
5- .الدّرّ المنثور : ج 6 ص 386 نقلاً عن الحاكم فى الكنى .

1897.عنه صلی الله علیه و آله (مِمَّا استَعاذَ بِهِ فی یَومِ وادِی القُری) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس در حالِ شرک ورزیدن به خدا بمیرد، وارد آتش می شود.1896.عنه صلی الله علیه و آله (فی دُعاءِ الجَوشَنِ الکَبیرِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس در حالی بمیرد که برای خدا همتا قرار می دهد، به آتش برده می شود.1895.عنه صلی الله علیه و آله : الدرّ المنثور به نقل از جابر : از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره دو چیز واجب کننده[ی بهشت و دوزخ] سؤال شد . «فرمود : «هر کس نیکی به میان آورَد ، پاداشی بهتر از آن خواهد داشت و آنان از هراس آن روز ایمن اند ، و هر کس بدی به میان آورَد ، به رو در آتش [دوزخ] سرنگون می شود . آیا جز آنچه می کردید ، سزا داده می شوید؟ !» » و فرمود : «هر کس خدا را بدون آن که بدو شرک بیاورد ، ملاقات کند ، به بهشت می رود ، و هر کس با شرک به خدا او را دیدار کند ، به آتش می رود» .1894.عنه صلی الله علیه و آله (مِن دُعاءٍ عَلَّمَهُ لِلإِمامِ عَلِیٍّ علیه الس) الدرّ المنثور به نقل از صفوان بن عسّال : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «چون روز قیامت شود ، ایمان و شرک می آیند و در برابر خدا زانو می زنند . پس ، خداوند به ایمان می فرماید : "تو و پیروانت به بهشت بروید" و به شرک می فرماید : "تو و پیروانت به آتش بروید» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سپس این آیه را تلاوت نمود : «هر کس نیکی به میان آورَد ، پاداشی بهتر از آن خواهد داشت» و [نیکی] یعنی : «لا إله إلّا اللّه» [که همان توحید است] ، «و هر کس بدی به میان آورَد» یعنی شرک بیاورد ، «به رو در آتش سرنگون می شود» . .

10 / 5الإرتِدادُالكتاب«وَمَن يَرْتَدِدْ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُوْلَائِکَ حَبِطَتْ أَعْمَلُهُمْ فِى الدُّنْيَا وَالْاخِرَهِ وَأُوْلَائِکَ أَصْحَبُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَلِدُونَ» . (1)

الحديث2018.الإمام الصادق عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : يَرِدُ عَلَىَّ يَومَ القِيامَهِ رَهطٌ مِن أصحابى فَيُجلَونَ عَنِ الحَوضِ ، فَأَقولُ : يا رَبِّ أصحابى ! فَيَقولُ : إنَّکَ لا عِلمَ لَکَ بِما أحدَثوا بَعدَکَ ! إنَّهُم ارتَدّوا عَلى أدبارِهِمُ القَهقَرى . (2)2019.عنه عليه السلام (مِن دُعائِهِ بَعدَ صَلاهِ العَصرِ) عنه صلى الله عليه و آله : وَالَّذى نَفسى بِيَدِهِ ! لَأَذودَنَّ رِجالاً عَن حَوضى كَما تُذادُ الغَريبَهُ مِنَ الإبِلِ عَنِ الحَوضِ . (3)2020.الإمام الكاظم عليه السلام : صحيح البخارى عَنِ أبى حازم عَن سهل بن سعد : قالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : إنّى فَرَطُكُم عَلَى الحَوضِ ، مَن مَرَّ عَلَىَّ شَرِبَ ، ومَن شَرِبَ لَم يَظمَأ أبَداً . لَيَرِدَنَّ عَلَىَّ أقوامٌ أعرِفُهُم ويَعرِفونَنى ، ثُمَّ يُحالُ بَينى وبَينَهُم .

قالَ أبو حازِمٍ : فَسَمِعَنِى النُّعمانُ بنُ أبى عَيّاشٍ ، فَقالَ : هكَذا سَمِعتَ مِن سَهلٍ ؟

فَقُلتُ : نَعَم . فَقالَ : أشهَدُ عَلى أبى سَعيدٍ الخُدرِىِّ لَسَمِعتُهُ وهُوَ يَزيدُ فيها :

فَأَقولُ : إنَّهُم مِنّى ؟ فَيُقالُ : إنَّکَ لاتَدرى ما أحدَثوا بَعدَکَ ، فَأَقولُ : سُحقا سُحقا لِمَن غَيَّرَ بَعدى . (4) .

1- .البقره : 217 .
2- .صحيح البخارى : ج 5 ص 2407 ح 6213 ، المصنف لعبد الرزاق : ج 11 ص 406 ح 20854 ، مسند الشاميّين : ج 3 ص 16 ح 1708 ، كنز العمّال : ج 14 ص 417 ح 39124 نقلاً عن ابن ماجه وكلّها عن أبى هريره ؛ مجمع البيان : ج 2 ص 809 ، الإيضاح : ص 232 ، بحار الأنوار : ج 28 ص 24 ح 34 .
3- .صحيح البخارى : ج 2 ص 834 ح 2238 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 1800 ح 38 نحوه ، مسند إسحاق بن راهويه : ج 1 ص 132 ح 56 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 14 ص 420 ح 39135 ؛ العمده : ص 468 ح 981 عن أبى هريره ، بحار الأنوار : ج 28 ص 25 ح 36 .

4- .صحيح البخارى : ج 5 ص 2406 ح 6212 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 1793 ح 26 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 442 ح 22936 ، الطرائف : ص 376 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 28 ص 26 .

10 / 5برگشت از دینقرآن«و آن کس از شما که از دین خود برگردد و کافر بمیرد، چنین کسانی کردارهایشان در دنیا و آخرت تباه می شود، و ایشان اهل آتش اند و در آن جاویدان اند».

حدیث2026.الإمام علیّ علیه السلام (مِن خُطبَتِهِ فِی التَّحذیرِ مِن إبلیسَ لَعَنَه) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در روز رستاخیز، دسته ای از یارانم نزد من می آیند ؛ امّا آنها را از حوض [کوثر] دور می کنند. من می گویم : پروردگارا ! آنها یاران من اند.

خدا می فرماید: «تو نمی دانی که پس از تو آنها چه کردند . آنها به عقب باز گشتند».2027.شعب الإیمان عن أبی بکر : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سوگند به آن که جانم در دست اوست، مردانی را از حوض خود دور خواهم کرد ، همچنان که شتر بیگانه را از آبگیر دور می کنند .2028.منیه المرید : صحیح البخاری به نقل از ابو حازم : سهل بن سعد گفت : پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من پیشرو (1) شما در کنار حوض[کوثر]هستم . کسی که [از آن] بنوشد ، دیگر هرگز تشنه نخواهد شد. مردمانی بر من وارد می شوند که هم من آنها را می شناسم و هم آنها مرا می شناسند . سپس میان من و آنان مانعی ایجاد می شود» .

نعمان بن ابی عیّاش [این حدیث را] از من شنید و گفت: این گونه از سهل

شنیدی؟ گفتم: آری. گفت: گواهی می دهم که از ابو سعید خُدری [نیز همین را]شنیدم ؛ ولی این عبارت را نیز می افزود [که پیامبر صلی الله علیه و آله در ادامه فرموده است] : «پس من می گویم: [پروردگارا !] آنان از [امّت] من اند. در جواب گفته می شود: "تو نمی دانی که پس از تو ، چه ها کردند" و من می گویم: نابود باد، نابود باد آن که پس از من ، [آیین و سنّتم را] دگرگون ساخت !».

.

1- .واژه «فَرَط» که در حدیث آمده ، به معنای کسی است که پیش از دیگران به سرچشمه می رسد تا دَلوها را آماده کند ، حوضچه ها را گرد کند و آنها را آب بنوشاند ؛ آن که پیش از قوم می رود تا اسباب آبخور را درست کند .

2029.سنن الترمذى عن أبى هريره : صحيح البخارى عن أبى هريره عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله : بَينا أنَا نائِمٌ إذا زُمرَهٌ ، حَتّى إذا عَرَفتُهُم خَرَجَ رَجُلٌ مِن بَينى وبَينِهِم ، فَقالَ : هَلُمَّ ، فَقُلتُ : أينَ ؟ قالَ : إلَى النّارِ وَاللّهِ ، قُلتُ : وما شَأنُهُم ؟ قالَ : إنَّهُمُ ارتَدّوا بَعدَکَ عَلى أدبارِهِمُ القَهقَرى .

ثُمَّ إذا زُمرَهٌ ، حَتّى إذا عَرَفتُهُم خَرَجَ رَجُلٌ مِن بَينى وبَينِهِم ، فَقالَ : هَلُمَّ ، قُلتُ : أينَ ؟ قالَ : إلى النّارِ وَاللّهِ ، قُلتُ : ما شَأنُهُم ؟ قالَ : إنَّهُمُ ارتَدّوا بَعدَکَ عَلى أدبارِهِمُ القَهقَرى ، فَلا أراهُ يَخلُصُ مِنهُم إلّا مِثلُ هَمَلِ النَّعَمِ .

2030.الإمام علىّ عليه السلام : الإمام علىّ عليه السلام: وَالَّذى نَفسى بِيَدِهِ ! لَتُفَرَّقَنَّ هذِهِ الاُمَّهُ عَلى ثَلاثٍ وسَبعينَ فِرقَةً ، كُلُّها فِى النّارِ إلّا فِرقَةً : «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّهٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» فَهذِهِ الَّتى تَنجو مِن هذِهِ الاُمَّهِ . (2)10 / 6النِّفاقُالكتاب«وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَفِقِينَ وَالْمُنَفِقَتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَلِدِينَ فِيهَا هِىَ حَسْبُهُمْ وَلَعَنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ» . (3)

«وَ يُعَذِّبَ الْمُنَفِقِينَ وَ الْمُنَفِقَتِ وَ الْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَتِ الظَّانِّينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَهُ السَّوْءِ وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لَعَنَهُمْ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا» . (4)

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُواْ يَقُولُونَ لِإِخْوَنِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُواْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَبِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَ إِن قُوتِلْتُمْ لَنَنصُرَنَّكُمْ وَ اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَذِبُونَ * لَئِنْ أُخْرِجُواْ لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَ لَئِن قُوتِلُواْ لَا يَنصُرُونَهُمْ وَ لَئِن نَّصَرُوهُمْ لَيُوَلُّنَّ الْأَدْبَرَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ * لَأَنتُمْ أَشَدُّ رَهْبَهً فِى صُدُورِهِم مِّنَ اللَّهِ ذَ لِکَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ * لَا يُقَتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِى قُرًى مُّحَصَّنَهٍ أَوْ مِن وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُم بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَ قُلُوبُهُمْ شَتَّى_ذَ لِکَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ * كَمَثَلِ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ذَاقُواْ وَ بَالَ أَمْرِهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ * كَمَثَلِ الشَّيْطَنِ إِذْ قَالَ لِلْإِنسَنِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّى بَرِىءٌ مِّنکَ إِنِّى أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَلَمِينَ * فَكَانَ عَقِبَتَهُمَا أَنَّهُمَا فِى النَّارِ خَلِدَيْنِ فِيهَا وَ ذَ لِکَ جَزَ ؤُاْ الظَّلِمِينَ» . (5)

.

1- .صحیح البخاری : ج 5 ص 2407 ح 6215 ، کنز العمّال : ج 11 ص 132 ح 30918 ؛ العمده : ص 468 ح 986 ، بحار الأنوار : ج 28 ص 27 .
2- .تفسیر العیّاشی : ج 2 ص 43 ح 122 عن ابن الصهبان البکری ، مجمع البیان : ج 4 ص 773 ، بحار الأنوار : ج 28 ص 6 ح 8 .
3- .التوبه : 68 .
4- .الفتح : 6 .
5- .الحشر : 11 17 .

1667.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (لِمَعاذٍ) صحیح البخاری به نقل از ابو هریره ، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خواب بودم که گروهی را [در عالم رؤیا] دیدم و آنها را شناختم . ناگاه مردی از بین من و آنها بیرون آمد و گفت: بیایید. گفتم: به کجا ؟ گفت: به خدا سوگند به سوی آتش . گفتم: مگر چه کرده اند؟ گفت: آنان پس از تو، به قهقرا [و آیین جاهلی خویش] باز گشتند.

سپس گروهی دیگر آمدند و آنها را هم شناختم . پس مردی از میان من و آنان بیرون آمد و گفت: بیایید. گفتم: به کجا؟ گفت: به خدا سوگند به سوی آتش. گفتم: مگر چه کرده اند؟ گفت: آنان، پس از تو، به قهقرا باز گشتند.

پس، فکر نمی کنم که از ایشان کسی نجات یابد ، مگر به اندازه شترهای بی چوپان [و از رمه و قافله مانده] . (1)1668.مجمع الزوائد عن عبد اللّه بن مسعود : امام علی علیه السلام : سوگند به آن که جانم در دست اوست، این امّت به هفتاد و سه فرقه پراکنده می شوند که همه آنها در آتش اند ، مگر یک فرقه : «و از کسانی که آفریدیم ، امّتی هستند که به حق ، هدایت می کنند و به حق ، داوری می نمایند» . این همان فرقه نجات یافته این امّت است .10 / 6نفاققرآن«خدا به مردان و زنان دورو و کافران، آتش جهنّم را وعده داده است که در آن ، جاودانه اَند. آن برایشان کافی است، و خدا لعنتشان کرده و برای آنان عذابی پایدار است».

«و [تا] مردان و زنان دورو و مردان و زنان مشرک را که به خدا گمان بد برده اند ، عذاب کند . بَدِ زمانه بر آنان باد! و خدا بر ایشان خشم نموده و لعنتشان کرده و جهنّم را برای آنان آماده گردانیده و [چه] بد سرانجامی است».

«مگر کسانی را که دورویی کردند ، ندیدی که به برادران اهل کتاب خود که از درِ کفر در آمده بودند می گفتند: «اگر اخراج شدید، حتما با شما بیرون خواهیم آمد و علیه شما هرگز از کسی فرمان نخواهیم برد ، و اگر با شما جنگیدند ، حتما شما را یاری خواهیم کرد» . و خدا گواهی می دهد که قطعا آنان درغگویان اند. اگر [یهود] اخراج شوند ، آنها با ایشان بیرون

نخواهند رفت و اگر ضدّ آنان جنگی در گیرد ، آنها را یاری نخواهند کرد و اگر هم یاری شان کنند ، حتما [در جنگ] پشت خواهند کرد و یاری نمی گردند . شما قطعا در دل های آنان بیش از خدا مایه هراسید ؛ چرا که آنان مردمانی اند که نمی فهمند. [آنان به صورت]دسته جمعی ، جز در قریه های دارای استحکامات یا از پشت دیوارها ، با شما نخواهند جنگید. جنگشان میان خودشان سخت است. آنان را متّحد می پنداری ؛ ولی دل هایشان پراکنده است؛ زیرا آنان مردمانی اند که نمی اندیشند ؛ درست مانند همان کسانی که اخیرا [در واقعه بدر] سزای کار [بد] خود را چشیدند و [افزون بر این ،] عذاب دردناکی خواهند داشت ، چون حکایت شیطان که به ایشان گفت: «کافر شو !» و چون وی کافر شد ، گفت: «من از تو بیزارم ؛ زیرا من از خدا، پروردگار جهانیان، می ترسم» ، و فرجام هر دوشان ، آن است که هر دو ، در آتش جاوید می مانند، و سزای ستمکاران ، همین است».

.

1- .یعنی : شمار اندکی از آنان ، از دوزخ می رهند .

الحديث1676.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ «لا إلهَ إلَا اللّهُ» كَلِمَهٌ عَظيمَهٌ كَريمَهٌ عَلَى اللّهِ عز و جل ، مَن قالَها مُخلِصا استَوجَبَ الجَنَّهَ ، ومَن قالَها كاذِبا عَصَمَت مالَهُ ودَمَهُ وكانَ مَصيرُهُ إلَى النّارِ . (1)1677.عنه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : مَن كانَ لَهُ وَجهانِ فِى الدُّنيا ، كانَ لَهُ يَومَ القِيامَهِ لِسانانِ مِن نارٍ . (2) .

1- .التوحيد : ص 23 ح 18 عن أحمد بن عبد اللّه الجويبارى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 3 ص 5 ح 13 ؛ كنز العمّال : ج 1 ص 62 ح 220 نقلاً عن ابن النجار عن أنس .
2- .الخصال : ص 38 ح 18 عن عمار ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 379 ح 2661 عن أبى ذر نحوه ، بحار الأنوار : ج 75 ص 204 ح 7 ؛ سنن أبى داود : ج 4 ص 268 ح 4873 ، سنن الدارمى : ج 2 ص 770 ح 2662 ، المصنف لابن أبي شيبه : ج 6 ص 106 ح 1 ، مسند أبى يعلى : ج 2 ص 266 ح 1617 كلّها عن عمار .

حدیث1679.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : به راستی که «لا إله إلّا اللّه» ، شعاری بزرگ و ارجمند در نزد خدای عز و جلاست. هر که آن را با اخلاص بگوید ، شایسته بهشت می شود و هر که به دروغ [و نه از صمیم دل] بگوید ، مال و جانش مصون می ماند ؛ ولی فرجامش آتش است.1680.سنن الترمذی عن قیس بن سعد بن عباده : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کسی که در دنیا دورو داشته باشد ، در روز رستاخیز ، دو زبان از جنس آتش خواهد داشت . .

1681.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : مَن كانَ ذا لِسانَينِ فِى الدُّنيا ، جَعَلَ اللّهُ لَهُ لِسانَينِ مِن نارٍ يَومَ القِيامَهِ .
1682.عنه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : يَجىءُ يَومَ القِيامَهِ ذُوالوَجهَينِ دالِعا لِسانَهُ فِى قَفاهِ وآخَرُ مِن قُدّامِهِ يَلتَهِبانِ نارا حَتّى يُلهِبا جَسَدَهُ ، ثُمَّ يُقالُ لَهُ : هذَا الَّذى كانَ فِى الدُّنيا ذا وَجهَينِ وذا لِسانَينِ يُعرَفُ بِذلِكَ يَومَ القِيامَهِ . (1)(2)
1683.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : وَيلٌ لِلمُنافِقِ مِنَ النّارِ . (3)
2033.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : الإمام علىّ عليه السلام : اُحَذِّرُكُم أهلَ النِّفاقِ ؛ فَإِنَّهُمُ الضّالّونَ المُضِلّونَ ، وَالزّالّونَ المُزِلّونَ . يَتَلَوَّنونَ ألوانا ، ويَفتَنّونَ افتِنانا ، ويَعمِدونَكُم بِكُلِّ عِمادٍ ، ويَرصُدونَكُم بِكُلِّ مِرصادٍ 4 ، قُلوبُهُم دَوِيَّهٌ وصِفاحُهُم نَقِيَّهٌ ، يَمشونَ الخَفاءَ ، ويَدِبّونَ الضَّرّاءَ ، وَصِفُهُم دَواءٌ ، وقَولُهُم شِفاءٌ ، وفِعلُهُمُ الدّاءُ العَياءُ ، حَسَدَهُ الرَّخاءِ ، ومُؤَكِّدُو البَلاءِ ، ومُقَنِّطُو الرَّجاءِ ، لَهُم بِكُلِّ طَريقٍ صَريعٌ ، وإلى كُلِّ قَلبٍ شَفيعٌ ، ولِكُلِّ شَجوٍ دُموعٌ ، يَتَقارَضونَ الثَّناءَ ، ويَتَراقَبونَ الجَزاءَ ، إن سَأَلوا ألحَفوا (4) ، وإن عَذَلوا (5) كَشَفوا ، وإن حَكَموا أسرَفوا ، قَد أعَدّوا لِكُلِّ حَقٍّ باطِلاً ، ولِكُلِّ قائِمٍ مائِلاً ، ولِكُلِّ حَيٍّ قاتِلاً ، ولِكُلِّ بابٍ

مِفتاحا ، ولِكُلِّ لَيلٍ مِصباحا ، يَتَوَصَّلونَ إلَى الطَّمَعِ بِاليَأسِ ؛ لِيُقيموا بِهِ أسواقَهُم ويُنفِقوا بِهِ أعلاقَهُم ، يَقولونَ فَيُشَبِّهونَ ، ويَصِفونَ فَيُمَوِّهونَ ، قَد هَوَّنُوا الطَّريقَ ، وأضلَعُوا المَضيقَ ، فَهُم لُمَهُ الشَّيطانِ ، وحُمَهُ النّيرانِ : «أُوْلَائِكَ حِزْبُ الشَّيْطَنِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَنِ هُمُ الْخَسِرُونَ» . (6) .

1- .المعجم الكبير : ج 2 ص 170 ح 1697 عن جندب بن عبد اللّه ، المعجم الأوسط : ج 8 ص 365 ح 8885 ، مسند أبى يعلى : ج 3 ص 183 ح 2764 ، مسند الشهاب : ج 1 ص 284 ح 463 ، حليه الأولياء : ج 2 ص 160 كلّها عن أنس ، كنز العمّال : ج 3 ص 568 ح 7941 ؛ تنبيه الخواطر : ج 1 ص 8 .
2- .الخصال : ص 38 ح 16 ، ثواب الأعمال : ص 319 ح 2 كلاهما عن زيد بن علىّ عن آبائه عن الإمام علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 75 ص 203 ح 5 .
3- .. تحف العقول : ص 22 ، بحارالأنوار : ج 1 ص 122 ح 11 .
4- .ألحَفَ : إذا ألَحَّ فى المسأله ولزمها (النهايه : ج 4 ص 237 «لحف») .

5- .العَذلُ : المَلَامةُ ، يقال : عَذَلتُ فلانا فاعتذل . أى لام نفسه وأعتَبَ (الصحاح : ج 5 ص 1762 «عذل») .
6- .نهج البلاغه : الخطبه 194 ، بحار الأنوار : ج 72 ص 177 ح 6 .

2034.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کسی که در دنیا دارای دو زبان باشد، خداوند در روز رستاخیز برایش دو زبان از آتش قرار می دهد .1686.الإمام علیّ علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در روز قیامت ، دورو ، در حالی [به محشر] می آید که یک زبان از پس گردنش آویزان است و زبانی دیگر از جلوی او ، و هر دو [زبانش]چنان شعله ورند که به تمام بدنش زبانه می کشند . سپس در باره او گفته می شود: «این ، کسی است که در دنیا دورو و دوزبان بود . او بدین گونه در روز رستاخیز شناخته می شود» .1687.مستطرفات السرائر عن سلمان الفارسیّ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : وای بر منافق از آتش !1688.الخصال عن أبی ذرّ : امام علی علیه السلام : شما را از دورویان بر حذر می دارم؛ زیرا آنان مردمانی گم راه و گم راه کننده اند . خود لغزیده اند و دیگران را نیز می لغزانند. هر دم به رنگی در می آیند، هر گاه نیرنگی می سازند و با هر وسیله ای و از هر راهی ، قصد [فریب و اغوای] شما می کنند و در هر کمینگاهی ، به کمین شما می نشینند. دل هایشان پر از بیماری است ؛ ولی چهره ها [و ظاهر]شان آراسته و پاکیزه. در نهان ، راه می روند و پنهانی می جنبند. (1) شرح و بیانشان دارو و گفتارشان شفاست ؛ امّا کردارشان دردِ بی درمان است. حسودانِ نعمت و آسایش[دیگران]اند، و به رنج و گرفتاری[مردمان] دامن می زنند و بذر نومیدی می پاشند . در هر راهی ، به خاک هلاکت افکنده ای دارند و برای رخنه در هر دلی ، وسیله ای [از زبانْ بازی و تملّق]، و برای هر غم و اندوهی ، اشک هایی [دروغین]. به یکدیگر ، مدح و ستایش قرض می دهند و از یکدیگر چشمداشت پاداش [متقابل] دارند. اگر چیزی بخواهند ، پافشاری می کنند و هر گاه خرده گیری کنند ، پرده دری می کنند و اگر حکم کنند، زیاده روی [و ستم]می نمایند. در برابر هر حقّی ، باطلی در چنته دارند و در برابر هر راستی ای ، کژی ای و برای هر زنده ای ، قاتلی و برای هر

دری ، کلیدی و برای هر شبی ، چراغی. چشمْ نداشتن و بی نیازی را دستاویز طمع قرار می دهند تا از این راه ، بازار خود را داغ کنند و به کالاهایشان رونق بخشند. سخن که می گویند ، ایجاد شبهه می کنند و هنگامی که وصف می کنند ، حقیقت را وارونه جلوه می دهند . راه[ورود به مسیر باطل] را آسان می کنند و تنگه [آن را] کج و پیچ در پیچ می سازند [تا افراد به راحتی قدم به راه باطل گذارند . آن گاه ، در پیچ و خم

های آن سرگردان شوند و بیرون شدن از آن ، برایشان ناممکن یا دشوار گردد]. اینان ، دار و دسته شیطان اند و زبانه های انبوه آتش . «آنان حزب شیطان اند و بدانید که حزب شیطان ، زیانکارند» . .

1- .عبارت «یدبّون الضرّاء» ، ضرب المثلی است برای کسی که به دوستش نیرنگ می زند. ضرّاء ، به معنای درخت انبوه و تنومند و در هم پیچیده است که در پشت آن ، مخفی شوند. شاید هم مراد این باشد که آهسته و سر به زیر ، راه می روند ؛ ولی به ناگاه ، زهر خود را می ریزند .

1689.مسند ابن حنبل عن أبی هریره : الإمام الصادق علیه السلام : مَن لَقِیَ المُسلِمینَ بِوَجهَینِ ولِسانَینِ ، جاءَ یَومَ القِیامَهِ ولَهُ لِسانانِ مِن نارٍ . (1)10 / 7الظّلّمُالکتاب«فَالْیَوْمَ لَا یَمْلِکُ بَعْضُکُمْ لِبَعْضٍ نَّفْعًا وَ لَا ضَرًّا وَ نَقُولُ لِلَّذِینَ ظَلَمُواْ ذُوقُواْ عَذَابَ النَّارِ الَّتِی کُنتُم بِهَا تُکَذِّبُونَ» . (2)

«ثُمَّ قِیلَ لِلَّذِینَ ظَلَمُواْ ذُوقُواْ عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا کُنتُمْ تَکْسِبُونَ» . (3)

الحدیث1696.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (وقَد تَلا هذِهِ الآیَهَ : {Q} «الرَّحْمَنُ عَل) رسول اللّه صلی الله علیه و آله : قالَ رَبُّکُم : وعِزَّتی وجَلالی لَأنتَقِمَنَّ مِنَ الظّالِمِ فی عاجِلِهِ وآجِلِهِ . (4) .

1- .الکافی : ج 2 ص 343 ح 1 ، ثواب الأعمال : ص 319 ح 1 ، الخصال : ص 38 ح 19 ، معانی الأخبار : ص 185 ح 2 ، الأمالی للصدوق : ص 418 ح 552 والثلاثه الأخیره نحوه وکلّها عن ابن أبی یعفور ، بحار الأنوار : ج 75 ص 204 ح 8 .
2- .سبأ : 42 .
3- .یونس : 52 .
4- .المعجم الکبیر : ج 10 ص 278 ح 10652 ، المعجم الأوسط : ج 1 ص 15 ح 36 ، تاریخ أصبهان : ج 2 ص 5 الرقم 935 ، تاریخ دمشق : ج 34 ص 340 ح 7022 ، الفردوس : ج 3 ص 186 ح 4510 کلّها عن ابن عبّاس ، کنز العمّال : ج 3 ص 505 ح 7641 .

10 / 7 ستم

1697.الإمام الصادق علیه السلام : امام صادق علیه السلام : هر که با مردم، دورو و دوزبانه برخورد کند ، روز رستاخیز با دو زبان از آتش ، [به محشر] می آید.10 / 7ستمقرآن«اکنون برای یکدیگر ، اختیاردارِ هیچ سود و زیانی نیستید ، و [ما] به کسانی که ستم کرده اند ، می گوییم: بچشید عذاب آتشی را که آن را دروغ می شمردید !».

«سپس به کسانی که ستم کرده اند، گفته می شود: «بچشید عذاب جاویدان را ! آیا جز به کیفر آنچه به دست می آوردید ، جزا داده می شوید؟»» .

حدیث1704.تفسیر القمّی : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پروردگارتان فرمود : «به عزّت و جلالم سوگند ، حتما در دنیا و آخرت ، از ظالم ، انتقام می گیرم !» .

.

1705.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : اَلحَمدُ للّهِ الَّذى . . . جَعَلَ الجَنَّةَ ثَوابَ المُتَّقينَ ، وَالنّارَ عِقابَ الظّالِمينَ .
1706(1).عنه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : أهلُ الجَورِ وأعوانُهُم فِى النّارِ . 1707(2).عنه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : وَالَّذى نَفسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ ! إنَّ العَبدَ لَيَأتى يَومَ القِيامَهِ لَهُ حَسَناتٌ كَأمثالِ الجِبالِ الرَّواسى يَظُنُّ أنَّهُ سَيَدخُلُ بِهَا الجَنَّهَ ، فَلا تَزالُ مَظلِمَتُهُ تَأتيهِ حَتّى ما يَبقى لَهُ حَسَنَهٌ ، وحَتّى يُجعَلَ عَلَيهِ مِنَ السَّيِّئاتِ أمثالُ الجِبالِ الرَّواسى ويُؤمَرُ بِهِ إلَى النّارِ . 1708(3).عنه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : اَلعَدلُ ميزانُ اللّهِ فِى الأَرضِ ؛ فَمَن أخَذَهُ قادَهُ إلَى الجَنَّهِ ، ومَن تَرَكَهُ ساقَهُ إلَى النّارِ . 1709(4).عنه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : مَن طَلَبَ قَضاءَ المُسلِمينَ حَتّى يَنالَهُ ثُمَّ غَلَبَ عَدلُهُ جَورَهُ فَلَهُ الجَنَّهُ ، ومَن غَلَبَ جَورُهُ عَدلَهُ فَلَهُ النّارُ . 1710(5).سنن الترمذى عن أبى سعيد وأبى هريره عن رسول اللّه عنه صلى الله عليه و آله : إن شِئتُم أنبَأتُكُم عَنِ الإمارَهِ وما هِىَ : أوَّلُها مَلامَهٌ ، وثانيها نَدامَهٌ ، وثالِثُها عَذابُ يَومِ القِيامَهِ ؛ إلّا مَن عَدَلَ . 1711(6).الإمام الصادق عليه السلام : الإمام عَلىّ عليه السلام : الظُّلمُ يوجِبُ النّارَ . 1712(7).عنه عليه السلام : عنه عليه السلام : مَن ظَلَمَ عِبادَ اللّهِ كانَ اللّهُ خَصمَهُ دونَ عِبادِهِ . مَن يَكُنِ اللّهُ سُبحانَهُ خَصمَهُ يُدحِضْ حُجَّتَهُ ، ويُعَذِّبْهُ فِى الدُّنيا ومَعادِهِ . (8) .

1- .دلائل الإمامه : ص 89 ح 24 عن جابر ، بحار الأنوار : ج 103 ص 270 ح 21 نقلاً عن مسند فاطمه عليهاالسلام .
2- .المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 100 ح 7007 ، الفردوس : ج 2 ص 470 ح 4000 كلاهما عن حذيفه ، كنز العمّال : ج 3 ص 498 ح 7589 .
3- .الفردوس : ج 4 ص 364 ح 7050 عن جابر بن عبد اللّه ، كنز العمّال : ج 3 ص 506 ح 7644 .
4- .مستدرک الوسائل : ج 11 ص 317 ح 13145 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .
5- .سنن أبى داود : ج 3 ص 299 ح 3575 ، السنن الكبرى : ج 10 ص 151 ح 20165 ، فتح البارى : ج 13 ص 124 ، تهذيب الكمال : ج29 ص162 الرقم 6310 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج6 ص94 ح14997 .

6- .المعجم الكبير : ج 18 ص 72 ح 132 ، مسند الشاميّين : ج 3 ص 167 ح 2006 و ج 2 ص 206 ح 1195 نحوه وكلّها عن عوف بن مالک ، كنز العمّال : ج 6 ص 19 ح 14652 .
7- .غرر الحكم : ح 794 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 30 ح 482 .
8- .غرر الحكم : ح 8250 و 8251 ، مستدرک الوسائل : ج 12 ص 100 ح 13629 .

1713.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ستایش ، خدایی را که... بهشت را پاداش پرهیزگاران قرار داد، و آتش را کیفر ستمکاران.1714.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ستمگران و یاران آنان ، در آتش اند.1715.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سوگند به آن که جان محمّد در دست اوست، روز قیامت ، بنده در حالی می آید که [در نامه اعمالش] به اندازه کوه های استوار ، کار نیک دارد و می پندارد که به سبب آنها به زودی وارد بهشت خواهد شد ؛ امّا ستم ها [و حق کشی ها]یی که کرده است ، پیوسته نزد او می آیند ، تا جایی که حتّی یک کار نیک هم برایش باقی نمی ماند و [افزون بر این ،] گناهانی به اندازه کوه های استوار ، برایش قرار داده می شود . آن گاه ، فرمان می رسد که او را به آتش برند .1716.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عدالت، ترازوی خدا در زمین است . پس هر که عدالت را در پیش بگیرد ، عدالت ، او را به بهشت می کشاند و هر که آن را وا نهد ، وی را به سوی آتش می رانَد .1717.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که در جستجوی مسند قضای مسلمانان بر آید و هنگامی که به آن دست یافت ، عدالت او بر ستمش چیره آید ، بهشتی خواهد بود ؛ ولی آن که ستم او بر عدالتش چیره آید ، دوزخی است .2035.الإمام علیّ علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اگر بخواهید، شما را از فرمان روایی و چیستی آن ، خبر می دهم: آغازش سرزنش است، میانه اش پشیمانی، و فرجامش عذاب روز رستاخیز، مگر برای آن کس که دادگری پیشه کند.2036.الإمام زین العابدین علیه السلام (مِن دُعائِهِ فِی الظُّلاماتِ) امام علی علیه السلام : ستم، آتش را [بر ستمگر] واجب می گرداند.2037.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : کسی که به بندگان خدا ستم کند ، خداوندْ خود، طرف دعوای اوست

و نه بندگانش، (1) و هر گاه خداوند سبحان ، طرف دعوای کسی باشد ، دلیل او را [در ستمی که کرده ،] ابطال می کند و وی را در دنیا و آخرتش عذاب می دهد . .

1- .یعنی : طرف حسابش خداست و نه آن بنده ای که به او ستم شده است.

2038.علل الشرايع عن أبي بصير : عنه عليه السلام : ظالِمُ النّاسِ يَومَ القيامَهِ مَنكوبٌ بِظُلمِهِ ، مُعَذَّبٌ مَحروبٌ (1) . (2)2039.المصنّف عن أنس : عنه عليه السلام : هَيهاتَ أن يَنجوَ الظّالِمُ مِن أليمِ عَذابِ اللّهِ وعَظيمِ سَطَواتِهِ . (3)2040.الإمام علىّ عليه السلام : عنه عليه السلام : لا يُؤمِنُ اللّهُ عذابَهُ مَن لا يَأمَنُ النّاسُ جَورَهُ . (4)2041.الإمام علىّ عليه السلام : عنه عليه السلام : لِكُلِّ ظالِمٍ عُقوبَهٌ لا تَعدوهُ ، وصَرعَهٌ لا تَخطوهُ .
(5)2042.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : عنه عليه السلام : مَن ضَرَبَ رَجُلاً سَوطاً ظُلماً ، ضَرَبَهُ اللّهُ تَبارَكَ وتَعالى بِسَوطٍ مِن نارٍ .
(6)2043.مصباح المتهجّد عن الشيخ أبى عمرو العمرى (فيما يُدعى بِهِ فى غَيبَهِ القائِمِ عليه السلام) الإمام الصادق عليه السلام : مَن حَبَسَ حَقَّ المُؤمِنِ ، أقامَهُ اللّهُ عز و جل يَومَ القِيامَهِ خَمسَمِئَهِ عامٍ عَلى رِجلَيهِ حَتّى يَسيلَ عَرَقُهُ أو دَمُهُ ، ويُنادى مُنادٍ مِن عِندِ اللّهِ : «هذَا الظّالِمُ الَّذى حَبَسَ عَنِ اللّهِ حَقَّهُ» ، فَيُوَبَّخُ أربَعينَ يَوما ، ثُمَّ يُؤمَرُ بِهِ إلَى النّارِ .
(7)2044.الإمام الصادق عليه السلام : الكافى عن علىّ بن أسباط عنهم عليهم السلام : فيما وَعَظَ اللّهُ عز و جل بِهِ عيسى عليه السلام : ... يا عيسى ! بِئسَتِ الدّارُ لِمَن رَكَنَ إلَيها ، وبِئسَ القَرارُ دارُ الظّالِمينَ . (8) .

1- .مَحروبٌ : حُرِبَ دينُهُ ، أى سُلِبَ دينُهُ (لسان العرب : ج 1 ص 304 «حرب») .
2- .غرر الحكم : ح 6075 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 324 ح 5605 .
3- .غرر الحكم : ح 10044 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 512 ح 9316 ، مستدرک الوسائل : ج 12 ص 101 ح 13629 .
4- .غرر الحكم : ح 10887 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 535 ح 9815 .
5- .غرر الحكم : ح 7312 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 401 ح 6768 .
6- .دعائم الإسلام : ج 2 ص 541 ح 1927 ، مستدرک الوسائل : ج 18 ص 216 ح 22544 .
7- .الكافى : ج 2 ص 367 ح 2 ، الخصال : ص 328 ح 20 ، المحاسن : ج 1 ص 186 ح 303 كلّها عن يونس بن ظبيان ، إرشاد القلوب : ص 143 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 7 ص 201 ح 84 .
8- .الكافى : ج 8 ص 131 136 ح 103 ، تحف العقول : ص 498 ، أعلام الدين : ص 230 كلاهما من دون إسناد إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم

السلام ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 142 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 14 ص 293 ح 14 .

2045.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : کسی که به مردم ستم کند ، در روز قیامت به واسطه ستمش ، گرفتار و معذّب و مورد خشم خواهد بود .2046.عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : هرگز چنین نخواهد شد که ستمگر ، از عذاب دردناک خدا و کیفرهای سهمگین او بِرَهَد !2047.مجمع الزوائد عن قطبه : امام علی علیه السلام : خداوند ، کسی را که مردم از ستم او در امان نباشند ، از عذابش ایمن نمی دارد.2048.الإمام الباقر علیه السلام (مِمّا کانَ یَقولُ فی سُجودِهِ) امام علی علیه السلام : هر ستمگری ، کیفری دارد که حتما به او خواهد رسید ، و هلاکتی دارد که قطعا گریبانش را خواهد گرفت.2049.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : هر که از روی ستم ، به کسی تازیانه ای بزند ، خداوند تبارک و تعالی با تازیانه ای از آتش ، بر او خواهد کوبید .2050.مسند ابن حنبل عن عائشه (وقَد سُئِلَت عَن دُعاءِ النَّبِیِّ صلی الله علی) امام صادق علیه السلام : هر کس حقّ مؤمن را نگه دارد [و نپردازد] ، خداوند عز و جل، در روز قیامت، پانصد سال او را سر پا نگه می دارد ، چندان که عرق او یا خونش سرازیر شود، و منادی ای از جانب خداوند ، ندا می دهد که: «این ، همان ستمکاری است که حقّ خدا را از او باز داشت» .

وی تا چهل روز ، توبیخ خواهد شد و سپس دستور می دهند که او را به آتش ببرند.2051.الإمام علیّ علیه السلام : الکافی به نقل از علی بن اسباط ، از معصومان علیهم السلام : در اندرزهای خداوند عز و جلبه عیسی علیه السلام آمده است : «ای عیسی! بد سرایی است [جهنّم] برای کسی که در آن سکونت گزیند ، و بد قرارگاهی است جایگاه ستمگران !» .
.

10 / 8الرُّكونُ إلَى الظّالِمالكتاب«وَ لَا تَرْكَنُواْ إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُواْ فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَ مَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ» . (1)

«وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِأَيَتِنَا وَ سُلْطَنٍ مُّبِينٍ * إِلَى فِرْعَوْنَ وَ مَلَإِيْهِ فَاتَّبَعُواْ أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَ مَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ * يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَمَهِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَ بِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ» . (2)

الحديث2058.سنن أبى داوود عن أنس : الإمام الصادق عليه السلام فى قَولِهِ تَعالى : «وَ لَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ» : هُوَ الرَّجُلُ يَأتِى السُّلطانَ ، فَيُحِبُّ بَقاءَهُ إلى أن يُدخِلَ يَدَهُ إلى كيسِهِ فَيُعطِيَهُ .
(3)2059.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَن تَوَلّى خُصومَةَ ظالمٍ أو أعانَ عَلَيها ، ثُمَّ نَزَلَ بِهِ مَلَكُ المَوتِ ، قالَ لَهُ : أبشِر بِلَعنَهِ اللّهِ ونارِ جَهَنَّمَ وبِئسَ المَصيرُ . (4)2060.الإمام الصادق عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : مَن مَدَحَ سُلطانا جائِرا أو تَخَفَّفَ وتَضَعضَعَ لَهُ طَمَعا فيهِ ، كانَ قَرينَهُ فِى النّارِ . (5) .

1- .هود : 113 .
2- .هود 96 98 .
3- .الكافى : ج 5 ص 108 ح 12 ، وسائل الشيعه : ج 12 ص 133 ح 22306 .
4- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 11 ح 4968 ، الأمالى للصدوق : ص 512 ح 707 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 259 وفيه «معونه» بدل «خصومه» وكلّها عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 311 ح 2655 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، ثواب الأعمال : ص 331 ح 1 عن أبى هريره وعبداللّه بن عبّاس نحوه ، بحارالأنوار : ج 75 ص 369 ح 3 .
5- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 11 ح 4968 ، الأمالى للصدوق : ص 512 ح 707 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 259 كلّها عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 311 ح 2655 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، ثواب الأعمال : ص 331 ح 1 عن أبى هريره وعبداللّه بن عبّاس نحوه ، بحارالأنوار : ج 75 ص 369 ح 3 .

10 / 8 گرایش به ستمگر

10 / 8گرایش به ستمگرقرآن«و به سوی کسانی که ستم کرده اند ، متمایل مشوید که آتش به شما می رسد و در برابر خدا ، دوستانی نخواهید داشت [که حمایتتان کنند] و سرانجام ، یاری نخواهید شد».

«و به راستی ، موسی را با آیات خود و حجّتی آشکار ، به سوی فرعون و سران [قوم] وی فرستادیم ؛ ولی [سران]از فرمان فرعون پیروی کردند ، در حالی که فرمان فرعون ، صواب نبود. روز قیامت ، [فرعون] پیشاپیش قومش می رود و آنان را به آتش در می آورد . و [دوزخ]چه ورودگاه بدی برای واردان است !».

حدیث2067.الدرّ المنثور عن سعید بن أبی سعید : امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای متعال : «و به کسانی که ستم کرده اند ، متمایل مشوید که آتش به شما می رسد» : [حتّی در این حد که] شخص ، نزد سلطان رود و دوست بدارد که او زنده بماند تا دستش را در کیسه اش کند و به او دهشی کند [، این نیز تمایل به ستمگر است].2068.الإمام الصادق علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس دفاع از [ادّعای] ستمکاری را بر عهده بگیرد یا در آن دعوا به او کمک کند، هنگامی که فرشته مرگ بر او نازل می شود ، به او خواهد گفت : «بشارت باد تو را به لعنت خدا و آتش جهنّم !» و چه بد سرانجامی است !2069.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس به امید رسیدن به نوایی از سلطان ستمگر، او را مدح گوید یا خود را در برابرش خوار و خفیف گرداند، همدم او در آتش خواهد بود .

.

2070.الإمام الصادق عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : مَن وَلِىَ جائِرا عَلى جَورٍ ، كانَ قَرينَ هامانَ فى جَهَنَّمَ . (1)2071.الإمام علىّ عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : ما مِن عالِمٍ أتى صاحِبَ سُلطانٍ طَوعا ، إلّا كانَ شَريكَهُ فى كُلِّ لَونٍ يُعَذَّبُ بِهِ فى نارِ جَهَنَّمَ . (2)2072.الإمام زين العابدين عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : مَن مَشى إلى سُلطانٍ جائِرٍ طَوعا مِن ذاتِ نَفسِهِ تَمَلُّقاً إلَيهِ بِلِقائِهِ وَالتَّسليمِ عَلَيهِ ، خاضَ نارَ جَهَنَّمَ بِقَدرِ خُطاهُ إلى أن يَرجِعَ مِن عِندِهِ إلى مَنزِلِهِ . فَإن مالَ إلى هَواهُ أو شَدَّ عَلى عَضُدِهِ ، لَم يَحلُل بِهِ مِنَ اللّهِ لَعنَهٌ إلّا كانَ عَلَيهِ مِثلُها ، ولَم يُعَذَّب فِى النّارِ بِنَوعٍ مِنَ العَذابِ إلّا عُذِّبَ بِمِثلِهِ . (3)2073.سنن أبى داوود عن عبد اللّه بن قَيس : عنه صلى الله عليه و آله : يا مَعاذُ ، كُلُّ ظالِمٍ لَهُ أخِلّاءُ عَلَى الظُّلمِ صاروا أعداءً بَعضُهُم لِبَعضٍ يَتَبَرَّأُ بَعضُهُم مِن بَعضٍ ، عَلَى ما كانوا يَتَخالَلونَ عَلَيهِ فِى الدُّنيا ؛ فَيَجمَعُهُمُ اللّهُ فى دَرَكٍ واحِدٍ . (4)2074.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (فيما عَلَّمَهُ عَلِيّا عِندَ النّائِبَهِ) عنه صلى الله عليه و آله : إذا كانَ يَومُ القِيامَهِ نادى مُنادٍ : أينَ الظَّلَمَهُ وأعوانُ الظَلَمَهِ وأشياعُ الظَلَمَهِ ! حَتّى مَن لاقَ لَهُم دَواةً ، وحَتّى مَن بَرى لَهُم قَلَماً . قالَ : فَيُجمَعونَ فى تابوتٍ واحِدٍ ، ثُمَّ يُقذَفونَ فى نارِ جَهَنَّمَ . (5) .

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 11 ح 4968 ، الأمالى للصدوق : ص 512 ح 707 وفيه «دلّ» بدل «ولى» ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 259 كلّها عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 311 ح 2655 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، ثواب الأعمال : ص 331 ح 1 عن أبى هريره وعبداللّه بن عبّاس نحوه ، بحارالأنوار : ج 75 ص 369 ح 3 .

2- .الفردوس : ج 4 ص 42 ح 6131 ، كنز العمّال : ج 10 ص 196 ح 29030 نقلاً عن الحاكم النيشابورى فى تاريخه وكلاهما عن معاذ بن جبل ؛ مستدرک الوسائل : ج 13 ص 127 ح 14975 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .

3- .كنز العمّال : ج 6 ص 85 ح 14954 نقلاً عن الديلمى عن أبى الدرداء .

4- .الفردوس : ج 5 ص 376 ح 8480 عن معاذ بن جبل .

5- .كتاب الورع لابن حنبل : ص 93 عن عبد اللّه بن مسعود ، تفسير القرطبى : ج 13 ص 263 ، الفردوس : ج 1 ص 255 ح 989 عن أبى

هريره وكلاهما نحوه ؛ تنبيه الخواطر : ج 1 ص 54 عن عبد اللّه بن مسعود نحوه ، وسائل الشيعه : ج 12 ص 131 ح 22302 .

2075.عنه صلی الله علیه و آله (مِن دُعاءٍ طَویلٍ لِجَمیعِ الحَوائِجِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس ستمگری را در ستمش یاری رساند، همدم هامان در جهنّم است .2076.الإمام الحسن علیه السلام (فِی الدُّعاءِ عَلی مُعاوِیَهَ وأصحابِهِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ عالِمی نیست که داوطلبانه نزد صاحب قدرتی رود ، مگر آن که گرفتار هر نوع عذابی خواهد شد که آن صاحب قدرت در جهنّم ، بدان عذاب می شود .2077.الإمام زین العابدین علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس داوطلبانه و از پیش خود نزد سلطان ستمگری برود و نزد او زبان به چاپلوسی بگشاید و بر او سلام گوید، به شمار گام هایی که برای رفتن [به سوی آن سلطان] تا هنگام باز گشتن به خانه اش بر داشته ، در آتش جهنّم فرو خواهد رفت ، و اگر به دلخواه او گراید یا به او کمک کند، همانند هر لعنتی که از جانب خداوند شامل حال آن سلطان شود، دامن او را نیز می گیرد و هر نوع عذابی که آن سلطان در آتش داشته باشد ، او نیز به چون آن ، گرفتار می آید.2078.عنه علیه السلام (فیما دَعا بِهِ حینَ بَلَغَهُ تَوَجُّهُ مُسرِفٍ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ای معاذ! هر ستمگری که دوستانی [و یاورانی] بر ستمش داشته باشد، [در قیامت] آن دوستان ، دشمن یکدیگر خواهند شد و به خاطر آنچه در دنیا برای آن با یکدیگر دوستی می کرده اند ، از همدیگر بیزاری خواهند جست [و هر یک ، گناه آن ستم را به گردن دیگری خواهد انداخت] . پس خداوند ، آنان را در یک طبقه از آتش ، گرد خواهد آورد .2079.الکافی عن معاویه بن عمّار والعلاء بن سیّابه وظریف پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : چون روز قیامت شود، فریادگری بانگ می زند که: «کجایند ستمگران و یاوران ستمگران و پیروان ستمگران ؛ حتّی کسی که برای آنان (ستمگران) ، دواتی را لیقه کرده و حتّی کسی که برایشان قلمی تراشیده است ؟ !» .

در این هنگام، همه آنان را در یک تابوت می گذارند و سپس در آتش جهنّم پرتابشان می کنند. .

10 / 9السِّعايَةُ إلى الظّالِمِ2082.عنه عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَن سَعى بِأخيهِ إلى سُلطانٍ لَم يَبدُ لَهُ مِنهُ سَوءٌ ولا مَكروهٌ أحبَطَ اللّهُ عز و جلكُلَّ عَمَلٍ عَمِلَهُ ، فَإن وَصَلَ إلَيهِ مِنهُ سَوءٌ أو مَكروهٌ أو أذىً جَعَلَهُ اللّهُ فى طَبَقَهٍ مَعَ هامانَ فى جَهَنَّمَ . (1)2083.الإمام الكاظم عليه السلام (مِن دُعائِهِ لِلنَّجاهِ مِن كَيدِ هارونَ) الإمام الصادق عليه السلام : مَن رَوَّعَ مُؤمِنا بِسُلطانٍ لِيُصيبَهُ مِنهُ مَكروهٌ فَلَم يُصِبهُ ، فَهُوَ فِى النّارِ . ومَن رَوَّعَ مُؤمِنا بِسُلطانٍ لِيُصيبَهُ مِنهُ مَكروهٌ فَأصابَهُ ، فَهُوَ مَعَ فِرعَونَ وآلِ فِرعَونَ فِى النّارِ . (2)10 / 10البَغىُ2086.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَن بَغى عَلى فَقيرٍ أو تَطاوَلَ عَلَيهِ وَاستَحقَرَهُ حَشَرَهُ اللّهُ يَومَ القِيامَهِ مِثلَ الذَّرَّهِ فى صورَهِ رَجُلٍ حَتّى يَدخُلَ النّارَ . (3)2087.عنه صلى الله عليه و آله : الإمام علىّ عليه السلام : ما أعظَمَ عِقابَ الباغى ! (4) .

1- .ثواب الأعمال : ص 337 ح 1 عن أبى هريره و عبد اللّه بن عبّاس ، أعلام الدين : ص 416 عن ابن عبّاس ، بحار الأنوار : ج 76 ص 359 ح 30 ؛ المطالب العاليه : ج 2 ص 225 ح 2083 عن أبى هريره وابن عبّاس ، تاريخ أصبهان : ج 1 ص 240 الرقم 383 عن الحسن ، الفردوس : ج 3 ص 548 ح 5710 عن ابن عبّاس و كلّها نحوه ، كنز العمّال : ج 3 ص 486 ح 7545 .
2- .الكافى : ج 2 ص 368 ح 2 ، ثواب الأعمال : ص 306 ح 1 ، الاختصاص : ص 238 ، إرشاد القلوب : ص 143 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 209 وليس فيه صدره ، بحار الأنوار : ج 75 ص 149 ح 7 .
3- .ثواب الأعمال : ص 335 ح 1 عن أبى هريره وعبد اللّه بن عبّاس ، أعلام الدين : ص 415 عن عبد اللّه بن عبّاس وفيه «استفزه» بدل «استحقره» ، بحار الأنوار : ج 7 ص 214 ح 116 .
4- .غرر الحكم : ح 9525 .

10 / 9 بدگویی نزد ستمگر

10 / 10 تجاوز

10 / 9بدگویی نزد ستمگر2090.سنن الترمذی عن ابن حمید : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس از برادرِ [مؤمنِ] خود نزد حاکمی بدگویی کند ، حتّی اگر آن حاکم ، بدی و رفتار ناخوشایندی با آن مؤمن نکند ، خداوند عز و جل تمام اعمالی را که انجام داده است ، باطل می گرداند . حال اگر از او به آن مؤمن ، بدی یا ناگواری یا آزاری رسد ، خداوند ، او را با هامان در یک طبقه جهنّم قرار خواهد داد .2091.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : هر کس مؤمنی را از فرمان روایی بترساند تا از او به وی بدی و گزندی رسد امّا نرسد ، چنان کسی در آتش است . و هر کس مؤمنی را از سلطانی بترساند تا از او به وی بدی و گزندی برسد و برسد ، چنان کسی با فرعون و فرعونیان در آتش خواهد بود .10 / 10تجاوز2094.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس به حقوق ناداری تجاوز کند ، یا بر او دست یابد و کوچکش کند ، خداوند در قیامت ، او را همانند موری خُرد در شکل مردی محشور می کند تا وارد آتش [دوزخ] شود .2095.الإمام علیّ علیه السلام (فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ) امام علی علیه السلام : کیفر متجاوز ، چه سنگین است !

.

2096.الإمام زين العابدين عليه السلام (مِن دُعاءٍ لَهُ) عنه عليه السلام : أَيُّهَا النّاسُ ! إنَّ البَغىَ يَقودُ أصحابَهُ إلَى النّارِ . (1)10 / 11الفِسقُالكتاب«وَ أَمَّا الَّذِينَ فَسَقُواْ فَمَأوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُواْ أَن يَخْرُجُواْ مِنْهَا أُعِيدُواْ فِيهَا وَ قِيلَ لَهُمْ ذُوقُواْ عَذَابَ النَّارِ الَّذِى كُنتُم بِهِ تُكَذِّبُونَ» . (2)

الحديث2102.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : اَلعَبدُ إذا شَرِبَ شَربَةً مِنَ الخَمرِ ، اِبتَلاهُ اللّهُ بِخَمسَهِ أَشياءَ : الأَوَّلُ : قَسا قَلبُهُ . وَالثّانى : تَبَرَّأَ مِنهُ جَبرائِيلُ وميكائِيلُ وَإِسرافيلُ وَجَميعُ المَلائِكَهِ . وَالثّالِثُ : تَبَرَّأَ مِنهُ جَميعُ الأَنبياءِ وَالأَئِمَّهِ عليهم السلام . وَالرّابِعُ : تَبَرَّأَ مِنهُ الجَبّارُ جَلَّ جَلالُهُ . وَالخامِسُ : قَولُهُ عز و جل : «وَ أَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَن يَخرُجُوا مِنهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَ قِيلَ لَهُم ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّذِى كُنتُم بِهِ تُكَذِّبُونَ» . (3)2103.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : الإمام علىّ عليه السلام : إيّاكَ وَمَحاضِرَ الفُسُوقِ ؛ فَإنَّها مَسخَطَهٌ لِلرَّحمنِ ، مُصلِيَهٌ لِلنّيرانِ . (4)2104.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : الإمام الصّادق عليه السلام : لا تَقبَل فى ذى رَحِمِكَ وَأهلِ الرِّعايَهِ مِن أهلِ بَيتِكَ قَولَ مَن حَرَّمَ اللّهُ عَلَيهِ الجَنَّهَ وَجَعَلَ مَأواهُ النّارَ ، فَإنَّ النَّمّامَ شاهِدُ زورٍ وشَريكُ إبليسَ فِى الإغراءِ بَينَ النّاسِ ، وَقَد قالَ اللّهُ تَعالى : «يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن جَاءَكُم فَاسِقُ بِنَبَإٍ فَتَبَيَّنُوا أَن

تُصِيبُوا قَومَا بِجَهَلَهٍ فَتُصبِحُوا عَلَى مَا فَعَلتُم نَدِمِينَ» . (5) .

1- .الكافى : ج 2 ص 327 ح 4 و ج 8 ص 67 ح 23 كلاهما عن علىّ بن رئاب و يعقوب السراج عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 75 ص 277 ح 16 .
2- .السجده : 20 .
3- .جامع الأخبار : ص 425 ح 1184 ، بحار الأنوار : ج 79 ص 149 ح 58 .
4- .غرر الحكم : ح 2698 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 98 ح 2261 .
5- .الأمالى للصدوق : ص 710 ح 978 .

10 / 11 هرزگی

2105.سنن النسائی عن أبی سعید الخدری عن رسول اللّه صلی امام علی علیه السلام : ای مردم ! تجاوز ، پیروانش را به دوزخ می کشاند.10 / 11هرزگی (1)قرآن«و امّا کسانی که نافرمانی کرده اند، پس جایگاهشان آتش است. هر بار که بخواهند از آن بیرون بیایند ، به آن باز گردانیده می شوند و به آنان گفته می شود: «بچشید عذاب آتشی را که دروغش می پنداشتید ، بچشید !»».

حدیث2111.الإمام علیّ علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بنده هر گاه جرعه ای شراب بنوشد ، خداوند ، او را به پنج چیز مبتلا می سازد : اوّل : سنگ دلی . دوم : جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و همه فرشتگان از او بیزاری می جویند . سوم : همه پیامبران و امامان علیهم السلام از او بیزاری می جویند . چهارم : خداوند بزرگ از او بیزاری می جوید . و پنجم : این سخن خداوند عز و جل]شامل حال او می شود که[: «و امّا کسانی که نافرمانی کرده اند ، جایگاهشان آتش است . هر بار که بخواهند از آن بیرون بیایند ، به آن باز گردانیده می شوند و به آنان گفته می شود : بچشید عذاب آن آتشی را که دروغش می شمردید !»
.2112.عنه علیه السلام (لِابنِهِ مُحَمَّدِ بنِ الحَنَفِیَّهِ) امام علی علیه السلام : از مجالس فسق و فجور دوری کن ؛ زیرا این مجالس موجب خشم خدای مهربان و بر افروخته شدن آتش اند .2113.عنه علیه السلام : امام صادق علیه السلام : در باره خویشاوندت و افراد خانواده ات سخن کسی را که خدا بهشت را بر او حرام کرده و آتش را جایگاهش قرار داده است ، نپذیر ؛ زیرا سخن چین ، گواهِ دروغگو و شریک شیطان در فتنه انگیزی میان مردم است . خداوند متعال فرموده است : «ای کسانی که ایمان آورده اید ! اگر فاسقی برایتان خبری

آورد ، وارسی کنید که مبادا ندانسته به گروهی آسیب برسانید و آن گاه از آنچه کرده اید ، پشیمان شوید» .

.

1- .واژه «فسق» که در متن عربی به کار رفته است ، یعنی : نافرمانی خدا و خارج شدن از مسیر حق ؛ هرزگی ؛ زنا .

10 / 12الإسرافُالكتاب«وَ يَقَوْمِ مَا لِى أَدْعُوكُمْ إِلَى النَّجَوهِ وَ تَدْعُونَنِى إِلَى النَّارِ * تَدْعُونَنِى لِأَكْفُرَ بِاللَّهِ وَ أُشْرِكَ بِهِ مَا لَيْسَ لِى بِهِ عِلْمٌ وَ أَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ الْغَفَّرِ * لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونَنِى إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَهٌ فِى الدُّنْيَا وَ لَا فِى الْاخِرَهِ وَ أَنَّ مَرَدَّنَا إِلَى اللَّهِ وَ أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَبُ النَّارِ» . (1)

الحديث2119.عنه عليه السلام : الإمام علىّ عليه السلام : اِعمَلوا وأطيعوا ، لا تَتَّكِلوا ولا تَستَصغِروا عُقوبَهَ اللّهِ عز و جل ؛ فَإِنَّ مِنَ المُسرِفينَ مَن لا تَلحَقُهُ شَفاعَتُنا إلّا بَعدَ عَذابِ ثَلاثِمِئَهِ ألفِ سَنَهٍ . (2)10 / 13تَوَلَّى أعداءِ اللّه ِالكتاب«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْاْ قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِم مَّا هُم مِّنكُمْ وَ لَا مِنْهُمْ وَ يَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ * أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ * اتَّخَذُواْ أَيْمَنَهُمْ جُنَّهً فَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ * لَّن تُغْنِىَ عَنْهُمْ أَمْوَ لُهُمْ وَ لَا أَوْلَدُهُم مِّنَ اللَّهِ شَيْئًا أُوْلَائِكَ أَصْحَبُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَلِدُونَ» . (3)

«تَرَى كَثِيرًا مِّنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُواْ لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنفُسُهُمْ أَن سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِى الْعَذَابِ هُمْ خَلِدُونَ» . (4)

«وَ قَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُواْ لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّهً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُواْ مِنَّا كَذَ لِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَلَهُمْ حَسَرَ تٍ عَلَيْهِمْ وَ مَا هُم بِخَرِجِينَ مِنَ النَّارِ» . (5)

.

1- .غافر : 41 43 .
2- .معانى الأخبار : ص 288 ح 2 عن الحسن بن علىّ الناصرى عن أبيه عن الإمام الجواد عن آبائه عليهم السلام ، الاعتقادات : ص 51 ، بحار الأنوار : ج 6 ص 165 ح 9 .
3- .المجادله : 14 17 .
4- .المائده : 80 .
5- .البقره : 167 .

10 / 12 زیاده روی

10 / 13 دوستی کردن با دشمنان خدا

10 / 12زیاده رویقرآن«ای قوم من! چه شده است که من شما را به نجات فرا می خوانم ؛ ولی [شما] مرا به آتش فرا می خوانید ؟! مرا فرا می خوانید تا به خدا کفر ورزم و چیزی را که بدان علمی ندارم ، شریک او گردانم ؛ ولی من شما را به سوی آن ارجمند آمرزنده دعوت می کنم. آنچه مرا به سوی آن دعوت می کنید، به ناچار ، نه در دنیا [در خور] خواندن است و نه در آخرت . و در حقیقت، برگشت ما به سوی خداست . و زیاده روان ، همدمان آتش اند».

حدیث2131.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : عمل کنید و [از خدا و ما] فرمان ببرید، [و به غیر این دو] تکیه نکنید (1) و کیفر خدای عز و جل را دست کم نگیرید؛ زیرا در میان زیاده روان ، (2) کسانی هستند که شفاعت ما به آنان نمی رسد ، مگر پس از سیصد هزار سال عذاب.10 / 13دوستی کردن با دشمنان خدا (3)قرآن«آیا ندیده ای کسانی را که قومی را که مورد خشم خدایند، به دوستی گرفته اند؟ آنها نه از شمایند و نه از ایشان، و به دروغ ، سوگند یاد می کنند و خودشان هم می دانند. خدا برای آنان عذابی سخت آماده کرده است. راستی که چه بد می کردند ؛ سوگندهای خود را سپری قرار داده بودند و از راه خدا باز داشتند و آنان عذابی خفّت آور خواهند داشت . در برابر خداوند ، نه از اموالشان و نه از اولادشان ، هرگز کاری ساخته نیست. آنها دوزخی اند و در آن ، جاودانه خواهند بود».

«بسیاری از آنان را می بینی که با کسانی که کفر ورزیده اند ، دوستی می کنند . راستی چه زشت است آنچه برای خود پیش فرستادند! [در نتیجه]خدا بر ایشان خشم گرفت و پیوسته در عذاب می مانند».

«و پیروان می گویند: «کاش برای ما بازگشتی بود تا همان گونه که آنان از ما بیزاری جستند ، ما نیز از آنان بیزاری می جستیم !» . این گونه خداوند ، کارهایشان را که برای آنان مایه حسرت هاست به ایشان می نمایاند و از آتش ، بیرون آمدنی نیستند».

.

1- .یعنی : تنها به عمل و طاعت خویش تکیه کنید و برای نجات خود از عذاب الهی ، به این و آن و حتّی به شفاعت ما تکیه نکنید.
2- .یعنی : کسانی که بر خویشتن اسراف و ستم کرده اند.
3- .یا: پیروی از پیشواییِ دشمنان خدا .

الحديث2139.الإمام الهادى عليه السلام (فى قُنوتِهِ) رسول اللّه صلى الله عليه و آله عن جبرئيل عليه السلام عن اللّه تعالى : وعِزَّتى وجَلالى ! لَاُعَذِّبَنَّ كُلَّ رَعِيَّةٍ فى الإسلام دانَت بِوَلايَةِ إمامٍ جائِرٍ لَيسَ مِنَ اللّه ِ عز و جل وإن كانَتِ الرَّعِيَّةُ فى أعمالِها بَرَّةً تَقِيَّةً ، ولَأعفُوَنَّ عَن كُلِّ رَعِيَّةٍ دانَت لِوَلايَةِ إمامٍ عادِلٍ مِنَ اللّه ِ تَعالى وإن كانَتِ الرَّعِيَّةُ فى أعمالِها طالِحَةً مُسيئَةً . (1)

2140.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : الإمام الصادق عليه السلام فى قَولِهِ تَعالى : «وَ مَا هُم بِخَرِجِينَ مِنَ النَّارِ» : أعداءُ عَلِيٍّ عليه السلام هُمُ المُخَلَّدونَ فِى النّارِ أبَدَ الآبِدينَ ودَهرَ الدّاهِرينَ . (2) 10 / 14مُخالَفَةُ القُرآنِالكتاب«وَ الَّذِينَ سَعَوْا فِى ءَايَتِنَا مُعَجِزِينَ أُوْلَائِکَ أَصْحَبُ الْجَحِيمِ» . (3)

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُجَدِلُونَ فِى ءَايَتِ اللَّهِ أَنَّى يُصْرَفُونَ * الَّذِينَ كَذَّبُواْ بِالْكِتَبِ وَ بِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ * إِذِ الْأَغْلَلُ فِى أَعْنَقِهِمْ وَ السَّلَسِلُ يُسْحَبُونَ * فِى الْحَمِيمِ ثُمَّ فِى النَّارِ يُسْجَرُونَ» . (4)

.

1- .الأمالى للطوسى : ص 634 ح 1308 عن حبيب السجستانى عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام ، الكافى : ج 1 ص 376 ح 4 ، فضائل الشيعه : ص 54 ح 12 ، الغيبه للنعمانى : ص 132 ح 13 والثلاثه الأخيره عن حبيب السجستانى عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 27 ص 193 ح 51 .

2- .تفسير العيّاشى : ج 1 ص 73 ح 145 عن منصور بن حازم ، تفسير فرات : ص 122 ح 132 عن حمران ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 96 ح 260 عن أبى بصير وفيه «لا تدركهم الشفاعه» بدل «أبد الآبدين ودهر الداهرين» ، بحار الأنوار : ج 8 ص 362 ح 37 .

3- .الحجّ : 51 .

4- .غافر : 69 72 .

حدیث2147.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به نقل از جبرئیل علیه السلام : خدای متعال فرمود : «به عزّت و جلالم سوگند که هر جامعه مسلمانی را که به ولایت پیشوای ستمگرِ نامنصوب از جانب خدای عز و جل گردن نهد، عذاب می کنم ، اگر چه کردارِ آن جامعه ، نیک و پرهیزگارانه باشد و هر جامعه ای را که به ولایت پیشوای دادگرِ منصوب از جانب خدای متعال گردن نهد ، می بخشم ، اگرچه کردار آن جامعه ، بد و ناپسند باشد» .2148.بحار الأنوار : امام صادق علیه السلام در باره آیه «و از آتش ، بیرون آمدنی نیستند» : دشمنان علی علیه السلام تا ابد و برای همیشه ، در آتش ، جاویدان اند .10 / 14مخالفت با قرآنقرآن«و کسانی که در [ستیز با] آیات ما می کوشند تا [به خیال خود ،] عاجز کنندگان ما باشند ، آنان اهل دوزخ اند».

«آیا کسانی را که در [ابطال] آیات خدا مجادله می کنند، ندیده ای که تا کجا منحرف شده اند ؟ کسانی که کتاب[خدا] و آنچه را که فرستادگان خود را بِدان گسیل داشته ایم ، تکذیب کرده اند، به زودی خواهند دانست ، هنگامی که غُل ها در گردن هایشان می افتد و با زنجیرها کشانیده می شوند ، در میان جوشاب، و آن گاه در آتش ، بر افروخته می شوند».

.

الحديث2155.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : عَلَيكُم بِالقُرآنِ ؛ فَإِنَّهُ شافِعٌ مَشَفَّعٌ ، وماحِلٌ مُصَدَّقٌ ، ومَن جَعَلَهُ أمامَهُ قادَه إلَى الجَنَّهِ ، ومَن جَعَلَهُ خَلفَهُ ساقَهُ إلَى النّارِ . (1)2156.عنه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : اَلقُرآنُ هُدىً مِنَ الضَّلالَهِ ، وتِبيانٌ مِنَ العَمى ، وَاستِقالَهٌ مِنَ العَثرَهِ ، ونورٌ مِنَ الظُّلَمَهِ ، وضِياءٌ مِنَ الأحداثِ ، وعِصمَهٌ مِنَ الهَلَكَهِ ، ورُشدٌ مِنَ الغَوايَهِ ، وبَيانٌ مِنَ الفِتَنِ ، وبَلاغٌ مِنَ الدُّنيا إلَى الآخِرَهِ ، وفيهِ كمالُ دينِكُم ، وما عَدَلَ أحَدٌ عَنِ القُرآنِ إلّا إلَى النّارِ . (2)2157.الإمام علىّ عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ هذَا القُرآنُ شافِعٌ مُشَفَّعٌ وماحِلٌ مُصَدَّقٌ ؛ مَن شَفَعَ لَهُ القُرآنُ يَومَ القِيامَهِ نَجا ، ومَن مَحَلَ بِهِ القُرآنُ يَومَ القِيامَهِ كَبَّهُ اللّهُ فِي النّارِ عَلى وَجهِهِ . (3)10 / 15الفَسادُ فِى الأرضِالكتاب«إِنَّمَا جَزَ ؤُاْ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِى الْأَرْضِ فَسَادًا أَن يُقَتَّلُواْ أَوْ يُصَلَّبُواْ أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُم مِّنْ خِلَفٍ أَوْ يُنفَوْاْ مِنَ الْأَرْضِ ذَ لِكَ لَهُمْ خِزْىٌ فِى الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِى الْاخِرَهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» . (4)

.

1- .الكافى : ج 2 ص 599 ح 2 عن السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تفسير العيّاشى : ج 1 ص 2 ح 1 عن محمّد بن مسعود عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، النوادر للراوندى : ص 144 ح 197 عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 77 ص 134 ح 46 ؛ المعجم الكبير : ج 10 ص 198 ح 10450 عن عبد اللّه بن مسعود ، موارد الظمآن : ص 443 ح 1793 ، شعب الإيمان : ج 2 ص 351 ح 2510 كلاهما عن جابر ، كنز العمّال : ج 1 ص 516 ح 2306 .
2- .الكافى : ج 2 ص 600 ح 8 عن الإمام الصادق عليه السلام ، تفسير العيّاشى : ج 1 ص 5 ح 8 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 26 ح 28 .
3- .كنز العمّال : ج 1 ص 552 ح 2474 نقلاً عن محمّد بن نصر عن أنس .
4- .المائده : 33 .

10 / 15 فساد در روی زمین

حدیث2163.المعجم الکبیر عن أبی اُمامه : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : به قرآن ، چنگ در زنید؛ زیرا قرآن ، شفاعت کننده ای است که شفاعتش پذیرفته می شود، و سعایت کننده ای است که سعایتش تصدیق می گردد . (1) هر که قرآن را پیشوای خود قرار دهد ، قرآن او را به بهشت رهبری می کند ؛ ولی هر که آن را پشت سر خود قرار دهد ، به سوی آتش سوقش می دهد.2164.مسند ابن حنبل عن عبد اللّه بن عمرو : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : قرآن ، در گم راهی ها راه نماست و زداینده کوری ها و نجات دهنده از لغزش است . نوری است در تاریکی و پرتوی در رخدادها [و بدعت ها] . نگه دارنده از نابودی و ارشاد کننده در کج راهه هاست . در فتنه ها روشنگر است و از [حضیضِ] دنیا به [سعادت] آخرت می رساند . کمال دین شما ، در آن است و هیچ کس از قرآن منحرف نمی شود ، مگر آن که به سوی دوزخ خواهد رفت .2165.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : همانا این قرآن ، شفاعت کننده ای است که شفاعتش پذیرفته است و سعایت کننده ای است که سخنانش تصدیق می شود. کسی که قرآن در روز قیامت برایش شفاعت کند، نجات می یابد و کسی که قرآن در روز قیامت از او بد بگوید، خداوند ، او را در آتش ، سرنگون خواهد ساخت .10 / 15فساد در روی زمینقرآن«سزای کسانی که با خدا و پیامبر او می جنگند و در زمین به فساد می کوشند، جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر ، بریده شود یا از آن سرزمین ، تبعید گردند. این، رسواییِ آنان در دنیاست و در آخرت نیز عذابی بزرگ خواهند داشت» .

.

1- .یعنی : کسی که از قرآن پیروی کند و به احکام و فرمان های آن عمل نماید، قرآن ، شفاعتش می کند و شفاعتش در نزد خدا پذیرفته می شود ؛ ولی کسی که به دستورات آن عمل نکند و بر خلاف آنها رفتار نماید، قرآن نیز در قیامت ، این رفتار او را گزارش می دهد و گزارش او تصدیق خواهد شد .

الحديث2171.بحار الأنوار : سنن النسائى عن أبى هريره : جاءَ رَجُلٌ إلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَقالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، أرَأيتَ إن عُدِىَ عَلى مالى؟ قالَ : فَأنشِد بِاللّهِ ، قالَ : فَإن أبَوا عَلَىَّ؟ قالَ : فَأنشِد بِاللّهِ ، قالَ : فَإن أبَوا عَلَىَّ ؟ قالَ : فَأنشِد بِاللّهِ ، قالَ : فَإن أبَوا عَلَىَّ؟ قالَ : فَقاتِل ، فَإن قُتِلتَ فَفِى الجَنَّهِ ، وإن قَتَلتَ فَفِى النّارِ . (1)2172.صحيح البخارى عَن اُمِّ خالد بنت خالد : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إذا أشارَ المُسلِمُ عَلى أخيهِ المُسلِمِ بِالسِّلاحِ فَهُما عَلى جُرُفِ جَهَنَّمَ (2) ، فإذا قَتَلَهُ خَرّا جَميعاً فيها . (3)10 / 16البِدعَهُ فِى الدّينِ2175.الكافى عن أبى بصير : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : أصحابُ البِدَعِ كِلابُ النّارِ .
(4)2176.الإمام الصادق عليه السلام (فيما يُقالُ عَلَى الصَّفا) عنه صلى الله عليه و آله : كُلُّ بِدعَهٍ ضَلالَهٌ ، وكُلُّ ضَلالَهٍ سَبيلُها إلَى النّارِ .
(5)2177.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : الإمام علىّ عليه السلام فى قَولِهِ تَعالى : « الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ » (6) : إنَّهُم أهلُ البِدَعِ

وَالأَهواءِ مِن هذِهِ الاُمَّهِ . (7) .

1- .سنن النسائى : ج 7 ص 114 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 242 ح 8483 ، السنن الكبرى : ج 8 ص 583 ح 17640 نحوه ، تفسير القرطبى : ج 6 ص 156 .
2- .الظاهر أنّ المراد هو أن يُشير كلٌّ منهما بالسلاح على صاحبه ، فيستحقّا بذلک عذاب جهنّم .
3- .سنن النسائى : ج 7 ص 124 عن أبى بكره ، كنزالعمّال : ج 15 ص 26 ح 39914 .
4- .كنز العمّال : ج 1 ص 218 ح 1094 نقلاً عن أبى حاتم الخزاعى فى جزئه عن أبى اُمامه .
5- .كمال الدين : ص 257 ح 1 عن عبد الرحمن بن سمره ، الكافى : ج 1 ص 56 ح 8 عن الإمام الباقر والإمام الصادق عليهماالسلام ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 69 ح 226 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 137 ح 1964 كلاهما عن زراره ومحمّد بن مسلم والفضيل عن الإمام الباقر والإمام الصادق عليهماالسلام ، بحار الأنوار : ج 36 ص 227 ح 3 .
6- .آل عمران : 106 .
7- .مجمع البيان : ج 2 ص 809 ؛ تاريخ بغداد : ج 7 ص 379 الرقم 3908 عن ابن عبّاس من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، تاريخ

دمشق : ج 43 ص 10 ح 9074 عن ابن عمر و ليس فيهما ذيله «من هذه . . .».

حدیث2179.عنه صلی الله علیه و آله : سنن النسائی به نقل از ابو هریره : مردی خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! اگر به مال من تجاوز شود ، چه کنم؟

فرمود: «[متجاوز را] به خدا سوگند ده [که از تعدّی به مال تو ، دست بر دارد و آن را پس دهد]» .

گفت : اگر نپذیرفت ، چه ؟

فرمود: «باز هم به خدا سوگند ده» .

گفت : اگر باز هم نپذیرفت؟ فرمود: «دیگر باره به خدا سوگند ده» .

گفت : اگر باز هم نپذیرفت؟

فرمود: «بجنگ، که اگر کشته شدی ، در بهشتی، و اگر کشتی ، [او] در آتش است» .2180.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه مسلمان با اسلحه به برادر مسلمانش اشاره کند [و او را نشانه بگیرد]، هر دو در لبه پرتگاه جهنّم اند و اگر او را کشت، هر دو در آتش فرو می افتند. (1)10 / 16بدعت نهادن در دین2183.الإمام علیّ علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بدعت گذاران، سگ های آتش اند .2184.فاطمه علیهاالسلام (مِن دُعائِها بَعدَ صَلاهِ العَصرِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر بدعتی ، گم راهی است و هر گم راهی ای ، راهش به سوی آتش است.2185.الإمام زین العابدین علیه السلام : امام علی علیه السلام در باره این سخن خدای متعال : «کسانی که چهره هایشان سیاه گشته

است» : آنان بدعت گذاران و فرقه گرایان این امّت هستند .

.

1- .ظاهرا مراد ، آن است که هر دو قصد کشتن یکدیگر را داشته باشند ، که در اینصورت هر دو مستحق عذاب خواهند شد .

2186.عنه عليه السلام : الإمام زين العابدين عليه السلام : إذا رَأَيتُمُ الرَّجُلَ قَد حَسُنَ سَمتُهُ (1) وهَديُهُ ، وتَماوَتَ فى مَنطِقِهِ ، وتَخاضَعَ فى حَرَكاتِهِ ، فَرُوَيدا لا يَغُرَّنَّكُم . . . حَتّى تَنظُروا أمَعَ هَواهُ يَكونُ عَلى عَقلِهِ ، أو يَكونُ مَعَ عَقلِهِ عَلى هَواهُ؟ وكَيفَ مَحَبَّتُهُ لِلرِّئاساتِ الباطِلَهِ ، وزُهدُهُ فيها؟ فَإِنَّ فِى النّاسِ مَن خَسِرَ الدُّنيا وَالآخِرَهَ ؛ يَترُكُ الدُّنيا لِلدُّنيا ، ويَرى أنَّ لَذَّهَ الرِّئاسَهِ الباطِلَهِ أفضَلُ مِن لَذَّهِ الأَموالِ وَالنِّعَمِ المُباحَهِ المُحَلَّلَهِ ، فَيَترُكُ ذلِكَ أجمَعَ طَلَبا لِلرِّئاسَهِ الباطِلَهِ حَتّى : «وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ» . (2)

فَهُوَ يَخبِطُ خَبطَ (3) عَشواءَ ، يَقودُهُ أوَّلُ باطِلٍ إلى أبعَدِ غاياتِ الخَسارَهِ ، ويُمِدُّهُ رَبُّهُ بَعدَ طَلَبِهِ لِما لا يَقدِرُ عَلَيهِ فى طُغيانِهِ ، فَهُوَ يُحِلُّ ما حَرَّمَ اللّهُ ، ويُحَرِّمُ ما أحَلَّ اللّهُ ، لا يُبالِى ما فاتَ مِن دينِهِ إذا سَلِمت لَهُ رِئاسَتُهُ الَّتى قَد شَقِىَ مِن أجلِها ، فَأُولئِكَ الَّذينَ غَضِبَ اللّهُ عَلَيهِم ولَعَنَهُم وأعَدَّ لَهُم عَذابا مُهينا ، ولكِنَّ الرَّجُلَ كُلَّ الرَّجُلِ نِعمَ الرَّجُلُ هُوَ الَّذى جَعَلَ هَواهُ تَبَعا لِأَمرِ اللّهِ . (4)10 / 17مُخالَفَهُ أهلِ البَيتِ:2189.الكافى عن سليمان بن خالد : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ عز و جل نَصَبَ عَلِيّا عَلَما بَينَهُ وبَينَ خَلقِهِ ؛ فَمَن عَرَفَهُ كانَ مُؤمِنا ، ومَن

أنكَرَهُ كانَ كافِراً ، ومَن جَهِلَهُ كانَ ضالّاً ، ومَن عَدَلَ بَينَهُ وبَينَ غَيرِهِ كانَ مُشرِكا ، ومَن جاءَ بِوَلايَتِهِ دَخَلَ الجَنَّهَ ، ومَن جاءَ بِعَداوَتِهِ دَخَلَ النّارَ . (5) .

1- .السَّمْتُ : حُسْنُ النحو فى مذهب الدين (تاج العروس : ج 3 ص 73 «سمت») .
2- .البقره : 206 .
3- .خَبَطَهُ خَبْطَ عشواء : ركبه على غير بصيره (القاموس المحيط : ج 4 ص 362 «عشا») .
4- .الاحتجاج : ج 2 ص 159 ح 192 عن الإمام العسكرى عن الإمام الرضا عليهماالسلام ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 99 ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام : ص 53 ح 27 ، بحار الأنوار : ج 2 ص 84 ح 10 .
5- .الأمالى للطوسى : ص 487 ح 1067 عن المفضل بن عمر عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، الكافى : ج 2 ص 388 ح 20 عن فضيل بن يسار عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 38 ص 119 ح 63 .

2190.الکافی عن زیاد بن مروان : امام زین العابدین علیه السلام : اگر دیدید مردی ظاهر الصلاح است ، در گفتارش دم از زهد و پارسایی می زند و در حرکات و رفتارهایش فروتنی می نماید، مراقب باشید که فریبتان ندهد... تا آن که ببینید آیا با هوس خویش است و مخالف خِرَدش، یا با خرد خویش است و مخالف هَوَسش ، و ببینید که عشق و علاقه او به ریاست های دروغین یا بی رغبتی اش به آنها ، چگونه است ؛ زیرا در میان مردم ، کسانی هستند که دنیا و آخرت، هر دو، را می بازند . دنیا را برای دنیا رها می کنند و لذّت ریاست پوچ را از لذّت ثروت و نعمت های روا و حلال ، برتر می دانند . بنا بر این، [چنین کسی] برای رسیدن به ریاست پوچ ، از همه آنها می گذرد تا آن جا که: «چون به او گفته شود : «از خدا بترس!» ، نخوت ، او را به گناه می کشانَد . پس جهنّم برای او بس است و چه بد بستری است !» .

پس چنین کسی کورکورانه حرکت می کند . نخستین باطل ، او را به دورترین پایانه های زیان و بازَندگی می کشاند و پروردگارش او را که در طلب چیزی بر آمده که توان به دست آوردنش را ندارد، در طغیانش فرو می برد ، به طوری که آنچه را خدا حرام کرده ، او حلال می گرداند و آنچه را خدا حلال کرده ، او حرام می کند و برایش مهم نیست که دینش از بین برود ؛ مهم این است که آنچه برای به دست آوردنش رنج برده ، برایش بماند. اینان همان کسانی هستند که خداوند بر ایشان خشم گرفته و لعنتشان کرده و عذابی خفّت آور برایشان آماده ساخته است . بلکه مَرد، تمامْ مَرد، نیکومَرد ، آن کسی است که هوس خویش را پیرو فرمان خداوند گرداند.10 / 17مخالفت با اهل بیت:2193.الإمام الصادق علیه السلام (مِن دُعائِهِ عِندَ قِراءَهِ القُرآنِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل علی را نشانی میان خود و خلقش قرار داد . پس هر که

او را بشناسد [و به او معتقد باشد] ، مؤمن است و هر که انکارش کند ، کافر است و هر که نشناسدش ، گم راه است و هر که او را با دیگران همسنگ داند ، مشرک است و هر کس ولایت او را داشته باشد، به بهشت می رود و هر کس با او دشمنی داشته باشد ، به آتش می رود.

2194.تفسير الفخر الرازى : الإمام زين العابدين عليه السلام : اعلَموا أنَّهُ مَن خالَفَ أولِياءَ اللّهِ ، ودانَ بِغَيرِ دينِ اللّهِ ، واستَبَدَّ بِأمرِهِ دونَ أمرِ وَلِيِّ اللّهِ ، كانَ فى نارٍ تَلتَهِبُ ؛ تَأكُلُ أبَداناً قَد غابَت عَنها أرواحُها ، وغَلَبَت عَلَيها شِقوَتُها ، فَهُم مَوتى لا يَجِدونَ حَرَّ النّارِ ، ولَو كانوا أحياءً لَوَجَدوا مَضَضَ حَرِّ النّارِ . (1)2195.المصنّف عن عبد اللّه : الإمام الصادق عليه السلام : مَن سَرَّهُ أن يَعلَمَ أنَّ اللّهَ يُحِبُّهُ فَليَعمَل بِطاعَةِ اللّهِ وَليَتَّبِعنا ، أَلَم يَسمَع قَولَ اللّهِ عز و جل لِنَبِيِّهِ صلى الله عليه و آله : « قُلْ إِن كُنتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِى يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ » ؟ وَاللّهِ ! لا يُطيعُ اللّهَ عَبدٌ أبَداً إلّا أدخَلَ اللّهُ عَلَيهِ فى طاعَتِهِ اتِّباعَنا ، ولا وَاللّهِ ! لا يَتَّبِعُنا عَبدٌ أبَداً إلّا أحَبَّهُ اللّهُ ، ولا وَاللّهِ ! لا يَدَعُ أحَدٌ اتِّباعَنا أبَدا إلّا أبغَضَنا ، ولا وَاللّهِ ! لا يُبغِضُنا أحَدٌ أبَداً إلّا عَصَى اللّهَ ، ومَن ماتَ عاصِياً للّهِ أخزاهُ اللّهُ وأكَبَّهُ عَلى وَجهِهِ فِى النّارِ . (2)2196.السنن الكبرى عن عائشه : الإمام الهادى عليه السلام فِى الزِّيارَةِ الجامِعَةِ الَّتى تُزارُ بِهَا الأئِمَّةُ عليهم السلام : مَنِ اتَّبَعَكُم فَالجَنَّةُ مَأواهُ ، ومن خالَفَكُم فَالنّارُ مَثواهُ . (3) .

1- .الكافى : ج 8 ص 16 ح 2 ، الأمالى للمفيد : ص 203 ح 33 ، العدد القوّيه : ص 62 ح 79 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 38 كلّها عن أبى حمزه ، تحف العقول : ص 254 وليس فيها ذيله ، بحار الأنوار : ج 78 ص 151 ح 11 .

2- .الكافى : ج 8 ص 14 ح 1 عن إسماعيل بن جابر و إسماعيل بن مخلّد السرّاج ، بحار الأنوار : ج 78 ص 224 ح 93 .

3- .تهذيب الأحكام : ج 6 ص 98 ح 177 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 613 ح 3213 ، المزار الكبير : ص 529 كلّها عن موسى بن عبد اللّه النخعى ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 275 ح 1 عن موسى بن عمران النخعى ، بحار الأنوار : ج 102 ص 130 ح 4 .

2197.سنن أبی داوود عن عوف بن مالک الأشجعی : امام زین العابدین علیه السلام : بدانید که هر کس با اولیای خدا ناسازگاری کند ، از غیر دین خدا پیروی می نماید و در برابر فرمان ولیّ خدا خودرأیی کند ، در آتشی خواهد بود که شعله می کشد و پیکرهایی را که جان هایشان از آنها دور گشته و بدبختی بر آنها چیره گشته است، می خورد. آنان مردگانی هستند که حرارت آتش را حس نمی کنند ، در حالی که اگر زنده بودند ، سوزش حرارت آتش را احساس می کردند.2198.مسند ابن حنبل عن حذیفه : امام صادق علیه السلام : هر کس خوش حال می شود که بداند خداوند او را دوست دارد، پس به فرمان خدا عمل کند و از ما پیروی نماید. مگر سخن خدای عز و جل به پیامبرش را نشنیده است که: «بگو: اگر خدا را دوست می دارید ، پس ، از من پیروی کنید تا خدا نیز شما را دوست بدارد و گناهانتان را بیامرزد» . به خدا سوگند که هیچ بنده ای هرگز از خدا اطاعت نمی کند ، مگر آن که خداوند ، او را پیرو ما نیز قرار می دهد . به خدا سوگند هیچ بنده ای هرگز از ما پیروی نمی کند ، مگر آن که خداوند ، او را دوست می دارد. به خدا سوگند هرگز کسی پیروی از ما را رها نمی کند ، مگر آن که ما را دشمن داشته است . به خدا سوگند ، هرگز کسی ما را دشمن نمی دارد ، مگر آن که خدا را نافرمانی کرده . هر کس با نافرمانیِ خدا بمیرد ، خداوند ، او را خوار می گرداند و در آتش سرنگونش می سازد.2199.سنن ابن ماجه عن أبی لیلی : صَلَّیتُ إلی جَنبِ ال (وهُوَ یُصَلّی مِنَ اللَّیلِ تَطَوُّعا) امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه که با آن ، امامان علیهم السلام را زیارت می کنند : هر که از شما پیروی کند ، بهشت ، خانه اوست و هر که با شما مخالفت ورزد ، آتش ، جایگاه اوست. .

2200.الإمام الصادق عليه السلام : الإمام العسكرى عليه السلام : نَحنُ كَهفٌ لِمَنِ التَجَأَ إلَينا ، ونورٌ لِمَنِ استَضاءَ بِنا ، وعِصمَةٌ لِمَنِ اعتَصَمَ بِنا ، مَن أحَبَّنا كانَ مَعَنا فِى السَّنامِ الأعلَى ، ومَنِ انحَرَفَ عَنّا فَإلَى النّارِ . (1)10 / 18بُغضُ أهلِ البَيتِ:2203.الكافى عن الحلبى عن الإمام الصادق عليه السلام ، ق رسول اللّه صلى الله عليه و آله : وَالَّذى نَفسى بِيَدِهِ ! لا يُبغِضُنا أهلَ البَيتِ رَجُلٌ إلّا أدخَلَهُ اللّهُ النّارَ . (2)2204.الإمام الصادق عليه السلام (فى قَولِهِ تَعالى : {Q} «يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَ) عنه صلى الله عليه و آله : مَن سَبَّ عَلِيّا فَقَد سَبَّنى ، ومَن سَبَّنى فَقَد سَبَّ اللّهَ ، ومَن سَبَّ اللّهَ أدخَلَهُ اللّهُ نارَ جَهَنَّمَ خالِدا فيها مُخَلَّدا ولَهُ عَذابٌ مُقيمٌ . (3)2205.عيون أخبار الرضا عليه السلام عن رجاء بن أبى الضحّ عنه صلى الله عليه و آله : مَن أحَبَّ فاطِمَةَ ابنَتى فَهُوَ فِى الجَنَّهِ مَعى ، ومَن أبغَضَها فَهُوَ فِى النّارِ . (4)2206.المصنّف عن أبى سعيد الخدرى : عنه صلى الله عليه و آله : الحَسَنُ وَالحُسَينُ ابناىَ ؛ مَن أحَبَّهُما أحَبَّنى ، ومَن أحَبَّنى أحَبَّهُ اللّهُ ، ومَن أحَبَّهُ اللّهُ أدخَلَهُ الجَنَّهَ ، ومَن أبغَضَهُما أبغَضَنى ، ومَن أبغَضَنى أبغَضَهُ اللّهُ ، ومَن أبغَضَهُ اللّهُ أدخَلَهُ النّارَ . (5)2207.مسند ابن حنبل عن أبى اُمامه الباهلى : عنه صلى الله عليه و آله : يا بَنى عَبدِ المُطَّلِبِ ! إنّى سَأَلتُ اللّهَ لَكُم أن يُعَلِّمَ جاهِلَكُم ، وأن يُثَبِّتَ قائِمَكُم ،

وأن يَهدِىَ ضالَّكُم ، وأن يَجعَلَكُم نُجَداءَ جُوَداءَ رُحَماءَ . أما وَاللّهِ ! لَو أنَّ رَجُلاً صَفَّ قَدَمَيهِ بَينَ الرُّكنِ وَالمَقامِ مُصَلِّيا ، ولَقِىَ اللّهَ بِبُغضِكُم أهلَ البَيتِ لَدَخَلَ النّارَ . (6) .

1- .رجال الكشّى : ج 2 ص 814 ح 1018 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 435 ، الخرائج والجرائح : ج 2 ص 740 ح 54 ، كشف الغمّه : ج 3 ص 211 كلّها عن محمّد بن الحسن بن ميمون ، بحار الأنوار : ج 50 ص 299 ح 72 .
2- .صحيح ابن حبّان : ج 15 ص 435 ح 6978 ، المستدرک على الصحيحين : ج 3 ص 162 ح 4717 ، سير أعلام النبلاء : ج 2 ص 123 كلّها عن أبى سعيد الخدرىّ ، كنز العمّال : ج 12 ص 104 ح 34204 .
3- .الاحتجاج : ج 2 ص 55 ح 154 عن الإمام الحسن عليه السلام ، الفضائل : ص 96 عن ابن عبّاس ، عوالى اللآلى : ج 4 ص 87 ح 109 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 44 ص 91 ح 5 ؛ المناقب للخوارزمى : ص

137 ، ذخائر العقبى : ص 123 ، الفردوس : ج 3 ص 542 ح 5689 كلّها عن ابن عبّاس .
4- .مئه منقبه : ص 116 ، إرشاد القلوب : ص 294 كلاهما عن سلمان ، بحار الأنوار : ج 27 ص 116 ح 94 .
5- .المستدرک على الصحيحين : ج 3 ص 181 ح 4776 عن سلمان ، كنز العمّال : ج 12 ص 120 ح 34286 ؛ إعلام الورى : ج 1 ص 432 عن سلمان .
6- .الأمالى للمفيد : ص 252 ح 2 ، الأمالى للطوسى : ص 247 ح 435 ، بشاره المصطفى : ص 260 كلاهما نحوه وكلّها عن ابن عبّاس ، بحار الأنوار : ج 27 ص 171 ح 13 ؛ المستدرک على الصحيحين : ج 3 ص 161 ح 4712 ، المعجم الكبير : ج 11 ص 142 ح 11412 ، السنّه لابن أبى عاصم : ص 628 ح 1546 كلّها عن ابن عبّاس نحوه ، كنز العمّال : ج 12 ص 42 ح 23910 .

2208.المستدرک عن جبیر بن مُطعِم : امام عسکری علیه السلام : ما پناهگاه کسی هستیم که به ما پناه آورد، و نوری هستیم برای آن که از ما روشنایی جوید، و نگه دارنده کسی هستیم که از ما نگهداری خواهد . هر که ما را دوست بدارد ، با ما در بالاترین مرتبه[ی بهشت] خواهد بود و کسی که از ما منحرف شود ، فرجامش آتش است.10 / 18کینه توزی با اهل بیت:2211.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سوگند به آن که جان من در دست اوست، هیچ مردی کینه ما اهل بیت را در دل نمی گیرد ، مگر آن که خداوند ، او را به آتش می برد .2212.تهذیب الأحکام عن حنّان بن سدیر : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس به علی ناسزا گوید ، به من ناسزا گفته است و هر که به من ناسزا گوید ، به خدا ناسزا گفته است و هر که به خدا ناسزا گوید، خداوند ، او را وارد آتش جهنّم می کند و در آن ، جاویدان و ابدی خواهد بود و عذابی ماندگار خواهد داشت .2213.تهذیب الأحکام عن عثمان بن عیسی عن سماعه : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس دخترم فاطمه را دوست داشته باشد ، او در بهشت با من خواهد بود و هر کس او را دشمن بدارد ، در آتش است .2214.الإمام المهدی علیه السلام (فی جَوابِ الحِمیَرِیِّ وقَد کَتَبَ یَسأَ لُهُ ع) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : حسن و حسین ، فرزندان من اند . هر کس آن دو را دوست داشته باشد ، مرا دوست داشته است و هر کس مرا دوست بدارد ، خدا او را دوست می دارد و هر که خدا دوستش بدارد ، او را به بهشت می برد و هر کس آن دو را دشمن داشته باشد ، مرا دشمن داشته است و هر که مرا دشمن بدارد ، خداوند ، او را دشمن می دارد و هر که خدا دشمنش بدارد ، او را به آتش می بَرَد.2215.مسند ابن حنبل عن أبی بکره : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ای فرزندان عبد المطّلب ! من از خداوند برایتان درخواست کردم

که به نادانِ شما دانایی بیاموزد، ایستاده (1) شما را استوار بدارد، گم راهتان را راه نمایی کند ، و شما را مردمانی دلاور و بخشنده و مهربان قرار دهد. هان ! به خدا سوگند، اگر مردی میان رکن و مقام ، پیوسته به نماز ایستد ، ولی خداوند را در حال دشمنی با شما خاندان ملاقات کند، هر آینه به آتش می رود .

.

1- .یعنی : کسی را که بر حق است و در راه حق قرار دارد .

2216.مسند ابن حنبل عن ابن عبّاس : عنه صلى الله عليه و آله : فى النّارِ ثَلاثُ دَرَكاتٍ . . . وفى أسفَلِ دَركٍ مِنَ النّارِ مَن أبغَضَنا بِقَلبِهِ وأعانَ عَلَينا بِلِسانِهِ ويَدِهِ ، وفِى الدَّركِ الثّانِيَهِ مِنَ النّارِ مَن أبغَضَنا بِقَلبِهِ وأعانَ عَلَينا بِلِسانِهِ ، وفِى الدَّركِ الثّالِثَهِ مِنَ النّارِ مَن أبغَضَنا بِقَلبِهِ . (1)2217.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (فى دُبُرِ الصَّلَواتِ) الإمام علىّ عليه السلام : مَن أبغَضَنا بِقَلبِهِ وأعانَ عَلَينا بِلِسانِهِ ويَدِهِ فَهُوَ مَعَ عَدُوِّنا فِى النّارِ ، ومَن أبغَضَنا بِقَلبِهِ وأعانَ عَلَينا بِلِسانِهِ فَهُوَ فِى النّارِ ، ومَن أبغَضَنا بِقَلبِهِ ولَم يُعِن عَلَينا بِلِسانِهِ ولا بِيَدِهِ فَهُوَ فِى النّارِ . (2)2218.عنه صلى الله عليه و آله : عنه عليه السلام : إنَّ لِمُبغِضينا أفواجٌ مِن عَذابِ اللّهِ . (3)2219.الإمام الباقر عليه السلام : المعجم الأوسط عن ابن عمر : سَمِعتُ رَسولَ اللّه صلى الله عليه و آله يَقولُ وهُوَ فى حَجَّهِ الوَداعِ ، وهُوَ عَلى ناقَتِهِ ويَدُهُ عَلى مَنكِبِ عَلِيٍّ : اللّهُمَّ هَل بَلَّغتُ ، اللّهُمَّ هَل بَلَّغتُ ؟ هذَا ابنُ عَمّى وأبو وُلدِى ، اللّهُمَّ كُبَّ مَن عاداهُ فِى النّارِ . (4)2220.الإمام الصادق عليه السلام : الإمام الحسن عليه السلام لِمُعاوِيَهَ بنِ حُدَيجٍ : يا مُعاوِيَهَ بنَ حُدَيجٍ ! إيّاكَ وبُغضَنا ؛ فَإِنَّ

رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله قالَ : لا يُبغِضُنا ولا يَحسُدُنا أحَدٌ إلّا ذيدَ عَنِ الحَوضِ يَومَ القِيامَهِ بِسِياطٍ مِن نارٍ . (5) .

1- .المحاسن : ج 1 ص 251 ح 472 عن أبى حمزه الثمالى عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، جامع الأخبار : ص 506 ح 1400 نحوه ، بحار الأنوار : ج 27 ص 93 ح 53 .
2- .الخصال : ص 629 ح 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 119 ، شرح الأخبار : ج 3 ص 121 عن الإمام الحسين عليه السلام ، جامع الأخبار : ص 496 ح 1377 والثلاثه الأخيره نحوه ، بحار الأنوار : ج 10 ص 107 ح 1 .
3- .تفسير فرات : ص 368 ح 499 .
4- .المعجم الأوسط : ج 6 ص 300 ح 6468 ، كنز العمّال : ج 5 ص 291 ح 12914 نقلاً عن ابن النجار .
5- .المعجم الأوسط : ج 3 ص 39 ح 2405 ، المعجم الكبير : ج 3 ص 81 ح 2726 وليس فيه «عن الحوض» وكلاهما عن معاويه بن حديج ، كنز العمّال : ج 12 ص 104 ح 34203 .

2221.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آتش دوزخ ، سه طبقه دارد... . در پایین ترین طبقه آن ، کسی جای دارد که در دل خویش ، ما را دشمن بدارد و با دست و زبانش بر ضدّ ما کمک کند. در طبقه دوم آتش ، کسی جای دارد که در دل خویش ما را دشمن بدارد و [تنها] با زبانش بر ضدّ ما کمک کند . در طبقه سوم آتش ، کسی جای دارد که [فقط] در دلش ما را دشمن بدارد .2222.عنه علیه السلام : امام علی علیه السلام : هر کس در دلش ما را دشمن بدارد و با دست و زبانش بر ضدّ ما کمک کند ، با دشمن ما در آتش خواهد بود . هر کس در دلش ما را دشمن بدارد و با زبانش بر ضدّ ما کمک نماید ، در آتش خواهد بود . هر کس در دلش ما را دشمن بدارد ، ولی با دست و زبانش بر ضدّ ما کمک نکند ، او نیز در آتش خواهد بود .2223.عنه علیه السلام : امام علی علیه السلام : انواع عذاب خدا ، در انتظار دشمنان کینه توز ماست.2224.عنه علیه السلام (بَعدَ صَلاهِ الفَجرِ) المعجم الأوسط به نقل از ابن عمر : از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حجّه الوداع شنیدم که در حالی که بر ناقه خویش سوار و دستش بر شانه علی علیه السلام بود، می فرماید: «بار خدایا ! آیا [پیام را] رساندم ؟ بار خدایا ! آیا [پیام را] رساندم ؟ این ، پسرعموی من و پدر فرزندان من است. بار خدایا ! هر کس را که با او دشمنی کند، در آتش سرنگون ساز» .2225.الإمام الصادق علیه السلام : امام حسن علیه السلام به معاویه بن حدیج : ای معاویه ! از کین ورزی با ما بپرهیز ؛

چرا که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هیچ کس با ما کین ورزی نکرد یا نسبت به ما بدخواهی ننمود ، مگر آن که در روز قیامت با تازیانه هایی آتشین ، [از حوض کوثر] دور رانده می شود» . .

2226.الإمام علىّ عليه السلام : الإمام الحسين عليه السلام عَنِ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله عَن جَبرَئيلَ عَنِ اللّهِ تعالى : مَن عادى أولِيائى فَقَد بارَزَنى بِالمُحارَبَهِ ، ومَن حارَبَ أهلَ بَيتِ نَبِيِّى فَقَد حَلَّ عَلَيهِ عَذابى .

2227(1).الإمام الباقر عليه السلام (بَعدَ دُعاءٍ ذَكَرَهُ لِقُنوتِ الوَترِ) الإمام زين العابدين عليه السلام فى قَولِهِ تَعالى : « وَ مَن كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلاً ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَى عَذَابِ النَّارِ» : عَنى بِذلِكَ مَن جَحَدَ وَصِيَّهُ ولَم يَتَّبِعهُ مِن أُمَّتِهِ ، وكَذلِكَ وَاللّهِ حالُ هذِهِ الاُمَّهِ .

2228(2).الإمام الصادق عليه السلام (فى قُنوتِ صَلاهِ العيدِ) الإمام الباقر عليه السلام : مَن قَعَدَ فى مَجلِسٍ يُسَبُّ فيهِ إمامٌ مِنَ الأَئِمَّهِ يَقدِرُ عَلَى الاِنتِصابِ فَلَم يَفعَل ؛ أَلبَسَهُ اللّهُ الذُّلَّ فِى الدُّنيا ، وعَذَّبَهُ فِى الآخِرَهِ ، وسَلَبَهُ صالِحَ ما مَنَّ بِهِ عَلَيهِ مِن مَعرِفَتِنا .

2229(3).السنن الكبرى عن خزيمه بن ثابت : الإمام الصادق عليه السلام : إنَّ الرَّجُلَ لَيُبغِضُكُم وما يَدرى ما تَقولونَ ؛ فَيُدخِلُهُ اللّهُ عز و جل النّارَ .

2230(4).الإمام الباقر عليه السلام : عنه عليه السلام : إنَّ اللّهَ أخَذَ مِن شيعَتِنَا الميثاقَ كَما أخَذَ عَلى بَنى آدَمَ « أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ» فَمَن وَفى لَنا وَفَى اللّهُ لَهُ بِالجَنَّهِ ، ومَن أبغَضَنا ولَم يُؤَدِّ إلَينا حَقَّنا فَفِى النّارِ خالِدا مُخَلَّدا . (5) .

1- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 68 ح 315 عن محمّد بن عبد اللّه بن علىّ عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 27 ص 205 ح 12 .

2- .تفسير العياشى : ج 1 ص 59 ح 96 و ج 2 ص 164 ح 82 ، بحار الأنوار : ج 24 ص 204 ح 2 .

3- .الكافى : ج 2 ص 379 ح 15 و ج 8 ص 236 ح 315 كلاهما عن عبيد بن زراره عن أبيه ، بحار الأنوار : ج 74 ص 219 ح 52 .

4- .الكافى : ج 8 ص 315 ح 495 ، معانى الأخبار : ص 393 ح 40 ، فضائل الشيعه : ص 75 ح 39 وكلّها عن الصباح بن سيابه ، بحار الأنوار : ج 68 ص 26 ح 47 .

5- .الكافى : ج 1 ص 401 ح 3 ، مختصر بصائر الدرجات : ص 124 و 162 ، بصائر الدرجات : ص 25 ح 20 ، بحار الأنوار : ج 2 ص 190 ح 24 .

2231.الإمام الصادق علیه السلام (فیما یُقالُ فِی السَّفَرِ إلی زِیارَهِ الحُسَین) امام حسین علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله ، از جبرئیل علیه السلام : خداوند عز و جل می فرماید: «هر کس با دوستان من دشمنی ورزد ، هر آینه به جنگ با من برخاسته است، و هر کس با اهل بیت پیامبرم بجنگد ، عذاب من بر او فرود می آید» .2232.الأمالی عن جابر الجعفی عن الإمام الباقر علیه السل امام زین العابدین علیه السلام در باره آیه «و هر که کفر ورزد ، اندکی او را برخوردار می سازم ، سپس او را به عذاب آتش می کشانم» : مقصود [از کافر] ، کسانی از امّت او (ابراهیم علیه السلام) هستند که وصیّش را انکار کردند و از وی پیروی ننمودند . به خدا سوگند که حال این امّت (امّت محمّد صلی الله علیه و آله) نیز چنین است.2233.الإمام علیّ علیه السلام (فی خُطبَهٍ طَویلَهٍ) امام باقر علیه السلام : هر کس در مجلسی بنشیند که در آن به امامی از امامان ، ناسزا گفته می شود ، اگر بتواند از آن مجلس بر خیزد و برود ولی چنین نکند، خداوند در دنیا جامه خواری بر او می پوشاند و در آخرت عذابش می کند و نعمت شیرین شناخت ما را که به او ارزانی داشته است ، از وی می ستاند.2234.عنه علیه السلام (مِن خُطبَتِهِ فِی الجُمُعَهِ بِالکوفَهِ وَالمَد) امام صادق علیه السلام : کسی که شما [شیعیان] را دشمن بدارد در حالی که نمی داند شما چه می گویید [و سخن و عقیده شما چیست] ، خداوند عز و جل او را در آتش می افکند.2235.عنه علیه السلام (فی خُطبَهِ الجُمُعَهِ) امام صادق علیه السلام : خداوند از شیعیان ما ، [بر ولایت ما] پیمان ستاند، چنان که از فرزندان آدم علیه السلام [در باره ربوبیت خویش]پیمان ستاند و فرمود: «آیا من پروردگار شما نیستم ؟» . بنا بر این، هر کس به پیمانش با ما وفا کند ، خداوند به وعده بهشتش که به او داده ، وفا می کند و هر کس ما را دشمن بدارد و حقّ ما را ادا نکند، در آتش جاویدان و ابدی خواهد بود . .

2236.عنه علیه السلام (فی خُطبَهِ الجُمُعَهِ) الإمام الکاظم علیه السلام : مَن تَقَدَّمَ إلی وَلایَتِنا اُخِّرَ عَن سَقَرَ ، ومَن تَأَخَّرَ عَنّا تَقَدَّمَ إلی سَقَرَ .

2237(1).الکافی عن عبد العظیم بن عبد اللّه : عنه علیه السلام : مَن أبغَضَنا فَقَد أبغَضَ مُحَمَّدا ، ومَن أبغَضَ مُحَمَّدا فَقَد أبغَضَ اللّهَ ، ومَن أبغَضَ اللّهَ عز و جل کانَ حَقّا عَلَی اللّهِ أن یُصَلِیَهُ النّارَ وما لَهُ من نَصیرٍ . (2)10 / 19ظُلمُ أهلِ البَیتِ:2240.الإمام علیّ علیه السلام : رسول اللّه صلی الله علیه و آله : الوَیلُ لِظالِمی أهلِ بَیتی ! کَأَنّی بِهِم غَدا مَعَ المُنافِقینَ فِی الدَّرکِ الأسفَلِ مِنَ النّارِ . (3)2241.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : الإمام زین العابدین علیه السلام فی فَضلِ کَربَلاءَ وزِیارَهِ الحُسَینِ علیه السلام : یوحِی اللّهُ إلَی السَّماواتِ وَالأرضِ وَالجِبالِ وَالبِحارِ ومَن فیهِنَّ : . . . وعِزَّتی وجَلالی لأُعَذِّبَنَّ مَن وَتَرَ رَسولی وصَفِیّی ، وَانتَهَکَ حُرمَتَهُ ، وقَتَلَ عِترَتَهُ ، ونَبَذَ عَهدَهُ ، وظَلَمَ أهلَ بَیتِهِ ، عَذابا لا أُعَذِّبُهُ أحَدا مِنَ العالَمینَ .

(4)10 / 20نَکثُ بَیعَهِ الإمامِ2244.الإمام علیّ علیه السلام (فی حَدیثِ تَزویجِ فاطِمَهَ علیهاالسلام) رسول اللّه صلی الله علیه و آله : یَجیءُ کُلُّ ناکِثٍ بَیعَهَ إمامٍ أجذَمَ حَتّی یَدخُلَ النّارَ . (5) .

1- .الکافی : ج 1 ص 434 ح 91 ، تأویل الآیات الظاهره : ج 2 ص 737 ح 7 کلاهما عن محمّد بن الفضیل ، مجمع البیان : ج 10 ص 591 عن أبی الفضل ، بحار الأنوار : ج 24 ص 338 ح 59 .

2- .کامل الزیارات : ص 553 ح 842 عن عبد الرحمن بن مسلم ، بحار الأنوار : ج 100 ص 122 ح 26 .

3- .عیون أخبار الرضا علیه السلام : ج 2 ص 47 ح 177 ، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام : ص 122 ح 80 کلاهما عن أحمد بن عامر الطائی عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام ، تأویل الآیات الظاهره : ج 2 ص 768 ح 13 کلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 27 ص 205 ح 10 .

4- .کامل الزیارات : ص 447 (نقلاً عن هامش المصدر) ، بحار الأنوار : ج 28 ص 59 ح 23 .

5- .الکافی : ج 2 ص 337 ح 2 عن السکونی عن الإمام الصادق علیه السلام ، بحار الأنوار : ج 7 ص 201 ح 81 .

10 / 19 ستم به اهل بیت علیهم السلام

10 / 20 شکستن بیعت با امام

2245.الإمام الصادق علیه السلام : امام کاظم علیه السلام : هر کس به ولایت ما نزدیک شود ، از دوزخ دور می ماند و هر کس از ما دور بماند ، به دوزخ نزدیک می شود. (1)2246.الکافی عن الحلبی ، قال : امام کاظم علیه السلام : هر کس ما را دشمن بدارد، در واقع، محمّد صلی الله علیه و آله را دشمن داشته است، و هر کس محمّد صلی الله علیه و آله را دشمن بدارد ، در واقع، خدا را دشمن داشته است، و هر کس خدای عز و جل را دشمن بدارد ، بر خداست که او را در آتش بکشاند، در حالی که هیچ یاوری ندارد.10 / 19ستم به اهل بیت:2249.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : وای بر کسانی که بر اهل بیت من ستم کنند ! گویا آنان را می بینم که فردای قیامت ، با منافقان در طبقه زیرین آتش اند.2250.الإمام علیّ علیه السلام (فی ذِکرِ وِلادَهِ فاطِمَهَ علیهاالسلامالحَسَنَ) امام زین العابدین علیه السلام در باره فضیلت کربلا و زیارت امام حسین علیه السلام : خداوندِ آسمان ها و زمین و کوه ها و دریاها و هر موجودی که در آنهاست... ، وحی می کند : «به عزّت و جلالم سوگند، هر آن کس که به فرستاده ام و برگزیده ام ستم کرد ، حرمت او را زیر پا نهاد، عترتش را کشت، پیمانش را دور افکنْد و به خاندانش ستم نمود، او را چنان عذابی کنم که هیچ کس از جهانیان را آن سان عذاب نمی نمایم» .10 / 20شکستن بیعت با امام2253.سنن الترمذی عن اُمّ سلمه : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس بیعت با امامی را بشکند، [در روز قیامت] دستْ بریده می آید ، تا آن که وارد آتش شود.

.

1- .این فرموده امام کاظم علیه السلام ، در تفسیر این آیه مبارک است: «لِمَن شَآءَ مِنکُمْ أَن یَتَقَدَّمَ أَوْ یَتَأَخَّرَ ؛ هر یک از شما که بخواهد ، مختار است که جلو بیفتد یا عقب بماند» (مدثّر : آیه 37) .

2254.سنن أبى داوود عن اُمَّ سلمه : الجمل عن الحارث بن سريع : لَمّا ظَهَرَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام عَلى أهلِ البَصرَهِ وقَسَمَ ما حَواهُ العَسكَرُ ، قامَ فيهِم خَطيبا ، فَحَمِدَ اللّهَ وأثنى عَلَيهِ ، وصَلّى عَلى رَسولِهِ وقالَ :

أيُّهَا النّاسُ ! إنَّ اللّهَ عز و جل ذو رَحمَهٍ واسِعَهٍ ومَغفِرَهٍ دائِمَهٍ لِأَهلِ طاعَتِهِ ، وقَضى أنَّ نَقِمَتَهُ وعِقابَهُ عَلى أهلِ مَعصِيَتِهِ .

يا أهلَ البَصرَهِ ! يا أهلَ المُؤتَفِكَهِ ! ويا جُندَ المَرأَهِ ، وأتباعَ البَهيمَهِ ! رَغا فَأَجَبتُم ، وعُقِرَ فَانهَزَمتُم ، أحلامُكُم دِقاقٌ ، وعَهدُكُم شِقاقٌ ، ودينُكُم نِفاقٌ ، وأنتُم فَسَقَهٌ مُرّاقٌ .

يا أهلَ البَصرَهِ ! أنتُم شَرُّ خَلقِ اللّهِ ، أرضُكُم قَريبَهٌ مِنَ الماءِ ، بَعيدَهٌ مِنَ السَّماءِ . خَفَّت عُقولُكُم ، وسَفِهَت أحلامُكُم . شَهَرتُم سُيوفَكُم ، وسَفَكتُم دِماءَكُم ، وخالَفتُم إمامَكُم . فَأَنتُم اُكلَهُ الآكِلِ ، وفَريسَهُ الظّافِرِ ، فَالنّارُ لَكُم مُدَّخَرٌ ، وَالعارُ لَكُم مَفخَرٌ .

يا أهلَ البَصرَهِ ! نَكَثتُم بَيعَتى ، وظاهَرتُم عَلَىَّ ذَوى عَداوَتى ، فَما ظَنُّكُم يا أهلَ البَصرَهِ الآنَ ؟ !(1)2255.الإمام الباقر عليه السلام : إثبات الوصيه مِن ذِكرِ خُطبَهِ الإمامِ الحَسَنِ عليه السلام بَعدَ أن وَجَّهَ رَجُلاً مِن كِندَهَ فى أربَعَه آلافٍ لِحَربِ مُعاوِيَهَ ، فَغَدَرَ وَالتَحَقَ بِمُعاوِيَهَ ، ثُمَّ أرسَلَ رَجُلاً مِن مُرادٍ فى أربَعَهِ آلافٍ أيضا ، فَفَعَلَ فَعلَهَ الأوَّلِ : فَقامَ أبو مُحَمَّدٍ عليه السلام خَطيبا ، فَحَمِدَ اللّهُ وأثنى عَلَيهِ ، وقالَ : قَد عَرَفتُكُم أنَّكُم لا تَفونَ بِعَهدٍ ، ولا تُستَأمَنونَ إلى عَقدٍ ، وقَد غَدَرَ المُرادِيُّ الَّذى أختَرتُموهُ ، وقَبلَهُ ما اختَرتُمُ الكِندِيَّ .

فَقامَ اُناسٌ فَقالوا : إن كانَ الرَّجُلانِ غَدَرا فَنَحنُ نَنصَحُ ولا نَغدِرُ .

فَقالَ لَهُم : كَلّا ، وإنّى أُعَذِّرُ بَينى وبَينَكُم مَعَ عِلمى بِسوءِ ما تُبطِنونَ وتَنطَوونَ عَلَيهِ ، ومَوعِدُكُم عَسكَرى بِالنُّخَيلَهِ .

ثُمَّ خَرَجَ فَعَسكَرَ بِالنُّخَيلَهِ ، وأقامَ بِهِ عَشَرَهَ أيّامٍ ، فَلَم يَلحَق بِهِ مِنهُم إلّا عَدَدٌ يَسيرٌ . فَانصَرَفَ عليه السلام إلَى الكوفَهِ ، وقامَ خَطيبا ، فَحَمِدَ اللّهَ وأثنى عَلَيهِ ، ثُمَّ قالَ :

يا عَجَبًا مِن قَومٍ لا حَياءَ لَهُم ولا دينٌ ، مِن غَدرَهِ بَعدَ غَدرَهِ ! أما وَاللّهِ لَو وَجَدتُ أعواناً لَقُمتَ ، بِهذَا الأمرِ أىَّ قِيامٍ ، ونَهَضتُ بِهِ أىَّ نُهوضٍ . وايمُ ، اللّه ! لا رَأيتُم فَرَجا ولا عَدلاً أبَدا مَعَ ابنِ آكِلَةِ الأكبادِ وبَنى أمَيَّةَ ، ولَيَسومُنَّكُم سوءَ العَذابِ حَتّى تَتَمَنَّوا أن يَلِيَكُم عَبدٌ حَبَشِىٌّ مُجَدَّعٌ ، فَأفٍّ لَكُم ، وبُعداً ، وتَرَحا ، يا عَبيدَ الدُّنيا ومَوالِىَ الحُطامِ .

ثُمَّ نَزَلَ وهُوَ يَقولُ : «وَ أَعْتَزِلُكُمْ وَ مَا تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ» (2) . فَاتَّبَعَهُ مِن شيعَهِ أميرِ المُؤمِنينَ عليه السلام عَدَدٌ يَسيرٌ ؛ إشفاقاً عَلَيهِ وحَقنًا لِدَمِهِ . (3) .

1- .الجمل : ص 407 .
2- .مريم : 48 .
3- .إثبات الوصيه : ص 168 .

2256.عنه علیه السلام : الجمل به نقل از حارث بن سریع : [پس از جنگ جمل] هنگامی که امیر مؤمنان علیه السلام بر بصریان چیره شد و آنچه را سپاهیان به دست آورده بودند ، تقسیم کرد، در میان آنان به خطابه ایستاد و پس از حمد و ثنای الهی و درود فرستادن بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، فرمود: «ای مردم! خداوند توانا و بزرگ ، نسبت به فرمان بردارانش مِهری بی کران و آمرزشی پاینده دارد، و خشم و کیفرش را برای نافرمانانش رقم زده است.

ای بصریان! ای مردمِ شهرِ واژگون شده (1) و ای سپاهیانِ زن (عایشه)، و ای پیروان حیوانِ (جَمَل) بی زبان که بانگ بر آوْرْد و شما در پی اش روان گشتید و چون پی شد ، در هم شکستید ! اندیشه هایتان خام است (2) و پیمانتان سست ، و دینتان نفاق ، و خود مردمانی سرکش و نافرمانید .

ای بصریان! شما بدترینِ خلق خدا هستید . سرزمینتان به آب ، نزدیک و از آسمان به دور است. خردهایتان سبک، و اندیشه هایتان سست است. شمشیرهایتان را بر کشیدید ، خون هایتان را ریختید و با پیشوایتان ناسازگاری در پیش گرفتید . پس شما طعمه خورنده اید و شکارِ پیروز شونده. آتش برایتان اندوخته شده، و ننگ برایتان نازش است.

ای بصریان! شما بیعت خویش را با من ، شکستید و دشمنان مرا بر ضدّ من یاری دادید . پس اینک چه گمان می کنید ، ای بصریان؟ !»
.2257.الإمام الصادق علیه السلام : إثبات الوصیّه در باره سخنان امام حسن علیه السلام پس از آن که مردی از قبیله کنده با چهارهزار نفر را به جنگ معاویه فرستاد ، پس آن مرد حیله ورزید و به معاویه پیوست . سپس مردی از قبیله مراد را نیز با چهار هزار نفر فرستاد و او هم به معاویه ملحق شد : امام حسن علیه السلام ایستاد و خطبه ای خواند و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: «شما خود می دانید که به هیچ پیمانی وفا نمی کنید و به هیچ قراری که شما بگذارید ، اطمینانی نیست . مرادی و پیش از او کندی را بر گزیدید ؛ ولی پیمان شکستند و خیانت کردند» .

عدّه ای برخاستند و گفتند: اگر آن دو ، خیانت کردند، ما وفاداریم و خیانت نمی کنیم.

امام علیه السلام به آنان فرمود: «هرگز ، و لیکن من حجّت را بر شما تمام می کنم ، با آن که می دانم چه اندیشه بدی در سر می پرورانید و در دل نهان می دارید. وعده من با شما ، اردوگاهم در نُخَیله» .

سپس خارج شد و در نُخَیله اردو زد و تا ده روز ، در آن جا ماند ؛ امّا از آن مردمان ، جز شماری اندک ، کسی به او ملحق نگشت . از این رو ، امام حسن علیه السلام به کوفه باز گشت و خطبه ای خواند و پس از حمد و ثنای الهی، فرمود: «ای شگفتا از جماعتی بی شرم و بی دین که پی در پی ، پیمان می شکنند ! به خدا سوگند که اگر یارانی می یافتم ، بی گمان ، به این کار بر می خاستم و دمی از پای نمی نشستم. به خدا سوگند که با وجود فرزند آن زن جگرخوار و [دیگر] فرزندان اُمیّه، هرگز روی آسایش و داد را نخواهید دید. بدترین شکنجه ها را بر شما روا خواهند داشت ، چندان که آرزو کنید غلام سیاهی بینی بریده ، بر شما حکومت کند. تفو بر شما، نفرین بر شما، غم و اندوه بر شما، ای بندگان دنیا و ای غلامانِ کالای بی ارزش دنیا !» . آن گاه ، در حالی از منبر پایین آمد که می فرمود : «از شما و از آنچه به جای خدا می خوانید ، کناره می گیرم» .

سپس شمار اندکی از شیعیان امیر مؤمنان علیه السلام ، از سرِ همدردی با ایشان و برای حفظ جان او، در پیِ امام علیه السلام حرکت کردند. .

1- .مؤتفکه: شهری که خداوند ، آن را به سبب غرق شدن مردمش در گناه، بر سر آنان آوار کرده باشد ؛ زمین سوخته از خشکی و قحطی.
مؤتفکات: شهرهایی که خداوند ، آنها را ویران و بر سر مردمش خراب کرد ، مانند سدوم و عموره. در حدیث آمده که بصره نیز یکی از مؤتفکات بوده است.
2- .در الاحتجاج ، الغارات و ... ، به صورت: «أخلاقکم دقاق» آمده است ؛ یعنی خلق و خویتان پست و تباه است.

10 / 21مُحارَبَهُ الإمامِ عَلِيٍّ عليه السّلام2260.عنه صلى الله عليه و آله (إذا أرادَ أن يَخرُجَ فى سَفَرٍ) الإمامِ علىّ عليه السلام عن النبىّ صلى الله عليه و آله : أنَّه تَلا هذِهِ الآيَةَ : «أُولَائِکَ أَصْحَبُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَلِدُونَ» (1) ، قيلَ : يا رَسولَ اللّهِ ، مَن أصحابُ النّارِ ؟ قالَ : مَن قاتَلَ عَلِيّا بَعدى ، أولئِکَ هُم أصحابُ النّارِ مَعَ الكُفّارِ ، فَقَد كَفَروا بِالحَقِّ لَمّا جاءَهُم . أَلا وإنَّ عَلِيّا مِنّى ، فَمَن حارَبَهُ فَقَد حارَبَنى وأسخَطَ رَبّى .

ثُمَّ دَعا عَلِيا عليه السلام فَقالَ : يا عَلِيُّ ، حَربُکَ حَربى ، وسِلمُکَ سِلمى ، وأنتَ العَلَمُ فيما بَينى وبَينَ أُمَّتى بَعدى . (2) .

1- .البقره : 275 .
2- .الأمالى للطوسى : ص 364 ح 763 عن علىّ بن علىّ بن رزين عن الإمام الرضا عليه السلام عن آبائه عليهم السلام عن النزال بن سبره ، بحار الأنوار : ج 27 ص 203 ح 3 .

10 / 21 جنگیدن با امام علی علیه السلام

10 / 21جنگیدن با امام علی علیه السّلام2263.الإمام الصادق علیه السلام : امام علی علیه السلام : پیامبر صلی الله علیه و آله این آیه را تلاوت کرد: «آنان اهل آتش اند و در آن ، جاویدان اند» . یکی پرسید: ای پیامبر خدا ! چه کسانی اهل آتش اند؟

فرمود: «کسانی که پس از من ، با علی بجنگند. اینان با کافران در آتش اند؛ زیرا به حق که برایشان آمد ، کفر ورزیده اند . بدانید که علی از من است . پس هر که با او بجنگد ، با من جنگیده و پروردگارِ مرا به خشم آورده است» .

پیامبر صلی الله علیه و آله سپس مرا صدا زد و فرمود: «ای علی ! جنگ تو ، جنگ من است و صلح تو ، صلح من . پس از من، تو در آنچه میان من و امّت من است، نشانه هستی» .

.

2264.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : تاريخ بغداد عن أبى أيوب : سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ لِعَمّارٍ : يا عَمّارُ ، تَقتُلُکَ الفِئَةُ الباغيَةُ ، وأنتَ إذ ذاکَ مَعَ الحَقِّ وَالحَقُّ مَعَکَ .

يا عَمّارَ بنَ ياسِرٍ ، إن رَأَيتَ عَلِيّاً قَد سَلَکَ وادِيا وسَلَکَ النّاسُ وادِياً غَيرَهُ ، فَاسلُک مَعَ عَلِيٍّ ؛ فَإِنَّهُ لَن يُدلِيَکَ فى رَدىً ، ولَن يُخرِجَکَ مِن هُدىً .

يا عَمّارُ ، مَن تَقَلَّدَ سَيفاً أعانَ بِهِ عَلِيّاً عَلى عَدُوِّهِ قَلَّدَهُ اللّهُ يَومَ القِيامَهِ وِشاحَينِ مِن دُرٍّ ، ومَن تَقَلَّدَ سَيفاً أعانَ بِهِ عَدوَّ عَلِيٍّ عَلَيهِ قَلَّدَهُ اللّهُ يَومَ القِيامَهِ وِشاحَينِ مِن نارٍ . (1)2265.الأمان : الإمام علىّ عليه السلام مِن كِتابٍ كَتَبَهُ إلى مُعاوِيَهَ جَواباً عَلى كِتابٍ مِنهُ إلَيهِ : أمّا طَلَبُکَ إلَىَّ الشّامَ ، فَإِنّى لَم أكُن لِاُعطِيَکَ اليَومَ ما مَنَعتُکَ أمسِ . وأمّا قَولُکَ : إنَّ الحَربَ قَد أكَلَتِ العَرَبَ إلّا حُشاشاتِ أنفُسٍ بَقِيَت ، ألَا ومَن أكَلَهُ الحَقُّ فَإِلَى الجَنَّهِ ، ومَن أكَلَهُ الباطِلُ فَإِلَى النّارِ . (2)10 / 22عِبادَهُ الطّاغوتِالكِتابِ«اللَّهُ وَلِىُّ الَّذِينَ ءَامَنُواْ يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَتِ إِلَى النُّورِ وَ الَّذِينَ كَفَرُواْ أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَتِ أُوْلَائِکَ أَصْحَبُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَلِدُونَ» . (3)

«وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِأَيَتِنَا وَ سُلْطَنٍ مُّبِينٍ * إِلَى فِرْعَوْنَ وَ مَلَإِيْهِ فَاتَّبَعُواْ أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَ مَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ * يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَمَهِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَ بِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ * وَ أُتْبِعُواْ فِى هَذِهِ لَعْنَهً وَ يَوْمَ الْقِيَمَهِ بِئْسَ الرِّفْدُ الْمَرْفُودُ» . (4)

.

1- .تاريخ بغداد : ج 13 ص 187 الرقم 7165 ، تاريخ دمشق : ج 42 ص 472 ؛ كشف اليقين : ص 269 ح 306 نحوه ، الطرائف : ص 104 ح 153 ، كشف الغمّه : ج 1 ص 144 ، بحار الأنوار : ج 38 ص 32 ح 10 .
2- .نهج البلاغه : الكتاب 17 .
3- .البقره : 257 .
4- .هود : 95 99 .

2271.مسند ابن حنبل عن عباده بن الصامت : تاریخ بغداد به نقل از ابو ایّوب : از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که به عمّار می فرماید: «ای عمّار! گروه یاغی ، در حالی تو را می کشند که تو در آن هنگام ، با حق هستی و حق با توست. ای عمّار بن یاسر! اگر علی را دیدی که از راهی می رود و مردم از راهی دیگر، تو با علی برو؛ چرا که او تو را به نابودی نمی کشانَد و هرگز از راه درست بیرونت نمی بَرَد. ای عمّار! هر کس شمشیری حمایل کند تا با آن ، علی را در برابر دشمنش یاری دهد، خداوند در روز قیامت ، بر او دو حمایل دُرنشان می بندد، و هر کس شمشیری حمایل کند تا با آن ، دشمن علی را در برابرش یاری رساند ، خداوند در روز قیامت ، دو حمایل از آتش بر او می بندد» .2272.الإمام علیّ علیه السلام : امام علی علیه السلام در پاسخ به نامه معاویه : امّا این که شام را از من خواسته ای [که به تو واگذار نمایم]، من کسی نیستم که آنچه را دیروز از تو دریغ ورزیدم ، امروز به تو ببخشم. و امّا این که گفته ای: جنگ، عرب ها را خورده و تنها نیمْ جان هایی باقی مانده است، آگاه باش که هر کس حق ، او را خورده [و در راه حق کشته شده] ، ره سپار بهشت گشته است، و هر کس که باطل ، او را طعمه خویش کرده ، راه دوزخ را در پیش گرفته است.10 / 22بندگی طاغوتقرآن«خدا سَرور کسانی است که ایمان آورده اند ؛ آنان را از تاریکی ها به سوی روشنایی به در می برد . و کسانی که کفر ورزیده اند، سَرورانشان طاغوت (عصیانگران)اند که آنان را از روشنایی ، به سوی تاریکی ها به در می برند. آنان اهل آتش اند و در آن ، جاویدان اند».

«همانا ما موسی را با نشانه ها و دلیل روشن به سوی فرعون و سران [قوم] وی فرستادیم ؛ ولی [سران] از فرمان فرعون پیروی کردند و فرمان فرعون ، صواب نبود . روز قیامت ، پیشاپیش قومش می رود و آنان را وارد آتش می کند و چه بد ورودگاهی است برای وارد شوندگان !».

.

الحديث2279.الإمام الصادق عليه السلام : الإمام الصادق عليه السلام : بينا عيسَى بنُ مَريَم عليهماالسلام فى سِياحَتِهِ إذ مَرَّ بِقَريَهٍ ، فَوَجَدَ أهلَها مَوتى فِى الطَّريقِ وَالدُّورِ ، فَقالَ : إنَّ هؤُلاءِ ماتوا بِسَخطَهٍ ، ولَو ماتوا بِغَيرِها تَدافَنوا ، قالَ : فَقالَ أصحابُهُ : وَدِدنا أنّا عَرَفنا قِصَّتَهُم ، فَقيلَ لَهُ : نادِهِم يا روحَ اللّهِ ، فَقالَ : يا أهلَ القَريَهِ ! فَأجابَهُ مُجيبٌ مِنهُم : لَبَّيکَ يا روحَ اللّهِ . قالَ : ما حالُكُم و ما قِصَّتُكُم ؟ قالَ : أصبَحَنا فى عافيَهٍ و بِتنا فِى الهاوِيَهِ . فَقالَ : مَا الهاوِيَهُ ؟ قالَ : بِحارٌ مِن نارٍ فيها جِبالٌ مِنَ النّارِ ، قالَ : وما بَلَغَ بِكُم ما أرى ؟ قالَ : حُبُّ الدُّنيا وعِبادَهُ الطّاغوتِ . قالَ : وما بَلَغَ مِن حُبِّكُمُ الدُّنيا ؟ قالَ : كَحُبِّ الصَّبِىِّ لِأُمِّهِ ؛ إذا أقبَلَت فَرِحَ ، وإذا أدبَرَت حَزِنَ . قالَ : وما بَلَغَ مِن عِبادَتِكُمُ الطّاغوتِ ؟ قالَ : كانوا إذا أمَرونا أطَعناهُم . قالَ : فَكَيفَ أجَبتَنى أنتَ مِن دونِهِم ؟ قالَ : لِأَنَّهُم مُلجَمونَ بِلُجُمٍ مِن نارٍ ، عَلَيهِم مَلائِكَهٌ غِلاظٌ شِدادٌ ، و إنّى كُنتُ فيهِم ولَم أكُن مِنهُم ، فَلَمّا أصابَهُمُ العَذابُ أصابَنى مَعَهُم ، فَأنَا مُعَلَّقٌ بِشَعرَهٍ ، أخافَ أن أكَبكَبَ فِى النّارِ .

قالَ : فَقالَ عيسى عليه السلام لِأَصحابِهِ : اَلنَّومُ عَلَى المَزابِلِ وأكلُ خُبزِ الشَّعيرِ يَسيرٌ مَعَ سَلامَهِ الدّينِ . (1) .

1- .ثواب الأعمال : ص 303 ح 1 ، معانى الأخبار : ص 341 ح 1 وفيه «خير كثير» بدل «يسير» ، علل الشّرائع : ص 466 ح 21 كلّها عن سهل الحلوانى ، مشكاه الأنوار : ص 461 ح 1538 عن مهاجر الأسدى عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 14 ص 322 ح 33 .

حدیث2281.عنه صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : عیسی بن مریم علیه السلام در حال گشت و گذار بود که به آبادی ای رسید . دید که مردم آن ، در کوچه ها و خانه ها همگی مرده اند. گفت: «اینان بر اثر خشم[الهی] مرده اند ؛ زیرا اگر به علّت چیزی جز آن مرده بودند ، یکدیگر را دفن می کردند» . یارانش گفتند: دوست داریم داستان آنها را بدانیم.

یکی به عیسی علیه السلام گفت : آنان را صدا بزن ، ای روح خدا ! عیسی علیه السلام فرمود: «ای مردمِ آبادی !» . از میان آنان ، یکی جوابش داد: بله ، ای روح خدا !

عیسی علیه السلام فرمود: «در چه حالید و داستان شما چه بوده؟» . گفت: ما در عافیت بودیم ؛ ولی اکنون در سیاه چالیم. فرمود: «سیاه چال چیست؟» .

گفت: دریاهایی از آتش که در آن ، کوه هایی از آتش است. فرمود: «چه چیزی شما را به این جا کشاند که می بینم؟» . گفت: علاقه به دنیا و بندگی طاغوت.

فرمود: «علاقه شما به دنیا ، تا چه اندازه بود؟» .

گفت: مانند علاقه کودک به مادرش که هر گاه [نزد او] می آید ، شاد می شود و چون می رود ، اندوهگین می گردد. فرمود: «بندگی شما نسبت به طاغوت ، چه سان بود؟» . گفت: [آن سان که] هر گاه به ما فرمانی می دادند ، از آنان اطاعت می کردیم. فرمود: «چرا تو جواب مرا دادی و نه دیگران؟» .

گفت: چون بر [دهان] آنان لگام هایی از آتش زده شده و فرشتگانی دژخیم و درشت خوی ، بر ایشان گماشته شده اند . من نیز در میان ایشان بودم ، ولی از ایشان نبودم ؛ امّا چون عذاب به آنان رسید، دامن مرا هم گرفت و اکنون من به مویی آویزانم و می ترسم که در آتش فرو افتم .

عیسی علیه السلام به یارانش فرمود: «خفتن در زباله دانی ها و خوردن نان جوین، با وجود سالم بودن دین، آسان است» . .

10 / 23عِصيانُ اللّهِ وَالرَّسولِالكتاب«وَمَن يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَلِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ» . (1)

«ذَ لِکَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّواْ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَن يَشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ * ذَ لِکُمْ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلْكَفِرِينَ عَذَابَ النَّارِ» . (2)

الحديث2288.الإمام علىّ عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَن يُطِعِ الشَّيطانَ يَعصِ اللّهَ ، ومَن يَعصِ اللّهَ يُعَذِّبُهُ اللّهُ . (3)2289.كنز العمّال عن أبى عبيد اللّه الجدلى : عنه صلى الله عليه و آله : لا يَزالُ العَذابُ مَكشوفاً ما استَتَروا بِمَعاصِى اللّهِ ، فَإِذا أعلَنوهَا استَوجَبوا عَذابَ النّارِ . (4)2290.الإمام زين العابدين عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : المُنكَرُ يَقودُ صاحِبَهُ أو يَسوقُهُ إلَى النّارِ . (5)2291.الكافى عن مفضّل بن عمر : عنه صلى الله عليه و آله : النّارُ لِمَن رَكِبَ مُحَرَّما ، وَالجَنَّةُ لِمَن تَرَکَ الحَلالَ ، فَعَلَيکَ بِالزُّهدِ ؛ فَإِنَّ ذلِکَ مِمّا يُباهِى اللّهُ بِهِ المَلائِکَةَ ، وبِهِ يُقبِلُ اللّهُ عَلَيکَ بِوَجهِهِ ، ويُصَلّى عَلَيکَ الجَبّارُ . (6) .

1- .النساء : 14 .
2- .الأنفال : 13 و 14 .
3- .الكافى : ج 8 ص 82 ح 39 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 403 ح 5868 ، الأمالى للصدوق : ص 577 ح 788 كلّها عن أبى الصباح عن الإمام الصادق عليه السلام ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 14 عن الصباح بن سيابه ، بحار الأنوار : ج 73 ص 348 ح 39 .
4- .الفردوس : ج 5 ص 96 ح 7578 عن المغيره ، كنز العمّال : ج 4 ص 246 ح 10371 .
5- .تنبيه الخواطر : ج 2 ص 249 ، مستدرک الوسائل : ج 12 ص 206 ح 13892 نقلاً عن أبى القاسم الكوفى فى كتاب الأخلاق .
6- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 343 ح 2660 عن عبد اللّه بن مسعود ، بحار الأنوار : ج 77 ص 96 ح 1 .

10 / 23 نافرمانی از خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله

10 / 23نافرمانی از خدا و پیامبر9قرآن«و هر کس که از خدا و پیامبر او نافرمانی کند و از حدود مقرّر او تجاوز نماید، [خداوند]وی را در آتشی در می آورد که همواره در آن خواهد بود و عذابی خفّت آور خواهد داشت».

«این [کیفر] ، بدان سبب است که آنان با خدا و پیامبر او به مخالفت بر خاستند و هر کس که با خدا و پیامبر او به مخالفت بر خیزد ، قطعا خدا سختْ کیفر است. این [عذاب دنیا] را بچشید، و برای کافران ، عذاب آتش خواهد بود».

حدیث2298.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که از شیطان فرمان بَرد ، خدا را نافرمانی کرده و هر که خدا را نافرمانی کند ، خداوند عذابش می کند .2299.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : تا زمانی که مردم ، معاصیِ خدا را پنهانی انجام دهند، عذاب [از آنان]دور داشته می شود ؛ ولی هر گاه آن گناهان را آشکارا نمودند ، مستوجب عذاب آتش می شوند .2300.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عمل ناپسند و حرام، صاحب خود را به سوی آتش می کشاند و یا می راند.2301.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آتش ، برای کسی است که مرتکب حرامی شود و بهشت ، از آنِ کسی است که [نه فقط حرام ، بلکه]حلال را ترک گوید . پس بر تو باد زهدورزی ؛ زیرا زهد ، از جمله چیزهایی است که خداوند با آن ، بر فرشتگان ، مباهات می کند و به سبب آن است که خداوند به تو روی می نماید و خدای جبّار ، بر تو درود می فرستد.

.

2302.الإمام الباقر عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : مَن أذنَبَ ذَنبا وهُوَ ضاحِكٌ ، دَخَلَ النّارَ وهُوَ باكٍ . (1)2303.الإمام الصادق عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : اَلنّاسُ اثنانِ ؛ فَواحِدٌ استَراحَ وآخَرُ أراحَ ، فَأَمَّا الَّذى استَراحَ فَعَبدٌ أطاعَ اللّهَ فى حَياتِهِ ثُمَّ ماتَ فَأفضى إلى رَحمَةِ اللّهِ ونَعيمٍ مُقيمٍ ، وأمَّا الّذَى أراحَ فَعَبدٌ عَصَى اللّهَ فى حَياتِهِ ثُمَّ ماتَ فَأفضى إلى عِقابٍ وعَذابٍ وهَوانٍ أليمٍ . (2)2304.عنه عليه السلام : الإمام علىّ عليه السلام : اَلتَهَجُّمُ عَلَى المَعاصى يوجِبُ عِقابَ النّارِ . (3)2305.مكارم الأخلاق : عنه عليه السلام : راكِبُ المَعصيَةِ مَثواهُ النّارُ . (4)2306.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : عنه عليه السلام : مَن يَعصِ اللّهَ ورَسولَهُ فَقَد خَسِرَ خُسرانا مُبينا وَاستَحَقَّ عَذابا أليما . (5)2307.الإمام علىّ عليه السلام (فى دُعاءٍ يَلجَأُ فيهِ إلَى اللّهِ لِيَهدِيَهُ) عنه عليه السلام : إنَّ اللّهَ ... جَعَلَ عُقوبَةَ أهلِ مَعصِيَتِهِ نارا تَأَجَّجُ لِغَضَبِهِ «وَ مَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَ لَكِن كَانُواْ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» (6) . (7)2308.عنه عليه السلام : الإمام الصادق عليه السلام : مَن لَم يَنتَهِ عَمّا نَهَى اللّهُ عَنهُ فَقَد عَصاهُ ، فَإِن ماتَ عَلى مَعصِيَتِهِ أكَبَّهُ اللّهُ عَلى وَجهِهِ فِى النّارِ . (8) .

1- .ثواب الأعمال : ص 266 ح 1 عن جعفر الجعفرىّ عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، إرشاد القلوب : ص 185 ، أعلام الدين : ص 401 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 18 ، مشكاه الأنوار : ص 275 ح 823 وليس فيه «وهو باك» وكلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 6 ص 36 ح 57 .
2- .معدن الجواهر : ص 25 .
3- .غرر الحكم : ح 2123 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 65 ح 1663 ، مستدرک الوسائل : ج 11 ص 339 ح 13208 .
4- .غرر الحكم : ح 5385 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 270 ح 4977 ، مستدرک الوسائل : ج 11 ص 339 ح 13208 .
5- .الكافى : ج 1 ص 142 ح 7 ، التوحيد : ص 33 ح 1 كلاهما عن الحارث الأعور ، بحار الأنوار : ج 4 ص 267 ح 14 .
6- .النحل : 33 .
7- .كتاب سليم بن قيس : ج 2 ص 716 ح 17 ، بحار الأنوار : ج 34 ص 263 ح 1006 .

8- .الكافى : ج 8 ص 11 ح 1 عن اسماعيل بن جابر وإسماعيل بن مخلّد السراج ، بحار الأنوار : ج 78 ص 220 ح 93 .

2309.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : پيامبر خدا صلى الله عليه و آله : هر كس گناهى مرتكب شود و در آن حال ، خندان باشد، با چشم گريان وارد آتش مى شود.2310.عنه صلى الله عليه و آله : پيامبر خدا صلى الله عليه و آله : مردم بر دو گونه اند: يكى آسوده مى شود و ديگرى آسوده مى سازد. (1) آن كه آسوده مى شود، بنده اى است كه در زمان حياتش ، خدا را اطاعت كرده و سپس از دنيا رفته و به رحمت خدا و نعمت جاويدان رسيده است، و امّا آن كه [ديگران را] آسوده مى گرداند، بنده اى است كه در زمان حياتش خدا را نافرمانى كرده و سپس از دنيا رفته و به كيفر و عذاب و خوارىِ دردناكى گرفتار آمده است.2311.مكارم الأخلاق : امام على صلى الله عليه و آله : هجوم آوردن به گناهان ، مجازات آتش را در پى دارد .2312.سنن الترمذى عن ابن عبّاس : امام على صلى الله عليه و آله : مرتكب شونده نافرمانى و گناه، جايگاهش آتش است.2313.مكارم الأخلاق عن ابن عبّاس : امام على صلى الله عليه و آله : هر كه خدا و پيامبرش را نافرمانى كند ، گرفتار زيانى آشكار شده و سزاوار عذابى دردآور گشته است.2314.الإمام الباقر عليه السلام : امام على صلى الله عليه و آله : خداوند ، ... [كيفرِ] نافرمانانش را آتشى قرار داده كه از خشم او شعله ور مى شود «و خدا به آنان ستم نكرده ؛ بلكه آنان خود ، به خويشتن ستم مى كردند» .2315.الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهماالسلام : امام صادق صلى الله عليه و آله : هر كه از آنچه خداوند نهى كرده است ، باز نايستد، در واقع ، او را نافرمانى كرده است و اگر در حال نافرمانيِ خدا بميرد ، خداوند او را در آتش سرنگون مى سازد. .

1- .يعنى : يک دسته ، كسانى هستند كه با مردن و رفتن از اين دنيا ، از رنج و گرفتارى ها راحت مى شوند و به آسايش بهشت ابدى ، دست مى يابند و دسته دوم ، كسانى هستند كه با مردن آنها ، مردم از شرّشان آسوده مى شوند.

2316.طبّ الأئمّه عن محمّد بن إبراهيم : كتاب من لا يحضره الفقيه عن أبان بن عثمان الأحمر عن الإمام الصادق عليه السلام : أَنَّهُ جاءَ إلَيهِ رَجُلٌ ، فَقالَ لَهُ : بِأبى أنتَ وأُمّى يَابنَ رَسولِ اللّهِ ! عَلِّمْنِى مَوعِظَهً .

فَقالَ لَهُ عليه السلام : إن كانَ اللّهُ تَبارَکَ وتَعالى قَد تَکَفَّلَ بِالرِّزقِ ، فَاهتِمامُکَ لِماذا ؟ وإن كانَ الرِّزقُ مَقسوما ، فَالحِرصُ لِماذا ؟ وإن كانَ الحِسابُ حَقّا ، فَالجَمعُ لِماذا ؟ وإن كانَ الخَلَفُ مِنَ اللّهِ عز و جل حَقّا ، فَالبُخلُ لِماذا ؟ وإن كانَتِ العُقوبَهُ مِنَ اللّهِ عز و جل النّارَ ، فَالمَعصِيَهُ لِماذا ؟ ! 10 / 24 كَثِيرَهُ الخَطِيئَهِالكتاب«بَلَى مَن كَسَبَ سَيِّئَهً وَ أَحَطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُوْلَائِکَ أَصْحَبُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَلِدُونَ» . (1) (2)

«وَ قَدْ أَضَلُّواْ كَثِيرًا وَ لَا تَزِدِ الظَّلِمِينَ إِلَّا ضَلَلاً * مِّمَّا خَطِيئَتِهِمْ أُغْرِقُواْ فَأُدْخِلُواْ نَارًا فَلَمْ يَجِدُواْ لَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ أَنصَارًا» . (3)

الحديث2323.المعجم الكبير عن البراء بن عازب : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَن لَم يَحسِب كَلامَهُ مِن عَمَلِهِ ؛ كَثُرَت خَطاياهُ ، وحَضَرَ عَذابُهُ . (4) .

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 393 ح 5836 ، التوحيد : ص 376 ح 21 ، الخصال : ص 450 ح 55 ، الأمالى للصدوق : ص 56 ح 12 ، مختصر بصائر الدرجات : ص 138 ، روضه الواعظين : ص 484 نحوه ، بحار الأنوار : ج 78 ص 190 ح 1 .
2- .البقره : 81 .
3- .نوح : 24 و 25 .
4- .الكافى : ج 2 ص 115 ح 15 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 190 كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 71 ص 304 ح 79 .

2324.صحیح مسلم عن عبد اللّه [بن مسعود] : کتاب من لایحضره الفقیه به نقل از ابان بن عثمان احمر : مردی خدمت امام صادق علیه السلام آمد و گفت : پدر و مادرم به فدایت ، ای فرزند پیامبر خدا ! به من اندرزی بیاموز.

امام صادق علیه السلام به او فرمود : «اگر خداوند تبارک و تعالی روزی را ضمانت کرده است ، پس دلواپسی ات برای چیست؟ و اگر روزی قسمت شده است ، پس حرص زدن برای چیست؟ و اگر حسابرسی[روز قیامت]حقیقت دارد ، پس گرد آوردن [اموال] برای چیست ؟ و اگر عوض دادن از جانب خدای عز و جلراست است ، پس بخل ورزیدن برای چیست؟ و اگر کیفر خداوند عز و جل آتش است ، پس نافرمانی برای چیست؟10 / 24بسیاریِ گناهانقرآن«آری، کسی که بدی ای به دست آورد و گناهش او را در میان بگیرد، پس چنین کسانی اهل آتش اند و در آن ، ماندگار خواهند بود».

«و بسیاری را گم راه کرده اند. [بار خدایا !] جز بر گم راهیِ ستمکاران میفزای. [تا] به سبب گناهانشان ، غرقه گشتند و [پس از مرگ ،] به آتشی برده شدند و برای خود، در برابر خدا یارانی نیافتند».

حدیث2331.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس گفتارش را از کردارش به شمار نیاورَد ، [آن گاه]گناهانش بسیار می شود و عذابش حاضر می گردد .

.

2332.عنه عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : مَن كَثُرَ كَلامُهُ كَثُرَ سَقَطُهُ (1) ، ومَن كَثُرَ سَقَطُهُ كَثُرَت ذُنوبُهُ ، ومَن كَثُرَت ذُنوبُهُ كانَتِ النّارُ أولى بِهِ . (2)2333.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (فيما يُقالُ كُلَّ يَومٍ عِندَ الصَّباحِ) الإمام علىّ عليه السلام : مَن كَثُرَ كَلامُهُ كَثُرَ خَطَؤُهُ ، ومَن كَثُرَ خَطَؤُهُ قَلَّ حَياؤُهُ ، ومَن قَلَّ حَياؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ ، ومَن قَلَّ وَرَعُهُ ماتَ قَلبُهُ ، ومَن ماتَ قَلبُهُ دَخَلَ النّارَ . (3)2334.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : عنه عليه السلام : إيّاكَ والإساءَةَ ! فَإِنَّها خُلُقُ اللِّئامِ ، وإنَّ المُسىءَ لَمُتَرَدِّيٌ فى جَهَنَّمَ بِإِساءَتِهِ . (4)2335.عنه صلى الله عليه و آله : الإمام الصادق عليه السلام : قالَ اللّهُ عز و جل لِموسى عليه السلام : اِجعَل لِسانَكَ مِن وَراءِ قَلبِكَ تَسلَم ، وأكثِر ذِكرى بِاللَّيلِ والنَّهارِ ، ولا تَتَّبِعِ الخَطيئَةَ فى مَعدِنِها فَتَندَمَ ؛ فَإِنَّ الخَطيئَةَ مَوعِدُ أهلِ النّارِ . (5)2336.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (فى بَيانِ فَضلِ يَومِ الجُمُعَةِ) عنه عليه السلام : إيّاكُم ومَعاصِىَ اللّهِ أن تَركَبوها ؛ فَإِنَّهُ مَنِ انتَهَكَ مَعاصِىَ اللّهَ فَرَكِبَها فَقَد أبلَغَ فِى الإساءَةِ إلى نَفسِهِ ، ولَيسَ بَينَ الإِحسانِ وَالإِساءَةِ مَنزِلَةٌ ، فَلِأَهلِ الإِحسانِ عِندَ رَبِّهِمُ الجَنَّةُ ، ولِأَهلِ الإِساءَةِ عِندَ رَبِّهِمُ النّارُ . (6) .

1- .السَقَط : الخطأ من القول والفعل (مجمع البيان : ج 2 ص 855) .
2- .المعجم الأوسط : ج 6 ص 328 ح 6541 ، حليه الأولياء : ج 3 ص 74 ، مسند الشهاب : ج 1 ص 237 ح 372 كلّها عن ابن عمر ، تاريخ دمشق : ج 24 ص 456 ح 5318 عن أبى هريره وفيه «خطاياه» بدل «ذنوبه» فى كلا الموضعين ، كنز العمّال : ج 3 ص 553 ح 7870 ؛ إرشاد القلوب : ص 104 عن لقمان نحوه .
3- .نهج البلاغه : الحكمه 349 ، تحف العقول : ص 89 و 99 ، كنز الفوائد : ج 2 ص 14 ، روضه الواعظين : ص 514 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 291 ح 62 ؛ دستور معالم الحكم : ص 28 .
4- .غرر الحكم : ح 2666 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 97 ح 2242 .
5- .الكافى : ج 2 ص 498 ح 10 و ج 8 ص 46 ح 8 ، تحف العقول : ص 493 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 44 ، أعلام الدين : ص 220 والأربعه الأخيره من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 13 ص 343 ح 23 .
6- .الكافى: ج 8 ص11 ح1 عن إسماعيل بن جابر وإسماعيل بن مخلّدالسراج ، بحار الأنوار : ج 78 ص 220 ح 93 .

2337.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که گفتارش بسیار شود ، لغزشش (1) نیز بسیار می گردد و هر که لغزشش بسیار گردد ، گناهانش بسیار می شود و هر که گناهانش بسیار شود ، آتش بر او سزاوارتر می گردد.2338.الإمام الصادق علیه السلام (مِن دُعائِهِ فی لَیلَهِ السَّبتِ بَعدَما صَلّی) امام علی علیه السلام : هر که بسیار گوید ، بسیار خطا می کند و هر که بسیار خطا کند ، حیایش اندک می شود و هر که حیایش اندک شود، پارسایی اش اندک می شود و هر که پارسایی اش اندک شود ، دلش می میرد و هر که دلش بمیرد ، وارد آتش می شود .
(2)2339.الإمام زین العابدین علیه السلام (مِن دُعائِهِ فی یَومِ الإِثنَینِ) امام علی علیه السلام : از بدی کردن بپرهیز؛ زیرا آن ، خویِ فرومایگان است و بدی کننده ، به سبب بدی کردنش، در جهنّم فرو می افتد.2340.الإمام الصادق علیه السلام (مِن دُعاءٍ کانَ یَدعو بِهِ فی کُلِّ لَیلَهٍ مِن) امام صادق علیه السلام : خداوند عز و جل به موسی علیه السلام فرمود : «زبانت را در پس دلت قرار ده تا به سلامت بمانی . شب و روز ، بسیار مرا یاد کن و گناه را در کانون آن دنبال مکن؛ (3) زیرا گناه ، وعده گاه اهل آتش است».2341.عنه علیه السلام : امام صادق علیه السلام : زنهار! خدای را نافرمانی نکنید؛ زیرا هر کس خدای را نافرمانی کند ، در حقیقت ، به خویشتن بسی بد کرده است . و میان نیکی کردن و بدی کردن ، حدّ وسطی نیست؛ نیکوکاران ، در نزد پروردگارشان بهشت دارند و بدی کنندگان ، نزد پروردگارشان آتش . .

1- .واژه «سَقَط» که در اصلی عربی حدیث آمده است ، یعنی : لغزش ؛ خطا در گفتار و کردار ؛ سخن بی ارزش و بیهوده ؛ یاوه .
2- .این نیز محتمل است که مراد از «قلّت» ، فقدان باشد ؛ چنان که در زبان عرب ، این معنا رایج است . در این صورت ، قلّت حیا و... یعنی : بی حیایی و ناپارسایی و ... .
3- .یعنی : با اهل خطا و گناه که معدن آن هستند ، هم نشینی مکن ؛ زیرا تو نیز شریک آنان می گردی و بر آن پشیمان خواهی شد .

10 / 25شَهادَهُ الزُّورِ2344.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (فى فَضلِ شَهرِ رَمَضانَ) رسولَ اللّه صلى الله عليه و آله : لَن تَزُولَ قَدَما شاهِدِ الزّورِ حَتّى يوجِبَ اللّهُ لَهُ النّارَ . (1)2345.الإمام الصادق عليه السلام (فى قَولِهِ تَعالى : {Q} «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ) عنه صلى الله عليه و آله : مَن شَهِدَ شَهادَهَ زورٍ عَلى أحَدٍ مِنَ النّاسِ ، عُلِّقَ بِلِسانِهِ مَعَ المُنافِقينَ فِى الدَّركِ الأسفَلِ مِنَ النّارِ . (2)2346.الإمام الصادق عليه السلام : الإمام الباقر عليه السلام : ما مِن رَجُلٍ يَشهَدُ بِشَهادَهِ زورٍ عَلى مالِ رَجُلٍ مُسلِمٍ لِيَقطَعَهُ ، إلّا كَتَبَ اللّهُ عز و جل لَهُ مَكانَهُ صَكّا إلَى النّارِ . (3)2347.رسولُ اللّه صلى الله عليه و آله (مِن دُعائِهِ يَومَ اُحُدٍ) الإمام الصادق عليه السلام : شاهِدُ الزّورِ لا تَزولُ قَدَماهُ حَتّى تَجِبَ لَهُ النّارُ . (4)10 / 26قَتلُ المُؤمِنِالكتاب«وَمَن يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُّتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَلِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا» . (5)

.

1- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 794 ح 2373 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 109 ح 7042 ، السنن الكبرى : ج 10 ص 208 ح 20384 ، المعجم الأوسط : ج 8 ص 191 ح 8367 والثلاثه الأخيره نحوه وكلّها عن ابن عمر ، كنزالعمّال : ج 7 ص 13 ح 17740 ؛ قرب الإسناد : ص 85 ح 278 عن مسعده بن زياد عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام عنه صلى الله عليه و آله نحوه ، بحارالأنوار : ج 104 ص 311 ح 8 .
2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 15 ح 4968 ، الأمالى للصدوق : ص 516 ح 707 وكلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، ثواب الأعمال : ص 336 ح 1 عن أبى هريره وعن ابن عبّاس ، أعلام الدين : ص 416 عن ابن عبّاس كلاهما نحوه ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 315 ح 2655 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحارالأنوار : ج 104 ص 310 ح 3 .
3- .الكافى : ج 7 ص 383 ح 1 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 61 ح 3338 ، ثواب الأعمال : ص 268 ح 2 ، الأمالى للصدوق : ص 570 ح 772 كلّها عن صالح بن ميثم ، بحارالأنوار : ج 104 ص 310 ح 7 .
4- .الكافى : ج 7 ص 383 ح 2 ، ثواب الأعمال : ص 268 ح 1 ، الأمالى للصدوق : ص 570 ح 771 كلّها عن هشام بن سالم ، بحارالأنوار : ج 104 ص 310 ح 6 .

5- .النساء : 93 .

10 / 25 شهادت دروغ

10 / 26 کشتن مؤمن

10 / 25شهادت دروغ2354.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کسی که به دروغ شهادت دهد ، هنوز قدم از قدم بر نداشته که خداوند آتش را بر او واجب می گرداند .2355.المعجم الکبیر عن ابن عبّاس : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس به زیان احدی از مردم شهادت دروغ دهد ، همراه با منافقان در پایین ترین طبقه آتش ، به زبانش آویخته می شود .2356.الإمام علیّ علیه السلام : امام باقر علیه السلام : هیچ مردی نیست که به منظور بردن مال مرد مسلمانی ، بر ضدّ او شهادت دروغ دهد ، مگر آن که خداوند عز و جلبه جای آن، سند دوزخی بودن او را می نویسد .2357.الإمام الباقر علیه السلام : امام صادق علیه السلام : گواهی دهنده به دروغ ، هنوز قدم از جای خود بر نداشته که آتش دوزخ بر او واجب می شود.10 / 26کشتن مؤمنقرآن«و هر کس عمدا مؤمنی را بکشد ، کیفرش دوزخ است که در آن ، ماندگار خواهد بود، و خدا بر او خشم می گیرد و لعنتش می کند و عذابی بزرگ برایش آماده ساخته است».

.

الحديث2363.الإمام الصادق عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : كُلُّ ذَنبٍ عَسَى اللّهُ أن يَغفِرَهُ إلّا مَن ماتَ مُشرِكا ، أو مَن قَتَلَ مُؤمِنا مُتَعَمِّدا . (1)2364.عنه عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : لَو أنَّ الثَّقَلَينِ اجتَمَعوا عَلى قَتلِ مُؤمِنٍ لَأَكَبَّهُمُ اللّهُ عَلى مَناخِرِهِم فِى النّارِ ، وإنَّ اللّهَ حَرَّمَ الجَنَّةَ عَلَى القاتِلِ وَالآمِرِ . (2)2365.الكافى عن هارون بن خارجه ، قال : عنه صلى الله عليه و آله : قُسِمَتِ النّارُ سَبعينَ جُزءا ، فَلِلآمِرِ تِسعٌ وسِتّونَ ، ولِلقاتِلِ جُزءٌ ، وحَسبُهُ ! (3)2366.الإمام علىّ عليه السلام (مِمّا كانَ يَقولُهُ إذا مَرَّ بِالرُّكنِ اليَما) عنه صلى الله عليه و آله : والَّذى بَعَثَنى بِالحَقِّ ! لَو أنَّ أهلَ السَّماءِ وَالأَرضِ شَرِكوا فى دَمِ امرِئٍ?مُسلِمٍ ورَضوا بِهِ ، لَأَكَبَّهُمُ اللّهُ عَلى مَناخِرِهِم فِى النّارِ . (4)2367.الإمام الصادق عليه السلام (مِن دُعائِهِ فِى الكَعبَهِ وهُوَ ساجِدٌ) الإمام الباقر عليه السلام فى قَولِهِ تَعالى : «مَن قَتَلَ نَفْسَا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِى الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (5) : لَهُ فِى النّارِ مَقعَدٌ لَو قَتَلَ النّاسَ جَميعا لَم يَرِد إلّا إلى ذلِكَ المَقعَدِ . (6) .

1- .صحيح ابن حبّان : ج 13 ص 318 ح 5980 ، سنن أبى داود : ج 4 ص 103 ح 4270 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 391 ح 8032 ، السنن الكبرى : ج 8 ص 40 ح 15861 كلّها عن أبى الدرداء ، كنز العمّال : ج 15 ص 20 ح 39889 .
2- .الدرّ المنثور : ج 2 ص 631 نقلاً عن الأصبهانى عن ابن عمر .
3- .مسند ابن حنبل : ج 9 ص 35 ح 23128 ، شعب الإيمان : ج 4 ص 349 ح 5360 وفيه «للقائل» بدل «للقاتل» ، المعجم الصغير : ج 1 ص 191 عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : ج 15 ص 20 ح 39888 .
4- .الكافى : ج 7 ص 272 ح 8 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 97 ح 5170 ، ثواب الأعمال : ص 328 ح 1 كلّها عن أبى حمزه عن أحدهما عليهماالسلام ، بحار الأنوار : ج 104 ص 383 ح 3 ؛ سنن الترمذى : ج 4 ص 17 ح 1398 عن أبى سعيد الخدرى وأبى هريره ، السنن الكبرى : ج 8 ص 41 ح 15864 عن ابن عبّاس ، المعجم الصغير : ج 1 ص 205 عن أبى بكر وكلّها نحوه ، كنز العمّال : ج 15 ص 21 ح 38893 .
5- .المائده : 32.
6- .الكافى : ج 7 ص 272 ح 6 ، تفسير العيّاشى : ج 1 ص 313 ح 87 نحوه و كلاهما عن محمّد بن مسلم ، بحار الأنوار : ج 104 ص 380 ح 57 .

حدیث2369.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در هر گناهی ، امید آن هست که خدا آن را ببخشاید ، بجز [گناه] کسی را که مشرک بمیرد، یا مؤمنی را عمدا بکشد.2370.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اگر جن و انس در کشتن مؤمنی همدست باشند ، خداوند ، همه آنها را در آتش سرنگون می سازد . خدا بهشت را بر قاتل و کسی که دستور قتل را صادر کند، حرام کرده است.2371.جامع الأخبار : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آتشِ جهنّم به هفتاد جزء تقسیم شده است که شصت و نه جزء آن ، برای فرمان دهنده [به قتل] است و تنها یک جزء ، برای قاتل و [البتّه] همین یک جزء، او را بس است .2372.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (مِمّا کانَ یَقولُهُ إذا دَخَلَ المَسجِدَ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سوگند به آن که مرا به حق بر انگیخت ، اگر اهل آسمان و زمین در خون مرد مسلمانی شریک شوند و بدان رضایت دهند ، خداوند ، همه آنان را به بینی شان در آتش سرنگون می سازد.2373.عنه صلی الله علیه و آله : امام باقر علیه السلام در باره این آیه : «هر که کسی را جز به قصاص قتل یا به [کیفر]فسادی در زمین ، بکشد ، چنان است که گویی همه مردم را کشته است» : [یعنی] چنین کسی ، جایگاهی در آتش دارد که اگر همه مردم را هم می کشت ، باز به همان جایگاه وارد می شد. .

2374.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : الكافى عن أبى حمزه عن الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهماالسلام : أُتِىَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَقيلَ لَهُ : يا رَسولَ اللّهِ ، قَتيلٌ فى جُهَينَةَ ! فَقامَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَمشى ، حَتَّى انتَهى إلى مَسجِدِهِم . قالَ : وتَسامَعَ النّاسُ فَأَتَوهُ .

فَقالَ : مَن قَتَلَ ذا؟ قالوا : يا رَسولَ اللّهِ ، ما نَدرى !

فَقالَ : قَتيلٌ بَينَ المُسلِمينَ لا يُدرى مَن قَتَلَهُ؟ ! وَالَّذى بَعَثَنى بِالحَقِّ ، لَو أنَّ أهلَ السَّماءِ وَالأَرضِ شَرِكوا فى دَمِ امرِئٍ?مُسلِمٍ ورَضوا بِهِ ، لَأَكَبَّهُمُ اللّهُ عَلى مَناخِرِهِم فِى النّارِ أو قالَ : عَلَى وُجوهِهِم . (1)2375.الإمام الصادق عليه السلام (فيما يُقالُ عِندَ دُخولِ الحَمّامِ) تهذيب الأحكام عن زيد بن علىّ عن آبائه عليهم السلام : قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إذَا التَقَى المُسلِمانِ بِسَيفِهِما (2) عَلى غَيرِ سُنَّةٍ ، القاتِلُ وَالمَقتولُ فِى النّارِ . فَقيلَ : يا رَسولَ اللّهِ ! القاتِلُ ، فَما بالُ المَقتولِ ؟ ! قالَ [صلى الله علَيه و آله] : لِأَنَّهُ أرادَ قَتلاً . (3)10 / 27اقتطاع حَقِّ المُسلِمِ2378.الغارات عن النعمان بن سعد : سنن الدارمى عن أبى اُمامه : إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله قالَ : مَن اقتَطَعَ حَقَّ امرِئٍ?مُسلِمٍ بِيَمينِهِ فَقَد أوجَبَ اللّهُ لَهُ النّارَ وحَرَّمَ عَلَيهِ الجَنَّةَ . فَقالَ لَهُ رَجُلٌ : وإن كانَ شَيئا يَسيرا يا

رَسولَ اللّهِ ؟ قال : وإن قَضيبا مِن أراكٍ (4) . (5) .

1- .الكافى : ج 7 ص 272 ح 8 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 97 ح 5170 ، ثواب الأعمال : ص 328 ح 1 ، عوالى اللآلى : ج 3 ص 577 ح 6 ، بحارالأنوار : ج 104 ص 383 ح 3 .
2- .كذا فى المصدر ، وفى جميع المصادر الاُخرى : «بسيفيهما» .
3- .تهذيب الأحكام : ج 6 ص 174 ح 347 ، علل الشّرائع : ص 462 ح 4 ، بحار الأنوار : ج 100 ص 21 ح 10 ؛ صحيح البخارى : ج 1 ص 20 ح 31 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2213 ح 14 كلاهما عن أبى بكره ، سنن النسائى : ج 7 ص 124 عن أبى موسى وكلّها نحوه ، كنز العمّال : ج 15 ص 26 ح 39916 .
4- .الأَراكُ : شجر من الحمض يُستاک بقضبانِهِ (المصباح المنير : ص 12 «أرک») .

5- .سنن الدارمی : ج 2 ص 718 ح 2505 ، السنن الکبری للنسائی : ج 3 ص 481 ح 5980 ، المعجم الکبیر : ج 1 ص 274 ح 798 ، المصنف لابن أبی شیبه : ج 5 ص 252 ح 2 کلاهما نحوه ؛ جامع الأحادیث للقمّی : ص 286 نحوه ، بحارالأنوار : ج 104 ص 207 ح 9 .

2379.کتاب من لا یحضره الفقیه عن سدیر : الکافی به نقل از ابو حمزه ، از امام باقر یا امام صادق علیهماالسلام : نزد پیامبر خدا علیه السلام آمدند و گفتند: ای پیامبر خدا ! در [محلّه قبیله] جُهینه ، مقتولی افتاده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر خاست و پیاده رفت تا به مسجد آنان رسید. خبر [آمدن پیامبر] ، در میان مردم پیچید و نزد ایشان آمدند. فرمود: «چه کسی او را کشته است؟» .

گفتند: نمی دانیم ، ای پیامبر خدا !

فرمود: «کشته ای در میان مسلمانان است و معلوم نیست چه کسی او را کشته است؟ ! سوگند به آن که مرا به حق بر انگیخت، اگر اهل آسمان و زمین [همگی]در خون مرد مسلمانی شریک شوند و به آن ، رضایت دهند، خداوند ، همه آنها را به بینی هایشان یا فرمود: به صورت هایشان ، در آتش می افکند» .2380.الإمام الصادق علیه السلام : تهذیب الأحکام به نقل از زید بن علی ، از پدرانش علیهم السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر گاه دو مسلمان بر یکدیگر شمشیر کشند ، بدون آن که پای [دفاع از]سنّتی در میان باشد، قاتل و مقتول ، هر دو در آتش اند» .

گفته شد: ای پیامبر خدا ! قاتل آری، مقتول چرا؟

فرمود: «چون او هم قصد کشتن داشته است» .10 / 27جلوگیری از حقّ مسلمان2383.صحیح البخاری عن أنس : سنن الدارمی به نقل از ابو امامه : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس با سوگندِ خود ، حقّ مسلمانی را از آنِ خود گرداند ، خداوند ، آتش را بر او واجب و بهشت را بر وی حرام می گرداند» .

مردی به ایشان گفت : اگر چه چیز اندکی باشد، ای پیامبر خدا؟ !

فرمود: «اگرچه تکّه ای از شاخه درخت مسواک باشد» .

.

10 / 28الفُجورُالكتاب«وَ إِنَّ الْفُجَّارَ لَفِی جَحِیمٍ» . (1)

الحديث2389.عنه صلى الله عليه و آله (مِمّا دَعا بِهِ فِی السُّجودِ لَیلاً) رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ الكَذِبَ یَهدی إلَی الفُجورِ ، وإنَّ الفُجورَ یَهدی إلَی النّارِ . (2)2390.عنه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : إیّاكُم وَالكَذِبَ ! فَإنَّهُ مَعَ الفُجورِ ، وهُما فِی النّارِ . (3)2391.عنه صلى الله عليه و آله : مسند ابن حنبل عن عبد اللّه بن عمر : إنَّ رَجُلاً جاءَ إلَی النَّبِیِّ صلى الله عليه و آله فَقالَ : ... یا رَسولَ اللّهِ ، ما عَمَلُ النّارِ ؟ قالَ : اَلكَذِبُ ، إذا كَذِبَ فَجَرَ ، وإذا فَجَرَ كَفَرَ ، وإذا كَفَرَ دَخَلَ یَعنِی : النّارَ . 42392.عنه صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : لا تَغبِطَنّ فاجِرًا بِنِعمَةٍ ، فَإنَّ مِن وَرائِهِ طالِبا حَثیثًا ، وقَرَأ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله :

«مَّأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَهُمْ سَعِیرًا» . (4) .

1- .الإنفطار : 14 .
2- .صحیح البخاری : ج 5 ص 2261 ح 5743 ، صحیح مسلم : ج 4 ص 2013 ح 103 ، سنن أبی داود : ج 4 ص 297 ح 4989 ، سنن الترمذی : ج 4 ص 347 ح 1971 كلّها عن عبد اللّه بن مسعود ، كنز العمّال : ج 3 ص 346 ح 6861 ؛ الأمالی للصدوق : ص 505 ح 696 عن الحارث الأعور عن الإمام علیّ علیه السلام ، جامع الأخبار : ص 417 ح 1157 ، بحار الأنوار : ج 72 ص 259 ح 24 .
3- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1265 ح 3849 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 22 ح 17 ، الأدب المفرد : ص 217 ح 724 ، صحیح ابن حبّان : ج 13 ص 43 ح 5734 ، مسند أبی یعلی : ج 1 ص 93 ح 117 كلّها عن أبی بكر ، كنز العمّال : ج 2 ص 625 ح 4924 .
4- .الدر المنثور : ج 5 ص 342 نقلاً عن البیهقی فی شعب الإیمان ، تاریخ دمشق : ج 67 ص 364 ، البدایه والنّهایه : ج 8 ص 110 كلاهما عن أبی هریره من دون إسنادٍ إلی أحدٍ من أهل البیت علیهم السلام .

10 / 28 کجروی

10 / 28کجروی (1)قرآن«همانا کجروان ، در آتش افروخته اند».

حدیث2398.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : همانا دروغ گفتن ، [آدمی را] به کجروی می کشاند و کجروی نیز به آتش ره نمون می شود.2399.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از دروغگویی بپرهیزید؛ زیرا دروغ ، با کجروی همراه است، و اینها هر دو ، در آتش اند .2400.عنه صلی الله علیه و آله : مسند ابن حنبل به نقل از عبد اللّه بن عمر : مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ... ای پیامبر خدا ! کدام عمل است که به دوزخ می بَرد؟

فرمود: «دروغ؛ [زیرا] هر گاه شخص دروغ بگوید ، کجروی کرده و هر گاه کجروی کند ، به کفر افتاده و هر گاه به کفر در افتد ، وارد آتش می شود» .2401.عنه صلی الله علیه و آله : الدرّ المنثور : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «هرگز برای نعمتی که یک گنهکار دارد ، غبطه مخور ؛ چرا که جوینده ای کوشا (مرگ) ، در پی اوست» . آن گاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله این

آیه را تلاوت کرد : «جایگاه آنان جهنّم است . هر بار که آتش آن فرو نشنید ، شراره ای تازه برایشان می افزاییم» .

.

1- .واژه «فجور» که در متن عربی به کار رفته است ، یعنی کجروی ؛ انحراف از حق و مسیر درست ؛ نافرمانی و سرپیچی از حق .

10 / 29الشِّقوَهُالكتاب«فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُواْ فَفِى النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَ شَهِيقٌ» . (1)

«فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَى * سَيَذَّكَّرُ مَن يَخْشَى * وَ يَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى * الَّذِى يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى» . (2)

«فَأَنذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى * لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى * الَّذِى كَذَّبَ وَ تَوَلَّى» . (3)

الحديث2409.عنه صلى الله عليه و آله : سنن ابن ماجه عن أبى هريره : قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : لا يَدخُلُ النّارَ إلّا شَقِيٌّ . قيلَ : يا رَسولَ اللّهِ ومَنِ الشَّقِىُّ؟ قالَ : مَن لَم يَعمَل للّهِ بِطاعَهِ ، ولَم يَترُک لَه مَعصِيَهً . (4)2410.عنه صلى الله عليه و آله : مجمع البيان عن ابن عبّاس : إنَّ رَجُلاً كانَت لَهُ نَخلَهٌ فَرعُها فى دارِ رَجُلٍ فَقيرٍ ذى عِيالٍ ، وكانَ الرَّجُلُ إذا جاءَ فَدَخَلَ الدّارَ وصَعِدَ النَّخلَهَ لِيَأخُذَ مِنهَا التَّمرَ ، فَرُبَّما سَقَطَتِ التَّمرَهُ فَيَأخُذُها صِبيانُ الفَقيرِ ، فَيَنزِلُ الرَّجُلُ مِنَ النَّخلَهِ حَتّى يَأخُذَ التَّمرَ مِن أيديهِم ، فَإِن وَجَدَها فى فى (5) أحَدِهِم أدخَلَ إصبَعَهُ حَتّى يَأخُذَ التَّمرَهَ مِن فيهِ .

فَشَكا ذلِکَ الرَّجُلُ إلَى النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله وأخبَرَهُ بِما يَلقى مِن صاحِبِ النَّخلَهِ . فَقالَ لَهُ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : «اِذهَب» .

ولَقِىَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله صاحِبَ النَّخلَهِ ، فَقالَ : «تُعطينى نَخلَتَکَ المائِلَهَ الَّتى فَرعُها فى دارِ فُلانٍ ولَکَ بِها نَخلَهٌ فِى الجَنَّهِ»؟ فَقالَ لَهُ الرَّجُلُ : إنَّ لى نَخلاً كَثيرا وما فيهِ نَخلَهً أعجَبُ إلَىَّ تَمرَهً مِنها !

قالَ : ثُمَّ ذَهَبَ الرَّجُلُ ، فَقالَ رَجُلٌ كانَ يَسمَعُ الكَلامَ مِن رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله : يا رَسولَ اللّهِ ، أتُعطينى ما أعطَيتَ الرَّجُلَ نَخلَهً فِى الجَنَّهِ إن أنَا أخَذتُها ؟ قالَ : «نَعَم» .

فَذَهَبَ الرَّجُلُ ولَقِىَ صاحِبَ النَّخلَهِ فَساوَمَها مِنهُ ، فَقالَ لَهُ : أشَعرتَ أنَّ مُحَمَّدا أعطانى بِها نَخلَهً فِى الجَنَّهِ ، فَقُلتُ لَهُ : يُعجِبُنى تَمرَتُها ، وإنَّ لى نَخلاً كَثيرا فما فيهِ نَخلَهٌ أعجَبُ إلَىَّ تَمرَهً مِنها ! فَقالَ لَهُ الآخَرُ : أتُريدُ بَيعَها؟ فَقالَ : لا ، إلّا أن اُعطى ما لا أظُنُّهُ اُعطى . قالَ : فَما مُناکَ ؟ قالَ : أربَعونَ نَخلَهً . فَقالَ الرَّجُلُ : جِئتَ بِعَظيمٍ ! تَطلُبُ بِنَخلَتِکَ المائِلَهِ أربَعينَ نَخلَهً ؟ ! ثُمَّ

سَكَتَ عَنهُ ، فَقالَ لَهُ : أنَا أعطيکَ أربَعينَ نَخلَةً . فَقالَ لَهُ : أشهِد إن كُنتَ صادِقا . فَمَرَّ إلى اُناسٍ فَدَعاهُم فَأشهَدَ لَهُ بِأربَعينَ نَخلَةً .

ثُمَّ ذَهَبَ إلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله فَقالَ :

يا رَسولَ اللّهِ ، إنَّ النَّخلَةَ قَد صارَت فى مِلكى ، فَهِىَ لَکَ . فَذَهَبَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إلى صاحِبِ الدّارِ ، فَقالَ لَهُ : «النَّخلَةُ لَکَ ولِعِيالِکَ» . فَأنزَلَ اللّهُ تَعالى : «وَ الَّيْلِ إِذَا يَغْشَى» (6) السّورَة .

وعَن عطاءٍ قالَ : اِسمُ الرَّجُلِ أبُو الدَّحداحِ ، «فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَ اتَّقَى» (7) هُوَ أبُو الدَّحداحِ «وَ أَمَّا مَن بَخِلَ وَ اسْتَغْنَى» (8) وهُوَ صاحِبُ النَّخلَةِ ، وقَولُهُ : «لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى» (9) وهُوَ صاحِبُ النَّخلَةِ ، «وَ سَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى» (10) هُوَ أبُو الدَّحداحِ «وَ لَسَوْفَ يَرْضَى» (11) إذا دَخَلَ الجَنَّةَ .

قالَ : وكانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله يَمُرُّ بِذلِکَ الحُشِّ (12) وعُذوقُهُ دانِيَةٌ ، فَيَقولُ : عُذوقٌ وعُذوقٌ لِأبِى الدَّحداحِ فِى الجَنَّةِ . (13) .

1- .هود : 106 .
2- .الأعلى : 9 12 .
3- .الليل : 14 16 .
4- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1436 ح 4298 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 261 ح 8602 ، تفسير ابن كثير : ج 8 ص 444 ، الفردوس : ج 5 ص 104 ح 7610 ، كنز العمّال : ج 16 ص 7 ح 43694 .
5- .أى : فى فَمِهِ .
6- .الليل : 1 .
7- .الليل : 5 .
8- .الليل : 8 .
9- .الليل : 15 .
10- .الليل : 17 .
11- .الليل : 21 .
12- .الحُشُّ : البُستان ، وقيل : يقال لبستان النخل (المصباح المنير : ص 137 «حشّ») .
13- .مجمع البيان : ج 10 ص 759 ، بحارالأنوار : ج 22 ص 60 ؛ أسباب نزول القرآن : ص 477 ح 852 نحوه وليس فيه ذيله من «عن عطاء ...» .

10 / 29تیره بختیقرآن«و امّا کسانی که تیره بخت شده اند، در آتش ، فریاد و ناله ای دارند».

«پند ده که پند ، سودمند است . هر کس اهل خشیت است ، پند می گیرد و هر کس اهل شقاوت است ، از آن می گذرد ؛ آن که آتش بزرگ را می چشد» .

«شما را از آتش شعله ور ، بیم می دهم ؛ آتشی که جز نگون بخت ترین[مردم] ، در آن در نمی آید ؛ آن که دروغ پنداشت و روی گردانْد» .

حدیث2418.عنه صلی الله علیه و آله : سنن ابن ماجه به نقل از ابو هریره : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «وارد آتش نمی شود ، مگر شقی (بدفرجام)» .

گفته شد : ای پیامبر خدا! شقی ، چه کسی است؟

فرمود: «کسی که به هیچ طاعتی از طاعات خدا عمل نکند، و هیچ معصیتی از معاصی او را فرو نگذارد» .2419.عنه صلی الله علیه و آله : مجمع البیان : ابن عبّاس گفت : مردی نخلی داشت که شاخه اش در سرای مردی درویش و عیالوار ، آویخته شده بود . هنگامی که صاحب نخل ، می آمد و وارد سرا[ی آن درویش] می شد تا از درخت ، بالا رود و خرمای آن را بچیند، گاهی می شد که خرمایی می افتاد و کودکان مرد درویش ، آن را بر می داشتند. صاحب نخل ، از درخت ، پایین می آمد و خرما را از دستشان می ستاند و اگر یکی از آنها خرمایی در دهانش نهاده بود ، انگشت خویش را در دهان او فرو می برد و خرما را بیرون می آورد!

مرد درویش ، از این کار ، به پیامبر صلی الله علیه و آله شِکوه نمود و به ایشان گفت که از دست صاحب نخل ، چه می کشد. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «اینک تو برو» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که صاحب نخل را دید، به او فرمود: «آن نخل خمیده ات را که شاخه اش در سرای فلان کس است، به

من می دهی تا به جای آن، نخلی در بهشت داشته باشی؟».

مرد گفت: من نخل های بسیار دارم ؛ ولی خرمای هیچ یک از آنها به نیکوییِ خرمای آن نخل نیست . آن مرد این را گفت و رفت . مردی که سخنان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را می شنید، به آن جناب گفت: ای پیامبر خدا ! اگر من آن نخل را از او بگیرم ، آیا نخلی را که در بهشت به آن مرد می دادی، به من می دهی؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آری» .

مرد رفت و صاحب نخل را یافت و آن را از او خریدار شد . صاحب نخل گفت: آیا تو فهمیدی که محمّد به من گفت که آماده است به جای آن، نخلی در بهشت به من دهد، و من به او گفتم که خرمای آن ، خوشایند من است، و من نخل های بسیاری دارم ؛ ولی در میان آنها خرمای هیچ نخلی به نیکوییِ خرمای آن نیست ؟

آن دیگری گفت: می خواهی که آن را بفروشی یا نه ؟

گفت : نه، مگر این که به من ، آن بهایی را دهند که گمان نمی کنم بدهند.

گفت: مگر چه می خواهی؟

گفت: چهل نخل .

مرد گفت: سخن بزرگی گفتی ! برای یک نخل خمیده ، چهل نخل می طلبی؟

سپس لختی خاموش ماند و آن گاه گفت: من چهل نخل به تو می دهم .

صاحب نخل گفت: گواه بگیر، اگر راست می گویی.

پس، مرد خریدار ، نزد عدّه ای رفت و آنان را فرا خواند و گواهشان گرفت که چهل نخل ، به آن مرد می دهد.

سپس به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و گفت: ای پیامبر خدا ! آن نخل ، از آنِ من شد . پس اینک ، از آنِ شما باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به نزد صاحبِ آن سرای رفت و به او فرمود: «آن نخل ، از آنِ تو و خانواده تو باشد» .

در این هنگام، خدای متعال ، این سوره را فرو فرستاد: «سوگند به شب ، آن گاه که پرده می افکند » .

از عطا نقل است که گفت: نام آن مرد [خریدار] ، ابو دَحداح است . «پس امّا آن که داد و

پروا داشت» ، یعنی ابو دحداح . «و امّا آن که بخل ورزید و خود رابی نیاز دید» ، یعنی صاحب آن نخل . و سخن خدا: «جز نگون بخت ترین[مردم] ، در آن [آتش] در نیاید» ، باز یعنی صاحب آن نخل . «و با پرواترین[مردم] ، از آن [آتش] ، دور نگاه داشته خواهد شد» ، یعنی ابو دحداح . «و قطعا به زودی ، خشنود خواهد شد» ، یعنی زمانی که به بهشت در می آید.

عطا گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه بر آن نخلستان که [ابو دحداح به جای آن یک نخل ، به صاحب آن داده بود و] خوشه هایش آویزان بود ، می گذشت ، می فرمود: «از این خوشه ها برای ابو دحداح در بهشت ، بسیار خواهد بود» .

.

ص: 342

. .

. .

2420.عنه صلى الله عليه و آله (مِن دُعاءٍ كانَ يَدعو بِهِ) تفسير القمّى عن عبدالرحمن بن كثير عن الإمام الصادق عليه السلام فى قَولِهِ تَعالى : «فَأَنذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى * لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى * الَّذِي كَذَّبَ وَ تَوَلَّى» (1) : فى جَهَنَّمَ وادٍ فيهِ نارٌ لا يَصلاها إلَا الأَشقى ، الَّذى كَذَّبَ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله فى عَلِيٍّ عليه السلام وتَوَلّى عَن وِلايَتِهِ .

ثُمَّ قالَ عليه السلام : النّيرانُ بَعضُها دونَ بَعضٍ ، فَما كانَ مِن نارِ هذَا الوادى فَلِلنُّصّابِ . (2)2421.عنه صلى الله عليه و آله (مِن دُعائِهِ إذا سافَرَ) الإمام الصادق عليه السلام : السَّعادَةُ سَبَبُ خَيرٍ تَمَسَّكَ بِهِ السَّعيدُ فَيَجُرُّهُ إلَى النَّجاهِ ، وَالشَّقاوَةُ سَبَبُ خُذلانٍ تَمَسَّكَ بِهِ الشَّقِىُّ فَيَجُرُّهُ إلَى الهَلَكَهِ ، وكُلٌّ بِعِلمِ اللّهِ . (3)10 / 30القَسوَةُ2424.عنه صلى الله عليه و آله : الإمام الصادق عليه السلام : جاءَ رَجُلٌ إلَى النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله فَقالَ : ما قَبَّلتُ صَبِيّا قَطُّ . فَلَمّا وَلّى قالَ

رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : هذا رَجُلٌ عِندى أنَّهُ مِن أهلِ النّارِ . (4) .

1- .الليل : 14 16 .
2- .تفسير القمّى : ج 2 ص 426 ، بحارالأنوار : ج 8 ص 313 ح 87 .
3- .الاحتجاج : ج 2 ص 243 ، بحارالأنوار : ج 10 ص 184 ح 2 .
4- .الكافى : ج 6 ص 50 ح 7 ، تهذيب الأحكام : ج 8 ص 113 ح 391 ، عدّه الداعى : ص 79 ، بحار الأنوار : ج 104 ص 99 ح 72 .

10 / 30 سنگ دلی

2425.عنه صلی الله علیه و آله : تفسیر القمّی به نقل از عبد الرحمان بن کثیر : امام صادق علیه السلام در باره آیه «پس شما را از آتشی بیم داده ام که زبانه می کشد و جز نگون بخت ترین[مردم] ، در آن نمی افتد ؛ همان کسی که تکذیب کرد و رخ بر تافت» ، فرمود : «در جهنّم ، درّه ای هست که در آن ، آتشی برپاست و جز نگون بخت ترین مردم ، کسی در آن نمی افتد ؛ همان کسی که سخن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را در باره علی علیه السلام تکذیب کرد و از ولایت او ، رخ بر تافت» .

سپس فرمود: «طبقات آتش ، یکی فروتر از دیگری است . آتش آن درّه ، مخصوص ناصبیان است» .2426.عنه صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : خوش بختی ، رشته خیری است که خوش بخت ، به آن چنگ زده و آن رشته او را به سوی نجات می کشاند . بدبختی نیز رشته بی توفیقی است که بدبخت ، به آن آویخته و آن رشته او را به هلاکت می کشاند، و این هر دو ، به علم خدای متعال است .10 / 30سنگ دلی2429.عنه علیه السلام (مِن دُعائِهِ فی قُنوتِ الوَترِ) امام صادق علیه السلام : مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: من هرگز کودکی را نبوسیده ام.

چون رفت، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «این ، مردی است که به نزد من ، اهل آتش است».

.

2430.عنه عليه السلام (مِن دُعائِهِ بَعدَ صَلاهِ العِشاءِ) اُسد الغابه عن أبى عامر الأشعرىّ : إنَّ رَجُلاً سَأَلَ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله عَن أهلِ النّارِ ، فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : لَقَد سَأَلَ عَن عَظيمٍ ! كُلُّ شَديدٍ قَبَعثَرِىٍّ . قالَ : ومَا القَبَعثَرِىُّ؟ قالَ : الشَّديدُ عَلَى الصّاحِبِ . (1)2431.عنه عليه السلام (فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ) التاريخ الكبير عن أبى عامر : إنَّ رَجُلاً سَأَلَ النَّبِىَّ صلى اللّه عليه و آله عَن أهلِ النّارِ ، فَقالَ : سُبحانَ اللّهِ ! سَأَلتَ عَن عَظيمٍ ، كُلُّ شَديدٍ قَعبَرِىٍّ ! قالَ : ومَا القَعبَرِىُّ؟ قالَ : اَلشَّديدُ عَلَى الأَهلِ وَالصّاحِبِ وَالعَشيرَهِ . وأهلُ الجَنَّهِ كُلُّ ضَعيفٍ مُزهِدٍ . (2)10 / 31كَنزُ المالِالكتاب«يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَ لَ النَّاسِ بِالْبَطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّهَ وَلَا يُنفِقُونَهَا فِى سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ * يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِى نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَآ مَا كَنَزْتُمْ لأَنفُسِكُمْ فَذُوقُواْ مَا كُنتُمْ تَكْنِزُونَ» . (3)

الحديث2437.عنه عليه السلام (فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ) رسول اللّه صلى الله عليه و آله : ما مِن صاحِبِ ذَهَبٍ ولا فِضَّهٍ لا يُؤَدّى مِنها حَقَّها إلّا إذا كانَ يَومُ القِيامَهِ

صُفِحَت لَهُ صَفائِحُ مِن نارٍ ، فَاُحمِىَ عَلَيها فى نارِ جَهَنَّمَ ، فَيُكوى بِها جَنبُهُ وجَبينُهُ وظَهرُهُ ، كُلَّما بَرَدَت اُعيَدت لَهُ ، فى يَومٍ كانَ مِقدارُهُ خَمسينَ أَلفَ سَنَهٍ ، حَتّى يُقضى بَينَ العِبادِ ، فَيُرى سَبيلُهُ ؛ إمّا إلَى الجَنَّهِ وإمّا إلَى النّارِ . (4) .

1- .اُسد الغابه : ج 6 ص 185 الرقم 6046 ، كنز العمّال : ج 16 ص 102 ح 44063 نقلاً عن الشيرازى فى الألقاب والديلمى نحوه .
2- .التاريخ الكبير : ج 7 ص 129 ص 577 ، كنز العمّال : ج 16 ص 102 ح 44063 .
3- .التوبه : 34 و 35 .
4- .صحيح مسلم : ج 2 ص 680 ح 24 ، سنن أبى داود : ج 2 ص 124 ح 1658 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 79 ح 7566 ، صحيح ابن حبّان : ج 8 ص 45 ح 3253 كلّها عن أبى هريره نحوه ، كنز العمّال : ج 6 ص 302 ح 15795 ؛ مجمع البيان : ج 5 ص 41 نحوه .

2438.عنه علیه السلام : اُسد الغابه به نقل از ابو عامر اشعری : مردی از پیامبر صلی الله علیه و آله در باره اهل آتش پرسید . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سؤال بزرگی کردی . هر درشت خوی قَبَعثَری [اهل آتش است]» .

گفت : قَبَعثَری کیست ؟

فرمود : «سختگیر بر یار» .2439.عنه علیه السلام : التاریخ الکبیر به نقل از ابو عامر : مردی از پیامبر صلی الله علیه و آله در باره اهل آتش پرسید . ایشان فرمود: «سبحان اللّه ! سؤال بزرگی کردی. هر درشت خوی قَعبَری [اهل آتش است]» .

گفت : قَعبَری چیست؟

فرمود: «مرد سختگیر بر خانواده و دوست و خویشان ؛ ولی اهل بهشت ، انسان های ناتوانِ نادارند» .10 / 31مال اندوزیقرآن«ای کسانی که ایمان آورده اید ! بسیاری از دانشمندان یهود و راهبان ، اموال مردم را به ناروا می خورند و از راه خدا باز می دارند، و کسانی که زر و سیم را گنجینه می کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی کنند، به ایشان از عذابی دردناک ، خبر ده ؛ روزی که آن [گنجینه]ها را در آتش دوزخ بگدازند ، آن گاه پیشانی و پهلو و پشت آنان را با آنها داغ کنند [و گفته می شود]که : این است آنچه برای خود می اندوختید . پس بچشید آنچه را می اندوختید !» .

حدیث2445.عنها علیهاالسلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ دارنده زر و سیمی نیست که حقّ آنها را نپردازد ، مگر آن که چون

روز رستاخیز شود روزی که مدّتش پنجاه هزار سال است ، آن زر و سیم ها به ورقه هایی از آتش تبدیل می شوند و آنها را در آتش جهنّم ، سرخ خواهند کرد تا با آنها ، پهلو و پیشانی و پشت او را داغ کنند، و هر بار که سرد شوند ، دو باره سرخشان می نمایند، تا آن گاه که داوری در باره بندگان به پایان رسد . آن گاه ، راهش به او نشان داده می شود ؛ یا به سوی بهشت و یا به سوی آتش .

2446.الإمام زين العابدين عليه السلام (فى مُناجاهِ العارِفينَ) عنه صلى الله عليه و آله : لا يوضَعُ الدّينارُ عَلَى الدّينارِ ولَا الدِّرهَمُ عَلَى الدِّرهَمِ ، ولكِن يُوَسَّعُ جِلدُهُ «فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُواْ مَا كُنتُمْ تَكْنِزُونَ» (1) . (2)10 / 32إيثارُ الدُّنيا عَلَى الآخِرَهِالكتاب«فَإِذَا جَاءَتِ الطَّآمَّةُ الْكُبْرَى * يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْاءِنسَنُ مَا سَعَى * وَ بُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَن يَرَى * فَأَمَّا مَن طَغَى * وَ ءَاثَرَ الْحَيَوةَ الدُّنْيَا * فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِىَ الْمَأْوَى» . (3)

«مَن كَانَ يُرِيدُ الْحَيَوةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَلَهُمْ فِيهَا وَ هُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ * أُوْلَائِکَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِى الْاخِرَهِ إِلَّا النَّارُ وَ حَبِطَ مَا صَنَعُواْ فِيهَا وَ بَطِلٌ مَّا كَانُواْ يَعْمَلُونَ» . (4)

«وَ يَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُواْ عَلَى النَّارِ أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَتِكُمْ فِى حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَ اسْتَمْتَعْتُم بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِى الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ بِمَا كُنتُمْ تَفْسُقُونَ» . (5)

«مَّن كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَهَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَن نُّرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا» . (6)

.

1- .التوبه : 35 .
2- .تفسير ابن كثير : ج 4 ص 85 ، الدرّ المنثور : ج 4 ص 179 نقلاً عن أبى يعلى وابن مردويه وكلاهما عن أبى هريره .
3- .النازعات : 34 39 .
4- .هود : 15 و 16 .
5- .الأحقاف : 20 .
6- .الإسراء : 18 .

10 / 32 برگزیدن دنیا بر آخرت

2454.عنه علیه السلام (مِن مُناجاتِهِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دینار روی دینار و درم روی درم نهاده نمی شود ؛ بلکه پوستش وسعت می یابد «آن گاه ، با آنها پیشانی و پهلو و پشت آنان داغ می شود [و گفته می شود]که : این است آنچه برای خود می اندوختید . پس بچشید آنچه را می اندوختید !» .10 / 32برگزیدن دنیا بر آخرتقرآن«پس آن گاه که هنگامه بزرگ در رَسد، آن روز است که انسان آنچه را در پیِ آن کوشیده است ، به یاد می آورد ، و جهنّم برای هر که ببیند ، آشکار می گردد. امّا هر که طغیان کرد و زندگیِ پست دنیا را بر گزید ، پس جایگاه[او] ، همان آتش است».

«کسانی که زندگی دنیا و زیور آن را بخواهند ، [جزای] کارهایشان را در آن جا به طور کامل به آنها می دهیم و به آنان در آن جا ، کم داده نخواهد شد. اینان ، کسانی هستند که در آخرت ، جز آتش برایشان نخواهد بود و آنچه در آن جا کرده اند ، به هدر رفته و آنچه انجام می داده اند ، باطل گردیده است» .

«و در آن روز ، کسانی را که کفر ورزیده اند ، بر آتش عرضه می دارند [و به آنان می گویند]که : نعمت های پاکیزه خود را در زندگیِ دنیایتان [خودخواهانه]صرف کردید و از آنها برخوردار شدید . پس امروز به سزای آن که در زمین به ناحق ، سرکشی می نمودید و به سبب آن که نافرمانی می کردید به عذاب خفّت آور ، کیفر می یابید».

«هر کس خواهان [دنیای] زودگذر است، به زودی ، هر که را بخواهیم ، [نصیبی] از آن می دهیم . آن گاه ، جهنّم را که خوار و رانده ، داخل آن خواهد شد برای او مقرّر می داریم».

.

الحديث2463.عنه عليه السلام (مِن دُعاءٍ لَهُ) رسول اللّه صلى الله عليه و آله : يُجاءُ بِالدُّنيا مُصوَّرَةً يَومَ القِيامَهِ ، فَتَقولُ : يا رَبِّ اجعَلني لِرَجُلٍ مِن أدنى أهلِ الجَنَّهِ مَنزِلَهً . فَيَقولُ اللّهُ : أنتِ أنتَنُ مِن ذلِکَ ، بَل أنتِ وأَهلُکِ فِی النّارِ . (1)2464.عنه عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : يُؤتى بِالدُّنيا يَومَ القِيامَهِ فَيُمازُ ما كانَ للّهِ ، ثُمَّ يُقَدَّمُ سائِرُهُ إلَى النّارِ .
(2)2465.عنه عليه السلام (مِن دُعائِهِ بَعدَ صَلاهِ الظُّهرِ) عنه صلى الله عليه و آله : يُؤتى بِأنعَمِ أهلِ الدُّنيا مِن أهلِ النّارِ يَومَ القِيامَهِ ، فَيُصبَغُ فِی النّارِ صَبغَهً ثُمَّ يُقالُ : يَابنَ آدَمَ ! هَل رَأيتَ خَيرا قَطُّ ؟ هَل مَرَّ بِکَ نَعيمٌ قَطُّ ؟ فَيَقولُ : لا وَاللّهِ يا رَبِّ ! (3)2466.عنه عليه السلام (مِن دُعائِهِ بَعدَ صَلاهِ المَغرِبِ) عنه صلى الله عليه و آله : ألا إنَّ الدُّنيا حُلوَهٌ خَضِرَهٌ ، فَرُبَّ مُتَخَوِّضٍ فِی الدُّنيا مِن مالِ اللّهِ ورَسولِهِ لَيسَ لَهُ يَومَ القِيامَهِ إلَا النّارُ .
(4)2467.عنه عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : مَن تَقَحَّمَ فِی الدُّنيا فَهُوَ يَتَقَحَّمُ فِی النّارِ . (5) .

1- .حليه الأولياء : ج 10 ص 73 ، الفردوس : ج 5 ص 459 ح 8748 و ح 8877 كلّها عن أنس ، كنز العمّال : ج 3 ص 237 ح 6330 .
2- .الفردوس : ج 5 ص 460 ح 8754 عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 3 ص 237 ح 6329 .
3- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2162 ح 55 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 405 ح 13110 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 139 ح 99 ، مسند أبى يعلى : ج 3 ص 418 ح 3508 كلاهما نحوه وكلّها عن أنس ، كنز العمّال : ج 14 ص 528 ح 39513 .
4- .المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 76 ح 6932 عن حمنه ، مسند ابن حنبل : ج 10 ص 299 ، صحيح ابن حبّان : ج 10 ص 370 ح 4512 ، المعجم الكبير : ج 24 ص 230 ح 585 ، موارد الظمآن : ص 217 ح 852 والأربعه الأخيره عن خوله امرأه حمزه بن عبد المطلب ، كنز العمّال : ج 6 ص 509 ح 16760 .
5- .شعب الإيمان : ج 7 ص 342 ح 10513 عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 3 ص 197 ح 6148 .

حدیث2469.عنه علیه السلام (مِمّا یُقالُ عِندَ حُضورِ شَهرِ رَمَضانَ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در روز قیامت، دنیا را به صورت پیکره ای می آورند و دنیا می گوید: پروردگارا ! مرا برای مردی از دون پایه ترین افراد اهل بهشت ، قرار ده.

خداوند می فرماید: «تو گَندتر از آنی . نه، که تو و دوستدارانت در آتش اند» .2470.عنه علیه السلام (مِن دُعائِهِ فی یَومِ عَرَفَهَ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در روز قیامت ، دنیا را می آورند و [از چیزهای دنیایی ،] آنچه را برای خدا بوده ، جدا می کنند . سپس بقیّه آن ، به سوی آتش برده می شود .2471.عنه علیه السلام (فِی الدُّعاءِ المَروِیِّ عَنهُ فِی الصَّباحِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در روز قیامت، برخوردارترینِ مردم دنیا را که اهل دوزخ است می آورند و او را در آتش ، غوطه ور می سازند . سپس به او گفته می شود: «ای پسر آدم ! آیا هرگز خیری دیدی ؟ آیا هرگز به نعمتی برخوردی؟» .

و او می گوید: نه به خدا، ای پروردگار من !2472.عنه علیه السلام (مِن دُعائِهِ فی یَومِ عَرَفَهَ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هان ! دنیا شیرین و خُرّم است . پس بسا کسی که در دنیا فرو می رود و از مال خدا و پیامبر او می خورد ؛ امّا در روز قیامت ، نصیبی جز آتش ندارد .2473.عنه علیه السلام (مِن حِرزِهِ الجَلیلِ الَّذی رَواهُ عَن آبائِهِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که در دنیا غوطه ور شود، در آتش ، غوطه ور می شود. .

2474.عنه عليه السلام (فيما عَلَّمَهُ أبا يَحيى لِيَدعُوَ بِهِ فى لَيل) عنه صلى الله عليه و آله : مَن أسِفَ عَلى دُنيا فاتَتهُ اقتَرَبَ مِنَ النّارِ مَسيرَةَ ألفِ سَنَهٍ . (1)2475.الإمام الكاظم عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : مَن بَكى عَلَى الدُّنيا دَخَلَ النّارَ . (2)2476.عنه عليه السلام (فيما عَلَّمَهُ لِعَلِيٍّ بن رِئابٍ أن يَدعُوَ) عنه صلى الله عليه و آله : مَن طَلَبَ الدُّنيا بِعَمَلِ الآخِرَهِ طُمِسَ وَجهُهَ ، ومُحِقَ ذِكرُهُ ، واُثبِتَ اسمُهُ فِى النّارِ . (3)2477.الكافى عن زياد بن مروان : عنه صلى الله عليه و آله : مَن عَرَضتَ لَهُ دُنيا وآخِرَهٌ ، فَاختارَ الدُّنيا عَلَى الآخِرَهِ ، لَقِىَ اللّهَ يَومَ القيامَهِ ولَيسَت لَهُ حَسَنَهٌ يَتَّقى بِهَا النّارَ . (4)2478.الإمام الكاظم عليه السلام (مِن دُعائِهِ فى يَومِ الأربِعاءِ) عنه صلى الله عليه و آله : مَن أخَذَ مِنَ الدُّنيا مِنَ الحَرامِ عَذَّبَهُ اللّهُ . (5)2479.عنه عليه السلام (مِن دُعائِهِ فى يَومِ الخَميسِ) عدّه الداعى عن النبىّ صلى الله عليه و آله : لَيَجيئَنَّ أقوامٌ يَومَ القِيامَهِ لَهُم مِنَ الحَسَناتِ كَجِبالِ تِهامَهِ فَيُأمَرُ بِهِم إلَى النّارِ . فَقيلَ : يا نَبِىَّ اللّهِ ! أمُصَلّونَ ؟ قالَ : كانوا يُصَلّونَ ويَصومونَ ويَأخُذونَ وَهنا مِنَ اللَّيلِ ، لكِنَّهُم كانوا إذا لاحَ لَهُم شَىءٌ مِنَ الدُّنيا وَثَبوا عَلَيهِ . (6)2480.الإمام الرضا عليه السلام (مِن دُعاءٍ كَتَبَهُ لِأَحَدِ أصحابِهِ) رسولُ اللّه صلى الله عليه و آله : مَن عَظَّمَ صاحِبَ دُنيا وأحَبَّهُ لِطَمَعِ دُنياهُ ، سَخِطَ اللّهُ عَلَيهِ وكانَ فى دَرَجَهٍ مَعَ قارونَ فِى التّابوتِ الأسفَلِ مِنَ النّارِ . (7) .

1- .كنز العمّال : ج 3 ص 197 ح 6147 نقلاً عن الرازى فى مشيخته عن ابن عمر .
2- .النوادر للراوندى : ص 107 ح 85 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 333 ح 23 .
3- .المعجم الكبير : ج 2 ص 268 ح 2128 عن الجارود ، تاريخ جرجان : ص 383 عن عبد اللّه بن مسعود ، كنز العمّال : ج 3 ص 227 ح 6275 .
4- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 14 ح 4968 ، الأمالى للصدوق : ص 515 ح 707 كلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، ثواب الأعمال : ص 334 عن أبى هريره وعبد اللّه بن عبّاس ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 314 ح 2655 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 261 عن الحسين بن يزيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 76 ص 362 ح 30 .

5- .كنز العمّال : ج 3 ص 236 ح 6325 نقلاً عن الحاكم النيشابورى فى تاريخه عن أنس .
6- .عدّه الداعى : ص 295 ، التحصين لابن فهد : ص 29 ح 52 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 131 ، أعلام الدين : ص 343 عن أبى سعيد الخدرى ، إرشاد القلوب : ص 191 عن حذيفه بن اليمان وكلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 70 ص 286 ح 8 ؛ الفردوس : ج 5 ص 498 ح 8875 عن أنس نحوه .
7- .ثواب الأعمال : ص 331 ح 1 عن أبى هريره وعبد اللّه بن عبّاس ، أعلام الدين : ص 411 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 360 ح 30 .

2481.الإمام الجواد علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرکه برای آنچه از دنیا از دست داده است ، افسوس بخورد ، به اندازه هزار سال راه ، به آتش نزدیک شده است .2482.عنه علیه السلام (مِن عوذَتِهِ فی یَومِ الإِثنَینِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که برای دنیا بگرید ، وارد آتش می شود .2483.عنه علیه السلام (مِن عوذَتِهِ فِی یَومِ الثُّلاثاءِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که با کار آخرت، دنیا را بجوید ، رویش تاریک و یادش محو می شود و نامش در [سیاهه] آتش ثبت می گردد.2484.عنه علیه السلام (مِن عَوذَتِهِ فی یَومِ الأَربِعاءِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس امر دنیوی و اخروی برایش پیش آید و او دنیا را بر آخرت بر گزیند ، روز قیامت در حالی خدا را دیدار خواهد کرد که هیچ کار نیکی ندارد تا با آن خود را از آتش حفظ نماید.2485.عنه علیه السلام (مِن عَوذَتِهِ فی یَومِ الخَمیسِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس از حرام دنیا بر گیرد ، خداوند ، او را عذاب می کند.2486.الإمام الهادی علیه السلام (مِمّا دَعا بِهِ فی قُنوتِهِ) عدّه الداعی : پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «در روز قیامت، مردمانی می آیند که به اندازه کوه های تهامه ، کار نیک دارند ؛ امّا امر می شود که آنان را به سوی آتش ببرند» .

گفته شد: ای پیامبر خدا ! آیا از نمازگزاران بوده اند؟

فرمود: «آنها ، هم نماز می خوانده اند و هم روزه می گرفته اند و هم پاسی از شب را به عبادت می پرداخته اند ؛ امّا چنان بودند که هر گاه چیزی از دنیا می دیدند ، آن را می قاپیدند» .2487.الإمام المهدی علیه السلام (مِمّا عَلَّمَهُ لِلعَلَوِیِّ المِصرِیِّ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس دنیاداری را به چشمداشت دنیایش، احترام نهد و دوستش بدارد، خداوند بر او خشم می گیرد و با قارون در تابوتِ زیرین آتش ، هم درجه خواهد بود . .

2488.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : الأمالى للمفيد عن الحسن بن أبى الحسن البصرى عن الإمام علىّ عليه السلام : إنَّ كُلَّ عامِلٍ فِى الدُّنيا لِلآخِرَهِ لابُدَّ أن يُوَفّى أجرَ عَمَلِهِ فِى الآخِرَهِ ، وكُلَّ عامِلِ دُنيا (1)

لِلدُّنيا عُمالَتُهُ (2) فِى الآخِرَهِ نارُ جَهَنَّمَ .

ثُمَّ تَلا أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام قَولَهُ تَعالى : «فَأَمَّا مَن طَغَى * وَ ءَاثَرَ الْحَيَوهَ الدُّنْيَا * فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِىَ الْمَأْوَى» . (3)10 / 33أكلُ مالِ اليَتيمِالكتاب«إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَ لَ الْيَتَمَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِى بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا» . (4)

الحديث2494.عنه عليه السلام : صحيح ابن حبّان عن أبى برزه : إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله قالَ : يُبعَثُ يَومَ القِيامَهِ قَومٌ مِن قُبورِهِم تَأَجَّجُ أفواهُهُم نارا . فَقيلَ : مَن هُم يا رَسولَ اللّهِ ؟ قالَ : أَلَم تَرَ اللّهَ يَقولُ : «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَ لَ الْيَتَمَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِى بُطُونِهِمْ نَارًا» .
(5)2495.تحف العقول عن كميل بن زياد : تفسير الطبرى عن أبى سعيد الخدرىّ : حَدَّثنَا النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله عَن لَيلَهِ أُسرى بِهِ ، قالَ : نَظَرتُ فَإِذا أنَا بِقَومٍ لَهُم مَشافِرُ (6) كَمَشافِرِ الإِبِلِ ، وقَد وُكِّلَ بِهِم مَن يَأخُذُ بِمَشافِرِهِم ، ثُمَّ

يُجعَلُ فى أفواهِهِم صَخرا مِن نارٍ يَخرُجُ مِن أسافِلِهِم . قُلتُ : يا جِبريلُ ! مَن هؤُلاءِ ؟ قالَ : هؤُلاءِ الَّذينَ يَأكُلونَ أموالَ اليَتامى ظُلما ، إنَّما يَأكُلونَ فى بُطونِهِم نارا . (7) .

1- .فى المصدر : «دينا» ، والتصويب من بحار الأنوار .
2- .العُمالَه : رِزق العامل الذى جُعل له على ما قُلِّدَ مِن العمل (لسان العرب : ج 11 ص 476 «عمل») .
3- .الأمالى للمفيد : ص 120 ح 3 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 423 ح 41 .
4- .النساء : 10 .
5- .صحيح ابن حبّان : ج 12 ص 377 ح 5566 ، مسند أبى يعلى : ج 6 ص 466 ح 7403 ، موارد الظمآن : ص 639 ح 2580 ، تفسير ابن كثير : ج 2 ص 195 ، كنز العمّال : ج 4 ص 18 ح 9283 .

6- .المِشفَر والمَشفَر للبعير : كالشفه للإنسان (لسان العرب : ج 4 ص 419 «شفر») .
7- .تفسير الطبرى : ج 3 الجزء 4 ص 273 ، الدرّ المنثور : ج 2 ص 443 .

10 / 33 خوردن مال یتیم

2496.الإمام علیّ علیه السلام (لِقائِلٍ قالَ بِحَضرَتِهِ : أستَغفِرُ اللّهَ) الأمالی ، مفید به نقل از حسن بن ابی الحسن بصری : امام علی علیه السلام فرمود : «هر کس در دنیا برای آخرت کار کند ، قطعا مزد کار خود را در آخرت به طور کامل دریافت می کند ، و هر کس به امور دینی اش برای رسیدن به دنیا عمل کند ، مزد او در آخرت ، آتش جهنّم خواهد بود» .

سپس امیر مؤمنان علیه السلام ، این سخن خداوند متعال را تلاوت کرد : «امّا آن کس که سرکشی کند و زندگی دنیا را بر گزیند ، همانا دوزخ جایگاه اوست» .10 / 33خوردن مال یتیمقرآن«در حقیقت، کسانی که اموال یتیمان را به ستم می خورند، جز این نیست که آتشی در شکم خود فرو می برند و به زودی ، وارد آتش پرشراره خواهند شد».

حدیث2502.الإمام علیّ علیه السلام : صحیح ابن حبّان به نقل از ابو برزه : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در روز قیامت، گروهی از گورهایشان بر انگیخته می شوند که از دهان هایشان آتش شعله می کشد» .

گفته شد: آنان چه کسانی هستند ، ای پیامبر خدا؟

فرمود: «آیا ندیده ای که خدا می فرماید: «کسانی که اموال یتیمان را به ستم می خورند ، جز این نیست که آتشی در شکم خود فرو می برند» ؟» .2503.عنه علیه السلام : تفسیر الطبری به نقل از ابو سعید خدری : پیامبر صلی الله علیه و آله از شبی که به معراج رفت ، برای ما نقل کرد و فرمود : «نگاه کردم، مردمانی را دیدم که لب هایی چون لفچ (1) شتر دارند و یکی بر آنها گماشته شده است که لفچ هایشان را می گیرد و

خرسنگ هایی آتشین در دهان آنها می گذارد که از مقعدشان بیرون می آید . گفتم : ای جبرئیل ! اینها کیستند؟

گفت: اینها کسانی هستند که اموال یتیمان را به ستم می خورند، و با این کار خود، در حقیقت، آتش در شکم های خود فرو می برند» .

.

1- .لب حیوانات ؛ لب سِتبر و گوشتالو .

2504.الإمام الرضا عليه السلام : كتاب من لا يحضره الفقيه عن أبى بصير : قُلتُ لِأَبى جَعفَرٍ عليه السلام : أصلَحَکَ اللّهُ ، ما أيسَرَ ما يَدخُلُ بِهِ العَبدُ النّارَ؟ قالَ : مَن أكَلَ مِن مالِ اليَتيمِ دِرهَما ، ونَحنُ اليَتيمُ . (1)2505.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (مِن وَصِيَّتِهِ لِعَلِيٍّ عليه السلام) الفقه المنسوب إلى الإمام الرِّضا عليه السلام : أروى عَنِ العالِمِ عليه السلام أنَّهُ قالَ : مَن أكَلَ مِن مالِ اليَتيمِ دِرهَما واحِدا ظُلما مِن غَيرِ حَقٍّ خَلَّدَهُ اللّهُ فِى النّارِ . (2)10 / 34أكلُ مَالِ الحَرامِالكتاب«يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَأْكُلُواْ أَمْوَ لَكُم بَيْنَكُم بِالْبَطِلِ إِلَّا أَن تَكُونَ تِجَرَةً عَن تَرَاضٍ مِّنكُمْ وَلَا تَقْتُلُواْ أَنفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا * وَمَن يَفْعَلْ ذَ لِکَ عُدْوَ نًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَارًا وَكَانَ ذَ لِکَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا» . (3)

«يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَ لَ النَّاسِ بِالْبَطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنفِقُونَهَا فِى سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ * يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِى نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لأَنفُسِكُمْ فَذُوقُواْ مَا كُنتُمْ تَكْنِزُونَ» . (4)

.

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 41 ح 1650 ، كمال الدين : ج 522 ح 50 ، تفسير العيّاشى : ج 1 ص 225 ح 48 ، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ص 293 عن العالم عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 75 ص 10 ح 34 .
2- .الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ص 332 ، بحار الأنوار : ج 75 ص 5 ح 13 .
3- .النساء : 29 و 30 .
4- .التوبه : 34 35 .

10 / 34 خوردن مال حرام

2511.عنه صلی الله علیه و آله : کتاب من لایحضره الفقیه به نقل از ابو بصیر : به امام باقر علیه السلام گفتم : آقا به سلامت باد ! کمترین چیزی که خدا به سبب آن ، بنده را به آتش می برد ، چیست؟

فرمود: «[کارِ] کسی که یک دِرَم از مال یتیم را بخورد، و [مقصود از] یتیم، ما [اهل بیت] هستیم» .2512.عنه صلی الله علیه و آله : الفقه المنسوب إلی الإمام الرضا علیه السلام : امام رضا علیه السلام فرمود : از عالِم (امام کاظم) علیه السلام روایت می کنم که فرمود: «هر کس یک درهم از مال یتیم را به ستم و به ناحق بخورد، خداوند ، او را در آتش ، جاویدان خواهد ساخت» .10 / 34خوردن مال حرامقرآن«ای کسانی که ایمان آورده اید ! اموال یکدیگر را به ناروا نخورید، مگر آن که داد و ستدی با رضایت یکدیگر ، میان شما انجام گرفته باشد . و خودتان را مکُشید؛ زیرا خدا همواره با شما مهربان است ، و هر کس از روی تجاوز و ستم چنین کند، به زودی ، وی را درون آتشی می بریم . و این کار ، برای خدا آسان است».

«ای کسانی که ایمان آورده اید ! بسیاری از دانشمندان یهود و راهبان، اموال مردم را به ناروا می خورند و از راه خدا باز می دارند، و کسانی که زر و سیم را گنجینه می کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی کنند ، ایشان را از عذابی دردناک خبر ده ، روزی که آن [گنجینه ها] را در آتش دوزخ بگدازند ، آن گاه پیشانی و پهلو و پشت آنان را با آنها داغ کنند و [گفته می شود] که : این است آنچه برای خود اندوختید . پس بچشید آنچه را می اندوختید !».

.

الحديث2519.عنه عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَنِ اكتَسَبَ مالاً مِن غَيرِ حِلِّهِ كانَ رادَّهُ (1) إلَى النّارِ . (2)2520.تحف العقول : عنه صلى الله عليه و آله : مَن لَم يُبالِ مِن أينَ اكتَسَبَ المالَ ، لَم يُبالِ اللّهُ عز و جل مِن أينَ أدخَلَهُ النّارَ . (3)2521.الإمام علىّ عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : لا يُعجِبُكَ امرُؤٌ أصابَ مالاً مِن غَيرِ حِلِّهِ ، فَإن أنفَقَ مِنهُ لَم يُقبَل مِنهُ ، وما بَقِىَ كانَ زادَهُ إلَى النّارِ . (4)2522.الإمام زين العابدين عليه السلام (فى ذِكرِ أحوالِ أبيهِ لَيلَةَ عاشوراءَ) الإمام علىّ عليه السلام : إنَّ أعظَمَ الحَسَراتِ يَومَ القِيامَهِ حَسرَهُ رَجُلٍ كَسَبَ مالاً فى غَيرِ طاعَهِ اللّهِ ، فَوَرِثَهُ رَجُلٌ فَأنفَقَهُ فى طاعَهِ اللّهِ سُبحانَهُ، فَدَخَلَ بِهِ الجَنَّهَ ودَخَلَ الأوَّلُ بِهِ النّارَ . (5)2523.الإمام الباقر عليه السلام (فى وَصِيَّتِهِ عليه السلام لِجابِرِ بنِ يَزيدَ) الأمالى للمفيد عن الحسن بن أبى الحسن البصرى : لَمّا قَدِمَ عَلَينا أميرُالمُؤمِنينَ عَلِىُّ بنُ أبى طالِبٍ عليه السلام البَصرَهَ ... دَخَلَ سوقَ البَصرَهِ ، فَنَظَرَ إلَى النّاسِ يَبيعونَ ويَشتَرونَ ، فَبَكى عليه السلام بُكاءً شَديدا ، ثُمَّ قالَ : يا عَبيدَ الدُّنيا وعُمّالَ أهلِها ! إذا كُنتُم بِالنَّهارِ تَحلِفونَ ، وبِاللَّيلِ فى فُرُشِكُم تَنامونَ ، وفى خِلالِ ذلِكَ عَنِ الآخِرَهِ تَغفُلونَ ، فَمَتى تُحرِزونَ الزّادَ ، وتَفَكَّرونَ فِى المَعادِ؟ !

فَقالَ لَهُ رَجُلٌ : يا أميرَالمُؤمِنينَ ! إنَّهُ لا بُدَّ لَنا مِنَ المَعاشِ ، فَكَيفَ نَصنَعُ؟

فَقالَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام : إنَّ طَلَبَ المَعاشِ مِن حِلِّهِ لا يَشغَلُ عَن عَمَلِ الآخِرَهِ ،

فَإن قُلتَ : «لا بُدَّ لَنا مِنَ الاِحتِكارِ» لَم تَكُن مَعذورا .

فَوَلَّى الرَّجُلُ باكِيا ، فَقالَ لَهُ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام : أقبِل عَلَىَّ أزدِكَ بَيانا ، فَعادَ الرَّجُلُ إلَيهِ ، فَقالَ لَهُ :

اِعلَم يا عَبدَ اللّهِ أنَّ كُلَّ عامِلٍ فِى الدُّنيا لِلآخِرَهِ لا بُدَّ أن يُوَفّى أجرَ عَمَلِهِ فِى الآخِرَهِ ، وكُلَّ عامِلٍ دُنيا (6) لِلدُّنيا عُمالَتُهُ فِى الآخِرَهِ نارُ جَهَنَّمَ . ثُمَّ تَلا أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام قَولَهُ تَعالى : «فَأمَّا مَن طَغَى * وَ ءَاثَرَ الْحَيَوهَ الدُّنْيَا * فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِىَ الْمَأْوَى» (7) . (8) .

1- .كذا فى الطبعه المعتمده للمصدر ، وفى بحار الأنوار ومستدرک الوسائل (ج 13 ص 67) كلاهما نقلاً عن المصدر : «كان زادَه» ، وفى المستدرک أيضا (ج 13 ص 22) : «كان رائدَه» ، وكلاهما محتمل .
2- .الاختصاص : ص 249 ، بحار الأنوار : ج 103 ص 10 ح 45 .
3- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 375 ح 2661 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 62 ، أعلام الدين : ص 199 كلّها عن أبى ذرّ ، عدّه الداعى : ص 73 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 86 ح 3 .
4- .الأصول السّته عشر : ص 158 عن أبى عبيده عن الإمام الباقر عليه السلام ، مستدرک الوسائل : ج 13 ص 68 ح 14770 ؛ المعجم الكبير : ج 10 ص 107 ح 10111 ، حليه الأولياء : ج 6 ص 295 كلاهما عن عبد اللّه بن مسعود نحوه .
5- .نهج البلاغه : الحكمه 429 ، روضه الواعظين : ص 546 ، بحارالأنوار : ج 103 ص 12 ح 57 .
6- .فى المصدر : «دينا» ، والتصويب من بحارالأنوار .
7- .النازعات : 37 39 .
8- .الأمالى للمفيد : ص 119 ح 3 ، بحارالأنوار : ج 103 ص 32 ح 60 .

حدیث2525.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس مالی را از غیر حلال به دست آورد، آن مال توشه او به سوی آتش خواهد بود.2526.عنه علیه السلام (مِن وَصِیَّتِهِ لِعَبدِ اللّه ِ بنِ جُندَبٍ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس باکی نداشته باشد که از چه راهی مال و ثروت به دست می آورد ، خداوند عز و جل هم باکی ندارد که از چه راهی او را به آتش ببرد .2527.الإمام الصادق علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مردی که از ناروا به مال و ثروتی دست یافته است، تو را به تحسین وا ندارد؛ زیرا اگر از آن مال چیزی انفاق کند ، از او پذیرفته نمی شود، و آنچه هم باقی بماند ، ره توشه او به سوی آتش خواهد بود .2528.الإمام العسکری علیه السلام (مِن دُعائِهِ فِی الصَّباحِ) امام علی علیه السلام : سخت ترین افسوس ها در روز رستاخیز، افسوس مردی است که مالی را به ناروا و در غیر طاعت خدا گرد آورده باشد و آن مال ، به مردی به ارث رسیده که او آن را در راه طاعت خداوند سبحان خرج کرده باشد و بدان سبب ، به بهشت برود و آن اوّلی به سبب همان مال ، به دوزخ برود .2529.السنن الکبری عن أبی هریره : الأمالی ، مفید به نقل از حسن بصری : چون امیر مؤمنان علی علیه السلام به بصره آمد ، ... در بازار بصره به مردمی که سرگرم خرید و فروش بودند ، نگاهی کرد و سخت گریست . آن گاه فرمود: «ای بردگان دنیا و کارگران اهل دنیا ! اگر روز را به سوگند خوردن می گذرانید و شب را به آرمیدن در بسترهایتان، و در این میان ، از آخرت غافلید ، پس کِی توشه [ی آخرت]فراهم می آورید و در کار معاد می اندیشید؟ !» .

مردی به ایشان گفت : ای امیر مؤمنان ! ناچاریم برای گذران زندگی ، بکوشیم . پس چه کنیم؟

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «کسب درآمد از راه حلالش ، مانع کار آخرت نیست ؛

امّا اگر بگویی: چاره ای از احتکار نداریم، عذرت پذیرفته نیست» .

آن مرد ، گریه کنان باز گشت . امیر مؤمنان علیه السلام به او فرمود: «به سوی من باز گرد تا برایت بیشتر توضیح دهم» .

مرد بر گشت و امام علیه السلام به او فرمود : «بدان ای بنده خدا که هر کس در دنیا برای آخرت کار کند ، بی گمان ، مزد کارش را در آخرت به طور کامل دریافت می کند؛ ولی هر کس که در دنیا برای دنیا کار کند، مزد کارش در آخرت ، آتش جهنّم است» .

امیر مؤمنان علیه السلام سپس این سخن خدای متعال را تلاوت فرمود: «پس هر که طغیان کرد و زندگیِ این جهانی را بر گزید ، همانا جهنّم ، جایگاه اوست» . .

2530.صحيح البخارى عن عائشه : الإمام الصادق عليه السلام : مَن أكَلَ مالَ أخيهِ ظُلما ولَم يَرُدَّهُ إلَيهِ أكَلَ جَذوَةً مِنَ النّارِ يَومَ القِيامَهِ .
2531.صحيح مسلم عن عائشه : الإمام الرضا عليه السلام : ثَمَنُ الكَلبِ سُحتٌ (2) ، وَالسُّحتُ فِى النّارِ . (3)10 / 35أكلُ الرِّباالكتاب«وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَواْ فَمَن جَاءَهُ مَوْعِظَهٌ مِّن رَّبِّهِ فَانتَهَى فَلَهُ مَاسَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُوْلَائِکَ أَصْحَبُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَلِدُونَ» . (4)

.

1- .الكافى : ج 2 ص 333 ح 15 عن أبى بصير ، ثواب الأعمال : ص 322 ح 8 عن فضيل بن يسار ، بحار الأنوار : ج 75 ص 313 ح 24 .
2- .السُّحتُ : الحَرامُ الذى لا يَحِلُّ كسبُه (النهايه : ج 2 ص 345 «سحت») .
3- .الكافى : ج 5 ص 120 ح 4 ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 357 ح 1019 ، تفسير العياشى : ج 1 ص 321 ح 111 كلّها عن الحسن بن على الوشّاء ، بحارالأنوار : ج 103 ص 53 ح 18 .
4- .البقره : 275 .

10 / 35 خوردن ربا

2536.عنه صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : هر کس مال برادر[دینی] خود را به ستم بخورد و به او باز نگرداند، در روز قیامت ، اخگری از آتش خواهد خورد .2537.السنن الکبری عن حذیفه بن الیمان : امام رضا علیه السلام : پول [خرید و فروش] سگ ، حرام است، و حرام ، در آتش است.10 / 35خوردن رباقرآن«خدا داد و ستد را حلال و ربا را حرام گردانیده است . پس هر که اندرزی از جانب پروردگارش به او رسید و [از رباخواری] باز ایستاد، آنچه گذشته، از آنِ اوست و کارش به خدا واگذار می شود ؛ ولی کسانی که [به رباخواری] باز گردند ، آنان اهل آتش اند و در آن ماندگار خواهند بود».

.

الحديث2543.عنه صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَن أكَلَ الرِّبا مَلأَ اللّهُ بَطنَهُ مِن نارِ جَهَنَّمَ بِقَدرِ ما أكَلَ ، وإنِ اكتَسَبَ مِنهُ مالاً لا يَقبَلُ اللّهُ تَعالى مِنهُ شَيئا مِن عَمَلِهِ ، ولَم يَزَل فى لَعنَهِ اللّهِ وَالمَلائِكَهِ ما كانَ عِندَهُ مِنهُ قيراطٌ . (1)2544.عنه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : أتَيتُ لَيلَهَ اُسرِىَ بى عَلى قَومٍ بُطونُهُم كَالبُيوتِ ، فيهَا الحَيّاتُ تُرى مِن خارِجِ بُطونِهِم ، فَقُلتُ : مَن هؤُلاءِ يا جَبرائيلُ؟ قالَ : هؤُلاءِ أكَلَهُ الرِّبا . (2)2545.سنن ابن ماجه عن عائشه : عنه صلى الله عليه و آله فى حَديثِ المِعراجِ : ثُمَّ مَضَيتُ فَإذا أنَا بِأقوامٍ يُريدُ أحَدُهُم أن يَقومَ فَلا يَقدِرُ مِن عِظَمِ بَطنِهِ ، فَقُلتُ : مَن هؤُلاءِ يا جَبرَئيلُ؟ قالَ : هؤُلاءِ الَّذينَ يَأكُلونَ الرِّبا ؛ لا يَقومونَ إلّا كَما يَقومُ الَّذى يَتَخَبَّطُهُ الشَّيطانُ مِنَ المَسِّ ، فَإذا هُم مِثلُ آلِ فِرعَونَ يُعرَضونَ عَلَى النّارِ غُدُوّا وعَشِيّا ، يَقولونَ : رَبَّنا مَتى تَقومُ السّاعَهُ ؟! (3)2546.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : الإمام الصادق عليه السلام : إنَّ التَّوبَهَ مُطَهِّرَهٌ مِن دَنَسِ الخَطيئَهِ ، قالَ : « يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ اتَّقُواْ اللَّهَ وَذَرُواْ مَا بَقِىَ مِنَ الرِّبَواْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ » إلى قَولِهِ «لَا تُظْلَمُونَ » ، فَهذا ما دَعَا اللّهُ إلَيهِ عِبادَهُ مِنَ التَّوبَهِ ، ووَعَدَ عَلَيها مِن ثَوابِهِ ، فَمَن خالَفَ ما أمَرَهُ اللّهُ بِهِ مِنَ التَّوبَهِ

سَخِطَ اللّهُ عَلَيهِ ، وكانَتِ النّارُ أولى بِهِ وأحَقَّ . (4) .

1- .ثواب الأعمال : ص 336 ح 1 عن أبى هريره وابن عبّاس ، أعلام الدين : ص 416 عن ابن عبّاس ، جامع الأخبار : ص 406 ح 1121 نحوه ، بحار الأنوار : ج 79 ص 364 ح 30 .
2- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 763 ح 2273 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 269 ح 8648 و ص 289 ح 8765 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 446 ح 5 ، الفردوس : ج 2 ص 254 ح 3184 ، كنز العمّال : ج 4 ص 107 ح 9766 ؛ مجمع البيان : ج 2 ص 669 ، كلّها عن أبى هريره نحوه .
3- .تفسير القمّى : ج 2 ص 7 و ج 1 ص 93 وليس فيه ذيله من «فاذا هم مثل آل فرعون . . .» و كلاهما عن هشام بن الحكم عن الإمام الصادق عليه السلام ، مجمع البيان : ج 2 ص 669 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 6 ص 240 ح 59 .
4- .تفسير العيّاشى : ج 1 ص 153 ح 512 عن أبى عمرو الزبيرى ، بحار الأنوار : ج 103 ص 123 ح 41 .

حدیث2548.الإمام علیّ علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس ربا خورَد، خداوند به همان اندازه که [ربا] خورده است ، شکم او را از آتش جهنّم پر می کند، و اگر از آن [ربا] مالی کسب کند ، خداوند بزرگ ، هیچ عملی را از او نمی پذیرد و تا زمانی که قیراطی از آن در نزد او باشد، پیوسته در لعنت خدا و فرشتگان خواهد بود .2549.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : شبی که در آسمان سیر داده شدم، بر عدّه ای گذشتم که شکم هایشان چون خانه ها [بر آمده] بود و درونشان مارهایی بودند که از بیرون شکم هایشان دیده می شدند. گفتم: اینها چه کسانی هستند ، ای جبرئیل؟

گفت: ایشان رباخواران اند .2550.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حدیث معراج : سپس به راه خود ادامه دادم و به مردمانی رسیدم که هر یک از آنها که می خواست از جایش بلند شود ، از بس شکمش بزرگ بود، نمی توانست. گفتم: اینان چه کسانی هستند ، ای جبرئیل؟

گفت: اینان کسانی هستند که ربا می خورند . از جای خود بر نمی خیزند ، مگر همانند برخاستنِ کسی که شیطان بر اثر تماس، آشفته سرش کرده است. اینان همچون فرعونیان، هر بام و شام ، بر آتش عرضه می شوند و [از شدّت عذابی که می کشند ،] می گویند: پروردگارا ! [پس] کی قیامت برپا می شود؟2551.عنه علیه السلام (فی ذِکرِ أحوالِ أهلِ الدُّنیا فِی الآخِرَهِ) امام صادق علیه السلام : توبه ، پاک کننده آلودگی گناه است . [خداوند] فرموده است : «ای کسانی که ایمان آورده اید ! از خدا بترسید ، اگر مؤمنید و آنچه از ربا باقی مانده است ، وا گذارید... نه ستم می بینید» . در این جا خداوند ، بندگانش را به توبه فرا خوانده و به آن ، وعده پاداش داده است . بنا بر این، هر کس که از فرمان خدا به توبه ، سرپیچی کند ، خداوند بر او خشم می گیرد و آتش به او سزاوارتر

و شایسته تر خواهد بود . .

2552.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : سعد السعود فيما أوحَى اللّهُ تَبارَكَ وتَعالى إلى داوودَ عليه السلام : بَنى آدَمَ ! لا تَستَخِفّوا بِحَقّى فَأستَخِفَّ بِحَقِّكُم فِى النّارِ ، إنَّ أكَلَةَ الرِّبا تُقَطَّعُ (1) أمعاؤُهُم وأكبادُهُم . (2)10 / 36الفِرارُ مِنَ الزَّحفِالكتاب«وَمَن يُوَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَى فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ» . (3)

الحديث2558.عنه عليه السلام : الإمام علىّ عليه السلام : اِستَحيوا مِنَ الفَرِّ ! فَإنَّهُ عارٌ فِى الأَعقابِ ، ونارٌ يَومَ الحِسابِ . (4)10 / 37تَركُ الصَّلاهِالكتاب«مَا سَلَكَكُمْ فِى سَقَرَ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» . (5)

.

1- .فى الطبعه المعتمده : «يقطع» ، والتصويب من بحار الأنوار .
2- .سعد السعود : ص 50 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 47 .
3- .الأنفال : 16 .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 66 ، خصائص الأئمّه عليهم السلام : ص 76 ، بشاره المصطفى : ص 141 كلاهما عن ابن عبّاس ، بحار الأنوار : ج 32 ص 605 ح 478 ؛ مروج الذهب : ج 2 ص 389 وفيه «استقبحوا» بدل «استحيوا» ، تاريخ دمشق : ج 42 ص 460 كلاهما عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : ج 11 ص 347 ح 31705 .
5- .المدّثّر : 42 و 43 .

10 / 36 گریختن از میدان جهاد

10 / 37 ترک نماز

2563.حیاه الحیوان عن وهیب بن الورد : سعد السعود : خداوند تبارک و تعالی به داوود علیه السلام وحی فرمود : «ای فرزندان آدم ! حقّ مرا خوار ندارید که [در این صورت ،] من نیز شما را در آتش ، خوار می دارم. رباخواران ، روده ها و جگرهایشان تکّه تکّه می شود» .10 / 36گریختن از میدان جهادقرآن«و هر که در آن هنگام [نبرد] به آنان پشت کند مگر کسی که هدفش کناره گیری برای نبردی [مجدّد] یا پیوستن به جمعی [دیگر از همرزمانش]باشد قطعا گرفتار خشم خدا خواهد شد و جایگاهش دوزخ خواهد بود ، و چه بد سرانجامی است !».

حدیث2569.الإمام علیّ علیه السلام : امام علی علیه السلام : از گریختن ، شرم بدارید؛ زیرا این کار ، مایه ننگ برای فرزندان شما و آتش در روز حسابرسی است.10 / 37ترک نمازقرآن«چه چیزی شما را به دوزخ آوْرد؟ می گویند: از نمازگزاران نبودیم».

.

الحديث2575.عنه صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : لا تُضَيِّعوا صَلاتَكُم ؛ فَإِنَّ مَن ضَيَّعَ صَلاتَهُ حُشِرَ مَعَ قارونَ وهامانَ ، وكانَ حَقّا عَلَى اللّهِ أن يُدخِلَهُ اَلنّارَ مَعَ المُنافِقينَ ، فَالوَيلُ لِمَن لَم يُحافِظ عَلى صَلاتِهِ ! (1)2576.عنه صلى الله عليه و آله : الإمام علىّ عليه السلام : تَعاهَدُوا الصَّلاةَ ، وحافِظوا عَلَيها ، وَاستَكثِروا مِنها ، وتَقَرَّبوا بِها ، فَإِنَّها كانَت عَلَى المُؤمِنينَ كِتابا مَوقوتا ، وقَد عَلِمَ ذلِكَ الكُفّارُ حينَ سُئِلوا : «مَا سَلَكَكُمْ فِى سَقَرَ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» . (2)10 / 38اِتِّباعُ الشَّهَواتِالكتاب«فَخَلَفَ مِن بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُواْ الصَّلَوةَ وَ اتَّبَعُواْ الشَّهَوَ تِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا» . (3)

«فَلَا يَصُدَّنَّکَ عَنْهَا مَن لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَى» . (4)

«يَدَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَکَ خَلِيفَةً فِى الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّکَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدُ بِمَا نَسُواْ يَوْمَ الْحِسَابِ» . (5)

.

1- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 31 ح 46 ، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام : ص 152 ح 91 كلاهما عن أحمد بن عامر الطائى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، جامع الأخبار : ص 186 ح 459 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 82 ص 202 ح 2 .
2- .الكافى : ج 5 ص 36 ح 1 عن عقيل الخزاعى ، نهج البلاغه : الخطبه 199 نحوه ، بحار الأنوار : ج 33 ص 446 ح 659 .
3- .مريم : 59 .
4- .طه : 16 .
5- .ص : 26 .

10 / 38 هَوَسرانی

حدیث2584.عنه صلی الله علیه و آله (فی تَفسیرِ قَولِهِ تَعالی : {Q} «مَّا یَلْفِظُ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نمازتان را فرو مگذارید که هر کس نمازش را فرو گذارَد ، با قارون و هامان محشور می شود و بر خداست که او را با منافقان ، وارد آتش کند . پس وای بر آن کس که از نمازش مراقبت نکند !2585.الإمام الصادق علیه السلام : امام علی علیه السلام : به نماز اهتمام بورزید و بر آن مواظبت کنید، و بسیار نماز بگزارید و با آن خود را به خدا نزدیک سازید . نماز در اوقاتی معیّن ، بر مؤمنان واجب گشته است . کافران نیز این را می دانسته اند؛ زیرا هنگامی که از آنان سؤال می شود: «چه چیزی شما را به دوزخ آورْد؟» ، می گویند: از نمازگزاران نبودیم» .10 / 38هَوَسرانیقرآن«آن گاه، پس از آنان جانشینانی به جای ماندند که نماز را تباه ساختند و از هوس ها پیروی کردند، و به زودی ، [سزای] گم راهیِ خود را خواهند دید».

«پس هرگز نباید کسی که به آن (قیامت) ایمان ندارد و از هوای خویش پیروی کرده است ، تو را از [ایمان به] آن باز دارد ، که هلاک خواهی شد».

«ای داوود! ما تو را در زمین ، جانشین گردانیدیم . پس میان مردم به حق داوری کن و از هوس ، پیروی مکن که تو را از راه خدا به در می کند. در حقیقت ، کسانی که از راه خدا به در می روند ، به سزای آن که روز حساب را فراموش کرده اند، عذابی سخت خواهند داشت».

.

الحديث2593.عنه صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إحذَرِ الهَوى ؛ فَإِنَّهُ قائِدُ الأَشقِياءِ إِلَى النّارِ . (1)2594.عنه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : لَمّا خَلَقَ اللّهُ الجَنَّهَ قالَ لِجِبريلَ : اِذهَب فَانظُر إِلَيها ، فَذَهَبَ فَنَظَرَ إِلَيها ، ثُمَّ جاءَ فَقالَ : أى رَبِّ ، وعِزَّتِکَ لا يَسمَعُ بِها أَحَدٌ إِلّا دَخَلَها ! ثُمَّ حَفَّها بِالمَكارِهِ ثُمَّ قالَ : يا جِبريلُ ! اِذهَب فَانظُر إِلَيها . فَذَهَبَ فَنَظَرَ إِلَيها ، ثُمَّ جاءَ فَقالَ : أى رَبِّ ، وعِزَّتِکَ لَقَد خَشيتُ أن لا يَدخُلَها أَحَدٌ !

فَلَمّا خَلَقَ اللّهُ النّارَ قالَ : يا جِبريلُ ! اِذهَب فَانظُر إِلَيها . فَذَهَبَ فَنَظَرَ إِلَيها ، ثُمَّ جاءَ فَقالَ : أى رَبِّ ، وعِزَّتِکَ لا يَسمَعُ بِها أَحَدٌ فَيَدخُلَها ! فَحَفَّها بِالشَّهَواتِ ، ثُمَّ قالَ : يا جِبريلُ ! اِذهَب فَانظُر إِلَيها . فَذَهَبَ فَنَظَرَ إِلَيها ، ثُمَّ جاءَ فَقالَ : أى رَبِّ ، وعِزَّتِکَ لَقَد خَشيتُ أن لا يَبقى أَحَدٌ إِلّا دَخَلَها ! (2)2595.عنه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : أكثَرُ ما تَلِجُ بِهِ أُمَّتِى النّارَ الأَجوَفانِ : اَلبَطنُ وَالفَرْجُ . (3)2596.الإمام الباقر عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : مَن قَبَّلَ غُلاما مِن شَهوَهٍ أَلجَمَهُ اللّهُ يَومَ القِيامَهِ بِلِجامٍ مِنَ النّارِ . (4) .

1- .تاريخ أصبهان : ج 2 ص 332 ح 1874 ، تاريخ دمشق : ج 58 ص 410 ح 12179 كلاهما عن عبيد بن صخر ، كنز العمّال : ج 10 ص 595 ح 30292 ؛ بحار الأنوار : ج 21 ص 408 .
2- .سنن أبى داود : ج 4 ص 236 ح 4744 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 271 ح 8656 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 79 ح 72 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 14 ص 545 ح 39563 .
3- .الكافى : ج 2 ص 79 ح 5 عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام : ص 230 ح 123 عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 320 ح 1027 ، الخصال : ص 78 ح 126 عن أبى هريره وفيه «أوّل» بدل «أكثر» و«الفم» بدل «البطن» ، بحار الأنوار : ج 71 ص 269 ح 5 ؛ سنن الترمذى : ج 4 ص 363 ح 2004 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1418 ح 4246 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 143 ح 7912 ، كنز العمّال : ج 16 ص 103 ح 44071 وفيها «الفم» بدل «البطن» وكلّها عن أبى هريره .
4- .الكافى : ج 5 ص 548 ح 10 عن طلحه بن زيد عن الإمام الصادق عليه السلام ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 508 ح 1768 ، إرشاد القلوب : ص 190

، عوالی اللآلی : ج 1 ص 260 ح 37 کلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 79 ص 72 ح 27 .

حدیث2598.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از هَوَس بپرهیز؛ زیرا هوس ، راهبر تیره بختان به سوی آتش است.2599.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : چون خدا بهشت را آفرید، به جبرئیل علیه السلام فرمود: «برو آن را تماشا کن» .

جبرئیل علیه السلام رفت و تماشایش کرد . سپس آمد و گفت : ای پروردگار من ! به عزّتت سوگند که هر کس وصف آن را بشنود ، [کاری می کند تا] وارد آن شود !

پس خدا آن را به ناملایمات و ناخوشی ها در هم پیچید . سپس فرمود: «ای جبرئیل ! [حالا] برو آن را تماشا کن» .

جبرئیل علیه السلام رفت و بدان نگریست . آن گاه ، آمد و گفت : ای پروردگار من ! به عزّتت سوگند که می ترسم هیچ کس نتواند وارد آن شود !

نیز هنگامی که خدا آتش را آفرید، فرمود: «ای جبرئیل ! برو آن را تماشا کن» .

جبرئیل علیه السلام رفت و تماشایش کرد . سپس آمد و گفت : ای پروردگار من ! به عزّتت سوگند که هر کس وصف آن را بشنود ، [کاری می کند که] وارد آن نشود !

پس خدا آن را به خواهش ها در میان گرفت . سپس فرمود: «ای جبرئیل ! [حالا]برو و آن را تماشا کن» .

جبرئیل علیه السلام رفت و بدان نگریست . آن گاه ، آمد و گفت : ای پروردگار من ! به عزّتت سوگند که می ترسم هیچ کس نماند ، مگر این که وارد آن شود !2600.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بیشترین چیزی که امّت من به سبب آن به دوزخ می روند، دو [عضو]میان تهی است: شکم و فرج.2601.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس پسری را از روی شهوت ببوسد، در روز قیامت ، خدا لگامی از آتش بر او می زَنَد. .

2602.عنه عليه السلام : الإمام علىّ عليه السلام : الهَوى يَقودُ إلَى النّارِ .
2603.عنه عليه السلام : عنه عليه السلام : النّاجونَ مِنَ النّارِ قَليلٌ ؛ لِغَلَبَهِ الهَوى وَالضَّلالِ . (1)
2604.الإمام الباقر عليه السلام : الإمام الكاظم عليه السلام لِهِشام بنِ الحَكَمِ يا هِشامُ ، رَحِمَ اللّهُ مِنَ اللّهِ حَقَّ الحَياءِ ؛ فَحَفِظَ الرَّأسَ وما حَوى ، وَالبَطنَ وما وَعى ، وذَكَرَ المَوتَ وَالبِلى ، وعَلِمَ أنَّ الجَنَّهَ مَحفوفَهٌ بِالمَكارِهِ وَالنّارَ مَحفوفَهٌ بِالشَّهَواتِ . (2)راجع : ج 1 ص 372 (القسم الأوّل : الجنه / الفصل السابع : مبادئ دخول الجنّه / تجشم المكاره) .

10 / 39كِتمانُ العِلمِ النّافِعِالكِتابِ«إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَبِ وَ يَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلاً أُوْلَئِکَ مَا يَأْكُلُونَ فِى بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَمَهِ وَ لَا يُزَكِّيهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ * أُوْلَئِکَ الَّذِينَ اشْتَرَوُاْ الضَّلَلَهَ بِالْهُدَى وَ الْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَهِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ» . (4)

«إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَتِ وَ الْهُدَى مِن بَعْدِ مَا بَيَّنَّهُ لِلنَّاسِ فِى الْكِتَبِ أُوْلَئِکَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهُمُ اللَّعِنُونَ» . (5)

«وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَقَ الَّذِينَ أُوتُواْ الْكِتَبَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْاْ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلاً فَبِئْسَ مَا يَشْتَرُونَ» . (6)

.

1- .تحف العقول : ص 151 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 291 ح 2 .
2- .غرر الحكم : ح 1720 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 52 ح 1349 .
3- .تحف العقول : ص 390 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 142 ح 30 .
4- .البقره : 174 و 175 .
5- .البقره : 159 .
6- .آل عمران : 187 .

10 / 39 پنهان داشتن دانش سودمند

2612.عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : هوس، به سوی آتش می کشاند.2613.الإمام علیّ علیه السلام : امام علی علیه السلام : از آتش رهیدگان ، اندک اند؛ زیرا هوس و گم راهی ، [بر مردمان]چیره است.2614.عنه علیه السلام : امام کاظم علیه السلام به هشام بن حکم : ای هشام! رحمت خدا بر آن که از خدا چنان که باید ، شرم کند و سر و آنچه را که سر در خود دارد، و شکم و آنچه را که شکم در خود جای می دهد ، نگهداری کند [تا از بداندیشی و حرامخواری ، دور بماند]و به یاد مردن و پوسیده شدن باشد، و بداند که بهشت را ناخوشایندها در بر گرفته اند و آتش را هوس ها !

ر . ک : ج 1 ص 373 (بخش یکم : بهشت / فصل هفتم : عوامل بهشتی شدن / تحمّل ناملایمات) . 10 / 39پنهان داشتن دانش سودمندقرآن«کسانی که آنچه از کتاب را که خداوند نازل کرده ، پنهان می دارند و بدان ، بهای ناچیزی به دست می آورند، آنان ، جز آتش در شکم های خویش ، فرو نمی برند و خداوند روز قیامت ، با ایشان سخن نخواهد گفت و پاکشان نخواهد کرد و عذابی دردناک خواهند داشت. آنان ، همان کسانی هستند که گم راهی را به [بهای] هدایت ، و عذاب را به ازای آمرزش خریده اند . پس به راستی چه اندازه باید بر آتش ، شکیبا باشند !».

«کسانی که نشانه های روشن [ما] را و ره نمودی را که فرو فرستاده ایم، بعد از آن که آن را برای مردم در کتابْ توضیح داده ایم، نهفته می دارند، خداوند ، آنان را لعنت می کند و لعنت کنندگان نیز لعنتشان می کنند».

«و [یاد کن] هنگامی را که خداوند ، از کسانی که به آنان کتاب داده شده، پیمان گرفت که : «حتما باید آن را برای مردم ، بیان نمایید و آن را کتمان مکنید» . پس آن پیمان را پشت سرِ خود انداختند و در برابر آن، بهایی ناچیز به دست آوردند ؛ و چه بد معامله ای کردند !» .

.

الحديث2622.الفرج بعد الشدّه : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَن كَتَمَ عِلما مِمّا يَنفَعُ اللّهُ بِهِ فى أمرِ النّاسِ ، أمرِ الدّينِ ، (1) ألجَمَهُ اللّهُ يَومَ القِيامَهِ بِلِجامٍ مِنَ النّارِ . (2)2623.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : مَن سُئِلَ عَن عِلمٍ فَكَتَمَهُ ، ألجَمَهُ اللّهُ بِلِجامٍ مِن نارٍ يَومَ القِيامَهِ . (3)2624.عنه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : مَن سُئِلَ عَن عِلمٍ فَكَتَمَهُ حَيثُ يَجِبُ إظهارُهُ ويَزولُ عَنهُ التَّقِيَّهُ ، جاءَ يَومَ القِيامَهِ مُلجَما بِلِجامٍ مِنَ النّارِ . (4)2625.الإمام علىّ عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : مَن كَتَمَ عِلما يَعلَمُهُ ، جاءَ يَومَ القِيامَهِ مُلجَما بِلِجامٍ مِن نارٍ . (5)2626.عنه عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : مَن كَتَمَ عِلما عَلَّمَهُ اللّهُ أو أخَذَ عَلَيهِ أجرا ، جىءَ بِهِ يَومَ القِيامَهِ مُلجَمٌ بِلِجامٍ مِن نارٍ . (6)2627.عنه عليه السلام (لِكُمَيلِ بنِ زِيادٍ) عنه صلى الله عليه و آله : ما مِن رَجُلٍ يَحفَظُ عِلما فَيَكتُمُهُ ، إلّا أُتِىَ بِهِ يَومَ القيامَهِ مُلجَما بِلِجامٍ مِنَ النّارِ . (7) .

1- .كذا فى المصدر ، وفى كنز العمّال نقلاً عن المصدر : «ينفع اللّه به الناس فى أمر الدين» ، والظاهر أنّه الصواب .
2- .سنن ابن ماجه : ج 1 ص 97 ح 265 عن أبى سعيد الخدرى ، المعجم الأوسط : ج 5 ص 108 ح 4815 عن أبى هريره ، تاريخ بغداد : ج 6 ص 77 عن عبد اللّه وكلاهما نحوه ، كنز العمّال : ج 10 ص 216 ح 29142 ؛ عوالى اللآلى : ج 1 ص 71 ح 40 نحوه ، بحار الأنوار : ج 2 ص 78 ح 66 .
3- .سنن أبى داود : ج 3 ص 321 ح 3658 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 182 ح 345 ، سنن ابن ماجه : ج 1 ص 98 ح 266 نحوه وكلّها عن أبى هريره ، سنن أبى يعلّى : ج 3 ص 95 ح 2578 عن ابن عبّاس ، المعجم الكبير : ج 10 ص 102 ح 10089 عن عبد اللّه ، كنز العمّال : ج 10 ص 216 ح 29144 .
4- .التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام : ص 402 ح 273 عن الإمام علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 7 ص 217 ح 120 .
5- .مسند ابن حنبل : ج 3 ص 565 ح 10492 و ص 582 ح 10602 كلاهما عن أبى هريره ، المعجم الكبير : ج 11 ص 5 ح 10845 عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : ج 10 ص 217 ح 29149 .
6- .تاريخ أصبهان : ج 1 ص 151 ح 115 ، الفردوس : ج 3 ص 484 ح 5501 كلاهما عن أنس ، كنز العمّال : ج 10 ص 217 ح 29150 .

7- .سنن ابن ماجه : ج 1 ص 96 ح 261 عن أبى هريره .

حدیث2629.الإمام الباقر علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس دانشی را که خدا با آن در کار مردم ، یعنی کار دین آنان، سود می بخشد، پنهان بدارد، خداوند در روز قیامت ، لگامی از آتش بر او می زَنَد.2630.الإمام الصادق علیه السلام (لِسُفیانَ الثَّورِیِّ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس در باره دانشی از او پرسند و او [آن را بداند ، ولی] کتمان کند، خداوند در روز قیامت ، لگامی از آتش بر او می زَند.2631.الکافی عن إبراهیم بن صالح ، عن رجل من الجعفریّین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس در باره دانشی از او پرسیده شود و او آن را در جایی که باید اظهار کند و تقیّه از او برداشته شده ، پنهان بدارد، روز قیامت ، در حالی می آید که لگامی از آتش بر او زده شده است.2632.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (فی صَلاهِ الاِستِغفارِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس دانشی را بداند و کتمان کند، روز قیامت ، در حالی که لگامی از آتش بر او زده شده است ، وارد محشر می شود.2633.الإمام الصادق علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس دانشی را که خدا به او آموخته است ، کتمان کند [و به دیگران تعلیم ندهد] یا برای [تعلیم]آن مزد بگیرد ، روز قیامت ، او را در حالی می آورند که لگامی از آتش بر او زده شده است.2634.الکافی عن إسماعیل بن سهل : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ مردی نیست که دانشی را یاد بگیرد و آن را پوشیده بدارد [و تعلیم ندهد] ، مگر آن که در روز رستاخیز ، او را در حالی می آورند که با لگامی از آتش لگام زده شده است . .

10 / 40الإفتاءُ بِغَيرِ عِلمِالكتاب«وَ يَوْمَ الْقِيَمَهِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُواْ عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّهٌ» . (1)

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِأيَتِهِ» . (2)

«وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُوْلَائِکَ يُعْرَضُونَ عَلَى رَبِّهِمْ وَ يَقُولُ الْأَشْهَدُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُواْ عَلَى رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَهُ اللَّهِ عَلَى الظَّلِمِينَ * الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَ يَبْغُونَهَا عِوَجًا وَ هُم بِالْاخِرَهِ هُمْ كَفِرُونَ» . (3)

«ءَآللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ» . (4)

الحديث2643.الكافى عن عمر بن أبى حسنه الجمّال : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : أجرَؤُكُم عَلَى الفُتيا أجرَؤُكُم عَلَى النّارِ . (5)2644.ثواب الأعمال عن إسماعيل بن سهل : عنه صلى الله عليه و آله : إذا سُئِلتَ عَن عِلمٍ لا تَعلَمُهُ فَقُل : «لا أعلَمُهُ» ؛ تَنجُ مَن تَبِعَتِهِ ، ولا تُفتِ النّاسَ بِما لا عِلمَ لَکَ بِهِ ؛ تَنجُ مِن عَذابِ يَومِ القِيامَهِ . (6)2645.الإمام الصادق عليه السلام : الإمام الباقر عليه السلام : مَن أفتَى النّاسَ بِغَيرِ عِلمٍ ولا هُدىً لَعَنَتهُ مَلائِکَهُ الرَّحمَهِ ومَلائِکَهُ العَذابِ ، ولَحِقَهُ وِزرُ مَن عَمِلَ بِفُتياهُ . (7) .

1- .الزمر : 60 .
2- .الأنعام : 21 .
3- .هود : 18 و 19 .
4- .يونس : 59 .
5- .سنن الدارمى : ج 1 ص 62 ح 157 عن عبيد اللّه بن أبى جعفر ، كنز العمّال : ج 10 ص 184 ح 28961 ؛ منيه المريد : ص 281 ، مصباح الشريعه : ص 353 وفيه «على اللّه» بدل «على النار» ، بحار الأنوار : ج 2 ص 120 ح 34 .
6- .الأمالى للطوسى : ص 527 ح 1162 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 364 ح 2661 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 53 ، أعلام الدين : ص 189 كلّها عن أبى ذرّ ، بحار الأنوار : ج 77 ص 76 ح 3 .
7- .الكافى : ج 1 ص 42 ح 3 ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 223 ح 531 ، المحاسن : ج 1 ص 326 ح 658 ، منيه المريد : ص 283 كلّها عن أبى

عبيده الحذّاء ، كنز الفوائد : ج 1 ص 109 ، بحار الأنوار : ج 2 ص 118 ح 23 .

10 / 40 فتوا دادن بدون آگاهی

10 / 40فتوا دادن بدون آگاهیقرآن«روز قیامت، کسانی را که بر خدا دروغ بسته اند ، روسیاه می بینی».

«و کیست ستمکارتر از آن که بر خدا دروغ ببندد ، یا آیات او را دروغ شمارد ؟ !».

«و کیست ستمکارتر از آن که بر خدا دروغ ببندد؟ آنان ، بر پروردگارشان عرضه می شوند و گواهان خواهند گفت: «اینان بودند که بر پروردگارشان ، دروغ بستند» . هان ! لعنت خدا بر ستمکاران باد ؛ همانان که [مردم را] از راه خدا ، باز می دارند و آن را کج می خواهند ؛ و آنان به آخرت ، کافرند».

«آیا خدا به شما اجازه داده است ، یا به خدا دروغ می بندید ؟».

حدیث2654.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بی باک ترینِ شما در فتوا دادن، بی باک ترینِ شما در برابر [ورود به]آتش است.2655.عدّه الداعی عنهم علیهم السلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه در باره چیزی از تو سؤال شد که آن را نمی دانی، بگو: «نمی دانم» ، تا از گناه [و مسئولیت] آن بِرَهی؛ و برای مردم ، ندانسته ، فتوا مده تا از عذاب روز قیامت ، رهایی یابی.2656.المعجم الأوسط عن أنس : امام باقر علیه السلام : هر کس بدون دانش یا بدون هدایتی [از جانب خدا] برای مردم فتوا دهد ، هم فرشتگان رحمت و هم فرشتگان عذاب ، بر او نفرین می فرستند

و گناه کسی که به فتوای او عمل کند ، بر عهده اوست .

.

2657.الكافى عن أحمد بن عبد العزيز : الإمام الصادق عليه السلام : مِنَ العُلَماءِ مَن يَضَعُ نَفسَهُ لِلفُتيا ويَقولُ : «سَلونى» ولَعَلَّهُ لا يُصيبُ حَرفا واحِدا ، وَاللّهُ لا يُحِبُّ المُتَكَلِّفينَ ، فَذاكَ فِى الدَّركِ السّادِسِ مِنَ النّارِ . (1)10 / 41قَذفُ المُحصِنِالكتاب«إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَتِ الْغَفِلَتِ الْمُؤْمِنَتِ لُعِنُواْ فِى الدُّنْيَا وَ الْاخِرَهِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» . (2)

الحديث2663.تهذيب الأحكام عن معاويه بن عمّار : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : لا يَقذِفُ امرَأَتَهُ إلّا مَلعونٌ أو قالَ : مُنافِقٌ ؛ فَإِنَّ القَذفَ مِنَ الكُفرِ ، وَالكُفرُ فِى النّارِ . (3)10 / 42التَّفريطُ فى جَنبِ اللّهِ الكتاب«أَن تَقُولَ نَفْسٌ يَحَسْرَتَى عَلَى مَا فَرَّطتُ فِى جَنبِ اللَّهِ وَ إِن كُنتُ لَمِنَ السَّخِرِينَ» . (4)

.

1- .الخصال : ص 353 ح 33 ، منيه المريد : ص 139 ، أعلام الدين : ص 97 ، روضه الواعظين : ص 12 ، بحار الأنوار : ج 2 ص 108 ح 11 .
2- .النور : 23 .
3- .جامع الأخبار : ص 446 ح 1257 ، بحار الأنوار : ج 103 ص 249 ح 34 .
4- .الزمر : 56 .

10 / 41 تهمت زدن به زنان پاک دامن

10 / 42 کوتاهی و سهل انگاری در کار خدا

2668.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : از عالمان ، کسانی هستند که خود را در جایگاه فتوا قرار می دهند و می گویند: «از من بپرسید»، در حالی که ممکن است حتّی یک کلمه را هم درست نگوید . خدا ، لاف زنان را دوست نمی دارد و چنین کسی ، در طبقه ششم از آتش است.10 / 41تهمت زدن به زنان پاک دامنقرآن«کسانی که به زنانِ پاک دامنِ بی خبر [از همه جا] و باایمان ، نسبت زِنا می دهند، در دنیا و آخرت ، لعنَت شده اند و برای آنها ، عذابی سخت خواهد بود».

حدیث2674.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : به زن خود ، تهمت [زنا] نمی زند ، مگر شخص ملعون (/ منافق) ؛ زیرا تهمت زدن ، از کفر است و کفر ، در آتش است .10 / 42کوتاهی و سهل انگاری در کار خداقرآن«آن گاه که هر نفسی [به خود آید و] فریاد وا حسرتا بر آورد و بگوید : وای بر من که کار خدا را فرو گذاشتم و [وعده های خدا را]استهزا نمودم».

.

الحديث2680.عنه صلى الله عليه و آله : الإمام علىّ عليه السلام : النّارُ غايَةُ المُفَرِّطينَ . (1)2681.عنه صلى الله عليه و آله : عنه عليه السلام : ثَلاثَةٌ واثنانِ ؛ خَمسَةٌ لَيسَ لَهُم سادِسٌ (2) : مَلَكٌ يَطيرُ بِجَناحَيهِ ، ونَبِىٌّ أخَذَ اللّهُ بِضَبعَيهِ (3) ، وساعٍ مُجتَهِدٌ ، وطالِبٌ يَرجو ، ومُقَصِّرٌ فِى النّارِ .
(4)2682.عنه عليه السلام : عنه عليه السلام : شُغِلَ مَن الجَنَّةُ وَالنّارُ أمامَهُ (5) ! ساعٍ سَريعٌ نَجا ، وطالِبٌ بَطيءٌ رَجا ، ومُقَصِّرٌ فِى النّارِ هَوى . (6)10 / 43الكَذِبُالكتاب«وَ يَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ وَ تَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ اَلْكَذِبَ أَنَّ لَهُمُ الْحُسْنَى لَا جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ النَّارَ وَ أَنَّهُم مُّفْرَطُونَ» . (7)

«قُتِلَ الْخَرَّ صُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِى غَمْرَةٍ سَاهُونَ * يَسْئلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ * يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ» . (8)

.

1- .نهج البلاغه : الخطبه 157 ، غرر الحكم : ح 478 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 30 ح 493 .
2- .يعنى أنّ عباد اللّه على خمسه أقسام .
3- .الضَّبْع : وسطُ العَضُد ، وقيل هو ما تحت الإبْط (النهايه : ج 3 ص 73 «ضبع») .
4- .الكافى : ج 8 ص 68 ح 23 عن يعقوب السرّاج عن الإمام الصادق عليه السلام ، الإرشاد : ج 1 ص 239 وفيه «لا سادس» بدل «خمسه ليس لهم سادس» ، شرح الأخبار : ج 1 ص 372 وفيه «ميثاقه» بدل «بضبعيه» ، بحار الأنوار : ج 32 ص 9 ح 3 .
5- .يريد به أنّ من كانت هاتان الداران أمامه لفى شغل عن اُمور الدنيا إن كان رشيدا (شرح نهج البلاغه : ج 1 ص 277) .
6- .نهج البلاغه : الخطبه 16 ، بحار الأنوار : 70 ص 12 ح 14 .
7- .النحل : 62 .
8- .الذاريات : 10 13 .

10 / 43 دروغ گفتن

حدیث2689.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : آتشِ دوزخ، فرجامِ کوتاهی کنندگان است.2690.عنه صلی الله علیه و آله : امامِ علی علیه السَلام : [موجودات ،] سه گروه به علاوه دو گروه، یعنی پنج گروه اند و ششمین ندارند: فرشته ای که با بال هایش پرواز می کند، پیامبری که خدا بازوانش را گرفته است، شتابنده سختکوش، و جوینده ای که امیدوار است [مطلوب خویش را بیابد]، و کوتاهی کننده که در آتش است.2691.مصباح المتهجّد عن زید بن علیّ : امام علی علیه السلام : آن که بهشت و دوزخ را فراروی خویش دارد ، همواره دلواپس است ! [مردم ، سه دسته اند:]دونده تیزرو که می رَهَد، جوینده کُندرو که امیدوار است [بِرَهد]، و کوتاهی کننده [در عمل] که در آتش ، فرو می افتد .10 / 43دروغ گفتنقرآن«و چیزی را که خوش نمی دارند، برای خدا قرار می دهند، و زبانشان دروغ پردازی می کند که سرانجامِ نیکو ، از آنِ ایشان است. حقّا که آتش برای آنان است و به سوی آن ، پیش فرستاده خواهند شد».

«مرگ بر دروغ پردازان ؛ همانان که در ورطه نادانی ، بی خبرند ! می پرسند: روز پاداش ، کی است؟ همان روز که آنان بر آتش، عقوبت می شوند».

.

الحديث2698.عنه صلى الله عليه و آله : مسند ابن حنبل عن عبد اللّه بن عمرو : إنَّ رَجُلاً جاءَ إلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله فَقالَ : يا رَسولَ اللّهِ ... ما عَمَلُ النّارِ ؟ قالَ : الكَذِبُ ؛ إذا كَذَبَ فَجَرَ ، وإذا فَجَرَ كَفَرَ ، وإذا كَفَرَ دَخَلَ يَعنِى النّارَ . (1)2699.عنه صلى الله عليه و آله : الإمام علىّ عليه السلام : الكَذِبُ فِى العاجِلَهِ عارٌ ، وفِى الآجِلَهِ عَذابُ النّارِ . (2)2700.عنه صلى الله عليه و آله : عنه عليه السلام : ثَمَرَهُ الكَذِبِ المَهانَهُ فِى الدُّنيا وَالعَذابُ فِى الآخِرَهِ . (3)10 / 44الرِّياءُ2703.الإمام علىّ عليه السلام : الإمام علىّ عليه السلام فى ذِكرِ مَناهِى النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله : قالَ صلى الله عليه و آله : . . . مَن بَنى بُنيانا رِياءً وسُمعَهً حَمَلَهُ يَومَ القِيامَهِ مِنَ الأَرضِ السابِعَهِ وهُوَ نارٌ تَشتَعِلُ ، ثُمَّ تُطَوَّقُ فى عُنُقِهِ ويُلقى فِى النّارِ ، فَلا يَحبِسُهُ شَىءٌ مِنها دونَ قَعرِها إلّا أن يَتوبَ . قيلَ : يا رَسولَ اللّهِ كَيفَ يَبنى رِياءً وسُمعَهً ؟ قالَ : يَبنى فَضلاً عَلى ما يَكفيهِ ؛ استِطالَهً مِنهُ عَلى جيرانِهِ ومُباهاهً لِاءِخوانِهِ . (4)2704.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : الإمام الصادق عليه السلام : يُجاءُ بِعَبدٍ يَومَ القِيامَهِ قَد صَلّى ، فَيَقولُ : يا رَبِّ ! صَلَّيتُ ابتِغاءَ وَجهِكَ . فَيُقالُ لَهُ : بَل إنَّكَ صَلَّيتَ لِيُقالَ : ما أحسَنَ صَلاهَ فُلانٍ ! اذهَبوا بِهِ إلَى النّارِ . ويُجاءُ بِعَبدٍ قَد قاتَلَ ، فَيَقولُ : يا رَبِّ ! قاتَلتُ ابتِغاءَ وَجهِكَ . فَيُقالُ لَهُ : بَل قاتَلتَ لِيُقالَ ما أشجَعَ فُلانا ! اذهَبوا بِهِ إلَى النّارِ . ويُجاءُ بِعَبدٍ قَد تَعَلَّمَ القُرآنَ ، فَيَقولُ : يا رَبِّ ! تَعَلَّمتُ القُرآنَ ابتِغاءَ وَجهِكَ . فَيُقالُ لَهُ : بَل تَعَلَّمتَ لِيُقالَ : ما أحسَنَ صَوتَ فُلانٍ ! اِذهَبوا بِهِ إلَى النّارِ . ويُجاءُ بِعَبدٍ قَد أنفَقَ مالَهُ ، فَيَقولُ : يا رَبِّ ! أنفَقتُ مالى ابتِغاءَ وَجهِكَ . فَيُقالُ لَهُ : بَل أنفَقتَهُ لِيُقالَ : ما أسخى فُلانا ! اِذهَبوا بِهِ إلَى النّارِ . (5) .

1- .مسند ابن حنبل : ج 2 ص 589 ح 6652 ، كنز العمّال : ج 3 ص 344 ح 6857 ؛ تنبيه الخواطر : ج 1 ص 43 ، إرشاد القلوب : ص 185 ، مستدرک الوسائل : ج 9 ص 89 ح 10305 .
2- .غرر الحكم : ح 1708 .
3- .غرر الحكم : ح 4640 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 209 ح 4201 .
4- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 11 ح 4968 ، الأمالى للصدوق : ص 513 ح 707 عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 311 ح 2655 عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 259 عن الحسين بن يزيد

عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 76 ص 149 ح 4 .
5- .الزهد للحسين بن سعيد : ص 131 ح 169 عن أبى بصير ، بحار الأنوار : ج 72 ص 301 ح 44 .

حدیث2706.السنن الکبری عن عبد اللّه بن عمرو عن رسول اللّه ص
مسند ابن حنبل به نقل از عبد اللّه بن عمرو : مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا ! ... کارِ دوزخی چیست؟

فرمود: «دروغ گفتن ! هر گاه [شخصی] دروغ بگوید ، کجرَوی کرده است، و هر گاه کجروی کند ، کفر ورزیده است و هر گاه کفر ورزد ، وارد می شود» یعنی: به آتش.2707.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : دروغ گفتن، در دنیا ننگ است، و در آخرت ، مایه عذاب آتش.2708.الإمام الصادق علیه السلام : امام علی علیه السلام : نتیجه دروغگویی، در دنیا ، خواری و در آخرت ، عذاب است.10 / 44ریا2711.عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام در یادکرد آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله از آن ، نهی نمود : [پیامبر صلی الله علیه و آله] فرمود: «... هر کس برای خودنمایی و شهرت طلبی بنایی بسازد، روز قیامت ، آن بنا را که به آتشِ شعله ور تبدیل شده است، از زمین هفتم بر دوش خود ، حمل می کند . سپس آن را طوقِ گردنش می کنند و او را در آتش ، فرو می افکنند و هیچ چیزی ، مانع رسیدنش به قعر آتش نمی شود ، مگر آن که توبه کند».

گفته شد: ای پیامبر خدا ! چگونه برای خودنمایی و شهرت طلبی می سازد؟

فرمود: «[یعنی] بیشتر از اندازه نیازش بسازد تا با آن بر همسایگانش بزرگی بنماید و بر برادرانش فخر بفروشد» .2712.عنه صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : روز قیامت ، بنده ای را که نماز گزارده است، می آورند. می گوید: «پروردگارا ! من به خاطر تو ، نماز خواندم» ؛ امّا به او گفته می شود: نه ؛ بلکه تو

به خاطر این نماز خواندی که بگویند: «فلانی چه نماز خوبی می خواند !» . او را به آتش ببرید. سپس بنده ای را که جنگیده است ، می آورند . می گوید: «پروردگارا ! من به خاطر تو جنگیدم» ؛ امّا به او گفته می شود: نه ؛ بلکه تو به خاطر این جنگیدی که بگویند: «فلانی چه آدم شجاعی است !» .

او را به آتش ببرید . آن گاه بنده ای را که قرآن آموخته است ، می آورند. می گوید: «پروردگارا ! من به خاطر تو ، قرآن آموختم» ؛ امّا به او گفته می شود: نه ؛ بلکه آموختی تا بگویند: «فلانی چه آواز خوشی دارد !» . او را به آتش ببرید . سپس بنده ای را که مالش را انفاق کرده است، می آورند . او می گوید: «پروردگارا ! من به خاطر تو ، اموالم را انفاق کردم» ؛ امّا به او گفته می شود: نه ؛ بلکه از آن انفاق کردی تا بگویند: «فلانی چه سخاوتمند است !» . او را به آتش ببرید.

.

2713.مسند ابن حنبل عن ربيعه الجرشى : الإمام الصادق عليه السلام : الرِّياءُ مِنَ الجَفاءِ ، وَالجَفاءُ فِى النّارِ (1) . (2)10 / 45سوءُ الخُلقِ2716.الإمام الباقر عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إيّاكُم وسوءَ الخُلُقِ ؛ فَإِنَّ سوءَ الخُلُقِ فِى النّارِ لا مَحالَةَ . (3)2717.الإمام علىّ عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : سوءُ الخُلُقِ شَجَرَةٌ فِى النّارِ ، فَصاحِبُها مُتَعَلِّقٌ بِغُصنِها يَجذِبُهُ إلَيها . (4)2718.الإمام علىّ عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : سوءُ الخُلُقِ زِمامٌ مِن عَذابِ اللّهِ فى أنفِ صاحِبِهِ ، وَالزِّمامُ بِيَدِ الشَّيطانِ ، وَالشَّيطانُ يَجُرُّهُ إلَى الشَّرِّ ، وَالشَّرُّ يَجُرُّهُ إلَى النّارِ . (5) .

1- .الظاهر أنّ المراد من قوله عليه السلام : «والجفاء فى النار» أنّ الخلق سيُجزَون بنفس أعمالهم السيئه ؛ ويشهد بذلک الآيات والأحاديث الدالّه على مسأله تجسّم الأعمال .

2- .مشكاه الأنوار : ص 411 ح 1372 ، مستدرک الوسائل : ج 8 ص 461 ح 10011 .

3- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 31 ح 41 عن داود بن سليمان الفراء عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، مجمع البيان : ج 10 ص 500 عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، مشكاه الأنوار : ص 394 ح 1299 ، روضه الواعظين : ص 414 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 386 ح 31 ؛ الفردوس : ج 3 ص 19 ح 4033 عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله .

4- .مصباح الشريعه : ص 340 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 393 ح 61 .

5- .شعب الإيمان : ج 6 ص 248 ح 8037 ، الفردوس : ج 2 ص 200 ح 2993 كلاهما عن أبى موسى الأشعرى ، الدر المنثور : ج 2 ص 318 ؛ جامع الأخبار : ص 290 ح 785 ، مستدرک الوسائل : ج 12 ص 76 ح 13555 .

10 / 45 بداخلاقی

2719.الکافی عن معاویه بن عمّار عن أبی عبد اللّه علیه ا (أَنَّهُ کانَ إِذَا انتَهی إِلَی المُلتَزَم قالَ ل) امام صادق علیه السلام : خودنمایی ، نوعی جفا [در حقّ پروردگار] است و جفا ، جایگاهش در آتش [دوزخ]است .10 / 45بداخلاقی2722.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از بداخلاقی بپرهیزید؛ زیرا بداخلاقی ، قطعا در آتش است.2723.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بداخلاقی، درختی در آتش [دوزخ] است و شخص بداخلاق ، به شاخه آن ، آویزان است و آن شاخه ، او را به سوی آتش می کشد .2724.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بداخلاقی، مهاری از عذاب خداست که در بینیِ شخص بداخلاق است و آن مهار ، در دست شیطان است و شیطان ، او را به سوی بدی ، و بدی ، او را به سوی آتش می کشد.

.

2725.عمل اليوم والليله عن أبى اُمامه : عنه صلى الله عليه و آله لمّا قيلَ لَهُ : إنَّ فُلانَهَ تَقومُ اللَّيلَ وتَصومُ النَّهارَ وتَفعَلُ وتَصَدَّقُ وتُؤذى جيرانَها بِلِسانِها : لا خَيرَ فيها ، هِىَ مِن أهلِ النّارِ . (1)10 / 46البُخلُ2728.المعجم الأوسط عن رافع بن خديج : رسولَ اللّه صلى الله عليه و آله : البُخلُ شَجَرَهٌ مِن أشجارِ النّارِ لَها أغصانٌ مُتَدَلِّيَهٌ فِى الدُّنيا ، فَمَن كانَ بَخيلاً تَعَلَّقَ بِغُصنٍ مِن أغصانِها ، فَساقَهُ ذلِکَ الغُصنُ إلَى النّارِ . (2)2729.سنن الترمذى عن ابن عمر : عنه صلى الله عليه و آله : فِى النّارِ شَجَرَهٌ تُسَمَّى الشُحَّ ، مِنها يَخرُجُ الشُحُّ ، ولَن يَلِجَ الجَنَّهَ شَحيحٌ . (3)2730.منيه المريد : الإمام علىّ عليه السلام : الباخِلُ فِى الدُّنيا مَذمومٌ ، وفِى الآخِرَهِ مُعَذَّبٌ مَلومٌ .
(4)2731.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (لِعَلِىٍّ عليه السلام) الإمام الصادق عليه السلام : أيُّما مُؤمِنٍ بَخِلَ بِجاهِهِ عَلى أخيهِ المُؤمِنِ وَهُوَ أوجَهُ جاها مِنهُ ، إلّا مَسَّهُ قَتَرٌ وذِلَّهٌ فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، وأصابَت وَجهَهُ يَومَ القِيامَهِ نَفَحاتُ النّيرانِ مُعَذَّبا كانَ أو مَغفورا لَهُ . (5) .

1- .الأدب المفرد : ص 48 ح 119 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 442 ح 9681 نحوه ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 184 ح 7304 ، شعب الإيمان : ج 7 ص 79 ح 9545 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 9 ص 186 ح 25615 ؛ تنبيه الخواطر : ج 1 ص 90 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 394 ح 63 .
2- .الأمالى للطوسى : ص 475 ح 1036 عن سعيد بن مسلمه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، قرب الإسناد : ص 117 ح 409 عن الحسين بن علوان عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام عنه صلى الله عليه و آله ، الاختصاص : ص 253 عن العالم عليه السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 73 ص 303 ح 14 ؛ شعب الإيمان : ج 7 ص 435 ح 10875 عن سعيد بن مسلمه عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، حليه الأولياء : ج 7 ص 92 عن جابر وكلاهما نحوه ، كنز العمّال : ج 6 ص 337 ح 15927 .
3- .تاريخ دمشق : ج 27 ج 241 ح 5802 عن عبد اللّه بن جراد ، كنز العمّال : ج 6 ص 578 ح 16997 .
4- .غرر الحكم : ح 1733 .
5- .الأمالى للطوسى : ص 670 ح 1411 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 80 كلاهما عن الحسين ، بحار الأنوار : ج 74 ص 317 ح 78 .

10 / 46 بخل

2732.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که به ایشان گفته شد: فلان زن ، شب ها را به نماز می گذراند و روزها را روزه می گیرد و کار خیر می کند و صدقه می دهد ؛ ولی همسایگانش از زبان او در آزارند : خیری در او نیست . او از اهل آتش است .10 / 46بخل2735.الإمام الصادق علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بخل، درختی از درختان آتش [دوزخ] است و شاخه هایش در دنیا آویزان اند . پس آن که بخیل باشد، به شاخه ای از شاخه های آن درخت ، آویخته است و آن شاخه ، او را به سوی آتش می بَرَد.2736.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در آتش [دوزخ] ، درختی است که به آن «بخل» می گویند و از آن ، بخل به بار می نشیند، و هیچ بخیلی ، هرگز وارد بهشت نمی شود.2737.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : بخیل، در دنیا نکوهیده، و در آخرت ، معذّب و مورد ملامت است.2738.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : هیچ مؤمنی نیست که از برادر مؤمنش [نفوذ و] اعتبار بیشتری داشته باشد و آن را از او دریغ ورزد ، (1) مگر آن که در دنیا و آخرت ، دچار پستی و خواری می شود، و روز قیامت، نَفَس های آتش بر چهره او می خورَد، چه اهل عذاب باشد یا آمرزیده.

.

1- .یعنی : از نفوذ و اعتبار خود ، جهت کارگشایی برای برادرش استفاده نکند.

2739.رسول اللّه صلى الله عليه‌و آله : الإمام الحسن عليه السلام : إنَّ السَّخاءَ عَلَى العِبادِ فَريضَهٌللّه ِ يُقرَأُ فى كِتابِ مُحكَمِ وَعَدَ العِبادَ الأَسخِياءَ جِناتَهُوأعَدَّ لِلبُخَلاءِ نارَ جَهَنَّمِ . (1)10 / 47طَلَبُ العِلمِ للدُّنيا2742.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَن تَعَلَّمَ العِلمَ يُريدُ بِهِ الدُّنيا ، وآثَرَ عَلَيهِ حُبَّ الدُّنيا وزينَتَهَا ، استَوجَبَ سَخَطَ اللّه ِ عَلَيهِ ، وكانَ فِى الدَّركِ الأَسفَلِ مِنَ النّارِ مَعَ اليَهودِ وَالنَّصارَى الَّذينَ نَبَذوا كِتابَ اللّه ِ تَعالى . قالَ اللّه ُ تَعالى : «فَلَمَّا جَاءَهُم مَّا عَرَفُواْ كَفَرُواْ بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَفِرِينَ» (2) . (3)2743.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : مَن أكَلَ بِالعِلمِ طَمَسَ اللّه ُ عَينَيهِ ، وكانَتِ النّارُ أولى بِهِ . (4)2744.المعجم الأوسط عن ابن عمر : عنه صلى الله عليه و آله : اِحذَروا زَلَّةَ العالِمِ ؛ فَإنّ زَلَّتَهُ تُكَبكِبُهُ فِى النّارِ . (5)2745.فاطمه عليهاالسلام : عنه صلى الله عليه و آله : مَن طَلَبَ العِلمَ لِيُمارى بِهِ السُّفَهاءَ أو لِيُباهى بِهِ العُلَماءَ ، أو لِيَصرِفَ وُجوهَ النّاسِ إلَيهِ ؛ فَهُوَ فِى النّارِ . (6) .

1- .المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 18 ، بحار الأنوار : ج 43 ص 343 ح 15 .
2- .البقره : 89 .
3- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 348 ح 2660 عن عبد اللّه بن مسعود ، ثواب الأعمال : ص 332 ح 1 عن أبى هريره وعبد اللّه بن عبّاس ، أعلام الدين : ص 412 عن عبد اللّه بن عبّاس وكلاهما نحوه وليس فيهما الآيه ، بحار الأنوار : ج 77 ص 99 ح 1 .
4- .الفردوس : ج 3 ص 592 ح 5856 ، كنز العمّال : ج 10 ص 196 ح 29034 نقلاً عن الشيرازى نحوه وكلاهما عن أبى هريره .
5- .كنز العمّال : ج 10 ص 135 ح 28683 نقلاً عن الفردوس عن أبى هريره .
6- .سنن ابن ماجه : ج 1 ص 93 ح 253 عن ابن عمر ، سنن الترمذى : ج 5 ص 32 ح 2654 عن كعب بن مالک ، سنن الدارمى: ج 1 ص103 ح 373 عن عبد اللّه وكلاهما نحوه ، كنز العمّال: ج 10 ص197 ح 29036 ؛ الكافى: ج 1 ص 47 ح 6 عن الإمام الباقر عليه السلام ، منيه المريد : ص 135 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 2 ص 38 ح 61 .

2746.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (لِاُمِّ رافِعٍ لَمّا قالَت لَهُ : دُلَّنی عَلی) امام حسن علیه السلام :

بخشندگی، از جانب خدا، بر بندگان ، واجب آمده است

که در کتاب محکم [الهی] تلاوت می شود

[خدا] بهشت هایش را به بندگان بخشنده اش وعده داده

و برای بخیلان ، آتش جهنّم را آماده کرده است.10 / 47تحصیل دانش برای دنیا2749.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس دانش را برای دنیا بیاموزد و علاقه به دنیا و زیور آن را بر دانش ، ترجیح دهد، مستوجب خشم خدا می شود و با یهود و نصارا که کتاب خدای متعال را دور افکندند ، در پایین ترین طبقه دوزخ خواهد بود . خداوند متعال [در باره یهود و نصارا] فرموده است: «پس چون آنچه را می شناختند ، برایشان آمد ، آن را انکار کردند . پس لعنت خدا بر کافران باد !» .2750.مسند ابن حنبل عن زاذان عن رجل من أصحاب النبیّ صلی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس از طریق دانش ، امرار معاش کند، خداوند ، چشمان او را کور می گردانَد و آتش برای او سزاوارتر است .2751.تهذیب الأحکام عن عبید بن زراره : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از لغزش عالِم ، بر حذر باشید؛ چرا که لغزش عالِم ، او را در آتش ، سرنگون می سازد.2752.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس دانش را برای این بجوید که با نادانان ، مجادله کند یا با آن بر عالمان ، فخر بفروشد یا توجّه مردم را به خود جلب نماید، او در آتش است.

.

2753.الإمام الصادق عليه السلام : عيسى عليه السلام : وَيلٌ لِلعُلَماءِ السّوءِ كَيفَ تَلَظّى عَلَيهِمُ النّارَ ! (1)10 / 48الكُفرانُالكتاب«وَالَّذِينَ كَفَرُواْ لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَى عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُواْ وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُم مِّنْ عَذَابِهَا كَذَ لِكَ نَجْزِى كُلَّ كَفُورٍ * وَ هُمْ يَصْطَرِخُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَلِحًا غَيْرَ الَّذِى كُنَّا نَعْمَلُ أَوَ لَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ وَ جَاءَكُمُ النَّذِيرُ فَذُوقُواْ فَمَا لِلظَّلِمِينَ مِن نَّصِيرٍ» . (2)

«وَ إِذَا مَسَّ الْاءِنسَنَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِّنْهُ نَسِىَ مَا كَانَ يَدْعُواْ إِلَيْهِ مِن قَبْلُ وَ جَعَلَ لِلَّهِ أَندَادًا لِّيُضِلَّ عَن سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلاً إِنَّكَ مِنْ أَصْحَبِ النَّارِ» . (3)

الحديث2760.السنن الكبرى عن عبد الرحمن بن سويد الكاهلى : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : يُؤتى بِعَبدٍ يَومَ القِيامَهِ ، فَيوقَفُ بَينَ يَدَيِ اللّهِ عز و جل ، فَيَأمُرُ بِهِ إلَى النّارِ ، فَيَقولُ : أى رَبِّ ! أمَرتَ بى إلَى النّارِ وقَد قَرَأتُ القُرآنَ ؟ فَيَقولُ اللّهُ : أى عَبدى ، إنّى أنعَمتُ عَلَيكَ ولَم تَشكُر نِعمَتى . فَيَقولُ : أى رَبِّ ! أنعَمتَ عَلَىَّ بِكَذا فَشَكَرتُكَ بِكَذا ، وأنعَمتَ عَلَىَّ بِكَذا وَشَكَرتُكَ بِكَذا . فَلا يَزالُ يُحصِى النِّعَمَهَ ويُعَدِّدُ الشُّكرَ . فَيَقولُ اللّهُ تَعالى : صَدَقتَ عَبدى ، إلّا أنَّكَ لَم تَشكُر مَن أجرَيتُ لَكَ نِعمَتى عَلى يَدَيهِ ، وإنّي قَد آلَيتُ عَلى نَفسى أن لا أقبَلَ شُكرَ عَبدٍ لِنِعمَهٍ أنعَمتُها عَلَيهِ حَتّى يَشكُرَ مَن ساقَها

مِن خَلقى إلَيهِ . (4) .

1- .الكافى : ج 1 ص 47 ح 2 عن حفص بن غياث عن الإمام الصادق عليه السلام ، منيه المريد : ص 141 وفيه «تصلى» بدل «تلظى» ، بحار الأنوار : ج 2 ص 39 ح 67 .
2- .فاطر : 36 و 37 .
3- .الزمر : 8 .
4- .الأمالى للطوسى : ص 450 ح 1005 عن أبى الصلت الهروى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 7 ص 224 ح 141 ؛ تاريخ بغداد : ج 10 ص 343 الرقم 5479 عن أبى الصلت الهروى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله نحوه .

10 / 48 نا سپاسی

2761.الإمام الصادق علیه السلام : عیسی علیه السلام : وای بر عالمانِ بد، که آتش [دوزخ] چگونه برای آنان ، شعله ور می شود !10 / 48نا سپاسیقرآن«کسانی که کافر شدند ، برایشان ، آتش جهنّمی است پایان ناپذیر ، و عذاب آن ، از آنها کاسته نمی شود . این چنین ، هر ناسپاسی را کیفر می دهیم . آنان ، در جهنّم ، فریادخواهی می کنند که : «پروردگارا ! ما را بیرون ببر تا کار شایسته بکنیم ، غیر از آنچه می کردیم» . [گفته می شود :]آیا به شما عمر ندادیم تا با آنچه پند گیرنده ، پند می گیرد ، پند بگیرید؟ و بیم دهنده برایتان آمد . پس بچشید که برای ستمکاران ، هیچ یاوری نیست» .

«به انسان ، هر گاه آسیبی می رسد ، پروردگارش را اِنابه کنان می خوانَد ، و آن گاه که نعمتی از او گرفته می شود ، آنچه را که پیش تر می خوانْد ، از یاد می برد ، و برای خداوند ، شریکانی قرار می دهد تا از راه او گم راه کند . بگو : «با کفرت ، اندکی بهره ببر . تو از اهل آتشی»» .

حدیث2768.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بنده ای در روز قیامت آورده و در پیشگاه خداوند عز و جل نگه داشته می شود و دستور داده می شود که وارد آتش گردد . می گوید : پروردگارا ! دستور دادی وارد آتشم کنند ، در حالی که من ، قرآن می خواندم !؟

خداوند می فرماید : «بنده من ! من به تو نعمتْ ارزانی داشتم و تو سپاس گزاری نکردی» .

او می گوید : پروردگارا ! به من ، فلان مقدار ، نعمت دادی . من هم فلان مقدار ، سپاس گزاری کردم . و همین طور نعمت ها را شماره می کند و از تعداد شکرگزاری اش یاد می کند .

خداوند متعال می فرماید : «بنده من ! راست گفتی ؛ امّا از کسی که نعمت من از طریق او به دست تو رسید ، سپاس گزاری نکردی ، در حالی که من با خودم عهد کرده ام که شکر نعمت بنده ای را که به او نعمتی داده ام ، نپذیرم ، مگر

این که از کسی که آن نعمت را به او رسانده ، سپاس گزاری کند» .

.

2769.مسند ابن حنبل عن عبد اللّه بن مسعود : الإمام علىّ عليه السلام : إنَّ أهلَ النّارِ كُلَّ كَفورٍ مَكورٍ (1) . (2)10 / 49الغَضَبُ2772.الإمام الصادق عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : ما غَضِبَ أحَدٌ إلّا أشفى (3) عَلى جَهَنَّمَ . (4)2773.الكافى عن هلقام بن أبى هلقام : الإمام الباقر عليه السلام : إنَّ الرَّجُلَ لَيَغضَبُ فَما يَرضى أبَدا حَتّى يَدخُلَ النّارَ . (5)10 / 50الطَّمَعُ2776.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مصباح الشريعه فيما نَسَبَهُ إلَى الإمامِ الصّادِقِ عليه السلام : الطَّمَعُ وَالرَّغبَهُ فِى الدُّنيا أصلانِ لِكُلِّ شَرٍّ ، وصاحِبُهُما لا يَنجو مِنَ النّارِ إلّا أن يَتوبَ عَن ذلِكَ . (6) .

1- .المَكْر : الخديعه ، و هو ماكر ومكّار ومكور (القاموس المحيط : ج 2 ص 136 «مكر») .
2- .غرر الحكم : ح 3402 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 149 ح 3275 .
3- .أشْفى : أى أشرَفَ عليه ، ولا يكاد يقال أشفى إلّا فى الشرّ (النهايه : ج 2 ص 489 «شفا») .
4- .منيه المريد : ص 320 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 267 ح 21 .
5- .الكافي : ج 2 ص 302 ح 2 عن ميسّر ، الأمالى للصدوق : ص 420 ح 558 عن أبى بصير عن الإمام الصادق عنه عليهماالسلام ، منيه المريد : ص 320 ، مشكاه الأنوار : ص 530 ح 1777 ، روضه الواعظين : ص 416 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 272 .
6- .مصباح الشريعه : ص 185 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 349 ح 18 .

10 / 49 خشم

10 / 50 آز

2777.المعجم الكبير عن الشفاء بنت خلف : امام على عليه السلام : دوزخيان ، همگى ناسپاسِ مكّارند .10 / 49خشم2780.الإمام علىّ عليه السلام : پيامبر خدا صلى الله عليه و آله : هيچ كس خشم نگرفت ، مگر اين كه در آستانه جهنّم قرار گرفت .2781.الإمام الصادق عليه السلام (مِمّا أمَرَ بِهِ أن يُقالَ عِندَ قَبرِ النَّبِى) امام باقر صلى الله عليه و آله : شخصى خشم مى گيرد و هرگز [از طرف مقابلش] راضى نمى شود ، تا وارد آتش شود .10 / 50آز2784.الإمام الصادق عليه السلام (فى ذِكرِ الإفاضَهِ مِنَ المَشعَرِ) مصباح الشريعه در سخنى كه به امام صادق عليه السلام نسبت داده است : آزمندى و علاقه مندى به دنيا ، دو ريشه هر بدى اند . آزمند و شيفته دنيا ، از آتش رهايى نمى يابد ، مگر از آنها توبه كند .

.

10 / 51اللُّؤمُ2787.عنه صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إيّاکَ وَاللُّؤمَ ؛ فَإنَّ اللُّؤمَ کُفرٌ ، وَالکُفرُ فِی النّارِ . (1)10 / 52شُربُ المُسکِرِ2790.الإمام الصادق عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : أقسَمَ رَبّی أن لا يَشرَبَ عَبدٌ لی فِي الدُّنيا خَمرا إلّا سَقَيتُهُ مِثلَ ما شَرِبَ مِنها مِنَ الحَميمِ يَومَ القِيامَهِ ؛ مُعَذَّبا أو مَغفورا لَهُ ، ولا يَسقيها عَبدٌ لی صَبِيّا صَغيرا أو مَملوکا إلّا سَقَيتُهُ مِثلَ ما سَقاهُ مِنَ الحَميمِ يَومَ القيامَهِ ؛ مُعَذَّبا بَعدُ أو مَغفورا لَهُ . (2)2791.رسول اللّه صلى اللّه عليه و آله : ثواب الأعمال عن عمّار عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال : سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ إذا شَرِبَ المُسکِرَ ما حالُهُ ؟ قالَ : لا يَقبَلُ اللّهُ صَلاتَهُ أربَعينَ يَوماً ، ولَيسَ لَهُ تَوبَهٌ فِی الأربَعينَ ، وإن ماتَ فيها دَخَلَ النّارَ . (3)10 / 53السَّرِقَهُ2794.عنه صلى الله عليه و آله : صحيح مسلم عن أبی اُمامه : إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله قالَ : مَن اقتَطَعَ حَقَّ امرِئٍ مُسلِمٍ بِيَمينِهِ فَقَد أوجَبَ اللّهُ لَهُ النّارَ وحَرَّمَ عَلَيهِ الجَنَّهَ . فَقالَ لَهُ رَجُلٌ : وإن کانَ شَيئا يَسيرا يا

رَسولَ اللّهِ ؟ قالَ صلى الله عليه و آله : وإن قَضيبا مِن أراکٍ . (4) .

1- .الجعفريّات : ص 151 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، تاريخ اليعقوبی : ج 2 ص 104 وليس فيه صدره ، مستدرک الوسائل : ج 7 ص 28 ح 7558 .
2- .الكافی : ج 6 ص 396 ح 1 عن أبی الربيع الشامی عن الإمام الصادق عليه السلام ، الأمالی للصدوق : ص 502 ح 688 عن محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله وفيه صدره إلى «مغفورا له» ، روضه الواعظين : ص 509 وليس فيه ذيله من «ولا يسقيها . . .» .
3- .ثواب الأعمال : ص 292 ح 14 ، بحار الأنوار : ج 79 ص 140 ح 49 .
4- .صحيح مسلم : ج 1 ص 122 ح 218 ، سنن الدارمی : ج 2 ص 718 ح 2505 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 328 ح 7804 عن جابر بن عتيک ، كنز العمّال : ج 16 ص 694 ح 46370 ؛ عوالی اللآلی : ج 3 ص 443 ح 3 ، بحار الأنوار : ج 104 ص 207 ح 9 نقلاً عن كتاب الأعمال المانعه من الجنّه .

10 / 51 سرزنش

10 / 52 میخوارگی

10 / 53 دزدی

10 / 51سرزنش2797.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از سرزنش ، پرهیز کن که سرزنش ، کفر است و کفر ، در آتش .10 / 52میخوارگی2800.المعجم الأوسط عن ابن عمر : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پروردگارم سوگند یاد کرده است که : «بنده من در دنیا شرابی نمی خورد ، مگر این که به همان اندازه از آبِ جوش جهنّم در قیامت ، به او می نوشانم ؛ عذاب شود ، یا آمرزیده شود . هر بنده ای از بندگان من که ساقی شراب باشد ، کودک باشد ، یا برده ، به همان اندازه در قیامت ، آب جوش به او می نوشانم ؛ عذاب شود یا آمرزیده شود» .2801.الإمام الصادق علیه السلام : ثواب الأعمال به نقل از عمّار : از امام صادق علیه السلام در باره حال و روزِ کسی که میخوارگی کرده ، پرسیده شد .

فرمود : «خداوند تا چهل روز ، نمازش را نمی پذیرد و تا چهل روز ، توبه اش پذیرفته نمی شود و اگر در آن چهل روز بمیرد ، وارد جهنّم می شود» .10 / 53دزدی2804.مسند ابن حنبل عن أبی سعید الخدری : صحیح مسلم به نقل از ابو اُمامه : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «هر کس با سوگندش حقّ مسلمانی را به چنگ آورَد ، خداوند ، جهنّم را برایش قطعی می کند و بهشت را بر او حرام می گردانَد» .

مردی به ایشان گفت : اگر چه چیز کمی باشد ، ای پیامبر خدا؟

فرمود : «اگر چه تکّه چوبی از درخت اَراک (1) باشد» .

.

1- .اَراک : درخت مسواک ؛ درختچه ای است که با چوب آن ، مسواک می کرده اند .

10 / 54صاحِبُ القَلَمِ فى مَعصِيَهِ اللّهِ 2807.سنن أبى داوود عن عثمان بن عفّان : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : يُؤتى بِصاحِبِ القَلَمِ يَومَ القِيامَهِ فى تابوتٍ مِن نارٍ مُقفَّلٍ عَلَيهِ بِأقفالٍ مِن نارٍ ، فَيُنظَرُ قَلَمُهُ فيمَ أجراهُ؟ فَإن كانَ أجراهُ فى طاعَهِ اللّهِ ورِضوانِهِ فُكَّ عَنهُ التابوتُ ، وإن أجراهُ فى مَعصِيَهِ اللّهِ هَوى بِهِ التّابوتُ سَبعينَ خَريفا ؛ حَتّى بارِى القَلَمِ ولائِقُ الدَّواهِ . (1)2808.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : إذا كانَ يَومُ القِيامَهِ نادى مُنادٍ مِنَ السَّماءِ مِن قِبَلِ اللّهِ عز و جل : أينَ الظَّلَمَهُ ؟ أينَ أعوانُ أعوانِ الظَّلَمَهِ ؟ أينَ مَن بَرى لَهُم قَلَما ؟ أينَ مَن لاقَ لَهُم دَواهً ؟ أينَ مَن جَلَسَ مَعَهُم ساعَهً ؟ فَيُؤتى بِهِم جَميعا ، فَيُؤمَرُ بِهِم أن يُضرَبَ عَلَيهِم بِسورٍ مِن نارٍ ، فَهُم فيهِ حَتّى يَفرَغَ النّاسُ مِنَ الحِسابِ ، ثُمَّ يُرمى بِهِم إلَى النّارِ . (2)10 / 55الغَدرُ2811.الإمام الصادق عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : يَجىءُ كُلُّ غادِرٍ يَومَ القِيامَهِ بِإمامٍ مائِلٍ شَدقُهُ حَتّى يَدخُلَ النّارَ . (3) .

1- .المعجم الكبير : ج 11 ص 151 ح 11450 ، المعجم الأوسط : ج 2 ص 260 ح 1932 ، الفردوس : ج 5 ص 461 ح 8758 كلّها عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : ج 6 ص 86 ح 14957 .
2- .عوالى اللآلى : ج4 ص69 ح31 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مستدرک الوسائل : ج13 ص124 ح14962 .
3- .الكافى : ج 2 ص 337 ح 2 ، بحار الأنوار : ج 7 ص 201 ح 81 .

10 / 54 نوشتن در نافرمانی خدا

10 / 55 دغلکاری

10 / 54نوشتن در نافرمانی خدا2814.تفسیر العیّاشی عن أبی إسحاق الهمدانی ، عن رجل : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نویسنده ، در روز قیامت ، در تابوتی آتشین که قفل های متعدّدِ آتشین دارد ، آورده می شود و بررسی می شود که در باره چه چیزی قلم زده است ؟ اگر در راه طاعت و رضای خدا قلم زده باشد ، تابوتش باز می شود ؛ امّا اگر در راه نافرمانی خدا نوشته باشد ، تابوت ، او را به مدّت هفتاد سال پرتاب می کند ، حتّی قلم تراش و لیقه سازِ دوات را .2815.تفسیر العیّاشی عن إبراهیم بن أبی البلاد ، عن بعض پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : روز قیامت که می شود ، منادی از آسمان از جانب خدای عز و جل فریاد می زند : «ستمگران کجایند؟ یاران ستمگران ، کجایند؟ قلم تراشان آنها ، کجایند؟ لیقه سازان دوات آنان ، کجایند؟ آنان که لحظاتی را با آنها همنشین شده اند ، کجایند؟» .

همه آنها آورده می شوند و فرمان داده می شود که دیواری آتشین برایشان بسازند . آنها میان آن دیوارها می مانند تا به حساب مردمان ، رسیدگی شود . سپس اینان ، به آتش افکنده می شوند .10 / 55دغلکاری2818.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (لِحَرمَلَةَ بنِ زَیدٍ وقَد عَرَضَ عَلَی النَّبِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر دغلکاری روز قیامت ، با پیشوایِ لُپ افتاده [و کج شده]می آید تا وارد جهنّم می شود .

.

10 / 56الغِشُّ2821.الإمام علىّ عليه السلام (فى وَصفِ المُؤمِنينَ) الإمام الصادق عليه السلام : مَن غَشَّ أخاهُ وحَقَّرَهُ وناواهُ ، جَعَلَ اللّهُ النّارَ مَأواهُ . (1)10 / 57الخِيانَةُ2824.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (مِن خُطبَةٍ لَهُ) رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَن خانَ أمانَةً فِى الدُّنيا ولَم يَرُدَّها عَلى أربابِها ، ماتَ عَلى غَيرِ دينِ الإِسلامِ ، ولَقِىَ اللّهَ عز و جل وهُوَ عَلَيهِ غَضبانُ ؛ فَيُؤمَرُ بِهِ إلَى النّارِ فَيُهوى بِهِ فى شَفيرِ جَهَنَّمَ أبَدَ الآبِدينَ . (2)2825.عنه صلى الله عليه و آله : الإمام علىّ عليه السلام : إيّاكَ وَالخِيانَةَ ؛ فَإِنَّها شَرُّ مَعصِيَةٍ ، وإنَّ الخائِنَ لَمُعَذَّبٌ بِالنّارِ عَلى خِيانَتِهِ . (3)2826.عنه صلى الله عليه و آله (لِأصحابِهِ) عنه عليه السلام : خِيانَةُ المُستَسلِمِ وَالمُستَشيرِ مِن أفظَعِ الاُمورِ وأعظَمِ الشَّرورِ ، وموجِبُ عَذابِ السَّعيرِ . (4)10 / 58الإيذاءُ2829.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَن نَظَرَ إلى أخيهِ المُسلِمِ نَظرَةً يُخيفُهُ بِها ، أخافَهُ اللّهُ يَومَ القِيامَةِ . (5) .

1- .تحف العقول : ص 303 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 281 ح 1 .
2- .ثواب الأعمال : ص 336 ح 1 عن أبى هريره و عبد اللّه بن عبّاس ، أعلام الدين : ص 416 عن عبد اللّه بن عبّاس ، بحار الأنوار : ج 76 ص 364 ح 30 .
3- .غرر الحكم : ح 2667 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 96 ح 2219 .
4- .غرر الحكم : ح 5075 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 242 ح 4615 .
5- .المصنّف لعبد الرزّاق : ج 5 ص 139 ح 9187 عن عبد الرحمن بن زياد ، شعب الإيمان : ج 6 ص 50 ح 7468 عن عبد اللّه بن عمرو ، تاريخ بغداد : ج 9 ص 223 الرقم 4799 وفيه «نظر مخيفه من غير حقّ» بدل «نظره يخيفه بها» ، كنز العمّال : ج 15 ص 69 ح 40134 .

10 / 56 فریبکاری (غش)

10 / 57 خیانت

10 / 58 آزار رساندن

10 / 56فریبکاری (غش)2832.الإمام الصادق علیه السلام : امام صادق علیه السلام : هر کس برادرش را بفریبد و تحقیر کند و با او دشمنی نماید ، خداوند ، جهنّم را جایگاه او قرار می دهد .10 / 57خیانت2835.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس در دنیا در امانتی خیانت کند و آن را به صاحبانش بر نگرداند ، غیر مسلمان می میرد و با خداوند عز و جل ملاقات می کند ، در حالی که خدا از او خشمگین است و دستور می دهد که در آتش افکنده شود و برای همیشه ، در گوشه ای از جهنّم ، رها می شود .2836.الإمام علیّ علیه السلام : امام علی علیه السلام : از خیانت ، دوری کن که بدترین گناه است ، و خیانتکار ، به خاطر خیانتش ، در آتش ، عذاب می شود .2837.تفسیر القمّی عن حمّاد عن الإمام الصادق علیه السلا امام علی علیه السلام : خیانت به فرد تسلیم شده و مشورت خواه ، از بدترین کارها و بالاترین شرهاست و مایه عذاب آتش پرشراره می شود .10 / 58آزار رساندن2840.الإمام علیّ علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس به برادر مسلمانش نگاهی ترس آور اندازد ، خداوند ، او را در روز قیامت می ترسانَد .

.

2841.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : مَن خافَ النّاسَ لِسانُهُ فَهُوَ مِن أهلِ النّارِ . (1)2842.عنه صلى الله عليه و آله (فى فَضلِ مُؤَذِّنِ المَسجِدِ) عنه صلى الله عليه و آله : مَن كانَ مُؤذِيا لِجارِهِ مِن غَيرِ حَقٍّ ، حَرَمَهُ اللّهُ ريحَ الجَنَّهِ ومَأواهُ النّارُ . (2)2843.عنه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : يُسَلِّطُ اللّهُ الجَرَبَ عَلى أهلِ النّارِ، فَيَحُكّونَ حَتّى تُبدُوَ عِظامُهُم ، فَيُقالُ لَهُم : هَل يُؤذيكُم هذا ؟ فيَقولونَ : إى وَاللّه ! فَيُقالُ : هذا بِما كُنتُم تُؤذونَ المُؤمِنينَ . (3)10 / 59النَّميمَهُ2846.عنه صلى الله عليه و آله (مِن خُطبَهٍ لَهُ فى بَيانِ فَضلِ اللَّيلَهِ الا) رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَن مَشى فى نَميمَهٍ بَينَ اثنَينِ سَلَّطَ اللّهُ عَلَيهِ فى قَبرِهِ نارا تُحرِقُهُ إلى يَومِ القِيامَهِ ، وإذا خَرَجَ مِن قَبرِهِ سَلَّطَ اللّهُ عَلَيهِ تِنّينا أسوَدَ يَنهَشُ لَحمَهُ حَتّى يَدخُلَ النّارَ . (4)2847.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : صاحِبُ النَّميمَهِ لا يَستَريحُ مِن عَذابِ اللّهِ عز و جل فِى الآخِرَهِ . (5) .

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 353 ح 5762 ، مستطرفات السرائر : ص 111 ح 1 كلاهما عن حماد بن عمرو وأنس بن محمّد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، الكافى : ج 2 ص 327 ح 3 عن عبد اللّه بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 319 ح 2656 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 154 ، بحار الأنوار : ج 75 ص 283 ح 11 .

2- .ثواب الأعمال : ص 333 ح 1 عن أبى هريره و عبد اللّه بن عبّاس ، أعلام الدين : ص 413 عن عبد اللّه بن عبّاس ، بحار الأنوار : ج 76 ص 362 ح 30 .

3- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 56 ؛ الفردوس : ج 5 ص 489 ح 8852 عن أنس نحوه ، كنز العمّال : ج 14 ص 534 ح 39541 .

4- .ثواب الأعمال : ص 335 ح 1 عن أبى هريره و عبد اللّه بن عبّاس ، أعلام الدين : ص 415 عن عبد اللّه بن عبّاس ، بحار الأنوار : ج 76 ص 363 ح 30 .

5- .الأمالى للطوسى : ص 537 ح 1162 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 379 ح 2661 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 64 ، أعلام الدين : ص 202 كلّها عن أبى ذرّ ، بحار الأنوار : ج 77 ص 89 ح 3 .

10 / 59 سخن چینی

2848.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس زبانش مردم را بترسانَد ، اهل جهنّم است .2849.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس به ناحق ، همسایه اش را بیازارد ، خداوند ، نسیم بهشت را بر او حرام می کند و جایگاهش ، جهنّم است .2850.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند بر دوزخیان ، [بیماریِ] گری مسلّط می کند ، چندان که از بس خود را می خارانند ، استخوانِ هایشان آشکار می شود . پس به آنها گفته می شود : «آیا این بلا شما را آزار می دهد ؟» و آنها می گویند : آری ، به خدا سوگند ! گفته می شود : «این [بلا] به خاطرِ آزارتان به مؤمنان است» .10 / 59سخن چینی2853.عنه صلی الله علَیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس میان دو کس به سخن چینی بپردازد ، خداوند ، آتشی را در قبرش بر او مسلّط می کند که تا روز قیامت ، او را می سوزانَد و هنگامی که از قبرش بیرون بیاید ، خداوند ، رُتِیلی سیاه را بر او مسلّط می کند و او را نیش می زند تا وارد جهنّم شود .2854.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سخن چین ، در آخرت ، از عذاب خدای عز و جل ، آرام ندارد .

.

10 / 60الغيبَةُ2857.عنه صلى الله عليه و آله (فى وَصِيَّتِهِ لِأَبى ذَرٍّ) رسول اللّه صلى الله عليه و آله : كانَ المُغتابُ فِى النّارِ خالِدا فيها وبِئسَ المَصيرُ . (1)2858.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : الإمام الصادق عليه السلام : مَن قالَ فى مُؤمِنٍ ما رَأَتهُ عَيناهُ وسَمِعَتهُ أُذناهُ فَهُوَ مِنَ الَّذينَ قالَ اللّهُ عز و جل : «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَن تَشِيعَ الْفَحِشَهُ فِى الَّذِينَ ءَامَنُواْ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» . (2)2859.الإمام الصادق عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَنِ اغتابَ مُؤمِنا غازِيا أو آذاهُ أو خَلَفَهُ فى أَهلِهِ بِسوءٍ ، نُصِبَ لَهُ يَومَ القِيامَهِ فَيَستَغرِقُ حَسَناتِهِ ، ثُمَّ يُركَسُ فِى النّارِ ؛ إذا كانَ الغازى فى طاعَهِ اللّهِ عز و جلَ . (3)2860.الإمام الصادق عليه السلام : الإمام علىّ عليه السلام : الغِيبَهُ قُوتُ كِلابِ النارِ . (4)10 / 61البُهتانُ2863.الأمالى عن معتب مولى الإمام الصادق عليه السلام ، رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَنِ اغتابَ مُؤمِنا بِما لَيسَ فيهِ انقَطَعَتِ العِصمَهُ بَينَهُما ، وكانَ المُغتابُ فِى النّارِ خالِدا فيها وبِئسَ المَصيرُ . (5) .

1- .الأمالى للصدوق : ص 164 ح 1633 عن علقمه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مشكاه الأنوار : ص 162 ح 69 ، روضه الواعظين : ص 515 . جامع الأخبار : ص 412 ح 1143 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 2 ح 4 .
2- .الكافى : ج 2 ص 357 ح 2 ، الأمالى للصدوق : ص 417 ح 549 عن محمّد بن حمران ، الاختصاص : ص 227 ، منيه المريد : ص 327 ، روضه الواعظين : ص 515 ، بحار الأنوار : ج 75 ص 240 ح 2 .
3- .الكافى : ج 5 ص 8 ح 10 عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، ثواب الأعمال : ص 305 ح 1 عن السكونى عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلامعنه صلى الله عليه و آله ، النوادر للراوندى : ص 141 ح 192 ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 343 عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله وكلاهما نحوه وليس فيهما ذيله ، بحار الأنوار : ج 100 ص 12 ح 25 .
4- .غرر الحكم : 1144 .
5- .الأمالى للصدوق : ص 164 ح 163 عن الإمام الصادق عليه السلام عن آبائه عليهم السلام ، قصص الأنبياء للراوندى : ص 203 ح 264 ، بحارالأنوار : ج 104 ص 314 ح 1 .

10 / 60 غیبت

10 / 61 بهتان

10 / 60غیبت2866.الإمام الصادق علیه السلام (لِقَومٍ مِن شیعَتِهِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : غیبت کننده ، همواره در آتش خواهد بود . و چه بدْ فرجامی است آن !2867.الإمام الصادق علیه السلام : امام صادق علیه السلام : هر کس در حقّ مؤمنی ، آنچه را که با چشمانش دیده و با گوش هایش شنیده ، بگوید ، او از کسانی است که خداوند عز و جل در باره شان فرموده است : «آنان که دوست دارند فحشا در میان مؤمنان رایج شود ، عذاب دردناکی برایشان هست» .2868.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس از مؤمن رزمنده ای غیبت کند یا آزارش دهد یا در غیاب او به خانواده اش بدی کند ، روز قیامت ، ترازویی برای [رسیدگی به اعمال]او نصب می شود و حسناتش از میان می رود و آن گاه ، وارونه در آتش انداخته می شود ، تا زمانی که آن رزمنده ، در طاعت خدای عز و جل باشد .2869.کنز العمّال عن أنس : امام علی علیه السلام : غیبت ، خورش سگ های دوزخ است .10 / 61بهتان2872.مسند ابن حنبل عن عبد اللّه بن نافع : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس پشت سر مؤمنی چیزی بگوید که در او نیست، رشته [اخوّت اسلامیِ] میان آن دو ، گسسته می شود و غیبت کننده در آتش ، جاویدان خواهد بود و این ، بد سرانجامی است !

.

10 / 62الفُحشُ2875.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ الفُحشَ مِنَ البَذاءِ ، وَالبَذاءُ فِى النّارِ . (1)2876.الإمام الصادق عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : مَن شانَ عَلى مُسلِمٍ كَلِمَةً يَشينُهُ بِها بِغَيرِ حَقٍّ ، أشانَهُ اللّهُ بِها فِى النّارِ يَومَ القِيامَهِ . (2)10 / 63تَعييرُ المُؤمِنِ2879.الإمام علىّ عليه السلام : الإمام الصادق عليه السلام : مَن عابَ أخاهُ بِعَيبٍ فَهُوَ مِن أهلِ النّارِ . (3)10 / 64الاِمتِناعُ مِن قَضاءِ حاجَهِ المُؤمِنِ5641.عنه صلى الله عليه و آله (فى دُعاءٍ لَهُ) الإمام الصادق عليه السلام : أيُّما مُؤمِنٍ مَنَعَ مُؤمِنا شَيئا مِمّا يَحتاجُ إلَيهِ وهُوَ يَقدِرُ عَلَيهِ مِن عِندِهِ أو مِن عِندِ غَيرِهِ ، أقامَهُ اللّهُ يَومَ القِيامَهِ مُسوَدّا وَجهُهُ ، مُزرَقَّهً عَيناهُ ، مَغلولَهً يَداهُ إلى عُنُقِهِ ، فَيُقالُ : هذَا الخائِنُ الَّذى خانَ اللّهَ ورَسولَهُ ، ثُمَّ يُؤمَرُ بِهِ إلَى النّارِ . (4) .

1- .المعجم الكبير : ج 22 ص 414 ح 1024 عن فاطمه عليهاالسلام ، كنز العمّال : ج 15 ص 877 ح 43485 ؛ دلائل الإمامه : ص 66 ح 1 ، المسترشد : ص 16 ح 3 كلاهما عن فاطمه عليهاالسلام ، مستدرک الوسائل : ج 12 ص 81 ح 13571 .
2- .المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 353 ح 7893 ، شعب الإيمان : ج 7 ص 107 ح 9658 نحوه وكلاهما عن أبى ذرّ ، كنز العمّال : ج 3 ص 594 ح 8067 .
3- .الاختصاص : ص 240 ، بحار الأنوار : ج 75 ص 260 ح 58 .
4- .الكافى : ج 2 ص 367 ح 1 ، ثواب الأعمال : ص 286 ح 1 ، المحاسن : ج 1 ص 100 ح 71 كلّها عن فرات بن أحنف ، أعلام الدين : ص 404 عن الإمام علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 7 ص 201 ح 83 .

10 / 62 ناسزاگویی

10 / 63 سرزنش مؤمن

10 / 64 خودداری از تأمین نیاز مؤمن

10 / 62ناسزاگویی5638.عنه صلی الله علیه و آله (فی دُعائِهِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ناسزاگویی ، از بدزبانی است و بدزبانی ، در آتش است .5637.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعای جوشن کبیر) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس کلمه ای ننگ آور به ناحق در حقّ مسلمانی بگوید و او را رسوا کند ، خداوند در قیامت در آتش ، او را رسوا می کند .10 / 63سرزنش مؤمن5636.الإمام الهادی علیه السلام (فی زِیارَهِ صاحِبِ الأَمرِ علیه السلام) امام صادق علیه السلام : هر کس برادر مؤمنش را با عیبی ، عیبناک نشان دهد ، دوزخی است .10 / 64خودداری از تأمین نیاز مؤمن5633.امام زین العابدین علیه السلام : امام صادق علیه السلام : هر مؤمنی که توانایی دارد نیاز مؤمنی را خود و یا از طریق دیگری برآورده کند و نکند ، خداوند در قیامت ، او را روسیاه ، کبودچشم و دست به گردن بسته شده ، محشور می کند .

سپس گفته می شود : این ، آن خائنی است که به خدا و پیامبر خدا ، خیانت کرده است .

آن گاه ، دستور داده می شود تا وارد آتش [دوزخ] شود .

.

5632.امام زینِ العابدین علیه السلام : عنه علیه السلام : أیُّما رَجُلٍ مِن شیعَتِنا أتی رَجُلاً مِن إخوانِهِ ، فَاستَعانَ بِهِ فی حاجَتِهِ فَلَم یُعِنهُ وهُوَ یَقدِرُ ، إلَا ابتَلاهُ اللّهُ بِأن یَقضِیَ حَوائِجَ غَیرِهِ مِن أعدائِنا ، یُعَذِّبُهُ اللّهُ عَلَیها یَومَ القِیامَهِ . (1)10 / 65تَزیینُ المَرأهِ لِغَیرِ زَوجِها5633.عنه علیه السلام : الإمام علیّ علیه السلام : نَهی رَسوُل اللّهِ صلی الله علیه و آله . . . أن تَتَزَیَّنَ [أی المَرأهُ] لِغَیرِ زَوجِها ، فَإن فَعَلَت کانَ حَقّا عَلَی اللّهِ عز و جل أن یُحرِقَها بِالنّارِ . (2)10 / 66تَتَبُّعُ عَوراتِ النّاسِ5630.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (از دعایش برای حفاظت از حوادث ناگوار) رسول اللّه صلی الله علیه و آله : مَن اطَّلَعَ فی بَیتِ جارِهِ فَنَظَرَ إلی عَورَهِ رَجُلٍ أو شَعرِ إمرَأهٍ أو شَیءٍ مِن جَسَدِها ، کانَ حَقّا عَلَی اللّهِ أن یُدخِلَهُ النّارَ مَعَ المُنافِقینَ الَّذینَ کانوا یَتَّبِعونَ عَوراتِ النّاسِ فِی الدُّنیا ، ولا یَخرُجُ مِنَ الدُّنیا حَتّی یَفضَحَهُ اللّهُ و یُبدِیَ لِلنّاسِ عَورَتَهُ فِی الآخِرَهِ . (3) .

1- .الکافی : ج 2 ص 366 ح 2 ، ثواب الأعمال : ص 297 ح 1 ، المحاسن : ج 1 ص 184 ح 298 کلّها عن أبی بصیر ، عدّه الداعی : ص 177 ، أعلام الدین : ص 405 کلاهما عن إسماعیل بن عمّار ، بحار الأنوار : ج 75 ص 181 ح 21 .

2- .کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 4 ص 6 ح 4968 ، الأمالی للصدوق : ص 509 ح 707 کلاهما عن الحسین بن زید عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام ، مکارم الأخلاق : ج 2 ص 308 ح 2655 عن الإمام الصادق عن آبائه عنه علیهم السلام ، تنبیه الخواطر : ج 2 ص 257 عن الحسین بن یزید عن الإمام الصادق عن آبائه عنه علیهم السلام ، بحار الأنوار : ج 103 ص 243 ح 13 .

3- .ثواب الأعمال : ص 332 ح 1 عن أبی هریره و عبد اللّه بن عبّاس ، أعلام الدین : ص 412 عن عبد اللّه بن عبّاس ، جامع الأخبار : ص 245 ح 625 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 361 ح 30 ؛ المعجم الأوسط : ج 6 ص 295 ح 6456 عن أبی هریره وفیه صدره إلی «یدخله النار» .

10 / 65 آرایش زن برای مرد بیگانه

10 / 66 دنبال عیب مردم بودن

5629.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعای جوشن کبیر) امام صادق علیه السلام : هر یک از شیعیان که نزد یکی دیگر از برادرانش برود و از او برای تأمین نیازش از وی کمک بخواهد و او در حالی که می تواند کمک کند ، کمک نکند ، خداوند ، او را به برآوردن نیازهای دشمنان ما مبتلا می کند و خداوند ، او را به خاطر آن در قیامت ، کیفر می دهد .10 / 65آرایش زن برای مرد بیگانه5631.عنه صلی الله علیه و آله (مِن دُعاءٍ لَهُ فی یَومِ الجُمُعَهِ لِلأَمانِ م) امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ... از آرایش زن برای غیر شوهرش منع فرمود و اگر زنی چنین کند ، بر خداست که او را با آتش بسوزانَد .10 / 66دنبال عیب مردم بودن5628.الإمام الصادق علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس به خانه همسایه سَرَک بکِشد و به عورت مرد یا موی زنی یا به دیگر جاهای بدن او نگاه کند ، بر خداست که او را با منافقانی که در دنیا به دنبال عیب مردم بودند ، وارد آتش [دوزخ]کند . چنین کسی از دنیا بیرون نمی رود ، مگر خداوند ، رسوایش کند و در آخرت هم عیبش را بر ملا می سازد .

.

10 / 67اليَمينُ الفاجِرَةُ5625.امام صادق عليه السلام : الإمام علىّ عليه السلام : كَيفَ يَسلَمُ مِن عَذابِ اللّهِ المُتَسَرِّعُ إلَى اليَمينِ الفاجِرَةِ ؟! (1)10 / 68قَطعُ الرَّحِمِ5625.عنه عليه السلام : رسول اللّه صلى اللّه عليه و آله : إنَّ الرَّحِمَ لَها لِسانٌ يَومَ القِيامَةِ ذَلقٌ ، تَقولُ : يا رَبِّ ! صِل مَن وَصَلَنى ، وَاقطَع مَن قَطَعَنى . فَالرَّجُلُ لَيُرى بِسَبيلِ خَيرٍ إذا أتَتهُ الرَّحِمُ الَّتى قَطعَها فَتَهوى بِهِ إلى أسفَلِ قَعرٍ فِى النّارِ . (2)10 / 69هِجرانُ الإِخوانِ5622.امام زين العابدين عليه السلام (از دعايش بعد از نماز شب) رسولُ اللّه صلى اللّه عليه و آله : مَن هَجَرَ أخاهُ فَوقَ ثَلاثٍ فَهُوَ فِى النّارِ ، إلّا أن يَتَدارَكَهُ اللّهُ بِكَرامَتِهِ . (3)5623.الإمام الصادق عليه السلام (وقَد سُئِلَ عَن قَومِ صالِحٍ عليه السلام : هَل) الإمام علىّ عليه السلام : نَهيِ رَسولُ اللّهِ صلى اللّه عليه و آله . . . عَنِ الهِجرانِ ، فَمَن كانَ لابُدَّ فاعِلاً فَلا يَهجُر أخاهُ أكثَرَ مِن ثَلاثَةِ أيّامٍ ، فَمَن كانَ مُهاجِرا لِأَخيهِ أكثَرَ مِن ذلِكَ كانَتِ النّارُ أولى بِهِ . (4) .

1- .غرر الحكم : ح 6988 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 384 ح 6490 وفيه «عذاب القبر» بدل «عذاب اللّه» .
2- .الكافى : ج 2 ص 156 ح 29 عن الوصّافى عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 74 ص 130 ح 96 .
3- .المعجم الكبير : ج 18 ص 315 ح 815 ، المصنف لابن أبى شيبه : ج 6 ص 95 ح 4 وفيه «بتوبه» بدل «بكرامته» وكلاهما عن فضاله بن عبيد ، كنز العمّال : ج 9 ص 47 ح 24868 .
4- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 10 ح 4968 ، الأمالى للصدوق : ص 512 ح 707 كلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 311 ح 2655 عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 259 عن الحسين بن يزيد عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 75 ص 188 ح 8 .

10 / 67 سوگند ناروا

10 / 68 قطع رابطه با خویشاوندان

10 / 69 قهر با برادران

10 / 67سوگند ناروا5620.امام علی علیه السلام : امام علی علیه السلام : آن که به شتاب ، سوگند ناروا می خورَد ، چگونه از عذاب خدا در امان می مانَد؟ !10 / 68قطع رابطه با خویشاوندان5617.امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خویشاوندی ، در قیامت ، زبانی گویاست که می گوید : «پروردگارا ! هر کسی که با من پیوند داشته ، با او پیوند داشته باش و هر کسی که با من قطعِ پیوند کرده ، با او قطعِ رابطه کن» . پس به شخص ، راه خوبی نشان داده می شود ، تا این که خویشاوندی ای را که آن شخص بُریده ، نزدش می آید و او را به قعر آتش [دوزخ] ، پرتاب می کند .10 / 69قهر با برادران5619.الإمام علیّ علیه السلام (فی دُعاءِ الیَومِ الرّابِعِ مِنَ الشَّهرِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس بیش از سه روز با برادرش قهر کند ، در آتش [دوزخ]است ، مگر این که خداوند با بزرگواری خود ، آن را جبران کند .5618.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ... از قهر با برادران ، نهی کرده است و [فرموده که]اگر ناچار به آن شد ، بیشتر از سه روز نباشد . اگر کسی بیش از سه روز با برادرش قهر کند ، آتش [دوزخ] برایش سزاوارتر است .

.

10 / 70عَدَمُ حِفظِ اللِّسانِ5615.امام كاظم عليه السلام (از دعايش درباره گسترش روزى) رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ العَبدَ لَيَتَكَلَّمُ بِالكَلِمَةِ مِن سَخَطِ اللّهِ لا يُلقى لَها بالاً ، يَهوى بِها فى جَهَنَّمَ .

(1)5614.امام صادق عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ الرَّجُلَ لَيَتَكَلَّمُ بِالكَلِمَةِ لا يَرى بِها بَأسا ، يَهوى بِها سَبعينَ خَريفا فِى النّارِ .

(2)5613.البلد الأمين (در دعاى ادريس عليه السلام) الكافى عن قيس أبى إسماعيل رفعه : جاءَ رَجُلٌ إلَى النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله فَقالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، أوصِنى . فَقالَ[صلى الله عليه و آله] : اِحفَظ لِسانَكَ . قالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، أوصِنى . قالَ[صلى الله عليه و آله] : اِحفَظ لِسانَكَ . قالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، أوصِنى . قالَ[صلى الله عليه و آله] : اِحفَظ لِسانَكَ . وَيحَكَ ! وهَل يَكُبُّ النّاسَ عَلى مَناخِرِهِم فِى النّارِ إلّا حَصائِدُ ألسِنَتِهِم؟ !

(3)5616.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : الإمام علىّ عليه السلام : بِاللِّسانِ كُبَّ أهلُ النّارِ فِى النّارِ . (4)5615.الإمام الكاظم عليه السلام (من دُعائِهِ لِسَعَهِ الرِّزقِ) الإمام الصادق عليه السلام : ما مِن يَومٍ إلّا وكُلُّ عُضوٍ مِن أعضاءِ الجَسَدِ يُكفِّرُ اللِّسانَ ، يَقولُ : نَشَدتُكَ اللّهَ أن تُعَذِّبَ فيكَ ! (5) .

1- .صحيح البخارى : ج 5 ص 2377 ح 6113 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 231 ح 8419 كلاهما عن أبى هريره ، حليه الأولياء : ج 8 ص 248 عن أبى اُمامه نحوه ، كنز العمّال : ج 3 ص 552 ح 7859 .

2- .سنن الترمذى : ج 4 ص 557 ح 2314 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1313 ح 3970 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 20 ح 7219 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 3 ص 552 ح 7858 .

3- .الكافى : ج 2 ص 115 ح 14 ، تحف العقول : ص 56 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 303 ح 78 .

4- .الخصال : ص 635 ح 10 عن أبى بصير و محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 10 ص 113 ح 1 .

5- .الكافى : ج 2 ص 115 ح 12 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 302 ح 76 .

10 / 70 مهار نکردن زبان

10 / 70مهار نکردن زبان5612.امام کاظم علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بنده ، سخنی را که ناخشنود کننده خداوند است ، می گوید و به آن توجّه ندارد ، حال آن که با آن ، در جهنّم سقوط می کند .5611.امام صادق علیه السلام (در توصیف خداوند ارجمندِ والا) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مردی ، سخنی بر زبان می راند که اشکالی در آن نمی بیند ، در حالی که با آن ، به مدّت هفتاد سال ، در جهنّم ، سقوط می کند .5610.امام حسین علیه السلام (در دعایش در روز عرفه) الکافی به نقل از ابو اسماعیل قیس که سند حدیث را به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می رساند : مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و گفت : ای پیامبر خدا ! به من ، سفارشی کن .

فرمود : «زبانت را حفظ کن» .

[دوباره] گفت : ای پیامبر خدا ! به من ، سفارشی کن .

فرمود : «زبانت را حفظ کن» .

[باز] گفت : ای پیامبر خدا ! به من ، سفارشی کن .

فرمود : «زبانت را حفظ کن . وای بر تو ! آیا مردم را جز محصول زبان هایشان ، بر بینی شان در آتش می افکند؟ !» .5609.امام علی علیه السلام : امام علی علیه السلام : به خاطر زبان ، دوزخیان در دوزخ ، انداخته می شوند .5608.امام علی علیه السلام (در دعایش) امام صادق علیه السلام : هیچ عضوی از بدن نیست ، مگر این که هر روز ، در برابر زبان ، سرِ تعظیم فرود می آورد و می گوید : «تو را به خدا سوگند می دهم [که خودت را نگه دار] تا به خاطر تو ، عذاب نشویم» .

.

10 / 71اِستِماعُ الغِناءِ5610.الإمام الحسين عليه السلام (مِن دُعائِهِ يَومَ عَرَفَةَ) الكافى عن محمّد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام ، قالَ سَمِعتُهُ يَقولُ : الغِناءُ مِمّا وَعَدَ اللّهُ عز و جلعَلَيهِ النّارَ. وتَلا هذِهِ الآيَه : «وَ مِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِى لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُوْلَائِکَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ» (1) . (2)10 / 72اَلسُّؤالُ بِغَيرِ حاجَهٍ5607.امام على عليه السلام : الإمام الصادق عليه السلام : ما مِن عَبدٍ يَسأَلُ مِن غَيرِ حاجَهٍ ، فَيَموتُ ، حَتّى يُحوِجَهُ اللّهُ إلَيها ويُثبِتُ اللّهُ لَهُ بِهَا النّارَ . (3)10 / 73تَركُ العَمَلِ بِالعِلمِ5607.عنه عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : يَطَّلِعُ قَومٌ مِن أهلِ الجَنَّهِ إلى قَومٍ مِن أهلِ النّارِ ، فَيَقولونَ : ما أدخَلَكُمُ النّارَ ! وإنّما دَخَلنَا الجَنَّهَ بِفَضلِ تَأديبِكُم وتَعليمِكُم؟ فَيَقولونَ : إنّا كُنّا نُأمُرُكُم بِالخَيرِ ولا نَفعَلُهُ . (4) .

1- .لقمان : 6 .
2- .الكافى : ج 6 ص 431 ح 4 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 58 ح 5092 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام : ص 281 ، بحار الأنوار : ج 79 ص 246 ح 23 .
3- .الكافى ج 4 ص 19 ح 3 ، ثواب الأعمال : ص 325 ح 1 كلاهما عن مالک بن حصين السكونى ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 70 ح 1754 ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 296 ح 927 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 154 ح 21 .
4- .الأمالى للطوسى : ص 527 ح 1162 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 364 ح 2661 ، أعلام الدين : ص 190 كلّها عن أبى ذرّ ، بحار الأنوار : ج 77 ص 76 ح 3 .

10 / 71 گوش دادن به غِنا

10 / 72 درخواست بدون نیاز

10 / 73 عمل نکردن به دانش

10 / 71گوش دادن به غِنا5604.صحیح مسلم (به نقل از ابو ذر ، از پیامبر صلی الله علیه و آل) الکافی به نقل از محمّد بن مسلم : شنیدم که امام باقر علیه السلام می فرمود : «غِنا ، از چیزهایی است که خدای عز و جلبرای آن ، وعده آتش [دوزخ] داده است» .

سپس ، این آیه را تلاوت فرمود : «و برخی از مردمان ، کسانی هستند که سخنِ بیهوده را خریدارند تا [مردم را] بدون داشتن دانش ، از راه خدا ، گم راه کنند و آن را به ریشخند گیرند . آنان ، برایشان عذابی ذلّتبار است» .10 / 72درخواست بدون نیاز5601.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعای جوشن کبیر) امام صادق علیه السلام : هر کس بدون نیاز ، درخواست کند ، نمی میرد ، مگر این که خداوند ، او را به آن محتاج نماید و آتش [دوزخ] را برایش قطعی کند .10 / 73عمل نکردن به دانش5602.عنه صلی الله علیه و آله (فی وَصفِ اللّهِ تَعالی) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : گروهی از بهشتیان ، به گروهی از دوزخیان می نگرند و می گویند: چه چیزی موجب شد که به آتش در آیید ، در حالی که ما به لطفِ تعلیم و تربیت شما ، وارد بهشت شدیم؟

آن دوزخیان می گویند: [علّتش این است که] ما ، شما را به کارهای خوب توصیه می کردیم ؛ ولی خودمان ، آنها را انجام نمی دادیم .

.

5601.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (فى دُعاءِ الجَوشَنِ الكَبيرِ) عنه صلى الله عليه و آله : يُجاءُ بِالرَّجُلِ يَومَ القيامَهِ فَيُلقى فِى النّارِ ، فَتَندَلِقُ أقتابُهُ (1) فِى النّارِ ، فَيَدورُ كَما يَدورُ الحِمارُ بِرَحاهُ ، فَيَجتَمِعُ أهلُ النّارِ عَلَيهِ ، فَيَقولونَ : أى فُلانُ ، ما شَأنُكَ؟ أَلَيسَ كُنتَ تَأمُرُنا بِالمَعروفِ وتَنهانا عَنِ المُنكَرِ؟ ! قالَ : كُنتُ آمُرُكُم بِالمَعروفِ ولا آتيهِ ، وأنهاكُم عَنِ المُنكَرِ وآتيهِ .

5600(2).امام على عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ أشَدَّ أهلِ النّارِ نَدامَهً وحَسرَهً رَجُلٌ دَعا عَبدا إلَى اللّهِ ، فَاستَجابَ لَهُ وقَبِلَ مِنهُ فَأطاعَ اللّهَ ، فَأدخَلَهُ اللّهُ الجَنَّهَ وأدخَلَ الدّاعِىَ النّارَ بِتَركِهِ عِلمَهُ وَاتِّباعِهِ الهَوى وطولِ الأَمَلِ . أمَّا اتِّباعُ الهَوى فَيَصُدُّ عَنِ الحَقِّ ، وطولُ الأَمَلِ يُنسِى الآخِرَهَ .

5599(3).امام صادق عليه السلام (در بيان سياه خرد) عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ لِكُلِّ قَولٍ مِصداقا مِن عَمَلٍ يُصَدِّقُهُ أو يُكَذِّبُهُ ، فَإذا قالَ ابنُ آدَمَ وصَدَّقَ قَولَهُ بِعَمَلِهِ رُفِعَ قَولُهُ بِعَمَلِهِ إلَى اللّهِ ، وإذا قالَ وخالَفَ قَولُهُ عَمَلَهُ رُدَّ قَولُهُ عَلى عَمَلِهِ الخَبيثِ وهَوى بِهِ فِى النّارِ . (4)10 / 74تِلكَ الأَعمالُالكتاب«كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَهٌ * إِلَّا أَصْحَبَ الْيَمِينِ * فِى جَنَّتٍ يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ الْمُجْرِمِينَ * مَا سَلَكَكُمْ فِى سَقَرَ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ * وَ لَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ * وَ كُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ * وَ كُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ * حَتَّى أَتَانَا الْيَقِينُ » . (5)

.

1- .تَندَلِقُ أقتابُهُ : يُريدُ خُروجَ أمعائِهِ مِن جَوفِهِ (النهايه : ج 2 ص 130 «دلق») .

2- .صحيح البخارى : ج 3 ص 1191 ح 3094 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 183 ح 21843 ، السنن الكبرى : ج 10 ص 162 ح 20209 كلّها عن اُسامه ، كنز العمّال : ج 10 ص 194 ح 29023 .

3- .الكافى : ج 1 ص 44 ح 1 ، الخصال : ص 51 ح 63 نحوه وكلاهما عن سليم بن قيس عن الإمام علىّ عليه السلام ، منيه المريد : ص 146 عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، عدّه الداعى : ص 67 وليس فيه ذيله من «وطول الأمل» فى الموضع الأوّل ، بحار الأنوار : ج 2 ص 106 ح 2 .

4- .تفسير القمّى : ج 2 ص 208 عن أبى الجارود عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 69 ص 64 ح 10 .

5- .المدّثّر : 38 47 .

10 / 74 این کارها

3142.الإمام المهدیّ علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در روزِ قیامت ، مردی را می آورند و در آتش می اندازند . پس روده هایش در آتش می ریزد، و خودش مانند الاغی که بر گِرد آسیاب می چرخد، [در فضای جهنّم] به چرخش در می آید. دوزخیان ، بر گِرد او جمع می شوند و می گویند: فلانی! تو را چه شده است؟ مگر تو نبودی که ما را به خوبی دعوت می کردی و از بدی ، بازمان می داشتی ؟!

او می گوید: من ، شما را به خوبی دعوت می کردم ؛ ولی خودم آن را به کار نمی بستم، و شما را از بدی باز می داشتم ؛ امّا خودم آن را انجام می دادم.3141.مصباح المتهجّد : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پشیمان ترین و پُرافسوس ترینِ دوزخیان ، مردی است که بنده ای را به سوی خدا فرا خوانده است و او دعوتش را پاسخ گفته و از او پذیرفته و خدا را اطاعت کرده است و خداوند نیز وی را به بهشت در آورده ؛ ولی آن دعوتگر را به سبب عمل نکردن به علمش و پیروی کردنش از هوای نفس و داشتن آرزوی دراز، به آتش در آورده است ؛ زیرا پیروی کردن از هوای نفس ، از حق ، باز می دارد و آرزوی دراز ، آخرت را از یاد می بَرَد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : برای هر گفتاری ، مصداقی از کردار است که آن گفتار را تصدیق یا تکذیب می کند. پس هر گاه آدمی سخنی بگوید و سخنش را با کردارش تصدیق کند ، آن گفتار او به وسیله کردارش به درگاه خدا ، بالا می رود، و هر گاه سخنی بگوید و گفتار او بر خلاف کردارش باشد ، آن گفتار او به کردار زشتش باز گردانده می شود و او را در آتش می افکند .10 / 74و این کارهاقرآن«هر کس ، در گرو دستاورد خویش است ، بجز یاران دستِ راست که در میان باغ ها از یکدیگر می پرسند ، در باره مجرمان که : «چه چیز ، شما را در دوزخ ، در آورد؟» . می گویند: «از نمازگزاران نبودیم و بینوایان را اِطعام نمی کردیم و با هرزه درایان ، هرزه درایی می کردیم . و روز جزا را دروغ می شمردیم ، تا مرگ ما در رسید» .

.

الحديث2885.عنه صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَن قالَ : «إنّى فِى الجَنَّهِ» فَهُوَ فِى النّارِ . (1)2886.الإمام علىّ عليه السلام (مِن وَصِيَّتِهِ لِوَلَدِهِ مُحَمَّدِ بنِ الحَنَ) عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ النَّميمَهَ وَالحِقدَ فِى النّارِ ، لا يَجتَمِعانِ فى قَلبِ مُسلِمٍ . (2)2887.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : صِنفانِ مِن أهلِ النّارِ لَم أرَهُما ؛ قَومٌ مَعَهُم سياطٌ كَأذنابِ البَقَرِ يَضرِبونَ بِهَا النّاسَ ، ونِساءٌ كاسياتٌ عارياتٌ مُميلاتٌ مائِلاتٌ ، رُؤوسُهُنَّ كَأسنِمَهِ البُختِ (3) المائِلَهِ ، لا يَدخُلنَ الجَنَّهَ ولا يَجِدنَ ريحَها ، وإنَّ ريحَها لَيوجَدُ مِن مَسيرَهِ كَذا وكَذا . (4)2888.عنه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : مَن ضَمِنَ وَصِيَّهَ المَيِّتِ ثُمَّ عَجَزَ عَنها بِغَيرِ عُذرٍ ، لا يُقبَلُ مِنهُ صَرفٌ ولا عَدلٌ ، ولَعَنَهُ كُلُّ مَلَكٍ بَينَ السَّماءِ وَالأرضِ ، ويُصبِحُ ويُمسى فى سَخَطِ اللّهِ ، وكُلَّما قالَ : «يا رَبِّ» نَزَلَت عَلَيهِ اللَّعنَهُ ، وكَتَبَ اللّهُ ثَوابَ حَسَناتِهِ كُلَّها لِذلِكَ المَيِّتِ ، فَإن ماتَ عَلى حالِهِ دَخَلَ النّارَ . (5)2889.عنه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ المَكرَ وَالخَديعَهَ وَالخِيانَهَ فِى النّارِ . (6) .

1- .الجعفريات : ص 192 ، النوادر للراوندى : ص 107 ح 86 كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، مشكاه الأنوار : ص 579 ح 1928 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 398 ح 70 .
2- .المعجم الأوسط : ج 5 ص 54 ح 4653 عن ابن عمر ، الفردوس : ج 4 ص 307 ح 6899 عن عبد اللّه بن عمرو ، كنز العمّال : ج 16 ص 23 ح 43768 .
3- .البُختُ : هى جِمالٌ طِوالُ الأعناقِ (النهايه : ج 1 ص 101 «بخت») .
4- .صحيح مسلم : ج 3 ص 1680 ح 125 و ج 4 ص 2192 ح 52 ، السنن الكبرى : ج 2 ص 331 ح 3260 ، المعجم الأوسط : ج 2 ص 224 ح 1811 و ج 6 ص 80 ح 5854 ، شعب الإيمان : ج 6 ص 167 ح 7801 ، تفسير القرطبى : ج 12 ص 310 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 16 ص 383 ح 45013 .
5- .جامع الأخبار : ص 449 ح 1262 ، بحار الأنوار : ج 100 ص 196 ح 11 .
6- .ثواب الأعمال : ص 320 ح 3 عن زاذان عن الإمام علىّ عليه السلام ، الجعفريّات : ص 171 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، جامع الأحاديث للقمّى : ص 116 ، الأمالى للصدوق : ص

344 ح 413 عن الحسين بن خالد عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله عن جبرئيل عليه السلام وليس فيه «والخيانه» ، بحار الأنوار : ج 41 ص 110 ح 17 ؛ المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 650 ح 8795 عن أنس ، شعب الإيمان : ج 5 ص 367 ح 6978 عن أبى هريره وليس فيه «والخيانه» ، كنز العمّال : ج 3 ص 545 ح 7820 .

حدیث2891.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کسی که بگوید : «من در بهشت هستم» ، در آتش است.2892.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سخن چینی و کینه توزی ، در آتش اند . این دو ، در دلِ هیچ مسلمانی جای نمی گیرند.2893.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دو دسته از اهل آتش اند که من ، [هنوز] آنها را ندیده ام [و در آینده ، خواهند آمد] : عدّه ای که تازیانه هایی مانند دُم گاو دارند و با آنها ، مردم را می زنند ؛ و زنانی که پوشیده اند و در عین حال ، برهنه اند، منحرف کننده اند و خود ، منحرف اند (1) و سرهایشان ، همچون کوهان های شتر خراسانی ، فروهِشته است. اینان ، به بهشت نمی روند و بوی آن را که از فاصله ای چنین و چنان (بسیار دور) به مشام می رسد، استشمام نمی کنند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس [به کار بستنِ] وصیّت متوفّایی را بر عهده بگیرد و سپس بدون عذری، از اجرای آن سر باز بزند، هیچ توبه و فدیه ای از او پذیرفته نمی شود و همه فرشتگان میان آسمان و زمین ، لعنتش می کنند و روز و شب ، مورد خشم خدا خواهد بود و هر گاه «یا ربّ» بگوید ، لعنت بر او فرود می آید و خداوند ، پاداش همه کارهای نیکش را برای آن متوفّا می نویسد، و اگر در همان حال بمیرد، به آتش در می آید . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نیرنگ و فریب و خیانت ، در آتش اند . .

1- .واژه «مائلات» که در متن عربی حدیث آمده ، به معنای زنانی است که با ناز و کرشمه ، راه می روند و دل مردان را می رُبایند ، یا به معنای زنانی است که روسری و مقنعه خود را کج می کنند و تا نیمه سر را می پوشانند ، یا به این معناست که بَزَک کرده ، با زر و زیور بیرون می آیند و خود را به نمایش می گذارند. واژه «مَمیلات» ، یعنی زنانی که به دیگر زنان یاد می دهند که [در بدحجابی] مانند آنها رفتار کنند ، یا به این معناست که با تبختر و کرشمه ، راه می روند. همچنین ، بنا به قولی: «مائلات» ، یعنی زنانی که مانند بدکاره ها، موهای خود را شانه و آرایش می کنند و «مَمیلات» ، زنانی هستند که دیگران را این گونه آرایش و بَزَک می کنند (لسان العرب : ذیل «مائلات») .

عنه صلى الله عليه و آله : النَّميمَةُ وَالشَّتيمَةُ وَالحَمِيَّةُ فِى النّارِ ، ولا يَجتَمِعن فى صَدرِ مُؤمِنٍ . (1) الإمام علىّ عليه السلام : المَكرُ وَالخَديعَةُ وَالغَدرُ فِى النّارِ . (2) عنه عليه السلام : لَولا أنَّ المَكرَ وَالخَديعَةَ فِى النّارِ لَكُنتُ أمكَرَ النّاسِ . (3) الإمام الصادق عليه السلام : إنَّ الشَّكَّ وَالمَعصِيَةَ فِى النّارِ ، لَيسا مِنّا ولا إلَينا . (4) عنه عليه السلام : مَن وَعَظَهُ اللّهُ بِخَيرٍ فَقَبِلَ بِالبُشرى فَلَهُ البُشرى ، ومَن لَم يَقبَل فَالنّارُ لَهُ أحرى . (5) الاُصول الستّه عشر عن زيد النرسى عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال : سَأَلَهُ بَعضُ أصحابِنا عَن طَلَبِ الصَّيدِ وقالَ لَهُ : إنّى رَجُلٌ ألهو بِطَلَبِ الصَّيدِ وضَربِ الصَّوالِجِ (6) ، وألهو بِلَعِبِ الشِّطرَنجِ . قالَ : فَقالَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام . . . وأمَّا ضَربُكَ بِالصَّوالِجِ ، فَإنَّ الشَّيطانَ مَعَكَ يَركُضُ وَالمَلائِكَةَ تَنفِرُ عَنكَ ، وإن أصابَكَ شَىءٌ لَم تُؤجَر ، ومَن عَثَرَ بِهِ دابَّتُهُ فَماتَ دَخَلَ النّارَ . (7) .

1- .المعجم الكبير : ج 12 ص 341 ح 13615 عن عبد اللّه بن عمر ، الفردوس : ج 4 ص 307 ح 6899 عن عبد اللّه بن عمرو ، كنز العمّال : ج 3 ص 655 ح 8352 .

2- .الاختصاص : ص 150 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 50 ح 194 عن الحسين بن خالد عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله عن جبرئيل عليه السلام ، تحف العقول : ص 154 وليس فيهما «والغدر» ، بحار الأنوار : ج 40 ص 105 ح 117 ؛ مسند الشاميّين : ج 3 ص 304 ح 2336 ، مسند إسحاق بن راهويه : ج 1 ص 370 ح 381 كلاهما عن أبى هريره عنه صلى الله عليه و آله ، مسند الشهاب : ج 1 ص 175 ح 254 عن عبد اللّه عنه صلى الله عليه و آله وليس فيها «والغدر» .

3- .الكافى : ج 2 ص 336 ح 1 ، ثواب الأعمال : ص 320 ح 2 ، بحار الأنوار : ج 41 ص 109 ح 16 وراجع : عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 50 ح 194 و المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 650 ح 8795 .

4- .الكافى : ج 2 ص 400 ح 5 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 573 ح 4959 ، ثواب الأعمال : ص 308 ح 1 كلّها عن بكر بن محمّد الأزدى ، المحاسن : ج 1 ص 388 ح 863 ، قرب الإسناد : ص 35 ح 112 كلاهما عن بكر بن محمّد الأزدى عن الإمام الصادق عن الإمام علىّ عليهماالسلام ، بحار الأنوار : ج 70 ص 54 ح 21 .

5- .كنز الفوائد : ج 1 ص 351 عن جعفر بن قرظ ، بحار الأنوار : ج 71 ص 328 ح 26 .
6- .الصَّولَجانُ : عصا يُعطَفُ طَرَفُها يُضرَبُ بِها الكُرَةُ على الدوابِّ (لسان العرب : ج 2 ص 310 «صلج») .
7- .الأُصول السته عشر : ص 198 ح 172 ، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام : ص 284 نحوه ، بحار الأنوار : ج 73 ص 356 ح 22 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سخن چینی و دشنامگویی و تعصّب ، در آتش اند . اینها در سینه هیچ مؤمنی جای نمی گیرند. امام علی علیه السلام : نیرنگ و فریب و پیمان شکنی ، در آتش اند.3140.مصباح المتهجّد عن أبی محمّد عبد اللّه بن محمّد ال امام علی علیه السلام : اگر نبود که نیرنگ و فریب در آتش اند، بی گمان ، نیرنگبازترینِ مردم بودم.3139.الإمام العسکری علیه السلام : امام صادق علیه السلام : شک و نافرمانی [از خدا] ، در آتش اند . این دو ، از ما نیستند و به ما راه ندارند.3138.عنه علیه السلام (فِی الزِّیارَهِ الجامِعَهِ) امام صادق علیه السلام : کسی که خداوند ، او را پندی نیکو دهد و او شادمانه بپذیرد ، خوشا به حالش ! و کسی که نپذیرد، آتش برای او سزاوارتر است.3137.الإمام الهادی علیه السلام : الأُصول السّتّه عشر به نقل از زید نَرْسی : یکی از شیعیان ، از امام صادق علیه السلام در باره شکار پرسید و گفت : من سرگرمی ام ، شکار و چوگان زدن و شطرنج بازی است .

امام صادق علیه السلام فرمود: «... تو را چه به چوگان زدن؛ چرا که [وقتی در چوگانگاه می دَوی ،] شیطان ، با تو می دَوَد و فرشتگان ، از تو می گریزند، و اگر [در آن حال]آسیبی به تو برسد ، اجری نخواهی داشت و کسی که [در میدان بازی چوگان] از اسب به زیر بیفتد و بمیرد ، به آتش [دوزخ]می رود» . .

3136.الإمام الجواد عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : ثَلاثَةٌ مِن خَلائِقِ أهلِ النّارِ : الكِبرُ ، وَالعُجبُ ، وسوءُ الخُلُقِ . (1)3135.قرب الإسناد عن أحمد بن محمّد بن أبى نصر عن الإمام عنه صلى الله عليه و آله : ثَلاثَةٌ لا يُحجَبونَ عَلَى النّارِ : المَنّانُ ، وعاقٌّ والِدِهِ ، ومُدمِنُ الخَمرِ . (2)3134.الإمام الرضا عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : ثَلاثَةٌ يَدخُلونَ النّارَ : رَجُلٌ قاتَلَ لِلدُّنيا ، وعالِمٌ أرادَ أن يُذكَرَ لا يَحتَسِبُ عِلمَهُ ، ورَجُلٌ وُسِّعَ عَلَيهِ فَجادَ بِهِ فِى الثَّناءِ وذِكرِ الدُّنيا . (3)3133.عنه عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : تُكَلِّمُ النّارُ يَومَ القِيامَةِ ثَلاثَةً : أميرا ، وقارِئا ، وذا ثَروَةٍ مِنَ المالِ ؛ فَتَقولُ لِلأميرِ : يا مَن وَهَبَ اللّهُ لَهُ سُلطاناً فَلَم يَعدِل ! فَتَزدَرِدُهُ (4) كَما يَزدَرِدُ الطَّيرُ حَبَّ السِّمسِمِ . وتَقولُ لِلقارِئِ?: يا مَن تَزَيَّنَ لِلنّاسِ وبارَزَ اللّهَ بِالمَعاصى ! فَتَزدَرِدُهُ . وتَقولُ لِلغَنِيِّ : يا مَن وَهَبَ اللّهُ لَهُ دُنيا كَثيرَةً واسِعَةً فَيضا ، وسَأَلَهُ الحَقيرُ اليَسيرَ قَرضا ، فَأَبى إلّا بُخلاً ! فَتَزدَرِدُهُ . (5)3132.عنه عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : ثَلاثَةٌ لا يُكَلِّمُهُمُ اللّهُ ولا يَنظُرُ إلَيهِم يَومَ القِيامَةِ ولا يُزَكّيهِم ولَهُم عَذابٌ أليمٌ : شَيخٌ زانٍ ، ومَلِكٌ جَبّارٌ ، ومُقِلٌّ مُختالٌ . (6)3131.الإمام الكاظم عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : ثَلاثَةٌ لا يَنظُرُ اللّهُ إلَيهِم يَومَ القِيامَةِ ولا يُزَكّيهِم ولَهُم عَذابٌ أليمٌ : مُعَلِّمُ الكُتّابِ يُكَلِّفُ اليَتيمَ ما لا يُطيقُ ، وسائِلٌ يَسأَلُ وهُوَ مُستَغنٍ عَنِ السُّؤالِ ، ورَجُلٌ قَعَدَ عِندَ

السُّلطانِ يَتَكَلَّمُ بِهَوَى السُّلطانِ . (7) .

1- .تنبيه الخواطر : ج 2 ص 121 .
2- .كنز العمّال : ج 16 ص 31 ح 43805 نقلاً عن رسته فى الإيمان عن أبى هريره وراجع : الجعفريّات : ص 187 و النوادر للراوندى : ص 92 ح 32 .
3- .الفردوس : ج 2 ص 100 ح 2531 عن ابن عمر ، كنز العمّال : ج 16 ص 58 ح 43931 .
4- .زَرِدَ الرجُلُ اللُّقمَةَ : ابتلَعَها ، وازدَرَدَها مثلُه (المصباح المنير : ص 252 «زرد») .
5- .الخصال : ص 111 ح 84 عن السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 92 ص 179 ح 8 .
6- .الكافى : ج 2 ص 311 ح 14 ، ثواب الأعمال : ص 265 ح 12 ، الأُصول السته عشر : ص 27 كلّها عن أبى حمزه عن الإمام الباقر عليه السلام ،

كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 21 ح 4982 ، بحار الأنوار : ج 75 ص 344 ح 39 ؛ صحيح مسلم : ج 1 ص 102 ح 172 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 525 ح 10231 ، مسند ابن راهويه : ج 1 ص 243 ح 201 كلّها عن أبى هريره وفيهما «كذاب وعائل مستكبر» بدل «جبار ومقل مختال» ، كنز العمال : ج 16 ص 59 ح 43935 .
7- .كنز العمّال : ج 16 ص 60 ح 43938 نقلاً عن الرافعى عن ابن عبّاس .

3130.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سه خصلت ، از خصلت های دوزخیان است: تکبّر، خودپسندی، و بداخلاقی .3129.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سه دسته اند که چیزی مانع رسیدن آتش به آنها نمی شود: سخن چین، نافرمانِ از پدر، و باده گسار.3128.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی اللَه علیه و آله : سه نفر به آتش می روند : مردی که برای دنیا بجنگد ؛ عالِمی که در پیِ نام باشد و دانش او برای خدا نباشد ؛ و مردی که به او مال و ثروت داده شده است و او ، آن را برای ستوده شدن و کسب آوازه در دنیا ، بذل و بخشش کند.3127.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در روز قیامت ، آتش با سه نفر سخن می گوید: فرمان روا، قاری قرآن، و شخص ثروتمند. به فرمان روا می گوید: «ای آن که خداوند به او حکومت بخشید ؛ امّا دادگری نکرد !» . سپس او را مانند دانه کُنجدی که پرنده می بلعد، فرو می بلعد.

و به قاری قرآن می گوید: «ای آن که خود را در نظر مردم آراست ؛ امّا با گناهان ، به جنگ خدا رفت !» . سپس ، او را نیز فرو می بلعد.

و به ثروتمند می گوید: «ای آن که خداوند ، به او دنیای بسیار ، فراخ و سرشاری بخشید ؛ امّا نادار ، اندکی از او قرض خواست ، لیکن بخل ورزید و به او نداد !» . آن گاه ، او را هم فرو می بلعد.3126.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سه کس اند که خداوند ، در روز قیامت ، با آنان سخن نمی گوید و به آنها نمی نگرد و بر خوبی آنان ، گواهی نمی دهد (1) و برایشان عذابی دردناک است : پیرمرد زناکار، پادشاه گردن فراز و نادارِ متکبّر.3125.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سه دسته اند که خداوند ، در روز قیامت ، به آنان نمی نگرد و بر خوبی آنان ، گواهی نمی دهد و برایشان عذابی دردناک است : معلّم مکتب خانه ای که به بچّه یتیم ، بیش از توانش تکلیف دهد ؛ مردی که نیازی به درخواست از دیگران

ندارد و درخواست کند ؛ و مردی که نزد سلطان بنشیند و به دلخواه او سخن بگوید . .

1- .عبارت «لایزکّیهم» که در متن عربی حدیث آمده ، یعنی : آنها را از پلیدی گناهان ، پاک نمی کند ، یا به پاکی نمی ستاید و بر پاکی آنها گواهی نمی دهد و تأییدشان نمی کند.

3124.عنه عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : ثَلاثَةٌ لا يُكَلِّمُهُمُ اللّهُ يَومَ القِيامَهِ ولا يُزَكّيهِم ولَهُم عَذابٌ أليمٌ : رَجُلٌ عَلى فَضلِ ماءٍ بِالطَّريقِ يَمنَعُ مِنهُ ابنَ السَّبيلِ ، ورَجُلٌ بايَعَ إماما لا يُبايِعُهُ إلّا لِدُنياه ؛ إن أعطاهُ ما يُريدُ وَفى لَهُ وإلّا لَم يَفِ لَهُ ، ورَجُلٌ بايَعَ رَجُلاً بِسِلعَهٍ بَعدَ العَصرِ ، فَحَلَفَ بِاللّهِ لَقَد اُعطِيَ بِها كَذا وكَذا ، فَصَدَّقَهُ ، فَأَخَذَها ولَم يُعطَ بِها . (1)3123.عنه عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : ثَلاثَةٌ لا يُكَلِّمُهُمُ اللّهُ ولا يُزَكّيهِم ولَهُم عَذابٌ أليمٌ : اَلمُرخى ذَيلَهُ مِنَ العَظَمَهِ ، وَالمُزَكّى سِلعَتَهُ بِالكَذِبِ ، ورَجُلٌ استَقبَلَکَ بِنورِ صَدرِهِ (2) فَيُوارى وقَلبُهُ مُمتَلِى ءٌ غِشّا .
(3)3122.الإمام الصادق عليه السلام : صحيح مسلم عن أبى ذر عنه صلى الله عليه و آله : ثَلاثَةٌ لا يُكَلِّمُهُمُ اللّهُ يَومَ القِيامَهِ ، ولا يَنظُرُ إلَيهِم ، ولا يُزَكّيهِم ، ولَهُم عَذابٌ أليمٌ . قالَ : فَقَرَأَها رسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ثَلاثَ مِرارٍ . قالَ أبوذَرٍّ : خابوا وخَسِروا ! مَن هُم يا رَسولَ اللّهِ ؟ قالَ : المُسبِلُ ، وَالمَنّانُ ، وَالمُنَفِّقُ سِلعَتَهُ بِالحَلفِ الكاذِبِ . (4) .

1- .صحيح البخارى : ج 6 ص 2637 ح 6786 ، صحيح مسلم : ج 1 ص 103 ح 173 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 744 ح 2207 و ص 958 ح 2870 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 59 ح 7446 كلّها عن أبى هريره نحوه ، كنز العمّال : ج 16 ص 59 ح 43934 ؛ الخصال : ص 107 ح 70 عن أبى هريره ، مسند زيد : ص 275 عن الإمام زين العابدين عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، دعائم الإسلام : ج 2 ص 17 ح 20 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 67 ص 185 ح 2 .
2- .فى تفسير العيّاشى : «بودّ صدره» .
3- .مكارم الأخلاق : ج 1 ص 243 ح 720 عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، تفسير العيّاشى : ج 1 ص 179 ح 69 عن السكونى عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلامعنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 75 ص 211 ح 6 .
4- .صحيح مسلم : ج 1 ص 102 ح 171 ، سنن أبى داود : ج 4 ص 57 ح 4087 ، سنن الترمذى : ج 3 ص 516 ح 1211 ، سنن النسائى : ج 5 ص 81 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 745 ح 2208 ، كنز العمّال : ج 16 ص 33 ح 43815 ؛ الخصال : ص 184 ح 253 ، مجمع البيان : ج 2 ص 779 ، تفسير العياشى : ج 1 ص 179 ح 70 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 96 ص 141 ح 6 .

3121.تهذیب الأحکام عن عبید اللّه الحلبی : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سه دسته اند که خداوند ، در روز قیامت ، با آنان سخن نمی گوید و بر پاکی شان گواهی نمی دهد و برایشان عذابی دردناک است : مردی که در راه [عبور مردم ، چاه] آبی داشته باشد و اجازه ندهد که در راه ماندگان ، از اضافه آن آب (1) ، استفاده کنند ؛ و مردی که با پیشوایی بیعت کند و بیعت او ، جز برای دنیایش نباشد ، به طوری که اگر آنچه را می خواهد ، به او بدهد ، به بیعتش با او وفا کند ، و گر نه وفا نکند ؛ و مردی که بعد از ظهر ، کالایی را به مردی بفروشد و سوگند بخورد که [صبحْ] آن را به فلان و بَهمان مبلغ خریده است ، و خریدار هم قبول کند و کالا را بخرد ، در حالی که دروغ گفته باشد .3120.جمال الاُسبوع عن حریز : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سه دسته اند که خداوند ، در روز قیامت ، با آنان سخن نمی گوید و بر پاکی آنها گواهی نمی دهد و برایشان عذابی دردناک است : کسی که از روی تکبّر ، دامن کشان راه برود ؛ کسی که از کالای خود ، به دروغ ، تعریف کند ؛ و مردی که در روی تو اظهار یک رنگی کند و پشتِ سر ، دلش آکَنده از ناخالصی [نسبت به تو] باشد .3119.عنه علیه السلام : صحیح مسلم به نقل از ابو ذر : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سه مرتبه فرمود : «سه دسته اند که خداوند ، در روز قیامت ، به آنان نمی نگرد و بر پاکی شان گواهی نمی دهد و برایشان عذابی دردناک است» .

گفت[م] ذر گفت: چه نگون بخت و زیانکارند! اینان ، چه کسانی هستند ، ای پیامبر خدا؟

فرمود: «آن که از روی تکبّر ، دامن کشان راه برود ؛ آن که منّت بگذارد ؛ و آن که کالای خود را با سوگند دروغ خوردن ، تبلیغ کند» . .

1- .یعنی آبِ مازاد بر نیاز صاحبِ چاه .

3118.عنه عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : يَخرُجُ عُنُقٌ مِنَ النّارِ يَتَكَلَّمُ يَقولُ : وُكِّلتُ اليَومَ بِثَلاثَةٍ : بِكُلِّ جَبّارٍ ، وبِمَن جَعَلَ مَعَ اللّهِ إلها آخَرَ ، وبِمَن قَتَلَ نَفسا بِغَيرِ نَفسٍ . فَيَنطَوى عَلَيهِم فَيَقذِفُهُم فى غَمَراتِ جَهَنَّمَ . (1)3117.عنه عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : تَخرُجُ عُنُقٌ مِنَ النّارِ يَومَ القِيامَهِ ، لَها عَينانِ تُبصِرانِ ، وأُذُنانِ تَسمَعانِ ، ولِسانٌ يَنطِقُ ، يَقولُ : إنّى وُكِّلتُ بِثَلاثَةٍ : بِكُلِّ جَبّارٍ عنيدٍ ، وبِكُلِّ مَن دَعا مَعَ اللّهِ إلها آخَرَ ، وبِالمُصَوِّرينَ . (2)3116.عنه عليه السلام : الإمام زين العابدين عليه السلام : ثَلاثَةٌ لا يَنظُرُ اللّهُ إلَيهِم يَومَ القِيامَهِ ولا يُزَكّيهِم ولَهُم عَذابٌ أليمٌ : المُدخِلُ فينا مَن لَيسَ مِنّا ، وَالمُخرِجُ مِنّا مَن هُوَ مِنّا ، وَالقائِلُ إنَّ لَهُما فِى الإسلام نَصيبا ؛ أعنى هذَينِ الصِّنفَينِ . (3)3115.عنه عليه السلام (فى فَضلِ الصَّلاهِ عَلَى النَّبىِّ وآلِهِ علَيهم) الإمام الصادق عليه السلام : ثَلاثٌ إذا كُنَّ فِى الرَّجُلِ فَلا تَحَرَّجِ أن تَقولَ إنَّهُ فى جَهَنَّمَ : الجَفاءُ ، وَالجُبنُ ، وَالبُخلُ . وثَلاثٌ إذا كُنَّ فِى المَرأهِ فَلا تَحَرَّج أن تَقولَ إنَّها فى جَهَنَّمَ : البَذاءُ (4) ، وَالخُيَلاءُ (5) ، وَالفَجرُ (6) . (7)3114.عنه عليه السلام : عنه عليه السلام : ثَلاثَهٌ يُدخِلُهُمُ اللّهُ النّارَ بِغَيرِ حِسابٍ . . . إمامٌ جائِرٌ ، وتاجِرٌ كَذوبٌ ، وشَيخٌ زانٍ . (8) .

1- .مسند ابن حنبل : ج 4 ص 80 ح 11354 ، البعث والنشور : ص 294 ح 525 ، مسند أبى يعلى : ج 2 ص 50 ح 1141 ، المصّنف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 95 ح 25 وليس فيها «وبمن قتل نفسا بغير نفس» ، المعجم الأوسط : ج 1 ص 103 ح 318 نحوه وكلّها عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : ج 16 ص 66 ح 43960 .
2- .سنن الترمذى : ج 4 ص 701 ح 2574 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 235 ح 8438 ، البعث والنشور : ص 293 ح 524 ، شعب الإيمان : ج 5 ص 190 ح 6317 كلّها عن أبى هريره .
3- .عيون المعجزات : ص 73 عن أبى خالد كنكر الكابلى ، بحار الأنوار : ج 46 ص 103 ح 92 .
4- .البَذَاء : المُباذاه وهى المفاحشه (النهايه : ج 1 ص 110 «بذأ») .
5- .الخُيلاء بالضمّ والكسر : الكِبْر والعُجْب (النهايه : ج 2 ص 93 «خيل») .
6- .فى بحار الأنوار : «والفَخرُ» بدل «والفجر» .
7- .الخصال : ص 159 ح 204 عن العلاء بن فضيل ، أعلام الدين : ص 134 عن الإمام علىّ عليه السلام وفيه صدره إلى «... والبخل» ، بحار الأنوار : ج

73 ص 306 ح 31 وراجع : المحاسن : ج 1 ص 215 ح 392 .
8- .الخصال : ص 80 ح 1 عن عجلان ، عيون الحكم والمواعظ : ص 212 ح 4237 عن الإمام على عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 75 ص 337 ح 5 .

3113.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : تنوره ای از آتش بیرون می آید و حرف می زند و می گوید: «امروز ، من بر سه کس گماشته شده ام: بر هر متکبّری ؛ بر هر آن کس که خدایی دیگر را شریک خداوند ، قرار داده است ؛ و بر کسی که انسانی را بدون آن که مستحقّ قصاص باشد ، کُشته است» . آن گاه ، بر آنان می پیچد و آنها را در گرداب های جهنّم ، فرو می افکند .3112.الإمام الصادق علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : روز قیامت ، تنوره ای از آتش بیرون می آید که دارای دو چشمی است که می بینند ، و دو گوشی که می شنوند ، و زبانی که حرف می زند . می گوید: من ، بر سه کس گماشته شده ام: بر هر متکبّرِ سرکشی ؛ و بر هر کسی که خدایی دیگر را شریک خداوند ، قرار داده است ؛ و بر صورتگران .3111.عنه علیه السلام : امام زین العابدین علیه السلام : سه کس اند که خداوند ، روز قیامت به آنان نظر نمی اندازد و بر پاک بودنشان گواهی نمی دهد و برایشان عذابی دردناک است: آن که کسی را که از ما نیست ، در زمره ما در بیاورد ؛ آن که کسی را که از ماست ، از زمره ما خارج سازد ؛ و آن که بگوید که این دو ، از اسلام ، بهره ای دارند (یعنی این دو دسته [ی پیش گفته]) .3110.الإمام الباقر علیه السلام : امام صادق علیه السلام : سه خصلت است که هر گاه در مردی وجود داشته باشد ، باک مدار و بگو که او در جهنّم است: بی انصافی ، ترسویی ، و بخل . و سه خصلت است که هر گاه در زنی وجود داشته باشد ، باک مدار و بگو که او در جهنّم است: بدزبانی، تکبّر، و هَرزِگی .3109.عنه علیه السلام : امام صادق علیه السلام : سه گروه اند که خداوند ، آنان را بدون حسابرسی به آتش می بَرَد : ...

پیشوای ستمگر (/ منحرف)، تاجر دروغگو، و پیرمرد زناکار. .

3108.عنه علیه السلام : عنه علیه السلام : ثَلاثَةٌ لا یَنظُرُ اللّهُ إلَیهِم یَومَ القیامَهِ ولا یُزَکّیهِم ولَهُم عَذابٌ ألیمٌ : مَن ادَّعی إمامَهً مِنَ اللّهِ لَیسَت لَهُ ، ومَن جَحَدَ إماما مِنَ اللّهِ ، ومَن زَعَمَ أنَّ لَهُما فِی الإسلامِ نَصیبا .

3107(1).عنه علیه السلام : عنه علیه السلام : ثَلاثَةٌ لا یُکَلِّمُهُمُ اللّهُ یَومَ القِیامَهِ ولا یُزَکّیهِم ولَهُم عَذابٌ ألیمٌ : الشَّیخُ الزّانی ، وَالدَّیّوثُ ، وَالمَرأهُ توطِئُ فِراشَ زَوجِها .

3106(2).عنه علیه السلام : عنه علیه السلام : ثَلاثَةٌ لا یَنظُرُ اللّهُ إلَیهِم یَومَ القِیامَهِ ولا یُزَکّیهِم ولَهُم عَذابٌ ألیمٌ : الدَّیّوثُ مِنَ الرِّجالِ ، وَالفاحِشُ المُتَفَحِّشُ ، وَالَّذی یَسأَلُ النّاسَ وفی یَدِهِ ظَهرُ غِنیً .

3105(3).عنه علیه السلام : عنه علیه السلام : ثَلاثَةٌ لا یُکَلِّمُهُمُ اللّهُ یَومَ القِیامَهِ ولا یَنظُرُ إلَیهِم ولا یُزَکّیهِم ولَهُم عَذابٌ ألیمٌ : النّاتِفُ شَیبَهُ ، وَالنّاکِحُ نَفسَهُ ، وَالمَنکوحُ فی دُبُرِهِ .

3104(4).عنه علیه السلام : مسند ابن حنبل عن معاذ عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله : إنَّ للّهِ تَبارَکَ وتَعالی عِبادا لا یُکَلِّمُهُمُ اللّهُ یَومَ القِیامَهِ ولا یُزَکّیهِم ولا یَنظُرُ إلَیهِم . قیلَ لَهُ : مَن اُولئِکَ یا رَسولَ اللّهِ ؟ قالَ : مُتَبَرِّ مِن والِدَیهِ راغِبٌ عَنهُما ، ومُتَبَرِّ مِن وَلَدِهِ ، ورَجُلٌ أنعَمَ عَلَیهِ قَومٌ فَکَفَرَ نِعمَتَهُم وتَبَرَّأ مِنهُم . (5) .

1- .الکافی : ج 1 ص 374 ح 12 وص 373 ح 4 ، الغیبه للنعمانی : ص 112 ح 3 کلّها عن ابن أبی یعفور ، تفسیر العیاشی : ج 1 ص 178 ح 64 و 65 عن أبی حمزه الثمالی عن الإمام زین العابدین علیه السلام ، تحف العقول : ص 329 والأربعه الأخیره نحوه ، الخصال : ص 106 ح 69 عن أبی مالک الجهمی ، بحار الأنوار : ج 7 ص 212 ح 113 .

2- .الکافی : ج 5 ص 537 ح 7 ، کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 4 ص 21 ح 4983 ، ثواب الأعمال : ص 312 ح 5 نحوه وکلّها عن محمّد بن مسلم ، دعائم الإسلام : ج 2 ص 448 ح 1570 ، وسائل الشیعه : ج 14 ص 175 ح 25522 .

3- .تفسیر العیّاشی : ج 1 ص 178 ح 67 عن محمّد الحلبی ، بحار الأنوار : ج 79 ص 112 ح 9 .

4- .الخصال : ص 106 ح 68 عن أبی بصیر ، روضه الواعظین : ص 520 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 106 ح 1 .

5- .مسند ابن حنبل : ج 5 ص 312 ح 15636 ، المعجم الکبیر : ج 20 ص 195 ح 437 ، شعب الإیمان : ج 6 ص 196 ح 7887 ، کنز العمّال : ج 16 ص 51 ح 42891 نقلاً عن الخرائطی فی مساوئ الأخلاق .

3103.عنه علیه السلام : امام صادق علیه السلام : سه نفرند که خداوند در روز قیامت به آنان نمی نگرد و بر خوبیِ آنان ، گواهی نمی دهد و برایشان ، عذابی دردناک است: کسی که ادّعا کند که پیشوای الهی است و نباشد ؛ کسی که پیشوای الهی را انکار کند ؛ و کسی که معتقد باشد که این دو کس (مدّعی دروغین و منکر پیشوای الهی) ، بهره ای از اسلام دارند.3102.الإمام زین العابدین علیه السلام : امام صادق علیه السلام : سه کس اند که خداوند ، روز قیامت ، با آنان سخن نمی گوید و بر پاکی شان گواهی نمی دهد و برایشان ، عذابی دردناک است: پیرمرد زناکار، مرد بی غیرت، و زنی که به شوهرش خیانت کند.3101.الإمام الصادق علیه السلام : امام صادق علیه السلام : سه گروه اند که خداوند ، روز قیامت به آنان نمی نگرد و بر پاکی شان گواهی نمی دهد و برایشان ، عذابی دردناک است: مردان بی غیرت، ناسزاگویِ بددهن (/ دشنامگویِ دشنام پذیر) (1) ، و کسی که بی نیاز است و با این حال ، از مردم ، درخواست می کند .3100.عنه علیه السلام : امام صادق علیه السلام : سه کس اند که خداوند ، در روز قیامت ، با آنان سخن نمی گوید و به آنها نمی نگرد و بر پاکی شان گواهی نمی دهد و برایشان عذابی دردناک است : کسی که موی سپید خود را بچیند ، کسی که خودارضایی کند، و کسی که لواط دهد .3099.عنه علیه السلام : مسند ابن حنبل به نقل از معاذ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «همانا خداوند تبارک و تعالی بندگانی دارد که در روز قیامت ، با آنان سخن نمی گوید و بر پاکی شان گواهی نمی دهد و به آنان ، نگاه نمی اندازد» .

گفته شد : آنان ، چه کسانی اند ، ای پیامبر خدا؟

فرمود: «کسی که از پدر و مادرش بیزاری بجوید و از آنان ، روی بگردانَد ؛ کسی که از فرزندش بیزاری بجوید ؛ و مردی که قومی به او نیکی کنند و او نسبت به آنان ، ناسپاسی کند و از آنها بیزاری بجوید» . .

1- .یعنی :کسی که باکی ندارد که به دیگران فحّاشی کند یا فحّاشی بشنود .

3098.عنه عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَن أكَلَ بِأَخيهِ المُسلِمِ أكلَةً أطعَمَهُ اللّهُ مِثلَها مِن نارٍ ، ومَن لَبَسَ بِأخيهِ المُسلِمِ ثَوباً ألبَسَهُ اللّهُ ثَوبا مِثلَهُ مِنَ النّارِ ، ومَن قامَ بِأَخيهِ المُسلِمِ رِياءً وسُمعَةً أقامَهُ اللّهُ يَومَ القِيامَهِ مَقامَ رِياءٍ وسُمعَهٍ . (1)3097.عنه عَلَيه السلام : الإمام علىّ عليه السلام : ألا وإنَّ الغَدرَ وَالفُجورَ وَالخِيانَهَ فِى النّارِ . (2)3096.عنه عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : أربَعَهٌ حَقٌّ عَلَى اللّهِ أن لا يُدخِلَهُمُ الجَنَّهَ ولا يُذيقَهُمِ نَعيمَها : مُدمِنُ الخَمرِ ، وآكِلُ الرِّبا ، وآكِلُ مالِ اليَتيمِ بِغَيرِ حَقٍّ ، وَالعاقُّ لِوالِدَيهِ . (3)3095.عنه عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : أربَعَهٌ يُصلَبونَ عَلى شَفيرِ جَهَنَّمَ : الجائِرُ فى حُكمِهِ ، وَالمُعتَدى عَلى رَعِيَّتِهِ ، وَالمُكَذِّبُ بِالقَدَرِ ، وباغِضُ آلِ مُحَمَّدٍ .
(4)3094.الإمام زين العابدين عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : حُرِّمَتِ الجَنَّهُ عَلى مَن ظَلَمَ أهلَ بَيتى ، وعَلى مَن قاتَلَهُم ، وعَلَى المُعينِ عَلَيهِم ، وعَلى مَن سَبَّهُم ، «أُوْلَائِكَ لَا خَلَقَ لَهُمْ فِي الْاخِرَهِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَهِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ » (5) .
(6)3093.الإمام الحسين عليه السلام (مِن دُعائِهِ يَومَ عَرَفَهَ) عنه صلى الله عليه و آله : خَمسٌ لَيسَ لَهُنَّ كَفّارَهٌ : الشِّركُ بِاللّهِ عز و جل ، وقَتلُ النَّفسِ بِغَيرِ حَقٍّ ، أو نَهبُ

مُؤمِنٍ ، أوِ الفِرارُ يَومَ الزَّحفِ ، أو يَمينٌ صابِرَهٌ يَقتَطِعُ بِها مالاً بِغَيرِ حَقٍّ . (7) .

1- .المصنف لعبد الرزاق : ج 11 ص 458 ح 21000 ، الزهد لابن المبارک : ص 246 ح 707 کلاهما عن الحسن ، تاريخ دمشق : ج 63 ص 55 ح 12934 ، تهذيب الكمال : ج 30 ص 459 کلاهما عن المستورد وكلّها نحوه ، كنز العمّال : ج 3 ص 592 ح 8055 .
2- .الكافى : ج 2 ص 338 ح 6 عن الأصبغ بن نباته ، بحار الأنوار : ج 41 ص 129 ح 38 .
3- .المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 43 ح 2260 ، شعب الايمان : ج 4 ص 397 ح 5530 کلاهما عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 16 ص 67 ح 43966 .
4- .. ميزان الاعتدال : ج 4 ص 156 ح 8691 عن معمر بن بُرَيْک .
5- .آل عمران : 77 .

6- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 34 ح 65 ، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام : ص 99 كلاهما عن أحمد بن عامر الطائى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، الأمالى للطوسى : ص 164 ح 272 عن داود بن سليمان الغازى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، كشف الغمّه : ج 2 ص 15 عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 27 ص 222 ح 10 .

7- .مسند ابن حنبل : ج 3 ص 286 ح 8745 ، مسند الشاميّين : ج 2 ص 200 ح 1184 ، الفردوس : ج 2 ص 197 ح 2977 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 16 ص 79 ح 44007 ؛ المجازات النبويّه : ص 407 ح 325 .

3092.الإمام الحسن علیه السلام (مِن دُعاءٍ لَهُ فی قُنوتِهِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس با بدگویی از برادر مسلمانش [نزد دشمن او] لقمه ای بخورد ، خداوند ، همانند آن را از آتش به او می خورانَد ؛ و هر کس با بدگویی از برادر مسلمانش جامه ای را بپوشد ، خداوند ، همانند آن ، جامه ای از آتش بر او می پوشاند ؛ و هر کس با برادر مسلمانش از در ریاکاری و شهرت طلبی در آید ، خداوند در روز قیامت ، او را در مقام ریا و شهرت طلبی بر پا می دارد.3091.عنها علیهاالسلام (مِن دُعاءٍ لَها بَعدَ صَلاهِ العِشاءِ) امام علی علیه السلام : آگاه باشید که پیمان شکنی و نافرمانی و خیانت ، در آتش اند !3090.عنها علیهاالسلام (مِن دُعاءٍ لَها بَعدَ صَلاهِ المَغرِبِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : چهار کس اند که بایسته است خداوند ، آنان را به بهشت نبرَد و نعمت های آن را به آنان نچشانَد : باده گُسار، رِباخوار، کسی که مال یتیم را به ناحق بخورد، و کسی که با پدر و مادرش بدرفتاری کند (/ از فرمانِ پدر و مادرش سرپیچی کند)
.3089.عنها علیهاالسلام (مِن دُعاءٍ لَها بَعدَ صَلاهِ الظُّهرِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : چهار کس اند که بر کناره جهنّم به دار آویخته می شوند: آن که در حکومتش ستم کند، آن که نسبت به زیردستانش بی انصاف باشد ، آن که تقدیر خداوند را دروغ بشمارد، و آن که خاندان محمّد را دشمن بدارد.3088.فاطمه علیهاالسلام (مِن دُعاءٍ لَها بَعدَ صَلاهِ العَصرِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بهشت بر کسی که به اهل بیت من ستم کند و بر کسی که با آنان بجنگد و بر کسی که علیه آنان یاری و کمک رساند و بر کسی که ناسزایشان گوید، حرام شده است . «اینان را در آخرت بهره ای نیست و خدا روز قیامت با آنان سخن نمی گوید و به ایشان نمی نگرد و پاکشان نمی گرداند و عذابی دردناک خواهند داشت» .3087.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پنج چیز است که برایشان ، کفّاره ای نیست: شرک ورزیدن به خداوند عز و جل ، کُشتن کسی به ناحق ، غارت کردن مؤمنی، گریختن از میدان جهاد، و

سوگند دروغی که سوگند خورند ، با آن ، مالی را به ناحق ، از آنِ خود گردانَد . .

3086.عنه عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : خَمسَهٌ لا تُطفى نَيرانُهُم ، ولا تَموتُ أبدَانُهُم : رَجُلٌ أشرَكَ ، ورَجُلٌ عَقَّ والِدَيهِ ، ورَجُلٌ سَعى بِأخيهِ إلَى السُّلطانِ فَقَتَلَهُ ، ورَجُلٌ قَتَلَ نَفسا بِغَيرِ نَفسٍ ، ورَجُلٌ أذنَبَ وحَمَلَ ذَنبَهُ عَلَى اللّهِ عز و جل . (1)3085.عنه عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : خَمسَهٌ لا يَنظُرُ اللّهُ إلَيهِم يَومَ القِيامَهِ ولا يُزَكّيهِم ولَهُم عَذابٌ أليمٌ ، وهُم : النّائِمونَ عَنِ العَتَماتِ ، وَالغافِلونَ عَنِ الغَدَواتِ ، وَاللّاعِبونَ بِالشّاماتِ ، وَالشّارِبونَ القَهَواتِ ، وَالمُتَفَكِّهونَ بِشَتمِ الآباءِ وَالأُمَّهاتِ . (2)3084.عنه عليه السلام (فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ) صحيح مسلم عن عياض بن حمار : إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله قالَ ذاتَ يَومٍ فى خُطبَتِهِ : . . . «أهلُ النّارِ خَمسَهٌ : الضَّعيفُ الَّذى لا زَبْرَ (3) لَهُ ؛ الَّذينَ هُم فيكُم تَبَعا لا يَتَّبِعونَ أهلاً ولا مالاً ، وَالخائِنُ الَّذى لا يَخفى لَهُ طَمَعٌ وإن دَقَّ إلّا خانَهُ ، ورَجُلٌ لا يُصبِحُ ولا يُمسى إلّا وهُوَ يُخادِعُكَ عَن أهلِكَ ومالِكَ» وذَكَرَ البُخلَ أوِ الكَذِبَ «وَالشِّنظيرُ الفَحّاشُ (4) » . (5)3083.عنه عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : سِتَّهٌ يَدخُلونَ النّارَ بِلا حِسابٍ : الأُمَراءُ بِالجَورِ ، وَالعَرَبُ بِالعَصَبِيَّهِ ، وَالدَّهاقينُ بِالكِبرِ ، وَالتُّجّارُ بِالكَذِبِ ، وَالفُقَراءُ بِالحَسَدِ ، وَالأغنِياءُ بِالبُخلِ . (6)3082.الإمام علىّ عليه السلام : منيه المريد : قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : سِتَّهٌ يَدخُلونَ النّارَ قَبلَ الحِسابِ بِسِتَّهٍ ، قيلَ : يا

رَسولَ اللّهِ مَن هُم؟ قالَ : الأُمَراءُ بِالجَورِ ، وَالعَرَبُ بِالعَصَبِيَّهِ ، وَالدَّهاقينُ بِالكِبرِ ، وَالتُّجّارُ بِالخِيانَهِ ، وأهلُ الرُّستاقِ (7) بِالجَهالَهِ ، وَالعُلَماءُ بِالحَسَدِ . (8) .

1- .كنز الفوائد : ج 2 ص 47 عن أيّوب بن نوح عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 5 ص 60 ح 112 .
2- .معدن الجواهر : ص 49 ، وسائل الشيعه : ج 17 ص 307 ح 32170 .
3- .أى لاعقل له يَزْبُره وينهاه عن الإقدام على ما لا ينبغى (النهايه : ج 2 ص 293 «زبر») .
4- .الشِنظير الفحّاش . هو السيّى?الخلق (النهايه : ج 2 ص 504 «شنظر») .
5- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2198 ح 63 ، مسند ابن حنبل : ج 6 ص 157 ح 17491 ، السنن الكبرى : ج 10 ص 150 ح 20161 ، المعجم الكبير : ج 17 ص 361 ح 992 ، كنز العمّال : ج 16 ص 101 ح 44061 .

6- .الفردوس : ج 2 ص 329 ح 3491 عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 16 ص 87 ح 44030 .
7- .الرُّسْتاق : فارسىّ معرّب ، ويقال : رُزْداق ورُسْداق ؛ وهو السّواد (الصحاح : ج 4 ص 1481 «رستق») .
8- .منيه المريد : ص 324 ، جامع الأخبار : ص 392 ح 1093 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 127 ، الخصال : ص 325 ح 14 عن الإمام علىّ عليه السلام ، الاختصاص : ص 234 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله و كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 76 ص 156 ح 1 .

3081.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پنج کس اند که آتش آنها [در دوزخ] خاموش نمی شود و بدن هایشان نمی میرد: مردی که شرک بورزد ؛ مردی که پدر و مادرش را نافرمانی کند ؛ مردی که از برادرش نزد حکمران ، بدگویی کند و موجب کُشته شدن او شود ؛ مردی که انسانی را بی گناه بکُشد ؛ و مردی که گناهی را انجام دهد و آن گناه را به خداوند عز و جلنسبت دهد .3080.الإمام علیّ علیه السلام (فی دُعائِهِ لِلنَّبیِّ صلی الله علیه و آله) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پنج نفرند که خداوند ، روز قیامت ، به آنان نمی نگرد و پاکشان نمی شمارد و برایشان ، عذابی دردناک است : خفتگان از شامگاهان، (1) غافلان از صبحگاهان، (2) شمشیربازان، باده نوشان، (3) و کسانی که تفریحشان فحش دادن به پدران و مادران [یکدیگر]است.3079.البلد الأمین : صحیح مسلم به نقل از عیاض بن حمار : روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سخنرانی خود فرمود: «... اهل دوزخ ، پنج طایفه اند: ناتوانی که از خِرد ، بی بهره است ؛ آنان که در میان شما خدمتکارند (/ دنباله روند) و در پی [به دست آوردن]زن و دارایی نیستند ؛ خیانتکاری که با بُروز کمترین طمعی در او ، دست به خیانت می زند ؛ مردی که روز و شب می کوشد تو را در باره زن و دارایی ات بفریبد».

سپس از بخل یا دروغ نیز یاد کرد [و فرمود :] «و بداخلاقِ ناسزاگو».3078.مسند ابن حنبل عن اُمّ سلمه : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : شش گروه اند که بدون حسابرسی به آتش می روند: فرمان روایان ، به سبب ستم کردن ؛ عرب ، به سبب عصبیّت ؛ مَلّاکان ، به سبب تکبّر ؛ بازاریان ، به سبب دروغگویی، تهی دستان ، به سبب حسادت ؛ و توانگران ، به سبب بخل .3077.الإمام الرضا علیه السلام : منیه المرید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «شش گروه اند که به سبب شش [خصلت]، پیش از حسابرسی به آتش می روند» .

گفته شد: ای پیامبر خدا ! آنان ، چه کسانی هستند؟

فرمود: «فرمان روایان ، به سبب ستم کردن ؛ عرب به سبب عصبیّت ؛ ملّاکان ، به سبب تکبّر، بازاریان ، به سبب خیانت ؛ روستائیان ، به سبب نادانی ؛ و عالمان ، به سبب حسادت» . .

1- .عبارت «نام عن الشی ء» ، یعنی از فلان چیز ، غافل شد و «عتمات» ، به معنای نماز عشا یا خفتن است و «النّائِمونَ عَنِ العَتَمات» که در متن حدیث آمده ؛ یعنی : کسانی که از نماز عشا غافل شوند و بخوابند.
2- .واژه «غدوات» که در متن عربی حدیث آمده ، به از طلوع سپیده تا طلوع خورشید می گویند و در این جا ، مقصود ، نماز صبح است .
3- .واژه «قهوات» که در متن عربی حدیث آمده ، جمع «قهوه» ، یکی از نام های شراب است. بعضی گفته اند که مراد ، همان نوشیدن قهوه است، به قرینه آن که در روایتی دیگر ، این چیزها از پدیده های آخر زمان برشمرده شده است.

3076.عنه عليه السلام (فيما يُقالُ عِندَ الأُسطُوانَهِ الخامِسَهِ مِن) رسول اللّه صلى الله عليه و آله : سَبعَهٌ لا يَنظُرُ اللّهُ عز و جل إلَيهِم يَومَ القِيامَهِ ولا يُزَكّيهِم ولا يَجمَعُهُم مَعَ العالَمينَ ، يُدخِلُهُمُ النّارَ أوَّلَ الدّاخِلينَ إلّا أن يَتوبوا ، إلّا أن يَتوبوا ، إلّا أن يَتوبوا ، فَمَن تابَ تابَ اللّهُ عَلَيهِ : النّاكِحُ يَدَهُ ، وَالفاعِلُ ، وَالمَفعولُ بِهِ ، وَالمُدمِنُ بِالخَمرِ ، وَالضّارِبُ أبَوَيهِ حَتّى يَستَغيثا ، وَالمُؤذى جيرانَهُ حَتّى يَلعَنوهُ ، وَالنّاكِحُ حَليلَهَ جارِهِ . (1)3075.الإمام الصادق عليه السلام (فى دُعاءِ اُمِّ داوودَ) الإمام زين العابدين عليه السلام فى ذِكرِ مُساءَلَهِ المَلَكَينِ فِى القَبرِ : يابنَ آدَمَ !... ألا وإنَّ أوَّلَ ما يَسأَلانِكَ عَن رَبِّكَ الَّذى كُنتَ تَعبُدُهُ ، وعَن نَبِيِّكَ الَّذى اُرسِلَ إلَيكَ ، وعَن دينِكَ الَّذى كُنتَ تَدينُ بِهِ ، وعَن كِتابِكَ الَّذى كُنتَ تَتلوهُ ، وعَن إمامِكَ الَّذى كُنتَ تَتَوَلّاهُ ، ثُمَّ عَن عُمُرِكَ فيما كُنتَ أفنَيتَهُ ، ومالِكَ مِن أينَ اكتَسَبتَهُ وفيما أنتَ أنفَقتَهُ ؛ فَخُذ حِذرَكَ ، وَانظُر لِنَفسِكَ ، وأعِدَّ الجَوابَ قَبلَ الاِمتِحانِ وَالمُسائَلَهِ وَالاِختِبارِ .

فَإن تَكُ مُؤمِنا عارِفا بِدينِكَ مُتَّبِعا لِلصّادِقينَ مُوالِيا لِأَولِياءِ اللّهِ ؛ لَقّاكَ اللّهُ حُجَّتَكَ ، وأنطَقَ لِسانَكَ بِالصَّوابِ ، وأحسَنتَ الجَوابَ ، وبُشِّرتَ بِالرِّضوانِ وَالجَنَّهِ مِنَ اللّهِ عز و جل ، وَاستَقبَلَتكَ المَلائِكَهُ بِالرَّوحِ وَالرَّيحانِ . وإن لَم تَكُن كَذلِكَ ؛ تَلَجلَجَ لِسانُكَ ، ودَحَضَت حُجَّتُكَ ، وعَيِيتَ عَنِ الجَوابِ ، وبُشِّرتَ بِالنّارِ ، وَاستَقبَلَتكَ مَلائِكَهُ العَذابِ بِنُزُلٍ مِن حَميمٍ وتَصلِيَهِ جَحيمٍ . (2) .

1- .شعب الإيمان : ج 4 ص 378 ح 5470 ، تفسير ابن كثير : ج 5 ص 458 كلاهما عن أنس ، الفردوس : ج 2 ص 332 ح 3497 عن أنس وابن عمر ، كنز العمّال : ج 16 ص 90 ح 44040 .
2- .الكافى : ج 8 ص 73 ح 29 ، الأمالى للصدوق : ص 593 ح 822 ، أعلام الدين : ص 223 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 47 كلّها عن سعيد بن المسيب ، تحف العقول : ص 249 ، بحار الأنوار : ج 6 ص 223 ح 24 .

3074.الأمالی عن معاویه بن عمّار : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هفت نفرند که خداوند عز و جل ، روز قیامت ، به آنان نمی نگرد و پاکشان نمی شمارد و با دیگر مردمان ، گِردشان نمی آورد ؛ بلکه نخستین کسانی هستند که آنان را به آتش در می آورد ، مگر آن که توبه کنند، مگر آن که توبه کنند ، مگر آن که توبه کنند ؛ و آن که توبه کند ، خداوند ، توبه اش را می پذیرد: کسی که خودارضایی کند ؛ آن که لواط کند ؛ آن که لواط بدهد ؛ باده گسار ؛ و کسی که پدر و مادرش را بزند ، چندان که کمک بطلبند ؛ کسی که همسایگانش را بیازارد تا جایی که او را لعنت کنند ؛ و کسی که با ناموس همسایه اش زنا کند.3041.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : امام زین العابدین علیه السلام : ای انسان ! ... بدان ! نخستین چیزی که آن دو (نکیر و منکر) از تو می پرسند ، در باره پروردگار توست که او را می پرستیده ای، و در باره پیامبر توست که برایت فرستاده شده، و در باره دین توست که بِدان باور داشته ای، و در باره کتاب توست که آن را تلاوت می کرده ای ، و در باره امام توست که از او پیروی می کرده ای ، و سپس عمرت که آن را چگونه صرف کرده ای، و دارایی ات که از کجا به دستش آورده ای و در چه راهی خرج کرده ای. پس، به هوش باش و برای خودت ، فکری کن و پیش از شروع امتحان و پرسش و آزمون، پاسخی آماده ساز، که اگر مؤمن و به دینت ، آشنا و دنباله رو راستگویان ، و پیرو و دوستدار اولیای خدا بودی ، خداوند ، حجّتت را به تو تلقین می کند و زبانت را به حقیقت ، گویا می سازد و پاسخ نیکو و درست می دهی و از جانب خداوند عز و جلبه تو ، نوید خشنودی و بهشت ، داده می شود و فرشتگان ، با شادی و خوشی از تو استقبال می کنند ؛ و اگر نه چنان بودی، زبانت به لکنت می افتد و حجّتت باطل می گردد و از پاسخ دادن ، در می مانی و تو را به آتش ، نوید می دهند و فرشتگان عذاب ، با آب جوشان به استقبالت می آیند و به سوی دوزخ می کشانند. .

الفَصلُ الحادِی عشر: مَوانِعُ دُخولِ النّارِ11 / 1الإیمانُالکتاب«یَأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ هَلْ أَدُلُّکُمْ عَلَی تِجَارَهٍ تُنجِیکُم مِّنْ عَذَابٍ أَلِیمٍ * تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ بِأَمْوَ لِکُمْ وَ أَنفُسِکُمْ ذَ لِکُمْ خَیْرٌ لَّکُمْ إِن کُنتُمْ تَعْلَمُونَ» . (1)

الحدیث3021.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : رسول اللّه صلی الله علیه و آله : لا یَدخُلُ الجَنَّهَ کافِرٌ ، ولا یَدخُلُ النّارَ مُؤمِنٌ . (2)3020.مسند ابن حنبل عن عبد الرحمن بن عوف : عنه صلی الله علیه و آله : لا یَدخُلُ النّارَ أحَدٌ فی قَلبِهِ مِثقالُ حَبَّهِ خَردَلٍ مِن إیمانٍ ، ولا یَدخُلُ الجَنَّهَ أحَدٌ فی قَلبِهِ مِثقالُ حَبَّهِ خَردَلٍ مِن کِبرِیاءَ . (3) .

1- .الصف : 10 و 11 .
2- .الفردوس : ج 5 ص 107 ح 7620 عن أبی شریح ، تفسیر الطبری : ج 7 الجزء 12 ص 119 من دون إسنادٍ إلی أحدٍ من أهل البیت علیهم السلام وفیه «فاسق» بدل «کافر» ، کنزالعمّال : ج 1 ص 84 ح 353 .
3- .صحیح مسلم : ج 1 ص 93 ح 148 ، سنن أبی داود : ج 4 ص 59 ح 4091 ، سنن الترمذی : ج 4 ص 361 ح 1998 کلّها عن عبداللّه بن مسعود ، کنزالعمّال : ج 3 ص 528 ح 7748 ؛ معانی الأخبار : ص 241 ح 1 عن عبداللّه بن طلحه عن الإمام الصادق علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله و ح 3 عن الإمام الصادق علیه السلام ، بحارالأنوار : ج 2 ص 141 ح 1 .

فصل یازدهم : موانع رفتن به دوزخ

11 / 1 ایمان

فصل یازدهم : موانع رفتن به دوزخ11 / 1ایمانقرآن«ای کسانی که ایمان آورده اید ! آیا شما را به داد و ستدی راه نمایی کنم که از عذابی دردناک ، نجاتتان بخشد؟ به خدا و فرستاده او ، ایمان بیاورید و با مال و جان خود ، در راه خدا جهاد کنید . این ، برای شما بهتر است ، اگر بدانید» .

حدیث3013.الإمام الرضا علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ کافری به بهشت وارد نمی شود، و هیچ مؤمنی به آتش در نمی آید .3012.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کسی که به وزن دانه خَردلی ایمان در دلش باشد ، به آتش [دوزخ]وارد نمی شود، و کسی که به اندازه دانه خَردلی تکبّر در دلش باشد ، به بهشت وارد نمی شود.

.

3011.مسند زيد عن أبى خالد : صحيح البخارى عن أنس : إنَّ النَّبِىَّ صلى اللّه عليه و آله ومَعاذٌ رَديفُهُ (1) عَلَى الرَّحلِ ، قالَ : يا مَعاذَ بنَ جَبَلٍ ! قالَ : لَبَّيکَ يا رَسولَ اللّهِ وسَعدَيکَ ، قالَ : يا مَعاذُ ! قالَ : لَبَّيکَ يا رَسولَ اللّهِ وسَعدَيکَ ثَلاثا قالَ : ما مِن أحَدٍ شَهِدَ أن لا إلهَ إلَا اللّهُ وأنَّ مُحَمَّدا رَسولُ اللّهِ صِدقا مِن قَلبِهِ ، إلّا حَرَّمَهُ اللّهُ عَلَى النّارِ . (2)3010.الإمام الحسن عليه السلام (مِن خُطبَةٍ لَهُ لَمّا عَزَمَ عَلَى الصُّلحِ) سنن ابن ماجه عن ابن عمر : كُنّا مَعَ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله فى بَعضِ غَزَواتِهِ ، فَمَرَّ بِقَومٍ ، فَقالَ : مَنِ القَومُ؟ فَقالوا : نَحنُ المُسلِمونَ ، وَامرَأَةٌ تُحصِبُ (3) تَنّورَها ، ومَعَهَا ابنٌ لَها ، فَإِذَا ارتَفَعَ وَهَجُ التَّنّورِ تَنَحَّت بِهِ ، فَأَتَتِ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله فَقالَت : أنتَ رَسولُ اللّهِ؟ قالَ : نَعَم ، قالَت : بِأبى أنتَ وأمّى ! أَلَيسَ اللّهُ بِأرحَمَ الرّاحِمينَ ؟ قالَ : بَلى ، قالَت : أوَلَيسَ اللّهُ بِأرحَمَ بِعِبادِهِ مِنَ الأُمِّ بِوَلَدِها ؟ قالَ : بَلى ، قالَت : فَإِنَّ الأُمَّ لا تُلقى وَلَدَها فِى النّارِ !

فَأَكَبَّ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَبكى ، ثُمَّ رَفَعَ رَأسَهُ إلَيها فَقالَ : إنَّ اللّهَ لا يُعَذِّبُ مِن عِبادِهِ إلَا المارِدَ المُتَمَرِّدَ ، الَّذى يَتَمَرَّدُ عَلَى اللّهِ وأبى أن يَقولَ : لا إلهَ إلَا اللّهُ . (4)3009.الإمام الصادق عليه السلام : التوحيد عن ابن عبّاس : قالَ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله : وَالَّذى بَعَثَنى بِالحَقِّ بَشيرا ! لا يُعَذِّبُ اللّهُ بِالنّارِ مُوَحِّدا أبَدا ، وإنَّ أهلَ التَّوحيدِ لَيَشفَعونَ فَيُشَفَّعونَ .

ثُمَّ قالَ عليه السلام : إنَّهُ إذا كانَ يَومُ القِيامَهِ أمَرَ اللّهُ تَبارَکَ وتَعالى بِقَومٍ ساءَت أعمالُهُم فى دارِ الدُّنيا إلَى النّارِ ، فَيَقولونَ : يا رَبَّنا ، كَيفَ تُدخِلُنَا النّارَ وقَد كُنّا نُوَحِّدُکَ فى دارِ الدُّنيا ؟ ! وكَيفَ تُحرِقُ بِالنّارِ ألسِنَتَنا وقَد نَطَقَت بِتَوحيدِکَ فى دارِ الدُّنيا؟ ! وكَيفَ تُحرِقُ قُلوبَنا وقَد عَقَدَت عَلى أن لا إلهَ إلّا أنتَ؟ ! أم كَيفَ تُحرِقُ وُجوهَنا وقَد عَفَّرناها لَکَ فِى التُّرابِ؟ ! أم كَيفَ تُحرِقُ أيدِيَنا وقَد رَفَعناها بِالدُّعاءِ إلَيکَ؟ !

فَيَقولُ اللّهُ جَلَّ جَلالُهُ : عِبادى ! ساءَت أعمالُكُم فى دارِ الدُّنيا ، فَجَزاؤُكُم نارُ جَهَنَّمَ .

فَيَقولونَ : يا رَبَّنا ! عَفوُکَ أعظَمُ أم خَطيئَتُنا؟

فَيَقولُ عز و جل : بَل عَفوى .

فَيَقولونَ : رَحمَتُکَ أوسَعُ أم ذُنوبُنا؟

فَيَقولُ عز و جل : بَل رَحمَتی .

فَيَقولونَ : إقرارُنا بِتَوحيدِکَ أعظَمُ أم ذُنوبُنا؟

فَيَقولُ عز و جل : بَل إقرارُکُم بِتَوحيدی أعظَمُ .

فَيَقولونَ : يا رَبَّنا ! فَليَسِعنا عَفوُکَ ورَحمَتُکَ الَّتی وَسِعَت کُلَّ شَیءٍ .

فَيَقولُ اللّهُ جَلَّ جَلالُهُ : مَلائِکَتی ! وعِزَّتی وجَلالی ، ما خَلَقتُ خَلقا أحَبَّ إلَیَّ مِنَ المُقِرّينَ لی بِتَوحيدی ، وأن لا إلهَ غَيری ، وحَقٌّ عَلَیَّ أن لا اُصلِیَ بِالنّارِ أهلَ تَوحيدی ، أدخِلوا عِبادِیَ الجَنَّةَ . (5) .

1- .رَدِفتُه : إذا ركبت خلفه (مجمع البحرين : ج 2 ص 692 «ردف») .
2- .صحيح البخاری : ج 1 ص 60 ح 128 ، صحيح مسلم : ج 1 ص 61 ح 53 ، شعب الإيمان : ج 1 ص 146 ح 126 وليس فيهما «صدقا من قلبه» ، كنزالعمّال : ج 1 ص 47 ح 125 .
3- .الحَصَبُ : الحَطَبُ عامّه ، وهی لغه أهل اليمن (تاج العروس : ج 1 ص 426 «حصب») .
4- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1436 ح 4297 ، الفردوس : ج 1 ص 167 ح 618 وفيه ذيله من «إنّ اللّه لا يعذّب ...» ، كنزالعمّال : ج 1 ص 68 ح 261 .
5- .التوحيد : ص 29 ح 31 ، الأمالی للصدوق : ص 372 ح 469 ، روضه الواعظين : ص 51 ، بحارالأنوار : ج 3 ص 1 ح 1 .

3008.قرب الإسناد عن بكر بن محمّد : صحيح البخارى به نقل از اَنَس : پيامبر صلى الله عليه و آله به مَعاذ كه در تركِ شتر ايشان نشسته بود، فرمود: «اى مَعاذ بن جَبَل !» .

معاذ گفت: بله ، اى پيامبر خدا ! امر بفرما .

دوباره فرمود: «اى معاذ !» .

معاذ گفت: بله ، اى پيامبر خدا ! در خدمتم .

اين جملات ، سه بار ردّ و بدل شد . بار سوم ، پيامبر صلى الله عليه و آله فرمود: «هيچ كس نيست كه از صميم دلش گواهى دهد كه خدايى جز خداى يكتا نيست و محمّد ، فرستاده خداست ، مگر آن كه خداوند ، او را بر آتش ، حرام مى گردانَد» .3007.معانى الأخبار عن أبى حمزه : سنن ابن ماجه به نقل از ابن عمر : همراه پيامبر خدا صلى الله عليه و آله به يكى از غزوات ايشان مى رفتيم كه بر مردمانى گذشت. پرسيد: «شما كيستيد؟» .

گفتند: ما مسلمانيم . زنى مشغول هيزم كردن به تنورش بود و پسربچّه اى با خود داشت. شعله تنور كه بالا مى آمد ، بچّه اش را از آن ، دور مى كرد. آن زن ، نزد پيامبر صلى الله عليه و آله آمد و گفت : تو پيامبر خدايى؟

فرمود: «آرى» .

گفت : پدر و مادرم به فدايت ! آيا خداوند ، مهربان ترينِ مهربانان نيست؟

فرمود: «چرا» .

گفت : آيا خداوند به بندگانش ، مهربان تر از مادر به فرزندش نيست؟

فرمود: «چرا» .

زن گفت: ولى مادر ، فرزندش را در آتش نمى اندازد!

پيامبر خدا صلى الله عليه و آله ، شروع به گريستن كرد . سپس سرش را به طرف آن زن كرد و فرمود: «خداوند ، از بندگانش تنها آن نافرمانِ

سرکشی را عذاب می کند که در برابر خدا ، سرکشی می نماید و از گفتن "لا إله إلّا اللّه" ، امتناع می ورزد» .3006.صحیح البخاری عن عبد الرحمن بن أبی لیلی : التوحید به نقل از ابن عبّاس : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سوگند به آن که مرا به راستی ، نوید دهنده بر انگیخت ، خداوند ، هرگز هیچ یکتاپرستی را با آتش ، عذاب نمی کند، و [بلکه] یکتاپرستان [برای دیگران] شفاعت می کنند و شفاعتشان هم پذیرفته می شود» .

سپس فرمود: «چون روز قیامت شود ، خداوند تبارک و تعالی دستور می دهد تا عدّه ای را که در سرای دنیا کردارهایشان بد بوده است ، به سوی آتش ببرند. آنها می گویند:

پروردگارا ! چگونه ما را به آتش در می آوری ، حال آن که در سرای دنیا ، تو را به یگانگی می پرستیدیم؟ ! و چگونه زبان هایمان را در آتش می سوزانی ، با آن که در سرای دنیا به توحید تو ، گویا بوده اند؟ ! و چگونه دل های ما را می سوزانی ، در حالی که معتقد بوده اند که خدایی جز تو نیست؟ ! یا چگونه چهره های ما را می سوزانی ، با آن که آن را برای تو بر خاک نهاده ایم؟ ! یا چگونه دستان ما را می سوزانی ، در حالی که آنها را به دعا ، به سوی تو بلند کرده ایم ؟ !

خداوند عز و جل می فرماید: "بندگان من ! کردارهای شما در سرای دنیا بد بود . پس سزای شما ، آتش جهنّم است" .

می گویند: پروردگارا ! بخشایش تو بزرگ تر است یا خطاهای ما؟

خداوند عز و جل می فرماید: "بخشایش من" .

می گویند: رحمت تو ، پهناورتر است یا گناهان ما؟

می فرماید: "بلکه رحمت من" .

می گویند: اقرار ما به یکتایی تو بزرگ تر است یا گناهان ما؟

خداوند عز و جل می فرماید: "بلکه اقرار شما به یکتایی من ، بزرگ تر است".

می گویند: پروردگارا ! پس باید بخشایش و رحمت تو که همه چیز را در بر گرفته است ، ما را نیز در بر بگیرد .

پس، خداوند عز و جل می فرماید: "فرشتگان من ! به عزّت و جلالم سوگند ، هیچ مخلوقی را نیافریده ام که نزد من ، محبوب تر از کسانی باشد که به یکتایی من و این که خدایی جز من نیست ، اقرار دارند، و بر من است که یکتاپرستانم را به آتش ، در نیاورم. بندگانم را به بهشت در آورید !"» . .

3005.صحیح البخاری عن أبی سعید الخدریّ : رسول اللّه صلی الله علیه و آله : لَن یُوافِیَ عَبدٌ یَومَ القِیامَهِ یَقولُ : «لا إلهَ إلّا اللّهُ» یَبتَغی بِها وَجهَ اللّهِ ، إلّا حَرَّمَ اللّهُ عَلَیهِ النّارَ . (1) .

1- .صحیح البخاری : ج 5 ص 2360 ح 6059 ، السنن الکبری للنسائی : ج 6 ص 273 ح 10947 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 200 ح 23831 ، المصنف لعبد الرزاق : ج 1 ص 503 ح 1929 کلّها عن عتبان بن مالک ، کنزالعمّال : ج 1 ص 46 ح 119 .

3004.صحیح البخاری عن کعب بن عجره : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر بنده ای روز قیامت ، که به قصد قربت ، «لا إله إلّا اللّه» گفته باشد ، چیزی دریافت نمی کند ، جز این که خداوند ، آتش را بر او حرام می گردانَد . .

3003.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : سَمّانِىَ اللّهُ مِن فَوقِ عَرشِهِ عَشرَةَ أسماءٍ ... وجَعَلَ اسمى فِى التَّوراهِ : اُحَيدَ ، فَبِالتَّوحيدِ حَرَّمَ أجسادَ اُمَّتى عَلَى النّارِ . (1)3002.الصواعق المحرقه عن الشافعى : الإمام علىّ عليه السلام : إنَّ اللّهَ عز و جل دَلَّكُم عَلى تِجارَةٍ تُنجيكُم مِن عَذابٍ أليمٍ ، وتُشفى بِكُم عَلَى الخَيرِ : الإيمانِ بِاللّهِ وَالجِهادِ فى سَبيلِ اللّهِ ، وجَعَّلَ ثَوابَهُ مَغفِرَةً لِلذَّنبِ ومَساكِنَ طَيِّبَةً فى جَنّاتِ عَدنٍ . (2)3001.عنه عليه السلام : عنه عليه السلام فِى الدُّعاءِ : اللّهُمَّ ألبِسنى خُشوعَ الإيمانِ بِالعِزِّ قَبلَ خُشوعِ الذُّلِّ فِى النّارِ .
(3)3000.الإمام الصادق عليه السلام : عنه عليه السلام أيضا : أتُعَذِّبُنى بِالنّارِ وأنتَ أمَلى ؟ ! أو تَسَلِّطُها عَلَىَّ بَعدَ إقرارى لَكَ بِالتَّوحيدِ وخُضوعى وخُشوعى لَكَ بِالسُّجودِ ؟ ! (4)2999.عنه صلى الله عليه و آله : عنه عليه السلام فِى الدُّعاءِ المَعروفِ بِدُعاءِ كُمَيلٍ : يا إلهى وسَيِّدى ورَبّى ! أتُراكَ مُعَذِّبى بِنارِكَ بَعدَ تَوحيدِكَ ، وبَعدَ مَا انطَوى عَلَيهِ قَلبى مِن مَعرِفَتِكَ ، ولَهِجَ (5) بِهِ لِسانى مِن ذِكرِكَ ، وَاعتَقَدَهُ ضَميرى مِن حُبِّكَ ، وبَعدَ صِدقِ اعترافى ودُعائى خاضِعا لِرُبوبِيَّتِكَ . هَيهاتَ ! أنتَ أكرَمُ مِن أن تُضَيِّعَ مَن رَبَّيتَهُ ، أو تُبَعِّدَ مَن أدنَيتَهُ ، أو تُشَرِّدَ مَن آوَيتَهُ ، أو تُسَلِّمَ إلَى البَلاءِ مَن كَفَيتَهُ ورَحِمتَهُ .

ولَيتَ شِعرى يا سَيِّدى وإلهى ومَولاىَ ! أتُسَلِّطُ النّارَ عَلى وُجوهٍ خَرَّت لِعَظَمَتِكَ

ساجِدَةً ، وعَلى ألسُنٍ نَطَقَت بِتَوحيدِكَ صادِقَةً ، وبِشُكرِكَ مادِحَةً ، وعَلى قُلوبٍ اعتَرَفَت بِإلهِيَّتِكَ مُحَقِّقَةً ، وعَلى ضَمائِرَ حَوَت مِنَ العِلمِ بِكَ حَتّى صارَت خاشِعَةً ، وعَلى جَوارِحَ سَعَت إلى أوطانِ تَعَبُّدِكَ طائِعَةً ، وأشارَت بِاستِغفارِكَ مُذعِنَةً ؟ !

ما هكَذَا الظَّنُّ بِكَ ، ولا اُخبِرنا بِفَضلِكَ عَنكَ ، يا كَريمُ يا رَبِّ ، وأنتَ تَعلَمُ ضَعفى عَن قَليلٍ مِن بَلاءِ الدُّنيا وعُقوباتِها ، وما يَجرى فيها مِنَ المَكارِهِ عَلى أهلِها ، عَلى أنَّ ذلِكَ بَلاءٌ ومَكروهٌ قَليلٌ مَكثُهُ ، يَسيرٌ بَقاؤُهُ ، قَصيرٌ مُدَّتُهُ ، فَكَيفَ احتِمالى لِبَلاءِ الآخِرَهِ وجَليلِ وُقوعِ المَكارِهِ فيها ؟ ! وهُوَ بَلاءٌ تَطولُ مُدَّتُهُ ، ويَدومُ مَقامُهُ ، ولا يُخَفَّفُ عَن أهلِهِ ؛ لِأَنَّهُ لا يَكونُ إلّا عَن غَضَبِكَ وَانتِقامِكَ وسَخَطِكَ ، وهذا ما لا تَقومُ لَهُ السَّماواتُ وَالأَرضُ .

يا سَيِّدى ، فَكَيفَ لى وأنَا عَبدُكَ الضَّعيفُ الذَّليلُ الحَقيرُ المِسكينُ المُستَكينُ ! (6) .

1- .معانى الأخبار : ص 51 ح 1 ، الخصال : ص 425 ح 1 ، علل الشّرائع : ص 128 ح 3 كلّها عن جابر بن عبداللّه ، بحارالأنوار : ج 16 ص 92 ح 27 .
2- .الكافى : ج 5 ص 39 ح 4 عن مالک بن أعين ، الإرشاد : ج 1 ص 265 ، وقعه صفين : ص 235 عن عبدالرحيم بن عبدالرحمن عن أبيه ، بحارالأنوار : ج 32 ص 566 ح 471 ؛ تاريخ الطبرى : ج 5 ص 16 عن أبى عمره الأنصارى وكلّها نحوه .
3- .مهج الدعوات : ص 129 ، مصباح المتهجّد : ص 598 ح 692 ، الإقبال : ج 1 ص 177 وفيهما «أسألک» بدل «ألبسنى» وليس فيهما «بالعزّ» ، بحارالأنوار : ج 94 ص 238 ح 9 .
4- .البلد الأمين : ص 127 ، جمال الاُسبوع : ص 72 ، بحارالأنوار : ج 90 ص 194 ح 29 .
5- .لَهِج به : اُغْرِىَ به فَثَابَر عليه (القاموس المحيط : ج 1 ص 206 «لهج») .
6- .مصباح المتهجّد : ص 846 ح 910 ، الإقبال : ج 3 ص 334 كلاهما عن كميل ، البلد الأمين : ص 189 ، المصباح للكفعمى : ص 739 .

2998.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، از فراز عرشش ، ده نام بر من نهاد... . در تورات ، نامم را «اُحَید (دور کننده)» (1) گذاشت؛ زیرا به واسطه توحید ، پیکرهای امّت مرا بر آتش ، حرام گردانید .2997.عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خداوند عز و جل ، شما را به داد و ستدی راه نمایی فرمود که از عذاب دردناک ، نجاتتان می دهد و به خیر [و نیکی]نزدیکتان می سازد. [آن داد و ستد ، عبارت است از:] ایمان آوردن به خدا و جهاد کردن در راه خدا، و پاداش آن را هم آمرزش گناه و سکونتگاه های پاکیزه خود در بهشت های جاویدان ، قرار داد .2996.عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام در دعا : بار خدایا! جامه خشوع و عزّتمندانه ایمان را بر من بپوشان ، پیش از آن که جامه خشوعِ خواری در آتش [دوزخ] ، بر من پوشانیده شود.2995.عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام در دعا : آیا مرا به آتشْ عذاب می کنی ، در حالی که تو امید منی؟ یا آتش را بر من مسلّط می گردانی ، پس از آن که به یکتایی تو اقرار کرده ام و با سجده هایم در برابر تو ، خضوع و خاکساری نموده ام؟ !2994.عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام در دعای معروف به «دعای کمیل» : ای معبود من و ای سَرور و ای پروردگار من! آیا به راستی مرا با آتشت عذاب خواهی کرد، پس از آن که به یکتایی تو اقرار کرده ام و پس از آن که شناخت تو را در دل پروراندم و زبانم ، پیوسته از تو یاد کرد و عشق تو ، با جانم در آمیخت و از سرِ صدق به تو اعتراف کردم و تو را خواندم و در برابر پروردگاری ات ، سرِ تسلیم فرود آوردم؟ هرگز! تو بزرگوارتر از آنی که آن را که پرورده ای ، تباه سازی، یا آن را که به خود نزدیک ساخته ای ، از خویشتن دور گردانی، یا آن را که سرپناه داده ای ، آواره نمایی، یا کسی را که در سایه حمایت و رحمت خود آورده ای ، به دست بلا بسپاری .

کاش می دانستم ای آقا و معبود و سَرور من که آیا آتش را بر چهره هایی چیره می گردانی که در برابر عظمت تو ، سجده کنان ، به خاک افتاده اند، و بر

زبان هایی که صادقانه ، به یکتاییِ تو گویا شده اند و ستایش کنان ، به شُکرگزاری از تو پرداخته اند، و بر دل هایی که حقیقتا به خداییِ تو اعتراف کرده اند، و بر درون هایی که از شناخت تو آکنده شده ، چندان که خاشع گشته اند، و بر اندام هایی که دادخواهانه ، به سوی جایگاه های عبودیت و

پرستش تو دویده اند و اعتراف کنان [به گناهانشان] ، از تو آمرزش طلبیده اند!

[هرگز] چنین گمانی به تو نمی رود و به لطف تو، خبری هم در این باره ، از تو به ما نرسیده است، ای بزرگوار، ای پروردگار ! تو ، ناتوانیِ مرا در برابر اندکْ بلا و کیفرهای دنیا و ناملایماتی که بر اهل آن می گذرد ، می دانی، با آن که این بلاها و ناملایمات ، درنگش اندک و دورانش ناچیز و مدّتش کوتاه است . پس چگونه تاب تحمّل بلای آخرت و ناملایمات بزرگ آن جا را دارم، در حالی که بلای آن ، مدّتش طولانی و درنگش همیشگی است ، و بر اهل آن (بلا و کیفر) ، تخفیف نمی یابد؛ زیرا آن بلا ، از خشم و انتقام و ناخشنودی تو سرچشمه می گیرد ؛ و این ، چیزی است که آسمان ها و زمین ، یارای ایستادگی در برابرش را ندارند، چه رسد به من ای سَرورم که من ، بنده ناتوان و خوار و حقیر و بیچاره و بینوای تو ام!.

1- .پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «به این سببْ اُحَید (دور کننده) نامیده شدم که امّت خود را از آتش جهنّم ، دور می سازم» .

2993.عنه صلى الله عليه و آله : عنه عليه السلام فى مُناجاهِ لَهُ : إلهى ، قَلبٌ حَشَوتَهُ مِن مَحَبَّتِکَ فى دارِ الدُّنيا ، کَيفَ تَطَّلِعُ عَلَيهِ نارٌ مُحرِقَهٌ فى لَظى ؟ ! إلهى ، نَفسٌ أعزَزتَها بِتَأييدِ إيمانِکَ ، کَيفَ تُذِلُّها بَينَ أطباقِ نيرانِکَ ؟ ! إلهى ، لِسانٌ کَسَوتَهُ مِن تَماجيدِکَ أنيقَ أثوابِها ، کَيفَ تَهوى إلَيهِ مِنَ النّارِ مُشتَعِلاتُ التِهابِها ؟ !(1)2992.عنه صلى الله عليه و آله : الإمام زين العابدين عليه السلام : إلهى ، أتُراکَ بَعدَ الإيمانِ بِکَ تُعَذِّبُنى ؟ ! أم بَعدَ حُبّى إيّاکَ تَبَعِّدُنِى ؟ !(2)2991.عنه صلى الله عليه و آله (فى حَديثٍ يَذکُرُ فيهِ أبخَلَ النّاسِ و . . . و) عنه عليه السلام فى مُناجاهِ الخائِفينَ : إلهى ، نَفسٌ أعزَزتَها بِتَوحيدِکَ ، کَيفَ تُذِلُّها بِمَهانَهِ

هِجرانِکَ ؟ ! وضَميرٌ انعَقَدَ عَلى مَوَدَّتِکَ ، کَيفَ تُحرِقُهُ بِحَرارَهِ نيرانِکَ؟ !(3) .

1- .البلد الأمين : ص 313 ، المصباح للكفعمى : ص 487 كلاهما عن الإمام العسكرى عن آبائه عليهم السلام ، المزار للشهيد الأول : ص 274 وفيه صدره إلى «لظى» ، بحارالأنوار : ج 94 ص 101 ح 14 .
2- .بحارالأنوار : ج 94 ص 143 نقلاً عن بعض الكتب .
3- .بحارالأنوار : ج 94 ص 144 نقلاً عن بعض الكتب .

2990.عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام در یکی از مناجات هایش : معبودا ! دلی که آن را در سرای دنیا از محبّت خود بیاکَنْده ای، چگونه آتش سوزان شعله ور ، در آن ، جا خواهد گرفت؟ !

معبودا ! جانی را که آن را با نیروی ایمان به خودت تقویت کرده ای، چگونه در میان لایه های آتش های خود ، خوارش خواهی کرد؟ !

معبودا ! زبانی را که زیباترین جامه های تمجید و ستایش خود را بر آن پوشانده ای، چگونه شعله های سوزان آتش به سویش کشیده خواهد شد؟ !2989.عنه صلی الله علیه و آله : امام زین العابدین علیه السلام : معبودا ! آیا به راستی مرا، پس از آن که به تو ایمان آورده ام، عذاب خواهی کرد، یا با وجود عشقم به تو ، مرا [از خود] دور خواهی ساخت؟ !2988.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : امام زین العابدین علیه السلام در «مناجات الخائفین» : معبودا ! جانی را که با [ایمان به]یکتایی ات عزّتش بخشیده ای، چگونه به خوارِیِ دوری از خودت ، دچار

خواهی کرد؟ ! و درونی را که با مهرورزی به تو گِره خورده است ، چگونه با حرارت آتشت خواهی سوزاند؟ ! .

2987.عنه عليه السلام : الكافى عن زراره : قُلتُ لِأَبى جَعفَرٍ عليه السلام : يَدخُلُ النّارَ مُؤمِنٌ؟ قالَ : لا وَاللّهِ . (1)2986.الإمام الصادق عليه السلام : الإمام الصادق عليه السلام : بِتَمامِ الإيمانِ دَخَلَ المُؤمِنونَ الجَنَّةَ ، وبِالزِّيادَهِ فِى الإيمانِ تَفاضَلَ المُؤمِنونَ بِالدَّرَجاتِ عِندَ اللّهِ ، وبِالنُّقصانِ دَخَلَ المُفَرِّطونَ النّارَ . (2)2985.سنن ابن ماجه عن أبى الدرداء : التوحيد عن أبى بصير عن الإمام الصادق عليه السلام فى قَولِ اللّهِ عز و جل : «هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَهِ» (3) : قالَ اللّهُ تَبارَکَ وتَعالى : أنَا أهلٌ أن أُتَّقى ولا يُشرِکَ بى عَبدى شَيئا ، وأنَا أهلٌ إن لَم يُشرِک بى عَبدى شَيئا أن أُدخِلَهُ الجَنَّةَ .

وقالَ عليه السلام : إنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالى أقسَمَ بِعِزَّتِهِ وجَلالِهِ أن لا يُعَذِّبَ أهلَ تَوحيدِهِ بِالنّارِ أبَدا . (4)2984.عنه صلى الله عليه و آله : الإمام الصادق عليه السلام : إنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالى حَرَّمَ أجسادَ المُوَحِّدينَ عَلَى النّارِ . (5)2983.عنه صلى الله عليه و آله : عنه عليه السلام لَمّا سُئِلَ : لِمَ سُمِّىَ المُؤمِنُ مُؤمِنا؟ : لِأَنَّهُ اشتَقَّ لِلمُؤمِنِ اسما مِن أسمائِهِ تَعالى ، فَسَمّاهُ مُؤمِنا ، وإنَّما سُمِّىَ المُؤمِنُ لِأَنَّهُ يُؤمَنُ مِن عَذابِ اللّهِ تَعالى . (6)2982.عنه صلى الله عليه و آله : كتاب من لا يحضره الفقيه عن أبى هاشم الجعفرىّ : أصابَتنى ضيقَهٌ شَديدَهٌ ، فصِرتُ إلى أبِى الحَسَنِ عَلِىِّ بنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام ، فَاستأذَنتُ عَلَيهِ فَأَذِنَ لى ، فَلَمّا جَلَستُ قالَ :

يا أبا هاشِمٍ ، أىَّ نِعَمِ اللّهِ عز و جل عَلَيکَ تُرِيدُ أن تُؤَدِّىَ شُکرَها؟ قالَ أبو هاشِمٍ : فَوَجَمتُ فَلَم أدرِ ما أقولُ لَهُ ، فَابتَدَأنى عليه السلام ، فَقالَ : إنَّ اللّهَ عز و جل رَزَقَکَ الإيمانَ فَحَرَّمَ بِهِ بَدَنَکَ عَلَى النّارِ ... . (7) .

1- .الكافى : ج 2 ص 385 ح 7 ، رجال الكشّى : ج 1 ص 354 الرقم 223 عن علىّ بن رئاب عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحارالأنوار : ج 72 ص 167 ح 34 .
2- .الكافى : ج 2 ص 37 ح 1 ، تفسير العياشى : ج 2 ص 324 ح 12 كلاهما عن أبى عمرو الزبيرى ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 9 ، بحارالأنوار : ج 69 ص 28 ح 6 .
3- .المدّثّر : 56 .
4- .التوحيد : ص 20 ح 6 ، بحارالأنوار : ج 3 ص 4 ح 8 .
5- .التوحيد : ص 20 ح 7 عن أبى بصير ، بحارالأنوار : ج 3 ص 4 ح 9 .

6- .بحارالأنوار : ج 67 ص 63 ح 7 نقلاً عن قضاء الحقوق للصورى وراجع : إرشاد القلوب : ص 77 .
7- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 401 ح 5863 ، الأمالى للصدوق : ص 497 ح 682 ، بحارالأنوار : ج 72 ص 326 ح 7 .

2981.عنه صلی الله علیه و آله : الکافی به نقل از زُراره : به امام باقر علیه السلام گفتم : مؤمن به آتش می رود؟ فرمود: «به خدا ، نه !»
2980.رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : به سبب کامل شدن ایمان، مؤمنان به بهشت می روند، و به سبب فزونی ایمان[یکی بر دیگری] ، درجات مؤمنان در نزد خدا ، متفاوت می شود، و به سبب کاسته شدن ایمان، کوتاهی کنندگان ، به آتش می روند
2979.عنه صلی الله علیه و آله : التوحید به نقل از ابو بصیر ، از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل : «او اهل پرهیزگاری و اهل آمرزش است» : خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «من ، سزاوار آنم که از من ، پروا داشته شود و بنده ام چیزی را شریک من نگردانَد . من سزاوار آنم که اگر بنده ام ، چیزی را شریک من قرار ندهد، او را به بهشت در آورم» .

خداوند تبارک و تعالی ، به فرّ و شکوه خویش ، سوگند یاد کرده است که یکتاپرستانش را هرگز با آتش ، عذاب نکند.2978.رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : خداوند تبارک و تعالی ، پیکرهای یکتاپرستان را بر آتش ، حرام کرده است .2977.عیون أخبار الرضا علیه السلام عن رجاء بن أبی الضحّ امام صادق علیه السلام آن گاه که از ایشان پرسیدند: چرا مؤمن، مؤمن نامیده شده است؟ : چون خداوند ، نامی از نام های خود را برای مؤمن بر گرفت و او را مؤمن نامید . به این دلیل مؤمن نامیده شده که از عذاب خداوند متعال ، در امان است .2976.عنه علیه السلام : کتاب من لایحضره الفقیه به نقل از ابو هاشم جعفری : من به شدّت ، دچار تنگ دستی شدم . پس نزد امام هادی علیه السلام رفتم. مرا به حضور پذیرفت . چون

نشستم ، فرمود: «ای ابو هاشم ! شُکر کدام یک از نعمت های خداوند عز و جل را می خواهی به جا بیاوری؟» .

من ، زبانم بند آمد (/ خجالت کشیدم) و ندانستم که به ایشان ، چه بگویم. امام علیه السلام ، خود شروع کرد و فرمود: «به تو ، ایمان روزی نمود و به سبب آن ، بدنت را بر آتش ، حرام ساخت» . .

11 / 2وَلايَهُ أهلِ البَيتِ:2973.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : وَلايَتى ووَلايَهُ أهلِ بَيتى أمانٌ مِنَ النّارِ .
(1)2972.عنه عليه السلام (لِعُمَرَ بنِ يَزيدٍ) عنه صلى الله عليه و آله : مَا اختَلَطَ حُبّى بِقَلبِ عَبدٍ فَأحَبَّنى إلّا حَرَّمَ اللّهُ جَسَدَهُ عَلَى النّارِ .
(2)2971.الإمام الصادق عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله عَن جَبرَئيلَ عَن ميكائيلَ عَن إسرافيلَ عَنِ اللَّوحِ عَنِ القَلَمِ ، قالَ : يَقولُ اللّهُ تَبارَكَ وتَعالى : وَلايَهُ عَلِيِّ بنِ أبى طالِبٍ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِ حِصنى ، فَمَن دَخَلَ حِصنى أمِنَ نارى .
(3)2970.عنه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : إذا كانَ يَومُ القِيامَهِ ونُصِبَ الصِّراطُ عَلى جَهَنَّمَ ، لَم يَجُز عَلَيهِ إلّا مَن مَعَهُ جَوازٌ فيهِ وَلايَهُ عَلِيِّ بنِ أبى طالِبٍ ، وذلِكَ قَولُهُ تَعالى : «وَقِفُوهُمْ إِنَّهُم مَّسْئولُونَ»
(4) ؛

يَعنى عَن وَلايَهِ عَلىِّ بنِ أبى طالِبٍ عليه السلام .
(5) .

1- .الأمالى للصدوق : ص 560 ح 750 ، بشاره المصطفى : ص 176 وفيه «براءه وأمان» وكلاهما عن ابن عبّاس ، بحارالأنوار : ج 27 ص 88 ح 35 .
2- .حليه الأولياء : ج 7 ص 255 عن ابن عمر ، كنزالعمّال : ج 1 ص 184 ح 939 .
3- .معانى الأخبار : ص 371 ح 1 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 136 ح 1 ، الأمالى للصدوق : ص 306 ح 350 ، جامع الأخبار : ص 52 ح 58 ، تأويل الآيات الظاهره : ج 1 ص 94 ح 83 كلّها عن علىّ بن بلال عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، الأمالى للطوسى : ص 353 ح 729 عن أحمد بن المعافى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام وفيه «علىّ» بدل «ولايه علىّ» ، بحارالأنوار : ج 39 ص 246 ح 1 ؛ شواهد التنزيل : ج 1 ص 170 ح 181 عن ابن عمر نحوه .
4- .الصافات : 24 .
5- .الأمالى للطوسى: ص290 ح564 ، بشاره المصطفى : ص144 كلاهما عن أنس ، بحارالأنوار : ج8 ص67 ح11 ؛ الصواعق المحرقه: ص149 ، شواهد التنزيل: ج2 ص161 ح787 كلاهما عن أبى سعيد الخدرى وفيهما ذيله من «قوله تعالى ...» المناقب لابن المغازلى : ص 242 ح 289 عن أنس وليس فيه ذيله من «وذلک قوله تعالى ...» .

11 / 2 ولایت اهل بیت علیهم السلام

11 / 2ولایت اهل بیت:2967.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ولایت من و ولایت اهل بیت من ، [مایه] امان از آتش است.2966.الإمام علیّ علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : محبّت من ، با دل هیچ بنده ای در نیامیخت و مرا دوست نداشت ، مگر آن که خداوند ، بدن او را بر آتش ، حرام گردانید .2965.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : جبرئیل ، از میکائیل ، از اسرافیل ، از لوح ، از قلم ، نقل کرد که گفت: خداوند تبارک و تعالی فرمود: «ولایت علی بن ابی طالب که درودهای خدا بر او باد ، دژِ من است هر کس به دژِ من وارد شود ، از آتشم در امان خواهد بود» .2964.عنه . صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : چون روز قیامت شود و [پُل] صراط بر روی جهنّم نصب گردد ، تنها آن کس از آن می گذرد که با خود ، گذرنامه ای داشته باشد که در آن ، ولایت علی بن ابی طالب ، آمده باشد، و این ، سخن خداوند متعال است که: «آنان را نگه

دارید که باید بازخواست شوند» ؛ یعنی در باره ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام » .

.

2963.عنه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله عَن جَبرَئيلَ عَن ميكائيلَ عن إسرافيلَ عَنِ اللّهِ تَعالى جَلَّ جَلالُهُ أنَّهُ قالَ : ... بِعِزَّتى حَلَفتُ ، وبِجَلالى قَسَمتُ ! إنَّهُ لا يَتَولّى عَلِيّا عَبدٌ مِن عِبادى إلّا زَحزَحتُهُ عَنِ النّارِ وأدخَلتُهُ الجَنَّةَ ، ولا يُبغِضُهُ عَبدٌ مِن عِبادى ويَعدِلُ عَن وَلايَتِهِ إلّا أبغَضتُهُ وأدخَلتُهُ النّارَ وبِئسَ المَصيرُ . (1)2962.عنه صلى الله عليه و آله : الإمام على عليه السلام : إذا حَمَلَ أهلُ وَلايَتِنا عَلى صِراطِ يَومِ القِيامَهِ نادى مُنادٍ : يا نارُ اخمُدى ، فَتَقولُ النّارُ : عَجِّلوا جوزونى فَقَد أطفَأ نورُكُم لَهبى ! (2)2961.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : الإمام الباقر عليه السلام : نَحنُ المَثانِى الَّتى أعطاهَا اللّهُ تَعالى نَبِيَّنا ، ونَحنُ وَجهُ اللّهِ الَّذى نَتَقَلَّبُ فِى الأَرضِ بَينَ أظهُرِكُم ، مَن عَرَفَنا فَأمامَهُ اليَقينُ ، ومَن جَهِلَنا فَأمامَهُ السَّعيرُ . (3)11 / 3التَّقويالكتاب«فَأَنذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى * لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى * الَّذِى كَذَّبَ وَ تَوَلَّى * وَ سَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى» . (4)

.

1- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 49 ح 191 ، الأمالى للصدوق : ص 292 ح 326 ، بشاره المصطفى : ص 31 وكلّها عن محمّد بن يعقوب النهشلى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحارالأنوار : ج 38 ص 98 ح 17 .

2- .قرب الإسناد : ص102 ح343 عن ابن علوان عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، بحارالأنوار: ج68 ص16 ح19.

3- .تفسير القمّى: ج 1 ص 377، تفسير العيّاشى: ج 2 ص 249 ح 36 وفيه «أنكرنا» بدل «جهلنا» وكلاهما عن سوره بن كليب، بحارالأنوار: ج 24، ص 114، ح 1.

4- .الليل: 14 17.

2956.الکافی عن عبد اللّه بن سلیمان : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : جبرئیل ، از میکائیل ، از اسرافیل ، از خداوند متعال عز و جل نقل کرد که فرمود: «... به عزّتم سوگند خورده ام و به جلالم سوگند یاد کرده ام که هر بنده ای از بندگانم که ولایت علی را داشته باشد ، او را از آتش [دوزخ] ، دور می گردانم و او را به بهشت در می آورم، و هر بنده ای از بندگانم او را دشمن بدارد و از ولایتش کناره بگیرد ، او را دشمن می دارم و به آتش در می آورم که بدفرجامی است» .2955.تهذیب الأحکام عن أبی بصیر : امام علی علیه السلام : آن گاه که پیروان ولایت ما روز قیامت ، بر صراط قرار گیرند، منادی ای ندا می دهد که: «ای آتش، خاموش شو!» و آتش می گوید: «زود باشید از من بگذرید که نورتان ، شعله مرا خاموش کرد» .2954.الکافی عن عبد السلام بن نعیم : امام باقر علیه السلام : ماییم آن «مَثانی» (1) که خداوند متعال ، آن را به پیامبرمان عطا کرد، و ماییم وجه خدا که در زمین ، در میان شما ، آمد و شد می کنیم. آن که ما را شناخت (به ما معتقد بود) ، یقین ، فرا روی اوست، (2) و آن که ما را نشناخت [و منکر ما شد] ، آتش پرشراره در انتظار اوست .11 / 3پرهیزگاریقرآن«پس شما را از آتشی که زبانه می کشد ، هشدار دادم. جز نگون بخت ترین[مردم] در آن در نمی آید. همان که تکذیب کرد و رُخ بر تافت ، و پرهیزگارترین[مردم] از آن ، دور داشته خواهد شد».

.

1- .اشاره است به آیه شریف : «وَ لَقَدْ ءَاتَیْنَکَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِی وَ الْقُرْءَانَ الْعَظِیمَ». شیخ صدوق می گوید: یعنی ماییم کسانی که پیامبر صلی الله علیه و آله در کنار قرآن ، قرارمان داد و به تمسّک جُستن به قرآن و در باره ما توصیه فرمود، و به امّتش خبر داد که : ما از یکدیگر جدا نمی شویم تا آن گاه که در کنار حوض او (کوثر) ، بر او وارد شویم .
2- .یعنی مرگ ، پیش روی اوست که امری قطعی است و با مُردن ، از آن شناخت و باور ، بهره مند می شود، یا معرفتی که در دنیا با دلیل برایش حاصل شده ، پس از مرگ مشاهده می کند و عین الیقین ، برایش حاصل می گردد .

الحديث2948.عنه عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَنِ اشتاقَ إلَى الجَنَّهِ سَلا (1) عَنِ الشَّهَواتِ ، ومَن أشفَقَ مِنَ النّارِ رَجَعَ عَنِ الحُرُماتِ . (2)2947.عنه صلى الله عليه و آله : مَنِ اشتاقَ إلَى الجَنَّهِ سارَعَ إلَى الخَيراتِ ، ومَن أشفَقَ مِنَ النّارِ لَهى عَنِ الشَّهَواتِ . (3)2946.الإمام علىّ عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : مَن عَرَضَت لَهُ فاحِشَهٌ أو شَهوَهٌ فَاجتَنَبَها مِن مَخافَهِ اللّهِ عز و جل ؛ حَرَّمَ اللّهُ عَلَيهِ النّارَ ، وآمَنَهُ مِنَ الفَزَعِ الأكبَرِ، وأنجَزَ لَهُ ما وَعَدَهُ فى كِتابِهِ فى قَولِهِ تَبارَكَ وتَعالى : «وَ لِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ» (4) . (5)2945.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : مَن خافَ النّارَ تَرَكَ الشَّهَواتِ . (6) .

1- .سَلَوْتُ عَنه: صبرت عنه (مجمع البحرين: ج 2 ص 875 «سلا»).
2- .حليه الأولياء: ج 1 ص 74 عن خلاس بن عمرو عن الإمام علىّ عليه السلام ، شعب الإيمان: ج 7 ص 371 ح 10623 عن قبيصه بن جابر عن الإمام على عليه السلام ، عيون الأخبار لابن قتيبه: ج 2 ص 353 عن الإمام علىّ عليه السلام ، كنز العمّال: ج 1 ص 286 ح 1389؛ الكافى: ج 2 ص 50 ح 1 عن جابر عن الإمام الباقر عن الإمام علىّ عليهماالسلام، الأمالى للمفيد: ص 277 ح 3، الأمالى للطوسى: ص 37 ح 40 كلاهما عن قبيصه بن جابر الأسدى عن الإمام علىّ عليه السلام ، نهج البلاغه: الحكمه 31 عن الإمام علىّ عليه السلام وفيه «اجتنب المحرّمات» بدل «رجع عن الحرمات»، بحارالأنوار: ج 73، ص 43، ح 18.
3- .شعب الإيمان: ج 7 ص 370 ح 10618، تاريخ بغداد: ج 6 ص 301 الرقم 3341، مسند الشهاب: ج 1 ص 226 ح 348، تاريخ دمشق: ج 13 ص 31 ح 3036، حليه الأولياء: ج 5 ص 10 كلّها عن الحارث عن الإمام علىّ عليه السلام ، كنز العمّال: ج 15 ص 864 ح 43440؛ مكارم الأخلاق: ج 2 ص 341 ح 2660 عن ابن مسعود نحوه، جامع الأخبار: ص 296 ح 809 عن الإمام علىّ عليه السلام .
4- .الرحمن: 46.
5- .كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 14 ح 4968، الأمالى للصدوق : ص 514 ح 707 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 261 كلّها عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 314 ح

2655 عن الإمام الصّادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحارالأنوار: ج 7 ص 303 ح 60.
6- .مكارم الأخلاق: ج 2 ص 341 ح 2660 عن ابن مسعود، بحارالأنوار: ج 77 ص 94 ح 1.

حدیث2943.المصنّف عن یعقوب بن زید التیمی : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کسی که مشتاق بهشت باشد ، از شهواتْ دست بر می دارد، و آن که از آتش می ترسد ، از حرام ها رُخ بر می تابد .2942.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کسی که مشتاق بهشت است ، به سوی کارهای نیک می شتابد، و کسی که از آتش [دوزخ] می ترسد ، از شهوت ها دست بر می دارد .2941.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس [موقعیت] فحشایی یا شهوترانی برایش پیش بیاید و از ترس خدای عز و جل ، از آن دوری کند ، خداوند ، آتش را بر او حرام می گردانَد و او را از آن هراس سهمگین (روز قیامت) ، ایمن می دارد و آنچه را در کتاب خود در آیه «و برای آن که از مقام و عظمت پروردگارش بترسد ، دو بهشت خواهد بود» ، به او وعده داده ، برایش عملی می سازد .2940.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آن که از آتش [دوزخ] بترسد، شهوت ها را ترک می گوید . .

2939.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : الإمام علىّ عليه السلام : التَّقوى آكَدُ سَبَبٍ بَينَکَ وبَينَ اللّهِ إن أخَذتَ بِهِ ، وجُنَّةٌ مِن عَذابٍ أليمٍ .
2938(1).الإمام الصادق عليه السلام : عنه عليه السلام : لَن يَنجُوَ منَ النّارِ إلَا التّارِکُ عَمَلَها . 2937(2).جمال الأسبوع عن عبد الرحمن بن كثير : الإمام الصادق عليه السلام : مَن مَلَکَ نَفسَهُ إذا رَغِبَ ، وإذا رَهِبَ ، وإذَا اشتَهى ، وإذا غَضِبَ ، وإذا رَضِىَ ؛ حَرَّمَ اللّهُ جَسَدَهُ عَلَى النّارِ . 11(3) / 4التَّوبَهُ والاستِغفارُ2934.معانى الأخبار عن أبى حمزه : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : توبوا إلَى اللّهِ مِن فُضولِ الدُّنيا وسَيِّئاتِ أعمالِكُم ؛ تَنجوا مِن شِدَّهِ العَذابِ . 2933(4).الكافى عن علىّ بن رئاب عن الإمام الكاظم عليه السل عنه صلى الله عليه و آله : لا يَزالُ العَبدُ آمِنا مِن عَذابِ اللّهِ مَا استَغفَرَ اللّهَ . 2932(5).الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهماالسلام : عنه صلى الله عليه و آله : قالَ موسى : ... إلهى ! أُريدُ النَّجاهَ مِنَ النّارِ . قالَ : ذلِکَ لِمَن اِستَغفَرَ فى لَيلَهِ القَدرِ . 2931(6).الإمام الباقر عليه السلام (مِن دُعاءٍ كانَ عليه السلام يُسَمّيهِ الجامِعَ) الإمام الباقر عليه السلام : كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ : «مُقامى فيكُم وَالاستِغفارُ لَكُم حِصنٌ حَصينٌ مِنَ العَذابِ» ، فَمَضى أكبَرُ الحِصنَينِ وبَقِىَ الاستِغفارُ ، فَاكثِروا مِنهُ ؛ فَإنَّهُ مَمحاهٌ لِلذُّنوبِ ، قالَ اللّهُ عز و جل : «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ»(7) . .

1- .غرر الحكم: ح 2079.
2- .غرر الحكم: ح 7404، عيون الحكم والمواعظ: ص 407 ح 6888.
3- .كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 400 ح 5860، الأمالى للصّدوق: ص 408 ح 527 كلاهما عن شعيب العقرقوفى، ثواب الأعمال: ص 192 ح 1، تحف العقول: ص 361، تفسير القمّى: ج 2 ص 277 عن الإمام الباقر عليه السلام وليس فيه «إذا اشتهى» وليس فى الثلاثه الأخيره «وإذا رضى»، بحارالأنوار: ج 71 ص 358 ح 1.
4- .مستدرک الوسائل: ج 12 ص 54 ح 13496 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .
5- .تاريخ دمشق: ج 55 ص 86 عن فضاله بن عُبيد، كنز العمّال: ج 1 ص 479 ح 2094.
6- .الإقبال: ج 1 ص 345، بحارالأنوار: ج 98 ص 145.

7- .ثواب الأعمال: ص 197 ح 3، تفسير العياشى: ج 2 ص 54 ح 44 نحوه وكلاهما عن عبداللّه بن محمد الجعفى، جامع الأخبار: ص 146 ح 319، بحارالأنوار: ج 93 ص 279 ح 13.

11 / 4 توبه و آمرزش خواهی

2930.عنه علیه السلام (مِن دُعاءِ الأَمانِ) امام علی علیه السلام : پرهیزگاری ، محکم ترین رشته میان تو و خداست ، اگر به آن چنگ در زنی، و سپری در برابر عذاب دردآور[دوزخ] است.2929.عنه علیه السلام : امام علی علیه السلام : از آتش دوزخ نمی رَهَد ، مگر کسی که کارهای دوزخی را ترک گوید.2928.الإمام علیّ علیه السلام : امام صادق علیه السلام : هر کس در هنگام خواستن یا ترسیدن یا شهوت یا خشم و یا خشنودی ، خود را نگه دارد ، خداوند ، بدن او را بر آتش [دوزخ] ، حرام می گرداند.11 / 4توبه و آمرزش خواهی2925.صحیح البخاری عن أبی بکر : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از زوایدِ دنیا و کردارهای بد خویش ، به درگاه خدا توبه کنید تا از سختی عذاب [دوزخ] ، نجات یابید.2924.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (فی دُعاءِ اللَّیلَهِ العِشرینَ مِن شَهرِ رَمَضا) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بنده، تا زمانی که از خدا طلبِ آمرزش کند، از عذاب خدا ، در امان است .2923.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : موسی علیه السلام گفت:... معبودا ! من ، خواهان نجات از آتش هستم.

خداوند فرمود: «این (رهایی از آتش) ، برای کسی است که در شب قدر ، آمرزش بخواهد» .2922.صحیح البخاری عن شدّاد بن أوس عن النبیّ صلی الله ع امام باقر علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: «وجود من در میان شما و آمرزش خواهی [شما] برای خودتان ، دژی استوار در برابر عذاب است» . دژ بزرگ تر ، رفت و آمرزش خواهی ، مانده است . پس تا می توانید ، طلب آمرزش کنید که این کار ، گناهان را پاک می کند . خداوند عز و جل فرموده است: «تا تو در میان آنان هستی ، خداوند ، عذابشان نمی کند، و تا زمانی که طلب آمرزش می کنند ، خداوند ، آنان را

عذاب نمی کند» .

.

2921.كنز العمّال عن ابن عمر : الإمام علىّ عليه السلام : لَو أنَّ النّاسَ حينَ عَصَوا تابوا وَاستَغفَروا ؛ لَم يُعَذَّبوا ولَم يَهلِكوا . (1)2920.عنه عليه السلام : عنه عليه السلام : اللّهُمَّ ! وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ أدنانى مِن عَذابِکَ . (2)2919.الإمام الكاظم عليه السلام (مِن دُعائِهِ فى عَمَلِ أوَّلِ لَيلَةٍ مِن رَجَب) الإمام زين العابدين عليه السلام : مَن أشفَقَ مِنَ النّارِ بادَرَ بِالتَّوبَهِ إلَى اللّهِ مِن ذُنوبِهِ ، وراجَعَ عَنِ المَحارِمِ . (3)11 / 5ذِكرُ اللّهِ 2916.عنه عليه السلام (مِمّا كانَ يَقولُ فى سُجودِهِ) رسول اللّه صلى الله عليه و آله : ما مِن شَىءٍ أنجى مِن عَذابِ اللّهِ مِن ذِكرِ اللّهِ . (4)2915.عنه عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : مَن أكثَرَ ذِكرَ اللّهِ عز و جل أحَبَّهُ اللّهُ ، ومَن ذَكَرَ اللّهَ كَثيرا كُتِبَت لَهُ بَراءَتانِ : بَراءَةٌ مِنَ النّارِ ، وبَراءَةٌ مِنَ النِّفاقِ . (5)2914.الإمام الصادق عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : ذِكرُ اللّهِ عَلَمُ الإيمانِ ، وبَرءٌ مِنَ النِّفاقِ ، وحِصنٌ مِنَ الشَّيطانِ ، وحِرزٌ مِنَ النّارِ . (6)2913.عنه عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : مَن صَلَّى الفَجرَ ثُمَّ جَلَسَ فى مَجلِسِهِ يَذكُرُ اللّهَ عز و جل حَتّى تَطلُعَ الشَّمسُ ؛ سَتَرَهُ اللّهُ عز و جل مِنَ النّارِ ، سَتَرَهُ اللّهُ عز و جل مِنَ النّارِ ، سَتَرَهُ اللّهُ عز و جل مِنَ النّارِ . (7) .

1- .غرر الحكم: ح 7583، عيون الحكم والمواعظ: ص 417 ح 7077.
2- .البلد الأمين: ص 43، بحارالأنوار: ج 87 ص 332 ح 37.
3- .تحف العقول: ص 281، بحارالأنوار: ج 78 ص 139 ح 25.
4- .شعب الإيمان: ج 1 ص 396 ح 522 عن ابن عمر، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 251 ح 22140 ، المعجم الكبير : ج 20 ص 167 ح 352، تفسير ابن كثير: ج 6 ص 416 كلّها عن معاذ بن جبل وفيها «ما عمل آدمى عملاً قطّ» بدل «ما من شىءٍ»، كنز العمّال: ج 1 ص 418 ح 1777.
5- .الكافى : ج 2 ص 500 ح 3 عن داود بن سرحان عن الإمام الصادق عليه السلام ، وسائل الشيعه : ج 4 ص 1181 ح 8988 .
6- .مستدرک الوسائل: ج 5 ص 285 ح 5868 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللّباب .
7- .الأمالى للصدوق: ص 672 ح 901 عن عمير بن مأمون العطاردى عن الإمام الحسن عليه السلام ، بحارالأنوار : ج 85 ص 320 ح 4 ؛ المعجم الأوسط: ج 9 ص 182 ح 9483 عن الحكم بن عتيبه عن الإمام الحسن عليه السلام نحوه، كنز العمّال : ج 2 ص 150 ح 3537.

11 / 5 یاد خدا

2912.عنه علیه السلام (فی دُعائِهِ) امام علی علیه السلام : اگر مردم ، زمانی که [خدا را] نافرمانی می کنند توبه بنمایند و آمرزش بطلبند ، عذاب نمی شوند و نابود نمی گردند.2911.الإمام زین العابدین علیه السلام (فِی المُناجاهِ المَعروفَهِ بِمُناجاهِ الذّاکِری) امام علی علیه السلام : بار خدایا ! برای هر گناهی که مرا به عذابت نزدیک می کند ، از تو آمرزش می طلبم.2910.عنها علیهاالسلام (فی دُعائِها عَقیبَ صَلاهِ المَغرِبِ) امام زین العابدین علیه السلام : هر که از آتش [دوزخ] بترسد ، از گناهان خود به درگاه خدا ، توبه می کند و از حرام ها دست بر می دارد .11 / 5یاد خدا2907.الإمام علیّ علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ چیزی چون یاد خدا ، رهاننده از عذاب خدا نیست .2906.بحار الأنوار عن مصباح الکفعمی والبلد الأمین والاخ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس خدای عز و جل را بسیار یاد کند ، خداوند ، او را دوست می دارد ؛ و هر کس خدا را بسیار یاد کند، دو بَرات آزادی برایش نوشته می شود: بَرات آزادی از آتش، و بَرات آزادی از نفاق.2905.البلد الأمین : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : یاد خدا، نشانه ایمان و [مایه] پاک شدن از نفاق، و دژی در برابر شیطان، و نگه دارنده از آتش [دوزخ]است.2904.عنه علیه السلام (مِمّا کانَ یَقولُهُ فی سَحَرِ کُلِّ لَیلَهٍ وبَ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس نماز صبح را بخواند و سپس در جای خود بنشیند و تا طلوع آفتاب ، خداوند عز و جل را یاد کند ، خدای عز و جل ، او را از آتش [دوزخ] حفظ

می کند ؛ خدای عز و جل ، او را از آتش [دوزخ] ، حفظ می کند ؛ خدای عز و جل ، او را از آتش [دوزخ] حفظ می کند.

.

2903.الإمام علىّ عليه السلام (مِمّا كانَ يَدعو بِهِ فى سَحَرِ كُلِّ لَيلَةٍ ب) الإمام علىّ عليه السلام : أفيضوا فى ذِكرِ اللّهِ جَلَّ ذِكرُهُ فَإِنَّهُ أحسَنُ الذِّكرِ ، وهُوَ أمانٌ مِنَ النِّفاقِ ، وبَراءَةٌ مِنَ النّارِ ، وتَذكيرٌ لِصاحِبِهِ . (1)11 / 6خَشيَةُ اللّهِ 2896.الإمام الجواد عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَن عَرَضَت لَهُ فاحِشَةٌ أو شَهوَةٌ فَاجتَنَبَها مِن مَخافَةِ اللّهِ عز و جل ؛ حَرَّمَ اللّهُ عَلَيهِ النّارَ ، وآمَنَهُ مِنَ الفَزَعِ الأكبَرِ . (2)2897.صحيح البخارى عن أبى موسى الأشعرىّ عن النبىّ صلى ا (مِمَّا كانَ يَدعو بِهِ صلى الله عليه و آله) عنه صلى الله عليه و آله : مَن قَدَرَ عَلَى إمرَأَةٍ أو جارِيَةٍ حَراما ، فَتَرَكَها مَخافَةَ اللّهِ ؛ حَرَّمَ اللّهُ عز و جلعَلَيهِ النّارَ ، وآمَنَهُ اللّهُ تَعالى مِنَ الفَزَعِ الأكبَرِ ، وأدخَلَهُ اللّهُ الجَنَّةَ . وإن أصابَها حَراما ؛ حَرَّمَ اللّهُ عَلَيهِ الجَنَّةَ ، وأدخَلَهُ النّارَ . (3)2898.مسند ابن حنبل عن أبى أمامه الباهلى : عنه صلى الله عليه و آله : أنجاكُم مِن عَذابِ اللّهِ أشَدُّكُم لَهُ خَوفا. (4) .

1- .تحف العقول: ص 149، بحارالأنوار: ج 77 ص 292 ح 2.
2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 14 ح 4968 ، الأمالى للصدوق : ص 514 ح 707 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 261 كلّها عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 314 ح 2655 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحارالأنوار : ج 70 ص 365 ح 13 .
3- .ثواب الأعمال : ص 334 ح 1 عن أبى هريره وابن عبّاس ، أعلام الدين : ص 414 عن ابن عبّاس ، بحارالأنوار : ج 76 ص 362 ح 30 .
4- .مكارم الأخلاق: ج 2 ص 375 ح 2661 عن أبى ذرّ ، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 62، أعلام الدين: ص 199، بحارالأنوار: ج 77 ص 88 ح 3.

11 / 6 ترس از خدا

2899.الإمام الحسن علیه السلام : امام علی علیه السلام : خداوند را که یادش بِشکوه باد ، بسیار یاد کنید؛ زیرا که یاد او ، بهترین یاد ، [مایه] ایمنی از نفاق، بَرات آزادی از آتش ، و موجب یاد شدن از یاد کننده [در نزد یاد شونده ، یعنی خداوند] است .11 / 6ترس از خدا2902.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس [موقعیت] فحشا یا شهوترانی برایش پیش آید و از ترس خداوند عز و جل مرتکب آن نشود ، خداوند ، آتش [دوزخ] را بر او حرام می گردانَد و از آن وحشت بزرگ (قیامت) ، او را در امان می دارد .5654.عنه علیه السلام (فِی الدُّعاءِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس بتواند با زن یا کنیزی مرتکب حرامی شود ، امّا از ترس خداوند عز و جل آن را رها کند ، خداوند عز و جل ، آتش را بر او حرام می سازد و از وحشت بزرگ (قیامت) ، او را در امان می دارد و او را به بهشت می بَرَد ؛ و اگر مرتکب حرام شود ، خداوند ، بهشت را بر او حرام می سازد و وی را به آتش در می آورد .5653.الإمام زین العابدین علیه السلام (فی مُناجاتِهِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : رَهیده ترینِ شما از عذاب خدا ، آن کسی است که از خداوند ، بیشتر بترسد .

.

5652.عنه علیه السلام : الإمام علیّ علیه السلام : خَفِ اللّهَ یُؤمِنکَ ، ولا تَأمَنهُ فَیُعَذِّبَکَ . (1)5651.عنه علیه السلام : الإمام زین العابدین علیه السلام : إنَّ أنجاکُم مِن عَذابِ اللّهِ أشَدُّکُم خَشیَةً للّهِ . (2)11 / 7البُکاءُ للّهِ5648.امام علی علیه السلام (در دعایش) رسول اللّه صلی الله علیه و آله : مَن بَکی عَلی ذَنبِهِ حَتّی تَسیلَ دُموعُهُ عَلی لِحیَتِهِ ، حَرَّمَ اللّهُ دیباجَةَ وَجهِهِ عَلَی النّارِ . (3)5647.امام علی علیه السلام (در پاسخ سؤالی درباره متشابه بودن «قضاء» [بین چن) عنه صلی الله علیه و آله : مَن ذَکَرَ اللّهَ فَفاضَت عَیناهُ مِن خَشیَةِ اللّهِ حَتّی یُصیبَ الأرضَ مِن دُموعِهِ ، لَم یُعَذِّبهُ اللّهُ تَعالی یَومَ القِیامَةِ . (4)5646.امام علی علیه السلام : عنه صلی الله علیه و آله : لا یَلِجُ النّارَ رَجُلٌ بَکی مِن خَشیَةِ اللّهِ حَتّی یَعودَ اللَّبَنُ فِی الضَّرعِ ، ولا یَجتَمِعُ غُبارٌ فی سَبیلِ اللّهِ ودُخانُ جَهَنَّمَ . (5)5650.عنه علیه السلام (فِی الدُّعاءِ) عنه صلی الله علیه و آله : ما مِن مُؤمِنٍ یَخرُجُ مِن عَینَیهِ مِثلُ رَأسِ الذُّبابَةِ مِنَ الدُّموعِ فَیُصیبُ حَرَّ وَجهِهِ ، إلّا حَرَّمَهُ اللّهُ عَلَی النّارِ . (6) .

1- .غرر الحکم : ح 5093 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 242 ح 4619 ، مستدرک الوسائل : ج 11 ص 236 ح 12846 .
2- .الکافی: ج 8 ص 69 ح 24، مشکاه الأنوار: ص 143 ح 342، تنبیه الخواطر: ج 2 ص 47، أعلام الدین: ص 90 و 222 کلّها عن أبی حمزه، تحف العقول: ص 279، بحارالأنوار: ج 78 ص 136 ح 13.
3- .مکارم الأخلاق : ج 2 ص 95 ح 2267 ، روضه الواعظین : ص 495 ، بحارالأنوار : ج 93 ص 336 ح 30 ؛ تاریخ أصبهان : ج 1 ص 210 الرقم 309 عن أنس .
4- .المستدرک علی الصحیحین : ج 4 ص 289 ح 7668 ، المعجم الأوسط : ج 2 ص 178 ح 1641 و ج 6 ص 196 ح 6171 کلّها عن أنس ، کنزالعمّال : ج 1 ص 425 ح 1830 .
5- .سنن الترمذی : ج 4 ص 171 ح 1633 ، سنن النسائی : ج 6 ص 12 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 576 ح 10565 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 4 ص 289 ح 7667 ، شعب الإیمان : ج 1 ص 490 ح 800 وزاد فی ذیل الثلاثه الأخیره «فی منخری مسلم أبدا» وکلّها عن أبی هریره ، کنزالعمّال : ج 3 ص 143 ح 5887 .
6- .إرشاد القلوب: ص 97، مستدرک الوسائل: ج 11 ص 246 ح 12887.

11 / 7 گریستن برای خدا

5649.عنه علیه السلام : امام علی علیه السلام : از خدا بترس تا تو را ایمن بدارد، و خود را از او ایمن مشمار که عذابت می کند.5648.عنه علیه السلام (فی دُعاءٍ لَهُ) امام زین العابدین علیه السلام : رَهیده ترین شما از عذاب خداوند ، کسی است که ترس او از خداوند ، بیشتر باشد.11 / 7گریستن برای خدا5645.امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس بر گناه خویش بگِرید ، چندان که اشک هایش بر ریش او جاری شود ، خداوند ، رُخساره او را بر آتش ، حرام می گرداند .5644.امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس خدا را یاد کند و از ترس خداوند ، اشک از چشمانش جاری شود ، به طوری که از اشک هایش بر زمین بریزد ، خداوند، روز قیامت، او را عذاب نمی کند .5643.الکافی (به نقل از احمد بن محمّد بن خالد ، در حدیثی مرفو) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مردی که از ترس خدا گریسته باشد، وارد آتش نمی شود ، مگر آن که شیر رفته ، به پستان باز گردد، (1) و غبارِ [جهاد] در راه خدا و دود جهنّم با هم جمع نمی شوند.5645.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ مؤمنی نیست که از چشمانش به اندازه سرِ مگسی اشک بیرون بیاید و بر گونه اش بغلتد ، مگر آن که خداوند ، او را بر آتش [دوزخ] ، حرام می گرداند.

.

1- .مَثَلی است برای کاری ناشدنی ، مثل: آب رفته به جوی باز گشتن .

5644.الإمام علىّ عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : رَأَيتُ البارِحَةَ عَجائِبَ ... رَأَيتُ رَجُلاً مِن أُمَّتى قَد هَوى فِى النّارِ ، فَجاءَتهُ دُموعُهُ الَّتى بَكى مِن خَشيَهِ اللّهِ ، فَاستَخرَجَهُ (1) مِن ذلِکَ . (2)5643.الكافى عن أحمد بن محمّد بن خالد رفعه : الإمام زين العابدين عليه السلام : إلهى ! أتُحرِقُ بِالنّارِ عَينى وكانَت مِن خَوفِکَ باكِيَةً . (3)5642.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله : الإمام الباقر عليه السلام : لَمّا كَلَّمَ اللّهُ موسَى بنَ عِمرانَ عليه السلام قالَ مُوسى... إلهى ! ما جَزاءُ مَن دَمَعَت عَيناهُ مِن خَشيَتِکَ؟ قالَ : يا موسى ، آمَنُ وَجهَهُ مِن حَرِّ النّارِ . (4)5641.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (در دعايش) الإمام الصادق عليه السلام : ما مِن عَينٍ إلّا وهِىَ باكِيَهٌ يَومَ القِيامَهِ إلّا عَينا بَكَت مِن خَوفِ اللّهِ ، ومَا اغرَورَقَت عَينٌ بِمائِها مِن خَشيَهِ اللّهِ عز و جل إلّا حَرَّمَ اللّهُ عز و جل سائِرَ جَسَدِهِ عَلَى النّارِ ، ولا فاضَت عَلى خَدِّهِ فَرَهِقَ ذلِکَ الوَجهَ قَتَرٌ ولا ذِلَّهٌ ، وما مِن شَىءٍ إلّا ولَهُ كَيلٌ ووَزنٌ ، إلَا الدَّمعَهُ ؛ فَإِنَّ اللّهَ عز و جل يُطفى بِاليَسيرِ مِنهَا البِحارَ مِنَ النّارِ ، فَلَو أنَّ عَبدا بَكى فى اُمَّهٍ لِرَحِمَ اللّهُ عز و جل تِلکَ الاُمَّهَ بِبُكاءِ ذلِکَ العَبدِ . (5) .

1- .فى الأمالى : «فاستخرجته» .
2- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 112 ح 107 عن عبدالرحمن بن هبيره ، الأمالى للصدوق : ص 302 ح 342 عن عبدالرحمن بن سمره ، روضه الواعظين : ص 494 ، بحارالأنوار : ج 7 ص 291 ح 1 ؛ تاريخ دمشق : ج 34 ص 407 ح 7045 ، تفسير ابن كثير : ج 4 ص 422 كلاهما نحوه ، نوادر الاُصول : ج 2 ص 233 كلّها عن عبدالرحمن بن سمره ، كنزالعمّال : ج 15 ص 927 ح 43592 .
3- .بحارالأنوار : ج 94 ص 140 نقلاً عن بعض الكتب .
4- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 88 ح 68 عن زياد بن المنذر ، الأمالى للصدوق : ص 277 ح 307 عن عبدالعظيم الحسنى عن الإمام الهادى عن آبائه عن الإمام علىّ عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 94 ح 2265 ، عدّه الداعى : ص 157 عن الإمام علىّ عليه السلام ، روضه الواعظين : ص 494 وفى الأربعه الأخيره «أقى» بدل «آمن» ، بحارالأنوار : ج 69 ص 412 ح 131 .
5- .الكافى : ج 2 ص 482 ح 2 ، الأمالى للمفيد : ص 143 ح 1 كلاهما عن محمد بن مروان ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 76 ح 205 كلاهما نحوه

وليس فيها صدره إلى «من خوف اللّه» ، عدّه الداعى : ص 157 ، وسائل الشيعه : ج 11 ص 178 ح 20345 .

5640.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعای روز سوم ماه) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دیشب ، چیزهای شگفتی دیدم... . دیدم که مردی از امّتم در آتش افتاد ؛ امّا اشک هایش که از ترس خدا گریسته بود ، آمدند و او را از آن ، بیرون کشیدند .5639.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (از خطبه اش در غدیر خُم) امام زین العابدین علیه السلام : معبودا ! آیا چشمان مرا که از ترس تو گریان بوده اند ، به آتش می سوزانی؟ !5638.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعایش) امام باقر علیه السلام : آن گاه که خدای عز و جل با موسی بن عمران علیه السلام سخن گفت، موسی گفت : ... معبودا ! پاداش کسی که چشمانش از ترس تو اشک بریزند، چیست؟

فرمود: «ای موسی ! چهره او را از گرمای آتش ، در امان می دارم» .5642.عنه صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : هیچ چشمی نیست ، مگر آن که در روز قیامت ، گریان است ، بجز چشمی که از خوف خدا گریسته باشد، و هیچ چشمی از ترس خداوند عز و جل اشکبار نگشت ، مگر آن که خداوند عز و جل ، بقیّه بدن او را نیز بر آتش ، حرام کرد، و اگر اشکش بر رُخسارش سرازیر شود ، هرگز گرد زبونی و خواری ، بر آن رُخ نمی نشیند .

هر چیزی [و عملی از اعمال انسان] پیمانه و وزنی دارد، مگر اشک؛ چرا که خداوند عز و جل با اندکِ آن ، دریاهای آتش را خاموش می سازد، و اگر در میان امّتی یک بنده [از خوف خدا] بگِرید ، خداوند عز و جل به واسطه گریه آن بنده ، بر آن امّت ، رحم می آورد . .

11 / 8مَحَبَّهُ اللّهِ 5653.امام زين العابدين عليه السلام (در مناجاتش) رسول اللّه صلى الله عليه و آله : وَاللّهِ ! لا يُلقِى اللّهُ حَبيبَهُ فِى النّارِ .

(1)5654.امام زين العابدين عليه السلام (در دعا) الإمام علىّ عليه السلام : يا إلهى وسَيِّدى ورَبّى ، أتُراكَ مُعَذِّبى بِنارِكَ بَعدَ تَوحيدِكَ ، وبَعدَ مَا انطَوى عَلَيهِ قَلبى مِن مَعرِفَتِكَ ، ولَهِجَ بِهِ لِسانى مِن ذِكرِكَ ، وَاعتَقَدَهُ ضَميرى مِن حُبِّكَ ؟!

(2)5655.عنه عليه السلام : الكافى عن أبى حمزه : رَأَيتُ عَلِىَّ بنَ الحُسَينِ عليه السلام فى فِناءِ الكَعبَهِ فِى اللَّيلِ و هُوَ يُصَلّى ، فَأَطالَ القيامَ حَتّى جَعَلَ مَرَّهً يَتَوَكَّأُ عَلى رِجلِهِ اليُمنى ومَرَّهً عَلى رِجلِهِ اليُسرى ، ثُمَّ سَمِعتُهُ يَقولُ بِصَوتٍ كَأَنَّهُ باكٍ : يا سَيِّدى ، تُعَذِّبُنى وحُبُّكَ فى قَلبى؟!

(3)5656.عنه عليه السلام (مِن دُعائِهِ لِلعيدَينِ وَالجُمُعَهِ) رجال النجاشى عن الياس : سَمِعتُ أبا عَبدِاللّهِ عليه السلام يَقولُ : وَاللّهِ ! لا يَموتُ عَبدٌ يُحِبُّ اللّهَ ورَسولَهُ ويَتَولّى الأَئِمَّهَ عليهم السلام ، فَتَمَسُّهُ النّارُ . ثُمَّ أعادَ الثّانِيَهَ وَالثّالِثَهَ مِن غَيرِ أن أسأَلَهُ .

(4)5657.عنه عليه السلام (مِن دُعائِهِ فى يَومِ عَرَفَهَ) الإمام الصادق عليه السلام : إنَّ النّاسَ يَعبُدونَ اللّهَ عز و جل عَلى ثَلاثَهِ أوجُهٍ : فَطَبَقَهٌ يَعبُدونَهُ رَغبَهً فى ثَوابِهِ ، فَتِلكَ عِبادَهُ الحُرَصاءِ ؛ وهُوَ الطَّمَعُ ، وآخَرونَ يَعبُدونَهُ فَرَقا مِنَ النّارِ ، فَتِلكَ عِبادَهُ العَبيدِ ؛ وهِىَ الرَّهبَهُ ، ولكِنّى أعبُدُهُ حُبّا لَهُ عز و جل ، فَتِلكَ عِبادَهُ الكِرامِ ؛ وهُوَ الأَمنُ ؛ لِقَولِهِ عز و جل : «وَ هُم مِّن فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ ءَامِنُونَ» (5) ، ولِقَولِهِ عز و جل : « قُلْ إِن كُنتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِى يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ » (6) ، فَمَن أَحَبَّ اللّهَ أَحَبَّهُ اللّهُ عز و جل ، ومَن أَحَبَّهُ اللّهُ عز و جل كانَ مِنَ الآمِنينَ . (7) .

1- .المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 195 ح 7347 و ج 1 ص 126 ح 194 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 209 ح 12018 وفيه «ولاء اللّه عزّوجلّ» بدل «واللّه» ، شعب الإيمان : ج 5 ص 422 ح 7133 ، مسند أبى يعلى : ج 4 ص 38 ح 3736 كلّها عن أنس ، كنزالعمّال : ج 15 ص 777 ح 43062 .

2- .مصباح المتهجّد : ص 846 ح 910 ، الإقبال : ج 3 ص 334 كلاهما عن كميل بن زياد ، البلد الأمين : ص 189 ، المصباح للكفعمى : ص 739 .

3- .الكافى : ج 2 ص 579 ح 10 ، بحارالأنوار : ج 46 ص 107 ح 100 وراجع : مصباح المتهجّد : ص 271 ح 910 و جمال الأُسبوع : ص 134 .

4- .رجال النجاشى : ج 1 ص 138 ، الدعوات : ص 275 ح 788 عن علىّ بن العزيز الخراز ، شرح الأخبار : ج 3 ص 463 ح 1355 عن الحضرمى

نحوه ، بحارالأنوار : ج 68 ص 138 ح 35 .
5- .النمل : 89 .
6- .آل عمران : 31 .
7- .الخصال: ص 188 ص 259، علل الشّرائع: ص 12 ح 8، الأمالى للصدوق: ص 91 ح 85 كلّها عن يونس بن ظبيان، مشكاه الأنوار: ص 220 ح 608، روضه الواعظين: ص 456، بحارالأنوار: ج 70 ص 205 ح 13.

11 / 8محبّت خدا5657.امام زين العابدين عليه السلام (از دعايش در روز عرفه) پيامبر خدا صلى الله عليه و آله : به خدا سوگند كه خداوند ، دوست خود را در آتش نمى اندازد !5658.عنه عليه السلام (فِى المُناجاهِ الإِنجيلِيَّهِ) امام على عليه السلام : معبودا، سَرورا، پروردگارا ! آيا به راستى مرا با آتشت ، عذاب خواهى كرد، پس از آن كه به يكتايى تو ايمان آورده ام ؟ ! و پس از آن كه شناخت تو در قلبم آميخته است و زبانم به ياد و نام تو گويا گشته و نهادم با محبّت تو گِره خورده است؟ !5659.الإمام الصادق عليه السلام : الكافى به نقل از ابو حمزه : امام زين العابدين عليه السلام را شب هنگام ، در آستان كعبه ديدم كه به نماز ، ايستاده است و چندان قيام خود را به درازا كشانْد كه گاه بر پاى راست خود ، تكيه مى داد و گاه بر پاى چپش . سپس شنيدم كه با صدايى اندوهناك مى گويد: «اى سَرور من ! آيا مرا عذاب خواهى كرد ، در حالى كه مهر تو در دلم جاى دارد؟ !» .5660.عنه عليه السلام : رجال النجاشى به نقل از الياس : شنيدم كه امام صادق عليه السلام مى فرمايد: «به خدا سوگند ، هر بنده اى كه خدا و پيامبر او را دوست بدارد و دوستدارِ امامان باشد و بميرد ، آتش [دوزخ] به او نمى رسد» .

اين مطلب را دوباره و سه باره ، تكرار كرد، بدون آن كه من از ايشان بخواهم .5661.عنه عليه السلام (فِى الدُّعاءِ) امام صادق عليه السلام : مردم ، خداوند عز و جل را سه گونه عبادت مى كنند : يک طبقه ، او را از سرِ اشتياق به پاداشش عبادت مى كنند كه اين ، عبادت آزمندان است و اين ، طمع است . گروهى ديگر ، او را از ترس آتش ، عبادت مى كنند كه اين ، عبادتِ بندگان است و اين [ناشى از] بيم است ؛ ولى من از سرِ محبّت به او عبادتش مى كنم كه اين ، عبادتِ آزادگان است و اين ، [مايه] امن [و امان]است، به دليل اين

سخن خداى عز و جل كه: «و آنان از وحشت آن روز ، در امان اند» ، و به دليل اين سخن خداى عز و جل كه: «بگو: اگر خدا را دوست داريد، از من پيروى كنيد تا خداوند نيز دوستتان بدارد و گناهان شما را بر شما ببخشايد» .

پس هر که خدا را دوست بدارد ، خداوند عز و جل نیز او را دوست می دارد، و هر که خداوند عز و جل دوستش بدارد ، از امان یافتگان است .

.

5662.عنه علیه السلام (فِی الدُّعاءِ) الإمام زین العابدین علیه السلام فی المناجات :

أتُحرِقُنی بِالنّارِ یا غایَةَ المُنیفَأَینَ رَجائی ثُمَّ أینَ مَحَبَّتی . (1)11 / 9طَاعَةُ اللّهِ 5659.امام صادق علیه السلام : رسول اللّه صلی الله علیه و آله : طاعَةُ الخالِقِ أمانٌ مِنَ العَذابِ . (2)5660.امام صادق علیه السلام : الإمام علیّ علیه السلام : وَقّوا أنفُسَکُم مِن عَذابِ اللّهِ بِالمُبادِرَهِ إلی طاعَهِ اللّهِ . (3)5661.امام صادق علیه السلام (در دعا) الإمام زین العابدین علیه السلام : اِشتَغِلوا فی هذِهِ الدُّنیا بِطاعَهِ اللّهِ ، وَاغتَنِموا أیّامَها ، وَاسعَوا لِما فیهِ نَجاتُکُم غَدا مِن عَذابِ اللّهِ . (4)5662.امام صادق علیه السلام (در دعا) عنه علیه السلام لِطاووسِ الفَقیهِ : یا طاووسُ ، دَع عَنّی حَدیثَ أبی وأُمّی وجَدّی ! خَلَقَ اللّهُ الجَنَّهَ لِمَن أطاعَهُ وأحسَنَ ولَو کانَ عَبدا حَبَشِیّا ، وخَلَقَ النّارَ لِمَن عَصاهُ ولَو کانَ قُرَشِیّا . أما سَمِعتَ قَولَهُ تَعالی : «فَإِذَا نُفِخَ فِی الصُّورِ فَلَا أنسَابَ بَیْنَهُمْ

یَوْمَلِءِذٍ وَ لَا یَتَسَاءَلُونَ» (5) ؟ وَاللّهِ ! لا یَنفَعُکَ غَدا إلّا تَقدِمَهٌ تُقَدِّمُها مِن عَمَلٍ صالِحٍ . (6) .

1- .المناقب لابن شهر أشوب: ج 4 ص 151 عن طاووس الفقیه، بحارالأنوار: ج 87 ص 200 ح 8.
2- .جامع الأخبار: ص 239 ح 611 عن المسیّب عن الإمام علیّ علیه السلام ، بحارالأنوار: ج 76 ص 16 ح 2.
3- .غرر الحکم: ح 10108، عیون الحکم والمواعظ: ص 505 ح 9265.
4- .الکافی : ج 8 ص 16 ح 2 ، الأمالی للمفید : ص 202 ح 33 ، العدد القویه : ص 61 ح 79 ، تنبیه الخواطر : ج 2 ص 37 کلّها عن أبی حمزه ، تحف العقول : ص 254، بحارالأنوار : ج 78 ص 150 ح 11 .
5- .المؤمنون: 101.
6- .المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 151، بحارالأنوار: ج 46 ص 82 ح 75؛ تاریخ دمشق: ج 41 ص 359 عن الحسن بن الحسن بن علیّ بن أبی طالب علیهم السلام نحوه.

11 / 9 فرمانبری از خدا

5663.امام صادق علیه السلام : امام زین العابدین علیه السلام در مناجات با خداوند متعال : آیا مرا با آتش خواهی سوزانْد ، ای نهایتِ آرمانم؟

پس امیدم چه می شود ؟ پس محبّتم [به تو] کجا می رود؟11 / 9فرمانبری از خدا5666.الإمام الهادی علیه السلام (مِن دُعائِهِ فی قُنوتِهِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : فرمانبری از آفریدگار ، [مایه] ایمنی از عذاب است.5667.مصباح المتهجّد (فی دُعاءٍ ذکَرَهُ بَعدَ صَلاهِ عَلِیٍّ علیه الس) امام علی علیه السلام : با شتافتن به فرمانبری از خداوند ، خویشتن را از عذاب خدا نگه دارید.5668.الإمام علیّ علیه السلام : امام زین العابدین علیه السلام : در این دنیا ، به طاعت خدا مشغول شوید و روزهای آن را غنیمت بشمارید و در آنچه فردا[ی قیامت] ، شما را از عذاب خدا می رَهاند، بکوشید.5664.امام رضا علیه السلام (در توصیف پروردگار عز و جل) امام زین العابدین علیه السلام به طاووس فقیه : ای طاووس! سخن گفتن از پدر و مادرم و جدّم را رها کن! خداوند ، بهشت را برای کسی آفرید که از او فرمان ببَرد و کار نیک انجام دهد ، اگر چه بنده ای حبشی باشد ؛ و آتش را برای کسی آفرید که او را نافرمانی کند ، اگر چه قُرَشی باشد. مگر نشنیده ای سخن خداوند متعال را که :

«چون در شیپور [قیامت] دمیده شود ، پس در آن روز ، میانشان نسبت خویشاوندی نیست و از [حال] یکدیگر نمی پرسند» ؟ به خدا سوگند ، فردای قیامت ، تو را سود نمی بخشد ، مگر همان کردار نیکی که پیش تر فرستاده باشی !

.

5665.امام جواد علیه السلام (در زیارت پدرش امام رضا علیه السلام) الإمام الصادق علیه السلام : إذا هَمَمتَ بِشَیءٍ مِنَ الخَیرَ فَلا تُؤَخِّرهُ ؛ فَإِنَّ اللّٰهَ عز و جل رُبَّمَا اطَّلَعَ عَلَی العَبدِ و هُوَ عَلی شَیءٍ مِنَ الطّاعَهِ فَیَقولُ : وعِزَّتی وجَلالی لَ_ 'c7 أُعَذِّبُکَ بَعدَها أَبَدا . (1)11 / 10ذِکرُ القِیامَهِ5668.امام علی علیه السلام : رسول اللّه صلی الله علیه و آله : ذِکرُ القِیامَهِ یُباعِدُکُم مِنَ النّارِ . (2)11 / 11الزُّهدُ فِی الدُّنیا5671.الإمام زین العابدین علیه السلام : الإمام علیّ علیه السلام : اُترُکُوا الدُّنیا ومُخالَطَهَ النّاسِ ؛ تَستَریحوا فِی الدّارَینِ وتَأمَنوا مِنَ العَذابِ . (3)5672.عنه علیه السلام (مِن دُعائِهِ فی یَومِ عَرَفَهَ) مصباح الشریعه فیما نَسَبَهُ إلی الإمامِ الصّادِقِ علیه السلام : الزُّهدُ مِفتاحُ بابِ الآخِرَهِ ، وَالبَراءَهُ مِنَ النّارِ . (4) .

1- .الکافی: ج 2 ص 143 ح 7، الأمالی للمفید: ص 205 ح 36 کلاهما عن هشام بن سالم، بحارالأنوار: ج 68 ص 223 ح 36 .
2- .کنز العمّال: ج 15 ص 918 ح 43584 نقلاً عن الدیلمی عن معاذ.
3- .جامع الأخبار: ص 341 ح 950، بحارالأنوار: ج 69 ص 399 ح 91.
4- .مصباح الشریعه: ص 191، بحارالأنوار: ج 70 ص 315 ح 20.

11 / 10 یاد قیامت

11 / 11 پارسایی در دنیا

5669.امام علی علیه السلام : امام صادق علیه السلام : هر گاه آهنگِ کار نیکی کردی ، [انجام دادن] آن را به تأخیر میفکن؛ زیرا خداوند عز و جل ، گاه بنده را در حال طاعتی می بیند و می فرماید: «به عزّت و جلالم سوگند که بعد از این ، دیگر تو را عذاب نخواهم کرد» .11 / 10یاد قیامت5672.امام زین العابدین علیه السلام (از دعای او در روز عرفه) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : یاد قیامت، شما را از آتش [دوزخ] ، دور می سازد .11 / 11پارسایی در دنیا5675.الإمام الصادق علیه السلام (مِن دُعائِهِ فی یَومِ عَرَفَهَ) امام علی علیه السلام : دنیا و آمیختن با مردم را رها کنید تا در هر دو سرا بیاسایید و از عذاب ، در امان بمانید .5676.عنه علیه السلام (لِلمُفَضَّلِ بنِ عُمَرَ) مصباح الشریعه در آنچه به امام صادق علیه السلام نسبت داده است : پارسایی ، کلید درِ آخرت و بَرات آزادی از آتش است .

.

11 / 12حُسنُ الخُلُقِ5675.امام صادق عليه السلام (از دعايش در روز عرفه) رسول اللّه صلى الله عليه و آله : وَاللّهُ ! ما حَسَّنَ اللّهُ خُلُقَ رَجُلٍ وخَلقَهُ فَتَطعَمُهُ النّارُ أبَدا . (1)5676.امام صادق عليه السلام (به مفضّل بن عمر) عنه صلى الله عليه و آله : ما حَسَّنَ اللّهُ خُلُقَ عَبدٍ وخَلقَهُ وجَعَلَهُ فى مَنصَبٍ غَيرَ شائِنٍ إلَا استَحى أن يُطعِمَ النّارَ لَحمَهُ . (2)5677.الكافى عن معتّب : عنه صلى الله عليه و آله : مَن كانَ هَيِّنا لَيِّنا قَريبا حَرَّمَهُ اللّهُ عَلَى النّارِ . (3)5678.الكافى عن الإمام الكاظم عليه السلام : الإمام الصادق عليه السلام : قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أل_'c7 اُخبِرُكُم بِمَن تَحرُمُ عَلَيهِ النّارُ غَدا؟ قيلَ : بَلى يا رَسولَ اللّهِ ، قالَ : الهَيِّنُ اللَّيِّنُ القَريبُ السَّهلُ . (4)11 / 13كَظمُ الغَيظِ5679.الإمام العسكرىّ عليه السلام (فِى التَّفسيرِ المَنسوبِ إلَيهِ ، فى قِصَّةِ ذَ) رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَن كَفَّ غَضَبَهُ عَنِ النّاسِ كَفَّ اللّهُ تَبارَكَ وتَعالى عَنهُ عَذابَ يَومِ

القِيامَةِ . (5) .

1- .المعجم الأوسط : ج 7 ص 37 ح 6780 ، شعب الإيمان : ج 6 ص 249 ح 8038 ، الفردوس : ج 4 ص 355 ح 7022 وليس فيهما «أبدا» وكلّها عن أبى هريره وليس فيهما «أبدا» ، تاريخ بغداد : ج 3 ص 226 عن أنس نحوه ، كنز العمّال : ج 3 ص 18 ح 5237 ؛ تنبيه الخواطر: ج 1 ص 90 وليس فيه «أبدا» ، بحارالأنوار : ج 71 ص 393 ح 63 .
2- .تنبيه الخواطر: ج 2 ص 200 عن الإمام الحسين عن أبيه عليهماالسلام، ثواب الأعمال: ص 216 ح 2 عن موسى بن إبراهيم عن الإمام الكاظم عليه السلام ، مشكاه الأنوار: ص 392 ح 1288 عن الإمام الكاظم عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله وليس فيهما «وجعله فى منصبٍ غير شائن»، بحارالأنوار: ج 5 ص 281 ح 14.
3- .المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 215 ح 435، السنن الكبرى: ج 10 ص 327 ح 20806 فيه «سهلاً» بدل «قريبا»، الزهد لهناد: ج 2 ص 596 ح 1262 بزياده «سهلاً» بعد «لينا»، شعب الإيمان: ج 6 ص 271 ح 8123 كلّها عن أبى هريره، كنز العمّال : ج 3 ص 12 ح 5194.
4- .الخصال: ص 238 ح 83، ثواب الأعمال: ص 205 ح 1 كلاهما عن عبداللّه بن سنان، الأمالى للصدوق: ص 397 ح 511 عن عبداللّه بن مسكان، بحارالأنوار: ج 75 ص 51 ح 4؛ سنن الترمذى: ج 4 ص 654 ح

2488 وليس فيه «الليّن»، مسند ابن حنبل: ج 2 ص 90 ح 3938 نحوه، صحيح ابن حبّان: ج 2 ص 216 ح 470، المعجم الكبير: ج 10 ص 231 ح 10562 كلّها عن عبداللّه بن مسعود، كنز العمّال: ج 3 ص 7 ح 5162 .
5- .الكافى : ج 2 ص 305 ح 14 عن أبى حمزه عن الإمام الباقر عليه السلام و ح 15 ، ثواب الأعمال : ص 161 ح 1 ، الأُصول السته عشر : ص 33 والثلاثه الأخيره عن أبى حمزه عن الإمام الباقر عليه السلام ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 6 ح 9 عن الحسين بن عبداللّه عن الإمام الباقر عليه السلام ، الإختصاص : ص 229 عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحارالأنوار : ج 71 ص 426 ح 71 .

11 / 12 خوش خویی

11 / 13 فرو خوردن خشم

11 / 12خوش خویی5681.عنه علیه السلام (فی قَولِهِ تَعالی : {Q} «إِنَّ اللَّهَ یَأمُرُ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : به خدا سوگند ، هر مردی را که خداوند ، خوش خوی و زیبا بیافریند، هرگز خوراکِ آتش [دوزخ]نمی گردد .5680.امام باقر علیه السلام (درباره این سخن خدای متعال : {Q} «در حقیقت ، خدا) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : وقتی خداوند ، خلقت و خوی هر بنده ای را زیبا می سازد و او را در موقعیتی غیرننگین قرار می دهد، شرم می کند از این که گوشتِ او را طعمه آتش گردانَد.5681.امام باقر علیه السلام (درباره این سخن خدای متعال : {Q} «در حقیقت ، خدا) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس آرام و نرم خو و خون گرم باشد ، خداوند ، او را بر آتش [دوزخ] ، حرام می گردانَد .5682.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «آیا شما را از کسی که فردا[ی قیامت] ، آتش بر او حرام است، خبر ندهم؟» .

گفته شد: چرا، ای پیامبر خدا !

فرمود: «شخص آرام و نرم خو و خون گرم و آسانگیر» .11 / 13فرو خوردن خشم5682.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس خشم خود را از مردم ، باز بدارد ، خداوند تبارک و تعالی

عذاب روز قیامت را از او باز می دارد.

.

11 / 14الدِّفاعُ عَن عِرضِ المُؤمِن5685.الإمام علىّ عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَن رَدَّ عَن عِرضِ أخيهِ بِالغَيبَهِ (1) ، كانَ حَقّا عَلَى اللّهِ أن يُعتِقَهُ مِنَ النّارِ . (2)5686.عنه عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : مَن رَدَّ عَن عِرضِ أخيهِ المُسلِمِ ، كانَ حَقّا عَلَى اللّهِ عز و جل أن يَرُدَّ عَنهُ نارَ جَهَنَّمَ يَومَ القِيامَهِ . (3)5687.عنه عليه السلام (فى قَولِهِ تَعالى : {Q} «إِنَّ اللَّهَ يَأمُرُ) عنه صلى الله عليه و آله : مَن رَدَّ عَن عِرضِ أخيهِ ، رَدَّ اللّهُ عَن وَجهِهِ النّارَ يَومَ القِيامَهِ . (4)5688.عنه عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : مَن رَدَّ عَن عِرضِ أخيهِ ، كانَ لَهُ حِجابا مِنَ النّارِ . (5) .

1- .فى بحار الأنوار : «بالغَيبِ» .
2- .كشف الريبه : ص 19 عن أبى الدرداء ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 119 ، إرشاد القلوب : ص 117 ، بحارالأنوار : ج 75 ص 226 ؛ الصمت وحفظ اللسان لابن أبى الدنيا : ص 135 ح 239 عن أبى الدرداء ، كنز العمّال : ج 3 ص 418 ح 7235 .
3- .مسند ابن حنبل: ج 10 ص 428 ح 27606 عن أبى الدرداء، تفسير القرطبى: ج 15 ص 323، كنز العمّال: ج 3 ص 417 ح 7229؛ مجمع البيان: ج 8 ص 484 عن اُمّ الدرداء، بحارالأنوار: ج 71 ص 119.
4- .سنن الترمذى: ج 4 ص 327 ح 1931، مسند ابن حنبل: ج 10 ص 429 ح 27613، حليه الأولياء: ج 7 ص 258 نحوه، شعب الإيمان: ج6 ص111 ح 7635 كلّها عن أبى الدرداء، كنز العمّال: ج3 ص415 ح 7217 .
5- .الأمالى للمفيد: ص 338 ح 2، الأمالى للطوسى: ص 115 ح 177، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 181 كلّها عن أبى الدرداء، بحارالأنوار: ج 75 ص 253 ح 34؛ السنن الكبرى: ج 8 ص 290 ح 16684، المصنّف لابن أبى شيبه: ج 6 ص 115 ح 5، المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص 100 ح 206 كلّها عن أبى الدرداء، كنز العمّال: ج 3 ص 416 ح 7218.

11 / 14دفاع از آبروی مؤمن5691.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس در غیاب برادرش از آبروی او دفاع کند ، بر خداست که او را از آتش [دوزخ] ، آزاد سازد.5692.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس از آبروی برادر مسلمانش دفاع کند ، بر خداوند عز و جل است که در روز قیامت ، آتش جهنّم را از او دور کند.5693.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس از آبروی برادرش دفاع کند، خداوند ، در روز قیامت، آتش را از چهره او پس می زند.5685.امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس از آبروی برادرش دفاع کند، این کار ، مانع او در برابر آتش [دوزخ] می شود.

.

5686.امام على عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : مَن ذَبَّ عَن عِرضِ أخيهِ بِالمَغيبِ ، كانَ حَقّا عَلَى اللّهِ عز و جلأن يُعتِقَهُ مِنَ النّارِ .
(1)11 / 15السَّخاءُ5689.امام على عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : السَّخِىُّ قَريبٌ مِنَ اللّهِ ، قريبٌ من الجَنَّهِ ، قَريبٌ مِنَ النّاسِ ، بَعيدٌ مِنَ النّارِ . وَالبَخيلُ بَعيدٌ مِنَ اللّهِ ، بَعيدٌ مِنَ الجَنَّهِ ، بَعيدٌ مِنَ النّاسِ ، قَريبٌ مِنَ النَّارِ . (2)5690.امام على عليه السلام : الإمام الكاظم عليه السلام : كانَ أميرُالمُؤمِنينَ عليه السلام يوصى أصحابَهُ ، يَقولُ : ... وَليكَن ... طَبيعَتُكُمُ السَّخاءَ (3) ؛ فَإِنَّهُ لا يَدخُلُ الجَنَّهَ بَخيلٌ ، ولا يَدخُلُ النّارَ سَخِىٌّ (4) .5691.امام على عليه السلام : الكافى عن مسعده بن صدقه : قالَ أبو عَبدِاللّهِ عليه السلام لِبَعضِ جُلَسائِهِ : ألا اُخبِرُكَ بِشَىءٍ يُقَرِّبُ مِنَ اللّهِ ، ويُقَرِّبُ مِنَ الجَنَّهِ ، ويُباعِدُ مِنَ النّارِ؟ فَقالَ : بَلى ! فَقالَ : عَلَيكَ بِالسَّخاءِ ؛ فَإِنَّ اللّهَ خَلَقَ خَلقا بِرَحمَتِهِ لِرَحمَتِهِ ، فَجَعَلَهُم لِلمَعروفِ أهلاً ولِلخَيرِ مَوضِعا ولِلنّاسِ وَجها ، يُسعى إلَيهِم لِكَى يُحيوهُم كَما يُحيِى المَطَرُ الأَرضَ المُجدِبَهَ ، أُولئِكَ هُمُ المُؤمِنونَ الآمِنونَ يَومَ القِيامَهِ . (5) .

1- .المعجم الكبير: ج 24 ص 176 ح 443، مسند ابن حنبل: ج 10 ص 445 ح 27680، مسند إسحاق بن راهويه: ج 5 ص 184 ح 2310 كلاهما نحوه و كلّها عن أسماء بنت يزيد، كنز العمّال: ج 3 ص 416 ح 7221؛ الأمالى للطوسى: ص 537 ح 1162، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 379 ح 2661، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 65، أعلام الدين: ص 202 كلّها عن أبى ذر نحوه، بحارالأنوار: ج 77 ص 89 ح 3.
2- .سنن الترمذى : ج 4 ص 342 ح 1961 عن أبى هريره ، المعجم الأوسط : ج 3 ص 2363 ، شعب الإيمان : ج 7 ص 428 ح 10847 كلاهما عن عائشه و ح 10848 عن جابر، كنز العمّال: ج 6 ص 338 ح 15928؛ الكافى: ج 4 ص 40 ح 9، عيون أخبار الرّضا عليه السلام : ج 2 ص 12 ح 27 كلاهما عن الحسن بن على الوشاء عن أبى الحسن عليه السلام ، مشكاه الأنوار: ص 409 ح 1366، بحارالأنوار: ج 71 ص 355 ح 17.
3- .فى بعض النسخ : «وإيّاكم والبخل ! وعليكم بالسّخاء» (هامش المصدر).
4- .. تحف العقول: ص 390، بحارالأنوار: ج 78 ص 305 ح 1.
5- .الكافى: ج 4 ص 41 ح 12، قرب الإسناد: ص 72 ح 234، وسائل الشيعه: ج 15 ص 253 ح 27825.

5692.امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس در غیاب برادرش از آبروی او دفاع کند، بر خداوند عز و جلاست که او را از آتش [دوزخ] ، آزاد سازد.11 / 15بخشندگی5695.الإمام الباقر علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : انسان بخشنده، به خدا و به بهشت و به مردم ، نزدیک است و از آتش [دوزخ] ، دور است ؛ و شخص بخیل ، از خدا و از بهشت و از مردم ، دور است و به آتش [دوزخ] ، نزدیک است.5696.الإمام الصادق علیه السلام سُئِلَ عن صِفَهِ العَ امام کاظم علیه السلام : امیر مؤمنان علیه السلام ، به یارانش سفارش می کرد و می فرمود: «... باید... سرشت شما ، بخشندگی باشد؛ زیرا هیچ بخیلی وارد بهشت نمی شود، و هیچ بخشنده ای به آتش نمی رود».5697.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : الکافی به نقل از مسعده بن صدقه : امام صادق علیه السلام به یکی از هم نشینانش فرمود: «آیا تو را از چیزی خبر ندهم که به خدا و بهشت ، نزدیک می کند و از آتش [دوزخ] ، دور می گردانَد؟» .

او گفت : چرا ؟

فرمود: «بخشنده باش؛ زیرا خداوند ، به رحمت خویش ، خَلقی را برای رحمت خویش آفرید و آنان را اهل نیکی کردن و جایگاه خیر و محلّ توجّه [و مراجعه] مردم قرار داد، که برای مردم می کوشند ، تا آنان را زنده کنند ، همچنان که باران ، زمین خشک را زنده می کند . اینان اند همان مؤمنانی اند که روز قیامت ، در امان اند».

.

11 / 16الصَّلاةُ5694.امام علي عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ للّهِ مَلَكا يُنادي عِندَ كُلِّ صَلاةٍ : يا بَنى آدَمَ ! قوموا إلى نيرانِكُمُ الَّتى أوقَدتُموها عَلى أنفُسِكُم ، فَأطفِئوها بِالصَّلاةِ . (1)5695.امام باقر عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : تَكونُ صَلاةُ العَبدِ عِندَ المَحشَرِ تاجا عَلى رَأسِهِ ، ونورا عَلى وَجهِهِ ، ولِباسا عَلى بَدَنِهِ ، وسَترا بَينَهُ وبَينَ النّارِ . (2)5696.امام صادق عليه السلام (در پاسخ پرسشى درباره زمان به وجود آمدن صفت عدالت) عنه صلى الله عليه و آله : حافِظوا عَلَى الصَّلَواتِ الخَمسِ ؛ فَإنَّ اللّهَ عز و جل إذا كانَ يَومُ القِيامَهِ يَدعُو العَبدَ ، فَأوَّلُ شَىءٍ يَسأَلُ عَنهُ الصَّلاةُ ، فَإن جاءَ بِها تامَّةً وإلّا زَجَّ بِهِ فِي النّارِ . (3)5697.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : مَن صَلّى رَكعَتَينِ لا يَراهُ إلَا اللّهُ عَزَّوَجَلَّ وَالمَلائِكَهُ كانَت لَهُ بَراءَهً مِنَ النّارِ (4) .5698.امام على عليه السلام : الإمام الباقر عليه السلام : لَمّا كَلَّمَ اللّهُ موسَى بنَ عِمرانَ عليه السلام قالَ موسى : إلهى ! ما جَزاءُ مَن شَهِدَ أنّى رَسولُكَ ونَبِيُّكَ وأنَّكَ كَلَّمتَنى؟ قالَ : يا موسى ! تَأتيهِ مَلائِكَتى فَتُبَشِّرُهُ بِجَنَّتى . قالَ موسى : إلهى ! فَما جَزاءُ مَن قامَ بَينَ يَدَيكَ فَصَلّى؟ فَقالَ : يا موسى ، أباهى بِهِم مَلائِكَتى راكِعا و ساجِدا وقائِما وقاعِدا ، ومَن باهَيتُ بِهِ مَلائِكَتى لا أعَذِّبُهُ . (5) .

1- .المعجم الأوسط: ج 9 ص 173 ح 9452، المعجم الصغير: ج 2 ص 130 وليس فيه «بالصلاه» وكلاهما عن أنس، كنز العمّال: ج 7 ص 281 ح 18881؛ الإقبال: ج 3 ص 367 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام .
2- .الخصال: ص 522 ح 11 عن ضمره بن حبيب، بحارالأنوار: ج 82 ص 232 ح 56.
3- .صحيفه الإمام الرّضا عليه السلام : ص 151 ح 90، عيون أخبار الرّضا عليه السلام : ج 2 ص 31 ح 45 وليس فيه صدره وكلاهما عن أحمد بن عامر الطائى عن الإمام الرّضا عن آبائه عليهم السلام ، جامع الأخبار: ص 186 ح 458، بحارالأنوار: ج 82 ص 202 ح 1.
4- .تاريخ دمشق: ج 43 ص 197 ح 9152 عن جابر بن عبداللّه، كنز العمّال: ج 7 ص 308 ح 19019 نقلاً عن سنن سعيد بن منصور.
5- .فضائل الأشهر الثلاثه: ص 88 عن زياد بن المنذر، الأمالى للصدوق: ص 276 ح 307 عن عبدالعظيم الحسنى عن الإمام الهادى عن آبائه عن الإمام

علىّ عليهم السلام ، روضه الواعظين: ص 348 وليس فيه صدره إلى «فتبشّره بجنّتى»، بحارالأنوار: ج 13 ص 327 ح 4.

11 / 16 نماز

11 / 16نماز5700.امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، فرشته ای دارد که به هنگام هر نماز ، بانگ می زند: «ای فرزندان آدم ! بر خیزید و آتش هایی را که برای خویش افروخته اید، با نماز ، خاموش کنید» .5701.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نماز بنده، در محشر ، تاجی بر سرِ او ، نوری بر چهره اش و جامه ای بر تَنَش می شود و پرده ای میان او و آتش می گردد .5702.الإمام علیّ علیه السلام (وقَد سُئِلَ عَنِ التَّوحیدِ وَالعَدلِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نمازهای پنجگانه را پاس بدارید؛ زیرا چون روز قیامت شود ، خداوند عز و جل ، بنده را فرا می خواند و از نخستین چیزی که می پرسد ، نماز است . اگر آن را کامل آورده بود [، نجات می یابد] ؛ و گر نه ، او را در آتش [دوزخ] ، پرتاب می کند .5703.أعلام الدین : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس دو رکعت نماز بخواند ، به طوری که او را [در آن حال]کسی جز خداوند عز و جل و فرشتگان نبیند، آن دو رکعت ، بَراتِ آزادی او از آتش خواهد بود .5704.الإمام الصادق علیه السلام (وقَد سَأَلَهُ رَجُلٌ عَنِ التَّوحیدِ وَالعَدلِ) امام باقر علیه السلام : آن گاه که خداوند با موسی بن عمران علیه السلام سخن گفت، موسی علیه السلام گفت : بار الها ! پاداش کسی که گواهی دهد که من ، فرستاده و پیامبرِ تو هستم و تو با من سخن گفتی، چیست؟

فرمود: «ای موسی ! فرشتگان من ، نزدش می آیند و او را به بهشتم ، مژده می دهند» .

موسی علیه السلام گفت : بار الها ! پاداش کسی که در برابر تو بِایستد و نماز بگزارد ، چیست؟

فرمود: «ای موسی ! آن گاه که در رکوع و سجود و قیام و قعود است ، به [وجود] او بر فرشتگانم مباهات می کنم، و کسی که من به او بر فرشتگانم مباهات کنم، عذابش نمی کنم» .

.

5701.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : الإمام الصادق علیه السلام : مَن قَبِلَ اللّهُ مِنهُ صَلاةً واحِدَةً لَم يُعَذِّبهُ ، ومَن قَبِلَ مِنهُ حَسَنَةً لَم يُعَذِّبهُ .

5702.امام علی علیه السلام (وقتی که درباره توحید و عدل ، مورد پرسش قرار گرف) عنه علیه السلام : ما مِن قَدَمٍ سَعَت إلَى الجُمُعَهِ إلّا حَرَّمَ اللّهُ جَسَدَها عَلَى النّارِ . (1)

5703.أعلام الدين : رسول اللّه صلی الله علیه و آله : ما مِن عَبدٍ اهتَمَّ بِمَواقيتِ الصَّلاهِ ومَواضِعِ الشَّمسِ إلّا ضَمِنتُ لَهُ الرَّوحَ عِندَ المَوتِ ، وَانقِطاعَ الهُمومِ وَالأحزانِ ، وَالنَّجاهَ مِنَ النّارِ . (2)

5704.امام صادق علیه السلام (وقتی که مردی درباره توحید و عدالت از وی پرسید) عنه صلی الله علیه و آله : عَلَيكُم بِصَلاهِ اللَّيلِ ولَو رَكعَهً واحِدَهً ؛ فَإنَّ صَلاهَ اللَّيلِ مَنهاهٌ عَنِ الإثمِ ، وتُطفئُ غَضَبَ الرَّبِ تَبارَكَ وتَعالى ، وتَدفَعُ عَن أهلِها حَرَّ النّارِ يَومَ القِيامَهِ . (3)

5705.الإمام علیّ علیه السلام (وقَد سُئِلَ عَنِ القَضاءِ وَالقَدَرِ) عنه صلی الله علیه و آله : صَلاهُ اللَّيلِ مَرضاهُ الرَّبِ ، وحُبُّ المَلائِكَهِ ، وسُنَّهُ الأنبِياءِ ، ونورُ المَعرِفَهِ ، وأصلُ الإيمانِ ، وراحَهُ الأبدانِ ، وكَراهِيَهٌ لِلشَّيطانِ ، وسِلاحٌ عَلَى الأعداءِ ، وإجابَهٌ لِلدُّعاءِ ، وقَبولٌ لِلأعمالِ ، وبَرَكَهٌ فِى الرِّزقِ ، وشَفيعٌ بَينَ صاحِبِها وبَينَ مَلَكِ المَوتِ ، وسِراجٌ فى قَبرِهِ ، وفِراشٌ تَحتَ جَنبَيهِ ، وجَوابُ مُنكَرٍ و نَكيرٍ ، ومونِسٌ وزائِرٌ فى قَبرِهِ ، فَإذا كانَ يَومُ القِيامَهِ كانَتِ الصّلاهُ ظِلّاً عَلَيهِ ، وتاجا عَلى رَأسِهِ ، ولِباسا عَلى بَدَنِهِ ، ونورا يَسعى بَينَ يَدَيهِ ، وسَترا بَينَهُ وبَينَ النّارِ . (4)

5706.الكافى عن يونس عن عدّه عن الإمام الصادق علیه السلام الإمام الرضا علیه السلام : عَلَيكُم بِصَلاهِ اللَّيلِ ؛ فَما مِن عَبدٍ يَقومُ فى آخِرِ اللَّيلِ فَيُصَلّى ثَمانِىَ رَكَعاتٍ ورَكعَتَينِ لِلشَّفعِ ورَكعَهً لِلوَترِ ، ثُمَّ قَنَتَ وَاستَغفَرَ اللّهَ فى قُنوتِهِ سَبعينَ مَرَّهً ،

إلّا أُجيرَ مِن عَذابِ القَبرِ وعَذابِ النّارِ . (5) .

1- .الكافى: ج 3 ص 266 ح 11، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 238 ح 943 كلاهما عن حفص بن البخترى، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 211 ح 641، وسائل الشيعه: ج 3 ص 21 ح 4437.

2- .الأمالى للصدوق: ص 449 ح 605 عن عبداللّه بن بكير، روضه الواعظين: ص 363، بحارالأنوار: ج 89 ص 184 ح 19.

3- .الأمالى للمفيد: ص 136 ح 5 عن سويد بن غفله عن الإمام علیّ علیه السلام ، بحارالأنوار: ج 83 ص 9 ح 5.

4- .الفردوس: ج 3 ص 18 ح 4030 عن جابر بن عبداللّه، كنز العمّال: ج 7 ص 791 ح 21431.
5- .إرشاد القلوب: ص 191 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحارالأنوار: ج 87 ص 161 ح 52 وراجع : جامع الأخبار: ص 183 ح 444.
6- .الدعوات: ص 272 ح 778، روضه الواعظين: ص 351 نحوه، بحارالأنوار: ج 87 ص 161 ح 53.

5707.الکافی عن الحسن بن علیّ الوشّاء عن الإمام الرضا ع امام صادق علیه السلام : کسی که خداوند ، از او یک نماز را بپذیرد، دچار عذاب خدا نمی شود ، و کسی که [خداوند] از او یک کار نیک را بپذیرد، به عذاب خدا گرفتار نمی گردد .5705.امام علی علیه السلام (وقتی که درباره قضا و قدر ، مورد پرسش قرار گرفت) امام صادق علیه السلام : هیچ گامی نیست که به سوی نماز جمعه برداشته شود ، جز آن که خداوند ، بدن او را بر آتش [دوزخ]حرام می گردانَد .5706.الکافی (به نقل از یونس ، از گروهی) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر بنده ای به اوقات نماز و وضعیت های خورشید ، توجّه نشان دهد ، راحتی در وقت مُردن و برطرف شدن غم و اندوه ها و رهایی از آتش [دوزخ] را برایش ضمانت می کنم.5707.الکافی (به نقل از حسن بن علی وشّاء) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بر شما باد خواندن نماز شب ، اگر چه یک رکعت؛ زیرا نماز شب ، بازدارنده از گناه است و خشم خداوند تبارک و تعالی را فرو می نشانَد و روز قیامت ، گرمای آتش را از اهل آن دور می کند.5708.الإمام الهادی علیه السلام (فی بَیانِ الجَبرِ وَالتَّفویضِ وَالأمرِ بَینَ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نماز شب ، [مایه] خشنودی خداوند و محبّت فرشتگان می شود و سنّت پیامبران، نور معرفت، ریشه ایمان و [موجب] آسودگی بدن ها و نفرت شیطان و سلاحی در برابر دشمنان است و موجب اجابت دعا و پذیرش اعمال، برکت در روزی و شفیع میان نماز شب خوان و مَلَک الموت است، و چراغی در گور او، بستری در زیر پهلویش، پاسخی برای منکر و نَکیر، و مونس و بازدید کننده ای در گور اوست . پس چون روز قیامت شود ، نماز [شب] ، سایه ای بر فراز او و تاجی بر سرش ، جامه ای بر تنش ، نوری پیشاپیشِ او ، و پرده ای میان او و آتش می شود .5709.الإمام الکاظم علیه السلام (وقَد سُئِلَ : مِمَّنِ المَعصِیَهُ ؟) امام رضا علیه السلام : بر شما باد خواندن نماز شب؛ زیرا هیچ بنده ای نیست که در آخرِ شب بر خیزد و هشت رکعت [نماز] ، دو رکعت [نماز] شَفْع و یک رکعت [نماز]وَتْر بگزارد ، سپس قنوت بخواند و در قنوتش هفتاد بار از خدا آمرزش بخواهد ،

مگر آن که از عذاب قبر و از عذاب آتش [دوزخ] ، پناه داده می شود. .

11 / 17الصِّيامُ5709.امام كاظم عليه السلام (در جواب اين پرسش كه : گناه ، از ناحيه كيست؟) رسول اللّه صلى الله عليه و آله : الصَّومُ جُنَّةٌ مِنَ النّارِ . (1)5710.الطرائف : عنه صلى الله عليه و آله : الصَّومُ جُنَّةٌ مِن عَذابِ اللّهِ . (2)5711.عيون أخبار الرِّضا عليه السلام عن إبراهيم بن أبى عنه صلى الله عليه و آله : الصَّومُ جُنَّةٌ أى سَترَةٌ مِن آفاتِ الدُّنيا ، وحِجابٌ مِن عَذابِ الآخِرَهِ . (3)5712.الإمام الصادق عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : لا يَصومُ عَبدٌ يَوما فى سَبيلِ اللّهِ إلّا باعَدَ اللّهُ تَعالى بِذلِكَ اليَومِ النّارَ عَن وَجهِهِ سَبعينَ خَريفا . (4)5713.عيون أخبار الرضا عليه السلام عن إبراهيم بن العبّا عنه صلى الله عليه و آله : مَن صامَ يَوما فى سَبيلِ اللّهِ باعَدَ اللّهُ مِنهُ جَهَنَّمَ مَسيرَةَ مِئَهِ عامٍ . (5) .

1- .الكافى : ج 2 ص 19 ح 5 عن زراره عن الإمام الباقر عليه السلام ، تهذيب الأحكام : ج 4 ص 191 عن عمرو بن جميع عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 75 ح 1775 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحارالأنوار : ج 68 ص 333 ح 10 ؛ سنن الترمذى : ج 3 ص 136 ح 764 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 391 ح 9374 كلاهما عن أبى هريره ، سنن النسائى : ج 4 ص 167 عن عثمان بن أبى العاص وعائشه ، كنز العمّال : ج 8 ص 414 ح 23588 .
2- .مسند ابن حنبل: ج 6 ص 270 ح 17929، شعب الإيمان: ج 3 ص 294 ح 3581 كلاهما عن عثمان بن أبى العاص، كنز العمّال: ج 8 ص 452 ح 23617؛ معدن الجواهر: ص 70 عن الإمام علىّ عليه السلام .
3- .مصباح الشريعه: ص 133 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحارالأنوار: ج 96 ص 254 ح 28.
4- .سنن النسائى : ج 4 ص 174، سنن الترمذى: ج 4 ص 166 ح 1623، مسند ابن حنبل: ج 4 ص 54 ح 11210 ، صحيح ابن خزيمه: ج 3 ص 297 ح 2113، صحيح ابن حبّان: ج 8 ص 206 ح 3417 كلّها عن أبى سعيد الخدرى، كنز العمّال: ج 4 ص 342 ح 10809.
5- .المعجم الكبير: ج 17 ص 335 ح 927، مسند أبى يعلى: ج 2 ص 314 ح 1761، مسند الشاميّين: ج 2 ص 46 ح 896 كلّها عن عقبه بن عامر و ج 1 ص 171 ح 290، المعجم الأوسط: ج 3 ص 309 ح 3249 كلاهما عن عمرو بن عبسه ، المصنّف لعبد الرزاق: ج 5 ص 301 ح 9683 عن أبى اُمامه، كنز العمّال: ج 4 ص 341 ح 10801 .

11 / 17 روزه

11 / 17روزه3025.الإمام الصادق علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : روزه ، سپری در برابر آتش [دوزخ] است .3026.عنه علیه السلام (لِاءِسحاقَ بنِ فَرّوخٍ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : روزه، سپری در برابر عذاب خداست.3027.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : روزه، سپر است؛ یعنی پوششی در برابر گزندهای دنیا و پرده ای در برابر عذاب آخرت است.3028.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ بنده ای نیست که یک روز در راه خدا روزه بگیرد ، مگر این که خداوند متعال در مقابل آن روز ، چهره او را هفتاد سال ، از آتش [دوزخ]دور می گردانَد.3029.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس یک روز در راه خدا روزه بگیرد ، خداوند ، جهنّم را به فاصله یکصد سال راه ، از او دور می گردانَد.

.

3030.الإمام الحسن عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : مَن صامَ رَجَبا كُلَّهُ كَتَبَ اللّهُ لَهُ رِضاهُ ، ومَن كَتَبَ لَهُ رِضاهُ لَم يُعَذِّبهُ .

(1)3031.الإمام الصادق عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : أُعطِيَت أُمَّتى فى شَهرِ رَمَضانَ خَمسا لَم يُعطَهُنَّ أُمَّهُ نبِيٍّ قَبلى : أمّا واحِدَهٌ ؛ فَإذا كانَ أوَّلُ لَيلَهٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ نَظَرَ اللّهُ عز و جل إلَيهِم ، ومَن نَظَرَ اللّهُ إلَيهِ لَم يُعَذِّبهُ أبَدا ... .

(2)3032.الإمام علىّ عليه السلام : الإمام الباقر عليه السلام : قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله لَمّا حَضَرَ شَهرُ رَمَضانَ وذلِكَ فى ثَلاثٍ بَقينَ مِن شَعبانَ ، قالَ لِبِلالٍ : نادِ فِى النّاسِ ، فَجُمِعَ النّاسُ ، ثُمَّ صَعِدَ المِنبَرَ ، فَحَمِدَ اللّهَ وأثنى عَلَيهِ ، ثُمَّ قالَ :

أيُّهَا النّاسُ ! إنَّ هذَا الشَّهرَ قَد خَصَّكُمُ اللّهُ بِهِ وحَضَرَكُم ، وهُوَ سَيِّدُ الشُّهورِ ، لَيلَهٌ فيهِ خَيرٌ مِن ألفِ شَهرٍ ، تُغلَقُ فيهِ أبوابُ النّارِ وتُفتَحُ فيهِ أبوابُ الجِنانِ .

(3)3033.الإمام الرضا عليه السلام : الإمام علىّ عليه السلام : إنَّ أفضَلَ ما يَتَوسَّلُ بِهِ المُتَوَسِّلونَ الإيمانُ بِاللّهِ ورَسولِهِ ، وَالجِهادُ فى سَبيلِ اللّهِ ، وكَلِمَهُ الإخلاصِ ؛ فَإنَّهَا الفِطرَهُ ، وإقامُ الصَّلاهِ ؛ فَإنَّهَا المِلَّهُ ، وإيتاءُ الزَّكاهِ ؛ فَإنَّها مِن فَرائِضِ اللّهِ عز و جل ، وَالصَّومُ ؛ فَإنَّهُ جُنَّهٌ مِن عَذابِهِ .

(4)3034.رسولَ اللّه صلى الله عليه و آله : الإمام زين العابدين عليه السلام : حَقُّ الصَّومِ أن تَعلَمَ أنَّهُ حِجابٌ ضَرَبَهُ اللّهُ عز و جل عَلى لِسانِكَ وسَمعِكَ وبَصَرِكَ وبَطنِكَ وفَرجِكَ لِيَستُرَكَ بِهِ مِنَ النّارِ ، فَإن تَرَكتَ الصَّومَ خَرَقتَ

سِترَ اللّهِ عَلَيكَ . (5) .

1- .المقنعه: ص 372، مصباح المتهجّد: ص 797، جامع الأخبار: ص 206 ح 508 كلاهما عن سماعه بن مهران عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، الإقبال: ج 3 ص 192 عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله وفى الثلاثه الأخيره «رضوانه» بدل «رضاه» فى كلا الموضعين، بحارالأنوار: ج 97 ص 54 ح 44.

2- .الخصال: ص 317 ح 101، فضائل الأشهر الثلاثه: ص 90 ح 69، الأمالى للطوسى: ص 496 ح 1087 كلّها عن جابر بن عبد اللّه الأنصارى، بحارالأنوار: ج 96 ص 364 ح 36 ؛ شعب الإيمان: ج 3 ص 303 ح 3603 عن جابر بن عبداللّه، كنز العمّال: ج 8 ص 471 ح 23707 نقلاً عن ابن صعرى فى أماليه عن أبى هريره.

3- .الكافى: ج 4 ص 67 ح 5، تهذيب الأحكام: ج 4 ص 192 ح 549، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 96 ح 1832 ، ثواب الأعمال: ص 89 ح 4 عن أبى بصير، بحارالأنوار: ج 96 ص 363 ح 3.
4- .كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 205 ح 613، علل الشّرائع: ص 247 ح 1، الزهد للحسين بن سعيد: ص 13، المحاسن: ج 1 ص 451 ح 1040، الأمالى للطوسى: ص 216 ح 380 عن أبى بصير عن الإمام الباقر عنه عليهماالسلام، بحارالأنوار: ج 69 ص 386 ح 51.
5- .كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 620 ح 3214، الخصال: ص 566 ح 1، الأمالى للصدوق: ص 452 ح 610 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 300 ح 2654 كلّها عن ثابت بن دينار، تحف العقول: ص 258، بحارالأنوار : ج 74 ص 4 ح 1 .

3035.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس تمام ماه رجب را روزه بگیرد ، خداوند ، خشنودی خود را برایش می نویسد، و کسی که خداوند ، خشنودی خود را برای او نوشته باشد ، دچار عذاب او نمی شود .3036.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : به امّت من در ماه رمضان ، پنج چیز داده شده که به امّت هیچ پیامبری پیش از من ، داده نشده است: یکی آن که چون اوّلین شب ماه رمضان فرا برسد ، خداوند عز و جل به آنان می نگرد ، و کسی که خدا به او بنگرد ، دیگر هرگز دچار عذاب او نمی شود .5712.امام صادق علیه السلام : امام باقر علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، در آستانه فرا رسیدن ماه رمضان، یعنی سه روز مانده از ماه شعبان، به بلال فرمود: «در میان مردم ، ندا بده [تا جمع گردند]» .

مردم جمع شدند . ایشان ، بر منبر رفت و حمد و ثنای الهی را به جا آورد و سپس فرمود: «ای مردم ! این ماه که خداوند ، شما را بدان مفتخر ساخته است و به زودی از راه می رسد، آقای ماه هاست . یک شب آن ، از هزار ماه ، بهتر است . در این ماه ، درهای آتش [دوزخ] ، بسته و درهای بهشت ، باز می شوند» .5713.عیون أخبار الرضا علیه السلام (به نقل از ابراهیم بن عبّاس) امام علی علیه السلام : بهترین وسیله تقرّب به خدا ، برای آنان که جویای وسیله تقرّب هستند ، ایمان به خدا و پیامبرِ اوست و جهاد در راه خدا ، و [اظهار] شعار اخلاص (توحید) که [آوای] فطرت است ، و بر پا داشتن نماز که عین دین است ، و دادن زکات که از واجبات خداوند عز و جل است ، و گرفتن روزه که سپری در برابر عذاب اوست .5714.الإمام علیّ علیه السلام : امام زین العابدین علیه السلام : حقّ روزه ، این است که بدانی روزه ، پرده ای است که خداوند عز و جلبر زبان و گوش و چشم و شکم و شرمگاه تو زده است تا بدان وسیله ، تو را از آتش [دوزخ] بپوشاند . پس اگر روزه را ترک کردی ، پرده خدا را

بر خود دریده ای. .

5715.عنه عليه السلام : الإمام الصادق عليه السلام : مَن كَتَمَ صَومَهُ قالَ اللّه ُ عز و جل لِمَلائِكَتِهِ : «عَبدِی استَجارَ مِن عَذابی فَأَجیروهُ» ، ووَكَّلَ اللّه ُ تَعالی مَلائِكَتَهُ بِالدُّعاءِ لِلصّائِمینَ ؛ ولَم یَأمُرهُم بِالدُّعاءِ لِأَحَدٍ إلّا استَجابَ لَهُم فیهِ . (1)5714.امام علی علیه السلام : عنه علیه السلام : إنَّ العَبدَ یَصومُ الیَومَ الحارَّ یُریدُ ما عِندَاللّه ِ ، فَیُعتِقُهُ اللّه ُ بِهِ مِنَ النّارِ . ولا تَستَقِلَّ ما یُتَقَرَّبُ بِهِ إلَی اللّه ِ عز و جلولَو شِقَّ تَمرَةٍ . (2)11 / 18الزَّكاةُ3044.الإمام الصادق علیه السلام : الإمام علیّ علیه السلام : إنَّ الزَّكاةَ جُعِلَت مَعَ الصَّلاةِ قُربانا لِأَهلِ الإسلامِ ، فَمَن أعطاها طَیِّبَ النَّفسِ بِها فَإنَّها تُجعَلُ لَهُ كَفّارَةً ، ومِنَ النّارِ حِجازا (حِجابا خ ل) و وِقایَةً . (3)11 / 19الإنفاقُ3047.الإمام الصادق علیه السلام : رسول اللّه صلی الله علیه و آله : مَنِ استَطاعَ مِنكُم أن یَقِیَ وَجهَهُ حَرَّ النّارِ ولَو بِشِقِّ تَمرَةٍ فَلیَفعَل . (4) .

1- .الكافی: ج 4 ص 64 ح 10 عن السكونی، بحارالأنوار: ج 59 ص 190 ح 44.
2- .الكافی: ج 2 ص 142 ح 5 عن بشیر بن یسار، تنبیه الخواطر: ج 2 ص 196، بحارالأنوار: ج 71 ص 222 ح 34.
3- .نهج البلاغه: الخطبه 199، بحارالأنوار: ج 96 ص 23 ح 53.
4- .سنن الترمذی: ج 4 ص 611 ح 2415، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 66 ح 185 ولیس فیه «وجهه»، مسند ابن حنبل: ج 7 ص 96 ح 19390، صحیح ابن حبّان: ج 16 ص 373 ح 7373 كلّها عن عدیّ بن حاتم، كنز العمّال: ج 3 ص 238 ح 6337.

11 / 18 زکات دادن

11 / 19 انفاق کردن

3048.مسند ابن حنبل عن اُبیّ بن کعب : امام صادق علیه السلام : هر کس روزه خویش را نهان بدارد ، خداوند عز و جل به فرشتگانش می فرماید: «بنده من ، از عذاب من ، زینهار خواست . پس زینهارش دهید» و خداوند متعال ، فرشتگان خویش را به دعا برای روزه داران می گمارد ، و او ، ایشان را به دعا برای کسی فرمان نمی دهد ، مگر آن که دعایشان را در باره او می پذیرد .3049.سنن الترمذی عن اُبیّ بن کعب : امام صادق علیه السلام : بنده ، روز گرمی را برای پاداش خدا، روزه می گیرد، و خدا به واسطه همان روزه ، او را از آتش [دوزخ]می رَهاند. آنچه را موجب تقرّب به خداوند عز و جلمی شود، کوچک مشمار، اگر چه [صدقه دادن] نصف خرمایی باشد .11 / 18زکات دادن3052.عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : در کنار نماز، برای نزدیک شدن مسلمانان به خدا، زکات قرار داده شد . پس، آن کس که زکات را با رضایتِ خاطر بپردازد، کفّاره گناهان او، و بازدارنده [ی حجاب] و نگه دارنده او از آتش [دوزخ] ، قرار داده می شود.11 / 19انفاق کردن3055.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر یک از شما توانست که صورت خود را از حرارت آتش [دوزخ]نگه دارد، اگرچه با نصف خرمایی، این کار را بکند.

.

3056.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (فى فَضائِلِ شَهرِ رَمَضانَ) عنه صلى الله عليه و آله : اِتَّقُوا النّارَ ولَو بِشِقِّ تَمرَةٍ ! اِتَّقُوا النّارَ ولَو بِشَربَةٍ مِن ماءٍ! (1)3057.عنه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : اِتَّقُوا النّارَ ولَو بِشِقِّ تَمرَةٍ ، فَمَن لَم يَجِد فَبِكَلِمَةٍ طَيِّبَةٍ . (2)3058.الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهماالسلام : عنه صلى الله عليه و آله : تَصَدَّقوا ؛ فَإِنَّ الصَّدَقَةَ فَكاكُكُم مِنَ النّارَ . (3)3059.الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهماالسلام : عنه صلى الله عليه و آله : ما مِن عَبدٍ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ يَبتَغى بِها وَجهَ اللّهِ إلّا قالَ اللّهُ لَهُ يَومَ القِيامَةِ : عَبدى ! رَجَوتَنى ، فَلَن اُحَقِّرَكَ ، حَرَّمتُ جَسَدَكَ عَلَى النّارِ ، وَادخُل مِن أىِّ أبوابِ الجَنَّةِ شِئتَ .
(4)3060.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : الإمام علىّ عليه السلام : الصَّدَقَةُ جُنَّةٌ عَظيمَةٌ مِنَ النّارِ لِلمُؤمِنِ . (5)3061.عنه صلى الله عليه و آله : الإمام الصادق عليه السلام : إذا أرَدتَ شَيئا مِنَ الخَيرِ فَلا تُؤَخِّرهُ ؛ فَإِنَّ العَبدَ لَيَصومُ اليَومَ الحارَّ يُريدُ بِهِ ما عِندَاللّهِ عز و جلفَيُعتِقُهُ اللّهُ مِنَ النّارِ ، ويَتَصَدَّقُ بِصَدَقَةٍ يُريدُ بِها وَجهَ اللّهِ فَيُعتِقُهُ اللّهُ مِنَ النّارِ . (6) .

1- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 296 ح 53 ، فضائل الأشهر الثلاثه : ص 78 ح 61 ، الأمالى للصدوق : ص 154 ح 149 ، الإقبال : ج 1 ص 26 كلّها عن الحسن بن علىّ بن فضال عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 380 ح 5817 وفيه صدره ، بحارالأنوار : ج 96 ص 317 ح 9 .
2- .صحيح البخارى : ج 5 ص 2395 ح 6174 ، صحيح مسلم : ج 2 ص 704 ح 68 ، سنن النسائى : ج 5 ص 75 ، سنن الدارمى : ج 1 ص 419 ح 1612، مسند ابن حنبل: ج 6 ص 351 ح 18281، صحيح ابن حبّان: ج 2 ص 220 ح 473 ، المعجم الكبير: ج 17 ص 83 ح 191 كلّها عن عدىّ بن حاتم، كنز العمّال: ج 6 ص 340 ح 15939 ، عوالى اللآلى : ج 1 ص 367 ح 65.
3- .المعجم الأوسط: ج 8 ص 90 ح 8060، شعب الإيمان: ج 3 ص 214 ح 3355، حليه الأولياء: ج 10 ص 403، تاريخ دمشق: ج 56 ص 73 ح 11755 كلّها عن أنس، كنز العمّال: ج 6 ص 345 ح 15979.
4- .الفردوس: ج 4 ص 12 ح 6034 عن أبى هريره، كنز العمّال: ج 6 ص 369 ح 16104.

5- .الخصال : ص 635 ح 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 123 ، بحارالأنوار : ج 10 ص 113 ح 1 .
6- .الأمالى للصدوق: ص 448 ح 602 عن بشار بن يسار، بحارالأنوار: ج 71 ص 215 ح 14.

3062.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خود را از آتش [دوزخ] ، حفظ کنید ، اگر چه با [انفاق] نصف خرمایی ! خود را از آتش [دوزخ]حفظ کنید ، اگر چه با [انفاق] جرعه آبی !3063.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خود را از آتش [دوزخ] نگه دارید ، اگر چه با نصف خرمایی ؛ و اگر کسی [آن را هم]نداشت ، با گفتن سخن پاکیزه ای .3064.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : صدقه بدهید؛ زیرا صدقه ، رَهاننده شما از آتش [دوزخ] است .3065.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ بنده ای نیست که برای رضای خدا صدقه ای بدهد ، مگر این که خداوند ، روز قیامت به او می فرماید: «بنده ام ! تو به من ، امید بستی . پس هرگز تو را تحقیر نخواهم کرد . پیکر تو را بر آتش، حرام کردم . از هر در بهشت که می خواهی، وارد شو» .3066.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : صدقه، سپر بزرگی برای مؤمن در برابر آتش [دوزخ] است .3067.عنه صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : هر گاه اراده کار خیری کردی ، آن را به تأخیر مینداز؛ زیرا بنده در یک روز داغ، به قصد پاداش خداوند عز و جل ، روزه می گیرد و خداوند [به سبب همان] ، او را از آتش [دوزخ] می رَهاند، و [یا]برای رضای خدا صدقه ای می دهد و خداوند ، او را [به سبب همان] ، از آتش [دوزخ]می رَهاند. .

11 / 20الحَجُّ3070.فاطمه عليهاالسلام (مِن دُعاءٍ لَها بَعدَ صَلاهِ الظُّهرِ) الإمام علىّ عليه السلام : زِيارَهُ بَيتِ اللّه أمنٌ مِن عَذابِ جَهَنَّمَ . (1)11 / 21الجِهادُ3073.عنه عليه السلام (فِى الصَّلاهِ عَلى آدَمَ عليه السلام) رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَن قاتَل فى سَبيلِ اللّهِ عز و جل فَواقَ ناقَهٍ (2) حَرَّمَ اللّهُ عَلى وَجهِهِ النّارَ . (3)5715.امام على عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : ما خالَطَ قَلبَ امرِئٍ?مُسلِمٍ رَهَجٌ (4) فى سَبيلِ اللّهِ إلّا حَرَّمَ اللّهُ عَلَيهِ النّارَ . (5)5716.الكافى عن الحسن بن عمّار عن الإمام الصادق عليه ال عنه صلى الله عليه و آله : مَن رابَطَ فَواقَ ناقَهٍ حَرَّمَهُ اللّهُ عَلَى النّارِ . (6)5717.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (فى وَصفِ اللّهِ تَعالى) عنه صلى الله عليه و آله : لا يَجتَمِعُ غُبارٌ فى سَبيلِ اللّهِ ودُخانُ جَهَنَّمَ فى جَوفِ عَبدٍ أبَدا . (7)5718.عنه صلى الله عليه و آله (مِن دُعائِهِ فى يَومِ الأحزابِ) عنه صلى الله عليه و آله : لا يَجتَمِعُ غُبارٌ فى مَنخَرَى عَبدٍ فى سَبيلِ اللّهِ فَتَمَسَّهُ النّارُ أبَدا . (8) .

1- .غرر الحكم: ح 5473، عيون الحكم والمواعظ: ص 276 ح 5025.
2- .فَوَاقُ ناقه: ما بين الحلبتين من الوقت، أو ما بين فتح يدک وقبضها على الضرع (مجمع البحرين: ج 3 ص 1423 «فوق»).
3- .مسند ابن حنبل: ج 7 ص 114 ح 19461 عن عمرو بن عبسه، كنز العمّال: ج 4 ص 281 ح 10494.
4- .الرَّهَجْ: الغُبَار (النهايه: ج 2 ص 281 «رهج»).
5- .مسند ابن حنبل: ج 9 ص 369 ح 24602، الدّر المنثور: ج 1 ص 599 نقلاً عن الطبرانى وكلاهما عن عائشه، كنز العمّال: ج 4 ص 305 ح 10623.
6- .كنز العمّال: ج 4 ص 307 ح 10634 نقلاً عن العقيلى فى الضعفاء عن عائشه.
7- .سنن النسائى: ج 6 ص 13، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 927 ح 2774 نحوه، الأدب المفرد:ص 92 ح 281، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 248 ح 8520 وفيه «وجه» بدل «جوف»، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 82 ح 2395 ، السنن الكبرى: ج 9 ص 271 ح 50818 كلّها عن أبى هريره، كنز العمّال: ج 4 ص 295 ح 10566 ؛ عدّه الداعى : ص 155 نحوه، مستدرک الوسائل: ج 11 ص 13 ح 12293 .

8- .كنز العمّال: ج 4 ص 320 ح 10701 نقلاً عن الشيرازى فى الألقاب عن عثمان.

11 / 20 حج گزاردن

11 / 21 جهاد کردن

11 / 20حج گزاردن5717.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در توصیف خدای متعال) امام علی علیه السلام : زیارت خانه خدا ، امان از عذاب دوزخ است .11 / 21جهاد کردن5720.الإمام الصادق علیه السلام (فِی الدُّعاءِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس به اندازه فاصله میان دو بار دوشیدن شتر، (1) در راه خدا بجنگد ، خداوند ، آتش [دوزخ] را بر چهره او حرام می کند.5721.الإمام علیّ علیه السلام (فی تَعظیمِ اللّهِ جَلَّ وعَلا) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : با دلِ (2) هیچ مرد مسلمانی ، غبار [جنگ و جهاد] در راه خدا نیامیخت ، مگر آن که خداوند ، آتش [دوزخ] را بر او حرام گردانید.5722.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس به اندازه فاصله میان دو بار دوشیدن شتر، جهاد (/ مرزبانی) کند ، خداوند ، او را بر آتش [دوزخ]حرام می گردانَد .5720.امام صادق علیه السلام (در دعا) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : غبار [جهاد] در راه خدا و دود دوزخ ، هرگز در درون بنده ای با هم جمع نمی شوند.5721.امام علی علیه السلام (در تعظیم خداوند جلّ و علا) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه غبار [جهاد] در راه خدا ، در بینیِ بنده ای بنشیند، آتش دوزخ ، هرگز با او تماس پیدا نخواهد کرد .

.

1- .عبارت «فَواق ناقه» که در متن عربی حدیث آمده ، به فاصله میان دوشیدن شتر می گویند ، بدین ترتیب که شتر را می دوشند ، سپس بچّه اش را رها می کنند تا اندکی پستان او را بمکد تا دوباره ، پستان به شیر بیاید . آن گاه ، شروع به دوشیدنِ مجدّد آن می کنند. به کار بردن تعبیر «فاصله میان دو بار دوشیدن شتر» کنایه از حدّ اقل زمان است .

2- .شاید مراد از دل، جوف و حلق باشد، چنان که در روایت دیگری این تعبیر ، آمده است.

5722.امام علی علیه السلام : عنه صلی الله علیه و آله : مَن حَبَسَ فَرَسا فی سَبیلِ اللّه ِ کانَ سِترَهُ فِی النّارِ . (1)5723.الإمام زین العابدین علیه السلام : عنه صلی الله علیه و آله : مَن تَقَلَّدَ سَیفا فی سَبیلِ اللّه ِ قَلَّدَهُ اللّه ُ وشِاحا (2)

فِی الجَنَّهِ لا تَقومُ لَهَا الدُّنیا مُنذُ خَلَقَهَا اللّه ُ إلی یَومِ یُفنیها ، وإنَّ اللّه َ لَیُباهی بِسَیفِ الغازی ورُمحِهِ وسِلاحِهِ ، وإذا باهَی اللّه ُ بِعَبدٍ لَم یُعَذِّبهُ أبَدا .
(3)5724.عنه علیه السلام (فِی الدُّعاءِ) عنه صلی الله علیه و آله : الغُزاهُ إذا هَمّوا بِالغَزوِ کَتَبَ اللّه ُ لَهُم بَراءَهً مِنَ النّارِ ، فَإذا تَجَهَّزوا لِغَزوِهِم باهَی اللّه ُ بِهِمُ المَلائِکَهَ . (4)11 / 22إصلاحُ المَعادِ5724.امام زین العابدین علیه السلام (در دعا) الإمام علیّ علیه السلام : اِشتِغالُکَ بِإصلاحِ مَعادِکَ یُنجیکَ مِن عَذابِ النّارِ . (5)11 / 23تَحصیلُ العِلم5727.مصباح الشریعه (فیما نَسَبَهُ إلَی الإمامِ الصّادِقِ علیه السل) رسول اللّه صلی الله علیه و آله : مَن أحَبَّ أن یَنظُرَ إلَی عُتَقاءِ اللّه ِ مِنَ النّارِ فَلَینظُر إلَی المُتَعَلِّمینَ ، فَوَالَّذی نَفسی بِیَدِهِ ! ما مِن مُتَعَلِّمٍ یَختَلِفُ إلی بابِ العالِمِ إلّا کَتَبَ اللّه ُ لَهُ بِکُلِّ قَدَمٍ عِبادَهَ سَنَهٍ ، وبَنَی اللّه ُ لَهُ بِکُلِّ قَدَمٍ مَدینَهً فِی الجَنَّهِ ، ویَمشی عَلَی الأرضِ وهِیَ تَستَغفِرُ لَهُ ،

ویُمسی ویُصبِحُ مَغفورا لَهُ ، وشَهِدَتِ المَلائِکَهُ أنَّهُم عُتَقاءُ اللّه ِ مِنَ النّارِ .
(6) .

1- .المنتخب من مسند عبد بن حمید: ص 111 ح 252، المطالب العالیه: ج 2 ص 159 ح 1930 کلاهما عن زید بن ثابت، کنز العمّال: ج 4 ص 332 ح 10757.
2- .الوِشاح : شیءٌ یُنسج من أدیمٍ ویُرصّع شبه قلاده تلبسه النساء (المصباح المنیر : مادّه «وشح») .
3- .کنز العمّال: ج 4 ص 338 ح 10788 نقلاً عن أبی الشیخ والمخلص فی فوائده عن أبی هریره.
4- .مجمع البیان : ج 2 ص 884 عن الإمام الرضا عن الإمام الحسین عن الإمام علیّ علیهم السلام ، بحارالأنوار : ج 100 ص 12 ح 27 .
5- .غرر الحکم: ح 1484، عیون الحکم والمواعظ: ص 70 ح 1775 نحوه.
6- .منیه المرید: ص 100، بحارالأنوار: ج 1 ص 184 ح 95.

11 / 22 آباد کردن معاد

11 / 23 آموختن دانش

5726.معانی الأخبار (به نقل از سمرقندی ، که سندش را به امام صادق علی) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس اسبی را در راه خدا وقف کند، آن اسب ، مانعی برای او در برابر آتش [دوزخ]خواهد بود
.5727.مصباح الشریعه (در آنچه به امام صادق علیه السلام نسبت داده است) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس در راه خدا ، شمشیر به میان ببندد، خداوند در بهشت ، شمشیری جواهرنشان بر او حمایل می کند که دنیا، از زمانی که خداوند آن را آفریده تا روزی که نابودش می کند، با آن برابری نمی کند . خداوند ، به شمشیر و نیزه و سلاح رزمنده ، مباهات می کند، و هر گاه خدا به بنده ای مباهات کند، هرگز او را عذاب نمی نماید.5728.الاحتجاج : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : رزمندگان، آن گاه که آهنگ نبرد کنند، خداوند ، برایشان بَرات آزادی از آتش را می نویسد و چون خود را برای نبرد تجهیز کنند، خداوند متعال ، به وجود آنان بر فرشتگان ، فخر می فروشد.11 / 22آباد کردن معاد5729.امام علی علیه السلام (در یاد کرد پیامبر صلی الله علیه و آله) امام علی علیه السلام : پرداختن تو به آباد کردن معادت ، تو را از عذاب آتش می رَهاند.11 / 23آموختن دانش5732.تفسیر القمّی (فی قَولِهِ تَعالی : {Q} «وَ لَا یُظْلَمُونَ فَت) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس دوست دارد به آزادشدگانِ خدا از آتش بنگرد، به فراگیرندگان دانش نگاه کند؛ زیرا سوگند به آن که جانم در دست اوست هیچ فراگیرنده دانشی نیست که به درِ خانه عالم ، آمد و شد کند ، مگر آن که خداوند برای هر گامی ، یک سال عبادت برایش می نویسد و برای هر گامی ، یک شهر در بهشت برایش می سازد، و هنگامی که راه می رود ، زمین برایش طلب آمرزش

می کند . او شب و روز خود را با آمرزش الهی سپری می کند و فرشتگان ، گواهی می دهند که آنان آزادشدگانِ خدا از آتش اند.

.

5732.تفسير القمّى (فى قَولِهِ تَعالى : {Q} «وَ لَا يُظْلَمُونَ فَت) 11 / 24 تَأليفُ الكِتابِ 725 . رسول اللّه صلى الله عليه و آله : المُؤمِنُ إذا ماتَ وتَرَكَ وَرَقَةً واحِدَةً عَلَيها عِلمٌ ، تَكونُ تِلكَ الوَرَقَةُ يَومَ القِيامَهِ سِترا فيما بَينَهُ و بَينَ النّارِ . (1) 11 / 25 حِفظُ القُرآنِ وقِراءَتُهُ وَالعَمَلُ بِهِ 726 . رسول اللّه صلى الله عليه و آله : لا يُعَذِّبُ اللّهُ قَلبا وَعَى القُرآنَ . (2) 727 . عنه صلى الله عليه و آله : مَن قَرَأَ القُرآنَ ؛ يَقومُ بِهِ آناءَ اللَّيلِ وَالنَّهارِ يُحِلُّ حَلالَهُ ويُحَرِّمُ حَرامَهُ ، حَرَّمَ اللّهُ لَحمَهُ ودَمَهُ عَلَى النّارِ . (3) 728 . عنه صلى الله عليه و آله لِسَلمانَ : عَلَيكَ بِقِراءَهِ القُرآنِ ؛ فَإِنَّ قِراءَتَهُ كَفّارَهٌ لِلذُّنوبِ ، وسِترَهٌ مِنَ النّارِ ، وأمانٌ مِنَ العَذابِ . (4) .

1- .الأمالى للصدوق : ص 91 ح 64 عن أنس ، منيه المريد : ص 341 ، عدّه الداعى : ص 68 ، الدعوات : ص 275 ح 791 ، روضه الواعظين: ص 13، بحارالأنوار : ج 2 ص 144 ح 1 .
2- .. الأمالى للطوسى : ص 7 ح 7 عن عقبه بن عامر ، بحارالأنوار : ج 92 ص 178 ح 6 ؛ نوادر الأُصول : ج 2 ص 240 ، تاريخ دمشق : ج 62 ص 7 كلاهما عن أبى أُمامه نحوه ، الفردوس : ج 5 ص 155 ح 7798 عن عقبه ابن عامر ، كنزالعمّال : ج 1 ص 536 ح 2401 .
3- .. المعجم الصغير : ج 2 ص 126 عن أنس ، كنزالعمّال : ج 1 ص 535 ح 2398 .
4- .. جامع الأخبار : ص 113 ح 197 ، بحارالأنوار : ج 92 ص 17 ح 18 .

11 / 24 نگارش کتاب

11 / 25 حفظ و قرائت قرآن و عمل کردن به آن

11 / 24نگارش کتاب5732.تفسیر القمّی (در بیان این گفته خدای متعال : {Q} «به قدر فتیل) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مؤمن هر گاه بمیرد و یک برگ از علم به جای بگذارد، در روز قیامت آن برگ ، پرده ای میان او و آتش خواهد بود .11 / 25حفظ و قرائت قرآن و عمل کردن به آن5735.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خدا، قلبی را که قرآن را در خود جای داده باشد، عذاب نمی کند.5736.الإمام علیّ علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس قرآن بخواند و شب و روز به آن بپردازد و حلال قرآن را حلال و حرامش را حرام بداند، خداوند ، گوشت و خون او را بر آتش حرام می گرداند.5733.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعا) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به سلمان : بر تو باد قرائت قرآن؛ زیرا قرائت آن ، کفّاره ای برای گناهان و پرده ای در برابر آتش دوزخ، و مایه ایمنی از عذاب است.

.

11 / 26حِفظُ أربَعينَ حَديثا5736.امام على عليه السلام : الإمام الصادق عليه السلام : مَن حَفِظَ عَنّا أربَعينَ حَديثا مِن أحاديثِنا فِى الحَلالِ وَالحَرامِ ، بَعَثَهُ اللّهُ يَومَ القِيامَهِ فَقيها عالِما ولَم يُعَذِّبهُ . (1)11 / 27الصَّلَاهُ عَلَى النَّبِىِّ وآلِهِ :5739.الإمام الصادق عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : الصَّلاهُ عَلَىَّ نورٌ عَلَى الصِّراطِ ، ومَن كانَ لَهُ عَلَى الصِّراطِ مِنَ النّورِ لَم يَكُن مِن أهلِ النّارِ . (2)5737.امام زين العابدين عليه السلام (از دعاى آن حضرت در ستايش خداوند عز و جل) عنه صلى الله عليه و آله : لَن يَلِجَ النّارَ مَن صَلّى عَلَىَّ . (3)5738.امام زين العابدين عليه السلام (از دعايش در پناه بردن به خداى متعال) عنه صلى الله عليه و آله : مَن ذُكِرتُ عِندَهُ فَلَم يُصَلِّ عَلَىَّ دَخَلَ النّارَ ، فَأبعَدَهُ اللّهُ . (4)5739.امام صادق عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ جَبرَئيلَ أتانى فَقالَ :... ومَن ذُكِرتَ عِندَهُ فَلَم يُصَلِّ عَلَيكَ فَماتَ فَدَخَلَ النّارَ ، فَأبعُدَهُ اللّهُ . (5) .

1- .. الخصال : ص 542 ح 18 عن حنّان بن سدير ، الأمالى للصدوق : ص 382 ح 488 عن محمّد بن مسلم نحوه ، روضه الواعظين : ص 12 ، بحارالأنوار : ج 2 ص 154 ح 6 .
2- .. جامع الأخبار : ص 156 ح 363 ، بحارالأنوار : ج 94 ص 64 ح 52 .
3- .. جامع الأخبار : ص 156 ح 361 ، بحارالأنوار : ج 94 ص 64 ح 52 .
4- .. الكافى : ج 2 ص 495 ح 19 ، المحاسن : ج 1 ص 179 ح 280 ، الأمالى للصدوق : ص 676 ح 918 بزياده «من رحمته» فى آخره وكلّها عن محمّد بن هارون عن الإمام الصادق عليه السلام ، روضه الواعظين : ص 355 ، بحارالأنوار : ج 94 ص 49 ح 7 .
5- .. صحيح ابن حبّان : ج 3 ص 188 ح 907 ، مسند أبى يعلى : ج 5 ص 350 ح 5896 كلاهما عن أبى هريره ، المعجم الكبير : ج 2 ص 243 ح 2022 عن جابر ، الفردوس : ج 1 ص 405 ح 1635 عن جابر بن سمره ، كنزالعمّال : ج 1 ص 508 ح 2248 .

11 / 26 حفظ چهل حديث

11 / 27 صلوات فرستادن بر پيامبر و خاندان او عليهم السلام

11 / 26حفظ چهل حديث5742.الإمام زين العابدين عليه السلام (مِن دُعائِهِ فى أسحارِ شَهرِ رَمَضانَ) امام صادق عليه السلام : هر كس چهل حديث از احاديث ما در باره حلال و حرام حفظ كند ، خداوند در روز قيامت ، او را فقيه و دانشمند بر مى انگيزد و عذابش نمى كند.11 / 27صلوات فرستادن بر پيامبر و خاندان او:5742.امام زين العابدين عليه السلام (از دعايش در سحرهاى ماه رمضان) پيامبر صلى الله عليه و آله : صلوات بر من ، نورى بر روى صراط است و كسى كه در روى صراط ، نور داشته باشد ، از اهل آتش نخواهد بود .5743.الإمام علىّ عليه السلام : پيامبر صلى الله عليه و آله : كسى كه بر من صلوات بفرستد ، هرگز به دوزخ نمى رود.5744.الإمام الحسين عليه السلام (فى دُعاءِ عَرَفَةَ) پيامبر صلى الله عليه و آله : هر كس در نزد او از من نام برده شود و بر من صلوات نفرستد ، به آتش مى رود و خداوند ، او را [از رحمت خود]دور كناد !
(1)5745.عنه عليه السلام (فى دُعاءِ عَرَفَةَ) پيامبر صلى الله عليه و آله : جبرئيل عليه السلام نزد من آمد و گفت: «... كسى كه نام تو در نزدش برده شود ، ولى بر تو صلوات نفرستد و [با همين حالت] بميرد ، به آتش رود، خدايش [از رحمت خويش] دور كناد !» .

.

1- .شايد هم اين جمله ، دعايى نباشد و بدين معنا باشد : «از رحمت خدا دور است» يا : «خدا او را از رحمتش دور ساخته است» . اين دو وجه ، در باره احاديث بعدى نيز گفتنى است .

5746.عنه عليه السلام (فى دُعاءِ عَرَفَة) عنه صلى الله عليه و آله : مَن صَلّى عَلَىَّ مَرَّةً صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ عَشرا ، ومَن صَلّى عَلَىَّ عَشرا صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ مِئَةَ مَرَّةٍ ، ومَن صَلّى عَلَىَّ مِئَةَ مَرَّةٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ ألفَ مَرَّةٍ ، ومَن صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ ألفَ مَرَّةٍ لا يُعَذِّبُهُ اللّهُ فِى النّارِ أبَدا . (1)5743.امام على عليه السلام : ثواب الأعمال عن الصباح بن سيابه عن الإمام الصادق عليه السلام : ألا اُعَلِّمُكَ شَيئاً يَقِى اللّهُ بِهِ وَجهَكَ مِن حَرِّ جَهنّم؟ قالَ : قُلتُ : بلى . قالَ : قُل بَعدَ الفَجرِ : «اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» مِئَةَ مَرَّةٍ ؛ يَقى بِهِ وَجهَكَ مِن حَرِّ جَهَنَّمَ . (2)راجع : نهج الذكر : ج 2 ص 479 (القسم العاشر : الصلاه على النبىّ وآله والأنبياء عليهم السلام) .

11 / 28زِيارَهُ قُبورِ أهلِ البَيتِ :5899.امام باقر عليه السلام و امام صادق عليه السلام (به ابو حمزه ثمالى) الإمام الصادق عليه السلام لِابنِ مارِدٍ لَمّا سَأَلَهُ عَن ثَوابِ زِيارَهِ أميرِالمُؤمِنينَ عليه السلام : يَابنَ مارِدٍ ! مَن زارَ جَدّى عارِفا بِحَقِّهِ كَتَبَ اللّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطوَهٍ حَجَّةً مَقبولَةً وعُمرَةً مَبرورَةً . وَاللّهِ ! يَابنَ مارِدٍ ، ما يُطعِمُ اللّهُ النّارَ قَدَما اغبَرَّت فى زِيارَهِ أميرِالمُؤمِنينَ عليه السلام ماشِيا كانَ أو راكِبا .

يَابنَ مارِدٍ ! اُكتُب هذَا الحَديثَ بِماءِ الذَّهَبِ . (3)5901.الإمام الرضا عليه السلام : عنه عليه السلام : مَن زارَ قَبرَ الحُسَينِ عليه السلام للّهِ وَفِى اللّهِ أعتَقَهُ اللّهُ مِنَ النّارِ ، وآمَنَهُ يَومَ الفَزَعِ الأكبَرِ . (4)5900.تفسير العيّاشى عن حمران : كامل الزيارات عن سليمان بن خالد عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال : سَمِعتُهُ يَقولُ : إنَّ للّهِ فى كُلِّ

يَومٍ ولَيلَهٍ مِئَةَ ألفِ لَحظَهٍ إلَى الأَرضِ ، يَغفِرُ لِمَن يَشاءُ مِنهُ ويُعَذِّبُ مَن يَشاءُ مِنهُ . ويَغفِرُ لِزائِرى قَبرِ الحُسَينِ علَيه السلام خاصَّةً ، ولِأَهلِ بَيتِهِم ، ولِمَن يَشفَعُ لَهُ يَومَ القِيامَهِ كآئِنا مَن كانَ .

قُلتُ : وإن كانَ رَجُلاً قَدِ استَوجَبَ (5) النّارَ؟ قالَ : وإن كانَ ، ما لَم يَكُن ناصِبِيّا . (6) .

1- .. جامع الأخبار : ص 153 ح 343 ، بحارالأنوار : ج 94 ص 63 ح 52 .
2- .ثواب الأعمال : ص 186 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 135 ح 16 .

3- .. تهذيب الأحكام : ج 6 ص 21 ح 49 ، إرشاد القلوب : ص 442 ، فرحه الغرى : ص 75 ، بحارالأنوار : ج 100 ص 260 ح 10 .
4- .. كامل الزيارات : ص 276 ح 430 عن حذيفه بن منصور ، بحارالأنوار : ج 101 ص 20 ح 9 .
5- .فى المصدر «استوجبه» ، والتصويب من بحار الأنوار ومستدرک الوسائل ج 10 ص 238 ح 34 .
6- .. كامل الزيارات : ص 311 ح 525 ، بحارالأنوار : ج 101 ص 27 ح 35 .

5899.الإمام الباقر والإمام الصادق علیهماالسلام (لِابی حَمزَهَ الثُّمالِیِّ) پیامبر صلی الله علیه و آله : هر کس یک بار بر من صلوات بفرستد ، خداوند ، ده بار بر او صلوات می فرستد . هر کس ده بار بر من صلوات بفرستد ، خداوند ، صد بار بر او صلوات می فرستد . هر کس صد بار بر من صلوات بفرستد ، خداوند ، هزار بار بر او صلوات می فرستد . هر کس هزار بار بر من صلوات بفرستد ، خداوند هرگز او را در آتش عذاب نکند .5898.امام باقر علیه السلام : ثواب الأعمال به نقل از صباح بن سیابه : امام صادق علیه السلام فرمود : «آیا چیزی را به تو نیاموزم که چهره ات را از حرارت دورخ ، نگه دارد؟» .

گفتم : بله !

فرمود : «پس از نماز صبح ، صد مرتبه بگو : "اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد" . گفتن آن ، چهره ات را از حرارت دوزخ ، نگه می دارد» .

ر . ک : نهج الذکر : ج 2 ص 479 (صلوات فرستادن بر پیامبر و خاندان او و بر دیگر پیامبران علیهم السلام) . 11 / 28زیارت قبور اهل بیت:5898.عنه علیه السلام : امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال ابن مارد در باره ثواب زیارت امیر مؤمنان علیه السلام : ای پسر مارد ! هر کس جدّ مرا با معرفت به حقّ او ، زیارت کند ، خداوند برای هر گامی که بر می دارد ، یک حج و یک عمره پذیرفته شده می نویسد. به خدا سوگند ای پسر مارد که خداوند ، قدمی را که در راه رفتن به زیارت امیر مؤمنان علیه السلام غبار گرفته باشد چه پیاده برود و چه سواره ، خوراک آتش نمی کند. ای پسر مارد ! این حدیث را با آب طلا بنویس.5897.الإمام الباقر علیه السلام : امام صادق علیه السلام : هر کس برای خدا و در راه خدا، قبر حسین علیه السلام را زیارت کند ، خداوند ، او را از آتش ، آزاد می سازد و در آن روز وحشت بزرگ ، او را ایمن می دارد.5896.الإمام الصادق علیه السلام (فی قَولِ اللّهِ عز و جل : {Q} «یَمْحُواْ اللَّ) کامل الزیارات به نقل از سلیمان بن خالد : از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرماید: «خداوند در هر شبانه روز ، صد هزار مرتبه به زمین نظر می افکند که هر که را

خواست ، بیامرزد و هر که را خواست ، عذاب کند . خداوند ، زائران قبر حسین علیه السلام را مخصوصا، و خانواده هایشان را ، و هر کسی را که آن زائر در روز قیامتْ شفاعت کند، می آمرزد ؛ هر که می خواهد باشد» .

گفتم : اگر چه مردی باشد که مستوجب آتش شده است؟

فرمود: «[آری ،] اگر چه چنین باشد ، به شرط آن که ناصبی نباشد» .

.

5895.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (درباره این سخن خدای متعال : {Q} «خداوند ، آنچه) کامل الزیارات عن هارون بن خارجه عن الإمام الصادق علیه السلام ، قال : سَأَلْتُهُ عَمَّن تَرَکَ الزِّیارَةَ زِیارَةَ قَبرِ الحُسَینِ بنِ عَلیٍّ مِن غَیرِ عِلَّهٍ . قالَ : هذا رَجُلٌ مِن أهلِ النّارِ . (1)5894.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (درباره این سخن خدای متعال : {Q} «خداوند، آنچه ر) کامل الزیارات عن علیّ بن میمون الصائغ عن الإمام الصادق علیه السلام : یا عَلیُّ ! زُرِ الحُسَینَ ولا تَدَعهُ . قالَ : قُلتُ : ما لِمَن أتاهُ مِنَ الثَّوابِ؟ قالَ : مَن أتاهُ ماشِیا کَتَبَ اللّهُ لَهُ بِکُلِّ خُطوَهٍ حَسَنَهً ، ومَحا عَنهُ سَیِّئَهً ، ورَفَعَ لَهُ دَرَجَهً . فَإذا أتاهُ وَکَّلَ اللّهُ بِهِ مَلَکَینِ یَکتُبانِ ما خَرَجَ مِن فیهِ مِن خَیرٍ ، ولا یَکتُبانِ ما یَخرُجُ مِن فیهِ مِن شَرٍّ ولا غَیرِ ذلِکَ . فَإذَا انصَرَفَ وَدَّعوهُ وقالوا : یا وَلِیَّ اللّهِ مَغفورا لَکَ ، أنتَ مِن حِزبِ اللّهِ وحِزبِ رَسولِهِ وحِزبِ أهلِ بَیتِ رَسولِهِ ، وَاللّهِ ! لاتَرَی النّارَ بِعَینِکَ أبَدا ولا تَراکَ ولا تَطعَمُکَ أبَدا . (2)5893.امام صادق علیه السلام (درباره این سخن خداوند عز و جل : {Q} «دست خدا، ب) رسول اللّه صلی الله علیه و آله : سَتُدفَنُ بَضعَهٌ مِنّی بِأرضِ خُراسانَ ، لا یَزورُها مُؤمِنٌ إلّا أوجَبَ اللّهُ لَهُ الجَنَّهَ ، وحَرَّمَ جَسَدَهُ عَلَی النّارِ . (3)5892.تفسیر العیّاشی : الإمام الرضا علیه السلام : ما مِن مُؤمِنٍ یَزورُنی فَیُصیبُ وَجهَهُ قَطرَهٌ مِنَ الماءِ ، إلّا حَرَّمَ اللّهُ تَعالی

جَسَدَهُ عَلَی النّارِ . (4) .

1- .. کامل الزیارات : ص 357 ح 614 ، بحارالأنوار : ج 101 ص 5 ح 17 .
2- .. کامل الزیارات : ص 255 ح 383 ، بحارالأنوار : ج 101 ص 24 ح 24 .
3- .کتاب من لا یحضره الفقیه : ج2 ص585 ح3194 ، عیون أخبار الرضا علیه السلام : ج2 ص255 ح4 ، الأمالی للصدوق : ص116 ح107 کلاهما عن محمد بن عمّاره عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام ، بحارالأنوار : ج102 ص31 ح1 .
4- .. عیون أخبار الرضا علیه السلام : ج 2 ص 227 ح 1 عن عبد السلام بن صالح الهروی ، بحارالأنوار : ج 102 ص 36 ح 23 .

5895.عنه صلی الله علیه و آله (فی قَولِهِ : {Q} «یَمْحُواْ اللَّهُ مَا یَشَاءُ) کامل الزیارات به نقل از هارون بن خارجه : از امام صادق علیه السلام در باره کسی پرسیدم که زیارت قبر امام حسین علیه السلام را بدون دلیل، ترک گوید . فرمود: «چنین مردی ، اهل آتش است» .5894.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (فی قَولِهِ : {Q} «یَمْحُواْ اللَّهُ مَا یَشَاءُ) کامل الزیارات به نقل از علی بن میمون صائغ : امام صادق علیه السلام به من فرمود : «ای علی ! [قبر]حسین علیه السلام را زیارت کن و رهایش مکن» .

گفتم : کسی که به زیارت او برود ، چه پاداشی دارد ؟

فرمود: «هر کس پیاده به زیارتش برود ، خداوند برای هر گامی ، یک ثواب برایش می نویسد و یک گناه از او می زداید و او را یک درجه بالا می برد، و چون نزد [قبر] او برسد ، خداوند ، دو فرشته بر وی می گمارد که هر خوبی ای را که از دهانش خارج شود، می نویسند؛ ولی هر بدی ای که از دهانش در آید ، نمی نویسند، و از این دو حال هم خارج نیست. و چون بر گردد ، با او بدرود می گویند و می گویند : "ای دوست خدا ! تو آمرزیده شدی . تو از حزب خدا و حزب پیامبر او و حزب خاندان پیامبرش هستی . به خدا سوگند که هرگز آتش را به چشم خود نخواهی دید و آن نیز تو را نخواهد دید، و هرگز آتش تو را نخواهد خورد"».5893.الإمام الصادق علیه السلام (فی قَولِ اللّهِ عز و جل : {Q} «یَدُ اللَّهِ مَ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در آینده، پاره ای از تن من ، در خاک خراسان دفن خواهد شد. هر مؤمنی که او را زیارت کند ، خداوند عز و جل بهشت را برای وی واجب می سازد و بدنش را بر آتش حرام می گرداند.5892.تفسیر العیّاشی عن یعقوب بن شعیب : امام رضا علیه السلام : هیچ مؤمنی نیست که مرا زیارت کند و قطره ای از آسمان (1) بر چهره اش

بریزد (کمترین آزاری به او برسد) ، مگر آن که خداوند بزرگ ، بدن او را بر آتش ، حرام می گرداند. .

1- .در عیون أخبار الرضا علیهم السلام (ج 2 ص 227 ح 1) چنین آمده است: «قطره من الماء ؛ قطره ای آب» ؛ ولی در بحار الأنوار «قطره من

السماء ؛ قطره ای از آسمان» آمده است . در هر دو صورت، مراد ، قطره باران است و مؤیّد آن ، حدیث بعدی است .

5891.امام صادق علیه السلام (درباره سخن خداوند عز و جل : {Q} «و یهود گفتند :) الإمام الجواد علیه السلام : ما زارَ أبی علیه السلام أحَدٌ فَأصابَهُ أذیً مِن مَطَرٍ أو بَرَدٍ أو حَرٍّ ، إلّا حَرَّمَ اللّهُ جَسَدَهُ عَلَی النّارِ . (1)11 / 29تَحَمُّلُ الأذی فی أهلِ البَیتِ :5890.عنه علیه السلام (فِی الدَّیوانِ المَنسوبِ إلَیهِ) الإمام زین العابدین علیه السلام : أیُّما مُؤمِنٍ مَسَّهُ أذیً فینا ، فَدَمَعَت عَیناهُ حَتّی تَسیلَ عَلی خَدِّهِ مِن مَضاضَهِ ما اُوذِیَ فینا ، صَرَفَ اللّهُ عَن وَجهِهِ الأذی وآمَنَهُ یَومَ القِیامَهِ مِن سَخَطِهِ وَالنّارِ . (2)11 / 30البُکاءُ عَلی مَصائِبِ أهلِ البَیتِ:5887.امام صادق علیه السلام (که درودهای خدا بر او باد) الإمام الصادق علیه السلام : مَن ذُکِرنا عِندَهُ فَفاضَت عَیناهُ ، حَرَّمَ اللّهُ وَجهَهُ عَلَی النّارِ . (3)11 / 31إحیاءُ لَیلَهِ القَدرِ5887.الإمام الصادق علیه السلام : رسولُ اللّه صلی الله علیه و آله : مَن أحیی لَیلَهَ القَدرِ حُوِّلَ عَنهُ العَذابُ إلَی السَّنَهِ القابِلَهِ . (4) .

1- .. الأمالی للصدوق : ص 752 ح 1010 عن عبدالعظیم الحسنی ، بحارالأنوار : ج 102 ص 36 ح 20 .
2- .. ثواب الأعمال : ص 108 ح 1 ، کامل الزیارات : ص 201 ح 285 ، تفسیر القمّی : ج 2 ص 292 کلّها عن محمّد بن مسلم عن الإمام الباقر علیه السلام ، عوالی اللآلی : ج 4 ص 91 ح 126 ، بحارالأنوار : ج 44 ص 281 ح 14 .
3- .. کامل الزیارات : ص 207 ح 296 عن فضیل بن فضاله ، بحارالأنوار : ج 44 ص 285 ح 22 .
4- .. الإقبال : ج 1 ص 345 ، بحارالأنوار : ج 98 ص 145 .

11 / 29 تحمّل آزار در راه اهل بیت علیهم السلام

11 / 30 گریستن بر مصائب اهل بیت علیهم السلام

11 / 31 احیای شب قدر

5886.مجمع البیان : امام جواد علیه السلام : هر کس پدرم را زیارت کند و [در این راه ،] از باران یا سرما و یا گرما گزندی به او رسد، خداوند ، بدنش را بر آتش ، حرام می گرداند.11 / 29تحمّل آزار در راه اهل بیت:5886.مجمع البیان : امام زین العابدین علیه السلام : هر مؤمنی که به خاطر ما آزاری به او رسد و از درد آزاری که در راه ما به او رسیده است ، اشکش بر گونه اش جاری شود ، خداوند ، آن گزند و آزار ر ا از چهره او دور می کند و در روز قیامت ، وی را از خشم خود و از آتش ، در امان می دارد.11 / 30گریستن بر مصائب اهل بیت:5883.امام زین العابدین علیه السلام (از دعایش در ناگواری ها) امام صادق علیه السلام : هر که در نزد او از ما یاد شود و چشمانش اشکبار گردد ، خداوند ، چهره اش را بر آتش ، حرام می گرداند.11 / 31احیای شب قدر5880.تاریخ دمشق (به نقل از قتاده) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس شب قدر را احیا بدارد، تا سال آینده ، عذاب از او بر گردانده می شود.

.

11 / 32طولُ القُنوتِ وَالسُّجودِ5882.عنه علیه السلام (فی دُعائِهِ) الإمام علیّ علیه السلام : طولُ القُنوتِ وَالسُّجودِ یُنجی مِن عَذابِ النّارِ . (1)11 / 33غَمُّ العِیالِ5879.عنه علیه السلام : رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله : غَمُّ العِیالِ سَترٌ مِنَ النّارِ . (2)5878.امام علی علیه السلام : عنه صلی اللّه علیه و آله : نِعمَ الوَلَدُ البَناتُ المُخَدَّراتُ ، مَن کانَت عِندَهُ واحِدَهٌ جَعَلَهَا اللّهُ سِترا لَهُ مِنَ النّارِ ، ومَن کانَت عِندَهُ اثنَتانِ أدخَلَهُ اللّهُ بِهِمَا الجَنَّةَ . (3)11 / 34الأَکلُ مِن کَدِّ الیَدِ5875.امام علی علیه السلام : رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله : مَن أکَلَ مِن کَدِّ یَدِهِ نَظَرَ اللّهُ إلَیهِ بِالرَّحمَهِ ، ثُمَّ لا یُعَذِّبُهُ أبَدا . (4)11 / 35خِدمَهُ الزَّوجِ5872.امام علی علیه السلام : رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله : أیُّمَا امرَأهٍ خَدَمَت زَوجَها سَبعَهَ أیّامٍ ، غَلَقَ اللّهُ عَنها سَبعَهَ أبوابِ النّارِ . (5) .

1- .. غرر الحکم : ح 6005 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 317 ح 5517 .
2- .. جامع الأخبار : ص 239 ح 611 عن المسیّب عن الإمام علیّ علیه السلام ، بحارالأنوار : ج 76 ص 16 ح 2 .
3- .مکارم الأخلاق : ج 1 ص 472 ح 1613 ، روضه الواعظین : ص 404 ، بحارالأنوار : ج 104 ص 91 ح 5 .
4- .. جامع الأخبار : ص 390 ح 1087 ، بحارالأنوار : ج 103 ص 9 ح 40 .
5- .. إرشاد القلوب : ص 175 ، عوالی اللآلی : ج 1 ص 270 ح 81 نحوه ، مستدرک الوسائل : ج 14 ص 254 ح 16632 .

11 / 32 طول دادن قنوت و سجده

11 / 33 غمخواری برای خانواده

11 / 34 خوردن از دست رنج

11 / 35 خدمت به شوهر

11 / 32طول دادن قنوت و سجده5869.امام علی علیه السلام : امام علی علیه السلام : طول دادن قنوت و سجده، [نمازگزار را] از عذاب آتش می رهاند.11 / 33غمخواری برای خانواده5876.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : غمخواری برای خانواده، پرده ای در برابر آتش است.5875.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : چه خوش فرزندانی هستند دختران پرده نشین (محجّبه و باحیا) ! هر کس یک دختر[این چنینی]داشته باشد، خداوند ، او را برای وی پرده ای در برابر آتش قرار می دهد و هر کس دو دختر داشته باشد ، خداوند به واسطه آن دو ، او را به بهشت می بَرَد .11 / 34خوردن از دست رنج5872.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که از دست رنج خویش بخورد، خداوند به او به مِهر می نگرد و پس از آن [که خداوند به او به مهر نگریست] ، هرگز عذابش نخواهد کرد .11 / 35خدمت به شوهر5869.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر زنی که هفت روز به شوی خویش خدمت کند ، خداوند ، هفت درِ دوزخ را بر روی او می بندد.

.

5868.امام على عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : أيُّمَا امرَأَةٍ رَفَعَت مِن بَيتِ زَوجِها شَيئا مِن مَوضِعٍ إلى مَوضِعٍ تُريدُ بِهِ صَلاحا ؛ نَظَرَ اللّهُ عز و جل إلَيها ، ومَن نَظَرَ اللّهُ إلَيهِ لَم يُعَذِّبهُ . (1)11 / 36البِرُّ بِالوالِدَينِ5865.امام على عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : لَن يَدخُلَ النّارَ البارُّ بِوالِدَيهِ . (2)11 / 37البِرُّ بِالإخوانِ5862.امام على عليه السلام : الإمام الصادق عليه السلام : إنَّ البارَّ بِالإخوانِ لَيُحِبُّهُ الرَّحمنُ ، وفى ذلِكَ مَرغَمَةٌ لِلشَّيطانِ وتَزَحزُحٌ عَنِ النّيرانِ . (3)11 / 38إنصافُ النّاسِ5868.عنه عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مَن سَرَّهُ أن يُزَحزَحَ عَنِ النّارِ ويُدخَلَ الجَنَّةَ ؛ فَلتُدرِكهُ مَوتَتُهُ وهُوَ يُؤمِنُ بِاللّهِ وَاليَومِ الآخَرِ ، وَليَأتِ إلَى النّاسِ الَّذى يُحِبُّ أن يَأتوا إلَيهِ . (4) .

1- .. الأمالى للصدوق : ص 496 ح 678 عن أبى خالد الكعبى عن الإمام الصادق عليه السلام ، الأمالى للطوسى : ص 618 ح 1273 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحارالأنوار : ج 103 ص 251 ح 49 .
2- .. مستدرک الوسائل : ج 15 ص 175 ح 17908 نقلاً عن أبى القاسم الكوفى فى الكتاب الأخلاق وراجع : كنزالعمّال : ج 15 ص 842 ح 43347 .
3- .. الكافى : ج 4 ص 41 ح 15 عن جميل بن درّاج ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 61 ح 1707 ، الأمالى للمفيد : ص 291 ح 9 ، الخصال : ص 96 ح 42 كلاهما عن جميل نحوه ، بحارالأنوار : ج 71 ص 350 ح 3 .
4- .. سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1307 ح 3956 ، مسند ابن حنبل : ج 2 ص 556 ح 6513 ، صحيح ابن حبّان : ج 13 ص 295 ح 5961 ، السنن الكبرى : ج 8 ص 292 ح 16692 ، تفسير القرطبى : ج 4 ص 302 كلّها عن عبداللّه بن عمرو ، كنزالعمّال : ج 1 ص 302 ح 1442 .

11 / 36 نیکی به پدر و مادر

11 / 37 نیکی با برادران دینی

11 / 38 انصاف داشتن با مردم

5867.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر زنی که برای مرتّب کردن، چیزی را در خانه شوهرش جا به جا کند ، خدای توانا و بزرگ به او نظر می کند، و خدا هر که را که بر او نظر کند ، عذاب نخواهد کرد .11 / 36نیکی به پدر و مادر5864.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کسی که به پدر و مادرش نیکی کند ، هرگز به آتش نمی رود.11 / 37نیکی با برادران دینی5861.عنه علیه السلام : امام صادق علیه السلام : کسی که با برادران[دینی اش] مهربان باشد ، خدای مهربان ، او را دوست دارد . این کار ، بینی شیطان را به خاک می مالد و آتش را دور می گرداند.11 / 38انصاف داشتن با مردم5858.امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که خوش دارد که از آتش ، دور داشته شود و او را به بهشت ببرند ، باید هنگامی که مرگش فرا می رسد ، به خدا و روز واپسین ، ایمان داشته باشد و با مردم همان گونه رفتار کند که دوست دارد با او رفتار کنند.

.

11 / 39مُواساةُ المُؤمِنِ5855.امام على عليه السلام (از سخنانش در خطبه نكاح) رسول اللّه صلى الله عليه و آله : عِبادَ اللّهِ ! أطيعُوا اللّهَ فى أداءِ الصَّلَواتِ المَكتوباتِ وَالزَّكَواتِ المَفروضاتِ ، وتَقَرَّبوا بَعدَ ذلِكَ إلَى اللّهِ بِنَوافِلِ الطّاعاتِ ؛ فَإِنَّ اللّهَ عز و جل يُعَظِّمُ بِهِ المَثوباتِ .

وَالَّذى بَعَثَنى بِالحَقِّ نَبِيّا ! إنَّ عَبدا مِن عِبادِ اللّهِ لَيَقِفُ يَومَ القِيامَهِ مَوقِفا يَخرُجُ عَلَيهِ مِن لَهَبِ النّارِ أعظَمُ مِن جَميعِ جِبالِ الدُّنيا حَتّى ما يَكونُ بَينَهُ وبَينَها حائِلٌ ، بَينا هُوَ كَذلِكَ قَد تَحَيَّرَ إذ تَطايَرَ مِنَ الهَواءِ رَغيفٌ أو حَبَّهٌ قَد واسى بِها أخا مُؤمِنا عَلى إضافَتِهِ ، فَتَنزِلُ حَوالَيهِ ، فَتَصيرُ كَأعظَمِ الجِبالِ مُستَديرا حَوالَيهِ تَصُدُّ عَنهُ ذلِكَ اللَّهَبَ ، فَلا يُصيبُهُ مِن حَرِّها ولا دُخانِها شَىءٌ إلى أن يَدخُلَ الجَنَّهَ . (1)11 / 40اِماطَهُ الأذى عَن طَريقِ مَكَّهَ5858.عنه عليه السلام : الإمام الصادق عليه السلام : مَن أماطَ أذىً عَن طَريقِ مَكَّهَ كَتَبَ اللّهُ لَهُ حَسَنَهً ، ومَن كَتَبَ لَهُ حَسَنَهً لَم يُعَذِّبهُ . (2)11 / 41اِصطِناعُ المَعروفِ5855.عنه عليه السلام (مِن كَلامِهِ فى خُطبَهِ النِّكاحِ) الإمام الصادق عليه السلام : إنَّ المُؤمِنَ مِنكُم يَومَ القِيامَهِ لَيَمُرُّ بِهِ الرَّجُلُ لَهُ المَعرِفَهُ بِهِ فِى الدُّنيا

وقَد أُمِرَ بِهِ إلَى النّارِ وَالمَلَكُ يَنطَلِقُ بِهِ ، قالَ : فَيَقولُ لَهُ : يا فُلانُ أغِثنى ؛ فَقَد كُنتُ أصنَعُ إلَيكَ المَعروفَ فِى الدُّنيا وأُسعِفُكَ فِى الحاجَهِ تَطلُبُها مِنّى ، فَهَل عِندَكَ اليَومَ مُكافَأهٌ ؟ فَيَقولُ المُؤمِنُ لِلمَلَكِ المُوَكَّلِ بِهِ : خَلِّ سَبيلَهُ . قالَ : فَيَسمَعُ اللّهُ قَولَ المُؤمِنِ فَيَأمُرُ المَلَكَ أن يُجيزَ قَولَ المُؤمِنِ ، فَيُخَلّى سَبيلَهُ . (3) .

1- .. التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرىّ عليه السلام : ص 525 ح 320 ، بحارالأنوار : ج 74 ص 310 ح 63 .
2- .. الكافى : ج 4 ص 547 ح 34 عن إسحاق بن عمّار ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 228 ح 2267 عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه ، وسائل الشيعه : ج 9 ص 385 ح 1 .
3- .. ثواب الأعمال : ص 206 ح 1 ، المحاسن : ج 1 ص 294 ح 589 ، مشكاه الأنوار : ص 177 ح 455 كلاهما نحوه وكلّها عن مُيَسَّر ، بحارالأنوار : ج 74 ص 305 ح 53 .

11 / 39 مواسات و همدردی با مؤمن

11 / 40 هموار ساختن راه مکّه

11 / 41 نیکی کردن

11 / 39مواسات و همدردی با برابر مؤمن5852.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ای بندگان خدا ! از خداوند در گزاردن نمازهای واجب و پرداخت زکات های لازم ، فرمان ببرید و پس از آن، با به جا آوردن طاعت های مستحبّی ، خود را به خدا نزدیک سازید؛ زیرا خداوند برای آنها پاداش های بزرگ می دهد. سوگند به آن که مرا به حقّ پیامبر کرد ، (1) در روز قیامت ، بنده ای از بندگان خدا در مَوقفی (2) [از مواقف قیامت] می ایستد و شعله ای از آتش که بزرگ تر از همه کوه های دنیاست ، به طرفش رها می شود ، در حالی که هیچ حایلی میان او و آن شعله نیست . در همین هنگام که حیرت و درماندگی ، او را فرا گرفته است، ناگهان گِرده نان یا حبّه ای که با آن برادر مؤمنی را مهمان و با وی مواسات و همدردی کرده است ، پروازکنان از بالا می رسد و نزدیک او فرود می آید و به صورت بزرگ ترین کوه عالم در می آید و گرداگرد او را می گیرد و چنان مانع آن شعله از [برخورد با]او می شود که چیزی از گرما و دود آن ، به وی نمی رسد ، تا آن که وارد بهشت می شود.11 / 40هموار ساختن راه مکّه5849.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : هر کس یک شی ء مزاحم را از راه مکّه کنار بزند، خداوند برایش یک ثواب می نویسد، و خدا کسی را که برایش ثواب بنویسد ، عذاب نمی کند.11 / 41نیکی کردن5851.تاریخ دمشق عن محمّد السعدی : امام صادق علیه السلام : در روز قیامت، مردی که امر شده او را به دوزخ ببرند ، در حالی که

فرشته او را می بَرَد ، از کنار فردی مؤمن از شما می گذرد که در دنیا به آن مؤمن نیکی کرده است . پس به آن مؤمن می گوید: فلانی ! کمکم کن. من در دنیا به تو نیکی می کردم و در خواسته ای که از من داشتی ، کمکت می نمودم. پس آیا امروز می توانی جبران کنی؟

مؤمن ، به فرشته مأمور بُردن می گوید: رهایش کن.

خدا سخن آن مؤمن را می شنود و به فرشته دستور می دهد که گفته مؤمن را اجرا کند و آن کس را رها سازد.

.

1- .یا: مرا برای ابلاغ حق ، به پیامبری فرستاد.
2- .مَوقف : ایستگاه ؛ جای بازخواست . 3 . حبّه عبارت است از 601 دینار طلا .

11 / 42إكرامُ الضَّيفِ5848.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : رسول اللّه صلی الله علیه و آله : ما مِن عَبدٍ يَأتيهِ ضَيفٌ فَنَظَرَ فی وَجهِهِ إلّا حُرِّمَت عَينُهُ عَلَی النّارِ . (1)11 / 43إعانَةُ الضَّعيفِ5845.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : رسول اللّه صلی الله علیه و آله : مَن أعانَ ضَعيفا فی بَدَنِهِ عَلی أمرِهِ ؛ أعانَهُ اللّهُ تَعالی عَلی أمرِهِ ، ونَصَبَ لَهُ فِی القِيامَهِ مَلائِكَهً يُعينونَهُ عَلی قَطعِ تِلكَ الأهوالِ وعُبورِ تِلكَ الخَنادِقِ مِنَ النّارِ حَتّی لا يُصيبَهُ مِن دُخانِها ولا سُمومِها ، وعَلی عُبورِ الصِّراطِ إلَی الجَنَّهِ سالِما آمِنا . (2)11 / 44إغاثَةُ المَلهوفِ5846.حلیه الأولیاء عن أنس : الإمام علیّ علیه السلام : بِإغاثَهِ المَلهوفِ يَكونُ لَكَ مِن عَذابِ اللّهِ حِصنٌ . (3) .

1- .. مستدرک الوسائل : ج 16 ص 258 ح 19796 نقلاً عن القطب الراوندی فی لبّ اللّباب .
2- .. التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام : ص 635 ح 370 ، بحارالأنوار : ج 104 ص 305 ح 10 .
3- .. غرر الحکم : ح 4311 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 186 ح 3785 .

11 / 42 گرامیداشت میهمان

11 / 43 کمک به ناتوان

11 / 44 یاری دادن ستم دیده فریادخواه

11 / 42گرامیداشت میهمان5843.امام صادق علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ بنده ای نیست که میهمانی بر او وارد شود و آن بنده به چهره او بنگرد ، مگر آن که چشم او بر آتش ، حرام می گردد .11 / 43کمک به ناتوان5843.عنه علیه السلام (أیضا) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس ناتوانی را در کارش کمک کند ، خدای متعال ، او را در کارش کمک می نماید و در قیامت ، فرشتگانی بر او می گمارد که وی را در پشت سر نهادنِ آن صحنه های هراسناک و گذر از گودال های آتش ، کمک کنند تا از دود و بادهای سوزان آنها ، چیزی به او اصابت نکند و با سلامت و امنیّت ، از صراط به سوی بهشت بگذرد .11 / 44یاری دادن ستم دیده فریادخواه5840.امام صادق علیه السلام : امام علی علیه السلام : یاری دادنِ ستم دیده فریادخواه، برای تو دژی در برابر عذاب خداست.

.

5839.امام صادق علیه السلام (درباره این سخن خدای متعال : {Q} «مدّتی را [برای) عنه علیه السلام : مَن أجارَ المُستَغیثَ أجارَهُ اللّهُ سُبحانَهُ مِن عَذابِهِ . (1)11 / 45قَضاءُ حاجَهِ الضَّریرِ5840.عنه علیه السلام (أیضا) رسول اللّه صلی الله علیه و آله : مَن کَفی ضَریرا حاجَهً مِن حَوائِجِ الدُّنیا ومَشی لَهُ فیها حَتّی یَقضِیَ اللّهُ لَهُ حاجَتَهُ ، أعطاهُ اللّهُ بَراءَهً مِنَ النِّفاقِ وبَراءَهً مِنَ النّارِ . (2)11 / 46العَفوُ مَعَ القُدرَهِ5837.الغیبه ، طوسی (به نقل از عبد اللّه بن سنان) الإمام علیّ علیه السلام : العَفوُ مَعَ القُدرَهِ جُنَّهٌ مِن عَذابِ اللّهِ سُبحانَهُ . (3)11 / 47أداءُ الدَّینِ إلَی الخُصَمَاءِ5837.الغیبه للطوسی عن عبد اللّه بن سنان : رسول اللّه صلی الله علیه و آله : مَن رَدَّ دِرهَما إلَی الخُصَماءِ ، أعتَقَ اللّهُ رَقَبَتَهُ مِنَ النّارِ . (4)5836.الإمام الصادق علیه السلام : عنه صلی الله علیه و آله : مَن رَدَّ أدنی شَیءٍ إلَی الخُصَماءِ ، جَعَلَ اللّهُ بَینَهُ وبَینَ النّارِ سِترا کَما بَینَ السَّماءِ وَالأرضِ . (5) .

1- .. غرر الحکم : ح 8881 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 458 ح 8304 .
2- .. کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 4 ص 16 ح 4968 ، الأمالی للصدوق : ص 516 ح 707 کلاهما عن الحسین بن زید ، مکارم الأخلاق : ج 2 ص 316 ح 2655 کلّها عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام ، تنبیه الخواطر : ج 2 ص 263 ، إرشاد القلوب : ص 192 ، بحارالأنوار : ج 74 ص 388 ح 1 .
3- .. غرر الحکم : ح 1547 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 27 ح 337 .
4- .. جامع الأخبار : ص 441 ح 1244 ، بحارالأنوار : ج 104 ص 295 ح 12 .
5- .. جامع الأخبار : ص 442 ح 1245 ، بحارالأنوار : ج 104 ص 295 ح 13 .

11 / 45 بر آوردن نیاز نابینا

11 / 46 گذشت ، هنگام توانایی [بر انتقام]

11 / 47 پرداختِ طلبِ طلبکاران

5835.عنه علیه السلام (فی قَولِ اللّه ِ تَعالی : {Q} «وَ لَن یُؤَخِّرَ) امام علی علیه السلام : هر کس فریادخواهی را پناه دهد ، خداوند سبحان ، او را از عذاب خود پناه می دهد.11 / 45بر آوردن نیاز نابینا5832.امام باقر علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس به نابینایی در رفع یکی از نیازهای دنیوی اش کمک نماید و در آن نیاز ، با او همراهی کند تا آن که خداوند نیازش را بر آوَرَد، خداوند به او براتی از نفاق و براتی از آتش عطا می کند .11 / 46گذشت ، هنگام توانایی بر انتقام5832.الإمام الباقر علیه السلام : امام علی علیه السلام : گذشت کردن هنگام توانایی [بر گرفتن انتقام] ، سپری در برابر عذاب خدای سبحان است.11 / 47پرداختِ طلبِ طلبکاران5831.الکافی عن سهل بن زیاد وإسحاق بن محمّد وغیرهما رفع پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس یک درهم به طلبکاران بپردازد ، خداوند ، او را از آتش ، آزاد می کند.5830.تفسیر القمّی : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس کمترین چیزی را به طلبکاران بر گرداند ، خداوند ، میان او و آتش ، پرده ای به ضخامت آسمان تا زمین قرار می دهد.

.

11 / 48إقالَهُ المُسلِم5828.حليه الأولياء (به نقل از خزيمه بن محمّد عابد) المؤمن عن أبي حمزه عن أحدهما عليهماالسلام : أيُّما مُسلِمٌ أقالَ مُسلِما نَدامَةً (فى بَيعٍ) أقالَهُ اللّهُ عز و جلعَذابَ يَومِ القِيامَهِ . (1)11 / 49تِلكَ الخِصالُ5828.حليه الأولياء عن خزيمه بن محمّد العابد : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : عَينانِ لا تَمَسُّهُما النّارُ : عَينٌ بَكَت مِن خَشيَهِ اللّهِ ، وعَينٌ باتَت تَحرُسُ فى سَبيلِ اللّهِ . (2)5827.الإمام الكاظم عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : حَرَّمَ اللّهُ عَينا بَكَت مِن خَشيَهِ اللّهِ عَلَى النّارِ ، وحَرَّمَ اللّهُ عَينا سَهِرَت فى طاعَهِ اللّهِ عَلَى النّارِ . (3)5826.عنه عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : حُرِّمَتِ النّارُ عَلى ثَلاثَهِ أعيُنٍ : عَينٌ بَكَت مِن خَشيَهِ اللّهِ ، وعَينٌ غَضَّت عَن مَحارِمِ اللّهِ ، وعَينٌ سَهِرَت فى سَبيلِ اللّه ِ . (4)5825.امام صادق عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : إذا ماتَ الرَّجُلُ مِن أهلِ الجَنَّهِ ، استَحيَى اللّهُ أن يُعَذِّبَ مَن حَمَلَهُ ومَن تَبِعَهُ

ومَن صَلّى عَلَيهِ . (5) .

1- .. المؤمن : ص 51 ح 125 .
2- .. سنن الترمذى : ج 4 ص 175 ح 1639 ، شعب الإيمان : ج 1 ص 488 ح 796 كلاهما عن ابن عبّاس ، مسند الشاميّين : ج 3 ص 337 ح 2427 عن العبّاس ، كنزالعمّال : ج 3 ص 141 ح 5875 .
3- .. شعب الإيمان : ج 1 ص 489 ح 797 عن أبى هريره ، كنزالعمّال : ج 15 ص 843 ح 43352 .
4- .. حليه الأولياء : ج 5 ص 209 عن ابن عبّاس ، مسند ابن حنبل : ج 6 ص 99 ح 17213 ، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 93 ح 2432 ، سنن الدارمى : ج 2 ص 648 ح 2311 ، السنن الكبرى : ج 9 ص 252 ح 18445 كلّها عن أبى ريحانه وليس فيها «وعين غضّت عن محارم اللّه» ، المعجم الكبير : ج 19 ص 416 ح 1003 عن بهزبن حكيم عن أبيه عن جدّه وفيه «حرست» بدل «سهرت» ، كنزالعمّال : ج 4 ص 297 ح 10575 .
5- .. الفردوس : ج 1 ص 282 ح 1108 ، كنزالعمّال : ج 15 ص 595 ح 4238 ؛ مستدرک الوسائل : ج 2 ص 301 ح 2033 نقلاً عن كتاب التعازى وكلّها عن جابر بن عبداللّه .

11 / 48 پذیرشِ تقاضای مسلمان برای فسخِ معامله

11 / 49 دیگر موارد

11 / 48پذیرشِ تقاضای مسلمان برای فسخِ معامله5822.امام صادق علیه السلام : اَلمؤمن به نقل از ابو حمزه ، از امام باقر یا امام صادق علیهماالسلام : هر مسلمانی به تقاضای مسلمانی که [در معامله]پشیمان شده است، فسخ معامله را بپذیرد، خداوند عز و جل او را از عذاب روز قیامت ، معاف می دارد.11 / 49دیگر موارد5824.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دو چشم اند که آتش با آنها تماس پیدا نمی کند: چشمی که از ترس خدا بگرید، و چشمی که در راه خدا شبانه نگهبانی دهد.5823.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، چشمی را که از ترس خدا گریسته باشد ، بر آتش ، حرام کرده است، و خداوند ، چشمی را که در راه طاعت خدا شب را نخفته باشد ، بر آتش ، حرام کرده است.5822.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آتش بر سه چشم ، حرام گشته است: چشمی که از ترس خدا بگرید، چشمی که از حرام های خدا فرو بسته شود، و چشمی که در راه خدا شب را نخوابد.5821.الإمام الصادق علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه مردی که اهل بهشت است ، بمیرد، خداوند از عذاب کردن کسانی که پیکرش را حمل می کنند و کسانی که او را تشییع می کنند و کسانی که بر

او نماز می خوانند، شرم می کند.

.

5820.امام باقر صلي اللهِ عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : إنّى رَأَيتُ البارِحَةَ ... رَجُلاً مِن أُمَّتى قائِما عَلى شَفيرِ جَهَنَّمَ ، فَجاءَهُ رَجاؤُهُ مِنَ اللّهِ عز و جل فَاستَنقَذَهُ مِن ذلِکَ . (1)5819.امام زين العابدين عليه السلام (در دعايش) عنه صلى الله عليه و آله : ثَلاثٌ مَن كُنَّ فيهِ حُرِّمَ عَلَى النّارِ وحُرِّمَتِ النّارُ عَلَيهِ : إيمانٌ بِاللّهِ ، وحُبُّ اللّهِ ، وأن يُلقى فِى النّارِ فَيُحرَقَ أَحَبُّ إلَيهِ مِن أن يَرجِعَ فِى الكُفرِ . (2)5820.الإمام الباقر عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : ثَلاثٌ مَن لَقِىَ اللّهَ وهُنَّ فيهِ حُرِّمَ عَلَى النّارِ وحُرِّمَت عَلَيهِ : إيمانٌ بِاللّهِ ورُسُلِهِ ، وَالثّانِيَهُ حُبُّ اللّهِ عز و جل ، وَالثّالِثَهُ أن يوقَدَ نارٌ فَيُلقى فيها أَحَبُّ إلَيهِ مِن أن يَرجِعَ إلَى الكُفرِ . (3)5819.الإمام زين العابدين عليه السلام (فى دُعائِهِ) عنه صلى الله عليه و آله : ثَلاثَهٌ لا تَمَسُّهُمُ النّارُ : المَرأَهُ المُطيعَهُ لِزَوجِها ، وَالوَلَدُ البارُّ لِوالِدَيهِ ، وَالسَّخِىُّ يَحسُنُ خُلُقُهُ . (4)5818.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (به نقل از جبرئيل) عنه صلى الله عليه و آله : ثَلاثَهٌ لا تَمَسُّهُمُ النّارُ : المَرأَهُ المُطيعَهُ لِزَوجِها ، وَالوَلَدُ البارُّ لِوالِدَيهِ ، وَالمَرأَهُ الصَّبورُ عَلى غَيرَهِ زَوجِها . (5)5817.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : ثَلاثٌ مَن كُنَّ فيهِ فَقَد حَرَّمَ اللّهُ لَحمَهُ عَلَى النّارِ ولَهُ الجَنَّهُ : مَن إذا أصابَتهُ مُصيبَهٌ

استَرجَعَ (6) ، وإذا أنعَمَ اللّهُ عَلَيهِ بِنِعمَهٍ حَمِدَ اللّهَ عِندَ ذِكرِهِ إيّاها ، وإذا أذنَبَ استَغفَرَ اللّهَ . (7) .

1- .. الأمالى للصدوق : ص 302 ح 342 عن عبدالرحمن بن سمره ، روضه الواعظين : ص 551 نحوه ، بحارالأنوار : ج 7 ص 291 ح 1 ؛ تفسير ابن كثير : ج 4 ص 422 وفيه «وجله» بدل «رجاؤه» ، تاريخ دمشق : ج 34 ص 407 كلاهما عن عبدالرحمن بن سمره ، كنزالعمّال : ج 15 ص 927 ح 43592 .
2- .. مسند ابن حنبل : ج 4 ص 228 ح 12123 ، مسند أبى يعلى : ج 4 ص 215 ح 4266 وفيه «حبّ فى اللّه» بدل «حبّ اللّه» ، حليه الأولياء : ج 8 ص 390 كلّها عن أنس ، كنزالعمّال : ج 15 ص 838 ح 43331 .
3- .. كنزالعمّال : ج 15 ص 840 ح 43340 نقلاً عن ابن النجّار .
4- .. إرشاد القلوب : ص 196 عن ابن عبّاس .
5- .. كنزالعمّال : ج 15 ص 842 ح 43347 نقلاً عن أبى الشيخ عن ابن عبّاس .

6- .. استَرجَعتُ عِندَ المُصِيبَه : قلت : «إنّا للّهِ وإنّا إليه راجعون» (مجمع البحرين : ج 2 ص 680 «رجع») .
7- .. درر الأحاديث النبويّه : ص 34 عن الإمام علىّ عليه السلام .

5816.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دیشب... مردی از امّتم را دیدم که بر پرتگاه دوزخ ایستاده است ؛ ولی «امیدش به خداوند عز و جل» آمد و او را از آن جا نجات داد.5815.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سه خصلت است که در هر کس وجود داشته باشد ، او بر آتش و آتش بر او حرام گشته است: ایمان به خدا، محبّت خدا، و این که اگر در آتش افکنده و سوزانده شود ، نزد او خوش تر از آن باشد که به کفر باز گردد.5818.عنه صلی الله علیه و آله عن جبرئیل علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سه خصلت است که هر کس با داشتن آنها خداوند را دیدار کند ، او بر آتش و آتش بر او حرام می گردد: [نخست :] ایمان داشتن به خدا و پیامبران او، دوم: محبّت خداوند عز و جل ، و سوم : این که اگر آتشی افروزند و او را در آن افکنند ، برایش خوش تر از آن باشد که به کفر باز گردد.5817.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سه کس اند که آتش با آنان تماس پیدا نمی کند: زنی که فرمان بردار شوهر خویش است، فرزندی که با پدر و مادرش نیکوکار و مهربان است و بخشنده ای که خوی او نیکوست .5816.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سه کس اند که آتش با آنان تماس پیدا نمی کند: زنی که فرمان بردار شوهر خویش است، فرزندی که با پدر و مادرش نیکوکار و مهربان است ، و زنی که بر غیرت شوهرش شکیباست
.5747.الإمام زین العابدین علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سه خصلت است که در هر کس وجود داشته باشد ، خداوند ، گوشت او را بر آتش ، حرام می کند و بهشتی خواهد بود: کسی که هر گاه مصیبتی به او رسید ، بگوید : «إنا للّه و إنّا الیه راجعون» و هر گاه خدا به او نعمتی بخشید ، آن گاه

که به یاد آن می افتد ، خدا را سپاس بگوید و هر گاه گناه کرد ، از خدا آمرزش بطلبد. .

5748.عنه عليه السلام (مِن دُعائِهِ فى وَداعِ شَهرِ رَمَضانَ) عنه صلى الله عليه و آله : ثَلاثَةٌ رَفَعَ اللّهَ عَنهُمُ العَذابَ يَومَ القِيامَهِ : الرّاضى بِقَضاءِ اللّهِ ، وَالنّاصِحُ لِلمُسلِمينَ ، وَالدّالُّ عَلَى الخَيرِ . (1)5749.عنه عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : أربَعٌ مَن كُنَّ فيهِ حَرَّمَهُ اللّهُ تَعالى عَلَى النّارِ وحَفِظَهُ مِنَ الشَّيطانِ : مَن مَلَكَ نَفسَهُ حينَ يَرغَبُ ، وحينَ يَرهَبُ ، وحينَ يَغضَبُ ، وحينَ يَشتَهى . (2)5747.امام زين العابدين عليه السلام : الإمام علىّ عليه السلام : الحَياءُ مِنَ اللّهِ سُبحانَهُ يَقى عَذابَ النّارِ . (3)5748.امام زين العابدين عليه السلام (از دعاى ايشان در وداع ماه رمضان) عنه عليه السلام : ما دَفَعَ اللّهُ سُبحانَهُ عَنِ المُؤمِنِ شَيئا مِن بَلاءِ الدُّنيا وعَذابِ الآخِرَهِ إلّا بِرِضاهُ بِقَضائِهِ وحُسنِ صَبرِهِ عَلى بَلائِهِ . (4)5749.امام زين العابدين عليه السلام : التوحيد عن الأصبغ بن نباته : لَمّا جَلَسَ عَلِيٌّ عليه السلام فِى الخِلافَهِ وبايَعَهُ النّاسُ ، خَرَجَ إلَى المَسجِدِ مُتَعَمِّما بِعِمامَهِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله لابِسا بُردَهَ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله مُتَنَعِّلاً نَعلَ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله مُتَقَلِّدا سَيفَ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَصَعِدَ المِنبَرَ ، فَجَلَسَ عليه السلام عَلَيهِ مُتَمَكِّنا ، ثُمَّ شَبَّكَ بَينَ أصابِعِهِ فَوَضَعَها أسفَلَ بَطنِهِ ، ثُمَّ قالَ : يا مَعشَرَ النّاسِ ! سَلونى قَبلَ أن تَفقِدونى ... فَقامَ إلَيهِ رَجُلٌ مِن أقصَى المَسجِدِ مُتَوَكِّيا عَلى عَصاهُ ، فَلَم يَزَل يَتَخَطَّى النّاسَ حَتّى دَنا مِنهُ ، فَقالَ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ! دُلَّنى عَلى عَمَلٍ أنَا إذا عمِلتُهُ نَجّانِىَ اللّهُ مِنَ النّارِ .

قالَ لَهُ : اِسمَع يا هذا ، ثُمَّ افهَم ، ثُمَّ استَيقِن ؛ قامَتِ الدُّنيا بِثَلاثَهٍ : بِعالِمٍ ناطِقٍ

مُستَعمِلٍ لِعِلمِهِ ، وبِغَنِيٍّ لا يَبخَلُ بِمالِهِ عَلى أهلِ دينِ اللّهِ ، وبِفَقيرٍ صابِرٍ ؛ فَإذا كَتَمَ العالِمُ عِلمَهُ وبَخِلَ الغَنِيُّ ولَم يَصبِرِ الفَقيرُ فَعِندَهَا الوَيلُ وَالثُّبورُ ، وعِندَها يَعرِفُ العارِفونَ بِاللّهِ أنَّ الدّارَ قَد رَجَعَت إلى بَدئِها أى الكُفرُ بَعدَ الإيمانِ .

أيُّهَا السّائِلُ ! فَلا تَغتَرَّنَّ بِكَثرَهِ المَساجِدِ ، وجَماعَهِ أقوامٍ أجسادُهُم مُجتَمِعَهٌ وقُلوبُهُم شَتّى .

أيُّهَا النّاسُ ! إنَّمَا النّاسُ ثَلاثَهٌ : زاهِدٌ ، وراغِبٌ ، وصابِرٌ ؛ فَأَمَّا الزّاهِدُ فَلا يَفرَحُ بِشَى ءٍ مِنَ الدُّنيا أتاهُ ، ولا يَحزُنُ عَلى شَى ءٍ مِنها فاتَهُ ، وأمَّا الصّابِرُ فَيَتَمَنّاها

بِقَلبِهِ ، فَإِن أدرَکَ مِنها شَیئا صَرَفَ عَنها نَفسَهُ لِما یَعلَمُ مِن سوءِ عاقِبَتِها ، وأمَّا الرّاغِبُ فَلا یُبالی مِن حِلٍّ أصابَها أم مِن حَرامٍ . (5) .

1- .. إرشاد القلوب : ص 196 عن ابن عبّاس ، مستدرک الوسائل : ج 12 ص 431 ح 14533 .
2- .. نوادر الأُصول : ج 2 ص 303 عن أبی هریره ، الفردوس : ج 1 ص 371 ح 1498 عن عثمان بن عفان نحوه ، کنزالعمّال : ج 15 ص 858 ح 43415 .
3- .. غرر الحکم : ح 2122 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 64 ح 1662 .
4- .. غرر الحکم : ح 9671 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 483 ح 8916 .
5- .. التوحید : ص 305 ح 1 ، الأمالی للصدوق : ص 422 ح 560 ، الاختصاص : ص 235 ، الاحتجاج : ج 1 ص 609 ح 138 نحوه ، إرشاد القلوب : ص 374 ، بحارالأنوار : ج 10 ص 117 ح 1 .

5750.الإمام الصادق علیه السلام (وقَد سُئِلَ عَمّا یَجوزُ وعَمّا لا یَجوزُ مِنَ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سه نفرند که خداوند عز و جل عذاب روز قیامت را از آنان برداشته است: آن که بر قضای الهی خرسند باشد، آن که خیرخواه مسلمانان باشد، و آن که به سوی نیکی ، راه نمایی کند
.5751.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (فِی التَّخویفِ مِنَ القِیامَهِ وَالحِسابِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : چهار خصلت است که هر کس آنها را داشته باشد ، خدای متعال ، او را بر آتش ، حرام می گرداند و از شیطان ، محفوظ می دارد: کسی که وقتی راغب می شود و وقتی می ترسد و وقتی خشمگین می شود و وقتی شهوتش سر بر می دارد ، خود را نگه بدارد .5752.الإمام علیّ علیه السلام : امام علی علیه السلام : شرم کردن از خدای سبحان، [شخص را] از عذاب خدا مصون می دارد.5753.عنه علیه السلام : امام علی علیه السلام : خداوند سبحان ، چیزی از بلای دنیا و عذاب آخرت را از مؤمن دور نمی کند ، مگر به سبب راضی بودن او به قضای الهی و شکیبایی نیکو [بدون جزع و فزع] در برابر بلای او .5815.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : التوحید به نقل از اَصبغ بن نُباته : چون علی علیه السلام به خلافت رسید و مردم با او بیعت کردند ، در حالی که عمامه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را بر سر بسته ، جامه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را پوشیده ، کفش های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را به پا کرده و شمشیر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را در میان بسته بود ، به سوی مسجد آمد و بالای منبر رفت و بر آن نشست . سپس انگشتان دو دستش را در هم کرد و زیر شکمش نهاد . آن گاه فرمود: «ای مردم ! از من بپرسید ، پیش از آن که مرا از دست بدهید...» .

مردی که بر عصایش تکیه داده بود ، از انتهای مسجد برخاست و جمعیت را شکافت و جلو آمد تا آن که به ایشان نزدیک شد و گفت: ای امیر مؤمنان ! مرا به عملی راه نمایی فرما که هر گاه انجامش دهم ، خداوند ، مرا از آتش برهاند .

به او فرمود: «ای مرد ! بشنو، سپس بفهم، و آن گاه یقین کن که دنیا به

وجود سه کس برپاست: به عالمی که می گوید و به علم خویش عمل می کند، و به توانگری که مال و داراییِ خویش را از پیروان دین خدا دریغ نمی ورزد، و به تهی دست شکیبا . پس هر گاه عالم ، علم خویش را پوشیده

بدارد و توانگر بخل ورزد و تهی دست [بر ناداریِ خویش] شکیبایی نورزد، در آن هنگام است که تباهی و نابودی ، دامنگیر مردمان می شود . در آن هنگام است که خداشناسان ، شناخته می شوند و سرای دنیا به آغاز خود باز گشته است یعنی دو باره کفر ، جای ایمان را گرفته است .

ای پرسنده ! زنهار فریب بسیاریِ مسجدها و اجتماع مردمانی را نخوری که پیکرهایشان با هم است ، ولی دلِ هایشان پراکنده .

ای مردم ! مردمان ، سه دسته اند: بی رغبت به دنیا، دنیاخواه، و شکیبا. بی رغبت به دنیا اگر چیزی از دنیا به او برسد ، شادمان نمی شود و هر گاه چیزی از آن را از دست بدهد ، بر آن ، اندوه نمی خورد . شکیبا، دنیا را در دلش آرزو می کند ؛ امّا اگر چیزی از آن به او برسد ، نفس خویش را از آن ، روی گردان می سازد؛ زیرا از فرجام بدِ آن ، آگاه است . دنیاخواه، باکی ندارد که دنیا از راه حلال به او رسد یا از راه حرام». .

5814.امام زين العابدين عليه السلام : الإمام الباقر عليه السلام : مَن استَفادَ أخا فِى اللّهِ عَلى إيمانٍ بِاللّهِ ، ووَفاءٍ بِإِخائِهِ ، طَلَبا لِمَرضاهِ اللّهِ ، فَقَدِ استَفادَ شُعاعا مِن نورِ اللّهِ وأمانا مِن عَذابِ اللّهِ . (1)5813.التوحيد (به نقل از عبداللّه بن مسعود) الإمام الرضا عليه السلام : مَن تَبَسَّمَ فى وَجهِ أخيهِ المُؤمِنِ كَتَبَ اللّهُ لَهُ حَسَنَةً ، ومَن كَتَبَ اللّهُ لَهُ حَسَنَةً لَم يُعَذِّبهُ . (2)5812.مسند ابن حنبل (به نقل از صهيب) الإمام الهادى عليه السلام : لَمّا كَلَّمَ اللّهُ موسَى بنَ عِمرانَ عليه السلام قالَ موسى : ... إلهى ! فَما جَزاءُ مَن كَفَّ أذاهُ عَنِ النّاسِ ، وبَذَلَ مَعروفَهُ لَهُم ؟ قالَ : يا موسى ! تُناديهِ النّارُ يَومَ القِيامَهِ : لا سَبيلَ لى عَلَيكَ . (3) .

1- .. تحف العقول : ص 295 ، بحارالأنوار : ج 78 ص 175 ح 32 .
2- .. مصادقه الإخوان : ص 157 ح 1 ، مستدرک الوسائل : ج 12 ص 418 ح 14483 .
3- .. الأمالى للصدوق : ص 276 ح 307 عن عبدالعظيم الحسنى ، فضائل الأشهر الثلاثه : ص 88 عن زياد بن المنذر عن الإمام الباقر عليه السلام ، روضه الواعظين : ص 405 نحوه وفيهما «تناديه» بدل «يناجيه» ، بحارالأنوار : ج 69 ص 412 ح 131 .

5814.الإمام زين العابدين عليه السلام : امام باقر عليه السلام : هر كس براى خدا برادرى بر پايه ايمان به خدا و وفادارى به برادرى و براى جلب خشنوديِ خدا به دست آورَد ، هر آينه پرتوى از نور خدا و امانى از عذاب خدا به دست آورده است.5813.التوحيد عن عبد اللّه بن مسعود : امام رضا عليه السلام : هر كس به روى برادر مؤمنش لبخند بزند ، خداوند برايش يک ثواب مى نويسد، و خداوند ، كسى را كه برايش ثوابى مى نويسد ، عذاب نمى كند .5812.مسند ابن حنبل عن صهيب : امام هادى عليه السلام : چون خدا با موسى بن عمران عليه السلام سخن گفت، موسى عليه السلام گفت : ... معبودا ! پاداش كسى كه آزار خويش را از مردم باز دارد و به آنان نيكى كند ، چيست؟

خدا فرمود: «اى موسى ! در روز قيامت، آتش ، او را بانگ مى زند كه: مرا به تو دسترس نيست». .

الفَصلُ الثانى عشر: نِظامُ جَهَنَّمَ12 / 1وُرودُ جَهَنَّمَ وَالخُروجُ مِنهاالكتاب«فَوَرَبِّکَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَ الشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا * ثُمَّ لَنَنزِعَنَّ مِن كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمانِ عِتِيًّا * ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَى بِهَا صِلِيًّا * وَ إِن مِّنكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّکَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا * ثُمَّ نُنَجِّى الَّذِينَ اتَّقَواْ وَّ نَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا» . (1)

الحديث5810.عنه صلى الله عليه و آله : مسند ابن حنبل عن جابر بن عبداللّه : سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ : الوُرودُ الدُّخولُ ؛ لا يَبقى بَرٌّ ولا فاجِرٌ إلّا دَخَلَها ، فَتَكونُ عَلَى المُؤمِنِ بَردا وسَلاما كَما كانَت عَلى إبراهيمَ ، حَتّى إنَّ لِلنّارِ أو قالَ : لِجَهَنَّمَ ضَجيجا مِن بَردِهِم ، ثُمَّ يُنَجِّى اللّهُ الَّذينَ اتَّقَوا وَيَذَرُ الظّالِمينَ فيها جِثِيّا . (2) .

1- .. مريم : 68 72 .
2- .. مسندابن حنبل : ج 5 ص 80 ح 14527 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 630 ح 8744 وفيه «نزفها» بدل «بردهم» ، نوادر الاُصول : ج 1 ص 73 ، الفردوس : ج 4 ص 437 ح 7270 ، كنزالعمّال : ج 2 ص 8 ح 2911 ؛ مجمع البيان : ج 6 ص 812 ، بحارالأنوار : ج 8 ص 249 .

فصل دوازدهم : نظام دوزخ

12 / 1 ورود به دوزخ و خروج از آن

فصل دوازدهم : نظام دوزخ12 / 1ورود به دوزخ و خروج از آنقرآن«به پروردگارت سوگند که هر آینه آنان را با شیطان ها محشور خواهیم کرد . سپس در حالی که به زانو در آمده اند ، آنان را گرداگرد دوزخ ، حاضر خواهیم ساخت. آن گاه ، از هر دسته ای، کسانی از آنان را که بر خدای مهربان سرکش تر بوده اند ، بیرون خواهیم کشید. پس از آن، به کسانی که برای رفتن به آن (دوزخ) سزاوارترند ، خود داناتریم. و هیچ کس از شما نیست ، مگر این که وارد آن می شود . این امر ، همواره بر پروردگارت حکمی قطعی است. سپس کسانی را که پرهیزگار بوده اند ، می رهانیم و ستمکاران را در آن [دوزخ] به زانو درافتاده رها می کنیم».

حدیث5803.امام صادق علیه السلام : مسند ابن حنبل به نقل از جابر بن عبد اللّه : از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرماید: «ورود ، به معنای داخل شدن است . (1) هیچ نیکوکار و بدکاری نیست ، مگر این که به دوزخ می رود ؛ امّا همچنان که آتش بر ابراهیم سرد شد ، دوزخ نیز بر مؤمن سرد و خنک می گردد ، تا جایی که آتش» یا فرمود: دوزخ «از سردیِ آنان فریادش بلند می شود . سپس خداوند ، پرهیزگاران را می رهاند و ستمکاران را از پافتاده ، در آن رها می کند» .

.

1- .یعنی کلمه «وارد» که در آیه بالا آمده ، به معنای داخل شونده است .

5806.عنه صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى قَولِ اللّهِ عز و جل : «وَ إِن مِّنكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا» : يَرِدُ النّاسُ النّارَ ، ثُمَّ يَصدُرونَ مِنها بِأعمالِهِم ؛ فَأَوَّلُهُم كَلَمحِ البَرقِ ، ثُمَّ كَالرّيحِ ، ثُمَّ كَحُضْرِ (1) الفَرَسِ ، ثُمَّ كَالرّاكِبِ فى رِحلِهِ (2) ، ثُمَّ كَشَدِّ (3) الرَّجُلِ ، ثُمَّ كَمَشيِهِ .

5805(4).رسول اللّه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : إذا أدخَلَ اللّهُ عز و جل المُوَحِّدينَ النّارَ أماتَهُمُ اللّهُ فيها ، فَإذا أرادَ أن يُخرِجَهُم مِنها أمَسَّهُم أَلَمَ العَذابِ تِلكَ السّاعَةَ .

5804(5).الإمام علىّ عليه السلام (فِى الدّيوانِ المَنسوبِ إلَيهِ) عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ يُعَذِّبُ المُوَحِّدينَ فى جَهَنَّمَ بِقَدرِ نُقصانِ إيمانِهِم ، ثُمَّ يَرُدُّهُم إلَى الجَنَّةِ خُلودا دائِما بِإيمانِهِم .

5803(6).الإمام الصادق عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : قالَ اللّهُ عز و جل : ... ما مِن عَبدٍ أُريدُ أن اُدخِلَهُ النّارَ إلّا صَحَّحتُ لَهُ جِسمَهُ ، فَإن كانَ ذلِكَ تَماما لِطَلِبَتِهِ عِندى وإلّا آمَنتُ خَوفَهُ مِن سُلطانِهِ ، فَإن كانَ ذلِكَ تَماما لِطَلِبَتِهِ عِندى وإلّا وَسَّعتُ عَلَيهِ فى رِزقِهِ ، فَإن كانَ ذلِكَ تَماما لِطَلِبَتِهِ عِندى وإلّا هَوَّنتُ عَلَيهِ مَوتَهُ حَتّى يَأتِيَنى ولا حَسَنَةَ لَهُ عِندى ، ثُمَّ اُدخِلُهُ النّارَ .

5802(7).امام زين العابدين عليه السلام (در دعايش) الإمام الصادق عليه السلام فى قَولِهِ تَعالى : «وَ إِن مِّنكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا» : أما تَسمَعُ الرَّجُلَ

يَقولُ : وَرَدنا ماءَ بَنى فُلانٍ؟ فَهُوَ الوِردُ ولَم يَدخُلهُ . (8) .

1- .. الحُضْر : العدْو (النهايه : ج 1 ص 398 «حضر») .
2- .. كالرّاكِبِ فى رِجْلِه : أى كعدوه وجريه (هامش المصدر) . ولعلّ الصّواب : «كالراكب فى رَحْلِهِ» كما فى سنن الدارمى .
3- .. الشَدّ : العدو (النهايه : ج 2 ص 452 «شدد») .
4- .. سنن الترمذى : ج 5 ص 317 ح 3159، سنن الدارمى : ج 2 ص 785 ح 2706 ، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 407 ح 3421 وفيه «كشدّ الرحال» بدل «كشدّ الرجل» وكلّها عن عبداللّه بن مسعود ؛ مجمع البيان : ج 6 ص 812 وليس فيه «فى رجله» ، روضه الواعظين : ص 387 نحوه ، بحارالأنوار : ج 8 ص 249 .
5- .. الفردوس : ج 1 ص 252 ح 976 عن أبى هريره ، كنزالعمّال : ج 1 ص 66 ح 240 .
6- .. تاريخ دمشق : ج 35 ص 367 ح 7218 و ج 49 ص 341 كلاهما عن أنس ، كنزالعمّال : ج 1 ص 70 ح 270 .

7- .. الكافى : ج 2 ص 446 ح 10 عن معاويه بن وهب عن الإمام الصادق عليه السلام ، التمحيص : ص 38 ح 36 عن منصور بن معاويه عن الإمام الصادق عليه السلام ، مشكاه الأنوار : ص 504 ح 1689 عن الإمام الصادق عليه السلام ، جامع الأخبار : ص 311 ح 862 كلاهما نحوه ، بحارالأنوار : ج 6 ص 172 ح 49 .
8- .. تفسير القمّى : ج 2 ص 52 عن الحسين بن أبى العلا ، بحارالأنوار : ج 8 ص 292 ح 31 .

5801.امام زین العابدین علیه السلام (در دعایش) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره آیه : «و هیچ کس از شما نیست ، مگر این که وارد آن می شود» : مردم [به دوزخ] وارد می شوند و سپس بر وفق کردارهایشان ، از آن خارج می شوند: یکی چون برق جهان، یکی چون باد، یکی چون اسبِ تازان، یکی چون اشترسوار، یکی چون مردِ دوان، و یکی قدم زنان.5800.امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه خدای عز و جل یکتاپرستان را به درون آتش ببرد ، ایشان را در آن می میراند و هنگامی که خواست آنان را از آتش بیرون ببرد ، همان لحظه درد عذاب را به ایشان می رساند.5799.امام علی علیه السلام (در دعا) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند، یکتاپرستان را به اندازه کاستیِ ایمانشان در دوزخ ، عذاب می کند . سپس آنان را به بهشت می برد که به سبب ایمانشان در آن ، جاویدان و همیشگی می مانند.5798.امام علی علیه السلام (در ستایش خداوند سبحان) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خدای عز و جل فرمود: «... هیچ بنده ای نیست که بخواهم او را به برزخ ببَرَم ، مگر آن که تن او را سالم نگه می دارم. اگر با این کار ، طلبش از من تمام [و تسویه حساب] شد [که هیچ] ، و گر نه ترس او را از حکومت به ایمنی مبدّل می کنم . و اگر با این کار طلبش از من تمام شد [که هیچ] ، و گر نه روزی اش را بر او گشایش می بخشم . و اگر با این کار ، طلبش از من تمام شد [که هیچ] ، و گر نه مرگش را بر او آسان می گردانم تا وقتی نزد من می آید ، هیچ کردار نیکی نزد من نداشته باشد و سپس او را به آتش می برم» .5802.عنه علیه السلام (فی دُعائِهِ) امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای متعال : «و هیچ کس از شما نیست ، مگر این که در آن وارد می شود» : مگر نشنیده ای که شخص می گوید: «بر آب فلان قبیله

وارد شدیم»؟ ! یعنی به آن رسیدیم ، نه این که داخل آب شدیم. .

12 / 2صِفَهُ حَشرِ المُجرِمينَ إلى جَهَنَّمَالكتاب«الَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَى وُجُوهِهِمْ إِلَى جَهَنَّمَ أُوْلَائِکَ شَرٌّ مَّکَانًا وَ أَضَلُّ سَبِيلاً» . (1)

«وَ مَن جَاءَ بِالسَّيِّئَهِ فَکُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِی النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا کُنتُمْ تَعْمَلُونَ» . (2)

«وَ نَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ وِرْدًا * لَا يَمْلِکُونَ الشَّفَاعَهَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِندَ الرَّحْمانِ عَهْدًا» . (3)

«يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَ صِی وَ الْأَقْدَامِ * فَبِأَىِّ ءَالَاءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ * هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِی يُکَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ * يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَ بَيْنَ حَمِيمٍ ءَانٍ * فَبِأَىِّ ءَالَاءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ» . (4)

«إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِی ءَايَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَن يُلْقَى فِی النَّارِ خَيْرٌ أَم مَّن يَأْتِی ءَامِنًا يَوْمَ الْقِيَامَهِ اعْمَلُواْ مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» . (5)

«يَوْمَ يُدَعُّونَ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ دَعًّا * هَذِهِ النَّارُ الَّتِی کُنتُم بِهَا تُکَذِّبُونَ * أَفَسِحْرٌ هَذَا أَمْ أَنتُمْ لَا تُبْصِرُونَ * اصْلَوْهَا فَاصْبِرُواْ أَوْ لَا تَصْبِرُواْ سَوَاءٌ عَلَيْکُمْ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا کُنتُمْ تَعْمَلُونَ» . (6)

«يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاوَ تُ وَ بَرَزُواْ لِلَّهِ الْوَ حِدِ الْقَهَّارِ * وَ تَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقَرَّنِينَ فِی الْأَصْفَادِ * سَرَابِيلُهُم مِّن قَطِرَانٍ وَ تَغْشَى وُجُوهَهُمُ النَّارُ» . (7)

.

1- .. الفرقان : 34 .
2- .. النمل : 90 .
3- .. مريم : 86 و 87 .
4- .. الرحمن : 41 45 .
5- .. فصلت : 40 .
6- .. الطور : 13 16 .
7- .. إبراهيم : 48 50 .

12 / 2چگونگی روانه ساختن بزهکاران به سوی دوزخقرآن«کسانی که به رو در افتاده ، به سوی دوزخ رانده می شوند، آنان بدترین جای و گم ترین راه را دارند».

«و کسانی که بدی آورند، به رو در آتش ، سرنگون می شوند. آیا جز آنچه می کردید ، سزا داده می شوید؟».

«و مجرمان را تشنه به سوی دوزخ می رانیم. آنان اختیار شفاعت ندارند ، جز آن کس که از جانب خدای مهربان ، پیمان گرفته است».

«بزهکاران از نشانشان شناخته می شوند . پس ، از [ناحیه] پیشانی و پاهایشان گرفته می شوند . پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را منکرید؟ این است آن دوزخی که بزهکاران ، آن را دروغ می خواندند. میان آتش و میان آب جوشان ، سرگردان اند. پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را منکرید؟».

«کسانی که در آیات ما کژ می روند ، بر ما پوشیده نیستند. آیا کسی که در آتشْ افکنده می شود ، بهتر است یا کسی که روز قیامت ، آسوده خاطر می آید؟ هر چه می خواهید ، بکنید که او به آنچه انجام می دهید ، بیناست».

«روزی که به سوی آتش دوزخ ، کشیده می شوند ، [چه] کشیدنی. [و به آنان می گویند:]این ، همان آتش است که دروغش می پنداشتید. آیا این افسون است یا شما [درست]نمی بینید؟ به آن در آیید . خواه بشکیبید یا نشکیبید، به حال شما یکسان است. جز آن نیست که سزای کردارهای خود را می چشید».

«روزی که زمین به غیر این زمین، و آسمان ها [به غیر این آسمان ها] مبدّل می گردند و [مردم]در برابر خدای یگانه قهّار ، ظاهر می شوند. و در آن روز ، بزهکاران را می بینی که با هم در زنجیرها بسته شده اند. تن پوش هایشان از قطران است و چهره هایشان را آتش می پوشاند» .

الحديث5789.الإمام الصادق عليه السلام : صحيح البخارى عن أنس : إنَّ رَجُلاً قالَ : يا نَبِىَّ اللّهِ ، كَيفَ يُحشَرُ الكافِرُ عَلى وَجهِهِ يَومَ القِيامَهِ؟

قال صلى الله عليه و آله : أَلَيسَ الَّذى أمشاهُ عَلَى الرِّجلَينِ فِى الدُّنيا قادِرا عَلى أن يُمشِيَهُ عَلى وَجهِهِ يَومَ القِيامَهِ؟ ! (1)5788.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : الكافِرُ إذا خَرَجَ مِن قَبرِهِ صُوِّرَ لَهُ عَمَلُهُ فى صورَهٍ سَيِّئٍ وبِشارَهٍ سَيِّئٍ ، فَيَقولُ : ما أنتَ؟ فَوَاللّهِ إنّى لَأَراكَ امرَأ سَوءٍ ، فَيَقولُ : أنَا عَمَلُكَ ، فَيَنطَلِقُ بِهِ حَتّى يُدخِلَهُ النّارُ .
(2)5787.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله : مسند ابن حنبل عن البراء بن عازب : قالَ [رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله] : إنَّ العَبدَ الكافِرَ إذا كانَ فِى انقِطاعٍ مِنَ الدُّنيا وإقبالٍ مِنَ الآخِرَهِ ، نَزَلَ إلَيهِ مِنَ السَّماءِ مَلائِكَهٌ سودُ الوُجوهِ مَعَهُمُ المُسُوحُ (3) ، فَيَجلِسونَ مِنهُ مَدَّ البَصَرِ ، ثُمَّ يَجىءُ مَلَكُ المَوتِ حَتّى يَجلِسَ عِندَ رأسِهِ ، فَيَقولُ : أيَّتُهَا النَّفسُ الخَبيثَهُ اخرُجى إلى سَخَطٍ مِنَ اللّهِ وغَضَبٍ .

قالَ : فَتَفَرَّقُ فى جَسَدِهِ ، فَيَنتَزِعُها كَما يُنتَزَعُ السَّفّودُ (4) مِنَ الصُّوفِ المَبلولِ ،

فَيَأخُذُها ، فَإذا أخَذَها لَم يَدَعوها فى يَدِهِ طَرفَهَ عَينٍ حَتّى يَجعَلوها فى تِلكَ المُسوحِ ، ويَخرُجُ مِنها كَأنتَنِ ريحِ جيفَهٍ وُجِدَت عَلى وَجهِ الأَرضِ ، فَيَصعَدونَ بِها ، فَلا يَمُرّونَ بِها عَلى مَلَإٍ مِنَ المَلائِكَهِ إلّا قالوا : ما هذَا الرّوحُ الخَبيثُ؟ فَيَقولونَ : فُلانُ بنُ فلانٍ ، بِأقبَحِ أسمائِهِ الَّتى كانَ يُسَمّى بِها فِى الدُّنيا ، حَتّى يُنتَهى بِهِ إلَى السَّماءِ الدُّنيا فيُستَفتَحُ لَهُ فلا يُفتَحُ لَهُ ، ثُمَّ قَرَأ رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله : «لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَ بُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّهَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِى سَمِّ الْخِيَاطِ» (5) فَيَقولُ اللّهُ عز و جل : اُكتُبوا كِتابَهُ فى سِجّينٍ فِى الأَرضِ السُّفلى ، فَتُطرَحُ روحُهُ طَرحا ، ثُمَّ قَرَأ : «وَ مَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِى بِهِ الرِّيحُ فِى مَكَانٍ سَحِيقٍ» (6) ، فَتُعادُ روحُهُ فى جَسَدِهِ ويَأتيهِ مَلَكانِ ، فَيُجلِسانِهِ فَيَقولانِ لَهُ : مَن رَبُّكَ؟ فَيَقولُ : هاه هاه ، لا أدرى ! فَيَقولانِ لَهُ : ما دينُكَ؟ فَيَقولُ : هاه هاه ، لا أدرى ! فَيَقولانِ لَهُ : ما هذَا الرَّجُلُ الَّذى بُعِثَ فيكُم؟ فَيَقولُ : هاه هاه ، لا أدرى ! فَيُنادى مُنادٍ مِنَ السَّماءِ : أن كَذَبَ ، فَافرُشوا لَهُ مِنَ النّارِ وَافتَحوا لَهُ بابا إلَى النّارِ ، فَيَأتيهِ مِن حَرِّها وسُمومِها ، ويَضيقُ عَلَيهِ قَبرُهُ حَتّى تَختَلِفَ فيهِ أضلاعُهُ ، ويَأتيهِ رَجُلٌ قَبيحُ الوَجهِ قَبيحُ الثِّيابِ مُنتِنُ الرّيحِ ،

فَيَقولُ : أبشِر بِالّذى يَسوءُکَ ، هذا يَومُکَ الّذى كُنتَ توعَدُ ، فَيَقولُ : مَن أنتَ ؟ فَوَجهُکَ الوَجهُ يَجىءُ بِالشَّرِّ؟ فَيَقولُ : أنَا عَمَلُکَ الخَبيثُ ، فَيَقولُ : رَبِّ ! لا تُقِمِ السّاعَةَ . (7) .

1- .. صحيح البخارى : ج 4 ص 1784 ح 4482 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2161 ح 54 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 456 ح 13391 وفيه «فى النار» بدل «يوم القيامه» ، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 437 ح 3517 و 3518 ، كنزالعمّال : ج 14 ص 666 ح 39798 .
2- .. تفسير الطبرى : ج 7 الجزء 11 ص 88 عن قتاده ، كنزالعمّال : ج 14 ص 366 ح 38963 .
3- .. المِسْح : الكساء من الشَّعَر ، والجمع القليل : أمساح ، والكثير : مُسُوح (لسان العرب : ج 2 ص 596 «مسح») .
4- .. السَّفُّود والسُّفُّود : حديده ذات شُعَب مُعقّفه معروف يُشوى به اللحم (لسان العرب : ج 3 ص 218 «سفد») .
5- .. الأعراف : 40 .
6- .. الحجّ : 31 .
7- .. مسند ابن حنبل : ج 6 ص 414 ح 18559 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 94 ح 107 نحوه ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 3 ص 256 ح 1 ، شعب الإيمان : ج 1 ص 357 ح 395 ، الزهد لابن المبارک : ص 432 ح 1219 ، الزهد لهنّاد : ج 1 ص 206 ح 339 ، كنزالعمّال : ج 15 ص 689 ح 42495 .

حدیث5785.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : صحیح البخاری به نقل از اَنَس : مردی گفت: ای پیامبر خدا ! چگونه در روز رستاخیز ، کافر ، وارونه محشور می شود؟

فرمود: «آیا آن کس که او را در دنیا بر دو پا راه می برد ، قادر نیست که در روزِ رستاخیز ، او را بر رویش راه برد؟» .5788.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : وقتی کافر از گورش بیرون می آید ، کردارش با صورتی زشت و بشارتی بد در برابرش ظاهر می گردد. کافر می گوید: تو کیستی که به خدا سوگند تو را بد آدمی می بینم؟

او می گوید: من کردار تو هستم .

پس او را می بَرد و وارد آتش می کند .5787.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : مسند ابن حنبل به نقل از براء بن عازب : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آن گاه که بنده کافر در آستانه بریدن از دنیا و رفتن به آخرت قرار می گیرد ، فرشتگانی سیاه چهره با پلاس هایی سیاه از آسمان ، فرود می آیند و در دیدرَسِ او می نشینند. سپس فرشته مرگ می آید و کنار سرش می نشیند و می گوید: ای نفْس ناپاک ! به سوی ناخشنودی و خشم خدا بیرون شو.

پس آن فرشته در جسم او پراکنده می شود و نفْس را مانند سیخ کباب که از پشم تَر بیرون می کشند، بیرون می کشد و آن را می گیرد و چون آن را گرفت ، آن فرشتگان سیاه چهره در چشم بر هم زدنی ، آن را از دستش می ستانند و در آن

پلاس ها می گذارند و از آن ، [بویی] مانند گندترین بوی مرداری که در روی زمین یافت شده ، بر می خیزد . آن فرشتگان ، او را بالا می برند. هر جمعی از فرشتگان که او را بر آنان می گذرانند ، می گویند: این روح پلید چیست؟

آن فرشتگان می گویند: فلان ، پسر فلان ! و زشت ترین نام هایش را که در دنیا او را با آنها می خوانده اند، به کار می برند ، تا این که او را به آسمان پایین می رسانند و می گویند: در را برایش باز کنید . امّا برایش باز نمی شود» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سپس این آیه را خواند: «درهای آسمان را برایشان نمی گشایند و در بهشت در نمی آیند ، مگر آن که طناب در سوراخ سوزن ، داخل شود» [و فرمود :] «پس خداوند عز و جل می فرماید: کارنامه او را در زندانی در زمین زیرین بنویسید . در این هنگام، روح او به سختی به زیر افکنده می شود» .

پیامبر صلی الله علیه و آله سپس این آیه را قرائت نمود : «و کسی که برای خدا شریک آورد ، چنان است که گویی از آسمان ، فرو افتاده و مرغان [شکاری] ، او را ربوده اند ، یا باد ، او را به جایی دور ، افکنده است» [و فرمود :] «دوباره روحش به پیکرش باز می گردد و دو فرشته به نزدش می آیند و او را می نشانند و می پرسند: خداوندِ تو کیست؟

او می گوید: هاه، هاه ! (1) نمی دانم.

می پرسند: دینت چیست؟

می گوید: هاه، هاه ! نمی دانم.

می پرسند: این مردی که در میان شما برانگیخته شد ، کیست؟

می گوید: هاه، هاه ! نمی دانم.

پس، منادی ای از آسمان ندا می دهد که: تکذیب کرد . پس، فرشی از آتش برایش بگسترانید و دری سوی دوزخ به رویش بگشایید.

آن گاه از حرارت و باد سوزان دوزخ به طرفش می آید و قبرش بر او چنان تنگ می گردد که دنده هایش در هم فرو می روند، و مردی زشت روی و زشت جامه و بدبو نزدش می آید و می گوید: بشارتت باد به کسی که تو را به رنج آورَد ! این، روزی است که به تو وعده داده می شد.

می پرسد: تو کیستی که از چهره ات بدی می بارد؟

می گوید: من کردار پلید و زشت تو هستم.

او می گوید: پروردگارا ! قیامت را برپا مکن» . .

1- .صوت یا شِبه جمله ای است که «مِنّ و مِن کردن» را می رساند .

5786.الإمام الصادق عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله :
وَالّذى نَفسى بِيَدِهِ ! لَقَد خُلِقَت زَبانِيَهُ (1) جَهَنَّمَ قَبلَ أن تُخلَقَ جَهَنَّمُ بِأَلفِ

عامٍ ، فَهُم كُلَّ يَومٍ يَزدادونَ قُوَّةً إلى قُوَّتِهِم ، حَتّى يَقبِضوا مَن قَبَضوا عَلَيهِ بِالنَّواصى وَالأقدامِ . (2) .

1- .. الزَّبَانِيَه : الملائكه الموكّلون بالنار ، هم الغلاظ الشداد (مجمع البحرين : ج 2 ص 765 «زبن») .
2- .. الدرّ المنثور : ج 7 ص 705 نقلاً عن ابن مردويه والضياء المقدسى فى صفه النار عن أنس .

5785.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سوگند به آن که جانم در دست اوست ، دژخیمان دوزخ، هزار سال پیش

از آن که دوزخ آفریده شود، آفریده شدند و روز به روز ، نیرومندتر می شوند تا [بتوانند] آن را که می گیرند ، از پیشانی و کف پاهایش بگیرند . .

5784.تاريخ دمشق (به نقل از حارث) رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ جَهَنَّمَ لَمّا سيقَ إليها أهلُها تَلَقَّتهُم فَلَفَحَتهُم (1) لَفحَةً ، لَم تَدَع لَحما عَلى عَظمٍ إلّا ألقَتهُ عَلَى العُرقوبِ (2) . (3)5784.تاريخ دمشق عن الحارث : عنه صلى الله عليه و آله : أيُّما والٍ وَلِىَ أمرَ أُمَّتى مِن بَعدى ، اُقيمَ يَومَ القِيامَهِ عَلى حَدِّ الصِّراطِ ونَشَرَتِ المَلائِكَهُ صَحيفَتَهُ ، فَإن نَجا فَبِعَدلِهِ ، وإن جارَ انتَقَضَ بِهِ الصِّراطُ انتِقاضَهً تُزيلُ ما بَينَ مَفاصِلِهِ حَتّى يَكونَ بَينَ كُلِّ عُضوٍ وعُضوٍ مِن أعضائِهِ مَسيرَهُ مِئَهِ عامٍ يُخرَقُ بِهِ الصِّراطُ ، فَأوَّلُ ما يَلقى بِهِ النّارَ أنفُهُ وحُرُّ وجَهِهِ . (4)5783.تاريخ دمشق (به نقل از عبد اللّه بن جعفر) عنه صلى الله عليه و آله : أيُّما والٍ وَلِىَ شَيئا مِن أمرِ أُمَّتى فَلَم يَنصَح لَهُم ويَجتَهِد لَهُم كَنَصيحَتِهِ وجَهدِهِ لِنَفسِهِ ، كَبَّهَ اللّهُ عَلى وَجهِهِ يَومَ القِيامَهِ فِى النّارِ . (5)5782.امام على عليه السلام (وقتى درباره قَدَر مورد پرسش قرار گرفت) عنه صلى الله عليه و آله : مَن قَرَأ القُرآنَ يُريدُ بِهِ السُّمعَهَ وَالتِماسَ شَىءٍ ، لَقِىَ اللّهَ عز و جل يَومَ القِيامَهِ ووَجهُهُ عَظمٌ لَيسَ عَلَيهِ لَحمٌ ، وزَجَّ القُرآنُ فى قَفاهُ حَتّى يُدخِلَهُ النّارَ ويَهوى فيها

مَعَ مَن يَهوى . (6) .

1- .. لَفحُ النار : حرّها ووهجها (النهايه : ج 4 ص 260 «لفح») .
2- .. العُرقُوب ، عَصَبٌ مُوثَقٌ خلف الكعبين (المصباح المنير : ص 405 «عرقب») .
3- .. المعجم الأوسط : ج 1 ص 92 ح 278 و ج 9 ص 144 ح 9365 ، حليه الأولياء : ج 4 ص 363 وفيه «تلقّتهم بعنق ...» و ج 5 ص 93 ، البعث والنشور : ص 289 ح 510 وفيهما «تلقّتهم بعنف» ، تاريخ أصبهان : ج 2 ص 145 ح 1322 وفيه «بلعتهم» بدل «تلقّتهم» ، تفسير ابن كثير : ج 5 ص 490 نحوه وكلّها عن أبى هريره .
4- .. الأمالى للطوسى : ص 728 ح 1530 عن مالک بن أوس بن الحدثان عن الإمام علىّ عليه السلام ، بحارالأنوار : ج 32 ص 17 ح 7 ؛ شرح نهج البلاغه لابن أبى الحديد : ج 7 ص 36 عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله نحوه ، كنزالعمّال : ج 6 ص 20 ح 14658 .
5- .. تاريخ بغداد : ج 8 ص 472 الرقم 4587 ، المعجم الصغير : ج 1 ص 167 نحوه وكلاهما عن معقل بن يسار ، كنزالعمّال : ج 6 ص 21 ح 14664 .

6- .. ثواب الأعمال : ص 337 ح 1 عن أبی هریره وعبد اللّه بن عبّاس ، أعلام الدین : ص 417 عن عبد اللّه بن عبّاس ، بحارالأنوار : ج 76 ص 365 ح 30 .

5781.التوحید (به نقل از عنتره شیبانی، از پدرش) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هنگامی که اهل دوزخ به سوی آن سوق داده می شوند ، دوزخ ، شعله های خود را بر آنان چنان می کوبد که هر چه گوشت بر استخوان های آنهاست ، زیر زانوهایشان فرو می ریزد.5780.امام علی علیه السلام (هنگامی که درباره قَدَر، مورد پرسش قرار گرفت) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر حکمرانی که پس از من زمام امور امّتم را به دست گیرد، روز قیامت ، او را بر لبه صراط نگه می دارند و فرشتگان ، نامه اعمالش را می گشایند . پس اگر [در دنیا] به عدالت رفتار کرده بود ، نجات می یابد و اگر ستم کرده بود، صراط ، او را چنان تکانی می دهد که بندهای بدنش را از هم جدا می کند ، به طوری که هر عضوی از اعضایش به اندازه صد سال راه ، از دیگری فاصله می گیرد، و صراط ، شکاف می خورد و نخستین جا از او که به آتش می رسد ، بینی و برآمدگی گونه های اوست.5779.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر حکمرانی که زمام امری از امور امّت مرا بر عهده گیرد ، ولی همان گونه که برای خود ، دلسوز و کوشاست ، برای آنان دلسوزی و کوشش نکند، در قیامت ، خداوند ، او را در آتش سرنگون می سازد.5778.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس قرآن را به قصد شهرت و [یا] درخواست چیزی تلاوت کند، روز قیامت با چهره ای از اسکلت بدون گوشت ، خدای عز و جل را دیدار می کند، قرآن او را از پشت سرش هُل می دهد تا آن که او را به آتش در می آورَد و او در آن

سقوط می کند و در کنار دیگر سقوط کنندگان در آتش قرار می گیرد. .

5783.تاريخ دمشق عن عبد اللّه بن جعفر عن الإمام علىّ عل الإمام الصادق عليه السلام : إنَّ أهلَ النّارِ يُعَظَّمونَ النّارَ ، وإنَّ أهلَ الجَنَّهِ يُعَظِّمونَ الجَنَّهَ وَالنَّعيمَ ، وإنَّ أهلَ جَهَنَّمَ إذا دَخَلوها هَوَوا فيها مَسيرَهَ سَبعينَ عاما ، فَإذا بَلَغوا أعلاها قُمِعوا بِمَقامِعِ الحَديدِ ، واُعيدوا فى دَركِها ، هذِهِ حالُهُم ، وهُوَ قولُ اللّهِ عز و جل : «كُلَّمَا أَرَادُواْ أَن يَخْرُجُواْ مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُواْ فِيهَا وَذُوقُواْ عَذَابَ الْحَرِيقِ» (1) ، ثُمَّ تُبَدَّلُ جُلودُهُم جُلودا غَيرَ الجُلودِ الَّتى كانَت عَلَيهِم . (2)12 / 3صِفَهُ مُواجَهَهِ خَزَنَهِ جَهَنَّمَ لِلمُجرِمينَالكتاب«يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ قُوا أَنفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَهُ عَلَيْهَا مَلَائِكَهٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» . (3)

«سَأُصْلِيهِ سَقَرَ * وَ مَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرُ * لَا تُبْقِى وَ لَا تَذَرُ * لَوَّاحَهٌ لِّلْبَشَرِ * عَلَيْهَا تِسْعَهَ عَشَرَ * وَ مَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَهً وَ مَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَهً لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُواْ الْكِتَابَ وَ يَزْدَادَ الَّذِينَ ءَامَنُواْ إِيمَانًا وَ لَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُواْ الْكِتَابَ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ لِيَقُولَ الَّذِينَ فِى قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَ الْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلاً كَذَ لِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَ يَهْدِى مَن يَشَاءُ وَ مَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَ مَا هِىَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْبَشَرِ» . (4)

.

1- .. الحجّ : 22 .
2- .. تفسير القمّى : ج 2 ص 81 عن أبى بصير ، بحارالأنوار : ج 8 ص 280 ح 1 .
3- .. التحريم : 6 .
4- .. المدّثّر : 26 31 .

5777.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : اهل دوزخ، دوزخ را باعظمت می یابند و اهل بهشت نیز بهشت و نعمت های آن را باعظمت می یابند. اهل دوزخ ، هر گاه به دوزخ در آیند ، مدّت هفتاد سال همچنان در حال سقوط اند . چون به بالای آن رسیدند ، با گرزهای آهنی بر سرشان می کوبند و دوباره به قعر آن فرو می افتند. این وضع ، همچنان تکرار می شود و این ، سخن خدای عز و جل است ، آن جا که می فرماید: «هر بار بخواهند از [شدّت] غم، از آن بیرون روند ، به آن باز گردانیده می شوند [که] : بچشید عذاب آتش سوزان را!» . سپس پوست هایشان به پوست های دیگری غیر از آنچه داشته اند ، تبدیل می شود.12 / 3چگونگی برخورد دوزخبانان با گنهکارانقرآن«ای کسانی که ایمان آورده اید ! خودتان و کسانتان را از آتشی که سوختِ آن ، مردم و سنگ هایند ، حفظ کنید . بر آن آتش ، فرشتگان خَشِن و سختگیر [گماشته شده]اند، [که] از آنچه خدا به آنان دستور داده ، سرپیچی نمی کنند و آنچه را که مأمورند ، انجام می دهند» .

«زودا که او را به دوزخ در آورم ! آن هم چه دوزخی ! نه باقی می گذارد و نه رها می کند. پوست ها را سیاه می گرداند. بر آن دوزخ ، نوزده [نگهبان]است. و ما گماردگان بر آتش را جز فرشتگان نگردانیدیم و شماره آنها را جز آزمایشی برای کسانی که کافر شده اند ، قرار ندادیم تا آنان که اهل کتاب اند ، یقین کنند و بر ایمان مؤمنان افزوده شود و اهل کتاب و مؤمنان نیز به شک نیفتند، و تا کسانی که در دل هایشان بیماری است و [نیز] کافران بگویند: خدا از این وصف کردن ، چه چیزی را اراده کرده است؟ این گونه، خدا هر که را بخواهد ، گم راه می کند و هر که را بخواهد ، هدایت می کند، و [شماره] سپاهیان پروردگارت را جز او نمی داند، و این [آیات] ، جز یادآوری ای برای بشر نیست» .

.

الحديث5775.عنه صلى الله عليه و آله : تفسير القمّى عن هشام بن سالم عن الإمام الصادق عليه السلام عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى حَديثِ المِعراجِ : سَمِعتُ صَوتا أفزَعَنى ، فَقالَ جَبرَئيلُ : أتَسمَعُ يا مُحَمَّدُ؟ قُلتُ : نَعَم ، قالَ : هذِهِ صَخرَهٌ قَذَفتُها عَن شَفيرِ جَهَنَّمَ مُنذُ سَبعينَ عاما فَهذا حينَ استَقَرَّت . قالوا : فَما ضَحِكَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله حَتّى قُبِضَ .

قالَ : فَصَعِدَ جَبرَئيلُ وصَعِدتُ مَعَهُ إلى سَماءِ الدُّنيا وعَلَيها مَلَكٌ يُقالُ لَهُ : إسماعيلُ ، وهُوَ صاحِبُ الخَطفَهِ الَّتى قالَ اللّهُ عز و جل : «إلّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَهَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ» وتَحتَهُ سَبعونَ ألفَ مَلَكٍ ، تَحتَ كُلِّ مَلَكٍ سَبعونَ ألفَ مَلَكٍ ، فَقالَ : يا جَبرَئيلُ ، مَن هذا مَعَكَ؟ فَقالَ : مُحَمَّدٌ صلى اللهِ عليه و آله ، قالَ : أوَقَد بُعِثَ ؟ قالَ : نَعَم ، فَفَتَحَ البابَ فَسَلَّمتُ عَلَيهِ وسَلَّمَ عَلَىَّ ، وَاستَغفَرتُ لَهُ وَاستَغفَرَ لى ، وقالَ : مَرحَبا بِالأَخِ النّاصِحِ وَالنَّبِىِّ الصّالِحِ ، وتَلَقَّتنِى المَلائِكَهُ حَتّى دَخَلتُ سَماءَ الدُّنيا ، فَما لَقِيَنى مَلَكٌ إلّا كانَ ضاحِكا مُستَبشِرا ، حَتّى لَقِيَنى مَلَكٌ مِنَ المَلائِكَهِ لَم أرَ أعظَمَ خَلقا مِنهُ ، كَريهُ المَنظَرِ ظاهِرُ الغَضَبِ ، فَقالَ لى مِثلَ ما قالوا مِنَ الدُّعاءِ إلّا أنَّهُ لَم يَضحَك ، ولَم أرَ فيهِ مِنَ الاِستِبشارِ وما رَأيتُ مِمَّن ضَحِكَ مِنَ المَلائِكَهِ ، فَقُلتُ : مَن هذا يا جَبرَئيلُ ، فَإنّى قَد فَزِعتُ ؟ فَقالَ :يَجوزُ أن تَفزَعَ مِنهُ ، وكُلُّنا نَفزَعُ مِنهُ ، هذا مالِكٌ خازِنُ النّارِ ، لَم يَضحَك قَطُّ ، ولَم يَزَل مُنذُ وَلّاهُ اللّهُ جَهَنَّمَ يَزدادُ كُلَّ يَومٍ غَضَبا وغَيظا عَلى أعداءِ اللّهِ وأهلِ مَعصِيَتِهِ ، فَيَنتَقِمُ اللّهُ بِهِ مِنهُم ، ولَو ضَحِكَ إلى أحَدٍ قَبلَكَ أو كانَ ضاحِكا لِأَحَدٍ بَعدَكَ لَضَحِكَ إلَيكَ ، ولكِنَّهُ لا يَضحَكُ . فَسَلَّمتُ عَلَيهِ ، فَرَدَّ عَلَىَّ السَّلامَ وبَشَّرَنى بِالجَنَّهِ ، فَقُلتُ لِجَبرَئيلِ وجَبرَئيلُ بِالمَكانِ الَّذى وَصَفَهُ اللّهَ «مُّطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ» (1) : ألا تَأمُرُهُ أن يُرِيَنِى النّارَ؟ فَقالَ لَهُ جَبرَئيلُ : يا مالِكُ ! أرِ مُحَمَّدا النّارَ ، فَكَشَفَ عَنها

غِطاءَها وفَتَحَ بابا مِنها ، فَخَرَجَ مِنها لَهَبٌ ساطِعٌ فِى السَّماءِ وفارَت ، فَارتَعَدتُ حَتّى ظَنَنتُ لَيَتَناوَلُنى مِمّا رَأيتُ ، فَقُلتُ لَهُ : يا جَبرَئيلُ ، قُل لَهُ فَليَرُدَّ عَلَيها غِطاءَها ، فَأَمَرَها ، فَقالَ لَها : اِرجِعى ، فَرَجَعَت إلى مَكانِهَا الَّذى خَرَجَت مِنهُ . (2) .

1- .التكوير : 21 .
2- .. تفسير القمّى : ج 2 ص 4 ، بحارالأنوار : ج 18 ص 320 ح 34 .

حدیث5773.تفسیر الصنعانی عن صخر بن جویریه : تفسیر القمّی به نقل از هشام بن سالم ، از امام صادق علیه السلام ، در بیانِ حدیث معراج : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «صدایی شنیدم که مرا به وحشت انداخت. جبرئیل گفت: شنیدی، ای محمّد؟

گفتم: آری. گفت: این [صدای] خَر سنگی بود که هفتاد سال پیش ، از لبه جهنّم انداختم و اکنون به تهِ آن رسید» .

[اصحاب] گفتند: از آن پس، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تا زنده بود ، خنده به لبانش نیامد .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «پس، جبرئیل بالا رفت و من همراه او تا آسمان دنیا بالا رفتم. بر آن آسمان ، فرشته ای گمارده شده بود که به او اسماعیل می گویند . او صاحب همان رُبایشی است که خداوند عز و جل فرموده است: «مگر آن کسی که ربود ، ربودنی . پس ، بر او شعله روشنی از پس در آمد» . و در زیر [فرمانِ] او ، هفتاد هزار فرشته بودند و زیر [فرمانِ] هر یک از آنها نیز هفتاد هزار فرشته .

او (اسماعیل) گفت: ای جبرئیل ! این که همراه توست ، کیست ؟

جبرئیل گفت: محمّد صلی الله علیه و آله .

گفت: مگر برانگیخته شده است؟

گفت: آری.

پس، آن فرشته در را گشود و به او سلام کردم و او به من سلام کرد . برایش طلب آمرزش کردم و او نیز برایم طلب آمرزش کرد و گفت: خوش آمدی ، ای برادر مخلص و ای پیامبر پاک ! و فرشتگان به استقبالم آمدند تا آن که وارد آسمان دنیا شدم . به هر فرشته ای که بر می خوردم ، خندان و شادان بود ، تا آن که به فرشته ای از فرشتگان برخوردم که هنوز مخلوقی تنومندتر از او ندیده ام و چهره ای زشت و خشم آلود داشت. او نیز همانند دیگر فرشتگان برایم دعا کرد ؛ امّا نخندید و آن شادمانی و خنده ای را که

در دیگر فرشتگان دیدم ، در او مشاهده نکردم. گفتم: این کیست ، ای جبرئیل ؟ به راستی که ترسیدم !

گفت: جا دارد که از او بترسی . همه ما از او می ترسیم. این ، مالک، دوزخبان است. او هرگز نخندیده است و از زمانی که خداوند، او را بر دوزخ گماشته، هر روز، خشم وکین او بردشمنان خدا و گنهکاران ، افزوده می شود. خداوند به وسیله او ، از آنان انتقام می گیرد. اگر بنا بود پیش از تو یا پس از تو به روی کسی بخندد ، قطعا به روی تو می خندید ؛ امّا او [هرگز]نمی خندد.

من به او سلام کردم. سلامم را پاسخ گفت و به بهشت ، نویدم داد. به جبرئیل که مقامش چنان است که خداوند در وصف او فرموده: «[فرمانش] مُطاع و [نزد خداوند ،] امین است»

گفتم: به او دستور نمی دهی که آتش را به من نشان دهد؟

جبرئیل به او گفت: ای مالک ! آتش را به محمّد ، نشان بده.

او درپوش جهنّم را برداشت و دری از آن را گشود. شعله ای درخشان از آن به آسمان رفت و جهنّم فوران کرد. چنان لرزه ای بر من افتاد که خیال کردم آنچه دیدم ، مرا فرو خواهد گرفت.

به جبرئیل گفتم: ای جبرئیل ! به او بگو درپوش آن را بگذارد.

مالک ، دستور داد و به شعله گفت: بر گرد . و شعله به جای خود باز گشت» . .

5772.امام على عليه السلام (در سرزنش بدعت گذاران و نهى آنان از سخن گفتن درب) الإمام الباقر عليه السلام : إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله حَيثُ اُسرِىَ بِهِ إلَى السَّماءِ لَم يَمُرَّ بِخَلقٍ مِن خَلقِ اللّهِ إلّا رَأى مِنهُ ما يُحِبُّ مِنَ البِشرِ وَاللُّطفِ وَالسُّرورِ بِهِ ، حَتّى مَرَّ بِخَلقٍ مِن خَلقِ اللّهِ ، فَلَم يَلتَفِت إلَيهِ ولَم يَقُل لَهُ شَيئا ، فَوَجَدَهُ قاطِبا عابِسا ، فَقالَ : يا جَبرَئيلُ ! ما مَرَرتُ بِخَلقٍ مِن خَلقِ اللّهِ إلّا رَأيتُ البِشرَ وَاللُّطفَ وَالسُّرورَ مِنهُ إلّا هذا ، فَمَن هذا؟ قالَ : هذا مالِكٌ خازِنُ النّارِ ، وهكَذا خَلَقَهُ رَبُّهُ ، قالَ : فَإنّى اُحِبُّ أن تَطلُبَ إلَيهِ أن يُرِيَنِى النّارَ ، فَقالَ لَهُ جَبرَئيلُ : إنَّ هذا مُحَمَّدا رَسولُ اللّهِ ، وقَد سَأَلَنى أن أطلُبَ إلَيكَ أن تُرِيَهُ النّارَ ، قالَ : فَأخرَجَ لَهُ عُنُقا مِنها فَرَآها ، فَمَا افتَرَّ (1) ضاحِكا حَتّى قَبَضَهُ اللّهُ عز و جل . (2)5771.امام على عليه السلام : سنن الترمذى عن جابر بن عبد اللّه : قالَ ناسٌ مِنَ اليَهودِ لِأُناسٍ مِن أصحابِ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله : هَل يَعلَمُ نَبِيُّكُم كَم عَدَدُ خَزَنَةِ جَهَنَّمَ؟ قالوا : لا نَدرى حَتّى نَسأَلَ نَبِيَّنا ... فَلَمّا جاؤوا قالوا : يا أبَا القاسِمِ ، كَم عَدَدُ خَزَنَةِ جَهَنَّمَ ؟ قالَ : هكَذا ، وهكَذا فى مَرَّةٍ عَشَرَهٌ ، وفى مَرَّةٍ تِسعٌ . (3)5770.امام صادق عليه السلام (در بيان انواع آيات قرآن) البعث والنشور عن البراء بن عازب : إنَّ رَهطا مِنَ اليَهودِ سَأَلوا رَجُلاً مِن أصحابِ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله عَن خَزَنَةِ جَهَنَّمَ ، قالَ : اللّهُ ورَسولُهُ أعلَمُ ، فَجاءَ الرَّجُلُ فَأخبَرَ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله ،

فَنَزَلَت عَلَيهِ : «عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ» (4) . (5) .

1- .. افْتَرَّ فلان ضاحكا : أى أبدى أسنانه (الصحاح : ج 2 ص 780 «فرر») .
2- .. الأمالى للصدوق : ص 696 ح 952 عن زراره ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 99 ح 271 ، تفسير العيّاشى : ج 2 ص 277 ح 8 ، قصص الأنبياء للراوندى : ص 325 ح 433 كلّها عن ابن بكير عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، روضه الواعظين : ص 557 ، بحارالأنوار : ج 8 ص 284 ح 9 .
3- .. سنن الترمذى : ج 5 ص 429 ح 3327 ، تفسير القرطبى : ج 19 ص 79 ، التخويف من النار : ص 160 .
4- .. المدّثّر : 20 .
5- .. البعث والنشور : ص 269 ح 462 ، تفسير ابن كثير : ج 8 ص 293 ، التخويف من النار : ص 160 .

5772.عنه علیه السلام (فی تَوبیخِهِ لِلمُبتَدِعینَ ونَهیِهِم عَنِ البِدَعِ) امام باقر علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در شبی که به آسمان برده شد، بر هر مخلوقی از مخلوقات خدا که می گذشت ، خوش رویی و مهربانی و شادمانی را در او می دید، تا آن که بر مخلوقی از مخلوقات خدا گذشت ؛ ولی آن مخلوق به پیامبر صلی الله علیه و آله توجّه نکرد و چیزی به ایشان نگفت .

پیامبر صلی الله علیه و آله او را اخم کرده و ترش رو دید . به جبرئیل فرمود : «ای جبرئیل ! من بر هر مخلوقی از مخلوقات خدا که گذشتم ، او را خوش رو و مهربان و شادمان دیدم ، بجز این یکی . مگر او کیست؟» .

جبرئیل گفت: او مالک، دوزخبان است. پروردگارش او را این گونه آفریده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «دوست دارم از او بخواهی آتش را به من نشان دهد» .

جبرئیل به مالک گفت: این ، محمّد پیامبر خداست و از من خواسته که از تو بخواهم آتش را به او نشان دهی.

مالک، تنوره ای از آن را برای پیامبر صلی الله علیه و آله بیرون آورد و ایشان آن را دید . پیامبر صلی الله علیه و آله از آن پس ، تا زمانی که خداوند عز و جل جانش را ستاند ، لبانش به خنده باز نشد.5754.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سنن الترمذی به نقل از جابر بن عبد اللّه : مردمی از یهود به مردمانی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: آیا پیامبر شما می داند شمار نگهبانان جهنّم ، چند تاست؟

گفتند: نمی دانیم . باید از پیامبرمان بپرسیم... .

پس، خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: ای ابو القاسم ! شمار نگهبانان جهنّم ، چند تاست؟

فرمود: «این تعداد و این تعداد»، و با دست ، یک ده تا و یک نُه تا [و مجموعا نوزده تا] را نشان داد .5754.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :

البعث و النشور به نقل از براء بن عازب : گروهی یهودی از مردی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله در باره نگهبانان جهنّم پرسیدند .

گفت: خدا و پیامبرش داناترند . و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و به ایشان خبر داد . پس،

این آیه نازل شد: «بر آن ، نوزده [نگهبان] است» . .

5753.امام على عليه السلام : الإمام الصادق عليه السلام : إنَّ نيرانَ جَهَنَّمَ عَذابٌ عَلَى الكُفّارِ ، وخَزَنَةُ جَهَنَّمَ مَعَهُم فيها ، فَهِىَ رَحمَةُ اللّهِ عَلَيهِم . (1)راجع : ص 232 (الفصل التاسع : أحوال أهل النار / طلب التخفيف) .

12 / 4أوّلُ مَن يَدخُلُ النّارَ5927.الأُصول الستّه عشر عن سليمان الطلحى : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : أَوَّلُ مَن يَدخُلُ النّارَ سُلطانٌ مُسَلَّطٌ لَم يَعدِل فى سُلطانِهِ ، أطغاهُ كِبرُهُ وأبطَرَتهُ قُوَّتُهُ . (2)5926.تفسير القمّى (فى تَفسيرِ قَولِهِ تَعالى : {Q} «فِيهَا يُفْرَق) عنه صلى الله عليه و آله : أَوَّلُ مَن يَدخُلُ النّارَ أميرٌ مُتَسَلِّطٌ لَم يَعدِل ، وذو ثَروَةٍ مِنَ المالِ لَم يُعطِ المالَ حَقَّهُ ، وفَقيرٌ فَخورٌ . (3)5925.الغيبه ، نعمانى به نقل از داوود بن قاسم جعفرى عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ فُقَراءَ المُسلِمينَ يَدخُلونَ الجَنَّةَ قَبلَ أغنِيائِهِم بِمِقدارِ أربَعينَ عاما حَتّى يَتَمَنّى أغنِياءُ المُسلِمينَ يَومَ القِيامَهِ أنَّهُم كانوا فُقَراءَ فِى الدُّنيا ، وإنَّ أغنِياءَ الكُفّارِ

لَيَدخُلونَ النّارَ قَبلَ فُقَرائِهِم بِمِقدارِ أربَعينَ عاما حَتّى يَتَمَنّى أغنِياءُ الكُفّارِ أنَّهُم كانوا فِى الدُّنيا فُقَراءَ . (4) .

1- .. عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 3 ح 5 عن أحمد بن الحسن الحسينى عن الإمام العسكرى عن آبائه عليهم السلام ، علل الشّرائع : ص 298 ح 3 عن علىّ الناصر عن الإمام الجواد عن أبيه عن جدّه عن الإمام الصادق عليهم السلام ، بحارالأنوار : ج 6 ص 121 ح 1 .
2- .. الفردوس : ج 1 ص 24 ح 33 عن الإمام علىّ عليه السلام ، كنزالعمّال : ج 6 ص 28 ح 14703 .
3- .. عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 28 ح 20 ، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام : ص 83 ح 8 كلاهما عن أحمد بن عامر الطائى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحارالأنوار : ج 73 ص 290 ح 10 ؛ مسند ابن حنبل : ج 3 ص 412 ح 9497 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 545 ح 1429 ، صحيح ابن حبّان : ج 16 ص 525 ح 7481 ، السنن الكبرى : ج 4 ص 138 ح 7227 كلّها عن أبى هريره نحوه ، كنزالعمّال : ج 15 ص 821 ح 43262 .
4- .. كنزالعمّال : ج 6 ص 475 ح 16620 نقلاً عن الديلمى ، الفردوس : ج 1 ص 231 ح 883 وليس فيه ذيله من «حتّى يتمنّى أغنياء الكفّار» وكلاهما عن أبى برزه الأسلمى .

12 / 4 نخستین کسی که وارد آتش می شود

5925.الغیبه للنعمانی عن داوود بن القاسم الجعفری : امام صادق علیه السلام : آتش های جهنّم ، برای کافران ، عذاب است و نگهبانان جهنّم ، با کافران ، در آن هستند . بنا بر این، همین جهنّم ، برای نگهبانانش رحمت است.

ر . ک : ص 233 (فصل نهم : احوال دوزخیان / درخواست تخفیف) . 12 / 4نخستین کسی که وارد آتش می شود5922.امام باقر علیه السلام (وقتی این سخن خدای متعال ذکر شد : {Q} «در آن [شب) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نخستین کسی که وارد آتش جهنّم می شود ، پادشاه قدرتمندی است که در پادشاهی اش دادگری نکند و تکبّرش او را سرکش و قدرتش او را سرمست کند .5921.الکافی (به نقل از محمّد بن مسلم، از امام باقر یا امام ص) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نخستین کسی که به آتش وارد می شود ، فرمان روای قدرتمندی است که دادگری نکند، و ثروتمندی که حقوق مال خود را نپردازد ، و نیز تهی دست متکبّر.5920.امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : تهی دستان مسلمان به اندازه چهل سال زودتر از توانگرانشان وارد بهشت می شوند ، تا جایی که توانگران مسلمان ، در روز قیامت ، آرزو می کنند که کاش در دنیا تهی دست بودند؛ و توانگران کافر به اندازه چهل سال زودتر از

تهی دستانشان وارد آتش می شوند تا جایی که توانگران کافر ، آرزو می کنند که کاش در دنیا تهی دست بودند.

.

5924.الكافى عن معلّى بن محمّد : عنه صلى الله عليه و آله : أيُّمَا امرَأَةٍ آذَت زَوجَها بِلِسانِها لَم يَقبَلِ اللّهُ عز و جل مِنها صَرفا ولا عَدلاً ولا حَسَنَةً مِن عَمَلِها حَتّى تُرضِيَهُ ، وإن صامَت نَهارَها وقامَت لَيلَها وأعتَقَتِ الرِّقابَ وحَمَلَت عَلى جِيادِ الخَيلِ فى سَبيلِ اللّهِ ، وكانَت فى أوَّلِ مَن يَرِدُ النّارَ .

وكَذلِكَ الرَّجُلُ إذا كانَ لَها ظالِما . (1)5923.الإمام الصادق عليه السلام : سنن الترمذى عن أبى هريره : حَدَّثَنى رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله أنَّ اللّهَ تَبارَكَ وتَعالى إذا كانَ يَومُ القِيامَهِ يَنزِلُ إلَى العِبادِ لِيَقضِيَ بَينَهُم ، وكُلُّ اُمَّهٍ جاثِيَهٌ (2) ، فَأوَّلُ مَن يَدعو بِهِ : رَجُلٌ جَمَعَ القُرآنَ ، ورَجُلٌ يَقتَتِلُ فى سَبيلِ اللّهِ ، ورَجُلٌ كَثيرُ المالِ .

فَيَقولُ اللّهُ لِلقارِئِ : أَلَم أُعَلِّمكَ ما أنزَلتُ عَلى رَسولى؟ قالَ : بَلى يا رَبِّ ، قالَ : فَماذا عَمِلتَ فيما عُلِّمتَ؟ قالَ : كُنتُ أقومَ بِهِ آناءَ اللَّيلِ وآناءَ النَّهارِ ! فَيَقولُ اللّهُ لَهُ : كَذَبتَ ، وتَقولُ لَهُ المَلائِكَهُ : كَذَبتَ ، ويَقولُ اللّهُ : بَل أرَدتَ أن يُقالَ : إنّ فُلانا قارِئٌ ، فَقَد قيلَ ذاكَ .

ويُؤتى بِصاحِبِ المالِ ، فَيَقولُ اللّهُ لَهُ : أَلَم أُوَسِّع عَلَيكَ حَتّى لَم أدَعكَ تَحتاجُ إلى أَحَدٍ؟ قالَ : بَلى يا رَبِّ ، قالَ : فَماذا عَمِلتَ فيما آتَيتُكَ؟ قالَ : كُنتُ أصِلُ الرَّحِمَ و أتَصَدَّقُ ! فَيَقولُ اللّهُ لَهُ : كَذَبتَ ، وتَقولُ لَهُ المَلائِكَهُ : كَذَبتَ ، ويَقولُ اللّهُ تَعالى :

بَل أرَدتَ أن يُقالَ : فُلانٌ جَوادٌ ، فَقَد قيلَ ذاكَ .

ويُؤتى بِالَّذى قُتِلَ فى سَبيلِ اللّهِ ، فَيَقولُ اللّهُ لَهُ : فيماذا قُتِلتَ ؟ فَيَقولُ : اُمِرتُ بِالجِهادِ فى سَبيلِكَ ، فَقاتَلتُ حَتّى قُتِلتُ ! فَيَقولُ اللّهُ تَعالى لَه : كَذَبتَ ، وتَقولُ لَهُ المَلائِكَهُ : كَذَبتَ ، ويَقولُ اللّهُ : بَل أرَدتَ أن يُقالَ : فُلانٌ جَرىءٌ ، فَقَد قيلَ ذاكَ .

ثُمَّ ضَرَبَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله عَلى رُكبَتىَّ ، فَقالَ : يا أبا هُرَيرَهَ ، أولئِكَ الثَّلاثَهُ أوَّلُ خَلقِ اللّهِ تُسعَرُ بِهِمُ النّارُ يَومَ القِيامَهِ . (3) .

1- .. كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 14 ح 4968 ، الأمالى للصدوق : ص 515 ح 707 كلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 314 ح 2655 عن الإمام الصادق

عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 261 ، بحارالأنوار : ج 76 ص 334 ح 1 .
2- .. يَجْثُو : أى يجلس على الرُكَب وأطراف الأصابع عند الحساب ، وقيل : جاثيه : مجتمعه (مجمع البحرين : ج 1 ص 271 «جثا») .
3- .. سنن الترمذى : ج 4 ص 592 ح 2382 ، صحيح ابن خزيمه : ج 4 ص 116 ح 2482 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 579 ح 1527 ، تفسير الطبرى : ج 7 الجزء 12 ص 13 ، كنزالعمّال : ج 3 ص 468 ح 7469 ؛ بحارالأنوار : ج 72 ص 305 ح 52 نقلاً عن أسرار الصلاه .

5922.الإمام الباقر علیه السلام (وقَد ذُکِرَ قَولُهُ تَعالی : {Q} «فِیهَا یُفْرَ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر زنی که شوهرش را با زبانش بیازارد ، تا زمانی که او را از خود راضی نگرداند ، خداوند عز و جل از او هیچ هزینه و انفاق و هیچ کردار نیکی را نمی پذیرد ، هرچند روزها را روزه بگیرد و شب هایش را به عبادت بگذراند و بنده ها آزاد کند و بهترین اسب ها را در راه خدا [به جهاد]بفرستد . او در زمره نخستین کسانی خواهد بود که به آتش وارد می شوند . همچنین است مرد ، اگر به زنش ستم کند.5921.الکافی عن محمّد بن مسلم عن أحدهما علیهماالسلام (وقَد سُئِلَ عَن لَیلَهِ القَدرِ) سنن الترمذی به نقل از ابو هریره : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود که : «چون روز قیامت شود، خداوند تبارک و تعالی به سوی بندگان ، فرود می آید تا میان آنان داوری کند و همه امّت ها [برای حسابرسی] زانو زده اند. نخستین کسی را که [خداوند] فرا می خواند ، مردی است که قرآن را [در سینه خود] گرد آورده و مردی که در راه خدا جنگیده و مردی را که دارایی بسیار داشته است. آن گاه خداوند به قاری قرآن می فرماید: آیا آنچه را که بر پیامبرم فرو فرستادم ، به تو نیاموختم؟

می گوید: چرا ، ای پروردگار من !

می فرماید: به آنچه به تو آموخته شد ، چگونه عمل کردی؟

می گوید: در اوقات شب و روز ، آن را می خواندم.

خداوند به او می فرماید: دروغ می گویی. و فرشتگان نیز به او می گویند : دروغ می گویی.

خداوند می فرماید: بلکه خواستی که بگویند: فلانی ، قاری قرآن است . و این هم گفته شد.

آن گاه، صاحب دارایی را می آورند و خداوند به او می فرماید: آیا آن قدر به تو ثروت ندادم که نگذارم به کسی محتاج شوی؟

می گوید: چرا ، ای پروردگار من !

می فرماید: با آنچه به تو دادم ، چه کردی؟

می گوید: [با آن] به خویشاوندان ، رسیدگی می کردم و صدقه می دادم.

خداوند به او می فرماید: دروغ می گویی . و فرشتگان نیز به او می گویند: دروغ می گویی.

خداوند می فرماید: بلکه خواستی بگویند: فلانی ، بخشنده است . و این هم گفته شد.

سپس مردی را که در راه خدا کشته شده است ، می آورند . خداوند به او می فرماید: در چه راهی کشته شدی؟

می گوید: به جهاد در راه تو امر شدم . من هم جنگیدم تا کشته شدم.

خدای متعال به او می فرماید: دروغ می گویی . و فرشتگان نیز به او می گویند: دروغ می گویی.

خداوند می فرماید: بلکه خواستی بگویند: فلانی ، آدم شجاعی است . و این هم گفته شد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سپس بر زانوان من زد و فرمود: «ای ابو هریره ! این سه گروه ، نخستین مخلوق خدایند که در روز قیامت ، آتشْ آنها را می سوزاند» . .

5920.الإمام علىّ عليه السلام : الإمام الباقر عليه السلام : إنَّ أوَّلَ أهلِ النّارِ دُخولاً إلَى النّارِ أهلُ المُنكَرِ . (1)5919.علل الشرائع (به نقل از سماعه) مصباح الشريعه فى ما نَسَبَهُ إلَى الإمامِ الصّادِقِ عليه السلام : أوحَى اللّهُ عز و جل إلى موسَى بنِ عِمرانَ عليه السلام : المُغتابُ إذا تابَ فَهُوَ آخِرُ مَن يَدخُلُ الجَنَّةَ ، وإن لَم يَتُب فَهُوَ أوَّلُ مَن يَدخُلُ النّارَ .
(2)5918.الغيبه ، طوسى (به نقل از ابو هاشم جعفرى) تنبيه الخواطر : أوحَى اللّهُ تَعالى إلى موسى عليه السلام : مَن ماتَ تائِبا مِنَ الغيبَهِ فَهُوَ آخِرُ مَن يَدخُلُ الجَنَّةَ ، ومَن ماتَ مُصِرّا عَلَيها فَهُوَ أوَّلُ مَن يَدخُلُ النّارَ .
(3)5919.علل الشرايع عن سماعه : تنبيه الخواطر : فِى الوَحيِ القَديمِ : ... هَل تَدرونَ أوَّل مَن يَدخُلُ الجَنَّةَ؟ الفُقَراءُ الرّاضونَ . هَل تَدَرونَ أوَّلَ مَن يَدخُلُ النّارَ ؟ الجَبّارونَ المُتَكَبِّرونَ . هَل تَدَرونَ أوَّلَ

مَن يَخرُجُ مِنَ النّارِ ؟ الفَسَقَهُ المُحسِنونَ . (4)راجع : ص 620 (الفصل الثالث عشر : طائفه من المبشّرين بالنار / إبليس وأتباعه) .

.

1- .. الزهد للحسين بن سعيد : ص 95 ح 79 عن عبداللّه بن الوليد الوصّافى ، الأمالى للصدوق : ص 327 ح 383 عن عبيداللّه بن الوليد الوصّافى ، روضه الواعظين : ص 406 ، بحارالأنوار : ج 74 ص 407 ح 1 .
2- .. مصباح الشريعه : ص 276 ، كشف الريبه : ص 11 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحارالأنوار : ج 75 ص 222 .
3- .. تنبيه الخواطر : ج 1 ص 116 ، مستدرک الوسائل : ج 9 ص 126 ح 10438 نقلاً عن الراوندى فى لبّ اللّباب .
4- .. تنبيه الخواطر : ج 2 ص 115 .

5917.امام صادق علیه السلام (وقتی درباره عرش و کرسی، مورد پرسش قرار گرفت) امام باقر علیه السلام : نخستین دوزخیانی که وارد آتش می شوند، اهل منکرات اند.5916.تفسیر العیّاشی (به نقل از ابن سنان) مصباح الشریعه در آنچه به امام صادق علیه السلام نسبت داده است : خدای عز و جلبه موسی بن عمران وحی فرمود که : غیبت کننده، هر گاه توبه کند، آخرین کسی است که وارد بهشت می شود و اگر توبه نکند ، نخستین کسی است که وارد آتش می شود .5917.الإمام الصادق علیه السلام (وقَد سُئِلَ عَنِ العَرشِ وَالکُرسِیِّ) تنبیه الخواطر: خدای متعال به موسی علیه السلام وحی فرمود که: هر کس از غیبت ، توبه کرده باشد و بمیرد، آخرین کسی است که وارد بهشت می شود و هر کس در حال ادامه بر آن از دنیا برود ، نخستین کسی است که وارد آتش می شود.5916.تفسیر العیاشی عن ابن سنان عن الإمام الصادق علیه ا تنبیه الخواطر: در وحی قدیم (ادیان گذشته) آمده است که: آیا می دانید نخستین کسانی که وارد بهشت می شوند ، چه کسانی هستند ؟ درویشان خُرسند.

آیا می دانید نخستین کسانی که وارد آتش می شوند ، چه کسانی هستند ؟ پادشاهان گردن فرازند .

آیا می دانید نخستین کسانی که از آتشْ بیرون می روند ، چه کسانی هستند؟ گنهکارانِ احسان کننده اند.

ر . ک : ص 621 (فصل سیزدهم : گروهی از نوید دادگان به آتش / شیطان و پیروانش) . .

12 / 5أشَدُّ النّاسِ عَذابالكتاب«فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُواْ وَ حَاقَ بِأَلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ * النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَ عَشِيًّا وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُواْ ءَالَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ» . (1)

الحديث5914.عنه عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ مِن أشَدِّ النّاسِ عَذابا أشَدَّهُم عَذابا فِى الدُّنيا لِلنّاسِ . (2)5913.الإمام الصادق عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ أبغَضَ النّاسِ إلَى اللّهِ يَومَ القِيامَهِ وأشَدَّهُم عَذابا إمامٌ جائِرٌ . (3)5912.الكافى عن منصور بن حازم : عنه صلى الله عليه و آله : مَن دَلَّ سُلطانا عَلَى الجَورِ قُرِنَ مَعَ هامانَ (4) ، وكانَ هُوَ وَالسُّلطانُ مِن أشَدِّ أهلِ النّارِ عَذابا . (5) .

1- .. غافر : 45 46 .
2- .. مسند ابن حنبل : ج 5 ص 231 ح 15333 ، مسند الشاميّين : ج 1 ص 44 ح 36 و ج 2 ص 94 ح 977 ، تاريخ دمشق : ج 47 ص 265 ح 10221 و ج 64 ص 151 ح 13076 كلّها عن هشام بن حكيم ، كنزالعمّال : ج 5 ص 395 ح 13401 .
3- .. مسندابن حنبل : ج 4 ص 111 ح 11525 ، السنن الكبرى : ج 10 ص 152 ح 20169 وفيه «إلىَّ» بدل «إلى اللّه» ، شعب الإيمان : ج 6 ص 15 ح 7366 ، المعجم الأوسط : ج 2 ص 166 ح 1595 كلّها عن أبى سعيد الخدرى ، المعجم الكبير : ج 10 ص 216 ح 10515 عن عبداللّه بن مسعود وكلاهما نحوه ، كنزالعمّال : ج 6 ص 15 ح 14634 ؛ روضه الواعظين : ص 512 ، بحارالأنوار : ج 75 ص 351 ح 59 .
4- .. هَامَان : من نواكر خدم فرعون (مجمع البحرين : ج 3 ص 1883 «همن») .
5- .. ثواب الأعمال : ص 331 ح 1 عن أبى هريره وعبداللّه بن عبّاس ، أعلام الدين : ص 411 عن عبداللّه بن عبّاس ، عوالى اللآلى : ج 1 ص 365 ح 58 ، بحارالأنوار : ج 76 ص 360 ح 30 .

12 / 5 آنان که سخت ترین عذاب را دارند

12 / 5آنان که سخت ترین عذاب را دارندقرآن«پس ، خدا او را از عواقب سوء آنچه نیرنگ می کردند ، نگه داشت و فرعونیان را عذاب سخت فرا گرفت : این که هر صبح و شام بر آتش عرضه می شوند . و در روزی که رستاخیز برپا شود ، [فریاد می رسد که:] فرعونیان را در سخت ترین عذاب در آورید».

حدیث5910.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سخت ترین عذاب را [در قیامت ،] آن کسانی دارند که در دنیا مردم را سخت تر عذاب [و شکنجه]می دهند.5909.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : منفورترینِ مردم نزد خدا در روز قیامت و آن که عذابش از همه آنان سخت تر است ، پیشوای ستمکار است .5908.الإمام الباقر علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس سلطانی را به ستم راه نمایی کند ، با هامان (1) همدم می شود و عذاب او و آن سلطان ، از همه دوزخیان ، سخت تر است .

.

1- .یکی از زیردستان فرعون .

5907.تفسير القمّى (در تفسير اين سخن خداى متعال : {Q} «در آن، هر كا) عنه صلى الله عليه و آله لَمّا سَأَلَهُ الإمامُ عَلِىٌّ عليه السلام : ما مَنزِلَةُ إمامٍ جائِرٍ مُعتَدٍ لَم يُصلِح لِرَعِيَّتِهِ ولَم يَقُم فيهِم بِأمرِ اللّهِ تَعالى ؟ : هُوَ رابِعُ أربَعَةٍ مِن أشَدِّ الناسِ عَذابا يَومَ القِيامَهِ : إبلِيسُ ، و فِرعَونُ ، وقاتِلُ النَّفسِ ، ورابِعُهُم سُلطانٌ جائِرٌ . (1)5906.امام عسكرى عليه السلام (در تفسير منسوب به ايشان ، درباره اين سخن خداى م) عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ مِن أعظَمِ النّاسِ عَذابا يَومَ القِيامَهِ مَن أشرَكَهُ اللّهُ فى سُلطانِهِ فَجارَ فى حُكمِهِ . (2)5905.تفسير القمى (به نقل از عبد اللّه بن مسكان) عنه صلى الله عليه و آله : أشَدُّ الناسِ عَذابا يَومَ القِيامَهِ رَجُلٌ قَتَلَهُ نَبِىٌّ أو قَتَلَ نَبِيّا ، وإمامُ ضَلالَهٍ ، ومُمَثِّلٌ مِنَ المُمَثِّلينَ (3) . (4)5907.تفسير القمّى (فى تَفسيرِ قَولِهِ تَعالى : {Q} «فِيهَا يُفْرَق) عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ أشَدَّ النّاسِ عَذابا يَومَ القِيامَهِ مَن قَتَلَ نَبِيّا ، أو قَتَلَهُ نَبِىٌّ ، أو قَتَلَ أحَدَ والِدَيهِ ، وَالمُصَوِّرونَ ، وعالِمٌ لَم يَنتَفِع بِعِلمِهِ . (5)5906.الإمام العسكرىّ عليه السلام (فِى التَّفسيرِ المَنسوبِ إلَيهِ ، فى قَولِهِ تَ) عنه صلى الله عليه و آله : أشَدُّ النّاسِ عَذابا يَومَ القِيامَهِ عالِمٌ لَم يَنفَعهُ عِلمُهُ . (6)5905.تفسير القمّى عن عبد اللّه بن مسكان عن الإمام الصا عنه صلى الله عليه و آله : مَن تَعَلَّمَ القُرآنَ يُريدُ بِهِ رِياءً وسُمعَهً ، لِيُمارِىَ بِهِ السُّفَهاءَ ، ويُباهِىَ بِهِ العُلَماءَ ،

ويَطلُبُ بِهِ الدُّنيا ؛ بَدَّدَ اللّهُ عز و جل عِظامَهُ يَومَ القِيامَهِ ، ولَم يَكُن فِى النّارِ أشَدُّ عَذابا مِنهُ ، ولَيسَ نَوعٌ مِن أنواعِ العَذابِ إلّا ويُعَذَّبُ بِهِ مِن شِدَّهِ غَضَبِ اللّهِ عَلَيهِ وسَخَطِهِ . (7) .

1- .. ثواب الأعمال : ص 338 ح 1 عن أبى هريره وعبداللّه بن عبّاس ، أعلام الدين : ص 418 عن عبداللّه بن عبّاس ، بحارالأنوار : ج 76 ص 366 ح 30 .
2- .. تنبيه الخواطر : ج 1 ص 56 عن طاووس .
3- .. مُمَثِّلٌ مِنَ المُمَثِّلين : أى مُصَوِّر (النهايه : ج 4 ص 295 «مثل») .
4- .. مسند ابن حنبل : ج 2 ص 75 ح 3868 ، تفسير ابن كثير : ج 1 ص 146 ، المعجم الكبير : ج 10 ص 211 ح 10497 نحوه وكلّها عن عبداللّه بن مسعود ، كنزالعمّال : ج 4 ص 35 ح 9366 ؛ منيه المريد : ص 281 ، الأمالى للشجرى : ج 1 ص 56 عن عبداللّه بن مسعود وكلاهما نحوه ، بحارالأنوار : ج 2 ص 123 ح 49 .

5- .. شعب الإيمان : ج 6 ص 197 ح 7888 ، الفردوس : ج 1 ص 217 ح 829 كلاهما عن ابن عبّاس ؛ روضه الواعظين : ص 15 وليس فيه «أو قتله نبيّ» و «المصوّرون» .
6- .. المعجم الصغير : ج 1 ص 183 ، شعب الإيمان : ج 2 ص 285 ح 1778 وفيه «لم ينفعه اللّه بعلمه» وكلاهما عن أبى هريره ، كنزالعمّال : ج 10 ص 208 ح 29099 نقلاً عن ابن عساكر ؛ منيه المريد : ص 153 وفيه «لم ينفعه اللّه بعلمه» ، عدّه الداعى : ص 67 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 213 وكلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحارالأنوار : ج 2 ص 38 ح 64 .
7- .. ثواب الأعمال : ص 346 ح 1 عن أبى هريره وعبداللّه بن عبّاس ، أعلام الدين : ص 426 عن عبداللّه بن عبّاس ، بحارالأنوار : ج 76 ص 372 ح 30 .

5904.امام باقر علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وقتی امام علی علیه السلام از ایشان پرسید : پیشوای ستمگر و متجاوزی که به اصلاح رعیّتش نپردازد و فرمان خدای متعال را در میان آنها بر پای ندارد، چه جایگاهی دارد؟ : او در روز قیامت ، یکی از چهار نفری است که سخت ترین عذاب را دارند: ابلیس، فرعون، قاتل، و چهارمین آنها ، سلطان ستمگر است .5903.تفسیر القمّی : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : یکی از کسانی که در روز قیامت ، سخت ترین عذاب را دارند ، کسی است که خداوند ، او را در سلطنتش شریک کند و او در حکومت خود ، ستم روا دارد.5902.امام کاظم علیه السلام (در دعایش پس از نماز عصر) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سخت ترین عذاب را در روز قیامت ، مردی دارد که پیامبری ، او را بکشد یا او پیامبری را بکشد، و [نیز]پیشوای گم راهی، و صورتگری (1) از صورتگران .5904.الإمام الباقر علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سخت ترین عذاب در روز قیامت ، برای کسی است که پیامبری را بکشد یا به دست پیامبری کشته شود، یا یکی از والدینش را بکشد، و [نیز برای]صورتگران و عالِمی که از علم خود استفاده نکند.5903.تفسیر القمی : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : معذّب ترین مردم در روز قیامت ، دانشمندی است که دانشش او را سود نبخشد.5902.الإمام الکاظم علیه السلام (فی دُعائِهِ بَعدَ صَلاهِ العَصرِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس قرآن را برای خودنمایی و شهرت طلبی بیاموزد تا با آن به مجادله با نادانان بپردازد و بر دانایان ، فخر بفروشد و به وسیله آن ، دنیا را بجوید،

خداوند عز و جل در روز قیامت، استخوان هایش را خُرد می کند و در آتش ، کسی سخت تر از او عذاب نمی شود و هیچ نوع عذابی نیست ، مگر این که از شدّت خشم و غضب خدا بر او ، با آن، عذاب و شکنجه می شود. .

1- .واژه «مُمثِّل» در متن عربی ، به معنای نقّاش، تمثال کش، تندیس ساز، پیکرتراش و بت تراش است .

5901.امام رضا علیه السلام : عنه صلی الله علیه و آله : أشَدُّ الناسِ عَذابا یَومَ القِیامَهِ الَّذینَ یُضاهونَ بِخَلقِ اللّهِ (1) . (2) .

1- .. أراد المصوّرین ، الذینَ یُضاهونَ خَلقَ اللّهِ وَیُعارِضونَهُ (مجمع البحرین : ج 2 ص 1088 «ضهی») .
2- .. صحیح البخاری : ج 5 ص 2221 ح 5610 ، صحیح مسلم : ج 3 ص 1668 ح 92 ، سنن النسائی : ج 8 ص 214 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 280 ح 24136 ، السنن الکبری : ج 7 ص 439 ح 14573 کلّها عن عائشه ، کنزالعمّال : ج 4 ص 36 ح 9372 .

5900.تفسیر العیّاشی (به نقل از حمران) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : معذّب ترین مردم در روز قیامت ، کسانی هستند که برای مخلوقات خداوند ، شبیه می سازند . (1) .

1- .مراد ، صورتگران اند .

ص: 546

. .

توضیحی درباره حکم ساختن مجسمه

اشاره

توضیحی درباره حکم ساختن مجسّمهاحادیث فراوانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، در کتب روایی شیعه و اهل سنّت نقل شده ونیز احادیث متعدّدی از ائمه اهل بیت علیهم السلام مبنی بر حرمت مجسمه سازی انسان و حیوانات و موجودات زنده آمده است . (1) اکثر فقهای مذاهب اسلامی اعمّ از اهل سنّت و امامیّه، بر اساس این روایات فراوان، فتوا به حرمت مجسمه سازی موجود زنده داده اند وحتّی برخی فقهای شیعه مانند صاحب «جواهر» (2) ، و شیخ انصاری (3) در کتاب«المکاسب» و آیت اللّه خویی در «مصباح الفقاهه» (4) و فقهای اهل سنّت مانند عبد الرحمن جزیری در «الفقه علی المذاهب الأربعه» (5) و دکتر وهبه زحیلی در «الفقه الإسلامی» (6) ادّعای اجماع کرده اند. امّا برخی فقهای متقدّم امامیّه مانند شیخ طوسی در تفسیر «التبیان» (7) و طبرسی در «مجمع البیان» (8) قائل به کراهت شده و حرمت را اختصاص به بت سازی داده اند . از معاصران نیز برخی از فقها نیز همین گونه فتوا داده اند. (9) منشأ این اختلاف فتوا ، اختلاف برداشت در موقّت بودن حکم حرمت مجسمه سازی و صورتگری است که در احادیث متعدّد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمّه اهل بیت علیهم السلام رسیده است. گروه اوّل از فقها آن حکم را یک تکلیف ثابت دانسته اند ؛ امّا گروه دوم آن را حکم موقّت و مختص به شرایط صدر اسلام دانسته اند که هنوز رسوبات بت پرستی در ذهن مسلمانان وجود داشته و احیانا با نقّاشی و مجسمه سازی ، معبودهای مشرکان و تکریم و احترام و تقدیس آنان، و جلوه های شرک و بت پرستی گاه و بی گاه بروز می کرده است. یکی از فقهای معاصر می گوید : ظاهر گروهی از احادیث آن است که تحریم مجسّمه سازی و نقّاشی صُوَر انسان وحیوان به خاطر مبارزه با ترویج بت پرستی آن زمان بوده است. شدّت لحن این روایات در توبیخ صورتگری و تعیین عذاب های شدید برای نقّاشان و مجسّمه سازان ، شاهدی است بر اینکه مقصود ، صورتگری عادی نیست، مانند: «أشدّ الناس عذابا یوم القیامه رجل قتل نبیّا أو قتله نبیّ ورجل یضلّ الناس بغیر علم ومصوّر التماثیل؛ شدیدترین عذاب روز قیامت ، برای کسی است که پیامبری را به قتل برساند، یا پیامبری او را مستحق قتل بداند و او را بکشد و کسی که مردم را به خاطر جهل و ناآگاهی گمراه

سازد، و نیز کسی که مجسّمه سازی کند». (10) روشن است که این عذاب های بسیار سخت ، تناسبی با هر نقّاشی و مجسّمه سازی ای ندارد، زیرا گناه این کارهایی که به صورت عادی (غیر بت پرستی) از آدم کشی و زنا و شرابخواری و دیگر کبائر بیشتر نیست، چگونه هم طراز با پیامبر کُشی است؟ بنا بر این ، مقصود از این صورتگری باید چیزی باشد که واقعا هم سنگ و برابر پیامبر کشی و جنگ با خدا و خروج از دین باشد که همان «بت سازی» است (11) . (12)

.

1- .ر . ک : شرح نووی بر صحیح مسلم : ج 13 و 14 ص 329 ح 2106 ، وسائل الشیعه : ج 3 ص 560 563 .
2- .جواهر الکلام : ج 22 ص 41 .
3- .مکاسب محرمه (شیخ انصاری) : مسأله 4 از مسائل «النوع الرابع ما یحرم الاکتساب به لکونه عملاً محرّما فی نفسه» .
4- .مصباح الفقاهه (آیه اللّه خویی) : ج 1 ص 286 .
5- .الفقه علی المذاهب الأربعه : ج 2 ص 39 ح 41 .
6- .الفقه الإسلامی وادلّته : ج 4 ص 2674 .
7- .التبیان فی تفسیر القرآن : ج 1 ص 236 .
8- .مجمع البیان : ج 1 ص 212 ذیل آیه 51 سوره بقره .
9- .أنوار الفقاهه (المکاسب المحرّمه) : ص 113 .
10- .مستدرک الوسائل : ج 13 ص 210 ح 4 باب 75 (أبواب ما یکتسب به) .
11- .المکاسب : ج 1 ص 169 .
12- .این متن برگرفته از دائره المعارف فقه مقارن ، آیت اللّه ناصر مکارم شیرازی : ج 1 ص 359 بند 3 می باشد .

ص: 548

. .

ص: 549

. .

5927.الأُصول السّتّه عشر (به نقل از سليمان طلحى) عنه صلى الله عليه و آله : أشَدُّ أهلِ النّارِ عَذابا مَن وَصَفَ عَدلاً ثُمَّ خالَفَ إلى غَيرِهِ .

(1)5928.امام باقر عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : أشَدُّ النّاسِ عَذابا يَومَ القِيامَهِ مَن يَرَى النّاسُ فيهِ خَيرا ولا خَيرَ فيهِ . (2)5929.الكافى عن اسحاق بن عمّار عنه صلى الله عليه و آله : يُجاءُ بِالرَّجُلِ يَومَ القِيامَهِ فَيُلقى فِى النّارِ ، فَتَندَلِقُ أقتابُهُ (3) فِى النّارِ ، فَيَدورُ كَما يَدورُ الحِمارُ بِرَحاهُ ، فَيَجتَمِعُ أهلُ النّارِ عَلَيهِ فَيَقولونَ : أى فُلانُ ، ما شَأنُكَ؟ أليسَ كُنتَ تَأمُرُنا بِالمَعروفِ وتَنهانا عَنِ المُنكَرِ؟ قالَ : كُنتُ آمُرُكُم بِالمَعروفِ ولا آتيهِ ، وأنهاكُم عَنِ المُنكَرِ وآتيهِ . (4)5755.عنه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : مَرَرتُ لَيلَهَ اُسرِىَ بى عَلى قَومٍ تُقرَضُ شِفاهُهُم بِمَقاريضَ مِن نارٍ ، قالَ : قُلتُ : مَن هؤُلاءِ؟ قالوا : خُطَباءُ مِن أهلِ الدُّنيا ، كانوا يَأمُرونَ النّاسَ بِالبِرِّ ويَنسَونَ أنفُسَهُم ، وهُم يَتلونَ الكِتابَ ، أفَلا يَعقِلونَ (5) ؟ (6) .

1- .. جامع الأحاديث للقمّى : ص 233 ، الكافى : ج 2 ص 300 ح 2 عن قتيبه الأعشى عن الإمام الصادق عليه السلام ، مستطرفات السرائر : ص 163 ح 1 عن خيثمه عن الإمام الصادق عليه السلام ، أعلام الدين : ص 83 عن الإمام الصادق عليه السلام وكلّها نحوه ، بحارالأنوار : ج 72 ص 224 ح 2 .

2- .. الفردوس : ج 1 ص 361 ح 1458 عن ابن عمر ، كنزالعمّال : ج 3 ص 473 ح 7485 نقلاً عن أبى عبدالرحمن السلمى فى الأربعين .

3- .. فَتَندَلِق أقْتابُه ، الاِنْدِلاق : خروج الشىء من مكانه ؛ يريد خروج أمعائه من جوفه (النهايه : ج 2 ص 130 «دلق») .

4- .. صحيح البخارى : ج 3 ص 1191 ح 3094 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2291 ح 51 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 183 ح 21843 ، السنن الكبرى : ج 10 ص 162 ح 20209 كلّها عن اُسامه بن زيد ، كنزالعمّال : ج 10 ص 194 ح 29023 .

5- .. إشاره إلى الآيه 44 من سوره البقره .

6- .. مسند ابن حنبل : ج 4 ص 242 ح 12212 ، صحيح ابن حبّان : ج 1 ص 249 ح 53 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 446 ح 7 ، مسند أبى يعلى : ج 4 ص 111 ح 3979 كلّها عن أنس ، كنزالعمّال : ج 10 ص 209 ح 29106 ؛ مجمع البيان : ج 1 ص 215 عن أنس وليس فيه «وهم يتلون

الكتاب أفلا يعقلون» ، إرشاد القلوب : ص 16 نحوه ، بحارالأنوار : ج 72 ص 223 .

نظام دوزخ5757.الإمام علیّ علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : معذّب ترین دوزخیان ، کسی است که از عدالت [و حق] ، سخن بگوید و خود ، خلاف آن ، عمل کند.5758.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سخت ترین عذاب را در روز قیامت ، کسی دارد که مردم در او خوبی ببینند ، در حالی که از خوبی ، بی بهره است.5759.عنه علیه السلام (فی بَیانِ أنواعِ الظُّلمِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : روز قیامت، مردی را می آورند و در آتش می افکنند ، به طوری که روده هایش در آتش می ریزد و مانند اُلاغ آسیاب ، دور خود می چرخد. دوزخیان بر گرد او می آیند و می گویند: ای فلان! چرا به چنین روزی افتاده ای؟ مگر تو نبودی که ما را امر به معروف و نهی از منکر می کردی؟

می گوید: شما را امر به معروف می کردم ؛ ولی خودم آن را انجام نمی دادم، و شما را از منکر باز می داشتم ؛ ولی خودم آن را انجام می دادم .5755.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : شبی که به معراج برده شدم ، بر گروهی گذشتم که لب های آنها را با قیچی هایی از آتش ، قیچی می کردند. گفتم: اینها کیستند؟

گفتند: خطیبان دنیا که مردم را به نیکی فرمان می دادند و خود را از یاد می بردند ، در حالی که کتاب [خدا]را می خواندند . پس آیا تعقّل نمی کنند ؟ (1) .

1- .اشاره است به آیه 44 سوره بقره .

5756.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : التبیان عن أبی عبیده بن الجرّاح : قُلتُ : یا رَسولَ اللّهِ ، أیُّ النّاسِ أشَدُّ عَذابا یَومَ القِیامَهِ ؟ قالَ : رَجُلٌ قَتَلَ نبیّا أو رَجُلاً أمَرَ بِمَعروفٍ ونَهی عَن مُنکَرٍ . ثُمَّ قَرَأ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله «وَیَقْتُلُونَ الَّذِینَ یَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِیمٍ» . (1)

ثُمَّ قالَ : یا أبا عُبَیدَهَ ، قَتَلَت بَنو إسرائیلَ ثَلاثَهً وأربَعینَ نَبِیّا مِن أوَّلِ النَّهارِ فی ساعَهٍ واحِدَهٍ ، فَقامَ مِئَهُ رَجُلٍ وَاثنا عَشَرَ رَجُلاً مِن عُبّادِ بَنی إسرائیلَ ، فَأمَروا مَن قَتَلَهُم بِالمَعروفِ ، ونَهَوهُم عَنِ المُنکَرِ ، فَقُتِلوا جَمیعا مِن آخِرِ النَّهارِ فی ذلِکَ الیَومِ ، وهُمُ الَّذینَ ذَکَرَهُمُ اللّهُ . (2)5757.امام علی علیه السلام : الإمام علیّ علیه السلام : أشَدُّ النّاسِ عَذابا یَومَ القِیامَهِ المُتَسَخِّطُ لِقَضاءِ اللّهِ . (3)5758.امام علی علیه السلام : عنه علیه السلام : أشَدُّ النّاسِ عُقوبَهً رَجُلٌ کافَأ الإحسانَ بِالإساءَهِ . (4)5759.امام علی علیه السلام (در بیان انواع ستم) الإمام الباقر علیه السلام فی قَولِهِ تَعالی : «وَ لَا تَقْرَبُواْ الزِّنَی إِنَّهُ کَانَ فَاحِشَهً» : مَعصِیَهً ومَقتا ، فَإِنَّ اللّهَ یَمقُتُهُ ویُبغِضُهُ ، قَولُهُ : «وَسَاءَ سَبِیلاً» (5) : وهُوَ أشَدُّ النّاسِ عَذابا ، وَالزِّنا مِن أکبَرِ الکَبائِرِ . (6)5760.عنه علیه السلام : رسول اللّه صلی الله علیه و آله : أشَدُّ النّاسِ عَذابا یَومَ القِیامَهِ مَن أقَرَّ نُطفَتَهُ فی رَحِمٍ مُحَرَّمٍ عَلَیهِ . (7) .

1- .. آل عمران : 21 .
2- .. التبیان فی تفسیر القرآن : ج 2 ص 422 ، مجمع البیان : ج 2 ص 720 ؛ تفسیر الطبری : ج 3 الجزء 3 ص 216 ، مسند البزّار : ج 4 ص 110 ح 1285 ، تفسیر ابن کثیر : ج 2 ص 363 کلاهما نحوه .
3- .. غرر الحکم : ح 3225 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 115 ح 2553 .
4- .. غرر الحکم : ح 3217 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 116 ح 2558 .
5- .. النساء : 22 .
6- .. تفسیر القمّی : ج 2 ص 19 عن أبی الجارود ، بحارالأنوار : ج 79 ص 19 ح 5 .
7- .. دعائم الإسلام : ج 2 ص 447 ح 1562 عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام ، الکافی : ج 5 ص 541 ح 1 ، ثواب الأعمال : ص 313 ح 7 کلاهما عن علیّ بن سالم عن الإمام الصادق علیه السلام ، المحاسن : ج 1 ص 192 ح 324 عن سالم عن الإمام الصادق علیه السلام ، بحارالأنوار : ج 79 ص 26 ح 28 .

5761.عنه علیه السلام : التبیان به نقل از ابو عبیده بن جرّاح : گفتم : ای پیامبر خدا ! مُعذّب ترین مردم در روز قیامت ، چه کسانی هستند؟

فرمود: «مردی که پیامبری را و یا مردی را که امر به معروف و نهی از منکر می کند ، بکشد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سپس این آیه را خواند: «و کسانی از مردم که فرمان دهندگان به عدالت را می کشند ، آنان را به عذابی دردناک ، بشارت ده» .

آن گاه فرمود: «ای ابو عبیده ! بنی اسرائیل، از آغاز روز، در یک ساعت ، چهل و سه پیامبر را کشتند . پس یکصد و دوازده تن از عابدان بنی اسرائیل برخاستند و قاتلان آنها را امر به معروف و نهی از منکر کردند و آنها هم تا آخر همان روز به قتل رسیدند . اینها همانان اند که خداوند از ایشان یاد کرده است .5762.الإمام الباقر علیه السلام : امام علی علیه السلام : معذّب ترین مردم در روز قیامت ، کسی است که از قضای الهی ناخشنود باشد.5760.امام علی علیه السلام : امام علی علیه السلام : سخت ترین کیفر را مردی خواهد داشت که نیکی را به بدی پاسخ دهد.5761.امام علی علیه السلام : امام باقر علیه السلام در باره این سخن خدای متعال : «به زنا نزدیک نشوید که فحشاست» : یعنی معصیت است و منفور؛ چرا که خدا آن را دشمن می دارد و از آن نفرت دارد . فرمود: «و بد راهی است !» ؛ یعنی چنین کسی سخت ترین عذاب را دارد . زنا از بزرگ ترین گناهان بزرگ است .5762.امام باقر علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در روز قیامت ، سخت ترین عذاب را کسی دارد که نطفه خود را در رحمی که بر او حرام است، جای دهد. .

5763.الإمام علىّ عليه السلام (فى بَيانِ مَعنَى القَضاءِ وتَفسيرِهِ) إرشاد القلوب عن رفاعه بن أعين : قالَ لِىَ الصّادِقُ عليه السلام : ألا اُخبِرُکَ بِأشَدِّ النّاسِ عَذابا يَومَ القِيامَهِ ؟ قُلتُ : بَلى يا مَولاىَ ، قالَ : أشَدُّ النّاسِ عَذابا يَومَ القِيامَهِ مَن أعانَ عَلى مُؤمِنٍ بِشَطرِ كَلِمَهٍ . ثُمَّ قالَ : ألا اُخبِرُکَ بِأشَدَّ مِن ذلِکَ ؟ فَقُلتُ : بَلى يا سَيِّدى ، فَقالَ : مَن عابَ عَلَيهِ شَيئا مِن قَولِهِ أو فِعلِهِ .

5763.امام على عليه السلام (در بيان معنا و تفسير «قضا») جامع الأحاديث عن رفاعه النحاس : قالَ لى أبو عَبدِاللّهِ عليه السلام : يا رِفاعَهُ ، ألا اُحَدِّثُکَ بِأشَدِّ أهلِ النّارِ عَذابا؟ قُلتُ : بَلى . قالَ : مَن أعانَ عَلى مُؤمِنٍ بِشَطرِ كَلِمَهٍ . ثُمَّ قالَ : ألا اُخبِرُکَ بِأشَدَّ مِن هذا عَذابا؟ قُلتُ : بَلى . قالَ : مَن ادَّخَرَ عَنهُ شَيئا يَحتاجُ إلَيهِ فى دُنياهُ و آخِرَتِهِ ، فَأولئِکَ يَلعَنُهُمُ اللّهُ ويَلعَنُهُمُ اللّاعِنونَ .

ثُمَّ قالَ : ألا اُخبِرُکُم بِأشَدَّ مِن هذَينِ؟ قُلتُ : بَلى . قالَ : مَن اغتابَ عَلَيهِ شَيئا فى قَولٍ لِكَي يَغتابَهُ ويَرُدَّ عَلَيهِ ، فَهُوَ يَومَ القِيامَهِ مِمَّن قالَ اللّهُ : « فَذُوقُوا فَلَن نَّزِيدَكُمْ إلَّا عَذَابًا » .

5764.المحاسن عن محمّد بن إسحاق : الإمام علىّ عليه السلام : قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ذاتَ يَومٍ : يا عَلِىُّ ، عَلِمتَ أنَّ جَبرَئيلَ عليه السلام أخبَرَنى أنَّ أمَّتى تَغدِرُ بِکَ مِن بَعدى ، فَوَيلٌ ثُمَّ وَيلٌ (ثُمَّ وَيلٌ لَهُم) ثَلاثَ مَرّاتٍ قُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ، وما وَيلٌ؟ قالَ : وادٍ فى جَهَنَّمَ أكثَرُ أهلِهِ مُعادوکَ ، وَالقاتِلونَ لِذُرِّيَّتِکَ ، وَالنّاكِثُ لِبَيعَتِکَ .

فَطوبى ثُمَّ طوبى (ثُمَّ طوبى ، ثَلاثَ مَرّاتٍ) لِمَن أحَبَّکَ ووَفى لَکَ . قُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ، وما طوبى؟ قالَ : شَجَرَهٌ فى دارِکَ فِى الجَنَّهِ ، لَيسَ دارٌ مِن دورِ شيعَتِکَ فِى الجَنَّهِ إلّا وفيها غُصنٌ مِن تِلکَ الشَّجَرَهِ ، تُهدى (تَهَدَّلُ (3)) عَلَيهِم (إلَيهِم)

بِكُلِّ ما يَشتَهونَ . (4) .

1- .. إرشاد القلوب : ص 77 .
2- .. جامع الأحاديث للقمّى : ص 233 .
3- .. تَهَدَّل أغصانُها : أى تدَلّتْ واستَرخَتْ لِثِقْلها بالثمره (النهايه : ج 5 ص 251 «هدل») .
4- .. تفسير فرات : ص 215 ح 288 ، بحارالأنوار : ج 8 ص 312 ح 82 .

5764.المحاسن (به نقل از محمّد بن اسحاق) إرشاد القلوب به نقل از رفاعه بن اَعيَن : امام صادق عليه السلام به من فرمود: «آيا تو را از معذّب ترينِ مردم در روز قيامت ، خبر ندهم؟» .

گفتم : چرا، اى سَروَر من !

فرمود: «معذّب ترينِ مردم در روز قيامت ، كسى است كه با نيم كلمه اى ، بر ضدّ مؤمن كمك كند» .

سپس فرمود: «آيا تو را به معذّب تر از او خبر ندهم؟» .

گفتم : چرا، اى سَروَر من !

فرمود: «كسى كه او (مؤمن) را به چيزى از گفتار يا كردارش سركوفت زند» .5765.الكافى عن علىّ بن إبراهيم الهاشمى : جامع الأحاديث به نقل از رفاعه نحّاس : امام صادق عليه السلام به من فرمود: «اى رفاعه ! آيا از معذّب ترينِ دوزخيان برايت نگويم؟» .

گفتم : بفرماييد.

فرمود: «كسى كه [حتّى] نيم كلمه بر ضدّ مؤمن ، كمك كند» .

سپس فرمود: «آيا تو را از معذّب تر از او خبر ندهم؟» .

گفتم : بفرماييد.

فرمود: «كسى كه چيزى را كه مؤمن در دنيا و آخرتش بِدان نياز دارد ، از او دريغ ورزد. اينان را خدا و لعنت كنندگان ، لعنت مى كنند» .

باز فرمود: «آيا تو را از معذّب تر از اين دو ، خبر ندهم؟» .

گفتم : بفرماييد.

فرمود: «كسى كه در غياب مؤمن ، سخنى عليه او بگويد ، به طورى كه او نيز [وادار شود]از او غيبت كند و پاسخش را بدهد. چنين فردى در روز

قیامت ، از کسانی است که خداوند فرموده است: «پس بچشید که جز بر عذابتان نمی افزاییم» ».5766.الکافی عن یونس بن عبدالرحمن : امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روزی فرمود: «ای علی ! دانستی که جبرئیل علیه السلام به من خبر داد که امّتم پس از من با تو پیمان می شکنند. پس ویل، ویل ، ویل برای ایشان باد !» .

گفتم : ای پیامبر خدا ! ویل چیست؟

فرمود: «درّه ای است در جهنّم که بیشتر اهل آن را دشمنان تو و کُشندگان فرزندان تو و بیعت شکنانِ با تو ، تشکیل می دهند . و طوبا، طوبا و طوبا برای آن که تو را دوست بدارد و با تو وفادار باشد» .

گفتم : ای پیامبر خدا ! طوبی چیست؟

فرمود: «درختی است در خانه تو در بهشت، و هیچ خانه ای از خانه های شیعیان تو در بهشت نیست ، مگر این که شاخه ای از آن درخت در آن وجود دارد و هر چه دلشان بخواهد ، به آنان تقدیم می کند (/ از سنگینی بار و بر ،

به سمت آنها سر خم می کند)» . .

12 / 6مَن يُضاعَفُ لَهُ العَذابُالكتاب«الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَ يَبْغُونَهَا عِوَجًا وَ هُم بِالْاخِرَهِ هُمْ كَافِرُونَ * أُوْلَائِکَ لَمْ يَکُونُواْ مُعْجِزِينَ فِى الْأَرْضِ وَ مَا کَانَ لَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ يُضَاعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ مَا کَانُواْ يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَ مَا کَانُواْ يُبْصِرُونَ» . (1)

«وَ عِبَادُ الرَّحْمانِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَ إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُواْ سَلَامًا * وَ الَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَ قِيَامًا * وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا کَانَ غَرَامًا * إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مُقَامًا * وَ الَّذِينَ إِذَا أَنفَقُواْ لَمْ يُسْرِفُواْ وَ لَمْ يَقْتُرُواْ وَ کَانَ بَيْنَ ذَ لِکَ قَوَامًا * وَ الَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِى حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَا يَزْنُونَ وَمَن يَفْعَلْ ذَ لِکَ يَلْقَ أَثَامًا * يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا» . (2)

«الَّذِينَ کَفَرُواْ وَ صَدُّواْ عَن سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا کَانُواْ يُفْسِدُونَ» . (3)

«قَالَ ادْخُلُواْ فِى أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِکُم مِّنَ الْجِنِّ وَ الإِنسِ فِى النَّارِ کُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّهٌ لَّعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا ادَّارَکُواْ فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأُولَاهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَئَاتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ قَالَ لِکُلٍّ ضِعْفٌ وَلَکِن لَا تَعْلَمُونَ» . (4)

«يَانِسَاءَ النَّبِىِّ مَن يَأْتِ مِنکُنَّ بِفَاحِشَهٍ مُّبَيِّنَهٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَکَانَ ذَ لِکَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا» . (5)

.

1- .. هود : 19 و 20 .
2- .. الفرقان : 63 69 .
3- .. النحل : 88 .
4- .. الأعراف : 38 .
5- .. الأحزاب : 30 .

12 / 6 کسانی که دو چندان عذاب می شوند

12 / 6کسانی که دو چندان عذاب می شوندقرآن«همانان که مردم را از راه خدا باز می دارند و آن را کج می خواهند و به آخرت ناباورند. آنان در زمین ، درمانده کنندگان [خدا] نیستند و جز خدا دوستانی ندارند . عذاب برای آنان ، دو چندان می شود . آنان توان شنیدن [حق را] نداشتند و [حق را]نمی دیدند».

«و بندگان خدای مهربان ، کسانی اند که روی زمین ، به نرمی گام بر می دارند ، و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند ، به ملایمت پاسخ می دهند، و آنان[اند] که در حال سجده یا ایستاده ، شب را به روز می آورند و کسانی که می گویند: «پروردگارا ! عذاب جهنّم را از ما باز گردان که عذابش سخت و دائمی است و بد قرارگاه و جایگاهی است» . و کسانی اند که چون انفاق می کنند ، نه ولخرجی می کنند و نه تنگ می گیرند و میان این دو [روش] ، حدّ وسط را بر می گزینند، و کسانی[اند]که با خدا معبودی دیگر نمی خوانند و کسی را که خدا [خونش را]حرام کرده است ، جز به حق نمی کشند، و زنا نمی کنند . و هر کس اینها را انجام دهد ، سزایش را دریافت خواهد کرد . در روز قیامت ، عذاب برای او دو چندان می شود و پیوسته در آن ، خوار می ماند» .

«کسانی که کفر ورزیدند و از راه خدا باز داشتند ، به [سزای] آن که فساد می کردند ، عذابی بر عذابشان می افزاییم».

«می فرماید: در میان امّت هایی از جن و انس که پیش از شما بوده اند، داخل آتش شوید. هر بار که امّتی [در آتش] در آید، همکیشان خود را لعنت می کند تا وقتی که همگی در آن به هم بپیوندند . [آن گاه] پیروانشان در باره پیشوایانشان می گویند: «پروردگارا ! اینان ما را گم راه کردند . پس دو برابر ، عذاب آتش به آنان بده». خدا می فرماید: برای هر کدام [عذاب] دو چندان است ؛ ولی شما نمی دانید».

«ای زنان پیامبر ! هر کس از شما مبادرت به کار زشت آشکاری کند ، عذابش دو چندان خواهد بود، و این بر خدا همواره آسان است».

.

الحديث5933.الإمام الباقر عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : مَن مَشى فى قَطيعَةِ بَينَ اثنَينِ كانَ عَلَيهِ مِنَ الوِزرِ بِقَدرِ ما لِمَن أصلَحَ بَينَ اثنَينِ مِنَ الأَجرِ ، مَكتوبٌ عَلَيهِ لَعنَةُ اللّهِ حَتّى يَدخُلَ جَهَنَّمَ ، فَيُضاعَفَ لَهُ العَذابُ .

(1)5934.الإمام الرضا عليه السلام : الإمام زين العابدين عليه السلام : لِمُسيئِنا ضِعفانِ مِنَ العَذابِ . (2)12 / 7مَن يُخَفِّفُ عَنهُ العَذابُ5934.امام رضا عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ يَأمُرُ بِالكافِرِ السَّخِيِّ إلى جَهَنَّمَ ، فَيَقولُ لِمالِكٍ خازِنِ جَهَنَّمَ : عَذِّبهُ وخَفِّفَ عَنهُ العَذابَ عَلى قَدرِ سَخائِهِ الَّذى كانَ فى دارِالدُّنيا . (3)5935.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله لِعَدِيِّ بنِ حاتِمٍ : إنَّ اللّهَ دَفَعَ عَن أبيكَ العَذابَ الشَّديدَ لِسَخاءِ نَفسِهِ . (4) .

1- .. ثواب الأعمال : ص 339 ح 1 عن أبى هريره وعبداللّه بن عبّاس ، أعلام الدين : ص 420 عن عبداللّه بن عبّاس ، بحارالأنوار : ج 76 ص 367 ح 30 .
2- .. معانى الأخبار : ص 106 ح 1 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 232 ح 1 كلاهما عن الحسن بن موسى الوشّاء البغدادى ، بحارالأنوار : ج 43 ص 230 ح 2 .
3- .. الفردوس : ج 1 ص 152 ح 554 عن ابن عبّاس ، كنزالعمّال : ج 6 ص 392 ح 16211 .
4- .. الاختصاص : ص 253 ، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ص 362 نحوه ، بحارالأنوار : ج 71 ص 354 ح 16 .

12 / 7 کسانی که عذابشان تخفیف می یابد

حدیث5936.امام باقر علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس در جدایی انداختن میان دو کس بکوشد، گناهش به اندازه پاداش کسی است که میان دو کس آشتی می افکند، و لعنت خدا بر او نوشته شده است تا آن که به جهنّم وارد شود و دو چندان عذاب شود.5937.الإمام علیّ علیه السلام (فِی استِغفارِهِ فِی السَّحَرِ) امام زین العابدین علیه السلام : برای گنهکارِ [خاندان] ما ، دو برابر عذاب است .12 / 7کسانی که عذابشان تخفیف می یابد5939.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خدای متعال دستور می دهد که کافر سخاوتمند را به جهنّم ببرند و به مالک، نگهبان جهنّم، می فرماید: «او را عذاب کن ؛ امّا به اندازه سخاوتی که در دنیا داشته است ، عذابش را تخفیف بده».5940.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به عدی بن حاتم : خداوند ، عذاب سخت را از پدرت، به خاطر سخاوتش برداشت .

.

5941.عنه صلى الله عليه و آله : المستدرک على الصحيحين عن عبداللّه بن مسعود : عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله قالَ : ما أحسَنَ مُحسِنٌ مِن مُسلِمٍ ولا كافِرٍ إلّا أثابَهُ اللّهُ . قالَ : فَقُلنا : يا رَسولَ اللّهِ ، ما إثابَهُ اللّهِ الكافِرَ ؟ قالَ : إن كانَ قَد وَصَلَ رَحِما ، أو تَصَدَّقَ بِصَدَقَهٍ ، أو عَمِلَ حَسَنَةً ؛ أثابَهُ اللّهُ المالَ وَالوَلَدَ وَالصِّحَّهَ وأشباهَ ذلِکَ . قالَ : فَقُلنا : ما إثابَتُهُ فِى الآخِرَهِ ؟ فَقالَ : عَذابا دونَ العَذابِ ، قالَ : وقَرَأَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : «أَدْخِلُواْ ءَالَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ» (1) . (2)5942.عنه صلى الله عليه و آله : الإمام الصادق عليه السلام : قِراءَهُ القُرآنِ فِى المُصحَفِ تُخَفِّفُ العَذابَ عَنِ الوالِدينَ ولَو كانا كافِرَينِ . (3)12 / 8مَن يَتَأَدّى بِهِم أهلُ النّارِ !5945.عنه عليه السلام (فى نِهايَهِ كِتابِهِ لِابنِهِ الحَسَنِ عَليه الس) رسول اللّه صلى الله عليه و آله : أربَعَهٌ يُؤذونَ أهلَ النّارِ عَلى ما بِهِم مِنَ الأَذى ، يُسقَونَ مِنَ الحَميمِ فِى الجَحيمِ ، يُنادونَ بِالوَيلِ وَالثُّبورِ ، فَيَقولُ أهلُ النّارِ بَعضُهُم لِبَعضٍ : ما بالُ هؤُلاءِ الأَربَعَهِ قَد آذَونا عَلى ما بِنا مِنَ الأَذى؟ !

فَرَجُلٌ مُعَلَّقٌ فى تابوتٍ مِن جَمرٍ ، ورَجُلٌ يَجُرُّ أمعاءَهُ ، ورَجُلٌ يَسيلُ فَوهُ قَيحا ودَما ، ورَجُلٌ يَأكُلُ لَحمَهُ .

فَيُقالُ لِصاحِبِ التابوتِ : ما بالُ الأَبعَدِ ؛ قَد آذانا عَلى ما بِنا مِنَ الأَذى؟ فَيَقولُ : إنَّ الأَبعَدَ ماتَ وفى عُنُقِهِ أموالُ النّاسِ ، لَم يَجِد لَها فى نَفسِهِ أداءً ولا مَخلَصا ولا وَفاءً .

ثُمَّ يُقالُ لِلَّذى يَجُرُّ أمعاءَهُ : ما بالُ الأَبعَدِ قَد آذانا عَلى ما بِنا مِنَ الأَذى؟ فَيَقولُ : إنَّ الأَبعَدَ كانَ لا يُبالى أينَ أصابَ البَولُ مِن جَسَدِهِ .

ثُمَّ يُقالُ لِلَّذى يَسيلُ فَوهُ قَيحا ودَما : ما بالَ الأَبعَدِ ؛ قَد آذانا عَلى ما بِنا مِنَ الأَذى؟ فَيَقولُ : إنَّ الأَبعَدَ كانَ يُحاكى ، فَيَنظُرُ إلى كُلِّ كَلِمَهٍ خَبيثَهٍ فَيُفسِدُ بِها ويُحاكى بِها .

ثُمَّ يُقالُ لِلَّذى يَأكُلُ لَحمَهُ : ما بالُ الأَبعَدِ ؛ قَد آذانا عَلى ما بِنا مِنَ الأَذى؟ فَيَقولُ : إنَّ الأَبعَدَ كانَ يَأكُلُ لُحومَ النّاسِ بِالغيبَهِ ، ويَمشى بِالنَّميمَهِ . (4) .

1- .. فاطر : 46 .

2- .. المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 278 ح 3001 ، تهذيب الكمال : ج 14 ص 74 ح 3061 ، تفسير ابن كثير : ج 7 ص 138 ، كنزالعمّال : ج 2 ص 39 ح 3038 .
3- .. الكافى : ج 2 ص 613 ح 4 عن الحسن بن راشد عن جدّه ، وسائل الشيعه : ج 4 ص 854 ح 7739 .
4- .ثواب الأعمال : ص 295 ح 1 ، الأمالى للصدوق : ص 676 ح 919 وفيه «فيسندها» بدل «فيفسد بها» وكلاهما عن حفص بن غياث ، كشف الريبه : ص 9 وفيه «فيشيّدها» بدل «فيفسد بها» وكلّها عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحارالأنوار : ج 8 ص 281 ح 2 ؛ المعجم الكبير : ج 7 ص 310 ح 7226 ، الزهد لابن المبارک (الملحقات) : ص 94 ح 328 كلاهما عن شفى بن ماتع نحوه ، كنزالعمّال : ج 16 ص 71 ح 43979 .

12 / 8 آنان که دوزخیان ، از دستشان آزار می کِشند !

5938.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : المستدرک علی الصحیحین به نقل از عبد اللّه بن مسعود : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هیچ نیکوکاری از مسلمان و کافر، نیکی نمی کند ، مگر آن که خداوند به او پاداش می دهد».

گفتیم : ای پیامبر خدا ! پاداش خدا به کافر چیست؟

فرمود: «اگر صله رحمی کرده یا صدقه ای داده یا کار نیکی کرده باشد ، خداوند به او مال و فرزند و سلامت و مانند اینها پاداش می دهد» .

گفتیم : پاداشش در آخرت چیست؟

فرمود: «عذابی تخفیف یافته» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سپس این آیه را خواند: «فرعونیان را در سخت ترین عذاب در آورید» .5939.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : خواندن قرآن از روی آن، عذاب پدر و مادر را سبُک می گرداند ، اگرچه آن دو کافر باشند.12 / 8آنان که دوزخیان ، از دستشان آزار می کِشند !5942.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : چهار دسته اند که دوزخیان با آن که خود در عذاب اند ، از آنها آزار می بینند ، در دوزخ ، به آنها آب جوش نوشانده می شود و صدای آه و وا ویلا ، سر می دهند . دوزخیان به همدیگر می گویند : اینان را چه می شود که ما را آزار می دهند ، با این که خود در اذیّتیم؟ ! مردی آویزان در تابوتی از آخگر ؛ مردی که معده و روده اش را می کِشد ؛ مردی که از دهانش چرک و خونْ جاری است ؛ و مردی دیگر که گوشت او را می خورَد .

به آویزانِ در تابوت ، گفته می شود : این دور از رحمت خدا را چه شده که ما را به رغمِ رنجی که داریم آزار می دهد؟

می گوید : این دور از رحمت خدا ، مُرد ، در حالی که اموال مردم بر عهده اش بود و چیزی نداشت تا آنها را پس بدهد و راه رهایی هم نداشت و

وفای به عهد نکرد .

آن گاه به آن که روده و معده هایش را با خود می کِشد ، گفته می شود : این دور از رحمت خدا را چه شده که ما را به رغمِ رنجی که داریم آزار می دهد؟

می گوید : این دور از رحمت خدا ، باکی نداشت که بول به بدنش ترشّح کند .

سپس به آن که از دهانش چرک و خون جاری است ، گفته می شود : این دور از رحمت خدا را چه شده که ما را به رغم رنجی که داریم آزار می دهد؟

می گوید : این دور از رحمت خدا ، نقلِ قول می کرد . به هر سخن بدی می نگریست و با آن ، فساد به پا می کرد و آن را نقل می نمود .

و به آن که گوشتش را می خورَد ، گفته می شود : این دورترین از رحمت را چه شده که ما را به رغمِ رنجی که داریم آزار می دهد؟

می گوید : این دورترین از رحمت ، با غیبت کردن ، گوشت مردم را می خورد و در پیِ سخن چینی بود .

.

5943.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بحارالأنوار عن أسرار الصلاه عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله : إنَّ النّارَ وأهلَها یَعِجّونَ مِن أهلِ الرِّئاءِ . فَقیلَ : یا رَسولَ اللّهِ ، کَیفَ تَعِجُّ النّارُ؟ قالَ صلی الله علیه و آله : مِن حَرِّ النّارِ الَّتی یُعَذَّبون بِها . (1)5944.امام علی علیه السلام : رسول اللّه صلی الله علیه و آله : العُلَماءُ رَجُلانِ : رَجُلٌ عالِمٌ آخِذٌ بِعِلمِهِ ؛ فَهذا ناجٍ . وعالِمٌ تارِکٌ لِعِلمِهِ ؛ فَهذا هالِکٌ .

وإنَّ أهلَ النّارِ لَیَتَأَذَّونَ مِن ریحِ العالِمِ التّارِکِ لِعِلمِهِ .

وإنَّ أشَدَّ أهلِ النّارِ نَدامَهً وحَسرَهً رَجُلٌ دَعا عَبدا إلَی اللّهِ ، فَاستَجابَ لَهُ وقَبِلَ مِنهُ ، فَأطاعَ اللّهَ ، فَأدخَلَهُ اللّهُ الجَنَّهَ ، وأدخَلَ الدّاعیَ النّارَ بِتَرکِهِ عِلمَهُ ، وَاتِّباعِهِ

الهَوی وطولَ الأَمَلِ . (2) .

1- .بحارالأنوار : ج 72 ص 305 ح 52 .
2- .الکافی : ج 1 ص 44 ح 1 ، الخصال : ص 51 ح 63 ، منیه المرید : ص 146 ، مشکاه الأنوار : ص 246 ح 720 ، أعلام الدین : ص 89 ولیس فیه «وإنّ أهل النار ... لعلمه » ، کتاب سلیم بن قیس : ج 2 ص 718 نحوه وکلّها عن سلیم بن قیس عن الإمام علیّ علیه السلام ، بحارالأنوار : ج 2 ص 106 ح 2 .

5945.امام علی علیه السلام (در انتهای نامه اش به فرزندش حسن علیه السلام) بحار الأنوار به نقل از أسرار الصلاه : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «دوزخ و دوزخیان ، از دست ریاکاران ، ضجّه سر می دهند» .

گفته شد : ای پیامبر خدا ! آتش جهنّم ، چگونه ضجّه سر می دهد؟

فرمود : «از داغیِ آتشی که با آن دوزخیان را عذاب می کنند» .5946.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : علما ، دو دسته اند : عالمی که به علمش عمل می کند که نجات یافته است ، و عالمی که به علمش بی اعتناست که هلاک شده است . دوزخیان ، از بوی عالم بی عمل ، اذیّت می شوند .

بدترین پشیمانی و حسرت در میان دوزخیان ، از آنِ مردی است که کسی را به سوی خدا ، دعوت می کند و او ، آن را می پذیرد و قبول می کند و از خدا ، اطاعت می نماید و خدا ، او را به بهشت می برد ؛ امّا دعوت کننده را به خاطر ترک عملش

و پیروی از هوس و آرزوی طولانی ، به جهنّم می برد . .

5947.الإمام زين العابدين والإمام الباقر عليهماالسلام : عنه صلى الله عليه و آله : مَنِ اغتابَ امرَءا مُسلِما بَطَلَ صَومُهُ ، ونُقِضَ وُضوؤُهُ ، وجاءَ يَومَ القيامَةِ تَفوحُ مِن فيهِ رائِحَةٌ أنتَنُ مِنَ الجيفَةِ ، يَتَأَذّى بِها أهلُ المَوقِفِ ، فَإن ماتَ قَبلَ أن يَتوبَ ماتَ مُستَحِلاًّ لِما حَرَّمَ اللّهُ عز و جل . (1)5948.الكافى عن زراره عن الإمام الباقر عليه السلام ، قا عنه صلى الله عليه و آله : يُؤتى بِالزّانى يَومَ القِيامَةِ حَتّى يَكونَ فَوقَ أهلِ النّارِ ، فَيَقطُرُ قَطرَةٌ مِن فَرجِهِ فَيَتَأَذّى بِها أهلُ جَهَنَّمَ مِن نَتنِها ، فَيَقولُ أهلُ جَهَنَّمَ لِلخُزّانِ : ما هذِهِ الرّائِحَةُ المُنتِنَةُ الَّتى قَد آذَتنا؟ فَيُقالُ لَهُم : هذِهِ رائِحَةُ زانٍ .

وتُؤتى بِامرَأَةٍ زانِيَةٍ فَيَقطُرُ قَطرَةٌ مِن فَرجِها ، فَيَتَأَذّى بِها أهلُ النّارِ مِن نَتنِها . (2)5949.الكافى عن حمّاد بن عثمان : عنه صلى الله عليه و آله : ألا ومَن زَنا بِامرَأَةٍ مُسلِمَةٍ أو يَهودِيَّةٍ أو نَصرانِيَّةٍ أو مَجوسِيَّةٍ ؛ حُرَّةٍ أو أمَةٍ ، ثُمَّ لَم يَتُب مِنهُ ومات مُصِرّا عَلَيهِ ، فَتَحَ اللّهُ لَهُ فى قَبرِهِ ثَلاثَمِئَةِ بابٍ ، تَخرُجُ مِنها حَيّاتٌ وعَقارِبُ وثُعبانُ النّارِ ، فَهُوَ يَحتَرِقُ إلى يَومِ القِيامَةِ ، فَإذا بُعِثَ مِن قَبرِهِ تَأَذَّى النّاسُ مِن نَتنِ ريحِهِ ، فَيُعرَفُ بِذلِكَ وبِما كانَ يَعمَلُ فى دارِ الدُّنيا ، حَتّى يُؤمَرَ بِهِ إلَى النّارِ . (3) .

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 15 ح 4968 ، الأمالى للصدوق : ص 515 ح 707 كلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 306 ح 2655 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 256 عن الحسين بن يزيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحارالأنوار : ج 75 ص 247 ح 10 .
2- .الجعفريّات : ص 99 ، النوادر للراوندى : ص 180 ح 306 كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، دعائم الإسلام : ج 2 ص 448 ح 1563 ، بحارالأنوار : ج 8 ص 317 ح 98 .
3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 12 ح 4968 ، الأمالى للصدوق : ص 513 ح 707 كلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 312 ح 2655 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، روضه الواعظين : ص 507 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 260 عن الحسين بن يزيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحارالأنوار : ج 75 ص 389 ح 6 .

5950.الإمام الصادق علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس از مسلمانی غیبت کند ، روزه و وضویش باطل است و روز قیامت می آید ، در حالی که بوی گندی بدتر از بوی لاشه از دهانش خارج می شود ، به گونه ای که اهل موقِف ، از آن اذیّت می شوند . این شخص ، اگر قبل از توبه بمیرد ، در حالی مُرده که حرام خداوند عز و جل را حلال شمرده است .5951.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : روز قیامت ، مرد زناکار ، آورده می شود ، تا بالای همه دوزخیان [قرار می گیرد] ، قطره ای از نرینگی اش می چکد و دوزخیان ، از گندش آزرده می شوند .

دوزخیان به دوزخبانان می گویند : این بوی گند که ما را آزار داد ، چیست؟

به آنان گفته می شود : این ، بوی زناکار است .

و زنی زناکار آورده می شود . از مادینگی اش ، قطره ای می چکد و دوزخیان ، از گند آن ، آزرده می شوند .5946.امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس با زن مسلمان ، یهودی ، نصرانی و یا مجوسی آزاده باشند یا کنیز ، زنا کند و از آن کار ، توبه ننماید و بر آن ، اصرار بورزد ، خداوند در قبرش ، سیصد در باز می کند و از آن ، مارها و کژدُم ها و اژدهای جهنّم ، بیرون می آید . او تا روز قیامت می سوزد و زمانی که از قبرش بیرون آورده شود ، مردم از گند بویش آزرده می شوند و با این و با آنچه در دنیا عمل می کرده ، شناخته می شود ، تا دستور وارد شدن به آتش می گیرد . .

5947.امام زين العابدين و امام باقر عليهماالسلام : ثواب الأعمال عن زيد بن علىّ عليه السلام : قالَ أميرُالمُؤمِنينَ عليه السلام : إذا كانَ يومُ القِيامَهِ أهَبَّ اللّه ُ ريحا مُنتِنَهً يَتَأذّى بِها أهلُ الجَمعِ ، حَتّى إذا هَمَّتَ أن تُمسِكَ بِأنفاسِ النّاسِ ناداهُم مُنادٍ : هَل تَدرونَ ما هذِهِ الرّيحُ الّتى قَد آذَتكُم؟ فَيَقولونَ : لا ، فَقَد آذَتنا وبَلَغَت مِنّا كُلَّ مَبلَغٍ ! قالَ : فَيُقالُ : هذِهِ الرّيحُ ريحُ فُروجِ الزُّناهِ الّذينَ لَقُوا اللّهَ بِالزِّنا ثُمَّ لَم يَتوبوا ، فَالعَنوهُم لَعَنَهُمُ اللّه ُ . قالَ : فَلا يَبقى فِى المَوقِفِ أحَدٌ إلّا قالَ : اللّهُمَّ العَنِ الزُّناهَ . (1)12 / 9أهوَنُ النّاسِ عَذابا5950.امام صادق عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ أهوَنَ أهلِ النّارِ عَذابا يَومَ القِيامَهِ لَرَجُلٌ توضَعُ فى أخمَصِ (2) قَدَمَيهِ جَمرَهٌ يَغلى مِنها دِماغُهُ . (3)5951.امام صادق عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ أهوَنَ أهلِ النّارِ عَذابا يَومَ القِيامَهِ رَجُلٌ عَلى أخمَصِ قَدَمَيهِ جَمرَتانِ ، يَغلى مِنهُما دِماغُهُ كَما يَغلِى المِرْجَلُ (4) بِالقُمْقُمِ (5) . (6) .

1- .ثواب الأعمال : ص 312 ح 2 ، المحاسن : ج 1 ص 194 ح 333 ، روضه الواعظين : ص 507 ، بحارالأنوار : ج 7 ص 217 ح 121 وراجع : كنزالعمّال : ج 5ص 455 ح 13594 .
2- .. الأخمَصُ من القدم : الموضع الذى لا يلصق بالأرض منها عند الوط ء (النهايه : ج 2 ص 80 «خمص») .
3- .. صحيح البخارى : ج 5 ص 2400 ح 6193 ، صحيح مسلم : ج 1 ص 196 ح 363 ، سنن الترمذى : ج 4 ص 716 ح 2604 ، مسند ابن حنبل : ج 6 ص 386 ح 18441 وفيها «جمرتان» بدل «جمره» ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 225 ح 873 كلّها عن النعمان بن بشير ، كنزالعمّال : ج 14 ص 528 ح 39512 .
4- .. المِرْجَل : الإناء الذى يُغلى فيه الماء ، سواء كان من حديد أو صُفْر أو حجاره أو خزف . والميم زائده ، قيل : لأنّه إذا نُصب كأنّه اُقيم على أرجل (النهايه : ج 4 ص 315 «مرجل») .
5- .. القُمْقُم : ما يُسخّن فيه الماء من نحاس وغيره ، ويكون ضيِّق الرأس (النهايه : ج 4 ص 110 «قمم») .
6- .. صحيح البخارى : ج 5 ص 2400 ح 6194 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 625 ح 8733 ، البعث والنشور : ج 282 ص 493 كلّها عن النعمان بن بشير ، كنزالعمّال : ج 14 ص 527 ح 39508 .

12 / 9 کم عذاب ترینِ مردم

5952.عنه علیه السلام : ثواب الأعمال به نقل از زید بن علی علیه السلام : امیر مؤمنان علیه السلام فرمود : «وقتی قیامت برپا شود ، خداوند ، بادی بدبو را به جریان می اندازد که اهل قیامت با آن ، اذیّت می شوند ، تا جایی که می خواهد نفَس مردم را بند بیاورد . منادی ندا می دهد : آیا می دانید که این ، چه بویی بود که شما را آزرد؟

می گویند : نه . ما را به سختی آزرد و به هر یک از ما ، آسیبی جدّی رسانْد .

گفته می شود : این ، بوی زناکاران است که با زنای بدون توبه ، به محضر خدا رسیده اند . پس لعنتشان کنید که خدا ، لعنتشان کند» .

[سپس] امیر مؤمنان فرمود : «در موقف ، کسی نمی مانَد ، مگر این که زناکاران را لعنت می کند» .12 / 9کم عذاب ترینِ مردم5955.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کم عذاب ترینِ دوزخیان در روز قیامت ، کسی است که در گودی کف پاهایش اخگری آتش می نهند که از [حرارت] آن ، مغزش به جوش می آید .5956.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کم عذاب ترینِ اهل آتش در روز قیامت، چنان است که در گودی کف دو پایش ، دو اخَگر آتش است که از آنها مغزش مانند مخزن دیگِ تقطیر ، می جوشد.

.

5957.تفسير العيّاشى عن الحسين بن زيد بن عليّ عن جعفر ب عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ أدنى أهلِ النّارِ عَذابا يَنتَعِلُ بِنَعلَينِ مِن نارٍ ، يَغلى دِماغُهُ مِن حَرارَةِ نَعلَيهِ . (1)5952.امام صادق عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ أهوَنَ أهلِ النّارِ عَذابا مَن لَهُ نَعلانِ وشِراكانِ مِن نارٍ ، يَغلى مِنهُما دِماغُهُ كَما يَغلِى المِرجَلُ ، ما يَرى أنَّ أحَدا أشَدَّ مِنهُ عَذابا ، وإنَّهُ لَأهوَنُهُم عَذابا . (2)5953.الكافى (به نقل از عمر بن يزيد) عنه صلى الله عليه و آله : أهوَنُ أهلِ النّارِ عَذابا رَجُلٌ فى رِجلَيهِ نَعلانِ ، يَغلى مِنهُما دِماغُهُ . ومِنهُم فِى النّارِ إلى كَعبَيهِ مَعَ إجراءِ العَذابِ . ومِنهُم مَن فِى النّارِ إلى رُكبَتَيهِ مَعَ إجراءِ العَذابِ . ومِنهُم مَن اغتَمَرَ فِى النّارِ إلى أرنَبَتِهِ (3) مَعَ إجراءِ العَذابِ . ومِنهُم مَن هُوَ فِى النّارِ إلى صَدرِهِ مَعَ إجراءِ العَذابِ . ومِنهُم مَن قَدِ اغتَمَرَ فِى النّارِ . (4)5954.امام هادى عليه السلام (در قنوتش) الكافى عن عبيد اللّه بن الوليد الوصّافى : سَمِعتُ أبا جَعفَرٍ عليه السلام يَقولُ : ... إنَّ مُؤمِنا كانَ فى مَملَكَةِ جَبّارٍ ، فَوَلِعَ (5) بِهِ فَهَرَبَ مِنهُ إلى دارِ الشِّركِ ، فَنَزَلَ بِرَجُلٍ مِن أهلِ الشِّركِ فَأظَلَّهُ وأرفَقَهُ وأضافَهُ ، فَلَمّا حَضَرَهُ المَوتُ أوحَى اللّهُ عز و جل إلَيهِ : «وعِزَّتى وجَلالى لَو كانَ لَكَ فى جَنَّتى مَسكَنٌ لَأسكَنتُكَ فيها ، ولكِنَّها مُحَرَّمَةٌ عَلى مَن ماتَ بى مُشرِكا ، ولكِن يا نارُ هيديهِ ولا تُؤذيهِ (6) !» ، ويُؤتى بِرِزقِهِ طَرَفَيِ النَّهارَ .

قُلتُ : مِنَ الجَنَّهِ ؟ قالَ : مِن حَيثُ شاءَ اللّهِ . (7) .

1- .. صحيح مسلم : ج 1 ص 196 ح 361 ، المصنف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 94 ح 18 ، البعث والنشور : ص 283 ح 495 ، تفسير ابن كثير : ج 4 ص 130 كلّها عن أبى سعيد الخدرى .
2- .. صحيح مسلم : ج 1 ص 196 ح 364 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 624 ح 8730 ، البعث والنشور : ص 282 ح 494 كلّها عن النعمان بن بشير ، كنزالعمّال : ج 14 ص 527 ح 39509 ؛ تفسير القمّى : ج 2 ص 258 عن منصور بن يونس عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحارالأنوار : ج 8 ص 295 ح 44 .
3- .. الأرْنَبَهُ : طَرَفُ الأنف (النهايه : ج 1 ص 41 «أرنب») .
4- .. مسند ابن حنبل : ج 4 ص 29 ح 11100 و ص 156 ح 11739 ؛ مستدرک الوسائل : ج 4 ص 625 ح 8734 نحوه وكلّها عن أبى سعيد .
5- .. ولِعَ بِه : أى لَجّ فى أمره وحرص على إيذائه (تاج العروس : ج 11 ص 532 «ولع») .

6- .. أى حرِّكِيه من غير أن تؤذيه ؛ من قولهم : هُدتُ الشىءَ : حرّكته (مجمع البحرين : ج 3 ص 1813 «هيد») .
7- .. الكافى : ج 2 ص 189 ح 3 ، المؤمن : ص 50 ح 123 وفيه «هاربيه» بدل «هيديه» ، أعلام الدين : ص 443 نحوه ، بحارالأنوار : ج 8 ص 314 ح 92 .

5955.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کم عذاب ترینِ اهل آتش، دو کفش از آتش به پا دارد که از حرارت کفش هایش ، مغزش به جوش می آید.5956.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کم عذاب ترینِ اهل آتش ، چنان است که دو کفش و دو دام (تَله) کفش از آتش دارد که به خاطر یکی از آنها مغز او مانند دیگ می جوشد و می پندارد که هیچ کس دیگر ، عذابش از او شدیدتر نیست ، در حالی که عذاب او از همه سبُک تر است.5957.تفسیر العیّاشی (به نقل از حسین بن زید بن علی) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کم عذاب ترین اهل آتش، مردی است که در پاهای او دو کفش است که بر اثر [حرارت]آنها ، مغزش به جوش می آید . برخی از اهل آتش تا مچ های پا در آتش اند و عذاب می شوند. برخی شان تا زانو در آتش اند و عذاب می کشند . برخی شان تا پره بینی شان در آتش اند و عذاب می کشند . برخی شان تا سینه در آتش اند و عذاب می کشند . و برخی در آتش ، فرو رفته اند.5958.الإمام علیّ علیه السلام (کانَ یَقولُ) الکافی به نقل از عبید اللّه بن ولید وصّافی : از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرماید: «مؤمنی در کشور پادشاهی ستمگر ، زندگی می کرد و آن پادشاه در آزار او می کوشید. آن مؤمن از دست او به سرزمین شرک گریخت و بر یکی از مشرکان وارد شد و آن مشرک او را سرپناه داد و با او مهربانی کرد و پذیرایی اش نمود.

پس چون مرگ آن مشرک فرا رسید ، خداوند عز و جل به او الهام فرمود که: "به عزّت و جلالم سوگند ، اگر در بهشتم برای تو مسکنی بود ، هر آینه تو را در آن جای می دادم ؛ ولی بهشت بر کسی که در حال شرک به من بمیرد ، حرام شده است ؛ امّا ای آتش او را بترسان ؛ ولی آزارش مده !" .

روزیِ او ، صبح و عصر می رسد».

گفتم : از بهشت؟

فرمود: «از هر جا که خدا بخواهد». .

5959.عنه عليه السلام : الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام : قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إنَّ أهوَنَ أهلِ النّارِ عَذابا عَبدُاللّهِ بنُ جَذعانَ . فَقيلَ لَهُ : ولِمَ يا رَسولَ اللّهِ ؟ قالَ : إنَّهُ كانَ يُطعِمُ الطَّعامَ .

5960(1).عنه عليه السلام : الإمام الكاظم عليه السلام : كانَ فى بَنى إسرائيلَ رَجُلٌ مُؤمِنٌ ، وكانَ لَهُ جارٌ كافِرٌ ، وكانَ يَرفُقُ بِالمُؤمِنِ ويُوَلِّيهِ المَعروفَ فِى الدُّنيا ، فَلَمّا أن ماتَ الكافِرُ بَنَى اللّهُ لَه بَيتا فِى النّارِ مِن طينٍ ، فَكانَ يَقيهِ حَرَّها ، ويَأتيهِ الرِّزقُ مِن غَيرِها ، وقيلَ لَهُ : هذا بِما كُنتَ تُدخِلُ عَلى جارِكَ المُؤمِنِ فُلانِ بنِ فُلانٍ مِنَ الرِّفقِ ، وتُوَلِّيهِ مِنَ المَعروفِ فِى الدُّنيا . (2)راجع : ص 558 (من يخفف عنه العذاب) .

12 / 10دَرَكاتُ النّارِالكتاب«إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِى الدَّرْكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَن تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا» . (3)

«كَلَّا لَيُنبَذَنَّ فِى الْحُطَمَةِ * وَ مَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ * نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ * الَّتِى تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ» . (4)

.

1- .. المحاسن : ج 2 ص 146 ح 1385 عن السكونى ، الجعفريّات : ص 191 ، النوادر للراوندى : ص 106 ح 79 ، كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، دعائم الإسلام : ج 2 ص 104 ح 331 وفيه «دركه» بدل «عذابا» ، بحارالأنوار : ج 8 ص 316 ح 96 .
2- .. ثواب الأعمال : ص 203 ح 1 عن علىّ بن يقطين ، بحارالأنوار : ج 8 ص 297 ح 48 .
3- .. النساء : 145 .
4- .. الهمزه : 4 7 .

12 / 10 طبقات آتش

5961.امام باقر علیه السلام : امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانش علیهم السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در میان اهل آتش ، عبد اللّه بن جذعان عذابش از همه سبُک تر است» .

گفته شد: چرا، ای پیامبر خدا؟

فرمود: «چون مردم را اطعام می کرد» .5962.امام صادق علیه السلام : امام کاظم علیه السلام : در میان بنی اسرائیل ، مردی مؤمن بود که همسایه ای کافر داشت. او با آن مؤمن با مهربانی رفتار می کرد و به او نیکی می نمود. چون کافر از دنیا رفت ، خداوند در آتش ، خانه ای از گِل برایش ساخت که او را از گرمای آن حفظ می کرد و روزی اش از غیر جهنّم می رسید . به او گفته شد: «این برای آن است که تو در دنیا با همسایه مؤمنت، فلان فرزند فلان، با مهربانی رفتار می کردی و به او نیکی می نمودی» .

ر . ک : ص 559 (کسانی که عذابشان تخفیف می یابد) . 12 / 10طبقات آتشقرآن«منافقان در پایین ترین طبقه آتش اند و هرگز برایشان یاوری نمی یابی».

«نه ! قطعا در آتش خُرد کننده ، فرو افکنده خواهد شد. و تو چه می دانی که آتشِ خرد کننده چیست ؟ آتش افروخته خداست که به دل ها می رسد».

.

الحديث5967.الإمام الصادق عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ النّارَ تَأكُلُ أهلَها حَتّى إذَا اطَّلَعتَ عَلى أفئِدَتِهِمُ انتَهَت ، ثُمَّ يَعودُ كَما كانَ ، ثُمَّ يَستَقبِلُهُ أيضا ، فَيَطَّلِعُ عَلى فُؤادِهِم ، فَهُوَ كَذلِكَ أبَدا ؛ فَذلِكَ قَولُهُ : «نَارُ اللّهِ الْمُوقَدَةُ * الَّتِى تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ» (1) . (2)5966.امام عسكرى عليه السلام (در دعا) عنه صلى الله عليه و آله : «الوَيلُ» وادٍ فى جَهَنَّمَ ، يَهوى فيهِ الكافِرُ أربَعينَ خَريفا قَبلَ أن يَبلُغَ قَعْرَهُ . (3)5967.امام صادق عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : «الصَّعودُ» جَبَلٌ مِن نارٍ يَتَصَعَّدُ فيهِ الكافِرُ سَبعينَ خَريفا ، ويَهوى بِهِ كَذلِكَ مِنهُ أبَدا . (4)5968.الإمام الصادق عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله فى قَولِهِ تَعالى : «سَأُرْهِقُهُ صَعُودًا» (5) : جَبَلٌ مِن نارٍ فِى النّارِ يُكَلَّفُ أن يَصعَدَهُ ، فَإذا وَضَعَ يَدَهُ عَلَيهِ ذابَت ، فَإذا رَفَعَها عادَت، وإذا وَضَعَ رِجلَهُ عَلَيهِ ذابَت ، فَإذا رَفَعَها عادَت .
(6)5969.الإمام الباقر عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : «الفَلَقُ» سِجنٌ فى جَهَنَّمَ ، يُحبَسُ فيهِ الجَبّارونَ وَالمُتَكَبِّرونَ ، فَإنَّ جَهَنَّمَ لَتَعوذُ بِاللّهِ مِنهُ . (7) .

1- .. الهمزه : 6 و 7 .
2- .. الزهد لابن المبارک (الملحقات) : ص 87 ح 306 عن خالد بن أبى عمران .
3- .. سنن الترمذى : ج 5 ص 320 ح 3164 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 150 ح 11712 ، صحيح ابن حبّان : ج 16 ص 508 ح 7467 ، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 551 ح 3873 ، البعث والنشور : ص 271 ح 465 ، كلّها عن أبى سعيد الخدرى ، كنزالعمّال : ج 2 ص 12 ح 2937 .
4- .. سنن الترمذى : ج 4 ص 703 ح 2576 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 150 ح 11712 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 639 ح 8764 ، مسند أبى يعلى : ج 2 ص 132 ح 1378 ، البعث والنشور : ص 271 ح 465 كلّها عن أبى سعيد الخدرى ، كنزالعمّال : ج 2 ص 12 ح 2935 .
5- .. المدّثّر : 17 .
6- .. المعجم الأوسط : ج 5 ص 366 ح 5573 ، البعث والنشور : ص 281 ح 489 ، تفسير الطبرى : ج 14 الجزء 29 ص 155 ، تفسير ابن كثير : ج 8 ص 291 ، الفردوس : ج 2 ص 336 ح 3515 كلّها عن أبى سعيد الخدرى .
7- .. كنزالعمّال : ج 2 ص 15 ح 2954 نقلاً عن ابن مردويه ، الفردوس : ج 3 ص 159 ح 4429 وفيه صدره فقط وكلاهما عن ابن عمرو .

حدیث5968.امام صادق علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آتش، اهل خود را می خورد تا این که به دل هایشان می رسد ، آن گاه باز می ایستد. آن گاه دوزخیان به حال اوّل خود باز می گردند و آتش دوباره آنها را می خورد تا به دل هایشان برسد، و تا ابد ، همین وضع ادامه دارد. این است سخن خدای متعال که : «آتش افروخته خداست که به دل ها می رسد» .5969.امام باقر علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : وَیل ، پرتگاهی در جهنّم است که کافر در آن سقوط می کند و چهل سال طول می کشد تا به تهِ آن برسد.5970.امام باقر علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : صَعود ، کوهی از آتش است که کافر ، هفتاد سال از آن بالا می رود و در همین مدّت از آن سقوط می کند و این کار او تا ابد ادامه می یابد.5971.کامل الزیارات عن عبد الملک الخثعمی عن الإمام الصا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خدای متعال : «به زودی ، او را به بالا رفتن از گردنه وادار می کنم» : آن ، کوهی از آتش در دوزخ است که [کافر] وادار می شود از آن بالا رود، و هر گاه دستش را بر آن بگذارد ، دست او ذوب می شود و چون بردارد ، دستش بر می گردد، و هر گاه پایش را بر آن بگذارد ، پای او ذوب می شود و چون بردارد ، پایش بر می گردد .5972.تهذیب الأحکام عن منصور بن حازم {-1- } ، قال : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : فَلَق ، زندانی در جهنّم است که گردن فرازان و متکبّران ، در آن زندانی

می شوند و [حتّی]جهنّم از آن به خدا پناه می برد . .

5973.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (فى قَولِهِ تَعالى : {Q} «يَمْحُواْ اللَّهُ مَا) منيه المريد عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله : اِستَعيذوا بِاللّهِ مِن «جُبِّ الخِزيِ» . قيلَ : وما هُوَ يا رَسولَ اللّهِ ؟ قالَ : وادٍ فى جَهَنَّمَ اُعِدَّ لِلمُرائينَ . (1)5971.كامل الزيارات (به نقل از عبد الملك خَثعَمى) رسول اللّه صلى الله عليه و آله : جاءَنى جَبرَئيلُ مُتَغَيِّرَ اللَّونِ ، فَقُلتُ : يا جَبرَئيلُ ، ما لى أراكَ مُتَغَيِّرَ اللَّونِ ؟ قالَ : اطَّلَعتُ فِى النّارِ فَرَأيتُ وادِيا فى جَهَنَّمَ يَغلى ، فَقُلتُ : يا مالِكُ ، لِمَن هذا؟ فَقالَ : لِثَلاثِ نَفَرٍ : لِلمُحتَكِرينَ ، وَالمُدمِنينَ عَلَى الخَمرِ ، وَالقَوّادينَ . (2)5972.تهذيب الأحكام (به نقل از منصور بن حازم) جامع الأخبار عن أنس : قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إنَّ فى جَهَنَّمَ لَوَادِيا يَستَغيثُ مِنهُ أهلُ النّارِ كُلَّ يَومٍ سَبعينَ ألفَ مَرّةٍ ، وفى ذلِكَ الوادى بَيتٌ مِن نارٍ ، وفى ذلِكَ البَيتِ جُبٌّ مِن نارٍ ، وفى ذلِكَ الجُبِّ تابوتٌ مِن نارٍ ، وفى ذلِكَ التّابوتِ حَيَّةٌ لَها ألفُ رَأسٍ ، فى كُلِّ رَأسٍ ألفُ فَمٍ ، فى كُلِّ فَمٍ عَشَرَةُ آلافِ نابٍ ، وكُلُّ نابٍ ألفُ ذِراعٍ .

قالَ أنَسٌ : قُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، لِمَن يَكونُ هذَا العَذابُ؟ قالَ صلى الله عليه و آله : لِشارِبِ الخَمرِ مِن حَمَلَهِ القُرآنَ . (3)5973.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (درباره اين سخن خداى متعال : {Q} «خدا آنچه را بخ) الكافى عن سدير عن الإمام الباقر عليه السلام : يُؤتى شارِبُ الخَمرِ يَومَ القِيامَهِ مُسوَدّا وَجهُهُ ، مُدلَعا لِسانُهُ ، يَسيلُ لُعابُهُ عَلى صَدرِهِ ، وحَقٌّ عَلَى اللّهِ عز و جل أن يَسقِيَهُ مِن طينَهِ خَبالٍ أو قالَ : مِن بِئرِ خَبالٍ ، قُلتُ : وما بِئرُ خَبالٍ ؟ قالَ : بِئرٌ يَسيلُ فيها صَديدُ الزُّناهِ . (4) .

1- .. منيه المريد : ص 318 ، بحارالأنوار : ج 72 ص 303 ح 50 .
2- .. إرشاد القلوب : ص 174 .
3- .. جامع الأخبار : ص 422 ح 1172 ، إرشاد القلوب : ص 173 ، بحارالأنوار : ج 79 ص 148 ح 58 .
4- .. الكافى: ج6 ص396 ح 3، تهذيب الأحكام: ج 9 ص103 ح 448 ، وسائل الشيعه : ج 17 ص 237 ح 31931.

5974.الأمالی للشجری عن الأوزاعی : منیه المُرید : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «از جُبّ الخِزْی (چاهِ رسوایی و خواری) به خدا پناه ببرید» .

گفته شد: آن چیست، ای پیامبر خدا؟

فرمود: «درّه ای است در جهنّم که برای ریاکاران ، آماده شده است» .5975.الإمام الباقر علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : جبرئیل با رخساری رنگ برگشته نزد من آمد. گفتم: ای جبرئیل ! چه شده است که تو را رنگ برگشته می بینم؟

گفت: به آتش نگریستم . درّه ای را در جهنّم دیدم که می جوشد. گفتم: ای مالک ! این برای چه کسانی است؟

گفت: برای سه دسته: احتکار کنندگان، دائم الخمرها و جاکش ها.5974.الأمالی ، شجری (به نقل از اوزاعی) جامع الأخبار به نقل از انس بن مالک : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «در جهنّم ، درّه ای است که دوزخیان ، روزی هفتاد هزار بار از آن [به درگاه خدا] فریادخواهی می کنند . در آن درّه ، اتاقی از آتش است و در آن اتاق ، چاهی از آتش و در آن چاه ، صندوقی از آتش و در آن صندوق ، ماری هزار سر است که در هر سری ، هزار دهان و در هر دهانی ، ده هزار نیش و هر نیشی هزار گز است» .

گفتم : ای پیامبر خدا ! این عذاب برای چه کسی است؟

فرمود: «برای قرآن دانی است که شراب بنوشد» .5975.امام باقر علیه السلام : الکافی به نقل از سدیر : امام باقر علیه السلام فرمود : «روز قیامت، شرابخوار را در حالی می آورند که رویش سیاه و زبانش آویزان است و آب دهانش بر سینه اش کش کرده است ، و بر خداوند عز و جل است که از زرداب دوزخیان به او بنوشاند» یا فرمود: «از چاه زرداب» .

گفتم : چاه زرداب چیست؟

فرمود: «چاهی است که زردابِ [فرج] روسپیان ، در آن می ریزد» . .

5976.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : الكافى عن عمرو بن أبان : قالَ أبو عَبدِاللّهِ عليه السلام : مَن شَرِبَ مُسكِرا كانَ حَقّا عَلَى اللّهِ عز و جلأن يَسقِيَهُ مِن طينَهِ خَبالٍ . قُلتُ : وما طينَهُ خَبالٍ ؟ فَقالَ : صَديدُ فُروجِ البَغايا . (1)5977.عنه صلى الله عليه و آله : الإمام الصادق عليه السلام : إنَّ عَلِيّا عليه السلام قالَ : إنَّ فى جَهَنَّمَ رَحا تَطحَنُ ، أفَلا تَسأَلونّى ما طَحنُها؟ فَقيلَ : وما طَحنُها يا أميرَ المُؤمِنينَ؟ فَقالَ عليه السلام : العُلَماءُ الفَجَرَهُ ، وَالقُرّاءُ الفَسَقَهُ ، وَالجَبابِرَهُ الظَّلَمَهُ ، وَالوُزَراءُ الخَوَنَهُ ، وَالعُرَفاءُ الكَذَبَهُ .

وإنَّ فِى النّارِ لَمَدينَهً يُقالُ لَها : «الحَصينَهُ» ، أفَلا تَسأَلونّى ما فيها؟ فَقيلَ لَهُ : وما فيها يا أميرَالمُؤمِنينَ؟ قال عليه السلام : فيها أيدِى النّاكِثينَ .
(2)5978.عنه صلى الله عليه و آله : المستدرک على الصحيحين عن محمّد بن واسع : دَخَلتُ عَلى بِلالِ بنِ أبى بُردَهَ ، فَقُلتُ لَهُ : يا بِلالُ ، إنَّ أباکَ حَدَّثنى عَن جَدِّکَ عَن رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله أنَّهُ قالَ : إنَّ فى جَهَنَّمَ وادٍ ، فى ذلِکَ الوادى بِئرٌ يُقالُ لَهُ : «هَبهَبٌ» ؛ حَقٌّ عَلَى اللّهِ تَعالى أن يُسكِنَها كُلَّ جَبّارٍ ، فَإِيّاکَ أن تَكونَ مِنهُم يا بِلالُ (3)5976.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله : الإمام الباقر عليه السلام : إنَّ فى جَهَنَّمَ لَوادِيا يُقالُ لَهُ : «غَسّاقٌ» ، فيهِ ثَلاثونَ وثَلاثُمِئَهِ قَصرٍ ، فى كُلِّ قَصرٍ ثَلاثونَ وثَلاثُمِئَهِ بَيتٍ ، فى كُلِّ بَيتٍ ثَلاثونَ وثَلاثُمِئَهِ عَقرَبٍ ، فى حُمَّهِ كُلِّ عَقرَبٍ ثَلاثونَ وثَلاثُمِئَهِ قُلّهِ (4) سَمٍّ ، لَو أنَّ عَقرَبا مِنها نَضَحَت (نَفَخَت) سَمَّها عَلى

أهلِ جَهَنَّمَ لَوَسِعَتهُم سَمّا ! (5) .

1- .. الكافى : ج 6 ص 399 ح 14 ، تهذيب الأحكام : ج 9 ص 105 ح 454 ، وسائل الشيعه : ج 17 ص 260 ح 32015 .
2- .. ثواب الأعمال: ص 302 ح 1، الخصال: ص 296 ح 65 كلاهما عن مسعده بن زياد، أعلام الدين: ص 96، روضه الواعظين: ص 556، بحارالأنوار: ج 8 ص 311 ح 78.
3- .. المستدرک على الصحيحين: ج 4 ص 639 ح 8765، سنن الدارمى: ج 2 ص 788 ح 2712 نحوه، المعجم الأوسط: ج 4 ص 37 ح 3548 وليس فيه ذيله، البعث والنشور: ص 276 ح 479، المصنّف لابن أبى شيبه: ج 8 ص 98 ح 43 وفيه «هبّهت» بدل «هبهب»، كنز العمّال: ج 3 ص 507 ح 7645.

4- .. القُلّه : إناء للعرب كالجرّه الكبيره ، يتّسع قربتين أو أكثر (مجمع البحرين : ج 3 ص 1509 «قلل») .
5- .. الزهد للحسين بن سعيد : ص 100 ح 272 عن أبى عبيده ، بحارالأنوار : ج 8 ص 314 ح 89 .

5977.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : الکافی به نقل از عمرو بن ابان : امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس نوشیدنی مستی آوری بنوشد ، بر خدای عز و جلاست که از طینت خَبال به او بنوشاند» .

گفتم : طینت خَبال چیست؟

فرمود: «چرکابه فرج زنان روسپی» .5978.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : علی علیه السلام فرمود: «در جهنّم ، آسیابی است که آرد می کند. آیا از من نمی پرسید که چه آرد می کند؟» .

گفته شد: چه آرد می کند ، ای امیر مؤمنان؟

فرمود: «عالمان تباهکار و قاریان گنهکار و پادشاهان ستمگر و وزیران خیانتکار و خبرآوران (1) دروغگو را. در آتش دوزخ ، شهری است که به آن ، حَصینه می گویند . آیا از من نمی پرسید که در آن شهر چیست؟» .

گفته شد: در آن چیست ، ای امیر مؤمنان؟

فرمود: «دست های پیمان شکنان در آن است» .5979.عنه صلی الله علیه و آله : المستدرک علی الصحیحین به نقل از محمّد بن واسع : بر بِلال بن ابی بُرده در آمدم و به او گفتم: ای بلال! پدرت از جدّت از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برایم حدیث کرد که ایشان فرمود: «در جهنّم ، درّه ای است و در آن درّه ، چاهی است به نام "هَبهَب". بر خدای متعال است که گردن فرازان را در آن ، جای دهد» . پس زنهار که تو از آنان باشی ، ای بلال !5980.عنه صلی الله علیه و آله : امام باقر علیه السلام : در جهنّم ، درّه ای است که به آن ، «غَسّاق» می گویند و در آن ، سیصد و سی قصر است و در هر قصری ، سیصد و سی اتاق و در هر اتاقی ، سیصد و سی کژدم و در نیش هر کژدمی ، سیصد و سی کیسه زهر که اگر هر کژدمی از آنها

زهر خود را بر اهل جهنّم بپاشد ، زهرش همه آنها را جواب می دهد . .

1- .واژه «عرفاء» در متن عربی ، جمع «عریف» است که به شخصی در قبیله می گویند که مادون رئیس قبیله است و اوضاع و اخبار مردمش را به

رئیس قبیله گزارش می دهد .

5981.عنه صلى الله عليه و آله : الإمام الصادق عليه السلام : إنَّ فِى النّارِ لَنارا يَتَعَوَّذُ مِنها أهلُ النّارِ ، ما خُلِقَت إلّا لِكُلِّ مُتَكَبِّرٍ جَبّارٍ عَنيدٍ ، ولِكُلِّ شَيطانٍ مَريدٍ ، ولِكُلِّ مُتَكَبِّرٍ لا يُؤمِنُ بِيَومِ الحِسابِ ، ولِكُلِّ ناصِبٍ العَداوَهِ لِالِ مُحَمَّدٍ .

5979.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله : عنه عليه السلام : إنَّ مِنَ العُلَماءِ مَن يُحِبُّ أن يَخزُنَ عِلمَهُ ولا يُؤخَذَ عَنهُ ، فَذاکَ فِى الدَّرکِ الأوَّلِ مِنَ النّارِ . ومِنَ العُلَماءِ مَن إذا وُعِظَ أنِفَ وإذا وَعَظَ عَنَفَ ، فَذاکَ فِى الدَّرکِ الثّانِى مِنَ النّارِ . ومِنَ العُلَماءِ مَن يَرى أن يَضَعَ العِلمَ عِندَ ذَوِى الثَّروَهِ وَالشَّرَفِ ، ولا يَرى لَهُ فِى المَساکينِ وَضعا، فَذاکَ فِى الدَّرکِ الثّالِثِ مِنَ النّارِ . ومِنَ العُلَماءِ مَن يَذهَبُ فى عِلمِهِ مَذهَبَ الجَبابِرَهِ وَالسَّلاطينِ ، فَإن رُدَّ عَلَيهِ شَىءٌ مِن قَولِهِ أو قُصِّرَ فى شَى ءٍ مِن أمرِهِ غَضِبَ ، فَذاکَ فِى الدّرکِ الرّابِعِ مِنَ النّارِ . ومِنَ العُلَماءِ مَن يَطلُبُ أحاديثَ اليَهودِ وَالنَّصارى لِيُعزَّرَ بِهِ ويَکثُرَ بِهِ حَديثُهُ ، فَذاکَ فِى الدَّرکِ الخامِسِ مِنَ النّارِ . ومِنَ العُلَماءِ مَن يَضَعُ نَفسَهُ لِلفُتيا ويَقولُ : سَلونى، ولَعَلَّهُ لا يُصيبُ حَرفا واحِدا ، وَاللّهُ لا يُحِبُّ المُتَکَلِّفينَ ، فَذاکَ فِى الدَّرکِ السّادِسِ مِنَ النّارِ .

5980.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله : ثواب الأعمال عن المفضّل بن عمر عنه عليه السلام : لا يَنظُرُ اللّهُ عز و جل إلى عَبدٍ ولا يُزَكّيهِ إذا تَرَکَ فَريضَةً مِن فَرائِضِ اللّهِ ، وارتَکَبَ کَبيرَةً مِنَ الکَبائِرِ . قالَ : قُلتُ : لا يَنظُرُ اللّهُ إلَيهِ؟ ! قالَ عليه السلام : نَعَم ، قَد أشرَکَ بِاللّهِ . قالَ : قُلتُ : أشرَکَ؟ ! قالَ عليه السلام : نَعَم ، إنَّ اللّهَ جَلَّ وجَلَّ أمرَهُ بِأمرٍ وأمرَهُ إبليسُ بِأمرٍ ، فَتَرَکَ ما أمَرَ اللّهُ عز و جل بِهِ وصارَ إلى ما أمَرَ إبليسُ بِهِ

فَهذا مَعَ إبليسَ بِهِ فِى الدَّرکِ السّابِعِ مِنَ النّارِ .

1- .. تفسير القمّى: ج 2 ص 257 عن منصور بن يونس، بحارالأنوار: ج 8 ص 295 ح 44.
2- .. الخصال: ص 352 ح 33 ، منيه المريد: ص 139، أعلام الدين: ص 97، روضه الواعظين: ص 11، بحارالأنوار: ج 2 ص 108 ح 11.
3- .. ثواب الأعمال: ص 294 ح 1، بحارالأنوار: ج 71 ص 207 ح 16.

5981.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : در آتش [جهنّم] ، آتشی است که اهل آتش از آن به خدا پناه می برند. آن آتش ، فقط برای هر متکبّر مغرور خیره سری، و برای هر شیطان سرکشی، و برای هر متکبّری که به روز حسابرسی ایمان ندارد، و برای هر دشمن کینه توز خاندان محمّد صلی الله علیه و آله آفریده شده است.5982.عنه صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : در میان عالِمان ، کسانی هستند که دوست دارند دانش خویش را پنهان بدارند و [کسی] از آنان نیاموزد . چنین کسانی در دَرَکِ (1) اوّلِ آتش اند. در میان عالمان ، کسانی هستند که هر گاه پندشان دهند ، نمی پذیرند و چون پند می دهند ، درشتی می کنند . چنین کسانی در دَرَک دوم آتش اند. از عالمان ، کسانی هستند که دانش [خود] را در اختیار ثروتمندان و بزرگان قرار می دهند و مستمندان را شایسته دانش خود نمی دانند . چنین کسانی در دَرَک سوم آتش اند . از عالمان ، کسانی هستند که در علم خویش ، چونان متکبّران و پادشاهان رفتار می کنند [یعنی] : اگر چیزی از گفته او را رد کنند یا در [اطاعت] امر او کوتاهی ای کنند ، به خشم می آید . چنین کسانی در دَرَک چهارم آتش اند. از عالمان ، کسانی هستند که در جستجوی احادیث یهود و نصارا هستند تا بِدان وسیله ، حدیث خود را قوّت و افزونی بخشند . چنین کسانی در دَرَک پنجم آتش اند . از عالمان ، کسانی هستند که خویشتن را در مسند فتوا قرار می دهند و می گویند: «از من بپرسید»، در صورتی که شاید حتّی یک کلمه درست نگویند و خدا مدّعیان بی صلاحیّت را دوست نمی دارد . چنین کسانی در دَرَک ششم آتش اند .5983.عنه صلی الله علیه و آله : ثواب الأعمال به نقل از مفضّل بن عمر : امام صادق علیه السلام فرمود : «خداوند عز و جل به بنده ای که واجبی از واجبات خدا را ترک گوید تا گناه بزرگی از گناهان بزرگ را مرتکب شود، نمی نگرد و بر پاکیِ او گواهی نمی دهد».

گفتم : خدا به او نمی نگرد؟

فرمود: «آری ؛ او به خدا شرک ورزیده است».

گفتم : شرک ورزیده است؟

فرمود: «آری، [چون] خداوند بزرگ و توانا او را به کاری فرمان داده و ابلیس هم به کاری دیگر فرمان داده است و او فرمان خدای عز و جل را

وا نهاده و به فرمان ابلیس گردن نهاده است .

پس، او با ابلیس در طبقه هفتم آتش است» . .

1- .«دَرَک» و جمعش «درکات» ، در مقابل «درجه» و جمع آن ، «درجات» است. اوّلی را در مورد جهنّم به کار می برند و به معنای طبقات زیرین یا تحتانی است، و دومی را در باره بهشت به کار می برند که به معنای طبقات بالایی و فوقانی است.

5984.عنه صلى الله عليه و آله : الإمام الكاظم عليه السلام فى قَولِهِ تَعالى : «فَخَلَفَ مِن بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُواْ الصَّلَوهَ وَ اتَّبَعُواْ الشَّهَوَ تِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا» : هُوَ جَبَلٌ مِن صُفْرٍ (1) يَدورُ فى وَسَطِ جَهَنَّمَ . (2)12 / 11مَن يُخَلَّدُ فِى النّارِالكتاب«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُواْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ الْمُشْرِكِينَ فِى نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُوْلَائِکَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّهِ» . (3)

«وَ مَن يَعْصِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا» . (4)

«وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِىَ حَسْبُهُمْ وَلَعَنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ» . (5)

«وَالَّذِينَ كَذَّبُواْ بِئَايَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُواْ عَنْهَا أُوْلَائِکَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» . (6)

«إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُواْ بِئَايَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُواْ عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَ بُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّهَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِى سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَ لِکَ نَجْزِى الْمُجْرِمِينَ* لَهُم مِّن جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِن فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَكَذَ لِکَ نَجْزِى الظَّالِمِينَ» . (7)

«إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِى عَذَابِ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ* لَا يُفَتَّرُ عَنْهُمْ وَ هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ* وَ مَا ظَلَمْنَاهُمْ وَ لَكِن كَانُواْ هُمُ الظَّالِمِينَ* وَ نَادَوْاْ يَامَالِکُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّکَ قَالَ إِنَّكُم مَّاكِثُونَ» . (8)

«أَلَمْ يَعْلَمُواْ أَنَّهُ مَن يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا ذَ لِکَ الْخِزْىُ الْعَظِيمُ» . (9)

«كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْاءِنسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّى بَرِى ءٌ مِّنکَ إِنِّى أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ* فَكَانَ عَاقِبَتَهُمَا أَنَّهُمَا فِى النَّارِ خَالِدَيْنِ فِيهَا وَ ذَ لِکَ جَزَ ؤُاْ الظَّالِمِينَ» . (10)

.

1- .. صُفْر بالضم ، وكسر الصاد لغه : النُحاس (مجمع البحرين : ج 2 ص 1035 «صفر») .

2- .. تأويل الآيات الظاهره : ج 1 ص 305 ح 12 عن عيسى بن داود النجّار ، بحارالأنوار : ج 23 ص 224 ح 37 .
3- .. البيّنه: 6.
4- .. الجنّ: 23.
5- .. التوبه: 68.
6- .. الأعراف: 36.
7- .. الأعراف: 40 و 41.
8- .. الزخرف: 74 77.
9- .. التوبه: 63.
10- .. الحشر: 16 و 17.

12 / 11 کسانی که در آتش ، جاویدان اند

5989.الإمام الباقر علیه السلام : امام کاظم علیه السلام در باره این سخنِ خدای متعال : «پس بعد از ایشان ، جانشینانی آمدند که نمازِ را تباه کردند و از هوس ها پیروی نمودند و زودا که غَی را خواهند دید» : غَی ، کوهی است از مس که در میانه جهنّم می چرخد.12 / 11کسانی که در آتش ، جاویدان اندقرآن«کسانی از اهل کتاب که کفر ورزیده اند و [نیز] مشرکان ، در آتش جهنّم اند [و] در آن ، جاویدان اند. اینان ، بدترین آفریدگان اند».

«و کسی که از خدا و فرستاده او سرپیچی کند ، برایش آتش جهنّم است ، و در آن برای همیشه ماندگار است».

«خدا به مردان و زنان منافق و به کافران ، آتش جهنّم را وعده داده است . در آن ، جاودانه اند [و] آن برایشان کافی است، و خدا لعنتشان کرده و برای آنان ، عذابی ماندگار است».

«و کسانی که آیات ما را دروغ شمردند و از [پذیرش] آنها سر باز زدند ، آنان اهل آتش اند و در آن ، جاودانه اند».

«کسانی که آیات ما را دروغ شمردند و در [پذیرش] آنها تکبّر ورزیدند ، درهای آسمان برایشان گشوده نمی شود و به بهشت در نمی آیند ، مگر آن که طناب در سوراخ سوزن داخل شود و بدین سان ، مجرمان را سزا می دهیم. برای آنان از جهنّم ، بستری و از بالایشان پوشش هاست ، و این گونه ستمگران را سزا می دهیم» .

«مجرمان در عذاب جهنّم ، جاودانه اند . [عذاب] از آنان سبُک نمی شود و ایشان در آن ، نومیدند. ما به ایشان ستم نکردیم ؛ بلکه خود ستمکارند. و ندا می دهند که: ای مالک ! [بگو :]پروردگارت جان ما را بستاند. پاسخ می دهد: شما ماندگارید».

«آیا ندانسته اند که هر کس با خدا و پیامبر او در افتد ، برایش آتش جهنّم است که در آن ، جاودانه خواهد بود . این ، همان رسوایی بزرگ است».

«همچون حکایت شیطان ، که به انسان گفت: «کافر شو» و چون وی کافر شد، گفت: «من از تو بیزارم؛ زیرا من از خدا، پروردگار جهانیان، می ترسم». و فرجام هر دوشان ، آن است که هر دو در آتش جاویدان می مانند و سزای ستمکاران ، این است» .

.

الحديث5996.تفسير العيّاشى عن أبى بصير عن الإمام الصادق عليه رسول اللّه صلى الله عليه و آله : لَو قيلَ لِأَهلِ النّارِ : إنَّكُم ماكِثونَ فِى النّارِ عَدَدَ كُلِّ حَصاةٍ فِى الدُّنيا لَفَرِحوا بِها، ولَو قيلَ لِأَهلِ الجَنَّهِ : إنَّكُم ماكِثونَ فِى الجَنَّهِ عَدَدَ كُلِّ حَصاةٍ فِى الدُّنيا لَحَزِنوا ! ولكِن جُعِلَ لَهُمُ الأَبَدُ . (1)5997.علل الشرايع عن أبى بصير : عنه صلى الله عليه و آله : إذا أدخَلَ اللّهُ أهلَ الجَنَّهِ الجَنَّهَ وأهلَ النّارِ النّارَ ... ثُمَّ يَقولُ لِأَهلِ النّارِ : كَم لَبِثتُم فِى الأَرضِ عَدَدَ سِنينَ؟ قالوا: لَبِثنا يَوما أو بَعضَ يَومٍ . فَيَقولُ : بِئسَ مَا اتَّجَرتُم فى يَومٍ أو بَعضِ يَومٍ : سَخَطى ومَعصِيَتى ونارِى ! أُمكُثوا فيها خالِدينَ مُخَلَّدينَ . فَيَقولونَ : رَبَّنا أخرِجنا مِنها ، فَإِن عُدنا فَإِنّا ظالِمونَ . فَيَقولُ : «اخْسَئواْ فِيهَا وَ لَا تُكَلِّمُونِ» (2) ، فَيَكونُ ذلِكَ آخِرَ عَهدِهِم بِكَلامِ رَبِّهِم تَعالى . (3) .

1- .. المعجم الكبير: ج 10 ص 180 ح 10384، حليه الأولياء: ج 4 ص 168 بزياده «سنه» بعد «الدنيا» فى كلا الموضعين، الفردوس: ج 3 ص 379 ح 5154 كلّها عن ابن مسعود، كنز العمّال: ج 14 ص 532 ح 39530.

2- .المؤمنون : 108 .

3- .. حليه الأولياء: ج 5 ص 132، أُسد الغابه: ج 1 ص 344 الرقم 350 كلاهما عن أيفع بن عبد الكلاعى، كنز العمّال: ج 14 ص 485 ح 39363.

حدیث5995.امام باقر علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اگر به اهل آتش گفته شود: «شما به شمار ریگ های دنیا در آتش خواهید ماند» ، از آن شادمان می شوند، و اگر به اهل بهشت گفته شود: «شما به شمار ریگ های دنیا در بهشت خواهید ماند» ، اندوهگین می شوند ؛ امّا خداوند برای آنان ، جاودانگی رقم زده است .5996.تفسیر العیّاشی (به نقل از ابو بصیر) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پس از آن که خداوند ، بهشتیان را به بهشت و دوزخیان را به دوزخ در می آورد... ، به دوزخیان می فرماید: «شما چند سال در زمین ماندید؟» .

می گویند: روزی یا پاره ای از روز ماندیم.

خدا می فرماید: «در ظرف یک روز یا پاره ای از روز ، بد سودایی کردید و ناخشنودی و نافرمانی من و آتش را خریدید ! [حال] در آتش برای همیشه و جاویدان بمانید» .

آنان می گویند : پروردگارا ! ما را از این جا بیرون ببر . اگر باز گشتیم، ما ستمکاریم.

خداوند می فرماید: «در آن ، گم شوید و با من سخن مگویید» و این ، آخرین سخنی است که پروردگارشان با آنان می گوید . .

5997.علل الشرائع (به نقل از ابو بصير) الإمام علىّ عليه السلام : ... أمّا أهلُ المَعصِيَهِ فَخُلِّدوا فِى النّارِ ، واُوثِقَ مِنهُمُ الأقدامُ ، وغُلَّ مِنهُمُ الأيدى إلَى الأعناقِ ، وأُلبِسَ أجسادُهُم سَرابيلَ القَطِرانِ ، وقُطِّعَت لَهُم مُقَطَّعاتٌ مِنَ النّارِ .

هُم فى عَذابٍ قَدِ اشتَدَّ حَرُّهُ ، ونارٌ قَد اُطبِقَ عَلى أهلِها ، فَلا يُفَتَّحُ عَنهُم أبَدا، ولا يُدخَلُ عَلَيهِم ريحٌ أبَدا، ولا يَنقَضى مِنهُمُ الغَمُّ أبَدا، وَالعَذابُ أبَدا شَديدٌ ، وَالعِقابُ أبَدا جَديدٌ ، لَا الدّارُ زائِلَةً فَتَفنى ، ولا آجالُ القَومِ تُقضى .

(1)5998.علل الشرائع (به نقل از سماعه) عنه عليه السلام : وَفدُ النّارِ أبَدا مُعَذَّبونَ . (2)5999.الإمام الباقر عليه السلام (فى قَولِهِ تَعالى : {Q} «وَ إِذْ وَ عَدْنَا مُو) عنه عليه السلام : وارِدُ النّارِ مُؤَبَّدُ الشَّقاءِ .

(3)5999.امام باقر عليه السلام (درباره اين گفته خداى متعال: {Q} «و آن گاه كه با) عنه عليه السلام فِى الدُّعاءِ المَعروفِ بِدُعاءِ كُمَيلٍ : فَبِاليَقينِ أقطَعُ لَولا ما حَكَمتَ بِهِ مِن تَعذيبِ جاحِديكَ ، وقَضَيتَ بِهِ مِن إخلادِ مُعانِديكَ ، لَجَعَلتَ النّارَ كُلَّها بردا وسَلاما ، وما كانَ لِأَحَدٍ فيها مَقَرّا ولا مُقاما، لكِنَّكَ تَقَدَّسَت أسماؤُكَ أقسَمتَ أن تَملَأَها مِنَ الكافِرينَ ، مِنَ الجِنَّهِ وَالنّاسِ أجمَعينَ ، وأن تُخَلِّدَ فيهَا المُعانِدينَ ، وأنتَ جَلَّ ثَناؤُكَ قُلتَ مُبتَدِئا ، وتَطَوَّلتَ بِالإنعامِ مُتَكَرِّما : «أفَمَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ» (4) .

(5)6000.الإمام الباقر والإمام الصادق عليهماالسلام (فى قَولِهِ تَعالى : {Q} «يَقَوْمِ ادْخُلُواْ ا) الإمام الصادق عليه السلام : إنَّ اللّهَ تَبارَكَ وتَعالى ل_ 'c7 يُدخِلُ النّارَ مُؤمِنا وقَد وُعِدَ الجَنَّهَ ، ولا يُخرِجُ مِنَ النّارِ كافِرا وقَد أوعَدَهُ النّارَ وَالخُلودَ فيها. (6) .

1- .. تفسير القمّى: ج 2 ص 289، بحارالأنوار: ج 8 ص 292 ح 34.
2- .. غرر الحكم: ح 10114، عيون الحكم والمواعظ: ص 505 ح 9269.
3- .. غرر الحكم: ح 10116، عيون الحكم والمواعظ: ص 505 ح 9271.
4- .السجده : 18 .
5- .. مصباح المتهجّد: ص 848 ح 910 عن كميل، المصباح للكفعمى: ص 742، البلد الأمين: ص 190.
6- .. الخصال: ص 608 ح 9 عن الأعمش، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 125 ح 1 عن الفضل بن شاذان عن الإمام الرضا عليه السلام ، تحف العقول: ص 421 عن الإمام الرضا عليه السلام وليس فيه ذيله من «ولا يخرج...»، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 267.

6001.الإمام الصادق علیه السلام (لَمّا سُئِلَ عَن قَولِ اللّهِ : {Q} «ادْخُلُوا) امام علی علیه السلام : معصیتکاران برای همیشه در آتش می مانند . پاهای آنان را می بندند و دست هایشان را به گردن در غُل می کنند و پیراهن های قطران بر تن آنان می پوشانند و جامه هایی از آتش برایشان بریده می شود و در عذابی هستند که بسیار داغ است و در آتشی جای دارند که بر اهل خود ، فروبسته است و هرگز از هم باز نمی شود، و هیچ گاه بادی بر آنان نمی وزد و تا ابد ، اندوهشان برطرف نمی شود و عذاب ، ابدی و سخت است و کیفر ، همیشگی و تازه . نه خانه از بین رفتنی است که نابود شود و نه عمر دوزخیان به سرآمدنی است !6002.عنه علیه السلام (فی قَولِ اللّهِ عز و جل : {Q} «ادْخُلُواْ الْأ) امام علی علیه السلام : وارد شوندگان به آتش ، تا ابد در عذاب اند .6003.عنه علیه السلام : امام علی علیه السلام : وارد شونده به آتش ، تا ابد در رنج است.6000.امام باقر و امام صادق علیهماالسلام (درباره این سخن خدای متعال: {Q} «ای قوم من ! به س) امام علی علیه السلام در دعای معروف به دعای کمیل : یقین دارم که اگر نبود که حکم کرده ای تا منکِرانِ تو عذاب شوند و عنادورزان با تو ، [در آتش] جاودانه بمانند، بی گمان ، تمام آتش [جهنّم] را سرد و بی گزند می ساختی و هیچ کس را در آن، جا و مکانی نبود ؛ امّا تو که نام هایت پاک اند ، سوگند یاد کرده ای که آن را از کافرانِ جن و انس ، آکنده سازی و عنادورزان را در آن ، جاودانه داری، و تو که ثنایت بزرگ است و از سر بخشندگی ، بی دریغ ، نعمت ارزانی داشته ای ، خود فرموده ای: «آیا آن که مؤمن است ، همانند کسی است که [بی ایمان و] نافرمان است؟ ! یکسان نیستند» .6001.امام صادق علیه السلام (وقتی درباره این سخن خداوند، مورد پرسش قرار گرفت) امام صادق علیه السلام : خدای تبارک و تعالی مؤمن را که وعده بهشت داده شده است، به آتش در نمی آورد و کافر را که به او وعده آتش و جاودانگی در آن داده است ، از آتش بیرون نمی برد. .

6002.امام صادق علیه السلام (درباره این سخن خداوند عز و جل: {Q} «به سرزمین م) الكافى عن أبى هاشم: قال أبو عبداللّه علیه السلام : إنَّما خُلِّدَ أهلُ النّارِ فِى النّارِ لِأنَّ نِيّاتِهِم كانَت فِى الدُّنيا أن لَو خُلِّدوا فيها أن يَعصُوا اللّهَ أبَدا ، وإنَّما خُلِّدَ أهلُ الجَنَّهِ فِى الجَنَّهِ لِأنَّ نِيّاتِهِم كانَت فِى الدُّنيا أن لَو بَقوا فيها أن يُطيعُوا اللّهَ أبَدا ، فَبِالنِيّاتِ خُلِّدَ هؤُلاءِ وهؤُلاءِ . ثُمَّ تَلا قَولَهُ تَعالى : «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ» (1) ، قالَ : عَلى نِيَّتِهِ .
6003.امام صادق علیه السلام (به ابو بصیر) (2) الإمام الكاظم علیه السلام : لا يُخَلِّدُ اللّهُ فِى النّارِ إلّا أهلَ الكُفرِ وَالجُحودِ ، وأهلَ الضَّلالِ وَالشِّركِ . ومَنِ اجتَنَبَ الكَبائِرَ مِنَ المُؤمِنينَ لَم يُسأَل عَنِ الصَّغائِرِ ؛ قالَ اللّه تَبارَكَ وتَعالى : «إن تَجْتَنِبُواْ كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُم مُّدْخَلاً كَرِيمًا (3) » . (4)راجع : ج 1 ص 578 (القسم الأوّل : الجنّه / الفصل الخامس عشر / خلود أهل الجنّه) .

12 / 12مَن يُخرَجُ مِنَ النّارِ الكتاب«وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا يَامَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْثَرْتُم مِّنَ الْاِنسِ وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُم مِّنَ الْاِنسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَغْنَا أَجَلَنَا الَّذِى أَجَّلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ» . (5)

«فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُواْ فَفِى النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَ شَهِيقٌ* خَالِدِينَ فِيهَا مَادَامَتِ السَّمَاوَ تُ وَ الْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ» . (6)

«إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا* لِّلطَّاغِينَ مَئَابًا* لَابِثِينَ فِيهَا أَحْقَابًا* لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَ لَا شَرَابًا* إِلَّا حَمِيمًا وَ غَسَّاقًا* جَزَاءً وِفَاقًا* إِنَّهُمْ كَانُواْ لَا يَرْجُونَ حِسَابًا* وَ كَذَّبُواْ بِئَايَاتِنَا كِذَّابًا* وَ كُلَّ شَىْ ءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا* فَذُوقُواْ فَلَن نَّزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا» . (7)

.

1- .. الإسراء: 84.
2- .. الكافى: ج 2 ص 85 ح 5، علل الشّرائع: ص 523 ح 1، المحاسن: ج 2 ص 56 ح 1165، تفسير العيّاشى: ج 2 ص 316 ح 158، بحارالأنوار: ج 8 ص 347 ح 5.
3- .. النساء: 31.

4- .. التوحيد: ص 407 ح 6، مشكاه الأنوار: ص 565 ح 1904 كلاهما عن محمّد بن أبى عمير، بحارالأنوار: ج 8 ص 351 ح 1.
5- .. الأنعام: 128.
6- .. هود: 106 و 107.
7- .. النبأ: 21 30.

12 / 12 کسانی که از آتش خارج می شوند

6007.امام عسکری علیه السلام : الکافی به نقل از ابو هاشم : امام صادق علیه السلام فرمود: «دوزخیان از آن رو در آتش ، جاویدان اند که در دنیا نیّتشان این بود که چنانچه تا ابد در آن باشند ، تا ابد خدا را نافرمانی کنند و بهشتیان نیز از آن رو در بهشت ، جاویدان می مانند که در دنیا بر این نیّت بودند که اگر برای همیشه در آن بمانند ، برای همیشه خدا را فرمان برند. پس به سبب نیّت هاست که اینان و آنان ، جاویدان می مانند» .

امام علیه السلام سپس این آیه را تلاوت نمود: «بگو: هر کس طبق شاکله خود ، عمل می کند» و فرمود: «یعنی طبق نیّت خود» .6008.التوحید عن الحسن بن محمّد النّوفلی : امام کاظم علیه السلام : خداوند ، جز کافران و منکِران و گم راهان و مشرکان را در آتش ، جاودانه نمی سازد و مؤمنانی که از گناهان بزرگ دوری کنند، در باره گناهان کوچک بازخواست نمی شوند. خدای تبارک و تعالی فرموده است: «اگر از گناهان بزرگ که از آنها نهی شده اید ، دوری کنید ، بدی های شما را از شما می زداییم و شما را در جایگاهی ارجمند در می آوریم» .

ر . ک : ج 1 ص 579 (بخش یکم : بهشت / فصل پانزدهم / جاودانگی بهشتیان) . 12 / 12کسانی که از آتش خارج می شوندقرآن«و [یاد کن] روزی را که همه آنان را گرد می آورد [و می فرماید:] «ای گروه جنّیان ! از آدمیان ، [پیروان] فراوان یافتید» و هواخواهان آنها از [نوع] انسان می گویند: پروردگارا ! برخی از ما از برخی دیگر بهره برداری کرد و به پایانی که برای ما معیّن کردی ، رسیدیم. [خدا]می فرماید: «جایگاه شما آتش است . در آن ، ماندگار خواهید بود ، مگر آنچه را خدا بخواهد» . آری، پروردگار تو حکیم و داناست».

«امّا کسانی که تیره بخت شده اند، در آتش ، فریاد و ناله ای دارند. تا آسمان ها و زمین برجاست ، در آن ، ماندگار خواهند بود ، مگر آنچه پروردگارت بخواهد؛ زیرا پروردگار تو ، همان کند که می خواهد» .

«آری، جهنّم ، کمینگاهی بوده [و] برای سرکشان، بازگشتگاهی است [که] روزگارانی در آن ، درنگ کنند. در آن جا نه خنکی می چشند و نه شربتی، جز آب جوشان و چرکابه ای. کیفر ما ، مناسب [با جُرم آنها] است . آنان بودند که به [روزِ] حساب ، امید نداشتند و آیات ما را سخت تکذیب می کردند و حال آن که هر چیزی را بر شمرده ، [به صورت] کتابی در آورده ایم. پس بچشید که جز عذاب، هرگز بر شما نمی افزاییم» .

.

الحديث6009.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : لا يَخرُجُ مِنَ النّارِ مَن دَخَلَها حَتّى يَمكُثَ فيها أحقابا، وَالحُقبُ : بِضعٌ وسِتّونَ سَنَةً ، وَالسَّنَةُ ثَلاثُمِئَةٍ وسِتّونَ يَوما، كُلُّ يَومٍ كَأَلفِ سَنَةٍ مِمّا تَعُدّونَ ، فَلا يَتَّكِلَنَّ أحَدٌ أن يَخرُجَ مِنَ النّارِ . (1)6010.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله : الإمام الصادق عليه السلام فى قَولِ اللّهِ عز و جل : «لَابِثِينَ فِيهَا أَحْقَابًا» : اَلأَحقابُ ثَمانِيَةُ أحقابٍ ، وَالحُقبَةُ ثَمانونَ سَنَةً ، وَالسَّنَةُ ثَلاثُمِئَةٍ وسِتّونَ يَوما، وَاليَومُ كَأَلفِ سَنَةٍ مِمّا تَعُدّونَ . (2)6011.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله : مجمع البيان عن حمران : سَأَلتُ أبا جَعفَرٍ عليه السلام عَن هذِهِ الآيَةِ (3) ، فَقالَ : هذِهِ فِى الَّذينَ يَخرُجونَ مِنَ النّارِ . (4)6012.امام على عليه السلام (در ستايش خداوند سبحان) الزهد للحسين بن سعيد عن حمران : قُلتُ لِأبى عَبدِاللّهِ عليه السلام : إنَّهُ بَلَغنا أنَّهُ يَأتى عَلى جَهَنَّمَ

حَتّى يُصطَفَقَ (5) أبوابُها؟! فَقالَ : لا وَاللّهِ ، إنَّهُ الخُلودُ ! قُلتُ : «خَالِدِينَ فِيهَا مَادَامَتِ السَّمَاوَ تُ وَ الْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّکَ» ؟ (6) فَقالَ : هذِهِ فِى الَّذينَ يُخرَجونَ مِنَ النّارِ . (7) .

1- .. مجمع البيان: ج 10 ص 643 عن ابن عمر، بحارالأنوار: ج 8 ص 276؛ الفردوس: ج 4 ص 358 ح 7029 وفيه «بضع وثمانون» بدل «بضع وستّون» عن ابن عمر، كنز العمّال: ج 14 ص 535 ح 39543.
2- .. معانى الأخبار: ص 221 ح 1، بحارالأنوار: ج 8 ص 283 ح 7.
3- .. أى قوله تعالى : «لَّبِثِينَ فِيهَآ أَحْقَابًا» .
4- .. مجمع البيان: ج 10 ص 643، تفسير القمّى: ج 2 ص 402 عن حمران بن أعين عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «لا يخرجون» بدل «يخرجون».
5- .تَصطَفِقُ : أى تَضطَرِبُ (الصحاح : ج 4 ص 1508 «صفق») .
6- .. هود: 107.
7- .. الزّهد للحسين بن سعيد: ص 177 ح 268 ، تفسير العيّاشى: ج 2 ص 160 ح 68 عن حمران عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه، بحارالأنوار: ج 8 ص 346 ح 3.

حدیث6014.امام صادق علیه السلام (در دعا) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کسی که وارد آتش گردد ، از آن خارج نخواهد شد تا آن که چندین حُقب را در آن بماند. حُقب ، شصت و اندی سال است، و سال ، سیصد و شصت روز که هر روزی به اندازه هزار سال از سال هایی است که شما می شمارید. بنا بر این، هیچ کس نباید دل به این خوش کند که از آتش خارج می شود.6015.عنه علیه السلام (فِی الدُّعاءِ) امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای عز و جل : «احقابی را در آن ، درنگ کنند» : احقاب شامل هشت حُقبه است . حُقبه هشتاد سال است و سال ، سیصد و شصت روز که هر روزش به اندازه هزار سال از سال هایی است که شما حساب می کنید .6016.عنه علیه السلام (فِی الدُّعاءِ) مجمع البیان به نقل از حمران : از امام باقر علیه السلام در باره این آیه (1) پرسیدم . فرمود: «این در باره کسانی است که [سرانجام]از آتش خارج می شوند» .6017.الإمام الکاظم علیه السلام : الزهد ، حسین بن سعید به نقل از حمران : به امام صادق علیه السلام گفتم : به ما [حدیث]

رسیده است که جهنّم عمرش به سر می آید ، به طوری که درهایش باد می خورد. (2)

فرمود: «نه به خدا، آن جا ابدی است !» .

گفتم : «تا آسمان ها و زمین برجایند ، در آن ماندگار خواهند بود، مگر آنچه پروردگارت بخواهد» ؟ (3)

فرمود: «این [آیه] ، در باره کسانی است که [سرانجام] از آتش خارج می شوند [و محکوم به عذاب ابدی نشده اند]». .

1- .آیه 23 از سوره نبأ.
2- .کنایه از این که دیگر کسی در جهنّم نمی ماند تا درهایش به روی او بسته شود ، و خالی از جمعیت خواهد شد .
3- .یعنی : پس معنای این آیه که حاکی از عدم جاودانگی است، چه می شود؟

6018.الإمام الباقر والإمام الصادق عليهماالسلام (فى قَولِهِ : {Q} «وَ كُلَّ إِنسَنٍ أَلْزَمْنَ) رسول اللّه صلى الله عليه و آله : يَدخُلُ النّارَ أقوامٌ مِن اُمَّتى حَتّى إذا كانوا حُمَما (1) اُدخِلُوا الجَنَّةَ ، فَيَقولُ أهلُ الجَنَّهِ : مَن هؤُلاءِ؟ فَيُقالُ : هُمُ الجَهَنَّمِيّونَ . (2)6015.امام صادق عليه السلام (در دعا) عنه صلى الله عليه و آله : سَيُخرَجُ ناسٌ مِنَ النّارِ قَدِ احتَرَقوا وكانوا مِثلَ الحُمَمِ ، ثُمَّ لا يَزالُ أهلُ الجَنَّهِ يَرُشّونَ عَلَيهِمُ الماءَ ، حَتّى يَنبُتُونَ نَباتَ الغُثاءِ فِى السَّيلِ . (3)6016.امام صادق عليه السلام (در دعا) عنه صلى الله عليه و آله : يَخرُجُ قَومٌ مِنَ النّارِ فَيَدخُلونَ الجَنَّةَ ، فَيُسَمَّونَ «الجَهَنَّمِيّونَ» فِى الجَنَّهِ ، فَيَدعونَ اللّه َ أن يُحَوِّلَ عَنهُم ذلِکَ الاِسمَ ، فَيَمحُو اللّهُ عَنهُم.
(4)6017.امام كاظم عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : يَخرُجُ قَومٌ مِنَ النّارِ بَعدَما مَسَّهُم مِنها سَفْعٌ (5) ، فَيَدخُلونَ الجَنَّةَ ، فَيُسَمّيهِم أهلُ الجَنَّهِ الجَهَنَّمِيّينَ . (6)6018.امام باقر و امام صادق عليهماالسلام (درباره اين سخن خدا: {Q} «و كارنامه هر انسانى را) عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ قَوما يَخرُجونَ مِنَ النّارِ يَحتَرِقونَ فيها، إلّا داراتُ (7) وُجوهِهِم ، حَتّى

يَدخُلونَ الجَنَّةَ . (8) .

1- .الحُمَمَهُ : الفَحمَهُ ، وجَمعُها حُمَمٌ (النهايه : ج 1 ص 444 «حمم») .
2- .. مسند ابن حنبل: ج 4 ص 251 ح 12260 و ص 508 ح 13679، الزهد لابن المبارک: ص 447 ح 1267، نوادر الاُصول: ج 1 ص 300 كلّها عن أنس، كنز العمّال: ج 14 ص 514 ح 39447.
3- .. مسند ابن حنبل: ج 4 ص 179 ح 11855 و ص 96 ح 11441 نحوه، مسند أبى يعلى: ج 2 ص 86 ح 1249 كلّها عن أبى سعيد الخدرى، كنز العمّال: ج 14 ص 512 ح 39441.
4- .. المعجم الكبير: ج 20 ص 425 ح 1027، المعجم الأوسط: ج 5 ص 346 ح 5507 كلاهما عن المغيره بن شعبه، كنز العمّال: ج 14 ص 513 ح 39445.
5- .. سَفَعَتهُ النّار: إذا نفحته نفحا يسيرا فغيّرت لون البَشَرَه (مجمع البحرين: ج 2 ص 851 «سفح»).
6- .. صحيح البخارى: ج 5 ص 2400 ح 6191، مسند ابن حنبل: ج 4 ص 270 ح 12378 وفيه «سفع من النار» و كلاهما عن أنس، كنز العمّال: ج 14 ص 506 ح 39427.

7- .. دَارَات: جمع دَارَه وهو ما يحيط بالوجه من جوانبه (النهايه: ج 2 ص 139 «دور»).
8- .. صحيح مسلم: ج 1 ص 178 ح 319، مسند ابن حنبل: ج 5 ص 133 ح 14834 كلاهما عن جابر، كنز العمّال: ج 14 ص 503 ح 39420.

6019.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مردمانی از امّت من ، وارد آتش می شوند و هنگامی که زغال شدند ، آنها را به بهشت خواهند برد . اهل بهشت می گویند: اینها کیستند؟

گفته می شود: «اینان جهنّمیان اند» .6020.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مردمی که در آتشْ سوخته و چون زغال شده اند، به زودی ، از آتش خارج می شوند . آن گاه ، اهل بهشت پیوسته بر آنان آب می پاشند تا این که مانند بالا آمدن کف و خاشاک در سیلاب، [گوشت و پوست آنها]می رویند .6021.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : گروهی از آتش ، رهایی می یابند و به بهشت می آیند و در بهشت ، به آنان «جهنّمیان» می گویند. آنها از خدا می خواهند که نام ایشان را تغییر دهد، و خدا هم آن نام را از ایشان می زداید .6022.عنه صلی الله علیه و آله (فِی الشّاهِ المَسمومَهِ الَّتی أکَلَ مِنها) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : گروهی پس از آن که اندکی در آتش می سوزند، از آن خارج می شوند و به بهشت می روند . بهشتیان آنها را «جهنّمیان» می نامند.6023.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : گروهی در آتش می سوزند و تنها دور صورت آنها سالم می ماند .

اینان [سرانجام] از آتش خارج می شوند و به بهشت می روند. .

6024.عنه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ أقواما سَيَخرُجونَ مِنَ النّارِ قَد أصابَهُم سَفْعٌ مِنَ النّارِ عُقوبَةً بِذُنوبٍ عَمِلوها ، لَيُخرِجُهُمُ اللّهُ بِفَضلِ رَحمَتِهِ فَيَدخُلونَ الجَنَّةَ . (1)6019.پیامبر خدا صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : يُعَذَّبُ ناسٌ مِن أهلِ التَّوحيدِ فِى النّارِ حَتّى يَكونوا فيها حُمَما ، ثُمَّ تُدرِكُهُمُ الرَّحمَةُ ، فَيُخرَجونَ ويُطرَحونَ عَلى أبوابِ الجَنَّةِ ، قالَ : فَتَرُشُّ عَلَيهِم أهلُ الجَنَّةِ الماءَ ، فَيَنبُتونَ كَما يَنبُتُ الغُثاءُ (2) فى حَمالَةِ السَّيلِ ، ثُمَّ يَدخُلونَ الجَنَّةَ . (3)6020.پیامبر خدا صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : إذا فَرَغَ اللّهُ مِنَ القَضاءِ بَينَ العِبادِ ، وأرادَ أن يُخرِجَ بِرَحمَتِهِ مَن أرادَ مِن أهلِ النّارِ ، أمَرَ المَلائِكَةَ أن يُخرِجوا مِنَ النّارِ مَن كانَ لا يُشرِكُ بِاللّهِ شَيئا مِمَّن أرادَ اللّهُ تَعالى أن يَرحَمَهُ ، مِمَّن يَقولُ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ» ، فَيَعرِفونَهُم فِى النّارِ ، يَعرِفونَهُم بِأثَرِ السُّجودِ تَأكُلُ النّارُ مِنِ ابنِ آدَمَ إلّا أثَرَ السُّجودِ ؛ حَرَّمَ اللّهُ عَلَى النّارِ أن تَأكُلَ أثَرَ السُّجودِ فَيُخرَجونَ مِنَ النّارِ وقَدِ امتَحَشوا (4) ، فَيُصَبُّ عَلَيهِمُ ماءُ الحَياهِ ، فَيَنبُتونَ مِنهُ كَما تَنبُتُ الحَبَّةُ فِى حَميلِ السَّيلِ .

ثُمَّ يَفرُغُ اللّهُ تَعالى مِنَ القَضاءِ بَينَ العِبادِ ، ويَبقى رَجُلٌ مُقبِلٌ بِوَجهِهِ عَلَى النّارِ ،

وهُوَ آخِرُ أهلِ الجَنَّةِ دُخولاً الجَنَّةَ ، فَيَقولُ : أى رَبِّ ! اِصرِف وَجهى عَنِ النّارِ ، فَإِنَّهُ قَد قَشَبَنى (5) ريحُها ، وأحرَقَنى ذُكاؤُها. (6) فَيَدعُو اللّهَ ما شاءَ اللّهُ أن يَدَعوهُ .

ثُمَّ يَقولُ اللّهُ تَبارَكَ و تَعالى : هَل عَسَيتَ إن فَعَلتُ ذلِكَ بِكَ أن تَسأَلَ غَيرَهُ؟ فَيَقولُ : لا أسأَلُكَ غَيرَهُ ! ويُعطى رَبَّهُ مِن عُهودٍ ومَواثيقَ ما شاءَ اللّهُ . فَيَصرِفُ اللّهُ وَجهَهُ عَنِ النّارِ . (7) .

1- .. مسند ابن حنبل: ج 4 ص 325 ح 12662 و ص 268 ح 12364، صحيح البخارى: ج 6 ص 2712 ح 7012 كلاهما نحوه وكلّها عن أنس، كنز العمّال: ج 14 ص 506 ح 39426.
2- .. الغُثَاء: ما يجىء فوق السيل ممّا يحمله من الزيد والوسخ، ويريد: ما احتمله السيل من البزورات (النهايه: ج 3 ص 343 «غثا»).
3- .. سنن الترمذى: ج 4 ص 713 ح 2597، مسند ابن حنبل: ج 5 ص 202 ح 15200 وفيه «جميعا فيها» بدل «فيها حمما» و ج 4 ص 154 ح 11732

نحوه وكلّها عن جابر، كنز العمّال: ج 14 ص 505 ح 39425.
4- .اِمتَحَشوا : أی احتَرَقوا (النهایه : ج 4 ص 302 «محش») .
5- .قَشَبَنی : أی سَمّنی (النهایه : ج 4 ص 64 «قشب») .
6- .. الذّکاء: شِدّه وهج النار واشتعالها (مجمع البحرین: ج 1 ص 642 «ذکا»).
7- .. صحیح مسلم: ج 1 ص 165 ح 299، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 148 ح 7932 ولیس فیه «ثمّ یفرغ اللّه تعالی من القضاء بین العباد»، السنن الکبری: ج 10 ص 72 ح 19894 نحوه وکلّها عن أبی هریره، الدّر المنثور: ج 8 ص 351.

6021.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : گروهی، پس از آن که به کیفر گناهانشان ، اندکی در آتش می سوزند، از آن خارج خواهند شد . خداوند به برکت رحمت خود ، آنها را بیرون می آورد و وارد بهشت می شوند.6022.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (درباره گوسفند مسمومی که از آن خورد) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مردمانی از اهل یکتاپرستی ، چنان در آتش ، عذاب می شوند که به صورت زغال در می آیند . سپس رحمت[خداوند] ، آنان را در می یابد و از آتش بیرون آورده و جلو درهای بهشت افکنده می شوند.

پس، بهشتیان بر آنها آب می پاشند و بر اثر آن ، [گوشت و پوست آنها]می رویند ، همچنان که تخم های موجود در خس و خاشاکِ سیلاب می رویند . سپس وارد بهشت خواهند شد .6023.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه خداوند از داوری میان بندگان فارغ شود و بخواهد به رحمت و لطف خویش ، هر که را خواست ، از آتش بیرون آورَد، به فرشتگان دستور می دهد تا کسانی را که به خدا هیچ شرک نورزیده اند و خدای متعال می خواهد که بر آنان رحمت آورد ، از آتش بیرون آورند ؛ یعنی کسانی را که می گویند: «خدایی جز خدای یکتا نیست» . اینان را در آتش می شناسند ؛ از اثر سجده هایشان ، آنان را می شناسند . آتش همه جای بدن آدمی را می خورد ، مگر ردّ سجده را ؛ چرا که خدا بر آتش حرام و قدغن کرده است که ردّ سجده را بسوزاند.

آری، این گونه کسان در حالی که کاملاً سوخته اند ، از آتش بیرون آورده می شوند و بر آنان آب زندگانی می ریزند که بر اثر آن می رویند ، چنان که دانه در خس و خاشاک سیل می روید.

آن گاه ، خداوند بزرگ ، داوری در باره بندگان را به پایان می برد و تنها یک مرد

می ماند که روی به سوی آتش دارد، و او آخرین بهشتی ای است که وارد بهشت می شود. می گوید : پروردگارا ! صورتم را از آتش بگردان که بادِ آن ، بیچاره ام ساخت و سوزش آن مرا سوزاند .

او تا مدّتی طولانی ، خدا را می خواند. خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «اگر این کار را با تو بکنم ، ممکن است باز خواهش دیگری کنی». او می

گوید: خواهشی دیگر ، از تو نخواهم کرد .

و به پروردگارش عهدها و پیمان ها می دهد [که خواهش دیگری نکند] و خدا صورتش را از آتش بر می گرداند. .

6024.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه صلی الله علیه و آله : وَالَّذی بَعَثَنی بِالحَقِّ بَشیرا ! لا یُعَذِّبُ اللّهُ بِالنّارِ مُوَحِّدا أبَدا ، وإنَّ أهلَ التَّوحیدِ لَیَشفَعونَ فَیُشَفَّعونَ .

ثُمَّ قالَ علیه السلام : إنَّهُ إذا کانَ یَومُ القِیامَهِ ، أمَرَ اللّهُ تَبارَکَ وتَعالی بِقَومٍ ساءَت أعمالُهُم فی دارِ الدُّنیا إلَی النّارِ ، فَیَقولونَ : یا رَبَّنا ! کَیفَ تُدخِلُنَا النّارَ وقَد کُنّا نُوَحِّدُکَ فی دارِ الدُّنیا؟ وکَیفَ تُحرِقُ بِالنّارِ ألسِنَتَنا وقَد نَطَقَت بِتَوحیدِکَ فی دارِ الدُّنیا؟ وکَیفَ تُحرِقُ قُلوبَنا وقَد عَقَدَت عَلی أن لا إلهَ إلّا أنتَ؟ أم کَیفَ تُحرِقُ وُجوهَنا وقَد عَفَّرناها لَکَ فِی التُّرابِ؟ أم کَیفَ تُحرِقُ أیدِیَنا وقَد رَفَعناها بِالدُّعاءِ إلَیکَ؟ !

فَیَقولُ اللّهُ جَلَّ جَلالُهُ : عِبادی ! ساءَت أعمالُکُم فی دارِ الدُّنیا ، فَجَزاؤُکُم نارُ جَهَنَّمَ .

فَیَقولونَ : یا رَبَّنا ! عَفوُکَ أعظَمُ أم خَطیئَتُنا؟ فَیَقولُ عز و جل : بَل عَفوی . فَیَقولونَ : رَحمَتُکَ أوسَعُ أم ذُنوبُنا؟ فَیَقولُ عز و جل : بَل رَحمَتی . فَیَقولونَ : إقرارُنا بِتَوحیدِکَ أعظَمُ أم ذُنوبُنا؟ فَیَقولُ عز و جل : بَل إقرارُکُم بِتَوحیدی أعظَمُ . فَیَقولونَ : یا رَبَّنا فَلیَسَعنا عَفوُکَ

ورَحمَتُکَ الَّتی وَسِعَت کُلَّ شَیءٍ .

فَیَقولُ اللّهُ جَلَّ جَلالُهُ : مَلائِکَتی وعِزَّتی وجَلالی ما خَلَقتُ خَلقا أحَبَّ إلَیَّ مِنَ المُقِرّینَ بِتَوحیدی وأن لا إلهَ غَیری ، وحَقٌّ عَلَیَّ أن لا أُصلِیَ بِالنّارِ أهلَ تَوحیدِی . أدخِلوا عِبادِیَ الجَنَّهَ . (1) .

1- .. التوحید: ص 29 ح 31، الأمالی للصدوق: ص 372 ح 469 کلاهما عن ابن عبّاس، روضه الواعظین: ص 51، بحارالأنوار: ج 3 ص 1 ح 1.

6152.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سوگند به آن که مرا به حق ، بشارت دهنده فرستاد، خداوند ، هیچ یکتاپرستی را هرگز [یا: برای همیشه و تا ابد] با آتش ، عذاب نمی کند . یکتاپرستان شفاعت می کنند و شفاعتشان پذیرفته می شود.

چون روز رستاخیز شود ، خداوند تبارک و تعالی دستور می دهد گروهی را که در دنیا کردارهایشان بد بوده است ، به آتش ببرند. آنان می گویند : پروردگارا ! چگونه ما را به آتش می بری ، حال آن که ما در دنیا تو را یکتا می دانستیم؟ و چگونه زبان های ما را با آتش می سوزانی ، در حالی که در دنیا از یکتاییِ تو سخن گفته اند؟ و چگونه دل های ما را می سوزانی ، حال آن که به این که خدایی جز تو نیست ، ایمان داشته اند؟ یا چگونه چهره های ما را می سوزانی ، در حالی که آنها را برای تو بر خاک می نهادیم؟ یا چگونه دست هایمان را می سوزانی ، در حالی که آنها را به دعا ، به سوی تو بر می داشتیم؟

پس خداوند عز و جل می فرماید: «بندگان من ! کردارهای شما در دنیا بد بود و سزای شما آتش جهنّم است».

می گویند : پروردگارا ! بخشایش تو بزرگ تر است یا خطای ما؟

خدای تبارک و تعالی می فرماید: «البتّه که بخشایش من» .

می گویند : رحمت تو پهناورتر است یا گناهان ما؟

خداوند عز و جل می فرماید: «البتّه که رحمت من» .

می گویند : اقرار ما به یکتاییِ تو ، بزرگ تر است یا گناهانمان؟

خدای متعال می فرماید: «البتّه که اقرار شما به یکتاییِ من» .

می گویند : پروردگارا ! پس بخشایش و رحمت تو که همه چیز را در بر گرفته است ، باید ما را نیز در بر بگیرد .

خداوند عز و جل می فرماید: «فرشتگان من ! به عزّت و جلالم سوگند ، هیچ مخلوقی نیافریدم که نزد من ، محبوب تر از کسانی باشد که به یکتاییِ

من و این که خدایی جز من نیست ، اقرار داشته باشند، و بر من است که اهل توحیدم را به آتش نبرم . ای بندگان من ! به بهشت وارد شوید» . .

6151.الإمام علىّ عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ رَجُلَينِ مِمَّن دَخَلَ النّارَ اشتَدَّ صِياحُهُما ، فَقالَ الرَّبُّ عز و جل : أخرِجوهُما ، فَلَمّا أُخرِجا قالَ لَهُما : لِأَيِ شَيءٍ اشتَدَّ صِياحُكُما ، قالا : فَعَلنا ذلِکَ لِتَرحَمَنا . قالَ : إنَّ رَحمَتى لَكُما أن تَنطَلِقا فَتُلقِيا أنفُسَكُما حَيثُ كُنتُما مِنَ النّارِ ! فَيَنطَلِقانِ فَيُلقى أحَدُهُما نَفسَهُ ، فَيَجعَلُها عَلَيهِ بَردا وسَلاما . ويَقومُ الآخَرُ فَلا يُلقى نَفسَهُ ، فَيَقولُ لَهُ الرَّبُّ عز و جل : ما مَنَعَکَ أن تُلقِيَ نَفسَکَ كَما ألقى صاحِبُکَ؟ فَيَقولُ : يا رَبِّ ! إنّى لَأرجو ألّا تُعيدَنى فيها بَعدَما أخرَجتَنى . فَيَقولُ لَهُ الرَّبُّ : لَکَ رَجاؤُکَ . فَيَدخُلانِ جَميعا الجَنَّةَ بِرَحمَةِ اللّهِ . (1)6150.صحيح مسلم عن أبى هريره : عنه صلَى الله عليه و آله : إنَّهُ إذا كانَ يَومُ القِيامَةِ وسَكَنَ أهلُ الجَنَّةِ الجَنَّةَ وأهلُ النّارِ النّارَ ، مَكَثَ عَبدٌ فِى النّارِ سَبعينَ خَريفا وَالخَريفُ سَبعونَ سَنَةً ثُمَّ إنَّهُ يَسأَلُ اللّهَ عز و جل ويُناديهِ فَيَقولُ : يا رَبِّ ! أسأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وأهلِ بَيتِهِ لَمّا رَحِمتَنى . فَيُوحِى اللّهُ جَلَّ جَلالُهُ إلى جَبرَئيلَ عليه السلام : اِهبِط إلى عَبدى فَأخرِجهُ . فَيَقولُ جَبرَئيلُ : وكَيفَ لى بِالهُبوطِ فِى النّارِ ؟ فَيَقولُ اللّهُ تَبارَکَ وتَعالَى : إنّى قَد أمَرتُها أن تَكونَ عَلَيکَ بَردا وسَلاما . قالَ : فَيَقولُ : يا رَبِّ ! فَما عِلمى بِمَوضِعِهِ؟ فَيَقولُ : إنَّهُ فى جُبٍّ مِن سِجّينٍ .

فَيَهبِطُ جَبرَئيلُ عليه السلام إلَى النّارِ فَيَجِدُهُ مَعقولاً عَلى وَجهِهِ ، فَيُخرِجُهُ ، فَيَقِف بَينَ يَدَيِ

اللّهِ عز و جل ، فَيَقولُ اللّهُ تَعالى : يا عَبدى ! كَم لَبِثتَ فِى النّارِ تُناشِدُنى؟ فَيَقولُ : يا رَبِّ ! ما أحصيهِ . فَيَقولُ اللّهُ عز و جل لَهُ : أما وعِزَّتى وجَلالى ، لَولا ما سَأَلتَنى بِحَقِّهِم عِندى لَأطَلتُ هَوانَکَ فِى النّارِ ، ولكِنَّهُ حَتمٌ عَلى نَفسى أن لا يَسأَلَنى عَبدٌ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وأهلِ بَيتِهِ إلّا غَفَرتُهُ لَهُ ما كانَ بَينى وبَينَهُ ، وقَد غَفَرتُ لَکَ اليَومَ . ثُمَّ يُؤمَرُ بِهِ إلَى الجَنَّهِ . (2) .

1- .. سنن الترمذى: ج 4 ص 714 ح 2599، الزهد لابن المبارک (الملحقات): ص 123 ح 410، حسن الظن باللّه لابن أبى الدنيا: ص 57 ح 59 كلّها عن أبى هريره، كنز العمّال: ج 14 ص 666 ح 39796.
2- .. الأمالى للمفيد: ص 218 ح 6 عن جابر عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام ، بحارالأنوار: ج 27 ص 312 ح 5.

6149.امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دو مرد از آنان که به آتش می روند ، فریادی سخت بر می آورند. پروردگار عز و جلمی فرماید: «آن دو را بیرون آورید» . چون بیرون آورده می شوند، به آنها می فرماید: «برای چه چنین فریادی سخت بر آوردید؟» .

می گویند : چنین کردیم تا بر ما رحم آوری.

خداوند می فرماید: «رحم من به شما ، این است که بروید و خود را در هر جای آتش که بودید ، بیندازید» .

آن دو می روند و یکی از آنها خود را می اندازد و خداوند ، آن مکان را بر او سرد و بی گزند می سازد ؛ ولی دیگری می ایستد و خود را نمی اندازد. خداوند عز و جلبه او می فرماید: «چرا تو، مانند دوستت ، خود را نیفکندی؟» .

می گوید : پروردگارا ! امیدم این بود که بعد از بیرون آوردنم، دیگر مرا به آن باز نگردانی. خداوند به او می فرماید: «امیدت برآورده شد» . پس هر دو، به لطف و رحمت خدا، وارد بهشت می شوند .6148.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : چون روز رستاخیز شود و بهشتیان در بهشت و دوزخیان در دوزخ جای گیرند، بنده ای تا هفتاد پاییز که هر پاییز ، هفتاد سال است ، در آتش می ماند . سپس ، از خدای عز و جلدرخواست می کند و او را می خواند و می گوید: پروردگارا ! به حقّ محمّد و خاندانش ، از تو می خواهم تا بر من رحم آوری.

خداوند عز و جل به جبرئیل علیه السلام وحی می کند که: «به سوی بنده ام فرود بیا و او را [از آتش] بیرون آور» .

جبرئیل علیه السلام می گوید: چگونه من به میان آتش روم؟

خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «من به آتش فرمان داده ام که برای تو ، سرد و بی گزند شود» .

جبرئیل علیه السلام می گوید: پروردگارا ! جای او را نمی دانم.

خداوند می فرماید: «او درون چاهی است در سجّین» .

جبرئیل علیه السلام به سوی آتش فرود می آید و او را به رو افکنده ، می یابد. پس،

بیرونش می آورد و او در برابر خداوند عز و جل می ایستد. خدای متعال به او می فرماید: «ای بنده من! چه مدّت است که در آتش ، مرا سوگند می دهی؟» .

می گوید: پروردگارا ! حسابش را ندارم.

خدای عز و جل می فرماید: به عزّت و جلالم سوگند که اگر به حقّ آنان ، از من درخواست نمی کردی ، بی گمان ، خواریِ تو را در آتش به درازا می کشاندم ؛ ولی بر خویش لازم ساخته ام که هر بنده ای به حقّ محمّد و خاندانش از من درخواستی کند ، گناهانی را که میان من و او بوده است ، بر وی ببخشایم . امروز نیز تو را بخشیدم» .

سپس امر می شود که او را به بهشت ببرند . .

6147.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه صلی الله علیه و آله : لَيَخرُجَنَّ قَومٌ مِن اُمَّتی مِنَ النّارِ بِشَفاعَتی ، يُسَمَّونَ : «جَهَنَّمِيّونَ» . (1)6146.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه صلی الله علیه و آله : يَخرُجُ قَومٌ مِنَ النّارِ بِشَفاعَهِ مُحَمَّدٍ فَيَدخُلونَ الجَنَّهَ ، يُسَمَّونَ الجَهَنَّمِيّينَ . (2)6145.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه صلی الله علیه و آله : يُحمَلُ النّاسُ عَلَى الصِّراطِ يَومَ القِيامَهِ ، فَتُقادِعُ (3) بِهِم جَنبَهُ الصِّراطِ تَقادُعَ الفِراشِ فِى النّارِ ، فَيُنجِى اللّهُ تَبارَكَ وتَعالى بِرَحمَتِهِ مَن يَشاءُ ، ثُمَّ يُؤذَنُ لِلمَلائِكَهِ وَالنَّبِيّينَ وَالشُّهَداءِ أن يَشفَعوا ؛ فَيَشفَعونَ ويُخرِجونَ ، ويَشفَعونَ ويُخرِجونَ ، ويَشفَعونَ ويُخرِجونَ ، ويَشفَعونَ ويُخرِجونَ مَن كانَ فى قَلبِهِ ما يَزِنُ ذَرَّهً مِن إيمانٍ . (4)6149.الإمام علىّ عليه السلام : عنه صلى الله علَيه و آله : ما مِن مُؤمِنٍ دَعا لِلمُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ إلّا رَدَّ اللّهُ عز و جل عَلَيهِ مِثلَ الَّذى دَعا لَهُم بِهِ مِن كُلِّ مُؤمِنٍ ومُؤمِنَهٍ مَضى مِن أوَّلِ الدَّهرِ أو هُوَ آتٍ إلى يَومِ القِيامَهِ . إنَّ العَبدَ لَيُؤمَرُ بِهِ إلَى النّارِ يَومَ القِيامَهِ فَيُسحَبُ ، فَيَقولُ المُؤمِنونَ وَالمُؤمِناتُ : يا رَبِّ ! هذَا الَّذى

كانَ يَدعو لَنا ، فَشَفِّعنا فيهِ . فَيُشَفِّعُهُمُ اللّهُ عز و جل فيهِ ، فَيَنجو. (5) .

1- .. سنن الترمذى: ج 4 ص 715 ح 2600، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1443 ح 4315، صحيح البخارى: ج 5 ص 2401 ح 6198، سنن أبى داود : ج 4 ص 236 ح 4740 كلاهما نحوه، مسند ابن حنبل: ج 7 ص 209 ح 19918 وليس فيه «من اُمّتى» وكلّها عن عمران بن حصين، كنز العمّال: ج 14 ص 401 ح 39068.
2- .. صحيح البخارى : ج 5 ص 2401 ح 6198 ، سنن أبى داود : ج 4 ص 236 ح 4740 ، مسند ابن حنبل : ج 7 ص 209 ح 19918 ، سنن الترمذى : ج 4 ص 715 ح 2600 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1443 ح 4315 كلاهما نحوه وكلّها عن عمران بن حصين، كنز العمّال : ج 14 ص 506 ح 39428 .
3- .. أى فتسقطهم فيها بعضهم فوق بعض (النهايه: ج 4 ص 24 «قدع»).
4- .. مسند ابن حنبل: ج 7 ص 319 ح 20462، المعجم الصغير: ج 2 ص 57، المصنّف لابن أبى شيبه: ج 8 ص 104 ح 77 وفيهما «جنبتا» بدل «جنبه»، التاريخ الكبير: ج 8 كتاب الكنى ص 37 الرقم 328 نحوه وكلّها عن أبى بكره، كنز العمّال: ج 14 ص 387 ح 39037.
5- .. الكافى: ج 2 ص 508 ح 5 عن حسين بن علوان عن الإمام الصادق، ثواب الأعمال: ص 194 ح 4 عن محمد بن حمّاد الحارثى عن الإمام الصادق

عن أبيه عليهماالسلامعنه صلى الله عليه و آله ، الأمالى للطوسى: ص 481 ح 1051 عن أبى بصير عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، الأمالى للصدوق: ص 541 ح 724 عن الحسين بن علوان عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله وكلا هما نحوه، عدّه الداعى: ص 171 عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحارالأنوار: ج 93 ص 385 ح 10.

6148.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : به راستی ، گروهی از امّتم با شفاعت من ، از آتش خارج می شوند که به آنان «جهنّمیان» می گویند.6147.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : گروهی با شفاعت محمّد از آتش بیرون می آیند و به بهشت می روند . اینان را «جهنّمیان» می خوانند .6146.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در روز قیامت، مردم را از صراط می گذرانند و آنان مانند پروانه هایی که در آتش فرو می ریزند، از لبه صراط به دوزخ فرو می افتند ؛ ولی خداوند تبارک و تعالی کسانی را که خود بخواهد ، به رحمت خویش نجات می دهد.

سپس به فرشتگان و پیامبران و شهیدان اجازه می دهد که شفاعت کنند و آنها شفاعت می کنند و [گروهی دیگر را]بیرون می آورند . باز شفاعت می کنند و بیرون می آورند، و باز شفاعت می کنند و بیرون می آورند، و کسی را که در دلش به اندازه ذرّه ای ایمان باشد ، شفاعت می کنند و بیرون می آورند .6145.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ مؤمنی نیست که برای مردان و زنان مؤمن دعا کند ، مگر آن که خداوند عز و جل همانند آنچه برای آنها دعا کرده است، از جانب هر مرد و زن مؤمنی که از آغاز روزگار بوده یا تا روز قیامت خواهد آمد، به او بر می گرداند.

در روز قیامت ، دستور می رسد که بنده را به آتش برند و حسابرسی شود؛ امّا مردان و زنان مؤمن می گویند: «پروردگارا ! این همان کسی است که برای ما دعا

می کرد . پس شفاعت ما را در حقّ او بپذیر» و خداوند عز و جل هم شفاعتشان را در باره او می پذیرد و آن بنده نجات می یابد. .

6144.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه صلی الله علیه و آله : یَقولُ الرَّجُلُ مِن أهلِ الجَنَّهِ یَومَ القِیامَهِ : أی رَبِّ ! عَبدُکَ فُلانٌ سَقانی شَربَهً مِن ماءٍ فِی الدُّنیا ، فَشَفِّعنی فیهِ . فَیَقولُ : اذهَب فَأخرِجهُ مِنَ النّارِ . فَیَذهَبُ فَیَتَجَسَّسُ فِی النّارِ حَتّی یُخرِجَهُ مِنها. (1)6143.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه صلی الله علیه و آله : یَخرُجُ مِنَ النّارِ مَن کانَ فی قَلبِهِ مِثقالُ ذَرَّهٍ مِنَ الإیمانِ . (2)6142.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه صلی الله علیه و آله : یَخرُجُ مِنَ النّارِ مَن قالَ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ» ، وکانَ فی قَلبِهِ ما یَزِنُ ذَرَّهً مِن إیمانٍ . (3)6141.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه صلی الله علیه و آله : یَقولُ اللّهُ عز و جل : أخرِجوا مِنَ النّارِ مَن قالَ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ» ، وفی قَلبِهِ مِثقالُ ذَرَّهٍ مِنَ الإیمانِ . أخرِجوا مِنَ النّارِ مَن قالَ : «لا إلهَ إلَا اللّهُ» ، أو ذَکَرَنی أو خافَنی فی مَقامٍ . (4)6140.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه صلی الله علیه و آله : یَقولُ اللّهُ عز و جل : أخرِجوا مِنَ النّارِ مَن کانَ فی قَلبِهِ مِقدارُ حَبَّهٍ مِن خَردَلٍ إیمانا. ثُمَّ یَقولُ : وعِزَّتی وجَلالی ! لا أجعَلُ مَن آمَنَ بی ساعَهً مِن لَیلٍ أو نَهارٍ مَعَ مَن لَم یُؤمِن بی. (5)6139.امام رضا علیه السلام : عنه صلی الله علیه و آله : إذا دَخَلَ أهلُ الجَنَّهِ الجَنَّهَ وأهلُ النّارِ النّارَ یَقولُ اللّهُ : مَن کانَ فی قَلبِهِ مِثقالُ

حَبَّهٍ مِن خَردَلٍ مِن إیمانٍ فَأَخرِجوهُ . فَیُخرَجونَ قَدِ امتَحَشوا وعادوا حُمَما، فَیُلقَونَ فی نَهرِ الحَیاهِ ، فَیَنبُتونَ کَما تَنبُتُ الحَبَّهُ فی حَمیلِ السَّیلِ ... أَلَم تَرَوا أنَّها تَخرُجُ صَفراءَ مُلتَوِیَهً ؟! (6) .

1- .. مجمع البیان: ج 10 ص 592 عن الحسن، بحارالأنوار: ج 8 ص 33.
2- .. سنن الترمذی: ج 4 ص 714 ح 2598 عن أبی سعید الخدری.
3- .. حلیه الأولیاء: ج 2 ص 262 عن أبی سعید الخدری وراجع المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 629 ح 8738 .
4- .. المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 141 ح 234 عن أنس.
5- .. إرشاد القلوب: ص 107، المعجم الصغیر: ج 2 ص 41 عن أنس وفیه «مثقال» بدل «مقدار».
6- .. صحیح البخاری : ج 5 ص 2400 ح 6192 و ج 1 ص 16 ح 22 ولیس فیه «وعادوا حُمَما» ، صحیح مسلم : ج 1 ص 172 ح 304 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 112 ح 11533 کلّها عن أبی سعید الخدری، کنز العمّال : ج 14 ص 505 ح 39424 .

6144.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مرد بهشتی، در روز قیامت می گوید: پروردگارا ! فلان بنده ات در دنیا جرعه ای آب به من نوشاند . پس شفاعت مرا در باره اش بپذیر.

خداوند می فرماید: «برو و او را از آتش بیرون آور».

او می رود و در آتش جستجو می کند تا این که آن بنده را از آن جا بیرون می آورد .6143.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آن که در دلش به اندازه ذرّه ای ایمان باشد، از آتش خارج می شود.6142.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کسی که بگوید: «خدایی جز خدای یکتا نیست» و در دلش به وزن ذرّه ای ایمان وجود داشته باشد، [سرانجام] از آتش خارج می شود.6141.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خدای عز و جل می فرماید: «هر کس را که "لا إله إلّا اللّه" گفته و به اندازه ذرّه ای ایمان در دل او بوده است ، از آتش بیرون آورید. هر کس را که "لا إله إلّا اللّه" گفته یا مرا یاد کرده یا در جایی از من ترسیده [و گناه نکرده]است ، از آتش بیرون آورید».6140.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خدای عز و جل می فرماید: «هر که را به اندازه دانه خردلی ایمان در دل اوست، از آتش بیرون آورید» . سپس می فرماید: «به عزّت و جلالم سوگند ، کسی را که یک ساعت از شب یا روزی را به من ایمان آورده است ، با کسی که [هرگز]به من ایمان نیاورده است ، [در یک جایگاه] قرار نمی دهم».6139.الإمام الرضا علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آن گاه که بهشتیان به بهشت رفتند و دوزخیان به آتش، خداوند می فرماید: «کسی را که در دلش به وزن دانه خردلی ایمان هست ، بیرون آورید».

پس [برخی] در حالی که سوخته اند و تبدیل به زغال شده اند، بیرون آورده می شوند و آنها را در «نهر زندگانی» می افکنند که بر اثر آن ، همان گونه خواهند رویید که تخم های موجود در خس و خاشاکِ سیلاب می رویند... . آیا ندیده اید که این تخم ها [چه سان] زرد و در هم پیچیده می رویند ؟ .

6138.امام صادق عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : إنّى لَأَوَّلُ النّاسِ تَنشَقُّ الأَرضُ عَن جُمجُمَتى يَومَ القِيامَهِ ولا فَخرَ ، واُعطى لِواءَ الحَمدِ ولا فَخرَ ، وأنَا سَيِّدُ النّاسِ يَومَ القِيامَهِ ولا فَخرَ ، وأنَا أوَّلُ مَن يَدخُلُ الجَنَّهَ يَومَ القِيامَهِ ولا فَخرَ ، وآتى بابَ الجَنَّهِ فَآخُذُ بِحَلقَتِها فَيَقولونَ : مَن هذا؟ فَأقولُ : أنَا مُحَمَّدٌ ، فَيُفَتِّحونَ لى ، فَأدخُلُ فَأجِدُ الجَبّارَ مُستَقبِلى ، فَأسجُدُ لَهُ فَيَقولُ : ارفَعْ رَأسَکَ يا مُحَمَّدُ ، وتَکَلَّم يُسمَع مِنکَ ، وقُلْ يُقبَل مِنکَ ، وَاشفَعْ تُشَفَّع .

فَأَرفَعُ رَأسى، فَأقولُ : اُمَّتى اُمَّتى ، يا رَبِّ !

فَيَقولُ : اِذهَبْ إلى اُمَّتِکَ ، فَمَن وَجَدتَ فى قَلبِهِ مِثقالَ حَبَّهٍ مِن شَعيرٍ مِنَ الإيمانِ فَأَدخِلهُ الجَنَّهَ . فَأذهَبُ فَمَن وَجَدتُ فى قَلبِهِ مِثقالَ ذلِکَ أدخَلتُهُمُ الجَنَّهَ ، فَأجِدُ الجَبّارُ مُستَقبِلى ، فَأسجُدُ لَهُ ، فَيَقولُ : ارفَع رَأسَکَ يا مُحَمَّدُ ، وتَکَلَّم يُسمَع مِنکَ ، وقُلْ يُقبَل مِنکَ ، وَاشفَعْ تُشَفَّع .

فَأَرفَعُ رَأسى ، فَأقولُ : اُمَّتى اُمَّتى ، يا رَبِّ !

فَيَقولُ : اِذهَب إلى اُمَّتِکَ ، فَمَن وَجَدتَ فى قَلبِهِ مِثقالَ حَبَّهٍ مِن خَردَلٍ مِنَ الإيمانِ فَأدخِلهُ الجَنَّهَ . فَأذهَبُ فَمَن وَجَدتُ فى قَلبِهِ مِثقالَ ذلِکَ أدخَلتُهُمُ الجَنَّهَ .

وفُرِغَ مِن حِسابِ النّاسِ ، واُدخِلَ مَن بَقِىَ مِن اُمَّتى فِى النّارِ مَعَ أهلِ النّارِ ، فَيَقولُ أهلُ النّارِ : ما أغنى عَنکُم أنَّکُم کُنتُم تَعبُدونَ اللّهَ ولا تُشرِکونَ بِهِ شَيئا؟ !

فَيَقولُ الجَبّارُ : فَبِعِزَّتى لَاُعتِقَنَّهُم مِنَ النّارِ ! فَيَرسِلُ إلَيهِم ، فَيُخرَجونَ مِنَ النّارِ وقَدِ امتَحَشوا، فَيُدخَلونَ فى نَهرِ الحَياهِ ، فَيَنبُتونَ فيهِ کَما تَنبُتُ الحَبَّهُ فى غُثاءِ السَّيلِ ، ويُکتَبُ بَينَ أعيُنِهِم : «هؤُلاءِ عُتَقاءُ اللّهِ» ، فَيُذهَبُ بِهِم فَيَدخُلونَ الجَنَّهَ ، فَيَقولُ لَهُم أهلُ الجَنَّهِ : هؤُلاءِ الجَهَنَّمِيّونَ ، فَيَقولُ الجَبّارُ : بَل هؤُلاءِ عُتَقاءُ الجَبّارِ . (1) .

1- .. سنن الدارمى: ج 1 ص 31 ح 52 عن أنس، مسند ابن حنبل: ج 4 ص 289 ح 12471 عن عمرو بن أنس، كنز العمّال: ج 14 ص 404 ح

.39089

6137.امام رضا علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : فخرفروشی نباشد ؛ من نخستین کسی هستم که در روز قیامت ، سر از خاک بیرون می آورم و درفش ستایش (پرچم حمد) ، به دست من داده می شود . فخرفروشی نباشد ؛ در روز رستاخیز ، من مهتر مردمان هستم .

فخرفروشی نباشد ؛ در روز رستاخیز ، من نخستین کسی هستم که وارد بهشت می شود، و بر دَرِ بهشت می آیم و حلقه اش را می گیرم . می گویند: این کیست؟ می گویم: منم، محمّد. پس در را برایم می گشایند . من داخل می شوم و پادشاه عالم را فراپیش خود می بینم . برایش به خاک می افتم. می فرماید: «سرت را بر دار ای محمّد و سخن بگو ، که از تو شنیده می شود . بگو ، که از تو پذیرفته می آید . شفاعت کن که شفاعتت قبول می گردد» .

من سرم را بر می دارم و می گویم: پروردگارا ! امّتم، امّتم [را نجات بده] !

او می فرماید: «به میان امّتت برو و هر کس را که در دلش به وزن دانه ای جو ایمان یافتی، به بهشت ببر» و من می روم و کسانی را که در دلشان به آن اندازه ایمان بیابم ، به بهشت می برم . باز پادشاه عالم را فراپیش خود می یابم و برایش به خاک می افتم . او می فرماید: «سرت را بر دار ای محمّد و سخن بگو ، که از تو شنیده می شود . بگو ، که از تو پذیرفته می آید . شفاعت کن که شفاعتت قبول می گردد» .

من سرم را بر می دارم و باز می گویم: خداوندا ! امّتم، امّتم [را نجات بده] !

او می فرماید: «به سوی امّتت برو و هر کس را که در دلش به وزن دانه خردلی ایمان یافتی، به بهشت ببر» و من می روم و کسانی را که آن اندازه [ایمان] در دلشان بیابم ، داخل بهشت می کنم .

[سرانجام ،] حسابرسی مردمان به پایان می رسد و باقی مانده امّتم را همراه دوزخیان ، داخل آتش می کنم . دوزخیان [با طعنه ، به آنان] می گویند: خداپرستیِ

شما و شرک نورزیدنتان به او ، برای شما سودی نداشت !

پس پادشاه عالم می فرماید: «به عزّتم سوگند که آنان را [نیز] از آتش آزاد می کنم !» و به سوی آنان می فرستد و همه آنان ، در حالی که سوخته اند ، از آتش بیرون می آیند و به درون نهر زندگانی می روند و در آن، مانند بذر و دانه هایی که در میان خس و خاشاک سیلاب می روید، می رویند و بر پیشانیِ آنها نوشته می شود: «اینان آزادشدگان خدایند» . آن گاه ، ایشان را می برند و وارد بهشت می شوند. بهشتیان می گویند: اینان جهنّمیان اند.

پادشاه عالم می فرماید: «نه، اینان آزادشدگانِ پادشاه عالم اند» . .

6136.امام صادق علیه السلام : عنه صلی الله علیه و آله فی قَولِهِ تَعالی : «رُّبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُواْ لَوْ كَانُواْ مُسْلِمِينَ» (1) : إذا اُخرِجَ أهلُ التَّوحيدِ مِنَ النّارِ واُدخِلُوا الجَنَّةَ ، وَدَّ الَّذينَ كَفَروا لَو كانوا مُسلِمينَ . (2)6138.الإمام الصادق علیه السلام : عنه صلی الله علیه و آله : إنَّ أصحابَ الكَبائِرِ مِن مُوَحِّدِی الاُمَمِ كُلِّهِمِ الَّذينَ ماتوا عَلی كَبائِرِهِم غَيرَ نادِمينَ ولا تائِبينَ ، مَن دَخَلَ النّارَ مِنهُم فِی البابِ الأوَّلِ مِن جَهَنَّمَ لـ c7'ل تَزرَقُّ أعيُنُهُم ، ولا تَسوَدُّ وُجوهُهُم ، ولا يُقَرَّنونَ ، ولا يُغَلّونَ بِالسَّلاسِلِ ، ولا يُجَرَّعونَ الحَميمَ ، ولا يُلبَسونَ القَطِرانَ ، حَرَّمَ اللّهُ أجسادَهُم عَلَی الخُلودِ مِن أجلِ التَّوحيدِ ، وصُوَرَهُم عَلَی النّارِ مِن أجلِ السُّجودِ . (3)6137.الإمام الرضا علیه السلام : عنه صلی الله علیه و آله : يَخرُجُ مِنَ النّارِ مَن قالَ : «لـ c7'ل إلهَ إلّا اللّهُ» وكانَ فی قَلبِهِ مِنَ الخَيرِ ما يَزِنُ شَعيرَةً ، ثُمَّ يَخرُجُ مِنَ النّارِ مَن قالَ : «لا إلهَ إلّا اللّهُ» وكانَ فی قَلبِهِ مِنَ الخَيرِ ما يَزِنُ بُرَّةً (4) ، ثُمَّ يَخرُجُ مِنَ النّارِ مَن قالَ : «لا إلهَ إلّا اللّهُ» وكانَ فی قَلبِهِ ما يَزِنُ مِنَ الخَيرِ ذَرَّةً . (5) .

1- .. الحِجر: 2.
2- .. سنن الترمذی: ج 5 ص 24 ح 2638 عن أبی هريره.
3- .. تاريخ بغداد: ج 6 ص 156 الرقم 3199 عن محمّد بن حِمْيَر عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام ، كنز العمّال: ج 3 ص 832 ح 8887.
4- .. البُرّ: القَمْح (مجمع البحرين: ج 1 ص 139 «البرُّ»).
5- .. صحيح البخاری: ج 6 ص 2696 ح 6975، صحيح مسلم: ج 1 ص 182 ح 325، سنن الترمذی: ج 4 ص 711 ح 2593 وفيه «أخرجوا» بدل «يخرج»، مسند ابن حنبل: ج 4 ص 233 ح 12154 كلّها عن أنس، كنز العمّال: ج 14 ص 397 ح 39053.

6136.الإمام الصادق علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خدای متعال : «چه بسا کسانی که کافر شدند ، آرزو کنند که کاش مسلمان بودند» : زمانی که اهل توحید از آتش بیرون آورده و به بهشت برده شوند ، کافران آرزو خواهند کرد که کاش مسلمان بودند .6135.الطرائف (به نقل از محمّد بن علی مکّی، با اِسناد خود) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از هر امّتی ، یکتاپرستانی که مرتکب گناهان بزرگ شده باشند و بدون آن که از آن گناهان پشیمان شوند و توبه کنند ، مرده باشند ، کسانی از آنها که از درِ اوّل جهنّم وارد آتش شده اند، نه چشمانشان سفید می شود و نه چهره هایشان سیاه، نه به غل و زنجیر بسته می شوند و نه جوشاب در حلقشان ریخته می شود و نه قَطران بر آنان پوشانده می گردد. به خاطر یکتاپرستی شان، خداوند جاودانگی [در آتش] را بر بدن های آنها حرام گردانیده و به خاطر سجده کردنشان [برای خدا] ، چهره های آنان را بر آتش ، حرام ساخته است.6134.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس «لا إله إلّا اللّه» گفته باشد و در دلش به وزن یک دانه جو خوبی باشد ، از آتش خارج می شود. سپس هر کس «لا إله إلّا اللّه» گفته باشد و در دلش به وزن دانه گندمی خوبی باشد ، از آتش خارج می شود . آن گاه ، هر کس «لا إله إلّا اللّه» گفته باشد و در دلش به وزن ذرّه ای خوبی باشد، از آتش خارج می شود. .

6133.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه صلی الله علیه و آله : إذا خَلَصَ المُؤمِنونَ مِنَ النّارِ ، فَوَ الَّذی نَفسی بِیَدِهِ ! ما مِنکُم مِن أحَدٍ بِأَشَدَّ مُناشَدَةً للّهِ فِی استِقصاءِ الحِقِّ مِنَ المُؤمِنینَ للّهِ یَومَ القِیامَهِ لِإِخوانِهِمُ الَّذینَ فِی النّارِ ، یَقولونَ : رَبَّنا ! کانوا یَصومونَ مَعَنا ، ویُصَلّونَ ، ویَحِجّونَ . فَیُقالُ لَهُم : أخرِجوا مَن عَرَفتُم . فَتُحَرَّمُ صُوَرُهُم عَلَی النّارِ ، فیُخرِجونَ خَلقا کَثیرا ، قَد أخَذَتِ النّارُ إلی نِصفِ ساقَیهِ وإلی رُکبَتَیهِ ، ثُمَّ یَقولونَ : رَبَّنا ! ما بَقِیَ فیها أحَدٌ مِمَّن أمَرتَنا بِهِ .

فَیَقولُ : ارجِعوا ، فَمَن وَجَدتُم فی قَلبِهِ مِثقالَ دینارٍ مِن خَیرٍ فَأَخرِجوهُ . فَیُخرِجونَ خَلقا کَثیرا. ثُمَّ یَقولونَ : رَبَّنا لَم نَذَر فیها أحَدا مِمَّن أمَرتَنا .

ثُمَّ یَقولُ : ارجِعوا ، فَمَن وَجَدتُم فی قَلبِهِ مِثقالَ نِصفِ دینارٍ مِن خَیرٍ فَأَخرِجوهُ . فَیُخرِجونَ خَلقا کَثیرا. ثُمَّ یَقولونَ : رَبَّنا لَم نَذَر فیها مِمَّن أمَرتَنا أحَدا.

ثُمَّ یَقولُ : ارجِعوا ، فَمَن وَجَدتُم فی قَلبِهِ مِثقالَ ذَرَّهٍ مِن خَیرٍ فَأَخرِجوهُ . فَیُخرِجونَ خَلقا کَثیرا. ثُمَّ یَقولونَ : رَبَّنا لَم نَذَر فیها خَیرا. (1)6132.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه صلی الله علیه و آله : لَیسَ اللّهُ تَعالی یَترُکُ فِی النّارِ أحَدا فیهِ خَیرٌ إلّا أخرَجَهُ مِنها. (2)6135.الطرائف عن محمّد بن علیّ المکّی بإسناده : عنه صلی الله علیه و آله : یَقولُ اللّهُ : أخرِجوا مِنَ النّارِ مَن ذَکَرَنی یَوما ، أو خافَنی فی مَقامٍ . (3)6134.عنه صلی الله علیه و آله : مسند أبی یعلی عن أبی هریره : قالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : إذا کانَ یَومُ القِیامَهِ استَشفَعَ المَلائِکَهُ وَالنَّبِیّونَ ، حَتّی یُقالَ لِأَحَدِهِم : مَن کانَ فی قَلبِهِ مِثقالُ دینارٍ ، ثُمَّ یُقالُ : نِصفُ دینارٍ ، ثُمَّ یُقالُ : قیراطٌ ، ثُمَّ یُقالُ : نِصفُ قیراطٍ ، ثُمَّ یُقالُ : شَعیرَهٌ ، ثُمَّ یُقالُ : حَبَّهُ خَردَلٍ .

فَإذا دَخَلَ أهلُ الجَنَّهِ الجَنَّهَ وأهلُ النّارِ النّارَ ، یَقولُ الجَبّارُ : اِستَشفَعَ الخَلقُ لِلخَلقِ ، وبَقِیَت رَحمَهُ الخالِقِ . قالَ : فَیَأخُذُ قَبضَهً مِن جَهَنَّمَ فَیَطرَحُها فِی نَهرِ الحَیاهِ ، فَیَنبُتونَ کَما یَنبُتُ الزَّرعُ ، أَلَم تَرَ إلَی الحَبَّهِ فی حَمیلِ السَّیلِ ما کانَ مِنهُ ضاحِیا (4) کانَ أخضَرَ وما کانَ مِنهُ فِی الظِّلِّ کانَ أبیَضَ ؟

فَقالوا: یا رَسولَ اللّهِ ، کَأَنَّما کُنتَ تَنظُرُ إلَی الحَبَّهِ حینَ تَنبُتُ !

قالَ صلى الله عليه و آله : ثُمَّ يَدخُلونَ الجَنَّةَ ، فَيُقالُ : هؤُلاءِ مُحَرَّرِى الرَّحمنِ . (5) .

1- .. صحيح مسلم: ج 1 ص 169 ح 302، المستدرک على الصحيحين: ج 4 ص 627 ح 8736 نحوه وكلاهما عن أبى سعيد الخدرى.
2- .. حليه الأولياء: ج 2 ص 262، المستدرک على الصحيحين: ج 4 ص 629 ح 8738 نحوه وكلاهما عن أبى سعيد الخدرى.
3- .. سنن الترمذى: ج 4 ص 712 ح 2594، المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 141 ح 235، شعب الإيمان: ج 1 ص 469 ح 740 وليس فيهما «يوما»، الفردوس: ج 5 ص 244 ح 8084 وفيه «ذكرنى وخافنى فى مقام» وكلّها عن أنس، كنز العمّال: ج 1 ص 427 ح 1843.
4- .. ضَاحَت: أى برزت للشمس (مجمع البحرين: ج 2 ص 1068 «ضحا»).
5- .. مسند أبى يعلى: ج 6 ص 102 ح 6555.

6133.عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مؤمنان ، پس از آن که از آتش رهایی یافتند سوگند به آن که جانم در دست اوست ، چنان در روز قیامت برای [نجات]برادران خود که در آتش اند ، خدا را سوگند می دهند که هیچ یک از شما برای گرفتن حقّ خود [از دیگران] ، با چنان شدّتی خدا را سوگند نمی دهید . آنان می گویند: پروردگارا ! [این برادران ما]پا به پای ما روزه می گرفتند و نماز می خواندند و حج می گزاردند !

پس به آنان گفته می شود: «[بروید و] هر که را می شناسید ، [از آتش] بیرون آورید؛ زیرا صورت های آنها ، بر آتش حرام گردیده است [و آتش به چهره هایشان صدمه نمی زند و قابل شناسایی اند]» .

پس آن مؤمنان ، شمار بسیاری را که آتش تا نیمه ساق پای آنها و [یا] تا زانوانشان را گرفته است ، بیرون می آورند. سپس می گویند: پروردگارا ! دیگر هیچ کسی از کسانی که ما را [به بیرون آوردنشان] فرمان دادی ، در آتش نمانده است.

خداوند می فرماید: «برگردید و هر کس را هم که در دلش به وزن دیناری خیر و خوبی یافتید ، بیرون آورید» .

و باز ، شمار بسیاری را بیرون می آورند . آن گاه می گویند: پروردگارا ! هیچ کسی را از کسانی که ما را [به نجاتشان] فرمان دادی ، در آتش باقی نگذاشتیم.

باز خداوند می فرماید: «برگردید و هر کس را که در دلش به وزن نیم دینار خیر و خوبی یافتید ، بیرون آورید» .

پس شمار بسیاری را بیرون می آورند . آن گاه می گویند: پروردگارا ! هیچ کسی را از کسانی که ما را [به نجاتشان] فرمان دادی ، در آتش بر جای نگذاشتیم.

دگر بار خداوند می فرماید: «برگردید و هر که را در دلش به وزن ذرّه ای خیر و خوبی یافتید ، بیرون آورید» .

پس شمار بسیاری را بیرون می آورند و سپس می گویند : پروردگارا ! هیچ [اهل] خیر و خوبی ای را در آتش باقی نگذاشتیم .6132.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند متعال ، هیچ کس را که در وجودش خوبی و خیری باشد ، در آتش باقی نمی گذارد و همه را بیرون می آورد.6131.الطرائف : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند می فرماید: کسی را که [حتّی] روزی مرا یاد کرده یا در جایی از من ترسیده است، از آتش بیرون آورید.6130.الکافی (به نقل از حسن بن علی وشّاء) مسند أبی یعلی به نقل از ابو هریره : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «چون روز رستاخیز شود، از فرشتگان و پیامبران خواسته می شود که شفاعت کنند و حتّی به هر یک از آنها گفته می شود : "برای هر کس که در دلش به وزن یک دینار [ایمان] هست [، شفاعت کنید]" . سپس گفته می شود: "نیم دینار" . سپس گفته می شود: "یک قیراط" . سپس گفته می شود: "نیم قیراط" .

سپس گفته می شود: "یک جو" و سپس گفته می شود: "یک دانه خردل" .

پس از آن که بهشتیان به بهشت رفتند و دوزخیان به دوزخ، پادشاه عالم می فرماید: "آفریدگان برای آفریدگان شفاعت کردند . اکنون نوبت رحمتِ آفریدگار است". آن گاه ، مشتی از اهل جهنّم را بر می دارد و آنان را در "رود زندگانی" می ریزد، و آنها مانند بذر می رویند. آیا ندیده ای تخم های موجود در خس و خاشاک سیلاب را ؛ آنها که در آفتاب می رویند ، سبزند و آنها که در سایه می رویند ، سفیدند؟» .

یاران گفتند : ای پیامبر خدا ! انگار که شما بذر و تخم ها را در حال روییدن می دیده اید !

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «سپس وارد بهشت می شوند و گفته می شود: "اینان، آزادشدگانِ [خدای] مهرگسترند"» . .

6129.التوحيد (به نقل از محمّد بن عجلان) مسند ابن حنبل عن أبى سعيد الخدرى : سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ : يوضَعُ الصِّراطُ بَينَ ظَهرَى جَهَنَّمَ ، عَلَيهِ حَسَكٌ (1) كَحَسَكِ السَّعدانِ ، ثُمَّ يَستَجيزُ النّاسُ ؛ فَناجٍ مُسَلَّمٌ ومَجدوحٌ (2) بِهِ ، ثُمَّ ناجٍ ومُحتَبَسٌ بِهِ مَنكوسٌ فيها .

فَإِذا فَرَغَ اللّهُ عز و جل مِنَ القَضاءِ بَينَ العِبادِ ، يَفقِدُ المُؤمِنونَ رِجالاً كانوا مَعَهُم فِى الدُّنيا ؛ يُصَلّونَ بِصَلاتِهِم ، ويُزَكّونَ بِزَكاتِهِم ، ويَصومونَ صِيامَهُم ، ويَحِجّونَ حَجَّهُم ، ويَغزونَ غَزَوَهُم ، فَيَقولونَ : أى رَبَّنا ! عِبادٌ مِن عِبادِكَ كانوا مَعَنا فِى الدُّنيا ؛ يُصَلّونَ صَلاتَنا ، ويُزَكّونَ زَكاتَنا ، ويَصومونَ صِيامَنا ، ويَحِجّونَ حَجَّنا ، ويَغزون غَزوَنا ، لانَراهُم؟ !

فَيَقولُ : اِذهَبوا إلَى النّارِ ، فَمَن وَجَدتُم فيها مِنهُم فَأَخرِجوهُ .

قالَ صلى الله عليه و آله : فَيَجِدونَهُم قَد أخَذَتهُمُ النّارُ عَلى قَدرِ أعمالِهِم ، فَمِنهُم مَن أخَذَتهُ إلى قَدَمَيهِ ، ومِنهُم مَن أخَذَتهُ إلى نِصفِ ساقَيهِ ، ومِنهُم مَن أخَذَتهُ إلى رُكبَتَيهِ ، ومِنهُم مَن أزَرَتهُ (3) ، ومِنهُم مَن أخَذَتهُ إلى ثَديَيهِ ، ومِنهُم مَن أخَذَتهُ إلى عُنُقِهِ ، ولَم تَغْشَ

الوُجوهَ ، فَيَستَخرِجونَهُم مِنها فيُطرَحونَ فى ماءِ الحَياهِ .

قيلَ : يا رَسولَ اللّهِ ، ومَا الحَياهُ؟ (4)

قالَ صلى الله عليه و آله : غِسلُ أهلِ الجَنَّهِ ، فَيَنبُتونَ نَباتَ الزَّرْعَهِ وقالَ مَرَّهً فيهِ: كَما تَنبُتُ الزَّرعَهُ فى غُثاءِ السَّيلِ ، ثُمَّ يَشفَعُ الأَنبِياءُ فى كُلِّ مَن كانَ يَشهَدُ أن لا إلهَ إلَا اللّهُ مُخلِصا ، فَيُخرِجونَهُم مِنها.

قالَ : ثُمَّ يَتَحَنَّنُ اللّهُ بِرَحمَتِهِ عَلى مَن فيها ، فَما يَترُكُ فيها عَبدا فى قَلبِهِ مِثقالُ حَبَّهٍ مِن إيمانٍ إلَّا أخرَجَهُ مِنها. (5) .

1- .. الحَسَكَ : جمع حَسَكَه؛ وهى شوكه صُلبه معروفه (النهايه: ج 1 ص 386 «حسک»).
2- .. الجَدْح: زجر المعز (المحيط فى اللغه: ج 2 ص 397 «جدح»).
3- .الإزرَهُ : الحاله وهَيئَهُ الائتزار ، والحديث : إزرَهُ المُؤمن إلى نصف الساق (النهايه : ج 1 ص 44 «أزر») .

4- .كذا فى المصدر، والظاهر أنّ الصحيح : «وما ماء الحياه؟» كما فى بعض المصادر .
5- .. مسند ابن حنبل: ج 4 ص 25 ح 11081، المستدرک على الصحيحين: ج 4 ص 628 ح 8738، الزهد لابن المبارک: ص 448 ح 1268 وفيهما «مجروح» بدل «مجدوح»، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1430 ح 4280 وفيه صدره إلى «منكوس فيها».

6128.تفسیر القمّی (به نقل از امام صادق علیه السلام ، وقتی پرسشگری) مسند ابن حنبل به نقل از ابو سعید خدری : از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرماید: «صراط بر روی جهنّم نصب می شود و بر آن ، خارهایی چونان خار سَعدان است . سپس مردم بر آن می گذرند ؛ عدّه ای به سلامت می گذرند، عدّه ای مجروح شده از آن می رَهَند، و عدّه ای نگه داشته و در آتش افکنده می شوند.

پس چون خداوند عز و جل از داوری میان بندگان فراغت یافت، مؤمنان ، مردانی را نمی یابند که با آنان در دنیا ، مانند آنان نماز می خوانده اند، مانند آنان زکات می داده اند ، مانند آنان روزه می گرفته اند ، مانند آنان حج می رفته اند ، و مانند آنان جهاد می کرده اند . پس می گویند : پروردگارا ! بندگانی از بندگان تو بودند که در دنیا مانند ما نماز می خواندند و مانند ما زکات می دادند و مانند ما روزه می گرفتند و مانند ما حج می گزاردند و مانند ما به جهاد می رفتند ؛ ولی اکنون آنها را نمی بینیم !

خداوند می فرماید: "به آتش بروید و کسانی از ایشان را که در آن یافتید ، بیرون بیاورید"».

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «پس آنان را در حالی می یابند که آتش ، آنها را به اندازه کردارهایشان، فرو گرفته است: یکی را تا مچ پاهایش گرفته، یکی را تا نیمه ساق پاهایش گرفته، یکی را تا زانوانش گرفته، یکی را تا کمرش گرفته، دیگری را تا سینه اش گرفته و برخی را تا گردنشان گرفته و صورت هایشان را در میان

نگرفته است. از همه آنها می خواهند که از آتش بیرون آیند . سپس در آب زندگانی افکنده می شوند» .

گفته شد : ای پیامبر خدا ! آب زندگانی چیست؟

فرمود: «آب شستشوی اهل بهشت. آن گاه [که در آن آب افتادند] ، زراعت وار می رویند ، همچنان که تخم و بذرهای موجود در خس و خاشاک سیلاب می رویند. سپس پیامبران در حقّ تمام کسانی که از سرِ اخلاص ، به یگانگی خداوند گواهی داده باشند ، شفاعت می کنند و آنها را از آتش بیرون می آورند» .

پیامبر صلی الله علیه و آله [در ادامه] فرمود: «سپس خداوند به رحمت خویش، بر کسانی که در آتش اند، مهر می آورد و حتّی یک بنده را که در دلش به قدر دانه ای ایمان بوده باشد، در آن باقی نمی گذارد و بیرونش می آورد» . .

6127.امام صادق علیه السلام وقتی پرسشگری از او پرسی (وقتی پرسشگری از او پرسید: آیاکارشان به خودشان و) رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : إذا خَلَّصَ اللّهُ المُؤمِنینَ مِنَ النّارِ وأمِنوا، فَما مُجادَلَهُ أحَدِکُم لِصاحِبِهِ فِی الحَقِّ یَکونُ لَهُ فِی الدُّنیا أشَدَّ مُجادَلَةً مِنَ المُؤمِنینَ لِرَبِّهِم فی إخوانِهِمُ الَّذینَ اُدخِلُوا النّارَ . قالَ : یَقولونَ : رَبَّنا ! إخوانُنا کانوا یُصَلّونَ مَعَنا ، ویَصومونَ مَعَنا ، ویَحِجّونَ مَعَنا ، فَأدخَلتَهُمُ النّارَ؟ ! فَیَقولُ : اِذهَبوا فَأخرِجوا مَن عَرَفتُم مِنهُم .

فَیَأتونَهُم فَیَعرِفونَهُم بِصُوَرِهِم ، لا تَأکُلُ النّارُ صُوَرَهُم ، فَمِنهُم مَن أخَذَتهُ النّارُ إلی أنصافِ ساقَیهِ ، ومِنهُم مَن أخَذَتهُ إلی کَعبَیهِ ، فَیُخرِجونَهُم . فَیَقولونَ : رَبَّنا ! أخرَجنا مَن قَد أمَرتَنا .

ثُمَّ یَقولُ : أخرِجوا مَن کانَ فی قَلبِهِ وَزنُ دینارٍ مِنَ الإیمانِ ، ثُمَّ مَن کانَ فی قَلبِهِ وَزنُ نِصفِ دینارٍ ، ثُمَّ مَن کانَ فی قَلبِهِ مِثقالُ حَبَّةٍ مِن خَردَلٍ .
6126(1).امام صادق علیه السلام : المستدرک علی الصحیحین عن أبی موسی : قالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : إذَا اجتَمَعَ أهلُ النّارِ فِی

النّارِ ومَعَهُم مِن أهلِ القِبلَهِ مَن شاءَ اللّهُ ، قالوا : ما أغنی عَنکُم إسلامُکُم وقَد صِرتُم مَعَنا فِی النّارِ؟ ! قالوا: کانَت لَنا ذُنوبٌ فَاُخِذنا بِها .

فَسَمِعَ اللّهُ ما قالوا ، قالَ : فَأَمَرَ بِمَن کانَ فِی النّارِ مِن أهلِ القِبلَهِ ، فَأخرِجوا. فَیَقولُ الکُفّارُ : یا لَیتَنا کُنّا مُسلِمینَ فَنُخرَجَ کَما اُخرِجوا !

قالَ : وقَرَأَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : «الر تِلْکَ ءَایَاتُ الْکِتَابِ وَ قُرْءَانٍ مُّبِینٍ* رُّبَمَا یَوَدُّ الَّذِینَ کَفَرُواْ لَوْ کَانُواْ مُسْلِمِینَ» (2) . (3) .

1- .. سنن ابن ماجه: ج 1 ص 23 ح 60، سنن النسائی: ج 8 ص 112 ولیس فیه «إذا خلّص اللّه المؤمنین من النار وأمنوا» و «لا تأکل النار صورهم»، مسند ابن حنبل: ج 4 ص 187 ح 11898 کلّها عن أبی سعید الخدریّ .
2- .. الحِجْر: 1 و 2.
3- .. المستدرک علی الصحیحین : ج 2 ص 265 ح 2954 ، البعث والنشور : ص 91 ح 79 ، السنّه لابن أبی عاصم : ص 391 ح 843 ، کنز العمّال : ج

14 ص 541 ح 39555 ؛ تفسير مجمع البيان : ج 6 ص 505 نحوه .

6131.الطرائف : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آن گاه که خداوند ، مؤمنان را از آتش برهانَد و ایمن شوند، در باره برادرانشان که به آتش رفته اند ، چنان سخت با پروردگارشان مجادله می کنند که هیچ یک از شما در دنیا با برادرش در باره حقّ خود ، چنان مجادله نمی کند . آنها می گویند: پروردگارا ! برادران ما ، پا به پای ما نماز می خواندند و روزه می گرفتند و حج می گزاردند، و تو آنها را به آتش در آورده ای؟ ! خداوند می فرماید: «بروید و هر یک از آنها را که می شناسید ، بیرون آورید».

آنان می روند و برادرانشان را از چهره هایشان می شناسند ؛ چون آتش ، چهره های آنها را نمی خورد . آتش ، برخی شان را [فقط] تا نیمه های ساق پایشان گرفته است ، و برخی شان را تا برآمدگیِ پاهایشان . آنها را بیرون می آورند و می گویند: پروردگارا ! کسانی را که دستور دادی ، بیرون آوردیم.

خدا می فرماید: «کسانی را هم که در دلشان به وزن دیناری ایمان بوده است ، بیرون بیاورید . سپس کسانی را که در دلشان به وزن نیم دینار [ایمان] بوده، و بعد کسانی را که در دلشان به وزن یک دانه خردل [ایمان] بوده است [نیز بیرون بیاورید]» .6130.الکافی عن الحسن بن علیّ الوشّاء عن الإمام الرضا ع المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابو موسی : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اهل آتش ، هنگامی که در آتش گرد آیند ، به کسانی از اهل قبله که با آنان هستند،

می گویند: اسلامِ شما به کارتان نیامد که با ما در آتش آمده اید؟ !

اهل قبله می گویند: ما گنهکار بودیم و به سبب گناهانمان مؤاخذه شده ایم.

خداوند ، سخنان آنها را می شنود و دستور می دهد کسانی از اهل قبله که در آتش اند ، بیرون آورده شوند . کفّار می گویند: ای کاش ما هم مسلمان بودیم و مانند اینها بیرون آورده می شدیم !» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سپس این آیات را خواند: «الف. لام. راء . این است آیات کتاب [آسمانی] و قرآن روشنگر. چه بسا کسانی که کافر شدند ، آرزو کنند که کاش مسلمان بودند» . .

6129.التوحيد عن محمّد بن عجلان : المعجم الأوسط عن جابر بن عبد اللّه: قال رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ ناسا مِن أُمَّتى يُعَذَّبونَ بِذُنوبِهِم ، فَيَكونوا فِى النّارِ ماشاءَ اللّهُ أن يَكونوا، ثُمَّ يُعَيِّرُهُم أهلُ الشِّركِ ، فَيَقولونَ : ما نَرى ما كُنتُم تُخالِفونّا فيهِ مِن تَصديقِكُم وإيمانِكُم نَفَعَكُم ! فَلا يَبقى مُوَحِّدٌ إلّا أخرَجَهُ اللّهُ .

ثُمَّ قَرَأَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : «رُّبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُواْ لَوْ كَانُواْ مُسْلِمِينَ» (1) .6128.تفسير القمّى : السنن الكبرى عن أبى سعيد الخدرى عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله : إذا دَخَلَ أهلُ الجَنَّهِ الجنّهَ وأهلُ النّارِ ، النّارَ يَقولُ اللّهُ عز و جل : مَن كانَ فى قَلبِهِ مِثقالُ خَردَلَهٍ مِن خَيرٍ فَأخرِجوهُ . فَيُخرَجونَ قَدِ امتَحَشوا وعادوا حُمَما ، قالَ : فَيُلقَونَ فى نَهرٍ يُقالُ لَهُ : «نَهَرُ الحَياهِ» ، قالَ : فَيَنبُتونَ فيهِ كَما تَنبُتُ الحَبَّهُ فى حَميلِ السَّيلِ .

فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أَلَم تَرَوا أنَّها تَنبُتُ صَفراءَ مُلتَوِيَهً ؟! (2)6127.عنه عليه السلام (وقَد سَأَلَهُ سائِلٌ : هَل أمرُهُم مُفَوَّضٌ إلَ) الإمام الباقر عليه السلام : إنَّ الرَّبَّ تَبارَكَ وتَعالى يَقولُ : أدخُلُوا الجَنَّهَ بِرَحمَتى ، وَانجوا مِنَ

النّارِ بِعَفوى. (3) .

1- .. المعجم الأوسط: ج 5 ص 223 ح 5146، الدّر المنثور: ج 5 ص 62 نقلاً عن ابن مردويه.
2- .. السنن الكبرى: ج 10 ص 322 ح 20779، مسند أبى يعلى: ج 2 ص 74 ح 1214 وفيه «إيمان» بدل «خير».
3- .. الاختصاص: ص 356 عن جابر، بحارالأنوار: ج 8 ص 218 ح 207.

6126.عنه علیه السلام : المعجم الأوسط به نقل از جابر بن عبد اللّه : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مردمانی از امّت من ، به سبب گناهانشان عذاب می شوند و تا زمانی که خدا خواهد در آتش بمانند، خواهند ماند . مشرکان ، زبان به سرزنش آنها می گشایند و می گویند: می بینیم که تصدیق و ایمان شما [به خدا و پیامبر] که بر سر آن با ما مخالفت می ورزیدید، شما را سودی نبخشیده است!

پس خداوند ، هر یکتاپرستی را [که در آتش است ،] از آن بیرون می آورد» .

آن گاه ، پیامبر صلی الله علیه و آله این آیه را تلاوت فرمود: «چه بسا کسانی که کافر شدند ، آرزو می کنند که کاش مسلمان بودند»
6125.امام صادق علیه السلام : السنن الکبری به نقل از ابو سعید خُدری : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «پس از آن که بهشتیان به بهشت رفتند و دوزخیان به آتش، خداوند عز و جل می فرماید: هر که در دلش به وزن خردلی خوبی هست، او را بیرون آورید .

پس آنها را که از شدّت سوختگی ، زغال شده اند، بیرون می آورند و در نهری به نام "نهر زندگانی" می اندازند . آنان در آن نهر ، مانند روییدنِ بذرهای موجود در خس و خاشاک سیل ، شروع به روییدن می کنند» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آن گاه فرمود : «آیا ندیده اید که این بذرها چگونه زرد و در هم پیچیده می رویند ؟ [آزاد شدگان از آتش نیز همین گونه خواهند رویید]» .6124.امام علی علیه السلام (وقتی درباره قضا و قدر، مورد پرسش قرار گرفت) امام باقر علیه السلام : پروردگار تبارک و تعالی می فرماید: «با رحمت من ، به بهشت بروید

و با بخشایش من ، از آتش رهایی یابید» . .

6123.امام على عليه السلام (در حكمت هاى منسوب به وى، وقتى درباره قَدَر، مور) عنه عليه السلام : إذا دَخَلَ أهلُ الجَنَّةِ الجَنَّةَ بِأعمالِهِم ، فَأينُ عُتَقاءُ اللّهِ مِنَ النّارِ ! (1)6125.الإمام الصادق عليه السلام : الزهد للحسين بن سعيد عن أبى بصير : سَمِعتُ أبا جَعفَرٍ عليه السلام يَقولُ : إنَّ قَوما يُحرَقونَ فِى النّارِ ، حَتّى إذا صاروا (حَميما) حُمَما أدرَكَتهُمُ الشَّفاعَةُ .

قالَ عليه السلام : فَيُنطَلَقُ بِهِم إلى نَهرٍ يَخرُجُ مِن رَشحِ (2) أهلِ الجَنَّةِ ، فَيَغتَسِلونَ فيهِ ، فَتَنبتُ لُحومُهُم ودِماؤُهُم ، وتَذهَبُ عَنهُم قَشفُ (3) النّارِ ، ويُدخَلونَ الجَنَّةَ ، فَيُسَمَّونَ الجَهَنَّمِيّينَ ، فَيُنادونَ بِأجمَعِهِم : اللّهُمَّ أذهِب عَنّا هذَا الاِسمَ ! قالَ عليه السلام : فَيُذهِبُ عَنهُم. (4)6124.عنه عليه السلام (وقَد سُئِلَ عَنِ القَضاءِ وَالقَدَرِ) الزهد للحسين بن سعيد عن حمران : سَمِعتُ أبا جَعفَرٍ عليه السلام يَقولُ : إنَّ الكُفّارَ وَالمُشرِكينَ يَرَونَ (يُعَيِّرونَ) أهلَ التَّوحيدِ فِى النّارِ ، فَيَقولونَ : ما نَرى تَوحيدَكُم أغنى عَنكُم شَيئا، وما أنتُم ونَحنُ إلّا سَواءٌ!

قالَ : فَيَأتَفُ لَهُمُ الرَّبُّ عز و جل ، فَيَقولُ لِلمَلائِكَهِ : اِشفَعوا ، فَيَشفَعونَ لِمَن شاءَ اللّهُ ، ويَقولُ لِلمُؤمِنينَ مِثلَ ذلِكَ ، حَتّى إذا لَم يَبقَ أحَدٌ تَبلُغُهُ الشَّفاعَةُ ، قالَ تَبارَكَ وتَعالى : أنَا أرحَمُ الرّاحِمينَ ، اُخرُجوا بِرَحمَتى . فَيَخرُجونَ كَما يَخرُجُ الفَراشُ .

قالَ : ثُمَّ قالَ أبو جَعفَرٍ عليه السلام : ثُمَّ مُدَّتِ العَمَدَ وأُعمِدَت (وأُصمِدَت) عَلَيهِم ، وكانَ وَاللّهِ الخُلودُ . (5)6123.الإمام علىّ عليه السلام (فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ ، وقد سُئِلَ عَ) الإمام الصادق عليه السلام : مَن سَعى فى حاجَهِ أخيهِ المُسلِمِ طَلَبَ وَجهِ اللّهِ ، كَتَبَ اللّهُ عز و جل لَهُ ألفَ ألفِ حَسَنَهٍ ؛ يَغفِرُ فيها لِأقارِبِهِ وجيرانِهِ وإخوانِهِ ومَعارِفِهِ ومَن صَنَعَ إلَيهِ مَعروفا فِى

الدُّنيا ، فَإذا كانَ يَومَ القِيامَهِ قيلَ لَهُ : اُدخُلِ النّارَ ، فَمَن وَجَدتَهُ فيها صَنَعَ إلَيكَ مَعروفا فِى الدُّنيا فَأخرِجهُ بِإذنِ اللّهِ عز و جل ، إلّا أن يَكونَ ناصِبا . (6) .

1- .. الأمالى للطوسى: ص 180 ح 300 عن أبى بصير، بحارالأنوار: ج 6 ص 5 ح 5.

2- .. الرَّشْح: العَرَق، لأنّه يخرج من البدن شيئا فشيئا (النهايه: ج 2 ص 224 «رشح»).
3- .. قَشِفَ: إذا لوّحته الشمس أو الفقر فتغيّر (الصحاح: ج 4 ص 1416 «قشف»).
4- .. الزهد للحسين بن سعيد: ص 175 ح 263، بحارالأنوار: ج 8 ص 361 ح 33.
5- .. الزهد للحسين بن سعيد: ص 177 ح 264، مجمع البيان: ج 10 ص 819 نحوه، بحارالأنوار: ج 8 ص 279.
6- .. الكافى: ج 2 ص 197 ح 6 عن أبى أيّوب الخزّاز.

6122.التوحيد (به نقل از حسين بن خالد) امام باقر عليه السلام : اگر بهشتيان به واسطه كردارهايشان به بهشت مى روند، پس آزاد شدگانِ خدا از آتش كجايند؟ (1)6122.التوحيد عن الحسين بن خالد عن الإمام الرضا عليه ال الزهد ، حسين بن سعيد به نقل از ابو بصير : از امام باقر عليه السلام شنيدم كه مى فرمايد: «گروهى در آتش مى سوزند و آن هنگام كه زغال شدند ، شفاعت به سراغشان مى آيد . پس آنان را به سوى نهرى مى برند كه از عرق بهشتيان جارى است . آنان خود را در آن مى شويند و بر اثر آن ، گوشت و خونشان مى روييد و سوختگى هاى آتش ، از آنان زدوده مى گردد . سپس وارد بهشت مى شوند. به اينان [در بهشت] ، "جهنّميان" مى گويند ؛ ولى همه آنها دعا مى كنند: بار خدايا ! اين نام را از ما بزداى ! و خداوند آن نام را از ايشان مى زدايد» .6121.عيون أخبار الرضا عليه السلام (به نقل از ابراهيم بن ابى محمود) الزهد ، حسين بن سعيد به نقل از حمران : از امام باقر عليه السلام شنيدم كه مى فرمايد: «كافران و مشركان ، اهل توحيد را در آتش مى بينند (سرزنش مى كنند) و مى گويند: نمى بينيم كه توحيد شما به كارتان آمده باشد و ما و شما يک سانيم !

پروردگار عز و جل به غيرت مى آيد و به فرشتگان مى فرمايد: "شفاعت كنيد" و آنها براى هر كه خدا بخواهد [الى ما شاء اللّه] ، شفاعت مى كنند .

خداوند به مؤمنان نيز چنان مى فرمايد و چون كسى نماند كه مشمول شفاعت شود، خداوند تبارک و تعالى مى فرمايد: "من مهربانترين مهربانانم . به مهرِ من ، [اى دوزخيان اهل توحيد !] خارج شويد" و آنها پروانه وار بيرون مى زنند» .

امام باقر عليه السلام سپس فرمود: آن گاه ، ستون ها كشيده مى شوند و كافران و مشركان را در ميان مى گيرند، (2) و به خدا سوگند كه از آن پس ، جاودانگى است» .6120.الكافى (به نقل از حسن بن على وشّاء) امام صادق عليه السلام : هر كس كه براى خشنودى خدا، در رفع حاجت برادر مسلمانش بكوشد ، خداوند عز و جل برايش هزار هزار ثواب مى نويسد ، از جمله آن كه خويشان و همسايگان و برادران[دينى] و آشنايان او را مى آمرزد . نيز اگر كسى در دنيا به

او نیکی کرده باشد، در روز قیامت به او گفته خواهد شد: «وارد آتش شو و هر کس را یافتی که در دنیا به تو نیکی کرده است، با اجازه خداوند عز و جل ، بیرون بیاور، مگر آن که ناصبی (دشمن ائمّه علیهم السلام) باشد» .
.

1- .یعنی : چنین نیست که هر کس به بهشت راه یافت ، حتما کردارش نیک بوده است .
2- .شاید اشاره باشد به آیات 8 و 9 از سوره هُمَزه .

6119.الكافى (به نقل از ابو طالب قمى، از مردى) عنه عليه السلام : أصحابُ الحُدودِ فُسّاقٌ ؛ لِ_ 'c7 مُؤمِنونَ ولا كافِرونَ ، ولا يُخَلَّدونَ فِى النّارِ ، ويَخرُجونَ مِنها يَوما ، وَالشَّفاعَةُ جائِزَةٌ لَهُم ولِلمُستَضعَفينِ إذَا ارتَضَى اللّهُ عز و جلدينَهُم . (1)6121.عيون أخبار الرضا عليه السلام عن إبراهيم بن أبى مح الزهد للحسين بن سعيد عن محمّد بن مسلم : سَأَلتُ أبا عَبدِاللّهِ عليه السلام عَنِ الجَهَنَّمِيّينَ ، فَقالَ : كانَ أبو جَعفَرٍ عليه السلام يَقولُ : يُخرَجونَ مِنها، فَيُنتَهى بِهِم إلى عَينٍ عِندَ بابِ الجَنَّةِ ، تُسَمّى عَينَ الحَيَوانِ ، فَيُنضَحُ عَلَيهِم مِن مائِها، فَيَنبُتونَ كَما يَنبُتُ الزَّرعُ ؛ لُحومُهُم وجُلودُهُم وشُعورُهُم . (2)6120.الكافى عن الحسن بن علىّ الوشّاء عن الإمام الرضا ع الزهد للحسين بن سعيد عن عمر بن أبان : سَمِعتُ عَبدا صالِحا يَقولُ فِى الجَهَنَّمِيّينَ : إنَّهُم يَدخُلونَ النّارَ بِذُنوبِهِم ، ويَخرُجونَ بِعَفوِ اللّهِ .
(3)6119.الكافى عن أبى طالب القَمّى عن رجل عن الإمام الصادق الإمام الرضا عليه السلام : مُذنِبو أهلِ التَّوحيدِ لا يُخَلَّدونَ فِى النّارِ ويَخرُجونَ مِنها ، وَالشَّفاعَةُ جائِزَةٌ لَهُم . (4)12 / 13آخِرُ مَن يُخرَجُ مِنَ النّارِ6117.الاحتجاج : صحيح مسلم عن أبى ذرّ: قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إنّى لَأَعلَمُ آخِرَ أهلِ الجَنَّةِ دُخولاً الجَنَّةَ ،

وآخِرَ أهلِ النّارِ خُروجا مِنها ؛ رَجُلٌ يُؤتى بِهِ يَومَ القِيامَهِ ، فَيُقالُ : اِعرِضوا عَلَيهِ صِغارَ ذُنوبِهِ وَارفَعوا عَنهُ كِبارَها ، فَتُعرَضُ عَلَيهِ صِغارُ ذُنوبِهِ ، فَيُقالُ : عَمِلتَ يَومَ كَذا وكَذا، كَذا وكَذا ، وعَمِلَت يَومَ كَذا وكَذا، كَذا وكَذا ، فَيَقولُ : نَعَم، لا يَستَطيعُ أن يُنكِرَ وهُوَ مُشفِقٌ مِن كِبارِ ذُنوبِهِ أن تُعرَضَ عَلَيهِ ، فَيُقالُ لَهُ : فَإِنَّ لَكَ مَكانَ كُلِّ سَيِّئَهٍ حَسَنَةً . فَيَقولُ : رَبِّ ، قَد عَمِلتُ أشياءَ لا أراها هاهُنا !

فَلَقَد رَأَيتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله ضَحِكَ حَتّى بَدَت نَواجِذُهُ . (5) .

1- .. الخصال: ص 608 ح 9 عن الأعمش، بحارالأنوار: ج 8 ص 40 ح 22.
2- .. الزهد للحسين بن سعيد: ص 174 ح 259، بحارالأنوار: ج 8 ص 360 ح 29.
3- .. الزهد للحسين بن سعيد: ص 175 ح 262، بحارالأنوار: ج 8 ص 361 ح 32.

4- .. عيون أخبار الرّضا عليه السلام : ج 2 ص 125 ح 1 عن الفضل بن شاذان، بحارالأنوار: ج 8 ص 40 ح 23.
5- .. صحيح مسلم: ج 1 ص 177 ح 314، السنن الكبرى: ج 10 ص 320 ح 20772، سنن الترمذى: ج 4 ص 713 ح 2596، مسند ابن حنبل: ج 8 ص 90 ح 21451، البعث والنشور: ص 103 ح 98 والثلاثه الأخيره نحوه.

12 / 13 آخرین کسی که از آتش خارج می شود

6116.امام صادق علیه السلام : امام صادق علیه السلام : حدْ خورندگان ، (1) فاسق (نافرمان) اند ؛ نه مؤمن اند و نه کافر. آنها در آتش ، جاویدان نمی مانند ؛ بلکه [سرانجامْ] روزی از آن خارج می شوند، و شفاعت کردن در حقّ آنها امکان پذیر است و نیز در حقّ مستضعفان [که گم راهی شان ناشی از ظلم قدرتمندان بوده است] ؛ البتّه چنانچه خداوند عز و جل دین آنها را بپسندد .6117.الاحتجاج : الزهد ، حسین بن سعید به نقل از محمّد بن مسلم : از امام صادق علیه السلام در باره جهنّمیان پرسیدم . فرمود: «[پدرم]باقر علیه السلام می فرمود: آنان از جهنّم خارج می شوند و سپس آنان را به کنار چشمه ای در نزدیک دَرِ بهشت می برند که به آن ، "چشمه زندگانی" می گویند . از آب آن چشمه بر آنها می پاشند و بر اثر آن ، گوشت و پوست و موهای آنها، همانند روییدن زراعت، خواهد رویید» .6116.عنه علیه السلام : الزهد ، حسین بن سعید به نقل از عمر بن ابان : از بنده ای شایسته (امام کاظم علیه السلام) شنیدم که در باره دوزخیان می فرماید: «آنان به سبب گناهانشان به آتش می روند ؛ ولی با بخشایش خدا بیرون می آیند» .6115.امام صادق علیه السلام : امام رضا علیه السلام : گنهکارانِ یکتاپرست، در آتش ، جاویدان نمی مانند ؛ بلکه [سرانجام]از آنِ ، رهایی می یابند و شفاعت در حقّ آنان ، امکان پذیر است .12 / 13آخرین کسی که از آتش خارج می شود6115.الإمام الصادق علیه السلام : صحیح مسلم به نقل از ابو ذر : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «من آخرین فرد بهشتی ای

را که وارد بهشت می شود، و آخرین دوزخی ای را که از آن خارج می شود ، می شناسم . در روز قیامت ، مردی را می آورند و گفته می شود: گناهان کوچکش را به آگاهی او برسانید و گناهان بزرگش را از وی پوشیده دارید .

پس گناهان کوچکش را به آگاهی او می رسانند و گفته می شود: در فلان و بهمان روز ، فلان و بهمان کار را کردی . در فلان و بهمان روز ، فلان و بهمان عمل را مرتکب شدی .

او می گوید: آری . و نمی تواند منکر شود .

او در همان حال ، از این می ترسد که گناهان بزرگش بر او عرضه گردد ؛ امّا به وی گفته می شود: به جای هر بدی و گناهی، یک حسنه برایت باد .

و او می گوید: پروردگارا ! من کارهایی (گناهان بزرگی) انجام داده ام که آنها را در این جا نمی بینم» .

ابو ذر گفت: دیدم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چنان خندید که دندان های آسیایش نمایان شد.

.

1- .یعنی : کسانی که مرتکب گناهانی می شوند که مجازاتشان حدّ است (مانند زنا و شرابخواری) ، بعد از خوردن حد .

6114.التوحيد عن محمّد بن عجلان : الإمام الباقر عليه السلام : إنَّ آخِرَ مَن يَخرُجُ مِنَ النّارِ لَرَجُلٌ يُقالُ لَهُ : «هَمّامُ» ، يُنادى فيها عُمرا : يا حَنّانُ ، يا مَنّانُ . (1) .

1- .. الزهد للحسين بن سعيد: ص 175 ح 264 عن الفضيل، بحارالأنوار: ج 8 ص 361 ح 34.

6113.الطرائف : امام باقر علیه السلام : آخرین کسی که از آتش خارج می شود ، مردی است که به او هَمّام (هامّ) گویند، و عمری را در آن جا (آتش) صدا زده است: مهرورزا ! بنده نوازا !.

الفصل الثالث عشر: طائفه من المبشّرين بالنار13 / 1إبليسُ
وَأتباعُهُالكتاب«فَسَجَدَ الْمَلَائِكَهُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ * إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَفِرِينَ * ... قَالَ فَالْحَقُّ وَ الْحَقَّ أَقُولُ * لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنکَ وَ مِمَّن تَبِعَکَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ » . (1)

: النساء : 116 121 و الأعراف : 18 و الحجر : 32 40 و الإسراء : 61 63 و مريم : 66 68 و الشعراء : 91 95 و الصافّات : 62 65 و الحشر : 16 و 17 .

الحديث6108.امام على عليه السلام : رسول اللّه صلى الله عليه و آله : أوَّلُ مَن يُكسى حُلَّةً مِنَ النّارِ إبليسُ ، فَيَضَعُها عَلى حاجِبِهِ ويَسحَبُها مِن خَلفِهِ ، وذُرِّيَّتُهُ مِن بَعدِه ، وهُوَ يُنادى : «واثُبوراهُ» ويُنادونَ : «يا ثُبورَهُم» ، حَتّى يَقِفوا عَلَى النّارِ ، فَيَقولُ : «يا ثُبوراهُ» ويَقولونَ : «يا ثُبورَهُم» ، فَيُقالُ لَهُم : «لَا تَدْعُواْ الْيَوْمَ ثُبُورًا وَ حِدًا وَ ادْعُواْ ثُبُورًا كَثِيرًا» (2) . (3) .

1- .. ص : 73 85 .
2- .الفرقان : 14 .
3- .. مسند ابن حنبل : ج 4 ص 304 ح 12538 و ص 308 ح 12561 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 345 ح 175 ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص 368 ح 1225 ، تاريخ بغداد : ج 11 ص 253 ، تفسير الطبرى : ج 10 الجزء 18 ص 188 كلاهما نحوه وكلّها عن أنس ، كنزالعمّال : ج 2 ص 33 ح 3018 .

فصل سیزدهم : گروهی از نویددادگان به آتش

13 / 1 شیطان و پیروانش

فصل سیزدهم : گروهی از نویددادگان به آتش13 / 1شیطان و پیروانشقرآن«پس ، همه فرشتگان سر به سجده کردند ، مگر ابلیس که تکبّر نمود و از کافران شد ... [خداوند]فرمود : حق [از من] است و حق را می گویم : هر آینه جهنّم را از تو و از هر کس از آنان که تو را پیروی کند ، از همگی شان ، خواهم انباشت» .

ر . ک : نساء : آیه 116 121 ، اعراف : آیه 18 ، حجر : آیات 32 40 ، اسرا : آیات 61 63 ، مریم : آیات : 66 68 ، شعرا : آیات 91 95 ، صافّات : آیات 62 65 ، حشر : آیات 16 و 17 .

حدیث6105.الإمام علیّ علیه السلام (لَمّا سُئِلَ عَنِ القَضاءِ وَالقَدَرِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نخستین کسی که جُبّه ای از آتش بر او پوشانیده می شود، ابلیس است که آن جبّه را تا بالای ابروی خود می آورد و از پشت سرش می کشد و فرزندانش در پی او حرکت می کنند . ابلیس فریاد می زند: «وای که نابود شدم !» و فرزندانش نیز فریاد می زنند: «وای که نابود شدیم !» تا آن که به کناره آتش می رسند و می ایستند و می گوید: «وای که نابود شدم !» و فرزندانش می گویند: «وای که نابود شدیم !» .

به آنها گفته می شود: «امروز ، [برای خود] یک بار نابودی مخواهید ؛ بلکه بسیار نابودی بخواهید» .

.

6104.نزهه الناظر : الإمام زين العابدين عليه السلام فِى الدُّعاءِ المَنسُوبِ إلَيهِ : إلهى ! إنَّ الشَّيطانَ فاجِرٌ خَبيثٌ ، كَثيرُ المَكرِ ، شَديدُ الخُصومَهِ ، قَديمُ العَداوَهِ ، كَيفَ يَنجو مَن يَكونُ مَعَهُ فى دارٍ ، وَهُوَ المُحتالُ . (1)راجع : ص 540 (الفصل الثانى عشر : نظام جهنّم / أشد النّاس عذاباً) .

13 / 2قابيلُالكتاب«إِنِّى أُرِيدُ أَن تَبُوأَ بِإِثْمِى وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَبِ النَّارِ وَذَ لِکَ جَزَ ؤُاْ الظَّلِمِينَ » . (2)

الحديث6101.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى حَديثِ المِعراجِ ، لِجَبرَئيلَ وذلِکَ عِندَ مُرورِهِ بِمالِکٍ خازِنِ النّارِ : مُرهُ أن يَكشِفَ طَبَقا مِنَ النّارِ ، فَكَشَفَ فَإذا قابيلُ (3) وَنُمرودُ وَفِرعَونُ وَهامانُ . (4)6100.الكافى (به نقل از مردى از اهالى بصره) الإمام الباقر عليه السلام : إنَّ قابيلَ بنَ آدَمَ مُعَلَّقٌ بِقُرونِهِ فى عَينِ الشَّمسِ ، تَدورُ بِهِ حَيثُ دارَت فى زَمهَريرِها (5) وَ حَميمِها إلى يَومِ القِيامَهِ ، فَإذا كانَ يَومُ القِيامَهِ صَيَّرَهُ اللّهُ إلَى النّارِ . (6)13 / 3آلُ فِرعَونَالكتاب«وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِئَايَتِنَا وَ سُلْطَنٍ مُّبِينٍ * إِلَى فِرْعَوْنَ وَ مَلَإِيْهِ فَاتَّبَعُواْ أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَ مَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ * يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَمَهِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَ بِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ * وَ أُتْبِعُواْ فِى هَذِهِ لَعْنَهً وَ يَوْمَ الْقِيَمَهِ بِئْسَ الرِّفْدُ الْمَرْفُودُ» . (7)

«وَ يَقَوْمِ مَا لِى أَدْعُوكُمْ إِلَى النَّجَوهِ وَ تَدْعُونَنِى إِلَى النَّارِ * تَدْعُونَنِى لِأَكْفُرَ بِاللَّهِ وَ أُشْرِكَ بِهِ مَا لَيْسَ لِى بِهِ عِلْمٌ وَ أَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ الْغَفَّرِ * لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونَنِى إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَهٌ فِى الدُّنْيَا وَ لَا فِى الْاخِرَهِ وَ أَنَّ مَرَدَّنَا إِلَى اللَّهِ وَ أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَبُ النَّارِ * فَستَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَ أُفَوِّضُ أَمْرِى إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرُ بِالْعِبَادِ * فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُواْ وَ حَاقَ بِئَالِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ * النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَ عَشِيًّا وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَهُ أَدْخِلُواْ ءَالَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ * وَ إِذْ يَتَحَاجُّونَ فِى النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَؤُاْ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُواْ إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنتُم مُّغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِّنَ النَّارِ * قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُواْ إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ » . (8)

.

1- .. بحار الأنوار : ج 94 ص 141 .
2- .. المائده : 29 .

3- .. فى المصدر : «هابيل» ، والتصويب من بحار الأنوار .
4- .. الغيبه للنّعمانى : ص 101 ح 30 عن أبى أيوب المؤدّب عن أبيه ، بحار الأنوار : ج 10 ص 25 ح 13 .
5- .. الزمهرير : شِدَّةُ البَردِ (النهايه : ج 2 ص 314 «زمهر») .
6- .. تفسير العيّاشى : ج 1 ص 311 ح 80 عن جابر ، بحار الأنوار : ج 11 ص 244 ح 41 .
7- .. هود : 96 99 .
8- .. غافر : 41 48 .

13 / 2 قابیل

13 / 3 فرعونیان

6096.امام صادق علیه السلام : امام زین العابدین علیه السلام در دعای منسوب به ایشان : معبودا ! شیطان ، نافرمانی پلید و پرنیرنگ و خصمی سرسخت و دشمنی دیرین است . چگونه کسی که با چنین حیله گری در یک سرای (دنیا) است ، می تواند نجات یابد ؟ !ر . ک : ص 541 (فصل دوازدهم : نظام دوزخ / آنان که سخت ترین عذاب را دارند) .

13 / 2قابیلقرآن«من می خواهم تو با گناه من و گناه خودت [به سوی خدا] باز گردی و در نتیجه از اهل آتش باشی ، و این است سزای ستمکاران» .

حدیث6094.الإمام الصادق علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که در معراج از کنار مالکِ دوزخبان گذشت : [به جبرئیل گفتم :] به او فرمان بده تا دَرِ طبقه ای از آتش را کنار زند . و مالک آن را کنار زد . پس ، قابیل و نمرود و فرعون و هامان در آن بودند .6093.الکافی (به نقل از علی بن اسباط) امام باقر علیه السلام : قابیل ، پسر آدم ، با کاکل هایش از قرص خورشید ، آویزان است و تا روز قیامت ، خورشید او را با خود در سرما و گرمای شدیدش می چرخاند ، و چون روز قیامت شود ، خداوند ، وی را به آتش می افکند .13 / 3فرعونیانقرآن«وما موسی را با نشانه های خود و حجّتی نمایان فرستادیم به سوی فرعون و سرانِ [قوم]او ؛ ولی [سران] از فرمان فرعون پیروی کردند و فرمان فرعون ، صواب نبود . روز قیامت ، پیشاپیش قومش می رود و آنان را به آتش در می آورد و چه ورودگاه بدی برای واردان است ! و در این دنیا و روز قیامت به لعنت ، بدرقه شده اند ، و چه بد عطایی نصیب آنان می شود !» .

«و ای قوم من ! چه شده است که من شما را به نجات فرا می خوانم و شما مرا به آتش فرا می خوانید؟ مرا فرا می خوانید تا به خدا کافر شوم و چیزی را که بدان علمی ندارم ، با او شریک گردانم ، و من شما را به سوی آن توانمندِ آمرزنده فرا می خوانم. آنچه مرا به سوی آن می خوانید ، به ناچار ، نه در دنیا و نه در آخرت [در خور] خواندن نیست و در حقیقت ، بازگشت ما به سوی خداست و افراطگران ، همدمان آتش اند . پس ، به زودی آنچه را به شما می گویم ، به یاد خواهید آورد ، و کارم را به خدا می

سپارم . و خداست که به [حال]بندگان بیناست . پس ، خدا او را از عواقب سوء آنچه نیرنگ می کردند ، حمایت نمود ، و فرعونیان را عذاب سخت فرا گرفت . صبح و شام بر آتش عرضه می شوند و روزی که رستاخیز برپا شود [، فریاد می رسد که :] فرعونیان را در سخت ترین عذاب در آورید . و آن گاه که در آتش شروع به حجّت آوری می کنند ، زیردستان به کسانی که گردنکش بودند ، می گویند : ما پیرو شما بودیم ، پس آیا می توانید پاره ای از این آتش را از ما دفع کنید؟ کسانی که گردنکشی می کردند ، می گویند : اکنون همه ما در آن هستیم . خداست که میان بندگان داوری کرده است» .

.

الحديث6090.الإمام الهادى عليه السلام (مِن رِسالَهٍ لَهُ فِى الرَّدِّ عَلى أهلِ الجَبر) تفسير القمّى : قالَ رَجُلٌ لِأَبى عَبدِ اللّه ِ عليه السلام : ما تَقولُ فى قَولِ اللّه ِ عز و جل : «النَّارُ يُعرَضُونَ عَلَيهَا غُدُوًّا وَ عَشِيًّا» ؟ فَقالَ أبو عَبدِ اللّه ِ عليه السلام : ما يَقولُ (1) النّاسُ فيها ؟ فَقالَ : يَقولونَ إِنَّها فى نارِ الخُلدِ وَهُم لا يُعَذَّبُونَ فيما بَينَ ذلِكَ . فَقالَ عليه السلام : فَهُم مِنَ السُّعَداءِ . فَقيلَ لَهُ : جُعِلتُ فِداكَ ، فَكَيفَ هذا ؟

فَقَال : إِنَّما هذا فِى الدُّنيا ، وأمّا فِى نارِ الخُلدِ فَهُوَ قَولُهُ : «وَ يَومَ تَقُومُ السَّاعَهُ أَدخِلُوا ءَالَ فِرعَونَ أَشَدَّ العَذَابِ» . (2)راجع : ص 622 (قابيل) .

.

1- .. فى النسخه الّتى بأيدينا : «تقول» ، والتصويب من بحار الأنوار .
2- .. تفسير القمّى : ج 2 ص 258 ، بحار الأنوار : ج 6 ص 285 ح 6 .

حدیث6088.التوحید (به نقل از سلیمان بن جعفر جعفری) تفسیر القمّی : مردی به امام صادق علیه السلام گفت : در باره این سخن خداوند عز و جل : «هر صبح و شام بر آتش عرضه می شوند» چه می گویید ؟

فرمود : مردم در باره آن چه می گویند؟

مرد گفت : می گویند : این در مورد آتشِ جاویدان است ، و فرعونیان تا آن زمان ، عذابی نمی شوند .

امام علیه السلام فرمود : «پس ، آنها از نیک بختان اند ؟ !» .

گفته شد : قربانت کردم ! پس منظور چیست؟

فرمود : «این [عرضه شدن صبح و شام فرعونیان بر آتش] ، در دنیاست ؛ امّا در باره با آتش جاویدان ، می فرماید : «و روزی که رستاخیز برپا شود [، فریاد می رسد که :] فرعونیان را در سخت ترین عذاب در آورید» » .ر . ک : ص 623 (قابیل) .

.

13 / 4اِمرَأَهُ نُوحٍ وَامرَأَهُ لوطٍالكتاب«ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلاً لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَلِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَ قِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّ خِلِينَ » . (1)

الحديث6084.الكافى (به نقل از محمّد بن يحيى، از كسى كه براى او حديث) المستدرک على الصّحيحين عن ابن عبّاس فى قَولِهِ تَعالى : «فَخَانَتَاهُمَا» : ما زَنَتا ، أمّا امرَأَهُ نوحٍ فَكانَت تَقولُ لِلنّاسِ : إنَّهُ مَجنونٌ ، وَأمّا اِمرَأَهُ لوطٍ فَكانَت تَدُلُّ عَلَى الضَّيفِ ، فَذلِکَ خِيانَتُهُما . (2)13 / 5أبُو لَهَبٍ وَامرَأَتُهُالكتاب«تَبَّتْ يَدَا أَبِى لَهَبٍ وَ تَبَّ * مَا أَغْنَى عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ * سَيَصْلَى نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ * وَ امْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ * فِى جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ » . (3)

الحديث6025.عنه صلى الله عليه و آله : صحيح البخارى عن ابن عبّاس : إنَّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله خَرَجَ إلَى البَطحاءِ ، فَصَعِدَ إلَى الجَبَلِ

فَنادى : «يا صَباحاه» ، فَاجتَمَعَت إلَيهِ قُرَيشٌ ، فَقالَ : أَرَأَيتُم إن حَدَّثتُكُم أَنَّ العَدُوَّ مُصَبِّحُكُم أَومُمَسِّيكُم أَكُنتُم تُصَدِّقونَنى ؟ قالوا : نَعَم .

قالَ : فَإنّى نَذيرٌ لَكُم بَينَ يَدَى عَذابٍ شَديدٍ . فَقالَ أَبو لَهَبٍ : أَلِهذا جَمَعتَنا ؟ تَبّا لَکَ . فَأنزَلَ اللّهُ عز و جل : «تَبَّت يَدَا أَبِى لَهَبٍ وَ تَبَّ» إلى آخِرِها . (4) .

1- .. التحريم : 10 .
2- .. المستدرک على الصّحيحين : ج 2 ص 538 ح 3833 ، تفسير الطّبرى : ج 14 الجزء 28 ص 170 ، تاريخ دمشق : ج 50 ص 319 ؛ التبيان فى تفسير القرآن : ج 10 ص 52 ، مجمع البيان : ج 10 ص 479 كلاهما بزياده «كافره» بعد «امرأه نوح» ، بحار الأنوار : ج 11 ص 308 .
3- .. المسد : 1 5 .
4- .. صحيح البخارى : ج 4 ص 1902 ح 4688 ، السنن الكبرى للنسائى : ج 6 ص 526 ح 11714 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 602 ح 2544 كلاهما نحوه ؛ مجمع البيان : ج 10 ص 851 نحوه ، بحار الأنوار : ج 18 ص 175 .

13 / 4 همسران نوح و لوط

13 / 5 ابو لهب و همسرش

13 / 4همسران نوح و لوطقرآن«خدا برای کسانی که کفر ورزیده اند ، زن نوح و زن لوط را مَثَل آورده که هر دو در نکاح دو بنده از بندگان شایسته ما بودند و به آنها خیانت کردند ، و کاری از دست [شوهران] آنها در برابر خدا ساخته نبود ، و گفته شد : با داخل شوندگان ، داخل آتش شوید» .

حدیث6028.الإمام الباقر علیه السلام : المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابن عبّاس ، در باره این سخن خدای متعال که : «و به آنها خیانت کردند» : آن دو زنا ندادند ؛ بلکه زن نوح به مردم می گفت : این مرد دیوانه است . و زن لوط ، مردم را از ورود میهمانان ، آگاه کرد . این بود خیانت آن دو .13 / 5ابو لهب (1) و همسرش1قرآن«بریده باد دو دست بو لهب و مرگش باد ! دارایی او و آنچه اندوخت ، سودش نکرد . به زودی در آتش پُر زبانه در می آید . و زنش ، آن هیمه کش [آتش افروز] ، بر گردنش طنابی از لیف خرماست» .

حدیث6032.الإمام الکاظم علیه السلام : صحیح بخاری به نقل از ابن عبّاس : پیامبر صلی الله علیه و آله به وادی بطحاء بیرون رفت

و بالای کوه رفت و فریاد زد : «هشدار ، هشدار !» .

پس ، قریش نزد او گرد آمدند . فرمود : «آیا اگر به شما بگویم که دشمن بر شما روزخون و شبیخون زده است ، سخنم را باور می کنید؟» .

قریش گفتند : آری .

فرمود : «پس اینک من پیشاپیش ، شما را از عذابی سخت ، هشدار می دهم» .

ابو لهب گفت : برای همین ما را گرد آوردی؟ مرگت باد !

پس ، خداوند عز و جل این سوره را فرو فرستاد : «بریده باد دو دست ابو لهب ...» تا آخر سوره .

.

1- .ابو لهب عبد العُزّی بن عبد المطّلب بن هاشم، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله ، شخصیتی بازمانده از دوران جاهلیت بود؛ که دشمنی هایش با پیامبر صلی الله علیه و آله و آزار و اذیت هایی که بر ایشان روا داشته ، شهره است ، چندان که به گفتن نیاز ندارد. ابو لهب ، همان کسی است که این سخن خدای متعال ، در باره او نازل شده است: «تَبَّتْ یَدَآ أَبِی لَهَبٍ وَ تَبَّ ؛ بریده باد دستان ابو لهب و مرگ بر او !» (سوره مسد : آیه 1) .

6081.الإرشاد (به نقل از حسن بن ابى الحسن بصرى) الإمام الصّادق عليه السلام : إذا قَرَأتُم : «تَبَّت يَدَا أَبِى لَهَبٍ وَ تَبَّ» فَادعوا عَلى أَبى لَهَبٍ ؛ فَإِنَّهُ كانَ مِنَ المُكَذِّبينَ الَّذينَ يُكَذِّبونَ بِالنَّبِيِ صلى الله عليه و آله وَما جاءَ بِهِ مِن عِندِ اللّهِ عز و جل . (1)13 / 6أبو جَهل6080.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله : الدُّرُّ المنثور عن ابن عبّاسٍ : مَرَّ أَبو جَهلٍ بِرَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله وَهُوَ جالِسٌ ، فَلَمّا نَفَذَ قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : «أَوْلَى لَكَ فَأَوْلَى * ثُمَّ أَوْلَى لَكَ فَأَوْلَى» (2) ، فَسَمِعَ أبو جَهلٍ فَقالَ : مَن تُوَعِّدُ يا مُحَمَّدُ؟ قالَ : إِيّاكَ ، فَقالَ : بِمَ تُوَعِّدُنى؟ فَقالَ : أُوَعِّدُكَ بِالعَزيزِ الكَريمِ . فَقالَ أبو جَهلٍ أَلَيسَ أنا العزيزَ الكَريمَ؟

فَأَنزَلَ اللّهُ : «إِنَّ شَجَرَتَ الزَّقُّومِ * طَعَامُ الْأَثِيمِ » (3) إلى قَولِهِ : «ذُقْ إِنَّكَ أَنتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ » (4) . فَلَمّا بَلَغَ أبا جَهلٍ ما نَزَلَ فيهِ جَمَعَ أَصحابَهُ ، فَأَخرَجَ إِلَيهِم زُبدا وَتَمرا فَقالَ : تَزَقَّمُوا مِن هذا ، فَوَ اللّهِ ما يَتَوَعَّدُكُم مُحَمَّدا إِلّا بِهذا . فَأَنزَلَ اللّهُ : «إِنَّها شَجَرَةٌ

تَخرُجُ فِى أَصلِ الجَحِيمِ» (5) إلى قَولِهِ : «ثُمَّ إِنَّ لَهُم عَلَيهَا لَشَوبًا مِّن حَمِيمٍ» (6) ، فَقالَ فِى الشَّوبِ : إِنَّها تَختَلِطُ بِاللَّبَنِ فَتشُوبُهُ بِها ، فَإِنَّ لَهُم عَلى ما يَأكُلُونَ لَشَوبا مِن حَميمٍ . (7) .

1- .. ثواب الأعمال : ص 155 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 48 ح 41 .
2- .القيامه : 34 و 35 .
3- .. الدخان : 43 و 44 .
4- .. الدخان : 49 .
5- .. الصافات : 64 .
6- .. الصافات : 67 .
7- .. الدّرّ المنثور : ج 7 ص 96 نقلاً عن ابن مردويه وراجع : تفسير الطّبرى : ج 13 الجزء 25 ص 142 و زاد المسير : ج 5 ص 40 و إمتاع الأسماع : ج 6 ص 233 .

13 / 6 ابو جهل

6079.عيون أخبار الرضا عليه السلام (به نقل از ابراهيم بن عبّاس) امام صادق عليه السلام : هر گاه سوره «تبّت يدا ابى لهب و تبّ» را خوانديد ، بر ابو لهب نفرين فرستيد؛ زيرا او از تكذيب كنندگانى بود كه پيامبر و آنچه را او از نزد خداى عز و جلآورد ، تكذيب مى كرد .13 / 6ابو جهل

(1)6076.امام صادق عليه السلام : الدرّ المنثور به نقل از ابن عبّاس : پيامبر خدا صلى الله عليه و آله نشسته بود كه ابو جهل بر ايشان گذشت . چون رد شد ، پيامبر خدا صلى الله عليه و آله فرمود : «واى بر تو! واى بر تو! باز هم واى بر تو! واى بر تو!» .

ابو جهل شنيد و گفت : چه كسى را بيم مى دهى ، اى محمّد؟

فرمود : «تو را» .

گفت : مرا از چه بيم مى دهى؟

فرمود : «از ارجمند بزرگوار ، بيمت مى دهم» .

ابو جهل گفت : مگر من ارجمند بزرگوار نيستم؟

پس خداوند ، [آيه :] «همانا درخت زقّوم . خوراک گنه پيشه است» تا آيه شريف : «بچش كه تو همان ارجمند بزرگوارى!» را فرو فرستاد . چون ابو جهل شنيد كه اين آيات در باره اش نازل شده است ، يارانش را گرد آورد و طعامى از كره و خرما برايشان تهيّه كرد و گفت : زقّوم (2) بخوريد ؛ زيرا به خدا سوگند محمّد ، شما را به چيزى جز اين ، بيم نمى دهد . پس

خداوند ، اين آيات را فرو فرستاد : «آن (زقّوم) ، درختى است كه از قعر آتش سوزان مى رويد» تا آيه : «سپس ايشان را بر سر آن ، آميغى از آب جوشان است» .

آميغ ، آميخته زقّوم با شير است . پس ، به ايشان بعد از [يا : افزون بر]آنچه مى خورند ، آميغى از آب جوشان مى نوشانند .

.

1- .ابو جهل عمرو بن هشام بن مغیره مخزومی، از سرسخت ترین دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله بود که به حالت کفر در جنگ بدر ، کشته شد. گزارش های رفتارهای زشت و آزار دهنده اش با پیامبر صلی الله علیه و آله ، مشهور است.
2- .. زقّوم : نام غذایی است تهیّه شده از کره و خرما (لسان العرب) .

6080.رسول اللّه صلى الله عليه و آله : تفسير القمّي فى قوله تعالى : «إِنَّ شَجَرَتَ الزَّقُّومِ * طَعَامُ الْأَثِيمِ » (1) : نَزَلَتْ فى أبى جَهْلٍ . وَقولُهُ : «كَالمُهلِ » قالَ : المُهلُ الصُّفرُ المُذابُ «يَغلِى فِى البُطُونِ * كَغَلىِ الحَمِيمِ » (2) وَهُوَ الَّذِى قَد حَمِىَ وَبَلَغَ المُنتَهى . ثُمَّ قالَ : «خُذُوهُ فَاعتِلُوهُ » (3) أى اضغَطوهُ مِن كُلِّ جانِبٍ ، ثُمَّ انزِلوا بِهِ إلى سَواءِ الجَحيمِ ، ثُمَّ يُصَبُّ عَلَيهِ ذلِكَ الحَميمُ ، ثُمَّ يُقالُ لَهُ : «ذُق إِنَّكَ أَنتَ العَزِيزُ الكَرِيمُ » فَلَفظُهُ خَبَرٌ وَمَعناهُ حِكايَةٌ عَمَّن يَقولُ لَهُ ذلِكَ ، وَذلِكَ أَنّ أبا جَهلٍ كانَ يَقُولُ : أنا العَزيزُ الكَريمُ ، فَيُعَيَّرُ (4) بِذلِكَ فِى النّارِ . (5)6079.عيون أخبار الرضا عليه السلام عن إبراهيم بن العبّا صحيح مسلم عن عبيد اللّه بن معاذ و محمّد بن عبد الأعلى القيسى عن ... عن أبى هريره : قالَ أبو جَهلٍ : هَل يُعَفِّرُ مُحَمَّدٌ وَجهَهُ بَينَ أظهُرِكُم ؟ قالَ : فَقيلَ : نَعَم ، فَقالَ : وَ اللّاتِ وَالعُزّى لَئِن رَأيتُهُ يَفعَلُ ذلِكَ لَأَطَأَنَّ عَلى رَقَبَتِهِ أو لَأُعَفِّرَنَّ وَجهَهُ فِى التُّرابِ .

قالَ : فَأَتى رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله وَهُوَ يُصَلّى ، زَعَمَ لَيَطَأُ عَلى رَقَبَتِهِ ، قالَ : فَما فَجَأَهُم مِنهُ إلّا وَهُوَ يَنكُصُ عَلى عَقِبَيهِ وَيَتَّقِي بِيَدَيهِ . قالَ : فَقيلَ لَهُ : ما لَكَ؟ فَقالَ : إِنَّ بَينى وَ بَينَهُ لَخَندَقا مِن نارٍ وَهَولاً وَأَجنِحَةً .

فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : لَو دَنا مِنّى لَاختَطَفَتهُ المَلائِكَةُ عُضوا عُضوا .

قالَ : فَأَنزَلَ اللّهُ عز و جل لا نَدرى فى حَديثِ أَبى هُرَيرَةَ أَو شَىءٍ بَلَغَهُ «كَلَّا إِنَّ الْاءِنسَنَ لَيَطْغَى * أَن رَّءَاهُ اسْتَغْنَى * إِنَّ إِلَى رَبِّكَ الرُّجعَى * أَرَءَيتَ الَّذِى يَنهَى * عَبدًا إِذَا صَلَّى * أَرَءَيتَ إِن كَانَ عَلَى الْهُدَى * أَو أَمَرَ بِالتَّقوَى * أَرَءَيتَ إِن كَذَّبَ وَ تَوَلَّى» يَعنى أبا جَهلٍ «أَلَم يَعلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى * كَلَّا لَئِن لَّم يَنتَهِ لَنَسفَعَا بِالنَّاصِيَهِ * نَاصِيَهٍ كَذِبَهٍ خَاطِئَهٍ * فَلْيَدعُ نَادِيَهُ * سَنَدعُ الزَّبَانِيَهَ * كَلَّا لَا تُطِعهُ » (6) زادَ عُبَيدُ اللّهِ فى حَديثِهِ قالَ : وَ أَمَرَهُ بِما أَمَرَهُ بِهِ وَزادَ ابنُ عَبدِ الْأَعْلى : «فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ » يَعْنى قَوْمَهُ . (7) .

1- .. الدخان : 43 و 44 .
2- .. الدخان : 45 و 46 .
3- .. الدخان : 47 .
4- .. فى النسخه الّتى بأيدينا : «تعيّر» والتصويب من بحار الأنوار .
5- .. تفسير القمّى : ج 2 ص 292 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 313 ح 84 .

6- .. العلق : 6 19 .
7- .. صحيح مسلم : ج 4 ص 2154 ح 38 ، السّنن الكبرى للنّسائى : ج 6 ص 518 ح 11683 و 11684 عن ابن عبّاس ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 302 ح 8839 كلاهما نحوه ؛ مجمع البيان : ج 10 ص 782 نحوه ، بحار الأنوار : ج 9 ص 171 .

6078.الکافی عن أبی طالب القمّی عن رجل عن الإمام الصادق تفسیر القمّی : آیه «إِنَّ شَجَرَتَ الزَّقُّومِ * طَعَامُ الْأَثِیمِ» در باره ابو جهل نازل شد . «کَالْمُهْلِ» ، مهل به معنای مس گداخته است . «یَغْلِی فِی الْبُطُونِ * کَغَلْیِ الْحَمِیمِ» ، حمیم ، آبی است که به نهایت داغی رسیده است [یعنی در شکم ها می جوشد همانند جوشش آب جوشان] . سپس فرمود : «خُذُوهُ فَاعْتِلُوهُ»یعنی [او را بگیرید و] از هر سو فشارش دهید ، آن گاه در میان آتش دوزخش اندازید ، سپس آن آب جوشان بر او ریخته می شود ، و به او می گویند : «بچش که تو همان ارجمند بزرگواری» . لفظ این جمله [تو همان ارجمند بزرگواری] ، خبر است ؛ امّا معنایش نقل قول از کسی است که این جمله به او گفته می شود ؛ چرا که ابو جهل می گفت : «من ارجمند بزرگوارم» . پس با این جمله او را در آتش ، سرزنش [و ریشخند]می کنند .6077.عنه علیه السلام (لَمّا سُئِلَ عَنِ الجَبرِ وَالقَدَرِ) صحیح مسلم به نقل از ابو هریره : ابو جهل گفت : آیا محمّد در حضور شما چهره اش را [برای خدا] به خاک [و سجده] می نهد؟

گفته شد : آری .

ابو جهل گفت : به لات و عزّی سوگند ، اگر من او را ببینم که چنین می کند ، گردنش را لگد خواهم کرد یا صورتش را به خاک خواهم مالید .

پس نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفت و ایشان نماز می خواند . ابو جهل خواست پایش را بر گردن پیامبر صلی الله علیه و آله بگذارد ؛ امّا ناگهان یارانش دیدند که ابو جهل عقب عقب می آید و دستانش را در برابر خود ، سپر کرده است . به او گفته شد : تو را چه شده است؟

گفت : میان من و او خندقی از آتش و موجوداتی هولناک و چندین بال ، ظاهر شدند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «اگر به من نزدیک شده بود ، فرشتگان او را تکّه تکّه می کردند . پس خداوند عز و جل نمی دانیم این قسمت در حدیث ابو هریره بود یا از جای دیگر شنید این آیات را فرو فرستاد : «حقّا که انسان سرکشی می کند ، همین که خود را بی نیاز پندارد . در حقیقت ، بازگشت به سوی پروردگار توست . آیا دیدی آن کس را که باز می داشت ، بنده ای را آن گاه که نماز می گزارد . چه پنداری

اگر او به هدایت باشد ، یا به پرهیزگاری وا دارد [برای او بهتر نیست]؟ [و باز] چه پنداری [که] اگر او (ابو جهل) به تکذیب بپردازد و روی برگرداند [که چه کیفری در پیش دارد] ؟ مگر ندانسته که خدا می بیند ؟ زنهار ، اگر باز نایستد ، موی پیشانی[اش] را سخت بگیریم ؛ [همان] موی پیشانی دروغزن گناه پیشه را . [بگو] تا انجمن خود را بخواند . به زودی ، آتشبانان را فرا خوانیم . زنهار! فرمانش مبر» .

عبید اللّه در حدیثش افزود و گفت : و فرمان داد به او آنچه را فرمانش داد ، و ابن عبد الأعلی افزود : «تا انجمن خود را بخواند» یعنی قومش را . .

6076.عنه علیه السلام : السنن الکبری للنسائیّ عن ابن عبّاس : صَلّی النَّبیُ صلی الله علیه و آله ، فَجاءَ أبو جَهلٍ ، فَقالَ : أَلَم أنهَکَ عَن هذا ؟ وَاللّهِ إنَّکَ لَتَعلَمُ ما بِها نادٍ أکثَرُ مِنّی ! فَأنزَلَ اللّهُ عز و جل : «فَلیَدعُ نَادِیَهُ * سَنَدعُ الزَّبَانِیَهَ » .

6075.امام صادق علیه السلام : دلائل النّبوّه للبیهقیّ عن الشعبیّ : إنَّ رَجُلاً قالَ لِلنَّبِیِ صلی الله علیه و آله : إنّی مَرَرتُ بِبَدرٍ ، فَرَأیتُ رَجُلاً یَخرُجُ مِنَ الْأَرْضِ ، فَیَضْرِبُهُ رَجُلٌ بِمِقمَعَهٍ مَعَهُ حَتّی یَغیبَ فِی الأَرضِ ، ثُمَّ یَخرُجُ ، فَیَفعَلُ بِهِ مِثلَ ذلِکَ ، قالَ ذلِکَ مِراراً . (1)

فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : ذاکَ أَبو جَهلِ بنُ هِشامٍ ، یُعَذَّبُ إلی یَومِ القِیامَهِ . (2) .

1- .. السنن الکبری للنسائی : ج 6 ص 518 ح 11684 ، سنن التّرمذی : ج 5 ص 444 ح 3349 ، أسباب النّزول : ص 485 ح 863 ، تفسیر الفخر الرّازی : ج 32 ص 17 ؛ المناقب لابن شهر آشوب : ج 1 ص 54 وکلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 18 ص 201 ح 32 .
2- .. دلائل النّبوّه للبیهقی : ج 3 ص 89 ، تاریخ الإسلام للذّهبی : ج 2 ص 97 ، السّیره النّبویّه لابن کثیر : ج 2 ص 445 ، سبل الهدی والرّشاد : ج 4 ص 52 .

6075.الإمام الصادق علیه السلام : السنن الکبری ، نسایی به نقل از ابن عبّاس : پیامبر صلی الله علیه و آله مشغول نماز شد . ابو جهل آمد و گفت : مگر تو را از این کار نهی نکردم؟ به خدا سوگند ، تو خود می دانی که در مکّه انجمنی فزون تر از انجمن من نیست .

پس خداوند عز و جل این آیات را فرو فرستاد : «پس [بگو :] تا انجمن خود را بخواند . به زودی ، ما هم آتشبانان را فرا می خوانیم» .

به خدا سوگند اگر ابو جهل قوم خود را فرا می خواند ، آتشبانان ، او را فرو می گرفتند .6074.عیون أخبار الرضا علیه السلام (به نقل از برید بن عمیر بن معاویه شامی) دلائل النبوّه ، بیهقی به نقل از شعبی : مردی به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت : من از بدر می گذشتم که دیدم مردی از زمین بیرون می آید ، و مردی دیگر با پتک بر او می کوبد ، به طوری که دوباره در زمین فرو می رود ، و باز بیرون می آید و دوباره با او چنین می شود و بارها این کار تکرار شد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «او ابو جهل بن هشام است که تا روز قیامت ، همچنان عذاب می شود» . .

13 / 7أُبَىُ بنُ خَلَفٍ6071.الكافى (به نقل از احمد بن محمّد بن ابى نصر) السيره النّبويّه لابن هشام : مَشى أُبَىُّ بنُ خَلَفٍ إلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله بِعَظمٍ بالٍ قَد أرفَتَ (1) ، فَقالَ : يا مُحَمَّدُ ! أنتَ تَزعُمُ أنَّ اللّهَ يَبعَثُ هذا بَعدَما أرَمَّ (2) ؟! ثُمَّ فَتَّهُ فى يَدِهِ ، ثُمَّ نَفَخَهُ فِى الرّيحِ نَحوَ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله .

فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : نَعَم ، أنَا أقُولُ ذلِكَ ، يَبعَثُهُ اللّهُ وَإيّاكَ بَعدَما تَكونانِ هكَذا ، ثُمَّ يُدخِلُكَ اللّهُ النّارَ .

فَأنزَلَ اللّهُ تَعالى فيهِ : «وَ ضَرَبَ لَنَا مَثَلاً وَ نَسِىَ خَلقَهُ قَالَ مَن يُحىِ العِظَمَ وَ هِىَ رَمِيمٌ * قُل يُحيِيهَا الَّذِى أنشَأهَا أوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلقٍ عَلِيمٌ * الَّذِى جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الأخْضَرِ نَارًا فَإذَا أنتُم مِّنهُ تُوقِدُونَ » (3) .
(4)6074.عيون أخبار الرضا عليه السلام عن بريد بن عمير بن م الدّرّ المنثور عن ابن عبّاس فى قَولِهِ تَعالى : «وَ يَومَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيهِ » (5) : أُبَىُّ بنُ خَلَفٍ وَعُقبَهُ بنُ أبى مُعَيطٍ ، وَهُما الخَليلانِ فى جَهَنَّمَ عَلى مِنبَرٍ مِن نارٍ . (6)6073.تاريخ دمشق عن عبد اللّه بن جعفر عن الإمام علىّ عل المصنّف لعبد الرّزّاق عن معمّر عن عثمان الجزرى عن مقسم مولى ابن عبّاس : إنَّ إبنَ أبى مُعَيطٍ وَأُبَىَّ بنَ خَلَفٍ الجُمَحى التَقَيا ، فَقالَ عُقبَهُ بنُ أبى مُعَيطٍ لِأُبَىٍّ بنِ خَلَفٍ وَكانا

خَليلَينِ فِى الجاهِلِيَّهِ ، وَكانَ أُبَىُّ بنُ خَلَفٍ أتى النَّبِىَ عليه السلام فَعَرَضَ عَلَيهِ الإسلامَ ، فَلَمّا سَمِعَ ذلِكَ عُقبَهُ قالَ : لا أرضى عَنكَ حَتّى تَأتِىَ مُحَمَّدا فَتَتفُلَ فى وَجهِهِ وَتَشتِمَهُ وَتُكَذِّبَهُ .

قالَ : فَلَم يُسَلِّطهُ اللّهُ عَلى ذلِكَ ، فَلَمّا كانَ يَومُ بَدرٍ أُسِرَ عُقبَهُ بنُ أبى مُعَيطٍ فِى الأسارى ، فَأمَرَ النَّبِىُ صلى الله عليه و آله عَلِىَّ بنَ أبى طالِبٍ أن يَقتُلَهُ ، فَقالَ عُقبَهُ : يا مُحَمَّدُ ، مِن بَينِ هؤُلاءِ أقتَلُ ؟! قالَ : نَعَم ، قالَ : لِمَ؟ قالَ : بِكُفرِكَ وَفُجُورِكَ وَعُتُوِّكَ عَلَى اللّهِ وَ رَسولِهِ .

قالَ : فَقامَ إلَيهِ عَلِىُّ بنُ أبى طالِبٍ فَضَرَبَ عُنُقَهُ .

وَأمّا أُبَىُّ بنُ خَلَفٍ فَقالَ : وَاللّهِ لَأقتُلَنَّ مُحَمَّداً ! فَبَلَغَ ذلِكَ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَقالَ : بَل أنا أقتُلُهُ إن شاءَ اللّهُ . فَانطَلَقَ رَجُلٌ مِمَّن سَمِعَ ذلِكَ مِنَ النَّبِىِ صلى الله عليه و آله إلى أُبَىِّ بنِ خَلَفٍ فَقالَ (7) : إنَّهُ لَمّا

قيلَ لِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله ما قُلتَ ، قالَ : بَل أنا أقتُلَهُ إِن شاءَ اللّهُ . فَأُفزِعَهُ ذلِکَ وَقالَ : أنشُدُکَ بِاللّهِ ! أسَمِعتَهُ يَقولُ ذلِکَ ؟ قالَ : نَعَم . فَوَقَعتُ فى نَفسِهِ ؛ لِأَنَّهُم لَم يَسمَعوا رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ قَولاً إلّا كانَ حَقّا .

فَلَمّا كانَ يَومُ أُحُدٍ خَرَجَ أُبَىُّ بنُ خَلَفٍ مَعَ المُشرِكينَ ، فَجَعَلَ يَلتَمِسُ غَفلَةَ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله لِيَحمِلَ عَلَيهِ ، فَيَحولُ رَجُلٌ مِنَ المُسلِمينَ بَينَهُ وَ بَينَ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله ، فَلَمّا رَأى ذلِکَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله قالَ لِأَصحابِهِ : خَلّوا عَنهُ ، فَأَخَذَ الحَربَةَ فَجَزَلَهُ بِها يَقولُ : رَماهُ بِها فَيَقَعُ فى تَرقُوَتِهِ تَحتَ تَسبِغَهِ البَيضَهِ وَفوقَ الدِّرعِ ، فَلَم يَخرُج مِنهُ كَبيرُ دَمٍ وَاحتَقَنَ الدَّمُ فى جَوفِهِ ، فَجَعَلَ يَخورُ كَما يَخورُ الثَّورُ ، فَأَقبَلَ أصحابُهُ حَتّى

احتَمَلوهُ وَهُوَ يَخورُ ، وَقالوا : ما هذا ، فَوَ اللّهِ ما بِکَ إلّا خَدشٌ؟

فَقالَ : وَاللّهِ ! لَو لَم يُصِبنى إلّا بَريقُهُ لَقَتَلَنى ، أَلَيسَ قَد قالَ : أَنا أَقتُلُهُ إِن شاءَ اللّهُ ؟! وَاللّهِ ! لَوكانَ الَّذى بى بِأَهلِ ذى المَجازِ لَقَتَلَهُم .

قالَ : فَما لَبِثَ إلّا يَوما أَو نَحوَ ذلِکَ حَتّى ماتَ إلَى النّارِ ، فَأَنزَلَ اللّهُ فيهِ : «وَ يَومَ يَعَضُّ الظّالِمُ عَلَى يَدَيهِ » إلى قَولِهِ : «[وَكانَ] الشَّيطنُ لِلْاِنسَنِ خَذُولاً » (8) . (9) .

1- .. رَفَتَ وأرفَتَ : أى تَكسَّرَ (النهايه : ج 2 ص 241 «رفت») .
2- .. أرَمَّ : إذا بَلى (النهايه : ج 2 ص 266 «رمم») .
3- .. يس : 78 80 .
4- .. السّيره النبويّه لابن هشام : ج 1 ص 387 ، السّيره النبويّه لابن كثير : ج 2 ص 55 .
5- .. الفرقان : 27 .
6- .. الدرّ المنثور : ج 6 ص 253 نقلاً عن ابن مردويه .
7- .فى المصدر : «فقيل» ، والصواب ما أثبتناه (اُنظر تفسير القرآن للمؤلّف عبد الرزاق ج 3 ص 68) .
8- .. الفرقان : 17 29 .
9- .. المصنّف لعبد الرّزّاق : ج 5 ص 355 ح 9731 ، الدرّ المنثور : ج 6 ص 251 .

13 / 7 اُبیّ بن خَلَف

13 / 7اُبیّ بن خَلَف 16070.امام کاظم علیه السلام : السیره النبویّه ، ابن هشام : اُبَیّ بن خلف با استخوانی پوسیده و خرد شده نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفت و گفت : ای محمّد! تو می گویی که خداوند این را که پوسیده شده ، زنده می کند؟ سپس آن را در دستش نرم کرد و به طرف پیامبر خدا به باد داد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «آری ، من این را می گویم . خداوند ، آن را و تو را زان پس که چنین شده اید ، زنده می گرداند و آن گاه تو را به آتش می برد» .

پس خداوند متعال ، این آیات را در باره اش فرو فرستاد : «و برای ما مَثَلی آورد و آفرینش خود را فراموش کرد ، گفت : چه کسی این استخوان ها را که چنین پوسیده است ، زندگی می بخشد؟ بگو : همان کسی که نخستین بار ، آن را پدید آورد و اوست که به هر گونه آفرینشی داناست ؛ همو که بر اینان از درخت سبزفام ، اخگر نهاد که از آن آتش می افروزید» .6069.امام صادق علیه السلام (در دعا) الدرّ المنثور به نقل از ابن عبّاس ، در باره آیه : «و روزی که ستمگر ، دستانش را به دندان گزد» : اُبیّ بن خلف و عقبه بن ابی معیط که [در جاهلیت] با هم دوست بودند ، در جهنّم بر منبری از آتش جای می گیرند .6070.الإمام الکاظم علیه السلام : المصنّف ، عبد الرزّاق به نقل از معمّر ، از عثمان جزری ، از مقسم وابسته ابن عبّاس : ابن ابی معیط و اُبیّ بن خلف جمحی به هم بر خوردند . آن دو از دوستان دوران جاهلی یکدیگر بودند . اُبیّ بن خلف نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفته و ایشان

او را به اسلام دعوت کرده بود و این خبر به عقبه رسیده بود . عقبه [در این برخورد] به او گفت : از تو راضی نمی شوم ، مگر آن که نزد محمّد بروی و به صورتش تف بیندازی و دشنامش دهی و تکذیبش کنی .

معمّر گفت : امّا خداوند ، قدرت انجام دادن این کار را به او نداد . چون روز بدر شد ، عقبه بن ابی معیط از جمله کسانی بود که به اسارت در آمد

. پیامبر صلی الله علیه و آله به علی بن ابی طالب علیه السلام دستور داد او را بکشد . عقبه گفت : ای محمّد ! از میان اینان فقط من کشته شوم؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «آری» .

گفت : به خاطر چه؟

فرمود : «به خاطر کفر و نابکاری و گستاخی ات بر خدا و پیامبر او» .

پس ، علی بن ابی طالب برخاست و گردن او را زد .

و امّا اُبیّ بن خلف گفت : به خدا سوگند ، محمّد را می کشم . این سخن به گوش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رسید . فرمود : «نه ! به خواست خدا من او را خواهم کشت» .

این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله او را به وحشت انداخت و [به ناقل] گفت : تو را به خدا ، آیا واقعا شنیدی که او این سخن را بگوید؟

گفت : آری .

اُبیّ بن خلف به شدّت نگران شد ؛ چون هرگز نشنیده بودند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سخنی بگوید و تحقّق پیدا نکند . چون روز اُحد شد ، اُبیّ بن خلف با مشرکان همراه شد و مترصّد غفلت پیامبر صلی الله علیه و آله بود تا بر او حمله برد ؛ امّا هر بار ، مردی از مسلمانان میان او و پیامبر صلی الله علیه و آله قرار می گرفت . چون پیامبر صلی الله علیه و آله چنین دید ، به یارانش فرمود : «راهش را باز کنید» و زوبین را گرفت و به طرف او پرتاب کرد . زوبین در ترقوه او ، پایین کلاه خود و بالای زره ، نشست و خون زیادی از آن بیرون نزد ؛ بلکه خون در داخل بدنش جمع شد و لذا مانند گاو خرناس می کشید . یارانش آمدند تا او را که همچنان خرناس می کشید ، ببرند ، و گفتند : چیزی نیست ، فقط یک خراش است . امّا او گفت : به خدا سوگند ، اگر تنها آب دهان او [پیامبر] به من رسیده باشد ، مرا خواهد کشت . مگر او نگفته بود که : «به

خواست خدا من او را خواهم کشت» ؟ به خدا سوگند ،اگر آنچه به من اصابت کرده ، به اهالی ذی المجاز (1) اصابت می کرد ، همه آنها را می کشت .

پس ، یک روز بعد و یا چیزی در همین حدود ، اَبیّ بن خلف مُرد و به جهنّم رفت و خداوند ، این آیات را در باره او فرو فرستاد : «و روزی که ستمگر ، دستان خویش را به دندان گزد» تا «شیطان همواره فرو گذارنده انسان است» .

.

1- .از بازارهای عرب در یک فرسنگی عرفه .

ص: 636

. .

ص: 637

..

13 / 8أُمَيَّهُ بنُ خَلَفٍ6067.امام باقر عليه السلام : تفسير الفخر الرازىّ عن ابن عبّاس فى قَولِهِ تعالى : «لَا يَصلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى» (1) : نَزَلَتْ فى أُمَيَّهَ بنِ خَلَفٍ وَ أَمثالِهِ الَّذينَ كَذَّبُوا مُحَمَّدا صلى الله عليه و آله وَالأَنبياءَ قَبلَهُ . (2)6066.امام رضا عليه السلام : السيره النّبويّه لابن هشام : أُمَيَّهُ بنُ خَلَفِ بنَ وَهبِ بنِ حُذافَهَ بنِ جُمَحٍ ، كانَ إِذا رَأى رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله هَمَزَهُ وَلَمَزَهُ ، فَأنزَلَ اللّهُ تعالى فيهِ : «وَيلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ * الَّذِى جَمَعَ مَالًا وَ عَدَّدَهُ * يَحسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخلَدَهُ * كَلَّا لَيُنبَذَنَّ فِى الْحُطَمَهِ * وَ مَا أَدرَاكَ مَا الْحُطَمَهُ * نَارُ اللَّهِ المُوقَدَهُ * الَّتِى تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئدَهِ * إِنَّهَا عَلَيهِم مُّؤصَدَهٌ * فِى عَمَدٍ مُّمَدَّدَهِ » (3) . (4) .

1- .. الليل : 15 .
2- .. تفسير الفخر الرّازى : ج 31 ص 203 ، تفسير القرطبى : ج 20 ص 87 و ليس فيه «والأنبياء قبله» .
3- .. الهمزه : 1 9 .
4- .. السّيره النبويّه لابن هشام : ج 1 ص 382 ، لباب النّقول : ص 216 ، سبل الهدى والرّشاد : ج 2 ص 464 .

13 / 8 أُميه بن خلف

13 / 8أُميه بن خلف 16066.الإمام الرضا عليه السلام : تفسير الفخر الرازى به نقل از ابن عبّاس ، در باره آيه «و به آن [دوزخ] در نيايد ، مگر نگون بخت ترين مردم» : در باره اميّه بن خلف و همتايان او كه محمّد صلى الله عليه و آله و پيامبران پيش از او را تكذيب كردند ، نازل شد .6065.امام على عليه السلام : السيره النبويّه ، ابن هشام : اميّه بن خلف بن وهب بن حذافه بن جُمَح ، هر گاه پيامبر خدا صلى الله عليه و آله را مى ديد ، به ايشان زخم زبان و پوزخند مى زد . پس خداوند متعال ، اين سوره را در باره او فرو فرستاد : «واى بر هر بدگوى عيبجويى ؛ همو كه مالى گرد آورد و برشمردش ! پندارد كه مالش او را جاويد كرده است ؛ ولى نه ! قطعا در آتش خرد كننده فرو افكنده خواهد شد . و تو چه دانى كه آن آتشِ خرد كننده چيست؟ آتش افروخته خدا است . آتشى كه به دل ها مى رسد ، در ستون هايى دراز ، [كه آنان را در ميان فرا مى گيرد]» .

.

13 / 9عُتبَةُ بنُ رَبيعَة6065.عنه عليه السلام : صحيح مسلم عن أنس : إِنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله تَرَكَ قَتلى بَدرٍ ثَلاثا ثُمَّ أَتاهُم ، فَقامَ عَلَيهِم فَناداهُم ، فَقالَ : يا أَبا جَهلِ بنَ هِشامٍ ، يا أُمَيَّةَ بنَ خَلَفٍ ، يا عُتبَةَ بنَ رَبيعَةَ ، يا شَيبَةَ بنَ رَبيعَةَ ! أَلَيسَ قَد وَجَدتُم ما وَعَدَ رَبُّكُم حَقّا ؟ فَإِنّى قَد وَجَدتُ ما وَعَدنى رَبّى حَقّاً .

فَسَمِعَ عُمَرُ قَولَ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله ، فَقالَ : يا رَسُولَ اللّهِ ، كَيفَ يَسمَعوا وَ أَنّى يُجيبوا وَقَد جَيَّفوا؟

قالَ : وَالَّذى نَفسى بِيَدِهِ ! ما أَنتُم بِأَسمَعَ لِما أَقولُ مِنهُم ، وَلكِنَّهُم لا يَقدِرونَ أن يُجيبوا . ثُمَّ أَمَرَ بِهِم فَسُحِبوا فَأُلقوا فى قَليبِ (1)

بَدرٍ . (2)6064.الإمام علىّ عليه السلام : صحيح البخارىّ عن قيس بن عبّاد عن علىّ بن أبى طالب عليه السلام أَنَّهُ قالَ : أنا أَوَّلُ مَن يَجثو بَينَ يَدَيِ الرَّحمنِ لِلخُصومَهِ يَومَ القِيامَهِ .

وَقالَ قَيسُ بنُ عبّادٍ : وفيهِم أُنزِلَت : «هَذَانِ خَصمَانِ اختَصَمُوا فِى رَبِّهِم » (3) قالَ : هُمُ الَّذينَ تَبارَزوا يَومَ بَدرٍ ، حَمزَهُ وَعَلِىٌّ وَعُبَيدَهُ أَو أَبو عُبَيدَهَ بنُ الحارِثِ ، وَشَيبَهُ بنُ رَبيعَهَ وَعُتبَهُ بنُ رَبيعَهَ وَالوَليدُ بنُ عُتبَهَ . (4) .

1- .. القَليبُ : البئر التى لم تُطوَ (مفردات ألفاظ القرآن : ص 682 «قلب») .
2- .. صحيح مسلم : ج 4 ص 2203 ح 77 ، السنن الكبرى للنّسائى : ج 1 ص 665 ح 2202 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 572 ح 14066 كلاهما نحوه ، صحيح ابن حبّان : ج 14 ص 423 ح 6498 ، مسند أبى يعلى : ج 3 ص 343 ح 3313 .
3- .. الحجّ : 19 .
4- .. صحيح البخارى : ج 4 ص 1458 ح 3747 ، تفسير ابن كثير : ج 5 ص 401 ، شواهد التنزيل : ج 1 ص 503 ح 532 ، كنز العمّال : ج 2 ص 472 ح 4531 ؛ العمده : ص 311 ح 519 ، سعد السعود : ص 102 ، بحار الأنوار : ج 36 ص 22 ح 4 .

13 / 9 عتبه بن ربیعه

13 / 9عتبه بن ربیعه (1)6062.رسول اللّه صلی الله علیه و آله : صحیح مسلم به نقل از اَنَس بن مالک : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کشتگان بدر را سه روز وا نهاد و سپس نزد آنها آمد و در کنارشان ایستاد و صدا زد : «ای ابو جهل بن هشام ! ای امیّه بن خلف ! ای عتبه بن ربیعه ! ای شیبه بن ربیعه ! آیا آنچه را پروردگارتان به شما وعده داد ، راست نیافتید؟ من که آنچه را پروردگارم به من وعده داده بود ، راست یافتم» .

عمر ، سخن پیامبر صلی الله علیه و آله را شنید . گفت : ای پیامبر خدا ! چگونه بشنوند و چه سان پاسخ دهند ، در حالی که به مرداری تبدیل شده اند؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «سوگند به آن که جانم در دست اوست، آنها سخن من را همان گونه می شنوند که شما می شنوید ؛ لیکن آنها نمی توانند پاسخ دهند» . سپس دستور داد جسد آنان را کشان کشان بردند و در چاه بدر انداختند .6061.التوحید (به نقل از زهری) صحیح البخاری به نقل از قیس بن عبّاد : علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود : «روز قیامت ، من نخستین کسی هستم که در پیشگاه خدای مهربان برای شکایت زانو می زنم» .

آیه «این دو [گروه] دشمنان یکدیگرند که در باره پروردگارشان با یکدیگر ستیزه می کنند» در باره این کسان نازل شد ؛ همان کسانی که در جنگ بدر با یکدیگر به مبارزه برخاستند : حمزه و علی و عبیده یا ابو عبیده بن حارث با شیبه بن ربیعه و عتبه بن ربیعه و ولید بن عتبه .

.

1- .ابو الولید عتبه بن ربیعه بن عبد شمس، بزرگ قریش و یکی از سالاران آنها در دوران جاهلیت بود. او ندای اسلام به توحید را شنید ؛ امّا اسلام نیاورد . در جنگ بدر ، در سپاه مشرکان ، جنگ سختی نمود؛ ولی علی بن ابی طالب علیه السلام ، حمزه و عبیده بن حارث ، او را محاصره کردند و کشتند .

6060.معانى الأخبار (به نقل از عبد السلام بن صالح هروى) سعد السّعود عن ابن عبّاس : خَرَجَ عُتبَهُ وَ شَيبَهُ وَالوَليدُ لِلبِرازِ ، وَ خَرَجَ عُبَيدُ اللّهِ بنُ رَواحَهَ مِن ناحِيَهٍ اُخرى ، قالَ : فَكَرِهَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله أَن تَكونَ الحَربُ (1) أَوَّلَ ما لَقِىَ بِالأَنصارِ ، فَبَدَأَ بِأَهلِ بَيتِهِ .

فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : مُروهُم أَن يَرجِعُوا إِلى مَصافِّهِم ، إِنَّما يُريدُ القَومُ بَنى عَمِّهِم .

فَدَعا رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله عَلِيّاً وَ حَمزَهَ وَ عُبَيدَهَ بنَ الحَرثِ بنِ عَبدِ المُطَّلِبِ ، فَبَرَزوا بَينَ يَدَيهِ بِالسِّلاحِ ، فَقالَ : اجعَلاهُ بَينَكُما ، وَخافَ عَلَيهِ الحَداثَهَ .

فَقالَ : اِذهَبُوا فَقاتِلُوا عَن حَقِّكُم وَبِالدّينِ الَّذى بُعِثَ بِهِ نَبِيُّكُم إِذ جاؤُوا بِباطِلِهِم لِيُطفِؤُوا نورَ اللّهِ بِأَفواهِهِم ، اِذهَبوا فى حِفظِ اللّهِ أَو فى عَونِ اللّه .

فَخَرَجوا يَمشونَ ، حَتّى كانُوا قَريبا يَسمَعونَ الصَّوتَ ، فَصاحَ بِهِم عُتبَهُ : اِنتَسِبوا نَعرِفكُم ، فَإِن تَكُونُوا أَكفاءَ نُقاتِلُكُم .وَفيهِم نَزَلَت هذِهِ الآيَهُ : «هَذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُواْ فِى رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِّعَت لَهُم ثِيَابٌ مِّن نَّارٍ » .
(2)13 / 10الوَليدُ بنُ المُغيرَهِ6060.معانى الأخبار عن عبد السلام بن صالح الهروى : السّيره النّبويّه لِابنِ هِشام : إِنَّ الوَليدَ بنَ المُغيرَهِ اجتَمَعَ إِلَيهِ نَفَرٌ مِن قُرَيشٍ وَكانَ ذا سِنٍّ فيهِم ، وَقَد حَضَرَ المَوسِمُ ، فَقالَ لَهُم : يا مَعشَرَ قُرَيشٍ ، إِنَّهُ قَد حَضَرَ هذا المَوسِمُ ، وإِنّ وُفودَ العَرَبِ سَتَقدَمُ عَلَيكُم فيهِ ، وَقَد سَمِعوا بِأَمرِ صاحِبِكُم هذا ، فَأَجمِعُوا فيه رَأيا واحِدا ، وَلا تَختَلِفوا فَيُكَذِّبَ بَعضُكُم بَعضا وَ يَرُدَّ قَولُكُم بَعضُهُ بَعضا .

قالوا : فَأَنتَ يا أَبا عَبدِ شَمسٍ ، فَقُل وَأَقِم لَنا رَأياً نَقولُ بِهِ .

قالَ : بَل أَنتُم فَقولوا أَسمَع . قالوا : نَقُولُ : كاهِنٌ ؟ قالَ : لا وَاللّهِ ما هُوَ بِكاهِنٍ ، لَقَد رَأَينا الكُهّانَ فَما هُوَ بِزَمزَمَهِ الكاهِنِ وَلا سَجعِهِ ! قالوا : فَنَقولُ : مَجنُونٌ ؟ قالَ : ما هُوَ بِمَجنُونٍ ، لَقَد رَأينا الجُنونَ وَعَرَفناهُ ، فَما هُوَ بِخَنِقِهِ وَلا تَخالُجِهِ وَلا وَسوَسَتِهِ ! قالوا : فَنَقولُ : شاعِرٌ ؟ قالَ : ما هُوَ بِشاعِرٍ ، لَقَد عَرَفنا الشِّعرَ كُلَّهُ رَجَزَهُ وَ هَزَجَهُ وَ قَريضَهُ وَمَقبوضَهُ وَ مَبسوطَهُ ، فَما هُوَ

بِالشِّعرِ ! قالَوا : فَنَقولُ : ساحِرٌ ؟ قالَ : ما هُوَ بِساحِرٍ ، لَقَد رَأينَا السَّحّارَ وَسِحرَهُم ، فَما هُوَ بِنَفثِهِم ولا عَقدِهِم ! قالوا : فَما نَقولُ يا أبا عَبدِ شَمسٍ؟

قالَ : وَ اللّهِ إِنَّ لِقَولِهِ لَحَلاوَةً ، وَإِنَّ أَصلَهُ لَعَذقٌ (3) ، وَإِنَّ فَرعَهُ لَجَناةٌ ، وَما أَنتُم بِقائِلينَ مِن هذا شَيئاً إِلّا عُرِفَ أَنَّهُ باطِلٌ ، وَإِنَّ أَقرَبَ القَولِ فيهِ لَأَن تَقولوا «ساحِرٌ» ، جاءَ بِقَولٍ هُوَ سِحرٌ يُفَرِّقُ بِهِ بَينَ المَرءِ وَأَبيهِ ، وَبَينَ المَرءِ وَأَخيهِ ، وَبَينَ المَرءِ وَزَوجَتِهِ ، وَبَينَ المَرءِ وَعَشيرَتِهِ . فَتَفَرَّقوا عَنهُ بِذلِكَ ، فَجَعَلوا يَجلِسونَ بِسُبُلِ النّاسِ حينَ قَدِمُوا المَوسِمَ ، لا يَمُرُّ بِهِم أَحَدٌ إِلّا حَذَّروهُ إِيّاهُ ، وَ ذَكَروا لَهُم أَمرَهُ . فَأَنزَلَ اللّهُ تَعالى فِى الوَلِيدِ بنِ المُغيرَةِ وَفى ذلِكَ مِن قَولِهِ : «ذَرنِى وَ مَن خَلَقتُ وَحِيدًا * وَ جَعَلتُ لَهُ مَالًا مَّمدُودًا * وَ بَنِينَ شُهُودًا * وَ مَهَّدتُّ لَهُ تَمهِيدًا * ثُمَّ يَطمَعُ أَن أَزِيدَ * كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِأَيَتِنَا عَنِيدًا» (4) أى خَصيماً . (5) .

1- .. فى المصدر : «بالجرّه» ، والتصويب من بحارالأنوار .
2- .. سعد السّعود : ص 103 ، بحار الأنوار : ج 19 ص 313 ح 61 .
3- .. العَذِقُ : النخله (لسان العرب : ج 10 ص 238 «عذق») . يُشبِّهُه بالنخله التى ثبت أصلها .
4- .. المدّثّر : 11 16 .
5- .. السّيره النبويّه لابن هشام : ج 1 ص 288 ، تاريخ الإسلام للذّهبى : ج 1 ص 155 ، تفسير ابن كثير : ج 4 ص 468 نحوه عن ابن عبّاس وكلّها نقلاً عن ابن إسحاق ، إمتاع الأسماع : ج 4 ص 348 ، سبل الهدى والرّشاد : ج 2 ص 354 .

13 / 10 وليد بن مغيره

6059.عيون أخبار الرضا عليه السلام عن حمدان بن سليمان : سعد السعود به نقل از ابن عبّاس : عتبه و شيبه و وليد براى مبارزه به ميدان آمدند ، و عبيد اللّه بن رواحه از ديگر سوى به ميدان آمد ؛ امّا پيامبر خدا صلى الله عليه و آله خوش نداشت كه نخستين كشته جنگ از انصار باشد . از اين رو ، از خانواده خودش آغاز كرد و فرمود : «به آنها بگوييد به صفوف خود ، باز گردند . هدف آن جماعت ، عموزادگانش است» . آن گاه پيامبر خدا صلى الله عليه و آله على و حمزه و عبيده بن حارث بن عبد المطلّب را فرا خواند و آن سه با سلاح هاى خود در برابر ايشان حاضر شدند . پيامبر صلى الله عليه و آله [به حمزه و عبيده] فرمود : «او (على) را در وسط خود قرار دهيد» و نگران جوانى او بود . آن گاه فرمود : «برويد و به خاطر حقّانيت خود و دينى كه خداوند ، آن را به وسيله پيامبرش فرستاده است بجنگيد ؛ چرا كه آنها با باطل خويش آمده اند تا نور خدا را با دهان هاى خود ، خاموش كنند . برويد در امان خدا [يا : به يارى خدا]» . آن سه ، روانه ميدان شدند و چندان نزديک شدند كه صداى يكديگر را مى شنيدند . عتبه فرياد زد : خودتان را معرّفى كنيد تا شما را بشناسيم ، كه اگر همسنگ ما باشيد ، با شما مى جنگيم .

پس ، آيه : «اين دو [گروه] دشمنان يكديگرند كه در باره پروردگارشان با يكديگر ستيزه مى كنند . پس كسانى كه كافر شدند ، جامه هايى از آتش برايشان بريده شده است» در باره ايشان نازل شد .13 / 10وليد بن مغيره 16057.الاحتجاج : السيره النبويّه ، ابن هشام : موسم [حج] فرا رسيده بود . گروهى از قريش نزد وليد بن مغيره كه از بقيّه آنان مسن تر بود ، جمع شدند . وليد به آنان گفت : اين موسم فرا رسيده است و به زودى ، گروه هاى عرب بر شما وارد مى شوند . آنها قضيّه اين همشهرى شما (پيامبرى محمّد صلى الله عليه و آله) را شنيده اند . پس همگى در باره او يک رأى شويد و به طورى كه يكى ديگرى را تكذيب كند و گفته هايتان متناقض باشد اختلاف نكنيد .

آن عدّه گفتند : اى ابو عبد شمس ! تو خود بگو و رأيى بياور كه ما نيز همان را بگوييم .

ولید گفت : نه ، شما بگویید . من می شنوم .

گفتند : می گوییم : او کاهن است .

ولید گفت : نه به خدا ، او کاهن نیست . ما کاهنان را دیده ایم . او نه مانند کاهن ، زیر لب زمزمه می کند و نه مانند آنها سجع می گوید .

گفتند : می گوییم : جن زده است .

گفت : او جن زده نیست ؛ ما جن زدگان را دیده ایم ، و با آن آشناییم ، در حالی که او نه دچار خفگی می شود ، نه تشنّج و نه هذیان گویی .

گفتند : می گوییم : شاعر است .

ولید گفت : او شاعر نیست . ما انواع شعر را از رجز و هزج و قریضه و مقبوضه و مبسوطه ، می شناسیم . سخنان او شعر نیست .

گفتند : می گوییم : جادوگر است .

ولید گفت : او جادوگر هم نیست . ما جادوگران و جادوی آنها را دیده ایم ، در صورتی که او نه مانند جادوگران می دمد و نه گره می زند .

گفتند : پس چه بگوییم ، ای ابو عبد شمس؟

گفت : به خدا سوگند که سخن او حلاوتی دارد ، ریشه اش استوار و میوه اش چیدنی است . پس ، هر یک از اینها را بگویید تا درستی آن دانسته شود . بهترین سخن در باره او ، آن است که بگویید او جادوگر است . سخنانی آورده که افسون است و به واسطه آن ، میان پدر و پسر و برادر و برادر و زن و شوهر و افراد عشیره جدایی می اندازد .

پس ، آن عدّه ، هم داستان بر این رأی ، از نزد ولید پراکنده شدند و بر سر راه مردمانی که به حج می آمدند ، می نشستند و هر کس را که بر آنان می گذشت ، از پیامبر صلی الله علیه و آله بر حذر می داشتند و از جادوگر بودن او برایش می گفتند . پس خداوند متعال در باره ولید بن مغیره و این ماجرا ، این آیات را فرو فرستاد : «مرا واگذار با آن که [او را] تنها آفریدم . و دارایی بسیار به او بخشیدم و پسرانی آماده [به خدمت ، دادم]و

برایش [عیش خوش] آماده کردم . باز هم طمع دارد که بیفزایم ؛ ولی نه ؛ چرا که او دشمن آیات ما بود» .

.

6056.امام صادق عليه السلام : المستدرک على الصّحيحين عن ابن عبّاس : إِنَّ الوَليدَ بنَ المُغيرَهِ جاءَ إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله فَقَرَأَ عَلَيهِ القُرآنَ ، فَكَأَنَّهُ رَقَّ لَهُ ، فَبَلَغَ ذلِکَ أَبا جَهلٍ فَأَتاهُ ، فَقالَ : يا عَمِ ، إِنَّ قَومَکَ يَرَونَ أَن يَجمَعوا لَکَ مالاً . قال : لِمَ ؟ قالَ : لِيُعطوکَهُ ؛ فَإِنَّکَ أَتَيتَ مُحَمَّدا لِتَعرِضَ لِما قِبَلَهُ . قالَ : قَد عَلِمَت قُرَيشٌ أَنّي مِن أَکثَرِها مالاً ! قالَ : فَقُل فيهِ قَولاً يَبلُغُ قَومَکَ أَنَّکَ مُنکِرٌ لَهُ أَو أَنَّکَ کارِهٌ لَهُ . قالَ : وَماذا أَقولُ ؟ فَوَاللّهِ ما فيکُم رَجُلٌ أَعلَمُ بِالأَشعارِ مِنّي ، وَلا أَعلَمُ بِرَجزٍ وَلا بِقَصيدَهٍ مِنّي ، وَلا بِأَشعارِ الجِنِّ ، وَاللّهِ ! ما يُشبِهُ الَّذي يَقولُ شَيئا مِن هذا . وَوَاللّهِ ! إِنَّ لِقَولِهِ الَّذي يَقولُ حَلاوَهً ، وَإِنَّ عَلَيهِ لَطَلاوَهً ، وَإِنَّهُ لَمُثمِرٌ أَعلاهُ ، مُغدِقٌ (1) أَسفَلُهُ ، وَإِنَّهُ لَيَعلو وَما يُعلى ، وَإِنَّهُ لَيَحطِمُ ما تَحتَهُ (2) . قالَ : لايَرضى عَنکَ قَومُکَ حَتّى تَقُولَ فيهِ . قالَ فَدَعني حَتّى أُفَکِّرَ . فَلَمّا فَکَّرَ قالَ : هذا سِحرٌ يُؤثَرُ يَأثُرُهُ عَن غَيرِهِ . فَنَزَلَت «ذَرنِي وَ مَن خَلَقتُ وَحِيدًا» . (3) .

1- .. المُغدِق : من الغَدقِ وهو الماء الكثير إشاره لكثره الخير (مجمع البحرين : ج 2 ص 1306 «غدق») .
2- .. فى المصدر : «فاتحته» ، والصواب ما أثبتناه كما فى المصادر الأُخرى .
3- .. المستدرک على الصّحيحين : ج 2 ص 550 ح 3872 ، تفسير الطبرى : ج 14 الجزء 29 ص 156 ، أسباب النّزول : ص 468 ح 842 ، تاريخ الإسلام للذهبى : ج 1 ص 154 ، تفسير ابن كثير : ج 8 ص 292 .

6055.امام صادق علیه السلام : المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابن عبّاس : ولید بن مغیره نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد . ایشان برایش قرآن خواند . گویا تحت تأثیر قرار گرفت . خبر به ابو جهل رسید . نزد ولید

آمد و گفت : عمو جان ! قومت در نظر دارند برایت مالی جمع کنند .

ولید گفت : چرا؟

ابو جهل گفت : تا به تو بدهند ؛ چون تو نزد محمّد رفته ای تا از جانب او به نوایی برسی .

ولید گفت : قریش خوب می دانند که من ثروتمندترین مرد قریش هستم .

ابو جهل گفت : پس در باره او چیزی بگو که قومت بدانند تو منکر او هستی یا او را خوش نمی داری .

ولید گفت : چه بگویم؟ به خدا سوگند ، در میان شما هیچ کس نیست که به اندازه من شعر بشناسد و به رجز و قصیده و اشعار جنّیان ، آگاه تر از من باشد . به خدا سوگند که آنچه او می گوید ، به هیچ یک از اینها نمی ماند . به خدا سوگند ، سخن او ، حلاوت و زیبایی خاصّی دارد و [چون درختی است که]شاخه هایش پر از میوه است و ریشه اش شاداب . بالاتر از هر سخنی است و بالاتر از آن وجود ندارد ، و آنچه را پایین تر از آن است ، خُرد می کند .

ابو جهل گفت : قومت از تو راضی نمی شوند ، تا آن که در باره او چیزی بگویی .

ولید گفت : پس بگذار تا بیندیشم . و چون اندیشید ، گفت : سخنان او جادوست و تأثیری متفاوت با دیگر جادوها دارد .

پس ، این آیه نازل شد : «مرا با آن که [او را] تنها آفریدم وا گذار ...» . .

6057.الاحتجاج : تفسير القمّى فى قَولِهِ تَعالى : «فَإِذَا نُقِرَ فِى النَّاقُورِ » إلى قَولِهِ تَعالى : «ذَرنِى وَ مَن خَلَقتُ وَحِيدًا » (1) : فَإِنَّها نَزَلَت فِى الوَلِيدِ بنِ المُغَيرَهِ ، وَكانَ شَيخا كَبيرا مُجَرَّبا مِن دُهاهِ العَرَبِ ، وَكانَ مِنَ المُستَهزِئينَ بِرَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، وَكانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقعُدُ فِى الحُجرَهِ وَيَقرَأُ القُرآنَ ، فَاجتَمَعَت قُرَيشٌ إلَى الوَلِيدِ بنِ المُغيرَهِ ، فَقالوا : يا أبا عَبدِ الشَّمسِ ، ما هذا الَّذى يَقولُ مُحَمَّدٌ ؟ أشِعرٌ ، أم كِهانَهٌ ، أم خَطبٌ ؟

فَقالَ : دَعونى أسمَعُ كَلامَهُ ، فَدَنا مِن رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَقالَ : يا مُحَمَّدُ ، أنشِدنِى مِن شِعرِكَ ، قالَ : ما هُوَ شِعرٌ ، وَلكِنَّهُ كَلامُ اللّهِ الَّذى ارتَضاهُ لِمَلائِكَتِهِ وَأنبِيائِهِ ، فَقالَ : أتلُ عَلَىَّ مِنهُ شَيئا . فَقَرَأَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله حم السَّجدَهَ ، فَلَمّا بَلَغَ قَولَهُ : «فَإِن أعرَضُوا » يا

مُحَمَّدُ أعنى قُرَيشا «فَقُل » لَهُم «أنذَرتُكُم صَعِقَهً مِّثلَ صَعِقَهِ عَادٍ وَ ثَمُودَ » . (2)

قالَ : فَاقشَعَرَّ الوَليدُ وَقامَت كُلُّ شَعرَهٍ فِى رَأسِهِ وَلِحيَتِهِ ، وَمَرَّ إلى بَيتِهِ وَلَم يَرجِع إلى قُرَيشٍ مِن ذلِكَ . فَمَشَوا إلى أبى جَهلٍ فَقالوا : يا أبا الحَكَمِ ، إنَّ أبا عَبدِ الشَّمسِ صَبَأ إلى دينِ مُحَمَّدٍ ، أما تَراهُ لَم يَرجِع إلَينا ؟

فَغَدا أبو جَهلٍ فَقالَ لَهُ : يا عَمِّ ، نَكَّستَ رُؤُوسَنا وَفَضحتَنا ، وَأشمَتَّ بِنا عَدُوَّنا ، وَصَبَوتَ إلى دينِ مُحَمَّدٍ ! فَقالَ : ما صَبَوتُ إلى دينِهِ ، وَلكِنّى سَمِعتُ مِنهُ كَلاما صَعبا تَقشَعِرُّ مِنهُ الجُلودُ ! فَقالَ لَهُ أبو جَهلٍ : أخَطبٌ هُوَ ؟ قالَ : لا ، إنَّ الخَطبَ كَلامٌ مُتَّصِلٌ ، وَهذا كَلامٌ مَنثُورٌ وَلا يُشبِهُ بَعضُهُ بَعضا . قالَ : أفَشِعرٌ هُوَ ؟ قالَ : لا ، أما إنّى قَد سَمِعتُ أشعارَ العَرَبِ بَسيطَها وَمَديدَها وَرَمَلَها وَرجَزَها ، وَما هُوَ بِشِعرٍ . قالَ : فَما هُوَ ؟ قالَ : دَعنى أفَكِّرُ فيهِ .

فَلَمّا كانَ مِنَ الغَدِ قالوا : يا أبا عَبدِ شَمسٍ ، ما تَقولُ فيما قُلناهُ ؟ قالَ : قولوا : هُوَ سِحرٌ ؛ فَإِنَّهُ آخِذٌ بِقُلوبِ النّاسِ . فَأنزَلَ اللّهُ عَلى رَسولِهِ فِى ذلِكَ : «ذَرنِى وَ مَن خَلَقتُ وَحِيدًا » وَإِنَّما سُمِّىَ وَحيدا لِأَنَّهُ قالَ لِقُرَيشٍ : أما أتَوَحَّدُ بِكِسوَهِ البَيتِ سَنَهً وَعَلَيكُم فى جَماعَتِكُم سَنَهً ، وَكانَ لَهُ مالٌ كَثيرٌ وَحَدائِقُ ، وَكانَ لَهُ عَشرُ بَنينَ بِمَكَّهَ ، وَكانَ لَهُ عَشرُ عَبيدٍ ، عِندَ كُلِّ عَبدٍ ألفَ دينارٍ يَتَّجِرُ بِها ، وَتِلكَ القِنطارُ فى ذلِكَ الزَّمانِ ، وَيُقالُ : إنَّ القِنطارَ جِلدُ ثَورٍ مَملوءٌ ذَهَبا ، فَأنزَلَ اللّهُ : «ذَرنِى وَ مَن خَلَقتُ» إلى قَولِهِ : «صَعُودًا » قالَ

: جَبَلٌ يُسَمّى صَعودا «ثُمَّ نَظَرَ * ثُمَّ عَبَسَ وَ بَسَرَ » قالَ : عَبَسَ وَجهَهُ وَبَسَرَ (3) ، قالَ : أَلقى شِدقَهُ «ثُمَّ أَدبَرَ وَ استَكبَرَ * فَقَالَ إِن هَذَا إِلَّا سِحرٌ يُؤثَرُ * إِن هَذَا

إِلَّا قَولُ البَشَرِ » (4) إِلى قَولِهِ : «مَا سَقَرُ » وادٍ فى النّارِ . (5) .

1- .. المدّثّر : 8 11 .
2- .. فصّلت : 13 .
3- .. بَسَرَ : أى أظهرَ العُبوسَ قبل أوانِه وفى غير وقته (مفردات ألفاظ القرآن : ص 122 «بسر») .
4- .. المدّثّر : 23 27 .
5- .. تفسير القمّى : ج 2 ص 393 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 1 ص 52 نحوه نقلاً عن السدّى ، بحار الأنوار : ج 9 ص 244 ح 148 .

6056.عنه علیه السلام : تفسیر القمّی در باره آیه شریف : «آن گاه که در صور دمیده شود» تا آیه «مرا با آن که [او را]تنها آفریدم ، وا گذار» : این آیات در باره ولید بن مغیره نازل شد . او پیری سال خورده و پخته و یکی از خردمندان عرب و از جمله کسانی بود که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را مسخره می کرد . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حِجر [اسماعیل]می نشست و قرآن می خواند . قریش نزد ولید بن مغیره جمع شدند و گفتند : ای ابو عبد شمس! این چیزهایی که محمّد می گوید ، چیست؟ آیا شعر است یا پیشگویی یا خطابه؟

ولید گفت : اجازه بدهید که سخن را بشنوم . پس ، نزدیک پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفت و گفت : ای محمّد ! از شعرهایت برایم بخوان .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «این شعر نیست ؛ بلکه کلام خداست که آن را برای فرشتگان و فرستادگانش پسندیده است» .

ولید گفت : چیزی از آن را برایم تلاوت کن . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شروع به قرائت «حم سجده» برای او کرد . چون به این آیه رسید : « [ای محمّد !]پس اگر روی گرداندند»

یعنی قریش « [به ایشان] بگو که شما را از صاعقه ای چون صاعقه[ی وارد آمده بر قوم]عاد و ثمود ، هشدار می دهم» ، لرزه بر اندام ولید افتاد و موهای سر و ریشش سیخ شد ، و یک راست به طرف خانه اش رفت و نزد قریش بر نگشت .

قریش پیش ابو جهل رفتند و گفتند : ای ابو حکم! ابو عبد شمس به دین محمّد گرویده است . مگر ندیدی که به سوی ما باز نگشت؟ بامداد ، ابو جهل نزد ولید رفت و گفت : عمو جان! تو ما را سرافکنده و رسوا کردی و دشمنانمان را خوش حال نمودی و به دین محمّد گرویدی .

ولید گفت : من به دین او نگرویده ام ؛ امّا از او کلام بلند عجیبی شنیدم که از شنیدن آن مو بر بدن ، راست می شود!

ابو جهل گفت : آیا آن ، خطابه است ؟

گفت : نه ، خطابه ، گفتاری پیوسته است ، در حالی که این ، گفتاری گسسته است و اجزای آن به هم شباهت ندارند .

ابو جهل گفت : پس شعر است؟

ولید گفت : نه ، من اشعار عرب را از بسیط و مدید و رمل و رجز ، شنیده ام . سخن او شعر هم نیست .

گفت : پس چیست؟

ولید گفت : بگذار در باره اش بیندیشم .

فردا که شد ، گفتند : ای ابو عبد شمس ! در باره آنچه گفتیم ، چه می گویی؟

گفت : بگویید : جادوست ؛ زیرا گفتار او دل های مردم را مسحور می کند .

پس خداوند در این باره بر پیامبرش چنین نازل کرد : «مرا با آن که [او را] تنها آفریده ام ، وا گذار» . از این جهت ، او را تنها می نامیدند که به قریش گفت : یک سال ، من به تنهایی بر خانه کعبه جامه می پوشانم و یک سال شما با هم، چنین کنید. او ثروت و باغ های بسیار داشت. ده پسر در مکّه ، و ده غلام داشت که به هر غلامی هزار دینار داده بود تا با آن تجارت کند ، و این مبلغ ، قنطارِ آن زمان بود به قولی ، قنطار ، عبارت بوده از یک پوست گاو پر از طلا .

پس خداوند ، این آیات را فرو فرستاد : «مرا با آن که [او را] تنها آفریدم ، وا گذار» تا «صَعُودًا» و آن نام کوهی است ، «آن گاه نظر کرد ، سپس رو ترش نمود و چهره در هم کشید . آن گاه پشت گردانید و تکبّر ورزید و گفت : این [قرآن] جز سِحری که [به برخی]

آموخته اند ، نیست . این [چیزی]غیر از سخن بشر نیست» تا «چیست سَقَر ؟» ، سَقَر ، درّه ای است در جهنّم . .

ص: 648

. .

ص: 649

. .

13 / 11العاصُ بنُ وائلِ بنِ هِشام6053.امام صادق عليه السلام : الإمام الباقر عليه السلام فى قَولِهِ تَعالى : «أفَرَءَيتَ الَّذِى كَفَرَ بِئَايَتِنَا وَ قَالَ لَأُوتَيَنَّ مَالًا وَ وَلَدًا» (1) : وذلِكَ أنَّ العاصَ بنَ وائِلِ بنِ هِشامٍ القُرَشِىَّ ثُمَّ السَّهمِىَّ وَهُوَ أحَدُ المُستَهزِئينَ ، وَكانَ لِخَبّابِ بنِ الأَرَتِّ عَلَى العاصِ بنِ وائِلٍ حَقٌّ فَأتاهُ يَتَقاضاهُ ، فَقالَ لَهُ العاصُ : أَلَستُم تَزعُمونَ أنَّ فِى الجَنَّهِ الذَّهَبَ وَالفِضَّهَ وَالحَريرَ؟ قالَ : بَلى ، قالَ : فَمَوعِدُ ما بَينى وَبَينَکَ الجَنَّهُ ، فَوَاللّهِ لَأُوتَيَنَّ فيها خَيرا مِمّا أُوتيتُ فِى الدُّنيا «كَلَّا سَيَكفُرُونَ بِعِبَادَتِهِم وَ يَكونونَ عَلَيهِم ضِدًّا » (2) الضِّدُّ القَرينُ الَّذى يَقتَرِنُ بِهِ . (3)6052.امام باقر عليه السلام : مجمع البيان عن ابن عبّاس فى سورَهِ الكَوثَرِ : نَزَلَتِ السّورَهُ فِى العاصِ بنِ وائِلٍ السَّهمِىِّ ، وذلِكَ أنَّهُ رَأى رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَخرُجُ مِنَ المَسجِدِ ، فَالتَقَيا عِندَ بابِ بَنى سَهمٍ وَتَحَدَّثا ، وَأُناسٌ مِن صَناديدِ قُرَيشٍ جُلوسٌ فِى المَسجِدِ ، فَلَمّا دَخَلَ العاصُ قالوا : مَنِ الَّذى كُنتَ تَتَحَدَّثُ مَعَهُ ؟ قالَ : ذلِکَ الأبتَرُ !

وَكانَ قَد تُوُفِّىَ قَبلَ ذلِکَ عَبدُ اللّهِ ابنُ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله وَهُوَ مِن خَديجَهَ ، وَكانوا يُسَمّونَ مَن لَيسَ لَهُ ابنٌ أبتَرَ ، فَسَمَّتهُ قُرَيشٌ عِندَ مَوتِ ابنِهِ أبتَرَ وَصُنبورا . (4) .

1- .. مريم : 77 .
2- .. مريم : 82 .
3- .. تفسير القمّى : ج 2 ص 54 عن أبى الجارود .
4- .. مجمع البيان : ج 10 ص 836 ، بحار الأنوار : ج 17 ص 203 ؛ أسباب النزول : ص 494 ح 872 ، تفسير الثعلبى : ج 10 ص 307 .

13 / 11 عاص بن وائل بن هشام

13 / 11عاص بن وائل بن هشام (1)6054.الإمام علیّ علیه السلام (لَمّا سُئِلَ عَنِ القَضاءِ وَالقَدَرِ) امام باقر علیه السلام در باره آیه شریف : «آیا دیدی کسی را که به آیات ما کفر ورزید و گفت : قطعا به من مال و فرزند بسیار داده خواهد شد» : عاص بن وائل بن هشام قرشی سهمی ، یکی از مسخره کنندگان [پیامبر صلی الله علیه و آله] بود . خبّاب بن اَرَت از عاص بن وائل ، طلبی داشت . نزد او رفت و آن را از او مطالبه نمود . عاص به او گفت : آیا شما نمی گویید که در بهشت ، طلا و نقره و حریر است ؟

خبّاب گفت : چرا .

عاص گفت : پس وعده من و تو ، در بهشت ؛ زیرا به خدا سوگند در آن جا به من بهتر از اموالی که در دنیا داده شده ام ، داده خواهد شد . «هرگز ! به زودی [آن معبودان]عبادت ایشان را انکار می کنند و ضدّ آنان می گردند» ، «ضدّ» یعنی چیزی که با شخص ، قرین و همنشین می شود .6053.الإمام الصادق علیه السلام : مجمع البیان به نقل از ابن عبّاس ، در باره سوره کوثر : این سوره در باره عاص بن وائل سهمی نازل شد و علّتش آن بود که وی دید پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از مسجد [الحرام]خارج می شود . جلوی باب بنی سهم به هم رسیدند و به گفتگو پرداختند . عدّه ای از بزرگان قریش در مسجد نشسته بودند . چون عاص وارد مسجد شد ، به او گفتند : با که سخن می گفتی؟ گفت : با آن اَبتر . (2) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از خدیجه پسری داشت به نام عبداللّه که قبلاً از دنیا رفته بود ، و آنها به کسی که پسر نداشت ، «ابتر» می گفتند . از این رو ، زمانی که عبد اللّه در گذشت، قریش نام اَبتر یا صُنبور (3) بر پیامبر صلی الله علیه و آله گذاشتند .

.

1- .عاص بن وائل بن هاشم سهمی، از طایفه قریش و یکی از سردمداران در دوران جاهلیت و ندیم هشام بن مغیره بود . او اسلام را درک کرد ؛ ولی اسلام نیاورد و از تمسخرکنندگان آن بود و از زندیق هایی به شمار می رود که کافر دوگانه پرست مُردند .

2- .. بی دنباله ؛ اجاقْ کور .
3- .. صُنبور : اَبتر ؛ مردی که نه فرزندی دارد و نه برادری ، به طوری که با مردن او نامش از بین می رود ؛ فرد ضعیف و خوار و بی کس و بی فرزند و بی یاور (لسان العرب مادّه «صنبر») .

6052.الإمام الباقر عليه السلام : تفسير ابن كثير عن ابن عبّاس : إنَّ العاصَ بنَ وائِلٍ أخَذَ عَظما مِنَ البَطحاءِ فَفَتَّهُ بِيَدِهِ ، ثُمَّ قالَ لِرَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أيُحيى اللّهُ تَعالى هذا بَعدَ ما أرى ؟

فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : نَعَم يُميتُكَ اللّهُ ، ثُمَّ يُحييكَ ، ثُمَّ يُدخِلُكَ جَهَنَّمَ . (1)13 / 12جَدُّ بنُ قَيسٍ6033.الكافى (به نقل از مُعلّى بن محمّد) تاريخ الطّبرىّ عن الزّهرىّ : كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله قَلَّما يَخرُجُ فى غَزوَةٍ إلّا كَنّى عَنها وَ أخبَرَ أنَّهُ يُريدُ غَيرَ الّذى يَصمُدُ لَهُ ، إلّا ما كانَ مِن غَزوَةِ تَبُوكٍ فَإنَّهُ بَيَّنَها لِلنّاسِ ؛ لِبُعدِ الشُّقَّةِ وَشِدَّةِ الزَّمانِ ، وَكَثرَةِ العَدُوِّ الّذى يَصمُدُ لَهُ ، لِيَتَأهَّبَ النّاسُ لِذلِكَ اُهبَتَهُ ، وأمَرَ النّاسَ بِالجِهازِ ، وأخبَرَهُم أنَّهُ يُريدُ الرّومَ . فَتَجَهَّزَ النّاسُ عَلى ما فى أنفُسِهِم مِنَ الكَرهِ لِذلِكَ الوَجهِ لِما فيهِ ، مَعَ ما عَظَّموا مِن ذِكرِ الرّومِ وَغَزوِهِم .

فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ذاتَ يَومٍ وَهُوَ فى جِهازِهِ ذلِكَ لِلجَدِّ بنِ قَيسٍ أخى بَنى سَلَمَةَ : هَل لَكَ يا جَدُّ العامَ فى جِلادِ بَنى الأصفَرِ ؟ فَقالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، أوَ تَأذَنُ لى وَلا تَفتِنّى ، فَوَ اللّهِ لَقَد عَرَفَ قَومى ما رَجُلٌ أشَدَّ عَجَبا بِالنِّساءِ مِنّى ، وَإنّى أخشى إن رَأيتُ نِساءَ بَنِى الأصفَرِ ألّا أصبِرَ عَنهُنَّ . فَأعرَضَ عَنهُ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله وَقالَ : قَد أذِنتُ لَكَ .

فَفِى الجَدِّ بنِ قَيسٍ نَزَلَت هذِهِ الآيَةُ : «وَمِنهُم مَّن يَقُولُ ائذَن لِّى وَلَا تَفتِنِّى ... » الآيَةَ . أى إن كانَ إنَّما يَخشى الفِتنَةَ مِن نِساءِ بَنى الأصفَرِ وَلَيسَ ذلِكَ بِهِ فَما سَقَطَ فيهِ مِنَ الفِتنَةِ بِتَخَلُّفِهِ عَن رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله وَالرَّغبَةِ بِنَفسِهِ عَن نَفسِهِ أعظَمُ ، وإنَّ جَهَنَّمَ لَمِن وَرائِهِ .

وَقالَ قائِلٌ مِنَ المُنافِقينَ لِبَعضٍ : لا تَنفِرُوا فِى الحَرِّ ؛ زَهادَةً فِى الجِهادِ، وَشَكّا فى الحَقِّ ، وَإرجافا (2) بِالرَّسولِ . فَأنزَلَ اللّهُ تَبارَكَ وَتَعالى فيهِم : «وَقَالُوا لَا تَنفِرُوا فِى الحَرِّ قُل نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَّو كَانُوا يَفقَهُونَ» إلى قَولِهِ «جَزَاءَ بِمَا كَانُوا يَكسِبُونَ » . (3)

ثُمَّ إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله جَدَّ فى سَفَرِهِ ، فَأمَرَ النّاسَ بِالجِهازِ وَالاِنكِماشِ ، وَحَضَّ أهلَ الغِنى عَلَى النَّفَقَةِ وَالحَملانِ فى سَبيلِ اللّهِ وَرَغَّبَهُم فى ذلِكَ ، فَحَمَلَ رِجالٌ مِن أهلِ الغِنى فَاحتَسَبوا . (4) .

1- .. تفسير ابن كثير : ج 6 ص 580 ، زاد المسير : ج 6 ص 283 ، تفسير ابن أبى حاتم : ج 10 ص 3202 ح 18120 .
2- .. أرجَفَ القَومُ : إذا خاضوا فى الأخبار السيِّئَهِ والفِتن (لسان العرب : ج 9 ص 113 «رجف») .
3- .. التوبه : 81 و 82 .
4- .. تاريخ الطّبرى : ج 3 ص 101 ، السّيره النبويّه لابن هشام : ج 4 ص 159 ، تاريخ الإسلام للذّهبى : ج 2 ص 627 ، تاريخ دمشق : ج 2 ص 32 ، البدايه والنّهايه : ج 5 ص 3 كلّها نحوه .

13 / 12 جَدّ بن قیس

6032.امام کاظم علیه السلام : تفسیر ابن کثیر به نقل از ابن عبّاس : عاص بن وائل ، تکّه استخوانی از بَطحا برداشت و آن را با دستش نرم کرد . آن گاه به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفت : آیا خداوند ، این [استخوان نرم شده ای] را که می بینم ، زنده می گرداند؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «آری ، خداوند ، تو را می میراند و سپس زنده ات می کند و آن گاه تو را به جهنّم می برد» .13 / 12جَدّ بن قیس (1)6033.الکافی عن معلّی بن محمّد : تاریخ الطبری به نقل از زُهْری : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه برای جنگی خارج می شد ، مقصد را معلوم نمی کرد ؛ بلکه [توریه می کرد و] جایی جز آنچه را در نظر داشت ، نام می برد ، مگر در جنگ تبوک که به دلیل دوری راه و دشواری موقعیت و فراوانی دشمنی که آهنگ آن را داشت ، آشکارا مقصد را برای مردم گفت تا خود را برای آن آماده سازند . به مردم دستور داد مجهّز شوند و آنان را آگاه کرد که آهنگ روم دارد .

مردم با آن که رفتن بِدان سوی را ناخوش می داشتند زیرا رویارویی و جنگ با رومیان را سخت می دیدند ساز و برگ جنگ بر گرفتند و آماده شدند .

یک روز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که خود را برای جنگ آماده می کرد ، به جدّ بن قیس سلمی فرمود : «ای جد ! آیا امسال به جنگ بنی اصفر (رومیان) می آیی؟» .

جد گفت : ای پیامبر خدا ! اجازه دهید که نیایم ، و مرا به فتنه میندازید ؛ زیرا به خدا سوگند قوم من می دانند که هیچ مردی به اندازه من ، دل بسته زنان نیست و می ترسم اگر چشمم به زنان بنی اصفر بیفتد ، در برابرشان تاب نیاورم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از او روی بر گردانید و فرمود : «اجازه دادم !» .

پس این آیه در باره جدّ بن قیس نازل شد : «و از ایشان کسی است که گوید : به من اجازه بده و مرا به فتنه و گناه مینداز ...» یعنی اگر او از گرفتار آمدن به زنان بنی اصفر می ترسید که در واقع چنین نبود [و فقط بهانه ای برای فرار از جنگ بود] ، بر اثر نافرمانی اش از پیامبر

خدا صلی الله علیه و آله و ترجیح دادن خود بر ایشان ، در گرفتاری و فتنه ای بزرگ تر افتاد که همان دوزخِ فراویِ او بود . یکی از منافقان نیز به عدّه ای گفت : «در این گرما حرکت نکنید» ؛ چرا که او به جهاد ، بی رغبت بود و در حق شک داشت و می خواست ضدّ پیامبر تحریک کند . پس خداوند تبارک و تعالی این آیه را در باره آنان فرو فرستاد : «و گفتند : در این گرما حرکت نکنید . بگو : گرمای آتش دوزخ ، سخت تر است ، اگر می فهمیدند» تا «به سزای اعمالی که انجام می دادند» .

با همه این احوال ، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در کار سفر ، کوشا بود و به مردم فرمان داد که آماده و مهیّا شوند و توانگران را به انفاق کردن و گزاردن مرکب در اختیار مجاهدان راه خدا ترغیب و تشویق نمود . پس گروهی از توانگران به قصد ثواب الهی چنین کردند .

.

1- .ابو عبد اللّه جدّ بن قیس بن صخر بن خنساء بن سنان بن عبید بن غنم بن کعب بن سلمه انصاری، سالار بنی سلمه و شخصی منافق بود . او از شرکت در جنگ تبوک سر باز زد و در دوره خلافت عثمان مُرد.

6207.الإمام الصادق عليه السلام : تفسير الطّبرىّ عن ابن عبّاس فى قَولِهِ تَعالى : «سَيَحلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُم إِذَا انقَلَبتُم إِلَيهِم لِتُعرِضُوا عَنهُم فَأَعرِضُوا عَنهُم إِنَّهُم رِجسٌ وَ مَأوَاهُم جَهَنَّمُ جَزَاء بِمَا كَانُوا يَكسِبُونَ » (1) : وَ ذلِكَ أَنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله قيلَ لَهُ : أَلا تَغزو بَنى الأَصفَرِ ، لَعَلَّكَ أَن تُصيبَ بِنتَ عَظيمِ الرّومِ فَإِنَّهُم حِسانٌ !

فَقالَ رَجُلانِ : قَد عَلِمتَ يا رَسولَ اللّهِ أَنَّ النِّساءَ فِتنَةٌ فَلا تَفتِنّا بِهِنَّ ، فَائذَن لَنا ، فَأَذِنَ لَهُما . فَلَمَّا اِنطَلَقا قالَ أَحَدُهُما : إِن هُوَ إِلَّا شَحمَةٌ لِأَوَّلِ آكِلٍ !

فَسارَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله وَلَم يَنزِل عَلَيهِ فى ذلِكَ شَىءٌ ، فَلَمّا كانَ بِبَعضِ الطَّرِيقِ نَزَلَ عَلَيهِ وَهُوَ عَلى بَعضِ المِياهِ : «لَو كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ وَلَكِن بَعُدَت عَلَيهِمُ الشُّقَّةُ » (2) ، وَنَزَلَ عَلَيهِ : «عَفَا اللَّهُ عَنكَ لِمَ أَذِنتَ لَهُم » ، وَنَزَلَ عَلَيهِ :

«لَا يَستَئذِنُكَ الَّذِينَ يُؤمِنُونَ بِاللَّهِ وَاليَومِ الأَخِرِ » ، وَنَزَلَ عَلَيهِ : «إِنَّهُم رِجسٌ وَ مَأوَاهُم جَهَنَّمُ جَزَاء بِمَا كَانُوا يَكسِبُونَ » . (3) .

1- .. التوبه : 95 .
2- .. التوبه : 42 .
3- .. تفسير الطبرى : ج 7 الجزء 11 ص 2 ، الدّر المنثور : ج 4 ص 210 .

6206.الکافی عن أبی حمزه الثمالی : تفسیر الطبری به نقل از ابن عبّاس ، در باره آیه شریف : «وقتی به سوی آنان باز گشتید ، برای شما به خدا سوگند خواهند خورد تا از ایشان صرف نظر کنید ... به کیفر کرداری که می کردند» : داستانش چنین است که به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفته شد : چرا به جنگ بنی اصفر (رومیان) نمی روی ؟ شاید به دختر پادشاه روم دست یابی که آنان مردمانی خوب رویند ؟

دو نفر گفتند : ای پیامبر خدا ! شما می دانی که زنان ، مایه فتنه اند . پس ما را به آنان گرفتار مساز .

پس ، پیامبر صلی الله علیه و آله به آن دو ، اجازه داد [که در جنگ با رومیان شرکت نکنند] . چون رفتند ، یکی از آن دو نفر گفت : او لقمه چربی است برای اوّلین خورنده !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ره سپار جنگ شد و در این باره چیزی بر او نازل نگشت ؛ امّا چون پاره ای از راه را پیمود و در آبگاهی فرود آمد ، این آیات بر او نازل شد : «اگر غنیمتی در دسترس و سفری کوتاه بود ، قطعا از پیِ تو می آمدند ؛ ولی آن راه پر مشقّت بر آنان دور می نماید» .

همچنین بر ایشان این آیات نازل شد :

«خدا از تو در گذرد . چرا به آنان اجازه دادی ؟» ، «کسانی که به خدا و روز بازپسین ایمان دارند ، از تو اجازه نمی خواهند» و «آنان پلیدند و به سزای کرداری که می کردند ، جایگاهشان دوزخ خواهد بود» . .

13 / 13عَبدُ اللّهِ بنُ أُبَيٍّ6203.امام على عليه السلام (از سخنانش در روز صفّين) تفسير القمّى فى قَولِهِ تَعالى : «استَغفِر لَهُم أو لَا تَستَغفِر لَهُم إن تَستَغفِر لَهُم سَبعِينَ مَرَّةً فَلَن يَغفِرَ اللّهُ لَهُم» : قالَ عَلِىُّ بنُ إبراهيمَ : إنَّها نَزَلَت لَمّا رَجَعَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إلَى المَدينَهِ وَمَرِضَ عَبدُ اللّهِ بنُ أُبَيٍّ ، وَكانَ ابنُهُ عَبدُ اللّهِ بنُ عَبدِ اللّهِ مُؤمِناً ، فَجاءَ إلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله وأبوهُ يَجودُ بِنَفسِهِ ، فَقالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، بِأبى أنتَ وَأُمّى إنَّكَ إن لَم تَأتِ أبى كانَ ذلِكَ عارا عَلَينا . فَدَخَلَ إلَيهِ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله وَالمُنافِقونَ عِندَهُ ، فَقالَ ابنُهُ عَبدُ اللّهِ بنُ عَبدِ اللّهِ : يا رَسُولَ اللّهِ ، اِستَغفِرِ اللّهَ لَهُ ، فَاستَغفَرَ لَهُ ، فَقالَ الثّانى : أَلَم يَنهَكَ اللّهُ يا رَسُولَ اللّهِ أن تُصَلِّىَ عَلَيهِم أو تَستَغفِرَ لَهُم ؟

فَأَعرَضَ عَنهُ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَأَعادَ عَلَيهِ ، فَقالَ لَهُ : وَيلَكَ ! إنّى خُيِّرتُ فَاختَرتُ ، إنَّ اللّهَ يَقُولُ : «استَغفِر لَهُم أو لَا تَستَغفِر لَهُم إن تَستَغفِر لَهُم سَبعِينَ مَرَّةً فَلَن يَغفِرَ اللّهُ لَهُم» . (1)

فَلَمّا ماتَ عَبدُ اللّهِ ، جاءَ ابنُهُ إلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَقالَ : بِأبى أنتَ وأُمّى يا رَسولَ اللّهِ ، إن رَأَيتَ أن تَحضُرَ جَنازَتَهُ . فَحَضَرَهُ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله وَقامَ عَلى قَبرِهِ ، فَقالَ لَهُ الثّانى : يا رَسولَ اللّهِ ، أَلَم يَنهَكَ اللّهُ أن تُصَلِّىَ عَلى أَحَدٍ مِنهُم ماتَ أبدا وَأن تَقومَ عَلى قَبرِهِ ؟ فَقالَ لَهُ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : وَيلَكَ ! وَهَل تَدرى ما قُلتُ ؟ إنَّما قُلتُ : اللّهُمَّ احشُ

قَبرَهُ نارا ، وَجَوفَهُ نارا ، وَأَصلِهِ النّارَ . فَبَدا مِن رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ما لَم يَكُن يُحِبُّ . (2) .

1- .. التوبه : 80 .
2- .. تفسير القمّى : ج 1 ص 302 ، عوالى اللآلى : ج 2 ص 59 ح 158 نحوه ، بحار الأنوار : ج 22 ص 96 ح 49 .

13 / 13 عبد اللّه بن اُبَی

13 / 13عبد اللّه بن اُبَی (1)6204.نهج السعاده عن الإمام علیّ علیه السلام (فِی الإِخبارِ عَمّا یَقَعُ بَعدَهُ) تفسیر القمّی در باره آیه شریف : «برایشان آمرزش بخواهی یا آمرزش نخواهی ، اگر هفتاد بار هم برایشان آمرزش بخواهی ، خدا هرگز آنان را نخواهد آمرزید» : علی بن ابراهیم می گوید : این آیه هنگامی نازل شد که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مدینه باز گشت و عبد اللّه بن اُبَی [منافق] بیمار شد . فرزند او عبد اللّه بن عبد اللّه که فردی مؤمن بود ، چون پدرش را در حال جان دادن دید ، نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! پدر و مادرم به فدایت ! اگر به بالین پدرم نیایید ، این برای ما یک ننگ خواهد بود .

پس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به نزد عبد اللّه بن اُبَی رفت . منافقان نیز آن جا بودند . فرزندش عبد اللّه بن عبد اللّه گفت : ای پیامبر خدا ! برایش از خدا طلب مغفرت کنید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برایش مغفرت طلبید . [خلیفه] دوم گفت : ای پیامبر خدا ! مگر خداوند ، شما را از نماز خواندن بر آنان (منافقان) یا طلب مغفرت برایشان نهی نکرده است؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رویش را از او بر گرداند . او گفته اش را تکرار کرد . پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود : «وای بر تو ! من مخیّر شده ام و انتخاب کردم . خداوند می فرماید : «برایشان آمرزش بخواهی یا برایشان آمرزش نخواهی ، اگر هفتاد بار هم برایشان آمرزش بخواهی ، خدا هرگز آنان را نخواهد آمرزید» .

چون عبد اللّه مُرد ، فرزندش باز نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت : پدر و مادرم به فدایت ، ای پیامبر خدا ! اگر صلاح بدانید ، بر جنازه او حاضر شوید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله حاضر شد و کنار قبرش ایستاد . [خلیفه] دوم باز گفت : ای پیامبر خدا ! مگر خدا شما را نهی نکرده است که هر گاه یکی از آنها مرد، بر او نمازنخوانی و کنار قبرش نایستی؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «وای بر تو! آیا می دانی من چه گفتم؟ گفتم : خدایا ! قبر او را و

شکمش را آکنده از آتش گردان و او را در آتش افکن» . بنا بر این ، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کاری سر زد که دوست نداشت .

.

1- .عبد اللّه بن اُبَی بن سلول، پدرش اُبی بن مالک بن حارث بن عبید بن مالک بن سالم بن غنم بن عمرو بن خزرج و مادرش سلول دختر حارث خزاعی است ؛ ولی عبد اللّه به نام مادرش شناخته شده است. عبد اللّه از اشراف خزرج و سرکرده منافقان بود که گفت: «لَئِن رَّجَعْنَآ إِلَى الْمَدِينَهِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ ؛ اگر به مدینه باز گردیم، قطعاً عزیزترها، ذلیل ترها را از آن شهر بیرون می کنند»(المنافقون : آیه 8) .

13 / 14الوَليدُ بنُ عُقبَة6201.الإمام الصادق عليه السلام : تفسير الطّبرِىّ عن عطاء بن يسار فى قَولِهِ تَعالى : «أَفَمَن كَانَ مُؤمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا لَا يَستَوُنَ * أَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ الصَّلِحَتِ فَلَهُمْ جَنَّتُ الْمَأْوَى نُزُلَا بِمَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ * وَ أَمَّا الَّذِينَ فَسَقُواْ فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُواْ أَن يَخْرُجُواْ مِنْهَا أُعِيدُواْ فِيهَا وَ قِيلَ لَهُمْ ذُوقُواْ عَذَابَ النَّارِ الَّذِى كُنتُم بِهِى تُكَذِّبُونَ » (1) ص : نَزَلَت بِالمَدينَهِ فى عَلِيِّ بنِ أبى طالِبٍ وَالوَليدِ بنِ عُقبَهَ بنِ أبى مُعَيطٍ . كانَ بَينَ الوَليدِ وَبَينَ عَلِيٍّ كَلامٌ، فَقالَ الوَليدُ بنُ عُقبَهَ : أنا أبسَطُ مِنكَ لِسانا، وَأحَدُّ مِنک سِنانا، وَأرَدُّ مِنکَ لِلكَتيبَهِ . فَقالَ عَلِىٌّ عليه السلام : اُسكُت فَإِنّکَ فاسِقٌ !

فَأَنزَلَ اللّهُ فيهِما : «أَفَمَن كَانَ مُؤمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا لَا يَستَوُنَ » إِلى قَولِهِ : «بِهِ تُكَذِّبُونَ » . (2)13 / 15طُعمَهُ بنُ أُبَيْرِق6198.امام على عليه السلام (از سخنانش درباره كُندى كسانى كه او را يارى نكرد) الإمام الباقر عليه السلام فى قَضِيَّهِ بَشيرٍ الَّذى نَقَبَ عَلى عَمِّ قَتادَهَ بنِ النُّعمانِ طَعامَهُ وَسِلاحَهُ : إِنَّ أُناسًا مِن رَهطِ بَشيرٍ الأَدنينَ قالوا : اِنطَلِقوا إِلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، وَقالوا

نُكَلِّمُهُ فى صاحِبِنا وَنُعذِرُهُ وَإِنَّ صاحِبَنا بَرىءٌ ، فَلَمّا أَنزَلَ اللّهُ : «يَستَخفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَستَخفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُم » إِلى قَولِهِ «وَكِيلاً » (3) فَأقبَلَت رَهطُ بَشيرٍ فَقالوا : يا بَشيرُ استَغفِرِ اللّهَ وَتُب إِلَيهِ مِنَ الذَّنبِ ، فَقالَ : وَالَّذى أحلِفُ بِهِ ما سَرَقَها إِلّا لَبيدٌ فَنَزَلَت : «وَمَن يَكسِب خَطِيئَهً أَو إِثمًا ثُمَّ يَرمِ بِهِ بَرِيئا فَقَدِ احتَمَلَ بُهتَنًا وَإِثمًا مُّبِينًا » (4) ثُمَّ إِنَّ بَشيرا كَفَرَ وَلَحِقَ بِمَكَّهَ ، وَأَنزَلَ اللّهُ فى النَّفَرِ الَّذينَ أَعذَرُوا بَشيرا وَأَتَوا النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله لِيُعذِرُوهُ قَولَهُ : «وَلَولَا فَضلُ اللَّهِ عَلَيكَ وَرَحمَتُهُ لَهَمَّت طَّائِفَهٌ مِّنهُم أَن يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُم وَمَا يَضُرُّونَکَ مِن شَى ءٍ وَأَنزَلَ اللَّهُ عَلَيكَ الكِتَبَ وَالحِكمَهَ وَعَلَّمَکَ مَا لَم تَكُن تَعلَمُ وَكَانَ فَضلُ اللَّهِ عَلَيكَ عَظِيمًا » (5) وَنَزَلَت فى بَشيرٍ وَهُوَ بِمَكَّهَ : «وَمَن يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِن بَعدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الهُدَى وَيَتَّبِع غَيرَ سَبِيلِ المُؤمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّى وَنُصلِهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَت مَصِيرًا » (6) . (7) .

1- .. السجده : 18 20 .
2- .. تفسير الطّبرى : ج 11 الجزء 21 ص 107 ، تفسير القرطبى : ج 14 ص 105 ، تفسير الثعلبى : ج 7 ص 333 نحوه ؛ تفسير القمّى : ج 2 ص

170 عن أبى الجارود عن الإمام الباقر عليه السلام ، التبيان فى تفسير القرآن : ج 8 ص 305 ، الجمل : ص 217 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 35 ص 337 ح 2 .
3- .. النساء : 108 و 109 .
4- .. النساء : 112 .
5- .. النساء : 113 .
6- .. النساء : 115 .
7- .. تفسير القمّى : ج 1 ص 152 عن أبى الجارود ، بحار الأنوار : ج 22 ص 75 ح 26 ؛ سنن التّرمذى : ج 5 ص 245 ح 3036 ، المعجم الكبير : ج 19 ص 11 ح 15 ، تفسير الطّبرى : ج 4 الجزء 5 ص 266 ، تفسير ابن كثير : ج 2 ص 360 وكلّها عن قتاده بن النعمان من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام نحوه .

13 / 14 ولید بن عقبه

13 / 15 طعمه بن اُبیرق

13 / 14ولید بن عقبه6199.عنه علیه السلام : تفسیر الطبری به نقل از عطاء بن یسار ، در باره آیه شریف : «آیا کسی که مؤمن است ، همانند کسی است که نافرمان است؟ یکسان نیستند . امّا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند ، به پاداش آنچه انجام می دادند ، در باغ هایی که در آنها جایگزین می شوند ، پذیرایی می گردند ، و امّا کسانی که نافرمانی کرده اند ، جایگاهشان آتش است . هر بار که بخواهند از آن بیرون بیایند ، در آن ، باز گردانیده می شوند و به آنان گفته می شود : بچشید عذاب آن آتشی را که دروغش می شمردید» : این آیات در مدینه و در باره علی بن ابی طالب علیه السلام و ولید بن عقبه بن ابی معیط ، نازل شده است [ماجرا بدین شرح است که] میان ولید و علی ، سخنی در گرفت . ولید بن عقبه گفت : من از تو زبان آورتر و جنگاورتر و لشکرشکن ترم . علی علیه السلام گفت : خاموش! که تو نافرمانی . پس ، خداوند ، در باره آن دو ، این آیات را فرو فرستاد : «آیا کسی که مؤمن است ، همانند کسی است که نافرمان است؟ یکسان نیستند تا دروغش می شمردید»

13 / 15طعمه بن اُبیرق6196.الإرشاد : امام باقر علیه السلام در ماجرای بشیر که به خانه عموی قَتاده بن نعمان دستبرد زد و خوراک و سلاح او را دزدید : عدّه ای از نزدیکان طایفه بشیر گفتند : نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برویم و در باره این 1 . ولید بن عقبه بن ابی معیط ابان بن ابی ذکوان بن امیّه بن عبد شمس بن عبد مناف اموی ، برادر مادری عثمان بن عفّان است . مادر این دو، اروی دختر کریز بن ربیعه بن حبیب بن عبد شمس است . کریز ، کسی بود که بر مسلمانان بسیار سخت می گرفت و به پیامبر صلی الله علیه و آله آزار می رساند. او در جنگ بدر ، اسیر و با فدیه آزاد شد .

ولید و برادرش عماره در فتح مکّه مسلمان شدند. ولید، از آن پس ، تحت حمایت عثمان بزرگ شد و در زمان خلافت عثمان ، با برکناری سعد بن ابی وقّاص، به فرمانداری کوفه رسید . با کشته شدن عثمان ، ولید به دنبال فتنه ای ، از فرمانداری برکنار شد و پس از آن ، دیگر نه با امام علی علیه السلام و نه با غیر او همراه نشد ؛ امّا معاویه را در جنگش با علی

علیه السلام ، با نگارش نامه و سرودن شعر ، به جنگ تشویق می کرد. ولید در دوران خلافت معاویه مُرد .

2 . طعمه بن اُبیرق که نام دیگرش بشیر است ، از منافقان زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بود و در هجو یاران پیامبر شعر می سرود . او مردی فقیر و نادار بود و زره رفاعه بن زید را ربود که در سرزنش او آیه هایی از قرآن، نازل شد و پس از آن ، مرتد شد و قصّه او در کتاب های تفسیر و تاریخ ، مشهور است .

خویشاوند خود ، با ایشان صحبت کنیم و برایش تقاضای بخشش کنیم ؛ زیرا او بی گناه است . امّا چون خداوند ، آیه : «[کار ناروای خود را] از مردم پنهان می دارند ؛ ولی نمی توانند از خدا پنهان دارند ، که او با آنان است»تا «حمایتگر» را نازل نمود ، طایفه بشیر نزد او رفتند و گفتند : ای بشیر! از خدا طلب مغفرت نمای و از گناهت توبه کن .

بشیر گفت : سوگند به آن که بدو سوگند می خورم ، آنها را کسی جز لبید ، ندزدیده است .

پس ، این آیه نازل شد : «و هر کس خطا یا گناهی مرتکب شود ، سپس آن را به بی گناهی نسبت دهد ، قطعا بهتان و گناه آشکاری بر دوش کشیده است» .

بشیر بعدها کافر شد و به مکّه رفت ، و خداوند در باره آن عدّه ای که بشیر را بی گناه می دانستند و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند تا برایش تقاضای بخشش کنند ، این آیه را فرو فرستاد : «و اگر لطف و رحمت خدا بر تو نبود ، طایفه ای از ایشان آهنگ آن داشتند که تو را از راه به در کنند ؛ ولی جز خودشان کسی را گم راه نمی سازند ، و هیچ گونه زیانی به تو نمی رسانند ، و خدا کتاب و حکمت بر تو نازل کرد و آنچه را نمی دانستی ، به تو آموخت ، و لطف خدا به تو ، همواره بزرگ است» ، و در باره بشیر نیز که در مکّه به سر می برد ، این آیه نازل شد : «و هر کس پس از آن که راه هدایت بر او آشکار شد ، با پیامبر به مخالفت برخیزد و راهی غیر راه مؤمنان در پیش گیرد ، وی را بدانچه روی خود را بدان سو کرده ، وامی گذاریم و او را به دوزخ می کشانیم ، و چه بازگشتگاه بدی است !» .

.

13 / 16عَمرُو بنُ العاص6196.الإرشاد : تفسير القمّى فى قَولِهِ تَعالى : «يَومَ يُدَعُّونَ إِلى نَارِ جَهَنَّمَ دَعًّا» (1) : قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله لَمّا مَرَّ بِعَمرِو بنِ العاصِ وَعُقبَةَ بنِ أبى مُعَيطٍ وَهُما فى حائِطٍ يَشرَبانِ وَيُغَنِّيانِ بِهذا

البَيتِ فى حَمزَةَ بنِ عَبدِ المُطَّلبِ حينَ قُتِلَ :

كَم مِن حَوارِىٍّ تَلوحُ عِظامُهُوَراءَ الحَربِ [عِند] أَن يُجَرَّ فَيُقبَرا

فَقالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : «اللّهُمَّ العَنهُما وَاركُسهُما فِى الفِتنَهِ رَكساً ، وَدُعَّهُما فِى النّارِ دَعّا» . (2) .

1- .. طور : 13 .
2- .. تفسير القمّى : ج 2 ص 332 ، وقعه صفّين : ص 219 ، المناقب للكوفى : ج 2 ص 313 ح 786 كلاهما عن أبى برزه الأسلمى ، شرح الأخبار : ج 2 ص 165 ح 499 وكلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 20 ص 76 ح 14 ؛ سير أعلام النبلاء : ج 3 ص 132 عن أبى برزه نحوه .

13 / 16 عمرو بن عاص

13 / 16عمرو بن عاص6193.کتاب سلیم بن قیس به نقل از سلیم : تفسیر القمّی در باره آیه شریف : «روزی که به سوی آتش دوزخ کشیده می شوند ، چه کشیدنی» : عمرو بن عاص و عقبه بن ابی معیط ، در باغی مشغول نوشیدن شراب بودند و 1 . عمرو بن عاص بن وائل سهمی قریشی، مادرش نابغه دختر خزیمه است. وی در دوران جاهلی، از سرسخت ترین دشمنان اسلام بود و در صلح حدیبیه اسلام آورد. پیامبر صلی الله علیه و آله او را به فرماندهی سپاه ذات السلاسل گماشت و ابو بکر و عمر را به معاونت وی برگزید . آن گاه او را به فرمانداری عمان انتخاب کرد.

عمرو، در دوران عمر، از فرماندهان سپاه در جهاد با شامیان بود . او قنسرین را فتح کرد و با مردم حلب و منبج و انطاکیه قرار مصالحه گذاشت. عمر ، او را والی فلسطین و سپس والی مصر کرد، و او آن را فتح نمود ؛ ولی بعدها عثمان او را برکنار کرد.

در فتنه میان امام علی علیه السلام و معاویه، او جانب معاویه را گرفت و معاویه او را در سال 38 ق ، به استانداری مصر برگزید و خراج آن جا را به مدت شش سال به او واگذار نمود و بدین سان ، او اموال بی شماری به دست آورد. عمرو سرانجام در قاهره مُرد.

این بیت را در باره حمزه بن عبد المطلّب که به شهادت رسیده بود ، به آواز می خواندند :

ای بسا یاری که استخوان هایش پیداستاز پس جنگ و هنوز به گور سپرده نشده است .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «بار خدایا ! این دو را در عذاب فرو افکن و سخت به سوی آتش بکشان» .

.

6192.الكافى (به نقل از سهل بن زياد ، از چند نفر ، در حديثى ک) مسند ابن حنبل عن أبى غاديه : قُتِلَ عَمّارُ بنُ ياسِرٍ ، فَأُخبِرَ عَمرُو بنُ العاصِ ، قالَ : سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ : «إنَّ قاتِلَهُ وَسالِبَهُ فِى النّارِ» ، فَقيلَ لِعَمروٍ : فَإنَّکَ هُوَ ذا تُقاتِلُهُ ! قالَ : إنَّما قالَ : قاتِلُهُ وَسالِبُهُ . (1)13 / 17مُعاويَهُ بنُ حُدَيجٍ6191.التوحيد (به نقل از عبد اللّه بن سلام) المعجم الكبير عن علىّ بن أبى طلحه مولى بنى اُميّه : حَجَّ مُعاوِيَهُ بنُ أبى سُفيانَ وَحَجَّ مَعَهُ مُعاوِيَهُ بنُ حُدَيجٍ ، وكانَ مِن أسَبِّ النّاسِ لِعَلِىٍّ عليه السلام ، فَمَرَّ فِى المَدينَهِ فى مَسجِدِ الرَّسولِ صلى الله عليه و آله وَالحَسَنُ بنُ عَلِىٍّ عليه السلام جالِسٌ فى نَفَرٍ مِن أصحابِهِ ، فَقيلَ لَهُ : هذا مُعاوِيَهُ بنُ حُدَيجٍ السّابُ لِعَلِىٍّ عليه السلام . فَقالَ : عَلَىَّ بِالرَّجُلِ . فَأتاهُ الرَّسولُ فَقالَ : أجِب . قالَ : مَن ؟ قالَ : الحَسَنُ بنُ عَلِىٍّ عليه السلام يَدعوکَ . فَأتاهُ فَسَلَّمَ عَلَيهِ ، فَقالَ لَهُ الحَسَنُ بنُ عَلِىٍّ عليه السلام : أنتَ مُعاوِيَهُ بنُ حُدَيجٍ ؟ قالَ : نَعَم ، فَرَدَّ عَلَيهِ ثَلاثا ، فَقالَ لَهُ الحَسَنُ عليه السلام : السَّابُّ لِعَلِىٍّ ،

فَكَأَنَّهُ استَحيى .

فَقالَ لَهُ الحَسَنُ عليه السلام : أَمَ وَاللّهِ لَئِن وَرَدتَ عَلَيهِ الحَوضَ وَما أَراکَ أَن تَرِدَهُ لَتَجِدَنَّهُ مُشَمِّرَ الإزارِ عَلى ساقٍ يَذودُ المُنافِقينَ ذَودَ غَريبَهِ الإبِلِ ، قَولَ الصّادِقِ المُصدوق : «وَ قَد خَابَ مَنِ افتَرَى » . (2) .

1- .. مسند ابن حنبل : ج 6 ص 231 ح 17791 ، الطّبقات الكبرى : ج 3 ص 261 ، أنساب الأشراف : ج 3 ص 1019 ، الإصابه : ج 7 ص 259 الرقم 10371 ، سير أعلام النبلاء : ج 1 ص 425 كلّها نحوه ، كنز العمّال : ج 13 ص 531 ح 37383 .
2- .. المعجم الكبير : ج 3 ص 91 ح 2758 ، مسند أبى يعلى : ج 6 ص 175 ح 738 ، سير أعلام النبلاء : ج 3 ص 39 الرقم 10 ، تاريخ دمشق : ج 59 ص 27 .

13 / 17 معاویه بن حُدَیج

6190.امام صادق علیه السلام (در دعایش) مسند ابن حنبل به نقل از ابو غادیه : عمّار بن یاسر کشته شد . خبر به عمرو بن عاص دادند . گفت : از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود : «قاتل و غارتگر او ، در آتش است» .

کسی به عمرو گفت : تو خودت قاتل او هستی !

گفت : فرمود : «قاتل و غارتگر او !» .13 / 17معاویه بن حُدَیج

6189.الکافی (به نقل از ابو بصیر) المعجم الکبیر به نقل از علی بن ابی طلحه (وابسته بنی امیّه) : سالی ، معاویه بن ابی سفیان به حج رفت و معاویه بن حدیج نیز او را همراهی می کرد . او از ناسزاگوترین مردمان به علی علیه السلام بود . روزی در مدینه از مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله گذشت . حسن بن علی علیه السلام با گروهی از یارانش نشسته بودند . به ایشان گفته شد : این معاویه بن حدیج است که به علی علیه السلام ناسزاگویی می کند .

حسن علیه السلام فرمود : «او را نزد من بیاورید» . فرستاده امام حسن علیه السلام نزد معاویه بن حدیج رفت و گفت : با تو کار دارد .

گفت : چه کسی؟

گفت : حسن بن علی .

معاویه نزد حسن علیه السلام آمد و سلام کرد . حسن بن علی علیه السلام به او فرمود : تو معاویه بن حدیج هستی؟

گفت : بله ! و سه بار تکرار کرد .

حسن علیه السلام فرمود : «همان که به علی ناسزا می گوید ؟» .

گویا او خجالت کشید . حسن علیه السلام فرمود : «به خدا سوگند ، اگر کنار حوض [کوثر]بر او وارد شوی که فکر نمی کنم وارد شوی او را

خواهی دید که پاچه های ازارش را بالا زده است و منافقان را دور می کند ، چنان که شترِ غریبه را [از آب] دور می کند . این سخن آن راستگویِ تأیید شده به راستگویی است : «و زیان کرد هر که دروغ بست» » .

.

1- .معاویه بن حدیج رحیل سکونی کندی، در مصر ، مردم را به خونخواهی عثمان فرا خواند و آنها را تشویق نمود و مصر را علیه محمّد بن ابی بکر شوراند و او را کشت. او به امام علی علیه السلام دشنام می داد.

13 / 18قاتل امير المؤمنين76189.الكافى عن أبى بصير : الإمام الرّضا عن آبائه عن الإمام علىّ عليهم السلام : إِنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله خَطَبَنا ذاتَ يَومٍ فَقالَ : أَيُّها النّاسُ إِنَّهُ قَد أَقبَلَ إِلَيكُم شَهرُ اللّهِ ... فَقُمتُ فَقُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ما أَفضَلُ الأَعمالِ فى هذا الشَّهرِ ؟ فَقالَ : يا أَبَا الحَسَنِ ، أَفضَلُ الأَعمالِ فى هذا الشَّهرِ الوَرَعُ عَن مَحارِمِ اللّهِ عز و جل ، ثُمَّ بَكى . فَقُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ! ما يُبكيكَ ؟

فَقالَ : يا عَلِىُّ ، أبكى لِما يُستَحَلُّ مِنكَ فى هذا الشَّهرِ ، كَأَنّى بِكَ وأَنتَ تُصَلّى لِرَبِّكَ وَقَد انبَعَثَ أَشقى الأَوَّلينَ وَالآخِرينَ ، شَقيقُ عاقِرِ ناقَةِ ثَمودَ ، فَضَرَبَكَ ضَربَةً عَلى قَرنِكَ فَخَضَبَ مِنها لِحيَتَكَ .

قالَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام : فَقُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ، وذلِكَ فى سَلامَةٍ مِن دينى ؟ فَقالَ صلى الله عليه و آله : فى سَلامَةٍ مِن دينِكَ . ثُمَّ قالَ صلى الله عليه و آله : يا عَلِىُّ ! مَن قَتَلَكَ فَقَد قَتَلَنى ، وَمَن أَبغَضَكَ فَقَد أَبغَضَنى ، وَمَن سَبَّكَ فَقَد سَبَّنى . (1) .

1- .. عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 295 ، الإقبال : ج 1 ص 26 نقلاً عن الطّبرى فى بشاره المصطفى وكلاهما عن الحسن بن على بن فضّال عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، روضه الواعظين : ص 378 ، بحار الأنوار : ج 42 ص 190 ح 1 ؛ ينابيع المودّه : ج 1 ص 166 ح 5 .

13 / 18 قاتل امیر مؤمنان علیه السلام

13 / 18قاتل امیر مؤمنان7 (1)6186.المعجم الکبیر (به نقل از ابن عبّاس ، درباره این سخن خدا : {Q}) امام رضا علیه السلام به نقل از پدرانش ، از امام علی علیه السلام : روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای ما خطبه خواند و فرمود : «ای مردم ! ماه خدا به شما روی آورده است ...» . من برخاستم و گفتم : ای پیامبر خدا ! برترین اعمال در این ماه چیست؟

فرمود : «ای ابو الحسن ! برترین اعمال در این ماه ، خودداری از حرام های خداوند عز و جل است و سپس گریست .

گفتم : چرا گریه می کنید ، ای پیامبر خدا؟

فرمود : «ای علی ! برای آن گریه می کنم که در این ماه ، ریختن خون تو روا شمرده می شود . گویا تو را می بینم که در حال گزاردنِ نماز برای پروردگارت هستی و شقی ترین انسان از آغاز تا پایان عالم ، و لنگه پی کننده ناقه ثمود ، بر فرق تو ضربت می زند و محاسنت را از خون آن ، رنگین می سازد» . من گفتم : ای پیامبر خدا ! آیا آن هنگام در سلامت دینم هستم؟

فرمود : «در سلامت دینت هستی» .

سپس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «ای علی ! هر کس تو را بکشد ، مرا کشته است و هر کس تو را دشمن بدارد ، مرا دشمن داشته و هر کس به تو ناسزا گوید ، به من ناسزا گفته است» .

.

1- .عبد الرحمان بن ملجم مرادی، که دوران جاهلیت را درک کرده بود در دوران خلافت عمر ، هجرت کرد. ابو سعید بن یونس می گوید : وی نزد معاذ بن جبل قرآن خوانده است . او بعدها از بزرگان خوارج شد و بر اساس نصّ رسیده از پیامبر صلی الله علیه و آله ، به خاطر کشتن امام

علی بن ابی طالب علیه السلام ، شقاوتمندترین فرد امّت است. فرزندان علی علیه السلام ، او را به قصاص پدرشان کشتند .

6185.سنن الترمذی (به نقل از عمر بن خطّاب) الإمام الصّادق علیه السلام : البَراءَةُ مِن أشقى الأوَّلينَ وَالآخِرينَ ، شَقيقِ عاقِرِ ناقَةِ ثَمودَ ، قاتِلِ أميرِ المُؤمِنينَ علیه السلام ؛ واجِبَةٌ . (1)13 / 19قاتل الإمام الحسین علیه السّلام6184.امام علی علیه السلام : رسول اللّه صلی الله علیه و آله : إنَّ فِي النّارِ مَنزِلَةً لَم يَكُن يَستَحِقُّها أحَدٌ مِنَ النّاسِ إلّا بِقَتلِ الحُسَينِ بنِ عَلِيٍّ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِما ، ويَحيَى بنِ زَكَرِيّا علیهماالسلام . (2)6183.التوحید (به نقل از محمّد بن ابی عمیر) عنه صلی الله علیه و آله : إنَّ قاتِلَ الحُسَينِ بنِ عَلِيٍّ علیه السلام فی تابوتٍ مِن نارٍ ، عَلَيهِ نِصفُ عَذابِ أهلِ الدُّنيا ، وقَد شُدَّت يَداهُ ورِجلاهُ بِسَلاسِلَ مِن نارٍ ، مُنَكَّسٌ فِي النّارِ حَتّى يَقَعَ فی قَعرِ جَهَنَّمَ ، ولَهُ ريحٌ يَتَعَوَّذُ أهلُ النّارِ إلى رَبِّهِم مِن شِدَّةِ نَتنِهِ ، وهُوَ فيها خالِدٌ ذائِقُ العَذابِ الأليمِ ، مَعَ جَميعِ مَن شايَعَ عَلى قَتلِهِ ، كُلَّما نَضِجَت جُلودُهُم بَدَّلَ اللّه ُ عز و جل عَلَيهِمُ الجُلودَ حَتّى يَذوقُوا العَذابَ الأليمَ ، لا يُفَتَّرُ عَنهُم ساعَةً ، ويُسقَونَ مِن حَميمِ جَهَنَّمَ ، فَالوَيلُ لَهُم مِن عَذابِ اللّهِ تَعالى فِي النّارِ . (3)6184.الإمام علیّ علیه السلام : عنه صلی الله علیه و آله : وَلَدِيَ الحُسَينُ يُقتَلُ ظُلما وعُدوانا ، ألا ومَن قَتَلَهُ يُدخَلُ فی تابوتٍ مِن نارٍ ، ويُعَذَّبُ بِعَذابِ نِصفِ أهلِ النّارِ ، وقَد غُلَّت يَداهُ ورِجلاهُ ، ولَهُ رائِحَةٌ يَتَعَوَّذُ أهلُ النّارِ مِنها هُوَ ومَن شايَعَ وبايَعَ أو رَضِيَ بِذلِكَ «كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُم بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُواْ الْعَذَابَ» (4) ، لا يُفَتَّرُ عَنهُم ساعَةً ويُسقَونَ مِن حَميمِ جَهَنَّمَ ، فَالوَيلُ لَهُم مِن عَذابِ جَهَنَّمَ . (5) .

1- .. الخصال : ص 607 ح 9 عن الأعمش ، بحار الأنوار : ج 10 ص 227 ح 1 .
2- .. ثواب الأعمال : ص 257 ح 2 ، کامل الزیارات : ص 162 ح 202 کلاهما عن جابر عن الإمام الباقر علیه السلام ، بحارالأنوار : ج 44 ص 301 ح 9 .
3- .. عیون أخبار الرضا علیه السلام : ج 2 ص 47 ح 178 ، صحیفه الرضا علیه السلام : ص 123 ح 81 ولیس فیه «مع جمیع من شایع علی قتله» کلاهما عن أحمد بن عامر الطائی عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام ، تأویل الآیات الظاهره : ج 2 ص 768 ح 14 عن الإمام الصادق علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله ، بحارالأنوار : ج 44 ص 300 ح 3 ؛ المناقب لابن المغازلی : ص 66 ح 95 ، فرائد السمطین : ج 2 ص 264 ح 532 ، مقتل

الحسين للخوارزمى : ج 2 ص 83 كلّها عن أحمد بن عامر الطائى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله نحوه .
4- .. النساء : 56 .
5- .. بحارالأنوار : ج 45 ص 321 نقلاً عن السدّى .

6183.التوحید عن محمّد بن أبی عمیر : امام صادق علیه السلام : بیزاری جستن از شقی ترین (بدفرجام ترینِ) آدم از اوّل تا آخر عالم ، لنگه پی کننده ناقه ثمود ، قاتل امیر مؤمنان علیه السلام ، واجب است .13 / 19قاتل امام حسین76180.امام باقر علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در آتش ، جایگاهی است که هیچ انسانی سزاوار آن نمی شود ، مگر با کشتن حسین بن علی که درودهای خدا بر آن دو باد و کشتن یحیی بن زکریّا علیه السلام .6182.عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : قاتل حسین بن علی ، در تابوتی از آتش است و نصف عذاب اهل دنیا به او وارد می شود، در حالی که دست ها و پاهایش را با زنجیرهایی از آتش بسته اند و در آتش سرنگون می شود تا آن که به قعر جهنّم می افتد. بویی دارد که اهل جهنّم از شدّت تعفّن آن به پروردگارشان پناه می برند.

او و تمام کسانی که در کشتن حسین شرکت داشته اند ، در جهنّم ، جاویدان اند و عذاب دردناک می چشند . هر بار که پوست هایشان می سوزد، خداوند عز و جل پوست دیگری بر آنان می رویاند تا آن که [پیوسته]عذاب دردناک را حس کنند ! لحظه ای عذابشان سبُک نمی شود و از جوشاب جهنّم به آنان نوشانیده می شود. پس وای بر آنان از عذاب خدای متعال در آتش !6181.الإمام الصادق علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : فرزندم حسین ، به ستم و تجاوز ، کشته می شود. آگاه باشید که هر کس او را بکشد ، او را در صندوقی از آتش می گذارند و با عذابِ نصف اهل آتش ، عذاب می شود، در حالی که دست ها و پاهایش را بسته اند. چنان بوی متعفّنی دارد که دوزخیان از آن بو به خدا پناه می برند. او و کسی که [از او]پیروی کرده و با او بیعت کرده و به کار او رضایت داده است ، پیوسته در عذاب اند ، چنان که «هر گاه پوست هایشان بسوزد ، پوست دیگری بر آنان 1 . یزید بن معاویه بن ابی سفیان اموی، دومین پادشاه دولت اموی در شام بود . او در ماطرون به دنیا آمد و در دمشق ، بزرگ شد . او پس از مرگ پدرش به سال 60 ق ، خلافت را بر عهده گرفت ؛ ولی عبد اللّه بن زبیر و حسین بن علی علیه السلام از بیعت با او خودداری کردند. عبد اللّه بن زبیر به مکّه و حسین بن علی راهی کوفه شد.

در دوران یزید حادثه فاجعه آمیز کربلا در اوائل سال 61 ق ، روی داد که در آن سبط پیامبر صلی الله علیه و آله و یاران و خاندانش به شهادت رسیدند و زنان و کودکانش به اسارت رسیدند . همچنین در دوران او در سال 62، مردم مدینه از اطاعت او سر باز زدند و او مسلم بن عقبه مرمی را به سوی آنان اعزام کرد و مدینه را سه روز بر سپاه خود ، مباح نمود، تا مردم آن را مجبور به بیعت کنند . مسلم نیز با آنان رفتارهای بسیار وحشتناک و زشتی کرد و جمع زیادی را که در میان آنان ، صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و فرزندانشان و بزرگان تابعان بودند، به قتل رساند.

می رویانیم تا عذاب را بچشند» و لحظه ای عذاب از آنان سستی نمی گیرد و از جوشاب جهنّم به آنان نوشانیده می شود . پس وای بر آنان از عذاب جهنّم !

.

6180.الإمام الباقر عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : أوحَى اللّهُ تَبارَکَ وتَعالى إلى جَبرَئيلَ عليه السلام أن اهبِط إلى نَبِيّى مُحَمَّدٍ ... وقُل لَهُ : يا مُحَمَّدُ ... قاتِلُ الحُسَينِ أتَا مِنهُ بَرىءٌ وهُوَ مِنّى بَرىءٌ ؛ لِأَنَّهُ لا يَأتى يَومَ القِيامَهِ أحَدٌ إلّا وقاتِلُ الحُسَينِ عليه السلام أعظَمُ جُرما مِنهُ ، قاتِلُ الحُسَينِ يَدخُلُ النّارَ يَومَ القِيامَهِ مَعَ الَّذينَ يَزعُمونَ أنَّ مَعَ اللّهِ إلها آخَرَ ، وَالنّارُ أشوَقُ إلى قاتِلِ الحُسَينِ مِمَّن أطاعَ اللّهَ إلَى الجَنَّهِ . (1)

6179.امام زين العابدين عليه السلام (در دعايش) الملهوف فى قَضِيَّهِ مَجلِسِ يَزيدَ : دَعا يَزيدُ بِقَضيبِ خَيزَرانٍ فَجَعَلَ يَنكُتُ (2) بِهِ ثَنايا الحُسَينِ عليه السلام ، فَأقبَلَ عَلَيهِ أبو بَرزَهَ الأسلَمِىُّ ، وَقالَ : وَيحَکَ يا يَزيدُ ! أتَنكُتُ بِقَضيبِکَ ثَغرَ الحُسَينِ بنِ فاطِمَهَ ؟ أشهَدُ لَقَدِ رَأيتُ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله يَرشُفُ ثَناياهُ وَثَنايا أخيهِ الحَسَنِ وَيَقولُ : أنتُما سَيِّدا شَبابِ أهلِ الجَنَّهِ ، قَتَلَ اللّهُ قاتِليکُما وَلَعَنَهُ ، وَأعَدَّ لَهُ جَهَنَّمَ وَ ساءَت مَصيراً .

6178.امام قالَ الرّاوى : فَغَضِبَ يَزيدُ وَأَمَرَ بِإخراجِهِ ، فَأُخرِجَ سَحبا . (3) زين العابدين عليه السلام (در دعايش) ثواب الأعمال عن عيص بن القاسم : ذُكِرَ عِندَ أبى عَبدِاللّهِ عليه السلام قاتِلُ الحُسينِ عليه السلام ، فَقالَ بَعضُ أصحابِهِ : كُنتُ أشتَهى أن يَنتَقِمَ اللّهُ مِنهُ فِى الدُّنيا ، قالَ : كَأَنَّکَ تَستَقِلُّ لَهُ عَذابَ اللّهِ ؟ وما عِندَاللّهِ أشَدُّ عَذابا وأشَدُّ نَكالاً . (4) .

1- .. كمال الدين : ص 283 ح 36 عن ابن عبّاس ، بحارالأنوار : ج 43 ص 249 ح 24 .
2- .. يَنكُتُ بِقضيبٍ : أى يضرب بطرفه (النهايه : ج 5 ص 113 «نكت») .
3- .. الملهوف : ص 214 ، مثير الأحزان : ص 100 ، بحار الأنوار : ج 45 ص 132 ؛ الفتوح : ج 5 ص 129 .
4- .. ثواب الأعمال : ص 257 ح 1 ، بحارالأنوار : ج 44 ص 301 ح 8 .

6177.امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خدای تبارک و تعالی به جبرئیل علیه السلام وحی فرمود که: «بر پیامبرم محمّد ، فرود آی ... و به او بگو: ای محمّد !... من از قاتل حسین ، بیزارم و او (قاتل حسین علیه السلام) نیز از من بیزار است ؛ زیرا در روز قیامت ، هیچ کس نمی آید ، مگر آن که قاتل حسین ، جرمش از او بزرگ تر است. در روز قیامت، قاتل حسین به همراه کسانی که برای خدا شریک قائل شده اند ، وارد آتش می شود و اشتیاق آتش به قاتل حسین ، بیشتر از اشتیاق کسی که خدا را اطاعت کرده، به بهشت است.6176.امام علی علیه السلام (در تفسیر علم غیب) الملهوف در بیانِ ماجرای مجلس یزید : یزید ، چوب خیزرانی خواست و با آن به دندان های حسین علیه السلام می زد . ابو برزه اسلمی رو به او کرد و گفت : وای بر تو ، ای یزید ! با چوب خود به دهان حسین پسر فاطمه می زنی ؟ من با چشم خود دیدم که پیامبر صلی الله علیه و آله دندان های پیشین او و برادرش حسن را می مکید و می فرمود : «شما دو تن ، سَروَر جوانان اهل بهشتید . خدا قاتل شما را بکشد و لعنت کند و جهنّم را برایش آماده سازد که بد بازگشتگاهی است !» .

یزید ، خشمگین شد و دستور داد او را [از مجلس] بیرون کنند ، و کشان کشان بیرونش بردند .6175.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ثواب الأعمال به نقل از عیص بن قاسم : در محضر امام صادق علیه السلام از قاتل امام حسین علیه السلام یاد شد . یکی از یاران ایشان گفت: دلم می خواست که خداوند در همین دنیا از او انتقام می گرفت.

امام علیه السلام فرمود: «گویا تو عذاب خدا را برای او اندک شمرده ای ، در حالی که عذاب خدا [در آخرت]سخت تر و زجرآورتر است ؟ !» . .

13 / 20أَبُو الخَطّابِ6177.عنه علیه السلام : الإمام الصّادق علیه السلام : لا یَدخُلُ المُغیرَهُ وَأَبُو الخَطّابِ الجَنَّهَ إلّا بَعدَ رَکَضاتٍ فِی النّارِ .
6176.الإمام علیّ علیه السلام (فی تَفسِیرِ عِلمِ الغَیبِ) رجال الکشّی عن حنان بن سدیر عنه علیه السلام : إنّی لَأَنفَسُ (2) عَلی أجسادٍ أُصلِیَت (1) مَعَهُ یَعنی أَبَا الخَطّابِ (3) النّارَ . (4) .

1- .. رجال الکشّی : ج 2 ص 494 الرّقم 408 عن محمّد بن الصباح .
2- .. نَفِسَ به : أی ضَنَّ به . یقال نَفِست علیه الشیءَ نفاسهً : إذا لم تره یستأهله (الصحاح : ج 3 ص 985 «نفس») .
3- .. الظّاهر أنّ ما بین الشارحتین من کلام الرّاوی .
4- .. رجال الکشّی : ج 2 ص 634 الرّقم 638 ، خلاصه الأقوال : ص 218 ، التحریر الطّاووسی : ص 87 الرّقم 120 و فیهما «أصیبت» بدل «أصلیت» ، بحار الأنوار : ج 25 ص 280 ح 24 .

13 / 20 ابو الخطّاب

13 / 20ابو الخطّاب 16173.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : مغیره و ابو الخطاب به بهشت نمی روند ، مگر پس از آن که مدّتی را در آتش ، جست و خیز کنند .6174.عنه صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : من برای کسانی که همراه او یعنی ابو الخطّاب به آتش می روند ، افسوس می خورم .

.

ص: 672

. .

ص: 673

. .

ص: 674

..

ص: 675

..

ص: 676

..

ص: 677

..

ص: 678

..

ص: 679

..

ص: 680

. .

ص: 681

..

ص: 682

. .

ص: 683

. .

. .

ص: 685

..

ص: 686

..

ص: 687

..

ص: 688

..

ص: 689

. .

ص: 690

. .

ص: 691

..

ص: 692

. .

ص: 693

. .

. .

ص: 695

..

ص: 696

..

ص: 697

..

ص: 698

..

ص: 699

..

ص: 700

. .

ص: 701

. .

ص: 702

. .

ص: 703

. .

. .

ص: 705

. .

. .

ص: 707

. .

ص: 708

. .

ص: 709

. .

ص: 710

. .

ص: 711

..

ص: 712

. .

ص: 713

. .

. .

ص: 715

. .

ص: 716

. .

ص: 717

..

ص: 718

. .

. .

ص: 720

. .

ص: 721

. .

ص: 722

. .

ص: 723

. .

. .

ص: 725

. .

ص: 726

. .

ص: 727

. .

ص: 728

. .

ص: 729

. .

ص: 730

. .

. .

. .

. .

. .

ص: 735

. .

. .

. .

. .

ص: 739

. .

ص: 740

. .

ص: 741

. .

ص: 742

. .

ص: 743

. .

. .

. .

ص: 746

. .

ص: 747

. .

ص: 748

. .

ص: 749

. .

ص: 750

. .

ص: 751

. .

ص: 752

. .

فهرست منابع و مآخذ

فهرست منابع و مآخذ1 . أبو طالب تجلی ایمان ، مجید پور طباطبایی ، قم : شهریار ، 1375 . 2 . أبو طالب حامی الرسول وناصره 3 . أبو طالب مؤمن قریش ، عبد اللّه الشیخ علی الخنیزی ، بیروت : المکتب العالمی ، 1381 ق . 4 . إتحاف الساده المتّقین بشرح إحیاء علوم الدین ، محمّد بن محمّد الزبیدی (م 1205 ق) ، بیروت : دار الفکر . 5 . إثبات الوصیّه للإمام علی بن أبی طالب علیه السلام ، المنسوب إلی علی بن الحسین المسعودی (م 346 ق) ، بیروت : دار الأضواء ، 1409 ق ، دوم . 6 . الاحتجاج علی أهل اللجاج ، أحمد بن علی الطَّبَرسی (م 620 ق) ، تحقیق : إبراهیم البهادری ومحمّد هادی به ، تهران : دار الاُسوه ، 1413 ق ، اوّل . 7 . إحقاق الحقّ و إزهاق الباطل ، نور اللّه بن السیّد شریف الشوشتری (القاضی التستری) (م 1019 ق) ، تصحیح و تعلیق : السیّد شهاب الدین المرعشی ، قم : مکتبه آیه اللّه المرعشی ، 1411 ق ، اوّل. 8 . إحیاء علوم الدین ، محمّد بن محمّد الغزالی (م 505 ق) ، بیروت : دار الهادی ، 1412 ق ، اوّل. 9 . أخبار مکّه فی قدیم الدهر وحدیثه ، محمّد بن إسحاق الفاکهی (م 3 ق) ، تحقیق : عبد الملک بن عبد اللّه بن دهیش ، بیروت : دار خضر ، 1414 ق ، دوم . 10 . الاختصاص ، المنسوب إلی محمّد بن محمّد بن النعمان العکبری البغدادی (الشیخ المفید) (م 413 ق) ، تحقیق : علی أکبر الغفّاری ، قم : مؤسسّه النشر الإسلامی ، 1414 ق ، چهارم .

.

11 . اختيار معرفه الرجال (رجال الكشّى) ، محمّد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (م 460 ق) ، تحقيق : السيّد مهدى الرجائى ، قم : مؤسسّه آل البيت عليهم السلام ، 1404 ق ، اوّل. 12 . الأخلاق لأبى القاسم الكوفى 13 . الإخوان ، عبد اللّه بن محمّد القُرشى (ابن أبى الدنيا) (م 281 ق) ، تحقيق : محمّد عبد الرحمان طواليه ، قاهره : دار الاعتصام ، 1988 م . 14 . الأدب المفرد ، محمّد بن إسماعيل البخارى (م 256 ق) ، تحقيق : محمّد بن عبد القادر عطا ، بيروت : دار الكتب العلميّه . 15 . الأذكار المنتخبه من كلام سيد الأبرار صلى الله عليه و آله ، أبو زكريا يحيى بن شرف النووى (م 676 ق) ، رياض : دار الهجره . 16 . الإرشاد فى معرفه حجج اللّه على العباد ، محمّد بن محمّد بن النعمان العكبرى البغدادى (الشيخ المفيد) (م 413 ق) ، تحقيق : مؤسسّه آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسسّه آل البيت عليهم السلام ، 1413 ق ، اوّل . 17 . إرشاد القلوب ، الحسن بن محمّد الديلمى (م 711 ق) ، بيروت : مؤسسّه الأعلمى ، 1398 ق ، چهارم . 18 . أسباب نزول القرآن ، على بن أحمد الواحدى النيسابورى (م 468 ق) ، تحقيق : كمال بسيونى زغلول ، بيروت : دار الكتب العلميّه . 19 . الاستبصار فى ما اختلف من الأخبار ، محمّد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (م 460 ق) ، تحقيق : حسن الموسوى الخرسان ، تهران : دار الكتب الإسلاميّه ، اوّل . 20 . الاستيعاب فى معرفه الأصحاب ، يوسف بن عبد البِرّ القُرطُبى المالكى (ابن عبد البِرّ) (م 363 ق) ، تحقيق : على محمّد معوّض وعادل أحمد عبد الموجود ، بيروت : دار الكتب العلميّه ، 1415 ق ، اوّل . 21 . أُسد الغابه فى معرفه الصحابه ، على بن أبى الكرم محمّد الشيبانى (ابن الأثير الجَزَرى) (م 630 ق) ، تحقيق : على محمّد معوّض وعادل أحمد عبد الموجود ، بيروت : دار الكتب العلميّه ، 1415ق ، اوّل. 22 . الأسماء والصفات ، أحمد بن الحسين بن علىّ البيهقى ، تحقيق : عبد اللّه بن محمّد الراشدى ، جدّه : مكتبه السوادى .

.

23 . الإصابه فى تمييز الصحابه ، أحمد بن على العسقلانى (ابن حجر) (م 852 ق) ، تحقيق : عادل أحمد عبد الموجود وعلى محمّد معوّض ، بيروت : دار الكتب العلميّه ، 1415 ق ، اوّل. 24 . أصحاب إمام الصادق 25 . الأُصول الستّه عشر ، عدّه من الرواه ، قم : دار الشبسترى ، 1405 ق ، دوم . 26 . الاعتقادات ، محمّد بن على ابن بابويه القمّى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق) ، تحقيق : عاصم عبد السيّد ، قم : المؤتمر العالمى لألفيّه الشيخ المفيد ، 1413 ق ، اوّل. 27 . أعلام الدين فى صفات المؤمنين ، الحسن بن محمّد الديلمى (م 711 ق) ، تحقيق : مؤسسّه آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسسّه آل البيت عليهم السلام . 28 . إعلام الورى بأعلام الهدى ، الفضل بن الحسن الطّبْرِسى (م 548 ق) ، تحقيق : مؤسسّه آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسسّه آل البيت عليهم السلام ، 1417 ق ، اوّل. 29 . الإفصاح فى إمامه أمير المؤمنين عليه السلام ، محمّد بن محمّد بن النعمان العكبرى البغدادى (الشيخ المفيد) (م 413 ق) ، قم : مؤسسّه البعثه ، 1412 ق ، اوّل . 30 . الإقبال بالأعمال الحسنه فى ما يعمل مرّه فى السنه ، على بن موسى الحلّى (السيّد ابن طاووس) (م 664 ق) ، تحقيق : جواد القيّومى ، قم : مكتب الإعلام الإسلامى ، 1414 ق ، اوّل. 31 . الأقسام فى القرآن الكريم ، جعفر السبحانى ، قم : مؤسسّه الإمام الصادق عليه السلام ، 1420 ق . 32 . الآحاد و المثانى ، أحمد بن عمر ابن أبى عاصم (م 287 ق) ، تحقيق : باسم فيصل الجوابره ، الرياض : دار الرايه ، 1411 ق . 33 . الأمالى ، محمّد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (م 460 ق) ، تحقيق : مؤسسّه البعثه ، قم : دار الثقافه ، 1414 ق ، اوّل. 34 . الأمالى ، محمّد بن على ابن بابويه القمّى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق) ، تحقيق : مؤسسّه البعثه ، قم : مؤسسّه البعثه ، 1407 ق ، اوّل. 35 . الأمالى ، محمّد بن محمّد بن النعمان العكبرى البغدادى (الشيخ المفيد) (م 413 ق) ، تحقيق : حسين أُستاد ولى و على أكبر الغفّارى ، قم : مؤسسّه النشر الإسلامى ، 1404 ق ، دوم . 36 . الأمالى (الأمالى الخميسيّه) ، يحيى بن الحسين الشجرى (م 499 ق) ، بيروت : عالم الكتب ، 1403 ق ، سوم.

.

37 . الأمالى (غرر الفرائد و درر القلائد) ، على بن الحسين الموسوى (السيّد المرتضى) (م 426 ق) ، تحقيق : محمّد أبوالفضل إبراهيم ، بيروت : دار إحياء الكتب العربيّه . 38 . الإمامه والسياسه (المعروف بتاريخ الخلفاء) ، عبد اللّه بن مسلم الدينورى (ابن قتيبه) (م 276 ق) ، تحقيق : على شيرى ، قم : مكتبه الشريف الرضى ، 1413 ق ، اوّل . 39 . إمتاع الأسماع ، متقى الدين احمد بن على المقريزى (م 845 ق) ، تحقيق : محمّد عبد الحميد النميسى ، بيروت : دار الكتب العلميه ، 1420 ق . 40 . الأنساب ، عبد الكريم بن محمّد السمعانى (م 562 ق) ، تحقيق : عبد اللّه عمر البارودى ، بيروت : دار الجنان . 41 . أنساب الأشراف ، أحمد بن يحيى البلاذرى (م 279 ق) ، تحقيق : سهيل زكّار و رياض زِرِكْلى ، بيروت : دار الفكر ، 1417 ق ، اوّل. 42 . أنوار الفقاهه ، ناصر مكارم الشيرازى ، قم : مدرسه الإمام امير المؤمنين عليه السلام ، 1413 ق . 43 . أوائل المقالات ، محمّد بن محمّد بن النعمان العكبرى البغدادى (الشيخ المفيد) (م 413 ق) ، تحقيق : إبراهيم الأنصارى ، قم : المؤتمر العالمى بمناسبه ذكر ألفيه الشيخ المفيد ، 1413 ق . 44 . اهل بيت عليهم السلام در قرآن و حديث ، محمّد محمدى رى شهرى ، ترجمه : حميدرضا شيخى و حميدرضا آژير ، قم : دارالحديث ، 1379ش ، اوّل . 45 . إيمان أبى طالب ، فخر بن مَعَد الموسوى (م 630 ق) ، تحقيق : محمّد بحرالعلوم ، قم : سيّد الشهداء ، 1410 ق ، اوّل. 46 . بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمّه الأطهار عليهم السلام ، محمّد باقر بن محمّد تقى المجلسى (العلّامه المجلسى) (م 1111 ق) ، بيروت : مؤسسّه الوفاء ، 1403 ق ، دوم . 47 . البحر المحيط ، محمّد بن يوسف الغَرناطى (م 745 ق) ، تحقيق : عادل أحمد عبدالموجود ، بيروت : دار الكتب العلميه ، 1413 ق . 48 . البخلاء ، أبو عثمان عمرو بن بحر الجاحظ (م 255 ق) ، بيروت : الدار العالميه ، 1413 ق . . تفسير الثعلبى = الكشف والبيان. 49 . البدايه والنهايه ، إسماعيل بن عمر الدمشقى (م 774 ق) ، تحقيق : مكتبه المعارف ، بيروت : مكتبه ا لمعارف .

.

50 . البرهان فی تفسیر القرآن ، السیّد هاشم بن سلیمان البحرانی (م 1107 ق) ، تحقیق : مؤسسّه البعثه ، قم : مؤسسّه البعثه ، 1415 ق ، اوّل. 51 . بشاره المصطفی لشیعه المرتضی ، محمّد بن محمّد الطبری (م 525 ق) ، نجف : المطبعه الحیدریّه ، 1383 ق ، دوم . 52 . بصائر الدرجات ، محمّد بن الحسن الصفّار القمّی (ابن فَرّوخ) (م 290 ق) ، قم : مکتبه آیه اللّه المرعشی ، 1404 ق ، اوّل. 53 . البعث والنشور ، أبو بکر أحمد بن الحسین البیهقی (م 458 ق) ، تحقیق : أبو هاجر محمّد السعید بن بسیونی زغلول ، بیروت : مؤسسّه الکتب الثقافیه ، 1408 ق . 54 . البلد الأمین والدرع الحصین ، إبراهیم بن زین الدین الکفعمی (م 905 ق) . 55 . پیام قرآن ، ناصر مکارم شیرازی (با همکاری جمعی از فضلا) ، قم : مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام ، 1373 . 56 . تاج العروس من جواهر القاموس ، السیّد محمّد المرتضی بن محمّد الحسینی الزَّبیدی (م 1205 ق) ، تحقیق : علی شیری ، بیروت : دار الفکر ، 1414 ق ، اوّل. 57 . تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام ، محمّد بن أحمد الذهبی (م 748 ق) ، تحقیق : عمر عبد السلام تَدمُری ، بیروت : دار الکتاب العربی ، 1409 ق ، اوّل . 58 . تاریخ أصبهان ، أحمد بن عبد اللّه الإصفهانی (أبو نعیم) (م 430 ق) ، تحقیق : سیّد کسروی حسن ، بیروت : دار الکتب العلمیّه . 59 . تاریخ بغداد أو مدینه السلام ، أحمد بن علی الخطیب البغدادی (م 463 ق) ، مدینه : المکتبه السلفیّه . 60 . تاریخ جرجان ، حمزه بن یوسف السهمی (م 427 ق) ، بیروت : عالم المکتب ، 1407 ق ، چهارم . 61 . تاریخ دمشق ، علی بن الحسن بن هبه اللّه الدمشقی (ابن عساکر) (م 571 ق) ، تحقیق : علی شیری ، بیروت : دار الفکر ، 1415 ق ، اوّل. 62 . التاریخ الکبیر ، محمّد بن إسماعیل البخاری (م 256 ق) ، بیروت : دار الفکر . 63 . تاریخ الیعقوبی ، أحمد بن أبی یعقوب (ابن واضح الیعقوبی) (م 284 ق) ، بیروت : دار صادر .

.

64 . تأويل الآيات الظاهره فى فضائل العتره الطاهره (كنز جامع الفوائد) ، لعلىّ الغروى الحسينى الإسترآبادى (معاصر) ، تحقيق : حسين استاد ولى ، قم : مؤسسّه النشر الإسلامى ، 1409 ق ، اوّل . 65 . التبيان فى تفسير القرآن ، محمّد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (م 460 ق) ، نجف : مكتبه الأمين ، 1381ق . 66 . التحرير الطاووسى ، حسن بن زين الدين الشهيد الثانى (صاحب المعالم) (م 1011 . ق) ، قم : دار الذخائر ، 1368 ش. 67 . التحصين فى صفات العارفين من العزله و الخمول ، أحمد بن محمّد بن فهد الحلّى الأسدى (م 841 ق) ، تحقيق : مؤسسّه الإمام المهدىّ عليه السلام ، قم : مؤسسّه الإمام المهدىّ عليه السلام . 68 . تحف العقول عن آل الرسول صلى الله عليه و آله ، الحسن بن على الحَرّانى (ابن شُعبه) (م 381 ق) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، قم : مؤسسّه النشر الإسلامى ، 1404 ق ، دوم . 69 . التحقيق فى كلمات القرآن الكريم ، حسن المصطفوى ، تهران : وزاره الثقافه والارشاد الاسلامى ، 1416 ق . 70 . التخويف من النار ، أبو الفرج عبد الرحمن بن أحمد (م 795 ق) ، تحقيق : محمّد حسن الحمصى ، دمشق : دارالرشيد ، 1404 ق . 71 . تدريب الراوى . جلال الدين عبدالرحمن بن أبى بكر السيوطى ، تحقيق ومراجعه : عبدالوهاب عبداللطيف ، بيروت : دارالكتب العلميّه . 72 . تذكره الخواص ، يوسف بن قزُغلى (سبط ابن الجوزى) (م 654 ق) ، مقدمه : السيّد محمّد صادق بحر العلوم ، تهران : مكتبه نينوى الحديثه . 73 . الترغيب والترهيب من الحديث الشريف ، عبدالعظيم بن عبد القوى المنذرى الشامى (م 656 ق) ، تحقيق : مصطفى محمّد عماره ، بيروت : دار إحياء التراث ، 1388 ق ، سوم . 74 . تصحيح الاعتقاد (مصنّفات الشيخ المفيد) ، محمّد بن محمّد بن النعمان العكبرى (الشيخ المفيد) (م 413 ق) ، تحقيق : حسين درگاهى ، قم : المؤتمر العالمى لألفيّه الشيخ المفيد ، 1413 ق ، اوّل . 75 . تفسير ابن كثير (تفسير القرآن العظيم) ، إسماعيل بن عمر البُصروى الدمشقى (م 774 ق) ، تحقيق : عبد العزيز غنيم و محمّد أحمد عاشور و محمّد إبراهيم البنّا ، قاهره : دار الشعب .

.

76 . تفسير البغوى ، أبو محمّد الحسين بن مسعود الفراء البغوى الشافعى (م 516 ق) ، إعداد وتحقيق : خالد عبد الرحمان العک مروان سوار ، بيروت : دار المعرفه ، 1407 ق 1987 م ، دوم . 77 . تفسير البيضاوى ، أبو سعيد عبد اللّه بن عمر بن محمّد البيضاوى (م 685 ق) ، بيروت : مؤسسّه الأعلمى ، 1410 ق . 78 . تفسير جوامع الجامع ، الفضل بن الحسن الطبرسى (م 548 ق) ، تهران : مؤسسّه الطبع والنشر التابعه لجامعه طهران ، 1371 ش . 79 . تفسير السمرقندى ، أبو النضر محمّد بن مسعود السلمى السمرقندي المعروف بالعيّاشى (م 320 ق)، تحقيق : السيّد هاشم الرسولى المحلّاتى ، تهران : المكتبه العلميّه ، 1380 ش ، اوّل . 80 . تفسير الطبرى (جامع البيان فى تفسير القرآن) ، محمّد بن جرير الطبرى (م 310 ق) ، بيروت : دار الفكر ، 1408 ق ، اوّل . 81 . تفسير العيّاشى ، محمّد بن مسعود السلمى السمرقندى (العيّاشى) (م 320 ق) ، تحقيق : هاشم الرسولى المحلّاتى ، تهران : المكتبه العلميّه ، 1380 ق ، اوّل . 82 . تفسير غريب القرآن ، أبو حفص عمر بن على بن ملقن الأنصارى (م 676 ق) ، تحقيق : سميرطه المجذوب ، بيروت : عالم الكتب ، 1408 ق . 83 . تفسير فرات الكوفى ، فرات بن إبراهيم الكوفى (ق 4 ق) ، به كوشش : محمّد الكاظم المحمودى ، تهران : وزاره الثقافه والإرشاد الإسلامى ، 1410 ق ، اوّل. 84 . تفسير القرآن ، أبو المظفر منصور بن محمّد السمعانى (م 489 ق) ، تحقيق : أبى تميم ياسر بن إبراهيم ، رياض : دارالوطن ، 1418 ق . 85 . تفسير القرآن العظيم مسندا عن الرسول (تفسير ابن أبى حاتم) ، عبد الرحمان بن أبى حاتم الرازى (م 327 ق) ، تحقيق : أحمد عبد اللّه عمّار زهرانى ، مدينه : مكتبه الدار ، 1408 ق ، اوّل. 86 . تفسير القمّى ، على بن إبراهيم القمّى (م 307 ق) ، به كوشش : السيّد طيّب الموسوى الجزائرى ، نجف : مطبعه النجف الأشرف . 87 . التفسير الكبير و مفاتيح الغيب (تفسير الفخر الرازى) ، محمّد بن عمر (الفخر الرازى) (م 604 ق) ، بيروت : دار الفكر ، 1410 ق ، اوّل . 88 . تفسير مجاهد ، أبو الحجاج مجاهد بن جبر المخزومى (م 104 ق) ، تحقيق : عبدالرحمن الطاهر بن محمّد السورتى ، بيروت : المنشورات العلميه .

.

89 . التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام ، تحقيق : مدرسه الإمام المهدى(عج) ، قم : مدرسه الإمام المهدى(عج) ، 1409ق ، اوّل. 90 . تفسير نور الثقلين ، شيخ عبد علىّ بن جمعه العروسى الحويزى (م 1112 ق) ، تحقيق : السيّد هاشم الرسولى المحلّاتى ، قم : مؤسسّه إسماعيليان قم ، 1412 ق ، چهارم . 91 . تقريب التهذيب ، أحمد بن على العسقلانى (ابن حجر) (م 852 ق) ، تحقيق : محمّد عوّامه ، دمشق : دار الرشيد ، 1412 ق ، چهارم . 92 . تلخيص الشافى ، محمّد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (م 460 ق) ، تحقيق : السيّد حسين بحر العلوم ، تهران : دار الكتب الاسلاميّه ، 1394 ق ، سوم . 93 . التمحيص ، محمّد بن همّام الإسكافى (ابن همّام) (م 336 ق) ، تحقيق : مدرسه الإمام المهدى(عج) ، قم : مدرسه الإمام المهدى(عج) . 94 . تيسير المطالب فى أمالى الامام أبى طالب ، يحيى بن الحسين الزيدى اليمانى (الامام أبو طالب) (م 384 ق) ، بيروت : مؤسسّه الأعلمى ، 1395 ق ، اوّل . 95 . التمهيد لما فى الموطّأ من المعانى و الأسانيد ، يوسف بن عبد اللّه القُرطُبى (ابن عبد البرّ) (م 463 ق) ، تحقيق : مصطفى العلوى و محمّد عبد الكبير البكرى ، جدّه : مكتبه السوادى ، 1387 ق . 96 . تنبيه الخواطر و نزهه النواظر (مجموعه ورّام) ، ورّام بن أبى فراس الحَمدان (م 605 ق) ، بيروت : دار التعارف و دار صعب . 97 . تنبيه الغافلين ، نصر بن محمّد السمرقندى (م 372 ق) ، تحقيق : يوسف على بديوى ، بيروت : دار ابن كثير ، 1413 ق ، اوّل. 98 . التوحيد ، محمّد بن على ابن بابويه القمى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق) ، تحقيق : السيّد هاشم الحسينى الطهرانى ، قم : مؤسسّه النشر الإسلامى ، 1398 ق ، اوّل. 99 . تهذيب الأحكام فى شرح المقنعه ، محمّد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (م 460 ق) ، بيروت : دار التعارف ، 1401 ق ، اوّل. 100 . تهذيب التهذيب ، أحمد بن على العسقلانى (ابن حجر) (م 852 ق) ، تحقيق : خليل مأمون شيحا وعمر السلاحى وعلى بن مسعود ، بيروت : دار المعرفه ، 1417 ق ، اوّل.

.

101 . تهذيب الكمال فى أسماء الرجال ، يونس بن عبد الرحمان المِزّى (م 742 ق) ، تحقيق : بشّار عوّاد معروف ، بيروت : مؤسسّه الرساله ، 1409 ق ، اوّل. 102 . الثاقب فى المناقب ، محمّد بن على الطوسى (م 560 ق) ، تحقيق : نبيل رضا علوان ، قم : مؤسسّه أنصاريان ، 1412 ق ، دوم . 103 . ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ، محمّد بن على ابن بابويه القمى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق) ، تحقيق : على أكبر الغفارى ، تهران : مكتبه الصدوق . 104 . جامع الأحاديث ، جعفر بن أحمد القمّى (ابن الرازى) (ق 4 ق) ، تحقيق : السيّد محمّد الحسينى النيسابورى ، مشهد : مؤسسّه الطبع و النشر التابعه للحضره الرضويّه المقدّسه ، 1413 ق ، اوّل. 105 . جامع الأخبار أو معارج اليقين فى أُصول الدين ، محمّد بن محمّد الشَّعيرى السبزوارى (ق 7 ق) ، تحقيق : مؤسسّه آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسسّه آل البيت عليهم السلام ، 1414 ق ، اوّل. 106 . جامع بيان العلم و فضله ، يوسف بن عبد البرّ النمرى القرطبى (م 463 ق) ، بيروت : دار الكتب العلميه . 107 . الجامع لأحكام القرآن (تفسير القرطبى) ، محمّد بن أحمد الأنصارى القرطبى (م 671 ق) ، تحقيق : محمّد عبد الرحمان المرعشلى ، بيروت : دار إحياء التراث العربى ، 1405 ق ، دوم . 108 . جزء ابن عاصم ، ابن عاصم الثقفى (م 262 ق) ، تحقيق : محمّد خالد عيّد ، رياض : دار العاصمه ، 1409 ق ، اوّل . 109 . الجعفريّات (الأشعثيّات) ، محمّد بن محمّد بن الأشعث الكوفى (ق 4 ق) ، تهران : مكتبه نينوى (طبع شده به ضميمه قرب الإسناد) . 110 . جمال الأُسبوع بكمال العمل المشروع ، على بن موسى الحلّى (السيّد ابن طاووس) (م 664 ق) ، تحقيق : السيّد جواد القيّومى ، قم : مؤسسّه الآفاق ، 1371 ش ، اوّل. 111 . الجمل والنصره لسيّد العتره فى حرب البصره ، محمّد بن محمّد بن النعمان العكبرى البغدادى (الشيخ المفيد) (م 413 ق) ، تحقيق : السيّد على مير شريفى ، قم : المؤتمر العالمى لألفيّه الشيخ المفيد ، 1413 ق ، اوّل . 112 . جواهر الكلام فى شرح شرائع الإسلام ، محمّد حسن النجفى (م 1266 ق) ، بيروت : مؤسسّه المرتضى العالميه .

.

113 . حسن الظن باللّه ، أبو بكر عبد اللّه بن محمّد بن أبى الدين (م 281 ق) ، تحقيق : مجدى السيّد إبراهيم ، قاهره : مكتبه القرآن . 114 . حقائق التأويل فى متشابه التنزيل ، الشريف محمّد بن الحسين الرضى ، تحقيق : محمّد الرضا آل كاشف الغطاء ، بيروت : دار المهاجر . 115 . الحكمه المتعاليه فى الأسفار الأربعه ، صدر الدين محمّد بن إبراهيم الشيرازى (م 1050 ق) ، بيروت : دار احياء التراث العربى ، 1981 م . 116 . حليه الأولياء و طبقات الأصفياء ، أحمد بن عبد اللّه الأصبهانى (أبو نعيم) (م 430 ق) ، بيروت : دار الكتاب العربى ، 1387 ق ، دوم . 117 . الخرائج و الجرائح ، سعيد بن هبه اللّه الراوندى (قطب الدين الراوندى) (م 573 ق) ، تحقيق : مؤسسّه الإمام المهدى(عج) ، قم : مؤسسّه الإمام المهدى(عج) ، 1409 ق ، اوّل . 118 . خصائص الأئمّه عليهم السلام ، محمّد بن الحسين الموسوى (الشريف الرضى) (م 406 ق) ، تحقيق : محمّد هادى الأمينى ، مشهد : آستان قدس رضوى . 119 . الخصال ، محمّد بن على ابن بابويه القمّى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق) ، قم : مؤسسّه النشر الإسلامى ، 1414 ق ، چهارم . 120 . دلائل النبوّه ، أحمد بن عبد اللّه الأصبهانى (أبو نعيم) (م 430 ق) ، تحقيق : محمّد روّاس قلعجى وعبد البرّ عبّاس ، بيروت : دار النفائس ، 1406 ق ، دوم . 121 . دلائل النبوّه و معرفه أحوال صاحب الشريعه ، أحمد بن الحسين البيهقى (م 458 ق) ، تحقيق : عبد المعطى أمين قلعجى ، بيروت : دار الكتب العلميّه ، 1405 ق ، اوّل. 122 . دائره المعارف بزرگ اسلامى ، زيرنظر : كاظم موسوى بجنوردى ، تهران : مركز دائره المعارف بزرگ اسلامى ، 1369ش ، دوم . 123 . دائره المعارف فقه المقارن ، آيه اللّه مكارم شيرازى ، قم : مدرسه الإمام على بن أبى طالب عليه السلام ، 1385 ش . 124 . دانش نامه جهان اسلام ، زير نظر احمد طاهرى عراقى ، مصطفى ميرسليم ، نصر اللّه پور جوادى ، تهران : بنياد دائره المعارف اسلامى ، 1371 ش . 125 . الدرجات الرفيعه فى طبقات الشيعه ، السيّد على المدنى الشيرازى (السيّد على خان) (م 1120 ق) ، قم : مكتبه بصيرتى ، 1397 ق ، دوم .

.

126 . دُرر الأحاديث النبويّه ، يحيى بن الحسين (م 298 ق) ، تحقيق: يحيى عبد الكريم الفضيل ، بيروت: مؤسسّه الأعلمى ، 1402 ق ، دوم . 127 . الدرّ المنثور فى التفسير المأثور ، عبد الرحمان بن أبى بكر السيوطى (م 911 ق) ، بيروت : دار الفكر ، 1414 ق ، اوّل. 128 . الدروع الواقيه ، على بن موسى الحلى (السيّد ابن طاووس) (م 664 ق) ، تحقيق : مؤسسّه آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسسّه آل البيت عليهم السلام ، 1414 ق ، اوّل. 129 . دستور معالم الحكم ومأثور مكارم الشيم ، أبو عبد اللّه بن محمّد بن سلامه القاضى القضاعى (م 454 ق) ، بيروت : دار الكتاب العربى ، 1401 ق ، اوّل. 130 . دعائم الإسلام وذكر الحلال والحرام والقضايا والأحكام ، النعمان بن محمّد التميمى المغربى (القاضى أبو حنيفه) (م 363 ق) ، تحقيق : آصف بن على أصغر فيضى ، مصر : دار المعارف ، 1389 ق ، سوم . 131 . الدعاء ، سليمان بن أحمد الطبرانى (م 360 ق) ، تحقيق : مصطفى عبد القادر عطا ، بيروت : دار الكتب العلميه ، 1413 ق ، اوّل. 132 . الدعوات ، سعيد بن هبه اللّه الراوندى (قطب الدين الراوندى) (م 573 ق) ، تحقيق : مؤسسّه الإمام المهدى (عج) ، قم : مؤسسّه الإمام المهدى(عج) ، 1407 ق ، اوّل. 133 . ذخائر العقبى فى مناقب ذوى القربى ، أحمد بن عبد اللّه الطبرى (م 693 ق) ، تحقيق : أكرم البوشى ، جدّه : مكتبه الصحابه ، 1415 ق ، اوّل . 134 . ذكرى الشيعه ، محمّد بن مكّى العاملى (الشهيد الأول) (م 786 ق) ، قم : مكتبه بصيرتى . 135 . ربيع الأبرار و نصوص الأخبار ، محمود بن عمر الزمخشرى (م 538 ق) ، تحقيق : سليم النعيمى ، قم : منشورات الشريف الرضى ، 1410 ق ، اوّل. 136 . رجال ابن داوود ، الحسن بن على الحِلّى (ابن داوود) (م 737 ق) ، تحقيق : السيّد محمّد صادق آل بحر العلوم ، قم : منشورات الشريف الرضى ، 1392 ق . 137 . رجال الطوسى ، محمّد بن الحسن الطوسى(م 460 ق) ، تحقيق : جواد القيّومى ، قم : مؤسسّه النشر الإسلامى ، 1415 ق ، اوّل. 138 . رجال العلّامه الحلّى (خلاصه الأقوال) ، حسين بن يوسف الحلّى (العلّامه) (726 ق) ، قم : منشورات الشريف الرضى .

.

139 . رجال النجاشى (فهرس أسماء مصنّفى الشيعه) ، أحمد بن على النجاشى (م 450 ق) ، بيروت : دار الأضواء ، 1408 ق ، اوّل. 140 . رسائل الشريف المرتضى ، على بن الحسين الموسوى ، المعروف بالشريف المرتضى المتوفى (م 436 ق) ، تحقيق : السيّد مهدى الرجائى ، قم : دار القرآن الكريم ، 1405 ق . 141 . الرقّه والبكاء ، أبو بكر عبد اللّه بن محمّد بن أبى الدنيا (م 281 ق) تحقيق : محمّد خير رمضان يوسف ، بيروت : دار ابن حزم ، 1416 ق . 142 . الرقّه والبكاء ، أبو محمّد عبد اللّه بن أحمد ابن قدامه المقدسى (م 620 ق) ، تحقيق : محمّد خير رمضان يوسف ، دمشق : دارالقلم ، 1422 ق . 143 . روح المعانى فى تفسير القرآن (تفسير الآلوسى) ، محمود بن عبد اللّه الآلوسى (م 1270 ق) ، بيروت : دار إحياء التراث العربى . 144 . روضه الواعظين ، محمّد بن الحسن الفتّال النيسابورى (م 508 ق) ، تحقيق : حسين الأعلمى ، بيروت : مؤسسّه الأعلمى ، 1406 ق ، اوّل . 145 . رياض الصالحين ، يحيى بن شرف النووى (م 676 ق) ، تحقيق: مصطفى محمّد عماره ، دمشق: دار القلم العربى . 146 . زاد المسير فى علم التفسير ، عبد الرحمان بن على القرشى البغدادى (ابن الجوزى) (م 597 ق) ، تحقيق : محمّد عبد اللّه ، بيروت : دار الفكر ، 1407 ق ، اوّل. 147 . زبده البيان فى براهين أحكام القرآن ، أحمد بن محمّد المقدس الأردبيلى (م 993 ق) ، إعداد : رضا الأُستادى ، على أكبر زمانى نژاد ، قم : مؤمنين ، 1421 ق . 148 . الزهد ، حسين بن سعيد الأهوازى (ق 3 ق) ، قم : المطبعه العلميه . 149 . الزهد ، هنّاد بن سَرى الكوفى (م 243 ق) ، تحقيق : عبدالرحمان الفريوائى ، كويت : دار الخلفاء للكتاب الإسلامى ، 1406 ق ، اوّل . 150 . الزهد ، عبد اللّه بن المبارک الحنظلى المروزى (ابن المبارک) (م 181 ق) ، تحقيق : حبيب الرحمان الأعظمى ، بيروت : دار الكتب العلميّه . 151 . الزهد ، أحمد بن محمّد الشيبانى (ابن حنبل) (م 241 ق) ، بيروت : دار الكتب العلميه . 152 . الزينه

.

153 . سبل الهدى والرشاد ، محمّد بن يوسف الصالحى الشامى (م 942 ق) ، تحقيق : عادل احمد عبد الموجود ، بيروت : دار الكتب العلميه ، 1414 ق . 154 . سعد السعود ، على بن موسى الحلّى (السيّد ابن طاووس) (م 664 ق) ، قم : الشريف الرضى ، 1363 ش ، اوّل. 155 . سنن ابن ماجه ، محمّد بن يزيد القزوينى (ابن ماجه) (م 275 ق) ، تحقيق : محمّد فؤاد عبد الباقى ، بيروت : دار إحياء التراث ، 1395 ق ، اوّل. 156 . سنن أبى داوود ، سليمان بن أشعث السجستانى الأزدى (م 275 ق) ، تحقيق : محمّد محيى الدين عبد الحميد ، بيروت : دار إحياء السنّه النبويّه . 157 . سنن الترمذى (الجامع الصحيح) ، محمّد بن عيسى بن سوره الترمذى (م 279 ق) ، تحقيق : احمد محمّد شاكر ، بيروت : دار احياء التراث . 158 . سنن الدارمى ، عبد اللّه بن عبد الرحمان الدارمى (م 255 ق) ، تحقيق : مصطفى ديب البغا ، بيروت : دار القلم ، 1412 ق ، اوّل. 159 . سنن سعيد بن منصور ، سعيد بن منصور الخراسانى المَروَزى (م 227 ق) ، تحقيق : حبيب الرحمان الأعظمى ، بيروت : دار الكتب العلميه ، 1405 ق ، اوّل. 160 . السنن الكبرى ، أحمد بن الحسين البيهقى (م 458 ق) ، تحقيق : محمّد عبد القادر عطا ، بيروت : دار الكتب العلميّه ، 1414 ق ، اوّل. 161 . السنن الكبرى ، أحمد بن شعيب النسائى (م 303 ق) ، تحقيق : عبد الغفار سليمان البُندارى ، بيروت : دار الكتب العلميه ، 1411 ق ، اوّل. 162 . سنن النسائى بشرح الحافظ جلال الدين السيوطى وحاشيه الإمام السِّندى ، أحمد بن شعيب النسائى (م 303 ق) ، بيروت : دار الجيل ، 1407 ق ، اوّل . 163 . السنّه ، أحمد بن عمرو بن أبى عاصم الشيبانى (م 278 ق) ، بيروت : المكتب الإسلامى ، 1413 ق ، سوم . 164 . سير أعلام النبلاء ، محمّد بن أحمد الذهبى (م 748 ق) ، تحقيق : شُعيب الأرنؤوط ، بيروت : مؤسسّه الرساله ، 1414 ق ، دهم . 165 . سيره ابن هشام (السيره النبويّه) ، عبدالملک بن هشام بن أيّوب الحميرى (م 218 ق) ، تحقيق : مصطفى سقا و إبراهيم الأنبارى ، قم : مكتبه المصطفى ، 1355 ق ، اول .

.

166 . السیره النبویّه ، إسماعیل بن عمر البصروی الدمشقی (ابن کثیر) (م 747 ق) ، تحقیق : مصطفی عبد الواحد ، بیروت : دار إحیاء التراث العربی . 167 . شرح الأخبار فی فضائل الأئمّه الأطهار ، النعمان بن محمّد المصری (القاضی أبو حنیفه) (م 363 ق) ، تحقیق : السیّد محمّد الحسینی الجلالی ، قم : مؤسسّه النشر الإسلامی ، 1412 ق ، اوّل. 168 . شرح اُصول الکافی ، محمّد صالح المازندرانی (م1081ق) ، تصحیح : علی عاشور ، بیروت : دار إحیاء التراث العربی ، 1421ق . 169 . شرح علی مئه کلمه 170 . شرح المقاصد ، مسعود بن عمر التفتازانی (م 793 ق) ، تحقیق : عبد الرحمان عمیره ، قم : منشورات الشریف الرضی ، 1370 ق ، اوّل. 171 . شرح المواقف ، علیّ بن محمّد الجرجانی ، قم : دارالکتب العلمیه . 172 . شرح النووی علی صحیح مسلم ، یحیی بن شرف النَوَوی (م 676 ق) ، بیروت : دار القلم ، 1407 ق ، اوّل. 173 . شرح نهج البلاغه ، عبد الحمید بن محمّد المعتزلی (ابن أبی الحدید) (م 656 ق) ، تحقیق : محمّد أبوالفضل إبراهیم ، بیروت : دار إحیاء التراث ، 1387 ق ، دوم . 174 . شعار أصحاب الحدیث ، أبو أحمد محمّد بن محمّد الحاکم النیسابوری (م 378 ق) ، تحقیق : عبد العزیز بن محمّد السدحان ، بیروت : دارالبشائر الإسلامیه ، 1405 ق . 175 . شُعب الإیمان ، أحمد بن الحسین البیهقی (م 458 ق) ، تحقیق : محمّد السعید بسیونی زغلول ، بیروت : دار الکتب العلمیّه ، 1410 ق ، اوّل. 176 . شواهد التنزیل لقواعد التفضیل ، عبید اللّه بن عبد اللّه النیسابوری (الحاکم الحَسَکانی) (ق 5 ق) ، تحقیق : محمّد باقر المحمودی ، تهران : مؤسسّه الطبع والنشر التابعه لوزاره الثقافه والإرشاد الإسلامی ، 1411 ق ، اوّل . 177 . الصحاح (تاج اللغه وصحاح العربیّه) ، إسماعیل بن حمّاد الجوهری (م 398 ق) ، تحقیق : أحمد بن عبد الغفور عطّار ، بیروت : دار العلم للملایین ، 1410 ق ، چهارم . 178 . صحیح ابن حبّان ، علیّ بن بلبان الفارسی (ابن بلبان) (م 739 ق) ، تحقیق : شعیب الأرناوط ، بیروت : مؤسسّه الرساله ، 1414 ق ، دوم .

.

179 . صحیح ابن خزیمه ، محمّد بن إسحاق السلمی النیسابوری (ابن خزیمه) (م 311 ق) ، تحقیق : محمّد مصطفی الأعظمی ، بیروت : المکتب الإسلامی ، 1412 ق ، سوم . 180 . صحیح البخاری ، محمّد بن إسماعیل البخاری (م 256 ق) ، تحقیق : مصطفی دیب البغا ، بیروت : دار ابن کثیر ، 1410 ق ، چهارم . 181 . صحیح مسلم ، مسلم بن الحَجّاج القشیری النیسابوری (م 261 ق) ، تحقیق : محمّد فؤاد عبد الباقی ، قاهره : دار الحدیث ، 1412 ق ، اوّل. 182 . صحیفه الإمام الرضا علیه السلام ، المنسوب إلی الإمام الرضا علیه السلام ، تحقیق : مؤسسّه الإمام المهدی (عج) ، قم : مؤسسّه الإمام المهدی(عج) ، 1408 ق ، اوّل . 183 . صحیفه الحسین علیه السلام ، جواد القیومی الاصفهانی ، قم : جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ، دفتر انتشارات اسلامی ، 1375 . 184 . الصحیفه السجّادیّه ، المنسوب إلی الإمام علی بن الحسین علیه السلام ، تصحیح : علی أنصاریان ، دمشق : المستشاریه الثقافیه للجمهوریّه الإسلامیّه الإیرانیّه ، 1405 ق . 185 . الصراط المستقیم إلی مستحقّی التقدیم ، علی بن یونس النباطی البیاضی (م 877 ق) ، به کوشش : محمّد باقر البهبودی ، تهران : المکتبه المرتضویّه ، 1384 ق ، اوّل. 186 . صفات الشیعه ، محمّد بن علی ابن بابویه القمی (الشیخ الصدوق) (م 381 ق) ، تحقیق : مؤسسّه الإمام المهدی(عج) ، قم : مؤسسّه الإمام المهدی(عج) . 187 . صفه النار ، أبو بکر عبد اللّه بن محمّد بن أبی الدنیا (م 281 ق) ، تحقیق : محمّد خیر رمضان یوسف ، بیروت : دار ابن حزم ، 1417 ق . 188 . الصمت و حفظ اللسان ، عبد اللّه بن محمّد (ابن أبی الدنیا) (م 281 ق) ، تحقیق : محمّد أحمد عاشور ، قاهره : دار الاعتصام ، 1408 ق . 189 . الصواعق المحرقه فی الردّ علی أهل البدع و الزندقه ، أحمد بن حجر الهیثمی الکوفی (م 974 ق) ، تصحیح : عبد الوهّاب عبد اللطیف ، قاهره : مکتبه القاهره ، 1385 ق ، دوم . 190 . الضعفاء والمتروکون ، أحمد بن شعیب النسائی (م 303 ق) ، تحقیق : بوران ضناوی و کمال یوسف حوت ، بیروت : مؤسسّه الکتب الثقافیه ، 1407 ق ، دوم . 191 . الطبقات الکبری ، محمّد بن سعد (کاتب الواقدی) (م 230 ق) ، بیروت : دار صادر .

.

192 . الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف ، علی بن موسی الحلّی (السیّد ابن طاووس) (م 664 ق) ، قم : مطبعه الخیّام ، 1400 ق ، اوّل. 193 . طرائف المقال فی معرفه طبقات الرجال ، علی أصغر بن شفیع الموسوی الجابِلَقی (م 1313 ق) ، تحقیق : السیّد مهدی الرجائی ، قم : مکتبه آیه اللّه المرعشی النجفی . 194 . العُدد القویّه لدفع المخاوف الیومیّه ، الحسن بن یوسف الحلّی (العلّامه) (م 726 ق) ، تحقیق : السیّد مهدی الرجائی ، قم : مکتبه آیه اللّه المرعشی ، 1408 ق ، اوّل . 195 . عدّه الداعی و نجاح الساعی ، أحمد بن محمّد الحلّی الأسدی (ابن فهد) (م 841 ق) ، تحقیق : أحمد الموحّدی ، تهران : مکتبه وجدانی . 196 . العظمه ، أبو الشیخ عبد اللّه بن محمّد الاصبهانی (م 396 ق) ، تحقیق : محمّد فارس ، بیروت : دار الکتب العلمیه ، 1414 ق . 197 . علل الشرائع ، محمّد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) (م 381 ق) ، بیروت : دار إحیاء التراث ، 1408 ق ، اوّل. 198 . العلل و معرفه الرجال ، أحمد بن محمّد الشیبانی (ابن حنبل) (م 241 ق) ، تحقیق : وصی اللّه عبّاس ، بیروت : المکتب الإسلامی ، 1408 ق ، اوّل. 199 . العمده فی محاسن الشعر وآدابه ، الحسن بن رشیق القیروانی (م 456 ق) ، تحقیق : محمّد قرقزان ، بیروت : دارالمعرفه ، 1408 ق . 200 . عمده القاری (شرح صحیح البخاری) ، أبو محمّد محمود بن أحمد العینی (م 855 ق) ، بیروت : دار إحیاء التراث العربی . 201 . عون المعبود (شرح سنن أبی داوود) ، أبو الطیب محمّد شمس الحق العظیم آبادی (م 1329 ق) ، بیروت : دارالکتب العلمیه ، 1415 ق ، دوم . 202 . عوالی اللآلی العزیزیّه فی الأحادیث الدینیّه ، محمّد بن علی الأحسائی (ابن أبی جمهور) (م 940 ق) ، تحقیق : مجتبی العراقی ، قم : مطبعه سیّد الشهداء علیه السلام ، 1403 ق ، اوّل. 203 . العین ، خلیل بن أحمد الفَراهیدی (م 175 ق) ، تحقیق : مهدی المخزومی ، قم : دار الهجره ، 1409 ق ، اوّل . 204 . عیون أخبار الرضا علیه السلام ، محمّد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) (م 381 ق) ، تحقیق : السیّد مهدی الحسینی اللاجوردی ، تهران : منشورات جهان .

.

205 . عیون الحکم و المواعظ ، علی بن محمّد اللیثی الواسطی (ق 6 ق) ، تحقیق : حسین الحسنی البیرجندی ، قم : دار الحدیث ، 1376 ش ، اوّل. 206 . عیون المعجزات ، حسین بن عبد الوهّاب (ق 5 ق) ، قم : الشریف الرضی ، 1414 ق ، اوّل . 207 . الغارات ، إبراهیم بن محمّد (ابن هلال الثقفی) (م 283 ق) ، تحقیق : میر جلال الدین المحدّث الاُرموی ، تهران : انجمن آثار ملّی ، 1395 ق ، اوّل. 208 . الغدیر فی الکتاب والسنّه والأدب ، عبد الحسین بن أحمد الأمینی (م 1390 ق) ، بیروت : دار الکتاب العربی ، 1387 ق ، سوم . 209 . غرر الحکم ودرر الکلم ، عبد الواحد الآمدی التمیمی (م 550 ق) ، تحقیق : میر جلال الدین محدّث اُرمَوی ، تهران : دانشگاه تهران ، 1360 ش ، سوم . 210 . الغیبه ، محمّد بن الحسن الطوسی (الشیخ الطوسی) (م 460 ق) ، تحقیق : عباد اللّه الطهرانی و علی أحمد ناصح ، قم : مؤسسّه المعارف الإسلامیّه ، 1411 ق ، اوّل. 211 . الغیبه ، محمّد بن إبراهیم الکاتب النعمانی (م 350 ق) ، تحقیق : علی أکبر الغفّاری ، تهران : مکتبه الصدوق . 212 . فتح الأبواب ، علی بن موسی الحلّی (السیّد ابن طاووس) (م 664 ق) ، تحقیق : حامد الخفّاف ، قم : مؤسسّه آل البیت علیهم السلام ، 1409 ق ، اوّل. 213 . فتح الباری شرح صحیح البخاری ، أحمد بن علی العسقلانی (ابن حجر) (م 852 ق) ، تحقیق : عبد العزیز بن عبد اللّه بن باز ، بیروت : دار الفکر ، 1379 ق ، اوّل . 214 . فتح المغیث (شرح ألفیه الحدیث) ، عبد الرحیم بن حسین العراقی (م 806 ق) ، تحقیق: صلاح محمّد عویضه ، بیروت : دار الکتب العلمیه ، 1993 م ، اوّل . 215 . فرائد السمطین فی فضائل المرتضی و البتول و السبطین و الأئمّه من ذرّیّتهم ، إبراهیم بن محمّد الجوینی (م 730 ق) ، تحقیق : محمّد باقر المحمودی ، بیروت : مؤسسّه المحمودی ، 1398 ق ، اوّل . 216 . فرحه الغَریّ فی تعیین قبر أمیر المؤمنین علی علیه السلام ، عبد الکریم بن أحمد الطاووسی العلوی (م 693 ق) ، قم : الشریف الرضی . 217 . الفردوس بمأثور الخطاب ، شیرویَه بن شهردار الدیلمی الهَمَدانی (م 509 ق) ، تحقیق : محمّد السعید بسیونی زغلول ، بیروت : دار الکتب العلمیّه ، 1406 ق ، اوّل.

.

218 . الفصول المهمّه فى اُصول الأئمّه ، محمّد بن الحسن الحرّ العاملى (م 1104 ق) ، تحقيق : محمّد بن محمّد الحسين القائينى ، قم : مؤسسه معارف اسلامى . 219 . الفضائل ، شاذان بن جبرئيل القمّى (م 660 ق) ، نجف : المطبعه الحيدريّه ، 1338 ق . 220 . فضائل الأشهر الثلاثه ، محمّد بن علىّ ابن بابويه القمّى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق) ، تحقيق : غلامرضا عرفانيان ، قم : مطبعه الآداب ، 1396 ق ، اول . 221 . فضائل الشيعه ، محمّد بن على ابن بابويه القمّى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق) ، تحقيق : مؤسسّه الإمام المهدى (عج) ، قم : مؤسسّه الإمام المهدى(عج) ، 1410 ق ، اوّل. 222 . فضائل الصحابه ، أحمد بن محمّد الشيبانى (ابن حنبل) (م 241 ق) ، تحقيق : وصى اللّه بن محمّد عبّاس ، مكّه : جامعه اُمّ القرى ، 1403 ق ، اوّل. 223 . فضائل الصحابه ، أحمد بن شعيب النسائى (م 303 ق) ، تحقيق ودراسه : فاروق حمّاده ، مغرب : دار الثقافه ، 1404 ق . 224 . الفقه الإسلامى وأدلّته 225 . الفقه على المذاهب الأربعه ، عبد الرحمن الجزيرى ، بيروت : دار احياء التراث العربى ، 1406 ق . 226 . الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام ، تحقيق : مؤسسّه آل البيت عليهم السلام ، مشهد : المؤتمر العالمى للإمام الرضا عليه السلام . 227 . الفقيه = كتاب من لا يحضره الفقيه ، محمّد بن علىّ ابن بابويه القمّى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، قم : مؤسّسه النشر الإسلامى . 228 . فلاح السائل ، على بن موسى الحلّى (السيّد ابن طاووس) (م 664 ق) ، تحقيق : غلامحسين مجيدى ، قم : مكتب الإعلام الإسلامى ، 1419 ق ، اوّل. 229 . الفهرست ، محمّد بن إسحاق (ابن النديم) (م 380 ق) ، ترجمه وتحقيق : محمّد رضا تجدد ، تهران : اميركبير ، 1366ش ، سوم . 230 . فيض القدير ، محمّد عبد الرؤوف المناوى (ق 10 ق) ، بيروت : دار الفكر . 231 . القاموس الفقهى 232 . القاموس المحيط ، محمّد بن يعقوب الفيروز آبادى (م 817 ق) ، بيروت : دار الفكر .

.

233 . قرب الإسناد ، عبداللّه بن جعفر الحِمْيرى القمّى (م بعد از 304 ق) ، تحقيق : مؤسسّه آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسسّه آل البيت عليهم السلام ، 1413 ق ، اوّل . 234 . قصر الأمل ، أبو بكر عبد اللّه بن محمّد بن أبى الدنيا (م 281 ق) ، تحقيق : محمّد خير رمضان يوسف ، بيروت : دار ابن حزم ، 1416 ق . 235 . قصص الأنبياء ، سعيد بن هبه اللّه (قطب الدين الراوندى) (م 573 ق) تحقيق : غلامرضا عرفانيان ، مشهد : مجمع البحوث الإسلاميّه التابع لمؤسسه الآستانه الرضويّه ، 1409 ق ، اوّل. 236 . قضاء الحوائج ، عبد اللّه بن محمّد ابن أبى الدنيا ، تصحيح : محمّد عبد القادر أحمد عطا ، بيروت : مؤسسّه الكتب الثقافيه . 237 . قواعد المرام فى علم الكلام ، كمال الدين ميثم بن على البحرانى (م 689 ق) ، قم : مكتبه آيه اللّه العظمى المرعشى النجفى ، 1398 ق . 238 . الكافى ، ثقه الإسلام محمّد بن يعقوب بن إسحاق الكلينى الرازى (م 329 ق) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، تهران : دار الكتب الإسلاميه ، 1389 ق ، دوم . 239 . كامل الزيارات ، جعفر بن محمّد القمّى (ابن قولويه) (م 367 ق) ، تحقيق : السيّد جواد القيّومى ، قم : نشر الفقاهه ، 1417 ق ، اوّل. 240 . الكامل فى التاريخ ، على بن محمّد الشيبانى الموصلى (ابن الأثير) (م 630 ق) ، تحقيق : على شيرى ، بيروت : دار إحياء التراث العربى ، 1408 ق ، اوّل. 241 . الكامل فى ضعفاء الرجال ، عبد اللّه بن عدى الجرجانى (م 365 ق)، تحقيق : عادل احمد عبد الموجود و شيخ على محمّد معوّض ، بيروت : دار الكتب العلميه ، 1418 ق ، اوّل . 242 . كتاب سُلَيم بن قيس ، سليم بن قيس الهلالى العامرى (م ح 90 ق) ، تحقيق : محمّد باقر الأنصارى ، قم : الهادى ، 1415 ق ، اوّل. 243 . الكشّاف ، محمود بن عمر الزمخشرى (م 538 ق) ، بيروت : دار المعرفه . 244 . كشف الريبه عن احكام الغيبه ، زين الدين على العاملى (الشهيد الثانى) ، تهران : المكتبه المرتضويه . 245 . كشف الغمّه فى معرفه الأئمّه ، على بن عيسى الإربلى (م 687 ق) ، تصحيح : السيّد هاشم الرسولى المحلّاتى ، بيروت : دار الكتاب ، 1401 ق ، اوّل.

.

246 . كشف المراد فى شرح تجريد الاعتقاد ، الحسن بن يوسف بن المطهر الحلّى (العلّامه) ، تهران : إسلاميه . 247 . الكشف والبيان (تفسير الثعلبى) ، أبو اسحاق أحمد بن محمّد المعروف بالثعلبى (م 427 ق) ، تحقيق : أبو محمّد بن عاشور ، بيروت : دار احياء الثراث العربى ، 1422 ق . 248 . كشف اليقين فى فضائل أمير المؤمنين عليه السلام ، الحسن بن يوسف الحلّى (العلّامه) (م 726 ق) ، تحقيق : على آل كوثر ، قم : مجمع إحياء الثقافه الإسلاميّه ، 1411 ق ، اوّل. 249 . كفايه الأثر فى النصّ على الأئمّه الاثنى عشر ، على بن محمّد الخزّاز القمّى (ق 4 ق) ، تحقيق : السيّد عبد اللطيف الحسينى الكوه كمرى ، قم : بيدار ، 1401 ق . 250 . كمال الدين وتمام النعمه ، محمّدبن على ابن بابويه القمّى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، قم : مؤسسّه النشر الإسلامى ، 1405 ق ، اوّل. 251 . كنز العمّال فى سنن الأقوال و الأفعال ، على المتّقى بن حسام الدين الهندى (م 975 ق) ، تصحيح : صفوه السقّا ، بيروت : مكتبه التراث الإسلامى ، 1397 ق ، اوّل. 252 . كنز الفوائد ، محمّد بن على الكراجكى الطرابلسى (م 449 ق) ، تصحيح : عبد اللّه نعمه ، قم : دار الذخائر ، 1410 ق ، اوّل. 253 . لباب النقول فى أسباب النزول ، جلال الدين عبد الرحمان بن أبى بكر السيوطى (م 911 ق) ، رياض : مكتبه الرياض الحديثه ، دوم . 254 . لسان العرب ، محمّدبن مُكرَّم المصرى الأنصارى (ابن منظور) (م 711 ق) ، بيروت : دار صادر ، 1410 ق ، اوّل. 255 . لغت نامه ، على أكبر دهخدا ، تهران : دانشگاه تهران ، 1373 ش . 256 . مائه منقبه من مناقب أمير المؤمنين على بن أبى طالب و الأئمّه من ولده عليهم السلام ، محمّد بن أحمد القمّى (ابن شاذان) (ق 5 ق) ، تحقيق : نبيل رضا علوان ، قم : أنصاريان . 257 . المَجازات النبويّه ، محمّد بن الحسين الموسوى (الشريف الرضى) (م 406 ق) ، تحقيق وشرح : طه محمّد الزينى ، قم : مكتبه بصيرتى . 258 . مجمع البحرين ، فخر الدين الطُّرَيحى (م 1085 ق) ، تحقيق : السيّد أحمد الحسينى ، تهران : مكتبه نشر الثقافه الإسلاميّه ، 1408 ق ، دوم .

.

259 . مجمع البيان فى تفسير القرآن (تفسير مجمع البيان) ، الفضل بن الحسن الطَّبْرِسى (أمين الإسلام) (م 548 ق) ، تحقيق : السيّد هاشم الرسولى المحلّاتى و السيّد فضل اللّه اليزدى الطباطبائى ، بيروت : دار المعرفه ، 1408 ق ، دوم . 260 . مجمع الزوائد و منبع الفوائد ، على بن أبى بكر الهيثمى (م 807 ق) ، تحقيق : عبد اللّه محمّد درويش ، بيروت : دار الفكر ، 1412 ق ، اوّل. 261 . المحاسن ، أحمد بن محمّد البرقى القمىّ (م 280 ق) ، تحقيق : السيّد مهدى الرجائى ، قم : المجمع العالمى لأهل البيت عليهم السلام ، 1413 ق ، اوّل. 262 . المحتضر ، أبو محمّد الحسن بن سليمان بن محمّد الحلى (القرن الثامن) ، تحقيق : سيّد على اشرف ، نجف : المطبعه الحيدريه ، 1424 ق . 263 . المحجّه البيضاء فى تهذيب الإحياء ، محمّدمحسن بن شاه مرتضى (الفيض الكاشانى) (م 1091 ق) ، تصحيح : على أكبر الغفارى ، قم : جماعه المدرّسين فى الحوزه العلميه ، 1383 ق . 264 . المحيط فى اللغه ، إسماعيل بن عباد الطالقانى (الصاحب بن عبّاد) (م 385 ق) ، تحقيق : محمّد حسن آل ياسين ، بيروت : عالم الكتب . 265 . مختصر بصائر الدرجات ، سعد بن عبد اللّه بن أبى خلف الأشعرى ، اختصار : حسن بن سليمان الحلّى (ق 8 ق) ، قم : الرسول المصطفى . 266 . مختصر تاريخ دمشق ، محمّد بن مُكرَّم المصرى الأنصارى (ابن منظور) (م 711 ق) ، تحقيق : راتب حمّوش ، دمشق : دار الفكر . 267 . مرآه العقول فى شرح أخبار آل الرسول ، محمّد باقر بن محمّد تقى المجلسى (العلّامه المجلسى) (م 1111 ق) ، تحقيق : السيّد هاشم الرسولى المحلاتى ، تهران : دار الكتب الإسلاميّه ، 1370 ش ، سوم . 268 . مرقاه المفاتيح (شرحُ مشكاه المصابيح) ، على بن سلطان محمّد القارى (م 1014 ق) ، بيروت : دار إحياء التراث العربى . 269 . المزار ، محمّد بن مكّى العاملى الجزينى (الشهيد الأوّل) (م 786 ق) ، تحقيق : مدرسه الإمام المهدى عليه السلام ، قم : مدرسه الإمام المهدى عليه السلام ، 1410 ق .

.

270 . المزار ، محمّد بن محمّد بن النعمان العكبرى البغدادى (الشيخ المفيد) (م 413 ق) ، تحقيق : محمّد باقر الأبطحى ، قم : المؤتمر العالمى لألفيّه الشيخ المفيد ، 1413 ق ، اوّل . 271 . المزار الكبير ، محمّد بن جعفر المشهدى (ق 6 ق) ، تحقيق : السيّد جواد القيّومى الإصفهانى ، قم : قيّوم ، 1419 ق ، اوّل. 272 . مسائل علىّ بن جعفر و مستدركاتها ، علىّ بن جعفر الحسينى العلوى الهاشمى العُريضى (م 210 ق) تحقيق : مؤسسّه آل البيت عليهم السلام ، مشهد : المؤتمر العالمى للإمام الرضا عليه السلام ، 1409 ق ، اول . 273 . مستدرک سفينه البحار ، شيخ على النمازى الشاهرودى (م 1363 ق) ، تهران : مؤسسّه البعثه ، 1409 ق . 274 . المستدرک على الصحيحين ، محمّد بن عبد اللّه الحاكم النيسابورى (م 405 ق) ، تحقيق : مصطفى عبد القادر عطا ، بيروت : دار الكتب العلميّه ، 1411 ق ، اوّل. 275 . مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ، ميرزا حسين النورى الطَبَرسى (م 1320 ق) ، قم : مؤسسّه آل البيت عليهم السلام ، 1407 ق ، اوّل. 276 . مسكّن الفؤاد ، زين الدين بن علىّ الجُبَعى العاملى (الشهيد الثانى) (م 965 ق) ، تحقيق: مؤسسّه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث ، قم: مؤسسّه آل البيت ، 1412 ق ، دوم . 277 . المسلک فى أصول الدين ، أبو القاسم جعفر بن الحسن المحقق الحلى (م 676 ق) ، تحقيق : رضا الأُستادى ، مشهد : مجمع البحوث الإسلاميه ، 1414 ق . 278 . مسند ابن جعد ، على بن الجعد الجوهرى (م 230 ق) ، بيروت : مؤسسّه ناور ، 1410ق . 279 . مسند أبى داوود الطيالسى (مسند الطيالسى) ، سليمان بن داوود البصرى (أبى داوود الطيالسى) (م 204 ق) ، بيروت : دار المعرفه . 280 . مسند أبى يعلى الموصلى ، أحمد بن على التميمى الموصلى (أبو يعلى) (م 307 ق) ، تحقيق : إرشاد الحقّ الأثرى ، جدّه : دار القبله ، 1408 ق ، اوّل. 281 . مسند أحمد بن حنبل ، أحمد بن محمّد الشيبانى (ابن حنبل) (م 241 ق) ، تحقيق : عبد اللّه محمّد الدرويش ، بيروت : دار الفكر ، 1414 ق ، دوم . 282 . مسند إسحاق بن راهويه ، إسحاق بن إبراهيم الحنظلى المروزى (م 238 ق) ، تحقيق : عبد الغفور عبد الحقّ حسين البلوشى ¨ ، مدينه منوّره : مكتبه الإيمان ، 1412 ق ، اول .

.

283 . مسند الإمام زيد(مسند زيد) ، المنسوب إلى زيد بن على بن الحسين عليهماالسلام (م 122 ق) ، بيروت : منشورات دار مكتبه الحياه ، 1966 م ، اوّل. 284 . مسند البزّار (البحر الزخّار) ، أحمد بن عمرو العتكى البزّار (م 292 ق) ، تحقيق : محفوظ الرحمان زين اللّه ، بيروت : مؤسسّه علوم القرآن ، 1409 ق ، اوّل. 285 . مسند الحميدى ، عبد اللّه بن الزبير الحميدى (م 219 ق) ، تحقيق : حبيب الرحمان الأعظمى ، مدينه : المكتبه السلفيّه . 286 . مسند الشاميّين ، سليمان بن أحمد بن أيّوب اللخمىّ الطبرانى (م 360 ق) ، تحقيق : حمدى عبد المجيد السلفى ، بيروت : مؤسّسه الرساله ، 1409 ق ، اول . 287 . مسند الشهاب ، محمّد بن سلامه القضاعى (القاضى) (م 454 ق) ، تحقيق : حمدى عبد المجيد السلفى ، بيروت : مؤسسّه الرساله ، 1405 ق ، اول . 288 . مسند الشهاب ، محمّد بن سلامه (القاضى القضاعى) (م 454 ق) ، بيروت : مؤسسّه الرساله . 289 . مسند عبد اللّه ابن المبارک ، تحقيق : مصطفى عثمان محمّد ، بيروت : دار الكتب العلميه ، 1411 ق . 290 . مشكاه الأنوار فى غرر الأخبار ، على بن الحسن الطَّبْرِسى (ق 7 ق) ، تحقيق : مهدى هوشمند ، قم : دار الحديث ، 1418 ق ، اوّل. 291 . مشكاه المصابيح ، محمّد بن عبد اللّه العمرى الخطيب التبريزى (ق 8 ق) ، تحقيق : محمّد ناصر الدين الآلبانى ، دمشق : المكتب الإسلامى . 292 . مصادقه الإخوان ، محمّد بن علىّ ابن بابويه القمّى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق) ، تحقيق: مؤسّسه الامام المهدى (عج) ، قم: مدرسه الامام المهدى (عج) ، 1410 ق . 293 . مصباح الشريعه و مفتاح الحقيقه ، المنسوب إلى الإمام الصادق عليه السلام ، شرح : عبد الرزّاق گيلانى ، (م 1089 ق) ، تصحيح : جلال الدّين محدّث أرموى تهران : نشر صدوق ، 1407 ق ، سوم. 294 . مصباح الفقاهه ، سيّد أبو القاسم بن على أكبر الخوئى (م 1413 ق) ، قم : مكتبه وجدانى ، 1371 ش ، سوم . 295 . مصباح الفقيه ، رضا بن محمّد هادى همدانى غروى (م 1322 ق) ، قم : مؤسسّه الجعفريه لإحياء التراث .

.

296 . المصباح فى الأدعيه و الصلوات و الزيارات ، إبراهيم بن على العاملى الكَفعَمى (م 900 ق) ، قم : الشريف الرضى . 297 . مصباح المتهجّد ، محمّد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (م 460 ق) ، تحقيق : على أصغر مرواريد ، بيروت : مؤسسّه فقه الشيعه ، 1411 ق ، اوّل. 298 . المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير للرافعى ، أحمد بن محمّد الفيّومى (م 770 ق) ، قم : مؤسسّه دار الهجره ، 1414 ق ، دوم . 299 . المصنَّف ، عبد الرزّاق بن همّام الصنعانى (م 211 ق) ، تحقيق : حبيب الرحمان الأعظمى ، بيروت : منشورات المجلس العلمى . 300 . المصنّف فى الأحاديث و الآثار ، عبد اللّه بن محمّد العبسى الكوفى (ابن أبى شيبه) (م 235 ق) ، تحقيق : سعيد محمّد اللحّام ، بيروت : دار الفكر . 301 . مطالب السؤول فى مناقب آل الرسول ، محمّد بن طلحه النصيبى الشافعى (م 652 ق) ، تحقيق : ماجد أحمد العطيَّه ، بيروت : مؤسسّه اُمّ القرى ، 420 ق . 302 . المطالب العاليه بزوائد المسانيد الثمانيه ، أحمد بن على العسقلانى (ابن حجر) (م 852 ق) ، تحقيق : حبيب الرحمان الأعظمى ، بيروت : دار المعرفه ، 1414 ق ، اوّل. 303 . معانى الأخبار ، محمّد بن على ابن بابويه القمّى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، قم : مؤسسّه النشر الإسلامى ، 1361 ش ، اوّل. 304 . المعجم الأوسط ، سليمان بن أحمد اللخمى الطبرانى (م 360 ق) ، تحقيق : طارق بن عوض اللّه وعبد الحسن بن إبراهيم الحسينى ، قاهره : دار الحرمين ، 1415 ق . 305 . معجم البلدان ، ياقوت بن عبد اللّه الحَمَوى الرومى(م 626 ق) ، بيروت : دار إحياء التراث العربى ، 1399 ق ، اوّل. 306 . معجم رجال الحديث ، السيّد أبو القاسم الموسوى الخوئى (م 1413 ق) ، قم : مدينه العلم ، 1403 ق ، سوم . 307 . المعجم الصغير ، سليمان بن أحمد اللخمى الطبرانى (م 360 ق) ، تحقيق : محمّد عثمان ، بيروت : دار الفكر ، 1401 ق ، دوم . 308 . المعجم الكبير ، سليمان بن أحمد اللخمى الطبرانى (م 360 ق) ، تحقيق : حمدى عبد المجيد السلفى ، بيروت : دار إحياءالتراث العربى ، 1404 ق ، دوم .

.

309 . معجم لغه الفقهاء ، محمّد رواس قلعه جی ، بیروت : دارالنفائس ، 1405 ق . 310 . معجم مقاییس اللغه ، أحمد بن فارس الرازی (م 395 ق) ، تحقیق : عبد السّلام محمّد هارون . مصر : شرکه مکتبه مصطفی البابی و أولاده . 311 . معدن الجواهر و ریاضه الخواطر ، محمّد بن علی الکَراجِکی (م 449 ق) ، تحقیق: السید أحمد الحسینی ، تهران: المکتبه المرتضویه ، 1394 ق ، دوم . 312 . المغازی ، محمّد بن عمر بن واقد (الواقدی) (م 207 ق) ، تحقیق : مارسدن جونس ، بیروت : عالم الکتب ، 1404 ق ، سوم . 313 . مفردات ألفاظ القرآن ، حسین بن محمّد الراغب الإصفهانی (م 425 ق) ، تحقیق : صفوان عدنان داوودی ، بیروت : دار القلم ، 1412 ق ، اوّل. 314 . المفصّل فی تاریخ العرب قبل الإسلام ، جواد علی ، بغداد : جامعه بغداد ، 1991 م . 315 . مقتل الحسین علیه السلام ، موفّق بن أحمد المکّی الخوارزمی (م 568 ق) ، تحقیق : محمّد السماوی ، قم : مکتبه المفید . 316 . المقنعه ، محمّد بن محمّد بن النعمان العُکْبری البغدادی (الشیخ المفید) (م 413 ق) ، تحقیق : مؤسسّه النشر الإسلامی ، قم : مؤسسّه النشر الإسلامی ، 1410 ق ، دوم . 317 . مکارم الأخلاق ، الفضل بن الحسن الطَّبْرِسی (أمین الإسلام) (م 548 ق) ، تحقیق : علاء آل جعفر ، قم : مؤسسّه النشر الإسلامی ، 1414 ق ، اوّل. 318 . المکاسب ، مرتضی بن محمّد أمین الأنصاری (الشیخ الأنصاری) (م 1281 ق) ، تبریز : مطبعه الإطّلاعات ، دوم . 319 . الملاحم والفتن (التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن) ، علی بن موسی الحلّی (السیّد ابن طاووس) (م 664 ق) ، تحقیق ونشر : مؤسسّه صاحب الأمر ، 1416 ق ، اوّل. 320 . الملل والنحل ، محمّد بن عبد الکریم الشهرستانی (م 548 ق) ، بیروت : دار المعرفه ، 1406 ق . 321 . مناقب آل أبی طالب (المناقب لابن شهر آشوب) ، محمّد بن علی المازندرانی (ابن شهرآشوب) (م 588 ق) ، قم : المطبعه العلمیّه . 322 . مناقب الإمام أمیر المؤمنین علیه السلام (المناقب للکوفی) ، محمّد بن سلیمان الکوفی القاضی (م 300 ق) ، تحقیق : محمّد باقر المحمودی ، قم : مجمع إحیاء الثقافه الإسلامیّه ، 1412 ق ، اوّل .

.

323 . مناقب على بن أبى طالب عليه السلام (المناقب لابن المغازلى) ، على بن محمّد الواسطى الشافعى (ابن المَغازلى) (م 483 ق) ، به كوشش : محمّد باقر البهبودى ، تهران : المكتبه الإسلاميّه ، 1402 ق ، دوم . 324 . المناقب (المناقب للخوارزمى) ، الموفّق بن أحمد المكّى الخوارزمى الخطيب (م 568 ق) تحقيق : مالک المحمودى ، قم : مؤسسّه النشر الإسلامى ، 1414 ق ، دوم . 325 . المنتخب من مسند عبد بن حُمَيد ، عبد بن حُمَيد (م 249 ق) ، تحقيق : السيّد صبحى البدرى السامرائى ومحمود محمّد خليل الصعيدى ، قاهره : مكتبه السنّه ، 1408 ق ، اوّل. 326 . منيه المريد ، زين الدين على العاملى (الشهيد الثانى) (م 965 ق) ، قم : مكتب الإعلام الإسلامى ، 1415ق . 327 . موارد الظمآن الى زوائد ابن حبان ، لنورالدين على بن ابى بكر الهيثمى (م 807) ، تحقيق : عبدالرزاق حمزه ، دارالكتب العلميه بيروت . 328 . المواعظ العدديّه ، محمّد بن الحسن الحسينى (ق 11 ق) ، تحرير : الميرزا على المشكينى الأردبيلى ، قم : الهادى ، 1406 ق ، اوّل . 329 . المواقف فى علم الكلام ، عبد الرحمان بن أحمد الأيجى ، بيروت : عالم الكتب ، القاهره : مكتبه المتنبى . 330 . موسوعه الإمام على بن أبى طالب عليه السلام فى الكتاب و السنّه و التاريخ ، محمّد الريشهرى و ديگران ، قم : دار الحديث ، 1422 ق . 331 . موسوعه حياه الصحابه ، اعداد : محمّد سعيد مبيض ، بيروت : مؤسسّه الريان ، 1421 ق . 332 . موسوعه ميزان الحكمه ، محمّد الرَّيشَهرى و ديگران ، قم : دار الحديث ، 1425 ق . 333 . الموطّأ ، مالک بن أنس (م 158 ق) ، تحقيق : محمّد فؤاد عبد الباقى ، بيروت : دار إحياء التراث العربى ، 1406 ق ، اوّل. 334 . مهج الدعوات و منهج العبادات ، على بن موسى الحلّى (السيّد ابن طاووس) (م 664 ق) ، تحقيق : حسين الأعلمى ، بيروت : مؤسسّه الأعلمى ، 1414 ق ، اوّل. 335 . ميزان الاعتدال فى نقد الرجال ، محمّد بن أحمد الذهبى (م 748 ق) ، تحقيق : على محمّد البجاوى ، بيروت : دار الفكر .

.

336 . الميزان فى تفسير القرآن ، السيّد محمّد حسين الطباطبائى (م 1402 ق) ، قم : إسماعيليان ، 1394 ق ، سوم . 337 . المؤمن . لحسين بن سعيد الكوفى الاهوازى (قرن 3ق) ،تحقيق ونشر : مدرسه الامام المهدى (ع) - قم ، 1404ق . 338 . نثر الدرّ ، منصور بن الحسين الآبى (أبو سعيد الوزير) (م 421 ق) ، تحقيق : محمّد على قرنه ، مصر : الهيئه المصريه العامه ، 1981 م ، اوّل . 339 . نظم المتآثر من الحديث المتواتر ، أبو عبد اللّه سيّدى محمّد بن أبى الفيض الحسينى الإدريسى (الشهير بالكتانى) ، بيروت : دار الكتب العلميّه ، 1407 ق 1987 م ، دوم . 340 . نقد الرجال ، مصطفى بن الحسين الحسينى التفرشى (قرن 11ق) ، تحقيق موسسه آل البيت عليهم السلام ، قم ، 1418ق. 341 . نوادر الأخبار فيما يتعلق باصول الدين ، محسن بن مرتضى الفيض الكاشانى (م 1091 ق) ، تحقيق : مهدى الأنصارى القمى ، تهران : مؤسسّه مطالعات و تحقيقات فرهنگى ، 1375ش . 342 . نوادر الأُصول فى معرفه أحاديث الرسول ، محمّد بن علىّ بن سوره الترمذى (م 320 ق) ، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا ، بيروت: دار الكتب العلميّه ، 1413 ق ، اوّل . 343 . نوادر الراوندى ، لفضل اللّه بن علىّ الحسينى الراوندى (م 573 ق) ، المطبعه الحيدريه النجف الأشرف ، الطبعه الأُولى 1370 ه . ش . 344 . النوادر (مستطرفات السرائر) ، محمّد بن أحمد بن إدريس الحلى (ابن إدريس) (م 598 ق) ، تحقيق : مؤسسّه الإمام المهدى(عج) ، قم : مدرسه الإمام المهدى(عج) 1408ق ، اوّل. 345 . النهايه فى غريب الحديث والأثر ، مبارک بن مبارک الجَزَرى (ابن الأثير) (م 606 ق) ، تحقيق : طاهر أحمد الزاوى ، قم : مؤسسّه إسماعيليان ، 1367 ش ، چهارم . 346 . نهج البلاغه من كلام الإمام أمير المؤمنين عليه السلام ، جمع و تدوين : السيّد محمّد بن الحسين الموسوى (الشريف الرضى) (م 406 ق) ، ترجمه : سيّد جعفر شهيدى ، تهران : علمى و فرهنگى ، 1378ش ، چهاردهم . 347 . الوافى ، محمّدمحسن بن شاه مرتضى الكاشانى (الفيض الكاشانى) (م 1091 ق) ، تحقيق : ضياء الدين حسين اصفهانى ، اصفهان : مكتبه الإمام أمير المؤمنين عليه السلام ، 1406 ق .

.

348 . الورع . أحمد بن محمّد بن حنبل الشيبانى (م 241 ق) ، تحقيق : زينب إبراهيم القاروظ ، بيروت : دار الكتب العلميه ، 1403 ق . 349 . وسائل الشيعه ، محمّد بن الحسن الحرّ العاملى (م 1104 ق) ، تحقيق : مؤسسّه آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسسّه آل البيت عليهم السلام ، 1409 ق ، اوّل . 350 . وقعه صفّين ، نصر بن مزاحم المنقرى (م 212 ق) ، تحقيق : عبد السلام محمّد هارون ، قم : مكتبه آيه اللّه المرعشى ، 1382 ق ، دوم . 351 . اليقين باختصاص مولانا علىّ عليه السلام بإمره المسلمين ، على بن موسى الحلّى (السيّد ابن طاووس) (م 664 ق) ، تحقيق : محمّد باقر الأنصارى ، قم : مؤسسّه دار الكتاب ، 1413 ق ، اوّل. 352 . ينابيع المودّه لذوى القربى ، سليمان بن إبراهيم القُندوزى الحنفى (م 1294 ق) ، تحقيق : على جمال أشرف الحسينى ، تهران : دار الأُسوه ، 1416 ق ، اوّل.

.

فهرست تفصیلی .

ص: 782

. .

ص: 783

. .

ص: 784

. .

ص: 785

. .

. .

ص: 787

. .

ص: 788

. .

ص: 789

. .

ص: 790

. .

ص: 791

..

ص: 792

. .

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.1
IOS.2
WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 09132000109
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109